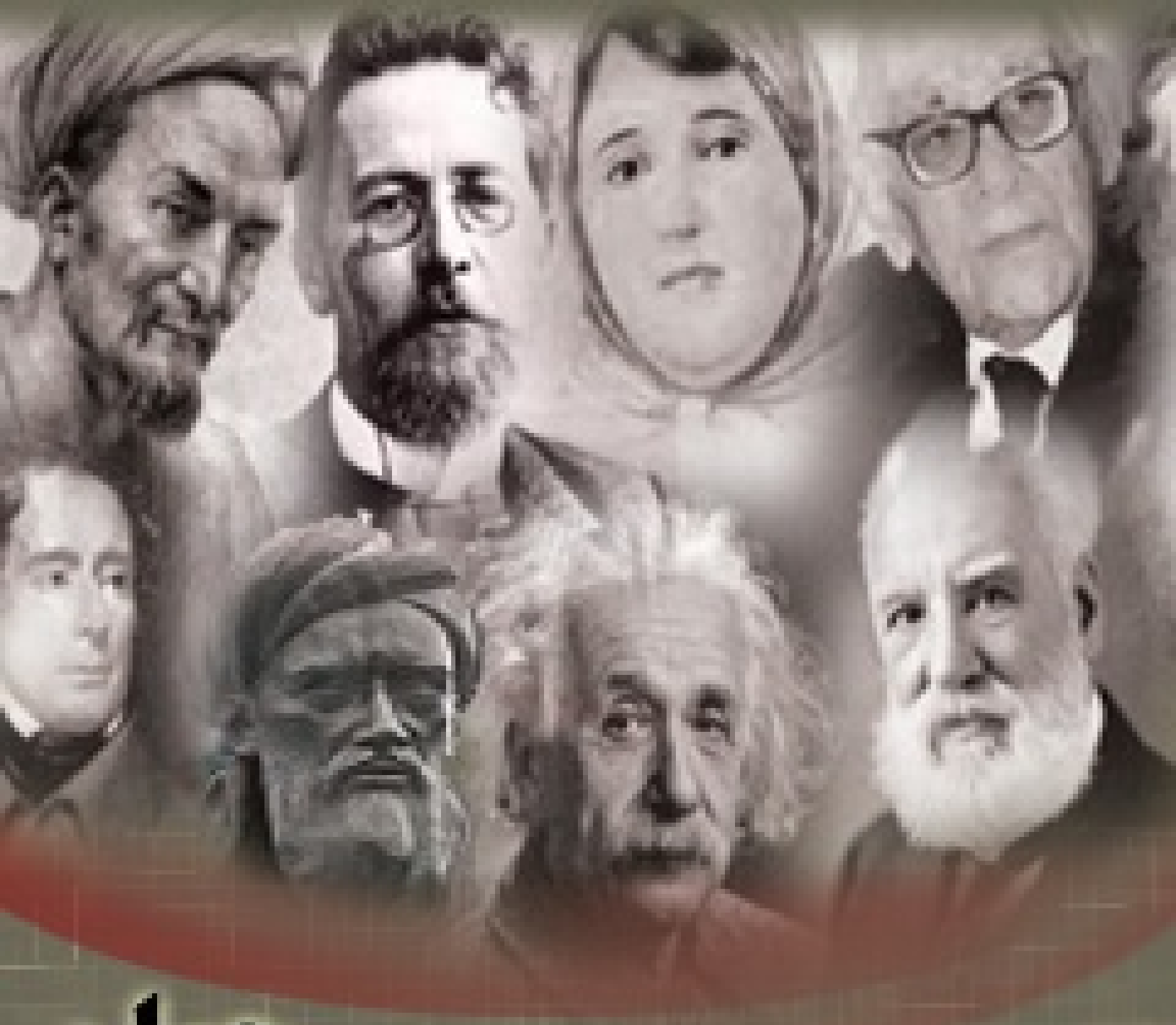


زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۶

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد 6

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.
یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].
عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
رده بندی کنگره : ۳ CT۲۰ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی : ۲ /۰ ۹۲۰

صنعتگران

ابتیاع، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از هنرمندان، صنعتگران و سازگران خوب شهرستان بروجرد، حسین ابتیاع می‌باشد. وی متولد سال 1326 در این شهر است و پس از پایان تحصیلات ابتدایی به فراگیری موسیقی و نواختن ساز ویولن علاقمند گردید. در سال‌های اول دبیرستان بود که به نواختن ویولن روی آورد و چون امکانات در این شهر برای وی کاملاً مهیا و آماده بود، لذا علاوه بر یادگیری موسیقی و نواختن ویولن به طور سینه به سینه، از خواندن کتاب‌ها و متدها و آثار موسیقی‌دانان کشور غفلت نکرد با الهام از استعداد ذاتی خویش توانست تا مرحله‌ای خیلی زیاد پیشرفت حاصل کند.
حسین ابتیاع پس از اینکه به خدمت نظام رفت، در قسمت موزیک ارتش فرصت خوب و طلایی به دست آورد تا جهت فراگیری خط نت و ایجاد پلی بین اندوخته‌های قبلی خود برقرار سازد و موسیقی را به صورت علمی نیز بیاموزد. وی پس از فراگیری نت در ارتش موسیقی را خیلی بهتر شناخت و اجرا کرد و خود از آن بهره‌ور شد و چون بهای ویولن برای هنرآموز خیلی زیاد بود که هنوز هم هست او تصمیم گرفت که اقدام به ساختن این ساز کند، لذا پس از اینکه چند ساز خوب را جهت الگو، برای کار خود انتخاب کرد، با تأسیس کارگاهی شروع به ساختن این ساز نمود و با مطالعات دقیق و تحقیق فراوان در این راه به استانداردهای واقعی قطعات این ساز واقف گشت و توانست سازهایی در حدی زیبا و صدای خوب بسازد و امیدوار است که روزی بتواند به سهم خویش جامعه هنری کشور را از ورود این ساز پروسعت که روزبه‌روز علاقمندان فراوانی پیدا می‌کند از خارج بی‌نیاز سازد.
حسین ابتیاع، علاوه بر تدریس ویولن و ساخت آن با دوربین‌های عکاسی و تعمیر آنها آشنا و احاطه کامل دارد و در ساخت و تعمیر ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی نیز وارد و تسلط دارد که اگر امکانات در اختیار وی در زادگاه او قرار داده شود، قادر به انجام خدمات شایسته‌تر و چشمگیرتری خواهد گردید.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

ابن ابی‌الخیر، ابوالعباس معین‌الدین احمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(758 -670 ق)، نویسنده و مورخ. پدرش شیخ‌الاسلام شهاب‌الدین از دانشمندان و مؤلفان قرن هفتم و هشتم هجری و برادرش محمود زرکوب از علمای زمان خویش بود وی علوم ادبی و شرعی را نزد استاد دانش، محمدصفی کرمانی، ابراهیم زنجانی، عبدالرحمن علی بزغش، نورالدین محمد خراسانی و امین محمد فراگرفت و از عبدالرحمن علی بزغش اجازه‌ی اجتهاد گرفت سپس سر تعظیم بر آستان شیخ امین‌الدین بلیانی سود. در طریقت پیرو پدران بزرگوارش شد و از شیخ صدرالدین و شیخ قطب‌الدین نامقی جامی اخذ روش در سیر و سلوک کرد و خرقه از شیخ فخرالدین و دائی خویش حاج رکن‌الدین منصور بن مظفر پوشید. وی حدود 90 سال زیست و سال وفاتش را به اختلاف بین 745 تا 758 ق آورده‌اند. آثار وی: «شیراز نامه»، که به سبک بغداد نامه نوشته است؛ «کامل التواریخ» یا «عمدة التواریخ» در متن «شیراز نامه» بدان اشاره شده اما ناياب است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1307 -1304 /3)، تذکره‌ی هزار مزار (359 -358)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (102 /1)، شیرازنامه (مقدمه).

ابن ابی‌ثلج کاتب، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 238 /237- وف 325 -322 ق)، محدث و مورخ امامی. اصل وی از ری بود. در زمان غیبت صغری از محدثان برجسته‌ی مورد اعتماد بود. نزد محمد بن جریر طبری درس خواند، و از جدش، محمد بن عبداللّه، حدیث شنید. ابوالحسن دارقطنی و ابوحفص بن شاهین و ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری و ابوالمفضل شیبانی از او روایت کرده‌اند. به گفته ابن‌ندیم موافق مذهب عامه و خاصه رفتار می‌کرد اما بیشتر تشیع می‌ورزید. از آثار وی: «اخبار فاطمه والحسن والحسین علیهم‌السلام»؛ «اخبار النساء الممدوحات»؛ «تاریخ الائمة علیهم‌السلام»؛ «تفسیر قرآن»؛ «التنزیل او ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین علیه‌السلام»؛ «البشری والزلفی فی فضائل الشیعة»؛ «کتاب من قال بالتفضیل من الصحابه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (101 /9)، تاریخ بغداد (338 /1)، الذریعه (240 /4، 218 /3، 343 /1)، رجال الطوسی (502)، رجال النجاشی (300 -299 /2)، ریحانه (329 -328 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 244 /4)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (423)، الفهرست للطوسی (273)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن ابی‌ثلج)، معجم رجال الحدیث (314 -313 /14)، معجم المؤلفین (9 /9).

ابن ابی‌طاهر مروزی، ابوالفضل احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(280 -204 ق)، ادیب و مورخ. از فرزندان خراسان بود که در بغداد به دنیا آمد. در ابتدا آموزگار نوجوانان بود. پس از چندی به بازار کتابفروشان راه یافت و به استنساخ کتب پرداخت و از این رهگذر با بسیاری از عالمان و ادیبان بغداد آشنا شد. وی از عمر بن شبه و احمد بن هیثم سامی و عبداللّه وراق حدیث روایت کرده، و از وی فرزندش، عبیداللّه، و محمد بن خلف مرزبان نقل حدیث کرده‌اند. شهرت عمده‌ی وی برای نگارش «تاریخ بغداد» است. از او در حدود پنجاه اثر به جای مانده که از آن جمله: «تاریخ بغداد»، که جلد ششم آن چاپ شده؛ «المنثور والمنظوم»، در 14 جزء که فقط دو جزء آن باقی مانده که یکی از این دو به نام «بلاغات النساء» است که مجموعه‌ای از خطبه‌ها، گفته‌ها و شعرهای زنان عهد اسلامی است و دومین خطبه این کتاب گفتار آتشین حضرت زهرا (ع) پیرامون دفاع از حریم ولایت و بازگرداندن فدک است. از دیگر آثارش: «سرقات الشعراء»؛ «کتاب المؤلفین»؛ «اخبار بشار بن برد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 138)، تاریخ بغداد (4/ 211- 212)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (2/ 401- 403)، کشف الظنون (288)، مروج الذهب، ترجمه (2/ 665)، هدیة العارفین (1/ 51- 52).

ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 613 ق)، مورخ. از مردم طبرستان بود. و از وابستگان دربار آل‌باوند، خاصه حسام‌الدوله اردشیر بن حسن بازگشت به موطن خویش از قتل رستم بن اردشیر (606 ق) پسر و جانشین حامی خویش، مطلع شد. در ری ماند و کتاب «تاریخ طبرستان» ابوالحسن یزدادی را، برای ترجمه و بسط، با افزودن تاریخ سلاطین آل‌باوند در دست گرفت. به درخواست پدر به آمل رفت، ولی به سبب ناآرامی اوضاع به خوارزم سفر کرد. در آنجا ترجمه‌ی ابن‌مقفع از «نامه‌ی تنسر» را، که از قطعات مهم ادبی پهلوی است، یافت و آن را ترجمه کرد و به کتاب تاریخ خود افزود. «تاریخ طبرستان» که تنها اثر شناخته شده‌ی ابن‌اسفندیار محسوب می‌شود، علاوه بر اشتمال اطلاعات جغرافیایی و تاریخی معتبر، در بر گیرنده‌ی شرح حال مشاهیر و شاعرانی است که اشعاری به لهجه‌ی طبری سروده‌اند که این نیز بر اهمیت کتاب می‌افزاید.[1]
محمد بن حسن بن اسفندیار مورخ ایرانی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری. از شرح زندگانی وی اطلاعی در دست نیست جز همانکه خود در مقدمه تاریخ طبرستان نگاشته. او در سال 606 ه.ق. هنگامی که رستم بن اردشیر فرنانفرمای طبرستان کشته شد در بغداد بود و چون این خبر بشنید از بغداد به عراق عجم بازگشت. و دو سال برای تکمیل مواد کتاب خود در ری به سر برد و پس از آن به خوارزم رفت و مدارکی در دکان کتابفروشی یافت که نامه تنسر (ه.م.) به گشنسب شاه فرمانفرمای طبرستان هم در میان آنها بود. تاریخ طبرستان.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ایران در زمان ساسانیان (35 -34)، تاریخ در ایران (10 -9)، تاریخ نظم و نثر (136)، تاریخنگاران ایران (236 /1)، چهار مقاله (مقدمه/ چهار)، دایرةالمعارف فارسی (15 -14 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (416 -415 /3)، گنج و گنجینه (267 -263)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌اسفندیار).

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. 381. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.
وی با سلاطین و اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.
محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاهت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.
نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.
در سنه‌ی 355 وارد بغداد شد و با حداثت سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمیین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی 381 بوده.
وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمةاللّه‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند

گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌اللّه الملک الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.
این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّه‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان اللّه جاری شده.
بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رایعة النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نوراللّه شوشتری نوراللّه مرقده الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.
قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلا با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکرة المقابر» فی «احوال المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.
مرحوم حاج شیخ عبداللّه مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهائی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (1300) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.
نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم‌السلام آیةاللّه نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست

دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).
و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:
1- سید ابراهیم لواسانی 2- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر 3- سید محمود مرعشی 4- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی 5- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.
از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: 1- کتاب من لا یحضره الفقیه 2- کتاب علل‌الشرایع 3- کتاب معانی‌الاخبار 4- کتاب الامالی 5- کتاب التوحید 6- کتاب خصال 7- کتاب المقنع 8- کتاب ثواب الاعمال 9- کتاب عقاب الاعمال 10- کتاب عیون اخبارالرضا 11- کتاب الاعتقادات 12- کتاب حقوق الاخوان 13- کتاب صفات الشیعه 14- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینةالعلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.
این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرتهای طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرتها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال 352 هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال 354 در کوفه بوده سپس در 355 به بغداد مراجعت کرده و در 367 به خراسان سفر کرد و تا سال 368 در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال 372 کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.
رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.
1- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)
2- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.
3- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.
4- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسهِ

مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه) است
5- مرحوم حجةالاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیةاللّه آملی معاصر ما.
6- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.
7- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.
و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکرةالمقابر نویسنده کنند.
(وف 381 ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین اثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینة العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافة»؛ «فضائل الشیعة»؛.«علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیة»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعة»؛ «نصوص الائمة».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (159 / 7)، اعیان الشیعه (25 -24 / 10)، ایضاح المکنون (584، 505، 491، 490، 456، 350، 342، 316، 315، 297، 261، 196، 103، 2 / 477، 473، 348، 123، 1)، تاریخ ادبی ایران (548 -547 / 1)، تاریخ بغداد (89 / 3)، خاتمة مستدرک الوسائل (265 -257، 240 / 3)، دانشنامه (432 -431 / 3)، دایرة المعارف

فارسی (17 -16 / 1)، الذریعه (179 / 24، 232 / 22، 204 / 21، 260 / 16، 375، 313، 45 / 15، 162 / 7، 482 / 4، 315، 226 / 2)، رجال الطوسی (495)، رجال النجاشی (316 -311 / 2)، روضات الجنات (135 -123 / 6)، رجال ابن‌داود (قسم 325 -324 / 1)، ریاض العلماء (122 -119 / 5)، ری باستان (422 / 2، 426 -424 / 1)، ریحانه (439 -434 / 3)، سیر النبلاء (304 -303 / 16)، الفهرست لابن الندیم (363)، الفهرست للطوسی (305 -304)، فوائد الرضویه (564 -560)، کشف الظنون (1174)، الکنی والالقاب (223 -221 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (617 -612 / 5)، مجالس المؤمنین (463 -454 / 1)، معجم المؤلفین (3 / 11)، معجم رجال الحدیث (326 -316 / 16)، هدیة الاحباب (50 -49)، هدیة العارفین (53 -52 / 2).

ابن بلخی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مورخ ایرانی قرن پنجم معاصر محمد بن ملک شاه سلجوقی است، و او به زمان سلطان محمد مستوفی فارس بود. کتاب «فارسنامه» از تألیفات اوست.
(ز ح 511 ق)، مورّخ. در شیراز متولد شد. در دستگاه سلجوقی کار را شروع کرد و همراه رکن‌الدوله خمارتگین به شیراز رفت و در دستگاه وی عهده‌دار دیوان استیفا شد. اث معروفش «فارسنامه» است که جزو منابع معتبر تاریخی و جغرافیایی ایران در عهد سلجوقی به شمار می‌رود. تاریخ تألیفات کتاب مشخص نیست، ولی باید قبل از وفات سلطان محمد سلجوقی (511 ق) تمام شده باشد، چون مقدمه آن به نام اوست.[1]
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (927 -926 / 2)، دایرةالمعارف فارسی (1823 / 2)، کشف الظنون (1215).

ابن بُندار یزدی، ابوذر، اسعد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 580 ق)، قاری. از مردم یزد بود. در اصفهان به تحصیل پرداخت و مؤذن مسجد جامع آنجا بود و چندی نیز به قضاوت پرداخت. از آثار وی: «غایة المنتهی و نهایة المبتدی»، در قرآآت، که ابن جزری آن را دیده و بسیار ستوده؛ «المنتقی»، در قرآآت دهگانه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 293)، معجم المؤلفین (2/ 246).

ابن بی‌بی، ناصرالدین، یحیی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصرالدین یحیی بن مجدالدین محمد ترجمان نویسنده و مورخ ایرانی قرن هفتم. مادرش بی‌بی به کار زجر و فال اشتغال داشت و پدرش در دربار سلاجقه آسیای صغیر دبیر و مترجم بود و چند بار به سفارت به دربار پادشاهان رفته. از احوال او چیزی در دست نیست. کتابی به نام «الاوامر العلائیة فی امور العلائیة» که در تاریخ سلاجقه آسیای علاءالدین کیقباد را به تفصیل شرح داده و کتاب را به علاءالدین عطا ملک جوینی اهدا کرده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن مردویه‌ی اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(410 -323 ق)، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. از ابوسهل بن زیاد قطان، ابن‌اسحاق خراسانی، محمد اسواری، احمد بندار و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم عبدالرحمان بن منده، ابوبکر مستملی عطار و ابن‌شکرویه و برخی دیگر از وی روایت شنیدند. در «معجم البلدان» و «الکنی والالقاب» و «هدیة الاحباب» سال وفات او 352 ق ذکر شده است. از آثار وی: «المستخرج علی صحیح البخاری»؛ «التاریخ»، درباره‌ی تاریخ اصفهان؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر الکبیر»، معروف به «تفسیر ابن‌مردویه»؛ «الامالی»، در سیصد مجلس.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 246)، ریحانه (8/ 200)، سیر النبلاء (311 -308 /17)، کشف الظنون (439)، الکنی والالقاب (1/ 406)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم البلدان (1/ 216)، معجم المؤلفین (2/ 190)، الوافی بالوفیات (8/ 201)، هدیة الاحباب (87)، هدیة العارفین (72 -71 /1).

ابن مسکویه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه خازن رازی اصفهانی.
حکیم و فیلسوف و مورخ عالی قدر شیعی مذهب گویند: در اول مجوسی بوده و سپس مسلمان و شیعی گردیده و ظاهراً این مطلب خالی از اعتبار است زیرا نام پدر و جدش مخالف این عقیده است. در زمان جوانی بخدمت ابن عمید رسیده. ابوحیان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می‌کند. وی خازن «کتابدار» فخرالدوله دیلمی بوده و بدین جهت به خازن شهرت یافته.
در کتاب دانشوران خراسان (:159) و دیگر کتب نوشته‌اند که سلطان محمود، غزنوی خواجه ابوالفضل حسین بن علی میکال را نزد مأمون خوارزمشاه گسیل داشته و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد: شیخ الرئیس ابوعلی سینا - ابوریحان بیرونی - ابوسهل مسیحی، ابوعلی مسکویه، ابن خمار و ابو نصرعراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی: ابن سینا و ابن مسکویه و ابوسهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفته و به سمت گرگان حرکت کردند و ابوسهل در راه از تشنگی بمرد (سال 401 ه.ق) و آن دو به سختی جان بدر بردند.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- آداب العرب و الفرس، در اخلاق 2- احوال الحکماء 3- تجارب الامم، در تاریخ مشهورترین تألیفات او 4- ترتیب السعادات، در اخلاق 5- تفضیل النشأتین 6- طهارة الاعراق؛ معروفترین کتاب در اخلاق.
مجموعه تألیفاتش متجاوز از بیست و هشت مجلد می‌شود.
صاحب عنوان در 9 صفر سال 421 در اصفهان وفات یافته در محله خواجو مدفون گردید و محل قبرش ظاهراً حدود امام زاده باقر فعلی می‌باشد.
قمی در الکنی و الالقاب گوید: قبره علی باب (درب جناد) فی اصفهان. و درب جناد تصحیف شده حسن آباد است، و مراد دروازه حسن آباد است که در اصفهان معروف است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن‌بابا کاشانی، ابوالعباس، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 501 ق)، مورّخ. از زندگانی وی چیزی در دست، اما از نسبت کاشانی چنین برمی‌آید که از مردم کاشان بوده است. گویا در اواخر زندگی به مرو رفت و سرانجام در همان شهر نیز درگذشت. وی در تاریخ و ادب دانش فراوانی داشت و چندین کتاب در این زمینه‌ها تألیف کرده بود که از آنها تنها کتاب «رأس مال الندیم» باقی مانده است، مؤلف این کتاب را در 501 ق به پایان برده و آن را به امیر ناشناخته‌ای به نام سعدالملک، ابوالفتوح محمد بن بهرام بن علی که شاید از وابستگان دربار سنجر بن ملکشاه سلجوقی بوده هدیه کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ غزنویان (439 -437 ،288)، معجم البلدان (336 /4).

ابن‌بَوّاب، ابوالحسن علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 423 /413 ق)، خطاط مذهّب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن‌بواب یا ابن‌ستری و ملقّب به علاءالدین و قبلةالکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل‌بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن‌اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه‌گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا 698 ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن‌بواب به خدمت فخرالملک، ابوغالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد درگذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستربیتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستربیتی به امضای او و به تاریخ 391 ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیدة الرائیة» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن‌مقله است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اطلس خط (308 -300)، الاعلام (183 /5)، پیدایش خط و خطاطان (75 ،74 -70)، تاریخ گزیده (696)، تاریخ هنرهای ملی (744 -739 /2)، خوشنویسان و هنرمندان (22)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (454 /3)، دائرةالمعارف البستانی (411 -410 /1)، ریحانه (424 -422 /7)، سرآمدان فرهنگ (36 -35 /1)، سیر النبلاء (320 -315 /17)، کارنامه‌ی بزرگان (24)، کشف الظنون (1339)، الکنی والالقاب (234 /1)، گلستان هنر (19 ،18 ،12)، مجالس المؤمنین (488 /2)، معجم الادباء (134 -120 /15)، معجم المؤلفین (258 /7)، مناقب هنرمندان (113 ،42 ،38 -37)، نامه‌ی دانشوران (105 -91 /5)، وفیات الاعیان (344 -342 /3)، هدیة الاحباب (51).

ابن‌بوذی شیرازی، ابوالقاسم هبة اللَّه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 486 /485 ق)، حافظ، محدث و مورّخ. اهل شیراز بود. به دنبال حدیث به شرق و غرب سفر کرد و در خراسان، عراق، مکه، مدینه، یمن، مصر، شام، جزیره، قومس، فارس، خوزستان، جبال، سرحدات و سواحل، از ابوبکر محمد بن حسن شیرازی و احمد بن فضل باطِرقانی و ابوجعفر بن مُسْلِمة و اقران آنها حدیث شنید. نصر مقدسی و هبة اللَّه بن طاووس و ابونصر یونارتی از وی روایت کرده‌اند. سمعانی گوید از محضر او بهره بسیار می‌بردند. در 350 ق وارد بغداد شد و در اواخر عمر ساکن مرو شد و در همان جا درگذشت. اثر وی: «تاریخ شیراز».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 61)، سیر النبلاء (19 -17 /19)، الکامل (166 /8)، کشف الظنون (296)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (248 -246)، معجم المؤلفین (13/ 141).

ابن‌بی‌بی جعفری رُغَدی، امیر ناصرالدین حسین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 684 ق)، ادیب و مورخ. معروف به ابن‌بی‌بی منجمّه. پدرش مجدالدین محمد ترجمان از مردم گرگان، مدتها منشی دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه و سمنانی، رییس شافعیان نیشابور بود و چون به اخترگویی می‌پرداخت به بی‌بی منجّمه شهرت داشت. ابن‌بی‌بی از طریق پدر وارد دستگاه سلجوقیان گردید. در روزگار جانشینان علاءالدین کیقباد فرمان‌نویس و مهردار پادشاه بود. تنها اثر بازمانده او کتاب «الاوامر العلانیه فی الامور العلائیه» است مشهور به «تاریخ ابن‌بی‌بی»، درباره‌ی تاریخ سلاجقه‌ی روم که وقایع میان سالهای 588 و 679 ق را در بر می‌گیرد. مؤلف این کتاب را پس از استیلای مغولان بر آسیا، به علاءالدین عَطاء مَلکِ جوینی اهدا کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (3/ 1213- 1217)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (3/ 455- 456)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بی‌بی).

ابن‌تانه خرجانی، ابونصر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 375 ق)، محدث و قاری. از مردم اصفهان بود. در بغداد از ابوعلی بن شاذان و همتایان او و در اصفهان از ابوبکر بن مردویه و همطبقه او حدیث شنید. وی در اصفهان مجلس املای حدیث داشت. سرانجام در اصفهان درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دائرةالمعارف البستانی (2/ 412).

ابن‌جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(334 -245 ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی‌تبار بود. از احمد بن بُدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در 311 ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در 312 ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او سپرده شد. پس از آن در 315 ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن‌جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»؛ «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن‌مجاهد مقری تألیف شد، «جامع الدعاء»؛ «کتاب الکتّاب و سیاسة المملکة و سیرة الخلفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار الوزراء (131 -126) الاعلام (133 /5)، تاریخ بغداد (16 -14 /12)، روضات الجنات (207 -206 /5)، سیر النبلاء (301 -298 /15)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (212 -211، 60)، معجم الادباء (73 -68 /14)، معجم المؤلفین (162 -161 /7).

ابن‌جنید رازی، ابوالحسین محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 347 ق)، حافظ، محدث شافعی و مورّخ. در ابتدا معروف به ابن‌رستاقی و یا ابورستاق بود. از مردم ری بود. در خراسان، عراق، شام و مکه حدیث شنید و در دمشق مسکن گزید و به محدث شام معروف شد. اولین استاد وی محمد بن ایوب بن ضُرَیس بود و ابن‌جنید از او و محمد بن حفص مِهْرِقانی و حسن بن سفیان و ابراهیم بن یوسف هِسِنجانی و فِریابی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، تمّام رازی، و عقیل بن عَبدان و ابوالحسن بن جَهْضَم از او روایت کرده‌اند. در دمشق از دنیا رفت. از آثار وی: «مناقب الامام الشافعی»، در احوال و اخبار شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (37 /2)، سیر النبلاء (18 -17 /16)، کشف الظنون (1839)، معجم المؤلفین (207 /10)، هدیة العارفین (43 /2).

ابن‌حِبّان تَمیمی بُستی، ابوحاتم محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 354 -270 ق)، محدّث، مورخ و فقیه شافعی. در خانواده‌ای عرب‌تبار در بُست، بین سجستان و هرات، متولد شد. در خراسان، عراق، شام، حجاز، و مصر حدیث شنید، و استادان بسیاری دید، ولی از ابن‌خزیمه بیشترین تأثیر را پذیرفت. در بازگشت به زادگاهش با حنبلیان به ستیزه پرداخت و به علت نگرش مخالفی که در توحید و نبوت داشت به زندقه متهم شد؛ لذا به سمرقند رفت و در آنجا به واسطه احاطه به حدیث و فقه، منصب قضاوت را به وی سپردند. در سفر به نیشابور خانقاهی در آنجا ساخت. در 340 ق به زادگاهش بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. ابوحاتم خانه و کتابخانه خود را وقف دانش پژوهان کرد. از آثار وی: «المُسند الصحیح»، در حدیث که برخی آن را از «سنن ابن‌ماجه» صحیح‌تر می‌دانند؛ «روضة العقلاء»، در ادبیات؛ کتاب«الانواع والتقاسیم» یا «التقاسیم والانواع»، در حدیث؛ «معرفة المجروحین من المحدثین»؛ «وصف العلوم و انواعها»؛ «علل اوهام اصحاب التواریخ»؛ «تاریخ ابن‌حبان»؛ کتاب «الثقات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (307 -306 /6)، تاریخ اسلام (حوادث 114 -112 /380 -351)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (489 -488 /3)، دائرةالمعارف البستانی (439 /1)، ریحانه (464 -463 /7)، سیر النبلاء (104 -92 /16)، کشف الظنون (1400، 1087، 1075، 522- 521، 463، 277)، لسان المیزان (9 /6)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌حبان)، معجم البلدان (498 -493 /1)، معجم المؤلفین (174 -173 /9)، نامه‌ی دانشوران (375 -371 /2)، الوافی بالوفیات (318 -317 /2)، هدیة العارفین (45 -44 /2).

ابن‌حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 406 ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حِبّان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قرآآت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سکّاکی از وی روایت کرده‌اند. ابن‌حبیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری‌القدیم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (6/ 278)، سیر النبلاء (17/ 237- 238)، کشف الظنون (460)، لغت‌نامه (ذیل/ حسن)، معجم المؤلفین (3/ 278)، الوافی بالوفیات (12/ 239- 240)، هدیة العارفین (1/ 274).

ابن‌حمّویه جوینی سرخسی، تاج‌الدین، ابومحمد عبداللّٰه

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(642 -573 /572 -566 ق)، مورخ، ریاضیدان، پزشک، محدث و فقیه شافعی. اصل وی از خراسان بود و در دمشق به دنیا آمد. در 593 ق به مغرب رفت و به منصور یعقوب بن یوسف، سومین فرمانروای موحدی پیوست. و تا 600 ق در آنجا ماند آنگاه از راه مصر به دمشق بازگشت. از ابومحمد بن عبداللّٰه بن سلیمان بن حوط اللّٰه انصاری و ابوالقاسم بن عساکر حدیث شنید منذری و زین‌الدین فارقی از وی روایت کردند. وی در دمشق فوت کرد. از آثار: «المسالک والممالک»؛ «السیاسة الملوکیه»؛ «المونس فی اصول الاشیاء»، در هشت مجلد؛ «الامالی»؛ «رحلة المغربیة» یا «رحلة الی المغرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 248)، ایضاح المکنون (2/ 32، 102، 473)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 448- 449)، سیر النبلاء (23/ 96- 97)، معجم المؤلفین (6/ 96)، هدیة العارفین (1/ 461).

ابن‌خُرداذْبِه، ابوالقاسم عبیداللَّه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 300 /280 -205 ق)، مورخ، جغرافیدان و موسیقیدان. پدربزرگ وی زرتشتی بود و به دست برامکه اسلام آورد. به روایتی پدرش در خلافت مأمون حاکم طبرستان بود و خود او نیز ظاهراً در خراسان به دنیا آمد. گفته‌اند که برای کسب علم شوق وافر داشت و هنر و ادب را به خوبی فراگرفت. وی در موسیقی نیز دست داشت و آن را نزد اسحاق موصلی فراگرفت. نخست چندی در ولایت جبال مأمور پست و خبر بود و سپس با حفظ سمت به بغداد و سامرا رفت و در دربار معتمد، خلیفه‌ی عباسی، از مقربین گشت. فهرستی از آثار او را ابن‌ندیم در کتاب خود آورده که اکثر آنها مفقود شده است. مهم‌ترین اثر وی «المسالک والممالک» یا «تاریخ ابن‌خرداذبه» است که به زبان فرانسه نیز ترجمه و چاپ شده است و مشتمل بر اطلاعاتی درباره‌ی راهها و شهرها می‌باشد. این کتاب مورد استفاده‌ی جغرافی‌نویسان پس از او از قبیل: ابن‌فقیه، مقدسی، ابن‌حوقل و جیهانی قرار گرفته است، ولی درباره‌ی ارزش علمی این کتاب نویسندگان قدیم عرب و خاورشناسان جدید آراء متضاد ارائه کرده‌اند؛ از دیگر آثار او: «کتاب اللهو و الملاهی»، درباره‌ی موسیقی و موسیقیدانان؛ «کتاب جمهرة انساب الفرس والنواقل»، درباره‌ی طایفه‌ی ایرانیان و اقوام جابه جا شده؛ «کتاب التاریخ»، که مسعودی آن را بهترین و کامل‌ترین تألیف در نوع خود دانسته است؛ «الندماء والجلساء»؛ «ادب السماع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :استادان موسیقی (29 -28)، الاعلام (343 /4)، تاریخ ادبیات در ایران (350 -349 /1)، تاریخ گزیده (697)، تاریخ موسیقی (557 /2، 131، 73، 58 /1)، تاریخ هنرهای ملی (727 /2)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (529 -528 /4)، دائرةالمعارف البستانی (457 /1)، دایرةالمعارف فارسی (18 /1)، ذیل تاریخ بغداد (13 -11 /17)، ریحانه (498 -497 /7)، سرآمدان فرهنگ (39 /1)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (245)، کارنامه بزرگان (31 -30)، کشف الظنون (1665، 278)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خرداذبه)، معجم المؤلفین (236 /6)، هدیة العارفین (645 /1).

ابن‌رزین رازی اصفهانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 253 ق)، قاری، نحوی و محدث. اصل وی از اصفهان بود. در ری متولد شد. نزد نُصیر و خلاّدبن خالد قرآن آموخت. در عربیت و قراآت استاد و راوی حدیث بود. از آثار وی: «الجامع»، در قرائت، «رسم القرآن»؛ «العدد»؛ کتابی در «جواز قراءة القرآن علی طریق المخاطبه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 213)، ری باستان (2/ 378)، معجم المؤلفین (11/ 103)، الوافی بالوفیات (4/ 294).

ابن‌سمقه، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 369 ق)، مورّخ. وی از تاریخنگاران محلی است که درباره خوارزم تاریخ مفردی به نام «اخبار الخوارزم» نگاشته است حاجی خلیفه از صاحب ترجمه به نام ابواحمد محمد بن سعید بن قاضی یاد کرده و از اثر وی تحت عنوان «الکافی من تواریخ الخوارزم» و تاریخ وفات وی را 346 ق ذکر کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9 /7)، کشف الظنون (293)، الوافی بالوفیات (3/ 104- 105).

ابن‌سمنانی، ابوالقاسم علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 499 ق)، مورّخ و فقیه حنفی. در رحبه، نزدیک حلب، متولد شد. در فقه و تاریخ کتبی نگاشت. از آثار وی: «روضة القضاة و طریق النجاة» در آداب قضا؛ «العروة الوثقی»، در شروط.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 148- 149)، ایضاح المکنون (2/ 99، 596/1)، کشف الظنون (1133)، معجم المؤلفین (7/ 180)، هدیة العارفین (1/ 694).

ابن‌سیّار مروزی، ابوالحسن احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(268 -198 ق)، فقیه، محدث شافعی و مورّخ. در مرو متولد شد. برای استماع حدیث بسیار سفر کرد و از اسحاق بن راهویه و عَبدان بن عثمان مروزی و عفان بن مسلم و از همطبقه آنان در خراسان و عراق و حجاز و شام و مصر حدیث شنید. ابن‌سیار در علم و پارسایی بلند آوازه بود و در روزگار خود با ابن‌مبارک مقایسه می‌شد و در میان معاصران خود حرمت و احترام فراوانی داشت. نسایی در «صحیح» خود و نیز محمد بن اسماعیل بخاری و محمد بن نصر مروزی و ابن‌خُزیمه و محمد بن عقیل بلخی و حاجب طوسی و دیگر خراسانیان از وی روایت کرده‌اند. رجال‌شناسان او را ثقه توصیف کرده‌اند. وی یکی از کسانی است که فقه شافعی را در خراسان پراکنده کرد. از آثار وی: کتابی در «اخبار مرو» یا «تاریخ مرو»؛ «فتوح خراسان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الجرح والتعدیل (ج 1، ق 53 /1)، تاریخ بغداد (189 -187 /4)، تهذیب التهذیب (34 -33 /1)، سیر النبلاء (611 -609 /12)، کشف الظنون (303)، معجم المؤلفین (241 /1).

ابن‌شهاب یزدی، حسن

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 855 ق)، مورخ و شاعر. از مردم یزد بود و «منظومه‌ای» در تاریخ سلجوقیان سرود و آن را به سلطان محمد بن بایسنقر بن شاهرخ از شاهزادگان تیموری اهدا کرد. کتاب دیگر وی «جامع التواریخ حسنی» نام دارد که آن را نیز به نام سلطان محمد بن بایسنقر در 855 ق تألیف کرده است. ابن‌شهاب در «جامع التواریخ» اطلاعات مفیدی درباره‌ی عصر حافظ نقل کرده و در موارد متعدد به اشعار خواجه‌حافظ تمثل جسته است. نسخه‌ای از آن کتاب به تاریخ 880 ق در کتابخانه‌ی ملی موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ عصر حافظ (مقدمه: مو- مز، 124 ،122)، تاریخ نظم و نثر (239)، الذریعه (47 -46 /5)، ریحانه (58 /8).

ابن‌طبری مروزی، ابوحامد احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 377 /376 ق)، قاضی، حافظ، محدث و مورّخ حنفی. اصل پدر وی از همدان بود و خود از مردم طبرستان. در جوانی وارد بغداد شد و نزد ابوالحسن علی کرخی فقه حنفی را فراگرفت. وی از احمد بن خضر مروزی، احمد بن محمد بن عمر منکدری، محمد بن عبدالرحمان دغولی، احمد بن محمد بن حارث عبدالکریم و محمد بن رزام مروزی حدیث شنید. ابوبکر برقانی و قاضی ابوالعلای واسطی و محمد بن حسین بن احمد بن بکیر و محمد بن مؤمل انباری و احمد بن محمد عتیقی از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی عهده‌دار منصب قاضی‌القضاتی خراسان بود. او سرانجام در بخارا یا مرو درگذشت. از آثار وی: کتاب «التاریخ» که با صفت بدیع توصیف شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 111- 112)، تاریخ بغداد (4/ 107- 108)، معجم المؤلفین (1/ 207).

ابن‌طیفور، ابوالحسن، ابوالحسین عبیداللّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 313 ق)، ادیب و مورخ. اصل وی از مرورود خراسان بود. در بغداد متولد شد. او همچون پدر به تاریخ‌نگاری روی آورد و بر کتاب تاریخ بغداد پدرش که درباره‌ی اخبار بغداد و شرح حال پادشاهان و حوادث مربوط به آنان بود ذیلی به نام «تتمه کتاب اخبار بغداد» نوشت و تاریخ روزگار معتمد تا نیمه‌ی خلافت مقتدر را بر آن افزود. از دیگر آثار وی: «المستظرفات والمستظرفین»؛ «کتاب السکباج و فضائلها».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 343)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (2/ 402)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (243)، معجم المؤلفین (6/ 236)، هدیة العارفین (1/ 646).

ابن‌عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(854 -791 ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در 803 ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد شِرامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسؤول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در 824 ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت و نزد دوست خود، ابوعبداللّٰه محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. درطی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن‌تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترک والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عنقود النصیحة»؛ «غرة السیر فی دول الترک والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 218)، ایضاح المکنون (2/ 228، 1/ 178)، تاریخ ادبیات زبان عربی (635)، دائرةالمعارف اسلامیه (1/ 230- 231)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (5/ 706- 707)، الذریعه (15/ 220)، ریحانه (8/ 110- 111)، کشف الظنون (1646، 1216، 1198، 1174، 1152، 1128، 714، 397)، الکنی والالقاب (1/ 355)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (2/ 122)، هدیة العارفین (1/ 130).

ابن‌فوطی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(723 -642 ق)، محدث، مورخ، متکلم، حکیم، شاعر و منجم. نیاکانش از مردم مرورود خراسان بودند. در چهارده سالگی مغولان او را در بند کردند و نزدیک دو سال در بند بود. در زمان آخرین خلیفه‌ی عباسی در بغداد شغل دیوانی داشت. ابن‌فوطی در منطق، حکمت و خوشنویسی استاد بود و به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود. پس از فتح بغداد، به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رفت و در محضر او علوم پایه را آموخت، و در رصدخانه‌ی مراغه مشغول کار شد. در 679 ق به بغداد بازگشت و از علی بن ساعی بغدادی بهره گرفت. گفته‌اند که وی حدود پانصد استاد دید. در ایامی که عطاءالملک جوینی امارت بغداد داشت وارد دربار گردید. او مجدداً به سال 704 ق به آذربایجان سفر کرد و سه سال در آن خطه زیست. او سفرهای دیگری نیز به آذربایجان کرد و سرانجام در اثر سکته و کهولت در بغداد درگذشت. چون نیای مادری او فوطه (لنگ) می‌فروخته، به ابن‌فوطی شهرت یافته است. برخی منابع نیز وی را به واسطه‌ی پیشه‌ی نیای پدرش ابن‌صابونی نام نهاده‌اند. در شیعی یا معتزلی یا شافعی بودن او جای تردید است. از آثارش: «الحوادث الجامعة والتجارب النافعة فی المائة السابعة»، در رویدادهای سده‌ی هفتم قمری در چند مجلد؛ «تاریخ الحوادث من آدم الی خراب بغداد»؛ «تذکرة الرصد»، در تاریخ رصدخانه‌ی مراغه؛ «دررالاصداف فی غرر الاوصاف»، در بیست جلد، در شرح مراحل هستی؛ «مجمع الآداب فی معجم الاسماء والالقاب»؛ «معجم الشیوخ»؛ «الدرر الناصعة فی شعراء المائة السابعة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 124)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (770 -768 /6)، ریحانه (8/ 143 -144)، کشف الظنون (1736، 1597، 750، 693، 573)، لسان المیزان (4/ 346 -347)، معجم المؤلفین (5/ 215 -216)، هدیة العارفین (1/ 566 -567).

ابن‌کثیر داری، ابومعبد، ابوبکر عبداللَّه

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(120 -45 ق)، قاری و محدث. در مکه‌ی معظمه متولد شد. او از نوادگان ایرانیانی بود که پادشاه ایران آنان را با کشتی به یمن فرستاد. وی از موالی عمرو بن عَلقَمه‌ی کنانی بود. ابن‌کثیر یکی از قراء هفتگانه بود که اصول قرائت را از مجاهد و دِرْباس (مولی ابن‌عباس) از ابن‌عباس از امیرالمؤمنین (ع) اخذ کرد. به احتمالی وی بر عبداللَّه بن سائب مخزومی نیز قرائت کرده است. او از ابن زبیر و عکرمه و دیگران حدیث شنید. گرچه قلیل الحدیث است اما به گفته ابن‌مدینی و ابن‌سعد و نسائی از راویان موثق به حساب می‌آید. ایوب، ابن‌جُریج، جریر بن حازم، سفیان بن عُیَینه و شبل بن عباد و دیگران از وی روایت کرده‌اند. وی پیشه‌ی عطرفروشی داشت و نسبت دارین او به جهت همین پیشه بود، ولی عده‌ای نوشته‌اند که او منسوب به دار بنی‌لخم است. محمد بن عبدالرحمان مخزومی ملقب به قنبل و ابن ابی بَزّی فارسی، قاری مکه، از شاگردان و راویان قرائت ابن‌کثیر می‌باشند. ابوعمرو بن علاء و معروف بن مُشکان و اسماعیل بن قُسطنطین و بسیاری دیگر بر وی تلاوت کردند. قاضی اهل جماعت مکه بود. و در همان جا از دنیا رفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 255)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 68)، تاریخ الاسلام (حوادث 402 -401/ 120 -101)، التاریخ الکبیر (5/ 181)، تهذیب التهذیب (5/ 325 -326)، الجرح والتعدیل (ج 2، ق 2/ 144)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (6/ 804 -805)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 660)، ریحانه (8/ 167)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (49)، الکنی والالقاب (1/ 393)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌کثیر)، وفیات الاعیان (3/ 41 -42)، هدیة الاحباب (84 -83).

ابن‌ماجه‌ی قزوینی، ابوعبداللّه محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(273 -209 ق)، حافظ، محدث، مفسر و مورخ. برخی گفته‌اند که ماجه لقب پدر وی است نه جدش. ابن‌ماجه برای گردآوری حدیث به ری، بصره، دمشق، بغداد، حمص، شام مصر و حجاز سفر کرد. در دمشق از هشام بن عمار و عباس بن ولید خلاّل و در حمص از محمد بن مصفی و در عراق از ابوبکر بن ابی‌شیبه و احمد بن عبده و اسماعیل فزاری و دیگران حدیث شنید. محمد بن عیسی ابهری و ابوطیّب بغدادی و ابوعمرو احمد مدینی و ابوالحسن علی بن قَطّان از شاگردان وی بودند. وی سرانجام در قزوین درگذشت. آوازه‌ی او بیشتر به جهت کتاب «السنن» است که چهار هزار حدیث را در آن گرد آورده و یکی از کتابهای ششگانه «صحیح» در حدیث اهل سنت است. ابن‌ماجه خود گوید: چون کتاب «السنن» را بر ابوزرعه عرضه کردم، گفت: «گمان من آن است که اگر این کتاب در دسترس مردم قرار گیرد دیگر کتابها یا اکثرشان بی‌رونق شوند». از دیگر آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «تاریخ قزوین»، که گویا هر دو از میان رفته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (15 /8)، تهذیب التهذیب (458 -457 /9)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (823 -822 /6)، دائرةالمعارف البستانی (673 /1)، دایرةالمعارف فارسی (22 /1)، ریحانه (183 /8)، سیر النبلاء (281 -277 /13)، کشف الظنون (1405، 1004، 439، 300)، الکامل (62 /6)، الکنی والالقاب (398 /1)، نامه‌ی دانشوران (342 -340 /4)، معجم البلدان (391 /4)، معجم المؤلفین (116 -115 /12)، الوافی بالوفیات (220 /5)، وفیات الاعیان (279 /4).

ابن‌مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابوالفتح یوسف

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(690 -601 ق)، مورخ، محدث و کاتب ایرانی‌تبار. از کندی و ابن‌مندویه حدیث شنید. بنا به علت نامعلومی به هند رفت و از آنجا به عدن. سه بار به زبید سفر کرد. در سال 621 ق در مکه بود و از آنجا به جده رفت. در غلافقه، یکی از شهرهای یمن، مدتی مقیم شد. ابن مجاور با جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی شهرها، قبایل غرب و جنوب عربستان کتاب مشهور خود «تاریخ المستبصر/ مستنصر» را نوشت. ارزش این کتاب بیشتر به لحاظ معرفی جغرافیایی و اجتماعی عربستان آن زمان است. راه‌شناسی کتاب نیز بسیار مفید است و مسافتها به فرسنگ نوشته شده. ابن‌مجاور توصیف جغرافیایی خود را از مدینه شروع کرده و اطلاعاتی که وی درباره‌ی قلهات، مسقط و صحار در خلیج عمان به دست می‌دهد از دیگر جغرافیدانان عرب پربارتر است. در این کتاب از خلیج فارس و جزیره‌ی کیش (قیس) نیز سخن رفته است. گزارش او درباره‌ی فرق اسلامی، آداب زناشویی، برده‌داری، لباس، اوزان و مقیاسها، سکه‌ها، کشاورزی، دریانوردی و حقوق گمرکی بسیار دقیق است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (9/ 341)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (831 -829 6/)، معجم المؤلفین (13/ 345).

ابن‌منده اصفهانی، ابوالقاسم عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(470 -383 ق)، مورخ، حافظ و محدث حنبلی. منده نیای بزرگ او بود. در اصفهان به دنیا آمد. نیا و پدرش هر دو عالم دینی بودند. ابوالقاسم از پدرش و ابوبکر بن مردویه و ابوجعفر مرزبان و ابراهیم بن خرشید قوله و محمد بن ابراهیم جرجانی و دیگر محدثین حدیث شنید و از زاهر بن احمد سرخسی اجازه‌ی روایت گرفت. برای استماع بیشتر حدیث بسیار سفر کرد و از مشایخ همدان، دینور، شیراز، بغداد و نیشابور حدیث شنید. ابن‌منده از علمای بزرگ عصر خویش بود، چنانکه وی را با خواجه عبداللّه انصاری همسنگ می‌دانستند. او از حسن خط نیز بهره داشت. ابوالقاسم بسیار به شرع پایبند بود و مردم را از منکر نهی می‌کرد. او به مکه سفر کرد و ظاهراً در «تاریخ مکه» تألیفی کرده است. وی در اصفهان درگذشت. پیروان عقاید وی در اصفهان به عبدالرحمانیه موسوم بودند. از آثارش: «تاریخ اصفهان»، با ذکر تاریخ ولادتش در آن؛ «حرمةالدین»؛ «الرد علی الجهمیة»؛ «صیام یوم الشک»؛ «المستخرج من الکتب الناس»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 103)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 708)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (6/ 879)، ریحانه (8/ 234)، سیر النبلاء (355 /18 -349)، الکامل (8/ 125)، کشف الظنون (1672 -1671)، معجم المؤلفین (5/ 171)، نامه‌ی دانشوران (5/ 292 -291)، هدیة العارفین (1/ 517).

ابن‌منده اصفهانی، ابوزکریا یحیی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(512 /511 -434 ق)، مورخ و محدث حنبلی. در اصفهان متولد شد. از پدر، عمویش و ابن ریذه ابوبکر اصفهانی دانش فراگرفت. در پژوهشهای علمی با پدرش همراه بود. به سفر حج رفت و سپس راهی بغداد شد و در جامع منصوری درس گفت، و املای حدیث کرد. ابن‌ناصر و عبدالقادر حیلی و ابن‌خشاب نحوی و حافظ سلفی و عبدالوهاب انماطی و علی بن ابی‌تراب خیاط و محمد طرسوسی از وی حدیث نقل می‌کردند، و از شاگردان او به حساب می‌آمدند. شهرت خاندان دانشور ابن‌منده در علم و فضل با نیای بزرگ او، خاندان دانشور ابن‌منده در علم و فضل با نیای بزرگ او، یحیی، آغاز و به وی، یحیی، ختم می‌شود. لذا وی را محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث گویند. ابن‌منده دارای تصانیف و آثار بسیاری است از آن جمله: «تاریخ اصفهان»، که احتمالاً این کتاب را بر پایه‌ی کتاب جد بزرگش نوشته است؛ «التنبیه علی احوال الجهال والمنافقین»؛ «زندگینامه‌ی مفصلی درباره‌ی طبرانی»؛ «مناقب الامام احمد»، درباره‌ی احمد بن حنبل؛ «معرفة السماء ارداف النبی»؛ «من عاش من الصحابة مائة و عشرین»؛ «مناقب العباس».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (194 /9)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (880 -879 /6)، دائرةالمعارف البستانی (708 /1)، ریحانه (234 /8)، سیر النبلاء (396 -395 /19)، الکامل (285 /8)، کشف الظنون (1464، 282)، الکنی والالقاب (428 -427 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ بنومنده)، معجم المؤلفین (211 -210 /13)، نامه‌ی دانشوران (287 /5)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (257 -256)، وفیات الاعیان (171 -168 /6)، هدیة العارفین (520 /2).

ابن‌منده اصفهانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(395 -310 ق)، حافظ، محدث و مورّخ. در خانواده‌ی علم و حدیث، در اصفهان، به دنیا آمد از پدرش و عموی پدرش بهره گرفت و در جوانی به خراسان، اصفهان، عراق، حجاز، مصر، شام و بخارا حدیثها شنید. در نیشابور ابوحامد بن بلال و محمد بن حسین قطّان را درک کرد و از ابوالعباس اصم هزار جزء نحو نوشت. در بغداد از اسماعیل صفّار و ابوجعفر ابن البخترى و در طرابلس از خیثمة بن سلیمان در شام از ابراهیم ابن‌سنان قنطرى و در حمص از حسن بن منصور امام و در مکه از ابوسعید بن اعرابی و در مصر از ابوطاهر مدینی و احمد بن بهزاد فارسی و در سرخس از عبداللّٰه بن محمد بن حنبل و در مرو از محمد بن احمد بن محبوب حدیث شنید. و به گفته فرزندش عبدالرحمن حدود 1700 استاد دید و از ابن ابی‌حاتم و دیگران اجازه‌ی روایت گرفت. چون از سفر طولانی علمی‌اش بازگشت کتابهای فراوانی به همراه آورد. ابوعبداللّٰه حاکم و ابوعبداللّٰه غنجار و ابوسعید ادریسی و تمام رازی و ابونعیم اصفهانی و ابن‌بُندار رازی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «فتح الباب فی الکنی والالقاب»؛ «تاریخ اصفهان»؛ «معرفة الصحابه» یا «اسماء الصحابه»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «التوحید و معرفة اسماء اللّٰه عزّ و جلّ و صفاته»؛ «الایمان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 235)، ریحانه (8/ 234)، سیر النبلاء (43 -28 / 17)، الکامل (7/ 230)، کشف الظنون (1406، 1103، 589، 89)، معجم المولفین (43 -42 /9)، الوافی بالوفیات (191 -190 /2)، هدیة العارفین (2/ 57).

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیثم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(356 -284 ق)، مورخ، محدث، ادیب شاعر و موسیقیدان. در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابن درید و ابن‌انباری و محمد بن جریر طبری تحصیل کرد. وی از علی بن عباس بجلی و محمد بن جعفر قتّات و ابوبکر بن درید و نفطویه حدیث شنید. دارقطنی و ابراهیم بن احمد طبری و ابوالفتح بن ابی‌الفوارس از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالفرج در ادبیات، نحو، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می‌گفت. با اینکه نسب اموی داشت، شیعی زیدی بود و این را از عجایب شمرده‌اند. وی در بغداد درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته، کتاب «الاغانی» است که رجال قرن چهارم، مانند صاحب بن عباد و عضدالدوله‌ی دیلمی به آن توجه بسیار داشتند و گفته‌اند که عضدالدوله این کتاب را از خود در سفر و حضر دور نمی‌داشت. از دیگر آثار وی: «الاماء الشواعر»؛ «الدیارات»؛ «مقاتل الطالبین»؛ «اعیان الفرس»؛ «آداب الفرباء من اهل الفضل و الاداب»؛ «اخبار جحظة البرمکی»، «اخبار الطفیلیین»؛ «اشعار الاماء و الممالیک»؛ «جمهرة النسب»؛ «دعوة التجار»؛ «کتاب التنزیل فی امیرالمؤمنین (ع)»؛ «کتاب الخمارین و الخمارات»؛ «کتاب الغلمان المغنین»؛ «مجرد الاغانی » و « دیوان» شعر.[1]
اصفهانی علی بن حسین (و. 284 ه.ق./ 897 م.- ف. 356 ه.ق./ 967 م.) نویسنده و ادیب قرن چهارم. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن‌الانباری و محمد- ابن جریر طبری بود و کتاب مشهورش الاغانی (اغانی) است، دیگر از آثار او «مقاتل الطالبین»، «الاماء الشواعر» و «الدیارات» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] استادان موسیقی (31)، الاعلام (88 /5)، اعیان الشیعه (201 -198 /8)، تاریخ ادبیات در ایران (642 /1)، تاریخ الاسلام (حوادث 145 -143 /380 -351)، تاریخ برگزیدگان (274 -272)، تاریخ بغداد (400 -398 /11)، تاریخ در ایران (24 -23)، تاریخ هنرهای ملی (736 -735 /2)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (978 -977 /7)، دائرةالمعارف البستانی (304 -303 /2)، دایرةالمعارف فارسی (26 /1)، الذریعه (377 -376 /21، 742 /9، 287 /8، 250 -249 /2)، سرآمدان

فرهنگ (82 -81 /1)، سیر النبلاء (203 -201 -16)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 184 -183 /4)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (189)، الفهرست للطوسی (379)، فوائد الرضویه (280 -278)، الکامل (25 /7)، کشف الظنون (1951 ،1947 ،1444 ،1256 ،756 ،605 ،419 ،360 ،161 ،129 ،128)، الکنی و الالقاب (139 -138 /1)، لسان المیزان (15 -13 /5)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفرج)، معجم الادباء (136 -94 /13)، معجم المؤلفین (79 -78 /7)، مؤلفین کتب چاپی (213 -212 /4)، نامه‌ی دانشوران (58 -44 /4)، الوافی بالوفیات (26 -20 /21)، وفیات الاعیان (309 -307 /3)، هدیة العارفین (681 /1).

ابوالقاسمی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای احمد ابوالقاسمی در 10 خرداد ماه سال 1347 هـ.ش در شهر تهران و در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. جوّ مذهبی خانواده و همت پدر و مادر ایشان باعث شد که او از همان آغاز کودکی به قرآن و تالوت آن علاقه خاصی پیدا کند. احمد ابوالقاسمی در سن 8 سالگی در مسجد امام جعفر صادق (ع) شهر تهران با شنیدن تلاوت قرآن از یک نوجوان ایرانی که به تقلید از استاد عبدالباسط سوره های آخر قرآن را تلاوت می کرد مجذوب قرائت قرآن شد و پس از شنیدن نوارهای تلاوت عبدالباسط عشق و علاقه اش به امر تلاوت قرآن دو چندان شد.
آقای احمد ابوالقاسمی در سال 1362 مشغول تحصیل در مقطع متوسطه شد. او تحصیل در رشته الکترونیک در هنرستان راهیان قدس تهران برگزید اما حضور در جبهه های جنگ حق علیه باطل را بر تحصیل ارجعیت دارد و پس از احمد ابوالقاسمی افراد و عوامل مؤثر در امر تربیت و آموزش قرآن خود را پدر و مادرش و استادان محمد غفاری، محمد رضا ابوالقاسمی و سید محسن خدام حسینی معرفی می کند و معتقد است مهمترین عامل پیشرفت من انگیزه قوی و پشتکار بوده است حقیقتاً می خواستم بهترین قاری در سطح جهان بشوم.
آقاس احمد ابوالقاسمی آموزش جدی صوت و لحن و علوم مختلف قرآنی را بطور رسمی از سال 1361 آغاز کرد و قبل از آن با شنیدن تلاوتهای زیبای اساتید مصری، مقدمات این آموزش را برای خودش فراهم کرده بود اما با توجه به علاقه اش به علوم قرآنی در سال 1378 از دانشکده الهیات دانشگاه تهران موفق به اخذ لیانس علوم قرآنی شد. ابوالقاسمی در ابتدا بیشتر از اساتید مصری بخصوص مرحوم شعبان عبدالعزیز صیاد تقلید می کرد و معتقد است از نوارهای قاریان باید در حوزه مسائل لحن باشد حاج احمد ابوالقاسمی در سال 1372 ازدواج کرد و یک فرزند دختر دارد. همسر ایشان نیز به قرآن و تلاوت ان علاقه مند است و حافظ 2 جزء قرآن کریم می باشد. احمد ابوالقاسمی از میان رشته های هنری به خط و از رشته های علمی به فیزیک و از رشته های ورزشی به شنا علاقه مند است.
احمد ابوالقاسمی که به تازه گی حفظ قرآن را شروع کرده است توانسته است در مدت 18 ماه 7 جزء قرآن را حفظ نماید. او در سال 1365 در

مسابقات مربوط به جلسات قرآنی شهر تهران رتبه دوم را کسب کرد و در سال 1369 در مسابقات نیروهای بسیجی کشور رتبه اول را کسب کرد و در سال 1371 موفق به کسب عنوان اول مسابقات قرآن جانبازان کشور شد و در همین سال در مسابقات سراسری حفظ اوقاف توانست رتبه سوم را کسب کرد و به مسابقات بین المللی مالزی در همان سال اعزام شد و توانست با افتخار تمام مقام اول مسابقات را کسب کند. و برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران افتخار بیافریند.
احمد ابوالقاسمی در مناسبات و مراسم بسیاری به اجرای تلاوت پرداخته و شنوندگان را از صدای دلنشین زیبای خود بهره مند ساخته است.
او به مدت 4 سال در سازمان تبلیغات در قسمت دارالقرآن و چند سال نیز در امور فرهنگی قرآنی حرم حضرت عبدالعظیم (ع) مشغول فعالیت بوده است. و از سال 1379 مسئولیت مؤسّسه قرآن را در کشور آلبانی عهده دار شده است و هم اکنون نیز فعالیتهای قرآنی را بداین کشور سازماندهی می کند. وی مؤلف جزوه آموزش قرآن کریم است که به زبان آلبانیایی ترجمه شده و به همراه 4 نوار در دسترس مسلمانان آلبانیایی است.
آقای احمد ابوالقاسمی در جلسات قرآنی بسیاری بعنوان مربی مشغول آموزش صوت و لحن بوده است اما از جلساتش در حرم حضرت عبدالعظیم بعنوان مؤثرترین جلسات یاد می کند.
او همچنین در چند دوره متوالی به عنوان مربی دانشجویان تربیت معلم به تدریس اشتغال داشته است.
آقای احمد ابوالقاسمی در مسابقات فراوانی به عنوان داور رشته صوت و لحن حضور داشته است که بهترین آنها داور مسابقات قرآن ارتشهای جهان در سال 78 در تهران است. او به ابتهال و تواشیح علاقه مند است و معتقد است که اگر ابتهال با صدای استاد سید محمد نقش بندی یا استاد محمد عمران باشد بسیار شنیدنی است او از اساتید؛ عبدالفتاح شعشاعی، محمد صدیق منشاوی و عبدالباسط به عنوان سه قاری برتر کشور مصر از ابتدا تا کنون یاد می کند و معتقد است که استاد شحات محمد انور و استاد راغب مصطفی غلوش دو قاری برتر کشور مصر یاد می کند.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net/

ابونعیم اصفهانی، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(430 -336 /334 ق)، محدث، عارف و مورخ. معروف به حافظ اصفهانی و حافظ دنیا. به گفته صاحب «ریاض العلماء» ابونعیم نیای بزرگ علامه مجلسی است. وی فقه و تصوف را با حدیث توأم ساخت. در خانانی ایرانی نژاد در اصفهان متولد شد. در مذهب او اختلاف است. بعضی او را از اهل سنت می‌دانند ولی یک گمان بر این است که از شدت تقیه حاکم بر زمانش تشیع خود را از مخالفین مذهب کتمان می‌کرده است. ابونعیم در هشت سالگی رسما شروع به استماع حدیث از محدثان معروف اصفهان کرد. و از پدرش و ابوالقاسم طبرانی و ابن‌فارس و ابن‌مقری حدیث شنید. پدرش که از بزرگان علما و محدثان بود برای وی از علمای شهرهای دیگر درخواست اجازه روایت کرد. خیثمة بن سلیمان از شام و ابوالعباس اصم از نیشابور و عبدالله بن عمر از واسط و ابوسهل قطان از بغداد و ابوبکر بن سنی از دینور به او اجازه حدیث دادند. وی از سال 356 ق برای تکمیل تحصیلات به خراسان، خوزستان، عراق و حجاز سفر کرد و استادان بسیار دید و از ابواحمد حاکم و ابن‌حمدان و ابو عبدالرحمان سلمی در نیشابور و از ابوزرعه استرآبادی در استرآباد و از محمد بن احمد غطریفی در گرگان و از محمد بن احمد بن سختویه در شوشتر و دیگران حدیث شنید. در مورد وی گفته‌اند: که بیش از چهار صد و سی عالم حدیث به او اجازه‌ی روایت دادند که برای بعضی از آنان وی تنها راوی شناخته شده است. از جمله آثارش: «منقبة المطهرین و مرتبة الطیبین»؛ «ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین (ع)»؛ «حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء»؛ «تاریخ اصفهان» یا «ذکر اخبار اصفهان»، در دو مجلد که در 1931 م در لیدن چاپ شد؛ «المستخرج علی الصحیحین»؛ «دلائل النبوه»، در سیره پیامبر (ص)؛ «معرفة الصحابة»؛ «تاریخ بلد»؛ «فضایل الصحابة»؛ «النفاق»؛ «علوم الحدیث»؛ «طب النبی»؛ «کتاب الطب» یا «الشفا فی الطب»؛ «الاربعین» یا «کتاب المهدی»، در حالات حضرت مهدی (عج)؛ «مختصر الاستیعاب»؛ «ریاضه المتعلم»؛ «معجم الشیوخ»؛ «حرمة المساجد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 150)، اعیان الشیعه (2/ 438)، تتمة المنتهی (393)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1120 -1118 /8)، دایرةالمعارف فارسی (1/ 36)، الذریعه (15/ 143، 7/ 81، 6/ 396، 3/ 232)، روضات

الجنات (285 -282 /1)، ریحانه (286 -285 /7)، سیر النبلاء (464 -453 /17)، الکامل (18 /8)، کشف الظنون (1739، 1735، 1672 -1671، 1465، 1435، 1433، 1422، 1411، 1279، 1276، 1209، 1095، 1055، 938، 760، 689، 282، 116، 53)، لسان المیزان (38 /8، 304 -303 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (168 -165 /1)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 430)، معجم المؤلفین (283 -282 /1)، الوافی بالوفیات (84 -81 /7)، وفیات الاعیان (92 -91 /1)، هدیة الاحباب (43 -42)، هدیة العارفین (75 -74 /1).

ابهری، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(375 -289 /287 ق)، قاضی، قاری، محدث و فقیه مالکی. در ابهر تولد یافت و ساکن بغداد شد و در آنجا از ابوعمر محمد بن یوسف قاضی و فرزندش ابوالحسین فقه آموخت. و از ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی و عبداللّه بجلی و ابن تمّام بهرانی و محمد اشنانی و دیگران در عراق و شام و جزیره حدیث شنید. دارقطنی از او حدیث نقل کرده و او را ستوده و گفته که او امام مالکیان در عصر خود بود و از اندلس و مغرب و گوشه و کنار دنیا به سویش می‌شتافتند. از وی آثاری بر جای مانده است که به گفته‌ی قاضی عیاض تصانیف از در شرح مذهب مالکی و ردّ مخالفین است. از جمله آثار وی : «الاصول»، در فقه؛ «الرد علی المزنی»؛ «شرح کتاب ابن عبدالحکم الصغیر» و «شرح کتاب ابن عبدالحکم الکبیر»؛ «فضل المدینه علی مکة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 98)، تاریخ الاسلام (حوادث 582 -580 /380 -351)، تاریخ بغداد (463 -462 /5)، ریحانه (1/ 72)، سیر النبلاء (334 -332 /16)، الفهرست لابن الندیم (283)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 375)، معجم البلدان (1/ 106)، معجم المؤلفین (10/ 241)، الوافی بالوفیات (3/ 308)، هدیة العارفین (2/ 50).

اتحادیه، منصوره

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
منصوره اتحادیه در سال 1312، در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در سال 1358، در دانشگاه ادینبورگ انگلستان به پایان برد و با اخذ درجه دکتری در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. دکتر اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق و مدیریت نشر تاریخ، با انجام سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی، بر پشتوانه های علمی خود افزود. او صاحب تالیفات بسیاری در زمینه تاریخ می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصوره اتحادیه پس از اخذ مدرک دیپلم و لیسانس، رهسپار انگلستان شد و در سال 1358 به دریافت مدرک دکترای تاریخ از دانشگاه ادینبورگ نائل آمد.
همسر و فرزندان : منصوره اتحادیه همسر دکتر نظام مآفی و مادر چهار فرزند می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منصوره اتحادیه پس از مدتی اقامت و تحصیل در انگلستان، به ایران بازگشت و مدیریت نشر تاریخ را در تهران عهده دار شد.
فعالیتهای آموزشی : منصوره اتحادیه پس از کسب درجه دکتری، در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : منصوره اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق، دست به سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی نیز زده است و بدین ترتیب بر پشتوانه های علمی خود افزوده است. ----------
---
آثار :
1 احزاب سیاسی در مجلس سوم (1334 - 1333 هـ ق)
2 پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره اول و دوم مجلس شورای اصلی
3 حرفی از هزاران، کاندر عبارت آمد، وقایع تبریز و رشت1335-1326 هجری قمر
4 خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه ما فی
5 خاطرات و اسناد محمد علی غفاری، نایب اول پیشخدمت باشی (تاریخ

غفاری)
6 رضا قلی خان نظام السلطنه
7 زمانه، زندگی و کارنامه‌ی بیهقی
8 زندگی نامه حاج محمد حسین کمپانی، امین دار الضرب
9 سفرنامه کرمان و بلوچستان
10 سیاق معیشت در عصر قاجار حکمرانی و ملکداری مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما
11 گزیده‌ای از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، از 1325 تا 1340 هجری قمری
12 گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران
13 مجلس و انتخابات: از مشروطه تا پایان قاجاریه
14 مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی
15 نخبه سیفیه، در تاریخ و جغرافیای استرآباد به انضمام ترانه‌های عامیانه ترکمن
16 نصرت الدوله: مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات ...
17 واقعات اتفاقیه در روزگار (تاریخ مشروطه)

احد الحسینی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(اوایل س سیزدهم ق)، نگارگر فلزات و شمشیر ساز. از آثار رقم‌دار وی: قمه‌ی زیبا و استادانه‌ای است در موزه‌ی ویکتوریا آلبرت لندن، با رقم «ابن عبدالله احد الحسینی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1/ 50).

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا احمد خان بیگی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال تحصیلی 58 - 57 با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال 59 دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم.
در سال 78 با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال 81 فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال 78 برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال 81 به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم.
در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی احمدی
محل تولد : عشق آباد طبس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/6/30
زندگینامه علمی
در سال 1372 پس از اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم. سه سال در مدرسه علمیه رسالت تحصیل کرده و سپس به مدرسه امام باقر (ع) رفتم و تا پایه 6 را در آن مدرسه تحصیل نمودم.تاثیر گذارترین اساتید من در این دوره حجةالاسلام والمسلمین قائمی، طاهری، ربانی و قوامی بودند. رسائل و مکاسب را از محضر حجةالاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مدنی فراگرفتم. همزمان با تحصیل به تحقیق روی آوردم. تحقیقات خود را از سال 1379 آغاز کردم. محورهای تحقیقاتی اینجانب تا کنون موارد زیر است:
1- بیوگرافی، بررسی افکار و اندیشه های بزرگان دینی. 2- سیره اهل بیت (ع). 3- حقوق زنان در اسلام. 4- شهید شناسی در حوزه دین.

اخسیکثی، ابوالوفاء محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 520 ق)، لغوی و مورخ. معروف به ابن ابی‌المناقب. وی برادر ابورشاد اخسیکثی است. در اخسیکث فرغانه ماوراءالنهر متولد شد، همراه برادر به مرو رفت و در آن شهر تحصیل کمال کرد و از ادیبان به نام روزگار خود شد. پایان عمر را در همان شهر زیست تا درگذشت. از آثار وی: «التاریخ»، که به «تاریخ ابی‌الوفاء الاخسیکثی» معروف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (1/ 212)، ریحانه (7/ 367)، کشف الظنون (281)، معجم الادباء (5/ 52- 55)، معجم البلدان (1/ 148)، معجم المؤلفین (11/ 259).

اخسیکثی، ابورشاد احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(528 /526 -466 ق)، ادیب، شاعر، نویسنده و مورّخ. ملقب به ذوالفضائل، و منسوب به اخسکیث ماوراءالنهر در نظم و نثر و نحو و لغت دستی توانا داشت و مرجع استفاده‌ی اکثر فضلا و کاتبان دیوان سلاطین بود. در مرو وفات یافت. از تألیفات او: «تاریخ ابی‌رشاد»؛ «الزوائد»، شرح «سقط الزند» ابوالعلاء معرّی؛ « کتاب فی قولهم کذب علیک کذا»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 208)، ایضاح المکنون (1/ 212)، روضات الجنات (1/ 268- 269)، ریحانه (7/ 110)، کشف الظنون (933 -280)،لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (5/ 52- 55)، معجم المؤلفین (2/ 144).

اخویان، محمد علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی اخویان
محل تولد : کوهدشت لرستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد علی اخویان در سال 1362 وارد حوزه علمیه شدم و در سال 1374 در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از 8 سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.
کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاههای مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک، حوزه علمیه شهید صدوقی فاز 4 و 5 تدریس داشته و دارم.

ادیب بهروز، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن ادیب بهروز
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/9

ادیب طوسی، محمدامین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1283 ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال 1316 ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی».[1]
مدرس، ادیب، محقق.
تولد: 1283، مشهد (محله نوغان).
درگذشت: 5 خرداد 1361، تهران.
محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حمکت و فسلفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فسلفه اشراق پرداخت. وی در سال 1342 ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.
ادیب طوسی سفرهایی به ندوتسان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوره و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در

دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.
از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پروش از نظر غزالی (تبریز، 1320)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، 1312)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، 1313)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران (تبریز، 1332)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، 1349)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، 1343)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغة فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز 1320)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، 1319 -1317)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز 1320)، شبح مخوف، درویش گمنام.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (4/ 181)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (1/ 106- 107)، سخنوران نامی (2/ 46- 54)، سخنوران نامی معاصر (1/ 230)، مؤلفین کتب چاپی (1/ 685- 687).

ادیب کرمانی، غلامحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ح 1330 ق)، موّرخ، مترجم نویسنده و شاعر، متخلص به ادیب. معروف به ادیب کرمانی. از کرمان به خراسان رفت، سپس به تهران آمد. شغل دیوانی داشته و در اوقات فراغت به مطالعه و تألیف کتب در تاریخ، جغرافیا و سفرنامه می‌پرداخت. او مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و و قایع نگار ایشان در سفرهایشان بود. وی صاحب دو «دیوان» بوده یکی به فارسی و دیگری به عربی. از آثار اوست: «سفرنامه‌ی خراسان»؛ «سفرنامه‌ی عراق عرب»؛ «تاریخ و جغرافیای مازندران».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شاعران کرمان (34)، الذریعه (66 /9)، ستارگان کرمان (15)، فرهنگ سخنوران (53)،لغت‌نامه (ذیل/ غلامحسین‌خان).

ارفع، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد کاظم ارفع ، فرزند سید ناصر الدین ارفع ، در سال 1323 در تهران به دنیا آمد . دوران تحصیلی دبیرستان را ناتمام رها کرد و به تشویق پدر و شوق خود ، روی به آموزش حوزوی آورد . او در حوزه ی علمیه ای در تهران (خیابان ری ، بازارچه ی نایب السلطنه) به درس و بحث طلبگی اشتغال یافت . پس از چهار سال طلبگی در آن مدرسه ی علوم اسلامی که برجسته ترین استادش حاج آقا مجتهدی بود ، در سال 1342 به حوزه ی علمیه ی قم مهاجرت کرد . استادان بزرگ او در این حوزه عبارت بودند از: آیت الله فاضل لنکرانی ، مرحوم آیت الله سلطانی ، آیت الله نوری همدانی و مرحوم دکتر مفتح .
پس از درگذشت پدر گرانمایه اش ، ناچار شد برای سرپرستی خانواده ، از قم به تهران بازگردد و باز همچنان به آموختن علوم و معارف اسلامی ، این بار نزد استادان : آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفه در مسجد لرزاده و آیت الله میرزا باقر آشتیانی در مدرسه ی مروی پرداخت . در عین حال ، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ، به وعظ و تبلیغ متعهدانه ی انقلابی روی آورد .
مترجم گرامی صاحب بیش از پنجاه کتاب اعم از تالیف و ترجمه است و اغلب و بلکه همه ی آنها در زمینه ی علوم و معارف اسلامی و نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است . ایشان بر وفق سنتی مرضیه به ترجمه ی قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه توفیق یافته است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

استاد ولی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین استاد ولی در سال 1331 ، در تهران متولد گردید. با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی ، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد ، و در سال 1348 هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه ، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت ، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید. استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال 1354 نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند. تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : الهیات و معارف اسلامی
والدین و انساب : پدر حسین استاد ولی ، مرحوم عباسعلی ، معروف به آقای شیخ عباس از کسبه ی متدین و اهل تهران بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین استاد ولی با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی ، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد ، و در سال 1348 هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه ، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت ، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید.
استادان و مربیان : حسین استاد ولی از سال 1348 تا سال 1354 در محضر درس شیخ احمد مجتهدی تهرانی حاضر گردید. در سال 1354 در اثر علاقه ی وافر به علم حدیث (با توسل به ذیل عنایت شیخ صدوق) محضر درس میرزا علی اکبر غفاری را درک نمود. و در فاصله ی سال های 48 تا 57 همزمان با تحصیل در مدرسه ی آقا ، در محضر درس حاج سیدهاشم حسینی حاضر گردید. استاد ولی همچنین در سال 1362 به

حوزه ی درس آیت الله حاج سیخ محمدتقی شریعتمداری راه یافت و شرح لمعه و بخشی از مکاسب شیخ و چندی نیز خارج المدارک آیت الله حاج سید احمد خوانساری را نزد این استاد فراگرفت.
هم دوره ای ها و همکاران : حسین استاد ولی در سال 1345 با دانشمند گرانمایه آقای میرزا علی اکبر غفاری آشنا شد که ثمرهٔ این آشنایی فراگیری روش تصحیح فنی متون اسلامی از آقای غفاری بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال 1354 نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند.
جوائز و نشانها : تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 اعراب گذاری کتابهای توحید صدوق، ثواب الاعمال، غیبت نعمانی
2 الامالی
ویژگی اثر : تصحیح کتاب - برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-یکی از پایه های معارف اسلامی سخنان و سیره ائم؟ اطهار علیهم السلام است، ثقل اصغری که پیامبر اکرم بارها و بارها در حیات خویش به تمسک و پیروی از آن فرمان داده بود. بدین سبب در طول دوران حیات ائم؟ اطهار محدثین شیعه با دقت و وسواس بی نظیر خود به گردآوری و ضبط احادیث آن بزرگواران پرداختند و حاصل تلاش آنان مجموعه های روایی بود که به آیندگان به ارث رسید. علمای اسلامی که پس از عصر ائمه و دوران غیبت کبری به سر می بردند در استمرار این سنت حسنه به نقل روایات ائمه علیهم السلام پرداختند. علاوه بر تألیف کتابهای روایی، این بزرگواران با تشکیل مجالس هفتگی و یا ماهانه به نقل حدیث می نشستند و شاگردان ایشان با کتابت این احادیث مجموعه هایی را می پرداختند که در اصطلاح «امالی» نامیده می شود. یکی از علمان بزرگ شیعی که چنین مجالسی را برپا می داشت فخرالشیعه ابوعبدالله محمدبن النعمان العکبری الغدادی، معروف به شیخ مفید (متوفی به سال 413 هـ.ق) می باشد. شیخ مفید از دانشمندان بزرگی است که در فنون مختلف اسلامی تبحر فراوانی داشته و در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام با قدرت بی نظیری به بحث و مناظره می پرداخته است. کتاب «الامالی» دربرگیرند؟ 42 جلس؟ نقل روایت است که اولین آن در ماه مبارک رمضان سال 404 هجری و آخرین آن در روز شنبه 27 ماه مبارک رمضان سال 411 هجری برگزار شده است و در مجموع حاوی 387

حدیث در مسائل مختلف می باشد. در تصحیح کتاب، مصحح محترم با مراجعه به نسخ مختلف و نیز افزودن تعالیق مفید، در مجموع کار ارزنده ای را به انجام رسانده که سبب احیای مجدد این کتاب شده است. فهارس تفصیلی اعلام، بیوتات قبایل و اماکن نیز به این کتاب ارزش افزونتری بخشیده است

3 الامام علی بن ابی طالب (ع)

4 الامام مهدی

ویژگی اثر : ترجمه

5 امالی مفید

6 بحرالمعارف

7 ترجمه مستقلی از قرآن کریم

8 دعاهای مفتاح الفلاح

9 علم الیقین

10 قصه های طاقدیس

11 قصه های عارفان

منابع زندگینامه : 1www.ketabesal.ir2دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاءالدین خرمشاهی ، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص 196

استرآبادی، محمدمهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1180 -1100 ق)، منشی و مورخ. ملقب به میرزا مهدی‌خان. در اصفهان تحصیل کرد. و منشی دربار صفوی شد سمت فرمان صدر و لقب کوکب، عنوان باغبان باشی یا ناظر قصور یافت. پس از پیروزی نادر بر افاغنه در اصفهان، مهدی نامه‌ای، به عنوان تبریک مردم مازندران به نادر فرستاد و از سال 1142 ق به مدت هجده سال مشاور خاص او شد و از او لقب منشی‌الممالک یافت و بعد از تاج‌گذاری نادر در سال 1148 ق لقب میرزا مهدی‌خان را گرفت و تنها سمت ضبط وقایع داشت. در جنگها و سفرهای نادر از داغستان تا دهلی و از هرات تا بغداد و نجف همراه وی و یکی از سه شخصیت اصلی دربار بود. در اوایل سال 1158 ق که عثمانیان در جنگ ایروان از نادر شکست خوردند و درخواست مصالحه نمودند، مذاکراتی صورت گرفت میزامهدی به عنوان سفیر نادر به دربار عثمان رفت و در راه بازگشت در بغداد بود که نادر درگذشت. به مشهد آمد و از کارهای دیوانی کناره گرفت و دور از مردم در مدرسه‌ای که بعضی از نسخه‌های نوشته‌ی وی هم اکنون در آنجا یافت می‌شود و وقف فرزندان وی است، به تکمیل تألیفاتش در تاریخ حوادث حکومت نادر پرداخت. سبک نگارش وی شیوه‌ی مترسلان قرن هفتم و هشتم قمری چون وصاف الحضره است. آثار وی: «جهانگشای نادری»؛ «درّه‌ی نادره»، با نثر مسجع؛ «سنگلاخ»، در ترجمه‌ی لغات ترکی جغتایی، این کتاب سه جلد است جلد اول در مبانی لغت ترکی جلد دوم سنگلاخ است که قسمت اعظم کتاب است و جلد سوم در شرح و تفسیر لغات مشکل فارسی و عربی؛ «مبانی اللغه»، مقدمه‌ی «سنگلاخ»؛ «انشاء الدرر»، که همان «منشآت» است که با انشای دشواری نوشته شده و گواهی روشن بر بلاغت اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1810 -1085 /5)، شرح حال رجال (172 -171 /4)، صبح گلشن (479)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 756 -653 /12)، لغت‌نامه (ذیل/ مهدی)، مؤلفین کتب چاپی (448 -447 /6).

اسفراینی، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، نقاش و فلزکار. اهل اسفراین و از استادان کوفتگر و فلزکار و طلاب‌کوب زمان خود بود. از آثار بی‌نظیر این هنرمند، پنجره‌ی بی‌نظیری است در آستانه‌ی قدس رضوی که به مهارت تمام شبکه و کنده‌کاری و طلاکوبی شده و کتیبه‌های زرین و نقوش هندسی عالی دارد. این پنجره که روی سنگ مرمر نصب شده و فولادی و زرکوب است، با همکاری استادان نامی زمان اتمام یافته و رقم آن چنین است: «عمل حاجی محمد بن علی حافظ اسفراینی تحت شهور محرم 817».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (143/1).

اسکافی، ابوعلی محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(336 /332 -258 ق)، مورخ و عالم امامی. مشهور به ابوعلی کاتب بغدادی. اجداد او زرتشتی بودند. پیشگام در فنون مختلف و از مشایخ برجسته‌ی شیعه و از معاصران شیخ کلینی بود که در سوق‌العطش بغداد مسکن داشت. وی از شاگردان جعفر بن محمد بن مالک و محمد بن موسی بربری و احمد بن محمد بن رستم نحوی است. تلعکبری و ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه و ابوبکر احمد وراق دوری و معافی بن زکریا جریری از او روایت کرده و رجال‌نویسان شیعه از او به صفت‌های ثقه و جلیل‌القدر یاد کرده‌اند. در بغداد درگذشت و در مقابر قریش دفن شد. از آثارش: «الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار (ع)»؛ «التمحیص».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (92 -91 /10 ،156 /4)، ایضاح المکنون (275 /2)، بحارالانوار (17 /1)، تاریخ بغداد (365 /3)، خاندان نوبختی (215)، الذریعه (432 -431 /4 ،413 -412 /2)، رجال الطوسی (494)، رجال النجاشی (297 -295 /2 ،303 /1)، ریاض العلماء (39 -38 /6)، ریحانه (123 -122 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 312 /4)، الفهرست للطوسی (325 -324)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی و اسکافی)، الکنی والالقاب (27 /2)، معجم المؤلفین (93 /12)، هدیة الاحباب (98).

اشراقی، احسان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احسان اشراقی در سال 1307در قزوین بدنیا آمد.ایشان دارای دکترای تخصّصی تاریخ از دانشگاه تهران است. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد تاریخ دانشگاه تهران می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی احسان اشراقی به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تهران در سال 1328 کارشناسی ارشد رشته تاریخ و علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال 1341 دکترای رشته تاریخ از دانشگاه تهران در سال 1348
همسر و فرزندان : دکتر احسان اشراقی متاهل و دارای یک فرزند می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سوابق مدیریتی و اجرایی دکتر احسان اشراقی به قرار زیر است: مدیریت گروه آموزش تاریخ دانشگاه تهران بمدت بیست سال معاونت آموزشی داانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران بمدت دو سال عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران
فعالیتهای آموزشی : احسان اشراقی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می باشد .ایشان بمدت 50 سال است که در مراکز دانشگاهی و موسسات آموزش عالی به امر تدریس فعالیت دارد.
جوائز و نشانها : جوایز و نشانهای دریافتی احسان اشراقی به قرار زیر است: استاد ممتاز دانشکده ادبیات دانشگاه تهران جشن بزرگداشت و تکریم دکتر اشراقی در قزوین در سال 1380 به علت پژوهشهای علمی و فرهنگی درباره شهر مذکور
چگونگی عرضه آثار : - ارائه 50 مقاله در زمینه تاریخی - تالیف شش کتاب تاریخی - دارای سه ترجمه (ترجمه یک کتاب از زبان فرانسوی) - ایراد سخنرانی در خارج از کشور در کشورهایی همچون فرانسه،انگلیس،آلمان ،گرجستان و غیره ----------
---
آثار :
1 بیهقی تصویرگر زمان

ویژگی اثر : مولف: محمدبن حسن بیهقی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: سخن - 1381
2 تاریخ جهان آرای عباسی
ویژگی اثر : مولف: محمدطاهرحسین وحیدقزوینی، احسان اشراقی (مترجم)، سیدسعید میرمحمدصادق (مترجم) ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - 1383
3 خلاصه التواریخ
ویژگی اثر : مولف: احمدبن حسین منشی قمی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران - 1383
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اشرفی اصفهانی، عطاالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه، مجتهد.
تولد: 1279، سده اصفهان (خمینی شهر).
شهادت: 23 مهر 1361، کرمانشاه.
آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه‌ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه‌ی علمیه اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمیه قم گردید و در سال 1350 ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی ، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کسب علم نمود. پس از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حورزه‌ی علمیه‌ی قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.
آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبیه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال 1342 نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال 1342 برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.
از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید

بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب‌الزهرا، تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).
پس از تأسیس مدرسه‌ی علمیه در شهر کرمانشاه در سال 1334 توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه‌ی چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاءالدین عراقی به تهران برده و در کمیته‌ی شهربانی در سلولی بازداشت کردند.ولی وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه‌ی راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال 1357 رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مجسد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده 1391 ق. (1385) از سوی بینانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.
آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر 1361 در کرمانشاه به شهادت رسید.
عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.
معظم له در حدود 1338 قمری در سه‌ده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌اللّه العظمی حجت و آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی از محضر و ابحاث آنجناب استفاده وافی و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به

کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.
نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اصفهانی کاظمینی، محمد حسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌کرم علی، متولد در حدود 1170. پدر و جدش تجارت می‌کرده‌اند. خود در اوایل جوانی اندک [تجارت و سپس] تحصیل علوم نموده، سال‌ها به سیر و سیاحت در اطراف شهرها پرداخته، و خدمت جمعی کثیر از علما و بزرگان رسیده، و چون از سفر خسته شد در کاظمین ساکن گردیده، و مدت سی سال در آن ارض اقدس مجاور بوده، در سال 1227 شروع به تألیف کتابی کشکول مانند نموده، و آنچه در مسافرت‌ها و شهرها دیده و شنیده است در آن جمع‌آوری کرده است. و دیگر: جامع التواریخ که در 1228 تألیف شده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، زین‌العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1302 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. معروف به میرآقا و میر زین‌العابدین. در اصفهان به دنیا آمد. وی جد حاج مصورالملکی اصفهانی بود و در قلمدان و قاب آینه‌سازی و آثار روغنی چابک دست و پرتوان. او همچنین در مرغش سازی رنگارنگ نیز مهارت داشت. این استاد گل و مرغ و تصاویر حیوانات بخصوص پرندگان را به حلاوت تمام رسم می‌کرد و در آرایش گلها و حل‌کاری آنها استادی بصیر به شمار می‌رفت. ادیب الممالک فراهانی در اشعار خود وی را ستوده است:
... خامه بر تارخ تصویرش رقم زد
نقش نقاشی نمود این صنع زیبا (1302)
از آثار او: قاب آیینه گل و مرغی با زمینه‌ی مرغش که حواشی و جداول آن به انواع گلها آرایش شده و شیوه‌ی گل و مرغها در بیک علی اشرف است، با رقم: «هو رقم کمترین زین‌العابدین اصفهانی 1275»؛ قلمدان گل و مرغ زیبایی که را وسط و رویه آن تصاویر ریز پروانه جلب نظر می‌کند، با رقم: «زین‌العابدین 1289»؛ قاب آینه مرغشی سبز رنگ که در رویه‌ی آن گل سرخ زیبایی جلب نظر می‌کند و به خط شکسته‌ی زیبا چنین رقم نهاده: «رقم کمترین زین‌العابدین اصفهانی سنه 1280».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (214/1)، هنر قلمدان (156).

اصفهانی، مصطفی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1295 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی به غیر از استاد مصطفی امامی حسینی است. این هنرمند در شیوه‌ی آقا رحیم کار می‌کرده و در قلمدان‌سازی دست داشته است. از آثار او قلمدان گل و مرغ خوش نقشی به شیوه‌ی سیاه قلم که معیار هنری گل و مرغ‌ها، با آثار مصطفی امامی تفاوت زیادی دارد. زمینه‌ی قلمدان، حل کاری برگ و گل است و داخل و زیر آن تذهیب شده، با رقم: «حسب الفرمایش... رقم کمترین مصطفی اصفهانی سنه 1295».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1157/ 3)، هنر قلمدان (120 -119).

اصفهانی، نجف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا نجف اصفهانی فرزند آقا بابا نقاش، قلمدان‌ساز معروف دوره‌ی قاجاریه، در شهر اصفهان متولد شد. وی مشهورترین استادی است که دست به تهیه‌ی قلمدان زده است. امضای آقا نجف در روی قلمدانها جمله‌ی «یا شاه نجف» است. از آقا نجف قلمدانهائی در دست است که تاریخ آنها بین 1230 و 1272 ه.ق است. در سن هفتاد سالگی در شهر اصفهان درگذشت و همانجا مدفون شد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

اصفهانیان، داود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1321، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای تاریخ و تحصیلات عالی در زمینه‌های تاریخی در ایران و دانشگاه کمبریج انگلستان.
مرتبه علمی:
پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال 1356.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تاریخ فرهنگ ایران و تاریخ ایران عصر مغول و ایلخانان و ادوار مختلف تاریخ اروپا، نظارت بر 3 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تاریخی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی: 15
زمینه علمی مقالات:
تاریخ، فرهنگ و هنر.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصلاح عربانی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم اصلاح عربانی یکی از محققان معاصر استان گیلان است . او مدیر عامل گروه پژوهشگر ان ایران می باشد . مهمترین اقدام علمی و فرهنگی ایشان ، انتشار نشریات وکتب متعددی است که در حیطه ایران شناسی مورد نظر می باشد .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم اصلاح عربانی تحصیلات حویش را درناحیه عربان صومته سرا آغازکرد . سپس برای ادامه تحصیل به رشت و تهران عزیمت کرد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابراهیم اصلاح عربانی اصلاح عربانی ،مدیر عامل گروه پژوهشگران ایران می باشد .فعالیتهای آموزشی : ابراهیم اصلاح عربانی ضمن فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی و علاقه به کارهای فرهنگی فعالیت مطبوعاتی درروزنامه ها را آغاز نمود . سپس سازمان کوچکی را با نام «فار» به وجود آورد و دراین سازمان نشریه ای را با همین نام منتشر کرده است .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ابراهیم اصلاح عربانی علاوه برسازمان فار، سازمان نیز تحت عنوان گروه پژوهشگران ایران تاسیس کرد که به کارهای تحقیقاتی درزمینه ایران شناسی می پردازد .همفکران فرد : استادان و دانشمندان همچون دکتر محمد حسن گنجی ،دکتر حسن حاج سید جوادی ، دکتر فرج الله محمودی ، دکتر ایرانپور جزنی ، دکتر حبیب الله زنجانی ، دکتر عباس سعیدی ، دکتر محمد طاهر نظامی از جمله همفکران ابراهیم اصلاح عربانی هستند که در امور پژوهشی و تحقیقاتی از افکار یکدیگر بهره می برند .آثار : راهنمای شهرستانهای ایران ویژگی اثر : این کتاب درسال 1346 شمسی در645 صفحه منتشر گردیده است . انتشار این کتاب که حاوی اطلاعات ارزنده ای در مورد تمام شهرستانهای ایران می باشد مورد استقبال قرار گرفته است .2 فرهنگ استان بنادر ویژگی اثر : انتشار این فرهنگ مورد توجه کارشناسان طرح وبرنامه ریزی وزارت کشور قرار گرفته و تصویب گردید که برای هراستانی کتابی بی نظیر فرهنگ استان بنادر تهیه می شود .3 کتاب گیلان ویژگی اثر : این کتاب ازمجموعه کتابهای همه جای ایران می باشد که دران هزاران عکس نقشه ،نمودار و مقاله درمورد استانهای مختلف کشور گرد آوری شده است .

اصلانی، مختار

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مختار اصلانی
محل تولد : مراغه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مختار اصلانی در سال 1352 در یکی از روستاهای شهرستان مراغه در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و تحصیلات راهنمائی را در بخش خراجو به پایان رسانده و جهت ادامه تحصیل در دوره دبیرستان مجبور به ترک خانواده شده و در شهر مراغه و دبیرستان خواجه نصیر به ادامه تحصیل پرداختم.
روحیات مذهبی و فطرت پاک روستائی با محیط شهر و دبیرستان خیلی سازگار نبود، از این رو همیشه دنبال گمشده ای می گشتم که در محیطی سالم و مطابق با روحیات مذهبی و انقلابی بتوانم ادامه تحصیل بدهم که با راهنمائی یکی از دوستان، حوزه علمیه را مناسبترین جا تشخیص داده و در سال 1370 وارد حوزه علمیه شهرستان بناب شدم و بعد از اتمام سطح یک برای ادامه تحصیل در سال 1375 به شهر قم مهاجرت کرده و بعد از اتمام سطح در درس خارج اصول و فقه حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی شرکت نمودم.
در کنار دروس حوزه در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام به مدت دو سال دوره دیده و در گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه مشغول به تحقیق شدم که حاصل کارهای تحقیقی بنده چاپ ده ها مقاله در مجلات و روزنامه ها و چاپ کتابی به نام "تاریخ پیدایش شیعه" بوده است.

اعمش، ابومحمد سلیمان

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(148 -61 ق)، قاری، حافظ و محدث شیعی. اصل او از نواحی ری بود و در قریه‌ی امه طبرستان، در روز عاشورا، به دنیا آمد. در کودکی او را به کوفه آوردند. شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده و ابن شهرآشوب او را از خواص اصحاب امام خوانده است. علمای عامه نیز او را از شاگردان امام صادق (ع) دانسته و برتری او را بر دیگران در قرائت قرآن و علم به فرائض و حفظ حدیث پذیرفته و تجلیل و تعظیم کرده‌اند. ابن ابی‌لیلی، قاضی کوفه، اعمش را سرور و بزرگ کوفه معرفی می‌کرد و یحیی بن قطان گیود که از علامه اسلام بود و عجلی گوید که او در عصر خود محدث کوفه بود و چهار هزار حدیث از او نقل شده، لیکن کتابی از وی در دست نیست. ذهبی از او به عنوان شیخ قاریان و شیخ محدثان نام می‌برد و او را یکی از ائمه ثقات می‌داند. حمزه و زائده بر وی قرائت کرده‌اند و کسائی بر زائده به قرائت اعمش قرائت کرده است. حکم بن عتبه و ابواسحاق سبیعی و ابان بن تغلب و ابوحنیفه و اوزاعی و جریر بن عبدالحمید و حفص بن غیاث و سفیان بن عیینه و سفیان ثوری و یحیی بن سعید قطان و شعبه و ابونعیم و خلق بسیاری از اعمش حدیث شنیدند. بخاری و مسلم و ترمذی و ابوداوود و نسائی و ابن ماجه در «صحاح» ششگانه خود از او حدیث نقل کرده و ابن معین و نسائی و عجلی او را توثیق نموده‌اند. میرداماد در «رواشح السماویه» به شرح حال او پرداخته و شیخ بهائی در «توضیح المقاصد» گوید که او شیعه امامی و از زهاد و فقهای عصر خود بود و از تواریخ چنین برمی‌آید که او شیعه امامی است. به گفته عیسی بن یونس او با این که بسیار فقیر بود اما اغنیا و سلاطین در چشمش بسیار حقیر بوند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اصحاب امام صادق (ع) (247 -231)، اعیان الشیعه (318 -315 /7)، تذکره الحفاظ (ج 1، ط 154/4)، تقریب التهذیب (331/1)، تنقیح المقال (66 -65 /2)، تهذیب التهذیب (204 -201 /4)، رجال الطوسی (206)، سیر النبلاء (248 -226 /6)، الکنی والالقاب (47 -45 /2)، لسان المیزان (378/8)، المعارف (268)، الملل و النحل (150)، میزان الاعتدال (224/2)، النجوم الزاهره (10 -9 /2)، الوافی بالوفیات (431 -429 /15)، وفیات الاعیان (403 -400 /2).

افشاری کاشانیان، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهندس حسن افشاری کاشانیان در تهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیلات متوسطه به دبیرستان رفت. در دبیرستان بود که شیفته‌ی موسیقی ایرانی گردید و آروز می‌کرد که روزی بتواند سازی را بسازد و یا آن را بنوازد. پدر او ضمن این که خود با موسیقی مأنوس و به آن علاقه داشت معهذا پسر را از یادگیری این هنر منع می‌کرد و می‌گفت که باید بیشتر به درس و مشق خود برسد تا به موسیقی و نوازندگی و برای همین منظور سخت وی را زیر نظر قرار می‌داد تا او از درس غفلت نورزد، ولی وی روزها که به دبیرستان می‌رفت در راه با خود تصنیف‌های خوانندگان را زیر لب زمزمه می‌کرد به طوری که از فرط علاقه بیش از یکصد تصنیف از خوانندگان مختلف را از حفظ داشت.
در همین سال‌هایی که مشغول تحصیل در دبیرستان بود، ازدواج کرد ولی باز هم عشق به موسیقی و یادگیری آن از سر او بیرون نرفت و پس از فوت پدر بود که با تمام گرفتاری‌های خانواده و تحصیل یک ساز آکوردئون خریداری کرد و نزد خود و با کمک چند کتاب شروع به یادگیری و نواختن این ساز نمود و در دوران خدمت سربازی این آموخته‌ها را به حد کمال رساند.
وی چون از وضع مالی نسبتاً خوبی بهره‌مند بود پس از خاتمه خدمت سربازی جهت ادامه تحصیل عازم آمریکا گردید و بعد از اخذ مهندسی الکترونیک به وطن بازگشت و آموخته‌های خود را در راه پیشرفت و آبادانی ایران عزیز قرار داد.
وی حدود یک سال و نیم نزد خانم شهنازی همشیره علی‌اکبرخان شهنازی رفت و نواختن ساز تار را نزد ایشان فراگرفت تا این که در سال 1362 با مهندس سعید تجویدی (فرزند استاد علی تجویدی) آشنا شد که در اینباره مهندس حسن افشاری‌کاشانیان می‌گفت:
«پس از آشنایی خود در سال 62 با مهندس سعید تجویدی که یکی از همکاران خوب و عزیزم می‌باشد، از ایشان خواستم که امکان فراگیری و نواختن ساز تار را نزد جلیل شهناز برای من از طریق پدرشان فراهم آورند، ایشان اظهار داشتند که استاد جلیل شهناز کلاس تعلیم فعلاً ندارند. چون در این زمان بود که امکان زیادی برای یادگیری موسیقی برایم فراهم بود، لذا تصمیم گرفتم نزد استاد علی تجویدی بروم و اصول و گوشه‌های

موسیقی ایرانی را بخصوص ردیف‌های شادروان ابوالحسن صبا را فراگیرم تا بعداً بتوانم آموخته‌ها و اطلاعاتم را روی ساز تار پیاده کنم.
روزی که به منزل استاد علی تجویدی رفتم و در همان ابتدای ورودم به منزل ایشان ویولونی نظر مرا جلب کرد که بسیار زیبا و خوش‌خوان بود، داخل آن اسم استاد ابراهیم قنبری حک گردیده بود، باور نمی‌کردم که این کار یک استاد ایرانی باشد. از آن پس در جستجوی ایشان برآمدم تا او را بهتر بشناسم، در یکی از جلسات تعلیم ویولن در منزل استاد، دوباره با ساز سه‌تار زیبا و بی‌نظیری با طرح و نقشی استثنایی که دیدم یک چنین اثری فقط در موزه‌ها امکان‌پذیر است روبرو شدم که متوجه گردیدم این نیز کار استاد قنبری است. تصمیم گرفتم سازی از کارهای ایشان را تهیه کنم ولی با کمال تأسف متوجه شدم که استاد به علت گرفتاری‌های کاری فرصت ساختن ساز برای همه را ندارند و اصولاً کسانی که خصوصیات هنری و اخلاقی‌شان مورد تأیید استاد باشد هم باید سال‌ها به انتظار باشند تا این که افتخار داشتن ساز ایشان را داشته باشند.
در همین ایام نیاز به سازی خوش‌خوان مثل ساز استاد آرام آرام این فکر را در من ایجاد می‌کرد که شاید بشود با بررسی و علاقمندی و پشتکار و استعداد هنری خود این کار را آغاز کنم. ابتدا موضوع را با استاد تجویدی در میان گذاشتم، ایشان قول دادند در فرصتی مناسب ترتیب این کار را بدهند و من از همان زمان، ساز سه‌تار ساخته شد استاد قنبری را، الگوی خویش قرار دادم و شبانه‌روز، روی آن فکر و بررسی می‌کردم، تا این که در اواخر سال 1364 تمام اطلاعات و اندازه‌های مختلف را ثبت کردم، یک شب در کلاس درس استاد با آقای دکتر صرافی که از دوستان استاد تجویدی هستند آشنا شدم، ضمن صحبت در مورد ساختن ساز، ایشان گفت:
«شما که تمام اطلاعات را دارید بهتر است با استاد حسین مسعود آشنا شوید و زیر نظر ایشان کار را شروع کنید».
از ایشان تشکر کردم، استاد تجویدی بعداً امکان آشنایی مرا با استاد مسعود فراهم آوردند و پس از چندی در خدمت این استاد توانستم کار تارسازی را شروع کنم و از راهنمایی‌های بی‌دریغ ایشان استفاده نمایم و می‌توانم بگویم که اگر اطلاعات و راهنمایی‌های این استاد نبود، شاید سال‌ها می‌بایستی تجربه کسب کنم تا بتوانم به اندازه یک روز در محضر ایشان چیز یاد بگیرم.
به هر حال پس از مدتی توانستم تعدادی تار و سه‌تار بسازم ولی قبل از اینکه آنها را جمع کنم لازم دیدم که هر طور شده نظر استاد محترم آقای قنبری را هم جویا شوم، لذا از دوست عزیزم آقای دکتر هادی پورتراب که با استاد دوستی دیرینه داشتند خواهش کردم که هر طور هست ترتیب این ملاقات را با استاد بدهند و ایشان هم قول دادند که در اولین فرصت مرا

به استاد معرفی کند، البته حدود یک سال و نیم طول کشید و کارهای انجام شده به همان صورت ماند تا این که یک روز ایشان اطلاع دادند که روز سه‌شنبه استاد تصمیم دارند که به کارگاه شما بیایند، من از شوق و شادی آرام و قرار نداشتم و آن روز یکی از بهترین روزهای فراموش‌نشدنی زندگی من است.
آن روز عصر استاد قنبری تا عصر منزل ما بود و من توانستم تمام سؤالات خود را از ایشان بپرسم و استاد هم دستوراتی فرمودند و در مورد ساختن ساز سه‌تار هم اظهاراتی داشتند: «که شما مدتی فرصت دهید تا من اصول ساخت سه‌تار ترکه‌ای را به شما یاد دهم. و سپس فرمودند: من مصمم هستم که این کار را بکنم و باید این امکان را برای شما فراهم آورم».
من که در مقابل این همه ایثار و بزرگواری، واقعاً درمانده بودم که چه جوابی بدهم، اصلاً جوابی برای گفتن نداشتم و خود را در مقابل استادی وارسته و بی‌نیاز و دلسوزی می‌دیدم که در زمانه بی‌نظیر است.
به هر حال ایشان همان‌طور که فرموده بودند در منزل ما و در همان کارگاه ناقص کار را به بنده آموختند و تمام اصول و ریزه‌کاری‌های مربوط را یا به وسیله تلفن و زمانی هم در منزل خودشان به من یاد دادند و اکنون قادر هستم که تمام فکر و وقت خود را به این کار اختصاص دهم و جا دارد که من متواضعانه از زحمات استاد قنبری و استاد مسعود که در راهنمایی و ارشاد و تعلیم در این راه پرپیچ و خم و پر از فراز و نشیب حق بزرگی به گردن من دارند قدردانی نمایم و فکر می‌کنم که بهترین سپاس از استاد قنبری این است که راه و رسم استاد و خصوصیات اخلاقی و بی‌نیازی عارفانه ایشان را دنبال نمایم. من از ایشان تنها ساختن ساز را نیاموختم، بلکه درس‌های معنوی و اخلاقی را که استاد با ظرافت‌های خاص خودشان مطرح و من توانستم درس‌های اخلاقی و آزادگی هم از ایشان فرابگیرم و اذعان نمایم که کسی می‌تواند ادعای شاگردی این استاد فرزانه و والامقام را بکند که مثل ایشان فکر کند و عمل نماید.
پس از گذراندن دوره آموزش تصمیم به ساختن الگویی نمودم که اصول آن قبلاً توسط استاد طرح شده بود و این به آن خاطر بود که بتوانم شایستگی خود را نسبت به آموخته‌هایم ثابت کنم و اکنون نیز در فکر ساختن ویولن هستم که امیدوارم بتوانم از این راه خدمتی به جامعه هنری و صنعت سازسازی کشور بکنم، ناگفته نماند که این حرکت در من به هیچ‌گونه انگیزه‌ی مادی نداشته تنها ارضاء هنری و شناخته‌هایم بوده است و اکنون هم که ده سال از ادامه این راه می‌گذرد ذکر این مهم که تمدن هنری هر جامعه بستگی دارد به هنرمندان لایق و دلسوز در تمام زمینه‌های هنری و برای ارائه یک اثر هنری والا و ارزشمند و برتر به داشتن ابزار

مناسب می‌باشد، بخصوص در فن نوازندگی بی‌شک در اختیار داشتن ساز مناسب، هنرمند را قادر می‌سازد که خلاقیت هنری خودش را به نحو دلخواه ارائه نماید و از طرفی ساختن ساز نیاز به بررسی و تجربه و بخصوص ابتکار و نبوغ و آشنایی کامل با فن نوازندگی را طلب می‌کند، که البته در کارهای ساختمانی ساز نیز مهارت و دقت از اولویت خاصی برخوردار است.
در اینجا از همسر فداکارم که واقعاً در راه به ثمر رسیدن زندگیم و شکوفا شدن استعداد هنریم این امکان را به من دادند که بتوانم در خدمت هنر و صنعت ایران زمین باشم قدردانی و سپاسگذاری کنم و همچنین از فرزندان عزیزم دو دخترم که یکی از آنها علاوه بر تحصیلات عالیه در رشته‌های رادیولوژی از دانشگاه تهران و رشته مامائی از دانشگاه آزاد، دختر دیگرم در رشته مترجمی زبان انگلیسی و پسرم فرید که ساز تخصصی وی پیانو می‌باشد و در واقع هر سه با نواختن چند ساز و آشنایی با دستگاههای موسیقی سنتی ایران مرا تشویق به ادامه‌ی کارم کردند تشکر کنم. در خاتمه از تمام کسانی که به طور گمنام در راه تداوم و اعتلای هنر این مرز و بوم زحمت کشیده و می‌کشند و بخصوص دوست عزیزم خادم دیرآشنای مطبوعات ایران آقای حبیب‌اللّه نصیری‌فر که واقعاً جهت آشنایی ملت ایران با هنرمندان و سازندگان این سرزمین و جامعه هنری همت و تلاش و پیگیری نموده‌اند قدردانی کنم».
مهندس احمدعلی سهراب‌زاده که از دوستان و اقوام وی می‌باشد و طی سالیان زیادی با مهندس افشاری کاشانیان رفت و آمد و نشست و برخاست داشته است می‌نویسد:
«آقای حسن افشاری از سازندگان ماهر و باسلیقه آلات و لوازم موسیقی از قبیل: ضرب، سه‌تار، ویولن و تار و سنتور می‌باشد و در ساختن آلات موسیقی برای بهبود صدا و زیبایی و کیفیت آنها از نظر علمی و عملی و فنی مطالعات و تحقیقات فراوان نموده است.
این هنرمند در ساختن ویولن به حدی مهارت و تسلط داد که تشخیص ویولن‌های ساخت وی از بهترین ویولن‌های ساخت کارخانجات خارجی مقدور نیست معهذا بر اثر ذوق و استعداد فطری و توجه کافی و به کار بردن نکات علمی و فنی در سازندگی آلات موسیقی بخصوص ویولن به پیشرفت‌های شایان توجه و تکامل فوق‌العاده‌ای دست یافته است و این از سازهای ساخته شده توسط وی نمایان است و به قول معروف:
مشک آن است که خود ببوید
نه آنکه عطار بگوید
بی‌شک در هنر موسیقی و سازندگان لوازم وابسته به این هنر در زمان گذشته و حال تاریخ کشور ما، نوابغی و استادانی بزرگ بوده‌اند که موجب

پیشرفت روزافزون و تکامل آن از هر جهت گردیده‌اند. هر کدام از این اساتید گنجینه و سرمایه‌ای عظیم و پربها برای موسیقی ایران بوده و خواهند بود.
در این راستا کسانی بودند و هستند که اصلاً دنبال شهرت‌طلبی و مادی‌گرائی نبودند و تنها به هنرشان فکر می‌کنند و من خیلی از این قبیل هنرمندان را از نزدیک می‌شناسم که یکی از ایشان همین مهندس حسن افشاری می‌باشد. وی به سال 1323 در محله قنات‌آباد تهران خیابان مولوی متولد شد. از سن ده سالگی با رادیو و از طریق مجلات موزیک موسیقی آشنا شد و در سال سوم متوسطه که مشغول تحصیل بود ازدواج کرد و از همین سال هم با خرید یک ساز آکوردئون مشغول فراگیری و نواختن این ساز شد سپس به خدمت سربازی رفت و پس از پایان خدمت سربازی جهت ادامه تحصیل عازم آمریکا شد و پس از پایان تحصیلات عالیه به وطن بازگشت و در سال 1353 به استخدام سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران درآمد و پس از چندی توسط دوست خود آقای مهندس سعید تجویدی نزد آقای علی تجویدی استاد موسیقی سنتی ایران رفت و به تحصیل علم موسیقی پرداخت و پس از چندی توسط ایشان با استاد مسعود که خود از سازندگان خوب و ممتاز ساز تار می‌باشد آشنا شد و مشغول ساختن تار گردید و پس از تکنیک سه‌تار سازی و ویولن را از ایشان آموخت و در سفری که پس از چندی به کشور آلمان نمود، زیرنظر آقای بالزویت استاد ویولن‌ساز کارخانجات آلمان، ساخت و تعمیرات ورگلاژ سایر مسائل مربوط به این ساز را فراگرفت و اطلاعات باارزشی را کسب کرد که در مراجعت به کشور، ابزار و لوازمات مربوط به ساخت ویولن را با خود به ایران آورد و اکنون دور از سروصدا و شهرت‌طلبی‌های کاذب و مادی ولی با عشق و علاقه در تحقیق و تفحص در این راه تلاش می‌نماید. چون با شناختی که بنده با موسیقی و هنرمندان این رشته دارم، معتقدم که فیزیک‌ساز و صدای آن باید طوری باشد که نوازنده سر ذوق آمده و از نواختن و دیدن شکل ساز لذت ببرد و چون خود گوشه‌ها و نغمات موسیقی ایرانی هم، این حالت عاطفی را شدید و افزون می‌کند، لذا نوازنده تحت تأثیر این سه جریان که عبارت است از: زیبائی، طنین صدا و شکل و حالت ساز که البته خود سازنده هم باید در این رابطه با زیباشناسی، صداشناسی و حتی نواختن ساز هم آشنایی کامل داشته باشد به اضافه مسائل فنی و تکنیک که فیزیک ساز را هم بداند.
به هر حال وی در زمانی که در آلمان مشغول تحصیل و فراگیری ساخت ویولن بود، توسط آقای بالزویت به عضویت انجمن ویولن‌سازان درآمد که مقر این انجمن در دانشگاه ساندیگو کالیفرنیا می‌باشد و این خود کمک بزرگی برای او بود تا در جریان گذشتگان در این رشته بااطلاع شود این

جلسات هر ماهه در دانشگاه ساندیگو با حضور اعضاء تشکیل می‌شود و به نقد و بررسی و ارزیابی مسائل در مورد هنر و صنعت ویولن‌سازی اعم از چوب و مراحل ساخت تا رنگ‌آمیزی می‌پردازد و اطلاعات و نتایج به دست آمده در بولتن انجمن زیر نظر رئیس انجمن آقای وینستون ماس ماهیانه برای اعضاء انجمن در تمام جهان ارسال می‌شود.
تا آنجا که من اطلاع دارم، آقای مهندس افشاری کوشش دارد تا سایر سازندگان ساز ویولن را در ایران عضو این آکادمی جهانی کند تا از این شناخت بیشتری از صنعت سازسازی کشور به جهانیان بدهد».
مهندس افشاری، می‌گفت: «از راهنمایی‌ها و کمک برادران هوشنگ و سیاوش اکبری که به حق از شاگردان خوب و شایسته استاد قنبری می‌باشند بهره فراوان بردم و این شاگردان بافضیلت از خوی و خصلت عاطفی و جوانمردی و بی‌نیازی استاد خود ابراهیم قنبری‌مهر بهره‌ور گشته‌اند و به استاد و شاگردان شایسته او تبریک و خسته نباشید می‌گویم».
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

افضل کرمانی، افضل‌الدین، ابوحامد، احمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 613 ق)، مورخ، طبیب و شاعر. از تاریخ‌نویسان بزرگ زبان فارسی که به ظاهر از بردسیر کرمان بود. وی در اواخر عهد قاوردیان و انقلابات کرمان و عهد تسلط غزان بر آن سرزمین به سر می‌برد و در آن جا به تدریس و طبابت مشغول بود. و با ملک دینار از ملوک غزکه در اول رجب سال 583 ق بر کرمان استیلا یافته بود معاصر بوده است. بعد از آن نیز شاهد کشاکشهای عمال اتابک فارس، سعد بن زنگی و قطب‌الدین مبارز، امیر شبانکاره و سلطان محمد خوارزمشاه برای تسلط بر کرمان بوده و آثار خود را در این کشاکشها تالیف نموده است. ظاهرا در شروع بحران کرمان و اختلاف میان پسران طغرل شاه یعنی بهرام شاه و ارسلان شاه و ترکان شاه، نظر به آشنایی که با امرا و وزراء و اشراف داشت چند سالی عمل انشاء آن امیران و وزیران به او تفویض شد، لیکن بر اثر دوام بحران ناگزیر جلای وطن و قصد خراسان و دربار ملک طغان شاه بن موید آی ابه را کرد و راه خراسان پیش گرفت و در کوه بنان متوقف شد و پنج سال آنجا بود، بعد به یزد رفت و چندی متعهد امور بیمارستان آن شهر شد و بعد از سر و سامان یافتن اوضاع در کرمان طبابت و انشاء دیوان اتابک یزد به او پیشنهاد شد، اما نپذیرفت. در سال 584 ق عزم کرمان نمود و در همان اوان به خدمت ملک دینار رسید و کتاب معروف خود را به نام او نوشت.
آثار وی: «عقدالعلی للموقف الاعلی» در تاریخ ملک دینار که در سال 584 ق به پایان رسیده است؛ «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» معروف به «تاریخ افضل» که حوادث کرمان را تا سال 601 ق در آن ضبط کرده است و شخصی به نام محمد بن ابراهیم در قرن یازدهم قمری تحریر نوی از آن کتاب با زبان ساده‌تر به نام «تاریخ سلاجقه کرمان» انجام داده است؛ «المضاف الی بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان» که شامل حوادث از سال 602 تا 612 ق است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سنایی تا سعدی (262 -261)، تاریخ ادبیات در ایران (1026 -1023 /2)، تاریخ در ایران (26 -25)، تاریخ نظم و نثر (118)، ستارگان کرمان (57)، سرآمدان فرهنگ (169 -168 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ افضل‌الدین).

افوشته‌ای نطنزی، محمود

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 938 ق)، مورخ و شاعر. از ادبای پرکار زمان خود، که در نظم و نثر دست داشت. در شیراز می‌زیست. آثار وی: «نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار» در تاریخ صفویه که در 998 ق تالیف آن را آغاز کرد و وقایع آن سلسله را تا سال 1006 ق در آن آورده است؛ «دیوان مجازیه»؛ «دیوان غایه المجاز»؛ «دیوان حاصل الجنات»، در مدح ائمه، «دیوان اضطراریه»؛ «برائه القلم»، که دو «دیوان» اخیر در مدح پادشاهان است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1697/5)، تاریخ نظم و نثر (358)، الذریعه (271/24)، نقاوه‌الاثار (پیش گفتار).

اقبال آشتیانی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1334 -1277 ش)، ادیب، مورخ و روزنامه‌نگار. در خانواده‌ای پیشه‌ور و تهیدست به دنیا آمد. در کودکی شاگرد درودگر بود اما میل به تحصیل سبب شد که در ضمن کار به مکتب رفته، مقدمات علوم را در زادگاه خود فراگیرد. در سال 1328 ق به تهران آمد. ابتدا به مدرسه‌ی شرکت گلستان رفت سپس در دارالفنون به فراگیری ادب فارسی پرداخت و معاونت کتابخانه‌ی معارف را که در دارالفنون دایر شده بود به عهده گرفت. علاوه بر آن تدریس ادبیات و جغرافیا در مدارس نظام و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی نیز سالها با وی بود. کار نویسندگی اقبال از همکاری با «مجله‌ی دانشکده» و انتشار مقالاتی در آن مجله از سال 1297 ش آغاز شد. در سال 1304 ش از سوی وزارت جنگ با سمت منشی به همراه هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن لیسانس ادبیات گرفت. در سال 1308 ش به ایران بازگشت. در این هنگام وزارت فرهنگ از وی خواست که در تألیف کتابهای درسی تاریخ و جغرافیای اقتصادی ایران برای دبیرستانها و شعب علوم انسانی مدارس عالیه که در کشور تأسیس شده بود شرکت کند. با تأسیس دانشگاه تهران در سال 1313 ش به سمت استادی در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. از سال 1323 تا 1328 ش مجله‌ی «یادگار» را در تهران منتشر کرد. در اواخر عمر مدتی رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا و در رم درگذشت. پس از یک سال پیکرش را به ایران آوردند و در مرقد شیخ ابوالفتوح رازی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از وی آثار زیادی بر جای مانده است از جمله: «تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا»؛ «تاریخ ایران از صدراسلام تا استیلای مغول»؛ «تاریخ ایران از بدو خروج چنگیز تا ظهور امیر تیمور»؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «جغرافیای ایران در خارجه»؛ «خاندان نوبختی»؛ «خدمات ایرانیان به تمدن عالم»؛ ترجمه‌ها: «تاریخ مختصر ایران» تألیف پاول هرن؛ «طبقات سلاطین اسلام»؛ «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»؛ «ناپلئون و اسلام»؛ «یادداشتهای ژنرال تره‌زل»؛ تصحیح متون: «دیوان معزی»؛ «حدائق السحر»؛ «بیان الادیان»؛ «تجارب السلف».[1]
(بخش 1) عباس اقبال آشتیانی، محقق و مورخ ایرانی (و. 1314 ه.ق./ 1275 ه.ش.- ف. رم. 1375 ه.ق./ 1334 ه.ش.). وی در آغاز جوانی

شاگرد درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره دارالفنون را به پایان رسانید و به معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. آنگاه در دارالفنون به تدریس، پرداخت و بعدها به معلمی مدارس نظام، مدرسه علوم سیاسی و داراالمعلین عالی منصوب شد. در سال 1304 ه.ش. به منشی‌گری هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد و با اخذ درجه لیسانس از سربن نائل آمد و در آن شهر با علامه محمد قزوینی آشنایی یافت و از محضر وی استفاده کرد. پس از بازگشت به ایران به سمت استادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان انتخاب شد و سپس به سمت نماینده فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا به شهر رم رفت و در آنجا اقامت گزید و هم در آنجا در سن 59 سالگی درگذشت.
جنازه او را به تهران حمل کردند. وی در 1324 مجله «یادگار» را تأسیس کرد که پنج دوره از آن منتشر شده. از آثار وی «تاریخ مغول»، «وزراء سلاجقه»، «خاندان نوبختی»، تصحیح «عبتة الکتبه»، تصحیح «سمط العلی»، تصحیح «مجمع التواریخ» تألیف دکتر فوریه، ترجمه «یادداشتهای ژنرال تره‌زل»، ترجمه «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»، تصحیح «ترجمه فارسی محاسن اصفهان»، تصحیح «بیان‌الادیان»، و تصحیح «تبصرةالعوام» را باید نام برد. وی در تحقیقات تاریخی و ادبی روش عالمانه‌ای دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما(89 -85)، تاریخ در ایران(200 -197)، دایرةالمعارف فارسی(183 -182 /1)، زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر(245 -243 /1)، سرآمدان فرهنگ(172 -171 /1)، شخصیتهای نامی(17 -16)، شرح حال رجال(131 /5)، فرهنگ ادبیات فارسی(64 -63)، کارنامه‌ی بزرگان(418 -416)، گلزار معانی(92 -84)، مؤلفین کتب چاپی(640 -633 /3)، یغما(س 9، ش 1، ص 45 -44).

اقتداری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد اقتداری به سال۴ ۱۳۰ هجری شمسی در شهر لار فارس به دنیا آمد. در پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار رفت. چیزی بعد از تاسیسی مدرسه دولتی در لار او را از مکتب خانه بازگرفتند وبه مدرسه دولتی فرستادند دروس شش ساله ابتدایی را آنجا خواند. جایزه شاگرد اولی در تمام استان (ایالت آن روز) فارس را در این شش سال را دریافت کرد. دوران سه ساله دبیرستان را در شهر لار گذراند پدرش پس از تردید بسیار او را به شیراز فرستاد تا در دانشسرای مقدماتی شیراز که دارالمعلمین ابتدایی بود نام نویسی کرد. دو سال در آن دانشسرا درس خواند و با شور و شوق بسیار با سمت آموزگاری به شهر لار برگشت و در سال های اول تا چهارم ابتدایی به خدمت آموزگاری پرداخت. اوایل سال۱۳۲۵؛ حدود یک سال پس از ازدواج استاد با این که می توانست از معافیت استفاده کند، اما عشق به وطن سبب شد که برای خدمت وظیفه عازم تهران شود. خود را به دانشکده افسری معرفی کرد پس از پایان این دوره و در سال۱۳۲۸ که نخستین کنکور دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی تهران برگزار می شد، در این دانشگاه پذیرفته شد و با کسب مدرک لیسانس به دبیری در دبیرستان های تهران پرداخت و در دانشسرای مقدماتی پسران به خدمت آموزشی مأمور شد. در سال۱۳۳۲ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک بعد از درخواست یکساله، برایش صادر شد. سال۱۳۳۴ سوگند یاد کرد وبه اخذ اجازه وکالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر ۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل وکالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند. احمد اقتداری در طول زندگی سرشار از علم و ادب خود حدود چهل کتاب با ارزش و بیش از صد مقاله علمی به چاپ رسانده است. در میان آثار او از تصحیح و همت گماردن به انتشار دیوان اشعار شاعران، ترجمه آثار تحقیقی نویسندگان و پژوهشگران غیرایرانی تا چاپ قصه های مثنوی، منطق الطیر و هزار و یک شب و همچنین تحقیقات علمی در زمینه لهجه شناسی، زبان و فرهنگ مناطق مختلف کشور را می توان یافت.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : تاریخ محلی جنوب ایران

والدین و انساب : پدراحمد اقتداری مرحوم مرتضی قلی خان اقتداری و مادرش انیس خانم اقتداری، هر دو لارستانی و از روستای گراش بودند. از آن جهت که به علم آموزی احمد اهمیت می دادند از پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار فرستادند .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : احمد اقتداری از خاندانی کهنسال از خوانین گردش است. پرورش در آن خاندان منشاء ظهور خلقیات و مرام خاص در او شده است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : - گذراندن دوره ابتدایی و دبیرستان در شهر لار - گذراندن دوره دانشسرای مقدماتی در شیراز - شرکت در کنکور دانشکده حقوق سال۱۳۲۸ - اخذ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک سال۱۳۳۲ - اخذ مجوز وکالت پایه یکم سال۱۳۳۴ - اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران
همسر و فرزندان : احمد اقتداری در سال 1323 با قمر خانم اقتداری ازدواج کرد. حاصل این ازدواج یک دختر و سه پسر بود. او و همسرش در تربیت فرزندان خود موجدانه کوشیدند و همه را با فضیلت به بار آورده اند. دختر ایشان با نام آرزو، متخصص زبان ایتالیایی و مدرس دانشگاه در آن رشته است، و تحقیق او درباره غزل های حافظ به زبان ایتالیایی به چاپ رسیده است.
وقایع میانسالی : احمد اقتداری در سال۱۳۳۱ تقاضای اخذ پروانه وکالت درجه یک دادگستری کرد و در سال۱۳۳۲ پروانه کارآموزی وکالت درجه یک برایش صادر شد. در همین ایام یادداشت های کتاب های «فرهنگ لارستانی» و «لارستان کهن» را آماده و مرتب می کرد ضمن این که سال۱۳۳۴ سوگند یاد کرد وبه اخذ اجازه وکالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر ۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل وکالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زندگی احمد اقتداری سرشار از تلاش، کوشش و آفرینش است. خلق 24 کتاب و بیش از 200 مقاله علمی، نشان دهنده توانایی ها و کوشش های عاشقانه وی به ایران زمین، و به ویژه سرزمین فارس است. اقتداری مشاغل گوناگونی را پیشه خود ساخته است که می توان به معلی، مدیریت های فرهنگی، تدریس در دانشگاه تهران، فعالیت های اجتماعی و سیاسی، وکالت دادگستری،و مقاله نویسی در نشریات متعددی همچون یغما، فرهنگ ایران زمین اشاره نمود. در کنار این امور در برگزاری گردهمایی های علمی نیز مشارکت فعال می نمود از جمله برگزاری سمینار « خلیج فارس در سال 1342»و برگزاری نمایشگاه آثار سدید السطنه کبابی بندر عباس در سال 1354 در دانشگاه تهران
فعالیتهای آموزشی : لارستان در آثار احمد اقتداری جایگاه ویژه ای دارد،

علاوه بر آن استان های هرمزگان، خوزستان، بوشهر، کهکیلویه و بویر احمد نیز مورد توجه او بوده اند. یکی دیگر از اساسی ترین دل مشغولی های وی در عرصه علمی و فرهنگی، خلیج فارس می باشد. با توجه به حساسیت های پنجاه ساله اخیر در مودر این بخش از جغرافیای ایران، اقتداری به طور مستمر در جهت تبیین و تحلیل تاریخی آن کوشیده است. تنوع آثار نگارشی استاد در زمینه های تاریخ، معماری، ترجمه، تصحیح، تحشیه، ادبیات، مردم شناسی و سیاست نشان دهنده توانایی ها و علاقة اقتداری به زوایای نهان و پنهان فرهنگ ایرانی است. عرصه های پژوهشی اقتداری شامل تحقیقات کتابخانه ای و تحقیقات اصیل می شود و میان به فراخور در این تحقیقات میدانی نیز در تقویت روش علمی خود بکار می گیرد.آثار اقتداری در واقع حاصل مشاهده، معاینه، مصاحبه و مراجعه به اصل بوده است.شیوه تحقیق و تاریخ نگاری اقتداری، تلاش جهت حداکثر به کار گیری شواهد بیرونی جغرافیایی و وجه شیئی فعلیت یافته تاریخی است. او تمام خلیج فارس و سراسر جنوب را با قدم طی کرده و سپس در آن باره قلم زده است.م روش تاریخ نگاری وی مبتنی بر اتکاء به آن بخش از اطلاعات تاریخی است که متقن و مثبت به شمار می آیند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ی

جوائز و نشانها : بنیاد فارس شناسی در نوزدهم آبان ماه 1379 با همراهی استادان برجسته تاریخ و ادب کشور، و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان فارس به دلیل سپاس از زحمات بی دریغ احمد اقتداری در حیطه علم و فرهنگ،از او تجلیل به عمل آورد.

چگونگی عرضه آثار : آثار احمد اقتداری را میتوان به تالیفات ، مقالات و سخنرانیها تقسیم کرد ضمن این که مجموعه مقاله های او در این زمینه با نام «کشته خویش» به چاپ رسیده است که مجموعاً پنجاه مقاله را دربرمی گیرد و مجموعه سخنرانی هایش بانام «از دریای پارس تا دریای چین» منتشر شده است.کی از مهمترین جنبه های تحقیقات اقتداری پژوهشی درباره خلیج فارس است. اهمیت استراتژیک این منطقه و این که خلیج فارس به اندازه قدمت و پیشینه اش شناخته شده نیست ضرورت تحقیق درباره شناسایی جنبه های مختلف آن را بیش از پیش بر ما مشخص می کند. آنچه امروز درباره این منطقه می دانیم و آنچه در دست داریم برپایه حدس و گمان یا بنابر افسانه های قدیم و اسناد تاریخی مانند تورات، کتیبه های میخی و آثار برجا مانده از دوران باستان است و در این میان اقتداری با توجه به جنبه های مختلف خلیج فارس از جمله زبان های محلی، آثار باستانی، تاریخ و جغرافیای منطقه، نام خلیج فارس و... مقاله های متنوع و آموزنده ای در شناسایی آن نوشته که می توان به این موارد اشاره کرد: «زبان های محلی و فولکلور خلیج فارس»، «اسناد فارسی،

عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس»، «سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس»، «تاریخ و جغرافیای خلیج فارس»، «خلیج فارس و آشنایی با امارات آن»، «محاکمه خلیج فارس نویسان»، «خلیج فارس و نام آن» و... ضمن این که کتابی با عنوان یکصد و پنجاه مقاله در زمینه های ایران شناسی و خلیج فارس از او به چاپ رسیده است که می تواند به عنوان مرجعی در شناخت این منطقه پراهمیت مورد استفاده قرار گیرد. و نیز تلاش های اقتداری در هویت بخشیدن به لارستان و نگرش تازه به تاریخ، فرهنگ و جغرافیای این ناحیه بسیار مهم و قابل تقدیر است احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. یکی از نمونه شعرهای او: از گردش روزگار آزرده منم وز دور زمان دمی نیا سوده منم از کارگران و مزد کم باد به دست با رنج مدام، گنج نابرده منم بس بود و نبود عمر را کرده گذار هم نیک و بدش به هیچ نشمرده منم با هر کس زروی مهر خدمت کردم ماری به درون جیب پرورده منم بس نیش به جای نوشم دادند تریاق نخورده زهرآمخته منم محزونم و مهجورم و مطرودم از آنک دیری است که با عشق تو خو کرده منم ----------
---

آثار :

1 آتشکده کاریان و آتشکده های فارس- ناتمام
2 آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان
3 آیین دریا نوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس
4 از دریای پارس تا دریای چین
5 بشنو از نی: ندای نی
6 بشنو از نی: نیاز نی
7 بشنوی از نی: نوای نی
8 تحشیة ارجان و کهکیلویه
9 تحشیةسرگذشت کشتی رانی ایرانیان
10 تحشیه دیوان سدید الدوله- ناتمام
11 تحشیه عهد مسم(سفرنامه خسرو میرزا)- ناتمام
12 تحشیه مشوش نامه- ناتمام
13 ترجمه لار در قرون وسطی- ناتمام
14 تصحیح باغستان لارستانی

15 تصحیح بندر عباس و خلیج فارس
16 تصحیح تاریخ مسقط وعمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران
17 تصحیح دیوان شیدای گراشی
18 تصحیح سرزمین های پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش
19 تصحیح سفرنامه سدید السطنه
20 خلیج فارس
ویژگی اثر : این اثر جایزه ویژه یونسکو در ایران را به خود اختصاص داده است.[کمال سروستانی، سخن اول، ص6]
21 خوزستان و ممسنی و کهکیلویه
ویژگی اثر : در زمینه شناساندن کهگیلویه هم کتاب معروف احمد اقتداری بانام «خوزستان، کهگیلویه و ممسنی» با استناد به مدارک و منابع معتبر این ناحیه را به خوانندگان خود معرفی کرده است. برای نمونه در این کتاب به نقل از مسالک و ممالک اصطخری می خوانیم: «یکی از پادشاهان رم که همیشه از یک تا سه هزار نفر بر در خانه ایشان لشکر حاضر است، مهرگان پسر برزویه پادشاه زمیگان است و آن رمی است که به رم گیلویه مشهور است و مهرگان پیش از گیلویه بوده و شأن و شوکتی از گیلویه بالاتر داشته. پس ازمهرگان پسرش سلمه به جای او نشست. گیلویه از ولایت اصطخر نزد او آمد و به خدمتگزاری پرداخت. چون سلمه بمرد گیلویه آنجا را تصرف کرد و کارش به جایی رسید که این سرزمین را به اسم او می خوانند...»
22 دیار شهر یاران(ج1)
23 دیار شهر یاران(ج2)
24 سایه سیمرع- ناتمام
25 صدو پنجاه مقاله در زمینه ایران شناسی و خلیج فارس- ناتمام
26 فرهنگ لارستانی
ویژگی اثر : نخستین و یکی از مهمترین کتاب های اقتداری «فرهنگ لارستانی» بود که به عنوان نخستین نشریه جداگانه مجله «فرهنگ ایران زمین» با نشان فرهنگ ایران زمین، نقش شیر در کتیبه های تخت جمشید زینت یافت و در سال ???? منتشر شد.
27 کاروان عمر
ویژگی اثر : این اثر شامل خاطرات سیاسی و فرهنگی هفتاد سال عمر اقتداری می باشد.اقتداری در کتابی با نام «کاروان عمر» خاطرات سیاسی فرهنگی هفتاد سال عمر خود را با قلمی شیوا و با ذکر جزئیات نوشته است. در این کتاب ضمن آشنایی با جنبه های مختلف زندگی او با توجه به سمت های مختلفی که وی در طول عمر خود داشته است و با

توجه به فعالیت های مختلف فرهنگی و هنری اش می توان با اوضاع فرهنگی ایران در دوره معاصر آشنا شد. وی در آغاز این کتاب می نویسد: «نوشتن «خاطرات» زندگی، از دیرباز در ایران زمین معمول بوده است. بسیاری از نکته ها و گوشه های تاریخ اجتماعی ایران از روی همین «خاطرات نامه ها» به دست ارباب تحقیق رسیده و مسائل مبهم و فرهنگی و وضع زندگی مردمان و کیفیات زندگی مدنی و اجتماعی، از روی اینگونه کتاب ها استخراج شده و مورد بحث و تدقیق جامعه شناسان و مورخین و محققین قرار گرفته است... من در هفتاد سال عمر خود در ایران و خارج از ایران بسیاری از مشکلات را در سر راه زندگی خود یافته ام. بسیاری راحل کرده ام و بسیاری راحل نکرده ام و...»

28 کشته خویش

29 لارستان کهن

30 لارستان کهن و فرهنگ لارستانی

منابع زندگینامه :

1http://www.iran-newspaper.com/1385/851024/html/horizon.htm2خیراندیش، عبدالرسول.«سبک تاریخ نگاری استاد احمد اقتداری،» فارس شناخت. پاییز 1379، صص5-143ریاحی، محمد امین، اقتداری محقی آشنا. فارسشناخت، پاییر 1379، ص 124قاسمی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا،ص455کمالی سروستانی، کوروش، سخن اول، فارس شناخت. پاییز 1379، ص66یاسینی، قاسم. نقش احمد اقتداری در احیای آثار سدید سلطنه کبابی، فارس شناخت، پاییز1379، ص27

اکبری، سیاوش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از نوازندگان چیره‌دست و خوب ضرب، سیاوش اکبری است که به سال 1317 در تهران متولد شد و از میان آلات موسیقی بیش از همه به نواختن ضرب و سنتور علاقه پیدا کرد ولی امکانات برای وی موجود نبود و با مشکلاتی که در این راه برای او موجود بود، مجبود به دست و پنجه نرم کردن گردید. وی می‌گوید:
«علاقه‌ای بسیار در کودکی به فراگیری و نواختن ضرب پیدا نمودم ولی پدرم مخالفت می‌کرد و اصرار می‌ورزید که وارد ارتش و خدمت نظام گردم. پس از پایان تحصیلات متوسطه و دریافت دیپلم ریاضی، با پول توجیبی خود، یک تنبک حلبی خریدم و در منزل شروع به نواختن کردم و خیلی خوب هم صداها را تقلید می‌کردم و بجا آنها را پیاده می‌نمودم ولی برای اینکه بتوانم فن نواختن ضرب را به طور صحیح فراگیرم در سال 1335 در کلاس‌های شبانه هنرستان موسیقی ملی ثبت‌نام کردم و دسترسی به کلاس استاد بزرگ و والامقامی چون حسین تهرانی پیدا نمودم.
بدین طریق اولین استاد تهرانی بود، از کالس درس این استاد فقید خاطره‌ای دارم که به عرض می‌رسانم: جلسه اول که نزد استاد رفتم، به محض این که ضرب را بغل گرفتم بدون هیچ دلیلی مرا از کلاس بیرون کرد که احساس کردم، دنیا برایم تمام شده است. درس استاد که تمام شد، نزد او رفتم و با خواهش و تمنا از وی خواستم که من را به شاگردی قبول کند، ایشان فرمودند:
«چون تو تنبک را طرف راست می‌گذاری، هیچوقت یاد نمی‌گیری».
به خود جرأت داده گفتم:
«استاد شما هرچه طرف چپ بزنید، من طرف راست می‌زنم».
این کار را کردم، خوشبختانه قبول کردند. ناگفته نماند که در آن زمان یادگیری از راه گوش بود و من نزد ایشان با همان سبک یاد گرفتم و بعدها طبق تجربه‌ای که آموخته بودم، سعی کردم چپ و راست تنبک برای شاگردان این رشته مسئله‌ای نباشد که موفق هم شدم.
من چون همیشه در این رشته طلبه بوده‌ام و هستم بنابراین علاقه زیادی به فراگیری نت پیدا کردم و همین امر باعث شد که چند وقتی نزد مرحوم امیرناصر افتتاح رفتم و در سال 1347 -1348 مشغول فراگیری نت

گردیدم و بعدها که کتاب نت استاد حسین تهرانی چاپ شد برای فراگیری بیشتر، نزد استاد محمد اسماعیلی رفتم و به فراگیری هرچه بیشتر و سبک و سیاق نوازندگی وی پرداختم و پس از آن، در حال کاوش درباره تنبک و بهتر ارائه دادن آن بوده و هستم».
سیاوش اکبری، از سال 1345 فعالیت‌های هنری خود را در رادیو و تلویزیون آغاز کرد و در ارکستر سازهای ملی که با همکاری دکتر منوچهر جهانبگلو، محمدرضا شجریان، منتشری، نادر گلچین، کامران داروغه، عباس زندی، حسن ناهید، محمد موسوی، مهدی تاکستانی و عده‌ای دیگر از هنرمندان اداره می‌شد شرکت کرد و با ارکسترهای دیگر رادیو و تلویزیون شروع به همکاری نمود که با همین ارکسترها، جهت شناساندن هرچه بیشتر موسیقی سنتی ایران، تحت عنوان قراردادهای فرهنگی و هنری، مسافرت‌هایی به کشورهای: آلمان، فرانسه، عراق، کویت، ژاپن، عربستان و آمریکا که در آمریکا در هفده ایالت آن همراه جلیل شهناز فرهنگ شریف، محمدرضا شجریان و عده‌ای دیگر کرد و برنامه‌هایی اجرا نمود.
سیاوش اکبری، تا سال 1357 فعالیت‌های هنری خود را در رادیو و تلویزیون ادامه داد و از این سال به بعد مشغول تدریس تنبک به هنرجویان می‌باشد و سبکی ارائه داده است که شاگردان این رشته در مدت کمتری می‌توانند فن نواختن ضرب را بیاموزند. وی چون علاقه وافری به نواختن سنتور داشت، در سن هفده سالگی نزد استاد رضا ورزنده مدتی نواختن سنتور را آموخت و با نواختن این نیز آشنایی دارد.
وی دارای یک دختر به نام ماندانا است که دیپلم هنرستان موسیقی ملی است در رشته سنتور و نزد استاد فرامرز پایور دوره کامل این ساز را به پایان برده و نواختن تنبک را به طور کامل و صحیح می‌داند و فرزند دیگر وی مازیار که فن نواختن ضرب را نزد پدر خویش آموخته و دارای سبک مخصوص پدر خود می‌باشد.
سیاوش اکبری، یکی دیگر از برادران خودساخته‌ی اکبری است که در سال 1341 در روستایی از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. دوران کودکی وی مثل برادرش هوشنگ در نهایت محرومیت سپری شد ولی این نارسایی‌های روزگار و اجتماعی آنان را مردان خودساخته‌ای ساخت که هم‌اکنون در صنعت سازسازی کشور خود، افتخارآفرین می‌باشند.
سیاوش اکبری نیز از طفولیت به موسیقی علاقمند شد و هر وقت صدای سازی را از رادیو و یا تلویزیون‌های همسایه می‌شنید و می‌دید سراپا به آن گوش می‌داد و در عالم دیگری سیر و سیاحت می‌کرد. خودش می‌گوید: «من موسیقی سنتی ایران را، یک موسیقی عارفانه می‌دانم و هر وقت و هر زمان به این موسیقی گوش می‌دهم، دنیای دیگری در دیدگانم مجسم می‌گردد.»

سیاوش اکبری، به واسطه این عشق و علاقه به موسیقی سنتی ایران مثل برادرش به سوی این هنر والا، کشیده شد زیرا سال 1363 به کلاس شاهرخ در ارومیه برای فراگیری ساز «تار» رفت و نزد وی شروع به فراگیری موسیقی و نواختن این ساز پرداخت. در این باره، سیاوش اکبری می‌گوید: «مدتی که از تعلیم و تعلم من نزد این استاد می‌گذشت، روزی به ایشان گفتم که ممکن است یک تار خوب که قیمتش هم مناسب باشد برای من تهیه کنید؟ ایشان گفتند یک تار است که سرپنجه‌ی آن شکسته و خرک و پوست و پرده هم ندارد، قیمتش در حدود پنج هزار تومان می‌باشد گفتم اشکالی ندارد، همه‌ی کارهایش را خودم انجام می‌دهم و از این زمان بود که به فکر ساختن تار افتادم و چون زمستان بود و مکانی را هم نداشتم که از آن محل جهت کارگاه استفاده کنم، رخت‌کن حمام منزل را برای کارگاه انتخاب کردم و با چند عدد سوهان و مغار و یک عدد هم پیچ‌گوشتی شروع به کار کردم و اولین تار را ساختم که خودم مدت یک سال با آن تمرین کردم. در این موقع برادرم ماشین باری که داشت فروخت و در کارگاهی که با وی خیاطی را در زمان خدمت سربازی آموخته بود کار می‌کردیم و چون ایشان هم به سازسازی علاقه‌ی زیادی داشت با وسائلی که شخص خیری به نام آقای شیوا به ایشان داده بود، در این مغازه که خیاطی بود شروع به ساختن تار و ویولن در سطحی وسیع‌تر نمودیم، ولی هزینه زندگی خانواده و درآمد مختصر و کارشکنی‌های متعدد تنی چند از حاسدان، مجبور گردیدم به تهران روم و در شرکت حفاری چاه عمیق که قبلاً کار می‌کردم بروم و ضمن کار از حق خویش که ساختن تار و نواختن آن بود هیچ گاه دور نباشم لذا از هر فرصتی استفاده می‌نمودم و به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی نزد آقای محمود فرهمند می‌رفتم تا هرچه بیشتر با این ساز آشنا شوم، سپس مدت چهار ماه نزد آقای علی‌اصغر صادقی درس گرفتم و مدت دو سال هم از هنرمند خوب و باارزشی مثل آقای جلال دوستی که اهل همدان هستند بهره‌ور گردیدم. مدتی هم نزد استاد هوشنگ ظریف مشغول فراگیری گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی هستم. همچنین با نواختن سه‌تار و سنتور تا آنجا که بتوانم صدای آن را تشخیص بدهم آشنا می‌باشم؛ پس از یک سال مجدداً به ارومیه بازگشتم که در این زمان، هواپیماهای عراق به شدت این شهر را مورد هجوم هوایی قرار داده بودند و در شهر نمی‌شد ماند، لذا همراه خانواده به روستای خود محل زادگاهمان نقل مکان کردیم، در روستا، در کارگاهی با طول و عرض 2 ضربدر 3 که با برادرم ساخته بودیم مشغول کار شدیم، در این زمان به خاطر توسعه‌ی کار و نیاز جامعه‌ی هنردوست کشور، ساخت سنتور را نیز مورد توجه قرار دادیم که مورد تشویق مسئولین قرار گرفتیم و اداره امور هنری ارشاد اسلامی ما را به تالار وحدت معرفی کرد.

در این تالار، مورد تشویق آقایان: اتابکی، اعرابی، آقاسی (منظور آقاسی خواننده نیست) قرار گرفتیم و برای بار دوم که ویولن دست‌ساز خود را به این تالار بردیم، مرحوم آقاسی گفت که ای کاش این کار شما را استاد قنبری می‌دید، من و برادرم هوشنگ که سالها اشتیاق دیدار و آشنایی با این استاد را داشتیم تلفنی با ایشان صحبت نمودیم و گفتیم که ما از ارومیه آمده‌ایم و ویولنی ساخته‌ایم که می‌خواهیم شما آن را ببینید و نواقص و معایب آن را به ما گوشزد فرمایید تا در رفع آن عیوب بکوشیم.
استاد قنبری، پس از تعارفات خیلی گرم از آن طرف سیم، سراغ بزرگان «شیوا» را گرفتند و حال ایشان را جویا گردیدند که به عرضشان رساندیم که حالشان خوب است (بزرگان شیوا، متأسفانه در حال حاضر در قید حیات نیستند و دار فانی را وداع گفته‌اند).
به هر حال، استاد قنبری با کمال فروتنی اجازه دادند خدمتشان برسیم و همان روز بعد از ظهر به منزل استاد رفتیم. با خوشرویی ما را پذیرفت و پس از پذیرایی از ما، ویولن ساخت خود را نشان استاد دادیم، اندازه‌های بیرونی ویولن را گرفتند. در ضمن پرسشهایی درباره وضع خانوادگی و کارمان از ما جویا شدند. پس از این که به سؤالات استاد قنبری پاسخ گفتیم، ایشان فرمودند: با این توصیف که کردید من می‌فهمم که شما واقعاً برادر هستید و کمتر بین برادرها این طور تفاهم و اشتراک نیت و کار وجود دارد، زیرا یک نمونه کار این بود که برادرم هوشنگ ویولنی را که ساخته بود اسم کوچک خود را به آن ننوشته و فقط به کلمه «اکبری» اکتفا کرده بود و این نمونه‌ای از محبت وی نسبت به من بود.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

اکبری، هوشنگ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هوشنگ اکبری، فرزند عبدالقادر، به سال 1336 در یکی از روستاهای شهرستان ارومیه متولد شد. از کودکی به موسیقی علاقه‌مند بود ولی فراگیری آن برایش مقدور نبود. وی که با برادر خود سیاوش اکبری هم‌اکنون از بهترین سازندگان ویولن، تار و سه‌تار و سنتور می‌باشند از شاگردان استاد ابراهیم قنبری هستند. نگارنده در سفری که چندی پیش به ارومیه داشتم، طی مصاحبه‌ای با این دو برادر از آقای هوشنگ اکبری سؤال کردم که چگونه به ساختن ویولن روی آوردید؟ چنین اظهار داشت:
«در سال 1354 که تلویزیون در هفته یک برنامه به نام بشنو از نی پخش می‌کرد، مجذوب این برنامه گردیدم به طوری که در هر کجا بودم، خود را در رأس ساعت مقرر به تلویزیون می‌رساندم تا این برنامه‌ی خوب و دوست‌داشتنی را تماشا و گوش نمایم، شبی که این برنامه طبق روال گذشته از تلویزیون پخش می‌شد، به قدری تکنواز ویولن برنامه خود را خوب و عالی اجرا کرد که در تمام ذرات وجود من اثر گذاشت و بسیار مرا تحت تأثیر قرار داد به طوری که اشک از چشمانم جاری شد. من اولین بار بود که شکل ویولن را از تلویزیون می‌دیدم، تصمیم گرفتم که یک ویولن برای خود تهیه نمایم و به نوازندگی این ساز روی آورم. لازم به تذکر است که پدر من در سال 1350 به افسردگی روحی شدید دچار شد و روزی از خانه رفت و خانواده را که عبارت بودند از من، برادر بزرگم نصرت‌اللّه و برادر دیگرم سیاوش و مادر و دو خواهر، ترک کرد، من و اکبر هنوز کوچک و طفل بودیم و نمی‌توانستیم در بازار کار در ارومیه وارد شویم در نتیجه هزینه‌ی زندگی ماها بر دوش برادر بزرگترم نصرت‌اللّه قرار گرفت و من با هر مشکلی بود تا ششم ابتدائی به تحصیل خود ادامه دادم و چند سال بعد به کلاس شبانه رفتم و ادامه تحصیل دادم.
برای گذران زندگی و یافتن شغل، در سال 1351 همراه خانواده به شهر آمدم و در یک فروشگاه وسائل و لوازم زندگی مشغول کار شدم ولی شکل و شمایل ویولن همیشه و در همه حال جلوی نظرم بود و از زمانی که آن در تلویزیون مشاهده کرده بودم لحظه‌ای از جلوی چشمانم دور نمی‌شد، عاقبت با یک تخته و مقداری سیم برای خود ویولنی ساختم ولی صدا نداشت اصولاً ویولن نبود بلکه تقریباً شبیه ویولن بود، من آن را نزد شخص هنرمندی به نام آقای غلامحسین بزرگان معروف به «شیوا» که در

آن زمان در ارومیه ویولن می‌ساخت بردم و گفتم این ساز را من ساخته‌ام ولی صدا نمی‌دهد، ایشان ضمن بعضی مسائلی که در مورد نواقص سازم به من یادآوری کرد گفت یک عدد «کالیفون» تهیه بکن تا صدا از آن درآید و من این کار را کردم و صدای ویولن خیلی بهتر شد. یادم هست که ایشان گفتند ویولن یکصد و پنجاه تومان است شما یک ویولن حاضر و آماده بخرید و با آن مشق کنید این ساز شما خارج است و فقط شکل آن حدودی شبیه به یک ویولن می‌باشد، خود را اینقدر زحمت ندهید. ولی من چون وضع مالی خوبی نداشتم گفتم با این ویولن کار می‌کنم و در فرصتی که وسع مالی پیدا کردم یک ویولن خوب تهیه خواهم کرد. روزها و شبها با همان ویولن ساخت دست خود تمرین می‌کردم و دلخوش بودم.
در سال 1355 به خدمت سربازی رفتم و پس از دو سال خدمت برای گذران زندگی راننده‌ی کامیون شدم ولی در همه جا و در همه حال عشقم ویولن بود، به همین سبب روزی که در خیابان ولی عصر تهران با دوستم می‌گذشتیم، چشمم به تابلویی افتاد که روی آن نوشته شده بود. کلاس موسیقی «گام». این کلاس متعلق به مرحوم امیرناصر افتتاح بود به دوستم گفتم که من می‌خواهم به این کلاس بروم و جهت فراگیری موسیقی نام‌نویسی کنم او گفت با این عجله و بی‌مقدمه چطور یکباره به این فکر افتادی؟ گفتم که از ده سال پیش تصمیم خود را برای یادگیری ویولن گرفته بودم منتها امکان آن را نیافته بودم.
به هر حال، با عجله از پله‌ها بالا رفتم و به قدری بدنم می‌لرزید که حتی نمی‌توانستم حرف بزنم، در ضمن بسیار هم خوشحال بودم که خدمت هنرمند بزرگی چون امیرناصر افتتاح می‌رسم، وارد کلاس که شدم سراغ استاد را گرفتم، ایشان آمدند و گفتند من افتتاح هستم، گفتم استاد من می‌خواهم که نواختن ویولن را فراگیرم، استاد گفت که شما بروید تصمیم قطعی و جدی خود را بگیرید هر وقت که دیدید آمادگی کامل دارید بیایید و در کلاس نام‌نویسی نمایید، گفتم استاد من از سالیان پیش تصمیم گرفته‌ام گفتند شهریه کلاس ماهیانه پانصد تومان می‌شود و شهریه را تا سه ماه که یکهزار و پانصد تومان می‌شود یکجا باید پرداخت نمایید گفتم اشکالی ندارد، یادم هست آن روز یکشنبه بود و معلم کلاس ویولن ایشان منوچهر لشگری بود، مرا خدمت آقای منوچهر لشگری برد و گفت این شخص به موسیقی بسیار علاقمند است و از ارومیه برای فراگیری موسیقی به این جا آمده است.
به هر حال دفتر نت خریدم و ایشان تمام نت‌ها را برای من نوشت و من از فرط عشق و علاقه تمام نت‌ها را از بر کردم و من در هر سفر که به ارومیه می‌رفتم و برمی‌گشتم وقت داشتم که در بین راه از هر فرصت استفاده کنم و به تمرین بپردازم سه چهار جلسه به کلاسم رفتم، بنابه

عللی ماشین را فروختم و دیگر نتوانستم به تهران رفته و در کلاس درس موسیقی حاضر شوم. این وضع خیلی در روحیه من اثر گذاشت و خیلی افسرده و پریشانحال شده بودم، تا این که روزی دوستم گفت بیا در ارومیه در کلاس موسیقی ثبت نام کردم و معلم کلاس یک قطعه برایم نواخت که من گفتم این سه‌گاه بود که نواختید ایشان گفتند شما که تازه در کلاس نام نوشته‌اید چگونه نام دستگاه‌ها را می‌دانید در جواب گفتم که آنقدر نوار و ویولن گوش داده‌ام که از راه گوش با دستگاهها آشنایی پیدا کرده‌ام. من آن شب تا صبح خواب به چشمانم راه نیافت و دیگر همه زندگی‌ام ساختن ویولن و نواختن آن شد.
در این کلاس موسیقی که متعلق به آقای شاهرخ است، کتاب اول هنرستان مربوط به استاد روح‌اللّه خالقی را تمام کردم و کتاب دوم را نزد آقای محمد مخفیان گذراندم. در کلاس آقای شاهرخ، وقتی ایشان ویولن را به دست من داد من با دقت تمام آن را بررسی کردم و چون کلاس ایشان مرکب از دو اتاق بود هر وقت که به آن یکی اتاق جهت سرکشی به هنرآموزان می‌رفت من خوب پشت و روی ویولن و اطراف آن را بررسی می‌کردم تا از کم و کیف آن تا آنجا که امکان دارد باخبر گردم، روزی از وی سؤال کردم که استاد ویژگی یک ویولن خوب چیست گفت ساز نو یا کهنه‌اش مهم نیست، مهم صدای آن است، معمولاً ویولن‌های ایتالیایی خوب از کار درمی‌آیند، گفتم علت خوبی ویولن‌های ایتالیایی آیا نوع چوب‌هایی است که از آن استفاده می‌کنند گفتند نه در ساختن تمام سازها از یک نوع چوب استفاده می‌شود.
این استادکار است که باید ویولن را از کار دربیاورد و آن را خوش‌صدا و خوب ساخته و تحویل عاشقان آن دهد. گفتم چرا نباید که ایرانی ویولن خوب بسازد گفت داریم چنین شخصی را ویولن می‌سازد از خارجی‌ها هم بهتر و آن آقای ابراهیم قنبری است. لازم به یادآوری است که بنده در آن زمان نام استاد قنبری را نشنیده بودم.
آقای شاهرخ سپس گفت اگر تصمیم قطعی داری که می‌خواهی ویولن بسازی شما را نزد آقای «شیوا» ببرم که با من رفیق است و او راز و رمز ساختن این ساز را به شما بیاموزد.
بالاخره یک روز به اتفاق ایشان نزد آقای شیوا رفتیم، مشاهده نمودم که ایشان همان آقای شیوایی است که من چند سال قبل خدمتشان رسیده بودم و اکنون خیلی پیر شده بودند و مغازه‌ی خود را تبدیل به کتاب‌فروشی کرده بودند تا مرا دیدند شناختند و گفت شما همان شخصی هستید که سالیان قبل آمده بودید و ویولن ساخته بودید و من شما را راهنمایی کردم گفتم آری همان شخص هستم. ایشان گفتند من سالیان متمادی دنبال کسی می‌گشتم تا آموخته‌های خود را در هنر سازسازی به وی بیاموزم ولی

چنین شخصی را پیدا نمی‌کردم، اکنون می‌بینم که این شخص را یافته‌ام. من از لطف و محبت وی تشکر کردم، سپس ایشان گفتند که به پاس این همه عشق و علاقه به هنر و صنعت سازی کشور، من کلیه لوازم و وسائل خود را به شما هدیه می‌کنم تا نگذارید این صنعت در این شهر از بین برود. من هم قبول کردم و هرچه اصرار کردم ایشان دیناری بابت وسائل خود از من دریافت نکردند. و من از آن زمان شب و روز با برادرم اکبر در کارگاهی که به همین مناسبت آماده کرده‌ایم مشغول ساختن انواع ساز بخصوص ویولن، سه‌تار، تار و سنتور می‌باشیم.»
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

اکرمی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
وی در آبان ماه سال 1338ش در شهر گوگد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید و احکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن و احکام اسلامی را فرا گرفت سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدائی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.
سال آخر دوره ابتدائی یعنی پنجم دبستان را طی می کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا محمد صادق به آن مدرسه رفت و شب را در آنجا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر عزیمت کند. با اصرار او و موافقت والدین در سال 1350 ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دوره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.
پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگواری چون حضرات آیات محسن دوزدوزانی، محمد تقی ستوده، محی الدین فاضل هرندی، و ... تلمذ نموده و در نهایت در سال 1363ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که 16 سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی، حسینعلی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمد علی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می رسد که به صورت دست نویس نزد ایشان موجود است.
همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می کرد. در سال 1354

همراه طلاب و فضلا در جلسه ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال 1342 برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می آمد. در سال 1356 به اتفاق جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد علی نکونام سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانیهای افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام امام خمینی(ره) و گلپایگانی و ... دستگیر، بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه نظامی و فرمایشی شاهنشاهی محاکمه و به دو سال حبس محکوم گردید.
دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال 1357 پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.
پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.
یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلای حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی اولین سفر تبلیغی خود را در سال 1354 به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

الحسینی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از هنرمندان دوره‌ی فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود که در هنر خود مهارت داشت. از آثار رقم‌دار این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبایی در زمینه‌ی نخودی سیر است که در وسط و رویه‌ی آن قرنقل آبی خوشرنگی تصویر شده است و در طرفین نیز گلهای متنوع رنگینی است که بین آنها، پروانه‌ها و زنبورها دیده می‌شوند. تذهیب قلمدان نیز نارک قلم است، با رقم: «کمترین حسین الحسینی سنه 1250».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (156/1).

الشریف، ابومحمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم و سیزدهم ق)، نقاش و مجلّد. وی از جمله استادان ممتاز گل و بوته‌سازی در اواخر دوران زندیه بود، که جلدهای رغنی در حد اعلای نفاست می‌ساخت. آثار بازمانده از وی: یک جلد زیبا است با تاریخ 1199 ق و همچنین یک جلد کتاب گلستان سعدی که زمینه‌ی آن مرغش آلبالویی زیبایی است، تصاویر گل و بلبل و پیچکهای ریز طلایی که به استادی نقاشی شده، با رقم: «عمل ابومحمد سنه 1201». احتمالا وی در قلمدان سازی نیز استاد بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1/ 49)، هنر قلمدان (106).

الله اکبری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد الله اکبری
محل تولد : بند قراء
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1358 وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مهر سال 1359به حوزه علمیه یزد رفتم و پس از سه سال تحصیل در آنجا و خواندن دروس مقدمات و معالم و مختصر المعانی، سال 1362 در مهرماه وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه الهادی مرحوم آیة الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم و به ترتیب دروس فقه و اصول را در حوزه قم خواندم.
در سال 1367درس خارج را شروع کردم. درس های فقه و اصول را نزد آقایان نکونام، مدنی، کریمی، نظری، میانجی، عندلیب شیرازی، اعتمادی و بنی فضل و ستوده خواندم. درس خارج اصول را نخست در درس خارج اصول آیة الله صانعی حاضر شدم و سپس درس خارج اصول آیة الله سبحانی و درس خارج فقه را نزد آیة الله مکارم شیرازی حاضر می شدم.
در سال 1368 از طریق کنکور سراسری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قبول شدم و هر هفته دو روز به تهران می رفتم تا در سال 1372لیسانس تاریخ تمدن ملل اسلامی را گرفتم و همان سال فوق لیسانس همان رشته را قبول شدم و در شهریور 1375از این سطح فارغ التحصیل شدم و همان سال در همان رشته و همان دانشکده دکتری قبول شدم که مع الاسف هنوز رساله دکتری را دفاع نکرده ام. از سال 1374 همزمان با تحصیل در معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات واحد پژوهش به پژوهش مشغول شدم و مدت دو سال هم مدیر این واحد بودم از سال 1378 با قسمت دائرة المعارف قرآن کریم دفتر تبلیغات همکاری می کردم تا سال1382.
از سال 1380در واحد سیره و تاریخ اهل بیت سیره دفتر تبلیغات همکاری را شروع کردم و دو سال مدیر گروه سیره اهل بیت (ع) بودم تا سال 1382.و تاکنون هم عضو شورای پژوهش این واحد هستم.
از سال 1379 تدریس در مرکز جهانی علوم را آغاز کردم و سال 1381

جزء هیأت علمی آن مرکز شدم و از اسفند سال 1382 تا کنون معاون پژوهش مدرسه عالی امام خمینی (ره) از مدارس تحت پوشش این مرکز هستم و فعالیتم ادامه دارد. در مراکزی مانند مرکز جهانی، مرکز مهدویت، مؤسسه امام خمینی(ره)، باقر العلوم(ع)، مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس داشته‌ام.

الهی قمشه ای، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود 1322 در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فراگرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه برسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی 1393 قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.
استاد الهی دارای تألیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می‌باشد که شرح حال خود را در صفحه 395 دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می‌نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.
آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.
1- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.
2- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.
3- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.
4- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعیات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).
5- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.
6- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی - نغمه حسینی- نغمه عشاق).
7- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.
(1392 -1320 ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا

(قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌هادی قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقابزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسداللّه یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب‌نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منثور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»؛ «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»؛ «رساله‌ای در سیر و سلوک»؛ حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ای در مراتب ادراک»؛ «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»؛ «دیوان» شعر؛ «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛ «ترجمه صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه مفاتیح الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)
منابع زندگینامه :[1] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (55 -53)، الذریعه (1135، 92 / 9)، سخنوران نامی معاصر (339 -334 / 1)، فرهنگ سخنوران (85)، گلزار معانی (458 -451)، گنجینه‌ی دانشمندان (116 -108 / 8)، مؤلفین کتب چاپی (370 -368 / 6).

امام جمعه، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس امام جمعه سال 1345 در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی خود را در محله قنات آباد تهران آغاز کرد و در همان دوران نوجوانی با تشویق پدر و مادر خود به قرآن روی آورد. وی سپس در جلسات قرآنی شرکت کرد و روخوانی قرآن را نزد استاد مولایی فرا گرفت و به دلیل داشتن استعداد و جدّیت و پشتکار علم قرائت را نیز آموخت.
وی در مسابقات مختلف قرائت قرآن شرکت کرده و مقام‌هایی را به دست آورده است مثلاً رتبه اول مسابقات بین المللی مالزی سال 1368 و رتبه دوم مسابقات بین المللی عربستان سعودی سال 1370.
او همچنین با اهداف قرآنی به کشورهای مختلف مانند عربستان، سوریه، لبنان، انگلستان، چین، و مالزی سفر کرده است.
امام جمعه هم اکنون دانشجوی رشته الهیات و معارف اسلامی است و در شورای عالی قرآن صدا و سیما ـکه زیر نظر مقام رهبری استـ نیز خدمت می‌کند.
منابع زندگینامه :http://st-golbangenamaz.ir

امام، جلال

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جلال امام
محل تولد : رشکوئیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/1/1
زندگینامه علمی
در سال تحصیلی 73 وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) یزد شدم. در سال 75 به مدرسه علمیه مصلی یزد رفته و فقه و اصول را گذراندم و همزمان در کلاسهای زبان جهاد دانشگاهی به مدت دو سال به مکالمه زبان پرداختم. در سال 78 امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) داده و مهر 79 به قم آمدم و در کنار دروس حوزه در رشته تاریخ موسسه مشغول به تحصیل شدم.
پس از اتمام دوره کارشناسی در بهار سال 84 در امتحان ورودی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع موسسه پذیرفته شدم و از بهمن ماه 84 در مقطع ارشد مشغول به تحصیلم.
همزمان سطح دو حوزه را از شورای مدیریت اخذ کردم. از فروردین 86 به عنوان کارشناس اجرایی گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) مشغول به کار شدم و از مهر ماه 86 در این مدرسه مشغول به تدریس می باشم. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد بنده هنوز تصویب نشده است.

امامی فر، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی امامی فر
محل تولد : ملایر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
دوره ابتدایی را در روستا (روستای ارگس علیا از توابع ملایر) گذراندم. پاییز سال 56 برای ادامه تحصیل به بروجرد رفتم روزها در حوزه علمیه نوربخش که الان به نام امام صادق (ع) تغییر نام داده مشغول تحصیل شدم و شب‌ها در مدرسه راهنمایی به ادامه تحصیل دولتی مشغول شدم. اواخر 56 انقلاب شروع شد و در سال 57 که انقلاب ادامه داشت در سال 58 به منظور ادامه تحصیل به قم آمدم.
سال 62 در موسسه در راه حق در برنامه‌های آموزشی آیت الله مصباح شرکت نمودم. و دوره‌های آموزش این موسسه را به پایان بردم. بعد از تأسیس موسسه امام خمینی (ره) به صورت مستقل از طرف معظم له مجدداً در دوره تخصصی تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نمودم و فارغ التحصیل شدم (در سال 74). این برنامه‌ها در کنار درس‌های حوزه بود که دروس اصلی به حساب می‌آمدند. لمعتین را در محضر آیت الله اشتهاردی و مرحوم وجدانی، مکاسب و رسائل را خدمت آیت الله پایانی و محفوظی و اعتمادی خواندم. کفایه را در محضر آیت الله اعتمادی و مرحوم ستوده خواندم. در دروس خارج مرحوم آیات عظام مرحوم تبریزی، صالحی مازندرانی، مکارم شیرازی و سبحانی و آیت الله مؤمن، شرکت نموده و انتقاد کرده‌ام. از سال 74 در دانشگاههای شهید بهشتی تهران، آزاد قم، اراک، بروجرد و ساوه مشغول به تدریس بوده‌ام و حدود 10 سال است که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ساوه هستم.

امامی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عنوان : دکتر ابوالقاسم امامی
آقای دکتر ابوالقاسم امامی از فضلای کم کار اما گزیده کار و دقیق النظر امروز ایران است و در ادبیت و عربیت و اغلب دانش ها و معارف اسلامی ، هم در حوزه و هم در دانشگاه ، به مدارج والای علمی دست یافته است . او متولد بیست و سوم دی ماه 1313 ش در روستای گز (وابسته به بندر گز ، جزو استان گلستان امروز) است . پدرش اهل علم و از شاگردان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود . تا سال 1328 تحصیلات ابتدایی را در گز و بندر گز به پایان رساند . سپس بر وفق علاقه و ارشاد پدر ، به تحصیلات حوزوی (در بهشهر ، گرگان ، و سرانجام و بیش از همه در مشهد) روی آورد ، و استادان فرزانه ای داشت از جمله ادیب نیشابوری ، و میرزا جواد آقا تهرانی . مدتی کوتاه نیز به حوزه ی علمیه ی قم رفت و سپس به تهران آمد . در سال 1339 از کسوت روحانی بیرون آمد و تحصیلات دانشگاهی جدید را در پیش گرفت . یک چند با مجله ی عربی الاخاء همکاری داشت . پس از طی دوره ی لیسانس حقوق سیاسی (1348) در دانشگاه تهران ، دوره ی فوق لیسانس زبان و ادبیات عربی را با احراز رتبه ی اول گذراند (1351) و دوره ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی را با نگارش رساله ای به نام تصحیح و تحقیق در متن تجارب الامم ، نیز تالیف رساله ای در زندگینامه و کارنامه ی ابوعلی مسکویه در دانشکده ی ادبیات و از سال 1360 در دانشکده ی الهیات همان دانشگاه به تدریس پرداخت . از سال 1355 تا 1369 (که بازنشسته شد) ، از سر ویراستاران و صاحب نظران مسائل کتاب و نشر در انتشارات صدا و سیما (سروش) بود . از سال 1371 به عضویت هیئت علمی دانشکده ی الهیات و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد کرج ، در گروه علوم قرآن و حدیث درآمد . همچنین با بعضی نهادهای علمی ـ انتشاراتی نظیر دفتر نشر میراث مکتوب و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، همچنان ، و به موازت کار تدریس و مسئولیت دانشگاهی همکاری دارد . مقالات علمی بسیاری به عربی و فارسی نوشته است .
آثار کتابی چاپ شده یا در دست چاپ ایشان از این قرار است :
1 ـ ترجمه ی قرآن کریم که به توصیف اجمالی آن می پردازیم (چاپ اول ، نگار ، 1370 ؛ چاپ دوم ، اسوه ، 1378)

2 ـ تصحیح متن عربی تجارب الامم اثر هفت جلدی ابوعلی مسکویه (مشکویه رازی) که دو جلد آن (سروش ، 1366) منتشر شده و کار بر روی باقی مجلدات ادامه دارد .
3 ـ ترجمه ی تجارب الامم پیش گفته (جلد اول ، سروش ، 1369)
4 ـ تصحیح ترتیب السعادات ، اثر مسکویه (آماده ی چاپ)
5 ـ رسائل پراکنده ی مسکویه (نزدیک به پایان)
6 ـ رساله فیماهیه العدل (آماده ی چاپ)
7 ـ تصحیح متن الفوز الاصغر (آماده ی چاپ)
8 ـ تصحیح کیمیای سعادت (که ترجمه ای است از طهاره الاعراق / تهذیب الاخلاق اثر ابوعلی مسکویه ، به قلم میرزا ابوطالب زنجانی . چاپ تهران ، انتشارات نقطه با همکاری « میراث مکتوب » ، 1375)
9 ـ تصحیح و ترجمه ی دیوان امام علی (تهران ، اسوه ، 1370 ، 1373)
.

برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

امامی، محمدجعفر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1232 ق)، نقاش و مجلد. از سادات اصفهانی و از خاندان مورد احترام امامی بود که در قلمدان و جلدسازی و کارهای روغنی مهارت داشت. از آثار جلدسازی وی، جلد قرآن رحلی است که رویه آن گل و مرغ پسندیده دارد و در داخل آن، دسته گلهای با طراوتی است که در زمینه‌ی مرغشی و طلایی آن جلب نظر می‌کند. این جلد به خط رقاع خوش، رقم «فی سنه 1232... راقمه محمدجعفر الامامی» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (679/ 2).

امیرلو، عنایت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عنایت الله امیرلو در سال 1323 ، در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه ، در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. در سال 1345 به کشور ژاپن عزیمت نمود و در دانشگاه هیروشیما تحصیلات خود را در زمینه انسان شناسی جسمانی و نیز باستان نشاسی دوره سنگ پی گرفت. عنایت الله امیر لو از سال 1347 به استخدام اداره کل باستان شناسی و سپس مرکز باستان شناسی ایران درآمد. وی همچنین مسئول تهیه شناسنامه برای بسیاری از اشیاء موجود در کاخ موزه گلستان بود. گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : عنایت الله امیرلو پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه ،در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. در سال 1345 به کشور ژاپن عزیمت نمود و در دانشگاه هیروشیما تحصیلات خود را در زمینه انسان شناسی جسمانی و نیز باستان نشاسی دوره سنگ پی گرفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عنایت الله امیر لو از سال 1347 به استخدام اداره کل باستان شناسی و سپس مرکز باستان شناسی ایران درآمد. وی همچنین مسئول تهیه شناسنامه برای بسیاری از اشیاء موجود در کاخ موزه گلستان بود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عنایت الله امیرلو در تاسیس گنجینه اشیاء و ذخایر بازیافته موجود در میراث فرهنگی استان و تهیه برای اشیا مکشوفه قاچاقچیان همکاری داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عنایت الله امیر لو پس از اتمام تحصیلات خود ، در سال 1358 به ایران بازگشت و فعالیت علمی خود را دنبال نمود. وی در دوران حیات خود فعالیت های ذیل را به انجام رسانده است: - شرکت در کاوش های تپه قیطریه تهران - شرکت در کاوش های معبد آناهیتا کنگاور - شرکت در کاوش های شهر ساسانی - اسلامی سیراف بوشهر - شرکت در کاوش های تپه سه گابی ، تویسرکان - بررسی شهرستان دماوند (کشف محوطه ای از دوره پارینه سنگی در روستای قلعه عسگر دماوند) ، سه فصل - بررسی منطقه قاضی میرجعفر یزد - کاوش در فهرج یزد آثار : باستان شناسی اسراییل ، به مثابه ابزاری در خدمت صهیونیسم ویژگی اثر : با همکاری مصطفی تنها ، موزه ، ش 4و32 سالیابی محوطه محوطه های باستانی ایران به روش کربن 14 ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ـ

سال دوم ، ش 1 ، پاییز و زمستان 13663 قلعه عسسگر دماوند تهران ویژگی اثر : راهنمای نمایشگاه دومین گردهمایی باستان شناسی ایران ـ تهران 13764 کاربرد ریاضیات در پژوهشهای باستان شناسی ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ـ سال هفتم ش2و1 ، یادنامه هلن کنتور5 مقدمه ای بر مطالعات دروان سنگ ویژگی اثر : فروهر (نشریه سازمان فروهر) ، ش 4 ، شهر یور 13636 نگاهی به فرهنگهای کهن سنگی ایران ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ـ ش 1 ، پاییز و زمستان 1365
منابع زندگینامه : نشریه باستان پژوهان ، « ویژنامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران » ، زمستان 1379

امین‌ذبیحی، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا امین‌ذبیحی از سازگران خوب و جستجوگر شهرستان بروجرد است که آینده‌ای بس روشن و موفقیت‌آمیز در انتظار دارد، وی به سال 1331 در شهرستان بروجرد متولد شد.
پدر وی که از علاقمندان موسیقی سنتی ایران است که هر وقت به محفلی که در آن از هنر موسیقی برخوردار بود، فرزند خود را نیز همراه خویش به آن محفل می‌برد.
علیرضا امین‌ذبیحی بعدها به ساختن ساز تار و آلات موسیقی علاقه فراوان پیدا کرد و برای این که بتواند از صدا و کیفیت این ساز بهره کافی را ببرد، از سال 1364 فن فراگیری نواختن ساز تار را در قسمت هنری اداره ارشاد اسلامی بروجرد نزد هنرمند ارجمند ماشاالله وحدتی شروع کرد و کتاب‌های اول و دوم مقدماتی استاد روح‌الله خالقی را به پایان برد سپس نزد هنرمند درویش و بی‌تکلف رحیم رفیعی‌منش مشغول فراگیری علم موسیقی گردید.
از سال 1365 نیز ساختن ساز تار و ضرب را آغاز کرد و در ضمن تعمیرات سازهای زهی را نیز انجام داد که باشوق و عشق فراوانی که به هنر موسیقی دارد به این مهم با علاقمندی بسیار ادامه می‌دهد و هم‌اکنون غیر از ساختن تار و ضرب، سه‌تار هم می‌زند.
وی هنرمندی است درویش مسلک و بی‌تکبر و بی‌ادعا که دارای چهار فرزند به نام‌های: حسین، محسن، وحیده و وحید که تمامی ایشان با موسیقی مأنوس و با نواختن یکی از سازهای ضرب و تار آشنا می‌باشند بخصوص حسین امین‌ذبیحی فرزند ارشد وی که آینده‌ای درخشان دارد و در نواختن ساز ضرب سبک امیرناصر افتتاح را دارد و سال‌ها در قسمت هنری اداره ارشاد اسلامی شهرستان بروجرد زیر نظر هنرمند ارجمند ماشاالله وحدتی، با پشتکار و استعداد ویژه خود و پس از آن زیرنظر هنرمند خوب و باارزش دیگر رحیم رفیعی‌منش پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی می‌نماید.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1390 -1320 ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فراگرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیر در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایة الانام» سطوح عالیه را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروزآبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی‌آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید. او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود 40000 کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران درگذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنة والادب»، دایرةالمعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفة الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنّتنا سیرة نبیّنا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ

مرتضی انصاری»؛ «حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترة الطاهرة فی الکتاب».[1]
حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعاظم علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیه بودند.
در سال 1320 ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیةاللَّه حاج سید محمد مولانا و آیةاللَّه حاج سید مرتضی خسرو شاهی و آیه اللَّه آقا شیخ حسین مولف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیةاللَّه حاج سید ابوتراب خونساری متوفی 1346 ق و آیةاللَّه آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی 1345 ق و مرحوم آیةاللَّه نائینی و آیةاللَّه میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصا تشیع نموده است.
نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائره المعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقش از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.
علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول 1390 ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.
آثار خالده‌ی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمومنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود.
و آثار علمی او از این قرار است:
1- دائره‌المعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

2- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. 3- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امین)، الذریعه (26/16 ،259/1482/2)، الغدیر، ترجمه (163 -154 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (379 -377 /4)، مؤلفین کتب چاپی (723 -722 /3)، مستدرکات اعیان (82/1).

امینی هروی، صدرالدین ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 941/930 ق)، مورخ و شاعر. از اعیان هرات و از وزرای سلطان حسین بایقرا بود و در هنگام استیلای ازبکان در آن شهر کشته شد. او ابتدا در هرات در خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا بود و در سال 927 ق به دربار شاه اسماعیل پیوست و به امر او کتابی در دو قسمت به نام «فتوحات شاهی» تألیف کرد. از دیگر آثار وی: «مناظره‌ی مهر و مکتوب»؛ ترجمه «دیوان» علی بن ابیطالب (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (666، 275)، تحفه‌ی سامی (47 -46)، الذریعه (117، 16 -15 /9)، فرهنگ سخنوران (99).

امینی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اکبر امینی که سالیان دراز در رادیو به خدمت فرهنگی و هنری بخصوص موسیقی فعالیت داشته در سال 1298 قمری در شهرستان تفرش متولد شد. پدر وی از ملاکین تفرش بود که منزلش محل آمد و شد آنان بود.
بیش از یک سال از سن علی‌اکبر نمی‌گذشت که همراه خانواده به تهران آمد و ساکن این شهر بی‌دروازه شد. منزل ایشان در تهران مثل تفرش محل رفت و آمد و نشست اشخاص شد با این تفاوت که در تفرش آن اشخاص ملاکین و خان‌ها بودند ولی خانه آنها در تهران محل آمد و شد موسیقی‌دانانی مثل: حسین‌خان اسماعیل‌زاده، ابوالحسن صبا، مرتضی‌خان محجوبی، رضا محجوبی، قمرالملوک وزیری، ملوک ضرای و تنی چند از بزرگان موسیقی ایران و شعرایی نظیر: ایرج میرزا، ملک‌الشعراء بهار و میرزاده عشقی شد.
آمد و شد این هنرمندان بزرگ به خانه‌ی ایشان موجب شد تا پدر علی‌اکبر نزد اسماعیل‌زاده به فراگیری کمانچه پردازد و علی‌اکبر که شش سال از سنش می‌گذشت به یادگیری ویولن نزد رضا محجوبی رفت. وی مدت چهار سال از محضر مرحوم رضا محجوبی بهره گرفت و مدت سه سال هم نزد شادروان ابوالحسن صبا جهت یادگیری موسیقی سنتی ایران و ردیف‌ها و مقام‌های آن به شاگردی پرداخت. سپس مدت یک سال و نیم نزد آساطور هنرمند بزرگ و سرشناس وقت کار کرد تا هارمونی، آهنگسازی و آرانژه (قسمت‌بندی نت برای ارکستر) آموخت.
پدر و مادر وی به قدری مشوق علی‌اکبر در یادگیری موسیقی بوده‌اند که مادر او، وی را در صندوقخانه (از اتاق‌های عقبی ساختمان‌های قدیمی) حبس می‌کرده و می‌گفته به جای بازی‌گوشی و وقت تلف کردن تا آمدن پدرت باید موسیقی را تمرین نمایی و او ساعت‌ها به تمرین اجباری می‌پرداخته که همین امر موجب پیشرفت سریع او در موسیقی شد ولی وی بیشتر به ساختن ساز راغب بود تا نواختن.
به همین سبب در تمام طول فعالیت‌های هنری خود بیش از دوازده آهنگ نساخت ولی در قسمت سازسازی بیش از پانزده کمانچه، چهارصد و دوازده ویولن و چهل و سه تار ساخته و هم‌اکنون هم مشغول ساختن این سازها می‌باشد.

علی‌اکبر امینی، از سال 1325 به سمت نوازنده‌ی ویولن، همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و یکی از بهترین نوازنده‌های ارکستر شادروان مهدی خالدی گردیده و در رادیو کار دومی داشت که آن تعمیر سازهای زهی این مرکز زیر نظر وی بود. وی با نواختن اکثر سازها آشنایی کامل دارد و کار ویولن‌سازی را طبق گفته‌ی خودش، همراه استاد ابراهیم قنبری نزد مسیو آراکلیان فراگرفته و در حال حاضر کارمند بازنشسته‌ی شرکت مخابرات ایران می‌باشد.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

انصاری، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران استاد مسعود انصاری خوشابر ، یکی از اسلام شناسان و محققان عالی مقام و سختکوش و پرکار و صاحب نظر و صاحب اثر در اغلب زمینه ها و رشته های علوم اسلامی ، به ویژه علوم قرآنی و فقه (همراه با حقوق) و حدیث و نیز مترجمی تواناست که به شمه ای از آثار ایشان اشاره خواهد شد .
او در سال 1345 در شهرستان تالش / طالش به دنیا آمد . تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند ، و همزمان به آموزش مقدمات علوم دینی پرداخت . پس از به پایان رساندن تحصیلات دوره ی متوسطه ، برای تکمیل آموخته های دینی به حوزه ی علمیه ی دارالعلوم زاهدان رفت . پس از طی مراحل لازم ، در تهران به تحصیل در دانشکده ی حقوق (در دانشگاه شهید بهشتی) پرداخت ، و با شور و شوقی بیکران تحصیلات حوزوی را پی گرفت و نزد استاد محمد شیخ الاسلامی ، فقه ، کلام ، تفسیر ، علوم قرآنی ، نحو و علوم بلاغی را تا مدارج عالی فرا گرفت و در سال 1370 ش در محضر این استاد عالیقدر و از دست ایشان ـ در 25 سالگی ـ اجازه ی مکتوب « افتاء » به شیوه ی مرسوم در مذهب شافعی ، دریافت داشت و دو سال بعد از دانشکده ی حقوق فارغ التحصیل شد و پس از آن قرآن پژوهی و اسلام شناسی و تالیف و ترجمه و تحقیق را پیشه ی خود ساخت و تاکنون آثار معتنابهی ، هم از نظر ارزشمندی خود اثر ، و هم از نظر کیفیت عالی پژوهش ، پدید آورده که مایه ی اعجاب اهل فن و ارباب نظر است . مهم ترین و طبعاً شریف ترین اثر ایشان ترجمه ی قرآن کریم به شیوه ای شیوا در کمال صحت و دقت است که بخشهای بعدی این مقاله ، تماماً به بحث درباره ی آن و معرفی آن اختصاص دارد . بعضی از آثار دیگر ایشان عبارت است از :
ـ تالیف بیش از چهارصد مقاله برای دو اثر مرجع : دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی و فرهنگ آثار (بخش معرفی کتابهای عربی و فارسی ، به سرپرستی جناب رضا سید حسینی و سه محقق برجسته ی دیگر)
ـ ترجمه ی کتاب واقعه ی کربلا، اثر عباس محمود عقاد
ـ ترجمه ی مجموعه ای از حدوداً چهار هزار حدیث و خطبه و نامه و عهدنامه ، و وصایا و کلمات قصار ، و احادیث موضوعی ، با ذکر اسناد هر حدیث از کتب ششگانه (صحاح سته) اهل سنت و کتب اربعه ی شیعه ، با همکاری بهاء الدین خرمشاهی . نام این مجموعه که تدوین فرهنگ وار و

انواع فهارس را در بر دارد ، پیام پیامبر (ص) است .
ـ هدیه ی معراج (احکام نماز در فقه شافعی)
ـ اهمیت نماز جماعت (ترجمه)
ـ پدیده ی افراط در تکفیر (ترجمه از اثر دکتر قرضاوی)
ـ زن در اسلام و نقش زن در فعالیتهای اجتماعی (ترجمه از اثر فیصل مولوی)
ـ ترجمه ی مجموعه ای از آثار جبران خلیل جبران (از جمله اشکی و لبخندی ، تندبادها ، موسیقی ، عروسان مرغزار ، بالهای شکسته ، عیسی فرزند انسان ، تازه و طرفه ها ، و ارواح سرکش)
ـ ترجمه ی کتاب خاتم النبیین اثر سمیح عاطف الزین که ممکن است عنوان فارسی آن « حضرت محمد در مکه / حضرت محمد در مدینه » باشد .
ـ قاموس شگرفیهای قرآن (در دست تدوین)
ـ پژوهشهای تاریخی در قرآن (ترجمه ی اثر بیومی مهران ، زیر چاپ)
ـ دانشنامه ی حقوق خصوصی این اثر مرجع 3 جلدی ، در مرحله ی حروف نگاری است . و یکی از آثار و کوششهای قرآن پژوهی دیگر ایشان تصحیحی علمی و هر چه دقیق تر ترجمه ی شاه ولی الله دهلوی از مهم ترین و دقیق ترین ترجمه های قرآن مجید به زبان فارسی است ، که متاسفانه چاپ آن در حدود یک دهه به درازا کشیده و هنوز هم منتشر نشده است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

انصاریان، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین فرزند حاج شیخ محمدباقر انصاریان خونساری از گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست. در 18 آبان‌ماه 1323 شمسی در خونسار متولد شده و در تحت تربیت پدری متدین و اهل حال پرورش یافته نشو و نما یافته و هفتمین جد ایشان عارف بزرگ شیخ عرفان بوده که در حمله افاغنه از اصفهان به خونسار آمده و قبرش در سرچشمه خونسار مزار و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه است و اصلا از طایفه انصار مدینه است.
والده ماجده‌اش علویه از سادات مصطفوی است که به عفت و پرهیزگاری و پاکدامنی موصوفه می‌باشد. و این توفیقات ایشان در راه تبلیغ اسلام و معارف اهل‌بیت و تألیفات عدیده از اثر دعاء مادرشان و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سید محمدتقی خونساری رحمه‌اللّه علیه می‌باشد که از خدای متعال خواستند او روحانی و خدمتگذار آستان ولایت و خاندان رسالت و بالاخص سالار شهیدان حضرت ابی‌عبداللّه الحسین علیه‌السلام باشند.
ایشان در اوائل عمر با خاندانش مهاجرت به طهران نموده و در خیابان خراسان ساکن و در مدرسه ابتدائی و دبیرستان مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر برهان انار اللّه برهانه دروس جدید را فراگرفته و به تشویق حکیم الهی میرزا مهدی الهی قمشه‌ای درسال 1341 شمسی به قم آمده و به دروس دیگر پرداخته و از محضر حاج شیخ محمد وحید و مرحوم حاج شیخ محمدجواد خندق‌آبادی و آقای ناطق نوری و حاج شیخ رحمت‌اللّه فشارکی و حاج آقا جمال مرتضوی و آقای جوادی استفاده و مقدمات و سطوح وسطی را خوانده و پس از آن سطوح عالیه را در طهران از حاج میرزا ابوالقاسم فلسفی و حاج میرزا علی آقای فلسفی آموخته و باز به قم آمده و از محضر و دروس آقای فاضل لنکرانی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و آقای خزعلی و حاج شیخ یوسف صانعی فراگرفته و به درس خارج آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم آملی و حاج شیخ ابوالفضل خونساری و آقای منتظری و مشکینی و یزدی شرکت و استفاده نموده و دروس اخلاق و عرفان را از محضر و بیانات آیت‌اللّه حاج شیخ علی‌اکبر برهان و میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌اللّه العظمی میلانی در مشهد مقدس آموخته و در تهران و سایر نقاط کشور به ترویج احکام اسلامی و

نشر معارف اشتغال داشته و دارند و برای صراحت لهجه و انتقادات از رژیم طاغوتی گذشته کرارا بازداشت و زندانی شده و پس از مدتی آزاد و به خدمات خود تداوم بخشیده است.
دارای تألیفات سودمندیست که به طبع رسیده است.
1- اسلام و کار و کوشش
2- اسلام و علم و دانش
3- از اسلام چه می‌خواهید
4- معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر
5- حج وادی ایمن
6- لقمان حکیم چاپ چهارم
7- مناجات عارفان طبع ششم
8- عرفان اسلام حدود 14 مجلد
9- به سوی قرآن و اسلام
10- مقدمه بر دیوان وحدت
11- مقدمه حقوق کیفری
12- مقدمه‌ای بر معاد
13- مقدمه‌ای بر قضاء در اسلام
14- چهره‌های محبوب و منفور در قرآن
15- سیری در اخلاق اسلامی
16- مرز روشنائی
17- شرح دیوان و کلمات باباطاهر
18- فروغی از تربیت اسلامی
19- حسینیه انصاریان (انصار الحسین) در خیابان باغ حاج محمدحسن خیابان ری- که بسیار مجلل و مکمل آماده برای تبلیغ احکام اسلامی و نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام و تدریس و تعلیم و تعلم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انیسی قندهاری

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 973 ق)، شاعر و مورخ. واقعه‌نویس دربار ظهیرالدین بابر بود و استادانه غزل می‌سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (642).

اهوازی، ابوعلی حسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(362- 446)، متکلم، قاری و محدث. معروف به ابن یزداد. در اهواز به دنیا آمد. و در سال 391 ق به شام رفت و تا آخر عمر آنجا بود. ابوعلی در علم قراآت مشهور بود و قرآن را به روایات بسیار قرائت می‌کرد و سرآمد قاریان شام بود. وی بر علی بن حسین غضائری و برشنبوذی و ابوحفص کتانی قرائت کرده بود و هذّلی و غلام هرّاس و احمد سمرقندی و ابوالحسن مصیّنی و دیگران بروی قرائت کرده‌اند. او همچنین از نصر بن احمد مرجی حدیث شنید و افرادی همچون خطیب بغدادی از وی حدیث روایت کرده‌اند. در دمشق درگذشت. کتاب «الاقناع» را در قراآت شاذ پرداخت. او را کتب دیگری نیز هست مانند: «الایضاح فی القراآت»؛ کتاب «البیان فی شرح عقود اهل الایمان»؛- «الفوائد و العوائد» یا «الفوائد و القلائد»، در نصیحت پادشاهان؛ «قراءة الحسن البصری»؛ «النیر الجلی فی قراءه زید بن علی»؛ «الوجیز فی القراآت الثمانیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 218)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (8/ 1073)، سیر النبلاء (18 - 13/ 18)، کشف الظنون (2004، 1994، 1773، 1323، 1303، 211، 140)، لسان المیزان (2/ 439- 442)، معجم الادباء (39 -34 /9)، معجم المؤلفین (3/ 247- 248)، الوافی بالوفیات (12/ 122)، هدیة العارفین (1/ 275- 276).

ایدرم، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن ایدرم
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
پس از اخذ مدرک سال دوم ریاضی فیزیک راهی حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق علیه السلام مشهور به خلخالی شدم. در مدت چهار سال مقدمات را در آن جا فرا گرفتم. بنام ترین استادمان دراین مرحله جناب حجه الاسلام جراثیمی بود. البته، بیشتر دروس این مرحله را پیش خودم خواندم؛ همچنین فراگیری را محدود به درسهای ارایه شده نکردم .در مرحله سطح 1 و 2 هم بیشتر دروس را بجز بخشهایی از آن ، پیش خود خواندم از اساتید این مرحله می توانم آیات و حجج اسلام: وجدانی، اعتمادی، محفوظی و محقق داماد را نام ببرم که مدتی بخشهایی از سطح را پیش ایشان فراگرفتم. در مرحله خارج که از سال 67 شروع شد، بخشهایی از فقه و اصول را نزد آیات عظام: منتظری، صانعی، موسوی اردبیلی، صالحی مازندرانی، احمدی فقیه یزدی فرا گرفتم. از سال 69 هم تحقیق و پژوهش را در جلسه حزب الله در مباحث تاریخی شروع نمودم. کمی بعد به پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام رفتم و مدت چهارسال با آنجا به همکاری پژوهشی پرداختم. سپس در سال 75 به همکاری با پژوهشکده فرهنگ و اندیشه پرداخته و تا چهار سال این همکاری ادامه داشت. از سال 78 تا کنون نیز با موسسه فرهنگی و هنری عصر سبز همکاری دارم. در ضمن، سال 76 تا 79 هم با حوزه هنری همکاری داشته ام.

ایرانی، عبدالمحمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1250 ق)، شاعر، نویسنده، مورخ و روزنامه‌نگار. ملقب به مؤدب السلطان. در اصفهان متولد شد. در هفت سالگی پدرش را از دست داد و در حجره‌ی تجارتی برادران خود به کار مشغول شد و همزمان در مدارس قدیم اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی به شیراز و بوشهر سفر کرد و پس از یک سال اقامت به عتبات رفت. پس از بازگشت به اصفهان، به نمایندگی شرکت اسلامیه، که برای ترویج صنایع وطنی در اصفهان تأسیس شده بود، به بادکوبه رفت و چند سال در آنجا ماند. در سال 1332 ق که به مصر رفته بود، ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره به انتشار روزنامه‌ی «چهره‌نما» پرداخت. به همین سبب به چهره‌نما مشهور شد. در سال 1327 ق به اروپا رفت و در سال 1309 ش به ایران مراجعت نمود. پس از مرگش روزنامه‌ی «چهره‌نما» به مدیریت فرزندش منوچهر مؤدب‌زاده ایرانی چاپ می‌شد. ایرانی سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی احقاق الحق»؛ «زرتشت باستانی و فلسفه‌ی او»؛ «تاریخ مفصل افغان»؛ «پیدایش خط و خطاطان»؛ «امان التواریخ»؛ «فوائد التواریخ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (493 -492 /2)، تاریخ جراید (199 -190 /2)، تذکرة القبور (247)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (318 -317 /1)، مؤلفین کتب چاپی (9 -7 /4).

ایزدی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین ایزدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/7/1

آبان، محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، نساج و طراح. در هنر خود شهره و هم عیار نساجان و طراحان معروف زمان خود، از قبیل غیاث، حسین عبدالله، یحیی و معزالدین بود و استادی چیره‌دست به شمار می‌آمد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1 /1).

آبری سیستانی، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 363 ق)، مورخ، حافظ و محدث شافعی. وی به خراسان، شام، جزیره و حجاز سفر کرد. از ابن‌خزیمه‌ی نیشابوری، ابوالعبّاس سراج نیشابوری، زکریا بن احمد بلخی، محمد بن یوسف هروی و محمد بن سهل قهستانی و دیگران حدیث شنید. علی بن بُشری لیثی سجستانی، یحیی بن عمّار سجستانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. اثر معروف او: «مناقب الامام الشافعی» است که تذکره‌نویسان آن را در نوع خود کم‌نظیر دانسته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (56 /1)، تاریخ سیستان (29)، تذکرة الحفاظ (955 -954 /3)، دائرة المعارف البستانی (20 /1)، سیر النبلاء (301 -299 /16، 500، 12 /10)، کشف الظنون (1839)، مراصد الاطلاع (1 /1)، معجم البلدان (67 /1)، معجم المؤلفین (232 -231 /9)، الوافی بالوفیات (372 /2)، هدیة العارفین (48 /2).

آبنوسی، نریمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از صنعتگران هنرمند کشور، نریمان آبنوسی است که در سال 1302 در شهرستان ساوه متولد شد. وی از سن 8 سالگی به موسیقی روی آورد و به آن علاقه‌ای وافر پیدا نمود. پس از چندی اقدام به ساختن سازی محلی به نام «چگور» کرد، این ساز 9 سیمه می‌باشد و دارای صدایی خوش است.
نریمان آبنوسی از آنجا که به ایران و ایرانی عشق می‌ورزید برای زنده کردن هنر و صنعت ایران، در سال 1328 اولین ساز «عود» را که همان «بربط» ساز ایران باستان است ساخت و به قدری آن را خوب و خوش صدا از کار درآورد که شهرت آن از مرزهای کشور گذشت و به سراسر شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس و از آنجا به عراق، لبنان، سوریه و مصر کشیده شد از جمله یکی از استادان «عود» نواز مصر از طرف محمد عبدالوهاب نزد وی می‌آید عود را می‌بیند و بسیار مورد توجه او واقع می‌گردد. از این زمان به بعد نریمان ایرانی این ساز ایرانی را برای کشورهای عربی می‌سازد تا جلوه‌گر موسیقی آنها شود ولی متأسفانه در ارکسترهای ایرانی از آن یا استفاده نمی‌شد یا اگر هم می‌شد کمتر میدانی به نوازنده‌ی آن می‌دادند.
نریمان آبنوسی، علاوه بر ساختن «عود»، «سه‌تار» و «سنتور» نیز می‌ساخته والحق هم خوب از عهده‌ی کار برمی‌آمده ولی عود کار دست وی چیز دیگری بوده. وی مدتی بنابه دعوت وزارت فرهنگ و هنر وقت به آن اداره رفت و در کارگاه آنجا مشغول کار شد ولی بنابر اختلافی که با رؤسای آنجا پیدا نمود از این وزارتخانه قهر کرد و دیگر به آنجا نرفت و تا پایان عمر در کارگاه خصوصی خود مشغول فعالیت بود، نریمان سازهای خود را بیشتر از چوب‌های افرا و گردو می‌ساخت و خشک کردن چوب طرز مخصوص خود او بود.
نریمان در ساختن «عود»، استاد یحیای دوران خود بود و بهترین و زیباترین «عود»ها را ساخت. «سه‌تار»ها «چگور»ها و «تنبور»های وی نیز بسیار مشهور و کمیاب می‌باشد. مرحوم نریمان سازهای دیگری چون «تار»، «قانون» و «سنتور» نیز می‌ساخت و در درزگیری و وصل قطعات ساز بخصوص «عود» از استادان بی‌نظیر بود، روانش شاد، از وی، دو پسر و سه دختر به جای مانده که همگی ایشان هنرمند می‌باشند، آمو آبنوسی در

رشته پیانو از انگلستان فارغ‌التحصیل گردیده، دختران هم با پیانو و نواختن آن آشنایی کامل دارند و پسر بزرگ وی، ساهاک آبنوسی است که با نواختن تمام سازها آشنایی دارد و بخصوص یکی از «عود»نوازان خوب به شمار می‌آید ولی بیشتر فعالیت وی در ساختن ساز در کارگاه پدر صرف می‌شود.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

آبی، ابوسعد، ابوسعید منصور

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 432 /422 /421 ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعد عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 237)، اعیان الشیعه (2/ 85، 9/ 252)، دائرةالمعارف البستانی (1/ 25- 26)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1/ 12)، الذریعه (3/ 254، 24/ 51- 52، 108)، ری باستان (2/ 394)، ریاض العلماء (5/ 219)، ریجانه (7/ 135- 136)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 668 5/ 195- 196)، فهرست منتجب الدین (161)، فوائد الرضویه (667- 668)، کشف الظنون (1939، 1927، 295)، الکنی والالقاب (2/ 4)، معجم الادباء (6/ 238)، معجم البلدان (1/ 69)، معجم المؤلفین (12/ 13)، نشر دانش (س 13، ش 6، ص 28)، هدیة الاحباب (96)، هدیة العارفین (2/ 473).

آدمیت، فریدون

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
متولد 1299 و فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه تهران. دکترای خود را در رشته‌ی تاریخ سیاسی از دانشگاه لندن دریافت کرد. خدمات اداری را از 1319 در وزارت امور خارجه آغاز نمود و مشاغل مختلفی را در آن وزارتخانه احراز کرد، تا سرانجام به مستشاری سفارت و معاونت نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد منصوب شد. در تهران نیز مدتی مدیرکل اداره‌ی سازمانهای بین‌المللی بود. چندی با سمت سفیر کبیر در هلی نو اقامت داشت و زمانی نیز سفیر ایران در هلند بود. در کنار مشاغل سیاسی و اداری خود به کار تحقیق و تتبع در تاریخ جدید ایران پرداخته است. نشریه‌ی وزارت امور خارجه که حاوی نکات مهم تاریخی است با مدیریت وی منتشر می‌شد. او دارای تألیفات متعددی است که از همه مهمتر کتاب امیرکبیر و ایران است که چند بار به چاپ رسیده است. در این کتاب، گذشته از منابع دست اول، با استفاده از آرشیو وزارت امور خارجه ایران و انگلیس اسناد مهمی را ارائه نموده است. این کتاب از معتبرترین کتبی است که تاکنون در این زمینه چاپ شده است. کتاب دیگری نیز به نام فکر آزادی و مقدمه‌ی نهضت مشروطه انتشار داده است که این نیز تاریخی و تحقیقی است. کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران از آثار دیگر اوست. آدمیت پس از بازنشستگی فراغت بیشتری برای تحقیق در تاریخ قاجار و نهضت مشروطیت پیدا کرد و آثار زیادی انتشار داد. کتاب افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوران قاجار را تنظیم نموده که از تحقیقات سودمند اوست. وی را یکی از تاریخ‌نگاران دوره‌ی جدید ایران می‌دانند که آثارش برای پژوهش تاریخی در دوره‌ی قاجاریه مفید و باارزش است. علاوه بر کتاب، رسالات و مقالات بسیاری نوشته که همگی از لحاظ روش علمی تاریخ‌نگاری به سهم خود اهمیت دارد.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

آذرنوش، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود آذرنوش در سال 1324در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد رشته باستان شناسی در دانشگاه تهران گذراند و برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت نمود و در آنجا موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشگاه کالیفرنیا شد. رساله دکترای آذرنوش در خصوص هنر ساسانی در شرق فارس و منطقه حاجی آباد بوده است. ایشان علاوه بر سوابق پژوهشی میدانی و تدریس در دانشگاههای تهران از تالیفات متعددی به زبان فارسی و انگلیسی و فرانسه برخوردار است از جمله سوابق اداری ایشان می توان به مسئولیت معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی اشاره نمود.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : مسعود آذرنوش در 5 فروردین 1324در کرمانشاه متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مسعود آذرنوش پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، مشغول به تحصیل در رشته باستان شناسی پرداخت، و در سال 1347موفق به اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران شد. وی پس از خدمت وظیفه مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد باستان شناسی شد و در سال 1353پایان نامه خود را با عنوان (تمدن و هنر هیئت) موفق به دریافت درجه کارشناسی ارشد شد. در سالهای پس از انقلاب برای تحصیل به اروپا و سپس آمریکا عزیمت کرد و در سال 1366رساله دکترای خود را با عنوان: هنر ساسانی در شرق فارس» کاوشهای حاجی آباد در نزدیکی داراب، ایران» در گروه باستان شناسی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا ارائه داد. زمان و علت فوت : مسعود آذرنوش زمانی که از مأموریت اداری از هگمتانه همدان به تهران بازگشته بود، در اثر سکته قلبی در هفتم آذر ماه 1387 دار فانی را وداع گفت و در قطعه نام آوران به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرایی و اداری مسعود آذرنوش از سال 1349ـ1375به شرح زیر می باشد: ـ سرپرست هیئت های کاوش و بررسی، مرکز باستا ن شناسی ایران 59ـ1349 ـ استادیار موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران، از 1375. ـ عضو انجمن ایران شناسی اروپا. ـ مشاور مجله باستان شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی. ـهمکار مجله کتابشناسی انتقادی چکیده های ایران شناسی(Abstracta iranica) ـمدیر گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران . ـبورس تحقیقاتی از موسسه باستان شناسی

آلمان،برلن ،1365. ـبورس تحقیقاتی از موزه پلیتن ،نیویورک 67ـ1366. ـانجمن حفظ آثار باستانی و بناهای تاریخی ایالت بروکسل ،بلژیک ،74ـ1373. فعالیتهای آموزشی : مسعود آذرنوش در دانشگاههای تهران، تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی تهران دروس زیر را تدریس کرده است: باستان شناسی اشکانی، باستان شناسی ساسانی، باستان شناسی یونان و روم، روش کاوش و بررسی (نظری و عملی) و تاریخچه باستان شناسی. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مسعود آذزنوش در سالهای 57ـ1345 حضور فعالی در کاوشها و بررسی میدانی ایران داشت چنانکه می توان به موارد زیر اشاره کرد: - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو ـ کار آموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان،1346. - استان خراسان،دانشجو ـ کار آموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان،1347. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو ـ کارآموز، به سر پرستی سیف اله کامبخش فرد، 1347. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو ـ کارآموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان، 1348. - شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه دانشجو ـ کارآموز، به سرپرستی سیف الله کامبخش فرد،1351. - کاوشهای مسجد سلیمان، نماینده مر کز باستان شناسی ایران، به سرپرستی ر.گیرشمن،1352. - شرکت در کاوشهای کنگاور، مسوول کار گاه، به سرپرستی سیف الله کامبخش فرد،1352. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان،معاون هیئت، به سرپرستی عزت الله نگهبان،1353. - کاوش کردار تپه، نماینده مرکز باستان شناسی ایران، به سرپرستی ک.کرمر،1353. - شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه، مسئول کارگاه، به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد،1353. - شرکت در کاوشهای شوش مسوول کارگاه شائور، به سرپرستی ژ.پر، 1355. -کاوشهای گورستان محوطه سنگ شیر و تپه هگمتانه همدان، سرپرست هیئت، 1355 - کاوشهای کنگاور و در چال، سرپرست هیئت، 1356. - بررسی های حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت،1354. - کاوشهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، 1357. - کاوشهای کنگاور کرمانشاه، سرپرست هیئت، 1357. - کاوشهای حاجی آباد (میل نقاره و چهار ستون) فارس، سرپرست هیئت، 1376. - کاوشهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، 1377. - کاوشهای ابراهیم آباد قزوین (کاوش آموزشی گروه باستان شناسی دانشگاه تهران)، سرپرست هیئت، 1379.چگونگی عرضه آثار : مسعود آذر نوش نتایج مطالعات و پژوهشی های باستان شناسی خود را در همایشها و کنگره های ملی و بین المللی متعددی عرضه نموده است، از جمله این همایش ها عبارتند از: - هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی و هنر ایران (مونیخ، آلمان) -سمپوزیوم های چند گانه باستان

شناسی و هنر ایران پیش و پس از پیروزی انقلاب (تهران)؛ -موزه مترو پلیتن (نیویورک، آلمان) -کلوپ باستان شناسی دانشگاه کلمبیا (نیویورک، آمریکا) -موزهای سکلر و فریر (واشنگتن، آمریکا). -همایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو (پاریس، فرانسه) -همایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو و پژوهشگاه علوم انسانی (تهران) -نخستین (تورین، ایتالیا)؛ دومین (بامبرگ، آلمان) و چهارمین (پاریس، فرانسه) کنفرانس اروپایی پیرامون پژوهش های ایران شناسی. آثار : nbsp1 A New sasania temple in Iranica antiqua19842 deux sasions de : اثر ویژگی easten ویژگی اثر :)fouilles a la necropole de sang - e shir (hamedan In the akten des vll . Internationlen kongresses fur iranische kunst and archaeologie , munchen publish19793 first preliminary report, : اثر ویژگی Excavations at hagiabad : اثر ویژگی iranica Antiqua19834 Excavations at kangavar Archaologische mitteihungen aus iran 19815 From persepollise to al - fustet :continuation of acha menid in proceedings of the : اثر ویژگی architectural concepts second european conference of iranian studies , bamberg , 30th september to 4 th october , 1991 ,Publish in 19956 les : اثر ویژگی hagi abad residense sassanide dans le fars dossirers de larcheologie empires perses , d alexandre aux sassanides 19997 Hamedan,survey of Excavationsin in the : اثر ویژگی iran,19758 Kangavar : اثر ویژگی iran1973-74 dictionary of art 19969 kngavar un temple seleucide d dossiers : اثر ویژگی , anahita devient un munoment sassanide de l archeologie empires perses d alexandre aur sassanide 199910 la more de gulien I apostat selon ies sources byzantion , revue internationale des : اثر ویژگی iraniennes ویژگی etudes byzantions 199211 les fouische de hagi abad arabie orientale , mesopotamie et iran meridional de l : اثر age du fer au debut de la period islamique 198412 Mil-e naqarah hanah , complex of two cahar taps in eastrn fars Archeologia iranica et oreintalis miscellanea in : اثر ویژگی honorem louis vanden berghe198913 Parthian and In the splendor of iran14 sapur II : اثر ویژگی sassanian stucoo : اثر ویژگی ardasir II, ans sapur III :Another Perspective Archaeologische mitteilungen aus iran198615 sassanian

In the splendor of iran16 sassanian : ویژگی اثر architecture Art in Eastern fars :the Excavation of a manorhouse at hagi in dissertation Abstracts : ویژگی اثر abad darab , iran internation, section 198817 Seleucid and parthian In the splendor of iran18 Stucco , III, : ویژگی اثر architecture I n the dictionary of art : ویژگی اثر history and uses , I ancient (london :macmillan) forthcoming199619 The manor house of hagi abad and the chranology of the sasssanin Gavernose Histore et culter de parsi centrale : ویژگی اثر . of kusansar ایدز preslamique ecarites et documents archejologiques20 Fire temple andب 137521 زتان : ویژگی اثر آینده و، اخلاق، anahita temple Adiscussion on some iranian palaces of some mesopotamia 198722 : ویژگی اثر iranianpalaces of worship بخش دوران تاریخی در چکیده های باستان شناسی ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه درتهران .23 به مناسبت سفر گرجستان ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ 1378.24 چشم انداز کرد لر در هزاره ی یکم پیش ازمیلاد. ویژگی اثر : نشریه ی انجمن فرهنگ ایران باستان 1353.25 خلیج فارس ، خلیج یتیم ویژگی اثر : نگاه نو 137226 فصل دوم کاوشهای محوطه ی باستانی سنگ شیر در همدان . ویژگی اثر : گزارش های چهارمین مجمع سالانه ی کاوشهای و پژوهشهای باستان شناسی در ایران ،تهران ، 1355.27 کاوشهای گورستان محوطه ی سنگ شیر . ویژگی اثر : گزارش سومین مجمع سالانه ی کاوش ها وپژوهش های باستان شناسی در ایران ، تهران ،1354.28 کهن ترین پاپیروس عربی ویژگی اثر : ترجمه از یوسف راغب که وقف میراث جاویدان می باشد1379.29 نگاهی دیگر به شاهپور دوم ، اردشیر دوم و شاهپور سوم:پیشنهادی برای باز نویسی بخشی از تاریخ دوره ی ساسانیان ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ 1375.30 هنر ایران در دوره ی اشکانیان ویژگی اثر : دائر النعارف بزرگ اسلامی31 هنر ایران در دوره ی ساسانیان ویژگی اثر : دائر المعارف بزرگ اسلامی32 ور تاجیکان ویژگی اثر : معارف دوره دوازدهم 1374.

آذری، علاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1313، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای تاریخ از دانشگاه تهران در سال 1348.
مرتبه علمی:
تدریس دروس مختلف از جمله تاریخ ایران باستان، تاریخ مغول و قاجاریه، تاریخ قرون وسطی در دانشگاههای تهران و اصفهان از سال 1348، دانشیار دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
جغرافیای تاریخی، تاریخ و فرهنگ، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
جغرافیای تاریخی ورامین. تاریخ روابط ایران و چین، سیری در تاریخ و فرهنگ ایران.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 50، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
روابط خارجی، جغرافیای تاریخی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آزاد ارمکی، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر تقی آزاد ارمکی در سال 1336 در شهر ارمک، بدنیا آمد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان مدرک کارشناسی خود را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1359)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1362) و مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی (گرایش اصلی: جامعه‌شناسی نظری- گرایش فرعی: جامعه‌شناسی توسعه) از دانشگاه مری‌لند آمریکا (1371) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه‌شناسی نظریتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رسانید و در 1354 خورشیدی به عنوان دانشجوی رشتة تعاون و سپس جامعه شناسی در مقطع لیسانس در دانشکدة علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شد. در سال 1360 در اولین دورة پذیرش دانشکدة علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشجو در رشتة جامعه شناسی مشغول تحصیل شده و در سال 1364 این دوره را با عنوان اولین فارغ التحصیل رشتة فوق با راهنمایی استاد دکتر غلامعباس توسلی به پایان رسانید. در سال 1367 برای ادامة تحصیل با بورسیة دانشگاه تهران به دانشگاه مریلند آمریکا رفته و در سال 1371 به دریافت مدرک دکتری با گرایش اصلی جامعه شناسی نظری و گرایش فرعی جامعه شناسی توسعه با درجه افتخاری نائل شد. عنوان رساله وی در دوره دکتری «بررسی ریشه‌های نظریه ابن‌خلدون: تحلیل متاتئوریکی» است.وقایع میانسالی : دکتر آزاد از سال 1364 به عنوان مربی در گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شده و مشغول تدریس و تحقیق گردید و تا سال 1367 به تدریس دروس مبانی جامعه شناسی، تاریخ اندیشه اجتماعی متفکران در اسلام پرداخت. در این دوران با جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران و جهاد ساندگی در انجام طرحهای پژوهشی و آموزشی همکاری داشتمشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی اجرایی آقای دکتر آزاد می توان مواردی همچون «ریاست دانشکده علوم اجتماعی»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی اعتیاد پژوهی»، «عضو هیئت مشاوران ماهنامه گزارش گفتگو»، «مدیر پژوهشی»، «مدیریت گروه جامعه شناسی»، «مدیر مسئول مجله

نامه علوم اجتماعی»، «نماینده دانشکده در هیئت ممیزه دانشگاه»، «عضو کمیته ویژه علوم اجتماهی شورای انتشارات دانشگاه تهران»، «عضو کمیسیون تخصصی برنامه ریزی راهبردی شورای برنامه ریزی دانشگاه تهران»، «همکاری در تشکیل انجمن انسان شناسی»، «مدیر مسئول مجله پژوهش زنان»، «عضو هیات تحریریه فصلنامه مطالعات ملی»، «عضو کمیته فرهنگ شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «مدیر گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت)»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آمریکای شمالی و اروپا»، «مسئول کمیته جامعه شناسی توسعه»، «رئیس کارگروه آینده پژوهی آسیبهای اجتماعی شورای اجتماعی کشور»، «عضو هیئت تحریریه دوفصلنامه نسل نامه»، «عضو کمیته علمی گروه علوم اجتماعی و ارتباطات جشنواره بین المللی خوارزمی» و ... را نام برد. فعالیتهای آموزشی : دکتر آزاد ارمکی پس از دریافت مدرک دکتری با راهنمایی جورج ریترز، از جامعه شناسان برجستة آمریکایی، جهت همکاری به دانشکده برگشته و مشغول تدریس دروسی چون تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام و نظریه های جامعه شناسی و جامعه شناسی توسعه پرداخت. موارد تدریس دکتر آزاد: «نظریه های جامعه شناسی2» (در مقطع کارشناسی)، «اندیشه متفکرین مسلمان»، «بینشهای جامعه شناسی»، «سمینارجامعه‌شناسی شهری»،«چارچوب نظری در تحلیل مسائل»، «جامعه شناسی تلفیق نظریه های جامعه شناسی»، «نظریه‌های توسعه»، «بینشهای جامعه شناسی1»، «تحول فرهنگی ایران»، «تغییرات فرهنگی»، «طرح تحقیق»، «نظریه های جدید جامعه شناسی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتب «نظریه در جامعه شناسی»، «مجموعه مقالات گزارش دبیر سمینار»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون»، «بنیانهای جامعه شناختی: خاستگاه های ایده های اساسی در جامعه شناسی»، «زن در رسانه ها»، «بنیان های جامعه شناسی: ایده های اساسی جامعه شناسی»، «نظریه در جامعه شناسی»، «نظریه در جامعه شناسی»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی ابن خلدون»، «نظریه های جامعه شناسی»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از خواجه نظام الملک تا ...»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «کتاب و جامعه کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «جامعه شناسی در ایران»، «جامعه مدنی (اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی ایران)»، «جامعه مدنی اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی»، «جامعه شناسی جامعه شناسی در ایران»، «بررسی کتب مبانی جامعه شناسی»، «نظریه های جامعه شناسی»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت

جامعه»، «ابن خلدون و جامعه شناسی»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه شناسی توسعه»، «جامعه شناسی جامعه شناسان ایران»، «جلد دوم اندیشه اجتماعی متفکران»، «زن در رسانه ها»، «کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «اندیشه نوسازی در ایران»، «درآمدی بر نظریه سازی در جامعه شناسی»، «پست مدرنیسم و توسعه جامعه شناسی معاصر»، «مدرنیته ایرانی روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «ترجمه کتاب جامعه شناسی»، «اذیت و آزار بدنی فرزندان در خانواده تهرانی»، «بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی زنان شاغل در مشهد»، «جامعه شناسی آینده»، «جامعه شناسی در کانادا»، «جامعه شناسی معماری شهر تهران»، «جنبش اجتماعی»، «خلاصه مقاله فرهنگ عمومی و ضرورتهای توسعه»، «رابطه نسلها از طریق خانواده»، «روشنفکری ایرانی و هویت»، «مصادیق اثز تغییر نگرش در توسعه»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، «جامعه شناسی نسلی در ایران»، «تغییرات اجتماعی در ایران»، «پاتوق و مدرنیته ایرانی»، «روشنفکری در گذر اندیشه‌ها»، «علم و مدرنتیه ایرانی»، «فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن»، «جامعه شناسی توسعه اصول و نظریه‌ها»، «جامعه‌شناسی خانواده ایرانی»، «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر»،«Hand book of world »، «logue Among vilizations families»،«Making Civil Societies Work Zivilgesellschaft und gesellschaftliche Praxis»،« uluslararasi oryantalizm sempozyumu»،« making civil societies work-zivilgesellschaft und gesellschaftliche praxis»، « the cultures of economic migration» و مقالات متعددی از جمله « انقلاب و هزیمت جامعه شناسی مارکسی»، « «تئوری جامعه شناختی دفاع از حقوق زنان»، «مقدمه ای بر نظریه وابستگی در جامعه شناسی توسعه»، «پارادایم و جامعه شناسی»، «جامعه شناسی در ایران»، «ظهور جامعه شناسی در ایران»، «دولت و تحول»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «مشارکت و توسعه اقتصادی اجتماعی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «شریعتی و مارکسیسم »، «تاملی جامعه شناختی در بررسی ویژگیهای فرهنگ بسیجی»، «نگرش مردم تهران در مورد سلامت جامعه»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت جامعه»، «آسیب شناسی اجتماعی و بسیج»، «اختلال فرهنگی و زمینه ایجاد آن»، «سنت نوگرایی توسعه»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «عقلانیت در جامعه شناسی/ جامعه شناسی عقلانیت»، «نقش تبلیغات سیاسی در رفتار انتخاباتی

ساکنان تهران»، «بررسی وضعیت خشونت در جامعه تهران»، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «دیدگاه حضرت امام ره درباره توسعه اقتصادی»، «کتاب وجامعه»، «گزیده مقالات سمینار توسعه فرهنگی و اولویت های پژوهشی تلقی تحصیلکردگان در مورد پژوهشهای ،فرهنگی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «جامعه شناسی آینده راهی برای بررسی علمی آینده»، «سهم جلال آل احمددرشکل گیری پژوهشهای فرهنگی واجتماعی ایران(پژوهشی درجامعه شناسی ومردم .شناسی ادبیات)»، «پیشینه نظری دیدگاه جامعه شناسی دکتر علی شریعتی: نسبت شریعتی با مارکسیسم»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه»، «الگوی تحلیل وبرازرابطه دین وتوسعه»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «انقلاب وهزیمت جامعه شناسی مارکسی:معرفی ونقدتئوری دولت وانقلاب اجتماعی خانم تدا اسکاچپل، براساس واقعیت انقلاب اسلامی ایران»، «بررسی امکان وجود بحران در جامعه شناسی ایران»، «بررسی بحرانهای اجتماعی و تحلیلی از دیدگاههای صاحبنظران ایرانی»، «بررسی جامعه شناسی انتخابات مجلس»، «بررسی فرهنگ اپارتمان نشینی باتوجه به مشکلات آن»، «بررسی نظریه نوسازی :مطالعه موردی درباره تقدیر گرایی فرهنگی در ایران»، «بسیج شناسی در جامعه شناسی اجتماعی»، «تئوری جامعه شناختی دفاع ازحقوق زنان »، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «تحلیل جامعه شناسی رابطه باغرب»، «تحلیلی جامعه شناختی از : راههای نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر»، «تحول پذیری فرهنگی»، «تلقی از جهان و تغییرات فرهنگی ناشی از آن»، «تلویزیون در ایران-ابزار توسعه یا نمادسازی»، «جایگاه بسیج شناسی اجتماعی درجامعه شناسی»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «خشونت درشهرتهران»، «نگرش ایرانیان نسبت به غرب,بررسی تجربی درایران»، «نظریه وابستگی»، «نقش آموزش درارتقاء صنعت فرش درایران»، «نقش تبلیغات سیاسی دررفتارانتخاباتی ساکنان ایران»، «نقش روزنامه های داخلی در و حدت ملی»، «نقش صدا و سیما در کتابخوانی»، «نیروی مقاومت ,رفتار و الگو»، «یاداشت سردبیر»، «تلوزیون در ایران: ابزار توسعه یا نمادسازی»، «برابری جنسیتی در حوزه سیاسی»، «تغییررات فرهنگی در استان مازندران(آزمون تجربی نظریه اینگلهارت)»، «روند جهانی جامعه شناسی: تحلیلی از اجتماع علمی»، «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، «جامعه شناسی در کانادا: مساله شناسی بومی و شکل گیری بومی گرایی علمی در علوم انسانی کانادایی»، «فوتبال: پارادکس نوسازی»، «مدرنیته یا تغییر فرهنگی از مدرنیته مورد تجربی ایران»، «تحلیل جامعه شناختی وضعیت دینداری

جوانان با رویکرد بی شکلی دین ورزی»، « جامعه شناسی کانادا: آثار معرفت شناسی مساله شناسی بومی بر شکل گیری بومی گرایی علمی در علوم ،انسانی کانادایی، شکل گیری حوزه های خاص در جامعه شناسی کانادا»، « بدن به مثابه رسانه هویت»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «هرمنوتیک: بازسازی یا گفتگو»، «ترجیحات ارزشی دانش آموزان تهرانی»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «جوانان ومناسبات نسلی»، «تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی (بررسی موردی چند تشکل دانشجویی)»، «رادیو پیام رسانه ای در نوسازی شهری»، «بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی ایران»، «اعتماد، اجتماع و جنسیت »، «بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرهنگ واندیشه»، « «ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه شناسی در ایران»، «اعتماد اجتماع و جنسیت،بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، «رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی»، «شکاف طبقاتی و انقطاع اجتماعی»، « ابعاد وعوامل گسست وپیوند نسلها»، «هویت سازی و بحران هویت در ایران»، «مناطق فرهنگی: تنوع الگوی تغییرات فرهنگی یا یکسانی»، «ارزش های فرهنگی (ارزشی) و تغییرات اجتماعی»، «جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزشی»، «سازمان سنتی: ارزش های خانوادگی و آموزش توسعه ای»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، «جامعه ایران و مکانیسم های تغییرات در آن»، «جایگاه بسیج شناسی اجتماعی در جامعه شناسی»، «سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکلگیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی»، «آموزش جامعه شناسی در ایران،مشکلات و فرصتها»، «نظرسنجی و تحقیقات اجتماعی در ایران»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، «زنان و سریالهای تلویزیونی »، «زنان و سریالهای تلویزیونی (مطالعه ای درباره سریال کلانتر و مخاطبان آن»، «نراقی و جامعه شناسی در ایران»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرآیند تغییر نسلی: بررسی فراتحلیلی در ایران»، «رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خردو کلان» و ... است.جوائز و نشانها : از جمله جوایز و تقدیرنامه های وی «کسب رتبه دوم طرح پژوهشی برگزیده در نخستین جشنواره آثار مطالعات فرهنگی اجتماعی شهر تهران»، «نویسنده کتاب قابل تقدیر در رشته علوم انسانی»، «پژوهشگر نمونه»، «نویسنده کتاب سال برای کتاب جامعه شناسی در ایران» است. آثار : جامعه‌شناسی ابن‌خلدون ویژگی اثر : نویسندگان:تالیف تقی آزاد ارمکی سال نشر:1376 موضوعات: ابن‌خلدون، عبدالرحمان‌بن محمد، 732 - 808ق. -- نقد و تفسیر

ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن محمد، 732 - 808ق. -- معلومات -- جامعه‌شناسی تاریخ نویسان اسلامی جامعه‌شناسان اسلامی محل نشر:تهران ناشر:موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان سرشناسه‌های فارسی:آزاد ارمکی، تقی، 1336 -

آزاد سرو

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، از راویان «خداینامه». وی با احمد بن سهل (وف 307) از بزرگان کامکاریان که داعیه‌ی امارت داشت در مرو ب سر می‌برد. فردوسی سالها بعد از او از کتابش که در «اخبار رستم» نوشته بود و از روایتش راجع به قتل رستم استفاده کرد. البته توجه فردوسی به نظم «شاهنامه» و مرگ احمد نزدیک هفتاد سال فاصله داشت و یقیناً آزاد سرو در طول این ایام جهان را بدرود گفته بود. بنابراین فردوسی مستقیماً از آزادسرو روایت نکرده است، بلکه از «دفتر» بهره جسته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 473، 489، 616)، حماسه‌سرایی در ایران (99 -97)، دایرةالمعارف فارسی (113 -112 /1، 63).

آزادانی، ابوعبدالرحمان قتیبة

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سوم ق)، استاد قرائت قرآن و محدث. از اهالی آزادان، قریه‌ای در اصفهان بود. وی شاگرد و راوی علی بن حمزه‌ی کسائی در قرائت بود. آزادانی گوید: یک بار قرآن را از ابتدا تا انتها بر کسائی قرائت کردم و کسائی نیز قرآن را از ابتدا تا انتها بر من قرائت کرد. او از لیث بن سعد و شُعبه و دیگران حدیث شنیده و یونس بن حبیب از وی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (63 /1)، دائرةالمعارف البستانی (69 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (82 /1)، معجم البلدان (72 /1).

آزرم، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 ش)، زیست‌شناس. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در ایران به فرانسه رفت و تحصیلات متوسطه را در آن کشور طی نمود. سپس وارد مدرسه‌ی کشاورزی گرینسیون و موفق به دریافت دیپلم مهندسی کشاورزی شد. پس از آن به انگلستان رفت و به تحصیل زیست‌شناسی پرداخت. دو سال هم در انستیتو ژنتیک حیوانی کار کرد تا موفق به دریافت دکترا شد. دکتر آزرم پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و به ترتیب عهده‌دار این مشاغل شد: تدریس بیولوژی و ژنتیک در دانشکده‌ی پزشکی و دامپزشکی، دانشیار دانشکده‌ی پزشکی، استاد بی‌کرسی بیولوژی حیوانی وابسته به کرسی انگل‌شناسی. آثار به جا مانده از وی: «تئوریهای اساسی ژنتیک»؛ «جانورشناسی سیستماتیک»؛ «چند بخش از بیوفیزیک»؛ «حالت کلوئید ماده»؛ «ساختمان فیزیکی و ترکیب شیمیایی پرتوپلاسم»؛ «کلباتی راجع به موجود زنده».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (130 /18)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (34 -33 /1)، زندگینامه‌ی مشاهیر و رجال پزشکی معاصر (376)، مؤلفین کتب چاپی (571 -569 /1).

آسایش، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین آسایش در سال 1311 در شهر تبریز بدنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال 1336 در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز را گذراند. وی به علت شاگرد اولی از بورسیه دولتی استفاده کرده و عازم فرانسه شد و تا مقطع دکتری رشته جغرافیا، گرایش روستاشناسی در دانشگاه سوربن تحصیل کرد. ایشان پس از مراجعت به ایران در دانشگاه تبریز با مرتبه استادیاری مشغول به فعالیت شد و تا سال 1364 در این دانشگاه بودند که به افتخار بازنشستگی نائل آمد. دکتر آسایش فعالیت علمی خود را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ادامه داد و تاکنون با رتبه علمی دانشیاری انجام وظیفه می‌کند.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای روستاییوالدین و انساب : پدر حسین آسایش، خیاط بود و امور خیاطی استاد محمدحسین شهریار را بر عهده داشت. پدر بزرگش به حرفه علافی مشغول بود که در زمان خود شغلی مهم بوده است. مادر ایشان نیز خانه‌دار بوده است.خاطرات کودکی : حسین آسایش از دوران کودکی خود خاطرات زیادی بیاد دارد که از آن جمله‌اند: تشکیل حکومت ملی دموکرات در آذربایجان به دست جعفر پیشه‌وری، قطع رابطه با حکومت مرکزی به مدت دو سال، چاپ اسکناسهایی به زبان ترکی، مکاتبات اداری به زبان آذری، تدریس در دانشگاهها و مدارس به زبان آذری (کتابهای موجود هم به زبان ترکی چاپ شده بودند)، تاسیس اولین دانشگاه در تبریز، انتصاب آقای بی‌ریا به سمت ریاست فرهنگ و ...اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین آسایش در خانواده ای از نظر شرایط مادی متوسطی بدنیا آمد. او به همراه خانواده (هفت خواهر و برادر) در خانه 250 متری در تبریز در کنار پدری خیاط زندگی می‌کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین آسایش پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه در تبریز، در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و در سال 1336 از همان دانشگاه فارغ التحصیل گردید. وی به علت شاگرد اولی از طرف دولت در سال 1339 به فرانسه عزیمت کرد و در دانشگاه سوربون پاریس به تحصیل پرداخت و دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی را با درجه عالی از انستیتو جغرافیای دانشگاه سوربن پاریس دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : حسین آسایش از تحصیل در

مدارس به زبان آذری خاطراتی به یاد دارد. وی از مدیر مدرسه خود چنین نقل می کند: مدیر مدرسه ما فرد خوبی بود که به گفته خودش چندین بار مدرسه اش را به خاطر اینکه سواد آموزی گناه است به آتش کشیده بودند و بعدها معلوم گردید که فرزندان آنها در انگلستان مشغول به تحصیل بودند.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین آسایش در کنار تحصیل به آموزش حرفه خیاطی نزد پدر می پرداخت و همچنین در مقاطع ابتدایی و متوسطه به تدریس مشغول بود.استادان و مربیان : حسین آسایش از دوران تحصیل خود اساتید و مربیانی داشته است که در زندگی علمی وی تاثیر بسزایی داشتند که از آنجمله می توان به چند تن اشاره کرد: آقای میرزا عبدالله ساویز (مدیر مدرسه ابتدایی و متوسطه)، آقای دربندی (معلم کلاس سوم ابتدایی)، آقایان دکتر تاجبخش، دکتر صوفی املشی، دکتر ودیعی (اساتید دوره کارشناسی)، پروفسور ژرژ (استاد معروف دانشگاه سوربن دوره دکتری).هم دوره ای ها و همکاران : مرحوم دکتر فرید، دکتر محمود پور، دکتر سید رحیم مشیری، دکتر عزت الله عزتی، دکتر پرویز کردوانی و ... از همکاران و هم‌دوره‌ای‌های حسین آسایش می‌باشند.همسر و فرزندان : حسین آسایش متاهل است. وی دارای سه فرزند پسر است. فرزند ارشد در آمریکا بسر می برد و یک کمپانی در رابطه با هوا و فضا و ناسا دارد. دیگر فرزندانش شغل پدر را ادامه نداده و وارد بازار کار شدند و هم اکنون از تاجران بنام بازار می‌باشند.وقایع میانسالی : دکتر حسین آسایش پس از بازنشستگی به تهران منتقل شد و دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین آسایش پس از اخذ مدرک دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی از پاریس، به ایران مراجعت کرد و در دانشگاه تبریز با مرتبه علمی استادیاری استخدام شد. وی تا سال 1364 (تا زمان بازنشستگی) در همان دانشگاه بود. ایشان پس از بازنشستگی به تهران منتقل و در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت علمی خود را مجدد شروع کرد و در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری از سال 1370 به بعد (تاکنون) به تدریس پرداخت. ایشان در کنار تدریس و تحقیق، دارای سمت‌هایی بوده‌اند که می توان به موارد زیر اشاره کرد: - عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات) - موسس و رئیس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) - موسس و رئیس دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز - مدیر کل اداره کل بودجه و تشکیلات دانشگاه تبریز - مدیر کل اداره کل خدمات دانشگاه تبریز - مشاور وزارت جهاد کشاورزی در سازمان امور اراضی در تهیه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران - عضو کمیته شورای برنامه ریزی آموزش عالی در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران - عضو انجمن جغرافیایی فرانسهمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حسین آسایش دوره دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تهران راه اندازی کرده است. وی همچنین موسس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) و دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز می‌باشد.شاگردان : حسین آسایش درباره شاگردان خود چنین می گوید: شاگردانم که در موقعیت بسیار مهم و کلیدی مشغول به فعالیت هستند، خیلی زیاد است، از جمله چند نفر وکلیل مجلس شورای اسلامی، دو نفر در سازمان ملل در کمیته بحران جمعیت و دهها استاد و روسای دانشگاهها. دکتر قالیباف و سرلشکر مصطفوی هم از دانش آموختگان دکتر آسایش می‌باشند.آرا و گرایشهای خاص : حسین آسایش در زمینه های پیرامون مسائل روستا در ایران و جهان به تحقیق و مطالعه می پردازد.جوائز و نشانها : - اخذ مدال درجه اول فرهنگ به مناسبت شاگرد اولی در مقطع کارشناسی در سال 1337 - دریافت لوح تقدیر سپاس از دست آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان استاد برگزیده جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران - اخذ لوح تقدیر از دومین همایش ملی توسعه روستایی ایران در سال 1386 - و چندین لوح تقدیر دیگر و از دیگر سران عالی رتبه کشورچگونگی عرضه آثار : - انتشار 17 جلد کتاب دانشگاه مربوط به مسائل و مشکلات و برنامه ریزی روستایی توسط دانشگاههای کشور - مدیریت و اجرای 11 طرح تحقیقاتی روستایی منطقه ای و ناحیه ای در ایران - مدیریت و اجرای 3 طرح بین المللی مربوط به مسائل روستایی ایران - انتشار 20 مقاله در نشریات مختلف داخلی و خارجی مربوط به مسائل روستاییآثار : 1 اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 11 آذر، 1374 2 اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 28 شهریور، 1375 3 اقتصاد روستایی (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 18 بهمن، 1374 4 برنامه ریزی روستایی در ایران ویژگی اثر : تالیف، انتشارات دانشگاه پیام نور 13755 برنامه ریزی روستایی در ایران، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 1383 6 جغرافیای اقتصادی ایران 2، صنعت، حمل و نقل، انرژی، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 1383 7 جغرافیایی صنعتی ایران(بخش صنایع سنگین و نیمه سنگین) ویژگی اثر : تالیف،انتشارات دانشگاه تبریز، شماره

13548-173 جمعیت و مسائل روستایی آذربایجان شرقی ویژگی اثر : تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز 13479 راهنمای تحقیق روستاهای ایران ویژگی اثر : تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز 134510 روش شناسی و تکنیک های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش، سیدرحیم مشیری ناشر: قومس - 16 فروردین، 1381 11 روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (مدلها و روشها و فنون) ویژگی اثر : تالیف، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری 138312 کارگاه برنامه ریزی روستایی، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 1373 13 مقدمه ای بر اقتصاد روستایی ایران ویژگی اثر : دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه سال 1385

آشتیانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا مهدی آشتیانی در سال 1306 قمری به دنیا آمد. از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که درسن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید.میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ و فلسفه
والدین و انساب : از پدر و مادری پرهیزگار در ذیقعده سال 1306 قمری میرزا مهدی پا به عرصه وجود گذاشته شد. پدر و نیاکان میرزا مهدی همه از علمای بزرگ اسلام بوده‌اند. در رأس این خاندان آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا حسن آشتیانی (ره) معروف به میرزای آشتیانی است. میرزای آشتیانی به عنوان رئیس علمای تهران در جنبش شکوهمند تحریم تنباکو نقش فوق العاده‌ای را ایفا می‌کرد. ایشان که نماینده میرزای بزرگ شیرزای نیز بود در انجام رساندن هدف قیام و رهبری مردم دخالت مستقیم داشت. آن بزرگوار در سال 1319 قمری درگذشت. از شاگردان مبرّز میرزای آشتیانی، برادرزاده‌اش، مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا جعفر آشتیانی است که افتخار دامادی استاد را نیز داشته است. او پدر فیلسوف عالی مقام میرزا مهدی آشتیانی می‌باشد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که درسن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید.میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل اللّه نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرز اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید

را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت.میرزا مهدی با جدیت تمام همه علوم و معارف فوق را نزد دانشمندان و بزرگان عصر آموخت و از بسیاری اساتید خود به اخذ اجازه و گواهی‌نامه علمی نائل شد.ایشان اگرچه در فقه و اصول و ریاضی و طب صاحب‌نظر و دارای مقامی ارجمند بود، ولی آنچه بیشتر برای او جاذبه داشت گام نهادن در وادی علوم عقلی و فلسفی بود.میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد.

استادان و مربیان : میرزا مهدی آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل اللّه نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرز اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت. از اساتید وی در مباحث فلسفه می توان به موارد زیر اشاره کرد: سیدالحکمائ آقا میرزا ابوالحسن جلوه مرحوم آقا میرزا حسن کرمانشاهی آقا میر شهاب نیریزی میرزا هاشم اشکوری نام برد. از اساتید وی در نجف اشرف عبارتند از: آیت الله آخوند خراسانی آیت الله سید محمد کاظم یزدی آیت الله سید محمد فیروز آبادی آیت الله میرزا حسن نائینی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

همسر و فرزندان : همچنین از یادگارهای میرزا مهدی آشتیانی فرزند دانشمندش، مهندس جلال الدین آشتیانی می‌باشد که از اساتید و نویسندگان توانای کشورمان به شمار می‌رود. فرزند دیگر ایشان، آقای میرزا جعفر آشتیانی است.

وقایع میانسالی : در ماه ذیحجه سال 1368 ه . ق در منزل مرحوم آیت‌اللّه حجت (ره) بودم و مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در آنجا وارد بودند.مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه سید محمد تقی خوانساری برای دیدن ایشان آمدند و بعد از تعارفات و تشریفات، آیت‌اللّه حجت به آیت‌اللّه بروجردی گفتند که آقای میرزا مهدی آشتیانی مکاشفه عجیبی دارند و مناسب است خودشان نقل کنند. مرحوم آشتیانی فرمودند:من مبتلا به یرقان هستم و برای همین مسافرت به خارج هم نموده‌ام ولی علاج نشده است. در سال 1365 ق که توده‌ای‌ها - نهایت تسلط را در شمال و غرب ایران داشتند - به مشهد مشرف می‌شدم. در اتوبوس حالم منقلب شد به

طوری که مسافرین و راننده خیال کردند من سکته کرده‌ام. ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند و در آن حال دیدم که در عرفات هستم و انوار بسیاری از آسمان به زمین می‌آید و دیدم که مردم به یک طرف متوجه هستند. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند: حضرت رسول (ص) تشریف آورده‌اند. من به آن طرف رفتم و دیدم چهارده خیمه در کنار یکدیگر نصب است. خیمه بزرگی بود که متعلق به حضرت رسول (ص) بود من در آن خیمه مشرف شدم و حضرت را زیارت کردم. خواستم از کسالت خود و حوائج دیگرم بگویم. گفتند: چون زائر فرزندم رضا (ع) هستی برو به خیمه‌ایکه متعلق به اوست. پس من به خیمه آن حضرت شرفیاب شدم و سه حاجت خود را اظهار کردم. اول راجع به کسالتم، فرمودند مقدر شده که این کسالت با تو باشد تا از دنیا بروی، دوم راجع به فتنه توده‌ای‌ها، فرمودند به همین زودی شر آنها مرتفع خواهد شد و تا شما با قبور و مجالس سوگواری ما ارتباط دارید در امان هستید و سوم راجع به حاجت شخصی بودکه فرمودند: این حاجت هم رواست.»
زمان و علت فوت : سرانجام بعد از سال‌ها تحقیق و تدریس و عمری سراسر پارسائی مرغ روح میرزا مهدی آشتیانی، عارف فرزانه و فیلسوف و حکیم عالی‌قدر، پس از یک بیماری طولانی در حوالی ساعت ده صبح روز پنجشنبه، سوم اردیبهشت 1332 ش، برابر با نهم شعبان 1372 ق در تهران و در حالی که مشغول افاضه مطالبی در مسئله «شق القمر» بود و گاه گاه بلند می‌فرمود: یا رحمن و یا رحیم یا ارحم الراحمین»، به عالم قدس پرکشید و خطه خاک را از انوار آن وجود تابناک محروم ساخت.یکر مطهر آن مرحوم به قم منتقل شد و پس از تشییع با شکوهی، در جوار کریمه اهل‌بیت (ع) ، حضرت فاطمه معصومه (س) ، نزدیک مرقد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در مسجد بالاسر مبارک به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرزا مهدی آشتیانی حدود 30 سال در مدرسه سپهسالار و مدرسه میرزا محمدخان قزوینی تدریس داشت. معمولاً روزی سه ساعت و گاهی چهار ساعت تدریس می‌کردند. علامه سید جلال الدین آشتیانی نوشته‌اند:دوازده دوره الهیات شفا و چهار دوره طبیعیات این کتاب عظیم را تدریس نموده‌اند. تمهید القواعد را پنج بار و شرح فصوص را تا قبل از سال 1316ش در طول هجده سال، شش دوره و مجلدات اسفار را در دوره‌های متوالی درس داده‌اند.»تسلط ایشان به مبانی حکمت و عرفان و تبحر در آثار ملاصدرا باعث می‌شد تا محفل درس او مورد توجه اهل فضل قرار گیرد.علامه سید جلال‌الدین آشتیانی باز نوشته‌اند:«مرحوم استاد آقا میرزا مهدی سه سال ایام عید را به مقصد زیارت حضرت معصومه (س) در قم به این شهر مسافرت کردند ؛ و در

سفر اخیر مغفور له، حضرت امام خمینی درس اسفار خود را تعطیل کردند و فرمودند، آقای آشتیانی در رتبه اساتید من هستند...»
فعالیتهای آموزشی : میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. ایشان مدتی را نیز در نجف اشرف به تدریس معقول اشتغال یافت و آن گاه به ایران بازگشت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا مهدی آشتیانی در اوائل شباب تدریس منظومه می‌کرد.
شاگردان : اگر چه میرزا مهدی آشتیانی به علت مسافرت‌های زیاد و کسالت طولانی به صورت پیوسته و شایان نمی‌توانست به افاده بپردازد، ولی حوزه درس و محفل بحث او تا اواخر عمر شریفش ادامه داشت و جویندگان معارف ناب از زلال دریای علومش استفاده‌ها بردند. نام برخی از شاگردان زبده وی چنین است:1 - آیت‌اللّه سید علی سیستانی.2 - آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن شعرانی.3 - آیت‌اللّه علامه سید جلال الدّین آشتیانی.4 - آیت‌اللّه دکتر مهدی حائری یزدی.5 - آیت‌اللّه علامه محمد تقی جعفری.6 - آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی.7 - آیت‌اللّه شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی.8 - آیت‌اللّه شهید مرتضی مطهری.9 - پرفسور عبدالجواد فلاطوری.10 - استاد بدیع الزمان فروزان‌فر.11 - دکتر محمد تقی دانش‌پژوه.12 - دکتر مهدی محقق.13 - دکتر ابراهیم آیتی.14 - دکتر محمد صادقی.15 - دکتر محمد جعفر لنگرودی.16 - دکتر موسی جوان.17 - دکتر سید صادق گوهرین.18 - حکیم حاج شیخ علی محمد جولستانی.19 - حکیم شیخ محمدرضا ربانی تربتی.20 - شیخ عبدالکریم روشنا تهرانی.21 - آقا شیخ جعفر خندق آبادی.22 - آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی.23 - آقا شیخ علی محقق کاشمری.24 - آقا سید مهدی لاجوردی کاشانی.25 - آقا سید هوشنگ میرمطهری.26 - آقا سید محمد تقی نقوی.27 - آقا سید محمد حسین آل طیب شوشتری و بسیاری دیگر
آرا و گرایشهای خاص : یکی از ویژگی‌های برجسته میرزا مهدی آشتیانی این بودکه در یک محدوده جغرافیایی نمی‌ماند و مسافرت‌های متعددی را به مراکز علم و دانش جهان داشت. او طی سفری به بخارا مدت یک سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس حکمت و فلسفه اسلامی مبادرت ورزید.بعد از آن به مصر، اسکندریه، برلین، پاریس، رم، هند، بلژیک و دیگر نقاط اروپا مسافرت کرد و با فلاسفه و اندیشمندان آن دیار مباحثاتی را انجام داد.ملاقات‌های ایشان که در واقع نماینده فلسفه و عرفان اسلامی بود - در آشنایی فلاسفه غرب با مبانی بلند و ژرف فلسفه اسلام و ایران تأثیر مطلوبی داشت. _____

آثار :
1 اساس التوحید
ویژگی اثر : اساس التوحید، ط تهران، دانشگاه تهران. این کتاب که قبلاً با مقدمه آقای منوچهر صدوقی سُها چاپ شده بود اخیراً با مقدمه و تصحیح آیت‌اللّه سید جلال الدین آشتیانی مجدداً به چاپ رسیده است.
2 ترجمه اسفار اربعه
3 ترجمه‌ای بر اشارات بوعلی
4 تعلیقه بر اسفار اربعه
5 تعلیقه بر اشارات بوعلی
6 تعلیقه بر شفاء بوعلی
7 تعلیقه بر فصوص ابن عربی
8 تعلیقه بر فصوص فارابی
9 تعلیقه بر مصباح الانس
10 تعلیقه بر منطق منظومه سبزواری
11 حاشیه بر فرائد الاصول
12 حاشیه بر فرائد الاصول‌تعلیقه بر حکمت منظومه سبزواری
13 حاشیه بر کفایة الاصول
14 حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (ره)
15 رساله در اثبات معراج جسمانی
16 رساله‌ای در اثبات معاد جسمانی
17 رساله‌ای در جبر و تفویض
18 رساله‌ای در حقیقت کتاب و میزان به مذاق عرفا، ط تهران، 1352
19 رساله‌ای در شق القمر
20 رساله‌ای در علم اجمالی و طلب و اراده
21 شرح بر مشکلات حافظ
22 شرح حدیث عمران صابی
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

آشنا، محمدطاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1081 ق)، مورخ و شاعر شیعی، متخلص به آشنا. ملقب به عنایت‌خان و خان زمان. اصل وی از تربت خراسان بود. او و پدر و جدش در دستگاه گورکانی هند دارای اعتبار و نفوذ بودند و در پرورش شاعران و ادیبان پارسی‌گوی شهرت فراوان داشتند. آشنا در درگاه شاهجهان صاحب منصب بود و در اواخر پادشاهی او عهده‌دار سرپرستی کتابخانه‌ی شاهی شد. وی در اوایل سلطنت اورنگ زیب در کشمیر گوشه‌گیری کرد و سرانجام در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ سه مثنوی منظوم، که از آن جمله مثنوی در صعوبت راه کشمیر است؛ خلاصه‌ی «پادشاه نامه» ملا عبدالحمید لاهوری تحت عنوان «ملخص»، به نثر در احوال سی سال پادشاهی شاهجهان.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1245، 483- 482 /5)، تذکره‌ی نصرآبادی (58)، الذریعه (1000، 7 /9)، شام غریبان (39)، فرهنگ سخنوران (7)، لغت‌نامه (ذیل/ آشنا)، نشتر عشق (119 -118 /1)، یغما (س 9، ش 2، ص 82).

آغاسی وزیراف، دربندی، حیدر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1257 ق)، نویسنده، مورخ. از جمله آثار وی: «مجمع الملوک فی ذکر سلاطین عجم»، در تاریخ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (2/ 1069- 1070).

آقا ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش جلد و قلمدان‌ساز. در این رشته صاحب کارخانه‌ای نیز بوده است. تنها یک اثر معمولی بزمی از او دیده شده که عبارت است از: تابلوی بزرگ روغنی جوانی در حال خوردن غذا از روی میز بزرگی پر از خوردنی و نوشیدنیهای گوناگون که در اطراف وی دختران جوان به طرب مشغول‌اند. این اثر بزمی با رنگهای زنده و شاد آرایش شده است، با رقم: «در کارخانه‌ی آقا ابوالقاسم سنه 1272».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1/ 46).

آقاسردار، نجف قلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1303 ق)، مورخ و مترجم. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و مقدمات برای ادامه‌ی تحصیلات به بیروت رفته و از آنجا به فرانسه رهسپار شد. مدتی برای تکمیل انگلیسی در لندن صرف وقت کرده در بازگشت وارد خدمت وزارت دارایی شده و یک دوره نیز به وکالت مجلس انتخاب شد. وی از شاگردان فرصت‌الدوله شیرازی صاحب «آثار عجم» است. از آثارش: ترجمه‌ی «تاریخ انگلستان»؛ ترجمه‌ی «تاریخ روسیه»؛ «تاریخ سیاسی نفت»، «دره‌ی نجفی»، در عروض و بدیع و قافیه؛ «راه‌آهن ایران»؛ ترجمه‌ی «شناسایی دام و دد»؛ «عالم حیوانات»؛ «فراماسیون در انقلاب فرانسه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (14/ 235، 8/ 114)، مؤلفین کتب چاپی (6/ 544-546).

آگهی یزدی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1305 ق)، شاعر، زرگر و میناساز. میرزا محمدعلی شهلای یزدی مؤلف «تذکره‌ی شبستان» جد وی بوده است. برخی از اشعار وی در «آتشکده‌ی یزدان» تألیف آیتی یزدی آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (593)، تذکره‌ی سخنوران یزد (3 -2)، الذریعه (12 /9، 35 /4)، ریحانه (59 /1) فرهنگ سخنوران (13).

آل بحرالعلوم، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1282 ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. ادبیات و مقدمات علوم را نزد پدر آموخت. فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی و شیخ عبداللّه مازندرانی فراگرفت. بیشترین شهرت او در شعر و ادب و تاریخ است. او همچون پدرش شاعری توانمند بود. از آثارش: «التاریخ المنظوم»، حدود 1000 بیت، در تاریخ وفیات مشاهیر علما و پاره‌ای از حوادث مهم و تاریخی و مدائح ائمه- علیهم‌السلام؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (4/ 626)، الذریعه (3/ 289)، معجم المؤلفین (3/ 194- 195).

آلیاری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
فارغ‌التحصیل از دانشگاه استانبول در رشته تاریخ، کارشناسی ارشد در زمینه‌های تاریخ آسیا و تاریخ اسلام قرون وسطی، دکترای تاریخ در سال 1345.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مسایل تاریخی از جهت روشن شدن دهلیزهای تاریک تاریخ. نظارت بر 2 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تاریخ ایران بعد از اسلام.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 18، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
در مورد مسایل تاریخی بویژه از جهت روشن شدن دهلیزهای تاریک تاریخ
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آملی طبرستانی، اولیاءاللّٰه، محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 764 ق)، مورخ و شاعر. معروف به ملا اولیاء. مدتها در بغداد تحصیل کرد. سپس به عراق عجم و طبرستان بازگشت و به جهت مرگ اردشیر بن حسن حکمران مازندرانی که ممدوح ظهیرالدین فاریابی بود دلتنگ شد و از استرآباد به خوارزم رفت و چندی در آن سامان زیست. «تاریخ سلاطین مازندران» که نثری ساده و روان دارد از تصنیفات او است. بعدها سید ظهیرالدین مرعشی، از آن زمان تا حیات خود، ذیلی بر آن نوشت. ملا اولیاء گاهی شعر می‌سرود و بیشتر در قالب رباعی طبع آزمایی می‌کرد. از آثارش: «تاریخ رویان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (3/ 510- 511)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (نودونه- صد)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1/ 709)، مؤلفین کتب چاپی (5/ 389)، مجمع الفصحا (3/ 1173).

آیتی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران

عبدالحسین بافقی یزدی (1288 ق ـ 13741 ق / 1332 ش) معروف به آیتی و متخلص به « ضیایی » ، « آواره » و « آیتی » ، از شعرا ، محققان ، نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر که پس از ورود و درنگ 18 ـ 20 ساله ی او در سلک بهائیت و طی مدارج تبلیغ در آن مسلک و دریافت لقب رئیس المبلغین و القاب دیگر و الواح تشویقی از عباس افندی و شوقی افندی و به سر بردن چند سالی با آنها ، با دیدن کژیها و ناراستیها ، دوباره به اسلام و تشیع بازگشت و شرح حال این دوران سرگشتگی فکری و به تعبیر خود فریب خوردگی را در کتاب کشف الحیل (3 جلد ، تهران ، 1370 ـ 1310 ش با تجدید چاپهای مکرر) نوشته و این زندگی پرتلاطم از او شخصیت پرآوازه و حقیقت جو ساخته است . او فرزند حاج ملا محمد بن محمد بن حاج بزرگ ، در خانواده ی علم و عرفان به دنیا آمد . پدرش حاج (ملا) آخوند تفتی از ائمه ی جماعت و خطبای فرهیخته ی یزد ، و در زادگاه خویش نیز امام جماعت و مرجع حل و فصل امور شرعی مردم بود . زادگاهش قصبه ی تفت از نواحی یزد بود . تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه ی زادگاهش آغاز کرد و اولین معلمش پدرش بود . در سال 1303 ق به یزد رفت و پس از فراگیری صرف و نحو و علم بلاغت و منطق در 1305 ق به قصد ادامه ی تحصیلات ، سفر به عتبات عالیات کرد ، و به فراگیری فقه و اصول پرداخت . یک سال بعد پدرش درگذشت و او به درخواست مادر به زادگاهش بازگشت و نظر به ابراز علاقه ی هم ولایتی ها مسند پدر را که امامت جماعت و وعظ و خطابه بود عهده دار شد . در سی و سه سالگی که امامت جماعت مسجد تفت و تصدی امور شرعیه را عهده دار بود ، بعضی از مبلغان بهایی کتابهای این فرقه را به ترفند ، به تعبیر خودش ، به مطالعه ی او رساندند و چون مطالعه ی این کتابها آشکار شد ، یکی از رقبای روحانی ، او را به بد دینی و انحراف عقیده متهم کرد و آزار و ایذاء و بدنامی و رنجهای روحی همراه آن ، او را به دامان بهائیت سوق داد . خود در این مورد می گوید : « ... دستار از سر برافکندم و ریش خود را از بن برکندم و به جهانگردی پرداختم . چون محرم اسرار شدم و مقام عالی یافته بودم رئیس المبلغین شدم » .
ابتدا مدتی در تهران و رشت و اردستان و کاشان به کارهای فرهنگی و

...

تاسیس مدارس و تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس چند بار به عکّا (مقرّ سران بهائیت) مسافرت کرد و از طرف عباس افندی (عبدالبهاء) به « آواره » مشهورگردید و به دستور یا درخواست او و سایر روسای مرکز به تالیف کتاب مآثر البهائیه پرداخت (نام کامل آن الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه) که در تاریخ ظهور و تشکیل بهائیت است . خود در مورد این کتاب می گوید : « چون خواستم طبع کنم عباس افندی نسخه ی آن را طلبید و دستوراتی داد . ناچار بسیاری از آن را تغییر دادم و بنده سه دفعه در تحت نفوذ حضرات به تحریفات و جعلیات مبتلا شد و اینک می گویم آن کتاب که بعداً به کواکب الدریه موسوم شده ، در دو جلد ، به کلی از درجه ی اعتبار ساقط است .... » اما چون تغییرات دلخواه سران بهائیت در آن وارد شده طبیعی است چنانکه در مقاله ی دانشنامه ی ایرانیکا (به انگلیسی ، جلد سوم ، ذیل « آیتی » آمده است « این کتاب هنوز اثر عمده ای در موضوع خود به شمار می آید » .

به نوشته ی دایره المعارف تشیع : « ... پس از فوت عباس افندی (1340 ق) ، شوقی افندی جانشین او آواره را به عکا احضار نمود و آواره از طریق بادکوبه و اسلامبول به عکا و از آنجا به دستور شوقی و برای تبلیغ ، مسافرتی به انگلستان و فرانسه نمود . آواره در اواخر عمر عباس افندی و سپس در اوایل شوقی افندی به میزان زیادی از سوء اخلاق و فساد روسا و مبلغین فرقه ی بهائیت اطلاع حاصل نمود و از کرده ی خود پشیمان شد ؛ و در مسافرت به اروپا و در مراجعت هنگام اقامت در مصر ، در احوالات آنها و مخصوصاً در علل و جهات انصراف میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا نعیم و میرزا علی اکبر رفسنجانی [با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام ، در این عصر ، اشتباه نشود] که از بهائیان اصلی و از مبلغین به نام آنها بودند ، از فرقه ی بهائیت تحقیق و تفحص بسیار نمود و یقین حاصل کرد که آن سه تن با وجود تحمل زحمات و مشقات در طریق بهائیت و انجام تبلیغات فراوان برای این فرقه اخیراً از آن تبری جسته و از عمل خود نادم گشته بودند . آواره نیز هنگام اقامت در مصر زمزمه ی مخالفت آغاز و به جمع آوری اسناد و تصاویر و تهیه ی یادداشتهای لازم علیه بهائیت مبادرت نمود و با ورود به تهران مخالفت خود را آشکار کرد و به تالیف کتاب کشف الحیل اقدام نمود . این کتاب در سه جلد [و گاه چاپ شده در یک مجلد ، چاپ تهران 1307 ـ 1310] و حاوی شرح و تفصیل کافی راجع به حیله ها و نیرنگهای بهائیان تدوین گردیده و ... سند ارزنده و گوهر گرانبهایی است ... » (داریه المعارف تشیع ، ج 1 ، ص 242)

به نوشته ی دایره المعارف بزرگ اسلامی او در سال 1348 ق / 1929 م در تهران اقامت گزید و به خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش)

درآمد ، و به عنوان دبیر به تدریس در دوره ی متوسطه پرداخت . با طبع و ذوق سخنوری که داشت ، به پژوهشهای ادبی روی آورد و نشریه ای ادبی / انتقادی به نام نمکدان [که بعضی منابع برآنند که مقالات مختلف اغلب یا تمامی 61 شماره ی آن را خود او با اسامی مستعار گوناگون نوشته است] در سال 1308 ش منتشر کرد که در واقع گاهنامه بود و انتشارنامنظم آن چند سالی دوام آورد . مجموعه ی آثار او مشتمل بر 17 کتاب است که عمده ترین آنها ترجمه ی تفسیر آمیز قرآن کریم است که به کتاب نبی (به ضم نون) یا قرآن فارسی [یا به قول خود آیتی ، به نقل از یکی از فضلا که در مقدمه ی ترجمه اش آورده فارسی قرآن، که دقیق تر و به ادب شرعی نزدیک تر از قرآن فارسی است] مشهور است . از دو کتاب الکوکب الدریه و کشف الحیل نیز نام بردیم . کتابی نیز به نام تکمیل کتاب کشف الحیل و بیان الحق و نیز جزوه ای به نام ضمیمه ی کشف الحیل دارد و آتشکده ی یزدان (تاریخ یزد) ، و تاریخ فلاسفه ، و فرهنگ آیتی و اثر قرآنی دیگری به نام قصیده ی قرآنیه و ترانه ی روحی (که چون تاریخ نشر آن در منابع شرح حال او نیامده نمیتوان راجع به صحت کلی آنکه در کدام مرحله ی حیاتش نوشته / سروده است ، قضاوت کرد) .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

آیتی، عبدالمحمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد عبدالمحمد آیتی درسال 1305 شمسی در شهر بروجرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از تحصیل در حوزه قم (بمدت دو سال) به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال 1328 با رتبه اول در رشته معقول را به پایان رساند و به دریافت مدرک لیسانس توفیق یافت. استاد پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت، تا آنکه در سال 1359 بازنشسته شد. او هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد.ایشان چندین تالیف و ترجمه در کارنامه علمی خود در زمینه های زبان و ادبیات عربی و فلسفه دارد. ترجمه کتاب "تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالمحمد آیتی تحصیلات ابتدایی و دوره ی متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از چندی رهسپار قم شد و به تحصیل علوم دینیه پرداخت. تحصیلات او در حوزه علمیه قم مدت دو سال به طول انجامید ، سپس به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال 1328 با رتبه اول در رشته معقول فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت.
فعالیتهای ضمن تحصیل : وضعیت معیشت عبدالمحمد آیتی به گونه ای بود که درکنار تحصیل مجبور بود پشتوانه ای برای تحصیلش فراهم سازد. از این روی ، چندی در قنادی و زمانی در نجاری به کار پرداخت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالمحمد آیتی رئیس شورای علمی دانشنامۀ تحقیقات ادبی فرهنگستان نیز بوده است.
فعالیتهای آموزشی : عبدالمحمد آیتی پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت. او چندی در بابل و مدتی نیز در خرم آباد انجام وظیفه کرد. استاد عبدالمحمد آیتی در تاریخ 17/2/1370 به عضویت پیوسته شورای

فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمده است. سوابق تدریس: - مدرّس ادبیات داستانی در دانشگاه فارابی (1356)؛ - مدرّس ادبیات داستانی و عربی در دانشگاه دماوند (1357ـ 1358)؛ - بازنشستهٔ آموزش و پرورش (1358).
جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 آمرزش ابوالعلا معری
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1347
2 الغارات در حوادث سال‌های معدود خلافت علی(ع)،
ویژگی اثر : 1371
3 بسی رنج بردم، بازنویسی‌شده از فردوسی
ویژگی اثر : 1376
4 تاریخ ابن خلدون (تر جمه)
ویژگی اثر : 1363-71
5 تاریخ ادبیات زبان عربی (ترجمه)
ویژگی اثر : تالیف حنا الفاخوری-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-آشنایی با کتاب این کتاب، ترجمه «تاریخ الادب العربی» تألیف حنّاالفاخوری است. کتاب، سیر تحوّل و دگرگونیهای ادبیات زبان عربی طی بیش از 1500 سال را بررسی می کند. آشنایی با این بررسی، گذشته از فاید؟ آن برای فرهنگ عربی، در ارتباط با ادبیات و فرهنگ فارسی نیز مفید است، چرا که رابطه دیرینه ادبیات فارسی با ادبیات عربی و تاثیر ادبیات عرب بر زبان فارسی، ضرورت آشنائی با تاریخ ادبیات عربی و شیوه امروز و آمیخته با نقد و تحلیل را ایجاب می کند. مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدماتی، سراسر تاریخ ادب عربی را به شش دوره تقسیم کرده است: عصر جاهلی، عصر خلفای راشدین و اموی، عصر عبّاسی در شرق، عصر عباسی در غرب، عصر مغول و ترک، و عصر نهضت. آنگاه طی هر یک از این ادوار به بررسی سبکهای جدید نظم و نثر در هر دوره، که خود بازتابی از حوادث و انقلابهای آن دوره بوده، پرداخته است.
6 تاریخ دولت اسلامی در اندلس، محمّد عبداللّه عنان
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1366ـ1371؛
7 تاریخ فلسفه در جهان اسلامی
8 تحریر تاریخ وصاف به زبان ساده

9 تقویم البلدان(ترجمه)
ویژگی اثر : نوشته ابوالفداء
10 داوری حیوانات نزد پادشاه پریان
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1383
11 در تمام طول شب،
ویژگی اثر : شرح چهار شعر بلند نیما-1383
12 درباره فلسفه اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه
13 درباره فلسفه اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه
14 شرح خسرو شیرین نظامی گنجوی
15 شرح منظومه مانلی و پانزده قطعه دیگر
ویژگی اثر : 1375
16 شرح و ترجمه معلّقات سبع
ویژگی اثر : 1371
17 شکوه سعدی در غزل
ویژگی اثر : 1369
18 شکوه قصیده
ویژگی اثر : 1364
19 قرآن مجید
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1367
20 قصّه باربد و بیست قصّه دیگر از شاهنامه
ویژگی اثر : 1380
21 کشتی شکسته(ترجمه)
ویژگی اثر : اثر تاگور
22 گزیده شرح مقامات حمیدی
ویژگی اثر : 1383
23 گزیده از نثر پارسی
24 گزیده غزلیات سعدی
25 گزیده و شرح خمس؟ نظامی
ویژگی اثر : 1355ـ1373
26 گنجور پنج گنج
ویژگی اثر : 1374
27 معجم الأدبا، یاقوت حموی
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1381
28 معلقات سبعه(ترجمه)

29 مقالاتی در مجلّه راهنمای کتاب و آموزش و پرورش
منابع زندگینامه :زندگینامه :عبدالمحمد آیتی"3lسخنوران نامی معاصر ایران ، سید محمد باقر برقعی ، جلد1 ، ص 138

آئینه وند، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و ادبیات اسلامی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته تاریخ و ادبیات اسلامی از دانشگاه القدیس یوسف لبنان.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، فرهنگ و تمدن اسلامی، علوم حدیث، علوم قرآن، سیره، ادبیات عرب، علوم سیاسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 45 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 17
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 3
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ اسلام، ادبیات سیاسی، علم‌التاریخ، تاریخ شیعه.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 15، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
ادبیات، تاریخ، فقه، فرهنگ و تمدن اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بابیوردی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1287، اهر.
درگذشت: 8 اسفند 1366، تهران.
حسین بابیوردی پس از طی دوره‌ی تحصیلات ابتدایی به عنوان اولین سرباز وظیفه‌ی قراچه‌داغ در سال 1307 خدمت نظام را در تبریز آغاز کرد و به تدریج مدارج مختلف خدمت از سربازی تا سرهنگی را گذراند و در سال 1337 بازنشسته شد.
مقاله‌های او در مجلات «بررسیهای تاریخی»، «وحید»، «یغما»، «ارتش» و «ژاندارمری» منتشر شده و از تألیفات او تاریخ ارسباران (1341) و تاریخ پناهندگان ایران به چاپ رسیده است. تاریخ ارسباران حاوی تاریخچه‌ی خانواده‌ی بابیوردی و قرائنی مربوط به آنها از سال 900 ق. تا عصر حاضر است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بارانی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا بارانی
محل تولد : سیرجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
زندگینامه علمی محمدرضا بارانی
وی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان سیرجان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۳ شمسی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم رزمان خود حدود یک سال در جبهه های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.
الف ـ تحصیلات حوزوی:
ایشان در سال 63 پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می آید:
1. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دورس جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.
2. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.
3. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.
ب- تحصیلات دانشگاهی:
ایشان هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیک روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.
1. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال 1373شمسی دریافت نمود.
2. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال 1379 با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

3. دکتری Ph.D«تاریخ اسلام»؛ سال 1381 در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال 1386 از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج ـ مسئولیت‌های علمی:
1. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه از 1382 تاکنون
2. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از 1380 تاکنون که یکی از انجمن های علمی حوزه می باشد.
3. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال 1387 تاکنون که از انجمن های علمی وزارت علوم است.
4. مدیر گروه تاریخ جامعة الزهرا (س) از سال 1386 تاکنون
5. مسئول دبیرخانه انجمن‌های علمی حوزه از 1381 تا پایان 1386
6. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ-پژوهان
7. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی « سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره
8. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از 1382 تاکنون
9. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال 1382 تاکنون
10. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال 1385 تاکنون
11. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از 1383 تاکنون
12. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن های علمی حوزه
13. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
14. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از 1382 تا مهر 1385
15. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از 1381 تا آذر 84
16. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعة الزهراء از تابستان 1385 تاکنون
17. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال 1384 تا 1385
18. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال 1386.
19. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال 1385
20. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد

اسلامی در سال 1385
21. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال 1381
22. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال 1386 و 1387 د- تدریس
ایشان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.
1) تدریس دروس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسلام در مصر و شام، تاریخ اسلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه از سال 1379 تاکنون.
2) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در دانشگاه اهل بیت(ع) در سال های 1383 و 1385 و 1386.
3) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ امویان، تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام و خاورشناسان در مرکز آموزش های اسلامی وابسته به حوزه – گروه تخصصی تاریخ در سال های 1382 تاکنون
4) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال های 1383 تا 1385.
۵) تدریس دروس تاریخی تاریخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشناسان در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال 1385.
6) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال 1387. هـ پژوهش های منتشر شده:
1. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین 1380 در نشریه تخصصی معرفت شماره 40.
2. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره اول پاییز 1381.
3. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آیینه پژوهش شماره پنجم فروردین 1383.
4. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال 1380.
5. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی(ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی 1384.
6. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الاهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز 1384.

7. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز 1385.
8. «احناف» در دائرة المعارف قرآن در دائره المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال 1386.
9. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیة و المعتزلة فی عصر البویهیین» که مجوز انتشار آن از نشریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ 4/7/1386 دریافت شده است.
10. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل‌بویه (سده‌های چهارم و پنجم
هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، 1387.
11. مدخل بسر بن سفیان در دائره المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و ـ پژوهش های آماده نشر:
الف) مقالات
1. امام هادی (ع) و علم و دانش
2. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران
3. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری
4. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه
5. تبیین تاریخی(تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
6. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
7. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
8. تاریخ‌نگاری قرن‌های 4 تا 6 هجری
9. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام
10. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره
11. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه
12. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها
13. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها
14. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها
15. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های
16. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های
17. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه
18. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله
19. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره
20. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله
21. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه
22. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب ها

1. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد.)
2. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).
3. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.
4. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش ها و میزگردها
1. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال 1379.
2. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال 1385.
3. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه های دورن شیعی» در انجمن تاریخ پژوهان در سال 1385.
4. شرکت در میزگرد «بازکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال 1385.
5. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال 1383.
6. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال 1385 برگزار گردید.
7. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعة التاریخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در 2 اسفند 1386 برگزار شد.
8. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال 1383.
9. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال 1385.
10. شرکت در میزگرد «چالش های فراروی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، 1387.
ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه
1. راهنمایی بیش از 36 رساله دفاع شده و در حال نگارش
2. مشاوره 15 (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش
3. داوری 5 (پنج) رساله ارشد

باستانی پاریزی، محمدابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابراهیم باستانی پاریزی فرزند شیخ علی اکبر ، در سال 1304 هجری شمسی در روستای پاریز کرمان دیده به جهان گشود. استاد تحصیلات ابتدایی را در پاریز به پایان برد و دوره دبیرستان را تا سوم متوسطه در سعیدآباد سیرجان به انجام رسانید و در کرمان وارد دانشسرای مقدماتی شد و دیپلم گرفت. در خلال تحصیل ، در حالی که بیش از هفده سال نداشت ، با روزنامه روح القدس همکاری کرد و آثار نظم و نثرش را در آن به چاپ رساند. دکتر باستانی برای ادامه ی تحصیل راهی تهران شد و در دانشسرای عالی در رشته تاریخ و جغرافیا به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس توفیق یافت و تا درجه دکترا پیش رفت. در تهران فعالیت مطبوعاتی خود را گسترش داد و با روزنامه ها و مجلات همکاری نزدیک داشت. استاد مدتی در دبیرستان های کرمان مشغول خدمت بود اما سرانجام به تهران آمد و به کار تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول گردید. از ایشان آثار زیادی تاکنون به چاپ رسیده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : ایران دوره اسلامی
والدین و انساب : محمدابراهیم باستانی پاریزی ، فرزند حاج شیخ علی اکبر معروف به حاج آخوند بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : از آنجایی که پدر محمد ابراهیم باستانی پاریزی فردی باسواد بود ، وی را روانه ی مدرسه ای در همان قریه ی پاریز نمود. این مدرسه در منزل شخصی به نام ملامحمدحسن قرار داشت ـ این فرد همان کسی است که سال ها بعد باستانی پاریزی آثار ، نوشته ها و نامه هایش را تحت عنوان « آثار پیغمبر دزدان » جمع آوری و چاپ کرد - ، در سال 1313 پدر باستانی پاریزی مدرسه ای ساخته و او کلاس پنجم را در همین مدرسه به پایان رساند. پاریزی کلاس ششم ابتدایی را در سیرجان و در دبیرستان بدر سپری نمود. وی پس از به پایان بردن دوره ی تحصیل در مقطع ابتدایی ، به مدت 2 سال ترک تحصیل کرد ، اما در این فاصله در محضر کلاس پدر حاضر می شد و به آموختن ادبیات و عربی می پرداخت. او در سال 1318 برای ادامه ی تحصیل عازم سیرجان شد و سه

سال اول دبیرستان را در آنجا گذراند ؛ علی رغم آن که وی تصمیم داشت بجای تحصیل به اداره پست و تلگراف رود ، اما با توصیه یکی از معلمان خود برای ادامه ی تحصیل به دانشسرای مقدماتی کرمان ، که به کوشش رئیس فرهنگ وقت (رهبر کسروی) شبانه روزی شده بود ، وارد شد. با توجه به اینکه این دانشسرا تنها به محصلان رتبه ی اول و دوم اجازه ی ادامه ی تحصیل در دانشسرای عالی تهران را می داد ، پاریزی توانست شاگرد دوم این دانشسرا شده و به تهران رود. سال ششم را در دبیرستان رشدیه ی آن روز خواند و سپس در دانشسرای عالی تهران در دانشکده ادبیات به ادامه ی تحصیل در رشته ی تاریخ پرداخت. پس از آن باستانی پاریزی به کرمان رفت ، اما مجددا در سال 1337 برای دوره دکترای تاریخ به تهران بازگشت و توانست این دوره را نیز به پایان برد.
خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیلات دوره ی دبیرستان محمد ابراهیم باستانی پاریزی در سیرجان مصادف با جنگ جهانی اول بود. این سال ها برای کشورمان سال های سختی بود ، چرا که جنگ جهانی باعث گردید فقر و گرسنگی بر همه جا سایه افکند. با سقوط رضا شاه در سال 1320 ، پاریزی تصمیم گرفت از کلاس نهم (سوم دبیرستان) ترک تحصیل نماید و در پستخانهٔ پاریز به جای مدیر قبلی که در همان زمان بازنشسته شده بود استخدام شود ، اما چیزی که باعث شد او از این کار منصرف شود ، مقاله ای بود که در روزنامهٔ « بیداری » به چاپ رساند ، او در این مقاله جوابیه ای در مقابل مقالهٔ مرتضی برازجانی که از معلمان مدارس کرمان بود تنظیم نمود. این مقاله در احوال حضرت فاطمه زهرا (ع) و کیفیت زندگی او تنظیم شده بود ، پاریزی در جواب نوشت « اینکه زنهای امروز از این بانوی بزرگ سرمشق نمی گیرند ، تقصیر مردان است که زن ها را به گونه ای دیگر می پسندند ، تقصیر زن ها نیست ... » در همان زمان یک معلم کرمانی به نام منصوری که برای توزیع کوپن به پاریز آمده بود با خواندن این مقالعه او را از خدمت در پست و تلگراف برحذر داشت .
فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از به پایان بردن دوره ی ابتدایی ، به مدت دوسال ترک تحصیل نمود و در همین سال ها مجله ی خطی به نام « ندای پاریز » با سه مشتری منتشر کرد.
استادان و مربیان : از معلمین دوره ی ابتدایی محمد ابراهیم باستانی پاریزی می توان آقایان : سید احمد هدایت زاده نبوی پاریزی ، یحیی سالمی پاریزی و میرزا غلامحسین سعیدنیا معروف به ناظم را نام برد. از معلمین پاریزی در سه سال اول دبیرستان می توان آقایان : سید عبدالحسین حجازی ، ابوالقاسم ارجمند ، محمد صنعتی ، جلال پور ، صفوت و چند تن دیگر را نام برد که در شکل گیری معلومات و ذوق وی تاثیرگذار بوده اند. همچنین او در تابستان با مراجعت به زادگاه خود ، از محضر

پدرش نیز که محل تردد رجال ادب ، سیاست و اهل ذوق بودند استفاده های زیادی می نمود ؛ از کسانی که در این مجلس حاضر می شدند اسماعیل مرآت ، هادی حائری ، عطیفه ، مایل تویسرکانی ، صادق انصاری ـ از رؤسای اسبق معروف کرمان ـ هادی اشتری ، ابوالفا معتمدی ، آقاسید محمدرضا مدنی ، سیدجلال هجری رفسنجانی ، شیخ عبدالمحسن محسنی ـ که از خوشنویسان به نام و از شعرای سیرجان بود ـ و مرتضی خان ستوده و بسیاری از رجال صاحب ذوق سیرجان و زیدآباد و همچنین معلمان کرمان می توان نام برد. پاریزی در فاصله ی‌دو ساله ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کرمان از محضر آقایان : فنایی ، الفت ، سید حسین مدنی پور ، دکتر پورحسینی ، دکتر بقایی ، بهمن اوف ، صباحی محمد طاهری ، محمد طاهری ، محمد صرافی ، رغبتی ، محمد علی بابایی ، مهندس کارآموز و چند تن دیگر نیز استفاده نمود. او در سال ششم ادبی دبیرستان رشدیه نزد معلمین معروفی همچون محمد جواد تربتی ، عضدتی ، محیط طباطبایی ، دکتر گوهرین ، محمد علی خلیلی به کسب علم پرداخت. پس از واردشدن در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ، در رشته ی تاریخ محضر استادان بزرگواری چون نصرالله فلسفی ، رشید یاسمی ، سعید نفیسی ، عباس اقبال آشتیانی ، دکتر سعادت ، دکتر مجیر شیبانی ، دکتر بینا ، فاضل تونی ، دکتر احمد بهمنش ، دکتر احمد مستوفی و دکتر محمدحسن گنجی را درک نمود. باستانی پاریزی دوره ی دکترای تاریخ را زیرنظر استادانی چون دکتر محسن عزیزی ، ابراهیم پورداود و سعید نفیسی به پایان برد.

همسر و فرزندان : محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از اتمام تحصیلات عالیه در سال 1337 به کرمان بازگشت و در همین سال با یکی از معلمان دبیرستان دخترانه بهمنیار کرمان ازدواج نمود که حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر می باشد و هر دو فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد ابراهیم باستانی پاریزی به مدت سه سال سرپرستی دبیرستان دخترانه « بهمنیار » را به عهده داشت. در سال 1337 بعد از اخذ مدرک دکتری ، ابتدا در موزه ایران باستان شروع به کار نمود و چون دکتر خوانساری مدیر داخلی مجله « دانشکده ادبیات » دانشگاه تهران برای استفاده از فرصت مطالعاتی به اروپا رفته بود ، وی را به عنوان غلط گیر مجله به دانشکده ادبیات منتقل نمودند. حدود ده سال مدیریت مجله « دانشکده ادبیات » را به عهده داشت تا اینکه در سال 1349 برای فرصت مطالعاتی به اروپا رفته و به همین خاطر از کار مستعفی شد.

فعالیتهای آموزشی : محمد ابراهیم باستانی پاریزی در پاییز 1330 پس از

اتمام تحصیلات عالیه به سمت دبیری دبیرستان های کرمان منصوب شد و سه سال نیز سرپرستی دبیرستان دخترانه بهمنیار را به عهده گرفت. در سال 1337 بعد از اخذ مدرک دکترا ، به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفت و به کار تدریس پرداخت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد ابراهیم باستانی پاریزی در کنار فعالیت های آمزشی ، با نوشتن مقاله و شعر ، با مطبوعات نیز همکاری داشتند. وی در دوره دانشسرای مقدماتی در روزنامه « بیداری ایران » مقاله ای در رثای معلم دانشسرا ، مرحوم ادیب بامداد نوشت و در همین سال ها با انتشار روزنامه « روح القدس » در کرمان مقالات خود را به چاپ رساند. در دوران تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات به عنوان مترجم عربی با روزنامه « کیهان » همکاری خود را برای ترجمه روزنامه های معروف مصر « المصری ، الاهرام ، آخرساعه ، اخبار الیوم » و امثال آن آغاز نمود. پس از اتمام تحصیلات عالیه با توجه به آنکه در کرمان به شغل دبیری مشغول بود ، در روزنامه « بیداری کرمان » که تحت مدیریت سید محمد رضا هاشمی ـ بعد از سید محمد هاشمی ـ مقالاتی را منتشر کرد ، پس از آن با به دست آوردن امتیاز مجله ای به نام « هفتواد » از سال 1336 تا 1337 در چاپخانه یارمند کرمان 17 شماره ی آن را به چاپ رساند. بعد تحصیلات دوره ی دکترا مقالاتی را در مجلات « یغما ، دانشکده ادبیات ، بررسی های تاریخی ، وحید ، گوهر ، هفت هنر » و امثال آن منتشر نمود که بلافاصله در مجله ی « خواندنی ها » نقل می گردید. « سپید و سیاه » ، « راه نمای کتاب » و مجله « باستان شناسی » نیز مقالات او را چاپ می کردند. از جراید شهرستان ها مثل « پارس شیراز » ، « اندیشه کرمان » ، « خراسان مشهد » ، « استوار قم » در افغانستان مجله « آریانا » ، « نوای ملت » خوزستان و امثال آن نیز اشعار و نوشته هایش راچاپ می کردند. در ستون انتقاد روزنامه اطلاعات مقالاتی را چاپ نمود که این مقالات در کتاب جداگانه ای به نام « زیر این هفت آسمان » تجدید چاپ شد. بعد از انقلاب نیز با بسیاری از جراید و مجلات مثل « نهیب آزادی » ، « ماهان » ، « حدیث کرمان » ، « آینده » و « چیستا » نیز به همکاری پرداخت. استاد باستانی پاریزی در شعر و شاعری نیز دستی داشته که مجموعا سه بار اشعار او در سال های 1327 تحت عنوان « یادبود من » ، در سال 1340 تحت عنوان « یاد و یادبود » و در سال 1363 با نام « یاد بود » چاپ گردید . اشعار وی در سال های تحصیل معمولا در جراید تهران ، خصوصا « توفیق » با سبکی خاص در دوبیتی عرضه می گردید.
آرا و گرایشهای خاص : محمد ابراهیم باستانی پاریزی عمر خویش را بر سر معرفی و شناخت هر چه بیشتر سرزمین کرمان گذاشته اند ، به قول

یکی از اساتید : « ... و ندیده ام که او [پاریزی] روزی از یاد مردم کرمان و سرزمین آن خالی باشد ، اگر کتابی یا مجله ای به دستش می افتد ، نخست می خواهد بداند که آیا در آن مطلبی در بارهٔ کرمان هست یا نه ؟ اگر در کنگره ای و مجمعی علمی پیشنهاد سخنرانی با او می کنند ، تمام هم او آن است که در موضوعی سخن بگوید که به وجهی ، ولو بسیار دور با کرمان ارتباط داشته باشد و چنین موضوعی را ، هر چند دور از ذهن باشد ، پیدا می کند و در آن باره سخن می گوید. او عاشق کرمان و مردم آن است و عشقش عرضی و مجازی نیست که از او جدا شود با شیر اندرون شده و با جان خواهد بود. او تنها عاشق کرمان و منطقه ی آن نیست ، ایران و مردم آن را نیز به همان اندازه دوست دارد ، کسی نمی داند که در ذهن باستانی ، ایران اصل است یا کرمان ، پاریز فرع است یا کرمان ؟ و اگر کسی به اوضاع جهان واقف نباشد و فقط نوشته های پاریزی را بخواند خیال خواهد کرد که کرمان دل ایران است و پاریز دل کرمان . » تاریخ در نظر باستانی پاریزی امری طولی و زمانی نیست که حوادث در آن به دنبال هم و در توالی یکدیگر قرار گرفته باشند ، در اندیشه ی او زمان تبدیل به مکان و طول مبدل به عرض شده است و حوادث زمانی مانند اشیا ء مکانی در جنب هم قرار دارند نه در پشت سر هم ؛ در نظر باستانی حوادث تاریخ جز « به درد گواه و شاهد برای امور مبتلا به فعلی مردم نمی خورند و گذشته مقدمه حال است و اگر تاریخی نتواند مشکلی را از حال حل کند ، بی فایده و بی حاصل است . » باستانی پاریزی به عنوان یک مورخ ادیب معتقد است که در تمدن چند هزاره ساله ی ما که هزار و پانصد سال با زبان فارسی امروزی همراه بوده است ، غیر عادی نیست اگر تاریخ با ادب آمیخته شده باشد ، بیشتر کتب ادب فارسی ما حاوی قسمت مهمی از تاریخ اجتماعی ماست و یاد می کند از عباس اقبال که می گفت : « دیوان معزی نیشابوری ، خودش یک تارخ سلجوقی است » . از طرف دیگر شعر و ادب ، در نگارش تاریخ یک چاشنی ای به نوشته می دهد تا خواننده را به دنبال کردن بحث تشویق و ترغیب کند. او می گوید : « البته مرزی هست میان شعر و ادب با تاریخ و سرگذشت که این مرز باید رعایت شود و نکته همین جاست که کسی از مرز خود تجاوز و از خط سیر خود عدول نکند. » پاریز معتقد است از شعر و ادب در تاریخ و پیوند این دو مظهر بزرگ فرهنگ ایرانی ، چیزی نیست ، مگر ادامه ی سنت و روال فرهنگی قدیم و تاریخ نویسی هزارساله ی ما و اینک یک دانشجوی کم استعداد ، به همان راه قدم نهاده ، و چنان می نماید که مورد تشویق همه قرار گرفته است. دکتر باستانی پاریزی در مورد تاریخ و تعریف آن برخلاف دیدگاه اروپاییان که معتقدند « تاریخ علم ساختن آینده است » و یا به قول ابن خلدون « تاریخ عبرت است » ، با تاریخ نگاری

منظم و کرونولوژیک فاصله دارد ، او می گوید : « جامعه از تاریخ چه می خواهد ؟ جامعه مایل است که تاریخ مثل بسیاری از منابع دیگر فرهنگی یک مملکت برای هریک از افراد آن ملت یک « شخصیت ثابت » و قابل اعتنا و در خور احترام پدید آورد ، چه ، ثابت شده است که در برابر حوادث و پیش آمدها ی روزگار ، تنها کسانی پایدار و بردبار و خوددار و حلیم و چاره جو هستند که از یک « شخصیت ثابت » برخوردار باشند. اشخاصی که از جهت روانی نتوانند شخصیت خود را توجیه کنند ، و نقص شخصیت ، و بیماری تزلزل ، و فساد شخصیت داشته و درباره ی هویت خود دچار تردید باشند ، هرگز افراد قابل اطمینانی برای یک جامعه نخواهد بود ... ». او معتقد است که دوران نوشتن تاریخ های کرنولوژیک به روال سابق سپری شده است و با توجه به آنکه دوران مطبوعاتی ها ، روزنامه نویسان ، رپورترها ، فیلم بردارهای تلویزیون ، مشغول نوشتن و تنظیم تاریخ کرونولوژیک ایران و دنیا هستند خیلی مستندتر و مفصل تر از تاریخی که فی المثل « هدایت » صاحب روضه الصفا ناصری برای قاجاریه نوشت ، یا شرف الدین یزدی صاحب ظفرنامه برای تیمور ، یا اسکندر بیک منشی صاحب عالم آرا برای شاه عباس. همچنین او می گوید : « تاریخ واقعی را وقتی می شود نوشت که بسیاری از اسناد محرمانه سیاسی آزاد شده باشد و این معمولا بیش از سی سال وقت می طلبد ، به عبارت دیگر ، تاریخ واقعی امروز را نسل آینده خواهد نوشت. ما اگر همت و علاقه و بینش و توانایی و متد داشته باشیم ، بتوانیم تاریخ قرن پیش را بنویسیم ، خود کاری است که در حد معجزه است » ! ----------

آثار :

1 آثار پیغمبر دزدان

ویژگی اثر : نخستین کتاب باستانی پاریزی به نام « آثار پیغمبر دزدان » در سال 1323 یعنی زمانی که در دانشسرای مقدماتی بود چاپ شد. او درباره ی این کتاب می گوید : « در یکی از تابستان ها وقتی مرحوم احمدآقا معین زاده رفسنجانی به پاریز آمد ، نامه های زیادی از پیغمبر دزدان داشت ، که آنها را رونویس کردم و از جاهای دیگر و اشخاص دیگر نیز شنیده ها را یادداشت کرده و درسال 1323 مقدمه ای برآن نوشتم و مرحوم سعیدی یزدی مدیر کتابفروشی گلبهار کرمان آن را چاپ کرد و این نخستین کتاب من بود که به چاپ می رسید ».

2 آسیای هفت سنگ

3 از پاریز تا پاریس

ویژگی اثر : باستانی پاریزی خاطرات مسافرت به اروپای خود را (فرصت مطالعاتی) در مجلات « وحید » و « یغما » منتشر نمود ، که بعد از مدتی

به صورت کتاب « از پاریز تا پاریس » درآمد.
4 اژدهای هفت سر
ویژگی اثر : « اژدهای هفت سر » مقاله مفصلی است که باستانی پاریزی با عنوان « خودمشت مالی » به جهت تصحیح اشتباهات گذشته تنظیم نمود .
5 اصول حکومت آتن
ویژگی اثر : درسال 1337 در دوره ی دکترا به عنوان تکلیف درسی ، رساله « اصول حکومت آتن » را که از رسالات ارسطو است ، به فارسی ترجمه نمود که چند سال بعد با نقدمه استاد دکتر غلامحسین صدیقی منتشر شد.
6 ترجمه اخبار ایران (از ابن اثیر)
7 تصحیح و تحشیه تاریخ شاهی قراختائیان
8 تصحیح و تحشیه تاریخ وزیری
9 تصحیح و تحشیه جغرافیای کرمان وزیری
ویژگی اثر : پس از انتشار این کتاب توسط باستانی پاریز ، بلافاصله به عنوان مسائل اجتماعی در تاریخ و جغرافیای کرمان توسط « بوسه » به زبان آلمانی ترجمه و در شماره 50 مجله اسلام (Derislam) چاپ گردید.
10 تلاش آزادی
ویژگی اثر : « تلاش آزادی » تاریخچه ای است از مشروطیت تا سقوط قاجار ، که ابتدا به عنوان مقدمه کتاب « ایران باستان » نوشته پیرنیا چاپ گردید سپس به صورت جداگانه چاپ شد.
11 تن آدمی شریف است ...
ویژگی اثر : این کتاب تحقیقی درباره ی مظالم و گرفتاری هایی است که بر تک تک اعضای بدن آدمی وارد می شود. قسمت اول کتاب ناتمام مانده و اختصاص دارد به موی و سر و گوش و ابرو و چشم ، و قسمت های دیگر نیز هنوز به چاپ نرسیده است. نام این مجموعه از شعر « تن آدمی شریف است ... » از شعر سعدی گرفته شده است.
12 جامع المقدمات
ویژگی اثر : پاریزی کلیه ی مقدمه هایی را که برای کتاب های دیگر نوشته است ، در یک مجموعه جمع کرده و تحت عنوان « جامع المقدمات » به چاپ رسانده است.
13 حماسه کویر
ویژگی اثر : «حماسه کویر » متن اضافه شده ی یک سخنرانی درباره ی « قائم مقام » بود که به صورت کتابی هشتصد صفحه ای در آمد.
14 خاتون هفت قلعه

15 دوره مجله هفتواد
16 ذوالقرنین (کورش کبیر)
ویژگی اثر : در سال 1330 هنگام ورود ابوالکلام آزاد ، وزیر فرهنگ هند به ایران ، به ترجمه ی رساله ی معروف او که در تفسیر آیاتی از قرآن کریم است ، مبادرت کرد و این رساله تحت عنوان « ذوالقرنین یا کورش کبیر » به چاپ رسید که تا کنون چهار بار تجدیدچاپ شده است. در باب این رساله ، پاریزی معتقد است که شاید آخرین نظر در مورد کورش از سوی ابوالکلام مطرح شده است ، این نظر را برخی پذیرفته اند و بعضی تردید کرده اند ، او می گوید : « من البته مدافع آن نظر نیستم ، کاری که من کردم علاوه بر ترجمه ی متن ، یک مقدمه ی مفصل تحت عنوان « کورش در روایات ایرانی » بر آن نوشتم که احتمالا مفصل ترین تحقیق است که برای اولین بار در مورد کورش بر اساس روایات اسلامی ، ایرانی و شرقی چاپ شده است ».
17 راهنمای آثار تاریخی کرمان
18 زیر این هفت آسمان
19 سلجوقیان و غز در کرمان
ویژگی اثر : این کتاب از روی نسخه کتاب « بدیع الزمان » که مربوط به قرن هشتم هجری و از روی نسخه چاپ شده « هوتسما » (مستشرق فرنگی) تنظیم شده است .
20 سنگ هفت قلم
ویژگی اثر : پاریزی در کتاب « سنگ هفت قلم » نقش زن را به شکلی خاص در تاریخ مطرح کرده است و در این کتاب جای پای زن را در همه جا جستجو نموده است ، به همین خاطر در مقاله « زن و جنگ » در « نای هفت » معترف است که از سرنوشت زن در تاریخ غافل نبوده است.
21 سیاست و اقتصاد عصر صفوی
ویژگی اثر : سیاست و اقتصاد در عصر صفوی نتیجه یک سخنرانی در اصفهان بود که به تدریج به صورت کتاب درآمد.
22 شاه منصور
23 فرماندهان کرمان
24 فرمانفرمای عالم
25 کوچه هفت پیچ
26 گنجعلی خان
27 محیط سیاسی و زندگی مشیرالدوله
28 منابع و مآخذ تاریخ کرمان
29 نای هفت بند
30 نشریه فرهنگ کرمان

31 نون جو و دوغ گو
ویژگی اثر : این کتاب در احوال کسانی است که در تاریخ به خوردن نون جو از آنها یاد شده است ، یعنی آنهایی که با نان جوین خویش ساخته اند و آلوده ی منت کسان نشده اند. این کتاب ابتدا مقاله ای بود در یادواره استاد محیط طباطبایی ، که یک سالی معلم او بود ، به این مقاله بعد ها مطالبی اضافه شد و به صورت کتابی مفصل درآمد. در همین کتاب به مناسبت آنهایی که ترک دیار گفته و مهاجرت اجباری بر آنها تحمیل شده بود ، خصوصا در عصر صفوی یادی به میان آمده و به کتابی نهصد صفحه ای در آمد.
32 هشت الهفت
33 وادی هفت واد
34 یاد و یادبود
ویژگی اثر : مجموعه شعر
35 یادبود من
ویژگی اثر : مجموع شعر
36 یعقوب لیث
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

باطرقانی اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(460 -372 ق)، قاری و محدث. شیخ القراء زمان خود بود. نسبتش به باطرقان از توابع اصفهان می‌رسد. قرآن را با روایات مختلف بر بزرگان قرائت، تلاوت کرد، و از ابوعبدالله بن منده و ابراهیم بن خرشید قوله و ابومسلم بن شهدل و ابوجعفر ابهری و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوعلی حداد و عبدالعزیز نخشبی و ابوعلی وخشی از او روایت کرده‌اند. سالیانی امام مسجد بزرگ شهر بود. سعید بن ابی رجاء و حسین بن عبدالملک ادیب و محمد دقاق و عبدالسلام بن محمد حسن‌آبادی و دیگران از شاگردان وی در قرائت بوده‌اند. از آثار وی: «طبقات القراء» و «الشواذ» در قراآت؛ کتاب «المسند»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (186/1)، ایضاح المکنون (79/2)، سیر النبلاء (183 -182 /18)، معجم الادباء (102 -100 /4)، الوافی بالوفیات (288/7)، هدیة العارفین (73/1).

باقری، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس باقری نزدیک به چهل عنوان کتاب درحوزه علوم اجتماعی ترجمه و منتشر کرده است . او آثار دیگری نیز دردست انتشار دارد .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی آرا و گرایشهای خاص : عباس باقری که درباره اندیشیدن نظرات جالبی ارائه کرده است بر این عقیده است که لازمه این که انسان بد را از خوب تشخیص بدهد اندیشیدن است . باقری معتقد است لزومی ندارد که مترجم هم عقیده باکسی که آثارش را ترجمه می کند باشد . اوتوصیه می کند که همیشه شهامت خواندن آثاری را داشته باش که مخالف نظرات تو است . باقری معتقد است که درکار ترجمه هدفش بر این است که منابع اطلاعاتی مختلف را در اختیار نسل امروز مملکت قرار دهد .آثار : ترجمه اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی ویژگی اثر : این اثر تالیف ناآرنت است2 ترجمه انسان پاره پاره ویژگی اثر : این اثر تالیف نیکولاگریمالدی است3 ترجمه پشت ورو ویژگی اثر : این اثرتالیف آلبر کامو است4 ترجمه جهان گرایش ها ویژگی اثر : این اثر تالیف کارل پوپر است5 ترجمه حقیقت و آزادی ویژگی اثر : این اثر تالیف رمون پولن است6 ترجمه سرچشمه های دانایی و نادانی ویژگی اثر : این اثر تالیف کارل پوپر است7 ترجمه فرهنگ فرد و فرهنگ توده ویژگی اثر : این اثر تالیف لویی دولو می باشد8 ترجمه فیلسوفان بزرگ یونان باستان ویژگی اثر : این اثر تالیف لوچائو می باشد 9 ترجمه قدرت و حاکمیت ویژگی اثر : این اثر تالیف سلین اسپکتوراست

بخارایی، ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1004 ق)، حافظ، قاری و شاعر. وی خطیب مسجد جامع بخارا و از مریدان مولانا خواجگی کاشانی بود، پس از مرگ او مدتی از ملازمان خواجه ابواسحاق جویباری گشت. ابراهیم قرآن را از برداشت و با صدایی خوش می‌خواند و در سرودن قصیده، غزل، رباعی و قطعه نیز توانا بود. یک «مثنوی» در طریقه‌ی سلسله‌ی خواجگان و سه «دیوان» شعر سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (588 -587).

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، یزدبه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(256 -194 ق)، حافظ، محدث، فقیه و مورخ. وی ثقه‌ترین محدث اهل سنت است. بردزبه زرتشتیی بود که اسلام آورد. ابو عبدالله در بخارا به دنیا آمد و در طلب حدیث به خراسان و عراق و مصر و شام سفر کرد، و از بسیاری مشایخ چون، ابوعاصم و انصاری و مکی بن ابراهیم و عبیدالله بن موسی و ابوالمغیرة حدیث شنید. او از حدود یک هزار شیخ احادیث بسیاری جمع‌آوری کرد که از آن میان هر چه را به راویان آنها اعتقاد داشت در صحیح خویش ثبت کرد و کتاب خود یعنی اولین کتاب «صحیح» را عرضه کرد که محمد بن یوسف فربری از راویان آن است. بخاری از حافظه‌ای شگرف برخوردار بود. ابوعیسی ترمذی، ابوحاتم رازی، صالح جزره، ابراهیم نسفی، ابن خزیمه، ابو زرعه رازی، و مسلم بن حجاج نیشابوری از جمله راویان و شاگردان وی هستند. وی در آخر عمر به واسطه اختلافات فرقه‌ای مذهبی نتوانست در بخارا بماند لذا، به یکی از قراء سمرقند -خر تنگ- رفت و همان جا درگذشت. از آثار وی: «الادب المفرد»؛ «الاسماء و الکنی»؛ «تاریخ اوسط»، «تاریخ صغیر» و «تاریخ کبیر»؛ «ثلاثیات البخاری»؛ «الجامع الصحیح»؛ مشهور به «صحیح بخاری»؛ «خلق افعال العباد»؛ «السنن»، در فقه؛ «الضعفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (258/6)، تاریخ بغداد (34 -4 /2)، تهذیب التهذیب (55 -47 /9)، الجرح و التعدیل (ج 3 ق 191/2)، دایرةالمعارف فارسی (239 -238 /1)، روضات الجنات (269 -264 /7)، ریحانه (238 -237 /1)، سیر النبلاء (471 -391 /12)، الفهرست لابن الندیم (322 -321)، کشف الظنون (1684، 1581، 1471، 1469، 1453، 1449، 1448، 1420، 1402، 1392، 1087، 722، 571، 564، 541، 522، 287، 238، 227، 133، 89، 49، 48)، الکنی و الالقاب (71/2) لغت‌نامه (ذیل/ بخاری)، معجم المؤلفین (54 -52 /9)، معجم البلدان (422/1)، الوافی بالوفیات (209 -206 /2)، وفیات الاعیان (191 -188 /4)هدیة العارفین (16/2).

برقعی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.
اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.
1- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.
2- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر
3- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر
4- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل
5- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که 15 سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.
6- آیةاللَّه حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتا احاطه عجیبی به چندین علم داشت.
7- آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)
8- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی.
مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.
1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد ارباب که در سال 1337 قمری مرقوم داشته‌اند.
2- مرحوم ثقةالاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال 1342

قمری نوشته‌اند.
3- مرحوم آیةاللّٰه آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال 1352 قمری نوشته‌اند.
4- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.
آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:
1- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.
2- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.
3- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.
4- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام
5- جلوه حق
6- تذکره مبتکران در بنیان گذاران علوم و فنون.
7- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.
8- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.
9- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.
10- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.
11- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح
12- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.
13- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.
و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:
1- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.
2- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.
3- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.
4- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی
5- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.
(1366 -1278 ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقعی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث

قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقعی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال 1313 ش یک دبستان و در سال 1315 ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد.[1]
فقیه، محقق، شاعر.
تولد: 1278(1317 ق.)، قم.
وفات: 13 مرداد 1366.
آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.
در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیه معقول شیخ علی‌اکبر حکمی یزدی بودند.
در سال 1313 یک دبستان و سال 1315 یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقعی یکی از مشاروان او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.
در سال 1329 که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست

ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنون «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.
آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.
فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ 1329 -1328)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، 1317)؛ راهنمای دینداران (1324)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ 138)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ 1317)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ 1319)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ 1320)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ 1319)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ 1366 ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، 1327)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] سخنوران نامی معاصر (2931 -2924/ 5)، فرهنگ سخنوران (755)، الذریعه (229/ 17 ،64/ 10 ،899/ 9). گنجینه‌ی دانشمندان (393 -389/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (493 -491/ 4).

بروجردی، ابوحفص عمر

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، محدث و قاری. علوم ابتدایی را در زادگاهش، بروجرد، به پایان برد، سپس برای تکمیل به بغداد رفت و در آنجا ساکن شد و در محضر استادان زمان به فراگیری حدیث پرداخت. او به مصر نیز مسافرت کرد و از رجال علمی آنجا نیز بهره گرفت. از جمله استادان وی ابوالحسن محمد بن محمد بن عبدالله باهلی است. حسین بن شیرک یا شریک بن عبدالله آدمی، از علمای قرائت، نیز از استادان بروجردی است. ابوحفص از مشاهیر محدثان زمان خود شد و خواستاران حدیث و قرائت در مجلس درس وی حاضر شدند. از جمله شاگردان وی ابوالعباس احمد بن محمد جرجانی و جعفر بن محمد بن فضل مارستانی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (21 -19 /2)، تاریخ بغداد (254/11).

بروجردی، داوود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1265- ز 1294 ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. علوم و معارف اسلامی را از استادان عصر فراگرفت. وی ادیب و شاعر نیز بود. از آثار وی: «مظهر المصائب»، در تاریخ زندگانی خمسه طیبه (ع)، که در 1290 ق به رشته تحریر درآمده؛ «سرور المصلین»، در نماز شب و کیفیت و ادعیه آن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بروجرد (442 -439 /2).

بقای شیرازی، علی حکاک

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1313 ق)، حکاک و خطاط. نگین تراش و نگارگر نقوش بر روی عقیق‌های سخت و فلزات بود که هم در مهرهای فرورفته و هم در مهرهای برجسته مهارت داشت. وی خطوط شش‌گانه بخصوص خط نستعلیق را خوش می‌نوشت، و از شیوه‌ها، شیوه‌ی میر عماد را پذیرفته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (551)، احوال و آثار نقاشان (1203/3، 10/1).

بقایی کرمانی، مظفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مظفر بقایی کرمانی (1290-1366 ش.) یکی از بحث انگیزترین شخصیت های سیاسی تاریخ معاصر ایران است. او در یک خانواده دارای پیشینه سیاسی در کرمان به دنیا آمد. پدرش، میرزا شهاب، از فعالین انجمن های مخفی وابسته به لژ بیداری ایران در دوران محمدعلی شاه و پس از آن در کرمان بود. مظفر در 18 سالگی به خرج دولت برای ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و در 27 سالگی به ایران بازگشت. با رواج فعالیت احزاب سیاسی در فضای پس از شهریور 1320، مظفر راه پیشرفت خود را در فعالیت‌های حزبی یافت. او ابتدا به عضویت حزب اتحاد ملّی و مدتی بعد به عضویت حزب کار درآمد. با تأسیس حزب دمکرات ایران، به رهبری قوام‌السلطنه، فعالیت سیاسی بقایی وارد مرحله جدیدی شد. بقایی، به سان گروه کثیری از جوانان جویای نام آن زمان، به این حزب پیوست. او در حزب دمکرات قوام به سرعت رشد کرد، برای تأسیس و تصدی شعبه این حزب به کرمان رفت و سرانجام در سال 1326 به عنوان کاندیدای حزب دمکرات از کرمان به مجلس پانزدهم راه یافت. حلقه دوستان بقایی از سال‌های آغازین فعالیت سیاسی اش با حسن پاکروان (سرلشکر و رئیس بعدی ساواک) و مادر فرانسوی او، امینه پاکروان، رابطه نزدیک داشت. این رابطه تا واپسین سال‌های زندگی اینان ادامه یافت. به این حلقه دوستان باید عیسی سپهبدی و علی زُهَری را افزود. این حلقه با سفارت فرانسه در تهران ارتباط نزدیک داشت. در این میان، پیوندهای بقایی با عیسی سپهبدی، دوست دوران فرانسه او، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اسناد به دست آمده تردیدی برجای نمی گذارد که سپهبدی واسطه انتقال برخی پیام های مرموز به بقایی بود که راه سیاسی او را ترسیم می کرد. جنجال و شهرت در دوران نخست‌وزیری سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا، بقایی سرسخت‌ترین مخالف او بود و به همین دلیل دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد ولی در دادگاه تجدیدنظر تبرئه گردید. این مخالفت‌ها و محاکمه‌های جنجالی، که توسط مطبوعات آن زمان انعکاس وسیع می‌یافت، شهرت بقایی را افزایش داد. بدینسان، بقایی در آستانه چهل سالگی به یکی از چند چهره درجه اوّل سیاسی کشور بدل شد. نفر دوّم جبهه ملی ایران در اسفند 1329 رزم‌آرا به قتل رسید و مدت کوتاهی بعد طرح ملّی شدن صنعت نفت، که بقایی یکی از

امضاکنندگان آن بود، تصویب شد. در این زمان، که مقارن با نخست‌وزیری حسین علا است، بقایی در رأس سازمان خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران قرار گرفت. این حوادث، در اردیبهشت 1330به تشکیل دولت دکتر محمد مصدق انجامید و اختلافات میان ایران از یکسو و شرکت نفت انگلیس و دولت بریتانیا از سوی دیگر به اوج خود رسید. در این دوران، بقایی خود را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی نهضت ملی مطرح می‌کرد و به این عنوان نیز شناخته می شد. ازجمله، بقایی طی نطقی در مجلس خود را به عنوان «مراقب و محافظ دکتر مصدق پیشوای خودم که به ملت ایران و به ما بزرگترین درس فداکاری را داده» مطرح نمود. جعل بزرگ: اسناد خانه سدان حادثه مهم دیگر که نقش بقایی را در حوادث سیاسی روز برجسته کرد و او را به یک چهره جنجالی و شاخص "ضد انگلیسی" بدل نمود، ماجرای خانه سدان است: ظاهراً در اوایل تیرماه 1330 امیر حسین پاکروان، کارمند شرکت نفت انگلیس و ایران، به بقایی اطلاع داد که اسنادی از اداره انتشارات و تبلیغات شرکت نفت به منزل ن. ر. سدان، نماینده شرکت نفت انگلیس در ایران، در خیابان قوام‌السلطنه منتقل می‌شود. بقایی به همراه سرلشکر فضل‌الله زاهدی، رئیس شهربانی وقت، و جهانگیر تفضلی خانه سدان را تفتیش کرد و اسناد مزبور را به دست آورد. بخشی از اسناد خانه سدان توسط بقایی در روزنامه شاهد، و سایر مطبوعات آن زمان، منتشر شد و جنجال بزرگی به پا کرد. بعدها، در جریان دادگاه لاهه (خرداد 1331) اسناد خانه سدان به عنوان مدارک مداخله شرکت نفت انگلیس در امور داخلی ایران ارائه شد. امروزه، اصالت این ماجرا مورد تردید جدی است و برخی محققین، از جمله آبراهامیان، اسناد فوق، یا بخشی از آن، را جعلی یا دستکاری شده می دانند. نگارنده نیز در طی کار چند ساله خود بر روی اسناد خانه سدان، در مجموعه اسناد شخصی بقایی، به این نتیجه قطعی رسید که اسناد فوق کاملاً جعلی است. به عبارت دیگر، اصل اسناد دستمایه قرار گرفته و اسامی و مواردی که مورد نظر بوده به اسناد افزوده شده. در این باره دلایل کاملاً مستندی دارم که در زمان مناسب به صورت مقاله عرضه خواهم کرد. خلیل ملکی: دوستی و دشمنی در این دوران بقایی با خلیل ملکی همکاری نزدیکی را آغاز کرد. ملکی از رهبران حزب توده ایران بود که در سال 1326 انشعاب پرهیاهویی را از این حزب سازمان داد و منادی مشی سوسیالیستی مستقل از مسکو شد. این مشی بعدها به نام نیروی سوم شهرت یافت. پس از مدتی، ملکی به اتفاق هوادارانش به سازمان نگهبانان آزادی، به رهبری بقایی, پیوست و در اواخر اردیبهشت 1330 به اتفاق بقایی حزب زحمتکشان ملت ایران را تأسیس کرد. روزنامه شاهد ارگان این حزب بود. سازمان نگهبانان آزادی و سپس حزب زحمتکشان ملت ایران، با بهره‌گیری

از تجارب سازمانی و تئوریک ملکی و دوستانش، توانست در بین روشنفکران و کارگران نفوذی کسب کند. حزب زحمتکشان، که تنها سازمان متشکل عضو جبهه ملی ایران به شمار می‌رفت، نقش اصلی را در مقابله با نفوذ حزب توده به عهده گرفت. مقابله این دو حزب حوادث خشونت‌آمیزی آفرید که در نهایت نهضت ملی ایران را تضعیف نمود. استیضاح زُهری در روزهایی که لایحه سلب مصونیت از بقایی مطرح بود، علی زهری دولت را استیضاح کرد. این امر سبب شد که مصدق از اکثریت مجلس، که هوادار دولت او بودند، بخواهد که استعفا دهند و سپس با برگزاری رفراندوم مجلس هفدهم را من‌حل کرد. در 25 مرداد 1332 بقایی و زهری دستگیر شدند و به زندان عشرت‌آباد انتقال یافتند. زهری فردای آن روز آزاد شد، ولی بقایی تا کودتا و سقوط دولت مصدق در زندان بود. نقش مرموز حسین خطیبی در اسناد شخصی دکتر بقایی مجموعه ای از نامه های حسین خطیبی موجود است که واجد اهمیت فراوان تاریخی می باشد. حسین خطیبی از دوستان نزدیک بقایی بود که در عین حال با محمدرضا پهلوی و اردشیر زاهدی نیز رابطه نزدیک و صمیمانه داشت. طبق اسناد موجود، خطیبی حداقل از سال 1329 در رأس یک سازمان مخفی اطلاعاتی قرار داشت که در حزب توده دارای عوامل نفوذی بود و با عناصر برجسته اطلاعاتی ارتش پهلوی- و در رأس آنها حسن ارفع، حسن اخوی و حبیب الله دیهیمی- مرتبط بود. این سازمان به ظاهر در زیر رهبری عالی بقایی قرار داشت و خطیبی خود را تابع بقایی وانمود می کرد. معهذا، کاوش بیشتر نشان می دهد که خطیبی در عملیات خود کاملاً مستقل از بقایی بود. درواقع، این سازمان را باید بخشی از شبکه هایی به شمار آورد که در ارتباط با سرویس های اطلاعاتی غرب فعالیت خود را آغاز کرده بودند. بدینسان، با پیوندهایی عجیب مواجهیم که پیشینه آن حداقل به سال 1329 می رسد؛ زمانی که بقایی به عنوان یکی از رهبران جنبش ملی شناخته می شود و از ستیز او با دکتر مصدق خبری نیست. این شبکه نقش مرموزی در تفرقه افکنی های آن زمان داشت. برای نمونه، دکتر مصدق پس از آغاز زمامداری اش، در 22 اردیبهشت 1330 در مجلس اعلام نمود که فداییان اسلام قصد ترور او را دارند. منبع مصدق شاه بود و شاه از دیهیمی، عضو سازمان دکتر بقایی، شنیده بود. [به شاه] عرض کردم ممکن است بفرمایید چه اشخاصی در صدد از بین بردن من هستند؟ فرمودند: دیهیمی که در سازمان دکتر بقایی است به او اینطور گفته است که فداییان اسلام در صدد قتل دکتر مصدق‌اند و دیهیمی هم به ستاد ارتش اطلاع داده و از ستاد ارتش هم به من گزارش دادند. حسین خطیبی در روز پنجشنبه 3 اردیبهشت 1332 توسط مأمورین فرمانداری نظامی دولت مصدق به اتهام کارگردانی عملیات قتل

افشارطوس دستگیر شد. او در زندان بطور منظم با بقایی مکاتبه پنهان داشت. توجه کنیم که در این زمان سرهنگ حسن پاکروان، دوست صمیمی بقایی و خطیبی، رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود. خطیبی در این نامه ها مأمورین انتظامی دولت مصدق را به شکنجه های «قرون وسطایی» علیه خود و سایر متهمین قتل افشارطوس متهم می کرد و بدینسان به کمک بقایی کارزار گسترده تبلیغاتی، در مجلس و مطبوعات، به سود او جریان یافت. در این نامه ها، خطیبی به‌نحوی ماجرای دستگیری و بازجویی های خود را بیان می‌دارد که بقایی راهی جز رویارویی نهایی با مصدق و درگیر شدن در نبرد مرگ و زندگی نبیند. به‌نظر می رسد که در این حادثه نیرویی در وراء و مافوق خطیبی در کار است و خطیبی تنها واسطه انتقال پیام اوست. خطیبی در این نامه ها طرح توطئه موهوم کودتای مصدق علیه کاشانی، مکی و بقایی و غیره را افشا می‌کند. قابل تصور است که بقایی این نامه‌ها را در اختیار آیت الله کاشانی قرار می‌داد و بدینسان تعارض های آن زمان به سوی رویارویی محتوم سوق می یافت. در این نامه ها خطیبی زندانی حتی طرح استیضاح دولت مصدق و مفاد آن را به بقایی دیکته می کند. کودتاچی کینه توز در ماجرای کودتای 28 مرداد 1332 نیروهای دکتر مظفر بقایی از افرادی بودند که به خانه مصدق حمله بردند. آنان در عملیات کودتا نیز نقش فعال داشتند و به این دلیل مطبوعات پس از کودتا بقایی را یکی از رهبران "قیام ملی" علیه دولت دکتر مصدق عنوان کردند. رفتار بقایی پس از کودتا کینه‌توزانه بود. او طی مصاحبه‌های مطبوعاتی خواستار آن شد که «همکاران دولت سابق و توده‌ای ها به شدیدترین وضعی مجازات شوند.» هواداران او در کرمان وحشیانه ترین تعرض‌ها را به مخالفین خود کردند و از جمله سرگرد سخایی، رئیس شهربانی کرمان، را به طرز فجیعی به قتل رسانیدند. بقایی مدتی پس از کودتا به کرمان رفت و در سخنرانی خود اعلام کرد دست کسی که سرگرد سخایی را به قتل رسانیده می‌بوسد. بقایی، که برجسته‌ترین ویژگی شخصیت او جاه‌طلبی بیمارگونه‌اش بود، انتظار نداشت که زاهدی در سمت نخست‌وزیر باقی بماند. او گمان می‌برد که با پیروزی کودتا مأموریت زاهدی خاتمه یافته و مسند نخست‌وزیری به وی تقدیم می‌شود. شاید، مستقیم یا غیرمستقیم، چنین وعده‌هایی به او داده شده بود. معهذا، چنین نشد. علت ناکامی بقایی در تصدی مناصب عالی دولتی را باید در ارزیابی دقیق مامورین اطلاعاتی غربی از شخصیت بقایی جستجو کرد. برای نمونه، مامورین اطلاعاتی آمریکا بقایی را فردی «متلون، زیرک و هوچی» می‌شناختند و به همین دلیل به وی اعتماد نداشتند. بقایی سرخورده از ناکامی سیاسی، سخنانی علیه زاهدی بیان داشت که منجر به تبعید محترمانه او به زاهدان شد. پس از زاهدان مدتی در اراک بود و

سپس به کرمان رفت. امیر اسدالله علم، وزیر کشور وقت و دوست محمدرضا شاه پهلوی، از بقایی دعوت کرد که «در صورت تمایل بقیه ایام تبعید را در باغ ملکی ایشان در بیرجند بگذرانند که موجب امتنان و تشکر گردید.» علت این رفتار دوگانه را باید در اختلافات میان زاهدی و شاه جستجو کرد. این اختلافات سرانجام به سود دربار پایان یافت و زاهدی، که مورد حمایت آمریکایی ها بود، از کشور خارج شد و زمام قدرت بطور کامل به دست شاه افتاد. تلاش نافرجام در سال 1339 بقایی با واسطه شمس پهلوی با شاه ملاقات کرد و پس از مذاکراتی به وی اجازه داده شد که در انتخابات مجلس شرکت کند. در مجموعه اسناد شخصی بقایی طرحی موجود است که در این زمان بقایی برای تجدید فعالیت سیاسی خود تنظیم کرده است. این طرح، که نسخه اصلی آن به خط فرد ناشناسی است و توسط بقایی اصلاحات مختصری در آن صورت گرفته و سپس تایپ شده، به روشنی گویای اهداف تکاپوی بقایی در این دوران است. مطالب مندرجه و به ویژه درخواست های بقایی روشن می کند که این طرح، که نام مخاطب بقایی در آن مندرج نیست، برای ارائه به مقامات عالی تصمیم گیرنده تنظیم شده است. مخاطب این طرح یا محمدرضا پهلوی است یا مقامات خارجی مرتبط با مسایل ایران. طرح با تحلیلی از ساختار اجتماعی ایران آغاز می‌شود، عدم تراکم روستاها در ایران را یکی «از عوامل مقاوم [در برابر] کمونیزم» و اختلاف طبقاتی در ایران را «از عوامل مساعد برای نفوذ کمونیزم» ارزیابی می‌کند. سپس به علل و زمینه‌های پیدایش کمونیسم در ایران و روش‌های عملکرد آن می‌پردازد. در مقابل، عملکرد «دستگاه» حاکمه ایران قرار دارد که «بد» ارزیابی می‌شود. در مقابل این دو، سازمان نگهبانان آزادی، به رهبری بقایی، به عنوان آلترناتیوی اصلاح‌طلبانه ارائه می‌گردد که هدف از آن «جلوگیری از انقلاب سیاسی»، «در جهت حفظ رژیم سلطنت»، است: «این سازمان می‌تواند در تمام شهرستان های ایران به‌منزله دریچه اطمینانی برای رفع عصیان‌ها و نارضایتی‌های مردم تشکیل گردد.» بخش بعدی طرح به بزرگنمایی خطر کمونیسم در ایران اختصاص دارد و از جمله تأثیر فعالیت رادیو پیک ایران را، که از آذر 1336 توسط حزب توده ایران آغاز به کار کرده بود، معادل «سیصد روزنامه کثیرالانتشار» ارزیابی می‌کند. بقایی برای مقابله با «خطر کمونیسم» خواستار «امتیاز چند روزنامه منطقی و ضد کمونیست»، «امکان فعالیت حزبی به‌طور وسیع و علنی»، و «استفاده از کرسی مجلس شورای ملی و سنا به منظور انتقاد سالم» است. او تضمین می‌دهد که در سازمان نگهبانان آزادی، از آنجا که «رهبری آن انتصابی است»، امکان «رخنه افراد منحرف و غیر ملّی» وجود ندارد. بقایی با خط خود به متن پیش‌نویس چنین افزوده است: «بنابراین، خطری در اثر زیاد شدن مثلا

کمونیست‌ها متوجه سازمان نمی‌تواند بشود و هرچه بیشتر بیایند امکان هدایت آنها به راه صحیح بیشتر می‌شود.»

مکتب بقایی در تاریخنگاری

یکی از عرصه هایی که مکتب بقایی بیشترین تأثیر را در آن بر جای نهاد، تاریخنگاری دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که به ایجاد تقابلی تند و مطلق گرایانه میان نقش تاریخی دو رهبر نامدار آن، آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق، انجامید. این امر تا حدود زیادی بازتاب تعارض های سیاسی روز بود. در یکسو کسانی بودند که با تجدید خاطره اختلافات میان کاشانی و مصدق در واپسین دوران حیات سیاسی این دو، موج ضدیت با دوستداران مصدق را دامن می زدند. و در سوی دیگر کسانی بودند که از طریق بزرگنمایی نقش امروزین بقایی و هواداران او "پارانویای بقایی" را می آفریدند. حزب توده ایران و برخی نویسندگان مدافع دکتر مصدق از این گروه بودند. به عبارت دیگر، تاریخنگاری حوادث سال های نهضت ملی به عرصه ای پرتنش بدل شد که بازتاب عمل روزمره سیاسی بود.

بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 279 ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلاذر (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (252/1)، دایرة المعارف فارسی (438/1)، ریحانه (276 -275 /1)، سیر النبلاء (163 -162 /13)، الفهرست لابن الندیم (164)، کشف الظنون (1402، 179)، الکنی و الالقاب (93 -92 /2)، لسان المیزان (490 -489 /1)، معجم الادباء (102 -89 /5)، معجم المؤلفین (202 -201 /2)، الوافی بالوفیات (241 -239 /8).

بلاغی، شیخ حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه شیخ حسن بلاغی
در روز چهارشنبه ای از ماه رجب ، در یکی از محله ها نجف (محله براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل ، علامه شیخ حسن بلاغی ، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال 1282 ق .(80) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد.
آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب ، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند.
جرعه نوش علم و معرفت .
محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا 24 سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم ، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.
روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال 1306 ق . مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالامال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی ، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالیه اش نایل آید.
ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال 1312 ق . در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.
در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت 14 سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.
شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده

بود در سال 1326 ق . وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.
این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا 54 سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.
راهنمایان رهرو خوبیها
اندیشمندان و فرزانگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:
1. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی 1323 ق .)
2. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی 1322 ق .)
3. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی 1329 ق .)
4. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی 1354 ق .)
5. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی 1323 ق .)
6. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی 1320 ق .)
7. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی 1323 ق .)
8. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی 1338 ق .)(81)
پیوند دانش و مبارزه
این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال 1336 ق . - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست .
آینده ساز دلسوز
اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نماییم .
1. آیة الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی 1411 ق .)
2. آیة الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی 1414 ق .)
3. آیة الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی 1395 ق .)
4. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی 1380 ق .)
5. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی 1390 ق .)
6. آیة الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی 1386 ق .)
7. آیة الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی 1403 ق .)
8. آیة الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی 1395 ق .)
9. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی 1405 ق .)
10. آیة الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفق 1405 ق .)
11. میرزا محمد علی مدرس خیابانی

12. استاد ادیب علی خاقانی
13. آیة الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی 1395 ق .)
14. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی 1358 ق .)
15. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی
16. آیة الله سید صدرالدین جزایری (متوفی 1388 ق .)
17. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
18. شیخ مرتضی مظاهری نجفی
19. آیة الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی 1383 ق .)
20. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و بابیت و بهائیت تدوین یافته است .

نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

1. تفسیر آلاءالرحمن 2. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند 3. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة 4. الهدی الی یدن المصطفی 5. التوحید والتثلیت 6. اعاجیب الاکاذیب 7. انوارالهدی 8. البلاغ المبین 9. نصایح الهدی 10. المسیح و الانجیل 11. نسمات الهدی 12. المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر 13. مصباح الهدی 14. مسئلة فی البداء 15. نورالهدی 16. اجویة المسائل البغدادیة 17. داعی الاسلام و داعی النصرانیة

18. تا 45. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است 46. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول 47. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب 48. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام 49. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی 50 رد بر کتاب ((حیاة المسیح)) نووشته غلام احمد قادیانی 51 رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) 52. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)

53. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) 54. داروین و اصحابه .(82)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به

رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .
ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :
یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتنی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیرالمرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورید

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (83)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد

شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (84) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.))(85)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصد الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .))(86): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم . بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی یی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت ؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با

این احوال ، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری .))(87)
بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.
خنیاگر بیداری
حیاتش ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:
((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.))(88)
این روحانی آگاه ، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.
وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت . بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت .(89)
آخرین هجرت
آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.
باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی))(90) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.
سرانجام این چکاد تعبد و تخصص ، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان 1352 ق .(91) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت . خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشاند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این

فقدان ، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع ، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام ، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤ لف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.
روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:
تفسیر آلاءالرحمن
الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة
الهدی الی یدن المصطفی
التوحید والتثلیت
اعاجیب الاکاذیب
انوارالهدی
البلاغ المبین
نصایح الهدی
المسیح و الانجیل
نسمات الهدی
المصابیح فی بعض من ابدع فی الدین فی القرن الثالث عشر
مصباح الهدی
مسئلة فی البداء
نورالهدی
اجویة المسائل البغدادیة
داعی الاسلام و داعی النصرانیة
رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول
رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمربن خطاب
رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام
رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))
رد بر کتاب ((حیاة المسیح))
رد بر کتاب ((ینابیع الکلام))
رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی
رساله ای در رد حسیون

بلعمی، ابوعلی محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 383/363 ق)، مورخ، ادیب و متجرم. وی وزیر منصور بن نوح سامانی و پسر ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی بود. در زمان سامانیان می‌زیست و وزارت عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی را داشت و به دستور پادشاه اخیر «تاریخ طبری» را از عربی به فارسی ترجمه کرد. علت شهرت او به بلعمی به خاطر انتساب او و نیاکان وی به بلعمان از قراء مرو بود. بلعمی در این ترجمه بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در بسی موارد دیگر از منابع جدیدی استفاده کرده است.
کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (619/1)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (95)، دایرةالمعارف فارسی (33/1)، ریحانه (280/1)، زین الاخبار (161)، سبک شناسی (9 -8 /2)، لغت نامه (ذیل/ بلعمی)، گنج و گنجینه (15 -8)، فرهنگ ادبیات فارسی (91)، دستور الوزراء، (114 -113)، الذریعه (86/4).

بناکتی، فخرالدین، ابوسلیمان داوود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 731 ق)، مورخ. وی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراء النهر بود، و از مورخان دوره‌ی مغول و ملک شعرای دربار غازان خان. وی چون از نزدیک با خارجیانی که از شهرهای دور به دربار غازان خان می‌آمدند، سر و کار داشت، اطلاعات جامعی درباره‌ی مذاهب و ملل گوناگون کسب کرد که به تألیف تاریخ او به نام «روضه اولی‌الالباب فی معرفه التواریخ» یا «تاریخ بناکتی» منجر شد. در «کشف الظنون» نام کتاب «روضه اولی‌الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب» نوشته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ در ایران (86 -85)، دایرةالمعارف فارسی (449/1)، الذریعه (242/3)، فرهنگ ادبیات فارسی (92)، کشف الظنون (925)، لغت‌نامه (ذیل/ بناکتی)، هدیة العارفین (360/1)

بنی فاطمه، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین بنی فاطمه در سال 1331 در مشکین شهر بدنیا آمد.ایشان در سال 1361مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا با موفقیت اخذ کرد . وی از سال 1356 به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی واجتماعی مشغول خدمت شد.نامبرده هم اکنون با رتبه استادی در دانشکده مذکور در دانشگاه تبریز به فعالیت می پردازد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین بنی فاطمه تحصیلات ابتدایی را در دبستان قصابه به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1349از دبیرستان دهخدا اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در سال 1358 از دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا دریافت نموده اند و در سال 1361مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند . عنوان پایاننامه : دکتری The: Transitional Adjustment phase in Rural- urban Migration (comparativestudy)) مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: قبلی : مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز فعلی: رئیس موسسه تحقیقات اجتماعی فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: تدریس: 1-دوره کارشناسی: روشهای تحلیل جمعیت - جامعه شناسی 2 ، متون جامعه شناسی 1و2 ، جامعه شناسی شهری 2- تحصیلات تکمیلی: روشهای تحقیق - متون جامعه شناسی 1و2 ، سمینار شهری جوائز و نشانها : جوایزو نشانها دریافتی حسین بنی فاطمه در سطح ملی: 1- فرهیخته ممتاز 2- محقق برتر در انجام تحقیق علل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی : تعداد مقاله های منتشرشده : 15 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : 3 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : 1 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 15 مورد تعداد پایاننامه های دکتری : 1 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : 6 مورد

بوداق قزوینی، منشی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، نویسنده و مورخ. وی نویسنده‌ی کتاب «جواهرالاخبار» در شرح حال تیمورلنگ و پیروزی‌های او بر تقتمش در سال 795 ق و وقایع عمومی تا سال 984 ق است. وی این کتاب را به شاه اسماعیل دوم هدیه کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (356)، الذریعه (258/5).

بهبودی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر بهبودی درسال 1308ه.ش دیده به جهان گشود. از سال 1327 تحصیلات مذهبی رابطور تمام وقت شروع کرد. ادامه تحصیل خود را تا سال 1337 کشاند واز محضر اساتید آن دوره کسب فیض نمود. بعد از ترک تحصیل به تهران منتقل شد و به تصحیح و تحقیق کتب خطی پرداخت. وی اخراج چهل و پنج جلد بحار و مقابله، تحقیق و پاورقی و تخریج احادیث آن و مقابله با ماخذ، کاملا به دست ایشان به اتمام رسید. در اثر همین توفیق الهی بود که بیش از سایر همکارانش به نسخة مولف دست یافت و 36 جلد از این چهل و پنج جلد رابا نسخة مولف مقابله کرد. در جلد 110 که آخرین جلد بحارالانوار است، سخنی کوتاه دربارة این کتاب و شیوة مولف در جمع احادیث تحریر کرده اند که توجه علاقمندان را به آن جلب کرد. گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدباقر بهبودی در ادبیات از محضر استاد ادیب محمدتقی نیشابوری معروف به ادیب دوم، در قسمت سطح مختصری از محضر حجت الاسلام سید احمد یزدی معروف به نهنگ و بیشتر از محضر استاد حجت الاسلام حاج شیخ هاشم قزوینی بهره برد. علاوه بر مقداری سطح در یک رشته از دروس تفسیری محضر حجت الاسلام دامغانی را هم درک کرد که روزهای تعطیل به آن پرداختند. در سال 1333 شمسی به قم آمد و بعد از آنکه یک درس در محضر آیت الله خمینی حاضر شد، بدون توقف به نجف رفت. در نجف یک درس در محضر آیت الله خویی و یک درس در محضر آیت الله حکیم انتخاب کرد و تا دوسال به تحصیل و بیشتر مطالعه و تحقیق شخصی ادامه داد و درسال 1335 ترک تحصیل نمود.استادان و مربیان : استادان محمدباقر بهبودی استاد ادیب محمدتقی نیشابوری، حجت الاسلام سیداحمد یزدی، حجت الاسلام حاج سیدهاشم قزوینی، حجت الاسلام دامغانی، آیت الله خمینی، آیت الله خویی، آیت الله حکیم می توان نام برد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدباقر بهبودی از سال 1337که به تهران منتقل شد ، به تصحیح و تحقیق کتابهای خطی و چاپی پرداخت. اولین کاری که شروع کرد تصحیح تفسیر المیزان – جلد هفتم – بود که تا جلد بیستم آخرین جلد ادامه یافت. درآن هنگام، کارمن چندان مورد توجه و علاقه واعتماد مولف قرار گرفت که رخصت یافت به حک و اصلاح ادبی آن نیز بپردازد. به موازات تفسیر المیزان به تصحیح بحار

الانوار پرداخت و از جلد هفدهم تا آخرین مجلد – غیر از دو جلد 77 و 78 همه مجلدات به تصحیح اینجانب واشراف و نظارت بر متن کتاب و احیانا حک و اصلاح تعلیقة دیگران پایان گرفت.آثار : اسلوب جدید درشناسایی جدید ویژگی اثر : کتابی در تجوید به نام اسلوب جدید در شناسایی تجوید که مقدمة آن در تاریخ علم قرائت و تجوید بسیار جالب تهیه شده است. به سال 1329.2 تحقیق و تصحیح بحارالانوار ویژگی اثر : این کتاب اثر محمدباقر مجلسی است.3 تحقیق و تصحیح کتاب کنزالعرفان ویژگی اثر : این کتاب اثر فاضل مقداد است که تحقیق نسخه و تخریج احادیث و تصحیح اوراق مطبعه به عهده محمدباقر بهبودی بوده است.4 تحقیق و تصحیح کتاب مسالک الافهام فی آیات الاحکام ویژگی اثر : این اثر در دو جلد که قسمت تعلیقات فقهی آن به عهده مرحوم شریف زاده است.5 تحقیق و تصحیح کتاب مناقب ابن المغازلی ، تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب الصراط المستقیم ویژگی اثر : این اثر تالیف مرحوم بیاضی در دو جلد است که یک مقدمه از مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی و یک مقدمه از آیت الله سید شهاب امیری مرعشی در اول آن اضافه گردیده است.7 تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب مبسوط ویژگی اثر : کتاب مبسوط از جلد سوم تا جلد هشتم با تحقیق نسخه وتصحیح اوراق مطبعی و تعلیقات نسبتا ناچیز و فهرست کامل فروع در حدود 200 صفحه.8 تحقیق و تصحیح وقایع السنین و الاعوام ویژگی اثر : این اثر تالیف خاتون آبادی با تحقیق نسخه و تصحیح اوراق و مقابله با ماخذ می باشد.9 تعلیقه و تحقیق و تصحیح کتاب زبده البیان ویژگی اثر : این اثر تالیف محقق اردبیلی است.10 صحیح الکافی ، قاطع البرهان فی علم المیزان ویژگی اثر : این اثر اولین اثر چاپی او می باشد که درسال 1328 شمسی به چاپ رسیده است.12 گزیدة کافی، مجلدات ناسخ التواریخ ، معرفه الحدیث ، میثم تمار ویژگی اثر : این کتاب در سال 1333 به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی، به کوشش سیدکمال حاج سیدجوادی، سیدمصطفی رخ صفت، روانشاد حسن منتظر قائم، سال سوم، شمارة 7، مهرماه 1365

بهرام پور، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل بهرام پور از قرآن پژوهان کوشای معاصر است که از سالهای پیش از انقلاب در تالیف کتب درسی با شادروانان شهید آیت الله محمد حسین بهشتی و شهید باهنر در زمینه ی مسائل قرآنی و دینی همکاری داشته است . کوشش و هدف اعلای ایشان ناظر به آسان سازی فهم قرآن برای عامه ی مردم است . دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی (فوق لیسانس ادبیات و علوم قرآنی از دانشگاه تهران) است . ایشان یک سلسله تفسیرهای تک سوره ای آموزشی کم حجم دارد . از جمله ی سوره ی محمد ، سوره ی فتح ، سوره ی حجرات ، سوره ی « ق » ، سوره ی ابراهیم ، سوره ی ملک ، سوره ی جمعه ، سوره ی منافقون و سوره ی حجر . این آثار به نحوی تدوین شده که علاوه بر قابلیت مطالعه ی فردی ، جنبه ی درسی و خودآموزی هم دارد . در هر بخش ، اول لغتها ، سپس ترجمه ی آیات و بعد از آن تفسیر و برداشتها ، و در آخر بعضی ریزه کاریهای لفظی و نکات زبانی و ادبی به دست داده شده است .
اثر قرآن پژوهی دیگر او روش روخوانی قرآن است . کتاب دیگر ، روش تدریس ترجمه ی تفسیی قرآن است . اثر دیگر تفسیر سوره ی یس است . دیگر تفسیر نسیم حیات که تفسیر جزء سی ام است .
فهرست آثار چاپ شده یا در دست تدوین ایشان در پایان ترجمه آمده است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

بهرامی خشنودی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی بهرامی خوشنودی
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1

بهرامیان، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین بهرامیان هنرمند و مجسمه ساز در سال 1350 به دنیا آمد.وی دارای مدرک فوق تخصص زیبایی‌شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس است. او در سال 1384 برای اعتراض به موزه لوور به زندگی خود پایان داد.محمد حسین بهرامیان یا به قول دوستان‌اش بهرام، یکی از 5 مجسمه‌ساز برتر معاصر ایران و البته به خاطر تخصصی و سبک کارهایش علمی‌ترین آنهاست که به دلیل دوری از وطن، تنها میان متخصصان و همکاران اش نام‌آشناست.
گروه : هنر
رشته : هنرهای تجسمی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ لیسانس مجسمه‌سازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران 1347 کسب مدرک تخصصی مجسمه‌سازی از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله تخصصی: هنر مجسمه‌سازی معاصر در ایران (امید که روزی چاپ شود) گرفتن مدرک فوق تخصص زیبایی‌شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله فوق تخصص: مناسبات در ساختار اجتماعی و جغرافیایی شهر: نصب مجسمه‌های مختلف در شهر تهران یک سال تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران
وقایع میانسالی :
زمان و علت فوت : مسئولان موزه لوور پاریس ـ که برچسب آثار ایرانی موزه را مثل نام خلیج فارس به عربی تغییر داده بودند ـ در آتلیه مولاژ موزه لوور، اسم و امضای بهرامیان را از پای آثارش حذف کردند و تمام حقوق مادی و معنوی را زیر پا گذاشتند. او همه وقت و دارایی‌اش را برای پیگیری این پرونده در مراجع قضائی فرانسه صرف کرد. هزینه این کارها برای شهروندان فرانسوی ارزان بود اما برای او ـ که با وجود سال‌ها تحصیل، زندگی و کار در فرانسه حاضر به پذیرفتن شهروندی آنجا و گرفتن اوراق هویت فرانسوی نشده و ایرانی مانده بود ـ کلی آب می‌خورد. تا روزی که چیزی برای ادامه راه در کار نبود. یک روز با دعوت از همه رسانه‌ها و خبرنگاران و بازگو کردن داستان، با پریدن از بام موزه لوور، به قصه پایان داد و شاید با این کار، پیگیری کار را به رسانه‌ها سپرد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وی متخصص بخش مولاژ در مجموعه

موزه‌های ملی فرانسه بوده است.
فعالیتهای آموزشی : یک سال تدریس در سال 1358 در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را محمد حسین بهرامیان در کارنامه دارد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ترمیم بسیاری از مجسمه‌های باستانی و ساخت مولاژ از آنها، نوآوری در ساخت مجسمه و استفاده از مواد در کار ساخت و اصلاح روش‌های قبل از فعالیتهای وی میباشد.
جوائز و نشانها : کسب عنوان مجسمه‌ساز حرفه‌ای در موزه لوور در 1991 برنده نشان طلا و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای پازل سه بعدی در 1999 کسب نشان نقره و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای طراحی نوعی قالب برای ساخت مجسمه به تعداد زیاد بدون افت کیفیت در 1999 پازل توپ چهل تکه‌ای از کره زمین؛ برنده مدال طلای نمایشگاه اختراعات هنری ژنو
چگونگی عرضه آثار : ابتکار بهرامیان با ساخت پازل از اشیای باستانی ایران، هنر و تاریخ را از موزه‌ها به درون خانه‌ها می‌برد و کودکان را در حس ساخت اشیای باستانی، با هنرمندان چند هزار سال قبل، سهیم می‌کند. آشنایی با هنر باستانی بخشی از بازی کودک می‌شود و هر کس می‌تواند یک کپی مثل اصل را در خانه داشته باشد؛ مانند پازل وزنه قوی هخامنشی. ساخت پازل‌هایی از آثار باستانی ایران و اهرام مصر، 2 جایزه برتر نمایشگاه اختراعات هنری سوئیس را برای او به ارمغان آورد. در حال حاضر، موزه لوور - که یک هرم شیشه‌ای در حیاط مقابلش ساخته اند- درآمد هنگفت این امتیاز را به جیب می‌زند. اثر دیگر بهرامیان "جنگ شاهین و مار" در بانک ملی دوبی؛ باز هم ساکنان آن سوی خلیج فارس. یک مجسمه او در یکی از پارک‌های تهران در غیابش به اسم یکی از همکاران ثبت و مجسمه دیگرش هم در پارک دانشجو ناپدید شد. ----------
---
آثار :
1 اسب آبی جای فرعون خوابیده
ویژگی اثر : پوستر پازل سه بعدی بهرامیان از هرم مصری و اسب آبی فیروزه‌ای مصر باستان که در دل پازل قایم شده.
2 جنگ شاهین و مار
ویژگی اثر : مجسمه، در پارک دبی
3 دو زیبای خفته
ویژگی اثر : این دو تا قوی طلایی زیبای خفته، 2 مدل از وزنه‌های ترازوی زمان هخامنشی است که در شوش کشف شده. ساخت مولاژ یا شبیه‌سازی آثار باستانی، یکی از تخصص‌های بی‌بدیل بهرامیان بود؛

تخصصی که علاوه بر ذوق هنری نیاز به مهارت و دانش زیادی دارد.
4 ماهی‌های در هم
ویژگی اثر : این دو ماهی در هم پیچیده با فواره‌هایشان، در ساحل خلیج‌فارس و خاطره بازدیدکنندگان جا خوش کرده‌اند؛ تا حدی که بسیاری با دیدن عکس، محل آن در دوبی را به جا می‌آورند. بهرامیان با هنر وشناختش نسبت به فضای نصب اثر، یک مجسمه محیطی بسیار عالی خلق کرده بود.
منابع زندگینامه : روزنامه همشهری، 13-11-1386، "مجسمه سازی که شکست"

بهروزی، علی‌نقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر، محقق.
تولد: 1281(1323 ق.)، کازرون.
درگذشت: 14 فروردین 1362، شیراز.
علی‌نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهروز، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال 1302 به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسه اتحادیه ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معملی و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال 1337 بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا ادامه داد. همچنین دارای گواهینامه زبان انگلیسی از دانشگاه کمریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.
در سال 1305 با روزنامه‌ی «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»، «پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار»و «یغما» انتشار می‌داد. او در سال 1325 امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی روزنامه‌ی «اطلاعات» در استان فارس بود و به عنوان شعار در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.
از سال 1350 تا 1358 به سمت سرپرست کتابخانه حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال 1358 به سرپرستی کتابخانه حضرت احمد در ×××× شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.
فهرست آثار او به شرح زیر است: جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی (شیراز، 1324)؛ سده‌ی وفات قاآنی (شیراز، 1333)؛ شرح کامل حالات حکیم قاآنی (شیراز، 1334، نشریه‌ی سه کانون دانش پارس)؛ شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور (شیراز، 1333)؛ تصحیح دیوان رحمت کازرونی (شیراز، 1334)؛ تصحیح دیوان مظفر شیرازی (با همکاری و بازنگری دیگران شیراز، 1337)؛ لطایف و ظرایف ادبی (شیراز، 1342)؛ آثار محلی فارس (شیراز 1340)؛ فارسنامه ابن بلخی (شیراز، 1343)؛ تاریخچه‌ی

شهر شیراز و اماکن تاریخی (تهران، 1347)؛ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی (تهران، 1348)؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز (شیراز، 1439)؛ تاریخچه‌ی مسجد جامع سلطانی وکیل (شیراز، 1350)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس (دو جلد با همکاری آقای محمدصادق فقیری، شیراز، 1351)، نوادر تاریخی (جلد اول، 1353)؛ حافظ را بشناسید (شیراز، 1355)؛ سعدی را بشناسید (شیراز، 1355)؛ افتخارات ایران؛ شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد (شیراز، 1356)؛ تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌ی فارس (شیراز، 1356)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (دو جلد، شیراز، 1360)؛ تاریخچه‌ی ده ساله‌ی کانون فرهنگیان پارس (شیراز، 1333)؛ اشعار نغز؛ گلشکر.
علی‌نقی بهروزی سرانجام به سال 1362 در شیراز زندگی را بدرود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.
(1362 -1283 / 1281 ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کازرون و بوشهر و شیراز به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و زبان انگلیسی را کاملا آموخت و نایل به دریافت گواهی‌نامه از دانشگاه کمبریج انگلستان شد. بهروزی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و مدت دو سال مدیر مدرسه‌ی ایرانیان در بحرین بود و از آنجا به بوشهر منتقل شد. و به مدیریت و تدریس در مدارس مختلف در بوشهر و شیراز پرداخت. او مقالات ادبی و اجتماعی زیادی در جراید «تخت جمشید»، «عصر ایادی»، «پارس» و مجلات «ارمغان»، «یادگار» و «گلهای رنگارنگ» منتشر کرد. بهروزی در سال 1325 ش امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره‌ی آن را در شیراز منتشر کرد. بعد از بازنشستگی از سال 1350 ش به سرپرستی کتابخانه حافظیه و کتابخانه شاهچراغ، گمارده شد و عضو انجمن ادبی فارس و مؤسس کانون دانش پارس بود و تا آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد. وی گاهی شعر می‌سرود و محققی پرکار بود و بیست و چهار جلد کتاب تألیف کرد و دهها مقاله نوشت. از آثار وی: «آثار محلی فارس؛ «جشنهای ایزدی»؛ «نوادر تاریخی»؛ «گلشکر»، لطائف و ظرائف ادبی؛ «سده قاآنی»؛ «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»؛ «فرهنگ لغات محلی فارسی».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (332/ 5)، انجمن‌های ادبی شیراز (415-412)، تارخی جراید (31 -30/ 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (494 -490/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (120 -119/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (604، 603/ 4).

بهزاد، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگی نامه مختصر:
(1347 -1273 ش)، مینیاتورساز. پدرش قلمدان‌ساز و نقاش بود. وی از سن هفت سالگی وارد کارگاه پدرش شد و پس از چندی به کارگاه ملاعلی قلمدان‌ساز رفت و چنان مینیاتورهای عالی ساخت که مشتریها فقط کارهای او را خریداری می‌کردند. در هیجده سالگی کارگاهی ساخت و به تقلید از آثار استادان بزرگ پرداخت. وی پس از کمال‌الدین بهزاد هراتی، بزرگترین استاد مینیاتور است. در دوران پدید آمدن هنرمندانی چون حسین بهزاد و هادی تجویدی و محمدعلی زاویه و دیگران، سپری شدن مکتب دوره ی دوم قاجاریه (از 1250 تا 1313) قطعی شده بود و تنها نوعی که مانده بود و عمل می کرد، مکتب آکادمیک کمال الملک و شاگردان و پیروانش بود. نقاشی سنتی، محدود مانده بود به ساختن تعدادی قلمدان و قاب آیینه و جلد روغنی ـ که هیچ استاد بزرگی هم درمیان سازندگان آنها وجود نداشت.
رجعت نسلی از هنرمندان با پیشینه ی هنرهای سنتی، به شیوه ی نگارگری قرن های دهم و یازدهم ایران؛ تنها براساس علاقه به بازسازی یک سنت منسوخ نبود.این هنرمندان، بازار کار خود را از دست رفته می دیدند و با نقاشی غربی هم الفتی نداشتند.اینان در درجه ی اول به زمینه ی اقتصادی توجه کردند که با آمدن دلال ها، دیپلمات ها، بازرگانان و سیاحان اروپایی و آمریکایی، رونقی تازه گرفته بود. این خریداران، جست و جوی گسترده را با پیشنهادهای مالی وسوسه کننده همراه کردند و هنرمندان جوان و با استعداد، به جای ادامه دادن به هنر منسوخ قلمدان سازی، به این بازار دایر روی آوردند و با مهارت چشمگیر به تقلب و تقلید نمونه های عصر صفوی پرداختند. نمونه هایی از کار مرحوم حسین بهزاد که به شیوه ی مکتب های بخارا و هرات و قزوین و اصفهان ساخته شده اند، چنان فراوان است که در بسیاری از موزه ها و مجموعه ها، به عنوان نمونه های اصیل، وارد شده اند.
نقاشی ایرانی، در شرایط طبیعی، نمی توانسته رجعت و تقلیدی چنین آشکار و دقیق را ـ با جهشی چهارصد ساله ـ بپذیرد و در راستای حرکت ناگزیر خود، جایگاهی قابل قبول برای آن فراهم کند.نقاشی ایرانی، از قرون هفتم و هشتم به بعد، رو در ابداع و خلاقیت و تصحیح و ترقی داشته

و تمایل به قهقرا و نسخه برداری از نمونه های گذشته ی دور، در آن جایی نداشته است. اما نسلی که با مرحوم حسین بهزاد، کارش را آغاز کرد، هیچ پروایی از این امر نداشت.اگر هم ر فته رفته بر این جسد فاخر، جامه های تازه پوشاند و دست از جعل کردن برداشت و آثارش را امضا کرد و تاریخ گذاشت، بیشتر به این خاطر بود که در مقابل فشار روزافزون و جایگزین شونده ی هنرغربی، مابه ازایی فراهم آمده بود. این مابه ازا در جایی پنهانی از حافظه ی قومی مردمان ما، یادی و اشاره ای داشت به آن باغ بهشت رنگارنگ مستتر و منتشر در نگاره های زیبای قرن های سپری شده.
نویسنده:آیدین آغداشلو
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (339 -337)، تاریخ برگزیدگان (505 -504)، شخصیت‌های نامی (117 -115).
همشهری جوان(ش39)

بهشتی، حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم و دهم ق)، قاری، عالم و متکلم امامی. از مشاهیر عصر شاه اسماعیل بود. آنگونه که از «ریاض» نقل شده وی عالمی فاضل و متکلمی برجسته و از شاگردان شمس‌الدین محمد، پسر سیدشریف جرجانی، بود.
از آثار وی: کتاب «تجوید القرآن»؛ «کتاب الحساب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (159/6)، الذریعه (6/7 ،/366/3)، ریحانه (298/1)، لغت‌نامه (ذیل/ حسین بهشتی).

بهمنش، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1290 ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاه خویش انجام داد و بعد به فرانسه رفت و به ایران بازگشت و در سال 1314 ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت و تاریخ ملل قدیم را درس گفت. وی تألیفات و ترجمه‌های زیادی دارد از جمله: ترجمه‌ی «تاریخ مصر قدیم»؛ «تاریخ یونان قدیم»؛ «تاریخ ملل قدیم آسیای غربی»؛ «سیر تاریخ»؛ «تاریخ جهانی»، در دو مجلد؛ «فرهنگ اساطیر»؛ مسئله‌ی شرق»؛ «تارخی اروپا، قرون وسطی و آغاز قرن جدید».[1]
درگذشت: 1371.
احمد بهمنش از تحصیل کردگان دارالفنون بود و جزو محصلان اعزامی به اروپا و فرانسه به تحصیل تاریخ پرداخت. پس از بازگشت چندی در دبیرستان‌ها درس می‌گفت تا این که به دانشگاه منتقل شد و در دانشکده‌ی ادبیات بیشتر تاریخ یونان و روم را بر عهده داشت. بهمنش چند کتاب در زمینه تدریس و مطالعات خود به چاپ رسانیده است. از جمله آثار اوست: تاریخ اروپا در قرون وسطی و آغاز قرون جدید (مخصوص سال چهارم ادبی و دانشسرای مقدماتی)؛ تاریخ جهانی (تألیف شارل دولاندلن، 1347)؛ تاریخ یونان باستان؛ فرهنگ اساطیر یونان و روم (پیر گریمال 1376).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 4، ش 1، ص 10 -3)، مؤلفین کتب چاپی (1/ 366- 367).

بیات، عزیزالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عزیز الله بیات در سال 1299 در شهر نهاون بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل ساباته فرانسه در سال 1378 می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عزیز الله بیات تحصیلات مقدماتی را در شهر نهاوند گذراند.وی کلاسهای هفتم ،هشتم و نهم را در شهر ملایر سپری کرد.ادامه تحصیلات متوسطه را در همدان پس گرفت و موفق به اخذ دیپلم گردید. ایشان تتحصیلات دانشگاهی خود را در دانشسرای عالی تهران گذراند و مدرک کارشناسی اش را در سال 1323 گرفت."در سال 1332 و به علت نزدیک بودن کرمانشاه به نهاوند از طرف اداره فرهنگ به این شهر رفتم و به مدت 20 سال در این شهر زندگی کردم، چند کتاب هم درباره تاریخ و جغرافیای کرمانشاه نوشتم و منتشر کردم."دکتر بیات با استفاده از بورس تحصیلی که به کارمندان تعلق داشت استفاده کرده و عازم فرانسه گردید.نامبرده در سال 1348 موفق به اخذ مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل سایاته فرانسه شد.
خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر بیات از خاطرات تحصیلش چنین بیاد دارد: بعداز از دیپلم ترک تحصیل نکردم .پدر بزرگم انسان فاضلی بود، مضاف بر این یکی از دوستان آیت الله مدرس بود و زمانی که به تهران رفت وآمد می کرد در منزل مرحوم مدرس اقامت می کرد. ایشان مرا به ادامه تحصیل تشویق می کرد. ابتدا قرار بود مرا به خارج از کشور بفرستد اما من به دانشسرای عالی که الان به آن تربیت معلم می گویند رفتم و لیسانسم را نیز دریافت کردم.
همسر و فرزندان : عزیز الله بیات دارای 4 فرزند پسر و یک فزرند دختر می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال 1350 تا کنون رئیس اداره چهارم کارگزینی آموزش و پرورش رئیس اداره مطالعات و برنامه ها
فعالیتهای آموزشی : عزیز الله بیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا،

به تدریس دروس تاریخ تمدن اسلام و گاه شماری در دانشگاههای شهید بهشتی (به عنوان عضو هیئت علمی)،دانشگاه آزادا اسلامی ،دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه الزهرا می پردازد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر عزیز الله بیات از زندگی خودش چنین اذعان می کند: من 60 سال است که تدریس می کنم و در این مدت که درس داده ام شش ساعت هم غیبت ندارم. من بیش از 50 سال است که فقط یک وعده غذا می خورم و از هر فرصتی برای پیاده روی هم استفاده می کنم، هیچ بیماری هم ندارم.
چگونگی عرضه آثار : دکتر عزیز الله بیات حدود 40 کتاب به رشته تحریر در آورده است. ----------
---
آثار :
1 آثار باستانی کرمانشاه
ویژگی اثر : تالیف
2 از ظهور اسلام تا دیالمه
ویژگی اثر : تالیف
3 تاریخ ایران
ویژگی اثر : ناشر: امیر کبیر نویسنده: عزیزالله بیات (جلد اول و دوم)
4 تاریخ ایران از آغاز تا انقراض پهلوی با تجزیه و تحلیل منابع و ماخذ
ویژگی اثر : تالیف
5 تاریخ تطبیقی ایران(از سلسله ماد تا پهلوی) با تمام دنیا
ویژگی اثر : تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - 06 اردیبهشت، 1385
6 تاریخ مختصر ایران
ویژگی اثر : تالیف
7 تاریخ منابع و ماخذ ایران
ویژگی اثر : تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - 1383
8 تحریر و تحشیه تاریخ گیتی گشای نامی
ویژگی اثر : تالیف
9 جغرافیا برای دانشسراها و دبیرستانها
ویژگی اثر : تالیف
10 جغرافیای محلی کرمانشها
ویژگی اثر : تالیف
11 زمینه های پیشرفت و پیروزیها و شکستهای ایران
ویژگی اثر : تالیف
12 کتب درسی تاریخ برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر : تالیف
13 کلیات جغرافیای طبیعی و تمدنی ایران
ویژگی اثر : تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیرکبیر - 1383
14 کلیات گاه شماری در جهان
ویژگی اثر : پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: دانشگاه شهید بهشتی - 1381
15 نهاوند
ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین زرینی، عزیزالله بیات (زیرنظر) ناشر: دفتر پژوهشهای فرهنگی - 27 تیر، 1385

بیات، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بیات معلم باتجربه‌ی آموزش و پرورش و استادکار نی‌ساز، در سال 1323 در یکی از روستاهای شهرستان ملایر متولد شد. در سن 5 سالگی بود که همراه خانواده به تهران نقل مکان کرد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه و گرفتن دیپلم، شغل شریف آموزگاری را انتخاب و به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و از آنجایی که درونی پاک و بی‌آلایش و روحی حساس و عارفانه داشت به ساز نی علاقه‌مند شد و یکی از روزهای سال 1340 راهی اصفهان شد و برای خریدن نی نزد مرحوم عباس وحوشی که از سازندگان خوب نی بود رفت و چند روزی از کارها و نی‌های ساخته شده توسط وی دیدن کرد و سپس روانه‌ی تهران شد.
ذوق و استعداد و علاقه‌ی شدید وی به این ساز عارفانه موجب گشت که در سال 1350 به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران برود و مدت پنج سال متوالی نزد محمدعلی حدادیان استاد نی‌نواز این مرکز موسیقی که از هنرمندان اصفهان بودند، شروع به فراگیری شیوه‌ی نی‌نوازی کرد و در همین سال‌ها بود که استاد چون علاقه فراوان محمد بیات را به این ساز دید، ضمن تعلیم او، او را تشویق به ساختن نی نیز نمود و از آنجا که خود استاد به فن نی‌سازی آشنایی کامل داشت، رموز کار را تا آنجا که امکان داشت به وی آموخت و محمد بیات از آن زمان به بعد کار نی‌سازی را به طور جدی و اصولی و به روشی صحیح شروع کرد.
محمد بیات، مدت بیست و پنج سال است که نی می‌نوازد و نی می‌سازد و در این مدت حدود چهار تا پنج هزار، نی در کوک‌ها و الگوهای مختلف ساخت است. به این ترتیب این هنرمند معلم یا معلم هنرمند، به موسیقی سنتی ایران خدمات ذیقیمتی نموده است. وقتی از ایشان سؤال کردم که استاد از سازهایی که ساخته‌اید و اصولاً از این صنعت و هنر خود، راضی هستید؟ پاسخ دادند:
«بسیار خوشحالم که کارهای من مورد تأیید اساتید فن و نوازندگان نی می‌باشد، انگیزه و هدف من از این کار این بوده که بتوانم با تجربه‌ای که در این زمینه کسب کرده‌ام، نی‌هایی بسازم که جوابگوی تمام نت‌های موسیقی باشد و برای این کار تغییرات و تعمیرات اساسی و دقیقی بر روی الگوهای موجود داده‌ام که نی هم بتواند در کارهای ارکستر همردیف کلیه سازها جوابگو باشد و من هم به سهم خود خدمتی در این راه به

علاقه‌مندان این ساز کرده باشم.»
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

بیانی، شیرین

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر شیرین بیانی ، فرزند دکتر خانبابا بیانی در یازدهم مرداد ماه سال 1317 در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی ومتوسطه در سال 1336 وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در رشته ی تاریخ ادامه تحصیل داد و در دوران تحصیل دانشگاهی ، شاگرد اول بود. در سال 1339 موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال 1341 از دانشگاه سوربن پاریس موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی « بسیار عالی » گردید. خانم بیانی در سال 1342 با رتبه ی استادیاری تمام وقت وارد کادر آموزشی گروه تاریخ دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در سال 1346 به مقام دانشیاری ارتقاء یافت. در سال 1353 به مقام استادی « تمام وقت » همان دانشگاه دست یافت و در سال 1373 به رتبه ی پروفسوری « رتبه ی همراه استادی » رسید. وی هم اینک با رتبه ی 30 استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. خانم شیرین بیانی علاوه بر نگارش چندین کتاب ، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : تاریخ ایران - دوره مغول
والدین و انساب : شیرین بیانی ، فرزند دکتر خانبابا بیانی است که دارای فعالیت هاو کارهای ارزنده ای بود که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم: مؤسس دانشگاه تبریز و توسعه دهنده ی دانشگاه تربیت معلم ، استقلال بخشیدن به دانشسرای عالی (تربیت معلم کنونی) عضو شورای عالی و فرهنگ سابق و تدوین و تنظیم اسناد و مدارک موجود در وزارت خارجه و تاسیس کتابخانه برای وزارت خانه و اهدای کتابهای خصوصی به آن .دکتر شیرین بیانی از جانب مادری ، نواده ی ملک المتکلمین مشروطه خواه معروف و شهید راه آزادی (که به در باغشاه توسط محمد علیشاه قاجار همراه با میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل شهید گردید) و دکتر مهدی ملک زاده از بنیان گزاران طب جدید در ایران و صاحب کتاب « تاریخ

مشروطیت » و فرزند ملک زاده ی بیانی کارشناس معروف باستان شناسی و از بنیان گزاران موزه ی ایران باستان می باشد. مادر بزرگ دکتر بیانی از طرف مادری ،خورشید کلاه ملکزاده بانویی فرهیخته وشاعر بودو عموی ایشان ،دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه تهران ،خوشنویس و بنیانگذار انجمن خوشنویسی ایران است.خواهر دکتر بیانی ،سوسن بیانی (دارای دکتری رشته باستان شناسی و مشغول تدریس در دانشگاه تهران)است.

خاطرات کودکی : دوران کودکی شیرین بیانی در بهترین و آرام ترین شرایط ممکن خانوادگی سپری گردید در محیطی آکنده از مهر و محبت ،صفا ،یک رنگی و عشق به ایران و ایرانی و همه انسانها.احترام به سنت ها ی ملی و مذهبی و اصول مذهبی ،احترام و دستگیری از طبقه غیر مرفه جامعه که این اصول در تدوین شخصیت او بسیار موثر بوده است.افراد خانواده همه فرهنگی ،اهل ذوق و هنر و دارای تالیفات متعدد بوده اند،که این شرایط خانوادگی نیز در سوق دادن او بسوی دانش و دانشگاه تاثیر بسیاری داشته است. شیرین بیانی در این باره می گوید: یکی از بهترین خاطرات کودکی ام ، در هفت سالگی همراه خواهرم در حیاط خانه به بازی مشغول بودم. پدرم با کیفی و بغلی پر از کتاب از دانشگاه به خانه باز گشت.من بسوی او دویدم و سلام کردم. او مرا در میان کتابها در آغوش گرفت و بوسید.من در آن لحظه با خود گفتم "منهم استاد دانشگاه می شوم و هروز با بغلی و کیفی پر از کتاب به خانه باز می گردم.من مانند پدرم تاریخ خواهم خواند و مانند او استاد خواهم شد " و چنین هم شد من از هفت سالگی در آغوش پدر راه زندگی ام را یافتم و با راهنمایی های مادر ،پدر و مادر بزرگ و پدر بزرگم ،همه ارزنده و انسان ساز بودند،بدون کوچکترین تردید و تزلزل تاکنون همین را ادامه دادم. دکتر بیانی در خانواده ای بزرگ در خیابان ویلا تهران کوچه شیرین زندگی میکرد بنا به گفته های ایشان: در خانه از صبح باز بود و دوستان و آشنایان در رفت و آمد بودند. دراین خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ ریاست آن را بر عهده داشتند.بیشتر رفت و آمد ها برای ملاقات پدر بزرگ (دکتر مهدی ملکزاده) بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شیرین بیانی در خانواده ای فرهیخته و ارجمند متولد شد و دوران کودکی بسیار پرباری را در یک محیط گرم خانوادگی ، توام با محبت و دانش سپری نمود. در خانواده او را با نوامیس زندگی چون شرافت و کرامت انسانی ، علم دوستی ، پاکدامنی ، وطن پرستی و هم وطن دوستی و محبت انسانی آشنا کرده و دینداری را به او آموختند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیرین بیانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه منوچهری و متوسطه را در دبیرستان های ژاندارک و انوشیروان دادگر به

انجام رسانید. در سال 1336 در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در رشته ی تاریخ به تحصیل ادامه داد و در دوران تحصیل دانشگاهی ، شاگرد اول بود. در سال 1339 موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال 1341 در دانشگاه سوربن پاریس در رشته ی دکترای تاریخ تحصیل و موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی « بسیار عالی » گردید.
خاطرات و وقایع تحصیل : مهم ترین وقایع دوران تحصیل شیرین بیانی ، نصب مجسمه ی ملک المتکلمین نیای مادری شان در میدان « حسن آباد » بود که نام این میدان به میدان « ملک المتکلمین » تغییر یافت. همچنین خاطره ی دیگر خانم بیانی ، شاگرد اول شدن در کلاس ششم ادبی در مدرسه انوشیروان دادگر و کل دبیرستان های تهران بود. شیرین از ابتدا تا انتهای دوران تحصیل در علم ریاضی ضعیف و در ادبیات قوی بود.خاطرات تلخ او گاه در کلاسهای ریاضی است و خاطرات شیرین از کلاهای ادبی، که سرانجام نیز در رشته ادبی شاگرد اول بود.یکی از خاطرات جالب شیرین در کلاسهایست که معلمان او را بسیار با فراست و هوشیار می دانستند و احترام خاصی برایش قائل بودند در حالیکه معلمان ریاضی ،با وجود نامی که در دبیرستان داشت،و همه اورا می شناختند ،چندان توجهی به او نداشتند البته حق هم داشتند. ودر حین تحصیل در دانشگاه به دلیل استادی پدر ،همه اورا می شناختند و بهمین دلیل شیرین می بایست خوب درس بخواند و خوب رفتار کند که چنین هم می کرد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : شیرین بیانی ضمن تحصیل فعالیت های همچون به تکمیل زبان فرانسه ،مطالعه کتابهایی غیر درسی و ورزش می پرداخت.و دردبستان ودبیرستان او را به عنوان سرپرست انجمن نیکوکاری مدرسه انتخاب می کردند.
استادان و مربیان : ازجمله استادان شیرین بیانی می توان به پدر ایشان دکتر خانبابا بیانی ، عموی ایشان دکتر مهدی بیانی ، علی اصغر شمیم و دکتر محمدحسن گنجی اشاره نمود.
هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایهای شیرین بیانی اغلب قریب به اتفاق فرهنگی و بخصوص دبیر هستند.
همسر و فرزندان : شیرین بیانی ، همسر دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نویسنده ی معروف معاصر و استاد دانشگاه تهران است که در سال 1343 با وی ازدواج کرد است.ایشان دارای دو فرزند پسر به نام های رامین ، متخصص تغذیه طبی و مهران ، متخصص محیط زیست و مسائل آب می باشند که پس از گذراندن تحصیلات در سوئیس و آمریکا به ایران بازگشته و مشغول به کار شده اند. آنها که در محیطی فرهنگی و سالم

پرورش یافته اند علم و انسانیت را ارج می نهند و در این راستا کوشا می باشند.
وقایع میانسالی : شیرین بیانی در دوره ای زندگی می کند که بیش از هر زمان دیگر دارای فراز و نشیب بوده و هست .دنیا در تحولی شگرف و سریع بسر می برد که بخصوص این سرعت ،در تاریخ بی نظیر است و او شاهد این دگرگونی هاست.و این وقایع و ماجراهای جهانی و داخلی در گسترش افق دید او از جهت نگرش تاریخی ،اهمیت بسزایی دارد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شیرین بیانی در طول چهل و سه سال فعالیت علمی خود بلافاصله از اتمام تحصیلات در سال 1342 با رتبه استاد یاری در دانشگاه تهران آغاز کرد .هیچ مسئولیتی بجز تدریس در گروه تارخ دانشگاه تهران نداشته است.وی در سال 1346 به رتبه دانشیاری و در سال 1353 به درجه استاد تمام وقت نائل آمد.و در سال 1373 به رتبه ی پروفسوری « رتبه ی همراه استادی » رسید. وی هم اینک با رتبه ی 30استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.
فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی رشد و دکتری در گروه تارخ دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط شیرین بیانی: کارشناسی : • تاریخ ایران دردوره سلوکی واشکانی • تاریخ ایران ازمغولتا کارشناسی ارشد : • بررسی ومطاله انتقادی ادیان ایران با • تاریخ تحولات سیاسی ومناسبات فرهنگیوتمدنی ایران واسلام • تاریخ تمدن وفرهنگ اسلامی • نقدوبررسی ایران باستان • نقدوبررسی تاریخ مغول تیمورحک دکتری: • بررسی وتحلیل اسنادارشیوی وکتاب • تاریخ اجتماعی ایران • تحول سیاسی اجتماعی بعدازاسلام • مناسبات ایران باستان • هنرهاوصنایع ایران بعدازاسلام
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شیرین بیانی درتاسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یـــــزد فعالیت مستمری از خود نشان داده است. وی همچنین به مراکز درمانی نیز کمک می کند.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیرین بیانی بر این باور است که هر زن ابتدا می بایست به خانه و خانواده بپردازد.چون وی معتقد است که بزرگترین مسئولیت یک زن تربیت فرزندان نیک برای تحویل دادن به جامعه ،ترتیب امور همسر برای آمادگی وی در پیشبرد کارهایش است.خانم شیرین بیانی علاوه بر امورات زندگی به نگارش چندین کتاب ، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی چون مجلات : یغما ، راهنمای کتاب ، بررسی های تاریخی ، هستی و ایرانیکا (چاپ دانمارک) به چاپ رسیده است. او گذشته از اینها ، سخنرانی چیره دست

نیز هست و در مجامع بین المللی علمی از قبیل : کنگره ی بین المللی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ، کنگره ی بین المللی بیهقی ، مطالعات ایران شناسی و ازاین قبیل به سخنرانی هایی پرداخته که در مجموعه های وابسته به کنگره ها و مجلات معتبر به چاپ رسیده است. او در پیگیری پژوهش های علمی خود به کشورهای فرانسه ، انگلیس ، سوئیس ، ایتالیا ، یونان ، بلغارستان ، لهستان ، اسپانیا ، پرتغال ، آلمان ، ترکیه ، مصر ، کویت ، هندوستان ، چین ، اردن ، عراق ، امارات متحده عربی و آمریکا سفر کرده و هربار با ره آوردهای سودمندی به وطن بازگشته است.
همفکران فرد : مولانا جلال الدین رومی بلخی در روشنفکری زندگی شیرین بیانی تاثیر داشته است. همچنین پدر و مادر و در بسیاری موارد همسر وی ، همفکران او بوده و هستند.
آرا و گرایشهای خاص : درباره گرایش شیرین بیانی می توان گفت که به عرفان گرایش دارد. بدین گونه او اعتقاد دارد که باید بسوی کمال گام برداشت.خودشناسی را ضروری می داند و دانش را چراغ فرا راه.عشق را ملاط همه اموز زندگی می داند و انسان را بی عشق نمی تواند تصور کند.در توضیحی افزون تر ،شیرین بیانی معتقد است که سنت های ایرانی را با تطبیق با وضع در روز می بایست ارج نهاد و بکار گرفت و مدرنیته را با گزینشی صحیح و مطابق با فرهنگ و تمدن ایرانی به آن پیوند داد.دقت در انتخاب هر دو کاری دقیق و سخت است که همواره خانواده اش به پیروی از آنان در این راه اقدام کرده اند و به نتیجه ای مطلوب رسیده اند.
جوائز و نشانها : شیرین بیانی به اخذ متجاوز از ده لوح تقدیر از مراکز علمی - فرهنگی و دانشگاهی نائل آمده است. مهمترین آنها لوح تقدیر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران می باشد(سال 1382) .و همچنین لوح های تقدیری بمناسبت انتخاب کتاب"دین و دولت در ایران عهد مغول" تالیف وی به عنوان کتاب نمونه سال جمهوری اسلامی ایران در سال (دوره پانزدهم کتاب سال)1375 ،لوح تقدیر برای انتخاب کتاب او به عنوان کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال 1375 در یافت کرده است و همچنین در این راستا موفق به دریافت لوح تقدیر به همراه50 سکه بهار آزادی گردید که جایزه ی نقدی آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اهداء شد تا کمکی برای تأسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یزد باشد.
چگونگی عرضه آثار : شیرین بیانی حدود 35 مقاله نگاشته است که یا به صورت کتاب و مجموعه به چاپ رسیده و یا زیر چاپ است. و قبل از آن در مجلات معتبر داخلی و تعداد اندکی در مجلات معتبر خارجی انتشار یافته است. مقالات ارائه شده در همایشها • بیانی شیرین ,"بابا طاهر از اقطاب

فرقه قلندریه ",کنگره بزرگداشت بابا طاهر ,همدان /.ایران ,02-,فروردین,1379 • بیانی شیرین ,"پیوند ادبیات و تاریخ در ایران ",کنگره زبان فارسی,شیراز /ایران ,02-,فروردین,1379 • بیانی شیرین ,"فرقه قلندریه در دوره ایلخانی",کنگره بین المللی مغول شناسی,تهران/ ایران ,01-,فروردین,1376 • بیانی شیرین ,"هویت ایرانی از خلال بوستان سعدی",کنگره هویت ایرانی,لندن /انگلیس ,01-,فروردین,1376 • بیانی شیرین ,"زن در تاریخ بیهقی",کنگره بین المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی,مشهد /ایران ,01-,فروردین,1349 • بیانی شیرین ,"بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال جامع التواریخ رشیدی",کنگره بین المللی خواجه رشید الدین فضل االله همدانی,تهران /ایران ,01-,فروردین,1348 --------
---

آثار :

1 ایران در برخورد با مغول

ویژگی اثر : از انتشارات کتابخانه ی طهوری در سال 1353 .

2 پنجره ای بسوی تاریخ

ویژگی اثر : مجموعه شانزده مقاله - انتشارات اساطیر -در دست چاپ

3 تاریخ آل جلایر

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال 1343- این کتاب به زبان فرانسه و رساله دکتری وی بوده است که در دانشگاه سوربن پاریس از آن دفاع شده است و بعد ها توسط خود وی به فارسی برگردانده شده است.این اثر بزبان قزاقی نیز ترجمه شده است

4 تاریخ ایران باستان (دوره ی سلوکی و اشکانی)

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

5 تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا سقوط هخامنشیان

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

6 تاریخ ایلخانان

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

7 ترجمه ی کتا ب تاریخ سری مغولان

ویژگی اثر : تألیف : چائویی شه ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال 1350 -اولین منبع درباره تاریخ مغول و چنگیز خان است که 13 سال پس از در گذشت این خان تدوین شده است . و اصل آن بزبان چینی بوده است.

8 ترجمه ی کتاب تاریخ عیلام

ویژگی اثر : تألیف : پیر آمیه ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال 1349 .

9 ترجمه ی کتاب چنگیزخان

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف ، از انتشارات اساطیر در سال 1363 .

10 ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان
ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف - انتشارات بنگاه ترجم و نشر کتاب - تهران 1346
11 ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان ؛ فئودالیسم خانه به دوشی
ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف ، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال 1346 .
12 ترجمه ی مهمانخانه ی آنژگارین
ویژگی اثر : تألیف : دسکور.کتاب داستان برای نوجوانان و جوانان در سال 1332- این اثر شیرین بیانی هنگامی که پانزده سال داشت ترجمه گردید و بکوشش پدرش خانبابا به چاپ رسید .دکتر ناتل خانلری مقدمه ای بر آن نگاشت.
13 تیسفون و بغداد در گذر تاریخ
ویژگی اثر : تالیف,انتشارات جامی ,1377
14 دین و دولت در ایران عهد مغول
ویژگی اثر : مجموعه ای مشتمل بر سه جلد از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی در سال 1367 ، 1371 و 1375 - برنده جایزه بهترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره پانزدهم کتاب سال در رشته علوم انسانی و اخذ لوح تقدیر بسال 1375 و برنده جایزه بهترین کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال 1375. آشنایی با کتاب: «دین و دولت در ایران عهد مغول»: دین و دولت در ایران عهد مغول؛ شیرین بیانی؛ تهران: مرکز دانشگاهی، 3ج، جلد سوم، 1375. دوران فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران را می توان یکی از شگفت انگیزترین و پُرتحرک ترین ادوار این کشور به شمار آورد. در این عهد است که درخت فتوحات چنگیزی به بار می نشیند و برای بازماندگانش ثمری شیرین می دهد، ولی این لقم؟ گلوگیر به سختی قابل بلعیدن بود. در طول زندگی حکومت ایلخانی، پیوسته دو تلاش متقابل و در ضمن خستگی ناپذیر از جانب حکومت و مردم مشاهده می شود. از یک سو، تلاش حکومت برای تحکیم هرچه بیشتر مبانی قدرت و قبولاندن آن به اتباع ایرانی و از سوی دیگر تلاش مردم در جهت کمر راست کردن و تجدید حیات خویش. به بیان نویسند؟ کتاب، پیوستگی دین و دولت در دورانهای گوناگون تاریخ ایران به چشم می خورد. این پیوستگی که ریشه در قبل از اسلام دارد، با ورود اسلام و به ویژه در دور؟ صفوی به اوج رسیده، در نتیجه دین آمیخته شده با فرهنگ ملی، مجموع معتقدات ایران را در برمی گرفت. از این رو، مغولان در هجوم به ایران و فتح آن با معتقدات مردم روبه رو بوده اند که می بایست یا آن را ریشه کن کنند یا با آن کنار آیند و این نبردی بود که تا زمان اسلام آوردن حکومت مغولی مستقر در ایران، همچنان ادامه داشت.

این موضوع خاص و مهم، محتوای کتاب نویسنده را تشکیل می دهد که 3 جلد را شامل می شود. در جلد اول رویارویی دو طرز تفکر و دو فرهنگ ناهمگون و نابرابر (غالب و مغلوب) روشن می شود. ادام؟ این نبرد و نفوذ و حضور ایرانیان در امور دیوانی و ادار؟ کشور مطالب جلد دوم را در برمی گیرد. در جلد سوم نیز مسائل سیاست خارجی حکومت ایلخانی در مرزهای شرقی و مرزهای غربی ایران در روزگارانی مطرح شده که جهان اسلام از سویی در رویارویی با عنصر بیگان؟ مغول و از سوی دیگر در تکاپوی رهایی از تتم؟ جنگهای صلیبی با جهان غرب است.

15 زن در ایران عصر مغول
ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال1352 .
16 شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان
ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال 1355 .
17 کرمساز دوصد کیش
ویژگی اثر : درباره مولانا جلال الدین _انتشارات جامی -تهران 1382
18 مجموعه مقالات
ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.
19 مغولان و حکومت ایلخانی در ایران
ویژگی اثر : انتشارات سمت - تهران 1379
20 هشت مقاله در زمینه ی تاریخ
ویژگی اثر : از انتشارات توس در سال 1352 .

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بیرام شیرازی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1266 ش)، مورخ، نویسنده و باستانشناس. وی در شیراز به دنیا آمد. پدرانش همگی اهل دانش بودند. پس از تحصیل مقدمات در خدمت شیخ علی ناجی، سید علی یزدی، سید محمد مدرس یزدی و حاج سید ابوطالب مجتهد شیرازی علوم متداول عربی و فارسی را آموخت. وی بسیاری از علوم عصر خود را به وسیله‌ی مطالعه کتابهای تاریخ- جغرافی و باستانشناسی فراگرفت و به تحقیق در زمینه‌ی تاریخ ایران پرداخت. شغل او همواره زراعت بود و کشاورزی را بر تمامی مشاغل حتی استادی دانشگاه ترجیح می‌داد. از آثار وی: «تاریخ مفصل و جامع ایران از بدو پیدایش تا انقراض سلسله‌ی قاجاریه» از این کتاب حدود یکصد صفحه در دست است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (516 -515 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (143/2).

بیرجندی، حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، نقاش فلزات. از هنرمندان اهل بیرجند و مقیم عثمانی بود که در نقش و تصویر بر روی فلزات دست پرهنر داشت. از بهترین آثار وی، کوزه برنزی زیبایی است که در کمال نفاست و استادی انجام یافته و به انواع گلهای تزیینی آرایش شده است، با رقم: «کاتبه و ناقشه و فارغه حسین بن شهاب البیرجندی فی ربیع‌الاول سنه احدی و سبعین و ثمانمائه 871».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (157/1).

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(440 -362 ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیارکیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال 387 ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرتهای ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولا به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از 113 کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق ماللهند»، که پرحجم‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفة اوتار الدائره»؛ «مقالید علم الهیئة»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیة»؛ «الجماهر فی معرفة الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممکنة فی صنعة لاسطرلاب»، «الاضلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[1]
(قد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی و. بیرون) (خوارزم) 362 ه.ق./ 973 م.- ف. غزنین 440 ه.ق./ 1048 م.) وی اوایل

عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانید و سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سر برد و کتاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چندی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (408 ه.ق.).پس از آن چند بار به خوارزم سفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هند مخالطت کرد و زبان سنسکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسعت داد و مواد لازم رابرای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (206 -205 /6)، اعیان الشیعه (65/9)، تاریخ در ایران (21 -20)، تاریخ ادبیات در ایران (342 -337 /1)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (271 -254)، تاریخ گزیده (690 -689)، تاریخ موسیقی (154/1)، الذریعه (5/22، 27/17، 132/5، 7 -6 /1)، روضات الجنات (336 -334 /7)، ریحانه (119 -114 /7)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (197 -176)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (327 -35 /1)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (28 -21)، فلاسفه‌ی شیعه (403 -380)، کشف الظنون (1065، 1126، 1314، 1385، 1434، 1437، 1594، 1622، 1784، 907، 771، 594، 488، 463، 424، 403، 345، 81، 79، 70، 9)، الکنی و الالقاب (80 -78 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوریحان)، معجم الادباء (180/17)، معجم المؤلفین (242 -241 /8)، نامه‌ی دانشوران (82 -61 /1)، هدیة العارفین (66 -65 /2).

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 696 -680 ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضای فارس بود. پدرش در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و بعد از او این منصب به پسرش رسید. وی بعد از مدتها اقامت در شیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضی معاصر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسی و صلاح‌الدین صفدی بود. او در گورستان چرنداب تبریز مدفون است. بیضاوی در عربی و فارسی تألیفاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضاوی» یا «انوار التنزیل و اسرار التأویل» شهرت دارد و شیخ بهایی بر آن شرح نوشته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شرح التنبیه»، در فقه؛ «شرح الکافیه»، در نحو؛ «شرح المصابیح»، در فقه؛ «شرح مطالع»، در منطق؛ «منهاج الوصول الی علم الاصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الانوار» و «مطالع الانظار»، در توحید و کلام؛ «غایة القصوی فی درایة الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (248/4)، بزرگان نامی پارس (281 -274)، تاریخ ادبیات در ایران (1209، 228، 223 -222، 218 /3)، تاریخ گزیده (706)، تاریخ نظم و نثر (140 -139)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (518 -517 /1)، دایرةالمعارف فارسی (490/1)، الذریعه (192/24، 179 -178 /23)، روضات الجنات (130 -127 /5)، ریحانه (306/1)، شیرازنامه (182)، طرائق الحقائق (666 -662 /2)، فارسنامه‌ی ناصری (118/1)، کشف الظنون (1959، 188 -186)، الکنی و الالقاب (113/2)، لغت‌نامه (ذیل/ بیضاوی)، معجم المؤلفین (400/13، 98 -97 /6)، نامه‌ی دانشوران (151 -137 /8)، هدیة الاحباب (111 -110)، هدیة العارفین (463 -462 /1)، یادداشتهای قزوینی (15 -13 /2).

بیگدلی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علی بیگدلی در سال 1322 در شهر قم بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ (با موضوع سلجوقیان و جنگهای صلیبی) از دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه است. وی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می باشد. دکتر بیگدلی در سال 1385 پس از 44 سال و شش ماه خدمت در عرصه علم بازنشسته شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : تاریخ اروپا
والدین و انساب : پدر و مادر علی بیگدلی فوت شده اند و دارای دو برادر و یک خواهر است.
خاطرات کودکی : علی بیگدلی علاوه بر تحصیل به ورزش دو و پرش علاقه زیادی داشت، بطوری که در این رشته به فعالیت پرداخته و به مقام قهرمانی استان تهران دست یافت. ایشان در موسیقی نیز در زمینه های آواز، تنبک و تار به طور مختصر تحت آموزش بوده است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی بیگدلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش، قم به تحصیل پرداخت و دیپلمش را اخذ کرد. پس از آن (تجربه کارمندی در سفیدرود) در سال 1346 در رشته حقوق دانشگاه ملی با رتبه 13 پذیرفته شد ولی بدلیل اشتغال داشتن در آموزش و پرورش نمی توانست روزها به تحصیل بپردازد. بالاخره در سال 1347 بصورت شبانه روزی در مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی در رشته ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت. در سال 1350 پس از اخذ کارشناسی رشته مذکور عازم فرانسه شد و جامعه شناسی را ادامه داد ولی به علت علاقه به رشته تاریخ در دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه به تحصیل رشته تاریخ پرداخت و دوره دکتری را نیز روی سلجوقیان و جنگهای صلیبی کار کرد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : علی بیگدلی در کنار تحصیل به مدت 12 سال به شغل روزنامه نگاری در روزنامه های اطلاعات، آیندگان و مجله سیاه و سفید اشتغال داشت. بهترین خاطره از دوران خبرنگاری آشنایی با مقامات اجرایی کشور بود. پس از انقلاب اسلامی بیش از 100 برنامه مصاحبه رادیویی، تلویزیونی و بیش از 120 مصاحبه مطبوعاتی در لیست کارنامه

کاری خود دارد.
استادان و مربیان : استاد فروزانفر، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر موسی بروخیم و غیره از استادان دکتر بیگدلی بودند بطوری که وی از آنها به عنوان اساتید برجسته و تاثیر گذار در زندگی خود یاد می‌کند.
هم دوره ای ها و همکاران : همکلاسی‌های علی بیگدلی به ترتیب از میان 16 نفر، 6 نفر یهودی، 4 نفر مسیحی و 6 نفر مسلمان بود حتی در طول چهار سال تحصیلی برای یک بار هم صحبتی از تفاوتهای دینی به میان نیامد.
همسر و فرزندان : علی بیگدلی در سال 1351 با همسر خود که هم اکنون بازنشسته آموزش و پرورش است ازدواج کرد. ماحصل این ازدواج دو فرزند پسر به نامهای سینا (دارای مدرک کارشناسی ارشد عمران) و عطا (دارای مدرک کارشناسی عمران) می‌باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی بیگدلی پس از اخذ دیپلم خود در سال 1344 در اداره آب و برق سفیدرود مشغول به کار شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در وزارت راه و ترابری به فعالیت پرداخت و در سن 32 سالگی مدیر کل آموزش گردید. سپس عضو هیئت مدیره یکی از شرکت های تابعه این وزارتخانه شد. از سال 1358 تا 1361 معاونت اداری مالی هواپیمایی کشور و سازمان هواشناسی را بر عهده گرفت. ایشان همچنین برای مدت کوتاهی مسئولیت معاونت وزیر راه و ترابری را در سازمان هواپیمایی کشور را بر عهده داشتند.
فعالیتهای آموزشی : علی بیگدلی از سال 1353 تا 1361 در بیش از ده دانشگاه و مدرسه عالی به تدریس پرداخت. تخصص ایشان در زمینه تاریخ اروپاست و بیشترین آموزش ایشان در زمینه علوم سیاسی در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی و تاریخ روابط بین الملل بوده است و تا مقطع دکترای این رشته به تدریس پرداخته اند و کتب درسی این حوزه را نیز خود نگاشته‌اند.
چگونگی عرضه آثار : علی بیگدلی دارای 10 کتاب تالیفی و ترجمه است. وی همچنین بیش از 50 مقاله تخصصی منتشر شده در مجلات معتبر علمی دارد. ----------

آثار :
1 تاریخ اروپا در قرون جدید
ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور
2 تاریخ اروپا در قرون وسطی
ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور
3 تاریخ اندیشه سیاسی در غرب
ویژگی اثر : تالیف- دو جلد

4 تاریخ روابط بین الملل
ویژگی اثر : ترجمه
5 تاریخ سیاسی- اقتصادی عراق
ویژگی اثر : تالیف
6 تاریخ فرهنگ و تمدن اروپا در دوران جدید
ویژگی اثر : تالیف
7 تاریخ یونان و روم
ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور
8 ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران
ویژگی اثر : تالیف- دو جلد
9 شیخ نشین های خلیج فارس و مسئله نفت
ویژگی اثر : ترجمه
10 کرونولوژی مسیحیت و قرون وسطی
ویژگی اثر : تالیف منابع زندگینامه :
1پرسشنامه تکمیل شده توسط دکتر علی بیگدلی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی- بهار 1386

بیگدلی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسین بیگدلی در سال 1297، در خمسة زنجان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور 1320 ش. به درجه افسری نایل گردید.بیگدلی در سال 1324ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد. وی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 به ایران بازگشت و بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش و نگارش مطالب تاریخی و ادبی کرد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. غلامحسین بیگدلی سرانجام در مرداد ماه سال 1377 در سن 88 سالگی ، در شهرستان کرج چشم از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر غلامحسین بیگدلی آقا فتح الله خان بیگدلی اهل خمسة زنجان بود و به کار کشاورزی اشتغال داشت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین بیگدلی پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور 1320 ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال 1324ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد و با اخذ گواهینامه دکترای ادبیات به پایان رسانید.
خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین بیگدلی از دوران تحصیل خود و اتفاقی که در زمان حضور رضا شاه در مدرسه افتاد چنین یاد می کند: « من با لباس رسمی (یونیفورم) مدرسه بودم. رضا شاه از عمویم پرسید: این پسر بچه کیست و این چه لباسی ست که پوشیده است ؟ عمویم

توضیح داد. رضاشاه گفت: محمدرضا هم به همین مدرسه می رود ولی لباس مدرسه او این زرق و برق ها را ندارد. عمویم گفت: این برادرزاده من شاگرد اول کلاس است و بنابراین یونیفورم او چیزهایی علاوه دارد.»
وقایع میانسالی : غلامحسین بیگدلی در سال 1324ش. در اثر فعالیت های سیاسی و پیوستن به احزاب مخالف حاکمیت بازداشت شد و پس از شش ماه حبس در کرمان رهایی یافت و به اتحاد جماهیر شوروی سابق مسافرت کرد ، ولی به علت سوءظن مسوولان وقت مدت هفت سال در تبعیدگاه سیبری به سر برد، آنگاه به مسکو رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 از وی دعوت به همکاری شد و به تهران مهاجرت کرد.
زمان و علت فوت : غلامحسین بیگدلی در مرداد ماه سال 1377 در سن 88 سالگی ،
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین بیگدلی پس از اخذ دکترای ادبیات ، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت.
جوائز و نشانها : غلامرضا اسلامی بیدگلی برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. ----------
---
آثار :
1 ادب خزینه
ویژگی اثر : این اثربه زبان ترکی می باشد.
2 تاریخ بیگدلی ـ شاملو
ویژگی اثر : این اثر دکتر بیگدلی بنابر نوشته خود وی در ده جلد قرار دارد ، و تنها دو جلد از آن در بیش از 1200 صفحه به چاپ رسیده است و سایر مجلدات دیگر هنوز مخطوط است. الف) جلد اول ، شامل منشاء ایل و تبار بیگدلی و معرفی سایر انشعابات بیگدلی. ب) جلد دوم ، ایل بیگدلی در دوران صفویه. ج) جلد سوم ، دوران افشاریه و ایل بیگدلی. د) جلد چهارم ، دوران زندو ایل بیگدلی. ه) جلد پنجم ، دوران قاجار و ایل بیگدلی. و) جلد ششم ، دوران پهلوی و خاندان بیگدلی. ز) جلد هفتم ، دودمان بیگدلی ـ شاملو در دوران معاصر. ح) جلد هشتم ، تاریخ شعرای بیگدلی (معرفی بیش از 80 شاعر). ط) جلد نهم ، مدارک و اسناد مختلف از خاندان بیگدلی. ی) جلد دهم ، معرفی آثار عمرانی و خیریه که توسط بیگدلی ها بنا شده است.
3 تصحیح دیوان آذر بیگدلی
ویژگی اثر : تصحیح این دیوان با همکاری دکترحسن سادات ناصری

4 تصحیح شهریار نامة عثمان مختاری غزنوی
5 جمشید و خورشید
ویژگی اثر : به اهتمام و ویرایش دکتر بیگدلی .
6 چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندر نامة نظامی
ویژگی اثر : این اثر در سال 1369 در تهران به چاپ رسید ، که علاوه بر موضوع اصلی (چهره اسکندر) متعرض بسیاری از نگرش و ویژگی های علمی و هنری فردوسی و نظامی شده است.
7 دیدار با شهریار (استاد سیدمحمدحسین شهریارتبریزی
8 دیوان حاج محمدصادق خان بیگدلی شاملو
ویژگی اثر : گردآوری دکتر غلامحسین بیگدلی.
9 کهله یه سلام (به زبان ترکی)
10 گذر عمر
ویژگی اثر : مجموعه اشعار
11 لغتنامه فارسی ـ ترکی صحاح العجم (نسخة غازان)
ویژگی اثر : به اهتمام دکتر غلامحسین بیگدلی . ----------

منابع :

1اینه پژوهش ، سال نهم ، شماره 54 ، ص 6812ماهنامه کلک ، شماره 97 ، شهریور 1377 ، ص121

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 565 -490 ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمة بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمة صوان الحکمة» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمة صوان الحکمة»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمة» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است.[1]
ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. 565 ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفةالکرة و ذات الحلق و الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلة الاعمال النجومیة.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1]الاعلام (101/5)، ایضاح المکنون (714، 563، 552، 503، 486، 469، 450، 430، 398، 303، 234، 222، 184، 144، 115، 98، 83، 60، 2/ 599، 566، 548، 466، 462، 406، 373، 363، 326، 300، 250، 232، 192، 180، 154، 130، 125، 123، 107، 97، 92

83، 74، 66، 65، 53، 36، 3 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (996 -993 312، -311 /2)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (17 -16)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمة (مقدمه و 72 -71)، دائرةالمعارف الاسلامیة (431/4)، الذریعه (184 /21، 114 -113 /7، 149 /4)، ریاض العلماء (38/7)، ریحانه (335 -334 /4)، سبک‌شناسی (366 -364 /2)، سرآمدان فرهنگ (62 -61 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 190 -189 /6)، کارنامه‌ی بزرگان (119 -118)، کشف الظنون (2050، 2011، 2007، 1895، 1686، 1514، 1438، 1361، 1200، 1101، 1100، 821، 747، 634، 609، 289)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (258 -257 /4)، معجم الادباء (240 -219 /13)، معجم المؤلفین (97 -96/7)، هدیة العارفین (700 -699).

بیهقی، ابوالفضل محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(470 -385 ق)، نویسنده و مورخ. وی در قریه حارث‌آباد بیهق ولادت یافت، بعد از کسب فضایل در نیشابور، به دیوان رسایل محمودی راه جست و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت. همچنان در خدمت سلاطین غزنوی بود تا در زمان غزالدوله عبدالرشید که در سال 440 ق سلطنت یافت چندی صاحب دیوان انشاء گردید، اما به تهمت حاسدان معزول شد و در سال 443 ق که طغرل بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بیهقی با جمعی دیگر از درباریان زندانی شد و یک سال در زندان بود. ابوالفضل در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوانی کناره گرفت تا اینکه در سال 470 ق وفات یافت. مهمترین اثر بیهقی «تاریخ» مشهور اوست که از امهات کتب تاریخ و ادب فارسی است در شرح سلطنت آل سبکتکین در سی مجلد که در آن از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل سلطان ابراهیم بن مسعود سخن رفته است، اما اکنون فقط قسمتی از آن که مربوط به سلطنت مسعود بن محمود غزنوی و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و افتادن آن به دست سلطان محمود و حکومت آلتون‌تاش حاجب، در آن سامان تا غلبه‌ی سلاجقه، موجود است. درباره‌ی سبک و شیوه‌ی نگارش این کتاب و مؤلف آن سخن بسیار گفته و نوشته‌اند و از میان همه نوشته‌ها به قول استاد فیاض که بیهقی‌شناس یگانه روزگار ما بود بسنده می‌کنیم که فرمود بیهقی گزارشگر حقیقت بود. علاوه بر این کتاب ابن‌فندق کتابی دیگر به نام «زینة الکتاب» در آداب کتابت بدو نسبت داده است.[1]
ابوالفضل محمد ابن حسین، دبیر فاضل دربار محمود و مسعود غزنوی (و. حارث‌آباد بیهق 358- ف. 470 ه.ق.). وی پس از کسب معلومات در نیشابور، به دیوان رسایل محمود غزنوی راه جست، و در خدمت ابونصر مشکان رئیس دیوان رسایل به کار پرداخت، و همچنان در خدمت سلاطین غزنوی به سر می‌برد تا در زمان عزالدوله عبدالرشید (جلوس 440) چندی صاحب دیوان انشا گردید، لیکن به تهمت حاسدان معزول و محبوس شد. در سال 44 که طغرل کافر نعمت بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بسیاری از خادمان درگاه را در قلاع محبوس ساخت.از آن جمله بیهقی را از حبس سلطان- و به قولی از حبس قاضی غزنین- بیرون آورد و به زندان قلعه فرستاد. بیهقی پس از رهایی از زندان گویا بقیه عمر را در انزوا به

سر برد تا بدرود زندگی گفت. اثر معروف او «تاریخ بیهقی.» (ه.م.) است، دیگر «زینة الکتاب» در آداب کتابت که اکنون در دست نیست در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه ملک (تهران) چند ورق مشتمل بر شرح بغض لغات است که به بیهقی نسبت داده شده.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (332 -331 /6)، تاریخ ادبیات در ایران (892 -890 /2)، تاریخ بیهق (178 -175)، تاریخ بیهقی چاپ دکتر فیاض، (مقدمه)، تاریخ در ایران (31 -29)، تاریخ غزنویان (9 -8)، تاریخ نظم و نثر (65 -64)، دایرةالمعارف فارسی (497/1)، سبک‌شناسی (91 -66 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 164 -163 /5)، گنج و گنجینه (92 -84)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، مؤلفین کتب چاپی (417 -416 /5)، معجم المؤلفین (237/9)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 470)، نام‌آوران فرهنگ (151 -150)، الوافی بالوفیات (20/3)، یادنامه‌ی بیهقی چاپ دانشگاه فردوسی.

بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم و پنجم ق)، لغوی، نحوی، فقیه و قاری. معروف به شمس بیهقی. ملقب به شمس الائمه. او جامع علوم و فنون بود و در مرو مسکن داشت. از آثارش: «نقض الاصطلام»؛ «سمط الثریا»، در معانی غرائب حدیث؛ کتابی در «لغت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (675/2)، معجم الادباء (141 -140 /6)، معجم المؤلفین (264/2).

پارسا، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 ش)، گیاه‌شناس. از اهالی تفرش بود. تحصیلات متوسطه و عالی خود را در دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین عالی تهران به پایان رساند و موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی علوم طبیعی شد. سپس به اروپا رفت و در رشته‌ی علوم طبیعی از دانشگاه پواتیه با قید درجه‌ی بسیار عالی، دکترا گرفت. پارسا، پس از بازگشت به ایران در سال 1314 ش، ابتدا به سمت دانشیاری علوم طبیعی در دانشسرای عالی استخدام شد و سپس به استادی دانشگاه رسید. از آثارش: «اندام‌شناسی گیاهان»؛ «تیره شناسی»؛ «دارونامه»؛ «گیاهان شمال ایران»؛ «فلور ایران»؛ «نباتات ایران».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (155/2)، مؤلفین کتب چاپی (1/ 372- 373).

پارسا، حبیب‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب‌اللّه پارسا، از هنرمندان خوب و علاقمند به موسیقی است که به سال 1332 در شهرستان بروجرد متولد شد، تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در زادگاه خود ادامه داد و به موسیقی از سن یازده سالگی دل بست. او در این سن فلوت کوچکی برای خود خریداری کرد و روزها آهنگ‌های مختلفی را که از رادیو می‌شنید نزد خود تمرین می‌کرد و آن قدر این آهنگ‌ها را می‌نواخت تا می‌توانست شبیه آنها را بنوازد، او ساز فلوت را بر اثر تمرینات مداوم به طور سینه به سینه با عشق و علاقه خیلی خوب فراگرفت و نواخت ولی نواختن او روی اصول علمی موسیقی و حساب شده نبود، تا این که روزی صدای ساز سنتور شادروان رضا ورزنده که از رادیو به گوش وی رسید او را دگرگون کرد و از آن پس دیگر نواختن فلوت را دنبال نکرد و تصمیم گرفت که به یادگیری و نواختن سنتور بپردازد، لذا یک ساز سنتور به بهای یکهزار ریال برای خود خریداری کرد و ابتدا نزد خود مشغول تمرین گردید و پس از چندی نزد هنرمندی به نام مسعود فروزان این ساز را به طور سنتی و سینه به سینه از راه گوش مشغول یادگیری و نواختن شد که مدت 10 سال طول کشید سپس نزد هنرمندی دیگری به نام امینی که از شاگردان استاد فرامرز پایور بود رفت و مدت دو سال موسیقی را به طور علمی و عملی و نت نزد وی کار کرد و پس از آن نزد هنرمندی خوب و سرشناس دیگری به نام رحیم رفیعی‌منش رفت و ردیف‌ها و گوشه‌های موسیقی ایرانی را از این هنرمند فراگرفت.
حبیب‌اللّه پارسا، از کودکی و نوجوانی علاقمند به کارهای منبت‌کاری و کنده‌کاری روی چوب بود و همین عشق و علاقه او را به سوی تعمیر و ساختن ساز کشانید به طوری که از سال 1362 رسماً و عملاً با کمک دوست هنرمند خود لطف‌اللّه عزیززاده اقدام به ساختن سنتور کرد که از سال 68 به بعد به تنهایی به این هنر و صنعت ادامه می‌دهد و سازهای وی بیشتر در خرم‌آباد، اصفهان و بروجرد مورد استفاده هنرجویان قرار می‌گیرد.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

پاقلعه‌ای، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، قلمدان‌ساز. اهل اصفهان بود. وی علاوه بر قلمدان خام، جعبه‌های مقوایی و قاب آینه و سیگاردان و جلد هم می‌ساخته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :هنر قلمدان (42).

پاکدین، کامل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کامل پاکدین
محل تولد : مراغه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/7/1
زندگینامه علمی
بنده از سال 1359 بمدت 12 سال بصورت مستمر در مدرسه علمیه شهیدین قم تحصیل کرده و همزمان با تحصیلات حوزوی , دروس دانشگاهی را هم تا سطح کارشناسی به اتمام رساندم.حدود یک سال و نیم در باکو (آذربایجان شوروی سابق) مشغول تبلیغ بودم. بعد , یکسال در نهاد رهبری دانشگاهها , در قسمت بازرسی فعالیت داشتم بعد , حدود سه سال در مرکز دفتر تبلیغات اسلامی واحد سیره بعنوان محقق مشغول کار بودم.در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشکده سپاه قم تدریس کرده ام . یکسال در دانشگاه معارف اسلامی و تاریخ تشیع تدریس داشتم و اخیرا" چهار سال است که در موسسه پژوهشی رای پرداز مشغول تحقیقات فقهی هستم.

پاینده، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار، داستانسرا، مترجم.
تولد: 1292، نجف‌آباد.
درگذشت: 18 مرداد 1363.
ابوالقاسم نجف‌آبادی مشهور به ابوالقاسم پاینده، فرزند رضا، در اصفهان از سال 1301 تا 1309 به تحصیل علوم قدیم (صرف و نحو عربی، فقه اسلامی و فلسفه یونان) پرداخت.
خدمت مطبوعاتی خود را از سال 1308 در روزنامه‌ی «عرفان» (اصفهان) آغار کرد. از سال 1311 به تهران آمد و روزنامه‌نگاری را ادامه داد مدت‌ها با روزنامه‌های «شفق سرخ» و «ایران» همکاری داشت. مدتی نیز مدیر مجله‌ی «تعلیم و تربیت» بود. در سال 1321 مجله «صبا» را بنیاد نهاد و تا سال 1330 انتشار داد. ضمنا با مجلات دیگر از جمله مجله‌ی «معارف اسلامی» نیز همکاری می‌کرد.
ابوالقاسم پاینده در سال 1336 به سبب ترجمه‌ی قرآن مجید به دریافت جایزه نایل آمده است. از ترجمه‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: التنبیه و الاشراف (علی بن حسین مسعودی، 1349)؛ تاریخ طیری یا تاریخ الرسل و الملوک (اثر محمد بن جریر طبری در شانزده جلد، 1352)؛ اسرار نیک‌بختی (اوریزان ماردن، 1333)؛ تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی (دکتر حسین ابراهیم حسن، سه جلد، 1318)؛ چرا فرانسه شکست خورد (آندره موروآ، 1319)؛ در آغوش خوشبختی (لرد آوری بوری، 1313)؛ زندگانی محمد (ص) (دکتر محمد حسنین هیکل، دو جلد، 1317)؛ مروج الذهب (از مسعودی، دو جلد، 1344)؛ تاریخ عرب (از فیلیپ حتی، دو جلد، تبریز، 1344)؛ نهج الفصاحه (س) (کلمات قصار حضرت رسول، جلد اول: 1326)؛ سخنان محمد (ص) (کلمات قصار با ترجمه، 1318)؛ عشق و زناشویی (نیکلا حداد، 1335).
در سال 1326 به ریاست اداره‌ی تبلیغات برگزیده شد و در دوره‌ی دوم مجلس مؤسسان نامزد نجف‌آباد بود.
ابوالقاسم پاینده داستان هم می‌نوشت. داستان‌هایش ترکیبی از خاطره و موعظه‌اند و بیشتر به انتقاد از زندگی اداری در سال‌های پیش از 1320 اختصاص دارند. در چند داستان نیز به نشان دادن جنبه‌های مضحک زندگی روستایی و خاطرات دوران کودکی می‌پردازد. از جمله آثار داستان وی

می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رمان قاتل (اصفهان، 1313)؛ در سینمای زندگی (مجموعه داستان، 1337)؛ دفاع از ملا نصرالدین (1347)؛ جناب آقای دکتر ریش (1348)؛ مرده کشان جوزان و هفده داستان دیگر (1357)؛ داستان‌های برگزیده (1352)؛ و ظلمات عدالت (1354).از آثار دیگر او می‌توان به دستور نوشتن (اصفهان، 1309) و تمدن اسلام (از مجلدات تاریخ ویل دورانت) اشاره نمود.
در 1290 در نجف‌آباد اصفهان متولد شد. تحصیلات جدید و قدیم را به خوبی ادامه داد و به ادبیات زبان فارسی و عربی تسلط پیدا کرد. زبان فرانسه را هم فراگرفت. به خدمت دولت درآمد، ولی کار اصلی او ترجمه و نویسندگی بود و کارهای ادبی و علمی اولیه‌ی او نشانگر ذوق و تسلط او به زبان فارسی است. چندی در مطبوعات اصفهان به کار ترجمه و نویسندگی اشتغال داشت، بعد به تهران آمد و مدتی به اتفاق علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی در اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری شهربانی اشتغال داشت. بعد از 1320 مستقلاً به انتشار مجله‌ی هفتگی صبا که روزهای چهارشنبه منتشر می‌شد مبادرت نمود. این مجله در نوع خود جالب بود و در آن مسائل اجتماعی برای اولین بار در ایران به طور عریان مطرح می‌شد. حتی از لحاظ چاپ عکس‌های لخت و نیمه‌لخت نیز بی‌سابقه بود. داستان‌های عشقی که تحریک‌کننده‌ی جوانان است، هر هفته با آب و تاب تمام انتشار می‌یافت. مخصوصاً عکس‌های ستارگان معروف سینما همه هفته روی جلد و داخل صفحات، و اخبار سینمایی جلب توجه می‌کرد. این مجله خیلی زود با استقبال روبرو شد و تیراژ آن سرسام‌آور بالا رفت و مدیر آن از لحاظ اجتماعی موقعیتی پیدا کرد؛ مخصوصاً تبلیغات مجله هم بی‌سابقه و جالب بود. مجله‌ی صبا در عین حال مخالفین سرسختی هم داشت و با تمام قدرت می‌خواستند از انتشار آن جلوگیری کنند، ولی میسر نمی‌شد. مجله‌ی صبا چندین سال انتشار می‌یافت تا تدریجاً تازگی خود را از دست داد و تعطیل شد.
پاینده در بین مردم وجهه‌ی زیادی نداشت و دشمنان سرسختی پیدا کرده بود. نسبت‌هائی به او دادند. هرچه تلاش کرد بدنامی مجله را از خود دور کند، نشد. سرانجام به ترجمه‌ی قرآن پرداخت و ترجمه‌ای از قرآن به دست داد که در زمان خود بهترین ترجمه‌ی فارسی بود. در دوره‌ی بیست و یکم پس از چندین سال تلاش، نماینده‌ی نجف‌آباد شد. در مجلس تک‌روی کرد. گاهی عوام‌فریبی می‌کرد. پس از آن دوره، دیگر به مجلس راه نیافت، از او کتاب‌های زیادی انتشار یافته است که هر یک در حوزه‌ی خود درخور توجه است. ترجمه‌های او روان است. ترجمه‌ی کتاب در آغوش خوشبختی یکی از ترجمه‌های سلیس اوست. حیات محمد (ص) و ترجمه‌ی کلمات حضرت رسول (ص) تحت عنوان نهج‌الفصاحه از دیگر کارهای علمی

و ادبی او می‌باشد.
مهمترین کار پاینده، ترجمه‌ی قرآن و ترجمه‌ی تاریخ طبری در 16 مجلد است. پاینده قصه و طنز نیز می‌نوشت. در 73 سالگی در تهران درگذشت. از وی کتابخانه‌ی معظمی باقی ماند که غالب کتب آن به زبان‌های فرانسه و عربی بود. ظاهراً این کتابخانه از طرف وراث به فروش رفت و گویا علی‌رغم میل صاحب آن، در اختیار مؤسسات دانشگاهی و علمی قرار نگرفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پرویز، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مورخ، محقق.
تولد: 1286.
درگذشت: 20 آذر 1366.
عباس پرویز، فرزند حسین پرویز (آزادیخواه عضو حزب دمکرات از سال 1327 ق. به بعد و از مؤسسان و مدیر کتابخانه‌ی تهران)؛ چندی در فرانسه تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در سمت معلمی دبیرستان‌ها سال‌های دراز تدریس کرد و کتاب‌های درسی نوشت. وی از سال 1351 به مدت یک سال در مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران به ویراستاری مشغول بود. فهرست تألیفات وی به شرح زیر است: تاریخ اروپا در قرون وسطی (1316)؛ تاریخ اروپا در قرون هفدهم و هیجدهم (برای پنجم ادبی، 1316)؛ تاریخ ایران در قرون نوزدهم و بیستم (1316)؛ تاریخ دو هزار و پانصد ساله‌ی ایران (1343)؛ جغرافیای اقتصادی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان (1318)؛ از طاهریان تا مغول (1320)؛ فهرست تاریخ ایران (1326)؛ تاریخ دیالمه و غزنویان (1336)؛ تاریخ ایران بعد از اسلام تا عصر حاضر، (تاریخ روابط ایران با اروپاییان در دوران سلطنت صفویه و قاجاریه، تاریخ عمومی و اروپا از قرون وسطی تا پایان جنگ بین‌المللی اول، جغرافیای اقتصادی عمومی ایران (برای سال ششم ادبی)؛ از عرب تا دیالمه؛ تاریخ تمدن جدید دنیا و ایران؛ سلاجقه و خوارزمشاهیان؛ قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران؛ کلیات جغرافیا (با همکاری نصرالله فلسفی و علی‌اصغر شمیم). مقاله‌هایی از وی در نشریه‌ی «بررسیهای تاریخی» به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پرهیزگار، شهریار

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد شهریار پرهیزکار، در 25 مرداد ماه سال 1343 هـ.ش در شهر تهران دیده به جهان گشود. اشتیاق خود او به آموختن قرآن و نیز جوّ مذهبی خانواده، یکی از عوامل اصلی در گرایش قرآنی او شد. خود او می گوید: میل و اشتیاق درونی به شنیدن نغمات روحانی، اعم از دعا و قرآن که بویژه توسط مادرم در برخی مواقع به شکلی محزون تلاوت می شد مرا ترغیب می کرد. یکی از تفریحات کودکی من این بود که گوشه ای می نشستم و مسابقه ای قرانی برای خودم ترتیب می دادم و خود را قاری تجسم می نمودم و احساس می کردم که از من دعوت شده برای اجرای برنامه و در شروع مسابقه باید من بخوانم بعد هم با یک لحن و وضعیت خاصی شروع می کردم به خواندن و خانواده این را دیدند بیشتر توجه شان جلب شد و مرا به جلسات قرآن راهنمایی کردند، استاد شهریار پرهیزکار، در سال 1352 که 9 سال بیشتر نداشت، با شنیدن پخش چند تلاوت زیبا از مسابقات جهانی در مالزی که از طریق تلویزیون پخش می شد، مجذوب تلاوت قرآن شد و بخصوص تلاوت استاد محمد تقی مرّوت که رتبه نخست آن سال را در مسابقات مالزی را کسب کردند، بر او اثری ویژه گذاشت و زندگی آینده اش در مسیر قرآن رقم زد.
آقای شهریار پرهیزکار، روخوانی و روانخوانی و مباحث اجمالی در زمینه تجوید مقدماتی را در محضر استاد ادیب و تجوید و صوت و لحن قرآن کریم را همزمان در جلسات استاد مروت آغاز کرد. و سپس با راهنمایی استاد و مروت به جلسات درس استاد مولائی حضور یافت و بدین ترتیب، حفظ قرآن را نیز آغاز نمود. استاد پرهیزکار، اولین بار بصورت رسمی در مسابقات قرآنی که در سال 1356 در مسجد لاله زار و در مقابله با رژیم طاغوت برگزار شد به تلاوت پرداخت در این مراسم که بسیار با شکوه برگزار شد آیاتی از سوره مبارکه یوسف را به زیبائی تلاوت کردند.
آقای پرهیزکار پس از دریافت دیپلم در سال 1360، در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در رشته کامپیوتر و نرم افزار تحصیل خود را آغاز کرد و مدرک کارشناسی را دریافت نمود. آقای پرهیزکار در سال 1369 ازدواج کرد که ثمره این ازدواج دو فرزند بنامهای فاطمه و مهدیه است.
استاد پرهیزکار قرآن کریم را در طول سه سال در جلسات حفظ استاد مولائی از حفظ نمود او همچنین در بسیاری از مسابقات داخلی در کشور

شرکت کرده و رتبه های ممتاز کسب نموده است. در سال 1362 در مسابقات بین المللی جمهوری سلامی ایران در حفظ 15 جزء رتبه نخست را کسب کرد همچنین در سال 1364 در حفظ 20 جزء رتبه دوم را در کشور عربستان بدست آورد در سال 66 هم استاد پرهیزکار در رشته حفظ کل قرآن در مسابقات بین المللی ایران شرکت کرد و رتبه نخست را در این مسابقات از آن خود ساخت. او علاوه بر آن، در سال 71 نیز به رتبه نخست مسابقات کشور عربستان در رشته حفظ کل دست یافت. وی شیرین ترین خاطرات فراموش نشدنی خود را دستبوسی حضرت حضرت امام خمینی (ره) و تفقد و صمیمیت ایشان را با خود دانسته و خاطره دیگر را ورودشان به داخل کعبه پس از انجام مسابقات عربستان، در سال 66 می داند. دوره کامل تلاوت ترتیلی با صدای استاد پرهیزکار که از سالها پیش و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ضبط شده است همه ساله از شبکه های مختلف رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می شود. که بسیار مورد توجه دوستداران و علاقه مندان به قرآن قرار گرفته است. نوار کاست با تکرار تلاوت ترتیل با صدای استاد پرهیزکار برای علاقه مندان به حفظ قرآن کریم تدوین شده است و در دسترس علاقه مندان است. آقای پرهیزکار مانند بسیاری دیگر از اساتید و صاحبظران امر تلاوت معتقدند که قاری قرآن شایسته است در ابتدای کار از یک قاری مصری برجسته تقلید کند و در این مرحله باید از هرگونه ابداع و ابتکار سبک نوین پرهیز کند او معتقد است پس از سپری کردن این دوره می توان سبکی نو، ابداع کرد به همین دلیل خود او نیز در ابتدا از مرحوم استاد عبدالباسط سپس مرحوم منشاوی و پس از آن از مصطفی اسماعیل تقلید نموده است. آقای پرهیزکار به قاریان جوانی که در ابتدای راه هستند سفارش می کند که در شنیدن تلاوتها برای یادگیری توجه و دقت بالایی را مبذول دارند؛ یعنی بصورت تفننی به تلاوت گوش ندهند بلکه به تمام ظرایف و ریزه کاری های تلاوت قاری مورد تحقیق گوش بسپارند. استاد پرهیزکار تا کنون در جلسات مختلفی در سطح تهران و یا در دبیرستانهای مختلف در زمینه ای قرآنی تدریس کرده اند ایشان هم چنین در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دو واحد درس آوا شناسی را تدریس نموده است. آقای پرهیزکار در زمینه فعالیت های قرآنی خود در دوره های تربیت مربی قرآن، در سپاه پاسداران و تصمیم گیری جلسات برخی از نهادهای کشور حضوری فعال داشته است. او در طول 8 سال دفاع مقدس که دل و جان نیروهای رزمنده لبریز از معنویت بود، در ایامی که مجاهدان این مرز و بوم با عشق به قرآن و اهل بیت (ع) لحظات را سپری می کردند حضور قاریان برجسته کشور در جمع آنان تأثیری بسزا داشت، از این رو استاد پرهیزکار نیز مانند بسیاری از برادران

قاری در جمع رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف حاضر می شد و با تلاوت آیات وحی دل و جان آنها را از عشق حق حیاتی دوباره می بخشید.
آقای پرهیزکار معتقد است که حضور قرآن در جامعه موجب طراوت بخشیدن به زندگی مردم و ایجاد امید به رحمت پروردگار و در نتیجه ایجاد آرامش و ممانعت از انحرافات فکری و اعتقادی در جامعه است. او در کنار انس با قرآن به مطاله نیز اهتمام می ورزد و علاوه بر مطالعه تفسیرهای قرآن به ترجمه کتاب در زمینه کامپیوتر پرداخته است. او کتابی نیز در زمینه حفظ قرآن به رشته تحریر در آورده است که در این کتاب به نکات خاصی در زمینه حفظ قرآن کریم اشاره شده است. او علاوه بر اوقاتی که در کنار سایر فعالیتها به خانواده اختصاص داد، به بسیاری از کشورها برای تبلیغ قرآن نیز سفر نموده است. از جمله این کشورها می توان عربستان، لیبی، سوریه، مالزی، تانزانیا، و اطریش را نام برد که در تمامی این کشورها تلاوتهایش مورد استقبال مسلمانان قرار گرفته است.
آقای پرهیزکار از اساتید؛ رفعت، شعشاعی، مصطفی اسماعیل و شعیشع به عنوان قاریان برتر پیشکسوت در کشور مصر یاد می کند. او همچنین در میان اساتید حاضر در کشور مصر از اساتید: شحات محمد انور، اللّیثی و نعینع به عنوان قاریان برتر کشور مصر نام می برد. آقای شهریار پرهیزکار که تا کنون بارها و بارها در مسابقات بین المللی در کشورمان و نیز در مسابقات بین المللی کشور مالزی به قرائت پرداخته است معتقد است که: فعالیتهای قرآنی در کشور باید از حالت ضعیف، پراکنده و غیر تشکیلاتی خاج شود و مورد توجه مسئولان قرار گیرد او همچنین به همدلی واقعی در میان عناصر قرآنی کشور به عنوان یکی از عوامل مهم برای گسترش فعالیتهای قرآنی کشور نام می برد او به دلسوزان مسائل قرآنی در کشور سفارش می کند تا در موضعگیری های خود همواره تمایلات معنوی را مدّ نظر بگیرند و از هرگونه نفسانی عمل کردن در این زمینه بپرهیزید او هم چنین از برگزاری مسابقات قرآن کریم در سطح داخلی به عنوان یکی از اقدامات مؤثر در زمینه نشر فرهنگ قرآنی یاد می کند و معتقد است که باید تشکیلات مستقل و منظمی در سازمان اوقاف باشد تا امر مسابقات قرآن سازماندهی شود. وی در توصیه های خود به جوانان معتقد است که فعالیت در امر قرآنی به یک اشتیاق و علاقه خاصی نیازمند است و صرف دوست داشتن را کافی نمی داند؛ باید عشق و علاقه در خود ایجاد کرد تا بتوان با این موتور محرکه که از درون ما را سوق می دهد به سمت انس هر چه بیشتر با قرآن در این عرصه موفق باشیم.

پور داوود، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد ابراهیم پور داود ادیب ،مورخ و سخنور معاصر در سال 1264 ه.ش در شهر رشت به دنیا آمد. وی مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال 1284ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. استاد پور داود در سال 1307 به اروپا بازگشت و در سال 1311 به درخواست رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهارتی شهر شانتی نیکیتان پرداخت . پس از آن پور داود مجددا مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال 1316 به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داود از این تاریخ تازمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوق‌ایران باستان اشتغال داشت.ایشان در سال 1347 در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام،
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم پور داود مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال 1284ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. پور داود پس از شروع جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در کرمانشاه دست به‌انتشار روزنامه‌ای بنام رستخیز زد و پس از چند ماه مجددا عازم اروپا شد و در آلمان با ایران‌شناسان و طرز کار آنان آشنا شد. از این زمان به بعد پورداود به رشته ایران شناسی به‌ویژه زبان و فرهنگ ایران علاقه‌مند شد و زندگی خود را وقف مطالعه و پژوهش تاریخ ایران باستان کرد. وی در سال 1303 ه.ش به ایران بازگشت و پس از یک سال و نیم به هندوستان رفت و با دستیابی به برخی از منابع آئین ایران باستان، بخشی

از تفسیر اوستا را منتشر کردو یک سلسله سخنرانی نیز در باره ایران و فرهنگ کهن آن ایراد کرد که در کتابی بنام خرمشاه گرد آوری شد.
زمان و علت فوت : پور داود در سال 1347 در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد پور داود در سال 1307 به اروپا بازگشت و در سال 1311 به درخواست رابیند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهارتی شهر شانتی نیکیتان پرداخت و ضمن اقامت یک ساله خود در هند صد بند ازاشعار تاگور را از بنگالی به فارسی برگرداند; پس از آن پور داود مجددا مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال 1316 به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داود از این تاریخ تازمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوق‌ایران باستان اشتغال داشت. وی در سال 1317 به عضویت دائمی فرهنگستان ایران درآمد. پور داود در سال 1324 انجمن ایران شناسی را در تهران دایر کرد و پس از دو سال آموزشگاهی برای ایرانشناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت.استاد پور داود در سال 1341 ه.ش به عضویت شورای فرهنگی (سلطنتی) وقت منصوب شد.در سال 1342 دانشگاه دهلی به او درجه دکتری افتخاری داد و در سال1344 به عنوان اولین دانشمند ایرانی به عضویت آکادمی جهانی هنر و دانش برگزیده شد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ابراهیم پور داوددر سال 1324 انجمن ایران شناسی را در تهران دایر کردو پس از دو سال آموزشگاهی برای ایرانشناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت
جوائز و نشانها : در سال 1324 دانشگاه تهران طی مراسم بزرگداشتی از خدمات علمی و فرهنگی ابراهیم پور داودقدردانی کرد و به همین مناسبت در سال 1325 یاد نامه‌ای مشتمل بر شرح احوال و آثار او به کوشش دکترمحمد معین به زبان فارسی و زبانهای اروپائی منتشر شد. پور داود در سال 1345 جایزه بزرگ تاگور را از دولت هندوستان دریافت کرد و درسال 1346 به دریافت نشان علمی و عنوان شوالیه دوسن سیلوستر (DeSilvester)از دربار واتیکان مفتخر گردید ----------
---
آثار :
1 آناهیتا،
ویژگی اثر : تهران (1343)
2 ایرانشاه(تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هند)
ویژگی اثر : بمبئی 1344

3 پوراندخت نامه،
ویژگی اثر : بمبئی (1306)
4 خرده اوستا
ویژگی اثر : (تفسیر مجموعه اوستا بامتن اوستائی) بمبئی، (1310)
5 سوشیانت بمبئی
ویژگی اثر : 1306
6 فرهنگ ایران باستان،
ویژگی اثر : تهران (1326)
7 گاتها، نخستین بخش از کتاب مینوی اوستا،
ویژگی اثر : بمبئی (1305)
8 گفت و شنود پارسی
ویژگی اثر : (برای دبیرستانهای هند) بمبئی (1312)
9 هرمزد نامه،
ویژگی اثر : تهران(1331)
10 یزد گرد شهریار،
ویژگی اثر : بمبئی (1312)
11 یسپرد،
ویژگی اثر : تهران (1342).
12 یشتا بخش نخست
ویژگی اثر : 1307

پورحسینی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1299 ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به واصل. وی در کرمان متولد شد. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در همان شهر گذراند، پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. سپس به کرمان بازگشت و به تدریس پرداخت و روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در کرمان، به مدت سه سال منتشر کرد. برخی از مشاغل وی عبارت‌اند از: ریاست دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهداد، رفسنجان، کرمان. واصل در سال 1337 ش به وزارت فرهنگ و هنر تهران انتقال یافت و در خلال خدمت اداری، و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی دکترا گرفت و به مقام استادی دانشگاه رسید. مدفن او در کرمان است. از آثار وی:
ترجمه‌ی «اخلاق نیکو ماخس» ارسطو؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «سلامان وابسال»؛ «فیثاغورثیان»؛ «رواقیون»؛ «لغت‌نامه گویش کرمانی»؛ «فلاسفه قبل از ارسطو»؛ «اخلاق عملی» و «دیوان» اشعار.[1]
مدرس، مترجم.
تولد: 1299، کرمان.
درگذشت: 27 آذر 1365، شهداد.
سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال 1322 از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغلی متعدد چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شهداد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و... برعهده‌اش بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود 122 مدرسه‌ی ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال 1337 به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به ریاست دبیرخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (1362-1342) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.
در سال 1348 از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامه «روح‌القدس» را پی افکند و سه سال متوالی

آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.
دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دو بیتی‌ها و قصادی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال 1335 به بعد در هیئت مدیره‌ی انجمن ابدی عضویت داشته است.
فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمه‌ی اخلاق نیکوماخوس ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (الطهاره) مسکویه، ترجمه رساله سلامان و آبسال ابن سینا، فراسوی تناقض، افلاطون، مشارب عمده‌ی اخلاقی، فلسفه‌ی اپیکور، فلسفه‌ی رواقی، فلسفه‌ی اخلاق شرح نمط نهم اشارات، فیثاغورثیان، از انتشارات مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات، رواقیون، رساله‌ای درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاقی ابن حکماء کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجله‌ی «معارف اسلامی»، ترجمه‌ی اشعار در مجله‌ی «یغما». آثار ترجمه نشده‌ی وی عبارتند از فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، فلسفه‌ی بعد از سقراط، سقراط، هراکلیتوس، فلسفه‌ی یاسپرس، سلسله مقالات عرفانی، مردمی و نامردمی‌ها.
پیکر دکتر پورحسینی بنا بر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تذکره‌ی شاعران کرمان (168 -158)، الذریعه (1249/9)، ستارگان کرمان (129 -124)، سخنوران نامی معاصر (3816 -3813 /6).

پوررنجبر، کوکب

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
مدرس قرآن.
تولد: 1282 شیراز.
درگذشت: 12 اسفند 1370.
کوکب پوررنجبر، فرزند محمداسماعیل که پزشکی مشهور بوده است، پس از اتمام تحصیلات خود به شغل معلمی تعلیمات دینی در وزارت فرهنگ سابق روی آورد.
از سن شانزده سالگی به جمع‌آوری مستندات در روش‌های تدریس علوم اسلامی پرداخت. در اثنای آموزش تعلیمات دینی در مدارس بود که ایشان اعراب گذاری و تصحیح نسخ قرآن چاپ کشورهای پاکستان، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی را آغاز کرد.
کوکب پوررنجبر با تغییر روش‌های تدریس قرآن و زیباسازی صفحات این کتاب آسمانی از سویی و ویراستاری و صفحه‌آرایی متن آموزشی و درک بصری راحت لغات از سویی دیگر تلاش نمود تا آموزش قرآن را به نونهالان و نوآموزان علوم دینی ساده و آسانتر سازد.
فعالیت دیگر استاد پوررنجبر بازنویسی مفاتیح‌الجنان بود. ویژگی این نسخه اعراب گذاری کامل کلمات در زیر و بالای حروف بود و روال سنتی حاشیه‌نویسی در متن که دشواری زیادی برای خوانندگان را به همراه دارد، کنار گذاشت و حاشیه در متن صفحات قرار داده شد و از فنون زیبانگاری و هنر خطاطی نیز استفاده نمود.
استاد پوررنجبر در سن بیست و هفت سالگی نابینا شد ولی با دیدن حضرت فاطمه (س) در خواب شفا یافت، و عمر خود را وقف قرآن و علوم دینی کرد. ره‌آورد چهل و شش سال خدمت در مراکز دولتی و ملی ایشان، تأسیس مرکز آموزش ابتدایی (کوکبیه) در شهر مشهد است.
استاد از سالهای 1338 تا 1363 به منظور تدریس قرآن مجید، ساده‌ترین روش ممکن خودآموزی در شش جلد تحت عنوان خودآموز و روش تدریس قرائت مجید را تألیف نمود. این خودآموز توسط انتشارات اسلامیه به چاپ رسیده است. از آثار دیگر او تصحیح خودآموز گفتگوی حسین و حسن است.
استاد کوکب پوررنجبر سرانجام در سن هشتاد و دو سالگی روز دوازدهم

اسفند 1370 دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

پورزرگری، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج محمدرضا پورزرگری در 28 شهریور سال 1349 هـ.ش در شهر تهران و در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. محیط مذهبی خانواده و اشتیاق پدر برای تربیت معنوی فرزندش، از همان آغاز بستر مناسبی برای فراگیری قرآن، فراهم ساخت و زمزمه تلاوت قرآن، فراهم ساخت و زمزمه تلاوت قرآن پدر در سحرگاهان، اشتیاق محمدرضا را برای تلاوت قرآن دو چندان ساخت. البته جدّه مکرمه او، اولین و مؤثرترین عامل در گرایش آقای پورزرگری به این راه بود. از دیگر عوامل تأثیر گذار در حیات قرآنی محمدرضا پور زرگری، باید به استادان و مربیان دوره دبستان، بویژه استادش آقای مصطفی اسلامی اشاره کرد. آقای پورزرگری از خاطرات خوش نخستین سالهایی که در ایام کودکی در جوار حرم مقدس رضوی تلاوت آیات وحی را شنیده بود بسیار یاد می کند و یکی از عوامل علاقه مندی خود به تلاوت قرآن را حال و هوای آن لحظات مقدس می داند آقای پورزرگری از کلاس دوم ابتدایی در ساعات درس قرآن اشتیاق بسیار از خود نشان می داد به همین دلیل نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آشنایی با استاد مصطفی اسلامی در دبستان علوی شماره 2 به این دبستان رفت و با اشتیاق، پشتکار و اهتمامی بسیار به تمرین و اجرای همخوانی قرآن کریم بر اساس تلاوت سوره حشر استاد عبدالباسط پرداخت.
آقای محمدرضا پورزرگری آموزش روخوانی قرآن کریم را در کلاس چهارم دبستان و زیر نظر استادش آقای فتحعلی و آموزش مقدماتی تجوید و صوت و لحن را، زیر نظر استادش آقای مصطفی اسلامی در کلاس پنجم ابتدایی به پایان رساند و پس از آن با حضور جلسات استاد محسن موسوی نکات تجویدی و صوت و لحن را در سطح بالاتر همراه با مفاهیم قرآنی فرا گرفت.
او همزمان با فراگیری تجوید و صوت و لحن در جلسات درس آیت الله ضیاء آبادی و حجت الاسلام قرائتی به فراگیری مفاهیم آیات قرآن کریم نیز پرداخت.
آشنائی با مؤسسه دارالتحفیظ قرآن کریم، نقطه عطفی در زندگانی قرآنی پورزرگری شد. در همین مکان او با کلاسهای آموزشی تجوید استاد محسن موسوی آشنا شد و در جلسات این استاد که در بعد از ظهرهای تابستان

برگزار می شد، بهره های فروان برد.
آقای محمدرضا پورزرگری نخستین بار در یکی از هیئتهای مذهبی که به همت آموزش و پرورش برگزار می شد بصورت رسمی به تلاوت قرآن پرداخت. او همچنین نخستین بار در سال 1361 همراه با استاد علی اربابی و جمعی از قاریان مؤسسه دارالتحفیظ قرآن کریم در تلویزیون به اجرای چند برنامه همخوانی پرداخت.
حاج محمدرضا پورزرگری نیز در ابتدای کار تلاوت خویش همچون سایر قاریان به تقلید از قاریان مشهور مصری نظیر استادان عبدالباسط، صیاد، علی البنّاء و مصطفی اسماعیل پرداخت. او معتقد است که مؤثرترین مسئله در زمینه تلاوت قرآن برای تمامی قاریان در ابتدای کار تقلید از استادان برجسته مصری است.
آقای پورزرگری معتقد است که قاریان تازه کار و کسانی که در ابتدای امر تلاوتند باید علم تجوید را از مراحل ابتدایی تا سطوح عالی زیر نظر استادان، با دقت کامل فرا بگیرند و با یادگیری ترجمه کلمات قرآن با مفاهیم آن آشنا شوند. او همچنین قاریانی را که در ابتدای مسیر تلاوتند به یادگیری صرف و نحو زبان عربی و نیز فراگیری مفاهیم و تفاسیر آیات قرآن سفارش می کند.
آقای محمدرضا پورزرگری در سال 1375 ازدواج کرد که ثمره آن یک فرزند پسر است. او در مسیر زندگی قرآنی خود از همان آغاز به آموزش قرآن کریم به علاقه مندان پرداخت و از همان دوران تحصیل در دبیرستان، به تهیه و تنظیم جزواتی در خصوص آشنایی با قرآن، اقدام کرد. او همچنین در سال 1364 بصورت رسمی در دارالتحفیظ و علاوه بر آن تمام سالهای دفاع مقدس را در پایگاه های مقاومت بسیج اقدام به برگزاری جلسات قرآن کریم نمود. آقای پورزرگری علاوه بر تدریس در زمینه های مختلف قرآن در برخی از مدارس تهران در حدود 15 سال به آموزش قرآن در حسینیه محبان الحسین (علیه السلام) پرداخت او همچنین در سال 1363 در مسابقات قرآن کریم که سازمان تبلیغات اسلامی برگزار کرد رتبه سوم و در سال 1373 در مسابقات سراسری قرآن کریم که به همت سازمان اوقاف در سمنان برگزار شد رتبه نخست را از آن خود ساخت و در همان سال، در مسابقات بین المللی قرآن کریم که در حسینیه ارشاد برگزار شد مقام نخست این دوره از مسابقات را کسب کرد.
در میان خانواده آقای پورزرگری باید به برادر بزرگوار او شهید حمید رضا پورزرگری اشاره کرد. که در زمینه های مختلف قرآنی فعالیت داشت. در محضر استاد مولوی فراگیری نکات مختلف قرآنی پرداخته و چهره های فعال در زمینه های قرآنی به حساب می آمد.
آقای پورزرگری در سالهای 63 و 62 در ایام ریاست جمهوری حضرت آیت

الله خامنه ای مدظله العالی، از جلسات درس تفسیر ایشان، بهره ها گرفت. در این جلسات که صبحهای جمعه در همان مکان ریاست جمهوری برگزار می شد قاریان و علاقه مندان بسیاری حضور می یافتند آقای پورزرگری نیز از جمله این مشتاقان بود که در این جلسات در حضور آیت الله خامنه ای به تلاوت قران می پرداخت و مورد تفقد و تشویق ایشان قرار می گرفت.
او همچنین از قاریانی است که همه ساله به همراه کاروان قاریان قران برای تبلغیغ به کشورهای مختلف اعزام شده اند که از جمله این کشورها می توان به ماداگاسکار، اتیوپی، هند، سوره و افریقای جنوبی، پاکستان، امارات، غنا، اردن، و انگلیس اشاره کرد.
آقای حاج محمدرضا پورزرگری علوه بر قرائت بر قرآن کریم و اجرای اذان به اجرای برجسته تواشیح و همخوانی در کشور است که از سال 68 فعالیت خود را آغاز کرد.
آقای پورزرگری علاوه بر داوری مسابقات داخلی یکبار نیز در کشور هند در مسابقات سارسری قرآن کریم که در شهر حیدر آباد این کشور برگزار شد داوری کرده است.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

پیرنیا، مشیرالدوله، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
متولد 1251 ش، فرزند میرزا نصراللّٰه مشیرالدوله. تحصیلات مقدماتی و معمول زمان را به اتفاق برادرش حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک) تحت مراقبت و نظارت پدر انجام داد و علوم متداول زمان را فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم روسیه گردید و در رشته‌های نظام و حقوق فارغ‌التحصیل شد. بعد مدتی هم در فرانسه به تحصیل اشتغال ورزید و به خدمت در سفارت ایران در روسیه درآمد و عنوان مستشار سفارت یافت. در 1317 ه.ق پدرش به وزارت امور خارجه رسید و او را به تهران احضار و با لقب مشیرالملک به ریاست دفتر وزارت امور خارجه و منشی مخصوص خود تعیین نمود. در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا، مترجم زبان روسی شاه بود و در این مأموریت توانست لیاقت و کیاست خود را ثابت کند. پس از بازگشت از اروپا، به پیشنهاد پدر و موافقت اتابک صدراعظم، به جای میرزا رضاخان ارفع‌الدوله به وزیرمختاری ایران در روسیه تعیین گردید.
در 1320 ه.ق در مقام وزیرمختاری ایران در روسیه به آن کشور رفت، ولی در مدت توقف خود در تهران کار عمده‌ای صورت داد و آن تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی بود که به همت میرزا نصراللّٰه خان وزیر امور خارجه این کار انجام یافت. و چهار هزار تومان بودجه‌ی سالیانه‌ی آن از محل معدن فیروزه تأمین گردید. در سفر دوم مظفرالدین شاه به اروپا، در مسکو اقامت داشت. در این سفر نیز موجب رضایت شاه و اتابک را فراهم نمود و خدمات وی مورد رضایت و تقدیر واقع شد. در 1324 ه.ق که زمزمه‌ی مشروطیت در ایران بلند بود، به تهران آمد. پدرش مقام صدارت یافته و از طرف پدر و با موافقت شاه، مأمور تدوین نظام‌نامه‌ی مجلس گردید و از اعضای برجسته‌ی کمیسیون بود.
پس از صدور فرمان مشروطیت و برقراری حکومت قانون از کار کنار رفت و متعاقباً وزیر افخم و اتابک، عهده‌دار نخست‌وزیری گردیدند. مشیرالسلطنه پس از قتل اتابک، به زمامداری رسید و برای اولین بار میرزا حسن خان مشیرالملک به عضویت کابینه دعوت شد. پست وی در کابینه، وزارت عدلیه بود. این کابینه دوام زیادی نداشت و مشیرالسلطنه در 4 آبان 1286 ش جای خود را به ناصرالملک داد. در آن هنگام میرزا نصراللّٰه خان مشیرالدوله پدر مشیرالملک درگذشت و محمدعلی شاه چند

روز پس از فوت میرزا نصراللّه خان، لقب مشیرالدوله را به پسرش میرزا حسن خان داد و در کابینه‌ی ناصرالملک وزیر امور خارجه گردید. در همان موقع قرارداد 1907 یا تقسیم ایران به دو منطقه‌ی نفوذ به وزارت خارجه‌ی ایران ابلاغ یا اعلام گردید. ناصرالملک نیز در مقابل اختلاف مجلس و شاه دوام نیاورد و جای خود را به نظام‌السلطنه مافی داد.
نظام‌السلطنه در کابینه‌ی نخستین خود از مشیرالدوله دعوت ننمود، ولی در دو ترمیم کابینه، او را به وزارت امور خارجه برگزید. در خرداد 1287 در کابینه‌ی میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزارت علوم و اوقاف به وی سپرده شد و در ترمیم همان کابینه همچنان وزیر علوم و اوقاف بود. در اردیبهشت 1288 در کابینه‌ی ناصرالملک که با سرپرستی سعدالدوله اداره می‌شد، وزارت عدلیه را بر عهده داشت، ولی چون کشور در حال بحران بسر می‌برد، با سایر وزیران استعفا نمود.
پس از فتح تهران و تشکیل دولت جدید به ریاست سپهدار تنکابنی، مشیرالدوله در کابینه‌ی دوم و سوم وزیر عدلیه بود. در کابینه‌ی چهارم وزیر تجارت گردید. در اسفند 1289 در دو کابینه‌ی سپهدار تنکابنی وزیر عدلیه بود و در ترمیم کابینه به وزارت پست و تلگراف و تلفن منصوب گردید. در مرداد 1290 در هیئت صمصام‌السلطنه بختیاری، وزارت عدلیه به عهده‌ی او محول گردید و در ترمیم همان دولت نیز شغل خود را حفظ نمود.
علاءالسلطنه مازندرانی در کابینه‌ی خود که در دی ماه 1291 تشکیل داد، مشیرالدوله را به وزارت علوم و معارف و اوقاف معرفی کرد. در اسفند ماه 1293 به نخست‌وزیری رسید و وزارت جنگ را نیز عهده‌دار شد. در سال 1296 در کابینه‌ی دیگر علاءالسلطنه، وزیر جنگ بود و این سمت را همچنان در کابینه‌های عین‌الدوله و مستوفی‌الممالک حفظ کرد و امور وزارت جنگ را بر عهده داشت. در تیرماه 1299 برای بار دوم زمامدار گردید و مدت پنج ماه در سمت نخست‌وزیری انجام وظیفه کرد تا بالاخره در آبان 1299 جای خود را به سپهدار رشتی داد. در سوم بهمن 1300 به جای قوام‌السلطنه از طرف مجلس چهارم به نخست‌وزیری رسید و در کابینه‌ی خود وزارت کشور را شخصاً عهده‌دار بود. در خرداد 1302 برای بار چهارم به نخست‌وزیری رسید. در این بار هم وزیر کشور بود. در ادوار دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای ملی بود، دو نوبت وزیر کشور، هشت بار وزیر عدلیه، سه دفعه وزیر امور خارجه، سه بار وزیر علوم و شش بار وزیر جنگ و یک مرتبه وزیر تجارت و یک نوبت وزیر پست و تلگراف (یعنی روی هم رفته 24 بار وزیر بوده) و پنج دوره‌ی نمایندگی مجلس را بر عهده داشته است. از مورخین و محققین معاصر است که تألیفات ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته است. مشهورترین اثر وی تاریخ ایران باستان است. در ده سال

آخر حیات خود، غالباً به کارهای فرهنگی و علمی اشتغال داشت. در دوران وزارت دادگستری، قوانین مهمی به تصویب رسانید. در 1314 در 63 سالگی درگذشت. فرزندان او نیز مانند پدر نام خانوادگی پیرنیا را برای خود انتخاب نمودند. هیچ یک از فرزندانش به مقام سیاسی مهمی نرسیدند. از دیگر خدمات او تأسیس مدرسه‌ی نظام بود.
(میرزا حسن‌خان مشیرالدوله (و. 1252 ه.ش./ 1291 ه.ق.- ف. تهران 1314 ه.ش./ 1354 ه.ق.) پسر اول میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی (مشیر الدوله)، از رجال دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی. وی تحصیلات نظامی و حقوقی خود را در مسکور به پایان رسانید و مؤلف «ایران باستانی» و تاریخ «ایران باستان» (3 جلد) و «داستانهای قدیم ایران» است. او مکرر سمت سفارت، وزارت و نخست وزیری داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

پیشوایی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی پیشوائی
محل تولد : -
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
• عضو هیئت تحریر مجله درسهائی از مکتب اسلام از سال 1349 تاکنون
• مدیریت داخلی مجله درسهایی از مکتب اسلام از سال 1350 تا 1353
• طی دوره تحصیلات عالی دار التبلیغ اسلامی و اخذ گواهینامه این دوره در سال 1349
• اشتغال به تحقیق و تألیف از سال 1351 تاکنون
• همکاری با سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه های مختلف)
• همکاری با شبکه رادیو معارف (قم) – کارشناس عالی تاریخ و سیره
• همکاری نزدیک با موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) زیر نظر حضرت آیت الله سبحانی و عضو هیئت موسس این موسسه از بدو تأسیس
• همکاری با فصلنامه میقات از سال 1373 تا سال 1375
• همکاری با فصلنامه پیام حوزه تا سال 1380
• همکاری با معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه) از سال 1373 تاکنون در ارتباط با درس تاریخ اسلام و متون و مدرسین این درس و کتب کمک درسی.
• مدیر گروه پژوهشی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
• سردبیر فصلنامه علمی - تخصصی" تاریخ در آینه پژوهش"
• همکاری با نشریه افق حوزه (هفته نامه خبری حوزه علمیه)

تاج سلمانی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم و نهم ق)، مورخ. وی در سال 813 ق از طرف شاهرخ مامور شد تا ذیلی بر تاریخ «ظفرنامه‌ی» نظام شامی بنویسد. او نیز وقایع ده ساله 817 -807 ق را در تاریخ سلطنت تیمور و شاهرخ والغ بیگ به صورت ذیلی بر آن افزود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (473 -472 /3)، تاریخ در ایران (178)، تاریخ نظم و نثر (236).

تبریزی، ابومحمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 512 ق)، مورخ و مترجم. وی تاریخ «الامم و الملوک» محمد بن جریر طبری را که شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال 309 ق است به فارسی گزارش کرده و وقایع حد فاصل طبری و زمان خود را نیز بدان افزوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (257/7)، لغت‌نامه (ذیل/ ابومحمد).

تبریزی، عبدالعزیز

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، حکاک و فلزکار. از آثار رقم‌دار وی، جام فلزی پایه‌دار برنزی است که در اسلیمی‌های گوناگون، تصویر و حکاکی شده و با خطوط ثلث و کوفی تزیینی، آرایش شده است، با رقم: «عمل عبدالفقیر الی الله الغنی استاد عبدالعزیز بن استاد شرف‌الدین تبریزی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (337 / 1).

تبریزی، محمدصالح

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(اواخر س دهم ق)، مذهب و مجلد. اهل تبریز بود و در تذهیب و حل کاری و سوخت سازی مهارت داشت. از آثار گرانقدر وی جلد سوخت ممتازی است که در وسط آن، تصاویر گل و مرغ‌ها و نقوش همطراز اسلیمی به قوی دستی ارائه شده و رقم نهاده: «عمل محمدصالح التبریزی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (902 -901/ 2).

تبریزی، محمدمحسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، نقاش، مذهب و معرق‌ساز. اهل تبریز بود و در نقوش اسلیمی، به شیوه سوخت و معرق، دستی بکمال داشت. از آثار امضادار این هنرمند جلد ضربی و سوخت معرقی است، در موزه ویکتوریا آلبرت لندن که جلد پرآرایش نسخه‌ی «نظامی» بوده و در زمینه‌های آبی و سبز و زرد و سرخ فرجام پذیرفته است، با رقم: «عمل محمد محسن تبریزی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1079 -1078 /3).

تجلی‌پور، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1313.
درگذشت: 1361.
از آثار اوست: بررسی تکمیلی سیستماتیک و انتشار نرم‌تنان سواحل ایرانی خلیج فارس (مترجم گلبرگ تجلی‌پور، تهران، 1373)؛ نرم‌تنان زمینی و روخانه‌ای ایران: بررسی کار نرم‌تن‌شناسان اتریشی در ایران (تهران، 1361)؛ نرم‌تنان مرواریدساز خلیج‌فارس (1362).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

تقوی، یحیی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1311 ق)، نقاش مذهب و قلمدان‌ساز. بنا به روایتی جد مادری او میرزا بابای اصفهانی نقاش‌باشی است که از نقاشان صاحب نام قاجار بوده است. تقوی یکی از استادان مشهور است که در چهره‌پردازی و انتخاب رنگها در آبرنگ دستی توانا داشت و تذهیب را به نازک قلمی و شیوا می‌ساخت. وی در تذهیب شیوه‌ای استادانه داشت و پیرو مکتب استادش، میرزا عبدالوهاب مذهب‌باشی بود. استاد دیگر وی سیدهاشم حسینی اصفهانی بوده و در بدایت حال، نزد آن استاد هنر آموخته است. فرزندانش، غلامحسین، غلامرضا و علی‌اکبر تقوی، هر سه هنرمند و از شاگردان وی بوده‌اند. از آثار امضادار این نقاش: آرایش و تذهیب کناره‌های قاب آینه صدفی استاد محمدصادق نقاش، با رقم: «جان نثار یحیی 1310»؛ قلمدان گل و مرغی خوش نقشی که کناره‌های قلمدان را تشعیر و تذهیب کرده و رقم نهاده است: «عمل یحیی 1311».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1425 -1424 /3).

تقی زاده، لطف الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
آقای لطف الله تقی زاده در سال 1349هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ملکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و درسال 1381 وارد حوزه علمیه قم و مرکز علوم اسلامی جانبازان گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت(ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگان و ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع دکترادر سال 1387از دانشگاه باکو در جمهوری آذربایجان فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"به حکومت رسیدن ترکان جوان در ترکیه و مناسبات ما با قفقاز" دفاع کرد .
وی پس از سالها تلاش و علم اندوزی ، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون به تدریس در دانشگاههای آزاد بناب،ملکان،مراغه و عجب شیر مشغول می باشد. وی درطول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل "جنگ جهانی اول و دولت عثمانی" و" ترکان جوان و تفکرات مشروطه خواهی " را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

تقی‌زاده، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1256- 1347 ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. اجدادش در قریه‌ای به اسم وننند، از توابع قصبه‌ی اردوباد، به دنیا آمده بودند. پدرش پس از تحصیل در نجف در شهر خود مدت بیست و چهار سال حوزه‌ی درس و مقام مقتدایی روحانی داشته است. تقی‌زاده در چهارده سالگی شروع به تحصیل کرد، ابتدا کتابهای فارسی معمول آن زمان و مقدمات عربی و بعد منطق و فقه و اول را نزد علمای تبریز آموخت. وی در بین سنین چهارده تا هجده سالگی به تدریج تحولی در رشته‌ی تحصیلات و افکار او پدید آمد. نخست شوق زیاد به علوم ریاضی قدیم پیدا کرد و بعد به علم کلام و حکمت و طب قدیم روی آورد، و دور از چشم پدر در راه علوم خفیه و تصوف و عرفان قدم نهاد؛ و در بعضی مسلکهای دینی خلاف مشهور، مانند طریقه‌ی شیخیه و غیره، مطالعه و تحقیق کرد. بعد از فوت پدر، در هجده سالگی آزادانه به تحصیل علوم جدید پرداخت و طب و تشریح و غیره را ابتدا نزد میرزا نصرالله سیف الاطبا و بعد نزد دکتر محمد کرمانشاهی، معروف به کفری، آموخت و هم به قدر کافی در زبان فرانسه پیشرفت کرد. در این اوقات در مدرسه‌ی دارالفنون مظفری تحصیل می‌کرد و در آنجا فیزیک نیز درس می‌داد. تقی‌زاده در سال 1316 ق با همدستی چند نفر، مدرسه‌ای به نام تربیت تاسیس کرد. وی در سالهای 1318 ق و بعد از آن در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز به فراگرفتن زبان انگلیسی پرداخت و نزد یکی از معلمان آمریکایی قدری از درجات عالیه‌ی علوم طبیعی را از روی کتابهای انگلیسی فراگرفت. در سال 1320 ق به همراهی میرزا محمدعلی خان تربیت و میرزا سید حسین خان عدالت و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام مجله‌ای علمی و ادبی، به اسم «گنجینه‌ی فنون» که ماهی دو شماره منتشر می‌شد و یک سال دوام یافت، تاسیس کرد. تقی‌زاده پس از امضای فرمان مشروطیت چندین دوره به وکالت مجلس از طرف مردم تبریز برگزیده شد و بعد از به توپ بستن مجلس به اروپا رفت و مجله‌ی «کاوه» را در آلمان منتشر ساخت. او با انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی مخالف بود، اما بعد از انتقال حکومت از قاجاریه به خانواده‌ی پهلوی، چندین مرتبه به وزارت‌های مختلف منصوب شد. تقی‌زاده مدتی نیز در دانشگاه کمبریج و مدرسه‌ی مطالعات شرقی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کرد. بالاخره در تهران وفات یافت. از

آثار وی: «مقدمه‌ی تعلیم عمومی یکی از سرفصلهای تمدن»؛ «از پرویز تا چنگیز»؛ «گاه‌شماری در ایران قدیم»؛ «بیست مقاله»؛ «تمدنات قدیمه»؛ «مانی و دین او»؛ «تاریخ انقلاب ایران»؛ «تحفه الملوک»، یکی از متون قدیم مجهول المولف؛ «تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام». [1]

فرزند سید تقی، متولد 1256 در تبریز. پدرش در کسوت روحانیت بود. تقی‌زاده از پنج سالگی به تحصیل پرداخت و علاوه بر زبان فارسی و عربی و معارف اسلامی، ریاضیات و فلسفه نیز خواند و تحصیلات رایج مدرسی را خیلی زود پایان برد. مدتی نیز در مدرسه‌ی آمریکائی تبریز به آموختن زبان انگلیسی پرداخت. در بیست سالگی با کمک چند تن از دوستان خود مدرسه‌ی تربیت و کتابخانه‌ای در تبریز دایر کرد. نشریات کشورهای عربی و مخصوصاً عثمانی آن روز در آن کتابخانه توزیع می‌شد. در اوایل 1320 ه.ق مجله‌ای به نام گنجینه‌ی فنون انتشار داد. مقالات این مجله که غالباً ترجمه از نشریات خارجی بود در تنویر افکار عمومی و ایجاد فکر آزادی در مردم تأثیر بسزائی داشت. تقی‌زاده مدتی نیز به سیر و سیاحت پرداخت و از قفقاز و استانبول و مصر و بیروت دیدن نمود و در تمام این مسافرت‌ها بر دانش خود افزود. در وقایع مشروطیت، فعالیت بسیار زیادی داشت و از بارزترین مبارزان راه آزادی و مشروطه در آذربایجان بود.

بعد از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، از طرف تجار تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در آن تاریخ بسیار جوان بود. در خاطرات خود نوشته: «در همان روز که به مجلس وارد شدم، مرحوم حاج محمد صراف نماینده‌ی مجلس به مرحوم حاج سید مرتضی مرتضوی به شوخی گفت: در تبریز شما آدم حسابی قحط بود که این پسر را به عنوان نماینده به مجلس فرستادید! اما مرحوم حاج سید مرتضی گفت صبر کنید تا همین آقا پسر به حرف بیاید آنوقت خواهی فهمید که تبریزی‌ها چه کسی را به نام نماینده‌ی خود به مجلس اول روانه کرده‌اند.» تقی‌زاده با احاطه به نطق و بیان و افکار روشن و منظم و دقیق خیلی زود در مجلس گل کرد و در مدت کوتاهی توانست خود را بشناساند و مورد توجه مردم قرار گیرد. اقدامات مجلس اول علیه محمدعلی شاه که بالاخره منجر به توپ بستن مجلس شد، تا اندازه‌ی زیادی مولود اقدامات تقی‌زاده و چند نفر دیگر بود. چون در این وقایع جانش کاملاً در خطر بود، ناچار شد به سفارت انگلیس پناه برد. پس از مدتی به اروپا رفت و در آنجا برای سقوط محمدعلی شاه فعالیت کرد و با نشر مقالات متعدد به زبان‌های مختلف، افکار عمومی مردم و دولت‌های بعضی از کشورها را متوجه ایران ساخت. بعد از استبداد صغیر، به ایران بازگشت و در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران و تبریز وکیل شد ولی وکالت تبریز را پذیرفت. بعد از خاتمه‌ی

انتخابات به اروپا و آمریکا سفر نمود و در 1334 ه.ق به انتشار مجله‌ی کاوه در برلن مبادرت کرد و مدت شش سالی که این مجله به زبان فارسی در برلن انتشار می‌یافت، حاوی مقالات بسیار سودمندی بود.
در دوره‌ی سوم نیز وکیل شد، ولی در مجلس شرکت نکرد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که همزمان با قرارداد 1919 در زمان نخست‌وزیری وثوق‌الدوله بود، بار دیگر از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. ولی مجلس در دوران نخست‌وزیری مشیرالدوله، سپهدار رشتی و سید ضیاءالدین تشکیل نشد تا سرانجام قوام‌السلطنه در 1300 به تشکیل مجلس چهارم مبادرت ورزید. در ادوار پنجم و ششم هم نماینده‌ی مجلس بود، ولی دیگر آن شور و احساس جوانی را نداشت و به استقبال ماجرا نمی‌رفت. در دوره‌ی پنجم از مخالفین تغییر سلطنت بود. مستوفی‌الممالک در 1305 او را برای وزارت خارجه در نظر گرفت ولی از قبول وزارت عذر خواست و نمایندگی مجلس را ترجیح داد.
در 1307 ش والی خراسان شد و کمتر از یک سال در این سمت انجام وظیفه نمود. سپس وزیرمختار ایران در انگلستان شد و تا اواسط 1308 در لندن بود. در آن سال مخبرالسلطنه هدایت، رئیس دولت تغییراتی در کابینه‌ی خود داد؛ از جمله وزارت فوائد عامه را منحل و به جای آن وزارت طرق و شوارع و وزارت اقتصاد ملی را تشکیل داد. ذکاءالملک فروغی به وزارت اقتصاد و تقی‌زاده به وزارت طرق منصوب شدند. یک سال بعد پس از کنار رفتن مشارالملک از وزارت دارائی، تقی‌زاده وزیر دارائی و سرپرست وزارت راه شد و مهذب‌الدوله کاظمی را از جانب خود کفیل وزارت راه نمود. تا پایان کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه، در وزارت دارائی بود.
ولی در شهریور 1312 پس از سقوط کابینه‌ی مزبور، او هم بالطبع از عضویت دولت کنار رفت و به سمت وزیرمختار ایران در پاریس تعیین گردید و تا 1313 در آن سمت بود. در آن تاریخ از مشاغل دولتی معاف شد و برای تدریس به انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی در مدرسه‌ی السنه شرقی پرداخت.
بعد از شهریور 1320 بار دیگر وارد میدان سیاست شد. در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی با کمک منشی سابق خود علی سهیلی که وزیر امور خارجه بود، به وزیرمختاری ایران در لندن برگزیده شد. علت انتخابش به آن سمت، بیشتر برای استفاده از حسن روابط او با کارگردانان حکومت انگلستان بود، زیرا شخصیت علمی و وجهه‌ی سیاسی تقی‌زاده علت معروفیت او در بین رجال انگلیس و در وزارت امور خارجه‌ی انگلستان بود. در 1321 قوام‌السلطنه او را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی نمود، ولی تقی‌زاده تلگرافی عذر خواست و در سمت وزیرمختاری در لندن همچنان باقی ماند. بعد از آنکه نمایندگی‌های سیاسی ایران و انگلیس در

دو کشور به سفارتخانه تبدیل شد، تقی‌زاده به مقام سفیرکبیری ارتقاء یافت. اقدام برجسته‌ی او در سفارت ایران در لندن، مربوط به وقایع آذربایجان و تخلیه‌ی ایران از قوای متجاوز ارتش شوروی است. او چون رجلی ملی و نامدار، در صدد استیفای حقوق ملت ایران برآمد و با طرح شکایت در سازمان ملل، حقانیت ایران را به ثبوت رسانید و از این طریق بار دیگر در محافل سیاسی ایران، نام وی به عنوانی یکی از رجال سیاسی و ملی ایران بر سر زبان‌ها افتاد. با وجودی که مخالفین وی در همان هنگام انگشت روی اشتباهات سیاسی وی می‌گذاشتند، ولی مع‌الوصف اقدام او در کشور حسن اثر داشت.
در دوره‌ی پانزدهم، به پاس خدماتش در سازمان ملل، از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در آن تاریخ منصورالملک استاندار آذربایجان و قوام‌السلطنه نخست‌وزیر بود، و در غالب نقاط کاندیداهای حزب دموکرات ایران از صندوق‌ها بیرون می‌آمدند. ولی تقی‌زاده عضو آن حزب نبود و مردم تبریز او را به عنوان یک شخصیت برجسته‌ی آذربایجانی و مستقل، به مجلس فرستادند. تصویب اعتبارنامه‌اش با جنجال توأم بود. عباس اسکندری نماینده‌ی همدان، درباره‌ی صلاحیت و سوابق سیاسی او، پناهنده شدنش به سفارت انگلیس و تمدید قرارداد نفت جنوب در دوره‌ی وزارت دارائی‌اش، به تفصیل سخن گفت و او را برای نمایندگی صالح ندانست. عباس مسعودی در مقام دفاع از شخصیت تقی‌زاده، نطق مفصلی ایراد کرد و به ایرادها جواب گفت. سرانجام مجلس درباره‌ی اعتبارنامه‌ی او تصمیم به اخذ رأی نمود و اعتبارنامه‌اش با اکثریت قاطعی به تصویب رسید. در انتخابات هیئت رئیسه از طرف نمایندگان آذربایجان کاندیدای ریاست شد. سردار فاخر حکمت و ملک‌الشعرای بهار هم کاندیدای حزب دموکرات ایران بودند. ملک‌الشعرا به توصیه‌ی قوام‌السلطنه کنار رفت و حزب دموکرات ایران یک کاندیدا پیدا کرد که سردار فاخر بود. پس از اخذ رأی، سردار فاخر با اکثریت ناچیزی بر کرسی ریاست نشست. تقی‌زاده در دوران نمایندگی در دوره‌ی پانزدهم، دو یا سه نطق مهم ایراد کرد که در یکی از نطق‌هایش خود را از بعضی اشتباهات سیاسی که به او نسبت می‌دادند، مبرّا دانست.
در انتخابات دوره‌ی اول سنا که مصادف با انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی بود، سناتور شد. و در دوره‌ی دوم سنا نیز ریاست داشت. در دوره‌ی سوم و چهارم سنا زیر بار مسئولیت نرفت و غالباً فقط ریاست کمیسیون خارجه‌ی مجلس را عهده‌دار می‌شد. در اواسط دوره‌ی چهارم سنا، بیمار شد و ناچار از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد. در جلسات سنا مرتباً شرکت می‌نمود، ولی از نطق و خطابه‌های شورانگیز که در جوانی ایراد می‌کرد، دیگر آثاری هویدا نبود.

متجاوز از هفتاد سال در صحنه‌ی سیاسی ایران حضور داشت. از روزی که با انتشار مجله‌ی گنجینه‌ی فنون در 1320 ه.ق وارد سیاست شد، تا سال‌های آخر عمر همواره دست‌اندرکار سیاست بود. در صدر مشروطیت و ادوار اول و دوم مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده‌ای پرشور و انقلابی عمل می‌کرد و از همه حیث محبوب مردم بود، ولی مخالفین وی پناهندگی‌اش را به سفارت انگلیس نکوهش کرده‌اند و حتی بعضی از ترورهای سیاسی آن ایام را منسوب به او دانسته و چهره‌ی سیاسی‌اش را زشت و سیاه ترسیم کرده‌اند. هرچه که باشد، نقش او در حیات سیاسی، ملی، علمی و فرهنگی ایران به اندازه‌ای مؤثر و گسترده بوده است که بررسی دقیق و کامل آن محتاج یک اثر مستقل است.
در طول هفتاد سال فعالیت سیاسی، هیچگاه از فعالیت علمی و ادبی غافل نبوده است. لقب علامه را به لحاظ وسعت دامنه‌ی دانش و عمق و دقت اطلاعات علمی‌اش به وی داده‌اند. در ابتدای جوانی فقط تحصیلات قدیمه داشت، ولی این تحصیلات را عمیقاً انجام داده بود. حافظه‌ی بسیار قوی، هوش سرشار، مطالعات مختلف، پی‌گیری و دقت او، وی را در زمره‌ی محققین و دانشمندان طراز اول ایران و در شمار یکی از علمای جهان قرار داد. به زبان‌های ترکی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت. گذشته از تکلم به آن السنه، در زبان و ادبیات آنها تتبع و تعمق نموده بود. گرچه فعالیت‌های سیاسی مجال زیادی برای مطالعه به او نمی‌داد، ولی مع‌الوصف به واسطه‌ی اقامت طولانی در کشورهای خارجی و استفاده‌ی دقیق، منظم و با برنامه از کتابخانه‌های معتبر دنیا، در زمینه‌ی تحقیق در تاریخ و تمدن ایران، به یکی از صاحب‌نظران کارکشته‌ی معاصر تبدیل شد.
در جنگ بین‌الملل اول با کمک چند تن از دوستان خود، از جمله علامه دهخدا و علامه قزوینی، در آلمان دست به انتشار مجله‌ای زدند که کاوه نام داشت. کاوه که شش سال انتشار یافت، حاوی نکات بسیار سودمند تاریخی و علمی و اجتماعی و سیاسی است. بعضی از مقاله‌های تحقیقی آن مجله در همان تاریخ به صورت کتاب انتشار یافت که مجلس ملی ایران و کشف تلبیس از جمله آنهاست. کتاب‌های گاه‌شماری در ایران قدیم، محاکمات تاریخی تاریخ، از پرویز تا چنگیز، مقدمه‌ی دیوان ناصرخسرو که با مشارکت علامه قزوینی و حاج میرزا نصرالله تقوی تنظیم شده است، مانی و ایران، جنگ فرنگستان و چند اثر دیگر از تحقیقات انتشار یافته‌ی خود اوست.
چند سال قبل درباره‌ی تاریخ مشروطیت سه خطابه در باشگاه مهرگان ایراد نمود که در همان موقع در روزنامه‌های عصر انتشار یافت و بعد نیز به صورت کتابی منتشر شد. سال‌هایی که در لندن به تدریس اشتغال

داشت، متجاوز از پنجاه سخنرانی و خطابه‌ی عالمانه و محققانه درباره‌ی تاریخ و تمدن اسلام در کشورهای مختلف جهان و دانشگاه‌ها ایراد نمود که هرکدام در حد خود یک رساله‌ی محققانه است. در ادوار اخیر در دوره‌ی دکترای الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود و کلاسش مرکز تجمع شیفتگان علم و ادب و دانش‌پژوهان بود. رویه‌ی اداره‌ی کلاس او بر اساس دموکراسی کامل بود و شاگردان در حین درس استاد، حق داشتند به بحث و سؤال بپردازند. در هر دانشجوئی که مایه و علاقه‌ای می‌دید، از هیچ‌گونه کمکی به او دریغ نمی‌ورزید. به مبانی مذهبی و ملی اعتقاد داشت. در جوانی با یک خانم آلمانی ازدواج کرد و تا آخر عمر با او زندگی می‌کرد. صاحب اولادی نشد و در 1349 در 92 سالگی در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از نیما تا روزگار ما (121 -112)، تاریخ جراید (131 -125 /4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (290 -277 /2)، شرح حال رجال (69 -66 /5)، نقد حال (533 -470)، یادنامه‌ی تقی‌زاده، یغما (س 26، ش 4، ص 196 -193، س 30، ش 7، ص 404 -396، ش 8، ص 479 -472).

تکلو، احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 933 ق)، مذهّب، خطاط و شمشیرساز. هنرمند ذوفنونی از محل تکه ترکمان، نزدیک مشهد بود که در هنگام حمله سلطان سلیم به ایران و فتح تبریز، از موطن اصلی خود رخت بربسته و در دربار سلطنتی پادشاه عثمانی به کار هنری مشغول گشته بود. از آثار این استاد که در سال 933 ق به پایان رسانده: شمشیر منقش و استادانه سلطان سلیمان قانونی است که در قبضه عاجی آن، انواع نقوش قرینه‌ای و سایر تزیینات اسلیمی، در کمال ریزنگاری انجام پذیرفته و بر روی تیغه به خط ثلث طلاکوبی رقم «احمد تکلو قارا باجک» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1441 -1440 /3).

تکمیل همایون، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ناصر تکمیل همایون در سال 1315 در قزوین متولد شد. وی در دو رشته تاریخ و جامعه شناسی در سالهای 1351 و 1356 موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد.آنچه وی را از دیگر پژوهشگران اجتماعی – فرهنگی ایران به صورتی ویژه متمایز می کند، تحصیل و تسلط بر تاریخ ایران (خصوصا ابعاد اجتماعی تاریخ ایران) در گذشته و حال، در کنار تحصیل دانشگاهی جامعه شناسی است. در صورتی که بتوان برای شناخت صحیح فرهنگها خصوصا فرهنگ ایرانی، آگاهی از تاریخ و خصوصا تاریخ اجتماعی را لازم دانست، دکتر تکمیل همایون به خوبی از عهده این مهم بر آمده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ناصر تکمیل همایون در دو رشته تاریخ و جامعه شناسی در سالهای 1351 و 1356 موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناصر تکمیل همایون استاد و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی علاوه بر موقعیت دانشگاهی، سرپرستی بخش «فرهنگ و تاریخ» در موسسه تحقیقی - انتشاراتی «دفتر پژوهشهای فرهنگی» را بر عهده دارد. وی در این موسسه به طور ویژه اشراف علمی انتشار مجموعه کتابهایی موجز و دقیق درباره ابعاد گوناگون تاریخ و فرهنگ را برعهده گرفته است.فعالیتهای آموزشی : ناصر تکمیل همایون علاوه بر پژوهش و تالیف، سالها به تدریس تاریخ و علوم اجتماعی در برخی دانشگاهها و خصوصا پژوهشگاه علوم انسانی مشغول بوده، به نحوی که مقام دانشگاهی استادی رادر اختیار دارد. چگونگی عرضه آثار : ناصر تکمیل همایون راهنمای بخشی از پایان نامه های دانشجویی هم بوده است. وی 142 مقاله فارسی و 4 مقاله انگلیسی هم در آثار خود نهاده است. تکمیل همایون تاکنون بیش از ده عنوان کتاب از مجموعه « از ایران چه می دانم؟» را به نگارش درآورده است. تاکنون حدود 75 مجلد از این مجموعه به چاپ رسیده و بیش از ده مجلد دیگر نیز در شرف انتشار است. این مجموعه کتابها، از آنجا که توسط متخصصین هر موضوع به نگارش درآمده و اشراف علمی دقیقی بر آنها واقع شده، مورد اقبال و استقبال فراوان مخاطبان قرار گرفته است. آثار ایشان و نتایجی که وی از خلال بحثهای تاریخی – اجتماعی درباره عناصر فرهنگی- اجتماعی ایران، با

بهره مندی از نوعی نگاه تاریخی، ارائه می کند، سندی مهم از اهمیت دانش تاریخی در بررسی اجتماعی ایران است. گرچه محدوده موضوعات آثار او آنچنان وسیع است که نوعی فقدان مرکزیت در تولیدات ایشان را به ذهن متبادر می کند، تحلیل آماری موضوعات آثار ایشان نشان می دهد که وی بیش از همه درباره ابعاد گوناگون شهر تهران در دوره های جدید، تاریخ اجتماعی ایران، عناصر مدرن تاریخ ایران (مرزبندی ها، نیروهای نظامی، تعلیم و تربیت)، استانهای جنوبی ایران، خلیج فارس و دریاهای ایرانی و نیز معماری ایرانی به تحقیق و پژوهش دست زده است. آثار : تالیف کتاب تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، 3 جلد، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1377 چاپ دوم 1380 ، تالیف کتاب تاریخ ایران در یک نگاه، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1382چاپ سوم 1384 ، تالیف کتاب تاریخ تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1376 ، تالیف کتاب تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1382 ، تالیف کتاب دانشگاه گندی شاپور، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1384 ، تالیف کتاب کتابشناسی تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1369 ، تالیف کتاب میهن دوستی در ایران، استقلال، 1359 ، تالیف کتاب نقش علمی و فرهنگی یونسکو در پژوهش راههای تاریخی ابریشم، سروش، 1376 ، تالیف کتاب آبسکون یا جزیره آشوراده، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1379 چاپ سوم 1380 ، تالیف کتاب آموزش و پرورش در ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، زیر چاپ 1384 ، تالیف کتاب استان هرمزگان، (اجرای طرح با دانشگاه هرمزگان) ، تالیف کتاب خلیج فارس، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1380 چاپ چهارم 1383 ، تالیف کتاب خوارزم، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1383 ، تالیف کتاب رویدادها و یاد مانهای تاریخی تهران، جلد اول (از چهار جلد)، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1384 (زیر چاپ). تالیف کتاب سرگذشت دریای مازندران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1380 چاپ سوم 1383 ، تالیف کتاب گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1379 چاپ سوم 1380 ، تالیف کتاب مرزهای ایران در دوره معاصر، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1379 چاپ دوم 1380 ، تالیف کتاب مشروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، جلد دوم زیر چاپ 1384 ، تالیف کتاب مشروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، جلد اول 1383 ، تالیف کتاب مکتبخانه (آموزش کودکان و نوجوانان)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زیر چاپ ، تالیف کتاب نظام و نهادهای آموزشی در ایران باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1382

توفیق شیرازی، رفیع‌الدین ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1020 -947 ق)، مورخ. در شیراز ولادت یافت و در جوانی برای بازرگانی به هندوستان رفت. در دهلی به دربار علی عادل‌شاه راه یافت و به منصب خوان سالاری او رسید و پس از چندی منشی دربار شد. بعد از مرگ وی، در دربار برادرزاده‌اش، ابراهیم عادل‌شاه نیز مقام بلند یافت. اما، پس از چندی مغضوب شد و به زندان افتاد. رفیع‌الدین بعد از رهایی حاکم شهر بیجاپور شد. وی مولف کتابی است به نام «تذکره الملوک» در تاریخ سلسله عادی شاهیان بیجاپور که وقایع مربوط به این سلسله را تا اغاز سال 1020 ق در آن گرد آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (369 -368).

توکل کوثری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید محمدعلی توکل کوثری دانشیار گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران(1356)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (1357)، مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان(1360) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه کمریج انگلستان اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکترسیدمحمدعلی توکل کوثری مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران(1356)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (1357)، مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان(1360) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه کمریج انگلستان اخذ نمودند. عنوان رساله وی و دوره دکتری «جامعه‌شناسی معرفتی تطبیقی- انتقادی» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدمات علمی اجرایی دکتر توکلی کوثری به قرار زیر است: • ,دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو,کمیسیون ملی یونسکو- وزارت علوم • معاون پژوهشی وزارت علوم,وزارت علوم • 8مشاور وزیر و رئیس موسسه پژوهش آموزش عالی,موسسه عالی پژوهش وبرنامه ریزی آموزش عالی-- وزارت علوم • مدیر گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران,دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس دکتر توکل «جامعه شناسی پزشکی»، «زبان تخصصی 2» (در مقطع کارشناسی)، «زبان تخصصی2»، «جامعه شناسی تکنولوژی و توسعه»، «جامعه شناسی معرفت»، «جامعه شناسی بهداشت وسلامت جوانان»، (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است.جوائز و نشانها : پایان نامه برگزیده کارشناسی ارشد,دانشگاه تهران, پایان نامه برگزیده دکتری سال,دانشگاه تهران, پایان نامه برگزیده سال,دانشگاه تهران,آثار : اصطلاحنامه فرهنگی فارسی ویژگی اثر : بررسی و نقد کتاب,سازمان مدارک فرهنگی,2 تقریظ بر کتاب جامعه شناسی بیماری و پزشکی ویژگی اثر : بررسی و نقد کتاب,باورداران,3 جامعه شناسی پزشکی ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,انتشارات دانشگاه صنعتی شریف,4 جامعه شناسی

معرفت ویژگی اثر : تالیف5 جامعه شناسی معرفت و علم ویژگی اثر : تالیف6 جامعه شناسی(بررسی و معرفی کتاب گیدنز در مجله نامه علوم اجتماعی) ویژگی اثر : ,بررسی و نقد کتاب,نشر نی,7 دگرگونی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی ویژگی اثر : ترجمه -ترجمه,شورای عالی اطلاع رسانی وکمیسیون ملی یونسکو,8 رویکرد تأویلی در مسیحیت و اسلام ویژگی اثر : تالیف9 مأخذشناسی توسعه ویژگی اثر : تالیف-ویرایش علمی کتاب,موسسه پژوهش در برنامه?ریزی و توسعه,10 مقدمه ای بر جامعه شناسی علم ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,انتشارات صدوق,11 موانع توسعه در سه کشور ویژگی اثر : تالیف12 موانع توسعه: مطالعه مقایسه ای ایران با ترکمنستان و مراکش ویژگی اثر : تالیف13 یادنامه آیت الله خاتمی--فصل(مقاله) رویکرد تاویلی ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,موسسه معارف اسلامی امام رضا

تهرانی، محمدصادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدصادق بن میرزا ابوالقاسم تهرانی از دانشمندان فاضل و اخیار معروف به تقوا و پرهیزکاری حوزه علمیه قم و شهرستان مذهبی قم است مرحوم والد مذکورش از متدینین واقعی و عبادالله الصالحین بوده که تا آخر عمرش جز کسب رضای خدا هدفی نداشت و جدش مرحوم میرزا علی‌اکبر سیاه‌پوشان از رجال معروف زمان ناصرالدین‌شاه بود که همه عمر برای ماتم حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام لباس سیاه را از تن بیرون نکرد شب و روز کارش گریه بود بخصوص در ایام عاشورا که دستمالها از گریه و اشک چشمش تر نموده و برای کفن و قیامت خود ذخیره می‌نمود و نیز مادران وی از زنان پارسا و قانتات عابدات ذاکرات با کیات صالحات روز کار بوده‌اند و هم پدران مادری ایشان از مومنین کاملین و اتقیاء زمان خود و بسیار معتقد و صوام و قوام بوده‌اند.
وی در اواخر ذی‌الحجه 1331 ق در چنین خاندانی متولد و در حجر این پدران متدین و مادران صالحه تربیت و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مقدس رفته و بعضی از سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ حبیب‌الله گلپایگانی که از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و معروف به قدس و تقوا بود خوانده و بعد از دو سال به تهران آمده و از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی که از علماء اتقیاء تهران بود استفاده کرده و بعد به قم مهاجرت نموده و از اساتیدی مانند مرحوم ادیب تهرانی و سید مهدی کشفی و حاج شیخ عباس تهرانی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌الله شاهرودی سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت‌الله حجت و آیت‌الله صدر حاضر شده و بعد به درس مرحوم علامه بزرگ آیت‌الله بروجردی شرکت نموده و ضمنا در مسجد جامع قم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد و بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی- ره- به آیت‌الله العظمی امام خمینی مدظله پیوسته و از اصحاب خاص آن جناب گردید و به همین جهت گاهی گرفتار و به معذورات شدیدی مبتلا شده است.
آثار ایشان 1- کتابی است در شرح احوال علماء قم که از زمان مرحوم حایری تا عصر حاضر از دنیا رفته و دارای اثرات نورانی بوده‌اند به نام آثارالنوریه یا (جلوه درخشان).

2- سفور التهافت یا (رسوائی یاوه‌گویان) که همان تهافت و تناقض‌گوئی جمعی از مبدعین قرون گذشته و عصر حاضر است که همان بطلان ادعاء آنهاست از قول خودشان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ثابت تبریزی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1313 -1253 ق)، شاعر و صحاف. از مردم تبریز بود. از رهگذر پیشه‌ی صحافی و جلدسازی امرار معاش می‌کرد، و در زادگاهش می‌زیست او به دو زبان فارسی و ترکی، نیکو شعر می‌گفت. «دیوان» او شامل اشعاری به هر دو زبان است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای آذربایجان (116/2)، دانشمندان آذربایجان (89)، الذریعه (182/9)، ریحانه (362/1)، سخنوران آذربایجان (273)، فرهنگ سخنوران (197).

ثابتای کاشی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، واقعه‌نویس و شاعر. طبعش خالی از لطف نبوده و طرزش به شعرای هندوستان شبیه بوده است. وی مدتی در خدمت عباس قلی‌خان، حاکم هرات، واقعه‌نویس بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی نصرآبادی (371)، الذریعه (182 -181 /9)، صبح گلشن (96)، فرهنگ سخنوران (198)، گلزار جاویدان (293/1).

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(430/429 -350 ق)، ادیب، نویسنده و مورخ. وی در دو روش نثر مصنوع و مرسل استاد بوده است. چون شغلش پوستین‌دوزی از پوست روباه بود، به ثعالبی مشهور شد. آثار مشهور او عبارت‌اند از: «یتیمه الدهر»، در شرح احوال شعرای بزرگ عهد مولف از شام تا ماوراءالنهر، که از حیث انشاء بلیغ و از باب اشتمال بر احوال و اشعار بسیاری از شعرای آن عصر، خاصه شعرای تازی‌گوی ایران، اهمیت بسیار دارد. وی این کتاب را به وسیله ذیلی به نام «تتمه الیتیمه»، تکمیل کرده است. از دیگر آثار وی: «الاعجاز و الایجاز»؛ «خاص الخاص»؛ «ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب»؛ «نثر النظم»؛ «التمثیل و المحاضره».[1]
ابومنصور عبدالملک بن محمد نیشابوری (ف. 429 ه.ق.) ادیب و نویسنده و مورخ قرن چهارم و آغاز قرن پنجم است. وی در نثر مصنوع و مرسل عربی هر دو استاد بود. از آثار او یتیمة الدهر (ه.م.)، الاعجاز و الایجاز، خاص الخاص، ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب، نثر النظم، کتاب التمثیل و المحاضرة و چند کتاب دیگر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (311/4)، تاریخ ادبیات ایران (642 -641 /1)، دایره المعارف فارسی (713/1)، ریحانه (365 -364 /1)، سرآمدان فرهنگ (136/1)، سیرالنبلاء (438 -437 /17)، وفیات الاعیان (180 -178 /3)، هدیه العارفین (635/1).

ثعالبی، ابومنصور حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 412 ق)، مورخ و نویسنده. از مردم مرغن، ناحیه غور بود. کتاب «غررانیر» یا «غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم»، که به ابومنصور عبدالملک ثعالبی منسوب شده است، ظاهرا از اوست. این کتاب را مولف به نصر، سپهسالار خراسان، هدیه کرده است. این کتاب مشتمل بر تاریخ از خلقت عالم تا زمان محمود غزنوی است. قسمتی از جزء اول آن را که مربوط به ایران است زوتنبرگ، به سال 1900 م در پاریس منتشر کرده و به ابومنصور عبدالملک ثعالبی نسبت داده است. این قسمت کتاب ثعالبی نسبت داده است. این قسمت کتاب بخصوص از این جهت اهمیت دارد که در بسیاری موارد بیشتر از طبری به ماخذ قدیم «شاهنامه» نزدیک است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دایره المعارف فارسی (713/1)، سرآمدان فرهنگ (137 -138 /1).

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 437/427/426 ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلدی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (206 -205 /1)، دایره‌المعارف فارسی (713/1)، الذریعه (67 -66 /18، 243 -242 /15)، روضات الجنات (257 -255 /1)، ریحانه (368 -367 /1)، سیرالنبلاء (437 -435 /17)، کشف الظنون (1496، 1131)، الکنی و الالقاب (131/2)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم الادباء (38 -36 /5)، الوافی بالوفیات (308 -307 /7)، وفیات الاعیان (80 -79 /1)، هدیه العارفین (75/1).

ثقفی نژاد، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد ثقفی نژاد
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد ثقفی متولد 1323، تبریز، دارای شماره 4، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی‌اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال 1335 وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال 1341 بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم.در مدت 5 سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم.همچنین کلام اسلام، کشف الراء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی ، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت 9 سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت 6 سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم.هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات

تکمیلی را آغاز کردم. در سال 1356 که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب مواجه با مبارزه سیاسی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا شدیم، در نتیجه تحصیل ناتمام مانده و به خاطر فعالیتهای سیاسی ـ اسلامی ـ ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم.در سال 63 که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شرکت جستم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشته تاریخ و تمدن اسلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر عنوان: ساختار اجتماعی ـ سیاسی دولت مدینه با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. و از تاریخ به بعد در دانشگاههای تهران ـ آزاد اراک و تهران مرکز مشغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشیاری تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دروس علوم اجتماعی ـ جامعه شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

ثقه الاسلامی، محمدهاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1280 ق)، فقیه و مورخ امامی. وی در مشهد به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم رهسپار نجف شد و در آن شهر از مجلس درس استادانی چون آخوند خراسانی و سید اسماعیل صدر اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از بازگشت به مشهد به حوزه‌ی درس آیت‌الله سید علی حایری یزدی پیوست. وی در مشهد درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی ربا»؛ «رساله‌ی رضاع»؛ «رساله‌ی معاملات»؛ «حسن العاقبه فی سعاده الخاتمه»، به فارسی؛ «غایه الامال فی حسن خواتیم الاعمال»؛ «منتخب التواریخ» در تاریخ معصومان (ع) و برخی امامزادگان؛ «وسیله الامان من تسویلات الشیطان» که خلاصه «حسن العاقبه» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (76/25 ،15/7)، منتخب التواریخ (مقدمه).

ثلاثی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن ثلاثی ، جامعه شناس و مترجم ،متولد ۱۳۲۴ بابل است.تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان می برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می شود. ثلاثی در رشته جامعه شناسی تحصیل کرده و بر مبنای این گرایش تحصیلی و علاقه شخصی،سال هاست که به ترجمه متون جدی و مرجع در این حوزه پرداخته و آثار گرانقدری را برای جامعه دانشگاهی و محققان علوم اجتماعی به فارسی برگردانده است. ثلاثی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسی فعالیتهای آموزشی : محسن ثلاثی علاوه بر آن که ترجمه متون جامعه شناختی و مردم شناختی را با جدیت دنبال می کند،از تدریس در این حوزه نیز غافل نمانده و در دانشگاه تهران و در دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه، سال هاست که به تدریس اشتغال دارد.آرا و گرایشهای خاص : محسن ثلاثی درباره نقش شعر و ادبیات عرفانی فارسی در تقوت و تشدید رویکرد جهانگرایی می گوید: «شعر فارسی از مهم ترین و برجسته ترین و کارسازترین عناصر فرهنگ ایرانی به شمار می آید. شعر فارسی چنان بر عرصه های دیگر تولید فرهنگی تسلط پیدا کرد که به راستی می توان گفت که آیینه به نسبت تمام نمای فرهنگ ایرانی شده است؛ از همین روی، هرگونه بررسی در تحلیل تحول و فرهنگ ایرانی به بررسی شعر فارسی نیازمند است. اعراب به دلیل فقدان دستمایه های هنری پس از تسخیر ایران حساسیت چندانی نسبت به مضامین و نقش مایه های هنر ساسانی از خود نشان ندادند. او با اشاره به این که کتاب های رشته مردم شناسی در سال های پس از انقلاب و با فعال شدن این رشته، منتشر شده است،می گوید: «قبل از انقلاب کتابی در زمینه مردم شناسی نداشتیم. گذشته از کتاب های درسی، تحقیق های مردم شناسی که با پیشنهاد، درخواست و تأمین اعتبار یک سازمان خاص انجام می شوند، با نظر همان سازمان سفارش دهنده، منتشر می شوند که البته تعداد این گونه سازمان ها در ایران کم است.» «ثلاثی» در این باره که وزارت علوم در زمینه تقویت رشته مردم شناسی چه اقداماتی می تواند انجام دهد،معتقد است: «در دنیا رسم است که چنین رشته هایی از طریق افراد متخصص در آنها، تقویت می شوند و با صدور بخشنامه های دولتی نمی توان برای آنها کاری کرد. در

ایران فارغ التحصیلان رشته مردم شناسی کم هستند و افرادی هم که در خارج تحصیل کرده اند، به سادگی جذب دانشگاه های ما نمی شوند. چون امکانات، منابع مالی و تحقیقاتی ما برای جذب آنها کافی نیست. البته استادهای رشته مردم شناسی در سال های اخیر، فعال تر شده اند و این رشته هم قابلیت گسترش دارد؛ چرا که هنوز بسیاری از حوزه های زیرمجموعه آن در ایران ایجاد نشده است.» او رشته مردم شناسی را برای جوامع متنوعی مانند ایران، بسیار جذاب و مناسب می داند و می گوید:«جامعه ایران از نظر قومی، زبانی و فرهنگی بسیار متنوع و متکثر است و این مسأله، موضوع مناسبی برای رشته مردم شناسی است. شاید در هیچ کجای دنیا به این اندازه تنوع موضوعی برای تحقیق مردم شناسان وجود نداشته باشد. ضمن آن که شناخت فرهنگ ها، خرده فرهنگ ها و اقوام مختلف ایران برای حل بسیاری از مسائل فرهنگی و رفع تنش های فرهنگی میان اقوام مختلف ایرانی و ایجاد همدلی و تفاهم در میان آنها بسیار مهم است که این کار در حوزه انسان شناسی می گنجد. متأسفانه تاکنون اهمیت چندانی برای چنین تحقیق هایی قائل نشده اند.» جوائز و نشانها : محسن ثلاثی از جمله پژوهشگران معاصر مورد تقدیر سازمان میراث فرهنگی نیز هست. به طوری که درهفته کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و دربیست و دومین دوره کتاب سال، از او در کنار جمعی دیگر درحوزه ترجمه تقدیر شد. چگونگی عرضه آثار : محسن ثلاثی در رشته علوم اجتماعی، نامی در کنار بسیاری از کتب مرجع است، جامعه شناسی آگاه و مترجمی زبده که به توسعه علوم اجتماعی در ایران می اندیشد. وی آثار زیادی را در این زمینه ترجمه کرده است. در طول این سال ها بسیاری از آثار ترجمه شده ثلاثی به عنوان منابع کنکور کارشناسی ارشد در چند رشته جامعه شناسی ومطالعات فرهنگی معرفی شده است.از آن جمله است کتاب درآمدی بر جامعه شناسی نوشته بروس کوئن. محسن ثلاثی علاوه بر حسن انتخابی که در متون ترجمه اش دارد،در برگردان آن به فارسی نیز نهایت دقت نظر و هماهنگی آن با زبان اصلی را به کار می بندد و برای واژه های ناآشنا در زبان فارسی نیز معادل هایی پیشنهاد می کند.به طور مثال برای واژه پارادایم معادل های فارسی گوناگونی به کار رفته که یکی از آنها «نمونه » است . احمد آرام در کتاب «ساختار انقلاب های علمی » ـ نوشته کوهن ـ واژه «نمونه » را به جای «پارادایم » قرار داده است . علی اسدی در ترجمه کتاب «شناختِ شناخت» نوشته ادگار مورن به جای آن، از ترکیب «چارچوب ادراکی » استفاده کرده است و اما محسن ثلاثی در ترجمه کتاب «نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر» ـ نوشته جورج ریتزر، کلمه «انگاره» را به جای آن قرار داده است . آثار : اسلام و سرمایه داری ویژگی اثر : نوشته

ماکسیم رودنسون، درحوزه اسلام شناسی،ثلاثی کتاب «اسلام و سرمایه داری» نوشته ماکسیم رودنسون را ترجمه کرده وبا این که سال هاست نایاب شده، ولی تجدیدچاپ نشده است2 انسان شناسی فرهنگی ویژگی اثر : بیتس؛ دانیل، 3 انقلاب فرانسه و رژیم های پیش از آن ویژگی اثر : الکسی دتوکویل ؛ انتشارات زرین.4 پیامدهای مدرنیته ویژگی اثر : یکی دیگر از کتب ترجمه شده آنتونی گیدنز توسط ثلاثی «پیامدهای مدرنیته» است. «مدرنیت» به شیوه هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا به وجود آمد و به تدریج ابعاد جهانی پیدا کرد. این تعریف، مدرنیته را به یک دوره زمانی و یک جایگاه جغرافیایی اولیه مربوط می سازد، در حالی که عمده شاخصه های آن را سربسته باقی می گذارد. آنتونی گیدنز، جامعه شناس نامی معاصر، درکتاب «پیامدهای مدرنیته» به تحلیلی فرهنگی و معرفت شناختی از مدرنیت می پردازد و تعبیری جدید و تأمل برانگیز از تحولات نهادی همراه با مدرنیته عرضه می کند. گیدنز معتقد است که ما هنوز پا به دوران پسامدرن نگذاشته ایم، بلکه دوران متأخر مدرنیته را سپری می کنیم که در آن پیامدهای مدرنیته فراگیرتر و ریشه ای تر و بنیادین تر شده است عواملی چون تباهی محیط زیست، تهدیدهای قدرت نظامی و تسلیحاتی، رشد و بسط توتالیتاریسم و حقیر شدن کار صنعتی و ... که گیدنز این ها را از پیامدهای مدرنیته برمی شمارد و بر این باور است که برای فرا رفتن از این ها و گذار به عصر پسا مدرن می بایست در ساختار سازمان های اجتماعی و فرهنگی مسلط عصر مدرن دگرگونی اساسی ایجاد کرد. این کتاب در ? فصل تدوین و تنظیم شده و به مباحثی چون: انقطاع های مدرنیته، جامعه شناسی و مدرنیته، بازاندیشی در مدرنیته، ابعاد نهادی مدرنیته، اعتماد و مدرنیته، دوره پیش از مدرن و دوره مدرن، مخاطره و خطر در جهان مدرن، پدیده شناسی مدرنیته، آیا مدرنیته یک طرح غربی است؟ و ... می پردازد. 5 جاده ابریشم ویژگی اثر : چاپ اول، نشر سروش، تهران،6 جامعه باستان ویژگی اثر : لوئیس هنری مورگان ؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 7 جامعه شناسی دین ویژگی اثر : ملکلم همیلتون؛ نشر تبیان ، چاپ اول،8 جامعه نو نوشته ای.اچ.کار ، جهان ایرانی و ایران جهانی ویژگی اثر : یکی از مهم ترین کتب ثلاثی که بر خلاف غالب آثار او تألیف شده است، کتاب جهان ایرانی و ایران جهانی است که نشر مرکز آن را منتشر کرده است.کتابی که دردهمین دوره کتاب برتر دانشگاهی در رشته علوم اجتماعی، به عنوان کتاب برتر شناخته شد.درباره این کتاب به همان اندازه که در محافل دانشگاهی و مجامع فرهنگی تهران باعث ایجاد بحث ها و نظرات متفاوتی گردید، در شهرهای دیگر نیز موجبات برگزاری جلسات نقد و بررسی آن فراهم شد.جلسه نقد

و بررسی کتاب در امور کتابخانه های عمومی استان زنجان که در سالن آمفی تئاتر کتابخانه سهروردی این شهر برگزار شد از آن جمله بود. میر معزی کارشناس ارشد جامعه شناسی درباره این کتاب می گوید :« پژوهش نظریه پایه ای خود را از انسان شناسی فرهنگی گرفته است. این همان نظریه پراک گرایی یا اشاعه گرایی است که به آن(diffusion) می گویند. این نظریه می گوید، اقوام و اجتماع فرهنگی انسانی در جهان منزوی نیستند و روابطی با فرهنگ های همسایگانشان دارند که تقلید و مهاجرت را از فرهنگ های دیگر می گیرند. ایرانیان در گذشته و تا چند سده پیش از این، با فرهنگ های پیشرفته جهان در شرق و غرب جهان ارتباط مستقیم و بی واسطه داشتند. ولی دشمنی ایران شیعی با عثمانی سنی راه ارتباط بی واسطه ایران را با اروپا تا حدودی سدکرد و در نتیجه فرهنگ ایرانی دیگر نتوانست به آسانی دوران گذشته، با فرهنگ نوینی که در اروپای غربی به سرعت و بیش از پیش پیشرفت داشت و می رفت که سرنوشت جهان را در سده های آینده رقم زند، ارتباط سازنده ای برقرار سازد.» 10 خرد و انقلاب ویژگی اثر : نشر نقره، کتاب «خرد و انقلاب» هربرت مارکوزه نیز به وسیله ثلاثی به فارسی برگردانده شده و نخستین بار به وسیله سازمان انتشارات جاویدان منتشر شده و بعدها در سال ،نشر نقره آن را به چاپ بعدی رسانده است.11 درآمدی بر جامعه شناسی ویژگی اثر : بروس کوئن12 درآمدی به انسان شناسی ویژگی اثر : از سایمون کولمن و هلن واتسون13 روش تحقیق در انسان شناسی ، روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی ویژگی اثر : سیلورمن(دیوید)؛ انتشارات تبیان، 15 روش های تحقیق کیفی ویژگی اثر : از سیلورمن؛ 16 زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی ویژگی اثر : ثلاثی، از میان آثاری که تاکنون ترجمه و منتشر کرده ، به «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی» علاقه بیش تری دارد. او دراین باره می گوید:«زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناس» را بیشتر دوست دارم، به خاطر اینکه مقام جامعه شناسان را در بستر اجتماعی، اقتصادی و تاریخی مورد بررسی قرارداد و نشان می دهد که نظریات و افکار این افراد در چه شرایطی، پرورش پیدا کرده و تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفته است. این کتاب فصل بندی بسیار جذابی دارد و درواقع کتاب جامعه شناسی جامعه شناسان است ! » عنوان اصلی این کتاب Masters of Sociological ideas in historical thought؛ است. که واژه نامه و کتابنامه آن را ثلاثی به صورت زیرنویس تنظیم کرده و چاپ اول آن را در سال به انتشارات علمی سپرده است.17 سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی ویژگی اثر : ساموئل هانتینگتون؛ نشر علم، 18 فراسوی چپ و راست ویژگی اثر : چاپ انتشارات علمی، ثلاثی به آثار آنتونی گیدنز، جامعه شناس معاصر و نظریه

پرداز عصر جدید، توجه ویژه ای دارد و اسباب آشنایی مخاطب فارسی زبان را با ترجمه برخی از آثار مهم او فراهم کرده است. از آن جمله اثر « فراسوی چپ و راست » را می توان نام برد. گیدنز در این اثر به این نکته اشاره می کند که به دلیل گسترش مدرنیته و درگیری همه فرهنگ ها و ملت ها در ساختن جهان کنونی، هم اکنون مرزبندی های رایج اعم از شمال و جنوب، مرکز و پیرامون و نیز تقابل میان چپ و راست سیاسی از میان رفته است.19 فلسفه و اندیشه سیاسی سبزها ویژگی اثر : اندرو دابسون 20 کالبد شکافی چهار انقلاب ویژگی اثر : کرین برینتون؛ انتشارات نشر نو.21 کالبدشکافی چهارانقلاب از برینتون ، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر» ویژگی اثر : توتالیتاریسم» از هانا آرنت؛ جاویدان، اسفند .23 نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر ویژگی اثر : جرج ریتزر، تهران، انتشارات علمی

منابع زندگینامه :منابع : روزنامه ایران صفحه مهرگان 1-12-1385

جان احمدی، فاطمه

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
فاطمه جان احمدی در تاریخ 1343 در خرم آباد مرکز استان لرستان دیده به جهان گشود. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشگاه شهید بهشتی شد و موفق به دریافت لیسانس کارشناسی تاریخ گردید . کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه الزهرا ادامه داد و مدرک دکترای تاریخ با گرایش تاریخ اسلامی را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود . در حال حاضر علاوه بر تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد . زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن 4 هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی ، تارخ اسماعیلیه مستعلویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است .
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فاطمه جان احمدی در سال 76 در کنکور سراسری شرکت و در مقطع کارشناسی (68-72) رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد، در سال 72 پس از شرکت در کنکور کارشناسی ارشد تاریخ به دانشگاه الزهراء راه یافت و در سال 75 از پایان نامه خود به نام « بررسی اوضاع اقتصادی ایران در دوره خلافت عباسیان» دفاع کرد. در پایان همین سال پس از شرکت در آزمون پذیرش دکتری تربیت مدرس موفق به راه یابی دوره دکتری تاریخ، گرایش اسلام در این دانشگاه شدو در سال 82 از رساله خود در زمینه « مبانی مشروعیت و ساختار خلافت فاطمیان » دفاع نمود.
همسر و فرزندان : فاطمه جان احمدی در اواخر سال دوم دبیرستان ازدواج کرد و وقتی وارد دانشگاه شد دو فرزند پسر داشت.
فعالیتهای آموزشی : فاطمه جان احمدی تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد . زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن 4 هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی ، تارخ اسماعیلیه مستعلویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است .

چگونگی عرضه آثار : فاطمه جان احمدی دارای مقالات متعددی با محوریت تاریخ اسلام است ، ایشان در سمینارهای متعدد داخلی و خارجی شرکت داشته و در کنفرانسهای مختلفی مقالاتی را ارائه داده است. ------
---
آثار :
1 تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
ویژگی اثر : دفتر نشر معارف(وابسته به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها)- تیر 1387

جاویدان، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1309.
درگذشت: مهر 1371.
تألیف و ترجمه کتاب تاریخ اختراعات (از اختراع چرخ تا مغز الکتریکی، 1367)؛ و تاریخ پزشکی ایران (تألیف گود) و چند کتاب در زمینه‌های علمی و پزشکی از جمله آثار اوست. او مدتی با مجله‌ی «شکار و طبیعت» و مدتی هم با مجله‌ی «سخن علمی» همکاری داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جباردار، علیقلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، نقاش و قملدان‌ساز. این هنرمند به نامهای علیقلی‌بیگ فرنگ و علیقلی جبه‌دار عباسی و علیقلی آرنااوت و علیقلی‌بیگ ارناوت نادری اصفهانی در هنر تصویرسازی ایران شهره بوده است. وی مسیحی و از مردم آرنااوت (آلبانی) بود که در زمان شاه‌عباس دوم صفوی (1077 -1052 ق) به ایران آمد و تغییر مذهب داد و در بدایت حال به جبه خانه (اسلحه خانه) دولتی راه یافت و مشغول کار شد. وی به سبک نقاشی اروپا آشنایی داشت و در تحول سبک، از مینیاتور صفوی به شیوه‌ی ایرانی‌سازی، در شمار پیشگامان است. وی در مکتب هند و ایران نیز دست داشت و آثاری در این مکتب از او به یادگار مانده است. علیقلی، تک صورت را بسیار لطیف می‌ساخت و عمارات تاریخی و منظره‌ها را با لطافت و رعایت نزدیک‌نمایی و دورنمایی استادانه وی به تصویر می‌کشید، علاوه بر این در تصویرسازی جانوران نیز توانا بود. قلمدانهای کار او از نوع بهترین قلمدانهای عصر صفوی محسوب می‌شود. عمده‌ترین آثار علیقلی در آبرنگ بوده، اما در آثار ورغنی نیز مهارت داشت. از آثار وی: تصویر اجتاع دراویش و نوازندگان در مهتاب شبانه که در صحن باغی جمع شده‌اند و رقم «عمل علی قلی‌بیک جبادار» دارد؛ تصویر زن جوانی که نیم‌تاج جواهرنشانی به سرگذاشته و در روی چهارپایه‌ای نشسته است و چنین رقم دارد: «رقم علیقلی جبادار بتاریخ شهر صفر... در دارالسلطنه‌ی قزوین مرقوم شد. رقم کمترین غلامان علیقلی جبادار سنه 1085»؛ تصویر مجنون که در حالت افسردگی و خستگی است و چنین رقم نوشته: «رقم کمترین آرناوت 1099»؛ قلمدان نفیس و زیبایی که در زمینه‌ی زرد آن، تصویر دختر شاهزاده‌ای جلب نظر می‌کند، با رقم: «بر حسب امر اشرف اعلی علیقلی سنه 1117»؛ تصویر سفیر روسیه که کلاه پوست سموری به سر گذاشته است و چنین رقم نوشته: «رقم علیقلی سنه 1129». «در احوال و آثار نقاشان» به بیست اثر دیگر وی اشاره شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1473 / 3 ،397 -388 / 1)، تاریخ هنرهای ملی (463 / 1)، گلستان هنر (چهل و هشت)، هنر قلمدان (96 -95).

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(366 /362 -290 ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که ثعالبی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن‌مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن‌خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاة ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه‌اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطة بین المتنبّی و خُصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفة التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالة»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 114)، تاریخ ادبیات در ایران (644 -355 /1)، تاریخ الاسلام (حوادث 273 -271 /400 -381)، تاریخ نیشابور (171)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (7/ 946)، ریحانه (1/ 402)، سیر النبلاء (21 -19/ 17)، الکامل (7/ 88)، کشف الظنون (1471، 782)، الکنی والالقاب (2/ 144)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (7/ 123)، معجم الادباء (35 -14/ 14)، هدیة العارفین (1/ 684)، وفیات الاعیان (281 -278 /3).

جرفادقانی، ابوشرف ناصح

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. وی در خدمت الغباربیگ از ممالیک اتابکان آذربایجان به سر می‌برد و از دبیران و شاعران فاضلی بود که در نظم و نثر تازی و پارسی توانایی داشت. او به سفارش ابوالقاسم علی بن حسن، وزیر جمال‌الدین الغبار «تاریخ عتبی»، معروف به یمینی را به نثری مصنوع و استادانه، به سال 603 ق از عربی به فارسی ترجمه کرد. ابوشرف در سرودن شعر نیز استاد بود. در مقدمه «تاریخ یمینی» از ترجمه دو مجموعه شعر به نام: «روضه الحزن» و «شعله القابس» و در خاتمه‌ی کتاب از کتاب دیگری موسوم به «تحفه الآفاق فی محاسن اهل العراق» نام برده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (1012 -1011 /2 ،641/1)، تاریخ در ایران (49)، تاریخ‌نگاران ایران (261)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (مقدمه/ 28 -24 ،11)، دایره‌المعارف فارسی (599/1)، سبک‌شناسی (386/2)، سرآمدان فرهنگ (253 -252 /1)، فرهنگ ادبیات فارسی (123)، کشف الظنون (2053 -2052)، گنج و گنجینه (268)، لغت‌نامه (ذیل/ جرفادقانی)، مولفین کتب چاپی (497 -495 /6).

جزایری شوشتری، عبداللّه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1173 ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصراللّه مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازة الکبیرة»؛ «اجوبة مسائل السید علی نهاوندی»؛ «الانوار الجلیة»؛ «التذکرة فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛ «حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی» فیض؛ «الذخیرة الباقیة»؛ «الحاشیة علی اربعین البهایی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (87/8)، الذریعه (382 -381 /21 ،254/20 ،102/14 ،15/10 ،842 ،694 /9 ،25 ،13/6 ،89/4 ،245 -243 /3 ،424 -423 /2)، روضات الجنات (372 ،253 -249 /4)، ریحانه (115/3)، فرهنگ سخنوران (716 -715)، فوائد الرضویه (257 -256)، الکنی والالقاب (332/2)، لغت‌نامه (ذیل/ جزایری)، معجم المؤلفین (160/6).

جزایی، عبدالعلی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، اسطرلاب‌ساز. از طراحان نقوش هندسی و تزیینی روی فلزات بود و در ترسیم و گرده‌سازی و کنده‌کاری بر روی اسطرلابها مهارت داشت. در «تاریخ اصفهان» نام وی تحت عنوان عبدالعلی جزی آورده شده است. از آثارش: اسطرلابی است که با همکاری برادر خود، محمد باقر، برای شاه سلطان حسین صفوی تهیه کرده و در نهایت دقت و مهار صور نجومی ساخته شده است، با رقم: «صنعه اقل الطلبه عبدالعلی بن محمد الجزائی نمقه اقل الطلبه اخ الصانع محمد باقر 1124»؛ اسطرلاب پرمهارت دیگری که آن نیز با همکاری برادرش انجام یافته، با رقم: «صنعه اقل الطلبه عبدالعلی، نمقه اقل الطلبه محمد باقر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (341 / 1)، تاریخ اصفهان (383).

جزایی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1124 ق)، طراح و رسام فلزات. وی در ساختن اسطرلاب مهارت داشت. از آثار رقم‌دار این هنرمند که به همکاری برادرش انجام پذیرفته، اسطرلاب نفیسی است که برای شاه سلطان حسین صفوی ساخته شده و چنین رقم نهاده: «صنعه اقل الطلبه عبدالعلی بن محمد الجزائی، نمقه اقل الطلبه اخ الصانع محمدباقر 1124».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (669/ 2).

جزری، شمس‌الدین، ابوالخیر محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 834/833 ق)، محدث، متکلم شافعی، قاری و مورخ. معروف به ابن جزری. در دمشق به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. وی در زهد و تقوی معروف بود و در سیزده سالگی قرآن را حفظ کرد و بعد از آن اوقات خود را صرف تحصیل حدیث کرد. جزری در نوزده سالگی به قاهره رفت و در سیزده قسم قرائت، مهارتی به دست آورد. از ابوالفدا و ضیاءالدین و شیخ‌السلام بلقینی اجازه‌ی فتوی گرفت. او در دوره‌ی تیموری به سمرقند دعوت شد و تا زمان امیرتیمور در ماوراءالنهر ماند و بعد از مرگ وی به دارالسلطنه هرات شتافت و در آخر عمر به شیراز رفت و متصدی قضاوت شیراز شد و همان جا درگذشت. برخی از آثار وی: «المقدمه الجزریه»، در تجوید؛ «التمهید فی علم التجوید»؛ «النشر فی القرآت العشر»؛ «غایه النهایه فی طبقات القراء»؛ «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب»؛ «الهدایه فی علم الروایه»؛ «المصعد الاحمد فی ختم مسند الامام احمد»، در حدیث؛ «التاریخ»؛ «عقداللألی فی الاحادیث المسلسلة العوالی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 274- 275)، ایضاح المکنون (544، 723، 481، 447، 227، 110، 2/ 539، 315، 168، 151، 81، 26، 8 /1)، حبیب السیر (548/3)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (3/ 475- 476)، دایرةالمعارف الاسلامیه (8/ 106- 107)، روضات الجنات (1/ 118- 120)، ریحانه (1/ 408- 410)، کشف الظنون (1952، 2028، 2042، 1859، 1803، 1799، 1699، 1497، 1323، 1150، 1132، 1118، 1105، 743، 669، 621، 520، 484، 421، 389، 295، 290، 277، 211، 200، 152، 150، 128، 114، 53)، الکنی و الالقاب (146/2)، لغت‌نامه (ذیل/ جزری)، معجم الموفین (11/ 291- 292)، هدیه الاحباب (119)، هدیه العارفین (2/ 187- 188).

جزی برخواری، محمّد علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نویسنده کتاب «فتح‌نامه‌ها» که وقایع قرن 11 هجری را نوشته از رجال و شخصیت‌های تاریخی گز است. در سال 1087 و در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی، در جنگ‌های خراسان، آذربایجان، ازبکستان، تبریز و دیار بکر بوده که 98 رقعه از تعداد زیادی از این «فتح‌نامه‌ها» در مجموعه ادبیات الذریعه جلد 44 و در فصل‌های 164 و 165 و تحت عنوان منشأت دیوانیة اعلام الشیعه قرن 11 ثبت بذکره و نام نویسنده آنها اشاره گردیده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جعفری تبار، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجة الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال 1340 هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.
ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن 10 سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با 20 روایت ـ14 روایت مشهور و 6 روایت غیر مشهور ـحفظ نماید.
استاد جعفری‌تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی(ع) ـمصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار ـ اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد.
ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال 1369 زیر نظر ایشان تأسیس شد.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

جعفری تبار، مجید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجة الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال 1340 هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.
ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن 10 سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با 20 روایت ـ14 روایت مشهور و 6 روایت غیر مشهور ـحفظ نماید.
استاد جعفری‌تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی(ع) ـمصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار ـ اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد.
ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال 1369 زیر نظر ایشان تأسیس شد.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

جعفری یزدی، جعفر

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به جعفری. از مورخان دوره‌ی شاهرخ بود. از وی سه اثر تاریخی بزرگ به جای مانده است که عبارت است از: «تاریخ کبیر»، از آغاز خلقت تا وقایع سال 840؛ «تاریخ یزد»؛ «تارخی واسط» که به نام شاهرخ به پایان رسانید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (474/4)، تاریخ تذکره‌های فارسی (548 -547 /2)، تاریخ نظم و نثر (253)، تذکره‌ی سخنوران یزد (76 -74)، دایرةالمعارف فارسی (599/1)، الذریعه (246/3، 198/9)، فرهنگ سخنوران (213)، فهرستواره کتابهای فارسی (917، 916 /2، 586/1)، کشف الظنون (309)، مؤلفین کتب چاپی (304/2)، یغما (س 15، ش 7، ص 418 -415).

جعفریان، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول جعفریان
محل تولد : خوراسگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
دوره دبستان را در زادگاهش "خوراسگان" گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دوره راهنمایی را در این شهر آغاز کرد. پس از چندی تحت تأثیر سفرهای تبلیغی مبلغان حوزه علمیه قم و کلاس های روخوانی قرآن در خوراسگان به دروس دینی علاقه مند شد و از آن پس به مدرسه ذوالفقار رفت و مطالعه دروس جدید را در مدارس شبانه ادامه داد. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون«نیماورد»،«نوریه»،«وجده کوچک» استفاده می کرد.
رسول جعفریان در سال 57 هجری شمسی و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست به مدرسه خان رفت و سپس در مدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله ممدوحی، آیت الله گرامی و نیز آیت الله جعفر مرتضی جبل عاملی کسب فیض کرد. سال 58 هجری شمسی با آثار و موسسه آیت الله مصباح یزدی آشنا شد و در کلاسها و دوره آموزشی آن موسسه شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاهها، در سال 59 هجری شمسی به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاههای اصفهان و تهران مشغول شد. اولین اثر استاد جعفریان در سال 64 هجری شمسی تحت عنوان «پیش درآمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد و از آن پس تاکنون، ضمن همکاری با موسسات پژوهشی و تأسیس کتابخانه اسلام و ایران در قم، به کوشش های پی گیر خود در زمینه تألیف،تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

جلالوند، علی کرم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی کرم جلالوند
محل تولد : نهاوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی کرم جلالوند در سال 1344 در روستای درّه ابراهیم از توابع شهرستان نهاوند به دنیا آمده ام .تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم به اتمام رساندم و سپس دوره راهنمائی و دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان بردم . و در سال 62 موّفق به اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی شدم.پائیز همان سال وارد حوزه علمیه نهاوند شدم ، یک سال بعد وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) که مدرسه ای تازه تأسیس بود ، مشغول ادامه تحصیل شدم دروس مقدمات را در این مدرسه به اتمام رساندم .اساتید در این مقطع حجج الاسلام آقایان :احدی ، مظهر علی ، طالقانی ونقوی و... بودند . دروس شرح لمعه و اصول فقه را نزد آیت الله اشتهاردی ، حجت الاسلام خاتمی و علیدوست و...تلمذ کردم . دروس رسائل ومکاسب را نزدآیت الله استادی ، حجت الاسلام محمدی ، حسینی بوشهری وحسینی شاهرودی و.... فرا گرفتم . در سال 68 همزمان با تحصیل دروس حوزوی در کنکور سراسری شرکت کردم و وارد دانشگاه تهران شدم و در سال 72 موفّق به اخذ مدرک کارشناسی علوم اجتماعی در گرایش پژوهشگری شدم. در این سال که برای اولین بار نوشتن پایان نامه جزء واحدهای درسی دوره کارشناسی شده بود اینجانب موضوع پایان نامه خود را (بررسی مسائل جامعه شناختی فرقه گنابادیه) قرار دادم . از سال 70-71 به تناسب همکاریهائی که با سازمان تبلیغات اسلامی و پژوهشکده باقرالعلوم (ع) داشتم در تألیف وآماده سازی کتب بسیاری ازجمله مجموعه دیدار با ابرار ، گلشن ابرار ، بانوان نمونه و مجموعه فقه و زندگی به عنوان ویراستار ،ارزیاب و...سهیم بودم. به موازات این همکاریها کتاب و مقالاتی نیز تألیف کردم .

جلایر، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1290/1285 ق)، نقاش رنگ و روغن، قلمدانکار و خطاط. نقاشی را در مدرسه‌ی دارالفنون و زیر نظر زبده‌ترین استادان زمان خود آموخت. در اغلب رشته‌های هنری، از قبیل: آبرنگ و سیاه‌قلم و نقطه‌پردازی و شبیه‌سازی پراستعداد بود. آثار رنگ و روغنی خود را با رنگهای شاد و زنده تصویر می‌کرد و بعضی اوقات از رنگ سیاه و سفید استفاده می‌کرد و رنگ و روغن را به روش سیاه‌قلم می‌ساخت. وی زمینه‌ی آثار خود را با گل و برگهای شاد و زنده و ابتکار مخصوص پر می‌کرد. در خطاطی نیز روش خاصی داشت. و از روی خطوط میرزا غلامرضا خوشنویس باشی مشق و با قلم‌مو نقاشی می‌کرد. به خاطر اعتقاد باطنی خاصی که به حضرت علی (ع) داشت، موضوعات هنری را از بین اقطاب و اخوان صفا و قلندران پاکباخته انتخاب و ترسیم می‌کرد. وی شاگردان بسیاری را تربیت کرد و از آن جمله: علی‌اکبر مصور معروف به حجار. از آثار وی: تابلوی «ذبح اسماعیل»، در اندازه‌ی بزرگ که تصویر خیالی ابراهیم و اسماعیل و شماری چند از فرشتگان را نقش‌بندی کرده و با نبوغ هنری خود جنبه‌ی ملکوتی چشم‌گیری به آن تابلو داده است. و این اثر عالی جزو آثار فاخر تزیینی می‌باشد؛ مجلس چایخوری مانند، قصه‌ی معروف یوسف و زلیخا، با رقم: «اسمعیل- غرض نقشی است کز ما باز ماند»؛ دو تابلوی زیبا، به خط نستعلیق استادانه شش دانگ با نام والقاب امین‌السلطان اتابک، با رقم:«اسماعیل»؛ شمایل آبرنگ امیرالمؤمنین با حسنین، با: «رقم کمترین فدویان اسماعیل جلایر»؛ تصویر رنگ و روغن میرزا حسین‌خان سپهسالار بر روی اسب که صورت تصویر را در شیوه‌ی امپرسپونیسم و با تکه رنگهای گوناگون تصویر کرده است، با رقم: «عمل نقاش دولت علیه ایران اسمعیل بن المرحوم حاج زمان خان جلایر». در «احوال و آثار نقاشان» به پانزده اثر دیگر وی نیز اشاره شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (88 -77 /1)، تاریخ هنرهای ملی (1003 -1001 /2)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (127 -126).

جمشیدیها، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر غلامرضا جمشیدیها دانشیار گروه جامعه‌شناسی و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1358)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1366) و دکتری را در رشته جامعه شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (1376) اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تاریخیتحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا جمشیدیها مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1358)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1366) و دکتری را در رشته جامعه شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (1376) اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر غلامرضا جمشیدیها می توان مواردی همچون «مشاور معاون آموزشی»، «استاد راهنمای دانشجویان شاهد»، «معاون اداری و مالی»، «مشاور رئیس و مسئول اداره ارزشیابی و رسیدگی به شکایات دانشگاه»، «مدیر کل دفتر ریاست دانشگاه»، «معاون پژوهشی دانشکده» و «نماینده دانشکده در شورای انتشارات دانشگاه» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس غلامرضا جمشیدیها «اندیشه های متفکران مسلمان»، «تاریخ تفکراجتماعی دراسلام»، «جامعه شناسی انقلاب»، «زبان تخصصی»، «نظریه های جامعه شناسی1» و «نظریه های جامعه شناسی 2» (در مقطع کارشناسی) و «اندیشه های متفکران مسلمان»، «اندیشه متفکرین مسلمان1»، «زبان تخصصی2»، «نظریه های جامعه شناسی1» و «جامعه شناسی تاریخی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) می باشد.آثار : «پیدایش نظریه های جامعه شناسی (سال دوم)» (1383) ، «تاریخ و نظریة اجتماعی (سال سوم)» (1383) ، «زبان تخصصی علوم اجتماعی» (1385) ، جامعه، دولت و شهر نشینی: تفکر جامعه شناختی ابن خلدون(سال دوم) (1383) ، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی ویژگی اثر : (1379)

جنابی، ابومحمد مصطفی امیر

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 999 ق)، مورخ اصل وی از جنابه فارس بود، در روم متولد شد. مدتی متولی تدریس در مدرسه بروسه سلطانیه بود، سپس قاضی حلب شد. ابومحمد در دیار بکر از دنیا رفت. علاوه بر اینکه از عالمان بزرگ عهد مرادخان ثالث بود، در سرودن اقسام شعر به عربی و ترکی نیز استاد بود. از آثارش: «العلیم الزاخر فی اخبار الاوائل والاواخر»، در دو جلد و معروف به «بحر العلم» یا «تاریخ جنابی»؛ «رسالة فی بناء ایاصوفیه و قلعة قسطنطنیه»؛ «السبع السیار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (131/8)، ریحانه (1/ 431)، کشف الظنون (1181 -976 -851 -291 -224)، لغت‌نامه (ذیل/ جنابی)، معجم المؤلفین (12/ 264- 247)، هدیة العارفین (2/ 436- 437).

جندی شاپوری، جبرییل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 213 ق)، طبیب و مترجم. از اطبای مشهور جندی شاپور و اولین طبیبی است که نخستین کتاب طب را از زبان یونانی به عربی ترجمه کرد. جبرییل مدتی طبیب بیمارستان جندی شاپور و مدتی طبیب دربار هارون‌الرشید و امین بود. وی مدت 23 سال در بغداد بود و در سقوط بغداد و قتل امین، مردم خانه‌اش را غارت کردند و او ترک خدمت دربار گفت و با این کار مورد غضب مامون قرار گرفت و مدتی محبوس شد، سپس در زمانی که اطبا از معالجه‌ی حسن بن سهل، وزیر مامون، درمانده بودند، جبرییل آزاد شد و او را معالجه کرد و از آن پس به شدت مورد احترام قرار گرفت. جنازه‌اش در شهر مداین در دیری به خاک سپرده شد. آثار وی: «المطعم و المشرب»؛ «مدخل طب»؛ «باء»؛ «صنعه البخور»؛ «کناش»، در طب؛ «المدخل الی صناعه المنطق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (101 -100 /2)، تاریخ الحکماء قفطی (202 -183)، تاریخ طب (58 -56 /2)، دایره‌المعارف فارسی (393/1)، معجم المولفین (113/3).

جوادی، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم جوادی
محل تولد : پاکدشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب قاسم جوادی در سال 1350 وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از طی دروس رسمی حوزه که فقه و اصول و ادبیات بود در سال 56 در درس خارج شرکت کردم ، همزمان با دروس رسمی حوزه از سال 54 تا 68 فلسفه و عرفان نظری را نزد اساتید متعددی گذراندم،سپس دوره‌های زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را گذراندم و سرانجام در دوره دین‌شناسی مؤسسه امام خمینی شرکت کردم و در کنار درسهای حوزه، تاریخ را خودم مطالعه کردم و از مباحث تاریخ به مباحث مذاهب اسلامی کشیده شدم و از سال 55 درسهای حوزه را تدریس کردم و از سال 62 تا کنون در دانشگاههای متعدد نظیر دانشگاه کرمان، تهران، فردوسی، مقدس اردبیلی، مفید و باقرالعلوم تدریس داشته‌ام

جوان، علی

قرن:20
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی جوان (زادهٔ ۵ ۱۳۰/ ۹/۱۰ در تهران از پدر و مادری آذری الاصل) دانشمند و مخترع ایرانی است. وی اولین لیزر گازی دنیا که ترکیبی از دو گاز هلیوم و نئون است و به همین نام نیز معروف است را اختراع کرد. این لیزر از نوع لیزرهای بی خطر به حساب می‌آید و رنگ آن سرخ است. این لیزر در آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها برای بررسی پدیده‌هایی مانند تداخل امواج و آزمایش دو شکاف یانگ کاربرد دارد.
پیشینه:
علی جوان پس از گذراندن تحصیلات در دبیرستان البرز، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران داد. سپس در سال ۱۹۴۸ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت می‌کند و تحصیلات خود را در مقطع دکترای فیزیک در دانشگاه کلمبیا ادامه می‌دهد. وی در سال ۱۹۶۴ با درجه دانشیاری به عضویت هیات علمی موسسه فناوری ماساچوست (MIT)در آمد. وی در حال حاضر استاد بازنشسته موسسه فناوری ماساچوست در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. گرایش وی در فیزیک، اتمی - مولکولی و اپتیک است.
او در MIT یک تحقیق بزرگ را پایه گذاری کرد که باعث ایجاد بزرگترین تحقیق لیزری در دهه های شصت و هفتاد میلادی شد. بسیاری از بنیان های اولیه در استفاده از لیزر در آنجا به وقوع پیوست. این بنیان ها شامل؛ ابداعات زیادی در زمینه اسپکتروسکوپی لیزری بصورت Sub-Doppler ؛ اولین استفاده از لیزر برای آزمایش دقیق نسبیت و ایزوتروپی در فضا؛ ابداع تکنولوژی اندازه گیری فرکانسی دقیق در طیف نوری و اولین ساخت ساعت های اتومیک لیزری می باشند.
پروفسور جوان در زمینه های تازه تحقیق مانند پژوهش اخیرش برای جستجوی اثرات هدایت نورهای هم جهت شونده توسط یک آنتن نوری به سوی اندازه نانو از ماده فعال است.
او در تحقیقات گسترده ای از لیزرهای پرانرژی و رادارهای مولتی استاتیک لیزری که توسط ساعت های نوری دقیق کنترل می شود، گرفته تا لیزرهای تشخیصی پزشکی شرکت داشته است. پایان نامه های تحقیقاتی بسیاری از دانشجویان فیزیک تحت نظر او بوده است.
برای تحقیقات در زمینه لیزرهای گازی، پروفسور جوان در سال 1964 مدال Stewart Ballentine، در سال 1966 مدال Fany & John Hertz

Foundation در سال 1975 مدال Fredrick Ives و در سال 1993 مدال جهانی آلبرت انیشتین را دریافت کرد.
او عضوی از آکادمی ملی علوم و آکادمی هنر و علم آمریکا و عضو افتخاری موسسه Trieste برای ترویج علوم می باشد. در سال 1966 او به عنوان Guggeheim Fellow و در سالهای 1979 و 1995 به عنوان Humbolt Foundation Fellow شناخته شد.
افتخاراتپ:
•در سال ۱۹۶۰ وی موفق به اختراع لیزر گازی شد.
•این فیزیکدان ایرانی در سال ۱۹۷۵ مهم‌ترین نشان انجمن نورشناسی آمریکا یعنی مدال فردریک ایوز را دریافت کرد. در جمله‌ای که در کنار این نشان حک شده‌است از آقای جوان به خاطر «پدید آوردن یک دستگاه نورشناختی (لیزر گازی) با کاربردهای بی‌سابقه در پژوهش‌های علمی» قدردانی فراوان شده‌است.
•علی جوان در سال ۱۹۹۳ جایزهٔ علمی جهانی آلبرت اینشتین را دریافت نمود.
•او همچنین در سال ۲۰۰۷ رتبه دوازدهمین آدم باهوش را در جهان کسب کرد.

جواهرکلام، عبدالعزیز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مؤلف، محقق.
تولد: 1270.
درگذشت: مرداد 1365.
از آثار اوست: آثار الشیعة (چهار جلد، 1342 به بعد)؛ تاریخ تهران (1325)؛ بازدید کتابخانه‌های هندوستان (1326)؛ جواهر الاثار (ترجمه مثنوی، پنج جلد، 1336، به بعد)؛ دائرةالمعارف الامامیة (شش دفتر، 1339 -1336)؛ فهرست کتابخانه‌ی معارف (نسخه‌های خطی، دو جلد، 1314 -1313)؛ کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام تا این عصر (1311).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جهانگیر، عیسی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عیسی جهانگیر
محل تولد : عجب شیر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1355 در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم – تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال 1370 دارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیّه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند.در سال 1376 همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

چاهیچی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سازنده ساز.
تولد: 1303، اصفهان.
درگذشت: 23 شهریور 1372، اصفهان.
سید جواد چاهیچی، فرزند سید ابوالقاسم، فارغ‌التحصیل هنرستان صنعتی اصفهان بود و مدت بیست و هفت سال در همان هنرستان به عنوان استاد و هنرآموز درودگری و صنایع دستی اشتغال به کار داشت. جواد چاهیچی در ساختن سازهای سنتی مهارت داشت و مجموعه سازهای سنتی از او به یادگار مانده است. در سال 1370 در جشنواره‌ی هنری ایران در دوسلدورف شرکت کرد و نمایشگاهی از سازهای سنتی ایران را به معرض تماشا گذاشت. از آثار دیگر وی، می‌توان به ساختن تزئینات چوبی هتل‌های عباسی اصفهان، کینگز تهران، رستوران شهرزاد اصفهان و در آمریکا در رستوران عباسی شهر- نیویورک اشاره کرد. نمونه‌های از آثار وی را به بسیاری از کشورهای خارج برده‌اند.
استادان وی در کارهای هنری چوبی، لئون، علمدار، ضیاء و غلامرضا قربانی بوده‌اند. جواد چاهیچی به چوب و طرز خشک کردن آن و معایب و بیماری انواع چوب‌ها شناخت داشت. وی در ابتدای جوانی اقدام به ساختن ساز ویولن کرد که این کار را ادامه نداد و خود در این‌باره می‌گوید: «چون چوب مخصوص این کار در اختیارم نبود و بعضی مشکلات دیگری هم در سر راهم بود، از ادامه‌ی ساختن ویولن منصرف شدم». سید جواد لاهیچی ازسال 1359 بنا به توصیه‌ی حسن کسایی سازنده‌ی برنامه‌های گل‌ها اقدام به ساختن سازهای ویولن، سه‌تار، تار، سنتور، کمانچه، قیچک و ضرب نمود. مشوق وی در این راه بنا به گفته‌ی خودش احمد عبادی، حسن کسایی، جلیل شهناز، ابراهیم قنبری و حسین مسعود بوده‌اند و خود را شاگرد حسن مسعود می‌دانست. سید جواد لاهیچی برای سازهای خود، ساخته‌های سازندگان برجسته هر ساز را الگو قرار می‌داد. برای مثال ساختن تار از روی کار استاد فرج‌الله، یحیی اول، یحیی دوم، عباس صنعت، جعفر صنعت، رمضان شاهرخ، خاچیک (از ارامنه‌ی تارساز اصفهان)، گلی اصفهانی (معروف به آقا گلی)، عباس ملکوم و آمبارسون؛ ساز سه‌تار را از روی کارهای محمد عشقی نوایی، سید جلال سه‌تار ساز، مفتح‌السلطان، نریمان، علی‌محمد صفایی و کمانچه را از روی ساخت کارهای هنرمندان

منطقه خرم‌آباد، بختیاری و کمانچه‌هایی که در تهران ساخته شده است و سنتور را از روی کارهای مهدی ناظمی انتخاب کرده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

چراغی کوتیانی، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل چراغی کوتیانی
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/2/2
زندگینامه علمی
در دومین روز از بهار سال 1354،در روستای کوتیان از توابع شهرستان دزفول، زاده شدم.تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم گذراندم و در سال 1368وارد حوزه علمیه قم شدم.پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، در سال 1377 درس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. اصول فقه را خوشه چینِ درس استاد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی سبحانی(مدظله العالی) بودم و درس خارج فقه را با زانو زدن در محضر اساتید بزرگوارم آیات عظام شبیری زنجانی و مکارم شیرازی(دامت افاضاتهم)،آموختم. در کنار تحصیل در حوزه علمیه، در سال 1376 وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و در رشته جامعه شناسی به تحصیل پرداختم. پس از پایان یافتن دوره کارشناسی،در سال 1382 در کارشناسی ارشد همان رشته به ادامه تحصیل پرداختم. و سرانجام در سال 1386 با دفاع از پایان نامه ام (با عنوان بررسی و تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده)موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی شدم. در کنار تحصیل به پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن مقالاتی است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

چلپی، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مسعود چلبی متولد 1331 در یزد است. وی ،تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد .او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود .وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / 1354 / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / 1356 / تهران / دانشگاه تهران دکتری: جامعه‌شناسی / 1363 / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد : آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمین رساله دکترا : توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی : یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی -امتحانات جامع جامعه شناسی تطبیقی جامعه شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود چلبی ،عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران ،سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی:آمار درعلوم اجتماعی ،جامعه شناسی آموزش و پرورش ،مبانی جامعه شناسی ، جامعه شناسی توسعه ،روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته ،روش تحقیق کمی ,روش تحقیق کیفی, نظریه های جامعه شناسی (کلاسیک ها) ,نظریه های جامعه شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری : نظریه های روش شناختی ، مسائل اختصاصی روش تحقیق ، روش تحقیق کمی ,جامعه شناسی نظم ,نظریه های جامعه شناسی ،روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی مسعود چلبی : 1- توسعه و نظم اجتماعی 2- نظریه جامعه شناختی 3- جامعه شناسی تطبیقی 4- روش شناسی آثار : بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران

ویژگی اثر : موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات.تهران.13812
تحلیل اجتماعی درفضای کنش ویژگی اثر : نشر نی،تهران،13853 جامعه شناسی نظم:تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر : نشرنی.تهران,(1375)چاپ چهارم13864 چارچوب مفهومی پیما یش ارزش ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر : انتشارات طرح های ملی,تهران,1383

چلپی، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مسعود چلبی متولد 1331 در یزد است. وی ،تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد .او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود .وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / 1354 / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / 1356 / تهران / دانشگاه تهران دکتری: جامعه‌شناسی / 1363 / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد : آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمین رساله دکترا : توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی : یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی -امتحانات جامع جامعه شناسی تطبیقی جامعه شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود چلبی ،عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران ،سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی:آمار درعلوم اجتماعی ،جامعه شناسی آموزش و پرورش ،مبانی جامعه شناسی ، جامعه شناسی توسعه ،روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته ،روش تحقیق کمی ,روش تحقیق کیفی, نظریه های جامعه شناسی (کلاسیک ها) ,نظریه های جامعه شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری : نظریه های روش شناختی ، مسائل اختصاصی روش تحقیق ، روش تحقیق کمی ,جامعه شناسی نظم ,نظریه های جامعه شناسی ،روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی مسعود چلبی : 1- توسعه و نظم اجتماعی 2- نظریه جامعه شناختی 3- جامعه شناسی تطبیقی 4- روش شناسی آثار : بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران

ویژگی اثر : موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات.تهران.13812
تحلیل اجتماعی درفضای کنش ویژگی اثر : نشر نی،تهران،13853 جامعه شناسی نظم:تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر : نشرنی.تهران,(1375)چاپ چهارم13864 چارچوب مفهومی پیما یش ارزش ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر : انتشارات طرح های ملی,تهران,1383

چهره نما

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج عبدالمحمد مؤدّب السلطان ایرانی پور علی زاده، ادیب فاضل، و شاعر و نویسنده و مورّخ، در اصفهان متولّد شده، و در این شهر مقدّمات علوم را آموخته، به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده و از محترمین ایرانیان ساکن مصر به شمار می‌رفته. روزنامه چهره نما را در آنجا می‌نوشته و مدّت سی و دو سال مرتّباً انتشار داده است.
در حدود سال 1291 متولّد، و در اوّل شعبان 1354 در قاهره وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- احقاق الحق 2- امان التواریخ 3- پیدایش خطّ و خطاطان 4- زردشت باستانی و فلسفه او 5- فؤاد التواریخ.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حاجی زاده، یدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یدالله حاجی زاده
محل تولد : زرند کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب یدالله حاجی زاده فرزند محمد متولد 1354 در روستای سینک از توابع شهرستان زرند به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار می باشد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان زرند به پایان رساندم سال 1369 وارد حوزه علمیه صالحه کرمان شدم. همزمان تحصیلات کلاسیک خودم را هم ادامه دادم. در سال 1375 موفق شدم در رشته ادبیات دیپلم بگیرم سال 1376 وارد حوزه علمیه قم شدم.
در سال 1379 همزمن با تحصیلات حوزوی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول تحصیل در رشته تاریخ شدم دروس حوزوی را تا اتمام سطح به پایان رسانده و مشغول درس خارج هستم . در سال 1383 در مقطع ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم مشغول تحصیل شدم و در حال حار مشغول تدوین پایان نامه ام هستم. با برخی از مراکز علمی ازجمله بخش فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه همکاری دارم. همچنین در مرکز مطالعات حوزه بعضاً به سوالات تاریخی و سؤالات بخش مهدویت پاسخ می دهم. بعضاً در ایام تبلیغی ماه محرم، ماه رمضان و ایام تابستان به تبلیغ می روم.

حاجی‌آقا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ش)، سازنده‌ی تار. وی از معروفترین سازندگان تار در تهران بود. تارهای ساخت او همه خوب و خوش‌آهنگ بودند. فرزندش، رمضان شاهرخ، نیز پیشه‌ی وی را ادامه داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (696/2)، سرگذشت موسیقی (173/1)، مردان موسیقی (322/2).

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبداللّٰه

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 834/833 ق)، مورخ و جغرافیدان. اصلش از بهدادین خواف بود، و علت اینکه بعضی او را هروی خوانده‌اند شاید بدین خاطر است که مدت زیادی را در هرات زیست. تربیت و تحصیل وی در همدان صورت گرفت. وی از همان دوران جوانی به خدمت امیر تیمور گورکان پیوست و مورد التفات امیر قرار گرفت. بعد از تیمور ملازم شاهرخ میرزا و بایسنقر میرزا شد و به نام آنان به تألیف و تصنیف پرداخت. او از مورخان موثق دور تیمور بود و در ضبط دقق وقایع و صحت گفتار معروف. شهاب‌الدین در شهر زنجان وفات یافت و نزدیکان مزار اخی فرج زنجانی دفن شد. آثار او عبارت‌اند از: «ذیل جامع التواریخ رشیدی»؛ «ذیل تاریخ طبری»؛ «تاریخ آل‌کرت»؛ «تاریخ طغاتیمور»؛ «تاریخ سربداران»؛ «تاریخ امیرارغون شاه»؛ «تاریخ شاهرخ»؛ که تمامی کتابهای تاریخی مذکور و چند کتاب دیگر مجموعه‌ای تاریخی را تشکیل می‌دهند به نام «مجموعه حافظ ابرو» و شامل تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا سال 830 ق است، به نام «مجمع التواریخ سلطانی»و «زبدة التواریخ».[1]
شهاب‌الدین عبداللّٰه بن عبدالرشید مورخ نامی دوره تیموری (ف. 834 ه.ق.). وی در دربار امیر تیمور بود و در سفرها نیز در رکاب او حرکت میکرد و پس از تیمور نزد شاهرخ پایه ارجمند یافت و مقرب شاه گردید و همواره در سفر و حضر ملازم بود. حافظ ابرو به رموز و آیین تاریخ نویسی آگاه بود و مخصوصا از احوال و امور روزانه سیاست زمان خود اطلاع کافی داشته و در نوشته‌های خود تا حد امکان آنچه را که می‌دیده یا از اشخاص موثق می‌شنیده معتبر دانسته و کمتر به افسانه و حکایت پرداخته است و در منقولات خود غالبا جانب حقیقت و راستی را گرفته. وی زبانهای عربی و ترکی را می‌دانسته و در سرودن شعر نیز به دست داشته. آثار مهم او عبارتند از: کتاب جغرافا (817)، ذیل ظفرنامه شامی، تاریخ شاهرخ، ذیل جامع التواریخ رشیدی.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (489 -486 /4)، تاریخ در ایران (94 -93)، تاریخ نظم و نثر (238 -237)، حبیب السیر (8/4)، دایرةالمعارف فارسی (827/1) الذریعه (23/12، 49/10، 115/5)، ریحانه (10 -9 /2)، سرآمدان فرهنگ (296 -295 /1)، طبقات اعلام

الشیعه (قرن 28/9)، کشف الظنون (951)، الکنی والالقاب (166/2)، گلستان هنر (30)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظ ابرو)، هدیة الاحباب (122 -121).

حافظ هروی، کمال‌الدین حسین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 974 /973 ق)، خطاط و قاری. معروف به واحدالعین. اصل وی از هرات بود ولی، به مشهد رفت و از آنجا به قم و به اردوی شاه طهماسب صفوی پیوست. او در خواندن قرآن در خراسان شهرت فراوانی داشت و مورد توجه بزرگان و پادشاهان بود. کمال‌الدین جز نستعلیق، انواع خطوط را ماهرانه و استادانه می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع) و دو قطعه به قلم ثلث نیم دو دانگ و نسخ کتابت ممتاز و عالی، با رقم: «... کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی فی المشهد المقدس بتاریخ سنه‌ی ثلث و ثلاثین و تسعمائة» و «مشقه الفقیر کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی»؛ کتیبه‌ی صفه‌ی صاحب در مسجد جامع اصفهان، به قلم ثلث سه دانگ کتیبه‌ی عالی، با رقم: «انجام یافت فی تاریخ سنه ثمان و ثلاثین و تسعمائة کتبه کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی»؛ یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم ثلث سه دانگ جلی و نسخ و رقاع کتابت ممتاز، با رق: «مشقه العبد کمال‌الدین حسین حافظ هروی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار ملی اصفهان (538 -537)، احوال و آثار خوشنویسان (1/ 168- 169، 1063/4)، اطلس خط (335)، پیدایش خط و خطاطان (150)، تاریخ اصفهان (233)، تاریخ موسیقی (319 -318)، تاریخ هنرهای ملی (873 -872 /2)، خوشنویسان و هنرمندان (28)، گلستان هنر (104 -103)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (94 -91).

حایری طبرسی مازندرانی، ابوعلی محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1215 -1159 ق)، مورخ و فقیه اصولی امامی. معروف به ابی علی. اصل وی از طبرستان و زادگاهش کربلا بود. ابوعلی از شاگردان محمد باقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و سید محسن کاظمی اعرجی بود. وی در عراق درگذشت. از آثار او: «زهر/ ازهار الریاض»؛ «عقداللالی البهیه»، در رد اخباری‌ها؛ «منتهی المقال»، در رجال؛ «العذاب الواصب» یا «نقض نواقض الروافض».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (124/9)، الذریعه (291/24، 14- 13/ 23، 240/15، 71/12)، ریحانه (210/7)، الکنی و الالقاب (124/1)، معجم المولفین (58 -57 /9).

حائری مجد، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی حائری مجد
محل تولد : قم
شهرت : حائری
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/4/28
زندگینامه علمی
سال 1374اخذ دیپلم و ورود به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی .سال 1377و 1378انتشار هفته نامه (نورٌعلی نور)در موضوع فرهنگ قرآنی در بیست شماره. سال 1378پایان تحصیلات کارشناسی . فروردین 1379ورود به مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با انجام پژوهش معراج در محراب ویژه آیت الله اشرفی اصفهانی وشمیم تربیت اسلامی در خانواده. اسفند 1381پس ازبه دست گیری پروژه ای ناتمام روز شمار در این زمان اولین مجله از پروژه روز شمار با نام روز شمار قمری ویژه رجال و وقایع اسلامی منتشر شد. آبان 1382در ادامه کار روز شمار در این تاریخ روز شمار شمسی با محوریت تاریخ ایران از اواخر قاجار تا سال 1382 در بحث آزاد و رویدادهای گوناگون به چاپ رسید.
آذر 1384سومین مجله روز شمار تاریخ تحت عنوان روز شمار میلادی به سرانجام رسید لازم به ذکر است هر چند این سه جلد کاری گروهی بود ولی کلیه مراحل نظارت و ارزیابی بازنویسی و تطبیق مجدد تاریخ ها و درستی محتوای آنها را شخصا"انجام دادم جمع سه کار در حدود 1330صفحه چاپی و نزدیک به 4000صفحه تایپی بود؛ این سه کار همزمان در همان سال به صورت نرم افزار تاریخ ایران،جهان و اسلام برنامه ریزی و تولید گردید که کار رابرای بهره برداران آسان کرده است.در حال حاضر از یک سال قبل با کمک چند محقق همکار به تصحیح و اضافه روز شمار قمری که دارای نقص های محتوایی و تاریخی است مشغول هستیم. از دی ماه 1380تا اردیبهشت 1384به همکاری با ماهنامه گنجینه که در زمینه برگزیده متون کهن فارسی اخلاق عرفان قرآن تاریخ و معرفی شخصیت های فرهنگی و فعالیت می کرد پرداختم و در ابتدا 15شماره مقالات قرآنی تاریخی و رجال را هر شماره در حدود 40الی 50صفحه تهیه و

گردآوری می کردم از ابتدای سال 1382تا اردیبهشت 1384بخش قرآن و تفسیر هر شماره 20الی 30صفحه موضوعات مربوطه را ارائه می دادم که چاپ و نشر یافت.

حائری، عبدالهادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1312، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
زندگینامه
دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال 1312 هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌اللّه حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاههای کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال 1357 به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد.
ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاههای داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.
تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از 40 مورد می‌رسد.
مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاههای کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویاروئی اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم‌قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از 36 مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.
دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی 2 ساله در سن 60 سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد 1372 چشم به جهان فروبست.
مدرس، مورخ.
تولد: 1314، قم.
درگذشت: 23 تیر 1372، مشهد.
عبدالهادی حایری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوه‌ی دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد

مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارس ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال 1343 با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.
عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.
دکتر حائری در سال 1357 به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.
تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.
از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.
کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حجازی، ایرج

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ایرج حجازی
محل تولد : لردگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ایرج حجازی در سال 1353 در روستای تل ماران از توابع شهرستان لردگان (استان چهارمحال و بختیاری) در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی را همانند بیشتر کودکان روستایی گذراندم. درسال 1368 برای تحصیل علوم دینی راهی اصفهان شدم و در مدرسه علمیه ذوالفقار که دارای برنامه‌ها و نظم خاصی بود مشغول به تحصیل شدم و از محضر بزرگان و اساتیدی همچون آیت‌الله مرحوم سید احمد امامی، آیت الله سید حسن امامی ، حجج اسلام آقایان حجت ابطحی، مصطفی بهرمن، سید ابوالحسن درخشان (حسینی) و ... و در قم از محضر بزرگانی همچون سید هاشم حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، علی محمد خراسانی، احمد عابدی، نجف لک زایی، غلامرضا بهروزلک، محمدجواد ارسطا بهره بردم. در سال 1377 در دوره تاریخ اسلام شرکت کردم و در سال 1379 وارد دانشگاه باقرالعلوم(ع) شدم و در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شدم و در سال 1383 دردوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران به تحصیل ادامه دادم.و در سال 1386 فارغ التحصیل شدم.

حریری اکبری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد حریری اکبری در سال 1322 در تبریز بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/ مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده (در سال 1362) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی واستاد گروه علوم اجتماعی- دانشگاه تبریز می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات محمد حریری اکبری : 1343- : اخذ دیپلم دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی- تبریز. -1348: اخذ درجه لیسانس در علوم اقتصادی و سیاسی از دانشگاه ملی ایران- تهران. -1350: اخذ درجه فوق لیسانس در علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران – تهران. -1358: اخذ درجه فوق لیسانس در حکومت مقایسه ای از دانشکده/ مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. -1362 :Maxwell School of Syracuse University, USA. اخذ درجه دکتری در رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/ مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محمد حریری اکبری بهقرار زیر است: -1350: تدریس اقتصاد و بازرگانی بین المللی در انستیتو تکنولوژی بازرگانی تبریز -1351: تدریس علوم سیاسی و اداری در مدرسه عالی غزالی، قزوین. -1352: تدریس علوم سیاسی و اجتماعی در مدرسه عالی علوم اجتماعی و اقتصادی، قزوین و تدریس علوم سیاسی در مدرسه عالی کمپیوتر، تهران. -1353: تدریس اقتصاد ایران در مدرسه عالی علوم بازرگانی، تهران و تدریس علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز، -1354 – 1357: اشتغال تمام وقت به تدریس و مدیریت در پستهای گونه گون در دانشگاه تبریز، -1357-1362: اعزام به آمریکا با ماموریت مطالعاتی دانشگاه تبریز جهت اخذ درجه دکتری. -1362-1380: تدریس تمام وقت در دانشگاه تبریز و در مرکز مدیریت دولتی (تهران، تبریز و ارومیه) و در سازمان برنامه و بودجه کشور. -1380-1381: گذراندن دوره تخصصی در برنامه " خزر شناسی" مدرسه (دانشکده) علوم سیاسی جان.اف.کندی، دانشگاه هاروارد، بوستون، ماساچوست، آمریکا. Caspian Studies Program in J.F.Kennedy School of Government, atHarvard -University. -1380 تا کنون: تدریس و تحقیق تمام وقت در دانشگاه

تبریز و در سایر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی شهر تبریز. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : خدمات علمی و فرهنگی محمد حریری اکبری: -عضویت در هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. -عضویت در هیات تحریریه نامه علوم اجتماعی، نشریه دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله پژوهش زنان، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دانشگاه تهران، -عضویت در هیات امنای کتابخانه مرکزی تبریز. -برگزاری افزون بر ده کارگاه آموزشی در زمینه سازمان و مدیریت . -شرکت در بیش از بیست کنفرانس، سمینار و سمپوزیوم ملی و بین المللی که اغلب آنها با عرضه مقاله بوده است. -انجام بیش از ده مصاحبه مفصل با روزنامه ها و مجلات داخلی. -همکاری با روزنامه ها و مجلات گونه گون با تهیه مطالب کوتاه و بلند در باره امور و مسائل اجتماعی. چگونگی عرضه آثار : مقالات تهیه و تدوین شده: مقالات بزبان فارسی: 19 مورد مقالات بزبان خارجی:5 موردآثار : افسانه های فولکلوریک قفقاز ویژگی اثر : 1350: پروفسور پومرانتسوا،(تبریز: انتشارات نوبل، 1350)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 2 برگزیده آثار، ویژگی اثر : 1352: نریمان نریمانوف، (تبریز: نشر ابن سینا، 1352)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از ترکی آذربایجانی به فارسی). 3 جامعه شناسی سیاسی ویژگی اثر : 1380: تام باتومور، (تهران: نشر قطره، 1380)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 4 حکومت فدرال هندوستان ویژگی اثر : 1349: کریشنا سوامی، تهران: موسسه بهار ایران، 1349)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 5 خرد، عدالت و نوگرایی: نوشته های اخیر یورگن هابرماس ویژگی اثر : 1380: استیون وایت، (تهران: نشر قطره، 1380)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 6 دبستان فرانکفورت ویژگی اثر : 1372: تام باتومور، (تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، 1372)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 7 ریشه های فعالیتهای سیاسی دانشجویان ویژگی اثر : 1351: محمدحریری اکبری، (تبریز: انتشارات نوبل، 1351). 8 کتاب دده قورقود ویژگی اثر : 1353: جفری لویس، (تبریز: نشر ابن سینا، 1353)، ترجمه: فریبا عزبدفتری و محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 9 مدیریت توسعه ویژگی اثر : 1378: محمد حریری اکبری، (تهران: نشر قطره، 1378).

حسام‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از هنرمندان دوره‌ی ناصری بود و به شیوه‌ی آقا نجف نقش می‌آفرید. در عین تقلید از استادان دوره‌ی زندیه، آثارش صبغه‌ی خاص داشت. از آثار وی قلمدان زیبایی است که بر رویه‌ی آن سایه‌پردازیهای ماهرانه‌ای عمل آمده و در شیوه‌ی آقا نجف است. طرفین قلمدان پر از گل و مرغهای چشم‌نواز و مناظری از شهر اصفهان و شیراز است و به خط نسخ طلایی رقم «میر حسام‌الدین» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1267/3)، هنر قلمدان (148).

حسامی، فاضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل حسامی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/8/10
زندگینامه علمی
اینجانب فاضل حسامی فرزند عباس متولد 1341 آبادان تحصیل دروس حوزوی تا خارج فقه نزد اساتید بزرگواری چون حضرات حجج اسلام آقایان اسلامی . نواب ، خسرو شاهی، رجائی ، موسوی تهرانی ، و صالحی افغانی و نیز حضرات آیات آقایان وجدانی فخر (ره) پایانی ، ستوده ، بهبودی ، مومن ، مظاهری ، مکارم شیرازی و خاتم یزدی .تحصیل در زمینه الهیات و معارف اسلامی از سال 1365 تا پایان آن دوره در موسسه در راه حق قم. در سال 1369 برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی که در آن زمان بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) نام داشت ، پذیرفته شدم و در سال 1377 در مقطع کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شدم .به دلیل علایق حوزوی ، موضوع پایان نامه صبغه جامعه شناسی فقه و نیز جامعه شناسی دین به خود گرفت .همزمان با تحصیل و در ادامه آن مسئولیت های اجرائی نیز عهده دار بودم که می توان مدیریت تحصیلات تکمیلی ، دبیری گروه جامعه شناسی ، مدیریت مالی ، معاونت اداری - مالی و نیز دبیر کلی انجمن فارغ التحصیلان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نام برد

حسن الحسینی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از هنرمندان اوایل دوره‌ی قاجار است که در گل و بته و گل و مرغ چابکدست و توانا بود. از قلمدانهای وی نمونه‌هایی در دست هست که از قدرت هنر نقاشی او حکایت می‌کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :هنرقلمدان (112)

حسن بیگ

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از فضلا و مورخان و دانشمندان عصر خود که در اواسط قرن دهم احسن التواریخ را تألیف و وقایع سالهای 900 تا 985 ه.ق. را تا تفصیل سلطنت شاه طهماسب در آن ثبت کرده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حسن لو، امیرعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر علی حسن لو
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
در شهر زنجان تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولیعصر(عج) زنجان آغاز کرده و دروس مقدمات را نزد اساتید بزرگ و معروف این شهر نظیر استاد شیخ سلطانعلی اصحابی و شیخ توکل بیات در مدت اندکی به پایان برده و برخی از دروس مقدماتی دیگر از جمله معانی بیان را در محضر استاد شیخ ابوالفضل مصطفوی تلمذ نمودم.
متون اصولی و منطق و فقه را در محضر آیة الله حاج بیوک خاتمی و آیة الله شیخ تقی خاتمی و آیة الله شیخ ابراهیم محمدی تلمذ نمودم و اندکی در محضر آیة الله صائینی از شاگردان بزرگ علامه طباطبائی از اصول و دروس عرفانی که در تابستان برگزار می گردید و متن تدریس عرفانی که «رسالة الولایه» علامه طباطبائی بود مدت دوسال استفاده بردم.در کنار تحصیل در حوزه به تحصیل در دبیرستان شبانه نیز غافل نمانده و دیپلم را از دبیرستان اخذ و پس از اتمام لمعتین(پایه ششم) در زنجان به کنکور سراسری شرکت و در رشته تاریخ اسلام و علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم پذیرفته شده و در رشته تاریخ ادامه تحصیل داده و به اخذ مدرک کارشناسی تاریخ موفق شدم.
در کنار تحصیل در دانشگاه در حوزه نیز دروس حوزوی را ادامه داده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگ حوزه قم حضرات آیات: احمدی میانجی، پایانی، وجدانی فخر، حسینی بوشهری و... به پایان رسانیدم و اشتغال به درس خارج در محضر آیات عظام: وحید خراسانی، شبیری زنجانی، تبریزی، و جوادی آملی داشته و در کنار مشغله تحصیلی از تحقیق و پژوهش نیز غفلت ننموده و موضوعات و مقالات مختلفی را در قالب طرح و پژوهش به انجام رسانیده است.اکنون در رشته تاریخ تمدن اسلامی مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده و با مراکز مختلف پژوهشی همکاری دارم.لازم به یادآوری است در فلسفه و عرفان

نیز از اساتید بزرگوار جناب استاد فیاضی از دروس اشارات و نهایه و بدایه و حضرت آیة الله شیخ یحیی انصاری قسمتهایی از اسفار اربعه را تلمذ نموده و کسب فیض شده است.

حسنی، عطاء الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عطاءالله حسنی ،متولد 1331 است. وی پس از اخذ مدرک دیپلم ادبی از دارالفنون تهران ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی تاریخ در دانشگاه شیراز آغاز کردو در سال 1354 به پایان رسانید .وی مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را از دانشگاه علامه طباطبایی و دکترای همان رشته را از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (در سال 1369) دریافت کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: 1- دیپلم ادبی – دبیرستان دارالفنون تهران (50-1349) 2- لیسانس تاریخ – دانشگاه شیراز(1354) 3- فوق لیسانس تاریخ-دانشگاه علامه طباطبایی (1364) 4- فوق لیسانس زبان وادبیات فارسی – دانشگاه تهران (1366) 5- دکتری تاریخ –واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (1369)
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی عطاءالله حسنی به قرار زیر است: -رئیس مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی از 1377 تا 1380 - عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از 1379 تا کنون(هم اکنون دانشیار دانشگاه مذکور می باشد) - مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از 1380 تا 1382 - مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از 1386 تا کنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی - عضو هیئت تحریریه مجله رشد تاریخ از 1367 تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ اسلام از 1379 تا 1385 - عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه تهران - عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه لرستان از 1385 تا کنون
فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: دانشگاه تربیت معلم (1364) دانشگاه شهید بهشتی(از سال 1369 تاکنون) استاد مدعو در دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای SISU(2007-2006)
آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی عطاءالله حسنی : -تاریخ فرهنگی

و اجتماعی ایران -تاریخ دوره صفویه - تاریخ ایلات و عشایر - تاریخ عثمانی -تاریخ جنبش های اجتماعی - اشعار اجتماعی (فارسی ، ترکی) زمینه تخصصی : - تاریخ ایران عصر صفوی و ایلات و عشایر
چگونگی عرضه آثار : استاد راهنمای رساله های دکتری:3 رساله استاد راهنمای رساله های ارشد:9 رساله استاد مشاور رساله های دکتری:6 مورد استاد مشاور رساله های کارشناسی ارشد:14 مورد تعداد مقاله های فارسی:25 مقاله تعداد مقاله های خارجی:بیش از 2 مورد ----------
---

آثار :
1 ازمنها
ویژگی اثر : آماده چاپ، دفتر شعر
2 اسنادی از دانشگاه ملی ایران 1358-1338
ویژگی اثر : تهران : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1379
3 بهار نامه
ویژگی اثر : سرپرستی مدارس جمهوری اسلامی ایران در ترکیه ، نوروز 1376
4 پیرامون آموزش های غیر حضوری
ویژگی اثر : تهران : انتشارات اداره کل آموزش های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش ، 1367
5 تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی
ویژگی اثر : تهران : انتشارات ایل شاهسون بغدادی، 1382
6 تاریخ معاصر جهان: هند، ژاپن ، چین، انگلستان، افریقای جنوبی، مکزیک
ویژگی اثر : تهران : دفتر تحقیقات و برنامه ریزی کتاب های درسی ویژه مراکز تربیت معلم، 1367
7 دستمایه پژوهشگران
ویژگی اثر : تهران : ضمیمه درسنامه گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی،1368
8 زندگی، شخصیت، و محیط فضولی(ترجمه از ترکی استانبولی نوشته پروفسور عبد القادر قاراخان).
ویژگی اثر : آماده چاپ
9 گفتگو : تاملاتی در علم تاریخ نگاری اسلامی (با دکتر غلامحسین زرگری نژادو دکتر هاشم آقاجری)
ویژگی اثر : بکوشش حسن حضرتی. تهران: نقش جهان ، 1380
10 مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدا و المعاد(از ترکی استانبولی نوشته محمد بن سلیمان فضولی)
ویژگی اثر : ترجمه ،تهران : انتشارات بین المللی الهدی ، 1379

حسنی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر حسنی
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1317/12/4
زندگینامه علمی
اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله ، اسفند ماه 1317 در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم . در سال 1332 پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان ، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار ، مقدمات از امثله ، صمدیه ، سیوطی ، مغنی ، مطول ، معالم ، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم ؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم .
در سال 1339 با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی(ره) و نیز آیت الله اراکی(ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متاسفانه در حملات ساواک به فیضیه ، در دوم فروردین 1342 از بین رفت .بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم . بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد ، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی(ره) ، شریعتمداری(ره) ، حائری(ره) ، محقق داماد(ره) و میرزا هاشم آملی(ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم(ره) و آیت الله خوئی(ره) را استفاده و مطالعه می کردیم ؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری(ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم .

حسنی، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم حسنی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/20
زندگینامه علمی
در بیستم فروردین سال 1355 شمسی در زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در شهر زنجان مدرسه ابتدایی در مدرس سپری نمودم. دوره راهنمایی را در مدرسه شهید رجائی و سپس به مدرسه حافظ منتقل شدیم و دوره راهنمایی نیز در همان شهر با موفقیت به اتمام رسید.
دوره دبیرستان در رشته علوم انسانی در مدرسه قدس شهر زنجان به پایان رسید و علیرغم موفقیت در کنکور دانشگاه طلبه شدم. و در حوزه علمیه زنجان از سال 74-73 به مدت چهار سال و یک نیمسال دوره 6 ساله را تمام و موفق به کسب مدرک سطح یک حوزوی گشتم و سپس عازم شهر مقدس قم گردیدم. سپس سطح دو حوزه را در محضر اساتیدی چون : سید محمد نجفی ، حضرت آیت الله بوشهری مدیر حوزه علمیه گذراندم. بعد از اتمام دروس مکاسب و کفایه به درس خارج مشغول و از محضر اساتیدی بزرگ بهره مند شدم.
درس خارج اصول که توسط آیت الله سبحانی صبح ها از ساعت 8 الی 9 در مسجد اعظم برگزار می گردد، مشغول شدم و هر روز بعد از ساعت 9 الی 10 صبح در مسجد اعظم فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی پرداختم و هم اکنون نیز ادامه دارد. در ورودی دانشگاهی در سال 1379 همزمان با ورود به قم در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم قبول و به رشته تاریخ مشغول شدم. پس از اتمام 136 واحد موفق به اخذ کارشناسی تاریخ از آن دانشگاه گردیدم. یادآور می شود که همزمان با دروس حوزه ای به دروس دانشگاهی که بعد ازظهرها برگزار می گردید مشغول بودم.
بعد از اتمام کارشناسی بلافاصله به فکر مقطع کارشناسی ارشد افتاده و در کنکور شرکت نمودم. ولی مجاز نشدم و از ورود به دانشگاه بازماندم. ولی سال بعد با لطف خداوند متعال کمر همت را بسته و مجددا در کنکور

شرکت نموده و به حمد خداوند متعال موفق به ورود در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام در رشته تاریخ اسلام مقطع کارشناسی ارشد گردیدم. هم اکنون هم دروس کارشناسی ارشد را باموفقیت سپری و در حال انتخاب موضوع برای پایان نامه می باشم.

حسین زاده، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، روزنامه‌نگار.
تولد: 4 بهمن 1320، بجنورد.
درگذشت: 4 بهمن 1368، تهران.
منصور حسین‌زاده تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی علوم ارتباطات اجتماعی به پایان رسانید. مدتی در مدارس شهرستان بجنورد به آموزگاری پرداخت. در سال 1335 برای معالجه‌ی بیماری کلیوی و پیوند کلیه راهی آمریکا شد و پس از انقلاب اسلامی در سال 1358 به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شد. از سال 1362 در روزنامه‌ی «کیهان» مشغول شد و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. به عنوان یک روزنامه‌نگار و محقق با سرویس فرهنگی- هنری روزنامه «کیهان»، «کیهان بچه‌ها»، «کیهان فرهنگی» و «کیهان علمی» همکاری داشت و نتایج بخشی از مطالعات تحقیقی خود را نیز در شماره‌های مختلف «کیهان سال» ارائه کرد.
در آبان ماه 1368 به عنوان مأمور از روزنامه‌ی «کیهان» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد تا به تلاش‌های مستمر خود برای نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری عینیت بخشد. وی در واقع بانی نشر فصلنامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی در وسایل ارتباط جمعی به نام «رسانه» شد که از سوی مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها پس از فوت وی از سال 1369 انتشار یافت.
از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان (این کتاب در دهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد) و چاپ «قصه‌ی انسانها» در «کیهان بچه‌ها».
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینقلی خان

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1008 ق)، نقاش پارچه. طراح و بافنده زری و قالی در عصر خویش بود. این هنرمند، مبتکر و طراح مخصوص نقوش مختلف به روی پارچه‌ها و فرشها و سایر هنرهای بافتنی بود که به نام وی به طرح حسینقلی خانی معروف شده است. از آثار رقم‌دار استاد حسین که به وسیله‌ی خودش طراحی و بافته شده، پارچه زربفت شاه عباس است که رقم «حسین» و تاریخ 1008 ق دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (159 -158 /1).

حسینی امامی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1298 ق)، نقاش. قلمدان‌ساز و میناساز. از سادات حسینی امامی و اهل اصفهانی بود که در آبرنگ و میناسازی و کارهای روغنی و قلمدان‌سازی و هنر تذهیب مهارت داشت. از آثار وی: قلمدان نفیس کیانی که تمام رویه و کناره‌ها، تصاویر پادشاهان قدیمی ایران است و حواشی و کناره‌ها و مدالیون‌ها نیز به تذهیب حاشیه‌گیری شده، با رقم: «حاج محمد حسینی»؛ تصویر آبرنگی نیم تنه ناصرالدین شاه، با رقم: «عمل حقیر محمد الحسینی الامامی سنه 1278»؛ اثر مینایی این استاد، سر قلیان مینایی زیبایی است که گلهای برجسته و صورتهای پر حلاوت دارد، با رقم: «سید محمد 1298». سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (711 -710/ 2).

حسینی عربی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی حسینی عربی
محل تولد : ارومیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/5/17
زندگینامه علمی
اینجانب سید مهدی حسینی عربی فرزند سید حسن در 17 مرداد سال 1354 در روستای قلقاچی از توابع بخش انزل شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی و اهل علم به دنیا آمدم. در سال 1357و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به شهرستان سلماس (آذربایجان غربی)نقل مکان نموده و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید داهیم آن شهر در سال 1361 آغاز کردم. پس از سپری شدن دوران ابتدایی و سپس دوران راهنمایی در مدرسه شهید مطهری سلماس، بنا به علاقه خود برای شرکت در دروس حوزوی و نیز تشویق های پدر بزرگوارم که خود فردی روحانی و یک خطیب وارسته بود به حوزه علمیّه وارد شدم.
دروس اوّلیّه (سطح اول) را در مدرسه حضرت ولیعصر شهرستان بناب بین سالهای 1370-75 گذراندم و از محضر اساتیدی چون آیه الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی و حضرات حجج اسلام خیریان، آتش زر، طباطبائی، اعلائی، و ... استفاده نمودم و پس از اتمام دروس سطح اول در مهر ماه سال1375 وارد حوزه علمیه قم شدم .
دروس سطح دو و سه حوزه را در مدرسه مبارکه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی نزد اساتیدی چون : استاد تهرانی، علیدوست، خسروشاهی، عظیمی، اصغری، قریشی و... سپری کردم و پس از آن در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی، فاضلی گلپایگانی و استاد مهدی هادوی تهرانی شرکت داشتم. در ضمن اشتغال به تحصیل در حوزه علمیّه هم زمان تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه داده و مدرک دیپلم را از مدرسه شهید زین الدین قم اخذ کردم و سپس مقطع کارشناسی را در رشته تاریخ در دانشگاه باقرالعلوم قم به پایان رسانیدم و در خلال اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه، دوره تربیت مربّی کودک و نوجوان را در مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات گذرانده و نیز در دروس مرکز تربیت

محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام شرکت کردم.
پس از شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه، در بخش فرهنگ نامه مؤلفین اسلامی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسطه به دفتر تبلیغات حوزه علمیّه قم به عنوان محقق مشغول به کار شدم و همزمان به عنوان عضو ثابت گروه تاریخ مهدویت مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) به کار تحقیق و تألیف پرداختم و با مراکزی چون : مرکز مطالعات و پژوهشهای علمی حوزه علمیّه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در بخش دانشنامه امام خمینی همکاری نمودم و در طی دوره تحقیق در این مراکز، چندین مقاله در موضوعات تاریخ اسلام و تاریخ مهدویت تألیف نموده و در تدوین فرهنگ نامه بزرگ مؤلفین اسلامی که به صورت گروهی در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت کار می شود حضور دارم که این پروژه هنوز ادامه دارد.

حسینی هاشمی شاهرودی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود حسینی هاشمی شاهرودی
محل تولد : نجف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1
زندگینامه علمی
آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال 1327 هجری شمسی در شهر نجف و در خانواده‌ای مذهبی و از سادات منسوب به امام حسین(ع) چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از استادان و بزرگان حوزه علمیه نجف بود و خدمات فراوانی را به عالم اسلام ارزانی داشت. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علویه نجف به پایان رسانید و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. او با توجه به موقعیت علمی خانوادگی و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دورة سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سالها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف ـ از جمله امام خمینی(ره) ـ نیز با جدیت شرکت جست و بهره‌های فراوان برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در طول سالهای تحصیل، در دروس اخلاق خصوصی و عمومی استادان خود شرکت می‌کرد و از محضر آنان بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره برد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین استاد او در درس خارج آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر بود. آن شهید سعید که از افتخارات شیعه و مرجعیت به شمار می‌آید، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام، تقدیم داشته است. او که از حافظه و استعدادی سرشار برخوردار بود، توانست با نوآوریهای فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به روز ساختن مباحث علوم و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او، همچون آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، این خدمات و اندیشه‌ها را پی گرفتند. از دیگر

استادان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خویی(ره) را می‌توان نام برد. معظم له سالها در محضر ایشان به تحکیم مبانی اجتهادی خود می‌پرداخت، ضمن اینکه از محضر آنان، در زمینه‌های اخلاقی نیز بسیار بهره می‌برد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در طول دوران تحصیل خود، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و پس از آن نیز با علمای بسیاری روابط صمیمانه و علمی برقرار نمود که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله مؤمن و مقام معظم رهبری نام برد آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکنون فعالیتهای بسیاری را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به انجام رسانده است. در یکی از دیدارهای اعضای مجلس اعلای عراق، امام خمینی(ره) با توجه به شناخت خود از ایشان می‌خواهد که تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر کاری ترجیح دهد و به تربیت طلاب مستعد در زمینه‌های علمی و اخلاقی بپردازد. معظم له نیز با ورود به ایران ـ در فروردین 1358 ـ به تدریس درس خارج فقه و اصول می‌پردازد که این تدریس تا هم اکنون نیز ادامه دارد و طلاب بسیاری از محضر ایشان بهره‌مند شده‌اند. ویژگی درس ایشان دقت فراوان، تسلط بر مباحث و نوآوری در برخی زمینه‌هاست. آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست دو کنگرة مهم نقش زمان و مکان در اندیشه امام خمینی(ره) و نخستین کنگره دایرة المعارف فقه اسلامی را بر عهده داشت که هر دو کنگره با استقبال بزرگان و فضلای حوزه و دانشگاه و اندیشمندان خارجی و داخلی مواجه شد. از خدمات دیگر ایشان، ریاست مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی با حکم مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در حکم خود، خطاب به ایشان می‌فرماید: «جناب عالی را که چهرة درخشانی در علم و عمل بوده و بحمدالله از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط با آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته و مسؤولیت ایجاد و ادارة مؤسسه‌ای برای تهیه این دایرة المعارف را به جناب عالی محول می‌کنم». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل و تدریس، فعالیتهای سیاسی بسیاری را پدید آورده است. در پی یورش مزدوران رژیم صدام به علما و اندیشمندان در سال 1974 میلادی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی به زندان افتاد و شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی را به جان خرید. او در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام(ره)، بویژه در نجف، و در گرامیداشت این پیروزی، تحت پیگرد رژیم بعث قرار گرفت و به سفارش شهید صدر(ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر و نمایندگی او را نزد امام خمینی (ره) بر عهده گیرد. او با ورود به ایران به خدمت امام خمینی(ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام(ره) و شهید صدر شد و پیامهای علمای نجف را به سمع امام(ره) می‌رساند. او با دستور

آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام(ره) مسؤولیت نهضت‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلاتِ جامعة روحانیت مبارز و مجلس اعلای عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد. او که به دستور امام(ره) تدریس و بررسی مسائل فقهی، بویژه احیای فقه حکومتی استوار بر ادلة استنباط جواهری را بر عهده داشت، در طول سالیان انقلاب از هیچ کوششی در جهت اعتلای انقلاب، دریغ نورزید. آیت‌الله هاشمی شاهرودی سالها از اعضای فقهای شورای نگهبان بود ودر این نهاد مقدس به خدمت اشتغال داشت تا اینکه با حکم مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. او در طول مسؤولیت خود در قوه قضائیه، تاکنون خدمات بسیاری را انجام داد که توسعة قضایی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد ارتباط مردمی از جمله آنهاست.

حسینی، خورشاه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 972 ق)، مورخ، معروف به ایلچی نظامشاه. ولادتش در ایران و شاید عراق عجم اتفاق افتاد، سپس به هند رفت. وی در دوران سلطنت برهان نظامشاه، فرمانروای احمد نگر، به دکن رفت و به آن پادشاه اختصاص یافت. در سال 952 ق از جانب او به سفارت دربار شاه طهماسب در قزوین آمد. ایلچی نظامشاه یک سال و نیم در خدمت شاه طهماسب ماند و در رکابش به گرجستان و شروان رفت و خود نیز سفرهایی در ناحیه‌های ایران و از آن جمله به گیلان و مازندران کرد و تا سال 971 در ایران سرگرم تالیف کتاب خود بود و چون به هند بازگشت، به دربار قطب شاهیان گلکنده پیوست و به خدمت ابراهیم قطب شاه درآمد و همان جا ماند. وی در گلکنده درگذشت. خورشاه مولف کتابی است در تاریخ عمومی از آغاز تا زمان خود که به نام «تاریخ ایلچی نظامشاه» معروف است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1659 -1654 /5)، تاریخ در ایرن (84)، تاریخ نظم و نثر (355/1)، دایرةالمعارف فارسی (594/1).

حقایق نگار خورموجی، جعفر

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1301 ق)، مورخ. در خورموج مرکز دشتی متولد شد و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت. به شیراز و تهران مسافرت کرد و مورد تفقد و محبت ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفت. وی در عراق عرب درگذشت. از آثار وی: «حقایق الاخبار ناصری»، در ذکر تاریخ قاجار؛ «آثار جعفری»، در جغرافی و تاریخ مختصر ایران و بعضی ممالک اروپا؛ «نزهه الاحبار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (542)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (287 -286 /2)، ریحانه (54/2).

حکمت، علی‌اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مورخ، شاعر، مترجم.
تولد: 1271(1310 ق.)، تهران.
درگذشت: 3 شهریور 1359، تهران.
علی‌اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوه‌ی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت.
علی‌اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ 1337 ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال 1346 ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال 1309 به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصل گردید و به تهران بازگشت.
مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، 1299؛ رییس اداره‌ی کل معارف، 1307؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، 1312 -1300 (بازگشت به تهران در شهریور 1312)؛ کفیل وزارت معارف، 1312؛ وزیر فرهنگ، 1317 -1313؛ رییس دانشگاه تهران، 1317 -1314؛ وزیر کشور 1318؛ وزیر بهداری، 1320؛ وزیر دادگستری، 1322؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال 1325؛ وزیر مشاور؛ 1326 و 1332 وزیر امور خارجه، 1328 -1327؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال 1329؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال 1329؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (1950) و دهلی نو (1956)؛ سفیر کبیر ایران در هند 1336 -1332؛ وزیر مختار در تایلند، 1335؛ وزیر امور خارجه، 1338 -1337؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، 1333 -1324؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، 1244؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین 1304 منتشر

شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد 1351 کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گابیگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.
از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، 1299؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، 1325؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، 1318؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ 1328، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، 1329؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.
فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، 1333)، حروف مقطعه‌ی قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (1331، نشریه مجله «مهر»)؛ تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدة الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (1327)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشعار، 1326)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، 1323)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، 1957 م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهرن، 1333)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال 1305 تا 1307 (تحصحیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (1326)؛ ایران در فرهنگ جهان (1326)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، 1339)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، 1346 ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهرا همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال 1320 هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، 1220-1319)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژولیت با لیلی و مجنون نظامی (1317)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله

در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، 1957 م.، چاپ دوم، تهران، 1338)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، 1336)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، 1341)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، 1341)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (1340، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (1316)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، 1321)، الف لیله و لیله (مقدمه کتاب به قلم حکمت، 1315)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال 1304 تا 1305. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (1337، نشریه‌ی 515 دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی‌اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور 1359 برابرچهاردهم شوال 1400 ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی » به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در 1272 در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذرانید و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در 1297 وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی‌اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا 1309 در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتی به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال

می‌داشت.
حکمت در شهریور 1312 به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه 1317 از خدمت معاف شد.
دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی‌اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.
حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند 1317 در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد 1319 بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.
در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور 1320، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.
در 1322 در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال 1326 وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در 1327 وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در 1337 در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید.
علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیرکبیر بوده است.
حکمت در سال 1314 که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز 17 دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی

در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.
حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.
او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.
دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی- پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتوح رازی و دیگری از خواجه عبدالله انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حکیم، منذر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید منذر حکیم
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
بسمه تعالی تولد : 29 شوال 1372 هجری قمری (20/4/1332ش) کربلا ورود به حوزه علمیه : 1349- 1353 ش ، نجف اشرف (مقدمات ، سطوح ، خارج) 1353- 1372ش ، قم (خارج) اساتید مقدمات و سطوح : آیة الله شهید سید اسد الله مدنی ، آیة الله سید محمود شاهرودی ، آیة الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی ، آیة الله شیخ بشیرحسین نجفی ، آیة الله سید نور الدین اشکوری و حجة الإسلام شیخ محمد سعید نعمانی ، شهید حجة الإسلام شیخ ماجد بدراوی ، آیة الله سید محمد تقی طباطبائی تبریزی ، آیة الله میرزا حبیب الله اراکی ، آیة الله شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی ، آیة الله سید حسن مرتضوی ، استاد شهید سید عبد الصاحب حکیم ، آیة الله شیخ ابوالحسن انواری زنجانی ، آیة الله شیخ مصطفی اشرفی ، آیة الله سید کاظم الحائری ، آیة الله سید محمد مفتی الشیعة ، استاد شیخ غلامرضا عرفانیان ، آیة الله شیخ علی کاتبی مرندی ، و آیة الله فرخنده تبریزی ، استاد شیخ عباس طبرسی مازندرانی آیة الله شیخ محمد امین زین الدین ، حجة الإسلام دکتر شیخ محمد باقر مقدسی . اساتید اخلاق : آیة الله شهید سید اسد الله مدنی ، استاد شهید سید عبد الصاحب الحکیم ، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی ، آیة الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی . اساتید تفسیر : استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی ، شیخ عباس طبرسی مازندرانی ، آیة سید حسن مرتضوی ، آیة الله شیخ بشیرحسین النجفی ، آیة الله خزعلی ، آیة الله جوادی آملی . خارج اصول در محضر آیات عظام : آیة الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی ،آیة الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر ، آیة الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی ، آیة الله العظمی ناصر مکارم شیرازی ، آیة الله العظمی میرزا هاشم آملی ، آیة الله العظمی سید کاظم حائری ، آیة الله العظمی سید محمد مفتی الشیعة اردبیلی . مباحث خارج

فقه در محضر محضر آیات عظام : امام خمینی (ره) ، شهید سید محمد باقر صدر ، سید علی سیستانی ، میرزا کاظم التبریزی ، شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی ، میرزا جواد آقای تبریزی ، شیخ حسین وحید خراسانی ، سید کاظم حائری را درک نمودم . تدریس : تمام دروس مقدمات ، کتب سطوح اولیه و سطوح عالیه حوزوی ، خارج تاریخ و علوم تاریخ ، علوم قرآن و تفسیر ، علوم تربیتی و اخلاق ، فلسفه و کلام ، مباحث جامعه شناسی کلیه دروس معارف در دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی استاد مشاور و راهنمای و داور در بسیاری از رساله های علمی در مرکز جهانی علوم اسلامی و (جامعة المصطفی العالمیة) ، حوزه علمیه قم ، جامعة الزهراء ، مرکز مدیرت خواهران ، جامعة آل البیت (ع) ، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (قدس) . برخی تحقیقات و تألیفات : - المرشد الی تعلیم قراءة القرآن الکریم - اصول عقائد (در دو سطح مقدماتی) - نگاهی به سر فصل ها و متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها - ترجمه ی اصول فلسفه و روش رئالیسم ج 1 - تحقیق فقه معالم الدین - تحقیق رساله لاضرر شیخ انصاری - تحقیق مقالات الأصول (محقق عراقی) - تاریخ تطور فقه و أصول در مکتب أهل بیت (ع) - حیاة الإمام شرف الدین - عصر الإمام شرف الدین - قراءة فاحصة فی تراث الإمام شرف الدین - عصر الإمام البلاغی - قبسات من حیاة شهید المحراب السید محمد باقر الحکیم - تاریخ عصر غیبت باهمکاری پور سید آقایی - درسنامه عصر غیبت - تاریخ عصر غیبت کبری - النظریة الإجتماعیة فی فکر الشهید السید محمد باقر الصدر (جامعه شناسی قرآنی) - موسوعة أعلام الهدایة (14 جلد) - فی رحاب أعلام الهدایة (5 جلد) - موسوعه " تأریخ الإسلام (4 جلد) - قبسات من سیرة القادة الهداة (2جلد) - دروس تمهیدیة فی تأریخ و سیرة قادة الهداة (2 جلد) - فی رحاب سید المرسلین الرسول المصطفی (ص) برخی طرح های علمی : - نظریه ی اخلاقی اسلام - مبانی نظریه و نظام اخلاقی اسلام - طرح تاریخ و علوم تاریخ در قرآن کریم - طرح پیشنهادی آموزش در مقطع إجتهاد - مبانی و زمینه ها و شیوه ایجاد تحول در حوزه ها ی علمیه - برنامه آموزشی پیشنهادی برای حوزه های علمیه بر محوریت قرآن کریم برخی مسؤولیت ها : مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مدیریت حوزه های علمیه اهواز و دزفول مدیریت پژوهش در : مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (بخش عربی) مدیریت برنامه ریزی و آموزش در : سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مجمع اندیشه اسلامی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و... مدیریت اولین دوره ی تربیت محقق در مؤسسه ی دائرة المعارف فقه اسلامی مدیریت گروه فقه خانواده در جامعة المصطفی العالمیة مدیریت گروه فقه در دانشگاه مجازی المصطفی

حلبی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد دکتر علی اصغر حلبی از محققان ، مولفان و مترجمان پرکار و کوشای معاصر است و در میان آثار پرشمار او چندین اثر قرآنی دیده می شود که یاد خواهد شد . علی اصغر حلبی فرزند علی اکبر در سال 1323 در اردبیل متولد شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را همراه با مقدمات عربیت و فقه و اصول و منطق و فلسفه در مدارس قدیم همان شهر پیش استادان فرا گرفت . او دارای لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران است . سپس چند سال برای ادامه ی تحصیلات عالی به دانشگاه ادینبوره [ادینبورگ] در اسکاتلند سفر کرد و در سال 1359 / 1980 از همان دانشگاه درجه ی دکترای فلسفه و فرهنگ اسلامی گرفت . آثار کتابی ایشان اعم از تالیف و ترجمه نزدیک به چهل اثر است . از آن میان این آثار قرآن پژوهانه است : آشنایی با علوم قرآنی ، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی ، ترجمه ی تفیر کبیر فخر رازی که 4 تا 5 جلد آن تاکنون (زمستان 1383) منتشر شده است و سرانجام ترجمه ی قرآن مجید که معرفی و نقد آن موضوع این مقاله است . در حال حاضر دکتر حلبی به تدریس در دانشگاه های تهران و تحقیق و تالیف آثار ارزشمند اشتغال دارد .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

حمادراویه، ابوالقاسم

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(156/155 -95 ق)، مورخ، لغوی و شاعر. اصلش از دیلم بود. در عهد بنی‌امیه در کوفه می‌زیست. وی در عصر خود، در روایت اشعار و اخبار و وقایع از مشاهیر طراز اول بود. او باید ولید بن یزید و مهدی عباسی مجالست داشت و برای ولید اشعار نیکو می‌سرود. او همچنین دارای حافظه‌ای قوی بود، به طوری که روزی چندین قصیده از قصاید جاهلی را بدون آنکه کلمه‌ای از کلمات شعای اسلام در آن باشد، برای خلیفه می‌خواند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (302 -301 /2)، تاریخ الاسلام (حوادث 382 113/160، -142)، دایرةالمعارف فارسی (864/1)، روضات الجنات (237 -235 /3)، ریحانه (299 -298 /2)، سیرالنبلاء (158 -157 /7)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (155 -154)، الکنی و الالقاب (270 -269 /3)، لسان المیزان (664 -662 /2)، لغت نامه (ذیل/ حماد بن شاپور)، معجم الادباء (266 -258 /10)، الوافی بالوفیات (142 -137 /13)، وفیات الاعیان (210 -206 /2).

حمزوی شیرازی، عبدالوهاب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از سادات حمزوی شیراز بود و در چهره‌سازی گل و مرغ دست توانایی داشت. از آثار وی قلمدان زیبایی است که در وسط رویه آن، تصویر دختری با لباسهای رنگی ترسیم شده و پایین و بالای آن با گل و مرغ زیبا آراسته شده و حواشی قلمدان نیز منظره‌ی گل و مرغ ساده دارد، با رقم: «عبدالوهاب حمزوی شیرازی 1336».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (350 / 1).

حمزه‌ی اصفهانی، ابوعبداللَّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(360/350 -270 ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالبا به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدوث التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان».[1]
اصفهانی، ابوعبداللَّه بن حسن (و. حدود 270- ف. حوالی 360 -350 ه.ق.) وی مؤلف کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (سنی ملوک...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثال است که همه آنها در دست است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (309/2)، اعیان الشیعه (240/6)، تاریخ ادبیات در ایران (643/1)، تاریخ در ایران (35 -34)، دایرةالمعارف فارسی (866/1)، الذریعه (265/17، 288 -233 /3)، ریحانه (143/1)، سرآمدان فرهنگ (321/1)، فرهنگ ادبیات فارسی (185، 117 -116)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (230)، کشف الظنون (1464، 301، 282، 168،)، لغت نامه (ذیل/ حمزه)، معجم الادباء (136 -94 /13)، معجم المولفین (78/4)، هدیه العارفین (336/1)، یادداشتهای قزوینی (163/4).

حویزی، فرج اللّه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1100 -1031 ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال‌نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (341/5)، اعیان الشیعه (395/8)، ایضاح المکنون (499 ،275 /1)، الذریعه (276/22 ،818/9 ،487/2)، روضات الجنات (341 -399 /6)، ریاض العلماء (337/4)، ریحانه (94/2)، فوائد الرضویه (349)، لغت نامه (ذیل/ فرج اللّه)، معجم المولفین (59/8)،هدیه العارفین (816/1).

حیدری نیک، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید حیدری نیک
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
دوره های ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی ، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی درسال 57 دیپلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم . با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی ، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم . در سال 1360 همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم . تا سال 63 در آموزش و پرورش منطقه 13 تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز 1363 وارد حوزه علمیه قم ، مدرسه رضویه شدم . از سال 63 تا 66 علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می کردم و در نهایت دروس مقدمات ، سیوطی ، حاشیه ، مغنی ، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی ، عرفان ، طالقانی ، هادوی ، کدیور ، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم .
از سال 66 تا 70 لمعه ، اصول فقه ، رسائل ، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام : صلواتی ، محمدی ، هادی زاده ، پایانی ، اعتمادی ، شب زنده دار ، محقق داماد ، استادی ، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم . از سال 70 به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی ، تبریزی ، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام . در ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال 70 تا 74 از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم . از سال 72 تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام . همچنین از سال 80 تا 82 در مرکز تخصصی

مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال 82 تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم . به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان ، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم . افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و 9 ربیع دراعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام .
از سال 72 تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان ، پزشکی بندر عباس ، بین المللی و پزشکی قزوین ، میرزا کوچک خان رشت ، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی ، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته ام . از سال 76 تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم .
در زمینه نشر فرهنگ شیعه درزمینه نویسندگی نیز فعالیتم را از سال 70 تا کنون شروع کرده ام . ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزانگان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم . تا اینکه در سال 80 با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر درآوردم . هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع) ، پیشینه تاریخی انتظار ، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش داردم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد .

حیدری نیک، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود حیدری نیک
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
پس از اخذ دیپلم در تهران ، ابتدا یکسال به صورت متفرقه در سال 63 در حوزه آیت الله مجتهدی تهران و سپس در سال 64 با ورود به حوزه رسماً دروس حوزوی را شروع کردم . سه سال مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه گذراندم سپس دروس اصول فقه و لمعه و مکاسب را نزد اساتید معزز ، آقایان محمّدی خراسانی ، اشتهاردی ، اعتمادی و پایانی گذراندم ؛ کتاب کفایه را نزد آقایان محسن وحید خراسانی و تهرانی تلمّذ نمودم . از سال 71 دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات مکارم شیرازی ، وحید خراسانی ، جواد تبریزی و فاضل لنکرانی خواندم.
از ابتدای ورود به حوزه و حتی قبل از آن به کتب تاریخی علاقه خاصی داشتم و بدین سبب مطالعاتی داشتم ؛ با همین علاقه در سال 71 با همکاری صدا و سیما و حزب الله در قم در قسمت تاریخ مقالاتی را نوشتم . زندگینامه بزرگانی همچون شیخ مفید که بعنوان سیمای فرزانگان صبح های جمعه از رادیو پخش می شد کار همان زمان می باشد . همچنین زندگینامه آقای رضا همدانی و مرحوم نراقی و محقق داماد نیز نوشته شد . سپس در سال 77 اینجانب بعنوان مسئول گروه تاریخ مرکز جهانی علوم اسلامی شدم. در سال 78 تا 80 نیز بعنوان مسئول گروه تاریخ اسلام مدرسه امام خمینی در خدمت دوستان بودم . سال 79 به همّت گروهی از پژوهشگران حوزه تاریخ ، انجمن پژوهشگران تاریخ حوزه علمیه قم را تأسیس کردیم که سپس بعنوان اوّلین انجمن علمی به رسمیت شناخته شد و اینک نیز جزء هیئت مؤسس آن می باشم .
بعنوان کار تحقیقاتی تلاش شده که فعلاً مقالات و جزوات جمع آوری شود و در حد بضاعت در تکمیل آن بپردازم حکومت از دیدگاه نهج البلاغه ، تاریخ در روایات ، مشکلات حکومت حضرت علی (ع) از مقالاتی است که تهیه شده است . پژوهش حکومت از دیدگاه نهج البلاغه بعنوان پایان نامه سطح

سه حوزه اینجانب بود که تحت نظر استاد راهنما جناب حجت الاسلام آشتیانی در سال 82 دفاع شد (در حوزه) . سال 1373 با گزینش امور اساتید نهاد رهبری بعنوان استاد به دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی معرفی شدم و تا سال 78 در دروس معارف ، تاریخ اسلام ، متون و اخلاق تدریس نمودم.
سال 78 بعنوان استاد در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات ، تاریخ اسلام تدریس نمودم . از سال 78 تا کنون در مدرسه علمیّه امام خمینی (ره) بعنوان استاد تاریخ اسلام مشغول تدریس می باشم . سال 76 تا 78 نیز بعنوان مسئول قسمت پاسخگویی به سئوالات کتبی مؤسسه در راه حق ، مشغول خدمت بوده ام .

خاتون آبادی، عبدالحسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میر محمّد باقر بن شاه مراد، عالم فاضل، محقّق مورّخ، از شاگردان ملاّ محمّد تقی مجلسی و ملاّ محمّد باقر سبزواری است.
در شعبان 1037 متولّد، و در 1097 یا 1100 وفات یافته، در مزار بابا رکن الدین مدفون گردید.
کتب زیر از اوست: 1- شرح بر شاطبیّه، در علم تجوید 2- شرح بر شافیه ی ابن حاجب 3- وقایع السنین و الاعوام، مشهورترین تألیفات اوست. 4- ترجمه ی رساله ی شهید ثانی در معنی ایمان «حقایق الایمان» و نسخه آن نزد نگارنده موجود است. تاریخ ترجمه: دوشنبه سلخ جمادی الاولی 1098.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خادمیان، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس خادمیان
محل تولد : زرین شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب عباس خادمیان متولد سال 1347 شهرستان زرین شهر اصفهان در سال 1363 وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود 5 سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چینش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال 1381 موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن(در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از 20 سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال 81-1378 گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خاکی شیرازی، حسن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1022 ق)، مورخ. از اهالی شیراز بود که به هندوستان رفت و منصب بخشی از گجرات به او تعلق گرفت، سپس جهانگیر شاه ریاست دیوان صوبه‌ی بهار را به او سپرد. سرانجام در تپنه درگذشت. از آثار او: «منتخب التواریخ» یا «احسن التواریخ»، در تاریخ عمومی که تا وقایع سال 1021 ق را در آن ضبط کرده است. در تذکره‌های «نشتر شق» و «صبح گلشن» از شخصی به نام حسن بیگ، متخلص به خالی نام برده شده است که او نیز در زمان جهانگیر پادشاه صوبه‌دار بهار بوده و در نظم و نثر عربی و فارسی دستی داشته و در سال 1021 ق درگذشته است. احتمال می‌رود که این دو تن یکی باشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1717 -1716 /5)، تاریخ نظم و نثر (358 -357)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (403/2)، الذریعه (289/9، 389/22)، صبح گلشن (150 -149)، نشتر عشق (534/2).

خاکی شیرازی، محمد ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1286 ق)، قاری و شاعر. وی مردی با تقوا و مطلع از علم قرائت و جفر بود. صاحب تذکره «مرآت الفصاحه» ملا محمد ابراهیم را مکرر می‌دید. خاکی در سرودن مرثیه استاد بود. وی در نجف اشرف دفن است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (1/ 522- 523)، فرهنگ سخنوران (295)، مرآت الفصاحه (179 -178) .

خاکی، رحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای رحیم خاکی در 30 خرداد ماه سال 1351 هـ.ش در شهر مراغه در استان آذربایجان شرقی در میان خانواده ای مذهبی و اهل علم پا به عرصه وجود نهاد. جو مذهبی خانواده و علاقه بسیار به فراگیری قران و مسائل دینی زمینه بسیار مناسبی برای علاقه مندی او به مسائل قرآنی شد. اهتمام خانواده بخصوص پدربزرگ ایشان که حافظ برخی سور مختلف قرآن بوده و با صوتی زیبا به تلاوت آیات قرآن می پرداخت یکی از عوامل مهم تربیت قرآن ایشان بود. پدر او آقای کریم خاکی که مدیر دبستان بود و سالها در مسجد محله قدیمی به تدریس قرآن و احکام می پرداخت تمام تلاش خویش را برای پرورش مذهبی فرزندش بکار بست. خود او درباره نخستین طلیعه های این پرورش قرآنی می گوید: بی شک همان تربیتی که پدر بزرگم به هنگام تولد در کامم نهاد و همان آیاتی که در گوشم زمزمه کرد اولین نشئه جان بخشی خواهد بود که تا ابد جان و روحم را سیراب خواهد نمود.
رحیم خاکی نخستین آموخته های قرآنی را به هنگام برگزاری جلسات قرآنی که در منزلشان برگزار می شد دریافت نمود در همین جلسات بود که در کنار پدر به استماع آیات قرآن گوش جان فرا می داد و نخستین تلاوتهایی که او را مجذوب نمود، تلاوتهای مرحوم استاد عبدالباسط بود که به تقلید از او تلاوت سوره مبارکه ضحی را در بسیاری از مراسم شهر مراغه اجرا می کرد و مورد استقبال قرار می گرفت. در مدرسه به او لقب عبدالباسط کوچک دادند.
او پس از مدت 5 سال به تقلید حرف از استاد مرحوم منشاوی پرداخت زیرا به عقیده او بدون تقلید نمی توان از چهار چوب تلاوت آگاهی پیدا کرد. در یکی از مساجد شهر مراغه اولین جلسه عشق به قرآن به صورت جدی در جانش زده شد و بدین سان آموزش قرآن را برای نخستین بار در کلاسهای انجمن اسلامی مکتب قرآن زیر نظر استاد اصغر محمد نژاد فرا گرفت. خاطره ای شنیدنی از تلاوت او در 6 - 5 خالی از لطف نیست: او می گوید 6 - 5 سالم بود که در یک محفلی از من خواستند که قرآن بخوانم و منکه دو سه آیه اول سوره ناس را بواسطه والدینم یاد گرفته بودم با یک صدای بلند و جیغ مانندی شروع به خواندن کردم. پس از این خواندن مورد تشویق حضار قرار گرفتم که از خجالت از مسجد فرار کردم.

حاج رحیم خاکی در سال 1361 در سن ده سالگی نخستین تلاوت رسمی خود را شامل تلاوت سوره های ضحی و انشراح به سبک مرحوم عبدالباسط و در مراسم رژه نیروهای مسلح مراغه اجرا نمود. او تحصیلات ابتدایی تا اخذ دیپلم را در فاصله سالهای 1358 - 1370 در شهرستان مراغه به پایان رساند. پس از آن با پذیرفته شدن در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در دانشگاه علامه طباطبائی به پایان رساند و در حال حاضر نیز در مقطع کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران در حال تحصیل است.
رحیم خاکی در سال 1356 در سن 5 سالگی آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن را در شهر مراغه آغاز نمود که این دوره تا سال 1360 ادامه یافت. او از سال 1360 دوره آموزش تجوید مقدماتی را آغاز نمود و پس از فراگیری دوره تجوید مقدماتی قرآن، از سال 1367 تا سال 1369 دوره تجوید عالی و از سال 1367 تا 1370 دوره آموزش صوت و لحن مقدماتی قرآن کریم را به پایان رساند او پس از آن در سال 1371 - 1370 در حضور استاد حنیفی دوره عالی آموزش صوت و لحن را در دانشگاه تهران تکمیل نمود.
رحیم خاکی از اساتید انجمن اسلای مکتب قرآن شهر مراغه از جمله شهید حمید پرکار، شهید نادر قادری شهید الله یاری بعنوان اولین اساتید خویش یاد می کند از جمله اساتید و دیگر معلمان او شهید دوستان و شهید عادل نسبت هستند که در مسیر تربیت قرآنی او بسیار تلاش کردند همچنین او از استاد حنیفی در دانشگاه تهران و استاد خدام حسینی در مسجد ابوذر تهران نکات بسیاری را در زمینه صوت و لحن و مسائل قرآنی فرا گرفته است.
آقای رحیم خاکی در سال 1374 با یکی از اقوام ازدواج نمود همسر ایشان نیز خانه دار است و نسبت به فراگیری علوم قرآنی و پرورش قرانی فرزندشان بسیار مشتاق است. آقای خاکی بسیار از موفقیتهای خود را مرهون زحمات همسرش می داند.
رحیم خاکی چند سال در مسجد کوی دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشته است همچنین در مسجد امام صادق محله صادقیه نیز جلسات قرآن را برگزار نموده است. او به خوشنویسی، نقاشی و موسیقی سنتی و موسیقی های اصیل مصر علاقه دارد و در زمینه ای ورزشی به فوتبال، ورزشهای رزمی و تنیس روی میز علاقه مند است. او از اساتید؛ محمد رفعت، عبدالفتاح شعشاعی، مصطفی اسماعیل، کامل یوسف و محمد صدیق منشاوی بعنوان 5 قاری برتر کشور مصر از آغاز تا کنون نام می برد.
او تا کنون به کشورهای زیادی از جمله اطریش، کورووواسی، بوسنی و

هرزوگوین، ترکیه، سوریه، عراق، ترکمنستان، امارات و غنا سفر نموده که با استقبال گرم مردم این کشورها مواجه شده است.
آقای خاکی در سال 1370 رتبه نخست دانش آموزی را در آذربایجان شرقی و در سال 1373 رتبه نخست دانشجویان کشور را در شهر مقدس مشهد کسب نمود در سال 1376 پس از کسب عنوان نخست در مسابقات کشوری در کرمانشاه به مسابقات بین المللی ایران راه یافته و در یان مسابقات رتبه دوم قرائت را از آن خود ساخت.
رحیم خاکی از اساتید؛ شحات محمد انور، ابوالعینین شعیشع و عبدالعزیز حسان بعنوان قاری بزرگ مصر که هم اکنون در قید حیاتند یاد می کند. او علاقه ویژه ای به ابتهال و مو شحات مصری دارد بخصوص اجراهای محمد عمران، کامل یوسف بطحینی، طه الفشمی و محمد نقش بندی و محمد طوخی.
او در گروه تواشیح شهر مراغه، گروه تواشیح دانشگاه تهران عضویت داشته و از سال 1372 هم عضو گروه تواشیح پر افتخار " قدر " است و در برخی اجرا ا نقش تکخوان را داشته است. آقای رحیم خاکی در سال 1370 همکاری خود را بصورت افتخاری با جهاد دانشگاهی تهران آغاز نمود و پس از آن نیز چند سال در سمت مسئول قرآن با آن نهاد همکاری داشته است. او اکنون بعنوان کارشناس مسئول در دبیرخانه دائمی فعالیتهای قرآنی دانشگاهها وابسته به جهاد دانشگاهی مشغول به فعالیت است او بسیاری از موفقیتهای خود را مرهون همکری و حمایتهای مسئولان این نهاد شریف می داند.
توصیه او به جوانان این است که در یادگیری حوصله داشته و در پیشرفت عجله نکند و قدم به قدم از حفظ قرآن شروع کند و تجوید و صوت و لحن را از اساتید گرانقدر فرا بگیرند و برای خودشان سبکی نو ابداع نمایند.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

خان محمدی، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم خان محمدی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب کریم خان محمدی در سال 61 پس از اخذ پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه زنجان شدم .در سال 67 پس از اتمام پایه 6 (لمعتین) به حوزه علمیه قم منتقل شدم . تا سال 70 ضمن اتمام رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) به صورت متفرقه شبانه و دبیرستان رزمندگان دیپلم گرفتم . از سال 70 به صورت مخفیانه به دانشگاه رفتم و در سال 70 در کنکور سراسری قبول و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به رشته جامعه شناسی مشغول گشتم و در سال 78 در مقطع کارشناسی ارشد از همان دانشکده فارغ التحصیل و به همراه دروس حوزه شروع به تحقیق و پژوهش و همگام با آن تدریس نمودم . در درس آیات عظام مکارم و سبحانی شرکت می کردم . دروس آیت الله جوادی مفسر بزرگ که هنوز هم غیر حضوری اشتغال دارم .
از سال 78 پژوهش را شروع نمودم و اکنون بیش از 20 مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده ام . در مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در زمینه اصول و هنجارهای ارتباطی قرآن مشغول پژوهش هستم . طرح پژوهشی (مفهوم شناسی جامعه شناسی اسلامی) توسط نگارنده با کارفرمایی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام (حمید پارسانیا) در دست اجرا است .علاقه پژوهشی اینجانب ارائه آموزه های دینی به زبان روز و تلفیق علوم دینی با دست آوردهای جدید علمی است . کلیه مقالات منشر شده به جز چند مورد از متون دینی بهره گرفته است .

خانجانی، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم خانجانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از گذراندن دوره متوسطه در شهر تهران در سال 1361 وارد حوزه علمیه چیذر تهران شده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه آغاز نمودم و تا سال 1371 در این حوزه اشتغال داشتم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال 1371 وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن امتحانات و مراحل قانونی در سال 1372 درس خارج را با درس آیت الله مکارم شیرازی و مدتی درس آیت الله سبحانی آغاز نمودم. در سال 1372 همراه با درس خارج در دوره کارشناسی ارشد تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در رشته تاریخ شرکت کردم و در سال 1379 از این دوره فارغ التحصیل و از پایان نامه خود دفاع نمودم. در طول این سال از محضر مبارک برخی اساتید حوزه چون حضرات آیات میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله وحید نیز بهره بردم و درس خارج آیت الله وحید و آیت الله مکارم را همچنان ادامه می دهم.

خائفی، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز خائفی در سال 1315 ه.ش در شیراز از مادر زاده شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامة تحصیل وارد دانشکده ی ادبیات همان شهر گردید . و به دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی، و به تدریس در دبیرستان های شیراز اشتغال ورزید . سپس عازم تهران گردید و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید و به سمت مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته ی پیکار با بی سوادی منصوب شد . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنربه خدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شهر استان فارس ، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد . پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد و از سال 1329 ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود .گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : پرویز خائفی نوه میرزا اسماعیل خائف ،شاعر معروف و عالم متبحر شیراز ،که فلسفه ملاصدرا را تدریس می کرد و هم صاحب دیوان شعر بود.وی با شوریده شیرازی معاصر بود ه و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس ازدریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی توفیق یافت ، به تدریس در دبیرستانها شیراز اشتغال ورزید ،آنگاه عازم تهران گردید و دوره فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید.فعالیتهای ضمن تحصیل : پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد ، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادی گردید . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ وهنر انتقال یافت و یک چند نیز ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود واکنون سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیزمی باشد .فعالیتهای آموزشی : پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسی ، به تدریس در دبیرستان های شیراز به تدریس پرداخت .بعدها وی در دانشگاه های آزاد ، پیام نور شیراز و چند شهرستان استان فارس پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز خائفی

از سال 1329 ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود و آثار منظوم و مقالاتش همواره در روزنامه و مجله های کشور به چاپ رسیده است .آثار : از لحظه تا یقین (شعر) ، این خاک طربناک (شعر) ، باز آسمان آبی است (شعر) ، بازگشت یادنامه میرزا ی کاظمی ، پند سعدی ، حافظ در اوج ، حصار(شعر) ، مقا له ها و مقابله ها ، نگاهی به غزل حافظ

خدادادیان، اردشیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای تاریخ از ایران.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تاریخ تمدن و فرهنگ ایران باستان، استاد کلیه دروس در این زمینه در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، استاد خطوط و زبانهای ایران باستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 13
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ ایران و جهان، کرونولوژی تاریخ جهان.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 30، تعداد مقالات بزبان خارجی: 10
زمینه علمی مقالات:
تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران باستان، زبانهای ایران باستان، کرونولوژی تاریخ جهان.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خرسندی شیرازی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به خرسندی. اصل وی از کازرون بود اما، در شهر شیراز متولد شد. در سال 1259 ق به قصد زیارت مشهد وارد تهران شد و در خدمت محمد شاه قاجار به شاهنامه‌خوانی شاه و پیشخدمتی عباس میرزا منصوب گشت. در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه به امر میرزا محمدتقی‌خان فراهانی به وقایع‌نگاری کرمان مامور شد. چندی در این خدمت باقی بود، بعد وی را وکیل وظایف اهل اصفهان کردند. وی در پایان عمر کور شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (438 -435 /2)، الذریعه (291/9)، فرهنگ سخنوران (304)، مجمع الفصحا (245 -243 /4)، مرآت الفصاحه (190 -189).

خرم دل، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قرآن شناس (مفسر و مترجم قرآن کریم به فارسی) صاحب نظر و سختکوش معاصر ، جناب آقای دکتر مصطفی خرم دل از استادان دانشگاه کردستان در سنندج و متولد در مهاباد در سال 1315 ش ، و از علمای اهل سنت . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهش طی کرده ، و همزمان به آموزش علوم دینی به شیوه ی حوزوی و سنتی نیز پرداخته است . در سال 1346 از دانشگاه تهران ، در رشته ی زبان و ادبیات عرب ، مدرک کارشناسی (لیسانس) گرفته ، و همزمان با دانشجویی به خدمت در آموزش و پرورش هم اشتغال داشته است . در سال 1352 از همان رشته و همان دانشگاه ، مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) گرفته ، و در سال 1358 به دریافت درجه ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی از دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نایل آمده است . سپس چندی در دانشسرای عالی سنندج در دانشکده ی تربیت دبیر ، و سرانجام در دانشگاه کردستان به تدریس و پرورش دانشجویان و آموزگاران و دبیران پرداخته و سرانجام در سال 1367 ش بازنشسته شده ، و در حال حاضر ، مدتی است که به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مهاباد) اشتغال دارد . دکتر خرم دل در زمینه های گوناگون علوم اسلامی ، به ویژه قرآن ، دارای چند تالیف و ترجمه است . از جمله :
1 ـ تفسیر نور که چون ترجمه ی قرآن کریم هم به صورت قابل تمایز از مواد تفسیری در دل آن مندرج است ، توانستیم آن را جزو ترجمه های امروزین به شمار آوریم و همانند ترجمه های مستقل و به همان شیوه معرفی و ارزیابی کنیم .
2 ـ نگارش تفسیر المقتطف (به زبان عربی)
3 ـ ترجمه ی تفسیر اجتماعی و انقلابی و تحرک انگیز و بیدارگر فی ظلال القرآن ، اثر سید قطب (1906 ـ 1966 م) (از بزرگان اخوان المسلمین مصر که در راه آرمان انقلابی و اسلامی خود ، به دستور ضد بشری جمال عبدالناصر اعدام شد) از عربی ، که ترجمه ی ناقصی از آن به قلم شادروان احمد آرام انجام گرفته و به طبع رسیده است . تا کنون (فروردین 1381) ، دو ، و احتمالاً سه جلد از آن چاپ شده که دو جلد اول شامل ترجمه ی تفسیر سوره های فاتحه ، بقره ، آل عمران ، و نساء است

. (دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی ، مقاله ی « خرم دل ، دکتر مصطفی » ، نوشته ی قرآن شناس کوشا و مترجم قرآن کریم به فارسی (نشر فرزان ، 1377 ، معرفی شده در همین کتاب) و نیز (مقاله ی تفسیر نور در همین دانشنامه) . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

خرمشاهی، بهاءالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهاءالدین خرمشاهی، متولد ۱۳۲۴، قزوین
- انصراف از رشته پزشکی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۴۲
- اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷
- دکترای کتابداری از دانشگاه تهران
- نویسنده بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله
- سردبیر نشریه فرهنگ از ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰
- تألیف بیش از ۱۲ جلد کتاب درباره حافظ و حافظ شناسی
- ترجمه قرآن کریم با ۴ هزار یادداشت در ذیل صفحات و واژه نامه ای با ۱۲ هزار لغت
- تألیف فرهنگ شش جلدی انگلیسی - فارسی «واژه پژوهی»
- برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرۀ المعارف تشیع.
تعبیری را درباره بهاءالدین خرمشاهی بپذیریم که می گوید: «خرمشاهی در میان نسلی که در سالهای دهه بیست متولد شدند، در سالهای دهه چهل به دانشگاه رفتند و در دهه پنجاه به کار تألیف و تحقیق و ترجمه پرداختند، بی شک بی نظیرترین و برجسته ترین چهره شناخته شده است. کارنامه پر بار و پربرگ او شگفت انگیز است. بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله زاییده پویش و پژوهش بی وقفه و عاشقانه اوست. آن هم در زمانه ای که کار تحقیق و تألیف با ناکامی و نابسامانی بسیار همراه است. استادان دانشگاه جز به تدریس نمی پردازند و کمتر فرصت تحقیق و پژوهش دارند. محققان و نویسندگان ما هم آنچنان درگیر گرفتاریهای پیچیده مادی و گذران معاشند که امکان پژوهش ندارند. در این زمانه عسرت اگر هم نویسنده ای به پرکاری و کثرت آثار شهره شده، کارش را نازل و قدرش را ناچیز می دانند و شعار «کوچک زیباست» را سر می دهند...» بسیارند نویسندگانی که دقت و سرعت را در هم آمیخته اند و هم کمیت و هم کیفیت کارشان درخشان است. خرمشاهی در زمره همین نویسندگان

است. آثارش گسترده سرشار از تنوع است، نکته یاب و باریک بین است، کوشا و کوشنده و جستجوگر است. لطف بیان دارد و زبانش جذاب و شیرین و دلنشین است. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است، شاعر و مترجم و مصحح و منتقد و ویراستار و دایرۀ المعارف نویس است. و هر چند یکبار خود را «مؤلف و مترجمی پراکنده کار» نامیده، اما متفنن نیست. بی شک در دو حوزه تخصصی قرآن پژوهی و حافظ پژوهی کم نظیر است. بهاءالدین خرمشاهی متولد فروردین ۱۳۲۴ قزوین است و در آستانه ۶۰ سالگی می گوید: «من به چند روایت و اختلاف در روز دوازدهم فروردین ۱۳۲۴ دیده به جهان گشودم. سالهای ابتدایی عمر و تحصیلم را در دبستان رزبان و دو دبیرستان دیگر سپری کردم. رشته طبیعی خواندم. ولی همه عشقم به ادبیات فارسی و علوم قرآنی و علوم اسلامی معطوف بوده و هست.» پدرش اولین معلم علم و ادب و شیوه زندگانی اوست. و اگر عربیتی آموخته باشد از فضل پدر بوده است. از نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر و از ویراستاران دایرة المعارف حاضر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به قطع بزرگ رحلی و شیوه ادبی دایرة المعارفی شامل تمام قرآن کریم است مؤلف پس از درج هر یک صفحه از مصحف شریف، در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده سپس کلمات مشکله و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل و عبارات دشوار را ذیل آن توضیح می دهد. این ترجمه همراه با تفسیر از سوی مؤسسات انتشاراتی نیلوفر و جامی به طبع رسیده و نزدیک به انتشار است. در پـایان این تفسیر واژه نامه قرآنی - فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف آن و مسائل دیگر قرآن پژوهی درج گردیده است. مؤلف از جمله محققین شیعه است که چهار اثر در زمینه قرآن پژوهی و تفسیر نگاشته است که سه دیـگـر آن عـبـارتـنـد از: 1) فرهنگ موضوعی قرآن مجید در یک مجلد به زبان عربی و فارسی با همکاری استاد محقق توانا آقای کامران فانی این اثر شامل تدوین کلمات قرآن بر اساس موضوعی است. شـیـوه ساده مؤلفان در تنظیم کلمات و لغات قرآن، به ترتیب حرف اول کلمه بر اساس ابجدی یا دقـیـقـتـر بگوئیم ابتثی است - و نه بر رسم فرهنگهای کهن عربی که از روی ماده اصلی کلمات تنظیم یافته است. لـذا مبتدیان و علماء و محققین یک سان بدون زحمت، خواسته خویش را در اندک زمان به دست می آورند. این اثر نزدیک به هشت هزار مدخل از موضوعات قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در برابر آنها دربردارد. طبع اول این اثر در 1364 ش از سوی نشر فرهنگ معاصر (تهران), و طبع دوم آن در 1369 ش از سوی انتشارات الهدی صورت گرفته است. 2) قـرآن پـژوهی : در یک مجلد به زبان فارسی، شامل هفتاد بحث و تحقیق قرآنی است که توس ط نشر مشرق در تهران در 1372 ش طبع گردیده است. 3) تـفـسیر و

تفاسیر جدید در یک مجلد به زبان فارسی (تهران، کیهان، 1364 ش) این اثر توس ط عصام حسن به عربی ترجمه گردیده و در بیروت توسط انتشارات دارالروضة طبع و نشر گردیده است (1991/1411 ق). درباره پدرش می گوید: «اولین معلم قرآنی و عربی من پدرم بود. گاهی در ایام تحصیل در دانشگاه بین من و پدرم نامه های عربی رد و بدل می شد که ایشان از این کار بسیار به وجد می آمدند. هر چند که عربی هر دوی ما عجمی بود.» خرمشاهی در سال ۱۳۴۲ ایام دبیرستان را به پایان می رساند و با شرکت در اولین دوره کنکور رد می شود. چرا؟ می گوید: «من می بایست امتحان ادبی می دادم در حالی که دانش آموز رشته طبیعی بودم. اما با خواندن کتابهای ادبی در سال بعد موفق شدم در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، در رشته ادبیات فارسی قبول شوم. در ضمن در حد فاصل ردی اول و قبولی دوم یک سال فاصله زمانی وجود داشت که من در همان خلال به دانشگاه ملی (آن روزگار) که در همان سال تأسیس شده بود رفتم (۱۳۴۲). وجه تسمیه ملی برای این دانشگاه بیشتر به علت پرداخت شهریه اش بود. لاجرم پدرم از یکی از نزدیکان وام گرفت تا من بتوانم وارد دانشکده پزشکی شوم و شهریه سنگین ۵ هزار تومانی اش را پرداخت نمایم. اما این رشته دانشگاهی برای من چندان دوامی نداشت چرا که من دلی درگیر ادبیات و سری در سودای عربیت داشتم و لاجرم از رشته پزشکی انصراف داده و سال بعد با قبولی در کنکور وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم.» او در دانشگاه تهران، نزد اساتیدی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر فره وشی، استاد پورداوود، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، دکتر سید صادق گوهرین، دکتر مهدی محقق، دکتر سید جعفر شهیدی و... تلمذ می کند. با این همه خودش دکتر عبدالحمید بدیع الزمانی را دومین معلم قرآنی خود می داند و می گوید: «هر هفته در محضر و کلاس او سؤالاتی که در حین قرائت قرآن برایم موضوعیت می یافت مطرح می کردم.» بهاءالدین خرمشاهی در سال ۱۳۴۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل می شود و پس از گرفتن لیسانس ادبیات، رشته کتابداری را انتخاب می کند و پس از آن به انجمن حکمت و فلسفه می رود. از مهمترین علایق زندگی بهاءالدین خرمشاهی قرآن است و قرآن پژوهی. درباره اش می گوید «اصلاً بدین صورت نیست که هر کسی تحصیلکرده باشد بتواند قرآن را بفهمد و گاهی حتی از عهده روخوانی قرآن نیز برنمی آیند تا چه رسد به فهم عبارات و تفسیر قرآن، که در حقیقت این روند روخوانی و فهم عبارات و تفسیر مستلزم یک عمر جهد و ممارست و عشق و علاقه است که عمری پنجاه ساله می طلبد تا شخص از عهده آن برآید. بنده شاید به تقریب حدود چهل سال از عمرم را صرف این کار کرده ام و فعالیتهای مستمری در حوزه

قرآن پژوهی و حافظ پژوهی نمودم و با یک نگاه اجمالی در می یابم که حتی همین مدت طولانی نیز هنوز چندان کافی نیست و عمر بیشتری می طلبد تا به فهم دقایق و رموزات قرآن و حافظ، توأمان، پی ببریم. و با آن که ده کتاب قرآنی و پانصد مقاله قرآن پژوهانه نوشته ام هنوز فکر می کنم که از آن آب و گل اولیه بیرون نیامده ام. از خداوند بزرگ مسألت دارم تا ما قرآن را مهجور نگیریم. چرا که مهجور گرفتن قرآن چنین نیست که ما قرآن را نخوانیم یا که کم بخوانیم، بلکه مهجوریت قرآن زمانی آغاز می شود که به مفاد قرآن توجه نکنیم و در آن تدبر ننماییم.»
برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایرۀ المعارف تشیع.

خسروشاهی، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید هادی خسروشاهی (متولد 1317 ش), با همکاری آیة اللّه جعفر سبحانی از محققین معاصر.
این تفسیر در یک جزء به زبان فراسی و شیوه ادبی و استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است.
مـؤلـفان قسمتی از آیات مورد نظر خویش را گردآوری نموده سپس به شرح و تفسیر و تاویل آن پرداخته اند.
آقای بهاءالدین خرمشاهی در منشا و سبک این تفسیر در تفسیر و تفاسیر جدید آن را نقد و ردی بر آیات مشکله حاج یوسف شعار توصیف کرده است.
این کتاب در تهران چاپ و منتشر شده است.
منابع زندگینامه :مـنـابـع : تفسیر و تفاسیر جدید, 37; فهرست کتابهای چاپی فارسی، 1/1385; مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، 6/720.

خلفه نیشابوری، احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مورخ. وی فرزند ملخص و مترجم «تاریخ نیشابور» است. خلیفه در ترجمه و تلخیص پدر خود دست برده و بعضی از وقایع سده نهم را نیز وارد کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (783)، تاریخ نیشابور (47 -43).

خواجوی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
انترن بیمارستان‌های دانشگاه تهران، انترن بیمارستان برگن‌پاین آمریکا، رزیدنت رادیولوژی دانشگاه پیتسبورگ آمریکا، فلوی سی تی و سونوگرافی دانشگاه بالتیمور آمریکا، گذراندن دوران سی‌تی‌اسکن، سونوگرافی و ام. آر. آی در ژاپن.
مرتبه علمی:
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از سال 1357، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
رادیولوژی سونوگرافی و سی‌تی‌اسکن، بررسی کیست هیداتیک به وسیله سی‌تی‌اسکن، سونوگرافی، ضایعات تراشه در مجروحین جنگ شیمیایی و استاد راهنمای 6 پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
رادیولوژی عمومی، سونوگرافی و سی‌تی‌اسکن.
مقالات
تعداد مقالات به زبان فارسی: 2، تعداد مقالات به زبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
وفور سنگ‌های صفراوی در ایران، نحوه بررسی کبد به وسیله سونوگرافی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خوافی، فصیح الدین احمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فصیح الدین احمد خوافی مشهور به فصیح در سال 777در خانواده جلال الدین محمد خوافی که از دیوانیان دیوان استیفای تیموریان ، بوددر هرات به دنیا آمد و منشی گری و خطاطی را نزد پدر آموخت و آغاز ،به شاعری در او شکوفا شد . او که از سن نوجوانی شغل دیوانی را آغاز کرده بود ، از سال 818 از خدمت در دیوان علاءالدین علی ترخانی به دیوان شاهرخ بهادر و بایسنقر میرزا منتقل شدو تا سال 836 به کار خود ادامه داد .در آن سال وی مورد خشم سلطان شاهرخ و همسرش گوهر شاد خانم قرار گرفت و محبوس شد. تا اینکه در سال 845آزاد و کتاب تاریخی خود را تحت عنوان «مجمل فصیحی »را به رشته تحریر در آورده و به سلطان تقدیم کرد و اندکی بعد در گذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خاندان فصیح الدین احمد خوافی اصلا از خواف خراسان بوده اند اما در زمان تولد فصیح ،در هرات می زیستند از این رو فصیح در کتابش ،خود را هروی می داند.پدرش جلال الدین نیز در هرات شغلی دیوانی داشت و درسال 796وفات یافت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فصیح الدین احمد خوافی پس از آموختن فنون دیوانی از جمله ترسل؟؟؟ وخوشنویسی در نزد پدر ، عهد ه دار خدمات دیوانی شد.
وقایع میانسالی : فصیح الدین احمد خوافی همانند پدر خود از نوجوانی به خدمات دیوانی مشغول شد، او در سال 807 پس از جلوس شاهرخ بجای امیر تیمور گورکانی در خراسان ، به همراه سه تن از امرای دیگر مامور تحویل گرفتن خزانه خاصه شاهرخ در سمرقند بود ، شد. وی در این هنگام سی ساله بود . وی درهمان سال برای ماموریتی اداری به زاوه سفر کرد . از سال 818 هجری قمری از خدمت در دیوان علاءالدین علی ترخان به ملازمت دیوان شاهرخ در آمد و در عین حال در دربار بایسنقر پسر شاهرخ نیز مشغول بود . اما در سال 836 معزول و محبوس شد تا اینکه در سال 845 آزاد ودوباره استخدام شد و مدتی بعد درگذشت .
زمان و علت فوت : بعد از سال 845 از فصیح الدین احمد خوافی که در آن زمان 68 ساله بود خبری در دست نیست . بعید نیست که فوت او هم

در نزدیکی همین سال بوده باشد. زیرا کتاب وی باخبر بار یافتن وی به حضور سلطان شاهرخ در سال مذکور پایان یافته است . چرا که بعید است که از این در تکمیل رساله نامه خود که البته با حوادث مهم 5 سال آخر سلطنت سلطان شاهرخ (تا سال 850) مقارن گشته بود ،دریغ می کرد
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فصیح الدین احمد خوافی بعنوان کار گزار امور دیوانی در خدمت وابسته گان قسمت مرکزی تیموریان ،یکی از مامورین تحویل گرفتن خزانه خاصه شاهرخ در سمرقند و رئیس مالیات و محاسب خزانه دولتی (807)،کارگزار دیوان علاءالدین علی ترخان (تا سال 818 ه .ق)کارگزار و مقامات؟؟؟؟دیوان شاهرخ و بایسنقر (836-818) در درگاه تیموریان مشغول به کار بوده است.همه عمر وی به خدمت در دیوان استیفای سپری شده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فصیح الدین احمد خوافی شاعر بود و در شعر خود ،که نمونه هایی از آن را در کتاب خود ثبت نموده است ،به « فصیح » تخلص می کرده است . ----------
---
آثار :
1 مجمل فصیحی
ویژگی اثر : کتابی است شامل وقایع نگاری سالنگارانه که با رعایت اختصار از کتابهای موثق دست چین شده است یا از یادداشتهای مولف از وقایعی که به چشم دیده است .این کتاب در یک مقدمه و در دومقاله و خاتمه تنظیم شده است بدین شرح مقدمه از هبوط آدم تا ولادت پیغامبر اسلام ،مقاله اول از ولادت پیغامبر تا زمان هجرت ،مقاله سوم از آغاز هجرت تا پایان سال 845 ه.ق خاتمه کتاب نیز درباره برخی احوال هرات در سالهای پیش از هجرت است . روش تاریخ نگاری فصیح آن است که هر ضرر را با کمترین کلمات به کوتاه ترین شکل در ضمن وقایع هر سال ضبط کند و بنا بر این عبارات منشیانه در آن بسیار کم و نادر است . اما کتاب از حیث جمع آوری اخبار و اشتمال بر اطلاعات بسیار و آسانی یافتن آنها را ،اثری سودمند است . نشر کتاب ساده و خلاصه و گاهی همراه با اشعاری فارسی و عربی است و فقط دیباچه ای شاعران یاد شده است . فصیحی کتاب خودرا در 15 ذیحجه 845 به سلطان شاهرخ بهادر تقدیم کرده است . ----------
---
منابع :
1صفا ،تاریخ ادبیات در ایران ،ج 4 ،ص 4962نفیسی ،تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ،ج 1 ،ص 238

خواند میر، غیاث‌الدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 880/881 وف 942 -937 ق)، مورخ. وی در شهر هرات ولادت یافت و در همان شهر به تحصیل علوم متداول زمان یعنی طب، تفسیر، شعر، ادب، لغت و تاریخ کمالات پرداخت. غیاث‌الدین نواده‌ی دختری میرخواند، صاحب «روضه الصفا» ست که در بیشتر آثارش از وی یاد می‌کند. خواندمیر در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و مورد توجه و محبت امیرعلیشیر نوایی قرار گرفت و مدتی عهده‌دار وزارت بدیع‌الزمان پسر سلطان حسین بود. وی در سال 935 ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا مدتی خدمت بابرشاه و همایون‌شاه کرد. در هندوستان درگذشت و بنا به وصیتش در دهلی نزدیک قبر نظام‌الدین اولیاء و امیرخسرو دفن شد. در تاریخ وفات وی اختلاف نظر است، عده‌ای مثل خان بابا مشار و صاحب «تاریخ فرشته» سال مرگ وی را 937 ق و 941 ق دانسته‌اند ولی، استاد سعید نفیسی نوشته که خواندمیر در سال 942 ق برای شاعری ماده‌ی تاریخ سروده، پس سال فوتش باید اواخر سال 942 باشد. از آثار او: «دستور الوزراء»، در ذکر احوال وزرای اسلام تا عهد مولف؛ «خلاصه الاخبار فی بیان احوال اخیار» که محتوی است از تاریخ عمومی از زمان خلقت تا سال 905 هجری نبوی؛ «مآثر الملوک که متضمن کلام پادشاهان و پیشوایان دین و حکیمان و به نام امیرعلیشیر نوایی تالیف شده است؛ «نامه‌ی نامی»، که مجموعه‌ای از منشآت دیوانی وی است؛ «حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، که مهمترین کتاب وی است و شامل وقایع عمومی از خلقت تا سال 930 ق در سه جزء و یک مقدمه و یک خاتمه. این کتاب را در اوایل سال 927 ق برای غیاث‌الدین محمد بن یوسف حسینی، از رجال معروف هرات آغاز کرد ولی، مدتی آشفتگی در اوضاع روزگار به وجود آمد در تالیف وقفه افتاد بعدها به دستور حبیب‌اللّه ساوجی آنرا به نام وی به پایان رسانید؛ «آثار الملوک و الانبیاء» که خلاصه‌ی «حبیب السیر» است؛ آخرین کتاب، کتابی در ذکر مناقب همایون شاه، پسر بابرشاه، است که در سال 931 تالیف کرد. صاحب «الذریعه» به وی دیوانی نسبت داده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (628 -626)، تاریخ ادبیات در ایران (545 -541 /4)، تاریخ در ایران (98 -97)، تاریخ نظم و نثر (241 -240)، تحفه سامی (109 -108)، تذکره‌ی روز روشن (250)، حبیب السیر (19

-1 /1)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (464 -460 /2)، دایرةالمعارف فارسی (921/1)، دستور الوزراء (دیباچه)، الذریعه (307/9، 170/8، 269/7، 244/6)، ریحانه (187 -186 /2)، سرآمدان فرهنگ (347/1)، فرهنگ ادبیات فارسی (201)، فرهنگ سخنوران (320)، کارنامه‌ی بزرگان (282 -286)، کاروان هند (391 -389 /1)، الکنی و الالقاب (203/2)، لغت نامه (ذیل/ خواندمیر)، مولفین کتب چاپی (742 -740 /4)، معجم المولفین (43/8).

خواند میر، محمود

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، مورخ. وی فرزند خواند میر، صاحب تاریخ «حبیب السیر»، بود که در هرات می‌زیست. او مولف کتابی است در تارخی شاه اسماعیل و شاه طهماسب که آن را در سال 957 ق به پایان رسانیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (358).

خودگر بخارایی، علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، فلزکار. کوفته‌گر، فلزکوب اهل بخارا بود که با همکاری استادان دیگر، پنجره‌ی زرکوب فولادی ساخته‌اند و اکنون در موزه‌ی آستان قدس رضوی به یادگار است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (252/1).

خوشایند، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین خوشایند
محل تولد : مرند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1352 علوم حوزوی را از شهرستان مرند شروع کرده علم صرف و نحو را در آنجا و الباقی نحو و منطق و اصول مظفر و معالم الدینی را در شهر تبریز به پایان رساندم. در سال 1355 جهت ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم. سطح فقه و اصول را نزد اساتید آقایان اعتمادی و شیخ احمد پایانی و شیخ وجدانی و موسوی گرگانی به پایان رساندم و پس از حضور به مدت دو سال در جبهه های حق علیه باطل به مدت هفت سال در جلسات خارج فقه و اصول از اساتید محترم و آیات عظام آقایان مکارم شیرازی و شیخ جعفر سبحانی و سید یوسف مدنی مستفیض شدم و درس تفسیر قرآن را از محضر استاد صدر بلاغی و درس فلسفه (بدایة الحکمه و نهایة الحکمة) را از محضر استاد حسینی استفاده نموده‌ام و همچنین درس‌های تاریخ اسلام و کلام اسلامی در زمان دارالتبلیغ از آقای سبحانی و اقتصاد اسلامی را از آقای دکتر احمد بهشتی فیض برده‌ام. از سال 1368 جهت تدریس وارد دانشگاه تهران شدم که هم اکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس دروس معارف اسلامی ـ متون اسلامی ـ تاریخ اسلام در رتبه استادیاری به تدریس اشتغال دارم. در تاریخ 1370 کارشناسی زبان و ادبیات را نیز از دانشگاه شهید بهشتی دریافت نمودم.

خیرخواه علوی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی خیر خواه علوی
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1351 در خانواده روحانی در شهر رشت متولد شدم. پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمایی در سال 1365 وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شدم و در مدرسه علمیه جامع رشت شروع به تحصیل نمودم. از سال 1366 نیز در کنار تحصیلات حوزه، تحصیلات کلاسیک خود را- بصورت متفرقه- ادامه دادم و پس از 4 سال دیپلم متوسطه خود را دریافت نمودم. پس از 4 سال تحصیل در مدرسه علمیه جامع رشت برای ادامه تحصیل علوم دینی در سال 69 وارد حوزه علمیه مشهد شدم و لمعه و اصول را در مشهد به پایان رساندم و قسمت اول از کتاب رسائل نیز از آنجا فراگرفتم. در سال 72 با ورود به حوزه علمیه قم به مدت یکسال نیز در موسسه در راه حق مشغول به تحصیل بودم تا آنکه در سال 74 در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) از طریق کنکور سراسری قبول شدم- این دانشگاه در سال 74 با عنوان موسسه آموزش عالی باقرالعلوم(ع) خوانده می شد- پس از تکمیل دوره کارشناسی تاریخ با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آشنا شدم و در بخش تاریخ و اعلام این مرکز مشغول به تحقیق و مطالعه و پس از چندی نگارش مقالات تاریخی شدم.
همچنین در سال 80 با مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه آشنا شدم و در گروه تاریخ اسلام این مرکز بعنوان معاون و همکار گروه آغاز به فعالیت نمودم و پس از چند ماه با تشکیل گروه تاریخ معاصر بعنوان مسئول گروه تاریخ معاصر به فعالیت خود در این مرکز ادامه دادم و با عضویت در شورای نویسندگان مجله صباح که از انتشارات مرکز مطالعات بود به ارزیابی و نظارت مقالات تاریخ معاصر و گاه تاریخ اسلام می پرداختم و پس از مدتی اولین مقاله بنده در حوزه تاریخ معاصر و با موضوع نقش کشورهای استعماری در کودتای 28 مرداد در مجله صباح چاپ گردید. پس از آنکه در اواسط سال 83 از سوی بخش تاریخ مرکز فرهنگ و معارف

قرآن کریم در خصوص تصدی امور اجرایی این بخش دعوت به همکاری شدم – ضمن آنکه قبل از آن در نگارش مقالات با این بخش همکاری داشتم – فعالیت و حضور در این مرکز را بیشتر نمودم و تاکنون نیز این همکاری بصورت مداوم در زمینه های اجرائی و تحقیقاتی ادامه دارد. از حدود سال 82 نیز به عنوان استاد مدعو گروه دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد نیز به تدریس تاریخ اسلام در این واحد دانشگاهی مشغول هستم.

خیری، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن خیری
محل تولد : وزوان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1345 در شهر وزوان از توابع اصفهان در خانواده ای کشاورز و متدین به دنیا آمدم. دوره ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهم گذراندم. علاقه وافر به مذهب و روحانیت موجب شد که به همراه شهید احمد خوش کثیر به عنوان اولین طلبه های شهرمان در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شوم. دوره سطح را در ظرف شش سال به پایان رسانده و برای تحصیل دروس خارج فقه واصول در درس آیات عظام مرحوم فاضل لنکرانی ، میرزا جواد آقا تبریزی، سبحانی، مکارم حضور یافتم.
به علاوه از سال 64 در موسسه در راه حق به تحصیل پرداخته و پس از اتمام دروس عمومی از سال 69 تا 76 کارشناسی ارشد جامعه شناسی را گذراندم و نیز موفق به گذراندن دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد شدم. دوره تحصیلات را با ورود به دوره دکتری جامعه شناسی در سال 1382 ادامه داده و موفق به اخذ مدرک دکتری PH.D جامعه شناسی در سال 1386 شدم.هم اکنون نیز به عنوان مدیر مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی توفیق همکاری را دارم.

خیری، یوسف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یوسف خیری
محل تولد : میاندوآب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 69 وارد حوزه بناب شدم در سال 73 شش پایه ابتدایی را تمام و فارغ التصیل شدم و تا سال 75 سطوح را تمام کرده مشغول دروس خارج فقه و اصول شدم . همزمان با اینها وارد موسسه امام خمینی شدم و امسال (سال 86) از رشته جامعه شناسی با مدرک فوق لیسانس فارغ التحصیل شدم.
ضمنا از سال 87 وارد موسسه ادیان و مذاهب در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان وارد شدم و بمدت دو سال دروس آن را به اتمام رساندم البته پایان نامه ننوشتم.درسال 84 پایان نامه سطح سه حوزه را با موضوع موارد پرداخت دیه از بیت المال دفاع کردم. و الان مشغول تدوین رساله سطح چهار حوزه هستم.ضمنا فعلا در دانشگاه باقرالعلوم در رشته اندیشه معاصر مسلمین مشغول تحصیل دوره دکتری هستم. والسلام.

دانش، سیاوش

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(؟)، نویسنده و مورخ. از جمله آثار وی «ابراهیم کلانتر» که تاریخ میرزا ابراهیم کلانتر از دولتمردان روزگار زندیه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :راهنمای کتاب (س 7 12 ص 389 -378)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (808/2).

دانشور علوی، نوراللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مورخ. از جمله آثار وی: «تاریخ مشروطه‌ی ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (751/1)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (902/2).

داوری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد داوری
محل تولد : رودان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1342 در شهرستان رودان متولد شدم . دوران ابتدایی و راهنمایی و قسمتی از متوسطه را در زادگاه خود به اتمام رساندم . در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان 2 سال آخر دبیرستان را در دبیرستان دین و دانش قم سپری کردم . ادبیات را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی خواندم و سپس به تحصیل در دروس سطح عالی حوزه و خارج فقه و اصول مشغول شدم . همزمان با تحصیل در حوزه از سال 1371 وارد «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» شدم و تحصیل در رشته جامعه شناسی را شروع کردم و پس از چهارسال در این پژوهشگاه مشغول به تحقیق و پژوهش شدم . علاوه بر آن به مدت سه سال با مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان در خصوص شناسایی جانبازان صدر اسلام و تنظیم زندگینامه برای آنان همکاری داشتم . همچنین به صورت پاره وقت از سال 1378 تا 1381 با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران همکاری داشته ام و در این دانشگاه دروس معارف را تدریس کرده ام .

دخلی گیلانی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، مورخ، شاعر. در گیلان متولد شد و همان جا دانش آموخت و سپس به هند رفت و در دربار جلال‌الدین محمد اکبر تقرب یافت مدتی نیز در لاهور به سر برد. وی مردی بسیار خوش خوی و شیرین سخن بود و غزل را نیکو می‌سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (600).

درویش زاده، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علی درویش زاده درسال 1314 درانزلی متولد شد. وی پس از دریافت دیپلم طبیعی در بندر انزلی درسال 1334، وی درسال 1337لیسانس، و در 1340 فوق لیسانس زمین شناسی از دانشگاه تهران و درسال 1350 دکتری تخصصی پترولوژی را از دانشگاه کلرومون فرانسه گرفت و پس از بازگشت عضو هئیت علمی دانشگاه تهران شد. درسالهای 1355 و 1364 به مدارج دانشیاری و استادی دست یافت. و عضو پیوسته فرهنگستان علوم و چهره ماندگار درعرصه زمین شناسی است.کتابهای "اصول آتشفشان شناسی " و "پترولوژی تجربی و کاربردهای آن"دکتر درویش زاده در دورهای اول و هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند.گروه : علوم پایهرشته : زمین شناسیگرایش : پترولوژی تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی درویش زاده پس از اخذ دیپلم طبیعی در زادگاه خود بندر انزلی درسال 1334، وارد دانشگاه تهران شد. و درسال 1337 پس از اخذ لیسانس زمین شناسی، تا اخذ مدرک فوق لیسانس در 1340ه.ش ادامه تحصیل داد .وی سپس به فرانسه رفت و درسال 1350 با مدرک دکتری تخصصی پترولوژی به ایران بازگشت.خاطرات و وقایع تحصیل : اقامت و تحصیل علی درویش زاده درکشور فرانسه بین سالهای 1340 تا 1350 ، و اخذ مدرک دکترای زمین شناسی از وقایع مهم زندگی علمی علی درویش زاده به شمار است.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی درویش زاده پس از اخذ لیسانس زمین شناسی از دانشگاه تهران درسال 1337، در آزمایشگاه زمین شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهرا شروع به اشتغال کرد و به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون زمین شناسی، پترولوژی پرداخت.وقایع میانسالی : علی درویش زاده پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از فرانسه درسال 1350، به عضویت هئیت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران در آمد. وی درسالهای 1355 و 1364 به مقام دانشیاری و استادی دانشگاه تهران رسیدو علاوه بر تصدی مسئولیتهای اجرایی و علمی، عضو پیوسته فرهنگستان و استاد نمونه سال1372 نیز شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هئیت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران از سال 1350 دانشیار گروه زمین شناسی دانشگاه تهران در سال 1355 استاد گروه زمین شناسی دانشگاه

تهران درسال 1364با نظارت بر 25 پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد پذیرش مسئولیتهای علمی و اجرایی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی فعالیتهای آموزشی : علی درویش زاده از سال 1350 پس از بازگشت از فرانسه، عضو هئیت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران شد. وی درسالهای 1355 و 1364 به مقام دانشیاری و استادی رسید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی درویش زاده علاوه برتدریس و رسیدگی به امور اجرایی مربوط به مسئولیتهای خویش، به تحقیق و تالیف آثار قابل توجهی دررشته زمین شناسی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : علی درویش زاده بیشتر به شناخت انواع جنس سنگها متمایل است و تحقیقاتی و آثاری دراین زمینه در حوزه زمین شناسی تالیف نموده است.جوائز و نشانها : علی درویش زاده علاوه بر مقام استاد نمونه دانشگاههای کشور در سال 1372، درسال 1380 در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه علم زمین شناسی معرفی و برگزیده شده اند.کتابهای "اصول آتشفشان شناسی " و "پترولوژی تجربی و کاربردهای آن"دکتر درویش زاده در دورهای اول و هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند.چگونگی عرضه آثار : علی درویش زاده تاکنون 16 مقاله از ایشان در مجلات داخلی و خارجی چاپ شده و علاوه بر کتاب اصول آتشفشان شناسی که جزء بهترین کتاب های سال تشخیص داده شد 5 کتاب تألیف و یا ترجمه به تنهائی یا با همکاری دیگران تدوین نموده است.

آثار : 1 اصول آتشفشان شناسی ویژگی اثر : برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره اول-امروز در حدود 400 آتشفشان در سطح زمین به فعالیت مشغولند. شناسائی ترکیب مواد مذاب و طرز تشکیل آنها، نحوه فعالیت آتشفشانها، موادی که از آتشفشان ها خارج میشود و رابط بین آتشفشانها و ساختمان زمین شناسی منطقه، بالاخره نحوه پراکندگی وعلل آتشفشانی بحث اصلی این کتاب را شامل می باشد که مؤلف با ذکر دلیل، سعی در بیان چگونگی پدیده ها داشته نه توصیف محض حوادث. در فصول آخر کتاب نیز از خطرات آتشفشانها و پیشگیری از حوادث احتمالی آنها و رده بندی سنگهای آتشفشانی در ایران بحث گردیده است. در جلد دوم این کتاب راجع به مورفولوژی آتشفشانها، «منشاء مواد مذاب آتشفشانها»، «نحوه فعالیت آتشفشانهای مختلف»، خلاصه اجمالی درباره سری سنگهای آتشفشانی و انواع مواد آتشفشانی (گاز، مایع، جامد)، «رابطه آتشفشانی ها با کوهزائی ها» چگونگی و علل آتشفشانی ها در رابطه با پلیت تکنونیک مطالب جدید

و ارزنده ای ارائه گردیده است و در همین فصل از نقش آتشفشانها در ساختمان پوسته زمین به نکاتی اشاره می شود که بنظر کافی نمی آید. بالاخره فصل آخر کتاب درباره آتشفشانی در ایران است. مآخذ و منابع کتاب د ر7 صفحه تنظیم شده است. خواننده به آسانی در می یابد که بسیاری از منابع مذکور جدید و بعبارتی در زمان چاپ کتاب از آخرین منابع موجود بوده و در کتاب هم بنحو مطلوبی از آنها استفاده شده است 2 بلور شناسی هندی 3 پترولوژی آذرین 4 پترولوژی تجربی و کاربردهای آن ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «پترولوژی تجربی و کاربردهای آن»: این کتاب در هفت فصل تدوین یافته که سه فصل اول آن به مقدمات پترولوژی تجربی، ساتفاده از قوانین ترمودینامیک و فاز دیاگرام‌ها و سیستمهای شیمیایی مختلف «کانی» اختصاص دارد، در سایر فصلها از کاربردهای پترولوژی تجربی در ساختمان زمین، ژنزماگما، فرایندهای دگرگونی و تشکیل کانسارها بحث شده است. 5 تالیف کتب درسی برای دبیرستانها و مقالات علمی فراوان وحضور در سمینار های علمی و تخصصی بین المللی 6 زمین شناسی 7 سنگ شناسی دگرگونی 8 کانی شناسی 9 کانی ها و سنگ ها 10 ماگما ها و سنگ های ماگمایی 11 مبانی زمین شناسی 12 مبانی شناسی 13 ناآرامی های زمین

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دریایی، تورج

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر تورج دریایی، دانشیار تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در فولرتن و متخصص تاریخ ایران باستان، در سال 1346 در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال 1376 می‌باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : - ابتدایی و متوسطه در تهران و آتن - کارشناسی رشته تاریخ و علوم سیاسی در دانشگاه لوس آنجلس CSUF در سال 1372 - کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال 1374 - دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال 1376
همسر و فرزندان : تورج دریایی مجرد است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - دانشیار و رئیس بخش تاریخ باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا- آمریکا از سال 1383 تا کنون - استادیار بخش تاریخ جهان و باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا- آمریکا از سال 1378 تا 1382 - مربی تاریخی ایرانیان- تاریخ خاور نزدیک- تمدن غرب و تاریخ جهان ادیان UCLA آمریکا از سال 1373 تا 1375 - پژوهشگر مرکز مطالعات خاور نزدیک گوستاو ون گرونباون از سال 1372 تا 1374 - مطالعه گر بخش فارسی ابتدایی و متوسطه در بخش زبان و فرهنگ خاور نزدیک UCLA از سال 1372 تا 1373 - مطالعه گر تاریخ عثمانی و جامعه شناسی در خاورمیانه UCLA بخش تاریخ و جامعه شناسی از سال 1371 تا 1372 - سردبیر مجله تمدن ساسانی - سردبیر مجله ایرانی فارسی قدیم باستانی عضویت در انجمن ها و موسسات: - موسسه مطالعاتی ایرانیها در آمریکا - انجمن ایرانشناسان اروپایی - انجمن تاریخ دانان آمریکایی - انجمن مطالعات خاورمیانه - انجمن سکه شناسان شرقی - انجمن محققان زرتشت شناسی - انجمن خاورشناسان امریکایی - خاورمیانه قرون وسطایی - انجمن مطالعاتی ایرانیان - انجمن تاریخدانان باستان - هیئت مشاوره: کتابخانه ایرانیکا سری رسوم روشنفکری - هیئت مشاوره: دایره المعارف بزرگ در اسلام
فعالیتهای آموزشی : تورج دریایی، استاد دانشگاه فولرتن کالیفرنیا در کرسی تاریخ باستان، علاوه بر تدریس و نویسندگی، سردبیر فصلنامه

«نامه ایران باستان» مرکز نشر دانشگاهی نیز هست و به تازگی در دانشگاه یو.سی.آی کالیفرنیا به تدریس در کرسی تاریخ ایران باستان مشغول شده که توسط یک ایرانی پایه‌گذاری شده است و به نام «هوارد باسکرویل» ، معلم تاریخ آمریکایی نامگذاری شده است که در انقلاب مشروطه در تبریز کشته شد. عنوان دروسی که ایشان تدریس می کنند به قرار زیر است: فارسی قدیم (باستانی)، خاور نزدیک در قدیم، زرتشت شناسی، آئین پرستش و تمدن جهان قدیم و قرون وسطایی، تفکر تاریخی، یونان، امپراطوری رومانی، تاریخ قرون وسطایی، تاریخ غذا، سمینار در تاریخ جهان قدیم.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر تورج دریایی به زبانهای سانسکریت، زبان باستان ایران، اوستایی، فارسی میانه و زبانهای پارتی مسلط است.
جوائز و نشانها : - جایزه بین المللی FDCCSUF در سالهای 1379،80،82،84 - بورس تحصیلی موسسه مطالعاتی ایران در آمریکا سال‌های 84- 1383 - جایزه پژوهشی دانشجویی دانشکده در سالهای 83- 1382 - بورس تحصیلی مرکز مطالعاتی خاور نزدیک گوستاوون گروبنام سالهای 74- 1372 - بورس تحقیقاتی انجمن سکه شناسی آمریکا- نیویورک 1374 - تقدیرنامه جامعه تاریخی فی آلفا تتا 1371 - اهدا برنامه های مسافرتی و سرپرستی بین المللی در سالهای 75- 1374 - هدیه تحقیقاتی تابستانی، بخش تاریخ 1377 - بورس پیش دفاع پایان نامه UCLA سال‌های 77- 1376 - بورس دفاع پایان نامه UCLA سال‌های 78- 1377 - گواهی مطالعات قرون وسطا از مرکز مطالعات قرون وسطا و رنسانس 1378
چگونگی عرضه آثار : تورج دریایی یکی از نویسندگان کتاب «تاریخ جهان» است که به تازگی توسط انتشارات «هارلن دیویدسن» منتشر شده است. خواندن تاریخ جهان حتماً خیلی وقت شما را می‌گیرد اما این روزها در دنیا تاریخ جهان را با دید دیگری می‌نویسند که در آن دیگر خبری از حفظ کردن ترتیب حکومت پادشاهان یک سلسله نیست! دکتر تورج دریایی که او را با کتاب «سقوط ساسانیان» می‌شناسیم، یکی از 6 نویسنده کتاب «تاریخ جهان» است که جلد نخست آن از دنیای باستان تا قرون وسطی را دربرمی‌گیرد. او می‌گوید: «الان در آمریکا مرسوم شده است که تمام دانشجوهای سال اول و دوم یکسری کلاس‌های عمومی را بردارند که «تاریخ جهان» هم از آن جمله است. 20 یا 30 سال پیش در جهان غرب فقط تاریخ تمدن غرب تدریس می‌شد، اما امروزه خیلی روی تاریخ جهان تأکید می‌شود.» جلد اول تاریخ جهان در 17 بخش منتشر شده است. دریایی درباره تقسیم‌بندی نوشته شدن بخش های این کتاب می گوید:

«من به خاطر حوزه تخصصی خود، بیشتر بخش‌هایی را که به تاریخ رم، یونان، هند و ایران مربوط بوده است نوشته‌ام. یکی از همکاران بخش مربوط به مصر، بین‌النهرین و دنیای اسلام را نوشته، یک تاریخدان دیگر بخش مربوط به چین و آسیا را نوشته است و دو نویسنده بخش‌های مربوط به تمدن آمریکای مرکزی و اروپا را نوشته‌اند.» دکتر دریایی تا کنون 66 مقاله، 23 مورد بررسی کتاب و 50 سخنرانی به رشته تحریر درآورده‌اند. ----------

آثار :

1 تاریخ جهان

ویژگی اثر : تالیف

2 تاریخ و فرهنگ ساسانی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: تورج دریایی، مهرداد قدرت دیزجی (مترجم) ناشر: ققنوس - 21 خرداد، 1384

3 سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان

ویژگی اثر : پدیدآورنده: روزبه زرین کوب، منصوره (نظام مافی) اتحادیه، فرحناز امیرخانی (مترجم)، تورج دریایی (مترجم) ناشر: تاریخ ایران - 1383

4 شاهنشاهی ساسانی

ویژگی اثر : پدیدآورنده: تورج دریایی، مرتضی ثاقب فر (مترجم) ناشر: ققنوس - 18 تیر، 1386

5 شهرستان‌های ایرانشهر

ویژگی اثر : انتشارات فردا- 1381

6 طلوع و غروب یک امپراطوری (ساسانی)

ویژگی اثر : لندن 1386

7 مطالعات ایرانی در مکاتبات حروف W.B ,S.H

ویژگی اثر : تهران- 1385

8 معرفت روح (مقاله ای بر خاطرات احمد تفظیلی دریایی و م.امید سالار)

ویژگی اثر : انتشارات فردا 1383

دزفولی موسوی، عبداللّه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1256 -1158 ق)، مورخ و شاعر، متخلص به داعی. از فرزندزادگان خواجه علی سیاهپوش بود. او در محضر سید محمدباقر حجةالاسلام اصفهانی و آقا محمد بیدآبادی تلمذ کرد. از جمله آثار وی: «تاریخ مظهرالدوله»، در رویدادهای خوزستان و بقاع دزفولی و احوالاتی از آن سامان؛ «مجمع الابرار و تذکره الاخیار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 771 -770 /13)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (904 -903 /2).

دشتکی شیرازی هروی، جمال‌الدین امیر عطاءاللّٰه

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 926 -917 ق)، محدث، مورخ و شاعر. ملقب به جمال حسینی و معروف به امیر جمال‌الدین محدث اصیلی به جهت شاگردی امیر اصیل. وی پسر عم امیر غیاث‌الدین منصور و از بزرگان حدیث روزگار خود بود و در دیگر علوم دینی دستی توانا داشت. در مدرسه سلطانیه هرات تدریس می‌کرد، و بر منبر خطبه می‌خواند و آشکارا تبعیت خود را از ائمه اطهار (ع) اعلام می‌داشت. وی چندی در نیشابور زیست. از آثار وی: «احوال اولاد امیرالمومنین (ع)»؛ «الاربعون حدیثا من حادیث سید المرسلین فی مناقب امیرالمومنین (ع)»؛ «تحفه الاحباء»؛ «روضه الاحباب فی سیره النبی و الال و الاصحاب»، که به خواست امیرعلیشیر نگاشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (145/8)، الذریعه (286 -285 /11 ،124/6 ،409/3 ،480/2 ،421/1)، روضات الجنات (189/5)، ریاض العلماء (316 -315 /3)، ریحانه (369 -367 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 140/10)، فارسنا مه‌ی ناصری (1138 ،1057 /2)، فوائد الرضویه (263/1)، الکنی و الالقاب (154/2)، مؤلفین کتب چاپی (74/4)، معجم المؤلفین (285/6)، هدیه الاحباب (120).

دشتی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد دشتی
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
سال اول راهنمایی را در خرداد ماه 1356 در شرایطی در شهر نیشابور به پایان رساندم که از طرف مدرسه راهنمایی ناصری جهت شرکت در اردوی تابستانی رامسر با هزینه دولت دعوت شدم. این دعوت که نوعی پاداش محسوب می‌شد و از هر مدرسه تنها یک نفر به این اردو دعوت میشد برای بنده به عنوان یک نوجوان روستایی بسیار مطلوب و مسرت بخش بود ولی منوط به اجازه پدرم بود لیکن پدرم به رغم اینکه جهت امضای رضایت نامه به شهر آمد به جهت مسائلی که پیش آمد و در واقع از الطاف خفیه الهی بود به من اجازه شرکت در این اردو را نداد گمان میکنم اگر در آن اردو که گفته می‌شد با حضور ولیعهد طاغوت برگزار می‌شود شرکت کرده بودم طلبه نمی‌شدم. به هرحال با آغاز سال تحصیلی 56 – 57 بنده به والدینم عرض کردم دیگر به مدرسه نمی روم و اگر بناست درس بخوانم می‌خواهم به حوزه علمیه بروم که این تقاضای بنده با استقبال پدر و مادرم مواجه شد و از مهرماه 1356 در حالی که در شهرهای مثل نیشابور و حتی شهرهای بزرگتر کمترین نفسی علیه حکومت به گوش می‌رسید و جو خفقان و پلیسی بر همه جا حاکم بود ، وارد حوزه علمیه کهنسال نیشابور یعنی مدرسه گلشن شدم طولی نکشید که در پی درگذشت مشکوک مرحوم حاج آقا مصطفی و برگزاری مجالس ختم آن مرحوم و در همان حال دست به دست گشتن عکسها و نوارهای سخنرانی حضرت امام ره فضای سیاسی کشور ملتهب و رفته رفته راهپیماییهای خیابانی و سخنرانی های اعتراض آمیز علیه طاغوت آغاز گردید که بنده نیز همچون دیگر طلاب و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه در این برنامه شرکت می‌کردم تا اینکه انقلاب اسلامی به صورتی غیر مترقبه و تنها در سایه الطاف الهی و به گونه ای معجزه آسا به پیروزی رسید لحظاتی آنچنان شیرین و معنوی و به یاد ماندنی که قلم و زبان از بیان آن قاصر

است. مهرماه 1357 در حالی که انقلاب به اوج خود نزدیک می‌شد وارد حوزه علمیه جدید التاسیس فضل بن شاذان شدم که از نظم و فعالیت علمی بهتری برخوردار بود و تا سال 1360 در این مدرسه به تحصیل مشغول بودم و در همان حال با شروع جنگ تحمیلی آموزشهای نظامی را به طور محدود توسط برادران سپاهی فرا گرفتم. سال 1360 وارد حوزه علمیه مشهد شدم ولی شلوغی مشهد و عوامل مزاحم تحصیل آزارم می‌داد لذا از سال 1361 با راهنمایی برخی دوستان و اساتید وارد حوزه علمیه مهدیه خوانسار شدم که از نظم و شرایط تحصیلی بسیار مطلوبی برخوردار بود گرچه به دلیل ناهمخوانی دروس ناچار به تکرار برخی دروس شدم که البته خالی از فایده هم نبود در همان سال 61 معمم شدم و برای نخستین بار جهت تبلیغ به جبهه رفتم واز آن پس تا پایان جنگ در ایام تبلیغ و در طی فرصت هایی که پیش می‌آمد جهت ادای وظیفه شرعی خود به جبهه اعزام می‌شدم. در سال 1364 در حالی که بخشی از رسائل و مکاسب را خوانده بودم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و در کنار دروس عمومی حوزه در موسسه در راه حق شرکت کردم و در همان حال در رشته ادبیات و علوم انسانی از آموزش و پرورش دیپلم گرفتم دوره لیسانس الهیات و معارف اسلامی و فوق لیسانس رشته تاریخ را در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذراندم و از سال 1380 پس از طی مراحل کنکور و گزینش در همان موسسه به گذراندن دوره دکتری رشته تاریخ اسلام مشغول شدم که اینک رو به پایان است. در طی این سنوات از سال 1368 به طور مرتب در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و به مدت یک سال در درس خارج فقه مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ره و یک سال درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. از سال 1378 به جهت کثرت اشتغالات درسی و پژوهشی در رشته تاریخ دروس خارج حوزه را ترک کردم. درطی دوران طلبگی چه نیشابور و چه در مشهد و چه در خوانسار کم و بیش در زمینه دروس حوزوی (صرف و نحو و منطق) تدریس داشتم پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد تاریخ در نهادهای مختلف حوزه علمیه قم نیز به کار تدریس و پژوهش و راهنمائی پایان نامه های طلاب و دانش پژوهان اشتغال داشته و دارم .

دقیقی شاهرودی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه علمی
مهدی دقیقی شاهرودی از سن 14 سالگی مطالعات دینی خود را آغاز نمود و در سن 16 سالگی در حالی که در دبیرستان مشغول به تحصیل بود تحصیلات خود را رها نمود وپس از قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه قم به صورت طلبه رسمی وارد حوزه علمیه قم گردیدو تحصیلات خودرا در محضر مدرسان بزرگ علوم دین آغاز نمود.وی صرف ونحو،معانی وبیان،منطق و معقولات،عقاید و ادیان،ادبیات فارسی،فقه واصول وعلوم حدیث و علوم مختلف دینی را از محضر مدرسان فرهیخته حوزه فرا گرفت .دغدغه همیشگی او عدم استفاده از علوم فراگرفته توسط علما وطلاب و جاری نشدن علوم دینی در سطح جامعه بود ،او معتقد است اگر فردی علوم را کسب نماید اما آن را به دیگران نیاموزد ودیگران نیز از علوم او استفاده نکنند آن فرد عالم نیست و با جهال تفاوتی ندارد.و از سوی دیگر عدم حضور دانش آموختگان حوزه در جامعه زمینه ورود دزدان اعتقادات را فراهم می آورد. از این رو در خلال تحصیل از قم به مناطق مختلف از جمله زادگاه خودتهران سفر می نمود و در حلقه های مختلف درس و گفتگوی دینی با جوانان، نوجوانان و دانشجویان به انتقال یافته های خود می پرداخت .او پس از چندسال کسب فیض از علما وفحول حوزه خود به تحقیق و تحصیل پیرامون معارف دین پرداخت و برای موفقیت هرچه بیشتر برای یافتن راه صحیح سلوک دینی تحقیقات خود را آغاز نمود و گوهر گمشده وجود خود را در "حوزه نجف "و سرآمدان آن حوزه کهن یافت و از این رو برای شناخت "ریشه های علم" و"عالمان آن سامان" به مسافرتهای مکرربه آن دیار پاک و تحقیقات گسترده درباره آن حوزه کهن دست یازید.نتیجه تحصیلات و تحقیقات دینی و تلاشهای علمی وی در حوزه معارف دین ارتباط تنگاتنگ با مجتهدین و عالمان فرهیخته حوزه و کسب اجازات مختلف از آن بزرگواران بود. او در خلال مطالعات دینی تحصیلات کلاسیک خود را نیز ادامه داد و مدرک دیپلم و پیش دانشگاهی خود را نیز دریافت نمود و در مقاطع ورشته ای مختلف دانشگاه نیز پذیرفته شد اما محصور شدن در نظام آموزشی حوزه و دانشگاه مطلوب او نبود و تحقیقات آزادانه و همراه با حریت در حوزه مسائل دین را برای خود برگزید که حاصل آن چندین سال تدریس،تحقیق و تبلیغ در حیطه مباحث

دینی می باشد. وی نشر فضایل و علوم اهل بیت علیهم السلام،پاسخگویی به مسائل شرعی،شرکت در مناظرات دینی،مسافرتهای تبلیغی ،اداره سایتهای اینترنتی دینی،تدریس در دانشگاه وحوزه،نوشتن و تهیه مقالات مورد نیاز جامعه،رفع اختلافات عموم طبقات جامعه،سخنرانی وبرگزاری مراسمات و بزرگداشتهای دینی،مقابله جدی با منحرفان و شبهه افکنان دینی و ...وظایفی است که به عنوان یک طلبه برای خود مقرر نموده است.

دکنی، رحیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1226 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه می‌زیست. از آثار وی: صورت نقاش، رحیم دکنی است، با رقم: «15 ربیع‌الثانی 1226- شبیه خود را از دست خود کشیده غلام رحیم دکنی»؛ قلمدان نفیسی که تصاویر افرادی را در سه مدالیون مختلف نقاشی کرده و در بالا و پایین آنها مناظر دل‌انگیز و مجلس‌آرایی ارائه داده و حواشی قلمدان گل و مرغ ریز دارد، با رقم: «رحیم دکنی 1225».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (184/1).

دلشاد، فیض‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1362 -1292 ش)، سازنده‌ی ساز و نوازنده. در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمد. پدرش نوازنده‌ی ضرب بود و در ساخت و تعمیر لوازم و آلات موسیقی دست داشت. فیض‌اللَّه در سالهای اول تاسیس رادیو با خواننده‌های معروف زمان خود همراهی می‌کرد. او بیشتر فعالیت خود را صرف هنر سازسازی می‌کرد و سازهایی که از وی به جا مانده، از بهترین کارهایی می‌باشد، که نزد بهترین نوازندگان و در بزرگترین موزه‌های دنیا موجود است.[1]
سازنده‌ی ساز.
تولد: 1292، تهران.
درگذشت: 1362.
فیض‌الله دلشاد ملقب به «استاد»، فرزند ابراهیم دلشاد سازنده‌ی آلات موسیقی، بود. پدرش وی را تشویق کرد که به یادگیری موسیقی اصیل ایرانی بپردازد. فیض‌الله دلشاد، در سال‌های اول تأسیس رادیو که به صورت زنده پخش می شد، با خواننده‌های زمان خود همراهی می کرد. وی گوشه‌گیر و دور از جنجال و شهرت و از طرفی علاقه‌مند به ساخت و تعمیر سازها بود، بیشتر فعالیت خود را صرف این هنر و صنعت کرد. او در حد توانایی خود، سازهای بسیاری ساخته است و سازهایی که از او به جا مانده است نزد بهترین نوازندگان و در بزرگ‌ترین موزه‌های دنیا موجود است.
مرحوم فیض‌اللَّه دلشاد ملقب به استاد به سال 1292، در خانواده‌ای هنرمند و هنردوست پا به عرصه وجود نهاد. پدرش زنده یاد ابراهیم‌خان در خیابان سیروس جنب حمام کشوری مغازه تعمیر و ساخت لوازم و آلات موسیقی داشت که آن زمان عبارت بود از تار و کمانچه و ضرب چوبی و گلی و دایره زنگی و دایره قفقازی و لوازن خیمه شب بازی و سیاه بازی.
ابراهیم‌خان خود نوازنده ضرب بود و پدرش مرد خابلند هم سه‌دانگ صدایی خوش داشت و به قدری به موسیقی اصیل و سنتی ایران علاقه‌مند بود که نه تنها پسران خود را به فراگیری علم موسیقی تشویق می‌کرد بلکه مشوق دیگران هم برای یادگیری موسیقی اصیل ایران بود. به همین سبب پسران وی علاوه بر آشنایی کامل با موسیقی سنتی ایران همگی دارای کارگاه تعمیر لوازم و آلات موسیقی و مغازه فروش سازهای مختلف بودند

و از راه این صنعت و هنر، روزگار میگذرانیدند.
فرزندان ابراهیم‌خان، عبارت بودند از سلیمان‌خان، مهدی، نشاط و دلشاد که در میدان بهارستان مغازه داشتند و خرید و فروش انواع و اقسام سازهای مختلف ایرانی و خارجی را انجام می‌دادند و در ضمن به تعمیر و مرمت آنها هم می‌پرداختند.
مرحوم فیض‌اللّه دلشاد، در سالهای اول تأسیس رادیو که هنوز به صورت زنده پخش می‌شد و محل آن در (بی‌سیم قصر) بود با خواننده‌های معروف زمان خود همراهی می‌کرد. وی گوشه‌گیر و دور از جنجال و شهرت و از طرفی علاقه‌مند به ساخت و تعمیر سازها بود، بیشتر فعالیت خود را صرف این هنر و صنعت کرد. او در حد توانایی خود، خدمات ذی‌قیمتی به موسیقی و هنر سازسازی کرد و سازهایی که از او به‌جای مانده، از بهترین کار دست می‌باشد و نزد بهترین نوازندگان و در بزرگترین موزه‌های دنیا موجود می‌باشد. وی در سال 1362 دار فانی را وداع گفت در حالی که در هنر موسیقی کشور خود و خدمت به آن کارنامه‌ای گویا و بارز از خود به‌جای گذارد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] مردان موسیقی (363 -362 /3).

دوران، بهزاد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهزاد دوران تحصیلات ابتدایی خود را در شهرستان کرج آغاز نمود و با قبولی در رشته پالایشگاه شیمی وارد دانشگاه شیراز شد. ایشان با تغییر رشته خود به جامعه شناسی کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته جامعه شناسی کسب نمود. وی با تدریس در دانشگاههای آزاد و دولتی فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد و به عنوان رئیس پژوهشکده علم سنجی و تحلیل اطلاعات و مدیر گروه پژوهشی جامعه اطلاعاتی به فعالیت خود ادامه می دهد. ایشان مقالات زیادی در سمینارها و مجلات و میزگرد ها به چاپ رسانیده است و مولف 2 کتاب درسی می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : بهزاد دوران دوره ابتدایی خود را در مدرسه خندان در کرج به سال 1357 دوره راهنمایی را در مجتمع آموزشی قلم در سال 1360 در کرج کارشناسی مهندسی شیمی (صنایع پایشگاه نفت) در دانشگاه شیراز در سال 1369 کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس 1375 مقطع دکترا در رشته جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس 1381 مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهزاد دوران در گروه پژوهشی جامعه اطلاعاتی فعالیت می کند. - مدیر گروه پژوهشی تحلیل اطلاعات - دبیر شورای پژوهش -عضو شورای نظارت و ارزیابی - عضو شورای برنامه ریزی استراتژیک فعالیتهای آموزشی : بهزاد دوران در دانشگاه های دولتی و آزاد تهران و شهرستانها به تدریس دروس مختلف فعالیت داشته است. همچنین: - به عنوان مدیر گروه پژوهشی فناوری اطلاعات با رویکرد اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ،1382-84 - عضو گروه پژوهشی کالاهای فرهنگی غیر مجاز پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).1383 - عضو گروه پژوهشی رسانه های دیداری - شنیداری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)،1382 - کارشناسی ارزیابی طرح های پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، 81-1376 - عضو شورای برنامه ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی_ وزارت آموزش و پرورش)، از خرداد 82 عضو شورای برنامه‌ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسیِ سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد 1382. - عضو گروه علوم انسانی پژوهشکدهٔ برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد 1383. - عضو شورای سردبیری کتاب ماه علوم اجتماعی. از دی ماه 1381. - عضو انجمن انسان‌شناسی ایران. از آبان ماه 1383. - عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران. از آذر ماه 1381. - عضو انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران. از اردی‌بهشت ماه 1380. - دبیر هم‌اندیشی «رسانه‌ها، فناوری اطلاعات و جهانی شدن». موسسه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند (سازمان ملی جوانان). دی ماه 1382. - مشاور علمی ویژه نامهٔ جامعه اطلاعاتی، نمایه پژوهش، سال چهارم، شماره 15، 1379. - مشاور کمیتهٔ حقوقی صدا و سیما ج.ا.ا. 1378. - کارشناس پژوهش اجتماعی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. 75-1374. - مشاور کمیتهٔ اجتماعی، معاونت آب وزارت نیرو. 1375. - منشی کمیسیون اطلاع رسانی شورای تحقیقات علمی کشور. 1374. - دبیرنامه (خبرنامه دبیرخانه شورای پژوهش). مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. 79-1378. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بهزاد دوران به عنوان داور و ناظر پایان نامه های دوره (کارشناسی ارشد و کارشناسی و دکترا) می باشد و با طرحهای تحقیقی و پژوهشی سازمانها و پژوهشگاهها فعالیت دارد.جوائز و نشانها : 1- لوح تقدیر از رئیس جمهوری آقای محمد خاتمی برای برگزیده شدن رساله دکترا به عنوان پژوهش برگزیده در هشتمین دوره پژوهش فرهنگی سال 82-1381. آذر 1382. 2- لوح تقدیر از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای احمد مسجد جامعی به عنوان پژوهشگر برگزیده. بهمن 1382. 3- لوح سپاس از رئیس سازمان ملی جوانان آقای رحیم عبادی به عنوان برگزیدهٔ نخستین فراخوان آثار پژوهشی. اسفند 1382.چگونگی عرضه آثار : از آثار بهزاد دوران انتشار 24 مقاله در مجلات، 10 مقاله در سمینارهای داخلی و خارجی و همچنین انتشار مقاله در 2 میزگرد تخصصی می باشد.آثار : پالایش نفت ویژگی اثر : تهران: انتشارات کاوش قلم ، 13802 علوم اجتماعی ویژگی اثر : در مورد جامعه شناسی نظام جهانی، دوره پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی، با همکاری احمد رجب زاده ، تهران: شرکت چاپ ونشر کتابهای درسی ایران ، وزارت آموزش و پرورش 1384

دولابی، ابوبشر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(320/310 -234/224 ق)، حافظ، محدث و مورخ. وی از دولاب ری بود و پیشه وراقی داشت. در زادگاهش به علم‌آموزی پرداخت و در شام و عراق و حجاز حدیث شنید و در مصر مسکن گزید. وی از محمد بن بشار و احمد بن ابی‌سریج رازی و احمد بن عبدالجبار عطاردی و ابواسحاق جوزجانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوحاتم رازی و ابواحمد بن عدی و ابوالقاسم طبرانی و ابوالحسن بن حیویه و ابوحاتم ابن‌حبان بستی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دولابی در راه زیارت خانه خدا، بین مکه و مدینه، در عرج، درگذشت. وی تصانیف سودمندی در تاریخ و موالید و وفیات علما از خود به جای گذاشت که از آن جمله کتاب «الکنی و الاسماء» است که در حیدرآباد هند به چاپ رسیده است. از دیگر آثار او: «الذریه الطاهره»؛ «اخبار الخلفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (198/6)، ری باستان (347/2)، ریحانه (239/2)، سیر النبلاء (309/14)، کشف الظنون (1419، 827)، الکنی و الالقاب (236/2)، لسان المیزان (652 -651 /5)، لغت نامه (ذیل/ ابوبشر دولابی)، معجم المؤلفین (255/8)، الوافی بالوفیات (36/2)، وفیات الاعیان (353 -352 /4)، هدیه العارفین (31/2).

دولت‌آبادی، میرزا یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1241 ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مورخ، شاعر. در دولت‌آباد اصفهان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در پنج سالگی به تحصیل خط و سواد مشغول شد از سال 1251 ش که یازده ساله بود به اتفاق خانواده‌اش چندین سفر به عراق عرب، خراسان و تهران کرد و در سال 1260 ش به اصفهان بازگشت و در همین شهر با میرزا آقای کرمانی و شیخ احمد روحی ملاقات کرد. مجددا به عراق رفت و در حوزه درس میرزای شیرازی و محمدتقی شیرازی شرکت کرد و بعد از بازگشت به ایران در اصفهان و تهران نیز در محضر میرزا ابوالحسن زواره‌ی اردستانی، معروف به میرزای جلوه به تحصیل پرداخت. در سال 1276 ش به استانبول رفت و در آنجا با میرزا حسن خان دانش اصفهانی و حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای آسنا شد و در همین شهر به همکاری دهخدا روزنامه فارسی «سروش» را دایر کرد. دولت‌آبادی در سال 1287 ش به تهران آمد و در چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، وی مسافرتهایی نیز به کشورهای اروپایی داشت. در تهران به سکته‌ی قلبی درگذشت. دولت‌آبادی از پیشروان معارف جدید ایران است که هم شعر می‌گفت و هم رمان و داستان می‌نوشت. از آثار وی: داستن «شهرناز»؛ «شجره طیبه»؛ «دوره زندگانی یا غصب حق اطفال»؛ «تاریخ معاصر یا حیات یحیی»؛ «حقیقت راجع به قرارداد مجلس»؛ «نهال ادب»؛ «ارمغان یحیی»؛ «شرح حال میرزا تقی خان امیرکبیر».[1]
سال تولد: 1241
فوت: 1318
آثار: کتاب شجره طیبه؛ کتاب علی؛ دوره زندگانی یا غضب حق اطفال؛ ارمغان یحیی؛ نهال ادب ایران (شعر)؛ راهنمای انتخاب حقایق؛ تذکر حقیقت؛ داستان شهر ناز؛ سرگذشت درویش چنته؛ لبخند فردوسی؛ کنگره نژادی؛ کتاب اردیبهشت- دو جلد (شعر)؛ شرح احوال قائم‌مقام فراهانی؛ اصفهان و بیگانگان؛ مکتوب به آکادمی تربیت (ترجمه)؛ اراده (ترجمه)؛ آئین در ایران؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب؛ حیات یحیی، 4 جلد؛ لاوره پرس (کنفرانس)؛ حقایق؛ حقیقت راجع به قرارداد مجلس
مناصب: کارمند دولت- نماینده مجلس شورای ملی- رئیس نشریات وزارت معارف- سرپرست محصلین ایرانی در بلژیک- نماینده ایران در

کنگره بین‌المللی نژادی در لندن
میرزا یحیی بن حاج سید هادی دولت‌آبادی در سال 1241 هجری شمسی در قریه دولت‌آباد متولد شده و بعد از تحصیلات مقدماتی به عراق، مصر و حجاز رفته و در انقلاب مشروطه از پیش‌قدمان تغییر رژیم بود. در ظهور استبداد صغیر به استانبول تبعید شد بعداً به تهران آمد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به وکالت نامزد شد. وی نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن بود و در مدت توقف سه ساله در اروپا به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و در مراجعت به ایران به عضویت وزارت معارف منصوب گردید. وی در تأسیس مدارس جدید خدماتی کرده و از پیشروان معارف جدید شمرده می‌شود، ایشان در سال 1318 در تهران وفات یافت.
یحیی (حاج میرزا)، از رجال دوره اخیر(ف. 1318 ه.ش.). وی از پیشقدمان آزادی و مروج فرهنگ جدید بود و چند دوره در مجلس شورای ملی سمت نمایندگی داشت. از آثار اوست: کتاب «علی» برای کودکان، «حیات یحیی» در تاریخ معاصر.
برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
منابع زندگینامه :[1] از صبا تا نیما (2/ 271- 274)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (3/ 232- 242)، سرآمدان فرهنگ (1/ 293- 294)، سخنوران نامی ایران (2/ 524- 532)، سخنوران نامی معاصر (6/ 3962- 3966)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (2/ 904، 954، 1006)، مؤلفین کتب چاپی (6/ 828- 830).

دهگان، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب، محقق.
تولد: 1307 ق.، روستای مرزجران اراک.
درگذشت: 25 مرداد 1363.
ابراهیم دهگان، فرزند غلامعلی، در سال‌های کودکی نوشتن و خواندن را در مکتبخانه روستا فراگرفت و تا اوایل جوانی به کشت و کار مشغول بود، تا حدود جنگ بین‌الملل اول در آن روستا زندگی کرد تا این که در آغاز جنگ به سربازی رفت. سپس به مدرسه آقا ضیاءالدین اراک رفت و در سلک طلاب وارد گردید و تا سال 1347 ق. به تحصیلات خود ادامه داد و بعد از سال 1330 تا 1337 به کار تعلیم اشتغال داشت. در ضمن به کار تحقیق نیز پرداخت و مطالبی تدوین نمود که پاره‌ای از آنها چاپ شده است. در سال 1307 به خدمت فرهنگ درآمد و به کار آموزش روی آورد. رشته‌ی تحصیلی وی، علوم قدیمه بود که آن را در محضر استادانی چون آیت‌الله ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی فراگرفته بود. اما احاطه‌ی او در رشته‌هایی چون تاریخ، جغرافیا، ادبیات فارسی و عربی، لغت‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی، صرفا به واسطه‌ی مطالعه‌ی شخصی خودش بود و نزد استادی تعلیم ندیده بود. وی کمابیش در این رشته‌ها صاحب بیست جلد تألیف بود. زمینه‌ی کار وی بیشتر تاریخ و جغرافیا بود و بیشتر آثاری که از او به یادگار مانده است در همین زمینه است. وی همچنین به گردآوری کتب خطی اهتمام می‌ورزید. وقتی درگذشت، فرزندانش کتاب‌های وی را که حدود 2500 جلد کتاب چاپی و کمابیش 250 جلد نسخه دستنویس خطی نفیس بود. به کتابخانه‌ی ملی اراک اهدا کردند. عمده‌ترین تألیفات وی به این شرح است: تاریخ اراک (دو جلد، اراک جلد اول، 1329، جلد دوم، 1330)؛ تصحیح و تحشیه عباسنامه (تألیف محمدطاهر قزوینی، اراک، 1329)؛ نور مبین (در تاریخ مهاجرت مؤلف، از حجت‌الاسلام نوالدین عراقی، ترجمه از عربی به فارسی یا الحاقات، اراک 1332)؛ تصحیح و تحشیه تاریخ صفویان (اقتباس از خلاصة‌التواریخ و تاریخ ملا کمال، اراک، 1332)؛ تصحیح و تحشیه تاریخ الدخانیه (یا قرارداد رژی، از شیخ حسن کربلایی، 1333)؛ ملخص تاریخ نو (از سلطان یعقوب‌خان انجدانی معاصر عباس میرزا، اراک، 1332)؛ جمع‌آوری رباعیات بابا طاهر عریان؛ تاریخ ارمنستان (از موسی خورون؛

ترجمه آواساپیان، نگارش ابراهیم دهگان، اراک، 1331)؛ گزارش‌نامه یا فقه‌اللغة اسامی امکنه (در مطلع کتاب گرجنامه یا تاریخ آستانه (اراک، 1342)؛ سازمان فرهنگ اراک و شرح حال ده تن از مردان نامی اراک (اراک، 1339)؛ کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک (تاریخ انجدان، سادات اسماعیلیه و فهرست‌وار وقایع شهرستان اراک از 1271 تا به عصر حاضر، اراک، 1345).
برخی از مطالب به چاپ نرسیده وی به این شرح هستند: اشعار محلی اراک؛ گندآوران اراک؛ چشمه‌های اراک (بخشی از آن در مجله «روشندل» به مدیریت دکتر محمد خزائلی به چاپ رسیده است)، کیسه‌ی کرفه (شامل هزار مطلب علمی، ادبی، لغوی، اجتماعی، تاریخی و جفرافیایی).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

دهلوی، شاه ولی الله

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به « شاه ولی الله دهلوی » و « محدث دهلوی » (1114 ـ 1176 ق / 1753 ـ 1762 م) دانشمند مسلمان (قرآن شناس ، حدیث پژوه ، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر / اصلاحگری عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره ی هند ، (متولد و متوفی و مدفون در دهلی) .
وی دارای آثار عدیده ، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبانهای دیگر ترجمه شده است . اولین معلم او پدرش شاه [کلمه ی شاه ، لقب طریقتی / عرفانی است] عبدالرحیم عمری (م 1131 / 1719 م) ، موسس و مدیر مدرسه ی علمیه ی رحیمیه در دهلی بود . معروف است که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد . در پانزده سالگی به توصیه ی پدر به طریقت صوفیانه ی نقشبندیه وارد شد . سپس استاد و مدیر مدرسه ی پدر گردید .
در سال 1143 به حج رفت و این فریضه ی دینی واجب را به جای آورد ؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین ، به ویژه مدینه رحل اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آنجا به تجدید و توسعه ی آموخته های خود ، به ویژه در زمینه ی حدیث پرداخت .
در سال 1145 ق / 1732 م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تالیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد . یک دهه ی بعد ، اثر گران سنگ علمی ـ اجتماعی خود حجت الله البالغه را به عربی نوشت (چاپ قاهره ، 2 جلد ، 1952 ـ 1953) . در این کتاب صلای احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه ی فرهنگ و علوم اسلامی ، با تاکید بر قرآن و حدیث ، و نیز چاره اندیشی های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است . نگرش و اندیشه ی صوفیانه ی او ته رنگی در آثارش دارد و هدفش به بار آوردن تهذیب نفس و وسعت مشرب است ، و در هر حال برجسته و موکد نیست .
تجددگرایان مسلمان نظیر علامه محمد اقبال لاهوری (م 938) و فضل الرحمن (م 1988) در او شخصیت وحدت بخش تفرقه ها و تحزب ها و فرقه گرایی های فقهی / حقوقی و ایدئولوژیک می دیدند که دعوتگر به

اجتهادی نوین است و روی آوردن به باطن کتاب و سنت .
او دارای زندگینامه ی خودنوشت کوتاهی به نام الجزء اللطیف فی ترجمه ی العبد الضعیف (به فارسی) است و در کتاب انفاس العارفین هم اشارات زندگینامه ای دارد . نهضت فرهنگی و اجتماعی ـ سیاسی ای که او ، فرزندان (به ویژه عبدالعزیز از میان پنج پسرش) و شاگردانش به بار آورند ، به تعبیر عبیدالله سندی (م 1944) « نهضت ولی الله » نام گرفت . پس از تاسیس پاکستان و استقلال آن ، شاه ولی الله به صورت قهرمان ملی و متفکر سیاسی ـ اجتماعی تلقی شد ؛ و به او همان شأنی را دادند که به عارف مسلمان هندی و مصلح دینی ـ اجتماعی قرن هفدهم میلادی یعنی شیخ احمد سرهندی داده بودند . امروزه ، چنان که اشاره شد ، نهضتهای بزرگ دینی اسلامی در گستره ی جنوب آسیا ، به ویژه گروهی به نام دیوبندی Deobandis ـ که تکثرگرایی و روحیه و پیش زمینه ی عرفانی دارند ـ خود را ملهم از آراء و آثار شاه ولی الله و فرزندش شاه عبدالعزیز می دانند . جنبش هایی که کما بیش صوفی / تصوف ستیزند ، نظیر اهل حدیث ، حتی پیروان مولانا مودودی ، در زندگی و آثار شاه ولی الله ، بازگشت به مبانی اصلی شریعت ، طرد سیاسی تاثیرات و نفوذ فرهنگی / استعماری بیگانه ، و در یک کلام ، سرچشمه ی اعتقادات اصلاح طلبانه ی خود را می یابند . در زمان حیات شاه ولی الله ، مخالفتهای فرقه های نژادی غیرمسلمان هندی نظیر « جات » و « مراتهه » ، و قهراً پس از وفاتش اشغال و استعمار انگلستان در کار بود . نواده ی او شاه اسماعیل شهید با وجود تلاش برای برانداختن رسوم خرافه آمیز محلی بعضی از توده های مسلمانان ، و نیز اعتقاد به لزوم جهاد با نیروهای غیرمسلمان و اشغالگر هند ، در عین حال ـ مانند جدش شاه ولی الله ـ دارای آثار عرفانی بر وفق مکتب بن عربی است . دسته ی دیگری از پیروان او که برجسته ترین آنها شاگرد و خویشاوند نزدیک او محمد عاشق (م 1773) بود ، در عمل ، پیگیر گرایشهای عرفانی شاه ولی الله شدند .
شاه ولی الله مردی کوشا و کثیرالتالیف بود . آثار او را تا یکصد کتاب و رساله هم برشمرده اند که در حدود سی اثر از آنها به چاپ رسیده (و بقیه یا به صورت نسخه ی خطی است یا از بین رفته است) . آثار او به دو زبان عربی ـ زبان رسمی و علمی سراسر جهان اسلام از آغاز تا امروز ـ و فارسی ـ زبان رسمی و ادبی هشتصد ساله ی هندوستان از عهد غزنویان تا استعمار بریتانیا ـ نوشته شده است .
بعضی از آثار فارسی او (که در آن زمان ، زبان ادبی و رسمی / اداری هند بود) عبارتند از :
1 ـ الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس (چاپ هند ، 1964 م)
2 ـ الانتباه فی سلاسل اولیاء الله

3 ـ اتحاف النبیه فی ما یحتاج الیه المحدث و الفقیه (لاهور ، 1969 م) .
و مهمتر از نظر بحث و تحقیق ، آثار قرآن پژوهی اوست که برجسته ترین آنها عبارتند از :
4 ـ فتح الرحمن فی ترجمه ی القرآن که پایان ترجمه و پاکنویس آن به تصریح خود شاه ولی الله در 1151 ق / 1738 م بوده و در کراچی و بعشی شهرهای هند کراراً چاپ شده و بحث درباره ی آن موضوع اصلی این مقاله است .
5 ـ الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که رساله ای کم حجم و پر مغز درباره ی اصول و مبانی تفسیر قرآن است که هم به مسائل زبانی / ادبی و بلاغی و هم عناصر و ارکان و اصول تفسیر نگاری در پنج مبحث و بخش اصلی پرداخته است . (کراچی ، 1964 م) ترجمه ی عربی این کتاب در جهان اسلام (عرب زبان) اشتهار و به حق اعتبار دارد و تحت عنوان ترجمه ی الفوز الکبیر ... بارها در کراچی و کشورهای عربی به طبع رسیده است . ترجمه ی انگلیسی اش به کوشش گ . هـ . جلبنی (G.H.Jalbani) با عنوان The Principle of Quran Commentary انتشار یافته است (اسلام آباد ، 1985 م)
6 ـ المقدمه فی قوانین الترجمه رساله ای کوتاه و چاپ نشده در باب اصول و روشهای درست ترجمه ی قرآن است .
7 ـ نامه های فارسی او در چندین کتابخانه از کتابخانه های هند نگهداری می شود که گزینه هایی از آنها به اردو ترجمه و چاپ شده است . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

دیلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(509 -445 ق)، حافظ، محدث و مورخ. از محمد بن عثمان قومسانی و یوسف بن محمد مستملی، سفیان بن حسن بن منجویه. و ابوالفرج بجلی و احمد دینوری و بسیاری دیگر حدیث شنید. فرزندش شهردار و محمد بن فضل عطار و ابوطاهر سلفی و ابوموسی مدینی و عده‌ای دیگر از او روایت کردند. وی را از طبقه متوسط محدثان شمرده‌اند. از آثار وی: «تاریخ همدان»؛ «فردوس الاخبار»، حاوی ده هزار حدیث، که سیوطی «جامع صغیر» خود را به این روش تالیف داده؛ «ریاض الانس لعقلاء الانس فی معرفه احوال النبی (ص) و تاریخ الخلفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (268/3)، ایضاح المکنون (599/1)، بحارالانوار (25/1)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (164 -163 /1)، الذریعه (164/16)، ریحانه (250/2)، سیر النبلاء (295 -294 /19)، کشف الظنون (1254)، الکنی و الالقاب (239 -238 /2)، لغت نامه (ذیل/ شیرویه)، معجم المؤلفین (313/4)، الوافی بالوفیات (218 -217 /16)، هدیه الاحباب (137).

دیوان بیگی شیرازی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1241- وف بعد از 1313 ق)، تذکره‌نویس، مورخ. از اهالی محله‌ی میدان شاه شیراز بود و معاصر ناصرالدین شاه و دارای منصب ایشک آقاسی باشی بود. وی سفرهای مختلف به اقطار ایران داشت و در طی همین مسافرتها با بسیاری از شاعران دیدار کرد و شرح حال آنها را فراهم نمود و در نگارش تذکره بزرگ و نسبتا جامع خود «حدیقه الشعراء» بهره جست. در این تذکره بیش از 1500 تن از شاعران ایران در فاصله‌ی سالهای 1200 ق تا 1310 ق معرفی شده‌اند. آثا دیگر وی: «تاریخ یزد» یا «اخبار الیزد»؛ «کتابی در مصائب اهل‌بیت نبوت (ع)» و ذیلی بر کتاب «ریاض الجنه». وی در شیراز درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (74 -73 /2)، تاریخ تذکره‌های فارسی (457 -439 /1)، حدیقه الشعراء (مقدمه کتاب)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (213 -212 /1)، الذریعه (385/6)، شرح حال رجال (28 -27 /6)، مکارم الاثار (1140 -1139 /4).

ذاکری، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر ذاکرخمی
محل تولد : بردسکن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
این جانب علی اکبر ذاکری در سال 1338 در خانواده ای روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم . جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود . پدرم نیز روحانی است . تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال 1350 وارد حوزه علمیه کاشمر شدم . در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم . مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود . در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود . ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم . اساتیدم عبارت بودند از : حجج اسلام :1. حاج شیخ موذنی ؛ بخشی از جامع المقدمات 2. مرحوم علومی ؛ نصاب ، بخشی از جامع المقدمات ،شرح نظام و عروه الوثقی 3. حاج شیخ علی اصغر بلاغی ؛ صمدیه و سیوطی 4. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی ؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی 5. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر ایت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه 6. آقای فرقانی ؛ معالم 7. حاج شیخ جواد مدرسی ؛ تحریر المعالم که اخیرا چاپ شده بود ، بخش بدیع مختصر . طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول ، مسائل رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند .
آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر ، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد .پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال 1355 به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند

ساکن شدم . سپس در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم . در مدرسه حجتیه حجره گرفتم . در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت . دفتر تبلیغات هم کلاسهایی تشکیل میداد که در آنها اساتیدی مانند : آیت الله شهید بهشتی ، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند . در سال 1360 در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرک لیسانس دریافت نمودم . دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم . در سال 1362 سطح را امتحان دادم . در سال 1368 با بخش احیاء آثار دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کرده و در استخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم . در سال های 1367 تا 1369 با همکاری دوستان به استخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختیم که محصول آن در مجله حوزه منتشر شد . ازسال 1368 عضو مجله حوزه شدم که تا کنون 35 مقاله در این مجله و 8 مقاله در مجله فقه و همین مقدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشست ها و کنگره ها نگاشتم که برخی از آنها لوح افتخار جشنواره مطبوعات را به همراه داشت . افزون بر استفاده از اساتید در فقه ، اصول و فلسفه در دانشکده شهید محلاتی چند ترم نهج البلاغه تدریس کردم ودر مرکز تربیت نویسنده و محقق دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم . با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتاب سال جمهوری اسلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم . جهت تبلیغ به مناطق مختلف سفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب ، غرب و کردستان رفتم .

اساتید قم : تفسیر : آیات : مشکینی ، خزعلی ، معرفت ، اشراقی سطح : آیات و حجج اسلام : باکوئی ، وجدانی ،علی اصغر باغانی ، مدرس افغانی ، مصطفی نورانی ، صلواتی ، دوزدوزانی ،شیخ علی پناه اشتهاردی ، ستوده . خارج : آیات عظام : فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی ، منتظری ، تبریزی ، صانعی ، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی . فلسفه : آیات و حجج اسلام : انصاری شیرازی ، فیاض ، محمد علی گرامی .

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نقی ذبیح زاده روشن
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدید راهنمائی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذراندم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در سال تحصیلی 55 – 54 دو سال قبل از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیدم و با جمعی از دوستان در مدرسه ای واقع در گذر خان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضی حائری دروس مقدمات را گذراندیم و در سال دوم یعنی سال تحصیلی 56 – 55 وارد مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی بنام الوندیه واقع در چهار مردان درس سیوطی و سایر دروس جنبی را خواندیم. و ضمنا از دورس جامعه شناسی و روانشناسی تربیتی آقای دکترعلی قائمی که در بعضی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصیلی 57 – 56 وارد مدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صفائیه گشته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مدرسه از محضر استاد طالقانی و سایر اساتید معظم تلمذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحال مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند برومند امام خمینی (رض) مواجه گردیدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از الطاف خفیه حضرت حق بود موجب اوج گیری مبارزات مردم رشید ایران به رهبری امام گردید و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های
مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی 58 – 57 درس ها به صورت رسمی برگزار نمی شد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشغول بوده و در همان ایام مختصرا قسمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا

گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای 17 شهریور تهران، و جابجائی مهره های رژیم فاسد پهلوی نخست وزیران جمشید آموزگار، شریف امامی، ازهاری و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسلامی 22 بهمن سال 1357 و انتخاب و برقراری جمهوری اسلامی بودند. در سال تحصیلی 59 – 58 پس از تاهل به تحصیل لمعه و اصول فقه به صورت آزاد از محضر اساتید بزرگواری چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران اشتغال داشتم و در همان ایام از دروس ضروری و جنبی مربوط به شرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسیله آیات عظام آقایان مکارم شیرازی، سبحانی، مرحوم شهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسفی و تفسیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شناخت شناسی آیت الله مصباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی 60 – 59 پس از آغاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شبهات الحادی کمونیستی، امثال لیبرالی و ضد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام مند می گردید برسیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشیم. پس از اتمام شرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصیلی بعد دروس مکاسب محرمه و رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی 62 – 61 بخاطر نیاز جوامع علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگواری چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذراندیم. پس ازآن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم(ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دورس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال 74 پس از اتمام این

دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتررضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعدا دوره اختصاص آن در بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمنا در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود 12 سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در دست دارم برای سطح 4 موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب 4 جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود.از سال تحصیلی 74 – 73 در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعة الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام 1، 2، 3، 4 تاریخ اروپایی 1، 2، 3، 4 و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی(ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در 4 جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذهبی دزفولی، عین‌الدین حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مورخ و نویسنده. از جمله آثار وی: «تاریخ مختصر دزفول»، از پایان صفویان تا روزگار نگارنده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (901/2).

رادمنش، عزت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1306، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن اسلام، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی تاریخ و تمدن اسلامی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال 1349، کارشناسی ارشد از دانشگاه سوربن فرانسه، دکترا در تحلیل جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ از دیدگاه ابن‌خلدون از دانشگاه سوربن پاریس در سال 1355.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
نگارش تاریخ جنگ به مدت 4 سال با همکاری ارتش، بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، رزمی مدینه در زمان پیامبر، اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در عصر خسرو پرویز، دو سال پژوهش در دانشگاه الجزایر.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 12
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، تاریخ در قرآن.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 8، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تعاون در اسلام، انقلاب اکتبر 1917 و آراء متفکرین (یهود و انقلاب اکتبر)، فلسفه تاریخ، دیدگاههای جامعه‌شناسی در قرآن.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رازی صنعایی، ابوالعباس احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 460 ق)، مورخ. از آثار وی: «در السحابه فی مواضع وفیات الصحابه»؛ «تاریخ یمن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (458/1)، کشف الظنون (311 -310)، معجم المؤلفین (294/1).

رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 454 ق)، مقری. از آثارش کتاب «اللوامح»، در قراآت است. پاره‌ای از تذکره‌نویسان وی را با عبدالرحمان بن احمد بن حسن ابوالفضل عجلی رازی مقری، صاحب «جامع الوقوف»، یکی دانسته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ری باستان (318/2)، کشف الظنون (1567)، معجم المؤلفین (134/5)، هدیه العارفین (517/1).

رازی، حیدر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، مورخ. از آثار وی: «مجمع التواریخ» یا «تاریخ حیدری» یا «زبده التواریخ» که تاریخی عمومی از آغاز تا روزگار نگارنده است که از 1020 تا 1028 ق طول کشیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1725 ،1557 -1556 /5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (769/2)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (646/1).

رازی، محمد شریف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال 1300ش (1340ق) در خاندانی متدین در شهر ری به دنیا آمد. در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاحدید آیت‌اللّه شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از دروس آیت‌اللّه میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال 1333ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریسِ مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیفَ و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسبیه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهاوندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهتمامی خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثارُالحُجَّه یا دایرةالمعارف حوزه علمیه قم در 2 جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در 9 جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در 5 جلد و تعلیه بر بحارالانوار در 6 جلد و... از آن جمله‌اند. معظمٌله سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین 1379ش برابر با هفتم محرم 1420ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

راستگو، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سیدمحمد راستگو ، در سال 1335 ش در کاشان به دنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکترای رشتة قرآن و حدیث از دانشگاه تهران می باشد.وی سالهاست که در حوزه‌های ادبیات فارسی و عربی، علوم قرآنی، فلسفه و عرفان در حال پژوهش است.نامبرده یکی از مترجمان کتاب «بررسی تاریخی قصص قرآن»- برگزیده انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره بیست و سوم - می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : علوم قرآنیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد راستگو در سال 1362 لیسانس خود را از مدرسة عالی قم گرفت. دورة کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران گذراند و دکترای خود را در سال 1381 در رشتة قرآن و حدیث از همان‌جا گرفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید محمد راستگو سالهاست که در حوزه‌های ادبیات فارسی و عربی، علوم قرآنی، فلسفه و عرفان در حال پژوهش است.جوائز و نشانها : کتاب " بررسی تاریخی قصص قرآن" ترجمه سید محمد راستگو، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : حاصل تحقیقات سید محمد راستگو دهها مقاله چون: «احوال و آثار شیخ جام»، «نگاهی به شعر سبزواری»، «نگاهی نو به تأویل»، «راز هنری گونه‌گون خوانی‌های قرآن» «تفسیر عرفانی امام صادق (ع») می‌باشد.

_____

آثار : ایهام در شعر فارسی بررسی تاریخی قصص قرآن ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب بررسی تاریخی قصص قرآن بررسی تاریخی قصص قرآن / تألیف محمد بیومی مهران؛ ترجمة سیدمحمد راستگو و مسعود انصاری. - تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1383،4 جلد، کتابنامه. یکی از زمینه‌های قرآن‌پژوهی که از دیرباز کسان بسیاری بدان پرداخته‌اند و از دیدگاه‌های گوناگون دربارة آن پژوهش‌های بسیار کرده‌اند و کتاب‌های پرشماری نوشته‌اند، داستان‌های قرآن است؛ و به سخن درست‌تر، رویدادهایی تاریخی که در قرآن کریم از آنها یاد شده یا بدانها پرداخته شده است. با این همه در زمینة قرآن‌پژوهی - همچون دیگر

زمینه‌های آن - پیمانهٔ پژوهش هنوز پر نشده و ناگفته‌ها و روشن ناشده‌ها کم نیست. یکی از استوارترین گام‌هایی که در ایران راه برداشته شده و یکی از بهترین و گسترده‌ترین کارهایی که در این زمینه انجام گرفته، بی گمان تألیف دکتر محمد بیومی مهران است. او که استاد تاریخ دانشگاه اسکندریه است و دربارهٔ تاریخ کهن شرق به‌ویژه مصر و سرزمین‌های عربی دست توانا دارد و پژوهش‌های چندی انجام داده است، رویدادهای تاریخی قرآن کریم را به گستردگی و بایستگی به پژوهش گرفته است و کاری در خور و شایستهٔ پیشکش خوانندگان عرب زبان کرده است. او در این پژوهش برای هر چه آشکارتر ساختن رویدادهای تاریخی قرآن، با کوشش و کاوشی بسیار پردامنه و حوصله سوز، افزون بر قرآن کریم، کتاب‌های پرشمار تفسیری، حدیثی، تاریخی اسلامی - عربی، پژوهش‌های فرنگیان که بیشتر بر سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌های کهن استوارند، و نیز نوشته‌های کهن یونانی و رومی و همچنین تورات و انجیل را کاویده است، و با بهره‌گیری از این همه منابع گوناگون شرقی و غربی به‌ویژه سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها و پژوهش‌های باستان شناسانه، توانسته است دربارهٔ رویدادهای تاریخی قرآن کاری شگرف را سامان دهد و روشنایی بسیاری بر آنها بتاباند. از بخش‌های بسیار خوب و خواندنی کتاب، که هم در پژوهش جداگانه و هم به مناسبت در جای جای کتاب بدان پرداخته است، سنجش‌ها و مقایسه‌هایی است که میان داستان‌های قرآن و آنچه در آن باره‌ها در تورات و انجیل آمده انجام داده است و دوگانگی‌ها و ناسازی‌های آنها را باز نموده است و از این راه آشکار کرده است که سخنان آنان که گفته‌اند داستان‌های قرآن از تورات و انجیل گرفته شده، بسیار بی‌پایه است و به هیچ روی نمی‌تواند درست باشد. نویسنده رویدادهای تاریخی قرآن را از دیدی جغرافیایی بخش‌بندی کرده و رویدادهای هر منطقهٔ جغرافیایی را در جلدی جدا آورده است؛ رویدادهای جزیرةالعرب را در نخستین جلد، رویدادهای مصر را در دومین جلد، رویدادهای عراق را در سومین جلد و رویدادهای شام را در چهارمین جلد، و بررسی زندگی و تاریخ پیامبر (ص) را نیز به جلد پنجم وانهاده است 3 تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی تصحیح و تعلیق دیوان حافظ تلخ و خوش راز جاودانگی سکوک عارفانه عرفان در غزل فارسی منابع زندگینامه /http://www.iranologyfo.com:

راسخ، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن راسخ، یکی از صنعتگران و سازگران دیگر است که طی سالیانی چند در حرفه‌ی سازسازی فعالیت دارد. وی در تاریخ 1332 خورشیدی در تهران متولد شد و دوران کودکی را همراه سه خواهر کوچکتر از خود سپری نمود.
زندگی وی، از طفولیت با مشکلاتی توأم بود زیرا پدر او که با ساختن سنتور در منزل در کارگاهی کوچک مشغول بود و روزگار سپری می‌کرد، هنوز بیش از 10 بهار از سن فرزند خود محسن نگذشته بود که در خیابان بر اثر تصادف با اتومبیل جان خود را از دست داد و سرپرستی خانواده به عهده این طفل 10 ساله قرار گرفت.
آری، محسن راسخ بیش از 10 سال نداشت که در یک کارگاه نجاری مشغول کار شد، او می‌گوید:
«پس از سه ماه از کار کردن من در این کارگاه کوچک نجاری می‌گذشت شروع به تحصیل در کلاس شبانه نمودم و پس از چندی چون از صدای سازها به خصوص ویولن خوشم می‌آمد. ویولن کهنه و شکسته‌ای به بهای 50 تومان خریدم و در کارگاه نجاری که کار می‌کردم، آن را تعمیر نمودم و روزها در ساعات استراحت از کار برای خود می‌نواختم، تا این که توسط یک نفر از دوستانم که با نواختن سنتور آشنایی داشت، به کلاس ملک واقع در دروازه دولت رفتم و در کلاس ایشان مشغول فراگیری موسیقی و نواختن ویولن گردیدم.
روزها و هفته‌ها، یکی پس از دیگری سپری می‌شد و من زیر نظر آقای اسدالله ملک با رموز موسیقی ایرانی و ردیف‌های آن آشنا می‌گردیدم، تا اینکه روزی در کارگاه نجاری که کار می‌کردم به فکرم رسید که یک ویولن بسازم، ابتدا دور از دید استادکار، خود ویولن کهنه را از هم باز کردم و آن را الگوی خویش قرار دادم و یک ویولن از روی آن برای خود پس از روزها و هفته‌ها مرارت و زحمت ساختم ولی چون کسی مرا راهنمایی نکرد، نتوانستم ساز خوبی بسازم، لذا سازی که خواستم بسیار بدصدا و گوش‌خراش از کار درآمد. ولی من مأیوس نشدم و تصمیم گرفتم دوباره ساز دیگری بسازم و این کار را هم شروع نمودم ولی چون استادکارم و در واقع صاحب کارگاه به این کار راضی نبود، عذر مرا خواست و مرا از کارگاه خویش اخراج نمود.

من پس از مدتی بی‌کاری، دوباره در کارگاه نجاری دیگری مشغول کار شدم و مجدداً ساخت ویولن را دور از چشم صاحب کارگاه در ساعات بی‌کاری، پس از خاتمه کار روزانه‌ام ساختم و تمرین ویولن را شروع نمودم که دوباره دچار همان مشکل گردیدم و صاحب کارگاه با این کار من مخالفت کرد و من را اخراج نمود و ناچاراً در منزل که از پدربزرگ به ارث به ما رسیده بود، اقدام به ساختن ویولن و سنتور کردم که تقریباً در اینجا، حدود پنجاه درصد موفقیت نصیبم گردیده بود و از این زمان به بعد در هر سازی که می‌ساختم سعی می‌کردم که نقص کمتری داشته باشد.
در سال 1352 تصمیم گرفتم که ساز «قانون» را هم بسازم، لذا شروع به ساختن این ساز کردم و چند سالی که در این حرفه به فعالیت مشغول بودم، روزی توسط آقای حسن سعیدیان قهرمان کشتی که از آشنایانمان هستند به آقای استاد ابراهیم قنبری معرفی شدم و ایشان بدون هیچ چشم‌داشتی مرا در ساختن ساز راهبر و رهنمون گشتند و مرا با آغوش باز پذیرفتند که تا عمر دارم خود را مدیون این مرد بزرگ و معلم اخلاق می‌دانم که خود ایشان دست‌پرورده بزرگ‌مرد هنر موسیقی ایران استاد ابوالحسن صبا می‌باشد.
به هر حال، چند سالی نزد استاد قنبری به کار سازسازی پرداختم و در خدمت استاد قنبری ساخت ساز قانون و سنتور را به خوبی آموختم و استاد پس از موفقیت من در ساختن این سازها، توصیه فرمودند که سازهای سه‌تار و تنبور را بسازم و رموز ساخت و رنگ‌کاری سازها را هم به من یاد دادند و من دوباره تأکید می‌کنم که زندگی و موفقیت خود را مدیون ایشان می‌دانم و همیشه دعای خیر، بدرقه این مرد بزرگ می‌کنم.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

راقم سمرقندی، شرف‌الدین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1113 ق)، مورخ. وی تاریخی داشته به نام «تاریخ راقم» یا «تاریخ سید راقمی»، که تاریخ کوتاهی است درباره‌ی ترکستان، از عهد تیمور (763 ق) تا پادشاهی عبدالعزیز سال (1054 ق). این کتاب را «تاریخ نامه‌ی راقمی» و «تاریخ کثیره» نیز خوانده‌اند. این کتاب حاوی وقایع مشهور تاریخی و مخصوصا وفیات مشاهیر خراسان و ماوراءالنهر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (2/ 530- 531)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (2/ 864- 865)، یادداشتهای قزوینی (2/ 15- 16).

راود راد، اعظم

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر اعظم راود راد دانشیار گروه علوم ارتباطات و معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران(1365)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(1369) و مدرک دکترا را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا(1375) اخذ نمودند. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اعظم راود راد مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران(1365)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(1369) و مدرک دکترا را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا(1375) اخذ نمودند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی اجرایی دکتر راود راد می توان به مواردی همچون معاون پژوهشی,دانشکده علوم اجتماعی در سال 1386،نماینده تام الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران,کمیسیون بانوان استان تهران (1379,1381)،عضو کمیسیون علوم اجتماعی پژوهش های کاربردی,دانشگاه تهران ، سرپرست بخش تحقیقات زنان موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده ، سرپرست تحصیلات تکمیلی ، مدیر گروه ارتباطات ، مدیرگروه ارتباطات ، نماینده تام الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران ، عضو هیئت تحریریه فصلنامه پژوهش زنان ، معاون تحصیلات تکمیلی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات,عضو هیأت مؤسس,1380 ،عضو انجمن جامعه شناسی ایران,1375 و سردبیر فصلنامه پژوهش زنان اشاره نمود. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس وی «ارتباطات تصویری »، « ارتباطات جمعی»، « تجزیه وتحلیل برنامه های رادیو و تلویزیون»، «جامعه شناسی ارتباطات اجتماعی»، «جامعه شناسی هنر»، «جامعه شناسی هنروادبیات»، «مبانی ارتباطات جمعی»، «مطالعات رادیویی»(در مقطع کارشناسی)، «جامعه شناسی هنر »، «جامعهشناسیهنر»، «روش تحقیق درهنر»، «زبان تخصصی1»، «زبان تخصصی2»، «جامعه شناسی سینما»، «سینما و مطالعات فرهنگی»(در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتاب های «نظریه های جامعه شناسی هنر وادبیات»(1383)، « دین و رسانه»(1386) و مقالات «تبیین فیلم و

جامعه»، «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تاکید بر اشتغال»، «جامعه شناسی هنر و جایگاه آن در حوزه جامعه شناسی معاصر»، «نقد کتاب رسانه ها و نمادها»، «نقدی بر دیدگاه کارال مانهم در جامعه شناسی هنر»، «ارتباط کلی سینما وجامعه شناسی با جامعه شناسی سینما»، «نقدی بر جبریت اجتماعی هنر»، «تحلیل جامعه شناسی فیلمهای قرمز و دو زن»، «تحلیل برنامه های فرهنگی رادیو و تلویزیون»، «سینمای سیاسی ایران و زنان کارگردان»، «تخیل و نقش آن در رادیو»، «مشارت زنان در رادیو و تلویزیون»، «سینما رسانه فراموش شده»، «تخیل و نقش آن در رادیو»، «مقایسه نقش شغلی زنان و مردان متخصص»، «جامعه هنرمند و هنرمند جامعه: تحلیل جامعه شناختی آثار سینمایی بهرام بیضایی»، «جایگاه اقتصاد در جامعه شناسی هنر»، «مسائل اجتماعی زنان در اینترنت»، «نقدی بر نظریه انتقادی و سینمای آلمان»، «تصویر زن در آثار سینمایی رخشان بنی اعتماد»، «عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری سینمای زن در ایران»، «توصیف وضعیت پژوهش های فرهنگی-اجتماعی کشور بعد از انقلاب اسلامی»، «تغییرات نقش زن در سینمای ایران»، «جامعه شناسی اثر هنری»، «تحلیل جنسیتی نقش های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده»، «Sustainable Development: Role of Art in Local and Global Society» است.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه : جامعه شناسی سینما,جامعه شناسی هنر ,دین و رسانه ,رسانه های سمعی و بصری: رادیو- تلویزیون- سینما,زنان و رسانه هاچگونگی عرضه آثار : دکتر راودراد همچنین مقالاتی را همچون اموزش جامعه شناسی هنر در دانشگاه، گزارش تحقیقی "تحلیل و تفسیر فعالیتهای فرهنگی کشور"، معرفی جامعه شناسی هنر، آزار و تعقیب زنان در اینترنت، تعریف هنر از دیدگاه جامعه شناسی، سینما و انقلاب دیجیتال، عوامل موثر بر مصرف رسانه ای زنان، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه شناسانه هنر، سینما و ارتباطات دینی، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه شناسانه هنر، نقاشی ایرانی در دوران سنت و تجد، جامعه شناسی اثر هنری، A study of social factors influencing people to become artists در سمینارها و همایشهای مختلف ارائه داده اند. تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد:13 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی:5 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:29 مورد تعدادهمایشها داخلی :16 مورد تعداد همایشها خارجی : 3 مورد آثار :دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,دفتر پژوهش های رادیو,2 مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,جهاد دانشگاهی واحد تهران,3 نظریه های جامعه شناسی هنر وادبیات ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,انتشارات دانشگاه تهران

راوندی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی راوندی در سال 1292 ، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ایمان و دوره دبیرستان را در دارالفنون به پایان برد ، سپس وارد دانشکده افسری شد و در همانجا دوره سربازی را انجام داد. آنگاه جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در رشته قضایی با درجه لیسانس فارغ التحصیل شد. استاد رواندی پس از تحصیلات عالی ، مشاغل مختلفی را عهده دار شد ، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت ، سپس از سال 1318 ش . وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت ، تا آنکه در سال 1344 ش ، بازنشسته شد. وی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت و آثار نیز به چاپ رساند. استاد مرتضی راوندی سرانجام در روز چهارشنبه 23 شهریور 1378 در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست.
گروه : علوم انسانی
رشته : حقوق
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی راوندی تحصیلات دوره ی ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال 1322 به اخذ لیسانس در رشته ی ادبیات فارسی از دانشسرای عالی توفیق پیداکرد و به سال 1324 برای فراگرفتن علوم دینی و معارف اسلامی رهسپار شهر مذهبی قم گردید. در سال 1329 برای تکمیل تحصیلات به تهران بازگشت و در سال 1335 به اخذ درجه ی دکترا در رشته ی زبان و ادبیات فارسی نائل آمد. وی برای تز دکترای خود و به راهنمایی استادش شیخ محمد سرابی ، « تفسیر مجمع البیان » را که تفسیری جامع در علوم قرآنی است برگزید.
خاطرات و وقایع تحصیل : مرتضی راوندی از سختگیری های نابجا و نظام آموزشی غلط دوران تحصیل خود چنین یاد می کند: « محیط اجتماعی ایران طوری بود که خانواده ها و دولت وقت ، توجهی به حیات جسمی و روحی کودکان نداشتند . تحرک ، بازی ، دویدن و جست و خیز اگر امروز نوعی تربیت و آموزش حساب می شود ، در قدیم نه تنها مورد تایید خانواده و مسئوولین فرهنگی نبود ، بلکه نوعی شیطنت و بازی گوشی بی ادبانه تلقی می شد. هیچ فراموش نمی کنم موقعی که در مدرسه مبارکه

ایمان دوره ابتدایی را می گذراندم ، مدیر مدرسه مرحوم « میرزا ابوالقاسم خان تفرشی » نه تنها در دویدن و بازی کردن را تایید نمی کرد ، بلکه در طبقه سوم ساختمان مدرسه و در ایوان می نشست و دست هایش را مقابل چشم ها می گذاشت و چنین وانمود می کرد که نمی بیند. اگر کودکی به حکم غریزه کودکی جست و خیز می کرد و با دیگر اطفال به بازی مشغول می شد ، آقای میرزا با ترکه حاضر می شد و به یکی از فراش ها می گفت: « بیارش. » و بعد بساط ترکه و فلک و تنبیه بود.
وقایع میانسالی : روی کار آمدن محمدرضا شاه پهلوی و باز شدن فضای سیاسی از سال 1320 ، روشنفکران و سیاستمداران را یکبار دیگر وارد عرصه سیاست نمود ، مرتضی راوندی نیز از جمله این افراد بود که در مسیر جریانات سیاسی کشور قرار گرفت و مدتی را نیز در زندان شاه به سر برد.
زمان و علت فوت : مرتضی راوندی در روز چهارشنبه 23 شهریور 1378 در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی روانِدی پس از تحصیلات عالی ، مشاغل مختلفی را عهده دار شد ، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت ، سپس از سال 1318 ش . وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت ، تا آنکه در سال 1344 ش ، بازنشسته شد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرتضی راوندی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت. علاوه بر آن سفر به فرانسه و دیدن کتاب هایی درباره زندگی روزمره توده مردم پاریس در سده های گذشته ، ایشان را مصمم به پژوهش درباره زندگانی مردم و آداب و رسوم عادی و سایر طبقات مختلف کشور از لابه لای تواریخ کهن نمود.

راوندی، نجم الدین ابوبکر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نجم الدین ابوبکر عمر بن علی بن سلیمان بن محمدبن احمدبن حسین بن همت راوندی در اوایل نیمه دوم قرن ششم در راوند کاشان متولد شد. پدران وی از علما و خاندان عراقی الاصل بودند. وی در کودکی پدر را از دست داد اما در کنف حمایت دایی های فرهنگ دوست خود زین الدین و تاج الدین، علوم شرعی و ادبی و خوشنویسی را آموخت. راوندی پس از بروز قحطی سال 570 در اصفهان، برای تحصیل به مسافرت در شهرهای ایران و عراق پرداخت و از سال 577 به دربار شاهان سلجوقی راه یافت . راوندی پس از انقراض سلجوقیان بزرگ، از همدان راهی آسیای صغیر شد و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیچ ارسلان مورد استقبال قرار گرفت و کتاب خود «راحه الصدور و آیه السرور فی تاریخ آل سلجوق» را در سال 599 به وی تقدیم کرد و اندکی بعد درگذشت.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : ایران دوره اسلامی
والدین و انساب : خاندان نجم الدین ابوبکر راوندی از خانواده های علمای عراق بودند اما وی در راوند کاشان ولادت یافت. تاج الدین راوندی و زین الدین راوندی دایی های او ازشاعران عهد سلجوقی به شمار می روند.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : نجم الدین ابوبکر راوندی در کودکی پدر را از دست داد و خاندان او به سبب قحطی سال570 تهیدست شدند . چنانکه محمد راوندی به مدت 10 سال تحت حمایت دایی خود تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی ،که از فاضلان بزرگ روزگار و در انواع علوم شرعی و ادبی سرآمد بود، رشد کرد و به شهرهای مهم عراق سفر کرد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : نجم الدین ابوبکر راوندی که در کودکی به زبان عربی تسلط داشت علوم شرعی و ادبی و هم چنین خوش نویسی را نزد دایی های خود آموخت تا آنجا که در هفتاد نوع خط مهارت یافت . تسلط وی به خوش نویسی مو جب شد تا علومی را نیز از طریق نسخه نویسی کتابها کسب کند . از سال 570 محمد راوندی سفرهای خود را به شهر های مختلف ایران و عراق برای تحصیل علم آغاز کرد . او در مدارس عراق به صورت پراکنده و موقت به تحصیل پرداخت.

خاطرات و وقایع تحصیل : پدر نجم الدین ابوبکر راوندی در حین تحصیل وی درگذشت و اوضاع مالی خانواده راوندی رو به نزول رفت این اوضاع با وقوع قحطی سال 507 در اصفهان به وخامت گرایید .
فعالیتهای ضمن تحصیل : نجم الدین ابوبکر راوندی به خطاطی تذهیب و جلد سازی نیز می پرداخت و در حین تحصیل از طریق نسخه نویسی کتابها امرار معاش می کرد. نجم الدین ابوبکر راوندی به نثر و شعر مسلط بود همواره در این باره به ممارست مشغول بود . و در دربار سلاطین پذیرفته می شد . و اشعار خود را از جمله قصایدش در کتاب راحه الصدور و آیه السرور آورده است
استادان و مربیان : نجم الدین ابوبکر راوندی نزد دایی های خود زین الدین و تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی مقدمات علوم شرعی و ادبی را آموخت . تاج الدین در همدان در مدرسه محله سابق آباد درس می گفت.
هم دوره ای ها و همکاران : شهاب الدین احمد از دوستان دوران تحصیل نجم الدین ابوبکر راوندی بوده است که راوندی گاهی بدلیل فروتنی بعنوان استاد خود از وی یاد می کند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نجم الدین ابوبکر راوندی پس از قحطی سال 570 در اصفهان برای تحصیل در شهرهای ایران و عراق به مسافرت پرداخت و از سال 577 به دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و پس از آن به خدمت سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوقی درآمد. در این سالها راوندی در همدان اقامت داشت ، اما پس از انقراض سلجوقیان ایران، به روم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلج ارسلان پذیرفته شد. در آن زمان گروهی از بزرگان ایران از دست مغولان به دربار امن پادشاهان سلاجقه روم پناه می بردند . از آن جمله می توان به شمس الدین تبریزی، مولانا جلال الدین بلخی [مولوی]و نجم الدین رازی از عارفان مشهور آن زمان نام برد . راوندی کتب خود را به دلیل احساس دین به سلاطین سلجوقی و در قدردانی از تاسیس مدارس عراق که وی در آنها تحصیل کرده بود و برای به یادگار گزاردن اثرجادوانی از خود و همچنین برای تجلیل از فتح عظیم انطاکیه توسط کیخسرو بن قلج ارسلان در سال 599 کتاب راحه الصدور را به وی تقدیم کرد. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج2، صص 10-1009] وی از سال 580 به فکر تالیف چنین اثری افتاد. و در سال 602 به طور کامل اتمام یافت.
فعالیتهای آموزشی : نجم الدین ابوبکر راوندی بعنوان معلم پسران سلیمان شاه بن قلج ارسلان سلجوق در دربار حضور داشت.
شاگردان : فرزندان سلیمان شاه بن قلچ ارسلان سلجوقی در کودکی تحت تعلیم نجم الدین ابوبکر راوندی قرار داشته اند.

همفکران فرد : افضل الدین کرمانی، اتابیک منتجب الدین بدیع کاتب جوینی همانند محمد بن علی راوندی از شاعران و مورخین ومنشیان دربار سلجوقی به شمار می رفتند کاشانی (مولف زبده التواریخ)در عهد سلجوقی همانند نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب خود را بر اساس سلجوقنامه ظهیر الدین نیشابوری نگاشت.
چگونگی عرضه آثار : نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب راحه الصدور را به نام سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلچ ارسلان سلجوقی به پایان برد و به وی تقدیم نمود. ----------
آثار :
1 0
ویژگی اثر : 0
2 اعلام الملوک معروف به راحه الصدور و آیه السرور
ویژگی اثر : راوندی دراین کتاب پر ارزش خود پس از ذکر دیباچه و سبب تالیف کتاب و ستایش عدل و انصاف که پر است از فواید ادبی و تاریخی، وارد تحقیق و بحث در دولت سلجوقیان شده و کار آنان را از ابتدا شرح داده و وقایع عهد سلاجقه بزرگ را تا پایان کار سنجر به تفصیل آورده و آنگاه به ذکر سلاجقه عراق تا پایان کار طغرل بن ارسلان و استیلای خوارزمشاهیان بر عراق پرداخته و در عین حال درباره اتابکان عراق و آذربایجان به تفصیل سخن گفته است. در پایان کتاب راوندی فصولی در ذکر آداب شطرنج، شراب، مسابقت و تیرانداختن، شکار کردن، اصول خط ، فی الغالب و المغلوب و فصلی در خاتمت کتاب آورده و کتاب را به نام و مدح غیاث الدین کیخسرو خاتمه داده است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج3، ص 1010] کتاب راحه الصدور آیه السرور در سال 599 تالیف شده و یکی از بهترین کتب نثر فارسی و در نهایت فصاحت و روانی نوشته شده است و در ضمن اشعاری به فارسی از مولف و نیز از بزرگان ادب فارسی در آن ثبت شده است، [نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج1، ص 145] راحه الصدور از کتب مهم قرن ششم و اوایل قرن هفتم است که خواه از باب سلامت انشا آن و ابراز فضل های مولف و خواه از نظر در بر گرفتن اطلاعات فراوان تاریخی و اجتمای در شمار معتبرترین و سودمند ترین کتب فارسی پیش از حمله مغول در ایران به شمار می رود. [صفا،تاریخ ادبیات در ایران، ج2، ص 1008] راحه الصدور از بهترین کتب نثر پارسی است که قسمتی از آن به شیوه مصنوع و مزین و قسمتی دیگر ساده و بی پیرایه است. در قسمتهای مصنوع راحه الصدور دراز گویی و آوردن امثال و اشعار عربی و فارسی بویژه اشعار شاهنامه فراوان و سخن راوندی در برخی موارد به لطافت شعر و دارای همان

شرایط و موضوعات می شود. از امتیازات ادبی راحه الصدور ایراد قصائدی تمام از شاعران استاد و بزرگ قرن ششم منوچهری دامغانی ،شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کله، امیر عمادی اثیر اخسیکتی و سید حسن غزنوی است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج2، صص 3و74و152و1011وص708و587و520] که مدتها پیش بطور داوطلبانه آغاز به تالیف کرده بود.

منابع زندگینامه :

1راوندی، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، ص402سعید، نفیسی. تاریخ نظم و نثر ر ایران و در زبان فارسی، ج1، تهران: کتابفروشی فروغی، 1344، ص 145و 8873صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج2، ص 10094محمد بن عی بن سلیمان، «راوندی»، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آن سلجوق، به اهتمام محمد اقبال و تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، 1364، ص 49

راوندی، نجم‌الدین، ابوبکر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، مورخ. وی از راوند کاشان بود. در کنف رعایت دایی خود، تاج‌الدین احمد راوندی که از فاضلان بزرگ بود، تربیت شد و از علوم شرعی و ادبی و خط را آموخت و مدتها از راه استنساخ و تذهیب و تجلید کتب زندگی کرد، تا اینکه در سال 577 ق در خدمت سلطان طغرل بن ارسلان تقرب حاصل کرد. بعد از زوال دولت آن پادشاه در سال 590 ق و برافتادن حکومت سلاجقه‌ی عراق به بلاد آسیای صغیر رفت و به خدمت غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان (634 -616 ق) از سلاجقه‌ی آسیای صغیر درآمد. وی کتاب مشهور خود «راحه الصدور و آیه السرور» را که در سال 599 ق به انجام رسانده بود، با اضافاتی در حدود سال 603 ق به نام وی کرد. این کتاب از جمله بهترین کتب نثر پارسی است که پیرامون تاریخ سلاجقه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1011 -1008 /2)، تاریخ در ایران (37 -36)، تاریخ نظم و نثر (145، 119)، تاریخ نگاران ایران (270 -267)، الذریعه (56/10)، راحه الصدور و آیه السرور (مقدمه/ 6 -1)، سبک شناسی (410 -405 /2)، گنج و گنجینه (226)، لغت نامه (ذیل/ راوندی)، مؤلفین کتب چاپی (623 -621 /5)، هدیه العارفین (108/2).

راویه دیلمی، ابوالقاسم حماد

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 195/161/155/151 ق)، مورخ و لغوی. اصل وی از دیلم بود و در کوفه متولد شد. او از مشاهیر علمای تاریخ و لغت عهد بنی‌امیه بود که در معرفت وقایع و اخبار و اشعار و انساب و لغات عرب، داناترین شخص در طبقه‌ی اول از لغت‌دانان کوفه به شمار می‌رفت. نام پدر وی را میسره و هرمز نیز نوشته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 301- 302)، روضات الجنات (3/ 235- 237)، ریحانه (2/ 298- 299)، الکنی و الالقاب (2/ 269- 270)، لسان المیزان (2/ 662- 664)، لغت نامه (ذیل/ حماد)، معجم الادباء (10/ 258- 266)، الوافی بالوفیات (13/ 137- 142)، وفیات الاعیان (282/5، 212، 210، 206- 36، 2/ 448/1).

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق ربانی خوراسگانی
محل تولد : اصفهان
شهرت : ربانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
در مهر ماه سال 1370 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال 76 به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی(ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود 5 سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیة الله فاضل لنکرانی ، مرحوم تبریزی ، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

ربیعی، یدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یدالله ربیعی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب یدالله ربیعی در سال تحصیلی 52-53 وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم. تقریباً در اوائل سطوح عالی بودم که انقلاب پیروز شد و بعد جنگ تحمیلی آغاز گشت و در سال 61 هر دو پای اینجانب قطع گردید. درسها را ادامه دادم. در سال 1372 در آموزش و پرورش آغاز به کار کردم که بیشتر در امور تربیتی بود، مشغول به کار شدم. در سال 78 در معاونت امور اساتید مشغول به امتحان شدم تا اینکه در رشته (تاریخ و ادیان) و نیز (معارف اسلامی) به نصاب قبولی رسیدم و در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود و شهرستان ساوه مشغول تدریس شدم و هم‌اکنون فقط در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود مشغول تدریس هستم. در ضمن در عقیدتی و سیاسی سپاه، ارتش و بسیج و نیز اردودهای آموزشی زیاد تدریس داشته‌ام و نیز در آموزش قرآن و عقاید فعالیت داشته‌ام. همچنین دروس حوزه را به صورت انفرادی و گروهی تدریس داشته‌ام و فلسفه را نیز مقداری از اسفار خوانده‌ام.

رجب زاده، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هاشم رجب زاده در سال 1320 در شهر تهران به دنیا آمد. رجب زاده بعد از طی مدارج رسمی تحصیلی در دوره متوسطه در تهران، با گرایش تاریخ به دانشگاه می رود و تحصیلات دانشگاهی اش را تا دریافت درجه دکترا با گرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران ادامه می دهد. پایان نامه دکترای او درباره سیاست و کشورداری رشیدالدین فضل الله بوده است. رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند.این آغاز یک ارتباط پیوسته با تاریخ وفرهنگ ژاپن می شود. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن ،دو سال را در ایران گذراند . بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امورخارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود. در همین هنگام تدریس در دانشگاه ژاپن را پذیرفت و دوباره به آن کشور بازگشت. وی در مجموع ۲۴ سال در ژاپن زندگی کرد. رجب زاده سال هاست که در دانشگاه اوساکای ژاپن ادبیات فارسی و ایرانشناسی درس می دهد. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : فرهنگ و تمدن ژاپن
تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان تحصیلات متوسطه در تهران - تحصیلات عالیه در رشته تاریخ - دریافت دکترای تاریخ باگرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هاشم رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن ،دو سال را در ایران گذراند . بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امورخارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود.
فعالیتهای آموزشی : - تدریس در دانشگاه ژاپن از اوایل دهه ۶۰ - استاد

ایران شناسی ادبیات فارسی دردانشگاه اوساکای ژاپن
چگونگی عرضه آثار : هاشم رجب زاده همچنین در معرفی ادبیات و فرهنگ ایران در ژاپن نیز نقش مهمی دارد.او آثاری از ادبیات ایران به زبان ژاپنی ترجمه و منتشرکرده است، وی دراین باره می گوید: «ادبیات کلاسیک ایران چون در سال های گذشته در ژاپن شناخته شده و مطرح بود، همچنان مطرح است. اما من ابتدا به رباعیات خیام پرداختم. سابقه صدساله ادبیات معاصرایران را در مقالاتی درآنجا معرفی کردم. به غیر از این موارد مطالبی درباره خیام شناسی، سعدی شناسی و فردوسی شناسی نوشته ام. در ژاپن بیش از همه خیام محبوب است که تاکنون ۱۴ ترجمه از رباعیات او درآنجا منتشرشده و بعد ازخیام، حکیم نظامی بیشترین محبوبیت را دارد. به دلیل گیرایی منظومه های عاشقانه اش، علاقه عجیبی به آثارش دیده می شود.» هاشم رجب زاده درباره ترجمه آثار ادبیات معاصر ایران در ژاپن می گوید:«درآنجا بیش از همه روی آثار صادق هدایت تمرکزکرده اند. هدایت را به این دلیل می شناسند که ابتدا او را ازطریق ترجمه آثارش درزبان اروپایی شناختند. در دهه اخیر توجه بیشتری به ادبیات معاصرایران شده است. برای نمونه یکی از آنها جلال آل احمد است که ترجمه آثارش قابل مقایسه با ترجمه آثاردیگران نیست. سفرنامه و خاطرات ایران نیز اثر دیگری از ترجمه های هاشم رجب زاده است. هاشم رجب زاده از نسل مردان سختکوش عرصه تاریخ نگاری، ترجمه و تألیف است. او نمونه والایی از روحیه جست وجوگری ایرانی برای شناخت و آموختن برای نسل جدید ایرانیان است. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است.بسیاری از ایرانیان در سال های اخیر اگر شناختی از فرهنگ و تاریخ ژاپن به دست آورده اند، یا به ادبیات ژاپنی و نیز شعر آن دیار دلبستگی یافته اند،این شناخت و دلبستگی را مدیون آثار رجب زاده نیز هستند. همچنین در سالها اقامت رجب زاده در ژاپن ارتباط نشریات داخلی با او هرگز گسسته نشده و در بسیاری از مجلات و نشریات تخصصی ایران شناسی یا تاریخ و فرهنگ،مقالات پرباری را در حوزه های کاری اش به چاپ رسانده است. از آن جمله است سلسله یادداشت های او در مجله بخارا با نام یادداشت هایی از ژاپن که چندین سال در هر شماره به چاپ می رسید.علاوه بر این رجب زاده حوزه تألیف و ترجمه کتاب را نیز با جدیت دنبال کرده و آثار ویژه ای از زبان ژاپنی به فارسی برگردانده است.«اندیشه و احساس در شعر معاصرژاپن»، « قصه های ژاپنی» ،«گل صدبرگ» ،«چنین گفت بودا» و ...بخشی از آثاری است که در کارنامه او به ثبت رسیده اند.به غیر از گل صدبرگ که مجموعه شعراست، دردیگر حوزه ها هم کارکرده ام و می کنم.

درباره تاریخ دوران میانه، و به طور اختصاصی پیرامون تاریخ ایلخانیان کارکرده ام. درمورد فضل الله تحقیقات و مطالعات گسترده ای دارم که انتشارات طرح نو یکی از این کتاب ها را که پیرامون زندگی و آثارش بود، منتشرکرد. ----------
---
آثار :
1 آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی
ویژگی اثر : .«آیین کشورداری» نخستین کتاب دکتر هاشم رجب زاده بود که در باب وزارت رشیدالدین فضل الله نوشته شد.رجب زاده درباره یکی از آثار او می گوید: «بیان الحقایق از جمله آثار رشیدالدین فضل الله همدانی است.بنا به آنچه مؤلف خود در مقدمه کتاب دیگرش لطایف الحقایق اشاره کرده، این اثر در بردارنده هفده رساله است.این رساله ها کلامی و بیشتر در تفسیر قرآن کریم نگارش یافته و منظور مؤلف از نگارش آنها آشتی دادن میان فلسفه و کلام است.نسخه ای ناقص از بیان الحقایق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است که در سده هشتم هجری کتابت شده و در بردارنده ده رساله از هفده رساله بیان الحقایق است.در برخی از منابع، رساله های بیان الحقایق در بیست عنوان فهرست شده است.در این گفتار، به معرفی نسخه خطی بیان الحقایق (محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی) پرداخته شده است.»
2 اندیشه و احساس در شعر معاصر ژاپن
ویژگی اثر : 1358
3 ایران و ماوراء النهر
ویژگی اثر : «ایران و ماوراءالنهر» نیز کتابی است که از امیلی برتشنایدر که رجب زاده ترجمه کرده و بنیاد موقوفات افشار به بازار عرضه کرده است.سیاحان و جهانگردان چینی در سده های هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) در عهد مغول از راه های سخت وبیابانی گذشته به ماوراءالنهر رفته، سرزمین هایی را که دیده اند و شرح سفر خود را در روزنامه های چینی نوشته و توصیف کرده بودند. این خاطرات که مشحون از جستارهای باارزش تاریخی و جغرافیایی است و اطلاعات مفیدی را در بر دارد اساس کار دکتر امیلی برتشنایدرطبیب و جغرافیدان و گیاه شناس معروف آلمانی روسی الاصل قرار گرفت که به این اسناد دسترسی یافت و کتاب مفصلی فراهم آورد که بخش ایران آن را محقق توانا دکتر هاشم رجب زاده ترجمه و چاپ کرده است. دکتر برتشنایدر مؤلف این گنجینه معتبر - که از آثار مکتوب چینی گرد آمده - در سال ???? به عنوان طبیب در سفارت روسیه در تهران اشتغال داشت و چهار سال در ایران بود، بعد در سال ???? به پکن منتقل شد و نزدیک به ?? سال در

آنجا ماند و این اثر علمی نفیس و معتبر حاصل بهره گیری او از منابع چینی محفوظ در کتابخانه های پکن بوده که دو بار در سال های ???? و ???? در انگلیس به چاپ رسیده بود. مترجم فاضل این مجموعه را از نسخه چاپ لندن ترجمه و عرضه کرده است رجب زاده درباره این کتاب می گوید: « برتشنایدر اعتقاد دارد که کتاب «جوامع التواریخ» رشیدالدین فضل الله بزرگترین تاریخ عالم است. این حرف را البته اروپاییان دیگری به مناسبت های مختلف مطرح کرده اند. پس این حرف که می گویند، ایرانیان عادت به نوشتن تاریخ نداشتند، درست نیست. چون اگر به شرق دور برویم می بینیم چینی ها از دوهزار وپانصد سال پیش تاریخ مکتوب دارند و ژاپنی ها ازهزاروپانصد سال پیش «یادداشت روزانه» یا تاریخ نامه به صورت روزنگار می نوشتند و از میان ایرانیان هم رشید الدین فضل الله بزرگترین مورخ عصر خود و قرون بعد بود.»

4 بیان الحقایق

5 پروشییا کیکوء

ویژگی اثر : نوبویوشی فوروکاوا نفر دوم این هیأت سفارت، سرهنگ و نماینده ستاد ارتش ژاپن، جدا از گزارشی که از دیده ها و شنیده ها ویافته هایش به دولت و دستگاه متبوع خود داد، سفرنامه ای هم نگاشت که در سال ???? م.در توکیو با عنوان «پروشییا کیکوء»(یادداشت های سفر ایران) چاپ شد. رجب زاده همچنین ردپای حضور ایرانیان در ژاپن را نیز دنبال می کند و بویژه در شناسایی قبیله ای تاریخی از ژاپن که به نظر می رسد از دربار ساسانیان به آن دیار عزیمت کرده اند،نقش مهمی داشته است. از بازماندگان این قبیله ژاپنی خانمی است به نام هیروکو نیشی زاوا که اکنون بیشتر از هفتاد سال دارد. او به گواهی اسناد خانوادگی، خود را نسل پنجاه و سوم ازتبار شاهزادگان ساسانی که در سده هفتم میلادی و در پی ویران شدن تیسفون به خاور دور آمدند، میداند و کتابی هم، داستان گونه، با نام«از تبار ایرانی» منتشر کرد که جلد یکم از چند دفتری است که درباره خاندان خود در دست نگارش دارد.خانواده او از دیرباز درناگانو، ایالت کوهستانی در میانه جزیره اصلی ژاپن، هونشو ، مقیم بوده اند، اما او اکنون در شهر توکیو زندگی میکند. او گفته است: « از نشان خانوادگی ام و آثاری که بازمانده، می توانم تاریخ خاندانم را تا سال ???? پیش از میلاد یا بیشتر از آن دنبال کنم». رجب زاده ، حکایت می کند که روزی در بهار ،?? تلفنی به او گفته اند یک خانم ساسانی قصد دیدار او را دارد تا پاره ای از مشکلات تحقیقاتی خود را حل کند! هاشم رجب زاده در نوشته ای سوابقی را می آورد که نشان می دهد بنا به مدارک تاریخی در ژاپن در نیمه قرن هفتم میلادی ایرانیانی به آن کشور رفته و در آنجا ساکن شده اند.از جمله به نقل از «نیهون شهوکی» تاریخ نامه باستانی ژاپن در ضبط

رویدادهای سال ??? میلادی آورده: تابستان.ماه چهار (آوریل) دو مرد و دو زن از سرزمین تخارا (ایران) و یک زن از سراواستی را توفان به هیو گو آورد.??? میلادی برابر با سال ?? هـ است.با توجه به اینکه اعراب در سال ?? هـ ??? م.به ایران یورش کردند، می توان حدس زد که سفر نیاکان خانم نیشی زاوا، یعنی آن شاهزادگان ساسانی که توفان آنها را به سواحل ژاپن رسانده، از ایران به ژاپن چند سالی طول کشیده است.معلوم نیست که آن توفان زدگان، اجداد خانم نیشی زاوا بوده باشند اما گویا اجداد این زن ساسانی هم سرنوشتی مشابه آنان داشته اند.

6 ترجمه سفرنامه فوروکاوا

7 ترجمه سفرنامه های ژاپنی بوتجان

8 ترجمه سفرنامه و خاطرات آشی کاگا

9 جستارها

ویژگی اثر : گزیده مقالات ایرانشناسان و شرق شناسان ژاپن

10 چنین گفت بودا

11 زندگی و آثار رشید الدین فضل الله همدانی

ویژگی اثر : رساله هایی که رشیدالدین فضل الله نوشته، در مجموع پنج کتاب است که یکی مجمل الرشیدی مرکب از چهار کتاب است و یکی هم بیان الحایق که کتاب جداگانه ای است. رجب زاده درسال ?? درباره زندگی و آثار رشیدالدین فضل الله کتابی نوشت که انتشارات طرح نو آن را به بازار عرضه کرد

12 سفرنامه فوکوشیما یا سوماسا

13 سفرنامه ماساجی

14 سفرنامه یوشیدا ماساهارو

ویژگی اثر : نخستین کتاب از این مجموعه «سفرنامه یوشیدا ماساهارو» بود که ?? سال پیش انتشارات آستان قدس رضوی منتشر کرد. هیأتی که به ریاست ماساهارو یوشیدا در سال ???? میلادی ، ???? ه.ق، دوازده سال پس از آغاز تجدّد ژاپن (نهضتِ میجی)به دربار ناصرالدین شاه آمد، پس از گذراندن مأموریت خود در ایران، از راه روسیه و دریای سیاه و بندر باتوُمی (اکنون در خاک گرجستان)به استانبول رفت تا از دربار عثمانی نیز دیدن کند.ورود این هیأت به خاک عثمانی چند سالی پس از جنگ روسیه و عثمانی و شکست و ادبار کار آل عثمان بود .

15 قصه های ژاپنی

16 قصه های ژاپنی

ویژگی اثر : 1363

17 گل صدبرگ (گزینه ای از اشعار کهن ژاپنی)

ویژگی اثر : در ژاپن من در مورد تاریخ وفرهنگ ایران تدریس می کنم.

ادبیات فارسی را یک خانم ژاپنی تدریس می کند به اسم فوجی موتو. این استاد، زبان فارسی را خوب می داند و کتاب «گل صدبرگ» را با همکاری او به فارسی برگردانده ام. این کتاب در واقع گزیده ای از ? هزار و پانصد قطعه شعر قدیم ژاپنی است که بیش ازهزارسال پیش سروده شده بود

18 مفتاح التفاسیر

ویژگی اثر : هاشم رجب زاده در حال حاضر «بیان الحقایق» مجموعه ?? رساله کلامی، فلسفی و دینی از رشیدالدین فضل الله همدانی را گردآوری، تصحیح و مقدمه نویسی کرده است، که آن را به همراه «مفتاح التفاسیر» - از دیگر رساله های رشید الدین - به ترتیب مرکز نشر میراث مکتوب و مرکز بزرگ دایرة المعارف اسلامی منتشر می کنند.

19 نگاهی به تاریخ اسلام در ژاپن

رجبی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود رجبی
محل تولد : جاسب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال 1330 هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال 1343 به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد.او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجستة آن روزگار به پایان برد. سپس در سال 1350 به درس خارج فقه و اصول استادان برجستة حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازنماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیةالله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته(ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیةالله امینیان و حجةالاسلام و المسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیةالله مقتدایی و

معانی و بیان را نزد آیةالله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیةالله طاهری خرم آبادی و آیةالله مؤمن و در درس مکاسب آیةالله ستوده، آیةالله مصلحی اراکی و آیةالله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایةالاصول نیز به درس آیةالله سلطانی طباطبایی(ره) و آیةالله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دورة سطح، به درس خارج آیةالله حاج شیخ کاظم تبریزی(ره)، آیةالله حاج شیخ مرتضی حائری(ره)، آیةالله العظمی وحید خراسانی، آیةالله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیةالله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر رانزد آیةالله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیةالله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطة دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی(ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیتهای علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است او از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» ـ که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد ـ را نام برد او همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و

دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) را نیز بر عهده دارد.او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می پردازد.

رحیملو، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رحیمی، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا رحیمی
محل تولد : فریدون اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/7/10
زندگینامه علمی
از سال 1364 فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن‌که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوه‌های درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت 5 سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال 1371 در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال 1374 با معدل 18.46 فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم(ع) بود با نمره 19 دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکتر شریعتی (تهران) عضو هیئت علمی شدم و هم‌اکنون در پایه 14 مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنوسیم. الحمدالله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند.در سال 1351 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. در سال 1361 توانستم، پایه10 را به پایان برسانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی(ره)، سبحانی، مکارم شرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شرکت می‌کنم. بحث کنونی استاد مکاسب محرمه است. ضمناً در کنار درس حوزه توانستم دیپلم بگیرم و در دانشگاه هم حضور پیدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشته الهیات ـ فقه و مبانی اسلامی بگیریم. هم اکنون از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی شریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مدرک سطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمی، منصور

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منصور رحیمی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/9/1
زندگینامه علمی
آقای منصور رحیمی در سال 1339هجری شمسی در خانواده ای پاک، متدین، با اخلاص وکاملا مذهبی دیده به جهان گشود.نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهد سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به وارد حوزه علمیه مشهد شد از نخستین‌روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس‌بزرگان‌آن‌دیار همچون مرحوم آیت الله علی فلسفی،آیت الله صالحی و آیت الله شیخ مصطفی اشرفی بهره ها برد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1381از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان "دیپلماسی پیامبر اکرم(ص)" به اتمام رسانید. ایشان ضمن تدریس به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات "هجرت" و "جهاد" و... از جمله آثار ایشان است

رزاقی، نصرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرالله رزاقی
محل تولد : طالقان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
در سال 1342 در طالقان روستای ناریان به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و تحصیلات مقطع راهنمایی را در تهران و مقطع دبیرستان را در قم به پایان رسانیدم. در سال 1361 به جبهه‌های جنگ در منطقه کردستان در قالب یک گروه فرهنگی اعزام شدم و حدود 11 ماه در منطقه دیواندره همراه رزمندگان اسلام بودم بعد از اخذ دیپلم در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شدم و مقطع مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رسانیدم و سپس دروس بعدی را به صورت آزاد در حوزه علمیه قم آغاز کردم و در دروس اساتید چون محمدی خراسانی، طالقاتی، محقق داماد، اعتمادی، طاهری خرم آبادی، بیگدلی و آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی ،مرحوم جوادآقا تبریزی و سبحانی شرکت کردم. سپس در موسسه آموزش تخصصی مذاهب اسلامی شرکت کرم و حدود سه سال دروس تخصصی مذاهب اسلامی را در نزد اساتیدی چون نجم الدین طبسی،بهجت پور، غیب غلامی، دکتر خدادادی و... گذراندم و در این مدت تحقیقاتی در رابطه با حیات ابوبکر، انسان و تکنولوژی، معرفت شناسی انجام دادم و هم‌زمان در دانشگاه آزاد و مرکز تربیت مربی و موسسه تخصصی مذاهب اسلامی تدریس داشته و هم‌اکنون نیز تدریس ادامه دارد.

رسولی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود رسولی، از نی‌نوازان خوب شهرستان بروجرد است که خیلی گمنام و مهجور مانده و کمتر کسی جز محافل هنرمندان آن شهر از وجود این هنرمند و هنر او آگاهی دارد. محمود رسولی که به شغل خیاطی در بروجرد اشتغال دارد به سال 1325 در این شهر دیده به جهان باز کرد. پدر و عموی او ساز نی را به خوبی می‌نواختند ولی از ردیف و گوشه‌های موسیقی ایرانی و اصولاً دستگاههای موسیقی اطلاعی نداشتند. محمود از سن دوازده سالگی نی زدن را نزد پدر و گاهی اوقات نزد عموی خود آغاز و شروع به فراگیری نواختن این ساز کرد.
وی روزهای یکشنبه که استاد حسن کسائی در رادیو برنامه داشت کنار رادیو می‌نشست و به صدای ساز این استاد گوش می‌داد و پس از آن تا یکشنبه هفته دیگر مرتباً آن آهنگ را نزد خود تمرین می‌کرد و آن قدر شب و روز با عشق و علاقه در نی نفس گرم خود را می‌دمید تا می‌توانست صدای مورد نظر خویش را از دل سرد آن دربیاورد. مدت‌ها این وضع ادامه داشت ولی طبع حساس و روح کاوشگر او راضی نمی‌شد، تا این که به محمد موسوی یکی از شاگردان بزرگ و برجسته استاد کسائی که خود هم‌اکنون در نی‌نوازی و نی‌سازی استاد است آشنا می‌شود و آدرس استاد حسن کسائی را از وی دریافت می‌کند. او بلافاصله نامه‌ای با یک بیت شعر زیبای حسام همدانی تحت عنوان:
ما ز هر صاحبدلی یک شمه کار آموختیم
ناله از نی، گریه از ابر بهار آموختیم
تقاضای ملاقات با استاد را کرد که استاد کسائی، این هنرمند بزرگ و فخرآفرین، وی را می‌پذیرد و به اصفهان دعوت می‌کند و با مهربانی و خلوص نیت که از استادان خود مهدی نوائی و ابوالحسن صبا آموخته بود، محمود رسولی را با راز و رمز نی‌نوازی آشنا می‌کند و او را تشویق و مورد حمایت خود قرار می‌دهد و دو نی به او می‌دهد و سفارشات لازم را به وی می‌کند. از جمله به او می‌گوید:
«من نی را مثل استادان قدیم با لب می‌زنم، ولی نی را باید با دو فک بالا و پایین نواخت که امکان دمیدن هوا در آن بیشتر و صدای رسا بهتر و اصولی‌تر می‌گردد نواخت، لذا شما سعی نمایید که نی را این چنین بنوازید».

محمود رسولی، حدود 9 سال با عشق و علاقه وصف‌ناپذیری از بروجرد به اصفهان می‌رفت و از مکتب استاد کسائی بهره‌ور می‌شد و پس از کسب آموخته‌های جدید و نو، دوباره به زادگاه خود بروجرد برمی‌گشت و پس از آن مدتی نزد محمد موسوی که حدود 5 سال گردید رفت و فنون نی‌سازی و بعضی مسائل نواختن نی را نزد وی آموخت و خود به مرحله‌ای رسید که نواختن نی او طرفداران فراوان پیدا کرد و از این زمان به بعد در محافل و انجمن‌های فرهنگی و هنری و ادبی شهر همراه دوستان هنرمند خود و یا به صورت تکنوازی به اجرای برنامه‌های موسیقی پرداخت، سپس با ارکستر فرهنگی ارشاد اسلامی (صبا) شهرستان بروجرد همکاری خود را آغاز کرد که هنوز این همکاری ادامه دارد.
محمود رسولی، از سال 1367 اقدام به ساختن ساز نی کرده که نی‌ها را از کاشان و شهرهای مختلف مازندران مثل: ساری، بابلسر، بل‌میر و قائم‌شهر تهیه می‌کند و پس از ساختن نی آن را به شهرهای دیگر کشور و بسیاری کشورهای عربی ساحل خیلج‌فارس صادر می‌کند.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

رشید یاسمی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1275 ش)، نویسنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصبه‌ی گهواره از توابع کرمانشاه متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشنویس بود. جد مادری او، شاهزاده محمدباقر میرزای خسروی، نویسنده‌ی داستان «شمس و طغرا» است که دیوان شعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید یاسمی تحصیلات مقدماتی را در کرمانشاه به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سن‌لوئی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام وفا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مالیه و دربار به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تاسیس کرد که بعدها با همت ملک‌الشعرای بهار به انجمن دانشکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله‌ی «دانشکده» با نویسندگان و شعرای آن دوره آشنا شد و با انجمن ادبی ایران همکاری داشت. یک سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات خود را در روزنامه‌ی «شفق سرخ» به سردبیری علی دشتی منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی را آموخت و زبان فرانسه را تکمیل کرد. زبان پهلوی را از حوزه‌ی درس استاد هر تسفلد نیک فراگرفت. در سال 1312 ش که دانشگاه تهران تاسیس شد، او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در سال 1322 ش به همراه هیاتی از استادان ایرانی به هند رفت و در سال 1324 ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفندماه 1327 ش به هنگام سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات دچار سکته شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهار شنبه 18 اردیبهشت ماه 1330 ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. جز از مقالاتی ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «نوبهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «یغما»، «مهر»،... چاپ شده است دارای تالیفات و تحقیقات و تتبعات و ترجمه‌های بسیاری است که از آن جمله: «ادبیات معاصر»؛ «تتبع و انتقاد در احوال و آثار سلمان ساوجی»؛ «احوال ابن‌یمین»؛ «تاریخ مختصر ایران»؛ «تاریخ

ملل نحل»؛ «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه؛ «تاریخچه نادرشاه»، ترجمه؛ «جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران تالیف براون»؛ «آیین دوست یابی»، ترجمه؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از نیما تا روزگار ما (145 -138)، تاریخ مشاهیر کرد (316 -310 /2)، چشمه‌ی روشن (448 -441)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (369 -368)، الذریعه (1307 ،362 /9)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (332 -328 /3)، سخنوران نامی معاصر (1534 -1528 /3)، سرآمدان فرهنگ (382 -379 /1)، فرهنگ سخنوران (378)، گنج سخن (326 -309 /3)، مؤلفین کتب چاپی (700 -696 /4)، یغما (س 26، ش 8، ص 490 -487).

رشیدالدین، فضل‌اللّٰه

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(718 -645 ق)، مورخ و طبیب. ولادتش در همدان بود. پدرش عمادالدوله ابوالخیر پزشک بود، و رشیدالدین جوانی را در تحصیل فنون مختلف، به ویژه علم طب گذرانید. و از عهد ایلخانی شد. در عهد دولت ارغون‌خان و گیخاتوخان مورد توجه و اکرام تمام قرار گرفت. غازان‌خان، بعد از قتل صدر جهان زنجانی، وی را با شرکت خواجه سعدالدین محمد آوجی به وزارت برگزید و الجاتیو (سلطان محمد خدابنده)، بعد از قتل سعدالدین، با وجود نهایت اعتمادی که به کفایت رشیدالدین فضل‌اللّٰه داشت؛ خواجه علی‌شاه یلانی را با وی در وزارت شریک کرد. در دوره‌ی سلطنت ابوسعید بهادرخان، به سبب نقاری که بین رشیدالدین و خواجه علی شاه در میان بود، خواجه علی‌شاه و همدستان او نزد آن پادشاه در میان بود، خواجه علی‌شاه و همدستان او نزد آن پادشاه جوان و کم‌تجربه چنین فرانمودند که خواجه رشیدالدین و پسرش خواجه ابراهیم، الجایتو را زهر داده‌اند. به همین جهت در جمادی‌الاول سال 718 ق سلطان ابوسعید دستور داد تا اول پسر را پیش چشم پدر گردن زدند، و سپس خواجه رشیدالدین را هلاک کردند، و خاندان و خواسته‌ی او را به یغما بردند. علاوه بر آن که درگاهش ملجا و مآب اهل هنر و علم بود. و در بسیاری از ناحی ایران و ممالک ایلخانی مدارس و مساجد و کتابخانه‌ها و موقوفات احداث کرد، خود نیز قسمتی بزرگ از عمر خود را در جمع و تدوین و تالیف گذرانید. مجموعه‌ی مصنفات و مولفات رشیدالدین فضل‌اللّٰه، «جامع التصانیف رشیدی» یا «المجموعه الرشیدیه» نامیده می‌شد و اینک از مجموعه‌ی آن آثار مختلف، برخی در مسائل مختلفی از قبیل مباحث دینی و تفسیر و کلام و طب و فلاحت و تاریخ و داروشناسی، بر جای مانده که عبارتند از: «توضیحات رشیدیه»، (شامل 19 رساله درباره مسایل کلامی و دینی و عرفانی)؛ «مفتاح التفاسیر»؛ «الاخبار و آثار»؛ «رساله‌ی سلطانیه»؛ «بیان الحقایق»؛ «جامع التواریخ»؛ «مکاتیب یا مکاتبات رشیدی»؛ دو کتاب «جامع التواریخ رشیدی» و «مکاتبات رشیدی»، که اولی کتاب مفصلی در تاریخ مغول و تاریخ عمومی است. دومی که منشآت و مناشیر و رسایل اوست و مجموعه‌ی فرمانها و نامه‌هایی است که وی به صفرزندان و عمال و علماء و مشایخ عهد نوشته است. صاحب «الذریعه» به وی «دیوانی» نسبت داده که نشان می‌دهد شعر هم می‌سروده است.[1]

فضل‌اللّه وزیر مدبر (و. همدان حدود 645 ه.ق.- مقت. 718 ه.ق./ 1318 م.). در ایام اباقاخان وی طبیب خاص پادشاه بود و احترامی داشت، در زمان غازان لیاقت وی آشکار شد و سه سال پس از عزل وزیر اعظم صدرالدین زنجانی، غازان او و خواجه سعدالدین ساوجی را متفقا به صدارت انتخاب کرد.
در عهد سلطنت اولجایتو، رشیدالدین مانند سابق حیثیت داشت و در همان اوقات در سلطانیه- پایخت جدید- ناحیه‌ای را آباد ساخت که نام او «رشیدیه نامیده شد. دو سال بعد محلتی دیگر در نزدیکی شهر غازانیه بنا نهاد و با صرف هزینه هنگفت رودخانه سرارود را بدانجا آورد. بعد از قتل سعدالدین، خواجه علی شاه گیلانی، که مردی مزدور و فرومایه بود- جایگزین او شد و او پس از اندکی دسیسه‌ای خطرناک ضد رشیدالدین ایجاد کرد ولی مؤثر نگردید. در سال 1315 ه.ق. نزاعی شدید بین دو وزیر به ظهور پیوست والجایتو ناگزیر شد که ترتیب و انتظام ممالک مختلف را بین آن دو تقسیم کند تا اختلافی روی ندهد، مع ذلک علیشاه تهمت و خصومت را ضد او ادامه داد به طوری که خواجه رشید به زحمت توانست خود را برهاند. این رقابت پس از مرگ الجایتو و در اوان سلطنت ابوسعید هم وجود داشت تا عاقبت خواجه تاب مقاومت نیاورد و از شغل خود کناره گرفت و در سن متجاوز از 70 او و پسر 16 ساله‌اش ابراهیم را به تهمت مسموم کردن سلطان سابق (الجایتو) به قتل رساندند. تاریخ مشروح و معتبر «جامع‌التواریخ» به همت او تألیف و تدوین شده».
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] ارمغان (س 6، ش 253 -241، 4 -3)، از سعدی تا جامی (125 -95)، الاعلام (359/5)، اعیان الشیعه (401/8)، تاریخ ادبیات در ایران (1252 -1247 /3)، تاریخ برگزیدگان (172 -171)، تاریخ نظم و نثر (143 -142)، تاریخ برگزیده (604)، تذکره‌ی روز روشن (293)، حبیب السیر (201 -199، 191 /3)، دایرةالمعارف فارسی (1086/1)، دستور الوزراء (321 -315)، الذریعه (60/14، 362/9، 271 -269 /3)، ریحانه (340 -337 /7)، سبک شناسی (179 -170 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 160/8)، فرهنگ سخنوران (377)، کارنامه بزرگان (322 -320)، لغت نامه (ذیل/ ابن ابی‌الخیر)، مجمع الفصحا (680/2)، معجم المؤلفین (74/8).

رضازاده لنگرودی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا رضا زاده لنگرودی سال ۱۳۲۹ در لنگرود به دنیا آمد،تحصیلات متوسطه خود رادر زادگاه خویش به پایان برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می شود. علاقه او به تاریخ از دوران نوجوانی شکل گرفت و بر مبنای این علاقه نیز، راه تحصیلات عالیه اش را پی گرفته است.لنگرودی تحصیلات آکادمیک خویش را تا مقطع دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس پیش برد و درطی این دوران نیز از تحقق و پژوهش در آن نیز غافل نمانده است.رضا زاده لنگرودی از چهره های شاخص تاریخ نگاری بخصوص در حوزه دانشنامه نویسی در ایران است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : ترکمانان
تحصیلات رسمی و حرفه ای : پایان دوره متوسطه در زادگاهش و اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس. تخصص ویژه او پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصص تاریخ نگاری ترکمانان است
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رضا رضا زاده لنگرودی مدیریت گروه تاریخ در بنیاد دایرة المعارف اسلامی را برعهده دارد. بنیاد دایرة المعارف اسلامی از سال ۱۳۶۲ همزمان با تأسیس مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی تأسیس شد. این بنیاد دارای ۱۲ گروه علمی در زمینه های زبان و ادبیات، اسلام معاصر، جغرافیا، فرهنگ و تمدن، فلسفه و عرفان، تاریخ علم، تاریخ، کلام و خرد، فقه و اصول، قرآن و حدیث است. اغلب فعالیت های این بنیاد، تألیف دایرة المعارف الفبایی به نام دانشنامه جهان اسلام است که تاکنون ۱۰جلد از آن به وسیله مؤسسه کتاب مرجع ، منتشر شده است.
آرا و گرایشهای خاص : رضا رضا زاده لنگرودی رضا زاده لنگرودی درباره دایرة المعارف نویسی در ایران نظریات ارزنده ای دارد:«دایرة المعارف به شکل امروزی، ویژگی های خاص خود را دارد و یکی از مهم ترین آنها ویرایش است بخصوص در «دایرة المعارف بزرگ اسلامی» به دلیل آن که مقاله ها از همان آغاز تألیفی بودند و نه ترجمه، ویرایش اهمیت خاصی داشت اما در «دایرة المعارف جهان اسلام» از آنجا که از همان ابتدا مقاله ها ترجمه بودند بیش تر مقابله ومقایسه مطرح بود تا ویرایش، اگر چه هم

اکنون در این دایرة المعارف ها نیز ویرایش اهمیت خاصی یافته و مقالات یکدست شده اند. امروزه دایرة المعارف هایی که در ایران نوشته می شوند از نظر مستندات از دایرة المعارف های قدیم اروپا بهتر هستند زیرا در قدیم ویراستاران معتقد بودند که حق با نویسنده است و وقتی افراد بزرگ و برجسته ای مثل «نیکلسون» یا «بارتول» مقاله ای می نوشتند، کسی نمی توانست به آنها بگوید که مأخذتان را بیاورید تا استناد آنها را ببینیم، در حالی که در دایرة المعارف های ما، ویراستاران از نویسندگان مقالات در هر مقام و مرتبه ای که باشند، مستندات را می خواهند البته ویرایش، گاه مشکلاتی را برای مقالات نویسندگان به وجود می آورد و این به دلیل آن است که اغلب مقاله ها با هر موضوعی که باشند از سوی ویراستارانی که اغلب ادبیات خوانده اند همان طور که مقالات ادبی را با ویژگی خاصی ویرایش می کنند، ویرایش می شود. همین امر باعث می شود که ما در اغلب دایرة المعارف ها با تشابه واژه، تعابیر و مفاهیم روبه رو می شویم، این از مشکلاتی است که در حال حاضر در همه دایرة المعارفها و بویژه در «دایرة المعارف جهان اسلام» وجود دارد و ما نمی دانیم چه زمانی می توانیم این مشکلات را از بین ببریم.» رضازاده درباره مسیری که دانشنامه نویسی در ایران طی کرده است ،می گوید: «از آنجایی که در آن دوران زبان دیپلماسی اروپا فرانسه بود، اصحاب دایرة المعارف به سرپرستی «دیدرو »می خواستند که با یک مجموعه ای که بیانگر اندیشه هایشان باشد حاکمیت خود را در اروپا (که در دوران عصر روشنگری بود) به تحقق رسانند. ما دایرة المعارف نویسی را از آنها گرفتیم و در واقع بخشی از اصول آنها را هم وارد کار خود کردیم. یکی از مشخصه های حائز اهمیت دایرة المعارف استناد است. ما نمی توانیم به دور از استناد مقاله بنویسیم. به همین دلیل هم چون اغلب نویسندگان مقاله های ما، ایرانی هستند، در حقیقتً تخصص ما بیش از هر چیزی، نزدیک به خود ما و مسائل پیرامون ماست. برای مثال ما کسی را نداریم که درباره عرفان و تصوف در چین آن چنان دقیق و جامع و علمی بنویسد که مثلاً در مورد عرفان و تصوف ایران می نویسد. به این اعتبار، دایرة المعارف هایی که در ایران نوشته می شوند فقط ۵ یا ۶درصد مقاله های آن در مورد مالزی، اندونزی، آلبانی و... است. بنابراین بیش تر مقاله های ما همان طور که آقای بجنوردی فرمودند، تاریخی است چون زمینه فرهنگی ما غنی است و ما در دایرة المعارف می خواهیم همین ها را عرضه کنیم. برای مثال اساس تألیف دایرة المعارف تشیع به دلیل اشتباهاتی بود که در دایرة المعارف تشیع انگلیسی وجود داشت به عنوان نمونه مقاله ای را که درباره امام رضا(ع) نوشته شده بود براساس یکسری کج فهمی ها بود که بعدها خود آنها به آن اعتراف کردند. بنابراین

همان طور سجادی و استاد فانی اشاره کردند، ما در یک فضای ذهنی تربیت شده ایم و با همان فضای ذهنی هم می نویسیم به همین دلیل مقاله ما درباره ابوالعلای معری با مقاله ای که یک عرب درباره او می نویسد فرق می کند و باید هم چنین باشد یا مقاله حافظ که یک نویسنده عرب می نویسد، با مقاله ای که در دانشنامه ادب فارسی یا دانشنامه ایرانیکا درباره حافظ نوشته می شود بی شک باید فرق کند؛ چرا که در این دایرة المعارف ها با ذهنیت ایرانی نوشته می شود. من می خواهم بگویم که دایرة المعارف های ما تأثیر خوبی در خارج از ایران داشته اند.
چگونگی عرضه آثار : تخصص ویژه رضا رضا زاده لنگرودی پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصص تاریخ نگاری ترکمانان است و در این باره با دو گرایش تاریخ روایی و تاریخ تحلیلی تألیف کرده است.در کنار این گرایش، لنگرودی سال هاست که بر جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشته است.اثری در۲ جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشارات طهوری چاپ و منتشر شده است. کتاب «جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام» است. لنگرودی در مقام ریاست بخش تاریخ بنیاد دایره المعارف اسلامی و دانشنامه جهان اسلام،علاوه بر نظارت بر سفارش و نگارش مدخل های این حوزه،خود نیز به کار نگارش مقالات ارزنده ای در آن پرداخته و تحقیقات خود را در قالب مدخل های دایرة المعارف دنبال کرده است. از آن جمله، نگارش مدخل های آتسز،آزاد، بلگرامی،آسین پالاسیوس،آق قویونلو،آل اخشید،آماری،ابن اثیر، ابوالحسن، ابوبکر طهرانی، استادسیس و ... وی در طنز نیز دستی توانا داشت. طنز او در طعنه بر نابه سامانی ها بود و هجو او در افشای نابرابری های اجتماعی. رضازاده لنگرودی اکنون مدتی است که بر روی «جنبش های دینی ـ اجتماعی خراسان در قرن دوم» مطالعات وسیعی را آغاز کرده و اثری با همین عنوان هم به نگارش در آورده است. رضا رضازاده لنگرودی در میان تاریخ نویسان هم نسل خویش با نگاه دانشنامه نویسی و در نتیجه تکیه بر منابع موثق و پرهیز از دیدگاه های شخصی و فراهم آوردن منابعی برای نگرش های تطبیقی در تاریخ، از دیگران تفکیک می شود. بویژه در دوره ای که تاریخ نگاری جولانگاه تاریخ نگاران غیر متعهد شده است. رضا رضازاده لنگرودی، با دانشنامه های دیگری از جمله دانشنامه های مرتبط با یک منطقه نیز همکاری می کند و مدخل هایی برای آنان نیز می نویسد.از جمله مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان ----------
---
آثار :
1 جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام
ویژگی اثر : تالیف، 2 جلد. لنگرودی سال هاست که بر جنبش های

اجتماعی در ایران پس از اسلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشته است.اثری در? جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشارات فرهنگ نشر نو چاپ و منتشر شده است. کتاب «جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام» گرچه در قالب مجموعه مقالات لنگرودی انتشار یافته، اما وحدت ذهنی او در پیگیری گرایش تاریخی اش، اتحاد و وحدت اثرش را به خوبی حفظ کرده و از کتاب جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام اثری قابل ارجاع ساخته است.اما این کتاب خیلی زود در محافل فرهنگی و حوزه نقد کتاب به عنوان اثری مهم و اثرگذار شناخته شد و لنگرودی را ترغیب به نگارش جلد بعدی این مجموعه کرد: «جلد دوم این کتاب هم ادامه جنبش هایی است که در تاریخ ایران شکل گرفته اند، یعنی جنبش نومزدکیان و بردگان زنج است، بعد جنبش زندیه است، جنبش برده داران و جنبش نقطویه...»

2 جنبش های دینی ـ اجتماعی خراسان در قرن دوم

3 مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان

ویژگی اثر : او این مقاله را با تشریح وضعیت کاشان در دوره پیش از تاریخ آغاز می کند. آگاهی های ما از روزگاران پیش از تاریخ کاشان، مبتنی بر کاوش های باستانشناسی تپه سیلک است که نیز نخستین بار در طول سالهای 7-1933 به دست رومن گیرشمن فرانسوی انجام گرفت. نگارنده براساس آثار یافت شده در حفاری ها صورت گرفته به بررسی ویژگی های تمدن کهن سیلک و پیوندهای سیلک با خارج و تأثیرهای خارجی بر آن می پردازد و با توجه به یافته های باستانشناسان در گورستان های سیلک، گونه های انسان شناختی سیلک را بررسی می کند. در فاصله زمانی پس از تمدن سیلک تا دوران ساسانی، بویژه در صدر اسلام، اطلاعی از مردم سیلک و دیگر آبادی های کاشان در منابع موجود در دست نیست. ولی در پژوهش های پراکنده نشان داده شده است که جوامع گوناگونی در دوره های مختلف تاریخی در دشت کاشان، و بویژه در نواحی کوهستانی غرب و جنوب، سکونت داشته اند. بقایای آتشکده های نیاسر، نطنز، خرمدشت و... گویای وجود مراکز زیستی در دوران ساسانی در این منطقه است. رضازاده لنگرودی در ادامه به وضع کاشان در دوره پس از اسلام می پردازد و از جمله، فرضیه های مختلف درباره نامگذاری کاشان را عنوان می کند.

4 یاد پاینده

ویژگی اثر : شامل مجموعه ?? گفتار پژوهشی در قالب یادنامه محمود پاینده و... لنگرودی به زنده نگاه داشتن نام نیکان نیز اعتقاد ویژه دارد و بر مبنای همین اعتقاد است که مجموعه یادنامه پاینده را تدوین کرده و درباره او می گوید:«پاینده از شاعران خوش قریحه گیلکی و فارسی بود. شعر

کهن و نو را خوب می شناخت و در قصیده و غزل و رباعی و دوبیتی اشعاری سروده است. اما شیوه نیمایی را بیشتر می پسندید. به اعتقاد او «شعر باید نکاتی به خواننده بیاموزد و شاعر پیش از مردم همراه و همگام آنان باشد تا هنر شعرش در زمینه مردم مؤثر باشد. » اشعار فارسی پاینده که بیش تر مضمون اجتماعی دارند، در عین زیبایی، عامه پسند و عاری از تعقیدات لفظی است. اشعار گیلکی او شیوا، سلیس و آکنده از مضامین دلنشین مردم پسند است. افزون بر زبان تعرض به بی عدالتی های زمانه، در زبان وصف نیز توانا بود، اما نه در وصف هلال ماه و تشبیه آن به ابروی دلدار بلکه وصف پریشانی های فرزندان تیره بخت روزگار.

5 یادگارنامه فخرایی

ویژگی اثر : ترانه هایی از اشکور بالا عنوان مقاله کاظم السادات اشکوری در کتاب یادگارنامه فخرایی است که زیر نظر دکتر رضازاده انتشار یافته است.

منابع زندگینامه :

1http://www.iran-newspaper.com/1385/851128/html/mehr.htm، روزنامه مهرگان صفحه مهرگان 28-11-1385

رضای الهی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فضل الله رضای الهی در سال 1302 در شهر اصفهان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی از کشور فرانسه است. استاد هم اکنون پس از تدریس در دانشگاههای مختلف ایران و بازنشستگی مدت 14 سال است که با دانشگاه آزاد اسلامی همکاری دارند .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فضل الله رضای الهی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا اخذ دیپلم ادبی در اصفهان سپری نمودند در سال 1333 موفق به اخذ درجه کارشناسی رشته ادبیات از دانشگاه تهران شد. ایشان چندین سال در کسوت معلمی به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال داشتند. شوق تحصیل دسترسی بمدارج بالا تر موجب شد که در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نمودند و در سال 1342 موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی گردید.دکتر رضای الهی مدرک دکتری رشته جامعه شناسی را از کشور فرانسه دریافت کرده است.همسر و فرزندان : فضل الله رضای الهی متاهل و دارای سه فرزند می باشد.وقایع میانسالی : فضل الله رضا الهی پس از دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی در دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) مشغول به تدریس و تحقیق شدند.و پس از اخذ درجه دکتری رشته فوق از کشور فرانسه به ایران بازگشتند و همچنان در دانشگاههای مختلف به تدریس و تحقیق مشغول می باشند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فضل الله رضای الهی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد.

رضای قاجار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی شاهزاده پر استعداد قاجاری بود و در شبیه‌پردازی و قلمدان‌سازی دستی بکمال داشت. از آثار او: قلمدان زیبایی که بر رویه آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین‌شاه قاجار نقش بسته و حواشی و جوانب آن از گل و مرغ پرمایه و رنگین آذین شده و حواشی قلمدان طلایی است، با رقم: «کمترین رضای قاجار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (205/1).

رضایی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله رضایی انالوجه
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/1
زندگینامه علمی
بنده عبدالله رضایی فرزند حجة الاسلام شیخ علی رضایی در سال 1355 در خانواده ای روحانی و متدین در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی ودبیرستان را در مدارس قم طی نمودم و در سال 74 وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیلات سطوح حوزوی را نزد اساتیدی همچون حجج اسلام موسوی خوئی، موسوی تهرانی، وحیدی، شبیری زنجانی .... ادامه دادم. همزمان با قبولی در آزمون ورودی دانشگاه باقرالعلوم رشته تاریخ را درمقطع کارشناسی به اتمام رساندم و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته ارتباطات با گرایش تولید سیما در دانشکده صدا و سیما ادامه داده و رساله علمی خویش را در قسمت عملی با موضوع طرح مسئله شفاء در رسانه تلویزیون و در قسمت نظری با عنوان بررسی تطبیقی مسابقات سرگرمی تلویزیون با توجه به انگاره های اسلامی ارائه دادم. در این میان همکاری تحقیقاتی و اجرایی در پروژه های مختلف تلویزیونی و تولید این آثار و همچنین تاسیس کار گروه های علمی در حوزه رسانه و دین از جمله فعالیت های اینجانب می باشد. بنده هم اکنون به عنوان معاونت فرهنگی هنری موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) که تولید آثار پژوهشی، فرهنگی و هنری در زمینه تخصصی مهدویت را در دستور کار خود دارد را عهده دار می باشم.

رضائیان، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حسن رضائیان در 7 مهرماه سال 1334 هـ.ق در شهر تهران در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. استماع صوت زیبا و روح بخش مرحوم استاد عبدالباسط، با تلاوت سوره های حشر و تکویر، نخستین بارقه عشق به تلاوت آیات روحی را در نهاد او تاباند و از این رو از همان سنین نوجوانی، به تلاوت و تقلید از این استاد پرداخت که تاکنون نیز ادامه دارد. جوّ قرآنی و مذهبی خانواده آقای حسن رضائیان، و اهتمام بسیار پدر به امر تلاوت قرآن، پرورش قرآنی او را چنان سرعت بخشید ک در فاصله کوتاهی در شمار خیلی قاریان قرآن قرار گرفت چرا که پدرش نیز خود قاری قرآنی بود و بر تلاوت فرزندش بسیار مشتاق. آقای رضائیان مراحل ابتدائی تلاوت قرآن را به کمک والدینش در سن 12 سالگی آغاز کرده، با کوشش و تلاش خود و تمرین در زمینه تلاوت به موفقیتهایی در این زمینه دست یافت. او در ابتدای کار به تقلید از استاد مرحوم عبدالباسط پرداخت و آنچنان در تقلید از این استاد مرحوم پیش رفت که صدای او با سبک تلاوت مرحوم عبدالباسط، عجین شد. از این رو، اگر چه گاهی از سبک اساتیدی چون غلوش، مصطفی اسماعیل و منشاوی تقلید می کند اما بطور کلی تلاوتهای او رنگ و بوی تلاوتهای استاد عبدالباسط را دارد. او نیز چون بسیاری از قاریان برجسته معتقد است که قاری در ابتدای امر تلاوت باید به تقلید محض از قاریان مشهور مصری بپردازد. و پس از آن برای خود سبکی را برگزیند. آقای حسن رضائیان در بسیاری از مسابقات سراسری قرآن کریم شرکت کرده و رتبه های برتری را از آن خود ساخته است. او در مسابقات جهانی مالزی رتبه سوم و در مسابقات بین المللی قرآن کریم در آفریقای جنوبی رتبه نخست را کسب نمود. آقای رضائیان در بسیاری از استانهای کشور به تلاوت پرداخته، و همچنین بعنوان داور در بسیاری از مسابقات استانی قرآن کریم حضور داشته است.
حاج حسن رضائیان در سال 1360 ازدواج نمود که ثمره آن دو فرزند است ـ فرزند اوان کودکی به تلاوت اشتغال داشته و در حال حاضر در شمار قاریان می باشد آقای رضائیان نخستین برنامه رسمی تلاوت خود را در مسجد دارالسلام تهران اجرا کرد. او در این برنامه آیاتی از سوره مبارکه ابراهیم را تلاوت نمود. آقای رضائیان علاوه بر اجرای تلاوت قرآن جلساتی نیز جهت آموزش تجوید و صوت و لحن تشکیل داده که در حال

حاضر نیز این جلسات ادامه دارد و به تدریس در این جلسات می پردازد.
آقای رضائیان در راستای فعالیتهای قرآنی خود، به بسیاری از کشورهای جهان سفر نموده است او دو مرتبه به کشور هندوستان سفر نمود که در اکثر استانهای شمالی و شهرهای تابعه آن، به تلاوت قرآن پرداخت. در این جلسات مردم با شور و اشتیاق، تا پاسی از شب تلاوت او را و برخی دیگر از قاریان ایرانی حاضر در جلسه، گوش جان می سپردند و حتی اگر قاریان دچار تأخیر یک ساعته می شوند مردم همچنان در مسجد با اشتیاق فراوان، در انتظار می ماندند. آقای حسن رضائیان در صحبتهای خود به خاطرات سفرش از کره چنین اشاره می کند: در کره جنوبی هنگامی که ما قرآن تلاوت می کردیم، مردم می گریستند و اشتیاق عجیبی داشتند. در سفر به کانادا و تلاوت در این کشور، مردم چنان به وجد می آمدند که او را برای مراسم افطاری به منزلشان دعوت می کردند. او همچنین به کشورهای دیگری چون ژاپن، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، امارات متحده عربی، تانزانیا، آفریقای جنوبی، عربستان و استرالیا سفر کرده است.
آقای حسن رضائیان نخستین بار در سال 1358 در سیمای جمهوری اسلامی ایران به تلاوت پرداخت و تا کنون بارها تلاوتهای او از شبکه های مختلف صدا و سیما به سمع دوستداران تلاوتهای او رسیده است؛ تلاوتهایی که خاطره خوش تلاوتهای مرحوم عبدالباسط را در اذهان تداعی می کند. آقای رضائیان اذان را نیز به زیبائی اجرا کرده است که از سالها قبل در صدا و سیما پخش می شود. او به قاریانی که در ابتدای راه هستند توصیه می کند که ابتدا به حفظ قرآن همت گمارند، پس از آن احکام تجویدی از استادی که خود قاری باشد، بیاموزند. او معتقد است که این افراد پس از یادگیری صوت و لحن و پس از مدتی تقلید از یکی از قاریان مشهور می توانند، به ترکیب خوانی بپردازند او همچنین به قاریان قرآن سفارش می کند که اعمال و کردار خود را با قرآن بیامیزند. آقای حسن رضائیان در دوران 8 سال دفاع مقدس بارها در جبه های حق علیه باطل حضور یافت و با برپائی مراسم های شبی با قرآن در تقویت روحیه معنوی رزمندگان اسلام، قدم برداشت او معتقد است که به برکت خون شهیدان است که قرآن این گونه جایگاه بالایی یافته است و انقلاب اسلامی ما، راه را برای جوانان هموار کرده است. آقای رضائیان اساتید عبدالباسط، غلوش، مصطفی اسماعیل، محمد صدیق منشاوی بعنوا قاریان برتر مصر از آغاز تا کنون یاد می کند او همچنین از قاریان کنونی مصر اساتید غلوش، شحات انور و سید متولی عبدالعالی را برترین می داند آقای رضائیان می گوید: من زندگیم را با قرآن و عترت عجین شده یافتم زیرا از هنگامی که خود را شناختم در خانواده ای بودم که با تلاوت قرآن مأنوس بود. آقای رضائیان در حال حاضر به عنوان ست اندر کار تهیه و توزیع داروهای گیاهی

می باشد.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net/

رضوانی، محمداسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1374 -1300 ش)، محقق، مورخ و استاد دانشگاه. وی در قریه‌ی خراشاد بیرجند متولد شد و در همان جا به مکتب رفت. هشت ساله بود که خواندن قرآن را تمام کرد. سپس به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی طلاب و سپس در مدرسه‌ی دولتی تدین به تحصیل پرداخت. پس از اخذ دیپلم بلافاصله در وزارت فرهنگ استخدام شد و سه سال در بیرجند خدمت کرد. سپس به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، موفق به اخذ لیسانس و فوق‌لیسانس و دکترا در رشته‌ی تاریخ و جغرافی شد. او در رشته‌ی امور تربیتی نیز دارای مدرک لیسانس بود. رضوانی در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ و رشته‌های مربوط به آن پرداخت. سرانجام در تهران وفات یافت. از آثار به جای مانده از او می‌توان از: رساله‌ای برای نوسوادان به نام «زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم»؛ تصحیح متن «نامه‌ی تنسر» با همکاری مجتبی مینوی؛ «منتظم ناصری»، در سه مجلد؛ «اعلانها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار»، با همکاری جهانگیر قائم مقامی؛ «انقلاب مشروطیت ایران» نام برد. و مقالات متعددی که در مجلات «یغما»، «بررسیهای تاریخی»، «آموزش و پرورش»، «آینده»، «راهنمای کتاب» چاپ شده است.[1]
مورخ، محقق، مدرس.
تولد: 10 اردیبهشت 1300، قریه‌ی خراشاد (24 کیلومتری شال شرقی بیرجند).
درگذشت: 5 فروردین 1375، تهران.
محمداسماعیل رضوانی، فرزند جعفر، تحصیلات خود را از مکتبخانه خراشاد آغاز نمود. سپس در مدرسه‌ی طلاب در بیرجند و پس از آن در مدرسه‌ی تدین به تحصیل پرداخت. در سال 1322 از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمت مدیر دبستان دقیقی خراشاد به خدمت پرداخت. بعد از ده سال در دبیرستان شوکتی بیرجند به تدریس مشغول شد. پس از آن به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، توانست دوره‌ی لیسانس (1332 -1328)؛ و فوق لیسانس و دکتری (1341 -1336) را طی کند. وی مدت‌ها در دانشگاه ملی و دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. در سال 1358 بازنشسته شد و تا پایان عمر به تحقیق و پژوهشی در زمینه تاریخ ایران

پرداخت. وی در سال‌های آخر عمر در چند واحد از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه الزهراء، تربیت مدرس تدریس می‌کرد. از جمله مسئولیت‌های علمی او، مشاورت عالی پژوهشکده‌ی اسناد سازمان ملی ایران، مشاورت مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی، مدیریت گروه تاریخ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، عضویت در شوراها و هیئت‌های مختلف از جمله شورای احیای میراث مکتوب کتابخانه‌ی ملی ایران و هیئت داوران جشنواره‌ی مطبوعات (دوره‌ی اول و دوم) بود.
از جمله آثار دکتر محمداسماعیل رضوانی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: زمینی که در روی آن زندگی می‌کنیم (1342)؛ انقلاب مشروطیت ایران (1345)؛ زندگی امام هشتم حضرت رضا (ع) (1349)؛ اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار (1349)؛ تعلیقات نامه تنسر (با همکاری مجتبی مینوی، 1354)؛ تصحیح تاریخ منتظم ناصری (سه جلد، 1367 -1362)؛ سفرنامه‌ی ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرهنگستان (1371)؛ روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرهنگستان (با همکاری فاطمه قاضیها، سه جلد، 1373 -1371)؛ عالم آرای عباسی؛ یادداشت‌های امین‌الدوله؛ وی همچنین چند جلد کتاب درسی نیز تألیف نموده است، از آن جمله یک دوره تاریخ و جغرافیا و تعلیمات اجتماعی دبیرستان و یک دوره‌ی کامل تاریخ و جغرافیا برای دانشسرای مقدماتی و کلاس‌های تربیتی آموزش و پرورش و نیز کتاب درسی تاریخ سیاسی ایران برای دانشجویان دانشکده‌ی افسری. ایشان همچنین برای روزنامه‌هایی که تجدید چاپ شده‌اند، مقدمه نوشته است، از جمله برای دوره‌ی روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه»، «ایران»، «دانش»، «مدرسه‌ی دارالفنون تبریز»، «ملت سنیه ایران»، (روزنامه‌ی ملتی)». مقاله‌هایی از ایشان نیز در موضوع‌های تاریخ و جغرافیا در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف نظیر «یغما»، «راهنمای کتاب»، «کیهان»، «سالنامه‌ی کشور ایران»، «دانشکده‌ی ادبیات»، «بررسی‌های تاریخی»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «تحقیقات روزنامه نگاری»، «جامعه‌ی نوین»، «تاریخ»، «آینده»، «خواندنی‌های قرن»، «کلک»، «پیام کتابخانه»، «گنجینه‌ی اسناد»، «تحصیل»، «تاریخ معاصر ایران»، «کیهان فرهنگی» و «تحقیقات اسلامی» به چاپ رسیده است.
پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 5، ش 10، ص 7 -1).

رضوی، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1283.
درگذشت: 1368.
از آثار اوست: ترجمه‌ی تاریخ پزشکی نوین (اثر پیر بورژه و کلود بولوون، تهران، 1370).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

رضوی، رسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول رضوی
محل تولد : نقده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
دوره دبستان و راهنمایی را در مدرسه آذرآبادگان تبریز به اتمام رساندم. یک سال در مدرسه علمیه ولیعصر تبریز مشغول تحصیل بودم و در سال 1367 به قم منتقل شدم. مقدمات را در مدرسه امام صادق(ع) مشغول به تحصیل شدم. دوره سطح را نزد اساتیدی چون استاد دوزدوزانی، استاد پایانی و ... به اتمام رساندم و در دروس خارج آیات عظام لنکرانی(ره)، مکارم شیرازی، سبحانی و ... شرکت کردم. در سال 1378 شروع به تحصیل در دوره نهم رشته تخصصی کلام اسلامی سطح چهار کردم و در سال 1382 این دوره را به اتمام رساندم. در مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه به عنوان مدیر گروه ادیان و مذاهب مشغول به تحقیق شدم . در موسسه آینده روشن مدیر گروه تاریخ بوده و تاریخ غیبت کبری تدریس می‌کردم و در موسسه امام صادق(ع) یعنی تخصصی کلام اسلامی به تدریس تاریخ ادیان و مذاهب اسلامی و کلام استدلالی مشغول هستم و عضو هیات تحریریه مجله صباح و مشرق موعود می باشم.

رضوی، محمد زمان

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1041 ق)، مورخ. وی اثری دارد در تاریخ ابومسلم خراسانی به نام «صحیفه الرشاد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (17/15)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (1013/2).

رضوی، محمدحسن

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. پیرو مکتب نوپای محمد زمان و علیقلی بیگ جبادار بود و به نقش تصویر اشتغال داشت. محمدحسن در قلمدان‌سازی و آبرنگ مهارت داشته و در شیوه‌ی محمد زمان نقش می‌آفریده است. از آثار وی قلمدان شکسته‌ای در شیوه‌ی صفوی است که در بالای آن، تصویر زن جوانی نقش بسته و حواشی و کناره‌های قلمدان پر از گلهای چشم آذین و گوناگون است، با رقم: «محمدحسن رضوی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (699/ 2)، هنر قلمدان (28).

رضوی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در 26 دی‌ماه سال 1326 شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدرو اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «دربارة ما» بیان گردیده است.
استاد مرتضی رضوی در اواخر سال 1340 پس ازتحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.
فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شر یعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.
استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.
استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.
در سن 19 سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.
استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف

عدالت‌گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال 1342 حضور داشتند و تا سال 1356و خیزش نهضت اسلامی 18 بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال 1356 مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.
استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال 1363 از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.
استاد مرتضی رضوی در سال 1366 در دوره سوم نمایندگی مجلس شواری اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحلة دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت ، مبنی براینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحلة دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رضیعی، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای قاسم رضیعی در 8 فروردین ماه سال 1349 شمسی در شهر ازنا در استان لرستان در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود در سال 1359 همزمان با تحصیل در مقاطع ابتدائی صحنه تشویق یکی از همکلاسیانش او را به تلاوت قرآن بسیار علاقه مند ساخت زیرا تلاوت سوره حمد به شیوه استاد عبدالباسط توسط همکلاسی اش مورد توجه معلم دینی و قرآن گرفته بود دیدن این صحنه قاسم رضیعی را متوجه توانایی هایش کرد و پی برد که او بهتر از همکلاسی اش می تواند تلاوت کند بهمین دلیل او نیز به تلاوت پرداخت و بسیبار مورد تشویق قرار گرفت امری که باعث شد قاسم رضیعی به طور جدی به تلاوت به تلاوت قرآن بپردازد.
قاسم رضیعی از جذابیت و اعجاز لفظی قرآن کریم به عنوان مهمترین عامل در تربیت و پرورش قرآنی خود یاد می کند. حمایتهای والدین و جوّ مذهبی خانواده اش عامل دیگری در پیشرفت قرآنی آقای رضیعی شد. او همچنین از معلمان و برخی دوستان قرآنی که باعث پیشرفت و تشویق او شدند به عنوان عوامل دیگر در تربیت و آموزش قرآنی خود اشاره می کند.
آقای رضیعی آموزش صوت و لحن را همزمان با هم آغاز کرد و تا کنون نیز در این زمینه مداومت دارد. او نخستین تلاوت رسمی خود را در مسابقات دانش آموزی سراسر کشور در شهر رامسر اجرا کرد. همچنین آقای دکتر رضیعی در سال 1370 برای اولین بار بصورت فنی در محفل انس با قرآن شهر کاشان تلاوت کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت.
حاج قاسم رضیعی در سال 1368 تحصیلات خود را در رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی آغاز کرد و در سال 1375 موفق به اخذ درجه دکترا شد. پس از آن او با ادامه تحصیل در این رشته در سال 77 مدرک دکترای تخصصی در رشته پزشکی هسته ای را از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی دریافت کرد. او در کنار امر تحصیل در زمینه تلاوت قرآن نیز تلاش می کرد و بر آن مداومت داشت. و در دوره های مختلف مسابقات قرآن رتبه های برتری را کسب کرد. آقای دکتر قاسم رضیعی در سال 1364 در مسابقات سراسری دانش آموزان کشور، رتبه نخست را بدست آورد او در سال 1370 در مسابقات سراسری دانشجویان علوم پزشکی مقام اول را ر کشور بدست آورد و در سال 1379 در مسابقات سراسری جانبازان کشور نیز حائز رتبه نخست شد و در سال 1380 در

مسابقات سراسری اوقات و امور خیریه در شهر اردبیل موفق به کسب مقام سوم در رشته قرائت شد. آقای دکتر رضیعی در زمینه فعالیتهای قرآنی خود علاوه بر موفقیت هایی که در مسابقات داخلی کشور کسب کرد در سال 73 در سومین دوره مسابقات بین المللی بنگلادش رتبه نخست را بدست آورد، و پس از آن نیز در سال 1377 در مسابقات بین المللی کشور سوریه در قرائت رتبه اول را از آن خود کرد. دکتر قاسم رضیعیی که زندگیش با تحصیل و عشق به قرآن بهم آمیخته است از جمله کسانی است که در کنار تحصیل در جامعه پزشکی و دریافت درجات بالای آن به امر تلاوت قرآن نیز پرداخته و در این زمینه نیز از قاریان برجسته کشور است. او مجموعه مقالاتی در مباحث تجوید و صوت و لحن تحریر کرده که از سوی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی منتشر شده است قاسم رضیعی که در زمینه طب و پزشکی به تحصیل پرداخته، در دانشگاه عبور پزشکی شهید بهشتی در دانشکده های پزشکی، پرستاری و مامایی به امر آموزش در زمینه های مختلف قرآنی پرداخت. او علاوه بر این، در دانشکده های برق و عمران خواجه نصیر الدین طوسی و مسجد علی ابن ابیطالب تهران نیز جلساتی در زمینه آموزش تجوید و صوت لحن داشته است.

دکتر قاسم رضیعی، همچون دیگر قاریان برجسته تلاوت معتقد است که یک فرد قاری در ابتدای کار با تقلید از قاریان مشهور جهان، باید شیوه خود را در تلاوت برگزیند. او معتقد است برای ابتدای راه تقلید تنها وسیله است. او خود نیز در ابتدای کار از اساتیدی چون مرحوم عبدالباسط، مرحوم منشاوی، مرحوم مصطفی اسماعیل تقلید کرد پس از آن نیز به تقلید از اساتیدی چون کامل یوسف، عبدالفتاح شعشاعی، محمود رمضان، حسّان و شحات محمد انور پرداخت. پرداختن به مفاهیم آیات شریف قرآن در کنار امر تلاوت، یکی از نکات بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد از این رو آقای قاسم رضیعی به قاریانی که در ابتدای راه قرار دارند توصیه می کند که در جلسات قرآن، علاوه بر پرداختن به فنون قرائت، با مفاهیم قرآن نیز آشنا شوند او برای دستیابی به این هدف، توضییح خواستن از اساتید راه حل خوبی می داند. او همچنین به قاریان قرآن سفارش می کند که با ضبط نوار تلاوت خود برای شناسائی نقاط ضعفشان تلاش کنند.

آقای دکتر قاسم رضیعی در سال 1377 ازدواج کرد که ثمره این ازدواج یک فرزند پسر است. همسر ایشان نیز پزشک است و به مسائل قرآنی علاقه دارد. آقای رضیعی آیات قرآن را بصورت موضوعی حفظ کرده است و برای تبلیغ این کتاب عظیم بر تلاوت قرآن از حفظ اهتمام دارد. آقای رضیعی تا کنون به کشور های مختلفی برای تلاوت قرآن سفر کرده است.

از جمله کشورهای بنگلادش و ترکیه وی در سال 1374 بهمراه آقایان سید حسین موسوی و محمد تهرانی به کشور ترکیه سفر کرد و در شهرهای استامبول و آنکارا به تلاوت قرآن پرداخت. او در سال 1375 بهمراه جناب آقای علی اکبر حشمتی، سفری به کشور نامیبیا داشت و در میان استقبال مردم آن دیار، آیات و کلمات وحی را تلاوت کرد. از دیگر سفرهای دکتر رضیعی که به منظور آشنا ساختن هر چه بیشتر مسلمانان جهان با کتاب آسمانی قرآن است باید به سفر ایشان به کشور روسیه اشاره کرد که در سال 76 بهمراه آقای اصغر شعاعی در این کشور به تلاوت پرداخت. همچنین او در سال 1377، بهمراه آقایان علّامی، ستوده نیا، دولتی، و امام جمعه برای اجرای تلاوت قرآن، به کشور سوریه اعزام شد. قاسم رضیعی در سفرهای تبلیغی خود به خارج از کشور در سالهای 78 و 79 به کشور های هندوستان و اتیوپی نیز سفر کرد و در آن کشورها، آیات قرآن را تلاوت نمود.

دکتر قاسم رضیعی هم اکنون به عنوان متخصص پزشکی هسته ای در بیمارستان آیت الله طالقانی تهران مشغول به فعالیت است. وی معتقد است انسان باید همواره قرآن را در محضر خود ببیند. او می گوید: هدف و غایت نهایی از تلاوت ظاهری قرآن، مانند حفظ و قرائت این است که ما بتوانیم مقیاس خوبیها و بدیهای خود را از مفاهیم آیات قرآن در یابیم. آقای رضیعی از اساتید بزرگ همچون مصطفی اسماعیل، رفعت، عبدالفتاح، کامل یوسف، حسّان، محمد صدیق منشاوی و عبد الباسط به عنوان برترین اساتید تلاوت قرآن در مصر یاد می کند.

دکتر قاسم رضیعی چندین بار در دیدار رهبر معظم انقلاب با قاریان و حافظان قرآن در حضور ایشان به تلاوت پرداخته اند و از رهنمودهای ارزنده ایشان، بهره ها گرفته اند. آقای رضیعی که خود نیز به ابتهال و مناجات علاقه دارد، برخی از ادعیه مفاتیح الجنان را اجرا کرده است که از سوی مؤسّسه امام رضا علیه السلام در یک لوح فشرده با عنوان مفاتیح مورد استفاده علاقه مندان است. او به قاریان توصیه می کند که همیشه عظمت کلام الهی را در نظر داشته باشند که این امر باعث تواضع بیشتر انسان مقابل کلام الهی می شود و در تلاوتش هم بروز خواهد کرد یعنی توجه به عظمت قرآن، تلاوتهای بهتری را نیز در دل خواهد داشت.

منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net/

رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1307 ق)، مورخ و ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در لکنهو، پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزمینهای هند مسافرت کرد و در «بهوپال» اقامت گزید، و کتابهای بسیاری تصنیف کرد. از وی با نسبتهای شیروانی، انصاری، یمنی یا هندی یاد شده است از آثار وی: «آثار العجم» که با «آثار عجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ افاغنه» فارسی؛ «تاریخ البواهر»، در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «قلائد الجواهر فی تاریخ البواهر» می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می‌گویند؛ «تاریخ بهوپال»؛ «تاریخ دکن» که همان «چار چمن» است؛ «تاریخ سرندیب»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (377/9، 216/3، 234، 291 /2)، ریحانه (325 -324 /2)، صبح گلشن (182 -180)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 988 -987 /14)، لغت نامه (ذیل/ رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (653 -652 /3).

رفیع پور، فرامرز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
گذراندن دوره کامل زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در سال 1340، گذراندن دوره زبان آلمانی در مؤسسه گوته شهر مونیخ آلمان در سال 1341، کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال 1342، دکترای علوم اجتماعی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال 1352، دوره Postdoctorate در روش تدریس از دانشگاه کاسل آلمان در سال 1352، دریافت درجه پروفسوری از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال 1365.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تغییرات اجتماعی روستایی، نیازسنجی، سنجش گرایش، پیدایش و آینده انقلاب، تأثیر تلویزیون و انتقال ارزشها، ویدئو و تغییر ارزشها، استاد راهنمای 6 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
روش تحقیق، جامعه‌شناسی روستایی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 2، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
روش تحقیق، نیازسنجی.
وقایع میانسالی : دکتر فرامرز رفیع پور در سال 1353 به ایران بازگشت و به عضویت هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (ملّی سابق) در آمد. وی جهت طی دوره تحقیقاتی علمی بار دیگر به کشور آلمان سفر کرد و در

نتیجه تلاش روزافزون در سال 1365 به درجهٔ پروفسوری از دانشگاه هوهن هایم مفتخر شد. از دیگر وقایع رخداده برای دکتر رفیع پور می توان به موارد زیر اشاره کرد: - 1359 (1980) تحقیق درباره سنجش نیازهای روستائیان یزدی - 63 ـ 1361 (84 ـ 1982) دعوت به دانشگاه هوهن هایم به هزینه مرکز تحقیقات آلمان 1986) 1365 - DFG) اخذ Habilitation (رساله پروفسـوری) و venia legendi (اجازه تدریس در دانشگاههای آلمان به عنوان پروفسور از دانشگــاه هوهن هایـم ـ اشتوتگـارت بـر اساس رساله ارائه شده درباره "پویائی نیاز در برنامه ریزی رشد ". - 1368 (1989) چاپ رساله Habilitation در آلمان. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - 1353(1974) استادیار گروه جامعه شناسی در دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی) - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی - رئیس گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی - 68 ـ 1367(89 ـ 1988) استاد مدعو دانشگاه ویسکانزین ـ مدیسون عضویت ها • استاد دانشگاه هوهن هایم ـ اشتوتگارت، آلمان تا سال 2005 • عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی ایران • عضو شورای دانشگاه شهید بهشتی تا 1384 • عضو هیات ممیزه دانشگاه شهید بهشتی تا 1382 • عضو هیات ممیزه مرکزی علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری • عضو هیات امناء پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی • سرپرست کمیته علوم اجتماعی شورایعالی برنامه ریزی تا سال 1386 • عضو کمیسیون علوم انسانی شورای پژوهش های کشور تا 1379 • رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی 1382 تا خرداد 1385 سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رفیع پور در کنار مسئولیت های آموزشی و پژوهشی در ایران، در دانشگاه هوهن هایم به عنوان پروفسوری به کار تحقیق و تدریس اشتغال دارد.جوائز و نشانها : - استاد برتر کشور در سال ۱۳۷۵ - برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۵ به خاطر تالیف کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» -استاد نمونه دانشگاه شهید بهشتی در سال 1371 - دانشجوی بورسیه DAAD در طی سالهای 1965-68 چگونگی عرضه آثار : «جامعه روستایی و نیازهای آن» عنوان پژوهشی است که فرامرز رفیع پور در ۳۲ روستای استان یزد انجام داده است و آن را به صورت کتاب روانه بازار نشر کرده است. مطالعه حاضر که می تواند به عنوان سرمشقی برای مطالعات روستایی بعدی تلقی شود، برای یافتن نیازهای عینی و ذهنی روستاییان استان یزد، یافتن ترتیب ارجحیت این نیازها، طبقه بندی روستاها به ترتیب عقب افتادگی و نیاز آنها طراحی گردیده است و نه تنها کتاب برگزیده سال ۱۳۶۵ شناخته شده، بلکه

روشهای ساخته و پرداخته این پژوهش مورد استقبال محافل علمی آلمان نیز قرار گرفته است. کتاب مذکور از مهمترین کتابهای پژوهشی است که در دوره معاصر در عرصه جامعه شناسی روستایی نوشته شده است و از محبوب ترین کتابهای رفیع پور در سالیان اخیر محسوب می شود. فعالیت های پژوهشی دکتر رفیع پور به قرار زیر است: - تعداد مقالات :12 مورد - تعداد گزارش های علمی :3 مورد - تعداد سخنرانی ها: المان : 4 مورد ،در آکادمی علوم اتریش:یک مورد،در امریکا :دو مورد ،در ایران:13 مورد - راهنمایی پایان نامه های دکتری: 2 مورد - راهنمایی پایان نامه های کارشناسی ارشد : 28 مورد آثار : 1 Rafipoor, Faramarz 1974: Das “ Extension and Development Corps “ im Iran. Eine empirische Untersuchung zur Feststellung effizienzrelevanter Faktoren und Beziehungen. Rafipoor, Faramarz 1989 2 ـ Saarbruecken: SSIP,1974 2 Beduerfnisse und Beduerfnisdynamik in der Entwicklungsplanung : Eine empirische Analyse zur Erarbeitung praxisrelevanter Ermittlungsmethoden in der Provinz Yasd/Iran. Frankfurt a.M: Campus, 1989 آناتومی جامعه ویژگی اثر : تالیف-مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. تهران: شرکت سهامـی انتشار. 1378 چاپ چهارم 1385.4 آنومی یا آشفتگی های اجتماعی ویژگی اثر : پژوهشی درباره پتانسیل آنومی در تهران. شرکـت سروش 1378.5 تکنیک های خاص در علوم اجتماعی ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار 1382 چاپ چهارم 13856 توسعه و تضاد ویژگی اثر : رفیع پور، در کتاب توسعه و تضاد خود که حاصل سالها تحقیق و زحمت مداوم وی است در جایگاه نقاد سیاست های توسعه، آن را موجب به هم زدن تعادل اجتماعی، افزایش نابرابری، تغییر ارزشها و پیدایش انواع مسائل و معضلات اجتماعی می داند. به عقیده وی این نابرابری باعث تغییر سریع ارزشهای معنوی به سوی ارزشهای مادی و بسط سودجویی و فردگرایی شده و نهایتاً رضایت اجتماعی و وحدت ملی را مورد تهدید جدی قرار داده است-: کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعـی ایران. دانشگاه شهید بهشتی، 1376. چاپ ششم شرکت سهامی انتشار 1384.7 جامعه روستایی و نیازهای آن 1364 ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره چهارم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب جامعه روستایی و نیازهای آن در این کتاب اهمیّت بررسی نیازها در رابطه با اهداف و انگیزه های گوناگون و سپس چارچوب تئوریکی پیدایش و پرورش نیازها در جوامع

مختلف مطرح گردیده و آنگاه پس از ارائه اطلاعاتی کوتاه درباره منطقه مورد بررسی (استان یزد) و تشریح مراحل مقدماتی پژوهش، روش های گوناگونی که جهت بررسی نیازها می توانند به کارآیند، مورد بحث قرار گرفته و در پی آن روش های بکارگرفته شده در این پژوهش تشریح شده اند. با ارائه نتایج این پژوهش یکایک عوامل و متغیّرها، اهمیّت، کیفیّت و کمیت آنها توصیف و روابط بین آن عوامل با هم و با سایر متغیرهای بررسی شده تحلیل شده است. در خاتمه پس از ارائه خلاصه ای کوتاه از مسئله، اهداف و اصول جامعه در رابطه با موضوع مورد بررسی و شرایط لازم برای دستیابی به آنها – چگونگی تشخیص نیازهای واقعی از یکسو و نحوه برانگیختن مردم به مشارکت از سوی دیگر بیان گردیده و به طور انتقادی یکایک اقدامات مورد بررسی قرار گرفته است. -. تهران : شرکت سهامی انتشار چاپ سوم 1370، (1364).8 جامعه، احساس، موسیقی ویژگی اثر : تالیف9 سرطان اجتماعی فساد ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار، 1386 برگزیده جشنواره فارابی به عنوان کتاب سال 138610 سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی و عوامل موثر بر آن ویژگی اثر : پژوهشی در سه استان: اصفهان، فارس و خراسان. تهران : مرکز تحقیقات روستائی، وزارت جهاد سازندگی، 137211 علوم انسانی در ایران نگاهی از بیرون و درون ویژگی اثر : ناشر دانشگاه شهید بهشتی انتشار 138312 کارائی بیمارستانها ویژگی اثر : مقایسه ای در سه بیمارستان دولتی، خصوصی و آموزشی. تهران : بشیر 1378.13 کندوکاوها و پنداشته ها ویژگی اثر : «کندوکاوها و پنداشته ها»، مقدمه ای بر روشهای شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی کتاب دیگری است رفیع پور نوشته است و از ویژگی های بارز این کتاب تجدید چاپ های پی در پی آن است. این کتاب نیز در قطع وزیری به چاپ رسیده است که از پرطرفدارترین کتابهای رفیع پور در میان دانشجویان و نخبگان جامعه شناسی محسوب می شود. آنچه که رفیع پور در این کتاب مطرح می سازد همان «روشهای قابل اطمینان» دستیابی به شناخت به عنوان عنصر اساسی «دانش» می باشد که می بایست در مورد جامعه شناسی پیاده شود. -تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ شانزدهم 1386، (1360).14 موانع رشد علمی در ایران ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار، 1381 چاپ دوم 1383.15 وسائل ارتباط جمعی و تغییر ارزشهای اجتماعی ویژگی اثر : پژوهشی درباره تاثیر فیلمهای سینمائی، سریالها تلویزیونی، ویدئو، روزنامه و تبلیغات. چاپ اول تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد 1375 و چاپ دوم تهران: نشرفر 1378.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رفیع فر، جلال الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر جلال الدین رفیع فر در سال 1330 در تهران متولد شد.وی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران و در رشته باستان شناسی شروع کرد و جهت ادامه تحصیلات در زمینه انسان شناسی به فرانسه رفت. در سال 1988 موفق به اخذ دکترای انسان شناسی-مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : انسان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلال الدین رفیع فر دکتر جلال الدین رفیع فر، استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی دارای دو مدرک کارشناسی باستان شناسی و مردم‌شناسی از دانشگاه نانترپاریس است. کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی خود را در رشته‌های مردم‌شناسی و انسان‌شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرده است.(در سال 1988 موفق به اخذ دکترای انسان شناسی-مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد .) عنوان رساله دکتری‌اش «مطالعه انسان‌شناختی فرهنگ و تکنولوژی» در عصر نئولتیک در ایران می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئولیتها و مشاغل اداری و مدیریتی جلال الدین رفیع فر به قرار زیر است: 1- رئیس انجمن انسان شناسی ایرانی (1380-1387) 2- مدیر گروه آموزشی انسانشناسی دانشگاه تهران (1378-1383) 3- معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی (1384-1387) 4- مدیر مسئول و سردبیر مجله علمی – پژوهشی «نامه انسان شناسی» 5- عضو پیوسته مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S) از سال 1992 فعالیتهای آموزشی : دروسی که تدریس کرده‌اند عبارت‌اند از : کارشناسی • انسان شناسی شناخت عشایر ایران • اصول ومبانی انسان شناسی • باستان شناسی انسان شناختی • بررسی اثارپیش ازتاریخ ایران • جامعه شناسی ایلات عشایرایران • مبانی باستانشناسی • مردم شناسی ماقبل تاریخ • مقدمات انسان شناسی • مقدمات مردم شناسی عشایری کارشناسی ارشد • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق 1 • فرهنگ وتکنولوژی • پایان نامه • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق درمردم شناسی • طرح تحقیق • فرهنگ وتکنولوژی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله

فعالیت‌های جلال الدین رفیع فر بنیان گذاری انجمن انسان شناسی ایران در سال 1379 و به ثبت رساندن آن در سال 1380 است.آرا و گرایشهای خاص : حوزه های مطالعاتی جلال الدین رفیع فر: تمایل و علاقه ایشان قبل از هر چیز به مطالعه خاستگاه پدیده‌های مهم فرهنگی- اجتماعی و سیر تحول آنهاست که در این راستا بخش مهمی از انتشارات ایشان به این موضوعات اختصاص یافته است. از جمله: انسان، جامعه، هنر، زبان، تکنولوژی، دین و سایر پدیده‌های فرهنگی. در همین راستامطالعه انسان‌شناسی جوامع پیش از تاریخ و انسان‌شناسی و جامعه شناسی جوامع عشایری، انسان شناسی هنر و ... در درجه اول الویت بوده‌اند. چگونگی عرضه آثار : انجام ده‌ها طرح پژوهشی، ارائه ده‌ها مقاله علمی‌و ایراد سخنرانی در سمینارها و کنفرانس‌های داخلی و خارجی و تألیف و ترجمه چهار جلد کتاب ثمره 16 سال کار او در دانشگاه است. - سخنرانی و شرکت در مجامع علمی بین المللی: دکتر رفیع فر تا کنون و در نزدیک به 20کنفرانس بین المللی با ارائه مقاله و سخنرانی شرکت داشته است. (فرانسه – المان- لهستان- روسیه- ایتالیا- اسلونی- گرجستان- پاکستان و ...) - تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد:20 مورد - تعداد طرحهای تحقیقاتی : بیش از 4 مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:32 مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی:6 مورد آثار : 1 (Remarques Sur L' Industrie Lithioue Neolithique De Gebel. In : Neolithic : ویژگی اثر Liran(6000-1000 av .j.c chipped Stone Indaustries of the Fertile Creslent. And Their Contemporaries In Ad jacent Regions. Edited by: Stefan Karol Kozlowski and Hans Goorge,k. Studies In Early Near Eastern Production , Subsistence , and Enwronment 3 .pp.405-421.19962 Le Probleme De L' Obsidienne et sa Circulation In: Proceeding of 12 th : ویژگی اثر En Iran Prehistorique Congres National Des Societ Historiques Et Prehstorques Francais . France. Nice.19973 The Anthpopological 7th : ویژگی اثر Approaches In Neolithic Studies In Iran Neolithic Seminar. The Processes of Neolithisation In Eurasia Ljobljana.May 2000,Slovenia4 The Obcidian Route in In : Man And Flint Edited By: Romuafd : ویژگی اثر Ancient Iran Schild And Zofia Solgostowska Institute Of Archeologyand Ethnology Polish Academy of Sciences Warszawa. PP 295-2975 انتروپی اجتماعی و نقش آن در توسعه فرهنگی ویژگی اثر : مقاله ای است که که در نشریه نامه پژوهش معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی در سال 1375 در تهران انتشار یافت.6 انسان شناسی هنر 7 اهمیت بررسی نحوه اشاعه تکنولوژی در مطالعات انسان شناسی ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر دیدیه گزینیدو که در شماره 7، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1373 منتشر شد.8 باستان شناسی ویژگی اثر : مقاله ای است که برای دانشنامه جهان اسلام تهیه گردید و توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران در سال 1373 منتشر شد.9 بردابالکا ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال 1376 منتشر شد.10 بررسی پدیده فرهنگی نئولتیک در ایلام ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در فصلنامه ایلام در سال 1379 منتشر شد.11 بررسی مجموعه نقوش دست در غار کرکس ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر آندره لورواگون، که در شماره 16 نشریه میراث فرهنگی در سال 1375 منتشر شد.12 پال انتروپولوژی- کوارترنر- ایران ویژگی اثر : در مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین المللی کواترنر ، توسط دانشگاه تهران در سال 1374 منتشر شد.13 تاملی بر خاستگاه جامعه روستایی ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، با شماره پیاپی 19 منتشر شد.14 تاملی بر هنر غارها ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر آندره لورواگوران که در شماره 5، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1370 منتشر شد.15 تاملی دوباره بر صنایع دهلران ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ ، سال 1372 در شماره پیاپی 13و14 منتشر شد.16 ترجمه کتاب عشایر فارس ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران این اثر را در سال 1375 منتشر کرد.17 ترجمه کتاب منشاء- عالمـ انسان و زبان ویژگی اثر : پدیدآورنده: هوبرت ریوز، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: آگه - 15 دی، 1386 18 تشکل های سنتی در عشایر بویر احمد ویژگی اثر : طرح پژوهشی که در سال 1374 در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت.19 تکنولوژی : علم انسان ویژگی اثر : ترجمه اثر آندره هودری کور که در شماره 13 و 14 فصلنامه نمایه پژوهش منتشر شد.20 تل بکون ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد سوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال 1377 منتشر شد.21 رواج ابسیدین و کهنترین تبادلات فرهنگی- تکنولوژیکی آن در ایران ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، در سال 1371 در شماره پیاپی 10 منتشر شد.22 روستای هوفل ویژگی اثر : این مقاله در مجله علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شماره3 سال 1368 منتشر شد.23 زنان ایل بهمئی: جامعه شناسی و مردم شناسی خویشاوندی در

عشایر ویژگی اثر : پدیدآورنده: الویا رسترپو، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: خجسته - 05 مرداد، 1387 24 سنگ نگاره های ارسباران: پژوهش در مردم شناسی و باستان شناسی هنر ویژگی اثر : پژوهشی که در سال 1379 در دانشگاه تهران انجام شد.پدیدآورنده: جلال الدین رفیع فر ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور - 29 آذر، 1385 25 علوم انسانی گستره شناخت ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: ژان فرانسوا دورتیه، ناصر فکوهی (مترجم)، مرتضی کتبی (مترجم)، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: نشر نی - 20 آذر، 1386 26 فرهنگ برادوستی ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال 1375 منتشر شد.27 کوهنبان پیش از تاریخ ویژگی اثر : مقاله ای است که در نشریه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان که در سال 1372 در شماره 2 آن منتشر شد.28 مطالعه صنایع ابسیدین اهر نجان ویژگی اثر : پژوهشی است که در سال 1377 در دانشگاه تهران صورت گرفت.29 من و او سعی کردیم کار مشابهی انجام دهیم ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر کلودلوی استروس که در شماره 5، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1370 منتشر شد.30 نظری بر کتاب موزه هایی در باد ویژگی اثر : نقدی است که در شماره 15 نشریه نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1379 منتشر شد.31 نظزی بر کتاب دوره پارینه سنگی در ایران ویژگی اثر : نقدی است که در شماره پیاپی 6 نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1368 منتشر شد.

رفیعی، رمضانعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رمضانعلی رفیعی
محل تولد : قوچان
شهرت : علی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/3
زندگینامه علمی
اینجانب رمضانعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال 1344 شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطق را گذراندم. در سال 1347 برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری،(تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)،(مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینیان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...
سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتری، تفسیر و اخلاق: آیت الله مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صانعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی .
در سال 1356 در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال 1359 برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در

سال 1360 به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم.در سال 1363 مجددا به قم بازگشتم و به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقها و اصولا)را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم.با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال 1371 موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح 3 حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه واصول) معادل دکترا را در مورخ 8/2/73 اخذ کنم.
تالیفات: حقیر از سال 1364 که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، جانشینی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از 18 سال کار تالیف متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمنا از سال 1378 با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیزبه عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (1 و 2) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد .
به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مربیان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره ای فراخوانیهای همایش ها نیز مقالاتی نوشته ام.

رکنی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد مهدی رکنی (زنده در 1368 ش) از علما و محققین معاصر.
ایـن تـفسیر در یک مجلد به زبان فارسی و شیوه عرفانی شامل بخشی از قرآن کریم است و مؤلف تـفـسـیـر رشـیـدالـدیـن میبدی را به مذاق خود تلخیص کرده و مطالب مورد نظر خود را از آن گردآوری نموده است.
این تفسیر مکررا طبع گردیده است. منابع زندگینامه :منبع : تفسیر لطایفی از قرآن کریم.

رمضان شاهی، حسن

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، فلزکار و کوفتگر. از آثار وی قلمدان مستطیل شکل فلزی است که کناره‌ها و رویه آن به آذین و خطوط زیبای قدیمی آن دوره نقره‌کوب شده است و رقم «عمل حسن رمضان شاهی» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (208/1).

رمضان نرگسی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا رمضان نرگسی
محل تولد : نرگستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/7/4
زندگینامه علمی
بنده رضا رمضان نرگسی در پاییز سال 1347 در روستای نرگستان (11 کیلومتری شهرستان صومعه سرا و 22 کیلومتری شهرستان رشت) واقع در حاشیه مرداب انزلی متولد شدم. ده ساله بودم که انقلاب شد و ما تحت تاثیر جو انقلابی وارد بسیج شدیم و به دنبال آن در انجمن اسلامی مدرسه حضور فعال داشتیم. در سال 1362 (دوازدهم شهریور) وارد حوزه علمیه شهرستان صومعه سرا شدم(البته دو نفر از همکلاسی هایم را نیز تشویق کردم که با من به حوزه بیاید) و با توجه به هوش نسبتا خوبی که داشتم علاوه بر فراگیری بسیارخوب دروس حوزوی دروس دبیرستان را نیز به صورت داوطلب آزاد امتحان می دادم و همگی آنها را در خرداد قبول می شدم. در سال 66 در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم و همزمان معالم و لمعه می خواندم. در سال 67 در شهرستان با مشکل استاد مواجه شدیم و برای ادامه تحصیل به مدرسه مروی تهران (ابتدا مدرسه معمار و سپس مروی) آمدم و لمعتین و اصول مظفر را در تهران نزد اساتید گرانقدری همچون استاد بهاری و نمازی خواندم. لازم به ذکر است که در شهرستان صومعه سرا نیز اساتید از قم اعزام می شوند و اساتید ما در آنجا استاد برهانی، استاد رضوانی(اسم سابق ایشان قیصری بود) که الان مدیر یکی از مدارس قم می باشند واستاد ایوب باغبانی بودند. در سال 67 همزمان با ورود به تهران ازدواج کردم و با کمال قناعت زندگی را می گذراندیم. در سال 69 به قم آمدم (بعد از آنکه شهریه ما در قم درست شد) و همزمان با آن به موسسه در راه حق وارد شدم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی دروس موسسه در راه حق را نیز با موفقیت پشت سر می گذاشتم. در سال 72 سطح را تمام کردم و امتحانات شفاهی را نیز در سال 73 با موفقیت به اتمام رساندم و شهریه رتبه 3 من وصل شد و اساتید دوره سطح من عبارت بودند از استاد تهرانی، استاد عراقچی، استاد

محمد علی و... . از سال 72 در درس خارج استاد فاضل شرکت کردم که با مریض شدن ایشان در سال بعد به درس استاد شبیری رفتم. از سال 75 در دروس خارج مکارم و سبحانی شرکت می کردم. همچنین در سال75 با فارغ التحصیل شدن در رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه در راه حق دوره تخصصی کارشناسی ارشد جامعه شناسی را شروع کردم و درسال 80 فارغ التحصیل شدم. از سال 81 زندگی پژوهشی خود را شروع کردم و تا کنون 37 مقاله و 3 کتاب از من منتشر شده یا در دست چاپ است. در سال جاری در رشته مسائل ایران دوره دکتری قبول شدم و الان مشغول گذراندن آن می باشم.

رمضان، شاهرخ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، سازنده‌ی ساز. پدر وی از تارسازهای معروف بود. رمضان شاهرخ کارگاه صنعتی داشت و به ساختن تار و سه تار و خرید و فروش آلات و لوازم سرگرم بود. او یک نوع تار هشت سیم ساخته بود که کمتر مورد استعمال قرار گرفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (696/2)، سرگذشت موسیقی (173/1).

رنجبر، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن رنجبر
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/7/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1363 (آذر ماه) وارد حوزه علمیه شدم وبه مدت یک سال در حوزه علمیه تربت حیدریه مشغول به تحصیل شدم سپس به قم آمدم و 2 ماه در این شهر ساکن بودم و در اواخر سال 1364 وارد مدرسه علمیه مروی تهران شدم و تا نیمه اول سال 1369 در آنجا مشغول به تحصیل بودم
با موفقیت در آزمون مؤسسه در راه حق از مهرماه سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره عمومی این مرکز را چهار ساله گذراندم و در سال 1373 وارد گروه تخصصی تاریخ شدم و ضمن ادامه و تکمیل دروس حوزه علمیه تا مقطع خارج و گذراندن پایه دهم (شفاها و کتبا) در اردیبهشت سال 1374 دوره سطح را به اتمام رساندم و از آن پس در درس خارج شرکت میکردم در سال 78 با دفاع از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از آن پس تا پایان سال 80 به صورت ساعتی با بخش پژوهشی همکاری پژوهشی داشتم از ابتدای سال 81 تا پایان سال 1383 عضو هیئت علمی گروه تاریخ بودم و در نگارش مقتل جامع امام حسین علیه السلام به سر پرستی استاد مهدی پیشوایی بیشترین فعالیت را داشتم
با پذیرش در مقطع دکتری در نیمه دوم سال 83 وارد تحصیل در این مقطع شدم و هم اکنون دومین ترم این مقطع را بناست بگذرانیم.
افزون بر این همکاری پژوهشی بنده با بخش پژوهش مؤسسه ادامه دارد هم چنین بنده هم کاری هایی با بخش تاریخ معاصر و اندیشه سیاسی داشته ام و حاصل آن نگارش مقالاتی بوده است .

روح الامینی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود روح الامینی در 5 مهر ماه 1307 در کوهبنان از توابع کرمان چشم به جهان گشود .وی در همین روستا تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کرد و برای ادامه تحصیل خود به مدرسه دارالفنون تهران آمد . او لیسانس ادبیات فارسی را در سال 1334 از دانشکده ادبیات تهران گرفت .روح الامینی برای اخذ مدرک فوق لیسانس به موسسه تازه تاسیس علوم اجتماعی آمد وبعد از آن جهت دریافت مدرک دکتری در رشته علوم اجتماعی به فرانسه عازم شد .از وی آثار زیادی همچون نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیا ت فارسی و آیین ها و جشن های کهن درایران امروز به جا مانده است .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : مردم شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود روح الامینی دوران دبستان را در کوهبنان و متوسطه را در کرمان گذرانید. سپس راهی تهران شد و در دارالفنون ثبت نام کرد. پس از اخذ دیپلم در سال 1331 در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. استاد در سال 1338 در رشته فوق لیسانس علوم اجتماعی ، در موسسه تحقیقات اجتماعی ثبت نام نمود. پس از آن جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و با نگرش خاصی که به مسائل اجتماعی داشت ، به سوی مطالعات مردم شناسی کشیده شد و با گذراندن رساله دکتری خود تحت عنوان « تمدن سنتی گوسفند در میان عشایر فارس» با اشراف آندره لوروا گوران به درجه دکتری نائل آمد.استادان و مربیان : محمود روح الامینی در دانشکده ادبیات از محضر استادانی چون ابراهیم پورداود ، پرویز ناتل خانلری ، احسان یارشاطر ، عبدالعظیم قریب ، لطفعلی صورتگر ، محمد معین و دیگران کسب فیض نمود. وی پس از آنکه عازم فرانسه شد نزد افراد صاحب نامی چون ژرژ گورووِیچ ، کلود لوی استروس ، آندره لوروا گوران و دیگران بهره برد.فعالیتهای آموزشی : محمود روح الامینی پس از پایان تحصیلات چندی به تدریس در موزه مردم شناسی فرانسه مشغول شد. پس از آن به ایران بازگشت و از سال 1348 در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعد از سالها فعالیت آموزشی در سال 1379 بازنشسته شد.آثار : آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز ، به شاخ نباتت قسم ، زمینه فرهنگ شناسی ، گرد شهر به چراغ ،نمودهای اجتماعی و فرهنگی در ادبیات فارسی

روزبهانی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا روزبهانی
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
در سال 67 وارد حوزه علمیه شدم که تا سال 1376در شهرستان بروجرد و از آن پس در حوزه علمیه قم سپری شد.
تخصص این جانب کندو کاو پیرامون ادیان و بالاخص فرقه بهائیت است، که از سالهای تحصیل در بروجرد آغاز شد . تا کنون علاوه بر تدریس دوره های مختلف عمومی و تخصصی مبانی و تاریخ فرقه بهائی تعداد 2 جلد کتاب و تعدادی مقاله تالیف نموده ام که تماماً درباره موضوع بهائیت بوده است.
هم اکنون نیز آماده همکاری با نهاد های پژوهشی در زمینه فرق و خصوصاً فرقه ضاله بهائیت هستم

روستایی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن روستایی در سال 1342. ش در شهر درود - لرستان به دنیا آمد.وی بیش از 12 سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانة ملی ایران می‌باشد. کتاب "تاریخ طب و طبابت در ایران " تالیف وی ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محسن روستایی بیش از 12 سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانة ملی ایران می‌باشد
جوائز و نشانها : محسن روستایی در سال 1380 از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به عنوان پژوهشگر نمونة سال برگزیده شد.از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب "تاریخ طب و طبابت در ایران " تالیف وی ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال می باشد.
چگونگی عرضه آثار : محسن روستایی حدود 60 مقالة تحقیقی و مبتنی بر سند در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است. آخرین پژوهش‌های ایشان کتاب دوجلدی در تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد است که پس از ده سال تفحص و 3تحقیق برای چاپ آماده شده است. ---
---
آثار :
1 اسناد مطبوعات ایران (1320 - 1332 ش.)
ویژگی اثر : 4 جلد
2 اعتضاد فرهنگ
3 تاریخ طب و طبابت در ایران
ویژگی اثر : 2 جلد،تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :تاریخ طب و

طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) به روایت اسناد / محسن روستایی. - تهران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، 1382. 2 ج.: مصور. کتابنامه. مندرجات: ج 1. قوانین و نظامنامه‌های طبی، گزارشات صحی و بهداشتی، ایجاد مدارس عالی طب و مراکز صحی و درمانی و... ج 2. شرح حال طبیبان نامدار و ناشناخته ایران. شناخت تاریخ و تحولات هریک از علوم و دانش‌ها، در شناخت هویت آن علوم از یک سو و شناخت هویت فرهنگی و تاریخی ملت‌ها از سوی دیگر نقشی به سزا دارد؛ و از این میان تاریخ طب و طبابت به دلیل گستردگی آن و آثاری که دانش طب در دو حوزهٔ تخصصی و عمومی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی تحولات طب و طبابت در ایران، نیاز به تحقیقات گسترده و دامنه‌داری دارد که با توجه به شرایط تاریخی خاص هر دوره، می‌بایست پژوهش و نگرش متناسبی را طرح‌ریزی کرد و سپس به ثمر نشاند. نویسندهٔ کتاب با مراجعه به حدود 2000 فهرست با انتخاب اسنادی مشتمل بر اعلانات، گزارش‌های صحی و طبی، استشهادنامه‌های محلی راجع به اطبا، تصدیقنامه‌ها و پرونده‌های دیوانی طبیبان و اسناد مدرسهٔ طب دارالفنون... و خلاصهٔ هر سندی که از دیدگاه یک پژوهش اسنادی و تاریخی می‌توانسته است گرهی از تاریخ طب و طبابت را باز کند، طرح جامع تاریخ طب ایران را پی‌ریزی نموده است. نویسنده در جلد اول کتاب کوشیده است خوانندگان را با سیر تحول و روند تاریخی طب و طبابت در ایران (عهد قاجار و پهلوی) آشنا سازد و این مقوله از تاریخ را تبیین و بررسی نماید و با استناد به فصول کتاب، رابطه‌ای منطقی میان اسناد نو یافته، با منابع موجود و قابل اعتنا ایجاد نماید. فصول و اسناد مربوط به قوانین طبابت، اعلانات و گزارشات صحی، انعقاد قرارداد میان دولت ایران با اطبای فرنگی و اسناد مربوط به اوضاع بهداشتی و شیوع بیماری‌های مسری نسبت به سایر بخش‌های کتاب از تنوع و نوآوری بیشتری برخوردار است. جلد دوم کتاب هم منحصراً اختصاص دارد به شرح حال رجال طبیبان عهد قاجار و اوایل عهد پهلوی که به تناسب، نقش علمی و تاریخی که ایفا نموده‌اند، تنظیم و نوشته شده‌اند. این جلد از دو قسمت مجزا تشکیل شده است، بخش اول شامل شرح حال 191 نفر از رجال طبیبان و با محوریت سند تألیف و تنظیم شده است. قسمت دوم نیز شامل کتابچهٔ مستندی است از 213 نفر از طبیبان عهد قاجار و پهلوی که فهرست‌وار اطلاعات مربوط به آنان در این کتابچه تقدیر شده است

روملو، حسن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(985 -937 ق)، مورخ. از رجال معروف قزلباش در عهد شاه طهماسب و از مورخان مشهور عهد صفوی بود. وی در قم در میان قبیله‌ی روملو از قزلباشهای صفوی متولد شد. در جوانی به کسب کمالات در نزد مالک دیلمی قزوینی خطاط و مولانا جمال‌الدین محمود شیرازی پرداخت. علاوه بر این حسن بیک از افسران سپاه طهماسبی بود و با درجه‌ی سلطانی، سمت قورچی‌گری داشت و به سبب مقام و مرتبه‌ای که داشت از او به عنوان «بیگ» یاد می‌شود. اسکند بیگ ترکمان چند بار از وی با عنوان «مورخ» یاد کرده است و گویا در سال 948 ق در جنگ دزفول به این دلیل همراه شاه طهماسب بود که وقایع را ثبت کند. وی مولف کتاب باارزش «احسن التواریخ» در دو قسمت است که قسمت اول آن با رویدادهای سال 807 ق آغاز سلطنت شاهرخ شروع شده و قسمت دوم که هم‌اکنون چاپ نشده است به حوادث سال 985، سال جلوس شاه سلطان محمد خدابنده پایان می‌پذیرد، وی این کتاب را به نام شاه اسماعیل، پسر شاه طهماسب نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احسن التواریخ (مقدمه/ 27 -14)، تاریخ ادبیات در ایران (5/ 1669- 1675)، تاریخ نظم و نثر (802 ،355)، الذریعه (287/1)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 561- 562).

رویانی طبرستانی، علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مورخ و جغرافیدان. از جمله آثار وی «تاریخ طبرستان» است که یکی از منابع اصلی مرعشی در تالیف «تاریخ طبرستان و رویان» بوده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (262/3)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (884/2)، کشف الظنون (297).

رهنما، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
روزنامه‌نگار.
تولد: 1272، نجف.
درگذشت: 12 تیر 1368، تهران.
زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ‌العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال 1299 آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «ایران»، مجله‌ی «راهنما»، و روزنامه‌ی «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دوره‌ی رضا شاه مدتی خانه نشین و بعدا به خارج از کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور 1320 به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه در لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجه اول «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های پیامبر (داستان تاریخی- مذهبی، 1316، خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شده است)؛ امام حسین؛ داستان اجتماعی ژاله؛ ترجمه و تفسیر قرآن (چهار جلد)؛ ترجمه‌ی حقوق در اسلام (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمه‌ی قانون در خاورمیانه نام برد.
(1273 ق- 1368 ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته‌های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیتهای ادبی و سیاسی پرداخت. در 1302 ش مدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. این روزنامه که به صورت روزانه چاپ می‌شد، سالها روزنامه‌ی درجه اول کشور به حساب می‌آمد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعید شد، امتیاز روزنامه‌ی «ایران» به دیگری منتقل گردید، اما پس از وقایع شهریور 1320 ش که رهنما به ایران بازگشت، مجددا اداره‌ی روزنامه را خود بر عهده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط کامل داشت. از وی تالیفات و ترجمه‌ای چند بر جای مانده است از جمله: «پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم»؛ «امام حسین»؛ «ترجمه و تفسیر قرآن»؛ «قانون در خاورمیانه»؛ «ژاله، رمان اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام».[1]

روزنامه‌نگار، مورخ و محقق، سیاستمدار، فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین و داماد شیخ عبدالله از بزرگان و روساء و اقطاب سلسله‌ی معروف صوفیه، در 1268 ش تولد یافت. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران و قسمتی را در عراق در تاریخ، فقه، اصول و حکمت و ادبیات فارسی و عربی به پایان برد. پس از ورود به ایران، کار روزنامه‌نگاری را پیشه خود ساخت. چندی با مطبوعات مختلف همکاری داشت، سرانجام در سال 1299 ش مدیریت روزنامه‌ی نیمه‌رسمی ایران به او سپرده شد. روزنامه‌ی ایران به طور یومیه انتشار می‌یافت و از لحاظ کیفیت چاپ و کاغذ، ممتاز بود. پس از مدتی کوتاه، نفوذ روزنامه‌ی ایران در تمام محافل هویدا شد و تحقیقا روزنامه‌ی رسمی ایران بود. سرمقاله‌های روزنامه در خطمشی سیاسی دولت اثر داشت. رهنما تدریجا خود را منتسب به سردار سپه که قدرتی در کشور شده بود، نمود و روزنامه‌ی خود را در جهت منویات او تنظیم نمود.
در سال 1302 به زور سرنیزه سردار سپه در دوره‌ی پنجم از تبریز به وکالت مجلس انتخاب شد و به خلع سلسله‌ی قاجاریه رای داد. در مجلس موسسان هم عضویت یافت. در 1306 از طرف مخبرالسلطنه هدایت که وزیر فوائد عامه بود، به معاونت آن وازرتخانه برگزیده شد. چند ماهی در آن سمت انجام وظیفه کرد، بعد از آنکه مخبرالسلطنه به رئیس‌الوزرائی رسید، رهنما به معاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد. دو سال در آن سمت بود که در دوره‌ی هشتم، از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی نهم همچنان سمت نمایندگی داشت و روزنامه‌ی ایران نیز به صورت یومیه انتشار می‌یافت. در 1314 بعضی از مطالب روزنامه‌ی ایران مورد پسند رضاشاه واقع نشد. سرلشکر آیرم هم مرتبا گزارش‌های نامساعدی از رهنما و روزنامه‌اش به شاه می‌داد. سرانجام رهنما مورد غضب واقع شد. از او سلب مصونیت کردند و او را به زندان قصر بردند و امتیاز روزنامه‌ی ایران را لغو کردند و کلیه‌ی دارائی و اثاثیه و مطبعه را به مجید موقر واگذار نمودند و امتیاز روزنامه‌ی ایران نیز به نام او صادر شد. رهنما چند ماهی در زندان بود تا بالاخره موی سفید و روی سیاه مخبرالسلطنه موثر افتاد، رضاشاه شفاعت او را پذیرفت و دستور آزادیش را از زندان صادر کرد، مشروط بر اینکه خاک ایران را ترک کند. رهنما به سرعت خاک ایران را ترک کرد در عراق اقامت گزید و تا شهریور 1320 در عراق و لبنان به سر می‌برد. پس از استعفای رضاشاه، برای پس گرفتن مطبعه روزنامه‌ی خود به تهران آمد و علیه مجید موقر طرح دعوی نمود. سرانجام امتیاز روزنامه‌ی ایران مجددا به او واگذار شد و در عوض امتیاز روزنامه‌ی مهر ایران را به موقر دادند. روزنامه‌ی ایران مجددا حیات خود را از سر گرفت ولی کار اداره‌ی آن با حمید رهنما بود. زین‌العابدین رهنما بعد از شهریور 1320 به سمت وزیرمختار ایران در دولت موقت فرانسه

درویشی و سپس پاریس منصوب شد و چندی نیز سفیر ایران در کشورهای لبنان و سوریه بود. مدتی هم معاونت نخست‌وزیری و ریاست انتشارات و تبلیغات را عهده‌دار گردید.
رهنما بدون شک یکی از فضلای درجه اول ایران است. وی به ادبیات فارسی و ادبیات زبانهای عربی و فرانسه کاملا مسلط بوده است. علاوه بر دوره‌ی منظم روزنامه‌ی ایران که حاکی از ذوق و قدرت نویسندگی اوست، تالیفات زیادی عرضه نموده است. کتاب معروف او به نام پیامبر و کتاب امام حسین (ع) و تفسیر و ترجمه قرآن مجید از آثار انتشار یافته‌ی او می‌باشد. در 1368 درگذشت. حین الفوت یک قرن کامل را پشت سر گذاشته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (316 -315/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (351 -347/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (266 -264/ 3)، نشر دانش (س 9، ش 4، ص 99).

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1290 ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[1]
سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.
آقای ریحان محرم 1330 قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.
وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.
آثار قلمی ریحان از این قرار است: 1- آئینه دانشوران 2- درس انشاء یا علم بیان 3- بازرگانی محمد (ص) 4- تفسیر ریحان 5- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی 6- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد 7- داماد کربلا.
آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.
نگارنده در دو سفری که در سال 1389 و سال 1390 قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّه توفیقه.
وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.
تولد: 1330، ق.، یزد.
درگذشت: 1367.
سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (263 -262 /2)، آیینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (822/2)، تذکره سخنوران یزد (545 -541)، الذریعه (19/26)، گنجینه‌ی دانشمندان (457 ،451 /7)، مؤلفین کتب چاپی (566 -565 /4).

زابلی، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1296 ش)، منبت‌کار. در تهران چشم به جهان گشود. از سال 1310 ش در اداره کل صناعت و معادن به فعالیت هنری پرداخت. مدت هفت سال نزد استاد احمد امامی آباده‌ای دوره‌ی عملی هنرهای زیبای کشور را گذراند و مدرک کارشناسی گرفت. از سال 1320 ش با عنوان استاد کارگاه منبت به استخدام اداره صناعت درآمد. در سال 1358 ش بازنشسته شد و بعد در دانشگاه الزهرا و مجتمع دانشگاهی هنر مشغول تدریس گردید. استاد زابلی مدتی نیز در هنر معرق کار کرده که حاصل آن تابلویی است بیضی شکل به نام شیخ صنعان و دختر ترسا که در حال حاضر سازمان حفاظت از میراث فرهنگی آن را نگهداری می‌کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س 6، ش 1، ص 64).

زادخیل، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از سازندگان لوازم و آلات موسیقی که کارش در حد عالی و ممتاز است و همه اساتید در آن اتفاق نظر دارند حسن زادخیل است که در سال 1323 در تهران متولد شد و از همان زمان کودکی بر اثر علاقه به سازسازی روی آورد و در کارگاه وزارت فرهنگ و هنر زیر نظر استاد بزرگی چون ابراهیم قنبری مهر به فراگیری سازسازی پرداخت. در نشستی که نگارنده با این هنرمند داشتم، ایشان چگونگی و نحوه‌ی روی آوری به ساختن ساز و مراحلی را که تاکنون طی کرده‌اند، چنین بیان نمودند:
«در سال 1332 که کارگاه وزارت فرهنگ و هنر سابق (اکنون وزارت ارشاد اسلامی) در حال تأسیس بود به توصیه مرحوم دکتر آراکلیان استاد بزرگ ویولن در هنرستان عالی موسیقی در آنجا استخدام شدم که همراه با استاد عزیزم آقای ابراهیم قنبری مهر شروع به ساختن آلات موسیقی کردیم که ریاست و نظارت کارگاه به عهده‌ی آقایان مرحوم دکتر برکشلی و مرحوم دکتر آراکلیان و استاد بزرگ ابوالحسن صبا بود.
چون پدرم محمدعلی زادخیل علاقه‌ی زیادی به موسیقی داشت و نی و دف و ضرب و کمی هم کمانچه می‌نواخت از همان زمان کودکی گوش من به شنیدن آوای موسیقی آشنا شد و مأنوس گردید. در کارگاه سازسازی، اولین استادی که به طور عملی نزد ایشان کار ساختن ویولن را فراگرفتم، استاد ابراهیم قنبری مهر و سپس استاد مرحوم دکتر سورن آراکلیان بود ولی مدت زمان بیشتری را با استاد قنبری بودم. البته این اواخر به خاطر این که دکتر آراکلیان نابینا شده بود ویولن‌های ایشان را در منزل من می‌ساختم و فقط ایشان در تنظیم پل‌های آن مرا راهنمایی می‌کردند.
در کارگاه هنرهای زیبا سازندگان آلات موسیقی مشغول به کار بودند مثل: رمضان شاهرخ (تار و سه‌تار) مرحوم نریمان (سه‌تار و عود و سنتور) حسین صنعتی اطلاعات عمومی در مورد (کمانچه، ویولن و سازهای ملی) و از نوازندگان معروفی چون مرحوم صبا و کمانچه، ویولن، سنتور) فرامرز پایور (سنتور) حسین دهلوی (سنتور) و سایر نوازندگانی که در هنرهای زیبا فعالیت داشتند در مورد ساختن رباب، قیچک، تنبور، قانون، هارپ، سازهای بادی ایرانی (سورنا، بالابان) راهنمایی و استفاده‌های زیادی بردم. مثلاً از آقای حسین دهلوی در مورد سنتور کروماتیک و از مرحوم حسین تهرانی در

ساختن تنبک و مخصوصاً در مورد انداختن پوست آن استفاده‌ی زیادی بردم.
در مجموع حدود 13 سالی که در وزارت فرهنگ و هنر بودم از تمام این استادان کسب فیض کردم ولی ناگفته نماند که در هر زمان و هر لحظه نزد استاد بزرگ و عزیزم آقای قنبر بودم و از معلومات ایشان نیز استفاده می‌کردم.
بعد از حدود 13 سال فعالیت در وزارت فرهنگ و هنر بخشنامه‌ای از طرف وزارتخانه آمده بود و در آن قید شده بود که سازها از نظر کمیت مورد نظر بودند و من هم چون علاقه‌ام روز به روز به موسیقی سنتی و عرفانی بیشتر می‌شد از این تاریخ دوره‌ی جدیدی در کار هنری من پیدا شد. زیرا در طی این مدت علاوه بر تحقیقات در ساختن به نواختن سنتور و سه‌تار و ویولن نیز اقدام کرده بودم.
سنتور را نزد آقای دکتر صفوت می‌نواختم و چون آقای دکتر صفوت بر اساس نامه‌ای که در اختیار سازمان رادیو و تلویزیون قرار داده بود و در آن دو مورد را پیشنهاد کرده بود، یکی تشکیل کلاس‌های موسیقی و آشنایی با اساتید بزرگ و گرفتن اطلاعات و ضبط نوارهایی از این بزرگان علم موسیقی و تحقیق و آزمایش در ساختن سازهای ملی و در مورد دوم، ساختن سازهای ملی به توصیه‌ی پدر ایشان مرحوم اصغر صفوت در خرداد سال 1347 به من پیشنهاد شد که من هم با کمال میل و افتخار قبول کردم و از آن زمان مسئولیت کارگاه مرکز حفظ و اشاعه موسیقی طی حکمی که از طرف رادیو و تلویزیون به بنده دادند، به عهده‌ی اینجانب گذاشته شد. تا سال 1357 طی مدت 11 سال زمان تحقیق و بررسی من در مورد سازهای ملی شکل جدیدی به خود گرفت و از استادانی به نام، چه در ساختن و چه در نواختن فیض بردم مانند:
1- حاج آقا محمد مجرد ایرانی که منزل ایشان در خیابان ژاله بود به اتفاق آقای دکتر صفوت، مرحوم برومند، مرحوم محمود کریمی، خدمت ایشان رسیدیم و ما را با روی خوش پذیرفتند و من یک سه‌تار و یک سنتور نمونه‌ی کارم را نزد ایشان بردم و آن مرد فرزانه مرا در ساختن آنها بیشتر تشویق نمود و یک سه‌تار و یک سنتور به صورت یادگار از من گرفتند. طی چند سال، هفته‌ای یک بار نزد ایشان می‌رفتم و چند ساعتی در خدمت او بودم و از اطلاعاتی که در مورد سازندگان قدیمی مانند یحیی و جعفر در تار، باقرخان در کمانچه، حاج طاهر در سه‌تار، استاد صفا و سید جلال در سه‌تار و سنتور ساخت مارکار با محبت فراوان در اختیار من می‌گذاشتند.
2- مرحوم استاد نورعلی‌خان برومند که طبق قراردادی که با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی داشتند هفته‌ای دوبار در روزهای یکشنبه و چهارشنبه به مرکز می‌آمدند و من ساخته‌های خود را که در کارگاه حفظ و اشاعه بود نزد وی می‌بردم، ایشان گوش می‌کردند و نظرات مثبت یا منفی خود را به

من گوشزد می‌کردند و من هم برای بهبود کارم از آنها استفاده می‌کردم و این اواخر، صددرصد نظر ایشان را در مورد صدای سازهای سنتور و سه‌تار پیاده می‌کردم، حتی در مورد سنتور، پلی را به نام ایشان نام‌گذاری کردم و به پسرم نیز آموخته‌ام.
3- در مورد کمانچه، استاد پهلوی طبق قراردادی که برای ضبط ردیف‌ها داشتن و به مرکز می‌آمدند، قالب کمانچه باقرخان را از وی گرفتم و طبق نظر این استاد به ساختن آن مشغول شدم و اشکالات این ساز را از ایشان می‌پرسیدم.
در تار و سه‌تار، استادانی چون مرحوم سعید هرمزی و استاد فروتن راهنمایی‌های فراوانی کردند، نظریات ایشان را کاملاً گرفتم، زیرا آنان اطلاعات ذیقیمتی در مورد سازندگان قدیمی سازها داشتند و باید یادآور شوم هنگامی که نزد استاد هرمزی نواختن سه‌تار را می‌آموختم، راهنمایی ایشان را همزمان در ساختن تار و سه‌تار استفاده می‌کردم و در ضمن از استادانی چون: مرحوم احمد افشار، حسن مشحون، محمود کریمی، احمد عبادی و حسنعلی دفتری بهره‌ی فراوانی بردم و از تجربیات آنان در بهبود کارم استفاده بردم.
تنبور را نزد نورعلی‌خان الهی و راهنمایی استاد عرفان و فرزندان ایشان کسب فیض کردم و همچنین از نوازندگان خوب و جوانی که در آن زمان به مرکز می‌آمدند مثل: علی‌اکبر شکارچی، داود گنجه‌ای، کامران داروغه، محمد مقدسی، هادی منتظری، مجتبی میرزاده در مورد (کمانچه و ویولن) مشورت و بهره می‌گرفتم. با آقایان: استاد مجید کیانی، رضا شفیعیان، پرویز مشکاتیان، جلیل عندلیبی در مورد (سنتور) با آقایان: محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، داریوش طلایی و جلال ذوالفنون در مورد تار و سه‌تار و در مورد (تنبک) با آقایان فرهنگ‌فر، مرتضی اعیان و فرهمندبافی مشورت و بهره می‌بردم.
در چند مسافرت پی‌درپی که طبق قراردادهای فرهنگی و هنری به کشورهای: آلمان، اتریش، ترکیه و افغانستان از طرف سازمان رادیو و تلویزیون داشتم در مورد ساختن ساز در این ممالک تحقیقاتی نمودم و به جمع اندوخته‌هایم افزوده گشت و مدت شش ماه هم در دانشکده کشاورزی کرج در مورد چوب و چوب‌شناسی به مطالعه و تحقیق پرداختم.
البته در طی تمام مراحل تحقیقات و بررسی‌هایم در کنار کارم به تحصیل و نواختن ساز نیز ادامه دادم و بعد از گرفتن دیپلم متفرقه، تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه تهران به اتمام رساندم.
باید یادآور شوم، اصولاً یک سازنده ساز باید در نواختن آن سازی که می‌سازد، تا حدودی در تنظیم و رگلاژ و صدای ساز و مضراب‌های مختلف آن و تکنیک نوازندگی مختلف استادان و کوک‌های گوناگون، آشنایی کامل

داشته باشد. به همین سبب من نزد استادان بزرگی رفتم و از محضر آنان کسب فیض نمودم، مانند مرحوم استاد ابوالحسن صبا و رحمت‌اللّه بدیعی (ویولن) مرحوم نورعلی‌خان برومند، مرحوم هرمزی، جلال ذوالفنون، حسین علیزاده (سه‌تار) دکتر صفوت، مجید کیانی، محمد حیدری، صادقی (سنتور)، البته در مورد سه‌تار و سنتور حدود ردیف‌های موسیقی را نواختم، به طور کلی با نواختن تمام سازهایی که ساختم تا حدودی آشنایی دارم ولی علاقه من به موسیقی ایرانی، بیشتر می‌باشد زیرا این موسیقی به وسیله‌ی آلاتی نواخته می‌شود که من در ساختن آنها دستی دارم ولی گرایش من بیشتر در ساختن و نواختن سنتور و سه‌تار می‌باشد.
همانطور که قبلاً شرح دادم، سازهایی که در کارگاه وزارت فرهنگ و هنر ساخته می‌شد و در دسترس استادان قرار می‌گرفت چون با همکاری دسته‌جمعی بود، ساز به نام وزارتخانه (اداره‌ی هنرهای زیبا) نامیده می‌شد و من وقت و فرصت اضافی خود را در منزل ضمن آموختن و فراگیری نواختن ساز، شروع به ساختن آلات موسیقی می‌کردم نظیر: (کمانچه، ویولن و سنتور) و به معلمین موسیقی می‌دادم و هنرمندانی که در آن زمان از من ساز خریداری کردند، آقایان: منوچهر زاهدی، صادقی، محمد حیدری و بزرگزاد بودند و یادم هست که یک (کمانچه) هم آقای دکتر خوش ضمیر خریداری کرد و ویولن‌هایی را هم که استاد قنبری در منزل می‌ساختند و بنده با ایشان همکاری می‌کردم در اختیار معلمین قرار می‌گرفت.
در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی نیز سازهایی را که می‌ساختم و به استادان می‌دادم، نام و شماره‌ی مرکز حفظ و اشاعه روی آن ثبت می‌شد ولی سنتورهایی را که در منزل ساختم آقایان: اسماعیل تهرانی، اسماعیل واثقی، مرحوم دکتر جهانبگلو و چهار سنتور، مرحوم نورعلی برومند، استاد مجید کیانی، جلیل عندلیبی، کاظم داودیان و اکثر شاگردان استاد فرامرز پایور خریداری کردند. سه‌تارهایم را مرحوم حاج آقا مجرد ایرانی، نورعلی برومند، هرمزی، فروتن، کریمی و سه‌تاری را که به ایشان داده بودم روی آن خاتم‌کاری بود.
بعد از بازخریدی خود از مرکز حفظ و اشاعه در سال 1357 تمام وقتم را در منزل صرف ساختن آلات موسیقی نمودم و سازهایی که ساختم و در دفترم نام و مشخصات آن ذکر گردیده غیر از اشخاص معمولی، و هنرمندان بزرگی چون: احمد عبادی، دکتر عبادی (نوه‌ی آقا میرزا عبداللّه) تیمسار حسنعلی دفتری، منصور نریمان، شهرام ناظری، محمد موسوی، محمدرضا شجریان، احمد ابراهیمی، محمود تاجبخش، محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، زیداللّه طلوعی، محمد فیروزی، حسن زرگانی، رضا وهدانی، عطاء جنگوک، حمید متبسم، مجید رخشانی، محمدرضا رحیمی،

شاپور رحیمی، محمدرضا اقبال، جلال ذوالفنون، ابتهاج، مهدی ستایشگر، جمال سماواتی، مظهری، منتظری، اکبر شکارچی، امین‌الله رشیدی، داود گنجه‌ای، مهندس گنجه‌ای، جمشید محبی، ارشد طهماسبی، کیوان ساکت، بهرام ساعد و... می‌باشند.
پسرم، علی زادخیل که هم‌اکنون حدود 19 سال دارد، از سن 9 سالگی، درست از زمانی که خود من به سازسازی روی آوردم، شروع کرد و نزد خودم مشغول ساختن ساز و پی بردن به رمز و راز آن می‌باشد و حاصل 38 سال کار مداوم و پر تلاش خود را در اختیار وی نهادم و در اینجا نه به عنوان پدر، بلکه به عنوان یک استاد وی می‌گویم که وی در کار خود بی‌نظیر است بسیار سریع پیشرفت کرد، به طوری که استادانی که برای خرید ساز به ما مراجعه می‌کنند ساز ساخت علی زادخیل را مثل ساز ساخت حسن زادخیل پذیرا می‌شوند. علی زادخیل با توجه به سن جوان خود هم‌اکنون در کارگاه مشغول ساختن سه‌تار و سنتور و اخیراً کمانچه شده و هفته‌ای دوبار هم در آزمایشگاه خود به تحقیق ساختمان سازها با هم می‌پردازیم و کتابی در دست تهیه دارم که روش سازسازی و چوب را در اختیار جوانانی که شروع به ساختن آلات موسیقی کرده‌اند قرار دهم و در این راه پسرم علی زادخیل زحمات فراوانی را متحمل گشته است.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

زادور ارمنی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، سازنده‌ی ساز. وی در ساختن سه تار استاد بود. سه تارهای وی بین اهل فن معروف است. زادور تار نیز می‌ساخت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (694/2)، سرگذشت موسیقی (169/1).

زاری مشهدی، محمدقاسم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 979 ق)، مورخ و شاعر، متخلص به زاری. وی از شعرای مشهد مقدس رضوی بودکه در سیر و تاریخ نیز دست داشت. غزل را نیکو می‌سرود. وی در میدان اصفهان به دست دزدان کشته شد. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (652 -651)، الذریعه (398/9)، ریحانه (351/2)، صبح گلشن (189 -188)، فرهنگ سخنوران (409)، لغت نامه (ذیل/ زاری).

زاوه‌ای یزدی، مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1346 ق)، عالم و مورخ. اهل مشهد بود. در همانجا به تحصیل پرداخت و در مشهد درگذشت. از آثار اوست: «ام‌الکتاب» در چهار جزء وقایع الایام، رویداد کربلا، جشنها و شرح احوال حضرت عباس (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (303/2)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (564/1).

زاهد، حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، فلزکار. رسام و زرکوب و فولاد کار زبده‌ی عصر خود بود. عمده‌ترین آثار این هنرمند، پنجره‌ی زرکوب و فولادی موزه‌ی آستان قدس رضوی است، که به کمک جمعی از هنرمندان آن دوره انجام یافته است، با رقم: «استاد با سعادت و شرافت خواجه حسین زاهد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (159/1).

زاهدی اصل، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد زاهدی اصل در سال 1324 در روستای نیار اردبیل متولد شد. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را به ترتیب در رشته مددکاری اجتماعی و مدیریت امور فرهنگی در تهران گذراند و دکترای مدیریت اجتماعی را در سال 1367 در ترکیه اخذ کرد. وی یکی از مددکاران با تجربه‌ای است که اسلوب، دانش و تکنیک این حرفه را در کلاسهای درس آموزشگاه خدمات اجتماعی آموخته و پس از آن سالهای طولانی تلاش و تحقیق و تدریس و تالیف را پشت سر گذاشته است. در حال حاضر وی در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و امام حسین (ع) به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای و ... در مقاطع مختلف می‌پردازد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : مدیریت اجتماعی خاطرات کودکی : محمد زاهدی اصل در روایت از آن سالهای دور و سخت روستای « نیار» از رنج و خاطره کودکی 6 ساله می‌گوید که هر صبح و عصر با همراهی دوستان همکلاسی‌اش، صدای گام‌ها و اندوه غمها و اولین تلاشهای بی‌ادعای خود را، در فاصله نیار تا اردبیل، با پای پیاده بر راه‌ها و خاک‌ها به یادگار می‌گذاشتند و در مبارزه و ستیز با سرمای استخوان‌سوز و زیر صفر درجه به بهانه کورسوی امیدی که در دل داشتند استواری و صبوری را سرمشق می‌کردند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد زاهدی اصل در آخرین روزهای سرد سال 1324 ه.ش در روستای « نیار» از توابع استان اردبیل متولد شد. شرایط خانوادگی وی با مشکلات خاص روستا مواجه بود. وی می‌گوید: «مشابه بسیاری از خانواده‌های آن زمان خانواده ما نیز کثیر الاولاد بود که در نهایت غیر از اولین فرزند فوت شده، شش خواهر و سه برادر بودیم. معمولاً دختران را در سنین پایین شوهر می‌دادند و من شاهد ازدواج دو خواهر بزرگترم بودم. در سایه تلاشهای پدر وضعیت اقتصادی خانواده بهتر شد و به تدریج به دنبال کشاورزی توام با کاسبی در مغازه وضعیت مطلوبتری حاصل شد و این تلاش پدر تا زمان فوت و سن 80 سالگی ادامه داشت.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد زاهدی اصل پس از دریافت مدرک دیپلم تجربی در سال ۱۳۴۴، در اردبیل، مدرک کارشناسی خدمات اجتماعی یعنی «مددکاری اجتماعی» را درسال 1350 در تهران و مدرک کارشناسی

ارشد در رشته مدیریت امور فرهنگی درسال 1350 را نیز در تهران و مدرک دکترای مدیریت اجتماعی را در سال 1367- با هزینه شخصی- از دانشگاه استانبول ترکیه اخذ کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات دوران ابتدایی و متوسطه محمد زاهدی اصل جز سختی راه و سرمای زمستان و کتک خوردن از همشاگردیها در راه مدرسه و تشویق و تمجید معلم‌ها و نیز در دوران دانشجویی زندگی با هم‌دوره‌ای‌ها در یک اطاق اجاره‌ای چیز خاصی نبوده است. وی در سال 1350 به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد. پس از آن زاهدی اصل فراز و نشیب‌های زیادی را در زمینه تحصیل، تحقیق و خدمت پشت سرگذاشت، در حالی مدرک کارشناسی ارشد در تهران و دکتری خود را در رشته مدیریت اجتماعی در ترکیه اخذ کرد که با وجود همراهی همسر و پنج فرزند خردسال، و به عهده گرفتن هزینه تحصیل به علت مخالفت معاون وقت وزیر علوم با بورس تحصیلی رنج‌ها و مرارت‌های بسیاری بر خانواده زاهدی اصل تحمیل شد.فعالیتهای ضمن تحصیل : سال 1350 هجری شمسی محمد زاهدی اصل دیگر یک کارشناس مددکاری اجتماعی بود که به اصرار فرمانفرمائیان در آغازین سالهای خدمت، به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد.استادان و مربیان : از استادان محمد زاهدی اصل می‌توان به «ستاره فرمانفرمائیان» اشاره کرد که زاهدی اصل در کلاسهای درس ایشان در آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی در مقطع کارشناسی شرکت می‌کرد.هم دوره ای ها و همکاران : محمد زاهدی اصل از هم‌دوره‌ای‌های خود به صمیمی‌ترین دوستشان در دوره کارشناسی به شهید عباس ارشاد اشاره می‌کند که در هفتم تیر شهید شد.همسر و فرزندان : محمد زاهدی اصل در سال 1349 با دختردایی خود ازدواج نمود که حاصل آن پنج فرزند، سه پسر و دو دختر می‌باشد. پسرها بعد از فراغت از تحصیل مشغول کارند و دختر بزرگتر با اخذ مدک کارشناسی ارشد به تدریس زبان خارجه مشغول و دکتر کوچکترشان دانشجوی هنر دانشگاه الزهرا است.وقایع میانسالی : انفجار مواد منفجره در دوران خدمت و سوختگی چشم و صورت ناشی از آن، فوت دومین فرزندم در پنج ماهگی به علت نارسایی قلبی و غده تیروئید، شهادت نزدیک‌ترین دوست در حادثه 7 تیر، جنگ تحمیلی و صحنه‌های پر مخاطره در خوزستان، و روزهای انقلاب از جمله جلسات مخفیانه انجمن اسلامی مددکاران اجتماعی و عضویت در کمیته استقبال امام و گروه محافظان ایشان در بهشت زهرا و ... از وقایع آن دوران محمد زاهدی اصل است که به آن اشاره می‌کند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد زاهدی اصل عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۸۴) است. وی سمت‌ها و منصبهای متعددی را در اختیار داشته و دارد که به

برخی از آنها اشاره می‌شود: - مددکاری اجتماعی و کارشناس امور دانشجویی در دانشگاه تهران 57-1350، - ریاست دانشکده خدمات اجتماعی و سرپرستی آموزشگاه عالی آموزشیاری 62-1360، - معاونت اداری و مالی و جانشین معاونت دانشجویی دانشگاه الزهراء 63- 1362، - مدیر گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی 69-1367، - سرپرست دانشگاه علامه طباطبایی 1368، - ریاست مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ۶۹-۱۳۶۸، - مدیریت گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد 1369، - مدیر گروه خدمات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی 75-1371 و ... - عضو شورای دانشگاه علامه طباطبایی 82-1376، - رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی 82-1378، - عضو شورای سیاستگذاری سازمان بهزیستی کشور، - ریاست انجمن مددکاری اجتماعی ایران، - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد، 79-1372، - معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۶.فعالیتهای آموزشی : محمد زاهدی اصل فعالیتهای آموزشی خود را از سال 1354 بصورت حق التدریس با دانشگاه خدمات اجتماعی سابق شروع کرد و بعد از انقلاب به ریاست دانشکده مذکور در سال 1360 در آمد. وی استاد پایه 26 دانشگاه علامه طباطبایی درسال 1384 بوده است. در حال حاضر محمد زاهدی اصل در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و دانشگاه امام حسین (ع)، به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای در دوره کارشناسی و مدیریت منابع انسانی، سیستم‌های مدیریت، سمینار سازمان‌ها و مسائل رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی مدیریت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی در دوره کارشناسی ارشد می‌پردازد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد زاهدی اصل مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد در سال 1371 بوده است. از دیگر تلاشهای او در سالهای اخیر، طراحی، تهیه و تنظیم برنامه دوره رشته مددکاری اجتماعی بوده که در حال حاضر مراحل تصویب در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را طی می‌کند. - دفتر آموزش سازمان بهزیستی کشور که بعدا تبدیل به دانشگاه علوم بهزیستی شد، - دانشگاه شاهد از بدو تاسیس و همچنین مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی آن، - هیئت موسس انجمن مددکاری اجتماعی ایران و ریاست آن در حال حاضر.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علاوه بر اینکه محمد زاهدی اصل از چهره‌های شناخته شده در عرصه مددکاری اجتماعی است، مطالعات زیادی در مباحث تاریخی خصوصاً تاریخ معاصر دارد، به طوری که در این حوزه نیز نظرات کارشناسی و علمی او مورد توجه قرار می‌گیرد. از فعالیتهای علمی و پژوهشی زاهدی اصل می‌توان به برنامه‌ریزی امور فرهنگی، چگونگی

گذران اوقات فراغت کارکنان دانشگاه تهران، اهمیت ضرورت سیاستگذاری در اوقات فراغت، بررسی وضعیت امور رفاهی کارکنان سازمان تامین اجتماعی، بازنشستگی، نیازها و مسائل بازماندگان سازمان تامین اجتماعی و ... اشاره کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد زاهدی اصل از ایمان، اخلاص، وفای به عهد، صداقت و صبر به عنوان اصول و شرایط خدمات اجتماعی نام می‌برد و می‌نویسد: «صبر در بعد اجتماعی نظیر تحمل دیگران، تلاش در خشنودی مسلمین، رعایت حقوق آنها، ایجاد روابط حسنه با امت اسلامی می‌تواند وحدت و انسجام جامعه اسلامی را عینیت ببخشد. مصداق بارز صبر در خدمات اجتماعی، گشاده‌رویی است که به عنوان یک صفت عالی انسانی مطرح می‌شود. در زمینه حمایت از نیازمندان جامعه، ملاطفت و خوش‌خلقی اهمیت بسزایی دارد و از مؤثرترین عواملی است که می‌تواند اعتماد و اطمینان مخدوم به خادم را فراهم آورد و موجب تحکیم روابط سازنده و ارزشمند متقابل شود.» یکی از مباحث عمده و مهم مددکاری اجتماعی، بحث اصول و ارزشهاست. اصول عمومی مددکاری اجتماعی عبارتند از: پذیرش، فردیت، رابطه حرفه‌ای، مشارکت، رازداری حرفه‌ای و خودآگاهی. زاهدی اصل در بین کلیه اصول مددکاری اجتماعی، اصل خودآگاهی مددکار را مهمترین اصل می‌داند. «به دلیل اینکه اگر مددکار اجتماعی در تحقق این اصل ناکام بماند قطعاً در تحقق و رعایت تمامی اصول و حتی ارزش‌های مددکاری اجتماعی ناموفق خواهد بود. در سایه خودآگاهی است که مددکار اجتماعی می‌تواند به دور از هرگونه تعصبات، لغزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای، هر نوع پیشداوری، در خدمت مراجعان قرار گیرد و در زندگی و حل مشکلات آنها اثرگذار باشد. «چه نتوانی بدانی کیستی/ جهد کن چندانکه دانی کیستی» خودآگاهی مترادف با خودشناسی و خودشناسی مقدمه و لازمه خودسازی است. در واقع می‌توان گفت که در دنیا یک حقیقت وجود دارد و آن شناسایی خود است و حتی می‌توان خودسازی را شرط عدالت‌خواهی دانست. عمده‌ترین مسائلی که مددکاران اجتماعی با آن درگیر هستند را می‌توان در رابطه با مسائل مختلف مربوط به محیط جستجو کرد. «خانواده، مدرسه، محل کار ، خویشاوندان، دوستان و ... از عوامل محیطی تلقی می‌شوند. در بسیاری از اوقات، تلاش انسان برای ایجاد تغییر در برخی از شرایط محیط اطرافش به نتیجه مطلوب و دلخواه نمی‌رسد و به ناچار، او از بخشی از آرمان‌های خویش صرف‌نظر می‌کند و به طور نسبی وضعیت موجود را می‌پذیرد و با آن کنار می‌آید. پس می‌توان گفت که هم ایجاد تغییر در شرایط محیط انسانی امری نسبی است و هم تطابق و سازگاری با آن ، آنچه در مددکاری مهم است آنکه مددجو این شرایط را در حد درک و فهم خود و با راهنمایی مددکار بشناسد، امکانات اجتماعی

موجود برای ایجاد تغییر در این شرایط را بشناسد و حداکثر مساعی خود را برای ایجاد تغییر به کار گیرد و نتیجه کار را به عنوان یک واقعیت بپذیرد.» یکی از نگرانی‌های محمد زاهدی اصل بروز آسیب در اجتماع و آثار و تبعات آن است. «آسیب‌های متعددی را می‌توان در جامعه مشاهده کرد ، مثلاً اکنون پدیده اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک آسیب جدی در کشور مطرح است. تکدی و فرار دختران از منزل هم نمونه‌های بارز دیگری از آسیب‌های اجتماعی هستند. البته موضوع فرار دختران از منزل، خود ممکن است پیامدهای دیگری را نیز به دنبال داشته باشد. بی‌شک آسیب به هر اندازه و در هر سطحی نگران‌کننده است. وقتی ما صحبت از جامعه اسلامی می‌کنیم انتظار نداریم که برخی آسیب‌ها بیش از حد معمول در جامعه مشاهده شوند.» از دیگر دغدغه‌های محمد زاهدی اصل موضوع رفاه اجتماعی است. «در جهان امروز، رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسانی تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان‌دوستی با تأکید بر مسئولیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی در پیدایش نگرش‌های جدید درخصوص رفاه اجتماعی مؤثر بوده است، نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه‌های غیرمادی را نیز شامل می‌شود، به طوری که در عصر حاضر پدیده «امنیت» به عنوان یکی از مهمترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، به نحوی که محور اصلی توسعه در قرن حاضر را «امنیت انسانی» تشکیل می‌دهد.»جوائز و نشانها : پژوهشگر برتر دانشگاه علامه سال 1379، دو نوبت پژوهشگر نمونه دانشکده علوم اجتماعی، استاد نمونه دانشگاه علامه در سال 1376.آثار : مبانی رفاه اجتماعی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، 13812 مبانی مددکاری اجتماعی ویژگی اثر : چاپ 1377و چاپ دوم 1382 انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی3 مجموعه مقالات جایگاه مددکاری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ، مجموعه مقالات نقش مددکاری اجتماعی در کنترل آسیب های اجتماعی و ... مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام ویژگی اثر : بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شد و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. «مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام» عنوان کتابی است که تألیف کرد. در این کتاب به بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شده و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. محمد زاهدی اصل معتقد است خدمات اجتماعی موجب پاداش حقیقی و اجر اخروی شده، تزکیه نفس و آمرزش معصیت را درپی دارد. قوت قلب و اطمینان از آینده را باعث می شود، به افزایش روزی کمک می کند، روح اخوت و تفاهم میان امت اسلامی را

ترویج می نماید و به تأمین عدالت اجتماعی و قسط در جامعه منجر می شود.

زاهدی مازندرانی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد جواد زاهدی مازندرانی در سال 1322 در ساری بدنیا آمد. ایاشن دارای مدرک دکترای رشته جامعه شناسی- توسعه از دانشگاه تهران در سال 1377 می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی والدین و انساب : پدر محمد جواد زاهدی مازندرانی،هاشم نام دارد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمد جواد زاهدی مازندرانی به قرار زیر است: کارشناسی رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال 1352 کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران 1360 دکتری تخصصی جامعه شناسی- توسعه از دانشگاه تهران 1377همسر و فرزندان : محمد جواد زاهدی مازندرانی متاهل و دارای دو فرند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - مدیرگروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور از سال 1379-83 - مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور از سال 1383 - عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور - عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران - عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران - عضو هیئت تحریریه نشریه تخصصی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز فعالیتهای آموزشی : - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور - تدریس در دانشگاههای الزهرا و علامه طباطباییچگونگی عرضه آثار : - 35 مقاله چاپ شده که حدود 12 مقاله در مجلات علمی- پژوهشی چاپ شده است. - تعداد 60 طرح تحقیقاتی جامعه روستایی ایران آثار : توسعه و نابرابری ویژگی اثر : تالیف: محمدجواد زاهدی مازندرانی ناشر: مازیار - 01 اسفند، 1386 2 فرهنگ علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه و سرویراستار- دیدآورنده: ویلیام کولب، جولیوس گولد، باقر پرهام (مترجم)، محمدجواد زاهدی مازندرانی (ویراستار) ناشر: مازیار - 03 اسفند، 1384 3 قرن بیست و یکم ویژگی اثر : عضو گروه مترجمین4 مجموعه مقالات فقر و آسیب پذیری روستایی ویژگی اثر : تالیف5 مدخل های دایره المهارف و اندیشه های نو ویژگی اثر : مشارکت در ترجمه

زبور، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، طغراساز و مذهّب. از آثار رقم‌دار وی طغرای زیبایی است که در یکی از حراجهای لندن به فروش رفت، با رقم: «ابراهیم زیور».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (15 /1).

زجاجی چرندابی تبریزی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 608 ق)، شاعر و مورخ. از آثار وی: «تاریخ منظوم زجاجی»، در تاریخ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فرهنگ سخنوران (411)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (671 ،591 /1)، لغت نامه (ذیل/ زجاجی)، یغما (س 5، ص 560 -554).

زرگری نژاد، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد در سال 1329 در شهرستان بجنورد متولد شد.وی پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال 1352 به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال 1357 دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت . پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال 1372 درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت.وی در سال 1373 به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.نامبرده هم اینک فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین زرگری‌نژاد پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال 1352 به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال 1357 دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت . پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال 1372 درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت
فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر زرگری‌نژاد همزمان با تحصیل در دوره کارشناسی ارشد در آموزش و پرورش زادگاهش به تدریس اشتغال داشت
فعالیتهای آموزشی : غلامحسین زرگری‌نژاد سپس از بجنورد به تهران انتقال یافت و به مدت سه سال مدیر گروه تاریخ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش بود. وی در سال 1364 به دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه منتقل شد و به مدت سه سال نیز در آن دانشکده به تدریس تاریخ دیپاماسی و تاریخ اسلام و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران پرداخت. وی در سال 1373 به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.نامبرده

فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد. ----------

آثار :
1 تاریخ احمدشاهی (تاریخ تشکیل اولین حکومت افغانستان)
ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمود حسینی جامی، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 03 مهر، 1384
2 تاریخ تحلیلی اسلام
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: آیت عشق - 25 بهمن، 1385
3 تاریخ تحلیلی اسلام: از بعثت تا غیبت
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 09 آبان، 1386
4 تاریخ تمدن و فرهنگ
ویژگی اثر : کتاب درسی
5 تاریخ سال سوم دبیرستان
ویژگی اثر : کتاب درسی
6 تاریخ سیاسی اجتماعی ایران بعد از اسلام
ویژگی اثر : کتاب درسی
7 تاریخ سیاسی اجتماعی ایران قبل از اسلام
ویژگی اثر : کتاب درسی
8 تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 08 اردیبهشت، 1386
9 تاریخ معاصر ایران
ویژگی اثر : کتاب درسی
10 تاملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، عطاء الله حسنی، هاشم آقاجری (مترجم)، حسن حضرتی (مترجم) ناشر: نقش جهان - 1381
11 خورشید: سال اول، شمارگان 1 تا 120
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد (مقدمه) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - 28 آذر، 1384
12 رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - 28 مرداد، 1387
13 رساله احکام قانون اداره بلدیه

ویژگی اثر : پدیدآورنده: عبدالحسین لاری، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - 29 دی، 1387
14 روزشمار تحولات ایران درعصر قاجاریه
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران - 06 خرداد، 1386
15 روش تحقیق
ویژگی اثر : کتاب درسی
16 سلمان فارسی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، قربان ولیئی (ویراستار) ناشر: کتاب همراه - 23 آبان، 1386
17 سیاست نامه های قاجاری
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - 30 دی، 1386
18 سیاست نامه های قاجاری: رسایل سیاسی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - 30 دی، 1386
19 شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن با نقشه ممالک آسیای مرکزی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - 1383
20 عاشورا
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: کتاب همراه - 03 خرداد، 1387
21 ماثر سلطانیه، تاریخ جنگهای اول ایران و روس، به ضمیمه تاریخ جنگهای دوره دوم از تاریخ ذو القرنین
ویژگی اثر : پدیدآورنده: عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی، غلامحسین زرگری نژاد ناشر: روزنامه ایران - 1383
22 نهضت آزادی‌بخش فلسطین
ویژگی اثر : کتاب درسی
23 نهضت امام حسین (ع) و قیام کربلا
ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی - 10 مرداد، 1386

زریاب خویی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1298 ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله شیخ صادق فراحی، محقق داماد، سید احمد خسروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد حجت کوه کمره‌ای بهره جست. سپس وارد دانشکده‌ی الهیات شد و پس از دریافت درجه‌ی لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته‌ی تاریخ دکترا گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در 1341 ش به دعوت پروفسور هنینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بود و بویژه در معارف ایران و اسلام و فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل: انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی عضو بوده و با بنیادهای دایرةالمعارف نویسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران درگذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آیینه‌ی جام»؛ «تاریخ ساسانیان»؛ «بزم آوزد»؛ تحریر «روضه الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت؛ «لذات فلسفه»، ویل دورانت؛ «تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان»؛ تئودور نولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی»، نوشته‌ی فردریش مانیکه؛ «دریای جان» نوشته‌ی ریتر.[1]
مترجم، استاد، نویسنده، محقق.
تولد: 22 تیر 1298، خوی.
درگذشت: 14 بهمن 1373.
عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خویی به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیل در سال 1316 به شهر قم عزیمت نمود و سال‌ها از محضر اساتیدی چون حضرت امام

خمینی (ره)، آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.
دکتر زریاب‌خویی بعد از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات شد و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس، به آلمان رفت و در رشته‌ی تاریخ و فلسفه از دانشگاه «ماینز» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد. همچنین به فراخوان دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکوریک پرداخت.
دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب استاد رشته‌ی تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت و مدتی نیز با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و دائرةالمعارف مصاحب و بنیاد دائرةالمعارف همکاری داشت و مقالاتی را به رشته‌ی تحریر درآورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمه‌ی فلسفه (ویل دورانت، 1335)؛ ترجمه‌ی لذات فلسفه (ویل دورانت)؛ ترجمه‌ی تاریخ ساسانیان (نولد که)؛ تألیف بزم آورد؛ تألیف آئینه جام؛ تحقیق و تصحیح کتاب الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال 1371 به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب شد)؛ تألیف تاریخ بنیادی؛ آیینه جام (شرح مشکلات دیوان حافظ؛ این کتاب در سال 1369 عنوان کتاب برگزیده‌ی سال را از آن خود ساخت)؛ سیره‌ی رسول اکرم (ص)؛ تهذیب و تلخیص روضةالصفا.
کتاب‌هایی که استاد در حال نشر داشت، عبارت بودند از ترجمه‌ی دریای جان اثر هلموت ریتر و ترجمه‌ی کتابی که قرار بود به مناسبت کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منتشر شود.
پیکر دکتر زریاب‌خویی در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کلک (ش 58 و 59، ص 292 -285)، مؤلفین کتب چاپی (654/3)، یکی قطره باران (14 -1).

زرین کوب، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عبدالحسین زرین کوب در سال 1301 هجری شمسی در بروجرد دیده به جهان گشود . دکتر زرین کوب تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد .سپس در کنار تحصیل در دوره متوسطه به تشویق و ترغیب پدر که مردی متشرع و دیندار بود ،اوقات فراغت را صرف فراگیری علوم دینی و حوزه ای نمود ،و ضمن تحصیل فقه و تفسیر و ادبیات عرب،به شعر عربی هم علاقمند شد .گرچه تا پایان سال پنجم متوسطه در رشته علمی تحصیل می کرد با این حال کمتر کتاب تاریخ و فلسفه و ادبیاتی بود که به زبان فارسی منتشر شده باشد ،واو آن را در مطالعه نگرفته باشد .به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. اما این رشته ادبی را برگزید و در سال 1319 تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد،و با وجود آنکه کتابهای سالهای چهارم و پنجم متوسطه ادبی را قبلا نخوانده بود در میان دانش آموزان رشته ادبی سراسر کشور ،رتبه دوم را به دست آورد.با بازگشایی مجدد دانشگاهها در سال 1320 ،دکتر عبدالحسین زرین کوب در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد.با آنکه پس از کسب رتبه اول ،در دانشکده ثبت نام هم کرده بود،اما به الزام پدر ،ناچار به ترک تهران شد . در همان ایام ،علی اکبر دهخدا که ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت ،از اینکه چنین دانشجوی فاضلی را از دست می داد ،اظهار تاسف کرده بود. سرانجام اشتیاق به تحصیل بار دیگر او ر ا به دانشگاه کشاند .در سال 1324 ،پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول ،و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود ،وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. به هر تقدیر ،عبدالحسین زرین کوب در سال 1327 به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ التحصیل شد،و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید و درسال 1334 از رساله دکتری خود با عنوان (نقد الشعر ،تاریخ و اصول آن) که زیر نظر بدیع الزمان فروزانفر تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد .
دکتر زرین کوب در سال 1330 درکنار عده ایی از فضلای عصر همچون عباس اقبال آشتیانی ،سعید نفیسی ،محمد معین،پرویزناتل خانلری ،غلامحسین صدیقی و عباس زریاب ،برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره المعارف اسلام (E1)طبع هلند،دعوت شد .

دکتر زرین کوب در ایام تحصیل در تهران ،چندی نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی به پرداخت و با مباحث حکمت و فلسفه ،آشنایی بیشتر یافت .از همان روزگار با فلسفه های معاصر غربی نیز آشنا شد و بعد به مطالعه در باب تصوف نیز علاقمند گردید. استاد که از قبل با زبانهای عربی ،فرانسوی و انگلیسی آشنا شده بود در سالهای جنگ دوم جهانی ،با کمک بعضی از صاحب منصبان ایتالیایی و آلمانی که در آن ایام در ایران به سرمی بردند،به آموزش این دوزبان پراخت .در سال 1323 نخستین کتاب او به نام (فلسفه ،شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری درایران) در بروجرد منتشر شد ،در حالی که در این هنگام ،حدود چهار سال یا کمی بیشتر از تاریخ تالیف کتاب می گذشت .

دکتر زرین کوب پس از آنکه به الزام پدر دانشکده حقوق را ترک گفت ،به زادگاه خود بازگشت ،و در خرم آباد و بعددر بروجرد به کار معلمی پرداخت ،کاری که به تدریج علاقه جدی بدان پیدا کرد .در دوران معلمی ،از تاریخ و جغرافیا وادبیات فارسی گرفته تا عربی و فلسفه و زبان خارجی و حتی ریاضی و فیزیک و علم الهیات ،همه را تدریس کرد .دکتر زرین کوب پس از اخذ درجه دکترا ،از سوی استاد فروزانفر ،برای تدریس دردانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال 1335 یا رتبه دانشیاری ،کار خود را دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام ،تاریخ ادیان ،تاریخ کلام و مجادلات فرق ،تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت .پس از دریافت رتبه استادی دانشگاه تهران (1339 ش) دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای عالی تهران ،ودوره دکترا ادبیات فارسی دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای درماتیک به افاضه پرداخت.در سالهای 1347 تا سال 1349 در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاههای کا لیفرنیا و پرنیستون به تدریس علوم انسانی دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد .

دکتر زرین کوب در 24شهریور 1378 به دلیل بیماریهای قلب و چشم و پروستات در گذشت. آثار دکتر عبدالحسین زرین کوب

۱-دو قرن سکوت/ ۲-تاریخ مردم ایران پیش از اسلام/ ۳-تاریخ مردم ایران بعد از اسلام/ ۴-بامداد اسلام/ ۵-کارنامه اسلام/ ۶-ارزش میراث صوفیه/ ۷-پله پله تا ملاقات خدا/ ۸-سرنی /۹-با کاروان حله/ ۱۰-پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد .....

زمانی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدرضا زمانی ده یعقوبی
محل تولد : قم
شهرت : زمانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
پس از گذراندن دوره های ابتدائی ، راهنمایی و دبیرستان در مدارس شهرستان قم و حضور بیش از دو سال در جبهه های جنگ تحمیلی در سال تحصیلی 61 – 62 وارد حوزه علمیه قم شدم سال اول تحصیل را در مدرسه امام صادق گذراندم و در سال دوم به مدرسه کرمانیها رفتم و تا پایان سال سوم معالم و مغنی در آن مدرسه به درس مشغول بودم و طبق روال معمول مدارس از سال چهارم و شروع دروس اصول فقه و لمعه به خارج از مدرسه انتقال یافته و به صورت آزاد از دروس ارائه شده توسط اساتید بهره بردم که اساتید مربوط در قسمت های دیگر این فرم ذکر شده است به طور مرتب هرسال یک پایه از دروس حوزه را خواندم و امتحانات کتبی و شفاهی آن را نیز شرکت نموده و قبول شدم و از سال 1370 که دروس سطح تمام شد برای دروس خارج بررسی هایی انجام دادم و سرانجام درس آیت الله مکارم را انتخاب نموده و خارج فقه و اصول ایشان را شرکت نمودم البته در سال 1372 بطور خصوصی با چند نفر از طلاب خارج فقه آیت الله خاتم یزدی را نیز شرکت می کردم که به کسالت ایشان برخورد کرد و درس تعطیل شد
لازم به ذکر است که در تمام سالهای تحصیل حضور در درسهای اخلاق را به عنوان یک امر لازم برای خودم تلقی نموده و شرکت نمودم . با توجه به احساس نیاز جامعه پس از انقلاب اسلامی به آگاهی های فراتر از فقه و اصول مرسوم حوزه ها در سال تحصیلی 65 – 66 در امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره که آزمان دارای دو بخش عمومی و تخصصی بود که بخش آموزش عمومی در موسسه در راه حق و دروس تخصصی آن در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم برگزار شد شرکت نمودم و پذیرفته شدم تا سال 69 دوره عمومی الهیات و معارف اسلامی به اتمام رسید که برای دوره تخصصی شرکت نمودم و در رشته جامعه شناسی

پذیرفته و به تحصیل مشغول شدم که در سال 77 با دفاع از پایان نامه ام تحت عنوان رابطه باورهای دینی با تحولات اجتماعی با تکیه به انقلاب اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم.
از آنجا که دانشگاهها اعلام نیاز نسبت به تدریس دروس معارف اسلامی می نمودند و تکلیفی از این جهت به دوش همه کسانی بود که توانایی لازم برای این مهم دارند بدین منظور برای امر تدریس در سال 1375 اعلام آمادگی نمودم و پس از انجام امتحانات لازم و کلاسهای ویژه مجوز تدریس را از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها اخذ نمودم. در سال تحصیلی 75 – 76 ترم اول به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان رفتم و در دو روز به تدریس دروس ریشه های انقلاب اسلامی ، اخلاق اسلامی و تاریخ اسلام پرداختم و در همان سال ترم دوم به دانشگاه آزاد اسلامی اراک رفتم و به تدریس دروس یاد شده پرداختم ،با توجه به قبول مسوولیت اجرائی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در تهران امکان حضور در اراک را نداشتم و به همین دلیل و به خاطر جدانشدن از امر آموزش از سال 1376 در دانشگاه تربیت معلم تهران چند واحد درس گرفتم و در سالهای بعد در دانشگاه پزشکی تهران نیز تدریس می نمودم تا اینکه در سال 1381 به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شدم و به صورت متمرکز درس انقلاب اسلامی را در آن دانشگاه تدریس می نمایم. با توجه به اینکه رشته تخصصی ام جامعه شناسی بود از سال 1380 به صورت پاره وقت در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام به تدریس دروس : جامعه شناسی خانواده ، جامعه شناسی آموزش و پرورش ، جامعه شناسی سازمانها ، جامعه شناسی کار و مشاغل و جامعه شناسی صنعتی پرداختم که هرکدام از این دروس را چندین بار تدریس نموده ام ،در سالهای 79 – 81 در مرکز محقق و نویسنده حوزه علمیه قم دروس مبانی جامعه شناسی ، آسیب های اجتماعی و مدیریت فرهنگی تبلیغی را تدریس نمودم.
از سالهای 82 به بعد در مرکز حقوقی و قضائی حوزه علمیه قم و از سال 84 در مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس درس مبانی جامعه شناسی در بعضی از ترمهای سال پرداخته ام . در ارتباط با راهنمائی ، مشاوره و داوری پایان نامه از سال 80 تا 85 در دانشگاه باقرالعلوم (ع)،2 مورد استاد راهنما ، 7 مورد مشاوره و بیش از 12 مورد داوری پایان نامه های با موضوع اجتماعی را به عهده داشته ام، علاوه بر آن 4 مورد مشاوره پایان نامه های کارشناسی مرکز جهانی علوم اسلامی با عهده دار بوده ام.

زمجی، معین الدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معین الدین محمد زمجی اسفزاری متخلص به نامی در حدود 850 ه . ق دراسفزار (سبزوار) متولد گردید .و در همان جا به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت . اما در پی آشوبهای پس از وفات سلطان ابو سعید تیموری و طاعون سال 838 ه .ق به هرات رفت وتحصیل در علوم مختلف پرداخت ، و ازمحضر استادان بزرگ زمانه بویژه عبد الرحمن جامی (شاعر و صوفی) بهره برد . و دردربار سلطان حسین بایقرا به مناصب منشی گری ، مهر داری و حتی وقایع نگاری رسید . وبنابه سفارش خواجه قوام الدین نظام الملک وزیر سلطان بایقرا کتاب مشهور روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را درتاریخ محلی و جغرافیایی هرات نگاشت . اسفزاری تاپایان عمربعنوان یکی از دانشمندان ،و مترسلان مشهور زمانه خود به تدریس درمدارس هرات مشغول بود . درشاعری و خط تعلیق نیز دست داشت و بیشتر معاصرانش وی را ستوده اند .
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : ایران بعد از اسلام
والدین و انساب : معین الدین محمد زمجی اسفزاری در کتاب خود از پدر خود نامی نیاورده است اما می نویسد که وی شاعری چیره دست بوده و درتوصیف فجایع طاعون هولناک سال 838 ه. ق اشعاری سروده است .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : معین الدین محمد زمجی اسفزاری از آغاز جوانی دراسفزار آغاز به کسب علم و هنر نمود و نزد استادان زمان به تحصیل پرداخت اما از سال 873 به هرات رفت و از محضر نورالدین عبد الرحمن جامی (عارف) بهره برد و مدتی بعد درسن 23 سالگی در دیوان خواجه مجد الدین محمد (وزیر سلطان حسین بایقرا)به منشی گری مشغول شد . وی درهرات مهارت خود را در علوم گوناگون چون صرف و نحو ،منطق و معانی و بیان و زبان و ادبیات عرب وفقه حنفی و تفسیرو احادیث و زبان وادبیات پارسی و هراتی و ترکی جغتایی و قواعد انشاء که خود آن مورد رساله ای نوشته است ،و علم تاریخ و جغرافیا و فن شعر و خطاطی و نیز مختصری هیئت و نجوم و طب و موسیقی تکمیل کرد .
خاطرات و وقایع تحصیل : درزمان سلطان ابوسعید تیموری هنگامی که معین الدین محمد زمجی اسفزاری هنوز در اسفزار به تحصیل مشغول بود

، مولانا شرف الدین عبد القهار (متخلص به شریف) که ازدانشمندان روزگار ربود از آن ولایت گذشت و معین الدین افتخار درک مقدم وی را یافت و مولانا شرف الدین در شعر به بدیهه دربار اسفزار گفت : دارد نشانی از بهشت آب و هوای اسفزار معین الدین اسفزاری نیز درپاسخ وی چنین سرود : اکنون زیمن مقدمت دارد به جنت افتخار

استادان و مربیان : معین الدین محمد زمجی اسفزاری اولین استاد عرفانی معین الدین محمد در هرات بود .

هم دوره ای ها و همکاران : معین الدین محمد زمجی اسفزاری بادانشمندانی چون محمد فرهی ،میرخواند ، مولانا عبد الرحمان جامی معاصر ومعاشر بوده است . امیر علیشیرنوایی ،مولانا عبد الواسع نظامی (منشی ومورخ) ، شیخ عبد الله دیوانه (خوشنویس) ، خواجه غیاث الدین ده دار (ندیم سلطان حسین بایقرا).

وقایع میانسالی : معین الدین محمد زمجی اسفزاری عمده عمر خود را باسلطان حسین بایقرا تیموری معاصر و با وی معاشر بود . از حمایت قوام الدین نظام الملک وزیر برخورداربود . از سال 897 خواجه قوام الدین نظام الملک به وزارت سلطان حسین بایقرا رسید . و اسفزاری به خدمت او درآمده به فرمان وی کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را درتاریخ شهرهرات شروع به تالیف کرد . هدف وزیر هم خدمت به شاه و هم به جاویدان کردن اثری بوده است از نویسنده ای دانا وادیبی کامل بوده است . اسفزاری نیز مدتها پیش از این درچنین اندیشه ای بوده است . وی دراین هنگام تالیف کتاب خود باامیر جلال الدین فرخزاد طبسی که پسر ارشد امیرنورالدین جلال الاسلام بود وا ز اعیان دولت تیمور گورکانی به شمارمی رفت ،دیدارکرد . اسفزاری درصددن افزودن کتاب دیگری درادامه شرح وقایع کتاب روضات الجنات بوده است که بدلیل نا آرامی های ناشی از کشته شدن خواجه قوام الدین نظام الملک در 903 ه ق این کارصورت نپذیرفت .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی دربار سلطان بایقرا وتحت حمایت وزیر وی قوام الدین نظام الملک بود . وی پیش از قوام الدین ، در خدمت خواجه مجد الدین محمد (وزیر سابق سلطان حسین بایقرا)بوده است . از این رو امیر علیشیر نوایی (وزیر بعدی سلطان حسین) که با خواجه قوام الدین نظام الملک نزاع سیاسی داشته است ، تنها به ذکر نامی از معین الدین اسفزاری اکتفا نموده است . اسفزاری در دربارسلطان بایقرا تا آنجا ترقی یافت که نشان شاهی راکه مهر رسمی دربار سلطنت بود و به وی سپرده بودند .

فعالیتهای آموزشی : معین الدین محمد زمجی اسفزاری چنان در خط تعلیق مهارت داشت که بیشتر اوقات در هرات به تعلیم قواعد این هنر

مشغول بود . وی درمدارس هرات نیز بعنوان استاد به تدریس مشغول بوده است .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : معین الدین محمد زمجی اسفزاری علاوه برمنشی گری ،به شاعری و خطاطی می پرداخت . چنانکه درخط تعلیق بسیار ماهر بود. و شعر هایی می گفت که بر زبان مردم هرات جاری بود . چنانکه می نویسد : به سرمه است آنکه می بینی به چشم هر پری پیکر که از غوغای چشمش می کند خاک سیر بر سر چنانکه اشعایی درمدح سلطان حسین بایقرا ،مرثیه شیخ عبد الرحمن جامی و رباعی ،غزلیات ،قصای و مثنویاتی می سروده و بعنوان شاهد در تاریخ خود بکار می برد و به نامی متخلص می کرد .
همفکران فرد : معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی صاحب ذوقی بوده است که نثر او از منشیان معاصر وی همچون مولانا حسین واعظ کاشفی صاحب انوار سهیلی و مولانا کمال الدین عبد الواسع نظامی و وقایع نگاری که سجع و قافیه های بسیاری درنثر بکار می برد ، او نثر و ساده تر بوده است .
آرا و گرایشهای خاص : معین الدین محمد زمجی اسفزاری درانشائ مترسل ایرانی نسبت به ایرانیان معاصر خود شیوه ای ساده ترو روانتر را برگزیده بود . از نظرمذهبی نیز گویا وی به فقه حنفی گرایش داشته و دراین زمینه ازکودکی آموزشهایی را کسب کرده بود وعلاقه ای در حد تعصب به مذهب خودابراز میکرد . و شیعیان آن زمان را خارج از دین می دانست . اما درهمه جای کتاب خود به اولاد علی (ع) ، بویژه امام رضا (ع) همانند یک شیعی خالصی ،ارادت می ورزند . از این گذشته ،وی درراه سلوک و عرفان ازمریدان شیخ عبد الرحمن جامی نیز به شمار می رود .
چگونگی عرضه آثار : معین الدین محمد زمجی اسفزاری کتاب روضات الجنات را در 9-897 ه ق تالیف کرده و به سلطان حسین بایقرا تقدیم کرد. ----------
آثار :
1 ترسل
ویژگی اثر : این رساله درباره آیین نامه نویسی تالیف کرده است .
2 روضا ت الجنات فی اوصاف مدینه هرات
ویژگی اثر : کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات دنباله تاریخ نامه هرات اثر سیف بن محمد بن نعقوب هروی (سیفی هروی) که وقایع هرات را در (721-618 ه ق) توصیف کرد ، به شمار می رود . [آژند ، تاریخ نگاری محلی ایران ،تاریخ نگاری درایران ، تهران ؛گستره ، 1380] این کتاب تاریخ هرات را تاسال 875 ه ق در بر دارد . و در26 روضه مفصل بندی شده است و درآن اطلاعاتی است که در منابع دیگری نیامده

است . گرچه بیشتر مطالب آن تکرار گفته های مورخین معاصر پیشین از جمله ابواسحق احمد بن یاسین ، شیخ عبد الرحمن نامی ، سیفی هروی و ربیعی پوشنگی است ،اما بخش آخر کتاب منحصر به دیده ها و شنیده های مورخ و روش نگاری کتاب نیز یکی از بهترین و روانترین نمونه های نثر فارسی درقرن نهم می باشد . مطالب کتاب شامل 26 روضه است . روضه های هفتم تا دهم درباره ی اخبار ملوک آل کرت و ذکر بلاد وابنیه و مزارات و عمران خراسان و هرات در عهد تیموری است . کتاب مزبوز تاریخ هرات راتصرف آنجا توسط سلطان حسین بایقرا در بر دارد . همچنین اطلاعات جالبی نیز درباب رجال خراسان و هرات درضمن مطالب کتاب آمده است . [معین الدین محمد الزمجی اسفزاری ، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ،ج 1 ،به اهتمام محمد اسحاق ،کلکته :درپاسری ،1380 ه ق . / 1961 میلادی ،محال]

منابع زندگینامه :

1آزنده ،تاریخ نگاری ،محل دایراه ،تاریخ نگاری درایران ، ص 2862آژند ،تاریخ نگاری درایران ، تاریخ نگاری در ایران ،ص2863سعید نفیسی ،تاریخ نظم و نثر ایران و درزبان فارسی ،ج اول، تهران : کتابفروشی فروغی ،1344 ،ص 2524معین الدین محمد الزمجی اسفزاری ، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات ،ج 1 ،به اهتمام محمد اسحاق ،کلکته :درپاسری ،1380 ه ق . / 1961 میلادی ،محال5میر نظام الدین علیشیر نوایی ، تذکره مجلس النفاس ،به اهتمام علی اصغر حکمت ،تهران ؛ کتابخانه منوچهری ،1363 ،ص 98-99

زنجانی زاده، هما

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
هما زنجانی زاده در سال 1321 در مشهد چشم به جهان گشود . تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه ی دکترای جامعه شناسی به پایان رسانید و هم اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می باشد . دکتر زنجانی زاده در نشریات مختلفی به ارائه مقاله پرداخته است . وی در زمینه ی جامعه شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی شرکت نموده ، وبه ایراد سخنرانی پرداخته است . وهمچنین دارای آثاری اعم ازتالیف و ترجمه می باشد .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تولد هما زنجانی زاده ، معاصر بود با نخستین سال سلطنت محمد رضا شاه پهلوی و سالهای پس از جنگ جهانی دوم درایران که تا سالها نفوذ روسها درشمال و شمال شرقی ایران (خراسان) مشهور بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : هما زنجانی زاده تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه دکترا به پایان رسانید .وقایع میانسالی : هما زنجانی زاده پس از فارغ التحصیلی بازگشت از فرانسه ، بعنوان استاد جامعه شناسی به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هما زنجانی زاده هم اکنون استاد جامعه شناسی دانشگاه مشهد می باشد .فعالیتهای آموزشی : هما زنجانی زاده هم اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می باشد .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هما زنجانی زاده تاکنون گفتارهایی چند در نشریات مختلف اعم از تخصصی و غیر تخصصی به چاپ رسیده ؛ وی همچنین مقالاتی را در زمینه جامعه شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی ارایه داده است ،و به ایراد سخنرانی پرداخته است .چگونگی عرضه آثار : هما زنجانی زاده آثار را ازطریق انتشاراتی از قبیل نیکا ، سازمان سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها) و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانده است .آثار : جنبش اجتماعی زنان ویژگی اثر : ترجمه -نیکا -13722 درباره جامعه شناسی آموزش و پرورش ، سازمان اجتماعی ، کنش اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه -دانشگاه فردوسی مشهد -13675 مقدمه ای برجامعه شناسی سازمان اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه-سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها -1375

منابع زندگینامه :وران فرخزاد ، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، ج اول ، ص 984

زنجانی طبسی، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد زنجانی طبسی
محل تولد : طبس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/9/1
زندگینامه علمی
آقای محمد جواد زنجانی طبسی در سال 1337هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان طبس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1350 که سال های خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه طبس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1370 به حلقه دروس خارج ستارگان علم و ادب آن دیار راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله خامنه ای ، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله مرتضوی و... بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1380 از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"بررسی نقش عبدالله بن عامر در حوادث صدر اسلام" دفاع کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافری به انجام رسانده است. استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در حوزه علمیه

مشهد و طبس مشغول است و هم اکنون مدیر گروه معارف دانشگاه آزاد طبس می باشد.

زنجانی، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب الله زنجانی متولد ۱۳۱۸ خلخال است. وی دارای دکترای جمعیت شناسی از دانشگاه پاریس و عضو عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ بوده است.وی از جمعیت شناسان شناخته شده و صاحبنظر کشور است، از معلمی و تحصیل در رشته ادبیات به سمت و سوی جمعیت شناسی کشیده شد، در دهه ۱۳۶۰ بر ضرورت کنترل جمعیت کشور تأکیدکرد و هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : جمیعت شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر زنجانی از دوره تحصیل دبیرستان به مطالعه کتاب های تاریخی و خصوصاً تاریخ اجتماعی ایران گرایش داشته است و در بین داوطلبان استان های غربی کشور که مایل به تحصیل در دانشسرای مقدماتی بوده اند مقام نخست کسب می کند. و بعد از چند سال تدریس ب عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران،علاقه به ادامه تحصیل باعث می شود که در کنکور و آزمون ورودی دانشگاه تبریز شرکت کند. بنابراین در سال ۱۳۴۵ در رشته ادبیات دانشگاه مذکور پذیرفته و به مدت یک سال به تحصیل می پردازد. در سال ۱۳۴۶ بعد از دایر شدن رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز و کسب موفقیت در آزمون ورودی، تحصیل در این رشته را آغاز می کند. - اخذ مدرک لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تبریز، ۱۳۴۹. - اخذ مدرک فوق لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، ۱۳۵۱. - اخذ مدرک دکترای جمعیت شناسی از دانشگاه پاریس، ۱۹۷۴. فعالیتهای ضمن تحصیل : زنجانی در دوران دبیرستان و دانشسرا به کار در زمینه تهیه روزنامه دیواری تمایل نشان می دهد و در دوره دانشسرا هم در تهیه مجله «معلم» نقش داشته است.از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۸ به عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران به تدریس در مقاطع ابتدایی و دبیرستان روی می آورد و در مقاطعی هم مدیر یا معاون مدرسه بوده است.استادان و مربیان : از استادان شاخص او این افراد را به یاد می آورد، فرهنگ (استاد ریاضی)، عبدالعلی کارنگ (استاد ادبیات)، صباح (استاد علوم تربیتی و روانشناسی) و علی اکبر شعاری نژاد (علوم تربیتی و روانشناسی). ازجمله استادانی که از آنها به نیکی یاد می کند دکتر فرید (استاد جغرافیای انسانی)، دکتر ترابی (استاد

جامعه شناسی)، مرحوم شکوهی (استاد درس برنامه ریزی)، و رحیمی موقر (استاد جامعه شناس و مدیرگروه) هستند و در دوره فوق لیسانس هم استادانی برجسته ازجمله دکتر غلامحسین صدیقی (مدیرگروه جامعه شناسی)، دکتر امانی (استاد جمعیت شناسی)، دکتر فیروز توفیق (استاد روشهای تحقیق و پیشنهادی جامعه شناسی)، دکتر نظامی (استاد جامعه شناسی معرفتی) و دکتر روح الامینی (استاد مردم شناسی) داشته است که هریک در حوزه های علوم اجتماعی صاحب آوازه و اعتبار بوده و یا همچنان هستند.همسر و فرزندان : حبیب الله زنجانی متأهل و دارای دو فرزند.وقایع میانسالی : دکتر زنجانی در سال ۱۳۶۷ درمعیت «کازرونی» وزیر مسکن وقت درجلسه هیأت دولت حضور پیدامی کند و توضیح می دهد اگر کنترل موالید در ایران به اجرا درنیاید جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ شمسی به ۱۳۰ میلیون نفر خواهدرسید و درآن حالت کیفیت و سطح زندگی افراد کاهش خواهدداشت و اگر کنترل موالیدی پویا صورت بگیرد جمعیت کشور در حد ۱۰۰ میلیون نفر یا کمتر خواهدشد. او با توجه به زاد و ولد ۱۶ میلیون نفر در سالهای ۶۵-۱۳۵۵ به این نتیجه گیری رسیده بود و بعد از این توصیه ها برنامه کنترل جمعیت در کشور ما به اجرا درآمد. او معتقداست درحال حاضر در برخی از استان های کشور همچنان باید سیاست کنترل موالید با جدیت دنبال شود ولی در ۱۶ استان کشور باتوجه به تعمیم سواد و ارتقای سطح سواد زنان و ارتقای آگاهی افراد و خصوصاً زنان دیگر نیازی به تداوم سختگیرانه آن سیاست ها نیست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نجانی بعد از بازگشت به کشور ، مدتی مدیربخش مطالعات جمعیت و معاون و سپس سرپرست مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران می شود، مدتی هم به عنوان مدیرگروه آموزش جمعیت شناسی، معاون دانشکده و سرپرست دانشکده علوم اجتماعی تهران فعالیت های علمی و آکادمیک اش را تداوم می بخشد. درسال ۱۳۶۴ بازنشسته می شود و هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و اموراجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است. مطالعات و پروژه های تحقیقاتی خاصی را هم دنبال می کنند. - عضو انجمن بین المللی مطالعات علمی جمعیت از ۱۹۷۶ تاکنون. - عضو انجمن بین المللی جمعیت شناسان فرانسوی زبان. - عضو انجمن جمعیت شناسی ایران. - سردبیر نامه انجمن جمعیت شناسی ایران.- عضو هیأت تحریریه نشریه اقتصاد ایران. فعالیتهای آموزشی : دکتر حبیب الله زنجانی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ نیز بوده است و به تدریس پرداخته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر زنجانی هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و اموراجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است.

مطالعات و پروژه های تحقیقاتی خاصی را هم دنبال می کنند. ازجمله طرح فرادست می باشد که جایگاه تهران به عنوان شهری جهانی را بررسی کرده و به بررسی مشکلات اساسی موجود در آن و ازجمله اشتغال می پردازد که یافته های آن در تهیه طرح جامع مورداستفاده قرارخواهدگرفت.در طرح مطالعاتی منطقه البرزجنوبی هم قصد دارد مطالعه جمعیت شناسی ۶ استان تهران، سمنان، قم، قزوین، زنجان و مرکزی را بررسی نماید و تحولات جمعیتی این مناطق را تا سال ۱۴۰۰ شمسی معین سازد. زنجانی در نظریه جدید تحلیل مهاجرت داخلی، به تحلیل جمعیت شناختی و مهاجرت پرداخته و تأکید بر تعلیق فرد به نسل، زمان وقوع واقعه یعنی مهاجرت، تغییر و تحول سنی و جنسی را به صورت مدل درآورده و ارائه کرده است.تخصص و مهارت او در حوزه های مسکن، مهاجرت و تحلیل جمعیت ایران است. آرا و گرایشهای خاص : از دید زنجانی، مهاجرت به خارج از کشور الزاماً پدیده ای مخرب و زیانبار نیست. چون این نوع مهاجرت می تواند سطح دانش و آگاهی ایرانیان را ارتقا دهد ولی باید سازوکاری فراهم آورد که امکان بازگشت مهاجران به داخل ایران را عملی سازد و آنها از نیروی خود درجهت بهروزی و توسعه کشور استفاده کنند. به اعتقاد زنجانی، جمعیت شناسی دانشی نو برپایه اندیشه های کهن است و به مطالعه جمعیت انسانی می پردازد. این مطالعه در سرزمین اصلی تعداد جمعیت، ساخت و توزیع جمعیت و تغییر و تحول آن دنبال می شود و سرانجام در برنامه های اقتصادی و اجتماعی از این دانش کاربردی استفاده به عمل می آید. از دید او، شناخت جمعیت مهمترین ابزار برنامه ریزی است و بدون این ابزار برنامه های توسعه موفقیت لازم را نخواهندداشت.جمعیت شناسی دارای رویکردهای «محض»، «کاربردی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» است که در همه این رویکردها از دیدگاه جمعیت شناسی به موضوعات اقتصادی، مهاجرت، تأهل و مسائلی از این قبیل می پردازند. جوائز و نشانها : دکتر زنجانی محقق نمونه وزارت مسکن در سال ۱۳۸۳ شناخته شد.چگونگی عرضه آثار : دکتر زنجانی قبل از عزیمت به پاریس در مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان پژوهشگر به کار می پردازد و درزمینه «مسکن»، «مهاجرت های داخلی در ایران»، «سالخوردگی جمعیت» و «جمعیت شناسی تطبیقی در ایران و جهان» تحقیقاتی به انجام می رساند.یکی از فعالیت هایی که در این زمینه پیگیری می کند مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت است.«مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت از روزی آغاز می شود که موالید را کنترل کنیم. با چنین کنترلی، سالخوردگی شروع می شود و نسبت افراد سالخورده به کل جمعیت افزایش پیدامی کند.» تز دکترایش را نیز درمورد سالخوردگی جمعیت و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در

ایران می نویسد. و از آثار وی میتوان به تالیف7 جلد کتاب اشاره داشت و نیز عضو هیأت مدیره و مشارکت در تهیه کتاب «گیلان» و مشارکت در تدوین «لغت نامه جمعیت شناسی» از فعالیت های وی است.آثار : تجلیل جمعیت شناختی ، تقویم تاریخی دموگرافیک ایران ، جمعیت و توسعه ، جمعیت و شهرنشینی در ایران ، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری ، گزیده مطالعات جمعیت مجموعه شهری تهران ، لغت نامه جمعیت شناسی ویژگی اثر : مشارکت در تدوین8 مهاجرت

زنجانی، عثمان

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، فلزکار و قلمدان‌ساز. هنرمند شهر زنجان و از استادان آن دیار بود. از آثار ارزنده‌ی وی، قلمدان برنجی با مهارتی است که به خطوط و نقوش متنوع اسلیمی آرایش یافته و به خط کوفی تزیینی رقم «العز و الاقبال... مقرب عثمان بن ابوبکر زنجانی» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (354 / 1).

زنجانی، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1309 ق)، مورخ و شاعر. ملقب به ناظم‌الشریعه. وی صاحب کتابی است به نظم به نام «اعمال جهانشاه امیر تومان و احتشام‌الدوله حکمران خمسه»، در چگونگی حرکت آن دو به خمسه از سوی ناصرالدین‌شاه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (820/2).

زندی، افضل الملک غلام حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1348 ق)، مورخ. طبق دست خط مظفرالدین‌شاه، افضل‌الملک مامور تاریخ‌نگاری سلطنت وی شد. و موظف بود که هر سال وقایع سلطنت و اخبار مملکت را در کتابی تالیف نماید. از آثار وی: «افضل التواریخ»؛ «تاریخ صدور قاجاریه»؛ «قرن السعاده».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (1048، 882، 820/2)، یغما (س 16، ص 220).

زنگنه، اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اصغر زنگنه (متولد 1304) در آغاز به حرفه‌ی درودگری روی آورد و چون به موسیقی علاقه داشت توسط حسین ملک که خود یکی از سازندگان سنتور می‌باشد به کارگاه سازسازی فرهنگ و هنر معرفی شد و از سال 1336 به بعد نزد استاد عباس صنعت مشغول کار شد. استاد ابراهیم قنبری نیز یکی دیگر از هنرمندان بزرگ این کارگاه بود.
ناگفته نماند که تا آن زمان آنان در کارگاهی کوچک کار می‌کردند ولی وقتی که مدیران اداره هنرهای زیبا به اهمیت کار این استادان پی بردند، کارگاه بزرگتری برای آنان در نظر گرفتند و به کارشان ارج نهادند، اصغر زنگنه در این کارگاه ضمن در کنار بودن با اساتیدی مثل: ابراهیم قنبری، عباس صنعت و تنی چند از بزرگان، از مشورت با بزرگان و استادان دیگری نظیر حسین تهرانی، نورعلی برومند، حسن مشحون و نوازنده‌ی چیره‌دستی چون جلال ذوالفنون برخوردار بود که هنوز هم ایشان را می‌ستاید.
استاد اصغر زنگنه در ساختن سه‌تار و سنتور مهارت تام دارد که سازهای ساخته شده توسط ایشان گویای این مدعاست. وی حدود سالهای 1365 بازنشسته شد و در خانه کار هنری، صنعتی خود را ادامه می‌داد ولی متأسفانه چندی پیش بیمار شد و در منزل بستری گردید ولی پسر بزرگ او بیژن زنگنه که خود با موسیقی آشنا و نوازنده سه‌تار و سنتور است، کار پدر را ادامه می‌دهد.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

زوار، اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: 1372.
اکبر زوار مدیر کتابفروشی زوار بود و بیش از یک صد و پنجاه کتاب در انتشارات خود به چاپ رساند. وی در سن هفتاد سالگی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زوار، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: آذر 1359، مشهد.
حسین زوار از بانیان نشر کتاب و توزیع انتشارات کشور است. از جمله آثار اوست : زبده‌ی خمسه‌ی نظامی (وی در امر گزینش اشعار به چاپ این کتاب مساعدت نموده است).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

زواره‌ای اصفهانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1254 ق)، مورخ. ملقب به مظهر زواره‌ای. اثری به نام «احوال سلاطین صفویه» دارد، که به نام سرجان ملکم تالیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (305/1)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (810/2).

زیدری نسوی، شهاب‌الدین، نورالدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 647 ق)، شاعر، نویسنده و مورخ. تحصیلات وی در خراسان انجام گرفت. منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه بود و در آغاز کار در خدمت امرای محلی نسا بسر می‌برد و سپس به اردوگاه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در عراق و آذربایجان پیوست. وی از سال 622 ق صاحب دیوان انشاء آن سلطان جنگجوی شد و تا سال 628 ق در این سمت باقی بود. زیدری مدتی در بلاد آسیای صغیر و آذربایجان سرگردان بود. تا عاقبت در میافارقین نزدیک ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی رفت و در آن جا کتاب «نفثه المصدور» را با انشاء مزین در حدود سال 632 ق نگاشت وی در حدود 647 ق در حلب در گذشته است. کتاب دیگر خود را بنام «سیره جلال‌الدین منکبرنی» در سال 639 ق به عربی تالیف کرد. «دیوان» شعر از دیگر آثار او ست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1182 -1179 /3)، تاریخ نظم و نثر (94)، الذریعه (1230/9)، گنج و گنجینه (310)، نفثه المصدور (مقدمه).

ژاله، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد رضا ژاله شاعر، طراح و هنرمند صنعتگری که با توجه به سازهای زیبا و قابل بحثی که در صنعت سازگری دارد، معهذا آنطور که باید و شاید، کارهای این هنرمند وارسته و دوست‌داشتنی شناخته نشده و جا دارد که از وی و کارهای او در موسیقی سنتی و صنعت سازسازی بهره‌های بیشتر برد. پای صحبت استاد رضا ژاله می‌نشینیم و می‌بینیم که این هنرمند باارزش چگونه به دنیای موسیقی و سازگری کشانیده شد. عصر یکی از روزهای پائیزی که نگارنده با ایشان ملاقات داشتم وی درباره خود چنین گفت:
«اسم من محمدرضا و فامیلم ایلدارژاله به سال 1326 در هفده خردادماه می‌باشد.
شهری که در آن پای به عرصه حیات گذاشتم مشکین‌شهر یا (خیاو) در آذربایجان شرقی (استان اردبیل) است. پدرم قربانعلی ایلدارژاله مرد نظامی بود و اهل فن و سپاهی، مادرم ربابه نانه‌گلی خانه‌دار که مادری بود مهربان و بسیار عاطفی، مادرم اهل قزوین و پدرم اهل زنجان بودند.
دو برادر بزرگتر از خود دارم به نام‌های جمشید و محمد که جمشید مثل پدر به شغل نظامی و محمد به فرهنگ رفت و آموزگار شد و من خود کارمند بانک ملی ایران در تهران می‌باشم. درباره کودکی و محل زادگاهم باید بگویم که این دوران را در دامان کوه سربرافراشته سبلان سپری کردم که از آتش اندرونش چشمه‌های آب گرم و برف‌های رویش رودخانه‌های پرآبی هدیه به مردم ساده و پاک‌اندیش می‌کند. و باغ‌های تشنه و چمن‌زارهای وسیعش را به زلال قطره‌هایش سیرآب.
دره‌های عمیقش را رودخانه‌های پرآبش زیباتر می‌کند و اشتیاق شکفتن را در شکوفه‌هایش هر لحظه بیشتر و صدای پرندگانش را در گوش جانم هنوز بعد از سالها گذشت می‌شنوم.
بعدازظهر یک روز بهاری بود، دست‌هایم را گرفت و من لحظه‌ای بعد خود را در آن طرف رودخانه (دیه آرخی) با برادرم محمد دیدم.
رقص شاخه‌های درخت بید را از نوازش نسیم می‌دیدم و آواز مرغ کوچکی را ساری کوینک (زرد ملیجه) می‌شنیدم اما این بار شاخه‌ها را بی‌تاب‌تر و ساری کوینک را بی‌قرارتر می‌دیدم، راستی چرا؟
دیرمان باغی (باغ آسیاب) با آن درختان گیلاس و سیب‌های فراوان

میعادگاهی اهل دل بود و محل تفرج و تفکر عارفان و متفکران.
دست‌هایم در دست برادرم محمد بود و چشمهایم خیره به دست‌های مردی گردیده بود که چیزی را در بغل نگاه داشته بود که یک دستش عمودی مرتب بالا و پائین می‌رفت و یکی افقی عقب و جلو. صورتش را نگاه کردم، جویباری از اشک آهسته رو به پایین در سیمایش جریان داشت که روی سازش می‌ریخت. به برادرم محمد گفتم: بوکیمدی؟ (کیه این). گفت: «آقای منصوری دی خانمی تزه اولوب هردن بی گلر بورا اتورار تار وزار آغلار». (این آقای منصوری است خانمش تازه فوت کرده، اینجا می‌آید، می‌نشیند تار می‌زند و گریه می‌کند).
گفتم: «پس این سازی که می‌زند تار است؟» گفت: «آره» و من عاشق معشوق آقای منصوری شدم و من از آن زمان به بعد، بارها و بارها صدایش را که با منصوری حرف می‌زد شنیدم و به خاطر سپردم. تا این که عصر یکی از روزهای غم‌انگیز پائیزی صدای لااللّه‌الاالله را همراه با محمد رسول‌اللّه (ص) که منصوری تا گورستان را بدرقه می‌کرد شنیدم و سالها درد هجر و جدائی من از تار و تارنواز آغاز و به درازا کشید.
پس از چندی پدرم که بازنشسته شد و ما به تهران نقل مکان کردیم و در خیابان نواب چهارراه شکوفه کوچه صالحی پلاک 15 که یک باب خانه قدیمی و محقر بود ساکن شدیم پدر مرا برای ادامه تحصیل در دبیرستان یادگار واقع در خیابان خوش ثبت‌نام کرد و پس مدتی با شخصی به نام غلامی که تار و سه‌تار می‌زد آشنا شدم. آشنائی من با آقای غلامی که در ساعات بیکاری در دبیرستان سه‌تارش را که البته گاهی می‌آورد و می‌زد باعث شدت علاقه من به این ساز و همچنین تار شد.
برادرم جمشید برایم یک سه‌تار از فروشگاه گل‌بهار که در لاله‌زار بود خرید به مبلغ نهصد ریال که من این سه‌تار را در سال 1363 فروختم به صد برابر، یعنی نود هزار ریال، این ساز کاسه ترکه‌ای توت و گردو، یکی در میان بود و ساخت مرحوم محمد عشقی بود و از روی علاقه‌ای که به ساز داشتم روی دسته را صدف‌کاری کردم.
بعد از مدتی رفتم به کلاس موسیقی رودکی که در خیابان سی‌متری تقاطع حشمت‌الدوله بود و به مدیریت آقای مهاجر و استادی آقای بی‌آزار اداره می‌شد. در این کلاس مشغول فراگیری موسیقی شدم تا این که یک روز ویولن شکسته‌ای را در سطل زباله دیدم که شکسته و دور انداخته شده بود، آن را بردم به منزل و با حوصله تمام تعمیر کردم و به کلاس آوردم و چون خجالت کشیدم که بگویم این ساز را از توی سطل زباله پیدا کرده‌ام، لذا به متصدی کلاس ویولن آقای حسین صمدی گفتم: «استاد این ویولن را خریده‌ام چطور است؟» ساز را گرفت و پنجه‌ای با آن نواخت و گفت: «این ساز، هم صدایش به گوشم آشناست و هم خودش». گفتم: «بله این

همان سازی است که شما دور انداخته بودید»؛ تشویق فراوانی کرد و من تقریباً دو سه ماهی به کلاس سه‌تار رفتم که این برنامه به عللی متوقف شد تا سال 1359 برای خرید تار به مغازه آقای بخشی واقع در میدان بهارستان رفتم، قیمت تار خیلی بالا بود. گفتم: «آقای بخشی می‌روم و خودم یک تار برای خودم می‌سازم»، چند نفری که در مغازه وجود داشتند با این گفته من زدند زیر خنده که این خنده‌ها مرا در تصمیم خود جدی‌تر و مصمم‌تر کرد.
فردای آن روز، شروع کردم به خریدن وسائل کار و ابزار، تلفنی هم به یکی از سازندگان ساز کردم و گفتم: «استاد اگر اشکالی ندارد می‌خواهم چند روزی، چند ماهی شاگرد شما باشم و البته نمی‌خواهم که مزاحم جنابعالی گردم و به این شرط که هیچوقت از شما چیزی نپرسم، من خودم با نگاه کردن، کار را یاد خواهم گرفت». گفت: «راست میگی؟» گفتم: «بله» گفت: «اتفاقاً به آدمی مثل تو نیاز ندارم» و گوشی تلفن را گذاشت. اسمش را در اینجا نمی‌برم که مبادا خدای ناکرده در جایی به زشتی از ایشان یاد شود.
به هر حال به کوشش خود ادامه دادم و گمان کنم اواخر سال 1359 بود که یک تار ساختم از چوب توت و بردم نزد آقای بخشی که او پس از دیدن تار ساخت من گفت: «آی شیطون آخر آنچه را می‌خواستی کردی». اتفاقاً برای تار همانجا یک مشتری پیدا شد که به مبلغ هشت هزار و پانصد تومان فروختم و کسری وسائل کارم را تهیه کردم، همچنین با فروختن اتومبیلم ماشین چوب‌بری و رنده‌برقی را خریداری کردم، از کمک‌های فکری آقای محمود قربانعلی که در کارگاه فرهنگ و هنر بود خیلی زیاد استفاده کردم که برای همیشه در زندگی از ایشان ممنون و سپاسگزار می‌باشم و همیشه خود را مدیون این مرد اخلاق و هنر می‌دانم، بعدها به ساختن سه‌تار هم مشغول شدم و سه‌تارهایی که تاکنون ساخته‌ام، بسیار است.
چند ساز ابتکاری هم با نام‌های، «دلگشا» (زهی) و «دلربا» (مضرابی) و «دل‌آرام»(زهی) ساخته‌ام و یک ساز هم برای کوک سنتور به جای دیاپازون.
به هر حال با علاقه‌ای که من نسبت به وطنم ایران و این آب و خاک دارم و مردمان و آداب و سنن و فرهنگ عامه و موسیقی اصیل سنتی آن را دوست دارم و این موسیقی در تمام وجودم ریشه دوانیده و با خونم عجین شده، عمرم را در ساختن این آلات و ادوات موسیقی صرف کرده‌ام. خوب یا بد بودن سازهای من را شاید زمان سال‌ها پس از مرگ من معلوم کند. خدا داناست، که من هرگز از ساختن این سازها آلوده شده به مسائل مادی نیست، بلکه نظرم پیشرفت علم موسیقی این هنر آسمانی و والا بین هنرجویان است تا بتوانند با این آلات و ادوات هرچه بیشتر با این هنر

مأنوس گردند.
در اینجا یادآور می‌شوم که چون قسمت اعظم عمر و وقتم را صرف این هنر والا و ظریف کردم و خیلی کمتر به خانواده‌ام رسیدم، از همسر مهربانم خانم راضیه سجادی تفرشی و دختران خوبم نرگش و نغمه و نسیم و دو پسرم محمد و مهدی که مرا تحمل کردند، از اولی به خاطر کمبود محبت‌های همسری و بقیه به سبب کسری عطوفت پدری عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم مرا در قبال خدمت کوچکی که به موسیقی وطنمان ایران کرده‌ام ببخشایند و در ضمن یادآور می‌شوم که از محبت‌های استادان عزیزم، بهنام وادانی و محسن راسخ و سعید تقی‌بیگلو که همواره مرا مورد لطف خویش قرار داده‌اند سپاسگزاری نمایم».
تمام سازهای استاد رضا ژاله دارای تاریخ ساخت و اتمام و شماره و پرونده می‌باشد.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

ساروخانی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1318، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشسرای عالی تهران در سال 1340، کارشناسی ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال 1342، کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه پاریس (سوربن) در سال 1345، دکترای دولتی جامعه‌شناسی با درجه بسیار عالی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال 1347.
مرتبه علمی:
استاد تمام وقت در دانشکده علوم اجتماعی تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح ایرانیان بازگشته از عراق، جرم و مهاجرت، جوانان، خواسته‌ها، انتظارات و مسائل آنان، تکدی و مسائل آن در ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 28 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 24
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی جوانان، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف علوم اجتماعی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 19، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی جوانان، فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف علوم اجتماعی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ساروی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر. اصل وی از شهر ساری بود و در دربار محمدشاه قاجار منصب ملاباشی گری داشت به دستور پادشاه، تاریخ در شرح جنگها و وقایع روزگار او و احوال پادشاهیش تحت عنوان «تاریخ محمدی» نوشت. ملا محمد در سرودن شعر نیز توانا بود. ابیاتی چند از وی در تذکره‌ها به جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (1558/3)، سفینه المحمود (629/2)، مجمع الفصحا (944/5).

ساعت‌ساز یزدی، ابوبکر

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 725 ق)، مبتکر و مخترع. اهل یزد بود و در همان جا زندگی می‌کرد. از آثار وی اختراع و ساخت ساعت عجیبی بود که به طرز استادانه‌ای ساخته شده و در مدرسه رکنیه یزد در سال 725 ق نصب شده بود و کار می‌کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (19 /1).

ساکی، علی‌محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1316.
درگذشت: خرداد 1373، تهران.
علی‌محمد ساکی نویسنده چندین جلد کتاب درباره فرهنگ و ادبیات لرستان است. از آثار اوست: سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام (تألیف فریا استارک، 1364)؛ قلاع حشاشین (پیتر ویلی، 1368)؛ کریم‌خان زند: تاریخ ایران بین سال‌های 1779 -1747 (جان ر. پری. 1365). علی‌محمد ساکی در سال 1373 درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سالکی، بهرام

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهرام سالکی خطاط معاصر ایرانی قرآن کریم را به خط زیبلی ریحان کتابت کرده است. این مصحف شریف توسط مجید دوخته چی تذهیب شده و توسط انتشارات مبلغان نشر شده است.
خط ریحان یکی از رایج ترین و در عین حال باشکوه ترین و عظیم ترین سبک های خوشنویسی است.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

سام آرام، عزت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عزت الله سام آرام در فروردین‌ماه 1323 در شهرستان آغاجری از توابع بهبهان بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکترای تخصصی رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال 1371 است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی و استاد پایه 27 رشته جامعه شناسی (گروه تعاون و رفاه اجتماعی) می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : رفاه اجتماعیوالدین و انساب : پدرعزت الله سام‌آرام مرحوم حاج مظاهر سام‌آرام از اهالی سمیرم بود که در سال 1300 به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. مادرش خانم آغا احمدیان از اهالی باغبادران هستند که در سال 1305 همراه خانواده‌اش به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. ازدواج پدر و مادردکتر سام آرام در سال 1307 شمسی در اهواز به وقوع پیوست که حاصل آن هشت فرزند است. پنج پسر و سه دختر که هفت نفر آنها در قید حیات هستند و عمدتا در تهران ساکن شده‌اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و متوسطه عزت الله سام آرام در آغاجری و اهواز گذشت و تحصیلات دانشگاهی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در تهران. ترتیب مدارک تحصیلی دکتر سام آرام به قرار زیر است: کارشناسی خدمات اجتماعی(مددکاری اجتماعی)، سال دریافت 1350 کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، سال دریافت 1356 دکترای تخصصی رشته جامعه شناسی، سال دریافت: 1371 1.دوره تخصصی مددکاری جامعه‌ای(Community Action) در امریکا، 1973-1972 به مدت 12 ماه کار جامعه‌ای در بین اقلیت‌های امریکا در اداره فرصت‌های اقتصاد O.E.O 2.دوره تخصصی روابط کار و مسائل کارگران، دانشگاه میسوری، کانزاس سیتی امریکا، 1973 3.دوره تخصصی مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس"بورس یونسکو" ، 1977 4.دوره تخصصی روش‌شناسی تحقیق(یونسکو) در سال 1373 در تهران 5.دوره تخصصی "روش‌شناسی کار شایسته" در ژنو در سال 2005 همسر و فرزندان : عزت الله سام آرام در سال 1354 ازدواج کرده‌است که حاصل آن سه فرزند می باشد.دو دختر و یک پسر و کماکان ساکن تهران است.وقایع میانسالی : عزت الله سام آرام از اول تیرماه 1350 به عنوان مربی آموزشیار در دانشکده خدمات اجتماعی مشغول به کار شد.در سال 1356 مربی، درسال 1371 استادیار، در سال 1378 دانشیار و سال

1386 به درجه استادی رسیدند. از سال 1351 تاکنون چند دوره تخصصی در رابطه با تحصیلاتش را گذرانده‌است. از جمله مددکاری جامعه‌ای در آمریکا،مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس و روش‌شناسی تحقیق اجتماعی در یونسکو و در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی شرکت داشته‌است مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عزت الله سام آرام عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبائی است.فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس عزت الله سام آرام : از سال 1350 تا 1384 1.مددکاری اجتماعی - (عمومی، روش فردی، روش گروهی، روش جامعه‌ای) -3 سال، 6 ترم تحصیلی 2.روش شناسی تحقیق در علوم اجتماعی(کارشناسی ارشد) - 4 سال ، 4 ترم تحصیلی 3.جامعه‌شناسی روستایی-14 سال،28 ترم تحصیلی 4.اصول آموزشی و ترویج تعاونی-14 سال، 28 ترم تحصیلی 5. سمینار مسائل تعاونی-12 سال، 24 ترم تحصیلی 6.مسائل اجتماعی ایران(اعتیاد، طلاق، مهاجرت)-6 سال،12 ترم تحصیلی 7.جامعه‌شناسی ایران(جمعیت، آسیب‌های اجتماعی)-10 سال، 20 ترم تحصیلی جمعیت و رفاه اجتماعی(کارشناسی ارشد)-3 سال، 3 ترم تحصیلی 8.سرپرستی کارورزی دانشجویان -(در فیلدهای مختلف روستایی و مراکز بازپروری اعتیاد)-30سال، 60 ترم تحصیلی چگونگی عرضه آثار : - چاپ بیش از پنجاه مقاله در نشریات علمی - شرکت در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی - هفت کتاب تالیفی - مقالات پژوهش(1355 تا 1384)، 21 مورد - مقالات علمی منتشر شده در مجلات و همایش‌های علمی از1371 تا 1384 (37 مورد) -کارشناسی‌ارشد،راهنماییپایان نامه :21مورد - دکتری، راهنمایی پایان نامه :3 مورد - دکتری،مشاوره پایان نامه : 7 موردآثار : 1 راهنمای مددکاران اجتماعی ویژگی اثر : ، ترجمه مشترک، انتشارات رشد،13712 روش‌شناسی تحقیق کیفی در مساله اعتیاد ویژگی اثر : ، تالیف، انتشارات نقش هستی، 1384 3 روش‌های تسهیل کار گروهی(برای مدیریت NGO ها) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات موسسه توان‌بخشی و بهبود زندگی زنان، 13824 فقر عاطفی در خانواده ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، 13755 مددکاری اجتماعی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، 13826 مددکاری اجتماعی باتاکیدبرمحیط‌های کارگری ویژگی اثر : تالیف،انتشارات نقش هستی، 13827 مددکاری اجتماعی در کارگاه ویژگی اثر : ، تالیف، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی، 1380 8 مددکاری اجتماعی(کار با جامعه) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، 13749 مددکاری‌اجتماعی(کاربافرد) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات‌رشد، چاپ‌اول1368،دوم1369،سوم137110 مددکاری‌اجتماعی(کارباگروه) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی،

1373
منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر عزت الله سام آرام بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- بهار 1386

سبذمونی بخاری، ابومحمد عبداللَّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(340 -258 ق)، فقیه حنفی، مورخ و محدث. در روستای سبذمون بخارا متولد شد. در جستجوی حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد. ابن‌اثیر او را از محدثان غیر ثقه به حساب آورده است. از آثارش: کتاب «مسند ابی‌حنیفه»؛ و کتاب «کشف الآثار» در مناقب ابی‌حنیفه که آن را بر چهارصد نویسنده املا کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (264 -263 /4)، ریحانه (113 /1)، کشف الظنون (1837، 1485)، معجم المؤلفین (145 /6)، هدیة العارفین (445 /1).

سبزعلی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج محمد حسین سبزعلی در اول آبان ماه سال 1335 در شهر تهران چشم به جهان هستی گشود تولد او در خانواده ای مذهبی، زمینه ساز پرورش در مسیر پربرکت قرآن کریم شد. شنیدن تلاوت قرآن توسط یکی از اعضای هیئت محله اولین بارقه های عشق و علاقه به تلاوت قرآن را در او ایجاد کرد. پس از آن آشنایی با یک قاری به نام حاج محمد ثابتی و شرکت در کلاسهای آموزش او، اشتیاق آقای سبزعلی را به امر تلاوت قرآن دو چندان نمود محمد حسین سبز علی از پدر و مادرش، آقای محمد ثابتی و نیز استاد ابراهیم پور فرزید به عنوان افراد مؤثر در امر تربیت و آموزش قرآن خود یاد می کند. او توصیه های مقام معظم رهبری از سال 1352 و همچنین شرکت در جلسات قرآن مسجد علی ابن موسی الرضا علیه السلام را بد این مسیر بسیار مؤثر می داند. آقای سبزعلی آموزش علوم مختلف قرآنی را از سال 1350 در تهران آغاز کرد. آقای سبزعلی دارای دیپلم طبیعی است. او در سال 1360 ازدواج کرده و سه فرزند دارد.
فرزندان و اعضای خانواده او نیز در قرائت قرآن تلاش خوبی دارند و در این راه از راهنمائیهای ارزشمند پدر، بهره ها می گیرند. محمد حسین سبزعلی برای اولین بار در سال 1359 موفق شد در رادیو سراسری تلاوت کند. او می گوید اولین بار که صدای خود را از رادیو شنیدم، باورم نمی شد و خیلی منقلب شده و تصمیم گرفتم تا آخر عمر این راه نورانی و جذاب را ادامه دهم.
حاج محمد حسین سبزعلی در امر تلاوت قرآن در ابتدا از استاد عبدالباسط سپس از محمود علی البنّاء تقلید می کرد.
و بمدت دو سال از مرحوم شعبان محمود عبدالعزیز صیاد و آنگاه از مرحوم مصطفی اسماعیل تقلید می کرد او در زمینه تقلید از قاریان مشهور کشور مصر معتقد است: باید از بزرگان و مشاهیر قرائت قرآن در جهان که قدمت بسیار دارند تقلید نمائیم و تلاش کنیم با قاریان کنونی کشور مصر به رقابت بپردازیم.
آقای سبزعلی توجه به قاریان جوانی را که در ابتدای راه تلاوت قرآن هستند به 4 نکته جلب می کند:
اول اینکه هر روز هر نوار یک قاری که انتخاب نموده اند گوش کنند دوم در

جلسات قرآن اساتید شرکت کنند و تلاش کنند جلسه ای که می روند از بهترین ها باشد سوم هر روز 2 یا 3 مرتبه تمرین تلاوت قرآن داشته باشند و چهارم اینکه امور اجتماعی و اخلاقی باید در حد عالی باشد تا با شخصیت قرآنیش تعادل داشته باشد. حاج محمد حسین سبزعلی همراه دیگر قاریان، به کشورهای مختلفی سفر کرده و در آنجا به تلاوت قرآن پرداخته که با استقبال گسترده حاضرین مواجه شده است. از جمله به کشورهای عربستان سعودی، سوریه، اندوزنزی، مالزی، تایلند، چین، غنا، نیجریه، آفریقای جنوبی، بنگلادش، ایالیا، فرانسه، پاکستان و هندوستان سفر کرده است.
آقای محمد حسین سبزعلی نخستین بار در سال 1352 در مسجد کرامت مشهد مقدس در جلسه آقای فاطمی در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخت و معظم له که همواره با رهنمودهای خویش، قاریان قرآن را مورد عنایت قرار داده اند، او را تشویق نمودند. او تا کنون بارها در حضور معظم له به تلاوت قرآن پرداخته است. آقای سبزعلی قرآن را راه رهایی از مفاسد اجتماعی می داند و معتقد است که باید جاذبه ها در این مسیر که در برابر جذبه های دیگر جامعه بیش از پیش رهنما باشد.
حاج محمد حسین سبزعلی علاوه بر تلاوت قرآن در محافل و مجالس مختلف، به تدریس در دبیرستان نیز اشتغال داشته، در شورای عالی قرآن بعنوان کارشناسی مشغول همکاری است.
او از اساتید: مصطفی اسماعیل، غلوش و منشاوی به عنوان برترین اساتید مصر از آغاز تا کنون نام می برد و همچنین معتقد است که اساتید شحات محمد انور، اللّیثی و دکتر نعینع از قاریان برتر کشور مصر در حال حاضر هستند. آقای سبزعلی از سال 1360 تا کنون بارها در مسابقات مختلف قرآن در استانها و شهرهای مختلف به داوری پرداخته است.
آقای سبزعلی در بسیاری از مسابقات قرآن شرکت نموده است. در سال 1360 مقام دوم استان تهران و نیز مقام دوم مسابقات بین المللی اوقاف را کسب نموده و همچنین در سال 1375 در مسابقات بین المللی کشور مالزی شرکت نموده و مقام دوم این دوره از مسابقات را به خود اختصاص داد. او از سال 1350 به تدریس در زمینه های مختلف قرآنی در حسینه ها، مساجد، جلسات و هیئتهای مذهبی مبادرت ورزیده است.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

سبزواری، حسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1086 ق)، قاری، خطیب و شاعر. معروف به خطیب قاری سبزواری. وی در عصر شاه سلیمان صفوی از خطیبان مشهد رضوی به شمار می‌رفت. او در علم حروف و اعداد تبحر و به عرفان تمایل داشت. از آثار وی: «مطالع الاسرار»، در شرح «مشارق الانوار» شیخ حافظ رجب برسی، که به دستور شاه سلیمان صفوی نوشته شد؛ «ابواب البیان»، فارسی، در خطب و مواعظ که در 1086 ق نگارش یافته؛ شرح «حدیث الاسماء و بیان حدوثها» یا شرح «حدوث الاسماء المروی فی الکافی»؛ «الخطب» به عربی و فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (101 -100 /5)، الذریعه (142 -141 /21 ،187/13 ،184/7 ،74/1)، ریاض العلماء (308/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 142/11)، معجم المؤلفین (227/3).

سپهر کاشانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1297 -1207 ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، متخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملک و مشهور به لسان سپهر. محمد در کاشان متولد شد و پس از تحصیل علوم قدیمی، عروض و قافیه را آموخت. در بیست سالگی به خواهش ملک‌الشعراء- فتحعلی خان صبا- به تهران آمد و به تشویق او به تالیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب با فوت صبا ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان برگشت. در آنجا محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه حکمران کاشان او را به ندیمی خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی‌شاه به تهران احضار گردید و به سلک اعضای دیوان درآمد. سپهر در عهد محمدشاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» ماموریت یافت. این کتاب تاریخ عمومی است که تا سال 1273 قمری امتداد یافته است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. وی در تهران درگذشت و پیکرش به نجف اشرف منتقل شد. از دیگر آثار و تالیفات وی: «آینه‌ی جهان‌نما»؛ «اسرارالانوار» فی مناقب الائمه‌ی اطهار (ع)؛ «براهین العجم فی قوانین المعجم»؛ «جنگ فی التواریخ» و «دیوان» اشعار.[1]
(بخش 1) (میرزا) محمدتقی بن (ملا) محمدعلی کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر، نویسنده و مورخ عهد قاجاری (ف. 1297 ه.ق.). وی پس از تحصیل مقدمات علوم قدیم به شعر و عروض و قافیه پرداخت، و در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا ملک‌الشعرای فتحعلی شاه رسید، و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد، ولی این امر با فوت صبا (1238 ه.ق.) ناتمام ماند و میرزا تقی به کاشان برگشت. و به خدمت محمود میرزا پسر فتحعلی شاه حکمران کاشان رسید و تخلص سپهر را از او گرفت. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد، و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» (که دوره تاریخ جهان از زمان آدم تا عهد مؤلف است) پرداخت. کتاب قافیه او به نام «براهین العجم» مشهور است. سن وی به هنگام مرگ از 80 سال متجاوز بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] حدیقه الشعراء (747 -746 /1)، دایرةالمعارف

فارسی (1262/1)، الذریعه (8 -6 /24 ،430 -429 /9 ،166 -165 /5 ،81/3 ،42/2 ،51/1)، ریحانه (132 -129 /5)، سفینه المحمود (360 -341 /1)، شرح حال رجال (321 -319 /3)، فرهنگ سخنوران (439 -438)، لغت نامه (ذیل/ سپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (188 -187)، مؤلفین کتب چاپی (253 -249 /2)، مجمع الفصحا (400 -350 /4)، مصطبه‌ی خراب (84 -82)، نگارستان دارا (88 -87)، یادداشتهای قزوینی (190/8)، یادگار (س 5، ش 1 و 2، ص 96).

ستوده، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر منوچهر ستوده در سال 1292 خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود.دورة تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال 1314 به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجة لیسانس در رشتة زبان و ادبیات فارسی نایل آمد.ایشان در دانشکده های الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل آمدند. کتاب"از آستارا تا استاراباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر ستوده دورة تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال 1314 به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجة لیسانس در رشتة زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی در سال 1319 دورة تحصیلی دانشکدة افسری را نیز به اتمام رسانید و مفتخر به دریافت درجة افسری گردید
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر ستوده در سال 1320 به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس پرداخت و آنگاه از سال 1335 تا سال 1350 در دانشکدة الهیات و معارف اسلامی به تدریس جغرافیای تاریخی اسلامی و از سال 1350 تا 1357 در دانشکدة ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس کتیبه‌های اسلامی و تاریخ خطوط اسلامی در رشتة باستان‌شناسی پرداخت و در پایان این سال بازنشسته گردید.
جوائز و نشانها : کتاب"از آستارا تا استاراباد " تالیف منوچهر ستوده ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.
چگونگی عرضه آثار : منوچهر ستوده صاحب آثار فراوانی در تألیف و

تصنیف و تصحیح است ----------

آثار :
1 آثار و احیاء (متن فارسی دربارة فن کشاورزی)
ویژگی اثر : تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی – مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبة تهران با همکاری دانشگاه تهران 1368
2 از آستارا تا استاراباد
ویژگی اثر : تألیف – دورة هفت جلدی – اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 1367 – 1349 -این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است
3 استوناوند دژ 3500 ساله
ویژگی اثر : با همکاری مهندس محمد مهریار – احمد کبیری – مؤسسه فرهنگی جهانگیری 1367
4 تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس
ویژگی اثر : تألیف محمد ابراهیم کازرونی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری 1367
5 تاریخ خانی
ویژگی اثر : تألیف علی بن شمس‌الدین لاهیجی – بنیاد فرهنگ ایران 1352
6 تاریخ رویان
ویژگی اثر : تألیف مولانا اولیاء الله آملی – بنیاد فرهنگ ایران 1348
7 تاریخ گیلان
ویژگی اثر : تألیف ملا عبدالفتاح فومنی – بنیاد فرهنگ ایران 1349
8 تاریخ گیلان و دیلمستان
ویژگی اثر : تألیف سید ظهیرالدین مرعشی – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی 1347
9 تاریخ مازندران
ویژگی اثر : تألیف ملا شیخ علی گیلانی – بنیاد فرهنگ ایران 1352
10 راهنمای قطغن و بدخشان
ویژگی اثر : تألیف محمد نادرخان تهذیب کوشککی – مؤسسه فرهنگی جهانگیری 1367
11 روزنامة سفر گیلان دستخط ناصرالدین شاه قاجار
ویژگی اثر : مؤسسه فرهنگی جهانگیری 1367
12 صیدنه
ویژگی اثر : تألیف ابوریحان بیرونی – ترجمة ابوبکر بن علی بن کاشانی – شرکت افست 1358

13 فرهنگ نایینی
ویژگی اثر : گردآوری – مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی 1365
14 قلاع اسماعیلیه در رشته کوههای البرز
ویژگی اثر : 1345 ----------

منابع :
1www.ketabesal.ir

سجستانی، ابوحاتم سهل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 255 -248)، نحوی، لغوی، قاری، محدث و شاعر. وی شاگرد ابوزید انصاری و ابوعبیده بن مثنی و اصمعی و ابوعامر عقدی و دیگران بود. او قرآن را از یعقوب حضرمی فراگرفت. «کتاب» سیبویه را دو مرتبه بر اخفش خواند. در زمره‌ی شاگردانش از ابن‌درید و ابوالعباس مبرد یاد شده است. رشته‌ی اصلیش آثار شاعران قدیم و اصطلاحات و عروض و لغت و غرائب و علوم قرآنی بود. محدثینی چون ابوداوود و نسایی در «سنن» خود و ابوبکر بزاز در «مسند» خود و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند بطوری که هر روز دیناری به تصدق می‌داد و هر هفته قرآنی ختم می‌کرد. وی شعر را نیکو می‌سرود. دارای سی و هفت کتاب است که از آن جمله: «اعراب القران»؛ «اختلاف المصاحف»؛ «الاضداد»، کتاب «المعمرین من العرب»؛ «ما یلحن فیه العامه»؛ «المقصور و الممدود»؛ «المقاطع و المبادی»؛ «القراآت»؛ «الفصاحه»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ «المذکر و المونث»؛ کتاب «الطیر»؛ «الوحوش»؛ «الحشرات»؛ «النبات»؛ «النخله»؛ «الشوق الی الوطن».[1]
(ع. سیستانی) ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی، عالم لغوی، نحوی و مقری (ف. 255 ه.ق./ 864 م.). او در بصره میزیست و از علوم قرآنی و عروض اطلاع وافی داشت. الکتاب سیبویه را نزد اخفش آموخت و از اصمعی و ابویزید انصاری و ابوعبیده معمر بن مثنی روایات بسیار در لغت و اقسام ادب دارد. ابن درید و مبرد شاگرد اویند. او راست: کتاب الشمس و القمر، کتاب فی النحو، کتاب الشوق الی الوطن، کتاب الوصایا، کتاب مایلحن فیه العامة، کتاب الطیر، کتاب المذکر و المؤنث. (سهل)
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (210/3)، ایضاح المکنون (351 ،350 ،342 ،322 ،307 ،292 ،290 ،289 ،285 ،262 /2)، تاریخ ادبیات در ایران (124/1)، تهذیب التهذیب (234 -233 /4)، الجرح و التعدیل (ج 2، ق 204/1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1022/8)، روضات الجنات (90 -88 /4)، ریحانه (444 -443 /2)، سرآمدان فرهنگ (103 -102 /1)، سیر النبلاء (270 -268 /12)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (100)، کشف الظنون (1781 ،1577 ،1469 ،1466 ،1462 ،1457 ،1454 ،1452 ،1452

1383، 1387، 1388، 1423، 1429، 1436، 1439، 1446، 1449، 1189، 123، 115، 33)، الکنی و الالقاب (45 -44 /1)، لغت نامه (ذیل/ ابوحاتم)، معجم الادباء (265 -263/11)، معجم المؤلفین (286 -285 /4)، وفیات الاعیان (433 -430 /2).

سدیدالسلطنه‌ی کبابی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1320 -1250 ش)، مورخ، نویسنده و شاعر، متخلص به عاری. وی در بغداد متولد شد، پس از کسب علوم مقدماتی در بوشهر، وارد خدمات دولتی شد و بیشتر دوران خدمت خود را در نواحی خلیج فارس گذراند. در دوره‌ی تحصیل سیوطی را نزد آقا سید جواد مجتهد یزدی و جامع المقدمات را نزد حاج شیخ محمد امام جمعه و علوم ادبی را نزد میرزا حسین اهرمی متخلص به معتقد و ملا حسن کبکانی متخلص به محمود و کلیات محمود جدید را نزد سید جمال‌الدین اسدآبادی آموخت. او چندین کتاب با تحقیق و تتبع فراوان تالیف کرده که اکثرا درباره‌ی خلیج فارس، جزایر، بنادر و زندگی ساکنین آن حدود است. از آثار اوست: «اعلام الناس فی تاریخ بندرعباس»؛ «التدقیق فی سیر الطریق»؛ «احوال اهرم و تنگستان»؛ «احوال خوانین و عشایر قشقایی»؛ «احوال شیوخ بندر لنگه»؛ «مفاتیح الادب فی تواریخ العرب»؛ «شقایق النعمان فی احوال العمان»؛ «ضمیمه اللطیفه»؛ «المناص فی احوال الغوص و الغواص» و «دیوان اشعار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (3/ 555- 563)، الذریعه (330/24)، شرح حال رجال (6/ 243- 244)، فرهنگ سخنوران (607)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (1/ 71، 170- 171)، مرآت الفصاحه (391- 395)، مؤلفین کتب چاپی (110/4- 419/1).

سرایی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسن سرایی در سال 1321 خورشیدی در شهر همدان به دنیا آمد.ایشان دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو آمریکا (1975) است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد. کتاب "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری" ترجمه حسن سرایی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن سرایی دورة تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در زادگاه خود به پایان برد و وارد دانشگاه گردید. او پس از طی دورة لیسانس از دانشگاه ابوریحان راهی آمریکا شد و در ادامة تحصیلات عالیة دانشگاهی به دریافت درجات فوق لیسانس از دانشگاه ایلینوی جنوبی و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو (1975) نایل آمدفعالیتهای ضمن تحصیل : حسن سرایی همزمان با تحصیل در دانشگاه شیکاگو، به مدت چهار سال در مرکز مطالعات خانواده و اجتماع مشغول تدریس و تحقیق بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن سرایی پس از فراغت از تحصیل به ایران بازگشت و به کار تحقیق و تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی پرداخت. او اکنون عضو هیأت علمی دانشکدة علوم اجتماعی در آن دانشگاه است.جوائز و نشانها : کتاب "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری" ترجمه حسن سرایی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری ویژگی اثر : ترجمه-این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سرخوش، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی‌اکبر سرخوش یکی از هنرمندان با سابقه در هنر موسیقی و فن سازسازی می‌باشد، وی به سال 1302 در تهران متولد شد و از زمانی که چشم باز کرد، گوشش و چشمش به نواهای آسمانی موسیقی و سازهای مختلف بخصوص سنتور و تار که پدرش می‌ساخت و می‌نواخت آشنا گردید. پدر بزرگ وی سلیمانخان سرخوش سنتور را بسیار خوب می‌نواخت ولی هیچ گاه در محافل و مجالس سنتور ننواخت و هر زمان هم که صدای ساز وی بلند می‌شد تنها برای دل خود و اندک دوستان نزدیک بود. پدر علی‌اکبر سرخوش در تهران خیابان ناصرخسرو باغچه علیجان، کارگاه کوچکی داشت که در آن به ساختن تار و سنتور مشغول بود نگارنده که کودکی بیش نبودم و ساکن همان محل بودم روزها که از جلوی کارگاه وی گذر می‌کردم محو نواختن سنتور ایشان می‌شدم به طوری که مدت‌ها بدون این که خود متوجه باشم آنجا ایستاده و به نوای گرم ساز او گوش می‌دادم و به خوبی یادم هست که روزی جهت خریدن نان رفته بودم و تابستان بود و زیر بازارچه باغچه علیجان بسیار خنک و من آنقدر به نواختن سنتور وی گوش داده بودم که نان تمام شد و من دست خالی به خانه بازگشتم و آن روز کتک مفصلی از پدرم خوردم و پدرم وقتی علت را فهمید آمد و به مرحوم کریم سرخوش که او را اهل محل (دادا) می‌نامیدند گفت که اگر باز هم پسرم آمد اینجا و معطل شد او را دعوا کنید تا دنبال کار خود برود زیرا می‌ترسم که به نواختن ساز علاقه‌مند شود و در آینده به موسیقی روی آورد! و از کار اصلی خود که درس خواندن است بازبماند. ناگفته نماند در محل ما (باغچه علیجان) در آن زمان، مرحوم حسین صبا نیز سکونت داشت که هر روز می‌آمد و در مغازه‌ی کریم سرخوش از نواختن ساز سرخوش بهره می‌گرفت و خانم ملوک ضرابی نیز که خانه‌اش در همان حوالی بود هر وقت که از جلوی کارگاه این پیر استاد می‌گذشت مدتی با وی صحبت و احوالپرسی و راجع به موسیقی و هنر گفتگو می‌کرد و نگارنده خود به خوبی اینها را یادم هست. علی‌اکبر سرخوش هنوز به سن 10 سالگی نرسیده بود که در کارگاه پدر و زیر نظر او مشغول فراگیری فن سازسازی شد و چون از گوش دقیق و حساس بهره‌ی کافی داشت در کوک سنتور یکی از خبره‌گان است و سالهای متمادی کوک این ساز را حتی برای بسیاری از نوازندگان بزرگ ارکستر به عهده دارد. علی‌اکبر

سرخوش، بیش از پنجاه سال است که مشغول ساختن سازهای مختلف بخصوص سنتور است و به نواختن سازهایی مثل: سنتور، سه‌تار، تار، کمانچه، پیانو و آکوردئون آشنایی کامل دارد و اولین هنرمندی است که روی آکوردئون ربع پرده قرار داد که بشود آهنگ‌های ایرانی را با آن نواخت. سازهای ساخت سرخوش سالها است که مونس هنرمندان کشور می‌باشد و بسیاری از آنها به خارج کشور برده شده که سفارشات زیادی هم به ایشان جهت ساخت شده ولی گویا به واسطه‌ی بعضی ناهماهنگی‌ها، ایشان رغبتی به صادر کردن آنها ندارد. چون سازهای ساخت وی از درخت‌های آزاد می‌باشد که بسیار مورد نظر هنرمندان بوده و دارای صدایی صاف و رسا می‌باشد.
در اینجا بی‌مناسبت نیست یادآور شوم که صنعت و هنر سازسازی جزو هنرهای ظریفه می‌باشد که نمایانگر فرهنگ صوتی هر کشور نیز هست، با توجه به فرهنگ و هنر بزرگ ایران اگر دولت امکاناتی فراهم آورد و حمایتی هم نه چندان زیاد در حد همکاری دستگاههای دولتی می‌توان با توجه به تقاضاهای فراوان ممالک خارج سازهای دست‌ساز ملی ایران به آن کشورها صادر شود تا هم هنرمندان به کار گمارده شوند و هم ارز بسیار به کشور سرازیر شود و هم موسیقی و نمونه‌ی سازهای ملی ایران به جهانیان شناسانده شود. علی‌اکبر سرخوش که از سالهای اولیه رادیو با این مؤسسه همکاری داشته و در ارکستر مرحوم استاد ابراهیم منصوری شرکت می‌کرده خود به نواختن تمام سازها آشنایی دارد و خود یکی از سلیست‌های خوب کشور می‌باشد. ابراهیم سرخوش برادر بزرگ وی بود که در نواختن تار چیره‌دست بود.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1293 ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در 1304 ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدیده به تحصیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی‌اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در 1310 ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌اللّٰه حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از

انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکاییل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه‌ی» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (340/2، 200 -197 /1)، اعیان الشیعه (274 -273 /6)، الذریعه (283/22، 116/21، 46، 17، 11/16، 139، 80 -79 /8، 410، 317 /3، 366/2، 493، 415 /1)، ریحانه (7 -5 /5، 15 -13 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 699 -693 /14)، علماء معاصرین (296 -292)، گنجینه‌ی دانشمندان (227 -225 /6).

سرداری نیا، صمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر صمد سرداری‌نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد 1319 در شهر تبریز بود.وی پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی تا دبیرستان ،در سال 1346 وارد دانشگاه تبریز شده و در سال 1350در مقطع کارشناسی تاریخ، فارغ التحصیل شد. ایشان پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال 1357 فارغ التحصیل شد.از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است.صمد سرداری‌نیا پنجشنبه 22 فروردین 1387بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : حقوق
گرایش : نویسندگی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صمد سرداری‌نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد 1319 در شهر تبریز بود.سرداری نیا، در 21در محله« امیره خیزی» تبریز دیده به جهان گشود .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : صمدسرداری نیا پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه در سال 1346 وارد دانشگاه تبریز شد. وی در سال 1350در مقطع کارشناسی تاریخ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد و پس از استخدام در صدا و سیما بار دیگر به دانشگاه رفت ولی این بار در رشته حقوق قضائی به تحصیل پرداخته و در سال 1357 فارغ التحصیل شد. او سپس وکیل دادگستری شد.
زمان و علت فوت : صمد سرداری‌نیا پنجشنبه 22 فروردین 1387بر اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صمد سرداری نیا پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال 1357 فارغ التحصیل شد.از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است.او به حقوق بازنشستگی اش از صدا و سیما قناعت کرد و هرگز طبع لطیفش را به زر و تزویر نیالود.
آرا و گرایشهای خاص : صمد سردارینیا ،این محقق بزرگ آذربایجان بی‌هیچ حب و غرضی، گوهر حب وطن در صدف وجود خویش تربیت کرد و سال ها

پشت میز تحریر کوچکش قلم بر دست، بر لوح تاریخ، برگ هایی زرین از گذشته و حال مردمان دیارش رقم زد. برگ برگ تاریخ را ورق زد تا نشانی مستند بر پایه واقعیت و نه گزافه و اغراق از لیاقت، کفایت و درایت ایران و ایرانیان و شجاعت و مردانگی آذربایجان و آذربایجانیان بیابد. در سطر سطر نوشته‌های شیوایش می‌توان روح متعالی یک ایرانی وطن‌دوست و یک آذربایجانی جلیل‌القدر را ملاحظه کرد. بی‌اغراق می‌توان گفت که اگر اکنون هر آذربایجانی و هر شهروند تبریزی، به آسانی و در عین افتخار و با قدرت از تبریز، به عنوان شهر اولین‌ها یاد می‌کند، حاصل سال ها تلاش این پیر فرزانه است. نویسنده‌ای که سال ها در میان اوراق تاریخ گشت تا گلستانی از افتخارات مستند و واقعی آذربایجان گردآورد تا مردمانش سرافرازانه به داشتن آن قله‌های بزرگ فخر فروشند و مباهات ورزند. از قابلیت‌های آب و خاک و جان آذربایجان گفت تا جهان و جهانیان بدانند که اینجا آذربایجان است. کانون عشق‌ورزی، محور ایثار و مردانگی، دیوار بلند مقاومت، با مردمانی مهربان و هنرورز، با ادبیاتی آمیخته به شور شبنم و شوق خدمت.
جوائز و نشانها : صمد سرداری نیا مفتخر به دریافت دو عنوان «دکترای افتخاری» از دو کشور خارجی گردیده است. ----------
---
آثار :
1 آذربایجان پیشگام جامعه مدنی
2 ایروان یک ایالت مسلمان نشین بود
3 باقرخان سالار ملی
ویژگی اثر : ناشر: ایرانیان -1369
4 باکو شهر نفت و موسیقی
ویژگی اثر : پدیدآورنده: مناف سلیمانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)، ناشر: اختر - 22 اسفند، 1385
5 تاریخ روزنامه‌ها و مجلات آذربایجان
6 تبریز شهر اولین‌ها
ویژگی اثر : ناشر: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان - 1381
7 تبریز مهد صنعت چاپ در ایران
ویژگی اثر : ناشر: سرداری‌نیا، صمد - 10 بهمن، 1384
8 جنگ قره باغ
ویژگی اثر : پدیدآورنده: ضیاء الدین سلطانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)؛ ناشر: هاشمی سودمند - 10 اسفند، 1384
9 دارالفنون تبریز، دومین مرکز آموزش عالی ایران
ویژگی اثر : ناشر: ندای شمس - 1382

10 سیری در تاریخ آذربایجان
ویژگی اثر : ناشر: اختر - 04 دی، 1386
11 قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس
12 قره باغ
13 قره باغ در گذرگاه تاریخ
ویژگی اثر : ناشر: ندای شمس - 10 اسفند، 1384
14 مشاهیر آذربایجان،
ویژگی اثر : انتشارات شایسته تبریز - 1379
15 ملانصرالدین در تبریز
ویژگی اثر : ناشر: اختر تبریز

سروری، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1320 ش)، سازنده‌ی ساز. از اساتید سازنده‌ی تار در مشهد بود. وی سه تار هم می‌ساخت و در کار خود مهارت داشت. تار و سه‌تارهای کار او همه استادانه ساخته شده و خوش آهنگ است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (698/2).

سکندری، علی جان

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی جان سکندری
محل تولد : اسلام آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/12/15
زندگینامه علمی
علی سکندری (علی جان سکندری) فرزند سکندر متولد 1341 ش، در اسلام آباد (صلایان) یکی از روستاهای آن زمان قاینات چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در همان زادگاهش به پایان رساند. دوره های ابتدایی و راهنمایی را در شهر خضری و متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی شهرستان قاین به پایان برد. وی در کنار تحصیل در اوقات بیکاری در کشاورزی به پدرش کمک می نمود .
پس از اتمام دوره متوسطه در سال 1361 ش، وارد حوزه علمیه قاین شد. یک سال بعد برای ادامه تحصیل عازم مشهد مقدس گردید تا تحصیلات حوزوی را در جوار مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ادامه دهد. نخست با اقامت در مدرسه امام محمد باقر (ع) مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره های تحصیلات تکمیلی و عالی را در مدارس جعفریه و آیت الله خوئی نزد اساتید برجسته حوزه علمیه از جمله: آیت الله مرتضوی، آیت الله رضا زاده، آیت الله واعظ طبسی، آیت الله صالحی و حجت الاسلام و المسلمین گرایلی گذراند.
در سال 1366 ش، در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه شد و در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد درگرایش تاریخ ادیان ادامه تحصل نمود. پس از این وارد فعالیت های علمی و پژوهشی شد و در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در گروه معارف اسلامی و دفتر فرهنگ اسلامی مشغول کار گردید. در همین زمان بود که با نگارش مقالاتی دست به قلم شد و با نوشتن مطالب سیاسی در روزنامه ها ومجله ها، فعالیت قلمی را آغاز کرد و دو شماره از فصلنامه فرهنگی دانشگاه آزاد مشهد را منتشر ساخت.

سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 300 ق)، مورخ. وی از مردم‌خوار بیهق بود و از ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج و فرزندانش بود یگانه اثر وی کتابی است به نام: «التاریخ فی اخبار ولات خراسان».[1]
ابوعلی حسین بن احمد بن محمد بیقهی نیشابوری از بزرگان قر.4 ه. مولد و منشأ او خوار بیهق بود. وی در سلک ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد ابن مظفر بن محتاج و پسرانش بود و او را تصانیف بسیار است از جمله کتاب «التاریخ فی اخبار ولاة خراسان».
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] سرآمدان فرهنگ (468/1)، لغت نامه (ذیل/ سلامی).

سلامی شیرازی، ابوتراب ولی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1003 ق)، مورخ. معروف به شاه ابوتراب عریضی حسینی. وی از سادات محترم شیراز بود که جد وی در سال 898 از شیراز به هند رفته بود و در آن جا مقیم شده و ابوتراب در آن سامان متولد شد و نخست در گجرات وارد خدمت شد و سپس به دربار جلال‌الدین اکبر راه یافت و به منصب میر حاجی رسید. پس از چندی به گجرات بازگشت و از طرف اعتماد خان حاکم گجرات منصب امین صوبه را دریافت کرد. وی مولف کتاب «تاریخ گجرات» است که مشتمل بر وقایع آن ناحیه از زمان بهادر شاه از سال 932 ق تا زمان مظفر شاه سوم در سال 992 ق است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (367 -366).

سلطان القراء تبریزی، عبدالرحیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1336 -1255 ق)، قاری و عالم. وی در تبریز به دنیا آمد. در خانواده‌ای اهل علم برآمد و در جوانی برای دریافت درجات عالیه قرائت از تبریز به کشورهای مختلف مسافرت کرد و در خیوه‌ی ازبکستان در خدمت حاج شیخ محمد کسب علم کرد و با شیخ شامل داغستانی در نهضتی اسلامی علیه روسها شرکت کرد و پس از پیروزی مدتی در داغستان اقامت کرد. سپس به عربستان و مصر رفت. پس از دوازده سال به تبریز بازگشت و به آموزش علم تجوید و قرائت قرآن پرداخت و بزرگانی چون آقا شیخ میرزا فرج‌اللّه تبریزی و فاضل ایروانی و دیگر علماء از تلامذه‌ی وی بودند. وی را بنابر وصیتش در صفه الصفا در دامنه کوه سرخاب تبریز به خاک سپردند. پدرش مشهور به قاری بود و کتابخانه‌ای در تبریز بناء نمود که پس از وی در اختیار فرزندش قرار گرفت، و سلطان القراء به نوبه‌ی خود در تکمیل این کتابخانه کوشید و پس از وی به فرزندش شیخ ابوالقاسم سلطان القراء رسید. از آثارش: «الدر المنثور»، در علم تجوید؛ «دستور تجوید»، در علم تجوید، به فارسی؛ حاشیه‌ای بر «مقدمه منظومه فی التجوید» محمد جزری شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (152 ،75 /8 ،216/6)، ریحانه (61 -60 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1102 -1101 /14)، مکارم الآثار (1489/5)، یادگار (س 5، ش 1 و 2، ص 105 -104).

سلطان‌القرایی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، مورخ.
تولد: 1275، تبریز.
درگذشت: زمستان 1367، تبریز.
جعفر سلطانی‌القرایی در آغاز نزد پدر خود شیخ ابوالقاسم و برادر خود حاج میرزا جواد، از علمای زمان، درس خواند. سپس از محضر میرزا ابوالقاسم انگجی و حاج میرزا علی‌اصغر ملک استفاه برد. وی با مطالعه مستمر و دقت در کتب خطی و نشست و برخاست با ادبا و شاعران، کارشناس شناخت نسخه‌های خطی و تشخیص اسناد و اوراق هنری و تاریخی شد. با حوادث آذربایجان به تهران هجرت کرد و چند سالی در تهران ماند و به کسب و کار مشغول بود.
از تألیفات وی، تصحیح و تعلیق دو جلد روضات الجنان و جنات الجنان حافظ حسن کربلایی تبریزی (1349 -1344) است. اثر دیگر سلطان‌القرایی تصحیح و تعلیق المحافل است. ضمنا سال‌ها با نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» همکاری داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

سلمانی امیری، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد سلمانی امیری
محل تولد : امیرکل بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
سال ورود به حوزه 1365 در حوزه علمیه امام خمینی(ره)/شهر قم اینجانب(جواد سلیمانی)فرزند (علی)به سال(1347 ش) در شهر امیر کلا از توابع استان مازندران به دنیا آمده ام.دوران ابتدایی تا اوّل دبیرستان را در زادگاه خود تحصیل نموده و بقیه دوران دبیرستان را تا اخذ دیپلم در رشته ریاضی در بابل گذرانده ام.خانواده ام مذهبی بوده و مواضع سیاسی روشنی در دفاع از انقلاب اسلامی داشت. شاید این امر موجب فعالیت اینجانب در تشکل های سیاسی- مذهبی مانند انجمنهای اسلامی و حزب جمهوری گردید.
در خلال دوره دبیرستان و جنگ تحمیلی اندک اندک انگیزه تحصیل علوم دینی زنده شد. از این رو بعد از دیپلم در سال (1365 ش) وارد حوزه علمیه قم شدم و درسهای مقدّماتی و سطح را در مدارس تحت برنامه و حلقه های درس آزاد برخی فضلا گذراندم.آنگاه پس از اتمام کفایتین و پشت سر نهادن امتحان های شورای مدیریت حوزه در درس خارج شرکت نموده از محضر آیات عظام جعفر سبحانی،ناصر مکارم شیرازی،جوادی آملی،خاتم یزدی،شیخ جواد تبریزی و سید محمّد رضا مدرسی (دامت برکاتهم) در فقه و اصول بهره برده ام.
در سال (1369 ش) دوره کارشناسی معارف اسلامی و الهیات و سپس در سال (1373 ش) دوره تخصصی کارشناسی ارشد تاریخ را آغاز کردم و بعد از ده سال (1379 ش) در مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی(قدس سره) زیر نظر حضرت آیه الله مصباح یزدی(دامت برکاته) به پایان رسانده ام.پس از اتمام دوره کارشناسی ارشد تاریخ تاکنون در محورهای زیر مشغول فعّالیت می باشم.
1. تحقیق در مباحث تاریخ صدر اسلام و معاصر(عص مشروطه)و نشر آن در قالب کتاب و مقاله.2. تدریس در مقولات فوق.3. اجرای طرح

دانشنامه مشروطیت.4. اشتغال به سطح(4)حوزه.
ذکر نام اساتید اصلی در حوزه
1. جوادی آملی/خارج فقه
2. جعفر سبحانی/خارج اصول
3. مکارم شیرازی/خارج فقه
4. خاتم یزدی/خارج فقه
5. جواد تبریزی/خارج فقه
6. محمّد رضا مدرسی/خارج اصول
7. محمّد رضا مدرسی/خارج فقه

سلمی نیشابوری، ابوعبدالرحمان

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(412 -325/330 ق)، صوفی، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. در نیشابور متولد شد و در آنجا به تعلیم و حفظ قرآن و روایت اشعار و تحصیل زبان عربی و سپس به درس حدیث و علم باطن پرداخت. معاصر با القادر باللّه خلیفه عباسی بود. به عراق وی و همدان و مرو و حجاز سفر کرد و شاگرد استادانی چون ابوالحسن دارقطنی، ابونصر سراج، ابوالقاسم نصرآبادی و اسماعیل بن نجید بود. وی مرید شیخ ابوالقاسم نصرآبادی و خرقه‌ی ارشاد از دست ایشان دریافت کرد و ابوسعید ابوالخیر بعد از وفات پیر ابوالفضل از سلمی خرقه گرفته است. وی شاگردانی چون ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، احمد بن علی توزی، ابومحمد جوینی، ابوالقاسم قشیری و ابوعبداللّه حاکم نیشابوری داست. وی در آخر عمر خانقاهی برای صوفیه در نیشابور بنا کرد که محل سکونت صوفیه و از مراکز تربیت کسانی بود که در علم باطن استعداد داشتند. وی کتاب «طبقات الصوفیه» را به زبان تازی تالیف کرد و آن را بر بیان احوال و اقوال پنج طبقه از مشایخ وقف نمود. او در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «آداب الصوفیه»؛ «ادب الصحبه»؛ «الاربعین»؛ «امثال القرآن»؛ «تاریخ اهل الصفوه»؛ «الحقایق التفسیر»؛ «زلل الفقراء»؛ «سنن الصوفیه»؛ «طبقات الصوفیه»؛ و در حدود بیست مجلد کتاب و رساله‌ی دیگر.[1]
محمدبن حسین بن محمد بن موسی ازدی مکنی به ابوعبدالرحمن از متصوفه بزرگ (و. 330 ه.ق./ 942 م.- ف. 412 ه.ق./ 1021 م.). او کتابی به نام «طبقات الصوفیه» تألیف کرده که اصل آن از میان رفته، و خواجه عبداللّه انصاری مضامین آن را در هرات به هنگام وعظ املاء کرده و آن به نام «طبقات انصاری» معروفست و در افغانستان به طبع رسیده. از سلمی کتاب دیگری به نام «حقائق التفسیر» در تفسیر قرآن باقی مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اسرار التوحید (تعلیقات 661 -660 /2)، الاعلام (331 -330 /6)، تاریخ ادبیات در ایران (913 -912 /2)، تاریخ بغداد (249 -248 /2)، التفسیر و المفسرون (385 -384 /2)، جستجو در تصوف (71 -70)، حلیه الاولیاء (42 -41 /10)، سیر النبلاء (255 -247 /17)، طبقات الصوفیه سلمی (مقدمه)، الکامل (311 -310 /7)، کشف

الظنون (42، 46، 53، 168، 286، 673، 955، 1006، 1104)، لسان الميزان (63 -62 /6)، مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی، معجم المؤلفين (259 -258 /9)، نامه‌ی دانشوران (164 -73 /6)، هديه العارفين (61/2).

سمرقندی عبدالرزاق، کمال الدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(887 -816 ق)، مورخ و شاعر. از رجال بزرگ عهد تیموری و از مورخان بنام آن عهد است. در هرات به دنیا آمد. پدرش اهل سمرقند بود و در اردوی شاهرخ تیموری منصب قضا داشت. وی در نزد پدر با علوم ادبی و دینی آشنایی کامل پیدا کر و در اثنای تحصیلات، شرحی بر «رساله‌ی» قاضی عضدالدین ایجی درباره‌ی تحقیق معانی حروف و اسم اشاره و غیره آن ترتیب داد و به نام شاهرخ مزین کرد و به همین سبب به دربار راه پیدا کرد. وی پیوسته از حمایت و تربیت شاهرخ برخوردار بود و از جانب همین شاه به عنوان سفیر دربار سلطان بیجانگر به هندوستان سفر کرد و پس از مراجعت به گیلان رفت. عبدالرزاق بعد از مرگ شاهرخ به دیگر شاهزادگان تیموری نیز خدمت نمود و در نهایت به خدمت سلطان ابوسعید درآمد. عاقبت به سمت شیخی خانقاه شاهرخی منسوب شد و در هرات درگذشت اثر معروف و جایدان وی «مطلع سعدین و مجمع بحرین»، در دو جلد، در تاریخ تیموریان ایران از عهد ابوسعید بهادرخان (م 736 ق) تا جلوس سلطان حسین بایقرا (م 875 ق) است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر. در «الذریعه» از او با عنوان عبدالرزاق هروی نام برده شده است. [1]
سمرقندی کاشانی، کمال‌الدین بن جلال‌الدین اسحاق، دانشمند و مورخ (و. هرات 816- ف. 887 ه.ق.) چون سمرقند موطن پدر وی بود و همچنین پدرش در آنجا در سپاه شاهرخ منصب قاضی عسگری داشته به «سمرقندی» معروف گردیده. در بیست و پنج سالگی (سال 841 ه.ق.) پس از مرگ پدر رساله‌ای در صرف و نحو تألیف کرد و به نام شاهرخ مزین ساخت و مورد توجه وی واقع شد. در سال 845 به عنوان سفارت عازم دربار سلطان بیجانگر (هندوستان) شد و سه سال آنجا بود، و از آن سفر شرح مفصلی در تاریخ نگاشته. سپس در سال 850 وی را به رسالت به گیلان فرستادند و بعد از آنکه شاهرخ در همین سال وفات یافت، وی متوالیا به خدمت امیرزادگان مانند میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و عاقبت به خدمت سلطان ابوسعید پیوست. بعد از آن عزلت و انزوا در پیش گرفت (867 ه.ق.) کتاب ذیقیمت مطلع السعدین و مجمع‌البحرین از اوست که در دو جلد و از سوانح زمان سلطنت ابوسعید آخرین ایلخان مغول آغاز و به خاتمت پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری ختم می‌شود.

(لغ.).
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] از سعدی تا جامی (619 -616)، تاریخ ادبیات در ایران (514 -510 / 4)، تاریخ نظم و نثر (329، 250)، حبیب السیر (335 / 4)، دایره‌المعارف فارسی (1668 / 2)،الذریعه (154 / 21، 687 / 9)، ریحانه (86 / 5)، سبک‌شناسی (207 -206، 184 / 3)، فرهنگ سخنوران (616)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، مجالس النفائس (204 -203، 30)، معجم المؤلفین (216 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (837 -836 / 3)، هدیه العارفین (567 / 1).

سمعانی مروزی، قوام‌الدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(562 -506 ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در 530 ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای ماند که از آن جمله‌اند: «تذییل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المراوزه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحبیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتاخرین» یا «تاریخ الوفاه، للمتاخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبین معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم.[1]
(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. 562 ه.ق./ 1113 م.- ف. 562 ه.ق./ 1167 م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذییل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابة معجم المشایخ، تاریخ الاوفاة للمتأخرین من الرواة الامالی، التحبیر فی المعجم الکبیر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (179/4)، ایضاح المکنون (30/2)، ذیل تاریخ بغداد (16/ مقدمه)، روضات الجنات (96 -95 /5)، ریحانه (7/3)، سیر النبلاء (465 -456 /20)، کشف الظنون (1737، 1735، 1123، 1108

162، 169، 179، 288، 303، 370، 374، 729، 756، 902، 998، ،999
161، ،131 ،86 ،49 ،35)، الکنی و الالقاب (322/2)، لغت نامه (ذیل/ ابوسعد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (173 -172 /19)، معجم المؤلفین (5 -4 /6)، وفیات الاعیان (379 -378 /1)، هدیه العارفین (609 -608 /1).

سمیع زرگر، خواجه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1077 ق)، جواهرشناس، منجم و ریاضیدان. وی به جودت طبع و حدت ذهن شهرت تمام داشت. در اوایل حال مدتی به کسب علوم پرداخت و در علم نجوم و ریاضی مهارت یافت. به جهت وجه معاش کسب زرگری اختیار کرد و در عیار گرفتن زر استاد بنا شد. وی بعد از گزاردن حج و طواف مرقد مطهر پیامبر (ص) در سال 1077 ق به وطن مراجعت کرد و در همان ایام در بستر بیماری افتاد و دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (227/1)، جامع مفیدی (513/3).

سنجی، ابوداوود سلیمان

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 257 ق)، حافظ، محدث، مورخ، نحوی، ادیب، و شاعر. نسبتش به سنج، یکی از توابع مرو، می‌رسد. وی در لغت و فنون مهارت بسزایی داشت. تمامی آن علوم را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و حجاز و یمن و مصر کرد و به بغداد رفت و با حافظان حدیث آنجا به مذاکره پرداخت. او از نضر بن شمیل و عبدالرزاق بن همام و حسین بن حفص اصفهانی و عثمان بن عمر بن فارس و عمرو بن عاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید. مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح»، و همچنین ابوحاتم رازی و ابن‌خراش و محمد بن عقیل بلخی و ابن ابی‌داوود از وی حدیث روایت کرده‌اند. پاره‌ای از رجال‌شناسان او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (52 -51 /9)، تهذیب التهذیب (199/4)، الجرح و التعدیل (ج 2 ق 147/1)، ریحانه (91/3)، معجم المؤلفین (276/4).

سنقر، محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 680 ق)، طراح فلزات. نقاش و طراح و سازنده‌ی قلمدان و ابزار فلزی زیبا بود. از آثار این هنرمند، قلمدان نقره‌کوبی به جای مانده که شکل ساده‌ای داشته و در داخل آن، تصاویر افرادی دیده می‌شوند که چهار زانو نشسته و اشیاء گوناگونی به دست دارند. در کناره‌های آن نیز، تصاویر اشخاص و نقوش دایره‌ای و ترسیم انواع اسلیمی‌ها به استادی عمل آمده و زمینه‌ی نقوش را تشکیل داده است و رقم نهاده: «عمل محمود سنقر سنة ثمانین و ستمائة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1133/ 3).

سهروردی، ضیاءالدین، ابوالنجیب عبدالقاهر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(563 -490 ق)، فقیه شافعی، صوفی، محدث و مورخ. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. در جوانی به بغداد رفت و از علوم رسمی بهره‌ی بسیار یافت فقه شافعی را از اسعد میهنی آموخت و کتاب «غریب الحدیث» را از ابوعلی بن نبهان شنید همچنین از ظاهر شحامی و ابوبکر انصاری نیز حدیث شیند. چندی متولی تدریس در نظامیه شد، اما از آن کار نیز منصرف شد و به عزلت و تصوف گرائید. در این امر هم از شیخ احمد غزالی ارشاد یافت. در مدت عزلت و مجاهدت از کسب دست خویش می‌خورد و چندی نیز سقائی کرد. پس از آن به و عظ پرداخت و شهرت و قبول فوق‌العاده یافت. مدرسه و رباطی بنا کرد که وجود او را ملجاء فقراء و درماندگان ساخت و مجالس او را محل توجه عام و خاص. در اواخر عمر به قصد زیارت بیت‌المقدس به شام رفت، اما به سبب غلبه و تهدید صلیبیها موق به زیارت نشد، با این همه نورالدین زنگی مقدمش را گرامی داشت و او یک چند در دمشق ماند و مجلس وعظ هم برپا کرد. پایان عمرش در بغداد رسید. از جمله آثارش: «آداب المریدین» که شروح بسیاری بر آن نوشته شده؛ «شرح اسماء الحسنی»؛ «غریب المصابیح». صاحب «الکامل» نسبت وی را شهرزوری آورده.[1]
(منسوب به سهرورد) ابوالنجیب ضیاءالدین عبدالقاهر بن عبداللَّه عارف معروف (و. حدود 409- ف. 563 ه.ق.) از مریدان احمد غزالی (ه.م.) است و مصنفات بسیار بدو نسبت داده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (174/4)، تاریخ ادبیات در ایران (220/2)، تاریخ نظم و نثر (725)، جستجو در تصوف (172 -171)، دایرةالمعارف فارسی (1385 -1384 /1)، الذریعه (29 -28 /1)، ریحانه (283 -282 /7)، سیر النبلاء (478 -475 /20)، الکامل (98/9)، کشف الظنون (1101 43،)، لغت نامه (ذیل/ ابونجیب)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 563)، معجم البلدان (329/3)، معجم المؤلفین (311/5)، نحفات الانس (421 -420)، وفیات الاعیان (205 -204 /3)، هدیه العارفین (607 -606 /1).

سهمی قرشی جرجانی، ابوالقاسم حمزه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(428/427/426 -340 ق)، مورخ و محدث. در گرگان متولد شد و به اصفهان و ری و غزنه و خراسان و عراق و شام و مصر و اهواز سفر کرد. از پدر و ابی‌بکر محمد بن احمد بن اسماعیل صرام و ابن احمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی حدیث شنید و همچنین از ابومحمد بن ماسی و ابوحفص زیات و ابوبکر بن عبدان شیرازی و ابوالحسن دارقطنی و دیگران روایت کرد. ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح موذن و ابراهیم بن عثمان جرجانی و ابوبکر احمد بن علی بن خلف شیرازی از وی حدیث روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور وفات یافت. از آثار وی: «تاریخ جرجان» مشهور به «معرفه علماء اهل جرجان»؛ «معجم شیوخه»؛ کتاب «الاربعین فی فضایل العباس». صاب «کشف الظنون» در کنار «تاریخ جرجان»، «تاریخ استرآباد» را نیز به وی نسبت داده است و سال مرگ وی را 670 ذکر کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (314/2)، ریحانه (401/1)، سیر النبلاء (471 -469 /17)، الکامل (10/8)، کشف الظنون (1843، 290، 281، 57)، لغت نامه (ذیل/ جرجانی)، معجم البلدان (143 -141 /2)، معجم المؤلفین (82/4)، الوافی بالوفیات (176/13)، هدیه العارفین (336/1)، یادداشتهای قزوینی (165 -164 /3، 14/2).

سیاقی فارسی، نظام‌الدین علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1011 ق)، مورخ و شاعر. متخلص به سیاقی. وی از کارگزاران نامی دربار صفویه بود. نخست منصب استیفاء کهکلیویه و کازرون را داشت و سپس به وزارت کل فارس منصوب شد. وی در تاریخ و علم سیاق و موسیقی بر دیگران برتری داشت. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که کتاب «فتوحات شاهی» از او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (710)، فارسنامه‌ی ناصری (1185/2)، فرهنگ سخنوران (476)، مرآت الفصاحه (288 -287).

سید میرزایی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید محمد سید میرزایی ،پس از اخذ دیپلم ادبی ،از تهران ،در رشته جامعه شناسی در مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران پذیرفته و در سال 1350به پایان رسانید.وی تحصیلات تکمیلی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه استراسبورگ آغاز کرد و تا دوره دکترا در همان رشته در دانشگاه مذکور پیشرفت و در سال 1356 دکترای خود را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی ،دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید محمد سید میرزایی به ترتیب زیر است: دیپلم: ادبی / 1326/ تهران کارشناسی: جامعه‌شناسی / 1350/ تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: جامعه‌شناسی / 1352 / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ دکتری: جامعه‌شناسی / 1356 / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی سید محمد سید میرزایی به قرار زیر است: ـ مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی سال 58 ـ معاون آموزشی دانشگاه الزهرا سال 63 ـ معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال 62 تا 66 ـ معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال 68 تا 69 ـ معاون آموزشی دانشگاه یزد از سال 70 تا 79 ـ مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی از سال 74 ـ رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال 79 تا 83 ـ رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال 85 تاکنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی ـ مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی ـ پژوهشی) از سال 79 تا 83 ـ مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی ـ پژوهشی) از سال 85 تاکنون ـ نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران سال 80 تاکنون ـ مجله علوم انسانی دانشگاه مشهد از سال 79 تا 80 فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس: از سال 56 تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی سید محمد سید میرزایی : حوزه‌های مورد علاقه تحقیق: جمعیت‌شناسی / جامعه‌شناسی شهری زمینه تخصصی : جمعیت شناسی چگونگی عرضه آثار

: فعالایت های پژوهشی سید محمد سید میرزایی : تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی :13 مورد عنوان‌های طرح‌های پژوهشی و زمان اجرایی آن ـ تحولات جمعیتی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آن طی 30 سال گذشته تعداد راهنمایی رساله‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری: 7 موردآثار : جمعیت جهان (2 جلد) ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 13812 جمعیت جهان در سال 2002 ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 13843 جمعیت شناسی آماری ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 13704 جمعیت شناسی عمومی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 13825 شهر امروز (حوزه جامعه شناسی شهری) ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 1382

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1202 ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان.در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار نجف اشرف شد و در آنجا علوم منقول را نزد صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و به کسب اجازه اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت به زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی برتافت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال به فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت، علوم معقول را نیز نزد ملا علی نوری و حاج ملاهادی سبزواری در سبزوار فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر طبابت مشغول بود تا دار فانی را در همان جا وداع گفت. پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام دفن نمودند. از آثار وی: «تاریخ تبریز»؛ «تعیین قبله»؛ حاشیه «جواهر الکلام»، در فقه؛ حاشیه «شرح منظومه» سبزواری، حاشیه «کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ حاشیه‌ی «مکاسب شیخ انصاری؛ شرح «طب الائمه»؛ شرح در «طب النبی»؛ «قانون العلاج»؛ حاشیه «شرح نفیسی»، در طب؛ «طلسمات و مثلثات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد اندر صد عددی»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «رساله‌ی تعلیم خط کوفی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (10)، الذریعه (23 /17، 45/12، 19/8، 63/5، 73/4)، ریحانه (117 -115 /3)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (203/7)، مکارم الآثار (134 -133 /1).

سیدعلوی، میرابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر ابراهیم سیدعلوی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1318/1/1
زندگینامه علمی
این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال 1318 ه.ش برابر با یکم شوال 1358 ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شد ه ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقرسلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های 1333 ش الی 1340ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال 1350 ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتح دیپلم مدرسی در رشته

معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفت. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتا ب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدی نیا، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیداکبر سیدی‌نیا
محل تولد : سلماس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/6/10
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1353 در شهرستان سلماس در خانواده مذهبی متولد شدم و تا تحصیلات دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک در این شهرستان مشغول به تحصیل بودم. در مهر سال 1370 به منظور کسب معارف عالی اسلامی وارد حوزه علمیه تبریز مدرسه ولیعصر (عج) شده و تا سال 1374 با پایان سطح یک حوزه علمیه وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال 1378 مدرک سطح دو حوزه علمیه را دریافت کردم. سال 1377 در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات اسلامی، دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر را گذرانده و سال 1378 در رشته جامعه شناسی وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم. از سال 1383 نیز عهده‌دار وظیفه دبیر تحریریه و مدیر اجرایی مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شده و در کنار تحصیلات به تألیف مقالات و پژوهش‌ها در زمینه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم قرآن و تفسیر و کلام شدم و مقالاتی از اینجانب در مجلات علمی پژوهشی، همایش‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده است. همچنین از سال 1377 در دروس خارج حوزه علمیه شرکت داشته و از محضر حضرات آیات عظام جوادی آملی (دام عزه)، مرحوم صالحی مازندارنی (ره)، فاضل گلپایگانی و عابدی اصفهانی فیض برده‌ام. در کنار دروس خارج از درس پر برکت تفسیر علامه آیت‌الله جوادی آملی (دام عزه) بهره بردم

سیستانی، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مورخ. وی از امرای سیستان و جد مادری مولف «احیاء الملوک» در تاریخ سیستان بود. که با نظام‌الدین یحیی بن ملک عزالدین علی پادشاه سیستان معاصر بود. خود وی نیز کتابی درباره تاریخ سیتان نگاشته بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (254).

شادی طلب، ژاله

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر ژاله شادی طلب دانشیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دارای دکتری رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در امریکا می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ژاله شادی طلب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (1347)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی بال ایندیانا در امریکا و (1947) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در امریکا اخذ نموده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص سابقه خدمات علمی اجرایی خانم دکتر شادی طلب می توان مواردی همچون «معاون برنامه ریزی بخش کشاورزی و عمران روستائی» و «ریاست مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشکده علوم اجتماعی» را نام برد. ایشان عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس ژاله شادی طلب به قرار زیر است: «اصول آموزش و ترویج تعاونی»، «اقتصاد ایران» و «سازماندهی و مدیریت درتعاونی» (در مقطع کارشناسی) و «اصول و سیاستهای توسعه صنعتی روس»، «برنامه ریزی روستائی»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه اقتصادی» و «جنسیت و توسعه» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار : ژاله شادی طلب مولف کتاب «جامعه شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (1372) و مقالات «تجربه ای نو در برنامه ریزی توسعه روستائی برنامه ریزی چند سطحی»، «زن در توسعه»، «عوامل موثر برمشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «نقش مناطق آزاد تجاری -صنعتی در توسعه»، «آسیب پذیری شهر تهران»، «ابعاد اجتماعی -اقتصادی تجربه سیل گنبد و گرگان»، «بررسی زمینه های اجتماعی تجربه زلزله منجیل»، «تعدیل ساختار اقتصادی و سیاستهای اعتباری بخش کشاورزی»، «جامعه شناسی کاربردی و نقش جامعه شناس»، «زنان روستائی گروه های حاشیه ای در توسعه»، «مدیریت بحران برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله»، «مدیریت فاجعه: عوامل موثر بر مشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «مدیریت فاجعه –درس هایی از هشدارهای زلزله»، «مدیریت فاجعه: سازمان هماهنگی ملی»، «مسائل سیستم اعتبار کشاورزی در ایران (عدم

باز پرداخت)»، «بازسازی و توسعه اولین قدم از یک تجربه»، «جامعه شناسی فاجعه :تجربه زلزله رودبار- منجیل»، «اشتغال زنان در فرآیند توسعه»، «الگوی پس انداز در جامعه روستایی ایران»، «دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان»، «ضرورت تحقیقات بین بخشی و مشکلات جامعه شناسی»، «فرایند توسعه و عقب ماندگی زنان ایران»، «مدیریت زنان: ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت»، «حرفهای دامداران را هم بشنویم»، «سازمانهای غیر دولتی زنان راهی برای مشارکت در جامعه مدنی»، «مشارکت زنان روستایی در تامین و تجهیز منابع»، «زنان کشاورز ایرانی در برنامه توسعه»، «برنامه ریزی جنسیتی بر پایه واقعیتها»، «زنان ایرانی انتظارات ارتقاء یافته»، «زنان: بسته ترین حلقه زنجیر فقر»، «سیاستهای اجتماعی در مدیریت جنگل»، «مشارکت اجتماعی زنان»، «فقر زنان سرپرست خانوار»، « Iranian Women: Rising Expectations»، «The Phenomenlogy of an Experience...»، « Rural women's Bank of » و « Middle Eastern Women on the Move» است. ایشان مسئولیت طرحهای تحقیقاتی مختلفی از جمله «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، «رایزنی و ترویج»، «بررسی ابعاد اقتصادی- اجتماعی مهاجرت روستایی در شهرستان گچساران طی سالهای 1375-1385 (مطالعه موردی دهستان بابویی)»(1386)، «بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر پذیرش آبگرمکن خورشیدی خانگی در نواحی روستایی: مطالعه موردی شهرستان بردسکن»(1386)، «پیامدهای توسعه مشارکت زنان»، «زنان و توسعه : چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران»، «ابعاد جنسیتی الگوها و ویژگیهای فقر در ایران»، «ابعاد جنسیتی بازار کار و ویژگیهای اشتغال در ایران» و «سیاست ها و برنامه?های دولت برای ایجاد اشتغال» را نیز برعهده داشتند. گزارشهای علمی با عناوین زیر از دیگر فعالیتهای علمی ایشان است: «پس انداز زنان روستائی»، «بازتاب تلاش های سازمان های بین المللی درجامعه زنان روستائی»، «بررسی آسیب پذیری شهر تهران در برابر زلزله : ابعاد اجتماعی – اقتصادی»، «جامعه شناسی یک رفتار اقتصادی»، «جنگلداری و اجتماع»، «زنان روستائی ایران»، «مروری بر مهاجرت از روستا به شهر» و «مسائل سیستم اعتباری کشاورزی در ایران: عدم بازپرداخت». آثار : «جامعه شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (1372) ویژگی اثر : تالیف

شارع پور، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمود شارع پور متولد سال 1345 است.وی تحصیلات دانشگاه خود را دوره کارشناسی رشته علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری در دانشگاه تهران آغاز و در سال 1366 به پایان رسانید.ایشان مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال 1370 و دکترا جامعه شناسی را از دانشگاه ملی استرالیا در سال 1376 دریافت کرده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه مازندران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و دانشگاهی محمود شارع پور به ترتیب زیر است: لیسانس علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری دانشگاه تهران در سال1366 فوق لیسانس جامعه شناسی دانشگاه تهران در سال1370 دکترا جامعه شناسی دانشگاه ملی استرالیا در سال 1376 دوره فرصت مطالعاتی (روشهای سنجش سرمایه اجتماعی) تحقیقات اجتماعی دانشگاه تورنتو کانادا 1385-1384 همسر و فرزندان : محمود شارع پور متأهل و دارای یک فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی محمود شارع پور به قرار زیر است: عضویت در انجمن جامعه شناسی استرالیا از سال 1995 تا 1997. عضویت در انجمن روانشناسی اجتماعی استرالیا از سال 1996 تا 1997. عضویت در انجمن جهانی جامعه شناسی ورزش از سال 2003 تاکنون. عضویت در انجمن جامعه شناسی آمریکا و همچنین عضویت در بخشهای روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی آموزش و پرورش در آن انجمن از سال 1996 تا 1998. عضویت در انجمن جامعه شناسی ایران از سال 1376 تاکنون. عضویت در انجمن آموزش عالی ایران از سال 1382 تاکنون. عضویت در گروه پژوهشی جامعه شناسی آموزش و پرورش ـ پژوهشکده تعلیم و تربیت ـ وزارت آموزش و پرورش از سال 1378 تا 1380. عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه مازندران از سال 1376 تا 1377 و از سال 1380 تا 1382. عضویت در شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران از سال 1378 تا 1379. عضویت در کمیته تحقیقات اداره کل تعاون استان مازندران از سال 1378 تا 1380. عضویت در کمیته کتاب و انتشارات دانشگاه مازندران از سال 1376 تا 1377. عضویت در انجمن بین المللی جامعه شناسی از سال

2002 تا 2012. عضویت در انجمن بین المللی جامعه شناسی ورزش از سال 2003 تا 2004. عضویت در شورای پژوهشی اداره کل فنی و حرفه ای استان مازندران از سال 1382 تا 1384. عضو کمیته علمی همایش جوان و جامعه ـ دانشگاه آزاد اسلامی قائم شهر ـ اسفند 1377. مروج پژوهشی در سطح کشوری ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ دی 1380. مدیر اجرایی دوره مددکاری اجتماعی برای نیروهای انتظامی سراسر کشور ـ تیر 1379. عضو کمیته علمی همایش توسعه فرهنگی ـ دانشگاه شمال، اردیبهشت1383. مدیر گروه علوم اجتماعی در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران ـ از سال 1376 تا 1380. برگزاری برنامه نوعدوستانه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان ـ دانشگاه مازندران، مهر 1377. دبیر اجرایی هفتمین همایش انجمن جامعه شناسی ایران ـ آذر 1377. عضویت در هیأت مدیره انجمن جامعه شناسی ایران، از سال 1377 تا 1380. رئیس مرکز کامپیوتر دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، دی 78. خزانه دار انجمن جامعه شناسی ایران، از سال 1378 تا 1380. بازرس انجمن جامعه شناسی ایران از 1380 تا 1382. برگزاری جشنواره غذاهای محلی ـ دانشگاه مازندران، آبان 1380. برگزاری جشن اهدای کتاب ـ دانشگاه مازندران، آذر 1380. مدیر پژوهشی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران از 1380 تا 1382. دبیر علمی همایش: جایگاه گفت و گوی فرهنگها در بین قشرهای مختلف جامعه ـ دانشگاه مازندران و مرکز بین المللی گفت و گوی تمدنها ـ هفتم اسفند 1380. دبیر علمی همایش: دانشگاه و گفت و گوی تمدنها ـ دانشگاه مازندران و معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم ـ خرداد 1381. عضو هیات مدیره انجمن آموزش عالی ایران- از خرداد 1384. عضو هیات تحریریه مجله علمی-پژوهشی انجمن جامعه شناسی ایران عضو هیات تحریریه پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران مدیر دفتر انجمن جامعه شناسی ایران در استان مازندران از سال 1381 تا 1384 عضو کمیسیون عمرانی شورای شهر بابلسر از مرداد 1386 عضو کمیته ارتقای دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران از مهر 1385 تا مهر 1387. عضو کمیته علمی همایش آسیب شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت- مهر 1386. فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی محمود شارع پور به ترتیب زیر است: تدریس دروس زیر در دانشگاه مازندران در سالهای مختلف در مقطع کارشناسی: مبانی جامعه شناسی ـ روان شناسی اجتماعی ـ جامعه شناسی آموزش و پرورش ـ کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی ـزبان تخصصی علوم اجتماعی. تدریس درس روش تحقیق در دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی راهنمایی و مشاوره چند رساله کارشناسی ارشد در دانشگاه مازندران و

مرکز آموزش مدیریت دولتی. همکاری با دانشگاه پیام نور در ارائه دروس: زبان تخصصی و جامعه شناسی آموزش و پرورش جوائز و نشانها : پژوهشگر نمونه استان مازندران در هفته پژوهش ـ آذر 1380.چگونگی عرضه آثار : تعداد شرکت و ارائه مقاله در سمینارها، کنفرانسها و همایش ها:36 مورد تعداد مقالات منتشر شده : 25 مورد تعداد طرحهای پژوهشی: 22 موردآثار : ارتباط بین فرهنگها (ترجمه) ویژگی اثر : مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها در دست اقدام 2 بررسی مسائل اجتماعی ایران(مشارکت در تالیف) ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور 1383 3 توسعه فرهنگی و محیط زیست (ترجمه) ویژگی اثر : مرکز بازشناسی اسلام و ایران 1380 4 جامعه شناسی آموزش و پرورش (تألیف)-چاپ سوم ویژگی اثر : سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی) 1383 5 جامعه شناسی شهری ویژگی اثر : سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی) در دست اقدام 6 سرمایه اجتماعی ویژگی اثر : سازمان مدیریت و برنامه ریزی 1385

شاهین، داریوش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شادروان داریوش شاهین یکی از دین پژوهان متجدد و امروزین و راسخ در عقیده و علم و ایمان بود . در سال 1376 این بنده در گرماگرم تدوین دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی بودم که با وزیدن نفحات توفیق رحمانی ، در سال 1377 از سوی نشر دوستان در 2 جلد ، مشتمل بر 3600 مقاله از جمله بالغ بر نزدیک به 800 زندگینامه ی قرآن پژوهان از قاری و مقری و مفسر و خوشنویس و غیره منتشر شد . با بنده 16 ـ 17 مولف جوان همکاری می کردند که اگر یاری الهی به صورت یاری بندگان پاکدلش در نمی آمد ، تدوین و جمع و نشر آن مرجع مشکل گشا ممکن نبود . یکی از مشکل گشاییهای ساده ی این مرجع کوتاه اما جوابگو این بود که شرح حال خود نوشت دست کم دویست تن از مترجمان و مفسران و سایر قرآن پژوهان را در برداشت . به یادم هست که دو سه بار به منزل آقای داریوش شاهین تلفن زدم که لطف کنند و زندگینامه ی خود نوشتی برای درج در آن دانشنامه بنویسند ، بی علاقگی و اکراه از لحنش آشکار بود . زیرا در سالها شاید دهه ها پیش که من بچه بودم ، روزی در پشت ویترین کتابفروشی ها ترجمه ای از قرآن کریم دیدم که ترجمه ای گسترده و آزاد بود که انگلیسی ها به آن نوع ترجمه Para phrase یا نقل به معنا ، بدون قابلیت مطابقه ی واو به واو با متن اصلی که برای رسایی بیشتر و همه فهمی و مردم پسندی است ، گویند؛ و ایشان رو ی جلد و صفحه ی عنوان ترجمه ی خود از قرآن کریم نوشته بودند : « ترجمه و نگارش داریوش شاهین » ، بنده و شاید بسیاری ها تکان خورده بودند که مگر قرآن کریم می تواند نگارش کسی جز خداوند باشد ؟ و بنده اشاره وار در یکی از مصاحبه ها و مقالات خود از این مسئله به شگفتی یاد کرده بودم که ایشان آن را حمل بر تمسخر کرده بودند .
همین است که به درخواست من پاسخ مثبتی ندادند و حاصل این شد که تهیه ی یک صفحه شرح حال از ایشان برای جامعه ی علمی دشوار است .
خوشبختانه ، هنگامی که این بزرگ مرد پرکار با کارنامه ی فرهنگی پربارش درگذشت (چهارم آبان ماه 1380) یک زندگینامه ی کوتاه و پر اطلاع نیز همراه با آگهی نامه ی مربوط به اعلام وفات او منتشر شد ، که در آن چنین اطلاعاتی آمده است : از داریوش شاهین بیش از 300 جلد تالیف ، ترجمه ، مجموعه های مختلف و داستان در عرصه ی ادبیات ، شعر

و مذهب به یادگار مانده است . در بخش مذهب شادروان شاهین به ترجمه ی نهج البلاغه به زبان انگلیسی توفیق یافت . کتابی به نام یکصد گوهر شامل کلمات قصار حضرت علی (ع) ، به انتخاب و کوشش او تدوین و به پنج زبان ترجمه شده است . او چندین دهه هم برای رادیو نویسندگی و تهیه ی مطلب می کرد . دیگر از آثار او تاریخ ایران در یکصد قرن است که نه صرفاً تاریخ سیاسی ، بلکه اجتماعی و هنری و فرهنگی ده هزار ساله ی ایران است و به انگلیسی هم ترجمه شده است . در عین حال و این همه پرکاری قلمی ، آن بزرگوار به مدت سی سال در مرکز توسعه ی صادرات ایران خدمت کرد و از همان جا پس از 30 سال بازنشسته شد .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

شایان، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1276 آمل.
درگذشت: 1 آبان 1364.
مؤلف دو جلد کتاب مازندران (چاپ دوم 1336) و مصحح کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیرالدین مرعشی (چاپ تهران بهمن 1333).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شبانکاره ای، محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 697 ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. در ولایت شبانکاره‌ی فارس به دنیا آمد و پس از کسب کمالات به شاعری پرداخت. وی مداح خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین فضل‌اللّه، وزیر سلطان ابوسعید بهادرخان (آخرین پادشاه مغول) بود و قصایدی در مدح او سرود. از آثار وی می‌توان از کتابی به نام «مجمع الانساب» نام برد که تألیف آن را در 733 ق آغاز نمود و در 736 ق به پایان برد و آماده‌ی تقدیم به سلطان ابوسعید (م 736 ق) کرد و به همین قصد کتاب را در اختیار خواجه غیاث‌الدین محمد نهاد در همین زمان سلطان ابوسعید درگذشت و با دگرگونی دولت ایلخانی، خواجه غیاث‌الدین نیز به قتل رسید و ربع رشیدی به غارت رفت که در این میان کتاب محمد شبانکاره‌ای هم مفقود شد. به همین سبب او دوباره به تألیف کتاب پرداخت و در 743 ق آن را به اتمام رساند و وقایع مربوط به اواخر عهد ابوسعید را نیز بر آن افزود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1270 -1269/ 3)، تاریخ نظم و نثر (183 -182)، تاریخ مغول (522 -521)، الذریعه (19/ 20)، فرهنگ سخنوران (814)، مجمع الانساب (مقدمه).

شجیعی، زهرا

قرن:15
جنسیت:زن
ملیت:ایران
زهرا شجیعی در مشهد ولادت یافت .وی همزمان با افتتاح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران جزء اولین گروه پژوهشگران انتخابی مؤسسه، در بخش جامعه شناسی ایران عهده دار مطالعه در مورد شناخت ترکیب طبقات و نظام اجتماعی ایران بود .کتاب نخبگان سیاسی ایران محصول تلاش 20 سالۀ ایشان در این مؤسسۀ تحقیقی است. کتاب مذکور تالیف شجیعی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا شجیعی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در آن شهر، به تهران آمد و در رشتۀ فلسفه و علوم تربیتی دانشکدۀ ادبیات دانشگاه تهران به ادامۀ تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجۀ کارشناسی، مقطع کارشناسی ارشد را در رشتۀ جامعه شناسی همان دانشگاه در سال 1339 به پایان رساند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهرا شجیعی همزمان با افتتاح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران جزء اولین گروه پژوهشگران انتخابی مؤسسه، در بخش جامعه شناسی ایران عهده دار مطالعه در مورد شناخت ترکیب طبقات و نظام اجتماعی ایران بود .جوائز و نشانها : کتاب"نخبگان سیاسی ایران"تالیف زهرا شجیعی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : ترکیب گروهها و منشا اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی از بدو مشروطیت تا انقلاب اسلامی ، ترکیب گروهها و منشا اجتماعی وزیران و نخست وزیران عصر مشروطیت ، نخبگان سیاسی ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«نخبگان سیاسی ایران»: نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛ زهرا شجیعی؛ تهران: انتشارات سخن، 1372. 4ج. در بررسی برگزیدگان سیاسی، هدف اصلی و اساسی، شناخت جامع سیاسی ایران از طریق روشن کردن احوال و مشخصات و منشأ اجتماعی گروه واجد قدرت سیاسی در ایران از سوئی و تأثیر ویژگیهای جامعه و تحول آن در ترکیب گروه برگزیده سیاسی و متقابلاً اثر

آنان در تحولات جامع عصر خود از سوی دیگر است. مطالعه در گروه نخبه، وسیله ای برای تعمق در قشربندی و نظام طبقاتی یک جامعه و مبین این است که تا چه حد تحرک ارتقائی یا نزولی در جامعه وجود دارد و یا جامعه دارای نظامی متحجر است و قطب بندی جامعه به صورت دو طبقه، یکی صدرگزین و دیگری ذیل نشین، تثبیت شده است. مؤلف در این تحقیق به بیان کلی تطور سازمانهای دولتی اکتفا ننموده بلکه بحثی مفصل را به تشریح دگرگونی تشکیلات و وظایف هر وزارتخانه خاصی از آغاز مشروطیت تأ کنون اختصاص داده است. کتاب از حیث روش تحقیق و ارائ اطلاعات در زمین تاریخ تحولات سیباسی ایران کم نظیر است و بویژه عرضه مطالب در قالب جداول مفصل از امتیازات آن به شمار می رود. 4 هیأت وزیران و نقش آنان در تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران وزارت و تطور آن در ایران

شرف الدین، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین شرف الدین
محل تولد : ایذه خوزستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
1340 تولد، 1359 پایان دوره متوسطه، 1361 پایان دوره نظام وظیفه، 1362 ورود به حوزه علمیه قم و شروع طلبگی، 1365 ورود به موسسه در راه حق و شروع دوره تحصیلی این مرکز به موازات آموزش های مرسوم حوزه، 1369 اتمام دوره سطح (پایه دوم) 1369 شروع درس خارج و شروع دوره کارشناسی ارشد پیوسته در رشته جامعه شناسی، 1373 ـ 1376 شروع و اتمام دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در بخش تربیت مدرس دانشگاه قم. 1376 اتمام دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی در موسسه امام خمینی ره.1377 پذیرش عضویت هیات علمی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).در این سنوات علاوه بر دروس رسمی (اصلی و جنبی) حوزه افتخار شرکت در دروس تفسیر قرآن استاد جوادی آملی (6 سال)، و آموزش دروس مختلف علوم انسانی در موسسه در راه حق (به مدت 4 سال و حدود 140 واحد) و دروس مختلف فلسفه، علوم القرآن داشته است.
شرکت در درس خارج بزرگان حوزه همچون آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی.
تدریس : از سال 1367ـ 1372در دروس مختلف حوزه به صورت حلقات شاگردان خصوصی، تدریس در مراکز دانشگاهی از 1372ـ 1379در قالب، درس عمومی (معارف اسلامی و ریشه های انقلاب) و از 1372تا کنون تدرس مبانی جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش تحقیق، کلام جدید، انسان شناسی، نظریه های جامعه شناسی، اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان، جامعه شناسی دین، قشربندی اجتماعی، سنت های اجتماعی در قرآن و سایر دروس علوم اجتماعی در مراکز مختلف حوزوی بویژه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و برخی

دانشگاه های قم چون دانشگاه قم، دانشگاه مفید مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز آموزش مبلغان. از سال 1383تاکنون دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع).

شرف یزدی، شرف‌الدین علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 858 ق)، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. وی در فنون ادب و انواع کمالات ماهر و بسیار فصیح و منشی بلیغ بود، در فن انشا به تمامی اهل عصر خود تقدم داشت به فقر و تصوف راغب و در معما دارای دستی توانا بود و اولین تدوین‌کننده‌ی این فن می‌باشد. وی از جمله رجالی است که عهد آل مظفر و دوران تیموری را درک کرده. و در نزد تیمور لنگ مقرب بود و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور هم نسبت به وی محبت بسیاری داشت و به حسب اصرار او کتاب «ظفرنامه‌ی تیموری» را که حاوی احوال تاریخی خانواده‌ی تیموری و فتوحات امیرتیمور می‌باشد در ظرف چهار سال تالیف کرد و اطلاعات خود را از «ظفرنامه‌ی نظام شامی» و مطالبی که روزنامه‌چیان زمان تیمور گردآورده بودند و از خزانه گرفته و از آنچه پیران سالخورده شنیده فراهم کرده است و چون جامع‌ترین کتابهای تاریخ تیموری است رایج‌ترین کتاب در این زمینه به شمار می‌رود. چندی پس از تالیف این کتاب مقدمه‌ای در شرح قبایل ترک و مغول و به اصطلاح آن زمان الوس جغتای یعنی انساب جغتای و احوال الوس بر آن کتاب نوشته که به «تاریخ جهانگیر» یا مقدمه‌ی «ظفرنامه» معروف شده وی را در مزار شرفیه کنار مسجد جامع میرچماق یزد به خاک سپردند. از دیگر تالیفات وی: سه رساله به نام «مناظر»، «منتخب»؛ «الحلل المطرز فی المعما و اللغز»، در معما؛ «الکتاب فی علم الاسطرلاب»؛ «کنه المراد فی علم الوفق و الاعداد»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (505 -498)، اعیان الشیعه (371/8)، تاریخ ادبیات در ایران (486 -483، 309 -299، 118، 107 /4)، تاریخ در ایران (109 -108)، تاریخ نظم و نثر (249 -248)، تاریخ یزد (228 -227)، تحفه سامی (122)، تذکره سخنوران یزد (166 -164)، تذکره الشعراء (428 -425)، تذکره‌ی نصرآبادی (499 -497)، جامع مفیدی (304 -299 /3)، حبیب السیر (16 -15 /4)، دایرةالمعارف فارسی (1464/2)، الذریعه (398 -397 /22، 176/18، 200/15، 517/9)، ریحانه (200 -198 /3)، سبک شناسی (194 -193 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 102 -101 /9)، فرهنگ سخنوران (500)، کشف الظنون

(1521 ،1332 ،1033 ،120)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (262/7)، هدیه العارفین (733/1).

شریف قاینی، محمدجعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. هنرمند شهر قاین بود که در مکتب پدر سایر استادان زمان، فن تصویرگری آموخت و خود از استادان شد. جعفر در چهره‌سازی و مجالس بزمی و گل و مرغ و حل‌کاری سررشته داشت و آثار خود را پر آذین و چشم‌نواز ترسیم می‌کرد و دنباله‌رو سبک آقانجف بود. از آثار وی: قلمدانی در کمال زیبایی که رویه‌ی آن، منظره‌ی دریا و قایق است و طرفین قلمدان پر آذین و مذهب، با رقم: «چاکر آستان مبارک جعفر الشریف قاینی 1305»؛ قلمدان عکسی که حواشی آن گل و مرغ استادانه است، با رقم: «جعفر شریف القاینی 1302»، قلمدان مرغش طلایی که در رویه و در سه مدالیون مختلف، تصاویری رسم کرده که به شیوه‌ی فرنگی است، با رقم: «کمترین محمدجعفر الشریف القاینی 1282».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1/ 131- 132)، هنر قلمدان (142).

شریف قاینی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از این هنرمند دو قلمدان استادانه دیده شده که در شیوه‌ی آقانجف کار کرده و در یکی از این قلمدانها «محمدعلی شریف قاینی» و در دیگری «علی محمد شریف قاینی» رقم نهاده و تاریخها نیز تا حدی قرین بوده است. ممکن است که این دو نام، دو نقاش جداگانه باشند که در یک زمان فعالیت هنری داشته‌اند. به هر حال از آثار وی چنین برمی‌آید که استاد قاینی چهره‌پرداز و مجلس‌آرای خوبی بوده و در تذهیب و آرایش زمینه‌ها، استعداد وافری داشته است. از آثار او: قلمدان پر پیرایه‌ای که در رویه‌ی آن سه مدالیون بیضی شکل دیده می‌شود که در داخل مدالیون‌ها، قصه‌ی معروف شیخ صنعان و دختر ترسا نقش شده و کناره‌های قلمدان وزیر آن، تذهیب طلایی فوق‌العاده‌ای داشته است، با رقم: «عمل محمدعلی شریف قاینی 1282»؛ قلمدانی در شیوه‌ی آقانجف که بسان کارهای وی، تصویر یوحنا را به قدرت تمام تصویر نموده است. در پایین رویه‌ی قلمدان، منظره‌ی سی و سه پل اصفهان نقش بسته و در کناره‌ها نیز، تصاویر و مناظر مختلفی، بین شش کتیبه‌ی بیضی شکل نقش بسته است، با رقم: «الاقل علی محمد شریف القاینی 1278».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (926 -925 /2)، هنر قلمدان (142).

شریف، محمدعلی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1208 ق)، قلمدان‌ساز و نقاش. وی به غیر از محمدعلی شریف قاینی است. از آثار رقم‌دار او قلمدان گل و مرغی خوش نقشی است که جمع گلها را بر روی قلمدان ظاهر ساخته و جوانب آن را تذهیب کرده است، با رقم: «محمدعلی شریف 1208».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (924/ 2).

شعبانی صمغ‌آبادی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1317، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تهران در سال 1338، کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران از سال 1346، دکترای تاریخ اجتماعی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال 1349.
مرتبه علمی:
مربی دانشگاه اصفهان از سال 1341 تا سال 1346، استادیار دانشگاه شهید بهشتی از سال 1349 تا سال 1351، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال 1351 تا سال 1356، استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال 1356 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
زندگانی و آثار میرزا مهدی‌خان استرآبادی، ایل شاهسون بغدادی، تدریس دروس تاریخ اجتماعی ایران در عصر صفوی، تاریخ ایران، مبانی تاریخ اجتماعی ایران در دانشگاه کمبریج انگلستان و دانشگاههای مختلف کشور، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 20 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ نادرشاهی، حدیث نادرشاهی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تاریخ اجتماعی ایران در دوره نادرشاه.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 43، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
نقدی بر کتاب "دولت نادرشاه افشار"، کور کردن رضاقلی میرزا به دست نادر. nadir shah the political aspect of
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شفقت، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1291 ش)، خاتم‌کار. در تهران متولد شد و هنوز در دوران کودکی به سر می‌برد که به عنوان شاگرد به دکان استاد محمد صنیع خاتم سپرده شد که یگانه استاد او بود و سالیان بسیار در کنار او به تجربه‌اندوزی پرداخت. وی در سال 1313 ش به اتفاق گروهی از خاتم‌سازان دیگر به کار ساختن اتاق خاتم مرمر پرداخت. از جمله کارهای ارزنده‌ی شفقت می‌توان از صندوق مرقد حضرت زینب (ع) در شام، صندوق حضرت مسلم (ع) در کوفه با طرح «کند گره تو گره»، صندوق خاتم حضرت رقیه (ع) در سوریه و مرمت صندوق حضرت عبدالعظیم (ع) در ری نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س 5، ش 9، ص 81 -80).

شمس کاشانی، شمس‌الدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و شاعر. وی قصیده‌ای در مدح خواجه بهاءالدین محمد بن خواجه رشید سروده است. از آثار وی: «تاریخ غازان خان» است. فوت شمس‌الدین در زمان سلطان ابوسعید به وقوع انجامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ گزیده (737)، تذکره‌ی روز روشن (432)، حبیب السیر (191/3)، الذریعه (541/9)، فرهنگ سخنوران (514)، هفت اقلیم (460/2).

شمسی طبسی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 817 ق)، کوفتگر و فلزکوب. این هنرمند اقسام نقوش را بر روی فلزات ترسیم می‌نمود و با مهارت عمل می‌آورد. از آثار وی که با همکاری استادان دیگری پایان یافته، پنجره‌ی فولادی و زرکوب آستان قدس رضوی است که با نوشته‌های زرین آرایش یافته است و رقم «امر بعماره هذه البنجره... سنه سبع عشر و ثمانمائه... عمل استادان کوفتگر مولانا شمس طبسی و...» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1462/3، 248/1).

شوکت شیرازی، شمس الدین حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1322 -1254 ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. شوکت در تهران متولد شده و چندی در اصفهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. نامبرده سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار او: «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد» را به وی نسبت می‌دهند. در «فارسنامه‌ی ناصری» تخلص او شکوه شیرازی ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (885 -883 /2)، الذریعه (551/9)، شرح حال رجال (334/1)، فارسنامه ناصری (1171/2)، المآثر و الآثار (217)، مؤلفین کتب چاپی (575/2)، مجمع الفصحا (535/5)، مرآت الفصاحه (225)، مکارم الآثار (303/2)، یغما (س 7، ش 4، ص 162).

شهیدی،جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1297، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب و فقه و اصول در حوزه علمیه بروجرد، ادامه تحصیلات فقه و اصول، سطح و خارج در نجف اشرف تا مرحله اجتهاد، گواهینامه مدرسی از وزارت فرهنگ، کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، کارشناسی و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح لغت‌نامه فارسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 15 پایان‌نامه دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 20
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 3
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات، تاریخ اسلام، سیره امامان و معصومان.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 100، تعداد مقالات بزبان خارجی: 10
زمینه علمی مقالات:
تاریخ اسلام.
(تو 1297 ش)، استاد دانشگاه، مولف، مترجم و مصحح. وی در بروجرد در خانواده‌ی عالمان دین دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. برای تحصیلات حوزوی به عراق رهسپار شد و به مدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. پس از آن به ایران بازگشت و یک سال بعد، از جانب علامه‌ی دهخدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضمن آن، به تدریس در دبیرستانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیات و الهیات پرداخت. در سال 1340 ش موفق به گرفتن درجه‌ی

دکترای ادب فارسی دانشگاه تهران شد موضوع پایان نامه‌ی وی درباره‌ی «شرح مشکلات دیوان انوری» است که به کرات چاپ شده است. پس از آن ضمن تدریس در دانشکده‌ی ادبیات ابتدا به معاونت موسسه لغت نامه‌ی دهخدا منسوب شد و پس از آن به ریاست آن. وی تاکنون سفرهای علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله: مصر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشته است و در سال 1373 ش از دانشگاه پکن به دریافت درجه‌ی استادی افتخاری نایل شد. دکتر شهیدی علاوه بر تبحر و استادی در زمینه‌ی لغت‌نویسی و دایرةالمعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه‌ی آثار دینی و شرح و تصحیح متون نیز استاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی کرد. الف- تالیف: «جنایات تاریخ»؛ «علی از زبان علی (ع)»؛ «تاریخ تحلیلی اسلام»؛ «زندگانی حضرت فاطمه (ع)»؛ «زندگانی علی بن الحسین (ع)»؛ «آشنایی با زندگانی امام صادق (ع)»؛ «شرح مثنوی شریف». ب- تصحیح: «آتشکده‌ی آذر»؛ «دره‌ی نادره»؛ «براهین العجم». ج- ترجمه: «ابوذر غفاری»؛ «شیرزن کربلا»؛ «انقلاب اسلامی».[1]

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 1363، ش 1، ص 12 -3، ش 2، ص 20 -19)، مؤلفین کتب چاپی (323 -322/ 2)، نامه‌ی شهیدی.

شیبانی، بصیرالملک

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمد طاهر شیبانی مستوفی کاشانی ملقب به بصیر الملک ، فرزند میرزا احمد ادیب شیبانی است . وی به سال 1246 در کاشان به دنیا آمد . تحصیلات خود را در کربلا و نجف به اتمام رساند و به درجات عالیه ی علمی رسید . پس از بازگشت به ایران به دربار ناصر الدین شاه راه یافت . به سبب خط خوشی که داشت به منصب استیفا و مستوفی عالی رسید و سالها ریاست خازنی بیوتات سلطنتی از قبیل کتابخانه ، اسلحه خانه ، بلورخانه و غیره را عهده دار بود و نیز ممیزی مالیه ی بعضی از ولایات را انجام می داد . وی مردی معتقد به شعائر اسلامی و اجرای مراسم مذهبی بود . از کارهای فرهنگی بصیرالملک تصحیح مثنوی مولوی است که به سال 1314 ق در تهران با کشف الابیات که ابتکار خود او بود با چاپ سنگی منتشر کرد . این مثنوی به چاپ علاء الدوله معروف است . دیگر قرآن مترجم فارسی با کشف الآیات با چاپ سنگی است . این قرآن به چاپ بصیر الملکی معروف است . دیگر از کارهای وی یادداشت های روزانه ی وقایع سالهای 1301 ـ 1306 ق (که چاپ حروفی شده و اصطلاحات گمگشته که حاوی اصطلاحات فراموش شده ی حرفه ها و دانشهای دیگر است . (دایره المعارف تشیع ، ذیل « خاندان شیبانی » ج 7 / ص 50) .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

شیرازی، جانی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1287 ق)، نقاش، طراح و قلمدان‌ساز. وی تحت تربیت پدر هنرمندش، در شیوه‌ی روغنی، بخصوص در جلدسازی و قلمدان‌سازی تصویر می‌آفرید و در ارائه گل و مرغ‌ها و مجالس رزمی و صنعت تذهیب دست پر هنری داشت. از آثار وی: طراحی و پرداخت جلد روغنی جلد پنجم نسخه «الف لیل»، با رقم: «هم از خامه میرزا جانی آمد- به جلدش ریاحین جنت مصور»؛ قلمدان استادانه‌ای که بر رویه آن، صحنه‌ی شکاری ترسیم گشته و کناره‌های قلمدان نیز پر از دسته گلهای زیباست، با رقم: «اقل کمترین میرزا جانی ابن احمد 1284»؛ قاب آینه‌ی هشت گوشی که بر روی آن گلهای گوناگونی نقش شده، با: «رقم کمترین میرزا جانی ابن احمد 1287».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1289 -1288/ 3).

شیرازی، عباس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از هنرمندان دوره‌ی ناصری است. وی یکی از شاگردان برجسته‌ی دارالصنایع ابوالحسن‌خان غفاری صنیع الملک بود که برای تحصیل فنون نقاشی به اروپا رفت و سالها نقاشیهای نقاشان ایتالیا را تمرین و تتبع کرد، اما خود ابداع‌کننده‌ی سبکی متناسب با ذوق ایرانی بود. این هنرمند درتصویر و شبیه‌سازی و گل و مرغ و منظره‌پردازی مهارت وافر داشت و صنعت تذهیب را خوب می‌دانست. از آثار او برمی‌آید که از آقا لطفعلی شیرازی و علی اشرف و رافائل، نقاش ایتالیایی، تأثیر پذیرفته است. از شاگردان وی، آقا ابراهیم و مصطفی شیرازی بودند. از آثارش: قلمدان تابوتی بزرگی که پنج مدالیون در رویه و چهار مدالیون در کناره‌ها دارد و در حواشی قلمدان، تصاویر دختران و پسران نقش بسته و در زمینه‌ی آنها گل و مرغ دیده می‌شود، و رقم نقاش چنین است: «رقم عباس شیرازی 1277»؛ قلمدانی که در وسط رویه آن، تصاویر مریم و مسیح (ع) است که صورت آنها در آینه نمودار شده، با رقم: «عمل عباس شیرازی سنه 1291»؛ قلمدان پرصورتی که تصاویر عرفا و شیوخ معروف، از قبیل شمس تبریزی و مولوی، در نهایت قدرت ترسیم شده و کناره‌های نقوش نیز به تذهیب استادانه‌ای آرایش یافته، و رقم نقاش چنین است: «رقم کمترین عباس شیرازی 1292». در «احوال و آثار نقاشان» به چهار اثر دیگر وی اشاره شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (295 -293 / 1)، تاریخ هنرهای ملی (1004 -1003 / 2)، گلستان هنر (پنجاه و یک)، هنر قلمدان (130 -129).

شیرازی، مصطفی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1320 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی به شیرازی موصوف بود و بعد از درک کمالات و اندوخته‌ی هنری به تهران آمد و در مجمع‌الصنایع ناصری، کارگاه هنری دایر نمود. این هنرمند در تصویرسازی و چهره‌پردازی مهارت داشت و در فرنگی‌سازی و ارائه مناظر قوی‌دست بود. وی همچنین گل و مرغ را در شیوه‌ی کلاسیک و شیوه‌ی نقاشان روسی، طبیعی به عمل می‌آورد و تذهیب و آرایش جوانب قلمدان، و در مواردی حل‌کاریها را به نازک قلمی ترسیم می‌نمود. مولف «آثار عجم» در ذکر او گفته: «جز نقاشی به تحصیل حکمت الهی و ریاضی هم مشغول است». از آثار وی: تصویر سیاه قلمی گل سرخی که در کمال استادی و در شیوه‌ی لطفعلی است و رقم «عمل کمترین مصطفی 1287» دارد؛ قلمدان عالی گل و مرغی که در شیوه‌ی فرنگی‌سازی عمل آمده و در وسط رویه‌ی آن، تصویر حضرت مریم و مسیح (ع) جلب نظر می‌نمود، بار قم: «مصطفی شیرازی»؛ قلمدان مرغشی پرحلاوتی که در رویه‌ی آن، تصویر حضرت سلیمان در البسه و هیبت بخصوص بود، بار قم: «بنده مصطفی شیرازی 1320». پنج اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (548)، احوال و آثار نقاشان (1160 -1159/ 3)، هنر قلمدان (152 ،77 ،62).

شیرازی، یداللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1290 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. اهل شیراز و قلمدان‌ساز دوره ناصری بود و رد نقش گل و مرغ و چهره‌پردازی قلمی خوش داشت. نقش گلها در قلمدان‌های او ریز و درشت و ایرانی- فرنگی است و شباهت زیادی به شیوه فتح‌اللّٰه شیرازی دارد. از آثار وی: قلمدان گل و مرغی که در روی آن و در بین سه مدالیون متنوع آن، تصاویری از پریرویان ایرانی و فرنگی ترسیم شده، با: «رقم یداللّٰه شیرازی 1290».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1426/ 3)، هنر قلمدان. (139).

شیرین، جلال

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال شیرین
محل تولد : اهواز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1362/1/15
زندگینامه علمی
حقیر ابتدائی را در شهر اهواز گذرانده و پس از آن همراه خانواده به قم آمدم دوره راهنمائی را در مدرسه امیر کبیر و دبیرستان را در مدرسه دین و دانش خیابان 19 دی پشت سر گذاشتم و دبیرستان را با معدل 2/15 در رشته ریاضی فیزیک به اتمام رساندم پس از آن وارد حوزه مقدس علمیه شدم و پنج سال اول را در مدرسه علمیه امام حسن مجتبی علیه السلام و سال ششم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام خوانده و هم اکنون در پایه 7 مشغول به تحصیل به علوم دینی می باشم لازم به ذکر است پایه 6-5-4 سه سال به عنوان طلبه ممتاز معرفی شدم از سه سال پیش ابتدا به عنوان دفتر دار یکی از معاونین و بعد به عنوان پژوهشگر مجله الرشاد در سازمان حوزه هاو مدارس خارج از کشور مشغول به کار شدم .کار ها در مجله تهیه و تنظیم مقالات مورد نظر از قبیل تدوین . نگارش . تلفیق . و مطابقت با معیارهای بین المللی مجله است و در آخر ترجمه آن به زبان ها ن انگلیسی . فرانسه . عربی . چینی . وغیره ... این حقیر همچنین ترم اول مترجمی فرانسه هستم از دانشگاه باقر العلوم .

صاحبی، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد صاحبی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/11/20
زندگینامه علمی
محمد جواد صاحبی در سال 1333 در محله مغان شهرستان شاهرود به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در مغان و تحصیلات متوسطه را تا مقطع دیپلم ادبی در شهرستان شاهرود گذراند ،همزمان بخشی از مقدمات علوم دینی را به طور متناوب در همانجا از محضر فضلای بزرگواری همچون جناب حجت الاسلام شیخ محمد حسین صائب چهکندی و دیگران فرا گرفت، با حوزه های مشهد و قم نیز در رفت و آمد بودو از سال 1357 در قم مستقر شد و علوم متداول حوزه را فرا گرفت.
ادبیات عرب را از محضر حجج اسلام آقایان بهجتی شفق، بیانی افغانی،سید محمود طالقانی، سید عباس موسوی و دیگران آموخت کلام و عقاید را از جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مسعودی، فقه شرح لمعه را از حضرت آیت شیخ علی پناه اشتهاردی و مکا سب را از آیت الله بنی فضل استفاده کرد، اصول را از آقایان موسوی گرگانی و صالحی افغانی و خارج اصول و بخشی از ابحاث فلسفی و عرفانی را از آیت الله علی عابدی شاهرودی بهره برد
در درس خارج فقه آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله شیخ محمد ابراهیم جناتی نیز شرکت نمود .
ورود به عرصه مطبوعات را از روزنامه دیواری شروع کرد و با ارسال مقاله برای مطبوعات قم از جمله مجله سالنامه پیام اسلام به مطبوعات مذهبی و کشوری راه یافت، نخستین مقاله برای سالنامه مزبور را در سال 1355 فرستاد که با نشر آن،به نگارش و تألیف علاقمند شد،در سال 1357 دو اثر با عناوین « پیشگامان تحولات بنیادی و تاکتیکهای انقلابی سید جمال الدین اسد آبادی» منتشر ساخت.
در سال 1358 با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،نخست به عنوان مسؤول آموزش سیاسی عقیدتی نیروهای عملیاتی سپاه و سپس به سمت

مسؤول انتشارات و مطبوعات کل سپاه منصوب شد که تا سال 1362 ادامه یافت مدتی هم عضو مرکز تحقیقات سپاه بود و مجددا به قم مراجعت کرد.
در سال 1364 مجله کیهان اندیشه را تأسیس کرد که در این راه از حمایتهای مرحوم شهید شاه چراغی و جناب آقای سید محمد خاتمی (نماینده امام در مؤسسه کیهان) بهره مند بود، این مجله 14 سال تمام ادامه یافت و هشتاد و چهار شماره از آن منتشر شد همزمان با مطبوعات دیگر نیز به همکاری پرداخت ومقالات بسیاری از ایشان در روزنامه ها و سایر نشریات علمی و فرهنگی نیز به چاپ رسیده است.
در کنار این فعالیتها از تحصیل و تدریس نیز باز نماند از آن جمله می توان تدریس در دانشسرای تربیت معلم سمنان، دانشگاه تربیت معلم تهران، مؤسسه امام خمینی قم، مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مرکز آموزش مدیریت دولتی را نام برد همچنین درکنگره های علمی و دینی متعددی به عنوان عضو و دبیر فعالیت داشته اند، افزون به اینها به عنوان راهنما و مشاور در تدوین رساله های آموزشی و پژوهشی مشارکت کرده اند.

صادق نیا، مهراب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهراب صادق نیا
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/4
زندگینامه علمی
در سال 1347 در شهرستان دزفول به دنیا آمد و در همان شهر تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود رادر رشته ریاضی فیزیک سپری کرد . در سال 64 وارد حوزه علمیه قم شد و پس از اتمام دروس مقدمات و سطح درسال 69 وارد درس خارج شد . از آن سال تا کنون از اساتید نام آشنایی چون مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی(ره) ، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی(ره) بهره برده است . علاقه دیرین او به مباحث علوم قرآنی سبب شد در سال 72 در آزمون ورودی سطح چهارم رشته های تخصصی شرکت کرده و در رشته تفسیر و علوم قرآن پذیرفته شود . در سال 76 و همزمان با اتمام این دوره به مرکز مطالعات ادیان وارد شده و به عضویت هیئت علمی مرکز یاد شده در آمد(مرکز یاد شده الان با عنوان دانشگاه فعالیت می کند). موضوع مطالعاتی وی در این مرکز، ادیان ابراهیمی است و در این خصوص آثاری از ایشان منتشر شده است . تحصیلات آکادمیک نامبرده در سال 79 با پذیرش در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم در رشته مدرسی الهیات ادامه یافت و در سال 81 با دفاع از رساله خود با موضوع جایگاه شریعت در عهدین و قرآن موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شد . در حال حاضر نیز دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی فرهنگی با گرایش مذهب در دانشگاه علامه طباطبائی تهران است که دوره ی آموزشی را پشت سرگذاشته و در حال تدوین پایان نامه است. در این فراگرد علمی سپران شده ایشان توفیق داشته اند سالیانی در حوزه علمیه قم در دروس مقدماتی و سطح تدریس نمایند. در حال حاضر نیز در پاره ای ازمراکز تخصصی حوزه و دیگر مراکز وابسته، به این مهم اشتغال دارند. تدریس در دانشگاه ها نیز از فعالیتهای نامبرده در شمار است.

صادقی پناه، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن صادقی پناه
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/6/21
زندگینامه علمی
سال 75-80 همراه با اساتید بزرگوار دوره کارشناسی تاریخ را گذراندم و در سال 80 در مقطع ارشد قبول شدم و الحمدالله در سال 82 به پایان رسید در مقطع کارشناسی پایان نامه مواضع تجدد خواهی بر اساس مذاکرات پنجم مشروطه نگاشته شد و در مقطع ارشد پایان نامه بررسی زندگانی سیره امام حسن مجتبی(ع) درمکاتب تاریخی نوشته شده و در حوزة علمیه قم در سال 82 رساله سطح 3 بررسی زندگانی و سیره امام حسن مجتبی درمدینه نوشته شد. مقالات متعدد مطبوعاتی در زمینه های مختلف تاریخی سیاسی- اجتماعی در بین سالهای 78-81 نوشته شد و در مطبوعات مختلف به چاپ رسید.
تدریس در حوزه و دانشگاه از سال 78 تا سال جاری ادامه دارد قابل ذکر است اینجانب از سال 1368 با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه روی توان شدم و همراه با گذراندن دروس حوزوی دیپلم رشته انسانی را نیز گرفتم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال 1374 در دانشگاه نیز شرکت نموده و موفق به ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه گردیدم هم اکنون از نظر تحصیلات حوزوی مشغول تدوین رساله از سطح 4 حوزه می باشم و از نظر دانشگاهی نیز جهت آزمون دکتری آماده می شوم.
البتّه جهت انجام راهنمایی ومشاوره برای طلاب گرامی موارد متعددی را به عهده داشته ام.

صادقی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی صادقی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
پس از گذراندن تحصیلات دوره راهنمایی و به سال 1362 در مدرسه علمیه امام خمینی (سلطانی) کاشان به تحصیل علوم دینی مشغول شد. مدت کوتاهی در کنار رزمندگان بود و سال 1366 به حوزه قم آمد و در مدرسه عترت آل محمد(ص) به تحصیل ادامه داد. پس از آن در مدرسه آیت الله بروجردی (مدرسه خان) مقیم شد و دروس را در خارج از مدارس ادامه داد. همزمان با دروس حوزوی، تحصیلات کلاسیک را ادامه داد و پس از آن در سال 1373 به منظور تدریس، به گچساران رفت. پس از مراجعت به قم، خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات فاضل لنکرانی و سبحانی آغاز کرد. همزمان در سال 1374 با شرکت در دورة تربیت محقق و نویسندة تاریخ اسلام که از سوی دفتر تبلیغات حوزه قم برگزار می‌شد، به رشته تاریخ قدم گذاشت و پس از اتمام دوره و تدوین پایان‌نامه آن، استعداد خود را در تألیف و تحقیق در این موضوع یافت. در این سالها به جهت آشنایی با استاد مورخ و محقق رسول جعفریان از طریق گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و با پیشنهاد و همکاری ایشان، فهرست مقالات تاریخی مجلات عربی موجود در کتابخانه تاریخ را جمع آوری و تنظیم کرد. این مجموعه با مقدمه استاد و از سوی پژوهشگاه مذکور با عنوان «فهرس المقالات التاریخیه» در سال 1380 منتشر شد. همزمان با اشتغال به تحصیل و مطالعه تاریخ، در درس خارج فقه و اصول آیت الله مددی که نگاهی تاریخی به دروس حوزوی داشت، شرکت کرد. اثر دوم وی پایان نامه دوره تربیت محقق بود که در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) تکمیل و ضمن تغییراتی با عنوان «پیامبر و یهود حجاز» منتشر شد و به سال 1381 در کنگره دین پژوهان مورد تشویق قرار گرفت. در پی انتشار این اثر، پژوهشکده پیشنهاد تحقیق و بررسی علائم تاریخی ظهور را به وی داد که به رغم تردیدها و مشکلات این کار و در اثر تشویق دوستان، به ثمر رسید و کتاب «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور» منتشر شد. در این زمان

به منظور تقویت مباحث مهدویت که در راستای موضوع تحقیقش بود دوره تخصصی مهدویت را نیز گذراند. کتاب نشانه های ظهور، چهار بار مورد لطف و تشویق محافلی چون کتاب سال دانشجویی، ولایت و حوزه قرار گرفت. همکاری با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مشارکت در تولید نرم‌افزار علمی نورالسیره از اشتغالات وی در این دوره بود. همچنین به عنوان نماینده دانش‌پژوهان مرکز تربیت محقق تاریخ، مدتی در کنار اعضای هیئت مؤسسان انجمن تاریخ‌پژوهان در جلسات اولیه آن شرکت داشت. در سال 1383 به دانشگاه امام صادق(ع) تهران راه یافت و درجه کارشناسی ارشد اولین دوره رشته تاریخ تشیع را اخذ کرد. پایان‌نامه وی به تناسب رشته تحصیلی‌اش، تاریخ تشیع کاشان بود که چند ماه پس از دفاع به سال 1386، بخش اعظم آن از سوی مؤسسه شیعه‌شناسی قم با عنوان «کاشان در مسیر تشیع» چاپ شد. پس از آن همکاری وی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به شکل رسمی‌تری در آمد و پس از مدتی همکاری، مدیریت گروه تاریخ تشیع پژوهشکده تاریخ و سیره اهل‌بیت (ع) بر عهده او گذاشته شد. تدریس تاریخ اسلام و همکاری علمی و تحقیقی با برخی مراکز تاریخی حوزوی و دانشگاهی، از فعالیت‌های اوست؛ هر چند علاقه اصلی‌اش تحقیق در موضوع سیره ائمه، تاریخ اسلام، حدیث و به ویژه مباحث تاریخی مرتبط با علوم حوزوی است. والحمدلله. .

صالح، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن صالح
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1353در شهر قم به دنیا آمدم سال 1357به تهران رفته تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرستان شمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم.پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمد جعفر معروف به مدرسه علمیّه آیت الله مجتهدی شده و مدّت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا گرفتم.
همزمان با ورود به حوزه در سال 72 وارد دانشگاه شده دررشته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسیج دانشجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه های کشور توزیع شد. سال 73 به حوزه علمیّه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال 1374اولین مقاله خودم را قلمی نمودم . آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمّد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم.
حاصل این نقد و پاسخهای آن در فصلنامه بینات به چاپ رسید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمان تا به امروز مقالات و کتب متعددی را به زیور طبع آراسته ام. پس از پایان دروس مقدّمات بخشی از رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله رسولی تهرانی وبخشی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سیّد احمد خاتمی و شرح اشارات را از محضرحجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفاررا از محضر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح دردرس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

ازهمان سالهای نخست طلبگی به واسطه شدت علاقه ای که به حضرت آیت الله جوادی آملی داشتم به صورت مداوم در درس تفسیر ایشان شرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشناس مسائل سیاسی و تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم مشغول به فعّالیّت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالحی مازندرانی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی صالحی مازندرانی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب مهدی صالحی شهرت به صالحی مازندرانی در سال 342 در شهرستان بابل مازندران به دنیا آمدم، لازم به ذکر است حقیر از خانواده روحانی و از والده سیده سبزواری که خود برای اعضای خانواده معلم اولیه بوده است. شروع تحصیلات اینجانب در چهار سالگی به مکتب خانه محله با همراهی والدین به حضور استاد مکتبی خواندن قرآن و غیره متداول آن روز را فراگرفتم. پس در روستای نزدیک شهر بابل روستایی دونه سه که محله آباد و بافرهنگ هم بوده و هست مراحل کودکی و دبستان و دوران راهنمایی را با موفقیت به پایان رساندم پس برای ادامه تحصیلات مجدداً به شهر بابل در دبیرستان شیخ کبیر برای رشته تحصیلی در گروه علوم انسانی رشته ادبیات و فرهنگ و ادب مشغول به تحصیل شدم و در سال 1366 دیپلم رشته مربوطه را اخذ نمودم و در همان سال وارد دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان شدم ولی به علت تهاجم رژیم صدام و حملات هوایی وارد دانشگاه مازندان ادامه تحصیل دادم و در سال 70 در این رشته (کارشناسی مربوط را اخذ نمودم) و در همان سال 71 ـ 70 در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه کرج در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال 74 با دفاع از پایان نامه نمودم که در باب نفقه ذوجه در اسلام بود کارشناسی ارشد این رشته شناخته شدم و در همان سال برای تدریس در دانشگاههای ؟؟؟ مازندران بابل در دانشگاه آزاد اسلامی حتی از زمان دانشجویی مشغول تدریس شدم و همزمان در شهرستان آزادشهر به عنوان عضو هیئت علمی رشته مربوطه در دانشکده الهیات مشغول بودم. همچنین در حوزه علمیه شاه آبادی مازندران واحد بابل همکاری لازم را در دروس مطرح شده در این حوزه تدریس می‌نمودم. تا اینکه در کنار همه این فعالیت‌های علمی و آموزشی از آنجا که از خانواده روحانی بودم

زمینه‌های طلبگی در اینجانب وجود داشته در حوزه علمیه فیضه مازندران و صدر بابل (خاتم الانبیاء) به مدت پنج سال مشغول بودم و تا مقطع و سطح یک را تمام نمودم و در سال 77 ه . ش وارد حوزه مقدس علمیه قم شدم و الان مشغول درس خارج فقه و اصول و دروس جنبه‌ای تفسیر و غیره مشغول فعالیت هستم. از آنجایی که در زمینه تبلیغ موفقیت‌هایی داشتم و دارای پرونده به خارج از کشور در سازمان ارتباطات تهران برای کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی و آمریکایی در آزمون مربوطه قبول شدم و سفر تبلیغی به هندوستان داشته و دارم لازم به ذکر است که داخل کشور و شهرهای مختلف دعوت به امور تبلیغ هستم. بحمدالله ؟؟؟ رضایت و موفقیت می‌باشم.
و الان هم عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی در راستای کار علمی خودم از سال 74 در تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمتگزاری هستم.
اینجانب از آنجایی که عضویت هیئت علمی دانشگاه مربوطه با تایید صلاحیت عمومی و اختصاصی زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای کشور می‌باشم در گرایش‌های تخصیصی عمومی رشته‌های مربوطه در تاریخ تحلیلی صدر اسلام و تمدن‌های اسلامی و در اخلاق و فلسفه اخلاق و گرایش تاریخ امامت و غیره به اخذ مجوز نهاد نائل آمدم تا مقدمه ورود به دانشکده معارف اسلامی برای تدریس دروس عمومی شدم. از آنجایی که در دانشگاههای کشور علاوه موارد یاد شده در تهران مرکز و پیام نور و دانشگاه باقرالعلوم قسمت معاونت آموزش ؟؟؟؟ به تدریس دروس تخصیصی شدم و الان هم همکاری لازم با دانشگاه پیامبر نور قم در رشته تخصیصی نمودم و در این زمینه مطالبی هم تدوین نموده‌ام که انشاءالله به زودی برای چاپ مهیا خواهد شد. موضوعاتی در باب نفقه زوجه در اسلام و تاریخ اسلام و اخلاق در قرآن و چند مقاله که با بازنگری و اصلاحات انشاء الله زمینه چاپ فراهم خواهد شد. تا به سهم خودم خدمتی کرده باشم به این فرهنگ غنی و ناب محمدی(ص).

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1272 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل‌عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم غریبه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند.در 1297 ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان 1314 ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد وهابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوک و بیان طریق عبودیت؛ «سبیل النجاه»، در فقه معاملات؛«تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبیین الاباحه للمصلین»؛ «تحصیل الفروع الدینیه فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه

النحو»؛ «آداب الحج واسراره»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن‌حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (209 / 1)، الاعلام (240 -239 / 2)، اعیان الشیعه (330 -325 / 5)، تأسیس الشیعه (مقدمه 35 -1)، الذریعه (114 / 24 ،320 / 22 ،137 / 3 ،359 / 2 ،16 / 1)، ریحانه (425 -424 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 449 -445 / 14)، علماء معاصرین (175 -170)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم المؤلفین (300 -299 / 3)، مکارم الآثار (2019 -2015 / 6).

صدر نیشابوری، صدرالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، مورخ و شاعر. از سادت بزرگ نیشابور و معاصر خوارزمشاهیان بود. در فضل و هنر پایه‌ای عالی داشت و منصب دیوان استیفای نیشابور را عهده‌دار بود. در پایان عمر ترک آن منصب گفت و آن را به فرزند خود واگذاشت و خود به ریاضت و عبادت مشغول شد. سید صدرالدین علاوه بر کتابی که در «تاریخ سلاطین خوارزمشاهیه» نوشته، گاهی شعر نیز می‌سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (694 -693 / 2)، تذکره‌ی روز روشن (474 -473)، الذریعه (603 / 9)، ریاض العارفین (219)، فرهنگ سخنوران (554)، لباب الالباب (144 -142 / 1)، مجمع الفصحا (819 / 2)، مطلع الشمس (182 / 3)، هفت اقلیم (256 / 2).

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 747 ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نخو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (354 / 4)، ریحانه (434 -433 / 3)، کشف الظنون (2021، 1270،2011، 1047، 496، 419)، الکنی و الالقاب (415 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (246 / 6)، هدیه العارفین (650 -649 / 1).

صدرنبوی، رامپور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رامپور صدر نبوی در سال 1316 در شهر کاشمر بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال 1347 می باشد. وی پس از بازگشت به ایران در دانشکده جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار گردید و پس از طی مراتب و مدارج علمی از استادیاری به دانشیاری و استادی و در سال 1385 به افتخار بازنشستگی نائل آمد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی گرایش : اقتصاد والدین و انساب : پدر رامپور صدر نبوی حاج سید مهدی فخر العلما است که به سبب ملاحضاتی نام خود را به توصیه و ابلاغ مرحوم احمد قوام السلطنه به صدر العلما تغییر دادند.ایشان بشغل کشاورزی و تجارت شتغال داشتند که بعلت گرایش شدید فلسفی و عرفانی تاجر خوبی نشدند.ایشان از اولاد سید امیر استحق هستندکه شجره آنها به سادلات قائن جمله احمدی ها ،مصطفوی ها ، مجتهدی ها ،مرحوم دکتر مجتهد زاده (استادمعارف اسلامی) می رسد و طبق اظهار خود آن مرحوم نسل سی و ششم تا امام زین العابدین(ع) می باشد. مادر رامپور صدر نبوی دختر حاج رستم قره باغی از تجار بزرگ مشهدبا گرایشهای مشروطه خواهی بوده اند. مادر دکتر صدری نبوی بهمراه برادران و پسر عموهایش به شهرت باقرف در قفقاز بخصوص در قره باغ به فعالیت اقتصادی و سیاسی مشغول بوده ند. پدربزرگ دکتر صدر نبوی ،حاج رستم باقرف به سبب وقایع 1917 روسیه به ایران پناهنده شد و با تابعیت ایران در مشهد زندگی کرد.خاطرات کودکی : رامپور صدر نبوی از خاطرت دوران کودکی خود چنین می گوید: "مادر بزرگ پدرم نا بینا شده بود و ما در سایه وجود ایشان در یک خانواده شش نفره زندگی می کردیم.پدرم و مادرم احترام ایشان را به نهایت داشتند.روزی قرار بود برادرم رضا که-هم اکنون استاد روان پزشکی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد- دست مادر بزرگم را گرفته و ایشان را به خانه عمو جانم که دیوار به دیوار منزل ما بود ببرد.منزل عمو جان و پدرم بزرگ بودو درخت فراوان داشت. برادرم که بچه بازیگوش و سربه هوایی بودایشان را در میان درختان رها کرده و خود بدنبال بچه گنجشکی که از آشیانه زود پریده بودرفته بود. پدرم در همین احوال سر رسیده و مادر بزرگم را سرگشته در میان درختان دیده بود. یادم هست دست مادر بزرگ در دست پدرم بود در حالیکه از شدن غضب و

عصبانیت فریاد میزد " این رضای پدر سوخته کجاست" وقتی برادرم را پیدا کردند او را به فلک کشده و تنبیه مفصلی شد از آنجایی که برادرم فریاد مکشید مادربزرگم با داد و فریاد و گریه متوقف شدن تنبیه را از پدرم خواست با این کار مادربزرگم یک سکوت عمیقی بر محیط خانواده حاکم شد."اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر و مادر رامپور صدر نبوی هر دو دارای گرایش های سنتی ،اخلاقی و مذهبی نسبتا محکمی داشتند. پدرش به کشاورزی اشتغال داشت و گاه و بیگاه به تجارت نیز می پرداخت . ولی بعلت عقاید و باورهای مذهبی و مطالعات فلسفی توفیق چندانی در این حرفه بدست نیاورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رامپور صدر نبوی تحصیلات ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در کاشمر گذرانید. او برای ادامه تحصیل در سیک دوم متوسطه به مشهد رفت و سال چهارم و پنجم متوسطه را در مشهد گذراندو دیپلم را در دبیرستان بامداد تهران اخذ کرد.ایشان پس از اخذ دیپلم به المان رفت و در رشته اقتصاد و جامعه شناسی به تحصیل پرداخت و پس از ده سال و اندی با مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال 1347 به ایران بازگشتند.خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خاطرات مهم دوران تحصیل رامپور صدر نبوی محاوره ای بود که در گنگره جامعه شناسان که در شهر هادلبرگ بین پوپرو هربرت مارکوزه درباره دیاللیک اتفاق افتاد.فعالیتهای ضمن تحصیل : رامپور صدر نبوی در کنار تحصیل به تدریس و تحقیق و مدیریت گروه جامعه شناسی می پرداخت.استادان و مربیان : پرفسور رولف.واگن فور،پروفسور هانس هالر ،پروفسور هانس هلر ،پروفسور ویلکه و غیره از اساتید رامپور صدر نبوی می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر جواد شیخ الاسلامی،هلموت کل ،دکتر علی شریعتی ،دکتر حاتری ،دکتر غلامحسین یوسفی ،دکتر سیروس سهامی ،دکتر برادران رفیعی ،دکتر منوچهربیات مختاری ،دکتر منوچهر آشیانی غیره از همدوره ایها و همکاران رامپور صدر نبوی می باشند.همسر و فرزندان : رامپور صدر نبوی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته رفعت متولی است ایشان دارای دو فرزند دختر بنامهای نازنین (متخصص داخلی) ،فاطمه (دانشجوی دکتری جامعه شناسی) و یک فرزند پسر بنام محمد (دکتری داروسازی) می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رامپور صدر نبوی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد بودند.وی همچنین عضو هیئت تحریریه مجله دانش و توسعه دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.رامپور صدر نبوی عضو هیئت رئیسه کمیته ویژه توسعه سومین جشنواره ملی طلای سرخ قاینات میباشد.فعالیتهای آموزشی : رامپور صدر نبوی سابقه بیش از سی سال تدریس در دانشگاههای ایران و آلمان را دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن

به شمار می آید : رامپور صدر نبوی از پایه گذاران رشته جامعه شناسی و رشته مدیریت در خراسان و عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.چگونگی عرضه آثار : - تعدا مقالات منتشر شده در مجلات داخلی : 30 مقاله - تعداد پایان نامه کارشناسی راهنمایی شده : 111 رساله - تعداد پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمایی شده : 31رساله آثار : انسان شناسی فلسفی ویژگی اثر : ترجمه-13502 بزرگان جامعه شناسی ویژگی اثر : تالیف- 13543 تاریخ جامعه شناسی ویژگی اثر : ترجمه-13524 جامعه شناسی حق طبیعی ویژگی اثر : تالیف-13545 جامعه شناسی کار و مشاغل ویژگی اثر : تالیف-13716 جامعه و تمدن ویژگی اثر : ترجمه و نگارش- 13517 فرد و جامعه ویژگی اثر : ترجمه و تالیف-13708 کار و مشاغل با تکیه بر اشتغال زنان ، گفتارهایی در علوم اجتماعی ویژگی اثر : کتاب حاضر به سبب تفاوت و گستردگی مطالب «گفتارهایی در علوم اجتماعی» نام دارد، از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول آن را مقالات و تحقیقاتی مربوط به جامعه شناسی کار، شغل و جامعه شناسی صنعتی، خانواده و اهمیت آن برای جریان تولید، انسانی شدن کار و موارد مشابه تشکیل می دهد. در فصل دوم، نظریه نقش اجتماعی با تکیه بر نظریات نام آوران این رشته در نظریه های جامعه شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم، به انواع جوامع بشری و نظریه های جامعه شناسی اختصاص یافته که بخشی از آن ترجمه قسمتی از کتاب دانشمند صاحب نام آلمانی «لئوپلدفن ویزه» تحت عنوان «دانش روابط انسانی» است. فصل چهارم هم به بررسی اهمیت حسد به عنوان یکی از عوامل مهم اجتماعی پرداخته که در واقع نوعی جامعه شناسی و روانشناسی حسد است. در فصل پنجم کتاب، مسأله حق طبیعی از نظر مکاتب مختلف اروپایی مانند کاتولیسیسم، مارکسیسم و ناسیونال سوسیالیسم مطرح شده است. این کتاب توسط انتشارات 59 به چاپ رسیده است-1385

صدرهاشمی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1344 -1284 ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم قدیم و جدید در 1316 ش موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات گردید. سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد، از جمله: ریاست یکی از دبیرستانهای زنجان، بازرس فنی، ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان. صدر هاشمی موفق شد که قبر صائب تبریزی را در اصفهان شناسایی کند و در این باره مقاله‌ای بنویسد. در ضمن او روزنامه‌ی «چهلستون» را به طور هفتگی به مدت پنج سال منتشر کرد. از آثار وی: «تاریخ جراید و مجلات ایران»؛ «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، ترجمه؛ «تاریخ کربلا و حائر حسین (ع)»، ترجمه؛ «شعر و شاعری در عصر صفوی»؛ « عشاق قندهار»، ترجمه؛ تصحیح «قصص الخاقانی»، در تاریخ صفویه، اهتمام در چاپ «تذکره الانساب»، در انساب خاندان مجلسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید و مجلات (1/ سه- هفت)، تذکره القبور (491)، الذریعه (107 - 106 / 17)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (198 -197 / 4)، فهرست کتابهای چاپی (2151 / 2 ،740 ،690 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (536 -535 / 5)، یادگار (س 3، ش 4، ص 38 -34).

صدیق سروستانی، رحمت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رحمت اله صدیق سروستانی استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی -گرایش جامعه شناسی روستایی- در دانشگاه شیراز گذرانده اند.در سال 1979 م در رشته جامعه شناسی - گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال 1984م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی گرایش : جامعه شناسی شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر رحمت اله صدیق سروستانی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی -گرایش جامعه شناسی روستایی- در دانشگاه شیراز گذرانده اند. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان «بررسی ارتباط بین قشربندی اجتماعی و آرزوهای شغلی دانشجویان دانشگاه پهلوی»بوده است(سال 1354). در سال 1979 م. با دفاع از پایان نامه شان با عنوان «بررسی تأثیر همسایگی بر نگرش نسبت به ناآرامی های مدنی» در رشته جامعه شناسی - گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال 1984م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. عنوان پایان نامه دوره دکتری ایشان «بررسی نگرش دانشجویان آمریکایی نسبت به مسلمین بوده است.» وقایع میانسالی : دکتر صدیق سروستانی از سال 1363 تاکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هستند و از سال 1383 به درجه استادی رسیده اندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : رحمت اله صدیق سروستانی در حوزه خدمات علمی و اجرایی نیز دارای مسئولیت های متعدد بوده اند از جمله: - عضوشورای ارزشیابی وزارت علوم(1366-1364 و 1374-1370) - عضو کمیسیون ارزشیابی وزارت علوم(1364 تاکنون) - رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران(1365-1364) - عضو شورای عالی پژوهش کمیته ملی المپیک(1372 تاکنون) -عضو گروه جامعه شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه(1371-1366) - عضو دائرة المعارف بزرگ فارسی (1375-1372) - معاون پژوهشی دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه تهران(1377-1375) - سرپرست مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی(1377-1375 و 1365-1364) - عضو کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی(1383 تا کنون) - رئیس کمیته داوری معاونت فرهنگی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. عضویت ها : - انجمن جامعه شناسی ایران (ISA) - انجمن جامعه شناسی آمریکا(ASA) - انجمن جمعیت شناسی ایران - انجمن ایرانی تعلیم و تربیت آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه رحمت اله صدیق سروستانی: جامعه شناسی ، بررسی مسائل اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی صنعتی، قشر بندی و نابرابری اجتماعی، جامعه شناسی صنعتی، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی. آثار : The Status of Girls and Women in 1 Kurdistan ویژگی اثر : ترجمه ، یونیسف13772 آسیب شناسی اجتماعی(جامعه شناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف،سمت13873 آسیبشناسی (جامعهشناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف،آن 1383و1385و13864 تاریخچه جامعهشناسی ویژگی اثر : تالیف،سمت 13735 راهنمای مدیریت ورزشی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک13806 روش تحقیق در تربیت بدنی ویژگی اثر : ترجمه ، سمت13867 رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه ، دانشگاه تهران1382و1383و13868 فراتر از پیروزی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک 1379و1382و13859 ما و دختران امروز(رویکردی جامعه شناختی ویژگی اثر : تالیف،آموزش و پرورش138310 مبانی جامعهشناسی ویژگی اثر : تالیف،سمت 137311 مدیریت و رهبری در ورزش ویژگی اثر : تالیف،کمیته ملی المپیک 1374 و 137612 نیازها، نظرها و آرمانهای جوانان ویژگی اثر : تالیف،شهرداری تهران 137413 واژهنامه علوم ورزشی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک1376

صفا، ذبیح‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1290 ش در شهمیرزاد از قراء سمنان متولد شد. دوران اولیه را در شهر بابل به سر برد و در همانجا گواهینامه دوره‌ی ابتدائی را دریافت کرد. تحصیلات متوسطه را در تهران به اتمام رسانید و در 1312 دیپلم ادبی گرفت و وارد دارالمعلمین عالی شد و در 1315 لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی گرفت. پس از انجام خدمت سربازی به دبیری زبان و ادبیات فارس پرداخت. در عین حال در دوره‌ی دکترای ادبیات به تحصیل اشتغال ورزید و دکترا دریافت کرد و رساله‌ی خود را تحت عنوان حماسه‌سرائی در ایران نوشت و با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب واقع شد و به عنوان دانشیار به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات پرداخت و پس از پنج سال توقف در رتبه‌ی دانشیاری به مقام استادی کرسی زبان و ادبیات فارسی منصوب گردید.
دکتر صفا از سال 1320 به سمت معاونت و بعد کفالت اداره دانشسراهای مقدماتی در وزارت فرهنگ برگزیده شد و در 1322 به ریاست اداره تعلیمات عالیه و تعلیمات متوسطه و ریاست دانشسراها منصوب گردید. در همان زمان عضو هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ و دبیرکلی کمیسیون ملی یونسکو را در ایران عهده‌دار شد و در این سمتها ماموریتهای زیادی به اروپا پیدا کرد. وی از جوانی شوق و ذوق مطبوعاتی داشت. در 1312 معاون سردبیر مجله‌ی مهر شد و در 1315 سردبیر مجله‌ی مذکور گردید. در 1320 امتیاز مجله‌ی سخن را گرفت و یک سال آن را انتشار داد و بعد از یک سال امتیاز سخن را به دکتر خانلری واگذار نمود و خود امتیاز روزنامه‌ی شباهنگ را دریافت کرد و چهارسال متوالیا روزنامه را منتشر کرد. مدتی نیز مدیریت مجله‌ی ارتش با او بود و بعد مدیر مجله‌ی ادبی دانشکده ادبیات شد.
دکتر صفا مدتی نیز ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت. از آثار و تالیفات او می‌توان کتب زیر را نام برد: حماسه‌سرائی در ایران، تاریخ مختصر تحول نظم و نثر فارسی، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تاریخ ادبیات در ایران (سه جلد)، گنج سخن، یادنامه خواجه نصیر طوسی، جشن‌نامه ابن‌سینا، ترجمه‌ی مرگ سقراط از آثار لامارتین، مزداپرستی در ایران قدیم، آئین سخن در معانی و بیان فارسی و چندین آثار و تصحیح دیگر. صفا در سال 1378 در خارج از کشور درگذشت.

برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

صفارزاده، طاهره

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.

■ طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم ،متولد ۱۳۱۵ سیرجان
■ لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران
■ ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا
■ کسب درجه MFA
■ استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹
■ رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات
■ دکترا در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان
■ برگزیده شدن در «فستیوال بین المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،
■ «استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی
■ «خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم »، سال ۸۰
سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته های مختلف دانشگاهی
■ قصه ، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱
■ شعر ، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱
Brella the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م.= ۱۳۴۷ش.
طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰ ، سفر پنجم، ۱۳۵۶ ، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷ ، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸ ، مردان منحنی ، دیدار صبح، ۱۳۶۶ ، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵ ، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸ ، هفت سفر، ۱۳۸۴ ، روشنگران راه، ۱۳۸۴ ، اندیشه در هدایت شعر، ۱۳۸۴
● اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه
■ اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه های نامفهوم، ۱۳۸۴
■ ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹
■ ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰
■ ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲
■ ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵
■ لوح فشرده قرآن حکیم (سه زبانه - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل وجزء ۳۰.
■ دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱
■ دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳
■ مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴
دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵
طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم».شعرهای قدیمی اش یادآور سال های گلوله و فریاد است.علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی همتا است.صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است.
صفارزاده شاعر، نویسنده ، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده ای متوسط چشم به جهان گشود.اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت پروری بوده اند.پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند . در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود.خانواده اش پیشینه عرفانی داشتند وهمین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد.قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذرانید.
از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت ودر دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود.در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می کردند.
نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.
در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن

دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شدو چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت . مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت .در دانشگاه آیووا ، هم در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد.MFAدرجه ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می پردازند.دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه های آمریکا با پایه دکتری انجام می پذیرد.در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید»گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می کردم که قرآن شناس بودند .خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم .»

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان »، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه » را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود و نبود استاد ترجمه برای رشته های زبان خارجی موجب گله مندی گروه های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه » در دانشگاه های ایران محسوب می شود.دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی »، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره مندی هایی از این آموزش جدید دست یافت .صفارزاده از ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی ، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت .پس از انقلاب

اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه »اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه » مفید افتاد.
دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقداست: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است .این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی ، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه شناسی را ترجمه کند ، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می دهند. » بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی »و «معادل یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته های دانشگاهی به پیشنهاد اوگنجانده شد.
طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی ، حکومت پسند نبود.سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت.و در ایام تنهایی و مشاهده پاره ای خیانت های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.
کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می توان به : رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ brelld the Red um (سروده هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷م. ۱۳۴۷ش.
طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان،سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح،گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد.
اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است.در همه آثارش به جریان های سیاسی ایران و جهان نظر دارد.صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود.شاید به همین دلیل، از آوردن واژه ها و اسامی، از زبان های بیگانه خودداری می کند.
شعر صفارزاده دارای اندیشه های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می شود.در شعر صفارزاده، فرصت ها گرانبهاترند و خواننده با شاعری مواجه می شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از

لحاظ اندیشه و تفکر می بیند.او با استفاده از تعابیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است.خودش می گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفایی سواد کوهی، عبدالصاحب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(334 -1288 ش)، نویسنده و مورخ. وی دارای تحصیلاتی در علوم قدیمه از فقه، اصول، کلام و حکمت، در نجف و قم، بود. بعد به ریاست دفتر اسناد رسمی بابل منصوب گردید. پس از چهار سال اشتغال به علت تمایلات سیاسی چپ و ارتباط با عناصر توده‌ای مورد سوءظن مأمورین دولت واقع و زندانی شد و تحت نظر بود. در دانشکده‌ی الهیات و کلاس قضایی و دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس نایل آمد. بعد عهده‌دار مشاغل مختلفی شد، از جمله: عضویت بازرسی دارایی، سرپرستی شهرداریهای استان دوم، مدیریت روزنامه‌ی «صفا» منتشره در ساری، مدیریت مجله «صفا»، وکیل دادگستری، وکالت مجلس شورای ملی. از آثار وی:«بیوگرافی و کلای دوره‌ی چهاردهم مازندارن»؛ «تاریخ مختصر احزاب سیاسی پس از شهریور 1320 ش».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (746، 576 -575 / 1)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (900/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (859 -858 / 3).

صفایی ملایری، ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1296 / 1292 ش)، مورخ، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. وی در ملایر به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و دوره‌ی متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی همدان به پایان رسانید. وی پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان به فراگرفتن علوم مقدماتی عرب همت گماشت و رموز فن شعر را از آزاد همدانی و وحید دستگردی در تهران آموخت و از آن پس به اتسخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی در 1315 ش در اهواز با روزنامه «خوزستان» همکاری داشت. سپس به تهران آمد و به نشر هتفه نامه‌ی «عسس» پرداخت. از آثارش: «اسناد سیاسی دوران قاجار»؛ «اسناد مشروطه»؛ «اسناد نویافته»؛ «برگ‌های تاریخ»؛ «دادگری و دادرسی در ایران»؛ «رهبران مشروطه»؛ «نکته‌های برگزیده تاریخ».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان و سخن‌سرایان همدان (417 -416 / 2)، الذریعه (612 / 9)، سخنوران نامی معاصر (232 -2316 / 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2543، 1801 -1797 / 2)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (229 -228)، مؤلفین کتب چاپی (71 -69 / 1).

صفایی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1276 ش)، نوازنده و سازنده‌ی ساز. وی نوه‌ی میرزا علی محمد صفا، خوشنویس معروف، بود. در نوجوانی سه‌تار را آموخت و سپس نزد درویش‌خان به تکمیل آن پرداخت. وی در ساختن آلات موسیقی، بخصوص سه‌تار، مهارت زیادی داشت و سه‌تارهایی ساخته که کاسه‌ی آنها چند ترک است و در پایین آنها صدف به کار برده و روی دسته‌ی آنها نیز با صدف تزیین شده است. صفایی علاوه بر این هنرها،خطی زیبا داشت و نستعلیق را نیکو می‌نوشت. متأسفانه از وی صفحه و نواری ضبط نشده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (2 / 697)، سرگذشت موسیقی (432 -430 / 1)، مردان موسیقی (43 -41 / 2).

صفت گل، منصور

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر منصور صفت گل،عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منصور صفت گل عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران و. عضو هیات تحریریه مجله تاریخ، عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، عضو هیات تحریریه مجله رشد تاریخ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، عضوافتخاری موسسه فرهنگ‌های شرقی دانشگاه توکیو و عضو گروه نویسندگان مجموعه: Abstracta Iranica: Paris, France برای تاریخ ایران از قرن دهم تا سیزدهم قمری است
آرا و گرایشهای خاص : دکتر منصور صفت گل، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است که زمینه های پژوهش وی «تاریخ ایران در عهد صفویان با تاکید بر تحولات اندیشه‌ای و موسسات مدنی»، «تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری در ایران به ویژه ایران عهد صفویه و پس از آن» و «نهادها و تحولات اقتصادی در ایران از سده دهم هجری تا سده دوازدهم» است.
جوائز و نشانها : دکتر منصور صفت گل پیش از این کتاب «دین و دولت در عصر صفوی»را انتشار داد که عنوان رساله برگزیده دانشجویی را در مقطع فوق لیسانس از آن نویسنده کرد.
چگونگی عرضه آثار : از منصور صفت گل که مقالات بسیاری در مقوله تاریخ از وی در مجلات پژوهشی داخل و خارج از کشور چاپ شده، تا به حال کتابهای «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی»، ترجمه «برآمدن و فرمانروایی تیمور» بئاتریس فوربز منز، تصحیح «مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملک محمود سیستانی»، و تصحیح «شجرة الملوک؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال های فرمانروایی قاجاران» منتشر شده است. تعداد مقالات : بیش از 54 مورد تعداد شرکت در کنفرانسها : 11 مورد ----------
---
آثار :
1 برآمدن و فرمانروایی تیمور

ویژگی اثر : تالیف بئاتریس فوربز منز. ترجمه منصور صفت‌گل. رسا. تهران 1377.
2 تاریخ شناسی
ویژگی اثر : منصور صفت‌گل و دیگرمؤلفان. دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی. وزارت آموزش و پرورش. تهران 1382.
3 تاریخ نویسی در ایران عصر صفوی. دوران شاه عباس یکم.
ویژگی اثر : تألیف شعله کویین. ترجمه منصور صفت‌گل. (آماده برای انتشار
4 ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی
ویژگی اثر : چاپ اوّل. انتشارات رسا. تهران 1381.
5 شجرة الملوک؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال های فرمانروایی قاجاران
ویژگی اثر : تصحیح- منصور صفت‌گل. مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب. تهران (در دست انتشار)
6 قم در قحطی بزرگ سال 1288 قمری
ویژگی اثر : جان گرنی و منصور صفت‌گل. انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آ یت الله مرعشی نجفی. قم. (در دست انتشار)
7 مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملک محمود سیستانی
ویژگی اثر : تالیف محمد شفیع طهرانی (وارد) . مقدمه و تصحیح و تعلیقات. منصور صفت‌گل. نشر میراث مکتوب. تهران 1383.

صفری فروشانی، نعمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نعمت الله صفری فروشانی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1355 هجری شمسی در شهرستان خمینی شهر وارد حوزه علمیه شدم، سال 59 به حوزه علمیه اصفهان وارد شدم و تا سال 63 دروس سطح دانی را به پایان بردم. از سال 64 تا کنون در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل می باشم و در دروس فقه، اصول، تفسیر و فلسفه از اساتیدی همچون آیات ستوده، اعتمادی، مؤمن، محقق داماد(سید علی)، اسماعیل پور، قمشه ای، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جوادی آملی و فاضل گلپایگانی بهره بردم در سال 1367 در امتحانات حوزه علمیه قم نفر اول پایه ششم و در امتحانات پایه نهم حوزه در سال 68 رتبه دوم را کسب کردم هم زمان با ادامه دروس حوزوی در سال 1374 در رشته معارف و الهیات موفق به دریافت مدرک کارشناسی از دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال 1377 در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات در مقطع دکتری پذیرفتنه شدم و در آذر 1385 از پایان نامه خود با عنوان(ارزیابی منابع مکتوب امامیه در مورد زندگانی ائمه(ع)از آغاز تا پایان نیمه اول قرن پنجم هجری دفاع کردم. از سال 1369 وارد کارهای پژوهشی شدم و با موسسات و مراکز مختلف همچون پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز معجم فقهی، سازمان اوقاف، صدا و سیما،دار الحدیث، و پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات همکاری داشتم. همچنین در همین مدت شروع به نگارش مقالات و کتب نمودم که حاصل آن حدود سی مقاله منتشر شده در مجلات تخصصی و همایش ها و چهار کتاب و مشارکت در تألیف پنج کتاب است که در همین راستا موفق به دریافت هشت تقدیر نامه از مراکز معتبر همچون کتاب سال جمهوری اسلامی، کتاب سال حوزه، کتاب سال دانشجویی، کنگره دین پژوهان، پژوهش و فرهنگی سال و جشنواره فرهنگی اشراق شده ام. نوشته های اینجانب در حوزه های مختلف همچون فقه، تاریخ اسلام، کلام و حدیث ،می

باشد. همچنین تاکنون چند مدخل مانند جابربن یزید جعفی،حربیه و خاندان جعفی برای دانشنامه جهان اسلام به نگارش درآورده ام. اینجانب از سال 1378 تاکنون در برنامه ریزی های مربوط به رشته تاریخ اسلام در مراکزی همچون مرکز جهانی علوم اسلامی، سازمان مدارس خارج از کشور، رشته تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم و حوزه علمیه خواهران شرکت فعال داشته ام. که این برنامه ریزی ها در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد در گرایش های مختلف تاریخ اسلام انجام گرفته است . از سال 1378 تاکنون مدیر گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی می باشم که دارای سه عضو هیأت علمی و حدود چهل استاد مشغول به تدریس در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد می باشند. همچنین مدتی مدیریت گروه تاریخ اسلام واحد تاریخ و سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات را به عهده داشتم. در سال 1382 دردوره اول انتخابات تاریخ پژوهان حوزه علمیه قم به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره انتخاب شدم و مدیریت بخش پژوهش این انجمن را به عهده گرفتم. همچنین اینجانب از سال 1378 تاکنون ارزیابی نوشته ها اعم از کتب و مقالات تاریخی را برای مراکز، موسسات ، مجلات و جشنواره های مختلف انجام داده ام. ضمنا اینجانب از سال 1379 تا کنون در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی همچون دانشکده الهیات دانشگاه تهران،دانشگاه مفید قم،مدرسه عالی امام خمینی(ره)وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی،جامعة الزهرا،موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی(ره)مجمع جهانی اهل بیت(ع) مرکز تخصصی مهدویت،پژوهشکده مهدویت و مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیه قم به تدریس دروس مختلف تاریخی،حدیثی و فرقه شناسی اشتغال داشته ام.

صفی نژاد، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد صفی‌نژاد در نهم شهریور ۸ ۱۳۰شمسی در شهر ری متولد شد. او در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. در سال 1340 بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت داشت. در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلا" پایه‌گذاری کردند. استاد صفی نژاد در سال های اولیه دهه اخیر به افتخار بازنشستگی نائل آمد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : نیاکان جواد صفی نژاد از لرهای بختیاری بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد صفی نژاد در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. از سال 1337 همکاری خود را با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز کرد. او ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی این موسسه مشغول به کار شد. در سا ل1340 بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت داشتوقایع میانسالی : جواد صفی نژاد در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلا" پایه‌گذاری کردند. با آغاز این کار بخش مطالعه میدانی گروه به قلمرو ترکمن ها و سپس مناطق عشایرنشین

شاهسون گسترش یافت. از سال ۱۳۴۶ پژوهش های عشایری استاد صفی‌نژاد در قلمرو کهگیلویه و به خصوص بویراحمد آغاز گردید که تا به امروز ادامه دارد. ایشان در سال 1370(1991) به مدت یک سال به همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ/ آلمان در بخش ایران شناسی پرداخت و در دانشگاه مونیخ تدریس کرد. حاصل این امر اثری است با همکاری آقای کامران هاشمی که مجموعه ای از ۶۰ سند تاریخی از کشاورزی سنتی ایران را شامل می شود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت های حرفه ای جواد صفی نژاد به قرار زیر است: 1337: همکاری با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی 1345: همکاری در تاسیس وعضو کادر موسسه مطالعات و تحقیقات عشایری همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ در بخش ایران شناسی 1373-4: همکاری با پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی 1373-3: همکاری با سازمان مسکن انقلاب اسلامی همکاری با گروه انسان شناسی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : جواد صفی نژاد تاکنون به تدریس دروسی چون مبانی جغرافیای انسانی ، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر ، مردم‌شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ، زمینه‌ها و شیوه‌های همیاری، مسائل کوچ نشینی ، انسان و محیط، منابع و ماخذ جغرافیا و نظام های آبیاری در ایران به طور عمده در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گروه جغرافیای دانشگاه تهران و نیز دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس پرداخته است. از فعالیت های پژوهشی استاد صفی نژاد در طی این سال ها می توان به مطالعات میدانی در میان ترکمن ها و شاهسون ها و مناطقی از کهگیلویه و بویراحمد، سبزی کاری و سبزی کاران شهرری، پیشینه جغرافیایی و تاریخی شمال خراسان، انجام منوگرافی متعدد، کار بر روی موضوعاتی چون قنات، بنه، نظام های زراعی، نظام های آبیاری و اسناد عشایری در ایران اشاره کرد. ایشان در زمینه های فوق جز متخصصین منحصر به فرد به شمار می رود. آرا و گرایشهای خاص : جواد صفی نژاد درباره علاقه خود به تحقیق درباره ایران می گوید: « همه آثار من، تحقیقی است و در حوزه وطن عزیز ما ایران است. من جز راجع به مناطق روستایی و عشایری، وارد حوزه های دیگر نشدم. در کتابخانه شخصی من، ۹۰% از آثار متعلق به پژوهش های ملی است. اگر بشنوم در دره گز کتابی راجع به دره گز چاپ شده می روم آن را تهیه می کنم. این قدر علاقه مندم که کتابهای مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم» چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات متشر شده در مجلات معتبر علمی : 38 مورد - تعداد طرح های تحقیقاتی : 13 مورد - نگارش مقدمه :

4 مورد - راهنمایی و مشاوره پایان نامه دانشجویان : 21 مورد آثار : پهنه جهان: [تلخیص و بازنویسی کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب از نویسنده‌ای ناشناخته] ویژگی اثر : تالیف قرن چهارم هجری، زیرنظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، مصور، جدول، نمونه این کتاب در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی و بهمن، ص مورد بررسی قرار گرفته است. 2 آبیاری در روستاهای بیابانی کاشان ، آبیاری سنتی در کاشان ، گل و گلاب در کاشان ویژگی اثر : به همراه حسین دستمالچی،مسعود مهدوی، تهران: دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، 1368، 104 صفحه،تصویر، جدول، نمودار، نقشه، کتابنامه 3 اسناد بنه ها ویژگی اثر : تهران، دانشگاه تهران : دانشکده علوم اجتماعی وتعاون، 2536 [1356]، جدول جلد اول این کتاب اسنادبنه های شهرری (غار و فشاپویه) را مورد بررسی قرار می دهد. 4 اطلس ایلات کهگیلویه برای سازمان عمران کهگیلویه ویژگی اثر : تهران : دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری , شهریور 1347، هفت + 223 ص . مجدول . نمودارها. نقشه ها. -(با نادر افشار نادری، عزیز رخش خورشید، حسن پارسا، هوشنگ کشاورز)5 بررسی اقتصادی و اجتماعی سی سخت بویر احمد ویژگی اثر : (از مجموعه مونوگرافی های کهگیلویه)، گزارش شماره 12، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری، 120 ص، شهریور 1347 6 بنه ویژگی اثر : [تهران] : دانشگاه تهران - موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ـ بخش تحقیقات انسان شناسی,[1351] ، 155 ص ، نقشه ها، مجدول، نمودار؛ ویرایش جدیدی از این کتاب در سال 1353 با نام «بنه: نظام های تولید زراعی جمعی ، قبل و بعداز اصلاحات ارضی» در تهران توسط انتشارات توس در دوازده + 272 + 3 ص. و همراه با جدول، نمودار و نقشه به چاپ رسید. این کتاب باردیگر در سال 1368 توسط انتشارات امیرکبیر در 584 صفحه با عنوان « بنه : نظامهای زراعتی سنتی در ایران» به چاپ رسید. 7 تحلیل و تفسیر طومار و آبیاری قرن هشتم شهر قزوین ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو: موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، نقشه، جدول 8 تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران (متنی در شناخت روستاها و مزارع) ویژگی اثر : تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت پژوهشهای مردم‌شناسی: آتیه، جلد. (بیست و پنج،ص)مصور، نقشه، جدول، نمودار. -جلد اول این کتاب شامل دو کتاب است : کتاب اول: ولایت تربیت حیدریه (ه.ق) – کتاب دوم: سرشماری ولایت طبس (ه.ق). ص. جلد دوم کتاب نیز دارای دو کتاب است: کتاب سوم: طومار دشمن زیاری. ص. کتاب چهارم: اسناد زراعی ورامین. ص تعاونی های عشایری سررود بویراحمد علیا ویژگی اثر : تهران،

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه تحقیقات عشایری، 157ص، اردیبهشت 1363 -(با شاهرخ ترغیبی و هیبت الله غفاری) 10 جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه ویژگی اثر : (بخش بویراحمد علیا ، سفلی و گرلیه) (مشخصات کتابشناختی این اثر به دست نیامد) 11 جهان‌نامه ویژگی اثر : -این کتاب بازنویسی کتاب جهان‌نامه اثر محمدبن نجیب بکران می‌باشد. کتاب حاضر در ماه تاریخ و جغرافیا، ش ، دی و بهمن، ص مورد بررسی قرار گرفته است. 12 خان نامه ویژگی اثر : تحقیق درعشایر کهگیلویه و بویراحمد (در دوره خان خانی)، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران (فرهنگ و علوم انسانی)، سال اول، شماره 2، 1355 13 سد زیرزمینی قنات و زوان- میممه اصفهان، به همراه بیژن دادرس ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص، مصور(بخشی رنگی)، جدول، نمودار، نمونه. این کتاب به مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید و در کتاب ماه هنر، شماره ، خرداد و تیر ، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. 14 سفرهای سلیمان سیرافی از خلیج‌فارس تا چین ویژگی اثر : تهران : موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ، 30ص. ،مصور، نقشه 15 سوق طیبی از مجموعه مونوگرافی های کهگیلویه ویژگی اثر : تهران، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری، 1347، 56 ص - (با نادر افشار نادری، و هوشنگ کشاورز)16 شناسنامه جامعه عشایری ویژگی اثر : دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جزوه درسی مربوط به درس مردم شناسی عشایر ایران، 94 ص، 136117 عشایر مرکزی ایران ویژگی اثر : تهران: امیرکبیر، 8 6 3 1، بیست و سه + 6 3 7ص.، مصور، نقشه، جدول، عکس -این کتاب در فصلنامه مطالعات ملی: عشایر و هویت ایرانی،8 مورد بررسی قرار گرفته است18 غارت ویژگی اثر : درآمد مستمر خان در دوره خان خانی، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران (فرهنگ و علوم انسانی)، سال دوم، شماره 6، 1355 19 کشاورزی سنتی ایران براساس اسناد جنوب تهران (دروان قاجاریه) ویژگی اثر : تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ص.نقشه، جدول، نمودار -(با ابرهارد کروگر)20 کهن شهرها [تلخیص و بازنویسی کتاب مسالک الممالک اثر ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد فارسی اصطخری] ویژگی اثر : به‌کوشش جواد صفی‌نژاد؛ زیرنظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، ص.مصور، نقشه، جدول، نمودار 21 کوششی در آموزش خط سیاق ویژگی اثر : تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: بنیاد ایران‌شناسی، ص. 22 گاو چاههای فارس با تکیه بر گاو چاههای جهرم ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، جدول، عکس (رنگی) 23

لرهای ایران لر بزرگ، لر کوچک ویژگی اثر : تهران: آتیه، مصور، جدول، نمودار 24 مبانی جغرافیای انسانی ویژگی اثر : تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، بیست و یک ص. مصور، نقشه، جدول. (چاپ اول این کتاب سال ها قبل منتشر شده بود) 25 مجموعه تفضیلی مآخذ عشایر ایران ویژگی اثر : تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1376 -(با شاهرخ ترغیبی و علی پاینده)26 مردم شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ویژگی اثر : جزوه درسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی، جدول ، نقشه ، نمودار، 242 ص، 1364 27 مقدمه‌ای بر دو روزنامه شرف و شرافت ویژگی اثر : نگارش جواد صفی‌نژاد؛ به خط غلامحسین امیرخانی، فرهنگسرا: (یساولی)، 28 مونوگرافی ده طالب‌آباد ویژگی اثر : تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، یازده ص. مصور، نقشه، جدول، نمودار 29 نان سنگک: مطالعه‌ای مردم شناختی، مولف داود روغنی ویژگی اثر : به گردآوری جواد صفی نژاد، تهران: اختران، 1385، 216 ص، مصور (رنگی)، نقشه این کتاب در مقاله ای با عنوان « سفر ساله کتاب نان سنگک : نگاهی به کتاب خاطرات شاطر داوود روغنی » نوشته غلامرضا معصومی منتشره در روزنامه جام‌جم ، اردیبهشت ، مورد بررسی قرار گرفت. 30 نظام سنتی آبیاری در نائین ویژگی اثر : تهران، کمیته ملی آبیاری و زه کشی، 594 ص، 1384 این کتاب درمصاحبه‌امیرهوشنگ انوری با نولف تحت عنوان «آبنامه‌ها راز قنات‌ها را فاش می‌کنند: گفتگو با دکتر جواد صفی‌نژاد درباره کتاب نظام‌های آبیاری در نایین، » منتشره در کتاب هفته ،دوره جدید، شماره ، مهر :مورد بررسی قرار گرفته است.31 نظامهای آبیاری سنتی در ایران ویژگی اثر : تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، 9 5 3 1، سه، 2 8 2 ص. مصور، جدول، عکس، نمودار. این کتاب در سال 1368 با تغییراتی در دو جلد در مشهد توسط موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، به چاپ رسید. 32 واحدهای اندازه‌گیری در روستاهای ایران ویژگی اثر : همراه با حسین ملک، تهران ، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، 1349، 95 صفحه ، جدول ، نقشه33 واژه‌نامه قنات، همراه با عبدالوحید آغاسی ویژگی اثر : : شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد ص. مصور، جدول این کتاب به‌مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید. کتاب حاضر در کتاب ماه هنر، شماره خرداد و تیر مورد بررسی قرار گرفت. 34 وصف خلیج‌فارس در نقشه‌های تاریخی ویژگی اثر : همراه با محمدحسن گنجی، محمدباقر وثوقی و با

همکاری فاطمه فریدی‌مجید امیر هوشنگ انوری ؛ مقدمه، تدوین و بازبینی نهایی حسن حبیبی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی

صفیر، محمد علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمدعلی صفیر ، دانشمند و شاعر شهیر در سال 1294 شمسی در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. استاد صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران تحصیلات خود را پی گرفت. استاد صفیر پس از فارغ التحصیل شدن ، به تعلیم و تربیت روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات پرداخت. استاد سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه 22 مهر 1377 در سن 86 سالگی در تهران چشم از جهان فروبست.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : پدر سیدمحمدعلی صفیر ، حجت الاسلام سیدحسین حائری از دانشمندان مقیم قم بود. پدربزرگ او نیز ، آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تنکابنی از علمای مشهور و از مجاهدین و مبارزین در پیشرفت فتوای تحریم تنباکو بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدمحمدعلی صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران در گروه نخستین دوره ی دانشجویان قرار گرفت.
استادان و مربیان : سیدمحمدعلی صفیر در حوزه علمیه قم برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبادعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت.
زمان و علت فوت : سیدمحمدعلی سیدمحمدعلی صفیر ، در روز چهارشنبه 22 مهر 1377 در سن 86 سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و پیکرش در قطعه ی 88 بهشت زهرا (قطعه ی فرهیختگان)

به خاک سپرده شد.
فعالیتهای آموزشی : سیدمحمدعلی صفیر پس از فارغ التحصیلی از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران ، به تربیت و تعلیم روی آورد و سال های متمادی در دبیرستان های تهران به تدریس ادبیات گذراند.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سیدمحمدعلی صفیر در تأسیس مراکز فرهنگی و دینی ، یار و یاور علامه شیخ مهدی سراج انصاری بود و بعد از سقوط رضاخان در شهریور 1320 ، اقدام به تأسیس « انجمن تعلیمات اسلامی ایران » نمودند. وی از جمله در کار تأسیس بنای حسینیه ارشاد و به همراه آقایان محمد همایون ، دکتر ناصر میناچی و میرعبدالحمید ادبی در بخش فرهنگی آن تلاش کرد که قسمت اعظم کتیبه های حسینیه و مسجد ارشاد با بهره وری از دیدگاه های استاد صفیر انجام یافت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدمحمدعلی صفیر در کنار کارهای فرهنگی ، به دفاع از حریم تشیع و پاسخ شبهات و ایرادها در کنار علمای تهران همت گماشت. وی در فتنه ی کسروی ، همراه با آیت الله شیخ محمدحسن طالقانی رسماً علیه او در دادگاه شکایت نمود. استاد علاوه بر هنر استادی در انواع شعر در کارهای هنری نظیر خطاطی ، نقاشی ، طراحی و کاشی کاری نیز دست داشت. همچنین در فراگرفتن چند زبان کهن و خارجی کوشش نمود و زبان هایی چون عربی ، فرانسه ، عبری و پهلوی را به خوبی می دانست. در بسیاری از مساجد ایران و بلکه خارج ایران ، آثار طبع هنری او روی کاشی کاری ثبت و حک شده ، که از جمله ی آن مراکز مذهبی چون مسجد هدایت ، مسجد جامع نارمک ، حسینیه ارشاد ، مرقد مطهر حضرت رقیه (ع) در شام ، چند مسجد در هندوستان و پاکستان می توان نام برد. وی به امر علامه سیدمحمود طالقانی ، شعرهای کتیبه ی سردر حسینیه ارشاد و سردر بزرگ مسجد هدایت را سروده است.
آرا و گرایشهای خاص : سیدمحمدعلی صفیر در اشعار خود به « صفیر » تخلص می کرد. در زمان دکتر محمد مصدق و بنا بر پیشنهاد او ، تصویبنامه ای از هیئت دولت گذشت که نام خانوادگی صفیر مختص به وی باشد تا آن که شعرهایش با نام خانوادگی این شاعر یکسان و جاودانه شود. استاد صفیر دارای طبعی بلند و همتی زیاد و پشتکار و مجاهدت و استقامت در راه حق و حقیقت بود. در کلام و سخن گفتن ، صداقت و صراحت داشت. -
---
آثار :
1 تاریخ مختصر ایران
2 ترجمه ی دیوان اشعار امام علی (ع)

3 تصحیح انجیل برنابا
4 تصحیح دیوان شیخ محمود شبستری
5 خردنامه
ویژگی اثر : اثر منظوم ، در پند و اندرز.
6 درس دین
7 دیوان اشعار
ویژگی اثر : با بیش از پانزده هزار بیت.
8 ماتمکده ی شهید شیرخوار
ویژگی اثر : منظومه ای در صد بیت ، در رثای عبدالله رضیع (ع). ----------
---

منابع :
1مجله ی آینه پژوهش ، سال نهم ، شماره ی 54 ، بهمن و اسفند 1377 ، ص 114

صمیمی، غلامحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسین صمیمی
محل تولد : کریر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
از دست آوردهای بزرگ انقلاب اسلامی رهایی دانش از بند استبداد بود که سالیانی دراز چون دیگر فضایل انسانی در سایه حکومت ستم شاهی ، ناچیز و بی ارزش بود و پس از آن در تلالوء فجر پیروزی در لوای معارف بلند اسلام رخ نمود و امید در دل مشتاقان گشود و در همین افق بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سال 1359 وارد حوزه علمیه کاشمر شدم و چون پیش از آن در حزب جمهوری اسلامی که در آن دوران تشکلی زنده و مؤثر در برابر تبلیغات انحرافی گروهکهای التقاطی و ضد اسلامی مشعولیتی داشتم و فرصتی برای دروس و مطالعه نداشتم به پیشنهاد یکی از دوستان دور که از حوزه علمیه یزد به کوشه ای بی توشه و آماده از برای کسب دانش و مطالعه نام می برد بدانجا رفتم و درسها را از آغاز پی گرفتم ولی باز همان دل مشغولیتهای پیش به اضافه عضویت غیر رسمی در سپاه و بدین گونه بود تا پس از سه سال که چندی هم در مناطق جنگی و بویژه در محورهای عملیاتی کردستان سپری شد به قم آمدم و در مدرسه شهابیه ساکن شدم و در درس معالم آقای قاسمی کاشانی که اخلاق و منش به عنوان نخستین استاد در قم در من تأثیری ژرف داشت داشت شرکت جستم و ماهی چند خود نیز برای چند دانش آموز مقطع دبیرستان که آشنایی اتفاقی داشتیم در حرم حضرت معصومه (س) به تدریس شرح امثله و سپس صرف میر پرداختم. این کلاس تقریباً هر وقت از منطقه جنگی به قم می آمدم ادامه می یافت. و بدین گونه توفیقی آمد تا از جامع المقدمات کتابی چند مانند شرح امثله و صرف میر و شرح تصریف ، و الموذج تدریس شد .
سالیان بعد نیز در کنار فراگیری کتابهای سطح منطق کبری و شرح باب حادی عشر را تدریس نمودم .همراه با دروس خارج فقه و اصول و فلسفه و آیات الاحکام و تفسیر قرآن کریم هم در زمینه تاریخ که از خردسالی

بدان علاقه داشتم به کاوش پرداختم. این پژوهش که اکنون 12 ساله است غالباً در سده نخست اسلام بوده است و چهار سالی است که روزانه بین چهار تا پنج ساعت است که بهره اش 580 فیش تحقیقاتی و 360 ورق آچار است و روزهای پنج شنبه نیز در مسجد امام زین العابدین(ع) برای روحانیون تدریس سیره دارم سیره سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدود چهل مقاله هم در نشریات گوناگون.

صنعت، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1342 ش)، سازنده‌ی ساز. وی بهترین شاگرد یحیی تارساز و برادر بزرگ جعفر صنعت بود. صنعت تار را استادانه می‌ساخت و در تعمیر آلات موسیقی، بویژه تار و سه‌تار و تشخیص معایب آنها استعداد فراوان داشت. او در اواخر عمر به بیماری سختی دچار شد و پس از چندی درگذشت. استاد اصغر زنگنه و ابوالقاسم اعتمادی (مفتح السلطان) از شاگردان معروف وی بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (699، 697، 695 / 2)، سرگذشت موسیقی (172 -171 / 1)، مردان موسیقی (384، 365، 364، 339، 322، / 2).

صنیع خاتم، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1270 ش)، خاتم‌کار. ملقب به صنیع دیوان. وی برادر محمد حسین صنیع خاتم است. او به تعمیر و مرمت صندوقهای مزار ائمه اشتغال داشت و طراحی نقوش را به استادی طرح می‌کرد و با همکاری شاگردانش به پایان می‌رسانید. از آثار وی: تجدید ساخت ضریح نقره‌ای حضرت شاه‌عبدالعظیم، ساختن و پرداختن تالار خاتم کاخ مرمر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (902 / 2)، تاریخ برگزیدگان (534).

صنیع خاتم، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1331 -1262 ش)، خاتم‌کار. ملقب به امین الصنایع. در شیراز به دنیا آمد. خاتم‌سازی را، در شیراز، نزد پدر فرا گرفت و هنگام سلطنت رضاخان به تهران آمد و مأمور کارهای خاتم‌کاری کاخهای سلطنتی گردید و به کمک جمعی از خاتم‌سازان ماهر، تالار خاتم را در ضلع شرقی کاخ مرمر پدید آورد. از 1310 ش تا پایان عمر به سمت استاد خاتم‌سازی در اداره هنرهای زیبا اشتغال داشت. اهل فن، اصالت کارهایش را ستوده‌اند. وی در شیراز درگذشت و در همان جا دفن شد.[1]
(از ع. خاتم ساز) محمد حسین بن محمد کاظم خاتم ساز (و. شیراز 1262- ف. شیراز 1329 ه.ش.). وی در خانواده‌ای خاتم ساز متولد شد و خود از سال 1310 ه. ش. تا پایان عمر سمت استادی خاتم‌سازی در اداره هنرهای زیبای کشور را داشت. از آثار مهم او تالار خاتم‌کاری کاخ مرمر است (به طول 8 متر و عرض 6 متر). دیوارها و سقف و اثاثه این تالار همه از خاتم عالی ساخته شده. وی در 1336 ه.ق. به امین‌الصنائع ملقب گردید و علاوه بر مهارت در خاتم سازی، خطوط شکسته و نستعلیق را خوب می‌نوشته و گاه شعر می‌سروده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار نقاشان (706 / 2)، تاریخ برگزیدگان (535 -533)، دایره‌المعارف فارسی (1581 / 2).

صنیع همایون اصفهانی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1276 ق)، نقاش، مذهب و قلمدان‌ساز. ملقب به صنیع همایون. وی نواده‌ی آقا نجفعلی نقاشباشی است که در اصفهان چشم به جهان گشود. او در ابتدای کار از پدر هنرمندش فیضها برد و بعد در خدمت میرزا آقا امامی و محمد باقر سمیرمی و سایر استادان دیگر به کس هنر اشتغال داشت. صنیع همایون در صورت‌سازی و چهره‌پردازی نازک‌قلم و در گل و مرغ و منظره‌پردازی پراعتبار بود و در تذهیب و آبرنگ مهارت داشت و اغلب قلمدان و قاب آینه و جلد کتاب می‌ساخت. سبک او متأثر از شیوه‌ی عباس شیرازی و محمد ابراهیم اصفهانی، ولی در عین حال متمایز از آن دو استاد است. از آثار وی: قلمدان تابوتی بزرگی که در داخل مدالیون رویه‌اش، تصویر زنی است که به متکایی تکیه داده و در دو دماغه قلمدان، صورت شیر ارائه شده، با رقم: «عبدالحسین صنیع همایون 1338»؛ قلمدانی با تصاویر دخترانی با آرایش زنان فرنگی، بر رویه‌ی قلمدان تصویر شده و در زمینه‌ی آن، منظره‌ی سرسبز درختان و کوهسارهای فرح‌افزا دیده می‌شود، با رقم: «عبدالحسین صنیع همایون 1324»؛ تصویر رنگ و روغنی مجلس پذیرایی شاه طهماسب از همایون شاه با رقم: «عمل کمترین صنیع همایون».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (321 -320 / 1)، تاریخ اصفهان (337 -335)، تاریخ هنرهای ملی (1030 / 2)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (158 -157).

صنیع همایون، عبداللطیف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، قلمدان‌ساز. از هنرمندانی است که در گل و مرغ و جانورسازی مهارت داشت. از آثار وی، قلمدان گل و مرغی خوش طرحی است که به شیوه‌ی آقا ابراهیم ترسیم شده با رقم: «عمل کمترین عبداللطیف صنیع همایون 1341».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (343 / 1).

صنیعی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. هنرمند گمنام دوره‌ی ناصری بود که در قلمدان‌سازی و کارهای روغنی دست داشت. از آثار وی قلمدان زیبایی است که در رویه‌ی آن تصاویر چند دختر جلب‌نظر می‌کند و فرشته‌ای با پرهای طلایی خود رد مقابل آنها نشسته و با آنها صحبت می‌کند. در طرفین صحنه وسط، دو درخت موزون که یکی برگهای سبز و دیگری زرد پاییزی دارد دیده می‌شود و در جنب آنها مجلس پرحالت شیخ صنعان و دختر ترسا در نازک‌قلمی استادانه تصویر شده، با: «رقم صنیعی 1270».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (288 -287 / 1).

صیاد، عبدالعزیز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شعبان عبدالعزیز صیّاد
استاد صیاد از جمله قاریان بنام کشور مصر می‌باشد. وی در کودکی موفق به حفظ کل قرآن گردید و مدارج و طبقات قرآنی را با موفقیت پشت سر گذاشت و در عنفوان جوانی جهت قرائت قرآن به رادیو مصر دعوت شد، وی از جمله قاریانی است که به سبک خاص خود تلاوت می‌کند و در این زمینه صاحب سبک می‌باشد.
استاد در قرائات سبعه تبحّر خاصی دارد، به خصوص قرائت حفص از عاصم و ورش از نافع که در این دو قرائت از اساتید بنام خود اجازه قرائت دارد.
وی به کشورهای مختلف دنیا سفر کرده است که از آن جمله سفر به کشور جمهوری اسلامی ایران در سال 1370 ه.ش می‌باشد.
ایشان به مناسبت سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، به دعوت رادیو قرآن به ایران آمد و در شهرهای تهران، مشهد، قم، اصفهان و رشت، دل‌های مشتاقان به قرائت قرآن را لبریز از نور معرفت الهی نمود.
از استاد صیاد تلاوت‌های مشهور بسیاری از جمله تلاوت سوره‌های فرقان، کهف، نجم، قمر، إسراء و آل عمران به جای مانده است.
منابع زندگینامه :http://st-golbangenamaz.ir

طالب، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مهدی طالب استاد و مدیر گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی طالب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران ، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه و نیز در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه دانیل فوشه – میرال تولوز فرانسه و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی مقایسه ای منابع معیشت در سه روستای ایرانی با خصوصیات طبیعی مختلف» و در دوره دکتری بوده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص سوابق خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر طالب می توان مواردی همچون «معاون آموزشی دانشکده»، «مدیر گروه تعاون و رفاه اجتماعی»، «رئیس توسعه تحقیقات تعاونی» و «سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس مهدی طالب «اصول اندیشه های تعاونی»، «تامین اجتماعی»، «تامین ورفاه اجتماعی» و «زمینه ها و شیوه های همکاری درجا» (در مقطع کارشناسی) و «رهبری ومدیریت»، «روش تحقیق درتوسعه و رفاه اجتماعی»، «مدیریت روستائی»، «تحولات جامعه روستایی ایران»، «روش تحقیق درتوسعه»، «سازمانهای مشارکتی روستائی»، «سیستم های اطلاعاتی مدیریت»، «طرح تحقیق»، «مدیریت روستائی» و «مطالعه تطبیقی تجارب توسعه درکشور» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار : مهدی طالب مولف کتب «چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (1369)،«روش تحقیق در علوم اجتماعی»(1370)، «مدیریت روستایی در ایران»(1371)، «جامعه شناسی اعتبارات روستائی در ایران»(1373)، «اصول و اندیشه های تعاونی»(1376)، «مدیریت روستایی در ایران»(1376)، «کتاب تامین اجتماعی»(1378)، «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)»(1380) و «جامعه شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران»(1384) و مقالات «مسائل و موانع جامعه شناختی توسعه روستایی در ایران»،

«عوامل موثر در تقطیع اراضی زراعی »، «شیوه های همیاری در جامعه روستایی ایران»، «واحدهای بهره برداری خانوادگی»، «اهمیت مفاهیم و اصطلاحات در علوم اجتماعی»، «عوامل اجتماعی مهاجرتهای روستایی»، «نقش واحدهای بهره برداری خانوادگی در توسعه کشاورزی»، «مسائل و مشکلات توسعه در ایران»، «طرحی برای مدیریت روستائی در ایران»، «فرهنگ شورائی و تاملاتی در مدیریت شهری»، «شوراهای اسلامی روستائی»، «فلسفه تعاونیهای مصرف»، «فلسفه قیمت گذاری در تغاونی مصرف»، «همیاری در ازدواج در ایران»، «قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروههای قومی در سیستان و بلوچستان»، «دلایل ناکامی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم»، «جایگاه رشته های مختلف علوم اجتماعی در مطالعات روستایی» و «بررسی جایگاه و نقش مطالعات بین رشته ای در مطالعه جوامع روستایی با تاکید بر ایران» است. علاوه براین، مقالاتی نیز با موضوعات «مقاله ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی »، «نقش تعاونی ها در صنعت روستا »، «عوامل اجتماعی موثر بر مهاجرت در ایران »، «شیوه های همیاری در جامعه روستائی ایران »، «علوم اجتماعی در کتب درسی »، «ترویج و واحدهای بهره برداری خانوادگی »، «جنبه های جامعه شناختی ترویج »، «لزوم تشکیل مشاع ها در کشور وزارت کشاورزی »، «نقش واحدهای بهره برداری در توسعه کشاورزی »، «استراتژی توسعه در فقر زدائی »، « نقش تعاونی ها در توزیع در ایران »، « مسائل و مشکلات تحقیقاتی اجتماعی در ایران »، « نگاهی دیگر به مقوله مسکن در ایران »، « بحران در خانواده »، « بررسی جامعه شناختی موانع بازگشت مهاجرین جنگ تحمیلی »، « اولویت های پژوهش فرهنگی در جامعه مدنی »، « نقش اعتبارات خرد در تامین عدالت اجتماعی »، « چالش های اساسی بازتولید سرمایه اجتماعی »، « اسلام و تکنولوژی سیردگرگونیهای اجتماعی و الزامات تکنولوژیک »، « اعتیاد و خانواده »، « Rural people participation in reconstruction of the quake struck region »، و ... را در سمینارها و همایشهای مختلف ارائه نموده اند . مسئولیت طرحهای تحقیقاتی مختلفی از جمله «نقش اعتماد اجتماعی در میزان کارآیی شوراهای اسلامی»(1386)، «بررسی عوامل موثر بر توسعه توریسم (مطالعه موردی: روستاهای بخش سامان از توابع شهرستان کرد)»(1385، «بررسی مدلهای توسعه در تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای مجلس: مطالعه موردی هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر تهران»(1386)، «انجام مطالعات اقتصادی اجتماعی در زمینه شیلات کشور و تعاونیهای صیادی»، «سرپرست بخش آموزش کمیته فرعی مقابله با حوادث طبیعی (زلزله) و انجام پروژه های مطالعاتی»، «طرح بسیج

توان فنی کشور برای مقابله با زلزله با مشارکت UNDP در ایران»، «مدیریت بخش تحقیقات اجتماعی و اقتصادی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مدیریت پروژه مطالعاتی مدیریت روستائی در ایران»، «مسئول شورای پژوهشی وزارت مسکن و شهرسازی و انجام مطالعاتی در زمینه مسکن و شهرسازی»، «مسئول شورای بررسی اقتصادی و اجتماعی وزارت مسکن و شهرسازی به مدت 4 سال و انجام مطالعات در زمینه مسکن و مسائل شهرسازی»، «مسئول شورای علمی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری و بررسی پروژه در دست اجرای مرکز مزبور»، «بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای مشهد»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای ایلام»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای سبزوار»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای بیرجند»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای نیشاپور»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای قاین»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای اراک»، «تک نگاری میکائیل آباد خلخال»، «تک نگاری (مونوگرافی) ده نو اراک»، «تک نگاری (مونوگرافی) ابراهیم آباد نیشابور با همکاری پروفسور موریو انو استاد ژاپنی»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای خلخال»، «بررسی تعاونیهای روستائی تهرانی»، «تک نگاری ساعتلو ارومیه (رضائیه) با همکاری پروفسور موریوانو»، «بررسی تعاونیهای تولید کنندگان مرکبات شمال»، «بررسی تعاونیهای ساوه»، «بررسی تعاونی تولید کنندگان پسته رفسنجان»، «بررسی تعاونی اعتبار کارگری اصفهان»، «بررسی ادغام خدمات روستائی در سه ده»، «بررسی تعاونیهای صنایع دستی اصفهان»، «بررسی تعاونیهای مسکن استان تهران»، «مشارکت در انجام طرح سطح بندی روستاهای کشور یکی از محققان»، «طرح جامع شیلات در ایران توسط موسسه مطالعاتی Cofrapeche»، «تراکم جمعیتی در شهرهای کشور » و «ساماندهی نظام آبیاری در ساوه و گرمسار»را نیز بر عهده داشته‌اند. آثار : 1 «اصول و اندیشه های تعاونی»(1376) ویژگی اثر : تالیف2 «جامعه شناسی اعتبارات روستائی در ایران»(1373) ویژگی اثر : تالیف3 «جامعه شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران»(1384) ویژگی اثر : تالیف4 «روش تحقیق در علوم اجتماعی»(1370) ویژگی اثر : تالیف5 «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)»(1380) ویژگی اثر : تالیف6 «کتاب تامین اجتماعی»(1378) ویژگی اثر : تالیف7 «مدیریت روستایی در ایران»(1371) ویژگی اثر : تالیف8 «مدیریت روستایی در ایران»(1376) ویژگی اثر : تالیف9 چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (1369) ویژگی اثر : تالیف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طاووس یمانی، ابوعبدالرحمان طاووس

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(106 -33 ق)، مفسر، قاری، فقیه، محدث، زاهد و صوفی. اصلش ایرانی است، در یمن به دنیا آمد. ابن‌جوزی اسم او را ذکوان و لقب او را طاووس آورده و گوید از آنجا که او طاووس القراء بود به طاووس مشهور شد. او از بزرگان تابعین و از راویان ابن‌عباس و ابوهریره و فقیهی گرانمایه به شمار می‌آید. مجاهد و عمرو بن دینار از وی حدیث روایت کرده‌اند. در و عظ خلفا و سلاطین بسیار بی‌باک بود. ابن‌عیینه گوید: سه تن، از سلاطین به دور بودند: ابوذر، طاووس و ثوری. گفته‌اند که او چهل مرتبه حج کرد و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد (ع) ذکر کرده، زیرا که وی راوی بعضی از ادعیه آن حضرت است. ابن‌قتیبه در «المعارف» به تشیع وی تصریح کرده و صاحب «روضات الجنات» او را در عداد فقهای شیعه شمرده، اما محدث نوری در «مستدرک الوسائل» آن را رد کرده و گوید که از هیچ یک از علما مطلبی دال بر شیعه بودن وی نقل نشده است. طاووس در مراسم حج، روز ترویه، درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (322 / 3)، اعیان الشیعه (396 -395 / 7)، التاریخ الکبیر (ج 2 ق 365 / 2)، تهذیب التهذیب (10 -9 / 5)، الجرح و التعدیل (ج 2 ق 501 -500 / 1)، حلیه الاولیاء (23 -3 / 4)، رجال طوسی (94)، روضات الجنات (139 -136 / 4)، ریحانه (23 -21 / 4)، سیر النبلاء (49 -38 / 5)، شذرات الذهب (134 -133 / 1)، طبقات ابن‌سعد (70 -66 / 6)، العبر (99 / 1)، الکنی و الالقاب (441 -439 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طاووس)، المعارف (268)، النجوم الزاهره (331 / 1)، وفیات الاعیان (511 -509 / 2).

طاهر اصفهانی، طاهر

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 786 ق)، قاری و شاعر. معروف به استادالقراء اصفهانی. از آثار وی: قصیده‌ی «طاهریه» در قرآآت دهگانه به روایت شاطبیه؛ «نظم الجواهر» قصیده‌ای در«اختلافات الآیات»، بر وزن شاطبیه «نظم الجواهر»، قصیده‌ای در رؤوس آیات. آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» و جای جای «الذریعه» و به تبع ایشان صاحب «تذکره القبور»، صاحب عنوان را تحت نام طاهر بن عرب بن ابراهیم اصفهانی، ملا فخرالدین ابوالحسن معروف به حافظ طاهر در ذیل علمای سده‌ی نهم قمری ذکر کرده و او را از شاگردان محمد بن محمد جزری و استاد نجم‌الدین محمد سعدی حموی شمرده و کتابهای بسیاری از جمله «الدر فرید»، در قواعد تجوید و «تجوید القرآن»، به فارسی را بدو نسبت داده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (396 -395)، الذریعه (69 -68 / 8 ،369 -368 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 71 / 9)، کشف الظنون (1961 ،1343 ،1341)، معجم المؤلفین (38 / 5)،هدیه‌العارفین (431 / 1).

طاهری قزوینی، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهندس علی اکبر طاهری قزوینی متولد سال 1311 در قم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به ترتیب در قم و تهران گذراند . سپس در دانشگاه تهران ، دانشکده ی فنی ، رشته ی مهندسی معدن را به پایان رساند . در حدود سال 1334 در کلاس خصوصی متشکل از ده / دوازده نفر از دانشجویان دانشگاه تهران در جلسات هفتگی درس تفسیر شرکت کرد ، که حدوداً یک سال ادامه داشت . استاد این کلاس ، شادروان آیت الله مرتضی مطهری بود و محل تشکیل کلاسها ، در مدرسه ی مروی و متن درسی ، جلد اول تفسیر المیزان ، اثر روانشاد علامه محمد حسین طباطبایی ، به عربی بود . در آن ایام هنوز این تفسیر گرانسنگ نه متنش به پایان رسیده بود و نه به فارسی ترجمه شده بود . دو تن از همدرسان نامدار آقای مهندس طاهری در این درس تفسیر قرآن ، شادروانان دکتر چمران و دکتر سامی بودند . پس از آن با همدرسان بیشتر در جلسات تفسیری روانشاد آیت الله سید محمود طالقانی در مسجد اسلامبول حضور یافت . این کلاس ، به دلیل اشارات و فعالیتهای سیاسی مرحوم آیت الله طالقانی ـ که امروزه اسناد آن به صورت کتاب دو جلدی مفصلی انتشار یافته است ـ پس از مدتی تعطیل شد ، و مرحوم آیت الله طالقانی دستگیر و زندانی شد . سالها بعد ، یعنی حدوداً دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سومین دوره و جلسات تفسیر هفتگی که این بار استاد آن ، مرحوم مهندس بازرگان بود ، شرکت جست که بسی بیشتر از دوره ی یک ساله ی پیشین ، به مدت 14 سال دوام یافت . مهندس طاهری علاوه بر شرکت در این جلسه ی قرآن پژوهی و تفسیر ، خود در ایام فراغت به مطالعه ی کتب قرآن شناسی به ویژه تفاسیر پرداخته و چون درک و دریافت عمیق و دقیق کلام الله ، نیاز به اطلاعات کافی در زمینه ی زبان و حتی ادب عربی دارد ، لذا دوره ی کاملی از دروس و کلاسهای عربی آموزی دارالعلوم العربیه را که مدیریت آن با دکتر نجفی بود ، با موفقیت طی کرد و از آن پس ، رفته رفته اندیشه ی اقدام به ترجمه ی جدید و امروزینی از قرآن مجید به فارسی ، به خاطر او راه می یابد . برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

طاهری یزدی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1278 ش)، مورخ. در یزد به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به تهران رهسپار شد و پس از پایان دوره‌ی متوسطه وارد مدرسه فلاحت تهران شد و از آنجا فارغ‌التحصیل گردید. در 1307 ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و عهده‌دار مشاغل مختلف گردید. اثر وی «تاریخ یزد» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (558 / 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (246 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (420 -419 / 1).

طایر، حاج طایر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، سازنده‌ی ساز و شاعر، متخلص به طایر. از صنعتکاران دارالصنایع و از نظر زمانی بر استاد فرج الله، مقدم بود. وی سازهای مختلفی می‌ساخته و از میان کارهای او سه‌تارهایش ممتاز و معروف است. حاجی طایر تعمیرکار ماهری بود و سه‌تارهای یحیای اول را سرمشق کار خود قرار می‌داد و اهل ذوق و شعر نیز بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ موسیقی (694 / 2)، سرگذشت موسیقی (169 / 1)، مردان موسیقی (338، 324 / 2).

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ادیب، محقق.
تولد: 1281(1315 ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلای اردستان).
درگذشت: 13 مهر 1372، تهران.
سید محود طباطبایی اردکانی دارای درجه‌ی کارشناسی در رشته‌ی فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال 1343 است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال 1347 موفق به اخذ دکتری شد.
وی از سال 1353 عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.
از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.
دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.
سال تولد: 1315، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی
زندگینامه
دکتر شادروان سید محمود طباطبائی اردکانی در سال 1315 دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال 1343 موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال 1347 در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال 1353 به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی ارتقاء یافت.
آقای دکتر طباطبائی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان 5 جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود 7 مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولد: 1315، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبائی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال 1343، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فرهنگ اسلامی در سال 1347.
مرتبه علمی:
عضویت در هیات علمی دانشگاه ابوریحان سابق در سال 1353، پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبائی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای 4 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 7، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طباطبایی نژاد، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود طباطبائی نژاد
محل تولد : اردستان
شهرت : طبائی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمود طباطبایی نژاد در سال 1356 پس از اخذ سیکل وارد حوزه علمیّه قم شدم شرکت در برنامه ها و تظاهرات انقلاب و سپس حضور در جبهه در کنار درس ادامه یافت ضمنا در همین دوران دیپلم خود را نیز گرفتم از جمله استادان عالیمقام من مرحوم مدرس افغانی مرحوم وجدانی و حضرت آیات اشتهاردی، فاضل و تبریزی، زنجانی، مددی ،شهیدی، مصباح یزدی و جوادی آملی بوده اند در سال 1371 به عنوان محقق جذب دارالحدیث گردیدم و هم اکنون مسئول گروه سیره و تاریخ در این موسسه می باشم

طبرسی، ابومنصور احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محدث و مورخ. از اهالی ساری مازندران و از ثقات محدثین و علمای بزرگ امامیه بود. او معاصر ابوالفتوح رازی و امین الاسلام طبرسی است. وی از مهدی بن ابی‌حرب حسینی مرعشی، از دوریستی، از شیخ الطایفه، شیخ طوسی، روایت کرده است. شیخ منتجب‌الدین (م 585 ق) و ابن‌شهر آشوب (م 588 ق) از شاگردان وی بودند. شهید اول در «غایه المراد» فتاوا و نظرات وی را بسیار نقل کرده است. وی در مازندران درگذشت و در روستایی نزدیک علی‌آباد (امام شهر فعلی) که امروز نام آن شیخ طبرسی است، دفن شد. از آثار وی: «الاحتجاج عی اهل اللجاج»، معروف به «احتجاج طبرسی» که سید ابن طاووس بر این کتاب و بر مؤلفش درود فرستاده و اکثر متأخرین از آن اخذ کرده و بارها به چاپ رسیده و از آن ترجمه‌هایی مربوط به قرن دهم باقی است؛ «الکافی»،در فقه؛ «فضائل الزهراء (س)»؛ «مفاخر الطالبیه»؛ «تاریخ الائمه».[1]
احمد ابن علی بن ابی‌طالب از ثقات محدثان و علمای شیعه در قر. 6 ه. وی با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی معاصر بود. شهید اول غایةالمراد، فتاوی و اقوال او را بسیار نقل می‌کند. اوراست: الکافی در فقه، الاحتجاج (شامل احتجاجاتی که پیامبر ص و ائمه 4 و یارانشان با مخالفان خود کرده‌اند)، مفاخرالطالبیة، تاریخ الائمة، فضائل الزهراء و غیره. بعض متأخران وی را به ساری منسوب دانسته، شاید منشأ این شبهه آن باشد که وی چندی در آن شهر زیسته است. سال وفاتش معلوم نیست (دکتر حسین کریمان).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (169 / 1)، اعیان الشیعه (30 -29 / 3)، ایضاح المکنون (259، 196/ 2، 213، 31 / 1)، بحارالانوار (9 / 1)، تاریخ نظم و نثر (371)، دایره‌المعارف فارسی (1614 / 2)، الذریعه (311 -310 / 21، 248- 247 / 17، 258 / 16، 236 / 14، 213 / 3، 282- 28 / 1)، روضات الجنات (74 -72 / 1)، ریاض العلماء (49 -48 / 1)، ریحانه (35 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 12 -11 / 6)، الکنی و الالقاب (445 -444/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (10 / 2)، هدیه الاحباب (194)، هدیه العارفین (91 / 1).

طرفه، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی طرفه
محل تولد : دشت آزادگان
شهرت : طرفی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/7/10
حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُـرفه مشهور به شیخ علی طُرفی 1- نسب 2- معرفی نیای پدری 3- زندگینامه 1- نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصیت معروف تاریخ که به بخشش و کَرَم مشهور است از دیار یمن است. و از عشیره بزرگ طِیّ. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام های طُرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داستان هایی که از فداکاری ها و ارادت او و فرزندانش نسبت به خاندان عصمت و طهارت خبر می دهند بسیار است. خانواده عدی پس از اسلام آوردن به خدمت پیامبر مکرّم اسلام به مدینه آمدند و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در دوره حکومت امیرالمومنین به کوفه هجرت کردند. عشیره بزرگ بنی طُرُف که از بنی طِیّ هستند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزستان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشیره اند. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدند و به ارادت به اهلبیت و مردمی بودن شهره اند.. 2- همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شیخ علی طرفی فرزند شیخ عیسی فرزند شیخ سالم فرزند شیخ محمد... آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزستان است. ایشان در جوانی به عشق معارف اهلبیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به20 سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال 41 با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی

طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زبانزد است. شیخ سالم پدربزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرکبی که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طیّ الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. 3- نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظله) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلیمن حاج شیخ علی طُرفی (طُرفه) دهم مهرماه سال 1328 دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت ا لله حاج شیخ عیسی طُرفی از علمای خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی(ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان سرانجام در سال 61 بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال 41 به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان شدم. من در آن زمان 13ساله بودم و همان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گذاشت به طوری که عاشق امام و سخنان و خط مشی انقلابی ایشان شدم. به گفته حجت الاسلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی

طَرفی با امام در شهر مقدس قم ملاقات کردند، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سیره امام، الگوی جاویدان زندگانیشان شد. این سیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال 1350 جهت تحصیلات حوزوی به شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسلام طَرفی از زمان شروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردید. در آن زمان ضمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضرت امام و منتسبین به بیت شریف ایشان از جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلّغین و مروّجین آن شد و با شرکت در راهپیمایی ها و پخش اعلامیه و... به انجام وظایف انقلابی پرداخت. در سال های 56 و 57 به منظور آگاهی بخشی به مردم مانند رساندن اعلامیه و نوار سخنرانی های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشست های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می کردند. اهم فعالیت های ایشان در سال های قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را مرور می کنیم: · شرکت در راهپیمایی ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی 19 دی قم. · تهیه نوارهای سخنرانی و اعلامیه های انقلابی و ارسال آن ها به آبادان و سایر شهرها. · تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبادان · تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم برای جوانان در در آبادان و آگاهی بخشی انقلابی در خلال جلسات. · سخنرانی های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. · سازماندهی و راه اندازی راهپیمایی در مناطق شهری و روستایی. · تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت الاسلام طَرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت ها چنین است: · تشکیل ستاد عشایر آبادان و نظارت بر کمیته های محلی که مشتمل برکمیته های مهم مرزی اروندرود بود. · حل مشکلات اجتماعی و اختلافی با تشکیل کمیته ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شعب دادگستری به صورت موقت بود. · مبارزه با قاچاق. · مبارزه با گروهک های منافق و کمونیست و انهدام پایگاه های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک های اقلیت و اکثریت در آبادان فعالیت داشتند. · مدیریت رادیو نفت ملی آبادان. · تشکیل مجمعا لخطبای آبادان. · تشکیل مجمعا لشعرای آبادان. · تأسیس مرکز الثقافی (مرکز فرهنگی) آبادان. · راه اندازی محافل شعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضبط و پخش آن از صدا و سیما. حاج شیخ علی طُرفی در مدت هشت سال دفاع مقدس و غیورانه از مرزهای ایران عزیز، دوشادوش

رزمندگان حضوری آگاهانه داشتند. پارها ی از فعالیت های ایشان در سال های دفاع و پس از آن چنین است: · حضور در جبهه ها از اولین روز شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسلامی · بیش از 12 سال نماینده حضرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه). · تهیه سلاح و مهمات جنگی و تدارک نیازمندی های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. · حضور مستمر درخطوط مقدم نبرد. · رئیس ستاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و تهیه و ارسال کمک های مردمی برای رزمندگان اسلام. · نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوسنگرد، بستان و هویزه. · نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسکن. · رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. · رییس ستاد اعزام روحانیون به جبهه دشت آزادگان. · سرپرست امور فرهنگی جهادسازندگی آبادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسئولیت های علمی، فرهنگی و سیاسی حجت الاسلام طُرفی: · بیش از 30 سال تحصیل و تدریس در حوزه های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سطوح نزد استادانی چون: مدرس افغانی، تهرانی، سید علی علوی، شیخ حسین قطیفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سید کاظم حایری. · بنای بیش از 40 باب مسجد و بنای حوزه علمیه و مصلای دشت آزادگان. · مسئول بخش عربی رادیوهای استان خوزستان. · مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. · سرپرست اداره اوقاف و امورخیریه آبادان. · رئیس شورای حل اختلاف دادگستری آبادان. ایشان صاحب تألیفات متعددی هستند که از آن جمله کتابب «آبادان در تاریخ اسلامی» و «مساجد آبادان» به چاپ رسیده است. و تألیفات دیگرشان از جمله «طیّ قبیله المؤمنه»، «نامه ی امام جعفر صادق علیه السلام به دولتمردان» ، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا أبی القاسم محمّد و علی أهل بیته الطّیّبین الطّاهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدّائم علی أعدائهم أجمعین إلی یوم الدین.

طریان، آلینوش

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
آلینوش طریان (متولد ۱۲۹۹-سن:۸۹ سال) فیزیک‌دانی ایرانی است.
دارای دکترای فیزیک از دانشگاه سوربن فرانسه است و نخستین زنی بود که در ایران در رشته فیزیک استاد دانشگاه شد. او نخستین رصدخانه خورشیدی و تلسکوپ خورشیدی را در ایران بنیان نهاد و نخستین شخصی بود که درس فیزیک ستاره‌ها (اختر فیزیک) را در ایران تدریس کرد. دکتر طریان را «مادر نجوم ایران» می‌نامند.
زندگی شخصی
دکتر آلینوش طریان یک ارمنی ایرانی است و از پدر و مادری تحصیل کرده متولد شده‌است. او به زبانهای فارسی، ارمنی، فرانسوی تسلط و با ترکی و انگلیسی آشنایی داشته‌است.
در سال ۱۳۸۲ فیلم مستندی به نام «سوی خورشید» از زندگی طریان ساخته شد که از مجموعه برنامه‌های «فرزانگان ایران» شبکه دوم سیما بود.
آلینوش طریان هرگز ازدواج نکرده‌است و ورثه‌ای ندارد. وی هم‌اکنون منزل خود را وقف به ارامنه جلفا و دانشجویانی که محل اسکان مناسبی ندارند کرده‌است و در سن ۸۹ سالگی در آسایشگاه سالمندان توحید زندگی می‌کند.
زندگی علمی
آلینوش طریان مدرک لیسانس خود را در سال ۱۳۲۶ از دانشگاه تهران دریافت کرد و همانجا به عنوان متصدی عملیات آزمایشگاهی دانشکده علوم استخدام شد. سپس برای بورس تحصیلی درخواست کرد ولی به دلیل زن بودن او، دکتر محمود حسابی که تحصیل را تا همینجا برای وی زیاد می‌دانست با این درخواست موافقت نکرد و آلینوش طریان به خرج خانواده خود به دانشگاه سوربن رفت و سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) از آن دانشگاه مدرک دکترا گرفت.
با وجود پیشنهاد استادی در دانشگاه سوربن، دکتر طریان با هدف خدمت به کشورش به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به عنوان دانشیار ترمودینامیک منصوب شد. در سال ۱۳۳۸ برای شرکت در بورسیه دولتی آلمان غربی در مطالعه رصدخانه خورشیدی انتخاب شد و پس از چهار ماه مطالعه به ایران بازگشت و در سال ۱۳۴۵ نقش عمده‌ای را در بنیان‌گذاری

نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی در ایران ایفا کرد.
خانم دکتر طریان در سال ۱۳۴۳ به مقام استادی در دانشگاه تهران رسید و نخستین شخصی بود که درس فیزیک ستاره‌ها (اختر فیزیک) را در ایران تدریس کرد.
آلینوش طریان بعد از ۳۰ سال تدریس، در سال ۱۳۵۸ درخواست بازنشستگی داد.
گفتاورد:
•من دانشجوها را خیلی دوست داشتم و بالطبع دانشجوها هم من را خیلی دوست داشتند و این مسئله باعث شده بود تا کوچکترین ناراحتی‌ای در دوران تدریسم احساس نکنم و با دانشجویانم مثل دوست رفتار می‌کردم و اصلاً خودم را نمی‌گرفتم. معلم باید مهربان باشد و مهربانی را باید به دانشجوها و دانش‌آموزانش یاد دهد چرا که این جوانان آینده کشور هستند. اگر اساتید بداخلاق باشند، نمی‌توانند درس اخلاق بدهند. •اساتید باید به طور مرتب مطالعه داشته باشند و باید اطلاعات خود را مطابق با مطالب روز کنند و دانشجویان هم باید خوب درس بخوانند.

طفال نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(448 -359 ق)، قاری، مسند و محدث. معروف به ابن‌طفال. اصل وی از نیشابور است.پدرش در مصر سکونت گزید و او در مصر به دنیا آمد. طفال فرشنده‌ی نوعی گل است.او از قاضی ابوطاهر احمد ذهلی و ابوالحسن بن حیویه نیشابوری و ابومحمد حسن بن رشیق و احمد بن محمد بن سلمه خیاش و عبدالواحد بن احمد بن ابی‌محمد بن قتیبه و احمد بن محمد بن هارون اسوانی و ابوطیب عباس بن احمد هاشمی حدیث روایت کرده است. سهل بن بشر اسفرانیی و ابوصادق مرشد بن یحیی مدینی و ابوعبدالله محمد بن احمد رازی و ابومحمد عبدالعزیز نخشبی و خفره، دختر مبشر بن فاتک، از وی حدیث روایت کرده‌اند. سلفی گوید که وی در مصر از مشاهر راویان ثقات تایید شده بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (68 / 4)، سیر النبلاء (665 -664 / 17)، شذرات الذهب (278 / 3)، العبر (293 -292 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طفال).

طوبی، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1174 ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بودکه در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (43)، الذریعه (651 / 9)، ریحانه (62 / 4).

طوسی، ابوابراهیم اسحاق

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(564- 655 ق)، قاری، محدث، ادیب و دانشمند. در مراکش ادب آموخت. قسمتی از «صحیح» مسلم را از دایی مادرش، ابوعبدالله بن زرقون، استماع کرد و قراآت هفت‌گانه را نزد علی بن هشام جذامی آموخت. او از ابومحمد بن عبیدالله حدیث شنید و از ابوعبدالله بن خلیل قیسی، آخرین شاگرد ابوعلی غسانی، اجازه روایت داشت. ابوجعفر بن زبیر از شاگردان وی بود. طوسی هر روز قرآنی ختم می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (301 -300 / 23)، الوافی بالوفیات (398 / 8).

طوسی، رضی‌الدین، ابوالحسن مؤید

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(617 -524 ق)، قاری، مسند و محدث. «صحیح» مسلم را از فراوی و «صحیح» بخاری را از وجیه و ابوالمعالی فارسی و عبدالوهاب بن شاه و «الموطأ» را از هبه‌الله سیدی و «تفسیر ثعلبی» را از عباسه عصاری و «الوسیط» واحدی را از عبدالجبار خواری و «الغایه» ابن‌مهران را از زاهر بن طاهر و «الاربعین» حسن بن سفیان را از فاطمه دختر زعبل و همچنین «جزء» ابن‌نجید را استماع کرد. او را ثقه‌ای نیکوکار و قاری درست‌کرداری توصیف کرده‌اند. گروه بسیاری از دانش‌پژوهان به سویش آمدند. علامه جمال‌الدین محمود ابن حصیری و ابن‌صلاح و قاضی خویی و ابن‌نقطه و برزالی و ابن‌نجار و ضیاء و مرسی و صریفینی و مجد اسفراینی و علی بن یوسف صوری و شمس‌الدین زکی بیلقانی و مفضل قرشی و احمد بن عمر باذبینی و کمال بن طلحه و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. تاج‌الدین عصروی و ابن‌عساکر و عبدالواسع ابهری و زینب کندیه از وی اجازه روایت داشتند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (107 -104 / 22)، العبر (176 / 3)، النجوم الزاهره (222 / 6)، وفیات الاعیان (346 -345 / 5).

طوسی، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمّد گندم نژاد طوسی، مشهور به سعید طوسی در سال 1344 شمسی در مشهد مقدس متولد شد. وی از پنج سالگی شروع به آموختن قرآن کریم نمود. ابتدا در یکی از مکتب‌خانه‌های مشهد که قرآن را به سبک هجی تدریس می‌نمودند، به مدت یک سال شرکت کرد و سپس در جلسات قرائت به طور مستمر حضور داشت.
ایشان از سال 1372 در مسابقات سازمان حجّ و اوقاف شرکت کرد و تا سال 1377 حائز رتبه‌های مختلفی شد. در مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن کریم در سال 1372 در سوریه و در سال 1373 در عربستان سعودی به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران شرکت داشت. سرانجام در سال 1377 در مسابقات بین المللی مالزی، در میان سی کشور جهان، رتبه اول را به دست آورد.
ایشان جهت نشر و اشاعه فرهنگ قرآن کریم، نه بار به حج مشرف شده و به کشورهای سریلانکا، چین، کویت، امارات، بنگلادش، پاکستان، آذربایجان شوروی و سوریه سفر نموده است.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

ظاهری، خلیل

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 893 -872 ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در 840 ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک»و خلاصه آن به نام «زبده کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالک» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضیئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر،در چندین مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (367 / 2)، ایضاح المکنون (596 / 2 ،460 / 1)، ریحانه (44 / 8)، کشف الظنون (1523 ،1496 ،953 ،305 ،97)، معجم المؤلفین (120 / 4).

ظهیر کازرونی، علی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(611- ح 697 ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می‌کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیه»، در لغت؛ «التنزلات» کازرونی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (155 / 5)، ایضاح المکنون (715 714 / 2 ،328 / 1)، ریحانه (76 / 4)، کشف الظنون (1923 ،1013 ،923 ،494)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (232/ 7)، هدیه العارفین (715 / 1).

عابدینی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل عابدینی
محل تولد : مرند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابوالفضل عابدینی استادیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، در سال 1329 در مرند (آذربایجان شرقی) متولد شده و تحصیلات ابتدایی را در آن شهر گذرانده سپس به تبریز هجرت کردم و در مدرسه طالبیه تبریز (حوزه علمیه) تحصیلات حوزوی را شروع کردم و در ضمن دروس جدید را هم ادامه دادم. (1342) سپس به شهر قم رفتم، منطق و اصول و لمعتین و رسائل و مکاسب را پیش اساتید بزرگ جناب آقای پایانی و جناب آقای سبحانی خواندم (تا پایان سطح) در کنار علوم دینی، دروس جدید را هم تا دیپلم ادبی و سپس در سال بعد دیپلم تجربی را پشت سر گذاشتم (2 دیپلم گرفتم ادبی و تجربی). در سال 1353 در دانشگاه تهران در رشته تاریخ قبول شدم یکی دو سال از قم به تهران تردّد می‌کردم و سرانجام به قول طلبه‌ها سلب توفیق شده و ناچار از قم بریدم و برای همیشه ساکن تهران شدم. در سال 1355 لیسانس گرفتم ـ مجدداً دوره فوق‌لیسانس را در همان دانشگاه ادامه دادم. به انقلاب و انقلاب فرهنگی خورد ـ مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شد. سرانجام در سال 1364 فوق لیسانس گرفتم.در سال 1369 از طریق اعزام دانشجو به خارج، از طریق وزارت علوم به کشور فرانسه برای اخذ دکترا، اعزام شدم 2 سال در فرانسه بودم، بنا به دلایل سیاسی و فرهنگی نتوانستم در آنجا ادامه تحصیل بدهم، ناتمام برگشتم. مجدداً برای دکترا امتحان دادم و در دانشگاه شهید بهشتی ادامه تحصیل دادم و سرانجام از آن دانشگاه دکترا گرفتم. و هم اکنون به کار تدریس و تحقیق و پژوهش مشغول هستم.

عارف عجمی، فتح الله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 969 ق)، شاعر و مورخ. از شاعران عهد سلطان سلیمان‌خان عثمانی قانونی و شاهنامه‌چی او بود. اشعار بسیاری درباره‌ی سفرها و جنگها و مدح وی سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (80 / 4)، لغت‌نامه (ذیل/ عارف عجمی).

عاقلی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا عاقلی
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا عاقلی فرزند اکبر دارای پرونده در حوزه مبارکه 13734 پس از اخذ دیپلم در سال 63 ـ 62 در کنکور همان سال شرکت کرده و در رشته فنی مهندسی (مخابرات و الکترونیک) قبول شدم، اما از آنجا که علاقه وافری به فراگیری دروس حوزوی داشتم، علیرغم فشار اطرافیان، حوزه مقدسه را را مقدم بر دانشگاه دانسته و حاضر به ورود به دانشگاه نشدم، لذا با همان مدرک قبولی کنکور وارد حوزه مقدسه علمیه شدم که این را از الطاف حفیه الهی می‌دانم، در بدو ورود به مدت دو سال (به علت عدم پذیرش حوزه علمیه قم از داوطلبان شهرستانی) در حوزه علمیه یزد (مدرسه امام خمینی(ره)) درس حوزه را آغاز و پس از دو سال به قم عزیمت نموده، پس از امتحان ورودی در مدرسه المهدی(عج) حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی(ره) به ادامه تحصیل دروس حوزه پرداختم که بحمدالله به مدت 10 سال دوران سطح را با موفقیت به پایان رسانده، سپس در دروس خارج حوزه ادامه دادم.
در اثناء، دوره تخصصی تفسیر را بحمدالله سپری نموده، و در آزمونهای متعددی که از طریق نهادها و ارگانها من جمله: آزمون حج، که لطف خاص الهی شامل حال این حقیر شده و بحمدالله هر ساله در خدمت زائرین بیت الله الحرام می‌باشم.
همچنین در آزمون نهاد ولی فقیه در دانشگاهها شرکت کرده، و در گرایش تاریخ اسلام شرکت کرده که بحمدالله بعد از موفقیت در آزمونهای کتبی، شفاهی و مصاحبه، به عنوان استاد در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شده، که مدرک آن نیز موجود می‌باشد.
و به زودی به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان مسئول واحد فرهنگی آن دانشگاه، کار خودم را شروع خواهم کرد انشاء الله.
در طول سفرهای تبلیغی نیز لطف الهی شامل این حقیر بوده، که در

چندین جا با یاری مردم و همکاری آنان چند باب مسجد و حسینیه بنا گردیده مِن جمله: در یکی از روستاهای رفسنجان، در یکی از روستاهای بخش گلباف، در یکی از روستاهای مرکزی شهرستان کهنوج، چندین مرتبه سپاه پاسداران کرمان از این حقیر جهت همکاری دعوت به عمل آورده، اما از آنجا که علاقه‌ام به درس و بحث بیش از کارهای اجرایی است حاضر به قبول آن نشدم و نیز عدم قبول امامت جمعه برای یکی از شهرستانهای کرمان، که خداوند لطف نمود که از پذیرش آن استنکاف ورزم.

عالم‌زاده، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دکترای فرهنگ و تمدن اسلامی از دانشگاه تهران، تدریس در دانشگاههای فردوسی مشهد، تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی از سال 1353.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تاریخ اسلام، تاریخ تشکیلاتی اسلامی، تاریخ هنرهای اسلامی، تاریخ فرق و مذاهب، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 24 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ اسلام، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 30، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تاریخ و تمدن ملل اسلامی (تاریخ اسلام، تشکیلات و سازمانهای حکومتی، هنرهای اسلامی)
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عاملی رنانی، سعیدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سعیدرضا عاملی رنانی دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (1371) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (1374) و مدرک دکترای را در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway University of London (1380) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : ارتباطاتتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر سعیدرضا عاملی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (1371) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (1374) و مدرک دکترای را در در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway University of London (1380)) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، « ارتباط بین تلویزیون و باورها و رسومات مذهبی» و رساله دوره دکترا « تاثیر جهانی شدن بر هویت مسلمانان بریتانیا» می باشدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریت سعیدرضا عاملی رنانی به قرار زیر است: • موسس و عضو هیئت امنای کالج اسلامی مطالعات پیشرفته ـ لندن از 1997 تا به حال • موسس و رئیس موسسه ی مطالعات اسلامی ـ لندن 1997ـ 1999 • موسس و عضو هیئت امنای موسسه ی اسلامی حقوق بشر ـ لندن از 1997 تا به حال • عضو کمیته ی بین المللی مطالعات جهانی ـ لندن از 2002 تا به حال • عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران ـ گروه ارتباطات از 2001 تا به حال • موسس و رئیس موسسه مطالعات امریکای شمالی و اروپا از مهرماه 1383 تا کنون • عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده ی علوم اجتماعی ـ دانشگاه تهران • عضو هیات تحریریه "دانشنامه علوم اجتماعی",دانشگاه تربیت مدرس 1383 • عضو هیات تحریریه "پژوهشنامه جهانی شدن",مرکز ملی مطالعات جهانی شدن 1386 • معاون طرح و برنامه دانشگاه تهران,سازمان مرکزی دانشگاه تهران دفتر طرح و برنامه 1387 • سرپرست دانشکده مطالعات جهان,دانشکده مطالعات جهانفعالیتهای آموزشی : موارد تدریس سعیدرضا عاملی رنانی : ارتباطات وفرهنگ، جهانی شدن ارتباطات، سمینارمسائل سیاسی واستراتژی معاصر، فلسفه

رسانه های جمعی، مطالعات فضای مجازی، نقدوتفسیرومقاله درمطبوعات (مقطع کارشناسی). سمینار ، قوم شناسی و ساختار حکومتی و قانون اساسی، ارتباطات وفرهنگ، جامعه شناسی جهانی شدن ، جهانی شدن وفرهنگ، جامعه شناسی ارتباطات بین فرهنگی، جهانی شدن وفرهنگ، مسائل رسانه ای ایران وجهان، مطالعات فضای مجازی ، مقدمه ای بر مطالعات آمریکای شمالی(مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است.چگونگی عرضه آثار : تعداد راهنمایی پایان نامه دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب 1 و24 تعداد طرحهای تحقیقاتی:14 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:13 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی:7 مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در ایران: 19 مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در خارج از کشور : 41 موردآثار:nbsp1 Dual Citizenship: British, Islamic or Both Obligation, Recognition, Respect and Belonging, London, IHRC, – co- authors, Saied R. Ameli Arzu Mirali ویژگی اثر : بزبان خارجی-20042 Globalization, Americanization and British Muslim Identity, London, ICAS Press ویژگی اثر : بزبان خارجی-20023 Secular or Islamic? What Schools do British Muslims want for their children?, London, IHRC, Co-authors, Saied R. Ameli , Alya Azam, Arzu Mirali ویژگی اثر : بزبان خارجی 20054- Social Discrimination: Across the Muslim Divide, London, IHRC, Saied R. Ameli, Manzur Elahi Arzu Merali ویژگی اثر : بزبان خارجی-20045 ارزیابی فضای مجازی ایرانی ویژگی اثر : تالیف-13866 دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف-1385

عباسعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، میناساز. از هنرمندان زبردست بود که در چهره‌نگاری و شبیه‌سازی و ارائه‌ی گل و مرغ و پرندگان استعداد فراوان داشت. از آثار وی سر قلیانی است که در حاشیه و کناره‌های آن، تصاویر زنان و دخترانی به شیوه‌ی فرنگی آرایش یافته است. در بین تصاویری که در مدالیونهای متعدد انجام یافته، مرغی دیده می‌شود که در ترنجهای کوچک نقش بسته و در حواشی و زیر آتشدان، تصویر خورشید جلوه نموده است و رقم «عباسعلی» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (297 / 1).

عباسی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای محمد عباسی در 25 اسفند ماه سال 1345 هـ.ش در شهر تهران در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود جوّ مذهبی خانواده و اشتیاق پدر و مادر برای پرورش قرآنی این کودک، نخستین بارقه عشق به قرآن را در نهاد ایشان به ودیعه نهاد از این رو به تدریج شعله و این اشتیاق در درونش وسعت می گرفت و او را به جلسات و محافل انس با این کتاب سعادت می کشاند. در سالهای 53 تا 54 هـ.ش پدر ایشان تمامی فرزندانش، از جمله محمد را در فصل تابستان به مسجد محل خودشان یعنی مسجد موسی بن جعفر (ع) می بدر تا فرزندانش نخستین الفبای فراگیری کتاب خدا را بیاموزند و محمد که اشتیاق زاید الوصفی در فراگیری کتاب وحی داشت در جلسات درس می درخشید. استعداد ایشان در این مسیر آن چنان بود که استاد جلسات از او می خواست تا در غیابش کلاس درس را اداره کند و او هم که کودکی بیش نبود برنامه تدریس را از جزء سی ام قرآن دنبال می کرد. در همان ایام محمد عباسی بنا به توحید استاد روحانی اشان در مسابقه ای شرکت کرد و با عنایت الهی جزء نفرات برتر انتخاب شد و عکسش را در یکی از مجلات فرهنگی آن زمان به چاپ رساندند و بدین سان موفقیت او در امر فراگیری قرآن روز بروز چشمگیرتر از گذشته می شد.
در سال 57 در همان ایام اوج درگیریهای مردم با رژیم طاغوت، محمد عباسی بهمراه تنی چند از دوستانش در مسجد محل گرد هم می آمدند و آیات الهی را تلاوت می کردند در این جلسات ایشان با تقلید از نوارهای مرحوم عبدالباسط گامهای اولیه تلاوت طی می کرد و بتدریج با اجازه امام جماعت مسجد و مسئول بسیج مسجد آقای عباسی قبل از نماز مغرب و عشاء، بصورت زنده در مسجد به تلاوت قرآن می پرداخت. همین تلاوتها و گفتن تکبیر و اذان استعداد نهفته ایشان را بارور کرد.
اقای عباسی در کنار فعالیتهای معمولی از سال 1360 تا کنون به تدریس قرآن نیز اشتغال دارد. ایشان بنابه توصیه استادانش، استاد خدام حسینی، نسبت به یادگیری موضوعی و تفسیر مفاهیم قرآن هم وارد این زمینه شد و در همین ایام مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قرآنی و حدیثی از دانشگاه تهران دریافت کرد. آقای محمد عباسی همچنین از سال 1365 بمدت دو سال به فراگیری دروس حوزوی در مدرسه علمیه آیت الله

مجتهدی پرداخت آقای عباسی علاوه بر این دارای مدرک ممتاز خوشنویسی در رشته خط نستعلیق از انجمن خوشنویسان تهران نیز هست و در این زمینه از استاد هاشم زمانیان بسیار یاد می کند.
آقای محمد عباسی در سال 1368 ازدواج کرد و ثمره این ازدواج دو فرزند است و ایشان از همسرشان بعنوان یکی از عوامل پیشرفت و موفقیت خود در مسیر تلاوت یاد می کندو معتقد است که با همیاری و همفکری و کمکهای همسرش توانسته است در مسیر فعالیتهای قرآنی موفق باشد. آقای محمد عباسی در آغاز کار تلاوت بمدت 3 سال از استاد عبدالباسط تقلید کرد پس با توصیه استادش به تقلید از استاد مرحوم، منشاوی و مرحوم استاد مصطفی اسماعیل پرداخت و کمتر از حدود 6 سال به صورت تقلید از این اساتید به تلاوت ادامه داد.
سپس به تلفیق الحان اساتید برجسته ای چون مصطفی اسماعیل، کامل یوسف البطئینی و شعیشع پرداخت و با ترکیب الحان تلاوت این اساتید سبکی ویژه برای خود برگزید.
بهمین دلیل آقای عباسی نیز چون سایر اساتید تلاوت به قاریان قرآن سفارش می کند که در ابتدای کار با تقلید از تلاوت قاریان برجسته مصری به تلاوت بپردازند و به تدریج برای خود سبکی برگزینند تا بتوانند از استعدادهای خود در مسیر تلاوت به خوبی بهره بگیرند. در سال 1360 مسابقه ای از سوی اوقاف برگزار شد که آقای محمد عباسی در این دوره ا مسابقات به عنوان نفر چهارم برگزیده شد در این سال برای اولین بار قاریان برتر به تعداد 72 نفر به حج اعزام شدند و آقای عباسی نیز جزء این گروه بود.
آقای عباسی در سال 67 در مسابقات سراسری قرآن که در کرمان و از سوی اوقاف برگزار شد با کسب رتبه سوم به هندوستان اعزام شد ولی در مسابقات بین المللی قرآن کریم هندوستان رتبه نخست را از آن خود نمود ایشان همچنین در سال 71 در مسابقات سراسری طلاب علوم دینی در قم و نیز در مسابقات بین المللی ایران نفر اول و در مسابقات بن المللی قرآن در کشور مالزی در سال 73 رتبه دوم را بدست آورد.
آقای محمد عباسی نخستین تلاوت رسمی خودش را در سال 1358 در مسجد قنات اباد تهران اجرا کرد که این تلاوت از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد پس از بازگشت از مسابقات کشور هندوستان در سال 67 خدمت حضرت امام خمینی (ره) مشرف شد و او با قرائت در مقام معظم رهبری که در آن سال ریاست جمهوری را بعهده داشت مورد تفقد معظم له قرار گرفت. آقای محمد عباسی هم چنین به مدت 16 سال در برنامه قرآن صبحگاهی رادیو به تلاوت می پرداخت که این تلاوت از ساعت 6 صبح از رادیو پخش می شد آقای محمد عباسی در حال حاضر کارشناس

ارتباطات و صنعت هوایی در داشکده صنعت هواپیمایی کشوری و نیز مدیر روابط عمومی این دانشکده است جلسات تلاوت و تدریس آقای عباسی از سال 58 تا 67 در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) تهران و از سال 72 تا کنون در مسجد نظام مافی واقع در خیابان آیت الله کاشانی در روزهای شنبه بعد از نماز مغرب و عشاء تشکیل می شود.
یکی زا ویژگیهای جلسات آقای عباسی توجه همزمان به مفهوم آیات در هنگام تلاوت و آموزش اصول صوت و لحن است علاوه بر این ترجمه آیات و احادیثی در رابطه با آن در جلسات مطرح می شود.
آقای عباسی علاوه بر تلاوت به ابتهال و مدیحه خوانی هم علاقه دارند و در برخی از اجراهای استاد آذر در دعا و در کرهای دسته جمعی گروه ایشان به تک خوانی هم پرداخته است مثل اجرای ربنا که در ایام ماه مبارک رمضان پخش شده است.
آقای عباسی ضمن تلاوت در شهرهای مختلف کشور تا کنون به 17 کشور جهت اجرای تلاوت سفر کرده است.

منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

عبدالائمه

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. عبدلائمة، بنده امامان) سازنده اسرطاب و استاد رسم دوایر فلکی (قر. 9 ه.) از ساخته‌های وی دو اسطرلاب بزرگ در تهران موجود است: یکی در مدرسه سپهسالار ناصری و دیگری در تصرف آقای سید جلال‌الدین تهرانی، و هیچ یک دارای تاریخ نیست و فقط به خط نسخ نوشته شده: صنعه عبدالائمة.
(س دوازدهم ق)، نقاش فلزات و اسطرلاب‌ساز. وی در هنر خود شهرت داشت و به رموز و دقایق اسطرلاب واقف بود. او همچنین در علم هیئت و ستاره‌شناسی نیز صاحب کمال بود و در نقوش دقیق و ارائه‌ی محاسبات افلاکی و درج دوایر بروج به روی فلزات سخت، مهارت داشت. از شاگردان نامدار وی، استاد محمد طاهر بن محمد امین است که آثاری استادانه از خود به یادگار دارد. از آثار او: اسطرلاب نفیسی، با رقم: «صنعه عبدالائمه 1127»؛ اسطرلاب دیگری بار رقم «...صنعه عبدالائمه»؛ اسطرلاب نفیسی که در مرکز آن رقم «صنعه عبدالائمه» دارد؛ اسطرلابی که روی دایره‌ی انتهایی صفحه رقم «صنعه عبدالائمه» دارد.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار نقاشان (298 / 1).

عبداللهیان، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حمید عبداللهیان در سال 1336 در شهرستان شاهرود متولد شد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی تاریخی و ارتباطات از دانشگاه کارلتون -کانادا در سال 1375 است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشار دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تاریخی و ارتباطاتوالدین و انساب : پدر حمید عبداللهیان علی اصغر عبداللهیان کارمند اداره ثبت احوال شاهرود و نام مادر محترمشان خانم طاهره قریشی خانه دار است.خاطرات کودکی : دوران کودکی حمید عبداللهیان در میان طبیعت شهر شاهرود سپری شد او در دوران نوجوانی به فوتبال علاقه مند بود . از بدترین خاطره ایشان از دست دادن پدرش در سن هشت سالگی اش بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر حمید عبداللهیان کارمند اداره ثبت احوال بودو بعد از فوت ایشان وضعیت مالی خانواده حمید عبداللهیان مناسب نبود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی حمید عبداللهیان به ترتیب زیر است: - دوران ابتدایی را در دبستان خاقانی - در سال 1355 دوره متوسطه را در دبیرستان شاهپور (دکتر شریعتی فعلی) - مهر ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۶۳، دانشجوی کارشناسی در دانشگاه تهران (پژوهشگری) - بهمن ۱۳۶۳ تا بهمن ۱۳۶۶، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران - ژانویه ۱۹۹۰ تا آبان ۱۹۹۶، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی در دپارتمان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون کانادا - ژانویه ۲۰۰۳ تا ژانویه ۲۰۰۴، فرصت مطالعاتی و استاد مهمان در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون در اتاوا، کانادا. عنوان پایان‌نامه دکتر عبداللهیان : موانع تاریخی در راه توسعه تولیدات کشاورزی در مناطق روستایی پیش از سرمایه‌داری در ایران؛ مطالعه موردی مالکیت غیابی. استاد راهنما : پروفسور بروس مک فارلین، دانشگاه کارلتون، اوتاوا، کاناداخاطرات و وقایع تحصیل : در دوران دانشجویی حمید عبداللهیان در دانشگاه تهران در گیر جنبش دانشجویی بود و در سال 1357 نیز وقایع انقلاب اسلامی را تجربه کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : حمید عبداللهیان در کنار تحصیل به فعالیت های سیاسی می پرداختند و در سن 19 سالگی ازدواج کرده و اولین فرزندش در سن 22 سالگی وی بدنیا آمد.استادان و مربیان : دکتر توسلی ، دکتر ساروخانی ، دکتر عسگری ، دکتر محمد

میرزایی ،دکتر انصاری ، دکتر وثوقی ، دکتر ازکیا ، دکتر طالب ،دکتر بورس مک فارلین ، دکتر ژاک شوالیه ،دکتر مجید الحج ، دکتر پادوگفسکی ،دکتر جان میلز ،دکتر یوسفی زاده ، جواد صفی نژاد و آلن استیوز از اساتید دکتر عبداللهیان می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر دهقان ،دکتر آزاد ارمکی ،دکتر اباذری ،دکترحسینی زاده ،دکتر ناهید مطیع ،دکتر پریچه ابراهیمی و دکتر یحی علی بابایی از همدوره ایهای و همکاران حمید عبداللهیان می باشند.همسر و فرزندان : حمید عبدالهیان دارای همسر و سه فرزند می باشد .همسرش سرکار خانم فاطمه محبی نژاد خانه دار و فرزندانش بنامهای علیرضا (دانشجویی عمران در کشور کانادا) محمد که در سن 18 سالگی بعلت مبتلا به تومور مغزی در سال 1381 فوت کردو آرش (دانش آموز مقطع متوسطه) عبداللیهان می باشد.وقایع میانسالی : از وقایع تلخ دوره میانسالی حمید عبداللهیان فوت پسر دومش بعلت مبتلا به تومور مغزی بود که در سال 1381 دار فانی را وداع گفت .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - اردیبهشت 1364 تا آذر 1368 مدیر دفتر پیمایش افکار عمومی، مؤسسه روزنامه کیهان، تهران، ایران. - اسفند 1377 تا آبان 1378 معاون آموزشی، دانشکده علوم اجتماعی - آبان 1378 تا بهمن 1381 معاون پژوهشی و رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - آبان 1378 تا بهمن 1381 عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران – دانشگاه تهران – ایران. - خرداد 1378 تا بهمن 1381 عضو کمیته ارزیابی برای برنامه‌های دوره دکترا – دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - اردیبهشت 1383 تا اردیبهشت 1385 مدیر گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - 1378 تا 1385 عضو انجمن جامعه‌شناسی ایرانی. - 1382 تا 1385 عضو انجمن جمعیت شناسی ایران - 1385 -1388 ,سر دبیر مجله جهانی رسانه,دانشکده علوم اجتماعی - 1384 ,سردبیر نشریه جهانی رسانه,دانشکده علوم اجتماعیفعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط حمید عبداللهیان به قرار زیر است: - فوریه ۱۹۹۱ تا مارس ۱۹۹۶ دستیار استاد در بخش جامعه‌شناسی و انسان شناسی در درسهای قدرت (یک ترم)، تئوریهای کلاسیک جامعه‌شناسی (یک ترم)، دیدگاههای مقایسه‌ای در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (۵ ترم). - مهر ۱۳۷۷ تا خرداد ۱۳۷۸ تدریس روش تحقیق (در دو بخش عملی و نظری)، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. - مهر ۱۳۷۸ تا خرداد ۱۳۷۹ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. - مهر ۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۰ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و درس جامعه

شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه شناسی - مهر ۱۳۸۰ تا خرداد ۱۳۸۱ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و تدریس جامعه شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه شناسی و روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات - مهر ۱۳۸۱ تا بهمن ۱۳۸۱ تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد ارتباطات و جامعه‌شناسی تاریخی در سطح دکترا. -بهمن ۱۳۸۱تا بهمن ۱۳۸۲ فرصت مطالعاتی در دانشگاه کارلتون، کانادا. - بهمن ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۳ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. و تدریس روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد و دو درس جامعه‌شناسی تاریخی و روابط بین فرهنگی در سطح دکترا. - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق در کارشناسی ارشد ارتباطات و روش تحقیق کیفی در کارشناسی ارشد مطالعات زنان. و تدریس سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشد. - مهر۱۳۸۴ تا بهمن ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق (نظری و عملی)، نظریه‌های علوم اجتماعی، مبانی جامعه‌شناسی در سطح کارشناسی و دروس روش تحقیق در ارتباطات و روش تحقیق در مطالعات فرهنگی و رسانه و سمینار کارشناسی ارشد در سطح کارشناسی ارشد. -بهمن ۱۳۸۴ تا خرداد ۱۳۸۵ تدریس نظریه های علوم اجتماعی، رسانه ها و حوزه عمومی، روش تحقیق در سطح کارشناسی تدریس قدرت و فرهنگ، سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشدمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - 1382 تا 1385 مؤسس انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، این انجمن در آبان 1383 تأسیس شد. - بانی مجله جهانی رسانه - راه اندازی دوره کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه - راه اندازی دوره دکتری ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شاگردان : دکتر لاجوردی ،دکتر عباس کاظمی ،خانم زهرا اجاق ، خانم مریم اصغری ،آقای اباذر توکلی و دکتر عبدالهی از دانشجویان و دانش آموختگان حمید عبداللهیان می باشند.همفکران فرد : حمید عبداللهیان با دکتر دهقان ،دکتر جوادی یگانه و دکتر سعیدی دارای همفکری نزدیکی است.آرا و گرایشهای خاص : زمینه و گرایشهای خاص حمید عبدالهیان به قرار زیر است: - روابط ترکیبی شیوه های فرهنگی - جامعه شناسی تاریخی،روانشناسی - روش تحقیق در ارتباطات و مطالعه فرهنگی و جامعه شناسیچگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات

داخلی : 10 مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی : 6 مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها : 5 مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در همایشها : 11 مقاله - تعداد طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده : 6 طرح - تعداد پایان نامه های راهنمایی شده کارشناسی : 2 رساله - تعداد پایان نامه های راهنمایی شده کارشناسی ارشد : 8 رساله - تعداد پایان نامه راهنمایی شده دکتری : 2 رساله آثار : 1 Conceptualization of reality in Historical Sociology; Narrating Absentee Landlordism ویژگی اثر : تهران: انتشارات سایه روشن-تابستان 20042 جزوه: نظریه تضاد ویژگی اثر : محل انتشار: دانشکده علوم اجتماعی تاریخ انتشار: 31/01/1385 تاریخ تجدید نظر: 15/07/1386 عنوان درس: نظریه های علوم اجتماعی ملاحظات: این جزوه در واقع ترجمه بخشی از کتاب دن مارتیندیل است 3 دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف کتاب و چاپ توسط سایر مراکز نشر -ناشر: دفتر پژوهشهای رادیو تاریخ انتشار: 22/07/1386 محل انتشار: تهران- ایران ملاحظات: این کتاب مجموعه ای از مقالات را چاپ کرده است و ما دو نفر علاوه بر اینکه مقاله داریم کار ویرایش و آماده سازی و چاپ آنرا به عهده داشته ایم

عبدالمطلب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1321 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. ملقب به مطلب‌خان و مستشار پستخانه. دختر وی یکی از زنان ناصرالدین‌شاه بود. در دوران کودکی از اصفهان به تهران آمد و تحت نظر استادان فن به تکمیل هنر پرداخت. ابتدا قلمدان‌سازی می‌کرد و گاهی آبرنگ نیز می‌ساخت و چون علاقه‌ی خود را به رنگ و روغن زیادتر دید، به این شیوه روی آورد و مورد توجه واقع شد. در 1275 ق به همراهی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله و میزا علی‌اکبرخان، مزین‌الدوله، جزو چهل و دو نفر شاگردان انتخابی، به فرانسه اعزام شد و در سبک کلاسیک صاحب کمال گردید. پس از بازگشت به ایران، در 1295 ق در اداره‌ی پستخانه مشغول به خدمت شد و در 1309 ق مصنب سرتیپی به او محول گردید. وی تا 1317 ق در اداره‌ی پست به سمت مستشار و تحویلدار کل مشغول به کار بود. در 1321 ق، به همراه میرزا محمودخان حکیم‌الملک به رشت رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: تصویر رنگ و روغنی باغی پردرخت که دیوارکشی شده و منظره‌ی کوه و فضای زمین وسیع در روبروی باغ دیده می‌شود، با رقم: «بنده‌ی درگاه میرزا مطلب»؛ تصویر مدادی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله که بسان بهترین کارهای نقاشان اروپایی به فرجام رسیده، با رقم: «عمل کمترین میرزا مطلب اصفهانی در پاریس اتمام یافت 1292».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1470 / 3 ،345 -344 / 1)، شرح حال رجال (152 -151 / 5)، گلستان هنر (پنجاه و سه).

عبدی بیگ نویدی شیرازی، زین‌العابدین علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(988 ق)، مورخ و شاعر، متخلص به عبدی. از دبیران و شاعران دربار شاه طهماسب صفوی (948 -930 ق) بود. اغلب تذکره‌نویسان مولد وی را شیراز نوشته‌اند،اما صاحب تذکره‌ی «روز روشن» او را اصفهانی دانسته و نسبت شیرازی وی را به جهت کثرت اقامتش در آن شهر می‌داند. عبدی بیگ در جوانی به فراگیری ادب و علم و سیاق و ترسل پرداخت و در این رشته‌ها بویژه، سیاق و حساب بزودی نام‌آور و عهده‌دار منصب استیفاء شد. نویدی در سرودن مثنوی مهارت بسیار داشت و مثنوی‌های بسیاری پرداخته است. از جمله آثارش «بوستان خیال» است که به تقلید از «بوستان» سعدی، به همان وزن و به نام شاه‌طهاسب نوشته شده. از دیگر آثار وی بنا بر گفته‌ی سام‌میرزا، سه خمسه در جواب «خمسه‌ی» نظامی‌است. خمسه‌ی اول: «مظهر اسرار»؛ «جام جمشیدی»؛ «مجنون و لیلی»؛ «هفت اختر»؛ «آیین اسکندری». خمسه‌ی دوم: «جوهر فرد»؛ «دفتر درد»؛ «فردوس العارفین»؛ «انوار تجلی»؛ «خزائن الملوک» یا «خزائن الملکوت». خمسه‌ی سوم: «روضات الصفات»؛ «دوحه الازهار»؛ «جثه الاثمار»؛ «زینه الاوراق»؛ «صحیفه الاخلاص». دکتر صفا منظومه‌ی «خزائن الملکوت» را جدا از «خزائن الملوک» دانسته و آن را مثنویی مذهبی مشتکل از هفت بخش یا خزانه در برابر «حدیقه الحقیقه» سنائی به نام «سبعه‌ی عبدی» ذکر کرده است. سبعه‌ی مذکور شامل: «صحیفه‌ی لاریب»؛ «لوح مسطور»؛ «بحر مسجور»؛ «منشور شاهی»؛ «مروج الاسواق»؛ «مهیج الاشواق»؛ «نهایه الاعجاز». عبدی بیگ کتابی در تارخ عهد خود به نام «تکمله الاخبار» نیز نوشته و آن را در 978 ق به پایان رسانده است. کتاب «صریح الملک»، در شرح املاک و عمارتها و بناهای بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز از آثار اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (754 -746 / 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (556 -555/ 2 ،169 ،157 -156 / 1)، تاریخ نظم و نثر (689)، تحفه سامی (96 -95)، تکمله الاخبار (31 -19)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (750 -746 / 5)، الذریعه (1237 -1236 / 9)، فرهنگ سخنوران (960 -959)، منظومه‌های فارسی (418 -397)، هفت اقلیم (237 -236 / 1).

عتبی، ابونصر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابونصر محمد بن عبدالجبار نویسنده معروف ایرانی نیمه دوم قر. 4 و اوایل قر. 5 ه. (ف. 427 ه.ق.). وی از مردم ری بود و مدتی در خراسان در دستگاه ابوعلی سیمجور و سبکتگین به سر برد، و چند هم سمت نیابت قابوس وشمیگر را در خراسان داشت، و مدتی در نیشابور نزد امیر نصر بن سبکتگین سپهسالار خراسان از قبل سلطان محمود روزگار گذرانید. وی مؤلف (تاریخ یمینی) (ه.م.) است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عتیقی‌مقدم، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صحاف سنتی.
تولد: 1291، مشهد.
درگذشت: 1372.
محمدحسین عتیقی‌مقدم از همان خردسالی از پدر و برادرش فنون صحافی را فراگرفت. خاندان او از عهد صفوی همه در صحافی و هنر کتاب‌آرایی از استادان فن بوده‌اند و سده‌ها در آستان قدس رضوی به مرمت و صحافی قرآن و نسخ خطی پرداخته‌اند که آثار آن در شمار شاهکارهای هنر صحافی جهان است. او نیز در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، همچون برادر، پدر پدربزرگ و جد اعلایش (خواجه عتیق علی منشی) به صحافی اشتغال داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(454 -370 ق)، قاری، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌بندار و مشهور به شیخ‌الاسلام.در مکه به دنیا آمد و قرآن را بر ابوعبدالله مجاهدی و علی بن داوود دارانی و ابوالحسن حمامی قرائت کرد. عجلی حدیث را در مکه و بغداد و دمشق و بصره و کوفه و حمص و مصر و اصفهان و ری و تستر و فساء و نیشابور و نساء و گرگان از محدثین بزرگ فراگرفت. مستغفری و ابوبکر خطیب و ابوصالح موذن و نصر شیرازی و ابوعلی حداد و محمد دقاق و ابوسهل بن سعدویه و فامطه بنت بغدادی حدیث از وی روایت کرده‌اند. عجل یدر یک شهر مدت طولانی اقامت نمی‌کرد و به شهرهای بسیاری سفر می‌نمود و در هر شهر در مسجد خراب آن سکنی می‌کرد و چون شناخته می‌شد به مکانی دیگر می‌رفت. وی سرانجام در نیشابور درگذشت. او اشعاری در زهد سروده است. از آثارش: «جامع الوقوف»؛ کتابی در «فضائل القرآن». پاره‌ای از رجال‌نویسان وی را همان ابوالفضل رازی، عبدالرحمان بن حسن، صاحب کتاب «اللوامح»، در قراآت، می‌دانند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (65 / 4)، ری باستان (318 / 2)، سیرالنبلاء (138 -135 / 18)، العبر (302/ 2)، کشف الظنون (1277)، معجم المؤلفین (116 / 5).

عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرضا عرب ابوزید آبادی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/7/1

زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در منطقه ابوزید اباد کاشان گذراندم و در سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شدم مقدمات و سطح را در مدرسه علمیه معصومیه گذراندم و از محضر اساتید فرهیخته حوزه بهره بردم از جمله حجج اسلام اقایان مسعودی رضوانی حسینی قزوینی منتظری مقدم نائینی یغمایی و ...
رسائل ومکاسب را نزد استاد علیدوست و کفایه را نزد استاد محسن غرویان فرا گرفتم و چندی در درس خارج اقایان لاریجانی و واعظی شرکت کردم در سال 1375 وارد موسسه امام خمینی شدم و دوران کارشناسی معارف اسلامی را در 5 سال سپری کردم که علاوه بر فلسفه ومعارف اسلامی با علوم انسانی نیز اشنا شدم
سپس در سال 1380 وارد گرایش تاریخ اسلام در موسسه امام خمینی شدم و از محضر اساتید فرهیخته تاریخ همجون استاد یوسفی غروی مهدی پیشوائی یعقوب جعفر ی صادق ایینه وند امامی میر سپاه سید حمید روحانی و لک زائی بهره گرفتم و در سال 1385 پایان نامه فوق لیسانس خود را دفاع نمودم و از همان زمان به تحقیق و پژوهش در زمینه تاریخ اسلام مشغول شدم که حاصل آن انتشار 6 مقاله علمی تحقیقی در نشریات و فصلنامه های تخصصی است علاوه بر این به تدریس تاریخ اسلام و تاریخ و فرهنگ ایران ' تاریخ امویان و تاریخ عباسیان در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعه الزهرا مشغول هستم و هم چنین با گروه تاریخ مدرسه عالی فقه ومعارف اسلامی (مدرسه حجتیه) همکاری می کنم و دبیر اموزشی گروه تاریخ این مدرسه هستم
مدتی نیز با معاونت پژوهشی موسسه امام خمینی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی داشتم و در پروژه مقتل جامع امام حسین مطالبی را تهیه کردم .

عریضی اصفهانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1355 ق)، مذهب و قلمزن. اهل اصفهان بود. این استاد، در تذهیب و طراحی و شیوه‌های مختلف آن دست پرقدرتی داشت و صاحب ابتکار بود. از آثار وی سینی نقره‌ای پرکاری است که به انواع تزیینات اسلیمی و شیوه‌ی اصفهانی عمل آمده و در وسط آن، تصویر فردوسی نقش شده است، با رقم: «عمل حاج سید محمد قلمزن عریضی اصفهانی 1355 ق». اثر دیگر وی ساخت درب مطلای حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است. او این درب را که اشعاری بر روی آن حک شده، به اتفاق همکارانش ساخته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (907/ 2)، تاریخ اصفهان (352).

عزت پور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار، مورخ و نویسنده. وی مدیر و صاحب امتیاز هفته‌نامه‌ی «نامه‌ی آزادگان» بود که از 1305 ش انتشار آن آغاز شد. از آثارش: «آثار بزرگارن در اخلاق»؛ «افکار صد مرد نامی»؛ «امیرالمؤمنین علی (ع)»؛ «تاریخ ملل قدیمه‌ی شرق و غرب»؛ «پیغمبر اسلام»؛ «تاریخ نو»؛ «فالهای حافظ»؛ «گلهای خوشبو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (260 -259 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (48 -47 / 4).

عسال اصفهانی، ابواحمد محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(349 -269 ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حرمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابوعبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابوعامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌عدی و ابن‌مردویه و ابن‌منده و ابن‌مقری نیز از راویان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قراآت قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املا کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املای خویش را صحیح یافت. ابن‌منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛«معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القراآت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (201 / 6)، انساب سمعانی (190 -189 / 4)، تاریخ بغداد (270 / 1)، سیر النبلاء (15 -6 / 16)، شذرات الذهب (381 -380 / 2)، طبقات الحفاظ (363 -362)، العبر (82 / 2)، معجم المؤلفین (226 / 8)، الوافی بالوفیات (41 / 2)، هدیه العارفین (43 / 2).

عسکر زاده، لطفی علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
لطفی علی‌عسکرزاده (لطفی زاده، لطفی عسکرزاده، لطفی ع. زاده) استاد دانشگاه برکلی در کالیفرنیا و بنیان‌گذار نظریهٔ منطق فازی (Fuzzy Logic) است. در بخش یادکرد منابع اکثر متون فنی مربوط به منطق فازی نام او به صورت «Zadeh» ذکر می‌شود.
تولد و تحصیل
وی در سال ۱۹۲۱ میلادی در شهر باکو در جمهوری آذربایجان متولد شد. پدرش روزنامه نگاری ایرانی و اهل اردبیل و مادرش اهل روسیه بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران (دبیرستان البرز) و تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران انجام داد. لطفی زاده در امتحانات کنکور سراسری، مقام دوم را کسب نمود. در سال ۱۹۴۲ رشته الکترونیک دانشگاه تهران را با موفقیت به پایان رساند و در طی جنگ دوم جهانی برای ادامه تحصیلات به دانشگاه فنی ماساچوست (ام.آی.تی) در آمریکا رفت و در سال ۱۹۴۶ بود که درجه کارشناسی ارشد را در مهندسی برق دریافت کرد. در ام.آی.تی و دانشگاه کلمبیا به تحصیل ادامه داد.
پژوهش تخصصی
وی در دانشگاه کلمبیا با تدریس در زمینه «تئوری سیستم‌ها» کارش را آغاز کرد. سپس به تدریس در چند دانشگاه معتبر امریکا پرداخت. در سال ۱۹۵۹ به برکلی رفت تا به تدریس الکتروتکنیک بپردازد. از سال ۱۹۶۳ ابتدا در رشته الکتروتکنیک و پس از آن در رشته علوم کامپیوتر کرسی استادی گرفت.
بازنشستگی
پروفسور لطفی زاده به طور رسمی از سال ۱۹۹۱ بازنشسته شده است، وی مقیم سانفرانسیسکو است و در آنجا به پروفسور «زاده» مشهور است. پروفسور لطفی زاده به هنگام فراغت به سرگرمی محبوبش عکاسی می‌پردازد. او عاشق عکاسی است و تاکنون شخصیت‌های معروفی همچون رؤسای جمهور آمریکا، ترومن و نیکسون، رو به دوربین وی لبخند زده‌اند. سرگرمی دیگر پروفسور لطفی زاده HI FI است. او در اتاق نشیمن خود بیست و هشت بلندگوی حساس تعبیه نموده تا به موسیقی کلاسیک با کیفیت بالا گوش کند. سوابق و افتخارات
پروفسور لطفی زاده دارای بیست و پنج دکترای افتخاری از دانشگاه‌های

معتبر دنیاست، بیش از دویست مقاله علمی را به تنهایی در کارنامه علمی خود دارد و در هیأت تحریریه پنجاه مجله علمی دنیا مقام «مشاور» را داراست. وی یکی از پژوهشگرانی است که دارای بیشترین یادکرد (Highly-Cited) در مقالات علمی دنیا می‌باشد. با توجه به نقش منطق فازی در پیشرفت‌های نظری و عملی علم، نام پروفسور زاده در کنار فیلسوفان تاریخ علم ازجمله ارسطو (بنیانگذار منطق صفر و یک) و افلاطون ثبت شده است.

عشقی نوایی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سازنده سازهای سنتی.
تولد: 1282.
درگذشت: 30 آذر 1366، تهران.
محمد عشقی‌نوایی، فرزند رضا، از شاگردان استاد سید جلال سه‌تار ساز است. وی پس از مرگ سید جلال، ابتدا دکانی در میدان تجریش تهران، سپس به خیابان مقصود بیک نقل مکان نمود. در آنجا به ساختن سه‌تار مشغول بود.
در سال 1350 به دعوت داریوش صفوت همکاری خود را با مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی آغاز نمود و در کارگاه سازسازی مرکز به تعلیم و تربیت شاگردانی پرداخت. اما این همکاری طولی نکشید.
کارگاه کوچک وی در سیل ویرانگر تجریش تخریب شد و استاد بیش از دو ماه در بیمارستان طالقانی بستری شد. در این حادثه دست راست او صدمه دید.
محمد عشقی چهار نوع تار می‌ساخت: سه‌تار معمولی، سه‌تار پوستی، نوع کوچکتر اما با قالبی کشیده‌تر، سه‌تار کوچک با قالبی کوچکتر.
محمد عشقی‌نوایی در سال 1366 درگذشت و در قطعه‌ی 104 ردیف 67 شماره‌ی 38 بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.
شادروان استاد محمد عشقی از شاگردان استاد جلیل از بزرگان و استادان سه‌تار ساز و معروف می‌باشد. وی پس از مرگ سید جلال، ابتدا دکانی واقع در میدان تجریش، سپس در خیابان مقصودبیک واقع در همین میدان کوچه ثقفی پلاک 16 نقل مکان نمود و تا آخر عمر در همانجا زندگی کرد. کارگاه بسیار کوچک وی محل تجمع بسیاری از نوازندگان و شاعران خوب رادیو و تلویزیون بود که هر روز عصرها گرد شمع وجود استاد جمع می‌شدند و با هم صحبت می‌کردند.
استاد محمد عشقی، یکی از نوازندگان و اساتید سه‌تار ساز می‌باشد که سازهای ساخت وی مورد قبول تمام هنرمندان نوازنده این ساز است. استاد عشقی، هیچگاه دست از هنر خود نکشید و به سه‌تار سازی و سه‌تار نوازی مشغول بود. او عقیده داشت سه‌تار، سازی است عارفانه و انسان را از دنیای مادیات به جهان معنوی می‌برد و به این مسئله هم واقعا ایمان داشت و به همین دلیل که برای خود او موجه بود، همسر اختیار نکرد زیرا

معتقد بود که زن و فرزند، او را از هنرش باز می‌دارد و تا آخر عمر هم در آن مکان زندگی کرد. متأسفانه در سیل ویرانگر تجریش، کارگاه کوچک وی بی‌نصیب نگشت و استاد صدمه زیادی را متحمل شد بیش از دو ماه در بیمارستان طالقانی بستری شد. در این حادثه دست راست استاد عشقی صدمه فراوانی دیده بود و در بیمارستان تصمیم به قطع دست استاد گرفته شد که با مخالفت جدی شاگرد باوفایش فرمان مرادی این عمل انجام نشد و با مراقبت‌های و کوشش‌های دکترهای این بیمارستان دست استاد بهبود یافت و به مغازه‌اش برگشت ولی بر اثر صدمه جسمی و روحی فراوانی که به او وارد گشته بود عاقبت صبح روز یکشنبه 66/2/1 این دنیای فانی را ترک گفت و در میان خیل دوستدارانش، جسم نحیف وی در بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد. روانش شاد.
در مجلس ختم و بزرگداشت این صنعتگر هنرمند، غیر از دوستداران آن استاد، اساتید و هنرمندان بزرگی چون: احمد عبادی، علی تجویدی، جلیل شهناز، محمود تاجبخش، دکتر داریوش صفوف، جلال ذوالفنون، محمدرضا شجریان، حسین علیزاده، مهندس همایون خرم، عبدالعلی وزیری، حسین‌علی ملاح، بهمن بوستان، مهندس گلشن ابراهیمی، مشیر معظم افشار، منوچهر جهانبگلو، هاشمی، فرمان مرادی و سایر دوستان شرکت داشتند.
از دوستان بسیار صمیمی استاد عشقی که بیشتر وقت‌ها به کارگاه وی می‌آمدند و با وی حشر و نشر داشتند باید از استاد احمد عبادی، دکتر داریوش صفوت، محمود کرمی، سعید هرمزی، امیری فیروزکوهی، ارسلان درگاهی، نورعلی‌خان برومند، استاد حسن کسایی، حسن مشحون، بیژن کرمانشاهی و محمودی خوانساری نام برد.
ابراهیم صبها قطعه شعری در رثاء وی سروده که دو بیت مشخص شده آن روی سنگ مزار استاد محمد عشقی آمده و چنین است:

گردید خزان بهار «عشقی»
خاموش شده سه‌تار عشقی
بس ساز ظریف نغمه‌پرداز
دیدیم ز شاهکار «عشقی»
او عاشق و عاشق «هنر بود»
و این مرتبه افتخار «عشقی»
«سازنده ساز» بود و عمری
بودست «سه‌تار» یار «عشقی»
سرپنجه او نوازش داد
خوابید چو در کنار «عشقی»
خود رفته و نام نیک او هست

پاینده به یادگار «عشقی»
ارباب «هنر» ز رفتن او
یکسر شده سوگوار «عشقی»
باید که «نوای عشق» خوانیم
دلسوخته بر مزار «عشقی»
آمرزش او طلب نماییم
از درگه کردگار «عشقی»
«صهبا» به فضیلت «هنر» کرد
این «مرثیه» را نثار عشقی»

(1366 -1285 ش)، سازنده‌ی ساز. در تهران به دنیا آمد. وی از سازندگان معروف سه‌تار و شاگرد سید جلال بود. عشقی- و به قول حبیب‌الله نصیری‌فر در «مردان موسیقی سنتی و نوین ایران»- نوایی در جوانی به درودگری پرداخت و چون از صدای کمانچه لذت می‌برد، ساختن آن را بدون استاد شروع کرد، سپس نزد سید جلال رفت و هفت سال از او تعلیم گرفت. پس از درگذشت استاد، هفت سال هم در کارگاه آقا ضیاء به ساختن تار اشتغال جست و ویولن و سه‌تار نیز می‌ساخت. سپس خود کارگاهی دایر نمود و به ساختن سازهای گوناگون مشغول شد. سه‌تارهای ساخت او بین اهل فن معروف است.[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] تاریخ موسیقی (698 / 2)، سرگذشت موسیقی (174 / 1)، مردان موسیقی (395 -393 / 3).

عضدالدوله، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1319 -1234 ق)، مورخ. معروف به موچول‌میرزا و ملقب به عضدالدوله. پس از طی تحصیلات اولیه، در عهد پادشاهی پدر، حکومت کاشان به پیشکاری علی محمدخان نظام‌الدوله به وی تفویض شد. از 1270 ق در زمان پادشاهی پدر به حکومت شهرهای مختلفی رسید. مدتی نیز تولیت آستان مقدس قدس روضی با او بود. اثر وی «تاریخ عضدی» است، در شرح زندگانی خصوصی فتحعلی‌شاه که در هندوستان و ایران چاپ شده است. لازم به ذکر است که آقای دکتر نوایی، در کتاب «تاریخ عضدی»، سال تولد وی را 1239 ق ذکر کرده است.[1]
(ع. بازوی دولت) احمد میرزا بن فتحعلی شاه، شاهزاده قاجاری و از رجال قر. 13 ه. وی پدر سپهسالار وجیه‌الدوله میرزا (ه.م.) و مؤلف «تاریخ عضدی» است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ عضدی (224 -222)، الذریعه (265 / 3)، شرح حال رجال (74 -73 / 2)، فرهنگ رجال قاجار (122)، لغت‌نامه (ذیل/ عضدالدله)، مؤلفین کتب چاپی (425 -424 / 1).

عطاملک جوینی، علاءالدین، ابوالمظفر عطاء ملک

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(683 / 681 -623 ق)، مورخ و ادیب. ملقب به صاحب دیوان. وی از خاندان بزرگ صاحب دیوانان جوینی است که در قرن پنجم و ششم و هفتم همواره متصدی مشاغل بزرگ دولتی بودند. از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیر ارغوان آقا، حکمران خراسان، پیوست، و دوبار به همراه وی به مغولستان سفر کرد و درای سفرها به احوال مغولان آشنایی پیدا کرد. در 654 ق که هولاکوخان مغول به خراسان آمد، عطاملک به او پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و با خلیفه‌ی عباس در بغداد همراه او بود. پس از از چندی از جانب هولاکو به حکومت عراق عرب منصوب شد و حدود بیست سال در این مقام بود. پس از مرگ هولاکو به سعایت مجدالملک یزدی مدتی گرفتار شد. چون آزاد شد در اران یا مغان درگذشت و پیکر او را به تبریز آوردند و در آنجاه به خاک سپردند.
از مآثر وی: کشیدن نهری از فرات به جنوب غربی نجف. از آثار علمی وی: «تاریخ جهانگشای»، در سه مجلد در شرح ظهور چنگیزخان و احوال و فتوحات وی و تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح؛ «تسلیه الاخوان»؛ رساله‌ای در تکمیل «تسلیه الاخوان»؛ «دیوان» شعر.[1]
جوینی، ملقب به علاءالدین بن بهاءالدین محمد، برادر شمس‌الدین محمد صاحب دیوان، از رجال و مورخان معروف اوایل دوره مغول (و. 623- ف. 681 ه.ق.) وی از آغاز جوانی وارد کارهای دیوانی شد و از عمال امیر ارغون آقا حکمران خراسان گردید. عطاملک چند بار در خدمت امیر ارغون به قراقروم پایتخت مغولستان سفر کرد و در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول و یورتهای اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد. وی در سال 654 به توسط امیر ارغون به هلاکو معرفی شد و نزد او تقرب یافت. پس از فوت هلاکو وی و برادرش صاحب دیوان سبب رونق دولت اباقا بودند و عطاملک حکومت بغداد و عراق یافت. مجدالملک مکرر از عطاملک نزد خان مغول سعایت می‌کرد و موجب مزاحمت او و دیگر افراد خاندان جوینی را فراهم می‌ساخت و در نتیجه عطاملک به حبس افتاد ولی با وساطت شاهزادگان و خوانین مغول در 680 از حبس نجات یافت و مورد نوازش اباقا قرار گرفت. دشمنان خاندان جوینی باز از پای ننشستند ولی نتیجه نبردند. چون

تگودار به سلطنت رسید، حکومت بغداد و عراق را کما فی‌السابق به عطاملک واگذاشت. وی مؤلف تاریخ «جهانگشای جوینی» است. عطاملک این تاریخ را در سال 655 ه.ق.- یعنی مقارن تاریخ فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو به انجام رسانید. غالب وقایعی را که جوینی راجع به دوره چنگیزی در کتاب خود آورده از معمرانی که با آن ایام هم عصر بوده‌اند شنیده و ضبط نموده و از معتبران مغول نیز کسب اطلاع می‌کرده و گویا از بعضی از نوشته‌های مغول هم استفاده کرده است. تاریخ جهانگشا چنانکه خود مؤلف تقسیم کرده شامل سه جلد است: جلد اول تاریخ شروع کار چنگیزخان و یاساهای چنگیزی و تاریخ قوم اویغور و فتوحات چنگیز در ماوراءالنهر و خراسان و انقراض سلسله خوارزمشاهیان و سلطنت اگتای و گیوک و احوال جوجی و جغتای، جلد دوم در تاریخ سلاطین خوارزمشاهی و قراختاییان و حکام مغول ایران، جلد سوم در تاریخ منگوقاآن و اردوکشی هلاکو به ایران و شرح تاریخ اسماعیلیه تا سال 655 که بیشتر قسمت اخیر مقتبس از کتاب «سرگذشت سیدنا» است و شرحی که در باب فتح بغداد منسوب به خواجه نصیر طوسی است غالبا به عنوان ذیل جلد سوم به آخر نسخه‌های جهانگشا الحاق شده. انشاء کتاب مزبور بلیغ و از لحاظ احتوا بر اطلاعات نفیس کم‌نظیر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (288 -286 / 1)، از سعدی تا جامی (92 -90، 35 -27)، تاریخ ادبیات در ایران (1213 -1209 / 3)، تاریخ جهان‌گشای جوینی (1/ یا- فه)، تاریخ مغول (486 -485)، تاریخ نظم و نثر (136، 94)، حبیب السیر (3/ صفحات متعدد)،دایره‌المعارف فارسی (1743 / 2)، دستور الوزراء (295 -267)، الذریعه (728 / 9، 300 / 5 248، -247 / 3)، ریحانه (444 / 1)، سبک‌شناسی (100، 53 -51 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 98 -97 / 7)، گنج و گنجینه (354 -346)، لغت‌نامه (ذیل/ عطاملک جوینی)، مجمع الفصحا (877 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (77 -75 / 4). هدیه العارفین (665 / 1).

عظیمی، فخرالدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فخرالدین عظیمی در سال 1332 در شهر تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات تکمیلی خود را بعد ازدانشگاه تهران در لندن پی گرفت و در سال 1985 موفق به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن گردید او هم اکنون در دانشگاههای کانتیکات آمریکا مشغول تدریس است. دکتر عظیمی از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : تاریخ معاصر ایران
تحصیلات رسمی و حرفه ای : - ورود به دانشگاه تهران و تحصیل دررشته حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه - اخذ مدرک لیسانس با رتبه نخست از دانشکده حقوق و علوم سیاسی - عزیمت به لندن و تحصیل در رشته علوم سیاسی دانشگاه لندن - اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن ۱۹۸۵
فعالیتهای آموزشی : فخرالدبن عظیمی از سال۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه کانتیکات آمریکا از سال ۱۹۹۵ است.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : فخرالدین عظیمی از پایه گذاران رشته ایران شناسی در دانشگاه کلمبیا است.
آرا و گرایشهای خاص : فخرالدین عظیمی درباره مناقشات فکری و کارایی فلسفه در جامعه ایران معتقد است: «در ایران جذبه و رعبی که نسبت به فلسفه وجود دارد نسبت به شاخه های دیگر معرفت وجود ندارد. شاید یکی از پیامدهای این وضع این است که در ایران برخی از اهل فلسفه معنای پیشین خود را از دست داده است و شاخه های مختلف علم از جمله علوم اجتماعی _ انسانی پدید آمده اند و بسیاری تبیین های جالب، پرسشهای اساسی و نظریه های کارآمد در حوزه های علوم اجتماعی و انسانی مطرح می شود و نه در حوزه فلسفه. گذشته از این فلسفه بیش از آنکه پاسخ های قانع کننده پدید آورد پرسشهای استوار و اساسی در میان می نهد و راههای گوناگون پاسخ دادن به این پرسشها را بررسی می کند. اگر پاسخ معینی به عنوان تنها پاسخ ممکن مطرح شود و جای پرسش و گفت وگوی بیشتر نباشد دیگر کار چندانی برای اهل فلسفه باقی نمی ماند. این سخنان به هیچ وجه به معنای انکار اهمیت فلسفه و نقش

اساسی آن در کمک به تعمق فکری و روشنگری نیست. هر دانشجوی جامعه و تاریخ باید به فلسفه به عنوان مهمترین یاور درک و طرح پرسشهای اساسی بنگرد. البته از نظر من آن مشربهای فلسفی که فهم مسائل پیچیده اجتماعی _ سیاسی و فرهنگی و شیوه تحلیل این مسائل را تسهیل نکنند یا امکان طرح پرسشهای مهم مربوط به زندگی اجتماعی را فراهم نسازند و به پرورش ذهنی نقاد و ورزیده کمک نکنند، در خور توجه زیاد نیستند. متأسفانه در ایران برداشت برخی کسان از فلسفه و از راهیابی مشکلات جامعه موجب شده است خیال کنند کلید فهم و حتی حل مسائل کشور را مثلاً باید در فلسفه هگل یا فیخته یا فیلسوفان دیگر دید ولی به گمان من این شیوه نگرش به فلسفه و به مسائل ایران نگران کننده و مایه شگفتی است.» عظیمی در عین حال نقش دانشگاهها را در پیشبرد فلسفه در جامعه ایرانی مورد انتقاد قرار می دهد: «متأسفانه دانشگاههای ما نقش قاطعی در نضج بینش تحلیلی و گسترش دانش فلسفی در کشور ایفا نکرده اند و حتی بهترین ترجمه های متون فلسفی هم اغلب در خارج از حوزه دانشگاهها انجام شده است. دوم اینکه فلسفه دانان این کشور اغلب از دانشهایی مانند تاریخ وانسان شناسی که برای مباحثات و کاوشهای فلسفی خلاق اهمیتی اساسی دارند، غفلت کرده اند. به گمان من میزانی از اعتقاد به موجبیت فرهنگی معقول و تلطیف شده و توجه به زمینه تاریخی و فرهنگی اندیشه ها، برای تفکر فلسفی بسیار مهم است. البته در اروپا نیز برخی از فیلسوفان از توجه به نقش تاریخ و فرهنگ غافل مانده اند و طبعاً برخی هم راه افراط پیموده اند و مثلاً کارایی مفاهیم را تنها محدود به حوزه فرهنگی خود آنها دانسته اند. شاید بتوان گفت کمابیش اغلب فیلسوفان نسبت به فرهنگ و چارچوب تاریخی _ فرهنگی اندیشه ها و مفاهیم بی توجه بوده اند و گمان کرده اند که می توان اصولی انتزاعی را یافت که به همه فرهنگها و سرزمین ها قابل تسری باشد و ریشه در هیچ فرهنگ و سرزمینی هم نداشته باشد. این بی تفاوتی درباره تفاوتهای فرهنگی به همان اندازه در خور سرزنش است که تقلیل کارایی همه مفاهیم و مقولات به زمینه فرهنگی خاص و به حوزه زبانی که آنها را پدید آورده است.»

جوائز و نشانها : فخرالدین عظیمی که از سال۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است، برنده جایزه تحقیقات عالی و نیز عضو برگزیده انستیتو پژوهش های علوم انسانی آن دانشگاه نیز هست و به راستی که از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

چگونگی عرضه آثار : فخرالدین عظیمی علاوه بر مقالات متعدد در زمینه های تاریخ تحلیلی معاصر و علوم سیاسی، در کار تألیف نیز سابقه درخشان دارد و گرچه کتب تألیفی اش را به زبان انگلیسی می نگارد اما از ترجمه

آن به زبان فارسی نیز دریغ نمی کند و علاوه بر مخاطبان بین المللی کنجکاو در مسائل خاورمیانه و تاریخ معاصر ایران، نظر مخاطبان و دانشجویان و استادان ایرانی را نیز به آثار خویش معطوف داشته و نظر آنان را نیز جلب کرده است. کتاب «بحران دموکراسی در ایران» او از جمله این آثار است. فخرالدین عظیمی همچنان که به کار تألیف آثار خویش می پردازد، از کار مؤلفین دیگر نیز بی خبر نمی ماند و در نقش مخاطب و حتی منتقد آثار مولفین دیگر در حوزه تاریخ نیز حضوری پررنگ دارد. نمونه این حساسیت او را می توان در نقد جامعی که بر کتاب «جمهوری سوسیالیستی شورایی در ایران» نوشته خسروشاکری نگاشته دنبال کرد. وی که سالهاست تحقیقات تاریخی خود را بر روی سیاست، اجتماعی و فرهنگ اجتماع مدرن ایران متمرکز کرده، چندسالی است که به تاریخ و فرهنگ سیاسی ایران در میان دوانقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می اندیشد و در این حوزه می نگارد و می اندیشد. ----------
---

آثار :

1 بحران دموکراسی در ایران

ویژگی اثر : تالیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه توسط عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری سال?? توسط نشر البرز در تهران منتشر شد.

2 حاکمیت ملی و دشمنان آن

ویژگی اثر : الیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه به فارسی در سال???? توسط نشر نگاره آفتاب. دکتر عظیمی»، در کتاب خود کوشش کرده است تصویری از تلاشهایی به دست دهد که از یک سو برای به کرسی نشاندن حاکمیت ملی ایران و از سوی دیگر برای دست نیافتنی کردن این هدف و برانداختن دولت «مصدق» صورت گرفت. او همچنین به بررسی نیروهای درگیر، اهمیت نسبی آنها و پیوندهای ستیزه گران بومی و بیگانه پرداخته و جنبه هایی از کارنامه سیاسی دولت «مصدق» را نیز بررسی نموده است. بررسی نقش، ترکیب و انگیزه های یاران «مصدق» و بویژه مخالفان او، ارزیابی قلمرو یا حوزه اقتدار و امکانات و دشواریهای گوناگونی که وی در روزگار نخست وزیری پیش رو داشت، از جمله مباحث دیگری هستند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده برای تدوین این کتاب، از تازه ترین سندها و منابعی که از آرشیوهای انگلستان و آمریکا یا از منابع ایرانی به دست آمده استفاده کرده است و از برشمردن نکاتی که بارها درباره آنهانوشته شده پرهیز کرده است.

علاءالدین بیرجندی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 908 ق)، فلزکار. اهل بیرجند بود و در فلزکار و طلا و نقره‌کوبی دست پرمهارتی داشت. اثر رقم‌دار وی، مصنوع فلزی پرمهارتی است، با رقم: «عمل اقل العباد علاءالدین بن شمسی محمد البیرجندی فی غره شهر رمضان المبارک سنه ثمان و تسعمائه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (357 / 1).

علامه، میرحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید میر حسین علامه در سال 1352 در اصفهان بدنیا آمد.وی دارای دکتری تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : تاریخ اسلام
والدین و انساب : پدر سید میر حسین علامه ،حضرت ایه الله سید ضیا ءالدین علامه فرزند حضرت آیه الله سید حسن فانی یزدی و مولف بیش از 50 جلد کتاب است. نام مادر محترمشان خانم اعظم دکتر مجدی است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید میر حسین علامه علاوه بر درجه اجتهاد دارای کارشناسی مهندسی کامپیوتر -نرم افزار و دکتری تاریخ اسلام می باشد.
استادان و مربیان : از استادان و مربیان سید میر حسین علامه می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: حضرت آیه الله علامه - حضرت آیه الله فاضل لنکرانی- حضرت آیه الله جوادی تبریزی -حضرت آیه الله صافی -حضرت آیه الله مکارم شیرازی -حضرت آیه الله مظاهری- حضرت آیه الله امامی - حضرت آیه الله جوادی آملی - دکتر نعمت بخش و دکتر آئینه وند
همسر و فرزندان : سید میر حسین علامه متاهل و دارای همسر به نام آزاده السادات داوری و دارای فرزند بنام سیده زهرا علامه می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید میر حسین علامه مدیر گروه دانشگاه هنر اصفهان و مدیر مرکز تحقیقات علوم اسلامی و رایانه می باشد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید میر حسین علامه بنیاد فرهنگی آل یاسین (ع) را پایه گذاری کرد. ----------
---
آثار :
1 بلوزالیسم دینی و نقد آن
ویژگی اثر : تالیف
2 تاکتیکهای قرآنی پیرامون روابط اجتماعی
ویژگی اثر : تالیف
3 جوان ،پاکدامن و تمناهای کاذب
ویژگی اثر : تالیف

4 شرایط الخیار فی الفقه اسلامی
ویژگی اثر : تالیف
5 فرآیند تکامل شیعه در قرن سوم هجری (ری - بغداد - قم و خراسان)
ویژگی اثر : تالیف
6 فروغ ضیاء
ویژگی اثر : تالیف
7 مدیریت جذب نبوی بر اساس آموزه های قرآنی
ویژگی اثر : تالیف
8 نفس در قرآن
ویژگی اثر : تالیف
9 هنر خوباوری
ویژگی اثر : تالیف
10 وجدان اخلاقی
ویژگی اثر : تالیف
11 ویژگیهای هنر ازدیدگاه قرآن
ویژگی اثر : تالیف
منابع زندگینامه :
1تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر سید میر حسین علامه بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی -زمستان 1385

علمی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: شهریور 1366.
برادران علمی (محمدعلی و محمدحسن و علی‌اکبر) از ناشران و کتابفروشانی بودند که از سال 1315 به بعد فعالیت وسیعی داشتند. محمدعلی و محمدحسن سال‌ها پیش درگذشتند و فرزندانشان همان رشته را دنبال کردند. علی‌اکبر علمی در شهریور 1366 درگذشت و از کتابفروشانی بود که سال‌هایی چند شهرتی بسیار در کار کتاب یافت و کتاب‌های زیادی چاپ کرد ولی در چاپ آنها دقتی که شایسته بود به کار نمی‌بست. مدتی هم چاپ کتاب‌های درسی را (قبل از دولتی) شدن کار مؤسسه‌ی خود ساخته بود. به چاپ حکایات و قصه‌های عامیاه نیز علاقه‌ای داشت و آنها را به طرزی و صورتی منتشر می‌ساخت که ارزان باشد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

علویان، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی علویان
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/4/1

]زندگینامه علمی
اینجانب مرتضی علویان در سال 1364 دیپلم خود را در رشته اقتصاد با معدل کتبی 06/16 در یکی از دبیرستانهای اخذ نمدم که در سال 1365 علیرغم پذیرفته شدن در دانشگاه مازندران رشته اقتصاد ، دانشگاه رضوی مشهد وهمچنین مراکز دیگر راهی حوزه علمیه قم شدم و درس حوزه را آغاز نمودم که تا سال 1371 دروس سطح را با میانگین بالایی از نمره طی نمودم .
از سال 1373 همزمان با شرکت در درس خارج تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم سیاسی را نیز آغاز کرده و با گذراندن کارشناسی و همچنین کارشناسی ارشد علوم سیاسی را دانشگاه باقرالعلوم ع اخذ نمودم. در کنار فعالیتهای علمی از سال 77-1376 مشغول تدریس در دانشگاههای تهران، بین المللی امام خمینی ، علامه و مازندران شدم که البته از مهر 1381 به عنوان هیات علمی دانشگاه مازندران مشغول بکار شدم. در کنار مطالعات حوزوی و دانشگاهی دارای تالیفات و مقالاتی در موضوعات مختلف می باشم

علینی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علینی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد علینی در سال 1343 در تهران به دنیا آمدم. تحصیلات کلاسیک خود را تا مقطع دیپلم در شهر قم ادامه دادم. با وجود قبولی در دانشگاه تهران و مرکز تربیت معلم لویزان در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح خود را نزد اساتیدی همچون ایوبی، نکونام، عراقچی، علیدوست، و مرحوم پایانی گذراندم. پس از اتمام سطح در درس خارج اصول مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.از سال 1370 به جهت علاقه به کار با کودک و نوجوان که به نظرم زیر بنای کار فرهنگی در جامعه محسوب میشود وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به ریاست حاج آقا راستگو شدم.
بعد از گذراندن دوره عمومی و تخصصی مرکز وارد گروه تحقیقاتی معارف زیر نظر حاج آقا کبیر شدم و بر روی آثار شهید مطهری کار نمودم. در ضمن وارد گروه تحقیقاتی روان شناسی زیر نظر استاد مهاجرانی شدم و روان شناسی رشد و شخصیت را فرا گرفتم و به تدوین جزوه همراه با سایر دوستان مرکز پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش در زمینه های معارف ، روان شناسی ، تعلیم و تربیت، احکام، مسائل اجتماعی و ... به تدریس در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در ایام تابستان در قم و شهرستان ها در مراکز فرهنگی مشغول می باشم.
همچنین در تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی با سایر دوستان محقق و نویسنده از سال 1376 همکاری نزدیک دارم و مسئول هیات تحریریه در مرکز تربیت مربی می باشم. در سال 1379 در کنار دروس حوزوی و تحقیق و پژوهش به تحصیل در رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری در دانشگاه باقر العلوم علیه السلام پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان و

حضور در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی به پژوهش و نویسندگی در زمینه مسائل جامعه شناسی اشتغال دارم که امیدوارم با عنایت ویژه خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت بتوانم در خدمت اسلام و جامعه اسلامی باشم. لازم به ذکر است از سال 1384 در مقطع کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام اشتغال به تحصیل دارم. همچنین از ابتدای سال1385 در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با عنوان پژوهشگری در دفتر مطالعات و تحقیقات فرهنگی و اجتماعی مشغول می باشم.

عمادالدین کاتب اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(597 -519 ق)، مورخ، ادیب و نویسنده. ملقب به عماد و کاتب اصفهانی. معروف به این اخی العزیز. در اصفهان به دنیا آمد و در همین شهر نشوونما یافت. در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به آموختن علم پرداخت و در فقه شافعی و فنون ادب و شعر سرآمد شد. سپس به دمشق رفت و به سلطان نورالدین محمود زنگی پیوست و متصدی دیوان انشاء گردید. وی به دو زبان فارسی و عربی می‌نوشت. او در مدتی که در دمشق بود صلاح‌الدین ایوبی را نیز می‌ستود و مورد علاقه‌ی او بود و به همین مناسبت مقامش نزد نورالدین بالاتر رفت و در زمان مستنجد عباسی، به عنوان پیامگزار از دمشق به بغداد رفت و پس از بازگشت به دمشق در مدرسه‌ای که به نام خود او خوانده می‌شود (مدرسه‌ی عمادیه) به عنوان مدرس منصوب شد. اما وی مورد سعایت دشمنان قرار گرفت و کار بر او تنگ شد و ناچار از دمشق به موصل رفت و در آنجا بیمار شد. ولی به محض شنیدن خبر رسیدن صلاح‌الدین ایوبی به دمشق، مجددا به آن شهر بازگشت و در همان شهر درگذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «خریده القصر و جریده العصر»،در ده مجلد؛ «الفتح القسی فی الفتح القدسی» یا «القدح القسی فی الفتح القدسی» یا «الفیح القسی فی الفتح لقدسی»، گزارشی از فتح شام و فلسطین به وسیله‌ی صلاح‌الدین؛ «البرق الشامی، در تاریخ، در هفت مجلد؛ «دیوان» شعر، در چهار مجلد؛ «نصره الفتره و عصره الفطره» یا «نصره الفتره و عصره القطره»، در تاریخ سلاجقه‌ی عراق؛ «السیل علی الذیل»، در سه مجلد، در تاریخ بغداد؛ «العتبی و العقبی»؛ «نحله الرحله».[1]
(بخش 1) کاتب، محمد بن محمد صفی‌الدین بن نفیس‌الدین حامد بن اله مکنی به ابوعبداللّٰه، ملقب به عمادالدین کاتب اصفهانی مورخ و ادیب و نویسنده (و. اصفهان 519 ه.ق./ 1125 م.- ف. دمشق 597 ه.ق/ 1201 م.) وی در جوانی به بغداد رفت و به فرا گرفتن فقه و ادب مشغول گردید، و سپس به خدمت وزیر عون‌الدین بن هبیرة رسید و از طرف او نظارت امور بصره و واسطه را عهده‌دار شد و چون عودالدین درگذشت، کار وی روی به ادبار نهاد لذا آهنگ دمشق کرد و در آنجا از طرف سلطان نورالدین به استخدام دیوان انشاء درآمد. سپس نورالدین او را به روزگار المستنجد جهت رسالت روانه‌ی بغداد ساخت و چون نورالدین فوت کرد عمادالدین به

صلاح‌الدین پیوست، و پس از مرگ وی در دمشق اقامت گزید و تا آخر عمر از مدرسه خویش که عمادیه نام داشت دست نکشید. او را تألیفات بسیار است از جمله: خریدة القصر در ده مجلد، قسم شعراء مصر در دو جزوه، البرق الشامی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، دیوان رسائل، دیوان شعر، السیل علی الذیل در تاریخ بغداد، نصرة الفترة و عصرة الفطرة در اخبار دولت سلجوقی که آن را فتح بن علی بنداری در یک جزوه مختصر نموده و زبدة النصرة و نخبة العصرة نامیده است و کتاب اخیر به نام تواریخ آل سلجوق نیز مشهور می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (254 -253 / 7)، ایضاح المکنون (629 -92 / 2)، تذکره القبور (451)، دایره‌المعارف فارسی (1767 / 2)، ریحانه (201 -200 / 4)، سیر النبلاء (350 -345 / 21)، شذرات الذهب (333 -332 / 4)، العبر (120 / 3)، کشفاالظنون (2049، 1956، 1316، 1103، 954، 803، 702 -701، 288، 239)، الکنی و الالقاب (484 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ عمادالدین کاتب)، معجم الادباد (28 -11 / 19)، معجم المؤلفین (205 -204 / 11)، النجوم الزاهره (160 -159 / 6).

عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1284 ش)،مورخ، مدرس و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت با علم و علما آشنا شد و در حوزه‌ی اصفهان به کسب علم و تلمذ از علمای بزگوار آن روز، چون آیات عظام سیدعلی نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا علی شیرازی، شیخ محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و حاج‌میرزا رضا کلباسی پرداخته و به کسب اجازات روایتی از علمای بزرگ آن زمان همچون آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمری، شیخ محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی و شخصیتهای علمی دیگر نایل آمد. عمادزاده به تدریس در محیطهای آموزشی و دانشگاه رغبت فراوان نشان می‌داد او از ابتدای تحصیلات خود علاقه فراوانی به تألیف و تحقیق و نشر فرهنگ و معارف اسلامی و خدمت به اهل‌بیت (ع) داشت و همواره به دنبال هدف خویش بود. ثمر و حاصل تلاش وی بیش از صد و بیست تألیف درباره‌ی موضوعات مختلف است. از آن جمله: ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، زبور آل محمد»؛ «تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم»؛ «زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام»؛ «تاریخ مفصل اسلام»؛ «معراج»؛ «زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «فاطمه الزاهراء (ع)»؛ «شرح خطبه‌ی غدیر»؛ «شرح زندگانی هر یک از حجج معصومین (ع)» یا «مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (ع)»؛ «زندگانی حضرت مجتبی (ع)»؛ «زندگانی حضرت خامس آل‌عبا ابی‌عبدالله سیدالشهداء (ع)»؛ «تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزیست»؛ «زندگانی حضرت ابوالفضل، قمر بنی‌هاشم (ع)»؛ «زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر »؛ «زندگانی زینب کبری»، ترجمه؛ «تاریخ جغرافیایی مکه»؛ «تاریخ جغرافیایی کربلا»؛ «بستان الادب»؛ «جهان اسلام، اسلام در جهان»؛ «مکتب اسلام»؛ «زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)»؛ «منتقم حقیقی، مهدی قائم صاحب العصر و الزمان (عج)»؛ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات.[1]
مؤلف، محقق.
تولد: 1284 (8 ذی الحجه 1325 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 12 فروردین 1369، تهران.
حسین عمادزاده‌ی اصفهانی، فرزند حجت‌الاسلام احمد عمادالواعظین، در حوزه‌ی اصفهان از علمای آن روز چون آیات عظام سید علی نجف‌آبادی،

محمود مفید، علی واعظ شیرازی، محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای، محمدرضا کلباسی کسب فیض کرد. وی دارای اجازه‌ی روایتی از علمای آن زمان همچون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی بود.
حسین عمادزاده‌ی اصفهانی دارای آثار بسیاری است که برخی از آنها به شرح زیر است: بستان الاداب (برای سال پنجم و ششم متوسط، 1309)؛ جهان اسلام و اسلام در جهان، ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم (1334)؛ تاریخ مفصل اسلام (جلد اول، 1337)؛ شرح خطبه‌ی غدیر؛ زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام (1328)؛ تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است (زندگانی حضرت سیدالشهداء، 1321)؛ زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)؛ قمر بنی‌هاشم (1321)؛ زندگانی حضرت علی‌اکبر و علی‌اصغر (1356 ق.)؛ زندگانی زینب کبری (شیخ جعفر نقدی، ترجمه، 1323)؛ زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی‌عبدالله- سیدالشهداء (1374 ق.)؛ زندگی حضرت سجاد (1338)؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب (1331)؛ زندگانی حضرت مجتبی (1337)؛ زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا (1335)؛ رجال اسلام (شامل شرح حال قریب بیست هزار نفر از رجال علمی و ادبی اسلام)؛ تاریخ جغرافیایی کربلا (1326)؛ راهنمای حاج، تاریخ جغرافیایی مکه (1327)؛ صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه زبور آل محمد (1334)؛ فاطمةالزهراء (1336)؛ مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (دو جلد، 1331 -1330) دوره‌های مجله‌ی «خرد».
وی علاوه بر تحقیق و تألیف و نیز تدریس در دانشگاه مقالاتی نیز برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشت.
وی در سال 1315 در تهران ساکن شد و در پنجم ماه رمضان (دوازدهم فروردین سال 1369) درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (252)، کیهان فرهنگی (س 7، ش 3، ص 50)، مؤلفین کتب چاپی (831 -829 / 2).

عناصری، جابر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جابر عناصری در سال 1324 در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : تعزیهخاطرات کودکی : علی عناصری(پدر جابر) بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می نمود. جابر از کودکی به شبیه خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه خوانی را برگزار می نمود، جابر مشق های خود را در پشت نسخه های تعزیه می نوشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جابر عناصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد . و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزای مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جابر عناصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال 1339 راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال 1342 تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد.در سال 1352 برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند.خاطرات و وقایع تحصیل : جابر عناصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : جابر عناصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال 1345 انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند. دکتر عناصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردمشناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران

و افغانستان پرداخت.استادان و مربیان : جابر عناصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت . اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عناصری بود.همسر و فرزندان : همسر جابر عناصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی،وی را یاری می نمایند.وقایع میانسالی : جابر عناصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها ر زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عناصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند.دکتر عناصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشروز بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عناصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جابر عناصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک(از سال 1356 ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر(1381 ه.ش) سرپرست برخی گروههای تحقیقی مردم شناسی و مسئول تحقیقات ایلی و عشایری می باشند.فعالیتهای آموزشی : جابر عناصری از بیست و یک سالگی در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد(1356 ه.ش) . وی در سال 1377 درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود.[دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،1377، ص 319]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جابر عناصری در کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه ، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد.همفکران فرد : مرحوم احمد شاملو(نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا(نویسنده امثال و حکم) صادق

هدایت(گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی، دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد- احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عناصری قرار میگیرند که با نگاهی مردم شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می نگرد.آرا و گرایشهای خاص : مهمترین علاقه جابر عناصری ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعایت می داند.جوائز و نشانها : تک نگاری درباره روستای ججین اولین پژوهش چاپ شده جابر عناصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد(1352 ه.ش) هنگامی که دکتر عناصری در انگلستان به سر می برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال 1356 با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت.آثار : ویژگی اثر : وی در آثار خود از نگاهی جامعه شناسانه و مردم شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می نگرد. [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر ، تهران: چهارین فصلنامه تئاتر، 1358، ص جلد]2 ادبیات نمایشی مذهبی ، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، 1358 . و سه مردمشناسی و روانشناسی هنری، تهران:اسپرک،1366. و سه ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش ،1370. و سه ، شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1372] ، دکتر جابر عناصری تا کنون (1381) 12 تعداد 1200 مقاله و 34 کتاب نگاشته اند، که 20 عنوان از کتابهای پژوهشی می باشند و از آن جمله است: شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی(1372) ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان(1370) ویژگی اثر : پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عناصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش،1370، صص فهرست]7 مراسم آیینی و تئاتر(1358) ، مردم شناسی و روانشناسی هنری(1366) ویژگی اثر : دکتر عناصری در کتاب مردم شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث

های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می نماید. [جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، 1366، و نیز، سه، جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، 1380، صص جلد و فهرست]9 نسیم خاطرات[صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص 21] ویژگی اثر : مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده 150 مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص 21]

منابع زندگینامه :جواد عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، 1358، ص جلد2دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،1377، ص 319]3صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش. ص 20و نیز جابر عناصری، شبیه خوانی الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،1372، صفحات جلد کتاب]4کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه1، شماره 40-39(آذر و دی 1380)، ص 2. و نیز کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه 2)، شماره 44-43 (فروردین و اردیبهشت 1381)،ص 2

عودی، ستار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ستار عودی درسوم خرداد 1333ه.ش در بغداد متولدشد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدارس عراق گذراند. و در پانزدهم اسفند 1350 ه.ش به همراه خانواده، همانند بیش از پانصد هزار ایرانی دیگر توسط حکومت یعنی صدام حسین، از عراق اخراج شدند. وی بین سالهای 1354ـ 1352 ه.ش به انجام خدمت نظام وظیفه با درجه گروهبان درلشکر 77خراسان پرداخت و بعد از انقلاب اسلامی به اشتغال در چند شرکت خصوصی و از سال 1364ه.ش در وزارت راه و ترابری مشغول به کار شد. در فروردین 1367تا کنون 1383 به عنوان مترجم، دبیر و سر دبیر خبر عربی مشغول به کار است. وی دارای مدرک دکترای تاریخ و تمدن اسلامی است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : تاریخ تمدن اسلامی والدین و انساب : ستار عودی در سال 1333 در خانواده مردی ایرانی به نام غلام از زنی به نام سلیمه متولد شد.خاطرات کودکی : ستار عودی که کودکی و نوجوانی خود را در اطراف کاظمین سپری کرد و گرچه خاطرات زیادی از آن روزگار در ذهن ندارد، آنجا را به سبب رونق مراسم های مربوط به عاشورا در آن روزگار همواره به یاد می آورد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر ستار، شغل آزاد و نسبتا مرفه و جزو طبقه متوسط اجتماعی بود. ستار نیز در کنار یک خواهر و پنج برادر خود (به نامهای سهام، جلال، کمال، خالد، سالم و حافظ) تا سال 1350 از زندگی خوبی برخوردار بوده اند . تا اینکه در دیماه 1350 دولت عراق دار اینهای آنان را ضبط کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ستار عودی دیپلم خود را در شهر ری دریافت کردو از سال 1364 دررشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد، در سال 1369 نیز لیسانس ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور احراز کرد و در سال 1374 فوق لیسانس تاریخ و تمدن ملل اسلامی و در سال 1380 مدرک دکتری خود را در همان رشته از دانشگاه تهران دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : ستار عودی در کنار تحصیل، به گذراندن یک دوره خبرنگاری و نیز یک دوره دیپلم عالی بازرگانی از لندن (از طریق نامه نگاری) نائل آمده است . در کنار اینها در جاده کرج مشغول به کار بوده است و گاه از فرط خستگی برسر کلاس به خواب می رفته است.فعالیتهای ضمن تحصیل : ستار عودی در حین تحصیل علاوه بر اشتغال و تحصیل در چندین مقطع و رشته، به چندین جلسه علمی

در خارج کشور رفت و نیز برای بنیاد دایره المعارف اسلامی بزرگ مقالاتی تهیه می کرد. همچنین مدتی را به فراگیری زبان فرانسه و اسپانیول مشغول بود.استادان و مربیان : خانم دکتر برزگر و دیگر استادان، به ویژه استادان رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از استادان ستار عودی بوده اند. از آن جمله اند: استاد دکتر اسعدی، استاد دکتر حسین قره چانلو، دکتر نصیریان، دکتر هادی عالم زاده و دکتر نورالله کسائی.هم دوره ای ها و همکاران : ستار عودی نام همدوره ای ها و همکاران روزگار تحصیل خود را به سبب سپری شدن زمان و وقوع بسیار در زندگی او به خاطر نمی آورد.همسر و فرزندان : ستار عودی در 19شهریور 1360ه.ش با دختر خاله خود به نام بتول آهنگری ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند به نامهای علی متولد 1361، حیدر 1364، و محمد 1371 می باشند.وقایع میانسالی : روزگار میانسالی ستارعودی به تحصیل دررشته تاریخ تمدن و ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و نیز اشتغال در بخش عربی اخبار جمهوری اسلامی ایران، و نیز به عنوان مترجم و دبیر می گذرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ستار عودی مشاغل گوناگونی چون مدیر امور فروش، مدیریت امور انبارها، استادی زبان انگلیسی درنیروی هوایی، استاد زبان عربی در دانشکده وزارت امور خارجه، استاد در دانشگاه های تهران و دانشگاه امام صادق(ع) و سردبیر خبر بین المللی عربی در خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران را تجربه نموده است.فعالیتهای آموزشی : ستار عودی سابقه درخشانی در تدریس داشته است که عبارت است از: استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه امام صادق. استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده فرهنگ اسلامی و ارتباطات (شاخه تاریخ تشیع) . استاد مدعو در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از 1378 تا کنون 1383. استاد ناظر بر رساله های دانشجویان در دانشکده خبر عضو هیات علمی بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی . کارشناس امور خبری در بخش بین المللی خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ستار عودی در دانشگاههای مختلف در تهران به تدریس و نیز مطالعه و تحقیق مشغول است. و نیز سر دبیری خبر بین المللی بخش عربی را بر عهده دارد.شاگردان : ستار عودی چنانکه خود نوشته است شاگردان بسیاری را طی یک دهه آموزش تربیت کرده است که برخی از آنان مسئولیت های مهمی را عهده دار می باشند.آرا و گرایشهای خاص : تز دکتری ستار عودی تحت عنوان« تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه (تونس) در قرن سوم هجری »پس از پنج سال تحقیق صورت گرفته است. وی با توجه به تسلط بر زبانها عربی و انگلیسی و فارسی و دانستن زبانهای فرانسه و اسپانیایی منابع گسترده ای در این باره را شناسایی و

مطالعه کرده است.جوائز و نشانها : جایزه بهترین مقاله دایره المعارفی برای مقاله «تاریخ نگاری در شمال آفریقا» 1383/11/15چگونگی عرضه آثار : ستار عودی بیش از 50مقاله علمی به بنیاد دایره المعارف اسلامی تقدیم کرده است که در جلد ششم دانشنامه جهان اسلام هفت مقاله از آن به چاپ رسیده است . از این گذشته وی تعدادی مقاله برای دایره المعارف بزرگ اسلامی نوشته است که در حال چاپ می باشند. و نیز پنج مقاله درباره شخصیتهای عرب قدیم از جمله بشار بن بردو مجله اول در فرهنگستان زبان وادب فارسی زیر چاپ است . دو مقاله در جمله ماهنامه دینی و یک مقاله در مجله ریحانه و یک مقاله در دایره المعارف زنان، حدود 100مدخل برای دایره المعارف جدیدی بر سبک و سیاق دایره المعارف مصاحب دردست چاپ دارد.آثار : ایران یک شریک تجاری ویژگی اثر : این کتاب در رشته بازرگانی و ترجمه ای است از زبان انگلیسی به عربی که در اجلاس سران کشورهای اسلامی به نمایش گذاشته شد و دومین چاپ آن نیز منتشر شده است .2 تاریخ آل مظفر ویژگی اثر : این کتاب خلاصه ای است به زبان ساده که از کتب پیچیده روزگار پس از ایلخانان استخراج شده و توسط موسسه اهل قلم ـ میراث مکتوب در حال چاپ است.3 تاریخ دولت اغلبیان در افریقیه (تونس) درقرن سوم هجری ویژگی اثر : عنوان فوق،شامل تز دکتری ستار عودی بود که پس از پنج سال تحقیق و مطالعه بیش از 700 منبع به پایان رسیده و در موسسه امیر کبیر در زیر چاپ است.4 زندگینامه شاه عباس دوم ویژگی اثر : این کتاب خلاصه ای است با نثری روان که برای مخاطبین جوان تهیه شده است این اثر خلاصه ای است از منابع مربوط به عصرصفوی که در موسسه اهل قلم ـ میراث مکتوب در حال چاپ می باشد.5 سرگرمیهای ریاضی ویژگی اثر : ترجمه کتابی سرگرم کننده در رشته ریاضی است که در موسسه علمی ـ فرهنگی وابسته به وزارت علوم زیر چاپ است.

منابع زندگینامه : اظهارات و نوشته های ستار عودی

عیسی زاده، ولی الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ولی الله عیسی زاده
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1352 ه . ش وارد دبستان دولتی روستای رزکه از توابع بخش مرکزی شهرستان آمل شدم، و تا پایان دوره ابتدایی که مدرسان و معلمان سپاه دانش مربی ما بودند در همان مدرسه اشتغال به تحصیل داشته و از امتیازات بالایی برخوردار بودم.دوره راهنمایی را همزمان با مبارزات انقلابی مردم آمل در این شهر آغاز کردم و سال سوم راهنمایی را در مدرسه معتمدی (شهید سقاعلیزاده) با موفقیت به پایان رساندم.
دوره متوسطه را در دبیرستان امام خمینی(ره) آمل شروع کردم که با درگیری منافقان در این شهر همزمان بود، سپس در سال 1364 با اخذ مدرک دیپلم در رشته اقتصاد راهی جبهه شدم و در سال 1365 وارد حوزه علمیه مسجد هاشمی آمل شدم.آن‌گاه در سال 1366 وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و همزمان با تحصیل در حوزه وارد موسسه امام خمینی(ره) شده و دوره عمومی آن را در سال 1378 به پایان رسانده و مدت 2 سال برای خدمت به طلاب و آشنایانی با اهل سنت به حوزه علمیه منتظریه گنبد کاووسی مهاجرت کردم و در این مدت ضمن مدیریت و تدریس در فعالیت‌های فرهنگی و علمی منطقه فعال بودم و در دانشگاه آزاد شهرستان آزاد شهر تدریس می‌کردم.سپس در سال 1381 به قم مهاجرت کردم و در موسسه اسراء که تحت اشراف حضرت آیت الله جوادی آملی است به تحقیق مشغول شدم و در ضمن فعالیت‌های علمی در موسسه به تالیف کتاب و مقاله و تدوین پایان‌نامه مشغول شدم که همچنان به فضل الهی ادامه دارد.در ضمن در تمامی این مدت (از زمانی که ملبس به لباس مقدس روحانیت شدم 1370) تا به حال در سه مقطع تبلیغی رمضان، محرم و صفر به این امر مهم مشغول هستم. از سال 1375 نیز در خدمت‌گذاری خدمت زائران محترم حرمین شریفین و عتبات

عالیات فعال هستم.

غانمی هروی، ابوسعد محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، طبیعیدان. وی تألیفاتی چند داشته، از جمله: کتاب «الالوان» یا «هوان الالوان»؛ «قراضه‌ی طبیعیات»، به فارسی و به شکل سؤال و جواب در مسائل طبیعی که به خطا آن را به ابن‌سینا نسبت داده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (973 -972 /2)، تاریخ نظم و نثر (128)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (66)، الذریعه (65 / 17).

غزال زعفرانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 369 ق)، حافظ، محدث، قاری و نویسنده. از مقلب به شیخ القراء. وی از محمد بن علی فرقدی و عبدان اهوازی و محمد بن زبان و علی بن احمد علان قاسم بن عصار دمشقی و دیگران حدیث شنید. ابوسعد مالینی و ابونعیم حافظ و ابوبکر احمد بن محمد بن حارث ادیب و عبدالعزیز بن احمد بن فاذویه از وی حدیث شنیدند. گفته‌اند که او صاحب تصانیف در قراآت و حدیث بوده است. از آثارش کتاب «الوقف و الابتداء» است. در «شذرات الذهب» وفات وی را در 363 ق ذکر کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره الحفاظ (965 -964 / 3)، سیر النبلاء (217 / 16)، شذرات الذهب (47 / 3)، طبقات الحفاظ (386 -385)، معجم المؤلفین (142 / 10)، هدیه العارفین (49 / 2).

غفاری فر، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن غفاری فر
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسن غفاری فر در سال 1361 دیپلم را اخذ و در سال 61-62 وارد مدارس علوم مقدس دینی شدم . ابتدا مدت کوتاهی را در تهران ، سپس در بابل و نهایتا در سال 67-68 برای ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم ، تقریبا در همان سال تحصیلی ، دروس سطح را به اتمام رساندم ، البته به جهت شهرستانی بودن و عدم ساماندهی فراگیر حوزه های شهرستانها در آن ایام ، امتحانات حوزوی در سالهای بعد به اتمام رسید . از سال تحصیلی 67-68 تا کنون در دروس خارج حوزه شرکت می کنم ، قابل ذکر است تقریبا از سال 78 به بعد تک درس خارج فقه یا اصول را شرکت می کنم . از سال تحصیلی 71-72 وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم. ابتدا دوره پنج ساله عمومی را (طبق طرح قدیم) در سال 75-76 به اتمام رساندم ، سپس از سال 76-77 وارد ارشد جامعه شناسی و طبق طرح قدیم (با سپری نمودن 80 واحد پیش نیاز و بیش از 30 واحد اصلی و دفاع از پایان نامه) در سال تحصیل 80-81 به اتمام رساندم .
قریب به پنج سال در موسوعه فقه اهل بیت(ع) به مدیریت آیت الله شاهرودی در فاصله سالهای 75 -80 همکاری پژوهشی داشتم و قریب به 6 ماه عضو گروه کارورزی پژوهشی تاریخ معاصر به مدیریت دکتر موسی نجفی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اشتغال داشتم .
به صورت متفرقه با قسمت تحقیقات و پژوهش معارف صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستقر در قم ، همکاریهای نظارتی بر کتابها می نمایم که تا کنون نیز ادامه دارد، به عنوان ناظر و یا داور رساله های علمی موسسه های علمی زیر مجموعه حوزه علمیه قم همکاری دارم ، قریب به 6 ماه عضو گروه پژوهش حوزه جامعه شناسی در موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات بودم.

بیش از 10 عنوان در حوزه های تاریخ اسلام ، تاریخ ایران ، تاریخ تشیع ، مهدویت ، جامعه شناسی ، عقاید ، سیاسی (به ویژه بحث ولایت فقیه) و در مراکز حوزوی ، دانشگاهی و نهادهای انقلابی و گاهی دانش آموزی تدریس نموده ام.

غفاری قزوینی، احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 975 ق)، شاعر. وی مرد فاضل و نیکوقریحه‌ای بوده و از تاریخ نیز سررشته داشته است. در پایان عمر به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در راه بازگشت به سرای باقی شتافت. از آثارش: تاریخ «نگارستان»؛ «تاریخ جهان‌آرا».[1]
(منسوب به عبدالغفار) (قاضی) احمد بن محمد قزوینی، دانشمند و مورخ (ف. 975 ه.ق) وی از اعقاب عبدالغفار قزوینی عالم معروف مؤلف کتاب الحاوی الصغیر بود و پدرش قاضی محمد در شهر ری سمت قضا داشته. احمد مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بود و در نزد امرا و شاهزادگان صفوی محترم می‌زیست و مدتی در دستگاه سام میرزا مقیم بود و در آخر به عزم حج عازم مکه شد ولی در مراجعت در بندر دیبال سند درگذشت. وی مؤلف دو تاریخ است: تاریخ نگارستان، جهان آرا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1150 / 3)، الذریعه (309 -308 / 24 59، / 9 ،246 / 3)، عالم‌آرای عباسی (99 ،82 / 1)، فرهنگ سخنوران (670)، هفت اقلیم (178 / 3).

غفاری، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر غلامرضا غفاری دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (1368)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1371) و دکتری را نیز در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1380) اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیوالدین و انساب : نام پدر: امراللهتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر غلامرضا غفاری مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (1368)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1371) و دکتری را نیز در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1380) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی پیوند بین فعالیت های علمی و تکنولوژیکی با نیاز های اجتماعی اقتصادی » و دوره دکتری «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی- اقتصادی سازمان یافته روستاییان» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر غفاری می‌توان مواردی همچون «ریاست موسسه تحقیقات تعاونی دانشکده علوم اجتماعی» (1381)، «مسئولیت اداره خدمات آموزشی دانشکده علوم اجتماعی» ، «معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی» ،«معاون دانشجویی و فرهنگی,دانشکده علوم اجتماعی در سال 1382»و«بازرس چهارمین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران»را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس غلامرضا غفاری ،«تغییرات اجتماعی»، «روش تحقیق عملی»، «روش تحقیق نظری»، «سیاست اجتماعی»، «فنون برنامه ریزی اجتماعی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی) است و «روش تحقیق در رفاه اجتماعی» و «روش ها و تکنیک های برنامه ریزی رفاه» (در مقطع کارشناسی ارشد) است. آرا و گرایشهای خاص : از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات «سرمایه اجتماعی»، «توسعه اجتماعی » و « تحولات اجتماعی » اشاره نمود.وی مسئولیت طرح های تحقیقاتی مختلفی از جمله «سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» را نیز بر عهده داشتند. چگونگی عرضه آثار : تعداد راهنمایی

پایان نامه ها : الف-پایان نامه های کارشناسی:1مورد ب- پایان نامه های کارشناسی ارشد:17 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:18 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی : 1 مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها:6 موردآثار : اعتماد: نظریه جامعه شناختی ویژگی اثر : پدیدآورنده: پیوتر زتومکا، غلامرضا غفاری (مترجم) ناشر: شیرازه - 11 اسفند، 1386 2 توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: نشر نی - 26 خرداد، 1386 3 جامعه شناسی تغییرات اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: عادل ابراهیمی لویه، غلامرضا غفاری ناشر: آگرا - 23 آبان، 1384 4 جامعه شناسی توسعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، مصطفی ازکیا (مترجم) ناشر: کلمه - 1381 5 جامعه شناسی توسعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: کیهان - 07 مهر، 1387 6 جامعه شناسی مشارکت ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، محسن نیازی ناشر: نزدیک - 22 خرداد، 1386 7 جامعه شناسی نسلی در ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، تقی آزادارمکی (مترجم) ناشر: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی - 1383 8 جامعه شناسی نسلی در ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: تقی آزادارمکی، غلامرضا غفاری ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی - 19 شهریور، 1386 9 سرمایه اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان فیلد، غلامرضا غفاری (مترجم)، حسین رمضانی (مترجم) ناشر: کویر - 30 آبان، 1386

غفوری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد غفوری
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1

زندگینامه علمی
محمد غفوری متولد 1350 و تحصیل کرده حوزه و دانشگاه تحصیلات ابتدائی و راهنمائی را در مشهد گذراندم و پس از آن به قم آمده و دروس حوزه را از اواخر دهه 60 آغاز کردم. پس از پایان دروس مقدمات و سطح نزد اساتید متعدد، در مقطع خارج اشتغال یافتم. در سال 1379 در کنار دروس حوزه، در رشته تاریخ وارد دانشگاه شدم و پس از اخذ مدرک کارشناسی، در سال 1384 در مقطع کارشناسی ارشد و در گرایش "تاریخ اسلام" پذیرفته شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه فوق لیسانس هستم. هم چنین دوره تخصصی تاریخ اسلام را طی دو سال(1379-1377) در مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم(زیر مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی) به پایان بردم.از سال 1380 تا کنون به عنوان پژوهشگر در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول هستم و از سال 1381 مدیریت اجرایی" فرهنگ نامه مولفان اسلامی" را بر عهده دارم. در طی این مدت شخصیت نگاری مولفان پنج قرن نخست هجری به پایان رسیده و قرن ششم در دستور کار قرار دارد و جلد اول فرهنگ نامه شامل مولفان سه قرن نخست هجری آماده انتشار است. علاوه بر نگارش شماری از مقاله ها کنترل علمی و بازخوانی بسیاری از مقالات فرهنگ نامه را هم انجام داده ام.

غلامرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزده و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی در آبرنگ مهارت داشت و در گل و مرغ و مرغش‌سازی و حل‌کاری پراستعداد بود. از آثار وی: تصویر گل و مرغی شیوایی در سبک سیاه‌قلم، با رقم: «مشق غلامرضا 1315»؛ قلمدان مرغش عنابی که در رویه‌ی آن ساقه بلند و افشان خوشه انگوری به حل‌کاری استادانه‌ای انجام یافته و کناره‌ها نیز با زنجیره‌ی طلایی محدود شده است، با رقم: «غلامرضا 1311».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (410 / 1).

غنجار بحاری، ابوعبدالله محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(412 -337 ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل بخارا بود و محدث آنجا. از خلف بن محمد خیام و سهل بن عثمان سلمی و ابوعبید احمد کرمینی و ابراهیم ملاحمی و بسیاری دیگر از علماء و محدثین دیارش حدیث شنید. هناد نسفی و گروهی دیگر از شاگردان وی بودند. غنجار در بخارا درگذشت و در مقبره‌ی حوض فدام دفن شد. از آثارش: «تاریخ بخارا»؛ «فضائل الصحابه»، تصنیفی در «فضائل الاربعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (205 / 6)، انساب سمعانی (312 -311 / 4)، سیر النبلاء (305 -304 / 17)،شذرات الذهب (196 / 3)، طبقات الحفاظ (413)، العبر (221 / 2)، کشف الظنون (1276، 286)، معجم الادباء (214 -213 / 17)، معجم المؤلفین (105، 7 / 9)، الوافی بالوفیات (60 / 2)، هدیه العارفین (61 / 2).

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(529 -451 ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوه‌ی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوه‌ی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و از پدرش، اسماعیل، و مادرش، ام‌رحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جده‌اش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعد و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعد کنجرودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعد عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (157 / 4)، روضات الجنات (22 / 8)، ریحانه (273 -272 / 4)، سیر النبلاء (18 -16 / 20)، شذرات الذهب (93 / 4)، العبر (436 -435 / 2)، کشف الظنون (1602، 1011، 558، 308)، الکنی و الالقاب (67 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن)، معجم المؤلفین (267 / 5)، وفیات الاعیان (225 / 3)، هدیه العارفین (587 / 1).

فارسی، جلال الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای جلال الدین فارسی از اسلام پژوهان و مبارزان عصر جدید در راه تحقق و استقرار انقلاب / حکومت / جمهوری اسلامی بوده اند ، و بیش از یک اهل قلم عادی در این راه تلاش کرده اند . او متولد 1312 ش در مشهد مقدس است . در حدود سالهای 1332 ـ 1333 ش نخستین اثر خود را که ترجمه بود منتشر ساخت و با شرکت در حوزه های مخفی نهضت مقاومت ملی ، به بحث درباره ی مسئله ی « کلیسا » و رابطه ی دین و دولت / سیاست / حکومت و پس از آن به تدریس دو اثر انقلابی خود به نامهای نهضت های پیامبران ، و تکامل مبارزه ی ملی پرداخت . سالهای 1340 ـ 1341 را در زندان قزل قلعه سپری نمود و در قیام 15 خرداد سال 1342 نیز نقشی فعال داشت . کتاب حقوق بین المللی اسلامی را در سال 1345 ، و ترجمه ی کتاب مشهور تکامل انقلابی اسلام را در سال 1349 منتشر کرد . در خلال همین سالها به لبنان هجرت کرد و با همکاری با جنبشهای انقلابی و آزادی بخش منطقه در حرکت مبارزه ی مسلحانه ی داخل کشور نقش مهمی ایفا نمود . دوره ی درسهایی درباره ی مارکسیسم به دو زبان فارسی و عربی و واحدهای بشری و ترجمه ی 5 جلد (از 11 جلد منتشر شده) الغدیر و شهدای راه فضیلت هر دو اثر شادروان علامه عبدالحسین امینی ، از آثار فرهنگی ارزشمند دوران هجرت اوست .
در تابستان 1357 از طرف امام خمینی (ره) ، به تنظیم رابطه ی سازمان آزادی بخش فلسطین با انقلاب اسلامی ایران همت گماشت و سال بعد به نمایندگی در مجلس خبرگان انتخاب گردید . مسئولیت دیگر وی عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی بود . وی سپس به عنوان نماینده ی مردم تهران در دوره ی دوم مجلس شورای اسلامی مشغول انجام وظیفه گردید . آثار دیگر او که در سالهای اخیرتر منتشر شده عبارتند از : ترجمه ی قرآن کریم که به آن بیشتر می پردازیم ؛ فلسفه ی انقلاب اسلامی ؛ استراتژی بین المللی ؛ پیامبری و جهاد و حکومت ، پیامبری و انقلاب که این سه کتاب ، یک دوره سیره ی نبوی است به استناد ترتیب نزول قرآن و محتوای آیات تاریخی . یکی از آثار مفید دیگر ایشان واژه های انقلاب اسلامی ایران است که چند سال پیش منتشر شده است ، و به کار ایران شناسان و اسلام شناسان و محققان انقلاب اسلامی و تاریخ عصر جدید

ایران می آید .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فاضلی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید احمد فاضلی
محل تولد : بیارجمند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/3
زندگینامه علمی
پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال 1351 در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سیّد علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال 1354 به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی) ،حاج شیخ فخر الدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری) ،حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال 1363 به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی(ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.
در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندک رباط کریم تدریس می کرد؛ دروسی که وی تدریس می کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی
بیش از 15 سال سابقه تبلغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از 14 ماه آن در جبهه های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فاضلی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 ش)، مورخ. در تهران به دنیا آمد. از پانزده سالگی به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و مدت هشت سال آموزگار بود. پس از چندی وارد اداره‌ی آموزش متوسطه شد و به سمت دبیری در دبیرستانهای تهران منصوب گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود: تصدی دایره‌ی تعلیمات متوسطه در اداره‌ی تعلیمات مرکزی، معاونت دبیرستان انوشیروان دادگر. اثر وی: «تاریخ ملل مشرق و یونان»،به مشارکت بهمن کریمی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (43 / 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (756 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (189 -188 / 3).

فاطمی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسن فاطمی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
سال 1345در شهر قم متولّد شدم. سال 1360پس از اتمام کلاس اول دبیرستان در رشته علوم تجربی، با ثبت نام در مدرسه آیت الله گلپایگانی (امام مهدی فعلی) وارد حوزه علمیّه شدم. تحصیلات را در این مدرسه تا ابتدای شرح لمعه فرا گرفتم و از آن پس به صورت آزاد تحصیلات را ادامه دادم. از حدود سال 1370 در درس خارج حاضر شدم و به مدّت 5 سال ادامه دادم و از آن پس به فعالیتهای تحقیقی با تدوین مقاله و کتاب روی آوردم. ضمن تحصیلات حوزوی دروس دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب ادامه دادم. سال1369 با معادل لیسانس از حوزه در مقطع فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی اراک پذیرفته شدم. به دلیل رسمیت نداشتن مدرک حوزوی، مقطع لیسانس را نیز در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث فرا گرفتم. نظر به اینکه با موافقت ریاست کل دانشگاه آزاد واحدهای بیشتر از معمول را می توانستم انتخاب کنم در سال 1372 هر دو مقطع را به پایان رساندم. تا کنون 4 کتاب وحدود 150 مقاله اعم از بی امضاء یا با امضای خودم یا با نام مستعار از اینجانب چاپ شده است.

فامی هروی، ثقه‌الدین ابونضر، ابونصر عبدالرحمان

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(546 -472 ق)، حافظ، محدث، ادیب و مورخ. اهل هرات بود و محدث آنجا. از ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون واسطی و قاضی و ابوعامر ازدی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در کهولت به حج رفت و از هبه‌الله بن علی بخاری و ابوالقاسم بن حصین حدیث شنید. ابن‌عساکر و سمعانی و ابوروح عبدالمعز بزاز و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. سمعانی گوید که او دارای شناخت کافی در حدیث و ادب بود و اخلاقی نیکو داشت. از آثارش کتاب «تاریخ هرات» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (343 / 4)، سیر النبلاء (299 -297 / 20)، شذرات الذهب (140 / 4)، طبقات الحفاظ (471)، معجم المؤلفین (143 / 5)، النجوم الزاهره (290 / 5)، هدیه العارفین (518 / 1).

فخر زارع، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین فخر زارع
محل تولد : ورزنه اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/6/8

زندگینامه علمی
اینجانب پس از تکمیل مرحله ابتدایی و اول راهنمایی در سال 1363 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. پس از یک سال تحصیلی راهی قم شدم و در درسهای ادبیات مرحوم استاد مدرس افغانی بطور جدی شرکت کردم. سال 1365به جبهه اعزام و تا سال 1367 بطور متناوب بمدت 5/10 ماه در جبهه ها و چند عملیات حضور داشتم که در عملیات کربلای 5 از ناحیه کتف مجروح و دچار آسیب جدی شدم. پس از جنگ در اصفهان ماندگار شده و در دروس سطح حضرات آقایان آیة الله سید احمد امامی، آیة الله سید حسن امامی، آیة الله شیخ علی اکبر فقیه، آیة الله کلباسی و ... شرکت کردم. سال 1371 همزمان با تشکیل خانواده به قم مشرف شدم. و تا سال 1373در دروس سطح حضرات آقایان: پایانی، استادی، دوزدوزانی، عندلیبب، محمدی و... حضور یافتم. از سال 1375 در دروس خارج فقه واصول آیات عظام تبریزی، وحید، جوادی آملی شرکت کردم. از سال 1379 همزمان با دروس حوزه از دانشگاه رشته علوم اجتماعی را ادامه دادم و سال 1383 در رشته جامعه شناسی دانشگاه با رتبه خیلی خوب پذیرفته و تحصیلات را تا سال 85 (فارغ التحصیلی) ادامه دادم. عمده مطالعات اینجانب در مورد اسلام و جامعه شناسی اندیشه های بنیادی اجتماعی، جامعه شناسی سیاسی و نیز جامعه شناسی ادبیات می باشد.

فراشبندی، علیمراد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1300 ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در برازجان به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان فرخی برازجان به پایان رساند. در 1318 ش در اداره‌ی فرهنگ بنادر جنوب وارد خدمت شد و در برازجان به تدریس مشغول گشت. در 1324 ش به اداره‌ی فرهنگ شیراز منتقل شد. در 1331 ش امتیاز روزنامه‌ی «خانه‌ی ملت» را گرفت. از آثار وی: «تاریخ و جغرافیایی برازجان»؛ «دکتر مصدق یا جرج واشنگتن ایران»؛ «نظری به گذشته‌ی ایران»؛ «ایران و ایرانیان»؛ «آمریکاییها را بشناسید»؛ «زندانهای من»؛ «تاریخ مختصر سلسله‌ی قاجاریه»؛ «انگلیسیها را بهتر بشناسید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (709 -707 / 3)، مؤلفین کتب چاپی (601 -600 / 4).

فرامرزی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1268 ش)، مورخ، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در روستای کچویه فرامرزان از توابع لارستان فارس به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر به بحرین عزیمت نمود و در آنجا مقدمات فقه شافعی و نحو را در خدمت پدر آموخت. بعد از مراجعت به ایران به دلیل پیوستگی پدرش با مشروطه‌خواهان مجددا مجبور به ترک وطن و عزیمت به بحرین شد. فرامرزی در بحرین مدتی به تجارت مشغول گشت و در 1301 ش به همراه برادرش به تهران سفر کرد. در 1324 ش مدیریت کل وزارت دارایی را به عهده گرفت. او چند دوره نیز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. وی در 1306 ش به همراه برادرش مجله‌ی «تقدم» و بعد از شهریور 1320 ش روزنامه‌ی «خاور» را تأسیس و منتشر کرد. از آثار او: «چرا فرانسه شکست خورد»،ترجمه؛ «نتایج سیاسی جنگ بین‌المللی اول»، ترجمه؛ «انگلیسی‌ها در انگلستان»، ترجمه؛ «تاریخ تشکیلات سیاسی و قانونی و قضایی و اقتصادی»، ترجمه؛ «تاریخ بصره»؛ «تاریخ کویت».[1]
فرزند شیخ عبدالواحد لاری در 1265 در قریه گجویه از بلوک فرامرزیان لارستان به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را نزد پدر خود فراگرفت. در سن جوانی به مشروطه‌خواهان پیوست و با نیروهای استبدادی مبارزه نمود. حاصل این مبارزات یک سال زندان بود. فرامرزی پس از استخلاص از زندان به اتفاق برادرش عبدالرحمن به بحرین رفت و کار معلمی را پیشه‌ی خود ساخت و چون هر دو برادر روح سرکشی داشتند و در آنجا به مبارزاتی دست زدند که ناچار به ایران آمدند.
احمد فرامرزی مدتی در وزارت امور خارجه مترجم زبان عربی بود. چندی در وزارت راه و چند سالی هم در دادگستری شاغل مقاماتی شد. مدتی هم مدیرکل وزارت دارائی بود.
در 1308 ش در تهران مجله‌ی علمی و ادبی و تحقیقی تقدم را انتشار داد و دانشمندانی چون تقی‌زاده و جمال‌زاده عضو هیئت تحریریه آن مجله بودند. پس از 1320 نامه‌ی هفتگی سیاسی و اجتماعی خاور را منتشر نمود و مدتی هم روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را می‌نوشت. در دوره‌ی پانزدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و در ادوار هفدهم و هیجدهم نیز وکیل مردم بوشهر در مجلس بود. مرحوم فرامرزی ادیب و دانشمند و

محقق بود. تحقیقات دامنه‌داری درباره‌ی تاریخ و جغرافیای خلیج‌فارس نموده که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط وافی داشت. در اسفندماه 1340 در 73 سالگی درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (134 -132 / 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (74 -70 / 4)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (57 -56 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (431 -430 / 1).

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اینجانب علی اکبر فرجی سلطان آباد هشترودی درسال 1326هجری شمسی درقریه گنجینه کتاب ازتوابه هشترود آذربایجان شرقی دریک خانواده اهل علم به دنیا آمدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که ازعلما و وعاظآن منطقه به شمار می رفت) ودرسال 1349به قم منتقل شده وپس ازآشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصل مکاسب وکفایه دردارالتبلیغ اسلامی نیز مشغول تحصیل شدم که درسال 1354سطح راتمام کرده واز دارالتبلیغات اسلامی فارغ التحصیل شدم. مدت 2سال در دارالزهراء مشغول تدریس دررشته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام وادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم باچند نفر ازرفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم وکتاب نفیس وبسیار ارزشمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام وحجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق وپاورقی نمودیم ونزدیک به 4 سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن 3جلد چاپ شده وبقیه زیر چاپ است (چاپ اول 1425ق 1383ش نشر دانش حوزه) مقاله ای ازاینجانب درباره اصلاحات ارضی که پاسخی به یک نویسنده بود درروزنامه اطلاعات شنیه 30 فروردین 1359به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری وفارسی سروده ام که یکی ازاشعارم بعنوان (البلاءللولاء) درآخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ ومنبری هستم فعلا اغلب فعالیتم دراین زمینه است
اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترودی
22/2/86

فرخ، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1304 ق)، مورخ و نویسنده. ملقب به متین السلطنه و معتصم السلطنه. سیزده ساله بود که لقب متین السلطنه و فرمان مستوفی‌گری از مظفرالدین شاه گرفت. پس از پایان تحصیلات خود در مدرسه‌ی علوم سیاسی، در وزارت خارجه مشغول خدمت شد. وی پس از آن عهده‌دار مشاغل مختلفی گردید و به استانداری و وزارت و سفارت رسید و مدتی سناتور شد. از آثار وی: «تاریخ مختصر افغانستان»؛ «نظری به مشرق»، تاریخ سیاسی افغانستان؛ «یک سال در چین»؛ «خاطرات سیاسی فرخ»؛ «شجره‌ی خبیثه».[1]
فرزند سیدمحمد سادات تهرانی است که در 1333 ه.ق لقب معتصم‌السلطنه گرفت. تاریخ تولد فرخ را 1304 ه.ق نوشته‌اند. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی راه یافت و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را قبل از مشروطیت پایان داد و به خدمت در وزارت امور خارجه درآمد. در اداره‌ی تذکره و دفتر وزارتی مشغول کار شد. سپس ماموریت قفقاز گرفت و چندی در باطوم و گنجه نایب‌قنسول بود. در 1331 ه.ق به عنوان کارگزار مامور خدمت در تربت‌حیدریه شد و در انتخابات دوره‌ی سوم قانونگزاری از طرف مردم تربت‌حیدریه به مجلس رفت. مجلس سوم به علت جنگ بین‌الملل اول و مهاجرت نمایندگان و تشکیل حکومت موقت در کرمانشاه بیش از یک سال به طول نیانجامید.
فرخ مجددا به وزارت خارجه رفت و سرحددار سیستان گردید و پس از مدتی کارگزار گیلان شد و پس از دو سال ریاست اداره‌ی تحریرات روس در وزارت خارجه به عهده‌ی او واگذار گردید. پس از کودتای 1299 با سمت کارگزاری کل عازم خراسان شد. فرخ در این ماموریت از دوستان و نزدیکان کلنل محمدتقی‌خان پسیان شد و در قیام او مشارکت داشت. پس از شهادت مرحوم کلنل، فرخ مدتی تحت تعقیب حکومت مرکزی قرار گرفته و به بیرجند رفت. اعتبارنامه‌ی وی در دوره‌ی چهارم در مجلس رد شد. در 1302 در کابینه‌ی مشیرالدوله به ریاست حسابداری وزارت امور خارجه رسید و سپس مدیرکل مالی آن وزارتخانه شد.
در 1305 با سمت وزیرمختار به افغانستان رفت و مدت دو سال در آن کشور اقامت داشت. فرخ در این ماموریت موفق گردید قرارداد و

عهدنامه‌ی بی‌طرفی دو دولت را به امضاء برساند. شغل بعدی فرخ معاونت وزارت معارف است. در آن تاریخ اعتمادالدوله قره‌گوزلو وزیر معارف بود.
مسئله‌ی توسعه‌ی مدارس و تعمیم فرهنگ در سرتاسر کشور و موضوع اعزام دانشجو به خارج از برنامه‌های اصلی وزارت معارف بود. وجود معاون فعال و پرتحرکی چون فرخ در آن تاریخ ضرورت داشت. فرخ در سمت معاونت وزارت معارف نایب‌التولیه مدرسه عالی سپهسالار نیز بود.
در 1310 وزارت اقتصاد منحل شد و سه اداره کل بوجود آمد که عبارت بود از اداره‌ی صناعت، اداره‌ی فلاحت، اداره‌ی تجارت، فرخ به ریاست اداره کل صناعت رسید. روسای این ادارات در حکم وزیر بودند و در مجلس حضور می‌یافتند. پس از مدتی کوتاه، امور مربوط به اداره کل فلاحت هم با فرخ گردید.
در 1314 فرخ به حکومت رضائیه منصوب شد و دو سال بعد مجددا رئیس اداره کل صناعت شد و پس از چند روز اداره‌ی صناعت به وزارت صناعت تبدیل شد و فرخ وزیر صناعت ایران گردید.
مدتی کوتاه در مقام وزارت صناعت باقی بود تا اینکه جای خود را ابتدا به فروهر و بعد به منصورالملک داد. در 1319 استاندار فارس و بنادر شد و در شهریور 1320 به استانداری کرمان و بلوچستان تغییر ماموریت یافت. در 1321 از کرمان احضار شد و در تیرماه 1321 در کابینه‌ی سهیلی به وزارت کشور رسید. هنوز یک ماه از وزارت کشور او نگذشته بود که کابینه‌ی سهیلی دچار بحران گردید و کنار رفت.
قوام‌السلطنه به جای سهیلی به زمامداری رسید. وضع نابسامانی غله‌ی کشور، وجود وزارتخانه‌ی خاصی را ایجاب می‌نمود. نخست‌وزیر لایحه‌ی تاسیس وزارت خواروبار را به مجلس برد و سید مهدی فرخ را به این سمت به مجلس معرفی نمود. در انتخابات دوره‌ی چهاردهم قانونگزاری، فرخ کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی شد و از طرف مردم زابل و سیستان به نمایندگی انتخاب شد. در همین دوره چند بار مسئله‌ی نخست‌وزیری و ریاست مجلس وی پیش آمد که جامه‌ی عمل نپوشید. فرخ در این دوره علیه سهیلی و تدین به علت دخالت در انتخابات اعلام جرم کرد که هر دو پس از محاکمه در دیوان کشور تبرئه شدند. در اواخر دوره‌ی چهاردهم که آذربایجان وضع خاصی یافته بود، حکیمی نخست‌وزیر فرخ را به استانداری آذربایجان شرقی و غربی در نظر گرفت و فرمان او صادر شد ولی اوضاع و احوال سیاسی آن روز امکان انجام این ماموریت را به فرخ نداد و دولت او را مجددا به استانداری فارس فرستاد. فرخ در 1327 در دولت هژیر به سمت سفیرکبیر ایران در چین تعیین شد. فکر اعزام سفیرکبیر به چین در دولت حکیم‌الملک پیش آمد و عبدالحسین هژیر نامزد

این سمت بود و یک هفته قبل از نخست‌وزیری خود قرار بود به این ماموریت اعزام شود که از طرف مجلس به نخست‌وزیری رسید و طبعا پست سفارت ایران به سید مهدی فرخ تعلق گرفت و مدت یک سال در آن کشور اقامت داشت.در حکومت منصورالملک در 1329 در شرایط و محیط خاصی، فرخ به ریاست کل شهربانی منصوب شد و با زمامداری رزم‌آرا سرتیپ دفتری به این سمت منصوب شد و فرخ به عنوان سناتور انتصابی آذربایجان به مجلس سنا رفت و با لوایحی که بدون مطالعه یا به عنوان انتقام از افراد در مجلس هفدهم به تصویب می‌رسید، در سنا مخالفت می‌کرد.
در 1334 برای بار سوم به استانداری فارس رفت و یک سال بعد استاندار خراسان شد و مدتی در این سمت باقی بود تا به تهران احضار گردید و دیگر از آن تاریخ شغلی به وی ارجاع نگردید.
سیدمهدی فرخ در دوره‌ی پنجم سناتور انتصابی تهران گردید. فرخ قریب نیم‌قرن به طور متوالی مصدر مشاغل و مقامات مختلف بوده است، در عمر سیاسی خود هفت مرتبه استاندار و پنج نوبت وزیر و سه دوره سناتور و دو دوره نماینده‌ی مجلس و دو دفعه سفیرکبیر بوده است. فرخ در تمام مدت خدمات خود در کارها قاطعیت داشته، با قدرت و انضباط خاص امور مربوطه را اداره نموده است.
وی در اواخر عمر به انتشار خاطرات زندگانی سیاسی خود پرداخت. گذشته از اینکه این خاطرات لایحه‌ی دفاعیه‌ی زندگانی سیاسی او بود، به افرادی که در طول حیات خود با آنها مناسباتی نداشته است، انتقام‌گیری محسوب می‌گردد. فرخ این خاطرات را در کمال بی‌پروائی و یک جانبه به رشته‌ی تحریر درآورده و در حقیقت تحریف تاریخ است. او در 88 سالگی در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (63 -58 / 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (746، 714 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (418 -417 / 6).

فرزانه، حافظ

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حافظ فرزانه
محل تولد : لیلان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب حافظ فرزانه متولد 1350 در شهر لیلان از توابع استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم. بعد از آتش بس جنگ ایران و عراق بنا بر اینکه به فضای جبهه و بسیجیها عادت کرده بودم و با آنها مأنوس بودم و در آن روز هیچ جا مثل حوزه فضای معنوی را نداشت و تنها حوزه بود که فضای جبهه را تداعی می کرد، بنا بر این در سال تحصیلی 1368-1369 با تشویق حضرت استاد باقری بنابی مسئول حوزه ولیعصر بناب وارد همان حوزه شدم و در مدت 5 سال موفّق به اتمام شرح لمعه (پایه شش) شدم. بلافاصله در همان سال وارد حوزه علمیّه قم شدم، مکاسب را در محضر حضرت استاد وجدانی و رسائل را در محضر استاد حسینی تهرانی تلمذ کردم. بعد از اتمام آنها کفایه را در محضر استاد اعتمادی که آخرین دوره تدریس کفایه ایشان بود به اتمام رساندم، بعد از پایه نهم و هم عرض دیگر دروس در مرکز تربیت محقق و نویسنده در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شدم. در دو سال موفق به فارق التحصیلی از آن مرکز شدم، بنا بر علاقه ای که به نهج البلاغه داشتم 3 سال تمام بدون تعطیلی تابستان و دیگر مناسبتها در محضر استاد صدر کریمی به تلمذ نهج البلاغه پرداختم و از بوستان گل و دریای در نشان حضرت امیر(ع) و کلمات گهربار ایشان خوشه چینی کردم. در این سه سال موفق به اتمام این کتاب نورانی شدم به طوری که با تلاش استاد به سبک و سیاق و لحن کلام امیر سخن حضرت علی (ع) آشنا شدم. ضمن حفظ دو سوّم نهج البلاغه می توانستم کلمات نهج البلاغه و احادیث حضرت علی (ع) را در بین کلمات و احادیث دیگر تشخیص دهم بنا بر این با تشخیص استاد خود به تحقیق در جوانب مختلف نهج البلاغه پرداختم مخصوصاً نقد تاریخی خطبه شقشقیه و برخی خطبه ها. به لطف حضرت امیر (ع) مجموعه خوبی در این موضوع به دست آمد و

شواهد تاریخی خطبه شقشقیه را جمع آوری کردم که امیدوارم در آینده به چاپ رسد. در طول سالهای تحصیلی 1378 تا 1382 به مدت 4 سال به پیشنهاد و اصرار و تشویق جمعیّت تعاون اسلامی و رئیس هیئت مدیره آن، حضرت آیة الله غیوری در شهرستان بیجار مسئولیت حوزه علمیّه را به عهده گرفتم و بعد از 4 سال بنا بر علاقه ای که به تحقیق و پژوهش داشتم موفق به برگشت و مراجعت به شهر مقدس قم شدم و در موضوعات تاریخی و مهدویت به تحقیق و پژوهش می پردازم که تا امروز ادامه دارد. بنده مقالات زیادی به چاپ رسانده و دو کتاب در دست چاپ دارم و فرهنگ جامع متمهدین(مدعیان مهدویت و نبوت و امامت) را با همکاری و مشارکت یکی از دوستانم در دست تألیف داریم که امیدوارم با الطاف غیبی حضرت ولیعصر(عج) موفق به اتمام شویم.

فرشته استرآبادی، محمد قاسم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 960 ق)، مورخ و ادیب. وی در استرآباد به دنیا آمد. در اوایل جوانی به همراه پدر به هند رفت و در احمدنگر مستقر گردید. پدرش تعلیم فرزند نظامشاه را به عهده گرفت. فرشته نیز وارد دربار نظامشاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقاء یافت. وی چنان که در مقدمه‌ی کتابش می‌گوید، از احمدنگر خارج شد و به دربار عادل‌شاه در بیجاپور رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی، عادل‌شاه (1035 -987 ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره‌ی سلاطین هند شد و آن را با استفاده از کتابهای زیادی در 1015 ق به پایان رسانید و به نام سلطان ابراهیم «گلشن ابراهیمی» نام نهاد. در همین سال از جانب عادل‌شاه به سفارت نزد جهانگیر پادشاه (1037 -1014 ق) به لاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و در این فرصت نیز مطالبی به آن کتاب افزود. از آثار وی «تاریخ فرشته»، است که این کتاب را در ابتدا به نام ابراهیم عادل‌شاه نگاشت و آن را «گلشن ابراهیمی» نامید، سپس نگارش کتاب را تجدید کرد و این بار آن را «نورس‌نامه» نامید ولی عاقبت به «تاریخ فرشته» شهرت یافت. از دیگر آثارش «دستور الاطباء»، معروف به «اختیارات قاسمی»، در پزشکی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1711 -1709 / 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (733 -732 / 1)، تذکره‌ی روز روشن (617)، الذریعه (369 / 24، 223 / 18، 824 / 9، 150 / 8، 273 -272 / 3)، ریحانه (329 -328 / 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2758 -2757 / 2).

فروغی، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد فروغی سال 1358 در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود.
وی در دو سالگی با حفظ سوره حمد و اخلاص کار قرآن را شروع کرد و از سه سالگی با قرائت قرآن آشنا شد. اساتید وی حاج حسین علمی، و حاج سید مرتضی سادات فاطمی بوده‌اند.
سبک وی در قرائت قرآن تقلیدی است، و از راه گوش دادن نوار قاری و تکرار آن (گاهی تا 50 بار) به فراگیری سبک، نغمه و آهنگ قاری می‌پرداخته است. از سه سالگی تا یازده سالگی به روش عبدالباسط قرائت کرده و طی دو سال بعد از آن، سبک‌های دیگری همانند شحّات محمد انور و متولّی عبدالعال را فرا می‌گیرد.
جواد فروغی از آن‌جا مشهور شد که قرآن را به سبک قاری مشهور جهان، عبدالباسط قرائت کرد و با صدای بچه‌گانه و دل‌پذیری که داشت شنونده را به وجد می‌آورد.
ایشان تاکنون علاوه بر شهرهای ایران به کشورهایی مانند مالزی، سوریه، عربستان، سنگاپور، ترکمنستان و انگلستان سفر کرده و به قرائت قرآن پرداخته است.
منابع زندگینامه :http://st-golbangenamaz.ir

فرهادی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مرتضی فرهادی در سال 1323 در ملایر دیده به جهان گشود. ایشان دارای دکتری رشتۀ جامعه شناسی می باشد. فرهادی عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبئی می باشد. نامبرده از سال 1346 همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل‌های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامۀ «علوم اجتماعی» دانشکدۀ علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را به عهده دارد. کتابهای " فرهنگ یاریگری در ایران" و "واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران" تالیف،وی، به ترتیب در دوره های سیزدهم و بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی فرهادی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در مقطع لیسانس در رشتۀ روان شناسی، فوق لیسانس در رشتۀ ارتباطات اجتماعی و دکترا در رشتۀ جامعه شناسی به پایان رساند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی فرهادی از سال 1346 همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل‌های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامۀ «علوم اجتماعی» دانشکدۀ علوم اجتماعی می باشدفعالیتهای آموزشی : مرتضی فرهادی از کمی قبل از انقلاب اسلامی تا کنون، در دانشکده‌های مختلف به تدریس دروسی نظیر مبانی مردم شناسی، مردم شناسی روستایی، مردم شناسی ایران، مردم شناسی هنر، مردم شناسی فرهنگی، جامعه شناسی ایلات وعشایر، جامعه شناسی روستایی، تعاونی‌های سنتی، نظریه‌ها و سازمان‌های مشارکتی، روان‌شناسی اجتماعی و ... پرداخته است. نخستین پژوهش میدانی و مردم شناسی وی در سال 1347 انجام و در سال 1348، در نخستین ویژه‌نامۀ روستایی ایران به نام کتاب روستا به چاپ رسیده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکدۀ علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی است.جوائز و نشانها : کتاب موزه‌های درباد ایشان کتاب برجستۀ هشتمین دورۀ معرفی کتاب‌های برگزیدۀ دانشگاه تهران و پژوهش برگزیدۀ فرهنگی سال 1375 در زمینۀ مردم شناسی و تاریخ هنر بوده است. کتاب "فرهنگ یاریگری در ایران " وی نیز برندۀ جایزۀ نخست نهمین جشنوارۀ روستایی

وزارت جهاد سازندگی، کتاب برجستهٔ هفتمین دورهٔ معرفی کتاب‌های دانشگاهی دانشگاه تهران و کتاب برگزیدهٔ سیزدهیمن دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی در زمینهٔ علوم اجتماعی شده است. همچنین کتاب"واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران" تالیف وی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مرتضی فرهادی در حوزهٔ مردم شناسی و توابع آن، رکورددار چاپ مقاله در مجلات علمی ـ پژوهشی وعلمی ـ ترویجی بوده و تا کنون بیش از 105 مقالهٔ چاپ اول در سالنامه‌ها، فصلنامه ها، گاهنامه‌ها و ماهنامه‌های علمی ـ تخصصی به چاپ رسانده است. از سال 1357 تا کنون از ایشان هفت جلد کتاب و پژوهشنامه و یک جلد کتاب شعر به چاپ رسیده است. همچنین افزون بر چهل مقاله در موضوعات مختلف جامعه‌شناسی و مردم شناسی درمجلات و نشریات گوناگون از ایشان به چاپ رسیده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: 1. «گونه شناسی یاوری‌ها و یریگری‌های سنتی در ایران»، نامهٔ علوم اجتماعی، دورهٔ جدید، ش1 (پاییز 1367)، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ و کیهان فرهنگی، سال 2، شمارهٔ 10 (دی‌ماه 1364) 2. «آیا کشاورزان ایرانی تکرو هستند؟»، فصلنامهٔ تعاون روستایی و کشاورزی، ش 3 و 4 (زمستان 67 و بهار 1368). سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. 3. «سابقهٔ تاریخی و معناشناسی نام خمین»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش6 (نیمسال اول 1368)، مرکز نشر دانشگاهی. 4. «نقش میش در هنرهای کلامی و ادبیات عامیانهٔ عشایر سیرجان و چند شهر پیرامون آن»، فصلنامهٔ هنر، ش11 (تابستان 1365)، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی. 5. «دگریاری و خودیاری در جشن میان بهار در اسک لاریجان آمل»، فصلنامهٔ رشد علوم اجتماعی، ش3 (بهار 1369) دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ایشان، همچنین، ده کتاب آمادهٔ چاپ دارند که در آیندهٔ نزدیک، منتشر خواهد شد. آثار : 1 در فصل‌های خنده دشوار ویژگی اثر : (مجموعهٔ شعر)2 فرهنگ یاریگری در ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «فرهنگ یاریگری در ایران»: فرهنگ یاریگری در ایران؛ مرتضی فرهادی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1373. موضوع کتاب فرهنگ یاریگری در ایران، شناخت یاریگریهای سنتی و گونه شناسی آنها و معرفی بهترین مصادیق یاریگری در دو زمین؟ آبیاری و کشاورزی (کشتکاری و باغداری) است. مؤلف لزوم بهره گیری از تجربیات تعاونیها و یاریگریهای سنتی در تعاونیهای جدید و همچنین بسیج گسترد؟ مردم به منظور مشارکت در امر توسعه را از مهمترین انگیزه های خود برای تألیف

کتاب بیان کرده است. اطلاعات ارائه شده در کتاب، بخشی از طریق مسافرتهای مؤلف به نقاط مختلف ایران و تحقیقات میدانی و مصاحبه و بخشی دیگر نیز با استفاده از منابعی که در کتاب هم ذکر شده به دست آمده است. «فرهنگ یاریگری در ایران» می تواند به عنوان یک الگوی پژوهشی، علمی و آموزشی در زمین؟ مردم شناسی کاربردی، جامعه شناسی، جغرافیای انسانی، تعاون و... به شمار رود. همچنین توضیح شیوه های مدیریت سنتی و دسته جمعی بر منابع طبیعی و فعالیتهای تولیدی سنتی در ایران بیان تعاریف مشخص و دقیق برای هر یک از موضوعات مطروحه را می توان از دیگر ویژگیهای کتاب برشمرد. کتاب فرهنگ یاریگری در ایران و سه بخش و هشت فصل تدوین شده است 3 موزه‌های بازیافته 4 نام؟ کمره ویژگی اثر : دو جلد5 نگاهی به اهمیت و پیشینة کبوترخانه‌های ایران 6 واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: واره واره: نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه در ایران؛ درآمدی به مردم شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی نوشتة مرتضی فرهادی؛ ویراستة غلامحسین صالح‌نسب. ـ تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، 1380.630 ص.: مصور، نوشته، جدول، نمودار. واژه‌نامه. «واره» نوعی سازمان غیر رسمی تعاونی سنتی غالباً زنانه و بسیار کهن، با محور اصلی هم‌یاری از نوع تجمیعی(همگرا) است. در «واره» اعضا بیشتر به یک کاسه کردن تولیدات شیری خود توجه دارند؛ اما در کنار آن، هم به انواع دیگر یاریگری و هم به انواع دیگر مبادله، روی می‌آورند. سازمان واره دارای کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی، آموزشی و تفریحی است و به جهت کارکردهای مهم آن، هزاران سال است که در جامعة سنتی ما و برخی کشورهای همسایه وجود دارد. اثر پژوهشی حاضر که به همت و پشتوانة سه دهه تلاش محقق ارجند سامان پذیرفته است، یکی از بهترین نمونه‌های پژوهش در زمینة دانش بومی در ایران است. نویسنده با به تصویر کشیدن کلیة خطوط و زوایای پنهان یک سازمان اجتماعی پیچیده در بین زنان روستایی ایران، به خوبی نشان داده است که دانش بومی ما، در عین پیچیدگی، خود، یک ثروت عظیم فرهنگی و اجتماعی است. این کتاب، حاصل کندوکاوی عمیق برای شناساندن ابعاد نا شناخته و ارزشمند دانش بومی و برخی شیوه‌های مشارکتی زنان روستایی این مرز و بوم است. اهتمام مؤلف محترم درتدوین این کتاب که حاصل پژوهش‌های گسترده و مستمر خود اوست، جای تقدیر و ستایش دارد. غالب منابع و ارجاعات، دست اول است. کتاب

از آن روی که¬ مبتنی بر یک سلسله تحقیقات روشمند و مستند و دقیق و بدیع است، یکی از آثار ارزشمند در حوزه‌های پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روستایی به شمار می‌رود. کتاب شناسی مفصل (شامل کتاب‌ها، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های تحقیقی و ...) و فهارس نُه گانه (نام اشخاص، نام طوایف و عشایر و اقوام، نام جای‌ها، فهرست اصطلاحات و واژگان محلی و...) بر مزیّت آن افزوده است.

فرهودی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1285 ش)، مورخ، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات عالی در مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق در 1314 ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و چند سال بعد ریاست فرهنگ مازندران را به عهده گرفت. بعد از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله: ریاست دبیرستان، کفالت اداره‌ی اوقاف، ریاست دفتر وزارتی، ریاست دانشکده‌ی کشاورزی. در 1322 ش به نمایندگی ملجس انتخاب گردید. از آثار وی: «تاریخ قرن نوزدهم»، ترجمه؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «راههای پیشرفت اقتصادی»، ترجمه؛ «فروغ زندگی، پرورش افکار سالمندان و دانش‌آموزان».[1]
در 1285 تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی عالی سیاسی شد و درجه‌ی لیسانس گرفت. خدمات اداری را از وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی رئیس دفتر وزارتخانه بود، بعد رئیس اداره تعلیمات سالمندان و رئیس تعلیمات عمومی شد. در تالیف کتب درسی هم مداخله داشت. در دوره‌ی چهاردهم در 1322 از دزفول به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی پانزدهم توفیقی پیدا نکرد. چندی سمت مشاوری در وزارت فرهنگ داشت تا اینکه در 1326 هنگام نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی، به معاونت پارلمانی و اداری نخست‌وزیر تعیین گردید. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجددا از دزفول انتخاب گردید و در تصمیمات خود در مجلس از دکتر مصدق پیروی می‌کرد و در آراء خود نظر استصوابی او را می‌گرفت. به همین دلیل مورد توجه او قرار گرفت و به دوران نخست‌وزیری‌اش او را با سمت وزیرمختار رایزن اقتصادی ایران در ایتالیا نمود. فرهودی در این سمت با حکومت مصدق همراهی و همکاری داشت مقالاتی در تایید دکتر مصدق در مطبوعات خارج و داخل انتشار می‌داد. در اواخر حکومت مصدق، با کسب مرخصی به تهران آمد. روزنامه‌های باختر امروز و اطلاعات را اداره می‌کرد. تمام مقالات تند روزنامه‌ها به قلم او بود. پس از 28 مرداد از شغل خود به طور موهن و زننده‌ای برکنار شد. به تهران آمد و به حال انزوا می‌زیست. سرانجام سوراخ دعا را پیدا کرد. دولت از سر تقصیرات او گذشت و به وی شغلی دادند و به معاونت پارلمانی وزارت کشور منصوب شد. چند سالی در آنجا بود تا کنار رفت. چندی بیکار ماند تا اینکه در انتخابات انجمن شهر تهران با کمک حزب

ایران‌نوین به عضویت انجمن برگزیده شد. در نخستین جلسه به اتفاق‌آراء رئیس انجمن شهر شد و بین وی و شهردار وقت تهران نزدیکی و دوستی زیادی ایجاد شد و به غالب کشورهای درجه اول دنیا مسافرت کردند.
فرهودی از زمانی که در اروپا اقامت داشت، در دانشگاه سورین ثبت‌نام نمود و دکترای اقتصاد دریافت کرد. وی مردی دانشمند و محقق بود. از جوانی با مطبوعات همکار داشت. عباس مسعودی مدیر روزنامه‌ی اطلاعات در روزهای آخر زمامداری دکتر مصدق، روزنامه را به فرهودی سپرده بود و خود در اروپا به سر می‌برد. فرهودی مقالات تندی علیه شاه و به نفع مصدق انتشار می‌داد. بعد از 28 مرداد 1332، فرهاد دادستان فرماندار نظامی وقت، عباس مسعودی را برای ادای توضیحات به دفتر خود احضار کرد و علت انتشار آن مقالات را جویا شد. چون جواب قانع‌کننده‌ای نتوانست دریافت کند، او را مورد ضرب و شتم قرار داد و اهانتها به او کرد.
از تالیفات ایشان تاریخ عمومی ایران را در سه جلد، ترجمه‌ی تاریخ قرن نوزدهم در دو جلد، و ترجمه‌ی کتاب راه‌های پیشرفت اقتصادی را می‌توان نام‌برد. وی مدتها در دانشسرای عالی جغرافیای اقتصادی تدریس می‌کرد.
فرهودی داماد وحیدالملک شیبانی بود.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (1468 -1467 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (839 -838 / 2).

فزونی استرآبادی، محمدهاشم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1025 ق)، مورخ و شاعر، متخلص به فزونی. در استرآباد به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. وی از علمای عصر دولت صفوی است که در زمان شاه‌عباس اول (996- 1038 ق) می‌زیست. در ایام جوانی به قصد تجارت به سیر و سفر می‌پرداخت. در زمان صفدرخان بن میرزا یوسف‌خان رضوی مشهدی حاکم کشیمر به آنجا سفر کرد. صفدرخان او را در خدمت خود نگاه داشت. بعد از برکناری صفدرخان همراه وی در 1025 ق به هندوستان رفت، در لاهور از او جدا شد و به دکن رفت. از آثار وی: «بحیره» یا «تاریخ البحیره»، به فارسی، در حکایات تاریخی و احوال طبقه وزاء و شگفتیهای حیوانات و کوهها و چشمه‌ها و رودها و ساختمانها در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اللجین الطبریه» یا «البحیره الطبریه»، در تاریخ و مناسبتهای تاریخی؛ «دیوان» شعر؛ «ساقی‌نامه»، که به اسم شاه‌عباس صفوی سرود. در تذکره‌ی «میخانه» نام وی تحت عنوان هاشم‌بیگ آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی شعرای کشمیر (1093 -1092 / 3)، تذکره‌ی میخانه (679 -674)، الذریعه (297 / 18، 112 / 12، 832 / 9، 51 -50/ 3)، ریاض العلماء (224 / 7)، ریحانه (340، 338-337 / 4)، صبح گلشن (317)، فرهنگ سخنوران (709)، کاروان هند (1013 -1012 / 2).

فسوی فارسی، ابویوسف یعقوب

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 277 -190 ق)، مورخ، حافظ و محدث. اهل فسا و محدث اقلیم فارس بود. به شهرهای مختلف مسافرت کرد و از مشایخ فلسطین و دمشق بهره گرفت و خود گوید که از هزار شیخ حدیث نوشته، که همگی آنان مورد وثوق بوده‌اند. وی از ابوعصام بنیل و فضل بن دکین و ابووليد طیالسی و آدم بن ابی‌ایاس و اصمعی و عبیدالله بن موسی و محمد انصاری و مکی بن ابراهیم و ابوعبدالرحمان مقری و ابونعیم و سعید بن ابی مریم و ابومسهر غسانی و حجاج بن منهال و حبان بن هلال و عبدالحمید بن بکار بیروتی و صفوان بن صالح و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعیسی ترمذی و ابوعبدالرحمان نسایی، صاحبان دو «صحیح» از «صحاح» ششگانه، و ابراهیم بن ابی‌طالب و حسن بن سفیان فسوی و عبدالرحمان بن خراش و ابوبکر بن ابی‌داوود و ابوبکر بن خزیمه و محمد بن حمزه بن عماره اصفهانی و ابوعوانه اسفراینی و عبدالله بن جعفر بن درستویه نحوی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی در فساء درگذشت. از آثارش: کتاب «التاریخ» یا «تاریخ الفسوی» یا «تاریخ یعقوب بن سفیان الفسوی»، در سه مجلد؛ «المشیخه»، در یک مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (197 / 1)، تهذیب التهذیب (337 -335 / 11)، الجرح و التعدیل (ج 4 ق 208 / 2)، سیر النبلاء (184 -180 / 13)، شذرات الذهب (171 / 2)،طبقات الحفاظ (263 -262)، کشف الظنون (310 ،299)، لسان المیزان (503 / 7)، معجم المؤلفین (249 / 13)، النجوم الزهراه (89 / 3)، هدیه العارفین (537 / 2).

فصیح خوافی، احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(777- بعد از 845 ق)، مورخ و شاعر. ملقب و مشهور به فصیح. خاندانش اهل روی خواف بودند و خود در هرات به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت. وی در خدمت شاهرخ و پسرش بایسنقر عهده‌دار مشاغل دولتی بود. در 836 ق مورد غضب واقع و چندی هم مقید و محبوس شد. فصیح بعد از معزولی و بیکاری، به تألیف کتاب خود «مجمل» پرداخت. سرانجام در 845 ق از زندان خلاص شد و به ملازمت شاهرخ تیموری رسید. از آثار وی «مجمل فصیحی» است که به صورت اجمال از هبوط آدم تا تاریخ زمان خود را نگاشته است.[1]
(بخش 1) خوافی، احمد بن جلال‌الدین محمد از رجال و نویسندگان نیمه‌ی اول قر. 9 ه. (و. 777- ف. پس از 845 ه.ق). از مردم خواف بود و نسبش به ابوامامه صدی بن عجلان بن وهب باهلی صحابی می‌رسد و محل تحصیل و نشو و نمای او ظاهراً هرات بود. در سال 807 بعد از مرگ تیمور، شاهرخ او را از هرات با دو تن از امرا به سمرقند برای تحویل گرفتن خزانه‌ی خاصه‌ی شاهرخ از عمر شیخ خازن فرستاد. وی تا سال 818 در خدمت یکی از امرای بزرگ علاءالدین علی ترخان کار می‌کرد، و از آن سال به ملازمت شاهرخ درآمد و در سال 819 ترقی کرد و منصب «موجه دیوان» بدو ارزانی شد. در سال 820 به شرکت دو تن دیگر به تصدی دیوان اعلی (شاهرخ) تعیین شد ولی در 821 معزول گردید. باز در 834 جهت مهمات دیوانی مأمور کرمان گردید. در 827 مراجعت کرد و در بادغیس هرات به حضور شاه شرفیاب شد. در 828 موجهی دیوان امیرزاده بایسنغر بدو داده شد، و چند سال در این سمت بود تا در 836 به خدمتش خاتمه دادند. بعد از این سال- که معزول و مورد جریمه واقع شد- از احوال او اطلاع دقیقی در دست نیست. در 843 مورد غضب گوهرشاد آغازن شاهرخ واقع شد و در خانه‌ی امیربیگ محبوس گردید و پس از چندی آزاد شد و مجدداً در 845 در خانه‌ی امیربیگ مقید گردید و بار دیگر خلاص شد. اثر مهم او مجمل‌التواریخ معروف به مجمل فصیحی (ه.م) است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از سعدی تا جامی (616 -613)، تاریخ ادبیات در ایران (496 -494 / 4)، تاریخ نظم و نثر (238)، رجال حبیب السیر (273

-272)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (168 -167)، لغت‌نامه (ذیل/ فصیح خوافی)، محمل فصیحی (مقدمه/ هشت- بیست و یک).

فضل اصفهانی، امین‌الدین، ابوالخیر فضل‌الله

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 921 ق)، عالم و مورخ. ملقب به امین و معروف به خواجه ملا یا خواجه مولانا و پاشا. در بدو امر از پیوستگان دربار اق قویونلو و بویژه سلطان یعقوب‌بیگ بود. او سنی بسیار متعصبی بود و در اصفهان و شیراز می‌زیست چون شاه‌اسماعیل اصفهان را گرفت، وی به کاشان و از آنجا به ماوراءالنهر گریخت تا در کنف حمایت سلاطین سنی ازبک به سر برد. او تا سال تألیف شرح «قصیده برده» بوصیری (921 ق) زنده بود. قبر وی در بخاراست. از آثارش: «تاریخ عالم‌آرای امینی»، در تاریخ خاندان آق قویولون؛ «بدیع الزمان فی قصه حی بن یقظان»؛ «ابطال نهج‌الباطل و اهمال کشف العاطل»، معروف به «ابطال الباطل» که در کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» علامه حلی است و قاضی نورالله شهید شوشتری کتاب فضل روزبهان را با کتاب «احقاق الحق» خویش جواب گفته است؛ شرح «وصایا»ی عبدالخالق غجدوانی، از مشایخ نقشبندیه؛ « المقاصد»، در علم کلام؛ «سلوک الملوک»، که در 920 ق به نام عبیدالله‌خان ازبک نگاشته.[1]
ابن روزبهان بن فضل‌اللَّه امین ابوالخیر بن امین‌الدین خنجی شیرازی، صوفی معروف به خواجه مولانای اصفهانی ملقب به امینی (و. بین 850 و 860- ف. 928 ه.ق) ظاهراً مولد و منشأ او اصفهان بود و در اوایل دوره‌ی صفوی- هنگامی که محمدخان شیبانی به خراسان تسلط یافت- بر اثر تعصب به مذهب تسنن ملازمت او را اختیار کرد و به ماوراءالنهر رفت، و چند تاریخ به نام محمدخان مزبور تألیف کرد، از جمله‌ی آنهاست: «میهمان‌نامه‌ی بخارا» که به تصریح خود او در 915 ه.ق آن را به اتمام رسانیده و مشتمل است بر تاریخ غزوات محمدخان شیبانی مؤسس سلسله‌ی شیبانیان (ازبک) (پس از انقراض تیموریان و فوت سلطان حسین میرزا)، عالم‌آرای امینی، سلوک‌الملوک، و نیز وی کتابی به عربی به نام «ابطال‌الباطل» در کلام تألیف کرده که نسخ متعدد از آن در دست است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (540 -538 / 4)، تاریخ نظم و نثر (252 -251)، تذکره القبور (460)، الذریعه (416 / 24)، کشف

الظنون (2012 ،121 ،236)، معجم المؤلفين (68 / 8)، هديه العارفين (820 / 1).

فقیهی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1296 ش)، عالم، مورخ، مترجم و ادیب. در قم به دنیا آمد. ابتدا در مکتب با مقدمات و در محضر پدرش که از روحانیون بود با علوم حوزوی آشنا شد و تا حد متوسطه پیش رفت. آن‌گاه برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکده معقول و منقول لیسانس گرفت. سپس به سمت دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی، کفالت فرهنگ و ریاست دبیرستان حکیم نظامی در قم منصوب شد. وی سالهای متمادی عمر خود را صرف نوشتن کتابهای سودمندی کرد. از اثار وی: سلسله مقالات «ایران در جنگ گذشته»؛ سلسله مقالات «تاریخ قضیه‌ی بحرین»؛ سلسله مقالات «گذشته‌ی خوزستان»؛ «تاریخ آل‌بویه»؛ «تاریخ و عقاید وهابیان»؛ «تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی»؛ «دستورهای املاء و انشاء»؛ «توحید مفضل»، ترجمه؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی حج»؛ «عضدالدوله دیلمی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی (س 3، ش 6، ص 10 -3)، مؤلفین کتب چاپی (473 -471 / 4)، یادگار (س 1، ش 7، ص 80).

فکوهی، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر فکوهی درسال 1335 در شهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا درجه دکترای در کشور فرانسه در شهر پاریس به پایان رسانید. او همکاری حرفه ای خود را با مطبوعات و نشریات تخصصی در حوزه شهرسازی آغاز کرد و هم اکنون مشغول تدریس در دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد. حضور وی در همایش های داخلی و بین المللی و ارائه مقاله در این همایش ها و میز گرد ها از جمله فعالیتهای وی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی جامعه شناسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، 1359 کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، 1361 دکترای جدید(nouveau regime) جامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، 1373 عنوان رساله دکترا: مفهوم سیاست در مزدیسنای ساسانی، مصوب 9 ماه مه 1994، ارزشیابی وزارت علوم و فناوری به تاریخ بهمن 1373: دکترا در جامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی پایان‌نامهٔ دکترا برنده جایزه پژوهش بین المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 1377 همسر و فرزندان : ناصر فکوهی متاهل است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مدیر گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1383 تا 1385 دانشیار گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1383 تا امروز استادیار گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1377 تا 1383 سردبیر مجله انجمن انسان شناسی ایران، نامه انسان شناسی، 1381 - 1384 مدیر آگاهسازی و پروژه های فرهنگی، معاونت امور انرژی وزارت نیرو، 79-1374 همکاری حرفه ای با مطبوعات و نشریات تخصصی در حوزه شهرسازی، فرهنگ، اقتصاد و توسعه، 1374 تا امروز عضو هیات علمی گروه انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1377 تا امروز عضو پیوسته گروه ارتباطات دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1379 تا 1381 عضو مؤسس، عضو هیات مدیره و رئیس انجمن انسان شناسی ایران 1379تا 1385 (دوره ریاست 1384-1385) عضو انجمن جامعه شناسی ایران، 1379 تا امروز عضو هیئت مدیره انجمن جامعه شناسی ایران،1385 تا امروز عضو انجمن روانشناسی اجتماعی ایران، 1381 تا 1384 عضو

شورای علمی و مسئول بخش انسان شناسی در گروه علوم اجتماعی مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها، 81-1379 عضو شورای علمی پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی، 1379 تا 1381 عضو و رئیس کمیسیون پژوهش های کاربردی، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، 81-1380 عضو شورای علمی تحصیلات تکمیلی، بنیاد ایرانشناسی، 1384 تا امروز عضو شورای علمی مجلة "فرهنگ و معماری" ، 1384 تا امروز دبیری علمی همایش های داخلی 1- همایش فرهنگ لر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1382 2- نخستین همایش انسان شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران و انجمن جامعه شناسی ایران، 1385 3- نخستین هم اندیشی انسان شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و انجمن جامعه شناسی ایران، بهمن 1385. 4- دومین همایش انسان شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران و انجمن جامعه شناسی ایران، بهمن 1386 5- دومین هم اندیشی انسان شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و انجمن جامعه شناسی ایران، ۀذر 1386. سردبیری ویژه‌نامه‌های علمی 1- نشریة "خیال" ، شمارة ویژة انسان شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، زمستان 1384 2- نشریة " فرهنگ مردم"، شمارة ویژة اسطوره ها و فلکلور شهری، زمستان 1384 3- نشریة "اندیشة ایرانشهر"، شمارة ویژة انسان‌شناسی شهری، دفتر پژوهش های فرهنگی، گروه شهر شناسی، زمستان 1386 فعالیتهای آموزشی : تدریس در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا را در دانشگاه های همچون دانشگاه شهید بهشتی ،دانشگاه علامه طباطبایی،دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه امام صادق را عهده دار بود. - دروس ارائه شده در دانشگاه ها دوره کارشناسی 1- مبانی جامعه شناسی، گروه ریاضی و آمار، دانشگاه شهید بهشتی،1374 2- جامعه شناسی کار و شغل، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی،78 -1374 3- جامعه شناسی جهان سوم، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، 78-1374 4- مبانی انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1377 تا امروز 5- انسان شناسی سیاسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1377 تا امروز 6- انسان شناسی شهری، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1379 تا امروز 7- فرهنگ و توسعه، دانشکدة علوم اجتماعی ، دانشگاه تهران، 1379 تا امروز 8- نظریه های انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1378 تا امروز 9- تاریخ انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1381 تا امروز 10- اصول علم سیاست، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 82-1379 11- فرهنگ و ارتباطات، دانشکدة فرهنگ، ارتباطات و معارف اسلامی.

دانشگاه امام صادق(ع)، 1384 تا امروز دوره کارشناسی ارشد 1- جامعه شناسی انقلابات، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، 78-1374 2- انسان شناسی سیاسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران،81-1378 3- انسان شناسی سیاسی ایران، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1381 تا امروز 4- نظریه های کلاسیک انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 81-1380 5- نظریه های جدید انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1379 تا امروز 6- ارتباطات بین فرهنگی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 82-1380 7- سمینار مردم شناسی(درس مشترک)، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 82-1380 8- برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشکدة علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، 1383 9- انسان‌شناسی شهری ایران، دانشکدة علوم اجتماعی ، دانشگاه تهران، 1384 تا امروز 10- مباحث ویژة فرهنگی ، بنیاد ایران شناسی ، 1384 تا امروز دورة دکترا 1- انسان‌شناسی فرهنگی(پیش نیاز دکترا) ، دانشگاه امام صادق(ع)، 1383. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ناصر فکوهی موسس انجمن انسان شناسی ایران درسال 1379 تا 1385 می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دیگر فعالیتهای ناصر فکوهی می توان به موارد زیر اشاره کرد : 26 راهنمایی و مشاوره پایان نامه های کارشناسی ارشد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران 17 راهنمایی و مشاوره پایان نامه های سایر دانشگاه ها 8 راهنمایی و مشاوره پایان نامه های کارشناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فعالیت در 14 کارگاه آموزشی دبیری علمی 5 همایش های داخلی سردبیری 3 ویژهنامه های علمیجوائز و نشانها : پایاننامة دکترا برنده جایزه پژوهش بین المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد.از دیگر افتخارات ایشان می توان به انتخاب کتاب "گستره علوم انسانی"به عنوان کتاب برگزیده سال در دانشگاه تهران در سال 1383 اشاره کرد.چگونگی عرضه آثار : از آثار ناصر فکوهی و فعالیتهای او می توان به موارد زیر اشاره کرد: حضور در 44 سخنرانی علمی ترجمه 13 اثر به صورت انفرادی ترجمه 3اثر به صورت دست جمعی (سرپرستی ویرایش و ویرایش های علمی) 17مقاله در خصوص مقالات علمی-پژوهشی 19 مقالات به زبان های انگلیسی و فرانسه 13 طرح های پژوهشی 28مقاله در همایش های داخلی 27مقاله در همایش های بین المللی 13 نقد کتاب 68 مقاله در زمینه مسائل اجتماعی-فرهنگی توسعه و اقتصاد 53 مصاحبه های اختصاصی با مطبوعات 8 گفت و گوی ناصر فکوهی با اندیشمندان 29 ترجمه مقالات و گفتگوها 14 میزگرد 102 مقاله در زمینه انسان شناسی، هنر و فرهنگآثار : از فرهنگ تا توسعه، مسائل

توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، ویژگی اثر : تهران، انتشارات فردوس، 13782 اسطوره شناسی سیاسی، ویژگی اثر : تهران، انتشارات فردوس3 افسانه های شرقی، ویژگی اثر : ترجمه، مارگارت یورسنار، (چاپ نشده) 4 امپراتوری نشانه ها، ویژگی اثر : ترجمه، رولان بارت، تهران، نشر نی، 1383 5 انسان شناسی سیاسی، ویژگی اثر : ترجمه، کلود ریویر، تهران، نشر نی، 13826 انسان شناسی شهری، ویژگی اثر : تهران، نشر نی، 1383.7 پاره های انسا ن شناسی، ویژگی اثر : نشر نی، 13858 تاریخ اندیشه و نظریات انسان شناسی، ویژگی اثر : تهران، نشر نی، 13819 توسعه سیاسی، ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، 137910 جامعه مدنی و جوانان ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، 137811 حاکمان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر : ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، 1381 12 خاطرات جوانی، ویژگی اثر : ترجمه، رومن رولان، تهران، انتشارات فردوس، 136913 خشونت سیاسی، نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، 137814 خط قرمز، آزادی و حدود آن، ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، 137815 در آمدی بر انسان شناسی تصویری و فیلم اتنوگرافیک ویژگی اثر : ترجمه، تهران نشر نی، (در دست چاپ) 16 در هزارتوهای نظم جهانی، ویژگی اثر : گفتارهایی در مسائل توسعه فرهنگی و اقتصادی، نشر نی، 138417 درآمدی بر انسان شناسی، ویژگی اثر : ترجمه، کلود ریویر، تهران،نشر نی، 1379 18 زن و فرهنگ، ویژگی اثر : در بزرگداشت مارگارت مید، تهران، پژوهشکدهٔ مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی، 138319 زندگانی تولستوی، ویژگی اثر : ترجمه، رومن رولان، مشهد، انتشارات دانش،1364 20 سال های گورباچف، مؤخره ویژگی اثر : ترجمه، شارل بتلهایم بر ترجمه فارسی حاکمان و محکومان، تهران، نشر نی، 1381 21 فرهنگ انسان شناسی فرهنگی‌واجتماعی، ویژگی اثر : ترجمه، سرویراستارومترجم‌همراه گروه مترجمان، تهران، نشر نی(دردست چاپ) 22 فرهنگ و انسان شناسی (در دست چاپ) قرن روشنفکر ان، ویژگی اثر : تهران، هرمس، 137924 قوم شناسی سیاسی، ویژگی اثر : ترجمه، رولان برتون، تهران، نشر نی،1380 25 گستره اسطوره، ویژگی اثر : تهران، نشر هرمس، 1382 26 گسسترهٔ علوم انسانی،ترجمه به همراه جلال الدین رفیع فر و مرتضی کتبی، ویژگی اثر : ترجمه، تهران، نشر نی، 1382(برنده کتاب سال دانشگاه تهران، 1383). 27 گفتمان انسان شناسی(در دست چاپ) ، محکومان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر : ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، 1381 29 مفهوم سیاست در مزدیسنای ساسانی، ویژگی اثر : مصوب 9 ماه مه 1994، ارزشیابی وزارت علوم و فناوری به تاریخ بهمن 1373: دکترا در جامعه شناسی و

انسان شناسی سیاسی30 موندو و داستان های دیگر، ویژگی اثر : ترجمه، ج. لوکلزیو، (چاپ نشده) 31 نشانه شناسی سیاسی مزدیسنای ساسانی، تهران، نشر نی، (در دست چاپ) ، همسازی و تعارض هویتی(در دست چاپ) ، هنر و تاریخ، مقالاتی در زیباشناسی، ویژگی اثر : ترجمه، اوکتاویو پاز، تهران، انتشارات توس، 1374 34 یک نظریه علمی درباره فرهنگ،برونیسلاو مالینوفسکی، ویژگی اثر : ترجمه، ویرایش و مقابله علمی و نگارش مقدمه، تهران، انتشارات آوا، 1380

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه توسط دکتر ناصر فکوهی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی-زمستان 1384

فلاح زاده، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین فلاح زاده
محل تولد : ابرکوه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب سیّد حسین فلاح زاده متولد سال 1342 شمسی می باشم . دوران نوجوانی و قسمتی از دوران جوانی ام را در زادگاهم گذراندم . به هنگام وقوع انقلاب اسلامی سال سوّم دوره راهنمایی را می گذراندم. بسیاری از شعارهای انقلاب را در آن سالها در همان مقطع یادداشت کرده ام که امیدوارم بتوانم روزی آنها را انتشار دهم. پس از اخذ دیپلم تجربی در سال 1360علیرغم علاقه ای که به علوم فنی و مهندسی داشتم، به سبب آشنایی با چهره های برجسته ای از روحانیت همچون حضرت امام (ره) و شهید بهشتی تحت تاثیر قرار گرفتم و لذا جهت تحصیلات دینی به قم آمدم و به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در کنار آن به سبب پاره ای مطالعات که در علوم انسانی بخصوص تاریخ داشتم، چند سالی را با مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران همکاری می کردم. پس از آن در سال 1367 پس از شرکت در کنکور سراسری وارد رشته تاریخ دانشگاه تهران شدم. به دنبال اتمام مقطع کارشناسی، در کنار تداوم دروس حوزوی، تحصلات دانشگاهی را نیز ادامه دادم. در سال 1374 کارشناسی ارشد را به اتمام رساندم و در همان سال به عنوان عضو هیات علمی در گروه تاریخ مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) مشغول شدم که تا کنون نیز ادامه دارد. در سال 1379 در رشته تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید بهشتی در مقطع دکتری پذیرفته شدم و هم اکنون در مرحله دفاع از پایان نامه و فارغ التحصیلی می باشم. در مؤسسه باقر العلوم (ع) عضو هیات تحریریه فصلنامه تاریخ اسلام نیز هستم و چندین سال مدیریت گروه را برعهده داشته ام. در دانشگاهها و مراکز دیگری چون دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیّه قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشگاه اهل البیت (ع) نیز در مقطع

کارشناسی و ارشد به تدریس اشتغال داشته و پژوهشهایی را انجام داده ام. علاوه بر این از طراحان و مؤسسین انجمن تاریخ پژوهان حوزه نیز بوده ام که خود منشأ شکل گیری انجمنهای علمی دیگری در حوزه گردید. در طراحی و تنظیم واحدها و سرفصلهای مرکز تخصصهای تاریخ حوزه نیز فعال بوده و چندین ترم نیز در آن مرکز پس از راه اندازی تدریس داشته ام. هم اکنون نیز علاوه بر مدریت گروه تاریخ مؤسسه، مدیر گروههای تاریخ دانش نامه قرآن شناسی و دانش نامه و فرهنگ فاطمی (س) نیز می باشم و با گروه تاریخ پژوهشگاه فرهنگ نیز همکاری دارم.

فلسفی، نصرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرالله فلسفی در سال 1280 ، در تهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت. فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال 1307 چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال 1335 تا 1340 به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال 1343 به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. گذشته از سمت های اداری و مشاغلی که متذکر گردیدیم ، وی به امر آموزش نیز پرداخته است. او در سال 1307 در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در نشریات به چاپ رسانده است. نصرالله فلسفی سرانجام در سال 1360 ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : نصرالله فلسفی ، فرزند میرزا نصرالله خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار) بود که اصل خانواده اش از سوادکوه قزوین است.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : فلسفی شش روز پس از مرگ پدرش به دنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فلسفی تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت.
زمان و علت فوت : نصرالله فلسفی سرانجام در سال 1360 ، یک ماه بعد از ورود به ایران ، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فلسفی پس از تکمیل معلومات عالیه ، به

استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال 1307 چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت ، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال 1335 تا 1340 به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال 1343 به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد.
فعالیتهای آموزشی : استاد فلسفی در سال 1307 در دارالفنون ، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان ، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از جمله : تعلیم و تربیت ، مهر ، سخن ، شفق سرخ ، اتحاد ، مرز آزاد ، اطلاعات ، شرق ، یغما ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز ، نشریه کتابخانه ملی تبریز و وحید به چاپ رسانده است. وی به روزنامه نگاری هم می پرداخت که از جمله مجلاتی که توسط وی منتشر شده است ، عبارتند از : مدیریت داخلی مجله آینده (1304) ، کفالت مجله پست و تلگراف (فقط سه شماره ، 1304) ، مجله ایران (نشریه کلوپ بین المللی ایران برای تمبر و مجموعه های دیگر از سال 1301 تای 1311) ، مجله تعلیم و تربیت (وابسته به وزارت معارف ، 1313 - 1314) ، مهر (از 1312 به مدت چهارسال ، دوره ی یک تا چهار) ، مدیریت و سردبیری مجله هفتگی امید (1322 ، مدت سه سال) ، همکاری فکری در نشر مجله اطلاعات ماهانه (در سال های 1330 - 1334) ، مجله ایرانیکا به زبان ایتالیایی در دوره ی رایزنی فرهنگی در ایتالیا. فلسفی گاهی شعر هم می سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است ، از آن جمله است منظومه ی « بیچارگان » و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه ای از اشعار وی در سال 1351 در تهران چاپ و منتشر شده است.
جوائز و نشانها : نصرالله فلسفی در سال 1354 ، عنوان « استاد ممتاز » دانشگاه تهران را یافت. ----------

آثار :
1 اصول آموزش و پرورش
2 تاریخ اروپا در قرن 19 و 20
ویژگی اثر : انتشار در سال 1309.
3 تاریخ ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر : انتشار در سال 1317.
4 تاریخ ایران پیش از اسلام
ویژگی اثر : انتشار در سال 1317.
5 تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی
ویژگی اثر : انتشار جلد اول در سال 1316.
6 تاریخ عمومی جهان در قرن های هفدهم تا بیستم میلادی
ویژگی اثر : مشتمل بر دو مجلـــد
7 تاریخ عمومی در قرن معاصـــر
8 تاریخ غزنویان ؛ اصول تعلیم و تربیت
ویژگی اثر : انتشار در سال 1314.
9 تاریخ و جغرافیا
ویژگی اثر : مشتمل بر دوازده جلد ، برای تدریس در دبیرستان ها با مشارکت علی اصغر شمیم.
10 ترجمه ی اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه
ویژگی اثر : انتشار در سال 1341.
11 ترجمه ی تاریخ انقلاب روسیه
ویژگی اثر : انتشار در سال 1302.
12 ترجمه ی تاریخ تمدن روم و یونان
ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال 1319.
13 ترجمه ی تاریخ تمدن قدیم
ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال 1309.
14 ترجمه ی تاریخچه ی سلطنت قباد و ظهور مزدک
ویژگی اثر : اثر کریستین سن ، با مشارکت احمد بیرشک ، انتشار در سال 1306.
15 ترجمه ی تهران قدیـم
ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال 1309.
16 ترجمه ی داستان توده ی طلا
ویژگی اثر : انتشار در سال 1304.
17 ترجمه ی داستان دندان ببر
ویژگی اثر : اثر موریس لبلان ، انتشار در سال 1302.
18 ترجمه ی داستان سر تنگ بلور
ویژگی اثر : انتشار در سال 1302.
19 ترجمه ی داستان های کوتاه از نویسندگان بزرگ
ویژگی اثر : انتشار در سال 1333.
20 ترجمه ی داستان هشتصد و سیزده
ویژگی اثر : انتشار در سال 1302.

21 ترجمه ی راز فلورانس
22 ترجمه ی سرگذشت ورتر
ویژگی اثر : تالیف گوتـــه ، انتشار در سال 1305.
23 ترجمه ی فرهنگ فلسفی ولتر
ویژگی اثر : انتشار در سال 1337.
24 ترجمه ی منتخب اشعار ویکتور هوگو
ویژگی اثر : انتشار در سال 1335.
25 ترجمه ی منظومه ی بیچارگان
ویژگی اثر : تالیف ویکتور هوگو ، و به نظم فارسی ، انتشار در سال 1305.
26 جغرافیای مفصل ؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا
ویژگی اثر : انتشار در سال 1316.
27 جنگ چالدران
ویژگی اثر : انتشار در سال 1332.
28 دوره ی کامل تاریخ ایران
ویژگی اثر : مشتمل بر پنج مجلد برای کلاس های مدرسه های متوسطه.
29 زندگی شاه عباس کبیر
ویژگی اثر : مشتمل بر سه جلد ، انتشار در سال های 1342 ، 1353 و 1364 .
30 شرح حال بزرگان (داریوش و انوشیروان)
31 مجموعه ی هشت مقاله تاریخی
ویژگی اثر : انتشار در سال 1330. ----------

منابع :

1شاعران تهران از آغاز تا امروز ، تالیف : مجید شفق ، ج 2 ، تهران : انتشارات سنایی ، ص 8442گلزار مشاهیر ؛ زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران (1358 - 1376) ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ، ص 319

فولادوند، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری ، در اول دی ماه 1299 در اراک متولد شد . او از سوی مادر ، نوه ی حجت السلام حاجی آقا محسن ادراکی و نبیره ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است . پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید ، در شهریور 1329 برای ادامه ی تحصیل به ویژه در رشته های شعر و ادب و هنر و زیبایی شناسی ، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد . جناب فولادوند در آبان ماه 1343 (1964 م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می گذرد ، در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه ، زیباشناسی ، زبان فرانسه ، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرده است . او عضو انجمن فلسفه ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است . مجموعه ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است . برخی از آثار چاپ شده ی ایشان از این قرار است :
ـ ترجمه ی [رباعیات] عمر خیام ، پاریس ، مزون نو ، 1960 ، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و « سخنان تازه درباره ی عمر خیام و رباعیات او » به پیوست آن . تهران ، فروغی .
ـ هیدا (در جستجوی زیبایی) ، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
ـ سنفونیها ،چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)
ـ زن در اندیشه ی خدا (به فرانسه)
ـ دیوان اشعار و نوشته ها (آثار فارسی ـ بخش یکم)
ـ ترجمه ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی ، عنوان ترجمه ی فارسی اش رهنمای گمراهان ، نشریات محمدی)
ـ نخستین درس زیبایی شناسی . انتشارات دهخدا .
ـ پاسکال ـ ونسی ـ بلندل . مجموعه کتابهای جیبی .
ـ زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی) . انتشارات کندی . در سالهای اولیه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، که بنیاد قرآن تاسیس شد ، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته ی معاصر عرب ،

نظیر سید قطب ، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

فولادی وندا، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فولادی وندا
محل تولد : گچساران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/6/2
زندگینامه علمی
در دوم شهریور سال 1342 در خانواده ای مذهبی و ساده روستایی در شهرستان گچساران چشم به جهان گشودم. پس از طی تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن 1357 تحصیلات متوسطه را در هنرستان فنی طالقانی گچساران آغاز نمودم. در این هنرستان و همزمان با فعالیت گروههای سیاسی در اوائل پیروزی انقلاب، به اتفاق یکی از هم کلاسیها، اقدام به تشکیل و راه‌اندازی انجمن اسلامی نمودیم. این انجمن، از معدود انجمنهای فعّال در مبارزه با گروهکهای سیاسی آن روزگاران بود. با آغاز جنگ تحمیلی و در کنار تحصیل، بارها و بارها توفیق حضور در جبهه‌های نور را یافتم. سرانجام، در خرداد ماه سال 1360 علی‌رغم حضور سه ماه مستمر در جبهه در ایام تحصیل، به عنوان شاگرد ممتاز موفق به اخذ دیپلم گردیدم. به دلیل ارتباط منظم با روحانیت و دعوت مستمر از آنان در انجمن اسلامی و اردوهای دانش آموزی، در شهریور همان سال، در حوزه علمیه قم پذیرش و در مدرسه مبارکه رضویه مشغول به تحصیل شدم. به دلیل آشنایی قبلی با مجموعه استادان و طلاب فرهیخته مؤسسه در راه حق، توفیق یافتم که در نزدیکی بارگاه ملکوتی آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) با این عزیزان هم حجره باشم. ارتباط با این مجموعه، نقش بسزایی در تعیین مسیر آینده زندگی من داشت. دروس سطح و خارج را نزد استادان گرانسنگ و بزرگواری همچون، اعتمادی، وجدانی، سبحانی، مکارم شیرازی و... سپری نمودم. علاوه برآن، دوره عمومی مؤسسه در راه حق، و دوره تخصصی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) و سپس مؤسسه امام خمینی (ره) را در مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، با دفاع اولین رساله این رشته در حوزه جامعه‌شناسی در این مؤسسه در سال 1375،

موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی شدم.

فولادی، حفیظ الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حفیظ الله فولادی
محل تولد : -
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب دیپلم خود را در سال 1362 در رشته برق اخذ نموده و در سال 1363 وارد حوزه علمیّه اصفهان (مدرسه ذو الفقار) شدم و بعد از حدودا 4 ماه در سال 1364 به حوزه علمیّه قم (مدرسه رضویه) مشرف شدم و تا کنون این توفیق نصیب اینجانب بوده است. در سال 1366 وارد مؤسسه در راه حق شده و به استفاده از اساتید معزز آن مجموعه پرداختم. در سال 1370 در مجموعه گروههایی که توسط دفتر همکاری حوزه و دانشگاه جهت آموزشهای تخصصی در رشته های روان شناسی، علوم تربیتی و جامعه شناسی شکل گرفته بود، وارد گروه جامعه شناسی شدم و پس از طی این دوره ها در مقطع کارشناسی ارشد از سال 74 تا کنون در زمینه های مختلف این رشته به تحقیق و پژوهش مشغول هستم. خداوند این توفیق را به بنده داد که از سال 1375 تا 1380 در اکثر قریب به اتفاق پالایشگاههای کشور در خدمت مهندسین و مدیران و نیز پرسنل مجموعه صنعت نفت به تدریس در زمینه علوم اسلامی، مدیریّت اسلامی و ... پرداختم.

فیض الاسلام، علینقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1364 -1284 ش)، عالم دینی، شارح و مصحح. در سال 1284، در چنین خانواده‌ای که به صفای معنوی آراسته بود، کودکی دیده به جهان گشود که سید علی نقی نامیده شد و بعدها به سید علی نقی سدهی اصفهانی آل دیباج مشهور و به فیض الاسلام موسوم گشت. لفظ سده در پسوند نامش، به زادگاهش اشاره دارد که در دوازده کیلومتری شمال غربی اصفهان است و اکنون خمینی شهر نامیده می‌شود. وی دانشمندی پرکار و پرثمر بود، و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ محمد کاظم شیرزای اجازه‌ی اجتهاد داشت و نیز صاحب اجازه‌ی روایتی از آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی و حاج شیخ عباس محدث قمی بود. وی بیش از چهل سال پیش «نهج‌البلاغه» را به فارسی روان ترجمه و شرح کرد که این کتاب به «نهج‌البلاغه» فیض‌الاسلام مشهور است. از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه»، که در 1375 ق منتشر شده؛ «قرآن عظیم»، ترجمه و خلاصه تفسیر، در سه مجلد که مؤلف حدود چهارده سال وقت خود را صرف تألیف این کتاب نموده؛ «اشارات الرضویه»؛ «افاضات الغرویه فی اصول الفقهیه»، عربی؛ «چراغ راه»؛ «رهبر گمشدگان در رجعت»، ردی بر عبدالوهاب فرید.[1]
سید علینقی مشهور به (فیض‌الاسلام) صاحب ترجمه نهج‌البلاغه که در سده از حیات سلطان دختر شیخ فاضل آقا ملا محمدصادق سدهی به دنیا آمده و تحصیلات خود را در سده و اصفهان و قم و نجف اشرف نموده و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در کسوت روحانیت به کار تجارت و تبلیغ دین و تألیف اشتغال و آثار گرانقدری که ذیلا می‌نگارم از خود به یادگار گذارده است.
1- ترجمه نهج‌البلاغه در 6 جزء که در دو مجلد مکرر به طبع رسیده.
2- ترجمه صحیفه سجادیه. 3- تفسیر کلام‌اللّه مجید 4- ترجمه صحیفه علویه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 2، ش 2، ص 31)، مؤلفین کتب چاپی (610 -609 / 4)، نهج‌البلاغه (مقدمه).

فیوضات، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید ابراهیم فیوضیات در سال 1312 در شهر کازرون به دنیا آمد. دوران ابتدایی را بعد از رفتن به مکتب خانه در زادگاهش سپری کرد. وی تحصیلات دوره متوسطه و دبیرستان را در آبادان به صورت متفرقه گذراند زیرا روزها به کارکردن مشغول بود. در سال 1346 بعد از قبولی در کنکور دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته زبان انگلیسی به پایان برد. در همه این سالها کارکردن در شرکتهای مختلف را رها نکرد. وی ابتدا با قبولی در بورسیه به انگلیس سفر کرد و پس از یک وقفه یکساله و برگشت به ایران به دانشگاه پاریس رفت و در سال 1357 موفق به دریافت دکترای تخصصی جامعه شناسی سیاسی گردید.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی سیاسیوالدین و انساب : وی فرزند سید اسماعیل فیوضات از خاندان سادات حسینی است . سید ابراهیم 3 یا 4 ساله بود که پدر را که بازرگانی ساده بود از دست داد. مادرش همسر دوم پدر، کم سواد اما شجاع و پرهیزگار و اهل منطقه دوان بود . بیست ساله بود که مادر نیز از دنیا رفت،پدرش از همسر اول نیز دو پسر به نامهای سید محمد و سید محمد علی و دختری به نام بیگم دارد.خاطرات کودکی : سید ابراهیم فیوضات 3 یا 4 ساله بود که پدر را از دست داد و در همان ایام مادرش او را به مکتب خانه ها برای کسب سواد فرستاد وی از آن دوران خاطرات جالب و شنیدنی دارد: "برای اینکه مشغولیتی داشته باشم، مادرم مرا از سه سالگی به مکتب خانه شاباجی خانم برد که سواد بیاموزم. پس از مدتی هم به مکتب خانه حاجی رضا رفتم که ملایی آن را اداره میکرد دست آخر هم از مکتب خانه شیخ عبدالرحیم سر در آوردم. فضای آموزشی بنا به عرف رایج آن زمان خشن و خشک بود،و ما به خاطر هر اشتباه کوچکی فلک میشدیم به خاطر دارم یک بار 56 چوب به کف پایم زدند که اثرات منفی این رفتارها را پس از گذشت سالیان دراز هم هنوز با خود دارم. درآن موقع برایم دشوار بود که تصور کنم میتوانم روزی با سواد شوم."اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید ابراهیم به علت اینکه پدر را در کودکی از دست داده بود مجبور بود برای امرار معاش خود و خانواده کار کند. وی در سن 13 سالگی به علت مشکلات اجتماعی آن دوران به آبادان رفت و استخدام شرکت نفت در آمد و به کارآموزی و کارگری مشغول بود. هم زمان با دوره تحصیلی به

ویژه در ایام تعطیل و تابستان زمانی را صرف یادگیری و تهیه گیوه که تنها پای افزار آن دوران بود میکرد. او در این باره می گوید :" استاد پینه دوز در عوض کار وجهی کم (توجیبی) میداد زمانی هم در حجره تاجری به نام زهرایی چای به مشتری ها میدادم و گاهی هم در مغازه آقای سید احمد حسینی شاگردی میکردم."تحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ مدرک دیپلم در سال 1338 به صورت متفرقه و قبولی در دانشگاه تهران در رشته زبان انگلیسی و کسب مدرک کارشناسی در سال 1344 سپس کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران و اخذ مدرک دکترای جامعه شناسی از دانشگاه پاریس 8 واکل پراتیک فرانسه در سال 1357خاطرات و وقایع تحصیل : در اوایل سال 1350 در یک دوره (بورسیه) سه ماهه سازمان مذکور برای انگلستان شرکت کرد و پس از پذیرفته شدن راهی دانشگاه اکسفورد انگلیس شد و به علت استخدام در سازمان اموراداری و استخدامی کشور در خواست مرخصی وی قبول نشد به ناچار از سازمان استعفا داد و مجددا به انگلیس برگشت و در نهات به این نتیجه رسید که تحصیلات خود را در فرانسه ادامه دهد.فعالیتهای ضمن تحصیل : فیوضات در دوره کارشناسی با انجام شش ساعت کار روزانه در امور حسابداری در شرکت فنی برودت (یخچالسازی) به تحصیل پرداخت سپس حدود یکسال را با کار در سرکت ایتالیایی سد سازی در هفت تپه خوزستان گذرانید و سال بعد در دوره کارشناسی ارشد پذیرفته شد بعد از آن در سارمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان کارشناس تشکیلات به کار مشغول شد.استادان و مربیان : از استادان دکتر فیوضات در دوره های مختلف میتووان به دکتر سید صادق گوهرین و دکتر آداکلیان در دوره کارشناسی دکتر غلام حسینی صدیقی، دکتر صناعی، دکترکاروان، دکتر بهنام و ... در دوره کارشناسی ارشد و در دوره های بهد دکتر صدیقی و مهنئس مدتی اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای دکتر فیوضات، نادر ابراهیمی و اقای سپانلو در دوره کارشناسی و دکتر هما زنجانی زاده، آقای نقی اصفهانی و دکتر منچهر محسنی در دوره کارشناسی ارشد. سیروس پرهام و میرصادقی در حال حاضر دکتر سعید میرزایی،خانم ممتاز ،دکتر تولایی و ... اشاره داشت.همسر و فرزندان : همسر دکتر فیوضات، سرکار خانم پروین وثوقی است که به شغل پرستاری مشغول است . و فرزند وی پیمان فیوضات علاقه مند به موسیقی و نوازندگی پیانو و دانشجوی رشته مهندسی برق است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر سید ابراهیم فیوضات در مسئولیت های زیر فعالیت داشته است: مسئول فروش (تهران) شرکت کف داروگر 45-1343. کارشناس امور اداری طبقه بندی مشاغل و سازماندهی 49-1345. مدیر گروه علمی جامعه شناسی دانشگاه تهران 74-1370. عضو

هیئت تحریریه مجله پژوهش دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی 70-1369. عضو انجمن جامعه شناسی ایران 79-1377. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهش اقتصاد اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز 1378. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. عضو کارگروه برنامه ریزی دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی 1381. مشئول بخش صنعت در انجمن جامعه شناسی ایران از 1382 تا کنون. عضو هیئت تحریریه مجله تربیت معلم 1384 و مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.فعالیتهای آموزشی : دکتر فیوضات تدریس در گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد واحد کرج به مدت 2 سال را در دروس مختلف جامعه شناسی و اقتصاد ایران در کارنامه دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر فیوضات در تاسیس گروه جامعه شناسی صنعتی (انجمن جامعه شناسی ایران) همکاری داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر سید ابراهیم فیوضات غیر از فعایت های آموزشی به طرحهای پژوهشی نیز پرداخته است: - بررسی اجتماعی و اقتصادی شهرستان های دزفول و اندیمشک در خوزستان و کرمانشاه شرکت ایران آمایش سال 62-1360 - بررری توسعه شهری و روان بخش روستایی شهرهای میناب، رودان، سیریک، جاسک، و حاجی آباد هرمزگان، سال 63-1362 - بررسی تقتصادی - اجتماعی استان آذربایجان شرقی برای طرح توسعه 20 ساله دانشگاه تبریز (مجتمع مهندسین مشاور ایران آرک سال 64-1363 - پروژه تحقیقات آموزشی نیروی انسانی در وزارت صنایع سال 1365 - نقش کار در ادب فارسی شعر و از طریق طنز سال 1384چگونگی عرضه آثار : دکتر سید ابراهیم فیوضات آثارش در قالب تالیفات، مقالات و ارائه شخنرانی در سمینار های مختلف میتوان تقسیم کرد. وی بیش از 30 مقاله در مجلات گوناگون به چاپ رسانده است.آثار : اخلاق کار و نخبه گرایی در ایران ویژگی اثر : نشر شادگان ،تهران، 13832 اصلاح گری و انقلاب ویژگی اثر : 13843 بازتاب نقش کار در ادب منظومه ایرانی ویژگی اثر : در دست چاپ4 بررسی تحولات نظام استاد - شاگردی در ایران ویژگی اثر : دانشگاه شهید بهشتی، 13725 توسعه صنعتی و موانع آن درایران ویژگی اثر : مجموعه مقالات، چاپخش تهران، 13746 جامعه شناسی صنعتی ویژگی اثر : انتشارات سازمان سمت، تهران، 13867 دولت در عصر پهلوی ویژگی اثر : چاپخش، تهران، 13758 گسست های فرهنگی و تاریخی ایران ویژگی اثر : در دست چاپمنابع : 1تکمیل پرسشنامه توسط دکتر فیوضات بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان 13852کتاب گفت و گو با چهره ها، گفتگو با دکتر ابراهیم فیوضات- به کوشش عمادالدین شیخ الحکمایی انتشارات کازرونیه 1383

قاری رمجاری نیشابوری، ابومحمد اسماعیل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(531 -439 ق)، مسند، محدث و قاری. نسبتش به رمجار از توابع نیشابور می‌رسد. او از ابوالحسین عبدالغافر فارسی «صحیح» مسلم و احادیث یحیی بن یحیی تمیمی را شنید و همچنین از ابوحفص بن مسرور صوفی، از خدمتگزاران ابوالقاسم قشیری، چند جزئی را شنید. ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساکر و ابوسعد سمعانی و حسن بن محمد قشیری و زینب شعریه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن‌نقطه گوید که ابوسعد حسن بن محمد بن محسن قشیری از وی «صحیح» را روایت کرده است ذهبی گوید که: ابوالقاسم بن حرستانی از وی اجازه‌ی روایت داشته است. سمعانی گوید که وی شیخی صالح و عفیف و صوفیی پاک بود که خدمت استاد ابوالقاسم قشیری را نمود. قاری در نیشابور درگذشت. در «شذرات الذهب» به جای قاری، غازی آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام بوفیات الاعلام (353 / 1)، سیر النبلاء (20 -19 / 20)، شذرات الذهب (97 / 4)، العبر (440 -439 / 2)، معجم البلدان (78 / 3).

قاری مشهدی خراسانی، ابوالقاسم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1083 ق)، قاری و شاعر. در مشهد به دنیا آمد و در شیراز سکنی گزید، لذا به او قاری شیرازی نیز گفته‌اند. محمد بن شمس‌الدین قاری کاظمی در شیراز علم قرائت و تجوید را در محضر وی فراگرفته است. سید ابوالقاسم از قاریان مشهور عهد شاه‌عباس صفوی است. از آثار وی: «اللؤلؤئیه» یا «نظم اللئالی»، منظومه‌ای فارسی در «تجوید قرآن»، که در 1061 ق آن را به اسم شاه‌عباس ثانی سرود و مکررا به طبع رسید، و مدرس تبریزی، صاحب «ریحانه الادب» شرحی به نام «نثر اللئالی» بر آن نگاشته است. نسخه‌ای از کتاب «اللؤلؤئیه»، در زمان حیات مؤلف،در 1083 ق، توسط شاهمیر بن عبدالجبار نوشته شده است. اثر دیگر وی «دیوان» شعر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (226 -225 / 24، 378 -377 / 18، 221 / 11، 860 / 9، 365 -364 / 3)، ریحانه (395 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 454 -453 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (277 / 1).

قاسمی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم قاسمی، از فرهنگیان باسابقه به سال 1312 خورشیدی در تهران متولد شد، پدربزرگ وی از شاگردان درویش‌خان بود و تار را به خوبی می‌نواخت. پدر او ویولن می‌نواخت.
قاسمی، ضمن تحصیل در دوران ابتدایی شروع به نواختن نی‌لبک نزد خود می‌کند و زمانی که مشغول تحصیل در دبیرستان بود با ساز سنتور آشنا می‌شود و زمانی که از رادیو صدای سنتور را می‌شنید آن قدر نزد خود تمرین می‌کرد تا بتواند آن آهنگ را بنوازد.
علاقه‌ی وی به یادگیری و نواختن ساز سنتور موجب گشت تا پدر او، این نوجوان هنردوست و طلبه را نزد استاد فن برای یادگیری موسیقی روانه سازد، لذا وی را نزد هنرمندی به نام علی صبا می‌فرستد و او نزد شخص به کسب تحصیل موسیقی و نواختن سنتور می‌پردازد. سپس پس از چندی با راهنمایی‌های دکتر پزشکان که از دوستان نزدیک پدر وی و استاد ابوالحسن صبا بود، نزد این استاد فقید رفت و در کلاس ایشان مشغول تحصیل علم موسیقی شد و ضمن تعلیم گرفتن از زنده‌یاد استاد صبا، بنا به توصیه ایشان به دانشگاه رفت و در رشته‌ی فیزیک مشغول تحصیل شد و موفق به دریافت لیسانس در این رشته گردید و بعدها همین رشته تحصیلی در ساخت سنتور به وی کمکهای شایانی را نمود.
عبدالرحیم قاسمی، با توجه به این که خود از فرهنگیان قدیمی است و مدت بیست و هفت سال در دبیرستانهای مختلف وزارت آموزش و پرورش مدرس بوده، خود را در رشته علم موسیقی همیشه طلبه می‌داند، زیرا پس از فوت استاد ابوالحسن صبا که برای جامعه هنر موسیقی ایران ضایعه جبران‌ناپذیری بود و شاید دیگر چنین ابرمردی را، هنر موسیقی ایران در تاریخ خود نخواهد دید، ضربه سنگینی به وی که مردی فرزانه و عاطفی است وارد ساخت. تنها بنا به توصیه‌ی قبلی استاد فقید خود برای ادامه تحصیل علم موسیقی به هنرستان موسیقی ملی رفت و نزد شاگرد بزرگ و بی‌همتای استاد صبا، استاد فرامرز پایور، به تکمیل ردیف‌های صبا و پایور پرداخت. مدت یک سال در هنرستان از مکتب استاد پایور کسب فیض کرد که همدوره وی رضا شفیعیان هنرمند ارجمند در این دوره از کلاس این استاد بود.
عبدالرحیم قاسمی، از سال 1345 اقدام به تعلیم شاگرد در رشته سنتور

کرد و از سال 1362 نیز با کمک و همراهی دوستی فرهنگ خود، ناصر ضیاءالابصار، در کارگاه خود اقدام به ساختن سنتور کرد و تاکنون حدود دویست سنتور ساخته که در تکمیل و ساخت آنها سعی و کوشش بسیار دارد.

برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

قاضی طباطبایی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1290 ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از 1334 ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛ «محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاءالعلماء» را می‌توان نام برد.[1]
ادیب، مدرس.
تولد: 1295.
درگذشت: 18 اسفند 1364، تهران.
سید حسن قاضی طباطبایی از سال 1334 متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و «کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (1351) و تجربة الاحرار و تسلیة الابرار (اثر عبدالرزاق بیک دنبلی در دو جلد، 1349 و 1350).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] نشر دانش (س 6، ش 3، ص 88).

قاضی طباطبایی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمود قاضی طباطبایی دانشیار گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران(1354)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی امریکا (1357) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا امریکا (136) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود قاضی طباطبایی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران(1354)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی امریکا (1357) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا امریکا (136) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد « شخصیت سیاسی محصول زمان یا خصوصیات فردی» و دوره دکتری «تطابق محیطی بزهکاری: آزمون طولی تئوری» است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر قاضی طباطبایی می‌توان مواردی همچون «معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (1378 -1384) را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس وی «آمار در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی)، «آمارپیشرفته»، «تکنیک های تحقیق »، «روش تحقیق » و «روش های تحقیق پیشرفته» و «روش تحقیق پیشرفته» و «روش های تحلیل آمار پیشرفته» و «نرم افزار» (در مقطع دکتری) است. آثار : 1 بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان: از جلد 2 تا جلد 17 و از جلد 19 تا جلد 28 ویژگی اثر : تالیف 13832 روشهای پیشرفته آماری ویژگی اثر : تالیف 1385

قانعی راد، محمدامین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید محمد امین قانعی راد متولد سال 1324در شهر ری ، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه دارای دکتری جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال1368 و عضو هئیت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیوالدین و انساب : دکترسید محمد امین قانعی راد از جمله سادات صحیح و نسب شهر ری می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمدامین قانعی راد دارای مدرک لیسانس پژوهشگری اجتماعی ، درسال1364فوق لیسانس جامعه شناسی 1368 و دکتری همین رشته از دانشگاه تهران می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته جامعه شناسی از وقایع مهم در زندگی علمی دکترسید محمد امین قانعی راد می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر سید محمدامین قانعی راد در کنار تحصیل به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون رابطه جامعه شناسی و علم درایران می پرداخت.آرا و گرایشهای خاص : دکتر سید محمدامین قانعی راد از جمله جامعه شناسانی است که به رابطه ی علم و جامعه شناسی و نیز به جامعه شناسی به دیده تخصصی می نگرد.آثار : تبار شناسی عقلانیت مدرن ، تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی ، جامعه شناسی تولید و کاربرد دانش در ایران ، جامعه شناسی رشد و افول علم در ایران ، گلیس فرهنگی صنعت ، ناهمزمانی دانش

قراب سرخسی هروی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بعد از 414 -330 ق)، حافظ، محدث، فقیه، زاهد، مقری و ادیب. وی برادر ابویعقوب اسحاق قراب است. از منصور بن عباس و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن غطریفی و ابوعمر بن حمدان و ابواحمد حاکم و مخلد بن جعفر باقرحی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی عاصمی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاعلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ‌الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. وی در بسیاری از علوم همچون قرائت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردسته زاهدان و متألهان بود. از آثارش: «درجات التائبین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»، در قراآت سبع، در چندین مجلد؛ «الجمع بین الصحیحین»، جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مناقب الامام الشافعی»؛ «الشافی» در قراآت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (381 -379 / 17)، کشف الظنون (1839، 1379، 1023، 745، 599)، معجم المؤلفین (256 / 2)، هدیه العارفین (209 / 1).

قراب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(352- 429 ق)، حافظ، محدث، مورخ، فقیه، زاهد و مصنف. محدث هرات بود. ابونضر فامی گوید که وی بیش از هزار و دویست استاد داشته است. وی از عباس بن فضل نضرویی و جد مادری‌اش، محمد بن عمر بن حفصویه، و ابوالفضل محمد بن عبدالله سیاری و عبدالله بن احمدن بن حمویه سرخسی و زاهر بن احمد سرخسی فقیه و خلیل بن احمد سجزی و حسین شماخی صفار و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز حدیث شنید.شیخ الاسلام عبدالله انصاری هروی و ابوالفضل احمد بن ابی‌عاصم صیدلانی و حسین بن محمد بن مت و اهل هرات از وی حدیث روایت کردند. خواجه عبدالله انصاری در «جرح و تعدیل» به او احتجاج کرده است. از آثارش: «الوفیات» یا «تاریخ السنین» در «وفیات العلماء» از قرن اول تا 429 ق، در دو مجلد؛ «نسیم المهج»؛ کتاب «الأنس و السلوه»؛ «شمائل العباد»؛ «الرمی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (285 / 1)، الاعلام بوفیات الاعلام (288 / 1). انساب سمعانی (638 / 4)،ایضاح المکنون (53 / 2)، تذکره الحفاظ (1102 -1100 / 3)، سیر النبلاء (572 -570 / 17)، شذرات الذهب (244 / 3)، طبقات الحفاظ (424)، العبر (261 / 2)، کشف الظنون (1059)، العبر (261 / 2)، معجم المؤلفین (228 / 2)، الوافی بالوفیات (394 / 8)، هدیه العارفین (200 / 1).

قره چانلو، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین قره‌چانلو در سال 1319 در شهر تهران به دنیا آمد.وی دارای دکترا رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران است.نامبرده، پس از فراغت از تحصیل، به کار تدریس از دانشکدة الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. ترجمه کتاب "الاعلاق النفیسه" حسین قره چانلو ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین قره‌چانلو تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید. سپس وارد دانشگاه شد و موفق به گرفتن مدرک لیسانس و فوق لیسانس و دکترا در رشتة الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین قره‌چانلو ، پس از فراغت از تحصیل به کار تدریس از دانشکدة الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. دکتر قره‌چانلو در تهیه و تنظیم قسمتهایی از دایرة المعارف شیعه و دایره‌المعارف اسلام همکاری کرده، هم‌اکنون طرّاح مسائل تاریخی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است.جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "الاعلاق النفیسه" حسین قره چانلو ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : حسین قره‌چانلو بیش از چهارصد مقالة تحقیقی و تاریخی نوشته است که تمامی آنها در مجله بررسیهای تاریخی ارتش و مجله بررسیهای دانشکده الهیات و معارف اسلامی و دایرةالمعارفهای مختلف فارسی به چاپ رسیده است.آثار : ترجمة الاعلاق النفیسه ویژگی اثر : ابن رسته، 1365، امیرکبیر-این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد-آشنایی با کتاب «الاعلاق النّفیسه» مقصود مؤلف از نوشتن این کتاب، فراهم آوردن اطلاعاتی از مجموعه علوم زمان تألیف کتاب بوده است. او علاوه بر توصیف بلاد اسلامی از سرزمینهای خارج از جهان اسلام نیز سخن به میان آورده است و به صورتی کامل و جامع از جغرافیای نجومی و ریاضی با استناد به آیات قرآنی و آثار نجومی و اقوال دانشمندان سخن رانده است. مطالب کتاب در مورد سرزمین صنعا و امپراتوری بیزانس و

هند شرقی و سقلابیان و اقوام اورال و آلتایی و اقوام اطراف دریای سیاه و نواحی اصفهان در خور توجه بوده و اطلاعات جمع‌آوری شده در باب مکه و مدینه و توصیف رودها و مناطق طبرستان از اهمیّت خاصی برخوردار است. با توجه به تنوع اطلاعاتی که در کتاب فراهم آمده، می‌توان آنرا دایرةالمعارفی کوچک از علوم، جغرافیا و تاریخ گذشتة جهان دانست 2 حرمین شریفین ویژگی اثر : 1362، امیرکبیر .
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قره شیخ لو، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج مهدی قره شیخ لو در 31 شهریور ماه سال 1347 هـ.ش در منطقه امامزاده حسن تهران دیده به جهان گشود. ولادتش در میان خانواده ای مذهبی و مقید به آداب اسلامی، نوید بخش آینده ای قرآنی برای او بود و پس از آنکه بصورت اتفاقی در جلسه آموزش قرآن محل شرکت نموده و بذر عشق و اشتیاق در دلش جای گرفت پدر و مادر در شمار نخستین حامیان و مشوقان او را در مسیر قرآن رهنمون گشتند و در مرحله دوم معلم قرآن، دوره راهنمایی او و نیز حضور در جلسات درس جناب آقای توپچی زمینه را برای آموخته شدن هر چه بیشتر روح و جانش با کلام پروردگار هموار ساخت، آقای قره شیخ لو روخوانی و روانخوانی قرآن کریم را در سال 1361 تجوید را در فاصله سالهای 1362 الی 1364 و صوت و لحن قرآن کریم را بصورت کلاسیک از 1364 آغاز کرده است و ممارست در این زمینه مشغول است. آقای قره شیخ لو علاوه بر فعالیتهای قرآنی تحصیلات خویش را در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران ادامه داردە و مدرک کارشناسی این رشته را در سال 1377 اخذ نمود. او در سال 1368 ازدواج کرده و ثمره این ازدواج سه فرزند است. و از آنجا که همسرش نیز از معلمان قرآن کریم فرزندانش نیز در یادگیری مباحث قرآنی مشغولند. او در سال 1371 در مسابقات کشوری اوقاف و نیز در مسابقات سراسری سازمان تبلیغات، رتبه اول را بدست آورد. پس از آن در سال 71 در نهمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم در کشور نیز مقام نخست را از آن خود نمود. آقای قره شیخ لو در راستای فعالیتهای قرآنی خود مسافرتهای بسیاری نیز به کشورهای مختلف جهان داشته است. از جمله می توان کشورهای سوریه و لبنان را اشاره کرد. او همچنین در سال 1368 به کشورهای امارات متحده عربی و پاکستان سفر نموده، در این کشورها به تلاوت پرداخت آقای قره شیخ لو در فواصل سالهای 68 تا 80 به کشورهای چین، سودان، آفریقای جنوبی، موزامبیک، فیلیپین، تایلند، ایتالیا، هند، سریلانکا، و آذربایجان سفر نمود. آقای قره شیخ لو همچنین 9 بار توفیق سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره را داشته است او می گوید: در تمامی این سفرها با استقبال بی سابقه مردم مواجه می شدیم و به طور کلی در تمامی کشورها از تلاوت قاریان ایرانی استقبال می شود که این موضوع باعث شگفتی است. آقای قره شیخ لو بارها در

صداو سیما به تلاوت پرداخته است او از تلاوتش در برنامه بسوی نور که در سن 13 سالگی در سیما یاد می کند. آقای قره شیخ لو تا کنون چندین بار توفیق تلاوت در محضر مقام معظم رهبری را داشته است. از جمله در مراسم اختتامیه پنجمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم و یا در ایام ماه مبارک رمضان که موفق به تلاوت در حضور معظم له شده است.
آقای قره شیخ لو در ابتدای کار تلاوت از قاریانی چون مرحوم استاد منشاوی، استاد محمود علی البنّاء و استاد مصطفی اسماعیل تقلید می کرد و مانند بسیاری از قاریان معتقد است که تقلید از قاریان مصری به عنوان نخستین مرحله ز یادگیری صوت و لحن، از جایگاه بسیار ارزشمندی برخوردار است. او در حال حاضر در دوره ای تخصصی مراکز چون تربیت معلم، و تربیت داور در سازمانها و نهادهای مختلف تدریس می کند او اساتید مصطفی اسماعیل، محمد صدیق منشاوی و عبدالباسط را سه قاری برتر مصر از ابتدا تا کنون می داند و در میان قاریان عصر حاضر نیز اساتید حسّان، شحات محمد انور و اللیثی را از قاریان برتر کنونی مصر بر می شمارد. آقای قره شیخ لو از جمله قاریانی است که سالهای دفاع مقدس را با تمام وجود درک کرده و در برخی عملیاتها حضور داشته است او در سالهای 1363 و 1364 جزو نیروهای فرهنگی با نام معلم قرآن در جبهه جنوب و مناطق پاسگاه زید، جفیر و مهران مشغول به خدمت شد آقای قره شیخ لو دوبار نیز در شمار نیروهای رزمی در سالهای 1365 الی 1367 در منطقه جنوب و در عملیاتهای کربلای 5 و مرصاد شرکت نمود آقای قره شیخ لو زندگی شخصی اجتماعی و خانوادگی خود را مرهون قرآن می داند و می گوید: کسی که با قرآن همنشین شد در تمامی ابعاد زندگی موفق خواهد شد و به همین دلیل نیز همواره در تلاش بوده تا بتواند آنچه را که در سایه سار کلام وحی آموخته در جلسات به دوستداران قرآن بیاموزد. در سال 1366 تا 1373 در دار القرآن سازمان تبلیغات اسلامی و دو سال نیز در کانون علوم پزشکی تهران به فعالیت پرداخت و هم اکنون نیز جانشین مسئول کمیته قرآن شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی است و علاوه بر این از سال 1377 تا کنون در بسیاری از مسابقات قرآن کریم داوری کرده است.
آقای مهدی قره شیخ لو معتقد است که فعالیتهای قرآنی در کشور پاسخگوی نیاز جامعه نیست و به رغم اقدامات بسیاری که انجام شده ضعفهائی نیز وجود دارد. او در توصیه اش به جوانان می گوید: تا آنجا که می توانند وقتشان را برای قرآن صرف بکنند و سعی نمایند که با قرآن مأنوس شوند چون هر چه که ما برای قران وقت بگذاریم جز خیر و برکت، چیزی نخواهد بود و جوانان بهتر است که بهترین لحظات عمرشان را که همان جوانی است در جلسات پر نشاط و شاداب قرآنی صرف بکنند و

بتوانند در آن لحظات از قرآن بهره بگیرند و تا آنجا که می توانند با قرآن مأنوس شوند.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net/

قزانلو، جمیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، مورخ. از آثار وی: «تاریخ نظامی ایران»؛ «تاریخ نظامی جنگ ایران و مقدونیه»؛ «تاریخ نظامی جنگ ایران و هند»؛ «جنگ ایران و روس»؛ «جنگ ده ساله یا جنگ اول ایران و روس»؛ «جنگ ایران و افاغنه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (167 -166 / 5)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (941 ،913 -912 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (395 -393 / 2).

قزوینی فارسی، سراج‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 745 ق)، مفسر و قاری. او بر قوام‌الدین شیرازی قرائت کرد. از علوم مختلف بهره‌ها داشت، بویژه در عربیت ماهر بود. وی در جوانی قبل از چهل سالگی درگذشت. از آثار وی: «الکشف علی الکشاف» یا «الکشف عن مشکلات الکشاف»، در تفسیر که حاشیه‌ای بر «کشاف» زمخشری است؛ «نصیحه السملم المشفق لمن ابتلی بحب المنطق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (208 / 5)، شذرات الذهب (144 -143 / 6)، کشف الظنون (1958، 1480)، معجم المؤلفین (289 / 7)، مینودر (871 / 2)، هدیه العارفین (789 / 1).

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(683 / 682 -605 / 600 ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در 650 ق قاضی حله و در 652 ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخابر العباد»، در جغرافی، که ظاهرا در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دائره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (80 / 3)، تاریخ ادبیات در ایران (281 -279 / 3)، تاریخ نظم و نثر (146)، الذریعه (219 / 15 ،7 / 1)، روضات الجنات (373 / 3)، ریحانه (453 / 4)، کشف الظنون (1128 -1127 ،1126 ،9)، الکنی و الالقاب (62 -61 / 3)، معجم المؤلفین (183 / 4)، مینودر (837 5، -3 / 2)، هدیه الاحباب (216)، هدیه العارفین (373 / 1).

قطبی اهری، ابوبکر

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 860 ق)، مورخ. از مورخان بنام عهد خود که «تاریخ شیخ اویس» را در 860 ق تألیف کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (599 -598 / 3)، تاریخ نظم و نثر (283).

قمصری، علیرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. در کاشان ساکن و نقاش آبرنگ‌کار دوره‌ی ناصری بود و اغلب به شیوه‌ی پدر نقش می‌آفرید. از آثار وی قلمدان مرغش ساده‌ای است که به طلای ناب، تصاویر گل و مرغی دارد، با رقم: «علیرضا 1312».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (387 -386 / 1).

قنبری (مهر)، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
«من آن موجود بی‌نام و نشانم»
«که باشد ملک گمنامی مکانم»
«صابر کرمانی»
ساعت 7 بامداد یکی از روزهای گرم تابستان 1370 نگارنده به اتفاق آقایان: عباس شاپوری، حشمت‌اللّه جودکی، یحیی سپنجی، علی خادم، محمود محرمخانی، هشترودی از تهران برای دیدار استاد ابراهیم قنبری عازم هشتگرد قزوین شدیم، پس از طی مسافت بین تهران- کرج، به منزل مهیار فیروزبخت هنرمند خوب و آهنگساز با استعداد رسیدیم و ایشان هم به جمع ما پیوست و همگی ساعت 3 بعد از ظهر به منزل استاد قنبری واقع در هشتگرد قزوین رسیدیم. استاد قنبری با رویی خوش و دوست‌داشتنی ما را پذیرا شدند و با توجه به این که در ساعت استراحت ایشان به آنجا رفته بودیم ولی اثری از ناخرسندی در چهره‌ی مردانه و رفتار مهربانش دیده نمی‌شد.
به هر حال به منزل استاد قنبری و در محضرش رسیده بودیم، منزلی که از همه‌ی زرق و برق‌ها، دور و پر از صفا صمیمیت بود، بلی استادی که از اول جوانی اسیر کشش‌ها و فریبندگی و ظواهر دنیا نگشته و همیشه به آن پشت نهاده و به آن بی‌اعتنا بوده و اگر می‌خواست یا اکنون هم بخواهد، هیچگاه از دسترسش دور نمی‌باشد، ولی وی انسانی است شریف، هنرمند، صنعتکار که هر سازی بخصوص ویولن که از زیر پنجه‌های هرآفرین او بیرون آید نه در ایران بلکه در سراسر جهان بخصوص ممالک اروپایی که خود سازنده‌ی این ساز و مربوط به خود آنان می‌باشد معروفیت خاص دارد و در اغلب ممالک جهان از وی دعوت به همکاری شده ولی وی ثانیه‌ای زندگی در ایران را به صدها سال زندگی در آن کشورها ترجیح می‌دهد.
استاد ابراهیم قنبری (مهر) به سال 1307 شمسی در تهران متولد شد، از همان دوران طفولیت به موسیقی علاقه‌مند شد ولی امکانی برای او موجود نبود تا بتواند در این رشته به فراگیری مشغول شود، او به بخاری و سپس به مبل‌سازی روی آورد و در این صنعت و هنر پیشرفت چندانی نمود و از همان اوائل نوجوانی ذوق خلاق خود را نشان داد. ذوق موسیقی و فراگیری آن در نهاد وی چون آتش زیر خاکستر همچنان باقی بود تا این که روزی به منزل استاد صبا که در خیابان ظهیرالاسلام بود می‌رود و وضع خود

را با آن استاد بی‌نظیر در میان می‌گذارد. و استاد صبا وی را مورد لطف قرار می‌دهد و به وی می‌گوید که شما بیایید و نزد من ویولن مشق کنید. برخورد صبا با این کارگر جوان چنان پدرانه و با محبت بود که آن آتش کم‌سوی زیر خاکستر، تبدیل به اخگر فروزانی شد که سراسر جهان را فراگرفت و امروز در موسیقی جهان یک نفر از ایران به نام کاشف صدا که همین استاد قنبری خودمان باشد مطرح گردیده.
وی موسیقی و نواختن ویولن را نزد استاد ابوالحسن صبا فراگرفت و پس از چندی بنا به توصیه مرحوم صبا اولین ویولن را ساخت و صبا این ویولن را گرفت و پس از این که پنجه‌ای با آن زد گفت من احساس می‌کنم که امشب با این ساز بتوانم خوب بزنم. از این زمان به بعد استاد صبا بیشتر قنبری را تشویق در ساختن ساز می‌کرد چون خود صبا هم ساز می‌ساخت و چندی بعد وی را به آراکلیان که در زمینه ساختن ساز اطلاعاتی داشت و کتاب‌های مختلفی را در رشته‌ی ویولن‌سازی در فرانسه مطالعه کرده بود معرفی می‌کند و مدتی با هم در این مورد همکاری می‌کنند، تا این که از طرف وزارت فرهنگ و هنر کارگاهی تأسیس می‌شود تا در آن سازهای مختلف جهت استفاده‌ی هنرجویان ساخته شود، از قنبری هم دعوت می‌شود و در سال 1335 این کارگاه رسماً کار خود را آغاز می‌کند.
استاد قنبری، حدود دو سال در این کارگاه مشغول فعالیت بود که از طرف مسئولین وزارتخانه، جهت آموزش و تکمیل این فن به فرانسه اعزام می‌شود و رفتن این مسافرت هم بیشتر به خواست استاد هنرستان موسیقی آقای سرژ خوتسیف انجام می‌پذیرد. در این مورد استاد قنبری می‌گوید: «من در فرانسه، تقریباً از همان ابتدا یک دوره‌ی مخصوص «تعمیرات» را گذراندم که اهل فن می‌دانند «تعمیرات» مربوط به دوره‌ی «عالی» سازسازی می‌شود. آخر برای شروع ابتدا می‌خواستند برای مدت دو سال مرا به کلاس‌های مقدماتی نوسازی بفرستند. من سازی را که ساخته بودم، با خودم به آنجا برده بودم، آنها وقتی کار مرا دیدند نه تنها از این تصمیم منصرف شدند بلکه دوره‌ی عالی «تعمیرات» را برایم تدارک دیدند. آن ساز را حتی آقای اوئیستراخ هم تأیید کرد. (اوئیستراخ یکی از چند ویولنیست بزرگ جهان است) آن دوره‌ی دوساله را هم ظرف شش ماه تمام کردم و به ایران برگشتم.» لازم به گفتن است که همین «اوئیستراخ» وقتی به کارگاهی که استاد قنبری کار می‌کرده می‌رود و سازی را که ایشان ساخته بوده در دست می‌گیرد، خیال می‌کند که این ساز از ساخته‌های «استرادیواریوس» بزرگترین سازنده‌ی ویولن جهان است ولی وقتی به او می‌گویند که این ویولن را آقای قنبری ساخته، بلافاصله نامه‌ای به این مضمون برای وی می‌نویسد که: «استاد جوان و باذوق، آقای قنبری، به شما صمیمانه تبریک می‌گویم. ساز ساخت دست

شما نه تنها ذوق هنری سرشار و پشتکار فوق‌العاده‌ی شما را آشکار می‌کند، بلکه ادراک و احساس عمیق شما را نیز در مسأله‌ی مشکل صدای ویولن نمایان می‌سازد. کمتر اتفاق می‌افتد که این خواص با هم توأم شوند. بنابراین از تصمیم قلب موفقیت‌های بزرگتری را در آینده برایتان آرزو می‌کنم. ارادتمند شما: دیوید اوئیستراخ. شانزدهم ژوئن 1960- پاریس».

استاد ابراهیم قنبری، علاوه بر ساختن ویولن، سازهای دیگری نظیر: ویولنسل، کنترباس، ویولن آلتو، تنبور، قانون، سنتور کروماتیک و هارپ را نیز ساخته و در ساخت همه‌ی آنها هم موفق بوده چون در قید مادیات نبوده و اصولاً به سازسازی عشق می‌ورزد و نمایانگر این ادعا است. استاد قنبری، علاوه بر کارگاه سازسازی وزارت فرهنگ و هنر سابق، کارگاه سازسازی «مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی» را خود پایه‌گذاری کرد و شاگردان ورزیده و ماهر که هر یک از استادان به نام می‌باشند تربیت نمود و در مدت شصت و سه سال عمر پربار و پرثمر خود، خدمات گرانبهایی به موسیقی و فرهنگ صوتی کشور کرد و در اوج شهرت و پیشرفت و بزرگی، هیچگاه به خود غره نشد و هنوز معتقد است که خیلی چیزها هست که باید فراگیرد و می‌گوید هنر مرز و انتها ندارد که انسان خیال کند که به آخر آن رسیده. استاد قنبری، در ساخت ویولن که بیش از سیصد سال از ساخت آن می‌گذرد تغییراتی داد که به تأیید استادان جهانی نیز رسیده و بعضی از این ابداعات و تغییراتی را که وی روی ساخت ویولن انجام داده، اندره هیل یکی از بهترین ویولن‌سازهای انگلیسی روی سازهای ساخت خود انجام داده و این را زمانی که استاد قنبری در انگلستان در کلاس ویولن‌سازی دوره می‌دید از وی فراگرفت.

درباره‌ی استاد قنبری چه خوب است از دهان سیاوش اکبری یکی از شاگردان وی بشنویم: «یادم هست روز اولی که با برادرم هوشنگ نزد این استاد بزرگوار و بی‌تکبر رسیدیم و درباره‌ی ساختن ساز با ایشان گفتگو کردیم، به ما گفتند که خیلی‌ها پیش من می‌آیند و ساز ساخته شده‌ی خود را می‌آورند تا نظر دهم، به آنان می‌گویم شما ساز نسازید و خیلی‌ها هم قبول می‌کنند و به ساختن چیزهای دیگری روی می‌آورند، ولی به شماها می‌گویم که بروید ساز بسازید و کار خود را توسعه بخشید.»

سپس فرمودند حالا هر سؤالی دارید، من حاضرم که به آن پاسخ گویم. در اینجا لازم به توضیح است که اکثر مردم فکر می‌کنند استاد قنبری فقط سازنده‌ی ویولن هستند و تخصص ایشان روی این ساز است و ما هم جزو همین دسته از مردم بودیم ولی وقتی از استاد درباره‌ی سازهای دیگر جویا شدیم متوجه گردیدیم که استاد قنبری اقیانوس بی‌کرانی هستند که هنوز اجتماع پی به وجود چنین گوهر نایابی نبرده است.

استاد قنبری، پس از این که درباره‌ی هنر تارسازی مطالبی را برای ما

گفت، برادرم راجع به رنگ ویولن از ایشان سؤال نمود استاد گفت این مطالب باشد برای پنج سال بعد. ما با توجه به این که از مجالست و محضر ایشان سیر نمی‌شدیم خداحافظی کردیم از منزل این استاد بزرگ رفتیم، پس از یک ماه مجدداً همراه برادرم هوشنگ به تهران آمدیم و ویولنی را نزد استاد بردیم که این مرتبه استاد قنبری فرمودند حیف است این ویولن با این رنگ، رنگ‌آمیزی شده باشد، لذا مقداری رنگ به ما دادند و فرمودند که این را ببرید و رنگ این ویولن را عوض نمایید و از آن زمان به بعد تمامی سازهای خود را اعم از ویولن، تار، سنتور، سه‌تار، چه مشقی و چه غیر مشقی از این فرمول رنگ استفاده می‌کنیم و سازهایی را که ما قبل از این تاریخ فروخته بودیم، همه را جمع‌آوری کردیم و صاحبان آنان ساز جدید دادیم و فقط از وسائل این سازها، استفاده در جهت ساختن سازهای دیگر کردیم.
از آن پس، هر دو ماه یکبار ما سازی می‌ساختیم و نزد استاد قنبری می‌بردیم که استاد می‌دیدند و مرتباً با مهربانی و خلق خوش راهنمایی می‌کردند و رفع اشکال می‌نمودند تا این که استاد دلسوز و گرانقدر در شهریور ماه سال 1368 به مدت دو روز به ارومیه تشریف آوردند و بدون دیناری چشم‌داشت مادی از صبح تا شب بدون اینکه کسی با خبر باشد در کارگاه محقر ما، روی پای خود می‌ایستادند و ما را راهنمایی می‌کردند که در اینجا لازم می‌دانم از این استاد فرزانه و باگذشت و بی‌همتا تشکر کنم و برای بار دوم نیز در عید سال 1369 به مدت 10 روز مجدداً به ارومیه تشریف آوردند و در این مدت 10 روز یک عدد ویولن، یک عدد تار و یک عدد سه‌تار که قبلاً طبق دستور خود ایشان، نیمه‌کاره رهایش ساخته بودیم در حضور ایشان تکمیل نمودیم و این نهایت لطف استاد گرانقدر و بزرگواری است که مدت 10 روز از وقت گرانبهای خود را در دورترین نقطه‌ای از وطن خود ایران، بدون ذره‌ای نظر مادی در اختیار دو نفر از هموطنان خود گذاشت و مهم این که در این 10 روز، روزانه، صبح تا شب پا به پای ما روی سازها کار کرد که به جرأت باید بگویم این هنرمند بزرگ از ما بیشتر زحمت کشید.
در اینجا می‌خواهم اندکی در مورد استاد عزیزمان آقای ابراهیم قنبری مهر برای شما بگویم، البته اگر کسی بخواهد از ایشان سخن بگوید باید به اندازه کافی به ایشان نزدیک و سالهای سال در جوار این استاد انسان و شریف زندگی کند تا به بزرگواری و وارستگی این مرد پی ببرد و به اهمیت کارهایی که ایشان انجام داده واقف گردد. چه اهمیت کار ایشان چنان بالا است که نه تنها ایران و ایرانی، بلکه کل جهان باید به وجود چنین مردی افتخار کند و هر ایرانی مفتخر و شکرگذار ایزد منان باشد که چنین نعمتی را برای این سرزمین ارزانی داشته.

در مورد کارهای هنری ایشان، باور کردنش مشکل است که این همه خلاقیت و هنر از دست یک نفر ساخته باشد کسانی که در کار هنری وارد هستند می‌دانند که انسان خیلی مشکل است دو هنر را در حد کمال برساند و با توجه به این که در کشور ما امکانات برای آموزش کارهای هنری بسیار کم است و هنرمند با مشکلات فراوانی روبرو می‌گردد. با این همه ایشان در چندین هنر مهارت کامل دارند که از آن جمله‌اند: طراحی، قالب‌سازی، خاتم‌کاری، سازسازی، نوازندگی و از همه بالاتر خلق و خوی خوب انسانی که در درجه اهمیت و والایی قرار دارد.
ابتدا در مورد سازسازی ایشان باید بگویم که ایشان نه تنها به عنوان سازنده‌ی عالی و ممتاز، بلکه به عنوان تکامل‌دهنده خوب در سطح جهانی مطرح هستند، برای مثال چند نمونه از آنها را برایتان می‌گویم:
1- در مورد «هارپ» که سازی است با قدمت کهن و تاریخی و در جهان سه کشور بیشتر آن را نمی‌سازند و آن سه کشور هم عبارتند از: آمریکا، فرانسه و شوروی، ایشان عیبی را که بعد از یکصد و پنجاه سال کارشناسان ممالک مزبور نتوانسته بودند رفع کنند، با تکنیکی عالی، این عیب را رفع نمود و آن را ساخت بدون عیب و به تصدیق کارشناسان خارجی هم رسید که هم‌اکنون این «هارپ» در کارگاه میراث فرهنگی موجود می‌باشد.
2- در مورد ویولن بعد از «استرادیواریوس» هیچ کس نتوانسته است کاری برای ویولن انجام دهد و آن را به تکامل نزدیکتر سازد ولی استاد قنبری با دلایل منطقی، چندین کار از جمله فاصله گوشی‌ها از هم به خاطر راحت کوک کردن پر بودن بالای «F» به خاطر استحکام و فرم پشت، به خاطر استحکام بیخ دسته و زیبایی و بسیاری کار دیگر در داخل و فرم ویولن و صدای ویولن انجام داده‌اند که در تمام دنیا مورد تأیید اساتید بزرگ جهان می‌باشد.
در اینجا لازم به یادآوری است که زنده‌یاد استاد ابوالحسن صبا، ویولن را در موسیقی ایرانی وارد و میان سازهای ایرانی به صورت علمی جای داد و به نحو احسن از آن استفاده کرد تا آن که حتی با سازهای ایران به رقابت پرداخت و مشابه این مطلب را با آهنگساز هنرمند و خوبی داشتم که ایشان فرمودند: «استاد قنبری ویولن را ایرانی ساختند و واقعاً هم همین طور است، چون هر نوازنده‌ای با این ساز می‌تواند مهجورترین ردیف‌ها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران را بنوازد.»
3- در مورد سه‌تار، غیر از کارهایی که برای استحکام آن کرده، اول باید از ثابت کردن خرک که موجب زیبایی و ثابت بودن پرده‌ها می‌گردد یاد شود. سپس تغییر شکل سر و پنجه که موجب می‌شود سیم انداختن آن راحت باشد و دیگر لازم نباشد که بعد از شیطانک پرده‌ای بسته شود و دیگر،

پرده‌های فلزی کشویی که باعث می‌شود پشت دسته خالی باشد تا نوازندگی راحت‌تر شود و علاوه بر آن نوازنده هرچند ماه یکبار لازم نباشد که پرده‌ها را عوض بکند و علاوه بر آن صافی صدا آن است که از پارازیت‌های موجود در پرده‌ها می‌کاهد.
4- و اما تار و کارهایی که در مورد آن انجام داده، اول باید از ساختن تار یک تکه نام برد. سپس باز پرده‌های فلزی که همان کارهایی را که در سه‌تار گفته شد انجام می‌دهد، در مورد سرپنجه تار که یک شکل غلطی داشت، گو این که فهم این شکل جدید برای بعضی‌ها که سالها است، شکل قدیم را دیده‌اند مشکل می‌باشد، اما اگر محاسن این سرپنجه را بدانند، اصلاً با آن سرپنجه قدیم کار نمی‌کنند که در اینجا به طور خلاصه آنها را بیان می‌کنم: از نظر زیبایی اگر شکل تار را از پایین نگاه کنیم هیچ شکل هندسی ندارد، اما وقتی به سرپنجه می‌رسیم، یک مکعب می‌بینیم که اصلاً به شکل تار نمی‌آید، اما چون مردم عادت کرده‌اند آن را زیبا می‌بینند. دیگر از نظر سیم انداختن باید در سرپنجه‌های قدیمی یک نخی به سیم ببندیم و بعد با آب دهان به نخ بزنیم و با دشواری آن را به گوشی چسبانیده و آن جا بیندازیم اما در سرپنجه جدید، این طور نیست، گوشی‌ها به سری کنار هم سوار شده‌اند هر کدام سوراخی دارد که خود سیم در آن جای می‌گیرد، در اینجا به آن عده که زیاد علاقمند به سنت و فرهنگ اصیل ایرانی هستند می‌گویم باید قبول کنند که برای یک سیم انداختن شش بار آب دهان به سرپنجه تار انداخته می‌شد ولی در فرم جدید چنین نیست و باید صراحتاً بگویم که هرکس اگر بخواهد به فرم کاسه و نقاره‌ی تار دست بزند واقعاً خیانت کرده است چه استاد یحیی آن را به حد کمال رسانده و احترامش بر همه واجب است و این موضوع را هم استاد ابراهیم قنبری به بنده فرمودند.
از نظر کوک نگه داشتن سرپنجه‌ی قدیم به خاطر اختلاف زاویه‌ای که سیم‌های زرد دارند، همیشه دست نوازنده در گوشی‌های تار می‌گردد و بعد از کوک به خاطر اختلاف پتانسیلی که در جلو و عقب شیطانک هست با یک ضربه مضراب دوباره کوک به هم می‌خورد و باید دوباره کوک شود.
5- یک تکه بودن سرپنجه و دسته است که موجب استحکام آن می‌گردد و دو کار بسیار مهم در دهانه تار انجام داده که به تکامل این ساز افزوده: یکی شیاری است که در انتهای دسته ایجاد کرده که پوست در آن جای گیرد، چون این پوستی که روی دسته چسبانیده می‌شد، همیشه بر اثر برخورد با پرده‌ی آخر تار بلند می‌شد و کنده می‌گردید که این عیب رفع شد و دیگر شیاری است که اطراف دهنه کاسه و نقاره ایجاد نموده که تکلیف نوازنده را با پوست اضافی دهانه مشخص می‌کند، چه تارهای قدیمی را هر موقع که پوست می‌انداختند به خاطر کوچکی و بزرگی پوست هر بار از

جایی می‌بریدند که این موجب می‌شد دهانه تار همیشه بیش از همه جا تیغ بخورد و یا همیشه قسمتی از انتهای پوست بلند شود که اینها در عکس‌ها مشخص می‌باشد.
در مورد «قانون»، اسناد این ساز را از تمام عیوب از جمله کلیدهای آن کامل نموده که البته چون در تخصص ما نیست نمی‌توانم در مورد آن زیاد توضیح بدهم اما همین قدر می‌دانم، آخرین «قانونی» را که ساخته بود و در کارگاه ایشان بود، کلیدهای آن طوری بود که نوازنده در هر جایی که می‌خواست می‌توانست کوک آن را تغییر بدهد.
و اما در مورد کمانچه، استاد تحقیقی در مورد تمام کمانچه‌های شهری و محلی ایران و خارج از ایران کرده که از مجموع آن اخیراً کمانچه‌ای ساخته که علاوه بر تکمیل کاسه، دو نکته بسیار مهم در دسته‌ی انجام داده که حائز اهمیت است یکی شکل سرپنجه که از حالت ماشینی بیرون آمده ولی باز شکل اصلی که در معماری‌ها و نقاشی‌های قدیم می‌توان آن را یافت برای سرپنجه انتخاب کرده و باز به روشی علمی در زاویه سرپنجه با سیم حرکت نموده، دیگری کاری است که در بیخ دسته کمانچه انجام داده که مثل تار و ویولن شده و به استحکام آن می‌افزاید و همچنین تعبیه تاندر برای تنظیم سیم‌ها از کارهای جالب ایشان می‌باشد که اجازه‌ی ساخت آن را استاد به ما دادند و همچنین تار با پرده‌ی فلزی را که مشاهده می‌کنید.
در مورد سنتور، کاری که آقای ناظمی در صدای آن کرده قابل ستایش است، اما فقط استاد قنبری با ساختن سنتور «کروماتیک» و تعبیه‌ی گوشی‌های پیچی و ریل‌های تغییر کوک توانسته کاری برای سنتور انجام بدهد که نمونه‌های آن در میراث فرهنگی موجود است و ما نیز تصمیم داریم کارهای ایشان را دنبال کنیم، چه خود ایشان می‌گفتند هنوز نوازنده برای اجرای بعضی از نغمات موسیقی، خود را عاجز می‌داند.
در مورد ضرب (تنبک) ایشان نمونه‌ای در میراث فرهنگی دارند که می‌توان آن را با سازهای دیگر کوک نمود. و علاوه بر اینها در تمامی سازهایی که از ایران باستان در ایران معمول بود، از سرنا گفته تا قیچک و از طبل تا عود و غیره، رویشان تحقیق و کار کرده است و در رنگ‌سازی و رنگ‌کاری نیز مهارت کامل دارد و چون در خاتم‌کاری و معرق خود استادکاری بی‌نظیر می‌باشد و روی چندین سه‌تار و ویولن این کار بدیع و زیبا را انجام داده، در مورد ویولن‌های ساخت این استاد بی‌نظیر باید بگویم که در سال 1339 در پاریس آقای ویلیام اوئیستراخ نوازنده زبردست روسی، ویولن ساخت استاد قنبری را با ویولن استرادیواریوس ویولن‌ساز بزرگ ایتالیایی اشتباه می‌گیرد و وقتی به او می‌گویند که ویولن ساخت یک ایرانی است بنام استاد ابراهیم قنبری (مهر)، اوئیستراخ می‌گوید «واقعاً برای من افتخارآمیز است که با سازنده‌ی سازی چنین هنرمند آشنا شدم.»

در مورد اخلاق و انسانیت استاد قنبری باید یادآور شوم که مصاحبت انسان با ایشان، انسان را در مسیر دیگری از زندگی قرار می‌دهد، حتی در نکات باریک زندگی می‌تواند الگوی تمامی هنرمندان و هنردوستان باشد، برای مثال تنها چیزی که برای وی اهمیت ندارد، مادیات است که طرز زندگی و سادگی و بی‌پیرایگی خانه‌اش همان منزل چهل سال پیش با همان یک تکه فرش.
ایشان درس زندگی کردن و رفتار با هم نوع، با جامعه و حتی طرز آموختن را به ما آموختند، یادم می‌آید، روزی مطلب بسیار ناچیزی در مورد خرک تار به ایشان پیشنهاد کردم چنان با تواضع و آب و تاب آن را پذیرفتند که من یکباره به خود آمدم که این همه مسائل که به ما آموختند یکبار با روحیه‌ای تکبرآمیز نبود ولی این پیشنهاد من، چقدر ایشان به من احترام قائل گردیدند و آموختم که انسانیت و بزرگ‌منشی یعنی چه و در تأیید این مطلبم به عکسی که از مرحوم استاد ابوالحسن صبا در منزل ایشان است دیدم که شادروان استاد صبا زیر عکس خود امضاء نموده و نوشته است: «تقدیم به شاگرد عزیز و استاد گرانقدرم جناب آقای ابراهیم قنبری». و به خاطر همین سجایا و اوصاف اخلاق و رفتار است که هنرمندان به ایشان یادگار صبا نام نهاده‌اند و من در اینجا با توجه به خصلت‌هایی که از زبان خود استاد و چه از زبان هنرمندان دیگر و خوانده‌ام، صراحتاً می‌گویم که بهترین شاگرد صبا، استاد ابراهیم قنبری است، چون با این که تمامی شاگردان مرحوم صبا خوبند، اما شاگرد باید تمامی خصلت‌های استاد را داشته باشد نه تنها نوازندگی و سازندگی آن را؛ البته خصایل اخلاقی هیچ‌کس را نمی‌توان بر روی کاغذ آورد زیرا مثلاً نگاه کردن، سخن گفتن و حتی گوش کردن به مطلبی حائز اهمیت، ماهرترین و چیره‌دست‌ترین نویسندگان نمی‌توانند با قلم بیان نمایند، من باب مثال، روزی در حضور استاد بودیم، صحبت از زنده‌یاد ابوالحسن صبا شد، ایشان نواری آوردند که آن را آقای رحمت‌اللّه بدیعی، قطعاتی از صبا را نواخته بود و برای ایشان فرستاده بود. نوار را روی ضبط نهادند و به گوش کردن آن مشغول شدیم و ضمن آن چای می‌خوردیم، یکباره من و برادرم متوجه شدیم استاد به زانو نشسته و نصف چای را خورده بودند و نصف دیگر در دستش سرد شده بود و با تمام وجود گوش می‌داد، گویی همان لحظه‌هایی را به خاطر می‌آورد که استاد فرزانه‌اش صبا زنده بوده و با پنجه‌های هنرآفرین خود می‌نوازد، کاری که هیچ شاگردی در حیات استادش نکرده چه رسد در ممات او، به هر حال نیم‌ساعت طول کشید تا نوار تمام و استاد قنبری نیمه‌ی چای سرد شده‌ی خود را بر زمین نهاد، در خاتمه یادآور شوم که این استاد قنبری است که موسیقی را پاک و منزه در هر شرایط و دوره‌ای کرد نه موسیقی وی را، زیرا هیچگاه اسیر مجالس و محافل، مادیات و خودباختگی‌ها نشد و

انسانی پاک و شریف، عارفی پاک‌نهاد زیست و زیست می‌نماید.»
استاد قنبری، از نوابغ کم‌نظیر نه تنها ایران بلکه جهان است که بی‌سر و صدا و دور از تظاهر و خودستایی به هنرش عشق می‌ورزد و به کارش ادامه می‌دهد، باید قدرش را دانست و به این مرد بزرگ و درویش، احترام خاص قائل شد، اگر کارگاهی زیر نظر وی با امکانات به وجود می‌آمد، علاوه بر تربیت استادکاران متعدد، سازهای ساخت ایشان نیز منبع درآمد ارزی خوبی برای کشور به حساب می‌آمد. قنبری به نوازندگی اکثر سازها آشنایی کامل دارد، از استاد قنبری هنوز آن طور که شایسته‌ی ایشان است تجلیل به عمل نیامده و تا دیر نشده باید از وی دلجویی شود. نگارنده شعر شاعر گرانمایه «جعفر نوای اصفهانی» را در اینجا می‌آورم که وصف‌الحال این استاد بزرگ و فرزانه می‌باشد:

«گل و ابر»

شنیدم نو گل خوش رنگ و بویی
فسرده از تشنگی بر طرف جویی
بر او تابید بس مهر جهانتاب
شد از پژمردگی بی‌طاقت و تاب
حرارت شد عدوی رنگ و بویش
چو شد خشک آب جوی رفت آبرویش
چو افتاد آن گل از عزت به خواری
به گردون خیمه زد ابر بهاری
گل پژمرده چون آن سایه را دید
به امید کرم از جای جنبید
گفت که ای ابر گهربار
بحال خستة من رحمتی آر
ز گرما سوختم باری ز احسان
بروی آتشم آبی بیافشان
نگردد کم از آن دریا که داری
اگر یک قطره هم بر من بباری
ترحم کن، مروت کن، وفا کن
گر احسان می‌کنی بر من بجا کن
سرت نازم، مکن زین بیش تأخیر
ز پا افتاده‌ام دست مرا گیر
بجای آن که ترسازد رخش را
چنین داد آن سیه دل پاسخش را
که ما را خوانده نزد خویش خواری
هم‌اکنون برفراز کوهساری

پس از انجام آن خدمت که داریم
اگر شد بر تو هم قدری بباریم
گل چنان از آتش حرمان دلش سوخت
که از هستی به کل چشم طمع دوخت
چو گل را زندگانی یافت انجام
بناگه بازگشت ابر سیه‌فام
نگاه مرحمت برطرف جوی کرد
گل خوشرنگ و بو را جستجو کرد
ندید از آن گل پژمرده آثار
بجز یک شاخه‌ی خشکی نگونسار
در آن هنگام اشکش شد سرازیر
ترحم کرد، اما اندکی دیر
«هنرمندان»، که دائم غمگسارند
گل خوش رنگ و بوی روزگارند
اگر روزی هنرمندی سخن‌دان
برد حاجت به دو نان بهر یک نان
چنان کوبند مشتی بر دهانش
که مسکین سیر می‌گردد ز جانش
شرنگ مرگ چون پر کرد جامش
زرافشانی کنند از بهر نامش
چو پایان یافت دور و روزگارش
طلا گیرند بر گرد مزارش
چو طوطی کرد آهنگ پریدن
چه سود از نقش طوطی را خریدن
نوا جز این فلک را نیست کاری
که هر گل را کند پامال خاری
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

قهپایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، رجالی، محدث، محقق و مورخ. معروف به زکی نجفی. اصل او از قهپایه اصفهان بود. در نجف به تحصیل پرداخت و همان جا ساکن شد. وی شاگرد محقق اردبیلی و شیخ بهایی و ملا عبدالله تستری و معاصر با سید امیر مصطفی تفرشی بود. در تمامی علوم دینی متداول بویژه رجال و درایه توانا بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در 1016 ق آن را تألیف نموده بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در 1016 ق آن را تألیف نموده و جزوه بهترین کتب رجالیه است؛ «ترتیب اختیار کتاب رجال الکشی»؛ «ترتیب رجال النجاشی»، و حواشی بر آن؛ «ترتیب رجال شیخ الطائفه»؛ «ترتیب فهرست شیخ الطائفه»؛ حاشیه بر «نقد الرجال» میر مصطفی تفریشی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (381 / 8)، الذریعه (29 / 20، 228، 226 / 6، 71- 70، 66، 65 / 4)، روضات الجنات (394- 393 / 4)، ریحانه (498- 497 / 4)، الفوائد الرضویه (342)، الکنی و الالقاب (97- 96 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قهپایی)، معجم المؤلفین (14 / 8).

قهرمانی نژاد، بهاءالدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهاءالدین قهرمانی نژاد
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
آقای بهاء الدین قهرمانی نژاد در بیست و پنجم مرداد سال 1343هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1361 وارد حوزه علمیه شیخ عبدالحسین در تهران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی و اخلاقی فراوان برد. وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1372 به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله موسوی تبریزی، آیت الله جوادی آملی، و... بهره های فراوان علمی و اخلاقی برد. وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع دکترا از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل گردید. و هم اکنون به تدریس در دانشگاه تهران مشغول می باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که آثار متعددی از جمله" علویان طبرستان، قیام سبز جامگان، و...را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

قیاسی، جلال الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال الدین قیاسی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
با گرفتن دیپلم ریاضی در سال 1355 وارد دانشگاه شده و در رشته مهندسی آبیاری به تحصیل خود ادامه دادم. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها از ادامه تحصیلات دانشگاهی منصرف و درسال 1360 جهت فراگیری علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. دروس مقدمات و سطح را طی 8 سال نزد اساتیدی همچون آیت الله اشتهاردی، اعتمادی ستوده، وجدانی فخر و کریمی جهرمی گذراندم و از سال 1368 در درس خارج اساتیدی همچون آیت الله سبحانی، وحید، تبریزی و مکارم شیرازی شرکت نمودم. در سال 1368 مجددا به تحصیلات دانشگاهی پرداختم و در سال 1372 از دانشگاه تهران (پردیس قم) لیسانس حقوق و در سال 1375 از دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و در سال 1383 از دانشگاه تربیت مدرس تهران دکترای حقوق خود را در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دریافت کردم. از سال 1373 به تدریس و تالیف و تحقیق در مراکز آموزشی و تحقیقاتی پرداخته ام.

کاتبی کاشی کار، علی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاشی‌کار، علی بن احمد بن حسین، از هنرمندان کاشی‌کار نیمه‌ی دوم قر. 6 و نیمه‌ی اول قر. 7 ه. از آثار باقیمانده‌ی وی کتاب نفیسی است مورخ به سال 705 ه.ق که سابقاً به امامزاده یحیی در ورامین تعلق داشته و اکنون در موزه‌ی ارمیتاژ لنین‌گراد محفوظ است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کازرونی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 455 ق)، فقیه شافعی، محدث و مقری. وی شیخ شافعیه و ساکن آمد و فقیه آنجا بود. او از احمد بن حسین بن صیاح بلدی و قاضی ابوعمر هاشمی و ابن‌رزقویه و ابوالفتح بن ابی الفوارس بغدادی حدیث شنید. قرآن را نزد ابوالحسن علی بن احمد بن عمر بغدادی حمامی خواند. فقیه نصر مقدسی به نزد وی رفت و در محضرش فقه آموخت و فقیه ابوعلی فارقی قرآن را بر او قرائت کرد. کازرونی در دمشق، پیش از تشرف به حج، حدیث گفت و ابوغانم عبدالرزاق معری و عبداللّٰه بن حسن نحاس و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثارش: «الابانة»، در فقه شافعی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیرالنبلاء (172 -171/ 18)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (180/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (123 -122/ 4)، کشف الظنون (1)، معجم المؤلفین (57/ 10 ،120/ 9)، هدیة العارفین (71/ 2).

کاشانی، جمال‌الدین، ابوالقاسم عبداللّه

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و نویسنده. از خانواده‌ی هنرمندی بود که اکثر آنها در کاشی کاری ماهر و استاد بوده‌اند. خود جمال‌الدین نیز از این حرفه اطلاعاتی کافی داشت ولی به کارهای دیوانی و مشاغل ادبی و علمی پرداخت و به خدمت سلاطین ایلخانی درآمد. وی از جمله منشیان متعددی بود که زیر دست خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه (645-718 ق)، وزیر غازان خان و سلطان محمد خدابنده، به کار تألیف و تدوین اشتغال داشت. پس از مرگ خواجه رشیدالدین، کاشانی در مقدمه کتاب «تاریخ اولجایتو» که برای گنجانیده شدن در کتاب «جامع التواریخ» خواجه در نظر گرفته شده بود، مدعی شد که همه‌ی «جامع التواریخ» از اوست و خواجه کار او را به خود نسبت داده است. از آثارش: «تاریخ اولجایتو»؛ «عرایس الجواهر و نفایس الاطایب»، درباره‌ی شناخت احجار و املاح و خوشبویه‌ها؛ «زبدة التواریخ». در «کشف الظنون» کتاب «زبدة التواریخ» به محمد بن علی کاشی (م 836 ق) نسبت داده شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1232-1231/ 3)، تاریخ گزیده (7)، تاریخنگاران ایران (359-358)، تاریخ نظم و نثر (734-733، 151)، عرایس الجواهر و نفایس الاطایب (مقدمه)، کشف الظنون (951).

کاشانی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا عبدالحسین خان ملقب (به ملک المورخین) بن میرزا هدایةاللَّه خان بن لسان‌الملک میرزا محمدتقی خان ملقب (به سپهر) بن ملا علی ضرابی کاشانی تهرانی متولد 1290 و متوفی 1352 قمری ادیبی بارع و مورخی فاضل بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالمطلب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طبیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصر ناصرالدین شاه (1313 -1264 ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی صنیع الملک بود. وی در قواعد عربی، علوم ادبی، تفسیر و علم طب بی‌نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1180 -1179/ 2)، شرح حال رجال (150/ 6)، گنج شایگان (348 -345).

کاشانی، فتح‌اللّٰه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 988 ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش 997 ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با 988 ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصة المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدة التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج‌البلاغه»، به نام «تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است.[1]
(ملا) فتح‌اللّٰه بن شکراللّٰه، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. 988 ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف‌الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرة‌العارفین (شرح فارسی نهج‌البلاغه)، خلاصة‌النهج (ملخص تفسیر منهج‌الصادقین مذکور در ذیل)، زبدة‌التفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف‌الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانة‌الادب، لغ.)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (392/ 8)، ایضاح المکنون (592/ 2)، تاریخ کاشان (280 -279)، الذریعه (194 -193/ 23، 8 -7 / 18، 23/ 12 234، -233/ 7، 447/ 4)، روضات الجنات (331 -330/ 5)، ریاض العلماء (319 -318/ 4)، ریحانه (20/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 178 -177/

10)، فوائد الرضویه (346 -345)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی)، معجم المؤلفین (51/ 8)، هدیة العارفین (815/ 1).

کاشفی، امیرمحمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد دکتر حاج امیر محمود کاشفی در شهر زاهدان پا به عرصه وجود نهاد. ولادت او در خانواده ای مذهبی و معنوی، نخستین بارقه پرورش الهی او شد. پدرش مرحوم حاج محمد زمان، از فضلای زمان، بر تربیت معنوی و مذهبی فرزندش اهتمامی بسیار داشت. و در این راه از هیچ کوشش فروگذار نمی کرد. به همین سبب نیز نخستین طلیعه های عشق به قرآن و فراگیری آن، به تشویق پدر در زندگی استاد کاشفی درخشیدن گرفت. شنیدن برخی آوازهای مذهبی که در نظام طاغوت، از رادیو پخش می شد، یکی دیگر از عوامل تعقیب کاشفی به نغمات و الحان قرآن کریم شد.
پس از آن، در طول مدت سکونت استاد کاشفی در شهر اهواز و شنیدن تلاوتهای استاد عبد الباسط از رادیوی عراق که در آنجا به خوبی شنیده می شد، عزم او در فراگیری الحان قرآنی، صد چندان شد.
استاد کاشفی، در منزلی بزرگ در اهواز، فارغ از هرگونه هیاهو و یا مانعی، به تلاوت و تمرین آنچه شنیده بود می پرداخت و بدین سان حیات قرآنی او رنگی تازه به خود گرفت. استاد کاشفی نخستین بار صورت رسمی در کلاس چهارم ابتدایی در حالی که توانایی خود را در زمینه تلاوت از همگان مخفی داشته بود؛ به تلاوت سوره مبارکه شمس پرداخت، چنان تلاوتی که همگان زبان به تحسین او گشودند. از آن پس استاد کاشفی قاری مدرسه شد و به صورت رسمی به تلاوت پرداخت. مسیر آموزش دکتر کاشفی، با تقلید از استاد عبدالباسط و استاد منشاوی ادامه یافت و پس از آن با تقلید از قرائتهای مرحوم استاد شیخ مصطفی اسماعیل، تکمیل شد. استاد کاشفی در زمینه علوم مختلف قرآن از استادان: آیت الله حایری شیرازی و آیت الله معرفت بهره های بسیاری گرفتند.
استاد دکتر امیر محمود کاشفی در سال 1364 در مسابقات سراسری قرآن دانشجویان دانشگاه تهران شرکت کرد و حایز رتبه اول شد. او همچنین در مسابقات جهانی قرآن کریم در کشور مالزی رتبه سوم را از آن خود ساخت.
استاد کاشفی در ادامه فعالیتهای قرآنی خود، در طول سالهای جنگ تحمیلی با بسیاری از برادران و قاریان برجسته دانشگاه تهران در محل تالار امیر کبیر این دانشگاه به برپائی جلسات قرآن کریم پرداخت و این جلسات را سالها تداوم بخشید. استاد امیر محمود کاشفی که در ابتدا با نام

کاشی ساز پور در جامعه قرآن کشور به فعالیتهای قرآنی می پرداختند که این کتاب را سروش به چاپ رسانده است استاد کاشفی در کنار فعالیتهای قرآنی خود به امر تحصیل نیز اهتمام بسیار داشت او تحصیلات خود را در مقطع دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران به اتمام رسانده است. و در حال حاضر به تدریس در دانشگاه تهران اشتغال دارد و عضو هیأت علمی این دانشگاه است. مقالات علمی این استاد ارجمند همواره در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به چاپ رسیده و مورد استفاده علاقه مندان دوره است.
استاد امیر محمود کاشفی سه فرزند به نامهای مریم، ابوالحسن، و فاطمه دارد و با توجه به فعالیت و علاقه بسیار او به تربیت قرآنی فرزندانش، آنها نیز اشتیاق بسیاری به فراگیری علوم قرآنی دارند.
استاد کاشفی برای تبلیغ و ترویج فرهنگ قرآنی به کشورهای مختلفی چون عربستان، سوریه، مالزی، هند و پاکستان سفر کرده است. او در سال 1364 در محضر مقام معظم رهبری که در ان زمان ریاست جمهوری را عهده دار بودند به تلاوت قرآن پرداخت و مورد تفقد و ارشاد معظم له قرار گرفت. استاد کاشفی از استادان مصطفی اسماعیل، عبدالباسط و عبد الفتاح شعشاعی به عنوان قاریان برجسته کشور مصر یاد می کند.
استاد کاشفی علاوه بر تلاوت قرآن در زمینه خوشنویسی فعالیت داد و به مرحله استادی در انجمن خوشنویسان دست یافته است او همچنین به برخی رشته های ورزش نیز علاقه دارد.
منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

کاشی پز اصفهانی، علی محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و کاشی‌کار. اهل اصفهان و نقاش کاشی‌کار بود که در نزدیکی دروازه شاه عبدالعظیم تهران کارخانه‌ی کاشی‌پزی داشت. از آثار رقم‌دار وی که به تزیینات زیبایی آراسته شده، کاشی بزرگی است که نقوش متنوعی دارد و در وسط آن، تصویر کلنل رابرت مورداک اسمیت جلب نظر می‌کند. حواشی کاشی به نقش و نگار ساده آذین شده، با رقم: «علی‌محمد کاشی‌پز اصفهانی در دارالخلافه ناصره تهران 1304، کارخانه‌ی کاشی در دروازه‌ی شاه‌زاده عبدالعظیم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (402 / 1).

کاشی تراش کاشانی، اسماعیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1212 ق)، کاشی‌تراش. از آثار وی: کاشیکاری دو طرف در بزرگ کنده‌کاری مسجد تبریزیها، در نطنز که با کاشیهای خشتی الوان تزیین گشته و رقم طلب آمرزش می‌کند استاد اسماعیل کاشی‌تراش 1212 ه ق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز (176).

کاشی تراش، شمس‌الدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، کاشی تراش. وی شاگرد احمد موسی و رسام نقوش بر روی کاشیها بود. از آثار این هنرمند، در ایوان مسجد جمعه‌ی اصفهان، کاشیها و تزیینات زیبایی به یادگار مانده که به خط نستعلیق سفید بر زمینه‌ی لاجوردی رقم «عمل استاد شمس‌الدین کاشی تراش» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (248/1)، تاریخ هنرهای ملی (935/2)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (103 -102).

کاشی‌پز اصفهانی، آقاجان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1299 ق)، کاشی‌ساز. از آثار وی: کاشی کاری کتیبه‌ی سقاخانه امامزاده احمد، در اصفهان، با رقم: «عمل استاد آقاجان کاشی‌پز»؛ کاشی کاری کتیبه‌ی سنگاب مسجد رحیم‌خان، در اصفهان، با رقم: «حقیر فقیر آقاجان کاشی‌پز»؛ کاشی کاری هلال مدخل ایوان محوطه‌ی زیر گنبد مسجد سید اصفهان، با رقم: «عمل کمترین آقاجان 1299».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (802 ،766 ،674).

کافی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید کافی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مجید کافی در سال 1344 در اصفهان متولد شدم و در سال 68 موفق به اخذ دیپلم تجربی گردیدم. از سال 61 تا سال 68 در حوزه اصفهان مشغول تحصیل بودم و از سال 68 وارد حوزه علمیه قم گردیدم. در سال 70 جذب دوره «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» شدم و تا هم اکنون، افزون بر تحصیل علوم حوزوی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق)، مشغول به تحقیق می باشم. همچنین از سال 74 تاکنون در دانشگاه های تهران: (علامه طباطبایی و تهران)، مشغول تدریس دروس معارف اسلامی هستم. از سال 79 نیز در مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه امام خمینی ره) به تدریس دروس جامعه شناسی اشتغال دارم.

کرباسچی، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا کرباسچی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1

زندگینامه علمی
تحصیلات حوزوی: قسمتی از سطح را نزد پدرم حاج شیخ محمد صادق تهرانی (کرباسچی) و دائی ام عبدالحمید معادیخواه خواندم و سپس وارد مدرسه حقانی (منتظریه) شدم. درسهای مدرسه حقانی علاوه بر دروس متداول حوزوی، شامل درسهای دیگری بود که به این شرح است:
«تاریخ اسلام؛ دکتر محمد مفتح»، «هیئت و نجوم؛ آیت الله حسین نوری»، «نویسندگی؛ زین العابدین قربانی، محمد مجتهد شبستری، محسن مجتهد شبستری، علی حجتی کرمانی، دکتر احمد بهشتی»، «ادبیات فارسی؛ حسن حسن زاده آملی»، «زبان انگلیسی؛ دکتر خلیلی»، «جامع المقدمات؛ محمد علی شیخ زاده»، «دستور زبان فارسی؛ حسین حقانی»، «شرح نظام و سیوطی؛ محمد رضا آدینه وند»، «محاوره عربی؛ خاقانی»، «مغنی؛ احمد جنتی»، «مختصر المعانی؛ محمد علی گرامی»، «عروه الوثقی؛ علی قدوسی»، «لمعه؛ محمدی گیلانی»، «تجوید و قرائت قرآن؛ قارائی» و اساتید دیگری دروس سطح را تدریس می کردند.
سپس وارد حوزه شدم و از محضر اساتید دیگری همچون: «آیت الله فاضل لنکرانی؛ کفایة الاصول»، «آقای ستوده؛ مکاسب و لمعه»، «آقای محمد علی گرامی؛ رسائل»، «آقای اسدالله بیات؛ کفایه و مکاسب»، «آیت الله نوری همدانی؛ خارج فقه»، «آیت الله منتظری؛ خارج فقه»، «آیت الله انصاری شیرازی؛ فلسفه»، «آیت الله فاضل لنکرانی؛ خارج اصول» و «آیت الله صانعی؛ خارج فقه» را فرا گرفتم.

کردوانی، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز کردوانی در سال 1310 در گرمسار بدنیا آمد. وی از جمله استادان رشته جغرافیا است که در زمینه « توسعه پایدار محیط زیست » تحقیقات زیادی را به انجام رسانده و در قالب مقالات و سخنرانی های متعدد بازتاب پیدا نموده است. او مدت زیادی را در خارج از کشور به سر برده و از سال 1345 که به ایران بازگشت و در دانشگاه ارومیه مشغول به کار شد. استاد در سال 1346 رهسپار تهران شد و تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد. پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : کویر شناسیوالدین و انساب : پرویز کردوانی فرزند حسین علی کردوانی ملقب به بلوکباشی می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز کردوانی تحصیلات ابتدائی را تا کلاس نهم در گرمسار خواند و دیپلم متوسطه را در مدرسه فرانسویها (دبیرستان رازی) در تهران گذراند.وی تحصیلات دانشگاهی خود را در آلمان ادامه داد و موفق شد دکتری خود را در باره "تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی)" به پایان برساند.خاطرات و وقایع تحصیل : پرویز کردوانی برای تهیه پایان نامه خود درباره " تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی)" مجبور شد ، یک تن از خاک کویرها (نمکزارها)ی ایران را به آلمان منتقل کند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر ستونی و مجید رهنما از جمله دوستان و همکاران پرویز کردوانی هستند که در دانشگاه تهران و در تحقیقات کویر شناسی به اتفاق هم کار می کنند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز کردوانی از سال 1345 که به ایران بازگشت و به عنوان اولین عضو هیأت علمی در دانشکده جدیدالتأسیس کشاورزی و دامپروری دانشگاه ارومیه مشغول شد. او در تاریخ 28/12/1347به گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه تهران منتقل گردید.استاد در سال 1346 تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد که 5 سال به طول انجامیده و تا سال 1351 در بیابان لوت بودند. تا اینکه بالاخره ثابت کردندکه لوت گرمترین نقطه کره زمین است. سمت ها با حفظ وظایف آموزشی: استاد دانشگاه تهران،مدیرکل دفتر مطالعات آموزشی دانشگاه تهران 54-1348, رئیس

مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران 58-1354. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز کردوانی درباره برنامه زندگی روزمره خود نقل کرده که « من ساعت11/30-11 شب می خوابم ، ساعت 2/30 دقیقه صبح بیدار می شوم و تا ساعت 3/30 ورزش می کنم ... از 3/30 تا 4 صبح هم صبحانه می خورم تا ساعت 6 صبح مطالعه می کنم و بعد برای اینکه توی ترافیک نمانم همان ساعت می روم دانشگاه . تا ساعت 9 شب یا در حال کار هستم یا مطالعه . 9 به بعد دیگر مطالعه نمی کنم چون شب دچار بی خوابی می شوم... » کردوانی معتقد است که هیچ تفریحی جز کار و مطالعه ندارد . او قبلا که حیاط داشت به باغبانی می پرداخت ولی الان از ساعت 9 تا 11 شب به قدم زدن و پیاده روی می پردازد. وی بیشترین تفریح خود را بیرون رفتن ، نوشتن و خواندن می داند. پرویز کردوانی بیست جلد کتاب به رشته تحریر درآورده است. که آخرین آن « خشکسالی و راههای مقابله با آن » می باشد. البته یکی دو کتاب دیگر نیز در دست تهیه دارد که هنوز ناتمام است. اولین آثار خود را حاصل تجربیاتی می داند که وی در طی سفر به دور دنیا کسب کرده است.شاگردان : دکتر ناصر کرمی ، یکی از شاگردان پرویز کردوانی است. رساله دکترای ناصر کرمی که با عنوان « امکان سنجی و ظرفیت سازی هنجارهای توسعه پایدار در مناطق خشک » با درجه عالی زیر نظر پرویز کردوانی تدوین شده است ، در حال حاضر تنها مرجع در این زمینه در کشور ما به شمار می آید.آرا و گرایشهای خاص : عقیده پرویز کردوانی برای توسعه پایدار و حفظ محیط زیست که در قالب مقالات و سخنرانی های او بازتاب پیدا می کند. اصولا دکتر کردوانی به اهمیت جلب توجه مردم به هنجار های توسعه پایدار اعتقادی ویژه دارد و شاید به همین خاطر هم باشدکه در بسیاری از کتاب ها و مقالاتش ، مخاطبان او به واقع نه دانشمندان همکار ، و بلکه عموم مردم هستند. مردمی که در نهایت مجری هر طرح توسعه محسوب می شوند و هیچ برنامه جامعی بدون مشارکت جدی و آگاهانه آنها هرگز تحقق نمی یابد. شاید یکی دیگر از دلایل محبوبیت کردوانی ویژگی های اخلاقی جذاب او باشد، از جمله جوش و خروش زیاددر سن بالای هفتاد سال ، کار مداوم و همیشگی ، و سخنرانی های مشهورش ، از جمله دیدگاه های همیشگی دکتر کردوانی می توان از « ضرورت احیای فناوری های سنتی کشاورزی و مدیریت منابع آب در ایران » نام برد. او حفظ ، احیاء و گسترش فناوری قنات را ضروری می داند. طوری که این نظر او به عنوان راهی برای توسعه مناطق خشک جهان و کاهش اثرات خشکسالی در مناطقی همچون صحرا و شرق آفریقا در سالیان اخیر به شدت مورد توجه

سازمان ملل قرار گرفته است. اهمیت حفاظت از منابع طبیعی و بویژه « ضرورت حیاتی جلوگیری از فرسایش خاک » نیز از جمله دغدغه های همیشگی دکتر کردوانی بوده است.جوائز و نشانها : پرویز کردوانی در سال 1381 ه .ش برنده جایزه مهرگان علم شد. او این جایزه را به خاطر تالیف کتاب « خشکسالی و راههای مقابله با آن »دریافت کرده است. وی جایزه خود را که شامل یک تندیس به اضافه مبلغ یک میلیون تومان بود را به جوانان گرمسار اهداء کرد تا برایشان کتاب خریداری شود. دیگر افتخارات کسب شده استاد کردوانی به قرار زیر است: - احراز رتبه اول در بین تمامی دانشجویان رشته کشاورزی در آلمان در سال 1966 (1345) و دریافت جوائز به همین مناسبت از مقامات مربوط در آلمان و ایران - 5 سال تحقیق در بیابان لوت ایران 51-1347 و کشف جدید و منحصر به فرد در جهان در آن (گرمترین نقطه کره زمین به عبارت دیگر خیلی گرم تر از دیگر بیابانهای جهان, مانند کلوتها عارضه منحصر به فرد در جهان و دیگر ویژگی ها), احراز رتبه سوم در طرح کارائی علمی در بین تمامی 1367 نفر اعضاء هیأت علمی دانشگاه تهران و مؤسسات وابسته در سال تحصیلی 76-73. - انتخاب به عنوان شخصیت برجسته و مفاخر فرهنگی استان سمنان (زادگاه خود) در سال 1377 - احراز سه پایه ترفیع استادی در یک سال (دو پایه تشویقی به منظور قدردانی از فعالیتهای آموزشی و پژوهشی) در سال 1379 - دریافت جایزه کتاب برتر استان زادگان (سمنان), آبان 1380, برنده جایزه "مهرگان علم" به خاطر تألیف بهترین کتاب سال 1380 از بین 157 کتاب در زمینه محیط زیست - انتخاب به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران, 1380 - دریافت لوح تقدیر به خاطر "اهداء کننده نمونه کتاب" در سطح استان زادگان, 1381 - انتخاب به عنوان عضو اصلی قطب علمی دانشگاه, 1381 - احراز رتبه 29 استادی در سال 82 و بازنشسته شدن در شهریور همین سال. -انتخاب به عنوان چهره ماندگار علمی کشور در سال 84. - تجلیل و قدردانی به مناسبت های مختلف توسط سازمانهای مختلف (بعد از بازنشستگی) چگونگی عرضه آثار : تألیفات و مقالات علمی - پژوهشی دکتر پرویز کردوانی : 21 جلد کتاب, ده ها مقاله علمی - پژوهشی چاپ شده به زبان فارسی-آلمانی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی, بیش از یکصد فقره سخنرانی در مجامع علمی داخلی و خارجی, عضویت در چندین مجامع علمی داخلی و بین المللی مانند: شبکه آب خاورمیانه, بنیاد مطالعات آسیائی, عضو هیأت امناء صلح سبز (جبهه سبز), رئیس کمیته بیابان زدائی انجمن متخصصان محیط زیست ایران, انجمن جغرافیایی ایران, عضو هیئت تحریریه و شورای انتشارات چندین مجله علمی - پژوهشی, اجرای چندین طرح تحقیقاتی درباره مناطق مختلف ایران به

ویژه نواحی بیابانی و کویری, داوری ده ها کتاب و صدها مقاله علمی و طرحهای تحقیقاتی, راهنمائی بیش از دویست فقره پایان نامه فوق لیسانس و ده فقره رساله دکتری دانشجویان دانشگاه ها, راهنمائی دانشجویان در سفرهای علمی به تمام نقاط کشور عزیزمان و 20 کشور خارجی, صدها فقره مصاحبه مطبوعاتی تلویزیونی, ماهواره ای و رادیوئی داخلی و خارجی. آثار : اثر انسان و عوامل طبیعی در پیشرو بیابان لوت (ایران) ویژگی اثر : انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران 13562 اکوسیستم های آبی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: علم - 1383 3 اکوسیستم های طبیعی، عمومی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: قومس - 1382 4 بررسی مسائل اقتصاد روستائی بیابانی شرق کاشان (روستاهای منطقه ایوزید آباد) ویژگی اثر : انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران 1356 (مشترک با آقای ذبیح اله کرمی خواجه)5 جغرافیای خاکها ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - 1382 6 حفاظت خاک ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 04 اردیبهشت، 1385 7 خاک و محیط زیست ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد ایران 13578 خشکسالی و راه های مقابله با آن در ایران: آب: در کشاورزی، صنعت و شهر ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 30 آبان، 1386 9 خشکسالی وراههای مقابله با آن ، ژئوهیدرولوژی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 19 اردیبهشت، 1386 11 شهداد تا ده سلم(خاک آب پوشش گیاهی و اوضاع کشاورزی) ویژگی اثر : انتشارات موسسه جغرافیا - دانشگاه تهران مرداد ماه 135012 کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار آن (مسائل، توانمندی ها و راههای بهره برداری) ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - 29 اردیبهشت، 1386 13 مراتع ،مسائل و راه حلهای آن در ایران ویژگی اثر : انتشارات ،موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران 137114 مراتع ایران ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 26 اردیبهشت، 1385 15 منابع و مسائل آب در ایران: آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره برداری از آنها ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - 29 اردیبهشت، 1386 16 مناطق خشک جلد دوم ،خاکها(طبقه بندی جغرافیایی و مسائل بهره برداری از آنها) احیاء اصلاح و آباد کردن ویژگی اثر : انتشارات،موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران -چاپ سوم 137117 مناطق خشک: ویژگیهای اقلیمی، علل خشکی، مسائل آب و غیره ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر:

دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 03 مرداد، 1385 18 نمونه هایی از خاک های بخش شهداد کرمان ویژگی اثر : انتشارات موسسه جغرافیا،دانشگاه تهران تیر ماه 135019 نمونه هایی از خاکهای لوت زنگی احمد(بیابان لوت) ویژگی اثر : انتشارات موسه جغرافیا،دانشگاه تهران مرداد ماه 1349

کردی، قدرت‌اللَّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از هنرمندان باارزش و هنرمند سازگر شهرستان بروجرد، قدرت‌اللَّه کردی است که به سال 1330 در این شهر متولد شد. وی از کودکی به کارهای صنعتی و هنری علاقمند بود و در کارگاه نجاری و خراطی که مشغول کار و فعالیت بود، ابداعاتی نیز در ضمن کار از خود نشان می‌داد. استعداد ویژه وی در کارهای هنری و طبع حساس و خاص او، وی را به هنر موسیقی علاقمند ساخت و او میان سازها، بیشتر به صدای کمانچه علاقمند گردید و همین امر موجب گشت تا به ساختن این ساز قدیمی و ملی ایران همت گمارد و در اینباره می‌گوید:
«از کودکی به صدای ساز کمانچه که یک ساز محلی منطقه لرستان است علاقه فراوان پیدا کردم و با تخصصی که در زمینه کارهای نجاری و خراطی داشتم، از سال 1365 به ساختن این ساز مشغول گردیدم که با مشکلات فراوانی روبرو بودم ولی هیچگاه از این مشکلات هراسی به خود راه ندادم و با مقاومت و پشتکار آنها را پشت سر نهادم تا اینکه بالاخره موفق شدم کمانچه‌ای بسازم که مورد تأیید بعضی از اساتید کمانچه‌نواز ایران واقع گردید.
در ابتدای کار به علت ضعف نوازندگی که در نواختن این ساز داشتم نتوانستم به طور خوب و اصولی به راز و رمز این ساز دسترسی و کیفیت آن را بررسی نمایم لذا از دوست ارجمند و هنرمند عزیزم آقای محمد ترکاشوند که نوازنده‌ی ویولن و کمانچه می‌باشند برای پیشبرد و تکامل بخش صوتی کمانچه بهره گرفتم که از زحمات این مرد شریف در همین جا تشکر می‌نمایم، سپس به تهران آمدم و از نظریات نوازندگان بزرگ و صاحب‌نظر درباره این ساز مثل آقایان: علی‌اکبر شکارچی، اردشیر کامکار، داود گنجه‌ای، هادی منتظری، سعید فرج‌پوری که در جهت تکامل و بهتر شدن این ساز از جهات صوتی بهره‌ی فراوان بردم مخصوصاً از راهنمایی‌های فراوان و ممتد سروران عزیزم علی‌اکبر شکارچی و اردشیر کامکار که بیشترین سهم را در ارشاد من دارند ممنون و سپاسگزار می‌باشم.
در حال حاضر، کارم تحقیق و جستجو و رفع نقایص ساز کمانچه می‌باشد و در ضمن به ساختن ویولن و سه‌تار نیز مشغول می‌باشم و امیدوارم که صاحبنظران و هنرمندان مرا در زمینه ساختمان و چگونگی ساخت این ساز

و همچنین کیفیت صدادهی این ساز اصیل و سنتی ایران یاری دهند تا اینکه در رفع نقایص احتمالی آن بکوشیم.
قدرت‌اللّه کردی در ساختن پوست کمانچه و تار، دارای سبک مخصوص خود می‌باشد که خود وی برای آن ارزش فراوان قائل می‌باشد، یکی از نظر کیفیت صدادهی و دیگر از نظر عمر و دوام پوست، زیرا معتقد است که پوست تار و کمانچه اگر به صورت مانده و فساد و گندیدگی مورد استفاده قرار گیرد، بافت پیوندی پوست را از بین برده و نسبت به صدادهی مقداری ضعیف می‌باشد که روشی درست و صحیح نمی‌باشد.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

کردی، محمود

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، طراح فلزات. نقاش و طراح تصاویر اسلیمی بر روی فلزات سخت بود. از آثار وی سینی لبه بلند و کوچکی است که به طلا و نقره‌کوبی عمل آمده و انواع نقوش قرینه‌ای و تزیینات اسلیمی بر روی آن جلوه‌گر شده است، با رقم: «نقش المعلم محمود الکردی یرجو المغفره من ذنوبه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1137/ 3).

کرمانی، جعفر

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم ق)، فلزکار. اهل کرمان بود. وی سازنده‌ی کره‌ی آسمانی فلزی است که توسط علی بن محمد قوشچی به سلطان محمد فاتح عثمانی هدیه شد. مسیر سیارات و سایر نقوش آن به وسیله‌ی ابوحسین عبدالرحمن صوفی، رسم و توسط جعفر کرمانی تهیه شد. این کره سماوی یکی از نفایس ستاره‌شناسی است که به خط کوفی پیرآموز رقم «رسمت هذه الکواکب بزیاده القمر علی الصور ابوالحسین عبدالرحمن صوفی، فی سنه ذفه الهجریه صنعه جعفر بن عمر بن دولتشاه الکرمانی» دارد، که تاریخ آن به حروف ابجد «ذ» «ف» «ه» برابر 785 خواهد بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (131/1).

کرمانی، محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، نجار. هنرمند چیره‌دست اهل کرمان بود. از آثار ارزنده‌ی این استاد، منبر مسجد جامع شهر نایین است که کنده‌کاری شده و در نوع خود پر امتیاز است. در طرفین منبر مزبور، نام واقف و استاد سازنده به خط نسخ استادانه‌ای کنده‌کاری شده که چنین است: «وقف الصدر الاجل... جمال‌الدین حسین... هذا المنبر علی مسجد الجامع بلده الطیبه النائین فی سنه احدی عشر و سبع مائه». و در طرف دیگر منبر، نام نجار قید شده: «عمل افتخار الصناع و النجار شاه محمود الکرمانی- خدایش بیامرزد هرکه فاتحه بخواند».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (240/1).

کرمی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حسین کرمی روز اول فروردین سال 1342 در شهر اردبیل در خانواده ای مذهبی و متوسط دیده به جهان گشود. جدّ مذهبی خانواده از همان آغاز، بر عشق و اشتیاق به قرآن را در ژرفای وجود او نشاند و ایشان را در جرگه عاشقان و دوستداران این کتاب انسان ساز قرار داد. و به این ترتیب او که خانه دلش از شنیدن تلاوت قرآن از رادیوی قاهره در 8 سالگی به قرائت قرآن علاقه مند شد و به جلسات قرآن شهر اردبیل رفت. دکتر حسین کرمی از همان سن 8 سالگی با شرکت در جلسات قرآن شهر اردبیل و همزمان با تحصیل و تجوید به فراگیری مقدمات تلاوت قرآن هم پرداخت و با گوش دادن به نوارهای تلاوت اساتید مشهور مصری توانایی خودش را در مسیر تلاوت بیشتر کرد. او با تقلید از تلاوت های استاد منشاوی در آغاز کار و بقیه اساتید در ادامه کار، اولین گامها را در مسیر تلاوت برداشت و توانست به موفقیتهای چشمگیری در مسیر تلاوت دست پیدا کند.
دکتر کرمی از جمله قاریانی است که علاوه بر فعالیت در زمینه های قرآنی و تلاوت به فراگیری علم و دانش نیز اهتمامی وافر دارد. به همین دلیل هم تحصیلات خود را تا مقطع فوق تخصص جراحی کلیه ادامه داده و د حال حاضر دارای مدرک دکترای فوق تخصص جراحی کلیه است. دکتر حسین کرمی به موسیقی عرفانی وهم چنین از میان رشته های ورزشی به فوتبال علاقه دارد. وی علاوه بر مدارای بیماران کلیوی در بیمارستان شهدای تجریش عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز می باشد.
رتبه هایی که تا کنون آقای حسین کرمی در مسابقات مختلف بدست آورده است عبارتند از:
1ـ رتبه نخست در مسابقات کشوری که در شهر مقدس قم برگزار شد.
2ـ رتبه نخست در سال 1378 در شانزدهمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم در تهران.
3ـ رتبه دوم در سال 1372 در مسابقات جهانی قرآن کریم در کشور مالزی.
4ـ رتبه نخست در سال 1377 در کشور سوریه و در مسابقات قرآنی.
آقای حسین کرمی در سال 1378 ازدواج کرد و یک فرزند بنام امیر علی دارد و همسرشان دارای مدرک دکترا در رشته زنان و زایمان است و

ایشان هم به مسائل مختلف قرآنی علاقه وافر دارند. دکتر حسین کرمی نیز مثل بسیاری از قاریان برجسته در ابتدای کار از سبک قاریان مصری مثل استاد منشاوی تقلید کرده است امّا اعتقاد دارد که هر قاری قرآنی در ابتدای کار تلاوت باید از قاریانی مثل منشاوی، عبدالباسط، مصطفی اسماعیل، شحات محمد انور و متولی عبد العالی تقلید نماید و بعد از طی مراحل ابتدایی باید از تقلید محض خارج شود و با تسلط بر الحان و موسیقی عربی و قرآن به تلاوت بپردازد و میان معنا و الفاظ آیات در تلاوتهایش پیوند برقرار نماید. ایشان تا کنون به کشورهای زیادی همچون مالزی، سنگاپور، هند، بنگلادش، سوریه و ترکیه برای تلاوت قرآن سفر کرده و بیش از ده ها بار برای انجام مناسک سیاسی عبادی حج به عنوان قاری اعزام شده است. آقای دکتر حسین کرمی از اساتیدی مثل مصطفی اسماعیل، عبد الباسط و منشاوی به عنوان بهترین و برترین قاریان عصر طلائی تلاوت در مصر یاد می کند و همچنین از اساتیدی مثل شعیشع، شحات محمد انور و احمد نعینع به عنوان قاریان برتر کنونی در مصر نام می برد. دکتر کرمی که خود از قاریان برجسته کشور است و بارها در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخته است به قاریان ایرانی سفارش می کند که برای موفقیت در امر تلاوت ابتدا به فراگیری تجوید و اصول صحیح آن از اساتید برجسته فن تجوید بپردازند و بعد از آنکه تجوید را تکمیل کردند به مسائل دیگر روی بیاورند و برای فراگیری لحن خوش و مطابق با آیات، بسیار به نوارهای مختلف اساتید قرآن گوش جان بسپارند و نکات لازمه آن را از تلاوتهای مختلف فرا بگیرند.ایشان همچنین تقلید را در ابتدای امر تلاوت لازم و ضروری می دانند آنرا باعث خلاقیت در انسان می شمارد زیرا هنگامی که انسان به طور کامل تقلید از یک قاری را انجام داد باید تقلید را کنار بگذارد و تمام آنچه را که از تقلید آموخته و بدست آورده در تلاوتهای خود به نحو بدیع بکار برد و او آخر سفارش می کند که قاریان قرآنی اخلاق و رفتار قرآنی را رعایت کنند و به آن ملزم باشند و به پیش کسوتان در امر تلاوت احترام بگذارند و به آیات قرآن عمل کنند.

منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

کریمی، بهمن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، مؤلف.
درگذشت: اردیبهشت 1362.
بهمن کریمی، فرزند عبدالله میرزا، تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا انجام داد و سپس به تدریس پرداخت و سال‌های دراز در دبیرستان‌های اداری هم در وزارت فرهنگ مشغول به کار بود.
فهرست تألیفات او به شرح زیر است: جامع التواریخ (اثر رشیدالدین فضل‌الله دو جلد، تهران، 1338)؛ تاریخ نیشابور (تهران، 1340)؛ شیرازنامه (تهران، 1315)؛ نظام التواریخ (قاضی بیضاوی، تهران، 1313)؛ ذیل ظفرنامه نظام‌الدین شامی (تهران، 1328)؛ یزدان شناخت (منسوب به عین‌القضاة، تهران، 1327)؛ معراج‌نامه (ابن سینا، رشت، 1312)؛ رسائل ملا حسن فیض (نه رساله)؛ جغرافیای تاریخی مفصل غرب ایران (تهران، 1316)؛ راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران (مختصری در باب طوایف، عشایر و آداب و اخلاق آنها، تهران، 1329)؛ راهنمای آثار تاریخی شیراز (1327)؛ خرابه‌های ری (1335)؛ میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، آمریکا و تعلیم و تربیت.
بهمن کریمی از زمره‌ی مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا برای دوره‌های دبیرستانی بود و در این زمینه بیش از بیست تألیف مشترک با همکاران مؤلف خود داشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

کسایی، ابوالحسن علی بن حمزة بن عبداللّٰه بن بهمن بن فیروز اسدی فارسی

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 189 ق)، قاری، ادیب، لغوی و نحوی. یکی از قراء سبعه است. اصلش از ایران بود که در یکی از روستاهای کوفه به دنیا آمد و در بغداد سکنی گزید. وی در تلاوت مدتی شاگرد حمزه یکی دیگر از قراء سبعه بود و موافق حمزه قرائت می‌کرد، ولی عاقبت قرائت مخصوصی اتخاذ نمود. حفص و ابوعمر دوری از راویان مشهور قرائت او هستند. جمعی دیگر نیز همچون نصیر رازی و قتیبة بن مهران اصفهانی و احمد بن ابی‌سریج و عیسی بن سلیمان شیزری و ابوحمدون طیب نیز قرائت او را روایت کرده‌اند. کسائی از شاگردان امام جعفر صادق (ع) شمرده شده و از اعمش و سلیمان بن ارقم و سفیان بن عیینه و ابوبکر بن عیاش حدیث روایت کرده است. او در ادبیات و نحو و لغت نیز از پیشگامان عراق بود. نحو را از معاذ هراء و یونس نحوی و خلیل بن احمد عروضی فراگرفت. فراء و ابوعبید قاسم بن سلام و جمعی دیگر از شاگردان او به حساب می‌آیند. شافعی گوید که هر که خواهد در نحو متبحر شود پس باید که بر سفره‌ی کسایی نشیند. هارون الرشید احترام ویژه‌ای برای او قائل بود و دو پسرش امین و مأمون را به دست وی سپرد تا ادب آموزند. با هارون الرشید به ایران آمد و در ری در قریه‌ی ارنبویه درگذشت. در سال مرگ وی اختلاف است و سالهای 193، 185، 183، 182، 180 و 197 ق به عنوان سال وفات ذکر شده است. از آثارش: «معانی القرآن»؛ «القراآت»؛ «النوادر» کبیر، اوسط و اصغر؛ مختصری در نحو؛ «المصادر»؛ «الوقف و الابتداء فی القرآن»؛ «متشابه القرآن»؛ «مقطوع القرآن و موصوله»؛ «الحروف»؛ «العدد»؛ «اختلاف العدد»؛ «الهجاء»؛ «اشعار المعایات و طرائقها»؛ «الهاآت المکنی بها فی القرآن»؛ «لحن العامه»؛ «نسب رسول‌اللّٰه (ص)».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (94-93/ 5)، اعلام بوفیات الاعلام (122/ 1)، اعیان الشیعه (234-233/ 8)، ایضاح المکنون (350، 345، 336، 332، 322، 313، 289/ 2، 48/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (126، 68/ 1)، تاریخ بغداد (415 -403/ 11)، تهذیب التهذیب (267/ 7)، دایرة المعارف فارسی (2219/ 2)، الذریعه (139/ 24، 15/ 19)، روضات الجنات (189 -186/ 5)، ری باستان (419/ 2، 439 -438/ 1)، ریحانه (56 -52/ 5)،

سیر النبلاء (134 -131/ 9)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (112-111 ،64 60، ،53 -52)، کشف الظنون (1730)، الکنی و الالقاب (113 -112/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ علی، کسائی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 189)، معجم الادباء (203 -167/ 13)، معجم المؤلفین (84/ 7)، وقایع السنین و الاعوام (153)، هدیة العارفین (668/ 1)، هفت اقلیم (114/ 1).

کسروی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1269- مقتول 1324 ش)، مورخ، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات عرب را در مدارس قدیم و زبان انگلیسی را در مدرسه‌ی آمیریکایی تبریز فراگرفت. وی بعدها در همان مدرسه به تدریس پرداخت، و در آنجا با مبلغان مسیحی، در دفاع از اسلام، مباحثات می‌کرد. بعد از اعضاء حزب دمکرات شد و به تهران تبعید گردید. او مدتی به کار در دادگستری پرداخت و مناصبی را نیز عهده‌دار بود. از 1312 تا 1320 ش به نشر روزنامه‌ی «پرچم» پرداخت. در دانشکده‌ی الهیات نیز به تدریس تاریخ اشتغال داشت ولی به سبب بدگویی‌هایی که از شعر و شاعری و عرفان و ادب ایرانی کرده بود با استادی او مواقت نشد. وی با زبان پهلوی و ارمنی و فرانسه آشنایی داشت. کسروی در زمینه‌های مختلف ادب، تاریخ، اجتماع، اقتصاد و مذهب عقاید مخصوص به خود داشت. آنچه او در باب نقد ادبی و بررسی شعر شاعران ایرانی و به خصوص ادب و شعر صوفیه، به ویژه حافظ و مولوی، نوشته از نوعی خشکی طبع و عدم آگاهی از جوهر هنر و زیبایی‌های آثار ادبی سرچشمه گرفته است و بر روی هم دیدگاه نقد او با اینکه دیدگاهی اجتماعی است، اما در مجموع نماینده‌ی ضعف تشخیص او در شناخت آثار ادبی است. آرای او در نقد مذهب شیعه مسایلی بود که پیش از وی بر قلم بعضی از نویسندگان اهل سنت جاری شده بود و علمای شیعه نیز پاسخ آنها را داده بودند اما او با زبانی که از بی‌نزاکتی و هتاکی خالی نبود همان انتقادها را رواج داد. وی عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیایی آسیایی و عضویت آکادمی آمریکا را داشت. کسروی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره‌ی اخیر است که متجاوز از هفتاد کتاب و رساله، علاوه بر مقالات بسیار، از وی منتشر شده است. او سرانجام در یکی از محاکم وزارت دادگستری به وسیله‌ی گروهی از فداییان اسلام به قتل رسید. از آثار او در زمینه‌ی تاریخ: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»؛ «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»؛ «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»؛ «شیخ صفی و تبارش»؛ «شهریاران گمنام»؛ «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»؛ «تاریخچه‌ی چپق و قلیان»؛ «نادر شاه». در زمینه‌ی مذهب: «آیین کژی»؛ «ورجاوند بنیاد»؛ «در پیرامون اسلام»؛ «در پیرامون روان»؛ «صوفیگری». در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی: «کار و پیشه و پول»؛ «در راه

سیاست»؛ «فرهنگ چیست؟»؛ «افسران ما». در زمینه‌ی مسایل مربوط به زبان شناسی و دستور: «آذری یا زبان باستان آذربایگان»؛ «زبان پاک»، دستور زبان؛ «زبان فارسی»؛ «نامهای شهرها و دیه‌های ایران». زمینه‌ی نقد ادبی و مباحث هنری: «حافظ چه می‌گوید»؛ «در پیرامون ادبیات»؛ «در پیرامون شعر و شاعری».[1]
(بخش 1) (سید) احمد بن (حاجی میر) قاسم، دانشمند، مورخ، زبانشناس و اصلاح‌طلب ایرانی (و. تبریز 1269- مقت. تهران 1324 ه.ش). تا چند پشت وی اهل علم و مورد توجه مردم تبریز بوده‌اند. کسروی در رشته‌های تاریخ، لغت، زبان و دین تحقیق کرده و طرفدار جدی اصلاح و تصفیه‌ی مذهبی و مخالف سرسخت تصوف و عرفان بود. وی طرفدار جدی ملیت ایرانی بود و از به کار بردن لغات عربی دوری می‌جست و در برابر آنها لغات و اصطلاحات و ترکیباتی از ریشه فارسی ساخته بود و خود آنها را به کار می‌برد. کسروی مردی رک‌گو و مبارز و در عقاید خود استوار بود. روزنامه‌ای به نام «پرچم» و مجله‌ای به نام «پیمان» منتشر می‌کرد که ناشر عقاید وی بودند. کسروی در روز دوشنبه‌ی بیستم اسفند ماه 1324 ه.ش به وسیله‌ی خنجر و اسلحه‌ی کمری به دست برادران امامی- از فدائیان اسلام- به قتل رسید. تألیفات کسروی از 70 جلد متجاوز است که اهم آنها از این قرار است: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»، «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»، «شهر یاران گمنام»، «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»، «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»، «شیخ صفی و تبارش»، «نامهای شهرها و دههای ایران»، «قانون دادگری»، «زبان پاک» «تاریخچه‌ی چپق و غلیان»، «مشعشعیان»، «ترجمه‌ی کارنامک اردشیر بابکان»، «ترجمه‌ی (تلخیص) پلوتارخ»، «زبان آذری»، «پیدایش آمریکا»، «ده سال در عدلیه»، «صوفی‌گری».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (274، 272)، از نیما تا روزگار ما (102 -90)، تاریخ انقلاب مشروطیت (8 -7 / 1)، تاریخ برگزیدگان (349 -341)، تاریخ جراید (97 -93/ 2)، چون سبوی تشنه (231)، دایرة المعارف فارسی (2220/ 2)، الذریعه (19، 3/ 24، 266- 265، 261/ 14، 33/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (273 -265/ 5)، شرح حال رجال (22-21/ 5)، شخصیت های نامی (406 -405)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3455، 3454، 3354، 3240، 3216، 3018، 2735، 2733، 2591، 2587، 2584، 2424، 2415، 2233، 2193، 2186، 2184، 2064، 1979، 1856، 1822، 1821، 1628/ 2، 1485، 1385، 1376، 1375، 1374، 1359، 1345، 1319، 1296، 1250- 1249، 1181، 1173، 1145، 1134، 1116، 1050، 971، 769- 768، 751، 697، 696، 681،

378، 466، 470، 529، 545، 582، 583، 594، 614، 622، 633، ،636
335، ،297 ،172 ،85 ،77 ،29/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (294)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد، کسروی)، مؤلفین کتب چاپی (446 -437/ 1)، یادداشتهای قزوینی (226/ 8).

کلابی نیشابوری، ابومحمد عمرو

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 238 ق)، فقیه، محدث و قاری. نزد علی بن حمزه کسائی تلاوت آموخت و از هشیم بن بشیر و عبدالوارث ثقفی و ابوبکر بن عیاش و ابوعبیده حداد و قاسم بن مالک مزنی و یحیی بن زکریا بن ابی‌زائده و عبدالعزیز بن ابی‌حازم و سفیان بن عیینه و زیاد بن عبدالله بکائی و ابن علیه و معاذ عنبری و همطبقه آنان حدیث شنید. نسائی او را مورد اعتماد دانسته و ابن‌حبان می‌گوید که شیوخ نیشابوری ما از وی تمجید می‌کردند. بخاری و مسلم و نسایی و محمد بن یحیی ذهلی و ابومحمد دارمی و ابراهیم بن ابی‌طالب و حسن بن سفیان و ابوالعباس سراج و مسدد بن قطن قشیری نیشابوری و ابوعمار حسین بن حریث مروزی و احمد بن سیار مروزی و احمد بن سلمه نیشابوری و جعفر بن محمد بن حسین نیشابوری معروف به ترک و داوود بن حسین بیهقی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب (117/ 5)، التاریخ الکبیر (332/ 6)، تهذیب التهذیب (31 -30/ 8)، تهذیب الکمال (226 -225/ 14)، الثقات (487/ 8)، الجرح و التعدیل (ج 233/ 3)، سیر النبلاء (407 -406/ 11)، شذرات الذهب (90/ 2)، العبر (336/ 1).

کلوری، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدرضا کلوری
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1369 پس از فارغ التحصیلی از «هنرستان رشته هنر و گرافیک» در تهران، وارد حوزه علمیه «مجد» شدم که از مدارس سازمان تبلیغات اسلامی بود و پس از آن در زیر مجموعه مدارس «مروی» تهران و در نهایت در مدرسه «مروی» به مدت 7 سال در تهران به تحصیل علوم حوزوی اشتغال داشتم. در این زمان با قبولی در «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به قم عزیمت کردم و به تحصیلات حوزوی در قم ادامه دادم. در موسسه امام خمینی (ره) در مقطع کارشناسی ارشد، رشته (جامعه شناسی) را به اتمام رسانده ام و به تدوین پایان نامه اشتغال دارم. مقالاتی از بنده به چاپ رسیده است و مقاله ای و کتابی نیز قرار است چاپ شود.
در ابتدای دروس خارج به محضر اساتید حضرات آیات: «مکارم شیرازی» و «آیت الله سبحانی» حضور یافتم. اما پس از یکسال و اندی و با آشنائی با جناب استاد «آیت الله هادوی تهرانی» از کلاس خارج فقه و اصول ایشان بهره مند شدم و تا این سال یعنی 1385، حدود پنج سال است که از محضر وی بهره می برم.

کنتوری، اعجاز حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1286 -1240 ق)، محدث، فقیه امامی، اصولی، مورخ و متکلم. وی یکی از سه فرزند عالم و فضال سید محمدقلی بن محمدحسین و برادر علامه میرحامد حسین صاحب «عبقات الانوار» است. وی علوم مختلف را از پدر و برادر خود فراگرفت. او در تمام علوم متداول زمان آگاه و از بزرگان علمای شیعه بود. از آثار وی: «شذور العقیان فی تراجم الاعیان»، در چند مجلد؛ «کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار»، فهرست مصنفات شیعه؛ «القول السدید».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (338/1)، اعیان الشیعه (467/3)، الذریعه (28 -27 /18 ،43/13)، ریحانه (356/5)، فوائد الرضویه (596 -595)، لغت‌نامه (ذیل/ اعجاز)، معجم المولفین (303/2).

گچ بر، علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، معمار و گچبر. از آثار به جا مانده‌ی وی، آجرکاری و گچبریهای متنوع مسجد فریومد در ناحیه‌ی میامی، از توابع شهرستان شاهرود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ هنرهای ملی (748 / 2)، کارنامه‌ی بزرگان (33).

گرایلی، فریدون

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فریدون گرایلی در سال 1321 در نیشابور دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. او در سال 1340 به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت 33 سال در کسوت معلمی به امر آموزش و تربیت همت گماشت. گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی سروده است. منزل وی همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند. فریدون گرایلی سرانجام در 14 مهرماه 1379 دارفانی وداع گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : فریدون گرایلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند. او پس از چند سال خدمت در آوزش و پرورش، برای ادامه تحصیل به شهر مقدس مشهد و از آنجا به شهر اصفهان عزیمت نمود و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : فریدون گرایلی همواره در دوران تحصیلات دانشگاهی به تحقیقات و پژوهشهای تاریخی گرایش نشان داده و با اندیشمندان و شاعران بزرگ کشور در ارتباط بود و از محضر آنان کسب فیض نمود و اشعار زیبایی در این مدت سرود.
زمان و علت فوت : فریدون گرایلی در 14 مهرماه 1379 دارفانی وداع گفت.
فعالیتهای آموزشی : با علاقه و عشق خاصی که در فریدون گرایلی به شغل معلمی وجود داشت، در سال 1340 به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت 33 سال در کسوت معلمی به آموزش و تربیت همت گماشت. او در یکی از اشعار خود چنین می گوید: با هزاران دانش اندوزی که الفت داشتم بذر مهر و دوستی در سینه هاشان کاشتم سی و اندی سال می باشد در کسب هنر برده ام رنج فراوان، خورده ام خون جگر سینه تاریخ نیشابور را طی قرون چاک کرده ام تا مگر خوب و بدش آرم برون
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدون گرایلی علاوه بر تالیف آثار

تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی از او به یادگار مانده است. منزل استاد همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند. ----------
---

آثار :

1 مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع

ویژگی اثر : این اثر استاد جایگاه خود را در بین دانشگاهیان و استاتید بخوبی باز نمود و در حال حاضر بعنوان یک کتاب مرجع تاریخی قلمداد می شود. استاد دکتر شفیعی کدکنی درباره این کتاب چنین فرموده است :"کتاب نیشابور شهر فیروزه جامع ترین کتاب در تاریخ نیشابور می باشد."گرایلی در کتاب «مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع» حداقل 600 ادیب و دانشمند نیشابوری را به جهانیان معرفی نموده و خود نیز در این باره چه زیبا گفته است : قلم تو شاهدی شبهای تار فریدون تا سحرگه بود بیدار پی تحقیق تاریخ نیشابور فراهم کرد هر چه بود مقدور

2 نیشابور شهر فیروزه

ویژگی اثر : در سال 1357 گرایلی اولین اثر خود بنام " نیشابور شهر فیروزه " را چاپ و منتشر ساخت که در مدت بسیار کوتاهی کمیاب گردید و بعدا تا چاپ چهارم هم رسید.

3 نیشابور و محاکمه حکیم عمرخیام

ویژگی اثر : گرایلی کتاب " نیشابور و محاکمه حکیم عمرخیام) را در سال 1379 به چاپ رساند. ا و با انتشار این کتاب تلاش کرد تا تیرگیهای ایام را از چهره حکیم عمر خیام نیشابوری زدوده و او را در دادگاه تاریخ تبرئه نماید.

گردیزی، عبدالحی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 440 ق)، مورخ. وی از مورخان برجسته ایرانی است که در نیمه اول قرن پنجم هجری، در روزگار سلطنت عبدالرشید بن سلطان مسعود غزنوی، می‌زیست. از احوال او اطلاعاتی در دست نیست جز این که منسوب به گردیز است و آن منطقه‌ای است در یک منزلی غزنه بر جاده‌ی هند. وی در غزنین سکونت داشت و در همین شهر کتاب خود را نوشت. در اواخر زندگی ابوریحان بیرونی (م 440 ق) با او دیدار کرد. اثر برجسته‌ی او «زین الاخبار» مشهور به «تاریخ گردیزی» است، مشتمل بر تاریخ عالم و اسلام از قدیم‌ترین روزگار تااندکی بعد از 440 ق، که به نثری پخته نوشته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (635 / 1)، دایره‌المعارف فارسی (1201 / 1)، زین الاخبار (مقدمه)، سرآمدان فرهنگ (112 -111)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسعید).

گرگانجی مروزی، ابونصر، ابوحامد محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 484/ 481 -390 ق)، مسند، عالم علوم قرآنی و قاری. شیخ القراء در خراسان و اهل مرو بود. لیکن مدتی ساکن گرگانج، از نواحی خوارزم شد لذا به گرگانجی مشهور شد. او در طلب علوم قرآنی و قرائت بر مشایخ مسافرت‌ها کرد. قرآآت و آداب را در مرو از ابوحسین عبدالرحمان بن محمد دهان فراگرفت. او در نیشابور بر ابوعبداللّٰه محمد علی خبازی و ابوعثمان سعید بن محمد معدل قرآن را خواند. در بغداد به ابوالحسن علی بن احمد بغدادی حمامی ملحق شد و بر وی و نیز بر ابوعلی حسین بن علی رهاوی سلمی در دمشق و ابوالقاسم علی شریف زیدی حرانی در حران و جماعتی از بزرگان قرآن را قرائت نمود تا به امامت در قرائت نایل شد. در مرو درگذشت. از آثار وی «التذکرة لاهل التبصرة» در علوم قرآنی می‌باشد، که به آورده‌ی حموی «التذکرة لاهل البصرة» است. از دیگر آثارش: «المعول»، در علوم قرآنی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (208/ 6)، انساب سمعانی (55/ 5)، سیر النبلاء (601 -600/ 18)، شذرات الذهب (372/ 3)، العبر (348/ 2)، لب اللباب (206/ 2)، معجم الادباء (233 -230/ 17)، معجم البلدان (513/ 4)، معجم المؤلفین (295/ 8)، المنتظم (639/ 9)، النجوم الزاهرة (130/ 5)، الوافی بالوفیات (89 -88/ 2).

گلچین معانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1379 -1295 ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در 1313 ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا 1338 ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از 1330 ش در کتابخانه ملی نیز خدمت می‌کرد و بعد از 1338 ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در 1342 ش به دعوت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشهد مهاجرت کرد. وی در حین خدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید مختلف بهره برد. در 1356 ش برای تدریس در دوره‌ی فوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در پانزده سالگی رسما قدم در وادی شعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در 1314 ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاوه بر شعرخوانی، «خمسه» نظامی مقابله و تصحیح می‌شد و گلچین از محضر استادان ادب فنون و رموز شعر آموخت. وی پس از درگذشت استاد وحید برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمد علی ناصح زحمات زیادی کشید. گلچین معانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»؛ «شهر آشوب در شعر فارسی»؛ «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلد؛ تذکره‌ی «پیمانه»، ذیلی بر تذکره‌ی «میخانه»؛ «کاروان هند»؛ رساله در احول «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شعر فارسی»؛ تصحیح و تکمیل تذکره‌ی «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصحیح «لطایف الطوایف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشعار صائب»؛ «دیوان» شعر. اهتمام در انتشار کتابهای: «تاریخ ملا زاده» احمد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسرار و رموز الاسرار»، شرح منظوم «السوانج فی العشق» احمد غزالی؛ فهرست مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات.[1]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال 1295 خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال 1313 در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی‌تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع
اشک و آهم بهم آمیخته دارم چون شمع
چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
همه شب بهر نثارت رهت از مخزن چشم
رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع

«ماه»

دیدی ای ماه که شمع شب تارم نشدی
تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
که خبردار ز دشواری کارم نشدی
روی برتافتی و پشت و پناه دل من
نشدی کز همه جا رو بتو آرم، نشدی
زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
که خبردار ز حال دل زارم نشدی
غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من
چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ
گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] از بهار تا شهریار (508 -496/ 2)، چشمه‌ی روشن

(706 -702)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (809)، الذریعه (218/ 18، 931/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3059 -3053/ 5)، صدف (567 -553)، فرهنگ سخنوران (779)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2808/ 2، 837، 755/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (307)، کیهان فرهنگی (س 8، ش 8، ص 9 -3)، گلزار معانی (610 -585).

گلشنی، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالکریم گلشنی چهاردهم خردادماه ۱۳۰۷ در شهر رشت در محله «مسجد ملاعلی محمد» به دنیا آمد. عبدالکریم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قاآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد. او سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی - انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحبنظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت. شش ماه هم در کارخانه کنتس الکتروموتور در هامبورگ - آلتونا از نزدیک با «کار در آلمان» آشنا شد که در پیشرفت مکالمه وی تأثیر داشت. گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد. در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات وعلوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. . دکتر عبدالکریم گلشنی از فضلای افتخارآفرین این سرزمین است. او با حوصله و همت عمر گرانبهایش را در این مسیر صرف کرده است. مقالات او که بیش از صد عنوان است، درباره تاریخ و معارف اسلامی، ادبیات، تاریخ ایران و تاریخ پیش از اسلام است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : ایران دوره اسلامی

والدین و انساب : پدر عبدالکریم گلشنی در کاروانسرای «شیشه کوچک» به داد و ستد اشتغال داشت و تجارت او بیشتر با انواع کاغذ و مقوا بود. در حریق بازار به سال ۱۲۹۸ هجری شمسی حجره او و همسایگانش طعمه آتش شد و ناگزیر به سرای گلشن تغییر مکان داد که بعدها به «گلشنی» شهرت یافت. به نوشته شادروان ابراهیم فخرایی، در این آتش سوزی که ظاهراً عمدی بوده و به قصد غارت اموال بازرگانان صورت گرفت، بسیاری از تاجران اموال خود را از دست دادند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالکریم گلشنی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قاآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : عبدالکریم گلشنی سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی - انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحبنظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت.
استادان و مربیان : عبدالکریم گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت و از محضر استادانی چون برتولد اشپولر، ولفگانگ لنتس، هریبرت بوسه و هلموت براون بهره ها برد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالکریم گلشنی در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات وعلوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ پس از انتقال به دانشگاه تهران به عنوان مدیر گروه تاریخ دانشگاه تهران ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴ و رئیس کمیته تخصصی تاریخ در همکاری با شورای عالی برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ مشغول به کار بوده است.و همچنین با سازمان

مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) همکاری داشته است.
فعالیتهای آموزشی : بعد از کودتای 28 مرداد 1332 عبدالکریم گلشنی به مدت سه سال در وزارت فرهنگ به کار معلمی پرداخت. در شهریور ماه 1348 به دعوت رسمی دانشگاه (سابق) به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به کارهای علمی و اداری مشغول شد. در سال 1355 به تهران انتقال یافت و به جمع استادان و اعضای هیئت علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پیوست و مدیریت گروه تاریخ دانشگاه تهران را بر عهده گرفت. دکتر گلشنی ضمن اشتغال به امور آموزشی و تدریسی در دانشگاههای هامبورگ، شیراز، تهران، شهید بهشتی (ملی سابق)، تربیت معلم و آزاد اسلامی، به کارهای پژوهشی نیز پرداخته است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالکریم گلشنی در مطبوعات سابقه بسیار طولانی دارد و در این راه عمر بسیار صرف کرده است در آن ایام یعنی پس از جنگ جهانی دوم بین سال های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ که روزنامه ها بدون محابا حقایق اخبار و اطلاعات را در اختیار مردم می گذاشتند. او که جوانی پرشور و آزادیخواه بود و فارغ از قید و بند و سرشار از روحیه مردم سالاری بود در انتشار «هفگز» در رشت همکاری داشته است. فریدون نوزاد -شاعر و پژوهشگر گیلانی در نشریه گیلان ما - در وصف ویژگی های عبدالکریم گلشنی می گوید: «در چنین حال و هوایی، جوانی پرشور و هیجان، عاشق آزادی و رهایی مردم از قید بند، سرشار از روحیه مردم سالاری با گردآوری چند نوجوان نوخیز و ضد استبدادی و قلدری به دور خویش، هفته نامه طنزپرداز هفگز را در رشت بنیاد نهاد. عبدالکریم گلشنی از زنده یاد محمدصادق غنچه صاحب امتیاز و مدیر هفته نامه صفدر خواست تا اجازه دهد به صورت ضمیمه صفدر با شعار: «هفگز بلای جان عدوی وطن بود» منتشر شود و او نیز با سعه صدری که داشت، بدون هیچ شرطی موافقت خود را اعلام داشت و بدین سان نخستین شماره این نشریه را با سرمقاله پرمحتوا انتشار داد.» انتشار هفگز درست همزمان با هفدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی ایران صورت گرفت و در میان مردم گیلان آنچنان محبوبیتی یافت که فریدون نوزاد می گوید: «بازار داغی در میان مردم یافته و به راستی غوغا می کرده است و موجبی فراهم آورده بود که هفگز بلافاصله پس از انتشار نایاب می شد.» حضور عبدالکریم گلشنی در نشریه هفگز باعث جلا و ارتقای آن نشریه بود. او با احاطه بر اصول شعری و ادبیات موجب صلابت بیشتر اشعار به چاپ رسیده در آن نشریه شد. فریدون نوزاد درباره عبدالکریم گلشنی می

گوید: «عبدالکریم گلشنی که امروزه از فضلای افتخارآفرین جامعه ماست بشدت از بیگانگی پرستی نفرت داشت و هنوز هم این ویژگی را در نهاد خود حفظ کرده است. به همین علت همان گونه که با رهبران فرمانبردار بعضی از احزاب اشتباه کار می جنگید. از مبارزه با مسئولان زورگو و مردم ستیز هم بازنمی ایستاد، برای او جمال امامی، سیدشوشتری یا رئیس قدرتمند شهربانی های گیلان، علی بنی آدم فرماندار رشت و همچنین سرتیپ مغروری فرمانده تیپ منطقه به خاطر خصلت مردم ستیزی که داشتند، با آن گروه اول تفاوتی وجود نداشت، هر دو گروه بد می کردند، و بدی را نمی باید بدون جزا و مکافات گذاشت.
چگونگی عرضه آثار : از عبدالکریم گلشنی پنجاه مقاله تحقیقی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام در مجلات علمی آلمان و ایرانی به جای مانده است.عبدالکریم گلشنی در بسیاری از جشن نامه ها مانند یادگار نامه فخرایی به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، جشن نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب به کوشش علی دهباشی، ستوده نامه به کوشش ایرج افشار و یادنامه و جشن نامه دکتر محمدامین ریاحی مقالات با ارزش و گرانقدر ارائه کرده اند. مقاله های ارزشمندی که در نگارش آنها از جان مایه گذاشت و عمر خود را در این مسیر صرف کرد تا دانشجویان و استادان تاریخ بتوانند از آنها بهره ببرند. در مقاله ای از او با عنوان «جمال الدین شروانی» که در «دانشنامه جهان اسلام» منتشر شده است؛ می خوانیم: «جمال الدین شروانی، وزیر موسی خان از شوال تا ذیحجه ۷۳۶ وزیر امیرعلی پادشاه، وی پسر تاج الدین علی بود. با مرگ سلطان ابوسعید بهار در ۱۳ ربیع الآخر ۷۳۶ و فقدان فرمانروایی لایق اقتدار دولت ایلخانی وسیله ای برای قدرت طلبی امیران با نفوذ شد. پس از جلوس اَرپاخان / اَرپای گائون، به جانشینی ابوسعید، این که غیاث الدین محمد، وزیر سلطان ابوسعید، امرا را به اتحاد دعوت کرده بود، امیرعلی پادشاه، دایی سلطان ابوسعید و حکمران دیاربکر، به سلطنت ارپاخان رضایت نداد و موسی خان مغول نواده بایدو را به شاهی برگزید...» «.... ایلخانیان مغول در بیش از یک قرن فرمانروایی در ایران (۶۵۳ ، ۷۵۶) به رغم حفظ وحدت دولت، نتوانستند حدود مسئولیت صاحبان مناصب و وزیران را مشخص کنند و نفوذ هر ایلخان یا وزیر در قلمرو حاکمیتش، به شخصیت خود او بستگی داشت و همین موضوع یکی از عوامل انقراض این سلسله شد.» ----------
-
آثار :
1 - طبقات ابن سعد
ویژگی اثر : نخستین ترجمه، تصحیح و چاپ، نشریه تاریخ (مجله تخصصی

گروه تاریخ دانشگاه تهران)
2 ابوحنیفه دینوری گیاه شناس. از فؤاد سزگین.
ویژگی اثر : ترجمه عبدالکریم گلشنی. به کوشش دکتر مهدی محقق. تهران .«ز بلبر برگ کتاب النبات را، از نظر ریخت شناسی گیاهی (مورفولوژی) «جالب ترین قسمت گیاه شناسی آن روزگار یافته است» و در آن یک نظریه ریخت شناسی نسبتاً فوق علمی پیدا کرده که اصطلاحات به کار رفته و رایج برای اعضا و اندام های مختلف گیاه و تعریف و تبیین واژه ها آن را تصدیق و تأیید می کند. (یک عامل با ارزش دیگر) این تجسم جنبه های ریخت شناختی (مورفولوژیکی)، ارائه اشکال پیچیده نبات از طریق مقایسه با نمونه های معلوم و مشهور است. این همان واقعیتی است که برتسل Bretzl در بررسی های گیاه شناختی یونان، در کارتئو فراست، Theophrast، بازشناخته است و در تحقیقاتش در زمینه گیاه شناسی راه اسکندر، به طور ممتاز و پرمعنایی، توصیف ویژگی های گیاه را از نظر ریخت شناسی و قیافه شناسی نشان داده است.»
3 ستوده نامه (دکتر منوچهر ستوده). پاسخ ابن عمید به پرسش های عضدالدوله. از پروفسور هانس دای بر.
ویژگی اثر : ترجمه و تلخیص از عبدالکریم گلشنی پژوهش های ایرانشناسی، ناموارہ دکتر محمود افشار، جلد ، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان - محمدرسول دریاگشت. تهران
4 فرهنگ ایران در قلمرو ترکان
5 قیام گئومات مغ(ترجمه)
6 مقابله متن آلمانی با ترجمه کتاب «تاریخ نگارش های عربی» تألیف فؤاد سزگین، جلد اول (علوم قرآنی، حدیث، تاریخ، فقه، عقاید و تصوف) و جلد دوم (شعر).
ویژگی اثر : چاپ خانه کتاب
7 مقالات چاپ شده در دایرة المعارف بزرگ اسلامی،
ویژگی اثر : زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی
8 مقالات در دانشنامه جهان اسلام
ویژگی اثر : زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد تهران
9 نقد و معرفی کتاب تقویم التواریخ
ویژگی اثر : تألیف حاجی خلیفه کاتب چلبی. تصحیح میر هاشم محدث. آیینه میراث، سال اول شماره ، تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گلمانی، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گوستاو، فلوگل

قرن:19
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
گوستاو فلوگل یکی از خاور شناسان بنام آلمانی است خدمات شایانی به علوم اسلامی داشته از جمله سبب اتصال شرق با غرب در جهت دست یابی آسان تر به قرآن و استخراج کلمات و آیات آن گشته او در کتاب تجوم الفرقان فی اطراف القرآن به این مهم دست یافت و در ضمیمه کلام الله مجید در سال 1842 م به طبع رساند . این دانشمند شهیر در سال 1870 م در گذشت.

لاهیجی، علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، مورخ. در لاهیجان به دنیا آمد. از آثار وی «تاریخ خانی» است که شامل وقایع تاریخ گیلان و طبرستان و سلسله‌ی کیایی گیلان می‌باشد که برای خان احمد خان حسینی (1004 -943 ق)، آخرین پادشاه این سلسله، نوشته است. در «الذریعه» تاریخ فراغت از تألیف کتاب «تاریخ خانی» 899 ق و در «طبقات اعلام الشیعه» 922 ق ذکر شده است که هیچ کدام با زمان سلطنت احمد خان تطابق ندارد .
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (383)، الذریعه (251 -250/ 3)، اعلام الشیعه (قرن 162 -161/ 10)، کتاب گیلان (433/ 3).

لطفی نیا، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای محمود لطفی نیا در 20 اردیبهشت ماه سال 1343 شمسی در شهر لاهیجان از توابع استان گیلان دیده به جهان گشود. ولادت او در خانواده ای کم درآمد و در عین حال سرشار از جاذبه های معنوی بود آقای لطفی نیا همچون بسیاری دیگر از قاریان قرآن بانوای دلنشین و روح انگیز استاد عبدالباسط در وادی تلاوت گام نهاد و نخستین بار در سال 1354 هـ.ش جهت آموختن تکالیف دینی به مسجد محل قدم گذارده در جلسات قرآن استاد علیزاده شرکت نمود. او که متأثر از صوت گرم مرحوم عبدالباسط اشتیاقی وصف ناپذیر نسب به تلاوت قرآن در خود یافته بود زندگی قرآنی خود را به این ترتیب آغاز نمود او از مادرش، استاد حاج آقا علیزده و استاد محمد پُر دل به عنوان عوامل اصلی در امر پرورش قرآنی خود یاد می کند. حاج محمود لطفی نیا در ابتدای امر از استاد مرحوم عبدالباسط و سپس استاد مرحوم مصطفی اسماعیل تقلید می کرد که مدت 6 سال به طول انجامید پس از آن برای یافتن شیوه مستقلی در امر تلاوت به طور متناوب به تقلید از قاریان دیگری چون محمد عبدالعزیز حسّان، کامل یوسف البطئینی، محمد محمود رمضان، سید محمد نقش بندی، محمد عمران، محمد رفعت، عبدالفتاح شعشاعی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ساماندهی فعالیتها بویژه آموزشهای قرآنی در شهرستانها، اجرای تلاوتهای او به تقلید از قاریانی چون عبدالباسط و شرکت در جلسات سنتی به مسابقات مختلف قرآن کریم کشیده شد و به این وسیله به سنجش آموخته های خود پرداخت. آریالای لطفی نیا همچنین از محضر اساتیدی چون شهیدی و رنجبر نیز در امر تلاوت بهره گرفت او تحصیلات خود را در رشته ادبیات عرب مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم و قرآن و حدیث دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت او علاوه بر تحصیلات دانشگاهی به تحصیل دروس حوزوی در شهرستان کاشان پرداخت و در فاصله سالهای 1362 تا 1370 در مدرسه علمیه مرحوم حاج آقا رضا مدنی تحصیل خود را در حدود اتمام رسائل در مکاسب ادامه داد. آقای محمود لطفی نیا در سال 1369 ازدواج نمود و یک فرزند او به نام محمد حسین شیفته تلاوت قرآن و اجرای اذان است. همسرش نیز که از دبیران معارف اسلامی است با قرآن مفاهیم عالی آن مأنوس است. و در مسابقات قرآن دوران تحصیل نیز رتبه هایی به دست آورده است.

آقای محمود لطفی نیا علاوه بر امر تلاوت در زمینه خوشنویسی نیز توفیقاتی بدست آورده است او در رشته های خوشنویسی چلیپا، کتابت، و نسخ درجه ممتازی را کسب نموده است. آقای لطفی نیا نخستین تلاوت رسمی خود را در مسابقات سراسری قرآن کریم در مدرسه علمیه شهید مطهری در سال 1359 اجرا نمود حاج محمود لطفی نیا در سال 1359 در مسابقات استانی رشت رتبه برتر دور مسابقات کشوری قرآن کریم در مدرسه عالی شهید مطهری رتبه سوم را از آن خود ساخت در سال 1375 در مسابقات قرآن کریم دانشجویان کشور در تبریز رتبه نخست این دوره از مسابقات را از آن خود نمود. در همان سال نیز در مسابقات کشوری اوقات در شهر ارومیه رتبه نخست را بدست آورد و بداین ترتیب در مسابقات بین المللی قرآن کریم در سال 1375 در حسینیه ارشاد رتبه برتر را کسب کرد. آقای لطفی نیا علاوه بر تلاوت قرآن و شرکت در مسابقات قرآن کریم به امر داوری نیز پرداخته است از جمله آنها در سال 1368 به کشورهای امارات، اتیوپی و ماداگاسکار سفر نمود. در سال 1369 به پاکستان و در سال 1375 به لبنان و در سال 1379 نیز به تایلند مسافرت داشته است. آقای لطفی نیا در ایام و دوران دفاع مقدس چندین ماه در جبهه های نبرد حق علیه باطل حضور داشته است او معتقد است که تمامی زندگیش در معیت قرآن رنگی دیگ داشته و آشنائیش با کلام وحی را از همان آغاز طفولیت از برکات الهی می داند او به قاریان قرآن نیز توصیه می کند که عوامر تلاوت ابتدا به رفتار و اخلاقشان بنگرند و با قران منطبق کنند که آیا رفتاری در شأن کلام وحی دارند یا خیر؟ او که سالها علاوه بر تلاوت قرآن به امر تدریس در زمینه های مختلف چون صوت و لحن پرداخته، به قاریان قرآن سفارش می کن که در ابتدای امر تلاوت به تقلید از یکی از قاریان برجسته مصری بپردازند و به تدریج خود سبکی برگزینند. او همچنین توصیه می کند که قاریانی که در ابتدای راه هستند به امر تجوید بیشتر وجه کنند تا آنرا بکار ببندند. آقای لطفی نیا تاکنون در متعددی بتدریس صوت و لحن قرآن پرداخته است از جمله تربیت مربی حوزه علمیه قم، دوره های کانون قرآن دانشگاه آزاد اسلامی، دوره های منطقه تربیت قرآن سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه های عالی آموزش تخصصی قاریان نوجوان و جوان شورایعالی قرآن او همچنین در زمینه های مختلف تلاوت به گرد آوری جزواتی پرداخته که در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید.

آقای حاج محمود لطفی نیا از سال 1360 تا کنون به تدریس جلسات مختلف پرداخته است که نخستین جلسه رسمی او در سال 1364 در شهر کاشان تشکیل شد که یکسال به طول انجامید آقای لطفی نیا در حال حاضر دبیر آموزش و پرورش گیلان می باشد و همزمان نیز به تحصیلات

علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران ادامه می دهد. آقای لطفی نیا از اساتید رفعت، عبدالفتاح شعشاعی و مصطفی اسماعیل به عنوان قاریان برتر مصر از ابتدا تا کنون یاد می کند. و در میان قاریان عصر حاضر نیز اساتید شعیشع، غلوش و حسان را برترین می داند او از جمله قاریانی است که علاوه بر تلاوت به امر ابتهال و تواشیح نیز اهتمام می ورزد، اشتیاق به ابتهالات دینی باعث شده تا در محافل مذهبی، قرآنی و نیز صدا و سیما به اجرای ابتهال نیز بپردازد او در توصیه اش به جوانان و نوجوانان تأکید دارد بر استماع مداوم قرائت استادان مصری که جوانها می خواهند آنرا الگو خود قرار دهند و در غیر اینصورت خیلی دیر نتیجه خواهند گرفت بخصوص اگر تحت نظر استاد نباشند.

منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

لطیفیان، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید لطیفیان به سال 1340 خورشیدی در شهرستان بروجرد متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و چون از کودکی به موسیقی و کارهای هنری علاقمند بود، لذا به ساختن ساز تار و موسیقی روی آورد و خود در این‌باره می‌گوید:
«از کودکی به موسیقی و صدای تمام سازها علاقمند بودم ولی صدای ساز تار مرا مسحور می‌کرد و شکل و فرم این ساز مرا شیفته‌ی خویش ساخته بود، زیرا نقاره‌ی این ساز مثل قلب است و صدایی که از این قلب بیرون می‌آید مرا به جهان دیگر می‌برد.
به هر حال همیشه درصدد بودم تا بتوانم روزی به این هنر و ساز تار دسترسی پیدا نمایم تا اینکه با دریافت مدرک دیپلم و استقلال فکری و کاری بیشتر در زندگی، توانستم بر اثر کنجکاوی و تحقیق و بررسی‌هایی که نمودم با حداقل امکانات و با الهام از عکس‌های موجود در کتاب‌های موسیقی در خصوص شکل ظاهری تار و بعد از آن با دیدن یکی از تارهای ساخت استاد فرج‌اللّٰه و تداعی شکل آن در ذهن خود شروع به ساخت آن کردم و در حین کار تحقیق در مسئله معروفیت کار استاد یحیی چند نمونه از قالب‌ها و اندازه‌های کار ایشان را تهیه نمودم و سپس آن الگوها را سرمشق کار خویش قرار دادم و در اینجا از همکاری و مساعدت سرور و دوست گرامی و عزیزم استاد احمد رفعتی که مشوق من در ادامه این کار بوده است صمیمانه تشکر می‌نمایم.
از سال 1367 ساختمان سه‌تار را در کنار ساختن ساز تار شروع نمودم و در این کار تا چه اندازه موفق بوده‌ام قضاوتش بر عهده‌ی اهل فن است که باید بگویم ذوق و تجربه در ساختن وسایل موسیقی اساس موفقیت کار هر سازگر می‌باشد».
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

لواسانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1400 -1308 ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌اللّه شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌اللّه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه شیخ علی قوچانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّه میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌اللّه سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد. آن گاه مشغول به تدریس و تألیف شد. در 1333 ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌اللّه آقا محمد آقازاده‌ی کفایی استفاده نمود. در 1344 ق به نجف بازگشت و از محضر اساتید وقت، آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه شیخ محمد حسین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالیه‌ی اجتهاد رسید و به دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در 1348 ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در 1370 ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسجد محمودیه سرچشمه به انجام امور مذهبی مشغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیة»، در مختصری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مرقاة جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شرح منظومه‌ی «مصباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشریعة السماحاء»، در اصول دین و احکام شرعیه مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریخ النبی احمد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضرات آدم تا حضرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»، ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحة الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول».[1]
حاج میرزا حسن بن السید العلامه آیت‌اللَّه حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال 1308 قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال 1317 قمری مرحونم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعیه و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را بپایان رسانیده و در سن بیست سالگی

بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌اللّه العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌اللّه حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال 1331 قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشتت و در هم ریخته شد خصوصا عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را بر قرار اختیار نموده و باطراف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والده‌اش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط 1333 قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عدیده و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان 1334 قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌اللّه آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال 1340 قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیتهای بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت میباشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدتها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران.

و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان

رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب 1344 قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌اللّه اصفهانی و نائینی و آیت‌اللّه کمپانی و آیت‌اللّه عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعیه به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌اللّه اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال 1370 قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجات دینی و خدمات اشتغال دارند.
تألیفات و آثار عدیده‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.
1- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه 2- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام 3- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. 4- تاریخ النبی احمد صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد از مبدء خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش 5- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی اللّه علیه و آله در دو مجلد 6- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. 7- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب 8- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (358، 292/ 24، 313/ 20، 275/ 16، 186/، 14، 144/ 8، 290/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (549 -546/ 4)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1135 -1133/ 3).

لهسائی‌زاده، عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال 1354، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه دیترویت آمریکا در سال 1357، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال 1363، تخصص در جامعه‌شناسی روستائی، فوق تخصص جامعه‌شناسی کشاورزی از دانشگاه اونتاریو غربی در کانادا.
مرتبه علمی:
استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز در سال 1363، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شیراز در سال 1372.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مهاجرت از روستا به شهر، تک‌نگاری روستائی، جامعه‌شناسی در ایران، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی مهاجرت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 12 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 8
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی کشاورزی، جامعه‌شناسی مهاجرت، نظریه‌های جامعه‌شناسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 14، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی جنگ.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مبارک میرزا قاجار

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ق)، نقاش، قلمدان ساز، خطاط و شاعر. در چهره‌پردازی و سایه‌پردازی دقیق و نازک نگار بود و شیوه‌ی استاد صنیع‌الملک را دنبال می‌کرد. او با مکتبهای اروپایی آشنایی داشت و در قلمدان‌سازی و آبرنگ نیز با استعداد بود و شبیه‌سازی و تذهیب را خوب می‌دانست. مبارک میرزا در خوشنویسی نیز دست داشت و شعر هم می‌سرود. وی اواخر عمر خود را در قم گذرانده و همان جا درگذشته است. از آثار او «تصویر تمام قد و آبرنگی رضا قلی خان دیوان بیگی، در شیوه‌ی صنیع‌الملک، به خط نستعلیق زیبا، با رقم: «... مبارک ابن محمود القاجار سنه 1279»؛ تصویر آبرنگی یکی از رجال قاجاری، به نام هدایت که کلاه بوقی به سر دارد، با: «رقم مبارک بن محمود قاجار»؛ قلمدان پرکاری در شیوه‌ی آقا نجف که در وسط رویه آن، تصویر زن جوانی است که سگی را به بغل گرفته است، با رقم: «مبارک بن محمود».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (589 -587/ 2)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (136 -135).

متقی زاده، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد متقی زاده
محل تولد : سربند اراک
شهرت : متقی زاده
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
احمد متقی زاده

متولد1342 دیپلم تجربی، تحصیلات حوزوی را تا سطح اول در حوزۀ علمیه بروجرد نزد آیت الله صاحب زمانی و آیت الله جواهری نوه هفتم صاحب جواهر گذراندم و سطح دو و سه را درحوزۀ علمیه قم نزد اساتید حوزۀ علمیه قم حضرت آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله اعتمادی، آیت الله سبحانی و ... تلمذ نموده ام، درس خارج فقه و اصول به مدت 5 سال در محضر آیت الله سبحانی ، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقاتبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمد کریم مروجی شرکت و کسب فیض نموده ام و تحصیلات دانشگاهی کار شناسی در رشته علوم سیاسی و کارشناسی ارشد را نیز در رشته علوم سیاسی و در حال ادامه تحصیل دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور در حال حاضر هستم . بیش از 15 سال سابقه تدریس در دانشگاههای تهران مثل علامه طباطبایی و شهید رجایی و امام علی دانشگاههای ازاد اسلامی واحد تهران شمال و تهران مرکزی و علوم تحقیقات و پیام نور و علوم اقتصادی و.... هستم.
مسئولیتها در نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها : 1-مسئول اداره نظارت و ارزیابی 2-مسئول اداره جذب و گزینش نهاد 3-مدیر ارتباطات و اطلاع رسانی مسئول و راه انداز دانشگاه پیام نور واحد چهاردانگه فعالیتهای پژوهشی: تالیف بیش از 10 جلد کتب و بیش از 20 مقالات علمی پژوهشی تالیفات: 1-کتاب انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع ان 2-تجزیه و ترکیب قرآن کریم 3-تاریخ تحول دولت در اسلام 4-آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی 5-یکصد و چهل حدیت اخلاقی از رسول

اعظم 6-آشنایی با اندیشه سیاسی امام خمینی ره و...

متقی زاده، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله متقی زاده
محل تولد : سربند اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
دوره فوق لیسانس جامعه شناسی را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با گرایش پژوهشگری گذراندم، سابقه تدریس: از سال 1364 در حوزه علمیه قم ادبیات و اصول و منطق و کلام را به طور مستمر تدریس داشته ام و از سال 1373 تا 1384 در دانشگاههای مختلف چون علامه طباطبایی، امیرکبیر، دانشگاه آزاد پردیس تفرش و غیره تدریس داشته ام.
تألیفات: سه جلد کتاب در زمینه های ادبیات عرب، جامعه شناسی، بحث جامعه شناسی ارتباطات و جامعه شناسی تغییرات و حدود 16 مقاله علمی، کلامی و اجتماعی نگاشته ام که بعضا به چاپ رسیده و یک کتاب به عنوان آسیب شناسی محرم در دست چاپ است و در طول دفاع مقدس حدود 1 سال تمام در جبهه ها شرکت داشته ام و عضو خانواده شهدا می باشم و حدود یک سال و نیم در سپاه پاسداران به عنوان تبلیغ و تدریس فعالیت داشته ام و بعد از جنگ در سنگر فرهنگی حدود 12 سال تدریس و تبلیغ در دانشگاهها و مسئولیت دفتر نهاد رهبری در دانشگاه امیرکبیر واحد تفرش را حدود 5 سال عهده دار بوده ام و حدود 7 سال درصدا و سیما در مسئولیتهای گروه فلسفه و کلام و طرح و برنامه رادیو معارف و فعلاً به عنوان مدیریت پژوهشهای برنامه ای و فیلم نامه ای را در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما عهده دار هستم.

مجتبوی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سیّدجلال الدّین مجتبوی در سال 1307 در تهران به دنیا آمد . پس از طی دورهٔ دبستان و دبیرستان، در رشتهٔ فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال 1346 دورهٔ دکترای این رشته را به پایان رسانید.از سال 1349 رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. اکنون نیز با رتبهٔ دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.قابل ذکر است ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه» ، جلد اول ، و "علم اخلاق اسلامی " سیّدجلال الدّین مجتبوی ،به ترتیب در دوره دوم و چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیّدجلال الدّین مجتبوی پس از طی دورهٔ دبستان و دبیرستان، در رشتهٔ فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال 1346 دورهٔ دکترای این رشته را به پایان رسانید.
استادان و مربیان : اساتید برجستهٔ ایشان در دوران تحصیل عبارتند از: مرحوم فاضل تونی، مرحوم سیدکاظم عصّار، مرحوم دکتر رضازادهٔ شفق.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیّدجلال الدّین مجتبوی از سال 1349 رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. پس از پیروزی انقلاب به مدت چهارسال سرپرست گروه فلسفه دانشگاه تهران گردید. و اکنون نیز با رتبهٔ دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.
جوائز و نشانها : ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه» ، جلد اول ، و "علم اخلاق اسلامی " سیّدجلال الدّین مجتبوی ،به ترتیب در دوره دوم و دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. ----------
---
آثار :
1 بنیاد حکمت سبزواری
ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی
2 تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی (برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال) -آشنایی با کتاب: «تاریخ فلسفه» ، جلد اول این کتاب، که اثر مشهوری از فردریک کاپلستون است، به بررسی تاریخ فلسفه از آغاز تا زمان معاصر می پردازد. تفکر فلسفی قدمتی برابر با قدمت فرهنگ بشری دارد . در طول قرنها اندیشمندان گوناگون با کوشش بسیار به پی ریزی روشهای مختلف فلسفی پرداخته اند. در زمان حاضر آشنایی با تاریخ فلسفه برای آگاهی بر اندیشه های صحیح و پرهیز از انحرافات گذشتگان برای هر اندیشمندی و بویژه دانشجویان و پژوهندگان رشته فلسفه ضروری است. تاریخ فلسفه، گردآوری محض عقاید یا نقل و حکایت مطالب جدا و مجزای فکری که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند نیست، بلکه نمایش جستجوی حقیقت از سوی انسان از طریق استدلال و برهان است. کتاب حاضر یکی از مشهورترین کتابهای تاریخ فلسفه است که مؤلف آن را نه برای فضلا و متخصصان فن، بلکه برای دانشجویان این رشته نگاشته است. جلد اول ترجمه این کتاب شامل مباحث مربوط به فلسفه پیش از سقراط، دوره سقراطی، و افلاطون می باشد..

3 علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات مرحوم محقّق نراقی)

ویژگی اثر : ترجمه-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره چهارم کتاب سال-آشنایی با کتب علم اخلاق اسلامی: کتاب مشتمل بر دو جنبه علوم عقلی و نظری و – دینی و عملی با سبک و اسلوبی ویژه است مؤلّف محترم در آغاز درباره نفس انسان و قوا و غرایز او سخن می گوید و هر یک از فضایل اخلاقی را به یکی از قوای نفس اسناد داده و هر یک از رذایل اخلاقی را به غریزه ای متصل و مربوط می سازد و آنگاه به شناساندن یکایک آن قوا می پردازد. سپس مطالب خود را با آیات و روایات وارده و به طور کلی با تعالیم شروع مقدس اسلام مورد تقویت و تأیید قرار می دهد و در پایان راه معالجه و درمان هر رذیلتی را به شیوه ای حکیمانه بیان می کند. و علاوه بر اینها گه گاه به نصیحت و موعظه می پردازد و با کلامی مؤثّر خواننده را به تهذیب اخلاق و تصحیح رفتار و کردار خویش دعوت می کند. مترجم محترم در ترجم؟ این کتاب با تحمّل زحمات عدیده به اصل احادیث و روایات رجوع کرده و اغلاط فاحش در ضبط نسخه متن را برطرف ساخته و نسخه جامع و صحیح را به دست داده است. کتاب با قلمی شیوا و روان به فارسی برگردانده شده که در خور تقدیر و شایسته تحسین است.

4 فلسفه یا پژوهش حقیقت

ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی

5 کتاب درسی فلسفه و منطق دبیرستان

ویژگی اثر : سالهای 60 و 61
6 کلیّات فلسفه
ویژگی اثر : ترجمه و تألیف

مجلد خاقانی، محمدطاهر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 961 ق)، مجلد و قاطع. از هنرمندان پر مهارت دربار سلطان مراد بود. از آثار قطاعی وی: یک قطعه از مرقع سلطان مرادخان، به قلم نستعلیق دو دانگ متوسط و رقاع متوسط، با رقم: «قطعه العبد محمدطاهر مجلد الخاقانی فی سنه 961».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (1183/ 4 ،783/ 3)، احوال و آثار نقاشان (905/ 2).

مجلد مروی سامی، سلطانعلی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مجلد. هنرمند مشهوری بوده که در کتابخانه سلطان حسین بایقرا به مجلدی و صحافی اشتغال داشته است. از آثار وی: جلد نسخه‌ی «خمسه‌ی» امیرعلیشر نوایی است که در سنه‌ی 898 ق، توسط سطانعلی مشهدی کتابت شده و چند تصویر نیز از بهزاد در آن دیده می‌شود و رقم آن چنین است: «خمسه میرعلیشر نوائی به خط قبله الکتاب مولانا، سلطانعلی المشهدی و به مذهبی مولانا یاری مذهب و جلد کاری نادرالعصری سلطانعلی مجلد مروزی سامی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1460/3).

محرمی، غلامحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسن محرمی
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب غلامحسن محرمی در یکی از روستاهای اطراف تبریز در سال 1347 متولد شده و از دوازده سالگی به شهر رشت مهاجرت کرده و بعد از دو سال به مراغه بر گشته ایم و سال 63 وارد حوزه و در حوزه مراغه و تبریز به تحصیل پرداخته و سال 65 وارد حوزه علمیه قم شده و تا شش سال بعد از آن مشغول تحصیل سطح حوزه بودم و بعد از آن تا 13 سال در درس خارج شرکت کردم.اساتید اینجانب در دو سطح عبارتند از :آیه الله وجدانی فخر ، استاد صالحی افغانی ، آیه الله اشتهاردی ، استاد طالقانی ، آیه الله شیخ کریم ملائی تبریزی ، آیه الله اعتمادی ، استاد محقق داماد ، آیه الله دوزدوزانی ، استاد صلواتی ، همچنین فلسفه را از محضر استاد غلامرضا فیاضی ، استاد میر سپاه و استاد غرویان استفاده کردمعرفان نظری را از محضر استاد عسگری گیلانی بهره جستم.
همچنین به مدت چهار سال روزهای تعطیل از محضر علامه حسن زاده آملی ، درس هیئت و نجوم فرا گرفته ام که استاد این درسها را در دو جلد کتاب به نام دروس هیئت به نگارش در آورده است.همچنین دو سال شبهای پنجشنبه از محضر آیه الله مکارم شیرازی اصول عقائد فرا گرفته ام در درس خارج نه سال درس فقه آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی بوده ام و نیز دو سال درس اصول ایشان و نیز سه سال درس خارج حضرت آیات سبحانی ، وحید خراسانی ، هاشمی شاهرودی ، محمد حسن احمدی فقیه و جناتی شرکت داشته ام .و از دروس حوزه از صرف میر تا رسائل و مکاسب تدریس کرده ام که بعضی را یک نوبت و بعضی را چند نوبت در مدرسه های شهابیه (مرکز جهانی علوم اسلامی) ، مدرسه شهیدین ، مدرسه سفیران هدایت تدریس داشته ام . و از سال 76 در دانشگاههای آزاد تهران پیام نور مراغه و علوم پزشکی تبریز تدریس داشته

ام.

محسنی تبریزی، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه شناس خود را از دانشگاه ملی ایران، فوق لیسانس جامعه شناسی از دانشگاه میشیگان غربی و دکترای خود را از همان دانشگاه(1364) اخذ کرد و فوق تخصص روان شناسی را نیز از دانشگاه میشیگان (1365) کسب کرد. او از معدود جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی امروز ایران است که با درک درست از خواسته ها و نیازهای جامعه پیرامون، به بهتر زیستن می اندیشد و با این آرمان است که نگاهی عمیق به موانع تحقق آن دوخته است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : روان شناسی اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : . علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه شناسی خود را از دانشگاه ملی ایران در سال 1352دریافت کرد و بلافاصله بعد از این دوره برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد.محسنی فوق لیسانس جامعه شناسی اش را از دانشگاه میشیگان غربی در سال 1357 اخذ کرد.و این رشته را تا دریافت دکترای جامعه شناسی ازدانشگاه میشیگان ادامه داد(1364). همانندی های فراوان دو رشته روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی محسنی تبریزی را که سری پرشور در تحصیل و آموختن داشت،ترغیب به ادامه تحصیل در رشته روان شناسی اجتماعی کرد.او موفق به اخذ فوق تخصص روان شناسی اجتماعی از همان دانشگاه در سال 1365 شد. در خلال این سالها محسنی تبریزی دیپلم عالی زبان انگلیسی اش را نیز از دانشگاه میشیگان آمریکا دریافت کرد و در کنار تحصیل ،پژوهش و حضور در عرصه های علمی مرتبط با رشته اش را به جدیت به پیش برد. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، «نخبگان و فرایند استخدام سیاسی» و در دوره دکتری تخصصی، «بیگانگی فعال و بیگانگی منفعل» می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ عضو انجمن جامعه شناسی ـ عضو انجمن جامعه شناسی کلمبیا-آمریکا تا اکنون ـ عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی علوم انسانی عضو هیأت مدیره انجمن ایرانی روان شناسی اجتماعی ایران - سرپرست حوزه معاونت پژوهشی - سرپرست مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی - معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران (1370 -1375) (1378 -1379) - رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (1368 -1375) - سرپرست بخش تحقیقات روان شناسی

اجتماعی ,مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (1368 -1375)فعالیتهای آموزشی : علیرضا محسنی تبریزی بعد ازپایان تحصیلات به ایران بازگشت و بلافاصله در مراکز آکادمیک و علمی رشته تحصیلی اش مشغول به کار شد.او که سابقه تدریس مبانی جامعه شناسی را از دانشگاه میشیگان با خود به ایران آورده بود، دردانشگاه تهران به عنوان مدرس جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی مشغول به کار شد و به تدریس روان شناسی اجتماعی کاربردی، اندیشه های سیاسی قرن بیستم و نظریه های روان شناسی اجتماعی در مقطع لیسانس وفوق لیسانس پرداخت. او در کنار اشتغال تمام وقت در این دانشگاه، در دانشگاه علامه ،دانشگاه اصفهان ،دانشگاه الزهرا ،دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل ،دانشگاه عالی، دانشگاه آزاد و... به تدریس دروس مرتبط با جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی پرداخته است. و نیز ـ تدریس در دانشگاه تهران، علامه ،دانشگاه اصفهان،دانشگاه الزهرا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه عالی ،دانشگاه آزاد و... در کارنامه دارد. موارد تدریس وی «اندیشه های سیاسی درقرن بیستم»، «روانشناسی اجتماعی»، «روانشناسی اجتماعی کاربردی» و «سنجش واندازه گیری» (در مقطع کارشناسی)، «جامعه شناسی بالینی»، «جامعه شناسی بهداشت و سلامت جوانان»، «نظریه های جامعه شناسی انحرافات» و «نظریه های روانشناسی اجتماعی» (در مقطع کارشناسی ارشد)، «جامعه شناسی انحرافات اجتماعی»، «جامعه شناسی سیاسی ایران»، «جامعه شناسی فرهنگی» و «مسائل اساسی نظری روانشناسی اجتماعی» (در مقطع دکتری) است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علیرضا محسنی تبریزی علاوه بر اینها در مجامع علمی، سمینارها، کنگره ها و سمپوزیوم های ملی، منطقه ای و بین المللی نیز حضور مستمر داشته و عضو انجمن جامعه شناسی ، انجمن جامعه شناسی کلمبیاو هیأت مدیره انجمن ایرانی روان شناسی اجتماعی ایران نیز هست.در کنار این همه حضور اما چهره حقیقی محسنی را باید از لابه لای متن های تحقیقی و پژوهش های کاربردی اش جست وجو کرد. طرح بررسی عوارض روانی جنگ، طرح بررسی زمینه های مشارکت روستاییان در نظام ترویج ، بررسی عوارض روانی ـ اجتماعی زلزله خرداد ۶۸ گیلان، بررسی عملکرد آموزشیاران و معلمان آموزش و پرورش همکار با نهضت سوادآموزی و ...آرا و گرایشهای خاص : از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات مشارکت اجتماعی- سیاسی؛ مسائل اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی و انحرافات اشاره نمودچگونگی عرضه آثار : . علیرضا محسنی تبریزی درباره محدوده و دامنه وندالیسم در اجتماع امروز نظریات جالبی دارد: «امروزه وندالیسم خصوصاً برای کسانی که در

شهرهای بزرگ و پرجمعیت زندگی می کنند پدیده ای ملموس و مشهود و واقعیتی تلخ و در عین حال گریزناپذیر است که بعنوان یکی از نمودهای زندگی اجتماعی جامعه مدرن و ماشینی بروز و حضور دارد. در همه شهرهای بزرگ همه روزه ما شاهد ویرانگری تعمدی و رفتارهای غیرمسئولانه و ضداجتماعی وندال هایی هستیم که عمداً کمر به تخریب و نابودی هر آنچه زیباست و هر آنچه متعلق به همگان است بسته اند. نقاشی های به نمایش درآمده در گالری ها، آثار باستانی و عتیقه های موجود در موزه ها، ابنیه تاریخی ، مجسمه های نصب شده در میادین، پارک ها و اماکن عمومی، منازل خالی از سکنه، پارک ها و فضاهای سبز عمومی، چراغ های معابر، صندلی های اتوبوس و مترو، کتابهای کتابخانه ها، تلفن های عمومی و ده ها موضوع مورد تخریب دیگر از جمله موضوعاتی هستند که در اثر وندالیسم متحمل خسارات و صدمات گردیده و مورد تخریب قرار می گیرند. امروزه در بسیاری از شهرهای بزرگ وندالیسم بصورت یک مشکل اجتماعی حاد مطرح است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد، بلکه هزینه های مالی گزافی را بر مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها تحمیل می کند. برخلاف بسیاری از جرایم و انحرافات، آثار وندالیسم مشهود و پیداست. براساس گزارشهای ارائه شده و آمارهای مربوط به موضوعات وندالیسم در برخی کشورها نظیر آ مریکا ، کانادا، روسیه، سوئد، انگلستان، هلند، فرانسه، آلمان و استرالیا، تخریب اموال مدرسه، علائم ترافیک و تابلوهای راهنمایی، شکستن شیشه اماکن خالی از سکنه، شکستن لامپ خیابان ها و پارک ها، تخریب کیوسک تلفن و شکستن دستگاه تلفن عمومی، قطع سیم برق و تلفن، شکستن درختان خیابان ها و پارک ها، تخریب مجسمه های میادین، تخریب اموال پارک ها و اماکن عمومی، پاره کردن صندلی سینماها، تئاترها و اتوبوس های شهری، تخریب اموال کتابخانه ها، تخریب و صدمه زدن به اتومبیل های پارک شده در خیابان ها، تخریب برخی وسایل داخل هواپیماهای مسافربری و قطارها و ترن های زیرزمینی، تخریب ریل های راه آهن، تخریب اموال بیمارستان ها، کارخانه ها، مراکز تجاری، ایجاد آتش سوزی درجنگل ها، مراتع و برخی انبارهای عمومی، تخریب اموال عمومی، استفاده از مواد منفجره نظیر ترقه و بمب دستی به منظور آسیب و تخریب برخی از متعلقات اشخاص حقیقی و حقوقی و موارد عدیده دیگر از رایج ترین صور رفتار بزهکارانه و وندالیستی در جامعه مدرن است. توسعه جامعه مدرن خصوصاً شهرها و تحولاتی که در سطح ساختارهای اجتماعی و روابط و مناسبات جمعی در دوران جدید بوجود آمده تمامی شئون و جنبه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را متأثر ساخته و در دنیای امروز روابط انسان ها در معرض تغییر و تحول و پیچیده تر شدن

دائم و مستمر قرار دارد. تمدن ماشینی امروز که به دنبال خود توسعه شهرهای صنعتی ایجاد محلات پرجمعیت، تغییر زندگی ساده قدیمی و تبدیل آن به یک زندگی پرتجمل و پیچیده، تغییر زندگی ساده و مبتنی بر روابط عاطفی و همدلی به یک زندگی مبتنی بر روابط رسمی و بی روح همراه با فردگرایی مفرط، رقابت سرسختانه و عقل گرایی، درآمیختگی سنت های کهنه و نو، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست ها و عقده های روانی پنهانی و امیال سرکوب شده و آرزوهای ناکام مانده و تشدید احساسات درماندگی، سرخوردگی، ناتوانی و اجحاف را به ارمغان آورده است، پیامد دیگری نیز داشته و آن عصبانی شدن روزافزون انسانها بخصوص نسل جوان در برابر واقعیات اجتماعی و نیروهای سرکوب گر بیرونی است. به ویژه سرپیچی و عدم متابعت از قواعد و سنجه های حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان علیه نظم دستوری جامعه و واکنش به محرک های بیرونی در فرم عکس العمل های منفی یکی از مهم ترین و شاخص ترین واکنش های رفتاری برخی از گروه ها و افراد در جامعه امروز است.» آثار : بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان ویژگی اثر : تالیف، در 28 جلد (1383)2 بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال ویژگی اثر : از جمله پژوهش های کاربردی علیرضا محسنی تبریزی برای نهادها و سازمان های مرتبط است. یکی از پژوهش ها که دامنه وسیع تری دارد را نیز با هم مرور می کنیم؛ «بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال» :این مقوله در بین مباحث و مقوله هایی که در جامعه شناسی ورزش قابل بحث و تأمل هستند. خشونت تماشاگران رویدادهای ورزشی به ویژه رقابت های فوتبال همواره به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم مورد توجه قرار داشته است. در پژوهش محسنی تبریزی افزون بر بررسی تئوری های تبیین کننده خشونت و پرخاشگری بین تماشاگران مسابقات فوتبال ، رفتارهای پرخاشجویانه و گاه خشونت آمیز تماشاگران مورد مطالعه جامعه شناختی قرار گرفته است. هدف این مطالعه به طور عمده پرداختن به سبب شناسی پدیده خشونت و پرخاشگری در بین تماشاگران ورزش فوتبال است که مشخص می سازد اختلال در کدام یک از عناصر این ساختار سبب بروز «سوء کارکرد» در آن می شود و این سوء کارکرد تحت تأثیر چه متغیرهای اجتماعی قرار دارد. در این پژوهش از دو روش تحلیل تاریخی و پیمایشی استفاده شده است. روش نمونه گیری به صورت تصادفی بوده و برای جمع آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است و درنهایت آنالیز داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای اهمیت و حساسیت نتیجه بازی از نظر کسب امتیاز و تعیین جایگاه تیم های مورد علاقه در رده بندی مسابقات قهرمانی، حرکات و

اعمال خشونت آمیز و پرخاشجویانه بازیکنان هنگام بازی و کیفیت داوری عمدتاً بر بروز پرخاشگری کلامی طرفداران تیم های مورد بررسی تأثیر می گذارد. متغیرهای سن ، میزان کنترل و نظارت خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأثیر منفی بر گرایش طرفداران تیم های فوتبال مورد مطالعه به رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز دارند و متغیرهای سابقه نزاع، سابقه رفتار مجرمانه، سابقه تنش و ناکامی در فعالیت های تحصیلی و آموزشی، مصرف سیگار، سابقه تنش در محیط خانواده و عدم سازگاری انتظارات ورزشی و وسایل تحقق آنها دارای تأثیر مستقیم بر گرایش به ارتکاب رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز ورزشی هستند. این طرح در چند زمینه کاربرد دارد: ?- شناسایی و آگاهی از عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز ?- یافته های این پژوهش می تواند به مسئولان امور ورزشی و برگزار کنندگان مسابقات فوتبال کمک کند تا با برنامه ریزی دقیق تر و آگاهانه تر از بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز در بین تماشاگران فوتبال جلوگیری به عمل آورند. 3 روان شناسی اجتماعی کاربردی 4 علل و ندالیسم درتهران و راههای پیشگیری و درمان ویژگی اثر : «علل وندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان» نیز عنوان پژوهش دیگری از علیرضا محسنی تبریزی است. این تحقیق در صور و قالبی پربارتر با عنوان وندالیسم در قالب کتاب انتشار یافت و به سرعت به منابع دانشگاهی رشته روان شناسی اجتماعی بدل گشت. کتاب حاضر در هفت فصل فراهم آمده است: فصل اول تحت عنوان کلیات پس از ارائه تاریخچه ای از مفهوم و وجه تسمیه آن در ادبیات آسیب شناسی اجتماعی به تعریف و معنی وندالیسم می پردازد و با طرح وندالیسم به عنوان یک آسیب اجتماعی، به عنوان یک رفتار نابهنجار و به عنوان یک معضل اجتماعی، می کوشد جایگاه آن را به عنوان یکی از صور کژرفتاری ها و انحرافات در طبقه بندی انواع جرایم و نابهنجاریها مشخص نماید. در فصل دوم مبانی نظری وندالیسم با استعانت از یک رویکرد تلفیقی به تفصیل مطرح شده است. در این فصل ابتدا آن دسته از نظریه های جامعه شناسی انحرافات که با مباحث روان شناختی اجتماعی وندالیسم خصوصاً اتیولوژی آن بعنوان یکی از صور بزهکاریها و کجروی های اجتماعی قرابت و انتساب بیشتری دارند مطرح می شوند. سپس تئوریهای روانشناسی و روانکاوی انحرافات بخصوص آن دسته از نظریه های روان شناسی مرتبط با رفتار وندالیستی مرور و بررسی می گردند. بالاخره در قسمت پایانی این فصل نظریه های روان شناسی اجتماعی انحرافات که بطور اخص بر وندالیسم و ویرانگری تأکید دارند مطرح می شوند. فصل سوم تحت عنوان خشونت و وندالیسم در ورزش فوتبال ناظر بر بررسی خشونت و ویرانگری در ورزش فوتبال است. در این فصل ضمن

گونه شناسی خشونت و پرخاشگری، خاستگاه و مبانی نظری خشونت در ورزش براساس پارادایم های زیست شناسی، روانکاوی و روان شناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی تبیین می شوند و بالاخره پژوهش های انجام شده در باب وندالیسم و خشونت در ورزش فوتبال در چند کشور مطرح و نتایج حاصله که مبین اتیولوژی و اپیدمیولوژی خشونت و وندالیسم در محیط های ورزشی است تشریح می گردند. فصل چهارم زیر عنوان اتیولوژی وندالیسم ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است و می کوشد در پرتو مبانی و یافته های تجربی به سبب شناسی وندالیسم بپردازد. در فصل پنجم اپیدمیولوژی و همه گیرشناسی وندالیسم مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل به استناد اطلاعات تجربی در چند کشور نظیر ایالات متحده آمریکا، هلند، آلمان، فرانسه و نظایر آن وسعت و گستره وندالیسم بررسی می شود. فصل ششم یافته های دو پژوهش تجربی را در باب وندالیسم در ایران مطرح می سازد.پژوهش اول مروری است بر یافته های تحقق «وندالیسم در تهران بزرگ» که عمدتاً ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است. تحقیق دوم عوامل جامعه شناسی خشونت تماشاگران فوتبال را در تهران تبیین می کند. فصل هفتم زیر عنوان پیشنهادات و توصیه های کاربردی، کلیه سیاست ها و استراتژیهای اجرایی را در شکل طرح های مداخلات اجتماعی، آگاه سازی، پیشگیری و درمان وندالیسم مطرح می سازد.5 مبانی و کلیات روان شناسی اجتماعی ، نظریه های روان شناسی اجتماعی وندالیزم:مبانی روانشناسی اجتماعی رفتار واندالیستی در مباحث آسیب شناسی اجتماعی ویژگی اثر : تالیف،1383

محسنی، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر محسنی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه، در سال 1340ه.ش وارد دانشگاه تهران شد و هم زمان در دو رشته علوم اجتماعی و علوم اداری به تحصیل پرداخت. وی دورة کارشناسی ارشد را در موسسه تحقیقات اجتماعی، که زیر مجموعه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود، طی نمود و برای تحصیلات تکمیلی عازم فرانسه عزیمت شد. محسنی در سال 1351 با درجه دکترا، تحصیلات خود را در پاریس به پایان رساند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر محسنی در سال های 1344 - 1343 به عنوان پرسشگر و مصاحبه کننده در سطح تهران فعالیت خود را آغاز نمود. پس از مدتی وارد گروه تحقیقات روستایی موسسه تحقیقات اجتماعی شد و فعالیت خود را در این موسسه ادامه داد. او در سال 1353 و به دنبال آن در سال 1358 با موسسه پژوهش در علوم اجتماعی و توسعه ایران ، پی گیری و پژوهش در طرح پیمایش ملی را به عهده گرفت چنانکه در سال 1373 مسئولیت این طرح به صورت مستقیم به ایشان واگذار شد. از دیگر مشاغل وی معاونت دانشکدة بهداشت دانشگاه تهران و بعد از آن مدیریت مرکز نوآوری جامعه پزشکی بوده است. در حال حاضر استاد طرحی به نام « جامعه شناسی فرهنگی ایران » را زیر نظر پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات (وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) دنبال می نماید.فعالیتهای آموزشی : منوچهر محسنی همکاری با مراکز آموزشی و دانشگاهی را در سال 1352 ، با عضویت در هیات علمی دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس حوزه فعالیت آموزشی خود را در دانشگاه های شهید بهشتی ، تربیت مدرس ، امام صادق (ع) ، علوم بهزیستی و علوم پزشکی ایران گسترش داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فعالیت های منوچهر محسنی عموماً با انجام امور علمی و تحقیقاتی سپری شده است. وی به طور کلی بیشتر اوقات خود را با مطالعه ، آموزش ، تحقیق و حضور در کنگره ها و سمینارهای ملی و بین المللی می گذراند. سابقه همکاری او با نشریات و مجلات علمی را نیز می توان با ارائه 18 مقاله در مجلات بین المللی و 32 مقاله در مجلات دانشگاهی ایران مورد نظر و توجه قرار داد.آثار : جامعه شناسی اطلاعاتی ویژگی اثر : این کتاب درهفت فصل و با

عناوین شناخت جامعه اطلاعاتی ، تکنولوژی اطلاعاتی ، اینترنت و جامعه اطلاعاتی ، ارتباطات علوم رسانی الکترونیک ، جامعه اطلاعاتی و زمینه های اجتماعی و فرهنگی ، جامعه اطلاعاتی ساختارسیاسی و اقتصادی و بالاخره سازماندهی و مدیریت اطلاعات نوشته شده است . مولف در پیشگفتار کتاب نوشته است : «اصطلاح جامع اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه ، پیرامون جریان اطلاعات است . »2 جامعه شناسی پزشکی ، جامعه شناسی علم ، جامعه شناسی عمومی ، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی ویژگی اثر : این اثر با همکاری دکتر باقر ساروخانی صورت گرفته شده است .6 جمعیت شناسی ، مقدمات جامعه شناسی

محقق، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدباقر محقق در سال 1298 ، در رشت به دنیا آمد.وی پس از گذراندن دوره ابتدایی ، علوم قدیمه را در حوزه علمیه زادگاه خود گذراند و در پانزده سالگی در حوزه علمیه قم دنبال نمود و از محضر اساتید آنجا استفاده برد. وی پس از اخذ دیپلم متوسطه ، تحصیلات خود را در دانشکده الهیات (معقول و منقول) ادامه داد و با کسب رتبه اول موفق به اخذ درجه لیسانس گردید . پس از آن دوره دکترا با رساله « حقوق مدنی زوجین ، در زمان زنا شویی دائم از نظر قرآن » با موفقیت طی نمود. استادمحمدباقر محقق در کسوت قرآن پژوه،مفسر، فیلسوف، مورخ و مترجم شناخته شده است و آثاری به طبع رسانده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : حقوق
والدین و انساب : محمد باقر محقق ، فرزند شیخ علی در رشت به دنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدباقر محقق پس از به پایان بردن دوران ابتدایی ، علوم قدیمه را در حوزه علمیه رشت گذراند. در پانزده سالگی به حوزه علمیه قم رفت و از محضر اساتید آنجا استفاده برد. بعد ازشش سال تحصیل در حوزه علمیه ، رهسپار تهران شد. و پس از اخذ دیپلم متوسطه ، تحصیلات خود را در دانشکده الهیات (معقول و منقول) ادامه داد. در سال 1334 با کسب رتبه اول موفق به اخذ درجه لیسانس گردید و جهت ادامه تحصیل بار دیگر عازم قم شد. پس از این دوره او برای گذراندن دوره دکترا در سال 1344 به تهران بازگشت و با طی نمودن این دوره ، رساله دکترای خود را در « حقوق مدنی زوجین ، در زمان زنا شویی دائم از نظر قرآن » نوشت.
استادان و مربیان : محمدباقر محقق علوم قدیمه را ابتدا نزد شیخ مهدی سبط در حوزه علمیه رشت فراگرفت ، سپس به حوزه علمیه قم رفته و نزد امام خمینی (ره) ، آیت الله مرعشی نجفی ، آیت الله سیدمحسن حکیم کسب فیض نمود.استادان وی در دانشگاه آیت الله محمود شهابی ، آیت الله سیدمحمد مشکاه ، استاد بدیع الزمان فروزانفر ، آیت الله ذو المجدین و آیت الله مهدی الهی قمشه ای بودند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدباقر محقق پس از انقلاب در

مشاغل مختلف علمی خدمت کرد که اهم آن عبارت است از : معاونت آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی ، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی .
فعالیتهای آموزشی : محمدباقر محقق با اخذ مدرک لیسانس و کسب علوم حوزوی مدتی به تدریس در ادبیات و علوم دینی در رشت اشتغال ورزید. او پس از انقلاب مدتی در مشاغل مختلف انجام وظیفه نمود ، سپس از مسوولیت های اداری کناره گیری کرد و به تدریس اشتغال ورزید. تفسیر المحقق در دو مجلد به زبان فارسی و به شیوه ادبی و استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است. مؤلف در مقدمه اثر درباره خصوصیات قرآن، و نامهای قرآن، معنای سوره و آیه، و استعاذه، و تعداد سوره و آیات قرآن بحث کرده است. سپس به تفسیر سوره حمد می پردازد. مجلد دوم شامل تفسیر سوره های علق، مدثر, فلق، ناس است. مؤلف پس از ذکر آیه به بحثهای تحلیلی از نظر لغت و صرف و نحو و معانی و بیان مبادرت می کند سپس اخبار و روایات طریقین عامه و خاصه را بیان می کند و به طور مفصل به تفسیر آیه می پردازد. این تفسیر در تهران به طبع رسیده است. مؤلف همچنین اثر قرآن پژوهی دیگری به نام دایرة الفراید در فرهنگ قرآن دارد. ----------
---
آثار :
1 تفسیر المحقق
2 جداول ارث
ویژگی اثر : ترجمه- شیخ حر عاملی
3 دایره الفرائد
ویژگی اثر : در فرهنگ قرآن؟، بیست و پنج مجلد
4 رساله ای در تاریخ فقه و فقها
5 رساله علم منطق و متدولوژی
6 رساله فلسفه اسلامی
7 رساله مبانی فلسفه
8 قرآن و امام حسین(ع)
9 کنز العرفان فی فقه القرآن
ویژگی اثر : ترجمه- فاضل مقداد
10 گنجینه احکام قرآنی
11 ناسخ و منسوخ
ویژگی اثر : ترجمه- ابن متوج بحرانی
12 نمونه بینات در شان نزول قرآن

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1406 -1310 ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللّه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللّه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در 1376 ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعة»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قرةالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیة»؛ «کشف الهاویة»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمة التامة»، در احوال اکابر عامه.[1]
حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به

ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.
تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:
1- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در 5 جلد مکرر به طبع رسیده است.
2- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.
3- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.
4- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.
5- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.
6- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.
7- اختران تابناک به طبع رسیده است.
8- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.
9- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.
10- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.
11- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.
12- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.
13- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.
14- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.
15- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.
16- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.
17- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.
18- کشف‌التهمه.
19- السیوف البارقه.
20- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.
21- شرافة الاسخیاء و رذالة البخلاء.
و حدود 34 جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.
فقیه، محقق.
تولد: 1271(1310 ق.)، محلات.
درگذشت: اسفند 1364.
علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین

کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمة التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال 1327 به تهران بازگشت.
از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرة المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرة العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر 303 حکایت در 576 صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرة الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل

سر مبارک سید الشهداء) شرافة السخیاء و رذالة البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (128 -127/ 25 ،6/ 19 ،122 ،44 ،42/ 18 ،165 ،152 -151 ،72/ 17 ،168/ 16 ،293 ،99/ 12 ،314 -313/ 11 ،285 ،38/ 7 ،255/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 716 -715/ 14)، کیهان فرهنگی (س 2، ش 12، ص 39)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1162/ 3).

محمد شریف

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1205 ق)، مجلد و قلمدان‌ساز. از آثار رقم‌دار این استاد، جلد قرآنی است که در گل و مرغی عمل آورده و در داخل جلد نیز شمایل امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام با حسنین (ع) را به استادی نقاشی نموده و رقم «محمد شریف 1205» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (889/ 2).

محمد صابر

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1130 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی پیرو شیوه‌ی محمد زمان اول بود. محمد صابر در انواع تذهیب و حل کاری دست داشت و در چهره‌پردازی و منظره‌سازی قوی دست بود. شیوه‌ی وی مخلوطی از هند و ایرانی بود که به مهارتی خاص تلفیق شده است. از آثار او: قلمدان زیبایی که تصویر زن جوانی در شیوه‌ی صفویه بر روی آن نقش شده و منظره‌ی بناهای تاریخی در زمینه‌ی آن ترسیم گشته است، با: «رقم کمینه محمد صابر 1130».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (898 -897/ 2).

محمد نبی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، قلمدان‌ساز. از هنرمندان ایرانی بوده که به دیار هند رفته و در آنجا ماندگار گشته است. از آثار وی قلمدان تابوتی بزرگی است که به گل و مرغ خوش پرداز ترسیم شده و در وسط آن، تصاویر جماعتی از شکارچیان نقش بسته و رقم نهاده است: «رقم زد کمینه محمد نبی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1092/ 3).

محمدجواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1286 ق)، قلمدان‌ساز و مذهب. از معاصران دوره‌ی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار و سازنده‌ی اسکلت مقوایی و نقاش و مذهب قلمدان‌ها بود. وی در مقواسازی قلمدان‌ها و صنعت ابری و تذهیب، از شاگردان ابوطالب مدرس به شمار می‌آمد و در قلمدان‌هایی که اسکلت مقوایی آن، به دست او انجام پذیرفته، عموما دارای مهر چهارگوش طلایی رنگ است و رقم «عبده الراجی محمدجواد 1286» دارد. زیباترین قلمدان این استاد، تذهیب و نقوش ابری قلمدان بزرگی است که داخل آن به دو قسمت مجزا تقسیم گشته و تمام نشیمن داخل و بیرونی قلمدان، ابری‌سازی شانه‌ای شده است و رقم مخصوص نقاش را دارد. از دیگر آثار وی قلمدان بزرگی است که رویه آن به تذهیب ساده و زنجیره‌ای استادانه عمل آمده و کناره‌ها نیز در زمینه‌ی تذهیبی، شش ترنج ابری قهوه‌ای دارد و زیر قلمدان ابری سرخ است و مهر چهارگوش طلایی نقاش جلب نظر می‌کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (684 -683/ 2) گلستان هنر (پنجا و سه)، هنر قلمدان (41).

محمدی، ذکرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ذکرالله محمدی
محل تولد : خدابنده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ذکرالله محمدی درسال 1350 در یکی از روستاهای محروم استان زنجان و در یک خانواده اصیل مذهبی به این دنیای پر راز و رمز چشم گشودم و در ایام کودکی راهی مکتب خانه شده با قرآن و گلستان سعدی و چند کتاب دیگر آشنا گشتم . بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران هم زمان با ادامه تحصیل در مکتب خانه اول دبستان را شروع کردم . پس از اتمام دوره ابتدایی، اول راهنمایی رادر یکی از آبادیهای هم جوار گذراندم. دوم راهنمایی رادر روستای خودمان به صورت متفرقه فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی درشهر خدابنده امتحان داده و قبول شدم . با توجه به اینکه علاقه ای فراوان به فراگیری علوم اسلامی از خود نشان می دادم لذا در مهرماه 1367 وارد حوزه علمیه زنجان شدم و سوم راهنمایی را هم به صورت شبانه پشت سر گذاشتم. هم زمان با ادامه تحصیل درحوزه علمیه اول متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی زنجان فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی بعنوان شاگرد ممتاز درشبکه رادیوئی استان زنجان شرکت کردم. بعد ازاتمام اول دبیرستان تحصیل در علوم جدید را به منظور تقویت بنیه علمی حوزوی را آغاز کرده و بیش ازپیش درفراگیری علوم دینی کوشیدم . پس ازدوسال ترک تحصیل علوم جدید دوباره به تحصیل این علوم روی آورده و درمدت سه سال همزمان با ادامه تحصیل در حوزه علمیه زنجان دوره دبیرستان را تمام کردم. ضمناً پایه ی ششم حوزوی را نیز با امتیاز بالا به اتمام رسانیدم. با شرکت درکنکور سراسری دردانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین دررشته تاریخ تمدن قبول شده و همچنین درموسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم نیز پذیرفته شدم و به خاطر ادامه تحصیل درعلوم حوزوی درقم ازدانشگاه قزوین منصرف شده وازسال 1374وارد حوزه مقدسه قم گشته و رشته تاریخ راهم درموسسه عالی باقر العلوم(ع) ادامه دادم

درسال 1380با تالیف پایان نامه دررابطه با آیت الله شیخ عبدالکریم حائری(ره) با اخذ مدرک کارشناسی تاریخ ازاین موسسه فارغ التحصیل گشتم و هم چنین درخلال تحصیل درموسسه مزبور درکلاسهای تاریخ اسلام دفتر تبلیغات نیز شرکت می کردم، دوره فشرده مهدویت را نیز درسالهای اخیر درپژوهشکده مهدویت پشت سر گذاشته وهمکاری علمی با آن پژوهشکده راآغاز کرده ام. همچنین اخیرا با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم همکاری فعالی دارم. حدود سه سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی شرکت کرده ام و نیز توفیق تبلیغ دین مبین اسلام به مدت 6سال نصیب حقیر در ایام رمضان و محرم شده است.
خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی مارستگار

محمدی، رمضان

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رمضان محمدی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
بعد از گرفتن دیپلم در سال1362 وارد حوزه علمیه قم شدم در طی هشت سال دروس حوزه را تا سطح به اتمام رساندم و در سال1370به تدریس دروس ادبیات (جامع المقدمات.سیوطی.مغنی) پرداختم و استاد رسمی یکی از حوزه های علمیه شهرستان شدم در کنار تدریس در حوزه به تدریس تاریخ اسلام، عقاید، دانش سیاسی، در سایر مراکز دولتی نیز مشغول بودم در سال 1372 ودوره تحصیل فقه وکلام مقارن را در مرکز مذاهب اسلامی با موفقیت به پایان بردم و همزمان با تحصیل در مرکز مذاهب اسلامی به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد مشغول شدم و بعد از چند سالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ اسلام شدم مدت هفت سال در دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، جوادی آملی و سبحانی اشتغال داشتم و اکنون مشغول تحقیق در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه هستم .و هم زمان مدیر واحد پاسخ به شبهات قرآنی دفتر تبلیغات اسلامی قم هستم .

محمود، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از دانشمندان و مورخان دوران مشروطیت است که در اواخر عمر اثری بسیار ارزنده و محققانه به نام روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در هشت مجلد تنظیم و انتشار داد. تولد او در 1259 ش اتفاق افتاد. تحصیلات قدیم را نزد اساتید روز و تحصیلات جدید را در مدرسه امریکائی به پایان رسانید. در اوایل مشروطیت در سلک آزادیخواهان درآمد و عضو حزب دموکرات گردید و در آن هنگام مقالاتی به طرفداری از آزادی و مشروطه در جراید می‌نوشت. مدتی به کارهای دولتی اشتغال ورزید و در وزارت پست و تلگراف مقاماتی را طی نمود. در اوایل سلطنت رضاشاه مدتی سرپرست محصلین وزارت پست و تلگراف در اروپا بود. در 1324 پس از روی کار آمدن قوام‌السلطنه به استانداری تهران رسید و در دوره پانزدهم از نجف‌آباد وکیل شد. در تشکیل حزب دموکرات ایران با قوام‌السلطنه همکاری نزدیک داشت و یکی از عوامل مؤثر حزب به شمار می‌رفت. پس از پایان دوره پانزدهم از کارهای سیاسی کناره گرفت و به تحقیق و تتبع در تاریخ پرداخت چند کتاب نیز ترجمه نمود که از جمله جنگ نفت اثر موهر و شهریار ماکیاول می‌باشد. در اواخر عمر از نعمت بینائی محروم گردید و در 1344 ش در 85 سالگی وفات یافت. وی خواهرزاده عسگر گاریچی تبریزی صاحب بزرگترین مؤسسه حمل و نقل در اوایل مشروطیت است. محمود در تنظیم و تألیف بعضی از کتب مورخین بعد از شهریور 20 دست داشت. نام خانوادگی وی ابتدا پهلوی بود.
(1344 -1261 ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بود. نام اصلیش محمود پهلوی بود که بعدها به محمود محمود تغییر داد. خدمات دولتی او در وزارت پست و تلگراف و سپس در اداره رادیو بود و مدتی نیز سمت استانداری تهران را به عهده داشت. همچنین در دوره‌ی پانزدهم نماینده‌ی مجلس شورای ملی بود. وی مقالاتی در مجله‌ی «آینده» و روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» و دیگر مجلات به چاپ می‌رساند. او کتابهای «تعلیم و تربیت در خانواده»، «تعلیم و تربیت در مدرسه»، «تربیت ایرانی برای جامعه‌ی ایرانی» را با نام مستعار رسول نخشبی منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی»، در هشت مجلد؛ «شهریار»، ترجمه؛

«جنگ نفت»، ترجمه.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] دایرةالمعارف فارسی (2701/ 2)، شرح حال رجال (45 -44/ 4)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2184/ 2 ،1066 ،708/ 1)، کلک (س 5، ش 55 و 56، ص 388 -382)، مؤلفین کتب چاپی (87/ 6).

محمودی بختیاری، علیقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیقلی محمودی بختیاری ، در هفتم آذرماه سال 1311 شمسی چشم به جهان گشود. پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را به پایان رساند ، در سال 1332 برای ادامه ی تحصیل راهیِ تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی ، به دانشکده های حقوق و ادبیات راه یافت ؛ اما رشته ی ادبیات را برگزید و در سال 1337 از دانشکده ادبیات فارغ التحصیل گردید. محمودی در سال 1338 دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال 1342 دوره ی دکترای رشته ی زبان شناسی و زبان های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت. وی از سال 1339 به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره ی تألیف و ترجمه ی اداره ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب های درسی را به عهده داشت. در شهریور سال 1346 برای تدریس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی ، به این دانشگاه رفت. دکتر محمودی ، در سال 1349 به دانشگاه ابوریحان بیرونی (دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب) مأموریت یافت. در سال 1350 با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید. او در سال 1351 از این سمت کناره گرفت و تا سال 1359 ، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار گردید.آنگاه در سال 1355 بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا ، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران ، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا ، سفری دو ماهه به آمریکا رفت.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : زبان شناسی والدین و انساب : علیقلی محمودی بختیاری ، فرزند مهراب ، نوه ی حاج عبدالله خان بهداروند و نبیره ی محمودخان ، رئیس و سردودمان ایل بختیاروند هفت لنگ بختیاری می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علیقلی محمودی بختیاری ، تحصیلات مقدماتی را در مکتب سنتی گذراند ، سپس به دبستان رفت و با امتحان ورودی به کلاس چهارم راه یافت. آنگاه دوره ی اول و دوم متوسطه را در خرم آباد و سال سوم را در الیگودرز و سال های چهارم و پنجم را در بروجرد به انجام رسانید. وی در سال 1332 برای ادامه ی

تحصیل راهیِ تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی ، در کنکور دانشگاه شرکت جست و به دانشکده های حقوق و ادبیات راه یافت ؛ اما رشته ی ادبیات را برگزید و در سال 1337 از دانشکده ادبیات فارغ التحصیل گردید. محمودی در سال 1338 دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال 1342 دوره ی دکترای رشته ی زبان شناسی و زبان های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علیقلی محمودی بختیاری از سال 1339 به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره ی تألیف و ترجمه ی اداره ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب های درسی را به عهده داشت. وی در سال 1350 با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید و در سال 1351 از این سمت کناره گرفت و تا سال 1359 ، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار بود.فعالیتهای آموزشی : علیقلی محمودی بختیاری در دبیرستان های فیروزبهرام ، رازی ، ادیب و چند دبیرستان دیگر تدریس نمود. سپس در شهریور سال 1346 برای تدریس ادبیات فارسی و رشته ی مترجمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت به کار شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی ، برای تدریس ادبیات معاصر و فن نویسندگی فراخوانده شد. وی از سال 1338 با تصویب شورای علمی دانشکده به عنوان استاد تمام وقت مشغول به کار شد و علاوه بر تدریس ادبیات معاصر و آیین نگارش ، درس های ادبیات کلاسیک « فرهنگ و تمدن ایران » نیز به او واگذار گردید. دکتر محمودی ، در سال 1349 به دانشگاه ابوریحان بیرونی (دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب) مأموریت یافت. آنگاه در سال 1355 بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا ، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران ، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا ، سفری دوماهه به آمریکا رفت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علیقلی محمودی بختیاری از سال 1334 با همکاری دوستانش « انجمن ادبی دانشکده » را بنیاد نهاد ، که یکی از انجمن های فعال و پربار آن روزگار بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علیقلی محمودی بختیاری از دوران کودکی آغاز به سرودن شعر کرد و در دوران دانشجویی رسماً کارِ شعر و شاعری را شروع نمود و در آغاز شعرهای فارسی سره می سرود ، اما وی هیچ وقت به شعر و شاعری متظاهر نبود. در سال 1351 در پایان کتاب « شکرستان » ، نمونه های شعر خود را به چاپ رسانید و در سال 1357 نیز در آخرِ کتاب « گنج راز » به عنوان نمونه ، اشعاری ارائه کرد. از فعالیت های دکتر

محمودی در زمان معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی ، ایجاد بخش دانشجویان خارجی بود و در کنار آن ، طرح بازآموزی زبان و فرهنگ ایرانی را به استادان و دبیران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه های هند و پاکستان به تصویب رسانید. وی در سال 1356 خود سفری به پاکستان کرد و با دیدار از دانشگاه های سراسر آن کشور ، زمینه ی مساعدی را برای فراخوانی همه ی استادان زبان و ادبیات فارسی سراسر شبه قاره هند و پاکستان فراهم نمود. او در سال 1357 به مصر سفر نمود و ضمن دیدار از دانشگاه های قاهره و اسکندریه ، در دانشگاه عین الشمس قاهره سخنرانی کرد و طرح گسترش زبان فارسی در آن دانشگاه را با توجه به کثرت داوطلب پی ریزی نمود.جوائز و نشانها : در سال 1356 ، کتاب « زمینه ی فرهنگ و تمدن ایران » علیقلی محمودی بختیاری به عنوان کتاب درسی در بخش خاورشناسی دانشگاه یوتا انتخاب شد.آثار : او - تو - من ویژگی اثر : عرفان از دیدگاه حافظ.2 بابل دل ایرانشهر ، چرا حافظ ؟ ، خاقانی در ایوان مدائن ، دفتر دوم فرهنگ و تمدن ایران ، دفتر دوم گنج گهر ، راهی به مکتب حافظ ، زایش دوباره در آفرینش و عشق از دیدگاه مولانا جلال الدین بلخی ، زمینه ی فرهنگ و تمدن ایران ، شکرستان ، فراز و نشیب سیاست و شیوه ی کشورداری ایران ، کمینگاه دشمن، کوروش در بابل ، گنج راز ، گنج گهر ویژگی اثر : نمونه های نثر و نظم.16 هفت نگار در هفت تالار ویژگی اثر : تحلیلی اجتماعی از هفت پیکر نظامی.17 ویرایش و آرایش دفتر یکم سبک شناسی (تاریخ تطور شعر فارسی) ویژگی اثر : تألیف: ملک الشعرای بهار.

محمودیان، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین محمودیان دانشیار و مدیر گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران ، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر حسین محمودیان مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (سال؟)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر محمودیان می‌توان مواردی همچون «معاونت اداری و مالی دانشکده علوم اجتماعی» و سمت «مشاور پژوهشی استانداری سمنان» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس دکتر محمودیان «آمار مقدماتی»، «آمار در جمعیت شناسی»، «جمعیت و تنظیم خانواده»، «جامعه شناسی روستائی»، «روش تحقیق»، «روش تحلیل جمعیت شناسی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی»، «مبانی جامعه شناسی» و «مبانی جمعیت شناسی» (در مقطع کارشناسی) و «باروری»، «جمعیت و جامعه»، «طرح تحقیق» و «مقدمات آمار» (در مقطع کارشناسی ارشد) است.چگونگی عرضه آثار : مسئولیت طرح های تحقیقاتی مختلفی از جمله «کاهش باروری و تغییر در موقعیت زنان در ایران,1384»، «بررسی عوامل اجتماعی و جمعیتی موثر بر سلامت کودکان زیر 5 سال در ایران,1386»، «بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانهای کشور در سالهای 1355و 1365 و 1375» و «بررسی ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی سالمندان: گذشته، حال و آینده» را نیز بر عهده داشتندآثار : 1 بررسی میزان و علل مشارکت روستاییان در طرحهای عمرانی ویژگی اثر : تالیف 13712 دانش خانواده ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد احمدی، محمدرضا شرفی، حسین محمودیان، سهیلا خوش بین ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 26 شهریور، 13873 درآمدی بر مطالعات جمعیتی ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین محمودیان (مترجم)، دیوید لوکاس (گردآورنده)، پل مایر (گردآورنده) ناشر:

دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 01 بهمن، 13844 فرهنگ ده های ایران-استان همدان ویژگی اثر : تالیف1369

محیط طباطبایی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1371 -1281 ش)، محقق، نویسنده، مورخ، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به محیط. در زواره‌ی اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در زادگاهش فراگرفت. در 1300 ش به اصفهان رفت و به تحصیل مقدمات طب جدید که لازمه‌ی آن تحصیل زبان فرانسه بود پرداخت. ولی پس از مدتی منصرف شد و در 1302 ش به تهران آمد و دارالفنون را در سه سال و مدرسه‌ی عالی حقوق را در یک سال گذراند. سپس به شغل معلمی پرداخت. وی همچنین از 1327 تا 1334 ش به عنوان مستشار فرهنگی در دهلی، بغداد، دمشق و بیروت به سر برد. در 1337 ش پس از بازنشستگی به مدت بیست و یکسال، در رادیو، عهده‌دار برنامه‌ی مرزهای دانش بود. محیط طباطبایی به زبانهای فارسی دری و عربی تسلط کامل و به زبان انگلیسی و فرانسه و زبانهای ایران قبل از اسلام آشنایی داشت. وی مقالاتی در زمینه‌ی تاریخ برای روزنامه‌های «ایران»، «شفق سرخ»، «اطلاعات» و مجله‌ی «گوهر» می‌نوشت. همچنین از 1316 تا 1318 ش اداره‌ی مجله‌ی «آموزش و پرورش» را عهده‌دار بود. از 1321 ش مجله‌ی «محیط» را تأسیس و منتشر کرد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در محوطه‌ی برج طغرل، نزدیک قبرستان ابن‌بابویه، به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «تاریخ اعزام محصل به اروپا»؛ «زندگی محمد زکریای رازی»؛ «دوران نادر»؛ «تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم»؛ «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»؛ «نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین»؛ «جغرافیای نو»؛ «شرح حال فردوسی»؛ مقدمه‌ی «نگارستان عجایب و غرایب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینده (س 18، ش 6 -1، ص 256)، ادبستان (س 3، ش 33، ص 94)، ادبیات نوین (309)، تاریخ برگزیدگان (398 -396)، الذریعه (310/ 24)، سخنوران نامی معاصر (3204 -3198/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3307، 2114/ 2، 1043/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 10، ص 9 -3)، مجله‌ی محیط (مقدمه/ یازده- بیست و یک)، مؤلفین کتب چاپی (793 -792/ 5).

محیط فراهانی، معصوم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1235/ 1230 ق)، وقایع نگار و شاعر، متخلص به محیط. پدرش مشهور به قایم مقام اول و برادرش، میرزا ابوالقاسم، مشهور به قایم مقام ثانی بود. محیط در ملازمت عباس میرزا بوده و در نویسندگی مهارت داشته است، به همین دلیل از جانب عباس میرزا به منصب وقایع نگاری خاص رسیده بود. وی در زبان و ادبیات عرب و سرودن شعر نیز ماهر بود. او در جوانی از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقة الشعراء (1615 -1614/ 3)، الذریعه (1015/ 9)، ریحانه (251/ 5)، طرائق الحقائق (277/ 3)، سفینة المحمود (295 -294/ 1)، فرهنگ سخنوران (824)، مجمع الفصحا (988 -987/ 5)، مصطبه‌ی خراب (169 -168)، نگارستان (130 -129).

مخبرالسلطنه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مخبرالسلطنه (حاج مخبرالسلطنه) مهدیقلی میرزا. از خاندان معروف هدایت و از بستگان رضاقلی‌خان هدایت است. وی از مطلعان تاریخ و فرهنگ ایران بود و در سیاست به مناصب عالی رسید. آثار بسیاری از خود بجا گذاشت که عبارتند از:
1- فوائد الترجمان در تعلیم زبان فرانسه در دو جلد. 2- تحفةالافاق در تاریخ و جغرافیا، سیاست و اقتصاد اروپا. 3- گزارش ایران باستان یا تحقیقی در سلسله‌ی کیان. 4- مجمع‌الادوار در علم موسیقی 5- افکار امم در تحقیق مذاهب و تطبیق آن با حکمت. 6- سفرنامه‌ی گرد کره از طریق چین و ژاپن به عزم زیارت بیت‌اللّه. 7- خاطرات و خطرات. وی تا آخر عمرش که 1334 شمسی می‌باشد مشغول تألیف و تصنیف بوده است.
حاج مخبرالسلطنه در سال 1305 شمسی وزیر فوائد عامه گردید. در اردیبهشت 1306 به ریاست عالی دیوان تمیز منصوب شد و در خرداد 1306 برای اولین بار به نخست‌وزیری برگزیده شد و در دیماه 1309 مجدداً نخست‌وزیر گردید. وی در چهارشنبه 22 شهریور 1334 شمسی درگذشت.
حاج مخبرالسلطنه هدایت، از رجال سیاسی بود که پیش از این‌که خود به سیاست و پرداختن به آن علاقه داشته باشد، به موسیقی تمایل داشت ولی جو نامساعد و حال و هوای دوران زندگی او، هدایت را به طرف سیاست سوق داد ولی هیچگاه این مرد از عشق و علاقه خویش که همان موسیقی بود، دست نکشید و در هر فرصتی که به دست می‌آورد به سوی آن می‌رفت.
حاج مخبرالسلطنه هدایت به خط نت آشنایی کامل داشت به همین سبب دو کتاب موسیقی از وی به رشته تحریر درآمده و از او به یادگار مانده است، هدایت بیشتر با سید مهدی دبیری و دکتر صلحی مأنوس بود.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

مختار

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. هنرمند دوره‌ی ناصری است. تنها اثر وی قلمدان گل و مرغی زیبایی است که بر رویه آن، دو پرنده تنها جلب نظر می‌کند و رقم «کمترین مختار» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1139/ 3).

مدائنی

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ال...) ابوالحسن علی بن محمد (و. 135 ه.ق- ف. 225 ه.ق) از شاگردان معمر بن اشعث متکلم، ادیب و مورخ بود او را تألیفات بسیار است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدنی ثانی

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نافع بن عبدالرحمن بن ابی‌نعیم تابعی اصفهانی مکنی به ابوالحسن یا ابوعبداللّه یا ابونعیم یا ابوعبدالرحمن یا ابورویم و مشهور به مدنی ثانی (ف. 159 تا 169 ه.ق) یکی از قراء سبعه بوده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدنی‌مقدم، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم، مؤلف.
تولد: 1322 (دی)، رشت.
درگذشت: اسفند 1365، آلمان.
دکتر رضا مدنی‌مقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا سال پنجم در شهر رشت گذرانید. پس از اخذ دیپلم به سال 1342 در تهران، چهار سال به شغل آموزگاری در شهریار و اطراف کرج پرداخت. در سال 1347 به آلمان سفر کرد و در دانشگاه اشتوتگارت به تحصیل پرداخت. در سال 1979 به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس و مهندسی در رشته‌ی معماری نایل آمد و در ژوئیه 1985 موفق به گذراندن درجه‌ی دکترای معماری از دانشگاه مزبور گردانید و کمی بعد به عنوان استادیار دانشکده‌ی معماری آن دانشگاه برگزیده شد.
تخصص وی گرچه در رشته‌ی معماری و مهندسی ساختمان بود اما به سبب علاقه‌اش به ایران و گیلان اوقات فراغت را به پژوهش و ترجمه و نگارش در زمینه‌ی ایران‌شناسی مشغول بود. از جمله عنوان‌هایی که از وی به چاپ رسیده است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: فرمانروایان گیلان (مجموعه چهار گفتار پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان، تألیف ه. ل. رابینو با همکاری م. پ. جکتاجی، رشت، 1364)؛ کتابی درباره‌ی معماری بومی گیلان به زبان آلمانی (این کتاب در واقع پایان‌نامه‌ی دکترای وی بوده است که در اشتوتگارت به سال 1986 منتشر شد)؛ مقاله‌هایی که در یادگارنامه‌ی ابراهیم فخرایی (تهران، 1363)؛ و مجله «آینده» به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مذهب اصفهانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1293 ق)، مذهب، نقاش، قلمدان‌ساز و خطاط. از شاگردان سید ابوالقاسم حسینی مذهب باشی اصفهانی بود و شیوه‌ی وی را پیروی می‌نمود. میرزا محمدتقی علاوه بر هنر تذهیب و مراحل مختلف آن، در تصویرسازی و چهره‌پردازی نیز مهارت داشت. عمده کار این استاد، تهیه جلد و قاب آینه و قلمدان و سایر کارهای روغنی بود که در کارگاه هنری مخصوص خود عمل می‌آورد. سمت سرپرستی استادان کارگاه بر عهده‌ی این هنرمند بود و پرداخت و اصلاحات پایانی را خود انجام می‌داد. او خط نسخ و رقاع را نیز خوش می‌نوشت و آثارش را به خطوط زیبا ترقیم می‌کرد. از آثار وی: جلد قرآن ممتازی که با گلهای افشان تذهیب و تشعیر شده، با رقم: «نقل من... سید ابوالقاسم مذهب باشی، عن العبد محمدتقی مذهب سنه 1278»؛ قاب آینه‌ی بسیار استادانه‌ای که تصاویر دختران را بر روی آن نقاشی کرده و کناره‌ها و حواشی را به تذهیب و تشعیر عالی آرایش داده، با رقم: «راقمه محمدتقی مذهب الاصفهانی 1281»؛ قاب روغنی قرآنی که در کمال زیبایی عمل آمده و جامع اقسام شیوه‌های تذهیب کاری در نقوش اسلیمی و سایر مراحل تذهیب است و به خط رقاع استادانه‌ای درج شده: «رقم میرزا محمدتقی مذهب 1293». سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (674 -673/ 2).

مذهب اصفهانی، محمدحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مذهب و قلمدان‌ساز. نواده‌ی آقا ابوطالب مدرس بود. وی تذهیب را نزد آقا محمدجواد مذهب آموخت و در این هنر مشهور شد. محمدحسین ابری‌سازی و قلمدان‌سازی را خوب می‌دانست و در حل کاری و زرینه‌سازی و نقوش اسلیمی و سایر مراحل فنون طلاکاری نیز استاد شیرین قلمی به شمار می‌آمد. آثار رقم‌دار وی مشاهده نشده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (708/ 2)، هنر قلمدان (137).

مذهب باشی شیرازی، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش، مذهب و قلمدان‌ساز. هنرمند ماهر شیرازی بود که از طرف ناصرالدین شاه مفتخر به لقب مذهب‌باشی شد. وی در تمام شیوه‌های طلاکاری و تذهیب و تشعیر و افشان و حل‌کاری و ترصیع الوان سرلوحها، استادی تمام عیار بود. همچنین در آبرنگ و قلمدان و جلدسازی نیز استاد بود و در گل و مرغ و تصویر و شبیه‌پردازی دستی موزون داشت. از آثار وی، قلمدان زیبایی که در انواع شیوه‌های طلاکاری تصویر شده و در وسط رویه آن، گل و مرغ جلب نظر می‌کند و در کناره‌ها رقم «یا وهاب 1271» دارد؛ تذهیب و آرایش قرآنی که به خط میرعلی کاتب شیرازی است، با رقم: «قد فرغ من تذهیب القرآن... عبدالوهاب 1277»؛ جلد قرآنی با تذهیبهای انبوه و افشان گل گشنیزی که در حواشی کناره‌ها،نقوش اسلیمی جلوه‌گر است، با رقم: «ذهبه العبد المذنب عبدالوهاب 1282»؛ قلمدانی که به انواع نقوش اسلیمی ترصیع و تذهیب شده و در وسط رویه آن، دسته گل الوانی به نازک‌قلمی تصویر گشته و در کناره‌ها رقم «یا وهاب 1289» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (352 -351 / 1)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (134).

مذهب باشی شیرازی، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1298 ق)، مذهب، قلمدان‌ساز و خطاط. مذهب باشی شیراز بود و در تذهیب و زرافشانی و حل کاری مهارت داشت. او در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی نیز قوی دست بود و همچنین انواع خطوط را خوش می‌نوشت. علینقی شیرازی، خوشنویس معروف، برادر کهتر وی بود. از آثار او: قلمدان پرمایه‌ای در زمینه‌ی مشکی که گلهای طلایی کم‌نظیری بر روی آن نقش بسته و حواشی و کناره‌ها نیز حل کاری شده است، با: «رقم احقر عبادالله محمود مذهب باشی 1280»؛ جلد طلایی و مذهبی که در زمینه مشکی تذهیب شده و دارای رقم «مذهب باشی» است؛ قلمدان مذهب و حل کاری شده که بر رویه و وسط آن تصویر زن جوانی است و کناره‌ها نیز، گل و مرغ و سایر گلهای تزیینی دارد، با: «رقم احقر عبادالله محمود مذهب باشی سنه 1298» .
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (548)، احوال و آثار نقاشان (1118 -1117/ 3)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (162).

مرادی نسب، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین مرادی نسب
محل تولد : سمنان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب حسین مرادی نسب در سال 57 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی که زیر نظر شهیدان قدوسی و بهشتی بود مشغول تحصیل شدم . دوره مقدماتی و دوره سطح و کفایه و مکاسب را در آنجا گذراندم که از محضر اساتیدی بزرگ همچون آقایان آیت الله استادی ، مصلحی (قدس سره) و بحرینی بهره بردم . و در دروس خارج اصول و فقه آقایان حضرات آیات مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی ، نوری همدانی ، سبحانی و تبریزی شرکت کردم ؛ در ضمن در دوره تربیت مربی کودکان که از طرف دفتر تبلیغات اسلامی برگزار می شد شرکت کردم و چون علاقه به تاریخ اسلام داشتم در این حوزه فعالیت خود را آغاز کردم و در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دوره آموزشی و پژوهشی را گذراندم و در پایان نامه خود را تحت عنوان نقد و بررسی متن مغازی موسی بن عقبه (م 141) دفاع کردم ؛ این پایان نامه در سال 80 رتبه برتر پژوهشی از طرف دبیرخانه ارشاد و فرهنگ اسلامی شناخته شد .

مرزبانی بغدادی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(384/ 378/ 371 -297/ 296/ 287 ق)، محدث، اخباری، مورخ و ادیب معتزلی. معروف به کاتب مرزبانی. اصلش از خراسان است و در بغداد به دنیا آمد. او را جاحظ زمانش خوانده‌اند. در حدیث ثقه بود و معتزلی، اما گفته‌اند که به تشیع نیز گرایش داشت و نیز گفته‌اند که او اولین کسی است که «دیوان» یزید بن معاویة بن ابی‌سفیان را جمع‌آوری و تدوین نمود. از ابوالقاسم عبداللّٰه بن محمد بغوی و ابوحامد محمد بن هارون حضروی و احمد بن سلیمان طوسی و ابوبکر بن درید و ابوعبداللّٰه نفطویه و ابوبکر محمد بن قاسم انباری و ابوبکر ابن ابی‌داوود سجستانی و از همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبداللّٰه صیمری و ابوالقاسم تنوخی و علی بن ایوب قمی و ابومحمد حسن بن علی جوهری و محمد بن مظفر دقاق و عتیقی و دیگران از وی حدیث شنیدند. به گفته‌ی ابوعلی فارسی نحوی مرزبانی از محاسن دنیا بود و عضدالدوله با تمام عظمتش بر در خانه او می‌ایستاد تا او از منزل خارج شود. خانه او مجمع فضلا و ادیبان بود. گفته‌اند که او اولین واضع علم بیان بوده است و نیز گفته شده که او از مشایخ شیخ مفید است. در بغداد درگذشت. ابوبکر خوارزمی فقیه بر او نماز گزارد و در منزلش، در قسمت شرقی، در محله عمر رومی دفن شد. او در فنون مختلف علوم اسلامی تصنیفات و تألیفات بسیاری نگاشت. از آثارش: «اخبار الشعراء»، که عده‌ای آن را با «اخبار الشعراء المحدثین» یکی دانسته‌اند؛ «معجم الشعراء»، شامل پنج هزار اسم، در هزار برگ؛ «اخبار المعتزلة»؛ «تلقیح العقول»؛ «الریاض»؛ «الازمنة»، در هزار برگ؛ «الاوائل»، در حدود هزار برگ؛ «الدعاء»؛ «المعلی فی فضائل القرآن»؛ «ذم الدنیا»؛ «الشباب و الشیب»؛ «کتاب الشعر»؛ «اشعار النساء»؛ «اشعار الخلفاء»؛ «الزهد و اخبار الزهاد»؛ «الفرج»؛ «العبادة»؛ «اخبار المحتضرین»؛ «المراثی»؛ «المغازی»؛ «الهدایا»؛ «نسخ العهود الی القضاة»؛ «المدیح فی الولائم و الدعوات»؛ «اخبار النحاة»؛ «اخبارالمتکلمین»؛ «شعراء الشیعه»؛ کتاب «ما نزل من القرآن فی علی (ع)»؛ کتاب «المفصل»، در علم بیان.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (7/ 210)، اعیان الشیعه (33/ 10)، انساب سمعانی (257 -256/ 5)، ایضاح الکمنون (80/ 2)، تاریخ الاسلام (حوادث

95) 87 -86/ 400 -381)، تاريخ بغداد (136 -135/ 3)، تأسيس الشيعه (94-)، الذريعه (162/ 25 ،147/ 24 ،290 ،218 -217/ 21 ،250/ 20 ،192/ 14 ،23/ 13 ،314/ 11 ،429/ 4 ،472 -471/ 2 ،531 ،336 -335/ 1)، روضات الجنات (323 -322/ 7)، ريحانه (283 -282/ 5)، سير النبلاء (449 -447/ 16)، شذرات الذهب (112 -111/ 3)، العبر (166 -165/ 2)، فوائد الرضوية (588)، الفهرست لابن النديم (193 -190)، الكامل (167 -166/ 7)، كشف الظنون (1734 ،1106)، الكنى و الالقاب (179 -177/ 3)، لسان الميزان (427 -426/ 6)، معجم الادباء (272 -268/ 18 ،47/ 1)، معجم المؤلفين (98 -97/ 11)، المنتظم (26/ 9)، الاعتدال (641 -640/ 3)، النجوم الزاهرة (170/ 4)، الوافى بالوفيات (237 -235/ 4)، وفيات الاعيان (356 -354/ 4)، هدية الاحباب (238)، هدية العارفين (54/ 2).

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1411 -1318/ 1315 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در 1342 ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللّه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللّه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللّه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبة المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلة»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛

«مصباح الهدایة فی شوارع الکفایة»، که حاشیه مختصر بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمة التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایة»، در شرح «الکفایة»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیة»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[1]
یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.
اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.
در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر 1318 قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.
شرف تتابع کابر عن کابر
کالرمح انبوب علی انبوب
نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.
ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه 11 و علماء معاصرین صفحه 217 و آثارالحجه جلد 2 صفحه 46 و معارف الرجال جلد دوم صفحه 268 و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه 108 طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه

847 و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.
علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.
و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنک حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.
در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.
انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران
بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری
بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.
اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایة حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال 1342 ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال 1343 قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال 1393 هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

1- السید حسن صدر کاظمین 2- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان 3- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار 4- السید محسن الامین الشامی 5- السید ابوالقاسم الدهکردی 6- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه 8- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء 8- الشیخ هادی آل کاشف

الغطاء 9- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء 10- الشیخ محمدجواد البلاغی 11- الشیخ محمداسماعیل محلاتی 12- السید جعفر آل بحرالعلوم 13- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی 14- المیرزا محمد العسکری التهرانی 15- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی 16- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی 17- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی 18- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری 19- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی 20- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.
آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:
1- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.
2- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.
3- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده 4- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی 5- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.
6- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) 7- المعول فی امر المطول.
8- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر 9- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.
10- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین

کتب در انساب است در چند مجلد.
11- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.
12- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند 13- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.
14- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.
15- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر 1- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند 2- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند 3- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.
مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.
تولد: 1276(20 صفر 1315 ق.)، نجف اشرف.
درگذشت: 7 شهریور 1369(7 صفر 1412 ق.) قم.
آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغار کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبةالدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نمعت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و

حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختیایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبةالدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.
آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.
آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم 1342 از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.
آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.
آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در 1380 ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در

اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.
آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمدة المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایة فی معاضل الکفایة، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلة الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایة القوی، سلوة الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، 1374).
از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت 1500 متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای 3500 متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان 1349 با حدود 16000 جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت 2400 متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید 16000 متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از 120000 جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.
این کتابخانه (تا سال 1374) نزدیک به 500000 جلد کتاب چاپی، 35000 مجلد با 50000 عنوان نسخه خطی، بیش از 20000 جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به 5000 جلد نسخه عکسی، حدود 8000 میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.
آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و

انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر 1412 برابر با هفتم شهریور ماه 1369 در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (181 -177)، الذریعه (204/ 23 /276، 21 /376، 20 /355، 264/ 18، 186/ 16، 88/ 15، 215، 140/ 12، 378/ 6، 260/ 2)، ریحانه (134 -129/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 848 -847/ 14)، علماء معاصرین (219 -217)، گلزار معانی (702 -695)، گنجینه‌ی دانشمندان (52 -37/ 2، 215 -211، 56 -51/ 1)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1190 -1189/ 3).

مروجی طبسی، محمدمحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد محسن مروجی طبسی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1360/1/1

زندگینامه علمی
پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .
مدرسه علمیّه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .
قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .
در سال 1376 اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام "خدیجه مادر امت" شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند "پیامبران ناشناخته" که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و

مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .
درسال 1381 ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان "علی امام قرنها" برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام "علی نخستین مسلمان" ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .
در سال 1382 و 1383 نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان "نهج البلاغه آشنای غریب" و "خورشید نیزه ها" برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آیینه پژوهش به چاپ رسید .
در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروزی، ابومعاذ فضل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 211 ق)، محدث، نحوی و مقری. از عبداللَّه بن مبارک و داوود بن ابی‌هند و عبید بن سلیم/ سلیمان روایت کرد. اهل مرو و محمد بن علی بن حسن بن شقیق از وی روایت کرده‌اند. ابومنصور ازهری در کتاب «تهذیب اللغة» خود از وی بسیار روایت کرده است. از آثارش کتاب «القراآت»، در قرآن است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (77)، الثقات (5/ 9)، طبقات المفسرین داودی (29 -28/ 2)، کشف الظنون (1449)، معجم الادباء (214/ 16)، معجم المؤلفین (67/ 8).

مریجی، شمس الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شمس الله مریجی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
حقیر پس از اخذ دیپلم تجربی و اتمام نظام وظیفه سال 1366 در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم پذیرفته شده و وارد مدرسه امام علی علیه السلام شدم مقدمات را نزد اساتید بزرگواری چون حجج اسلام مرتضی آقا تهرانی ، محسن غرویان ، حسینی ، متقی و طالقانی تلمذ نمودم و سال 1378 لمعه را نزد اساتید بزرگوار اشتهاردی ، طالقانی ، سعیدی ، و اصول فقه را نزد حجه الاسلام حسینی بوشهری خواندم و پس از سه سال سطح را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات طاهری خرم آبادی ، نکونام ، بوشهری ، اعتمادی ، مرحوم پایانی و ستوده و ... به اتمام رسانده و از سال 1371 در درس خارج اصول به مدت 7 سال (یک دوره کامل) از محضر آیت الله سبحانی کسب فیض نمودم و پنج سال در خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) تلمذ نموده و پس از آن در حال حاضر بمدت هفت سال نیز از محضر آیت الله جوادی آملی بهره می گیرم .
همزمان با تحصیل در علوم حوزوی ، از سال 1370 وارد موسسه در راه حق شده و از علوم جدید نیز بهره گرفتم و تا سال 1380 دو دوره کارشناسی ارشد دردو رشته معارف و جامعه شناسی گذراندم و در حال حاضر نیز دوره دکتری یا سطح 4 اندیشه معاصر مسلمین در موسسه باقر العلوم (ع) مشغول می باشم .
از سال 1376 وارد عرصه تدریس در دانشگاه های دولتی و آزاد در تهران و قم شدم . علاوه بر تدریس در دانشگاه ها ، در مراکز تخصصی حوزه نیز تدریس داشته و دارم که برخی از آنها عبارتند از موسسه امام خمینی(ره) که هم اکنون نیز مشغولم ، موسسه باقر العلوم علیه السلام ، تخصصی تبلیغ ، تاریخ و مرکز جهانی .
عناوینی که تدریس کرده و می کنم :

در رشته جامعه شناسی : مبانی جامعه شناسی ، تغییرات اجتماعی ، جامعه شناسی تبلیغ ، جامعه شناسی ارتباطات ، جامعه شناسی انقلاب ، جامعه شناسی تاریخی .
در رشته معارف : معارف اسلامی 1 و 2 ، کلام قدیم ، شبهات کلامی .
همچنین در دوره های طرح ولایت دانشجویی که در تابستان ها تشکیل می گردد تدریس می کنم .

مستعلی زرگر خراسانی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1012 ق)، طراح فلزات. نگارگر و زرگر نقوش بر روی نقره و طلا و سایر فلزات سخت بود. تنها اثر گرانقدر وی، تزیین و آرایش الواح زرین دور ضریح صحن مبارک حضرت امام رضا علیه‌السلام، در مشهد است که خطوط آنت وسط علیرضا عباسی کتابت شده و پیرایش و پرداخت و عمل آوردن آن بر عهده‌ی مستعلی زرگر بوده است، با رقم: «عمل کلب رضا مستعلی 1012».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1147/ 3)، گلستان هنر (126).

مستوفی قزوینی، حمدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 750 ق)، مورخ و شاعر. وی از یک خاندان کهن مستوفیان در قزوین متولد شد. پدر حمداللّه به عنوان مستوفی در دستگاه ایلخانان خدمت می‌کرد و به همین دلیل مستوفی لقب گرفتند. او از آغاز جوانی بنابر سیرت آباء و اجداد به خدمت دیوانی اشتغال داشت، ابتدا به خدمت خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه درآمد و به امر کتابت مشغول شد. حمداللّه در سال 711 ق حاکم و مستوفی ابهر و زنجان و طارم شد و پس از قتل خواجه رشیدالدین فضل‌اللّه، در سلک ملازمان خواجه غیاث‌الدین محمد فرزند خلف وزیر مقتول، درآمد و تا سال 736 ق در خدمت وی باقی بود تا آن بزرگوار نیز به قتل رسید. سفرهایی به تبریز و بغداد و شیراز و اصفهان کرد و در قزوین درگذشت. از او سه اثر معتبر باقی است: «تاریخ گزیده»؛ «نزهه القلوب»؛ منظومه‌ی معروف «ظفر نامه» که مشتمل بر هفتاد و پنج هزار بیت است.[1]
مستوفی مورخ و جغرافی‌دان معروف (ف. 750 ه.ق.). وی از نژاد عرب بود و سلسله نسب خود را به حر بن یزید ریاحی میرسانید، ولی افراد خاندان او سالیان دراز در قزوین سکونت داشتند. وی صحبت دانشمندان را درک می‌کرد و مخصوصا از مصاحبت رشیدالدین در مباحث علمی خاصه تاریخ بهره‌مند می‌شد. آثار او عبارتست از: تاریخ گزیده (730)، ظفرنامه به سیاق شاهنامه (735) و نزهة القلوب (740)، آرامگاه وی در قزوین است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] از سعدی تا جامی (142 -125)، اعیان الشیعه (225/6)، تاریخ ادبیات در ایران (1280 -1276 /3)، تاریخ در ایران (141 -139)، تاریخ گزیده (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (144)، حبیب السیر (221/3)، دایرةالمعارف فارسی (865/1)، الذریعه (120/24، 199/15، 281/3،)، روضات الجنات (154/8)، ریحانه (307 -306 /5)، سرآمدان فرهنگ (319/1)، شخصیتهای نامی (169 -168)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 186، 64 -63 /8)، فرهنگ سخنوران (277)، کارنامه‌ی بزرگان (219 -218)، کشف الظنون (1945، 1474، 1120)، گنجینه‌ی آثار قم (116، 111، 75، 72 /1)، لغت نامه (ذیل/ حمداللّه)، مجله دانشکده مشهد (س 3، ش 1، ص 93)، مولفین کتب چاپی (958 -957 /2)، مینو در

(164 -160 /2)، هفت اقلیم (161 -160 /3)، یادداشتهای قزوینی (950/4).

مسعودی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسین علی بن حسین مورخ بزرگ اوایل قرن چهارم (ف. 344 تا 346 ه.ق) از آثار وی «مروج‌الذهب» و «التنبیه والاشراف» (ه.م) را باید نام برد وی در سال 345 تا 346 ه. در فسطاط مصروفات نمود.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مسعودی کوهستانی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، مورخ. ساکن ماوراءالنهر بود و در دربار ابوالغازی سلطان عبداللطیف خان ازبک (959 -947 ق) می‌زیست و به فرمان این پادشاه کتابی به نام بنیان‌گذار این سلسله، ابوالخیر خان، تألیف نمود و نام آن را «تاریخ ابوالخیر خانی» نهاد. در این کتاب تاریخ عمومی، از خلقت تا سده‌ی دهم، با نثری مزین و آمیخته به نظم بیان شده، ولی هدف اصلی از تألیف آن ظاهرا بیان تاریخ سلاطین ازبک بوده است. داستانهای این کتاب شامل خلقت عالم، تاریخ پیامبران، خلفای راشدین، ائمه‌ی اثنی عشر (ع)، بنی‌امیه، بنی‌عباس، شاهان و سلسله‌های ایران، از کیومرث تا یزدگرد، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، چنگیزخان و جانشینان، هلوکو خان و جانشینان، جلایریان و سرگذشت ابوالخیر خان و سلسله‌ی ازبکان می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1554/ 5)، تاریخ نظم و نثر (355).

مسعودی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاشیکار.
تولد: 1290، تهران.
درگذشت: 26 آذر 1366، تهران.
علی‌اکبر مسعودی برای یادگیری معماری، رنگ، کاشی و خط، در سن سیزده سالگی مدرسه را رها کرد و مقدمات معماری سنتی تحت نظر پدر فرا گرفت و چندی نیز نزد عمویش استاد ابوالقاسم مقدمات کاشیکاری را آموخت و اندک اندک در کارگاه این دو استاد مشغول به کار شد. برخی از آثار گزیده‌ی این معمار هنرمند عبارتند از: اجرای طرح 21 کاسه‌ی شمسه‌آویز در سقف 7 ضرب 5 متری امامزاده محمد (ع) در جوار امامزاده یحیی (ع) در تهران؛ طرح و اجرای مقرنس مسجد حجت بن الحسن (ع) در خیابان سهروردی شمالی؛ طرح و اجرای سقف محراب مقرنس امامزاده حمزه (ع) در جوار مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) در شهر ری، طرح شمسه‌سازی و اجرای آن در مجلس شورای ملی سابق (میدان بهارستان). علی‌اکبر مسعودی علاوه بر هنر خود در معماری، در شعر نیز دستی داشت و به «معمار» تخلص می‌کرد.
علی‌اکبر مسعودی به سبب نارسایی قلبی و ریه در سن هفتاد و شش سالگی در تهران درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مسیبی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران آقای علی مسیبی در 26 بهمن سال 1347 دوش در فریدون شهر اصفهان پا به عرصه وجود نهاد. ولادتش در خانواده ای از نظر مادی اما با گرایشهای مذهبی بسیار قوی بود و این امر از همان اوان کودکی، زمینه رشد و پرورش قرآنی این کودک را فراهم نمود. صوت خوش پدر، نخستین گرایشهای علی مسیبی به تلاوت و صوت خوش قرآن بود تا آنکه روزی در کنار دکه کوچک نوار فروشی، تلاوتی زیبا با صوت دلنشین مرحوم عبدالباسط را شنید و او که کودکی 5 ساله بود چنان مجذوب شد که زندگی قرآنیش رقم خورد. آنچه که در سرگذشت قاریان بیش از هر چیز بارز است. نقش سرنوشت ساز خانواده و ایجاد جاذبه های قرآنی در کودکی بوده است. علی مسیبی که نخستین بارقه عشق به قرآن را از خانواده خود دریافته بود، از محضر استاد مرحوم مجتبی غضنفری نکات لازمه بسیار فراگرفت؛ او از همان ابتدا در جلسات هفتگی این استاد در مسجد قنات آباد حضور می یافت و دانسته های خویش را افزون می ساخت، آقای علی مسیبی در سن 11 سالگی تجوید، صوت و لحن و مقدماتی در زمینه صرف و نحو زبان عربی را از کتاب جامع المقدمات در محضر استاد مرحوم غضنفری فرا گرفت زیرا آگاهی به صرف و نحو زمینه لازمی برای فهم و درک ایات در هنگام تلاوت قرآن است.
دکتر مسیبی در سال 65 موفق به اخذ دیپلم تجربی شد و پس از آن به اتمام دوران سربازی در سال 69 در دانشگاه علوم پزشکی تهران در رشته پزشکی پذیرفته شد او پس از اتمام دوره تحصیلی در سال 76 مدرک دکترای عمومی را دریافت نمود و از مهرماه سال 77 در رشته دکترای تخصصی پوست مشغول به تحصیل شد. نخستین تلاوت رسمی در مسجد قنات آباد تقطه عطفی در زندگی مسیبی شد. زیرا او آن شب چنان مورد تشویق اساتید قرار گرفت که شور و حال زاید الوصفی وجود او را گرفته، و به ادامه این راه امیدوار ساخت.
آقای مسیبی معتقد است که تقلید در ابتدای کار امری بسیار لازم چرا که قاری اگر مقلد نباشد قادر به پیشرفت در کار خود نخواهد بود. از این رو باید از سبک مناسبی تقلید کرد تا خلاقیت لازم در تلاوت به دست آید او به قاریانی که در ابتدای راه هستند توصیه می کند که به فراگیری جنبه هایی مختلف قرآنی بپردازند و همراه با قرائت قرآن به یادگیری مفاهیم و دانسته هایی در زمینه های مختلف قرآن بپردازند زیرا از یک قاری برجسته

انتظار دریافت مفاهیم قرآن، انتظاری بجاست. دکتر مسیبی خود نیز علاوه بر تلاوت قرآن در خصوص علوم مختلف قرآنی، تفسیر و نهج البلاغه به مطالعه می پردازد و در این راستا از کتبی چون مثنوی معنوی، غزلیات مولانا و حافظ و سعدی بهره می گیرد آقای دکتر مسیبی در زمینه ورزش به پیاده روی و کوه نوردی علاقه بسیاری دارد و در زمینه آوازهای سنتی نیز تلاش کرده و به اجرای قطعاتی در این زمینه می پردازد.
دکتر مسیبی در سالهای 64 و 65 به کشور عربستان سفر نمود و در مسجد الحرام و مسجد النبی به تلاوت پرداخت و در هشتمین دوره مسابقات بین المللی قرآن در این کشور رتبه نخست را کسب نمود.
آقای مسیبی ضمن تلاوت در بسیاری از شهرهای کشور بارها در مسابقات مختلف قرآنی شرکت نموده و رتبه هایی را کسب کرده است. او در سال 63 در مسابقات قرآن ساتان تهران رتبه اول را کسب نمود و در شهرهای مختلف کشور به داوری مسابقات پرداخته است.
دکتر مسیبی زندگی خویش را با عشق قرآن عجین می داند. او قرآن را منشأ تمامی برکات زندگی فردی و اجتماعی خود دانسته و می گوید: الا بذکر الله تطمئن القلوب کلامی است که در مسیر زندگی قدرت، استقامت و اراده و آرامش را از آن دریافت نمودم.
دکتر مسیبی در برنامه های روزانه خود به حفظ آیاتی از قرآن، تلاوت قرآن و مطالعه اشاره دارد. او در دوران 8 سال دفاع مقدس بارها در مجامع مختلف رزمندگان اسلام در جبهه های جنوب کشور به تلاوت قرآن پرداخت او همچنین دوباره در سالهای 65 و 79 در حضور مقام معظم رهبری به تلاوت قرآن کریم پرداخته است. آقای مسیبی به ابتهال و تواشیع نیز علاقه بسیاری داشته و در این جلسات از استاد قیم بهره ها برده است. او اشتیاق به شنیدن ابتهال را بزرگترین عامل یادگیری آوازها و موسیقی سنتی ایران می داند زیرا معتقد است که با یادگیری این گوشه ها می توان نعماتی را در ابتهال اجرا نمود. او از اساتید: عبدالباسط، مصطفی اسماعیل، و منشاوی به عنوان بزرگترین اساتید مصر یاد می کند و قاریان برتر حاضر در کشور مصر را استادان شعیشع و غلوش و عبدالعال می داند. منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net

مشحون، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موسیقیدان.
تولد: اردیبهشت 1285، تهران.
درگذشت: 28 خرداد 1359.
حسن مشحون پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا اعزام شد و پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین و اساتید دیگر بود. حسن مشحون، سه‌تار و تار می‌نواخت و کتاب تاریخ موسیقی ایران را در دو جلد منتشر کرد. وی تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه وانی در ایران نیز دارد. حسن مشحون در 28 خرداد 1359 درگذشت.
(1359 -1285 ش)، موسیقیدان، محقق و نویسنده. پدر و جدش از یاران نزدیک شیخ فضل‌اللّٰه نوری بودند. وی در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به دارالفنون رفت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. در 1313 ش دررشته‌ی تاریخ و جغرافیا، از دانشسرای عالی لیسانس گرفت و سپس به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. وی در دبیرستانهای البرز و دارالفنون سالها تدریس کرد و بعد از آن، چند سال در سمت مدیر کلی فرهنگ استان مازنداران، ریاست اداره‌ی محاکمات وزارت فرهنگ و مدیریت کل باستان شناسی بود، تا اینکه در 1347 ش از خدمت بازنشسته شد. مشحون دو سالی هم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس تاریخ موسیقی پرداخته بود. مشحون سه تار و تار را به خوبی می‌نواخت و گاهی شعر نیز می‌سرود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «تاریخ موسیقی ایران»، در دو جلد، که حاصل سی سال تحقیق و تلاش وی است؛ جزوه‌ای موسوم به «شرح حال و نمونه آثار شیخ محمود شبستری»؛ یک دوره کتاب درسی «تاریخ و جغرافیا»، برای دبیرستانها که به همراه دو تن از همکاران تألیف نمود؛ «تاریخ ایران و عرب تا دوره‌ی غزنویان»؛ «جغرافیای سیاسی ایران و آسیا و آفریقا»؛ «جغرافیای طبیعی ایران».[1]
حسن مشحون به سال 1285، در تهران متولد گردید، پس از تحصیلات

مقدماتی وارد مدرسه متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا، به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. وی از نخستین نفراتی بود که به اروپا برای تحصیل فرستاده شد.
حسن مشحون، پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود.
مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین بود و اساتید دیگری هم دیده بود. وی مردی بود محقق و موسیقی‌شناس و در چند سال اخیر، تنها کسی بود که تمام مشکلات اهل موسیقی را می‌دانست و حرف او سند بود، چنانچه اگر اختلافی بین موسیقی‌دانان در مورد گوشه‌ای از گوشه‌های متعدد و مهجور موسیقی ایرانی بروز می‌کرد، حرف حسن مشحون برای آنان حجت بود و هرچه راوی می‌گفت بدون هیچ بحث و سخنی می‌پذیرفتند.
شادروان حسن مشحون، سه‌تار و تار را به خوبی می‌نواختند و کتابی هم درباره‌ی تاریخ موسیقی نوشته که سی سال برای آن زحمت کشید و نیز تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه‌خوانی در ایران. حسن مشحون در خرداد ماه سال 1359 دار فانی را بدرود گفت، روانش شاد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ موسیقی ایران (1/ یازده- پانزده)، مردان موسیقی (175 -174/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (363 -635/ 2).

مشکور، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، زبان‌شناس.
تولد: 1297، محله سنگلج تهران.
درگذشت: 25 فروردین 1374، تهران.
محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال 1318 موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمدمهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی باستانی پرداخت وی از سال 1327 تا سال 1338 به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال 1332 به پاریس عزیمت کرد و در سال 1336 به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الاخاء» بود. در سال 1344 به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال 1353 به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال 1358 پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، 1318)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (1325)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجهه، 1326)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیة (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، 1333)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، 1233)؛ تاریخ

اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (1345)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (1347)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (1352)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (1349)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، 1337)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (1338)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیة و الفرق و اسماؤها و صنوف‌ها (1325)؛ کارنامه اردشیر بابکان (1329)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (1325)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (1337)؛ گفتاری درباره دینکرد (1325)؛ ایران در عهد باستان (1343)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (1350)؛ سیر اندیشه‌های دینی در ایران (1355)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (1357)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (1357)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (1371)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران ». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال 1350 منتشر شد، دارای مقاله بود.
پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی 88 (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.
(1374 -1297 ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاءالدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در 1318 ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایی‌های خود، شریعت سنگلجی و دو برادرش، آقا محمد و آقا محمدمهدی سنگلجی، و استادانی چون: علامه طباطبایی، علامه قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، بدایع‌الزمان فروزانفر، میرزا یداللّه نظر پاک، الهی قمشه‌ای و محمود شهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقدمات زبانهای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخدا در کار «لغت نامه» بود. در 1327 ش در دانشگاه تبریز تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی را تدریس می‌کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضر استادانی

چون حاج میرزا عبداللّه مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرندانی و غیره بهره جست. در 1332 ش برای گذراندن دوره‌ی دکترا به دانشگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، از قرن نهم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در 1336 ش موفق به اخذ مدرک دکترا در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی از 1340 تا 1344 ش مدیریت مجله‌ی «الاخاء» را به عهده داشت. در این بین او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه و ترکیه شرکت نمود و در 1352 ش با سمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیتهایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتوح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای: «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب نامه‌ی خلفاء و شهریاران» و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاجقه‌ی روم»؛ «کلمات حضرت محمد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2731 ،2654/ 2)، کلک (س 4، ش 47 و 48، ص 288 -277، س 5، ش 60، ص 376 -375)، کیهان فرهنگی (س 5، ش 2، ص 6 -1، س 5، ش 60، ص 376 -375)، مؤلفین کتب چاپی (425 -423/ 2)، نامه‌ی باستان (18 -11).

مشکینی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیة الله علی اکبر فیض معروف به مشکینی در سال 1300 هجری شمسی در روستایی از توابع بلوک مشکین شهر و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلنّی زندگی ساده ای داشت. او در کسوت روحانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیة الله مشکینی هنگامی که همراه با پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتب خانه رفت. هنوز بیش از دو سال از اقامت خانواده آیة الله مشکینی در نجف نگذشته بود که مادرش چشم از جهان فروبست. آیة الله مشکینی به همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مدتی پدر را نیز از دست داد. خود می گوید: " پس از فوت پدرم ما یتیم بودیم و هیچ چیز نداشتیم." ایشان با وجود سختی و مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شد و پس از اندکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال های سخت دوران یتیمی خویش می گوید: "با وجود همه سختی ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبوده لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یاس و ناامیدی نجات می داد." وی برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس در معیّت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سفارش پدرش برای تحصیل علم می گوید: "پدرم در آخرین لحظات عمرش تنها سفارشی که برای من کرد این بود که فرمود: پسرم! در روز قیامت به پیش من رو سیاه می آیی اگر احکام و عقاید و تفسیر را فرا نگرفته باشی." این بود که آیة الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشید و در این علوم نیز تبحر خاصی به دست آورد. او در حضور اساتید بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس

دوره سطح را به خوبی به پایان رساند و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود، حاضر شد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی(ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیة الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیة الله العظمی بروجردی (ره) و آیة الله العظمی محقق داماد(ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی(ره) شرکت جدی داشت. آیـة الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیة الله جوادی آملی و آیة الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیة الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسیر آیة الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: 1ـ اصطلاح الاصول 2ـ مصطلحات الفقه 3ـ الفقه الماثور (دوره فقه به طرزی نوین) 4ـ دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) 5ـ ازدواج در اسلام 6ـ المنافع العامه (شرح کتاب احیاءالموات شرایع) 7ـ مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) 8ـ المواعظ العددیه 9ـ واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) 10ـ قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) 11ـ ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی 12ـ الهدی الی موضوعات نهج البلاغه 13ـ المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) 14ـ واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) 15ـ تفسیر سوره (ص) 16ـ بحث تکامل از نظر قرآن 17ـ مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل 18ـ زمین و آنچه در آن است 19ـ تقلید چیست؟ 20ـ رساله خمس 21ـ حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروةالوثقی 22ـ نهج البلاغه موضوعی 23ـ تحریرالمواعظ

24ـ تحریرالمعالم 25ـ الرسائل الجدیده 26ـ تلخیص المکاسب (در دست چاپ) 27ـ تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) 28ـ ترجمه و شرح فارسی سه کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروة الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است.
فعالیت‌های سیاسی :
زندگی آیة الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی(ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا 48 ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و 15 ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه 27 نفر از اساتید و فضلای حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیة الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام(ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام(ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشهدی، محمد زمان

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1051 ق)، نقاش و طراح فلزات. اهل مشهد و نگارگر روی فلزات سخت و سازنده‌ی اسطرلابها و کرات جغرافیایی بود. وی در هیئت افلاک نیز اطلاعات جامعی داشته و صنعت اسطرلاب را به خوبی می‌دانسته است. از آثار رقم‌دار وی، کره‌ی جغرافیایی دقیقی است که علائم کواکب و رئوس سلسله، بر آن نقش بسته و رقم «محمد زمان در مشهد 1051» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (824/ 2).

مشیرفراهی، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر مشیرفراهی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/31
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد جعفر مشیر فراهی فرزند سیّد حسن در تاریخ 31/ 1 / 40 ه. ش مطابق با 4 ذی القعده الحرام 1380 ه. ق در شهر مقدّس مشهد متولد شدم . در 5 ماهگی پدرم مرحوم آیت الله مشیر را که از نوادگان مشاور التولیه آستان قدس رضوی بود ، از دست دادم . در سال 1358 موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم . از سال 56 تفکرات سیاسی و ضد شاهی در من شکل گرفت و در انقلاب ، شرکت فعّالانه داشتم . در سال60 به خدمت سربازی رفته و پس از 5/8 ماه از خدمت معاف شدم . حدود 7 ماه در جبهه ها حضور رزمی، تبلیغی داشتم در سال 61 وارد حوزه علمیه شده و دروس حوزه را تا سطح خارج ادامه دادم (3 سال درس خارج) و از اساتیدی نظیر آیت الله صالحی ، فقیه سبزواری ، واعظی ، مرتضوی ، رضا زاده و مرحوم فلسفی بهره مند شدم و اکنون مدرس دروس سطوح (لمعه) هستم . در سال 63 وارد آموزش و پرورش شده و در رشته مربی پرورشی به فعالیت پرداختم و در سال 71 وارد دانشگاه فردوسی مشهد شده و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم (1379) در برخی از مراکز تربیت معلم و سازمان تبلیغات اسلامی در رشته جامعه شناسی تدریس داشتم و هم اکنون در مراکز پیش دانشگاهی مشغول تدریس در حوزه علوم اجتماعی هستم .

مصدق رشتی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علی اصغر مصدق رشتی در سال 1324 در شهر مقدس مشهد بدنیا آمد.تحصیلات خود را در رشته تاریخ پی گرفت و موفق به اخد مدرک دکتری رشته مذکور از دانشگاه سوربن پاریس در سال 1359 شد.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: دیپلم: ادبی / 1343 / مشهد کارشناسی: تاریخ / 1350 / مشهد / دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد: تاریخ / 1353 / کان (فرانسه) دکتری: تاریخ / 1359 / پاریس / دانشگاه سوربن
همسر و فرزندان : دکتر علی اصغر مصدق رشتی متاهل و دارای دو فرزند می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر مصدق رشتی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی همچنین مدیریت گروه تاریخ دانشگاه مذکرو را برعهده دارد.
فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی علی اصغر مصدق رشتی به ترتیب زیر است: تدریس در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس در دانشگاه تهران بمدت سه سال تدریس در دانشگاه تربیت معلم تهران بمدت سه سال تدریس در مرکز باقرالعلوم (حوزه قم)
آرا و گرایشهای خاص : زمینه های تحقیقاتی فعلِی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: تاریخ ایران در قرن سیز دهم هجری تا آغاز مشروطیت روش تحقیق در تاریخ
چگونگی عرضه آثار : مقالات و کتابها: خاندان نجم یزدی در مجله studia iranica صادرات و واردات بوشهر نیمه اول قرن نوز دهم فرانسه مقدمه ای بر تثبیت حکومت قاجارها انگلستان- دانشگاه کمبریج(مطالعات ایرانشناسی)

مصنف مریوانی، ابوبکر

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1014 ق)، فقیه شافعی و مورخ. وی از فقهای شافعی کرد بود که به جهت کثرت تصانیف به مصنف معروف گردید. مدتی در مدینه ساکن بود. او در چور از قرای مریوان درگذشت. از آثارش: «طبقات الشافعیة»، معروف به «طبقات المصنف»، در فقه؛ شرح «المحرر» رافعی قزوینی، در فروع فقه شافعی، در سه جلد؛ «سراج الطریق»، به فارسی؛ «ریاض الخلود»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (46/ 2)، کشف الظنون (1613)، معجم المؤلفین (77/ 3).

مصور اصفهانی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1350 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا درگذشت. وی در قلمدان‌سازی و آبرنگ و در رنگ و روغن و تذهیب‌کاری مهارت داشت. از آثار او: تصویر حضرت علی (ع) به رنگ و روغن، با رقم: «عبدالله مصور 1330»؛ قلمدان جعبه‌ای که در رویه آن و رد داخل مدالیونهای متعدد، تصاویری از عرفا و دراویش را تصویر کرده و کناره‌ها را با مناظر دریا و کوه و دشت و صحرا آرایش داده و رقم گذاشته است: «رقم عبدالله مصور»؛ منظره‌ی غدیرخم که پیامبر اکرم (ص) روی چند جمازه‌ی شتر رفته و حضرت علی (ع) را به جماعت مؤمنین معرفی می‌نماید، با رقم: «کمترین عبدالله مصور اصفهانی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (315 -314 / 1).

مصور مشهدی، علیقلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1227 ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و شاعر، متخلص به مصور. وی در تهران به دنیا آمد و در مشهد سکنی گزید. مصور در فن نقاشی و شبیه‌سازی مهارت داشت و قلمدان و قاب آینه نیز می‌ساخت. او همچنین دارای طبع شعر بود و بعضی از اشعارش در تذکره‌ها بر جای مانده است. صاحب عنوان تا 1294 ق در قید حیات بود. از آثار وی تصویر پیرمرد چوپانی به آبرنگ است که به عصایی تکیه داده و چند گوسفند را مراقبت می‌کند، با رقم: «عمل علی مصور تخلص»؛ قلمدان زیبایی، با تاریخ 1294 ق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1473، 1164/ 3، 399/ 1)، حدیقة الشعراء (1662 -1660/ 3)، الذریعه (1057 -1056/ 9)، گنج شایگان (432 -426)، المآثر و الآثار (214)، مجمع الفصحا (952/ 5)، هنر قلمدان (138 -137).

مطهری، حمیدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید رضا مطهری
محل تولد : نهاوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب حمیدرضا مطهری فرزند علی‌محمد تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود (نهاوند) گذرانده و در سال 1367 برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از به پایان بردن دروس سطح، خارج فقه و اصول را به مدت چندین سال از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و تبریزی فراگرفتم.همزمان با تحصیل علوم حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز توجه داشته و از طریق آزمون سراسری دانشگاه‌ها در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم(ع) پذیرفته شدم.
پس از اخذ مدرک کارشناسی بلافاصله در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران پذیرفته شده و فوق لیسانس را از این دانشگاه دریافت کردم وعلاوه بر تحصیل به تحقیق و پژوهش و تدریس نیز اشتغال داشته ام.

مطیر، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خادم نشر.
تولد: 1302، تهران.
درگذشت: 7 بهمن 1356، تهران.
محمود مطیر چاپ بهمن را در سال 1327 با چند گارسه و چند ماشین چاپ کوچک در گوشه‌ای از خانه پدری خود(رو به روی کوچه آبشار خیابان ری) تأسیس کرد. نزدیک به یک صد کتاب از مجموعه انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در چاپخانه‌ی بهمن صورت گرفت. «راهنمای کتاب» از اولین شماره‌ی آن تا آخرین شماره‌ی سال بیست و یکم در اسفند 1357 در همین چاپخانه چاپ می‌شد. کتابهای انجمن آثار ملی نیز در چاپخانه‌ی بهمن به چاپ رسید. کارهای نظام پزشکی و بخشی از کارهای مؤسسه‌ی انتشارات امیر کبیر را نیز چاپ بهمن انجام می‌داد. از فعالیت‌های دیگر این چاپخانه، چاپ «یغما»، برای مدت پانزده سال بود. مطیر در این کار کمک بسیاری به حبیب یغمایی می‌کرد. نمونه‌های غلطگیری را خود به منزل یغمایی می‌برد.
محمود مطیر بعدها از اعضای مؤثر اتحادیه‌ی چاپخانه‌ها شد. همچنین یکی از پایه‌گذاران شرکت کتاب‌های درسی و و شرکت انتشارات خوارزمی بود.
به این ترتیب سرگذشت مطیر با گوشه‌ای از تاریخ چاپ و کتاب درسی ایران قرین شده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مظاهری، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1293.
درگذشت: 1370.
از آثار اوست: خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام (با مقدمه پل فوکونه و حامد فولادوند، ترجمه عبدالله توکل؛ تهران، 1373).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معرفت، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خادم نشر.
تولد: 1300.
درگذشت: اوایل مهر 1360.
حسن معرفت، فرزند شیخ محمدتقی شیرازی، به تأسی از پدر خود کتابفروشی در شیراز افتتاح نمود. اما بعدها این کتابفروشی را به پدر خود واگذار نمود و به تهران آمد. ابتدا در خیابان ناصریه و بعدا در خیابان لاله‌زار کتابفروشی با مطبعه باز نمود، و به نشر کتاب اقدام کرد. از جمله وی اقدام به چاپ سلسله‌ای از کتب ترجمه‌ی اروپایی به نام «صد کتاب از صد نویسنده بزرگ» کرد. از آثار اوست: حافظ و سعدی در یکجا (1369 ق.)؛ روش ورزش با دمبل؛ زبده غزلیات حافظ از روی نسخه‌ی قزوینی؛ زبده‌ی غزلیات سعدی از روی نسخه‌ی قزوینی (1322)؛ فر فروزنگ (1369 ق.)؛ فرهنگ انگلیسی به فارسی (1330) گلچین معرفت (مجموعه شعر)؛ گلچینی از شاهنامه‌ی فردوسی، مرغابی سیاه کوچولو.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معزی، حسام‌الدوله، نجفقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مورخ، مؤلف.
تولد: 1261، نجف.
درگذشت: اردیبهشت 1359.
نجفقلی حسام‌الدوله معزی، فرزند ابراهیم میرزا، تحصیلات خود را در انگلستان به پایان برد و در وزارت مالیه عضو بود. وی در دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی از ملایر و محلات نماینده بود. از آثار اوست: تاریخ روابط سیاسی ایران با ممالک اروپایی. وی به زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسوی آشنایی پرداخت. تألیفات دیگر او عبارتند از تاریخ راه‌سازی در ایران، راز کامیابی ژاپن، عالم حیوانات یا کلید دام و دد، دره‌ی نجفی (مشتمل بر سه فن عروض و قافیه و بدیع) وی کتاب‌های دیگری را از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و نشر کرده است: تاریخ آمریکا، تاریخ انگلیس، تاریخ روسیه، زندگی پطر کبیر، زندگی فردریک، زندگی ژوزفین و ناپلئون.
وی در سال 1354 تعداد 1257 جلد کتاب چاپی به زبان‌های فارسی و انگلیسی و فرانسوی به دانشگاه شیراز اهداء کرد که بدین مناسبت فهرست‌نامه‌ای برای کتب اهدایی وی منتشر گردید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

معزی، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قرآن شناس معروف معاصر ، استاد حاج سید علی کمالی دزفولی ، صاحب آثار عدیده ی قرآنی ، درباره ی مرحوم معزی که با ایشان خویشاوندی هم داشته چنین فرموده اند : شیخ محمد کاظم فرزند شیخ محمد و او فرزند حاج شیخ محمد رضا فقیه به نام ، از اولاد معزالدین ، عالم معروف دوران صفویه ، در سال 1298 ش در دزفول به دنیا آمد و در سال 1348 ش در تهران وفات یافت و در مقبره ی شیخان قم مدفون گردید . تحصیلات بعد از مکتب خانه ی او در خدمت جدش حاج شیخ محمدرضا شروع شد و زیر توجه و علاقه ی خاص او مدارج علمی را به طور مضاعف طی کرد . استادانش در دزفول ، جد مادری اش آقا شیخ محمد باقر و عموزاده اش آقا میرزا محمد علی ، و چند سالی در قم ، آیت الله بروجردی تا نیل به درجه ی اجتهاد بود . علاوه بر عربی ، به زبان انگلیسی هم آشنا بود . چند سالی در دانشکده ی الهیات دانشگاه تهران تدریس کرد . معلومات او از محدوده ی تحصیلات متداول بسیار فراتر بود . اثر مهمش ترجمه ی قرآن مجید به فارسی است ، که اشتباهاتی ناچیز و اندک از قبیل کاربرد ماضی و مضارع به جای همدیگر در آن یافت می شود و ترجمه اش هنوز در میان ترجمه های امروز می درخشد . نمونه ی اخلاق و فروتنی اسلامی بود . رحمه الله علیه . (برگرفته از بیانات استاد حاج سید علی کمالی دزفولی) .

معصومی همدانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین معصومی همدانی (1327ـ همدان) دارای مدرک دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم ،از دانشگاه پاریس -7 فرانسه در سال 1384می باشد.نامبرده عضو هیئت علمی دانشکده دانشگاه صنعتی شریف است. وی همچنین عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : تاریخ و فلسفهتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر حسین معصومی همدانی به قرار زیر است: کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف کارشناسی ارشد رشته فلسفه و تاریخ علم از دانشگاه پاریس -7 فرانسه دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم ،پاریس -7 فرانسه در سال 1384مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هیئتعلمی دانشگاه صنعتی شریف و مدرّس تاریخ و فلسفۀ علم، مشاور عالی مرکز نشر دانشگاهی، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیما و عضو مرکز تحقیق در تاریخ و فلسفۀ عربی ـ اسلامی قرون وسطا.عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو کمیسیون تخصصی استخدام و ... فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی،مدیرگروه زبان و رایانه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو شورای واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ،عضو گروه دانشنامه ادب فارسی ،ویراستار و سردبیر مجله دانشجو فعالیتهای آموزشی : دکتر معصومی همدانی در انشگاههای تهران،شیراز و تربیت مدرس در مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری به امر تدریس می پردازد.جوائز و نشانها : دکتر حسین معصومی همدانی برنده کتاب سال جمهوری اسلامی برای ترجمه کتاب جزء و کل می باشد.چگونگی عرضه آثار : - تالیف و ترجمه 5 عنوان کتاب - تالیف و ترجمه بیش از 100 عنوان مقاله - شرکت در سمینار های متعدد در داخل و خارج از کشور

_____

آثار : ایرانیها چه رویایی در سر دارند؟ (تهران: 1357) ویژگی اثر : دیدآورنده: میشل فوکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: هرمس - 03 مرداد، 1386 2 ترمودینامیک تعادل، ادکینز ویژگی اثر : (ترجمه)، 13753 جزء و کل، ورنر هایزنبرگ ویژگی اثر : (ترجمه)، 1368.پدیدآورنده: ورنر هایزنبرگ، حسین معصومی همدانی (مترجم)

ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - 29 اردیبهشت، 13864 زندگی‌نام؟ علمی دانشمندان اسلامی ویژگی اثر : ترجمه-13635 سرگذشت فیزیک نوین ویژگی اثر : پدیدآورنده: میشل بیزونسکی، لطیف کاشیگر (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - 23 دی، 1385 6 فلسف؟ علوم طبیعی، کارل همپل، ویژگی اثر : (ترجمه)، 13697 فیزیک : اندیشه ها و یافته ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: ویلیام لارنس براگ، محمدرضا خواجه پور (مترجم)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - 23 دی، 13858 مردم‌شناسی و هنر، لوی استروس ویژگی اثر : (ترجمه)، 13739 نرم و نازک: ماده نرم، پژوهش، آموزش ویژگی اثر : پدیدآورنده: پی یرژیل دو دوژن، ماندانا فرهادیان (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - 03 بهمن، 138510 نسبیت خاص و عام و کیهان‌شناختی، ولفگانگ ریندلر ویژگی اثر : (ترجمه)، 1375.پدیدآورنده: ولفگانگ ریندلر، رضا منصوری (مترجم)، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - 19 اردیبهشت، 138511 نووه چنتو (تک گویی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: الساندرو باریکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: نیلوفر - 13 اسفند، 1385 منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

معلی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد معلی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1359/1/1
زندگینامه علمی
تا اول دبیرستان در تهران بودم سپس به مدرسه شهیدین رفتم .مقدمات وسطح رادرشهیدین خواندم درحال حاضر درجامعه شناسی موسسه امام خمینی(ره) هستم .درزمینه کامپیوتر حدود چند سالی کار برنامه نویسی برای موسسات مختلف میکردم . دریکی دو سال اخیر در زمینه طراحی سایت وساخت cd های مولتی مدیا بیلدر و تالیف 7 کتاب کامپیوتر فعالیت داشته ام .

معیدفر، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید معید فر در سال 1374 موفق به اخذ دکترای جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس میشود و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر سعید معیدفر مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(1359)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1366) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1374) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی ساختاراقتصادی اجتماعی روستا و مهاجرت از روستا (در استان اصفهان)» و دوره دکتری « بررسی مهاجرتهای روستاییاستان همدان» است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر معیدفر می توان مواردی همچون سردبیر نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی (1384 -1387)، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (1383 -1387)، رئیس پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (1380 -1382)،,عضو شورای انتشارات دانشکده علوم اجتماعی (1378 -1379)، عضو شورای پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی (1378 -1382)، دبیر سمینار دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (1377 -1378)، مشاور مدیر کل پژوهشهای کاربردی دانشگاه تهران,معاونت پژوهشی دانشگاه تهران (1377 -1378)، مدیر گروه ارتباطات,دانشکده علوم اجتماعی (1376 -1377)، عضو کمیسیون پژوهشی فرهنگی دانشگاه,معاونت پژوهشی دانشگاه (1375 -1376)، دبیری سمینار توسعه فرهنگی,دانشکده علوم اجتماعی، معاون اداری مالی ,دانشکده علوم اجتماعی (1373 -1376) و مدیر کل پژوهش‌های بنیادی ,وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (1371 -1372) را نام برد. «در دفتر انجمن، هر روز شاهد پیوستن افرادی به عنوان اعضای جدید هستیم و خانواده جامعه شناسی در حال بزرگ و بزرگتر شدن است. امسال با هدف سر و سامان دادن به عضویت ها، اعضای انجمن را به تجدید عضویت فرا خواندیم و بسیاری با انجمن تجدید عهد و پیمان کردند و خواستار تداوم ارتباط و فعالیت خود در انجمن شدند. تمایل روزافزون جامعه شناسان

برای تقویت تعاملات انجمنی و داوطلبانه در حال گسترش است و به نظر میرسد بدین ترتیب یکی از بنیانهای مهم رشد جامعه شناسی، در ایران در حال تکوین است و اجتماع علمی جامعه شناسان به بلوغ خود نزدیک شده است» فعالیتهای آموزشی : دکتر معید فر سالهاست که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول به تدریس است. و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران نیز میباشد. موارد تدریس وی «بررسی مسائل اجتماعی ایران»، «جامعه شناسی انقلاب»، «مبانی تاریخ اجتماعی» و «نظریه های جامعه شناسی 2» (در مقطع کارشناسی) و «اقشار و گروههای آسیب پذیر»، «بینشهای جامعه شناسی2 »، «جامعه شناسی انقلاب»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه شناسی تاریخی»، «اقشار و گروههای آسیب پذیر»، «تغییرات فرهنگی»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی» (در مقطع دکتری) است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : معید فر علاوه بر تدریس و پژوهش همایش های متعددی در حوزه علوم اجتماعی، را از جمله همایش توسعه فرهنگی،همایش توسعه و امنیت اجتماعی، همایش دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی و... دبیری کرده است. آرا و گرایشهای خاص : دکتر معید فر می گوید:«یکی از مناقشات مهم میان جامعه شناسان، این بوده است که آیا آنان در کنار وظایف علمی و آکادمیک، رسالت های اجتماعی نیز دارند یا نه؟ در این باره نظرات متعددی وجود داشته است. پارتو معتقد است جامعه شناسی در پی حقیقت رفتارهاست و نباید در جست وجوی فایده رفتارها باشد، بنابراین جامعه شناس مسئولیتی در برابر اجتماع ندارد. در حالی که دورکیم معتقد است جامعه شناسی اگر رسالت اجتماعی به عهده نداشته باشد و به درد بهبود حال جامعه نخورد ارزش یک ساعت کار کردن را هم ندارد. این مناقشه مستقیم یا غیر مستقیم در میان جامعه شناسان تداوم داشته است. حتی حوزه های فکری جامعه شناسی نیز اغلب متأثر از این دو رویکرد مخالف است. برای مثال در جامعه شناسی انگلستان به فایده این علم توجه شده است. به همین دلیل در آن کشور جامعه شناسی نقشی فعال در حوزه سیاست گذاری فرهنگی، اجتماعی به عهده گرفته و اکثر آثار منتشر شده و حتی بزرگان جامعه شناس این کشور، ارتباط نزدیکی با حوزه سیاست گذاری اجتماعی دارند. در کتابفروشی ها دیده میشود که بخش اعظم کتاب های جامعه شناسی، تحت عنوان سیاست اجتماعی طبقه بندی شده است. در کشورهای دیگری مانند فرانسه و آلمان، جامعه شناسی بیش تر وظایف معرفت شناختی به عهده گرفته و کم تر درصدد مداخله و سیاست گذاری مستقیم بوده است. اما در این کشورها نیز جامعه شناسان بزرگ در نقش رهبران فکری و روشنفکران ظاهر شده اند و رسالت های اجتماعی کلانی را در تغییر و تحولات اجتماعی عهده دار شده اند. در

آمریکا نیز ترکیبی از این دو رویکرد وجود داشته است. همین طور که می دانیم به طور کلی جامعه شناسی که با نام سن سیمون و اگوست کنت کار خود را شروع کرد نیز در واکنش نسبت به تحولات عظیم فرهنگی، اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و انقلاب های اجتماعی و برای پاسخ گویی به نیازهای زمانه خود ضرورت پیدا کرد و هر دوی این بنیانگذاران نیز خود را در برابر حوادث اجتماعی مسئول و رسالتی بر دوش می دانستند. به هر حال، جامعه شناسان به ویژه در عصر تحولات عظیم سیاسی، اجتماعی، در سطح خرد (کاربرد دانش اجتماعی در حل معضلات اجتماعی) یا کلان (رهبری فکری مبتنی بر یافته های علمی) مداخله فعال در سیاست گذاری اجتماعی را وظیفه خود دانسته اند. البته در اینجا شائبه سیاسی شدن دانش جامعه شناسی نیز وجود داشته و از جهات متعدد موجب نگرانی های به حقی بوده است. سیاست زدگی که آفتی حتی برای احزاب و گروه های سیاسی است و در جامعه ما نیز پیامدهای بسیار زشت آن را به ویژه در سال های اخیر و در عمل گروه های سیاسی شاهد بوده ایم، خطری است که از سوی دیگر باید متوجه آن بود. این همان افراط و تفریطی است که در هر نوع اعتقاد، نگرش یا رفتاری امکان بروز و ظهور دارد و باید از آن احتراز کرد. نمی توان به بهانه مداخله و سیاست گذاری در ورطه سیاست زدگی افتاد و نباید از ترس سیاست زدگی، به عالم انتزاع وانزوا فرو رفت و از هر نوع ایفای نقش فعال در صحنه اجتماعی اجتناب ورزید. به نظر می رسد که کار دشواری است. هم باید کاری کرد که معیارهای علمی و اصالت جامعه شناسی محفوظ بماند و هم باید با مداخله فعال در روند تحولات اجتماعی تأثیر گذار بود وگرنه دیر یا زود اندیشه بی خاصیت بودن جامعه شناسی فراگیر خواهد شد. در واقع هر یک از جامعه شناسان به ویژه آنان که با علاقه و اشتیاق به سراغ این حوزه از دانش روی آورده اند، تحت تأثیر بزرگان و کنش گران فعال جامعه شناسی قرار داشته اند که در جامعه خود نقش آفرین بوده اند» چگونگی عرضه آثار : اما معیدفر علاوه بر همه مشغله های مدیریتی و کارهای اجرایی از تحقیق و پژوهش در عرصه کاری اش بازنمانده و تحقیقات میدانی و کتابخانه ای متعددی را به انجام و سرانجام رسانده است. از آن جمله بررسی مهاجرت های روستایی استان همدان، بررسی مشکلات فرهنگی اجتماعی دانشجویان، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن در واحدهای تولیدی صنعتی استان تهران، بررسی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاهای کشور، میزان بهره مندی شهروندان تهرانی از مطبوعات، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی استان، نقش دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی در تحول ارزش ها و نگرش ها، بررسی پدیده استفاده اعتیادی

از اینترنت و پیامدهای آن در میان نوجوانان و جوانان (۲۵-۱۵ سال) شهر تهران و... و همچنین از جمله تحقیقات غنی و جذاب معیدفر درباره اخلاق کار در جامعه ایرانی بوده است. وی نگارش مقالات متعددی در نشریات تخصصی جامعه شناختی پرداخته است.از آن جمله است: جامعه شناسی معرفت ،۱۳۷۳ نامه علوم اجتماعی شماره ۷ ترجمه از لوئیس کوزر،مسأله اجتماعی و مسأله دینی خرداد ، ۸۰ نشریه علوم سیاسی، معرفی و نقد کتاب روشه، گی : جامعه شناسی تالکوت پارسونز؛ ترجمه عبدالحسین نیک گهر شهریور،۷۷ نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی)،معرفی و نقد کتاب جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان تألیف غلامرضا صدیق اورعی مرداد ،۷۹ نشریه: پژوهش، ...آثار : بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن ویژگی اثر : نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، وی در این خصوص میگوید: «من در سال تحقیقی را در مورد «اخلاق کار» در واحدهای تولیدی و صنعتی انجام دادم و نیز در همین زمینه، تحقیقی در واحدهای دولتی انجام دادم و در هردو تحقیق، تحصیلات یکی از پارامترهای بسیار مهمی بود که می توانست میزان اخلاق کار را در میان دو گروه جمعیتی تحصیلکردگان دانشگاهی و غیرتحصیلکردگان دانشگاهی تغییر بدهد. در آن دو تحقیق مشخص شد، میزان اخلاق کار تحصیلکردگان دانشگاهی یا کسانی که تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند، به طرز معناداری کمتر از کسانی بود که تحصیلات دانشگاهی نداشتند. یعنی برخلاف انتظار، کسانی که تحصیلات دانشگاهی نداشتند از اخلاق کاری بالاتری برخوردار بودند. فرض کنید اگر متوسط اخلاق کار در کل جمعیت از می شد وقتی که جمعیت را به دو بخش تحصیلکردگان بالای دیپلم و کسانی که در حد دیپلم و زیر دیپلم سواد داشتند تقسیم کردیم، مشاهده شد که برای مثال اخلاق کاری تحصیلکردگان حدود و اخلاق کاری دیپلمه ها و زیردیپلم حدود ?/? به دست می آمد و هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر می رفت این کاهش اخلاق کار هم بیش تر می شد. برای سنجش اخلاق کار، ابتدا معیار و شاخصی را با عنوان شاخص سنجش میزان اخلاق کار (I.E.W.O) بومی کردیم و اعتبار و روایی آن را سنجیده و در واقع آن را بومی کردیم. برای مثال پاسخ ها در ? گزینه آمده بود و ما این گزینه ها را مطابق اوضاع اخلاق کار در کشور، به ? گزینه تقلیل دادیم تا اخلاق کار و ابعاد مختلف آن را در ایران بسنجیم. تا پیش از آن تصور می شد، اخلاق کار در جامعه ایران به نسبت جوامع توسعه یافته بسیار پائین است و به فرض گفته می شد که اخلاق کار ضعیف است. اما تحقیقات به عمل آمده نشان داد که اخلاق کار در ایران به طور تقریبی متوسط روبه بالا است وقابل قبول ارزیابی شد و فاصله بسیار زیادی با میزان اخلاق کار در کشورهای توسعه یافته ندارد.» 2 بنیادهای نظریه اجتماعی; ترجمه منوچهر

صبوری کاشانی ویژگی اثر : (1378)3 تفکر نظری در جامعه شناسی ویژگی اثر : (1375)4 جامعه شناسی تالکوت پارسونز; ترجمه عبدالحسین نیک گهر ویژگی اثر : (1377)5 جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران ویژگی اثر : (1385)6 جامعه شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران ویژگی اثر : نشر سرزمین ما، 7 جامعه شناسی مسایل اجتماعی معاصر در ایران ویژگی اثر : (1379)8 رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ویژگی اثر : (1383)9 فرهنگ کار نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ویژگی اثر : 138010 نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی ویژگی اثر : اثر پیتر ورسلی؛ کتاب نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی اثر پیتر ورسلی ،جامعه شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران ،بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و کتاب فرهنگ کار اشاره کرد.11 نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی ویژگی اثر : اثر دانیلین لوزیک؛ مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تحلیل مسائل اجتماعی نوشته دانیلین لوزیکنیز نیز از سوی معیدفر ترجمه شده است. در این کتاب با طرح عمده ترین مباحث نظری در جامعه شناسی مسائل اجتماعی، چندین مسأله کلان اجتماعی ایران به عنوان کشوری در حال گذار با رویکردی کارکردگرا و انتقادی و تأکید بر عوامل عینی و ساختاری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

منابع زندگینامه :روزنامه ایران صحه مهرگان 14-12-1385

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1243 -1176 ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در 1199 ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در 1241 ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌اللّه الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانیه» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا 1241 ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضلای آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره‌ی فتحعلی‌شاه؛ «تجربة الاحرار و تسلیة الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدیقه»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنة»، در تاریخ سلسله‌ی دنابله؛ «روضة الآداب و جنة الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینة التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است.[1]
(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. 1176 ه.ق- ف. تبریز 1243 ه.ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره‌ی قاجاریه بود. وی در سال 1276 ه.ق در شهر خوی متولد شد، از

سن ده سالگی تا 24 سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهائی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق‌الجنان، روضة‌الاداب و جنة‌الالباب. حدائق‌الادباء، ماثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (470/ 7)، تاریخ تذکره‌های فارسی (401 -399/ 2 ،690 -689/ 1)، تجربة الاحرار و تسلیة الابرار (مقدمه، 464 -455 ،137 -121)، حدیقة الشعراء (1693 -1690/ 3)، دانشمندان آذربایجان (357 -353)، الذریعه (343 ،317 ،288 ،5/ 19 ،92 -91/ 12 ،323 ،284/ 11 ،1083/ 9)، ریحانه (356 -355/ 5)، سبک شناسی (331 -319/ 3)، سفینة المحمود (670 -669/ 2)، شرح حال رجال (264/ 2)، فرهنگ سخنوران (866 -865)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2285/ 2)، لغت نامه (ذیل/ مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (1008 -1007/ 6)، مکارم الآثار (1204 -1203/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (847 -846/ 3)، نگارستان دارا (مقدمه/ و- ی، 297 -282).

مفید رازی، ابوالوفاء عبدالجبار

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه و قاری. اصل وی از نیشابور بود. سپس ساکن ری گردید. او از بزرگان علمای شیعه و فقیه ری و به قاری رازی یا مقری رازی مشهور بود. از شاگردان قاضی ابن البراج (م 481 ق) و شیخ سلار بن عبدالعزیز دیلمی (م 448 ق) و شیخ جعفر بن محمد دوریستی و ابوالجوائز حسن باری کاتب و شیخ نجاشی، صاحب «رجال»، و شیخ طوسی (م 460 ق) بود و تمامی تصنیفات و تألیفات شیخ طوسی را از خود شیخ روایت نموده است. علما و بزرگان در حوزه‌ی درسش حاضر می‌شدند. سید فضل‌اللّٰه راوندی و رشیدالدین علی بن زیرک قمی و ابوهاشم مجتبی بن حمزه از وی روایت کرده‌اند. صاحب تصنیفات و تألیفات بسیاری در فقه، به عربی و فارسی است که شیخ ابوالفتوح رازی تمامی آنها را از وی روایت کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (434 -433/ 7)، ریاض العلماء (71/ 3)، ریحانه (360/ 5 ،285/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (153 -152/ 6)، فهرست منتجب‌الدین (109 -108)، الکنی و الالقاب (199/ 3)، لغت نامه (ذیل/ رازی)، هدیة الاحباب (244).

مفیدی فر، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق مفیدی فر
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 وارد حوزه علمیه یزد شدم و تا سال 1358 مشغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود.مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت.مهر 1358 وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال 1359 سطح تمام شد. از سال 1360 وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.
از سال 1362 تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی(ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد.فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن‌زاده آملی و جوادی آملی فراگرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم.از سال 1369 تا سال 1380 به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که هم‌چنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل نسوزاندند.در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های 81 و 80 تصمیم به بیرون آمدن گرفتم

که همزمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.
در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام.در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم.فصل تابستان در منطقه ییلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال 1366 تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمتگذاری می‌کردم. کتاب‌های مختصر و معالم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام.در حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشنایی با تاریخ ارشاد شیخ مفید را گفتم و در همین راستا جذب دانشگاه شدم و یک ترم در دانشگاه کرج تاریخ گفتم اما به دلیل نامساعد بودن فضای دانشگاه انصراف دادم و به عنوان تدریس نرفتم.مدرسه امام خمینی(ره) و دانشگاه باقرالعلوم(ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

1. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.
2. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.
3. راویان مشرک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.
4. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

مقدس جعفری، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن مقدس جعفری در سال 1329 در شهر بروجرد به دنیا آمد . دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش گذراند وی تحصیلاتش را در رشته فلسفه از دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد و دوره کارشناسی ارشد و دکترای جامعه شناسی را در کشور هندوستان گذراند و در سال 1366 از دانشگاه پونا این کشور مدرک دکترای خود را اخذ کرد وی عضو هیئت علمی دانشگاه کرمان بوده است و هم اکنون حکم بازنشستگی خود را با درجه دانشیاری در سال 1385 دریافت کرده است.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تیزهوشان و نوابغوالدین و انساب : جد بزرگ مقدس جعفری، حاج ملارضا پنج نسل قبل از شهر محلات جهت حوزه علمیه بروجرد به این شهر مهاجرت کرده اند. و نسلهای بعد هم همگی از تحصیلات حوزوی بخوردار بودند.خاطرات کودکی : دکتر مقدس جعفری دوران کودکی خود را مانند هم نسلهای خود به درس و مشق و مدرسه مربوط میشود و تفاوتهای نوع زندگی کودکان و نوجوانان عصر حاضر و آن زمان را از خاطرات خود عنوان میکند و قابل توجه که . از همین رو وی قصد دارد تا این خاطرات و وقایع را برای نسلهای جدید مدون کند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر مقدس جعفری می گوبد: «در خانواده متوسط پایین با چهار برادر زندگی و رشد کرده ام . پدرم از صداقت ویژه ای برخوردار بود و به واقع نام صادق داشت زندگی اش سرشار از صداقت سادگی و ایمان و انساندوستی بود . مادر نیز مهربان و عطوفت را با تمام وجود به سویم کوچاند. خدایشان رحمت کند . برادر دوم که انسان وارسته ای است الگوی مناسب رفتاری و تحصیلی برای من بود و در زندگی بسیار مدیون او هستم.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم متوسطه رشته ادبی دبیرستان مهرگان بروجرد خرداد 1348 کارشناسی فلسفه اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد بهمن 1351 کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه اسلامی علیگره هندوستان 1355 دکترای جامعه شناسی تیزهوشان و نوابغ دانشگاه پونای هندوستان 1366فعالیتهای ضمن تحصیل : کار برای امرار معایش در حین تحصیل ، ورزش ، مطالعه از فعالیتهای دکتر مقدس جعفری است.استادان و مربیان : از دوران دبیرستان دکتر مقدس جعفری به برخی از نامها مانند : مرحوم مومنی، بهرامی ، فدایی، ناظمی، و آقایان سیف باجلان فرخی،

بهمن رازانی، همتی هوشنگ و ... اشاره میکند و از آنها تاثیرات فراوان گرفته است و از استادان مرحوم دکتر مشکوه الدینی ، استاد جلال الدین آشتیانی ، دکتر مجتهد زاده، دکتر علی شریعتی، دکتر زامیار و اقایان دکتر ابراهیمی دینایی دکتر مهدوی دامغانی، دکتر صدر نبوی، پروفسور عسگری، پروفسور داملی، پروفسور ساکسینا را میتوان نام برد.همسر و فرزندان : همسر دکتر مقدس جعفری دبیر دبیرستان است و دارای سه فرزند دو دختر و یک پسر هستند . که همگی مشغول تحصیل هستند.وقایع میانسالی : وی از وقایع این دوران را بیماریهای زودرس عنوان کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - رئیس دانشگاه ابوریحان بیرونی منطقه لرستان و خوزستان سال 1359 - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال 74-1367 - سه دوره معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت 9 سال 84-1374فعالیتهای آموزشی : دکتر مقدس جعفری بیش از 30 سال تدریس در مقاطع مختلف به ویژه مقاطع دانشگاهی را در دانشگاه مختلف کشور در کارنامه دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - راه اندازی گروه علوم اجتماعی و مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید باهنر کرمان - راه اندازی گروه علوم اجتماعی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : - عضو هیئت تحریریه چند مجله علمی و دانشگاهی در سطح کشور - عضو در چند انجمن علمی و ادبی - عضویت در هیئت ممیزه دانشگاهی جنوبشرق گروه علوم انسانی از بدو تاسیس تا به حال و نیز مطالعه و پیاده روی از دیگر فعالیتهای دکتر مقدس جعفری است.آرا و گرایشهای خاص : وی علاقه زیاد و ویژه ای به ایران و فرهنگ آن از جمله تاریخ، شعر، ادبیات، موسیقی و فلسفه و جامعه شناسی دارد.جوائز و نشانها : 1- پژوهشگر نمونه دانشگاه کرمان در سال 1376 2- پژوهشگر نمونه استان کرمان در سال 1377 3 - دارای طرح نمونه پژوهشی فرهنگی استان در سال 1382 (ارشاد اسلامی کرمان) 4- دارای طرح نمونه پژوهشی در خصوص فرهنگ و آموزشی عشایر در سطح ملی و کشورچگونگی عرضه آثار : دکتر مقدس جعفری دارای نزدیک به 70 مقاله چاپ شده د مجلات علمی و ارائه شده در همایشهای علمی خارج و داخل کشور و نیز تعدادی نیز کارهای ژورنالیستی و رسانه ای در سطح روزنامه های محلی و ملی به چاپ رسانده استآثار : 1 پوشش ایرانیان ویژگی اثر : در این پژوهش عمدتا به مساله پوشش ایرانیان از ابتدا تا دوره معاصر پرداخته است2 سلیمانیها ویژگی اثر : دانشگاه کرمان 1379، این اثر نتیجه دو سال مطالعه بر روی عشایر سلیمانی استان کرمان است که یکی از بزرگترین عشایر منطقه محسوب میشود.3 میمند میراث گرانقدر فرهنگی ویژگی اثر : مقاله در باره روستای میند از توابع شهر بابک ،

فصلنامه پژوهشگران فرهنگ
منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر مقدس جعفری
بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - خرداد 1386

مقدم، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن مقدم در سال 1287 ،در تهران به دنیا آمد. از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت. مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امورخارجه در آمد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چندین جلسه در تالار دارالفنون درباره تئاتر و تاریخ آن سخنرانی نمود و نمایشنامه معروف خود رابه نام « جعفر خان از فرنگ آمده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقدم سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان « مکتوب از امروز تا قاهره » در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت. حسن مقدم سرانجامدر سال 1304 چشم از جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی والدین و انساب : حسن مقدم مشهور به علی نوروز ، فرزند محمدتقی احتساب الملک ، در تهران به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن مقدم از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت.زمان و علت فوت : حسن مقدم در سال 1304 چشم از جهان فروبست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امورخارجه در آمد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن مقدم در سال 1339 ق در استانبول با لاهوتی مجله ادبی « پارس » را در دو بخش فارسی و فرانسه منتشر کرد که سر دبیر و نویسنده بخش فرانسه آن نیز بود. وی تقریباً سراسر اروپا و قمستی از آسیا و آفریقا را سیاحت کرد و آنچه را که که در این مسافرت ها دید و دریافت در دفتر خاطرات خود به زبان فرانسه یادداشت نمود. مقدم در سوئیس به عضویت انجمن ادبی

«بل لتر » در آمد و در آن انجمن با بسیاری از دانشمندان زمان ، مثل آندره ژید و استراوینسکی همکاری داشت. او آثار خود را به زبان های فارسی و فرانسه می نگاشت و با نام های مستعار و بیشتر به امضای علی نوروزی انتشار می داد. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چندین جلسه در تالار دارالفنون درباره تئاتر و تاریخ آن سخنرانی نمود و نمایشنامه معروف خود رابه نام « جعفر خان از فرنگ آمده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقدم سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان « مکتوب از امروز تا قاهره » در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت.آثار : ایرانی بازی

مکارم شیرازی، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در 22 ماه شعبان 1347 قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق‌العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فراگرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمنا از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می‌نمود تا در سال 1324 شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملا با صحبت کردن در بحث آن آیات عظام جلب توجه آنها و کلیه شرکاء درس را می‌نمودند و خاطر این نویسنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می‌کرد و جواب می‌گرفت.
مسافرتی در سال 1369 قمری به نجف اشرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف استفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنان قرار گرفته که نائل به دریافت اجازه اجتهاد از آنها گشته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائل آن روز در ماه شعبان 1370 قمری به قم مراجعت و از درس آیت‌الله العظمی بروجردی و سایر آیات بهره‌مند گردیده و دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فراگرفته و به تدریس دروس عالیه پرداخته است.
استاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضلاء و محصلین فهمیده و با استعداد از نظریاتشان استفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد.
جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سبک جدید و متد خاصی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا نموده و کتابهائی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است تالیف نموده و در بررسی‌های خود از اصول علمی که مورد پذیرش محیطهای علمی امروز است کمک

گرفته است.
آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.
1 و 2 و 3- کتاب القواعد الفقهیه که جلد اول آن در سال 1343 شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.
4- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.
5- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.
6- چگونه خدا را بشناسیم.
7- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.
8- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.
9- داروینیسم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. 10- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینسم. بحث در اصول فلسفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.
11- و 12- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.
13- شرح و ترجمه اصل الشیعه 14- در جستجوی خدا 15- همه می‌خواهند بدانند 16- جلوه حق.
17- اسرار عقب‌ماندگی 18- مشکلات جنسی جوانان 19- آنچه از اسلام باید بدانیم .
20- مقدمه بر کتاب وحی 21- این مسائل مطرح است
22- سرکوبیهای خطرناک 23- نماز مکتب عالی تربیت 24- فرآورده‌های دینی.
25- عود ارواح 26- جوانان را دریابید 27- تربیت و نمونه‌های آن
یکی از آثار و خدمات استاد علامه مکارم تاسیس مجله درسهائی از مکتب اسلام است که از سال 1340 شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگان حوزه علمیه قم است خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و این مجله از بهترین مجله‌ها و منشورات اسلامی شیعه است که به تمام کشور و خارج کشور منتشر و مقالات بسیار جالب و بحثهای ارزنده‌ای را به قلم اساتید و مدرسین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست.
مراتب ولاء و علاقه او به اهل‌بیت عصمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضرت امیر مومنان علیه‌السلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.
(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.
رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال 1369 شمسی و 1410

قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

1- تفسیر نمونه 27 جلد، مطبوع.
2- تعلیقات بر عروه‌الوثقی، مطبوع.
3- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.
4- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.
5- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.
6- عقیده یک مسلمان، مطبوع.
7- اقتصاد اسلامی، مطبوع.
8- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.
9- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.
10- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.
11- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.
12- پرسشها و پاسخها، مطبوع.
13- این است آئین ما، مطبوع.
14- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.
15- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.
16- ده درس خداشناسی، مطبوع.
17- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.
18- ده درس معادشناسی، مطبوع.
19- ده درس عدل شناسی، مطبوع.
20- جوانان را دریابید، مطبوع.
21- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.
22- جلوه حق، مطبوع.
23- معمای هستی، مطبوع.
24- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.
25- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.
26- در جستجوی خدا، مطبوع.
27- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.
28- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.
29- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.
30- تقلید با تحقیق، مطبوع.
31- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.
32- مساله انتظار، مطبوع.

33- تفسیر به رای، مطبوع.
34- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.
35- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.
36- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.
37- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.
38- رساله مقدمه وحی، مطبوع.
39- مکتبهای التقاطی، مطبوع.
40- فلسفه روزه، مطبوع.
41- فلسفه شهادت، مطبوع.
42- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.
43- به یاد مهدی، مطبوع.
44- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.
45- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.
46- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.
47- آفریدگار جهان، مطبوع.
48- توضیح المسائل- رساله علمیه، مطبوع.
49- انوار الفقاهه، مطبوع.

سخنی کوتاه از:
مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن
قم- حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال 1350 شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسما به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضلای حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضلای محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضلای بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضا

بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی مشغول انجام وظیفه می‌باشند.
منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر
انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از 54 کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضا دهها بار به چاپ رسیده است.
دائره پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.
و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصا با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است.
مطبوعاتی هدف:
این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد.
مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)
1- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال 1361 نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.
این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای 41 حجره می‌باشد و هم اکنون تعداد 80 طلبه از داخل و خارج در آن سکونت دارد.
امتیازات این مدرسه:
این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلایی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.
2- مدرسه امام حسین (ع)- که هم اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسین معروف کشور هم اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.
این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌اللّه مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود.

آدرس مدارس فوق:
مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.
مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملک المورخین، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1352 -1289 ق)، مورخ، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب. ملقب به ملک المورخین. در تهران به دنیا آمد. نسبش از طرف پدر به میرزا مهدی خان، وزیر نادرشاه، و از طرف مادر به فتحعلی‌خان ملک‌الشعرای کاشانی می‌رسد. وی از چهارده سالگی به تدوین تاریخ انبیاء پرداخت و پس از فوت پدرش، ملقب به ملک المورخین شد و مأموریت نگارش و اتمام دوره‌ی کتاب «ناسخ التواریخ» را یافت. وی در 1297 ق وارد خدمت فرهنگ شد. میرزا عبدالحسین، در 1326 ق، روزنامه‌ی «آینه‌ی عیب نما» و، در 1327 ق، روزنامه‌ی «آزاد» و، در 1323 ق، روزنامه‌ی «شاهنشاهی» را در تهران منتشر کرد. او مدتی ریاست معارف و اوقاف کاشان را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «تاریخ یومیه‌ی ایران»؛ «المعاریف»؛ «خلاصة الاعصار فی تاریخ بختیار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (57 -56/ 3، 141، 43 -41/ 1)، الذریعه (195/ 21، 298 -297/ 3)، ریحانه (395/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (764 -763/ 3)، یادگار (س 5، ش 1 و 2، ص 100 -99).

ملک زاده، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین ملک زاده
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/6/14
زندگینامه علمی
تولد و خانواده در سال 1358 در خانوادهای اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد.نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیةالله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیةالله حاج سید محمد علمالهدی میباشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسُمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیهٔ قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از 8 سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سنٌ خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از 10 سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدٌیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدّی کتاب در کودکی عمدهترین سرگرمیاش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب

اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوههای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری –با صرف نظر از عنوان و موضوعشان- کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سنّ خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدّت مقیّد بود که در تمامی ایّام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور –به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده- سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیّتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سنّ و سال او نیز فعّالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتها تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی –سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در 12 سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در 13 سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در 14 سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی – تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سنّ 14 سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهای مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات

در دوره کودکی و نوجوانی، از سال 1372 (در سنّ 14 سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیةالله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیر الانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحهٔ قرآنیِ «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان 1375 و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار میآمد. آغاز تألیف کتاب حدود 14- 15 سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اوّل، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای 1372 تا 1375) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآنها اولین دارالقرآنهای مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعة الکعبه») در سال 1375 موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانشآموزان) بود تا سال 1381 به فعالیتهای پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال 1381 و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعة الکعبه» فعالیتهای قرآنیِ این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمیِ جامعة الکعبه میباشد، ادامه یافته است. و امّا جامعة الکعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال 1381 تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کمنظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول 10 سال خوانده میشود، به توفیق الهی در

ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال 1379 با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیةاللّه شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام : مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاة، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاة، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیةاللّه شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاة، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال 81 تاکنون. البته این درسها در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیةاللّه شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین 1384 تا 1386) شرکت کرد . البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیةالله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیةاللّه شیخ عبداللّه جوادی آملی نیز بهرهمند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهرههای فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیةاللّه شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد.علاوه بر اینها در برخی دوره ها و درس و بحث های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می پرداختند نیز مشارکت داشته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی ، شیخ جواد کربلایی ، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی ، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است . البته استفاده وی از آیةالله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی – به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر – بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتید وی میتوان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان –از مقدمات تا خارج- به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداختهاند. اجازات وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف

–و از جمله اجازه اجتهاد- از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است. جوانترین طلبه نویسنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال 1377) به عنوان جوانترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید. زبانهای دیگر و فعالیت در خارج از کشور با تسلط بر زبانهای عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهلبیت(ع) بپردازد. حضور در دانشگاهها طیّ این سالها به دانشگاههای بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاهها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان 1381 به مدت 3 سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند. مسائل جدید به مدّت یک سال در دوره «شبههشناسی و پاسخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحبنظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید وهّابیّت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفتشناسی» بودند. البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفههای مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دینپژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به صورت شخصی در این زمینهها داشته است، همایشها، جلسات بحث، سخنرانیها و یا مناظرههایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسها یا دورههایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام – همچون دروس جامعه شناسی اسلامی - یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسشهای نسل جوانِ تحصیلکرده و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است. تدریسِ مباحث حوزوی در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات

اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصولالفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایة الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال 1384 (شعبان 1426ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعة» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلابیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعة الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای 75 تا 83): از سال 1375 تا اوائل سال 1381 در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردید و سپس در ادامهٔ سال 81 و همچنین سال 82 و 83 در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیهٔ جامعةالکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهمّ مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه های مطالعاتی و پژوهش هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال 1387 شمسی یعنی تا پیش از 30 سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرمافزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اِشرافِ علمی وی، طرّاحی و به بازار عرضه شده است.

ملک محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، میناساز. گویا وی در نواحی قفقاز زندگی می‌کرده و در آن ولایت فعالیت هنری داشته است. از آثار این هنرمند، پیاله‌ی شرابخوری استادانه‌ای به یادگار مانده که از طلای ناب تهیه شده و بین محدوده‌های لوزی و دایره شکل بیرونی آن، گلهای تزیینی زیبایی در شیوه‌ی قفقازی و گرجستانی میناکاری گشته است، با رقم: «عمل ملک محمد ولد حاجی یوسف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1213/ 3).

ملکی زنجانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین ملکی زنجانی (ح.م زاوش) در سال 1301 چشم به جهان گشود . پس از پایان دوره دبیرستان به تهران آمد و به ادامه تحصیل پرداخت . از سال 1329 در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد . زنجانی در فروردین سال 1356 از کار دولتی کناره گرفت و از آن پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت . او آن چنان دراین مهم پیش رفت که در آغاز دهه 70 به ناراحتی چشم گرفتار شد و پیش روی این بیماری تا حدی بود که او را از خواندن و نگارش بازماند . استاد ملکی زنجانی در 18 خرداد 1377 در تهران چشم از جهان فروبست .
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین ملکی زنجانی (ح . م . زاوش) در خانواده یک پیشه ور چشم به جهان گشود پدرش زین ساز بود در کودکی مادر را از دست داد و پدر که تا نوجوانی او زنده بود باعلاقه فراوان او را به تحصیل علم واداشت . دشواری های سخت زندگی را بدون پشتوانه خانوادگی از سر گذراند .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین ملکی زنجانی پس از پایان دبیرستان در 1320 به تهران آمد و به تحصیل پرداخت .
استادان و مربیان : حسین ملکی زنجانی آموخته های خود را در سایه ی تعلیمات علی کاظمیه زرینه و پروفسور کامبوزیا به دست آورد.
وقایع میانسالی : حسین ملکی زنجانی در آثار چاپ شده و چاپ نشده خود به افشای حرکات فراماسیونها و کارگزاران سر سپرده آنها می پردازد و بذر امید و استواری و پایداری برای بهبود زندگی بشر را می افشاند . در فروردین 1356 از کار دولتی کناره گرفت و زان پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت . او آنچنان در این مهم پیش رفت که در آغاز دهه 70 به تاراحتی چشم گرفتار شد . پیش روی این بیماری تا حدی بود که نور چشمانش چون رفیق نیمه راهی در نیمه پایانی راه تنهایش گذاشت و او از خواندن و نگارش باز ماند .
زمان و علت فوت : حسین ملکی زنجانی در 18 خرداد 1377 در تهران چشم از جهان فرو بست .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین ملکی زنجانی از سال 1329 در

اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد . ----------

آثار :
1 اطلاعات عمومی سپیده
ویژگی اثر : 1367 ، نشر سپیده
2 تهران در گذر گاه تاریخ
ویژگی اثر : 1370 ، انتشارات اشاره
3 جنگل ها و گسترش کویرها
ویژگی اثر : 1367 . نشر آینده .
4 دولت مردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت
ویژگی اثر : جلد دوم ، سال 1370 ، انتشارات اشاره .
5 دولت های ایران در عصرمشروطیت
ویژگی اثر : جلد اول ، سال 1370 ، انتشارات اشاره .
6 دیوان عطار
ویژگی اثر : سال 1361 ، اتشارات چکامه
7 رابطه فراماسیونری با صهیونیسم و امپریالیسم
8 نخستین کارگزاران استعمار در ایران
ویژگی اثر : 1361 انتشارات بهار
9 نقش فراماسونها در تاریخ معاصر ایران
ویژگی اثر : 1361 ، اتشارات آینده
منابع زندگینامه :
1چیستا -سال شانزدهم - شماره ردیف 152 و 153 آبان و آذر ماه 1377 ص 272

منتظری مقدم، حامد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حامد منتظری مقدم
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال 1349؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم.عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.
در سال 1365، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متاثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در کسوت روحانیت.
در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).
تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت گیری نمی شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان ها، اردوهای بسیار مفید علمی برگزار می شد که هم درس بود و هم ... .
در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیزی یافتم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال 1370 در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال 1369 وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعدا در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال 1373 مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.
سپس در سال 1374 فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال 1379 از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.
هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود 20 مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان 1383 به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی 1384 ممتاز شناخته شد.
افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه ها به تدریس در حوزه های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آیینه پژوهش» هستم.

منجم یزدی، محمد

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال‌الدین محمد منجم یزدی صاحب تاریخ صفویه که نسخه خطی آن به شماره 3722 در کتابخانه ملک ثبت و این شعر بابا سلطانی قمی در آن کتابست.

هیچ میدانی چرا شفا ندهد
کور و شل در مدینه پیغمبر
تا نگویند سنیان بیقین
کین زاعجاز بوبکست و عمر

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منشی، روح‌اللّه

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(؟)، مورخ و نویسنده. وی گزیده‌ای از «ظفرنامه‌ی» شرف‌الدین علی یزدی دارد به نام «تاریخ پسندیده».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (855/2).

منشی، محسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1266 ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. آبرنگ کار و قلمدان قاب آینه‌ساز دوره‌ی ناصری بود و در هنر خود مهارت داشت. از آثار وی: قاب آینه‌ی زیبایی که در دو طرف آن تصویر زنان جوانی دیده می‌شود، با رقم: «راقمه محسن منشی»؛ قاب آینه‌ی کوچک رنگ روغنی که بر روی آن، تصویر زن جوانی جلب نظر می‌کند، با رقم: «راقمه محسن»؛ تصویر آبرنگی جوانی ناصرالدین‌شاه، با رقم: «سلطان زمانه ناصرالدین، رقم محسن منشی» 1266 ق؛ تصویر آبرنگی مرغ پر حالت و رنگینی که بر روی شاخه گل سفیدی با غنچه‌های قرمز نشسته و یک پروانه‌ی رنگین در گوشه‌ی بالای آن دیده می‌شود، با رقم: «العبد محسن المنشی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (594 -593/ 2).

منظور الاجداد، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین منظورالاجداد در 1334 در تهران متولد شد و تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند. استاد از محققین برجسته در حوزه اسناد بوده ، و مطالعات وسیعی در زمینه اسناد روحانیت، شهید مدرس ، فداییان اسلام، واقعه گوهرشاد انجام داده اند.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین منظورالاجداد تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانپزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مشاغل محمدحسین منظور الاجداد می توان به موارد زیر اشاره کرد: پژوهشگر سازمان اسناد ملی ایران عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس عضو هیات تحریریه مجله روابط خارجی مشاور علمی مدیریت اسناد مشاور علمی دفتر اسناد (مجموعه مقالات) مدیر گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس
چگونگی عرضه آثار : محمدحسین منظور الاجداد مقالات زیادی در زمینه اسناد و تاریخ در نشریات کتاب ماه تاریخ، گنجینه اسناد به یادگار گذاشته است. ----------
-
آثار :
1 سیاست و لباس
ویژگی اثر : (گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه 1307- 1318)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران،

1380. دکتر سید محمدحسین منظورالاجداد از اساتید بنام سندشناسی در کتاب فوق بیش از سیصد سند تاریخی را که بخش مهمی از آن به تغییر لباس زنان و کشف حجاب و لباس روحانیت مربوط می‌شود، گردآوری و بازنویسی نموده‌اند. مؤلف محترم تصریح نموده است این تعداد حجم اندکی از اسناد این موضوع است که به علت عدم فهرست‌نویسی اسناد شهرستان‌ها به این میزان بسنده شده است.
2 گزیده اسناد متحد الشکل شدن البسه
3 مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست
ویژگی اثر : (اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی 1339- 1292 شمسی)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، شیرازه، 1379. در این کتاب ارزشمند استاد منظورالاجداد ضمن نگارش زندگی‌نامه‌هایی از مراجع عظام تقلید اسناد فعالیت‌ها و اقدامات هر یک را بازنویسی و در ادامه آورده است. در پایان تصویر تعدادی از اسناد هم مندرج است. در اسناد مراجع به ویژه آیات قمی و حائری یزدی کشف حجاب از مسایل مهم به شمار می‌رود.

منوچهری، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن منوچهری به سال 1313 در تهران دیده به جهان گشود و ضمن این که برای فراگیری علم و هنر موسیقی به هنرستان ملی موسیقی رفت و از استاد بزرگ مرحوم روح‌اللّه خالقی بهره جست، در کار ساختن ساز و فراگیری این صنعت و هنر نیز از محضر استادان قنبری و صنعت بهره‌مند گردید.
منوچهری، غیر از موسیقی که از کودکی شیفته‌اش بود، به کارهای دستی و ظریفه نیز علاقه‌ای فراوان دارد، به همین سبب در جوار نوازندگی در ارکسترهای بنام و بزرگ، با اجازه و تحت نظارت استاد قنبری به کارگاه سازسازی وزارت فرهنگ و هنر وقت راه یافت و با راهنمایی هنرمندان بزرگی چون: قنبری و صنعت به فراگیری ساخت عود پرداخت و مدت بیست و پنج سال است در کارگاهی که برای تعمیر و بازسازی کلیه‌ی سازها دائر کرده مشغول است.
وی چند سالی است که عود می‌سازد و چون نوازنده‌ی عود هست، در ساخت این ساز، دقت و ابتکار عمل بیشتری به خرج می‌دهد به طوری که گفته می‌شود عودهای ساخت وی از خوش‌آهنگ‌ترین و پرطنین‌ترین عودها می‌باشد. ولی خودش هنوز خود را شاگرد ناچیز آقایان قنبری و صنعت می‌داند و ادعایی ندارد.
وی، این جلوه‌های هنر و صنعت خود را مدیون همسر بردبار و فداکار خود می‌داند که به گفته‌ی شیخ اجل سعدی شیرین گفتار:
که را خانه آباد که همخوابه دوست
خدا را به رحمت نظر سوی اوست
خودش می‌گوید: بلی، اگر رحمت خداوند یکتا، سایه‌اش خانمان من سایه گسترده است و در سایه امن این رحمت، توان یادگیری در همه ایام و به کارگیری آن و ترمیم و بازسازی و سرانجام ساخت عود دارم، همه مرهون همسری است با فرهنگ و مهربان که خانه را دبستان و هنرستان و گلستانی برایم نموده است و از این گذر سپاس خدای را دارم.
حسن منوچهری، به سال 1313 در تهران متولد گشت. وی پس از چهار سال تحصیل در مدرسه ابتدایی در سال 1328 به تحصیل در هنرستان موسیقی ملی پرداخت. ریاست هنرستان در این دوره با زنده‌یاد استاد روح‌اللّه خالقی بود که در یادگیری شاگردان سعی و اهتمام فراوان به کار

می‌برد. وی در سال 1336 از هنرستان موسیقی ملی فارغ‌التحصیل شد.
منوچهری در ضمن فراگیری موسیقی از درس استادان زنده‌یاد خالقی، صبا، تهرانی، زرین‌پنجه بهره‌های پرارزشی نصیبش گشت و از این اندوخته‌ها، همواره در راه پیشبرد کارهای هنری خود بهره جست. از سال 1340 با ارکسترهایی چون گلها، سازهای ملی و ارکسترهای دیگر رادیو به همکاری پرداخت. ارکسترهایی که تحت نظارت وزارت فرهنگ و هنر وقت قرار داشت، نوازنده و تکنوازنده عود بود و با ارکسترهای مختلف این وزارتخانه برای اجرای کنسرت و معرفی موسیقی سنتی ایران به بیگانگان به کشورهای: ژاپن، فرانسه، ایتالیا، شوروی، اروپای شرقی، ترکیه، مراکش، تونس، یونان، پاکستان، افغانستان و الجزایر سفر کرد.
در وزارت فرهنگ و هنر وقت با ارکسترهای مختلف و نام‌آوری چون ارکستر شادروان استاد صبا و آقایان دهلوی، مفتاح، خادم‌میثاق و پایور همکاری داشت و یکی از افتخاراتی که نصیب او گردید همکاری و آشنایی‌اش با استاد فرامرز پایور بود که حدود بیست سال از اندوخته‌های هنری این هنرمند فرزانه بهره‌های فراوان برد.
حسن منوچهری، در ضمن با خوانندگانی چون: محمدرضا شجریان، عماد رام نادر گلچین همکاری داشت و در ارکستر، تکنوازی عود را به عهده داشت. وی بعد از چند سال بازنشستگی، هم‌اکنون با گروه و ارکستر جدیدی به نام گروه سنتی صبا همکاری دارد و نوازنده و تکنواز عود در این ارکستر می‌باشد.
برگرفته از کتاب :مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

موذن زاده، رحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد مرحوم رحیم مؤذن زاده که به خاطر اذان مشهور و تاریخی اش در حافظه جمعی ایرانیان و بسیاری از مسلمین جای دارد، در سال 1304 در استان اردبیل در خانواده ای متولد شد که شاید بیش از یک قرن به فعالیت های مذهبی می پرداخته اند...
پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال 1322 در منطقه اردبیل به وعظ و اذان گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال 1326 برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می کرد و در سال 1329 از دنیا رفت.
در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت های مذهبی و اذان گویی پرداخته اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتر پی گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد.
اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال 1334 در میدان 15 خرداد در استودیوی 6 خوانده است.
به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده می‌خواسته است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود، تا این که مناسب ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح‌الارواح می‌بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است".

استاد موذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی‌اش را اینگونه توصیف کرده بود:
«من سال 1304 در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده‌ها در دوره‌ی ما در

ابتدای امر بچه‌ها را با قرآن مانوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدیم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می‌خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هرکجا که میهمانی هم برود صبح پشت بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه‌ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می‌شنوم، ببینید این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما 2 تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال 1322 برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا 1326 که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال 1329 سکته کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام ومملکتم کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکنت و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است.
هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب- خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان موذن‌زاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.
البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. 150 سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود موذن. گفته بودند نام خانوادگی شما موذن است. زمانی که سال 1329 پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد موذن، " زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد.
یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگاری را بگویم. در استودیوی 6 صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از 50 سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الآن 50 سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این

خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک‌صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته 20 سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت 15 دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان 6 دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه 5 خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت.

روحش شاد...

مورخ الاسلام، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج میر سید علی بن میرزا محمد علی خان سابق الذکر.
ادیب فاضل مورخ، در شب یک شنبه 6 صفر سال 1300 متولد، و در ذی حجه‌ی 1369 وفات یافته، در تکیه‌ی میر سید محمد شهشهانی مدفون گردید. [مدفن او در تکیه‌ی ملک واقع است].
کتب چندی تألیف فرموده، از آن جمله است:
1 - سفرنامه‌ی کربلا 2 هفضائل العجم؛ و غیره.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی بلده، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد سید محسن موسوی بلده 19 شهریور ماه 1332 شمسی در شهر تهران دیده به جهان گشود. ولادت او در خانواده ای مذهب، اولین طلیعه آشنایی او با کتاب انسان ساز قرآن شد جو مذهبی خانواده و اشتیاق قرآنی اقوام مادری، عامل دیگری در تربیت قرآنی او شد زیرا علاقه اقوام مادریش بخصوص دائیهایش او که همگی از ذاکران اهل بیت (علیه السلام) بودند اشتیاق او را نسبت به فراگیری قرآن دو چندان ساخت. بهمین دلیل پیش از ورود به دبستان بذر عشق به قران در نهادش جای گرفت وبتدریج باور شد پس از آن بود که با تشویق والدین و نزدیکان، زندگی قرآنیش رقم خورد. استاد موسوی علوه بر والدینش از استادش وطنی بعنوان کسی که نقش تعیین کننده در پرورش قرانی او داشته یاد می کند خود او در این باره می گوید جناب آقای وطنی معلم قرآن کلاس چهارم دبستان، بود. او علاوه بر ظاهری بسیار مرتب و منظم، تدریس بسیار خوب و منظمی داشت. در آن زمان که کلاسهای قرآن مدارس و حتی هیئتهای مذهبی، وضع منظمی نداشت او با روش ویژه در آهنگین خواندن استفاده و با لحن خواندن آیات تمام شاگردان را به پیروی از سبکش موظف می ساخت.
استاد سید محسن موسوی در مراحل مختلف آموزش و فراگیری قرآن از محضر اساتیدی چون استا محمد تقی مروت بهره گرفت و علم تجوید را نزد او فرا گرفت. از دیگر اساتید او مرحوم دکتر سید ابراهیم مفیدی جراح و متخصص بیماریهای زنان بود که از محضر او بهره ها برد. اگر چه پیش از انقلاب و حتی سالهای قبل از آن جلسات قرآن و فراگیری ان مانند امروز منظم و دقیق نبود مباحث چون آموزش صوت و لحن مانند امروز وجود نداشت، با وجود این در اطراف و اکناف شهر تهران جلساتی به شیوه سنتی و هیئتی برقرار بود که بسیاری از قاریان برجسته کشور در این جلسات به فراگیری قرآن پرداختند. حاج محسن موسوی بلده در سال 1338 هـ.ش تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان محمودیه اسلامی که آغاز کرد.
و در سال 1344 به پایان رساند. پس از آن در همان سال در مدرسه امیرکبیر تحصیلات دوره راهنمایی را آغاز کرد. و در سال 1350 دیپلم طبیعی را زا دبیرستان جعفری اسلامی گرفت و از آنجا که به تحصیل و

فراگیری علم و دانش علاقه وافری داشت در میان تمامی دبیرستانهای منطقه 17 آموزش و پرورش آن زمان رتبه ممتاز را کسب نمود. که او عشقی بی نهایت به قرآن داشت در تمامی این سالها در کنار درس و تحصیل به فراگیری قرآن نیز می پرداخت و بدین ترتیب آینده اش در جوار این کتاب انسان ساز رقم خود. او در سال 1350 در رشته فیزیوتراپی در دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال 1354 به دریافت مدرک کارشناسی این رشته نائل شد و پ از انجام خدمت نظام وظیفه در سال 1356 در مرکز پزشکی شهدای هفتم تیر شهر ری مشغول به کار شد.
آقای سید محسن موسوی یکی از قاریان برجسته کشور در سال 1357 با خانم روحانی منش ازدواج نمود که او نیز معلم قران و مسئول بخش فرهنگی اداره دارالتحفیظ قرآن کریم است و علاقه و اشتیاق وافری به علوم قرآنی دارد ثمره این ازدواج سه فرزند دختر است از آنجا که استاد موسوی و همسرش از علاقه مندان و مشتاقان این کتاب الهی اند و در این زمینه فعالیت دارند عشق به قرآن در تمامی خانواده دیده می شود و فرزندان اگر چه قاری قرآن محسوب نمی شوند اما آشنایی کامل با تجوید قرائت دارند ودر این زمینه فعالیت دارند. استاد سید محسن موسوی در ابتدا به سبک استاد مرحوم عبدالباسط تلاوت می کرد پس از آن از سال 1348 تا به تلاوتهای مرحوم علی البنّاء علاقه مند شد و به سبک او روی آورد خود او در این باره می گوید: من با تلاوت استاد مرحوم علی البنّاء آشنا شدم و آنچنان شیفته تلاوتهای این استاد بودم که چه شبها و روزها که نوار تلاوت علی البنّاء را می شنیدم و یا با برنامه هایی که بصورت زنده از تلاوتهای این استاد، سبک تلاوت مرا تفسیر داد. در آن زمان استاد موسوی با پیروی از سبک مرحوم علی البنّاء سبکی نو برای تلاوت خود برگزیده بود. پس از آن تلاوتهای استا احمد شبیب و مدتی هم تلاوتهای استاد برجسته شیخ محمد عبدالعزیز حسان، آقای موسوی را به سمت خود جذب کرد.
استاد سید محسن موسوی بلده از جمله قاریانی است که اگر چه مدتهای مدید از تلاوت قاریان برجسته ای چون مرحوم عبدالباسط، مرحوم منشاوی، احمد شبیب و عبدالعزیز حسان بهره ها گرفتن هرگز به تقلید محض توجه نداشت و همواره سعی می کرد سبک این اساتید برجسته را اقتباس کند و هرگز به تقلید از حرف از آنها نپردازد ایشان در همین زمینه به قاریان قرآن سفارش می کنند که در آغاز کار از استادی مشخص شروع کنند، نوارهای این استاد را آنقدر بشنوند و تقلید کنند تا زیر ساخت قوی برای نحو بدست آید پس از آن در دومین مرحله از استادی دیگر چند نوار تقلید شود تا به تدریج امر تلفیق در سبکها تلاوت بدست آید استاد موسوی به قاریان ایرانی سفارش می کند که در مرحله تلفیق تلاوتهای اساتید مختلف باید در تلاوتها چنان ذوب شوند تا همه آن را فرا بگیرند و نیز

قاریانی که در ابتدای راه هستند باید حتما تلاوتهای خود را ضبط کنند و بشنوند و ایرادات آنرا برطرف کنند. توصیه ای که نه تنها برای برای ابتدای راه بلکه سازمانی که تلاوت انجام می شود باید آنرا در نظر داشت ایشان همچنین به قاریان قرانی سفارش می کنند که از تمرکز بر تجوید و صوت و لحن در ابتدای کار باید پرهیز کنند و تنها باید به مفهوم و معنای آیه پرداخت زیرا اگر تلاوت بر اساس مفهوم و معنا انجام شود لحن تلاوت هم طبیعی و جذاب خواهد شد. استاد سید محسن موسوی از جمله قاریان و اساتیدی است که علاوه بر داخل کشور سفرهایی نیز به نشر فرهنگ قرآنی به برخی از کشورها داشته و در آنجا به تلات پرداخته است. او در سال 1357 قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در قالب گروهی اعزامی از دار التحفیظ قرآن کریم به مکه معظمه و مدینه منوره سفر کرد. او همچنین بهمراه اقایان مرتضی رهنما، ذبیح الله تمرکزن امیر محمودیون و احمد و احمد زرنگار به کشور سودان سفر کرده است. از جمله کشورهای دیگری که استاد مولوی در آنها به تلاوت پرداخته می توان به کشورهای مالزی، فرانسهن بنگلادش، امارات متحده عربی، برزیل آراژانتین، سنگاپور، آلمان و ترکیه اشاره کرد که تلاوت ایشان ر این کشورها با استقبال پرشور مردم مواجه بوده است:

یکی از خدمات ارزنده قرآنی استاد سید محسن موسوی به جامعه قرآن دوست کشور، کتاب دو جلدی حلیه القرآن در خصوص قواعد تجوید به روایت حفص از عاصم است که تا کنون با تیراژ سه میلیون استاد سید محسن موسوی تا کنون در بسیاری از مراکز قرآنی به تدریس تجوید قرآن کریم پرداخته که از آن جمله می توان به تدریس دوره ای و مقطعی در آموزش و پرورش، تدریس تجوید در ارتش جمهوری اسلامی، جهاد سازندگی، سازمان تبلیغات اسلامی، دار التحفیظ القرآن الکریم و نیز جلسات آموزش تجوید خواهران که از سالها قبل در منزل ایشان برگزار می شود و خدمت بزرگی به جامعه قرآنی خواهران است، اشاره کرد.

استاد سید محسن موسوی از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخته و نیز در اولین مراسم حج تمتع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در معیت آن حضرت به حج تمتع مشرف شده است و هم اکنون به عنوان مسئول بخش فیزیولوژی مرکز پزشکی شهدای هفتم تیر تهران به فعالیت مشغول است.

منابع زندگینامه :http://www.ommolketab.net/

موسوی گرمارودی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علی موسوی گرمارودی در سال 1320 در قم بدنیا آمد. پدرش از دانشـــمندان اهل

گرمارود الموت قزوین بود.

موسوی گرمارودی مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد

و دکترای خودر را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفته است .
او در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثر داشته است که راه اندازی و مدیریت گلچـــرخ
نمونه ای از تلاش های اوست.
کارنامه شـعری گرمــارودی مشتمل بر 9 کتـاب شـعر با نامهای: عبور ، در سایه ســـار نخل ولایت ، ســرود رگبار
،چمن لاله، خط خون ، دســتچین ، باران اخــم ، گزیده شـــعر نیســـتان ، تا ناکجــا آبــاد و گزیـــنه شــعر به انتــخاب

بهاءالدین خرمشــاهی است و همــچنین 4 اثر زیر چــاپ او عبارتــند از : صدای سبــز زندگی و شعر ادیب المـمالک

فراهانی، از صدر تا ساقه و ترجمه قرآن کریم.
والدین و انساب : خانواده های گرما رودی ازنظر اصل و نسب و ارتباط خویشاوندی به چند طایفه تقسیم می شوند که شامل طایفه های قروچی بیگی ،اورس بیک و باقری و صادقی و اندجی و خانوا ده های غربال بند و موسوی و چند خانواده دیگر می باشند . خانوار موسوی از خانواده های مهاجر روستای میغ سازه کجوربه به مناطق «اوانک » و «گرمارود» می باشند. سید علی موسوی گرمارودی از پدری «الموتی » و مادر «تنکابنی» درمحله «چهارمردان » قم به دنیا آمد . نام پدرش حجت الاسلام سید محمد موسوی گرمارودی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سید علی موسوی گرمارودی وی

ابتدا در مسجد جامع «گرمارود » مردم را راهنمایی می کرد ، پس دردوران جوانی به قم و سپس نجف هجرت و آنگاه دوباره به قم بازگشت و در همانجا سکنی گزیدند .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی موسوی گرمارودی نخست نزد پدرش مقدمات را فراگرفت و پس از آن دبستان ملی «باقریه » رفت .او دوره دبیرستان را مدرسه شهید بهشتی (دین و دانش سابق) هم سپری نمود و پس از آن به مشهد عزیمت نمود و درنزد علمای آن سامان ، به فراگیری علوم دینی پرداخت . درسال 1345 وارد دانشکده حقوق شد و کارشناسی آن رشته را در رشته علوم قضایی کسب کرد. او سرانجام پس از گرفتن مدرک کارشناسی زبان و ادب فارسی با اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید .
خاطرات و وقایع تحصیل : سید علی موسوی گرمارودی تحصیلات ابتدایی را دردبستان «باقریه » طی نمود ، او ازاین دوره چنین یاد می کند :« از آن دبستان ترکه های اناری که درحوض بزرگ مدرسه پیوسته درآن خیس خورد تا به کف دست شاگردان متخلف کوبیده شود ، همیشه چون کابوسی ، درذهن من مانده است . گرچه دستهای کوچک من هرگز با آن چوبها تماس نیافت اما سالیانی دراز بعد از آن روزها ،وقتی درزندان شاه ستمگر ،زیر کابلهای سیمی ساواک ، به خوداز درد می پیچیدم ،چهره شکنجه گرخودرا شبیه ناظم بی رحم آن دبستان می دیدم . »
استادان و مربیان : سید علی موسوی گرما رودی مقدمات رانزد پدر فرا گرفت و پس از عزیمت به مشهد نزد علمای بزرگی چون : فردوسی پور ، واعظ طبسی و ابب نیشابوری دوم نهنگ و به کسب علوم دینی پرداخت .
هم دوره ای ها و همکاران : سید علی موسوی گرمارودی با شاعر بزرگ معاصر اخوان ثالث نیز آشنایی و رفت و آمد داشت و اخوان شعری نیز به نام او سروده بود. شاید از سر این آشنایی بود که کتاب «درباره هنر و ادبیات» را ناصر حریری به گفت و شنودی با مهدی اخوان ثالث و علی موسوی گرمارودی اختصاص داد که به وسیله انتشارات کتابسرای بابل در سال قبل از وفات اخوان منتشر شد.
وقایع میانسالی : اولین رویداد سیاسی بوقوع پیوسته درزندگی سید علی موسوی گرمارودی ، غائله درانجمنهای ایالتی و ولایتی بودکه وی درمدرسه فیضیه حضور داشت. او تاآستانه دستگیری و زندانی شدن نیز رفت که با کوشش آیت لالله ربانی شیرازی نجات یافت . باورود به دانشگاه با برخی فعالان سیاسی آشنا شد و باشدت گرفتن مبارزان او بر چند رژیم پهلوی ، درسال 1352 به وسیله ساواک دستگیر و نزدیک به چهار سال درزندانهای اوینو قصرحبس گردید.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شورای انقلاب موسوی گرمارودی را به

سرپرستی سازمان آموزشی نومرز منصوب کرد. همان مؤسسه فرانکلین سابق که در اواخر دهه ?? با ادغام در تشکیلات «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» از صورت یک مؤسسه خارج شد و از آغاز نیز با نام «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام شد. علاوه بر این گرمارودی مدتی رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان بود و مدتی نیز مسئولیت تالار وحدت تهران را بر عهده داشت. او در مدت اقامتش در تاجیکستان به جد جریان شعر معاصر آن کشور فارسی زبان را دنبال کرد و در این باره مقالات تحقیقی متعدد نوشت.
فعالیتهای آموزشی : سید علی موسوی گرمارودی مدت یک سال درحوزه فردوس به امر تدریس مشغول گردید . وی پس از واقعه پانزده خرداد و دستگیری امام ،درتهران مستقیم گردید . او ابتدا در دبستان و سپس دردبیرستان علوی مشغول کار شد . او پس از انقلاب به تدریس دردانشگاه پرداخت.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : با پیروزی انقلاب اسلامی ،موسوی گرمارودی به همراه خانم طاهره صفارزاده «کانون فرهنگی نهضت اسلامی » را بنیاد نهاد . موسوی گرمارودی راه اندازی، مدیریت و سردبیری نشریه گلچرخ و انتشار یک مجله ادبی در تاجییکستان را نیز برعهده داشته است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید علی موسوی گرمارودی علاوه بر سرودن شعرو شرکت درانجمنهای ادبی ، انتشار دو دوره نشریه ادبی گلچرخ را به عهده گرفت . انتشار مجله ماهنامه «گلچرخ» راباید به دو دوره تقسیم کرد : دوره نخست بصورت ضمیمه ادبی روزنامه دراطلاعات از روز سه شنبه 12 شهریور 1365 لغایت خرداد ماه همین ماه منتشر شد. دور دوم فعالیت های این ماهنامه افزودن بر فعالیتهای روزنامه نگاری درقلمرو ادبیات داستانی و بازنویسی زندگانی معصومین ،آثار چندی ازوی منتشر شده است .
آرا و گرایشهای خاص : «من آنچه را برزبان شاعر می آید و بر کاغذ نوشته می شود، درخت صاعقه زده ای می بینم که روی زمین افتاده است. اگر گفته اند: من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر / من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدنش... می تواند در باره همان جلوه نا پیدای شعر گفته شده باشد. آنچه از یک شعر ناب برکاغذ یا زبان می آید در واقع تنها صورت ناظم و مرحله هبوط آن اصل اعلاست. آنچه ما از یک شاعر می خوانیم و می بینیم آن درخت برپای ایستاده در جنگل سبز خاطر، او نیست. توسکایی است که آذرخش خلاقیت شاعر برآن گرفته است و آن را پیش پای ما افکنده است. منتقد با آن عوالم چه می تواند بکند؟او هرچه می کند با بخش بیرونی شعر

می کند.» این جملات را شاعر نام آشنا و توانا علی موسوی گرمارودی در میهمانی انجمن شاعران ایران و در مراسم نکوداشت خویش بر زبان آورد. او میهمان نهمین برنامه میهمان ماه انجمن شاعران ایران ودفتر شعر جوان بود که در محل خانه شاعران برگزار شد. گرمارودی از آن دسته شاعرانی است که ضمن توجه به مسیر گذشته در شعر معاصر ره تازه می جوید. او درباره بسیاری از شاعران معاصر و هم عصر خویش هم تحقیقات فراوان کرده وهم نظرات دقیق و عمیقی ارائه کرده است. از آن جمله است نگاه او درباره شاعر بزرگ معاصر سهراب سپهری: «سپهری از کسانی است که راه نیما را شناخته بود، اما این را با خود با شخصیت یگانه خویش پیمود. او خود را با رنگ و کلمه بیان می کرد، مصالح خلاقیت او هم رنگ بود و هم کلمه و او با این هر دو نقاشی می کرد. یا با این هر دو مأموریت ادبی خود را انجام می داد. تعجب نفرمائید که برای نقاشی او نیز تأمل به مأموریت ادبی شده ام. می دانید که در نقاشی ایرانی از گذشته های دور به خاطر منعی که اسلام در مبارزه با آثار بت پرستی پیش آورده بود، پرسپکتیو ناگزیر حذف شده. یکی از منتقدان غربی می گوید نقاشی در آبستره به همانجایی رسیده است که نقاشی ایران اسلامی در طی قرون می پیمود یعنی در این نقاشی نیز مانند آبستره رنگ ها یکدیگر را فرا می خوانند. نقاشی مأموریت ادبی می یابد. اما شعر سپهری، شعر او در نخستین برخورد دارای چند ویژگی است، یکی این که سپهری نخستین کسی یا دست کم مهم ترین شاعری است که زبان شعر نو را با زبان محاوره پیوند زد. توضیح آن که در شعر نو شاعران در همان حال برخی دارای زبان خاص خویشند در یک چیز اشتراک دارند و آن زبان عام شاعرانه است در برابر زبان محاوره. در واقع می توان گفت که زبان شاعرانه هر شاعر و زبان خاص وی جنس و فصل شعر او را تشکیل می دهند. زبان شاعرانه در این تعبیر یعنی زبانی که علاوه بر حفظ ویژگی زبان خاص یک شاعر دارای ضخامت و اسلوب شعری است و حوزه لغات و تعبیرات و بیان در آن از نوعی است که آن را از سویی از زبان نوشتار متمایز می کند و از سویی دیگر از زبان گفتار. این ضخامت و اسلوب و تمایز و تمایل به ارگانیسم در کاربرد لغات به دست می آید. اما سپهری و البته اسماعیل شاهرودی و دیگرانی هم شاعرانی هستند که زبان شاعرانه را با زبان محاوره پیوند زده اند و به جای خود موفق هم بوده اند، اگر چه سپهری از این لحاظ موفق تر است.» موسوی گرمارودی همچنان که در عرصه شعر امروز و غزل امروز حرف تازه برای گفتن داشته، از آثار دیگر شاعران زمانه خویش نیز غفلت نکرده و چه بسا خارج از باورهای اعتقادی یا نگره سیاسی و فردی، شعر آنان را ارجح بر شعر خویش، به مخاطب شعر امروز توصیه کرده است. او در مرگ نوذر پرنگ از غزلسرایان فقید

معاصر این حساسیت و دقت و توجه را به خوبی به نمایش گذاشت: «از دست رفتن نوذر پرنگ برای غزل معاصر ما لطمه بزرگی خواهد بود. پرنگ بی گمان یکی از برجسته ترین شاعران غزل نو است و تأثیر او در نسل های بعد از خودش، بر کسی پوشیده نیست. من درجلسه نقد و بررسی شعر پرنگ که با حضور خود شاعر و مرحوم منوچهر آتشی برگزار شد هم به این موضوع اشاره کردم که اشیا هم ناطق اند و گویا، اما به زبان بی زبانی. اما این طور نیست که پدیدار های عالم با همه سخن بگویند؛ شاعران و بخصوص شاعرانی مانند پرنگ محرم رازهای پدیدار ها هستند و پدیدار ها با کسانی مانند او بیگانه و نامحرم نیستند. برخی از غزل های پرنگ در ادبیات ما جاودانه خواهند بود. پرنگ با توجه به مضمون این شعرش که می گوید: کجایی ای همه جای تو خوش رهایی، های/! دلم به سوی صدای تو رهسپار شده است، به سوی رهایی رفت. به جای دلش که در زندگی به سوی صدای رهایی رهسپار شد، حالا خودش به سوی رهایی رفته است. خاک بر او خوش باد» !

جوائز و نشانها : سید علی موسوی گرمارودی امسال (1385) به عنوان «چهره ماندگار بخش شعر» به وسیله بنیاد چهره های ماندگار انتخاب شد. او در مراسم این انتخاب ضمن قرائت بخشی از شعر پیامبر اعظم (ص) گفت من افتخار می کنم که با شعر علوی بزرگ شده ام و امروز به عنوان یک شاعر آئینی از من یاد می شود. در سالی که به نام پیامبر بزرگ اسلام نامگذاری شده است، باید در راستای اهداف نبوی و توسعه مفاهیم اسلامی گام برداریم و اندیشه های نبوی را در همه جامعه اسلامی خود جاری کنیم».

چگونگی عرضه آثار : بهاءالدین خرمشاهی در مقدمه گزینه اشعار گرمارودی نوشته است: کارنامه شعری گرمارودی هم پر بار است هم پربرگ، کارنامه ای است کلان ومشتمل بر کتاب که حاصل سلوک ساله شعری اوست.کتاب شعر او عبارتند از: عبور، در سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعر نیستان، تاناکجا آباد. گزینه شعر گرمارودی را نیز بهاءالدین خرمشاهی انتخاب کرده است. سهیل محمودی درباره گرمارودی می گوید: موسوی گرمارودی یکی از کهن ترین قالب های شعر فارسی یعنی قصیده را در عرصه ای به نام شعر سپید تعریف کرده است. او از کسانی است که با تکیه برگذشته شعر فارسی و با ارزش گذاری به گذشته که نه تقلید است و نه فقط تقدیس آن، برای امروز بهره گرفته است. چیزی که متأسفانه امروز در ادبیات ژورنالیست زده ما وجود ندارد و کسانی مانند اخوان یا سهراب در این راه موفق بوده اند و بخشی از این سنت را به شکل پویا در آورده اند. این بخشی از توجه گرمارودی به پیشینیان در قالب قصیده است. بخش دیگر

نگاه معرفتی و دینی اوست که البته گاهی آنقدر به آن پرداخته شده که حجابی روی وجه شاعری او شده است. اما نگرش و منبع فکری است که به شعر عاشقانه ماهم معنی می دهد و گرمارودی در این وجه هم موفق بوده است. علی موسوی گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی امروز شناخته می شود. او تحصیلات مقدماتی خود را در قم و مشهد به پایان رساند و ادبیات عرآثار استاد گرمارودی به بخش کاملاً متفاوت تقسیم می شود. نخست شعر، در این زمینه ? کتاب تا به حال از او منتشر شده است. «در سایه سار نخل ولایت» و «خط خون»، معروف ترین دفترهای شعر اوست. حوزه دیگر کارهای او، داستان نوجوانان است که در این زمینه هم «داستان پیامبران» معروف تر از بقیه استب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. از ویژگی های شعری او تخیل گسترده و به دام آوردن اندیشه های نو در قالب کهن قصیده است گرمارودی در کار بازخوانی و خوانش ادبیات کهن نیز بوده و مجموعه ای از دیوان حافظ با صدای او منتشر شده و انجمن شاعران ایران نیز گویا روایت بوستان سعدی را با صدای او ضبط کرده است.

آثار :

1 ??شعر ترجمه شده به زبان ایتالیایی (مجموعه شعر)،

2 بابا تاریخ (داستان کوتاه)،

3 پرتو انسان ها (داستان جلد اول و دوم)

4 تا ناکجا آباد

ویژگی اثر : مجموعه شعر علی موسوی گرمارودی با نام «تا ناکجا» به چاپ رسید که عکس های زیبای ریکاردو زیپولی از کوچه باغ های روستا های مناطق کویری، دشت ها، بیابان ها و... آن را همراهی می کرد. کاری که در زمانه خویش مجموعه شعری متفاوت را رقم زد. زیپولی استاد دانشگاه «ونیز» و رایزن سابق فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران بود. او همان است که کتاب شعرهای عباس کیارستمی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.

5 ترجمه قرآن مجید

ویژگی اثر : گرمارودی ادبیات عرب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. آشنایی او با ادبیات عرب البته این نتیجه را نیز به همراه داشته که گرمارودی را ترغیب به ترجمه قرآن کریم کند. ترجمه ای که به سرعت به چاپ دوم رسید و در چاپ دوم ترجمه اش را ویرایش دوباره نیز کرد. چاپ نخست این ترجمه در حجمی هزارو??? صفحه ای انتشار یافت، چاپ دوم آن نیز ازسوی انتشارات قدیانی منتشر شد.

6 داستان پیامبران

ویژگی اثر : جلد اول آن درکتاب از آدم تا مسیح که به صورت داستانی می باشد .(جلد اول: از آدم (ع) تا عیسی (ع)).گرمارودی علاوه بر شعر، نثر روان و فاخری نیز دارد. او در کتاب، داستان پیامبران را از آدم ابوالبشر(ع) تا حضرت ختمی مرتبت(ص) با این نثر روایت کرده است
7 داستان پیامبران
ویژگی اثر : از حضرت محمد در جلد دوم
8 در مسلخ عشق
ویژگی اثر : مجموعه داستانی می باشد.
9 درباره هنر وادبیات امروز
ویژگی اثر : این کتاب مصاحبه ناصر حریری با گرمارودی
10 درمسلخ عشق (مجموعه داستان کوتاه مذهبی)،
11 دستچین (مجموعه شعر)
12 زندگی شیخ محمد تقی بافقی (داستان کوتاه)،
13 سرود آسمانی
ویژگی اثر : ترجمه ای «از صحیفه سجادیه»
14 صدای سبز
ویژگی اثر : آخرین مجموعه شعر منتشرشده این شاعر، «صدای سبز» (گزینه شعرها به اضافه بیش از شعر جدید) است.
15 قلم انداز
ویژگی اثر : مجموعه مقالات و سفر نامه ها از 1348
16 گزیده شعر نیستان
17 گزینه شعر گرمارودی
ویژگی اثر : به گزینش مقدمه بهاء الدین خرمشاهی
18 مجموعه تا کجا
19 مجموعه شعر باران اخم
ویژگی اثر : گزینه شعر جنگ دفتر ادبیات و شعر مقاومت درسال 1373 تهران منتشر شده است
20 مجموعه شعر چمن لاله
21 مجموعه شعر خط خون
ویژگی اثر : از انتشارات زوار به سال 1363 می باشد
22 مجموعه شعر درسایه سار نخل ولایت
ویژگی اثر : این اثر چاپ دوم و دفترنشر فرهنگ اسلامی به سال 1358 می باشد .
23 مجموعه شعر درفصل مردن سرخ
ویژگی اثر : این اثر از انتشارات راه امام به سال 1357 می باشد .
24 مجموعه شعر سرود رگبار

ویژگی اثر : این اثر درسال 1357 رواق و چاپ دوم می باشد .
25 مجموعه شعر عبور
ویژگی اثر : این اثر وی از آثار شعری اوست که درسال 1356 چاپ دوم می باشد .
26 نهج البلاغه
ویژگی اثر : ترجمه ای
27 نوح پیامبر (داستان کوتاه)،
28 یونس (داستان کوتاه)،

موسوی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اکبر موسوی
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1

زندگینامه علمی
از کودکی با شرکت در جلسات مذهبی و کلاس‌های علمی تاریخی عادت به مطالعه کردم، به تدریج در هنگام انقلاب و بعد از انقلاب با مطالعات معتبر سیاسی، علمی و با شرکت در برنامه‌های حزب جمهوری و جلسات دیگر و کنجکاوی‌های فراوان برای پاسخ به بعضی پرسش‌های اساسی که نیاز زیادی را احساس می‌نمودم (هدف‌های خلقت، علل اختلالات در میزان نعمت‌ها و علل تفاوت‌ها و علل رنج‌های موجود در جامعه و انسان و اینکه خدا چه رابطه‌ای با انسان دارد) با مطالب علمی، کلامی و تفسیری آشنایی پیدا کردم و شاید علت مهمی که به حوزه علمیه آمدم پاسخ به همین مسائل بود از همان دوران دبیرستان سال 58 ـ 59 ـ 60 با کتب استاد مطهری زیاد مأنوس بودم مثل کتاب‌های علل گرایش به مادیگری، جهان‌بینی، انسان و ایمان و عدل الهی و... گرچه بعضی کتب مثل عدل الهی مطالب دشواری داشت در آن سن، اما تلاش زیادی برای درک آن می‌کردم... در کلاس‌های کلامی، فلسفی، که از طرف انجمن اسلامی معلمان برای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دبیرستان‌های قزوین برگزار می‌شد با علاقه شرکت می‌کردم، اثبات واجب الوجود و پاسخ به شبهات و... . بعد از مدتی که به جبهه‌ها رفتم؛ به قم آمدم در قم نیز بعد از آشنایی با اساتید مختلف و سلیقه‌های مختلف، شاید احساس می‌کنم روشی را انتخاب کرده‌ام. هم برای پاسخ به سوالات خودم و هم برای ارائه مطلب به دیگران و تبلیغ مطالب . بعد از سطوح حوزوی از سال 1370در دروس آیات عظام مکارم جوادی آملی میرزاجواد آقا تبریزی وحید خراسانی شرکت نمودم به امید اینکه بتوانیم مسئولیتها را بانجام برسانیم.

موسوی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد، محقق.
تولد: 1314، حسین‌آباد میامی از توابع شاهرود.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
سید کاظم موسوی، فرزند میرزا موسی، از شش سالگی به مکتب رفت. در حالی که قرآن را می‌آموخت سعی می‌کرد سوره‌های کوچک را نیز حفظ نماید. در همان دوران خواندن و نوشتن و بخشی از مقدمات درس‌های حوزه‌ای را نیز فراگرفت. در سیزده سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت. جلدین شرح لمعه را نزد حاج میرزا محمود مدرس، رسائل و مطالب و کفایتین را نیز در خدمت آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی خواند. درس خارج را ابتدا در محضر آیت‌الله شیخ آقا بزرگ جواد تهرانی فراگرفت. و بعد از آن آیت‌الله سید محمد ادی میلانی در حلقه‌ی درس خارج نیز شرکت نمود و سپس اجاره را در حضورشان خواند. خلاصه‌ی درس را پس از خروج از محضر استاد به عربی می‌نوشت و با توجه به شیوه کتابتش به عنوان مقرر آیت‌الله میلانی پذیرفته شدند.
در اوایل رمضان سال 1336 اولین فرصت شغلی برایش پیش آمد و از وی به منظور همکاری با انتشارات کتب اسلامی دعوت شد. متعاقبا به تصحیح مجلد اول تا چهاردهم، و تحشیه و تصحیح و تخریج و مجلدات 35 تا 42 کتاب بحارالانوار مشغول شد. در کنار این وظیفه، تحصیح کتب دیگری از جمله ارشاد شیخ مفید، تفسیر مقتنینات الدور، ادب النفس، شواهد و مجمع البیان را عهده‌دار شد.
در سال 1340 با استاد رضا روزبه آشنا شد و دو سال بعد از طرف دبیرستان علوی دعوت به همکاری شد. این سال آغاز همکاری فرهنگی وی با رضا روزبه که تا سال 1352 یعنی تاریخ وفات استاد ادامه داشت. یکی از نتایج این همکاری تألیف مجلدات اول و دوم عربی آسان بود. جلدهای سوم چهارم و پنجم بعدها تهیه شد.
به موازات فعالیت‌های فرهنگی به تحصیلات دانشگاهی هم پرداخت و با طی مدارج لیسانس و فوق لیسانس در سالهای 1345 تا 1350 در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب فارغ‌التحصیل شد.
در سال 1349 مسئولیت اداره‌ی انجمن اسلام‌شناسی بانوان را که به وسیله‌ی سید حسن شاهچراغی بنیانگذاری شده بود از طرف روزبه

پذیرفت. در سال 1350 مدرسه راهنمایی دخترانه‌ی روشنگر و پس از آن دبیرستان روشنگر را تأسیس کرد. علاوه بر فعالیت‌های یاد شده در سایر انجمن‌ها و کانون‌ها فعالیت علمی و اجتماعی داشته و دانشجویان را در بررسی و تتبع در بهره‌گیری از متون اسلامی و نیز در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایشان یاری می‌نمود.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده‌ی امام در وزارت آموزش و پرورش منصوب شدند. در زمان وزارت آقای محمدعلی رجایی مشاور عالی وزارتخانه بودند و همزمان با کار مشاوره عضویت دادگاه تجدید نظر اداری، شورای انتخاب نشریه‌ی وزارت ارشاد اسلامی، شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و شورای سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مداس را نیز دارا بودند. آخرین سمت اداری ایشان معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پروش بود.
سید کاظم موسوی در جریان بمب‌گذاری و انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران در سال 1360 به شهادت رسید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی، محمدمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1305.
درگذشت: 28 آذر 1364.
سید محمدمهدی موسوی از آگاهان تاریخ دوره قاجار بود. از آثارش تصحیح خاطرات محمودخان احتشام‌الدوله بود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ناصر موسوی
محل تولد : بیجار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1

زندگینامه علمی
متولد سال 1354 در یکی از روستاهای بیجار کردستان هستم. در6 سالگی به جنوب تهران و پس از یک سال به شهریار مهاجرت کردیم. از سال اول ابتدائی تا پایان دوره راهنمائی در شهریار (شهرک امیریه) تحصیل کردم. از سال 1369 تا 1373 در هنرستان فنی شهریار دیپلم فنی رشته «راه و ساختمان» را اخذ کردم و سپس وارد حوزه شدم.
از سال 1373 تا 1377 در حوزه علمیه «امام صادق (ع)» شهریار تحصیل کردم و موفق شدم در مدت 4 سال، 6 پایه تحصیلی را گذرانده و به قم منتقل شوم. از 1377 تا 1379 در قم مشغول تحصیل شدم، یک سال در حوزه علمیه «امام صادق (ع)نیروگاه» و دو سال نیز در مدرسه «ولیعصر (عج): مدرسه علمیه میرزا هاشم املی» و پس از پایان پایه 9 ضمن قبولی در مدرّسی حوزه به حوزه علمیه تهران رفته و در مدرسه علمیه «حجت بن الحسن» به مدت دو سال رسماً مدرس آنجا بودم. البته دو سال دیگر هم به صورت پاره وقت با آنها همکاری داشتم.
ضمنا از سال 79 در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) هم قبول شدم و درسال 84 با اخذ مدرک لیسانس فارغ التحصیل شدم. اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد رشته «تاریخ تمدن اسلامی» در مدرسه عالی امام خمینی (ره) واقع در فلکه جهاد می باشم. دروس این دوره نیز پایان یافته و اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم.

مولوی شیرازی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1307 ق)، فقیه، عالم دینی، قاری، زاهد و شاعر، متخلص به مولوی. در علم تجوید و قرائت قرآن مجید متبحر بود. او در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (439)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (563/ 5)، الذریعه (1124/ 9)، ریحانه (29/ 6).

مهدوی، مصلح‌الدین محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1374 -1294 ش)، عالم، مورخ، ادیب و نویسنده. خاندانش در اصفهان به سادات خواجویی معروف می‌باشند. وی در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا در مدرسه‌ی اقدسیه و سپس گلبهار و مدتی نیز در حوزه‌ی علمیه اصفهان تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی معلومات خود را تکمیل نمود. نزد استادان بسیاری علوم مختلف را فراگرفت. از اساتید او می‌توان به میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، صاحب «مکارم الآثار»، و آقا سید محمدکاظم عصار و ملا محمدباقر همامی و آقا میرزا محمدباقر امامی و آقا شیخ حسن قاضی عسکر داورپناه و آقا شیخ محمدحسین فاضل تونی و آقا سید حسن مدرس هاشمی و همچنین می‌توان به آیات عظام مرعشی نجفی، آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمدباقر کمره‌ای، سید مصطفی صفایی خوانساری، سید محمد شیرازی، سید محمدعلی روضاتی، سید ضیاءالدین علامه، سید علی فانی و شیخ محمدعلی عراقی اشاره کرد که از بسیاری از ایشان اجازه روایت گرفت. وی از پانزده سالگی بر کتاب «تذکرة القبور» آخوند ملا عبدالکریم گزی، مشتمل بر شرح حال یکصد تن از علماء و شعرا و عرفای اصفهان، حواشی نوشت و در 1369 ق آن را تحت نام «رجال اصفهان» مشتمل بر شرح حال هفتصد تن به چاپ رساند. سپس آن را کامل‌تر نمود مجددا تحت نام «تذکرة القبور» یا «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، مشتمل بر شرح حال متجاوز از دو هزار تن منتشر کرد. گفته‌اند که تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است. از دیگر آثارش: «مزارات اصفهان یا تخت فولاد»؛ «زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی»؛ «بیان المفاخر»، در باب احوال سید حجةالاسلام شفتی؛ تذکره‌ی «شعرای معاصر اصفهان»؛ «تاریخچه‌ی شهر سامرا»؛ «زندگینامه‌ی حضرتین عسکریین علیهماالسلام»؛ «عطیة الجواد»، در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ «اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، در سه مجلد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (مقدمه)، الذریعه (97 -96/ 10)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 557 -556/ 14)، کیهان فرهنگی (س 12، ش 126، ص 65)، مؤلفین کتب چاپی (246/ 6).

مهر علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1304 ق)، قلمدان‌ساز. در سیاه قمل دست داشت و به شیوه‌ی آقا فتح‌اللّه قلمدان‌سازی می‌کرد. از آثار وی قلمدان گل و مرغی زیبایی است که به شیوه‌ی آقا فتح‌اللّه عمل آورده و در وسط مدالیون رویه آن، تصویر یک شکارچی است که شیری را شکار کرده و حواشی آن، پر از گلهای رنگین است و رقم «مهر علی سنه 1304» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1251/ 3).

مهرانی نیشابوری، ابوبکر احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(381 -295 ق)، محدث، مقری، زاهد و عابد. معروف به ابن‌مهران. اصلش از اصفهان و ساکن نیشابور و شیخ‌الاسلام آنجا بود. ابوعبداللّٰه حاکم نیشابوری گوید که وی امام عصرش در قراآت بود. در طلب اسانید قراآت به عراق و شام مسافرت نمود. در عراق قرآن را بر زید بن ابی‌بلال و ابوحسین بن بویان یا ثوبان و ابوبکر نقاش و ابوعیسی بکار و ابن مقسم و در دمشق بر ابوالحسن محمد بن نضر خرم تلاوت نمود. مهدی بن طراره و جماعتی بر او قرآن را تلاوت نمودند. در نیشابور از ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه و ابوالعباس سراج ثقفی و ابوالعباس ماسرجسی و مکی بن عبدان و جماعتی دیگر حدیث شنید. حاکم ابوعبداللّٰه حافظ و ابن‌مسرور و ابوسعد کنجرودی و عبدالرحمان بن علیک و ابوسعد احمد بن ابراهیم مقری از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الغایة فی القراءات»؛ «الشامل فی القراءات»؛ «سجود القرآن»؛ «غرائب القرآن»؛ «الاتفاق و الانفراد»؛ «اختلاف عدد السور»؛ «الوقف و الابتداء»؛ «وقوف القرآن»؛ «رؤوس الآیات»؛ «آیات القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (112/ 1)، انساب سمعانی (413 -412/ 5)، تذکرة الحفاظ (975/ 3)، سیر النبلاء (407 -406/ 16)، شذرات الذهب (98/ 3)، العبر (158 -157/ 2)، کشف الظنون (1424، 1025)، معجم الادباء (15 -12 / 3)، النجوم الزاهرة (163/ 4)، هدیة العارفین (67/ 1).

میر خواند بلخی، محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 903 -837 ق)، مورخ، ادیب و شاعر. معروف به میر خواند و امیر خواند. وی در شمار بزرگترین مورخان عهد تیموری بود. خاندان وی از سادات حسینی است و سلسله‌ی آباء و اجدادش به زید بن علی بن حسین (ع) منتهی می‌شود. در بلخ به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت و در آنجا تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول به پایان رساند. وی از همان آغاز مورد توجه سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوایی (906 -844 ق) قرار گرفت و دوستی و الفت همواره بین میرخواند و امیرعلیشیر برقرار بود، به همین دلیل میرخواند کتاب «روضة الصفا» را به نام او تألیف کرد. وی در فن تاریخ و صنعت انشاء و فنون ادب مهارت بسزایی داشت با این وجود به مشاغل دیوانی روی نیاورد تا در اواخر عمر، کارش به انقطاع و انزوا کشید و بیش از یک سال در گازرگاه هرات منزوی شد و به علت بیماری به هرات منتقل گردید و در آنجا نیز درگذشت و در مزار شیخ بهاءالدین که پیر و مراد پدرش بود، به خاک سپرده شد. صاحب «ریحانة الادب» او را معاصر جامی می‌داند و در «دایرةالمعارف فارسی» زندگی پدر میرخواند، بهاءالدین خاوند شاه، با صاحب عنوان درآمیخته شده است. گروهی از منابع نیز در مورد محل تولد و تحصیلاتش اختلاف دارند. از آثار وی: «روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفا»، مشتمل بر وقایع عمومی عالم از بدو خلقت تا زمان خود مؤلف. تاریخ او قسمتی ترجمه از تاریخ‌های عربی و قسمتی اقتباس از تواریخ خاصه فارسی و حتی نقل به عبارت از «جامع التواریخ» رشیدی و «ظفرنامه» شرف‌الدین علی با اندکی اصلاح است. میرخواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شروع جلد هفتم شدت بیماریش مانع پیشرفتش شد و از این رو نواده‌ی او غیاث‌الدین خواند میر، مؤلف «حبیب السیر»، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا 929 ق به آن افزود. رضا قلی خان هدایت ذیلی بر این کتاب در سه مجلد تا حوادث زمان خود نوشته و آن را، به اسم ناصرالدین شاه قاجار، «روضة الصفای ناصری» نامیده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (625 -621)، اعیان الشیعه (402/ 9)، تاریخ ادبیات در ایران (523 -519/ 4)، تاریخ در ایران (152 -151)، تاریخ

مغول (491)، تاریخ نظم و نثر (240 -239)، تعلیقات مزارات هرات (51)، حبیب السیر (342 -341/ 4)، دایرةالمعارف فارسی (2953/ 2)، الذریعه (297 -296/ 11 ،1140 ،307/ 9)، روضة الصفا (مقدمه/ ک- ع)، ریحانه (56 -54/ 6)، سبک شناسی (205 -204/ 3)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (234 -233)، فرهنگ ادبیات فارسی (495 -494)، فرهنگ سخنوران (900 -899)، کشف الظنون (927 -926)، الکنی و الالقاب (220/ 3)، لغت نامه (ذیل/ میرخواند)، مجالس النفائس (270 ،94)، مزارات هرات (118)، مؤلفین کتب چاپی (458 -455/ 5)، هدیة الاحباب (252).

میر شمس شهشهانی، سهیلا

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر سهیلا میرشمس شهشهانی ، متولد 1327 ه.ش در تهران، دارای دکتری انسان شناسی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال1981.م و عضو هئیت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی ازسال1370 می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : سهیلا میرشمس شهشهانی دارای دو برادر است که آنها ریاضیدان هستندخاطرات کودکی : سهیلا میرشمس شهشهانی قبل از رفتن به آمریکا چنین می گوید:فکر می کردم روانشناسی بخوانم. تصورم این بود که رشته روانشناسی، یک رشته خیلی جذاب است ولی وقتی دربهار سال 1956 به خارج رفتم، کم کم علایقم تغییر کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم: 1345 / آمریکا. کارشناسی: فلسفه / 1348 / دانشگاه کالیفرنیا، برکلی. کارشناسی ارشد: انسان‌شناسی / 1352 / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ. دکتری: انسان‌شناسی / 1360 / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ است.خاطرات و وقایع تحصیل : سهیلا میرشمس شهشهانی در باره تعیین رشته خود چنین میگوید: قبل از رفتن به آمریکا، عمدتاً با روانکاوی آشنا بودم و فکر می کردم که روانکاو خواهم شد. من از طریق برخی مقالات و دایره المعارف فهمیده بودم که روانکاوی چه هست ولی وقتی که در آمریکا، آثاری بیش تر را مطالعه کردم، دیدم روانکاوی آن طور که دوست داشتم، جذاب نیست. در دانشگاه هم وارد رشته فلسفه شدم.در ترم اول که ترم تابستانه بود، فقط یک درس را گرفتم و آن هم کتاب جمهوری افلاطون بود.بعد از اخذ مدرک لیسانس فلسفه، به نیویورک رفتم و در کلاس یکی از معروف ترین استادان انسان شناسی شرکت و به این رشته علاقه پیدا کردم. البته دپارتمان انسان شناسی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، بسیار معروف بود ولی من در دوره لیسانس به انسان شناسی علاقه نداشتم. وقایع میانسالی : سهیلا میرشمس شهشهانی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در گروه علوم اجتماعی پذیرفته شد و وی هم اکنون در آنجا سمت دانشیاری دارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سهیلا میرشمس شهشهانی عضو هئیت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی و سردبیر مجله انسان شناسی، و سردبیر مجله فرهنگ انسان و معاون

کنونی مجمع بین المللی علوم انسان شناسی و قوم شناسی می باشد.آرا و گرایشهای خاص : سهیلا میرشمس شهشهانی معتقد است: انسان شناسی نسبت به یک جامعه شناخت می دهد. ممکن است توانمندی های جامعه موضوع تحقیق باشد و یا این که کسی بخواهد ضعف ها را نشان دهد.

میراحمدی، مریم

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
سال تولد: 1322، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای تاریخ و فرهنگ ایران (ایرانشناسی).
مرتبه علمی:
استاد دانشکده الهیات و ادبیات دانشگاه الزهرا.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
احیاء متون قدیمی تاریخی به زبان فارسی، همکاری با مجلات و عضویت در هیأت تحریریه مجله تحقیقات تاریخی (تهران) و مجله دانشکده ادبیات (مشهد)، عضویت در انجمن اروپایی ایرانشناسان (آلمان) و انجمن فرهنگ و زبانهای ایرانی (انگلستان). راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه‌های تاریخی و فرهنگ ایران.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 10
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
تاریخ ایران در دوران اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، تأثیر و تحلیل وقایع تاریخی و اجتماعی بر ادبیات معاصر ایران، روند تاریخی دیوان در ایران.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 21، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تاریخ و فرهنگ ایران در دوران اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرجعفری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1319، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی تاریخ از دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز در سال 1344، دکترای تخصصی تاریخ از دانشکده الهیات استانبول ترکیه در سال 1351.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه اصفهان از سال 1351 تا سال 1358، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال 1358.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس دروس تشکیل دولت صفوی، فرهنگ و تمدن عصر صفوی، تاریخ ایران از مغول تا صفویه، تاریخ عثمان، تاریخ ادیان، قرائت متون تاریخی به فارسی، شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام در دانشگاه اصفهان و مطالعه و پژوهش در زمینه‌های تاریخی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 1
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
سیری در تاریخ فرهنگ ایران در زمینه تاریخ.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 21، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
پناهندگی شاهزاده بایزید به ایران، شاطری و شاطر روانی در عصر صفویه، تصوف و تجلی آن در دوره صفویه، ایل شاهسون در ایران، منازعات حیدری و نعمتی در ایران، زندگانی القاصی میرزای صفوی، سایر مقالات تاریخی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرحسنی، اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تعلیم و تربیت، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال 1348، کارشناسی ارشد آموزش زبان (به عنوان زبان خارجی) از دانشگاه کلورادوی آمریکا در سال 1353، دکترای تعلیم و تربیت (با تأکید بر آموزش زبان) از دانشگاه کلورادوی آمریکا در سال 1356.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تهیه فرهنگ جامع آموزش زبان، تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 37 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 21
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
روانشناسی یادگیری، تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، گرامر انگلیسی، ارتباط گفتاری و فرهنگ لغت.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 9، تعداد مقالات بزبان خارجی: 8
زمینه علمی مقالات:
مشکلات آموزش زبان، نگارش، تعلیم و تربیت در اسلام، آموزش و پرورش و تغییر طبقات اجتماعی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرزا باشی، شکرالله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، فلزکار. اثر هنری او، آفتابه‌ی خوش طرح و پرآذین اسلیمی است که در دهانه‌ی آن رقم «شکراللّٰه میرزا باشی» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (247 -246 /1).

میرزایی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد میرزایی
محل تولد : میاندوآب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/5/10

زندگینامه علمی
بعد از اتمام دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک و قبولی در کنکور سراسری 1374 در رشته مهندسی برق (گرایش الکترونیک) با مشورت و راهنمایی و صلاحدید پدرم وارد حوزه علمیه شده و رشته مهندسی را ادامه ندادم (سال ورود به حوزه 1374). در مدت 5 سال در حوزه علمیه «حضرت ولی عصر بناب» مقدمات را به اتمام رسانده و درسال 1379 عازم قم شدم. همزمان با تحصیل در مقطع سطح، وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره) در رشته «معارف اسلامی و جامعه شناسی» شدم. در سال 1383 دوره لیسانس را همزمان با اتمام پایه 10 به پایان رساندم و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته «الهیات» ادامه داده و فارغ التحصیل شدم. سابقه 3 سال درس خارج دارم و همچنان مشغولم. انشاء الله.

میرقرشی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مجلد و شاعر، متخلص به خطایی. نگارگر و صحاف قوی‌دست دوران تیموری در شهر سمرقند بود و در سرودن شعر نیز دست داشت. میرقرشی در سمرقند درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1336/ 3)، الذریعه (881، 298/ 9)، مجالس النفائس (220، 47).

میرم چلبی، محمود

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 931 ق)، منجم، ادیب و مورخ. مشهور به میرم. از علمای عثمانی بود و در تاریخ و ادبیات عرب و هیئت و ریاضی مهارت داشت. وی معلم سلطان بایزید خان ثانی عثمانی بود. مدتی نیز از جانب سلطان سلیم خان (926 -918 ق) قاضی عسکر آناطولی شد. او سپس به زیارت بیت‌اللّه الحرام رفت و بعد از مراجعت درگذشت. از آثارش: «دستور العمل فی تصحیح الجدول»، شرح بر «زیج الغ بیگ»، به امر سلطان بایزید و در 904 ق، که آن را به دربار هدیه کرد؛ شرح «رساله‌ی فتحیه» ملا علی قوشچی؛ «رسالة فی معرفة سمت القبلة»، که آن را به سلطان بایزید هدیه کرد؛ «کتاب الضمائر»، «منیة الصیادین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (472/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (103/ 4)، تاریخ نظم و نثر (271)، ریحانه (78/ 6)، کشف الظنون (1886، 1434، 1236، 966، 872، 866)، لغت نامه (ذیل/ میرم)، معجم المؤلفین (196 -195/ 12).

میری، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عباس میری
محل تولد : خضری قائنات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1

زندگینامه علمی
سید عباس میری (محقق و نویسنده حوزه علمیه قم) در سال 1335 شمسی در خضری از توابع شهرستان قاین دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در مکتب خانه قرآن مجید فرا گرفت. دوره دبستان را تا ششم نظام قدیم در موطن خود گذراند. در سال 1350 شمسی داوطلبانه وارد حوزه علمیه گناباد (جنوب خراسان) شد. ادبیات عرب تا سیوطی را در حوزه گناباد از محضر اساتید حوزه: «حاج شیخ حسین نصیری، سید ناصر خطیبی و دیگران» آموخت.
در سال 1352 شمسی عازم حوزه علمیه مشهد شد. در مدرسه نواب که از بهترین مدارس حوزه مشهد به شمار می آمد، ساکن شد. تحت برنامه های منظم و کلاسیک مدرسه «آیةالله سید محمد موسوی نژاد»، از محضر اساتید برجسته مدرسه مثل: (جناب آقای نصرتی، ناطقی، سید علی اصغر حسینی، سید محمد موسوی نژاد، سید مهدی موسوی نژاد، شهید ابوالقاسم قاسمی، آقای اسلامی و امیری)، دوره کامل مقدمات، اصول فقه، شرح لمعه و رسائل شیخ انصاری را فرا گرفت. خارج از برنامه های مدرسه فوق، از درس لمعه و رسائل آیةالله طبسی: (تولیت فعلی آستان مقدس رضوی)، آیةالله رضازاده، عباسپور، حائری طبسی، موسوی شاهرودی و شیخ علی تهرانی به طور آزاد بهره برد. بخش زیادی از مکاسب شیخ انصاری را از حوزه درس استاد بزرگ حوزه مشهد «آیةالله حاج شیخ علی آقای فلسفی» و کفایتین را از حوزه درس «آیةالله رضازاده» و مدتی از درس خارج «آیةالله اعلم» استفاده کرد.
به موازات درس معمول حوزوی، درسهای تفسیر، نهج البلاغه، معارف دینی، مباحث اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را از جلسات پر رونق و بیدارگر

«مقام معظم رهبری» و مبحث شناخت را از شیخ علی تهرانی و شهید عبدالکریم هاشمی نژاد و مدتی از حوزه درس تفسیر آیةالله میرزا جواد آقای تهرانی و محامی بهره مند شد و مباحث حدیث شناسی را از محضر استاد علی حکیمی استفاده کرد و در ضمن از سال 1354 شمسی تاکنون به امر تبلیغ در بسیاری از مناطق کشور اشتغال داشته است.
پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در سال 1358 - 1359 برای ادامه و تکمیل تحصیلات، عازم حوزه علمیه قم شد. پس از چند ماهی که در مدرسه آیةالله غیوری به سر برد با بازگشائی مدرسه مبارکه فیضیه پس از انقلاب اسلامی در آنجا ساکن شد. با استفاده از دروس اساتید بزرگ حوزه به تکمیل آموخته های خود پرداخت. بخشهای کفایتین، یک دوره خارج اصول، بخشهایی از مباحث خارج فقه (کتاب حج) از حوزه درس «آیةالله فاضل لنکرانی» استفاده کرد.
مباحثی از کتاب حج را از حوزه درس «آیةالله جنتی» آموخت، در درس خارج فقه کتاب قضا «آیةالله نوری همدانی» و «آیةالله سید محمد هاشمی شاهرودی» شرکت جست. از درسهای خارج فقه آقای منتظری تا زمانی که درس وی رسمیت داشت کتابهای حدود و دیات، ولایت فقیه، زکات و ... را آموخت. سپس مباحث خارج صلاة، بیع، خیارات و بخشهایی از مباحث خارج اصول را از محضر استاد بزرگ حوزه «آیةالله وحید خراسانی» استفاده کرده و هم اکنون از محضر آن استاد بزرگ کسب فیض می نماید. مدتی از درسهای خارج اصول «آیةالله مکارم شیرازی»، «آیةالله میرزا جواد آقا تبریزی»، «آیةالله جعفر سبحانی»، «آیةالله فاطمی تویسرکانی» کسب فیض کرد.
دانش درایه، حدیث و رجال را از محضر رجالی بزرگ و برجسته «آیةالله سید موسی شبیری زنجانی»، «آیةالله نوری همدانی»، «منتظری» و ... فرا گرفت و از برخی درسهای مقطعی «آیةالله صانعی» و «صالحی نجف آبادی» بهره برده است. بدایه و نهایه را از استاد فیاضی، دکتر احمد احمدی و «آیةالله مصباح یزدی»، و منظومه ملاهادی سبزواری را از آیةالله شیخ یحیی انصاری و نکونام و بخشهایی از اسفار را از «آیةالله جوادی آملی»، محمدی گیلانی و بخشهایی از اشارات را از حوزه درس «آیةالله حسن زاده آملی» فرا گرفت.
از درس تفسیر «آیةالله مشکینی» و مباحث خارج فقه (کتاب مضاربه) و مباحث اخلاقی وی استفاده کرد. در حوزه درس تفسیر «آیةالله ملکوتی» و «آیةالله جوادی آملی» چند سالی شرکت نمود، مباحث اخلاقی را از «آیةالله بهاءالدینی»، «آیةالله مظاهری» و «شب زنده دار» آموخت.
مباحث اقتصاد اسلامی را از محضر «آیةالله سید محمود هاشمی شاهرودی»، «آیةالله سید محمد شیرازی» و «آیةالله مشکینی» آموخت و

چند وقتی از کلاس درس نهج البلاغه «آیةالله صالحی نجف آبادی» بهره گرفت.
در کنار حضور در درس اساتید بزرگ حوزه از سال 1361 با تأسیس مجله وزین حوزه و مجله فقه کاوش نو در بخش تحقیق، پژوهش و نگارش مقاله از آغاز تاکنون همکاری داشته و دارد. در این راستا برای آمادگی جهت حضور در عرصه قلم و نگارش پیش نیازی مثل زبان و ادبیات فارسی، انگلیسی، عربی، روان شناسی، جامعه شناسی و نقد فیلم را فرا گرفت. با معجم المفهرس بحارالانوار دفتر تبلیغات حدود یک سال همکاری نموده است. حدود 3 سال با تفسیر راهنما در فرهنگ و معارف قرآن همکاری علمی داشته است. با رادیو معارف بخش همراه با فرزانگان مدتی همکاره نموده است. مقالاتی از وی به زبان عربی و انگلیسی ترجمه است.
گذشته از مجله حوزه، فقه کاوشی نو، با مجله نگاه حوزه مشهد، مجله کتاب ماه وزارت ارشاد، برخی روزنامه ها، همایشها و کنگره ها و سمینارهای علمی زیادی مثل: کنگره شیخ انصاری، مفید، خوانساریها، نراقیها، آقا مصطفی نائینی، میرزا حسن آشتیانی، میرزا سید عبدالحسن شرف الدین و ... همکاری نموده است. حدود 2 سال است که تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی تهران را آغاز نموده و در دانشکده علوم پایه هم اکنون نیز تدریس می نماید. ضمناً از سال 1371 به عنوان روحانی کاروانهای حج و عمره به انجام وظیفه تعلیم مناسک و معارف حج اشتغال داشته و دارد.

میناساز، تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش. از استادکاران و میناسازان ماهر دوره فتحعلی شاه قاجار بود. از آثار مینایی این استاد سر قلیان مینایی پرآذینی است که تصاویر گل و بلبل دارد و در داخل آرایش گلها، تصاویری است که به تردستی نقاشی شده است با رقم: «کمترین تقی 1225».[1]
(س سیزدهم ق)، میناساز. به روایتی وی فرزند محمدحسن میناساز بوده است. از آثار مینایی این استاد، سر قلیان مینایی پرآذینی است که، تصاویر گل و بلبل دارد و در داخل آرایش گلها، تصایور زیبایی به تردستی نقاشی شده و رقم «کمترین تقی 1225» دارد.[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار نقاشان (127/1).
[2] احوال و آثار نقاشان (127/1).

میناساز، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، نقاش، میناساز و شاعر. از هنرمندان میناکار دوره‌ی فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود. وی در ارائه گل و مرغ و زیبایی‌های طبیعت شیرین قلم بود و چهره‌پردازی و صورت سازی را به شیوه‌ی اروپایی و ایرانی قوی و با حالت می‌ساخت. در نظم شعر نیز دست داشت و سروده‌های خود را با موضوعات نقوش تطابق می‌داد. محمدباقر در صنعت ترسیم و نقوش علمی و ستاره‌شناسی و نقوش اسطرلابی نیز صاحب مقام بود، به طوری که در ترسیم بروج دوازده‌گانه و متعلقات آن، هنرمندی ماهر و آگاه بوده است. از آثار وی: ظرف مینایی سرپوش‌دار نفیسی که با بشقاب و قاشق مینا و مطلایی یکدست کرده و به نقوش گوناگون تصویر نموده است، با رقم: «غلام خانه‌زاد باقر»، 1236 ق؛ کارد گل و مرغی مینایی با تصاویر ماهرانه که تمام زیرسازی و فلزکاری اولیه آن، به طلای ناب ساخته شده و به رنگهای مختلف تزیین شده است، با رقم: «عمل کمترین محمدباقر شهر ذیحجه 1259»؛ آبرنگ سیاه قلمی گل کوکب پرپری که با سه برگ شیوا و آراسته همراه است، با رقم: «عمل کمترین محمدباقر میناساز سنه 1266».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (658 -656/ 2).

میناساز، محمدجعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1242 ق)، میناساز. هنرمند با تجربه و بلند آوازه‌ی دوران فتحعلی‌شاه قاجار بود. وی در شبیه‌سازی و تصویرپردازی و ارائه گل و مرغ و تزیینات چشم‌نواز چابک دست بود و در تلفیق و کاربرد رنگها مهارت پسندیده‌ای داشت. رنگهای درخشنده و قدرت قلم او که در جمله‌ی آثارش مشهور است، او را استادی تام‌العیار شناسانده، تا جایی که اغلب پیشکشی‌ها و یادگارهای درباری اثر دست این هنرمند بوده است. وی فرزندی به نام محمدرضا داشته که در خط نستعلیق ماهر بوده و دیگر خطوط را نیز خوش می‌نوشته است. از آثار او: دوات مینایی با تصاویر مرد و زن جوان و با رقم: «محمدجعفر 1222»؛ کوزه قلیانی که به تصویر و گل و مرغ آذین شده و رقم نقاش و تاریخ 1234 ق دارد؛ گردنبند مینایی و مرصع که در قسمت بالای آن تصویر شیر خوابیده‌ای است و خورشیدی از پشت آن جلب نظر می‌کند، با: «رقم محمدجعفر 1242». در «احوال و آثار نقاشان» به نه اثر دیگر وی اشاره شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (678 -677/ 2).

میناکار باشی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردم ق)، میناساز. از نقاشان و میناسازان معروف دوره‌ی مظفری بود و از آن پادشاه لقب میناکارباشی داشت. از آثار وی: سرقلیان طلایی و مینایی استادانه‌ای که در وسط مدالیون بزرگ آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین‌شاه و در پشت سرش فرمانفرما ترسیم شده است. از طرفین و کناره‌ها نیز تصاویر گوناگون و مناظر گل و مرغ به طرز شیوا و نفیسی ترسیم شده و در داخل چهار ترنج کوچک، رقم «عمل کمترین غلامحسین میناکارباشی سنه 1319» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (410 / 1).

نادری، فیروز

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فیروز نادری در ۲۶ اسفند سال ۱۳۲۴ در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در ایران به اتمام رساند و پس از آن به آمریکا مهاجرت کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی برق پی گرفت. وی دوره کارشناسی خود را در دانشگاه ایالتی آیووا و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در دانشگاه جنوبی کالیفرنیا به اتمام رساند.

نادری از سال ۱۹۹۶ مدیر برنامه منشاء حیات ناسا بود. وی در سال ۱۹۷۶ به JPL پیوست و به عنوان مدیر آزمایشات پروازی علوم فضا و مدیر طرح تفرق‌سنج (Scatterometer) ناسا به کار پرداخت. علاوه بر اینها وی در مرکز مدیریت ناسا، سرپرستی برنامه فناوری ارتباطات پیشرفته ماهواره‌ای را بر عهده داشت و در JPL نیز مدیر برنامه ماهواره‌های متحرک بود. وی از سال ۲۰۰۰ نیز مدیریت برنامه تازه تأسیس برنامه مریخ را بر عهده گرفت. وظیفه مرکز برنامه مریخ آن است که تمام تحقیقات مربوط به مریخ را هدایت و برنامه ریزی کند. وی، در فروردین ماه ۱۳۷۹ به سمت مدیر پروژه‌های اکتشاف مریخ منصوب شد و هم اکنون مدیر ارشد برنامه‌ریزی راهبردی JPL آژانس فضایی آمریکا (ناسا) است. وی هم اکنون به سمت مدیر پژوهش‌های کل منظومه خورشیدی منصوب گشته‌است.
بازهم نام ایران و ایرانیان در میان است .در جایی که بشر در علاج یافتن چاره ای برای شکستن دردهاست و موانع و مشکلاتی که او را به پیشرفت در علم و علوم ، رهنمون شود.بازهم سخن فخر و غروری است ملی .هرچند که در تلاطم امواج سیاست و سیاست زدگی رسانه ها گم شود.هر چند که از فرط گرفتاری های روزمره و تکراری حوصله شنیدن و خواندنش را نداشته باشیم.
سخن از فیروز نادری است که چون فیروزه ای در آسمان علم جهان مدرن امروزی می درخشد و تلالو درخشش را ما نمی توانیم ببینیم.چه برای ما مهم تر و محترم تر از علم ، فرهنگ و تمدن ، چند قدمی است که پیش پای مان می بینیم و قدرمان را دیگران بیشتر می دانند و قدرتمان را غریبه ها باورتر دارند.
اجازه بدهید به پنج سال پیش برگردیم. به سال 2000 میلادی و درماندگی

تمام دانشمندان ناسا و پروژه عظیم مریخ.دکتر چارلز آلاچی را همه می شناسند.دانشمند بزرگ نجوم و مدیر آزمایشگاه پیشرانش جت.
مرد شماره دو ناسا درباره نادری و پنج سال پیش می گوید:" نادری پنج سال پیش در شرایطی هدایت برنامه مریخ را بر عهده گرفت که این برنامه با مشکلات اساسی روبرو شده بود و همه ما از خودمان می پرسیدیم علاج این همه مشکل کجاست و چیست؟که یک دفعه نگاهمان متوجه فیروز نادری شد.او چشم اندازهای موفقی را در مقابل این مشکلات مطرح کرد و پاسخ های دقیق و راه گشایی را فرا روی این برنامه قرار داد و اینکه ما زمینه وسیعتری برای بهره گیری از توانمندی های فیروز که پیش از این در طراحی راهبردی برنامه مریخ نشان داده شده فراهم می کنیم."
و حالا مزد نبوغ ایران را فیروز نادری از هفدهم اسفند دریافت خواهد کرد.او که با ارائه طرح های راهبردی اش از سال 2000 میلادی مدیریت ماموریت های مریخ را با موفقیت بر عهده داشته ،در سمت جدید به یکی از کلیدی ترین پست های ناسا منصوب می شود و قرار است به عنوان معاون آزمایشگاه پیشرانش تجارب خود را را در راه مطالعه سایر بخش های جهان ، از زمین تا کهکشان دور به کار ببندد.
دکتر چارلز آلاچی در مورد این انتصاب می گوید: فیروز در سمت جدید به تقویت جایگاه آزمایشگاه پیشرانش جت ، در هماهنگی با سایر بخش های ناسا و پیشبرد چشم انداز جدید فضایی ناسا خواهد پرداخت.جالب اینجاست که دکتر فیوک کی لی معاون دکتر نادری در برنامه اکتشافی مریخ به عنوان مدیر جدید این برنامه معرفی شده است .
و این همه در حالی اتفاق می افتد که در بهمن ماه گذشته فیروز نادری موفق به دریافت عالی ترین نشان سازمان فضایی ناسا شده است و این نشان یا مدال را که مدال خدمات برجسته ناسا می نامندش نادری به دلیل ایفای نقش برجسته در پیشبرد علوم و اکتشافات فضایی دریافت کرده است .نشانی که کمتر به غیر خودی های علم فضا تعلق می گیرد و غربی ها خساست فراوانی برای خرج آن قائلند.
فیروز نادری ، شیرازی است و همشهری شعرای معروف و مشهوری که ذوق و هنر ایرانی بودن را به عالم معرفی کرده اند و اگر این دو نامشان به واسطه روح لطیف و طبع ظریف ایرانی خود بر قله رفیع علم پرچم ایران را برافراشته و این جملات بیش از آنکه غلو احساس باشد .قدردانی و قدرشناسی از فیروز نادری است .
خودش درباره مسیر زندگی اش می گوید: "من در سال 1325 در شیراز به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی خود را در شیراز و دوره متوسطه را در دبیرستان اندیشه تهران به اتمام رساندم. سپس در سال 1964 به آمریکا

آمدم و سپس در سال 1964 به آمریکا آمدم و پس از تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مهندسی برق ،در سال 1976 تحصیلات دکترای خود را در رشته مهندسی الکترونیک به پایان رساندم."
فیروز نادری پس از اتمام تحصیلات خود در سال 1976 به وطن باز می گردد و فعالیت خود را در مرکز سنجش از دور ایران " در تهران آغاز می کند و پس از سه سال فعالیت در ایران به دلیل نبود امکانات مورد نیازش برای بسط تحقیقات و پژوهش هایش و شرایط نامطمئن ناشی از بحرانهای سیاسی ، کشور را به مقصد آمریکا ترک می کند و در سال 1979، یعنی حدود 26 سال پیش فعالیت خود را در ناسا آغاز می کند.
او در این مدت مشاغل فنی و مدیریتی متعددی را در زمینه ماهواره های مخابراتی متحرک ، رادارهای سنجش از دور اقیانوسی ، رصد خانه های تحقیقاتی اختر فیزیک و اکتشاف مریخ و سایر اجرام منظومه شمسی بر عهده داشت .
نادری علاوه بر اینکه مدیریت طرح سرمنشاء را برای جستجوی سیارات فراخورشیدی بر عهده داشت ، مدیریت آزمونهای علمی پروازهای فضایی را که وظیفه اصلی اش رصد و بررسی بادهای زمین از جو بود را نیز بر عهده داشت.
مدیر ماموریت مریخی ناسا درباره دوره کاری خودش در ناسا می گوید:من قبل از اینکه مدیر برنامه origin یا همان منشاءها را بر عهده داشتم که هدف آن مطالعه نحوه پیدایش و تکامل تدریجی عالم و جست و جوی حیات در سراسر جهان است. از آنجا که ما فناوری سفر به ماورای منظومه شمسی را نداریم ، جست و جوی حیات در سراسر جهان است .از آنجا که ما فناوری سفر به ماورای منظومه شمسی را نداریم ، جست و جوی حیات در بیرون منظومه شمسی از طریق تکنیک های سنجش از دور به وسیله تلسکوپها و اسپکترومترها یا همان طیف سنج های فضایی فوق العاده قوی انجام می شود.
او می گوید :" مرحله اول این تحقِقات ، یافتن سیارات دیگر در سایر منظومه های خورشیدی است.در این راستا ، تا اواسط دهه 1990 حدود 150 سیاره دیگر در بیرون منظومه شمسی ما ردیابی شده است و ما در حال حاضر روی تلسکوپ و اینترفرومترها و تداخل سنج های قویتر کار می کنیم که می توانند این سیارات را به تصویر بکشند و اتمسفر آنها را آزمایش کنند.
او و همکارانش امیدوارند تا با استفاده از نشانه ها ی شیمیایی موجود در اتمسفر آن سیارات به فعالیت بیولوژیکی آنها پی ببرند.نادری در این باره می گوید :" البته پاسخ به این سوالات لااقل 20 سال دیگر طول می کشد و من اعتقاد دارم که حیات به کره زمین محدود نمی شود."

درباره احتمال وجود حیات در بیرون منظومه شمسی و داخل آن نادری می گوید: همانطور که گفتم به وجود حیات در خرج از منظومه شمسی بنده خیلی اعتقاد دارم و مطمئن هستم که حیات به کره زمین محدود نمی شود .در خصوص حیات و وجود آن در داخل منظومه شمسی هم محتمل ترین محل ها برای وجود حیات ، مریخ و یکی از اقمار مشتری موسوم به اروپا است .بطور کلی ، جایی که بتوانید آب مایع پیدا کنید ، احتمال پیدا کردن حیات بیشتر می شود.به همین دلیل است که اکتشاف اخیر ما در مریخ بر یافتن نشانه هایی از وجود آب در زمان حال یا دوره های باستانی متمرکز شده است.

به همین منظور ما در جست و جوی مواد معدنی هستیم که تنها در صورت وجود آب ، تشکیل می شوند.این واضح است که در داخل منظومه شمسی نمی توان نمونه کاملا تکامل یافته ای از حیات آنطور که در زمین وجود دارد را پیدا کنیم و اگر حیاتی وجود داشته باشد به شکل چند سلولی یا multicells است . مدیریت نادری در ماموریت های مریخ در حالی با موفقیت فراوان و غیر قابل تصور روبرو بوده است که ناسا و شوروی سابق از 40 سال پیش می خواستند به مریخ بروند. اما بیش از دو سوم ماموریت ها به دلیل دشواریهای بسِار زیاد آن با شکست مواجه شده بود و در سال 2001 او و تیم تحت مدیریتش موفق شدند "مدار گرد " اودیسه را به مدار مریخ بفرستند و مریخ نورد spirit (روح) را در سطح مریخ فرود بیاورند و مریخ نورد دو قلوی آن به نام opportunity هم پنجم بهمن ماه سال قبل در مریخ بر زمین نشست و حالا زمینی ها می توانند هر دو سال یکبار به مریخ بروند و در سال 2015 نمونه هایی از این سیاره را به زمین بیاورند. فیروز نادری در این باره می گوید:" ما قصد داریم هر دو سال یکبار به مریخ برویم و در سال جاری ، یک مدار گرد، در سال 2007 یک مریخ نشین ، در سال 2009 یک مریخ گرد بسیار بزرگتر و کاراتر از مریخ نشین های دو قلوی روح و فرصت و به دنبال آن مریخ نشین دیگری در سال 2011 به اکتشاف سیاره سرخ خواهند پرداخت و تا سال 2015 نمونه هایی را از مریخ به زمین باز می گردانند."

نادری در خصوص احتمال وجود آب در کره مریخ می گوید:اطلاعات مدار گرد اودیسه نشان می دهد که مقدار زیادی آب به صورت یخ های سطحی (کم آب) در زیر سطح مریخ در عرضهای جغرافیایی بالای آن وجود دارد.ما در سال 2007 مریخ نشینی دیگر در نزدیکی قطب شمال کره مریخ فرود خواهیم آورد که این مساله را پیگیری کند.اگر در مریخ آب پیدا کنیم ،می توانیم به جست و جوی میکروارگانیزم ها بپردازیم.

با این همه یکی از آرزوهای انسان قدم گذاشتن بر سیاره سرخ است و این آرزو از همان لحظه فرود او بر کره ماه در ذهن جست و جوگر و

مشتاق علمیش نقش بسته و این نقش هر روزکه می گذرد پر رنگ تر و پر رنگ تر می شود .با این حال از نظر نادری این امکان سالها بطول خواهد انجامید و هنوز بشر برای رسیدن به این آرزوی تقریبا صد ساله از توانایی و امکانات کافی برخوردار نیست.
فیروز نادری می گوید:" من سفر انسان به مریخ را تا پیش از سال 2030 محتمل نمی دانم و هدف از چنین سفری البته فراهم کردن امکان کاوش در منظومه شمسی خواهد بود."
البته او معتقد است که انسان می تواند زندگی در ماه را تا سال 2015 برآورده سازد و این امکان به او کمک می کند تا او از همان کره ماه بتواند به جست و جو و کاوش در سایر کرات و منظومه های کهکشان بپردازد.
بله ! حقیقت دارد .فیروز نادری ، فیروزه ای نادر است در عالم علم و نجوم و تمدن امروز بشر.تمدنی که ما ایرانی ها هم به واسطه امثال نادری در رشد و گسترش و پیشرفت آن نقشی مهم و ارزنده و قابل فخر فروشی را ایفا کرده ایم .برای جمله آخر این کلمات به ذهنم می رسد که فیروز نادری را باید به حق ارباب سیاره سرخ نامید.آیا او آرزوی رسیدن به کرات منظومه های ماورای منظومه شمسی را برای بشر به ارمغان می آورد.

ناصر منشی، ناصرالدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 730 ق)، مورخ و نویسنده. معروف به ناصرالدین منشی کرمانی. وی بعد از فوت پدر تحت تربیت عموی خود، شهاب‌الدین ابوالحسن علی یزدی، قرار گرفت و پس از اینکه به سن رشد رسید، عموی دیگرش که شغل دیوانی داشت، او را در خدمت دیوانی دستگاه قراختائیان وارد کرد تا به مدارج بالا رسید. ناصرالدین در 693 ق صاحب دیوان رسائل شد و پس از برکناری صفوةالدین پادشاه خاتون (694 -601 ق) از کار برکنار گردید و در 703 ق در ایام پادشاهی ناصرالدین شاه محمد بن برهان، شغل دیوانی خود را از سر گرفت. در 715 ق به خدمت ایسن قتلغ نویان، از امرای بزرگ اولجایتو و ابوسعید بهادر پیوست و از آن پس به خدمت وزرای ایلخانان درآمد. ناصرالدین را می‌توان پیشرو نویسندگانی دانست که به تصنع در سخن و به کار بردن انواع تزیینات در آن مشتاق بودند. از آثار وی: «سمط العلی للحضرة العلیا»، در تاریخ سلاطین قراختایی کرمان تألیف 716 -715 ق، که در 720 ق نیز تتمه‌ای بر آن افزوده شد، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار»، در تاریخ وزراء که از وزرای خلفای راشدین شروع شده و تا وزارت تاج‌الدین علیاه (م 724 ق) ادامه یافته است که به آورده‌ی صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» مؤلف این کتاب بروشنی معلوم نیست؛ «درة الاخبار و لمعةالانوار»، ترجمه «تتمه صوان الحکمة» ابوالحسن علی بن زید بیهقی که ناصر منشی آن را به نام خواجه غیاث‌الدین وزیر، در 730 -729 ق از عربی به فارسی درآورد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1240 -1236/ 3)، تاریخ مغول (520 -519)، تاریخ نظم و نثر (149)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان‌الحکمة (مقدمه/ ی- یب)، حبیب‌السیر (269/ 3)، کشف‌الظنون (1002)، نسائم الاسحار من لطائم الاخبار (مقدمه/ الف- یز).

ناصری، مسلم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسلم ناصری
محل تولد : کاشمر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/6/1

زندگینامه علمی مسلم ناصری در تابستان سال 1351 در روستای بنده قرا از توابع شهرستان کاشمر خراسان رضوی به دنیا آمد دوران ابتدایی را تمام کرد و بعد پا به شهرستان گذاشت و با گرفتن مدرک سیکل، شوق قم وی را فرا گرفت. برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد. ابتدا در مدرسه معصومیه مشغول به تحصیل شد و در کنار علوم حوزوی در رشته ادبیات داستانی شروع به مطالعه کرد و پس از مدتی هم علوم روز را ادامه داد و مدرک دیپلم گرفت و همگام با علوم حوزوی در دانشگاه هم ادامه تحصیل داد+ اما چون علاقه وافری به ادبیات داشت در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان با جدیت مطالعه می کرد و می نوشت که حاصل آن نزدیک به پنجاه کتاب است که برخی از آنها جوایز معتبری را کسب کرده اند. مثل کتاب سال جمهوری اسلامی برای مسافر شهرهای بی نشان. برگزیده نخست بیست سال داستان عاشورایی و برگزیده ویژه همایش برای کتابهای سردار تنها و سروها ایستاده می میرند و آن شب ، آن سردار، برگزیده نخست جشنواره دوسالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای کتاب آخرین بازمانده برگزیده کتاب سال حوزه و... اکنون وی با اتمام کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام خود در دانشگاه شهید بهشتی قصد دارد برای مقاطع بعدی ادامه دهد. در کنار تحصیل مدت سه سال که سردبیر مجله ملیکا برای کودکان است که سراسری پخش شود و مدت بیش از 10 سال است که دبیر داستان مجله پوپک است..

ناظمی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1331 ش)، نوازنده و سازنده‌ی ساز. در یزد به دنیا آمد. از کودکی با سنتور آشنا شد و برای آموختن آن به تهران و نزد حبیب سماعی رفت. وی در آن هنگام که ساخت سنتور روی اصول و قواعد درستی نبود، شروع به ساختن این ساز کرد و در فن خود مهارت به سزایی یافت. سنتورهای ساخت این استاد علاوه بر ایران، در بسیاری از کشورهای دیگر رایج است و مشتاقان فراوانی دارد. ناظمی در نوازندگی سنتور نیز پنجه‌ای شیرین داشت و نوار و صفحاتی با تاج اصفهانی و جلیل شهناز، در دستگاه‌های «بیات ترک»، «ابوعطا»، «شور»، «سه‌گاه» و «دشتی» پر کرده است.[1]
سازنده‌ی ساز.
تولد: 1331، یزد.
درگذشت: 1 خرداد 1376.
مهدی ناظمی، فرزند حسین ناظم‌التجار و نوه‌ی حاج محمدصادق ناظم‌التجار یزدی، بود. نوازندگی و ساخت ساز سنتور را نزد حبیب سماعی و ابوالحسن صبا فراگرفت. وی یکی از مشهورترین سازندگان سنتور در تاریخ یک صد و پنجاه ساله‌ی معاصر بود.
مهدی ناظمی به سال 1289 شمسی در شهرستان یزد و در خانواده‌ای متدین و سرشناس متولد شد. جد ناظمی، مرحوم حاج محمدصادق ناظم‌التجار، در زمان ناصرالدین شاه قاجار، از تهران برای نظامت، اداره‌ی یزد انتخاب گردید و وی پس از رفتن به محل مأموریت، اولین کار خیر و بزرگی که انجام داد، ساختن دهی به نام صادق‌آباد در دو فرسنگی یزد بود و با حفر قنوات و ایجاد تأسیسات رفاهی و عام‌المنفعه بسیار موجب آبادانی قسمت‌های بزرگی از صحرای آن زمان یزد گردید و نصف این ده را جزء موقوفات حضرت امام حسین (ع) قرار داد.
مهدی ناظمی بیش از هشت سال نداشت که در مجلس جشنی با سنتور و صدای سحرانگیز آن آشنا شد و این اولین اثری بود که این ساز در وی به جای گذارد و با پولی که جمع‌آوری کرد از «زادور ارمنی» که در یزد به ساختن سه‌تار و سنتور مشغول بود و کارش خیلی خوب بود سنتوری خریداری کرد و در منزل نزد خود به نواختن می‌پردازد ولی چون خانواده‌ی وی بسیار مذهبی بودند و پدرش معتقد بود به جای نواختن ساز به درس و مشق باید برسد لذا سنتور وی را زیر پاها لگد کرد و شکست.

چند سال از این ماجرا سپری شد تا با خانواده به اصفهان رفتند و در آن شهر اقامت گزیدند. در اصفهان به مرور زمان با دوستان هنرمندی مثل جلیل شهناز آشنا می‌شود. روزی جلیل شهناز به وی می‌گوید: «ناظمی تو پدر مرا می‌شناسی؟» وی در جواب می‌گوید نه. و او به ناظمی می‌گوید: می‌برمت نزد پدرم تا آشنا شوی و در ضمن قدری برای شما سنتور بزند. ناظمی پس از آشنایی با شعبان‌خان پدر جلیل شهناز و گوش دادن به پنجه‌ای از ساز او شیفته و شیدای سنتور و به قول خودش این «ذوذنقه» گردید و تا امروز وی عاشق و سنتور معشوق او می‌باشد.
روزی صدای آواز تاج همراه با ویولن استاد صبا و سنتور حبیب سماعی را از رادیو در اصفهان می‌شنود و تصمیم می‌گیرد که به تهران رفته و از نزدیک حبیب سماعی را ملاقات نماید.
در تهران، مهدی ناظمی با زحمات فراوان موفق به یافتن سماعی و آشنا با او می‌شود و شروع می‌کند نزد وی مشق سنتور و تعلیم گرفتن، باید یادآور شد که حبیب سماعی حوصله تعلیم شاگرد را نداشت و پس از چند جلسه که به شاگردی تعلیم می‌داد او را رها می‌کرد و در کلاس او پیش از آن که محل تعلیم و تعلم باشد، محفل انس و دوستی بود زیرا بیشتر مواقع هنرمندانی چون ابوالحسن‌خان صبا، نورعلی‌خان برومند، ابراهیم‌خان منصوری، حسین یاحقی، مرتضی عبدالرسولی، قباد ظفر دور هم جمع می‌شدند و صحبت‌ها داشتند دیگر وقتی برای حبیب جهت تدریس به شاگردان باقی نمی‌ماند. به همین دلیل هم از شاگردان شاخص حبیب سماعی بیشتر از مهندس قباد ظفر و مرتضی عبدالرسولی نام برده می‌شود.
در آن روزگار ساخت سنتور روی اصول و قواعد درست هنوز پیشرفت چندانی نکرده بود و سنتور خوب و خوش صدا که روی حساب و کتاب ساخته شده باشد از تعداد پنج یا شش در سراسر کشور تجاوز نمی‌کرد و لذا روزی ناظمی به سماعی می‌گوید ساز خوب وجود ندارد و ساز بد هم در دسترس همگان قرار ندارد چه باید کرد و دوستداران این ساز چه باید بکنند؟ سماعی در جواب به وی می‌گوید تو یکی از اتاق‌های خانه‌ی خود را به ساختن سنتور اختصاص بده و در ساخت آن من شما را کمک می‌کنم و از این زمان به بعد بود که استاد مهدی ناظمی وارد مرحله‌ی جدیدی از زندگی هنری خود شد و صنعت سنتورسازی کشور نیز وارد دوران و تحول بزرگ و سازنده گردید به طوری که سنتورهای این استاد فرزانه و بزرگ نظیر ندارد زیرا گذشته از آن که سنتورهای ایشان بسیار ظریف، زیبا و شکیل ساخته می‌شوند همگی دارای صدایی صاف و یکنواخت می‌باشند که اگر نوازنده درست مضراب بزند، صدای بین تمام خرک‌ها یکسان مساوی است و این امتیاز بزرگ و عالی را سنتورهای ناظمی دارا می‌باشد.

سنتورهای ساخت وی علاوه بر ایران که مشتاقان فراوان دارد در بسیاری از ممالک جهان در دست هنرمندان است و آن را چون جان شیرین گرامی می‌دارند.
مهدی ناظمی علاوه بر ساختن سنتور و تبحر در آن در نوازندگی این ساز پنجه‌ای شیرین و گوشنواز دارد و نوار و صفحاتی نیز با تاج اصفهانی و سعادتمند قمی و جلیل شهناز در «بیات ترک»، «ابوعطا»، «شور»، «سه‌گاه»، «دشتی» دارد. وی مردی است متدین و خوش‌بیان و برخورد، آشنا به زبان انگلیسی و دارای خط خوش و زیبا و پس از ازدواج خداوند دختری به وی عنایت فرمود که ناظمی به او سخت دلبند است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] تاریخ موسیقی (599/ 2)، سرگذشت موسیقی (173/ 1)، مردان موسیقی (396 -392/ 2).

نافع

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن عبدالرحمن بن ابی‌نعیم مکنی به ابورویم (مقت. 169 ه.ق) امام اهل مدینه و یکی از قراء بود، اصلاً از مردم اصفهان است و علم قرائت را از ابومیمونه فراگرفت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نامی اصفهانی، محمدصادق

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به نامی. معروف به میرزا محمدصادق منشی. از سادات موسوی و برادرزاده‌ی میرزا رحیم حکیم‌باشی بود. اجداد وی از شیراز به اصفهان آمده و از طبیبان خاص سلاطین صفوی بودند. او به فنون نظم و نثر آگاه بود و به سرودن مثنوی تمایل بیشتری داشت، نامی با مؤلف «نگارستان دارا» (م 1243 ق) معاصر و معاشر بود. بر سر سال فوت وی بین مؤلفان اختلاف است، «صبح گلشن» مرگ وی را در عهد نادر شاه می‌داند و صاحب «نگارستان دارا» در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار (1264 -1250 ق) و «الذریعه» و «کتابشناسی نظامی گنجوی»، 1204 ق را ذکر کرده‌اند. در مورد نام برخی از آثارش نیز اختلاف وجود دارد. از آثار وی: «تاریخ گیتی گشا»، به فارسی در تاریخ زندیه که بعدها میرزا عبدالکریم شیرازی و میرزا محمد رضای شیرازی هر یک ذیلی بر آن نوشته‌اند، مثنوی «نامه‌ی نامی» یا «پنج گنج»، که به تقلید از «خمسه» نظامی نوشته است، مرکب از پنج مثنوی به نام «درج گهر» «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا»، «یوسف و زلیخا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (25/ 24، 319/ 19، 1166 -1165/ 9، 263/ 7، 284/ 3)، سفینةالمحمود (340 -339/ 1)، شرح حال رجال (250/ 5)، صبح گلشن (503 -502)، فرهنگ سخنوران (918 -917)، کتابشناسی نظامی گنجوی (420 -419)، لغت‌نامه (ذیل/ نامی اصفهانی)، مجمع‌الفصحا (1083 -1082/ 6)، منظومه‌های فارسی (585 -579)، مؤلفین کتب چاپی (505 -504/ 3)، نگارستان دارا (272 -271).

نبئی، ابوالفضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران، دکترای تاریخ (تاریخ ترک و مغول) از دانشگاه آنکارا ترکیه.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تصحیح و تحشیه کتب خطی تاریخی، بررسی مسائل جغرافیا و نقش جغرافیا در رویدادهای تاریخی، احیای ابزار آلات نجومی قدیمی، نظارت بر 6 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 7
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
تاریخهای محلی مثل تاریخ آل‌چوپان، نجومی و تقویمی، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، هدایت طلاب به دانش اسطرلاب، تصحیح کتاب تحفه حاتمی و تحشیه آن، تصحیح و تحشیه مجمع‌الاسباب شبانکاره‌ای، و تاریخ ایران از انقراض ایلخانان تا روی کار آمدن تیمور.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 30، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
تاریخی، جغرافیایی و جغرافیای تاریخی، نجومی و تاریخهای محلی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نجار ساروی، حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، نقاش و منبتکار. از هنرمندان رسام و نجار اهل ساری مازندران بود. از آثار این استاد، در منبتکاری دقیق و پر اسلوب زیبایی به جای مانده که به خط ثلث مشبکی رقم «علم استاد حسین بن احمد نجار ساروی بتاریخ 873» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (156/1).

نجار ساوی، شمس‌الدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 897 ق)، نجار. از آثار وی: صندوق چوبی منبت‌کاری شده‌ای در امامزاده عباس (ع)، در ساری است که به تاریخ 897 هجری حک شده است و رقم «شمس‌الدین بنا ابن احمد نجار ساروی» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (139).

نجار لواسانی، حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، نقاش و نجار. در شهر لواسان زندگی می‌کرد. وی طراح ترسیمات هندسی بر روی چوبها بود و از نجاران معروف دوران خود به شمار می‌رفت. از آثار به جای مانده از این استاد، در چوبی بقعه سید اسماعیل در محله‌ی چاله میدان تهران است که به هنرمندی فرجام پذیرفته، با رقم: «عمل استاد حسین بن حسن نجار لباسانی 886».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1448/3).

نجار، احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(اوایل س یازدهم ق)، نجار، طراح و نگارگر. از آثار رقم‌دار این استاد، درب چوبی کم نظیر و پر مهارت یکی از بقاع متبرکه است که به نقوش اسلیمی و ترنجی مشبک پیراسته گشته است و در نوع خود زیبا و استادانه است. در بالا و داخل مربعات کوچکتر، نقوشی از ترکیب چهار علی، به خط تزیینی کوفی و در دو مربع بزرگتر چپ و راست، تعاریف: «ناد علیا... الی آخر» به خط ثلث عالی کنده کاری شده است، در قرینه‌ی پایین‌تر، ادعیه دیگری کنده‌کاری شده و به خط رقاع چنین رقم دارد: «عمل احمد بن عبدالغنی نجار» و در مقابل آن، رقم کاتب چنین نوشته شده: «کتبه العبد میر علی بن محمد 1002».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (58 /1).

نراقی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، حقوقدان و وکیل دادگستری، از نواده‌های مرحوم حاج ملا احمد نراقی در 1273 در شهر کاشان تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی، فقه، اصول، حکمت و علم کلام را در نزد بزرگان کاشان فرا گرفت، مخصوصا در حقوق اسلامی از سرآمد اقران شد و به تحقیق و تتبع پرداخت. از تألیفات ایشان تنظیم شجره‌ی خاندان غفاری و تاریخ اجتماعی کاشان و چند اثر دیگر است. شغل نراقی وکالت دادگستری بود. در 1368 در 95 سالگی درگذشت.
محقق.
تولد: 24 دی 1273، کاشان.
درگذشت: 24 دی 1368، تهران.
حسن نراقی پس از تحصیل در مدرسه‌ی علمیه‌ی کاشان به تهران آمد و امور فرهنگی و آموزشی را پیشه کرد. تألیفات او عبارتند از: تاریخ اجتماعی کاشان (1345)؛ آثار تاریخی شهرستان کاشان و نطنز (1348)؛ خاندان غفاری کاشان (1353)؛ کاشان در جنبش مشروطه ایران (1355)؛ ادبیات مشروطیت (حاوی زندگی‌نامه‌ی خاوری کاشانی، 1356)؛ تصحیح نخبة البیان (تألیفات محمدمهدی نراقی، 1357)؛ تصحیح و طبع طاقدیس (مثنوی سروده‌ی احمد نراقی، 1362)؛ تصحیح و طبع مشکلات العلوم (تألیف محمدمهدی نراقی، 1367)؛ از وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌ی «هنر و مردم» به طبع رسیده است.
حسن نراقی از پایه‌گذاران انجمن آثار ملی کاشان و از بنیادگذاران موزه‌ی آن انجمن در باغ شاه فین بود.
حسن نراقی در تهران درگذشت و در مسجد آقا بزرگ کاشان که مدرسه ملا احمد نراقی بود به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

نرشخی، ابوبکر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(348 -286 ق)، نویسنده و مورخ. در نشرخ، از روستاهای بخارا، به دنیا آمد. در زمان ابومحمد نوح بن نصر سامانی (343 -331 ق) می‌زیست. از آثار وی «تاریخ بخارا» یا «مزارات بخارا»، به عربی است که در 332 ق به نام نوح بن نصر سامانی نوشت. در 522 ق ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی آن را به فارسی ترجمه کرد و مطالبی هم از کتب دیگر بر آن افزود. بعد از آن در 574 ق محمد بن زفر بن عمر آن را تلخیص نمود. گویا بعد از این تاریخ نیز دیگران در این کتاب دست بردند و بعضی حوادث را تا دوره‌ی مغول بر آن افزودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (480/ 5)، تاریخ ادبیات در ایران (978 -977/ 2)، تاریخ بخارا (مقدمه/ سیزده- سی و یک)، دایرةالمعارف فارسی (3017/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ نرشخی)، یادداشتهای قزوینی (198/ 7).

نصرآبادی، بدیع الزمان

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا طاهر نصرآبادی، شاعر و ادیب، در تاریخ گویی و معمّا مهارت داشته است، منصب ملک الشعرایی شاه سلطان حسین صفوی را داشته، و در 1120 و اندی به سنّ بیشتر از هفتاد سال در اصفهان وفات یافته ست.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصیب قزوینی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، شاعر و مورخ. وی از احفاد و بازماندگان دولتشاه سمرقندی، مؤلف «تذکرةالشعراء»، و از امرای دربار اکبر شاه (1014 -963 ق) بود. وی در تاریخ دست داشت. برخی نام او را نقیب‌خان نوشته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (662)، الذریعه (1196/ 9)، صبح گلشن (520)، فرهنگ سخنوران (935)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیب قزوینی).

نصیری، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا نصیری متولد 1324در شهر دامغان است. وی دارای مدرک دکتری تاریخ از دانشگاه استامبول ترکیه می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.دکتر نصیری از بهمن 1370 تا آذرماه 1375 اولین دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر محمد رضا نصیری به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ از دانشگاه تبریز در سال 1348 دکترای رشته تاریخ از دانشگاه اسانبول در سال 1357
همسر و فرزندان : دکتر محمد رضا نصیری متاهل است و دو فرزند دارد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رضا نصیری از بهمن 1370 تا آذرماه 1375 اولین دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است ضمن آنکه از سال 1360 تا 1368 رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه گیلان، از سال 1376 تا 1377 به عنوان معاون اداری مالی دانشگاه پیام نور،از سال 1376 تا کنون مدیر گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، از سال 1378 تا کنون قائم مقام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و نیز مشاور علمی بنیاد ایران شناسی بوده است. وی همچنین مدیر مسئول نشریه انجمن ،انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و همچنین سردبیر نشریه پیک نو ،دانشگاه گیلان می باشد.
فعالیتهای آموزشی : دکتر نصیری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.ایشان در دانشگاه های گیلان ،پیام نور و آزاد اسلامی رشت به تدریس تاریخ مبادرت داشته است.
جوائز و نشانها : محمد رضا نصیری در سال 1383 به عنوان پژوهشگر برجسته دانشگاه پیام نور(نفر اول) برگزیده شده است.
چگونگی عرضه آثار : - شرکت در سمینارها و کنفرانسهای داخل و خارج از کشور،ژاپن،هند ،تاجیکستان و غیره - چاپ بیش از 50 کتاب و مقاله در زمینه های تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نطنزی، معین‌الدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 817 ق)، مورخ و شاعر. وی را پدر قاضی میرحسین میبدی، متخلص به منطقی (م 911 / 904 ق)، می‌دانند. در ابتدای کار خود از مصاحبان میرزا اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور بود و در همین ایام تاریخ معروف خود را به نام «منتخب التواریخ» به اسم او نگاشت و در 816 ق آن را به پایان برد. این کتاب شامل وقایع عمومی عالم، از زمان هبوط آدم تا وفات تیمور در 807 ق، است به اضافه بعضی از وقایعی که تا 816 ق اتفاق افتاده بود. یک سال بعد، یعنی در 817 ق، وی در این کتاب تجدید نظر کرد و آن را به نام شاهرخ درآورد و تا وقایع 817 ق را در آن ذکر نمود. به همین علت از «منتخب التواریخ» معینی دو گونه تحریر، یکی به نام میرزا اسکندر و دیگری به نام شاهرخ، وجود دارد. برخی تذکره‌ها، صاحب عنوان را با معین‌الدین یزدی (م 789 ق)، صاحب «مواهب الهی»، در آمیخته و او را از وزیران و عالمان آل‌مظفر دانسته‌اند، در حالی که معین‌الدین نطنزی در عهد تیموریان می‌زیسته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (482 -481/ 4)، تذکره‌ی سخنوران یزد (286)، جامع مفیدی (331 -329/ 3)، الذریعه (1079 -1078/ 9)، صبح گلشن (433)، فرهنگ سخنوران (864 -863)، منتخب التواریخ معینی (مقدمه).

نظام شامی، نظام‌الدین عبدالواسع

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم و نهم ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. معروف به نظام شنب غازانی. از محله‌ی شنب غازان یا شام غازان تبریز بود. در جوانی به بغداد رفت. مدتی در ملازمت سلطان اویس جلایر (776 -757 ق) و سلطان احمد بن شیخ اویس (813 -784 ق) به سر برد و زمانی که امیر تیمور سلطان جلایر را شکست داد و بغداد را گشود، نظام‌الدین اولین شخصی بود که به خدمت تیمور رسید و مورد التفات او قرار گرفت. تیمور در 804 ق از او خواست که کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و نظام کتاب «ظفرنامه» یا «ظفرنامه شامی» را که شامل شرح حال تیمور تا وقایع 806 ق بود، نگاشت. او در 806 ق به اجازه تیمور به تبریز بازگشت. از دیگر آثار وی: تلخیصی از ترجمه‌ی فارسی کتاب «بلوهر و بوذاسف» یا «بلوهر و بوداسف» که به نام سلطان احمد جلایر نوشته یا چنان که در «دایرةالمعارف فارسی» آمده، این کتاب را ترجمه کرده است، «ریاض‌الملوک فی ریاضات السلوک»، ترجمه‌ی فارسی کتاب «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع» یا «سلوان المطاع فی عدوان الاطباع» ابن الظفر الصقلی الملکی در 768 ق، مشتمل بر یک دیباچه و یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، به نام سلطان اویس جلایر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (498 -492)، تاریخ ادبیات در ایران (480 -476/ 4)، تاریخ نظم و نثر (757 ،50)، حبیب‌السیر (548 -547/ 3)، دانشمندان آذربایجان (380 -379)، دایرةالمعارف فارسی (3036/ 2)، الذریعه (200/ 15 ،338/ 11 ،1202/ 9)، فرهنگ ادبیات فارسی (510 -509)، فرهنگ سخنوران (940)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الدین شامی).

نظامی عروضی سمرقندی، نجم‌الدین، ابوالحسن احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 560 ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نظامی. وی به دلیل اینکه در علم عروض تبحر داشت، به عروضی شهرت یافت. صاحب «مجمع‌الفصحا» او را اهل نسا می‌داند. نظامی در سمرقند به دنیا آمد و مدتی از جوانی خود را در آن شهر به کسب علوم گذراند. در 506/ 504 ق به خراسان رفت و گویند در بلخ با عمر خیام ملاقات کرده و پس از آن به هرات رفته و در 510 ق از هرات به اردوی سلطان سنجر پیوسته و در آنجا به خدمت امیر معزی رسیده و شعر خود را به او عرضه داشته است. او با نظامی گنجوی نیز ملاقات نموده است. همچنین به خدمت ملوک غوری آل شنسب رسیده و سالها به مدح آنها پرداخته است. نظامی در طب و نجوم و هیئت متبحر بود و در نثر، اعم از مصنوع و نثر مرسل، نیز استادی بزرگ بود، اما شعرش چندان به دل نمی‌نشست. به آورده‌ی برخی از تذکره‌نویسان چند مثنوی داشته که از میان رفته است. از مهم‌ترین آثار وی «چهار مقاله» یا «مجمع‌النوادر» می‌باشد که در حدود 552 -551 ق به نام حسام‌الدین علی بن مسعود نوشته است. در «ریحانه‌الادب» منظومه‌ی «ویس و رامین» که از داستان‌های اشکانیان است و فخرالدین اسعد گرگانی آن را به نظم آورده، به نظامی عروضی نیز نسبت داده شده است.[1]
ابوالحسن نظام‌الدین یا نجم‌الدین احمد بن عمر بن علی سمرقندی مشهور به نظامی عروضی. نویسنده و شاعر قرن ششم هجری. در اواخر قرن پنجم در سمرقند ولادت یافت، و پس از تحصیلات مقدماتی به خراسان رفت. و به دیدار خیام و معزی نایل شد. نظامی عروضی به دربار ملوک آل شنسب وابسته بود، و سالها مداحی شاهان آن سلسله می‌کرد و کتاب مجمع‌النوادر مشهور به چهار مقاله را به نام فخرالدوله مسعود برادرزاده‌ی ملک شمس‌الدین محمد غوری تألیف کرد. این کتاب بین سالهای 551 تا 552 هجری تألیف شده و مطالب آن بیان شرایطی است که در چهار طبقه از مردم- که به زعم مصنف پادشاهان محتاج بدیشان می‌باشند، یعنی- دبیر، شاعر، منجم، طبیب- باید مجتمع باشد. در عین حال بسیاری از مطالب تاریخی و تراجم مشاهیر اعلام را که در کتب ادبی و تاریخی دیگر یافت نمی‌شود نیز شامل است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (963 -961/ 2)، تاریخ گزیده (753)، تاریخ نظم و نثر (120 -119 ،90)، تذکره‌ی روز روشن (538)، تذکرة الشعراء (69 -68)، چهار مقاله (مقدمه/ شش- بیست)، دایرةالمعارف فارسی (3036/ 2)، الذریعه (1207/ 9 ،314/ 5 ،37/ 3)، ریحانه (211 -210/ 6)، سبک‌شناسی (318 -297/ 2)، فرهنگ ادبیات فارسی (514 -513)، فرهنگ سخنوران (943)، کشف‌الظنون (1604)، لباب‌الالباب (208 -207/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مجمع‌الفصحا (1410 -1409/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (488 -487/ 1)، هفت اقلیم (354 -352/ 3).

نظری منفرد، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نظری منفرد
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1326/1/1
زندگینامه علمی
سال 1326 در شهر قم در خانواده ای روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال 1346 و 1347 رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.
در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آباده فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تالیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نظری، خلیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلیل نظری
محل تولد : کهگیلویه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/6/16

زندگینامه علمی
از سال 57 وارد مدرسه ابتدایی در روستای «آتشگاه» بخش لنده از استان کهگیلویه و بویر احمد شدم. دوره راهنمایی را در شهرستان «دهدشت» گذرانده و در سال 65 - 64 وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان دهدشت شدم و بعد از یک سال یعنی سال تحصیلی 66 - 65 وارد حوزه علمیه قم در مدرسه رسالت شدم و در مدارس: «صدوق، امام صادق (ع) و دارالشفاء» سطح عالی را گذراندم.
در سال 73 شروع به درس خارج فقه و اصول نموده ام و از محضر اساتیدی چون: «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «سبحانی»، «مرحوم وجدانی» و «میانجی» استفاده و کسب فیض نمودم.
در سال 1379 به عنوان استاد و هیئت علمی دانشگاه آزاد «ماهشهر» همکاری داشته و از آن تاریخ تا به حال در حوزه علمیه قم و دانشگاه پیام نور به عنوان استاد انجام وظیفه می نمایم.

نعیمی جرجانی، ابومنصور، احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 415 ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل جرجان بود. از ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد غطریفی و ابواحمد بن عدی و ابواحمد نیشابوری حافظ و ابوعمرو حیری و نصر بن عبدالملک اندلسی و دیگران روایت کرد. از آثارش «اخبار الجبل» است. این کتاب در «الانساب» سمعانی تحت نام «اخبار الجیل» و در «الاعلام» زرکلی به نام «اخبار الحیل» آمده است. از دیگر آثارش: «المجتبی»، در حدیث.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 186)، انساب سمعانی (5/ 512)، سیرالنبلاء (17/ 340)، معجم‌المؤلفین (2/ 46).

نفیسی، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1274 ش)، نویسنده، مترجم، مورخ، مصحح، فرهنگ‌نویس، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمد. خانواده‌ی پدری وی تا یازده پشت پزشک بودند و خود نواده‌ی حکیم برهان‌الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب». او تألیفات عدیده‌ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قدیم در ایران تدریس می‌شد، جزو کتب درسی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرف و علمیه به پایان رساند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و تحصیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در 1297 ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های اقدسیه و سن‌لویی پرداخت و نیز در مدارس علوم سیاسی، دارالفنون، مدرسه‌ی عالی تجارت، مدرسه‌ی صنعتی (هنرستان دولتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی حقوق و سپس ادبیات به تدریس اشتغال ورزید. همچنین در وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه مشغول خدمت شد و به مشاغل چندی دست یافت. او مدتی مدیریت مجله‌ی «فلاحت و تجارت» و در 1301 ش سردبیری مجله‌ی ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمدعلی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسندگی مجله‌ی «شرق» و نیز ریاست اداره‌ی امتیازات (اداره‌ای که برای ایجاد مراکز صنعتی و فعالیت‌های معدنی و انتشار روزنامه‌ها و غیره مجوز صادر می‌کرد) را به عهده داشت. نفیسی همچنین برای تدریس در دانشگاه‌های کابل، قاهره و سن‌ژوزف به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان سفر کرد. او در 1340 ش در رادیو برنامه‌ی یادداشتهای یک استاد را که راجع به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد. نفیسی سرانجام در بیمارستان شوروی (میرزا کوچک خان جنگلی فعلی) درگذشت. از آثار وی: «آخرین یادگار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشعار رودکی»؛ «ایران در صد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پورسینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر»؛ «تاریخ ادبیات روسی»؛ «تاریخ تمدن ایران ساسانی»؛ «تاریخچه‌ی ادبیات ایران»؛ «ستارگان سیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسی»؛ «فرهنگ نامه‌ی پارسی»؛ «ماه نخشب»؛

«فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهای بر باد رفته»؛ ترجمه؛ «ایلیاد»، ترجمه؛ «تاریخ عمومی قرون معاصر»، ترجمه؛ «افسانه‌های گریلف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.[1]
سعید فرزند علی‌اکبر ناظم‌الاطباء (و. 1274 ه.ش- ف. 23 آبان 1345) از استادان و نویسندگان مشهور ایران. سالها در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تاریخ تصوف و ملل و نحل و دروس دیگر را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز مدتها به تدریس پرداخت. مقاله‌ها و کتابهای متعدد از او باقی است و از آثار مفید او باید احوال و اشعار رودکی را نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آئینه‌ی میراث (س 3، ش 2 و 3، ص 69 -64)، از نیما تا روزگار ما (271 -258)، تاریخ جراید (71 -66/ 3 ،50 -49/ 2)، چهره‌های آشنا (624 -623)، الذریه (32/ 19 ،218 ،212 ،184/ 16 ،141/ 12 ،1218/ 9)، ستارگان کرمان (408 -396)، سخنوران نامی معاصر (3672 -3667/ 6)، سواد و بیاض (533 -518)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3341 ،2864 ،2441 ،2434 ،2409 ،1936/ 2 ،762 ،729، 695، 688، 664، 659، 629، 461، 431، 424، 414، 295، 126، 31، 91/ 1)، کلک (س 1، ش 9، ص 107 -102)، مؤلفین کتب چاپی (338 -332/ 3)، یغما (س 19، ش 9، ص 495 -493).

نقاش باشی اصفهانی، عبدالرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و میناساز. اهل اصفهان بود. در قلمدان‌سازی و میناسازی و پخت آن نیز صاحب ذوق بود. وی ابتدا معلم نقاشی قورخانه بود و لقب نقاش‌باشی داشت. از آثار او قلمدان تابوتی است که مجلس عقد و عروسی به زیبایی نقش شده و عروس نیم‌تاج مرصعی به سر گذاشته و خود را به شیوه‌ی قاجاری آرایش داده است، با رقم: «عبدالرحیم اصفهانی 1332»؛ از آثار مینایی وی، سر قلیان مینایی طلایی است که در زمینه‌ی گل و مرغ استادانه‌ای عمل آمده و تصاویر زن و مرد جوانی را به مهارت در داخل مدالیونها نقش کرده است و رقم نهاده: «رقم عبدالرحیم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (328/ 1).

نقاش خویی، عبدالمومن

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، طراح فلزات. اهل خوی بود و در طرح و ترسیم نقوش اسلامی بر روی فلزات سخت، مهارت بسزایی داشت. اثر زیبای وی، در نقره‌کوبی استادانه‌ای است که در نقوش زیبای اسلیمی و طرح هندسی به عمل آمده، با رقم: «عمل عبدالمؤمن بن محمد النقاش خوئی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (346 / 1).

نقاشباشی اصفهانی، نجف‌علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1277 -1203 ق)، نقاش، قلمدان ساز و خطاط. معروف به آقانجف. در اصفهان متولد شد. وی از اساتید معروف فن قلمدان سازی در عصر قاجاریه بود. او علاوه بر آموختن نگارگری در نزد استادان اصفهان، از نقاشان اروپایی مقیم آن شهر نیز سود جسته و از روی باسمه‌های چاپی مذهبی و غیرمذهبی فرنگی نیز کپی کرده است. آقانجف در چهره‌پردازی و ارائه مجالس رزمی و بزمی و همچنین گل‌آرایی مهارت داشت و در تذهیب و گونه‌های مختلف آن نازک قلم بود. در ارائه آبرنگ‌ها نیز توانا بود و علاوه بر شیوه‌های گوناگون، در رنگ و روغن نیز از استادان بی‌نظیر به شمار می‌آمد. او در خطوط مختلف، از قبیل رقاع و بخصوص نستعلیق استادی تام‌العیار بود و در نظم شعر نیز دست داشت. آقانجف در اصفهان درگذشت و همان‌جا مدفون است. از آثار وی: قلمدان برازنده‌ای با مدالیونهای مختلف که رقم «یا شاه نجف 1227» دارد؛ تصویر آبرنگی محمدحسین خان صاحب اختیار که به خط نستعلیق رقم نهاده: «... سنه 1263، رقم کمترین نجفعلی»؛ قاب آینه‌ی زیبایی با تصاویری از افسانه‌ی شیخ صنعان و دختر ترسا، با رقم: «یا شاه نجف 1270»؛ قلمدان رزمی که لشگریان ترک و روس با یکدیگر مصاف می‌دادند و آرایش جنگی بسیار پراکنده‌ای داشتند و به خط رقاع استادانه رقم نهاده: «جنگ رومی با روس، یا شاه نجف فی سنه 1274». قاب آینه‌ی پرکاری با مدالیونهای مختلف که به خط نستعلیق رقم نهاده: «... شهر رجب 1274، یا شاه نجف». هشت اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1381 -1368 /3)، تاریخ برگزیدگان (529 -524)، تاریخ هنرهای ملی (999 -997 /2)، تذکرة القبور (16)، گلستان هنر (چهل و نه)، هنر قلمدان (117 -116).

نقاشباشی، اصفهانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. زاده‌ی اصفهان و از شاگردان معروف عباس شیرازی بود. مدتی به روسیه رفت و از استادان آن دیار فنون نقاشی را فراگرفت. وی همچنین در میناسازی، مجلدسازی، قاب آینه، مصورسازی کتب و مرقعات و تصویر پارچه‌های قلم‌کار مهارت داشت. از شاگردان معروف او هادی تجویدی است که در سال 1287 ش، با استاد خود از اصفهان به تهران آمد و در مجمع الصنایع به کارهای هنری مشغول شد. ابراهیم در مکتب شمایل‌سازی نیز آثار جالبی پدید آورده و چون در سلک درویشان نعمت‌اللهی بوده، از اقطاب این سلسله، شبیه‌هایی ساخته است. تاریخ دقیق تولد و وفاتش در دست نیست، ولی فعالیت هنری عمده‌ی وی بین سالهای 1330 -1290 ق است. از آثار وی: قلمدان نیمه‌کاره، با تصویر جنگ ایران و روس، با: «رقم ابراهیم 1325»؛ تصویر سه دختر ایرانی در حال نواختن ساز و تصویر مادر و طفلی خردسال که طفل گربه‌ای را در آغوش کشیده و زنی ایشان را نگاه می‌کند، با رقم «عمل ابراهیم»؛ چهار تصویر آبرنگی از شانزده تصویر«کلیات» سعدی، به خط فتح‌اللّه جلالی که رقم وی را دارد؛ تصویر نشسته‌ی عباس‌میرزا با آبرنگ، روی جلد کتاب «سفرنامه‌ی خسرومیرزا»، با رقم «ابراهیم اصفهانی»؛ قلمدانی، با رقم: «سلام علی ابراهیم»؛ از آثار مینایی آقاابراهیم نیز، یکی سرقلیان گل و مرغی، با تصویر مادر جوانی که بچه‌ی خود را در آغوش گرفته است، با رقم: «ابراهیم»؛ دیگری تصاویر زنان قاجار بر روی قلمدان با: «رقم ابراهیم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (14 -12 /1)، هنر قلمدان (148 -146).

نقاشباشی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1255 ق)، نقاش و میناساز. هنرمند دوره‌ی فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار بود که در زمان سلطنت محمدشاه به لقب نقاش‌باشی مفتخر گشته است. وی در تصویر و شبیه‌سازی خوش قلم و در کارهای روغنی و قلمدان و میناسازی قوی‌دست بود. از آثار او: جعبه‌ی ارزنده‌ای، با: «رقم کمترین محمد 1238»؛ تصویر مجلس عروسی ناصرالدین‌شاه که اثر پرکار و شلوغی است، با رقم: «محمد نقاشباشی 1255»؛ مینای گل و مرغی فتحعلی شاهی، در مدالیون‌های مختلف، که تصاویر دسته گلهای خوشرنگی در آن نقش بسته و رقم «کمترین محمد» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (610/ 2).

نقاشباشی، محمد اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1288 ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و خطاط. وی از نوابغ و استادن عصر خویش بود و در 1275 ق از دربار ناصرالدین‌شاه قاجار به لقب نقاش‌باشی مفتخر گردید. این هنرمند در تصویر و شبیه‌سازی توانا بود و تذهیب و ترصیع و حل کاری را خوب می‌دانست و در نوشتن خطوط و سرودن شعر نیز دست داشت. محمد اسماعیل از استادن پیشگام در ایجاد سبک قاجار در نقاشی قلمدان است و او بود که ساختن قلمدان‌های هفت گنبد و کیانی و داستان‌های خسرو و شیرین و حکایات عرفانی و مجالس مربوط به رهبانیت و آیین مسیح را معمول و متداول ساخت. بیشتر کارهای او مجالس بزم است و صحنه‌های جنگ کمتر در آثار او دیده شده است. از آثار وی: قلمدان زیبایی که بر رویه آن تصاویری از رجال قاجاریه دیده می‌شود و به خط شکسته رقم «راقمه اسمعیل 1264» دارد؛ جلد قرآنی که در داخل آن شمایل حضرت علی و حسنین (ع) را درون ترنجی نقاشی کرده و رقم «1279 نقاشباشی اسماعیل» دارد؛ قاب آینه‌ی زیبایی با تصاویر رجال قاجاری و حاشیه و کناره‌ی پر گل و تذهیب، با رقم: «محمد اسماعیل نقاشباشی 1288». در «احوال و آثار نقاشان» به بیست و سه اثر دیگر وی اشاره شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (76 -66/ 1)، تاریخ هنرهای ملی (1000 -999/ 2)، هنر قلمدان (1212 -120).

نگین تراش، ابراهیم

قرن:16
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(؟)، نگین تراش. در کتاب خطی «اکبر نامه» در مورد این هنرمند چنین آمده: «در عقیق نگاری هم طراز برادر خود شریف هروی است، لیکن کار از باستانی و استادان در گذرانید و رقاع و نستعلیق او از کارنامه‌ی خوش‌نویسان جدا نتوان ساخت، لعل‌های گران ارج شاهنشاهی بنقش لعل جلالی آرایش داده اوست».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (18 /1).

نمازی شاهرودی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متتبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.
در سال 1332 قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نمودم و و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل‌بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوطه اوان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عدیده‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.
آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فورا آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌اللّه مرعشی نجفی قدس‌اللّه سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.
نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مروده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتم. تألیفات بسیاری دارد که

از دیدگان عزیزان می‌گذرانم.
1- اثبات ولایت که 6 مرتبه به چاپ رسیده.
2- ابواب رحمت 2 مرتبه چاپ شده.
3- تاریخ فلسفه و تصوف 2 مرتبه چاپ شده.
4- مقام قرآن و عترت 3 مرتبه چاپ شده.
5- ارکان دین 2 مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.
6- الهدی الی صراط مستقیم.
7- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.
8- رساله تفویض
9- تاریخ مجالس روضه‌خوانی
10- زندگانی حبیب بن مظاهر
11- اصول دین
12- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه
13- رساله نور الابصار
14- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.
تألیفات طبع نشده علامه نمازی
1- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.
2- مستدرکات علم رجال، ده جلد.
3- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.
4- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.
5- رساله‌ای در طب.
6- معرفه‌الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.
7- مباحث اصول.
متاسفانه این دانشمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مکثر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال 1405 هجری قمری برابر 28 مرداد ماه 1364 شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره اللّه مع الشهداء والسعداء آمین یااللّه.
محقق، عالم دینی.
تولد: 1294 ق.، شاهرود.
درگذشت: 28 مرداد 1364، (دوم ذیحجه سال 1405 ق.).
آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت.

سپس رهپسار مشهد شد . در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.
مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمنا به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.
آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، 1337، ق.، قم، 1362)؛ تاریخ فلسلفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، 1377 ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.
آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفة الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت‌الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت‌الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.
(تو ح 1332 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه‌ی مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌اللّه آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینةالبحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقی الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تذییلات کتاب «مجموعة الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه‌ی مجالس

روضه‌خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نورالانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)». [1]
علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌اللّٰه حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.
وی در حدود سال 1332 قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهدبه پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌اللّٰه سبحانی مربی نفوس و مهذب اخلاق آیت‌اللّٰه الملک العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالا خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند
نگارنده گوید از سال 1364 ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌اللّٰه میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناخته‌ام خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد.
تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.
1- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده 2- تاریخ فلسفه تصوف 3- متدرسک سفینه البحار ج 1 و 2 بطبع رسیده 4- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خداشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) 5- مقام قرآن و عترت در اسلام 6- فهرست منتقی‌الجمان 7- تذییلات کتاب مجموعه الاخیار 8- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر 9- تاریخچه مجالس روضه‌خوانی 10- مناسک حج و وجوب و فضیلت آن 11- کتاب اثبات ولایت 13 -12- نورالانوار فارسی و عربی 14- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)
تألیفات مخلوط ایشان
1- تتمه مستدرک سفینه‌البحار ده جلد 11- مستدرکات علم رجال شیخ 5 جلد 16- کتاب اصول دین 17- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار 18- روضات النضرات در فقه استدلالی ده مجلد 19- معارف الهیه 20- مجموعه نفیسه در طب 21- معرفه الاشیاء و غیره
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (184 -183/ 7 ،374/ 5)، مؤلفین کتب چاپی (437/ 4).

نوایی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین نوایی در سال 1302ه.ش تهران متولد گردید . وی بعد از گذراندن دورة دانشسرا ، در رشتة حقوق ادامه تحصیل داده و از دانشگاه سوربن فرانسه فارغ التحصیل گردید . نوایی پس از آن به کار تدریس در مدارس و دانشگاههای کشور پرداخت . او کار تحقیق و پژوهش را با دومطلب آغاز نمود ، اول مسائل مربوط به مشروطیت و دیگری در رابطه با بابیگری . نوایی آثار بسیار با ارزشمندی از خود بجای نهاده است که مورد استفاده بسیاری از محققان وپژوهشگران می باشد . وی هم اکنون به دلیل کهولت سن از کار تدریس در دانشگاه دست کشیده اما منزل ایشان همواره پذیرای دانشجویان می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : ایران دوره اسلامی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالحسین نوایی تحصیلات خود رادر مدارس ابتدایی (تمدن) و (ابن سینا) آغاز نمود .وی در دورة متوسطه در به مدرسه شرف تحصیل کرد و پس از گذرندان این دوره ، علیرغم میل باطنی خود به دانشسرای عالی رفت ،دکتر نوایی دراین مورد می نویسد : برخلاف میلم به دانشسرا رفتم چون علاقه به این حرفه نداشتم و تمایل داشتم که دیپلمات شوم. دکتر نوایی پس از دوره دانشسرا ی عالی ،تحصیلات خود را درد انشکده حقوق پی گر فت اما به دلایلی از ادامه تحصیل در رشته حقوق باز ماند .البته وی یک سا ل بعد دوربار ه در رشته حقوق شرکت نمود وتوانست شاگرد دوم شود .نوایی به لحاظ اینکه ناگزیر بود یکی از دورشته را نتخاب نماید وبا توجه به اینکه یکسال از دوره دانشسرا را نیز گذرانده بود،لذا در همین رشته ادامه تحصیل داد،او سپس به فرانسه رفته و توانست دوره دکترا را از دانشگاه سوربن اخذ نماید.
خاطرات و وقایع تحصیل : عبدالحسین نوایی بعد از دوره دانشسرا ی عالی به دانشکده حقوق رفت ، اما وی نتوانست از این دانشکده فارغ التحصیل شود و به نحوی از ادامه تحصیل باز ماند،علت این امر را نوایی چنین بیان می کند : ماجرا از این قرار بود که در امتحانات دیپلم یک نفر از روی برگه امتحانی من رونویسی کرده بود ودر آن زمان تصحیح اوراق امتحانات نهایی به عهده استادان دانشگاه بود و مرحوم دکتر شفق دیده بود که دو

برگه کاملا شبیه یکدیگر است ،لذا هر دو نفر به جرم تقلب از ادامه تحصیل محروم کردند،مدتی طول کشید تا توانستم ثابت کنم که ورقه اصلی متعلق به من است و همین تاخیر باعث شد تامن از ادامه تحصیل محروم شوم.
فعالیتهای ضمن تحصیل : عبدالحسین نوایی درکنار تحصیلا ت تکمیلی خود در فرانسه به کار معلمی نیز پرداخت و ، چون این مسؤلیت را پذیرفته بود با جدیت مطالعه می نمود،اینکار دو دلیل داشت اول آنکه تحصیلا ت خود را دانشگاه کا فی نمی دانست و آنرا مقدمه ای می دانست برای ادامه تحصیل دوم نمی خواست به مانند بعضی از معلمین از کم سوادی و بی توجهیش گله نماید:او می گوید :در هر صورت چشم را بر بسیاری از لذات مادی زندگی بستم و تمام وقتم راصرف آموختن کردم مثلا موقعی که در پاریس بودم ،با توجه به اینکه در آنجا هوادیر روشن می شود ساعت نه صبح غذای مختصری می خورد م که هم صبحانه بود و هم ناهار و ازساعت ده در کتابخانه ملی پاریس مطالعه می کردم تاساعت پنج بعداز ظهر که آنجا تعطیل می شد .هر چند در آن وقت خیلی ها به این کار من می خندیدند ، اما من به هیچ وجه احساس غبن نمی کردم چون آثاری که الان شما ملاحظه می فرمایید ، غالبا حاصل مطالعات و تلا شهای همان دوران است .
استادان و مربیان : از استادانی که عبدالحسین نوایی به عنوان یک الگو یا د می کند،عباس اقبال بود باز می گردد نوایی وی را از جمله کسانی می داند که در او انگیزه تاریخنگاری را بوجود آورد و این مسئله به زمانی که نوایی در مجله یادگار با وی همکار شد . از استادان نوایی شخصیتهای برجسته ای همچون :بدیع الزمان فروزانفر ،بهار ،بهمنیار و میرزا عبدالعظیم خان قریب می توان نام برد .
وقایع میانسالی : در سال 1346 عبدالحسین نوایی مطالبی در مورد دانشگاهها وعدم پذیرش افراد جوان به عنوان استاد منتشر کرد ، این مسئله باعث شددانشجویان دست به شکایات متعددی بزنند با اعتراض دانشجویان مدیریت دانشگاههای تهران و شهرستانها تغییراتی نمود و از آن جمله دانشگاه تبریز که هوشنگ منتصری به سمت ریاست آنجا رسیدوی روسای دانشکده ها را که عملا از ورودهرگونه استادجدیدی سرباز زده بودند ، اخراج کردو دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد.در سال1351درهنگام خدمت در سازمان کتابهای درسی یعنی به دلیل رعایت نکردن دستورات شاه در مورد مبارزه با گرانی ، متهم واز کا ر برکنار شد . اما پس از مدتی به بابلسر رفته وسمت معاونت مدسه عالی بابلسر راقبول کرد نوایی پس از مدتی خدمت در این مدرسه به دلیل روش میان دو رییس مدرسه یعنی دکتر فاروقی پیش آمد ، از سمت خوداستعفا داد ،

اما دیری نگذشت به سبب بوجود آمدن حوادثی به سمت ریاست این مدرسه منصوب شد . او علت این امر را چنین بیان می کند : دانشجویان ، رییس مدرسه با بلسر را به علت رفتار ناشا یست کتک زدند وحتی خواستند از پنجره طبقه سوم به پایین پرت کنند ، که مدتی در بیمارستان بستری شد .پس از برکناری وی وزارت علوم را به ریاست مدرسه گماشت . انتصاب دکتر نوایی به سمت ریاست مدرسه عالی با بلسر مصارف بو د با تحرکات مردم و دانشجویان برعلیه رژیم شاه نوایی می گوید : تا آنجا که من متوجه شدم سخن از انقلاب و تحولی عظیم در میان است و نه یک اعتراض و شکایت ،دانشکده ها به هم ریخته بود و کلاسهای تعطیل شد ه بود و من که هرگز نمی خواستم با دانشجویان مقابله بکنم بلکه آنان را محق می دانستم از خدمت استعفا کردم و به تهران بازگشتم . در سال 1349 ش ، دکتر نوایی جایزه بهترین کتاب سال به جهت تصحیح و تعلیق کتا ب احسن و التواریخ را دریافت داشت و در سال 1364 ش،موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال جهت تصحیح و تعلیق کتاب احسن التواریخ را دریافت داشت و در سال 1364 ش . موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب اسنادتاریخی ایران از 1038 تا 1105 ه.ق شد .

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در سال 1346 ه.ش با تغییر مدیریت دانشگاهها ،دکتر هوشنگ ریاست دانشگاه تبریز را به عهده گرفت و مسئولیت دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد . نوایی یکی دوسال پس از بازگشت از تبریز مدیر کل تشکیلات و روشهای آموزش و پرورش شد : از فعالیتها ی او دراین سمت ، بررسی سازمان کل وزارت آموزش و پرورش و تقسیم تهران به 17 ناحیه بود . در سال 1351 ه.ش به سازمان کتابهای درسی منتقل گزدیدو تا مرداد سال 1354 ه.ش دراین سمت باقی ماند،اما به دستور شا ه از کار برکنار شد و بعد از چند ماه بیکار ماندن به وزارت علوم رفته با دعوت دکتر فاروقی رئیس مدرسه عالی بابلسر ، در منصب معاونت این مدرسه شروع به کار کرد ، اما طولی نکشید به سبب اختلاف عقید ه با دکتر فاروقی استعفا داد . نوایی پس از استعفا از مدرسه عالی بابلسر از وزارت آموزش و پرورش درخواست شغل و یا باز نشستگی او موافقت شد . هنوز مدتی از بازنشستگی دکتر نوایی نگذشته بود که وی به سمت ریاست مدرسه عالی منصوب گشت اما وی درطی تحولات کشور در سال 1357 ه.ش از شغل خود ا ستعفا کرده که با بازنشستگی به تهران بازگشت .

فعالیتهای آموزشی : عبدالحسین نوایی علاوه بر تالیف و خلق آثار متعدد ، در دانشگاهها و موسسات علمی مختلف به تدریس پرداخته است که از آن جمله اند : دانشگاه تهران و مرکز اسناد در سطح لیسانس ،دانشگا ها ی

تربیت مدرس ، شهید بهشتی ، الزهرا ،و پژوهشگاه فرهنگ و مرکز اسنادرسمی ، دانشگاههای آزاد واحدشهر ری و ابهر در سطح فوق لیسانس و دکتر ی در سال 64-1363 بخش دکتری تاریخ در دانشگاه آزاد اسلامی ایجاد گردیدو دکتر نوایی از همان سال تا سال 1376 عضو ثابت و هیات علمی آن بود ه و همانطور که خود می گوید ، اولین دانشجوی فارغ التحصیل رشته تاریخ شاگر د وی بود ه است .نوایی همچنین در محدوده همکاری حوزه و دانشگاه یک دوره درسی با هفت تن از طلاب در رشته که در سطح فوق لیسانس بودند . از دیگر فعالیتهای آموزشی دکتر نوایی نظارت بررساله های تحصیلی فوق لیسانس و دکترا بود ،او در دانشکده های ادبیات شهید بهشتی ،تربیت مدرس و الزهرا به عنوان استادراهنما ،مشاور و ممتحن شرکت می نمود.نوایی تا پایان سال 1378 ه.ش به کارتدریس پرداخت ، اما پس از بیماری ممتد از رفتن به کلاس خودداری نمود به همین خاطر دانشجویان به منزل وی می روند و از دانش فراوان او بهره می برند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالحسین نوایی در کنار کار تدریس و تالیف و پژوهشهای علمی ،در مجامع علمی ،سمینارها و سخنرانی های متعدد شرکت نمود که بعضی ازآنها در خارج از کشور بوده است ،از این تعداد می توان ، مهمترین آن را به شرح زیر بیان داشت : 1- سال 1353 ش ، سفر به پاکستان برای ایراد چند سخنرانی د ر سمت ریاست کتابهای درسی . 2- سال 1353 ش. سفربه ترکیه ،سوئد ، انگلستان و فرانسه در سمت ریاست کتابهای درسی و بازدید از مراکز فرهنگی . 3- سال 1374 ش ،سفر به ترکیه و سخنرانی درباره جنگ اوزون حسن با سلطان محمد فا تح در سمینار مربوط به فتح قسطنطنیه 4- سال 1375 ش،شرکت در سمینار تیمور در مشهد وارائه مجموعه مقالاتی تحت عناوینی چون کثرت منابع تاریخ تیموری «ورد» کتابهایی چون منم تیمور «جهانگشا و توزوک » . 5- سال 1375 ش، سفر به ازبکستان وسخنرانی در سمینار بزرگداشت تیمور .

آرا و گرایشهای خاص : عبدالحسین نوایی در زمینه اتکا خود به تاریخنگاری ، بخش اعظم فعالیت خودرا در دوره قاجاریه متمرکز نمود : او تحقیقا ت و پژوهشهای خودر ا در دو زمینه آغاز نمود ، اول مطالب مربوط به مسایل مشروطیت و دیگری در رابطه با بیگری است . چنانکه خود می گوید : « من قاجاریه را به آن بدی نمی بینم که دیگران می بینند . افراد را در زمان خودشان و با معیارهای زمان خودشان باید مورد قضاوت قرار داد . والا با مسائل یک قرن یا دو قرن بعدنمی شود افرادی را که دو قرن ـ سه قرن پیش از ما بوده اند ، داوری کرد .من قاجاریه را بدون اینکه بخواهم ادعا کنم مردان بزرگ و یا نام آوری بوده اند ، افراد وخائن و نادرستی نمی دانم

، اما می توانم ادعا کنم که در این دوره غیر از دو یا سه نفر ، واقعا خائن یعنی کسی که آمده و به کشورش خیانت کرده ، بیشتر نداریم ، بقیه ، کسانی هستند که خواسته اند این مملکت را حفظ کنند ، اما ممکن است به علت جهل و بی اطلاعی و عقب ماندگی از دانش اروپا ،مسائل سیاسی اروپا و روابط بین دول ، اشتباهاتی کرده باشند . اما آنان هرگز قصد خیانت نداشتند . شاید در آن زمان به درستی به نقش استعمار و مطامع قدرتهای اروپایی پی نبرده بودند،و شاید به اندازه لازم آگاهی نداشتند چون شناخت استعمار منوط است به دانستن مفاهیم و اصطلاحات علوم سیاسی ، شناخت روابط بین الملل ،شناخت مسائل اقتصادی ، شناخت اینکه کارخانه اروپا ییان باید با موادخام ارزان بگردد ، این مسا ئل را نمی دانستند ،کجا در س خوانده بودند که بدانند؟ اطلاعی نداشتند . »
چگونگی عرضه آثار : عبدالحسین نوایی تالیفات خود را با همکاری مراکز فرهنگی و موسسات انتشارات گوناگونی به چاپ رسانده است . او دعوت موسسات و واحد های فرهنگی که مولود انقلاب اسلامی بودند را سواره با شوق و رغبت پذیرفت . از موسساتی که او با آنها همکاری نمود عبارتند از :کتابخانه ملی :همکاری در کمیته علمی احیا میراث مکتوب دکترنوایی : از سال 1373 بنا به دعوت رییس وقت آقای جواهری همکاری خود را با موسسه تاریخ معاصرآغاز کرد . دکترنوایی : در مهرماه سال 1373 بنا به دعوت رییس وقت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شروع به کار کرد .اودر این دو طرح را اجرا نمود،1- مجموعه شرح حال بزرگان علم و ادب 2- تدوین مجموعه اعلام تاریخی .سازمان سمت : ست در واقع حروف اول سازمان مطالعه و تدوین کتب است ، و ظیفه آن تهیه کتاب های درسی برای سطح لیسانس می باشد .دکتر نوایی سه چهار سال به عنوان رییس گروه تاریخ دراین سازمان خدمت کرد . اداره اسناد نهاد ریاست جمهوری دکتر نوایی : دراین واحد برکار محققان جوان نظارت دارند و آنان را در خواندن اسنادی که نوعا با خط شکسته یا قلم سیاق است یاری می نما یند.ـ سازمان اسناد ملی :همکاری دکتر نوایی با این نهاد تنها در سطح تالیف کتاب بوده است . ----------
---
آثار :
1 آیین
2 اسطوره اهل حق
3 اسناد عبدالوهاب خان آصف الدوله در خراسان
4 اسناد مربوط به نایب حسین کاشی
5 اسناد و مکا تبات سیاسی ایران از 1308 تا 1105 ه ق
6 اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل

7 اطلاعات ماهیانه
8 ایران و جهان
9 با ستا نشناسی و تاریخ
10 بررسی های تاریخی
11 پست تهران
12 تاریخ آل مظفر
13 تاریخ روابط فرهنگی ایران
14 تاریخ عضدی
15 تاریخ گزید ه
16 تالیف محمد تقی
17 تکمله ا لاخبار
18 جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان و باختران
19 حدیقه ا لشعرا
20 حکیم و به اهتمام جمشید کیانفر و محمد علی صوتی
21 خاطرات عباس میرزا ملک آرا
22 خبرنامه سمینار بین المللی نهضت مشروطیت
23 دولتهای ایران از مشروطیت تا او لتیماتو م
24 دیوان محتشم کاشانی
25 رو زنامه باختر
26 روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه
27 روزنامه آژنگ
28 روزنامه اصفهان
29 روزنامه امید
30 روزنامه بهرام
31 زیو ر آل داود
32 سیرو سیاحت
33 شا ه اسماعیل صفوی
34 شا ه تهماسب
35 شا ه عباس
36 شرح حال رجال حبیب السیر
37 صدف
38 فتح تهران
39 فتنه باب
40 فصل نامه تاریخ معاصر ایران
41 فصل نامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد
42 فهرس التواریخ

43 کریم خان زند
44 گزید ه فرمانهای موجود در کتابخانه ملی
45 گوهر
46 ما هنامه فرهنگ
47 ماهنامه ادبستان
48 متون تاریخی به زبان فارسی
49 مجله توشه
50 مجله فردوسی
51 مجله کیها ن فرهنگی
52 مجله یارگار
53 مجله یغما
54 مجموعه اسناد نابینایان کاشان
55 مراه البلدان
56 مراه الوقایع مظفری و یا د داشتهای ملک المورخین سپهر
57 مطلع سعدین
58 مطلع سعدین و مجمع بحرین
59 مظفرالدین شاه
60 مقاله دوره مجله یادگار
61 مقدمه بر جغرافیای تاریخی شهرهای ایران
62 مقدمه برکتا بهایی چون گنج دانش
63 مهد علیا
64 مهر
65 نادر و جانشینا نش همراه با نامه های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری
66 نامه های خان احمد خان گیلانی
67 نشریه وزارت امور خارجه
68 وجه تسمیه شهرهای ایران

نوذری، عزت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عزت اله نوذری در سال 1323در رودسر بدنیا آمد.وی پس از اخذ دیپلم در ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند.در سال 1357 به ایران بازگشت و در سال 1358 به استخدام دانشگاه تربیت معلم در آمد،و از سال 1364 به دانشگاه شیراز منتقل شد و هم اکنون با درجه علمی دانشیاری در آنجا مشغول به تدریس و تحقیق است.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ
گرایش : تاریخ اجتماعی
خاطرات کودکی : بهترین و به یاد ماندنی ترین خاطره عزت اله نوذری رفتن به کلاس اول ابتدایی بود که همواره در شادی وصف ناپذیری بسر می برد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عزت اله نوذری در خانواده مذهبی به دنیا آمد و بزرگ شد .پدرش کارمند عالیرتبه وزارت دارایی در تهران بود و اهل هنر و شعر و تاریخ است.پدر بزرگ دکتر نوذری نیز با شعر شاعران و تاریخ مانوس بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عزت اله نوذری پس از دریافت دیپلم از ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در رشته تاریخ گرایش تاریخ اجتماعی در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند.
فعالیتهای ضمن تحصیل : عزت اله نوذری در حین تحصیل در خارج از کشور بطور مستقل در فعالیت های علیه رژیم شرکت می کرد.
همسر و فرزندان : عزت اله نوذری متاهل و دارای دو فرزند پسر است. فرزند ارشد ،روزبه نوذری دارای مدرک کارشناسی عمران و متاهل است. دیگر فرزندش ،آرش نوذری که دارای کارشناسی حسابداری و متاهل می باشد.
وقایع میانسالی : عزت اله نوذری پس از دریافت دکتری رشته تاریخ اجتماعی ایران در سال 1357 به ایران بازگشت و در سال 1358 به استخدام دانشگاه تربیت معلم درآمد.ودر سال 1364به دانشگاه شیراز منتقل شد .وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری در همین دانشگاه به تدریس و تحقیق مشغول است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عزت اله نوذری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شیراز است.وی بغیر از شرکت در کمیته های متعدد آموزشی ،پژوهشی و تکمیلی پست اجرایی دیگری نداشته است.
فعالیتهای آموزشی : عزت اله نوذری در طول 28 سال تدریس بطور متوسط در هر ترم میانگین 12 ساعت مشغول به تدریس بوده است.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عزت اله نوذری در کنار تدریس در دانشگاه شیراز به تحقیق و پژوهش می پردازد.
جوائز و نشانها : عزت اله نوذری تعداد 27 لوح تقدیر از دست روسای دانشگاهها در سمینارها و غیره دریافت کرده است. به عنوان مثال محقق نمونه در دانشگاه شیراز در سال 1379 است.
چگونگی عرضه آثار : عزت اله نوذری دارای 12 کتاب تخصصی در رشته تاریخ و 38 مقاله منتشر شده در ژورنالهای داخلی و خارجی است. --------
---
آثار :
1 اروپا در قرون وسطی
ویژگی اثر : تالیف
2 انقلاب فرانسه
ویژگی اثر : تالیف-در دست تهیه است
3 ایران و تاریخ
ویژگی اثر : تالیف
4 پژوهش پیرامون ایلات و کولیهای استان مرکزی
ویژگی اثر : تالیف
5 تاریخ اجتماعی ایران در دوجلد
ویژگی اثر : تالیف-جلد اول : از آغاز تا مشروطیت-جلد دوم : از مشروطیت تا انقلاب اسلامی
6 تاریخ احزاب سیاسی در ایران
ویژگی اثر : تالیف
7 تاریخ معاصر جهان
ویژگی اثر : تالیف
8 جنبش در تاریخ معاصر ایران
ویژگی اثر : تالیف
9 روش شناخت در تاریخ
ویژگی اثر : تالیف
10 سالشمار تاریخ ایران
ویژگی اثر : تالیف

11 شخصیت از آغاز تا عصر روشنگری
ویژگی اثر : تالیف

نوراللّه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، فلزکار. وی نگارگر پرمهارت فلزات سخت بود. از آثار او قطعات هشت‌ضلعی فلزی است که روی هم سوار شده و کمربندی را تشکیل داده‌اند. نقوش متنوع و اسلیمی این قطعات استادانه است و رقم «عمل نوراللّه» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1400/ 3).

نورانی، امیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر نورانی مکرم دوست
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/2

زندگینامه علمی
آقای امیر نورانی مکرم دوست در سال 1348هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1362 وارد حوزه علمیه رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد.
از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1372 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله استادی»، «آیت الله استاد پایانی»، «استاد آل غفور»، «استاد حسینی خراسانی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «جامعه شناسی» در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1378 از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان: «بررسی باورهای دینی در ارتباط نوسازی» دفاع کرد. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه بر مدیریت گروه معارف دانشگاه گیلان، نیز در این دانشگاه به امر تدریس اشتغال دارد.

نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، محدث، مقری و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم قمری است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهرآشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌اللّه بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م 573 ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبة» امام زین‌العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن‌بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازه‌ی» کبیره خود به این مطلب اشاره کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو».[1]
محمد بن علی بن حسن مقری نیشابوری ملقب به (قطب‌الدین) مکنی به ابوجعفر عالمی موثق و استاد سید ابی‌الرضا فضل‌اللّه راوندی و شیخ ابی‌الحسن قطب راوندی و صاحب تعلیق الحدود الموجز در نحو بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (251/ 23، 356/ 19، 221/ 4)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 272/ 6)، فهرست منتجب‌الدین (158 -157)، فوائد الرضویه (559)، معجم‌المؤلفین (318 -317/ 10).

نیک گهر، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین نیک گهر، استاد دانشگاه، جامعه شناس و مترجم، به سال ۱۳۱۶ در شهر تالش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۲ به خاطر شغل پدر ساکن رشت شد و دبستان و دبیرستان را در بهترین مدارس رشت گذراند. بعد از پایان دوره دبیرستان بی درنگ در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و توانست در رشته فلسفه و علوم تربیتی با کسب رتبه اول مدرک کارشناسی اش را دریافت کند.در سال ۱۳۳۹ به خاطر موفقیت و کسب رتبه اول به فرانسه اعزام شد. از همراهان او می توان به دکتر علی شریعتی اشاره کرد. در سال ۱۳۴۳ مدرک دکترای جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن کسب کرد. بعد از بازگشت از فرانسه مدتی در دانشگاه فردوسی مشهد جامعه شناسی تدریس می کرد و مدتی بعد به دانشگاه تهران منتقل شد. و در امتحان استادیاری آن دانشگاه که در سال ۱۳۴۷ برگزار شد شرکت کرد و توانست در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ به عنوان استادیار دانشگاه تهران مشغول به تدریس شود. در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه- انقلاب فرهنگی- فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام او توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند. عبدالحسین وی اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند. نیک گهر با پشتکار خود تاکنون توانسته یک تنه آثار بسیاری در زمینه تألیف و ترجمه از خود به جا بگذارد به طوری که همه کتاب هایش مورد استقبال و توجه بسیاری از اساتید دانشگاه و دانشجویان قرار گرفته است.
گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در رشت، دیپلم ششم ادبی دبیرستان مروی تهران ۱۳۳۵ - لیسانس فلسفه و علوم تربیتی، دانشجوی رتبه اول از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ و اعزام به فرانسه - دکترای جامعه شناسی دانشگاهی از سوربن ۱۳۴۳ - اعزام به فرانسه و اخذ دکتری دولتی جامعه شناسی از سوربن ۱۳۵۴ خاطرات و وقایع تحصیل : در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه- انقلاب فرهنگی- فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای

دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام نیک گهر توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند.هم دوره ای ها و همکاران : نیک گهر، بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ دانشجوی ریمون آرون بوده است و از دوستان او می توان مرحوم دکتر احمد تفضلی، بهمن سرکاراتی زبان شناس نام برد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نیک گهر در سال ۱۳۵۴- ۱۳۵۵ رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۶- ۱۳۵۷ مدیر گروه آموزشی جامعه شناسی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۷-۱۳۵۸ رئیس دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران بوده است.اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند.فعالیتهای آموزشی : دکتر نیک گهر تدریس در دانشگاه مشهد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ را در کارنامه خود دارد و همچنین وی استادیار جامعه شناسی دانشگاه تهران ۱۳۴۸ – ۱۳۵۰، دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران در ۱۳۵۴ و راهنمایی ده ها پایان نامه در دوره کارشناسی ارشد و دکتری بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سابر فعالیتهای دکتر نیک گهر علاوه بر تالیف و ترجمه، طرح و اجرای بیش از یکصد طرح پژوهشی در مؤسسات تحقیقاتی؛ موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی ۱۳۷۰ – ۱۳۷۹، پژوهشگاه نیرو ۱۳۸۲- ۱۳۸۳و مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی از ۱۳۷۵ تا امروز است.آرا و گرایشهای خاص : نیک گهر معتقد است: «هرشری را می توان به خیری تبدیل کرد.» عبدالحسین نیک گهر معتقد است: «جهانی سازی اگر آگاهانه صورت نگیرد، فرهنگ ها را در مقابل هم قرار می دهد. تنها با داشتن علم اطلاعات نمی توانیم با همدیگر رابطه برقرار کنیم. انسان ها نیاز به شناسایی فرهنگ های مختلف دارند.با شناختن فرهنگ یکدیگر می توانیم به همدیگر ارزش قائل شویم و از باید و نباید های یکدیگری آگاه شویم. اگر پیام از شمال می آید مردمان سرزمین جنوبی قادر به درک آن پیام نیستند. زیرا فضا و مکان و زمان فرستنده پیام با فضا، مکان و زمان گیرنده پیام یکسان نیست که واکنش های تأسف باری به وجود می آورد. در واقع یازده سپتامبر یک هشدار است که تنها اطلاعات شبکه ای نمی تواند دنیا را به هم وصل کند و آنها را نزدیک گرداند و به یک سو که همان صلح جهانی است هدایت کند. صلح جهانی و تفاهم جهانی آرزویی که با این روش هیچگاه محقق نمی شود. در این راستا، باید با برنامه ریزی فرهنگی و طرح های فرهنگی انسان ها را به سمت ارتقای فرهنگی هدایت کرد وگرنه گسیختگی فرهنگی نتایج ناگوار و سختی به بار

می آورد.» چگونگی عرضه آثار : او با آن که در سن ۴۵ سالگی بازنشسته شده اما با ارائه طرح های تحقیقاتی و داشتن بیش از سی جلد تألیف و ترجمه توانسته است در حوزه کاری اش مؤثر باشد.او تألیفات وترجمه هایش را به منظور پرکردن فضاها و خلأهای کتب درسی مورد تدوین و تألیف قرارداده و در این زمینه نیز بسیار موفق بوده است. زیرا تألیفات و ترجمه هایش چندین چاپ به خود دیده اند و این مسأله خود گواه همین امر است.آثار : آینده آزادی ویژگی اثر : ترجمه، ژان ماری گنو، 2 پایان دموکراسی ویژگی اثر : ماری گنو، 13813 تکاپوی جهانی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژان - ژاک سروان شرایبر (چاپ هفتم)4 جامعه شناسی تالکوت پارسونز ویژگی اثر : ترجمه، اثر گی روشه 5 جامعه شناسی شهر ویژگی اثر : ترجمه، اثر یانکل فیالکوف انتشارات آگه. کتاب «جامعه شناسی شهر» اثر یانکل فیالکوف با ترجمه عبدالحسین نیک گهر یکی از کتاب هایی است که مورد توجه بسیاری از محققان و علاقه مندان قرار گرفته است.این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است: شهر، پدیده جامعه شناختی، شهر، صورت اجتماعی، شهر، یک یا چند سبک زندگی، شهر، یک سازمان سیاسی و پیمایش شهری امروز و یگانگی شهر، این کتاب تلفیقی است از آموزش هایی که در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی معماری و شهرسازی درباره شهر تدریس می شود. اهل حرفه، جامعه شناسان، جغرافی دانان، انسان شناسان، دانشجویان معماری و شهرسازی با پرسش های شان به مرور زمان به عمق اندیشه ما درباره شهر افزوده اند.این کتاب دو اصل روش شناختی را مد نظر دارد: رویکرد تاریخی و تحقیق میدانی.عبدالحسین نیک گهر با روحیه بسیار صمیمی و مهربانش این کتاب با ارزش و ارزنده را به همکارانش در مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی پیشکش کرده است. او معتقد است که حضور همکارانش طراوت کلاس درس را برایش یادآوری می کند.«جامعه شناسی ورزش» اثر ژاک دوفرانس نیز عنوان دیگری از ترجمه های عبدالحسین نیک گهر است که توسط نشر توتیا به بازار کتاب آمده است.نیک گهر معتقد است: «جامعه شناسی ورزش رشته ای نوپا و در حال بالندگی است. جامعه شناسان به اهمیت بازی ها و ورزش ها، به عنوان یک پدیده فرهنگی - اجتماعی پی برده اند و به ورزش به عنوان رفتار و «عادت واره ای» که ساختار اجتماعی را بازتاب می دهد، توجه نشان می دهند. این کتاب نیز همچون دیگر ترجمه های نیک گهر مورد استقبال و توجه اساتید و دانشجویان علاقه مند به عرصه های جدید پژوهشی در جامعه شناسی قرار گرفته است. 6 جامعه شناسی ماکس وبر ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژولین فروند (چاپ سوم 7 جامعه شناسی هنر ویژگی اثر : ترجمه، اثر ناتالی هنینکِ انتشارات آگه. «جامعه شناسی هنر»

اثر ناتالی هینیک نیز یکی دیگر از تألیفات نیک گهر است.جامعه شناسی هنر، دانشی میان رشته ای است که با تاریخ فرهنگی، زیبایی شناسی، تاریخ هنر، انسان شناسی، روان شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انتقادی، جامعه شناسی پیمایشی و... مرزهای مشترک و نامشخص دارد. این کتاب، نخستین درسنامه جامعه شناسی هنر به زبان فارسی است که درونمایه آن را نه «هنر و جامعه»، نه «هنر در جامعه»، بلکه «هنر به مثابه جامعه» تشکیل می دهد. در این کتاب مؤلف از مرور رویکردهای متفاوت به موضوع هنر، از جمله رویکرد زیباشناختی، تاریخی و انتقادی و بیان دستاوردهای هر یک از آنها و نقد عالمانه مدل های تحلیلی گذشته که بر خلاف متعارف «شفافیت شان با بهره وری واقعی شان نسبت معکوس دارد»، رویکردهای امروزی را که کمتر بار ایدئولوژیکی دارند و نیز کمتر معرف حضور متخصصان هستند، معرفی می کند. نیک گهر با ترجمه سه گانه جامعه شناسی هنر، جامعه شناسی ورزش و جامعه شناسی شهر در راستای تازه و نو کردن فضای آموزش عالی حوزه های جامعه شناسی گام مهمی برداشته است که خدمتی بسیار ارزنده و قابل تقدیر است.8 جامعه شناسی ورزش ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژاک دو فرانس انتشارات آگه9 خاطرات ریمون آرون ویژگی اثر : ترجمه، (جلد، صفحه)، 10 روش تحقیق در علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه،اثر ریمون کیوی و... (چاپ چهاردهم انتشارات توتیا.یکی از ترجمه های بسیار روان عبدالحسین نیک گهر «روش تحقیق در علوم اجتماعی» اثر ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود است. این کتاب ترجمه یکی از جدیدترین کتاب های درسی روش تحقیق در علوم اجتماعی است. مؤلفان کتاب، ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود از استادان دانشگاه و محققان سرشناس بلژیکی هستند که علاوه بر تدریس نظری و تحقیق کاربردی، عمری را در مؤسسات تحقیقات دانشگاهی صرف تربیت محققان اجتماعی کرده اند و این کتاب حاصل تجربه های چندین ساله این استادان است که در این سالیان به دست آمده است. البته گفتنی است که ترجمه ساده و روان نیک گهر موجب شده این اثر با استقبال ویژه ای روبرو شود.11 شوربختی روس ویژگی اثر : ترجمه، هلن کاررانکوس، 12 فرهنگ انتقادی جامعه شناسی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو چاپ اول فرهنگ معاصر. «جامعه شناسی ماکس وبر» اثر ژولین فروند را می توان نام برد. «فرهنگ انتقادی جامعه شناسی» اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو، از تازه ترین آثار ترجمه عبدالحسین نیک گهر است که به تازگی توسط فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.این فرهنگ مدخل است که موضوع های آن در گروه خانگی زیر دسته بندی شده است: ?- طبقات بزرگ پدیده های اجتماعی (مانند تعارض های اجتماعی، ایدئولوژی ها و...) ?- انواع وجوه اصلی سازمان اجتماعی (مانند

دیوانسالاری، سرمایه داری و...) ?- مفاهیم عمده خاص جامعه شناسی (نابسامانی اجتماعی، کاریزما و...) ?- مفاهیم متداول و مشترک چندرسانه (ساخت، نظام) ?- پارادایم ها و نظریه ها (ساخت گرایی، کارکردگرایی، فرهنگ گرایی و...) ?- مسائل نظری عمده اجتماعی (نظارت اجتماعی، قدرت، اقتدار و...) ?- مسائل عمده معرفت شناسی (عینیت، پیش بینی، نظریه و...) ?- بنیانگذاران عمده جامعه شناسی (دورکیم، ماکس وبر، اسپنسر، زیمل و...) نیک گهر ترجمه این کتاب را شروع می کند و با وسواس علمی و دقت آن را به پایان می رساند. او در این مدت با همت و حوصله و رویکردی متفاوت ترجمه این اثر ارزنده را به علاقه مندان علوم اجتماعی و محققان ارائه کرده است و تلاش او بسیار ستودنی است. نیک گهر معتقد است: «ما تولید فرهنگی نداریم، اما تولید مادی داریم» و از نظر او تولید مادی چاپ کتاب و خوانده شدن کتاب تولید فرهنگی است. او با امید ایجاد شرایطی برای تولید فرهنگی با پشتکار و همتی متعالی دست به تألیف و ترجمه کتاب های بسیار مفید زده و می زند. 13 فرهنگ علوم اقتصادی - بازرگانی، اداری ویژگی اثر : تألیف14 مبانی جامعه شناسی ویژگی اثر : تألیف چاپ پنجم15 منطق کنش اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ریمون بودون

واثقی نیا، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین واثقی نیا
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1336 شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال 1352 ش)
مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرائ بزرگان را به ما می آموخت.
خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «یقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزدم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم .
در سالهای 54 تا 57 همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در

مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای 58 تا 60 دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (1376) تا اول تابستان 1383 «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: (تاسیس کتابخانه تخصصی فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واحد شیرازی، لطف‌اللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1320 ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و شاعر، متخلص به واحد. مشهور به میرزا لطف‌اللّٰه مستوفی. اهل شیراز بود. وی در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی دستی قوی داشت. گل و مرغ و منظره‌سازی را خوب می‌دانست و در تذهیب و گونه‌های مختلف طلاکاری ماهر بود. علاوه بر آن، در سیاه قلم و آبرنگ و کارهای روغنی نیز دست داشت و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت. فرصت شیرازی در «آثار عجم» گوید: "در رسائل و مکاتیب بی‌نظیر است و در نقاشی شهیر. گاهی شعر می‌گوید..." از آثار او: قلمدانی با زمینه‌ی نخودی کمرنگ که در رویه آن، تصاویر گل و مرغ است، با رقم: «لطف‌اللّٰه الحمزوی»؛ قلمدان زیبایی که تصویر زنی در شیوه‌ی فرنگی بر روی آن نقش بسته و بالا و پایین آن در شیوه‌ی روسی تذهیب شده و به خط نستعلیق رقم نهاده: «لطف‌اللّٰه الحمزوی سنه 1315»؛ تصویر سیاه قلمی دسته گلهای متنوعی که به شیوه‌ی آقا لطفعلی شیرازی عمل آمده، با رقم: «لطف‌اللّٰه الحمزوی 1318»؛ قلمدان استادانه‌ای که در حواشی و اطراف آن مناظر زیبایی دارد، با رقم: «لطف‌اللّٰه الحمزوی 1320».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (548، 541)، احوال و آثار نقاشان (560 -559/ 2)، الذریعه (1247/ 9)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (155 -154).

واسعی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علیرضا واسعی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
دوران کودکی را در شهر «ساری» پشت سر نهاده و برای تحصیل علوم دینی، به مشهد مقدس رفتم و از سال 60 تا 77، دروس حوزوی را از محضر اساتید بزرگوار آموختم و چند سالی پای درس علمای بزرگ، حضرات آیات: «فلسفی، زنجانی و سعیدی» خارج فقه و اصول را فرا گرفتم و سپس به شهر قم آمده و کم و بیش درسهایی را شرکت کردم و هم چنان به عنوان یک طلبه به آموزش مشغولم. با تحصیل در حوزه علمیه، دروس جدید را پی گرفتم و با اخذ مدرک کارشناسی در دانشگاه فردوسی مشهد، برای دوره کارشناسی ارشد به دانشگاه تهران، «دانشکده الهیات» رفتم و با گرفتن مدرک فوق لیسانس، به تحصیل در دوره دکتری در واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» مشغول شدم و در سال 84 موفق به اخذ مدرک (PH.D) گردیدم. تقارن تحصیلات حوزوی و دانشگاهی، مانع از فعالیت های آموزشی و پژوهشی نشد.
از سال 63 به همراه آموختن، به تعلیم برخی دروس حوزهای پرداختم. «ادبیات، منطق، اصول فقه و فقه» از جمله درس هایی بود که با آن درگیر بوده ام. از سال 68 تحصیلی، با دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد ارتباط برقرار کرده و برخی از دروس اختصاصی را واگویه کردم. تدریس در دیگر مراکز آموزشی و موسسات پژوهشی آموزشی، از دیگر کارهای این جانب بوده که هم چنان ادامه دارد.
پژوهشگری، دغدغه دیگر این جانب بوده است. از سال 70 رسما وارد فعالیت پژوهشی شدم و با همکاری با مجله «اندیشه حوزه مشهد»، کار خود را آغاز کردم و علاوه بر تصدی مدیریت گروه تاریخ آن موسسه پژوهشی، مقالاتی را منتشر ساختم و پس از آن در ارتباط با سازمان پژوهش های اسلامی تبلیغات اسلامی تهران، و سپس دفتر تبلیغات

اسلامی مشهد، و دیگر مراکز، به پژوهشگری پرداختم و با آمدن به قم، در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی به صورت تمام وقت با پژوهش پیوند یافتم.
محصول زمان های از دست رفته، مقالاتی در حوزه: «تاریخ، فلسفه تاریخ، جامعه شناسی و سیاست» بوده است که مهم ترین آنها عبارت است از: «جستجویی در قیام توابین»، «روابط خارجی پیامر (صلی الله علیه و آله و سلم) جریان شناسی دشمنی با امام علی علیه السلام»، «بررسی جامعه شناختی عصر امام حسین (علیه السلام) سنت عزاداری»، «سیاست و حکومت امام خمینی (ره) تاریخ نگاری و تاریخ پردازی» و ... بوده است.

واله اصفهانی، یوسف

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به واله. برادر میرزا محمد طاهر وحید و با نصرآبادی (ز 1083 ق) معاصر بود. در اواخر عهد شاه صفی (1052 -1038 ق) به امور دفتری و دیوانی روزگار می‌گذراند و در زمان شاه عباس دوم (1077 -1052 ق) به نوشتن ارقام و منشور اشتغال داشت. گویند در 1066 ق به وزارت توپخانه منصوب شد که تا زمان شاه سلیمان (1105 -1077 ق) در این منصب بود. واله در نظم و نثر تبحر داشت و خط را نیکو می‌نوشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از آثار او: «خلد برین»، که در 1078 ق تألیف شده و تاریخی است که از زمان خلقت آدم تا پادشاهی شاه سلیمان صفوی را شامل می‌شود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (1221/ 3)، تاریخ ادبیات در ایران (1776 -1774/ 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (620 -616/ 2)، تذکره‌ی روز روشن (888)، تذکره‌ی نصرآبادی (82)، الذریعه (1320 ،1255/ 9)، فرهنگ سخنوران (1019 ،972)، لغت‌نامه (ذیل/ واله).

والیزاده، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1296، خرم‌آباد.
درگذشت: 11 مهر 1360، خرم‌آباد.
محمدرضا والیزاده معروف به معجزی مدت سی و پنج سال به جمع‌آوری اسناد و خاطرات معمرین و عکس‌ها و مدارک معتبر درباره تاریخ پرداخت. خطی خوش داشت و آنچه جمع‌آوری کرده بود، در دو مجلد نزدیک به 1800 صفحه مدون کرده بود. مایل بود که این اثر را چاپ نماید، اما نتوانست. بخش کوچکی از این اسناد تحت عنوان سفرهای... به لرستان چاپ و نشر شد که در آن وقایع این دوره و جنگ‌های لرستان و ستم‌هایی که بر لرها رفته بود، آمده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وثوقی، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر منصور وثوقی در سال 1320 در برازجان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته جامعه شناسی از دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال 1974 می باشد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده جامعه شناسی دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی منصور وثوقی به قرار زیر است: - دیپلم متوسطه طبیعی در سال 1339 - کارشناسی رشته علوم اجتماعی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال 1344 - کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال 1346 - دکترای رشته جامعه شناسی دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال 1974همسر و فرزندان : منصور وثوقی متاهل و دارای 3 فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی و مدیریتی دکتر منصور وثوقی به قرار زیر است: - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی"موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران " از سال 1343 تا 1346 - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی "موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران" از سال 1346 تا 1349 - سرپرست بخش تحقیقات روستایی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1354 تا 1371 - استادیار گروه آموزشی جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال 1354 تا 1369 -مدیر گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال 1360 تا 1364 - معاون اداری و مالی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال 1367 - معاون آموزشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال 1374 تا 1375 - دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران از سال 1369 تا کنون - مدیر گروه توسعه روستایی دانشگاه تهران از سال 1381 تا کنون - عضو انجمن بین المللی جامعه شناسان فرانسه زبان(A.I.S.L.F) - عضو انجمن جامعه شناسی ایران - عضو انجمن انسان شناسی ایرانفعالیتهای آموزشی : موارد مورد تدریس در دانشگاه: مبانی جامعه شناسی،جامعه شناسی روستایی،نظریه های جامعه شناسی،تغییرات اجتماعی،مسائل اجتماعی ایران،جامعه شناسی تاریخی ایران در مقطع کارشناسی ارشد: سمینار جامعه شناسی روستایی،اندیشه های اجتماعی معاصر،بینش های جامعه شناسی،نظام های بهرهبرداری در مقطع دکترا:

جامعه شناسی ایران ،سمینار مسائل توسعه اجتماعی- اقتصادی ایرانچگونگی عرضه آثار : - تالیف 5 عنوان کتاب - تالیف حدود 10 مقاله بزبانهای فارسی و انگلیسی - همکاری در انجام بیش از 10 طرح پژوهشی،انجام حدود 10 طرح پژوهشیآثار : 1 تعاونیهای روستائی منطقه تهران ویژگی اثر : موسسه اموزش و تحقیقات تعاونی 13482 تغییرات اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: گی روشه، منصور وثوقی (مترجم) ناشر: نشر نی - 15 مرداد، 1386 چاپ اول 1366،چاپ هفدهم 1384 انتشارات نی3 جامعه شناسی روستایی ویژگی اثر : چاپ اول 1366،چاپ دهم 1382-انتشارات کیهان4 جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهرداد رزاقی، منصور وثوقی (مترجم)، حسن ملک (مترجم) ناشر: دانشگاه پیام نور - 1383 5 مبانی جامعه شناسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق ناشر: بهینه - 15 اسفند، 1386 چاپ اول 1370،چاپ بیست و دوم(ویرایش جدید)1383-انتشارات بهینه6 مبانی جامعه شناسی 1، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور وثوقی ناشر: دانشگاه پیام نور - 1382 7 مفاهیم اساسی توسعه ویژگی اثر : در دست چاپ

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه توسط دکتر منصور وثوقی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی زمستان 1384

وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می‌زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و از دفترنویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (1077 -1052 ق) به منصب واقعه‌نویسی انتخاب شد و در زمان شاه سلیمان منصب وزارت یافت. در حاشیه‌ی «آتشکده‌ی آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (1135 -1105 ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت 1120 ،1112 ،1110 ،1107 ،1105 ق نوشته‌اند. از آثار وی: «خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی‌نامه»؛ «عباسنامه» یا «تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر. [1]
عمادالدین میرزا طاهر بن میرزا حسین‌خان قزوینی، متخلص به وحید و برادر محمد یوسف مؤلف «تاریخ خلد برین». حزین در تذکره او را وحیدالزمان خوانده است و گوید از غایت اشتهار بی‌نیاز از تعریف است و هدایت گوید: دیوانی مشتمل بر نود هزار بیت ارد. وحید ابتدا منشی میرزا تقی وزیر شاه صفی و شاه عباس ثانی بود. تاریخی که نوشته عباس‌نامه یا تاریخ طاهر وحید یا تاریخ شاه عباس ثانی نام دارد. میرزا محمد وحید در عهد سلطنت شاه سلیمان از (1105 -1078 ه.ق) با لقب عمادالدوله وزیر اعظم شد زندگانی گفت. از وی مجموعه‌ی منشاتی هم باقی مانده که اگر چه از لحاظ تاریخی حاوی مطالب مهمی است لیکن انشاء آن بسیار متکلفانه است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1220 -1211/ 3)، احوال و آثار خوشنویسان 784/ 3)، ایضاح‌المکنون (537/ 1)، تاریخ ادبیات ایران،

براون (175/ 4)، تاریخ ادبیات در ایران (1351 -1346/ 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (655 -654/ 1)، تذکره‌ی روز روشن (905 -901)، تذکرة المعاصرین (274 -262)، تذکره‌ی نصرآبادی (20 -17)، دانشمندان آذربایجان (80)، دایرةالمعارف فارسی (3149/ 2)، الذریعه (185/ 19 1267، -1266/ 9 ،20/ 1)، ریحانه (311 -310/ 6)، سبک‌شناسی (276 259،/ 3)، سرو آزاد (135 -132)، فرهنگ سخنوران (980 -979)، کتابشناسی نظامی گنجوی (416)، کلمات الشعراء (190 -178)، لغت‌نامه (ذیل/ وحید قزوینی)، مجمع‌الفصحا (105/ 4)، منظومه‌های فارسی (616 -608)، مؤلفین کتب چاپی (591/ 3)، مینودر (874 -872/ 2)، نتایج‌الافکار (743 -740)، یادگار (س 5، ش 1 و 2، ص 120 -118).

ورهرام، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1311، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترای تاریخ از ایران.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه الزهراء.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح تصحیح و احیاء نسخه‌های خطی تاریخی، نظارت بر 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 12
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
کتاب‌شناسی آسیای مرکزی در دوران اسلامی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوران اسلامی، تاریخ فرهنگ و تمدن آسیای مرکزی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وصّاف‌الحضره، شرف‌الدین عبداللّٰه

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 730/ 719 -663 ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. ملقب به وصّاف‌الحضره. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. او مانند پدرش در شمار عمال دیوانی دولت ایلخانیان در فارس درآمد و از خواص خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌اللّٰه و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصنوع، در شعر عربی و فارسی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصاید خود را در کتاب خویش ذکر شده است. قبر وی ما بین تکیه چهل‌تنان و حافظیه است. از جمله آثارش: «تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار»، معروف به «تاریخ وصاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانیان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (94 -92)، الاعلام (252/ 4)، اعیان‌الشیعه (65/ 8)، تاریخ ادبیات در ایران (1262 -1259/ 3)، تاریخ نظم و نثر (144 -143) حبیب‌السیر (197/ 3)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (803 -799/ 5)، دایرةالمعارف فارسی (3170 -3169/ 2)، الذریعه (1268/ 9 ،358/ 3)، ریحانه (320 -318/ 6)، سبک‌شناسی (103 -99/ 3)، صبح گلشن (591)، فارسنامه‌ی ناصری (1145/ 2)، فرهنگ سخنوران (499)، لغت‌نامه (ذیل/ وصاف‌الحضرة)، مجمع‌الفصحا (1448/ 3)، مرآت‌الفصاحه (687 -685)، معجم‌المؤلفین (102/ 6)، مؤلفین کتب چاپی (982 -981/ 3)، هدیةالعارفین (464/ 1).

وطن‌پرست، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مورخ، شاعر.
تولد: 1301، روستای آشناخور در الیگودرز.
درگذشت: بمهمن 1364.
اسماعیل وطن‌پرست، فرزند علی‌محمدخان، پس از فراگیری دروس مقدماتی به همراه خانواده‌ی خویش در شهر تهران اقامت گزید. وطن‌پرست در علوم تاریخ، تاریخ ادبیات، نقد و تصحیح متون تاریخی، تاریخ هنر و تاریخ فلسفه، دارای آثار و مقالاتی است. وی با اسناد و مدارک قاجار آشنایی داشت و در این زمینه کتاب‌های سیمای تاریک و روشن امیر کبیر، پشتوانه‌های معنوی مردم در طول تاریخ، ترجمه‌ی احوال و بیان آثار وزیران قاجاریه، اسناد و مدارک اجتماعی سیاسی دوران قاجار، تاریخ چهارده ساله‌ی محمدشاه قاجار و خلاصه‌ای از علم عروض را به یادگار گذاشته است. وی در انواع شعر طبع خویش آزمود و در غالب غزل و رباعی آثار بسیاری از خویش به جای گذاشته است.
از سال 1329 به کارهای مطبوعاتی پرداخت و مقاله‌های خود را به نام‌های مستعار «پرستو» و «هالو» در روزنامه‌های تهران منتشر کرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

وطن‌دوست، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وفا، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر وفا
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/4/9
زندگینامه علمی
جعفر وفا در سال 1334 در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود ، به سال 1348 در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال 1352 راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب ، فلسفه ، تفسیر و علم کلام ، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم ، نائل آمد . در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی ، قائمی ، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی ، پایانی ، اعتمادی ، حیدری زنجانی ، ناصر مکارم شیرازی ، میرزا جواد تبریزی ، وحید خراسانی ، نوری همدانی و ... استفاده نمود .
او از سال 1362 با درک ضرورت زمان ، کارهای قلمی ، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن ، تاریخ اسلام ، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی ، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها ، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد ؛ همانند : ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم) ، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم) ، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم
ایشان درسال 1383 از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم ، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد ، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید .وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی ، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند . وی در سال 1360 با همفکری

برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت . کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد . او از سال 69 تا سال 82 عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مربیان بوده است .

وفایی خوافی اکبرآبادی، زین‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 944/ 940 ق)، مورخ و شاعر، متخلص به وفایی. وی نبیره‌ی شیخ زین‌الدین خوافی و از شعرا و دانشمندان خراسان بود. در عهد ظهیرالدین محمد بابر شاه (937 -932 ق) در هندوستان منصب صدارت داشت و در زمان همایون شاه (963 -937 ق)، نیز به امارت رسید. وفایی در نظم و نثر، تاریخ و معما تبحر داشت. در هند، مسجد و مدرسه‌ای ساخت. وی در هند درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثار وی: کتابی تاریخی در فتوحات هند؛ «دیوان» شعر. به آورده‌ی مؤلف «کاروان هند» او کتاب «بابرنامه یا واقعات بابری» بابر شاه را که به زبان جغتایی بوده، ترجمه کرده و مشهودات خود را نیز به آن افزوده و نام آن را «طبقات بابری» نامیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (625/ 5)، تاریخ نظم و نثر (634 411،)، الذریعه (1273/ 9)، ریحانه (334/ 6)، صبح گلشن (597 -596)، فرهنگ سخنوران (985)، کاروان هند (1528 -1527/ 2).

وهب

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(34- مقول 116/ 114/ 113/ 110 ق)، حافظ، محدث، مورخ، اخباری، زاهد و عابد. اصل او از هرات بود. پدرش، منبه، در دوره‌ی پادشاهی کسری انوشیروان از هرات خارج شد و به جزیرةالعرب رفت، سپس در زمان پیامبر (ص) اسلام آورد و در یمن سکنی گزید. وهب در زمان خلافت عثمان در یمن به دنیا آمد. اصحاب تراجم مراتب علم، زهد و جهد او را در عبادت ستوده‌اند. در زمان عمر بن عبدالعزیز وی عهده‌دار منصب قضاوت صنعا در یمن بود. روایات سنددار (مسند) کمی را نقل کرده، عمده‌ی دانش وی درباره‌ی اسرائیلیات و صحائف اهل کتاب بوده است. به آورده‌ی صاحب «کشف‌الظنون» وی اولین کسی است که در موضوع قصص انبیاء کتاب نوشته است. احمد بن حنبل گوید که او قدری بود، سپس از این عقیده بازگشت. از برادرش، همام بن منبه، و ابن‌عباس و ابوهریره و ابوسعید و نعمان بن بشیر و جابر بن عبداللّه و عبداللّه بن عمرو بن عاص و عبداللّه بن عمر خطاب و طاووس بن کیسان و انس بن مالک و عمرو بن شعیب و فنج یمانی حدیث شنید. فرزندانش، عبداللّه و عبدالرحمان، و برادرزاده‌هایش عقیل بن معقل و عبدالصمد بن معقل، و نواده‌اش، ادریس بن سنان، و عمرو بن دینار و سماک بن فضل و عوف اعرابی و عاصم بن رجاء و یزید بن مسلم و یزید بن یزید بن جابر و عبداللّه بن عثمان بن خثیم و اسرائیل ابوموسی و همام بن نافع و عیسی بن سنان و مغیرة بن حکیم و منذر بن نعمان و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در پایان عمر توسط یوسف بن عمر ثقفی حاکم یمن محبوس و توسط عمال وی به قتل رسید. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ کتابی در «ذکر الملوک المتوجه من حمیر و اخبارهم و قصصهم و قبورهم و اشعارهم»؛ «قصص الانبیاء»؛ «قصص الاخیار»؛ «فتوح البلاد»؛ «الاسرائیلیات»؛ کتاب «القدر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (150/ 9)، تاریخ الاسلام (حوادث 500 -497/ 120 -101)، تذکرة الحفاظ (101 -100/ 1)، تهذیب‌التهذیب (148 -147/ 11)، تهذیب الکمال (502 -487/ 19)، الثقات (488 -487/ 5)، الجرح والتعدیل (ج 4، ق 24/ 2)، حلیةالاولیاء (81 -23/ 4)، سیرالنبلاء (557 -544/ 4)، شذرات‌الذهب (150/ 1)، طبقات ابن‌سعد (71 -70/ 6)، طبقات الحفاظ (52)، العبر (109/ 1)، کشف‌الظنون (1328)، معجم‌الادباء

(260 -259/ 19)، معجمالمؤلفين (174/ 13)، ميزان الاعتدال (324 -323/ 4)، وفيات الاعيان (36 -35/ 6)، هديةالعارفين (501/ 2).

هروی، ابواسحاق احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 334 ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن یاسین حداد. وی از عثمان بن سعید دارمی و موسی بن احمد فریابی و عبید بن محمد وراق حافظ و معاذ بن مثنی و فضل بن عبداللّه یشکری و همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبداللّه بن ابی‌ذهل و منصور بن عبداللّه خالدی و خلیل بن احمد قاضی و محمد بن علی بن محمد باشانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در فن تاریخ‌نویسی دست داشت و کتابی با عنوان «تاریخ هرات» تصنیف نمود. در «میزان‌الاعتدال» سال درگذشت وی 234 ق ذکر شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرةالحفاظ (878 -877/ 3)، سیرالنبلاء (340 -339/ 15)، شذرات‌الذهب (335/ 2)، طبقات الحفاظ (375)، لسان‌المیزان (437/ 1)، معجم‌المؤلفین (168/ 2)، میزان‌الاعتدال (175/ 1)، هدیةالعارفین (47/ 1).

هروی، ابوبکر احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(489 -405 ق)، مقری. اصلش از هرات و عالم به قراآت بود. در اواخر عمر به سوی بلاد غربی عالم اسلام سفر کرد. به دمشق رفت و نهایتاً در قدس درگذشت. از آثارش: «التذکرة فی القراآت الثمان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح‌المکنون (276/ 1)، معجم‌المؤلفین (136/ 2)، هدیة‌العارفین (81/ 1).

هروی، ابوعبدالرحمان، ابوجعفر محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 303/ 302 ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به شکر. وی از محمد بن رافع قشیری و علی بن خشرم و علی بن حرب و احمد بن عیسی مصری و عمر بن شبه و احمد بن منصور و رمادی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری گوید که وی در مرو، طوس، سرخس، مرورود، بخارا و نیشابور نقل حدیث کرد. ابووليد حسان بن محمد و محمد بن جعفر بن مطر و ابوبکر احمد بن علی رازی و ابوحامد بن شرقی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در هرات درگذشت. از آثارش: کتاب «تاریخ هرات»؛ کتاب «الجواهر»؛ «العجائب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نیشابور (127)، تذکرةالحفاظ (749 -748/ 2)، سیرالنبلاء (222 -221/ 14)، شذرات‌الذهب (242/ 2)، طبقات الحفاظ (336 -335)، العبر (446/ 1)، کشف‌الظنون (1437)، معجم‌المؤلفین (51 -50/ 12)، الوافی بالوفیات (67/ 5).

هروی، ابوعلی حسین

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(301 -207 ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن‌خرم. وی از سعید بن منصور و خالد بن هیاج و داوود بن رشید و هشام بن عمار و سوید بن سعید و محمد بن عبداللّه به عمار و عثمان بن ابی‌شیبه و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. بشر بن محمد مزنی و منصور بن عباس و ابوحاتم بن حبان و ابوبکر نقاش مفسر و محمد بن عبداللّه بن خمیرویه و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را در حدیث ثقه می‌داند. از آثار وی کتابی در تاریخ است که بر اساس سنوات مرتب نشده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (251/ 2)، انساب سمعانی (637/ 5)، تذکرةالحفاظ (695 -696/ 2)، توضیح المشتبه (219 -218/ 3)، الثقات (193/ 8)، الجرح والتعدیل (ج 1، ق 47/ 2)، سیرالنبلاء (114 -113/ 14)، شذرات‌الذهب (235/ 2)، طبقات الحفاظ (322)، العبر (441/ 1)، لسان‌المیزان (503 -502/ 2)، معجم‌المؤلفین (205/ 3)، میزان‌الاعتدال (524/ 1)، النجوم الزاهرة (204/ 3)، الوافی بالوفیات (340/ 12).

همای مروزی، صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1250 ق)، مورخ و شاعر، متخلص به هما. ملقب به وقایع‌نگار. اهل مرو شاه جهان و از نجیب‌زادگان آنجا بود. ابتدای جوانی خود را در مشهد به تحصیل مقدمات علوم عربی و ادبی گذراند و از شاگردان حاج محمدحسین خان، فرزند بیرامعلی خان قاجار به شمار می‌آمد. در 1200 ق پس از حمله ترکمنان و ازبکان، به کربلا و نجف اشرف رفت و بعد از مراجعت، در کاشان اقامت گزید و نزد حاجی سلیمان خان صباحی کاشانی (م 1206 ق) به تمرین شعر و شاعری پرداخت. وی قصایدی به شیوه‌ی متقدمان در مدح شاهان و بزرگان دارد. سپس به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه راه یافت و ابتدا به سمت منشی‌گری و بعد به منصب وقایع‌نگاری رسید و از جانب فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، بویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، به ویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه شد و بعدها به مناصب دولتی دیگری نیز دست یافت. از آثار وی: «تاریخ جهان آراء» که جلد اول آن در 1225 ق نوشته شد و شامل وقایع ده ساله از 1212 تا 1221 ق بود و جلد دوم شامل وقایع ده ساله از 1222 تا 1232 ق؛ «قواعد الملوک»؛ «شیم عباسی» یا «تحفه‌ی عباسی»؛ «زینة المدایح» یا «مدایح الخاقان»، مجموعه‌ای از مدایحی که شاعران در مدح فتحعلی شاه گفته‌اند، از بدو جلوس شاه تا سال هفتم سلطنتش.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از صبا تا نیما (77 -75/ 1)، الذریعه (243/ 20 ،191/ 17 ،1297/ 9 ،247/ 3)، سفینةالمحمود (587 -584/ 2)، شرح حال رجال (173/ 2)، فرهنگ سخنوران (1002 -1001)، مجمع‌الفصحا (1203 -1186/ 6)، مصطبه‌ی خراب (215)، نگارستان دارا (151 -148).

همایونفرخ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرحیم ابن حاج محمدحسین متولد در کاشان حدود (1250 تا 1253 ف. تهران، تیرماه 1338 ه.ش) در کودکی پدرش درگذشت و تحت سرپرستی دائی دانشمندش قرار گرفت و پس از تکمیل ادبیات و فراگرفتن انگلیسی چندی نیز در نزد مرحوم محمد قزوینی به تکمیل ادبیات پرداخت و سپس به مترجمی زبان انگلیسی برگزیده شد و در زمان مستشاری میلیسپو مترجم انگلیسی گردید و مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود تا اینکه در سال 1317 ه.ش به عضویت فرهنگستان برگزیده شد. آثار او عبارتست از: «دستور جامع»، «سفر بختیاری» در تاریخ بختیاری که به چاپ رسیده است، نمایشنامه‌ی عمرولیث و هشت فرشته، داستان تاریخی «افشین»، هیئت جدید، آیین نگارش که جزو انتشارات مجله‌ی اخگر به چاپ رسیده است. فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی و غیره.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همایی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، شاعر.
تولد: 13 دی 1278(1 رمضان 1317 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 28 تیر 1359، تهران.
جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.
سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.
وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال 1302 به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال 1345 بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره

به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.
استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (1313)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر 1325)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت 1333)؛ سفر به بیروت (1334)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (12 آبان 1334)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان 1336)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن 1338)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (29 اردیبهشت 1349)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (13 تیر 1350)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (1352).
استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.
علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، 1346)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، 1309 -1308، در سال 1308، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، 1317)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، 1357)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (1354)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضة الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول 1354، جلد دوم 1355)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (1342)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه 1 الی صفحه 90)؛

صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، 1329 -1328)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، 1348)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، 1362)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد 1364). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (1. دیوان غبار. 2. غزلیات سنا، 3. دیوان زرگر اصفهانی، 4. غزلیات دیوانه‌ی قمثه، 5. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، 1342، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، 1316)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، 1316)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، 1325)؛ دیوان طرب (1342)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، 1361)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، 1316)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، 1320)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (1335)؛ نصیحةالملوک (امام محمد غرالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (1331)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (1343)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (1373).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان 1400، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر 1359 درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح 1358 -1278 ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید

و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود 1300 ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود 1307 ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایة» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 7 و 8، ص 624 -616)، از نیما تا روزگار ما (166 -160)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (250 -247)، چهره‌های آشنا (667 -665)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (208 -195/ 3)، الذریعه (51/ 16 ،472/ 9 ،230/ 3)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (1812 -1807/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3375، 3280، 3250، 3139، 3093، 3084، 3059، 3027، 2691، 2385- 2384، 2369، 2368، 2367، 2366، 2256/ 2، 1593، 1555، 1553، 1549، 1496، 1423، 1422، 1350،

936، ،662 ،489 ،240 ،140/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 4، ص 39 -38)، مؤلفین کتب چاپی (372 -370/ 2)، همایی‌نامه.

همدانی، ابوالحسن محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(521 -463 ق)، عالم و مورخ. ملقب به فرضی. اصل وی از همدان بود، پدرش در بغداد سکنی گزید و او در آن دیار نشو و نما یافت. وی مردی فاضل و نویسنده‌ای بلیغ بود و به تاریخ و اخبار دولتها و پادشاهان و حوادث زمان آشنایی کامل داشت. ابن‌نجار گوید که فن تاریخ‌نویسی به او ختم گردیده است. از ابوحسین احمد بن محمد بن نقور و ابوالفوارس طراد زینبی و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم ابن عساکر از او روایت کرده است. وی سرانجام در بغداد از دنیا رفت و کنار پدرش، در مقبره‌ی ابوالعباس ابن سریج، دفن گردید. از آثارش: ذیلی بر «تاریخ طبری»؛ ذیلی بر «تاریخ ابوشجاع روذ راوری وزیر»؛ «عنوان السیر فی محاسن البدو والحضر»؛ «اخبار الوزراء»؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اخبار دولت سلطان محمد و محمود»؛ «امراء الحج»، از زمان حضرت رسول اکرم (ص) تا روزگار مؤلف؛ «فرائد التاجی»، در شرح «فرایض السراجی»؛ «المعارف المتاخرة»، در تاریخ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (128 -127/ 7)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (174 ،172/ 1)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (136 -135/ 6)، الکامل (325/ 8)، کشف‌الظنون (1175 ،1105 ،298 ،30)، لغت‌نامه (ذیل/ همدانی)، المنتظم (227/ 10)، الوافی بالوفیات (38 -37/ 4)، هدیةالعارفین (85/ 2).

همدانی، ابوالعلاء حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(569 -488/ 483 ق)، مقری، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام العراقین در قرآآت بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرت‌های بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و ابوعبداللّه بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمان بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن‌حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نبهان و در خراسان از ابوعبداللّه فراوی حدیث شنید. آنگاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر بود. ابواحمد بن سکینه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ منتجب‌الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. منتجب‌الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندانش، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالمواهب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه‌ی روایت داشت و شیخ هاشم بن محمد در «مصباح‌الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم‌الادباء» وفات وی 599 ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایةالاختصار»، در قرآآت دهگانه؛ «الهادی الی معرفة المقاطع والمبادی»، در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفة قراء المدن والامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (195/ 2)، اعیان‌الشیعه (634/ 4)، ایضاح‌المکنون (715/ 2 ،606/ 1)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (128 -126/ 1)، تذکرةالحفاظ (1328 -1324/ 4)، الذریعه (151 -150/ 25 ،8/ 12)، روضات‌الجنات (87 -86/ 3)، ریحانه (206/ 7)، سیرالنبلاء (47 -40/ 21 ،304/ 19)، شذرات‌الذهب (232 -231/ 4)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن

54 -53/ 6)، طبقات الحفاظ (498 -497)، طبقات المفسرين داودى (131 -128/ 1)، العبر (56/ 3)، فهرست منتجب‌الدين (66 -65)، الكامل (129/ 9)، كشف‌الظنون (2026، 1773، 1387، 1189، 1106، 946، 114)، معجم‌الادباء (52 -5 / 8)، معجم رجال الحديث (284 -283/ 4)، معجم‌المؤلفين (198 -197/ 3)، المنتظم (518/ 10)، هدية‌العارفين (280/ 1).

همدانی، ابوالفرج حمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ح 400 ق)، مقری و شاعر. در علم قراآت متبحر بود. وی صاحب کتاب «کنز المقرئین فی الوقف والابتداء» است که آن را از کتابهای مهم در زمینه‌ی قراآت به شمار آورده‌اند. در حاشیه‌ی «الوافی بالوفیات» به نقل از «طبقات القراء» آمده که جزری وی را زنده‌ی حدود 400 ق می‌داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2 /303)، دمیةالقصر (1 /522- 523)، معجم‌المؤلفین (4 /74)، الوافی بالوفیات (13 /157).

همدانیان، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کارخانه‌دار بزرگ، مالک و ثروتمند معروف اصفهان در 1280 ش در اصفهان تولد یافت. پدرش پیشه‌ور کم‌بضاعتی بود که حتی نمی‌توانست عائله خود را اداره کند و به همین سبب فرزندان خود از جمله علی را برای مدت کوتاهی به مکتب‌خانه فرستاد که فقط خواندن و نوشتن و حساب سیاق و قرآن بیاموزد. آنگاه او را به شاگردی در بازار اصفهان فرستاد. علی چند سالی پادو و شاگرد در چند مغازه شد. تدریجا بعضی از کسبه او را شناختند و با کمک و مساعدت تنی چند از آنان دکه‌ای در بازار اصفهان برایش دائر کردند. ابتدا دکه او خرازی بود ولی پس از چندی تبدیل به پارچه‌فروشی شد و قدک و متقال و گاهی چیت مخصوص اصفهان را به فروش می‌رسانید و پارچه‌های خود را به آنها می‌فروخت و در عوض به جای پول، گند و جو و مویز میوه‌جات خشک تحویل می‌گرفت. چندین سال کار او به همین وضع ادامه داشت تا اینکه یکی دو کارخانه بزرگ در اصفهان تأسیس شد و محصولات آن به بازار آمد و او داوطلب فروش اینگونه محصولات گردید. حاج محمد حسین کازرونی صاحب یکی از آن کارخانجات در دادن اعتبار و پارچه و کمک به همدانیان دریغ نمی‌کرد و اولین قدم پیشرفت او از همین جا شروع شد و روز به روز کار او رونق گرفت تا اینکه مغازه بزرگتری در بازار اصفهان برای خود تدارک دید و همه سال از سودی که عاید او می‌شد در اطراف شهر به خرید باغ و زمین زراعی می‌پرداخت. وقتی تعداد کارخانجات نساجی در اصفهان رو به ازدیاد نهاد او از مشتریان پروپا قرص بود و بعضی از محصولات کارخانجات را پیش خرید می‌کرد و محصول کارخانه را نقد و اقساط می‌فروخت و از این راه درآمد او رو به افزایش نهاد به طوری که در سی سالگی بازرگانی سرشناس و معتبر شد و خود به فکر تأسیس کارخانه نساجی افتاد. اولین کارخانه‌ای که بنیاد نهاد کارخانه نساجی صنایع پشم بود که با مشارکت چند نفر دائر کرد. محصولات کارخانه پتو و پارچه‌های پشمی بود که در آن ایام ارتش از خریداران عمده آن کالاها بود. بعد از 1320 همدانیان به فکر ایجاد یک واحد نساجی دیگر افتاد و نزدیک دروازه شیراز زمینهای زیادی خریداری کرد و کارخانه عظیمی که محصولات آن پارچه‌های نخی بود دائر کرد و برای بهبود محصولات از کارشناسان خارجی استفاده می‌نمود. سرانجام تعداد ماشینهای بافندگی از یک هزار و دویست دستگاه تجاوز کرد

و تولید کارخانه روزانه به یکصد هزار متر پارچه نخی رسید. سومین کارخانه‌ای که همت به ایجاد آن کرد کارخانه عظیم سیمان اصفهان بود. بعد از استواری آن واحد بزرگ صنعتی کارخانه قند اصفهان را که مقدمات آن توسط دیگران فراهم شده بود خریداری نمود و با مراقبت دقیق خود همه را به نحو احسن اداره می‌نمود. از 1330 علی همدانیان در رأس تمام کارخانه‌داران اصفهان قرار داشت. ملک‌داری و کشاورزی و بورس بازی زمین از دیگر کارهای او بود. در 1339 به ریاست سندیکای صنایع اصفهان برگزیده شد و صاحبان صنایع از فکر و راهنماییهای او استفاده نموده و در صورت بروز اشکالات مالی از وی کمک می‌گرفتند.
فشارکار از یک طرف و مشکلات کارگری از طرف دیگر و مقید نمودن وی که باید از مدیران شایسته در واحدهای خود استفاده کند او را رنجیده خاطر ساخت. به بیماری قلبی دچار شد و در زمستان 1342 در حالی که تمام روز را مشغول کار بود شب هنگام دچار حمله قلبی گردید و در دم جان سپرد. علی همدانیان بازرگانی آگاه و بصیر بود و در حفظ مال و ازدیاد آن جدا می‌کوشید. در زندگی شخصی فوق‌العاده ممسک و خسیس می‌بود. هرگز همسری انتخاب نکرد و بلاعقبه درگذشت. پس از او برادر اعیانیش به نام حسین جانشین او شد. روزی که درگذشت ثروت او را بانکها حدود یک میلیارد برآورد نمودند که در آن تاریخ، اول بازرگان و سرمایه‌دار ایران بود.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

همدم سمنانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مورخ، شاعر. وی در خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا (وف 1244 ش)، والی سمنان و خراسان بود و منصب صندوق‌داری و وقایع‌نگاری داشت. وی کتاب تاریخی به نام «بدایع الوقایع» در خصوص دولت قاجار و وقایع خاصه‌ی شاهزاده محمد ولی میرزا نوشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقةالشعراء (2104 -2103/ 3)، الذریعه (1301/ 9)، سفینةالمحمود (588 -587/ 2)، گلزار جاویدان (1756/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ همدم سمنانی)، مجمع‌الفصحا (1184/ 6).

یابری محمد، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صادق یابری محمد
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/12/12

زندگینامه علمی
اینجانب صادق یابری محمد فرزند محمد بعد از اخذ دیپلم و در سال 60 وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه «امام صادق (ع) شاه ابراهیم، نیروگاه (مدرسه مرحوم آقای خلخالی)» گذراندم؛ آن هم در ایام اوج جنگ و دفاع. آنگاه دروس سطح عالیه را در فیضیه و مدرسه مرحوم آیةالله گلپایگانی و ... با اساتید چون: «آیه الله بنی فضل»، «صالحی مازندرانی» و ... و دروس جانبی همچون: رجال، درایه و نهج البلاغه به ترتیب آیات عظام: «سبحانی»، «مرحوم فاضل لنکرانی» و علوم قرآن و حدیث: مرحوم «آیةالله محمد هادی معرفت» و ... و همچنین دروس خارج حدود 10 سال با آقایان: «آیةالله مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «موسوی اردبیلی» و ... گذراندم.
و در همین ایام، لیسانس: (زبان و ادبیات عرب) و فوق لیسانس: (الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث) را از دانشگاه اخذ کردم. و در همین ایام فعالیت پژوهشی، حدیث، علوم قرآن و مقالات و نوشتن کتاب را شروع کردم که متاسفانه به علت عدم تمکن مالی نتوانستم آنها را چاپ کنم. همچنین به فعالیت تدریس در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی با اخذ مجوز تدریس در دانشگاه پرداختم و در همین مدت در سال 76 - 75 به آفریقا جهت کارشناسی، تدریس، مدیریت و تبلیغ ایام مخصوص پرداختم. همچنین به فعالیت به عنوان استاد راهنما و داور در جامعة الصطفی مدرسه عالی فقه و معارف پرداختم.

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد یاوری سرتختی
محل تولد : کامیاران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/9/20
زندگینامه علمی
اینجانب در آذرماه سال 1354 در خانواده ای مذهبی از استان کرمانشاه به دنیا آمده و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، در آشنایی با حوزه علمیه و راهنمایی و مشورت های پدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمند به تحصیل در حوزه علمیه شدم. در سال 1370 در حوزه علمیه همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسه حاج شهبازخان» از محضر بزرگانی چون «آیة الله حاج مجتبی حاج آخوند» و «آیة الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال 1379 جهت تکمیل سطوح عالیه به حوزه علمیه قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سبحانی»، «مقتدایی» و «مکارم شیرازی» در دروس خارج فقه و اصول بهره می برم.
با آغاز ورود به شهر مقدس قم، در جهت بالابردن سطح کمی و کیفی علوم اسلامی و انسانی در کنار دروس حوزوی به رشته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سال 1382 - 1383 با توجه به نیاز فرهنگی و علمی دانشگاهها به مدت 2 سال با سمت «معاونت نهاد نمایندگی رهبری» و «مدرس دروس معارف اسلامی در دانشگاه شهرکرد» به فعالیت مشغول بودم. اما پس از شرکت در آزمون کارشناسی ارشد در رشته (تاریخ تشیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراس کشور نیز می پردازم.

یحیای سیفی قزوینی، علاءالدین امیر یحیی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(962/ 960 -885 ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. مشهور به یحیای معصوم. از سادات محتشم قزوین و از پیشوایان اهل تسنن و از رجال دربار صفویه بود. وی از علوم عقلی و نقلی بهره‌مند و در تاریخ‌نگاری ماهر بود. او و خاندانش به علت تعصب در تسنن، نزد شاه طهماسب محبوبیتی نداشتند و به همین دلیل نیز میر یحیی اموالش را از دست داد و در زندان اصفهان درگذشت. صاحبان «الذریعه» و «صبح گلشن» سال مرگ وی را 901 ق ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «لب التواریخ»، در تاریخ عمومی، به نام بهرام میرزا، فرزند شاه اسماعیل و مشتمل بر چهار قسمت: 1- در بیان هدایت معصومین (ع) 2- در ذکر پادشاهان قبل از اسلام 3- در ذکر جمعی از حاکمان بعد از اسلام 4- در ذکر پادشاهان خاندان صفویه؛ «مختصرالتواریخ»، تکمیل‌کننده «لب التواریخ» و به نام شاه طهماسب. در «لغت‌نامه» دو کتاب به نام «شرح کبیر» و «شرح صغیر» به او نسبت داده شده و آمده که دومی را در 775 ق به پایان رسانیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1639 -1634/ 5)، تاریخ نظم و نثر (823، 433، 354)، الذریعه (285/ 18، 1310/ 9)، صبح گلشن (613)، عالم آرای عباسی (54، 27/ 1)، فرهنگ سخنوران (1012)، کاروان هند (1160 -1159/ 2)، کشف‌الظنون (1547)، لغت‌نامه (ذیل/ یحیی)، مینودر (878 -877/ 2)، هفت اقلیم (177 -176/ 3).

یزدی غیاث الدین،علی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هشتم و نهم ق)، نویسنده و مورخ. وی مؤلف «روزنامه غزوات هندوستان» است. در سفری که در 801 ق به همراه تیمور به هندوستان رفته، این کتاب را در تاریخ آن سفر نوشته که در پطروگراد به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (250)، الذریعه (270 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (164 / 4).

یزدی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(551 -474/ 473 ق)، فقیه شافعی، مقری و محدث. معروف به ابن‌محمویه. در یزد به دنیا آمد و ساکن بغداد بود. قرآن را در اصفهان بر ابوالفتح حداد و ابوسعد مطرز تلاوت نمود و حمزة بن قبیطی و عبدالعزیز بن ناقد و علی بن دباس بر وی تلاوت نمودند. او در بغداد، شهر دون، همدان، اصفهان، بصره، کوفه و مکه از حسین بن حسن بن جوانشیر و ابوالمکارم محمد بن علی بن حسن فسوی مقری و محمد بن حسین بن بلوک صوفی و غیاث بن ابومضر اصفهانی و محمد بن محمود ثقفی و ابن‌طیوری و ابن‌خشیش و ابوالحسن بن علاف و ابوالقاسم ربعی و ناصر بن مهدی و احمد بن محمد بن مردویه و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «سنن» نسائی را از عبدالرحمان بن حمد استماع نمود. ابواحمد بن سکینه و ابن‌اخضر از وی روایت کرده‌اند. فقه را در واسط از ابوعلی فارقی و در بغداد از ابوبکر شاشی فراگرفت. وی صاحب تصانیفی در زمینه فقه و حدیث می‌باشد و در زهد نیز صاحب اثر است. در «طبقات الشافعیه» اسنوی تحت نام علی بن حسین بن احمد یزدی و در «شذرات‌الذهب» تحت عنوان بزدی آمده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :انساب سمعانی (690/ 5)، سیرالنبلاء (336 -334/ 20)، شذرات‌الذهب (159/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی اسنوی (319/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (211/ 7)، العبر (15 -14/ 3)، معجم‌المؤلفین (14/ 7)، النجوم الزاهرة (310/ 5)، هدیةالعارفین (698/ 1).

یزدی، معین‌الدین

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ف. 789 ه.ق) مؤلف کتاب «مواهب الهی» که تاریخی است درباره خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و برادرش شاه محمود که به سال 757 ه.ق اتفاق افتاده است. معین‌الدین در شیراز مجلس درس داشته و گاه ممدوح وی شاه شجاع در مجلس درس وی حاضر می‌شده. وی مدتی در کرمان به مدرسی یکی از مدارس مشغول بود.
حاج معین‌الدین یزدی از دانشمندان روزگار محمدمظفر بوده و در سال 757 تاریخ آل‌مظفر را نوشته و به مواهب الهی موسوم ساخته و نیز کتابی به نام حدائق‌الحقایق در تفسیر سوره یوسف دارد.
وی بنابر نقل جامع مفیدی اعلم علماء وافقه فقهای زمان خود بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال داشته است و در سال 780 ق وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یشیل کایا، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی رضا یشیل کایا
محل تولد : ترکیه- استانبول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
علیرضا یشل کایا 172 در ترکیه به دنیا آمدم در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ 1984 به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصوصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایثق وقالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را یاد گرفتم هم درس خواننده ام به مدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه مند شدم به عنوان کاراته به قول مشهور دان 2 رسیده ام در ترکیه 64 کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زندگی می کردم به مسجد زینبیه رفت و آمدم می کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خدا شناسی بودم حرکتهای انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال میکردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه 18 ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصی استفاده نکرده بودم که روی هم رفته 4 ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمام کردم بعد از 4 ماه در سال 1373 به تاریخ ایران به ایران آمدم الان که تاریخ 25/1/1386 است در ایران هستم الان در مدرسه مبارکه شهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از آن به مدرسه نجفی مرعشی و بعد از آن به مدرسه مبارکه حجتیه رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هستند و آقایان صدریان ، امینی ، تهرانی ، مظفری ، ذاری، ذاکری ، ایرام فر ، احمدی ، محامی که مدیر مدرسه مبارکه حجتیه هستند و آقای محسن قرائتی دو ماه از محضرشان استفاده کردم از محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بروجردی و

اساتید دیگر سه سال درس خارج استفاده نمودم و پایان نامه نوشتم به عنوان ترجمه وتحقیق بلاغت قبول شدم واز بیست ، 18 گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و 4 امتحان دیگر مانده که مشغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترا راه می یابم و مشغول دکترا میشوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیات را خوانده ام الان در اینترنت مشغول سخنرانی های به زبان ترکی استانبولی و زبان فارسی و عربی به حد توان صحبت کردیم و مشغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسفه منطق و تفسیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست . پایان نامه ام به عنوان کتاب شده مقاله هایم در مجله در آلمان به چاپ رسیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به خدمتتان میاورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول یعقوبی
محل تولد : بروجن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 1362 تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال 1363 برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال 1374 فارغ التحصیل شدم.
علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز 5 سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال 1381، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون 4 سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول یعقوبی
محل تولد : بروجن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 1362 تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال 1363 برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال 1374 فارغ التحصیل شدم.
علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز 5 سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال 1381، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون 4 سال به طول انجامیده است.

فلسفه - منطق

ابراهیم زاده، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله ابراهیم زاده
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/7/1
زندگینامه علمی
در سال 1336 هجری شمسی در حومه آمل به دنیا آمدم. دوران تحصیلی شش ساله ابتدایی و سه سال تحصیلی در دبیرستان را در شهرستان آمل گذرانیدم و در سال تحصیلی 1352 برای شروع تحصیلات علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به استثنای چند سالی که در خلال مدت تحصیل در قم به خاطر مبارزات سیاسی پیش از انقلاب (حدود دو سال و اندی) تبعید به ارتش و در زندان گذرانیدم. و پس از انقلاب نیز چند سالی به ماموریت های تبلیغی، رزمی در پشت جبهه و ارگان ها و نهادها به ویژه در مراکز سپاه عزیمت کردم، بقیه ایام و سال ها را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تحقیق، تدریس و نگارش آثار علمی مشغول بوده و هستم .
تا سال 1368 سطوح مقدماتی، متوسط و عالی دروس حوزوی را به پایان بردم و از این سال در دروس خارج فقه اصول و دروس معقول از منطق، کلام، فلسفه و عرفان شرکت کردم و در مجموع، علاوه بر اینکه حدود یک دوره دروس خارج فقه و اصول فرا گرفتم، در رشته معقول نیز کتاب های زیادی نظیر : شرح تجرید، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، المنطق مرحوم مظفر، بخش هایی از شرح منظومه سبزواری، الهیات، شفا و شرح اشارات شیخ الرئیس ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا (به ویژه جلدهای اول تا سوم و ششم و هفتم) و غیر آن را نزد اساتید عالیقدر فرا گرفتم. اساتید مهم دروس منقول و معقول اینجانب عبارتند از آیات عظام : صالحی مازندرانی، اعتمادی، ستوده، جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، دوزدوزانی، پایانی و وجدانی فخر. دوره چهار ساله تخصصی علم کلام و عقاید را (از سال 1373 لغایت 1377) طی کردم. تبلیغات منبری را از سال های اول انقلاب آغاز کردم و همچنان ادامه دارد. تدریس در برخی از مراکز آموزش عالی، مراکز سپاه، بعضا حوزه و دانشگاه، را از سال های حدود 1360 و پس از آن آغاز کردم

و به طور متناوب ادامه دارد .
به دلیل اشتیاق زیاد به نوشتن و نویسندگی و نیز پژوهش، از سال های آغازین طلبگی نگارش و نویسندگی را شروع کردم و از سال 1371 با ورود به پژوهشکده تحقیقات اسلامی در قم، کار نوشتن به طور رسمی و جدی شروع شد و تاکنون بیش از 50 کتاب و مقاله به چاپ رسانیدم.
برخی از کتاب ها و مقالاتی را که در کتاب سال حوزه و همایش های علمی و ... برگزیده شده است، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :
1. کتاب حاکمیت دینی، که به عنوان یکی از کتب برگزیده کتاب سال حوزه علمیه (سال 1378) انتخاب گردید .
2. مجموعه آثار اینجانب در همایش پاسداران اهل قلم در سال 1383 در تهران از میان حدود 75 کتاب و مقاله علمی در رشته های مختلف، برگزیده شد . (البته در رشته فلسفه و کلام) و در ردیف آثار برگزیده و ممتاز مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی اهدا کردند .

ابراهیم نژاد، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا ابراهیم نژاد
محل تولد : سبزوار بخش دیوانخوی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/4/20
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا ابراهیم‌نژاد در سال 1344 وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و ادبیات عرب را مطابق برنامه‌های موجود آغاز و ادامه دادم که تا سال 1351 ادامه داشت به موازات آن درس‌های کلاسیک را نیز تا دوره دبیرستان سپری نمودم.
در سال 1351 وارد حوزه علمیه تهران شدم و تا سال 1354 دروس حوزوی (ادبیات، فقه و اصول) و دبیرستان را ادامه دادم و در اواخر سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم دوره سطح و پس از آن دوره خارج فقه و اصول و فلسفه اسلامی را گذراندم، این برنامه پیش از انقلاب، دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب تا سال 1370 ادامه داشت و در نتیجه ادبیات، منطق، معانی بیان، فلسفه اسلامی، فقه و اصول (دوره سطح و خارج) را تحصیل و قسمتی از اینها را تدریس نمودم.
در سال 1370 ضمن ادامه دروس حوزه تدریس در دانشگاه (دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و...) را نیز آغاز نمودم که تاکنون ادامه دارد.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال 1313 در یک خانواده مذهبی در روستای دینان در اصفهان چشم به جهان گشود، و پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی به حوزه علمیه وارد شد و تا درجه اجتهاد تحصیل خود را ادامه داد. سپس به تحصیلات دانشگاهی روی آورد و مدرک دکترای فلسفه خود را از دانشگاه مشهد دریافت نمود(1355 ه.ش) وی مدتی درهمان دانشگاه حوزه علمیه و نیز در دانشگاه تهران تدریس نموده است و هنوز در دانشگاه تهران به فعالیت آموزشی خود ادامه می دهد. تا کنون از وی چند اثر منتشر گردیده است که مشهورترین و جدیدترین آنها کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق می باشد. ککتاب(ترجمه) "ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام" و کتاب"دفتر عقل و آیت عشق" (تالیف)غلامحسین ابراهیمی دینانی ، یه ترتیب در دورهای هفدهم و بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.وی برگزیده همایش طرح سپاس درسال 85 در فرهنگسرای سینا می باشد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
گرایش : فلسفه اسلامی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال 1321 در یک خانواده مذهبی که ساکن یکی از روستاهای تابع شهر اصفهان، بنام دینان بود، بدنیا آمد. اعضای خانواده او همگی متصدیان کارهای دولتی یا بازاری بودند و چندان توجهی به علم بویژه فلسفه اسلامی نداشتند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین ابراهیمی دینانی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان به پایان رساند و سپس دوره فقه اصول و ادبیات را در حوزه علمیه گذراند و تحصیل دروس دینی را تا دوره اجتهاد طی کرد. اما مدتی بعد تصمیم گرفت که به تحصیل در دانشگاه بپردازد، حاصل این تصمیم و تلاشهای پیگیر وی احزار درجه دکتری فلسفه از دانشگاه تهران در سال1355 ه.ش بود.

خاطرات و وقایع تحصیل : غلامحسین ابراهیمی دینانی از کودکی به درس و کتاب علاقمند بود. وی هنگامی که در حوزه دروس فقه، ادبیات منطق بلاغت و اصول را می گذراند فلسفه را قویتر از کلام یافت و به مطالعه آن پرداخت. دکتر دینانی درباره فضای حوزه ها در آن روزگار می گوید که این مراکز از فضایی بسته اما پر معنویت برخوردار بوده اند. با این وجود وی شیوه زندگی درحوزه را نمی پسندید، اما به علوم آن علاقمند بود. از این رو وارد دانشگاه شد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامحسین ابراهیمی دینانی هنگامی که در حوزه به تحصیل می پرداخت در همان مرکز نیز سطوح پایین تر علومی چون فقه، اصول، منطق، فلسفه و ادبیات را تدریس می کرد. از این گذشته ظاهراً در همان زمان به تمرین و آموختن زبان عربی می پرداخت. تا آنجا که بعدها توانست چند کتاب عربی را ترجمه نماید.
استادان و مربیان : غلامحسین ابراهیمی دینانی ،تحصیلات خود را در حوزۀ علمیه اصفهان نزد استادانی چون شیخ محمد علی حبیب آبادی و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی آغاز کرد. آنگاه برای ادامه تحصیل عازم قم شد. دروس سطح را نزد اساتیدی مانند مرحوم مجاهدی، سلطانی طباطبایی، فکور یزدی و آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی گذراند و مدتی هم درس خارج مرحوم آیة الله بروجردی شرکت کرد. اصول را نیز نزد مرحوم سید محمد داماد خواند اما بیشترین مدت تحصیل خارج فقه و اصول را در درس امام خمینی (ره) سپری کرد. وی از محضر استاد علامه طباطبایی نیز بهره برده است که از آن دوران می گوید: "در همان ایام-تحصیل در حوزه علمیه قم- ضمن این که در درس‌های خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم در درس‌های فلسفه علامه طباطبائی نیز حضور پیدا می‌کردم. علاوه بر درس‌های روزانه خود که غالباً تدریس کتاب اسفار ملاصدرا و شفای ابن‌سینا را شامل می‌شد جلسه‌های خصوصی تدریس فلسفه در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه را به‌عهده داشت که بنده نیز در آن جلسات شرکت فعال و مداوم داشتم علامه طباطبائی در هر سال چند ماه نیز در شب‌های جمعه به تهران می‌رفتند و با پرفسور هانری کرسی فرانسوی در موضوعات مختلف دینی و فلسفی به گفتگو می‌پرداختند این بنده به همراه مرحوم علامه به تهران می‌رفتم و در آن جلسات شرکت می‌کردم " وی از آغاز تحصیل در اصفهان، فراگیری فلسفه را نیز نزد شخصی به نام ضیاءپور شروع کرد و پس از عزیمت به قم بلافاصله به درس مرحوم علامه طباطبایی وارد شد و در حلقه خصوصی شاگردان ایشان نیز قرار گرفت. ایشان در کنار فلسفه اسلامی، تاریخ فلسفۀ غرب را نیز نزد مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی فرا گرفت.
وقایع میانسالی : غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال 1345 به دانشگاه

تهران راه یافت. پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشتهٔ فلسفه به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. تا سال 1351 تهران بود. در سال 1352 از رسالهٔ دکتری خود دفاع کرد. تا سال 1361 در دانشکدهٔ الهیات دانشگاه فردوسی مشهد مشغول تدریس بود و پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران درآمد. خروج غلامحسین ابراهیمی دینانی از حوزه علمیه و ورود به دانشگاه مشهد(1355 ه.ش) برای تدریس یکی از تحولات و تغییرات مهم در شیوه زندگی وی بود که طرز فکر وی به شیوه های تحقیق دانشگاهی سوق داد. با این وجود به فلسفه و کلام اسلامی وفادار ماند و مضامین این علوم ذهن او را به خود مشغول می نمود. وی در زمان تدریس در دانشگاه مشهد، مقالاتی را برای روزنامه ها و مجلات دانشکده تحریر می نمود.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پس در حدود سالهای 1355-56 با انجمن فلسفه ایران به ریاست دکتر سید حسین نصر همکاری و رفت و آمد داشت چنانکه توسط همان مرکز رسالهٔ دکترای خود تحت عنوان قواعد کل فلسفه را در سه جلد به چاپ رساند. وی هم اکنون استاد فلسفه دانشگاه تهران می باشد.
فعالیتهای آموزشی : غلامحسین ابراهیمی دینانی در حین تحصیل در حوزه علمیه، دروسی چون فقه، اصول، ادبیات منطق و فلسفه و ادبیات را تدریس می نمود. در حدود سالهای 56-1355 نیز هنگامی که وی به تازگی رساله دکتری خود را نوشته بود، در دانشگاه فردوسی مشهد تدریس می کرد. وی در سال 1362 به دانشگاه تهران منتقل شد و تا هم اکنون در گروه فلسفه آن دانشگاه به تدریس فلسفه اشتغال دارد در خلال این مدت علاوه بر کار تدریس به تألیف کتاب‌هائی در زمینه‌های مختلف فلسفی مبادرت کرده است.
شاگردان : غلامحسین ابراهیمی دینانی چون از جوانی به تدریس می پرداخت، بدلیل فاصله سنی کمی که با شاگردان خود داشت روابط بسیار نزدیکی با آنان برقرار نمود. امروزه نیز همان صمیمیت میان استاد و دانشجویان وی برقرار است. و بیشتر فارغ التحصیلان فلسفه دانشگاه تهران از شاگردان او بشمار می روند.
همفکران فرد : دکتر عبدالکریم سروش، دکتر نصر ا.. پورجوادی، دکتر مصطفی محقق داماد و دکتر شهرام پازوکی نیز همانند دکتر دینانی سالها به تحقیق در زمینه فلسفه اسلامی پرداخته اند. درحوزه پژوهشی در عقاید فرقه های گوناگون نیز با کسانی چون علی اکبر مدرس یزدی اشتراکات فکری دارند.
آرا و گرایشهای خاص : غلامحسین ابراهیمی دینانی، فلسفه را پاسخگوی مهمترین و عمده ترین پرسشهای انسان درباره معنی هستی و حیات می

داند از نظر وی تفاوت فیلسوف با مردم عادی در این است که از خارج از روز مرگی به زندگی می نگرد و درباره آن می پرسد.
جوائز و نشانها : کتاب(ترجمه) "ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام" و کتاب"دفتر عقل و آیت عشق" (تالیف)غلامحسین ابراهیمی دینانی ، یه ترتیب در دورهای هفدهم و بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال 85 در فرهنگسرای سینا می باشد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.
چگونگی عرضه آثار : ابراهیمی دینانی در سمینارها و همایشهای متعدد داخلی و خارجی شرکت جسته و مقالات متعددی در حوزه‌های فلسفی و دین‌پژوهی به رشتهٔ تحریر درآورده است. کتابهای غلامحسین ابراهیمی دینانی در انتشارات انجمن فلسفه ایران، انتشارات طرح نو، و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشر شده است. ---------
---

آثار :
1 اسماء و صفات الهی
ویژگی اثر : این کتاب نیز از کتابهای کلامی در باره توحید و خداشناسی است.
2 دفتر عقل و آیت عشق
ویژگی اثر : جدیدترین کتابی که از دکتر دینانی منتشر شده است کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق است این اثر در سه جلد به مقایسه عقل و عشق و بر شمردن تشابهات و تناقضات آنها می پردازد. [غلامحسین ابراهیمی دینانی، دفتر عقل و آیت عشق، 3 جلد ، چاپ اول ، تهران: طرح نو، 1380، صفحات مقدمه]،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. دفتر عقل و آیت عشق / تألیف غلامحسین ابراهیمی دینانی. - تهران: طرح نوح 3).1383 ج). کتابنامه به صورت زیرنویس. در این سه مجلد کوشش وتلاش به عمل آمده تا نشان داده شود که منشأ پیدایش عقل و عشق امری واحد و یگانه است و در پایان سیر و سلوک و سرانجام تطورات و تکامل انسان نیز متحد و همراه خواهند بود. این واقعیت نیز به هیچ وجه قابل انکار نیست که در طی مراحل زندگی و برخی از مراتب هستی انسان، ممکن است عشق و عقل از یکدیگر فاصله بگیرند و حتی به نکوهش شدید از یکدیگر نیز زبان بگشایند. این جدایی و فاصله‌ای که ممکن است میان عقل و

عشق پیدا شود، به اختلاف و تفاوت در مراتب آنها مربوط می‌گردد. یعنی آنجا که عقل در یک مرحله و موضع خاص متوقف گشته و از سیر به مراتب بالاتر باز می‌ماند، مورد نکوهش عشق واقع می‌شود. چنانچه عشق نیز وقتی به امور پست و فرومایه تعلق پیدا می‌کند و در آنجا وابسته و اسیر شود، از نکوهشهای عقل بر کنار نخواهد بود. قبل از این دفترهای سه‌گانه، کتاب دیگری تحت عنوان ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام به خامة همین نگارنده در سه مجلد تنظیم یافته است. در آن دفترهای سه گانه نیز ضمن اینکه به ماجراهای عمده و مهم فکر فلسفی در جهان اسلام پرداخته شده، نزاع و کشمکش میان متکلمان و متشرعان از یک سو و فلاسفه و حکما از سوی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. در آنجا نیز کوشش و تلاش به عمل آمده تا نشان داده شود که میان عقل و دین اختلاف و تضاد وجود ندارد و اگر در برخی موارد با نوعی تضاد و اختلاف روبرو می‌شویم، باید آن را نتیجة سوء فهم و کج‌تابیهای ذهن و زبان انسان به شمار آوریم.

3 شرح فصوص‌الحکم مؤیدالدین جندی

ویژگی اثر : تصحیح ،در سال 1361 نیز با همکاری زنده‌یاد استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی

4 شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی

5 قواعد کلی فلسفه در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر : رساله دکترای وی بود که ابتدا در انجمن فلسفه در یک جلد به چاپ رساند و مدتی بعد با افزودن مطالب تکمیلی بدان، آنرا در سه جلد منتشر کرد.

6 ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام

ویژگی اثر : این کتاب ترجمه ای است از عربی در سه جلد درباره تاریخ فلسفه اسلامی و فیلسوفان مسمان. معاد از نظر حکیم زنوزی در بردارنده بحث هایی کلامی درباره حیات انسان پس از مرگ در تفکر اسلامی می باشد.این کتاب ، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام»: ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام/ غلامحسین ابراهیمی دینانی – تهران: طرح نو، 1377 -2ج [تاکنون]. هر اندیش؟ فلسفی معمولاُ در نتیجه تعاطی و برخورد اندیشه¬های گوناگون شکل می گیرد و اندیش؟ فلسفی در جهان اسلام نیز از این قاعده برکنار نیست. این کتاب شرح ماجرای پر نشیب و فراز فکر فلسفی در جهان اسلام است که از میان گروههای متعدد و مخالف عبور کرده و بحرانهای سخت و دشواری را پشت سر نهاده است. این کتاب با رجوع به اصل نوشته های معارضان با فلسفه در جهان اسلام نگاشته شده و سعی بر این بوده است که ضمن

بیان آراء معارضان، تلاش فلاسفه را برای پاسخگویی به ردّیات مخالفان منعکس کند و از این رهگذر، خواننده را با سیر شکل¬گیری اندیش؟ فلسفی در فرهنگ اسلامی تا زمان حاضر آشنا سازد
7 معاد از نظر حکیم زنوزی
8 مقدمه بر مجموعه رسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل [دینانی، حکایت عقل و عشق و فلسفه(مصاحبه)، فرهنگ و پژوهش،ص 32] و علی اکبر مدرس یزدی، مجموعه مسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل، با مقدمه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، صفحات مقدمه]
9 منطق و معرفت در نظر غزالی
ویژگی اثر : از کتابهای حوزه غزالی شناسی بشمار می رود.
10 نیایش فیلسوف
ویژگی اثر : مجموعه مقالاتی است که دکتر دینانی از عربی ترجمه نموده که عمدتاً؛ مباحثی در فلسفه اسلامی را مطرح می نماید.
11 وجود رابط و مستقل در فلسف؟ اسلامی
منابع زندگینامه :
86-10-14 بانک رسانه ها روزنامه همشهری1www.ketabesal.ir2
"زندگینامه غلامحسین ابراهیمی دینانی"3دینانی، حکایت عقل و عشق و فلسلفه(مصاحبه)، فرهنگ و پژوهش، ص 324علی اکبر مدرس یزدی، مجموعه وسائل کلامی و فقهی و ملل و نحل، با مقدمه غلامحسین ابراهیمی دینانی، صفحات مقدمه5ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام در سه جلد و نیز معاد از نظر حکیم زنوزی و نیایش فیلسوف (مجموعه مقالات عربی)

ابراهیمی فر، عبدالجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالجواد ابراهیمی فر
محل تولد : گنبد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
استاد عبدالجواد ابراهیمی‌فرد در سال 1341 در خانواده‌ای روحانی و در روستای نظام‌آباد از توابع شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. سال اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، آنگاه با هجرت به شهرستان گنبد ادامه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در آنجا سپری نمود. پس از آن، دوران مقدماتی تحصیلات حوزوی خود را به مدت دو سال در مدرسه‌ای که توسط والد معظم ایشان مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر ابراهیمی (طاب ثراه) در شهرستان گنبد (مدرسه علمیه منتظریه) تأسیس شده بود، در محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ حسن محدثی و مرحوم شهید آیت الله مدنی (ره) در آن زمان دوران تبعید خود را در آن سامان می‌گذراند به پایان برد.
آنگاه در سال 56 ـ 57 با عزیمت به شهر قیام و اجتهاد (قم) نخستین گام‌های آشنایی با دروس متوسطه حوزه را در مدرسه رسالت برداشت؛ و نزد اساتیدی همچون آقایان: حجةالاسلام حسینی بوشهری (منطق را) و حجة الاسلام حاجیانی (تبصرة المتعلمین را) و حجة الاسلام محمدی امام جمعه فعلی همدان (بخشی از شرح لمعه را)، حجة الاسلام باکوئی و مرحوم آیت الله سید محمد جواد ذهنی (بخشی از شرح لمعه را) و آیت الله استادی و آیت الله سیدعلی حائری (حلقات اصول شهید صدر را)، تلمذ نمود. در کنار منطق و فقه و اصول، مرحله مقدماتی آشنایی با فلسفه و روش نقد و بررسی تفسیر را آغاز نمود. کتاب بدایة الحکمه را نزد اساتیدی همچون آیت الله محمد یزدی و آیت الله ممدوحی آموخت. کتاب درایة الحدیث را همراه با دروس شیوه نقد تفسیر، در محضر آیت الله استادی فرا گرفت. دروس فقه و اصول پیشرفته مرحله سطح حوزه را در محضر اساتید بزرگواری همچون: آیت الله اعتمادی، (بخش‌های عمده رسائل شیخ انصاری)، مرحوم آیت الله وجدانی فخر (بخشی از

رسائل شیخ انصاری) آیت الله پایانی و دوزدوزانی (مکاسب شیخ انصاری) را آموخت. کتاب کفایة الاصول را از دروس مضبوط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرا گرفت.
همزمان با فراگیری دروس فقه و اصول، اقدام به فراگیری دروس فلسفه و معارف نمود. و از سال 58 با اساتید بزرگواری همچون آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی، آشنا شد.
در همان سال با عضویت در بخش آموزش موسسه در راه حق و شرکت در درسهای استاد مصباح فصل دیگری در مراحل تحصیل ایشان گشوده شد؛ و ادامه این فصل در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) رقم خورد؛ پرونده این فصل نورانی همچنان مفتوح مانده است. کتاب‌های نهایة الحکمه، دروس فلسفه، فلسفه اخلاق، برهان شفا، الهیات شفا مجلداتی از اسفار اربعه و یک دوره معارف قرآن را همراه با درس‌های اخلاق نزد استاد بزرگوار آیت الله محمدتقی مصباح یزدی فراگرفت. از ویژگی‌های این فصل از تحصیل، فراگیری برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فلسفه غرب بود که توسط اساتید مجرب دانشگاهی انجام می‌گرفت. کتابهای تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم که از کتاب‌های معتبر عرفان اسلامی است و جلد ششم اسفار اربعه را از دروس مضبوط آیت الله جوادی آملی استفاده کرد (فراگیری این کتب جزء برنامه‌های موظفی گروه فلسفه موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) بود که ایشان نیز عضو آن گروه بود).
در محضر آیت الله حسن‌زاده آملی در جلسات درس هیئت و نجوم شرکت نمود و از لطایف سخن و پندهای حکیمانه و عارفانه ایشان در شرح و تفسیر برخی احادیث، در محافل خصوصی بهره برد.
سال تحصیلی 62 ـ 63 با شرکت در دروس خارج حوزه روند دیگری در مراحل تحصیل ایشان آغاز گردید. این روند تا سال 1375 ادامه یافت. هر چند طی این مرحله با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. شرکت در درس خارج آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی مظاهری ساختار بنیه فقهی و اصولی ایشان را در این مرحله شکل داده است. شرکت در دو دوره اصول آقای مظاهری و شرکت در درس فقه ایشان همچنین شرکت در درس‌های اصول و فقه آقای وحید خراسانی از ویژگی‌های این مرحله از تحصیل ایشان به شمار می‌آید.
از همان آغاز دوران تحصیل، به تدریس کتابهایی که خود فراگرفته بود پرداخت و تدریس را مکمل تحصیل خود قرار داد. کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه، شرح لمعه، حلقات اصول شهید صدر، اصول فقه و

کفایة الاصول را به طور پراکنده و خصوصی در حوزه تدریس نمود. علاوه بر آن، از سال 73 در مراکز علمی، فرهنگی و حوزوی به طور رسمی به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت. از جمله:
الف) در مرکز جهانی علوم اسلامی: (مدرسه حجتیه، مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه مومنیه و مدرسه مرعشیه) به تدریس قواعد فقهیه، فقه مقارن، اصول مقارن و علوم سیاسی، فلسفه و کلام (کتاب‌های تحریر بدایة الحکمه و درآمدی بر آموزش عقاید تألیف خود ایشان) و حلقات اصول شهید صدر (حلقه ثانیه و دو جزء حلقه ثالثه) پرداخت.
ب) در دانشکده تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه (دانشکده شهید محلاتی قم) از سال 73 تا سال تحصیلی 79 ـ 80 به تدریس فلسفه و کلام، کتابهای: تحریر بدایة الحکمه (تألیف خود ایشان) و درآمدی بر آموزش عقاید (تألیف خود ایشان) و نیز تدریس فلسفه اخلاق پرداخت.
ج) در اردوهای بسیج دانشجویی (طرح ولایت) از سال 76 تا 83 در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق تدریس کرد.
د) در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، در زمینه‌های فلسفه و کلام، فلسفه اخلاق و اخلاق تدریس نموده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی آن مؤسسه می‌باشد.
در سال 1369 با ارائه دو مقاله به کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی نخستین بار به تماشای تفسیر آیه شریفه «ن والقلم و ما یسطرون» نشست. مقاله «امام خمینی (ره) و احیاء حکومت اسلامی» و مقاله «امام خمینی (ره) و اسلام ناب محمدی (ره)» نخستین مقالاتی بود که نگاشت و از سوی کنفرانس اندیشه اسلامی در سال 1369 انتشار یافت و روح خودباوری و اعتماد به نفس را بیش از پیش در ایشان زنده کرد.
از آن پس فراخوان مجامع علمی و فرهنگی را در ارائه مقاله، بی‌پاسخ نگذاشت. مقاله «پژوهشی پیرامون حدوث و قدم جهان» را در سال 1372 به کنگره بین‌المللی شیخ مفید (ره) ارائه کرد که در مجموعه منشورات آن کنگره جهانی چاپ و منتشر گردید. همچنین مقاله «اجتهاد و تقلید از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره)» را در سال 1373 به کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری عرضه نمود که در کمیته ویژه علمی با حضور آیات بزرگوار: آیت الله استادی، و آیت الله حاج شیخ محسن اراکی و جمعی دیگر از اساتید فن بررسی و با دفاعیات نویسنده، برای چاپ و نشر توسط آن کنگره جهانی تصویب گردید که انتشار آن، نمایه‌ای از استعداد فقهی و اصولی ایشان قرار گرفت؛ و آغاز مبارکی از یک دوران گردید. نیز مقاله «تبیین فقهی ثابت و متغیر» را در سال 74 به کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد عرضه داشت که در

جلد چهارم از مجموعه مقالات کمیته علمی کنگره مذکور به چاپ رسید. و مقاله «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی» را در سال 1378 به کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی عرضه نمود که در مجموعه آثار (2) آن کنگره در مجلد فلسفه سیاسی (1) به چاپ رسیده است.

ابراهیمی، رحمت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحمت الله ابراهیمی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
این حقیر متولد 1349 در شهر آمل استان مازندران در روستای شاه کتی در خانواده ای کشاورز به دنیا آمدم. دوران راهنمایی و سال اول دبیرستان را در شهر آمل گذراندم. پس از آن وارد حوزه علمیه آمل شدم که در سال 1367 بوده است.
این حقیر مقدمات و سیوطی را در شهر آمل طی دو سال گذراندم و پس از آن یکسال را در شهر ساری ادامه تحصیل دادم. پس از آن در سال 1370 وارد حوزه علمیه قم شدم و در محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله اشتهاردی (دامت برکاته) و حضرت آیت الله وجدانی فخر(رحمت الله علیه) و حضرت آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله دریابای افاضه نمودم، که دروس سطح را به اتمام رساندم و فی الحال در درس خارج آیت الله دریابای و دروس فلسفه و منظومه آقای دریابای و خارج اصول آقای سبحانی مشغول تحصیل می باشم.
این حقیر تالیفات خود را از سال 1376 آغاز کردم که تاکنون 5 اثر حقیر به چاپ رسیده و بعضی از آثار چاپ مجدد شده است که امید است خداوند قبول فرماید.

ابن راوندی، ابوالحسین احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 245 ق)، متکلم و فیلسوف. برخی منابع وی را اهل راوند، میان اصفهان و کاشان، و برخی اهل مرورود می‌دانند. از زندگی شخصی وی اطلاع چندانی در دست نیست. گویا نخست معتزلی بوده و پس از مدتی به شدت با معتزلیان درافتاده است. ایشان نیز ردّیه‌های شدیدی بر ضد وی نوشته‌اند. پیروی ابن‌راوندی از تشیع نیز ناپایدار بود. گفته‌اند که استقرار به مذهبی نداشته. برخی معتقدند که پدر وی از یهودیان بوده ولی، خودش اسلام آورده است. از نظر علمای عامه ابن‌راوندی ملحد و زندیق است و به گفته آنان شهرت بی‌دینی وی از جهان اسلام فراتر رفت و برخی از یهودیان نیز وی را مذمت کردند. به هر حال وی یکی از شخصیتهای پیچیده و ناشناخته کلام اسلامی است. ابن‌رواندی دَر ادبیات استادی کم‌نظیر بود. ابن‌خلکان آثار وی را بالغ بر 114 اثر دانسته، و حمداللّه مستوفی گوید که وی 124 کتاب تصنیف کرده است. بسیاری از آثار وی از میان رفته‌اند. تنها بخشی از آنها در ردیه‌های مخالفانش باقی مانده است: از جمله آثار وی: «فضیحة المعتزله»؛ «التاج»، در قدم عالم؛ «نعت الحکمة»؛ «قضیب الذهب». دوازده کتاب به او نسبت داده‌اند که در طعن اصول شریعت است و گروهی از علما در رد آنها کتابهای بسیاری نوشته‌اند. ابن‌راوندی خود گاه در رد کتب خود نیز ردیه‌ی نوشته است. از آن جمله: «کتاب نقض کتاب الزمرد علی نفسه»؛ «کتاب نقض المرجان». برخی از کتابهای او در تأیید دین است: «کتاب الامامة»؛ «کتاب الاسماء والاحکام»؛ «کتاب الابتداء والاعادة». در تاریخ وفات ابن‌راوندی اکثریت بر نظر ابن‌خلکان در «وفیات الاعیان» و مسعودی در «مروج الذهب» هستند ولی، صاحب «البدایة والنهایة» نظر ابن‌خلکان و مسعودی را اشتباه و نظر ابن‌جوزی (298 ق) را صحیح می‌داند.[1]
ابوالحسین احمد بن یحیی، اصلا از مردم راوند (میان اصفهان و کاشان) و در زمره متکلمان معروف به شمار است (و. 205- ف. 245 ه.ق.) وی عقایدی خاص داشته، از تألیفات او: التاج، خلق‌القرآن، الفضیحةالمعتزله را باید نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (253 -252 /1)، اعیان الشیعه (206 -204 /3)، تاریخ گزیده (693)، دائرةالمعارف البستانی (486 /1)، دایرةالمعارف

فارسی (19 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (573 -571 /4)، روضات الجنات (204 -203 /1)، ریاض العلماء (19 /6)، ریحانه (530 -528 /7)، سیر النبلاء (62 -59 /14)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (318 -316)، کشف الظنون (1450، 1423، 1403، 1274)، الکنی والالقاب (288 -287 /1)، لسان المیزان (492 -491 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌راوندی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (82 -81)، معجم المؤلفین (200 /2)، الملل والنحل (151 105، 57)، هدیة العارفین (55 /1)، هدیة الاحباب (59)، الوافی بالوفیات (238 -232 /8)، وفیات الاعیان (95 -94 /1).

ابن صابونی، کمال الدین عبدالرزاق

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد مکنی به ابن فوطی، از مشاهیر علمای حدیثه و تاریخ و صاحب نظر در حکمت (و. 642- ف. 723 ه.ق.) از آثار اوست: مجمع‌الآداب فی معجم‌الاسماء علی معجم‌الالقاب در 50 جلد، در الاصداف فی غرر الاوصاف در 20 جلد، تاریخ عالم از خلقت تا تخریب بغداد، الحوادث‌الجامعة و التجارب النافعة فی الماة السابعة.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن عمید، ابوالفضل محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل محمد بن عمید کاتب خراسانی (ف. 359 ه.ق.) پدر وی صاحب ترسل بود و لقب عمید و وزارت مردآویج داشت.
ابوالضفل در سال 328 به جای ابو علی ابن قمی به وزارت رکن‌الدوله دیلمی رسید. وی در نجوم و فسلفه دست داشت و در ادب و ترسل کمتر کسی به پای او می‌رسید. صاحب بن عباد از اتباع او بود. در سال 359 ابن عمید با لشکری برای جنگ حسنویه کرد بیرون رفت و در همین ایام درگذشت. از تألیفات اوست: دیوان الرسائل، والمذهب فی البلاغات.
2- ابوالفتح علی بن محمد بن عمید (ف. 366 ه.ق.) وی در جنگ با حسنوی همراه پدر بود و چون پدرش درگذشت با حسنویه صلح کرد و به ری بازگشت و منصب پدر را به او تفویض کردند. وی تا سال 366 وزارت مؤیدالدوله را داشت سپس به حبس افتاد و درحبس درگذشت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن مسکویه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه خازن رازی اصفهانی.
حکیم و فیلسوف و مورخ عالی قدر شیعی مذهب گویند: در اول مجوسی بوده و سپس مسلمان و شیعی گردیده و ظاهراً این مطلب خالی از اعتبار است زیرا نام پدر و جدش مخالف این عقیده است. در زمان جوانی بخدمت ابن عمید رسیده. ابوحیان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می‌کند. وی خازن «کتابدار» فخرالدوله دیلمی بوده و بدین جهت به خازن شهرت یافته.
در کتاب دانشوران خراسان (:159) و دیگر کتب نوشته‌اند که سلطان محمود، غزنوی خواجه ابوالفضل حسین بن علی میکال را نزد مأمون خوارزمشاه گسیل داشته و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد: شیخ الرئیس ابوعلی سینا - ابوریحان بیرونی - ابوسهل مسیحی، ابوعلی مسکویه، ابن خمار و ابو نصرعراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی: ابن سینا و ابن مسکویه و ابوسهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفته و به سمت گرگان حرکت کردند و ابوسهل در راه از تشنگی بمرد (سال 401 ه.ق) و آن دو به سختی جان بدر بردند.
کتب زیر از تألیفات اوست:
1- آداب العرب و الفرس، در اخلاق 2- احوال الحکماء 3- تجارب الامم، در تاریخ مشهورترین تألیفات او 4- ترتیب السعادات، در اخلاق 5- تفضیل النشأتین 6- طهارة الاعراق؛ معروفترین کتاب در اخلاق.
مجموعه تألیفاتش متجاوز از بیست و هشت مجلد می‌شود.
صاحب عنوان در 9 صفر سال 421 در اصفهان وفات یافته در محله خواجو مدفون گردید و محل قبرش ظاهراً حدود امام زاده باقر فعلی می‌باشد.
قمی در الکنی و الالقاب گوید: قبره علی باب (درب جناد) فی اصفهان. و درب جناد تصحیف شده حسن آباد است، و مراد دروازه حسن آباد است که در اصفهان معروف است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن‌اشرف سمرقندی، شمس‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 675 ق)، ریاضیدان، منجم و منطقی. وی از ریاضیدانان و دانشمندان بزرگ زمان خود بود. از آثار وی: «الصحائف الاهیة»، در تفسیر؛ «التذکرة فی الهیئة»؛ «رسالة فی آداب البحث والمناظرة»؛ «اشکال التأسیس فی الهندسة»؛ «الفسطاط» یا «قسطاس المیزان»؛ «کتاب عینی النظر»، در منطق؛ «شرح تحریر مجسطی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی ریاضیدانان (287 -285)، کشف الظنون (1074، 105، 39)، لغت‌نامه (ذیل/ سمرقندی)، معجم المؤلفین (63 /9)، هدیة العارفین (106 /2).

ابن‌خمّار، ابوالخیر حسن

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(331- ح 421 ق)، طبیب، فیلسوف و مترجم. از نصرانیان ایرانی و یکی از مترجمان بزرگ، از زبان سریانی به عربی بود. وی کتب زیادی را از آن زبان به عربی ترجمه کرد. در فلسفه شاگرد یحیی بن عَدی بود. ابن‌ندیم او را ملاقات کرده و از او به عنوان منطقی بزرگی یاد می‌کند. ابوالفرج بن طیّب مسیحی و ابوالفرج بن هندوی مسلمان احتمالاً در زمان اقامت او در بغداد از شاگردان وی بوده‌اند. او را در طب ثالث بقراط و جالینوس می‌دانستند. از جراحان بیمارستان بزرگ عضدالدوله در بغداد بود. ابن‌سینا او را تحسین کرده، ولی با تمام اشتیاقی که به دیدار وی داشت، به این امر نائل نشد. مدتی در زمان مجدالدوله‌ی دیلمی در ری، چندی در دستگاه ابوالعباس مأمون خوارزمشاه در خوارزم بود. پس از فتح خوارزم به دست سلطان محمود غزنوی وی را به همراه ابوریحان بیرونی و چند تن از دانشمندان به غزنه بردند. در اواخر عمر به سبب شنیدن آیه‌ای از قرآن و دیدن پیامبر اسلام (ص) در خواب، مسلمان شد. در زمان سلطان محمود، در راه رفتن به دربار او از اسب بر زمین افتاد و کشته شد. از جمله آثار باقی مانده از وی: «کتاب الوفاق بین آراء الفلاسفة والنصاری»؛ «مقالة فی التوحید والتثلیث»؛ «مقالة فی الصدیق والصداقة»؛ «مقاله فی السعادة»؛ «مقالة فی الاخلاق»؛ «مقالة فی الصرع»؛ «کتاب دیابطا» یعنی تقطیر؛ «الآثار المخیلة فی الجو الحادثه عن البخار المائی و هی الهالة والقوس والضباب»؛ «کتاب الهیولی»؛ «مقالة فی امتحان الاطباء»؛ که آن را به خوارزمشاه اهدا کرد؛ «کتاب الآثار العلویه»؛ «کتاب اللبس فی الکتب الاربعة فی المنطق» که این از ترجمه‌های او از سریانی به عربی است؛ «کتاب تفسیر ایساغوجی»، هم به صورت مشروح و هم به صورت مختصر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (282 -281 /1)، تاریخ الحکماء قفطی (226)، تاریخ طب (701 -699 /2)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (16 -14)، چهار مقاله (119، 118)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (956 -955 /7)، ریحانه (509 -508 /7)، عیون الانباء (323 -322 /1)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (477 -476، 447)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خمار)، معجم المؤلفین (229 /3)، الملل والنحل (369)، نامه‌ی دانشوران (88 -85 /1)، الوافی بالوفیات (42 -41 /12)، هدیة العارفین (277 /1).

ابن‌رفاعه‌ی هاشمی، ابوالخیر زید

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 400 ق)، فیلسوف و محدث. از مردم ری بود و سالیان بسیاری در بصره زیست. او در شهرهای جبال و خراسان از ابن‌درید و ابوبکر بن انباری و دیگران حدیث نقل کرد. ابن‌یزداد قاری از او حدیث روایت کرده است خطیب بغدادی او را مورد اعتماد نمی‌داند. در نگارش «رسائل» اخوال الصفا همکاری داشت. از آثارش: «اربعین حدیثاً»؛ «جوامع اصلاح المنطق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 98)، تاریخ بغداد (451 -450 /8)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (20)، دایرةالمعارف فارسی (1/ 69)، الذریعه (384 /5)، لسان المیزان (3/ 196)، لغت‌نامه (ذیل/ زید)، معجم المؤلفین (190 /4).

ابن‌زَیله، ابومنصور حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 440 ق)، حکیم، ریاضیدان، فیلسوف و موسیقدان. اهل اصفهان و از شاگردان برجسته‌ی ابن‌سینا بود. در ادبیات نیز دست داشت. شرحی بر رساله «حیّ بن یقظان» ابن‌سینا نوشت که شارحان پس از وی از آن بسیار بهره بردند. از آثارش: «النفس»؛ کتاب «الکافی فی الموسیقی»؛ «الاختصار من طبیعیات الشفاء» ابن‌سینا است. ابن ابی‌اصیبعة در «طبقات الاطباء» نام او را به صورت ابن زیلا آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :استادان موسیقی (33)، الاعلام (2/ 278)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 319)، تاریخ طب (865، 514، 498/ 2)، تاریخ موسیقی (154 -153/ 1)، تاریخ هنرهای ملی (745 -744/ 2)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (58)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (619 -618/ 4)، کشف الظنون (862)، معجم المؤلفین (13/ 4).

ابن‌سمکه قمی، ابوعلی احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، حکیم، ادیب و نویسنده. اهل قم و از استادان ابن‌عمید بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 638)، تاریخ قم (217).

ابن‌سیّار شیرازی، ابوماهر، ابوعمران موسی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 350 ق)، پزشک، حکیم، فیلسوف، شاعر. ولادت او در شیراز بود و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت. وی در فنون طب و حکمت مشهور بود. ابوعلی مندویه و احمد بن محمد طبری و علی بن عباس مجوسی اهوازی و اغلب بزرگان طب وقت به شاگردی وی مباهات می‌کردند. در علم منطق از استادان بود. پس از راه یافتن به دربار بویهان، عضدالدوله جوان را که به بیماری چشم مبتلا بود درمان کرد و همین امر موجب شهرت بیشتر او شد. او بر عقاید جالینوس اعتراضاتی وارد کرد. از جمله آثارش: «مقاله‌ای در فصد»؛ «اضافاتی بر «کناش» اسحاق بن حنین؛ رساله‌ای در «آلات جراحی»؛ «امراض العین و منافع خرافات»؛ کتاب «چهل باب»، در جزء نظری و عملی؛ «تعلیقات بر کتاب اغلوتن جالینوس»؛ «فی الستة الضروریة»؛ شرح بر کتابهای یوحنا بن سرابیون؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (485 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (346 /1)، تاریخ طب (669 -668، 446، 445، 296 /2)، ریحانه (103 -102 /3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌سیار و موسی)، معجم المؤلفین (50 /13)، هدیة العارفین (478 /2).

ابن‌سینا، ابوعلی حسین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(427 /428 -370 ق)، پزشک، فیلسوف، منطقی و دانشمند. مشهور به ابن‌سینا یا ابوعلی سینا، در مغرب زمین آویسن یا آویسنا و ملقب به حجةالحق، شیخ‌الرییس، شرف‌الملک و امام الحکما. ابن‌سینا در افشنه‌ی بخارا، زادگاه مادرش، متولد شد. پدر وی از دیوانیان دستگاه سامانیان بود و در تربیت فرزندان خود سخت کوشا. پدر ابن‌سینا، عبداللّٰه، شیفته‌ی تعلیمات اسماعیلیان بود. ابن‌سینا، علی‌رغم اشراف به نظر و عقاید این گروه، گرایشی به این فرقه نداشت. در چهارده سالگی در علم بر استاد خود ابوعبداللّٰه ناتلی پیشی گرفت، چندان که مشکلات منطق را بر استاد خود می‌گشود. در شانزده سالگی جمعی از پزشکان فاضل زیردست او کار می‌کردند. ابوعلی با مداوای بیماری نوح بن منصور سامانی امیر خراسان اجازه یافت که از کتابخانه‌ی عالی امیر استفاده کند. در هجده سالگی جامع‌العلوم شد و از این پس ترقیات وی نتیجه‌ی اجتهاد شخصی خود وی بود. در بیست و یک سالگی نخستین اثر فلسفی خود را تحت عنوان «العروضیه» به درخواست ابوالخیر عروضی نوشت. پس از درگذشت پدر، به خدمات دیوانی روی آورد. به زودی فکر و تدبیر او مورد قدردانی واقع شد. امیران علاوه بر نصایح پزشکی او در سیاست نیز خواستار رأی او شدند. چندین بار به وزارت رسید، و در معرض رشک دیگران قرار گرفت. چندین بار فرار کرد. مدتی زندانی شد. ولی از زندان گریخت. چهارده سال در آرامش در دربار علاءالدوله دیلمی در اصفهان می‌زیست. بر اثر مسافرتها و شب زنده‌داریها و بی‌توجهی به خود به قولنج مبتلا شد و در ضمن لشکرکشی علاءالدوله در همدان درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. در جشن یادبود هزاره‌ی او بر مزارش بنایی ساختند. شهرت ابن‌سینا چندان است که از مرزهای سرزمینهای اسلامی گذشته و به سراسر جهان رسیده است. آثار او به زبانهای مختلفی ترجمه و منتشر شده‌اند. ابن‌سینا، علاوه بر پزشکی و فلسفه، در نجوم، فیزیک، علوم طبیعی نیز آثاری دارد از آن جمله، در اواخر عمر به دستور علاءالدوله آلتی شبیه ورنیه‌ی کنونی برای به دست آوردن نتایج دقیق در رصد اختراع کرد. از هوش و حافظه‌ی وی سخنها گفته‌اند و او را سرآمد فلاسفه اسلامی دانسته‌اند. وی با ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی، معاشرت و مباحثه داشت و از معاصرینش می‌توان ابن‌خمار و ابوالفرج بن طیّب را نام برد و

از جمله شاگردان او ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان، ابن‌زیله، ابوعبداللّه معصومی، ابوعبید جوزجانی را با ابوسعید ابوالخیر نیز مباحثه‌ای داشت که بسیار مشهور است. ابن‌سینا در زمینه‌ی ادبیات نیز کتابهایی نوشت و اشعاری نیز به وی منسوب است. از آثار او: «النجاة»؛ «الاشارات والتنبیهات»، در منطق و حکمت؛ «الشفا» در حکمت علمی نظری؛ «دانشنامه‌ی علائی»، به فارسی؛ «اسرار الصلاة»؛ «مبدأ و معاد»؛ «قانون»، در طب. این کتاب با وجود ناقص بودن، سبب اشتهار ابن‌سینا در اروپا شد. «اسباب حدوث الحروف و مخارجها»، در زبان‌شناسی؛ «الموجز الکبیر»؛ «الموجز الصغیر»، هر دو در منطق؛ «رساله حی بن یقظان»؛ «المدخل الی صناعة الموسیقی»، در موسیقی که از آثار فارابی کامل‌تر و جامع‌تر است؛ «مقالة فی آلة رصدیه». در کل 276 عنوان کتاب به او نسبت می‌دهند که 131 اثر را با انتساب صحیح و مابقی را با انتساب مشکوک از او دانسته‌اند.[1]

شیخ‌الرئیس حجةالحق شرف‌الملک امام‌الحکماء ابوعلی حسین بن عبداللَّه بن حسن بن علی معروف به ابن‌سینا (و. افشنه یا خرمیثن 370- ف. همدان 428 ه.ق.) پدر او از مردم بلخ و مادر وی ستاره از اهل افشنه (نزدیک بخارا) بود. ابن‌سینا در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از بر نمود و نزد ابو عبداللّه ناتلی منطق و هندسه و نجوم آموخت. و پایه وی از استاد در گذشت. از آن پس به تعقیب علوم طبیعی و ما بعدالطبیعه و طب پرداخت. آثار فارابی فکر ابن سینا را به خود جلب کرد و مشوق او در مطالعه آثار فلسفی گردید. وی در عنفوان شباب نوح بن منصور پادشاه سامانی را معالجه کرد و از کتابخانه گرانبهای او بهره‌ها برد. ابن سینا بخارا را ترک گفت و به گرگانج شتافت، و از آنجا به حکم ضرورت به خراسان و سپس به گرگان و ری و همدان و اصفهان شد و آثار ذی‌قیمت خویش را در این سفرها تحریر کرد. شیخ در همدان به وزارت شمس‌الدوله رسید. و سالهای اخیر عمر را در اصفهان در حمایت علاءالدوله کاکویه گذرانید و در سفری که همراه امیر مزبور به همدان می‌شد، در راه مریض گردید و در همدان درگذشت. آرامگاه او را بدانجا برپا داشته‌اند. به مناسبت هزارمین سال تولد وی، جشنی در سال 1331، ه. ش. در ایران منعقد گردید. مؤلفات ابن سینا همواره مورد توجه بوده و شروح متعدد بر آنها نوشته‌اند و بسیاری از آنها نیز به زبانهای غربی ترجمه شده است. آثار مهم ابن سینا- کتاب‌الشفاء کتاب القانون فی الطب، کتاب اشارات، کتاب‌النجاة، دانشنامه علائی (به فارسی) و غیره است. آرامگاه ابن سینا.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه :[1] آثار الباقیه (395)، از فردوسی تا سعدی (157

-152)، استادان موسیقی (33 -32)، الاعلام (262 -261 /2)، اعیان الشیعه (80 -69 /6)، ایضاح المکنون (672 ،555 /2)، بزرگان و سخن سرایان همدان (149 -148 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (347 -346 ،343 -342 ،319 -303 /1)، تاریخ الحکماء قفطی (570 -555)، تاریخ طب (633 -477 /2)، تاریخ فلسفه در اسلام (721 -683 /1)، تاریخ گزیده (689 -688)، تاریخ موسیقی (153 -148 /1)، تاریخ نجوم اسلامی (321 -320 ،313 ،45 ،38 ،35 -34)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (43 -29)، حبیب السیر (449 /2)، دائرةالمعارف البستانی (539 -535 /1)، الذریعه (232 ،223 -222 ،220 ،218 -217 ،215 ،154 ،145 ،144 ،140 ،139 ،129 ،122 ،121 ،94 ،93 ،92 ،65 ،51 ،48 ،26 ،25 -24 /17 ،381 /15 ،201 ،14 /240 ،239 ،10 /47 ،8 /184 ،130 ،128 /7 ،286 ،43 /5 ،484 ،407 ،371 /1)، روضات الجنات (173 -159 /3)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (34 -29)، سرگذشت ابن‌سینا (19 -1)، سیر النبلاء (537 -531 /17)، فوائد الرضویه (459 -458 /2)، کشف الظنون (2031 ،1900 ،1793 ،1783 ،1621 ،1550 ،1533 ،1520 ،1466 ،1455 ،1454 ،1440 ،1430 ،1408 ،1389 ،1341 ،1327 ،1311 ،1186 ،1055 ،953 ،900 ،897 ،896 ،894 ،891 ،889 ،880 -879 ،876 ،870 ،862 ،861 ،852 ،846 ،843 ،841 ،766 ،757 ،736 ،685 ،624 ،463 ،451 ،449 ،380 ،377 ،238 ،201 ،183 ،94 ،63 ،51 ،37 -36 ،12)، الکنی والالقاب (323 -320 /1)، لسان المیزان (541 -538 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی سینا)، مجالس المؤمنین (189 -181 /2)، معجم المؤلفین (23 -20 /4)، مقدمه بر تاریخ علم (818 -816 /1)، مؤلفین کتب چاپی (800 -779 /2)، نامه‌ی دانشوران (146 -89 /1)، وفیات الاعیان (162 -157 /2)، الوافی بالوفیات (412 -391 /12)، هدیة الاحباب (67 -66)، هدیة العارفین (309 -308 /1).

ابن‌شرفشاه حسینی استرآبادی، رکن‌الدین

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(718 /717 /715 -645)، فیلسوف، عالم، نحوی و طبیب. از مردم استرآباد بود. از زادگاهش به مراغه رفت. نزد خواجه نصیرالدین طوسی درس خواند و در زمره‌ی شاگردان برجسته‌ی وی درآمد و تا پایان زندگی خواجه در کنار او بود. وی بر برخی از کتب استادش شرح نوشت و پس از مرگ خواجه‌نصیر به موصل رفت و در مدرسه نوریّه به تدریس حکمت مشغول شد و تا پایان عمر در موصل ماند. برخی منابع او را شیعه و برخی دیگر شافعیش می‌دانند اما آرای فلسفی و کتب او در حکمت موید تشیع اوست. صَفَدی از حلم و تواضع زائدالوصف او سخن گفته است. از جمله شاگردان وی: زین‌الدین علی بن حسین و شیخ تاج‌الدین علی بن عبداللّه تبریزی. از آثار وی: شرح «مختصر» ابن‌حاجب، در اصول؛ شرح «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین؛ شرح «قواعد العقائد» خواجه‌نصیر؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب، در سه قسمت صغیر و کبیر و وسیط، که شرح کبیر آن به نام «بسیط» و شرح متوسط آن به اسم «وافیه» مشهورند؛ شرح «الفصیح» ثعلب در لغت؛ «مرآةالشفا»، در طب؛ شرح «الشافیة» ابن‌حاجب، در تصریف.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (2/ 233)، اعیان الشیعه (5/ 255)، الذریعه (7/ 71، 380، 2/ 83)، روضات الجنات (3/ 91- 92)، ریاض العلماء (6/ 321، 320- 1/)، ریحانه (8/ 53- 54)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 48 -8/ 47)، کشف الظنون (1855، 1648، 1376، 1370، 1021، 626)، معجم المؤلفین (3/ 283)، الوافی بالوفیات (12/ 54)، هدیة العارفین (1/ 283).

ابن‌صلاح همدانی، نجم‌الدین، ابوالفتوح احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 548 /540 ق)، پزشک، ریاضیدان و فیلسوف. گرچه همگان موطن ابن‌صلاح را همدان می‌دانند امّا مشخص نیست به چه دلیلی صاحب «تاریخ الحکماء» اصل وی را از سمیساط دانسته است. به بغداد رفت و علم منطق و ریاضیات و طب را در آنجا فراگرفت. سپس به موصل به قصد خدمت نورالدین محمود بن عمادالدین زنگی رفت و در آنجا بسیار وی را معزز داشتند. از موصل به دمشق رفت و تا پایان عمر در آنجا رحل اقامت افکند. در موصل در محضر ابوالحکم مغربی که هم طبیب و هم شاعر بود، کسب علم کرد و او را شیخ خود می‌نامید، ولی ابوالحکم معتقد بود که ابن‌صلاح در تحصیل علم بر وی نیز پیشی گرفته است. وی با زمخشری، اوحدالدین انوری و ناصح‌الدین ارجانی معاصر بود. خاندان ابن‌صلاح همگی اهل علم بودند. از وی آثار و رساله‌های بسیاری در ریاضیات و طب به جا مانده است که از آن جمله‌اند: «شرح کتاب شفاء ابن‌سینا»؛ کتاب «الفوز الاصغر»؛ «جواب عن برهان مسئلة مضافة الی المقالة السابعة من کتاب اقلیدس فی الاصول و سائر ماجره الکلام فیه»؛ «قول فی بیان ما وهم فیه ابوعلی بن الهیثم فی کتابه فی الشکوک علی اقلیدس»؛ «قول فی ایضاح غلط ابی‌علی بن الهیثم فی الشکل الاول من المقالة العاشرة من کتاب اقلیدس فی الاصول»؛ «مقالة فی کشف الشبهة التی عرضت لجماعة ممن ینسب نفسه الی علوم التعالیم علی اقلیدس فی الشکل الرابع عشر»؛ «کتاب فی کیفیة تسطیح البسیط الکری»؛ «مقالة فی تزییف مقدمات مقالة ابی‌سهل القوهی فی ان نسبة القطر الی المحیط نسبة الواحد الی ثلثة و سبع»، درباره‌ی عدد پی؛ «حاشیه بر کتاب ایضاح البرهان علی حساب الخطأین»، تألیف جابر بن ابراهیم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (320 /2)، تاریخ الحکماء قفطی (574)، تاریخ طب (704 -703 /2)، ریحانه (68 /8)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (37 -35)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌صلاح)، معجم المؤلفین (105 /2)، نامه‌ی دانشوران (260 -251 /1)، هدیة العارفین (84 /1).

ابن‌عربشاه اسفراینی، عصام‌الدین، ابراهیم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 873 وف 945 -943 ق)، ادیب و منطقی. اصل وی از سمرقند بود. در اسفراین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. نیا و پدر او قاضی اسفراین بودند. ابن‌عربشاه از شاگردان نورالدین عبدالرحمان جامی بود و در بخارا سکونت داشت. در اواخر عمر به قصد زیارت مرقد خواجه عبیداللّه احرار نقشبندی به سمرقند رفت، اما در آن شهر بیمار شد و درگذشت و در کنار بارگاه خواجه عبیداللّه دفن شد. از آثار وی: «اطول» که شرح «تلخیص المفتاح» خطیب دمشقی است و آن را در برابر «مطول» تفتازانی نوشته است؛ «بیان النسب بین القضایا»؛ «الاستعارات البدیعة»؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی شمسیه‌ی» میر سید شریف جرجانی؛ حاشیه‌ی «شرح عقاید نسفیه‌ی» تفتازانی؛ حاشیه‌ی «کبرای» میر سید شریف جرجانی؛ «میزان الادب»، در صرف و نحو و بیان؛ شرح «الرسالة الترشیحیة»، در اقسام استعارات؛ شرح «المشائل النبویة» ترمذی؛ شرح «طوالع الانوار» بیضاوی؛ شرح «الرسالة العضدیة»؛ «الفرید» در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (332 -331 /6)، ایضاح المکنون (44 /2)، ریحانه (141 -140 /3)، کشف الظنون (2022، 1916، 1614، 1372، 1259، 1146، 1144، 1116، 1060، 878، 853، 477، 190، 41، 39)، الکنی والالقاب (468 /2)، معجم المؤلفین (102 -101 /1)، هدیةالاحباب (198).

ابن‌عمید قمی، ابوالفضل محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 360 ق)، شاعر، ادیب، کاتب، حکیم معتزلی، لغوی، فیلسوف و منجم. از مردم قم بود. در همان جا نزد ابن‌سمکه تلمذ کرد. و پس از پدر در دربار آل‌بویه خدمت می‌کرد. در ری وزارت وشمگیر را داشت و مدتی هم وزیر رکن‌الدوله‌ی دیلمی بود. چندی در خدمت عضدالدوله در شیراز به سر برد. صاحب بن عباد از شاگردان او بود و به دلیل مصاحبت بیش از حد با وی به صاحب شهرت یافت. در طول عمر به بیماری نقرس و قولنج دچار بود. ابن‌عمید در اغلب علوم عصر خود تبحر داشت. شعرای بسیاری او را مدح کردند از آن جمله متنبی، شاعر معروف در ارجان به خدمت او رسید و به سبب قصیده‌ای که در محدح او گفت، صله دریافت کرد. ابن‌عمید کتابخانه‌ی بزرگی حاوی صد بار کتاب در علوم مختلف داشت که خازن آن ابوعلی بن مسکویه بود. اهمیت ابن‌عمید در آن است که صنایع لفظیه را با معانی دقیق گرد آورد و در بلاغت به درجه‌ای رساند که او را تالی عبدالحمید دانستند. وی در بغداد و به قولی در همدان یا ری درگذشت. پس از وی، پسرش نیز به وزارت رکن‌الدوله رسید که به سبب حسادت به شهادت رسید. در ادب و ترسل او را «جاحظ ثانی» می‌نامیدند. از آثار او: «تاریخ ابن‌عمید»؛ «دیوان رسائل» یا «رسائل ابن‌عمید». ابن‌ندیم، کتاب «المذهب فی بلاغة» را از آثار وی می‌داند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6/ 328)، تاریخ ادبیات در ایران (639 -638 /1)، تاریخ گزیده (792، 791، 417، 416، 412)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (740 -739 /5)، الذریعه (241، 240 /10، 224 /3)، رساله‌ی شرح احوال و آثار ابن‌عمید، روضةالصفا (50 /4)، ریحانه (128 -125 /8)، سیر النبلاء (138 -137 /16)، فوائد الرضویه (528 -521)، مجالس المؤمنین (445 -443 /2)، معجم المؤلفین (258 -257 /9)، الوافی بالوفیات (383 -381 /2)، وفیات الاعیان (113 -103 /5)، هدیة الاحباب (78 -77)، هدیة العارفین (46 /2).

ابن‌غیلان، افضل‌الدین عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 582 ق)، فیلسوف. در مدرسه‌ی نظامیه‌ی مرو درس خواند. از مخالفان ابن‌سینا و نخستین کسی بود که بر عقاید ابن‌سینا و منطق او خرده گرفت. از وی رساله‌ای به نام «حدوث العالم» باقی مانده است. وی در بسیاری موارد از کتاب «اشارات» و مباحثات او عباراتی را ذکر و مورد انتقاد قرار داده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مدارس نظامیه (244 -243).

ابن‌مسکویه، ابوعلی، ابوعبداللَّه احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 421 ق)، فیلسوف ادیب، نویسنده، و منشی آل‌بویه. ملقب به خازن. در خانواده‌ای زردشتی در ری متولد شد. در فن دبیری چندان مهارت داشت که به عنوان کاتب و ندیم به خدمت ابومحمد حسن مهلبی، وزیر امیر معزالدوله‌ی دیلمی درآمد و تا زمان مرگ با وی بود. مدت هفت سال نیز در خدمت ابن‌عمید در دربار رکن‌الدوله در ری بود و سمت کتابداری و نگاهداری اسناد و مدارک را داشت. در 355 ق که غازیان آشوبگر خراسان بر سر راه خود به روم شرقی از ری می‌گذشتند، کتابخانه‌ی عظیم ابن‌عمید را از غارت و ویرانی مصون داشت. پس از عزل ابوالفتح ابن‌عمید، همکاری با دستگاه صاحب بن عباد را نپذیرفت. چه خود را همپایه‌ی وی می‌دانست و مستقیماً به خدمت یکی از فرمانروایان آل‌بویه درآمد. پس از مرگ عضدالدوله به خدمت پسرش، صمصام‌الدوله رسید. از معاصران بوعلی سینا بود و با ابوحیان توحیدی و بدیع‌الزمان همدانی مکاتبه داشت. از احوال ابن‌مسکویه پس از اعدام ابن‌سعدان، وزیر صمصام‌الدوله (375 ق)، اطلاع چندانی در دست نیست. ابن‌مسکویه چهره‌ی برجسته‌ای در حیات عقلی و فرهنگی زمان خود بود. در رشته‌های گوناگون تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. به کیمیاگری و علوم غریبه سخت علاقه‌مند بود. برداشت وی از دین بیشتر فلسفی و تا حدی عقلانی بود. رنگ فلسفی آثار ابن‌مسکویه سبب شده است که شیعیان بیش از اهل تسنن آنها را بپذیرند. خود وی مانند فارابی و اخوان الصفا از معتقدان به تشیع فلسفی بود. از دیگر علوم مورد علاقه‌ی وی پزشکی بود و بسیار محتمل است که دو کتاب داروشناسی که ابن‌قفطی در «تاریخ الحکماء» از وی نام برده است برای عضدالدوله تألیف کرده باشد. از آثار مهم او «تجارب الامم و عواقب الهمم» در تاریخ است از آغاز تا مرگ عضدالدوله 372 ق. از دیگر آثار بزرگ وی: «تذهیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، در فلسفه اخلاق است. هدف از تألیف این کتاب آن بوده است که برای دانشجویان فلسفه و اخلاق، کتابی ساده و روان مشتمل بر بیان اصول فلسفه فراهم آورد. پس از آن کتب زیادی را به این سبک نوشتند از آن جمله، «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی که ترجمه و تألیفی از آن کتاب؛ کتاب «حکمة الخالده»، ترجمه‌ی کتاب «جاویدان خرد»، که یکی از نسخه‌های آن عنوان «کتاب آداب العرب والفرس» دارد.[1]

(مسکویه معر.) ابوعلی خازن احمد بن محمد بن یعقوب (ف. 421 ه.ق.) بنا به نقل مورخان و یا پدر او در آغاز امر زردشتی بود و سپس اسلام آورد. ابوعلی نخست در خدمت ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله (ف. 352) به سر می‌برد و بعد از آن نزد ابن‌العمید رفت و خازن کتب او بود. پس از وفات ابن‌العمید چندی در خدمت عضدالدله دیلمی و صمصام‌الدوله گذراند. ابو علی به علوم اوایل معرفت بسیار داشت و از آن جمله به فلسفه و طب و کیمیا بیش از همه مایل بود. وی از نویسندگان و مورخان مشهور اسلامی محسوب می‌شود. از جمله آثار فسلفی او که در دست است کتب ذیل را نام می‌بریم: الطهارة فی علم الاخلاق، کتاب فی جواب المسائل الثلاث (در سه مسأله: اول در اثبات صانع، دوم در نفس و احوال آن، سوم در نبوات)، تهذیب الاخلاق، آداب العرب و الفرس (ه.م.)، جاویدان خرد، کتاب العادة تجارب الامم (ه.م.) ابن مسکویه در ما بعدالطبیعه سه مسأله اثبات وجود صانع و نفس و نبوت را با روش تازه‌ای مورد مطالعه قرار داده است.

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه (ف. 421 ه.ق) از بزرگان فلاسفه و حکما و مشاهیر دانشمندان اسلامی است. در لغت، منطق، فنون شعر، ریاضیات، فلسفه و حکمت استاد بود، به خدمت عضدالدوله رسید و سمت ندیم و خازنی او را یافت. تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است «تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم» و «تهذیب‌الاخلاق و تطهیرالاعراق» و کتاب «جاویدان خرد».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (205 -204 /1)، اعیان الشیعه (172 -158 /3)، تاریخ ادبیات در ایران (302 -300 /1)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (195 -173)، تاریخ فلسفه در اسلام (682 -665 /1)، تازیخ گزیده (689)، تاریخ نظم و نثر (123)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (854 -852 /6)، دایرةالمعارف فارسی (34 /1)، الذرّیعه (66 /4، 105 /2، 387 /1)، روضات الجنات (266 -264 /1)، ری باستان (287، 286 /2)، ریحانه (208 -206 /8)، کشف الظنون (1937، 1436، 1303، 514، 43)، الکنی والالقاب (409 -408 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مؤلفین کتب چاپی (337 -336 /1)، مجالس المؤمنین (190 -189 /2)، معجم الادباء (19 -5 /5)، معجم المؤلفین (169 -168 /2)، هدیة العارفین (73 /1).

ابن‌مندویه‌ی اصفهانی، ابوعلی احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 410 /407 ق)، پزشک و فیلسوف. اهل اصفهان و از پزشکان مشهور عهد دیلمیان بود. عضدالدوله به هنگام گشایش بیمارستان عضدی او را به بغداد احضار کرد. وی یکی از بیست و چهار پزشکی بود که برای مداوای بیماران در بیمارستان انتخاب شد. ابن‌مندویه با ابن‌سیار و اهوازی همعصر بود. شاگردان بسیاری تربیت کرد، و از پرکارترین محققین زمان خود بود. از آثار او: «کافی»، مهم‌ترین اثر ابن‌مندویه، معروف به «قانون صغیر»؛ «الجامع الکبیر»؛ «الجامع المختصر فی طب»؛ «المدخل الی الطب»؛ «الاغذیه»؛ «المغیث»؛ «نهایة الاختصار»، دو کتاب اخیر هر دو در پزشکی است؛ «الطبیخ»؛ و رسایل متعدد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (2/ 259)، تاریخ الحکماء قفطی (587)، تاریخ طب (672 -670 /2)، ریحانه (8/ 233)، کشف الظنون (900، 896، 895، 891، 888، 884، 880، 861، 856، 853، 849، 573)، معجم المؤلفین (1/ 269)، الوافی بالوفیات (55 -53 /7).

ابن‌هارون دشت میشانی، ابوعمرو سهل

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 215 ق)، حکیم، شاعر، نحوی و لغوی. معروف به بزرگمهر اسلام. وی از مردم دشت میشان بود که به بصره نقل مکان کرد و در آنجا شهره گشت. و به خدمت هارون‌الرشید درآمد و تا آنجا اوج گرفت که به جای یحیی برمکی برگزیده شد. او همچنین از خادمان خاص مأمون گردید و متصدی خزانةالحکمة و کتابدار مأمون شد. ابن‌هارون از شعوبیان بود و عجم را بر عرب برتری می‌داد. و در این باره کتابها و رسایل مختلفی نگاشته است. جاحظ شیفته اوست و در وصفش گوید که او خطیب، شاعر و نویسنده قطعات بلند و کوتاه و کتب بزرگ است. گویند که وی بخیل و خسیس بود، به طوری که رساله‌ای در «بخل» نوشت و در آن خساست و بخل را ستود، و آن را به نام حسن بن سهل وزیر کرد. از جمله آثارش: کتاب «ادب اسل بن اسل»؛ کتاب «اسباسیوس فی اتحاد الاخوان»؛ «تدبیر الملک والسیاسة»؛ کتاب «دیوان الرسائل»؛ «ثعلة و عفراء»، که بر اساس «کلیله و دمنه» برای مأمون نوشت؛ «المسائل»؛ «ندود و ودود و لدود»؛ «النّمر والثعلب»؛ «الوامق والعذراء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (3/ 211)، اعیان الشیعه (7/ 323)، ایضاح المکنون (2/ 41)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 187)، ریحانه (8/ 266)، الفهرست لابن‌الندیم (174)، لغت‌نامه (ذیل/ سهل)، معجم الادباء (1/ 266-267)، معجم المؤلفین (4/ 286).

ابوترابی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد ابوترابی
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/3/2
زندگینامه علمی
اینجانب یکسال پیش از پیروزی انقلاب، یعنی زمانی که 14 سال داشتم با علاقه وافر شخصی سال 56 - 1355 به حوزه وارد شدم، علوم حوزوی را از مدرسه حقانی منتظریه آغاز کردم. این مدرسه با اشراف آیةالله شهید بهشتی (ره) و شهید قدوسی (ره) و با همکاری شخصیت هایی از قبیل آیت الله مصباح یزدی و آیةالله جنتی اداره می شد تا سه سال پس از پیروزی انقلاب از درسهای این مدرسه استفاده می کردم.
دروس سطح 2 و 3 را از درسهای آزاد حوزه علمیه استفاده کردم و در این دوره از اساتیدی چون مرحوم آیةالله ذهنی تهرانی، مرحوم آیةالله اعتمادی و آیةالله اشتهاردی و آیةالله محقق داماد بهره بردم.
درس خارج فقه و اصول را از اساتیدی چون آیة الله تبریزی، آیة الله وحید خراسانی، آیة الله بهجت، آیة الله هاشمی شاهرودی و آیةالله مکارم شیرازی فرا گرفتم. حدود 12 سال در خارج فقه و اصول شرکت کردم. از سال 1364 به دوره عمومی درسهای موسسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصباح یزدی اداره می شد وارد شدم، در این دوره های درسی با فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه علوم تربیتی، اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد (خرد، کلان، پول، بین الملل) فلسفه سیاست، روانشناسی عمومی و تفسیر قرآن آشنا شدم. علاقه وافر اینجانب به دفاع عقلانی از مبانی اعتقادی اسلامی با انگیزه اصلی اینجانب برای ورود به این دوره درسی و بعد درسهای موسسه در راه حق به صورت تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم علیه السلام ادامه یافت، در این بنیاد دوره فوق لیسانس فلسفه اسلامی را گذراندم و با پایان نامه ای در موضوع شیوه تحقیق در علوم فطری فارغ التحصیل شدم. این دوره درسی در موسسه امام خمینی (ره) ادامه یافت. با ورود به دوره دکترای فلسفه تطبیقی (اسلام و غرب) مدرک دکترای فلسفه تطبیقی را دریافت کردم.

از سال 1377 به عنوان قائم مقام مدیریت تحقیقاتی تدوین دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وارد شدم، این بخش در ابتدای تشکیل خود بود. در این سمت توانستم زمینه های رشد و پیشرفت این تحقیقات را فراهم آورم. سپس به عنوان مسئول این مرکز که وابسته به موسسه امام خمینی (ره) است، از سوی حضرت آیت الله مصباح یزدی انتخاب شدم و هم اکنون نیز ریاست این مرکز را به عهده دارم. در آشنایی با فلسفه اسلامی و غرب بیش از همه از استاد علامه حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره بردم و سه جلد از مجلدات اسفار صدر المتالهین و کتاب برهان شفا و معارف قرآن از ایشان فرا گرفتم، در فلسفه کانت از استاد دکتر احمد احمدی و استاد دکتر حداد عادل استفاده کردم. منطق ریاضی، فلسفه ریاضی و نفس و بدن را از استاد دکتر پورعبدالله آموختم. منطق، اشارات و تاریخ فلسفه را از استاد فیاضی بهره بردم و فلسفه تحلیلی را از جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای صادق لاریجانی آموختم. بخشی از اسفار صدر المتالهین را از درسهای آیةالله جوادی آملی استفاده کردم.
از سال 1363 تاکنون تدریسهای متعددی در منطق، ادبیات عرب، فقه، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، هستی شناسی، معرفت شناسی داشته و دارم و علاوه بر پایان نامه های فوق لیسانس و دکترا مقالات متعددی در موضوعات تخصصی محض و کاربردی در بحث اعتقادی و سیاسی و ... نگاشته ام، که برخی از آنها چاپ شده است و برخی دیگر به تدریج در حال آماده شدن برای چاپ است.

ابوترابی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود ابوترابی آبندانسری
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1340 شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر ساری متولد شدم. در سال تحصیلی 55 ـ 56 شمسی از کلاس سوم نظری به سبب اوضاع ناهنجار و نامساعد محیط دبیرستان، ترک تحصیل کردم. از آن پس تا سال 1358 به کار کشاورزی و مشاغل آزاد مشغول بودم، تا اینکه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال تحصیلی 58 ـ 59 توفیق ورود به حوزه علمیه قم را یافتم.
دروس مقدماتی تا سطح عالی را سال 1366 به پایان رساندم و از سال 67 در درس خارج اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و شیخ جواد تبریزی و شیخ جعفر سبحانی و در درس خارج فقه از محضر حضرات آیات عظام: شیخ جواد تبریزی و جوادی آملی و احمدی فقیه یزدی و برخی دیگر از بزرگان استفاده فراوان نمودم. در خلال سالهای مذکور حداقل یک سال از درس تفسیر حضرت آیت الله مشکینی و دو سال از درس تفسیر استاد فرزانه جوادی آملی با قرآن بیشتر آشنا شده و مأنوس گشتم، که ذوق حلاوت آن سبب شد تا در سال تحصیل 73 ـ 74 در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه شرکت نمایم، که به لطف حق تعالی در سال 76 ـ 77 دوره را به پایان رسانده، که مهر ماه سال 1384 از رساله سطح چهار (دکترا) با عنوان «پژوهشی در تفاسیر روایی شیعه» دفاع نمودم.
در خلال سالهای 61 تا 75 در دروس کلام، فلسفه و عرفان از محضر اساتید فرزانه و آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی آملی، عسکری گیلانی و انصاری شیرازی استفاده شایان بردم. همزمان با تحصیلات به فعالیتهای تدریسی، تحقیقی، تالیفی و تبلیغی در حد توان پرداختم و نیز در طول هشت سال دفاع مقدس حداقل به مدت یک سال توفیق حضور در جبهه های حق علیه باطل به شکل رزمی، تبلیغی را داشتم.

در حال حاضر با برخی از مراکز تحقیقی و نیز در مرکز جامعة الزهراء (س) در بخش امور پایان نامه به راهنمایی دانش پژوهان، همکاری دارم.

اثیرالدین ابهری سمرقندی، مفضل

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 663 /661 /660 ق)، فیلسوف، ریاضیدان و منجم. از اهالی ابهر و از دانشمندان علوم ریاضی و منطق و نجوم و حکمت در قرن هفتم هجری بود و شاگرد امام فخر رازی و معاصر و همکار خواجه نصیرالدین طوسی در رصدخانه‌ی مراغه. ابهری علوم ریاضی را علم نظری خوانده و آن را به چهارشاخه‌ی اصلی هندسه، حساب موسیقی و هیئت تقسیم کرده است. ابن خلکان نوشته که وی در اربل، در سال 625 ق با ابوالفتح موسی بن یونس از فقهای دانشمند شافعی که در ریاضیات و طب نیز مهارت داشته، به مباحثه پرداخته است. از آثار وی: «هدایة الحکمة»، در منطق که کتاب درسی بوده؛ «ایساغوجی» و «تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار»، در منطق؛ « المغنی» و «تهذیب النکت»، در علم جدل؛ «اصلاح هندسه‌ی اقلیدس»، در ریاضی؛ «زبدة الکشف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (3/ 247)، تذکره‌ی روز روشن (30)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (9/ 143)، دایرةالمعارف فارسی (57 1/)، ریحانه (1/ 37)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (122 -121)، کارنامه‌ی بزرگان (286)، کشف الظنون (2030 -2028، 1750، 1616، 1493، 953، 494، 97)، لغت‌نامه (ذیل/ ابهری)، معجم المؤلفین (12/ 315)، وفیات الاعیان (5/ 313)، هفت اقلیم (3/ 189 -190).

احدی نسب، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی احدی نسب
محل تولد : شمیران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1372 همزمان با اتمام سطح حوزه وارد دانشگاه شدم و رشته فلسفه را از دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و همزمان به تدریس در حوزه پرداختم. بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه مفید به تحصیل پرداخته و همزمان در درس خارج شرکت کردم و در طی تحصیل در مراکز مختلف به تدریس مشغول بودم.

احدی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی احدی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب "الزبده" را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:
1- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.
2- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیقه فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایة الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.
خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیة الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.
مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.
منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احسائی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1241 -1166 ق)، عالم، حکیم و مؤسس طریقه‌ی شیخیه. وی در احساء به دنیا آمد. در حدود 1186 ق از بحرین عازم عتبات شد و در مجالس استادانی نظیر وحید بهبهانی، سید مهدی بحرالعلوم طباطبایی، سید علی طباطبایی مؤلف «ریاض»، شیخ جعفر کاشف العظاء و میرزا مهدی شهرستانی تلمذ کرد. شیخ احمد علاوه بر تحصیل فقه و اصول، در طب و نجوم و ریاضی قدیم و علم حروف و اعداد و طلسمات نیز مطالعاتی کرد و بخصوص در فلسفه تبحری خاص یافت. وی چندی نیز در بحرین و کربلا و نجف و بصره زیست و در حدود 1221 ق به قصد زیارت مشهد رضوی به ایران آمد و در مراجعت از مشهد، به خواهش اهالی یزد، یک چند در آن جا اقامت گزید. فتحعلی شاه او را به تهران خواند، وی نیز قبول دعوت محمد علی میرزای دولتشاه در کرمانشاه اقامت گزید و بعد به حجاز و شام و عراق رفت و سپس به مشهد سفر کرد و در مراجعت به قزوین رفت، و در مدرسه صالحیه مشغول تدریس گشت. وی در این سفر با ملامحمد تقی برغانی مباحثاتی داشت. او مریدان بسیار و تألیفات فراوان داشت. به زهد و عزلت و ریاضت علاقه‌ی بسیار می‌ورزید و خلوت و تفکر را دوست می‌داشت. احسائی پس از فوت اساتید و مشایخ خود ادعای کشف و الهام و تفویض و غلو و موهمات و معمیات کرد، و از این رو در مراکز علمی شیعه موجی علیه او برخاست . افکار او رنگی از عرفان و حکمت داشت. عقاید و آراء شیخ احد به وسیله‌ی شاگردش سید کاظم رشتی تقریر و توضیح شد و طریقه‌ی ایشان به نام طریقه یا مذهب شیخیه موسوم گشت. احسائی عاقبت در سفر حج، بین راه، وفات یافت و در مدینه در جوار قبور ائمه اطهار (ع) دفن شد. آثار عمده‌ی او عبارت است از: « شرح الزیارة الجامعة الکبیره»؛ «شرح حکمت عرشیه‌ی ملاصدرا»؛ «جوامع الکلم»؛ «شرح فواید»؛ «شرح المشاعر» ملاصدرا؛ «رساله فی بیان حقیقة العقل و الروح و النفس بمراتبها»؛ «الاجازات»؛ «الاجتهاد و التقلید»؛ «مباحث الالفاظ»، در اصول؛ «کتاب فی احکام الکفّار»؛ «حیاة النفس»؛ «حقیقة الرؤیا و اقسامها».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 124)، اعیان الشیعه (593 -589 /2)، ایضاح المکنون (705، 475، 474 348، 209، 205، 203 /2، 567، 564، 474

425، 412، 372، 339، 305، 267، 222، 206، 205 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1204 -1202 /9)، دایرةالمعارف فارسی (63 /1)، الذریعه (71 /18، 133 /13، 124 /7)، روضات الجنات (97 /1)، ریحانه (82 -78 /1)، طرائق الحقائق (339 -337 /3)، قصص العلماء (49 -47)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد احسایی)، مؤلفین کتب چاپی (349 -345 /1)، معجم المؤلفین (229 -228 /1)، مکارم الآثار (1138 -134 /4)، هدیة العارفین (185 /1)، یادداشتهای قزوینی (148 /8)، یادگار (س 1، ش 4، ص 47 -30)، یغما (س 14، ش 10، ص 448 -440).

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا احمد خان بیگی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال تحصیلی 58 - 57 با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال 59 دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم.
در سال 78 با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال 81 فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال 78 برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال 81 به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم.
در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد احمدی
محل تولد : ملایر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1312/6/15
دکتر احمداحمدی متولد 15/ 12/ 1312 اهل ملایر در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. جامع المقدمات را در روستای زادگاه خویش خواند. سپس در سال 1331به مدت پنج سال تا نیمه سطح را در شهرستان بروجرد فرا گرفت و در سال 1336 به حوزه علمیه قم رفت و دروس تفسیر و فلسفه اسلامی را از محضر استاد علامه طباطبایی و نیمه دوم سطح را در خدمت آیات عظام سیدمحمدباقر طباطبایی سلطانی، فکور (رحمهم االله)، نوری همدانی و مشکینی مدظلهما. دروس خارج را از محضر آیات عظام بروجردی، امام خمینی (ره)، نجفی مرعشی، محقق داماد، (رضوان الله علیهم) تلمذ کرد.
همزمان با تحصیل در قم دکترای فلسفه غرب را از دانشگاه تهران گرفت و از سال 1353 تاکنون عضو گروه فلسفه دانشگاه تهران است. دکتر احمدی در اوائل دی ماه 1360 به امر حضرت امام (ره) عضو ستاد انقلاب فرهنگی و سپس عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی شد و هم اکنون نیز عضو آن شورا است.
وی از بنیانگذاران اصلی دانشگاه تربیت مدرس است و خود به مدت 14 سال ریاست دانشکده علوم انسانی آنجا را به عهده داشته است. همچنین بخش تربیت مدرس دانشگاه قم در مدرسه دارالشفاء را راه اندازی و تا چند سال اداره کرده است. دکتر احمدی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی برای دانشگاهها (سمت) را در نیمه دوم سال 1364 تاسیس کرد. مسئولیت آن را تاکنون به عهده دارد.
از سال 1363 تاکنون در دانشگاههای مختلف فلسفه تطبیقی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می کند. از آثار چاپ شده او ترجمه تأملات دکارت و ترجمه کتاب "The Unity of Philosophical Experience" تالیف ژیلسون است که با نام فارسی (نقد تفکر فلسفه غرب) تاکنون شش بار چاپ شده است. از آثار چاپ نشده او ترجمه

(تاسیس ما بعدالطبیعه اخلاق) کانت است. دهها مقاله چاپ شده در زمینه های تفسیر و ادبیات و فلسفه و... که بیشتر آنها فلسفی است. کتابی هم در دست تالیف دارد که حاوی نظرات خود او در باب بنیادی ترین مسائل فلسفی و طبعاً بسیاری از مکتبهای فلسفی بویژه فلسفه های غرب را نقادی کرده است .

منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احمدی، بابک

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بابک احمدی در سال ۱۳۲۷ در تهران به دنیا آمد و مقیم همین شهر است. تا سال ۱۳۵۲ در دو رشته علوم سیاسی و فلسفه، در ایران و ایالات متحده آمریکا درس خواند. وی از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ به همکاری با نشریه فیلم پرداخت و در همان سال‌ها گرایش به ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر را آغاز کرد و آثار فراوانی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
گرایش : فلسفه هنر
تحصیلات رسمی و حرفه ای : بابک احمدی تا سال ۱۳۵۲ در دو رشته علوم سیاسی و فلسفه، در ایران و ایالات متحده آمریکا درس خواند. او سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ را در لندن و سال‌های بعد تا بهمن ۱۳۵۷ را در پاریس گذرانده است.
فعالیتهای ضمن تحصیل : وی از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ به همکاری با نشریه فیلم پرداخت و در همان سال‌ها گرایش به ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر در آثار و نوشته‌هایش آشکار شد.
چگونگی عرضه آثار : ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر از آثار بابک احمدی است. فعالیت‌های اولیه وی بر معرفی فیلمسازان متفاوتی چون روبر برسون و آندری تارکوفسکی گذشت که با انتشار کتاب های«باد هر جا بخواهد می‌وزد، اندیشه‌ها و فیلم‌های‌روبربرسون» و «امید بازیافته، سینمای آندری تارکوفسکی» عرضه عمومی‌شد. بعد ها وی به سمت مباحث زیبایی شناسانه و فلسفه هنر روی آورد که نتیجه آن کتاب«از نشانه‌های تصویری تا متن» بود. مدتی بعد وی حاصل درس گفتاری های خود در فلسفه هنر را در کتابی با عنوان «حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفهٔ هنر» از سوی نشر مرکز به بازار کتاب عرضه کرد. احمدی در زمینه مارکس هم علاوه بر واژه نامه فلسفی مارکس کتاب نسبتا حجیم مارکس و سیاست مدرن را تدوین وانتشار داد. همزمان با اوج گیری مباحث مربوط به هایدگر در ایران وی دو کتاب درباره هایدگر نوشت

آثار :

1 آفرینش و آزادی،
ویژگی اثر : جستارهای هرمنوتیک و زیبایی شناسی-نشر مرکز
2 از نشانه‌های تصویری تا متن
ویژگی اثر : مباحث زیبایی شناسانه و فلسفه هنر- نشر مرکز
3 امید بازیافته،
ویژگی اثر : سینمای آندری تارکوفسکی-نشر مرکز
4 باد هر جا بخواهد می‌وزد،
ویژگی اثر : اندیشه‌ها و فیلم‌های‌روبربرسوننشر مرکز
5 تصاویر دنیای خیالی،
ویژگی اثر : مقاله هایی درباره سینما-نشر مرکز
6 چهار گزارش از تذکرةالاولیای شیخ فریدالدین عطار نیشابوری
ویژگی اثر : رویکرد به متنی از ادبیات کهن ایرانی-نشر مرکز
7 حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر
ویژگی اثر : حاصل درس گفتاری های بابک احمدی در فلسفه هنر -نشر مرکز
8 خاطرات ظلمت
ویژگی اثر : درباره سه اندیش گر مکتب فرانکفورت-نشر مرکز
9 رساله‌ای در تاریخ
ویژگی اثر : در دست چاپ-نشر مرکز
10 ساختار و تأویل‌متن
ویژگی اثر : -نشر مرکز
11 ساختار و هرمنوتیک
ویژگی اثر : -نشر مرکز
12 سارتر که می‌نوشت
ویژگی اثر : -نشر مرکز
13 کار روشنفکری
ویژگی اثر : نقد وارزیابی وی از فضای روشنفکری در ایران است-نشر مرکز
14 کتاب تردید
ویژگی اثر : -نشر مرکز
15 مارکس و سیاست مدرن
ویژگی اثر : احمدی در زمینه مارکس هم علاوه بر واژه نامه فلسفی مارکس-نشر مرکز کتاب نسبتا حجیم مارکس و سیاست مدرن را تدوین وانتشار داد.
16 مدرنیته و اندیشه انتقادی
ویژگی اثر : -نشر مرکز

17 معمای مدرنیته
ویژگی اثر : -نشر مرکز
18 هایدگر و پرسش بنیادین
ویژگی اثر : -نشر مرکز
19 هایدگر و تاریخ هستی
ویژگی اثر : -نشر مرکز
20 واژه‌نامه فلسفی مارکس
ویژگی اثر : -نشر مرکز
منابع زندگینامه :
بانک رسانه ها - روزنامه همشهری 31-1-1387 "زندگینامه : بابک احمدی"

احمدی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن احمدی
محل تولد : شاهرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1361 در مشهد مقدس رضوی به عشق علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد مدرسه حاج آقای موسوی نژاد (حفظه الله) تعالی شدم و طبق برنامه بسیار جالبی که در این مدرسه حاکم بود، درس صرف را مستقیماً از خود ایشان آموختم، ایشان با طرحی بسیار جالب مطالب صرف را دسته بندی و روی تخته آموزش می داد و ما هم می نوشتیم. بدون هیچ کتابی در مدت کوتاهی در صرف مهارت خوبی پیدا کردیم. بعد از تمام شدن فقط صرف ساده و بعضی کتب جامع المقدمات را مرور نمودیم، و بعد وارد درس هدایه شدیم و بعد صمدیه و سایر کتب ادبیات. بعد از مدت چهار سال دروس ابتدایی و متوسط را اعم از ادبیات، منطق، معانی بیان، اصول الاستنباط، اصول فقه و لمعه را تمام کردم.
در سال پنجم وارد دروس سطح عالی شدم. قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در مشهد درس گرفتم. بعد از آن رهسپار قم مقدسه شدم و بیع به بعد را از خدمت حضرت آیت الله استاد احمد پایانی (رحمة الله علیه) و حضرت استاد شیخ مصطفی اعتمادی استفاده نمودم و کفایتین را خدمت استاد گنجعلی خراسانی که خود از شاگردان اسبق همان مدرسه حاج آقای موسوی نژاد در مشهد بوده اند، فرا گرفتم و با مشورت و تشویق خود ایشان و به توفیق الهی با شوق فراوان وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی (از اول اصول) و اصول حضرت آیت الله تبریزی (از استصحاب تا آخر دوره بعد) شدم. همزمان در درس فقه حضرت آیت الله تبریزی (از بحث اوانی در طهارة) شرکت نمودم و هر روز بعد از درس در جلسات خصوصی سوال و جواب در منزل حضرت آیت الله تبریزی شرکت نموده و از آن مباحثات و سوال و جوابها استفاده ها نمودم.
بعد از اینکه چند سال درس خارج رفتم به اتفاق چند نفر از دوستان که از فضلا می باشند از یکی از شاگردان اسبق حضرت آیت الله تبریزی جناب

حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی شهیدی (حفظه الله) خواهش نموده و یک درس با محوریت کتاب بحوث فی علم الاصول شهید آیت الله صدر، درس خارج خصوصی که بیشتر صبغه مباحثه و جواب و اشکال داشته باشد را شروع نمودیم که تا سال 83 ادامه داشت و پایان یافت. در خلال بحث های اصول و فقه از تحصیل فلسفه هم بی بهره نبودم و کتاب منظومه سبزواری را خدمت استاد نکونام آموختم. کتابهای نهایه، بدایه و اسفار، اشارات، شوارق و حتی بعضی بحثهای شفا را مطالعه نموده ام.
حدود 10 سال است که تدریس در بعضی از مدارس و به صورت منظم در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی را شروع کرده ام. در این خلال اصول فقه، روضه، حلقات شهید صدر و خصوصا حلقه ثالثه رسائل اعم از قطع و ظن، برائت و استصحاب و مکاسب را تدریس نموده ام و هم اکنون نیز مشغول تدریس قطع و ظن در مدرسه مبارکه آیت الله گلپایگانی و حلقه ثالثه در مدرسه مبارکه حجتیه برای طلاب خارج از کشور می باشم.
از سال 75 وارد موسسه دائرة المعارف فقه شیعه شده و تاکنون به همکاری با آنان ادامه داده ام و در این راستا زیر نظر حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی مقالات فقهی زیادی را به رشته تحریر در آورده ام. در آن موسسه به عنوان های سر گروه، مدیر مجله، عضو شورای سرپرستی تحقیقات، دبیر شورای سرپرستی تحقیقات و اخیراً عضو هیئت علمی آن موسسه مشغول انجام وظیفه علمی و حوزوی می باشم.
با بخش مرکز مدیریت خواهران حوزه علمیه به عنوان مصاحبه سطح 2 و 3 نیز همکاری دارم. با مراکز مختلف تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات قوه قضاییه، مرکز جهانی تقریب المذاهب و... همکاری داشته و گاهگاهی مقالات فقهی و اصولی می نویسم .

احمدی، محمد مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد مهدی احمدی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیدمحمدمهدی احمدی، فرزند سیدابوالفضل، متولد 1332 شمسی، محل تولد: خمینی شهر اصفهان. پدرم از روحانیون موجه و معنون آن خطه بودند و اجداد ما همگی روحانی عالم و مورد اعتماد مردم بودند. حقیر در این خانواده رشد نموده و طبق معمول وارد دبستان شدم.
در آن زمان در بعضی از مدارس صبحها سر صف قرآن قرائت می شد و بعد مراسم دعا انجام می گرفت. معمولا بنده را مامور این کار می کردند و با تلاوت چند آیه از قرآن و خواندن سرود مراسم پایان می یافت. بعد از ظهرها مجدداً کلاس درس برگزار می گردید. یکی از نقاط قوت آن مدرسه این بود که مدیر مدرسه به جهت مذهبی بودن، مراسم نماز جماعت ظهر و عصر را بر پا نموده و همه را مکلف به انجام آن می نمود. حقیر چون از خانواده روحانی بودم به عنوان امام جماعت انتخاب شدم و نماز جماعت را در مسجد نزدیک مدرسه اقامه می نمودم.
بعد از تمام نمودن دوران ابتدایی به جهت علاقه شخصی و نیز محیط خانواده به مدارس علوم دینی و به اصطلاح طلبگی روی آوردم. آغاز تحصیل حدوداً سال 45 ـ 44 بود. ابتدا در همان شهر به مدت یک سال ماندم و بعد به اصفهان آمده و در مدرسه صدر بازار حجره گرفته و مشغول تحصیل شدم. در ضمن دروس جدید مقطع دبیرستان را به صورت شبانه خواندم و دیپلم گرفتم.
هجرت به قم: در حوزه علمیه اصفهان دروس مقدمات سیوطی و شرایع و حاشیه را خواندم. ولی احساس نمودم دروس اصفهان شتاب خاص خود را ندارد و بسیار کند حرکت می کند. اساتید معمولا جدیت خاصی ندارند و بسیار کم درس می دهند. از طرفی تشنگی و نیاز درونی من متناسب با داده ها نمی باشد. لذا بعد از مشورت با چند نفر از اساتید دلسوز تصمیم گرفتم به حوزه علمیه قم هجرت نمایم. لکن موانع زیادی در سر راهم

وجود داشت و تقریبا مشوقی در این کار نیافتم بلکه به عکس مخالفت های زیادی می شد.
سال تحصیلی 49 ـ 48 بود که به قم مشرف شدم. در آن زمان مدرسه حقانی از مدارس بسیار منظم و معروفی بود و از طریق امتحان ورودی طلاب را جذب می نمود. من در امتحان شرکت کردم و بعد از قبولی وارد آن مدرسه شدم. اساتید آن مدرسه نوعا از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم بودند که اکنون بعضی از آنان از مراجع تقلید می باشند. مدتی در آن مدرسه بودم و بعد از آن مدرسه بیرون آمدم و در مدرسه دارالشفاء حجره ای گرفتم و تا سال 54 در آن مدرسه بودم. اساتید مقطع تحصیل سطح: هر چند حقیر اساتید متعددی در این مقطع داشتم لکن نام بعضی از آنان را اشاره می کنم:
1. مرحوم آیت الله ستوده که مکاسب را نوعا خدمت ایشان خواندم.
2. حضرت آیت الله مظاهری اصفهانی که اکنون ریاست حوزه علمیه اصفهان را دارند.
3. مرحوم آیت الله سلطانی که استاد کفایه بودند و نزد ایشان بخشی از کفایه را تلمذ نمودم.
در سال 1354 به درس خارج راه یافتم و دروس فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار فرا گرفتم. همزمان با آن به جهت علاقه شدید به علوم عقلی دروس فلسفه را نزد اساتید بزرگوار تلمذ نمودم. لازم به ذکر است تا حدود سال 1374 به درس خارج اشتغال داشتم.
اساتید خارج فقه و اصول حضرات آیات: فانی اصفهانی، حائری یزدی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، (رحمت الله علیهم) حاج شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی (دامت برکاتهم). قبلاً اشاره کردم که همزمان با دروس فقه و اصول، فلسفه را نیز فرا گرفتم و دروس بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، منظومه، شفا و اسفار را نزد اساتید آموختم. اساتید فلسفه آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی، امینی، انصاری. ضمناً حقیر کتاب فصوص الحکم ابن عربی و بخشی از مصباح الانس را نزد حضرت آیت الله حسن زاده تلمذ نمودم.

احمدیان، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم احمدیان
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ابراهیم احمدیان در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلخالی (امام صادق علیه السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم.
دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه وند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهاردی، پایانی و نامدار .
در سال 1370 به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

ارباب، رحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی از مشاهیر علماء اسلامی و اکابر دانشمندان و اکبر و اعظم علماء معاصر اصفهانست و از جهت سن و شیخوخیت از تمام علماء و مجتهدین امامیه مسن‌تر و بیش از یکصد سال از عمر مبارکش میگذرد و از برکات روحانیت است.
ولادتش در اصفهان و نشو و نمایش نیز در آن سامان بوده در خانواده ثروتمندی اصیل و نجیب و شریف تربیت شده و مقدمات و سطوح را از مدرسین اصفهان فرا گرفته و دروس فقه و اصول را از اکابر دانشمندان چون حجه‌الاسلام والمسلمین آقای ابوالمعالی کلباسی و حجه‌الاسلام آخوند ملا محمد کاشی و آیه‌الله میر سید محمد تقی مدرس و آیه‌الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای و بالاخص مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقائی علم حکمت و فلسفه را فرا گرفته و با مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی در هنگامیکه در اصفهان تحصیل میکردند شریک درس و مباحثه بوده‌اند و چون بحکیم قشقائی اتصال و ارتباط زیادی داشتند بآن بزرگوار تأسی نموده و جز در هنگام اقامه جمعه و جماعت عمامه نمیگذارند بلکه با کلاه که در تمثالشان دیده میشود بسر برده‌اند.
تألیفات و تصنیفاتی در فقه و اصول و حکمت دارند رحمه‌الله علیه رحمه واسعه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردستانی، محمدصادق

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1134 ق)، عارف، فیلسوف و زاهد. از اهالی اصفهان بود. پدرانش همه اهل فضل و از جمله‌ی عرفا بودند. وی در اصفهان حکمت عالیه تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش مولی حمزه‌ی گیلانی، شیخ محمدعلی حزین، محمدصالح بن سعید خلخالی و آقا محمد صادق تفرشی بوده‌اند. پس از مرگ پیکرش را در سمت جنوب شرقی پل خواجو دفن کردند، به همین جهت به آخوندپلی یا آخوند پلوی شهرت یافت.
ولی در موقع تعریض خیابان جنازه‌ی وی به تخت فولاد منتقل شد. از آثار وی: «تباشیر»، در عرفان؛ «رسایل جعلیه»؛ حواشی بر «شفا».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (383 -382)، ریحانه (105 -104 /1).

ارشادی نیا، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق ارشادی نیا
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
آقای محمد صادق ارشادی نیا در سال 1342هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1356 که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید.
پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله مرتضوی و... بهره ها برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1367 به حلقه دروس خارج راه یافت.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه اسلامی در مقطع دکترا در سال1381 از دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نقد و بررسی نظریه تفکیک" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فردوسی، و... مشغول است.
لازم به ذکر است که نامبرده به مدت سه سال ریاست دانشگاه آزاد واحد سبزوار را به عهده داشته است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های "کتاب نقد و بررسی نظریه تفکیک" و "از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک" و... از جمله آثار ایشان است.

ارفع، محمدکاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد کاظم ارفع ، فرزند سید ناصر الدین ارفع ، در سال 1323 در تهران به دنیا آمد . دوران تحصیلی دبیرستان را ناتمام رها کرد و به تشویق پدر و شوق خود ، روی به آموزش حوزوی آورد . او در حوزه ی علمیه ای در تهران (خیابان ری ، بازارچه ی نایب السلطنه) به درس و بحث طلبگی اشتغال یافت . پس از چهار سال طلبگی در آن مدرسه ی علوم اسلامی که برجسته ترین استادش حاج آقا مجتهدی بود ، در سال 1342 به حوزه ی علمیه ی قم مهاجرت کرد . استادان بزرگ او در این حوزه عبارت بودند از: آیت الله فاضل لنکرانی ، مرحوم آیت الله سلطانی ، آیت الله نوری همدانی و مرحوم دکتر مفتح .
پس از درگذشت پدر گرانمایه اش ، ناچار شد برای سرپرستی خانواده ، از قم به تهران بازگردد و باز همچنان به آموختن علوم و معارف اسلامی ، این بار نزد استادان : آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفه در مسجد لرزاده و آیت الله میرزا باقر آشتیانی در مدرسه ی مروی پرداخت . در عین حال ، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی ، به وعظ و تبلیغ متعهدانه ی انقلابی روی آورد .
مترجم گرامی صاحب بیش از پنجاه کتاب اعم از تالیف و ترجمه است و اغلب و بلکه همه ی آنها در زمینه ی علوم و معارف اسلامی و نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است . ایشان بر وفق سنتی مرضیه به ترجمه ی قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه توفیق یافته است .
برگرفته از کتاب :بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

اژه‌ای، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1323، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترا در رشته فلسفه و منطق از ایران.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
فلسفه، منطق و فلسفه تحلیلی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 2
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
منطق، فلسفه علوم، فلسفه معاصر.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 6، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
منطق، معنی‌شناسی، فلسفه‌های تحلیلی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

استادی مقدم، کاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاظم استادی مقدم
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/5/5

اسراری، هادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا هادی بن حاج مهدی عالمی عامل و حکیمی کامل از اعاظم فلاسفه و حکمای اسلامی اواخر قرن سیزدهم هجری بوده است.
وی صدر متألهین اسلام و قدوه متبحرین در حکمت و کلام و در احاطه حقایق حکمت بی‌نظیر و در استکشاف اسرار و دقایق فلسفه بی‌عدیل بوده.
اگر افلاطون عصرش بخوانیم روا و اگر ارسطوی دهرش بگوئیم بجاست.
و در عصر ناصرالدین شاه قاجار چنان بود که ملا صدرا در زمان شاه عباس کبیر و در فنون شعریه نیز بسیار ماهر بوده و خود را متخلص به اسرار می‌نموده و گاهی در اصطلاح اهل فضل به حاجی یا حاجی سبزواری تعبیرش نمایند و خلاصه ادوار زندگانی آن فیلسوف ربانی موافق آنچه از خط خودش نقل شده.
آنگه در حدود هفت و هشت سالگی شروع به نحو و صرف کرده و در حدود ده سالگی وی، پدرش به مکه رفته و در مراجعت در شیراز وفات یافته پس عمه‌زاده‌اش حاج ملا حسین سبزواری که سالها مقیم مشهد مقدس بوده و در انزوا و تقلیل غذا و اجتناب از محرمات و مکروهات و مواظبت بر فرائض و نوافل مراقبت تمام داشت
وی او را به ارض اقدس برده و در تمام اخلاق فاضله مساهم و مشارکش نموده و او نیز اصول و فقه و عربیات و علوم عقلیه را از حاج ملاحسین مذکور فراگرفته و تا ده سال دیگر بدین منوال گذرانیده و بحظوط و افره علمی و اخلاقی نایل پس به قصد تحصیل معقول و حکمت به اصفهان رفته و هشت سال دیگر در حوزه درس ملا اسماعیل اصفهانی و ملا علی نوری به تحصیل فلسفه پرداخته و اساس حکمت اشراق را استوار داشته پس پنج سال دیگر در خراسان به تدریس فقه و اصول و حکمت پرداخته سپس به زیارت بیت‌اللّه‌الحرام مشرف و بعد از مراجعت در سبزوار مشغول تدریس حکمت گردیده است.
تولد ایشان در 1212 ق برابر حساب (غریب) واقع شده و در سال 1289 ق وفات نموده است.
آثار علمی وی بسیار و از آنهاست کتب زیر
1- اسرارالحکم فارسی و مکرر چاپ شده
2- اسرارالعباده در فقه

3- اصول‌الدین
4- الجبر والاختیار
5- دیوان شعر فارسی
6- شرح الاسماء الحسنی که دعاء جوشن کبیر است
7- شرح دعاء صباح حضرت امیر (ع)
8- شرح غررالفوائد
9- شرح لالی المنتظمه
10- غررالفرائد
11- محاکمات در رد شیخیه
12- مقیاس در فقه
13- نبراس نیز در فقه
14- هدایة المسترشدین و حواشی بسیاری در اسفار ملا صدرا و کتب دیگر. ملا کاظم سبزواری که از تلامذه وی بوده در ماده تاریخش گفته است.

اسرار چو از جهان بدر شد
از فرش بعرش ناله بر شد
تاریخ وفاتش ار به پرسند
گویم که نمرد زنده‌تر شد

از اشعار حکیم سبزواری اشعار زیر است

شورش عشق تو در هیچ سری نیست که نیست
منظر روی تو زیب نظری نیست که نیست
ز فغانم ز فراق رخ و زلفت به فغان
سگ کویت همه شب تا سحری نیست که نیست
نه همین از غم او سینه ما صد چاک است
داغ او لاله صفت بر جگری نیست که نیست
موسی نیست که دعوی اناالحق شنود
ورنه این زمزمه اندر شجری نیست که نیست
چشم ما دیده خفاش بود ورنه ترا
پرتو حسن به دیوار و دری نیست که نیست
گوش اسرار شنو نیست وگرنه اسرار
برش از عالم معنی خبری نیست که نیست

برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اسفندیاری، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی اسفندیاری
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
استاد گرانقدر آقای مصطفی اسفندیاری مشهور به فقیه در اول فروردین سال 1351هجری شمسی در خانواده ای متدین، کاملا مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام در برگه به دنیا آمد. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، برگه از توابع شهرستان ساری با موفقیت سپری کرد.
در پی تشویق خانواده، مخصوصا پدرش و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی و برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد. پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید مبرزی چوت آیت الله مروی و و اعظی در سال 1375 به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله علی فلسفی، آیت الله سیدعبدالهادی مرتضوی، آیت الله اشرفی کسب فیض کرد. از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تاکنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1380از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش باعنوان "بررسی مهم ترین اختلاف های سنی و شیعه در مهدویت" دفاع کرد و هم اکنون در مقطع دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشغول تحصیل است.
ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی و آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که کتاب "حجت موجه" یکی از آثار گرانبهای ایشان است.

اسکافی مروزی، ابوحنیفه

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 451 ق)، فقیه، حکیم و شاعر. او را بعضی اهل مرو و برخی اهل غزنین می‌دانند. لقب اسکافی وی به این دلیل بود که پدر یا اجداد وی کفشگر بودند، البته در بعضی از منابع شغل خودش را نیز کفشگر نوشته‌اند. در زمان سلطنت سلطان مسعود غزنوی می‌زیست، و علاوه بر شاعری مسند تدریس نیز داشت، و مردمان را رایگان علم و ادب می‌آموخت. او دارای «دیوان» شعر نیز بود و ابوالفضل بیهقی اشعار وی را در تاریخ خود آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (655/2)، تاریخ ادبیات در ایران (403 -398 /2)، تاریخ بیهقی (274 و 381 ،380 ،275)، تاریخ نظم و نثر (44)، چهارمقاله (9)، دایرةالمعارف فارسی (29/1)، الذریعه (40/9)، ریحانه (76 -75 /7)، سخن و سخنوران (198)، شاعران بی‌دیوان (596 -587)، لباب‌الالباب (175/2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه‌ی اسکافی)، مجمع الفصحا (216 -208 /1)، هفت اقلیم (332/1).

اسلامپور کریمی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن اسلام پور کریمی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/4/5
زندگینامه علمی
در سال 1349 شمسی در بابل متولد شدم و بعد از اتمام دوره های ابتدائی و راهنمائی با معدل20 یا بالای 19 بر اساس علاقه ام به قرآن و معارف اسلامی در مسابقات قرآن و تجوید و مفاهیم شرکت می‌کردم.
در سال 64 در حوزه علمیه فیضیه مازندران در بابل نزد استاد گرانقدر حاج آقای فاضل به تحصیل صرف و نحو و فقه مشغول شدم. در سال 65 بر اساس وظیفه و لبیک به ندای ولایت فقیه در جبهه حق علیه باطل حضور یافتم. در تاریخ 14/ 12/ 65 در منطقه شلمچه به اسارت نیروهای بعثی در آمدم و تا سال 66 که در تکریت، بعقوبه و رمادیه عراق در اسارت به یادگیری و یاددهی نحو و صرف و تجوید و عربی جدید صرف کردم.
بعد از آزادی (30/ 8/ 69) و بعد از 9 روز از آزادی در مدرسه رضویه قم به تحصییل حوزوی ام ادامه دادم. با توجه به نیاز و آمادگی برای خدمت به قشر جوان دانشگاهی، دوران دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب در سال 73 به اتمام رسانده و سال 74 وارد دانشگاه تهران (مجتمع آموزشی عالی قم) شدم. مقطع کارشناسی در سال 77 به اتمام رسد . همزمان در مقطع کارشناسی فعالیتهای چشم گیری در مسجد امام رضا (ع) منطقه علی آباد سعدگان و پایگاه بسیج مربوط به آن (پایگاه 4 شهید امینی بیات) انجام دادم که به طور عمده روی قرآن، عقیدتی و امر به معروف و نهی از منکر، مفاهیم قرآن و روخوانی و تجوید متمرکز بود و در سال 77 در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم.
در سال 81 از پایان نامه ام با موضوع "ادراکات فطری" در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دفاع نمودم.
از سال 81 تاکنون که در مقطع دکتری همان رشته (فلسفه) و همان دانشگاه مشغولم به تدریس در موضوعات فلسفه، کلام، منطق و عرفان و متون انگلیسی می‌پردازم و همزمان مشاورات نویسندگی و پژوهشی

ارائه می‌دهم. از سال 81 تاکنون در واحد کتابشناسی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال دارم.
در زمینه ویراستاری و نگارش قطعات کوتاه ادبی کارهایی انجام دادم و چاپ شده است. از سال 82 تاکنون در تاسیس و اداره نشریه های عمومی برای جوانان منطقه‌های بابل تحت عنوان‌های نشریه لاله آباد و نشریه شهدای کریمکلا فعالیت دارم.

اسلامی اردکانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین اسلامی اردکانی
محل تولد : کربلا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در خانواده ای روحانی مقیم در کربلا زاده شدم. در سال 1350 به ایران بازگشتم. هر چند از کودکی به گونه پراکنده ای صرف و نحو می خواندم، اما در سال 56 رسما وارد حوزه علمیه شیراز شدم و به تحصیل پرداختم. پس از تسلط بر ادبیات عرب و دروس میانی حوزوی، سطوح عالی و خارج را در قم گذراندم. در کنار دروس حوزوی و ادامه تحصیل دانشگاهی، به فعالیت های فرهنگی و برخی مشاغل علمی اجریی اشتغال داشتم. در زیرفعالیت های علمی بنده به تفکیک آمده است:
1. سوابق آموزشی:
الف) حوزوی: پس از به پایان بردن مرحله سطح حوزه، هشت سال نیز در درس های خارج فقه و اصول اساتید مبارز حوزه شرکت کرده ام. در ین مدت درس های اصلی (فقه و اصول) و درس های جانبی حوزه مانند فلسفه، کلام، تفسیر را نیز گذرانده ام.
ب) دانشگاهی: در کنار درس های حوزوی به ادامه تحصیل در دانشگاه مشغول بوده، کارشناسی ارشد خود را در رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش فلسفه و کلام) دانشگاه قم در سال 1379 دریافت داشته ام. در همان سال نیز در مقطع دکتری کلام (گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی) همان دانشگاه پذیرفته و در سال 1384 با دفاع از پایان نامه دکتری خود با عنوان "شبیه سازی انسان از دیدگاه دین کاتولیک و اسلام" با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم.
ج) دوره های آموزشی مختلف: در کنار فعالیت های اصلی آموزشی، همواره در پی کسب صلاحیت های لازم برای تخصص در تعلیم و تحقیق بوده ام. از این رو در دروه های آموزشی مختلف مانند کارگاه ترجمه، اصول کتابداری، آشنایی با منابع مرجع، نمایه سازی، اصطلاح نامه نویسی، ویرایش، مبانی کامپیوتری، اینترنت، تکنولوژی اطلاعات، زبان انگلیسی و

فرانسه شرکت کرده و دوره های گوناگونی از این دست را گذرانده ام.
2. توانایی های علمی:
الف) اینجانب به زبان های انگلیسی و عربی، در حد مکالمه و ترجمه متون تخصصی مسلط هستم و نوشته های متعددی از این زبان ها ترجمه کرده ام. یک دوره شش ماهه زبان فرانسه را گذرانده ام. همچنین اندکی با زبان آلمانی در حد خواندن پاره ا ی از متون ابتدایی آشنایی دارم.
ب) ترجمه: بیش از یک دهه است که مستمرا به کار ترجمه مشغول بوده ام. محصول این مدت فعالیت ترجمه ای، ترجمه ده مقاله علمی از زبان انگلیسی و بیست مقاله و هشت عنوان کتاب از عربی بوده است که منتشر شده اند.
ج) تحقیق: عمده فعالیت علمی بنده، مصروف تحقیق و تالیف بوده است که نتیجه آن تاکنون تالیف بیش از هشتاد مقاله و یازده عنوان کتاب بوده است.
د) عضویت در شوراهای علمی: اینجانب به عنوان عضو هیئت تحریریه فصلنامه نقد و نظر، میقات حج و حدیث زندگی، فعالیت مطبوعاتی داشته ام. همچنین به عنوان عضو شوراهای مختلف مراکز تحقیقی قم همچون موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و عضو شورای دائرة المعارف امام خمینی (ره) مشغول فعالیت بوده ام. و نیز در سمینارهای علمی کشوری مانند "همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها"، "سمینار بررسی سقط جنین در ایران"، "همایش ترجمانی متون مقدس"، "همایش بین المللی مردم سالاری دینی"، "همایش سراسری استادان، محققان و مترجمان حوزه های فلسفه، کلام، ادیان، عرفان"، "سومین کنفرانس بین المللی حقوق بشر"، "همایش گفتگوی علم و دین"، شرکت کرده و مقالات خود را ارائه کرده ام.
ضمنا فعالیت های مدیریت پژوهشی مانند معاونت پژوهشی مراکز علمی و مسئولیت ترجمه نیز داشته ام. هم اینک نیز عضو انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه هستم.
ه) تدریس: اینجانب در موسسات آموزش عالی مانند دانشگاه قم، دانشگاه مفید، دانشگاه شهید بهشتی، موسسه آموزش ضمن خدمت وزارت ارشاد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و دانشکده علوم قرآنی تدریس داشته ام. موضوعات تدریس بنده عمدتاً عبارت بوده اند از: منطق، متون فلسفی معاصر، اخلاق، روش تحقیق، قواعد فقه، اصول فقه، متون فقه و شناخت منابع مرجع اسلامی.
3. حوزه های مورد علاقه:
اینجانب بیشتر به حوزه های فلسفه و کلام جدید، فلسفه اخلاق (اخلاق کاربردی با تاکید بر اخلاق زیستی)، دین شناسی، نقد اندیشه ها و مسائل

اجتماعی، اسلامی توجه خاص دارم و به کاوش در مسائل موردی و کم سابقه می پردازم و مورد پژوهشی را بر بحث کلیات ترجیح می دهم.

4. کارنامه علمی:

کارنامه علمی بنده در دو عرصه تالیف و ترجمه حدود 20 عنوان کتاب و 90 مقاله است.

5. جوایز علمی:

درسال 1380 تحقیق بنده با عنوان «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده شد و به آن جایزه ویژه ریاست جمهوری تعلق گرفت. در همان سال مقاله بنده با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی ع» که برای دانشنامه امام علی علیه السلام نوشته شده بود به عنوان مقاله برتر شناخته شد و به آن لوح تقدیری تعلق یافت. در سال 82 نیز تحقیق اینجانب با عنوان «اخلاق نقد» از سوی دبیرخانه دین پژوهان برگزیده شد. همچنین تحقیق (دروغ مصلحت آمیز) از سوی همین دبیرخانه رتبه آورد، اما به دلیل تعلق آن به سال های قبل، از جریان داوری خارج و در بیانیه نهایی از آن تقدیر شد.

در همین سال نیز کتاب «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دهمین سال کتاب دانشجویی برگزیده شد. در سال 1383 نیز جایزه یازدهمین کتاب سال دانشجویی به علت کثرت تالیف به بنده تعلق گرفت. همچنین در آن سال، مقاله بنده با عنوان «گریش های تفسیری در میان مسلمانان؛ بررسی یک ترجمه» به عنوان نقد برتر در حوزه علوم قرآنی برگزیده شد و جایزه و لوح تقدیری از سوی ریاست محترم مجلس به آن تعلق گرفت.

در اردیبهشت سال 1384 نیز مقاله بنده با عنوان «چالش علم و دین در مسئله شبیه سازی انسانی» که در نخستین همایش کشوری گفتگوی علم و دین ارائه شده بود، از سوی مسئوولین همایش به عنوان مقاله برگزیده انتخاب و به آن لوح تقدیری تعلق گرفت.

اسماعیل پور نیازی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن اسماعیل پور نیازی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
در تابستان سال 1366 پس از طی مقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم. در گام اول قدم در مدرسه مبارکه فیضه مازندران (شهرستان بابل) تحت نظارت مدیریت و اشراف حضرت آیت الله فاضل استر آبادی نهادم.
پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال 1370 وارد حوزه علمیه قم شدم و در قم در دروس سطح از دروس استاد آیت الله سید علی محقق دامان و دیگر اساتید استفاده کردم. در درس خارج نیز در فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار آیت الله سیدعلی محقق داماد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله لاریجانی حاضر شدم.
همزمان با تحصیل در مقطع خارج در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز طی یک دوره چهار ساله در مقطع سطح چهار از محضر اساتید بزرگوار آیت الله معرفت، آیت الله خزعلی، آیت الله دکتر احمد بهشتی، حجت الاسلام دکتر نقی پورفر و اساتید دیگر بهره مند شدم. پس از اتمام دوره تحصیل رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن به دلیل احساس نیاز به مباحث عقلی و فلسفی در رشته فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل شدم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.
در بهار سال 1384 پایان نامه سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن را تحت عنوان «آزادی و ارتداد از دیدگاه قرآن» با راهنمایی و مشاورت استاد آیت الله معرفت و استاد دکتر نقی پورفر دفاع کردم و با درجه عالی داوران همراه بود. پیش از آن در سال 1383 پایان نامه فوق به عنوان پژوهش برگزیده سال در حوزه دین پژوهی از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور انتخاب و معرفی شد.
در بخش تحقیقات علمی نیز با مرکز جهانی علوم اسلامی در تدوین درسنامه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما در تألیف کتاب و پژوهشکده

فرهنگ و اندیشه (کانون اندیشه جوان) برای تدوین کتاب همکاری داشته و دارم.

اسماعیلی ایولی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اسماعیلی ایولی
محل تولد : ساری
شهرت : اسماعیلی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1348 در روستای ایول از توابع بخش چهاردانگه (کیاس) شهرستان ساری مرکز استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در ساری و پس از دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم.
دو سال در حوزه علمیه سعادتیه ساری و سپس در سال 1366 وارد حوزه قم شد. حدود هشت سال در مدرسه علمیه امام باقر (ع) که از مدارس تحت برنامه مرکز مدیریت بود مشغول تحصیل بودم. همراه با تحصیلات این دوره به صورت متفرقه دیپلم علوم انسانی را گرفتم و در دروس مکاسب، رسائل و کفایه از اساتید محترم سروش محلاتی، حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، نکونام، وحید خراسانی فیض بردم. سه سال در درس خارج اصول استاد صادق لاریجانی و سه سال در خارج فقه استاد مکارم شیرازی و سه سال از خارج اصول استاد جعفر سبحانی بهره بردم.
همراه با تحصیلات سطوح عالیه حوزوی در رشته فلسفه (غرب) دانشگاه مفید دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را از سال 1372 تا 1380 به اتمام رساندم. همراه با تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه در بخش علوم اسلامی عقلی (کلام ـ فلسفه اسلامی ـ عرفان) در درس اسفار استاد دهقانی و درس اسفار و اشارات استاد فیاضی و نهایة الحکمه استاد معلمی شرکت نمودم.
هم اکنون با جامعة الزهرا و گروه معارف دانشگاه سمنان همکاری تحقیقی و تدریس دارم. همچنین به مدت پنج سال با دایرة المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) از سال 79 تا 84 همکاری داشته‌ام. در ایام تبلیغ و فصل تابستان به تبلیغ و سخنرانی می‌پردازم.

اصطهباناتی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا ابوالقاسم بن میرزا احمد شیخ‌الاسلام اصطهباناتی عالمی حکیم بوده در 14 صفر 1312 ق متولد شده و در خدمت عده‌ای از اعلام علم و فضل تلمذ نموده و بکمال علم و فقاهت رسیده و بعلامه شهرت یافته و منظومه در حکمت نوشته که نزدیک دو هزار بیت است و اول آن این بیت است:
اول ما جادبه طرف القلم
مفتتح الکلام بدئه الرقم- الخ
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصغری، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالله اصغری
محل تولد : تربت جام
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1321/1/1
زندگینامه علمی
در سالهای 1345- 1346در حالی که فقر در منطقه مسکونی و روستای ما بیداد می کرد بنده به خاطر عشق و علاقه ای که به فراگیری معارف اسلامی و دینی داشتم با هزینه ناچیز در یک مدرسه علمیه ای مشغول تحصیل شدم.
در مدت سه سال تا قسمتی از جلد اول لمعه را خواندم و به مشهد مقدس در مدرسه عباسقلی خان و در مدرسه جعفریه که زیر نظر مرحوم غلامحسین تبریزی بود تا بخش اول کتاب مکاسب را خواندم.
با مشکلات فراوان به نجف اشرف منتقل شدم و بخشی از رسائل و مکاسب و کفایتین را در نجف نزد مرحوم صدر و استاد فیاض و خارج اصول را نزد شیخ جواد تبریزی گذراندم و درسال 1354به قم عزیمت کردم. خارج اصول و فقه را خدمت وحید خراسانی و آقای مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی تلمذ کردم.
در ضمن تدریس کتاب رسائل شیخ انصاری را در کاشان، دو جلد شرح رسائل را (اوضح الشروح فی فرائد الاصول) نوشتم و دو جلد شرح فارسی به اصول فقه مظفر (ره) به چاپ رساندم و درحوزه مورد استفاده است.
بهرحال امید چنان است که خداوند راضی و امام زمان (علیه السلام)خشنود باشد جهت هر گونه همکاری علمی حاضر و آماده هستم.

اصفهانی، ابوالمجد شیخ محمد رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1362 -1287 ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. مشهور به آقا رضا اصفهانی. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را از سید ابراهیم قزوینی فراگرفت و سپس به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و شریعت اصفهانی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیباللّه ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد. در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول از نجف اشرف به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد» یا «اثبات حجیت ظن طریقی»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب «معالم الدین فی فقه آل‌طه و یس»؛ «سمط اللآل فی معرفة الوضع و الاستعمال» یا «جلیة الحال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین»؛ «وقایة الاذهان»؛ «الایراد و الاصدار»؛ تعریب «السیرو السلوک» منسوب به آیةاللّه بحرالعلوم؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (25/ 133، 24/ 277، 12/ 287، 9/ 363، 7/ 79، 5/ 127، 4/ 213، 452، 2/ 488)، ریحانه (7/ 252- 253).

اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1362 -1287 ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را فراگرفت و در پانزده سالگی به نجف رفت و به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و سید ابراهیم قزوینی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد و در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیهات دلیل الانسداد»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب معالم‌الدین فی فقه آل‌طه و یس؛ «سمط اللآل فی الوضع و الاستعمال»؛ «السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین و دحض شبهات المبطلین»؛«وقایه الاذهان»؛ «اداء المفروض فی شرح ارجوزه العروض»؛ «استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد» و «الامجدیه» در اعمال ماه رمضان.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (5/ 127، 4/ 452)، ریحانه (7/ 252- 253).

اصفهانی، حسنعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1279 ق)، عالم، مدرس، عارف ربانی و حکیم الهی. مشهور به نخودکی. مقدمات را تا یازده سالگی نزد پدر خویش و دیگران آموخت. سپس زیر نظر حاج میرزا محمدصادق به سیر و سلوک عارفانه پرداخت. در سنین جوانی ادبیات و قسمتی از ریاضیات مانند حساب و هیئت را نزد آخوند کاشی و فلسفه را نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی تحصیل کرد و سپس راهی عتبات عالیه شد و در نجف به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. و در آنجا با حاج سید مرتضی کشمیری معاشرت و مجالست کرد. سپس به اصفهان بازگشت و پس از مدتی در مشهد اقامت گزید. حاج شیخ حسنعلی بیشتر ایام عمر را در ریاضت‌های طاقت‌فرسا سپری کرد. وی دارای مقامات و کرامات بسیار بوده که شرح جزئی از کرامات و کارهای خارق‌العادی وی در کتابی تحت عنوان «نشان از بی‌نشانها» توسط فرزند آن مرحوم گردآوری شده و نشر یافته است. او به تدریس فقه مانند شرح لمعه و درس تفسیر و گاهی هم هیئت و حساب می‌پرداخت و بقیه‌ی اوقات را به برآوردن حاجات مؤمنان از دعا و دوا می‌گذراند. در مدت اقامت او در مشهد هزاران هزار مریض با دعای وی معالجه شدند. آیت‌الله اصفهانی پس از یک بیماری چهل روزه در محله سعدآباد مشهد رحلت کرد و در صحن رضوی دفن شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (192 -191 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (113 -111 /7)،نشان از بی‌نشانها (مقدمه).

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(649 -674 ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین‌شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (8/ 52)، تاریخ ادبیات در ایران (3/ 229، 230)، حبیب السیر (3/ 232)، الذریعه (13/ 140)، روضات الجنات (8/ 117)، ریحانه (3/ 248- 249)، کشف الظنون (1717، 1855، 1879، 1921، 1991، 1148، 1371، 1116، 1137، 235، 346، 442، 443)، لغت‌نامه (ذیل/ محمود)، معجم المؤلفین (12/ 173)، هدیه العارفین (2/ 409).

اعرافی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا اعرافی
محل تولد : میبد- محله شهیدیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی در سال 1338 در شهر میبد (محله شهیدیه) واقع در استان یزد در میان خانواده‌ای اهل علم و با تقوا به دنیا آمد. پدرش آیت الله محمد ابراهیم اعرافی از علمای مشهور آن دیار و از دوستان نزدیک امام خمینی (ره) بود که نقش بسزایی در بیداری مردم میبد و یزد ایفا کرد. آن عالم وارسته سالها قبل از انقلاب اسلامی نماز جمعه بر پا می‌کرد و خود، با سلاح در آن خطبه می‌خواند. مادر استاد اعرافی نیز از زنان پاکدامن و مؤمن روزگار بود و از فرزندان آیت الله شیخ کاظم افضلی اردکانی (ره) به شمار می‌آمد.
استاد اعرافی تحصیلات کلاسیک خود را در دیار خود آغاز کرد. او پس از خواندن مقداری از دروس ادبیات، در سال 1349 به قم آمد و همان جا تحصیلات دوره ابتدایی خود را تکمیل کرد و همزمان دروس حوزه خود را آغاز نمود، و به سرعت دروس دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانید؛ به گونه‌ای که در سال 1356 به درس خارج بزرگان قم راه یافت. او در طی این سالها از شرکت در دروس فلسفی نیز باز نماند و آن دروس را نیز به حد کمال فرا گرفت و نیز در درس اخلاق استادان خود حضور جدّی داشت.
او در ضمن تحصیل دروس حوزوی زبانهای عربی و انگلیسی را فرا گرفت و از مطالعات در رشته‌های ریاضی و فلسفه غرب نیز باز نماند و بسیاری از کتب را که در آن روزگار در حوزه متداول نبود، فرا گرفت و در دوره تعلیم و تربیت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) شرکت کرد و در تعطیلات به مباحثه تفسیر المیزان و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید پرداخت.
استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او که در تفسیر شاگرد آیت الله مشکینی (ره) و در هیئت شاگرد

استاد حسن زاده آملی بود، کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا نوشته شهید صدر (ره) را نزد آیت الله سید کاظم حائری فرا گرفت. در درس خارج فقه و اصول شاگرد استادانی چون آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت الله شهید مطهری (ره) آموخته و در زمینه فلسفه از آیت الله مصباح یزدی بهره‌های بسیار برد.
استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیار رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجةالاسلام والمسلمین محمدعلی مدرسی یزدی، حجةالاسلام والمسلمین محمدکاظم بهرامی، حجةالاسلام والمسلمین علی نقی فقیهی، حجةالاسلام والمسلمین محمد بهشتی را می‌توان نام برد.
حجةالاسلام والمسلمین اعرافی، در سالهای عمر خود فعالیتهای بسیاری را در زمینه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و سالها به تدریس اسفار اربعه و خارج فقه قضا و تربیت (فقه التربیة) اشتغال داشته است. ویژگی تدریس او نوآوری و تطبیق مباحث موجود در کتب قدما با مبانی امروزین علوم است.
او کتابهای بسیاری در زمینه علوم تربیتی به چاپ رسانده است که از جمله آنان می‌توان به کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» اشاره کرد.
استاد اعرافی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در مسؤولیتهای مهمی ایفای نقش کرده است. استاد اعرافی سالها در دانشگاههای سراسر کشور و مؤسسات وابسته به آموزش عالی تدریس داشته و از این رهگذر شاگردان خوبی را تربیت کرده است. در سالهای عمر خود تا به امروز در عرصه سیاست فعالیتهای بسیاری را به منصه ظهور نهاده است. او که فرزند پدری عالم و مجاهد بود همواره با نهضت امام(ره) همراه بود فعالیتهای سیاسی نیز داشته و به تحقق آرمانهای انقلاب کمک شایانی نموده است.
او در سال 1371 با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه شهر میبد برگزیده شد. استاد اعرافی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌ها حضور یافت و مشوق رزمندگان اسلام بود او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس اشتغال دارد.

اعوانی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا اعوانی متولد 1321ه.ش در سمنان پس از پایان تحصیلات در مکتب خانه و مدرسه شیخ علاء الدوله سمنانی در سمنان به اخذ دیپلم درسال 1340ه.ش نایل شد و سپس به بیروت رفت و از دانشگاه آمریکایی آنجا لیسانس گرفت(1345)، سپس به ایران آمد و در سالهای 1347و 1355 فوق لیسانس و دکترای خود را در رشته فلسفه از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی از سال 1348ه.ش عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی شد. وی در سال 1380درنخستین چهره های ماندگار برگزیده و معرفی گردید. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال 86 در فرهنگسرای سینا می باشد. از وی ترجمه ها و تصحیحاتی در زمینه فلسفه اسلامی و فلسفه غرب باقی است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
گرایش : فلسفه اسلامی
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : غلامرضا اعوانی درسال 1321ه.ش درسمنان به دنیاآمد. در آن روزگار دانشگاه تهران به تازگی آغاز به کار کرده بود. و نیز آموزش جدید در کشور چندان رواج قابل توجهی نداشت.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا اعوانی در سال 1325در مکتب خانه ملا غلامرضا شیوایی از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری آغاز به تحصیل کرد در سال 1327وارد مدرسه شیخ علاء الدوله سمنانی(سمنان) شدو در سال 1340 دیپلم خودرا دریافت کرد. سپس با بهره گیری از بورس دانشگاه آمریکایی بیروت به آنجا رفت و پس از اخذ لیسانس فلسفه در 1345به ایران بازگشت. و وارد دانشگاه تهران شد. در سالهای 1347و 1355 مدرک فوق لیسانس و دکتری فلسفه را احراز کرد. عنوان تز دکتری وی « عقل ونفس در فلسفه افلوطین و تاثیر آن در حکمت اسلامی» بوده است.
خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع مهم روزگار تحصیل غلامرضا اعوانی سفر به لبنان و آشنا شدن با استادان مهمی در فلسفه از جمله چارلز اسکات و ماجد فخری و پوچتی بوده است.
فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامرضا اعوانی درحین تحصیل در مقطع دکترای در دانشگاه تهران، (از سالهای 1347)، به تدریس در دانشگاه ملی ایران(

شهید بهشتی) (از سال 1348) می پرداخت.
استادان و مربیان : برخی از استادان غلامرضا اعوانی در دانشگاه آمریکایی بیروت عبارت بودند از چارلز اسکات، ماجد فخری، پوچتی، صادق العظم. در دانشگاه تهران نیز وی از استادانی چون دکتر سید حسین نصر، دکتر سید احمد فردیدو دکتر مهدوی دامغانی بهره برد.
آرا و گرایشهای خاص : غلامرضا اعوانی درزمینه فلسفه اسلامی بیشتر به تصحیح آثار فلسفی و کلامی کسانی چون حاتم رازی و خواجه نصیر الدین طوسی علاقمند است. وی در زمینه فلسفه غرب به فلسفه افلوطین و نیز کانت علاقمند است و به مطابقت و مقایسه آنها با فلاسفه مسلمان می پردازد.
جوائز و نشانها : غلامرضا اعوانی برگزیده همایش طرح سپاس درسال 86 در فرهنگسرای سینا می باشد. ----------
---
آثار :
1 ترجکه تاریخ فلسفه
ویژگی اثر : کتاب تاریخ فلسفه اثر فردریک کاپلستون درباره شرح احوال فیلسوفان غرب و سیر تکامل اندیشه فلسفی آنها می باشد که توسط دکتر اعوانی به فارسی ترجمه شده است.
2 ترجمه گزیده ای از اشعار عرفانی
ویژگی اثر : به زبان انگلیسی
3 تصحیح النبوئه
ویژگی اثر : کتاب النبوئه اثر حاتم رازی اثری است درباره فلسفه و کلام اسلامی که دکتر غلامرضا اعوانی آن را تصحیح و منتشر کرده است.
4 تصحیح وجه دین ناصری
5 فرهنگ فلسفی
6 مجموعه مقالات حکمت ونصر معنوی
ویژگی اثر : دکتر غلامرضا اعوانی مجموعه مقالاتی تحت عنوان حکمت و هنر معنوی را پیرامون معنی هنر در جهان اسلامی و دیدگاههای زیبا شناسانه هنر اسلامی و فلسفه هنر مربوط به آن را منتشر کرده است.
منابع زندگینامه :
محمود اسعدی، چهره های ماندگار ،تهران : زمان و جهان فرهنگ ، 1382،صص29ـ 26

افشار ارموی، تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1284 -1234 ق)، حکیم و ریاضیدان. اهل ارومیه بود. در عتبات به تحصیل علوم منقول پرداخت. سپس به همراه پدر به وطن بازگشت ولی برخلاف اصرار پدر از قبول منصب امتناع کرد و عمر را در انزوا و عزلت به ریاضت و عبادت سپری کرد. او در علم اعداد و جفر مهارت کامل داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (9)، الماثر و الاثار (209).

افضلی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد مهدی افضلی
محل تولد : غزنی
شهرت
تابعیت : افغانستان
تاریخ تولد : 1358/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1369 در سن یازده سالگی وارد حوزه علمیه و تحصیل علوم دینی شدم و سه سال در مدارس علمیه استان غزنی افغانستان سپری شد. در سال 1372 وارد جمهوری اسلامی ایران شدم و در جامعه علمیه امیرالمومنین شهرری تهران به ادامه تحصیل پرداختم.
در سال 1373 از طریق آزمون وارد مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و با توافق مسئولان مربوطه تا سال تحصیلی 76 - 75 در تهران ماندم و از محضر اساتید بزرگوار مرحوم حاج شیخ حسنعلی کرمانی، استاد لطفی کاشانی، استاد مرتضی شجاری و ... بهره بردم. در سال 1376 با سکونت در قم از محضر حضرات آیات و حجج اسلام حسینی خراسانی، موسوی تهرانی رسائل، مکاسب و کفایه را استفاده کردم.
همزمان در درس شرح اشارات استاد حاج شیخ غلامرضا فیاضی و استاد جناب آقای دکتر محمد حسین حشمت پور نیز شرکت می کردم. دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیات عظام و حجج اسلام مکارم شیرازی، حاج شیخ صادق لاریجانی و حاج شیخ جواد مروی ادامه دادم. از سال 1377 از طریق آزمون وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در سال 1381 مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رساندم و در سال 1382 وارد مقطع ارشد شدم و در سال تحصیلی 86 - 85 از تحصیل فراغت یافتم.

اکبریان، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد اکبریان
محل تولد : جویبار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
سال 1362وارد حوزه علمیه مشهد شده و در سال 1364به شهر قم آمدم سال 1368در دانشگاه تهران الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و در سال 1372در دانشگاه تربیت مدرس تهران فلسفه و حکمت اسلامی قبول شدم و در سال 1376از پایان نامه با عنوان تحلیل آراءفلسفی عرفانی سید حیدر آملی را دفاع نمودم این پایان نامه در سال 1380در کنگره سید حیدر آملی منتشر گردید با عنوان عرفان شیعی در اندیشه حیدر آملی.
در سال 1374در آزمون کتبی و شفاهی پایه پذیرفته شدم قبل از آن در سال 1373 سطح را به پایان رساندم و چند سال در درس خارج حضرات آیات صالحی مازندرانی فاضل لنکرانی جوادی آملی شرکت داشت در سال 1373با پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی همکاری را آغاز نمودم؛ طی این مدت در تألیف معجم بحارالانوار گروه تصحیح حضور داشتم هم چنین مدتی با پژوهشکده کلام همکاری داشتم سپس در اصطلاح نامه علوم اسلامی که در طی این مدت در تألیف فرهنگ اصطلاحات فلسفی با عنوان مستندات اصطلاحات فلسفی شرکت داشتم.سپس از سال 1382 تاکنون به عنوان مدیر واحد پاسخ به سوالات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی اشتغال دارم که تاکنون در تألیف گروهی دو کتاب مجموعه پاسخ های برگزیده ویژه رمضان و ویژه محرم جهت استفاده مبلغان دینی اعزامی از دفتر تبلیغات حضور داشتم. از سا ل1376 تاکنون در دانشگاههای مختلف تهران از جمله دانشگاه شهید بهشتی و به مدت 8سال در دانشگاه تهران در گروه معارف اسلامی به تدریس اشتغال دارم.

القمی، ابوالمحارب حنین

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در مجالس المؤمنین می‌نویسد وی از اعاظم حکمای شیعه امامیه است، در ایام دیالمه نشو و نما یافته و پرتو انوار حکمت بر صفحات حال او تافته. در تاریخ الحکماء مسطور است که صاحب اعظم سعید بن العمید که استاد الفضلاء و عمید وزرای روزگار بود به وجود او افتخار می‌نمود و می‌فرمود که اگر از شهر ما همین بیرون آمده باشد ما را کافی است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

الله بداشتی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی الله بداشتی
محل تولد : نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/7/1
زندگینامه علمی
اخذ دیپلم ریاضی: 1356
اخذ فوق دیپلم ریاضی: خرداد 1358
شروع به تدریس ریاضی: مهرماه 1358
شروع به تحصیلات در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: نیمه دوم 1363
فراغت از تحصیل در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: خرداد 1368
شروع به تحصیل در رشته کارشناسی ارشد فلسفه: مهر ماه 1368
فراغت از تحصیل کارشناسی ارشد: 1371
شروع به فعالیت علمی در دانشگاه قم: 1371 تاکنون
شروع به تحصیل دوره دکتری 1378.
فراغت از دوره دکتری 1382.
مدیر گروه فلسفه: 1381 تاکنون
شروع به تحصیلات حوزوی آزاد: 1358
شروع به تحصیلات در حوزه همزمان با تحصیلات دانشگاهی: 1364 (که تاکنون گاه پیوسته و گاه گسسته ادامه دارد.)

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسن الهی طباطبایی
ولادت:1325ق.
محل ولادت: تبریز
وفات:1388ق
محل دفن :قم
محل تحصیل: تبریز ، نجف
اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....
شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میزرا موسی تبریزی و ....
تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).
او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.
ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.
زمانی که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود: " ما طلا را

می خواهیم چه کنیم"؟ دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!
این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!
سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهی قمشه ای، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود 1322 در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فراگرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌اللّه حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه برسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی 1393 قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.
استاد الهی دارای تألیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می‌باشد که شرح حال خود را در صفحه 395 دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می‌نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.
آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.
1- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.
2- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.
3- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.
4- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعیات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).
5- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.
6- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی - نغمه حسینی- نغمه عشاق).
7- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.
(1392 -1320 ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا

(قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌هادی قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقابزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسداللّه یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب‌نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌اللّه حاج‌آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منثور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»؛ «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»؛ «رساله‌ای در سیر و سلوک»؛ حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ای در مراتب ادراک»؛ «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»؛ «دیوان» شعر؛ «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛ «ترجمه صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه مفاتیح الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)
منابع زندگینامه :[1] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (55 -53)، الذریعه (1135، 92 / 9)، سخنوران نامی معاصر (339 -334 / 1)، فرهنگ سخنوران (85)، گلزار معانی (458 -451)، گنجینه‌ی دانشمندان (116 -108 / 8)، مؤلفین کتب چاپی (370 -368 / 6).

الهی منش، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا الهی منش
محل تولد : محلات
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1358 دیپلم ریاضی و فیزیک گرفتم و بلافاصه وارد حوزه علمیه قم شدم. تمام تحصیلات سطح و بخشی از درس خارج من در مدرسه حقانی (و شهیدین) بوده است.
اساتید اینجانب جناب آقای شب زنده‌دار در منطق، جناب علی آقای قمی و آقای طباطبایی در اصول فقه و معالم و مرحوم آیت آلله مصلحی در رسائل و مکاسب و کفایه و بخشی از خارج. اعشاقی، رحمانی، فیاضی و آیت الله مصباح در فلسفه، مرحوم آیت الله تبریزی در فقه خارج و آقای حاج سیدکاظم حائری در فقه و اصول خارج و جناب آیت الله خرازی و استادی و عندلیب در تحقیقات فقهی و اصولی به مدت پنج سال.
در سال 1372 وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته کلام جدید (دین‌شناسی) در کارشناسی ارشد مشغول شدم و در 1358 از پایان‌نامه حوزه با عنوان "نقد و ترجمه بخش اسماء و صفات کتاب فلسفه دین پویمن" دفاع نمودم.
در سال 1382 برای ادامه تحصیلات در دکتری کلام جدید (گرایش فلسفه دین) در تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. هم اکنون مشغول تدوین پایان نامه خود تحت عنوان "ساحات وجودی انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از نگاه قرآن و عرفان شیعی" می‌باشم. اساتید راهنمای مشاور: جناب آقای دکتر محسن جهانگیری و دکتر پازوکی. همچنین به وسیله دکتری و هیئت علمی مرکز عالی ادیان و مذاهب در رشته عرفان و تصوف (گرایش عرفان تطبیقی بین الادیان) می‌باشم.

الهی نژاد، واحد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
واحد الهی نژاد
محل تولد : خرم آباد (بخش پاپی)
شهرت
تابعیت : ایران زندگینامه علمی
واحد الهی نژاد فرزند شمس الله متولد پاپی خرم آباد .وی پس از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش برای ادامه تحصیل به درود لرستان رفت و مدرک دیپلم را گرفت .درسال 1369 ش وارد حوزه علمیه مهدیه علی گودرز شد.پس از دو سال به مدرسه مروی در تهران رفت و در 1375وارد حوزه علمیه قم شد و پس از پایان سطح به مدت 2سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات .محمد فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی شرکت کرد .همچنین مدرک کارشناسی فلسفه غرب را از دانشگاه مفید قم دریافت کرد .او همزمان تحصیل در تهران به تدریس در حوزه اشتغال یافت .همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد و خرم آباد به تدریس پرداخت .وی از آیت الله سید علی خامنه ای اجازه تصدی امور حسبیه را دارد

امجد، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله شیخ محمود امجد به سال 1318 هـ.ش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. ، و جدّشان از عالمان ذی فنون ملقّب به «افصح المتکلّمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود 18 سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدّس قم مشرّف شد و در مدّت کوتاهی دوره مقدّمات و سطح را به پایان رسانده و به دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی ، بهاءالدینی و بهجت ـ قدّس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم ـ و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علاّمه طباطبایی قدّس سرّه استفاده فراوان برد. و در حدود 20 سال پایان عمر گهربار معظّم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگویید بلکه امجد کربلایی بگویید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاءالدینی است که از سال 1351 هـ.ش. با آیت الله العظمی بهاء الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال 1350 با آیت اللّه العظمی بهجت ـ دامت برکاته ـ مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظّم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلساتش بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیاست به طوری که بسیار

دیده اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم اهمیت و افراد بی نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدرانه ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

امین، نصرت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(1405 -1308 ق)، عالم و مجتهد. آمنه‌بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌اللّه شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌اللّه آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه حائری یزدی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقاشیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌اللّه میرزاآقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.
فلَوُ کُنّ النّساء بِمثلِ هذی
لَفضّلت النّساءِ عَلی الرّجال
فلا التَأنیث لاسم الشمس عار
و لا التّذکیر فخر للهِلال
وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهارة الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن‌مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاءاللّه؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفخات الرحمانیة فی الواردات القلبیة»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللئالی فی فضایل مولی الموالی».[1]
1308 ق- 1362 ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش

مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایة و خارج صلات و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.
بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تالیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تاسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیة (1328 ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (1371 ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (1323 ش)؛ مخزن‌العرفان (1326 ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در 15 جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (1326 ش)، النفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة (1369 ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن‌اللئالی در فضل مولی‌الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد.[2]
مجتهد، فقیه، مدرس.
تولد: 1265، اصفهان.
درگذشت: 23 خرداد 1362، اصفهان.
حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.
بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضاری حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالیه نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت

درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.
آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، 1356 ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، 1326، تبریز چاپ دوم، 1334)؛ نفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة (به زبان عربی، اصفهان، 1369)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، 1331، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن اللئالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعداء (اصفهان 1323).
حجت‌الاسلام امین در سال 1344 با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.
مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :[1] تذکرة القبور (445)، الذریعه (248/24، 229/20)، علماء معاصرین (325 -311)، گنجینه‌ی دانشمندان (116 -114 /3)، مؤلفین کتب چاپی (559 -557 /6).
[2] منبع: دایرةالمعارف تشیع، 527 /2.

انتظام، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد انتظام
محل تولد : چناران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/7/1
زندگینامه علمی
در سال 1336 در روستای فریزی از توابع مشهد مقدس متولد شدم. دوران ابتدایی را در همان روستا تحصیل نمودم و در سال 1352 جهت تحصیل دروس حوزوی به مشهد مقدس آمدم. دروس مقدماتی را در مدرسه حاج آقای موسی نژاد، رسائل را در محضر استاد عباسپور و مکاسب را در محضر آیت الله فلسفی و کفایه را محضر استاد رضا زاده فرا گرفتم.
از سال 1358 در درس خارج فقه آیت الله فلسفی و پس از آن درس خارج اصول مرحوم آیت الله علم الهدی شرکت کردم که تا سال 1372 ادامه یافت. از سال 1360 از محضر آیت الله سید عزالدین زنجانی خارج فقه «جواهر الکلام» را همراه با دروس فلسفه و عرفان فرا گرفتم. حدود شش سال نیز در محضر استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان اسلامی را آموختم. به دلیل علاقه به فلسفه اسلامی، در این مدت با استفاده از نوارهای درسی آیت الله انصاری شیرازی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی از دروس فلسفه این بزرگان «شرح منظومه، نهایة الحکمه، الهیات، شفا و اسفار» بهره بردم.
در سال 1372 پس از شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم و پس از آن، دوره دکتری فلسفه تطبیقی را نیز در همین مرکز گذراندم.
در قم نیز با شرکت در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و خارج فقه آیت الله تبریزی از محضر این بزرگان بهره مند بودم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی در مشهد و قم به تدریس دروس مختلف در

دانشگاه و حوزه نیز اشتغال داشته ام.

اوحد سبزواری، خواجه فخرالدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 868 ق)، منجم، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به اوحد. از اعیان سبزوار و از خاندان مستوفی آن سامان و از معاصران امیرعلیشیر نوایی، شیخ آذری، مولانا یحیی سیبک و مولانا حسن سلیمی تونی و امیرشاهی سبزواری بود. با وجود فضل و حکمت مشرب فقر و درویشی داشت و همیشه جمعی از وی استفاده می‌بردند. بنا به گفته‌ی دولتشاه یک هزار جلد کتاب فارسی و عربی جمع کرد و آن را به خط خود تصحیح و مقابله نمود، وی در سبزوار درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات و مقطعات است و قصاید غرّا در مدایح ائمه (ع) گفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (398 -397 /1)، تاریخ نظم و نثر (304 -303)، تذکره‌ی روز روشن (91)، الذریعه (111/9)، ریحانه (200/1)، الکنی والالقاب (200/2)، لغت‌نامه (ذیل/ اوحد)، مجالس المؤمنین (668 -667 /2)، مجالس النفائس (200 ،26).

اوستا، مهرداد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شاعر.
تولد: 20 بهمن 1308، بروجرد.
درگذشت: 17 اردیبهشت، 1370، تهران.
محمدرضا رحمانی یاراحمدی مشهور به مهرداد اوستا که در شعر «اوستا» تخلص می‌کرد، از ده سالگی به سرودن شعر پرداخت و نخستین شعری را که سرود در سوگ امام حسین (ع) بود. بعد از پایان دوره‌ی دبستان در سال 1321، برای تحصیلات متوسطه به تهران آمد و پس از تحصیل در یکی از دبیرستان‌های شبانه در سال 1327 دیپلم ادبی گرفت. در همان سال همکاری با آموزش و پرورش (به عنوان مسئول سامان داده به کتابخانه‌های موجود در این وزارتخانه و تأسیس کتابخانه‌های شهرستان‌ها، اصلاح متون و مقالات و کتب ادبی این وزارتخانه، تدریس در چند دبیرستان) آغاز و همزمان وارد دانشگاه شد و در سال 1330 از دانشکده معقول و منقول (دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تهران) موفق به دریافت مدرک کارشناسی شد و سپس به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و کارشناسی ارشد خود را در همین رشته گرفت. در شهریور 1332 به سبب طرفداری از دکتر محمد مصدق، مخالفت با شاه و سخنرانی‌های انقلابی در جریان کودتای 28 مرداد دستگیر و به مدت هفت ماه زندانی شد. ضمنا همان سال اوستا به تصحیح و چاپ دیوان سلمان ساوجی اقدام نمود. در سال 1333 رساله‌ای در فلسفه، منطق و روان شناسی و اخلاق را منتشر ساخت و شروع به تدریس در دانشگاه تهران نمود. سپس کتاب فلسفی عقل و اشراق و پس از آن رسائل خیام (نوروزنامه- رساله‌ی موجود) را با مقدمه و تحقیق در زندگی خیام تحقیق و منتشر کرد.
در سال 1335 با سباستین مونه، فیلسوف و شرق‌شناس فرانسوی، آشنا شد و نزد ایشان شروع به تحصیل فسلفه تکمیلی نمود و در مقابل، عرفان مشرق زمین و آثار عرفای اسلامی از جمله مولوی و عطار نیشابوری را به مونه درس می‌داد. این ارتباط تا سال 1339 ادامه داشت. در این سال اولین مجموعه شعر خود را به نام کاروان از دست رفته را منتشر ساخت. سال‌ها بعد پالیزبان، حماسه آرش و از امروز تا هرگز را منتشر ساخت. در تابستان 1346 برای نخستین بار برای مدت یک ماه به کشورهای فرانسه، انگلستان و ایتالیا سفر کرد. دو سال بعد کتاب اشک و سرنوشت که

گزیده‌ای از شاهکارهای ادبی جهان است و سپس روش تحقیق در دستور زبان فارسی و شیوه نگارش را منتشر کرد. در سال 1349 برای بار دوم به اروپا سفر کرد و در مدت اقامت یک ماه‌اش در فرانسه و سوییس با ژان‌پل سارتر ارتباط برقرار کرد. این ارتباط چندین سال ادامه داشته است. در تیر 1351 مجموعه‌ی شعر شراب خانگی ترس محتسب خوره را به رشته‌ی تحریر درآورد که در همان سال توقیف شد. در خرداد 1352 کتاب انتقادی تیرانا را منتشر کرد که این کتاب هم توقیف شد. ضمنا به سبب طرح پاره‌ای از مسائل و از جمله ذکر نام حضرت امام خمینی (ره) در این کتاب مدت یک سال ممنوع‌القلم گردید. در تابستان 1356 به فرانسه و سوییس رفت و با سید محمدعلی جمالزاده در ژنو دیداری داشت. در شهریور 1359 نیز یک ماهی در فراسنه اقامت گزید و در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی این کشور سخنرانی‌هایی نمود. با شروع جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها و مناطق جنگی حضور داشت. در سال 1360 مجموعه شعر امام حماسه‌ای دیگر را ساخت. در زمستان سال 1362 جهت معالجه بیماری قلبی و بازگردانیدن چند کتاب ارزشمند خطی به کشور که در سال‌های انقلاب به فرانسه منتقل شده بود، برای مدت یک ماه به فرانسه رفت. در زمستان 1367 به پاکستان رفت و چندین سخنرانی درباره‌ی شخصیت حافظ و آثار او ایراد نمود. ضمنا مجتمع هنر و ادبیات مقدس طی مراسمی در تالار وحدت در سال 1367 لوح دست خط زرین حضرت امام (ره) و دیپلم افتخار و سکه‌ی یادبود مجتمع را به مهرداد اوستا به عنوان برگزیده‌ی بخش شعر اهدا نمود. در سال 1369 نیز خلیل‌الله خلیلی، قصیده‌سرای افغانی، سخنرای نمود. استاد اوستا، طی سال‌های تدریس در مراکزی چون دانشگاه‌های تهران، ملی، مدارس عالی ترجمه و پارس، مجتمع عالی هنر، فلسفه تاریخ هنر، تاریخ اجتماعی هنر، روش تحقیق هنر در اروپا، روش تحقیق هنر در شوق، ادبیات جهان، ادبیات نمایشی، زیبایی شناسی، روش تحقیق در زیبایی شناسی، به تدریس تاریخ موسیقی اشتغال داشت. آخرین سال‌های تدریس استاد 1369 و 1370 بود که در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران تاریخ موسیقی تدریس می‌کرد. وی همچنین مشاور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود.

استاد اوستا با اینکه بیشتر به قصیده‌سرایی متمایل بود در زمینه‌های دیگر شعر همانند غزل، مثنوی، دو بیتی‌های پیوسته، رباعی و غیره نیز تسلط داشت. از نظر قالب به شیوه شعرای خراسانی و بیشتر پیرو ناصر خسرو، خاقانی و مسعود سعد بود و در اندیشه‌های شاعرانه‌اش غالبا دقایق فلسفی و تفکرات حکیمانه را می‌پرواند. وی معتقد بود که «یک هنرمند باید فرزند زمان خود باشد و اگر احیانا خود نیازمندی‌های زیادی از نظر مادی ندارد باید آنقدر روحیه‌ی حساس و تأثیر پذیری داشته باشد که درها و

نیازمندی‌های اکثریت مردم را درک کند و آینه‌ی گویای رنج و شادی مردم زمان باشد.»
فهرست آثارش (هرچند برخی از کتاب‌هایی که در زیر آمده در هیچ کتابخانه‌ای یافت نشد، معهذا عنوان آن در اینجا ذکر شد). به این شرح است: از امروز تا هرگز (نثر داستانی، 1345)؛ از کاروان رفته (شعر، 1339)؛ اشک و سرنوشت (قطعه‌های ادبی، ترجمه، شعر)؛ امام، حماسه‌ای دیگر (1368)؛ پالیزبان (شعر، 1342)، پرنیان (شعر)؛ تحلیل فلسفی علمی پیرامون اصول ادیان؛ رسائل خیام؛ نوروزنامه- رساله وجود (تصحیح، مقدمه و تحقیق در زندگی خیام)؛ تصحیح دیوان سلمان ساوجی؛ تصحیح و تحقیق کلیات شیخ سعدی؛ تعریف و توجیه انسان؛ تیرانا (نثر انتقادی، 1352)؛ حماسه آرش (شعر، 1344)؛ راما (شعر 1370)؛ رساله‌ای در منطق؛ فلسفه؛ روان شناسی و اخلاق، روش تحقیقی در تاریخ هنر؛ روش تحقیق در تحولات فکری و فلسفی در اروپا و آسیا؛ روش تحقیق در دستور زبان و شیوه نگاش (1348)، روش تحقیق در زیبا شناسی؛ روش تحقیق در بیان فلسفی اسطوره‌ها؛ روش تحقیق در بیان دین و اخلاق؛ سرود ناتمام (مجموعه شعر از عبدالله صاحلی سمنانی، با دیباچه‌ای از استاد اوستا، 1353)؛ سیر مکاتب هنری در ایران؛ شراب خانگی ترس محتسب خورده (شعر، 1351)؛ عدالت، حکومت، جامعه، عقل و اشراق؛ کارنامه‌ی شعر معاصر پارسی؛ لحن شناسی (پیرامون آثار و افکار بزرگان سخن ایران)؛ مجموعه مقالات، مقدمه‌ای بر دیوان حافظ، مکاتب فلسفی در آسیا؛ مکاتب فلسفی در اروپا؛ مکاتب هنری در اروپا؛ مکاتب هنری در شرق؛ منطق حماسی مهابهارات؛ منطق کلام حافظ؛ منطق کلام فردوسی؛ نامه‌ها؛ نقد و بررسی آثار سنائی.
استاد مهرداد اوستا سرانجام در روز هفدهم اردیبهشت 1370 به هنگام اشتغال به تصحیح شعر و تعلیم، در تالار وحدت- شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- در ساعت 1 / 30 بعدازظهر به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت و فردای آن روز پیکر وی در بهشت زهرا در مقبره‌ی مشاهیر فرهنگ، ادب و هنر ایران در کنار مجتبی مینوی و مشایخ فریدنی (حجره 953) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اویسی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمدحسین اویسی فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (1336 ـ 1411 ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بود. وی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند ، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. او آثاری چند در حوزه علوم قرآنی به تالیف رسانده است.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : شیخ محمدحسین فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (1336 ـ 1411 ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ محمدحسین اویسی مقدمات علوم و فنون ادب را در زادگاه خود فراگرفت. در حدود سال 1372 ق به قم هجرت نموده و در مجلس درس بزرگان حوزه حاضر گردید.استادان و مربیان : محمدحسین اویسی دروس طلبگی همچون صرف و نحو و... را در قزوین نزد سید احمد عمادحاج سیدجوادی و شیخ مهدی قاضی فراگرفت و سپس مشغول تحصیل در فقه و اصول گردید و فلسفه را از محضر فیلسوف شهیر ، شیخ ابوالحسن رفیعی قزوینی استفاده کرد. وی پس از آنکه به قم مهاجرت نمود ، خارج فقه را از محضر آیت الله بروجردی استفاده کرد و برای یادگیری اصول درس شیخ عباس شاهرودی و سیدمحمد داماد حاضر شد. اویسی سالیان متمادی از محضر درس علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان استفاده کرد.فعالیتهای آموزشی : محمدحسین اویسی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه ی قم به پایان رساند ، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدحسین اویسی همراه با تدریس ، به تالیف و تفسیر قرآن نیز پرداخت. او تفسیر خود را مدت سی سال در چندین مجلد جمع و تالیف نموده است.آرا و گرایشهای خاص : شیوه و روش محمدحسین اویسی در تفسیر قرآن بدین گونه است که پس از ذکر آیه با بهره گیری از روایات ، به تفسیر آن می پردازد و در ضمن آن اقوال دیگر مفسران ، مانند فخر رازی را بیان کرده و مورد نقد عالمانه قرار می دهد و سپس برای روشن تر شدن بحث به اشعاری از شاعران قدیم تمسک می کند.آثار : تفسیر اویسی ویژگی اثر : این تفسیر به زبان فارسی و ثمره جلسات تفسیر

قرآنی است که شبهای ماه رمضان برای مردم و طلاب در طول سی سال بیان داشته است و سپس آن را جمع آوری و به صورت کتاب مستقلی درآورده است.
منابع زندگینامه :قرآن پژوهان قزوین ، تالیف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران ، ص 148

ایرانی، مصیب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصیب ایرانی
محل تولد : سنقر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/3/9
زندگینامه علمی
اینجانب مصیب ایرانی تحصیلات ابتدائی وراهنمائی را در شهرستان سنقر به اتمام رسانده ودر سال1366 وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره)شهر کرمانشاه شده،همزمان با دروس حوزه مدر ک دیپلم متوسطه اخذ نموده و بعد از پایان مقدمات در سال 1375وارد حوزه علمیه قم شدم ودر دروس آقایان حجت الاسلام احدی واستاددریاباری شروع به ادامه دروس حوزه نمودم.همزمان در قم وحضور در دروس اساتید مذکور دوره تربیت مربی (دفتر تبلیغات)وآموزش مبلغین این مرکزوحضور در موسسه تنظیم ونشرآثار امام خمینی (ره)دوره امام شناسی با گرایش اندیشه سیاسی(کارشناسی ارشد) به پایان رساندم .در حال حاضر نیز دروس خارج فقه استاد قاضی زاده وشرح منظومه استاد دریاباری را تلمذ می نمایم.
وسلام توفیقات روز افزون را از ایزدمنان خواهانم خداوند مارا از الطاف خود و اولیائش محروم نکند..

ایزد پناه، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس ایزد پناه
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1

آدرس اینترنتی
زندگینامه علمی
در سال 1354 سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال 1355 وارد حوزه قم شدم. تا سال 1364 دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایان رسانده و وارد دوره اشارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شدم. در سال 1364 کتاب اصول سیاستها و احزاب را انتشار دادم و در سال 1367 وارد فوق لیسانس فلسفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت 2 سال در دانشگاه تربیت معلم تبریز تدریس فلسفه و کلام و در سال 1372 وارد دانشگاه قم شدم. ابتدا عضو هیأت علمی- پژوهشی شدم و پس از آن به تدریس پرداختم.از سال 1372 مقالات علمی من از کنگرة علامة طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله درکیهان در دو شماره به چاپ رسید. در سال 1373 مقاله ام در دانشگاه امام حسین(ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود 8 سال مقالات علمی ام در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسید که به حدود 90 مقاله می رسد. در سال 1380 وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می کنیم و در ضمن در سال 1383 طی 60 برنامة علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود 10 کارگاه علمی برگزار کرده ام.این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه دارد.هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفة علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که

دغدغة اصل من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

ایزدجو، تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تقی ایزدجو
محل تولد : آشتیان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
متولد 1346 در آشتیان هستم سال 1358 وارد حوزه علمیه آشتیان شدم پس از دروس مقدماتی (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، منطق مظفر، مختصر، مختصر المعانی، شرح لمعه و اصول فقه) و شرکت در دروس جنبی عقاید و تاریخ اسلام و نهج البلاغه که توسط حضرات حجج الاسلام محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی عصر روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد در سال 1365 راهی حوزه علمیه قم شدم. و در امتحانات کتبی شورای مدیریت (که گویا اولین سال برگزاری آن بود) شرکت کردم و با نمره عالی قبول شدم و در امتحانات شفاهی که از سیوطی، مختصر و مغنی تا لمعتین و وصولین برگزار شد قبول شدم. و در مدرسه رسول اکرم(ص) واقع در خیابان شاه ابراهیم ساکن شدم. اولیه دورس لمعه و اصول را در قم در محضر استاد وجدانی فخر و صالحی اطفالی به پایان بردم.کفایه را پای درس استاد اعتمادی ششم و مکاسب را در حضور مرحوم پایانی تلمذ کردم و رسایل را از حضور استاد تهرانی بهره بردم.در طی سال‌های 65 تا 69 پای درس تفسیر آیت الله جوادی که آغاز دوره تفسیر ایشان بود حاضر می‌شدم. سال 65 سطح 4 و 5 و 6 را امتحان دادم سال 66 تا سال 1369 پایه‌های 7 و 8 و 9 قدیم را گذراندم و فقط امتحان شفاهی پایه آخر مانده بود که به علت سفر به شهرستان ایذه از طرف مرکز مدیریت حوزه علمیه برای تدریس دروس حوزوی در سال 73 انجام شد.در سال 1370 به دعوت مسئول حوزه علمیه شهرستان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان به این شهرستان هجرت کردم که با هماهنگی حوزه علمیه قم (شورای مدیریت) بود و در شهرستان ایذه به تدریس مقدمات از سیوطی، مغنی اللبیب، حاشیه، مختصر المعانی و قسمت متاجر عصر پرداختم و پس از گذشت سه سال از تدریس در این شهرستان در سال 1373 به علت قبولی در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی

قم) در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی به قم بازگشتم. و طی چند سال در این مقطع مدرک تحصیلی آن را به دست آوردم. در سال 73 پس از بازگشت از ایذه و در کنار تحصیل در دانشگاه پای درس اصول آیت الله سبحانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می‌شدم (البته نه به طور کامل).و به علاوه در قسمت تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم در بخش معجم بحارالانوار مشغول به کار شدم که حاصل آن همکاری‌ها در چند جلد چاپ شده و در سال 75 به عنوان کتاب سال برگزیده شد با پایان یافتن کار تدوین معجم بحارالانوار با ستاد منطقه 2 سازمان تبلیغات شروع به همکاری کردم و به عنوان مسئول بخش نقد و بررسی کتاب برای مناطق اهل سنت به مدت دو سال به انجام وظیفه پرداختم و هنگامی که به بی‌فایده بودن این کار پی بردم از این نهاد جدا شم.و در سال 1376 با هدف تعلیم و تربیت نسل جوان و جویای حقیقت به استخدام آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران درآمدم که هنوز هم همکاری با این نهاد ادامه دارد. در سال 1380 در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و پس از پایان دروس تئوری و در حالیکه پایان‌نامه را رو به پایان داشتم به علت برخی مشکلات از ادامه تحصیل دست کشیدم و در سال 1382 تدریس در دانشگاه را آغاز کردم. و هم اینک نیز تدریس دروس معارف 1 و 2 اخلاق اسلامی و متون را هر ترم تدریس می‌نمایم.تحصیلات حوزوی سال 76 برای ارائه به آموزش و پرورش مدرک سطح 2 را اخذ کردم و برای سطح 3 نیز در سال 1380 موضوع گرفته بودم ولی پیگیری نکردم.در سال 1369 در بخش گزینش قضات فیضیه مدرکم را کامل کردم و در سال 70 دعوت به دوره شدم ولی نرفتم اما اکنون طی سال‌های اخیر این مدرک را دوباره ارائه داده و به احتمال زیاد امسال (1386) جذب قوضه قضائیه شوم برای اشتغال به امیر خطیر قضا.

ایزدی، میرزا اسحاق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی در سال 1251 (سوم صفر 1290هجری قمری) ، در قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال 1313 با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال 1316 رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیه اسلامی به درجه اجتهاد رسید. وی در سال 1326 هـ.ق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت. همچنین در 24 خرداد 1310 از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد. آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی سرانجام در نوزدهم آبان 1322 شمسی دارفانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : حاج میرزا اسحاق فرزند خلف حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مولا عبدالله بن ملا محمدباقر بن ملا سلیمان ایزدی ، که همگی از سلسله خاندان روحانیت با نفوذ بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا اسحاق ایزدی پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال 1313 با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال 1316 رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیه اسلامی به درجه اجتهاد رسید.استادان و مربیان : میرزا اسحاق ایزدی ابتدا نزد پدر خود تحصیلات مقدماتی و سطوح را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و نزد آیت الله حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی و آیت الله سیدمحمد درچه ای که هردو از اساتید به نام و طراز اول آن روز بودند ، به کسب کمال فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت. وی همچنین در نجف اشرف محضر درس آیت الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و

آیت الله حاج سیدکاظم طباطبایی را درک نمود. او از سوی آیت الله حاج سیدکاظم طباطبایی اجازه اجتهاد دریافت نمود.زمان و علت فوت : میرزا اسحاق ایزدی در نوزدهم آبان 1322 شمسی دارفانی را وداع گفت و در شهر قم به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در 24 خرداد 1310 از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد.فعالیتهای آموزشی : میرزا اسحاق ایزدی پس از آنکه تحصیلات خود را نجف اشرف به پایان رساند ، در سال 1326 هـ.ق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا اسحاق ایزدی در سال 1331 جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد و پس از مرگ عمویش ، حاج ملا علی اکبر معروف به سیادهنی که از اکابر معروف قزوین بود ، در اندک مدتی مرجعیت تامه یافت و به حل و فصل امور اجتماعی مسلمین پرداخت. او در این زمان دفتری مرتب نموده و کلیه معاملاتی که در محضر وی انجام می شد را ثبت می کرد و این موضوع باعث اعتماد مردم قزوین شده بود. علاوه بر فعالیت های ذکر شده ، وی به عنوان یک روحانی روشنفکر ، زمینه مطالعاتی و تحقیقاتی نیز داشته و آثاری از خود به یادگار نهاده است.آثار : رساله در استصحاب رساله در توبه رساله درمبحث قطع

آدینه اصفهانی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1339 ق)، حکیم، فقیه و زاهد. از مبرزین شاگردان جهانگیرخان قشقائی بود. وی از مدرسین حکمت در مدرسه صدر و مسجد ذوالفقار اصفهان بود و متون معقول و منقول را تدریس می‌کرد. خط او نیز پخته و شیرین بود. همچنین از نجوم و هیئت سر رشته داشت. استاد جلال همایی و آقامیرزا محمود مفید اصفهانی از شاگردان نامور وی بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (242 -241)، همایی نامه (22).

آرندی نایینی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1270 -1190 ق)، عارف، حکیم و ریاضیدان. در آرند، از تابع نائین، متولد شد. در دهات نائین به شبانی روزگار می‌گذرانید تا آنکه حاج محمد حسن نائینی، از مشایخ سلسله‌ی اویسیه، او را تشویق به تحصیل علم و تکمیل نفس کرد. پس از آن به اصفهان رفت و شصت سال در فقرو قناعت در یکی از حجره‌های مدرسه‌ی نیماورد اصفهان در تنهایی و تجرد زیست. ظاهراً شاگرد ملا محراب گیلانی و آخوند نوری بو. در عرفان و حکمت الهی و انواع علوم ریاضی تبحر داشت. او را از مشایخ سلسله‌ی نعمت اللهیه می‌دانند. میرزا محمد حسن صفی علیشاه از شاگردان او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (263 -262)، طرائق الحقائق (240 -239 /3)، المآثر والآثار (169).

آزاد قزوینی، میرآزاد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، مجتهد اصولی، فیلسوف، حکیم و شاعر. برادر کوچک میر سید علی قزوینی و از سادات قزوین بود. او نزد شیخ محمدتقی شهید ثالث و برادرش ملا محمدصالح برغانی فقه و اصول خواند و در حوزه‌ی درس آخوند ملا آقا حکمی قزوینی حکمت آموخت، سپس عازم هندوستان شد و ساکن آن سامان گشت. طبعی موزن داشت و اشعار لطیفی سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (7)، فرهنگ سخنوران (5)، مستدرکات اعیان (3 /3)، مینو در (356 /2).

آستارایی، حسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، عالم، حکیم و صوفی. ظاهراً از شاگردان میرداماد است. وی دارای مؤلفات و تعلیقات بسیار است که صاحب «ریاض العلماء» برخی از آنها را در رشت دیده است. از آثارش: «تعلیقات بر «شرح الهیاکل» علامه دوانی؛ «رسالة المصطفویة فی تحقیق الخیر والشر علی مسلک الحکماء والصوفیة»؛ که به فارسی و عربی تألیف شده؛ رساله‌ای در «وحدت الوجود»؛ به فارسی بر مذاق صوفیه و حکمای اشراق؛ رساله‌ای در «تفسیر اسماءاللّه الحسنی»؛ به فارسی؛ «حدیقةالانوار» در جواب شبهه‌ی ابن‌کمونه در قدم حوادث یومیه؛ تعلیقات بر رساله «جام گیتی‌نما» قاضی امیرحسین میبدی، به فارسی، در حکمت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (6/ 381)، ریاض العلماء (2/ 96).

آسوده شیرازی، محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1320 -1265 ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به آسوده. از اهالی شیراز و پدرش بازرگان بود، اما خود او به حکم ذوق و گرایش فکری، به شاعری روی آورد و به تحصیل علوم ادبی و حکمت و ریاضیات پرداخت و در فنون شاعری چون عروض و بدیع و قافیه و نقدالشعر مهارت یافت. در اواسط عمر به عزلت گرایید و به مصاحبت اهل ذوق و عرفان روی آورد. وی در تمام قلبهای شعری اعم از قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و مسمط طبع آزمایی کرده است و مثنویی به نام «عرفان الحکم» و مثنویی در تقریظ «سالارنامه» دارد. «دیوان آسوده» اثر دیگر او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (354 -353)، حدیقة الشعراء (37 -32 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (30 -25 /1)، الذریعه (246، 143 /19، 247، /15 ،6 /9)، ریحانه (48 /1)، فارسنامه‌ی ناصری (1154، 1135، 980، /2)، فرنگ سخنوران (6)، مؤلفین کتب چاپی (358 -357 /6)، مرآت الفصاحة (26 -25).

آشتیانی، جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1324 ق)، دانشمند و حکیم. ملقب و مشهور به میرزای کوچک. برادرزاده و داماد میرزای بزرگ آشتیانی بود. او از برجستگان علما و حکمای زمان خود بود و در ادبیات و ریاضیات بر افاضل عصرش مقدم. در فقه و اصول شاگرد عم خود حاج میرزا حسن آشتیانی بود. معقول و طب و نجوم و حساب و هندسه و اصول عرفان را نیز از آقا علی حکیم زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه و دیگر حکما فراگرفت. در تهران درگذشت و در زاویه صحن حضرت عبدالعظیم دفن شد. او تألیفات بسیاری داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریحانه (5/ 274).

آشتیانی، فضل‌اللّٰه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1382 -1298 ق)، حکیم و قاضی. مشهور به آشتیانی. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی به محضر درس میرزا محمدحسن آشتیانی راه یافت و در زمینه معقول حوزه درس میرزای جلوه و میرزاحسن کرمانشاهی را دریافت. پس از فراغ از تحصیل به خدمت قضایی درآمد و مستشار دیوان عالی کشور شد. اما هیچ‌گاه رابطه‌ی او با علم و حکمت قطع نشد. هرگاه که میرزا مهدی آشتیانی به سفر می‌رفت یا بر اثر بیماری توان درس گفتن نداشت به اصرار به جای وی در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم درس می‌گفت. در تهران درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثارش: رساله‌ای مختصر در «حدوث عالم جسمانی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گلزار معانی (15 -7).

آشتیانی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا مهدی آشتیانی، حکیم، عارف و دانشمند شیعی در حدود سال 1266 ش (1306 ق) در تهران متولد گردید. پدرش میرزا جعفر ملقب به میرزا کوچک از شاگردان آقا محمدرضا حکیم قمشه‌ای و مادرش دختر حاج میرزا حسن آشتیانی، مجتهد معروف تهران بود. ایشان پس از فراگیری مقدمات، خارج فقه و اصول را نزد شیخ فضل‌اللّه نوری و آقا سیدعبدالکریم مدرس آموخت. وی از آن پس سال‌ها در تهران مُدَرس فلسفه و عرفان بود و عنوان مدرس رسمی مدرسه سپهسالار را داشت. در این میان شاگردان فرهیخته‌ای تربیت نمود که میرزا ابوالحسن شعرانی، دکتر عبدالجواد فلاطوری، دکتر محمدابراهیم آیتی، سیدجلال آشتیانی، مهدی حائری یزدی و بدیع الزمان فروزانفر و... از آن جمله‌اند. آیت‌اللّه میرزا مهدی آشتیانی در سال 1325ش برابر با سال‌های 1366 - 1365 هجری قمری، به استدعای فضلا و طلاب حوزه علمیه قم چندی به قم مهاجرت کرد و به تدریس و افاضه پرداخت و استاد شهید مرتضی مطهری در آن مدت قلیل توفیق استفاده از محضر او را داشت. میرزا مهدی آشتیانی بی‌گمان یکی از متبحرترین شارحان و مدرسان فلسفه بود ولی ذوق عرفانی او بر مشرب عقلی‌اش غلبه داشت و این همه در آثار و شروح و حواشی او که البته از حد شرح و تفسیر بسیار فراتر می‌روند و خود، آثار مستقلی به شمار می‌روند، به خوبی هویداست. از این عالم برجسته و محقق توانا آثار متعددی بر جای مانده که: حاشیه شرح منظومه منطق و حکمت، اساس التوحید درباره قاعده "الواحد" در وحدت وجود از آن جمله است. میرزا مهدی آشتیانی سرانجام در دوم اردیبهشت 1332 ش برابر با نهم شعبان 1372 ق در 66 سالگی درگذشت و در حرم حضرت معصومه(س) مدفون گردید.

آشتیانی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا مهدی آشتیانی در سال 1306 قمری به دنیا آمد. از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که درسن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید.میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : تاریخ و فلسفه
والدین و انساب : از پدر و مادری پرهیزگار در ذیقعده سال 1306 قمری میرزا مهدی پا به عرصه وجود گذاشته شد. پدر و نیاکان میرزا مهدی همه از علمای بزرگ اسلام بوده‌اند. در رأس این خاندان آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا حسن آشتیانی (ره) معروف به میرزای آشتیانی است. میرزای آشتیانی به عنوان رئیس علمای تهران در جنبش شکوهمند تحریم تنباکو نقش فوق العاده‌ای را ایفا می‌کرد. ایشان که نماینده میرزای بزرگ شیرزای نیز بود در انجام رساندن هدف قیام و رهبری مردم دخالت مستقیم داشت. آن بزرگوار در سال 1319 قمری درگذشت. از شاگردان مبرّز میرزای آشتیانی، برادرزاده‌اش، مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا جعفر آشتیانی است که افتخار دامادی استاد را نیز داشته است. او پدر فیلسوف عالی مقام میرزا مهدی آشتیانی می‌باشد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که درسن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید.میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل اللّه نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرز اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید

را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت.میرزا مهدی با جدیت تمام همه علوم و معارف فوق را نزد دانشمندان و بزرگان عصر آموخت و از بسیاری اساتید خود به اخذ اجازه و گواهی‌نامه علمی نائل شد.ایشان اگرچه در فقه و اصول و ریاضی و طب صاحب‌نظر و دارای مقامی ارجمند بود، ولی آنچه بیشتر برای او جاذبه داشت گام نهادن در وادی علوم عقلی و فلسفی بود.میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد.

استادان و مربیان : میرزا مهدی آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل اللّه نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرز اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت. از اساتید وی در مباحث فلسفه می توان به موارد زیر اشاره کرد: سیدالحکمائ آقا میرزا ابوالحسن جلوه مرحوم آقا میرزا حسن کرمانشاهی آقا میر شهاب نیریزی میرزا هاشم اشکوری نام برد. از اساتید وی در نجف اشرف عبارتند از: آیت الله آخوند خراسانی آیت الله سید محمد کاظم یزدی آیت الله سید محمد فیروز آبادی آیت الله میرزا حسن نائینی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

همسر و فرزندان : همچنین از یادگارهای میرزا مهدی آشتیانی فرزند دانشمندش، مهندس جلال الدین آشتیانی می‌باشد که از اساتید و نویسندگان توانای کشورمان به شمار می‌رود. فرزند دیگر ایشان، آقای میرزا جعفر آشتیانی است.

وقایع میانسالی : در ماه ذیحجه سال 1368 ه . ق در منزل مرحوم آیت‌اللّه حجت (ره) بودم و مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در آنجا وارد بودند.مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه سید محمد تقی خوانساری برای دیدن ایشان آمدند و بعد از تعارفات و تشریفات، آیت‌اللّه حجت به آیت‌اللّه بروجردی گفتند که آقای میرزا مهدی آشتیانی مکاشفه عجیبی دارند و مناسب است خودشان نقل کنند. مرحوم آشتیانی فرمودند:من مبتلا به یرقان هستم و برای همین مسافرت به خارج هم نموده‌ام ولی علاج نشده است. در سال 1365 ق که توده‌ای‌ها - نهایت تسلط را در شمال و غرب ایران داشتند - به مشهد مشرف می‌شدم. در اتوبوس حالم منقلب شد به

طوری که مسافرین و راننده خیال کردند من سکته کرده‌ام. ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند و در آن حال دیدم که در عرفات هستم و انوار بسیاری از آسمان به زمین می‌آید و دیدم که مردم به یک طرف متوجه هستند. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند: حضرت رسول (ص) تشریف آورده‌اند. من به آن طرف رفتم و دیدم چهارده خیمه در کنار یکدیگر نصب است. خیمه بزرگی بود که متعلق به حضرت رسول (ص) بود من در آن خیمه مشرف شدم و حضرت را زیارت کردم. خواستم از کسالت خود و حوائج دیگرم بگویم. گفتند: چون زائر فرزندم رضا (ع) هستی برو به خیمه‌ایکه متعلق به اوست. پس من به خیمه آن حضرت شرفیاب شدم و سه حاجت خود را اظهار کردم. اول راجع به کسالتم، فرمودند مقدر شده که این کسالت با تو باشد تا از دنیا بروی، دوم راجع به فتنه توده‌ای‌ها، فرمودند به همین زودی شر آنها مرتفع خواهد شد و تا شما با قبور و مجالس سوگواری ما ارتباط دارید در امان هستید و سوم راجع به حاجت شخصی بودکه فرمودند: این حاجت هم رواست.»
زمان و علت فوت : سرانجام بعد از سال‌ها تحقیق و تدریس و عمری سراسر پارسائی مرغ روح میرزا مهدی آشتیانی، عارف فرزانه و فیلسوف و حکیم عالی‌قدر، پس از یک بیماری طولانی در حوالی ساعت ده صبح روز پنجشنبه، سوم اردیبهشت 1332 ش، برابر با نهم شعبان 1372 ق در تهران و در حالی که مشغول افاضه مطالبی در مسئله «شق القمر» بود و گاه گاه بلند می‌فرمود: یا رحمن و یا رحیم یا ارحم الراحمین»، به عالم قدس پرکشید و خطه خاک را از انوار آن وجود تابناک محروم ساخت.یکر مطهر آن مرحوم به قم منتقل شد و پس از تشییع با شکوهی، در جوار کریمه اهل‌بیت (ع) ، حضرت فاطمه معصومه (س) ، نزدیک مرقد مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در مسجد بالاسر مبارک به خاک سپرده شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میرزا مهدی آشتیانی حدود 30 سال در مدرسه سپهسالار و مدرسه میرزا محمدخان قزوینی تدریس داشت. معمولاً روزی سه ساعت و گاهی چهار ساعت تدریس می‌کردند. علامه سید جلال الدین آشتیانی نوشته‌اند:دوازده دوره الهیات شفا و چهار دوره طبیعیات این کتاب عظیم را تدریس نموده‌اند. تمهید القواعد را پنج بار و شرح فصوص را تا قبل از سال 1316ش در طول هجده سال، شش دوره و مجلدات اسفار را در دوره‌های متوالی درس داده‌اند.»تسلط ایشان به مبانی حکمت و عرفان و تبحر در آثار ملاصدرا باعث می‌شد تا محفل درس او مورد توجه اهل فضل قرار گیرد.علامه سید جلال‌الدین آشتیانی باز نوشته‌اند:«مرحوم استاد آقا میرزا مهدی سه سال ایام عید را به مقصد زیارت حضرت معصومه (س) در قم به این شهر مسافرت کردند ؛ و در

سفر اخیر مغفور له، حضرت امام خمینی درس اسفار خود را تعطیل کردند و فرمودند، آقای آشتیانی در رتبه اساتید من هستند...»
فعالیتهای آموزشی : میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. ایشان مدتی را نیز در نجف اشرف به تدریس معقول اشتغال یافت و آن گاه به ایران بازگشت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : میرزا مهدی آشتیانی در اوائل شباب تدریس منظومه می‌کرد.
شاگردان : اگر چه میرزا مهدی آشتیانی به علت مسافرت‌های زیاد و کسالت طولانی به صورت پیوسته و شایان نمی‌توانست به افاده بپردازد، ولی حوزه درس و محفل بحث او تا اواخر عمر شریفش ادامه داشت و جویندگان معارف ناب از زلال دریای علومش استفاده‌ها بردند. نام برخی از شاگردان زبده وی چنین است:1 - آیت‌اللّه سید علی سیستانی.2 - آیت‌اللّه میرزا ابوالحسن شعرانی.3 - آیت‌اللّه علامه سید جلال الدّین آشتیانی.4 - آیت‌اللّه دکتر مهدی حائری یزدی.5 - آیت‌اللّه علامه محمد تقی جعفری.6 - آیت‌اللّه آخوند ملا علی همدانی.7 - آیت‌اللّه شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی.8 - آیت‌اللّه شهید مرتضی مطهری.9 - پرفسور عبدالجواد فلاطوری.10 - استاد بدیع الزمان فروزان‌فر.11 - دکتر محمد تقی دانش‌پژوه.12 - دکتر مهدی محقق.13 - دکتر ابراهیم آیتی.14 - دکتر محمد صادقی.15 - دکتر محمد جعفر لنگرودی.16 - دکتر موسی جوان.17 - دکتر سید صادق گوهرین.18 - حکیم حاج شیخ علی محمد جولستانی.19 - حکیم شیخ محمدرضا ربانی تربتی.20 - شیخ عبدالکریم روشنا تهرانی.21 - آقا شیخ جعفر خندق آبادی.22 - آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی.23 - آقا شیخ علی محقق کاشمری.24 - آقا سید مهدی لاجوردی کاشانی.25 - آقا سید هوشنگ میرمطهری.26 - آقا سید محمد تقی نقوی.27 - آقا سید محمد حسین آل طیب شوشتری و بسیاری دیگر
آرا و گرایشهای خاص : یکی از ویژگی‌های برجسته میرزا مهدی آشتیانی این بودکه در یک محدوده جغرافیایی نمی‌ماند و مسافرت‌های متعددی را به مراکز علم و دانش جهان داشت. او طی سفری به بخارا مدت یک سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس حکمت و فلسفه اسلامی مبادرت ورزید.بعد از آن به مصر، اسکندریه، برلین، پاریس، رم، هند، بلژیک و دیگر نقاط اروپا مسافرت کرد و با فلاسفه و اندیشمندان آن دیار مباحثاتی را انجام داد.ملاقات‌های ایشان که در واقع نماینده فلسفه و عرفان اسلامی بود - در آشنایی فلاسفه غرب با مبانی بلند و ژرف فلسفه اسلام و ایران تأثیر مطلوبی داشت. _____

آثار :
1 اساس التوحید
ویژگی اثر : اساس التوحید، ط تهران، دانشگاه تهران. این کتاب که قبلاً با مقدمه آقای منوچهر صدوقی سُها چاپ شده بود اخیراً با مقدمه و تصحیح آیت‌اللّه سید جلال الدین آشتیانی مجدداً به چاپ رسیده است.
2 ترجمه اسفار اربعه
3 ترجمه‌ای بر اشارات بوعلی
4 تعلیقه بر اسفار اربعه
5 تعلیقه بر اشارات بوعلی
6 تعلیقه بر شفاء بوعلی
7 تعلیقه بر فصوص ابن عربی
8 تعلیقه بر فصوص فارابی
9 تعلیقه بر مصباح الانس
10 تعلیقه بر منطق منظومه سبزواری
11 حاشیه بر فرائد الاصول
12 حاشیه بر فرائد الاصول‌تعلیقه بر حکمت منظومه سبزواری
13 حاشیه بر کفایة الاصول
14 حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (ره)
15 رساله در اثبات معراج جسمانی
16 رساله‌ای در اثبات معاد جسمانی
17 رساله‌ای در جبر و تفویض
18 رساله‌ای در حقیقت کتاب و میزان به مذاق عرفا، ط تهران، 1352
19 رساله‌ای در شق القمر
20 رساله‌ای در علم اجمالی و طلب و اراده
21 شرح بر مشکلات حافظ
22 شرح حدیث عمران صابی
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

آقابزرگ ساوجی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1357 ق)، عالم، مدرس و مجتهد. معروف به آقابزرگ یا شیخ آقابزرگ ساوجی. در حوزه‌ی درس حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی به درجه‌ی اجتهاد رسید و در مدارس مروی و سپهسالار جدید به تدریس پرداخت و گروه بسیاری در حوزه‌ی درس او که غالباً حوزه‌ی ادب و فقه و اصول بود حاضر می‌شدند. وی در علوم معقول از استادان بزرگ بود. در سلوک نیز پیرو آخوند ملا فتحعلی اراکی بود. سرانجام در تهران درگذشت و جنازه‌ی وی را به قم بردند و در یکی از حجرات صحن جدید که اینک به مقبره‌ی پروین اعتصامی شهرت دارد دفن کردند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (5/ 294).

آقاجانی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1071 ق)، عارف، حکیم و فیلسوف. اصل وی از استرآباد یا مازندران بود. در قم مسکن گزید و در محضر ملاصدرای شیرازی شاگردی کرد. وی منکر وحدت وجود و برخلاف سید داماد وجود را اعتباری نمی‌داند. از آثار وی: «شرح القبسات» محقق داماد، که کتاب بزرگی در حدود 80 هزار سطر است؛ «الانوار شاهیة» در کلام؛ تعلیقات «الهیات شفا»؛ رساله در «ابطال الهیولی»؛ رساله در «حدوث الدهری»؛ «ریاض الطالبین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (13/ 390- 391)، راهنمای کتاب (س 21، ص 332- 338)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 494 -493 /11).

آقانجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1295 ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاور از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاهت و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان درگذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقا نجفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوة الاسلام فی احوال آیةاللّه الملک‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایةالاصول».[1]
حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال 1295 قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملا خوانده و بعد در سن 20 سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقائی و فقه را از مرحوم آقا نجفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال 1318 قمری در سن 23 سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند

خراسانی و حاج سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاهت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال 1338 قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رتق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه 26 ربیع‌الثانی 1363 قمری در سن 68 سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.
1- سفر غرب (سیاحت غرب) 2- سیاحت شرق 3- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو 4- کتاب عذر بدتر از گناه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (221 -220 /6)، نشر دانش (س 4، ش 2، ص 27 -18).

آل احمد، شمس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شمس آل احمد از دانشمندان معاصر ایران است . او دررشته فلسفه و علوم تربیتی تحصیل کرده و مدت ها به عنوان دبیر آموزش وپرورش خدمت کرده است . وی در دانشکده نیز رشته کتابداری را تدریس کرد . سپس با تاسیس موسسه انتشاراتی رواق به کار نشر پرداخت.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : شجره خانوادگی شمس آل احمد ، پس از 35 نسب به حضرت امام سجاد (ع) می رسد .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : شمس آل احمد درمحله پاچنار و در یک خانواده مذهبی تهران رشد و نمو کرد .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : شمس آل احمد ،فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی را از دانشسرای عالی تهران اخذ کرد .
فعالیتهای ضمن تحصیل : شمس آل احمد ضمن مقدمات آکادمیک به عکاسی نیز علاقمندشد و با این زمینه دوره عکاسی سینما را درآلمان گذراند.
فعالیتهای آموزشی : شمس آل احمد فلسفه شمس را مدتی دردانشکده رشته کتابداری تدریس کرد و پس از آن درمدرسه بهیاری ادبیات را به دانشجویان آموزش داد. او در مورد فعالیتهای آموزشی براین عقیده است که هرکس که درهرزمانی خوب بنویسد و حاشیه نگر نباشد ،حتما مطالبی را از او درحافظه تاریخی مردم خواهد ماند واین یکی از خصوصیات همیشگی ادبیات و فرهنگ درجهان است .
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : شمس آل احمد پس از آنکه دوره عکاسی وسینما را در آلمان سپری کرد، موسسه انتشاراتی رواق را تاسیس و به کار نشر پرداخت.
همفکران فرد : یکی ازهمفکران اصلی شمس آل احمد ، برادرش جلال بود که همانند دو دوست باهم رفتار می کردند. این مناسبات دوستانه چنان بود که گاه باهم به سفرو سیر و سیاحت و نیز کوه پیمایی می رفتند. همفکران دیگر او ، عبدالکریم روشن ، جلال الدین فارسی و ربانی املشی هستند .
آرا و گرایشهای خاص : شمس آل احمد براین عقیده است که «یک اتفاق

مبارک و بزرگ درادبیات داستانی مادر حال رخ دادن است . این نوع از ادبیات کم کم دارد از صورت مکالمه ای به محاوره ای نزدیک می شود . یعنی از کاغذ فاصله می گیرد وبه زبان و لحن می رسد، که خیلی دلنشین است . زیرا مخاطب این نوع آثاراحساس نمی کند کسی برایش برروی کاغذ تعیین تکلیف کرده است . او حس می کند که نویسنده به طور رو دررو با او درحال گفتمان است» . ----------
---
آثار :
1 از چشم برادر
ویژگی اثر : شمس آل احمد این اثررا تنظیم و ویرایش کرده است .
2 حدیث انقلاب
ویژگی اثر : شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است .
3 خاطرات سفر کوبا
ویژگی اثر : شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است
4 طوطی نامه
ویژگی اثر : شمس آل احمد این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

آل بحرالعلوم، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1326 -1261 ق)، فقیه، اصولی و حکیم. در نجف به دنیا آمد. فقه را نزد عمویش، سید علی، و شیخ راضی نجفی و سید حسین ترک کوه کمری و اصول را نزد میرزا عبدالرحیم نهاوندی و فلسفه را نزد میرزا محمدباقر نجفی آموخت. وی از عمویش، سید علی، به دریافت اجازه نایل گشت و پس از درگذشت او در سطح عالی به تدریس پرداخت و سرانجام عهده‌دار ریاست حوزه‌ی نجف گردید. او به امور اجتماعی و سیاسی حوزه و رفع مشکلات مردم اهتمام می‌ورزید. شوق او به تحقیق و تألیف تا بدانجا بود که بینائی خود را نیز در این راه از دست داد. وی کتابخانه بزرگی در زمینه فقهی و اصولی و روایی بنیاد نهاد. او پس از نشستن به سوگ دو فرزند عالم و فاضل خود، سید مهدی و سید میرعلی، در نجف از دنیا رفت. از آثارش: «بلغة الفقیه»، شامل 16 رساله فقهی؛ «مصباح العباد»، رساله عملیه مبسوط؛ «الوجیزه»، مختصر «مصباح العباد»؛ «مواقف حاسمة فی تاریخ التضحیة والفداء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (409 -408 /9)، الذریعه (51 /25 ،114 /21 ،148 /3)، شهیدان راه فضیلت (497)، علماء معاصرین (94 -93)، المآثر والآثار (183)، مؤلفین کتب چاپی (779 /5)، مکارم الآثار (1637 -1636 /5).

آل‌طیب، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 29 ذیقعده 1329 ق.، شوشتر.
درگذشت: 25 تیر 1373(6 صفر 1415 ق.)، شوشتر.
آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب، فرزند آیت‌الله آقا سید محمد حسین آل‌طیب معروف به آقا سید بزرگ، پیش از هفت سالگی خواندن و نوشتن را آموخت. سپس تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. وی ادبیات و مقدمات را نزد عمویش، آیت‌الله سید محمدباقر آل‌طیب فراگرفت. ریاضیات، هیئت، علوم نجوم و بخشی از طب را نزد پدر خود کسب کرد و برای تحصیل علوم فقه، اصول و حدیث به دزفول رفت و از محضر آیت‌الله محمدرضا معزی دزفولی استفاده کرد. سپس به شوشتر برگشت و از محضر آیت‌الله محمدکاظم شیخ شوشتری بهره‌ها گرفت. آنگاه به حوزه‌های علمیه‌ی قم و تهران هجرت کرد و از مراجع آن عصر همچون آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، به تکمیل علوم دینی پرداخت و از محضر میرزا مهدی آشتیانی حکمت و فلسفه را آموخت. همچنین در ریاضیات، خوشنویسی و ادبیات عرب تبحر داشت. وی سپس به تدریس علوم دینی روی آورد.
آیت‌الله آل‌طیب از مراجعی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمد کاظم شیرازی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی اجازه اجتهاد داشت.
از جمله تألیفات ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تضمین اشعار الفیه ابن مالک که بیش از 600 شعر است که در آنها به بررسی علوم گوناگون اسلامی می‌پردازد، قاعده لاتعاد، تحریر عروة الوثقی، نوشتارهایی در علم اصول، فقه، ریاضیات و نجوم، منظومه‌ای در حکمت.
آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب در هشتاد و شش سالگی جان سپرد و در بقعه‌ی مقام صاحب‌الزمان (ع) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

آملی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1391 -1304 ق)، عارف، حکیم، فقیه و اصولی. در تهران متولد شد. پس از آموختن صرف و نحو و منطق، سطوح فقه و اصول را نزد پدرش و شیخ‌رضا نوری آموخت. درس «شوارق» شیخ‌علی نوری را نیز دریافت. حکمت و فلسفه را نزد میرزا حسن کرمانشاهی تحصیل کرد و چهار سال از حوزه درس معقول و منقول شیخ عبدالنبی نوری استفاده برد. در 1340 به عراق رفت و محضر آقاضیاء عراقی، علامه نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی را دریافت. وی پس از نیل به اجتهاد در 1353 ق به تهران بازگشت و حوزه‌ی درس حکمت و فقه و اصول دایر کرد. او از اصحاب بزرگ آقا سید علی قاضی طباطبائی بود. آقا شیخ محمدتقی آملی در تهران درگذشت. آثار او عبارت‌اند از: «اثبات صانع از ماتریالیسم تا ایدئالیسم»؛ «تقریرات اصول نائینی»؛ «حیات جاوید»، در اخلاق؛ «خداشناسی»؛ «دررالفوائد»؛ تعلیقه‌ای بر «شرح منظومه‌ی» سبزواری؛ «رسالة فی الرضاع»؛ «رسالة فی قاعدة لاضرر»؛ «کتاب الصلوة»؛ «مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی»؛ «تعلیقة علی المکاسب والبیع»؛ حاشیه بر «شرح اشارات» بوعلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خدمات متقابل اسلام و ایران (618)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (52 /1)، گنجینه‌ی دانشمندان (372 -371 /4)، مؤلفین کتب چاپی (245 -243 /2).

آیتی، عبدالمحمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد عبدالمحمد آیتی درسال 1305 شمسی در شهر بروجرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از تحصیل در حوزه قم (بمدت دو سال) به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال 1328 با رتبه اول در رشته معقول را به پایان رساند و به دریافت مدرک لیسانس توفیق یافت. استاد پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت، تا آنکه در سال 1359 بازنشسته شد. او هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد.ایشان چندین تالیف و ترجمه در کارنامه علمی خود در زمینه های زبان و ادبیات عربی و فلسفه دارد. ترجمه کتاب "تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالمحمد آیتی تحصیلات ابتدایی و دوره ی متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از چندی رهسپار قم شد و به تحصیل علوم دینیه پرداخت. تحصیلات او در حوزه علمیه قم مدت دو سال به طول انجامید ، سپس به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال 1328 با رتبه اول در رشته معقول فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت.
فعالیتهای ضمن تحصیل : وضعیت معیشت عبدالمحمد آیتی به گونه ای بود که درکنار تحصیل مجبور بود پشتوانه ای برای تحصیلش فراهم سازد. از این روی ، چندی در قنادی و زمانی در نجاری به کار پرداخت.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالمحمد آیتی رئیس شورای علمی دانشنامۀ تحقیقات ادبی فرهنگستان نیز بوده است.
فعالیتهای آموزشی : عبدالمحمد آیتی پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت. او چندی در بابل و مدتی نیز در خرم آباد انجام وظیفه کرد. استاد عبدالمحمد آیتی در تاریخ 17/2/1370 به عضویت پیوسته شورای

فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمده است. سوابق تدریس: - مدرّس ادبیات داستانی در دانشگاه فارابی (1356)؛ - مدرّس ادبیات داستانی و عربی در دانشگاه دماوند (1357ـ 1358)؛ - بازنشستهٔ آموزش و پرورش (1358).
جوائز و نشانها : ترجمه کتاب "تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 آمرزش ابوالعلا معری
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1347
2 الغارات در حوادث سال‌های معدود خلافت علی(ع)،
ویژگی اثر : 1371
3 بسی رنج بردم، بازنویسی‌شده از فردوسی
ویژگی اثر : 1376
4 تاریخ ابن خلدون (تر جمه)
ویژگی اثر : 1363-71
5 تاریخ ادبیات زبان عربی (ترجمه)
ویژگی اثر : تالیف حنا الفاخوری-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-آشنایی با کتاب این کتاب، ترجمه «تاریخ الادب العربی» تألیف حنّاالفاخوری است. کتاب، سیر تحوّل و دگرگونیهای ادبیات زبان عربی طی بیش از 1500 سال را بررسی می کند. آشنایی با این بررسی، گذشته از فاید؟ آن برای فرهنگ عربی، در ارتباط با ادبیات و فرهنگ فارسی نیز مفید است، چرا که رابطه دیرینه ادبیات فارسی با ادبیات عربی و تاثیر ادبیات عرب بر زبان فارسی، ضرورت آشنائی با تاریخ ادبیات عربی و شیوه امروز و آمیخته با نقد و تحلیل را ایجاب می کند. مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدماتی، سراسر تاریخ ادب عربی را به شش دوره تقسیم کرده است: عصر جاهلی، عصر خلفای راشدین و اموی، عصر عبّاسی در شرق، عصر عباسی در غرب، عصر مغول و ترک، و عصر نهضت. آنگاه طی هر یک از این ادوار به بررسی سبکهای جدید نظم و نثر در هر دوره، که خود بازتابی از حوادث و انقلابهای آن دوره بوده، پرداخته است.
6 تاریخ دولت اسلامی در اندلس، محمّد عبداللّه عنان
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1366ـ1371؛
7 تاریخ فلسفه در جهان اسلامی
8 تحریر تاریخ وصاف به زبان ساده

9 تقویم البلدان(ترجمه)
ویژگی اثر : نوشته ابوالفداء
10 داوری حیوانات نزد پادشاه پریان
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1383
11 در تمام طول شب،
ویژگی اثر : شرح چهار شعر بلند نیما-1383
12 درباره فلسفه اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه
13 درباره فلسفه اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه
14 شرح خسرو شیرین نظامی گنجوی
15 شرح منظومه مانلی و پانزده قطعه دیگر
ویژگی اثر : 1375
16 شرح و ترجمه معلّقات سبع
ویژگی اثر : 1371
17 شکوه سعدی در غزل
ویژگی اثر : 1369
18 شکوه قصیده
ویژگی اثر : 1364
19 قرآن مجید
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1367
20 قصّه باربد و بیست قصّه دیگر از شاهنامه
ویژگی اثر : 1380
21 کشتی شکسته(ترجمه)
ویژگی اثر : اثر تاگور
22 گزیده شرح مقامات حمیدی
ویژگی اثر : 1383
23 گزیده از نثر پارسی
24 گزیده غزلیات سعدی
25 گزیده و شرح خمس؟ نظامی
ویژگی اثر : 1355ـ1373
26 گنجور پنج گنج
ویژگی اثر : 1374
27 معجم الأدبا، یاقوت حموی
ویژگی اثر : (ترجمه)، 1381
28 معلقات سبعه(ترجمه)

29 مقالاتی در مجلّه راهنمای کتاب و آموزش و پرورش
منابع زندگینامه :زندگینامه :عبدالمحمد آیتی"3lسخنوران نامی معاصر ایران ، سید محمد باقر برقعی ، جلد1 ، ص 138

بابا افضل کاشانی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 667 ق)، حکیم، نویسنده، عارف، ادیب، شاعر، متخلص به افضل. معروف به بابا افضل. ولادت او در مرق بین اصفهان و کاشان اتفاق افتاد. بابا افضل بیشتر در زادگاه خود به اعتکاف، تدریس، تألیف، تحقیق و مباحثه روزگار می‌گذرانید. نسبت تعلیم خواجه نصیر طوسی با یک واسطه به او می‌رسد. وی مدتی از عمر خود را به علت رشک حاسدان و سخن‌چینی آنها در زندان گذرانده است که با توجه به گفته‌های صفا حبس وی سخت مورد تردید است شیوه نثر بابا افضل بسیار پخته و به اصول متقدمان نزدیک است. در رسالات خود کوشیده لغات فارسی را به جای اصطلاحات عربی قرار دهد. وی چند رساله در تصوف و سلوک و حکمت به زبان فارسی دارد با متنی بسیار فصیح. مجموع رسائل وی تحت عنوان «مصنفات بابا افضل» نشر یافته است، این رسایل بیانگر اندیشه‌های حکمی و تفکراتی است که بر نویسنده دست می‌داده است و همچنین بیان‌کننده مواعظ و حکم و حقایق عرفانی است. مدفن وی در مرق کاشان است. تاریخ وفات وی را به اختلاف 707 ،606 و 664 ق نوشته‌اند که صحیحتر آن همان است که در بالا ذکر شد. آثار بسیاری از وی به جا مانده است، از آن جمله‌اند: «المفید للمتسفید»؛ ترجمه‌ی «رساله‌ی نفس» ارسطو؛ «جاودان نامه» یا «جاویدنامه»؛ «ره‌انجام نامه»؛ یا «آغاز و انجام»؛ «انشاء نامه»؛ «مدارج الکمال؛ «ساز و پیرایه شاهان پرمایه»؛ «منهاج المبین»؛ «عرض نامه»؛ «مبادی موجودات نفسانی»؛ «مکتوبات»؛ «رباعیات»؛ «رساله در منطق»؛ ترجمه‌ی «رساله تفاحه»، ارسطو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1187 -1182 ،434 -426 ،252 -250 /3)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (459 -451) تاریخ کاشان (563 -562 ،439)، حبسیه در ادب فارسی (123 -122)، دایرةالمعارف فارسی (357/1)، الذریعه (116/9)، رباعی و رباعی‌سرایان (215 ،212 ،192)، ریاض العارفین (164)، ریحانه (213 -212 /1)، سبک‌شناسی (165 -162 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 20/7)، فرهنگ ادبیات فارسی (63 -62)، فرهنگ سخنوران (76)، کشف الظنون (1640 ،578)، لغت‌نامه (ذیل/ بابا افضل کاشانی) مؤلفین کتب چاپی (395 -393 /5) مجمع‌الفصحا (259

-255 /1)، مخزن الغرائب (77/1)، هفت اقليم (452 -449 /2)، يغما (س 4، ش 9، ص 417 -414).

بابکی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بابکی
محل تولد : دماوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
سال 1353 پس از اتمام مقطع سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریخ تاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جز ایام تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزدم، تحصیلات مقدماتی و سطح را تا سال 1365 ادامه دادم و از سال 1366 به درس های خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات نجفی مرعشی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوکبی ، انصاری شیرازی ، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی استفاده بردم و هم اکنون به تدریس سطوح عالی حوزه و تحقیق در عرصه های مختلف فقهی اشتغال دارم

بادکوبه‌ای، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1358 -1293 ق)، فقیه، فیلسوف و دانشمند. وی نوه‌ی سید موسی حسینی لاهیجی بود و در قریه‌ی خوددلان بادکوبه متولد شد. سید حسین مقدمات و ادبیات را نزد پدرش آموخت و پس از فوت پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر اقامت کرد و در مجلس درس ابوالحسن جلوه، فیلسوف مشهور شرکت جست و ریاضی و فلسفه را از وی و میرزا هاشم اشکوری آموخت. او بعد از هفت سال تحصیل به نجف رفت و در کلاس درس آخوند خراسانی شرکت کرد و فقه را از حوزه‌ی آیت الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی فرا گرفت. وی تا آخر عمر نیز در نجف به تدریس پرداخت و در همان جا درگذشت و در جوار مرقد حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد. فرزندش سید محمد بادکوبه‌ای از علمای بزرگ شمال و مقیم در غازیان بندر انزلی و مروج مذهب در آن ناحیه بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (9/2)، گنجینه‌ی دانشمندان (227/3).

بادکوبه‌ای، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا سید محمد بادکوبه‌ای فرزند علامه‌العلام والحکیم القمقام آیه‌الله آقای آقا سید حسین بادکوبه‌ای بن العالم الجلیل السید رضا بن السید موسی الحسینی الباد کوبه‌ای اللاهیجی از علماء اعلام معاصر شمال و مقیم در غازیان بندر پهلوی میباشد.
معظم‌له در خاندان فضیلت متولد و تربیت یافته و از مرحوم والد مذکورش و آیات و مراجع دیگر استفاده نموده آنگاه بایران مراجعت و در غازیان رحل اقامت افکنده و اکنون بیش از بیست سال است که در آن ناحیه باقامه جماعت و ترویجات دینی اشتغال دارد.
والد ماجدش مرحوم آیه‌الله آقا سید حسین بادکوبه‌ای در قریه (خود دلان) از قرای بادکوبه در سال 1293 ق متولد شده و در نزد والد عالمش تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و پس از فوت والدش مهاجرت بطهران و در مدرسه صدر اقامت نموده و ریاضیات و فلسفه را از فیلسوف بزرگ مرحوم آقا سید ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم اشکوری فرا گرفته و کلام را از اساتید این علم در مدت هفت سال با جدیت تمام فرا گرفته آنگاه مسافرت بنجف کرده و در درس آیه‌الله العظمی آقای آخوند خراسانی در اوائل تألیف کفایه‌اش حاضر شده و فقه را از محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی استفاده نموده و در علم و حکمت مشار بالبنان گشته و جماعت بسیاری از فضلاء گردش جمع شده و از تحقیقات و نظریاتش استفاده مینمودند تا آنکه در شب 28 شوال المکرم 1358 ق در حمام حضرتی نجف وفات نموده و در جوار جد گرامش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.
معظم‌له دارای چهار فرزند عالم و دانشمند میباشند که اسامی آنها را مینگارم: 1- آیه‌الله آقا سید محمد مذکور 2- آیه‌الله آقا سید حسن ساکن نجف 3- آقا سید احمد علیل 4- آیه‌الله آقا سید محمد باقر مقیم آبادان.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بحری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی بحری(طیبّی) فرزند محرم علی بحری(طیبّی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالک و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی ، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوّم را نزد آیت الله سلطانی ، با جدیّت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوز دوزانی با موّفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعة الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.
(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب

درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

بختیاری، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن بختیاری
محل تولد : تاکستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در اواخر سال 1356 وارد حوزه علمیه همدان شدم، و مقدمات تحصیلی را شروع نمودم و بعد از یک‌سال همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات صرف و نحو و معالم و مغنی را در مدرسه المهدی آیت الله گلپایگانی فراگرفتم، اصول فقه مرحوم مظفر را نزد آیت الله اشتهاردی و صالحی افغانی تلمذ کردم. در سال 1362 ازدواج نموده و در نیروگاه قم مستأجر شدم، همزمان با فراگیری تحصیلات حوزوی مشغول تبلیغ در ایام تبلیغی و رفتن به جبهه شدم.
سطح را نزد اساتید بزرگوار حوزه فراگرفتم و در سال 1371 تا 1374 دوره دوم تخصصی کلام را در موسسه امام صادق(ع) گذراندم و در سال 1381 تا 1384 در رشته‌ی کارشناسی ارشد دوره مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در موضوع پایان‌نامه فلسفه دعا و نقش تربیتی آن گذراندم و اکنون پس از سال‌ها مشغول تدوین پایان‌نامه در سطح چهار حوزوی در موضوع ـ محو و اثبات بر محور عبودیت و انسان می‌باشم و درس خارج را از سال 1369 ـ 1370 در نزد اساتید بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی گذرانده‌ام و آنچه فعالیت این‌جانب محسوب می‌شود، اشتغال به تدوین پایان‌نامه فوق و تبلیغ در ایام تبلیغی هستم.

بدیع اسطرلابی، بدیع‌الزمان، ابوالقاسم هبة الله

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 534 ق)، فیلسوف، طبیب، اخترشناس، نقاش و شاعر شیعی. نیاکانش احتمالا ایرانی و از مردم اصفهان بودند. وی در بغداد زاده و در اصفهان بزرگ شد. او با ابزارهایی که خود ساخته بود سیر نور و اندازه‌ی آن را معلوم کرد و در اثبات درستی کارهای خود از براهین هندسی استفاده می‌کرد. بدیع در کره‌ی سماوی چیزی افزود و کار آن را که سالهای دراز ناقص مانده بود، کامل کرد. خط کشها و قرقره‌هایی که ساخته بود، کاربرد عمومی یافتند و از راه تجربه، سودمندی آنها به اثبات رسید. وی در کاخهای سلجوقی به ساختن جدولهای فلکی سرگرم بود و زیجی به نام «المعرب المحمودی» نوشت و به محمود سلجوقی هدیه کرد. بدیع به شعر حسین بن حجاج علاقه می‌ورزید و آنها را گردآوری کرد و آن را «درة التاج من شعر ابن‌حجاج» نامید. از او «دیوان» شعری بر جای مانده که درونمایه‌ی بیشتر آنها هجو و لطیفه است. وی در بغداد درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار نقاشان (1419/3)، الاعلام (58/9)، تاریخ بغداد (374/15)، دایرةالمعارف فارسی (396/1)، الذریعه (130/9)، لغت‌نامه (ذیل/ هبة الله)، معجم الادباء (275 -273 /19)، وفیات الاعیان (53 -50 /6).

بدیع، امیرمهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1294.
درگذشت: 1373.
از آثار اوست: یونانیان و بربرها (به زبان فرانسوی، لوزان، 1347، این کتاب توسط احمد آرام ترجمه و یک بار در سال 1343 و بار دیگر در سال 1364 منتشر شده است)؛ هگل و مبادی اندیشه معاصر (تهران، 1363).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

برای گاوزنی، عبدالحق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحق برای گاوزنی
محل تولد : رود بست
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
سال 1356 در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجة السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشاندیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره با پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر 25 کربلا پیش رفته بود و در کربلای 10 در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می‌گذراندم.
یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی(ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت

الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با نوار دروس فلسفه (بدایة و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود 6 سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی(ره) استفاده کردیم.روزها ساعت 11 حدود 5 سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی‌شود (تمهید القواعد ـ فصوص الحکم و...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می‌کردیم ـ حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می‌دادیم.
متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی‌کنم تعطیل شد و مایه تاسف ما شد.سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذراندیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم.سال 72 در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالاخره سال 76 کارشناسی را تمام نمودم.در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم.بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود 3 کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم.با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...)
در سال 1380 در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر

نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام(ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم.الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1294 ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش درگذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملا بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموما و در منبر خصوصا در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 808/13)، المآثر و الآثار (163)، مستدرکات اعیان (304/2).

برنجکار، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا برنجکار
محل تولد : آستارا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
رضا برنجکار در سال 1342 هجری شمسی در شهرستان آستارا به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در سال 1360 با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رساند. در سال 1361 به حوزه علمیه قم وارد شد. تحصیلات حوزه را پس از اتمام سطح و گذراندن هفت سال درس خارج فقه و اصول به پایان رساند. در کنار درس های رایج حوزه به تحصیل کلام، فلسفه، تفسیر و حدیث پرداخت.
همچنین تحصیل در رشته فلسفه غرب را در دانشگاه ادامه داد و در سال 1380 موفق به اخذ دکتری فلسفه از دانشگاه تهران گردید. وی هم اینک عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است و در حوزه و دانشگاه مشغول تدریس می باشد. همچنین با بسیاری از مراکز پژوهشی حوزه، همچون مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، دفتر تبلیغات اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مشغول همکاری است. از وی بیش از سی مقاله و چهار کتاب به چاپ رسیده است

بروجردی، ابوتراب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فقیه زاهد، در محلّه شمس آباد ساکن بوده، و در مسجد آنجا امامت می‌نموده، در شب یکشنبه 15 شوال سال 1328 وفات یافته، در تخت فولاد بیرون بقعه مادر شاهزاده مدفون شده است.
وی دارای چندین پسر بوده که از آن جمله است:
1- حاج میرزا حسن بروجردی که بعداً شرح حال او نوشته می‌شود.
2- میرزا علی واعظ، از وعّاظ معروف، و محدّثین محترم اصفهان بود. در 25 ربیع الثانی 1358 وفات یافته، در صحن تکیه بروجردی مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بزنجانی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا بزنجانی
محل تولد : داراب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1

بسطامی، مطلب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1359 -1274 ق)، فقیه، فیلسوف و عارف. در بسطام به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در بسطام و شاهرود برای ادامه تحصیل رهسپار مشهد شد و پس از دو سال استفاده از محضر فقها و فلاسفه آنجا، به تهران آمد و یک سال به فلسفه پرداخت و نزد آقا سید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمد تقی گرگانی تحصیل کرد. سپس به عتبات مهاجرت کرد و مدت چهار سال در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی استفاده کرد. بعد به نجف رفت و هشت سال از حوزه‌ی درس میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی بهره برد. سپس به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس پرداخت. در اواخر عمر به شاهرود آمد و در آنجا مشغول ارشاد و تدریس شد. از آثار وی: یک دوره «اصول» آخوند خراسانی؛ «مشاهد سبع» یا «ریاض العقول» که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است.[1]
میرمطلب بسطامی از علماء بزرگ و معروف گذشته شاهرود بوده‌اند. وی در سال 1274 ق در قصبه بسطام متولد شده و پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی در بسطام و شاهرود جهت ادامه تحصیل رهسپار مشهد مقدس گشته و در آنجا دو سالی توقف و از علماء بزرگ آنجا کسب علوم فقه و فلسفه نموده سپس عزیمت به تهران و یکسال هم در آنجا به درس فلسفه اشتغال ورزیده و نزد مرحوم آقاسید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و مرحوم آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمدتقی گرگانی تحصیل کرده و سپس به عتبات عالیات مهاجرت و مدت چهارسال در سامرا از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی میرزا بزرگ شیرازی استفاده نموده و بعد به نجف آمده و از درس مرحوم میرزا حبیب‌اللّه رشتی و مرحوم آخوند خراسانی مدت هشت سال استفاده نموده و پس از آن مراجعت به ایران و در مشهد مقدس رضوی به افاضه و تدریس پرداخته تا اواخر عمر که مجددا به وطن خود شاهرود برگشته و مشغول افاضه و وعظ و ارشاد و تدریس گردیده تا اینکه در سال 1359 قمری به رحمت ایزدی پیوستند.
معظم‌له گذشته از مقامات علمی دارای نفس زکیه و صاحب کشف و کرامت بودند از جمله در یک ماه رمضانی که در مسجد خودشان مشغول وعظ و ارشاد بودند سرائر و به وطن مردم پای منبر به ایشان کشف شد و

مردم را به صورتهای مختلف دیدند و پس از آن به مسجد و منبر نرفتند و در کنج خلوت و انزوا مشغول به خود شدند تا از دنیا رفتند و دیگر از قضایای منقوله از ایشان این بود که قبل از مرگ خود خبر دادند که در چه وقت خواهند مرد و کجا دفن خواهند شد و گفتند که قبرستان شاهرود به هم خواهد خورد و تفریحگاه خواهد شود و این خبر چند سال قبل به وقوع پیوست ولی هنوز مقبره ایشان دست نخورده و زیارتگاه مردم است و مردم از نذورات برای او و زیارت قبرش نتیجه‌ها گرفتند. از آثاره او یکدوره اصول مرحوم آخوند است که ظاهرا قبل از کفایه نوشته شده و دیگر کتاب مشاهد سبع یا ریاض‌العقول که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است که تاکنون مخطوط مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (131 -130 /7).

بطحایی، هاشم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید هاشم بطحائی
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1320/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 35 شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال 47 به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در 16 / 1 / 48 الزاما به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال 50 به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم .
در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال 52 فوق لیسانس(با معدل بالا)را گرفتم ضمنا با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال 1350 وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در دبیرستان های قم تدریس می کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال 1365 از آموزش و پروش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم .
در سال 45 پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم .سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال 1380 دکترای رشته فقه و

مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران - مجتمع آموزش عالی - در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم .

بلخی ابوزید، احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(322 -235 ق)، ادیب، متکلم، فیلسوف شیعه و جغرافیدان. در شامستیان، از روستاهای نزدیک بلخ خراسان به دنیا آمد. پدر او از سجستان و معلم کودکان بود. در جوانی به بغداد رفت تا در مذهب امامیه تحقیق کند. در آنجا به محضر یعقوب بن اسحاق کندی راه یافت و نزد او به کسب علوم عقلی پرداخت. وی هشت سال در عراق بسر برد، و در این مدت فلسفه، نجوم، طب، طبیعیات و علم کلام و دیگر دانشها را فراگرفت، سپس از راه هرات به بلخ بازگشت. ابوزید علاوه بر تألیفات گران قدر، شاگردانی نیز داشت از جمله: ابن فریغون، ابوالحسن محمد یوسف عامری، ابومحمد حسن وزیری. برخی از محققان، زکریای رازی را نیز در فلسفه از شاگردان او می‌دانند و رازی به سبب تعلیمات وی به فلسفه نو فیثاغوری متوجه گردید. ابوزید را سومین متکلم بزرگ عالم اسلام می‌دانند. و بعضی منابع وی را در عراق جاحظ خراسان لقب دادند. حدود هفتاد تألیف به او نسبت داده‌اند، از جمله: «صور الاقالیم الاسلامیه»؛ «جمل مصالح الانفس»؛ «العلم و التعلیم»؛ «تفسیر ابی زید بلخی»؛ «لغات القرآن»؛ «شرایع الادیان»؛ «رسالة حدود فلسفه»؛ «فضیلة علوم ریاضیات»؛ «الاسماء و الکنی و الالقاب»؛ «عصمت الانبیاء».[1]
احمد بن سهل بلخی، متکلم و فیلسوف خراسان، از شاگردان مشهور کندی (یعقوب بن اسحاق). وی در آغاز قرن چهارم می‌زیست (ف. 322 ه.ق.) گذشته از کتبی که در کلام تألیف کرد، کتابهای معتبری نیز در فسلفه و علوم به رشته تحریر درآورد، مانند: حدود الفلسفة، مایصح من احکام النجوم، کتاب الاخلاق الامم، و کتاب مشهور صورالاقالیم در جغرافیا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (131 /1)، اعیان الشیعه (219 -216 /3)، تاریخ ادبیات در ایران (117 /1)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (68 -65)، تاریخنگاران ایران (44 -43 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1044 -1043 /8)، الذریعه (330 /18، 255 -253 /4)، روضات الجنات (50 -49 /4)، ریحانه (120 /7)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (229 -228)، کشف الظنون (1440، 1084، 602، 227)، الکنی و الالقاب (81 /1)، لسان المیزان (277 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوزید)، معجم الادباء (86 -64 /3)، معجم

المؤلفين (240 /1)، الملل و النحل (365)، الوافى بالوفيات (413 -409 /6)، هديه العارفين (59 /1).

بنجیری شیرازی، شمس‌الدین عبداللّه

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 772 ق)، حکیم و شاعر. از حکیمان بنام عصر خود بود و بهره‌ی وافی از علوم عقلی و نقلی داشت. خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی و قوام‌الدین ابواسحق در خدمت او اکتساب علوم کرده‌اند. سلطان محمد مظفر به او ارادت داشت. شمس‌الدین شعر نیز می‌سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (769)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (300/3)، الذریعه (542/9)، ریاض العارفین (212)، ریحانه (242/3)، صبح گلشن (225)، فارسنامه‌ی ناصری (1172/2)، مرآت الفصاحه (315-314).

بهبهانی، عبدالحسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1245/1224 ق)، فقیه اصولی، مجتهد و عالم علوم نقلی و عقلی. متولد کربلا و ساکن همدان بود. وی نزد پدر و برادرش، آقا محمدعلی، سیدمهدی شهرستانی و سیدعلی صاحب «ریاض» درس خواند. در قضیه‌ی وهابیون از عراق به ایران آمد و در کرمانشاه ساکن شد، سپس به مشهد رفت و از آنجا راهی همدان شد و بنا به اصرار علمای آن دیار مدتی در آنجا ماند. سپس به اصفهان و مجددا به مشهد و یزد رفت. او سالهای پایان عمر خود را در همدان گذراند و همان جا درگذشت. اثر وی: «حاشیه معالم الاصول» است که مفصل‌ترین حواشی تحقیقاتی بود که تا آن زمان بر «معالم» نوشته شده بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (6/ 207- 208)، روضات الجنات (96/2)، ریحانه (399/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13/ 707- 708)، الکنی والالقاب (110/2)، مرآت‌الاحوال (168- 169).

بهروز، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا بهروز
محل تولد : استهبان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/8/2
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا بهروز در سال 1359 وارد حوزه علمیه شیراز شده و از محضر بزرگانی همچون آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (شهید محراب) بهره وافر برده، دروس ادبیات را در محضر آقایان سید محمود و سید احمد آیت الهی از ادیبان متبحر آن دیار فرا گرفته و هم چنین دروس مقدماتی و مقداری از سطح را در محضر آقایان حج السلام سید محمد مهدی و سید علی محمد دستغیب فرا گرفته و در سال 1365 برای ادامه تحصیلا ت وارد حوزه علمیه قم شده و ادامه دروس سطح را در محضر آقایان حجج اسلام اعتمادی ، پایانی ، وجدانی فخر، ستوده ، قدیری . و اساتید دیگر فرا گرفتم. در سال 1368 دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر آقایان آیات عظام فاضل لنکرانی . وحید خراسانی . میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی حضور پیدا کردم و دوره های فقه واصول را به پایان رسانده و هم چنین در سال 1370-1374 در رشته تخصصی کلام شرکت کرده و دوره چهار ساله آن را با موفقیت گذراندم و جزء شاگردان ممتاز آن موسسه بوده ام . در بحث فلسفه از محضر اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، مصباح زاده یزدی و هم چنین از محضر درس جناب آقای انصاری شیرازی بهره وافری برد ه و کتاب های بدایه و نهایه را از محضر آقایان فیاضی تلمذ نمودم و اشارات و تنبیهات را از محضر آیت گرامی و دکتر بهشتی تلمذ نمودم و دروس اسفار و الهیات اسفار را از بزرگانی هم چون آیت الله جوادی . حسن زاده . مصباح . و انصاری شیرازی تلمذ نموده ام . و در حال حاضر عضو هیئت علمی پژوهشگاه هستم. از نظر فعالیت های اینترنتی جزء فعالان اینترنتی هستم و فعلا بهعنوان مدیر بخش آنلاین مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی مشغول خدمتم . ودر سایت ها و مسنجرهای مطرح جهان به پاسخگویی و رفع شبهات دینی مشغولم. که می توان به مسنجر بیلوکس

،پال تاک، ال فور ای، ارتباط شیعی و یاهو اشاره کرد و هر روز کاربران زیادی با مراجعه به این سایت ها پاسخ های خود را در یافت می نمایند و از استقبال فراوانی برخوردار است در حالحاضر با همکاری دوستان زیرمجموعه در شبانه روز بیش از ژنجاه ساعت به ژاسخگویی به سوالات دینی اشتغال دارم و درگذشته نیز در مدت بیش از چهار سال در سایت های اینترنتی به فعالیت های اینترنتی می پرداختم . در مجموع درکلیه موضوهای اینترنتی حضور فعال داشته ام . در عرصه ژاسخ به سوالات کتبی نیز روزانه ایمیل های فراوانی به این مرکز ارسال می شود که تعداد زیادی از این سوالات که مسائل اعتقادی و فلسفی را تشکیل می دهد به کمک دوستان دیگر به ژاسخ آن می پردازیم.

بهشتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله دکتر احمد بهشتی در سال 1314 در میانده از روستاهای بخش شیبکوه شهرستان فسا در خانواده ای روحانی متولد شد.ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال 1365 به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان « استاد » به کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا اشتغال دارند. ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند.
گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : فلسفهوالدین و انساب : پدر احمد بهشتی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالمجید بهشتی در روستاهای بخش کردیان جهرم اقامه نماز جمعه و جماعت میکرد. او به قدری در معاشرت با مردم صفا و صمیمیت داشت که کمتر کسی بود که تحت تاثیر تذکرات، مواعظ و رهنمودهایش قرار نگیرد. دکتر بهشتی دروس مقدماتی را نزد ایشان خواند و صرف و نحو و همچنین برخی کتب فقهی رااز نزد ایشان بهره مند بردند.مادرشان نیز نمونه زهد، پارسایی، تقوا وتجهد بود.او تربیت اولاد بسیار موفق را برعهده داشت.فرزندانش یکی قاضی بازنشسته ،پزشک جراح ،مدرس حقوق و سردفتر انساب می باشد.خاطرات کودکی : احمد بهشتی از این دوران چنین یاد میکند: "دوران کودکی بامختصری کشاورزی امرار معاش میکردیم .پدرمان معتقد بود که انسان نباید در زندگی متکی بر مردم باشد. ساده زیستی و قناعت در لباس و پوشاک و خوراک و مسکن روشی بود که پدر و مادر آن را توصیه می کردند.اگر غیر این بود در آن شرایط سخت تحصیل کردن از محالات بود .هنگامی که با برادر کوچکترم که اکنون از شغل قضاوت بازنشسته شده است ،با روزی 20 ریال که پدر و مادر تامین می کردند امرار معاش می کردیم.مادرمان از طریق مختصری بافندگی به ما کمک می کرد."اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ساده زیستی و تقوا وزهد و عبادت و تقلید به فرایض وگذشت و ایثار بر خانواده حاکم بود .مادر محترم احمد بهشتی با آنکه سواد نداشت ولی بر مسائل فقهی مسلط بود بطوری که به تنهایی پاسخگوی مشکلات زنان بود.تحصیلات رسمی و حرفه

ای : احمد بهشتی در سال 1328 شمسی به همراه پدر به شیراز آمد و در مدرسه آقاباباخان مشغول تحصیل علوم حوزوی شد.علاقه شدید به سخنوری و نویسندگی در ایشان سبب شد منبرهای پرمایه ایشان طرفداران زیادی داشته باشد ایشان در سال 1338 شمسی به قم وارد شد و در مدرسه دارالشفا به ادامه تحصیل پرداخت.ایشان با داشتن دیپلم متوسطه مشتاق بود که مدرک لیسانس بگیرد. او همانند مرحوم استاد مطهری، دکتر بهشتی، دکتر مفتح و دکتر باهنر برای اخذ مدرک در سال 1339 هجری شمسی وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شد.در سال 1342 به علت اینکه در دوره لیسانس شاگرد اول شده بود، بدون کنکور اجازه یافت که در دوره دکترا ادامه تحصیل دهد. که در سال 1345 فارغ التحصیل دکترای فلسفه شد و رساله دکترای خود را به راهنمایی استاد مطهری، بدون حضور ایشان دفاع کرد. خاطرات و وقایع تحصیل : احمد بهشتی از این دوران خاطرات زیادی را به یاد دارد که می توان به دریافت جایزه از دست آیت الله بروجردی بخاطر قبولی در امتحانات عالی حوزه و شرکت در قرعه کشی نظام وظیفه در سال 1344 که منجبر به معافیت سربازی وی شد ، اشاره کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد بهشتی در کنار تحصیل -فقط در محرم و صفر و رمضان- به منبر میرفت و از این طریق امرار معاش میکرد.استادان و مربیان : احمد بهشتی در دوران تحصیل در شیراز از محضر اساتید و علمای بزرگی همانند حضرات آیات حاج سید حسین آیت اللهی، سید حسن آیت اللهی، شیخ محمد علی موحد، میرزا علی اکبر ارسنجانی، سید نورالدین حسینی، شیخ ابولحسن حدائق، شیخ بهاالدین محلاتی، شیخ محمود شریعت زرقانی، حضرت سید حسین جهبذ و ... بهره های بسیار برد. درس خارج فقه و اصول را در محضر امام راحل که در مسجد سلماسی برگزار میشد ادامه داد و درس مرحوم آیت الله بروجردی نیز شرکت جست. آبت الله بهشتی در محضر مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی، استاد مرحوم آیت الله سلطانی طباطبایی و مرحوم آیت الله محقق داماد نیز تلمذ نمود. از اساتید دانشگاهی ایشان می توان به استاد مطهری ،استاد مشکات ،دکتر صدیقی ،دکتر حائری و استاد مصلح اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ای های دانشگاه احمد بهشتی : دکتر شیخ،دکتر شکیبا و دکتر مشسائی همکاران در دانشگاه : دکتر حبیبی ،دکتر قراملکی ،دکتر کوچیان و دکتر مطهری همدوره ایهای وی در حوزه :استادان انصاری ،مصباح ،ادیب لاری ،رفسنجانی و دکتر احمدی همسر و فرزندان : احمد بهشتی متاهل و داری همسر بنام خانم عطیه هاشمی است. ماحصل این ازدواج فرزندانی است که اسامی آنها به شرح زیر می باشد: دکتر سعید بهشتی ،استاد دانشگاه علامه طباطبایی دکتر حمید بهشتی ،داندانپزشک دکتر محسن بهشتی (در

سال 78 در پایان دوره سربازی در ماموریت به سوی مناطق جنگی به عنوان پزشک وظیفه به درجه شهادت نائل آمد) مهدی بهشتی دانشجوی فلسفه محمد صادق بهشتی دانشجوی علوم سیاسی فاطمه بهشتی ،خانه دار طاهره بهشتی ،خانه دار و دانشجوی ارشد علوم قرآنی رضیه بهشتی دانشجوی دندان پزشکیوقایع میانسالی : از وقایع بوقوع پیوسته دوران میانسالی احمد بهشتی از دست دادن استادش ،مرحوم سیدنورالدین در سال 1335،فوت پدرشان در سال 1345 و همچنین درگذشت مادرشان (مادر دکتر در سال کشتار حجاج ایرانی در مکه حضور داشته که در آنجا دچار آسیب شدید میشود که بعد از بازگشت به ایران پس از سه روز دار فانی را وداع میگوید)می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بهشتی تا سال1357 در حوزه علمیه قم به تدریس اشتغال داشت و همچنین به عنوان دبیر در دبیرستان ها قم به تعلیم تربیت نوجوانان می پرداخت. ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال 1365 به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان « استاد » به کار تدریس دوره دکترا اشتغال دارند. و بمدت 15 سال مدیر گروه فلسفه بودند.و هم اکنون مدیر گروه فلسفه دین هستند .ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. ضمنا دکتر بهشتی برای چهارمین دوره مجلس خبرگان که از اسفند 1386 شروع و تا سال 1396ادامه می یابد، انتخاب شده است. فعالیتهای آموزشی : احمد بهشتی از سال 1365 تا کنون در دانشگاه تهران به تدریس مشغول است ایشان در تدریس های حوزوی تمام متون عالی درسی همانند کفایه، مکاسب، خارج فقه و اصول و ... تدریس می کنند.همچنین در دوره های دکترای دانشگاهها اعم از دانشگاه تهران، شهید بهشتی، دانشگاه آزاداسلامی ... اسفار، شفا، فقه، اصول، کلام و ... را تدریس می کنند.ایشان کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا رانیز بر عهده دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : احمد بهشتی در روستای محل زادگاهش دو مسجد،یک دارالقرآن ،یک مرکز تبلیغی بنام حسینه ،بیت رقیه ویژه بانوان و یک کتابخانه عمومی و همچنین یک دارالقرآن در روستای موسویه جهرم تاسیس کرده است.ایشان هم اکنون به دنبال تاسیس یک موسسه فرهنگی در قم می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : احمد بهشتی در کنار تالیف و تدریس به تبلیغ و سخنرانی نیز می پردازد.با اینکه فعالیت های تبلیغی اش بسیار کاهش یافته ولی کار تدریس و راهنمایی پایان نامه ها و تالیف کتب و مقالات هم

اکنون ادامه دارد.شاگردان : احمد بهشتی در طول 46 سال خدمت خود توانسته است بیش از صدها شاگرد را تربیت کند .بطوری که عده زیادی از آنها در دانشگاهها و حوزه ها به امر تدریس مشغول هستند.و عده زیادی هم در پستها ومنصبهای حساس مشغول به خدمت هستند.همفکران فرد : بیشترین و عمده ترین گرایش فکری احمد بهشتی به سوی استاد مطهری و شهید بهشتی و دکتر مفتح و دکتر باهنر بوده است.و یا به زبان دیگر ایشان همواره این بزرگواران را الگوی خود قرار داده است.جوائز و نشانها : احمد بهشتی در سال 1342 به عنوان شاگرد اول دانشکده الهیات لوح تقدیر و جوایزی را دریافت کرد و توانست بدون کنکور وارد مقطع دکتری شود.ایشان همچنین جوایز و تقدیرنامه های متعددی را به خاطر ارائه مقالات و نشر کتب در زمینه های مختلف دینی و غیره از وزارت فرهنگ و ارشاد دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : احمد بهشتی با ورودشان به جمع نویسندگان مکتب اسلام، کارها و فعالیتهای قلمی اش گسترش یافت و هم اکنون بیش از 70 جلد کتاب تالیفی و ترجمه ای از ایشان در موضوعات فلسفه، حقوق اسلامی، اقتصاد، ایدئولوژی، تربیت اسلامی، کودک و تربیت، بازی در اسلام، ورزش، زنان، خانواده، قرآن، حکومت و ... که بالغ بر بیش از 50 هزار صفحه تالیف می باشد چاپ و برخی به زبانهای خارجی ترجمه شده است. ضمنا صدها پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد حوزه و دانشگاه را راهنمایی کرده است. آثار : اسلام و بازی کودکان ، اسلام و تربیت کودکان (دو جلد) ، اسلام و حقوق کودک ، اندیشه تربیتی و سیاسی علوی ، اندیشه سیاسی نائینی ویژگی اثر : این کتاب تکمیل مقاله ای است که به ماسبت همایش نائینی در اصفهان نگاشته شده است.کتابی بر مبنای تنبیه الامه عقاید و نظرات سیاسی نائینی را تقریر کرده است.نشر بوستان قلم6 انسان در قرآن ، پایخ به شبهاتی پیرامون تشیع (ترجمه) ، تاملات کلامی ، تجرید ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب10 تربیت از دیدگاه اسلام ، تربیت کودک در جهان امروز ، ترجمه و تفسیر مجمع البیان (12جلد) ، حکومت در قرآن ، خانواده در قرآن ، خدا در قرآن ، راه تکامل (هفت جلد به همکاری ادیب لاری و محمد امامی) ، زنان نامدار (سه جلد) ، صنع ابداع ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب19 علی و قومیت عربی (ترجمه) ، عیسی پیام آور اسلام ، عیسی در قرآن ، غایات و مبادی ویژگی اثر : نشر دانشگاه تهران23 فلسفه دین ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب24 قهرمان علقمه ، گامهایی در راه تبلیغ (ترجمه) ، گوهر و صدف دین ویژگی اثر : نشر بوستان کتاب27 مادرپیامبر (ترجمه ، مبارزات ایدئولوژیک ، مبانی تربیت بدنی در اسلام ، مستضعف در قرآن ، منشور عفاف (تفسیر روایی عرفانی سوره نور) ، نسل نوخاسته ، هستی و علل آن ، وحیانیت و عقلانیت عرفان

بهمنیار

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بهمن (ایزد) داده (آفریده)) ابن مرزبان مکنی به ابوالحسن، شاگرد ابن سینا (ه.م). وی از زردتشیان آذربایجان بود. کتاب المباحثات شیخ بیشتر در جواب سؤالات اوست. وفات او را در سال 458 ه.ق. نوشته‌اند و از جمله آثار اوست:التحصیل (یا التحصیلات)، (تحصیل)، رسالة فی مراتب الموجودات که پویر آن را با ترجمه آلمانی به طبع رسانیده، رساله‌ای به عنوان «فی موضوع العلم المعروف بما بعد الطبیعة» که نیز با ترجمه آلمانی همراه مراتب الحروف طبع شده، کتاب المفارقات و النفوس، فی اثبات العقول الفعالة و الدلالة علی عددها و اثبات النفوس السماویة.
(وف 458 ق)، فیلسوف و حکیم. وی از زرتشتیان آذربایجان بود که به دین اسلام گروید. او از بزرگترین شاگردان ابن‌سینا بود و مسلک‌مشایی را می‌ستود و با ابن‌سینا مناظرات و مباحثاتی داشت. از آثار وی: «البهجة فی الحکمه»؛ «السعادة»؛ «التحصیل»، در منطق و ریاضی و طبیعی و الهی به طریقه‌ی حکمت مشایی؛ «مراتب الموجودات» به عربی؛ کتاب «المباحثات» شیخ ابوعلی سینا بیشتر در جواب سؤالات او است؛ «المفارقات والنفوس»؛ «فی اثبات العقول الفعالة والدلالة علی عددها و اثبات النفوس السماویة».[1]
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] ایضاح‌المکنون (303، 280 -179/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (319 -318/ 1)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (272)، ترجمه تتمه‌ی صوان‌الحکمه (58 -57)، دانشمندان آذربایجان (74 -73)، دایرةالمعارف فارسی (480/ 1)، الذریعه (292/ 20، 49/ 19، 395، 159/ 3)، روضات‌الجنات (262/ 6)، ریحانه (200/ 8)، سرآمدان فرهنگ (241/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن بهمنیار)، معجم‌المؤلفین (81/ 3).

بیدآبادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا محمد در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود و در این شهرمراتب رشد و کمال را پیمود. دوران زندگی وی مصادف با سقوط صفویه و انتقال قدرت به افشاریه و پس از آن زندیه بود و او در دوران انحطاط زندیه درگذشت .
بیدآبادی علوم نقلی و عقلی را در محضر ملا اسماعیل خواجویی (متوفی 1172 ق)و میرزا محمدتقی الماسی (متوفی 1195 ق)فرا گرفت. اما از زمانی که علم رسمی را سر به سرقیل و قال دید و عطش درونی خود را همچنان در اشتداد یافت دست در دامن استاد عرفان و اخلاق سید قطب ا لدین نیریزی شیرازی نهاد.
آقا محمد بیدآبادی مردی بسیار متواضع و مهربان بود.در فقه مجتهد مسلم و در فلسفه تسلط کامل داشت.در عرفان علمی و عملی بسیار متبحر بود، در زندگی شخصی اش با کمال قناعت و زهد زندگی می کرد.چنانکه نقل است در روزگاری وی در اصفهان قحطی سختی روی داد و مردم را به زحمت انداخت در صورتی که آقا محمد هیچ شکایتی از اوضاع نداشت. وقتی علت را جویا شدند دریافتند که وی و خانواده اش شش ماه تمام با هویج پخته یا خام روزگار گذرانده اند.
از دیگر صفات بارز وی بی اعتنایی و عدم توجه اش به حکام زمانه بود . می گویند کریم خان زند و علیمردان خان زند همواره مایل به دیدار و نشست و برخاست با وی بودند ولی آقا محمد بیدآبادی با قناعت و زهدش هیچ توجهی به آنان نمی کرد.
یکی از تربیت یافتگان بید آبادی، حاج محمد ابراهیم کرباسی است که به حق یکی از ستارگان جهان تشیع است. حاجی کلباسی که ده سال بیشتر از عمرش نمی گذشت بنا بر وصیت پدرش به خانه آقا محمد بیدآبادی رفت و تحت تربیت و کفالت این عالم ربانی قرار گرفت.
اما اهمیت ویژه بیدآبادی در انتقال فلسفه غنی اصفهان عصر صفوی به روزگار بعد از خودش بود.زیرا با انقراض سلسله صفویه،فلسفه در حوزه اصفهان دستخوش نابودی فراموشی بود ولی آقا محمد بیدآبادی با تربیت شاگردان بزرگی چون ملاعلی نوری توانست علم حکمت را به نسل بعد منتقل کند.
بیدآبادی همچنین در علم کیمیا مهارت داشت و تبدیل فلزات پست به طلا

را عملاً در اصفهان انجام می داد و چندین رساله و کتاب در این خصوص از خود بجای گذاشته است. در رستم التواریخ آمده است که:«آن مرحوم نزدیک وفات خود به دیدن جناب قدسی آداب،میرزا محمد علی ولد میرزا مظفر خلیفه سلطانی آمد و خواست علم کیمیا را تعلیمش نماید،آن کروبی قریحه قبول ننمود و فرمود این بار بسیار گران است و مرا تاب و طاقت و توانایی برداشتن این بار گران نیست و اگر متحمل این بار گران بشوم تکلیف بر من شاق می شود و در این باب صلاح خود را نمی دانم پس مرحوم آقا محمد چون غیر آن پاک فطرت از برای این علم شریف سزاوار با اهلیتی نیافت، چه از اولاد خود چه از دیگران،پس ناچار این امانت خدایی را مانند درّ مکنون در گنجینه دل به خاک برد و آن را به هیچ کس نسپرد.»
بیدآبادی پس از عمری تلاش و مجاهده در طریق حق و تربیت شاگردان زیاد،عاقبت در سال 1198 در اصفهان دار فانی را وداع گفت.
او قبل از مرگش خوابی در جلالت و منزلت میر معصوم خاتون آبادی(متوفی 1151 ق) دیده بود و به همین اساس وصیت نموده بود او را بعد از مرگ در کنار قبر وی دفن نمایند.همچنین بیدآبادی وصیت کرده بود که بر بالای قبر وی گنبد و بارگاهی ساخته نشود.و بر طبق همین وصیت قبر وی تا حدود 120 سال بعد از وفاتش بدون گنبد و بارگاه بوده است.تا اینکه مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک که نایب الحکومه اصفهان و از اولاد خلف بیک بود،عمارت چهار طاقی بر بالای قبر وی ایجاد نمود.بر مزار وی سنگی بسیار نفیس و ارزشمند قرار دارد که اشعار آقا محمد کاظم واله به خط بسیار زیبای نستعلیق بر روی آن حک شده است. یکی از کرامات مشاهده شده در تخت فولاد مربوط به ایشان است . مرحوم مهدوی نقل می کنند که هنگام دفن میرزا حسین نایینی در کنار قبر آقا محمد بیدآبادی ، به قبر ایشان راهی باز شد و جسد مطهر آقا محمد بیدآبادی سالم بود و هیچگونه تغییری نکرده بود در حالی که 127 سال از فوت ایشان می گذشت.

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(440 -362 ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیارکیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال 387 ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرتهای ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولا به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از 113 کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق ماللهند»، که پرحجم‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفة اوتار الدائره»؛ «مقالید علم الهیئة»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیة»؛ «الجماهر فی معرفة الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممکنة فی صنعة لاسطرلاب»، «الاضلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[1]
(قد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی و. بیرون) (خوارزم) 362 ه.ق./ 973 م.- ف. غزنین 440 ه.ق./ 1048 م.) وی اوایل

عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانید و سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سر برد و کتاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چندی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (408 ه.ق.).پس از آن چند بار به خوارزم سفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هند مخالطت کرد و زبان سنسکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسعت داد و مواد لازم رابرای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (206 -205 /6)، اعیان الشیعه (65/9)، تاریخ در ایران (21 -20)، تاریخ ادبیات در ایران (342 -337 /1)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (271 -254)، تاریخ گزیده (690 -689)، تاریخ موسیقی (154/1)، الذریعه (5/22، 27/17، 132/5، 7 -6 /1)، روضات الجنات (336 -334 /7)، ریحانه (119 -114 /7)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (197 -176)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (327 -35 /1)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (28 -21)، فلاسفه‌ی شیعه (403 -380)، کشف الظنون (1065، 1126، 1314، 1385، 1434، 1437، 1594، 1622، 1784، 907، 771، 594، 488، 463، 424، 403، 345، 81، 79، 70، 9)، الکنی و الالقاب (80 -78 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوریحان)، معجم الادباء (180/17)، معجم المؤلفین (242 -241 /8)، نامه‌ی دانشوران (82 -61 /1)، هدیة العارفین (66 -65 /2).

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 565 -490 ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن‌فندق و فرید خراسان. در سبزوار به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمة بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمة صوان الحکمة» آورده است. او از مشایخ ابن شهرآشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج‌البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج‌البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمة صوان الحکمة»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمة» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است.[1]
ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. 565 ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج‌البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفةالکرة و ذات الحلق و الاصطرلاب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفایس فی اصناف العلوم، امثلة الاعمال النجومیة.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1]الاعلام (101/5)، ایضاح المکنون (714، 563، 552، 503، 486، 469، 450، 430، 398، 303، 234، 222، 184، 144، 115، 98، 83، 60، 2/ 599، 566، 548، 466، 462، 406، 373، 363، 326، 300، 250، 232، 192، 180، 154، 130، 125، 123، 107، 97، 92

83، 74، 66، 65، 53، 36، 3 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (996 -993 312، -311 /2)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (17 -16)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمة (مقدمه و 72 -71)، دائرةالمعارف الاسلامیة (431/4)، الذریعه (184 /21، 114 -113 /7، 149 /4)، ریاض العلماء (38/7)، ریحانه (335 -334 /4)، سبک‌شناسی (366 -364 /2)، سرآمدان فرهنگ (62 -61 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 190 -189 /6)، کارنامه‌ی بزرگان (119 -118)، کشف الظنون (2050، 2011، 2007، 1895، 1686، 1514، 1438، 1361، 1200، 1101، 1100، 821، 747، 634، 609، 289)، لغت‌نامه (ذیل/ علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (258 -257 /4)، معجم الادباء (240 -219 /13)، معجم المؤلفین (97 -96/7)، هدیة العارفین (700 -699).

پازوکی، شهرام

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهرام پازوکی متولد تهران است.در سال ۱۳۳۵ در این شهر به دنیا آمده، تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده و اواسط دهه ۵۰ در رشته فلسفه دانشگاه تهران قبول شده است.در میانه تحصیل وبا انقلاب فرهنگی وقفه ای در روند تحصیلی او ایجاد می شود، اما پازوکی که دلمشغولی جدی اوحوزه اندیشه بود بیدرنگ بعد از بازگشایی دانشگاه به ادامه تحصیل می پردازد و لیسانس فلسفه را درسال۱۳۶۳ از دانشگاه تهران می گیرد.اوفوق لیسانس فلسفه را نیز با پایان نامه ترجمه مقدمه و تفسیر کتاب عقل و وحی در قرون وسطی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دریافت کرده و دوره دکترا را نیز با عنوان پایان نامه سیر مابعدالطبیعه در غرب به تفسیر مارتین هایدگر در سال ۱۳۷۳از دانشگاه تهران گرفته است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ پایان تحصیلات متوسطه در تهران ـ اخذ لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۶۱ ـ دریافت فوق لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران سال۱۳۶۷ ـ اخذ مدرک دکتری فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۷۳
خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع دوران تحصیل شهرام پازوکی میتوان به وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها اشاره کرد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : شهرام پازوکی در خلال سالهای تحصیل علاوه بر آن،تدریس را نیز آغاز می کند.او از سال ۶۸ تا ۷۹ در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و شهید بهشتی درس داده است
فعالیتهای آموزشی : شهرام پازوکی از سال ۶۸ تا ۷۹ در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و شهید بهشتی و از سال ۷۹ تا کنون، دردوره های دکترای دانشگاه تهران(گروه فلسفه)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران (دانشکده هنرهای زیبا) در رشته های فلسفه اگزیستانس، فلسفه یونان و مسیحی، عرفان تطبیقی، الهیات تطبیقی ، الهیات مدرن، فلسفه هنر و زیبایی، فلسفه تطبیقی در مباحث وجود شناسی وجهان شناسی درس داده است. او همچنین ـ همکاری با دانشگاه تهران به عنوان مدرس دروس فلسفه غرب،عرفان،فلسفه هنر ـ همکاری با دانشگاه شهید بهشتی به عنوان مدرس دروس فلسفه غرب،

عرفان، فلسفه هنراز سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۵ ـ همکاری با مؤسسه حکمت و فلسفه ایران به عنوان عضو هیأت علمی ومدرس دروس فلسفه غرب،عرفان، فلسفه هنر ازسال ۱۳۷۳ تاکنون در کارنامه خود دارد.
آرا و گرایشهای خاص : شهرام پازوکی همچنان که حوزه های معرفت دینی و عرفان نظری را دنبال می کند،از تطبیق و تطابق آن با شرایط اکنون جوامع انسانی نیز غافل نمانده و دیدگاه های جالبی در این باره یافته است.او می گوید:«برخلاف ذهنیت اشتباه ما که بر این باور هستیم که تکنولوژی غربی بر همه شئون آنها سیطره دارد، غرب خود به واسطه تکنولوژی زدگی، به سمت عرفان و معنویت رفته است؛ زیرا به این نتیجه رسیده که این تکنولوژی نمی تواند برطرف کننده همه نیازهای انسانی، از جمله نیازهای وجودی و معنوی انسان باشد.اشتباه است که فکر کنیم تصور غربیان به واسطه اعمال تروریستی برخی حلقه های بنیادگرا مانند «طالبان»، نوعی بنیادگرایی است، چرا که جهان غرب بین این اعمال خشونت آمیز و روح معنوی عرفانی و پاک اسلام، تفکیک قائل شده است. حتی می توان گفت برداشت کلی آنها از اسلام، برداشتی انسانی و مسالمت آمیز است. غرب به دنبال فضای تکنولوژی زدگی که بر آن حاکم شده است، به دنبال مسکن آرامش دهنده ای است که نوعی آرامش باطنی داشته باشد؛ البته خود به خوبی نمی داند که به دنبال چیست، اما همین قدر می داند که این فضا ارضا کننده نیست و باید به دنبال پاسخ به سؤال های وجودی و معنوی خود باشد. غرب به خاطر این آشفتگی و این که نمی داند به دنبال چیست، به سمت ابتدایی ترین، مبتذل ترین تا متعالی ترین رهیافت های عرفانی رفته است، اما با این حال از سر این تکثر خود دارد به نوعی عرفان پی می برد که ریشه در ادیان دارد. بازخوانی و تدریس آثار عرفایی مانند«ملاصدرا»، «ابن عربی» و... و همچنین بزرگداشت هایی درباره عرفان اسلامی در غرب و استقبال طیف های مختلف مردم به این دست کارها، نشان می دهد غرب در پی دست یافتن به گم گشته خویش است. در آمریکا، چند سالی است که «مثنوی معنوی» جلال الدین مولوی پر تیراژترین کتاب است... غرب در یک کلام دوست دارد بیشتر از عرفان اسلامی بداند و این نشانه بازگشت آن به عرفان و معنویت اسلامی است» پازوکی از این منظر مسیرهای طی شده به وسیله اسلام شناسان غربی را نیز به خوبی زیر نظر گذاشته و مورد نقد و مداقه قرار داده است.اودرباره هانری کربن مستشرق و اسلام شناس معروف فرانسوی می گوید:«کربن که در مطالعاتش به روش هرمنوتیک و پدیدارشناسی متکی بود «معتقد شد» که تشیع باطن اسلام است.به اعتقاد کربن عالم معنوی ایرانی ای وجود داشته است که با ورود اسلام جان تازه ای گرفته است.

چگونگی عرضه آثار : آثار شهرام پازوکی علاوه بر همکاری با دایره المعارف تشیع در نگرش مداخل فلسفه اسلامی، نگارش مقاله های متعدد نظری در نشریه های تخصصی را نیز به چاپ رسانده. تأمل پازوکی در عرفان نظری در ایران او را با ادبیات و فرهنگ پیرامون عرفان نظری در ایران آشنا کرده و روحیه جست وجوگر او را به گنجینه ادبیات کلاسیک ایران نیز تعمیم داده است. او در یکی ازنشست های ماهنامه ادبیات و فلسفه درباره عطارسخن گفته و در همایش مولانا به اندیشه نظری او پرداخته و درباره محمود شبستری تحقیقات قابل توجهی کرده و خلاصه از این دریای بی کرانه اندیشه نیز غافل نمانده است پازوکی به زبان های انگلیسی، عربی وآلمانی تسلط و آشنایی دارد و بر اساس این تسلط وآشنایی است که دست به ترجمه مقاله ها و کتبی از این زبان ها به فارسی زده است. او در تدوین فرهنگ فلسفی غرب نیز همکاری داشته وترجمه مقاله های اصلی دایرة المعارف فلسفی پل ادواردز در موضوع های مابعدالطبیعه و هستی شناسی را بر عهده داشته است.» پازوکی همچنین در موضوع هایی چون حکمت یونانی و مسیحی در عالم اسلام و مناسبات تاریخی و ماهوی تصوف و تشیع، دست به کار تألیف و تحقیقات فراوان زده است.او در کنار تدریس، تحقیق و تألیف از حضور در مجامع علمی حوزه کاری اش نیز غافل نمانده و در همایش ها و گردهمایی های مرتبط در داخل و خارج از کشور،حضور پررنگ داشته است.از آن جمله است شرکت در کنگره نقد فلسفی، دانشگاه علامه طباطبایی، عنوان مقاله: پرسش از فلسفه مسیحی، همایش هنر جدید، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، مقالات هنر جدید و مبادی فکری مدرنیسم، کنگره دکارت و فلسفه جدید، دانشگاه علامه طباطبایی، دکارت، مؤسس مدرنیته، کنگره فارس شناسی، دانشگاه شیراز، تصوف عاشقانه روزبهان بقلی شیرازی، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم کرمان، بحران معرفت در معماری جدید، سمینار دین و فلسفه، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، عنوان مقاله: فلسفه مسیحی چیست؟،کنگره بین المللی شیخ اشراق، مقایسه میان سهروردی و هایدگر،کنگره نقد تجدد از دیدگاه سنت گرایان، سنت گرایی و بنیادگرایی،کنگره بین المللی ادراک بنا بر نظر ملاصدرا و مکاتب فلسفی غرب، دانشگاه لندن، کنگره بین المللی مولوی، دانشگاه استراسبورگ، کنگره بین المللی مولوی، دانشگاه لندن، کنگره بین المللی عطار، دانشگاه لندن، کنگره معنای صلح در اسلام و مذهب بودا، دانشگاه بانکوک، کنگره بین المللی شاه نعمت الله ولی، دانشگاه لایدن هلند و ... پازوکی همچنین با دایرة المعارف تشیع همکاری مستمر داشته و حدود 50 مقاله در مباحث عرفانی در جلد های 1 تا 5 این دایرة المعارف نگاشته است. تأمل پازوکی در عرفان نظری در ایران او را با ادبیات و

فرهنگ پیرامون عرفان نظری در ایران آشنا کرده و روحیه جست وجوگر او را به گنجینه ادبیات کلاسیک ایران نیز تعمیم داده است. او در یکی ازنشست های ماهنامه ادبیات و فلسفه درباره عطارسخن گفته و در همایش مولانا به اندیشه نظری او پرداخته و درباره محمود شبستری تحقیقات قابل توجهی کرده و خلاصه از این دریای بی کرانه اندیشه نیز غافل نمانده است : «آیا عطار در تذکره الاولیا ادیب بوده؟ در کتابی که به قول علامه قزوینی کتابی چون آن که دارای 2صفت «سادگی و شیرینی» [به غایت] باشد در ادبیات پارسی سراغ نداریم. به نظرمن ـ چنان که از متن تذکرة الاولیا فهمیده می شود ـ قصد عطار از انشای این کتاب، احیا و یادآوری ایمان است. او به دنبال آن نیست که مشخص کند «شبلی» آن «کلوخ» را برحلاج زد یا نه، قاعده آن است که «حلاج را دردی آمد عظیم» چراکه «دیگران ندانستندی و زدندی و او دانستی و زدی» عطار می اندیشد که «جنید حقیقی» کیست او را با «جنید واقعی» کاری نیست. نگرش او به جهان در این نقطه است که رقم می خورد می بالد و به ما می رسد. او درباره مولانا می گوید: «مولانا یکی از متفکران برجسته ایرانی است که می تواند در عرصه های جهانی مطرح شود. مولانا راه نجات انسان و سلوک الی الله را نشان می دهد و به واقع او نه تنها یک شاعر بلکه یک اندیشمند برجسته است .مثنوی تنها یک متن ادبی نیست بلکه فراتر از آن یک اثر عرفانی و استمرار تفکر غزالی در رابطه با «احیای علوم دین» است. مولانا نه اشعری است و نه معتزله، او انسانی است عارف که حصول معرفت بشری را از طریق عقل جزئی محال می داند.معرفت تقلیدی در اندیشه مولانا جایی ندارد، زیرا او قیاس و علم نقلی را اگر منطبق بر معرفت قدسی نباشد، نفی می کند. از منظر عرفانی و در تفکر مولانا ،همه علوم منشأ دینی دارند و هیچ علمی در نزد وی شایسته نیست، مگر این که راه رسیدن به خدا را به ما نشان دهد. تفکر مولانا تفکر کلی است و تنها مربوط به ایرانیان نیست؛ بلکه به کل جهان اختصاص دارد. این تصور وجود دارد که تأثیر و تأثرها تنها در عالم اقتصادی و سیاسی رخ می دهد؛ اما دقت نمی کنیم این مسأله در عالم تفکر شدید تر است؛ ولی پنهان.» بد نیست با دیدگاه های شهرام پازوکی درباره حصول به معرفت دینی در اندیشه ایرانی آشنا شویم: معرفت به حقیقت هستی از طریق علم حصولی ممکن نیست. بلکه معرفت حقیقی، معرفت حضوری است که بی واسطه است . عرفان بحث ادیان است. ادیان ابراهیمی 2 شأن دارند؛ یک جنبه ناظر به احکام شریعت است که جنبه ظاهر است و جنبه ای است که شخص چون در عالم زندگی می کند باید قوانین و مقرراتی را رعایت کند و در مقابل جنبه شریعت، جنبه باطنی به اسم طریقت وجود دارد که یکی از اصطلاحات کلیدی عرفان اسلامی

است . همانطور که جان برای تجلی و ظهورش نیاز به تن دارد، طریقت نیز برای تجلی نیاز به شریعت دارد . عرفان فقط در آسمان نیست. بلکه عرفان جنبه باطنی، طریقتی و معنوی همه ادیان است. از آنجا که ادیان از حیث معنا و حقیقت عرفان واحدی دارند، ادیان از وجه جنبه طریقتی با هم مشترکند، بنابراین شریعت مایه تکثر است .به همین دلیل در ادیان مختلف عارفان آن ادیان چون همدل هستند همزبان هم هستند و این هم زبانی موجب شده تفکر عرفانی خصوصیات خاص خود را داشته باشد.یکی از مشترکات عرفانی ادیان قول به حقیقت واحد هستی است و عالم مظاهر این حقیقت است یعنی اگر از حیث عرفانی، عرفان ادیان مختلف را نگاه کنیم متوجه می شویم عارفان در بحث از پیدایش عالم قائل به ظهور وتجلی هستند. یعنی عالم را جلوگاه حق می دانند و موجود آیت حق است. به عبارتی در عرفان میان خالق و مخلوق نسبت وجودی هست. ما در عرفان نظر تنها نداریم و نظر باید با عمل توام باشد و هیچ کس با خواندن فصوص الحکم عارف نمی شود و هیچ عارفی را سراغ نداریم که عرفان خوانده باشد ولی اهل عمل نباشد . ایران نسبت خاصی با عرفان و تصوف اسلامی پیدا کرده است . یعنی در تمام شئون فکری و اجتماعی ما تصوف و عرفان وجود دارد. مسیحیت به دلیل این که جنبه طریقتی بسیار غالبی دارد، دینی است که ماهیت عرفانی دارد، ولی در تاریخ مسیحیت آن چنان ظاهر بینی غلبه پیدا کرد که سخنگویان اصلی مسیحیت مطرود شدند و متکلمین مسیحی غلبه پیدا کردند .در میان فیلسوفان رمانتیک آلمانی مانند گوته بحث دین مطرح می شود .آنها بحث دین را به ماهو دین مطرح می کنند و نخستین پایه های اسلام شناسی و هنر شناسی را می گذارند. بحث تجربه دینی به عنوان جایگزین برای عرفان مطرح می شود و جنبه عقاید و کلام دین کنار می رود و همچنین مخالفت های فلسفه مدرن با دین کنار می رود و تأکیدی که روی تجربه می شود به گونه ای طرح مسأله عرفان است .در قرن بیستم بحث تجربه دینی و عرفانی مطرح می شود و در مقابل عده ای می گویند دین فقط تجربه دینی نیست. چون در عرفان تجارب، تجربه بر خاسته از حواس نیست بلکه احوال است. عرفان عین ذوقیات و تجربیات نیست و بالاتر از آن است .از حیث عرفانی احوال معرفت زاست. یعنی شما معرفتی نسبت به هستی پیدا می کنید اما در همه بحث تجربه دینی، مطرح شدن معرفت را نمی بینید. در ایران یک مشکل این است که هم می خواهیم عارفان مسلمان باشند و هم می خواهیم نباشند. ما هر وقت می خواهیم بحث جدی راجع به عرفان کنیم سراغ اسلام می رویم چون به محض این که صحبت از تفکر در اسلام می کنیم باید سراغ عرفان برویم و منابع فکری ما عرفا هستند.ایرانیان پرده از حقیقت معنوی اسلام برداشتند و آنچه در باطن اسلام است، نمایان

کردند... ----------

آثار :
1 تاریخ تصوّف از قرن هفتم تاکنون
ویژگی اثر : مقاله (دایرة المعارف اسلام)
2 تصوف علوی
ویژگی اثر : مقاله (مجله عرفان ایران)
3 جامع الاسرار:جامع تصوّف , تشیع
ویژگی اثر : مقاله (مجله عرفان ایران-)
4 دکارت مؤسس مدرنیته
ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران-)
5 دکارت و پیدایش مفاهیم نو در هنر
ویژگی اثر : مقاله (مجله فرهنگستان هنر-خیال-)
6 سیر مابعدالطبیعه در تاریخ فلسفه غرب
ویژگی اثر : کتاب (تهران-پژوهشگاه علوم انسانی)
7 عرفان صراط مستقیم گفت وگوی ادیان
ویژگی اثر : مقاله (مجله پل فیروزه)
8 عقل و وحی در قرون وسطی
ویژگی اثر : کتاب(تهران-پژوهشگاه علوم انسانی)
9 فلسفه مسیحی چیست؟
ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران-
10 کتاب خدا در فلسفه
ویژگی اثر : ترجمه کتاب (تهران-حقیقت)
11 گفت وگو و فرا گفت وگو در اندیشه
ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران)
12 معنای هنر و زیبایی در مثنوی
ویژگی اثر : مقاله (مجله دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران-)

پایا، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علی پایا در هشتم خرداد ماه سال 1332 ش. در تهران به دنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته فلسفه از دانشگاه لندن می باشد.نامبرده مدرس فلسفة علم و تاریخ اندیشة مؤسسة اسلامی در لندن بوده و هم اکنون به عنوان استاد مدعو در دانشگاه تربیت مدرس فعالیت دارد.
کتاب"فلسفة تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها" تالیف علی پایا ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی پایا تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران سپری کرد. سپس وارد تحصیل در مقاطع دانشگاهی شد و لیسانس برق را از دانشگاه صنعتی شریف و فوق لیسانس فلسفه را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی جهت ادامة تحصیل عازم لندن شد و موفق به دریافت فوق لیسانس فلسفه و تاریخ علم و ریاضیات و همچنین دکترای فلسفه از دانشگاه لندن گردید.
استادان و مربیان : علی پایا فلسفة اسلامی را در محضر اساتیدی چون مرحوم آیت‌الله مطهری و مرحوم آیت الله حائری گذرانده است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر پایا در مشاغل مختلف اجرایی، پژوهشی و آموزشی خدمت نموده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: عضو هیئت علمی و سرپرست گروه علم و فناوری و جامعه، پژوهشگر و مؤلف کتابهای تاریخ و فلسفه مرکز تحقیقات و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، مدرس فلسفة علم و تاریخ اندیشة مؤسسة اسلامی در لندن، استاد مدعو دانشگاه تربیت مدرس.
جوائز و نشانها : کتاب"فلسفة تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها" تالیف علی پایا ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -
---
آثار :
1 اسطوره چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت
2 ترجمة فارسی کتاب فرگه، هانس اسلوگا

3 جنبه‌های اخلاقی تحقیقات در حوزة سلولهای بنیادین
4 فلسفة تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب فلسفة تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها فلسفة تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها / علی پایا. - تهران: طرح نو، 1382. 797 ص. - (فلسفه و فرهنگ). کتابنامه. - 695 - 736. 1. فراتجدد - جنبه‌های اجتماع. 2. علوم اجتماعی - تحقیق. الف. عنوان. فلسفة تحلیلی یکی از شاخه‌های مهم و اثرگذار فلسفه معاصر است که در ایران نیز با اقبال و توجه فراوان از سوی پژوهندگان و علاقه‌مندان به مسائل فلسفی مواجه است. این کتاب کوششی درخور و شایسته در جهت معرفی «واقع نمایانه» فلسفة تحلیلی به خوانندگان فارسی زبان است. شاکلة اصلی کتاب فلسفة تحلیلی مجموعه مقالاتی است که نویسنده آنها را دربارة موضوعاتی که با فلسفة تحلیلی ربط و نسبتی مستقیم یا غیر مستقیم دارند به نگارش درآورده است و در هریک از آنها جنبه‌ای خاص از این روش خاص فلسفی را مورد بحث قرار داده است. برای ایرانیان که در میان بسیاری از ملل و اقوام به داشتن ذوق و فطانت فلسفی ممتازند و در پی‌اندازی بنای رفیع یک نظام فلسفی ویژه سهمی اساسی ایفا کرده‌اند، آشنایی دقیق و نقادانه با فلسفة تحلیلی، امری لازم و مفید است. در مقالة نخست این مجموعه با عنوان «فلسفه تحلیلی چیست؟» ضمن ارائه توضیح دربارة برخی رهیافت‌های نادرست که در تحدید حدود فلسفه تحلیلی اتخاذ شده، این پرسش مورد بحث قرار گرفته که آیا ارتباط میان اجزای این نظام فلسفی از نوع شباهت خانوادگی و بنابراین اعتباری و عرضی است یا آنکه رشته‌ای واقعی و اصیل موجب وحدت این اجزا می‌شود. «نگاهی اجمالی به سیر تحولات تاریخی فلسفة تحلیلی» که به دلالت عنوانش به نهضت فکری فلسفة تحلیلی به مثابة یک رویداد خاص در تاریخ اندیشه نظر کرده، مکمل مقالة نخست است که به چیستی این پدیدار نظر داشته است. مقالة «فلسفه از دید من» نگاه خاص یکی از فیلسوفان نامبردار تحلیلی را به موضوع کاوش‌های خود توضیح می‌دهد. مقالة چهارم به بررسی نتایجی اختصاص یافته است که از آموزه‌های فلسفی ویتگنشتاین (به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فلسفة تحلیلی) متأخر برای پژوهش‌های حوزة علوم اجتماعی حاصل می‌شود. مقالة «کارنپ و فلسفة تحلیلی» به تفصیل چشم‌انداز تکاپوهای فکری یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان تحلیلی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد. در مقالة «جایگاه مفهوم صدق در آرأ فوکو» ارتباط مفهوم صدق با دیگر مفاهیم و عناصرِ اساسی نظام فکری وی همچون قدرت، معرفت،

باستان‌شناسی آرأ و اندیشه‌ها و تبارشناسی مفاهیم از منظر فلسفهٔ تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقالهٔ هفتم به بررسی «شهود» و موقعیت آن در فلسفهٔ تحلیلی معاصر اختصاص یافته است و در آن پس از بحث مختصری دربارهٔ معانی مختلف «شهود» امکانِ یافتن وجه مشترکی میان دیدگاه‌های قدیم و جدید درباره شهود مورد بررسی قرار گرفته است. در مقالهٔ «نقش آزمایش‌های فکری در کاوش‌های علمی و فلسفی » پس از بحث تفصیلی دربارهٔ ماهیت آزمایش‌های فکری، کوشش شده است تا حدود معرفت بخشی این هستارهای ذهنی را روشن سازد

5 فلسفه‌های بهداشتی و فلسفه‌های غیر بهداشتی ایران

6 فناوریهای نو (نانو، بایو، اینفو) و فرهنگ

7 کارگاه بین المللی یک روزه اسلام و دموکراسی

8 گفت و گو در جهان واقعی

پریمی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی پریمی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/1/1
زندگینامه علمی
اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی ودانشگاه می باشم .تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان درسالهای 67-68 سپری نمودم وسال1369وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه حضور در دروس خارج فقه واصول را دارم .همزمان با تحصیلات حوزوی ،تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب نمودم و دررشته ادبیات وزبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع)قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال 79تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم . ازسال 1380تاکنون در دانشگاههای مختلف کشور (پیام نور قم،دامغان ،صنعتی شاهرود،آزاداسلامی دامغان،وشاهرود)در رشته فلسفه ،دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم .

پورجوادی، نصراللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر نصراللّه پورجوادی (1322ـ تهران) دارای مدرک دکتری فلسفه است.وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد رشتهٔ فلسفه در دانشگاه تهران می باشد.دکتر نصرالله پور جوادی از چهره های سر شناس و فرهیخته روزگار ما است که در عرصه فلسفه و عرفان و ادب فارسی با خلق آثاری ماندگار ، از خود چهره ای دوست داشتنی و قابل احترام در مجامع علمی به جا گذاشته است . کتاب"دو مجدّد (پژوهش‌هایی دربارهٔ محمّد غزّالی و فخررازی)" تالیف نصرالله پورجوادی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : نصرالله پور جوادی دکتر نصرالله پورجوادی در سال 1322 در تهران چشم به جهان گشود و پس از طی مراحل مقدماتی تـحصیل بــرای ادامـه تحصیل بـه ایالات متحده امریکا عزیمت نموده و در سال 1967 (1346) موفق به اخذ مدرک کارشناسی فلسفه از دانشگاه سانفرانسیسکو شد. وی پس از بازگشت به میهن تحصیلات خود را ادامه داده و مدرک کارشناسی ارشد فلسفه در سال 1351 و سپس دکتری فلسفه در سال 1357 اخذ نمود.
استادان و مربیان : در دوران تحصیل اگرچه محضر استادان به نام بهره برد ، اما خود را وابسته به حوزه خاصی نکرد . در میان بزرگان عرصه فلسفه و عرفان بیش از هر کس به پروفسور ایزو تسو نزدیک شد و در پیش وی فصوص الحکم عربی خواند و به تشویق وی سوانح غزالی را به انگلیسی ترجمه کرد و روش تحلیلی وی را در امر پژوهش الگو قرار داد اگر چه در کنار استاد ژاپنی نام دارانی چون ، فردرید ، بزرگمهر ، مهدوی ، جلیلی و نصر قرار گرفته بودند ، اما هیچ یک این دانشجوی متفکر پر احساس را به سوی خود جلب نکرد .
وقایع میانسالی : نصرالله پور جوادی سعی می کرد که هویت ایرانی خود را در فرهنگ سرزمین خود پیدا کند ، از این رو پس از دریافت مدرک لیسانس به ایران باز گشت و در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت .دکتر پور جوادی پس از پایان تحصیلات خود به اسخدام دانشگاه صنعتی شریف

در آمد و به تدریس فلسفه پرداخت . با پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی دانشگاه ها با ستاد انقلاب فرهنگی همکاری خود را آغاز نمود و چون مرکز نشر دانشگاهی در سال 1359 تاسیس شد مسئولیت این مرکز را بر عهده گرفت . تلاش دکتر پور جوادی در مرکز نشر دانشگاهی چشمگیر و ستودنی است .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر پورجوادی خدمت خود را با سمت مربی مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف در سال 1352 آغاز کرد و تا سال 1366 خدمت خود را در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پی‌گرفت و با پشت سر گذاردن مدارج دانشگاهی به اخذ رتبه استادی این دانشگاه نائل شد. دکتر پورجوادی در سال 1358 سرپرستی مرکز تعلیمات عمومی و مدیریت عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف را به عهده گرفت و در سال 1359 به عنوان سرپرست کمیته ترجمه و تالیف ستاد انقلاب فرهنگی انتخاب شد. همچنین از سال 1359 تا 1383 ریاست مرکز نشر دانشگاهی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده داشته است. وی در سال 1381 به دعوت Colgate University در نیویورک به عنوان استاد مدعو در این دانشگاه حضور داشته است. دکتر نصرالله پورجوادی در طول خدمت خود مسئولیت‌های اجرایی و فعالیت‌های اجتماعی متعدد بر عهده داشته است که از اهم آن می‌توان به ریاست مرکز نشر دانشگاهی، عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تاسیس و سردبیری مجله نشر دانش، تاسیس و مدیریت مجله معارف، عضویت هیات امناء بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، عضویت هیات علمی دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، عضویت شورای مرکز نشر دانشگاهی، عضویت در شورای مسئولیت اجرایی ستاد انقلاب فرهنگی و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره کرد. دکتر پورجوادی در سمت‌های مختلفی خدمت نموده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: ـ رئیس مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف ـ مدیر عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف ـ عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی ـ رئیس بنیاد دانشنامة جهان اسلام ـ رئیس مرکز نشر دانشگاهی و مدیر مسؤول و سردبیر نشریة نشر دانش از ابتدای تأسیس در سال 1359 تا سال 1383. -1357- 1352:مربی، مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف -1366-1357: استادیار مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف -1366 تاکنون: استادیار، دانشیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران -1358: سرپرست مرکز تعلیمات عمومی، دانشگاه صنعتی شریف -1358: مدیر عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف -1359: سرپرست کمیته ترجمه و تالیف ستاد انقلاب فرهنگی - پائیز 1381: استاد مدعو Colgate University (New

1300 جذب استادان برای ترجمه و تالیف که حاصل آن بیش از (york عنوان کتاب در عرصه های مختلف علم و ادب است و یا تالیف فرهنگ اصطلاحات با بیش از 30 عنوان و همچنین نشر مجلاتی چون نشر دانش ، تاریخ و باستان شناسی ، لقمان ، زبان شناسی ، فیزیک ، ریاضی ، شیمی . معارف و مجله بهداشت از جمله کار هایی است که در طول مسئولیت این عاشق دلباخته فرهنگ اسلامی انجام پذیرفت . وارد کردن کتاب های خارجی در زمانی که مرزها بسته بود و ارتباط با خارج چندان مطلوب نبود ، کاری در خور تحسین بود . دکتر پور جوادی در مدت 24 سال دوران مسئولیت خود هر کاری که کرد ، برای نشان دادن هویت ایرانی ایران مظلوم بود . او بهترین روز های عمر خود را وقف خدمت به فرهنگ و مردم این مرز و بوم نمود و آستین بالا زد و دانشمندان و استادان را به همکاری طلبید و به واقع هر که روی به وی آورد چه خوب یا بد ماند و نرفت . آنان عشق به وطن را به زر و زیور نفروختند و در اثری که فضیلت و انسانیت ره گم کرده ای بیش نیست ، ماندند و به هویت ایرانی خود بالیدند و با خدمت به فرهنگ کهن سرزمین ایران اسلامی احساس غرور کردند و بازوی علمی وی شدند و آنچنان شد که امروزه مرکز نشر دانشگاهی یکی بزرگترین و معتبرترین موسسه انتشارات دانشگاهی به شمار می رود . بی شک نام نشر دانشگاهی ، در کارنامه وی چون نگینی خواهد درخشید و در هر جا از نشر دانشگاهی سخن رانده شود یاد آور نام دکتر پور جوادی خواهد بود . دکتر پور جوادی در جلسات فرهنگستان نیز همواره چهره ای شاخص بود ، اظهار نظر های وی ، چه موافق و چه مخالف ، قابل بحث بود . او می گفت هر کاری که در فرهنگستان صورت می گیرد ، باید بنیادی باشد ، زیرا معتقد بود که زمان فارسی به کار بنیادی نیازمند است هر چند که زمان طولانی برای آن صرف شود . برای مثال چون صحبت فرهنگ نویسی مطرح می شد ، می گفت : امروزه فرهنگ های قدیم پاسخگوی نیاز های جامعه ما نسیتند . برای احتیاجات روزمره برای دانشجویان ، برای نسل عظیم تحصیل کرده تشنه علم ، چند کتاب فرهنگ دست و پا شکسته قدیمی کفایت نمی کند . امروزه فرهنگ نویسی یک علم و به کلی با گذشته فرق دارد . کارهای تیمی باید انجام داد ، کارهای روشمند و قانون مند ؛ و همواره در جلسات فرهنگستان به این نکته تاکید داشت که اگر کاری می کنیم و یا گروهی را تشکیل می دهیم ، باید بدانیم که هدفش چیست ؟ برنامه اش چیست و چه کار می کند ؟ وگر نه اگر بی برنامه حرکت کنیم ، به نتیجه نخواهیم رسید . معتقد بود که جامعه نیاز به فرهنگ روز آمد دارد و نبود آن کاملا در جامعه علمی احساس می شود . دانشجوی ما فرهنگ درست و حسابی ندارد . فرهنگی که ما بتوانیم به صورت روز آمد داشته باشیم ، سراغ نداریم یعنی وقتی

لغت جدیدی وارد زبان می شود ، مرتب بتوانیم کاربرد آن را نشان دهیم و داخل فرهنگ بیاوریم ، همان کاری که امروزه در اکثر کشور ها رایج است . دکتر پور جوادی به تبع کاری که در نشر دانشگاهی شروع کرده بود ، معتقد بود که باید در نشر متون کوشا بود و در این زمینه سیاست روشن و شفاهی داشت . احیای زبان فارسی و هویت این ملت را در احیای آثار معنوی و معرفی آن به نسل جوان می دانست و می گفت ما اکنون می خواهیم با این همه متون که از زبان فارسی داریم چه کنیم ؟ سیاست ما در این مورد جگونه خواهد بود ؟ در آینده چکار می خواهیم بکنیم ؟ سیاست کشور در قبال متون فارسی چیست ؟ این مسائل باید روشن شود ، تا بدانیم در گنجینه ادب فارسی از قدیم چه داریم و کمبود ها چیست .

آرا و گرایشهای خاص : دکتر نصرالله پور جوادی از چهره های سر شناس و فرهیخته روزگار ما است که در عرصه فلسفه و عرفان و ادب فارسی با خلق آثاری ماندگار ، از خود چهره ای دوست داشتنی و قابل احترام در مجامع علمی به جا گذاشته است . وی با نگرشی کاملا متفاوت به مسائل فلسفی و عرفانی در هر محفل علمی خوش می درخشد و حرفی تازه برای گفتن دارد و بی گزاف می توان گفت که وی در این زمینه فردی است صاحب سبک ، و روشن ضمیری است آگاه به مسائل روز ، علاقه او به کهن سرزمین ایران ستودنی است . مقالات و نوشته های وی چنان محکم ، استوار و متکی به منابع اصیل و پر محتوا و گیراست که هر خواننده ای را در کوچه باغ های جهان هستی از خود بی خود می کند و گویی با مخاطب خود سخن می گوید . دکتر پورجوادی که تحصیل غرب را تجربه کرده است و در پی گمشده خود تا قونیه پر کشیده بود ، در زیارت مزار مولانا به گمشده خود دست می یابد و با فرهنگ هزار چهار و صد ساله خود عهد و پیمان می بندد تا می تواند در روشن نگهداشتن چراغ فرهنگ سرزمین خود تلاش کند . روح جستجو گر و سرکش او با تحصیل در رشته های پزشکی و فنی در تضاد بود او که تحصیلات دبیرستانی خود را در رشته ریاضی به پایان برده در آمریکا در رشته فلسفه فارغ التحصیل شده بود ، روی به عرفان آورد زیرا در عرفان چیزی بود که نیازهای فلسفی وی را پاسخ می گفت . او این راز و رمز درونی را سال های قبل احساس کرده بود به همین جهت چون به گمشده خود رسید ، احساس کرد که کلید قفل جهان بینی خود را یافته است وی خود به صراحت به این موضوع اشاره می کند و می نویسد : 5 سال دوری از ایران و اقامت در غرب احساس شدید غربت را در من به وجود آورده بود و پس از مراجعت به وطن ، تصمیم گرفته بودم به مزار مولانا مشرف شوم تا در آنجا با هزار و چهار صد سال فرهنگ و زبان خود دوباره بیعت کنم . مولانا برای من مظهر تمام عیار چهارده قرن فرهنگ اسلامی بود و زبان مثنوی که مجلای این

فرهنگ بود ، زبان من بود وقتی قدم در صحن مزار گذاشتم ، حال فرزند گمشده ای را داشتم که پس از سال ها در به دری و آوارگی به آغوش مادر باز می گردد . قطره ای بودم که به دریا می پیوستم با آنکه اولین سفر من به قونیه بود ، همه چیز مزار برایم آشکار بود . (ایران مظلوم ، ص 235) دکتر پور جوادی در آن زمان 24 سال بیشتر نداشت ، اما روح سرکش او ، او را به دنبال چیزی می کشید که بتواند با آن زندگی کند ، حرف زند راز دل گوید ، هویت اسلامی خود را آنچنان که هست بشناسد و بشناساند . او به کهن سرزمین ایران به عنوان سرزمین اندیشه های معنوی و تفکر فلسفی ، سرزمین ابن سینا ها ، فارابی ها ، غزالی ها ، مولانا ها ، نظامی ها ، سهروردی ها ، سعدی ها ، حافظ ها ، جامی ها و ملا صدرا ها رابه دیده احترام می نگرد و عاشقانه می پرستد و چه زیبا این احساس خود را بیان می کند : ایران همواره برای من سرزمین اندیشه های معنوی و فلسفی بوده است یک جنبه از این تفکر فلسفی همان است که در فلسفه های ابن سینا و سهروردی و ملاصدرا و فلاسفه و حکمای دیگر متجلی شده ، جنبه دیگر تفکر ایرانی ، چیزی که در دل توده های مردم نفوذ کرده و در خلق و خوی ایرانیان ظاهر گشته همان است که در ادبیات فارسی و بویژه در شعر فارسی جلوه گر شده است . این جلوه از تفکر فلسفی ، در عین حال که اساسا اسلامی است ، واجد خصوصیت ایرانی هم هست و در واقع از لوازم هویت ایران اسلامی است این هویت نیز برخاست از نسبت خاصی است که ایرانی با خدا بر قرار کرده است (ایران مظلوم ص 263) . دکتر پور جوادی در تحقیق به دنبال شناخت است با بی طرفی . وی به دنبال القای فکر نیست و این گونه است که خواننده با اعتماد به نوشته های او می نگرد و همین دید متفاوت آثار وی را از دیگران متمایز می سازد . دکتر پور جوادی از نادرستی ها و نارواها می خروشد و عصیب خود را نشان می دهد و جوش و خروش او هم از روی دلسوزی است ، دلسوزی به وطن ، به علم ، و به جامعه .

جوائز و نشانها : کتاب"دو مجدّد (پژوهش‌هایی دربارهٔ محمّد غزّالی و فخررازی)" تالیف نصرالله پورجوادی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان به واسطه خدمات علمی و اجتماعی درخشان مفتخر به دریافت نشان و تقدیرنامه‌های متعدد شده که از آن بین می‌توان به دریافت تقدیرنامه دومین کتاب به عنوان نویسنده و منتقد شایسته تقدیر از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تشویق به واسطه تالیف کتاب رویت ماه در آسمان، لوح تقدیر پنج عنوان کتاب برگزیده شورای انتشارات دانشگاه تهران اشاره کرد.

چگونگی عرضه آثار : از نصرالله پور جوادی ده‌ها مقاله و کتاب به زبان‌های

فارسی و انگلیسی انتشار یافته است.تاکنون ده‌ها عنوان کتاب و مقاله، تالیف و ترجمه استاد دکتر پورجوادی به چاپ رسیده و فعالیت‌های علمی ایشان باعث غنای هر چه بیشتر گنجینه حکمت ، فلسفه و ادب ایران شده است. ----------
-
آثار :
1 اشراق و عرفان
ویژگی اثر : 1380
2 بسحاق اطعمه را بهتر بشناسیم
ویژگی اثر : 1354
3 بوی جان و شکوه ایران
ویژگی اثر : 1372
4 حُسن و عشق در ادبیات عرفانی
ویژگی اثر : 1359
5 داستان مرغان، رسالةالطّیر احمد غزالی
ویژگی اثر : 1355
6 درآمدی به فلسفه افلوطین
ویژگی اثر : 1358
7 دو مجدّد (پژوهش‌هایی دربارة محمّد غزّالی و فخررازی)
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب :«دو مجدّد (پژوهش‌هایی دربارة محمّد غزّالی و فخررازی)» نصرالله پورجوادی.ـ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1381. این کتاب حاصل پژوهش‌هایی است که نگارنده در طی حدود شانزده سال، به مرور و به مناسبت‌های گوناگون، دربارة پاره‌ای از آثار و آراء و افکار دو تن از شخصیت‌های بزرگ عالم اسلام، یکی ابوحامد محمّدغزّالی و دیگر فخرالدّین رازی، انجام داده است. بیشتر مطالب به نحوی با تصوّف ارتباط دارد. میان ابوحامد و امام فخر، که یکی مجدّد رأس قرن ششم به شمار آمده است و دیگری مجدّد رأس قرن هفتم، مشابهت‌هایی وجود داشته و اگرچه حدود یک قرن فاصله در میان ایشان بوده، ولی امام فخر به آثار غزّالی توجه داشته و همواره در آثار خود با دیدة احترام به وی می‌نگریسته است. توجه امام فخر به آثار غزّالی را در یکی از رساله‌های کوتاه او که دربارة مشکلاتی است که در احادیث کتاب مشکوةالانوار غزّالی بوده است می‌توان ملاحظه کرد. کتاب در هفت بخش تنظیم شده است. پنج بخش نخست دربارة ابوحامد غزّالی است و بخش ششم و هفتم دربارة فخر رازی.

8 سلطان طریقت، سوانح زندگی و شرح آثار احمد غزالی
ویژگی اثر : 1358
9 شعر و شرع (بحثی درباره فلسفه شعر از نظر عطّار)
ویژگی اثر : 1374

پورمحمد، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن پور محمد
محل تولد : --
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
بنده از یک خانواده متوسط روستایی هستم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. سه فرزند دارم به ترتیب فاطمه متولد 1368 ، حسین متولد 1373 ، محمّد مهدی متولد1381 و همسرم نیز معلّم هستند. در رشته خدمات بازرگانی در سال تحصیلی 62 ـ 63 دیپلم گرفتم. بلافاصله به حوزه علمیّه قم رفتم و در مدرسه علمیّه رسول اکرم (ص) به تحصیل علوم حوزوی پرداختم. تحصیلات حوزوی را در مدرسه امام باقر علیه السلام ادامه داده ، سطح را تمام کردم و در دروس خارج آیات عظام: فاضل لنکرانی (حج) جوادی آملی (صوم و خمس) و مکارم شیرازی (حدود و ارتداد) سبحانی (نماز و طهارت) واز درس خارج اصول اساتید معظم سبحانی و لاریجانی بهره بردم. البته از درس های آیت الله محفوظی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی(ره) نیز استفاده کرده ام. و اسفار را در محضر استاد مصباح یزدی و استاد فیاضی آموختم. در کنار تحصیل در حوزه در این دوره به مدت یک سال در جبهه های نور علیه ظلمت داوطلبانه حضور داشته ام. بعد از جنگ در سال 1368 با شرکت در کنکور سراسری در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال 1373 از دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه غرب را دریافت نمودم. در سال 1373 در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در این دوره به عنوان دانش پژوه ممتاز شناخته شده و پایان نامه خود را نیز در سال 1376 در موضوع«روح القدس در کتاب مقدس ادیان ابراهیمی» با درجه ممتاز دفاع کردم. همزمان در گروه تحقیقات ادیان به مدّت 5 سال در محضر استاد حسین توفیقی و دکتر لگنهاوزن فعّالیّت داشتم.
با توجه به اینکه از دروس اسفار آیت الله مصباح یزدی بهره مند می شدم از طرف ایشان در سال 1373 ماموریت یافتم تا گزارش جامعی در خصوص فعّالیّت های علمی در عرصه های علوم عقلی در سطح کشور تهیه

نمایم. در نهایت با جمعی از شاگردان ایشان طرح دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی تهیه گردید و بنده به عنوان مسئول گروه های علمی در آن فعّالیّت داشتم. این کار زیر نظر آیت الله مصباح به مدیریت حجّت الاسلام و المسلمین محسن قمی آغاز شد. با توجه به مأموریت حاج آقای قمی به عنوان ریاست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، بنده نیز به حسب وظیفه در آن شرایط حساس، مسئولیت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان را بر عهده گرفتم و با توجه به موفّقیّت هایی در کار، از سال 1382 باحفظ سمت به عنوان دبیر منطقه 2 کشوری انجام وظیفه می نمایم و نیز از سال 1381 به عنوان امام جمعه موقت شهرستان ما سال توفیق خدمت دارم.

پهلوانیان، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد پهلوانیان
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب احمد پهلوانیان در سال 1372 بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم ، در مدت 5 سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صداو سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم .
از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودک و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد .
تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه ها ی ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

پیروزمند، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد پیروزمند
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
ما تقریبا سال 1360 بود که وارد حوزه مبارکه قم شدیم هرچند که از قبل با ادبیات عرب آشنایی داشتم و کتابهای مختلفی را خوانده بودم ولی برنامه حوزه مقتضی دوباره خوانی بود مقدمات از صرف ساده و جامع المقدمات سپس سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه ملا عبدالله که همراه با آن منطق صوری دکتر محمد خوانساری را نیز می خواندیم روزهای خوش علمی آن روزگار بود بعد هم که از مدرسه کرمانیها بیرون آمدیم و بصورت آزاد شرح لمعه را شروع کردیم بعد از آن رسائل بود در کنار رسائل به درس اسفار جناب علامه حسن زاده آملی مدظله العالی حاضر می شدیم از قبل بدایه را اجمالا و منطق منظومه و حکمت آن را تا اندازه زیادی کار کرده بودم. درس اسفار اگر چه سنگین بود ولی الهیات مداری آن جاذبه ای شیرین بود تمامی جلد اول اسفار و قسمتی از جلد دوم آن را در محضر مبارک آن بزرگوار خواندیم. رسائل و مکاسب و کفایتین را می خواندیم همزمان با خواندن کفایه بر خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی ، میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره الشریف و سید احمد مددی شرکت می جستیم که تا این زمان 14 سال خارج اصول و 14 سال خارج فقه.بعد از مدتی قسمت قابل توجهی از جلد ششم اسفار لغی الهیات به معنی افصار را با یکی از دوستان مباحثه کردیم – زمانی جناب حسن زاده آملی مصباح الانس را آغاز فرمود با کسب اجازه از محضر مبارکش به خدمتش شتافتم و تا وقتی آن درس برقرار بود رفتن ما نیز برقرار بود تا اینکه ایشان از تدریس عمومی امتناع ورزید ما به درس پنج شنبه و جمعه آقای شیخ محمدرضا نکونام مدظله العالی حاضر شدیم و مصباح الانس را ادامه دادیم . بعد از مدتی ایشان جلد 9 اسفار در معاد قرآنی را آغاز کردند.هرچند که ایشان معاد صدرایی را بسیار نقد می فرمود اما ما تا آخر جلد کتاب را در درس ایشان حاضر بودیم بعد تمهید

القواعد را به تماما نزد ایشان خواندیم هم زمان جلد دوم اشارات و قسمتی از جلد سوم آن را با دوستان به بحث و بررسی گذاشتیم و در درس حرکت و زمان جلد سوم اسفار جناب ممدوحی حاضر گشتیم و بر مسائل آن بحث بسیار گذاشتیم. زمان گذشت تا تمامی بدایه ، نیم از نهایة الحکمة را برای عده ای از عزیزان حوزوی گفتیم و به خاطر تقارن ساعت تدریس فقه در مدرسه معصومیه با ساعت نهایه مجبور به تعطیل نمودن آن شدیم، از کتاب رسائل کتاب قطع و ظن را دو مرتبه و قسمتی از اصالة البرائة و همچنین خیارات، مکاسب و قسمتی از کتاب بیع آن را تدریس کردیم اکنون هم به تدریس مکاسب محرمه و شرح لمعه مشغول هستیم. سالیان متمادی شرح لمعه و اصول فقه را تدریس داشته ایم همچنین حدود چهار ، پنج سال درس شرح فصوص استاد محمدرضا نکونام را نیز درک کردیم. اکنون از خداوند متعال با این بضاعت مزجات خویش مسئلت خدمتی اگر چه بسیار ناچیز به مذهب حقه و اسلام عزیز و بندگان مخلص خداوند را داریم، در این زمان پنج شنبه و جمعه در حرم مطهر منطق منظومه را نیز تدریس داریم بحوله تعالی والحمد الله رب العالمین.

تبریزی، اسماعیل

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س هفتم ق)، حکیم، عالم. از علمای بزرگ آن دوره که در خدمت اتابک یوسف‌شاه بن الب ارغو، از اتابکان بزرگ به سر می‌برده و چند کتاب در حکمت به زبان فارسی نوشته است. از آن جمله: «رساله‌ی حیوه النفس»؛ «رساله‌ی نصیریه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1317/3).

ترخان، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم ترخان
محل تولد : بن جی کول ، نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
ایشان در سال 1346 ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول ، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال 1360 وارد حوزه علمیّه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید . ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعّالیّت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیّه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که 23 سال به طول انجامید ، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون : وجدانی فخر ، پایانی ، استادی ، طاهری خرم آبادی ، وحید خراسانی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، گرامی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، صالحی مازندرانی ، مصباح یزدی ، فیاضی و ... بهره های فراوانی برد . فقه ، اصول ، تفسیر ، کلام ، فلسفه ، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیّه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش 25 ساله در حوزه و دانشگاه ، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات ، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد .

ترکمانی اصفهانی، مهدی‌قلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1123 ق)، عالم و حکیم امامی. وی مقدمات علوم را نزد علمای زادگاه خود در اصفهان آموخت و علوم عقلی را از محضر پدرش و فقه و حدیث را از حوزه‌ی مجلسی دوم فراگرفت. سپس قم را مسکن دایمی خویش قرار داد و به فتوی اشتغال یافت. او نیز مانند پدرش تولیت استانه حضرت معصومه (ع) را داشت. از آثار فرهنگی وی: تاسیس مدرسه‌ی مهدی‌قلی خان در سال 1123 ق و تاسیس کتابخانه در مدرسه‌ی مذکور است. از آثار علمی وی: حاشیه بر کتاب «احیاء الحکمه»؛ حاشیه بر کتاب «فرقان الرایین و بنیان الحکمتین» پدرش، ملا علیقلی خان بن قراچغای خان؛ «سماء الاسماء»، در لغت، به فارسی؛ تعدادی رسائل فلسفی کوچک.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (174/16، 228/12)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 763/12)، گنجینه‌ی دانشمندان (44/1).

توحیدی، ابوحیان علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 414/400 -310 ق)، ادیب، فیلسوف معتزلی، صوفی و شاعر. معروف به فیلسوف‌الادباء و ادیب‌الفلاسفه و جاحظ ثانی. اگر چه محل تولد او را به اختلاف شیراز، نیشابور، بغداد، واسط دانسته‌اند، اما احتمال این که در شیراز متولد شده باشد بیشتر است. ابوحیان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی سجستانی بود، در آنجا با گروهی از دانشمندان طراز اول مانند ابوالحسن عامری و ابن‌مسکویه معاشرت داشت. وی فقه شافعی را از ابوحامد مرورودی و ابوبکر شاشی آموخت و نزد استادان صوفی آمد و شد داشت و از راه کتابت زندگانی می‌کرد. ابوحیان مدتی در بغداد اقامت داشت و پس از آن به ری رفت و در آنجا در خدمت ابوالفضل عمید و صاحب بن عباد بود ولی با آنها میانه خوبی نداشت و حتی کتابی در ذم آنها به نام «اخلاق الوزیرین» نوشت ولی با وزراء صمصام‌الدوله یعنی عبداللّه بن عریض شیرازی و ابن سعدان میانه خوبی داشت. از جمله اساتید دیگر وی علی بن عیسی رمّانی در تصوف و یحیی بن عدی در فلسفه و منطق و جعفر خلدی و ابن سمعون در حدیث و سایر معارف اسلامی. ابوحیان در نگارش عربی استاد بود و جاحظ را بسیار می‌ستود و کتابی در مناقب و شناخت او نیز تألیف کرد. وی در ادبیات عرب به مقامی رسید که وی را با جاحظ برابر یا برتر می‌شمارند. بعضی او را از زنادقه می‌دانند. او علاوه بر نگارش نثر که در حد اعلای سلاست و استواری بود شعر نیز می‌گفت. وی در اواخر عمر کتابخانه عمومی خود را آتش زد و علت آن چنانکه خود گفت عدم توجه مردم بغداد در مدت بیست سال اقامت او در آنجا به وی بود چون نمی‌خواست کسانی که قدر او ندانستند پس از مرگ او از آنها بهره‌مند شوند. ابوحیان احتمالاً در خانقاه ابن خفیف در شیراز درگذشت و در کنار مزار شیخ کبیر به خاک سپرده شد. از جمله تألیفات وی: «المقابسات»؛ «الصداقة والصدیق»؛ «الامتاع والموانسة»، در سه جزء، «اشارات الالهیه»؛ «البصائر والذخائر» یا «بصائر القدما و بشائر الحکما»، در پنج جزء؛ «تقریظ الجاحظ»؛ «المحاضرات والمناظرات».[1]
توحیدی، علی بن محمد بن عباس، ادیب و فیلسوف معتزلی قرن چهارم (ف. 400 ه.ق.) وی در حسن تنظیم مطالب و سهولت انشای عربی چندان مهارت داشته که او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند. ابوحیان علوم ادبی را

در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی با گروهی از دانشمندان و حکمای عهد معاشرت داشته و مدتی نیز درک خدمت ابن‌العمید و صاحب بن عباد و ابن سعدان را کرده و با ابوعلی مسکویه نیز رابطه داشته است. از آثار مهم او کتاب الامتاع و المؤانسة، کتاب الهوامل و الشوامل، کتاب المقابسات، کتاب البصائر، رسالة فی الصداقة است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (145 -144 /5)، ایضاح المکنون (440 ،65 /2 ،602/1)، تاریخ ادبیات در ایران (642 ،353 ،300 ،286 ،260/1)، تاریخ اسلام (حوادث 402 -400/400 -381)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (172 -157)، تاریخ نجوم اسلامی (99 -98 ،70)، تذکره‌ی هزار مزار (97 -96)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (126 -124 /1)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1029/8)، دایرةالمعارف فارسی (29/1)، روضات الجنات (85 -56 /8)، ریحانه (84/7)، سخن و سخنوران (20)، شیرازنامه (150 -149)، کشف الظنون (1778 ،522 ،246 ،167 ،140)، الکنی والالقاب (61/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن چهارم/ 12)، لسان المیزان (637 -633 /7)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحیان)، معجم الادباء (52 -5 /15)، معجم المؤلفین (205/7)، الوافی بالوفیات (41 -39 /22)، وفیات الاعیان (113 -108 /5)، هدیة الاحباب (14)، هدیة العارفین (685 -648 /1)، یادداشتهای قزوین (180 -174 /4).

تونی، موسی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1098 ق)، متکلم، عالم و حکیم امامی. وی از فحول متکلمان و اکابر علما و حکمای امامیه بود. پس از اخذ مقدمات متداوله و علوم اسلامی فقه و حدیث را از مولی محمد مومن که از شاگردان شیخ بهایی بود فراگرفت و از ائمه فتوی و تقلید در مشهد شد. سپس به تدریس پرداخت و عالمان بسیار از محضر وی بهره می‌بردند. مولا محمد صادق نیشابوری از شاگردان وی بود که از وی اجازه داشت. از آثار وی: رساله‌ای در «زکاه»، به فارسی؛ تعلیقات بر کتاب «الاحتجاج» طبرسی؛ حواشی بر «تفسیر صافی» ملامحسن فیض کاشانی؛ شرح مجلس ابن‌بابویه با رکن‌الدوله.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ریاض العلماء (220/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 605 -604 /11).

جان محمدی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین جان محمدی
محل تولد : بیجار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/12/7
زندگینامه علمی
سال ۱۳۵۸ در یکی از روستاهای شهرستان بیجار متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در روستا گذراندم و سپس برای تحصیلات دوره راهنمایی به مدرسه تیزهوشان شهرستان قروه رفتم. بعد از اتمام دوره راهنمایی و قبولی در آزمون دبیرستان تیزهوشان و دبیرستان سپاه سنندج، این دومی را انتخاب کردم و در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل دادم. پس از آن با اتمام دوره پیش دانشگاهی در رشته علوم انسانی وارد حوزه علمیه شدم. طلبه سطح دو حوزه بوده و هم زمان در گرایش "فلسفه روش" ادامه تحصیل می دهم و به کار تحقیق و نویسندگی نیز اشتغال دارم. در ضمن از زندگی جدید شهری هم تقریبا بیزارم و عاشق تجربیات باطنی هستم . تا خدا چه خواهد و چه تدبیر کند.

جاودان، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جاودان
محل تولد : میناب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد جاودان، صرفاً به دلیل تقاضای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی این زندگینامه را تحریر می‌نمایم و خود را در موقعیت تحریر «زندگینامه علمی» نمی‌دانم.در سال 1348هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی و تازه از نجف بازگشته، در حوالی رودان، از شهرهای کوچک و شرقی استان هرمزگان به دنیا آمدم.پدرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله جاودان، نخستین معلم و استاد علمی و اخلاقی من، به گفته خود، از حدود چهار سالگی به علم من مبادرت نمودند. تا حدود هفت سالگی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن، اشعاری از سعدی و حافظ، کتب مقدماتی «جامع المقدمات» یعنی، امثله و شرح آن، صرف میر و التصریف را نزد ایشان فراگرفتم.از هفت سالگی وارد دبستان شده و معلم مدرسه مرا به عنوان دانش‌آموز کلاسم دوم ابتدایی ثبت نام کردند، هر چند نظر او کلاس پنجم بود و گویا مدیر مدرسه موافق نبود. از کلاس چهارم تا سوم راهنمایی را در مدارس قم و پس از آن مجدداً به رودان بازگشته و از مدرسه شهید بهشتی رودان در سال 1367 دیپلم علوم تجربی را اخذ نمودم.
بحمدالله در تمام مدت تحصیل دانش‌آموز موفقی بودم. در تمام این دوران دو گونه فعالیت داشتم: 1. فعالیت‌های قرانی و شرکت در مسابقات قرآن، که در قم مقام اول کسب نمودم و نیز در استان مرکزی دوم شدم. در استان هرمزگان نیز چندین بار به مقام اول رسیدم و در مسابقات کشوری نیز در دوره دبیرستان به مقام ممتاز دست یافتم.2. ادامه تحصیلات حوزوی در ایام فراغت و در نتیجه تا اخذ دیپلم کتب حوزوی مثل جامع المقدمات (تماماً)، سیوطی، مختصر المعانی، حاشیه ملاعبدالله (در منطق)، معالم الاصول، بخشهایی از لمعتین. در همین مدت البته کتب مختلف جامع المقدمات و بخش‌هایی از سیوطی و گاهی کتبی در منطق را نیز تدریس

می‌نمودم. بیشتر کتب مذکور را نزد ابوی معظم و بخش‌هایی از کتاب حاشیه ملا عبدالله و نیز کتاب الارث شرح لمعه را نزد استاد فاضل و متقی حضرت حجت الاسلام عبدالعلی جاویدان، که در آن ایام امام جمعه شهر رودان و نماینده مردم حضرت امام خمینی(ره) بودند فراگرفتم. خداوند خیر دنیا و عقبا را نصیبشان گرداند. انشاء الله.قصدم آن بودم که با اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه، همزمان علوم حوزوی را نیز ادامه دهم. همان سال اخذ دیپلم (67) در کنکور شرکت نموده و برای تحصیل در تهران قبول شدم.
اما به دلیل حضور در جبهه‌های جنگ امکان ورود به دانشگاه سلب شد و در همان سال وارد حوزه علمیه بندرعباس گردیدم و همزمان به تحصیل و تدریس مشغول گردیدم. البته در سطح شهر بندرعباس نیز با قرائت قرآن در مجالس عمومی و نیز دایر کردن جلسه تعلیم فنون تجوید و قرائت قرآن به ترویج قرآن در جامعه پرداخته و بحمدالله برکات معنوی قابل توجهی داشت و برخی از شاگردان آن جلسات اکنون به عنوان استاد مشغول ترویج قرآن هستند.سال 1372 وارد حوزه علمیه قم و نیز دانشگاه مفید قم (در رشته فلسفه غرب) شده دروس حوزوی را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه دادم و در تمام امتحانات کتبی و شفاهی ظرف 3 الی 4 سال شرکت نموده و با موفقیت پیش رفته.در سال 1376 به اخذ لیسانس فلسفه غرب و در 1379 به اخذ فوق لیسانس در همان رشته از دانشگاه مفید موفق شده و در همان سال در رشته کلام (گرایش فلسفه دین و کلام جدید) در مقطع دکترای تربیت مدرس قم، دانشگاه قم، قبول شده و اکنون در آستانه دفاع هستم.
از سال 1376 وارد مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب گردیده و در گروه مذاهب اسلامی (بیشتر با گرایش تشیع اسلامی) به تحصیل و تحقیق پرداختم. و به عضویت هیئت علمی آن مرکز پذیرفته شده و مقالات متعددی را در آن مرکز تحریر یا ترجمه نمودم.در سال 1384 به عنوان فلوشیپ (Felowship) دانشگاه هاروارد در آمریکا پذیرفته شده و به مدت یک سال در آن دانشگاه، به عنوان عضو هیئت علمی آن دانشگاه، به همراه خانواده حضور یافتم. در آنجا به تحقیق، تدریس برای برخی از دانشجویان ایران (به عنوان سخنرانی نه تدریس) مشغول بودم. همچنین به مدت یک سال در مرکز اسلامی شهر Boston (مرکز ایالت ماساچوست) به سخنرانی دینی ـ علمی (تفسیر سوره حشر) و نیز آموزش قرآن و تدریس یک دوره کامل تجوید پرداخته.
سخنرانی‌ها و برنامه قرآن با استقبال فراوان مواجه گردید.اعتبار علمی فلوشیپ یاد شده، فوق دکتر است. آنچه عامل اصلی این توفیق بود، پس از لطف خداوند مساعی استاد مکرم جناب استاد آیت الله دکتر مدرسی

طباطبایی، استاد تمام دانشگاه پرینستون در نیوجرسی آمریکا بود که با معرفی اینجانب به آن دانشگاه زمینه پذیرش مرا در آن دانشگاه فراهم نمود. حضور من در آمریکا تجارب علمی، معنوی و آفاقی و اجتماعی ارزشمندی برایم به همراهداشت. به ویژه حضورم در مرکز اسلامی در جمع شیعیان ایرانی و پاکستانی. استقبال آنان از برنامه‌های این جانب فوق‌العاده بود و اصرار زیادی بر ماندن من حداقل برای یک سال دیگر را داشتند. هنوز نیز با آنان در ارتباط هستم. انسان‌های پاک، مومن، خداخواه و ایران دوست. خدایشان خیر دهد.در این سال‌ها علاوه بر تدریس در موضوعاتی چون کلام اسلامی، کلام جدید و فلسفه دین، فرق اسلامی، تشیع امامی و فرق تشیع و مذاهب اسلامی، فلسفه اسلامی و... پروژه‌های تحقیقی متعددی اعم از مقاله و کتاب را به انجام رسانده‌ام که بسیاری از آنها منتشر شده‌اند. چندین پایان نامه را نیز مشاوره یا داوری نموده‌ام.هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه مفید هستم. همچنین به صورت نیمه وقت با مرکز ادیان همکاری دارم که زعم از تدریس و پژوهش است (عضو هیئت علمی نیمه وقت مرکز هستم).متأسفانه بیش از دو سال است به علت مشغله علمی دانشگاهی و سفر خارج از کشور وقفه‌ای در تحصیلات حوزوی‌ام پیش آمده است که امیدوارم در سال آینده مجدداً آن دروس را از سر گیرم و البته بیشتر قصد تدریس دارم. امیدوارم خداوند توفیق دهد.از خداوند منان که همواره مددکارم بوده است می‌خواهم توفیق بیشتری را در جهت اهداف انسانی ـ الاخص به حقیر عنایت فرماید.

جرجانی، شریف‌الدین، علی

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(816 -740 ق)، شاعر، متکلم، حکیم و محدث حنفی. در قریه‌ی طاعون استرآباد تولد یافت. در همان جا به کسب علوم پرداخت و برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت و در آنجا نزد قطب‌الدین رازی و محقق دوانی بود و از استادش قطب‌الدین روایت کرد. پسرش و جلال‌الدین محمد بن عبدالعزیز الشافعی و شیخ منصور بن حسن کازرونی نیز از او روایت کرده‌اند. قاضی نورالله به گواهی شاگردان جرجانی، سید محمد نوربخش و شیخ محمد بن ابی‌جمهور احسایی، او را شیعه می‌داند. شاه شجاع در سال 779 ق او را به شیراز برد و در مدرسه‌ی دارالشفاء به تدریس گماشت. جرجانی بعد از فتح شیراز به دست تیمور گورکانی به سمرقند فرستاده شد و در این شهر با سعدالدین تفتازانی محاورات و مباحثاتی داشت. بعد از مرگ تیمور به شیراز آمد و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «الاصول المنطقیه»؛ «المترجمان فی لغات القرآن»؛ «حاشیه بر شرح مطالع»؛ «حاشیه‌ی شرح حکمه العین»؛ «حاشیه آداب البحث»؛ «رساله‌ی القدر»؛ «حاشیه شرح شمسیه»؛ «حاشیه مشکاه المصابیح»؛ «رساله در تقسیم علوم»؛ «رساله در وجود»؛ «شرح التذکره النسیریه»؛ «تعریفات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (160 -159 /5)، تاریخ ادبیات در ایران (92، 91، 88، /4 292- 291 /3)، تاریخ نظم و نثر (191 -190)، حبیب السیر (547 -546 /2)، رشحات عین الحیات (190 -186 /1)، روضات الجنات (294 -287 /5)، دایره المعارف فارسی (734/1)، الذریعه (185، 137، 136، 133، 324، 308، 19/ 205/5، 384/22، 56/25، 49/17)، ریحانه (217 -213 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 90/9)، فرهنگ ادبیات فارسی (162 -161)، کشف الظنون (229)، الکنی والالقاب (360 -358 /2)، لغت‌نامه (ذیل/ جرجانی)، مجالس المومنین (220 -217 /2)، معجم المولفین (216/7)، هدیه الاحباب (161)، هدیه العارفین (729 -728 /1).

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی جعفری تبریزی یکی از چهره‌های درخشان علم و فضیلت و اساتید فلسفه و حکمت معاصر طهرانست. وی در حدود شصت و شش سال قبل یعنی در سال 1365 قمری برابر هزار و سیصد و چهار شمسی در تبریز به دنیا آمده و در دامن پدر و مادر متدین و با صداقت پرورش یافته، و با آنکه آنها اهل سواد نبودند ولی دارای صفای قلب و پاکی طینت بودند و توان و بنیه مالی نداشتند که وسائل تحصیل ایشان را فراهم کنند زیرا به شغل نانوائی اشتغال و با عفت اداره عائله خویش را می‌نمودند.
ایشان پس از خواندن دوره ابتدائی وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و به خواندن ادبیات مشغول و چون بنیه مالی پدرش ضعیف بود با برادر بزرگترش میرزا محمد جعفر نصف روز را کار و نصف دیگر در مدرسه طالبیه درس خوانده و ادبیات را از مرحوم آقای اهری آموخته. سپس به طهران عزیمت نموده و از درس و بحث مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی سطوح عالی را به پایان رسانیده و پس از آن به قم آمده و در مدرسه دارالشفا اقامت و از محضر آیات آن زمان چون آیت‌اللّه حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده کرده و پس از یکسال چون پدرش وفات کرده بود به تبریز آمده و پس از چند ماه به امر مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا فتاح شهیدی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و غیر آنها استفاده نموده و حدود یکسال و نیم از محضر عالم ربانی و حکیم متاله حاج شیخ مرتضی طالقانی بهره‌مند شده است.
خاطره عجیب آقای جعفری از استادش شیخ مرتضی طالقانی
استاد جعفری در مجله 7 کیهان فرهنگی به خبرنگار مجله چنین گوید: من روزی که آخرین روزهای ذیحجه بود برای درس به خدمتشان رسیدم همینکه وارد شدم و روبروی معظم‌له نشستم فرمودند برای چه آمدی آقا؟ عرض کردم آمدم که درس را ادامه دهید فرمود برو آقا درس تمام شد. چون ماه محرم رسیده بود من خیال کردم ایشان می‌فرمایند که تعطیلات (14 روزه محرم) رسیده است لذا درس را تعطیل کرده‌اند و به ذهنم نمی‌آید که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد و همه آقایان که در نجف بودند می‌دانستند ایشان کسالتی ندارند. پس عرض کردم دو روز به محرم مانده

است و هنوز درسها تعطیل نشده است. فرمودند اللّه‌اکبر می‌دانم آقا می‌دانم به شما می‌گویم درس تمام شد (خر طالقان رفته پالانش مانده) روح رفته جسدش مانده.
پس متوجه شدم که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد سخت منقلب شدم و عرض کردم چیزی بفرمائید برای یادگار اول کلمه لا اله الا اللّه را با یک قیافه روحانی و رویه ابدیت گفت و اشک از دیدگان مبارکش به محاسن شریفش جاری شد و این بیت را سرود.
تا رسد دستت به خود شو کارگر
چون فتد از کار خواهی زد به سر
بار دیگر کلمه لا اله الا اللّه را با حالتی عالی‌تر گفت من برخاستم و هرچه کردم دستش را کشید پس خم شد پیشانی و محاسن مبارکش را بوسیدم چند بار واثر قطرات اشک مقدس آن مسافر ابدیت را در صورتم احساس کردم و رفتم و روز بعد در مدرسه صدر که من در آنجا درس می‌خواندم و محرم 1364 وارد شده بود به یاد سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام نشسته بودم که مرحوم (حجةالاسلام) حاج شیخ محمدعلی واعظ خراسانی آمد و خبر محنت اثر فقدان و رحلت آن عالم بزرگ ربانی را داد پس همگی به مدرسه سید شتافتیم و دیدیم تمام مراجع بزرگ و مدرسین و فضلاء حاضر و آن مرحوم را از آنجا تشییع کردیم.
نگارنده گوید: صریح‌تر از ایشان در اخبار از مرگش مرحوم آیت‌اللّه استاد المتاخرین حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی بودند که در کتاب خاطرات شریف خود نقل نموده و اینجا هم مناسب دیدم بازگو کنم.
برای نگارنده حکایت کرد آقا حاج سید محمدرضا میبدی یزدی مقیم گرگان که از علماء بنام معاصر آن سامانست که استاد ما مرحوم آیت‌اللّه حاج سید یحیی مدرسه یزدی فرمودند که چون استاد ما مرحوم آیت‌اللّه آقا ضیاءالدین عراقی درگذشت و سه روز برایش درسها تعطیل شد روز چهارم به منزل مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) رفته و عرض کردم آقا سه روز است درسها تعطیل شده خواهش داریم که فردا درس را شروع نمائید که بیکار نباشید.
فرمودند: آسید یحیی خودم هم تصمیم داشتم فردا شروع کنم ولی امروز صبح داشتم تعقیب نماز صبح می‌خواندم و بیدار بودم ناگاه دیدم آقا ضیاء آمد درب اطاق و فرمودند شیخ محمدحسین آماده باش آخر این هفته نزد ما خواهی آمد و من تا آخر هفته بیشتر زنده نیستم و چنین شد و با آنکه سالم بود آخر هفته شب جمعه درگذشت و از دنیا رفت. و نیز استاد ما مرحوم آیت‌اللّه حجت که در آثارالحجه مفصلا نقل کردم از مرگ خود خبر داد.

خلاصه استاد جعفری حدود ده سال در نجف اقامت نموده و از محضر و ابحاث آیات عظام و مدرسین بزرگ چون حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و دیگران استفاده نموده و با مرحوم شهید آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر روابط نزدیک و دوستانه و اشتراک درسی و عقیدتی داشته و در ضمن تحصیلات فقهی و اصولی و فلسفی با فرهنگ غرب هم آشنا شده و کتب آنان را مطالعه و بررسی نموده و در آنجا تقریرات درس استادش آقای خوئی را در طلب و اراده و جبر و اختیار والامر بین الامرین را عربی به رشته تحریر آورده و به چاپ رسانیده سپس در عصر آیت‌اللّه العظمی بروجردی به ایران و قم آمده و پس از رسیدن محضر آن مرحوم و اصرارشان در اقامت در حوزه و تدریس کردن برای عدم مساعدت آب و هوای قم با موافقت ایشان به مشهد عزیمت نموده و حدود یکسال در آنجا اقامت و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و به تألیف و تدریس در دانشگاه و مدرسه مروی و غیره اشتغال و تا حال تحریر موفق به وظائف روحی و علمی خود می‌باشند.

تألیفات استاد جعفری

در عصر حاضر کمتر کسی به تألیفات و تصنیفات استاد جعفری می‌رسد و گذشته از تألیفاتی که از دید خوانندگان می‌گذرد. مکاتبات و مراسلاتی با پروفسور راسل استاد و فیلسوف فرانسوی دارد و نیز مصاحبات با پرفسور یانگ امریکائی و دیگر علال فارسی مراکشی و دکتر حسووانی در مه ایتالیائی و دکتر کلاوز آلمانی و دکتر بیدفورد آلمانی و چارلیز ادامز امریکائی و برخی دیگر داشته است.

اما تألیفات چاپ شده ایشان

1-الامر بین الامرین که در نجف به طبع رسیده.
2- الرضاع.
3- تعاون الدین و العلم. چاپ تهران.
4- وجدان چاپ تهران
5- جبر و اختیار چاپ تهران
6- آفرینش انسان چاپ تهران
7- علم در خدمت انسان چاپ تهران
8- اخلاق و مذهب چاپ تهران
9- فیزیک و متافیزیک
10- رابطه علم و حقیقت چاپ تهران
11- توضیح و بررسی مصاحبه با فراند راسل- انتشارات تهران.
12- نقد و بررسی برگزیده افکار راسل، چاپ تهران.
13- بینش حضرت حسین علیه‌السلام- انتشارات تهران.

14- منابع فقه، مشتمل بر امارت اهل کتاب و مواد زکوه و غیره.
15- ارتباط انسان و جهان در سه جلد
16- انسان از دیدگاه قرآن چاپ اصفهان.
17- ایده‌آل زندگی و زندگانی ایده‌آل چاپ تحقیقات تهران.
18- نگاهی به امام علی علیه‌السلام مشتمل بر مباحث علی (ع) و سیاست علی (ع) و... چاپ تهران.
19- تفسیر نقد و تحلیل مثنوی در 15 جلد چاپ حیدری.
20- مجموعه مقالات به نام... انتشارات تهران.
21- مولوی و جهان‌بینی‌ها انتشارات تهران.
22- فلسفه و هدف زندگی انتشارات صدر تهران.
23- تفسیر نهج‌البلاغه 14 جلد آن به طبع رسیده و بقیه در دست طبع است.
24- طرحهائی در انقلاب فرهنگی، انتشارات پیشوا تهران.
25- علم از دیدگاه اسلام، انتشار سازمان پژوهشهای علمی و فلسفی.
26- حیات معقول.
27- زیبائی از نظر اسلام.
28- شرحی بر احتجاج حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام با عمران صابی در الهیات چاپ تهران.
29- حیات نقطه اسلامی فلسفه و علم و احساسات و مذهب، چاپ تهران.
30- علیت و اختیار از دیدگاه علامه طباطبائی.
و حدود بیست جلد تألیف مخطوط دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.
(الهیکل قسط من الثمن بل تمام الثمن)
این دانشمند فرزانه با این همه آثار و فضائل بسیار ساده و بی‌آلایش و پیرایه است عمامه‌ای کوچک و جثه‌ای متوسط بلکه ضعیف و لباسی مقتصد دارد و اگر کسی قبلا او را ندیده باشد و برای اولین بار ببیند برای او ارج و ارزشی تصور نمی کند چون نمی‌داند که این مرد با این هیکل متوسط و قد کوتاه دارای این همه آثار بزرگ است و چه افکار روشنی دارد چنانچه خود ایشان مسافرت خود را به سمنان بنا بر دعوت علامه حایری سمنانی نقل و به این موضوع اشاره نموده است.
در مصاحبه‌ای که با کیهان فرهنگی با معظم‌له شده فرمودند روزی نامه‌ای به توسط یکی از دوستان از مرحوم علامه حایری رسید به دستم که مرا دعوت به سمنان کرده بودند برای دیدار و ملاقات با ایشان.
پس به اتفاق یکی از رفقا عازم سمنان شده با قطار به آنجا رفتم وقتی در ایستگاه سمنان پیاده شدم جمعیت بسیاری را دیدم که گویا به استقبال آمده‌اند و در همانحال که پیاده شدیم آقای روحانی دیگری که دارای هیکل بزرگ و لباس جالبی بود از واگن پیاده مردم به سوی او هجوم آوردند و

گفتند برای سلامتی علامه استاد جعفری صلوات پس من به رفیقم گفتم خوب شد نزدیک بود بلائی به سرم بریزد. پس آمدم در میدان ایستگاه به هر درشکه و وسیله نقلیه که گفتم ما را ببر منزل علامه حایری گفت نمی‌توانم چون ما باید میهمانهای علامه حایری را ببریم.
پس به یک درشکه که کرایه‌اش یک تومان بود گفتم ده تومان می‌دهیم ما را ببر به خانه علامه پس با چند نفر دیگر سوار کرد و چون قدری راه رفتیم دیدم خود علامه حایری عصازنان به طرف ایستگاه می‌آید پس به درشکه‌چی گفتم آقای علامه ایشانست. گفت آری، گفتم همین جا ما را پیاده کن و خدمت ایشان رسیدم فرمودند مردم چه شدند گفتم چه مردمی فرمودند مردم را به استقبال شما فرستادم گفتم الان می‌آیند خدمت شما.
پس آن مرحوم با کیاست و فراست دریافتند و فرمودند پس تقصیر قیافه و هیکل و لباس شماست و حتما مردم عوضی گرفته‌اند این چه قیافه‌ایست حتما به خودتان برسید و یک مقداری خودت و لباست را جمع و جور کن و مردمی که به استقبال آمده بودند قیافه و لباس ما را دیده احساس کرده بودند که حتما پیشواز آن آقای خوش هیکل آمده‌اند.
پس به سوی او هجوم آوردند که حضرت آقای جعفری بفرمائید منزل آقا علامه که در انتظار شماست و آن آقا متحیر مانده و گفتند جعفری کیست و علامه کدام است؟
پس مردم متوجه شدند که اشتباه کرده‌اند و عوضی گرفته‌اند. پس مانند لشکر شکست خورده پراکنده و به منزل علامه که تهیه نهار دیده بودند آمدند و خلاصه چند روزی که در خدمتشان بودیم بسیار لذت روحانی بردیم و از ایام خوش زندگانی من بود.
پس از مسائلی که با آن مرحوم مورد بحث قرار گرفت موضوع قصیده هبوطیه و عینیه ابن سینا که بیت بیت و مطلعش اینست:

هبطت الیک من المکان الارفع
ورقاء ذات تعزز و تمنع

و من در استقبال آن ابیات گفتم به هشتاد و هفت بیت می‌رسد و از نظر آن علامه نقاد و صراف ادبیات فارسی و عربی گذرانیده که مورد تحسین و تصدیق ایشان قرار گرفت که از نظر عزیزان می‌گذرانم.

طلعت الیک النفس احسن مطلع
مشعوفه و هو ذات تلوع
غابت و لم تعری حصولا انما
عرفت حضوریا و لم تتبرقع
ان العویصه فی حدیث النفس من
تعریفها بالاسطقس الارفع
و به تعالی النفس حتی جاوزت

عن کل قید للکمال الابدع
بل ان قد تمنوا ان استعل کل ما
فی الکون غامض سره المتنوع
فتعود عالمه بکل خفیه
فی العالمین فخرقها لم یرقع
منحوا لها فوق الکمال فاصبحت
کالواجب الاعلی الغنی الامنع
فیقول ما معنی الحراک من الحمی
العالی الی قعر الحضیض الاوضع
قد انشا و اشعرا بلاجبر و لا
کره فحاروا فر الروی الامنع
واظن ان صعودها و هبوطها
لم یعرفا عند اللبیب الالمعی
واستهون الصلصال زعما انه
شبه المعالم و الطلول الخضع
فیخال ما وصلت الیه حضیضها
فیقول منکسرا بغیر ترفع
هبطت الیک من المحل الارفع
ورقاء ذات نعزز و تمنع
لو حقق الشیخ ابن سینا حقه
و جری بفکرته و عقل اروع
لرای التکامل فی صمیم تعلق
الفس البسیطه بالحسوم الخضع

تا آخر ابیات او که برای اختصار از نقل تمام آن خودداری کردیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جلوه، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1314 -1238 ق)، فیلسوف، حکیم مشائی و شاعر، متخلص به جلوه. معروف به میرزای جلوه. در احمدآباد گجرات متولد شد. در خاندان دوستدار علم و ادب پرورش یافت. پدرش از شعرای عهد فتحعلی شاه قاجار بود و مظهر تخلص می‌کرد. اصل او از مردم نائین است. جد اعلای وی سید الحکما میرزا رفیع‌الدین نایینی، استاد علامه مجلسی است. جلوه تحصیلات خود را در اصفهان گذراند و در مدرسه‌ی کاسه‌گران به تحصیل حکمت و فلسفه پرداخت. بعد از فراغت از مقدمات به تحصیل فنون علوم معقول از طبیعی و ریاضی، خاصه الهی مشغول شد. پس به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالشفا سکنی گزید و مدت چهل و یک سال در آنجا تدریس کرد. یکبار نیز با امیرنظام گروسی به تبریز رفت. وی سراسر عمر مجرد زیست. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «رساله در تاریخ صوفیه»؛ «اثبات الحرکة الجوهریة»؛ «حاشیه شرح ملخص چغمینی»؛ «حاشیه شرح هدایه اثیریه»؛ «حاشیه علی المشاعر»؛ «الربط الحادث بالقدیم» و «حاشیه فائده فی تحقیق حرکة الجوهر».[1]
(بخش 1) (میرزا) ابوالحسن بن سید محمد طباطبائی از مردم نائین (و. احمدآباد گجرات (هند) 1238- ف. 1314 ه.ق.). وی به اتفاق خانوداه خود (که ایرانی بود) به ایران آمد و پس از توقف در اصفهان و فراگرفتن حکمت اسلامی و فلسفه شرق به تهران شد و مقرب دربار ناصرالدین شاه قاجار گردید. جلوه علاوه بر تبحر در حکت اسلامی طبع شعر نیز داشته و دیوان اشعار او چاپ شده. از آثار علمی او حواشی بر کتاب اسفار تألیف صدرالدین شیرازی در حکمت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ادبیات معاصر (40 -38)، الذریعه (134/11، 202/9، 138، 126، 6/ 89/1)، ریحانه (420 -419 /1)، سخنوران نامی معاصر (997 -994 /2)، شرح حال رجال (41 -40 /1)، علماء معاصرین (379 -375)، الکنی والالقاب (49/1)، المآثر والآثار (161 -160)، مؤلفین کتب چاپی (149 -146 /1)، نامه‌ی دانشوارن (37 -31 /3)، یادگار (س 3، ش 3، ص 29 -28).

جمال‌پور، بهرام

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1319.
درگذشت: 1367.
از وی کتابی در باب فلسفه و تاریخ تحت عنوان انسان و هستی (تهران، 1371) به جای مانده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جمالی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی جمالی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/12/1
زندگینامه علمی
دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالا دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم .کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد . در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق مشغول به تدریس بودم ، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمده و در سالهای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می کردم .
در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعا با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضی از مباحث استاد شهید در جلسات می پرداختم .در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستان مشغول بودم .
درسال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مذهبی و اعتقادی قصد آمدن به حوزه را هم داشتم . لذا در آن ایام بر اساس ضرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم .
در سال 1365 وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت ممحض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان ، استاد علیدوست ، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام .
در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق استفاده

نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می کردم .
در این ایام با مباحث حضرت استاد حاج آقای صفاری آشنا شده و توفیق شرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم .پس از گذراندن دوران مقدمات ، دوران سطح حوزه را از اساتید حوزه به خوبی استفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشته و سپس دروس رسائل و مکاسب و سپس کفایة الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم .
پس از دروس سطح ، وارد درس خارج شده و حدود 7 سال دروس خارج فقه واصول را درمحضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان : وحید خراسانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشنایی با سبک درس این اساتید بود ، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامل مباحث فقه و اصول . در کنار درس اصول و فقه به مباحث فلسفه هم پرداخته و در سال 82 به جهت کامل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسفی غربی آشنا شده و در رشته فلسفه و کلام مقطع کارشناسی ارشد را گذراندم .از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشنایی با تفکرات دفتر فرهنگستان و مخصوصا استاد بی نظیر حضرت آیت الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده است . بنده به جهت روحیه وظیفه مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمندیهای نظام اسلامی تشخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسلامی می باشد . لذا از سال 71 با این موسسه آشنا و در کلاسهای آموزش آن شرکت کرده و کم کم جزو محققین این موسسه شروع به کار کرده و مستقیما در جلسات مباحث حضرت استاد سید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسفه ، مدل ، روش تحقیق ، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده ام .
البته بنده در کنار کار تحقیقاتی در دفتر فرهنگستان ، کارهای علمی و مقالات متعددی در مجلات و همایش ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی های تخصصی در دانشگ ه ها مشغول می باشم .

جناب حسینی اصفهانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1349 -1287 ق)، فقیه، حکیم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از سادات و معاریف رجال ادبی و ریاضی اصفهانی بود. در نزد علماء این سامان در فقه و اصول و طب و بخصوص ریاضی و در هیأت جدید و قدیم سرآمد معاصران شد، و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن از راه روزنامه و کتاب کرد. میر سید علی در سال 1324 ق روزنامه «الجناب» را با چاپ سنگی در اصفهان منتشر کرد. سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده عبداللّه دفن شد. از جمله آثار او: «الاصفهان»؛ «راهبر برای مسافرین اصفهان»؛ و «فعالیتهای فرهنگی بنادر جنوب (بوشهر) در شیخ نشین دوبی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ جراید (248 -245 /1)، تذکرة القبور (241 -240)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (103/3)، مؤلفین کتب چاپی (173 -171 /4)، یادگار (س 4 ش 4، ص 56).

جوادی آملی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللَّه جوادی آملی در سال 1312 (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال 1324 (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال 1330 (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال 1335 (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللَّه شعرانی (ره) و آیت‌اللَّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال 1335 (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللَّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللَّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللَّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.
از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر

کرده‌اند.
آیت الله جوادی آملی و وقف :
واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّهُ علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه

تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. 1ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. 2ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّهَ هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقةً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اِذ اَخَذتَ، ولکَنّ اللّهَ اَخَذَ. 3ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. 4ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. 5 ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّهُ لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف

لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّة هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. 6 ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطنِ اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. 7ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالٍ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمةَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّهُ له الجنة، عمد الی ماله فَجَعَله صدقةً مبتولةً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. 8 ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام

به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدرةٍ الاّ وقف وقفا. 9 ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقة، بتةً بتلاً، فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنة اللّه والملائکة والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. 10 ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمة للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گـواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیةاللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیةاللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوة، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوادی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن جوادی
محل تولد : ابهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
محسن جوادی در سال 1342هجری شمسی در شهرستان ابهر به دنیا آمد ،او در سال 1360هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و دروس حوزه را فرا گرفت ، در کنار دروس متداول حوزه در دانشگاه تربیت مدرس تهران رشته فلسفه را پیگیری کرد و در سال 1378 هجری شمسی موفق به اخذ مدرک دکترا در این دشته شد ، وی هم اکنون ریاست دانشگاه تربیت مدرس قم را بر عهده دارد و به کار تحقیق ، تدریس و تألیف نیز مشغول است.

جهانگیری، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن جهانگیری در سال 1308 درقزوین زاده شد. وی علاوه بر تحصیلان حوزوی دارای دکتری فلسف ه محض از دانشگاه تهران (1352ه.ش) است. وی عضو هئیت علمی دانشگاه تهران و استاد آنجا از سال 1369 می باشد. دکتر محسن جهانگیری درسال 1381 در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در رشته فلسفه برگزیده و معرفی شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : .تحصیلات رسمی و حرفه ای : محسن جهانگیری درمحضر علامه طباطبایی با بزرگانی چون امام موسی صدر، استاد جلال الدین آشتیانی ، دکتر آیت الله بهشتی و شهید مطهری همکلاس بوده است.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ مدرک دکتری فلسفه محض از دانشگاه تهران با عنوان « مقایسة وحدت وجود در عرفان ابن عربی و حدت جوهر در فلسفة اسپینوزا» با راهنمایی دکتر فردید و مشاورة دکتر نصر و دکتر جلیلی در سال 1353 دفاع کرده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محسن جهانگیری پیش از اخذ لیسانس (تا سال 1336) دردبیرستانهای تهران تدریس می کرد. و نیز در محضر دانشمندان و علمای عصر خود در قم، اصفهان و تهران حاضر می شدو تلمذ می نمود.استادان و مربیان : آیت الله خوانساری، آیت الله کوه کمره ای ، آیت الله بروجردی و آیت الله طباطبایی در حوزة علمیة قم آقای مفیدی در اصفهان ، دکتر شهابی ، دکتر مشکوه، دکتر حمیدی سبزواری، دکتر هوشیار، دکتر جلالی ، دکتر شعرانی، دکتر فردید، دکتر یحیی مهدوی در دانشگاه تهران از استادان محسن جهانگیری بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : محسن جهانگیری درمحضر علامه طباطبایی با بزرگانی چون امام موسی صدر، استاد جلال الدین آشتیانی ، دکتر آیت الله بهشتی و شهید مطهری همکلاس بوده است.وقایع میانسالی : محسن جهانگیری پس از اخذ مدرک دکتری فلسفه محض درسال 1352 از دانشگاه تهران، به تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی (از سال 1352) و تهران (به عنوان عضو هئیت علمی) ازسال 1354 پرداخت. وی درسال 1369 به عنوان استاد شناخته شد. و در سال 1381 به عنوان چهره ماندگار در رشته فلسفه در دومین همایش چهره های ماندگار برگزیده و معرفی شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معلم دبیرستانهای تهران تا سال 1336ه.ش استاد فلسفه در دانشگاه شهید بهشتی (1352-1354)

استاد فلسفه در دانشگاه تهران و عضو هئیت علمی(تا کنون -1354)فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محسن جهانگیری عبارتند از : تدریس در دبیرستانهای تهران تا سال 1336ه.ش تدریس فلسفه دردانشگاه شهید بهشتی (1354-1352ه.ش) تدریس فلسفه در دانشگاه تهران (تا کنون_ 1354)سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محسن جهانگیری در کنار تدریس، به مطالعه، تحقیق و تالیف و ترجمه آثاری درزمینه فلسفه غرب و عمدتا اسپینوزا و فلسفه اسلامی به ویژه ابن عربی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : محسن جهانگیری دیدگاهی مقایسه ای و تطبیقی به فلسفه اسلامی و غرب دارد. چنانکه تز دکتری وی مقایسه وحدت وجود در عرفان ابن عربی و وحدت جوهر در فلسفه اسپینوزا بوده است.

آثار : 1 احوال، آثار و آرا فرانسیس بیکن فیلسوف تجربی مذهب انگلیسی 2 ترجمه کتاب ethiceاثر اسپینوزا 3 ترجمه کتاب اخلاق اسپینوزا ویژگی اثر : اسپینوزا از فلاسفه اخلاق گرای غرب در قرون جدید در تاریخ فلسفه می باشد.4 کتاب محیی الدین ابن عربی
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جیلی، رفیع‌الدین، ابوحامد عبدالعزیز

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 641 ق)، فیلسوف. وی از مردم فیلمان گیلان بود که در حکمت، کلام، فقه، علوم طبیعی و طب از مشاهیر روزگار بود. او به سال 637 ق به قاضی القضاتی دمشق رسید، اما چندی بعد در بعلبک به چاهی ژرف افکنده شد و هنگام فرورفتن به وضع دهشتناکی درگذشت. از آثار وی: «شرح الاشارت والتنبیهات» و «اختصار الکلیات» از کتاب قانون ابن‌سینا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (256/3).

چلبی‌بیگ علامی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، حکیم و شاعر، متخلص به شیدا و فارغ. اصل وی از تبریز بود و علت شهرتش به علامه آن بود که از دانشمندان معروف عصر خویش بود. پدرش در زمان شاه طهماسب اول کلانتر آن دیار بود ولی، بعد از ترک منصب یا عزل از آن شغل به هند رفت و در نزد اولاد بهرام میرزای صفوی تقرب یافت. اما فرزندش، ابوالفضل، قدم در راه تحصیل گذاشت و به شیراز رفت و در حلقه درس مولانا میرزا جان قرار گرفت، بعد از آن به سعایت حاسدان به قزوین رفت و مدتها در همنشینی خواجه افضل‌الدین محمد ترکه کسب فیض کرد. وی برخی از فصول شفا و اشارات را مطالعه کرد و چون شهرت فضلش به همه جا رسید، اکبرشاه او را به حضور طلبید و مورد توجه قرار داد. ابوالفضل در هند مشهور شد و سرانجام در همان جا درگذشت. او به گفتن شعر نیز توجه خاص داشت و معانی عجیب و افکار غریبی در طرز غزل ابداع کرد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (710)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (490 -485 /2)، تذکره‌ی نصرآبادی (159 -158)، ریحانه (167/4)، کاروان هند (979 -972 /2)، هفت اقلیم (237/3).

چهارسوقی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی اصفهانی مشهور به « صاحب روضات » عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری (مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی) می¬باشد.
این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی ، شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس ، تحقیق ، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.
در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می¬کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.
ایشان در شب دوشنبه 9 جمادی الاول 1313 هـ . ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.
به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملک و فرزندان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سر قبرش بنا گردید.
تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح برالفیه ، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی ، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهلبیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.
او تالیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»،

در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لمعه »؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلایا النازله فی هذه الدنیا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه‌ی قوانین الاصول»؛ «قرةالعین و سرور النشاتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».
مشهورترین کتاب ایشان « روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات » به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری ازبزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به « صاحب روضات » و فرزندان بزرگوارش به « سادات روضاتی» معروف گشتند.

حاج حسینیان، مسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود حاج حسینیان
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
آقای مسعود حاج حسینیان در اول شهریور سال 1341هجری شمسی در خانواده ای متدین ، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود.نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1357 و همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه تهران گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها و تحصیل در حوزه علمیه قم او را راهی آن دیار گردانید پس از مدتی تحصیل در قم این بار راهی مشهد مقدس و وارد حوزه علمیه آنجا شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد همچون گذشته با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد و از محضر ستارگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی،آیت الله مروارید، آیت الله سیدان کسب فیض کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

حاج سید جوادی، کمال

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر کمال حاج سید جوادی در سال 1330 در تهران متولد شد.ایشان پس از دریافت دکتری رشتهٔ تاریخ و همچنین دکترای رشته فلسفه ،تحصیلات حوزوی را نیز از سال 1347 در تهران آغاز کرد. او دارای اجازه روایتی ازمرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری می باشد.تصحیح کتاب"زبدهٔ التواریخ" کمال سید جوادی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : کمال حاج سید جوادی پس از اخذ دیپلم ریاضی و مدرک کارشناسی فنی و کارشناسی ارشد در رشتهٔ فرهنگ و تمدن اسلامی به درجهٔ دکتری در رشتهٔ تاریخ و همچنین دکترای فلسفه نائل آمد.وی تحصیلات حوزوی را نیز از سال 1347 در تهران آغاز کرد و دارای اجازه روایتی ازمرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری می باشد.
استادان و مربیان : کمال حاج سید جوادی از مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری اجازه روایتی را دریافت داشت.
جوائز و نشانها : تصحیح کتاب"زبدهٔ التواریخ" کمال حاج سید جوادی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 اخوان المسلمین مصر در امتحان تأریخ
2 دستورنویسی فارسی در شبه قاره
3 زبده التواریخ
ویژگی اثر : تصحیح،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «زبده التواریخ»: زبده التواریخ؛ حافظ ابرو؛ تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی؛ تهران: نشر نی، 1372. 2 ج. زبد?

التواریخ، چهارمین ربع از کتاب حافظ ابرو به نام مجمع التواریخ السلطانیه است. این کتاب که به شرحِ وقایع دوران شاهرخ تیموری پرداخته و نکات مهم تاریخ سیاسی – اجتماعی جامعه ایرانی در دهه های نخستین قرن نهم را نمایان می سازد یکی از مهمترین منابعی به شمار می رود که باید مورد توجه و نظر پژوهشگران این دوره از تاریخ کشورمان قرار گیرد. در تصحیح کتاب مذکور، مصحح، از چهارنسخه خطی معتبر استفاده کرده و بهره گیری از منابع و متون نگاشته شده در عصر مؤلف جهت توضیح و تشریح ابهامات، از موفقیت های چشمگیر مصحح است. در مقدمه کتاب، طی 9 بخش، مورّخان نیم؟ اول قرن نهم هجری، از جمله حافظ ابرو و تألیفات وی، نسخ خطی زبدةالتواریخ، ویژگی ادبی نثر زبد؟التواریخ و روش کار مصحح تشریح شده است. وجود فهارس متعدد و مختلف از ویژگی های برجسته این اثر است.

4 صبح آفرینش

5 میراث جاودان، کتیبه ها و سنگ نبشته های فارسی در پاکستان

ویژگی اثر : 2 جلد

حاجی ابراهیمی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا حاجی ابراهیمی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلاتم را در مدارس دولتی گذرانده ، در شانزده سالگی دیپلم ریاضی گرفته ، در همان سال وارد دانشگاه شدم. در اثنای انقلاب فرهنگی به حوزه قم آمدم و تحصیلات طلبگی را به صورت غیر رسمی شروع کردم ، با بازگشایی دانشگاهها به ادامه تحصیل پرداخته ، درسال 1365 در رشته مهندسی شیمی (گرایش پتروشیمی) از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل شدم و در سال 1366 در کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم و در کنار دروس حوزه به ادامه تحصیل پرداختم؛ در سال 1368 به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شده و رسما طلبه شدم از آن زمان به این سو عمده وقتم به تحصیلات حوزوی طی شده و در اثنای تحصیلات حوزوی مجددا دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده تربیت مدرس قم و سپس دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران طی کردم. در سالهای تحصیلات حوزوی در کنار تحصیل ، تدریس نیز جزو اصلی ترین کارهای علمی حقیر بوده است ، این تدریس مشتمل بر صرف، نحو، بلاغت منطق، اصول و فلسفه بوده است و هم اینک نیز عمده وقت حقیر به تدریس و تدوین می گذرد.

حاجیان، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی حاجیان
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
آقای مهدی حاجیان در سال 1356 در خانواده ای کاملا مذهبی و دوستدار اهل بیت علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود ، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب شد تا پس از اتمام تحصیلات دوران متوسطه در سال 1376 وارد مدرسه عالی شهید مطهری گردد. پس از اتمام دروس این مدرسه در سال 1385 به جرگه تحصیل کنندگان درس خارج پیوست.
وی تا کنون از محضر بزرگانی چون استاد هادوی تهرانی، جاودان، انصاری شیرازی، مرعشی شوشتری کسب فیض کرده و بهره های علمی فراوان برده است. نامبرده در مقطع دکترا در رشته فلسفه تطبیقی از مدرسه عالی شهید مطهری فارغ التحصیل گردیده و با تلاش فراوان در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل می‌باشد. ایشان سالهای متمادی است علاوه بر پژوهش علمی به تدریس در دانشگاههای تربیت معلم تهران ، آزاد تهران، پیام نور تهران و علمی فرهنگی مشغول به تدریس می‌باشد.

حالی، میرک

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، حکیم و شاعر، متخلص به حالی. معروف به حافظ. از مردم روستای سمعی، از توابع هرات بود و ساکن بخارا. پدرش از ملازمان و محرمان جامی، شاعر معروف، بود و از آن جهت که حافظ قرآن بود، به حافظ ملقب شد. میرک در علوم متداول دست داشت و در حکمت، شاگرد مولانا غیاث‌الدین بود. وی غزل را نیکو می‌سرود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (632).

حایری مازندرانی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 -1270 ش)، شاعر، نویسنده و فیلسوف. در تهران متولد شد. علوم ادبی را نزد استادان عصر، از جمله ادیب الممالک فراهانی فراگرفت. سپس علوم جدید را در مدرسه‌ی دارالفنون و مدرسه‌ی عالی سیاسی و حقوق به انجام رسانید، سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی به مشاغل، ریاست تعلیمات و بازرسی اوقاف و اداره‌ی نگارش و بازرس سیار در شهرستانها، پرداخت و در شهرستانها به ایجاد آموزشگاه‌ها و سایر موسسات فرهنگی اقدام کرد. حایری، شاعر توانا بود. آثار وی: «دیوان» شعر حدود پنج هزار بیت؛ قسمتی از اشعارش تحت عنوان «برگ سبز» منتشر شده است؛ «کتابی در فلسفه»؛ «کتابی در تاریخ فلسفه و فلاسفه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (1286 -1285 /9)، سخنوران نامی معاصر (3907 -3903 /6)، فرهنگ سخنوران (993).

حائری یزدی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله حاج شیخ مهدی حایری یزدی ، فرزند حاج شیخ عبد الکریم حایری یزدی ، در سال 1302 در قم متو لد گردید. وی دروس معقول و منقول را تا سرحد اجتهاد در حوزه های علمیه قم و تهران و فلسفه غرب را در آمریکا ، کانادا و آلمان فراگرفت. دکتر حایری یزدی به نمایندگی از آیت الله بروجردی ، رسیدگی به امور شیعیان را در آمریکا به عهده گرفت . او همچنین در آمریکا به تالیف تدریس و تحصیل و انجام وظایف مذهبی اشتغال داشت و در ده ها کنگره علمی و فلسفی شرکت جست و به ایراد سخنرانی پرداخت. استاد در سال 1358 به ایران بازگشت و تا سال 1362 به تدریس فلسفه و کلام اسلامی پرداخت . دکتر حایری یزدی سرانجام در روز پنجشنبه هفدهم تیر سال 1378 شمسی در تهران به درود حیات گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
گرایش : فلسفه آنالیتیک/تحلیلی
والدین و انساب : پدرمهدی حایری یزدی آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری موسس حوزه علمیه قم بود. مهدی حایری یزدی در شهر قم و در خانواده ای یزدی الاصل متولد شد.
خاطرات کودکی : مهمترین استاد دوران کودی مهدی حائری یزدی پدرش بود . که مقدمات علوم دینی را به وی آموخت . آیت ا... عبد الکریم حائری در سالهای1316-1301 مرجع تقلید مهم به شمار می رفت . وی موسس حوزه علمیه قم و دارای شاگردان بسیاری بود. روحیه علمی پدر و فضای مذهبی خانواده, بی شک تاثیر عمیقی بر مهدی حائری داشته است.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دوران کودکی مهدی حائری یزدی با وزارت جنگ و نخست وزیری رضا خان سردار سپه معاصر بود. در این زمان روابط ایران و امریکا در حال افزایش و روابط با انگلستان رو به کاهش بود. احمد شاه قاجار نیز همواره در سفرهای خارجی به سر می برد . و قدرت اصلی کشور در دست رضا خان بود.وی برای فراهم آوردن مقدمات سلطنت خود, علاوه بر مطرح نمودن جمهوری خواهی در 1303 ه . ش , به کسب محبوبیت در میان مردم و از جمله روحانیان مشغول بود. البته در همان هنگام روحانیان و علمای قم مخالفت خود را اعلام نمودند.

مدتی بعد با الفای لایحه جمهوری , رضا خان با ترفند های خاصی فرماندهی کل قوا را بدست گرفت و مدتی بعد سلسله قاجار را سرنگون ساخت (اوایل آبان 1304 ه . ش) . رضا شاه پهلوی در 1304 ه . ش به تخت نشست. در 6 آذر 1311 قرار داد نفتی دارسی را بطور - یکجانبه الغا نمود. این امر موجب خصومت میان ایران و شرکت ملی نفت ایران و انگلیس , و در نتیجه دولت انگلستان, شد. وی حق کاپیتولاسیون دولتهای خارجی در ایران را نیز ملغی نمود تا محبوبیت و حمایت مردمی را به خود جلب نماید. شهر قم در زمان تولد مهدی حائری یزدی یکی از شهرهای مهم مذهبی ایران شده بود. زیرا پدرش , آیت ا... عبدالکریم حائری یزدی که در بین سالهای 1301 تا 1316 ه . ش از مراجع تقلید بود, حوزة علمیه قم را بنیان گذارده بود و بسیاری از رهبران مذهبی ایران از جمله امام خمینی(ره) از شاگردان وی بودند. بنابراین مهدی حائری با این شخصیت ها آشنایی داشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی حائری یزدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی نزد پدر, به شاگردی آیت ا.. بروجردی در حوزه علمیه قم پرداخت. وی در آنجا فقه و اصول و منطق و حکمت فرا گرفت.وی در سال 1327 به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد. بعد در 1339 ه . ش بعنوان نماینده آیت ا... بروجردی به واشنگتن رفت . و به فلسفه غرب علاقه مند شد و شروع به تحصیل در آن رشته نمود. وی لیسانس خود را از دانشگاه جورج تاون واشنگتن , فوق لیسانس خود را از دانشگاه هاروارد و دکتری خود را در دانشگاه میشیگان تحصیل نمود و در دانشگاه تورنتوی کانادا در سال 1979 رساله دکتری خود را نوشت .

خاطرات و وقایع تحصیل : دوره تحصیل مهدی حائری یزدی مصادف است با اواخر سلطنت رضا شاه (1320 -1304 ه. ش) و نیز اوایل سلطنت محمد رضا شاه پهلوی(1357-1320 ه . ش) در ایران . در این دوره بتدریج فشار بر روحانیون افزایش می یافت. مراکز علمی ایران رو به افزایش بود و ارتباط علمی دانشگاههای ایران با انگلستان و امریکا رو به رشد بود. آیت ا... حائری پس از اخذ درجة اجتهاد در 1327 ه . ش, بعنوان نماینده آیت ا... بروجردی به آمریکا رفت (1338 ه . ش) و در آنجا تحصیلات تکمیلی خود را ادامه داد .

فعالیتهای ضمن تحصیل : مهدی حائری یزدی در هنگام اقامت در امریکا و کانادا به شکل گیری انجمن های اسلامی دانشجویان در آنجا یاری نمود. اعضای این انجمن ها نقش مؤثری در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی داشتند. وی در کنار این فعالیت ها به مطالعه فلسفه غرب مشغول بود.

استادان و مربیان : تحصیلات مهدی حایری یزدی در حوزه علمیه قم نزد این بزرگان بوده است: 1- حجه الاسلام شیخ ابوالقاسم نحوی (ادبیات). 2-

آیت الله شیخ مرتضی حایری یزدی (سطوح فقه و اصول) 3- آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (سطوح عالی فقه و اصول) 4- آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری (خارج فقه و اصول)5- آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری(1305-1371 ه.ق) خارج فقه و اصول 6- آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی،(1290-1380 ه.ق) خارج فقه و اصول. 7-حضرت امام خمینی (ره) (1281-1368 شمسی) ، حکومت و فلسفه . استاد دکتر حایری یزدی و آیت الله سید رضا صدر از نخستین شاگردان درس اسفار امام خمینی بودند و طی مدت ده سال ، همه کتاب اسفار را ـ به استثنای مبحث « جواهرو اعراض »ـ نزد امام خمینی (ره) خواندند.

وقایع میانسالی : در زمانی که مهدی حائری یزدی در آمریکا به سر می برد, در ایران بتدریج پایه های انقلاب اسلامی بنیان گذاری می شد. حائری, بر اساس خاطرات خود سیاست های دربار محمد رضا شاه را , از جمله توهین به روحانیون و بویژه امام خمینی و نیز تغییر تقویم اسلامی به تقویم شاهنشاهی نکوهش نموده است.

زمان و علت فوت : مهدی حایری یزدی روز پنج شنبه هفدهم تیر 1378 شمسی برابر 24 ربیع الاول قمری در تهران بدرود زندگی گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی حائری یزدی پس از اخذ درجه اجتهاد از حوزه علمیه قم, بعنوان نماینده آیت ا... بروجردی در شورای عالی فرهنگی به تهران آمد و همزمان با آن در مدرسه علمیه سپهسالار و بعد در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد . هنگامی که در 1339 از سوی آیت ا... بروجردی بعنوان نماینده وی به واشنگتن رفت, نیز پس از اخذ مدرک دکترای فلسفه , به تدریس در دانشگاه های هاروارد, مک گیل(کانادا) , تورنتو(کانادا) , میشیگان (آمریکا) , دانشگاه جورج تاون(واشنگتن آمریکا) و آکسفورد (انگلستان) پرداخت. وی بعد از انقلاب اسلامی نیز علاوه بر استادی در بیشتر دانشگاه های مذکور, موقتاً بعنوان سفیر ایران در واشنگتن منصوب گردید . اما بدلیل مشکلات کار از این مقام کنار رفت.

فعالیتهای آموزشی : برخی از فعالیت های آموزشی مهدی حایری یزدی را می توان بشرح زیر برشمارد: 1- از سال 1322 به بعد در مدرسه سپهسالار جدید (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران) ، تدریس در رشته الهیات ، فلسفه ، درایت الحدیث، شرح اصول کافی . 2- از سال 1344 به بعد در مدرسه سپهسالار قدیم ، تدریس متون منظومه ، اسفار و اشارات و رسایل. 3- در سال تحصیلی 1964 - 1965 در مرکز تحقیقات ادیان جهانی دانشگاه هاروارد ، تدریس معارف اسلامی . 4- در سال تحصیلی 1971- 1972 در دانشگاه میشیگان و فقه اسلامی. 5- در

سال 1356-1357 دانشگاه فردوسی مشهد به تاسیس دو کرسی به هزینه ایران (یکی برای زبان و ادبیات فارسی و دیگری فقه شیعه) در آمریکا مامور شد. استاد که در آن وقت در مرکز مطالعات کندی وابسته به دانشگاه جرج تاون به تدریس مشغول بود، به عنوان « استاد مامور از دانشگاه فردوسی » برای تصدی کرسی فقه شیعه معرفی شد ، زیرا بنا بر ترتیباتی که اتخاذ شده بود ، استادان زبان فارسی می بایست به عنوان فرصت مطالعاتی هر سه ماه یک بار از دانشگاه فردوسی به دانشگاه جرج تاون مامور به کار شوند ، ولی دارنده کرسی فقه شیعه عنوان دائمی داشت. مسئولان اداری این امر ، نخست جلال متینی (رییس دانشگاه فردوسی) و بعد پرویز آموزگار بودند. لذا استاد در سال تحصیلی 1979-1980 در آن دانشگاه به تدریس مشغول بود ، ولی این برنامه پس از پیروزی انقلاب تداوم نیافت و قرار دادی که به دستور مصادر اولیه مملکت بین دانشگاه فردوسی و دانشگاه جرج تاون منعقد شده بود ، پس از پیروزی انقلاب ، لغو شد. 6- استاد دکتر حایری یزدی ، به سال 1358 به ایران بازگشته و به تدریس و تالیف و تصنیف ادامه داد و پس از یکی دو سال به انگلیس رفت و در انجا چندی در آکسفوردبه تدریس فلسفه پرداخت . وی همچنین در دانشگاه های متعدد دیگری در آمریکا (از جمله دانشگاه دولتی نیورک ، دانشگاه یل و غیره) ، کانادا (از جمله تدریس فلسفه اسلامی و ادبیات فارسی در موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل و مونترآل و تدریس ادبیات فارسی (تاریخ بیهقی) در دانشگاه تورنتو در سال های 1975 - 1974) و بعد ها در آلمان و انگلستان به ایراد سخنرانی و مشارکت در سمینارها و کنگره های علمی پرداخت. ما عاقبت برای همیشه به ایران بازگشت و مدتی به تدریس فلسفه تحلیلی در انجمن حکمت ادامه داد تا آن که عاقبت از دانشگاه تهران بازنشسته شد و فقط در منزل به تدریس و افاضه می پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی حائری یزدی پس از اخذ مدرک دکترای خود, عمده وقت خود را در تدریس و تالیف صرف نمود . و بدین منظور بطور مدام به ایران و انگلستان و گاهی امریکا سفر می نمود.

شاگردان : سید حسن امین , دکتر سید حسن افتخار زاده , دکتر جواد مناقبی و نیز دکتر غلامحسین عماد زاده (عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی) ازجمله شاگردان مشهور علامه مهدی حایری یزدی بودند. دکتر حائری از طریق شضاگردان و آثارش تاثیر شایان توجهی بر فیلسوفان اسلامی گذاشته است. وی آشکار کرده است که چگونه می توان شیوه های فلسفی مختلف بویژه تحلیل فلسفی و استفاده از منطق جدیدرا در بحث از موضوعات نظری و عملی مهم به خدمت گرفت. از این رو بیشتر شاگردان وی علاقه مند به مباحث منطق جدید (غربی) و فلسفه تحلیلی

می باشند.
آرا و گرایشهای خاص : مهدی حایری یزدی تحصیلات سنتی دینی را در ایران گذراند و علاقه مند به یک دسته از سنتهای فلسفی گردید به ویژه اندیشه های که ریشه در آرای اندیشمندان اشراقی (شیخ شهاب الدین سهروردی) صاحب مکتب عرفانی ایرانی داشت. او در دیدگاهش که به دور از تقلید و تعصب بود ، فلسفه اسلامی سده های میانه و نو را با فلسفه رایج غرب در هم آمیخت . ویژگی پژوهش های دینی او ، مرتبط با رهیافتی تحلیلی (آنالیتیک) بود. حتی هنگامی که به جنبه های دشوار عرفان نظر داشت ، رهیافتی معمول از میان فیلسوفان اسلامی سده های میانه و فیلسوفان معاصر غربی را به کار می بست تا رهیافت سنتی. حائری از طریق شاگردان و آثارش تاثیر شایان توجهی بر فیلسوفان اسلامی گذاشته است . او نشان داد که چگونه می توان شیوه های فلسفی مختلف را در بحث از موضوعات نظری و علمی مهم به خدمت در آورد ، به ویژه اینکه نشان داد چه اندازه فلسفه غربی در ترکیب با فلسفه اسلامی کار آمد می تواند باشد. وی معتقد بود که علمای اسلامی باید از دیدگاههای فلسفه غرب آگاهی یابند تا بتوانند رابطه میان آنرا با فلسفه اسلامی در یابند و تاثیرات متقابل آنها را بر یکدیگر به درستی تشخیص دهند. وی با فراگیری هر دو نوع فلسفه در سطح عالی از و بنیانگذاران فلسفه تطبیقی بشمار می رود. در عین حال علاقه وی به اندیشه برخی از متفکرین اسلامی همچون شهاب الدین سهروردی , ملاصدرا و خواجه نصیر الدین توسی مشهور است. وی افکار این بزرگان و حتی افکار عرفانی را به روش فلسفه تحلیلی و منطق غربی جدید تحلیل می نمود و این ابتکاری است که وی مدعی آن بود. ----------
---
آثار :
1 آفاق فلسفه از عقل ناب تات حکمت احکام
ویژگی اثر : مجموعه گفتگوهای دکتر حائری است که توسط انتشارات فرزان منتشر گردیده است. [هفته نامه باور, دوره جدید , شماره 8, 1 مرداد 1381 , ص 1]
2 آگاهی و گواهی
ویژگی اثر : ترجمه و شرحی انتقادی از رساله عربی تصویر و تصدیق اثر صدرالدین شیرازی- (ملاصدرا) است, که با تئوری پردازیهنای دکتر مهدی حائری در باره دو موضوع مهم (تصور و تصدیق) همراه است وی بر اساس تقسیم بندی این دو موضوع علوم را تقسیم بندی می نماید. [غلامحسین عماد زاده ((کاوشهای عقل نظری)) هفته نامه باور, دوره جدید , شماره 8, 1 مرداد 1381, ص 3]

3 الحجه فی الفقه
ویژگی اثر : آخرین کتاب دکتر حائری الحجه فی الفقه نام دارد که در چهار جلد درباره علم اصول می باشد. (میراث عقل ناب) هفته نامه باور , دوره جدید , شماره 8, 1 مرداد 1381 , ص 15]
4 تقریرات در س خارج فقه آیت الله العظمی سید محمد کوه کمری
5 تقریرات درس خارج اصول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی
ویژگی اثر : در چهار مجلد که مجلد اول آن با نام الحجه فی الفقه(مباحث الفاظ) از سوی موسسه « الرساله » در قطع وزیری در 280 صفحه منتشر شده است.
6 تقریرات درس خارج فقه آیت الله العظمی سید احمد خوانساری
7 تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی
8 حکمت و حکومت
ویژگی اثر : این کتاب درکتر مهدی حائری یزدی در باره فلسفه سیاسی و مبانی نظری مشروعیت قدرت سیاسی است. فصلهای مهم کتاب عبارتند از : تمایز هستی و استی, توصیف هر یک از این دو , دو گانگی هستی و چیستی و بویژه فصل هفتم : جامعه اسلامی و جامه دموکراتیک . دکتر مهدی حائری در این کتاب ژ, پس از ترسیم نظام عالم هستی و نظام احسنی که باید باشد و رابطه میان این دو عالم در زمان خلقت, جایگاه پیامبران را در معرفی نظام احسن (نظام تشریع) به مردم , مشخص نمده و وظیفه عقلی مردم را اطاعا از آنان می داند. بنابر این از نظر وی عقل است که مردم را به اطاعت از پیامبر و امامان راهنمایی می نماید و نه جبر و قوه اجرائی . دکتر حائری وجوب امر به معروف و نهی از منکر را یک ضرورت عقلی می داند و نه قهر ی- وی در ادامه به مبانی فقهی و عقلی حکومت پیامبر در مدینه پرداخته و رهنبری وی را ناشی از بیعت مردم و تایید این بیعت از سوی خداوند می داند. وی از این طریق به جایگاه مردم در مشارکت در امور سیاسی و اقتصادی در کشور اشاره نموده است. در ادامه در فصل جامعه شناسی اسلامی , انسان را اصل می داند نه جامعه را . و بنابر این در فصل انسان شناسی اسلام انسان را خلیفه ا... و اشرف مخلوقات معرفی می کند و به استقالا فردی و رابطه فردو جامعه می پردازد. وی در بحث از جبر و اختیار وجود اختیارت فردی را برای اجرای قوانین شرعی ضروری می داند, زیر که به نظر وی در غیر اینصورت تکالیف قانونی امری بی معنی خواهد بود. وی معنی یافتن تنبیه و پاداش در برابر قوانین را تنها در سایه اختیار می داند و از بحث اختیار به آزادی و آزادی سیاسی می پردازد. ((پلورالیسم سیاسی)) از دیگر فصلهای جالب این کتاب است که در باره کثرت پذیری و تحمل آرای گوناگون در جوامع اسلامی می باشد. [سعید رضوی فقیه, جمهوری نو (

نظری به رساله حکمت و حکومت , هفته نامه ناور , دوره جدید , شماره 8, 1 مرداد 1381 , صص 13-12 . و نیز ((جامعه اسلامی و جوامع دمکراتیک هفته نامه باور , دوره جیددی , شماره 8, 1 مرداد 1381 , صص 10-6]
9 رساله علم حضوری (k nowledge BY presence)
ویژگی اثر : تز دکتری فلسفه تحلیلی دکتر مهدی حائری می باشد (1978 م) [زندگی نامه و مدارج علمی آیت ا.. دکرت مهدی حائری یزدی , هفته نامه باور , دوره جدید , شماره 8, 1 مرداد 1381 , ص 20]
10 علم کلی (یا فلسفه مابعد الطبیعه)
ویژگی اثر : اگر چه اولین تالیف فلسفی اوست (قم 1335) . اما بدلیل در برگرفتن بحث های مختلف فلسفه کلاسیک اسلامی و نیز پرداختن به فایده فلسفه در مقدمه کتاب , مدخل خوبی برای پژوهندگان فلسفه کلاسیک اسلامی است. این کتاب در دانشگاه ها یک کتاب درسی بشمار می رود.
11 علوم قرآن
ویژگی اثر : خش آغازین این کتاب ، تقریرات برادر ایشان آیت الله شیخ مرتضی حایری یزدی است.
12 کاوش های عقل عملی
ویژگی اثر : از دیگر کتابهای مهم دکرت حائری است . موضوع کتاب تفاوتهای اساسی میان اخلاق و فلسفه و نیز علم اخلاق و فلسفه اخلاق می باشد. دکرت مهدی حائری فلسفه اخلاق را در این کتاب به فلسفه علم اخلاق و ما بعد الطبیعه اخلاق تقسیم می نماید . وی به شبهه هیرم (فیلسوف انگلیسی) مبنی بر وجود گسست میان بایدها (اخلاق) و هست ها(فلسفه) پاسخهای قانع کننده ای داده است. فصلهای کتاب عبارتند از : آنتولوژی بایستی - استی, منطق صورت بایستی ها و استی ها , منطق نماده بایستی ها و استی ها , و در نهایت بخشی از متون کلام اسلامی در مورد حسن و قبح و عقل این کتاب از لحاظ روش شناسی دارای سه ویژگی است که عبارتند از : ارائه مباحث به روش فلسفه تحلیلی(بر اساس تحلیل منطقی و نه فلسفی), ارائه مباحث تطبیقی بین حکمت اسلامی و فلسفه غربی, و نهایتاً برخورد مبتکرانه و اجتهاید یا مسائل فلسفی و عدم اکتفا به نقل و شرح آرا دیگر فیلسوفان[سید علی رضوی (صدر) , کتابشناسی کاوشهای عقل عملی, هفته نامه باور , دوره جدید , شماره , مرداد صص 5-4]
13 کاوشهای عقل نظری
ویژگی اثر : کاوشهای عقل نظری یکی از مهمترین کتابهای دکتر حائری است . که شامل یک دوره کاذمل از موضوعات مهم در فلسفه اسلامی است. در این کتاب به فلسفه اسلامی کنونی و مسائل آن نیز پرداخته شده است . پیوستگی در تفکر و نیز ضابطه مندی کلام و نوشتار دکتر حائری در

این کتاب و دیگر آثار وی از ویژگیهای بارز فلسفه نویسی اوست. [غلامحسین عماد زاده ((کاوشهای عقل نظری)) هفته نامه باور, دوره جدید , شماره 8, 1 مرداد 1381, ص 3]
14 کودک اندلسی
ویژگی اثر : اولین تالیف دکتر حائری یزدی بوده که در سن شانزده سالگی منتشر نمود . این داستان در باره دوران حکومت مسلمانان بر سرزمین اندلس می باشد. [میراث عقل ناب, هفته نامه باور, دوره جدید , شماره 8, 1 مرداد 1381, ص 15.]
15 متافیزیک (مجموعه مقالات)
ویژگی اثر : عناوین این مقالات عبارتند از : خداشناسی برتر, آنتولوژی توحیدی چیست؟ برهان صدیقین (این سه مقاله در کتاب روش راستین یکتا شناسی یا آنتولوژی توحیدی بطور جداگانه منتشر شده اند) , مقاله خدا در فلسفه کانت وجود و ماهیت در فلسفه ابن سینا رابطه میان وجود و ماهیت امکان عدم (نقدی بر برخی واشی علامه طباطبایی بر اسناد صدرالمتالهین و نیز جوابیه هایی در جواب جوابیه های علامه طباطبایی) موجبه سالبه الممول چیست, و قضیه و علم تصدیقی
16 هرم هستی
ویژگی اثر : معروفترین کتاب دکتر ائری در باره منادی هستی شناسی تطبیقی است . این کتاب حاصل تدریسهای وی در انجمن حکمت و فلسفه است (1359ه . ش) . فصلهای کتاب عبارتند از : هستی و استی - انتولوژی غربی و هستی شناسی اسلامی- برهان صدیقین از طریق منط صورت - در پیرامون هستی - مخروط وجود در فلسفه اسلامی - قواعد انتولوژی توحیدی - انتولوژی کانت و اپیستمولوژی- هرم هستی - کلی طبیعی - حمل : این همانی - فردبالذات - امکان به معنی فقر. مولف در این کتاب با تقسیم انواع وجود به وجود مطلق و مطلق وجود معتقد است که بسیاری از مشکلات فلسفه غرب و شرق را حل نموده است . دو تئوری ((هرم هستی)) و نیز ((اتنولوژی توحیدی)) که زیر بنای نظریات دیگر دکتر حائری را تشکیل می دهد در این کتاب مطرح شده اند. [میراث عقل ناب , هفته نامه باور , دوره جدید, شماره 8, 1 مرداد 1381, ص 14))
منابع زندگینامه :
1روزنامه انتخاب ، 18 تیر 1379 ـ آینه پژوهش ، سال دهم ، شماره 57 ، مرداد و شهریور 13782زندگی نامه و مدارج علمی آیت ا... دکتر مهدی حائری یزدی, هفته نامه باور , دوره جدید , شماره 8, 1 مرداد 1381, ص 203عبدالرضا هوشنگ مهدوی, تاریخ روابط خارجی ایران , چاپ ششم, تهران: امیر کبیر , 1377 , صص 8-383 و 4514علی اصغر شمیم, ایران در دوره سلطنت قاجار, چاپ هفتم , تهران: موسسه انتشارات مدبر,

1375 , صص 45-6385محمد رضا ارشاد، فیلسوف قرن بیستم . همشهری , چهار شنبه 22 تیر 1279 , ص 96نفیسه کوهنورد، کاوشگر عقل نظری. همشهری, پنجشنبه20 تیر 1381, ص 16

حبیب اللهی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود حبیب اللهی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1344 هجری شمسی در شهر اصفهان درخانواده ای روحانی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم از شاگردان بنام مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی محسوب می شدند . با تشویق ایشان بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال 1362 بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و با جدیت تمام دروس مقدمات را نزد مرحوم پدر فراگرفتم و سپس دروس سطح را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیت الله امامی گذراندم. در سال 1369 علاقه شدید به فراگیری علوم اسلامی در سطح بالاتر مرا به شهر مقدس قم کشانید و ادامه دروس سطح را نزد اساتیدی همچون آیت الله پایانی ، وجدانی و حجه الاسلام موسوی تهرانی گذراندم .در سال 1375 وارد درس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت الله تبریزی در فقه و از محضرآیت الله سبحانی در اصول بهره بردم همزمان با شروع درس خارج در سال 1376 در رشته کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و بعد از دو سال به عنوان نفراول آن دوره پس از دفاع پایان نامه فارغ التحصیل گردیدم . هم اکنون علاوه برتحصیل در خارج فقه و اصول به تدریس فلسفه و کلام در مدرسه عالی امام خمینی(ره)نیز مشغول هستم .

حبیش تفلیسی، شرف الدین، ابوالفضل

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 629 ق)، دانشمند و طبیب. وی از بزرگان علم و حکمت بود و در معالجات صاحب رای. چند اثر از او به فارسی و تازی باقی مانده، از آن جمله: «کامل التعبیر» به فارسی که برای قلج ارسلان رومی تالیف کرده است؛ «بیان الطب»، به فارسی؛ کتاب «القوافی»، به فارسی؛ «کفایه الطب»، به عربی؛ «بیان التصریف»، به عربی؛ «بیان الصناعات»؛ «قانون الادب»، در لغت از عربی به پارسی؛ «بیان النجوم»، در هیات و نجوم به پارسی؛ «جوامع البیان»؛ «وجوه القرآن» و «حجه الابدان»، در طب.[1]
تفلیسی، ابوالفضل ابراهیم بن محمد مکنی به ابوالفضل و ملقب به کمال‌الدین، در حکمت، هیئت و نجوم، هندسه، لغت، تفسیر و طب و غیره نامبردار و صاحب تصانیف است (ف. حدود 625 ه.ق.) آثار عمده وی از این قرار است: تقویم الادویه، تلخیص علل القرآن، بیان النجوم، قانون الادب فی ضبط کلمات العرب (به فارسی)، کامل التعبیر (به فارسی). جوامع البیان (به فارسی).ترجمان قوافی (به فارسی)،
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (999 -998 /2)، تاریخ نظم و نثر (128)، لغت نامه (ذیل/ حبش ابن ابراهیم، حبش ابن محمد، حبیش تفلیسی)، الذریعه (254، 253، 196، 18/17)، سبک شناسی (395 -393 /2)، کشف الظنون (1380 -1379، 262، 261)، معجم المولفین (189/3)، هدیه العارفین (263/1).

حجازی خمینی‌شهری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدمهدی بن سید محمدحسن بن سید محمدعلی بن سید حسنعلی بن سید محمد بن سید محمدرضا بن سید محمدعلی بن سید مهدی بن سید تراب بن حیدر بن کاظم بن سید هدایت‌اللّه بن سید مهدی بن سید ابراهیم بن سید زین‌العابدین بن سید ابراهیم بن سید کریم‌الدین بن سید رکن‌الدین بن سید زین‌الدین بن سید صالح بن سید محمد بن سید محمود بن سید حسین بن سید حسن بن سید احمد بن سید ابراهیم بن سید عیسی بن سید حسن بن سید یحیی بن سید ابراهیم بن سید حسن بن سید عبداللّه بن الامام موسی الکاظم علیه الصلوه والسلام.
معظم‌له که بسی واسطه به حضرت باب‌الحوائج الی‌اللّه امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام منتهی می‌شود از علماء مبرز و محترم اصفهانست.
شجره‌نامه ایشان که به امضاء و تصحیح آیات عظام اصفهان و غیره توشیح گردیده به نظر حقیر رسید. و نسب فوق از آن اتخاذ شده است.
وی در سال 1320 قمری هجری در سده به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و خدمت مرحوم والدش مقدمات را خوانده و قبل از پانزده سالگی از آن و شرایع‌الاسلام فارغ شده و سطوح را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ علی یزدی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا احمد اصفهانی و آیت‌اللّه حاج میرزا رحیم ارباب خوانده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌اللّه آقا شیخ محمدحسین فشارکی و آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکرمی کزی و حساب و هندسه را از آقای حاج‌آقا رحیم ارباب آموخته و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللّه آقاشیخ محمدرضا مسجدشاهی و آخوند گزی و آقای فشارکی استفاده نموده و بعدا قریب هفده سال در درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی شرکت و دو دوره اصول و طهاره و صلوه و مکاسب و غیره را به ترتیب تکمیل نموده تا به مرحله اجتهاد رسیده‌اند.
حکمت و فلسفه را هم از مرحوم حاج میرزا جواد آدینه‌ای و حاج شیخ محمد خراسانی و حاج شیخ اسداللّه قمشه‌ای فراگرفته تا بعد از فوت استادش مرحوم خاتون‌آباد به تدریس سطح و خارج فقه و اصول اشتغال یافته و در حال حاضر در خمینی‌شهر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و بیان احکام موفق می‌باشند.

دارای 9 فرزند ذکور که اکثریت در سلک روحانیت و مشغول به تحصیل فقه و اصول و علوم اسلامی به اسامی ذیل می‌باشند.
1- جناب حجةالاسلام آقا سید محمدتقی حجازی 2- حجةالاسلام آقا سید محمدحسن حجازی 3- حجةالاسلام آقا سید محمد 4- آقا سید محمدعلی 5- آقا سید احمد 6- آقا سید محمدرضا.
از تألیفات معظم‌له 1- دوره اصول الفقه 2- اکثر کتب فقهیه 3- رسالاتی در متفرقات.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجت، آقامیرزا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله آقامیرزا حجت ، در سال 1240 قمری در اصفهان متولد شد.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : آقامیرزا حجت ، با شش واسطه به فیلسوف بزرگ اسلامی ملاصدرای شیرازی می رسد. پدرش آخوند حاج میرزا حسن ملقب به حجت بوده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : آقامیرزا حجت ، مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت. سپس مدتی از محضر درس علامه سیداسدالله اصفهانی بهره برد. سپس به حوزه ی درس میرزا شفیع چاپلقی که از علمای برجسته ی بروجرد بود وارد شد و طولی نکشید که از شاگردان ممتاز گردید. وی آنگاه پس از طی این مراحل ، برای تکمیل معلومات به نجف عزیمت نمود.استادان و مربیان : آقامیرزا حجت ، از محضر پدر ، علامه سیداسدالله اصفهانی و میرزا شفیع چاپلقی بهره های فراوان برد.همسر و فرزندان : آقا محمد ، آقا بهاءالدین ، آقا فضل الله و آقا ابوجعفر ، پسران آقامیرزا حجت می باشند.زمان و علت فوت : آقامیرزا حجت ، در سال 1322 قمری ، پس از اینکه برای بهبود حال وباگرفتگانِ شهر نهاوند ، نماز خاص برگزار کرده بود ، در اثر بیماری وبا دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.فعالیتهای آموزشی : آقامیرزا حجت ، به نهاوند دعوت گردید و پس از اقامت ، در مدرسه ی مقام محمود به تدریس اشتغال ورزید.آثار : حاشیه بر کتاب المواقف قاضی عضدالدین ایجی ،حاشیه بر کتاب کنزالعرفان فاضل مقداد ، رساله ی عملیه ، شرح بر اسفار صدرالمتألهین

حجت، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی حجت
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب هادی حجت در سال 1347در شهر کرمان متولد شدم . تحصیلات ابتدایی را در دبستان احمدی و صفاری و راهنمایی را در مدرسه آیت الله سعیدی کرمان پشت سر گذاشتم. پس از یکسال تحصیل در رشته علوم تجربی در سال 1362وارد حوزه علمیه کرمان شدم و در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) گردیدم. در سال 1367 در امتحانات سراسری حوزه موفق به احراز رتبه اول پایه سوم گردیدم. در کنار دروس حوزوی در تابستان به صورت متفرقه دروس مقطع متوسطه را امتحان و در رشته علوم انسانی دیپلم گرفتم. و همراه با دروس حوزوی از سال 1370 در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی را آغاز کردم. و در سال 1375 در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و در سال 1377 با معدل 92/19 فارغ التحصیل گردیدم. پایان نامه این مقطع با عنوان" بررسی و طبقه بندی فقه های مربوط به ترجمه های قرآن کریم به زبان فارسی" رتبه سوم کشوری را در رشته علوم قرآن و حدیث کسب کرد.
در همان سال در مقطع دکترای رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس قم پذیرفته شده و همزمان از سال 1376 در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه نیز مشغول به تحصیل شدم. و 4 سال دوره آموزشی آن را با موفقیت به اتمام رساندم. سال 1383 موفق به اخذ دکترا از مرکز تربیت مدرس قم گریدم. از سال 11379به عنوان عضو هیأت علمی در دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس مشغول گردیده ام و هم اکنون عضو هیأت علمی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشکده ام.

حسن بگی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی حسن بگی
محل تولد : اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
آقای علی حسن بگی در سال 1348 در شهر علم و صنعت، در خانواده‌ای مذهبی، دوستدار اهل بیت علیهم السلام قدم به عرصه گیتی گذاشت، دوران تحصیلات متوسطه را با موفقیت به پایان رساند که در کنار تحصیلات متوسطه از شرکت در جلسات مذهبی و هیئتها را غافل نماند و با عشق هرچه تمامتر به خدمت گذاری و تبلیغ در امر دین پرداخت. لذا با این مقدمه و شوق فراوان به فراگیری علوم دینی سبب شد در سال 1361 وارد حوزه علمیه اراک گردید پس از مدتی شوق ادامه تحصیل بیشتر او را به قم کشاند و پس از اتمام موفقیت آمیز دروس سطح در سال 1370 در پای درس اساتید بزرگی چون آیت الله مکارم و وحید خراسانی حاضر گشت و از محضر این بزرگان کسب فیض کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس دینی در حوزه علمیه قم و اراک مشغول تدریس شد و طلاب فراوانی از تدریس ایشان بهره های علمی بردند.

حسن زاده آملی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد 1307 شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.
دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و 5 جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد 15 تا جلد 19 میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که 15 مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.
مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد 15 شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد 14 شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:
(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.
العبد ابوالحسن الشعرانی
تألیفات و تصحیحات
آثار عرفانی و اخلاقی
لقاء الله
وحدت از دیدگاه عارف و حکیم
انه الحق
ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه
الهی نامه متن الهی نامه
انسان در عرف عرفان
کلمه علیا در توقیفیت اسماء
اصول و امّهات حکمی و عرفانی
تصحیح رساله مکاتبات
تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری
تصحیح و تحشیه رساله تحفة الملوک فی السیر و السلوک
مفاتیح المخازن
شرح فصوص الحکم
مشکاة القدس علی مصباح الأنس
شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
باب رحمت
نامه ها برنامه ها
قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
آثار فلسفی و منطقی
اتحاد عاقل به معقول
نصوص الحکم بر فصوص الحکم
رساله جعل
صد کلمه
تصحیح اسفار اربعه
تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
رساله ای در تضاد
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله ای در حرکت جوهری
ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم
رساله نَفس الأمر
نهج الولایه
درر القلائد علی غررِ الفَرائد
النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی
مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار
سرح العیون فی شرح العیون
گشتی در حرکت
الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة

گنجینه گوهر روان
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله مُثُل
تصحیح و تعلیق شرح اشارات
ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
تصحیح و تعلیق شفا
ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرَّأیَین
رساله اعتقادات
الأصول الحکمیّة
رساله رؤیا
من کیستم
رسالة فی التضاد
دروس معرفت نفس
نثر الدراری علی نظم اللئالی
آثار فقهی
رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
تعلیقات علی العروة الوثقی فی الفقه
وجیزه ای در مناسک حج
آثار تفسیری
تصحیح خلاصة المنهج
انسان و قرآن
آثار کلامی
خیر الأثر در رد جبر و قدر
تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
لیلةالقدر و فاطمه علیها السلام
رسالة فی الإمامة
رساله ای در کسب کلامی
فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
رسالة حول الرؤیا
آثار روایی
تصحیح نهج البلاغه
تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّة)
تکملة منهاج البراعة
مصادر و مآاخذ نهج البلاغه
انسان کامل از دیدگاه نهج الیلاغه
شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین
آثار ریاضی و هیوی
دروس معرفة الوقت و القبلة
رساله کلّ فی فلک یسبحون
رساله ای در تناهی ابعاد
تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعة الأصطرلاب للبیرونی
تعیین سمت قبله مدینه
الصحیفة العسجدیّة فی آلاتٍ رصدیّة
الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری
رساله سی فصل
تعلیق تحفة الأجِلّة فی معرفة القبلة
رساله قطب نما و قبله نما
تعلیقه بر رساله مولا مظفر
رساله میل کلّی
رساله ظِلّ
رساله تکسیر دایره
تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّة الابصار
رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
رسالة فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج
رسالة فی الصّبح و الشّفق
رساله ای پیرامون فنون ریاضی
رساله ای در مطالب ریاضی
دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
تصحیح و تعلیق شرح جغمینی
تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس
تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس
شرح زیج بهادری
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب
تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
استخراج جداول تقویم
تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون
دروس معرفت اوفاق
شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی
تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه
تصحیح و اعراب اصول کافی
دیوان اشعار
قصیده یَنبوع الحیاة
مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
تعلیقه بر باب توحید حدیقة الحقیقة
تصحیح گلستان سعدی
تعلیقه بر قسمت معانی مطوَّل
امثال طبری
آثار متفرقه
تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن
هزار و یک نکته
هزار و یک کلمه
مجموعه مقالات
ده رساله فارسی
کشیکل
مصاحبات مناجات علامه حسن زاده
- الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟
- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر
- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی
دهان روح و تن
انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که

دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی‌که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود; و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار
بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را درياب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است; و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش» ; یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنیه

قرن:2
جنسیت:زن
ملیت:ایران
قرن دوم هجری، از زنان فاضل، عالم و متکلم. وی از کنیزانی بود که به اسارت مسلمانان درآمد و در زمان هارون‌الرشید (193 -170 ق) مسلمان شد و در اخبار، روایات و اصول اعتقادات، معلومات فراوانی کسب کرد. شیخ ابوالفتوح رازی (525 -480 ق) مناظره‌ای که او در مجلس هارون کرده در رساله فارسی خود آورده است. به نوشته رازی وی مذهب اهل سنت را طبق عقاید خودشان رد کرد و مذهب شیعه را ثابت نمود. برخی نویسندگان بر این نظرند که اصولا شخصیتی به نام حسنیه وجود خارجی نداشته است و رازی برای طرح نظرات کلامی مذهب شیعه، چنان داستانی را ساخته و پرداخته کرده است، چنانکه سید بن طاووس در کتاب طرائف خود از زبان یک نفر اهل ذمه چنین کاری نموده است.[1]
(ز 193 ق)، دانشمند، عارف، متکلم و حکیم. وی از زنان ایرانی تبار بود که به اسارت مسلمانان درآمد و بعضی او را تربیت شده‌ی خاندان عصمت و طهارت (ع) دانسته‌اند که از محضر امام صادق (ع) بخصوص بهره‌مند گردیده است. وی در اخبار مذاهب چهارگانه عامه و علم کلام وقوف کامل داشته است. حسنیه در حضور هارون‌الرشید با شیخ ابواسحاق نظام معتزلی و محمد بن ادریس شافعی و ابویوسف قاضی مناظره کرد و بر آنها پیروز شد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «احیاء الداثر» هنگام شرح حال شیخ ابراهیم استرآبادی می‌نویسد: وی در 985 ق در سفر حج رساله‌ی این مناظره را نزد بعضی از سادات علوی دمشق یافت و به ایران آورد و به نام شاه طهماسب ترجمه کرد. علامه مجلسی ترجمه‌ی این رساله را به فارسی در انتهای کتاب «حلیه المتقین» خود به طور کامل ذکر کرده است.[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] منابع: اعلام‌النساء، 264 / 1؛ ریحانةالادب، 45 / 2؛ زنان سخنور، 114 / 1؛ النساءالمؤمنات، 302 -300.
[2] اعیان الشیعه (409/ 5)، تاریخ نظم و نثر (120/ 7 ،97/ 4)، روضات الجنات (163/ 1)، ریاحین الشریعه (148/ 4)، ریاض العماء (406/ 5)، ریحانه (45/ 2)، لغت نامه (ذیل/ حسنیه)، مشاهیر زنان (75).

حسین زاده، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین زاده
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
محمد حسین زاده در مرداد 1340 در شهر مقدس قم به دنیا آمد . پس از اتمام دوزه راهنمایی حدود سالهای 1353.54دروس حوزه را دنبال کرد و در طی پنج سال و اندی در سال 1359 توانست به درس خارج فقه و اصول راه یابد . در دوره تحصیل سطح علاوه بر دروس رایج . فلسفتنا . اقتصادنا. عربی جدید . انگلیسی و نیز اخلاق و تفسیر را در محضر اساتیدی فرهیخته آموخت . فقه و اصول را در مقطع عالی سطح از محضر بزرگانی همچون آیت الله پایانی و آیت الله اعتمادی و آیت الله قافی فرا گرفت . از سال 59تا 74 به مدت 15 سال در درس خارج فقه و اصول اساتید بر جسته ای چون حضرات آیات عظام مظاهری . شبیری زنجانی . و... مشارکت فعال داشت در طول تحصیل و پژوهش به طور مستمر در دروس اخلاق و فلسفه و تفسیر و عقاید حضرت آیت الله مصباح شرکت کرد و از آغاز تحصیلات حوزوی بلکه پیش از آن از راهنمایی های معظم له بهره بسیاری برد به علاوه او در درس های اسفار حضرت آیت الله جوادی نیز چند سالی حضور داشت و از دروس عرفان ایشان نیز استفاده کرد . حدود سال 1365 به عضویت در گروه تخصصی فلسفه باقرالعلوم(ع) به ریاست استاد مصباح در آمد و به تحقیق در حوزه فلسفه پرداخت . از جمله ثمرات این تلاش آماده ساختن درس های اسفار ج 6 و نیز شناخت شناسی استاد آیت الله جوادی آملی بود در سال 1371معادل دکترای فقه و اصول معارف مدرک داخلی موسسه امام خمینی و بالاخره دکترای معرفت شناسی را از حوزه دریافت نمود. در سال 1369برای شرکت در کنفرانس مربوط به فلسفه و نیز گذراندن دوره ای غرب شناسی . همراه با هیئتی به کانادا مسافرت کرد. دولت آمریکا از دادن ویزا خودداری کرد و نتوانستند در آن نشست شرکت کنند . اما دوره ذکر شده در کانادا برگزار شد. در سال 1374 علاوه بر تحقیق در رشته فلسفه در بنیاد باقر العلوم .

تدریس خارج فقه و اصول را شروع کرد که تاکنون ادامه دارد . در سال 1377 عضو هیئت علمی گروه فلسفه موسسه امام خمینی(ره) گردید . او اکنون در سمت دانشیار به پژوهش و تدریس اشتغال دارد.

حسینعلی پور، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید حسینعلی پور
محل تولد : جلفا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
سال 1346 هجری شمسی به تبریز آمدم و در مدرسه طالبیه تبریز زیر نظر حجة الاسلام آقای وثوقی به دروس حوزوی مشغول شدم (آقای وثوقی هم اکنون از اساتید حوزه‌های علمیه تبریز هستند) جامع المقدمات، باب رابع مغنی، حاشیه، معالم و بخش اوامر قوانین میرزای قمی را در تبریز خواندم. در سال 1349 به قم آمدم و از آن زمان تاکنون در قم هستم. اولین استادم آیة الله علوی گرگانی بود که در درس شرح لمعه او حاضر می‌شدم و در درس لمعه آیة الله محفوظی هم شرکت کردم و بقیه را از آقای شیخ علی پناه اشتهاردی درس گرفتم. استاد رسائل و مکاسب و کفایه ام آقایان میرزا یدالله و حاج میرزا محسن دوزدوزانی بودند. از افراد دیگری هم این کتابها را درس گرفته‌ام، لکن عمده این حضراتند. از سال 1358 در درس خارج آیةالله تبریزی و نوری شرکت کردم در درس آیة الله نوری همدانی فقط چهار سال شرکت داشتم ولی در درس آیة الله تبریزی بیش از 12 سال مرتب نشسته‌ام. شرح منظومه را از آیة الله شیرازی انصاری خواندم. نهایة الحکمه را از آیة الله مصباح خوانده‌ام. شرح اشارات جلد دوم و سوم را از آیة الله حسن‌زاده آملی درس گرفته‌ام. شرح فصوص قیصری و مصباح الانس را نیز از ایشان خوانده‌ام. سه جلد اول، دوم و سوم اسفار را هم از ایشان درس گرفته‌ام. بخشی از جلد 6 و 7 را از آیة الله جوادی آملی تلمذ کرده‌ام. تمهید القواعد را از آیة الله جوادی آملی خوانده‌ام. دروس عرفان و فلسفی را با توضیحات کامل، یادداشت دارم. همه دروس اعتقادی آیة الله سبحانی را گذرنده‌ام و در درسهای اعتقادی پنجشنبه‌های آیة الله مکارم شیرازی شرکت می‌کردم و در امتحان پایانی این دروس، با نمره خوب قبول شدم و به همین مناسبت برای ما جوایزی در نظر گرفته و جوایزی هم اکنون با مهر مدرسه امیرالمؤمنین موجود است. در یک دوره دو ماهه دروس حضرات اساتید در مدرسه

حقانی پس از انقلاب اسلامی شرکت کردم. برخی از اساتید آن کلاسها عبارت بودند از:
آیةالله نوری همدانی، آیةالله تسخیری که درباره مارکسیسم تدریس می‌کرد، آقای سیدمنیرالدین هاشمی شیرازی که درس اقتصاد می‌گفت، آقای خاک که درباره سازمان مجاهدین خلق(منافقین) تدریس می‌کرد و...

حسینی ارسنجانی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمدحسن حسینی ارسنجانی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1
زندگینامه علمی
جمعی از اساتید سطوح عالیه ، تفسیر ، فلسفه ، منطق و کلام : آیات عظام سلطانی، فاضل لنکرانی و آیات حسینی ارسنجانی ، حاج شیخ یحیی انصاری ، سید محمد کاظم آیت الهی ، خزئلی ، مشکینی ، ستوده ، جوادی آملی ، مجد الدین محلاتی ، دوزدوزانی ، شب زنده دار ، و کریمی جهرمی ؛ اساتید خارج فقه و اصول ، آیات عظام : گلپایگانی(ره) (5 سال فقه) ، مرتضی حائری یزدی (ره) (5 سال فقه) ، حسینعلی منتظری (15 سال فقه) ، هاشم آملی (ره) (4 سال اصول) . تدریس سیوطی ، معالم و لمعتین و نهج البلاغه .

حسینی اسحاق نیا، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رضا حسینی اسحاق نیا
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
سیّد رضا حسینی اسحق نیا در اوائل سال 1342 ه.ش در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشوده و اولین جرقه های علاقه به دین را پدرم مرحوم حاج سیّد محمود اسحق نیا که عمری را به نیکنامی سپری نمود و «عاش سعیدا و مات سعیدا» با تربیت عملی خود ضمیر صاف کودکانه من را روشن نمود. پدر بزرگ اینجانب مرحوم حاج سیّد احمد فرزند حاج سیّد اسحق از دوستان صمیمی مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی بوده است چنان که در کتاب فضیلت های فراموش شده به قلم فرزند برومند وی که خود نیز ستاره ای است که از این شهر در آسمان علم و معرفت درخشیده یعنی خطیب دانشمند مرحوم حاج شیخ حسن علی راشد، به آن اشاره شده است و به شهادت اشخاص با اطلاع و مورد وثوق از معدود کسانی بوده که مرحوم حاج آخوند در منازل ایشان غذا تناول می نموده است.
از سن شش سالگی به مدّت دو سال در مکتب آقای حاج معلم، قرآن و دروس متداوّل در مکتب خانه های قدیمی را فرا گرفته و سپس تحصیلات جدید را از کلاس سوم آغاز نموده و مقطع ابتدایی را در دبستان بیهقی و دوران راهنمایی را در مدرسه راهنمایی علی تمدن و دوران دبیرستان را در دبیرستان رازی شهرستان گذارندم. تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی فرا گیری علوم حوزوی را در کنار دروس دبیرستان حدود بیش از 2 سال در مدارس علمیّه مرحوم هراتی و مرحوم فولاد شروع نموده و سپس بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال 1360 هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیّه قم هجرت نمودم.
و بنا به گفته پیر هرات خواجه عبد الله انصاری که «الهی دود از آتش چنان نشان ندهد و خاک از باد که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد» چون هر کس که دارای چیزی شده است آن را از استاد کسب نموده است، لذا از این فرصت استفاده نموده و به ذکر اساتید بزرگوار که از خرمن پر فیض

آنها به فراخور استعداد و قابلیت خویش خوشه چینی نموده ام پرداخته و از این راه سپاس فراوان خود را نثار ساحت مقدس ایشان می نمایم.
مقدمات حوزوی از قبیل ادبیات عرب و منطق و بلاغت و مقداری از سطح را در تربت در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج شیخ احمد معلم و حاج آقا سعیدی، حاج سیّد علی آقا ربانی آموخته و بیشترین استفاده را از حوزه درس جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحمانی نمودم که تلاش جدی و مستمر و شور و نشاط ایشان در طریق تعلیم به طلاب اعجاب آور و تحسین برانگیز می باشد. در اواخر مدّت تحصیل در تربت حیدریه علم کلام و مقداری از فلسفه را خدمت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ صدر الدین ربانی با وجود کسالتی که داشتند قرائت نمودم و از آن زمان تا کنون سخت تحت تاثیر معنویت آن مرحوم قرار دارم. وی به خاطر کسالت های متعدد و شدیدی که اواخر حیات پر برکت خود داشت و هم چنین ابتلائات گوناگون به حق، مصداق «البلاء للولاء کاللهب للذهب» بود یعنی:
پس از عزیمت به حوزه علمیّه قم ، بقیه دوره سطح و سطح عالی را در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج سیّد احمد طباطبایی تربتی و حاج آقا قاضی زاده تربتی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی سپری نموده و حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: فاضل لنکرانی و حاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت نمودم. در کنار فراگیری دروس عمومی حوزه در دروس تخصصی فلسفه و عرفان به مدّت هیجده سال حضور پیدا کرده و گر چه در محضر اساتید بزرگ در این رشته مانند آیت الله حسن زاده آملی مقداری تلمّذ نموده ام و لیکن عمده استفاده من در فن مزبور از محضر آیت الله انصاری شیرازی بوده است تقریباً از همان شروع به تحصیل علوم دینیه، در جنب آن به تعلیم طلاب نیز اشتغال داشته ام و اینک هم به تدریس معقول و منقول درسطح عالی در حوزه علمیّه قم مشغول می باشم. در کنار تحصیل و تدریس احیاناً به کار تألیف نیز پرداخته ام و آنچه تاکنون به زیور طبع آراسته شده دوره علم منطق تحت عنوان منطقیات در چهار مجلد است که شرح مبسوطی بر یکی از متون قدیمی در این رشته می باشد.آنچه در این سطور به رشته تحریر در آمده شمه ای از بحار بیکران الطاف و توفیقات خداوندی است که به این بنده نا چیز ارزانی فرموده است. از سال 78 تا کنون علاوه بر تدریس درحوزه مبارکه قم هفته ای یک روز در تهران مقطع کارشناسی ارشد رشته عرفان به تدریس اشتغال دارم و نیز مسوولیت علمی مقالات بخش فلسفه و کلام دایره المعارف قرآن کریم را عهده دار می باشم. ضمنا گواهی علمی سطح چهار حوزه را دارم.

حسینی بهشتی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمدرضا حسینی بهشتی متولد ۱۳۳۶ در قم است. بعد از دوره دبیرستان به تهران آمده و پس از سه سال و نیم تحصیل رشته پزشکی آن را رها می‌کند. به علت علاقه اش به علوم اسلامی، با بازگشایی دانشگاه ها تغییر رشته می دهد و به سراغ رشته فلسفه غرب می رود. در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را می گذراند. پایان نامه کارشناسی ارشد را در مورد مونادولوژی لایب نیتس می نویسد. برای دوره دکترا به آلمان می رود و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ در آلمان تحصیل می کند. در سال ۱۳۶۶ به ایران بازمی گردد و از همان سال در گروه فلسفه دانشگاه تهران تدریس فلسفه را آغاز می کند.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : سید محمد رضا حسینی بهشتی فرزند شهید بهشتی است.او درباره پدرش می گوید: «آنچه را که می توانم به عنوان عصاره ای که در ذهنم از ایشان باقی مانده است بیان دارم اینست که در بیست و چند سال تماس مداوم من با آن شهید او را به تمام معنی (مؤمن) یافتم. دردل او و اندیشه او و عمل و کردار او هر چه بیشتر دقیق می شدی آثار این روشنی و گرمای ایمان را بیشتر حس می کردی و جوشش عشق به خدا و خدمت به خلق خدا را که از ورای پندار و گفتار و کردارش حس و لمس می شد ، ناخودآگاه مرا به سوی شخصیت ایشان جذب می کرد و می کشید. «آیت الله شهید بهشتی» سراپا عرفان بود ، اما عرفانی بی هیاهو که اثر عمیق خویش را در شیوه برخورد ایشان با مسائل و مشکلات و دشواری های راه بخوبی می توانستیم ببینیم . آنچنان ایمان در دل او رسوخ داشت که در این چند سال ندیدم که هیچ حادثه ای او را حتی اندکی به تزلزل وادارد و براستی که هیچ حادثه ای او را حتی اندکی به تزلزل وادارد.» و به راستی که محمد رضا بهشتی بی آن که هویت مستقل خویش را از دست داده باشد،این صفات پدر را در خویش زنده نگاه داشته و پرورانده است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه ـ تحصیلات نیمه تمام در رشته پزشکی ـ دریافت کارشناسی فلسفه از دانشگاه تهران ـ دریافت کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران ـ

عزیمت به آلمان برای ادامه تحصیل ـ دریافت دکترای فلسفه از دانشگاه هامبورگ آلمان 66-1360 ـ آشنایی با زبان های عربی، آلمانی، انگلیسی و اندکی یونانی و لاتینی
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ مدیر مؤسسه مطالعاتی تاریخ خاورمیانه از ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ ـ مدیر مؤسسه پژوهشی فرهنگی «نوارغنون» از ۱۳۷۷تاکنون ـ عضو پیوسته فرهنگستان هنر ـ مسئول گروه فلسفه فرهنگستان هنر ـ عضو هیأت امنای مؤسسه مطالعات اجتماعی (وزارت علوم و تحقیقات و فناوری) ـ عضو هیأت امنای پژوهشگاه علوم انسانی ـ عضو هیأت امنای مؤسسه انجمن و حکمت
فعالیتهای آموزشی : تدریس در دانشگاه تهران گروه فلسفه از سال 1366 تا کنون
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : بعد از بازگشت از آلمان فعالیت های پژوهشی اش را روی فلسفه متمرکز می کند. پس از مدتی با همکاری دوستانش مؤسسه پژوهشی نو ارغنون را تأسیس می کند. به غیر از مقالات مختلفی که در مجله های تخصصی یا در مطبوعات منتشر کرده، گاه شمار تاریخ معاصر خاورمیانه با همکاری او منتشر شده است.
آرا و گرایشهای خاص : سید محمدرضا حسینی بهشتی با اشاره به این که مفهوم طبیعت به عنوان نرم و جهت دهنده در عرصه زندگی اجتماعی و فردی است اعتقاد دارد:« مفهوم طبیعت در پیوند با دو مفهوم خدا و انسان قرار دارد که هر سه این مفاهیم نقش مؤثری در تلقی ما از خود و موجودات پیرامون ما دارد . اگر ما به مواجهه انسان و طبیعت نگاه کنیم. ما پیش از سه دهه اخیر با سه نوع مواجهه روبرو بودیم یکی مواجهه نظری با طبیعت که انسان کنجکاو می خواهد به شناخت طبیعت بپردازد و نظر به طبیعت کند . در آغاز این نگاه به طبیعت و عالم ممکن است با این هدف صورت بگیرد که خود نگرش طبیعت به عنوان بالاترین ارزش تلقی می شود یعنی نظر به خاطر نظر صورت می گرفت و ایده آل دانش نظری در یونان باستان نظر برای نظر بود . در سده های میانه نظر به عنوان نظر دیگر ارزش ندارد و اگر نظر در خدمت ایمان قرار می گرفت ارزش داشت و شیخ بهایی نیز می گفت از صفحه دل هر علمی را که در جهت رستگاری نیست پاک کنید که این همان نگاه ارسطویی است. در عصر جدید اتفاق عجیبی در حال افتادن است و آن این که دانش نظری در خدمت غایات عملی انسانی قرار می گیرد یعنی در جهت سعادت مادی انسان است و بیکن معتقد است همه مشکلات از جهل است یعنی ما نمی توانیم آینده را پیش بینی کنیم و آن را در جهت غایات خود قرار دهیم .» بهشتی با اشاره به این که در عهد باستان انسان نمی توانست آقا و سید طبیعت باشد ولی در دهه های اخیر تاریخ نگاری علم یعنی نگاه علم هم به

خودش عوض شده است می افزاید:« بیکن معتقد است طبیعت، در اختیار ماست به شرطی که حرف از آن بیرون بکشیم وگرنه جواب نخواهد داد و ضربه ای که می توانیم به آن بزنیم آزمایش است و در این صورت است که شناخت علمی داریم. مواجهه های انسان با طبیعت عبارتند از: مواجهه نظری، تکنیکی - علمی، زیبا شناختی، اخلاقی - عملی». محمدرضا بهشتی علاوه بر تدریس و تحقیق، به عرصه های عمومی تر حوزه مطالعاتی اش نیز توجه ویژه دارد و بویژه درباره وضع آموزش فلسفه در ایران دیدگاه های جالبی را ارائه می دهد: «آموزش فلسفه در ایران در دو حوزه صورت می گیرد که عبارتند از؛ مدارس سنتی و دانشگاه ها. در دانشکده الهیات تمرکز بر فلسفه اسلامی است ولی دانشکده ادبیات بیشتر به فلسفه غرب می پردازد. مهم ترین مسأله در مواجهه با آموزش فلسفه، ابهام در هدف گذاری و شناخت جایگاه فلسفه است.ما در برنامه آموزشی مان برخلاف کشورهای خارجی، هیچ دوره خاصی نداریم که فارغ التحصیل فلسفه بتواند پس از گذراندن آن فلسفه را آموزش دهد. در طریقه منتقل کردن مطلب نیز خلأ وجود دارد؛ در طول دوره پژوهشی فرد آموزش لازم را برای انجام کارهای پژوهشی نمی بیند و با کمترین تکنیک ها نیز در مسیر آموزش آشنا نمی شود.مشکل ما در آموزش فلسفه این است که نه ورود ما به مطلب مشخص است و نه خروج و نه طی مسیر و بر این اساس، با رهیافت مشخصی نیز روبه رو نیستیم وآشنا شدن با رهیافت ها را نیز در جایی پیدا نکرده ایم. یکی از کمبودهای جدی به لحاظ آموزشی و پرورشی، کمبود منابع داخلی و بویژه منابع خارجی است. مجلات و مقالات در رشته فلسفه هنوز هیچ جایگاهی ندارند و ما هنوز با شیوه های جدیدتر برقراری ارتباطات آشنا نیستیم. ما جلسات چند استاد (محقق) را پیرامون یک موضوع نداریم و برای استفاده از اساتیدی که بیرون از حوزه های آموزشی ما پرورش پیدا کرده اند مشکل زبان داریم، اما با فرض حل مشکل زبان، راه های ارائه موضوع آن ها نیز با ما متفاوت است.در مورد طرح های پژوهشی قوی و بویژه جمعی، و گره خوردن کار پژوهشی در داخل دانشگاه ها با نیازهای بیرونی که موجب ایجاد نشاط در گروه ها می شود نیز کاری انجام نشده است.همچنین رابطه ای میان دانشگاه ها با دانشگاه های داخل و خارج، پژوهشگاه ها و مؤسسه های غیر دولتی مانند NGO ها نیز وجود ندارد. در کارهای آموزشی و پژوهشی، نخستین قدم، جدی گرفتن گروه های کار دانشجویی و پیوند میان این گروه ها است و بعد مطالعه و شناسایی راه های موجود و انتخاب این راه ها و سپس حرکت و اجرا که باید با ارزیابی مجدد و نقادانه صورت بگیرد.

چگونگی عرضه آثار : بررسی تطورات تاریخی قواعد کلی فلسفی با تأکید بر فلسفه اسلامی عنوان یکی از گزارش های سید محمدرضا حسینی

بهشتی دردانشگاه تهران است. تدوین و تألیف چند جزوه درسی مربوط به آموزش زبان از جمله آموزش مقدماتی زبان یونانی و آموزش مقدماتی زبان لاتین نیز از دیگر آثار بهشتی در فضای آموزشی دانشگاه تهران بوده است.او علاوه بر حضور مستمر در فضاهای آکادمیک، در سالیان گذشته با نگارش مقالات متعدد نظری دیدگاه های خویش را به فضاهای عمومی تر اندیشه نیز کشانده است. برخی از مقالات او عبارتند از:نگرشی تاریخی به تحول مفهوم آرخه از پیش سقراطیان تا ارسطو ؛ سقراط، پس کار تو چیست؟ ؛ فلسفه و بحران محیط زیست ؛ زیباترین مثلث ها ؛ دو نظریه در زیباشناسی طبیعت ؛صلح و عدالت در بستر دینی ؛ جایگاه نقد سوم در نظام استعلایی کانت و ... بهشتی همچنین با دانشنامه جهان اسلام نیز ارتباط دارد و برخی مدخل های فلسفی آن را می نگارد،از آن جمله است مدخل تاریخ قرآن کریم «تئودور نولدکه و مدخل ثامسطیوس» ----------
---

آثار :

1 Methodologische Ueberlegungen Zum Wandel des Naturbegriffs Techno VerlagY 1997.

2 انسان شناسی فلسفی

ویژگی اثر : ترجمه ، نوشته هانس دیرکس، کتاب انسان شناسی فلسفی، با رویکردی آموزشی و نه تنها فلسفی، متن هایی از متفکران غربی را متناسب با مسائل بنیادی زندگی گرد آورده است. مطالعه این کتاب در راستای سرفصل های درس انسان شناسی برای استادان محترم معارف پیشنهاد شده است.

3 دروس گفتارهای فلسفی

ویژگی اثر : مؤسسه دانش و توسعه علوم انسانی

4 سرآغازهای فلسفه در یونان

ویژگی اثر : انتشارات هرمس

5 شرحی بر تمهیدات کانت،

ویژگی اثر : اثر: ماکس آپل ؛ مرکز نشر دانشگاهی

6 گزیده مقالات گادامر

ویژگی اثر : انتشارات هرمس

7 متون برگزیده در هرمنوتیک

ویژگی اثر : سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

حسینی تهرانی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1305.
درگذشت: 1374.
از آثار اوست: امام شناسی: بحثهای تفسیری، فلسفی، روانی (تهران، 1362)؛ ترجمه رساله بدیعه در تفسر آیه الرجال قوامون علی النساء (ترجمه توسط چند تن از فضلاء؛ تهران، 1363)؛ داستان‌های عبرت‌انگیز (جمع‌آوری و تنظیم مهدی شمس‌الدین، قم، 1373)؛ رساله بدیعه فی تفسیر آیه‌ی الرجال قوامون علی النساء (تهران، 1366 ،1360)؛ رساله حول مسئله رویه الهلال، موسوعه علمیه‌ی فقهیه فی لزوم اشتراک... (1371)؛ مقدمه و شرح رساله سیر و سلوک (منسوب به بحرالعلوم مهدی بن مرتضی الطباطبائی نجفی، تهران، 1372)؛ روح مجرد: یادنامه موحد عظیم شأن و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد (تهران، 1373)؛ مقدمه و تذییل هدیه غدیریه: دو نامه سیاه و سپید (تألیف محمد رفیع بن عبدالواحد طبسی، مشهد، 1374)؛ رساله نوین درباره‌ی بناء اسلام، سال و ماه قمری و تفسیر آیه‌ی ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهدا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلک الذین القیم: بحث تفسیری، روائی، فقهی و تاریخی (تهران، 1364)؛ رساله فکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین (تهران، 1373)؛ رساله لب اللباب در سیر و السلوک اولی الالباب (تهران، 1366)؛ مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین: حضرت آیه الحق و التوحید حاج سید احمد کربلائی و حضرت آشیخ المحقق حاج شیخ محمدحسین اصفهانی... (تهران، 1373)؛ معادشناسی (تهران، 1361)؛ لمعات الحسین: برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سیدالشهداء ابی‌عبدالله الحسین (ع) (تهران، 1371)؛ ولایت فقیه در حکومت اسلامی (از منشات محمدحسین حسینی تهرانی، تنظیم و گردآوری از محسن سعیدیان و محمدحسین راجی، تهران، 1373)، نور ملکوت قرآن (مشهد، 1368)؛ نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت دکتر عبدالکریم سروش (تهران، 1374)؛ مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه محمدحسین طاطبایی تبریزی (تهران، 1375).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی طباطبایی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فقیه.
تولد: 1307، زابل.
شهادت: 7 تیر 1360، تهران.
حجت‌الاسلام سید محمدتقی حسینی طباطبایی، فرزند سید علی، تا سطح اجتهاد به تحصیل پرداخت و موفق شد که همچنین فوق لیسانس خود را در رشته‌ی فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات اخذ نماید. پیش از انقلاب اسلامی معلم بود و در حوزه‌ی علمیه‌ی زابل نیز تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی در ادامه کار تدریس خود، مسئول کمیته انقلاب اسلامی زابل بود. ایشان در اولین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زابل انتخاب شد. تألیفات وی عبارتند از منطق و منظوم؛ منتهی المیزان؛ احسن البیان و جزوه‌ای به عربی در مدح حضرت علی (ع).
حجت‌الاسلام حسینی طباطبائی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه 1360 در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در زابل به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسحق حسینی کوهساری
محل تولد : نکا- ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1328/2/15
زندگینامه علمی
حقیر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال 1328 در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق(ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلائی ادامه تحصیل داده ام.
در سال تحصیلی 47-46 وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریبا دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت 8 سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت 6 سال از محضر آیت الله جوادی و مدت 4 سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.
تقریبا چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم(ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام .
مدت 12 سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی ، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.
حقیر از سال 60-59 جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی 1 و 2 اخلاق ، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس

قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.
کتب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقیر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است.
حقیر کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام.و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم.
در ضمن حقیر افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریبا در لشکر 17 علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این ..... داشته و دارم.

حقانی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین حقانی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1313/12/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسین حقانی اوّل اسفند سال 1313 شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم.پدرم به نام علی از تجّار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیّع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال 1362 شمسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سن 86 سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اهمّ برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریّه حقّانی بود که در سال 1339 شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیّه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان رنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.
همان اوان مصادف بود با بلیّه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلیّه، بلیّه تسلّط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی به دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود.این جریان بی دینی، زندگی مذهبی ودینی را بر متدیّنین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیّت و تعّرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان به تهران فراهم نمود ودر سال 1327 شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرّخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی

همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیّه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصّب خاصّ مذهبی ودینی داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتّی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیة الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقاهت آنروز طی حکمی خرید وفروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم ودینی می دانست.
از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیدا مخالفت می کرد صریحا به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید ومثل ما به تجارت مشغول گردید ویا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سوّمی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین ودینداری وتقوا وکمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت وکسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه 1330 شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال 1330 هجری شمسی در قم شروع نمودم وبرای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به ییلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.
دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال(یعنی دوره نحو وصرف ومنطق ومعانی بیان وعلوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم.و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل ومختصر فقه اسلام است در عرض 5/2 سال خواندم و سپس (فرائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیة الله آخوند خراسانی را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیة الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول

در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیة الله مجاهدی و آیة الله طباطبائی وغیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم ودر عرض این دروس مربوط به فقه واصول، (لئالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق وحکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از 22 سال شرکت کردم.
در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء ومدرسین بنام و معروفی بودند که ازمحضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیة الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز وراحل حضرت آیة الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسجد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمنا در خارج اصول فقه مرحوم آیة الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایة الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیة الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیة الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایة الافکار) به رشته تحریردر آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند که من هنوز زنده ام اصلاح می کنم و من چون به نوشته های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا إن شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود 23 سال در دروس فقه مرحوم آیة الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیة الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقا به زبان عربی نوشته شده و موجود است.
در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها در مسجد

سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاک او باد). وهیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیة الله حاج شیخ محمد علی اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن(کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض 54 سال متجاوز از 700 دفترچه 200 برگی علمی وتاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایة الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یک دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت ، صلاة ، صوم ، زکوة ، حج ، خمس و . .) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیارات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانبهایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصا بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارک خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می باشد. روی همین تحقیقات وتقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیة العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقا موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیة الله سبحانی نوشته وآن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از 150 دفترچه 200 برگی می باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینک به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه – کلام – منطق – عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران – دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینک متجاوز

از 4 سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهرا جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمنا مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و ... را تدریس می نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیرا در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال 1420 مطابق 3 آذر سال 78) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از 200 استاد و اساتید گروه معارف که توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظله) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حکمت، نصرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر نصرالله حکمت ، ابتدا تحصیلات خود را در علوم حوزوی تا سطح خارج فقه و اصول (در سال1358) بپایان برد.وی باقی ماندن در این سطح را جایز ندانست و عزم خود را جزم کرد و در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شد .او مراتب علمی را به ترتیب تا دکتری در دانشگاه مذکور به تحصیل پرداخت و در سال 1373 موفق به اخذ مدرک دکتری رشته فلسفه از دانشگاه تهران شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه فلسفه, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی دکتر نصرالله حکمت به ترتیب زیر است: علوم حوزوی تا خارج فقه و اصول -سال 1358 لیسانس فلسفه-دانشگاه تهران-1364 فوق لیسانس فلسفه -دانشگاه تهران -1367 دکترای فلسفه -دانشگاه تهران -1373
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرالله حکمت فعالیت آموزشی خود را از سال 1373 در دانشگاه شهید بهشتی آغاز کرد که تا کنون ادامه دارد. وی دارای رتبه علمی دانشیار ی است.
فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی نصرالله حکمت به قرار زیر است: سالهای 52تا58 تدریس منطق و فلسفه در حوزه از سال 73 تاکنون تدریس در دانشگاه شهید بهشتی
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علایق پژوهشی : دین،فلسفه ،فلسفه دین ،عرفان و ادبیات
آرا و گرایشهای خاص : دکتر نصرالله حکمت، عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی، در پاسخ به این پرسش که آیا فلسفه اسلامی در وضعیت حاضر قابلیت پاسخگویی به مسائل جدید جامعه را دارد یا خیر، گفت: «فلسفه اسلامی در دوران ما در وضعیت انجماد قرار دارد. باید تلاش کنیم، انجماد فلسفه اسلامی شکسته شود.» دکتر حکمت افزود: «فلسفه قداست پیدا کرده و منجمد شده و رابطه اش با مسائل قطع شده است. فلسفه، اگر از حالت قداست خارج شود و به طرح پرسش و تأمل درباره پرسش‌ها تبدیل شود، طبعاً با پرسش‌های امروز ما

هم ارتباط برقرار می‌کند. پس اگر ما بخواهیم این انجمادها را بشکنیم و فلسفه را به دنیای امروزمان و مشکلات آن برگردانیم، باید حوزه اش را از حوزه دیانت خارج کنیم و آن را به عنوان امری که متعلق به تعقل و تفکر بشر است، در نظر بگیریم.» دکتر حکمت معتقد است که ما نیازمند بحث مسأله‌شناسی هستیم. باید بدانیم که مسأله روز یعنی چه؟ آیا امروز مسأله‌ای داریم که پیشینه نداشته باشد؟» وی تصریح کرد: «فلسفه باید از حالت بسته خارج شود و به اندیشیدن و تأمل آزاد درباره پرسش‌ها تبدیل شود. ممکن است بگویند، آنچه ما به عنوان فلسفه اسلامی می شناسیم بیش‌تر کلام است، تا فلسفه. باید بیندیشیم و اهل تفکر باشیم؛ ولی، این تفکر و اندیشیدن در یک فضای ایمانی خیلی راحت‌تر تحقق پیدا می‌کند.» دکتر حکمت تأکید کرد: «یکی از کاستی‌های جدی کتاب‌های فلسفه اسلامی بی توجهی به تاریخ شکلگیری اندیشه‌ها و آرای فلسفی بوده است. بیش‌تر فیلسوفان مباحث را طوری مطرح کرده اند که گویا همواره به همین شکل بوده اند و هیچ تحولی در آن‌ها صورت نگرفته است. این دشواری و بی زمانی از متون تحقیقی به متون تعلیمی راه یافته و دانشجویان را از دستیابی به تصویر روشن مباحث دور می‌سازد.»
چگونگی عرضه آثار : تعداد مقالات منتشر شده در مجلات داخلی و خارجی : بیش از 29 مورد عنوان های طرحهای پژوهشی : 1ـ وجود ماهیت در حکمت متعالیه که به صورت کتاب چاپ شده است. 2ـ متافیزیک ابن سینا،که در دست انجام است. ----------
---
آثار :
1 ایمان درمانی
ویژگی اثر : تالیف
2 تأملی در تاریخ فلسفه عقل
ویژگی اثر : تالیف
3 ترجمه المصحف المفسّر
ویژگی اثر : ترجمه
4 ترجمه علم اصول(1)
ویژگی اثر : ترجمه
5 ترجمه علم اصول(2)
ویژگی اثر : ترجمه
6 حکمت و هنر در عرفان ابن عربی
ویژگی اثر : تالیف
7 زندگی و اندیشه حکیم ابونصر فارابی
ویژگی اثر : تالیف _زیر چاپ

8 شرحی بر فصوص الحکم
ویژگی اثر : ترجمه
9 متافیزیک خیال در گلشن راز شبستری
ویژگی اثر : تالیف
10 مسئله چیست؟
ویژگی اثر : تالیف
11 وجود و ماهیت در حکمت متعالیه
ویژگی اثر : تالیف

حکمی قزوینی، ملاآقا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1285 -1184 ق)، حکیم متأله و مدرس فلسفه‌ی ملاصدرا. در قزوین متولد شد و برای اخذ علوم به اصفهان رفت و نزد آخوند ملاعلی نوری حکمت و فلسفه‌ی خواند و از بهترین شاگردانش محسوب می‌شد. آخوند نوری او را می‌ستود و دوستداران فلسفه را به محضر وی هدایت می‌کرد. سپس به قزوین بازگشت و در مدرسه‌ی صالحیه کرسی فلسفه و عرفان را اشغال کرد و حدود پنجاه سال به تدریس پرداخت. آقاعلی مدرس زنوزی، قرةالعین دختر ملا محمد صالح، میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسد آبادی، میرزا محمد تنکابنی و آقا رضا قلی قزوینی از شاگردان او هستند. ملا آقای قزوینی علاوه بر قدرت بیان از نظر احاطه به مبان فلسفه صدرالمتألهین کم‌نظیر بود. شیخ احمد احسائی در سفرش به قزوین با او مناظره علمی داشت. آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ای در حدوث عالم»؛ «حواشی اسفار»؛ شرحی بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :برگی از تاریخ قزوین (100)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13/ 151)، طرائق الحقائق (3/ 468)، قصص العلماء (88)، المآثر والآثار (183).

حکمی، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1343 -1262 /1261 ق)، عارف، فیلسوف و شاعر. معروف به حکیم. در دهستان کرون، از دهستانهای کرون، از دهستانهای بخش نجف‌آباد اصفهان متولد شد. وی تحصیلات خود را نزد استادان فن، در اصفهان به پایان رسانید و فلسفه را از آقا محمدرضا قمشه‌ای، حکیم معروف، آموخت. سپس به تهران آمد و تا آخر عمر در حجره‌ای واقع در مدرسه‌ی صدر، در جلوخان مسجد شاه به تنهایی زندگی کرد. حکمی از دانشمندان زمان خود بود و در مدرسه‌ی صدر حوزه‌ی درسی داشت. مدتی هم در مدرسه‌ی علوم سیاسی تدریس می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (441)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (120/3)، شرح حال رجال (170/6).

حکیم الهی لواسانی ثانی، شمس‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1336 ق)، کلامی، حکیم و ریاضیدان. در تهران متولد شد. تحصیلات وی در سبزوار، نزد حاج ملاهادی سبزواری بود. در سال 1276 ق به تهران مراجعت کرد و در همین شهر درگذشت و در صفاییه دفن شد. وی در علم کلام و حکمت و ریاضی مهارت تمام داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شرح حال رجال (152/2).

حکیم خراسانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن زین‌الدین بن محمد صادق گون‌آبادی.
عالم فاضل، حکیم متأله، فیلسوف ماهر، از اجله‌ی حکما و مدرسین اصفهان، صاحب ملکات فاضله. در اخلاق و آداب و حسن معاشرت ممتاز، و محضرش مجمع ارباب فضل و کمال، و خود از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیرخان بوده، در مدرسه‌ی صدر، مجردا زندگی می‌نمود، و جمعی کثیر از فضلا و مستعدین در خدمتش تلمذ می‌نمودند.
در تربت متولد، و از 1316 در اصفهان ساکن بوده، و در غره‌ی ذی‌حجه‌ی 1355 وفات یافته، در جنب استاد خود [آخوند کاشی] در تکیه‌ی ملک مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش این است:
«شمع دانش مرد از مرگ حکیم»
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم شاه قزوینی، محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، حکیم، متکلم، طبیب، نحوی و شاعر. مشهور به حکیم شاه محمد. نخست در شیراز می‌زیست. اجدادش پزشک بودند و خود نیز در پزشکی دست داشت. وی مدتی نیز در مکه زندگی کرد و بنا به تعریف و تحسین مولی ابن الموید که از علمای بنام دربار بایزید دوم، پادشاه عثمانی بود، توسط پادشاه مذکور به استانبول دعوت شد و پزشک دربار گشت و تذکره‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی در سالهای 929 -927 ق به نام سلطان سلیم بن بایزید عثمانی ترجمه کرد. او از شاگردان علامه‌ی دوانی بود و در اکثر علوم زمان خود دست داشت. حکیم مولفات خود را به دو زبان فارسی و تازی تالیف می‌کرد. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «تفسیر سوره‌ی النحل تا آخر قرآن»؛ «ربط السور و الآیات»؛ حواشی بر «تهافت» مولی خواجه‌زاده مصطفی بن یونس، حواشی بر «شرح العقاید نسفی» تفتازانی؛ ترجمه‌ی فارسی و ترکی «حیوه الحیوان» دمیری، به نام «حیوه الانسان» که برای سلطان سلیمان نگاشته؛ ترجمه‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی یا «ذیل تذکره الشعراء»؛ «شرح عقاید ملاجلال دوانی»؛ شرح «ایساغوجی»، در منطق؛ شرح «کافیه‌ی» ابن‌حاجب؛ «نصیحت نامه»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (115/4)، تاریخ تذکره‌های فارسی (123 -120 /2)، تاریخ نظم و نثر (277 -276)، الذریعه (102/9)، ریحانه (455 -454 /4)، فرهنگ ادبیات فارسی (445)، کشف الظنون (1958، 1893، 1371، 1146، 1144، 832 -208)، لغت نامه (ذیل/ حکیم شاه)، مجالس النفائس (مقدمه، لا- مج)، معجم المولفین (170/11)، هدیه العارفین (229/2).

حکیم قمیشه‌ای، نصرالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند حاج شیخ مرتضی. عالم فاضل حکیم فیلسوف متأله عابد زاهد، از شاگردان حاج ملاحسین علی تویسرکانی در اصفهان، و حاجی سبزواری و جمعی دیگر از علما و حکما بوده، و پس از تکمیل تحصیلات خود به مولد خویش مراجعت کرده، و به تدریس حکمت اشتغال جسته، و عده‌ای کثیر شاگرد تربیت نموده، و در زمان او تدریس حکمت به او منحصر بوده، و ریاست علمی در محل داشته است.
وی را حواشی است بر اوایل امور عامه‌ی اسفار.
تولدش در 1257، و وفاتش در 1324 روی داده، قبرش در امامزاده شاهرضا می‌باشد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم کازرونی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی حکیم متخلص به رحمت فرزند حاج سید عباس مجتهد طباطبائی کازرونی معروف به حاج مجتهد از فقهاء و مجتهدین و عرفاء و حکماء اشراق و شعراء دانشمند معاصر است.
معظم له در ذی‌حجه 1278 متولد شده و پس از پرورش در سن 7 سالگی سال 1285 قمری از کازرون به شیراز آمده و مقدمات و ادبیات عربی را در خدمت مرحوم حاج سید محمدعلی کازرونی فراگرفته و حکمت را در محضر درس حاج شیخ احمد معروف به شانه‌ساز و فقه و اصول را نزد آقا شیخ محمدحسین مجتهد شیرازی آموخته و در سال 1303 قمری به نجف مشرف شده و مدت دوازده سال از محضر مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی و علامه یزدی صاحب (عروه) و دیگران استفاده نموده و در سال 1315 قمری به موطن و مولد خود کازرون برگشته و اهالی آن شهر مقدم او را گرامی داشته و بنابر اصرار اهالی تا سال 1319 در آنجا اقامت نموده و بعد از آن به شیراز آمده و در شاه‌چراغ به اقامه جماعت و در مدرسه مقیمیه و منزل خود و مسجد نو به تدریس اسفار اربعه و فصوص الحکم و فقه و اصول پرداخته تا در روز پنجشنبه هیجدهم رجب سال 1343 ق در شیراز به رحمت ایزدی پیوست و در تکیه حافظیه مدفون شد.
از آثار علمی او کتب زیر است.
1- دوره اصول 2- دیوان اشعار فارسی و عربی (در شیراز چاپ شده) 3- دو رساله دیگر که چاپ شده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حکیمی فلاطوری، عبدالجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پروفسور عبدالجواد حکیمی فلاطوری در سال 1304 در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود. بعد از طی کردن دوران دبستان همزمان با فراگیری علوم متوسطه در جرگه حوزویان درآمد. عبدالجواد در شرح حال احوال خود چنین می‌گوید: « یادم هست یک زمستان را با کوزه ای شیره و روزی یک یا دو قرص نان به سر می آوردیم ولی غرق در اندیشه و خواندن و اندوختن شده بودیم. همان پیمانی که امیرالمؤمنین (ع) از دانشمندان امّت گرفته بود که لحظه ای در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستم رسیده قرار و آرام نداشته باشید، سرلوحه زندگی خود کرده بودیم. فلاطوری در 21 سالگی برای تکمیل اندوخته های علمی خود به تهران رفت و از محضر فرهیختگانی همچون حاج شیخ محمد تقی آملی و حاج شیخ محمد علی شاه آبادی بهره برد. سپس در پی مباحثی با دانشمند بزرگ حاج شیخ محمد رضا کلباسی پیرامون کتاب جواهر الکلام داشت به اخذ اجازه روایت و گواهی اجتهاد از محضر ایشان نائل آمد. ایشان در سن 30 سالگی به آلمان هجرت نمود و با تحصیل در رشته هایی همچون فلسفه- علوم تربیتی و تطبیق ادیان به درجه دکترا نائل آمد. او به چندین زبان از جمله آلمانی، یونانی، لاتین مسلط بود. در آلمان یک مرکز تحقیقات شیعه شناسی پایه گذاری کرد و مهم¬ترین منابع فقهی اصولی، کلامی و فلسفی شیعه را در آن گرد آورد. وی تمام کتابها را که حدود 4000 جلد بود شخصاً خریداری کرده بود.
فلاطوری در شناساندن دین مبین اسلام به نحو صحیح در آن کشور اقدامات مؤثری انجام داد. 60 کتاب و مقاله به زبان آلمانی، 15 مقاله به زبان فارسی، ترجمه کتاب های تاریخی از فعالیت های دیگر وی می باشد. وی همواره به این حدیث پیامبر اکرم صلی ا... علیه و آله تأکید داشت که: « هر کس علم(علوم حقیقی و معارف واقعی) را به جز در قرآن بجوید خداوند او را به گمراهی افکند». همچنین در مصاحبه های خویش به این نکته اشاره می نمود که موفقیتش در تبلیغ اسلام در غرب به این جهت بوده که به خود قرآن کریم استناد می کرده است. او می‌گفت: «من اگر در اروپا تبلیغ اسلام می کنم که بحمدالله مقبول افتاده حتی یک ذره ا ز اندیشه عقلی را در تبیین اسلام نمی آورم. خود قرآن بهترین بیان کننده اسلام است. دوری ما از قرآن آسفبار است»

از جمله خدمات بسیار مهم فلاطوری کاری بود که درباره اصلاح کتاب های درسی مدارس کشورهای غربی انجام داد. چنان که کتاب های درسی 17 کشور اروپایی را از پیش داوری های مغرضان و نادانان پاکسازی نمود. وی به استعمارشناسی توجه داشت و ضرورت آن را به خصوص برای شرق اسلامی درک می¬کرد. از این رو به افکار سید¬جمال الدین و تجربه های او ژرف می نگریست. وقتی به او پیشنهاد شده بود که به ایران بیاید و فلسفه و جامعه شناسی تدریس کند در پاسخ بی‌درنگ گفته بود: «من اگر بیایم قرآن تدریس می¬کنم، نهج البلاغه تدریس می کنم.»
استاد فلاطوری نهج البلاغه را شرح قرآن می دانست و درباره آن می گفت: «علی (ع) چون شمع می سوزد تا سوختنش چراغ هدایت دیگران قرار گیرد. آری سخنان مولا شارح کلام الله است و شرح دهنده قرآن و دقایق و اسرار آن».
به حق در مورد وی گفته شده که« فلاطوری غریب زیست و غریب مرد». ایشان در سال 1417 هـ .ق در شهر کُلن آلمان وفات کردند و پیکرش بنا به وصیت او به اصفهان منتقل شد و در تخت فولاد در کنار مزار فقیه و حکیم بزرگوار آیت الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب به خاک سپرده شد.

حلمی بخاری، علی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم و هفتم ق)، حکیم و عارف. از تألیفات وی: «بحر المعانی و صفو الامانی»، در اخلاق و معارف و تصوف که در سال 601 ق به پایان رسانید و در آن نظم و نثر فارسی بسیار جالب بکار برده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (122).

حیدری، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بن العابد الزاهد الورع حاج شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های علم و دانش و فضیلت معاصر است در راوند کاشان.
وی در سال 1305 شمسی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و پس از تعلیمات ابتدائی دوره مقدمات و ادبیات را در کاشان نزد اساتید بزرگ آن شهر فراگرفته و سپس مهاجرت به اصفهان و با جدیت تمام تفسیر و درایه و هیئت جدید را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی خوانده و علم کلام و فلسفه را از مرحوم آیت‌اللّه صدر کوپائی و علم تفسیر و اخلاق را نیز خدمت مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی فراگرفته.
ادبیات و شوارق را از مرحوم ادیب بجنوردی آموخته سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و مکاسب و کفایه را از آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌اللّه آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره‌مند شده و به درس مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج مرحوم آیت‌اللّه حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته تا سال 1351 قمری که بنابر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنابر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یثربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می‌نمایند.
معظم له دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می‌باشند که هنوز به طبع نرسیده است.
وی نیز طبع روان و ذوقی سرشار دارند و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام مخصوص حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه دارند
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خاتمی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود خاتمی متولد 1331 شهر ری است. وی تحصیات متوسطه را در تهران گذراند. او کارشناسی فلسفه را از دانشگاه تهران گرفته و با علاقه وافری که به این حوزه اندیشه یافته،مدارج دانشگاهی را بدون وقفه و با جدیت و پشتکار مثال زدنی تا مقطع دکتری فلسفه در این دانشگاه ادامه داده است.وی برای ادامه تحصیل به انگلستان می رود و موفق به دریافت دکترای فلسفه از دانشگاه دورهام انگلستان می شود.همچنین او دوره فوق دکتری فلسفه دانشگاه دورهام را نیز طی می کند. خاتمی از سال ۱۳۷۶ استاد تمام وقت گروه فلسفه دانشگاه تهران بوده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
خاطرات کودکی :
تحصیلات رسمی و حرفه ای : - پایان تحصیلات متوسطه در تهران - دریافت کارشناسی فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت کارشناسی ارشد الهیات (ادیان وعرفان) - دریافت کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت دکتری فلسفه از دانشگاه تهران - عزیمت به انگلستان برای ادامه تحصیل - دریافت دکتری فلسفه از دانشگاه دورهام انگلستان - ورود به دوره فوق دکتری فلسفه دانشگاه دورهام - خاتمی تحصیلات حوزوی نیز دارد و تحصیل علوم اسلامی معمول را تا اجتهاد در حوزه گذرانده است
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمود خاتمی عضو فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران نیز هست و در گروه اندیشه این مرکز سال هاست که حضور پیوسته داشته است.
فعالیتهای آموزشی : محمود خاتمی از سال ۱۳۷۶ استاد تمام وقت گروه فلسفه دانشگاه تهران بوده و همچنین درمقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های تربیت مدرس، علامه طباطبایی و مفید، تدریس فلسفه کرده است.او مدتی نیز به عنوان استاد میهمان (Visiting Professor) گروه فلسفه دانشگاه مک گیل McGill کانادا (2003-2004) به تدریس فلسفه پرداخته و در دوره حضور در انگلستان دستیار پژوهشی (1997-1996) (Research Assistant) فلسفه دانشگاه کمبریج نیز بوده است. - انتخاب شده در فهرست فیلسوفان برتر جهان در سال ۲۰۰۶ -

کمبریج انگلستان
آرا و گرایشهای خاص : محمود خاتمی همچنان که حوزه تألیف و تدریس را دنبال می کند،مسائل و مشکلات آموزش فلسفه در ایران را نیز پی گرفته و دیدگاه های سازنده ای در باره آن دارد. او در مقاله «بررسی مشکلات آموزش فلسفه غرب به دانشجویان سال اول فلسفه» که در همایش آسما ارائه کرد، راهی برای معرفی مکاتب و نحله های فلسفی برای دانشجویان، قبل از شروع مطالعات تخصصی شان پیشنهاد کرده بود.او می گوید: « یک ترم انتقالی پیشنهاد دادم شامل ۱۰ واحد نظری و ۸ واحد کارگاهی به منظور آگاهی ورودی ها با طرح کلی و فضای فلسفه، قبل از ورود به مطالعه و مباحث تخصصی. اصلاح برنامه های آموزشی، آموزش زبان خارجی روان برای مکالمه و مطالعه، ارائه مجالس سخنرانی های برنامه ریزی شده، کارگاه اندیشه، ایجاد ارتباط با مراکز آموزشی و پژوهشی دنیا و نظیر این ها نیز از راه های تغییر مسیر فلسفه از وضع کنونی آن در دانشگاه ها و بهینه شدن آن است». خاتمی تاکنون مقالات بسیاری را در حوزه فلسفه به فارسی و انگلیسی نوشته و بسیاری از این مقالات او در معتبرترین نشریات فلسفی دنیا چاپ و منتشر شده است.برایش آرزوی توفیق و طول عمر می کنیم.
جوائز و نشانها : محمود خاتمی امسال استاد نمونه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران نیز بوده و برای تألیف کتاب «جهان در اندیشه هیدگر» برنده جایزه کتاب سال در حوزه فلسفه غرب نیز شده است.همچنین کتاب «پدیدارشناسی دین» او جایزه کتاب سال را در حوزه دین پژوهی از آن خود کرده است. - پژوهشگر برتر در حوزه دین پژوهی، وزارت فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۲
چگونگی عرضه آثار : محمود خاتمی بخصوص در میان همنسلان خویش با نگارش مقالات متعدد به زبان انگلیسی و به عبارتی ارائه دائمی پیپر در محافل دانشگاهی،از دیگران تمایز یافته و او را به چهره آشنای فیلسوف ایرانی در محافل بین المللی فلسفه بدل کرده است.تا آنجا که در سال ۲۰۰۶ دانشگاه کمبریج انگلستان نام او را در فهرست فیلسوفان برتر جهان قرار داد و اعتباری ویژه برای فلسفه امروز ایران پدید آمد. نگارش مقالات متعدد فلسفی به فارسی و انگلیسی از جمله پراگماتیسم واومانیسم، وجه اومانیستی فلسفه هگل، هیدگر و علم جدید؛ رأی هیدگر در باب نسبت تکنولوژی و هنر،لویناس و دیگری، تبیین تاریخی، پدیدارشناسی دین، مفهوم تحلیلی جدید از خود و تجربه عرفانی آن و... از دیگر ویژگی های خاتمی، که او را با اکثریت همنسلان خویش در حوزه فلسفه جدا می کند،همانا تسلط او در تألیف دیدگاه های نظری خویش به زبان غیر فارسی است. تألیف کتب Sadraean Meditation، Basic

Issues in Islamic Philosophy و ... حضور او در جغرافیایی فراتر از مرزهای داخلی فلسفه در ایران را به ثبت رسانده است. خاتمی همچنان که حوزه تدریس و تحقیق شخصی را دنبال می کند از حضور در محافل دانشگاهی و سمینارها و کنفرانس های مرتبط با رشته کاری خویش نیز غافل نمانده است.او در سومین دوره از سمینارهای تخصصی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی درباره «امکان بحث از علیت ذهنی در اندیشه صدرایی» سخن می گفت. ----------
---

آثار :

1 الفبای نسبیت

ویژگی اثر : ترجمه ، (نوشته برتراند راسل

2 پدیدارشناسی دین

ویژگی اثر : سازمان انتشارات،(برنده جایزه کتاب سال در حوزه دین پژوهی). پژوهش «پدیدار شناسی دین» برای «ابتکار در گزینش موضوع و در عین حال بهره گیری از منابع اصلی بویژه مآخذ خارجی و نثر و ادبیات مناسب فارسی» به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد، بویژه آن که نخستین گام در این زمینه بود. خاتمی در مقدمه خودبر این کتاب آورده است: «پدیدارشناسی دین Phenomenology of religion رهیافتی است با اهمیت در دین پژوهی معاصر که به لحاظ تاریخی، محصول تلفیق دو جریان فکری - پژوهشی پدیدار شناسی هوسرل». او هدف خود را در این کتاب این چنین بیان کرده است: «نیت اصلی نگارنده آن بوده تا به پدیدار شناسی دین نگاهی متناظر یکMetatheoritic کند و شرحی در باب جایگاه و محتوای پدیدارشناسی دین بیان نماید». کتاب «پدیدارشناسی دین» را سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر کرده است. این کتاب در فصل، به این مباحث: مطالعات دینی: درآمدی به دین پژوهی معاصر- پدیدارشناسی دین: زمینه ها - پدیدارشناسی کلاسیک دین - پدیدارشناسی هرمنوتیک دین - دین و محاکات- دین و محاوره - پدیدارشناسی و حقیقت دین.

3 جهان در اندیشه هیدگر، مؤسسه اندیشه اسلامی

ویژگی اثر : (برنده جایزه کتاب سال در حوزه فلسفه غرب)

4 درآمدی به فلسفه ذهن

ویژگی اثر : جهاددانشگاهی دانشگاه تهران

5 زیبایی شناسی از منظر پدیدار شناسی،

ویژگی اثر : فرهنگستان هنر

6 فیزیک وفلسفه

ویژگی اثر : ترجمه، (نوشته ورنر هیزنبرگ

خادمی، عین الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عین الله خادمی
محل تولد : مازندران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/10/19
زندگینامه علمی
اینجانب عین الله خادمی در روستای شیر محله از توابع شهر فریدون کنار استان مازندران در یک خانواده متوسط روستایی دیده به جهان گشودم. دیپلم علوم تجربی را در سال 1359 در یکی از دبیرستان‌های شهرستان بابل و لیسانس الهیات و معارف اسلامی را در سال 1366 در دانشکده الهیات معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی را در سال 1369 از دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را از دوره عالی تحقیقات تهران کسب کردم. هم اکنون عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه شهید رجایی می‌باشم و استاد راهنمای بیش از 80 پایان‌نامه در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و ناظر چندین طرح پژوهشی بوده ام. اینجانب علاوه بر تدریس در مراکز علمی به فعالیت‌های پژوهشی نیز اشتغال دارم.

خجندی اصفهانی، صاین الدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صاین الدین خجندی اصفهانی مشهورترین شخص آل خجند بود . صاین الدین از عرفا و دانشمندان مشهور قرون 8و9هجری قمری به شمارمی آید . یو نواده صدرالدین ترکه خجندی است وتقریبا دردهه پنج ازسده 8هجری قمری در شهر اصفهان می زیست .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : صاین الدین خجندی از خاندان آل خجند بود. آل خجند درقرن پنجم هجری قمری درخاک ایران تعلیم معارف کردند تاریخ اصفهان گواه این است که چه قدر این خاندان درکارسیاست و دولتداری دور اندیش و باریک بین بودند ونیز ماهر درسیاست و حکمت وعرفان ،حامی فضل ودانش پاسدار زراعت و امارت بودند . همچنین خصلت های نجیب آل خجند باعث شده است . که آنها درررونق حمایت میهن دوم خویش یعنی اصفهان جد و جهد تمام به خرج داده وبا اعمال فضیلت دوستی و سیاست رعیت پروری نام نیک خودرا در تاریخ ایران جاودانه کردند .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : صاین الدین خجندی و خانواده اش به «ترکه » نیز معروف بودند . صاین الدین دراین باره آورده است «حال آنست که قوم این فقیر درعراق به علم وتقوا ممتاز بودند . وی به گوشه نشینی و ملاح مخصوص چون امیر بزرگ .... سایه چتر تسخیر بدان دیار انداخت . وجوه اعیان آن را فرمود کوچانیدن برادر انم درحیات بودند ،ایشان رابه تربیت مخصوص گردانید به واسطه قدمت نسبی که معلوم فرموده بودند که اجداد بندگان از خجند بوده اند و لقب ترکه از آنجاست .تحصیلات رسمی و حرفه ای : صاین الدین خجندی سالیان دراز نزد برادرش خواجه نصیر الدین محمد ترکه خجندی اصفهانی ،درس خوانده و دررشته های مختلفی همانند فقه ،علوم غریبه ،حروف ، تصوف ، فلسفه و منطق مهارت خوبی پیدا کرده است .وقایع میانسالی : یکی ازوقایع مهم دوران میانسالی صاین الدین خجندی، فتح اصفهانی توسط سپاهیان امیر تیمور گورکانی است . دراین بین صاین الدین به همراه برادر انش به عنوان غنایم به شهر سمر قند آورده شده اند و زندگی تاز ه ای را از سرگرفتند .زمان و علت فوت : صاین الدین خجندی درسال 835 هجری قمری درهرات فو ت کرد . هر چند ک سالهای 830 و 836 ازنیز درمورد وفات او آورده اندلیکن 835 دقیقتر می نماید .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صاین الدین خجندی درسال 809 هجری قمری

توسط شاهرخ گورکانی به عنوان قاضی یزد برگزیده شد . صاین الدین خجندی مدتی هم برمسند قضای شهرنشینی بور نشسته است .فعالیتهای آموزشی : صاین الدین خجندی درزمینه تصوف ، عرفان ، فقه ،کلام ،اخلاق ،منطق ،حروف ،شعر و ادب تالیفات گرانبهایی به میراث گذاشته است . برخی از محققان که آثار فلسفی صاین الدین را معرفی و تا حدودی بررسی کرده اند او را به عنوان « اسپینوزای ایران » گفته اند . در حقیقت افکار فلسفی و عرفانی صاین الدین درمقایسه با همزمانان خود در سطح بالایی قرار دارد و شایسته ستایش است .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شعر وشاعری از جمله فعالیتها وبرنامه ریزی های روزمره صاین الدین خجندی بود . غزل صاین الدین خجندی از اندیشه های بلند عرفانی برخوردار است و لطافت شعرو موسیقی آن هم کم نیست .همفکران فرد : قاضی زاده رومی ، شرف الدین علی یزدی ، سید شریف حسین اخلاطی و علاء الدین گیلانی از جمله همفکران صاین الدین خجندی بودند .آرا و گرایشهای خاص : صاین الدین خجندی سبک و سلوک نگارش بسیار جذابی داشت . صاین الدین درنوشتن مطالب عرفانی و فلسفی موفق بوده و درگفتن شعر فارسی و عربی نیز هنر نمایی کرده است .آثار : 1 نفثه المصدور اول ویژگی اثر : صاین الدین این کتاب را تقریبا 829 هجری قمری ، خطاب به پادشاه گورکانی نوشته است .

منابع زندگینامه :بایمت اف ، لقمان ،درباره احوال و آثار صاین الدین خجندی ،کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ،شهریورماه 1380 ، پیاپی 179 ، صص48-49

خدایی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا خدائی
محل تولد : پلدختر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا خدائی به سال 1351 در شهر پلدختر که اینک شهرستان شده به دنیا آمدم، بخش عمده تحصیلات ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در همان جا سپری نمودم. پس از مراجعت از جبهه با مطالعه آثار و اندیشه های فیلسوف و متفکر گران .... مرحوم استاد مطهری رضوان الله علیه عطش طلب علوم دینی در جانم شعله ور گردید تا آنجا که علی رغم قبولی در دانشگاه شهید چمران اهواز رشته دبیری زبان انگلیسی آن را رها نموده و در سال 1371 راهی حوزه علمیه ولی عصر عج الله شهرستان آشتیان شدم.
پیشرفت علمی و معنوی حقیر در مدرسه صاحب الامر آشتیان به گونه ای بود که خیلی سریع مورد رضایت خاصی حضرت آیت الله آشتیانی (میرزا ابوالقاسم) قرار گرفتم. به طوری که وی پس از استماع نخستین منبر بنده فرمودند اگر می دانستم در بین طلاب مدرسه چنین استعدادهایی وجود دارد دیگر از قم روحانی دعوت نمی کردم.
دلبستگی ام به علوم عقلی و برهانی آنچنان بود که با وجود تحصیل در پایه دوم در درس بدایةالحکمه شرکت می کردم و در این بحث گوی سبقت را با فیض باری از سایر دوستان می ربودم. به طوری که روزی استاد درس بدایة الحکمه آیت الله باغبانی به حقیر فرمودند شما از این به بعد نیازی به حضور در کلاس من ندارید و می توانید فلسفه درس بدهید.در سن 24 سالگی موفق به تدریس کتاب معالم الاصول برای حوزه علمیه بروجرد شدم . هم چنین مواد گوناگون ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه و اصول را در حوزه تدریس نموده ام.با مطالعه سیره بزرگانی هم چون مرحوم مفتح و استاد مطهری از همان ابتدا ارتباطم را با دانشگاه برقرار ساختم و اینک مدت شش سال است که در دانشگاه مشغول تدریس می باشم..
اما بیشترین استفاده علم ام را از جشمه جوشان و زلال حکمت و تفسیر

آیت الله جوادی آملی برده ام.
همان طور که در جدول مربوط آورده ام تحقیقات بدیهی در زمینه علم و موجود در قران انجام داده ام که انشاء الله برخی از انها به زیور طبع آراسته خواهند شد.هم چنین می افزایم که مراحل گوناگون علمی کسب مجوز تدریسی در مواد اندیشه اسلامی 1 و 2 و نیز متون اسلامی را در معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری طی نموده ام و هم چنین مدارج علمی عضویت در هیات علمی دانشگاه را طی نموده ام.

خراسانی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل خراسانی
محل تولد : دامغان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
ابوالفضل خراسانی دارای تحصیلات سطح 4 رشته تخصصی کلام اسلامی از حوزه علمیه قم وکارشناسی ارشد فلسفه وکلام اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم قم .حدود 8 سال سابقه تدریس درحوزه ودانشگاه و8 سال سابقه پژوهشی در مرکز فرهنگ ومعارف قرآن کریم ودائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی ، دارای مقاله دردائرة المعارف قرآن کریم وتألیف بهداشت زندگی در پرتو قرآن ،احادیث وعلم روز و همکاری با نشریه معارف عقلی وکارشناس برنامه پارسایان رادیو معارف وکارشناس گفتمان دینی در سازمان تبلیغات اسلامی وسابقه تبلیغ وارشاد 15سال .

خرقی آرانی، حسن آقا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن آقا خرقی آرانی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
ـ اخذ دیپلم تجربی سال 1360 آران و بیدگل. -ورود به حوزه 1360 اتمام سطح 1368 کاشان. ـ ورود به سطح 1368 و شروع درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی اصول آیت الله وحید خراسانی. ـ ورود به دانشگاه دولتی رشته فلسفه 1373 اتمام 1377. ـ ورود به دانشگاه رشته فلسفه غرب 1377 اتمام 1380ـ سیزده سال سابقه و حضور در درس خارج فقه و اصول در قم. ـ سابقه 12 سال تدریس در دانشگاه‌های متعدد. ـ سابقه پنج سال تدریس در حوزه در مقاطع متعدد. ـ دارای دو اثر چاپ شده. ـ دارای سه اثر چاپ نشده. ـ صاحب ده‌ها مقاله علمی. ـ صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه دو هفته‌نامه ظهور. ـ دارای دو مجوز اخلاق اسلامی و اندیشه اسلامی (معارف) از نهاد رهبری. ـ صاحب مقالاتی چند در نشریات معتبر کشور.
ـ دفاع از پایان‌نامه علمی فلسفی 1380 با ترجمه کتاب انگلیسی پوتنام جنبه‌ها و جمله‌هایی چند از رئالیسم با تفسیر و شرح. ـ جلسات تفسیر قرآن به طور مرتب. ـ حضور در جلسات فرهنگی و ادبی و ارائه مقاله و سخنرانی و غیره... .

خزائلی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی خزائلی
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در 26 دی ماه 1334 هجری شمسی در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایثار ، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی ، تربیت و پروش یافت و ازآغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید ، در کار کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال 1349) در سن شانزده سالگی ، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق ، عقاید ، صرف ، نحو ، ادبیات ، منطق ، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگواری نظیر : مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان ، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی ، مرحوم سید محمد باقر حسنی ، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت ، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال 1355 راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر ، آیات : فاضل هرندی ، ستوده ، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید . پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه ، اخلاق ، عرفان (کتاب های منظومه ، منطق و

حکمت ، اسفار ، فصوص الحکم و مصباح الانس ، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات : مرحوم ایزدی ، انصاری شیرازی ، گرامی ، جوادی آملی ، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار ، آیات : آقا موسی شبیری زنجانی ، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیرقرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی ، و حضرات آیات : خزعلی ، مشکینی و جوادی آملی بود .
خارج فقه و اصول را مدت قریب 25 سال خدمت حضرات آیات عظام : گلپایگانی ، حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج شیخ حسینعلی منتظری ، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد . مبارزات و فعالیت های سیاسی : ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود . در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت . هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم ، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد .
در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت . طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضلای آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند .
نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود . بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران

رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد ، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد . اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد ، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه ، مراکز علمی ، محافل و مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید . با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود . بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت .

تدریس : سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه ر ا فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات ، فلسفه ، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به 30 سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند . ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان 9 سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه هستند . همچنین نزدیک 16 سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند .

خسروپناه، عبدالحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین خسروپناه
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال 1345 در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال 1362 تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال 1368 در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسیان، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می‌شد وی در سال 1368 دروس خارج فقه و اصول را درحوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزة علمیه قم حدود 12 سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال 1374 در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال 1364 تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین‌نژاد ، آیت الله حسن‌زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده های فراوان برده است. وی از سال1361 تا 1367 در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهای دفاع مقدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیاتهای مختلف به عنوان دیده بان و... شرکت جست ، از دیگر فعالیتهای ایشان می توان برگزاری جلسات قران در مساجد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان ازسال 1370 در کنار تحصیل به فعالیت

پژوهشی اشتغال ورزید و فعالیت‌های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال 1372 تا 1376 مدیریت پژوهشی اصطلاح نامه فلسفه مرکز مطالعات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال 1376 تا 1378 مدیریت اداره پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و از سال 1377 تا 1382 مدیریت اصطلاح نامه عرفان دایرة المعارف علوم عقلی و از سال 1379 مدیریت گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال 1379 جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهده داشت، وی از سال 1362 در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزه اشتغال داشته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعة الزهراء به تدریس ادبیات، فقه ، اصول ، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال 1365 در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال 1371 در کنگره‌ها و همایش‌های علمی داخلی وخارجی شرکت جسته و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خفری جهرمی شیرازی، شمس‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 942 ق)، که فیلسوف، متکلم و شاعر معتزلی. از مردم خفر فارس و ساکن کاشان بود، مدتی نیز در هرات نزد سلطان بایقرا به سر برد و از آنجا به عربستان رفت. پس از چندی به کاشان بازگشت و همان جا درگذشت. وی شاگرد صدرالدین دشتکی شیرازی و استاد سید شاه طاهر بن رضی‌الدین اسماعیل حسینی و معاصر علی بن عبدالعالی بود. خفری در کسب دانش دارای همت عالی بود و شعر نیز می‌سرود. آثار وی: «رساله در اثبات واجب»؛ «منتهی الادراک» در هیات؛ «رساله‌ای در علم رمل»؛ «رساله‌ی الهیات».[1]
شمس‌الدین محمد بن احمد شیرازی، دانشمند و فیلسوف (ف. حدود 960 ه.ق.) از شاگردان صدرالدین محمد دشتکی و ساکن کاشان بود. از آثار وی تذکره خواجه به نام تکمله‌ی رساله‌ی اثبات الواجب و حواشی بر شرح هدایة الحکمة است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (119/9)، تاریخ ادبیات در ایران (347 304، /5)، تاریخ نظم و نثر (841)، حبیب السیر (611/4)، الذریعه (240/12، 331/4، 106/1)، ریحانه (154/2)، سرآمدان فرهنگ (333 -329 /1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 218/10)، طرائق الحقائق (133/3)، فرهنگ ادبیات فارسی (197)، الکنی و الالقاب (218/2)، لغت نامه (ذیل/ خفری)، مجالس المومنین (234 -233 /2)، معجم المولفین (254/8).

خلخالی، صالح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
السید صالح بن السید محمد سعید الخلخالی از علماء عصر قاجاریه و فلاسفه زمان ناصرالدین شاه قاجار بوده است.
در کتاب (مآثر و آثار) گوید. وی از بزرگترین شاگردان سیدالحکماء والمتالهین فیلسوف العصر آقا سید ابوالحسن اصفهانی معروف به جلوه و مدرس مدرسه (دوست علیخان نظام‌الدوله) معروف به مدرسه معیر بوده و تدریس فلسفه و علم کلام و سطوح فقه و اصول می‌نموده است و حقاً که او صاحب ذهن دقیق و فکر عمیق و از آثار علمیه او (شرح دوازده امام) شیخ محی‌الدین عربی است که بنام مؤلف کتاب مزبور نوشته و نیز ترجمه (فرائدالاصول) شیخنا الانصاری به فارسی او را یاد کرده و گفته.
و فاضل الادیب محمدعلی تربیت در کتاب (دانشمندان آذربایجان) ص 10 گوید سید صالح بن محمد سعید در اول ماه صفر 1306 قمری وفات نموده و در مقبره ابن بابویه (شیخ صدوق) مدفون گردیده است و یاد کرده که او دارای سه اثر نفیس است که تمام آن شرح بر کتب مذکوره و شرح بر قصیده یائیه میرفندرسکی متوفی 1050 می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خلعتبری، حسام الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسام الدین خلعتبری لیماکی
محل تولد : تنکابن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 بعد از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و بیش از 20 سال به درس و تحقیق و تدریس مشغول شدم .طی 10 سال نخست سطح را به پایان رساندم و از پایان نامه سطح 3 دفاع کردم و حدود 10 سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم و سبحانی شرکت کردم.در سال 1370 در مرکز آموزش های علمی و فرهنگی موسسه امام خمینی(ره) در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در مدت 5 سال این دوره را به اتمام رساندم.
در سال 1373 در اولین دوره امتحانات دروس معارف اسلامی که توسط معاونت امور اساتید معارف برگزار شد شرکت کردم و در دو گرایش تدریس اخلاق و تربیت اسلامی و معارف اسلامی موفق شدم.از سال 1371 تاکنون در دانشگاههای مختلف مانند تهران، علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، بین الملل و آزاد اسلامی تدریس کردم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشم.در ضمن در دوره دکترای phd در دانشگاه باقرالعلوم قم در رشته مبانی نظری اسلام پذیرفته شدم و الان مشغول تحصیل هستم.

خلیلی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین خلیلی
محل تولد : بهشهر
شهرت : خلیلی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/6/1
زندگینامه علمی
در سن 6 سالگی وارد دبستان زادگاه خود شدم و در سن 18سالگی موفق به اخذ دیپلم تجربی شدم. در سن 19 سالگی(1365 شمسی) با قبولی در امتحان ورودی حوزه علمیه قم، وارد حوزه شده و در مدرسه علمیّه منتظریه (حقانی) سطح 1 و مقدمات را سپری نمودم. سپس مشغول فراگیری دروس سطح 2 شده و در سال 1375-1376 همه امتحانات کتبی و شفاهی، اصلی و جنبی حوزه تا پایان سطح 3 را به پایان بردم. در همین حال در فوق لیسانس مدرسی الهیات و معارف اسلامی(گرایش کلام و فلسفه) مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و آنگاه در سال 1379 در امتحان ورودی کتبی دکترای تخصصّی کلام در دانشگاه مذکور با حیازت رتبه ششم، حدّ نصاب بورسیه تحصیلی کسب نمودم که بنابه دلائلی ادامه تحصیل در دکترا را واگذار نمودم. در همین زمان تدریس سطوح مختلف دروس حوزوی از مقدمات شروع نموده و به طور خصوصی و سپس بطور رسمی در مدارس حوزه ادامه دادم. از سال 1372 هم تبلیغ و سخنرانی را در استانهای مختلف کشور در ایام تبلیغی آغاز نموده و هم اکنون نیز ادامه دارد.
تألیف چند کتاب و ترجمه و تحریر برخی کتب دیگر نیز از جمله توفیقات حقیر بوده است. مدرک سطح 3 و سطح 4 حوزه را نیز دریافت نموده و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی مدرسه امام خمینی(ره) در مرکز جهانی علوم اسلامی مشغول تدریس هستم.

خمینی، روح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.
تولد: 30 شهریور 1281(20 جمادی‌الثانی 1320 ق. 24 سپتامبر 1902)، خمین.
درگذشت: 14 خرداد 1368، تهران، بیمارستان قلب.
روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.
دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبدة التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.
از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی‌محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال 1298 عازم حوزه‌ی علمیه‌ی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.
در سال 1339 ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائی یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلای و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با

محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.
درسال 1340 با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین 15 خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجددا در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال 1344 به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان- آیت‌الله سید مصطفی خمینی- به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در 12 بهمن 1357 با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در 22 بهمن ماه 1357 با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال 1368 در تهران درگذشت.
از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف 1348)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایة الی الخلافة والولایة، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوة (صلاة العارفین و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوة)، رسالة لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی‌زاده، چاپ سوم 1363 ق.)، انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، رسالة الاستصحاب، رسالة فی التعادل و التراجیع، رسالة الاجتهاد و التقلید، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رسالة فی الطلب و الارادة، رسالة فی التقیة، رسالة فی قاعدة من ملک، رسالة فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهارة (چهار جلد)، تعلیقه علی العروة الوثقی، مکاسب محرمه (دو جلد) تعلیقة علی وسیلة النجاة، رسالة نجاةالعباد)، حاشیه بر

رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیة)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوة، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتائات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، المکاسب المحرمة (عربی، 1381 ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، 1380 -1375 ق.).
حضرت آیةاللّه العظمی امام سید روح‌اللّه موسوی خمینی 20 جمادی الثانی 1320 (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان- آیةاللّه سید مصطفی خمینی- در اواخر 1320 در سن 47 سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.
امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیةاللّه پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در 1339 عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در 1340 در محضر آیةاللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائی به قم عزیمت کرد. او در 1345 ه.ق. سطوح عالیه را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه- آیةاللّه حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در 1355، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیةاللّه شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت- رضاخان- گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجددا در فیضیه آغاز گشت.
در سال 1364 ه.ق. همزمان با ورود آیت‌اللّه بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.
در سال 1340 ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه- که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود- مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه 15 خرداد 1341 پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود

ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در 13 آبان 1342 به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب 15 سال اجبارا در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در 1356 ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیةاللّه مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.
آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسیله کتاب الصلوة، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع (در 5 جلد)، مصباح الهدایة (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:
خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!
(1410 -1320 ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌اللّه پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال 1339 ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالیه را خواند. با عزیمت آیت‌اللّه حائری یزدی در سال 1340 ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل 1345 ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت اللّه شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌اللّه حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یثربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی‌یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام

خمینی از سال 1368 ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال 1340 ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد 1342 ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال 1356 ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا 14 خرداد ماه سال 1368 ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم با شکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهارة»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایة»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت.[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (187 -185)، الذریعه (52 / 22 123، / 21 ،13 / 18 ،69 / 13)، سخنوران نامی معاصر (347 -340 / 1)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 3، ص 15 -1)، گنجینه‌ی دانشمندان (29 -12 / 8)، مؤلفین کتب چاپی (232 -231 / 3).

خنجی، افضل‌الدین، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(649/646 -590 ق)، منطقی شافعی. اهل خونا یا خونج مراغه بود. بیشتر ایام عمر خود را در شام و مصر گذرانید و در مدرسه‌ی صلاحیه‌ی قاهره تدریس می‌کرد و عهده‌دار مقام قضاوت نیز بود. از آثار وی: «کشف الاسرار عن غوامض الافکار»، در منطق که ابن البدیع بندهی و نجم‌الدین کاتبی قزوینی آن را شرح کرده‌اند؛ «الموجز».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (244/3)، سرآمدان فرهنگ (169/1)، کشف الظنون (1901 ،1486)، هدیه العارفین (123/2).

خواجوی، ملا محمد اسماعیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا محمد اسماعیل خواجوئی، یکی از بزرگترین دانشوران قرن دوازدهم هجری است. وی مازندرانی بود اما در اصفهان به تحصیل پرداخت. از اساتید او اطلاع دقیقی در دست نیست او ظاهراً نزد بهاء الدین محمد اصفهانی مشهور به " فاضل هندی" و ملا محمد تنکابنی مشهور به " فاضل سراب" تحصیل می‌کرده است. اواسط زندگی خواجوئی مقارن با حمله افغانها و محاصره اصفهان است. دراین سالها (1134–1137) هـ. ق بسیاری از مردم در اثر قحطی جان سپردند و عده دیگری به دست مهاجمان افغان کشته شدند. سقوط سلسله صفویه و بروز قحطی و هرج و مرج و آشفتگی اوضاع و نابسامانی وضع معیشتی مردم موجب از هم گسیختگی حوزه بزرگ علمی، ادبی و هنری اصفهان شد. پس از فرار افغانها از ایران و فروکش کردن آتش فتنه ، آنچه باقی ماند خرابی و ویرانی شهر و از دست رفتن هزاران دانشمند و نابودی صدها کتابخانه و مرکز علمی بود. ملا اسماعیل خواجوئی از معدود کسانی بود که با همت والای خود کمر به احیای حوزه علمی اصفهان زد و با رونق بخشیدن به مدارس علمیه و برپایی جلسات درس و تالیفات بسیار، بار دیگر از نابودی حتمی حوزه علمی اصفهان جلوگیری کرد. خواجوئی در فقه ، اصول، کلام، حکمت، ریاضی ، هیات و ادبیات ، مهارت به سزایی داشت و از کسانی بود که فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) را به نسل های بعد انتقال داد.از او آثار علمی بسیاری به جای مانده است که از همه مهمتر" مفتاح الفلاح" در شرح دعای صباح، "جامع الشتات " ، " ابطال الزمان الموهوم" و " حاشیه بر اربعین" شیخ بهائی را می توان نام برد. "ملا محمد مهدی نراقی"، "آقا محمد بید آبادی"، "میرزا ابوالقاسم مدرس" و "ملا محراب گیلانی" مشهورترین شاگردان خواجوئی به شمار می روند. سرانجام این دانشمند عالیقدر به سال 1173 هـ ق به دیار باقی شتافت و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبرستان فاضلان به خاک سپرده شد.در سالهای اخیر مجموعه تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد بقعه ای بر سرمزار او بنیاد نهاده است.

خواص، امیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر خواص
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب امیر خواص دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خود یعنی تهران سپری کردم .سال چهارم دبیرستان دررشته علوم تجربی ، همزمان با آغاز تحصیلات حوزوی بود از سال 62 تحصیلات حوزوی را بطور جدی در قم آغاز نمودم و در سال 72 دروس سطح را با موفقیت سپری کردم. از سال 73 تا سال 80 به مدت 7 سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.
از سال 1371 که مشغول درس کفایه الاصول بودم وارد موسسه در راه حق شدم و درسال 1374 به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتقل شدم و در سال 1375 در رشته الهیات و معارف اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال 1381 با دفاع از رساله خود با عنوان بررسی تطبیقی سعادت از دیدگاه افلاطون ، ارسطو غزالی با رتبه ممتاز دفاع نموده و فارغ التحصیل شدم. از سال 1382 به عضویت هیئت علمی موسسه و آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) درآمدم. در سال 1383 در رشته فلسفه دین در مقطع دکترا شرکت نموده و پذیرفته شدم و هم اکنون در ترم اول مشغول تحصیل هستم.
کارهای پژوهشی را از سال 1376 آغاز نمودم و حدود 3 سال در زمینه فلسفه اخلاق به پژوهش و مطالعه پرداختم که محصول آن ترجمه مقالاتی از دایره المعارف فلسفه اخلاق بکر بود که دفتر اول آن در سال 80 از سوی موسسه امام خمینی(ره) منتشر شده است در سال 77 به همراه جناب آقای اکبر حسینی کتاب دین و اخلاق را تالیف نمودیم که این اثر برای چاپ آماده شد اما متاسفانه در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به مدت دو سه سالی مفقود شد و پس از مدت ها که پیدا شد منتظر فرصتی برای به روز کردن آن و چاپ هستیم.
هم چنین کتاب منشأ دین را به همراه آقای سید اکبر حسینی تالیف نموده

ام که بزودی منتشر خواهد شد.
مقالات جلد دوم فلسفه اخلاق هم در حال آماده شدن است که به همراه مقالات برخی دوستان چاپ خواهد شد.
کتابها و مقالات دیگری هم تالیف شده است که برخی چاپ شده اند و برخی هنوز منتشر نشده اند. موضوعات و زمینه های تدریس این جانب عبارتند از: فلسفه اسلامی ، کلام اسلامی، فلسفه دین، کلام تطبیقی ادیان ابراهیمی و شرقی.

خوانساری، جمال، جمال‌الدین محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1125/1121 ق)، فقیه، اصولی، حکیم، محقق، محدث و متکلم. معروف به جمال المحققین. معاصر ملامیرزا شیروانی و علامه مجلسی بود. به همراه برادرش، آقا رضی، نزد پدرش، محقق خوانساری، و دایی‌اش ملا محمدباقر محقق سبزواری در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان تحصیل کرد و همانند پدرش صاحب تالیفات بسیاری شد، با این تفاوت که تالیفات وی بیشتر نقلی و تالیفات پدرش بیشتر عقلی است. از پدرش محقق خوانساری و سید ابرهیم بن میر معصوم حسینی قزوینی روایت می‌کرد و از ملا محمدتقی مجلسی اجازه‌ی نقل حدیث داشت. علمای بسیاری از وی اجازه روایت داشتند که از آن جمله: محمد اکمل بهبهانی و محمد رفیع گیلانی. وی صاحب طبعی ظریف و نکته‌سنجی دقیق و باهوش، بخصوص در فهم ظواهر حدیث کم‌نظیر بود. چنانکه تیزهوشی وی را از روی ترجمه‌ی «مفتاح الفلاح» و تعلیقاتی که بر آن نگاشته است و کتاب مزاری که برای شاه سلطان حسین هنگام زیارت امام رضا (ع) و توضیحاتی که برای الفاظ زیارات آورده است، می‌توان فهمید. وی که عالمی متکلم بود، مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت را نقد کرد. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. اغلب منابع تاریخ وفات وی را سال 1125 ق نقل کرده‌اند و آقا بزرگ تهرانی با استناد به ماده تاریخ زیر تاریخ وفات وی را سال 1121 ق می‌داند: «فوتش را بفاتح هاتفی از غیب گفت: کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال یعنی 1121». از آثار وی: ترجمه‌ی «قرآن مجید»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ شرح فارسی «غرر و درر»؛ شرح فارسی «مفتاح الفلاح»؛ حاشیه بر «شرح عضدی»؛ حاشیه بر «تهذیب الاحکام»؛ حاشیه بر «بر من لا یحضره الفقیه»؛ «شرح اللمعه ش الشرائع»؛ شرح «الشفاء»؛ شرح «اشارات»؛ «شرح حدیث البساط»؛ «النیه»؛ «اختیارات الایام»؛ «اصول‌الدین»، در امامت؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول»؛ «جبر و اختیار»؛ شرح بر «حدیث الطینه»؛ در جبر؛ «کلثوم ننه» یا «عقائد النساء» که در آن رسوم و پندارهای معمول میان زنان آن روزگار ایران به نقد کشیده. از دیگر آثار او ترجمه «الفصول المختاره من العیون و المحاسن» معروف به «مجالس» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (231/9)، تاریخ ادبیات در ایران (316/5)،

تذکره القبور (238)، الذریعه (440/24، 192/13، 82/14، 53/6، 506، 122، /4، 367/1)، روضات الجنات (210 -208 /2)، ریاض العلماء (11/7، 114/1)، ریحانه (54/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 148 -146 /12)، فوائد الرضویه (84 -83)، لغت نامه (ذیل/ جمال)، مولفین کتب چاپی (383 -381 /2)، معجم المولفین (255/9، 154/3)، هدیه الاحباب (120)، هدیه العارفین (321/2).

خوانساری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمّد خوانساری (1300 ـ اصفهان) دارای مدرک دکتری منطق و فلسفه است .وی هم اکنون عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد بازنشستهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانش‌سرای عالی است. کتاب " ایساغوجی فر فوریوس و مقولات ارسطو "ترجمه محمد خوانساری ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد خوانساری تحصیلات مقدماتی را در مکتبخانه آغاز کرد. خواندن و نوشتن قرآن کریم را آموخت و برخی از سوره‌های کوتاه را به حافظه سپرد. پس از درگذشت پدر به مدرسهٔ ابتدایی ایران رفت. در سال 1319 از دانشسرا دیپلم گرفت. برای ادامهٔ تحصیل به تهران آمد و در دانشسرای عالی از محضر اساتیدی چون: دکتر رضازاده شفق، جلال‌الدین همایی و مدرس رضوی بهره برد. در سال 1323 پس از نگارش پایان‌نامه زیر نظر دکتر یحیی مهدوی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی گردید. در سال 1329 لیسانس رشتهٔ ادبیات فارسی را گرفت و در سال 1332 موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات گردید. در سال 1337 به عنوان فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت. سه سال به تحصیل اشتغال داشت و سرانجام در سال 1340 به اخذ درجهٔ دکتری از دانشگاه پاریس در منطق و فلسفه نایل آمد. تحصیلات علوم قدیم و معارف اسلامی را هم از همان سال اول دبیرستان آغاز کرد. جلد دوم مبادی العربیة و مدارج القرأة را از میرزا عباس نحوی و جامع‌المقدمات و مقداری از سیوطی را نزد دیگر اساتید فراگرفت. حاج سیدعبدالحسین طیب استاد عقاید و تفسیر وی بود. از فاضل تونی دنبالهٔ سیوطی، مغنی، حاشیهٔ ملاعبدالله و شرح هدایهٔ ملاصدرا را آموخت و در جلسات دکتر محمود راهیار نیز شرکت داشت
استادان و مربیان : مرحوم جلال الدین همایی ، مرحوم رضازاده شفق ،جلال‌الدین همایی،مرحوم مدرس رضوی ،مرحوم دکتر یحیی مهدوی ، علی اکبر سیاسی،میرزا عباس نحوی ،حاج سیدعبدالحسین طیب،دکتر محمود راهیار، مرحوم فاضل تونی و مرحوم ملک الشعرای بهار از اساتید محمد

خوانساری بوده اند.وی از یکی از اساتید خود چنین یاد می کند: من منطق را خدمت استاد دانشمند محمدحسین فاضل تونی فرا گرفتم. ایشان بسیار دقیق تدریس می کردند و من مطالب ارزشمندی از محضر ایشان دریافت کردم. خاطره ای هم که از ایشان دارم این است که برای مرحوم فاضل نوشتن خیلی سخت بود و در نوشتن کند بودند ، همیشه مطلبی را می گفتند و دیگران برایشان می نوشتند . روزی از ایشان پرسیدم که چرا اینقدر نوشتن برایتان سخت است. ایشان گفتند: همه ، خط را در مکتب فرا می گیرند . من چون حافظه خیلی قوی ای داشتم ، همیشه مطالب استادم را در ذهن جای می دادم و نیازی نمی دیدم یادداشت کنم ، به همین دلیل دستم در نوشتن کند شده است. به هر حال یاد دارم مرحوم فاضل نسخه خطی مغلوطی (پرغلط) از شفای ابن سینا داشتند که می خواستند تصحیح کنند. یک نسخه شفای مرحوم مشکاة را امانت گرفتند تا با آن مقابله کنند. ایشان می گفتند و من می نوشتم . گاهی هم دکتر بحرالعلومی کار نوشتن را به عهده می گرفتند . به هر حال کار تصحیح تمام شد و چاپ شد. بعدها عده ای از دانشمندان بزرگ مصری با هزینه ی گزاف نسخه ای از شفا را تصحیح کردند. به گفته بعضی از بزرگان ، از جمله استاد شهید مطهری که قولشان حجت است، تصحیح مرحوم فاضل از تصحیح دانشمندان مصری ، بسیار بهتر و ارزشمندتر است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد خوانساری پس از سه سال تدریس در آموزش و پرورش ، در سن 26 سالگی با عنایت دکتر علی‌اکبر سیاسی وارد دانشگاه تهران شد و مشغول تدریس گردید.در آغاز انتقال به دانشگاه چند سالی روان‌شناسی تدریس کرد. سپس با معرفی فاضل تونی به تدریس منطق مشغول شد و تا سال بازنشستگی هماره تدریس منطق در دانشکدة ادبیات بر عهدة وی بود. در سال 1361 پس از سی و هفت سال تدریس مداوم به درخواست خود بازنشسته شد. از بدو تأسیس فرهنگستان سوم از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوستة فرهنگستان زبان و ادب فارسی مفتخر شد.
جوائز و نشانها : کتاب " ایساغوجی فر فوریوس و مقولات ارسطو "ترجمه محمد خوانساری ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ----------
---
آثار :
1 ایقاظ النائمین صدرالمتألهین
ویژگی اثر : تصحیح و ترجمه،در دست چاپ
2 ترجمة ایساغِوجی فر فوریوس و مقولات ارسطو

ویژگی اثر : تألیف فرغوریوس،این کتاب ، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.
3 صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب
4 صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب
5 فرهنگ اصطلاحات منطقی
ویژگی اثر : (به‌انضمام واژه‌نام؟ فرانسه و انگلیسی)، 1376
6 مختارات من الادب الحدیث
ویژگی اثر : 1343
7 منطق صوری
ویژگی اثر : جلد دوم، 1352
8 منطق صوری
ویژگی اثر : جلد اول، 1338
9 منطق برای دبیرستانها

خوانساری، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در یکی از روزهای اردیبهشت سال 1267 ق . که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله ، عالم بزرگ شهر، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند.
سید محمد تقی جوانه ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلیعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ... .
و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت .
ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگنان ربود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.
حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت ، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامنش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده ، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت . او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.
پای درس بزرگان
خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود .او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام ، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می

گیرد در او بروبند. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیة الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیة الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر گشت . بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیة الله نائینی ، آیة الللله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیة الله در گرفتن اجتهادنامه خود از اساتیدش کوشش نکرد. اما آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهداری شؤ ونات آقای خوانساری را مانند علمای متاءخر بر خود فرض می دانم)) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد خود اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شد و در صف متحدین قرار گرفت ، قمرو عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید. در 28 آبان 1293 ق . بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید علمای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندانشان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در ایام محرم فتواهای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت . او به گروه مجاهدانی که به همراه آیة الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست . این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سنگرهای جلو جبهه همراه با همدرسان خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مستقر گشت . او در نبرد با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود سینه سپاهیان دشمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مهیای مرگ می شدند و او شور نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه

السلام در ذهنش زندگی یافته بود.
قوای دشمن پیروزیهای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت .
با اشغال بغداد که مقارن با پیروزیهای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسید. از آن سو اشغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دستگیریهای وسیعی آغاز گشت و سرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهدان عرب تنها با سپردن تعهدی آزاد گشتند اما برخورد با مجاهدان دیگر متفاوت بود. انگلیسی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدند. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشغالگران اسرای جنگی را در بندر بصره جمع نموده ، آنجا یا کشتی هایی به اسرارتگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت . در سنگاپور، اسرا در زندانی صحرایی قرار داده شدند. در این زندان گروهی از مردمان وحشی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صبح که شیفت زندانبان عوض می شد اسرا سرشماری می شدند. در آن محیط خش آقای خوانساری به تلاش علمی روی آورد. او علاوه بر تدریس منطق و حکمت ، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشنایی او به زبان انگلیسی از او خواست کتابی گمراه ساز را ترجمه کند. او با آنکه روزهای سختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است :
((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم . زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و بسرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت . به دم در رفت و دو مرتبه برگشت . چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))
بعدها که راجه هندی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت ، آزاد گشت .
مرجعیت
آیة الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت . پس از آن ، آوازه حوزه نوبنیاد سلطان آباد اراک ، در او شیفتگی نخستین

را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیة الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه ، اصول و حکمت پرداخت . دیری نگذشت که او توجه آیة الله حائری را به خود برانگیخت . آقای خوانساری در سلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیاءت استفتایی) آیة الله حائری قرار گرفت . وی در پی این نزدیکیها نقش برجسته ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیة الله حائری به قم بود. در سال 1315 ش . حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست . در آن موقعیت خطیر آیة الله صدر و آیة الله حجت و همچنین آیة الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیة الله حائری بودند، برای تصدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیة الله خوانساری با شایستگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت ، اما شیخ محمد صدوقی و شیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیة الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت . اما با این همه او آیة الله صدر و آیة الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه ، آیة الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشاندند.
سالهای طولانی تدریس آیة الله خانساری که از حوزه نجف آغاز گشت ، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت . در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شد که تنها شایستگانی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی که نظریات فقهی ایشان را در بر داشت ، تقریرات درسهای خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیة الله محمد علی اراکی و درس صلوة که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت .
نماز
نماز آیة الله خوانساری حدیث شگفتی داشت . در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشید و روحش به بهشت یاد درمی آمد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایستم مثل این که است که با خدا شفاهی صحبت می کنم و انگار رخ به رخ هستم . در پی نمایاندن این چهره معنوی او بود که با درخواست جمعی از دل باوران ، آیة الله سید

احمد خوانساری ، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او واگذاشت . در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هر کس اقتدا نمی کردند، بی هیچ واهمه ای با او به نماز می ایستادند. بعضی از شبها هم که آقای خوانساری نمی آمد آیة الله (امام) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیة الله خوانساری واجب احتیاطی بود در حوالی سال 1320 بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده بود، از سوی آن فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه هم گنجایش خیل آن همه مشتاقان نداشت . برای همین ، مکان نماز به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام انتقال یافت . برگزاری این نماز چنان پرتاءثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت .

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی ، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور 1320 که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت . اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال 1323 هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم ، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفایش خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است . به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده ، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلای آن محسوب می شد بروند. آیة الله خوانساری هم با طماءنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه

کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و 3/2 ساکنان شهر را در بر می گرفت . با عبور آرام مردم از کنار پادگان ، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیة الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است . او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبپاگشت . غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست . گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.
دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیة الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم . اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))
این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت . بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تاءیید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت .
حج نمونه
تا شهریور 1328 ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند در این حج ، حضوری پرجلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجة العلما نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیة الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیة الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست . در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤ یت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بربست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان ، به نمازجماعت برادران اهل سنت رفت . چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دلبستگی و دمیدن روح برادری ، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند در مدینه نحل اقامت آیة الله خوانساری جای آمد و شد

هیاءت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیاءت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیة الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت ، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتواهای شورآفرین

آیة الله خوانساری همگام با آیة الله حاج آقا حسین قمی ، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب ، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرد.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین ، آیة الله خوانساری با فریاد آیة الله کاشانی همنوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام نپذیرفت .

همگامی آیة الله خوانساری با آیة الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است . او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت ، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیة الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤ ولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاءثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت . و در تهران تاءثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال 1331 ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیة الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای ییلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست ، آیة الله خوانساری با همراهانش آیة الله اراکی ، آیة الله آخوند ملاعلی همدانی ، آیة الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤ لف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید.

آیة الله خوانساری در استقبالی پرشور وارد شهر شد. در پی اغتنام از انفاس قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت ، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهای ظهر هفتم ذیحجه 1371 ق به احرام جانان در آمد و لبیک گویان به سرای او شتافت که حج چهره ای از زندگی هر روز است . و چنین شد که رؤ یای آیة الله بروجردی

نیز تعبیر گشت . او در رؤ یای در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام هم آغوش استادش آیة الله حائری قرار دارد.

خوشحال، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم خوشحال
محل تولد : لاهیجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
استاد گرانقدر آقای ابوالقاسم خوشحال در سال 1340هجری شمسی در خانواده ای کاملا مذهبی دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهد گذراند در پی تشویق پدر و علاقه خود به فراگیری زبان عربی و علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد و از خرمن بزرگان علم وادب حوزه علمیه مشهد خوشه چینی کرد.
پس از مدتی تحصیل در مشهد به منظور ادامه تحصیل و بهره‌گیری از محضرعالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی، شاهرودی بهره ها برد. استاد ضمن تحصیل دروس حوزوی به فکر تحصیلات دانشگاهی افتاد و در رشته کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. پس از اتمام تحصیلات به زادگاه خویش بازگشت و بر کرسیّ تدریس در دانشگاه مشهد تکیه زد، در این مدت دانشجویان فراوانی از محضر ایشان بهره های فراوان علمی برده اند. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که کتابهای "امّهات فلسفه اخلاق" و "تصحیح رساله ابهری" از جمله آثار ایشان است.

خیام، ابوالفتح، عمر

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 440/417- وف 525 -515 ق)، فیلسوف، ریاضیدان، منجم، نویسنده و شاعر. در نیشابور متولد شد. با میمون بن نجیب واسطی، امام ابوالمظفر اسفزاری، حکیم ابوالعباس لوکری عبدالرحمن خازنی و امام محمد غزالی همعصر بود. وی منجم دربار ملکشاه سلجوقی بود. سفرهایی به بلخ، اصفهان، بغداد و مکه داشت اما، بیشتر عمر خود را در نیشابور گذرانید و در همان شهر درگذشت و در جوار امامزاده محمد محروق دفن شد. خیام از شخصیتهای تاریخی است که در باب او داستانهای مجعول بسیاری ساخته‌اند و همین افسانه‌سازی سبب شده که در باب احوال و اقوال او اتفاق نظری بین پژوهندگان وی نباشد. خیام علاوه بر اینکه در فنون و علوم مختلف، ریاضی، نجوم، هندسه و فلسفه صاحب نظر بود، در شاعری نیز توانا بود و رباعیات او نه تنها در ایران، که در جهان نیز مشهور است و ترجمه‌ی جرالد فیتز از این رباعیات به زبان انگلیسی، باعث شهرت خیام در جهان شد. از آثار وی: «کتابی در جبر و مقابله به زبان عربی»؛ «رساله‌ای در شرح مشکلات اقلیدس»، به عربی؛ «رساله‌ای در طبیعیات»؛ «رساله‌ی فارسی در کلیات وجود»؛ «رساله‌ای در کون و تکلیف»، به عربی؛ «رساله‌ای در تعیین مقدار بیان زیج ملکشاهی»؛ «ترجمه‌ی فارسی خطبه‌ی ابن سینا در توحید»؛ «رساله‌ای در حل بعضی از مسایل جبر و مقابله»، به عربی؛ «رساله‌ی وجود»، به عربی؛ «رساله‌ای در جواب سه سوالی که در حکمت از او شده است»، به عربی؛ «رساله‌ی ضیاء العقلی در حکمت»، به عربی؛ «نوروز نامه»، به فارسی؛ «رباعیات»؛ «سلسله الترتیب»؛ و «قطعه‌هایی به عربی».[1]
خواجه امام، حجة الحق، حکیم ابوالفتح (یا ابوحفص) عمر بن ابراهیم مشهور به خیام (یا خیامی) نیشابوری، فیلسوف و ریاضی‌دان و منجم و شاعر ایرانی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم ه. است مولد و منشأ و اصل او نیشابور بود. ملکشاه بدو احترام می گذاشت ولی رابطه سنجر با او خوب نبود، زیرا سنجر در کودکی مبتلی به آبله شده بود و خیام نزد او رفت و بیرون آمد. وزیر مجیرالدوله از خیام پرسید: او را چگونه یافتی و به چه چیز علاجش کردی؟ امام گفت: این کودک مخوف است! خادم حبشی این سخن بشنید و به سنجر رسانید. چون وی از آبله برست بغض امام در دل گرفت. وی در ترتیب رصد ملکشاهی و اصلاح تقویم همکاری داشت.

وفات او بین 506 و 530 ه.ق. اتفاق افتاده (آرامگاه خیام) خیام اشعاری به پارسی و تازی و کتابهایی به هر دو زبان دارد، از جمله رباعیات (ه.م.) او مشهور جهان است. از آثار او در ریاضی و جبر و مقابله (ه.م.)، رسالة فی شرح ما اشکال من مصادرات کتاب اقلیدس، رسالة فی الاحتیال لمعرفة مقداری الذهب والفظة فی جسم مرکب منهما (به طبع رسیده) لوازم الامکنة را باید نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (685 -674 /2)، الاعلام (195 -194)، با کاروان حله (142 -127)، بهشت سخن (87 -76 /2)، تاریخ ادبی ایران (565 ،332 ،125 /1)، تاریخ ادبیات ایران (443 -441 ،89 ،62 ،32)، تاریخ ادبیات در ایران (535 -523 /2)، تاریخ برگزیدگان (435 -432)، تاریخ الحکماء قفطی (338 -336)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (350 -303)، تاریخ نظم و نثر (61 -60)، تحلیل شخصیت خیام، ترانه‌های خیام (مقدمه)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (73 -71)، چهار مقاله (مقدمه مصحح، 101 -100)، چشمه‌ی روشن (127 -107)، خیامی نامه، دایرةالمعارف فارسی (929/1)، دستور الوزراء (171 -169)، دویست سخنور (98 -96)، الذریعه (380/24 -315/9)، رباعی و رباعی‌سرایان (110 -107)، ریاض العارفین (192 -191)، ریحانه (201 -198 /2)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (335 -325)، سیری در شعر فارسی (268)، شخصیتهای نامی (188 -186)، شعر العجم (178/1)، صبح گلشن (159 -158)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 211/6)، فرهنگ ادبیات فارسی (203 -201)، فرهنگ سخنوران (324 -323)، کارنامه‌ی بزرگان (163 -162)، کشف الظنون (972)، الکنی و الالقاب (223 -222 /2)، گنج سخن (289 -281)، گنجینه‌ی سخن (136 -131)، لغت نامه (ذیل/ خیام)، مولفین کتب چاپی (629 -621 /4)، مجمع الفصحا (608 -607 /2)، مخزن الغرائب (78 -64 /2)، مرصاد العباد (31)، مطلع الشمس (173/3)، معجم المولفین (270 -269 /7)، مواد التواریخ (596 -595)، نتایج الافکار (465 -461)، نشتر عشق (497 -495 /2)، هدیه الاحباب (133)، هدیه العارفین (787 ،785 /2)، هفت اقلیم (259 -256 /2)، یادگار (س 4، ش 9 و 10، ص 90)، یغما (س 6، ص 71 -68، س 7، ص 320 -317).

خیری، یارعلی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم ق)، حکیم، طبیب و شاعر. در تهران متولد شد. میرزا یارعلی طبیب مخصوص شاه طهماسب صفوی بود. چون اداره‌ی امور اوقاف و خیرات به او محول شده بود به حکیم خیری شهرت یافت. وی در کربلا وفات یافت. از آثار او «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تحفه سامی (247)، الذریعه (1305/9)، ریاض العلماء (332/5) ریحانه (57/2).

دادبه، اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر دادبه درسال 1325 در یزد متولد شد. وی دارای لیسانس فلسفه و حکمت (1347) ، فوق لیسانس (1350)و دکتری همان رشته (1359) از دانشگاه تهران می باشد. وی عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و بسیاری مجامع علمی وادبی کشوراست. وی در سال 1381 به عنوان چهره ماندگار درعرصة ادبیات عرفانی و فلسفة اسلامی معرفی شد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفه و حکمت اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اصغر دادبه پس از اخذ دیپلم در زادگاه خود یزد، به تهران آمد و پس از لیسانس 1347، فوق لیسانس 1350و دکتری رشته حکمت و فلسفه را درسال 1359 از دانشگاه تهران دریافت کردو وی ادامه زندگی علمی خود را به تحقیق و تدریس سپری می نماید.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران درسال 1359 از مقاطع مهم زندگی تحصیلی علی اصغر دادبه می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : علی اصغر دادبه درحین تحصیل در دورة دکتری در دانشگاه تهران، در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس نیز مشغول بوده است.وقایع میانسالی : علی اصغر دادبه پس از اخذ مدرک دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران درسال 1359، عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی در سال 1381 دردومین همایش چهره های ماندگار در زمینة ادبیات عرفانی برگزیده و معرفی شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر دادبه پس از اخذ دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران درسال 1359 عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی پیش از این نیز دردانشگاهها و موسسات آموزشی از سال 1353 مشغول به تدریس بوده است.فعالیتهای آموزشی : علی اصغر دادبه از سال 1353 به تدریس در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی اشتغال داشته است. اما پس از اخذ مدرک دکتر در سال 1359، عضو هئیت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد و به تدریس دروس ادبی، حافظ شناسی و کلام اسلامی و فلسفه هنر پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اصغر دادبه در کنار تدریس، به مطالعه و تحقیق در زمینة ادبیات عرفانی ایران و تالیف کتبی دراین زمینه اشتغال دارد.آرا و گرایشهای خاص : علی اصغر دادبه از جمله فلاسفه و حکمایی است که توجه خاصی به ادبیات به ویژه ادبیات عارفانه و حکیمانه فارسی

دارد.جوائز و نشانها : علی اصغر دادبه در سال 1381، در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار درعرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد.

آثار : 1 تجلی آرای کلامی درشعر نظامی 2 تصحیح دیوان نجیب کاشانی 3 فخررازی 4 فرهنگ اصطلاحات کلامی 5 کلیات فلسفه 6 مفهوم رندی در شعر حافظ

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دارابی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، فقیه، اصولی، عالم و فیلسوف. وی از عالمان بزرگ و فیلسوفان برجسته بود. در معقول و منقول سرآمد و در فقه و اصول نابغه بود. وی در اکثر علوم به مرتبه‌ی بلندی رسیده بود. حکمت را از ملا هادی سبزواری صاحب «منظومه» فراگرفت. وی کتاب «الاسفار» را به خط خود نوشت و حواشی بر آن نگاشت. این حواشی بر تبحر و تحقیق او دلالت می‌کند. از شاگردانش شیخ احمد شیرازی نجفی معروف به شانه‌ساز و میرزا ابراهیم نیریزی می‌باشند. از دیگر آثارش: شرح «دعاء کمیل»، به شیوه‌ی استادش در شرح «دعاء الصباح» و «دعاء جوشن»؛ شرح «قصیده‌ی میرفندرسکی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (15/14، 259/13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14/ 983- 984)، گنجینه‌ی دانشمندان (106/5).

داماد، محمد باقر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن شمس الدین محمّد حسینی استر آبادی.
عالم فاضل حکیم فیلسوف ادیب شاعر متخلّص به «اشراق».
چون پدرش داماد محقّق کرکی بوده به داماد شهرت یافته، و این لقب در صاحب عنوان و احفادش تاکنون باقی مانده است.
در جمیع علوم از معقول و منقول و فقه و حدیث و رجال و بالاخص حکمت، از اساتید مسلّم به شمار می‌رفته.
کتب زیادی تألیف فرموده که از آن جمله است 1- اربعة الایام 2- الافق المبین 3- امانت الهی، در تفسیر آیه امانت 4- انموزج العلوم 5- ایقاظات 6- تفسیر سوره اخلاص 7- حبل المتین، در حکمت 8- خلق الاعمال 9- دیوان اشعار 10- الرواشح السماویّه 11- الصراط المستقیم، در حکمت 12- قبسات، در حکمت، و 38 مجلّد دیگر.
وفاتش در سال 1040 مابین کربلا و نجف در راه واقع شده، قبرش در نجف، و مادّه تاریخ وفاتش: «عروس علم و دین را مرده داماد» می‌باشد، و تاریخ‌های: «الرضی» و «الراضی»، که به ترتیب 1041 و 1042 می‌شود اشتباه است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دانشمند ابیوردی، ابوالحسن علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 966/969 ق)، ریاضیدان، حکیم و شاعر شیعی. در کاشان دیده به جهان گشود.از چنان هوش و ذکاوتی بهره‌مند بود که در چهارده سالگی شرح «تجرید» را با حواشی آن که از متون مشکل حکمت است و کتاب «مجسطی» را در بیست و پنج سالگی درس می‌گفت و حافظه‌ای چنان نیرومند داشت که هر کتاب را یک بار می‌خواند و عبارت آن را هرگز فراموش نمی‌کرد. وی در علوم مختلف بویژه ریاضیات مهارت بسیار داشت چنان که گویند از زمان قدیم هیجده نکته در علم ریاضی مانده بود که تنها شش نکته‌ی آن توسط خواجه نصیرالدین طوسی حل شده بود و بقیه را وی حل کرد. ملا ابوالحسن در شعر فارسی نیز استاد بود و غزل را نیکو می‌سرود. فضل خلخالی و شیخ احمد خلخالی از شاگردان وی بودند. در کاشان درگذشت و جنازه‌ی وی به اردبیل منتقل شد و در آن جا دفن گردید. وی در اکثر رشته‌ها تالیفاتی دارد؛ از جمله: «الشوارق فی کلام»؛ «حل ما لاینحل» در حل دوازده مسأله ریاضی؛ «حسنا» در حکمت طبیعی؛ «مشارق» و «مرآت الافلاک»، در حکمت ریاضی؛ «حاشیه بر شمسیه»؛ «حاشیه بر تهذیب»، در منطق؛ «رساله اثبات واجب» به فارسی و «اثبات واجب» به عربی؛ «روضه الجنان» در حکمت؛ شرح «فرایض»؛ «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (59 /2، 594، 24 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (685، 683، 348 /5)، تاریخ نظم و نثر (443 -442)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 144/10)، فرهنگ سخنوران (333)، کشف الظنون (843)، معجم المؤلفین (10/7)، هدیه العارفین (746/1)، هفت اقلیم (32 -31 /2).

داور شیرازی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1251 ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»؛ «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث.[1]
(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. 1251- ف. شیراز 1325 ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار العجم (33 -26)، ایضاح المکنون (688، 461، 265، 101، 2/ 90، 1/)، تاریخ تذکره‌های فارسی (263 -247 /2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (517 -493/ 2)، الذریعه (268 -267 /127، 15 /1088، 1087- 319، 9/)، ریحانه (360 -359 /5)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (271 -270 /6)، هدیه العارفین (469/2).

داوری اردکانی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رضا داوری اردکانی متولد 1312، اردکان و دارای دکترای تخصّصی فلسفه از دانشگاه تهران است. داوری در سال ۱۳۴۶ استادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشیاری نائل آمد و درنهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته فلسفه شد.وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا داوری اردکانی اردکان یزد به‌دنیا آمد و تا پایان دوره اول متوسطه در آنجا به مدرسه رفت.در سال ۱۳۳۰ از دانشسرای مقدماتی اصفهان دیپلم گرفت و در مهرماه همان سال به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) درآمد و چندین سال در مدارس شهرهای اردکان، اراک، قم و تهران تدریس کرد.در سال ۱۳۳۴ برای تحصیل به دانشگاه تهران وارد شد و در رشته فلسفه به‌تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۶ به اخذ درجه دکتری نائل آمد.
وقایع میانسالی : داوری در سال ۱۳۴۶ استادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشیاری نائل آمد و درنهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته فلسفه شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت های اجرایی رضا داوری اردکانی: سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سردبیر مجله نامه فرهنگ سردبیر مجله فرهنگ مدیر عامل انتشارات علمی و فرهنگی عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران رییس فرهنگستان علوم دبیر سرویس هنری مجله سوره نوجوانان سردبیری مجله ادبیات داستانی دبیر سرویس ادب و هنر کیهان همکاری با چندین نشریه فعالیت های فرهنگی – اجتماعی : عضو هیأت مؤسس انجمن قلم ایران عضو هیأت مدیره و بازرسی انجمن قلم ایران در چندین دوره عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران مسلمان عضو سازمان بسیج مهندسین
فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی رضا داوری اردکانی : استادیار دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) دانشیار دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) استاد دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) رییس

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مدیر گروه آموزشی فلسفه دانشگاه تهران فعالیت های علمی - پژوهشی : تهیه استاندارد برای دسته سیم خودرو در آزمایشگاه کنترل کیفی مؤسسه عترت
چگونگی عرضه آثار : سایر تخصص ها براساس اولویت رضا داوری اردکانی : داستان نویسی - نقد و بررسی ادبی ----------
---
آثار :
1 اندیشه و تمدن غربی
ویژگی اثر : ساقی 80
2 انسان و فلسفه معاصر
ویژگی اثر : موسسه توسعه دانش و پژوهش ، تهران 83
3 اوتوپی و عصر تجدد
4 تفکر پست مدرن
5 چند نامه به دوست آلمانی، آلبرکامو (ترجمه)
6 درباره علم (ویراست دوم)
ویژگی اثر : هرمس 80
7 درباره علم
8 درباره غرب (ویراست دوم)
9 درباره غرب
ویژگی اثر : هرمس 79
10 دفاع از فلسفه
11 رساله در باب سنت و تجدد
ویژگی اثر : ساقی 84
12 سنت و تجدد
13 سیری انتقادی در فلسفه کارل پوپر
ویژگی اثر : موسسه اندیشه اسلامی 79
14 شاعران در زمانه عسرت
15 فارابی مؤسس فلسفه اسلامی
16 فارابی، فیلسوف فرهنگ
ویژگی اثر : ساقی 82
17 فرهنگ، خرد و آزادی
18 فلسفه تطبیقی
ویژگی اثر : ساقی 83
19 فلسفه چیست؟
20 فلسفه در بحران
21 فلسفه در دام ایدئولوژی

22 فلسفه در قرن بیستم، ژان لاکوست (ترجمه)
23 فلسفه کارل پوپر (تجدید چاپ)
24 فلسفه مدنی فارابی
25 فلسفه معاصر ایران
ویژگی اثر : ساقی 84
26 فلسفه و انسان معاصر
27 فلسفه، سیاست و خشونت
28 ما و راه دشوار تجدد
ویژگی اثر : ساقی 84
29 مبانی نظری تمدن غربی
30 مقام فلسفه در تاریخ دوره اسلامی
31 ناسیونالیسم و انقلاب
32 ناسیونالیسم و حاکمیت ملی
33 وضع کنونی تفکر در ایران
منابع زندگینامه :
فصلنامه هنر ،ج 3 ، بهار و تابستان 1362

داوودی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد داوودی
محل تولد : خمین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد داوودی فرزند شهید محمد عیسی داوودی در سال 1345 درروستای جوادیه از توابع شهرستان خمین در خانواده ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات خود را از سن 5 سالگی در مکتب خانه ای در همان روستا شروع کردم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را نیز در همان روستا به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان خمین رفتم. سال اول دبیرستان را در هنرستان شهید چمران در رشته برق به پایان رساندم. لازم به ذکر است که درطول تحصیل همیشه شاگرد اول بوده ام و در امتحانات نهایی راهنمایی، در کل شهرستان شاگرد اول شدم.در سال 62 – 63 تحصیلات حوزوی را در شهرستان محلات شروع کردم و سال بعد برای ادامه تحصل وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال65 همزمان با ادامه تحصیلات حوزوی، وارد موسسه در راه حق شدم و بعد از پایان دوره تحصیلات پنج ساله در این موسسه، وارد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شدم و تحصیلات خود را دررشته علوم تربیتی در این دفتر شروع کردم. در سال 79، فوق لیسانس را از این دفتر دریافت کردم و در همان سال تحصیلات خودم را در دوره دکتری فلسفه و تاریخ تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم شروع کردم. تحصیلات حوزوی خود را در دوره خارج نیز در محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی و آقا سید علی محقق(دام ظلهم) ادامه دادم.طرح سیره تربیتی معصومین (ع) را در سال 76 در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، زیر نظر حجت الاسلام علی رضا اعرافی به همراه چند تن دیگر از دوستان شروع کردیم که بخشی از ثمره آن ،کتاب(سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: تربیت دینی است) میباشد. همچنین در ادامه کار،کتاب(نقش معلم در تربیت دینی) را تدوین کرده ام که در سال 1384 به چاپ رسید.در کنار این کار، بنده در دانشگاه نیز به تدریس معارف اسلامی و اخلاق اسلامی مشغول شده و در حوزه نیز برخی موضوعات

تربیتی مانند مدیریت آموزشی، تعلیم و تربیت اسلامی وسیره تربیتی معصومین (ع) را تدریس می کنم.

دبیران قزوینی، نجم‌الدین، ابوالحسن، ابوالمعالی علی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(679 -600 ق)، منجم و حکیم شافعی. در قزوین متولد شد. از اکابر علما و حکما و دانشمندان رصد و ریاضیات شافعیه می‌باشد که با منطق و هندسه و فنون حکمت آشنا و در آلات رصدیه ماهر و متبحر بود. او استاد علامه‌ی حلی و قطب‌الدین محمود شیرازی و شاگرد خواجه نصیر طوسی بود. در نجوم دست داشت و به دعوت خواجه نصیر طوسی به مراغه رفت و در کار رصد با او همکاری کرد. کاتبی در قزوین تدریس می‌کرد، حوزه‌ی درس او مجمع افضال بود وی به تشیع هم گرایش وافر داشت. از آثار وی: «شمسیه»، در قواعد منطق؛ «شرح کشف»؛ «شرح حکمت العین»، در منطق و ریاضی؛ «شرح جامع الدقائق فی کشف الحقائق»؛ در منطق؛ «بحر الفوائد» در شرح «عین القواعد»؛ «المفصل» شرح «المصحل» امام فخر رازی، در کلام؛ «عین القواعد»، در منطق و حکمت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (131/5)، تاریخ ادبیات در ایران (243 -242 /3)، تاریخ گزیده (706)، حبیب السیر (107/3)، ریحانه (17 -16 /5)، کشف الظنون (1614، 1182، 1063، 685، 540،(، الکنی و الالقاب (100/3)، لغت نامه (ذیل/ علی، کاتبی، دبیران)، معجم المؤلفین (159/7)، مینودر (799 -798 /2)، هدیه الاحباب (222)، هدیه العارفین (713/1).

درکوشکی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند محمّد جعفر. حکیم فیلسوف، از علمای معقول، و از اجلّه ی حکما و مدّرسین، و استاد مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی بوده، و در روز جمعه 15 شوّال سال 1304 وفات یافته، در تخت فولاد روبروی سکّوی اژه‌ایها مدفون گردید.
خود از شاگردان ملا اسماعیل واحد العین و میرزا حسن نوری و دیگران بوده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دستغیب شیرازی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1260 ق)، حکیم، مجتهد و شاعر، متخلص به دستغیب. در شیراز به دنیا آمد و در آنجا علوم فقه و اصول و منطق و حکمت را فراگرفت. تولیت بقعه‌ی امامزاده‌ی سید میرمحمد بن امام موسی بن جعفر (ع)، با او بود و مدتی تولیت مسجد نصیرالملک ار نیز بر عهده داشت نصیرالدین فرصت از شاگردان وی می‌باشد که در محضرش حکمت الهی را فراگرفته است. از آثار وی: حواشی بر «اسفار اربعه» صدرالمتالهین؛ شرحی بر «کلمات قصار» امیرالمومنین (ع)؛ اشعار و خطب عربی و فارسی.[1]
میرزا ابوالحسن دستغیب مجتهد و حکیم شیرازی بن میرزا احمد بن میرزا مهدی متولد حدود 1260 ق.
سید ابوالحسن دستغیب شیرازی از افاضل علماء و در علوم معقول و ریاضیات مهارت بسزائی داشته و بعد از 1300 وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (450)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (529/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 32/14)، طرائق الحقائق (332/3)، فارسنامه‌ی ناصری (915 -914 /2)، فرهنگ سخنوران (340)، گنجینه‌ی دانشمندان (443/5).

دستغیب، عبدالعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالعلی دستغیب محقق و پژوهشگر معاصراست . اودرزمینه فلسفه و نقد ادبی فعالیت می نماید . از او تالیفات وترجمه های گران سنگی موجود است . وی که سالها به تدریس پرداخته بود پس از بازنشستگی امرتحقیق تفحص درزمینه های فوق رابه طرز جدی پی گرفته است .
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عبدالعلی دستغیب درخانواده ای فرهنگی به دنیا آمده است
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالعلی دستغیب تحصیلات ابتدایی ومتوسطه را درشهرهای فیروز آباد و جهرم به پایان برد و درسال 1327 وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شد . او در سال 1337 برای تحصیل دانشگاهی به تهران آمد و دردانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دررشته فلسفه مشغول به تحصیل شد .
وقایع میانسالی : مهمترین واقعه بوقوع پیوسته دردوران میانسالی عبد العلی دستغیب ، این بود که پس از کودتای مرداد ماه 1332 به واسطه فعالیت اجتماعی منتظر خدمت شده است .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبد العلی دستغیب ابتدابه معلمی دردبستان ها و دبیرستانها کازرون به جهرم و شیراز پرداخت .او درضمن تدریس به مطالعه فرهنگ عامه (فولکور) و جمع آوری ترانه ها وقصه های عامیانه نیز اشتغال داشت . مدتی نیز یکی از دفاتر اسناد رسمی شیراز دفتر نویس شد و سپس به خدمت اداره بهداشت درآمد و برای انجام خدمات درمانی به تمام نقاط استان فارس سفر کرد . او از سال 1359 که بازنشسته شد درمدارس تربیت معلم و دانشکده هابه تدریس فلسفه و ادبیات فارسی مشغول شد .
فعالیتهای آموزشی : مهمترین فعالیت آموزشی عبد العلی دستغیب ، نقد ادبی است که ازسال 1337 وارد این حیطه ادبی شده است . او در این زمینه آثار متعددی به چاپ رسانیده است .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهمترین فعالیت و برنامه روزمره عبد العلی دستغیب، تحقیق و تفحص است . او مقالات بسیاری درزمینه ادبیات و فلسفه در مجلات گوناگونی همچون سخن ، راهنمای کتاب ، نگین

،فردوسی ،نامه فلسفه ، آدینه ، دنیای سخن و کیهان فرهنگی منتشر کرده است .
همفکران فرد : یکی از همفکران عبدالعلی دستغیب ، جلال آل احمد بود . آن دو اکثر درمحافل ادبی یکدیگر را می دیدند .
آرا و گرایشهای خاص : عبدالعلی دستغیب معتقد است که هیچ اثر هنری و ادبی درخلاء به وجود نمی آید .بلکه نویسنده درارتباط با مردم است که دریافت های بدست می آورد و آن را می نگارد . یعنی آنها را از فیلتر احساسات و عواطف خویش عبور می دهد . ----------
---
آثار :
1 به سوی داستان نویسی بومی درزمینه نقد ادب و هنر
2 تحلیلی از شعر نو فارسی
3 ترجمه «چرا مسیحی نیستم ؟»
4 ترجمه دجال
ویژگی اثر : این کتاب تالیف فرید ریش نیچه است .
5 ترجمه شامگاه بت ها
6 ترجمه طوفان
ویژگی اثر : این کتاب تالیف شکسپیر بوده و با همکاری دکتر دولتشاهی ترجمه شده است .
7 چهار سوار سرنوشت
8 حافظ شناخت
9 سایه روشن شعر نو فارسی
10 فلسفه تاریخ هگل
11 فلسفه شعر پهناور
12 فلسفه مارکس
13 فلسفه نیچه
14 هنرووواقعیت درآئینه نقد
15 هیدگر و شاعران
منابع زندگینامه :
1جلال ،مرد امروز ، کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ،مهرماه 1380، شماره 18 ، ص10

دشتکی شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(828- شهادت 903 ق)، حکیم و فقیه امامی. معروف به صدرالدین کبیر و ملقب به صدرالعلماء، صدر الحکماء، صدر الحقیقه و سید الحکماء. نسب وی به زید شهید فرزند حضرت سجاد (ع) می‌رسد. او پدر امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی است. در شیراز به دنیا آمد. علوم دینی را نزد پدر و و امیر نظام‌الدین احمد بن اسحاق فراگرفت و علوم ادبی را از پسر عمه‌اش امیر حبیب‌اللّه آموخت و علوم عقلی را نزد سید دانشمند مسلم فارسی یاد گرفت. با قوام‌الدین کرمانی که از شاگردان برجسته‌ی شریف جرجانی است مباحثات و مناظراتی داشت. وی در فن مناظره یگاه عصر خویش بود و مناظرات او با علامه دوانی مشهور است. از شاگردان وی می‌توان به حاج محمود نیریزی و شیخ تقی‌الدین ابوالخیر اشاره کرد. در عهد شاه طهماسب صفوی مدتی منصب صدارت داشت و سرانجام به دست ترکمانان در شیراز شهید شد و در مدرسه منصوریه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی»؛ «الحقایق المحمدیه»؛ «الجذر الاصم»، در تحقیق مغالطه معروف به جذر اصم؛ حاشیه بر «تیسیر الوصول الی جامع الاصول»، در فقه شافعی؛ حاشیه بر «شرح تجرید» قوشچی؛ حاشیه «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «شرح مطالع»؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «مطول»؛ رساله‌ای در علم کشاورزی و چندین رساله دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (192/6)، اعیان الشیعه (60/9)، تاریخ ادبیات در ایران (99 ،83 /4)، تاریخ نظم و نثر (385)، الذریعه (37/25 ،36 -35 /7 135/6، 92/5، 108/1)، ریحانه (426/3)، شهیدان راه فضیلت (188 -185)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 219 -218 /10)، الکنی و الالقاب (411/2)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، معجم المؤلفین (215/8)، هدیه الاحباب (186)، یادداشتهای قزوینی (251/5).

دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین، منصور

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 948 -940 ق)، متکلم نامی، حکیم الهی و عالم امامی. معروف به خاتم الحکماء و استاد البشر و عقل حادی عشر (الامام الائمه) و مشهور به غیاث الحکماء و غیاث‌الدین. نزد پدر و دیگر عالمان زمان دانشهای عقلی و نقلی را فراگرفت. در چهارده سالگی داعیه‌ی جدل و مناظره با علمه دوانی داشت و در بیست سالگی از تحصیل و کسب علوم فراغت یافت و در چهل و سه سالگی از طرف شاه اسماعیل مامور تعمیر رصدخانه مراغه شد. در 936 ق به صدارت شاه طهماسب صفوی رسید و پس از مباحثات علمی با محقق کرکی از صدارت کنار رفت و در شیراز اقامت گزید تا درگذشت. وی مدرسه‌ی منصوریه را در شیراز تاسیس کرد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی» به نام «المشارق»؛ «اخلاق مصنوری»، به فارسی؛ «الاساس»، در هندسه؛ «الاشارات و التلویحات» و «التجرید»، در حکمت؛ «معالم الشفاء» «و مختصر آن «الشافیه» در طب؛ «تحفه شاهی»؛ «تعدیل المیزان» و مختصر آن «معیار الافکار»، در منطق؛ «جام جهان نما»؛ «آداب البحث و المناظره»، شرح «آداب البحث» عضدایجی؛ «اشراق هیاکل النور عن ظلمات شواکل الغرور»، در شرح «هیاکل النور» سهروردی؛ «کشف الحفقایق المحمدیه»؛ «تفسیر سوره‌ی هل اتی»؛ «حجه الکلام»؛ «اللوامع و المعارج» و «سفیر الغبراء و الخضراء»، در هیئت؛ «هئیت دشتکی»؛ «التصوف و الاخلاق»؛ «تکمله المجسطی»؛ «تسطیح الاسطرلاب»؛ حاشیه بر «الهیات شفاء»؛ حاشیه بر « شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «شرح حکمه العین»؛ حاشیه بر اوایل تفسیر «الکشاف»؛ «مقالات العارفین»؛ «المحاکمات» بین حواشی پدرش امیر صدرالدین و حواشی علامه دوانی بر «شرح التجرید» و بین حواشی آن دو بر «شرح المطالع» و بر «شرح مختصر الاصول»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احسن التواریخ (394 -391)، الاعلام (245 -244 /8)، اعیان الشعیه (141/10)، ایضاح المکنون (533، 516، 515، 505، 484، 441، 415، 374، 219 /2، 601، 295، 279، 160، 84، 68، 50 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (347، 304 -299 /5)، تاریخ نظم و نثر (376-375)، حبیب السیر (604/4)، الذریعه (257/25، 278، 200 /21، 370/18، 91/15، 192/12، 186/10، 1109، 795 /9، 214، 143، 78

443، 199/4، 211، 344، 416، 295/5، 9/6، 11، 46، 60، 67، ،73 351، -350/3، 14/1، 109، 252، 378- 379، 4/2، 96، 103- 104، روضات الجنات (188 -166/7)، ریحانه (260 -258/4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 257 -254/10)، طرائق الحقائق (122 -121/3)، فارسنامه‌ی ناصری (1040 -1039/2)، فرهنگ سخنوران (442)، فوائد الرضویه (669 -668)، کشف الظنون (2047، 1501، 1141، 1117، 886، ،449 ،350)، الکنی و الالقاب (498 -497/2)، لغت نامه (ذیل/ غیاث‌الدین)، مجالس المومنین (233 -230/2)، معجم المؤلفین (19/13)، هدیه العارفین (475/2).

دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1015 ق)، حیکم، ادیب و شاعر. ملقب به سلطان الحکماء و سید العلماء. وی پدر بزرگ سید علی خان مدنی شیرازی بود. از تالیفات وی: «اثبات الواجب الصغیر»؛ «اثبات الواجب الکبیر»؛ «اثبات الواجب الوسیط».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (103/1)، ریحاه (201 -200 /6).

دشتی فارسی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1299/1298 -1246 ق)، ادیب، حکیم و شاعر، متخلص به دشتی. وی اهل دشتستان بود از طایفه حاجیان. در محضر پدرش و دیگر فاضلان شره علوم ادبی و تازی را آموخت پس از فوت ضابط دشتی به حکومت آن نواحی رسید، در دوره‌ی حکومتش به دستگیری از مستمندان و فقیران پرداخت. از جلمه آثارش: «دیوان» شعر؛ «نمکدان»؛ «طریق السلوک»؛ «کلام الملوک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حدیقه الشعراء (622 -621 /1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (546 -538 /2)، الذریعه (313/24، 111/18، 326/9)، فارسنامه‌ی ناصری (1336/2)، مؤلفین کتب چاپی (471 -470 /5)، مرآت الفصاحه (215 -214)، مکارم الاثار (1289 -1288 /4).

دلیر، بهرام

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهرام دلیر
محل تولد : نقده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال در 1360 در جبهه های حق علیه باطل که بطور خدا خواهی با یک روحانی رزمنده هم سنگر شدیم و او در سال 1361 اولین انگیزه را برایم ایجاد نمود که وارد حوزه علمیه شوم سال تحصیلی 1361-62 بود که وارد حوزه علمیه ارومیه شدم در آنجا شاید سه ماه بودم که عازم مدرسه ولیعصرعج تبریز شدم سال تحصیلی 62 را به پایان بردم در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم و درسها را دوباره از اول شروع کردم در ادبیات و قسمتی از معالم الاصول را نزد مرحوم مغفور استاد و ادیب مدرس افغانی خواندم در این ایام تابستان زمستان تحصیلی و تعطیلی اشتغال به درس داشتم مگر در فرصتی که عازم جبهه می شدم . لمعتین را با آیه الله اشتهاردی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله استادی به پایان بردم اصول فقه را با محمدی خراسانی. اما رسایل را با آیت الله اعتمادی و مکاسب را با اساتید متعدد ازجمله آیت الله ستوده موسوی تبریزی، کفایه الاصول را با آیت الله اعتماد و آیت الله محفوظی خواندم .
در کنار تحصیلات ادبیات و بعضی از درسها ی دیگر را تدریس می کردم تا اینکه در سال 1367 در درس خارج اصول آیت الله مفتی الشیعه و در فقه درس خمس آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم و در سال 1368 در درس خارج فقه و اصول المقارن آیت الله خبارن که بمدت شاید 12 سال زحمت ما را کشید و ذره پروری نمود در درس آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی کم و بیش شرکت می کردم. تمام امتحانات شورای مدیریت را دادم و مصاحبه 6 سال درس خارج فقه و نیز اصول را هم به پایان رساندم .
درسال 1372-1373 درحوزه علمیه امام خمینی سنقر کلیانی تدریس کردم و در سال 1373 در حوزه علمیه قم تدریس جدی سطح را آ غازکردم که هنوزهم ادامه دارد. درسهایی که طی این مدت تدریس شد

درموضوعات مختلف بوده است. لازم بذکر است که در کنارتدریس ، درس خارج را با آیت الله جناتی ادامه دادم و بطوری تفصیلی و تحقیقی شروع به تحصیل معقول نمودم با اساتیدی همچون آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی و قبلا با آیت الله گرامی و بطور مستمرو پی گیر با حکیم دست پرورده علامه طباطبایی یعنی آیت الله عسگری گیلانی که تا سال 1382 ادامه داشت که دراین مدت کل اسفارملاصدرا بجز (ج 5و4) و کل اسفار الهیات و تمام اشارات بوعلی و در عرفان کتاب تمهیدالقواعد، فصوص الحکم ومصباح الانس را به پایان بردم .
اما چگونگی تحصیل این دروس بخصوص با استاد عسگری بدین صورت بود که یک درس در ایام تحصیل بود و یکی هم شبهای تعطیلی به طور مثال ج 1 اسفار در ایام تحصیلی خوانده می‌شد و ج 8 در ایام و شبهای تعطیل در پایان سال هر دو جلد به پایان می‌رسید و جدیتی که بود و زحمات طاقت فرسایی که استادم می‌کشید باعث شد که یک دوره معقول را به خوبی به پایان برسانم.
در سال شاید 1373 بود که پایان نامه سطح چهار را نوشتم و برای دفاع رفتم اما اتفاق تلخی که در آن جلسه رخ داد، بنده را به طور عجیبی دگرگون نمود که طوری شد که بعد از جلسه تصمیم به ادامه درسهای کلاسیک را گرفتم و به طور متفرقه دیپلم را گرفتم و سپس در کنکور سراسری شرکت کردم و با رتبه‌ای خوب در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول شدم وبه مجتمع آموزش عالی قم آمدم و مشغول به تحصیل شدم مدتی خواندم با اینکه در این زمان به طور سخت بحثهای حوزوی خود اعم از تحصیل و تدریس را داشتم ولی بعد دیدم که چیزی از آن رشته عایدم نمی‌شود لذا تغییر رشته داده و در علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) ادامه داده تا اینکه در کارشناسی ارشد علوم سیاسی هم قبول شدم و به پایان رساندم با معدل نزدیک به 19 تمام شد.
و در مدت تحصیل دانشگاه چند واحدی هم در طی پنج سال در همان دانشگاه تدریس می‌کردم و در این مدت با هر مشکلی درافتادم و خداوندهم سرافراز از آن مشکل بیرونم می‌آورد. درسهای که تدریس کردم در مدرسه فیضیه بیشتر بوده عبارتند از: رسائل، مکاسب، کفایة الاصول، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، شرح منظومه، اشارات بوعلی سینا و در منزل حکمت عملی مدینه فاضله فارابی، نهج البلاغه، تفسیر و در ایام تعطیل در مدرسه فیضیه، رجال، درایه، کلام و غیره و به صورت آزاد با بعضی از فرهنگیان گلشن راز شیخ محمود شبستری و منازل السائرین که هنوز هم ادامه دارد.

دماوندی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1307 ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، ریاضی‌دان و زاهد. او در نجف در محضر شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری به مقامات عالیه‌ی علمی رسید، تا جایی که علامه‌ی کوهکمری وی را بر میرزای بزرگ شیرازی برتری می‌داده است. گذشته از فقه و اصول، دماوندی در علم طب و حکمت و ریاضیات ماهر بود و بر تاریخ و سیر احاطه‌ی بسیاری داشت، و از حافظه‌ی قوی و عجیبی نیز برخوردار بود به طوری که بیشتر متون ادبی و فقهی را در حافظه داشت. در عصر علامه کوهکمری به دماوند بازگشت و در آن نواحی مرجع امور دینی مردم شد. او از مکارم والای اخلاقی برخوردار بود.[1]
محمدباقر بن حسن سارانی عالمی بزرگ و دانشمندی متقی و پارسا بوده است وی از دماوند هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامتین شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه‌کمری استفاده نموده و در عصر علامه کوه‌کمری به دماوند برگشته و به وظائف دینی پرداخته است دارای کمالات و مقامات عالیه علم و عمل بوده تا جائی که علامه کوه‌کمری وی را بر میرزاء بزرگ مجدد شیرازی تفضیل می‌داده است مخصوص در علم طب و حکمت و ریاضیات ید طولائی داشته و به تواریخ و حکایات اطلاع زیاد و حافظه‌اش نیز عجیب و بیشتر متون ادبیه و فقهیه را محفوظ بوده و در دماوند و حومه آن ریاست تامه داشته و حتی در بعضی از قضایا علامه کنی ره با وی معارضه می‌نموده است و آن مرحوم عالمی ثروتمند و میهمان‌دوست و کریم‌النفس و منیع‌الطبع و بخشنده بوده است در سال 1307 قمری وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 206 -205 /14)، گنجینه‌ی دانشمندان (157 -156 /5).

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(830- ح 918/908 ق)، حیکم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباده صحابی) درآمد. دوانی مسافرتهایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود.بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رباطه اشعاری نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القدیم»؛ «اثبات الواجب الجدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[1]
(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان 830 ف. 908 ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذرانید و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از

آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب الجدید، اثبات الواجب القدیم، افعال اللّه تعالی انموذج علوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (325 -309)، احقاق الحق (124 -122 /3)، الاعلام (257/6)، اعیان الشعیه (12/9)، تاریخ ادبیات در ایران (100 -99 /4)، تاریخ نظم و نثر (267 -265)، تذکره‌ی روز روشن (175 -167)، الذریعه (57/25، 147/15، 199/9، 82/5، 206/2)، روضات الجنات (548 -541 /2)، ریحانه (236 -232 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 10/ 220 -222)، کشف الظنون (1048، 1893، 1567، 1144، 1096، 863، 847، 842، 516، 457، 449، 349، 195، 184)، لغت نامه (ذیل/ دوانی)، مجالس المومنین (229 -221 /2)، معجم المؤلفین (47/9)، هدیه الاحباب (136).

دوایی شیرازی گیلانی، شمس‌الدین علی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1004/1003 ق)، حکیم، پزشک، کحال و شاعر، متخلص به دوایی. معروف به عین‌الملک. ظاهرا مولد وی شیراز بود؛ ولی در گیلان نشو و نما یافت. دوایی با جلال‌الدین اکبرشاه و بیرم خان سپهسالار معاصر بود. در عصر اکبرشاه به هندوستان رفت و با معرفی خان اعظم، کوکلتاش به دربار راه یافت. وی سفری نیز به کاشان داشت و مدتی از عمر خود را در مکه به سر برد. مدتی حکومت دهلی و چندی صدارت صوبه‌ی بنگاله را بر عهده داشت. از مقربان اکبرشاه و از ملازمان اعظم خان کوکلتاش بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (460/5)، تاریخ نظم و نثر (676)، تذکره‌ی روز روشن (263)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (551 -549 /2)، الذریعه (329/9)، ریاض العارفین (194)، فرهنگ سخنوران (345 -344)، کاروان هند (417 -414 /1)، هفت اقلیم (149/3).

دهباشی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1321، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ارشد روان‌شناسی و زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران، دکترا در رشته فلسفه با درجه عالی از دانشگاه فوردهام نیویورک آمریکا در سال 1359، تحصیل مقدمات علوم اسلامی و سطح فقه و اصول نزد آیت‌اللّه طبیب‌زاده احمدآبادی، تحصیل خارج فقه و اصول نزد آیات عظام: سید علی بهبهانی رامهرمزی، سید محمدهادی میلانی و تحصیل فلسفه اسلامی نزد آیت‌اللّه ادیب و حکیم سید کاظم عصار (ره).
مرتبه علمی:
استاد فلسفه دانشگاه اصفهان، استاد نمونه دانشگاه اصفهان با بالاترین امتیاز در سال تحصیلی 71 -72
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس در مقطع کارشناسی ارشد در زمینه فلسفه غرب شامل: وایتهد، کانت، هگل، فلسفه معاصر، افلاطون، ارسطو، منطق قدیم و جدید و فلسفه علم. فلسفه اسلامی شامل: مشاء، اشراق و ملاصدرا، عرفان شامل: فصوص‌الحکم، مفاتیح‌الغیب و تمهیدالقواعد، متون فلسفی و عرفانی و کلامی به زبانهای عربی و انگلیسی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 17 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 7
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
فلسفی، کلامی، عرفانی، فلسفه علم، معرفت‌شناسی، تطبیقی، ترجمه و شرح و تحلیل بخش قوه و فعل کتاب اسفار ملاصدرا به انگلیسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 18، تعداد مقالات بزبان خارجی: 6
زمینه علمی مقالات:
فلسفی، کلامی، عرفانی، علمی، تطبیقی و فیزیک کوانتوم.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دهقانپور، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا دهقانپور
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/11/3
زندگینامه علمی
در سال 1369 در تهران دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. در همان سال وارد حوزه علمیه ملاجعفر (حاج آقا مجتهدی) شدم. در مدت چهار سال با اتمام لمعتین از پایه هفت در سال 1373 وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال 1377 با پایان پایه دهم وارد درس خارج آیت الله وحید خراسانی و دیگر مراجع مانند آیت الله تبریزی(ره)، آیت الله فاضل(ره) و آیت الله مکارم شدم. همزمان با دروس حوزوی، دروس دانشگاهی را ادامه دادم. در سال 1375 در دانشگاه مفید رشته فلسفه را تحصیل نمودم پس از آن در سال 1380 رشته فلسفه و کلام اسلامی را در دانشگاه باقرالعلوم شروع نمودم. در سال 1385 در رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام در مقطع دکتری مشغول به تحصیل شدم، از اول دبستان تا کنکور مقطع دکتری به فضل و لطف الهی ممتاز شناخته شده‌ام. هذا من فضل ربی. اکنون ضمن تحصیل، مشغول تدریس دروس عمومی در دانشگاه هستم.

دهقانی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن دهقانی ساری
محل تولد : کاشان
شهرت : دهقانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1351 وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیتهای انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج 2 حضرت آیة الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیة الله جوادی آملی و آیة الله حسن زاده و آیة الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیة الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیة الله حسن زاده و بخشی را نزد آیة الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس 7 دوره تدریس نهایة الحکمه – شرح اشارات جلد سوم- رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره- المنطق مظفر و جزء سی‌ام تفسیر قرآن کریم – اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس 22) اقدام به ترجمه و شرح نهایة الحکمه نمودم که تقریبا هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال 77 تا 82 منتشر شد.

دیرباز، عسکر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عسکر دیرباز
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
تا هفت سالگی مثل بقیه بچه های آن دوران روزگار گذرانیده، پس از ابتدایی و راهنمایی که دومین سالی بود که نظام سه ساله راهنمایی برقرار شده بود وارد دبیرستان شدم. پس از اخذ دیپلم تجربی در دبیرستان صدر اوحدی وارد حوزه علمیه قم شدم. در این مورد یکی از اهالی مسجدی که در دوران دبیرستان (دوم وسوم) به آنجا رفت و آمد داشتم خیلی موثر بود مرا با افکار انقلابی متخذ از تعالیم اسلامی قیام روحانیت در 15خرداد و مبارزات پس از آن ، مبارزات مردم ویتنام و الجزایر و فلسطین آشنا ساخت بطوری که از سال دوم دبیرستان ضمن مطالعه کتب درسی کتاب های دینی و اجتماعی مطالعه می کردم. بدین ترتیب وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال سوم تحصیل شروع به تدریس کردم و تمام کتاب های درسی ادبیات عرب را تدریس کردم. پس از آن به تدریس لمعه و مکاسب و کفایه مشغول شدم، البته پس از گذراندن تحصیل نزد اساتید عالیقدری همچون آیت الله اشتهاردی، وجدانی فخر (ره) ، اعتمادی، ستوده(ره)، آیت الله العظمی فاضل (حدود و قصاص) و آیت الله العظمی تبریزی (اواسط مکاسب و طهارت) و آیت الله العظمی وحید خراسانی (اصول و فقه) شرکت کردم. ضمنا دروس اشارات و اسفار حضرت آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی هم توفیق شرکت را به مدت 3 سال داشته ام . ضمن تدریس در دانشگاه تا حدی دروس خارج و تدریس مکاسب و کفایه را ادامه دادم تا آنکه اخیرا عمدتا مطالعات فلسفی دارم . همچنین در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با دوستان عالیقدر در زمینه اقتصاد و فلسفه اقتصاد تحیقاتی داشته ام که منتشر شده است.

دیلمقانی موحد، صمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی، کارشناسی ارشد فلسفه، دکترای فلسفه اسلامی.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس در زمینه دروس فلسفی در دانشگاه، همکاری با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بعنوان محقق و ویراستار.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
فلسفه و عرفان اسلامی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 30، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
فلسفه، کلام، عرفان اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیلمی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1281 -1229 ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه زیدی. وی در اکثر علوم دست داشت. در شهر ذمار یمن به دنیا آمد و در همان شهر نشو و نما یافت. در مکه از دنیا رفت. از آثارش: «تحفه الحبیب بنظم مسائل التهذیب»، در منطق؛ «نزهه الطرف فی احکام الصرف»؛ «الابریز المذاب فی قواعد الاعراب»؛ «الطراز المذهب فی المختار لاهل المذهب»، در فقه؛ «مختصر الاتقان فی علوم القرآن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (213/2)، معجم المؤلفین (243/3).

دیلمی، کرزالدین، اسحاق

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 689 ق)، حکیم. از دانشمندان و حکمای قرن هفتم هجری است. از آثار وی: «تاریخ السماویات و الارضیات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :کشف الظنون (296)، لغت نامه (ذیل/ اسحاق)، معجم المؤلفین (231/2)، هدیه العارفین (201/1).

ذاکری، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی ذاکری
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدایی وراهنمایی ودبیرستان رادر شهرقم گذارندم، و درسال 1368 وارد حوزه علمیه قم شدم . همزمان با تحصیل در حوزه درسال 1372 مشغول به تحصیل دررشته فلسفه غرب دانشگاه مفید شدم.در سال 1376وارد دوره کارشناسی ارشد فلسفه غرب همان دانشگاه شدم و بلافاصله درسال 1379 پس از فراغت از تحصیل در کارشناسی ارشد، دردوره دکترای فلسفه غرب دانشگاه تهران پذیرفته شدم و این دوره را تا سال 1385به اتمام رساندم. در تمام این مدت تحصیل در حوزه علمیه قم را تادرس خارج ادامه دادم.در سال 1380کارشناس پژوهش معاونت پژوهشی دانشگاه مفید بودم و ازسال 1379 محقق و از سال 1381 به عضویت هیئت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در آمدم وتا سال 1384 مدیر گروه کلام و فلسفه این پژوهشکده بودم . از سال 1380به تدریس دروس معارف اسلامی و نیز دروس تخصصی فلسفه در دانشگاه های تهران و قم اشتغال دارم .

رازی اصفهانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1248 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مجتهد. اصلا تهرانی و ایوان کیفی بود. به همراه پدر به عراق مهاجرت کرد و در کاظمین از محسن اعرجی کسب علم کرد و به کربلا رفت و از محقق بهبهانی استفاده برد. در نجف نزد سید مهدی بحرالعلوم و سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و سید محسن کاظمینی و پدر زن خود، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تلمذ کرد. از کاشف الغطاء اجازه روایت و فتوا داشت. در فتنه وهابیه به ایران بازگشت و در اصفهان سکنی گزید و مجلس درس برقرار کرد و حدود سیصد عالم و فاضل بر او اجتماع کردند که از جمله‌ی آنها، سید محمدباقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات» بود. وی در اصفهان درگذشت و حاج سید محمدباقر حجةالاسلام بر او نماز گزارد و در تحت فولاد نزدیک قبر محقق خوانساری دفن شد. از آثار وی: «حاشیه المعالم» به نام «هدایه المسترشدین»، در شرح اصول «معالم‌الدین»؛ شرح «طهاره الوافی» یا «تقریرات» استادش بحرالعلوم؛ «الفقه استدلالی»؛ «حجیه المظنه»؛ «شرح الاسماء الحسنی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (287/6)، اعیان الشیعه (198/9)، ایضاح المکنون (723/2)، تذکره القبور (215 -212)، الذریعه (195/25، 284 -283 /16 165/14، 366/13، 205/6)، روضات الجنات (123 -119 /2)، ریحانه (404 -403 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 217 -215 /13)، فواید الرضویه (435 -434)، لغت نامه (ذیل/ محمدتقی)، معجم المؤلفین (131 -130 /9)، هدیه الاحباب (185)، هدیه العارفین (364/2).

راشدی نیا، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر راشدی نیا
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال 72 وارد حوزه علمیه قم شدم . در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم . از سال 1375در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی ، شیخ جواد تبریزی ، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیرو حکمت حضرات آیات جوادی آملی ، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم . تابه به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بداية الحمة، المظاهر الالهية ، تمهيد القواعد، شرح فصوص الحکم را تدریس نموده ام . حقیر از سال 1378 بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب ، شرح الهداية الاثيرية ، رسائل اجوبة المسائل ، المظاهر الالهية ، رسالة اتحاد االعاقل و المعقول ، زاد المسافر و ... کارنمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالهین منتشر بیابد و همچنین از سال1383 بعنوان همکار علمی در مرکز دائرة المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 502 ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی/ معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل‌بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را 565 ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «درة التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است.[1]
(بخش 1) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. 502 ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التشأتین، الذریعة الی مکارم الشریعة (ه.م.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (279/2)، اعیان الشیعه (162 -160 /6)، تاریخ ادبیات در ایران (266/2)، تاریخ گزیده (693)، دایرةالمعارف فارسی (1061/1)، الذریعه (364/21 -128/20، 28/10، 46 -45 /5)، روضات الجنات (216 -186 /3)، ریاض العلماء (101/7، 172/2)، ریحانه (293 -292 /2)، سرآمدان فرهنگ (371 -370 /1)، سیر النبلاء (121 -120 /18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 82 -81 /6)، فرهنگ سخنوران (363)، کشف الظنون (1773، 1729، 1609، 881، 827، 739، 462

447، ،377 ،131 ،36)، الکنی و الالقاب (269 -268 /2)، لغت نامه (ذیل/ راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (862/2)، معجم المؤلفین (59/4)، هدیه الاحباب (140 -139)، هدیه العارفین (311/1).

راغب قمی، عبداللّٰه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1110 ق)، حکیم، فیلسوف، خطاط و شاعر، متخلص به راغب و وحدت. اصل وی از کاشان بود. چون بیشتر در قم می‌زیست به قمی مشهور بود. وی معاصر با شاه سلیمان صفوی بود و در سرودن شعر توانا. در آغاز وحدت تخلص می‌کرد. حکیم عبداللّٰه خط را نیز نیکو می‌نوشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (359 -358 /2)، تذکره‌ی نصرآبادی (478، 365 -364)، الذریعه (1262، 697، 349 -348 /9)، ریحانه (294 -293 /2)، فرهنگ سخنوران (977)، لغت نامه (ذیل/ راغب قمی).

رحیم لو، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رحیم لو
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد رحیم لو در سال 1339 در تهران متولد شدم. در سال 1354 در مدرسه آیت الله مجتهدی تهرانی به طور شبانه مقداری از جامع المقدمات را خواندم. در سال 1359 پس از اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه قم شدم.دروس سطح را نزد اساتیدی چون مدرس افغانی ، کوه کمره ای، اشتهاردی، اعتمادی و سید رسول تهرانی و مرحوم علی صفایی حائری خواندم و دروس خارج را نزد اساتیدی چون سید جواد تبریزی، سید موسی شبیری زنجانی، سید محمد روحانی، مرحوم علی صفایی حائری و دوره دروس معارف اسلامی را در موسسه امام خمینی گذراندم و در زمینه های فلسفه و کلام شروع به تحقیق کردم.

رحیمیان، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین رحیمیان
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسین رحیمیان در سال 1359 مشغول به تحصیل در علوم حوزوی شدم . پس از اتمام مقدمات ، سطوح عالی را در خدمت حضرات آقایان محقق داماد ، آیت الله خزعلی و کفایه را نزد حضرت آیت الله فاضل لنکرانی خواندم . خارج فقه و اصول را خدمت تعدادی از اساتید بزرگ و مراجع بوده ام به خصوص حضرت آیت الله تبریزی که متجاوز از بیست سال در فقه و اصول در خدمت ایشان بود ه ام فلسفه را نیز در خدمت اساتید بزرگوار بویژه حضرت آیت الله مصباح استفاده کرده ام.بجز تقریرات فقه و اصول مقالاتی در مباحث اسلامی مثل تقیه، و یا آزادی در اسلام نوشته ام و علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه مسئولیت برخی از مراکز علمی و فرهنگی را داشته ام. در دوره اولین شورای نمایندگان مقام معظم رهبری دردانشگاهها مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاههای کشور را به مدت سه سال عهده دار بودم.
ایجاد تشکیلات اساسی نهاد مثل تصویب اساسنامه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاسیس بخش گزینش اساتید معارف مربوط به آن دوره است مسئولیت دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی را نیز مدتی عهده دار بوده ام برخی از کتابهایی که در این دوره تدوین شد بحمد الله امروز در حوزه های داخل و خارج ایران متن درسی طلاب است برخی از آنها با تایید و تقریظ بعضی از فقها و مراجع جایگزین کتابهایی شده است که سالها در حوزه ها تدریس می شده است.همچنین از سوی مدیریت حوزه علمیه قم مسئولیت تاسیس و ایجاد رشته تخصصی تاریخ اسلام را داشته ام که هم اکنون این رشته با تعدادی از طلاب علاقه مند به این رشته به کارخود ادامه میدهد.

رزاقی، نصرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرالله رزاقی
محل تولد : طالقان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
در سال 1342 در طالقان روستای ناریان به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و تحصیلات مقطع راهنمایی را در تهران و مقطع دبیرستان را در قم به پایان رسانیدم. در سال 1361 به جبهه‌های جنگ در منطقه کردستان در قالب یک گروه فرهنگی اعزام شدم و حدود 11 ماه در منطقه دیواندره همراه رزمندگان اسلام بودم بعد از اخذ دیپلم در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شدم و مقطع مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رسانیدم و سپس دروس بعدی را به صورت آزاد در حوزه علمیه قم آغاز کردم و در دروس اساتید چون محمدی خراسانی، طالقاتی، محقق داماد، اعتمادی، طاهری خرم آبادی، بیگدلی و آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی ،مرحوم جوادآقا تبریزی و سبحانی شرکت کردم. سپس در موسسه آموزش تخصصی مذاهب اسلامی شرکت کرم و حدود سه سال دروس تخصصی مذاهب اسلامی را در نزد اساتیدی چون نجم الدین طبسی،بهجت پور، غیب غلامی، دکتر خدادادی و... گذراندم و در این مدت تحقیقاتی در رابطه با حیات ابوبکر، انسان و تکنولوژی، معرفت شناسی انجام دادم و هم‌زمان در دانشگاه آزاد و مرکز تربیت مربی و موسسه تخصصی مذاهب اسلامی تدریس داشته و هم‌اکنون نیز تدریس ادامه دارد.

رزمخواه، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد رزمخواه
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
آقای احمد رزمخواه در سال1345هجری شمسی در خانواده‌ای متدین ومذهبی در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد، برای ادامه تحصیل در آزمون دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت کرد. پس از پذیرش در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1382 فارغ التحصیل شد.
نامبرده ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) در طی دوران تحصیل رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مروی، کفایه و خارج اصول را نزد آیت الله رضا زاده و مرحوم آیت الله فلسفی و خارج فقه را نزد آیت‌الله مرتضوی آموخت. استاد رزمخواه پس از اتمام تحصیلات بر کرسیّ تدریس تکیه زد و در این مدت طلاب بسیاری درحوزه علمیه مشهد و دانشجویان بی شماری در دانشگاه های مشهد ازمحضر این استاد بزرگ بهره های فراوان علمی برده اند که حاصل این زحمات پرورش استعدادهای فراوان در زمینه علوم اسلامی می باشد.

رستمداری، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، عالم و شاعر. از علمای شهر رستمدار مازندران است. وی در حکمت و منطق مهارت داشت و سالها در مشهد تدریس می‌کرد. عمده شهرتش در زمان شاه طهماسب صفوی (984 -930 ق) بود. از او رساله‌ای به نام «رسالة فی الاجزاء المحمولة علی الماهیة» باقی مانده که آن را به شاه عباس اول (1038 -996 ق) هدیه کرده است. نسخه‌ای از این رساله به خط سید حسین بن حیدر کرکی، که در 1010 ق کتابت شده، موجود می‌باشد. همچنین اشعاری نیز از وی در تذکره‌ها نقل شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (658)، الذریعه (31/ 11)، صبح گلشن (382)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 518 -517/ 11)، فرهنگ سخنوران (814 -813)، هفت اقلیم (133/ 3).

رستمی، منصور

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
منصور رستمی
محل تولد : اسلام آبادغرب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/9/1
زندگینامه علمی
آقای منصور رستمی در سال 1345هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1367 وارد حوزه علمیه کرمانشاه گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین‌روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1374 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حورزوی در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله صالحی مازندرانی، آیت الله اعتمادی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1386از دانشگاه رازی کرمانشاه فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد
استاد پس از مدتها تحصیل برای تدریس عازم دانشگاه قشم گردید. وی درطول حیات علمی خود نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل "باقیات و صالحات"و"فلسفه نهضت امام حسین علیه السلام"را به رشته تحریر در آورده است.

رستمیان، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی رستمیان
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد علی رستمیان در سال 1344 در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. همزمان با شروع قیام مردم در سال‌های قبل از انقلاب با اینکه نوجوان بودم در راه‌پیمایی‌ها و فعالیت‌های بر ضد رژیم شاهنشاهی، از جمله تعطیلی کلاس‌های درس، شرکت می‌کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در فعالیت‌های بسیج مدارس و مسجد، و راهپیمایی‌ها، در راستای پاسداری از انقلاب شرکت می‌کردم. در همین ایام، در کنار کارهای بسیج و به خاطر حضور بعضی از روحانیون محل در بسیج، در کنار درس‌های دبیرستان به درس‌های حوزوی نیز مشغول شدم و بعد از دیپلم به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. با توجه به حضور در بسیج توفیق داشتم که مدتی را در کنار رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد شرکت کنم. در سال 1366 به قم آمدم و به ادامه تحصیل پرداختم و تا سطوح عالی حوزه را خواندم و به مدت ده سال نیز در درس خارج شرکت کردم. علاقه به فلسفه و بحث‌های کلامی موجب شد که در این مدت در کنار فقه و اصول، در درس‌های فلسفه نیز شرکت و به مطالعه کتاب‌های فلسفی و کلامی نیز بپردازم. با توجه به احساس نیازهای دانشگاهی جهت تدریس برای دانشجویان و آگاهی از روش‌های نوین تعلیم و تربیت، در سال 1370 در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم به تحصیل مشغول شدم و بعد از فارغ التحصیلی در مراکز مختلف حوزی و دانشگاهی به تدریس اشتغال داشتم. همزمان برای اینکه علوم فراگرفته را در زمینه کاربردی نیز استفاده نمایم با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در کار تدوین نرم‌افزارهای علوم اسلامی در رشته فلسفه و کلام همکاری داشته و چند سالی نیز مسوولیت بخش علوم عقلی را بر عهده داشتم. با توجه به علاقه‌ای که به شناخت آرا و نظرات دیگران داشتم، با توجه به شکل‌گیری مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در حوزه علمیه قم، از سال 1375 با این مرکز در راه شناخت

ادیان و مذاهب مختلف همکاری داشته‌ام و اکنون نیز که چند سالی است که دانشگاه ادیان و مذاهب تشکیل شده است، با این دانشگاه همکاری دارم. با توجه به نیازهای علمی و کاری، دوره دکترا را در رشته کلام با گرایش فلسفه دین در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم، که اینک در آستانه دفاع از پایان‌نامه دکتری هستم. در طول سالیان گذشته در کنار درس، به کار تبلیغ دینی در میان مردم و رزمندگان نیز اشتغال داشته‌ام. همچنین در هر جا که احساس کردم که حضور من برای انقلاب و جامعه موثر است، سعی کردم که در آنجا حضور جدی داشته باشم.

رشاد، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد علی اکبر رشاد در رمضان المبارک 1377 هجری قمری، برابر با اردیبهشت ماه سال 1335 هجری شمسی متولد گردید. وی تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را در نظر استادان برجسته حوزه‌های علمی اسلامی تهران و قم سپری کرد، و اکنون سالهاست به تحقیق و تدریس در زمینه فلسفه، منطق فهم دین، و فقه و اصول اشتغال دارد. علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامة امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : پدر علی اکبر رشاد محرم نام دارد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اکبر رشاد تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفة اسلامی را نزد اساتید برجستة حوزه‌های علمی تهران و قم سپری کرد .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر رشاد بیش از دو دهه است که در زمینة فلسفه، فلسفه دین، فقه و اصول به تحقیق و تدریس مشغول است. حجة الاسلام رشاد و در حال حاضر سمت‌های زیر را عهده‌دار می‌باشد: عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو هیأت علمی مرکز گفت و گوی ادیان، رئیس انجمن دوستی ایران و یونان، موسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
جوائز و نشانها : علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب"دانشنامة امام علی علیه‌السّلام " است.کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
چگونگی عرضه آثار : علی اکبر رشاد جهت حضور و ارائة مقاله در کنفرانس‌های علمی و مجامع فرهنگی به کشورهای متعددی از جمله آلمان، اتریش، آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، پاکستان، روسیه، عربستان، عراق، لبنان، هند، یونان، سوئیس و... سفر کرده است و اکنون نیز اجرا یا نظارت علمی چند تحقیق را بر عهده دارد از جمله، منطق فهم

دین ـ تحقیق مبانی و موانع نوفهمی و نظریه‌پردازی دینی ـ سرپرستی تألیف دانشنامه قرآن‌شناسی، 7 جلد ـ سرپرستی تألیف دانشنامة فرهنگ فاطمی، 6 جلد ـ نظارت بر تحقیق فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن، 3 جلد ----------
آثار :
1 از گفتمان امروز
ویژگی اثر : (در دست ویرایش)
2 تحقیق معرفت‌شناسی در کلام علوی(ع)
3 دانشنامة امام علی علیه‌السّلام
ویژگی اثر : سرپرست تدوین کتاب فوق،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دانشنامة امام علی علیه‌السّلام زیر نظر علی اکبر رشاد؛ به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشة اسلامی.ـتهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشة اسلامی؛12 ج + 1 ج درآمد،1380]توزیع: 1381[.یکی از آثاری که به همّت شماری از مؤلفان و محققان به مناسبت سال ولایت (1379 ـ 1380 ش) به زیور طبع آراسته شد، دانشنامة امام علی (ع) است. این دانشنامه مجموعه‌ای است موضوعی دربارة شخصیّت، سیره و اندیشه‌های امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی طالب و حوادث عصر آن حضرت و پس از آن، که در 6000 صفحه و 12 مجلّد سامان یافته و شامل 130 مدخل اصلی و حدود 3000 مدخل فرعی است. این مجموعه، زیر نظر آقای علی اکبر رشاد در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشة اسلامی و با همکاری بیش از یکصد و پنجاه تن از استادان و دانشوران حوزه و دانشگاه تألیف گردیده و به عنوان پژوهش برتر حوزة دین‌پژوهی ایران در سال 1380 شناخته شده است. دانشنامة امام علی (ع) ویژگی‌هایی متنوع دارد که مجموع آن‌ها را در آثار مشابه نمی‌توان سراغ گرفت، از جمله: اهتمام ویژه به تجزیه و تحلیل و تبیین مباحث فکری معاصر و قضایای نوپدید با استناد به کلمات و سیرة امام علی(ع)، بررسی مقایسه‌ای پاره‌ای از نظریات معاصر مرتبط با معارف دینی؛ تنوّع موضوعات و جامعیت نسبی مجموعه در بررسی زوایای گوناگون و ابعاد مختلف شخصیّت و اندیشة امام علی؛ همسویی موضوعات مطرح شده در مقالات ضمن رعایت ساختار یکسان؛ تفصیل در تحقیق موضوعات و اجتناب از کلّی‌گویی، دوری از تقلید و عدم اتّکا به مشهورات و تحلیل‌های شایع و نهراسیدن از نتایج نوپدید، با رعایت احتیاط علمی در تألیف مقالات؛ استقصا و تتبّع جامع مضامین خطبه‌ها و رسائل و روایات وارده از حضرت علی در قلمرو و مدخل‌های مورد تحقیق؛ همسانی و یکدستی مجموعه از لحاظ رعایت

قواعد علمی پژوهش و نگارش؛ استناد به منابع دست اوّل در موضوعات تاریخی و سیره؛ استفاده از زبان علمی و نثر معیار و پرهیز از شعارپردازی؛ اشتمال بر شبکة معنایی جامع و نمایه‌ها و فهارس موضوعی
4 دموکراسی قدسی
5 سرپرستی و هدایت دانشنامه فرهنگ فاطمی(س)
ویژگی اثر : 6 جلد
6 سرپرستی و هدایت دانشنامه قرآن‌شناسی
ویژگی اثر : 4جلد
7 سنن حاکم بر تاریخ از منظر قرآن
8 شهود و شیدایی
ویژگی اثر : تأملاتی در فلسفه هنر
9 شور اشراق (مجموعه مقالات در زمینه شعر و ادب)
10 علم‌النفس اسفار صدرالمتألهین
ویژگی اثر : تصحیح و تحقیق
11 گزیده غزل‌های حکیم فیاض لاهیجی
ویژگی اثر : گزینش، مقدمه و تصحیح
12 نظارت علمی بر تحقیق «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن
ویژگی اثر : 3 جلد

رشتی نجفی، شعبان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1348 -1275 ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جدش، عبدالوهاب، از خراسان به گیلان مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. در نزدیک رشت به دنیا آمد و برای تحصیل مقدمات و عربیت به لاهیجان رفت و در محضر میرزا حسین مدرس تصحیل کرد. در 1292 ق برای فراگیری سطوح به قزوین رفت و در حوزه‌ی درس سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، و حاج میرزا عبدالوهاب بهشتی حضور یافت. در 1302 ق به نجف رفت و حاضر بحث حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی و فاضل ایروانی شد و پس از وفات علامه رشتی نزد علمایی چون ملا محمد شرابیانی و شیخ محمدحسن مامقانی و حاج شیخ عبداللّه مازندرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا آنجا که مجتهد مطلق شد و حلقه درس تشکیل داد و بسیاری بر گردش جمع شدند. او در نجف از دنیا رفت و در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: کتاب «صلاله المسافر»؛ «کتاب القضاء»؛ «کتاب فی احکام الخلل»؛ «کتاب المتاجر»؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «القطع» و «الظن» و «البرائه» و «الاستصحاب» و «التعادل» و «التراجیح»؛ رساله‌ای در «عدم وجوب الترتیب فی فوائت المیت»؛ رساله‌ای در «الانعزال و عزل الولاه المنصوبین من الائمه (ع)»؛ رساله‌ای در «انتقال الترکه الی الوارث مع‌الدین المستغرق للترکه»؛ حواشی بر «العروه الوثقی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :علماء معاصرین (145 -144)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14/ 838- 839).

رشتی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین بن الشیخ عیسی بن یوسف بن علی بن عبدالغنی رشتی عالمی بزرگ و فقیهی جلیل و فیلسوفی ماهر بوده و در سال 1292 قمری در کربلا متولد شده و در سن چهار سالگی با مرحوم والدش به رشت آمده و پس از پرورش در مهد علم مقدمات و سطوح را در رشت خوانده و در سال 1312 قمری به تهران آمده و از محضر علامه آشتیانی فقها و اصولا بهره‌مند شده و بعد از ده سال تحصیل و تدریس در مدرسه صدر تهران مهاجرت به نجف نموده و از محضر علامتین خراسانی و یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی در هر رشته استفاده نموده تا به مقام استادی رسیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از افاضل از محضرش کسب فیض نموده تا در روز سه‌شنبه 12 جمادی‌الثانیه 1373 ق به رحمت ایزدی پیوسته و در وادی‌السلام در مقبره شخصی مدفون گردیده است. آثار علمی آن بزرگوار بسیار است و از آنهاست شرح (کفایةالاصول) که در سال 1370 ق بطبع رسیده و حاشیه بر (طهارت علامه انصاری) و تعلیقه بر بحث الموضوع (شرح المطالع) و (الثمرات) و حاشیه (اسفار) و ده‌ها رساله و حواشی دیگر بر کتب علمیه.
فرزند ارجمندش مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ محمد رشتی از خواص اصحاب مرحوم آیت‌اللّه العظمی حکیم بودند که در حادثه حکومت بعث عراق به ایران اخراج و در سال 1394 ق در مشهدالرضا علیه‌السلام بدرود حیات گفتند.
(1373 -1292 ق)، عالم دینی، فقیه و فیلسوف. پدرش از علمای بزرگ بود که اصل وی از قریه‌ی بجاربند رشت است. شیخ عبدالحسین در کربلا متولد شد و در سن چهار سالگی به همراه پدر به رشت آمد و مقدمات و سطوح را در این شهر خواند. در 1312 ق به تهران آمد و از محضر شیخ محمدحسن آشتیانی در اصول و فقه بهره گرفت. حکمت و کلام را نیز نزد شیخ علی نوری و سید شهاب‌الدین تبریزی شیرازی فراگرفت. وی همزمان در مدرسه‌ی صدر تهران به تدریس ادبیات و سطوح ادبی مشغول بود. پس از ده سال به نجف مهاجرت کرد و در محضر علامه‌ی خراسانی و علامه‌ی یزدی و شریعت اصفهانی فقه و اصول و حدیث و رجال و فلسفه و اخلاق را به نهایت رسانید و به دریافت اجازه اجتهاد از استادان خود نائل آمد. آنگاه حوزه‌ی تدریس تشکیل داد و بسیاری از افاضل را از محضر

خویش بهره‌مند ساخت. او در نجف درگذشت و در وادی‌السلام در مقبره‌ی شخصی دفن شد. فرزندش، حاج شیخ محمد رشتی، از شاگردان وی به حساب می‌آید. از آثار علمی او: شرح «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «طهارت» علامه انصاری؛ تعلیقه بر بحث «الموضوع من شرح المطالع»؛ «الثمرات»، در تحدید موضوع علوم؛ حاشیه‌ی «الاسفار» رساله‌ی «اصول‌الدین»؛ «الاطوار»، در مباحث مختلف تنفسر آیات؛ رساله‌ای در «صرف و نحو»؛ رساله در «منطق»؛ تعلقات بر «جواهر الکلام» و «الرسائل» و «المکاسب».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (34/ 14 ،148/ 6 ،12/ 5 ،219 -218/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1067 -1064/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (178/ 5).

رشیدی، علیقلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی قلی رشیدی
محل تولد : خرم آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/2/23
زندگینامه علمی
در روستای بادامک تابع شهرستان پلدختر متولد شدم . در شش سالگی در روستای چم قلعه به دبستان رفتم و پس از گذشت مقطع ابتدایی وارد مقطع راهنمایی در شهرستان پلدختر شدم. دبیرستان راهم در همان شهر همراه با انقلاب در رشته علوم تجربی گذراندم. در دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به همراه یکی از سادات جلیل القدر مظلوم و محلی به نام سید علی نقی موسوی (ره) تمام اعلامیه های امام را دست نویس کرده و در بین مردم پخش کردم از سال 56 وارد حوزه شدم و تا سال 1371 دوره سطوح عالیه را تمام کردم و همراه با دروس حوزه دروس دانشگاهی لیسانس در رشته فلسفه و کلام و فوق لیسانس در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی را تا سال 1376 به اتمام رساندم در دوران جنگ تحمیلی چندین بار به جبهه رفتم و دو بار مجروح شدم و در سال 17/6/1365 به درجه جانبازی شیمیایی نایل گردیدم و الان هم مشغول به تدریس در دانشگاههای لرستان و حوزه علمیه پلدختر هستم.

رضا، عنایت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عنایت‌الله رضا در سال 1299ش در شهرستان رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود و تهران به پایان رساند و سپس تحصیلات عالی را در رشتهٔ فلسفه ادامه داد و موفق به دریافت درجهٔ دکترا گردید. نامبرده به جهت علاقهٔ فراوان به مطالعات ایران‌شناسی، به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداخت. و در حال حاضر عضو هیأت علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است. کتابهای "شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان"و " اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی" ترجمه ،عنایت الله رضا به ترتیب ، در دورهای هفتم و دوزادهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : اجداد عنایت الله رضا همه از روحانیون و برخی از مراجع بزرگ زمان خود بوده اند. پدر ایشان از شاگردان آخوند خراسانی بوده و نزد آن روحانی بزرگ به تحصیل اشتغال داشته است.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عنایت الله رضا پس از گذراندن دوران کودکی در رشت به تهران منتقل شد و دوران تحصیل متوسطه را در این شهر پایان رساند. در 21 آذر 1325 ، پس از شکست به اصطلاح جنبش آذربایجان به شوروی پناهنده و در آنجا مشغول به تحصیل می شود. پس از اتمام رشته علوم حزبی در دانشکده حزبی به ادامه تحصیل در شته فلسفه پرداخته و به اخذ درجه دکترا در این رشته نایل می آید و در کنار آن به سبب علاقه به مطالعه در زمینه ایران شناسی مطالعه و تحقیق در این زمینه را پی می گیرد.
استادان و مربیان : عنایت الله رضا در دوران تحصیل از دانش و توجه پدر و برادر بزرگتر خود آقای پرفسور فضل الله رضا بهره مند بود
وقایع میانسالی : عنایت الله رضا پس از شهریور 1320، در آن ایام پر التهاب و پر تب و تاب سیاسی، اجتماعی کشور ،به حزب توده پیوست. در همین ارتباط در سال 1324 بازداشت و سپس به کرمان تبعید و زندانی شد. در اوایل سال 1325 پس از آزادی از زندان به دستور کمیته مرکزی حزب عازم آذربایجان شده و در آنجا به عنوان فرمانده نیروی هوایی

حکومت آذربایجان مشغول گردید. از آن پس به سبب بروز اختلاف با سران فرقه دموکرات آذربایجان در مورد تاسیس فرقه در ایران و اعلام رسمی ایشان در کنفرانس باکو مبنی بر انجام این امر به مثابه یک خیانت، از سوی سران دستگاه حاکمه آذربایجان شوروی از جمله رئیس جمهوری وقت و همچنین دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان به اتفاق چند نفر دیگر از فرقه اخراج و از کار نیز برکنار می شوند. کمیته مرکزی حزب نیز ماموریت ایشان را پایان یافته تلقی کرده، در نتیجه مجبور به عزیمت از شوروی به کشور چین شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عنایت الله رضا پس از پایان تحصیلات مدتی در نیروی هوایی ارتش به سمت افسر خلبان و دیده بان خدمت نمود . با شکست جنبش آذربایجان در 21 آذر سال 1325 به شوروی پناهنده شد . او بعد از آن بر سر برخی اختلافات سیاسی به چین رفت و به اتفاق چند تن دیگر بخش فارسی رادیو پکن را تاسیس نمود. بعد از دو سال به دلیل برخی تعبیرات در شوروی و برکناری سران حکومت آذربایجان به سبب دشواری تحصیل فرزندانشان در چین و آشنایی آنها به زبان روسی دعوت به بازگشت شوروی را پذیرفته و در اواخر 1959 به مسکو بازگشته و در بخش فارسی رادیو مسکو تا سال 1967 به فعالیت خود ادامه می دهد. پس از ورود به ایران ابتدا به سمت متصدی کتابهای روسی در کتابخانه (پهلوی سابق، بخش کنگره جهانی ایرانشناسی) و بعد به عنوان معاون علمی و پژوهشی آن کتابخانه مشغول شدند. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز مسئولیت کتابخانه به عهده ایشان واگذار شد اما به سبب بیماری و عزیمت شش ماهه به خارج از کشور به منظور معالجه ادامه کار میسرنگردید. وی از سال 1365 تا حال حاضر نیز در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی به عنوان عضو هیات علمی مشغول به کار شدند.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عنایت الله رضادر پکن به اتفاق چند تن دیگر بخش فارسی رادیو پکن را تاسیس نمودند.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عنایت الله رضا بعد از انقلاب به سبب بیماری برای معالجه به خارج از کشور رفته و پس از بازگشت به تحقیق و ترجمه و تالیف همت گماشت.
جوائز و نشانها : کتابهای "شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان"و " اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی" ترجمه ،عنایت الله رضا به ترتیب ، در دورهای هفتم و دوزادهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. ----------
---

آثار :

1 آذربایجان و اران
ویژگی اثر : تالیف
2 اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی: اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم – ششم میلادی ؛ ن. و.پیگولوسکایا؛ ترجم؟ عنایت الله رضا؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1372. در مورد تاریخ ایران در روزگار ساسانیان، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که کتاب مذکور از جمله آثار معتبر در این زمینه است. مؤلف کتاب، خانم نینا ویکتور ناپیگولوسکایا، یکی از متخصصان برجست؟ روسیه، در رشت؟ تاریخ کشورهای خاور نزدیک و میانه به ویژه ایران و بیزانس، در اوایل سده های میانه و دوران پیش از اسلام بوده است. او طی سی سال پژوهش در زمین؟ تاریخ ایران، آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که در محافل ایران شناسان جهان، مورد ستایش قرار گرفته است. کتاب حاضر ترجم؟ فارسی آخرین اثر مؤلف است که در آن رابط؟ وسیع اعراب ساکن مرزهای ایران بویژه دولت حیره را با استفاده از اکتشافات جدید به شرح آورده و مرزهای مسلمانان و اعراب و امپراتوری روم شرقی در سده های نخستین قرون اسلامی را تشریح کرده است. مسائل مربوط به مرزها در روند تاریخ همواره اهمیت زیادی داشته است زیرا حوادث و رویدادهای تاریخی است که تعیین مرزها را به دنبال دارد. علاوه بر آن، مهاجرت اقوام و قبایل مختلف، حوادث سیاسی را صبغ؟ دیگری می بخشد و در نهایت حدود سرزمینها را معین می کند. تألیف حاضراین نکات را به خوبی روشن می کند. جدید بودن مراجع و منابع و ارائ؟ اسناد به زبانهای مختلف از امتیازات این کتاب محسوب می شود. نثر ترجم؟ بسیار روان وقابل فهم است. و مترجم کوشش فراوانی برای ارائ؟ توضیحات علمی به کار برده است و علاوه بر یادداشتهای مؤلف، موارد متعدد و قابل توجهی را بر متن اصلی افزوده است. او ضمناً به ترجم؟ عربی کتاب نیز توجه داشته است.
3 ایران و ترکان در زمان ساسانیان
ویژگی اثر : تالیف
4 تاریخچه سری جنایات استالین
5 ترجمه کتاب اسرار مرگ استالین
ویژگی اثر : نوشته آوتور خانوف
6 ترجمه کتاب انقلاب مجارستان

ویژگی اثر : نوشته تیبور مرای
7 ترجمه کتاب تمدن ایران ساسانی
8 ترجمه کتاب زمامداران شوروی
ویژگی اثر : نوشته الکساندر سولژنیستین
9 ترجمه کتاب شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان
ویژگی اثر : این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان»: کتاب از برجسته‌ترین آثاری است که تا کنون توسط ایرانشناسان شوروی، پیرامون وضع شهرهای غرب ایران نوشته شده است. نگارنده، که به زبانهای پهلوی و سریانی نیز احاطه داشته، شیوهٔ زندگی، آداب و سنّتهای ساکنان غرب ایران و پیوند آن با آداب و سنن دیگر نواحی از جمله خراسان و «ورارود» (ماوراءالنهر)، چگونگی معاملات و مبادلات در ایران عهد ساسانی و مقایسهٔ اوضاع اقتصادی و اجتماعی عصر ملوک‌الطوایفی پارتیان در روزگار ساسانیان را مورد پژوهش قرار داده است. این کتاب، اسناد و مدارک بسیار ارزنده‌ای را برای مطالعه و تحقیق در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار می‌دهد. البته باید یادآور شد که مؤلف کتاب به نتیجه‌گیریهایی پرداخته است که با ویژگیهای اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی سرزمین ما سازگار به نظر نمی‌رسد. ترجمه براساس متن روسی و با مقابله با متن فرانسوی به شکلی شایسته صورت گرفته است
10 ترجمه کتاب طبقه جدید
ویژگی اثر : نوشته میلوان جیلاس
11 ترجمه کتاب گفتگو با استالین
ویژگی اثر : نوشته میلوان جیلاس
12 ترجمه کتاب منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن
ویژگی اثر : نوشته نیکلای بردیایف
13 ترجمه کتاب نیکیتا خروشچف ، سال های حاکمیت
ویژگی اثر : نوشته روی مدودف و ژورس مدودف
14 جزوه کمونیسم اروپایی
15 خاطرات بوریس باژانف رییس دبیرخانه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
16 خاطرات پرنس یوسف اف قاتل راسپوتین
17 کمونیسم و دموکراسی
ویژگی اثر : تالیف
18 مارکسیسم و ماجرای بیگانگی انسان

منابع زندگینامه :
1www.ketabesal.ir2کیهان فرهنگی سال هفتم-شماره 1-فروردین 1369

رضانیا، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید رضانیا
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی سال 1344شمسی در یک خانواده معمولی در شیراز متولد شدم. مادرم از نوادگان مجاهد نستوه آیت الله سید علی اکبر فال اسیری اعلی الله مقامه - از پیشگامان نهضت تنباکو در فارس و از همرزمان مرحوم میرزای شیرازی بزرگ رحمت الله علیه - بود، همچنین پدرم انسانی روشن بین و از نوادگان ملا واعظ شیرازی که او نیز از نیاکان زمان خود به شمار می رفت، بود، مرحوم پدرم در مسیر زندگی خود مبارزه با ظلم دستگاه طاغوت و تلاش در گسترش عدالت را سیره عملی خود قرار داده بود و در این راه سالیانی از زندگانی خود را در بند دژخیمان ستم شاهی سپری کرد و به همین سبب کانون خانواده ام همواره برخوردار از روشنگری و کاوش در مسیر کشف حقیقت بوده است.شروع دوران تحصیلات متوسطه ام مصادف بود با آغاز نهضت بزرگ اسلام مردم ایران، که در کنار دیگر دوستانم در اتحادیه انجمن های اسلامی مدارس شیراز که امروزه بسیاری از ایشان مدال پر افتخار شهادت را به گردن آویخته اند به فعالیت های فرهنگی و اعتقادی روی آوردم، دقیقا پس از اولین تجربه ام در جبهه های جنگ که مصادف با سوم خرداد 1361 و آزاد سازی خرمشهر بود که علاقه وافر و آرزوی بزرگم یعنی فراگیری علوم اسلامی تحقق عملی پیدا کرد و در حوزه شیراز و در مدرسه قوام به تحصیل مشغول شدم ولی چون با فوت پدرم مصادف شد پس از اتمام دوره دبیرستان با انصراف از قبولی در دانشگاه، به حوزه مشهد و مدرسه استاد آیت الله موسوی نژاد عزیمت کردم که در آنجا ضمن خوشه چینی از خرمن اساتید آن دیار در جوار ملکوتی آستان قدس رضوی علیه السلام بهره مند شدم که از این میان اساتید بزرگواری چون آیت الله مروارید، آیت الله میرزا جواد تهرانی، آیت الله فلسفی ، عارف بزرگ استاد مولوی افغانی و نیز برخی از شاگردان مرحوم رجبعلی خیاط را می توان یاد کرد.همچنین سطوح عالیه و دروس خارج را در قم در محضر آیات عظام و اساتید

بزرگواری چون وحید خراسانی، تبریزی ، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی، لاریجانی، پایانی، اعتمادی و وجدانی فرا گرفتم. در بخش دانشگاهی؛ در رشته علوم تربیتی مدیریت آموزش تا مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی با اشراف استاد فرزانه آیت الله مصباح یزدی، کارشناسی ارشد ناپیوسته فلسفه و کلام را از دانشگاه باقر العلوم (ع) و تحصیل در مقطع دکترا رشته فلسفه که ادامه دارد. الان در خارج مشغول به تحصیل در مقطع دکتری هستم و در چند سمینار نیز شرکت داشته ام .

رضانیا، ذبیح الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ذبیح الله رضانیا
محل تولد : آباده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ذبیح الله رضانیا درتاریخ 1332متولد شده و پس ازگذراندن تحصیلات کلاسیک وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از اتمام مقدمات وارد دروس خارج شده و از محضر اساتید وحضرات آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی ،سبحانی، ربانی گلپایگانی،مومن ....کسب فیض نمودم. همچنین در رشته تخصصی کلام درحال نوشتن پایان نامه می باشم. علاوه بر تحصیل به تألیف نیز پرداخته ام که درقسمت آثار آمده است.

رضایی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید رضایی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از اخذ دیپلم در سال 58 به دانشگاه رفتم. با شروع انقلاب فرهنگی با حضور در کردستان و فعالیت در جهاد سازندگی به مردم منطقه، کمک های متعددی انجام شد. در زمستان 59 به حوزه آمدم. دروس سطح را تا سال 66 به اتمام رساندم نزد اساتید مختلف از جمله حجج اسلام: آل غفور ومیبدی (لمعه و اصول فقه) طالقانی (مغنی) فتوحی (مختصر المعانی) میری (مبادی العربیه) اعتمادی و ضرابی (رسائل) ستوده (مکاسب) احمدی فقیه و مدرسی (کفایه) منظومه را از محضر آیت الله انصاری شیرازی با استماع نوار، منطق (نیازی) اشارات خدمت آیت الله حسن زاده، اسفار خدمت آیت الله جوادی آملی شرکت در درس و استماع نوار، تفسیر محضر آیت الله جوادی آملی، شرح تجرید استماع نوارهای آیت الله مکارم شیرازی، دروس خارج فقه محضر آیات عظام (منتظری، تبریزی، قدیری، موسوی اردبیلی، وحیدی خراسانی) و اصول محضر آیات عظام (صانعی، تبریزی، وحیدی خراسانی، موسوی اردبیلی، و قدیری) تمهید القواعد استماع نوارهای درسی آیت الله جوادی آملی در کنار تعلم، دروس حوزوی مختلف را در مدارس وبه طورخصوصی تدریس کردم، ادبیات (جامع المقدمات، سیوطی، مبادی العربیه، مغنی) اصول (معانی و اصول فقه و رسائل) فقه (لمعه، مکاسب) فلسفه (بدایه، نهایه، منظومه، شواهد الربوبیه) حدیث (نهج البلاغه و بحار) قرآن تفسیر برخی سوره ها.
در دانشگاه مفید در اولین دوره اقتصاد نظری شرکت کردم و در سال 73 لیسانس و 77 فوق لیسانس اقتصاد را دریافت کردم. از سال 76 به عنوان هیات علمی گروه اقتصاد علاوه بر انجام مسوولیت های اجرایی مثل مسئول دفتر نظارت و ارزیابی، مسوول دفتر تحصیلات تکمیلی و معاون پژوهشی تا سال 84 به تدریس دروس مختلف اقتصاد پرداختم. فقه

اقتصادی، مالیه عمومی در اسلام، مالیه عمومی، کلیات علم اقتصاد، اقتصاد در بخش عمومی، تجارت بین الملل، نظام های اقتصادی، تاریخ عقاید اقتصادی، بانکداری بدون ربا و ...
در دانشگاه علوم پزشکی تهران، رازی کرمانشاه و مفید دروس عمومی مثل معارف اسلامی، تاریخ اسلام، ریشه های انقلاب اسلامی، اخلاق اسلامی را تدریس کردم (از سال 75 ـ 80)
با همکاری دوستان در بخش فرهنگی جامعه مدرسین قم کتاب ربا تدوین شد و با همکاری آقای رهایی کتاب فقه القضاء آیت الله العظمی موسوی اردبیلی بازنویسی شد و تحت اشراف ایشان تجدید چاپ شد.

رضوان، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اولاً نامش ملاعباس بوده که به محمود تغییر داده است اسلافش از اهالی قریه کهک چهار فرسخی قم بوده و این حکیم دانشمند پس از تکمیل مقدمات علوم ادبیه در قم مهاجرت به تهران نموده و نزد دو حکیم بزرگوار مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه و آقا میرزا محمدرضای قمشه‌ای مشغول تحصیل علم حکمت گردید تا از اجله حکماء محسوب گشت و سالها در تهران در مدرسه صدر و غیره تحصیل و تدریس علم حکمت می‌نمود. قصاید اشعار غرائی در مدح ائمه معصومین علیهم‌السلام سروده و در حدود سال 1330 تقریباً در تهران وفات نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رضوانی راد، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین رضوانی راد
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/4/1
زندگینامه علمی
به فضل الهی سال 1349 شمسی در خرداد ماه وارد حوزه علمیه شدم رسماً و دروس مقدماتی ادبیات و منطق و سطوح اولیه را گذراندم و سطوح متوسط و عالیه را گذراندم و در سال 1355 وارد درس خارج شدم، در همان سال امتحانات سطوح عالیه را گذراندم در امتحان شفاهی کفایه الاصول که در مدرسه حجتیه انجام شد جناب استاد محسن دوزدوزانی نمره 20 را دادند و چند بار تشویق کردند با جمله احسنت و در همان جلسه امتحان مکاسب مرحوم شیخ انصاری را در خدمت مرحوم استاد و آیت الله حاج شیخ احمد پایانی انجام شد ایشان شماره و نمره 19 را دادند که بنده به ایشان عرض کردم از من اشکالی گرفتید چرا یک نمره کم کردید ایشان با شوخی و مزاح از کنار مساله گذشتند. در همین سال در درس مرحوم استاد آیت الله مرتضی حائری تا هفت سال درس خارج فقه شرکت نمودم تحت صلاة مسافر و خمس و خیارات مکاسب را و در مباحث اصولی ایشان از عام و خاص تا برابری شرکت کردم و 14 سال درس اصول آیت الله وحید خراسانی، هفت سال فقه درس آیت الله حاج میرزاجواد آقا تبریزی 5 سال فقه درس آیت الله سید کاظم حائری اصول مدت دو سال تقریباً شرکت نمودم.
البته برخی از کتب سطوح عالیه را مکرر خواندم. مثل کفایه الاصول ج 2 را نزد 2 استاد خواندم آیت الله سیدعلی محقق داماد و آیت الله جعفر سبحانی مکاسب را نیز دو دور خواندم. اسفار الاربعه صدر المتالهین را تقریباً شش‌ماه خواندم آیت الله جوادی آملی و حاج شیخ حسین انصاری شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد ابن ترکه را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم برهان شفا در منطق را نزد آیت الله جوادی آملی الهیات را نزد آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم و در همان سالهای اولیه مشغول تدریس بودم از سال 1351 شمسی تاکنون تا عالی‌ترین سطوح را تدریس

کرده‌ام. خداوند متعال از همه قبول کند درس تفسیر را نزد آیت الله خزعلی آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. البته در این خلل کارهای علمی از قبیل یادداشت برداری در موضوعات مختلف از قبیل تراجم شرح حال علی و امامت ـ معاد ـ حج و امثال ذلک داشته‌ایم و کتابهایی را از شهید مطهری آیت الله جوادی آملی ـ امام خمینی ـ شهید بهشتی ـ آیت الله مکارم شیرازی تنظیم نموده و پاورقی زدیم و چاپ شده است. از باب نمونه چهار کتاب از کتابهای شهید مطهری ـ انسان کامل ـ عنصر امر به معروف ـ فلسفه اخلاق ـ و یکی دیگر از کتابهای ایشان را شخصاً تنظیم کردیم و جامعه مدرسین در سال‌های 1361 ـ 1362 چاپ کردند. از آیت الله جوادی آملی اسرار عبارات ـ حماسه و عرفان ـ عرفان حج و دیگر کتابها را تنظیم کردیم و چاپ شد و نیز از دیگران خداوند از همه قبول فرماید.

رضوی قمی، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1168 ق)، شاعر، عالم، حکیم، مفسر، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از قم است، ولی در همدان متولد شد.
در همان جا نشو و نما یافت. او برادر صدرالدین رضوی قمی، شارح «الوافیه»، است ک از وی روایت کرده است. سید ابراهیم بعد از وفات برادرش به کرمانشاه رفت. وی یکی از مشایخ دوازده‌گانه سید شبر حویزی است. حاج محمدجعفر مجذوب (مجذوب علیشاه) نیز از شاگردان وی به حساب می‌آید. سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی نیکو داشت. از آثار وی: «شرح مفاتیح الشرایع»؛ «شرح الوافی» فیض کاشانی.[1]
سید صدرالدین بن سید محمدباقر الرضوی القمی مجاور نجف اشرف از علماء اواخر دولت صفویه به بعد و از بزرگان محققین این طایفه علیه می‌باشد صاحب روضات در کتابش گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق وجودت تصرف و تحقیق فردیست بلاثانی و تلمذش در بدو امر نزد آقا جمال‌الدین خونساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی و سایر علماء اصفهان بود و پس از فراغ از تحصیل بوطن مألوف معاودت نموده و در آن ارض شریف مشغول تدریس و ارشاد عباد گردیده.
تا زمانی که در آن جایگاه فتنه افاغنه رخ نمود بناچار به موطن برادر خود سید ابراهیم رضوی به همدان هجرت فرمود و از آنجا به نجف اشرف علی مشرفها آلاف التحیة والثناء رفت و در آن ارض مقدس نیز نزد شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری مشغول تحصیل شد تا فارغ‌التحصیل گردید سپس در آنجا مشغول تدریس شد.
و از شاگردان اوست سید عبداللّٰه بن سید نورالدین بن سید نعمت‌اللّٰه جزایری صاحب اجازه کبیره و از جمله چیزی که سید مذکور در آن اجازه در حق استادش گفته اینست که او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده‌ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم‌القدر بوده و زوار از هر ناحیه به ملاقات او می‌آمدند و به زیارتش تبرک می‌جستند و از وی استفاده می‌نمودند و از جمله تلامذه اوست وحید بهبهانی آقا باقر معروف رحمةاللّٰه علیه دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنهاست «کتاب طهارت» و کتاب «شرح وافیه ملا عبداللّٰه تونی» در سال 1160 وفات نموده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (204/2)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (86/2)، الذریعه (165 ،74 /14 ،144 -143 /11 ،229/6)، ریاض العارفین (302)، ریحانه (431/3)، الکنی و الالقاب (415/2)، طرائق الحقائق (258/3)، معجم المؤلفین (87/1)، مکارم الآثار (642/3).

رضوی قمی، صدرالدین محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1160 ق)، عالم، محدث، فقیه اصولی و مرجع تقلید. اصل وی از قم است و نسبش به امام محمدتقی (ع) می‌رسد. در اصفهان نزد آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر قاضی و محقق شیروانی تلمذ کرد. سپس به قم رفت و به تدریس و ارشاد مشغول شد. در فتنه‌ی افغان به موطن برادرش، همدان و از آنجا به نجف رفت و مراتب علمی خود را به کمال رساند و از ملا شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزائری بهره گرفت استاد اکبر، محقق بهبهانی، شاگرد اوست و در نوشته‌هایش از رضوی قمی به سید سند استاد تعبیر می‌کند. سید عبداللّه جزائری نیز از وی روایت کرده است. از آثار وی: شرح «الوافیه» ملا عبداللّه تونی، در اصول فقه، در پانزده هزار سطر؛ «کتاب الطهاره»؛ حاشیه بر «المختلف» علامه حلی؛ «المعراج»؛ رساله‌ای در «حدیث ثقلین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (406/9، 386/7)، الذریعه (226/21، 185/15، 166/14، 121/13، 194/6، 325/4)، روضات الجنات (122 /4 -119)، ریحانه (430/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 384 -382 /12)، فوائد الرضویه (213)، الکنی و الالقاب (415 -414 /2)، لغت نامه (ذیل/ صدرالدین)، معجم المؤلفین (197 -196 /11، 87/9، 18/5)، مکارم الآثار (642/3)، هدیه الاحباب (187).

رضوی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در 26 دی‌ماه سال 1326 شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدرو اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «دربارة ما» بیان گردیده است.
استاد مرتضی رضوی در اواخر سال 1340 پس ازتحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.
فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شر یعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.
استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.
استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.
در سن 19 سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.
استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف

عدالت‌گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال 1342 حضور داشتند و تا سال 1356و خیزش نهضت اسلامی 18 بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال 1356 مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.
استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال 1363 از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.
استاد مرتضی رضوی در سال 1366 در دوره سوم نمایندگی مجلس شواری اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحلة دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت ، مبنی براینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحلة دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رفیعا گیلانی، رفیع‌الدین محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1106 ق)، عالم و حکیم. معروف به ملا رفیعا، رفیعا، میرزا رفیعا و رفیع‌الدین. مقیم مشهد بود و طی چهل سال اقامت در آن خطه، احترام همه‌ی مسلمانان منطقه را به خود جلب کرد. وی شاگرد میرزا رفیعا نائینی و علامه مجلسی است و از او روایت کرده است. قزوینی در «تتمیم امل الآمل» او را بسیار ستوده است. همسرش دختر امیر ابی‌المعالی کبیر و مادر همسرش دختر مولا صالح مازندرانی و نوه‌ی مجلسی اول بود. فرزندش محمد، چون ساکن بیدآباد اصفهان بود به بیدآبادی معروف است. از آثار وی: شرح «نهج‌البلاغه»؛ «حاشیه تفسیر بیضاوی»؛ «حاشیه‌ی شافی» سید مرتضی؛ حاشیه‌ی «اصول کافی»، تحت نام «شواهد الاسلام»؛ حاشیه «شرح لمعه»؛ «حاشیه مدارک»؛ منظومه «نان و پنیر»، به سبک «نان و حلوای» شیخ بهایی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (30/24)، ریاض العلماء (107 -106 /7)، ریحانه (381/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 226/11)، فوائد الرضویه (537 -535)، نامها و نامدارهای گیلان (232)، هدیه الاحباب (142).

رفیعا نایینی، رفیع‌الدین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو ح 1000- وف 1082 -1080 ق)، حکیم، متکلم و فقیه امامی. وی اصلا نائینی بود ولی در اصفهان اقامت داشت. او از شاگردان میرفندرسکی، میرداماد و شیخ‌بهایی بود و از ملا عبداللّه شوشتری و شیخ‌بهایی روایت کرده است. علامه محمدباقر مجلسی و شیخ حر عاملی از شاگردان وی می‌باشند. به او رفیعا، آقا رفعیا، میرزا و رفیع‌الدین نیز گفته‌اند. میرزای جلوه از نوادگان او است. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. بر مزار وی گنبدی ساخته‌اند که اکنون جزء آثار باستانی اصفهان به شمار می‌آید. در «الفیض القدسی» تاریخ وفات او 1099 ق ذکر شده که صحیح نمی‌باشد، زیرا شاگرد ملا خلیل قزوینی که در 1089 ق از دنیا رفته در کتاب «منهاج الیقین» خود سال مرگ او را ذکر کرد است. از آثار وی: «اقسام التشکیک و حقیقه»؛ «الثمره»، در تلخیص «الشجره»؛ «شجره الهیه»، به فارسی، در اصول دین که برای شاه صفی در 1047 ق نوشته شده است؛ «حاشیه اصولی کافی»؛ حاشیه «شرح ارشاد» مقدس اردبیلی؛ حاشیه «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه «شرح حکمه العین» میرک بخاری؛ حاشیه «مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «صحیفه سجادیه»؛ حاشیه «مختلف الشیعه» علامه حلی؛ «حاشیه‌ی مدارک الاحکام».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (344 -343)، الذریعه (29 -28 /13 195/6، ،13/5)، روضات الجنات (82 -81 /7)، ریاض العلماء (106/7)، ریحانه (128/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 226/11)، فوائد الرضویه (532 -531)، الکنی و الالقاب (279/2)، مؤلفین کتب چاپی (447 -446 /5)، هدیه الاحباب (143 -142)، هدیه العارفین (293/2).

رفیعی قزوینی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مد ظله از مراجع عصر حاضر و اعاظم مجتهدین معاصر است در تهران. وی در حدود سال 1312 ق در قزوین متولد و مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوائل فرائد در آنجا خوانده و پس از آن به تهران آمده و از مرحوم آیت‌اللّه آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌اللّه حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد رضا نوری استفاده نموده و حکمت و کلام را نزد حکیم ربانی مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم حاج فاضل و مرحوم میرزا محمود قمی قدس اللّه اسرارهم تحصیل نموده و فنون ریاضی را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی (از هیئت و هندسه و اسطرلاب و بعضی دیگر از ریاضیات را) فراگرفته تا سال 1338 ق که به قزوین مراجعت و بعد از یکسال معاودت به تهران نموده و فقط به تدریس شرح لمعه و قوانین و شرح منظومه و اشارات در مدرسه عبداللّه‌خان پرداخته و طلاب آن عصر تهران را که از مدارس دیگر بمحضرش می‌شتافتند افاده نموده تا سال 1340 ق که مرحوم رئیس‌الشیعه آیت‌اللّه العظمی علامه استاد حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رحل اقامت افکندند، به قم مهاجرت و منحصرا از درس و بحث فقه و اصول معظم له استفاده و خود بتدریس کفایه و رسائل و مکاسب شیخ و اسفار اربعه و شرح منظومه اشتغال تا در ماه رمضان 1344 ق به امر مرحوم آیت‌اللّه حایری در مسجد بالا سر به منبر تدریس بالا رفته و قریب دویست و پنجاه نفر از فضلاء و طلاب را که حاضر می‌شدند مستفید فرموده و در همان اوان حواشی مفصلی بر شرح منظومه سبزواری که معروفست نوشته و هم تعلیقات بر رسائل شیخ مرقوم نمودند تا سال 1349 ق با اجازه صریح در اجتهاد و حرمت تقلید مراجعت به قزوین نموده و تا سال 1380 قمری در آنجا بتدریس خارج کفایه و اسفار و فقه و اقامه نماز جماعت و تفسیر کلام‌اللّه مجید اشتغال داشته آنگاه به تهران آمده و تاکنون در مسجد جمعه به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.
از تألیفات معظم له است: 1- رساله در رجعت بقواعد عقلیه 2- شرح بر دعاء سحر. 3- حاشیه بر وسیله مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی. 4- رساله عملیه 5- حواشی متفرقه.
سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعاظم حکماء

متألهین و مراجع تقلید معاصر بوده‌اند وی حدود دوازده سال بود که از قزوین زادگاه خویش به تهران منتقل و در مسجد جمعه اقامه جماعت و هم تدریس می‌نمودند تا درروز اول محرم 1395 قمری بعد از کسالت ممتدی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد بالا سر نزدیک قبر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مدفون گردیدند.
نگارنده. گوید آیت‌اللّه رفیعی که بعضی از مراجع معاصر از تلامذه و شاگردان ممتاز او می‌باشند از اسطوانه‌های علمی و اساتید بزرگ و فلاسفه سترک معاصر بودند و شایسته بود که در حوزه‌های علمیه بزرگ به تدریس و رهبری و اداره آن پرداخته و فضلاء بیشتری تربیت نمایند ولی گویا تقدیر آن مرحوم غیر از این بود و المقدر کائن.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیعی، قزوینی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1395 -1310 ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه و مدرس. در قزوین به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوایل فرائد در قزوین خواند و پس از آن به تهران آمد و از محضر آیت‌الله آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌الله حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا نوری استفاده نمود. حکمت و کلام را نزد میرزا حسن کرمانشاهی و میرزاهاشم اشکوری و حاج فاضل رازی و میرزا محمود قمی، و فنون ریاضی را از میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی فراگرفت. در 1338 ق به قزوین رفت و پس از یکسال به تهران آمد و به تدریس «شرح لمعه» و «قوانین» و «شرح منظومه» و «اشارات» در مدرسه‌ی عبدالله‌خان پرداخت. در 1340 ق که آیت‌الله حایری یزدی به قم رفت، وی نیز به قم مهاجرت کرد و از درس و بحث و فقه و اصول ایشان استفاده نمود و خود به تدریس «کفایه»و «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری و «اسفار اربعه» و «شرح منظومه»، پرداخت. در 1349 ق به دریافت اجازه نایل شد. سپس به قزوین رفت و به تدریس خارج «کفایه» و «اسفار» و فقه، و نیز اقامه جماعت و تفسیر قرآن پرداخت. در 1380 ق به تهران آمد و در مسجد جامع به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی مشغول شد. امام خمینی قسمتی از «اسفار» و «شرح منظومه» را در نزد وی خواندند. وی در تهران درگذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در مسجد بالاسر در جوار قبر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی دفن شد. از آثار وی: تعلیقه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله در «مراتب وجود»؛ رساله در «مبدأ و معاد»؛ رساله در «رجعت به قواعد عقلیه»؛ «شرح دعاء سحر»؛ حاشیه بر «وسیله» آیت‌الله اصفهانی؛ «رساله عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (184 -182)، خدمات متقابل اسلام و ایران (620 -619)، گنجینه‌ی دانشمندان (156 / 6 ،467 -466 / 4)، نشر دانش (س 3، ش 1، ص 18 -17).

رمضانی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن رمضانی
محل تولد : قدمگاه(نیشابور)
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسن رمضانی سال 1336 در روستای قدمگاه نیشابور به دنیا آمدم . پس از گذراندن دوران کودکی تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان صابری که ملّی بود شروع کردم . سال های چهارم و پنجم ابتدایی را در دبستان نوید و سال ششم را در دبستان منوچهری با موفّقیّت پشت سر گذاردم . آنگاه وارد دبیرستان شدم و تحصیلات خود را در دبیرستان طوسی پی گرفتم و تا سال سوّم درهمان دبیرستان بودم .
به خاطر علاقه و دلبستگی به حوزه ، پس از مدّتی به مدرسه آیت الله العظمی میلانی (قدس سره) رفته و ثبت نام کردم . تحصیلات حوزوی بنده پس از اندکی توقف ـ که خیلی دوران سختی بود ـ در مدرسه آقای مصباح ادامه پیدا کرد . ما در این مدرسه کتاب های جامع المقدّمات ، سیوطی و مغنی را طی سه سال در محضر اساتید مربوطه خواندیم . این مدرسه به خاطر مسائلی منحل شد. لذا ما به مدرسه بعثت تحت اشراف آیت الله میرزا حسنعلی مروارید (قدس سره) مراجعه کردیم و در آن مدرسه کتاب های معالم ، لمعه ، رسائل ، مکاسب و اصول فقه را در محضر اساتیدی همچون عبد الجواد غرویان ـ امام جمعه فعلی نیشابور ـ مرتضی مروارید و ... دامت براکاتهم تلمّذ نمودیم . این زمان مصادف بود با اوج گرفتن مسائل انقلاب ؛ من هم مثل بقیه در فعّالیّت های انقلابی شرکت می کردم .
پس از انقلاب و استقرار نظام مقدّس جمهوری اسلامی ما هم در کنار درس و بحث مناسب با زمان و نیازهای موجود فعّالیّت های انقلابی را که شامل سخنرانی ، اجرای کلاس های فرهنگی در مساجد و شرکت در اردوهای آموزشی و به عهده گرفتن امام جماعت فرودگاه مشهد و عضویت غیر رسمی در انجمن اسلامی فرودگاه و غیره بود شدت بخشیدیم و بعدها نیز مسولیت هیئت بدوی باز سازی نیروهای انسانی در اداره کل

راه و ترابری استان خراسان را تقبل کردم که مدت اشتغال ما در این سمت 2 ماه بیشتر طول نکشید چرا که علاقه به تحصیل در حوزه علمیّه قم در دلم افتاده بود و قصد کرده بودم برای ادامه تحصیل به قم هجرت کنم . لذا پس از سر و سامان دادن به کارها استعفای خود را نوشتم و در سال 1361 به قم مهاجرت کردم .
پس از ورود به قم ابتدا نزد اساتیدی چون آقا سیّد علی محقق داماد و آیت الله علوی گرگانی (دامت براکاتهما) تتمه درس سطح را که شامل بخشی از مکاسب و کفایه بود خواندم. آنگاه خود را برای شرکت در درس خارج آماده کردم.
اساتید خارج عبارتند از : آیت الله فاضل لنکرانی در فقه و اصول ، آیت الله مکارم شیرازی در اصول ، آیت الله جناتی شاهرودی و میرزا هاشم آملی در فقه . امّا در زمینه فلسفه و عرفان و هیئت استاد عمده ما حضرت آیت الله علّامه استاد حسن زاده آملی دامت برکات وجوده الشریف بوده است .
از دیگر اساتید ما در فلسفه حضرت آیت الله عزالدین زنجانی (دام ظله) است که در مشهد قبل از انتقال به قم قسمت هایی از بدایه الحکمه و نهایه الحکمه و منظومه را در محضر ایشان خواندیم . ما تدریس را در مشهد ، مدرسه آقای مصباح در حالی که خودمان سیوطی می خواندیم آغاز کردیم . اولین کتابی را که تدریس کردیم کتاب صرف میر بود . این درس را به پیشنهاد و تشویق آقای صراف زاده که مدیر مدرسه بود و ایشان را بر گردن حقیر حق بسیاری است شروع کردیم . پس از آن در مدرسه آیت الله مروارید دروسی را چون سیوطی ، منطق و مختصر المعانی ، به مدت 5 سال تدریس نمودم .
دروسی را که تا کنون در حوزه علمیّه قم تدریس کرده ام و برخی نیز هنوز ادامه دارد عبارتند از :
مغنی اللبیب ، المنطق ، بدایه الحکمه ، نهایه الحکمه ، الاشارات و التنبیهات ، الهیات شفاء ، برهان شفاء ، الشواهد الربوبیه ، اسفار ، تمهید القواعد ، شرح فصوص قیصری ، تشریح الافلاک ، شرح چغمینی و مقاله اولای اصول اقلیدس .
اینجانب علاوه بر تبلیغ به همان صورت سنّتی (منبر رفتن) در شهرهای مشهد ، ساری ، لاهیجان ، تهران ، قم ، شهر کرد ، بروجن و ... به مناسبت های ماه محرم و ماه رمضان از سال 73 از طریق دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها به عنوان مبلغ به دانشگاه های علوم پزشکی سمنان ، قزوین ، مشهد ، شهید بهشتی و دانشگاه های هنر و تربیت معلّم کرج و دانشگاه نفت رفته ام .
حقیر مدّتی را هم در کنار تدریس در حوزه به تدریس در دانشگاه شهید

محلاتی قم در زمینه های منطق ، فلسفه ، کلام ، اخلاق و امور تربیتی از سال 75 تا 80 مشغول بودم .یکی از فعّالیّت هایی که در حال حاضر به آن خیلی اهمیّت می دهم و برایش ارزش خاصی قائلم عضویت در هیئت تحریریه فلسفه و کلام مرکز فرهنگ و معارف قرآن قسمت دایره المعارف قرآن کریم است که تا این زمان مدّت قریب 3 سال است ادامه دارد و انشاء الله امیدوارم توفیق پی گرفتن آن را از این پس نیز داشته باشم که در خدمت قرآن بودن و کار قرآنی کردن توفیق بزرگی است و نمی توان دیگر فعّالیّت های علمی را با آن مقایسه کرد .

روانبخش، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم روانبخش
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/7/1
زندگینامه علمی
در سال 1354 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را گذراندم سپس در حوزه علمیه به صورت آزاد دروس فقه و اصول را نزد اساتیدی مانند آیت الله رزاقی ، آیت الله ستوده ، آیت الله سید علی محقق داماد و سید مصطفی محقق داماد ، شرح لمعه ، اصول فقه ، مکاسب و رسائل و کفایه را فرا گرفتم . دو جلد لمعه را نزد آیت الله رزاقی ، اصول فقه را در محضرمصطفی محقق ، مکاسب و رسائل را نزد آیت الله ستوده و آیت الله رزاقی ، کفایتین را نزد آیت الله سید علی محقق فرا گرفتم.
دروس خارج فقه و اصول را نیز از محضر آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی ، مکارم شیرازی به مدت 7 سال بهره جستم .
در سال 1361 وارد موسسه در راه حق شدم و با مجوز آیت الله مصباح سه سال درس موسسه را به کمک نوار در دو ماه و نیم تابستان فرا گرفتم و در آغاز سال تحصیلی در امتحانات شرکت کردم و در سال چهارم گروه «هـ» موسسه وارد شدم . دوره گروه «هـ» را که یک دوره هفت ساله بود 4 سال دیگر در کنار دوستان در موسسه ادامه دادیم و درسهای اسفار جلد هشت و نهم بحث نفس را در محضر استاد مصباح فرا گرفتیم و سپس وارد بنیاد باقر العلوم (ع) شدیم و در رشته تخصصی فلسفه وارد شدیم و در این دوره که تا سال 1375 ، سال دفاع از پایان نامه طول کشید کتاب های برهان ، شفا ، الهیات شفا ، اسفار جلد سوم را از محضر استاد مصباح و اسفار جلد اول را از محضر استاد جوادی آملی تلمذ کردم .
تاریخ فلسفه یوسف کرم دو جلد در نزد استاد فیاضی و جلد اول و دوم اشارات را نیز نزد ایشان فرا گرفتم و دروس معرفت شناسی را با استاد مصطفی ملکیان خواندم . پایان نامه اینجانب نیز با عنوان «کیفیت پیدایش معقولات اولی و ثانیه» با استاد راهنما استادغلامرضا فیاضی و استاد

مشاور آقای عبد الرسول عبودیت و استاد داوری آقای مصطفی ملکیان که با نمره 18/5 از آن دفاع شد .در این مدت علاوه بر تدریس دروس طرح ولایت مثل کتاب هستی شناسی، معرفت دینی ، غرب شناسی ، فلسفه اخلاق سالانه 4 واحد آموزش فلسفه در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تدریس کرده و ادامه خواهم داد.
درسال 1376 به دلیل رشد فزاینده مطبوعات مدعی اصلاح طلبی وارد عرصه مطبوعات شده و با تاسیس هفته نامه پرتو به مقابله با اندیشه های باطل طرفداران غرب پرداختم که تا کنون بیش از صدها مقاله از اینجانب در هفته نامه پرتو ، کیهان ، رسالت ، سیاست روز ، اطلاعات ، شرق و ... به چاپ رسیده است .

روح الایمان ارسنجانی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1340 -1273 ش)، عالم و مجتهد. در قصبه‌ی ارسنجان فارس متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در شیراز متوطن شد و به تحصیل فقه و اصول پرداخت. از محضر استادان بزرگی چون میرزا ابراهیم محلاتی و میرزا محمدصادق مجتهد کسب دانش کرده به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. اجتهاد وی مورد تصدیق علمایی چون شیخ محمدکاظم شیرازی و شیخ ضیاءالدین عراقی و میرزا آقا اصطهباناتی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت. وی در شیراز در مدارس حکیم و هاشمیه به تدریس پرداخت. از آثارش «رساله‌ی عملیه» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (706 -705 /3)، مؤلفین کتب چاپی (486/4).

روحانی تبریزی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، شاعر و حکیم. از سخنوران عهد سلطان حسین بایقرا بود.
این بیت از اوست:
گفتم روم ز کویش بگرفت اجل ره من
بنگر چه‌هاست در ره بیچاره آدمی را
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (315)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (259 -258 /2)، دانشمندان آذربایجان (161)، الذریعه (386/9)، سخنوران آذربایجان (377)، فرهنگ سخنوران (399)، لغت نامه (ذیل/ روحانی تبریزی).

روحانی قمی، صادق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1255 ق)، فقیه، اصولی و مرجع. در قم به دنیا آمد تا هجده سالگی تحت نظر پدر مشغول به تحصیل مقدمات بود. سپس دو سال در اصفهان اقامت کرد و چندی هم در تهران نزد حکیم معروف آقا علی مدرس به تصحیل حکمت اشتغال داشت. در حدود 1279 ق به نجف رهسپار شد و از محضر درس شیخ مرتضی انصاری دو یا سه سال استفاده کرد. پس از وفات شیخ به درس حاج میرزا حبیب‌اللّه رشتی حاضر شد. او پس از سالها بهره‌گیری از محضر علمای نجف به سامراء مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌اللّه میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرد. در 1298 ق به قم بازگشت و مرجع امور شرعی مردم گشت. آیات عظامی چون حاج شیخ حسن فاضل و میرزا فخرالدین سیدی و حاج آقا محمد کبیر و حاج سید ابوالقاسم مرتضوی و شیخ ابوالقاسم صغیر و آخوند ملا علی‌اکبر از شاگردان وی می‌باشند. او در قم درگذشت و در شیخان به خاک سپرده شد. از اثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ای در شهر قم است. آثار علمی‌اش عبارت‌اند از: «تقریرات» فقه و اصول استادانش؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «الادله العقلیه»؛ قسمتی از «زکات»، از اول زکات تا اصناف مستحقین، که شرح مبسوطی بر این بخش از «شرایع» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سرالسعاده (مقدمه)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 856 -855 /14).

روحانی، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1340 ق)، فقیه، اصولی، مجتهد و مرجع تقلید. وی در خاندانی که قرنها در شهر قم ریاست علمی و دینی داشتند متولد شد. پس از تحصیلات مقدمات در نزد پدر بزرگوارش در سال 1357 ق به اتفاق برادر بزرگش آیت‌اللّه حاج سید محمد روحانی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و نزد آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه غروی و آیت‌اللّه شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌اللّه خوئی به تکمیل تحصیل پرداخت و در عنفوان جوانی حایز مقام اجتهاد گشت. وی در سال 1368 ق به قم بازگشت و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. او را به داشتن صفاتی چون همت عالی و قلب وسیع و فکر بلند و رای متین و نظر دقیق و خلق حسن ستوده‌اند. وی تالیفاتی ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که از جمله آثارش: «فقه الصادق»، شرح «تبصره‌ی» علامه، در بیست و شش مجلد؛ «منهاج الفقاهه»، شرح «مکاسب» شیخ انصاری، در جهار مجلد؛ «مسائل مستحدثه»؛ شرح «کفایه الاصول»؛ رساله‌ای در «جبر و اختیار»؛ «القواعد الثلاث»؛ رساله «اجتهاد و تقلید»؛ حاشیه «عروه الوثقی»؛ حاشیه‌ی «رسائل» شیخ انصاری؛ «توضیح المسائل».[1]
آیت‌الله حاج آقا محمد بن العلامه الحاج میرزا محمود بن الایه السید صادق الروحانی الحسینی برادر ارجمند و بزرگ آیت‌الله روحانی معاصر از علماء اعلام و فضلاء بنام حوزه علمیه نجف اشرف است.
تولدش در سال 1336 قمری در قم واقع شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات و سطوح در سن بیست سالگی به اتفاق برادر بزرگوارش آیت‌الله آقا سید صادق در سال 1355 قمری سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری به نجف مهاجرت نموده و از آیات عظام حاج شیخ محمدحسین غروی کمپانی و آیت‌الله اصفهانی و کاظمینی و اکثرا آیت‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا در حوزه هزار ساله نجف مشار با لبنان گردیده است. برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (95/2)، آینه‌ی دانشوران (207 -206)، الذریعه (135/13)، گنجینه‌ی دانشمندان (162 -160 /2)، مؤلفین کتب چاپی (490 -489 /3).

رودسرابی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن رودسرابی
محل تولد : سبزوار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
در پانزدهم شهریور سال 1333 شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعداز آشنایی ابتدایی با قرآن در سال 43 ـ 42 با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهال سال تدریس نمودم. در سال 1348 برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی(ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.
در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می‌شدم. در سال 1350 برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. درابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگواری همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید

کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در سال 1357 در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

روزبه، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1300 ش)، استاد، فیزیکدان، ریاضیدان، ادیب، فیلسوف، فقیه و زاهد. در زنجان به دنیا آمد و تحت تعلیمات عالیه پدرش و عمویش که هر دو عالم و زاهد بودند قرار گرفت. در دبستان و دبیرستان هم از نظر درس و هم از جنبه فضایل اخلاقی دانش‌آموزی برجسته بود. با پایان گرفتن تحصیلات دبیرستانی به کار تعلیم و تربیت در دبستان توفیق زنجان پرداخت. استعداد عالی و روزش کار بی‌نظیرش در زمینه‌ی تعلیم و تربیت او را در این امر بسیار موفق ساخت. در 1330 ش وارد دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران شد. در تصحیلات عالیه هم دانشجویی ممتاز و بی‌رقیب بود. پس از فراغت از تحصیل در رشته‌ی فیزیک تحقیقات خود را در این زمینه‌ی پی‌گیر شد و به عنوان محقق فیزیک شناخته شد. رساله‌ی پایان‌نامه‌ی تحصیلی‌اش در زمینه‌ی «مطالعه در آثار میدان الکتریکی و رادیاسیون و گاز ازن روی موجودات زنده» بود، و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گاز ازن را در پزشکی ارائه داد. با وجود پیشنهادات مکرر برای احراز کرسی تدریس دانشگاه به سمت دانشیاری دکتر هوشیار، و همچنین عضویت در مجامع تحقیقی غرب همراه مزایای کلان مادی، وی پایه‌گذاری دبیرستان علوی و تدریس در آن را ترجیح داد و تمام عمرش را صرف انسان‌سازی کرد و شاگردانی تربیت کرد که به گفته‌ی خودش هر کدام یک مدرسه‌ی علوی بودند. در کنار تحقیقات گسترده در زمنیه فیزیک استاد روزبه در مساله تعلیم و تربیت نیز نظری صائب و متقن داشت. تسلط کامل وی بر معارف اسلامی و تفسیر قرآن و فقه و اصول چشمگیر بود. «رسائل» و «مکاسب» را به خوبی می‌دانست. با ادبیات عرب و زبان فرانسه کاملا آشنا بود. در بعد اخلاق نیز شخصی نمونه و کم‌نظیر بود. پاکی و صفا و زهد بی‌ریای او، حاکی از شاخص بودنش در این زمینه بود. او انسانی بود که همه‌ی مصلحان جهان آرزوی یافتن مثل او را داشتند. استاد روزبه تالیفات و تحقیقات متعددی در زمینه‌ی علوم مثبته و نیز فقه دارد. حتی در آخرین شب حیاتش به تجدید نظر در این تالیفات مشغول بود. او همگی این آثار را در پایان عمر به یکی از شاگردان فاضلش سپرد تا به چاپ برساند. سرانجام به بیماری سرطان از دنیا رفت و در قم در گورستان نو به خاک سپرده شد. از آثار وی: «خداشناسی»، که توسط جامعه مدرسین منتشر شده است؛ «عربی آسان»، که محصول کار اواخر

عمر استاد با همکاری استاد شهید سید کاظم موسوی می‌باشد؛ رسائل بسیاری در علوم و فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بیادبود استاد روزبه، کیهان فرهنگی (س 4، ش 8، ص 53 -52).

روشن، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبد الکریم روشن ،مجتهد و فیلسوف و متفکر ایران بود . او شاگردان بسیاری را تربیت کرد. روشن از زمره افراد نادری بود ند که برای دریافت های ذوقی ،استدلال فلسفی قرآنی و روایی می کردند . او برفلسفه مسلط بود . بدان جهت بحث خودرا مستدل بیان می کرد .گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : عبد الکریم روشن دوره ابتدایی را درمدرسه دانش درنزدیکی محله آب منگل تهران سپری کرد و بعد به تحصیلات حوزوی روی آورد و ادبیات ، فقه و اصول ، قواعد الاحکام ،علوم عقلی ، فلسفه ،عرفان را فرا گرفت . او در سن 28 سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد.استادان و مربیان : عبد الکریم روشن ادبیات را در محضر حاج شیخ محمد لواسانی فرا گرفت و درس قواعد الاحکام را نزد ذوالمجدین آموخت . درعلوم عقلی از شاگردان آقا میرزا مهدی آشتیانی وآقا میرزا طاهر تنکابنی بوده و در فلسفه و عرفان ،شاگرد آنها میرزا ابراهیم امامزاده زیدی وآقا میرزا محمد علی شاه آبادی و آقا شیخ محمد تقی آملی بود. اما درآن بین با قم میرزا طاهر تنکابنی ارتباط باطنی بسیاری داشت . او درمحضر ایت الله شاه آبادی را نیز شاگردی نموده، و در سن 28 سالگی با کسب فیض ازمحضر آیت الله مرعشی نجفی، به درجه اجتهاد نایل آمد .زمان و علت فوت : عبد الکریم روشن ، صبح روز جمعه سوم مهر ماه 1371 شمسی دارفانی را وداع گفت .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کار اصلی عبد الکریم روشن،حسابداری بود که دربازار و غیر بازار حسابداری می کرد .فعالیتهای آموزشی : عبد الکریم روشن از سال 1360 شمسی با دانشکده الهیات ومعارف اسلامی دانشگاه تهران همکاری داشت . وی درزمینه عرفان وفلسفه تدریس می کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بیشترین چیزی که عبد الکریم روشن بر آن تاکید داشتند تفکر ،شب زنده داری ،عاشق بودن و تعلق به چیزی نداشتن دراین عالم بود . او می فرمودند که درخت تقوی زمانی بار میده که ریشه درعشق الهی داشته باشد و به همین دلیل به مساله عشق خیلی تاکید داشتند .شاگردان : یکی از شاگردان معروف عبد الکریم روشن استاد علی رافعی ، مدرس دانشگاه های تهران است .همفکران فرد : یکی از همفکران عبد الکریم روشن ،امام (ره) بود بر پا کردند . همفکران دیگر روشن ، مهدی حائری یزدی و

علامه جعفری بودند که به او ارادت بسیاری داشتند .آرا و گرایشهای خاص : شیوه و سلوک آموزش عبد الکریم روشن به صورت سخنرانی بود . او معتقد بود که قدما اصول و اساس و حقایق مطالب عرفانی را گفته اند و شرط اول شاگردی این است که آن اصول را خوب یاد بگیریم . ایشان دیوان حافظ را حفظ بودند وبعد از هر بحث عمیق قرآنی ، غزلی از حافظ را می خواندند .آنچه را که به عنوان ابداعات وویژگی های عبد الکریم روشن می توان عنوان کرد، تقوای توام با تفکر و اندیشه درآیات قران وروایات معصومین بو د . او می گفت: «مطالبی را که من می گویم ،در هیچ کتابی نمی یابید . اصل مطلب آن ارتباطی بودکه ایشان بین آیات وروایات برقرار می کردند و بعد ، آن حقایقی که ازدل این آیات و احادیث بیرون می کشید ،این چیزی بودکه مختص جناب روشن بود .چگونگی عرضه آثار : عبد الکریم روشن به هیچ وجه اهل تالیف کتاب نبود ولی آثار وی صورت هزار کاست موجود است .

منابع زندگینامه :مقام عشق وعرفان ، یادنامه جناب شیخ رجبعلی نکوگویان درگفت و گو با استاد علی رافعی ،ماهنامه کیهان فرهنگی ، سال بیستم ، شهریور 1382 ، پیاپی 203

رهبر اسلامی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی رهبر اسلامی
محل تولد : زرین شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/3/8
زندگینامه علمی
در سال 53 دبیرستان را رها کرده و برای تحقیق علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم (رسالت) شدم. تا سال 56 و تا دروس لمعه و حلقات شهید صدر پیش آمدم اما پیروزی انقلاب اسلامی کار را متوقف کرد. بعد از فعالیت‌های سیاسی در اصفهان وارد سپاه پاسداران (مسئول آموزش) و تا 1362 مشغول تحقیق و تدوین و تدریس و امور اجرایی شدم.
تدریس در آموزش و پرورش و حوزه علمیه زرین شهر را از سال 1360 آغاز کردم.
در سال 1362 به عشق دروس حوزه با قم مرتبط شدم و تا سال 1373 با دفاع از پایان‌نامه با عنوان «الفاظ عموم» سطح 3 حوزه را اخذ کردم و در سال 1378 با آزمون دانشگاهی مدرک اخذ نمودم. سال 1369 به قم بازگشته ولی به علت کسالت به زرین شهر بازگشتم. تدریس دوباره در حوزه و شروع به تدریس در دانشگاه‌ها را از سال 70 آغاز کرده و از همان سال کارشناسی برنامه کلام نور قرآنی صدا و سیمای مرکز اصفهان را جرقه زدم.
در سال 1372 تدریس در دانشگاه صنعتی اصفهان را شروع و در حال حاضر مدیر گروه و عضو رسمی مقطعی هیئت علمی این دانشگاه هستم.
سخنرانی‌های تبلیغی، علمی، کلاسی و کارشناسی در دانشگاههای سراسر کشور و رسانه ملی ادامه دارد.
مقالات حقیر به 50 مورد و کتاب‌های به 5 و مصاحبه‌ها به 10 مورد می‌رسد.
در حال حاضر در سن 50 سالگی هستم و دارای 3 فرزند و یک نوه می‌باشم.

ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1380 -1313 ق)، فقیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. وی در 1328 ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیک کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتا غنی از وی باقی ماند. او تالیفاتی چند به نظم و نثر دارد. که از آن جمله می‌توان به «سفائن البحار»، به فارسی، منظوم؛ «بحر الحساب»، به فارسی؛ «اعجاز المهندسین»؛ رساله‌ی «الجبر و المقابله»؛ رساله «قابلیه التقسیم»، در اعداد؛ رد «ابطال الرمل»؛ و «تسهیل القسمه» اشاره کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 64/14)، مؤلفین کتب چاپی (255/1).

زارعی، عباسعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباسعلی زارعی
محل تولد : سبزه وار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب عباسعلی زارعی مشهور به زارعی سبزه واری مطابق شناسنامه در سال 1348 در روستای گاچ از توابع شهرستان سبزه وار متولّد شدم. نام پدرم محمد و نام مادرم ماندگار زهرائی می باشد. وران کودکی را در آغوش پدر و مادر سپری کرده و قبل از دبستان در سن پنج سالگی به مکتب قرآن رفته و مشغول فراگیری قرآن و بعضی کتابهای دینی شدم. درس 1356 در شهرستان سبزه وار به دبستان رفته و مشغول تحصیل شدم. ر سال 1362 به طور رسمی وارد حوزه علمیه سبزه وار شده و مشغول تحصیل در حوزه شدم تا سال 1365 در سبزه وار از محضر اساتیدی همچون شیخ محمد علی ابراهیم نژاد، سید محمدشبیری، شیخ حسین طالبی درس سطح را از مقدمات تا اتمام لمعتین استفاده نمودم.
در سال 1365 در امتحان ورودی مشهد مقدس شرکت نموده و پذیرفته شدم.در مشهد مقدس از محضر حضرات حجج الاسلام آقای جوهری، علامه زاهدی،سنا بادی، علمی و حضرات آیات مرتضوی و فلسفی و آشتیانی و خلخالی تتلمذ نمودم. در مشهد مقدس به تقاضای بعضی از طلاب درسهای مقدمات تا لمعه را تدریس می نمودم و در سال 1368 اولین کتاب خودم به نام مسائل منطقی شرح منظومه حکیم سبزه واری را تألیف نمودم. درطول مدتی که در مشهد بودم یعنی مدت نزدیک به پنج سال با جدیت تمام به امر تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بودم و برکات فراوانی در طول این مدت نصیب بنده شد.در شبانه روز فقط 5یا 6 ساعت استراحت می کردم و ساعات دیگر را در راه تحقیق و تحصیل سپری کرده و بطور کامل استفاده می نمودم.در مدرسه موسی بن جعفر (ع) مشغول تحصیل و تدریس شدم و در امتحان کفایه ممتاز شناخته شدم.
و در اواخر سال 1369 به توصیه اساتید محترم عازم شهر قم شده و در حوزه علمیه قم پذیرفته شدم.

در حوزه علمیه قم از محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی در فقه و اصول و از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی و جوادی آملی در فلسفه استفاده بردم و از سال 1371 در مدرسه آیة الله العظمی گلپایگانی و مدرسه دار الشفاء و فیضیه مشغول تدریس مکاسب،رسائل، بدایة الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه،بودم، و در حال حاضر مشغول چهارمین دوره تدریس کفایه الاصول و مشغول به تدریس خارج فقه می باشم.تاکنون کتابهایی را تألیف نموده ام که گزارش آن خواهد آمد. در مراکزی مانند مدارس علمیه الهادی و حجتیه و مرکز فقهی ائمه اطهار و مرکز تخصصی تربیت مدرس نیز تدریس نموده و می نمایم .

زالی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن زالی
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سن 16 سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و اکنون حدود 40 سال است که در این حوزه مقدسه اشتغال به تحصیل و تدریس دارم، دوره ادبیات را تا سطح لمعتین و قوانین الاصول در مدرسه علمیه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) گذراندم، و همزمان در دروس مدرسه منتظریه(معروف به حقانی) و زیر نظر آیت الله شهید بهشتی و مدیریت آیت الله شهید قدوسی (رضوان الله تعالی علیهما) نیز توفیق حضور داشتم دروس سطح حوزه را نیز در محضر آن فقیه معظم گذراندم و همزمان به دروس عقاید، اخلاق و تفسیر نیز اشتغال داشتم پس از اتمام سطح به دروس خارج حوزه پرداختم که حدود 15 سال خارج فقه را در محضر آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) و ... بودم و خارج اصول را از محضر آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (قدس سره) و آیت الله وحید خراسانی (دامت برکاته) استفاده کردم و همزمان دروس عرفان « شرح قیصری» و ... ، فلسفه، منظومه، اشارات، الشفاء و اسفار ملاصدرا را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و ... بهره جستم و از درس تفسیر اساتید مختلف حوزه علمیه نیز بحمد ا... برخوردار شدم.
اکنون بیش از ده سال است که به تدریس خارج فقه با عنوان مکاسب محرمه، انفال، خمس، زکوه ، صوم، اعتکاف مشغولم و در حال حاضربه تدریس خارج فقه و اصول(یک دوره کامل با متن کفایتین) اشتغال دارم، علاوه برآن دروس حوزوی ادبیات تا سطح عالی مکاسب و کفایتین را بارها تدریس کرده ام. اینجانب به خاطر علاقه وافری که به دروس تفسیر، حدیث ، نهج البلاغه ، احکام ، فلسفه و معارف اسلامی داشتم سالهاست که بحمد ا...توفیق تدریس این دروس را نیز دارم که هم اکنون درس های نهج البلاغه پنجشنبه ها از رادیو معارف پخش می شود و دروس فلسفی را

از نهایه مرحوم علامه تا منظومه سبزواری ، اسفار از جلد 1 تا جلد 8 (که هم اکنون مشغول هستم) تدریس داشته ام.
همزمان با دروس حوزوی در دانشگاه نیز تدریس می کردم، از همان اوایل بازگشایی دانشگاهها پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران، و سپس تربیت مدرس قرآن به ارائه دروس معارف اسلامی به معنای اعم آن ، فلسفه ملاصدرا، اسفار، شواهد الربوبیه، اخلاق اسلامی و پاسخ به سوالات پرداختم ، در دانشگاه قم ، تربیت مدرس قم ، دانشگاه آزاد اسلامی قم نیز به تدریس معارف اسلامی ، نهج البلاغه ، تفسیر ، احکام، فلسفه ، حکمه متعالیه و پاسخگویی به سوالات دانشجویان و اساتید همت گماشتم در طول این مدت فراوان رساله های علمی و پایان نامه های دانشجویان و حوزویان را نیز بر عهده داشتم که هم اکنون نیز با عنوان استاد راهنما ، مشاور و داور در این قسمت توفیق دارم .
در گزینش اساتید معارف برای دانشگاه های سراسر کشور نیز به عنوان استاد مصاحبه گر در معاونت اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری توفیق انجام وظیفه دارم از زمان شروع دروس تخصصی حوزه علمیه قم در مراکز تخصصی کلام تفسیر، تبلیغ نیزاشتغال داشته و به تدریس فلسفه ملا صدرا تفسیر قرآن، ترتیبی و موضوعی و فلسفه اخلاق پرداختم از جمله کارهای علمی و فرهنگی اینجانب حضور در مراکز علمی و فرهنگی حوزوی و دانشگاهی جهت سمینارهای علمی و پاسخ به سوالات بوده است همچنان که در تمام ایام تبلیغی و ایام الله و مناسبات تبلیغی در داخل و خارج کشور حضور داشته و انجام وظیفه می نمودم و لازم به یادآوری است که صدا و سیما هم به مناسبتهای مختلف به تهیه فیلم و نوار پرداخته اند که قسمت زیادی از اندوخته ها تا به حال ارائه شده است به ویژه رادیو معارف در تهیه مطالب در زمینه های عرفان اسلامی، تفسیر، ترجمه نهج البلاغه، اعیاد و وفیات، مناسک حج و فلسفه حج، فلسفه احکام و فقه اسلامی و ... زمینه توفیق مطالعه و ارائه آنها را فراهم آورده است. در جامعة الزهرا قم نیز مباحث معانی بیان، بدیع، رسائل، اصول الفقه، اخلاق را طی سالهای تحصیلی تدریس داشته ام کوتاه سخن اینکه اینجاب با لطف الهی و عنایات حضرت باری تعالی عمر و زندگی را که حدود 40 سال آنرا بخش علمی در حوزه علمیه قم به خود اختصاص داده است پیوسته اشتغال به تحصیل و تدریس و تبلیغ و یا صرف وقت در تهیه جزوات علمی و یا مصاحبه های علمی و تحقیقات حوزوی داشته ام.

زرآبادی، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی حسینی زرآبادی که سبط عالم جلیل مولی کریم روغنی است فیلسوف متاله و حکیمی الهی و متکلمی توانا و فقیهی اصولی و مبین معارف ائمه معصومین علیهم‌السلام بود.
در سال 1311 قمری در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و در دوران کودکی مقدمات و ادبیات را خوانده و از محضر اساتید بزرگ چون حاج مولی علی‌اکبر ایزدی متوفی 1330 فقها و اصولا استفاده نموده و تقریرات درس ایشان را مبسوطا نوشته و به تهران مسافرت کرده و در مدرسه سید نصرالدین مشغول تکمیل علوم عقلی و نقلی و ریاضی شده و از محضر میرزا ابوالحسن جلوه متوفی 1314 قمری و میرزا حسن کرمانشاهی متوفی 1336 قمری و میرزا شهاب شیرازی و شیخ علی نوری متوفی 1335 بهره برده و پس از تکمیل مراتب علمی به قزوین مراجعت و به تدریس علوم اسلامی از عرفان و فلسفه و کلام و فقه و اصول و تربیت و ارشاد مشغول و شاگردانی مبرز در علم و تقوی چون مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر الهیان و حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج سیدعباس مدرسی و حاج سید جوادی تربیت نموده است. دارای تألیفاتی نافع در علوم مختلفه می‌باشند.
1- اصول دین
2- اعتقادات
3- تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری
4- حاشیه بر منظومه سبزواری
5- حاشیه بر الهیات اشارات
6- حاشیه بر منطق اشارات
و رساله‌های دیگری در مواعظ و علوم فلسفه و غیر اینها.
معظم‌له در دوم ربیع‌الثانی 1353 هجری قمری از دنیا رفته و در جوار حضرت شاهزاده حسینی قزوین مدفون شده است.
(1353 -1294 ق)، فقیه. وی در قزوین و تهران به تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت. حاج ملا علی‌اکبر ایزدی سیادهنی تاکستانی از استادن وی بود که سید موسی «تقریرات» درس فقه و اصول ایشان را نگاشته است. وی در تهران در محضر اساتیدی چون میرزا حسن کرمانشاهی و سید شهاب‌الدین شیرازی و شیخ علی نوری حکمی و شیخ فضل‌اللّٰه نوری

کسب فیض کرد. شیخ علی الهیان تنکابنی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی و شیخ هاشم قزوینی و سید محمدتقی معصومی اشکوری و سید علی محمد حاج سید جوادی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: تعلیقه بر بخشی از «رسائل»؛ حاشیه بر «مطول»، بخش علم بیان؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ شرح «سامان و ابسال» ابن‌سینا؛ رساله‌ی «اعتقادات»، به عربی؛ حاشیه بر «منظومه» سبزواری؛ حاشیه بر «شرح اشارات»، بخش الهیات؛ «اصول‌الدین»، به فارسی؛ رساله‌ای درباره‌ی مشروطیت؛ حاشیه بر منطق «اشارات».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 9، ش 12، ص 27 -26 ،5).

زکی شیرازی، عبداللّٰه

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 677 ق)، شاعر و حکیم. وی از پیشینیان مشایخ و سابقین علما بود که قاضی بیضاوی و ظهیرالدین عبدالرحمن بزغش و قطب‌الدین علامه از شاگردان او بودند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (403 -402 /9)، ریاض العارفین (196 -195)، فارسنامه‌ی ناصری (1169/2)، مجمع الفصحا (695/2)، مرآت الفصاحه (253).

زمانی، رجبعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رجبعلی زمانی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
سال 1348 سیکل خود را گرفتم سپس در امتحانات عمومی حوزه علمیه مشهد که با سیاست گزاری مرحوم آیت الله العظمی میلانی برگزار گردید شرکت کردم و به فضل الهی در مدرسه معظم له پذیرفته شدم و درسهای حوزوی را آغاز کردم. با پشتیبانی مرحوم والد در مدرسه مرحوم آیت الله میلانی طی پنج سال دوره سطوح اولیه گذراندم و از محضر اساتیدی همچون حجج اسلام اسلامی، نجفی، نقیبی، بنی هاشمی (ره) اختری بهره مند شدم.سطوح عالی را آغاز کردیم و از برکات وجودی اساتیدی همانند حجةالاسلام والمسلمین آهنیان، محسنی، محقق و آیت الله رضازاده و فلسفی استفاده بردم دروسی همچون رسائل و مکاسب را فراگرفتم و سپس به شهر قم جهت ادامه تحصیل روانه شدم.در سال 1354ه ش عازم قم شدم و ادامه سطوح عالیه مکاسب و رسائل را در محضر آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی، آیت الله پایانی به پایان رساندم و دروسی همچون کفایتین و بخش پایانی مکاسب را در محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله ستوده به اتمام رساندم.در ضمن دروس فلسفه و کلام (اسفار - منظومه) و تفسیر را از محضر آقایان آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی و مشکینی و انصاری ... استفاده کردم و تلمذ نمودم.از سالهای 1356 دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، آقای منتظری و وحید خراسانی تلمذ کردم و بهره فراوانی بردم. در ضمن بحث (رجال) را از محضر آیت الله شبیری زنجانی استفاده نمودم.تدریس در مدرسه دارالشفاء و فیضیه و حجتیه از عنایات الهی بود که توانستم معالم الاصول، مختصر المعانی، اصول مطفر و ادبیات عرب را تدریس کنم و آنچه را آموختم به عزیزانی دیگر منتقل نمایم. کار تدریس را نه تنها در حوزه علمیه مشهد و قم داشتم بلکه خداوند توفیق عنایت کرد سالهای 65 تا 69 همان

دروس قبلی به همراه رسائل و مکاسب و بدآیت الحکمة را در حوزه علمیه زینبیه سوریه تدریس نمودم و عده ای از طلاب عرب زبان از کشورهای مختلف اسلامی که در کشور سوریه به سر می بردند همانند برخی از طلاب عراق، بحرین ، لبنان، مصر ، پاکستان ، افغانستان ، و نیجریه و... بودند سعی نمودم آنچه را اندوخته ام به این عزیزان منتقل کنم (که حدود 4 سال به طول انجامید)بعد از انقلاب اسلامی کار تالیف را آغاز کردم و با استفاده از تجارب حجةالاسلام والمسلمین آقایان محمد جعفر امامی و پیشوائی کار ادامه پیدا کرد. کار جمعی ما (درس هایی از نظام دفاعی اسلام) به ثمر رسید و چندین مرتبه به چاپ رسید و به حمدالله در میان رزمندگان اسلام (سپاه پاسداران - ارتش جمهوری اسلامی) مورد بهره برداری و تدریس قرار گرفت. و نیز کار جمعی دیگر همچون (معجم بحارالانوار) در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم انجام گرفت که آن هم 14 جلد حجری شد و امروز از برکات وجودی آنها جامعه علمی اسلامی بهره مند می شود.

زمانی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود زمانی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/11/20
زندگینامه علمی
حقیر در سال 1359 پس از گذراندن دوره راهنمائی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت 3 سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال 1362 وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال 1367 از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال 1367 وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و تبریزی(از سال 67 تا 69) بهره بردم، از سال 68 به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه نیز از سال 63 کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی(عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای 65 تا 69 دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال 69 موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال 70 برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته "دین شناسی" از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال 76 با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان "ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن" دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال 76 برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل

به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زنجانی نجفی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1352 -1296 ق)، فقیه، مجتهد و حکیم. وی در قریه‌ی دواسب از توابع زنجان متولد شد. مقدمات و متون فقهی را در زنجان خواند پس از آن به نجف مهاجرت نمود. بعد از تکمیل تحصیلات در سال 1330 ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف شرعی پرداخت. در زنجان درگذشت و پیکرش را به قم بردند و در جوار مرقد علی بن جعفر دفن شد. از آثارش «فلسفه‌ی اتحاد مسلک» یا «فصل الخطاب و فلسفه‌ی اتحاد صواب» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (305/16)، گنجینه‌ی دانشمندان (231/5)، مؤلفین کتب چاپی (399 -398 /1).

زنجانی، امین‌الدوله، ابوالقاسم محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1292 -1224 ق)، عالم، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. نسبش به اما موسی کاظم (ع) می‌رسد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. در زنجان مدتی به تحصیل مقدمات مشغول بود آنگاه به قزوین مسافرت کرد و به محضر درس بزرگانی چون ملا عبدالوهاب و ملا محمدتقی شهید حاضر شد، سپس به اصفهان رفت و از شاگردان سید محمدباقر حجةالاسلام رشتی و حاج محمد ابراهیم کلباسی شد. در سی و پنج سالگی پس از تکمیل تحصیلات علمیه به زنجان مراجعت نمودند. ستیزش با بابیان مشهور و احضارش به تهران به امر محمدشاه قاجار معروف است. او پدر سه دانشمند معروف: میرزا ابوطالب مجتهد و حاج میرزا ابوالمکارم و حاج میرزا ابوعبداللّٰه است. وی در زنجان درگذشت و در خارج این شهر در بقعه‌ی مخصوصی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح الدلائل فی حساب عقد الانامل»؛ «نارالله الموقده»؛ «فصل الخطاب»، در شرح «علماء امتی افضل من انبیاء بنی‌اسرائیل»؛ «تخریب الباب»؛ «رد الباب»؛ «قلع الباب»؛ «قمع الباب»؛ «سد الباب» همگی در رد بابیه؛ «الحیوه»؛ «حجه الابرار علی فرقه الاشرار فی اثبات حرمه الخمر فی الشرایع السابقه و جمیع الادوار»؛ «قره الابصار فی اثبات امامه الائمه الاطهار (ع)»؛ «شرح الحساب»؛ «المحمودیه»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «المقاصد المهمات فی صیغ العقود و الایقاعات»؛ «مقالید الابواب»؛ «هدایه المتقین»، در عقاید و اصول و فروع دین؛ «نور العین فی عزاء الحسین (ع)»؛ «قواطع الاوهام»؛ «تسلیه الملهوفین و تسکین المغمومین»؛ «کشف الساتر فی شرح کلمات باباطاهر».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (15/6) اعیان الشیعه (409/2)، الذریعه (37/18، 175 -174، 6/17، 228/16، 179/4، 495/2)، ریحانه (385 -384 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 62 -61 /13)، المآثر و الآثار (149)، معجم المؤلفین (156/11)، مکارم الآثار (782 -780 /3).

زنجانی، شمس‌الدین، ابوعبداللّه محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1313 -1262 ق)، فقیه، منطقی، عروضی و قاضی. مقدمات را در زنجان فراگرفت. در 1280 ق برای ادامه تحصیل به قزوین رفت. سپس به مشهد مشرف شد و در سبزوار چندی در خدمت حاج ملاهادی سبزواری درس خواند. در حدود 1285 ق به نجف رفت و نزد علامه سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی تلمذ کرد، و در آنجا با دختر سید محمدطاهر بن اسماعیل موسوی شوشتری، داماد علامه انصاری، ازدواج کرد. پس از تکمیل تحصیلات در 1294 ق به زنجان بازگشت و مرجعیت امور شرعی و تدریس را در آن شهر بر عهده گرفت.
از آثارش: «مطالع الشموس»، در شرح «الدروس»؛ «فن القطع» ئر «حجیت»؛ «الانصاف»، در حسن و قبح عقلی؛ «مصابیح الدجی»، در مواعظ؛ «نور المنابر»، در مقتل، به فارسی؛ «الایقاظات»؛ «المناطق»؛ «اجزاء العلوم»؛ «تقسیم العلم»، به اقسام اولیه و ثانویه؛ «رشحات الملکوت»؛ «الایماضات»، در حکمت اشراقی؛ «نفحات اللاهوت»؛ «المیزان»، در عروض؛ رساله‌ای در «قوافی»؛ رساله‌ای در شرح «بعض صفات النبی (ص)»؛ «رساله فی الامانات»؛ «الیواقیت»، در حساب؛ کتابی در «نحو».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (378/2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 51 -50 /14)، معجم المؤلفین (148 ،11 ،104 /6)، مکارم الآثار (1661/5).

زنجانی، عبدالواسع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1291 -1235 ق)، فقیه، اصولی، امام جمعه، مجتهد و واعظ. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود. پس از پدرش تولیت مجسد فتحعلی‌شاه قاجار را بر عهده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (198 -197 /10 ،177 ،100 /6 ،272 /1)، ریحانه (387/2)، طبقات اعلام الشیعه قرن (804/13)، المآثر و الآثار (164)، معجم المؤلفین (215/6).

زنجانی، نصر

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم ق)، دانشمند، طبیب و حکیم. از آثار وی: «المقامات الطبیه»؛ «المقامات الحکمیه»؛ «الرساله السعدیه»؛ «الجواهر» فی النحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فوائد الرضویه (692)، معجم المؤلفین (93/13).

زنگویی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی زنگویی
محل تولد : بیرجند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
آقای علی زنگوئی در سال 1347هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بیرجند دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی و از سوی دیگر شوق زیارت و همجواری با بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید و در سال 1362 وارد حوزه علمیه مشهد گردید.
از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیارحاضر شد ولی شوق فراوان او به کسب علم او را راهی حوزه علمیه قم گردانید.وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1369 به حلقه دروس خارج ستارگان علم وادب آن دیار راه یافت. در حوزه علمیه از درس بزرگانی همچون آیت الله مکارم ، آیت الله صادق لاریجانی،مرحوم آیت الله وحید، آیت الله گنجی و مرحوم پایانی بهره ها برد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1382از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید . و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان"هرمنو تیک و تفسیر از نظر علمای اسلام" دفاع کرد استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافری به انجام رسانده است و چند ماهی هم برای این مهم به کشور سریلانکا رفت.استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه بیرجند مشغول است، وی در زندگی

سراسر علمی خود به تحقیق و نگارش و تألیف به چیزی دیگری نیندیشیده که مقالات فراوانی در این زمینه به رشته تحریر در آورده است.

زین العابدینی، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی زین العابدینی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب هادی زین‌العابدینی فرزند شیخ موسی، بعد از گذراندن دوره دبیرستان به حوزه علمیه مجتهدی(ره) در تهران توفیق حضور یافتم. از همان ابتدا سال دوم حوزه به صلاحدید حضرت استاد مجتهدی به تدریس مشغول بودم و تاکنون نیز مشغول تدریس می‌باشم؛ صرف و نحو، بلاغت،اصول،فقه،بدایة الحکمه،نهایة الحکمه،مکاسب محرمه،رسائل، کلیات فی علم الرجال،درایة الحدیث و عقائد (آیت الله سبحانی) از جمله درسهایی است که در تهران و قم به تدریس آنها مشغول بوده و هستم. والان مشغول تدریس مکاسب،رجال،درایه به صورت رسمی از شورای مدیریت می‌باشم.

زینی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1278 ق)، عالم و حکیم. وی از شاگردان معروف ملاهادی سبزواری بود. زینی تعلیقات استادش را بر «سفر اول» از «الاسفار الاربعه» به خط خود نگاشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 322/13).

ساجدی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل ساجدی
محل تولد : آران و بیدگل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

ساعی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی ساعی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدعلی ساعی سال 1341 در شهر تهران متولد شدم. مراحل ابتدائی تا دیپلم را در تهران گذراندم. بلافاصله در سال 60 به حوزه علمیه قائم در نزدیکی محل خود رفته به مدت یکسال دروس حوزوی را گذراندم. در سال 61 به حوزه علمیه مشهد برای دروس ادبیات عرب سفر نمودم و نزد حجت الاسلام حجت هاشمی خراسانی مدرس مشهور ادبیات عرب کتابهای سیوطی، مغنی، مطول و معالم را خواندم. رسائل شیخ انصاری و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی گذراندم. در سال 64 به حوزه علمیه قم آمدم و کتاب مکاسب را نزد آیت الله محقق داماد خواندم و رسائل را نزد استاد اعتمادی تلمذ نمودم. در سال 68 دو جلد کفایه را نزد مرحوم استاد ستوده خواندم.از سال 69 در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه مانند آیت الله وحید خراسانی، آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم شیرازی به مدت شش سال شرکت نمودم.از سال 76 تاکنون به تدریس دروس اعتقادی در دانشگاه علامه طباطبایی و آزاد اسلامی اشتغال دارم و ده سال سابقه تدریس دارم. کتابهای فلسفی مانند بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، شرح منظومه و جلد اول و ششم اسفار و تمهید القواعد در عرفان نظری را خوانده و اکنون نیز تحصیل و قرائت کتابهای فلسفی و عرفانی را نیز ادامه می‌دهم.

سبحانی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ جعفر بن العلامه الزاهد حاج شیخ محمدحسین سبحانی تبریزی از اساتید بنام و فضلاء بلا کلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه قم است که در فروردین ماه 1308 شمسی در تبریز متولد شده و در مهد علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در مدت 5 سال در تبریز خوانده و در سال 1365 قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت دو سال بقیه سطوح را خوانده و به درس و بحث آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و دراسات و تقریرات آن دو بزرگوار را به رشته تحریر آورده و در خلال آن از آیات عظام دیگر حوزه استفاده نموده و فلسفه و معقول را از علامه طباطبائی فراگرفته و جلد اول اصول فلسفه را به امر استادش علامه به عربی ترجمه و منتشر نموده است.
استاد سبحانی حوزه درس بخصوصی دارند و در تربیت و پرورش طلاب و فضلاء روش مخصوصی دارند و از روز تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم در رشته‌های تفسیر و عقاید و رجال در آن مهد بزرگ اسلامی به تدریس پرداخته‌اند و نیز از روز نخستین مجله وزین و ارزنده (درسهائی از مکتب اسلام) از مؤسسین آن و جزو هیئت تحریریه آن بوده و در هر شماره از این مجله علمی و دینی (که ارگان رسمی حوزه علمیه قم) است علاوه بر مقاله مخصوصی که به نام وی چاپ می‌شود و مقاله دیگر یکی پیرامون تفسیر قرآن و دیگری پاسخ به سوالات علمی خوانندگان می‌نویسد گذشته از مقالات مذکوره آثار علمی دیگری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
1- اصول فلسفه که در نجف اشرف طبع شده.
2- تهذیب‌الاصول در سه مجلد تقریرات یکی از اساتید عالی مقام خود که در قم به طبع رسیده.
3- مفاهیم القرآن که در دست انتشار است.
4- فروغ ابدیت در دو جلد در زندگی پیامبر عالیقدر اسلام که از مدارک صحیح اسلامی با تجزیه و تحلیل کامل نوشته شده است.
5- رسالت جهانی پیامبران در نبوت عامه.
6- قرآن و معارف عقلی تفسیر سوره حدید.
7- مرزهای اعجاز، ترجمه بخش اعجاز قرآن تفسیر (البیان).
8- تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن.

9- سیستم اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات.
10- رمز پیروزی به عنوان اخلاق برای جوانان نوشته و مکرر به طبع رسیده است.
11- سرچشمه هستی در توحید.
12- داروینسم شرح نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) مکرر چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سبزواری، هادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1289 -1212 ق)، عالم و شاعر، متخلص به اسرار. پدر و جدش همه در سبزوار اهل ثروت و شهرت و اعتبار و مردمانی خیر و نیکوکار بودند. وی در دوران ناصرالدین شاه قاجار، مانند ملاصدرا در عهد شاه عباس بود. صاحب المآثر و الآثار می‌گوید: «در این مائه گذشته حکمت و معقول را این مرد فرد به همان طور تاسیس کرد که شیخ مرتضی انصاری فقه و اصول را». در هفت هشت سالگی شروع به خواندن صرف و نحو نمود. پدرش در ایام سفر حج، در شیراز درگذشت. بنا به وصیت پدر حاج ملا حسین سبزواری که از بستگان نزدیک او بود، تربیتش را به عهده گرفت و او را به مشهد برد. در آنجا ادبیات، فقه، اصول، منطق و فلسفه و ریاضیات را آموخت. بعد از ده سال به اصفهان رفت و از آخوند ملا اسمعیل، واحدالعین، حکمت، و نزد آقا محمدعلی نجفی، فقه را فراگرفت. در مدت اقامت در اصفهان به فرائض و نوافل مشغول بود و محاوره و گفتگوهایی باکشیشی مسیحی کرد. سپس به خراسان بازگشت و مدت پنج سال به تدریس حکمت و فقه و اصول در مشهد پرداخت. در 1250 ق در سفر حج همسرش را از دست داد و پس از بازگشت، حدود سه سال، در اطاق یکی از طلاب، به نام ملا محمد عارف، که خادم مدرسه نیز بود اقامت گزید، و با دختر وی ازدواج کرد. به سبزوار بازگشت و مجلس درس تشکیل داد. بزودی آوازه علمی او به نقاط مختلف رسید و از داخل و خارج کشور طالبان فلسفه و حکمت به محضر درس وی روی آوردند از آن جمله‌اند: شیخ ابراهیم تهرانی معروف به شیخ معلم، شیخ احمد میامیه‌ئی، سید احمد ادیب پیشاوری، میرزا اسدالله سبزواری، میرزا اسماعیل افتخار الحکماء طالقانی، ملا اسماعیل سبزواری. حاج ملاهادی، شعر فارسی و عربی را به روانی و نهایت سلامت می‌سرود. از ویژگیهای آثار وی شرح و تفسیر آثار ملاصدرا و روشن کردن نکات مبهم عقاید اوست. در سبزوار درگذشت و همان جا دفن شد. آثار به جا مانده از او: «اسرار الحکم»، نیز می‌گویند؛ «اسرار العباده»، در فقه؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه «زبده الاصول» شیخ بهایی؛ حاشیه «شرح سیوطی» بر «الفیه» ابن‌مالک؛ حاشیه‌ی «شواهد الربوبیه‌ی» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده؛ حاشیه بر «مبدا و معاد» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده است؛ شرح «مثنوی» ملای رومی؛ حاشیه «مفتاح/

مفاتیح الغیب»، که در حاشیه خود «مفاتیح» چاپ شده است؛ «دیوان» شعر، به فارسی؛ شرح «غرر الفرائد» و «هدایه المسترشدین».[1]
حاج ملا هادی سبزواری (و. سبزوار 1212- ف. 1289 ه.ق) متخلص به اسرار پسر حاج محمد سبزواری از دانشمندان بزرگ و حکمای عصر خود بود. نخست در مشهد و سپس در اصفهان حکمت، فقه، اصول و کلام آموخت. معروف‌ترین تألیف او منظومه و شرح آن دو منطق و حکمت است در دو قسمت که قسمت اول آن «اللالی‌المنتظمه» و قسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد و هر دو در یک جلد چاپ شده و به نام شرح منظومه مشهور است. شیخ به فارسی نیز «اسرارالحکم» را نوشته است که در حکمت الهی است و همچنین حواشی متعددی بر شواهد الربوبیة و سایر مصنفات ملاصدرا تحشیه کرده و ضمناً به تخلص «اسرار» غزلیات حکمی و مایل به تصوف سروده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (38/9)، اعیان الشیعه (234/10)، تاریخ ادبیات ایران، براون (287/4)، تاریخ ادبیات در ایران (322 ،187 /5)، تاریخ فلاسفه ایران (576 -565)، حدیقه الشعراء (128 -127 /1)، دایرةالمعارف فارسی (3228/2)، الذریعه (292/26 ،98 ،55/14 ،256 -255 ،179/13 ،72/9 ،191 ،214 ،144/6 ،44/2)، ریاض العارفین (241)، ریحانه (427 -422 /2)، شرح حال رجال (326/5)، طرائق الحقائق (466 -465 /3)، فلاسفه‌ی شیعه (261 -251)، گنجینه‌ی دانشمندان (310 -308 /5)، لغت نامه (ذیل/ هادی)، المآثر و الآثار (147 -146)، مؤلفین کتب چاپی (737 -731 /6)، معجم المؤلفین (127/13)، مکارم الآثار (469 -450 /2)، یادگار (س 1، ش 3، ص 48 -43).

سپاسی آشتیانی، کاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کاظم سپاسی آشتیانی
محل تولد : آشتیان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/2
زندگینامه علمی
از سال 1356 وارد حوزه شدم و از همان زمان در کنار ارتقاء تحصیلی به تدریس سطوح پایین تر هم اهتمام ورزیدم به طوری که ادبیات را چند بار تدریس نمودم و لمعتین را در دروس استاد وجدانی (ره) و اصول فقه را دردرس استاد صالحی افغانی شرکت کردم و کفایتین را در درس آقای صالحی مازندرانی شرکت نمودم و مکاسب را با اساتیدی مثل عمانی، فیض بهرامی، طاهری خرم آبادی گذراندم و در درس خارج آیت الله العمظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله العظمی وحید و مکارم شیرازی شرکت نمودم و اکنون هم به صورت تخصصی به تحقیقات فقهی و اصولی مشغول هستم و همزمان رسائل شیخ انصاری (ره) را تدریس می نمایم ؛ در فلسفه و عرفان به درس استاد حشمت پور حاضر شدم و شرح اشارات و شواهد الربوبیه و شرح حکمت الاشراق را استفاده نمودم و بعضی از بحث های اسفار را با آقای امیر دیوانی گذراندم. درسال 1378 وارد دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال 1380 از این دانشگاه با مدرک کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم ؛ از سال 1368 در دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس درس های معارف، اخلاق، تعلیم و تربیت اسلامی، متون، تاریخ و کلیات فلسفه اشتغال دارم.

سپهری، برزو

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1290 ش)، استاد فلسفه و نویسنده. وی پس از پایان دوره‌ی مقدماتی، از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات موفق به اخذ لیسانس زبانهای خارجی شد و مدت یک سال سمت دبیری داشت، سپس به سویس رفت و از دانشگاه ژنو به دریافت درجه‌ی دکترا در فلسفه نایل گشت و پس از مراجعت به ایران، با سمت دانشیار فلسفه در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار او است: «آراء فلسفه درباره‌ی عادت»؛ «بحث در مسایل پرورش اخلاقی»؛ «سر جنسیت یا روانشناسی عشق».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (141/3)، مؤلفین کتب چاپی (102/2).

سجادی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر سجادی در اسفند ماه 1303 هجری شمسی درکارماسه، از روستاهای بلوک لنجان سفلای اصفهان، برکرانه غربی زاینده رود به دنیا آمد. دکتر سید جعفر سجادی استاد دانشگاه تهران است. او از هیچ آغاز کرد و به مدارج عالیه کمال رسید. کوشش وجدیت او بود که وی را در ردیف یکی از پرکارترین و پراثرترین استادان دانشگاه تهران درآورد.پدر سید جعفر، سید علی سجادی نام داشت و مردی روستایی و کشاورز بود. سید علی با لغت عرب آشنایی داشت و بر رسایل عملیه و فتواهای علمای مشهور تسلط داشت. سید علی را «سید باطن دار» نیز می گفتند.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : پدر سید جعفر سجادی، سید علی سجادی مردی روستایی و کشاورز بود. سید علی با لغت عرب و بر رسایل عملیه و فتواهای علمای مشهورآشنایی تسلط داشت. سید علی را «سید باطن دار» نیز می گفتند.
خاطرات کودکی : سید جعفر سجادی با سختی خا مرارتهای دوران کودکی توانست نقش آینده را ترسیم نماید ، او از این دوران چنین یاد می کند : «... در چهار پنج سالگی با پای برهنه قاچ قاچ و دست های کوچک یخ بسته از شدت سرما، چوبکی در دست، چهار گوسپند خانواده را از پس نماز صبح تا شامگاهان به چرا می برم و چون باز می گشتم انبانی از چوب و ترکه های خرد بر پشت لرزاتنم می کشیدم تا به کار گرم کردن تنور و آتشدان کرسی و شاید پختن آشی کم رمق بیاید...»
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده سید جعفر سجادی در خانه ای زندگی می کرد که سهم مشترک چند خانواده بود ؛ سهم خانواده سجادی از آن خانه حدود 200 ذرع حیاط با یک اتاق نسبتاً بزرگ، یک پستو و بخشی از یک آغل گاو و گوسفند و بخشی از یک کاهدان و بهاربند حیوانات و مطبخی در کنار آن می رسید. در این دوران چند تن از فرزندان خانواده به کام مرگ رفتند. «در بهمن ماه ۱۳۳۳ شمسی در کرمانشاه،درخاندانی اهل علم وادب زاده شد. پدر ایشان دکتر سید جعفر سجادی، که در آن زمان در جامه روحانیت و از فضلای ایشان بود، و سالیانی پیش از آن به خواست و دعوت مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی، همراه چند تن از فضلا

مانند مرحوم اشرفی اصفهانی، برای تأسیس و ترویج حوزه علمیه کرمانشاه، در آن شهر اقامت گزیده بود، چندی بعد به تهران آمد و همانجا ماند.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید جعفر سجادی پیش از آنکه دوران مکتب را تجزیه نماید نزد پدر الفبا و یک جزو قرآن را آموخت . پدر هر چند علاقمند بود سید جعفر به تحصیل علم بپردازد ولی نمی خواست به مدرسه جدید برود چون اعتقاد داشت که« تحصیل در این گونه مدارس موجب بی دینی و بی اعتقادی می شود». بنابراین سید جعفر در پنج سالگی در همان روستای کار ماسه، با یک قران شهریشهریه در هر ماه به مکتب سپرده شد. سید جعفر در پنج سالگی تحصیلات خود را نزد «زن آخوند» که بانوی مکتب داری بود ادامه داد. او در هفت سالگی به مکتب ملا هاشم کله ای رفت. این ملا هاشم که به «معلم» ملقب بوده مردی فاضل و خوش خط بود و از ادب فارسی و عربی بهره ای داشت. سیدناجی نام استاد بعدی سید جعفر بود که در نزد او جامع المقدمات را فرا گرفته است. سید جعفر در این زمان از محضر میرزا عبدلله نکوآبادی هم کسب فیض می کرد. وی همچنین از شیخ محمد حسین شریعت فلاورجانی نیز ادبیات و اخلاق آموخته است. [همان، ص 7-5] سید جعفر هنگامی که برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت، درکارخانه هراتی اصفهان مشغول به کار شد. او روزهایی را که به کار نمی رفت در مدارس علوم قدیمه اصفهان در مجلس درس استادان حاضر می شد. او در این زمان به خریدو فروش هندوانه و خربزه نیز می پرداخت و چون از این طریق مبلغی فراهم کرده بود عزم کرد که یکسره به تحصیل بپردازد. بدان علت در مدرسه اسماعیلیه یا خاتون آبادی که در یکی از محلات دروازه حسن آباد اصفهان واقع بود به تحصیل پرداخت. علاوه بر آن سید جعفر در مدرسه ثقه الاسلام،مدرسه صدر مدرسه عربان، مدرسه ملا عبدالله ومدرسه جده بزرگ درس خواند . سید جعفر سجادی چون در مدرسه مروی خوش درخشید از طرف مسئولین حوزه جهت اخذ مدرک لیسانس به دانشکده معقول و منقول معرفی شد و پس از سه سال تحصیل در سال 1329 ه.ش فارغ التحصیل شد. در سال 1334 شمسی، سجادی برای تحصیل در دوره دکتری در رشته معقول (علوم عقلی و فلسفی) ثبت نام کرد و در سال 1341 از رساله خود دفاع کرد و دوره دکتری را به انجام رسانید.
استادان و مربیان : سید جعفر سجادی در مدرسه اسماعیلیه یا خاتون آبادی اصفهان نزد شیخ ابوالفضل مسجد شاهی تعلیم دید. او در مدرسه صدر اصفهان نیز در محضر حاج سید رضا خراسانی و آیت الله سید حسین خادمی کسب فیض کرده است. سید جعفر در مدرسه عربان اصفهان در محضر شیخ امان الله و شیخ عبدالجواد فریدنی بود. سجادی در مدرسه

عربان از کسانی چون میرزا عباس شیخ الاسلامی بهره برده است. همچنین در مدرسه جده بزرگ نزد کسانی همچون حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، شیخ محمد تقی تفرشی، حاج آقا صدر کوهسپایی، فیاض، سید حسین خادمی، شیخ محمد علی حبیب آبادی، حاج سید جواد غروی و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخته است.[مهدی محقق.احوال و زندگی علمی دکتر سید جعفر سجادی ، ص 9-12] سید جعفر سجادی در مدرسه میرزا محمود تهران نیز تحصیل نمود. این مدرسه چون تازه تاسیس شده بود و استاد و مدرس فاضل و متبحری نداشت سیدجعفر به مدارس دیگری از جمله مدرسه مروی می رفت و در درس سید کاظم کروندی شرکت می کرد. او همچنین محضر آیت ا... حاج شیخ علی تهرانی میرزا باقر آشتیانی، شیخ محمد رضا قلی زاده تهرانی، شیخ محمد تقلی آملی، سید عباس آیت الله زاده فشارکی طباطبایی، سید صدر الدین جزایری، سید ابوالقاسم کاشانی و محمد باقر کمره ای، را نیز درک کرده است. استادان سید جعفر سجادی در دوران دکتری عبارت بودند از: غلامحسین صدیقی، بدیع الزمان فروزانفر.

هم دوره ای ها و همکاران : از جمله همدرسی های سید جعفر سجادی، می توان به حاج شیخ محی الدین انواری، حاج یخ مصطفی مسجد جامعی، شیخ محمدشاه آبادی و مهدی محقق بودند.

وقایع میانسالی : بعد از این که دکتر موسی عمید به نمایندگی مجلس انتخاب شد دوستانش در منزل ایشان به او تبریک و تهنیت گفتند. در آن میان سید جعفر سجادی نیز بود. سجادی نقل می کند:«... در آن میان من نیز برخاسته و گفتم جناب استاد من هم به نوبه خود انتخاب حضرتعالی را به نمایندگی مجلس تبریک عرض کرده و به مردم ایران تسلیت می گویم !» حاضرات بهت زده شدند که این دیگر چه هیولایی است؟ دکتر عمید با خوشرویی گفت تبریک به من معلوم است ولی چرا تسلیت به مردم؟ عرض کردم از آنجا که خود را شاگرد و یار شمامی دانم این منصب را تبریک گفتم: ولی چون وکیل بلا موکل هستید و به ملت تحمیل شده اید به مردم تسلیت عرض کردم. دکتر محقق نیز درآن مجلس حضور داشت. دکتر عمید مبلغی خندید و گفتند: سید تو در زندگی به هیچ جا نخواهی رسید. »

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید جعفر سجادی در سال 1330 ه.ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و بلافاصله به عنوان دبیربه ارومیه منتقل گردید.بعد از یکسال تدریس در آن شهر در سال 1331 ه.ش به کرمانشاه منتقل شد. او در آنجا به عنوان بازرس ویژه انتخابات برای نظارت بر انتخابات کنگاور انتخاب شد. سجادی تا سال 1338 شمسی در مدرسه فرخی واقع در میدان مولوی تهران تدریس می کرد. لیکن از دی ماه

1338 به بعد به عنئان استادیار در دانشگاه تهران مشغول به فعالیت شد.سید جعفر سجادی به دعوت دکتر معین در موسسه لغت نامه به فعالیت پرداخت و تالیف و تنظیم قسمتی از حرف«ع» لغت نامه دهخدا را بر عهده داشت. او مدیر گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران هم بود. سجادی در سال 1342 شمسی به رتبه استادیاری ارتقا یافت. او از سال 1348 شمسی به مرتبه دانشیاری ترفیع یافت. بعدا در سال 1353 شمسی درجه استادی یافته و درهمین سمت از اعضای ثابت شورای دانشکده بود. وی از سال 1353 به پیشنهاد دکتر کیا به عضویت فرهنگستان درآمد و در آن ایام به عضویت کمیسیون انتصابات و ترفیعات دانشکده ادبیات منصوب شد. او مدتی هم دربنیاد دایره المعارف اسلامی نیز فعالیت داشت.
جوائز و نشانها : مجامع علمی، سمینارها و جوایز سید جعفر سجادی به ترتیب ذیل است: 1- سال 1338ه.ش: دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب فرهنگ فلسفی. 2- سال 1349ه.ش: عضویت در انجمن روابط فرهنگی ایران و هند و همکاری با دکت تاراچند. 3-سال1351ه.ش: سفر به پاکستان و بازدید از دانشگاه های آن کشور و تاسیس اولین انجمن فارغ التحصیلان پاکستانی دانشگاه تهران. 4-سال 1352ه.ش: شرکت در کنگره بزرگداشت ابوریحان بیرونی. 5- سال 1353ه.ش: سفر به ترکیه برای ایراد سخنرانی و بازدید از دانشگاه ها. 6- سال 1354ه.ش: شرکت در کنگره بزرگداشت ابونصر فارابی. 7- سال 1355ه.ش: دریافت جایزه بهترین کتاب سال در بخش ترجمه، به خاطر ترجمه حکمه الاشراق شیخ شهاب الدین سهروردی. 8-سال 1356ه.ش: شرکت در جشنواره هنر اسلامی در لندن. ----------
---
آثار :
1 ابوحیان توحیدی
ویژگی اثر : [ص 61]
2 ابوریحان قلعه فولادین منطق ارسطو رادر هم می ریزد
ویژگی اثر : [ص 58]
3 احکام یا عناوین ثانویه
ویژگی اثر : [ص 62]
4 از احساس تا قوت نطق و ناطقه
ویژگی اثر : [ص 60]
5 استفاده از علوم عقلی در نحو عربی
ویژگی اثر : [ص 60]
6 اصل و اصول

ویژگی اثر : [ص 59]
7 اصلاحات پزشکی در جهان عرب، م، ح، الخیاط
8 افکار اجتماعی فارابی
ویژگی اثر : [ص 59]
9 افکار فلسفی و علمی ابوریحان بیرونی
ویژگی اثر : [ص 58]
10 الادب الفارسی به زبان عربی
ویژگی اثر : [ص 57]
11 الادب الفارسی بین روافد التصوف و العرفان
ویژگی اثر : به زبان عربی. [ص 57]
12 انسان کامل
ویژگی اثر : [ص 59]
13 اوضاع اجتماعی نیم قرن
ویژگی اثر : [ص 60]
14 بررسی مجموعه رسایل مرحوم سید کاظم عصار
ویژگی اثر : [ص 58]
15 بنیاد اصول فقه
ویژگی اثر : [ص 58]
16 تاریخ برمکیان
17 تاریخ دولت های اسلامی و خاندان های حاکم بر سرزمین اسلامی
ویژگی اثر : ترجمه و تلفیقی است از کتابهای استنلی لین پور، برتولت و خلیل ادهم
18 تاریخ نگاری در اسلام
ویژگی اثر : بحثی نظری درباره دیدگا های تاریخ نگاری توسط مورخان عصر اسلامی و مکتب های تاریخ نگاری و شیوه ضبط ئ درج حوادث تاریخی است
19 تالیف و تنظیم حرف «ع» لغت نامه دهخدا
ویژگی اثر : [ص 56]
20 تجلی عرفان درادب فارسی
ویژگی اثر : [ص 57]
21 ترجمه زبده البیان فی احکام القران مقدس اردبیلی
ویژگی اثر : [ص 55]
22 ترجمه و تحشیه آرا اهل مدینه الفاضله ابونصر فارابی
ویژگی اثر : [ص 55]
23 ترجمه و تحشیه حکمه الاشراق
ویژگی اثر : این اثر تالیف شیخ شهاب الدین سهروردی است [ص 55]

24 ترجمه و تحشیه سیاسات مدینه ابونصر فارابی
ویژگی اثر : [ص 55]
25 ترجمه و تحشیه فصل المقال فیمابین الحکمه و الشریعه من الاتصال
ویژگی اثر : این اثر تالیف ابن رشد است. [ص 55]
26 ترجمه و شرح بیست باب مقدمه دلاله الحائرین ابن میمون
ویژگی اثر : [ص 55]
27 تصحیح جغرافیای حافظ ابرو
28 تصحیح دیوان حافظ
29 تصحیح و تحشیه تفسیر حدائق الحقایق
ویژگی اثر : این اثر تالیف معین الدین هروی است. [ص 54]
30 تصحیح و توضیح فرهنگ المرقاه
ویژگی اثر : این اثر تالیف بدیع الزمان ادیب نطنزی است. [ص 55]
31 تفسیر قرآن و تاریخچه آن
ویژگی اثر : [ص 58]
32 جلال الدین مولوی بین طریقت و شریعت
ویژگی اثر : [ص 58]
33 جهان تصوف
ویژگی اثر : [ص 59]
34 حدوث و قدوم
ویژگی اثر : [ص 60]
35 حرکت جوهری
ویژگی اثر : [ص 62]
36 حق و حقیقت
ویژگی اثر : [ص 59]
37 حکمت اسلامی و فلسفه یونانی
ویژگی اثر : [ص57]
38 حکمه الاشراق
ویژگی اثر : [ص 61]
39 حکومت جهانی
ویژگی اثر : [ص 59]
40 حواس پنجگاه از نظر شیخ اشراق
ویژگی اثر : [ص 61]
41 روشهای تفسیر قرآن مجید
ویژگی اثر : [ص 55]
42 سفرنامه برزو به هند و منشا کلیله و منه
ویژگی اثر : ترجمه است و نوشته محقق ارجمند فرانسوا دوگلوا

43 سهم ایرانیان در گسترش تمدن اسلامی
ویژگی اثر : [ص 61]
44 سیر فلسفه در شرق
ویژگی اثر : [ص 61]
45 شرح احوال و آثار سید قطب
ویژگی اثر : [ص 59]
46 شرح تمثیلات رسایل فارسی شیخ اشراق
ویژگی اثر : [ص 56]
47 شهاب الدین سهروردی و فلسفه اشراق
ویژگی اثر : این مقاله در یادنامه هنری کربن چاپ شدهاست. [ص 57]
48 طبیعت و اطلاعات آن
ویژگی اثر : [ص 59]
49 عشق و هنر در فلسفه اسلامی
ویژگی اثر : [ص 62]
50 عقل از نظر فلاسفه و ارباب مذاهب
ویژگی اثر : [ص 61]
51 عقل در فلسفه وعرفان
ویژگی اثر : [ص 60]
52 علوم عقلی در خدمت ادب و فرهنگ (معانی و بیان)
ویژگی اثر : [ص 61]
53 علوم فلسفی و هدفهای آن
ویژگی اثر : [ص 59]
54 عین و اعیان
ویژگی اثر : [ص 59]
55 فارابی افکار فلسفی وی
ویژگی اثر : [ص57]
56 فرهنگ علوم عقلی
ویژگی اثر : [ص 54]
57 فرهنگ علوم فلسفی و کلامی
ویژگی اثر : [ص 54]
58 فرهنگ علوم نقلی و ادبی
ویژگی اثر : [ص 54]
59 فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی
ویژگی اثر : این اثر در سال 1338 شمسی بهترین کتاب سال شد. [ص45
]
60 فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی

ویژگی اثر : [ص 54]
61 فرهنگ لغات واصطلاحات فلسفی ملاصدرا
ویژگی اثر : [ص 54]
62 فرهنگ معارف اسلامی
ویژگی اثر : [ص 55]
63 فلسفه اشراق
ویژگی اثر : [ص 60]
64 فیزیک و متافیزیک
ویژگی اثر : [ص 62]
65 فیلسوف بزرگ عبدالله زنوزی
ویژگی اثر : [ص 58]
66 قوای نفسانی انسان
ویژگی اثر : [ص 60]
67 مبانی اصطلاحات ذوقی
ویژگی اثر : [ص 62]
68 مقالات فلسفی و کلامی در دایره المعارف بزرگ اسلامی
ویژگی اثر : [ص 62]
69 مقالات فلسفی و کلامی در دایره دانشنامه جهان اسلام
ویژگی اثر : [ص 62]
70 مقاله: مواقف مع العطار
ویژگی اثر : [ص 57]
71 مقدمه بر منطق
ویژگی اثر : [ص 54]
72 ملاصدرا و عشق
ویژگی اثر : [ص 62]
73 منشور تحریم فلسفه
ویژگی اثر : [ص 62]
74 ناصر خسرو و مقام وی درآئین اسماعیلی
ویژگی اثر : به زبان انگلیسی و گجراتی. [ص 57]
75 نظری بر سه مذهب بزرگ سامی
ویژگی اثر : [ص 59]
76 نظری بر سیاسات مدینه فارابی
ویژگی اثر : [ص 59]
77 نظری پیرامون آرا اهل مدینه فاضله
ویژگی اثر : [ص 58]
78 نقد ادبیات تطبیقی ایران و عرب

ویژگی اثر : [ص 55]
79 نقدی بر ترجمه الفهرست ابن الندیم به قلم رضا تجدد
ویژگی اثر : [ص 60]
80 نقدی بر سه حکیم مسلمان، اثر دکتر سید حسین نصر
ویژگی اثر : [ص 58]
81 نقدی بر سیتره فلسفیه رازی
ویژگی اثر : [ص 60]
82 نقدی بر قاموس الیوم
ویژگی اثر : [ص 61]
83 نقدی بر مجموعه سوم مصنفات شیخ اشراق
ویژگی اثر : [ص 60]
84 هندوستان یا مهد ذوق و عرفان
ویژگی اثر : [ص 61]
85 وجود در فلسفه
ویژگی اثر : [ص 59]
86 وجود ذهنی
ویژگی اثر : [ص 61]
87 وحدت وجود
ویژگی اثر : [ص 59]

سجستانی، ابوسلیمان محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 391 -380 ق)، فیلسوف، حکیم و عقاید نگار. معروف به سگزی و مشهور به منطقی. او به بغداد رفت و در آنجا رحل اقامت افکند و نزد متی بن یونس و امثال او درس خواند و مدتی نیز با یحیی بن عدی به سر برد و از او حکمت و منطق کسب کرد. وی نزد عضدالدوله‌ی دیلمی دومین سلطان آل‌بویه بسیار محترم بود. ابوسلیمان استاد ابوحیان توحیدی و در ادب و شعر و طب و حکمت مردی مطلع بود، برخی تألیفات او عبارت است از: «صوان الحکمه»؛ «مقاله‌ای در مراتب قوای انسان»؛ «کیفیة الانذارات التی تنذربها النفس مما یحدث فی عالم الکون»؛ «کلام فی المنطق»؛ «تعالیق حکمّیه»؛ «مقالة فی الاجرام العلویه طبیعتها طبیعة خامسة»؛ «ملح و نوادر»؛ «اقتصاص طرق الفضائل»؛ «شرح کتاب ارسطو».[1]
منطقی، محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی (سیستانی) منطقی و فیلسوف قرن چهارم (ف. پس از سال 391 ه.ق.) وی با عضدالدوله و صمصام‌الدوله معاصر و از اقبال و توجه مرا و وزرای آل بویه برخوردار بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (41/7)، بزرگان نامی پارس (94 ،92)، تاریخ الحکماء قفطی (312 ،313 ،119 ،53)، تاریخ طب (674 /2)، تاریخ نظم و نثر (124)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (156 -143)، دایرة المعارف فارسی (31 /1)، الذریعه (95 / 15)، ریحانه (141 /7)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (476)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسلیمان)، معجم المؤلفین (96 /10)، الملل و النحل (365)، نامه‌ی دانشوران (216 /3)، الوافی بالوفیات (165 /3).

سحاب، ابوالقاسم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم سحاب در 20 فروردین سال 1266 شمسی در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. استاد ابوالقاسم سحاب در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. وی تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود ، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه شد. سپس جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شد. سحاب ، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله ، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور شد. پس از مدتی به پیشنهاد علی اکبرخان سروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید. سحاب بنا به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشت. همچنین از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درآمد. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در وزارت معارف داخل می گردد. وی معاونت کتابخانه ملی و مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. سحاب در روز 21 دی 1335 به سرای باقی شتافت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمدزمان و حوا نام پدر و مادر ابوالقاسم سحاب می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابوالقاسم سحاب، تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود و علاوه بر آموختن عم جزء ، نصاب الصبیان ، جامع المقدمات و کتب دیگر از مکتب ملاحسین شاهمیری معروف به کربلایی حسین ، در گوشه و کنار با مطالعه ی کتاب های متفرقه ، مطالب آنها را به خاطر سپرده و بر معلومات خویش می افزود. در همین اثناء ، ابوالقاسم به صلاحدید خانواده ، مدتی را نزد مشهدی عبدالرحیم و در مکتب وی واقع در حیاط معین الملکی ، متولی باشی ارض اقدس (مشهد) در تفرش به شاگردی پرداخته و نزدیک به یک سال را در همراهی با استاد سپری کرد. آنگاه پس از فراگیری عربی و خط و یادگیری معالم ، برای آموختن فقه به مطالعه و مباحثه نزد امام جمعه پرداخته و « شرح لمعه » شهید ثانی را بدین شکل فراگرفت.

از این رو ، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب ، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و در علوم اسلامی چنان مسلط شد که مورد مشورت اهل علم و دانش قرارگرفته و با توانایی هرچه تمام تر در مسائل فقهی و اصول بحث و فحص می کرد. سحاب پس از مدتی با راه یافتن به کتابخانه ی سناءالدوله ، ضمن بهره مندی از آنها با کتب و مدارک خارجی آشنا شد و در عین حال ، از تلاش های خویش در راه تکمیل یافته ها و تحصیلات خود ذره ای نمی کاست و لذا ، هم زمان با فراگیری زبان فرانسه ، به کامل کردن تحصیلات درس های ادبی و عربی خود مبادرت می ورزد. در این هنگام ، وی دریافت که دیگر محیط کوچک تفرش نمی تواند طبع بلندپرواز او را قانع ساخته و خواسته های او را تأمین نماید. از اینرو به تهران آمد و در محضر علمای طراز اول آن شهر ، من جمله شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله و دانشمندان دیگر ، به تکمیل معلومات خود پرداخت. او که در این زمان ، به همت سناءالدوله جهت تحصیل به مدرسه ی آلمانی تهران راه یافته بود ، بنا به برخی ضوابط قانونی مدرسه از راه یافتن بدان جا محروم گشته و در نتیجه ، به اتفاق میرزاحسین خان و اسماعیل خان (پسران دبیرلشکر و سناءالدوله) وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه ، واقع در خیابان پستخانه شد. آن مدرسه زیرنظر مسیو ویژور فرانسوی اداره می شد و سحاب نیز نزد وی به تکمیل آموخته های زبان فرانسه ی خود اقدام کرد. او پس از چندی درصدد برآمد که برای تحصیل کلام و اصول و فقه ، از محضر استاد حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی بهره جوید. بنابراین مدتی را نزد استاد به فراگیری و مذاکره در باب شوارق و شرح لمعه پرداخته و سپس ، جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات ، شبانه به مدرسه ی اکابر ، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شده و از محفل استادانی چون : دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان و میرزا غلامحسین خان رهنما و دیگران بهره مند می شد. وی همچنین در کلاس های مزبور ، شیمی ، طبیعیات و فیزیک را فراگرفته و در محله ی عرب ها نیز به تحصیل فرانسه ، دفترداری و ... مشغول شد. پس از آن ، بعد از به پایان رساندن مباحثه شوارق در محضر استاد عبدالرحیم دماوندی ، تصمیم می گیرد در طبیعیات جواهر و اعراض وارد شده و یک دوره از این فن را به مباحثه و مطالعه بپردازد. بعد ، بر آن می گردد برای ورود به رشته ی فلسفه و حکمت ، از وجود عالمانه ی میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی که در آن موقع از برجسته ترین استادان فلسفه تهران بود ، بهره جوید. وی در خدمت استاد ، ضمن مطالعه ی کلمات مکنونه ی مرحوم فیض و منظومه و اسفار حاجی سبزواری ، به فراگیری شواهدالربوبیه ملاصدرا پرداخت. سحاب ، زبان انگلیسی را نیز زیرنظر مسیو جاسموس و مسیو ژان دوشن فرانسوی ،

رئیس مدرسه ی آلیانس تهران فراگرفت.فعالیتهای ضمن تحصیل : ابوالقاسم سحاب، علاوه بر عشق فراوان به فراگیری ، بهره مندی از هنرهای زمانه از جمله ، خوشنویسی را پیشه ی راه خود ساخته بود. به همین جهت در سن پانزده سالگی ، عزم خود را برای آموختن هنر مزبور راسخ ساخت و نزد معلمی به نام میرزا عباسقلی به تعلیم خط پرداخت و در اندک مدتی ، خود در هنر خطاطی و نوشتن خطوط مختلف نستعلیق ، نسخ ، ثلث و شکسته نستعلیق مسلط شد. پس از آن در ایام 19 سالگی به تشویق میرزا اسدالله خان ، پیشکار فخیم الدوله حاکم کردستان به آموختن زبان عربی روی آورد و مساعی خود را در این راه به کار گرفت. از دیگر توانمندی های سحاب ، ذوق و قریحه ی سرشار وی در سرودن اشعار ژرف و علاقه ی فوق العاده به مطالعه و فراگیری سروده های شعرای مشهور بود. وی تحت تأثیر تشویق های میرزا اسماعیل خان دبیر در تفرش ، به نوشتن مصنفات و مؤلفات خود همت گماشت.استادان و مربیان : استادان و مربیان ابوالقاسم سحاب عبارت بودند از : ملاحسین شاهمیری ، مشهدی عبدالرحیم ، میرزا عباسقلی ، میرزا موسی خان سناءالدوله ، شیخ علی نوری ، شیخ باقر معزالدوله ، مسیو ویژور ، حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی ، دکتر محمودخان ، دکتر مهدی خان ، میرزا غلامحسین خان رهنما ، میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی ، مسیو جاسموس ، مسیو ژان دوشن ، دکتر حسین حجازی و میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی.همسر و فرزندان : معصومه ، همسر ابوالقاسم سحاب و مرحوم عباس سحاب ، پدر کارتوگرافی ایران ، عذرا ، صغری و بهجت خانم ، فرزندان شادروان استاد ابوالقاسم سحاب می باشند.زمان و علت فوت : پس از نزدیک به 60 سال فعالیت علمی و فرهنگی ، دست تقدیر بر حیات ابوالقاسم سحاب سایه افکند و در سپیده دم 21 دی 1335 به دیار معبود و سرای باقی شتافت و در مقابل بارگاه حضرت معصومه (س) ، کنار حوض به خاک سپرده شد و آیت الله مرعشی نجفی بر جنازه ی او در صحن یادشده نماز خواند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابوالقاسم سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله ، وزیر معارف به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سامان ، به آنجا فرستاده شد. استاد در سمت جدید ، در نهایت جدیت امور محوله را انجام داد و خدماتش مورد توجه قرار گرفت. از اینرو ، به پیشنهاد علی اکبرخان سروش ، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر ، نهاوند و تویسرکان) ، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید که در تاریخ 28 ثور 1338 قمری ، حکم مزبور از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای او صادر شد. سحاب در 12 اردیبهشت 1306 از سوی وزارت معارف و اوقاف به

سمت عضویت در هیئت ممتحنه ی مدارس ابتدایی مرکز انتخاب و اندکی بعد ، به همان سمت در مدرسه ی دارالفنون منصوب گردیده و در پی آن ، امتحانات شاگردان مدارس ابتدایی آن را برگزار می کند. سپس در 8 فروردین 1307 به وظیفه ی اداری در شغل منشی گری محاسبات وزارت معارف وارد گشته و به موجب اخطار رسمی کابینه ، این وزارتخانه در تاریخ 29 خرداد 1307 جهت تهیه ی سواد نظامنامه ی شورای عالی معارف دعوت می شود. اما به جهت کثرت کار اداری و موانع زیاد از حضور به آن شورا خودداری می کند. همچنین استاد در اول مهر 1307 از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن ، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز ، به عضویت در اوقاف درمی آید. یک سال بعد ، در 19 فروردین 1309 به موجب حکم رئیس محاسبات وزارت معارف و اوقاف ، از شغل منشی گری پاکنویس آن اداره به سمت مدیریت ارتقاء یافته و مدیریت آرشیو این وزارتخانه به وی واگذار می شود. اندکی بعد ، به موجب حکم دیگری در تاریخ 4 مهر 1310 در وزارت معارف داخل می گردد. وی در سال 1317 ، معاونت کتابخانه ملی و در سال 1323 ، مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : ابوالقاسم سحاب، به هنگام حضور در مکتب نخستین استاد خویش ، ملاحسین شاهمیری ، به علت توانایی های فوق العاده علمی و درسی خود و نیز به پیشنهاد مشارالیه ، امر تدریس برخی از نوآموزان کلاس را برعهده گرفت. او اگرچه در ازای آموزش کودکان مکتب ، از دادن شهریه معاف بود ، اما پرداختن به این مهم ، در واقع نخستین دل مشغولی و شغل وی را نیز تشکیل می داد و بر این اساس بود که از همان زمان ، او لذت توأمان دانش آموزی و معلمی را چشید و تا آخرین روزهای زندگی نیز در تداوم آن تلاش می کرد. به علاوه ، پس از تسلط وی به علوم عقلی و نقلی و همچنین فقه ، اصول و کلام ، تفسیر و حکمت در مدتی کوتاه ، کار تدریس خصوصی بسیاری از فرزندان خانواده های تفرشی نیز به او واگذار شد. در رمضان سال 1326 قمری ، به واسطه ی اقدامات محمدعلی شاه و دستگیری مشروطه طلبان و حاکم شدن استبداد صغیر ، پسرهای میرزا محمدخان دبیرلشکر (میرزا عیسی خان دبیرلشکر و میرزا موسی خان سناء الدوله) که از مشروطه طلبان تهران بودند ، به ناچار به تفرش برگشته و در این زمان ، سناءالدوله امر آموزش فرزندان خود و یکی از پسران دبیرلشکر را به سحاب که در این هنگام 22 سال داشت ، واگذار می نماید. شخصیت فرهیخته دبیرلشکر و سناءالدوله از یک سو و توانمندی های فوق العاده ی سحاب از طرف دیگر ، سبب شد تا وی زیرنظر سناءالدوله به فراگیری زبان های اروپایی و به ویژه ، زبان فرانسه و نیز آموختن علوم جدید و

حساب و جغرافیا و ... همت بگمارد و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت کند که خود به معلمی توانا جهت متعلمین خود مبدل گردد. در این زمان ، پس از ورود به مدرسه ی آلیانس فرانسه ، هم زمان با تحصیل نزد مسیو ویژور ، به تدریس در آن نیز مشغول بود. هم زمان ، بر آن می گردد با تشکیل دبستانی در خیابان فرمانفرما ، شغل رسمی خود را معلمی قرار داده و از این راه نسبت به تأمین معاش خود اقدام نماید. اندکی بعد و هم زمان با به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در سال 1297 شمسی (1918 م.) به جهت تصمیم دولت مبنی بر خریداری کردن مدارس ملی و تبدیل آنها به مدارس ابتدایی مجانی و متوسطه ی غیرمجانی ، به ناچار از تدریس در ساعات بعدازظهر مدرسه ی سیروس که در این زمان تحت ریاست میرزا محسن خان قریب اداره می شد ، صرف نظر کرده و بر میزان همکاری خود با مدرسه ی آلیانس افزود. طولی نکشید که به واسطه ی حسن اداره کردن کلاس ، مسیو ویژور تدریس در کلاس نهم را نیز از وی خواستار شد. در این هنگام بود که به جهت بازدید نصیرالدوله ، وزیر معارف از مدرسه ی مزبور ، باب مراوده و آشنایی با وی گشوده شد ؛ بعدها به آموزش در مدرسه ی تدین می پردازد و در پی آن به سفارش نصیرالدوله به مدیریت مدرسه ی نهاوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سرزمین به آنجا فرستاده شد. پس از بازگشت از سفر نهاوند ، در مدارس آن روز تهران از جمله مدرسه ی شرف ، مدرسه ی ایران ، مدرسه ی سیروس و کمالیه به آموزش دانش آموزان مشغول شد. استاد در فروردین 1306 به جهت تعلیق عبدالله خان مرندی ، به جای ایشان به آموزش در مدرسه ی کمالیه می پردازد. [سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ابوالقاسم سحاب، ضمن ادامه ی تدریس در مدارس تهران ، به نگارش مقالات فراوانی برای بسیاری از نشریات آن روز همچون طوفان هفتگی ، تهران ، ستاره جهان ، شفق سرخ ، قانون ، تجدد ایران ، حبل المتین کلکته ، رستاخیز ، عصر گلشن ، تهران ، مجله ی تعلیم و تربیت و مطبوعات دیگر ادامه داد. وی از بهار سال 1305 به جهت عدم همراهی اولیای وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و اختلال در امور آن ، مبادرت به همکاری با مطبوعاتی نظیر : گلشن ، اقدام و شفق کرده و ضمن تهیه ی خبر و ترجمه ی مطالب آنها ، امور معیشتی و زندگی خویش را بدین شکل تأمین می کند. در همین رابطه ، علاوه بر نوشتن مقالات و ترجمه ی خبرهای روزنامه ی ترقی ، از مرداد همان سال با روزنامه های اطلاعات ، فرخی و طوفان نیز همکاری می کند. وی مدیریت داخلی مجله ی علم و تربیت را نیز برعهده داشت. در عین حال ، به همراهی شیخ عبدالعزیز جواهرالکلامی به جمع آوری و استنساخ مجموعه ای راجب به کتابخانه های ایران اقدام می ورزد. به علاوه ، در ادامه ی بی مساعدتی های وزارت

معارف ، جهت گذراندن زندگی در امر کسب وارد می گردد.جوائز و نشانها : ابوالقاسم سحاب، نظر به مراتب لیاقت و کاردانی خود ، در 26 آذر 1319 و 14 اردیبهشت 1323 از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ، به دریافت دو قطعه نشان علمی درجه ی یک و دو نائل گردید.آثار : استنساخ « نخبه التواریخ » میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی ، تاریخ خجسته ویژگی اثر : این مجموعه ، حاوی اطلاعات پرباری درباره ی شرایط اجتماعی و اقتصادی سال های اول سده ی 14 هجری شمسی و به ویژه ، دهه های اول سلطنت خانواده ی پهلوی است.3 درباره ی وزارت معارف ایران ویژگی اثر : در این مجموعه ، شرح حال و اقدامات و آثار 43 نفر از وزرای معارف ایران تهیه و ضبط شده که می تواند به عنوان مرجع مناسبی مورد استفاده قرارگیرد.4 زندگی حضرت امام حسن عسگری (ع) ، زندگی حضرت امام علی النقی (ع) ، زندگی حضرت سیدالشهدا (ع) ، فلسفه و اسرار حج ،مشارکت در تدوین و تنظیم « دیوان دبیر تفرشی »

منابع زندگینامه :روزنامه ی اطلاعات ، 14 اسفند 1379 ، صص 4-2

سراب تنکابنی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1124 -1040 ق)، فقیه، اصولی، فیلسوف و متکلم امامی. معروف به فاضل سراب. وی با شیخ جعفر قاضی معاصر بود و در محضر علامه‌ی مجلسی و محقق خوانساری تلمذ کرد. او از شاگردان محقق سبزواری در فقه بود. از استادانش مجلسی و سبوزاری اجازه‌ی روایت داشت. ملا محمدعلی استرآبادی و شیخ علی عاملی، نوه‌ی شهید ثانی، نیز به وی اجازه دادند. فرزندانش ملا محمد صادق و ملا محمدرضا و همچنین ملا محمد شفیع لاهیجی و سید محم صادق حسینی و شیخ زین‌الدین خوانساری از وی اجازه‌ی روایت کسب کردند. در اصفهان از دنیا رفت و در محل خاجو در اول تخت پولاد دفن شد. از آثارش: «اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع القویم»؛ «اثبات الواجب»؛ «سفینه النجاه»، در کلام؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ رساله ای در «الاجماع»؛ «حجیه الاخبار»؛ چهار رساله در «وجوب الجمعه»؛ «ضیاء القلوب»، در امامت؛ حاشیه بر «مدارک الاحکام»، حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «ذخیره المعاد» محقق سبزواری؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (381/9)، ایضاح المکنون (24/1)، تذکره القبور (455 -454)، تلامذه العلامه المجلسی (66)، الذریعه (203/12 269/6، ،96/1)، روضات الجنات (104 -101 /7)، ریحانه (5/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 673 -671 /12)، فوائد الرضویه (553 -550)، معجم المؤلفین (180/10)، هدیه العارفین (312/2).

سرایی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1329 ق)، فقیه و مجتهد. وی در قریه‌ی سرای تبریز در خانواده‌ای باتقوا و معنوی به دنیا آمد. در 1343 ق برای تحصیل به تبریز رفت و مقدمات علوم را از محضر اساتید آنجا فراگرفت. سپس به قم رفت و نزد مدرسین بزرگ آنجا همچون آیت‌اللّه نجفی مرعشی و آیت‌اللّه لنکرانی و آقا شیخ جواد تبریزی و دیگران به فراگیری علم و تکمیل آن پرداخت. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌ها برد تا به مدارج عالیه علمی و اجتهاد دست یافت و از آیات مذکور اجازه اجتهاد گرفت. پس از بازگشت به وطن، به تدریس و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت. از کارها و آثار ارزنده‌ی وی بنای منازلی برای علماء و اهل علم؛ و احداث حمام برای روستاهای محروم؛ و همچنین بحث، مناظره و مجادله حسنه با منحرفین اعتقادی؛ و مسافرت به ممالک مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد؛ و تربیت مبلغ و طلاب علوم دینی را می‌توان نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (317 -315 /3).

سرخسی ابوالعباس، احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 286 ق)، فیلسوف، حکیم، عالم، ادیب و شاعر. معروف به ابن الفرائقی. از درخشانترین چهره‌های حکمت و از بهترین شاگردان اسحاق کندی، فیلسوف نامدار عرب بود. وی در علوم مختلف فلسفه ریاضیات، نجوم، طب، موسیقی، منطق و کیمیا و جغرافیا و تاریخ، حدیث و شریعت، دارای فرهنگ و آگاهی ژرف بود. سرخسی در اول کار معلم معتضد، شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی بود. لیکن، علی رغم این که معلم معتضد و رفیق و مشاور او بود، طولی نکشید که به اتهام الحاد کار به قتل سرخسی انجامید و نیز گفته شده که وی در اثر بی دقتی و سبکسری معتضد کشته شد. در علم نحو و شعر نیز یگانه بود. از احمد برقی روایت کرد و احمد بن اسحاق ملحمی و محمد بن ابی‌هراز از او روایت کرده‌اند. ابن ابی‌اصیبعه متجاوز از 50 کتاب و رساله از او نام می‌برد که از آن جمله است: «ادب النفس»؛ «موسیقی الکبیر»؛ «المدخل فی الطب»؛ «اختصار کتاب باری ارمینیاس»؛ «اختصار کتاب انالوطیقاالاولی»؛ «اختصار کتاب آنالو طیقاالثانیة»؛ «کتاب النفس»؛ «کتاب الاغشاش و صناعة الحسبة الکبیر اللهو» و «لهو و ملاهی»؛ «کتاب فی وصایا فیثاغورس»؛ «کتاب نزهة الفکر الساهی»؛ «کتاب السیاسة الصغیر»؛ «کتاب المدخل الی صناعة النجوم»؛ «کتاب المسالک و الممالک»، «النوم و الرویا» و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1/ 337)، تاریخ بغداد (5/ 139)، تاریخ الحکماء قفطی (111 -110)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (64 -60)، سیر النبلاء (13/ 448، 449)، فلاسفه شیعه (155 -149)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (473 -472)، کشف الظنون (1947، 1664، 1613، 1642، 1470، 1468، 1467، 1465، 1454، 49)، معجم المؤلفین (2/ 157)، الملل و النحل (366 -365)، الوافی بالوفیات (8 -5/ 7)، مجمع الفصحا (1/ 217)، معجم الادباء (102 - 98/ 3)، لسان المیزان (182 -189/ 1).

سرخه‌ای، زین‌العابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌اللّه آقای حاج شیخ زین‌العابدین بن المرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین سرخه‌ئی از مشاهیر علماء و مجتهدین معاصر تهران است. وی در تاریخ 14 ذی‌الحجه 1307 ق در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم اولیات و ادبیات و سطوح را خدمت مرحوم والد و مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ باقر معزالدوله و حجةالاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی خوانده و کلام را از مرحوم حاج شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشگوری فراگرفته و از محضر مرحوم آیت‌اللّه بهبهانی بهره‌مند گردیده و چندی در مشهد مقدس از درس و بحث آیت‌اللّه زاده کفائی مرحوم آقا محمد و مرحوم حاج فاضل استفاده نموده آنگاه مجتهدا به نجف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌اللّه التقی میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا استفاضه نموده آنگاه به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی علیه‌السلام اقامت و تاکنون بوظائف دینی از اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.
دارای آثار علمی و اجتماعی که ذیلا توضیح می‌دهم می‌باشد.
1- حاشیه مبوسطی بر کفایةالاصول.
2- حواشی بر شوارق.
3- احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی که بکلی ویران و از بین برده بودند و ایشان قیام و مقاومت و اقدامات جدی نموده تا آن را برگردانیده و بهتر از اول تجدید و بناء گنبد و صحن و سرای عالی نمودند که مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس اللّه سره بمعظم له فرمودند شما با این عمل حق عظیمی بر حضرت رسول و اهلبیت عصمت علیهم‌السلام داری.
4- تعمیر و توسعه مسجد امامزاده یحیی علیه‌السلام.
(تو 1307 ق)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد پدر خود و سپس نزد حاج شیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح طالقانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفت و از محضر آیت‌اللّه بهبهانی نیز بهره‌مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت‌اللّه‌زاده آقا محمد کفایی و حاج فاضل استفاده نمود. آنگاه در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و از محضر میرزا محمدتقی شیرازی در کربلا بهره‌ها گرفت.

سپس به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده‌ی یحیی است. از آثار علمی‌اش: حاشیه‌ی مبسوطی بر «کفایه الاصول»؛ حواشی بر «شوارق».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (481 -480/ 4).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1293 ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در 1304 ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدیده به تحصیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی‌اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در 1310 ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌اللّٰه حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از

انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکاییل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه‌ی» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (340/2، 200 -197 /1)، اعیان الشیعه (274 -273 /6)، الذریعه (283/22، 116/21، 46، 17، 11/16، 139، 80 -79 /8، 410، 317 /3، 366/2، 493، 415 /1)، ریحانه (7 -5 /5، 15 -13 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 699 -693 /14)، علماء معاصرین (296 -292)، گنجینه‌ی دانشمندان (227 -225 /6).

سروش، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سروش
محل تولد : قم
شهرت : سروش محلاتی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1355 وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از دروس سطح در خدمت حضرات آیات ستوده و سید علی محقق داماد، در درس خارج آیت الله حائری یزدی(ره) حاضر شدم ، همچنین مدت 15 سال از درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی و شبیری زنجانی و برخی اساتید دیگر استفاده کردم. در همین مدت فلسفه و عرفان را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی ، جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کردم.حدود 10 سال تدریس سطح عالی داشتم و سپس به تدریس خارج فقه واصول مشغول شدم که در مدرسه آیت الله گلپایگانی(ره) ، حدود 10 سال است ادامه یافته است گرایش اصلی من در پژوهش ، فقه سیاسی است.

سعیدی مهر، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سعیدی مهر
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1360 هجری شمسی در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی تهران فارغ التحصیل شدم. به علت علاقمندی به دروس حوزوی (و تعطیلی دانشگاهها به علت انقلاب فرهنگی)، در حوزه شهید بهشتی تهران تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در سال 1361 در کنکور سراسری و نیز کنکور ورودی دانشگاه امام صادق(ع) شرکت کردم و پس از قبولی در هر دو جا دانشگاه امام صادق(ع) را برگزیدم و یک سال در این دانشگاه مشغول تحصیل شدم.
به علت علاقه شدید به دروس حوزوی و نظام آموزش حوزه، در آغاز نیمسال سوم تحصیلی (بهار 1383) با جلب نظر موافق مدیریت محترم دانشگاه امام صادق(ع)، از ادامه تحصیل انصراف داده و در مدرسه آیت الله مجتهدی تهران تحصیلات حوزوی را ادامه دادم. در مهرماه 1364 وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل سطح ادامه دادم و همزمان در دروس فلسفه نیز شرکت می کردم. در سال 1367 سطح حوزه را به اتمام رسانده به تحصیل در مقطع خارج فقه و اصول مشغول شدم. در سال 1369 در کنکور ورودی تربیت مدرس قم شرکت کرده و همزمان با شرکت در دروس خارج و دروس فلسفه و عرفان، در سال 1372 در مقطع کارشناسی ارشد الهیات فارغ التحصیل شدم. در سال 1373 در آزمون ورودی دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کردم و پس از قبولی و شرکت در دوره آموزشی، سرانجام در سال 1379 با دفاع از رساله دکتری با عنوان(بررسی انتقادی«ضرورت» در فلسفه تحصیلی معاصر)، فارغ التحصیل شدم.
در سال 1378 به مدت یکسال در کشور انگلستان مشغول گذراندن یک دوره پژوهشی بوده ام. از سال 1380 به عنوان عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس مشغول هستم و در حال حاضر استادیار

گروه فلسفه این دانشگاه می باشم. در طی دوران تحصیل در دانشگاه و حوزه، با مراکز متعدد پژوهشی در قم و تهران، همچون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پژوهشکده حکمت و فلسفه دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان حکمت، موسسه فرهنگی طه و ... همکاری مدیریتی و پژوهشی داشته ام.

سلطانی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی سلطانی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
اینجانب دوران ابتدایی را در زادگاهم روستای آهنگر کلا هوازپی دشت که از توابع مهم شهرستان آمل است گذراندم . برای ادامه تحصیل تا دیپلم به شهرستان آمل رجوع کردم . در سال تحصیلی62 ـ 61 موفق به اخذ دیپلم شدم . پس از آن راهی حوزه علمیّه قم گردیده ام . دوره مقدّماتی را در مدرسه سعادت طی کردم . پس از آن همچون دیگر طلاب به فراگیری علوم حوزوی در حوزه ادامه دادم و در سال 1378 دروس سطح را به اتمام رساندم . همپای دروس حوزوی ، آموزش و فراگیری علوم عقلی را آغاز کردم . بحث عقلی را به صورت خصوصی نزد علمای فن تلمذ نموده ام . این را با کتاب بدایه الحکمه آغاز و با اسفار به پایان رساندم . از سال 1371 در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم . در سال 1375 به صورت تخصصی به فراگیری علوم فوق با گرایش3 تشیع پرداختم . این زمان همپای تحصیل مشغول تدریس و پژوهش در این بخش از علوم شدم. از سال 1380 تا کنون به صورت خاص مشغول تحقیق پیرامون فرقه زیدیه هستم .

سلیمان اف، معصوم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
معصوم سلیمان اف
محل تولد : جلفا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب معصوم سلیمان اف بعد از اتمام مدرسه 10 کلاسی، در سال 1984 میلادی وارد دانشگاه نفت و شیمی باکو، (رشته شناسایی بسترهای نفت و گاز و غیره با روشهای ژئوفیزیکی) وارد شدم و در سال 1991 و دو سال سربازی در وسط، دانشگاه را تمام کرده بعد از شش ماه به ایران آمده و وارد مدرسه علمیه شدم. الآن مشغول نهایه الحکمه در سطح 3 موسسه فلسفه و کلام امام صادق(ع) هستم.

سلیمانی الموتی، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی سلیمانی الموتی قزوینی در سال 1300 ، در الموت قزوین به دنیا آمد. پس از مراحل مقدماتی تحصیل ، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. وی بعد از آن به منظور تحصیل از قزوین خارج شد و پس از فراگیری معارف ، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام ، به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت. او همچنین از سال 1344 تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه ، حدود 25 سال به تدریس علوم مختلف پرداخت. آیت الله حاج شیخ هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت 1378 ، در سن 78 سالگی دیده بر جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : اجداد هادی سلیمانی الموتی قزوینی غالباً روحانی و از رجال با نفوذ منطقه الموت بودند و مردم آن سامان از وجود این خاندان اهل علم و ایمان بهره مند می شدند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از طی طفولیت و کسب مراحل مقدماتی معلومات ، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. همین جا بود که پایه های اساسی فکری و اعتلای علمی اش پایه ریزی شد و پس از سال ها تحصیل مدارج و مراحل علوی حوزوی به بلوغ نبوغ و کمال معنوی رسید. و سپس به قم رفته و تحصیلات خود را در حوزه ی علمیه ی این شهر پی گرفت.استادان و مربیان : هادی سلیمانی الموتی قزوینی دروس سطوح عالی را نزد اساتید برجسته و معروف قزوین ، آیت الله رفیعی و آیت الله مفیدی و دیگر علمی وقت فراگرفت. وی پس از اقامت در نجف از محضر فقها و مراجع بزرگی چون آیت الله بروجردی ، آیت الله شاهرودی ، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی ، امام خمینی (ره) را درک نمود و به فراگیری علوم فقهی و فلسفی و کلامی پرداخت. او از اکثر مراجع زمان همچون آیت الله مرعشی نجفی ، آیت الله سیدابوالقاسم خویی ، آیت الله شاهرودی ، آیت الله طباطبایی و... اجازه دریافت نمود.زمان و علت فوت : هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت 1378 ، در سن 78 سالگی دیده بر جهان فروبست.فعالیتهای آموزشی : هادی سلیمانی الموتی قزوینی از سال 1344 تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه ، حدود 25 سال به تدریس علوم مختلف پرداخت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هادی سلیمانی

الموتی قزوینی پس از فراگیری معارف ، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام و چند سال تحصیل پیاپی به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت.
منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص 160

سمرقندی شمس‌الدین، محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 901 ق)، حکیم و عالم. وی عالم علوم معقول بود. مشهور به مولانازاده‌ی مولانا عثمان. وی از علما ماوراءالنهر در قرن نهم بود در زمان سلطان حسین بایقرا از سمرقند به هرات رفت و در مدرسه‌ی سلطانیه و مدرسه‌ی اخلاصیه به تدریس پرداخت وی در سال 901 ه. ق درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :حبیب السیر (341 -340 /4).

سمیعی، جمشید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جمشید سمیعی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب از سال 1358 یعنی پس از انقلاب مقدس اسلامی به طور موازی شروع به تحصیلات دانشگاهی و حوزوی نموده ام. الف) – در دانشگاهها از اساتید خوبی بهره برده و تا آنجا که امکان داشت به صورت عمومی در کلاس از محضر آنها استفاده و از برخی اساتید روحانی و دانشگاهی به صورت خصوصی استفاده های شایانی نمودم. ب) – همزمان با تحصیلات دانشگاهی در فرصتهای مناسب و روزهای تعطیلی از محضر اساتید حوزوی با تمام علاقه و شوق استفاده نموده و به صورت تحقیقی و یا تطبیقی از کتب حضرات بهره بردم. ج) – هزاران ساعت از عمر خود را به واسطه استفاده از نوار و یا سی دی صرف کرده و از درسهای فلسفه حضرت آیت الله جوادی آملی اعلی الله مقامه و اسفار حضرت آیت الله مصباح ، ابن عقیل و مغنی حضرت استاد آدینه وند بهره برده و در حواشی کتب مربوط یادداشتهای بسیاری نموده ام .
ه) – اکنون نیز در فرصتهایی که دارم از طریق اینترنت از دروس خارج حضرات تا آنجائی که میتوانم به صورت تحقیقی استفاده میکنم. از جمله دروس خارج فقهی که به عنوان منبع تحقیق بهره می برم دروس خارج فقه مقام معظم رهبری ادام الله ظله الشریف است. البته در دوران دانشجوئی در تهران ،مقداری از درس تفسیر سوره بقره ایشان در حسینیه امام خمینی ره استفاده کرده جلساتی را شرکت نمودم. البته شرکت در جلسات تفسیر آقا یکی از بزرگترین مشوقهای اینجانب بود که همت خود را در تحصیل فقه ، اصول و تفسیر و حکمت و فلسفه گسترش داده و اکنون نیز در این حوزه ها مشغول تحقیق هستم . د) – اکنون بسیاری از نوشته های اینجانب به صورت زیراکس و یا دست نوشته در اختیار دانشجویان مختلف دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار دارد و

مورد استفاده واقع میشود. نکته: در رابطه با دروس اسلامی دانشگاهی نیز مشغول تنظیم مطالبی هستم.

سند، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد سند
محل تولد : بحرین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم . پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه ، با تمام جدیت ، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و تعطیلات ، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم.
در مدت سه سال و نیم ، سطوح عالیه را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود . سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی ، در بیع و اصول الفاظ و صلاة و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که درقضاء و شهادات و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادات آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها .
در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاة و غیره همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاة و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم.البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود

و همینطور تدریس منظومه ملا هادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنج شنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب ، در طی 12 سال . بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند.در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سهروردی، ابوالفتوح یحیی

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(549- مقتول 587 ق)، حکیم، صوفی، متکلم، ادیب، فیلسوف. ملقب به الموید بالملکوت و شیخ اشراق. وی در سهرود از توابع زنجان متولد شد. شهاب‌الدین یحیی سهروردی را غالبا شیخ اشراق یا المقتول یا شهید می‌نامند. وی اصول فقه را نزد شیخ مجدالدین جیلی استاد فخرالدین محمد رازی در شهر مراغه آموخت و مراتب عالیتر را در اصفهان نزد طاهرالدین قاری به پایان رساند. و چون در بسیاری از موارد با قدما خلاف اندیشیده و علی‌الخصوص در اصطلاحات خود از الفاظ و اصطلاحات دینی زرتشتی بسیار استفاده کرده است، متعصبان قوم، او را بالحاد متهم داشته و علماء حلب خون او را مباح شمردند. وی آثار متعدد به زبان فارسی و تازی دارد. وی بزرگترین فیلسوفی است که حکمت اشراق در آثار و روش فلسفی او به کمال رسید. وی تنها از افلاطون و پیروان طریقه‌ی او متاثر نبود بلکه از فلسفه‌ی متداول در ایران خاصه‌ی فلسفه‌ی متمایل به عرفان که در طریقت زردشت دیده می‌شود نیز استفاده کرد، که همان طریقه‌ی خسروانی است. وی منطق، بصائر ابن‌سهلان ساوی ر نزد ظهیرالدین قاری خوانده است. و در سفری که به ماردین از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی عارف و حکیم رسیده وی به فرمان صلاح‌الدین ایوبی و به تحریک متعصبین در سن سی و هشت سالگی در حلب به قتل رسید. از آثار عربی وی: «البارقات الالهیه»؛ «التلویحات»؛ «التنقیحات»؛ «حکمه الاشراق»؛ «رساله فی اعتقاد الحکما»؛ «طوارق الانوار»؛ «قصه الغربه الغربیه»؛ «لوامع الانوار»؛ «الالواح العمادیه»؛ «المقاومات»؛ «المشارع و المطارحات»؛ «اللمحات» یا «اللمحه»؛ «الهیا کل النوریه»؛ «المبداء و المعاد» و غیره. از آثار فارسی او: «آواز پر جبریل»؛ «پرتونامه»؛ ترجمه «رساله الطیر» ابن‌سینا؛ «رساله العشق»؛ «روزی با جماعت صوفیان»؛ «صفیر سیمرغ»؛ «عقل سرخ»؛ «لغت موران»؛ «یزدان شناخت».[1]
یحیی بن حبش بن امیرک ملقب به شهاب‌الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول و شهید و مکنی به ابوالفتح، حکیم معروف و محیی حکمت اشراق (و. سهرورد 549- مقت. 587 ه.ق.). وی حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و به قوت ذکا وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از

امور علمی اطلاع یافت، و چون در بسیاری از موارد خلاف رأی قدما گفته و از حکمت ایرانی و اصطلاحات دین زردشتی استفاده کرده، متعصبان او را با لحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباج شمردند. صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام فرمان داد تا او را به قتل رسانند و وی در حبس در سن 38 سالگی خفه شد. سهروردی آثار متعدد به فارسی و عربی دارد. مهمترین آنها از این قرارند: منطق التحلویحات، کتاب التلویحات، کتاب المقاومات، کتاب المشارع والمطارحات، حکمة الاشراق (ه.م.) رسالة فی اعتقاد الحکماء قصة الغربة الغربیة، آواز پر جبرئیل، رسالة العشق، لغت موران، صفیر سیمرغ، ترجمه رسلالة الطیر ابن سینا، اللمحات، الیهاکل النوریة، الالواح العمادیة، المبدأ و المعاد، طوارق الانوار، البارقات الالهیة، لوامع الانوار، روزی با جماعت صوفیان، عقل سرخ، پرتونامه. از غالب کتب او نسخ متعدد در دست است و بخش مهمی به طبع رسیده. سهروردی حکمت اشراق (ه.م.) را احیاء کرده به کمال رسانید. فلسفه او التقاطی است و در آن آثاری از اصول عقاید حکمای یونان به خصوص افلاطون و نوافلاطونیان و حکمای قدیم ایران (فهلویون) و اصول دین زردشت در آن به خوبی نمایان است. این فسلفه به حکمت اشراق معروف است و پس از او شارحان وی (شهر زوری و قطب‌الدین شیرازی) و حکمایی مانند صدرالدین شیرازی و هادی سبزواری عقاید او را دنبال کردند و به تأیید و توضیح آن پرداختند. سهروردی درباره مشرب عرفانی خود گوید: بیشتر نظرات من فقط زاده فکر نیست. بلکه بر اثر ریاضت و راهنمایی ذوق حاصل شده است. پس چون از راه برهان به دست نیامده و از راه عیان حاصل شده به تشکیک مشککی از میان نمی‌رود. طریق من طریقی است که همه سالکان راه حق و امام الحکمه افلاطون پیش گرفته و به یاری ذوق به حل بسیاری از مشکلات توفیق یافته‌اند. وی قایل به اصالت ماهیت است و وجود را امری اعتباری و عقلی می‌داند و ماهیت را که اصل است و همه عالم از آن تشکیل یافته است چهار قسم ذکر می‌کنند: زیرا یا نور است یا ظلمت، و هر یک از این دو یا جوهر است یا عرض. اما نور جوهری شامل نفوس (یا به تعبیر خود او انوار اسفهبدی) و عقول است و مراتبی دارد که بالاترین آنها نورالانوار است که آن را به اسامی نور مقدس، نور محیط، نور اعلی، نور اعظم و غیره خوانده است. منشأ و مبدأ همه نورهاست. نورالانوار کامل است، و ورای آن هیچ چیز دیگر موجود نیست بنابراین نورالانوار در واقع همان روشنی بی‌پایان است که در اوستا بدان اشاره رفته و از آن به اهورامزدا تعبیر شده است. به عبارت دیگر نورالانوار علة العلل، مبدأ کل و خالق عالم است و همه چیزها از اشراقات او هستند و محتاج بدو. از نورالانوار فقط یک نور مجرد مستقیما پدیده آمده است. این نور نخستین را سهروردی نور

اقرب و نور عظیم (بهمن) خوانده است. از نور اقرب یک فلک- که فلک‌الافلاک باشد و نور مجرد دوم- حاصل شد، و از این نور، نور و فلک دیگر به وجود آمد، و به همین ترتیب تا نور نهم و فلک نهم. فلک نهم- که آخرین فلک است- زمین خاکی را در برگرفته است، و نور مربوط به این فلک در قلب انسان و مغز سر او پرتو افکن شده و ادراک معقولات را برای وی میسر ساخته است. این انوار نه گانه با مصدر و مبدأ کل آنها که نورالانوار است همان است که فارابی و ابن سینا عقول عشره خوانده و همه را صادر از فیض الهی دانسته و آخرین آنها را عقل فعال نامیده‌اند.در نظر سهروردی نور عرضی روشنیهای محسوس است چون نور آفتاب و ستارگان و آتش. ظلمت جوهری عبارتست از اجسام، یعنی اشیائی که قابل اشاره و محل اعراضند و شیخ آنها را برزخ نام داده است. ظلمت عرضی چیزهایی هستند که بر اجسام عارض توانند شد، چون رنگ و بو و طعم و سبکی و سنگینی و جز آن که شیخ از آنها به لفظ «هیئت» نیز تعبیر کرده است. سهروردی در کتاب کلمة التصوف گوید: «در میان ایرانیان گروهی بودند که به حق رهنمایی می‌کردند و حکیمانی دانشمند بودند که به مجوس شباهتی نداشتند، و بر آن طریق گامزن نبودند، و ما حکمت نوریه شریف آنان را، که ذوق افلاطون و کسانی که پیش از او بودند، گواه آن است، در کتاب موسوم به حکمةالاشراق و مانند آن، زنده گردانیدیم، و کسی بر من در تدوین مانند آن پیشی نجسته است.» و در حکمة الاشراق نویسد: «... و برین بنا نهاده شده است قاعده اشراق در نور و ظلمت که طریقه حکمای ایران مانند جاماسب و فرشوشتر و بزرگمهر و حکیمان پیش از او بود.» و در کتاب المشارع و المطارحات آورده: «و اما نور طامس که به مرگ اصغر می‌کشد: آخرین کسانی که درباره آن در دست آگاهی داده‌اند، از گروه یونانیان حکیم بزرگوار افلاطون، و از بزرگانی که در آن پژوهش کرده و نامش در تاریخها به‌جا مانده هرمس، و در پهلویان «گلشاه» موسوم به «گیومرث» و همچنین از پیروان او افریدون و کیخسرو باشند.»

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (170 -169 /9)، ایضاح المکنون (607، 503 /2، 330/1)، تاریخ ادبیات در ایران (997 -996، 305 -297 /2)، تاریخ فلاسفه (381 -368)، تاریخ فلسفه در اسلام (560 -529 /1)، تاریخ نظم و نثر (110)، تذکره‌ی روز روشن (444 -443)، ترجمه‌ی تتمه صوان الحکمه (104 -103)، دایرةالمعارف فارسی (1384/1)، الذریعه (153 -152 /13، 277/25، 554/9)، روضات الجنات (197/8)، ریاض العارفین (211)، ریحانه (300 -298 /3)، سیر النبلاء (211 -207 /21)، فرهنگ سخنوران (519 -518)، کشف الظنون (1560، 7197، 684، 482، 361

159،)، الکنی و الالقاب (326/2)، لسان المیزان (511 -510 /3)، لغت نامه (ذیل/ ابوالفتوح)، مؤلفین کتب چاپی (826 -823 /6)، مجمع الفصحا (819/2)، معجم الادبا (320 -314 /19)، معجم المؤلفین (190 -189 13/)، نفحات الانس (586 -584)، الوافی بالوفیات (323 -318 /2)، وفیات الاعیان (274 -268 /6)، هدیه العارفین (521/2)، هفت اقلیم (201/3).

سهروردی، شهاب‌الدین، ابوحفص عمر

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(632 -539 ق)، حکیم، صوفی، فقیه شافعی و محدث. ملقب به شیخ‌الاسلام. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. نسبش به ابوبکر صدیق می‌رسد. وی نزد عمویش ابونجیب سهروردی فقه و وعظ و تصوف آموخت. و در بصره با شیخ ابومحمد بن عبد مصاحب بود. وی به بغداد مسافرت کرد و در آنجا سر سلسله‌ی عرفا شد. به صحبت عبدالقادر گیلانی رسید. وی پیشوا و موسس سلسله‌ی عرفانی سهروردیه بود. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و سعدی شیرازی از ارادتمندان وی بودند. وی از کسانی مثل هبه‌الله بن احمد شبلی، ابن بطی، ابوزرعه مقدسی، معمر بن فاخر و یحیی بن ثابت حدیث شنید. و ابن‌نقطه، ابن‌نجار، ظهیرالدین محمود زنجانی و ابواسحاق ابن‌واسطی از وی روایت نقل کرده‌اند. وی هر سال به سفر مکه و مدینه می‌رفت و بیشتر عمرش را به وعظ اشتغال داشت. شهاب‌الدین با ابن‌فارض وابن‌عربی و نجم‌الدین دایه ملاقات داشته است. وی در بغداد درگذشت و در وردیه این شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «عوارف المعارف» که در سفر مکه نوشته و اسماعیل بن عبد مومن و ظهیرالدین بزغش آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ «رشف النصایح الایمانیه و کشف الفایح الیونانیه؛ رساله‌ی «السیر و الطیر»؛ «بهجه الاسرار فی مناقب الغوثیه»؛ «نغبه البیان فی تفسیر القرآن»؛ «جذب القلوب الی مواصله المحبوب»؛ رساله‌ی «اعلام الهدی و عقیده ارباب التقی»؛ «دیوان» اشعار.[1]
ابوحفص عمر، برادرزاده ابوالنجیب عبدالقاهر سهرودی عارف معروف که نسبت تعلیم او به احمد غزالی می‌رسد (ف. 632 ه.ق.) از تألیفات او کتاب «عوارف» «رشف النصائح» «اعلام التقی» و «اعلام الهدی» است. وی مؤسس فرقه سهرودیه و مرشد سعدی و اوحدالدین کرمانی است (سهروردیه).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1192 -1189 /3)، آثار عجم (71 -70)، الاعلام (223/5)، تاریخ ادبیات در ایران (221/2)، تاریخ نظم و نثر (142 -141)، تذکره‌ی روز روشن (443 -442)، جستجو در تصوف (178 -172)، دایرةالمعارف فارسی (1384/1)، الذریعه (555 -554، 478 /9)، ریاض العارفین (96 -95)، ریحانه (100 -98 /3)، سیر النبلاء (378 -373

22/)، طرائق الحقائق (531 ،530 ،490 ،405 ،304 ،291 /2)، فرهنگ سخنوران (518)، کشف الظنون (1965 ،1832 ،1792 ،1723 ،1697 ،1673، 1517 ،1492 ،1177 ،1161 ،1157 ،905 ،877 ،872 ،451 ،126، 90 ،50)، الکنی و الالقاب (326 -325 /2)، لغت نامه (ذیل/ سهروردی)، مؤلفین کتب چاپی (635 -634 /4)، مجالس المومنین (72 -70 /2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 632)، مجمع الفصحا (819/2)، معجم المؤلفین (313/7)، معجم البلدان (329/3)، نحفات الانس (474 -473)، وفیات الاعیان (448 -446 /3)، هدیه العارفین (786 -785 /1)، هفت اقلیم (201 -199 /3)، یادداشتهای قزوینی (572/3).

سیادتی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1385 -1299 ق)، عالم دینی و مجتهد. وی از سادات حسینی بود که در قریه‌ی ایزی از محال سبزوار در خانواده‌ای باتقوا به دنیا آمد. قرآن و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در همان جا خواند، سپس برای ادامه‌ی تحصیل به سبزوار رفت و در مدرسه‌ی فصیحیه تا مدت بیست سال به تصحیل پرداخت. از جمله اساتیدش آیت‌اللّه حاج میرزا حسین علوی سیزواری و عمویش، آقا میرزا موسی، پدر آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری، و آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری را می‌توان نام برد. پس از آن به تدریس پرداخت و دو دوره «رسائل» و «مکاسب» را درس گفت. در 1337 ق به نجف اشرف سفر کرد و مدت شانزده سال در آنجا از محضر آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه میرزا حسین نایینی استفاده‌ها برد و «تقریرات» فقه و اصول هر دو استاد را در شش مجلد به رشته تحریر درآورد. از دیگر اساتید وی، در نجف، می‌توان به آیت‌اللّه حاج شیخ اسماعیل محلاتی، پدر همسرش، اشاره کرد. در 1353 ق به سبزوار بازگشت و به کارها و امور دینی پرداخت و حوزه‌ی علمیه‌ی متلاشی شده را حیات جدیدی بخشید. وی در سبزوار درگذشت و در حسینیه که بنا نهاده بود به خاک سپرده شد.[1]
سید حسن سیادتی از علماء بزرگ و مجتهدین جلیل‌القدر سبزوار بوده وی در اواخر سال 1299 ق در قریه ایزی (پنج کیلومتری شرقی شهر سبزوار) در خاندان تقوا و سیادت دیده به جهان گشود.
پدرانش از سادات جلیل حسینی در قریه مزبوره مورد احترام بوده‌اند قرآن شریف و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در نزد ملایان قریه آموخته و در اوائل بلوغ به قصد ادامه تحصیل به سبزوار وارد و در مدرسه فصیحیه در سلک طلاب علوم دینیه درآمده و تا مدت بیست سال با کمال جد و جهد به تحصیل و آنگاه به تدریس اشتغال داشته و در این مدت از محضر علماء آن عصر سبزوار استفادات علمیه و ادبیه و فقهیه و اصولیه و حکمیه نموده و از مدرسین نامی عصر خود گشته و ضمناً در مسجد جامع سبزوار به امامت جماعت اشتغال داشته است.
پس از تدریس دو دوره رسائل و مکاسب مرحوم شیخ قدس سره در سال 1337 قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت 16 سال در آستان ملک پاسبان حضرت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیه صلوات المصلین

اقامت نموده و از محضر آیات عظام آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی استفاده و تقریرات فقه و اصول هر دو را در 6 مجلد به رشته تحریر آورده که اکنون نزد فرزند فاضلش موجود است.
در ذیقعده سال 1353 قمری به سبزوار بازگشته و به امور روحانیت قیام نموده و در سال 1363 قمری حوزه علمیه متلاشی شده آن را حیات جدیدی بخشیده به اغلب قراء اطراف نامه‌ها نوشته و تقاضای ارسال محصل به مدارس سبزوار و حوزه علمیه دائر نموده که اثر آن اقدام از آن تاریخ تاکنون مشهود است در علم و تقوا مورد قبول عامه و خاصه و در نفوذ کلام و محبوبیت قلیل‌النظیر بوده است.
در عصر یکشنبه 23 ماه رمضان المبارک 1385 قمری در سن 86 سالگی طی کسالت و نقاهت طولانی دیده از جهان فروبست و در حسینیه‌ای که از خالص مال خود در سبزوار ساخته است به خاک رفته است.
اساتید مشهور آن مرحوم در سبزوار از اینقرار است.
1- مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج میرزا حسین علوی سبزواری
2- مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقای آقا میرزا موسی عموی بزرگوارش والد آیت‌اللّه حاج میرزا حسین فقیه سبزواری
3- مرحوم آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری
4- مرحوم حجةالاسلام حاج میرزا اسماعیل مجتهد سبزواری و در نجف مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌اللّه حاج شیخ اسماعیل محلاتی بوده است دارای ده فرزند چهار پسر و شش دختر از دختر مرحوم آیت‌اللّه محلاتی مذکور می‌باشد.
فرزند اکبر و ارشدش حجةالاسلام حاج سید مصطفی سیادتی است که تحصیلات خود را در نزد آن مرحوم به پایان رسانیده و اکنون به جای معظم له به امامت جماعت و وظائف روحانیت مشغول و مورد احترام مردم سبزوار است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (317 -315 /5).

سید موسوی، سیدابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدابراهیم سیدموسوی
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/7/2
زندگینامه علمی
از سال 1345 تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال 1357 دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروههای مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می انجامید. از سال 1358 تا سال 1360 به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیک رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل بررسی تفاسیر قرآن، تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدند. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به نفع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند. در سال 1361 به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی(موسسه امام ره) شرکت کردم.

سید هاشمی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمد سیدهاشمی
محل تولد : کاظمین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سیدمحمد میرهاشمی از سال 1362 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم، همزمان نیز شبانه تحصیلات را در مقطع دبیرستان در رشته فرهنگ و ادب به اتمام رساندم. (66 ـ 1365) در سال 1370 در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مقطع کارشناسی (رشته فلسفه و کلام اسلامی) شرکت نموده و در تابستان سال 1375 فارغ‌التحصیل شدم. در سال 1376 بعد از ارائه یکسال امتحان درس خارج فقه و اصول در مشهد رهسپار حوزه علمیه قم شدم. در سال 1378 و نیز سال 1380 در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی در برخی دانشگاهها مانند باقر العلوم(ع) تربیت مدرس قم شرکت نموده ولکن علی رغم قبولی در مراحل بعدی شرکت نکردم. از سال 1380 به بعد تاکنون به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی در برخی دانشگاههای آزاد و جامع علمی کاربردی تدریس داشته‌ام. از سال 1383 به بعد در عرصه تحقیق و پژوهش فی الجمله فعالیتی داشته‌ام برخی از آثار حقیر (که البته به مرحله چاپ نرسیده است) به شرح ذیل می‌باشد: الف) اخلاق اسلامی ب) مجموعه مقالات اصول کاربردی آیین زندگی ج) معادشناسی د) اعتقاد به منجی عدالت گستر و آثار آن ه) مطلق گرایی در اخلاق. در سال 1384 با اخذ موضوع پایان‌نامه از شورای مدیریت حوزه علمیه قم رساله خود را با عنوان مطلق‌گرایی در اخلاق تحت راهنمایی استاد راهنما جناب آقای دکتر عباسی به اتمام رسانده و اکنون رساله سطح 3 حوزه بنده در نوبت دفاع قرار دارد. از حدود سالهای 1382 به بعد به عنوان مشاور در برخی واحدهای دانشگاهی در حوزه‌های مختلف مذهبی، اعتقادی، خانوادگی، مشاوره و رسماً در برخی جلسات جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی فعالیت داشته‌ام. در تمام این مدت تاکنون در دروس خارج فقه و اصول (حضرت آیت الله وحید خراسانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت

داشته‌ام). در سال تحصیل جاری (نیمسال دوم 86 ـ 85) در جامعة الزهراء قم تدریس برخی دروس را نیز به عهده دارم. از زمان تدریس در دانشگاهها (باعنوان رتبه اول استادیاری) مشاوره برخی دانشجویان را در تحقیقات آنها (استاد مشاور) برعهده داشته‌ام.

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1316 -1202 ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان.در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار نجف اشرف شد و در آنجا علوم منقول را نزد صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و به کسب اجازه اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت به زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی برتافت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال به فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت، علوم معقول را نیز نزد ملا علی نوری و حاج ملاهادی سبزواری در سبزوار فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر طبابت مشغول بود تا دار فانی را در همان جا وداع گفت. پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی‌السلام دفن نمودند. از آثار وی: «تاریخ تبریز»؛ «تعیین قبله»؛ حاشیه «جواهر الکلام»، در فقه؛ حاشیه «شرح منظومه» سبزواری، حاشیه «کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ حاشیه‌ی «مکاسب شیخ انصاری؛ شرح «طب الائمه»؛ شرح در «طب النبی»؛ «قانون العلاج»؛ حاشیه «شرح نفیسی»، در طب؛ «طلسمات و مثلثات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد اندر صد عددی»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «رساله‌ی تعلیم خط کوفی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (10)، الذریعه (23 /17، 45/12، 19/8، 63/5، 73/4)، ریحانه (117 -115 /3)، لغت نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (203/7)، مکارم الآثار (134 -133 /1).

سیمای کاشانی، محمدرضا

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1135 ق)، حکیم، ادیب و خطاط. او از اجداد میرزا محمدتقی سپهر لسان‌الملک کاشانی است که در عهد شاه سلطان حسین صفوی می‌زیسته و از این سلطان به لقب عضدالدوله مفتخر شده است. سیما از حکمت الهی و نظم و نثر فارسی و تازی بهره‌مند بود و خطوط هفت‌گانه را خوش می‌نوشت. او در فتنه‌ی افغان در اصفهان به قتل رسید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :احوال و آثار خوشنویسان (729/3)، مکارم الآثار (581/2).

شاکرین، حمیدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمیدرضا شاکرین
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1355 تحصیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و درسال 1360 به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس خارج را از سال 1362 آغاز نموده و از محضر اساتیدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحدی خراسانی بهره جستم. درس فلسفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتا از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمدتا در عرصه مباحث فلسفی و کلامی، بویژه کلام جدید مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می دهم.

شانظری، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جعفر شانظری
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب جعفرشانظری فرزند محمد متولد 1336 عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان گروه الهیات پس از گذراندن مراحل تحصیل علوم جدید درسال 1349 بر اساس علاقه و اشتیاق خود، به حوزه علمیه اصفهان جهت تحصیل در علوم حوزوی وارد و در سال 1356 برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مهاجرت نمودم. در سال 1360 دوره سطح حوزه را تمام و به سطح عالی (درس خارج فقه و اصول) شرکت کردم و به مدت 16 سال درس خارج فقه و اصول را از محضر استادان گرامی حضرت آیات مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی کسب فیض نموده و در درس منطق، فلسفه، کلام و تفسیر نیز شرکت کرده و از محضر استادان انصاری شیرازی، جوادی آملی و حسن حسن زاده آملی بهرمند شدم. در سال تحصیلی 68 ـ 1367 در کنکور مرکز تربیت مدرس وابسته به دانشگاه قم جهت دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شرکت و پس از قبولی و پذیرش به تحصیل ادامه داده و در سال 71 ـ 70 پس از گذراندن واحدهای آموزشی و دفاع پایان نامه تحت عنوان «نفس در عرفان » فارغ التحصیل شدم. پس از آن برای ادامه تحصیل در دروه دکترای فلسفه و کلام اسلامی در امتحان دانشکده الهیات دانشگاه تهران به سال 73 ـ 1372 شرکت و بعد از پذیرش دوره آموزشی را گذرانده سرانجام پس از امتحان جامع و دفاع پایان نامه تحت عنوان «تصحیح و تحقیق کتاب المبدء و المعاد ملا صدرا و مقایسه علمی با مبدء و معاد ابن سینا» در سال 1379 موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی گردیدم.

شانه‌ساز شیرازی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1332/1330 ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شانه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می‌کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌اللّه مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (603/2)، الذریعه (294/18، 164/6)، ریحانه (166/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 85/14)، معجم المؤلفین (242/1).

شاه‌آبادی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والمسلمین آقا محمد بن العلامه الکبری والایه العظمی میرزا محمدعلی الشاه‌آبادی از علماء مهذب و فضلاء مسلم و بسیار متدین و با ورع و کمال حوزه علمیه قم است دارای جمال ظاهری و معنوی است و در حدود سال 1339 قمری متولد شده و در محیط علم و تقوا تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از مرحوم والد و علماء تهران فراگرفته و در دروس خارج معقول و منقول پدر شرکت کرده و از کمالات پدر استفاده‌ها نموده و چندین سال در مسجد جامع تهران در شبستانی که به نام والد اوست اقامه جماعت و ترویج دین نموده و ضمنا حوزه درس و بحث داشته و هم جلسات تفسیر برای مردم تهران یک مرتبه اعراض از این جهات نموده و مهاجرت به قم و مجاورت روضه فاطمیه علیهاسلام را بر اقامت و ریاست تهران ترجیح و سالهاست که در این شهرستان دینی رحل سکونت افکنده و از درس و بحث آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی اراکی و نماز معظم‌له استفاده می‌نمایند و هم مباحثات و تدریس فقهی و اصولی و غیره دارد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شاه‌آبادی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1369 -1292 ق)، عالم امامی، عارف، متکلم و فقیه اصولی. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود و حاوی فروع و اصول. در اصفهان متولد شد. ابتدا نزد پدر، که از اکابر شاگردان صاحب «جواهر» و مسلم الاجتهاد بود، به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان در حوزه‌ی درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد، معروف به حسین‌آبادی اصفهانی، که اجتهادش پیش از بلوغ مورد تصدیق بود، و هم در حوزه‌ی درس میرزا محمدهاشم چهارسوقی حاضر شد و به تکمیل مراتب علمیه خود پرداخت. سپس به تهران آمد و نزد حاج میرزا حسن آشتیانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف رفت و در حوزه‌ی درس استدلالی آیات آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمدتقی شیرازی شرکت کرد تا آنکه اجتهاد وی مورد تصدیق آن بزرگان قرار گرفت. وی علم معقول را از شیخ المتالهین میرزا هاشم رشتی فراگرفت. از آنجا که در اول ورود به تهران در خیابان شاه‌آباد اقامت گزید، به این نام شهرت یافت. او در تهران در مسجد جامع، امامت و تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در شهر ری در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانسان و الفطره»؛ «الایمان و الرجعه»؛ «القرآن و العتره»، همه در یک مجلد؛ حاشیه «کفایه» آخوند خراسانی، در اصول؛ «منازل السالکین»، در عرفان؛ «شذرات المعارف» و «مرام الاسلام»، در دو مجلد؛ «العقل و الجهل».[1]
مرحوم حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از علماء و مراجع بزرگ و حکماء بنام معاصر تهران بوده و سالها در حوزه علمیه قم تدریس فلسفه و حکمت و فقه و اصول نموده است.
صاحب ریحانه الادب گوید: میرزا محمدعلی شاه آبادی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی از اکابر علماء امامیه عصر حاضر ما و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در تهران در هر رشته تدریس فرموده و مورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی از شیعه بوده است.
وی در سال هزار و دویست و نود و دو قمری در اصفهان متولد و نخست از والد معظم خود که از اکابر تلامذه صاحب جواهر و مسلم الاجتهاد بوده بتحصیلات علمی پرداخته سپس در اصفهان در حوزه درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر سن مصدق بوده و هم در حوزه آقای آیت‌اللّه حاج میرزا هاشم

چهارسوقی حاضر و بتکمیل مراتب علمیه پرداخته پس در تهران نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی تلمذ نموده سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی شیرازی شده تا آن که اجتهاد و دارای قوه مستنبط بودن وی مورد تصدیق اکابر وقت گردیده و از نجف مراجعت به ایران و در تهران در خیابان شاه آباد ساکن و از این رو بشاه آبادی معروف گردیده و در سال 1347 به قم آمده و فضلاء و بعضی از اساتید امروزه حوزه نجف و مراجع عصر حاضر را از سرچشمه علوم و معارف خویش سیراب و بهره‌مند نموده تا در سال 1354 ق که به تهران مراجعت و بناء ترویج دین و تدریس فقه و اصول و فلسفه و معقول را گذارده و نیز مبانی علمی خود را برشته تحریر درآورده و در مسجد جامعه اقامه جماعت نموده تا در 1369 ق برحمت ایزدی پیوسته و با هزاران تجلیل در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون گردیده است.
(چنانچه نگارنده در تذکره المنابر خود یاد نموده‌ام)
از آثار اوست: 1- الانسان و الفطره 2- الایمان و الرجعه 3- القرآن و العتره 4- حاشیه کفایه 5- مرام اسلامی 6- منازل السالکین در عرفان و غیر اینها در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و موضوعات دیگر.
از باقیات الصالحات ایشان است: فرزندان فاضل و برومند ایشان که در قم و تهران بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند:
1- مرحوم حجةالاسلام آقای آقا شیخ محمد جواد که در زمان ایشان در سنین جوانی وفات نموده و در شهر ری مقبره مذکور مدفون گردیده.
2- حجةالاسلام والمسلمین آقای آقا محمد شاه‌آبادی که چندی در تهران بجای آن مرحوم اقامه جماعت ولی اکنون سالهاست که در قم بتحصیل و تدریس اشتغال دارند و ترجمه ایشان را در جلد دوم ص 178 یاد نموده‌ام.
3- حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نصرالله که سالها در نجف اشتغال بتحصیل داشته ولی چند سالیست معاودت و در مسجد لاریجانی خیابان پامنار اقامت می‌کنند.
4- حجةالاسلام آقای حاج مهدی شاه‌آبادی که در تهران امامت دارند و سالها در قم تکمیل مبانی علمی و دینی نموده‌اند.
5- حجةالاسلام آقای حاج شیخ روح‌الله شاه آبادی که سالها در نجف و کربلا بتحصیل فقه و اصول اشتغال داشته‌اند.
6- حجةالاسلام آقای حاج نورالله شاه آبادی که بعد از تحصیلات بخدمات دینی در تهران اشتغال دارند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (218 -217 /1)، تذکره القبور (119

-118)، الذریعه (59/17)، ریحانه (168 -167 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1371 -1370 /14)، گنجینه‌ی دانشمندان (485 -483 /4)، مؤلفین کتب چاپی (174 -173 /4)، معجم المؤلفین (47/11).

شرف الدین، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین شرف الدین
محل تولد : ایذه خوزستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
1340 تولد، 1359 پایان دوره متوسطه، 1361 پایان دوره نظام وظیفه، 1362 ورود به حوزه علمیه قم و شروع طلبگی، 1365 ورود به موسسه در راه حق و شروع دوره تحصیلی این مرکز به موازات آموزش های مرسوم حوزه، 1369 اتمام دوره سطح (پایه دوم) 1369 شروع درس خارج و شروع دوره کارشناسی ارشد پیوسته در رشته جامعه شناسی، 1373 ـ 1376 شروع و اتمام دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در بخش تربیت مدرس دانشگاه قم. 1376 اتمام دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی در موسسه امام خمینی ره.1377 پذیرش عضویت هیات علمی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).در این سنوات علاوه بر دروس رسمی (اصلی و جنبی) حوزه افتخار شرکت در دروس تفسیر قرآن استاد جوادی آملی (6 سال)، و آموزش دروس مختلف علوم انسانی در موسسه در راه حق (به مدت 4 سال و حدود 140 واحد) و دروس مختلف فلسفه، علوم القرآن داشته است.
شرکت در درس خارج بزرگان حوزه همچون آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی.
تدریس : از سال 1367ـ 1372در دروس مختلف حوزه به صورت حلقات شاگردان خصوصی، تدریس در مراکز دانشگاهی از 1372ـ 1379در قالب، درس عمومی (معارف اسلامی و ریشه های انقلاب) و از 1372تا کنون تدرس مبانی جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش تحقیق، کلام جدید، انسان شناسی، نظریه های جامعه شناسی، اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان، جامعه شناسی دین، قشربندی اجتماعی، سنت های اجتماعی در قرآن و سایر دروس علوم اجتماعی در مراکز مختلف حوزوی بویژه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و برخی

دانشگاه های قم چون دانشگاه قم، دانشگاه مفید مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز آموزش مبلغان. از سال 1383تاکنون دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع).

شریعتمداری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی شریعتمداری
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1302/11/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از طی دوره ابتدایی وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شدم. از سال 1321 در شهرستانهای مختلف استان فارس آموزگار بودم و بعد از آن وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم. حدود سال 1330 لیسانس رشته قضایی گرفتم و در همان زمان وارد دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران شده و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل پرداختم. در سال 1332 شاگرد اول این رشته شدم. سال 1335 به همراه دیگر دانشجویان رتبه اول دانشگاهها ، عازم آمریکا شده ، به ایالت میشیگان رفتم ، در دانشگاه این ایالت حدود 4 ماه زبان خواندم و بعد از آن در دوره آموزش متوسطه دانشگاه میشیگان شرکت کردم و ظرف مدت یکسال دوره کارشناسی ارشد را گذرانده و مدرک آن را کسب نمودم.
سپس در دانشگاه تنسی ، دوره دکتری را تمام کردم و چون قبل از اینکه به خارج اعزام شوم ، چند بار به زندان رفته بودم ، فکر می کردم که اگر به ایران بازگردم ، به من اجازه نخواهند داد ، در دانشگاههای کشور به تدریس مشغول شوم به همین خاطر در آمریکا با کمک و معرفی یکی از اساتید برجسته آمریکا ، به 12 دانشگاه ، برای تدریس دوره لیسانس معرفی شدم و کار خود را در آمریکا ادامه دادم. اما نتوانستم خودم را قانع کنم و در آمریکا بمانم ، بنابراین در سال 1337 به ایران بازگشتم. در آن زمان می خواستند، در دانشگاه شیراز دبیر علوم تربیتی، تربیت کنند ، بنابراین احتیاج مبرمی به استاد تعلیم و تربیت داشتند. از این رو بنده به عنوان دانشیار علوم تربیتی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شدم. تقریباً 3 سال در شیراز مشغول به کار بودم و در آنجا به علّت فعالیتهای سیاسی مدت 4 ماه را در زندان سپری کردم. پس از آنکه آزاد شدم، به عنوان شرط اشتغال به تدریس می خواستند از من تعهد بگیرند که فعالیت سیاسی نکنم، البته من قبول نکردم و به همین خاطر مدتی بیکار شدم.

سرانجام در سال 1341 وارد دانشگاه اصفهان شده و تا سال 1357 به کار خود ادامه دادم. در آن سال برای استقبال امام همراه شهید بهشتی و مقام معظم رهبری، به تهران آمدم و بعد به اصفهان بازگشتم، پس از آن از طرف دولت موقت و شورای انقلاب، پیشنهاد تصدی وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد به بنده داده شد. این دو وزارتخانه آن زمان با هم یکی بودند. سپس در سال 1359 که امام خمینی (ره) تصمیم به تشکیل ستاد عالی انقلاب فرهنگی گرفتند، به فرمایش ایشان من عضو این شورا شدم و عضویتم در این ستاد همچنان ادامه دارد. مدتها مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی برنامه ریزی و همچنین مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی پژوهش کشور بودم. مدتی هم ریاست فرهنگستان علوم را برعهده داشتم.
در سالهای 1325 و 1326 در شیراز، انجمن پیروان اسلام را تشکیل دادم و در دانشسرای مقدماتی، مراقب شبانه بودم که معمولاً شاگردانم در فعالیتهای دینی ما شرکت می کردند ، من در فسا، جهرم ، استهبان و دیگر شهرهای استان فارس فعالیت سیاسی و فرهنگی داشتم و سخنرانی هم می کردم. سال 1328 در شهرستان فسا، چند ماهی پس از واقعه ترور شاه، در دفتر روزنامـه پارس شیراز، به اتهام شرکت در سوءقصد علیه شاه، دادگاه نظامی مرا احضار کرد. بعد به فسا رفته و خود را معرفی نمودم. آن زمان پادگان به جهرم منتقل شده بود؛ به آنجا رفتم که اعلام کردند ، حکومت نظامی لغو شده و سرانجام مخفیانه به شیراز آمدم. نکته جالب توجه این که در واقع سخنرانی های من هیچ ارتباطی با ترور شاه نداشت. این اتهام، صرفاً نوعی بهانه بود که مانع فعالیتهای بنده شود. بعد از این وقایع به تهران آمدم. در آن زمان آیت ا... کاشانی را به اتهام دست داشتن در ترور شاه به لبنان تبعید کرده بودند و من در جلسات طرفداران ایشان شرکت می کردم. در یکی از این جلسات فردی به نام محمد نخشب که آن زمان مسئول یک نهضت آزادی خواه بود و جوانان دیندار را به همکاری دعوت می کرد، مرا به همکاری برای تشکیل ائتلاف دعوت کرد ، من هم قبول کردم ، ائتلاف کردیم و به صورت حزب مردم ایران فعالیت می کردیم ، سرانجام حوالی آبان ماه سال 1332 پس از جلسه ای که در منزل آیت ا... زنجانی به منظور تنظیم برنامه اعتصاب سراسری داشتیم، دستگیر و زندانی شدم و به این ترتیب در فعالیتهای سیاسی و جریانهای مختلف قبل از انقلاب حضور فعالی داشتیم.

شریفی شیرازی، مرتضی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 974/972/964 ق)، دانشمند، محدث و حکیم، متخلص به شریف. در آغاز از شیراز به مکه مسافرت کرد و علم حدیث را در ملازمت شیخ ابن‌حجر عسقلانی اخذ کرده و از وی اجازه‌ی تدریس گرفت. از آنجا به دکن مسافرت کرد و از دکن به اگره آمد و بر اکثر علماء و فضلاء آنجا برتری یافت و به تدریس علوم و حکم پرداخت. وی در هند درگذشته و بعد پیکرش را به مشهد برده‌اند. از آثار وی: «منظومه‌ی الکافیه»، در نحو «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (682/2)، تذکره‌ی روز روشن (421)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (262/3)، الذریعه (525/9)، فرهنگ سخنوران (504)، کاروان هند (635 -633 /1)، هفت اقلیم (233/1).

شعرانی تهرانی، ابوالحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1393 -1320 ق)، عالم دینی، مدرس و فقیه. پس از فراگیری مقدمات در مدرسه‌ی خان مروی، به یادگیری معانی و بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخت. به علاوه در تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و طب کلیات «قانون» کوشید. فقه و اصول را از اساتیدی همچون آقا شیخ بزرگ ساوجی و علوم عقلی را از میرزا محمود قمی، شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه، و شیخ محمدرضا قمشه‌ای و میزا طاهر تنکابنی و میرزا علی‌اکبر یزدی فراگرفت. در 1346 ق که پدرش درگذشت به نجف رفت و رجال و حدیث را از محدث رجالی سید ابوتراب خوانساری فراگرفت و از دیگر اساتید نیز بهره‌ها برد. سپس به وطن بازگشت و در منزل خویش به تدریس علوم و فنون و ترجمه و تالیف پرداخت. وی در مسجد جدش ملا ابوالحسن، معروف به مسجد حوض تهران، اقامه جماعت می‌کرد. او به زبان عبری، فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. شاگردان بزرگی را تربیت کرد که از آن جمله می‌توان به حجةالاسلام حسن‌زاده‌ی آملی اشاره کرد. وی در یکی از شهرهای آلمان بر اثر عارضه‌ی قلبی درگذشت و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثارش: تعلیقات بر «تفسیر» ابوالفتوح رازی در دوازده جلد؛ تعلیقات بر تفسیر «مجمع البیان» طبرسی، در ده جلد؛ تعلیقات بر «وافی» فیض کاشانی، در سه جلد؛ تعلیقات بر «وسائل الشیعه» شیخ حر عاملی؛ تعلیقات و ترجمه‌ی «تبصره» علامه، در دو جلد؛ تعلیقات بر «شرح اصول کافی» ملا صالح مازندرانی، در دوازده جلد؛ «لغات القرآن»؛ «راه سعادت»، در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد؛ «ندای عدالت»، ترجمه «الامام علی (ع)» جرج جرداق؛ تعلیقات بر «تفسیر صافی»، در دو جلد؛ تعلیقات بر تفسیر کبیر «منهج الصادقین»، در ده جلد؛ تعلیقات بر «اسرار الحکم» حکیم سبزواری؛ ترجمه و شرح «تجرید الاحکام» خواجه نصیرالدین طوسی؛ حاشیه «ارشاد القلوب» دیلمی؛ «فلسفه اولی و ما بعد الطبیعه»؛ ترجمه «صحیفه کامله»؛ «دمع السجوم»، ترجمه «نفس المهموم» محدث قمی.[1]
قدوه العلماء المتتبعین و حجةالاسلام والمسلمین علامه الاستاذ حاج میرزا ابوالحسن بن العالم الکامل الشیخ محمد بن علم العلام ملا غلامحسین بن العالم الجلیل ملا ابوالحسن تهرانی از علماء بزرگوار و مدرسین عالی مقدار معاصر تهرانست و شرح احوال پدران روحانی وی در نامه

دانشوران و کتاب مآثر و آثار و غیر آنها مذکور است.
وی در حدود سال 1320 قمری چشم بجهان گشوده و جد مادری وی عالم بزرگوار آقا محمد ابراهیم نواب صاحب (فیض‌الدموع) و ترجمه نامه مالک اشتر و منشآت دیگر معروف بفصاحت و عذوبت انشاء بوده و در کتابت ید بیضا می‌نموده است. مترجم معظم ما استاد شعرائی در مهد علم و فضائل پرورش یافته و پس از تعلیم خط و املاء و مقدمات در مدرسه خان مروی که مجمع فضائل بوده بدرس کتب معمول معانی بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخته و هم تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و مقداری از طب و کلیات قانون نموده و فقه و اصول را از اساتید مختلف بخصوص مرحوم آقا شیخ بزرگ ساوجی و در علوم عقلیه از مرحوم میرزا محمود قمی که شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه و عارف کامل آقا شیخ محمد رضا قمشه‌ای و میرزا طاهر تنکابنی و مرحوم میرزا علی اکبر یزدی (در قم) استفاده نموده و در سال 1346 قمری که والدش برحمت ایزدی پیوست مهاجرت به نجف اشرف نموده و رجال و حدیث را از مرحوم محدث رجالی حاج سید ابوتراب خونساری فراگرفته و از محضر اساتید دیگر نیز بهره‌ها برده و بوطن مراجعت و از وضع اجتماع باندازه‌ای ناراحت گردیده که تصمیم به انزوا و ترک معاشرت با مردم گرفته و در منزل بتدریس علوم و فنون مختلف و تألیف و ترجمه کتب مفیده احادیث و اخبار و تفاسیر قرآن اشتغال داشته و در مسجد جد خویش مرحوم ملا ابوالحسن معروف به مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک چهار راه سیروس اقامه جماعت می‌نمود.
نگارنده گوید علامه شعرائی دانشمندی بسیار متواضع و بی‌آلایش و وارسته از صفات رذیله و آراسته بفضل و تقوا و متانت روش و مناعت طبع بود.
آثار این مرد بزرگوار از تراجم کتب دینی و تفاسیر بسیار است و در کتب چندی مانند وسائل‌الشیعه و تفسیر منهج و ابوالفتوح رازی و غیره تعلیقات ارزنده‌ای دارد که ذیلا می‌نگارم.
1- تعلیقات بر تفسیر ابوالفتوح رازی در 12 جلد.
2- تعلیقات بر تفسیر مجمع‌البیان شیخ طبرسی در 10 جلد.
3- تعلیقات بر وافی شریف محدث فیض در 3 جلد.
4- تعلیقات بر وسائل الشیعه شیخ حر عاملی.
5- تعلیقات و ترجمه تبصره علامه در فقه فارسی در دو جلد.
6- تعلیقات بر شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی در 12 جلد.
7- لغات القرآن که از باب الف تا باب ظاء چاپ شده و در موضوع خود کم‌نظیر است. (دنباله آن تا حرف ی تکمیل و تحت طبع است).
8- راه سعادت در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد.

9- ترجمه الامام علی جرج جرداق.
10- تعلیقات بر تفسیر صافی در 2 جلد.
11- تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج‌الصادقین در 10 جلد.
12- تعلیقات بر اسرار الحکم حکیم سبزواری.
13- ترجمه و شرح تجرید الاحکام شیخ نصیرالدین طوسی.
و ده ها تعلیقات و حواشی بر کتب مفیده علمی دیگر.
نگارنده گوید علامه شعرائی از نوادر دانشمندان معاصر ما بودند که در کمال بی‌آلایشی و ساده‌گی زندگی کرده و با موقعیتهای حساسی که برای او پیش می‌آمد دست خود را آلوده بزخارف دنیوی و مادی ننموده و همواره بتألیف و نوشتن تعلیقات و حواشی بر کتب علمی و حدیثی و تفسیری و غیره و تدریس علوم مختلف اشتغال داشت و مدتی در شورای عالی فرهنگ و ناظر شرعایت در وزارت فرهنگ بوده و در مواقع حساس از وجود ایشان در دادگستری و اوقاف دعوت بعمل آمده و از ایشان در موارد مشکله نظر می‌خواستند.
وی بزبان عبری فرانسه و عربی تسلط و احاطه کاملی داشت و در علوم متنوع استاد و علامه بود و در علم هیئت و نجوم و زیج مهارت تامی داشت و شاگردان برجسته‌ای تربیت نمود که بعضی از آنان مانند جناب حجةالاسلام فخر الاماثل و الاعلام آقای نجم‌الدین حسن‌زاده آملی از فضلاء مبرز قم و دارای تقویم نجومی بوده و بعضی از اساتید دانشگاه می‌باشند.
در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته چندی از فضلاء قم برای فراگرفتن علوم متنوع روز از قم به تهران آمده و از محضر این استاد بزرگوار استفاده می‌کردند.
معظم له در شب یکشنبه هشتم ماه شوال‌المکرم 1393 قمری در اثر کسالت قلبی در آلمان بدرود حیات گفته و هزاران دانشمند و مردم مطلع تهران و قم را در سوک و داغ خود مبتلا و داغدار نموده و سه روز بعد جنازه حمل به تهران و از مسجدش با تجلیل و تشییع باشکوهی منتقل بری و در جوار حضرت سید الکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در مقبره خسرو خانی (مقبره زمردیان) مدفون گردید خدایش رحمت کند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (239/2)، الذریعه (63/10)، گنجینه‌ی دانشمندان (493 -491 /4 ،40/3)، مؤلفین کتب چاپی (155 -154 /1).

شعله اصفهانی، محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1160 ق)، شاعر، طبیب، حاکم. وی از شاعران دوره‌ی اول بازگشت ادبی بود که به همراهی رفیق اصفهانی، مشتاق، عاشق، آذر، صباحی و هاتف از تتبع سبک هندی چشم پوشیده و از شیوه‌ی قدما پیروی نموده. در شعر بیشتر به قصیده‌گویی متمایل بود وی به طبابت اشتغال داشت. از آثارش: «دیوان» شعر. بعضی تذکره‌ها به اشتباه احوال او را با شعله گلپایگاتی درهم آمیخته‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، براون (186/4)، تاریخ ادبیات ایران در دوره‌ی بازگشت (369 ،320 /2)، الذریعه (528 -527 /9)، ریحانه (225/3)، سفینه المحمود (483 -481 /2)، لغت نامه (ذیل/ شعله)، نگارستان دارا (213 -211 /1).

شکراللهی، نادر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نادر شکراللهی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
متولد 1346دیپلم برق(تهران هنرستان شهید موافق) لیسانس علوم سیاسی، فوق لیسانس فلسفه و کلام دکترای فلسفه تطبیقی. از سال 1364وارد حوزه علمیه شدم و تا هفت سال در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و کتاب های عرفانی و فلسفی مثل فصوص و اسفار را خوانده ام . از همان ابتدا در حوزه به تدریس مقدمات و بعد سطح مشغول بودم و از سال 1382در دانشگاهها مشغول تدریس هستم و عضو هیئت علمی پاره وقت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی هستم و از سال 1376جزء اولین افراد شبکه رادیوئی معارف بودم، و در سمت های نویسندگی، سر دبیری، کارشناسی و مجری کارشناسی مشغول فعالیت بودم .تاکنون یک کتاب با عنوان آسیب شناسی حکومت دینی از بنده منتشر شده و 2مقاله هم ترجمه کردم که چاپ شده است و چندین مقاله نوشته شده و ترجمه شده آماده چاپ دارم .

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1333/1331 ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی روایت کرده است. سید عبداللّه بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کرند همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنازه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در 1317 ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقی الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبداللّه»، در منطق؛ «حاشیه القوانین»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقلید»؛ «منتقی الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض الفقه»، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (130/8)، الذریعه (8/23، 382/18، 108/8، 499/1)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1258 -1255 /14)، معجم المؤلفین (203 -202 /6).

شمس‌الافاضل ترشیزی، یوسف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1288 ق)، فیه و حکیم. وی در ترشیز به دنیا آمد و در سبزوار و نجف و تهران به تحصیل فقه و حکمت و ریاضی پرداخت. در 1300 ش در وزارت معارف مشغول به کار شد و عهده‌دار نظارت طبع کتب مذهبی و شرعیات گردید. از آثار وی: «سیاسه المحمدیه»، که در الذریعه (273/12) این کتاب به شمس‌الافاضل میرزا رشید بن شیخ یوسف بن عباسعلی نسبت داده شده است؛ «فوائد نصیریه»، در نحو؛ «کلمه‌ی جامعه»، در معنی شورا و مشروطه؛ «مفتاح النجاه فی تفسیر الصلاه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (123/18، 362/16، 273/12)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (267/2)، مؤلفین کتب چاپی (895/6).

شمیم شیرازی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، شاعر و حکیم. معروف به حکاک. متولد در شیراز. وی با حاج ملا هادی سبزواری در سبزوار ملاقات کرد و گویا حاج ملا هادی وی را معمم کرده است. این ابیات از اوست:
با لب میگون او، من می‌پرستی می‌کنم
با نگاه مست او، بی باده مستی می‌کنم
گفتمش: هستم غلام و شرمسار از گفته‌ام
با وجودش ای عجب اظهار هستی می‌کنم
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (560 -559)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (319/3)، الذریعه (546 -545 /9)، ریحانه (256 -255 /3)، مرآت الفصاحه (316)، مکارم الآثار (1997/6).

شهاب، محمدهادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد هادی شهاب
محل تولد : بیرجند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1362 در رشته ریاضی و فیزیک در مقطع دیپلم از دبیرستان آیت الله طالقانی بیرجند فارغ التحصیل شده و در همانسال وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم.
پس از یک سال به مدرسه رضویه قم انتقال پیدا کردم سطوح مقدماتی و سطح حوزه را تا سال 1370 پشت سر گذاشتم و همزمان با تحصیل حوزوی و شرکت در دروس خارج در سال 1368 از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران رشته فلسفه شدم و با حضور هفته ای یک روز در میان این دوره را ادامه داده در سال 1372 بلافاصله در کارشناسی ارشد همان رشته در همان دانشگاه به ادامه تحصیل مشغول شدم. از سال 1370 در موسسه اموزش و پژوهش امام خمینی (که آن موقع با عنوان موسسه باقرالعلوم فعالیت می کرد) در گروه تازه تأسیس کلام جدید در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شدم و از جلسات درس حضرات آقایان لاریجانی ، ملکیان بهره بردم.
از سال 1375 مدتی در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و سپس در پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی) به کارهای تحقیقاتی در گروههای فلسفه – فلسفه دین – مشغول شده و این همکاری تا مدتی که در قم بودم ادامه داشت در همین سالها از سال 1374 تا کنون در مراکز مختلفحوزوی و دانشگاهی قم و تهران به تدریس دروس منطق و فلسفه و کلام و .... مشغول شدم. و سرانجام در سال 1378 در دوره دکتری کلام جدید تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. و در سال 1384 از رساله خود دفاع کردم . در سال 1380 به دلیل پاره ای مشکلات به بیرجند آمدم و در دانشگاه بیرجند در گروه معارف اسلامی به تدریس مشغول شدم که تاکنون ادامه دارد.

شهابی خراسانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد، فقیه.
تولد: 1280(1321 ق.)، تربت حیدریه.
درگذشت: مرداد 1365، استراسبورگ فرانسه.
علامه محمود شهابی خراسانی (نام وی در سواد اجازت وی به این صورت به کار رفته است: میرزا محمود تربتی)، فرزند عبدالسلام، تحصیلات مقدماتی را در تربت حیدریه گذراند و پس از آن در مشهد نزد اساتید زمان، همانند حاج آقا حسین قمی، آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی به آموختن علوم دینی پرداخت. همچنین در مشهد از محضر آیات عظام عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول) در ادبیات فارسی و عربی، استفاده نمود. سپس در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شد و به تکمیل علوم و معارف اسلامی همت گماشت. در حوزه اصفهان از درس اساتیدی همانند آیت‌الله محمدحسن فشارکی در فلسفه و عرفان بهره جست و بنا بر قولی نزد آقا بزرگ خراسانی به آموختن دانش رجال پرداخت. استاد شهابی چنانکه در اجازات وی آمده است در سن بیست و پنج سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی دارای جواز اجتهاد و روایت از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمدحسن فشارکی بود.
پس از طی تحصیلات، به تدریس در مدرسه علمیه‌ی اصفهان پرداخت. از سال 1310 نیز در تهران به تدریس در مدرسه معقول و منقول پرداخت و پس از تأسیس دانشگاه در سال 1313 برای تدریس به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دعوت شد که در آن دانشکده به تدریس قواعد و اصول فقه مشغول بود. مدتی نیز در شورای عالی فرهنگ عضویت داشت و چندی نیز قاضی تجدید نظر در محاکم شرع بود. پس از بازنشستگی به فرانسه رفت و در حوالی شهر استراسبورگ زندگی می‌کرد.
علامه محمود شهابی نزدیک به پنجاه اسل در مراکز دانشگاهی به تعلیم و تربیت اشتغال داشت. از آثار اوست: ادوار فقه (سه جلد، 1362)؛ رساله بود و نبود (در فلسفه، 1332)؛ رهبر خرد (در منطق، 1313)؛ تقریرات اصول (در علم اصول، 1321)؛ قواعد فقه (1323)؛ الاسلام و الشیعه (الامامیه) فی اسها التاریخی و کیانها (الاعتقادی)؛ تعلیق و تحشیه بر بخش العقود و الایقاعات از قسمت متاجر کتاب شرایع الاسلام محقق حلی (1323)؛ ترجمه و تعلیق مبدأ و معاد ابوعلی سینا (1332)؛ عظمت محمد

(ص) (محمد احمد جاد المولی ترجمه به امضای م. ش.، 1318)؛ رساله روان‌شناسی ابن سینا (1315)؛ قاعده لاضرر (1330)؛ فاروق یکم (1313)؛ تصحیح و تعلیق لباب الاشارات (1329) امام فخر رازی؛ منطق (1317)؛ رساله وضع الفاظ؛ التنبیهات و الاشارات ابن سینا (به انضام لباب الاشارات فخر رازی، 1339). از جمله آثار وی که به چاپ نرسیده‌اند می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الظل الممدوده فی امهات مباحث الوجود؛ مسرح الفؤاد فی ترجمة السید الداماد (مقدمه این کتاب در سیر و تطور و چگونگی دانش فسلفه و ترجمه احوال میرداماد بوده است با خط خود استاد در کتاب گلزار معانی چاپ شده است)، اجراء الفلک فی تفسیر سورة الملک (این تألیفات تماما به عربی است)؛ رساله بیم و امید (در شرح حدیث من سأل عن التوحید)؛ خرد سنج (این کتاب جزوه کوچکی است که در زمینه دانش منطق و به پارسی نگاشته شده است). برخی از آثارش در مجلات به چاپ رسیده‌اند. «ایمان» که مؤسس آن خود وی بوده نوشته است. این مجله نوزده شماره در سالهای 1324 تا 1325 منتشر شد. استاد به سبب یک بیماری جانکاه درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

شهرستانی حایری، ضیاءالدین محمد حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1315 -1256 ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. میر قوام‌الدین معروف به میر بزرگ مدفون در آمل از سادات مرعشی مازندرانی نیای بزرگ وی است. او در کرمانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. او از شاگردان شیخ محمدحسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازه از از وی نایل گشت. هئیت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا علام هروی حائری فراگرفت. در 1305 ق به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه‌ی صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به کربلا بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. شهرستانی در کربلا درگذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهداء دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تالیف نمود، و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت که از آن جمله‌اند: «الاستصحاب»؛ «اصول الاصول» در تلخیص «الفصول»؛ «غایه المسول و نهایه المامول»، در علم اصول؛ «العنصر المتین»، که حاشیه «قوانین الاصول» است؛ «تحقیق الادله»، در اصول فقه؛ «الحجه البالغه و النعمه السابقه»؛ در اثبات حضرت حجت (عج)؛ «جنه النعمی»، در امامت؛ «تاریخ شهرستانی»؛ «تذکره النفس»؛ «تسهیل المشاکل»، در نحو؛ «تقویم الکواکب»؛ «الکوکب الدری»، در معرفت تقویم؛ «مواقع النجوم»، در هئیت؛ «اللباب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد»، در متفرقات؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق» به نام «مهذب التهذیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب» لب «خلاصه الحساب» شیخ‌بهایی؛ منظومه «خوان نعمت»، در بیان نعمتهای الهی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (338/6)، اعیان الشیعه (232/9)، الذریعه (290 /274/18، 376، 441، 258/6، 275/7، 264/8، 138/12، 236/14، 183، 168، 481/3، 161/5، 11/16، 22، 293/23، 191/25، 171/4، 19/2، 46/1)، ریحانه (273 -272 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 631 -627 /14)، الکنی و الالقاب (376/2)، مؤلفین کتب چاپی (871 -870 /2)، معجم المؤلفین (257/9)، مکارم الآثار (1538 -1536 /5)، هدیه العارفین (397 -396 /2).

شهرستانی، ابوالفتح محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(548 -479/467 ق)، فقیه، فیلسوف و متکلم اشعری. در شارستان (شهرستان) خراسان، بین نیشابور و خوارزم به دنیا آمد. او عالمی نیکو صفات بود. اما تایید مذهب فلاسفه و اتهام به گرایش به اسماعیلیه او را از درجه امامت و پیشوایی ساقط کرد. مدتی در خوارزم ساکن بود، سپس به خراسان منتقل شد. در نیشابور نزد احمد خوافی و ابونصر قشیری فقه آموخت و در نزد ابوالقاسم انصاری علم کلام را فراگرفت. او در نیشابور از علی بن مدینی و ابوالحسین بن اخرم حدیث شنید. در 510 ق وارد بغداد شد و سه سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس مشغول شد و درس و مجلس وعظش در نظامیه‌ی بغداد مورد توجه و رغبت عامه واقع شد. از شاگردان بنام او ابوسعد عبدالکریم سمعانی است. شهرستانی در شهرستان خراسان درگذشت. از آثارش: «نهایه الاقدام فی علم الکلام»؛ «الملل و النحل»؛ «المناهج و البینات»؛ «کتاب المضارعه»؛ «تلخیص الاقسام لمذاهب الانام»؛ «الارشاد الی عقاید العباد»؛ «مصارعات الفلاسفه»؛ «تاریخ الحکماء»؛ «المبداء و المعاد»؛ تفسیر فلسفی «سوره‌ی یوسف»؛ «غایه المراد»؛ «دقائق الاوهام».[1]
(شهرستان) ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم فقیه و متکلم و عالم ادیان از دانشمدان اشعری (و. شهرستان 479- ف. 548 ه.ق.)، از شهرستان خراسان. وی نزد ابوالمظفر خوافی قاضی طوس و ابونصر قشیری و ابوالقاسم سلمان بن ناصر انصاری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی علم آموخت، و در بحث و مناظره و وعظ و تذکیر از مشاهیر عهد گردید. مدتی در خوارزم به سر برد و سه سال در بغداد زیست، و پس از بازگشت از بغداد باقی عمر را در خراسان گذرانید، و مدتی ملازم مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب سادات ترمذ بود و دو کتاب خود الملل و النحل (ه.م.) والمصارعه (ه.م.) را به نام او تألیف کرد، و سپس به خدمت سلطان سنجر پیوست، و آنگاه به مولد خود شهرستان رفت و همانجا بود تا درگذشت. دیگر از آثار او نهایةالاقدام (ه.م.) است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (84 -83 /7)، تاریخ ادبیات در ایران (297 -296، 286 -285، 270 -269 /2)، تاریخ علم کلام در ایران (266 -246)، روضات الجنات (28 -24 /8)، ریحانه (272/3)، سیر النبلاء (288

-286 /20)، الکنی و الالقاب (374/2)، لسان المیزان (306 -304 /6)، لغت نامه (ذیل/ شهرستانی)، مؤلفین کتب چاپی (570 -568 /5)، مدارس نظامیه (173 ،105)، معجم المؤلفین (187/10)، معجم البلدان (428 -427 /3)، الملل و النحل (مقدمه)، الوافی بالوفیات (279 -278 /3)، وفیات الاعیان (275 -273 /4)، هدیه الاحباب (165 -164).

شهریاری، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید شهریاری
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/10/1
زندگینامه علمی
حمید شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند و در سال 1360 با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. وی همان سال به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح حوزه را در مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره- جوائزی دریافت کرد. وی در کنار تحصیل، به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه و اصول اشتغال داشت و پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول استادانی همچون آیة الله سید کاظم حائری و مرحوم آیة الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت.
در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب آشنا شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه. به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم- علیه السلام- همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان «شورا در فتوا» به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل شد. شهریاری از سال 1375 مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال 1378 رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورد. شهریاری، دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند و با سفری یک ساله به عنوان

دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال 1381 به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال 85 شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت) ، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. استاد شهریاری به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریاری، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید شهریاری
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
حمید حوالی شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند، در سال 1360 با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. همان سال به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح حوزه را طی مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول حوزه شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره- جوائزی دریافت کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه، و اصول اشتغال داشت. پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیة الله سید کاظم حائری، و مرحوم آیة الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر، شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت. در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب مواجه شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم- علیه السلام- همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان شورا در فتوا به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل آمد. از سال 1375 مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال 1378 رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورده است. دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند. با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال 1381 به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر

مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال 85 و نیز کتاب سال فلسفه جمهوری اسلامی ایران در سال 85 شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)،معاون پژوهشی آن سازمان ، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. او به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهید بلخی، ابوالحسن شهید

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 325 ق)، متکلم، حکیم، شاعر و خطاط. معاصر رودکی، به فارسی و عربی شعر می‌گفت وی از بزرگان و متکلمین و حکمای عهد خود و در علوم اوایل استاد بود وی با رازی نیز مناظراتی داشت و هر یک بر دیگری نقضی و ردی داشته‌اند. اسم او را سهیل و علی نیز نگاشته‌اند. وی در خط نیز استاد بود و فرخی او را بدین هنر ستود. عوفی نظم اشعار عربی را به وی نسبت داده و قطعه‌ای از او به تازی نقل کرده است. وی در استادی هم‌ردیف و همانند رودکی بود و علی‌الخصوص غزلهای وی شهرت داشت بنا به نقل یاقوت حموی وی با ابوزید احمد بن سهل بلخی معاصر بود و با او ارتباط داشت از جمله ممدوحان شهید، نصر بن احمد سامانی و ابوعبداللّه محمد بن احمد جیهانی را می‌توان نام برد. گذشته از شاعری در علوم فلسفی مهارت داشت و با محمد بن زکریا مباحثاتی کرده. رودکی او را مرثیه گفته است و او را شاعر علی‌الطلاق خوانده است و حدود صد و دو بیت شعر از وی در کتابهای لغت و تذکره به جای مانده است.[1]
(بخش 1) بلخی. ابوالحسن شهید بن حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلم و حکیم قرن چهارم ه. (ف. 325 ه.ق.) او را با ابوبکر محمد بن زکریای رازی مناظراتی بوده و هر یک بر دیگری نقضی وردی داشته است. شهید در خط نیز استاد بود و اشعار عربی هم می‌سرود. وی از بلخ به چغانیان نزد ابوعلی محتاج رفت و از جمله ممدوحان او نصر بن احمد سامانی و ابوعبداللّه محمد بن احمد جیهانی را ذکر کرده‌اند. رودکی در رثای او قطعه‌ای سروده. شهید مانند رودکی نزد شعرای بعد از خود مورد احترام بوده و او را در ردیف رودکی قرار داده‌اند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (393 -389 /1)، تاریخ ادبی ایران (663/1)، تاریخ نظم و نثر (21)، تذکره‌ی روز روشن (449)، دایرةالمعارف فارسی (1519/2)، الذریعه (561 -560 /9)، ریحانه (278/3)، سخن و سخنوران (18 -16)، سیری در شعر فارسی (221 -220)، شاعران بی‌دیوان (37 -26)، شخصیتهای نامی (269 -268)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 11/4)، فرهنگ سخنوران (523)، الکنی و الالقاب (391/2)، گنج سخن (17 -15 /1)، لباب الالباب (5 -3 /2)، لغت

نامه (ذیل/ ابوالحسن)، مجمع الفصحاء (804 -803 /1)، معجم المؤلفین (310/4)، هفت اقلیم (60 -59 /2).

شهیدی زندی، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر شهیدی زندی
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/7/15
زندگینامه علمی
اینجانب ناصر شهیدی زندی متولد 1347 ، از سال 1361 وارد حوزه علمیه شده و همزمان تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم ادامه دادم. در دروس حوزوی همزمان با شروع درس خارج وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه اسلامی شده و موفق به دریافت سطح چهار فلسفه و کلام اسلامی شدم.
در سال 1379 از طریق کنکور در رشته حقوق پذیرفته و در سال 1382 موفق به دریافت کارشناسی این رشته شدم.از سال 1376 وارد مرکز تحقیقات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری شده و در ابتدا مسئولیت کتابخانه دبیرخانه را به عهده داشتم و در ادامه مسئول دفتر مرکز تحقیقات بودم. همچنین به عنوان معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده هدی وارد جامعه الزهرا (س) شدم و همزمان در دانشکده و تحصیلات تکمیلی آن مشغول به تدریس شدم.
در حال حاضر مسئول گروه کلام اسلامی و مسئول دفتر برنامه ریزی درسی جامعه الزهرا(س) می باشم. در سال 1386 نیز معاون آموزشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دفتر قم بودم که اخیرا به دلیل مسئولیت جدید در معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی از آن سمت استعفا دادم. در حال حاضر در دانشگاه مفید و مدرسه علمیه حجتیه مختصری تدریس دارم و طی دو سال قبل هفته ای یک روز در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران به تدریس معارف اسلامی مشغول بوده ام.

شهیدی مشهدی، آقابزرگ حکیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1285 ق)، حکیم، فقیه و عالم دینی. وی از احفاد میرزا مهدی شهید، معروف به شهید ثالث، یکی از چهار مهدی از شاگردان مبرز وحید بهبهانی، است. مقدمات را نزد پدرش و ملا غلامحسین شیخ الاسلام و شیخ موسی منطقی و میرزا محمد سروقدی در مشهد خواند و بعد به تهران آمد و در محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و حکیم اشکوری و حکیم کرمانشاهی درس خواند. وی سپس سالیانی در نجف از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی بهره برد. سرانجام در 1333 ق به مشهد بازگشت و متجاوز از بیست و دو سال به تدریس خارج «شرح لمعه» و «شرح قوشچی» و «اشارات» و «شوراق» و «شرح منظومه» و «اسفار» پرداخت. آقابزرگ و فرزندش، میرزا مهدی، دو ستاره‌ی درخشان حکمت و فلسفه خراسان در زمان خود بودند. وارستگی و صراحت لهجه و آزادگی و آزادمنشی آقابزرگ زبانزد خاص و عام بود. در فلسفه پیرو حکمت مشاء ابن‌سینا و خواجه نصیر بود. و شاگردانی همچون آقا شیخ سیف‌اللّه ایسی و سید حسن بجنوردی و حسینعلی راشد و محمود شهابی و مهدی الهی قمشه‌ای و آقا شیخ هادی کدکنی پرورش داد. درگذشت فرزندش، میرزا مهدی در 1354 ق توان پدر را گرفت و وی در سال بعد از دنیا رفت. تنها اثر وی: رساله‌ی «حکومت در اصالت وجود و اصالت ماهیت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (67)، خدمات متقابل اسلام و ایران (615 -614)، گنجینه‌ی دانشمندان (137 -134 /7).

شهیدی، میرزا ابوتراب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا ابوتراب شهیدی در سال 1239 ،در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر ، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. پس از بازگشت به ایران و مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین ، در حرکتهای سیاسی زمان خود شرکت نمود ، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهراب ، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی سرانجام در 30 ذی القعده 1375 هجری قمری دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : میرزا ابوتراب شهیدی فرزند آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم شهیدی ، نواده حاج ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث ،در قزوین متولد گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا ابوتراب شهیدی پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر ، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود.استادان و مربیان : میرزا ابوتراب شهیدی ابندا نزد پدر خود علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به نجف اشرف رفته و در آن دیار در مجلس درس استادانی چون: سیدمحمدکاظم یزدی (صاحب کتاب عروه الوثقی) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول) استفاده کرد. او پس از گذشت دوازده سال به ایران مراجعت کرد و در درس شیخ فض الله نوری حاضر شد.وقایع میانسالی : مهمترین رویداد به وقوع پیوسته در دوران حیات حاج میرزا ابوتراب شهیدی وقوع انقلاب مشروطه و حوادث مربوط به آن بود. وی از جمله مخالفان جریان مشروطه خواهی بود و همین عامل مدتی برای او خانه نشینی و سپس مهاجرت به تهران را در پی داشت.زمان و علت فوت : میرزا ابوتراب شهیدی در 30 ذی القعده 1375 هجری قمری دار فانی را وداع گفت.فعالیتهای آموزشی : میرزا ابوتراب شهیدی پس از اتمام تحصیلات خود در نجف اشرف ، در سال 1330ق به دیار خود قزوین بازگشت و مشغول تدریس گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره :

میرزا ابوتراب شهیدی پس از مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین ، مدتی هم در حرکتهای سیاسی شرکت نمود ، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهراب ، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد.آرا و گرایشهای خاص : شیوه تفسیری حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی ، تفسیر آیه به آیه به روایت است و در بعضی موارد بحث هایی فلسفی نیز دارد ، چنانکه جامعیت آن را بین حکمت ، فلسفه ، کلام ، روایات و تفسیری قرآن با قرآن را در آن مشاهده نمود.آثار : التوحید ،المبین و تبین فی شرح المواعظ البراهین ویژگی اثر : این کتاب تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی است و در پنج جلد پایان یافته است. منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم ، ص 1932قرآن پژوهان قزوین ، مولف: سیدمحمدعلی ایازی ، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران ، 1380 ، ص 136-137

شیخ، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1308، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته‌های فلسفه و حکمت اسلامی و علوم تربیتی و حقوق قضائی، دکترای فلسفه و حکمت اسلامی.
مرتبه علمی:
استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
فلسفی، ادبی و اجتماعی، تدریس در دانشکده حقوق و ادبیات از سال 1348 در دانشگاههای تهران و شهید بهشتی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
فلسفی، ادبی، و اجتماعی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 18، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
فلسفی، ادبی و اجتماعی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ‌الاسلام زنجانی، فضل‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1303 ق)، فقیه، متکلم، رجالی و حکیم. در زنجان به دنیا آمد. مقدمات و متون را نزد استادان زنجانی فراگرفت و فلسفه را از علامه میرزا عبدالمجید آموخت و به درس خارج علامه میرزا عبداللّه زنجانی حضور یافت. در 1331 ق به همراه برادرش به نجف مهاجرت کرد و در آنجا نزد آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ الشریعه اصفهانی و دیگر مدرسان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در 1339 ق به زنجان بازگشت و به وظائف امور علمی و شرعی مشغول گردید. او از آیت‌اللّه سید حسن صدر عاملی کاظمی و علامه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه شیخ الشریعه اصفهانی و علامه سید محمود شکری علوی آلوسی دارای اجازه بود. از آثارش: حاشیه بر «منطق» شرح «منظومه» سبزواری؛ رساله‌ای در رد نظریه‌ی «واحد بسیط...»؛ «تاریخ علم کلام در اسلام»؛ حاشیه بر «اوائل الشوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ نقد «رساله‌ی حدوث» ملا صدرا شیرازی؛ «تشیع در تاریخ اعتقادی و سیاسی و ادبی شیعه» یا «تاریخ مذهب شیعه»؛ تعلیقاتی بر کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید؛ شرح و حاشیه‌ای بر «منهج المقال» استرآبادی؛ «شرح حال رجال زنجان و راویان آن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (390 -389)، علماء معاصرین (228 -224)، مؤلفین کتب چاپی (871 -870 /4).

شیخ‌بهائی، بهاءالدین، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1031/1030 -953 ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شهید ثانی، و عبداللّه بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کچایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندیب و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرتها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی-مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهایی احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهایی آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل جواد بن سعداللّه، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن‌خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محدصالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهائی، منتقل شده بود. شیخ‌بهایی در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در

«ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «حبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثا»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زبده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاثنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره».[1]

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک 953 ه.ق./ 1546 م.- ف. اصفهان 1031 ه.ق./ 1622 م.) پدرش عزالدین حسین در سال 966 به ایران مهاجرت کدر و بهاءالدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به 88 کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است:

دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصةالحساب، تشریح الافلاک کتاب اربعین (بعربی)، کشکول که مجوعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله واشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (927 -926 /3)، الاعلام (334/6)، اعیان الشیعه (234/9)، تاریخ ادبیات ایران، براون (279 -277 /4)، تاریخ ادبیات در ایران (1047 -1039 /5)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (515 -502)، تذکره‌ی روز روشن (122 -121)، تذکره‌ی نصرآبادی (151 -150)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (506 -495)، دایرةالمعارف فارسی (1522/2)، دنباله جستجو در تصوف (259)، الذریعه (77/18، 983، 143، 88، 103، 168، 173، 195، 203، 211، 224- 225، 6/ 240- 241، /9، 39، 425، 4/ 185- 186، 200، 498، 509، 5/ 62- 63، 301- 302، 6/ 36، -35 /3، 42/2، 117- 118، 115، 85، 1/)، روضات الجنات (80 -54 7/)، ریاض العارفین (49 -45)، ریاض العلماء (97 -88 /5)، ریحانه (320 -301 /3)، زندگینامه ریاضیدانان (172 -170)، سرآمدان فرهنگ

(232/1)، سیری در شعر فارسی (384 -383)، شخصیتهای نامی (273 -270)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 88 -85 /11)، عالم آرای عباسی (157 -155 /1)، فرهنگ ادبیات فارسی (311 -310)، فرهنگ سخنوران (147)، فقهای نامدار شیعه (228 -209)، فوائد الرضویه (521 -502)، فلاسفه‌ی شیعه (429 -415)، کارنامه بزرگان (325 -324)، الکنی و الالقاب (100/2)، مؤلفین کتب چاپی (432 -421 /5)، مجمع الخواص (41 -40)، مجمع الفصحا (15 -12 /4)، مطلع الشمس (388 -386 /2)، معجم المؤلفین (242/9)، منظومه‌های فارسی (356 -353)، نتایج الافکار (105 -103)، یغما (س 13، ص 146 -143).

شیرازی عمادالدین، محمود

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 954 ق)، حکیم و طبیب. وی از کودکی زیردست پدرش که طبیب حاذقی بود، پرورش یافت و مدتی طبیب امیر عبدالله‌خان استاجلو حاکم شروان بود. سپس به دربار شاه‌طهماسب رفت و مدت بیست سال در هند زندگی کرد. در اواخر عمر مجاور مشهد رضوی شد و طبابت بیمارستان رضوی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «رساله‌ی چوب چینی»، در خواص و طبایع و منافع و طریق خوردن آن؛ «رساله‌ی بیخ چینی»، که در 954 ق تألیف شده؛ «رساله»ای در بیماری آتشک؛ «رساله‌ی افیونیه» یا «الافیونیه»؛ «سته‌ی ضروریه طبیه»، به نام شاه قلی‌خان بن حمزه سلطان استاجلو؛ «مفرح یاقوتی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (399)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (713 -712 / 3)، الذریعه (363 / 21، 28 / 13، 168، 100 / 11، 271 / 7، 310 / 5، 262 / 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 241 -240 / 10)، عالم‌آرای عباسی (168، 156 / 1)، فرهنگ سخنوران (653).

شیرازی، شجاع

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، حکیم. وی از شاگردان میر سید شریف‌الدین گرگانی بود و از بنی اعمام شاه شیخ ابواسحاق اینجو پادشاه معروف فارس بوده. از آثارش: «انیس الناس فی الاخلاق»، که در حکمت عملی است و در سال 830 ق به نام مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ به پایان رسانید. این کتاب را به تقلید از «قابوس نامه» و «سیاست نامه» نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (260).

شیرازی، شهاب‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید شهاب‌الدین شیرازی فیلسوفی فاضل و عالمی عارف از شاگردان شیخ محمدرضای قمشه‌ای و میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی بوده و در حدود 1320 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، فتح‌الله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 997 ق)، عالم، حکیم و شاعر. در شیراز به دنیا آمد و در آن جا نشوونما یافت. وی در محضر درس استادانی چون علامه جمال‌الدین محمود و کمال‌الدین شیروانی و مولانا کرد و میر غیاث‌الدین منصور شیرازی به مقامات عالیه دانش رسید. تا جایی که سلطان عادل شاه بیجاپوری او را به هندوستان دعوت کرد و فتح الله به آن جا رفت و منصب وکالت یافت. بعد از کشته شدن عادل‌شاه به دعوت اکبرشاه، در 991 ق، به فتحپور رفت و در 993 ق به منصب امین‌الملکی رسید و لقب عضدالدوله یافت و در 994 ق به صدارت کل بلاد هندوستان رسید. او در کشمیر درگذشت و در تخت سلیمان دفن شد. وی علاوه بر تبحر در علوم متداوله زمان خود و شعر، از مخترعین و صنعتگران عصر خود نیز به شمار می‌آمد. از جمله اختراعات وی: آسیایی خود کار بود که حبوبات را آرد می‌کرد؛ آینه‌ای که در آن اشکال عجیب از دور و نزدیک منعکس می‌شد، تفنگی که در یک دور دوازده گلوله از آن خارج می‌شد؛ تقویم ابتکاری جدیدی از روی دوره‌ی شمسی. به آورده‌ی «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» از «مآثر الکلام» وی اولین کسی بود که اهالی هند را به تصنیفات و افکار علمای متأخر ایران مانند: علامه دوانی، ملا صدرای شیرازی، غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و میرزاجان آشنا ساخت و کتابهای آنها را در هندوستان تدریس کرد. از جمله تألیفاتش «تکمله‌ی حاشیه‌ی» علامه‌ی دوانی بر «تهذیب المنطق» تفتازاتی است. رکن‌زاده‌ی آدمیت به اشتباه تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح‌الله کاشانی را به وی نسبت داده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (61 -59 / 4)، ریاض العارفین (227)، فارسنامه‌ی ناصری (1175 / 2)، فرهنگ سخنوران (687)، کاروان هند (993 -992 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ فتح‌الله)، مرآت الفصاحه (453 -452)، هفت اقلیم (235 -234 / 1).

شیرازی، مظفرالدین، علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 922/ 918 ق)، عالم دینی و منطقی. از منطقیون بزرگ قرن دهم قمری و داماد علامه جلال‌الدین دوانی بود. علامه دوانی درباره‌اش گفته است: اگر منطقی جسم داشت جسمش مظفرالدین بود. در شیراز از علامه دوانی و دیگر علما علوم شرعیه، حساب، هیئت، هندسه و کلام را فراگرفت و در این زمینه‌ها تبحر یافت. وی کتاب اقلیدس در فن هیئت را نزد امیر صدرالدین شیرازی خواند و بر آن حاشیه نگاشت. آنگاه به روم رفت و ملا ابن‌مؤید قاضی وی را به حضور سلطان بایزید برد و او مدرسه‌ی مصطفی پاشا در قسطنطنیه را به وی واگذار نمود. مظفرالدین مدتی در آن مدرسه و در مدرسه‌ای دیگر تدریس نمود. اما بر اثر از دست دادن بینایی از تدریس کناره گرفت و از سلطان یاوز سلیم خان (926-918 ق)، نهمین پادشاه از سلاطین عثمانی، حق تقاعد گرفت. در شهر بروسای روم درگذشت. از آثارش: شرح «تهذیب المنطق و الکلام» تفتازانی؛ شرح «فصوص الحکم» ابن‌عربی؛ شرح «گلشن راز» شیخ محمود شبستری؛ حاشیه بر «تجرید»؛ حاشیه بر «شرح مطالع»؛ حاشیه بر «کتاب اقلیدس»؛ حاشیه بر «کافیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (169)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (471 -470/ 4)، الذریعه (382، 270/ 13)، ریحانه (329 -328/ 5)، شذرات الذهب (89/ 9)، کشف الظنون (1505، 1263، 517)، هدیة العارفین (741/ 1).

شیروانی هرندی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی شیروانی هرندی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1343 در تهران متولد شد. در سال 56 به فراگیری علوم حوزوی علاقمند گشته، فراگیری علوم حوزوی را در مدرسه ملامحمد جعفر (معروف به مدرسه مجتهدی) آغاز کرد، و همزمان با گذراندن دوره دبیرستان ـ در رشته ریاضی فیزیک ـ صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و اصول فقه و فقه را نزد اساتید برجسته حوزه تهران (آیت الله ضیاء آبادی، آیت الله رحمانی، آیت الله رئوفی و دیگران) فرا گرفت. در سال 61 پس از اخذ دیپلم، برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد. در سال تحصیلی 64ـ 65، بنا بر تقاضای امام جمعه وقت و مدیر مدرسه، برای تدریس به حوزه علمیه مسجد سلیمان عزیمت نمود. وی در آنجا دروس مختلف ـ از جمله منطق، معالم الاصول و شرح لمعه ـ را تدریس کرد. در سال 65 با کسب امتیاز عالی و درجه ممتازی دوره سطح حوزه را به پایان رساند و به طور فعال و جدی، دوره خارج فقه و اصول را آغاز کرد و از محضر آیات عظام وحید خراسانی و میرزاد جواد آقا تبریزی بهره‌مند شد.
به سبب علاقه فراوان به دیدگاههای اصولی شهید صدر، به حوزه اصولی ایشان راه یافت و از محضر شاگردان برجسته آن شهید سعید ـ آیت الله حائری و آیت الله شاهرودی ـ بهره برد. همزمان با تحصیل فقه و اصول، فلسفه، کلام و تفسیر را از محضر اساتید بزرگوار، آیات معظم : حسن‌زاده و جوادی آموخت. وی از همان آغاز به تدریس علاقه داشت. در بدو ورود به قم (سال 61) معالم الاصول را تدریس کرد، و پیش از آن در تهران، ادبیات و منطق می‌گفت. از سال 61 تا کنون (سال 81) علاوه بر کتابهای رسمی حوزه (مانند اصول فقه، معالم الاصول، شرح لمعه، حاشیه، رسائل و کفایت الاصول) حلقات اصول شهید صدر، بدایت الحکمه، نهایت الحکمه، کشف المراد، اشارات و تنبیهات و بسیاری کتابهای دیگر را در حوزه و یا دانشگاه تدریس کرد.و اینک به تدریس اسفار اشتغال دارد. در دوران

تحصیل به چیزی جز کسب دانش نمی‌اندیشید و برای تبلیغ جز به جبهه نرفت. وی همزمان با حضور فعال در حوزه علمیه قم ـ که تا کنون ادامه دارد ـ در دانشگاه نیز به تحصیل و تدریس اشتغال داشت.
در سال 70 از میان تقریبا 500 تن از فضلای شرکت کننده در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف، رتبه نخست را به دست آورد، و در سال 79 از رساله دکترای خود در دانشگاه تربیت مدرس دفاع کرد، و در رشته فلسفه و کلام فارغ التحصیل شد. ایشان در عرصه تحقیق و نگارش حضوری فعال و جدی داشته و دارد. از میان نوشته‌هایش برخی رسما و برخی عملا به عنوان متن درسی در حوزه و یا دانشگاه مورد استفاده قرار گرفته است، از جمله: کلیات فلسفه و تحریر منطق (در حوزه‌های علمیه خواهران در سراسر کشور)، درسنامه عقاید (در مرکز جهانی علوم اسلامی برای عموم طلاب غیر ایرانی)، منطق و شرح بدایت الحکمه (که هر دو کتاب برگزیده سال 73 بود در رشته‌های الهیات و فلسفه) ترجمه لمعه دمشقیه (در رشته‌های حقوق و نیز در حوزه‌های علمیه) معارف اسلامی در آثار شهید مطهری و اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن (در دروس عمومی معارف و اخلاق)تحریر الاسفار(در مقطع دکترای فلسفه اسلامی) . کتابهای سرشت انسان، منابع اندیشه مذهبی شیعه، فرا اخلاق، اخلاق هنجاری، ترجمه الروضات لبهیت (تا کنون 7 جلد آن منتشر شده) شرح نهایت الحکمه و شرح منازل السائرین از دیگر آثار قلمی نامبرده است. از ایشان چندین مقاله در مجله‌های علمی معتبر (مانند خردنامه صدرا، قبسات، نامه مفید، ذهن ومعرفت،پژوهشهای فلسفی و کلامی) منتشر شده است. آخرین نوشته ایشان، که پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان بوده است، به نام مبانی نظری تجربه دینی توسط بوستان کتاب قم منتشر شده است.

صاحبی فرد، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر صاحبی فرد
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
بعد از اتمام دوره ابتدایی دوره دبیرستان (نظام قدیم) را شبانه در دبیرستان محمدیه کاشان گذراندم و درسال 1352 بعد از آشنایی با یکی از دوستان طلبه در کلاس درس دبیرستان علاقه ام به دروس حوزوی تقویت شده بالاخره در همان سال دروس مقدمات را شروع کردم ؛ تا سال 1357 در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) و مدرسه علمیه مرحوم آیت الله یثربی بوده و از محضر بزرگانی چون حضرات آقایان صبوری ، اسلامی تبار ، مناقب (قدس سرهم) و جناب آقایان حضرات خراسانی ، علم الهدی ، صراف زاده و ... بهره بردم و از تفسیر مرحوم آیت الله نجفی در کاشان استفاده نمودم . در سال 1357 به حوزه مقدسه قم مشرف شدم و در مدرسه مهدیه در خیابان 19 دی ساکن شدم و بقیه دروس سطح را نزد بزرگانی چون مرحوم آیت الله اعتمادی ، مرحوم آیت الله حرم پناهی ، مرحوم آیت الله ستوده ، و نیز حضرات آقایان حسینی کاشانی و شریفی نیاسری و عمانی و اشعری (محمد حسین) استفاده کردم .
در ضمن در سال 1359 به مدت یک سال به دعوت یکی از دوستان در مدرسه امامیه شهرکرد مشغول به تدریس مقدمات شدم .حدود سال 1361 به درس خارج فقه و اصول رفتم و یک دوره درس اصول حضرت آیت الله مظاهری و مباحثی از درس آیت الله وحید خراسانی (مباحث الفاظ) و بخشی از مباحث اجتهاد و تقلید آیت الله تبریزی را شرکت کردم و نیز از مباحث فقهی حضراتی چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله فاضل لنکرانی بهره مند شدم و از حدود سال 1360 در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم .فلسفه (منظومه) را نزد حضرت آیت الله گرامی و بخشی از اسفار را در نزد حضرت آیت الله انصاری تلمذ کردم .از سال 1363 در فکر حفظ قرآن افتادم و بحمد الله و المنه این کار که باید حدود 1370 به پایان می رسید به علت وقوع حادثه ای به تاخیر افتاد و بحمد الله سال 1373 به انجام رسید .

از آنجا که به کارهای قرآنی علاقمند بودم اولین نکته ناب قرآنی درسال 1374 به ذهنم خطور کرد و به پیشنهاد دوستان اولین قلم زنی را شروع کرده و کتاب «اتمام حجتی دیگر یا اجر رسالت» را به لطف خداوند به رشته تحریر درآوردم .
به علت تدریس دانشگاه و تشویق حضرت حجت الاسلام حاج محسن قرائتی کار قرآنی در باب تاریخ اسلام را انجام دادم که نتیجه آن کتاب تاریخ اسلام در قرآن است که در سال 1381 از چاپ خارج شد همچنین به دنبال رهنمود مقام معظم رهبری در نام گذاری سال 1379 به نام امیر مومنان سلام الله علیه ، آیات درباره آن حضرت به صورت یک مجموعه در آمد تا اینکه در سال 1382 مزین به زینت طبع گردید و در همان سال چاپ دوم آن نیز صورت گرفت .
در سفر بیت الله الحرام با توطئه وهابیت که بدترین تبلیغات علیه تشیع صورت می گرفت بیشتر آشنا شده و با رهنمود دوستان در بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه و هدایت حضرت آیت الله سبحانی نقدی بر کتاب تهاجمی «اهلبیت از خود دفاع می کنند» به نام «اهلبیت از دین دفاع می کنند» با کمک یکی از دوستان انجام شد . این کتاب درسال 82 در شبکه اینترنت ، سایت ولی عصر (عج) قرار گرفت و مورد استقبال قرار گرفت و در تابستان 1383 به چاپ رسیده و الان در آستانه چاپ دوم قرار دارد .
و بالاخره توفیق دیگر قرآنی که خداوند به این حقیر داد بررسی آیات مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها و به نام مبارک آن حضرت 135 آیه درباره این بانو در یک مجموعه جمع آوری شد که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است و الان مشغول دو کار قرآنی دیگر هستم یکی مکالمات و گفتگوهای بعد از مرگ در قرآن و دیگر خیرات و مبرات از منظر قرآنی که تقریبا حدود 80% کار آنها نیز انجام شده است .
اکنون نیز برنامه های تدریس در حوزه و آموزش متوسطه و برنامه های قرآنی در شهرهایی چون کاشان و ساوه دارم .

صافیان اصفهانی، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد صافیان اصفهانی در سال 1342 در اصفهان بدنیا آمد. ایشان تحصیلات دانشگاهی را در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران در رشته فلسفه ادامه داده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فسفه دانشگاه اصفهان می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
گرایش : فلسفه غرب
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدجواد صافیان تحصیلاتش را تا دیپلم متوسطه در شهر اصفهان به انجام رسانده و تحصیلات دانشگاهی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران در رشته فلسفه ادامه داده است. عنوان پایان‌نامه‌ی وی، «هنر نزد ارسطو، کانت و هایدگر» بوده که استاد راهنمایش، رضا داوری اردکانی بوده است
استادان و مربیان : استاد راهنمای دوره دکترای محمد جواد صافیان اصفهانی ، رضا داوری اردکانی بوده است.از دیگر اساتیدی که در زندگی علمی ایاشن تاثیر گذار بوده اند عبارت اند از : دکتر محسن جهانگیری،دکتر کریم مجتهدی،مرحوم دکتر جلال الدین مجتبوی،دکتر غلامحسین دنیانی،مرحوم اعتماد عباس معارف،دکتر غلامعلی حداد عادل
هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایها :دکتر محمد رضا حسینی بهشتیفدکتر حمید طالب زاده،دکتر آیت اللهی،دکتر شاقول و دکتر شیخ شعاعی همکاران گروه : دکتر محمد علی اژه ای،دکتر مهدی دهباشی،دکتر فتحعلی اکبری،دکتر کرباسی زاده
همسر و فرزندان : دکتر محمد جواد صافیان اصفهانی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم الهام حاجی غلامی می باشد. ایشان دارای مدرک کارشناسی فلسه است. وی دارای دو فرزند دختر بنامهای سارا(دانش آموز مقطع متوسطه) و زهرا (دانش آموز دوره ابتدایی) می باشد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد جواد صافیان اصفهانی به مدت دو دوره مدیریت گروه فلسفه دانشگاه اصفهان را برعهده داشته است. وی همچنین در گروه تخصصی فلسفه و حکمت فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران عضویت دارد.
فعالیتهای آموزشی : از سوابق آموزشی محمد جواد صافیان اصفهانی می

توان به تدریس در دانشگاه اصفهان در رشته فلسفه از سال 1369 تا کنون اشاره کرد.ایشان همچنین در دانشگاه های پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی هم به امر تدریس می پردازند. ----------
---
آثار :
1 عالم مثال و خیال در حکمت ملاصدرا
ویژگی اثر : عالم مثال و خیال در حکمت ملاصدرا» به دنبال خیال و عالم مثال در آثار ملاصدرا - فیلسوف مسلمان - است. ملاصدرا در بسیاری از آثار خویش به بحث از خیال پرداخته و به‌طور کلی، خیال در آثار او از سه جهت، مورد نظر قرار گرفته است. به گفته‌ی صافیان، ملاصدرا از سویی خیال را به عنوان مرتبه‌ای از ادراک که بین حس و عقل قرار دارد، می‌داند و همچنین قایل به جنبه‌ی هستی‌شناختی خیال نیزهست، و در مرحله‌ای دیگر به وجه انسان‌شناسانه‌ی خیال نظر دارد. این اثر هم‌اکنون در مراحل پایانی ویرایش است.
2 فلسفه‌ی هنر هایدگر
ویژگی اثر : کتاب «فلسفه‌ی هنر هایدگر» به تبیین و بررسی اجمالی نظر هایدگر درباره‌ی هنر می‌پردازد و از جمله سرفصل‌های آن به «کلیاتی در باب اندیشه‌ی هایدگر»، «نقد هایدگر بر زیبایی‌شناسی»، «روش پدیدارشناسی - هرمنوتیک در تأمل بر هنر»، «هنر و حقیقت؛ ذات حقیقت»، «سرآغاز کار هنری چیست؟» و «تفکر شاعرانه؛ ذات شعر» می‌توان اشاره کرد. .این کتاب به سفارش انتشارات علمی - فرهنگی در 120 صفحه در دست تألیف است.
3 مابعدالطبیعه چیست؟
ویژگی اثر : اثر مارتین هایدگر (ترجمه) 1373 این کتاب در عین اختصار از آثار مهم و کیلیدی هادیگر است. و از اولین اثر هدیگر می باشد که به فارسی ترجمه شده است.ترجمه فرانسوی آن توسط هانری کرین صورت گرفته است از اولین آثار ترجمه شده به زبان فرانسه است.
4 هنر و هایدگر
ویژگی اثر : اثر جوزف کوکلمانس (ترجمه)1382.این کتاب در شرح فلسفه هادیگر است.شرحی است روان و در عین حال معتبر. این کتاب از منابع درسی دوره تخصصی دکترا و کارشناسی ارشد رشته فلسفه هنر در دانشگاههای مختلف کشور می باشد.

صالحی امیری، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مهدی صالحی امیری
محل تولد : فریدونکنار
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/6/10
زندگینامه علمی
اینجانب سید مهدی صالحی امیری درتاریخ 10/6/1356 در روستای مهلبان از توابع فریدونکنار استان مازندران متولد شدم .تحصیلات ابتدایئ وراهنمایئ را در روستای محل سکونت گذراندم. و در سال 69 برای تحصیلات دروس حوزوی به مدرسه خاتم الانبیا (صدر)بابل رفتم .بعد ازاتمام تحصیلات مقدماتی جهت ادامه تحصیلات در سال 75 به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم .وهمزمان در رشته کارشناسی ارشد الهیات ومعارف اسلام در موسسه آموزشی وپژُوهشی قم پذیرفته شدم. ودر بهار 81 از پایان نامه خود دفاع کردم .از بهمن ماه 1380 به عنوان مسئول گروه دین پژوهی مرکزمطالعات وپژوهشهای فرهنگی مشغول به خدمت هستم .ازسال 1383 با ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دین در امر تحقق و پژوهش همکاری می نمایم واز تیرماه 1385 با معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم وفرهنگ اسلام جهت ارزیابی پروژَه ها همکاری می نمایم .

صانعی دره بیدی، منوچهر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر منوچهر صانعی دره بیدی در سال 1325 در شهرستان فردین اصفهان به دنیا آمد.وی دارای مدرک دکتری رشته فلسفه از دانشگاه تهران در سال 1371است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
گرایش : فلسفه
والدین و انساب : پدر منوچهر صانعی دره بیدی اهل خوانسار و مادرشان متولد روستایی در دامنه فریدن است.
خاطرات کودکی : منوچهر صانعی دره بیدی از دوران کودکی خود چنین یاد می کند: "زندگی در یک خانواده کشاورز روستایی ،روزهای تابستان را کار در مزرعه و در دامنه های پوشیده از گل های رنگارنگ و کنار جویبار های همراه با صدای پرندگان خوش نقش و نگار و خوش صدا ،و شبهای زمستان را در زیر کرسی و گوش دادن به شاهنامه خوانی پدر و پدربزرگ گذرانده ام.و ماندگار ترین خاطره از دوران کودکی ،خاطره فقر است."
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : منوچهر صانعی دره بیدی در خانواده ای سنتی ایرانی و از نظر مادی در فقر و از لحاظ معنوی و مذهبی ،متدین به دیانت اسلام و مذهب شیعه به دنیا آمد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر صانعی دره بیدی دارای مدرک دیپلم ادبی در سال 1350،کارشناسی رشته فلسفه از دانشگاه تهران در سال 1354،کارشناسی ارشد و دکتری فلسه از دانشگاه تهران در سالهای به ترتیب 1357 و 1371است.
خاطرات و وقایع تحصیل : منوچهر صانعی دره بیدی پس از ورود به دانشگاه ، تمام وقت خود را در کلاس و یا کتابخانه سپری میکرد و در گروه بندی آن روز دانشجویان داخل بچه مذهبی ها بود.ایشان دوران دانشجویی خود را با چهره های مذهبی قبیل بعضی شاگردان مرحوم مطهری ،صدرالدین طاهری(هم اکنون استاد فلسفه دانشگاه علامه و امام صادق است)و آیینه وند و غیره گذراند.
فعالیتهای ضمن تحصیل : منوچهر صانعی دره بیدی در کنار تحصیل به آموختن زبانهای خارجی و کار در گارگاه نجاری می پرداخت.

استادان و مربیان : منوچهر صانعی دره بیدی از محضر اساتید زیادی بهره برده است که می توان به مرحومین دکتر علیمراد داودی ،منوچهر بزرگمهر و آقایان دکتر مجتهدی ،دکتر داوری و دکتر جهانگیری اشاره کرد.
هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران امروز منوچهر صانعی دره بیدی می توان به آقایان دکتر رشیدیان ،دکتر حکمت و دکتر علوی اشاره کرد.
همسر و فرزندان : منوچهر صانعی دره بیدی متاهل و دارای همسر (بازنشسته آموزش و پرورش)و دو دختر می باشد. فرزند ارشد دانشجوی رشته مکانیک و دیگر فرزندش دانشجوی رشته فرش می باشد.
وقایع میانسالی : منوچهر صانعی دره بیدی از وقایع تلخ میانسالی خود فوت پدرش در سن 84 را بیان می کند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر صانعی دره بیدی از سال 1358 تا 1364 عضو انجمن فلسفه بود که به کار تحقیق در متون فلسفی مشغول بود. وی از سال 1364 تا اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی است. و هم اکنون در آنجا با درجه استادی مشغول به تدریس و تحقیق می باشد .
فعالیتهای آموزشی : منوچهر صانعی دره بیدی به تدریس دروس فلسفه غرب در دوره های یونانی و جدید می پردازد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : منوچهر صانعی دره بیدی در کنار تدریس به تالیف و ترجمه در پیرامون فلسفه می پردازد.
آرا و گرایشهای خاص : منوچهر صانعی دره بیدی معتقد است : "به علت تهاجم یونانیان (اسکندر) ، اعراب و ترکان با تهاجم سه گانه تاریخی ،کشور و ملت ما جایگاه تاریخی خود را از دست داده است. و اکنون ما (ایرانی ها) باید بکوشیم تا جایگاه از دست رفته خود را به دست آوریم و باز سازی کنیم."
جوائز و نشانها : منوچهر صانعی دره بیدی شاگرد ممتاز در هر سه دوره کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری بود.وی همچنین یک تشویق نامه به مناسبت شرکت فعال در جنگ تحمیلی (به مدت 6 ماه) و چندین لوح و تقدیر نامه از رئیس دانشگاه شهید بهشتی برای تالیف و ترجمه دریافت کرده است.
چگونگی عرضه آثار : منوچهر صانعی دره بیدی دارای 14 ترجمه ، 6 تالیف و بیش از 30 مقاله در زمینه فلسفی است.وی همچنین در 12 کنفرانس داخلی و خارجی شرکت داشته و مقالاتی را هم ارائه کرده است. ----------
---
آثار :
1 اصول فلسفه
ویژگی اثر : ترجمه

2 انفعالات نفس
ویژگی اثر : ترجمه
3 بخشی از تاریخ فلسفه فخری
ویژگی اثر : ترجمه
4 پیام نیچه
ویژگی اثر : تالیف
5 جایگاه انسان در اندیشه کاتت
ویژگی اثر : تالیف
6 جوهر النضید
ویژگی اثر : ترجمه
7 درس های فلسفه اخلاق
ویژگی اثر : ترجمه
8 دنش نامه زیبایی شناسی
ویژگی اثر : ترجمه
9 دین در محدوده عقل تنها
ویژگی اثر : ترجمه
10 رشد عقل
ویژگی اثر : تالیف
11 شلایر ماخر
ویژگی اثر : ترجمه
12 فرهنگ فلسفی صلیبا
ویژگی اثر : ترجمه
13 فلسفه اخلاق در تفکر غرب
ویژگی اثر : تالیف
14 فلسفه اخلاق و مبانی رفتار
ویژگی اثر : تالیف
15 فلسفه حقوق
ویژگی اثر : ترجمه
16 فلسفه فضیلت
ویژگی اثر : ترجمه
17 فلسفه لایب نیتس
ویژگی اثر : تالیف
18 قواعد هدایت ذهن
ویژگی اثر : ترجمه
19 منطق مظفر
ویژگی اثر : ترجمه

20 نقد عقل عملی
ویژگی اثر : ترجمه

صباغ، محمد صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه. نزد ملا هادی سبزواری تصحیل علم نمود و از خواص و مشاهیر شاگردان وی شد. صاحب «المآثر و الآثار» وی را کاشانی و در فقه و زهد و اخلاق ممتاز توصیف کرده است، ولی شیخ محمد علی حبیب‌آبادی وی را اصفهانی‌الاصل می‌داند. از آثارش شرح «تشریح الافلاک» را می‌توان نام برد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 855 -854 / 14)، المآثر و الآثار (160).

صدر، سید رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1415 -1339 ق)، عالم دینی و فقیه. در مشهد به دنیا آمد و دربیت علم و عزت نشو و نما یافت. او نوه‌ی دختری آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی است. به همراه پدر به قم مهاجرت کرد. پس از خواندن ادبیات، سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فرا گرفت. سالها از دروس خارج پدرش، آیت‌الله صدر، استفاده نمود و معقول را از آیت‌الله موسوی آموخت. او از محضر درس برخی دیگر از اساتید بهره‌مند شد تا خود به تدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه‌ی نماز پرداخت. در 1385 ق بنا به خواسته‌ی آیت‌الله شریعتمداری به تهران آمد و در مسجد حضرت امام حسین (ع) به ترویج دین و اقامه‌ی نماز و تفسیر قرآن پرداخت. آیت‌الله سید رضا صدر برادر بزرگ امام موسی صدر، مرجع و رهبر بزرگ لبنان، است. وی در تهران درگذشت، ماده تاریخ وفاتش (این جهان خرد بود و مرد بزرگ) است. او در جوار حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از جمله آثارش: کتاب «استقامت»؛ کتاب «حسد»؛ کتاب «دروغ»؛ «بانوی کربلا زینب دختر زهراء»، ترجمه‌ی کتاب «زینب» دکتر عائشه بنت الشاطی.[1]
آقای حاج سید رضا بن العلامه الورع آیت‌اللّٰه الحاج سید صدرالدین ابن العلامه الکبری و الایه العظمی الحاج السید اسمعیل صدر موسوی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران و دارای مقام حسب و نسب و علم و ادب می‌باشند. وی در حدود سال 1338 قمری متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و در معیت والد ماجدش به قم مهاجرت نموده و پس از خواندن ادبیات سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه خوانده و سالها از دروس خارج مرحوم والدش آیت‌اللّٰه العظمی صدر استفاده نموده و معقول را از آیت‌اللّٰه العظمی امام خمینی آموخته و از محضر بعض آیات دیگر بهره‌مند شده خود بتدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه نماز پرداخته تا در سال 1385 قمری که حسب الاراده آیت‌اللّٰه شریعتمداری به تهران منتقل و در مسجد حضرت امام حسین علیه‌السلام واقع در میدان (شهناز) تهران به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و درس اخلاق و غیره اشتغال دارند.
دارای تألیفات عدیده در اخلاق و غیره می‌باشند که از آنها کتب زیر است:
1- کتاب استقامت

2- کتاب حسد
3- کتاب دروغ
و مخفی نیست که معظم له از طرف پدر موسوی و بحضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام منتهی می‌شوند و از طرف مادر طباطبائی و بحضرت امام حسین مجتبی علیه‌السلام متصل می‌گردند. زیرا والده ماجده ایشان صبیه مرحوم مغفور سیدالفقهاء و المجتهدین آیت‌اللّه العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی که ترجمه‌اش در جلد اول ص 264 گذشت می‌باشد و ایشان سبط آن بزرگوار هستند ادام اللّه توفیقه.
برادر ارجمندش جناب استاد و زعیم بزرگوار آقای حاج سید امام موسی صدر مرجع و رهبر بزرگ مردم لبنانست که امروز صوت وصیتش بتمام جهان رسیده و برای شیعیان دنیا آبروی عظیمی گردیده و باید ایران و ایرانی فخر کند که یکی از هم میهنان او باین پایه قدرت و عظمت رسید که زمام دولت و ملت کشور بیگانه را بدست گرفته و با نطق آتشین و بیانات شیرینش بر علیه استعمارگران غربی مبارزه کرد و هم اکنون سرنوشت وی مجهول و نامعلوم است.
فقیه.
تولد: 92 (1300 رمضان 1339 ق.) مشهد.
درگذشت: 11 آبان 1373، قم.
آیت‌الله سید رضا صدر دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدر خود پشت سر نهاد. مقدمات و ادبیات را در مشهد فراگرفت. در سال 1354 ق. به همراه پدر به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و سطوح را نزد اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و محقق داماد آموخت. سپس خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات عظام سید حسن صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید حسین بروجردی و فلسفه و عرفان را نزد امام خمینی فراگرفت. ایشان پس از وفات آیت‌الله العظمی بروجردی به تدریس فقه و اصول و فلسفه و عرفان پرداخت.
در سال 1346 برای تبلیغ و ارشاد به تهران آمد و مسجد امام حسین را کانون تبلیغات دینی خویش قرار داد و به تدریس، تبلیغ و ارشاد، امامت جماعت، اداره‌ی کلاس‌های معارف دینی، تألیف و پروش شاگردان پرداخت. وی در این مسجد کلاس درس اخلاق، تفسیر و فلسفه نیز برگزار کرد و همچنین به تدریس فقه و اصول هم اشتغال داشت. در سال 1356 به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت و به خدمات دینی و مذهبی مشغول شد.
از تألیفات آیت‌الله صدر می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الاجتهاد و التقلید؛ العدالة فی الفقه؛ تفسیر سوره حجرات؛ تفسیر سوره یوسف (حسن یوسف)؛ استقامت، حسد؛ دروغ؛ فلسفه آزاد؛ الفلسفه العلیا؛ محمد

فی القرآن؛ المسیح فی القرآن؛ قرآن‌شناسی؛ بانوی کربلا؛ راه محمد (دو جلد)؛ راه علی (ع) پیشوای شهیدان؛ راه قرآن؛ زن و آزادی؛ زیارتنامه حضرت رضا (ع) سخنان سران کمونیزم درباره خدا؛ مرد وفا (زیر درختان سدر)؛ نشانه‌هایی از او (دو جلد)؛ نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی؛ مقدمه بر نهج الحق و نامه دانشوران. از جمله آثار منتشر نشده وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: أربعون و مأتا مسئلة فقهی؛ تعلیقة بر عروة الوثقی؛ الفقه علی مذهب اهل‌البیت- کتاب الصلاة؛ القواعد الثلاث؛ تجاو؛ فراغ؛ حیلولة؛ رساله در مقدمه واجب؛ شبهة العبائیة حکم نجاسة الباطن؛ نفائس الاصول (دو جلد)؛ حاشیه بر اسفار؛ برهان الصدیقین، حاشیه بر منظوم (سه جلد)، دیوان شعر، درست و نادرست، خواجه نصیرالدین طوسی؛ خلیفة رسول‌الله (ص)؛ اسلام ما؛ سبد (کشکول)؛ ترجمه رسالة الحقوق امام سجاد؛ الجهاد و الثورة؛ الکلیم فی القرآن.
آیت‌الله سید رضا صدر در آبان سال 1373 درگذشت و پیکرش در قم در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (205 / 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (504 -503 / 4)، مؤلفین کتب چاپی (172 -171/ 3).

صدرالافاضل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(بخش 2) لطفعلی بن (میرزا) محمد کاظم امین السفرای شیروانی دانشمند ایرانی (و. 1274 ه.ق.- ف. 1350 ه.ق./ 1310 ه.ش.) وی تحصیلات خود را در مدرسه سپهسالار قدیم تهران به پایان رسانید و علوم معقول را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی زنوزی آموخت. در عهد مظفرالدین شاه به تعلیم چند تن از شاهزادگان پرداخت و سپس معلم احمد شاه گردید.از آثار اوست: مفتاح خط کوفی، مقدمه اصلاح المنطق، ایضاح الادب.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 747 ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبیعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج‌الشریعه، را تنقیح کرد. ازآثار اوست: «تعدیل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نخو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (354 / 4)، ریحانه (434 -433 / 3)، کشف الظنون (2021، 1270،2011، 1047، 496، 419)، الکنی و الالقاب (415 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ عبیدالله)، معجم المؤلفین (246 / 6)، هدیه العارفین (650 -649 / 1).

صدریه، زینب

قرن:11
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(وف 1097 ق)، عالم، متکلم، فیلسوف، عارف و زاهد. وی خواهر بدریه و زبیده، و همسر ملا محسن فیض کاشانی بود. زینب نزد برادرش، میرزا ابراهیم، علم و دانش آموخت و در کنار پدر خور، صدر المتألهین، و همسر خود، فیض کاشانی، به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرسش دارای سه فرزند به نامهای محمد علم‌الهدی و محمد نورالهدی و احمد معین‌الدین شد که همگی از علمای زمان خود بودند و شرح آن در مقدمه کتاب «معاذن الحکمه» آمده است.[1]
20 جمادی‌الاولی 1007 ق، زینب، از زنان عالم، متکلم، فیلسوف، عارف، زاهد و سخنور. وی دختر ملاصدرای شیرازی (1050 ق) و خواهر بدریه و زبیده و همسر ملا محسن فیض کاشانی (1091 -1007 ق) بود. زینب نزد برادرش میرزا ابراهیم علم و دانش آموخت و در کنار پدر و همسرش به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرش دارای سه فرزند شد که همگی از علمای زمان خود بودند.[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] مستدرکات اعیان (84 -83 / 3)، مشاهیر زنان (142)، معادن الحکمه (مقدمه)، مفاخر اسلام (35 -34 / 7).
[2] منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، 84 -83 / 3؛ مفاخر اسلام، 35 -34 / 7.

صراف اصفهانی، محمد حسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، شاعر، صوفی و حکیم. در زمان شاه عباس اول می‌زیست و از رهگذر پیشه صرافی زندگی خود را می‌گذرانید. محمد حسین دارای مشرب تصوف بود. وی از ذوق و استعداد شاعری بهره‌مند بود و اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی روز روشن (475)، تذکره‌ی نصرآبادی (294)، الذریعه (606، 250 /9)، فرهنگ سخنوران (262)، نشتر عشق (392/2).

صراف، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1316، اصفهان.
درگذشت: شهریور 1368.
مرتضی صراف از مدرسان دانشگاهی بود. از کارهای او انتشار مجله‌ی «ویسمن» (به مدت یک سال) بود. دیگر «رسائل مشتمل بر هفت فتوت‌نامه» که با مقدمه‌ای از هانری کربن به فرانسه در سال 1352 به چاپ رسید. صراف در تاریخ فتوت و جوانمردی پژوهش‌هایی کرده بود. وی همچنین گاهی شعر می‌سرود. چندی در دانشگاه اوترخت (در هلند) و چهار سال در دانشگاه داکا (بنگلادش) تدریس می‌کرد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صفاری، سعدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعدی صفاری
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/9/1
زندگینامه علمی
اینجانب سعدی صفاری در سال 1347 هجری شمسی در روستای تسمکلایه از روستاهای منطقه الموت قزوین در خانواده‌ای ساده و متدین به دنیا آمدم، تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا گذراندم. سپس وارد حوزه علمیه قزوین شدم (1363) یکسال در حوزه علمیه صالحیه درس خواندم و همان سال عازم جبهه شدم. همزمان با درس حوزه دروس دبیرستان را نیز به صورت متفرقه ادامه دادم، سال 1365 وارد حوزه علمیه قم شدم. چون مدتی از سال قبل را در جبهه بودم و بخشی از آن سال را نیز مشغول درس‌های دبیرستان بودم درس‌های حوزه را از اول شروع کردم.پس از اتمام دیپلم اقصاد و سال چهارم حوزه ازدواج کردم و همزمان در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته ادبیات فارسی دانشگاه کِلان قبول شدم اما به دلیل دوری مسافت یک ترم مرخصی گرفتم و بعد از آن از رفتن به دانشگاه منصرف شدم و درس‌های حوزه را ادامه دادم، ولی به دلیل مشکلات اقتصادی ناچار شدم به منطقه الموت برگردم و مشغول کارهای تبلیغی باشم. اما شوق ادامه تحصیل مرا وادار کرد دوباره به قم برگردم و تا جایی که ممکن است ادامه دهم پس از پایان دهم در دروه کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس نیز شرکت کردم و همزمان با دروس خارج حوزه در کارشناسی ارشد مدرسی الهیات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم فارغ التحصیل شدم.در طول این مدت ماه‌های مبارک رمضان محرم و ایام تابستان را در مناطق مختلف کشور بالاخص ستاد مشترک سپاه در تهران مشغول به تبلیغ بوده‌ام. پس از پایان کارشناسی ارشد تربیت مدرس با اخذ مجوز تدریس از نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به تدریس در دانشگاه آزاد تفرش مشغول شدم، قابل ذکر است که قبل از آن در حوزه علمیه صدوق قم نیز تدریس می‌کردم و در حال حاضر نیز به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور بوئین زهرا

هفته‌ای سه تا چهار روز در آن دانشگاه تدریس دارم و در کنار تدریس گاهی مقالاتی را نیز می‌نویسم که یکی از آنها به چاپ رسیده است.

صفوی ایجی، قطب‌الدین، ابوالخیر عیسی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(955 / 953 -900 ق)، عالم و محقق شافعی، نحوی، منطقی و صوفی.
او را به مناسبت جد مادریش، صفی‌الدین ایجی، صفوی گویند. موطن او هند بود. ابتدا نحو و صرف و سپس فقه و پس از آن «رساله صغری و کبری» سید شریف را در منطق نزد پدر فراگرفت. آن‌گاه ملازم شیخ ابوالفضل کازوانی رد گجرات شد و در حضر او «مختصر» و «مطول» را خواند و از او به دریافت اجازه نایل شد. پس از آن مدتی در خدمت ابوالفضل استرآبادی درآمد. سپس به مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس به مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس چند سالی مجاور مکه شد. او در 939 ق از شام و بیت‌المقدس دیدار کرد و در دمشق مجلس درس آراست و جماعتی از اهل دمشق و حلب از او اخذ علم کردند. دو سفر نیز به عثمانی (ترکیه) نمود. سرانجام به مصر رفت و در آنجا سکنی گزید. ابن‌عماد، صاحب «شذرات الذهب»، او را از اعجوبه‌های دوران می‌داند. از آثارش: مختصر «النهایه» ابن‌اثیر، در غریب الحدیث؛ « شرح الغره» سید شریف، در منطق؛ «تفسیر» سوره‌ی عم تا آخر قرآن؛ رساله‌ای در «حمد»؛ شرح حدیث اول از «صحیح» بخاری؛ شرح «الکافیه» ابن‌حاجب، در نحو؛ حاشیه بر «شرح الکافیه» جامی؛ حاشیه بر «شرح جمع الجوامع» محلی؛ «شرح الفوائد الغیاثیه»، در معانی و بیان؛ شرح «الشفا» قاضی عیاض.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (294 / 5)، ایضاح المکنون (10 / 1)، شذرات الذهب (298 -297 / 8)، کشف الظنون (1989، 1374، 1371، 1299، 1198، ،1054، 853، 595)، هدیه العارفین (810 / 1).

ضابطی پور، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد ضابطی پور
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
استاد گرانقدر آقای احمد ضابطی پور در سال 1338هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام در مشهد مقدس به دنیا آمد. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1351 و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا بر حوزه های علمیه بدون هیچ ترس و واهمه ای وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شد تا پاسدار دین خویش و اقتداگر مولای خود باشد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید مبرزی چون آیت الله شاهرودی، فاضل لنکرانی و میرزا علی آقای فلسفی در سال 1357 سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون همچون آیت الله وحید و آیت الله لنگروی کسب فیض کرد واز دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1376از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد فارغ التحصیل گردید و باموفقیت از پایان نامه خویش باعنوان "ارشاد در فقه اسلامی و قانون مدنی" دفاع کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی، آزاد اسلامی مشهد و مراکز آموزش عالی علمی کاربردی به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که مقالاتی مانند "وظایف متقابل نهاد حاکمیت و مردم" ، "جستاری در دموکراسی دینی" و ولایت فقیه ، فقه تاریخ یا کلام"در مجلات معتبر کشور

به چاپ رسانده است.

ضیاء شهابی، پرویز

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز ضیاء شهابی متولد ۱۳۲۲ در تهران است. تحصیلات متوسطه را در همین شهر به پایان برده و پس از آن در رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران پذیرفته شده است.شهابی مدرک کارشناسی اش را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه تهران گرفته وپس از وقفه ای چندساله کارشناسی ارشد را نیز در رشته فلسفه دنبال می کند. شهابی مدرک کارشناسی ارشد خود را درسال ۱۳۵۰ در رشته فلسفه از دانشگاه تهران گرفته است.او همچنین در۲ رشته اصلی و فرعی یکی فلسفه در رشته اصلی و تاریخ ادیان و اسلام شناسی دررشته فرعی دکترا گرفته است.شهابی در خلال این سال ها تدریس را نیز به جد دنبال کرده و از سال ۱۳۵۲به عضویت هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در آمده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ـ پایان تحصیلات متوسطه در تهران ـ دریافت مدرک کارشناسی در رشته فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه تهران سال ۱۳۴۴ ـ دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۵۰ ـ دریافت مدرک دکترای فلسفه در رشته اصلی و تاریخ ادیان و اسلام شناسی دررشته فرعی
استادان و مربیان : پرویز ضیاء شهابی از شاگردان احمد فردید بوده و از محضر این استاد بهره‌های فراوان برده است.
فعالیتهای آموزشی : پرویز ضیاء شهابی عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از مرداد۱۳۵۲ تا اول مهر ۱۳۸۲ و استادیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی از اول مهر ۱۳۸۲ نیز بوده است
آرا و گرایشهای خاص : «هایدگر وجود را تعریف ناپذیر می داند. پرویز ضیاء شهابی معتقد است باید میان «وجود» و «موجود» تفاوت گذاشت. او این تفاوت را تفاوت «آنتولوژیک» می نامد. هایدگر در کتاب «نظر افلاطون درباره حقیقت» پیش از شروع، در مطلبی میان آموزه متفکر و گزاره های علمی تفاوت گذاشته است. هایدگر در یک نیم سال تحصیلی و در۴ واحد دانشگاهی تفسیر جمله به جمله افلاطون در رساله سوفسطایی را موضوع درس خود قرار داد، زیرا او در این دوران به آثار سوفسطایی و افلاطون توجه داشت. هایدگر پس از افلاطون می گوید: آیا می دانیم که هر گاه

لفظ موجود را به کار می بریم در حقیقت چه می خواهیم؟ او می گوید، به هیچ رو پاسخی نداریم و باید پرسش از معنای وجود را از نو آورد. بدین رو در شروع و مقدمه رساله «وجود و زمان» می گوید: کسانی که از مابعدالطبیعه دم می زنند از وارد شدن به بحث اصلی آن باز می مانند. ارسطو کلیت وجود را ورای کلیت جسمی می دانست. هایدگر وجود را تعریف ناپذیر می داند و معتقد است باید میان وجود و موجود فرق گذاشت. او این تفاوت را تفاوتی «آنتولوژیک(هست شناسی)» می نامد. وجود پیش از هر موجود است، هر چه هست از وجود هست. به بیان دیگر از وجود تعریفی نمی توان ارائه کرد و قابل پرسش نیست. او معتقد است هر کس که لفظ وجود را به کار می برد، معنای آن را می فهمد. هایدگر سپس به توضیح ساختار و صورت هر پرسش می پردازد و سؤال می کند که لازمه ذات هر پرسش چیست؟ که هر پرسش جست وجویی است و در این میان جست وجو، باید از آن چه که مقصود است، هدایت گرفت، هر پرسش، پرسشی است درباره چیزی. هایدگر برای آن ۳ جزء قائل می شود که در فارسی بیان دوتای آن مشکل ندارد: مسئول (کسی که از او می پرسند) و مسئول عنه (چیزی که از او می پرسند). در پرسش از معنای وجود، باید دید از چه کسی باید پرسید؟ در میان موجودات، موجودی است که به داشتن فهم از دیگران ممتاز است و شاید آن موجود که خودمان هستیم، سزاوارتر برای «مسئول» بودن است، برای شنیدن پاسخ موجود از او.«دازاین» در آلمانی به معنی وجود یا واقعیت است. هایدگر خود می گوید، جان کلمه در وجود و زمان و «او» میان آنهاست. وجود عبارت است از زمان و آن زمانی که از آن فهم داریم. هایدگر عقیده دارد از وجود اکنون، زمان را فهمیده اند و معلوم می شود اصل آن زمان مندی است.«پرسش وجود» نزد هایدگر مهم بود. پرسش وجود نزد او از نحوه وجود انسان منفک نبوده است»... شاید بسیاری از اهالی اندیشه رابا این شرح مختصر بتوان با حوزه علایق و گرایش های شهابی در فلسفه نیز آشنا کرد.نخستین نشانه این آشنایی را می توان از گرایش او به هایدگر و تأثیر روشن از اندیشه های فردید بازشناسی کرد. شهابی از شاگردان احمد فردید بوده اما جست وجوهای او در حوزه اندیشه به این گرایش مختصر نشده و دامنه وسیع تری بخصوص در مباحث پدیدار شناسی یافته است.

چگونگی عرضه آثار : پرویز ضیا شهابی مؤلف و مترجمی بسیار آگاه به فلسفه و مسلط بر زبان های فارسی و آلمانی است. ویژگی هایی که در کمتر اهل این حوزه یکجا گرد آمده است.بی شک پرویز ضیاء شهابی در افق پیش رو توانایی تألیف و ترجمه آثاری مهم تر و اثرگذاری جدی تر در فلسفه ایران امروز را دارد. برخی از مقاله های او در حوزه فلسفه

عبارتند از : ـ تهیه مقدمات آشنایی با منطق جدید، مجله دانشکده الهیات مشهد ۱۳۷۶ ـ تالس تولد فلسفه، مجله دانشکده الهیات مشهد ۱۳۷۸ ـ پا به پای ارسطو به جست وجوی دانش برین، مجله برهان و عرفان پیش شماره نخست ـ هست شناسی ،دانشی که باید جست،مجله برهان و عرفان شماره دوم زمستان ۱۳۸۳ ----------
---

آثار :

1 درآمدی پدیدار شناسانه به فلسفه دکارت

ویژگی اثر : به وسیله نشر هرمس به چاپ رسید. درآمدی پدیدار شناسانه به فلسفه دکارت عنوان مهم ترین اثر پرویز شهابی در حوزه اندیشه است.تسلط او به زبان آلمانی و در نتیجه در اختیار داشتن منابع دست اولی برای تحقیق در کنار دقت نظر و نگاه ایتومولوژیک به متن،اثر شهابی را ممتاز و بسیار قابل توجه کرده است.این نگاه ظریف را می توان از جای جای متن کتاب دریافت کرد و بر دقت نظر شهابی در تألیف ،صحه گذاشت. به طور نمونه در مقدمه کتاب دغدغه دقت به خوبی نمایان است:«صفت رئال از اسم res به معنی چیز، جوهر، ماهیت ساخته شده است و آن را باید به جوهری یا ماهوی ترجمه کرد. اگر رئال را از روی معنای جدیدش به واقعی یا حقیقی ترجمه کنیم - که مترجمان می کنند- در فهم مقصود امثال دکارت و بخصوص کانت (به طور مثال آن جا که گفته است وجود محمولی رئال نیست) [که منظور او همین جاست] با اشکال های حل نشدنی مواجه می شویم. » شهابی اینجا نیز نقبی به هایدگر می زند و می گوید: هایدگر مهم ترین جمله بخش نخست کتاب« سنجش خرد ناب» را جمله نخستین آن می داند که در آن کانت بر داده بودگی خود اشیا انگشت گذاشته است.

2 راه هایی به تفکر فلسفی

ویژگی اثر : ترجمه، نوشته یوزف ماری بوخنسکی ، انتشارات پرسش در اصفهان ، 1381

3 راه هایی به تفکر فلسفی درآمدی به مفاهیم بنیادین

ویژگی اثر : این کتاب حاصل گفت وگوها و گفتارهایی است درباره «چیستی فلسفه» که بوخنسکی در یک سری برنامه ها و مصاحبه های رادیویی عنوان کرده بود و به دلیل اهمیت مباحث مطرح شده دراین برنامه ها، این مباحث به صورت کتاب درآمد و بنابر موضوع گفتار با عنوان های قانون، فلسفه، شناخت، حقیقت، تفکر، ارزش، انسان، وجود، جامعه و مطلق تنظیم شد. بسیاری از کتاب های قطور فلسفی هستند که انبوهی از اطلاعات فلسفی را در خود گنجانده اند، اما خواننده پس از مطالعه آنها کمتر قادر است تا خود فلسفی بیندیشد و فلسفه ورزی کند، زیرا فلسفه

آموختن و فلسفه آموزاندن به غیر از فلسفه ورزی و فلسفی اندیشی است. می توان انبوهی از اطلاعات فلسفی را در ذهن انبار کرد، اما در مواجهه با مسائل گوناگون، فلسفی نیندیشید. مترجم فاضل کتاب، ضیاء شهابی به درستی به این موضوع اشاره دارد: «درمیان آوردن این پرسش که «فلسفه چیست؟»، ... درآمد فلسفه ورزی است که آن را با فلسفه آموزی (در ? معنای تعلّم فلسفه و تعلیم آن) نباید یکی گرفت. بایسته فلسفه ورزی پُرسندگی است. فلسفه آموزی فراگیری پاسخ هایی است به پرسش هایی بی آن که حال پرسندگی، مقام فراگیرنده گردد.» کتاب راه هایی به تفکر فلسفی به جای آن که خواننده تازه کار را با انبوهی از نام ها و فلسفه ها گیج کند، می کوشد تا در موضوعات و صفحاتی محدود و با زبانی ساده و منطقی خواننده را درگیر پرسش های بنیادین فلسفی کند و دلایلی بر رد و اثبات برخی نظرگاه های فلسفی بیاورد. بوخنسکی ?? موضوع زیر را برای منظور خود برگزیده است: ?ـ قانون، ?- فلسفه، ?- شناخت، ?- حقیقت، ?- تفکر، ?- ارزش، ?- انسان، ? ـ وجود، ?- جامعه و ??-مطلق. یکی از مهم ترین فصل های کتاب، فصل فلسفه است. نویسنده در ابتدای این فصل ادعایی می کند که شاید برای افراد ناآشنا به فلسفه غریب بنماید. او می گوید که فلسفه از اموری نیست که تنها به اهل فن، یعنی فیلسوفان و فلسفه دوستان، اختصاص داشته باشد. کم و بیش هر کس در زندگی خود بارها پرسش هایی فلسفی از خود کرده است. از همین روست که پرسش «فلسفه چیست؟»، پرسشی است که به همه ما مربوط می شود. با این حال این پرسش، یکی از دشوارترین پرسش های فلسفی است. کمتر کلمه ای وجود دارد که مانند فلسفه بر این همه معناهای گوناگون دلالت کند. فلسفه به نظر راسل مفهومی است جمعی که دلالت دارد بر هر آن چه که نتوان آن را به شیوه علمی بررسی کرد. راسل و دیگر پوزیتیویست ها معتقدند که در نزد ارسطو فلسفه هم معنای علم بود. پس از ارسطو، علوم خاص مانند پزشکی و فیزیک (طبیعیات)، روانشناسی و منطقِ صوری از آن جدا شدند. بنابراین فلسفه در حال حاضر به نظر اینان شَامل اموری می شود که نمی توان به طور علمی در باره آنها سخن گفت. مؤلف کتاب می کوشد تا نظر راسل را از نزدیک بنگرد و شک هایی در درستی آن بیندازد.

4 سرآغاز کار هنری

ویژگی اثر : ترجمه، نوشته مارتین هایدگر ، نشر هرمس به چاپ دوم رسید

5 فلسفه هنر به نزد هایدگر

ویژگی اثر : ترجمه ، نوشته فن هرمن، فرید ریش

6 فلسفه و بحران غرب

ویژگی اثر : ضیاء شهابی از جمله مترجمان کتاب «فلسفه و بحران غرب»

نیز هست که ? سال پیش به وسیله نشر هرمس و با همکاری جمعی از مترجمان فلسفه منتشر شد. علاوه بر انتشار این آثار،شهابی مقاله های ارزشمندی نیز در دهه گذشته به نگارش درآورده که در نشریات دانشگاهی به چاپ رسیده و مورد توجه دانشجویان و علاقه مندان و جویندگان مباحث نظری فلسفه در ایران نیز قرار گرفته است.از آن جمله است مقاله مقدمات آشنایی با منطق جدید، تالس تولد فلسفه، پا به پای ارسطو به جست وجوی دانش برین، هست شناسی دانشی که باید جست و ... که بیشتر آنها در دوران حضور او در دانشگاه فردوسی مشهد در نشریه دانشکده ادبیات به چاپ رسیده است...

ضیایی شیرازی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف قبل از 1328 ش). حکیم، فقیه، طبیب و شاعر، متخلص به ضیایی. از سادات حسینی بهبهان بود که در شیراز سکونت داشت. به آورده‌ی تذکره‌ی «شعاعیه» وی از جوانی در تحصیل حکمت الهی کوشید و در فقه شاگرد آیت‌الله آقا سید کاظم یزدی بود و اجازه‌ی اجتهاد از ایشان داشت. بعدها قاضی دادگستری شد و سپس به سمت ریاست دادگستری مازندران ارتقاء یافت. اثر وی: «دیوان» شعر که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ملک موجود است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (562 -561). حدیقه الشعراء (1084 -1083 / 2). دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (497 -494 / 3). الذریعه (633 / 9). فرهنگ سخنوران (574). مرآت الفصاحه (366 -365).

ضیایی فر، سعید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید ضیائی فر
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1359 دروس حوزوی را همراه با سال چهارم دبیرستان در کاشان آغاز کرد، پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال 1360 وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را سال 1346 به اتمام رسانید و به مدّت 12 سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و چند سالی نیز از این سال ها را به تحصیل کلام و فلسفه پرداخت تدریس در حوزه دانشگاه از زمره فعالیت های علمی اوست و اکنون نیز در برخی مراکز به تدریس اشتغال دارد و مهمترین برنامه علمی وی تحقیق است که از سال 1370 آغاز و تاکنون ادامه دارد به علاوه از سال 1377 تاکنون مدیر گروه پژوهش «فلسفه فقه و حقوق اسلامی» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علیمه قم و عضو هئیت علمی و شورای پژوهشی این پژوهشکده است. همچنین راهنمایی و مشاوره برخی از پایان نامه‌ها را بر عهده داشته است.

طالقانی قزوینی، شرف الدین محمود

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید شرف الدین محمود فرزند سید علا الدین بن سید جلال الدین طالقانی قزوینی بود. علوم عقلیه را از حوزه درس علمای بزرگ زمان خود فراگرفته و توانست تدریس فلسفه را در قزوین به دست گیرد. دیری نپاید وی از بزرگان علوم عقلانیه شد. سید شرف الدین محمود در حدود سال 918ق فوت نمود.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : سید شرف الدین محمود فرزند سید علا الدین بن سید جلال الدین طالقانی قزوینی بود.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید شرف الدین طالقانی قزوینی علوم عقلیه را از حوزه درس علمای بزرگ زمان خود فراگرفت.
استادان و مربیان : سیدشرف الدین طالقانی قزوینی ، علوم عقلی را در محضر محمدبن زین الدین احسایی معروف به ابن ابی جمهور احسایی درک نمود. اخذ اجازه از این استاد را علامه مجلسی در بحار الانوار و شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه آورده اند.
زمان و علت فوت : سید شرف الدین طالقانی قزوینی در حدود سال 918ق فوت نمود.
فعالیتهای آموزشی : سید شرف الدین طالقانی قزوینی ، تدریس فلسفه را در قزوین به دست گرفت و دیری نپاید از بزرگان علوم عقلانیه شد. -------
---
آثار :
1 حواشی بر الهیات شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی
منابع زندگینامه :
1نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، دفتر اول ، زمستان 1375 ، ص 145

طالقانی قزوینی، محمدیوسف

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی متوفی حدود سال 1098 هـ.ق ، از ارباب حکمت متعالیه و اعاظم فلسفة مدرسه قزوین در عصر صفوی بود. وی پس از تکمیل علوم عقلی در قزوین و اصفهان ، کرسی تدریس را در زادگاه خود به دست گرفت. آثار و حواشی فلسفی که از شاگردان او باقی مانده ، عظمت مدرسه فلسفی قزوین را در این مقطع زمانی منعکس می کند.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی مقدمات علوم اسلامی و فنون و ادب را نزد افاضل علمای قزوین تکمیل نمود. تمایل مفرط به حکمت و فلسفه باعث گشت به اصفهان عزیمت نموده و به اوج عالی علوم عقلی دست یابد.
استادان و مربیان : سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی پس از عزیمت به اصفهان ، به حوزة درس آخوند ملا رجبعلی تبریز متوفی 1080هـ.ق وارد گردید و از محضر این استاد بهره های فراوان برد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعه ، به شهادت شاگردش ملا محمد باقر فرزند ایلدر در کتاب المعارف الالهیه ، او را ارشد و باهوش ترین شاگردان این استاد نام می برد.
هم دوره ای ها و همکاران : سیدمیر محمد یوسف طالقانی قزوینی با هم نام خود شیخ ملا محمد یوسف الموتی قزوینی ، شاگرد صدرالمتالهین شیرازی مباحثات و جدلهایی در زمان خود داشت.
زمان و علت فوت : سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی متوفی حدود سال 1098 هـ.ق می باشد.
فعالیتهای آموزشی : سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی پس از تکمیل علوم عقلی در اصفهان ، به موطن خود قزوین بازگشت و کرسی تدریس و رهبری را به دست گرفت. آوازه او پس از مدتی در اطراف و اکناف پیچید و عشاق فلسفه به حوزه در س او پیوستند و نزد اهل فضل به تحقیق و تدقیق و قدرت بیان و ابتکارات ظریف و تحقیقات عمیق شهرت یافت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی علاوه برتدریس علوم عقلی ، آثاری چند را به رشته تحریر درآورده

است.
آرا و گرایشهای خاص : احاطة سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی به علوم عقلی و نقلی و آرای سلف حوزه او را رونق خاصی بخشیده بود. وی که مخالف مکتب صدرایی و از پیروان مکتب استادش ملا رجبعلی است با هم نام خود شیخ ملا محمد یوسف الموتی قزوینی شاگرد صدرالمتالهین شیرازی مباحثات و جدلهایی داشتند. آثار و حواشی فلسفی که از شاگردان این دو برج عالی فلسفه در قزوین باقی مانده ، عظمت مدرسه فلسفی قزوین را در این مقطع زمانی منعکس می کند. ----------
---
آثار :
1 رساله ای در دفاع از نظرات استادش ملا رجبعلی تبریز
ویژگی اثر : این رساله در رد فلسفه صدرایی است
منابع زندگینامه :
1نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان 1375 ، ص 165

طالقانی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ مرتضی طالقانی قدس اللَّه روحه از علماء ابرار و مدرسین اخبار حوزه علمیه نجف و تا آخر عمر به تجرد گذرانیده و مقیم مدرسه سید یزدی صاحب عروةالوثقی بودند و در همانجا در سال 1364 قمری دار فانی را وداع گفتند.
وی در حدود 1280 قمری در طالقان قزوین به دنیا آمده و در محیط آرام و باصفای کوهستانی طالقان پرورش و پس از خواندن قرآن و فارسی در مکتب‌خانه آنجا به تهران و بعد از چندی به اصفهان عزیمت نموده و از محضر علماء بزرگ آنجا مانند آیت‌اللَّه ابوالمعالی کرباسی و حکیم قشقائی و آخوند ملا محمد کاشی و دیگران استفاده نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم علامتین آخوند خراسانی و علامه یزدی حاج سید محمد کاظم مرحوم شریعت اصفهانی و آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمدتقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و به تهذیب نفس و به تکمیل روح پرداخته و به کمالات معنوی و روحی رسیده و جداً معرض از دنیا گردیده و به تدریس و پرورش عده‌ای از محصلین مهذب و بارع پرداخته است.
نگارنده گوید: یکی از علماء ربانی را که در دوره زندگانی خود ملاقات نمودم این بزرگوار بود.
در سال 1362 قمری که در نجف اشرف اقامت داشتم گاه‌گاهی از محضر وی استفاده نموده و از منظر و سیمای نورانی او که آخرت را به یاد انسان می‌آورد بهره‌مند می‌شدم.
بسیاری از مراجع و دانشمندان بزرگ معاصر از محضر و تدریس او استفاده نموده و عده‌ای از پرورش یافتگان درس اخلاق و عرفان ایشانند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، نظر علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1306 -1240 ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشتراط الحس فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[1]
ملا نظرعلی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محققی مدفق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس اللّه اسرارهم بوده است.
وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال 1306 ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوة والسلام مدفون گردیده است.
از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است 1- اجتماع الامر والنهی 2- اشتراط الحس فی قبول الشهاده 3- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری 4- حجیة الخبر الواحد 5- رساله‌ای در فنا 6- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است 7- مناط الاحکام.
مرحوم آیةاللّه حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملانظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به

وی نمی‌رسد.
پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیةاللّه حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم‌نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.
نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نمود و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیادتر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.
بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.
نامه‌ی طالقانی به خدا
بسم اللّه الرحمن الرحیم
پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرین او معروض می‌گردد این بنده مبتلا به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضیقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.
1- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.
2- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.
3- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.
4- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمدم.
5- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.
6- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.
7- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم
آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.
حجره دوم نظرعلی طالقانی
پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می‌گذارد.
و متوکلا علی اللّه برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقا همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار

از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گرده‌بادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاک در او نرود احساس می‌کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرابرده آن را می‌گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد.
پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.
وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمداللّه به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.
پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می‌گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.
پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر علی طالقانی را می‌طلبد.
تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بیند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلا آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.
پس شاه می‌گوید اسم شما چیست می‌گوید.
- نظر علی.
- اهل کجائی.
- طالقان.
آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می‌گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می‌گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.
پس شاه‌نامه را درآورده می‌گوید آیا این است نامه تو می‌گوید آری پس

باز شکر خدا نموده و به وزرا می‌گوید کیست که در رفع حوائج ایشان شرکت نماید.
پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.
1- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.
2- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می‌کند قبله‌گاها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.
3- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.
4- یک کالسکه... سومی می‌گوید این را هم من تقبل نمودم.
5- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می‌گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.
6- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.
7- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می‌کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید ولکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال 1306 ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (278 / 22، 234 / 17، 159 / 15، 62 / 16 269، / 1)، علماء معاصرین (28 -27)، گنجینه‌ی دانشمندان (17 -13 / 6)، المآثر و الآثار (174)، مکارم الآثار (1129 / 4).

طاهری خرم آبادی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی طاهری خرم آبادی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/3/3

زندگینامه علمی
در سال 62 پس از اتمام دوره راهنمایی تحصیلی وارد حوزه علمیه شدم و تا سال 70دوره سطح را به اتمام رساندم . از سال 71تا75 در دروس خارج فقه و اصول شرکت کردم . سال 68 وارد موسسه در راه حق شده و سپس از سال 73تا78 دوره تخصصی (کارشناسی ارشد) فلسفه را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به اتمام رساندم.
در سال 77 در آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاهها شرکت و در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول گردیدم سال 79 این دوره را به اتمام رسانده و بلا فاصله قبولی در دوره دکتری . تحصیلات خود را در همان رشته فلسفه غرب ادامه دادم . در تیر ماه 86 دوره دکتری را به اتمام رساندم . از سال 79 در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تدریس و تحقیق اشتغال داشته و از سال 83 تاکنون عضو هیات علمی این موسسه می باشم .

طاهری، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1319 ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در شیراز به دنیا آمد و در بیت علم و عزت پروزش یافت. دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خواند، آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله نایینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی و دیگران استفاده نمود تا به مقام اجتهاد رسید. وی در نجف پس از چندین مرتبه گفتن درس سطوح عالی «کفایه» و «مکاسب» و «فرائد»، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. از آثار وی احداث سه مدرسه‌ی علمی در نجف برای طلاب است. از آثار علمی‌اش: «عمده الوسائل فی شرح الرسائل»، در مباحث قطع و ظن، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «عروه‌الوثقی»؛ «منجزات المریض»؛ «رفع الحاجب فی الاجره عن الواجب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (342 / 15)، گنجینه‌ی دانشمندان (275 / 7 454، / 5).

طباطبایی پور، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علیرضا طباطبایی پور
محل تولد : مهدی شهر سمنان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/7/22
زندگینامه علمی
سیدعلی طباطبائی در 29 جمادی الثانی 1386 ه . ق برابر با 22/7/1345 در مهدی شهر سمنان در یک خانواده مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم تا سال 1360 همراه با تحصیلات، مشغول کار و تلاش و فعالیت بودم، در نیمه دوم سال 1360 به لطف الهی وارد حوزه علمیه شدم. چند ماهی در حوزه سمنان ماندم بعد به حوزه تهران منتقل شدم پنج سال در تهران بودم در این مدت مقدمات و سطح را گذراندم و از آنجایی که تهران مرکز مسائل سیاسی بود آن هم در آن زمان حساس این پنج سال برایم یک دوره آموزش سیاسی اجتماعی محسوب می‌شد ولی هرگز مسائل سیاسی اجتماعی مرا از درس غافل نمی‌کرد.
در فروردین 1366 به قم آمدم بعد از اتمام سطح درس خارج اصول را خدمت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی گذراندم و خارج فقه را همواره در محضر مبارک حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته توفیق حضور داشتم.
بر اساس کلام نورانی حضرت امام سجاد(ع) (هَلَکَ مَنْ لیس له حکیم یرشده) از ابتدای تحصیل به این حقیقت پی بردم که بدون راهنما و هادی، این مسیر رفتی نیست و خطرهای گوناگون انسان را تحدید می‌کند لذا از همان زمانی‌که به قم آمدم (بلکه علت اصلی آمدنم به قم) گمشده خویش را در وجود عالم ربانی، حکیم مرشد الهی حضرت آیت الله علامه جوادی آملی دامت برکاته یافتم و دست بیعت به او دادم و همواره راهنمایی‌های ایشان چراغ فروزان زندگی من بوده و هست.
در ابتداء ورود به قم فرمودند باید چهار درس رسمی داشته باشید فقه، اصول، تفسیر و معقول، لذا در کنار درس فقه و اصول حدود هشت سال از درس پرفروغ تفسیر قرآن ایشان استفاده کردم که واقعاً شبستان مسجد اعظم در این دوران برایم بیت المعمور بود.

در معقول آن حکیم فرزانه اصرار داشتند که قبل از فلسفه باید یک دوره کلام ببینید لذا کتابهای که در این رشته خوانده شد عبارت بود از: باب حادی عشر بعد شرح تجرید بعد بدایة الحکمة بعد نهایة الحکمة این کتاب را خدمت استاد بزرگوار آیة الله مصباح یزدی استفاده کردم، خواندن این کتاب یک سرفصل دیگری در مسائل فلسفی برایم بود، آنگاه آن مربی الهی فرمودند قبل از حکمت متعالیه باید یک دوره حکمت مشاء ببینید لذا کتاب عظیم الشأن شرح اشارات را خدمت بزرگ حکیم و عارف دوران حضرت آیت الله الحق جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته خواندیم با خواندن این کتاب نزد آن حکیم متأله دنیای دیگری به سوی ما باز شد و تحوّل اساسی در زندگی برایم به وجود آورد، در دفتری گفته‌ام:

اشارات شمع شب‌های پرسوز من اشارات شاهد دردهای دلسوز من
نمط‌های او کسب و کار هر روز من مقامات او باعث ناله‌های جگرسوز من
چه خوش، وقت درسش وقت هر روز من که شب‌های تارم شده روز من

با ارشارات حضرت استاد فقط خواندن کتاب نبود هم مباحثه بسیار قوی و معنوی داشتم هم تقریرات درس نوشته می‌شد آن هم با یک روش درست و با راهنمایی آن بزرگوار، یادداشت‌های شرح اشارات یکی از مهم‌ترین و پرثمرترین ذخیره در آثار علمی ماست.

بعد از اتمام شرح اشارات وارد دریای عظیم اسفار شدیم امور عامه اسفار را خدمت استاد عظیم الشأن آیت الله حسن‌زده آملی خواندم اگرچه خیلی از مباحث کلیدی اسفار را دوبار درس گرفتم یعنی بار دوم خدمت استاد متأله آیت الله جوادی آملی دامت برکاته استفاده کردم، الهیات اخص و سفر نفس اسفار را هم خدمت همین بزرگوار درس گرفتم، از آنجایی که درسها بر اساس برنامه و طی مقدمات لازم خوانده می‌شد هیچ‌گاه در مباحث متحیّر نبودم بلکه مباحث کتابها را رصد می‌کردم و همراه هر کتابی چندین جزوه و یادداشت به لحاظ موضوعات گوناگون داشتم وقتی مرحله ششم اسفار یعنی بحث علت و معلول تمام شد (جلد دوم اسفار) فرمودند باید کتاب تمهید القواعد صائن الدین علی بن تُرکه را ببینید که اولین کتاب درسی در عرفان نظری می‌باشد این کتاب عزیز الوجود را خدمت خود ایشان یعنی آیت الله جوادی آملی دامت برکاته درس گرفتیم واقعاً آن دوران خوش برایم لیلةالقدر بود، بعد از اتمام تمهید القواعد کتاب گرانقدر فصوص یعنی شرح جناب علامة قیصری بر فصوص الحکم محیی الدین عربی را در محضر انور عارف مستقیم آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته از اول تا آخر استفاده کردیم بعد کتاب مصباح الأنس یعنی شرح جناب ابن فناری بر مفتاح غیب الجمع و الوجود صدر الدین قونوی که سومین کتاب درسی عرفان نظری می‌باشد خدمت همان بزرگ عارف دوران خوانده شد. در ابتدا کتاب مصباح الانس یک

خاطره شیرین نوشته‌ام که عین آن خاطره را در این‌جا می‌آوریم:
«در سحر روز جمعه 14 جمادی الاول 1412 برای مشرف شدن خدمت حضرت آیت الله حکیم متأله، عالم ربانی، عارف مستقیم جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته از محضر قرآن کریم به قصد استجازه استخاره نمودم این آیه آمد (و نادیناهُ من جانِبِ الطُّورِ الاَیمن و قربناءُ نجّینا) (مریم: 52) ساعت 10 صبح همان روز خدمت آن جناب رسیدم فرمودند ما کتاب مصباح الأنس را شروع کرده‌ایم شما هم شرکت کنید و این آیه در استخاره برای دعوت به این درس بوده است و ما از شما دعوت می‌کنیم، بعد فرمودند این را به عنوان خاطره بنویسید».
به حول و قوه الهی حدود 15 سال است که مشغول تدریس فقه، فلسفه، منطق و کلام در حوزه علمیه قم هستم و هم‌اکنون یعنی سال 1385 مشغول تدریس شرح اشارات و نهایة الحکمة (دوره دوم) شرح منظومه (دوره دوم) می‌باشم و تفسیر موضوعی نهج البلاغه را نیز چهار سال است شروع کردم.
از آنجایی که معرفت نفس در سرنوشت و سعادت انسان نقش اساسی دارد و تا انسان خود را نشناسد و حیات انسانی را درک نکند نمی‌تواند زندگی هدفمند داشته باشد و زندگی بدون هدف مردگی است و تحصیلات بدون هدف دوام و لذت نخواهد داشت و اشتغال علمی بدون هدف متعالی و جهت مشخص ثمره‌ای جز سرگردانی و حیرت ندارد لذا یکی از کارهای مهمی که به عنایت الهی در حوزه علمیه قم انجام دادیم تدریس معرفت نفس بوده است.
اگرچه بسیاری از بزرگان علم و اندیشه پیرامون معرفت نفس کتابها نوشته‌اند ولی آثار استاد اعظم ما در معارف الهی حضرت آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته در این موضوع حقیقتاً بدیع و کم‌نظیر است بر این اساس همراه درسهای معقول و منقول ابتدا کتاب شریف دروس معرفت نفس در جمع عده‌ای اهل صفا و معنویت تدریس شد بعد از آن کتاب دروس اتحاد عاقل به معقول تدریس شد و آنگاه کتاب بی‌نظیر عیون مسائل النفس و هم‌اکنون دوره دوم معرفت نفس را هم مشغول هستیم، تدریس این سه کتاب پیرامون معرفت نفس در طول هم هدف اصلی ماست و حضرت استاد هم چند بار به ما اصرار فرمودند که عیون مسائل النفس را در حوزه علمیه قم تدریس کنید در تأسیس و ترویج این رشته درسی تأیید، تشویق و دعای آن استاد بی‌بدیل، بدرقه راه ما بوده و هست.
هر کسی به حسب حال خود در زندگی، خوشی و تلخی دیده و در مسیر زندگی با فراز و نشیب‌های گوناگون روبرو می‌شود من نیز به نوبه خود با حوادث سرد و گرم زندگی دست و پنجه نرم کرده‌ام در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده بقیه را به درس و

مطالعه می‌پرداختم، امدادهای الهی را در زندگی بسیار دیده‌ام که مرا از پرتگاه خطر نجات داده است، خاطرات آموزنده، و گفتنی‌های در زندگی فراوان دارم ولی با نقل یک خاطره این اوراق را ختم می‌کنم.
در اوائل ورودم به حوزه مطالب علمی را دیر می‌فهمیدم و فهمیده‌ها را هم زود فراموش می‌کردم از طرفی کسی را هم نداشتم تا مرا راهنمایی کند و یا بار اندازه روحی من باشد ولی این را می‌دانستم و اعتقاد داشتم که این خانه را صاحب خانه‌ای است به امید او به حوزه آمده بودم تا این‌که با آن وضعیت، کاسه صبرم لبریز شد از بی‌کسی دلِ شکسته داشتم روزی درب حجره را از پشت بستم و در یک توسل جدی و سرنوشت ساز محضر مبارک ولیعصر(عج) به آن حضرت عرض کردم من جای دیگر و کس دیگر ندارم یا اجازه فرمایید دفتر عمرم بسته شود یا توفیق فهم و درک معارف را به من عنایت فرمائید، از آن روز عنایت فرمائید، از آن روز عنایت حضرت شامل حال ما شد و در حقیقت تولد دیگر یافتم و دوران تحصیلم آغاز شد خدا را سپاسگذارم از آن روز تاکنون از درس و بحث علمی خسته نشدم و هر چیز غیر از مسائل علمی برایم قسری می‌باشد.
من به سرچشمه خورشید نه به خود بردم راه ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
من خس بی‌سروپایم که به سیل افتادم او که می‌رفت مرا هم بدل دریا برد

طباطبایی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از خاندانی دانش‌پرور برخاسته‌اند و تا چهارده پشت ایشان از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند. ولادت آن بزرگوار در پایان سال 1321 هجری قمری مصادف با 1282 شمسی بوده است. ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را به انجام رساند. در سال 1304 رهسپار نجف شدند و ده سال در آن مرکز جهانی علوم اسلامی به تکمیل معلومات خود پرداختند و نزد استادان معروفی مانند نائینی، کمپانی و بادکوبه‌ای دروس بالای فقه و اصول و فلسفه را خواندند. همچنین ریاضیات را نزد سیدابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان علمی و تفسیر قرآن کریم را از محضر حکیم و عارف وارسته، حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبایی آموختند. سپس در سال 1314 به زادگاه خود بازگشت و به سبب تنگی وضع معیشتی مجبور شدند 10 سال در تبریز بمانند. سپس به قم مهاجرت کردند و تا پایان عمر در آنجا به تدریس علوم عقلی و تفسیر قرآن مشغول بودند. علامه در نجف
در سال 1304 علامه طباطبایی، برای گذراندن مراتب عالی دروس حوزوی، به همراه همسر و فرزند نورسیده‌اش «محمد» عازم نجف اشرف شدند و منزل محقری اجاره کردند. غربت نا مأنوس بودن با محیط و گرمای هوا، شرایط ناگواری برای این خانواده کوچک بوجود آورد. تنگی منزل و نبودِ آب خود مزید بر مشکلات بود. در این اوضاع تنها دلخوشی علامه و همسرش محمد کوچک بود. ولی ناگهان بیمار شد و بساط شادمانی خانواده را به یکباره برچید. نبود پزشکان متخصص و لوازم پزشکی مورد نیاز، باعث وخیم شدن حال محمد کوچک و مرگ او شد. فقدان آن کودک در دیار غربت، علامه و همسر مهربانش را در سوگ و ماتم نشاند. مرحوم علامه بار سنگین غم را در دل خود پنهان می‌کرد و همسرش را تسکین می‌داد. مدتی بعد خداوند فرزند دیگری به آ نها عنایت فرمود، ولی این شکوفه نورسته هم پس از یک سال سر به تیره تراب گذاشت و غم این خانواده جوان را تازه کرد. فرزند سوم هم به سرنوشت برادران خود دچار شد و این وضع خاطر لطیف همسر مهربان علامه را آزرده می‌ساخت. علامه طباطبایی به پیشگاه خداوند زاری می‌کرد تا از چنین وضع پریشانی رهایی یابند. روزی آیت الله قاضی طباطبایی که استاد علامه، و از بستگان همسرش بود، به منزل ایشان آمدند و از آنها دلجویی

فرمودند. هنگام رفتن به همسر مرحوم علامه فرمودند این بار فرزندتان پسر است و باقی می‌ماند. نامش را عبدالباقی بگذار تا ان‌شاءالله برایتان بماند. علامه که تا آن زمان از بچه‌دار شدن همسرش خبر نداشت، متحیر ماند اما سرانجام پیش‌بینی این عارف وارسته درست درآمد و خداوند فرزندی به آنها عنایت فرمود. وضعیت معیشتی
علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ده سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی ضمن کسب معارف فقهی، عرفانی و فلسفی، موفق به تدوین آثاری در حکمت و کلام شد. اما در اواخر این دوران از جهت معیشتی با مشکل روبرو شد؛ زیرا نسبت به مصرف سهم امام و بیت‌المال حساس بود و هزینه زندگی را با درآمد ملکی موروثی‌اش در تبریز اداره می‌کرد که از تبریز به نجف حواله می‌شد. در اواخر اقامت علامه، دولت از ارسال وجوه به خارج کشور جلوگیری کردو دیگر مبلغی به دست علامه بزرگوار نرسید و دچار تنگنا شد. مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و قرض گرفتن گذراندند و در انتظار رسیدن پول بودند، تا اینکه به طور غیرمنتظره وجهی از ایران رسید و علامه پس از پرداخت بدهی‌ها عازم ایران شد. همسر علامه طباطبایی
قمرالسادات، همسر علامه، از خانواده متدین و پاک طینت طباطبایی، زنی بود که در سیر تکاملی و سلوک علامه نقش مؤثر داشت. خانمی که همه عمر را در طبق اخلاص گذاشت و در راه این عارف والامقام تقدیم کرد. دشوارترین مشقّت‌ها را در غربت شهرهای نجف و قم تحمل کرد و حتی یک بار هم گلایه نکرد. مهندس سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند این خانواده می‌گوید: هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست؛ در این هوای سرد کجا می‌خواهیم برویم؟ مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می‌کرد این شعر را خواند:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست
می‌کشد هرجا که خاطرخواه اوست
رشته برگردن نه از بی‌مهری است
رشته عشق است و بر گردن نکوست قدردانی از همسر

حضرت علامه طباطبایی درباره همسر خود چنین می‌گوید: این زن بود که مرا به اینجا رسانید؛ او شریک من در کارهای علمی است و هرچه نوشته‌ام نصفش مال این خانم است. او به حدی به من کمک می‌کرد که گاه از چگونگی تهیه قبای خود اطلاع نداشتم (به این معنا که می‌رفت پارچه‌ای انتخاب می‌کرد، می‌خرید و پس از دوخت و آماده‌سازی در اختیار ایشان قرار می‌داد) وقتی مشغول تحقیق و پژوهش بودم، با من سخن نمی‌گفت و سعی می‌کرد، شرایط آرامی برایم ایجاد کند، رشته افکارم گسسته

نشود و هر ساعت در اطاق مرا باز می‌کرد و آرام چای را می‌گذاشت و می‌رفت. مرحوم علامه به همسر باوفایش عشق می‌ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. پس از مرگش تا مدتها مرحوم علامه هر روز بر سر قبرش حاضر می‌شد و در فقدان او ناباورانه اشک می‌ریخت و این مهر دوسویه همگان را به تعجب وا داشته بود. بی‌آلایشی و ساده زیستی

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی، از شاگردان علامه طباطبایی می‌گوید: آیت الله حجت تصمیم به توسعه مدرسه حجتیه قم گرفت. زمین‌هایی را خرید و در پی آن بود که نقشه مناسبی برای مدرسه تهیّه کند تا طرح جامع‌اش را اجرا کند. مهندسان نقشه‌های متعددی کشیدند ولی ایشان نپسندید. سرانجام شنیدیم سیدی از تبریز آمده و نقشه‌ای رسم کرده که مورد پسند آیت الله حجت واقع شده است. همچنین شنیدیم این سید در ریاضیات و فلسفه استاد است و درس فلسفه‌ای شروع کرده است. بسیار مشتاق زیارت ایشان بودیم تا اینکه روزی یکی از دوستان آمد و گفت آقای قاضی از زیارت مشهد برگشته، بیاید به دیدنش برویم. چون به منزل‌شان وارد شدیم، متوجه شدیم آن مرد معروف و آن فیلسوف و ریاضی‌دان همان سیدی است که ما هر روز او را در کوچه می‌دیدیم و از بس ساده زیست و بی‌آلایش بود، حتی احتمال نمی‌دادیم اهل علم باشد، چه رسد به اینکه فیلسوف و دانشمند باشد. تواضع استاد

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی می‌گوید: از زمان طلبگی، ما در قم به منزل ایشان رفت و آمد داشتیم و هیچگاه نشد با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که جماعت ایشان را درک نکرده‌ایم. سالی در ماه شعبان به مشهد مقدس مشرف شدند و مهمان ما بودند. موقع نماز مغرب سجاده‌ای برای ایشان و یکی از همراهان پهن کردم و از اطاق خارج شدم؛ به امید اینکه استاد به نماز مشغول شوند و سپس من داخل شوم و نماز را به امامت حضرت علامه بخوانم. قریب یک ربع ساعت از مغرب گذشت، آن رفیق همراه، مرا صدا زد و گفت: ایشان همینطور نشسته و منتظر شماست. آمدم محضر استاد عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا کرده‌ام که یک نماز با شما بخوانم ولی تا به حال نشده است قبول بفرمایید ما به شما اقتدا کنیم. با تبسم ملیحی فرمودند: یک سال دیگر هم روی آن چهل سال ! سرانجام بنده را مجبور به امامت جماعت کردند.

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تفسیر گران سنگ مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، می‌گوید: روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز حوزه‌های علمیه به ارزش واقعی تفسیر شریف المیزان پی نبرده‌اند و اگر حوزه علمیه به تدریس و تحقیق این کتاب با ارزش مشغول شود و پیوسته این کار را ادامه دهد، پس از دویست سال ارزش این کتاب معلوم

خواهد شد و باز عرض کردم: وقتی به مطالعه این کتاب مشغول می‌شوم در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می‌دهید و از راه موازنه و تطبیق آیات معنی را بیرون می‌کشید، جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آنرا بر زبان شما جاری ساخته است؛ تعبیر دیگری ندارم. ایشان سری تکان دادند و فرمودند: این فقط حسن نظر شما است. ما کاری نکرده‌ایم. عظمت روح و هیبت استاد

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی پیرامون شخصیت علامه طباطبایی می‌گوید: علامه طباطبایی مظهر متانت، وقار، طمأنینه، عزت نفس، توکل، اخلاص، تواضع، عطوفت و دیگر مکارم اخلاقی بودند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. بر مجلس ایشان چنان هیبتی سایه می‌افکند که حضار را در سکوتی ژرف و پر تأمل فرو می‌برد و انسان را به یاد شعر فرزدق می‌انداخت که در مدح امام سجاد(ع) گفته است: او از بس حیا و شرم و ادب داشت به هیچ کس زل نمی‌زند و نگاهش به زمین بود، ولی دیگران از شدت هیبت و جذبه او نمی‌توانستند در چهره‌اش خیره شوند.

به خاطر دارم که روشندلی در محضر ایشان با چشمانی اشکبار می‌گفت: در شگفتم که چگونه زمین، سنگینی چنین مردانی را تحمل می‌کند. رابطه با مجامع علمی و دانشگاهی

علامه طباطبایی علاوه بر تشویق دانش پژوهان و تلاش در تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی عنایت خاصی به گسترش معارف اسلامی در خارج از حوزه علمیه داشتند و از این رو، با دانشگاه استادان دانشگاه رابطه داشتند. از ثمرات این رابطه، کتاب گرانسنگ و بی‌بدیل اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از اولین نگارشهای شناخت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی است. آن فیلسوف فرزانه عنایت خاصی به ایجاد رابطه با آن مستشرقان و روشنفکران غربی داشتند که به تحقیق درباره اسلام علاقه‌مند بودند. هانری کربن، که از متدین‌ترین مستشرقان است، چندین سال در کنار علامه بزرگوار شاگردی کرد و حتی در مجلس‌های انس عارفانه مرحوم علامه مانند تفسیر اشعار حافظ شرکت می‌جست. احیای معارف اسلامی

آیت الله مصباح یزدی درباره نقش علامه طباطبایی در احیای معارف اسلامی چنین می‌گوید: برای اینکه تأثیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه بزرگوار در جامعه ایران و جوامع اسلامی و کل جهان ارزیابی شود، توجه به دو نکته ضرورت دارد. اول آنکه اهمیت کارهای فرهنگی را در جامعه بدانیم و نکته دوم شناخت کامل جامعه قبل از طلوع خورشید وجود علامه طباطبایی است؛ یعنی دانستن اینکه جامعه در چه وضعی بود و چه کمبودهایی داشت. این مسلم است که فعالیتِ فرهنگی برای یک جامعه

زنده از ضروری‌ترین فعالیت‌های اجتماعی و تأثیر آن برای رشد جامعه از هر عاملی مؤثرتر است. مرحوم علامه نیز هنگامی به حوزه علمیه قم قدم گذاشت که این نهال نورسته علمی تازه به مرحله رشد پاگذاشته بود و سخت نیازمند باغبان توانا و دلسوزی بود تا بتواند آن را بارور کند. در چنین اوضاعی آن فیلسوف و دانشمند جامع، با شناختی که از نیازهای جامعه داشت، به تربیت نیروهای کارآمد پرداخت. ایجاد تحول در حوزه علمیه

علامه طباطبایی درباره وضعیت تحصیلی حوزه علمیه چنین فرموده‌اند: وقتی به قم آمدم مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه در حوزه موجود بود چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت به عنوان جامعه اسلامی قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند. ولی در حوزه‌های علمیه حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه و از آنها دفاع کند، به قدرت استدلال عقلی نیاز داشت. پس به درسهایی در حوزه مورد نیاز بود که قدرت تعقل و استدلال را بالا ببرد. ولی از بحث‌های عقلی و فلسفه خبری نبود و تفسیر قرآن نه تنها به عنوان یک درس مطرح نبود، مورد مذمّت هم بود. از احادیث هم احادیث عقلی و اعتقادی مورد انزوا واقع شده بود. ذهن فلسفی و روش تفسیری

شهید آیت اللّه مطهری درباره ذهن فلسفی و روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی چنین می‌گوید: علامه طباطبایی، چند نظریه در فلسفه دارند؛ نظریاتی در سطح جهانی که شاید 50 تا 60 سال دیگر ارزش اینها روشن بشود ولی خود ما قدر خودمان را نمی‌دانیم. ایشان در وصف تفسیر المیزان می‌گوید: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در المیزان نیابم. ذوق و قریحه شعری

عارف وارسته، سیدمحمدحسین طباطبایی، دارای روح لطیف، ذوقی عالی و لطافت خاصی بودند. در اشعار عرب به شعرهای «ابن فارض» بویژه نظم السلوک او علاقه‌مند بودند و در اشعار فارسی دیوان حافظ شیرازی را می‌ستودند و گهگاه برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. او خود نیز دارای قریحه شعری بود و غزل‌های

مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد
رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد
تو مپندار که مجنون سرِ خود مجنون گشت
از سَمَک تا به سمایش کشش لیلا برد
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذرّه‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) و استادشان آیت الله قاضی(رحمت الله علیه)
آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی از محضر استادان گرانقدری بهره برده است، اما آنکه مورد عنایت مرحوم علامه بود و بارها نامش را به عظمت یاد می‌کرد، آیت الله میرزا علی آقای قاضی طباطبایی است. علامه بزرگوار می‌فرمود: ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، چه در زمینه علوم و چه در زمینه اخلاق و معارف الهی. آن عارف وارسته و یگانه عصر ما در عرفان عملی و سیر و سلوک الی اللّه، گوهر کمال را در وجود علامه طباطبایی یافت و در همان اوایل ورود ایشان به نجف، او را تحت تربیت خود قرار داد و این شاگرد نیز چه خوش درخشید و کوشش‌های استاد را به بار نشاند. آیت الله شیخ محمدتقی آملی(ره) می‌فرماید: اگر بناست تحت تصرف انسان کاملی باشید، من بهتر از آقای طباطبایی کسی را نمی‌شناسم او از بهترین شاگردان مرحوم قاضی است و همان وقت هم کشفیاتی داشتند. آثار علامه طباطبایی(رحمت الله علیه)
علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی در اواخر اسفند سال 1324 از تبریز به قم مهاجرت کردند و از همان آغاز خلأیی را در زمینه پرداختن حوزویان به قرآن کریم و علوم عقلی احساس کردند خود ایشان می فرمایند:
«هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. ازسوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث های عقلی و فلسفی وجود داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم».
این تشخیص نیاز و تکلیف شناسی سبب گردید تا مرحوم علامه از همان آغاز رویکردی جدی به مباحث قرآنی و عقلی بیابد. ایشان از سال 1325 ش. دروس تفسیر خود را در قم آغاز کرد و آنچه را که در آن جلسات می فرمود، مکتوب می ساخت تا اینکه نخستین جلد المیزان درسال 1334 منتشر شد. و نگارش این تفسیر شگرف حدود 17 سال به طول انجامید.
تفسیر قرآن برای علامه طباطبایی نه یک کار علمی بلکه ایفای وظیفه و ادای تکلیف بود و این مفسر عارف چه حالات عرفانی و تأثرات قلبی که در هنگام مطالعه بر روی قرآن عظیم پیدا نکرده است.
آقای موسوی همدانی مترجم محترم تفسیر المیزان که برای مقابله و

اطمینان از صحت ترجمه خدمت استاد علامه طباطبایی می‌رسید می‌گوید: در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی‌خوردیم ایشان دگرگون می‌شد و در مواقعی نیز اشک از دیدگانش جاری می‌شد، در این حالت که به شدت منقلب به نظر می‌رسید، می‌کوشید من متوجه حالتش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی می‌خواندم و ایشان تفسیر عربی، که بحث در رحمت پروردگار و آموزش گناهان بود، ناگهان معظم له به قدری متأثر شد که نتوانست به گریستن بی صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع به اشک ریختن کرد.
یکی از مراجع تقلید گذشته عبارت شگفتی درخصوص زحمات طاقت فرسای مرحوم علامه طباطبایی در راه نگارش تفسیر المیزان دارند و می‌فرمایند: علامه طباطبایی خود را در این راه تضحیه کرد یعنی قربانی قرآن نمود.
مرحوم شهید مطهری درباره این کار سترگ گفته است: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد. من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است.
در عین حال مرحوم علامه این کار عظیم را وظیفه و تکلیفی بیش نمی پندارد که با عنایت خداوندی آن را به انجام رسانده است.
یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: در این تفسیر بین معانی ظاهری و باطنی قرآن و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می‌کنند. این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که آن را می توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب ها و مذهب ها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فراخواند.
اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود و روی محتویات و مطالب آن بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دویست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.
عنایت و توجه خاص مرحوم علامه به روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام برای فهم معانی قرآن از آن رو است که ایشان معتقدند که از اسرار و باطن قرآن کسانی آگاهند که به صفت المطهرون متصف باشند چرا که قرآن می فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المطهرون» و از سوی دیگر در آیه تطهیر می فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»
بنابر این قرآن مطهرون را تنها کسانی می داند که می توانند رموز و ظرایف و اسرار آن را درک کنند و به استناد صریح آیه بعدی ایشان، همانا اهل بیت (ع) می باشند.

همچنین مرحوم علامه طباطبایی در خصوص آیه شریفه «قل لا اسئلکم علیه اجراً الا الموده فی القربی» بگو برای رسالتم از شما مزد و پاداشی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم؛ معتقدند: مراد از القربی در این آیه، اهل بیت (ع) می‌باشند و می‌نویسند: «علاوه بر اینکه روایتهای چندی از طریق اهل سنت و روایتهای بسیاری از طریق شیعه، بر همین معنی وارد شده است، اخبار متواتری نیز از طریق هر دو طرف بر وجوب مودت و لزوم محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد که این معنی و تفسیر را تأیید می کند».
همچنین ایشان معتقد است که «روایتهای متواتری، از طریق هر دو طرف، از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و... که همه متضمن این است که مردم در فهم کتاب خدا و هر آنچه که در آن است؛ از اصول معارف و فروع دین گرفته تا بیان حقایق آن، باید به اهل بیت (علیهم السلام) رجوع کنند. پس از تأمل کافی در این روایتها دیگر شکی نمی‌ماند که واجب کردن محبت اهل بیت(علیهم السلام) از سوی خدا و اجر رسالت قرار دادن آن، برای این است که مردم به اهل بیت(علیهم السلام) مراجعه کنند و آنها را ملجأ و مرجع علمی خویش دانند.
مرحوم علامه (ره) همانگونه که استاد شهید مطهری گفته‌اند در تفسیر قرآن از الهامات و توجهات غیبی محروم نمانده‌اند خود ایشان معتقدند که «یک حقیقت قرآنی وجود دارد که نمی‌شود انکار کرد و آن این است که هرگاه انسان به وادی ولایت الهی گام نهاد و به ساحت قدس و کبریا نزدیک گشت، دری از ملکوت آسمانها و زمین به رویش گشوده می‌شود که از آن آیات کبری و انوار جبروت الهی را که بر دیگران مخفی است مشاهده می‌کند».
و از همین جاست که حضرت ایشان می‌فرماید:
خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود
که به یک جلوه زمن نام و نشان یکجا برد
و در جای دیگری می فرماید:
تو مپندار که مجنون سرخود مجنون گشت
از سمک تا به سمائش کشش لیلا برد
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت
همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد
واقعاً این عنایت الهی به حضرت علامه پاداش اخلاص و صبر ایشان است. آن روز که ایشان به پژوهش و تدریس پیرامون تفسیر و علوم عقلی پرداخت، در میان علما و بزرگان تدریس فقه و اصول، زمینه ساز مرجعیت عامه به شمار می‌رفت و به اصطلاح غیر از فقه و اصول، فضل محسوب

می‌شد.
تحمل مخالفتهای دوستان با تدریس فلسفه و اقناع هر یک از آنان در آن روزگار کار آسانی نبود به خصوص آنکه حربه تکفیر در دستان عده‌ای به ابزاری برای جایگزینی مباحث علمی و مباحثات طلبگی تبدیل شده بود.
علامه معتقد بود آنچه که تکلیف ساز است، نیاز جوامع بشری است و در روزگاری که دانش پژوهان با چمدانهای پر از اشکال و شبهات به مراکز علمی و آموزشی روی می آورند، راهی جز اقناع آنان با استفاده از شیوه‌های استدلالی نیست.
علامه برای نیل به این اهداف هرگز خود را بی‌نیاز از توجه و عنایت خداوند سبب ساز نمی‌دید و تأثیر اساتید بزرگ و خودساخته‌ای همچون مرحوم حاج سیدعلی آقا قاضی (1285-1365 هـ ق) بر حالات روحی و عرفانی مرحوم علامه آنچنان بود که خود ایشان می فرماید: «وقتی درسال 1304 هـ ش برای تحصیل به نجف اشرف رهسپار گردیدم، در نخستین روزها در منزل نشسته و به آینده خود فکر می کردم و برخی افکار نگران کننده از ذهنم عبور می‌کردند. ناگهان شخصی دق الباب کرد. از جا برخاسته و درب را باز کردم، یکی ازعلمای نامدار سلام کرد و داخل منزل شد و خیرمقدم گفت، وی که چهره‌ای جذاب و نورانی داشت کم کم باب گفت و گو را باز کرد و با من انسی گرفت و درضمن بیانات خود گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می‌آید شایسته است علاوه بر فراگیری علوم گوناگون به فکر تهذیب نفس و تکمیل مکارم و کسب فضایل باشد. این جمله را گفت و منزل ما را ترک نمود. سخنان این عارف متشرع ـ آیت الله حاج سیدعلی قاضی ـ چنان مرا شیفته نمود که تا در نجف بودم از محضرش بهره می‌گرفتم».
عشق و ارادت حضرت ایشان به اهل بیت (سلام الله علیهم) و خضوع و خشوع در برابر ولایت و امامت در زندگی ایشان چیزی نبود که از دید نزدیکان و مریدان ایشان هم پنهان بماند.
وقتی از مرحوم شهید مطهری پرسیده می‌شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه طباطبایی برای چیست و چرا تعبیر «روحی فداه» را در مورد ایشان بکار می برید، آن فیلسوف متشرع پاسخ داد: من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت (سلام الله علیهم) است.
از درخت تنومند معرفت و دانش علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) به جز تفسیر المیزان آثار گران مایه ذیل به یادگار مانده است:
بدایة الحکمة: کتابی که یک دوره تدریس فشردة فلسفه برای دوستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاههای کشور گردید.
نهایة الحکمة: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزونتر و سطحی عالیتر تدوین شده است. بر کتابهای بدایة الحکمت و

نهایة الحکمت شروح مختلفی نوشته شده است و می توان گفت که از جمله بهترین کتابهایی هستند که درسده اخیر در گستره فلسفه اسلامی نوشته شده است.
اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیستها باعث فراهم آرودن این اثر گردید . این اثر با پاورقیهای استاد شهید مرتضی مطهری همراه است.
حاشیه بر کفایه: کتابی در علم اصول فقه که پیرامون قوانین استنباط احکام به بحث می‌پردازد.
شیعه در اسلام: دورهای کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم میخورد؛ این کتاب گرانبها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه و بارها چاپ شده است.
مجموعه مذاکرات با پروفسور هانری کربن.
خلاصه تعالیم اسلام: این کتاب خلاصه‌ای از آن چه یک مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، بیان کرده است.
روابط اجتماعی در اسلام : انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایة زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.
بررسیهای اسلامی: مجموعهای است زرّین از مقالات استاد که بسان دائرة المعارفی از معارف ناب اسلامی جمع آوری شده است.
آموزش دین: کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش آموزان نوشته شده است.
رسالة انسان قبل از دنیا: در دنیا و بعد از دنیا، این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه‌گانة ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.
رسالههایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف،... این مجموعه 26 رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.
دیوان شعر فارسی: مجموعهای از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است.
سنن النبی: سیره و روش رسول الله ـ صلّی الله علیه و آله ـ در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم میخورد. این اثر اخیر توسط استاد حسین استاد ولی به زبان فارسی ترجمه شده است.
لُبّ اللباب: مجموعه درسهای اخلاق استاد که از سالهای 1368 تا 1369 قمری برای برخی از فضلای حوزة قم بیان فرمودهاند.
حاشیه بر اسفار: نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این

کتاب جمع آوری شده است. علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) از دیدگاه آیت اللّه امینی(حفظه الله)
آیت اللّه امینی(حفظه الله) در وصف استاد خود چنین می‌فرمایند:
علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) چشمه جوشانی بود که در صحنه روحانیت شیعه جاری شد و تشنگان حقیقت را سیراب کرد. او آفتاب درخشانی بود که در آسمان اسلام طلوع کرد و تیرگی‌های شُبَهات و اوهام را برطرف کرد و به حق باید ایشان را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم، بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان اسلام در این عصر شمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت(ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده داشت. همین بس که اغلب رجال سیاسی، علمی و روحانی امروز کشور و گردانندگان چرخ انقلاب اسلامی از شاگردان بی واسطه یا با واسطه اویند.
سیره فلسفی
روش حضرت علامه در پژوهش‌ها فلسفه چنین ویژگی‌هایی داشت 1 ـ پایه‌های‌اند یشه استاد را تنها براهین یقینی تشکیل می‌داد؛ زیرا اثبات مسائل فلسفی فقط با مقدمات یقینی میسر است. 2 ـ حفظ و تکرار بر اندیشه فلاسفه بزرگ بسنده نمی‌کرد و اندیشه‌های گذشتگان را مورد تصحیح نقد قرار می‌داد. 3 ـ امور اعتباری را با مسائل فلسفی مخلوط نمی‌کرد و محور اندیشه خود را تنها بر واقعیت‌های جهان هستی گذاشته بود 4 ـ اوج تکامل عقلی و روحی این ابرمرد حکمت تا بدانجا بود که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه خیال و تمثّل مصداقی آن‌ها در مرحله تخیل، ادراک می‌کرد. 5 ـ روش تحلیلی آن بزرگ مرد فلسفه بررسی کامل موضوعات فلسفی بود و تا تصور کاملی از موضوع مسئله بدست نمی‌آورد وارد بحث نمی‌شد. 6 ـ در تنظیم مسائل عقلی از نحوه چینش مسائل ریاضی الهام می‌گرفت. 7 ـ از مکاتب مختلف فلسفی بهره می‌جست.
عرفان عملی علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) از منظر آیت الله حسن زاده آملی(حفظه الله)
آثار هر کس نمودار دارایی اوست‌بهترین معرف آن جناب، سیر و سلوک انسانی و آثار علمی، از تدریس و تالیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند، از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی وام الکتاب مؤلفات اوست. جایگاه علامه طباطبائی در عرفان عملی
موقعیت جناب علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در عرفان عملی این بود که دریافته بود و به این باور رسیده بود که: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». (1) راه این است و جز این نیست. و دقیقا بدین جهت، رفتار

او، گفتار او، سکوت او، قلم او و مطلقا آثار وجودی او، حکایت کننده وارستگی و عظمت ذخایر علمی و عملی او بود.
انسان وقتی حضرت علامه طباطبائی را زیارت می‌کرد، به یاد این حدیث‌شریف می‌افتاد که جناب کلینی در کتاب فضل العلم کافی به اسنادش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و فرموده است: من تعلم العلم و عمل به و علم لله، دعی فی ملکوت السماوات عظیما: فقیل تعلم لله و عمل لله و علم لله. (2)
آن کسی که دانش تحصیل کند و بدان عمل کند و به دیگران برای خدا تعلیم بنماید، در ملکوت سماوات و عالم اله - که خودش عالم عظیم است - او را به عظیم صدا می‌کنند: ای بزرگ، ای آقا، ای کسی که برای خدا تحصیل علم کرده‌ای، برای خدا بدان عمل کرده‌ای، برای خدا به دیگران تعلیم داده‌ای، تو آقا و بزرگ و عظیمی.
بنده هفده سال در محضر شریف او با ایشان انس داشتم و از ایشان کار لغوی ندیدم. حرف لغوی نشنیدم. بسیار مواظب کلام خود بود. علامه طباطبائی و مراقبت از نفس
به حقیقت، دل این مرد بزرگوار معدن تقوا بود; زیرا بسیار مواظب خود بود. همواره اهتمامش بر این بود و می‌گفت در شب و روز زمانی را برای حسابرسی خود قرار بدهید و ببینید که این 24 ساعت چگونه بر شما گذشته. اهل محاسبه باشید. همان طور که یک بازرگان و یک کاسب دخل و خرج خود و صادرات و وارداتش را حساب می‌کند، شما ببینید در این شب و روز که بر شما گذشت، چه چیزی اندوخته‌اید. چه گفته‌اید. یک‌یک رفتار و گفتارتان را حسابرسی کنید. از نادرستی‌ها استغفار کنید و سعی کنید تکرار نشود، و برای آنچه شایسته و صالح و به فرمان حاکم عقل بود، خدا را شاکر باشید، تا بتدریج‌برای شما تخلق به اخلاق ربوبی ملکه بشود. «و لاتکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم». (3)
حضرت علامه همواره مراقب نفس خویش بود و از خدا غافل نمی‌شد و این امر در صورت و رفتار و حرفشان پیدا بود که ایشان در پیشگاه دیگری قرار گرفته. هر چند به صورت ظاهر، جسمش با دیگران بود، پیدا بود که در محضر دیگری نشسته است.
در این باره، مصباح الشریعة می‌فرماید که: «العارف شخصه مع الخلق و قلبه مع الله» ; عارف بدنش با خلق و دلش با خداست; «و لامونس له سوی الله، و هو فی ریاض قدسه متردد و من لطائف فضله متزود» ; توشه‌اش آن سویی است. قلبی که او دارد در پیشگاه ملکوت عالم آمد و شد دارد. مونسش ملکوت عالم است.
چنین کسی مراقبت دارد و انسان بر اثر این مراقبت، یواش یواش به صفات ملکوتی متصف می‌شود و بدان خو می‌گیرد.

از خاطرم نمی‌رود که مرحوم علامه طباطبائی وقتی به من فرمود: «آقا، من هر روز مراقبتم قوی‌تر است. شب، مشاهدات من، مکاشفات من زلالتر است». هر چه روز مراقبت‌شدیدتر باشد، شب مکاشفات زلالتر و صافی‌تر است. عصاره خوبی ها
علامه سید محمد حسین طباطبایی مردی ساده و بی آلایش بود. متواضع، مودب، متین و با وقار بود و هیچ وقت عصبانی نمی شد.
هیچ گاه بلند سخن نگفت؛ در مورد کسی بد نمی گفت و هرگز کسی از ایشان غیبت نشنید. سخن کسی را قطع نمی کرد و به صحبت های دیگران خوب گوش میداد.
برای بدخواهان خودش هرگز نمی گذاشت که دیگران اقدامی کنند و خودش هم عفو میکرد. ز بحث های جدلی دوری میکرد و در برخورد باشاگردان خود شیوه مخصوصی داشت.
در شیوه وی هیچ وقت تحکم فکر در کار نبود. همیشه درعین حالی که سعی داشت متناسب بادرک واستعداد شاگردان، مطلب را القا کند، به آن ها مجال تفکر میداد.
اساسا ایشان نسبت به تربیت شاگرد به خصوص اهل فضل و خصوصا در زمینه معارف وحقایق قرآنی و استدلالی، شیفتگی زیادی داشت.
علامه اجازه نمیداد کسی دست ایشان را ببوسد؛ در همه لحظات مراقب خویش بود و هیچ گاه از خود تعریف نمیکرد. نسبت به اهل و عیال و خانواده بسیار مهربان بود. بامناجات و دعا و راز و نیاز بسیار مانوس بود. اکثر اوقات در سکوت بود و فقط لبانش به ذکر خدا حرکت میکرد.
پیاده روی را دوست داشت. در بذل دانش حریص بود. سؤال هیچکس را بدون جواب نمی گذاشت. به زیادی و کمی شاگردان توجه نداشت؛ حتِی گاهی از اوقات برای دوسه نفر هم درس می گفت. گاهی که استاد خطاب میشد، میفرمود این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا دور هم جمع شده ایم تابا کمک و همفکری، معارف اسلام را دریابیم.
اخلاص کامل داشت و همیشه جلب رضایت خدا را در نظر میگرفت.
وخلاصه این بزرگمرد الهی عصاره ای از تمام اخلاقیات نیکو و ویژگیهای حسن را دارا بود. پرواز به سوی ملکوت
علامه طباطبایی، سرانجام پس از 81 سال و هجده روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در 24 آبان 1360 ش از این جهان رخت بربست و جهان تشیع را در سوگ خود نشاند. با درگذشت علامه، این مفسر وارسته و حکیم عارف، دل‌های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و ادب غرق اندوه شد. سرسلسله بیداردلان، حضرت امام خمینی(ره) با اظهار هم‌دردی و برپایی مجلس ختم برای ایشان، این ضایعه اسفناک را به جهان تشیع تسلیت گفتند.

پاینده باد حوزه‌های نور و حجره‌های کوچک که در هر زمان و مکانی خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف‌اندیش بوده و خواهد بود. پی نوشت: 1) سوره اسراء/9
2) اصول کافی، تعریب حضرت استاد حسن‌زاده آملی، ج 1، ص 27.
3) سوره حشر/19

طباطبائی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1360 -1282 ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در 1297 ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در 1304 ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میراز علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فراگرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن‌ترکه و «اخلاق» ابن‌مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در 1314 ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در 1325 ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیتهای علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از:آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این

مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منشتر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود.او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است.
از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبی) (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه اللحکمه» و «نهایه الحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛ رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی».[1]
صدرالحکماء المتالهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعاظم علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.
در آخر ذی‌الحجه 1321 قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت‌یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال 1344 قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فراگرفته و در فن فقاهت و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال 1354 قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال 1365 قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.
و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.
1- حاشیه بر کفایه 2- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است 3- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است 4- اصول فلسفه 5- جلد به قلم امروز که 4 جلد آن مطبوع است 5- رساله‌ای در عشق 6- سنن‌النبی 7- شیعه در اسلام 8- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده 9- مصاحبات

با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده 10- وحی یا شعور مرموز 11- اصول عقاید برای دبیرستانها 5 جلد 12- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده 13- بدایه الحکمه در فسلفه 14- نهایه الحکمه در فلسفه.
15- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.
عالم.
تولد: 1319(1281 ق.)، تبریز.
درگذشت: 24 آبان 1360، قم.
علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال 1297 وارد رشته‌های علوم دینیه و علوم عربیه شد و تا سال 1304 به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه‌ی نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقاهت نایل آمد.
در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نایینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تملذ نمود.
در سال 1314 به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال 1325 نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.
پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.
از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و رئالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایة الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی با شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایة الحکه و نهایة الحکمه (کتاب بدایة الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرندی و کتاب نهایة الحکمة به ترجمه مهدی تدین منتشر شده

است)؛ فرازهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رسالة الولایة؛ رسالة النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماءالله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنیا؛ انسان فی الدنیا؛ انسان بعدالدنیا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های 1340 -1338 با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.
علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه 514 و 515 و 516 جلد چهارم و 146 جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 646 -645 / 14)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 8، ص 16 -1)، گنجینه‌ی دانشمدان (227 -226 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (863 / 2)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طبری، احسان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، شاعر، مؤلف.
تولد: 1295، ساری.
درگذشت: 9 اردیبهشت 1368، تهران.
احسان طبری، فرزند فخر طبری ملقب به فخرالعارفین، در شش سالگی به مکتب سید عبدالمجید رفت و قرآن را تعلیم گرفت و خواندن و نوشتن آموخت. نصاب‌الصبیان و کتاب‌های جودی و جوهری را نیز خواند. در هفت سالگی به مدرسه‌ی احمدیه رفت و پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به علت تبعید پدرش به تهران به اتفاق مادرش به آن شهر عزیمت کرد و دوره‌ی دبیرستان را هم به انجام رسانید، آنگاه به دانشکده‌ی حقوق راه یافت و فارغ‌التحصیل شد. در خلال تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به فراگرفتن علوم ادبیه و عربیه پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد اساتید کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی یافت.
در سنین جوانی به سبب آشنایی با تقی ارانی به مارکسیسم گروید و در سال 1316 همراه با 52 تن دیگر به زندان رضاشاه افتاد و همزمان با تبعید رضا شاه به جزیره موریس، از زندان رهایی یافت، سپس در فعالیت‌های حزب توده شرکت داشت، مدتی سردبیری روزنامه‌ی (رهبر) به صاحب امتیازی ایرج اسکندر را در تهران به عهده داشت (11 بهمن 13-1322 آذر 1325)؛ پس از چندی به اراک تبعید شد و در سال 1325 در کنگره‌ی نویسندگان در تهران شرکت کرد. در پس ترور نافرجام شاه در سال 1327 و اعلام غیر قانونی بودن حزب توده، در سال 1328 به اعدام محکوم شد، ناگزیر از ایران خارج شد و به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در آکادمی مسکو به تحصیل پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و به مقام استادی رسید، در این مدت وی در رادیو مسکو کار می‌کرد و سرانجام پس از نه سال فعالیت در این کشور به آلمان شرقی رفت و در شهر لایبزیک اقامت گزید. در برلین دوره‌ی آکادمی علوم اجتماعی را گذراندن و به دریافت مقام علمی «دکتر هانیل» در فلسفه دست یافت و سال‌ها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس اشتغال داشت. وی با زبان‌های عربی و پهلوی و روسی و آلمانی و انگلیسی و فرانسوی و ترکی آذری و ترکی اسلامبولی آشنایی داشت و در تخصش در زمینه‌ی تاریخ فلسفه و ادبیات بود.

در سال 1357 همزمان با اوج‌گیری قیام مردم و انقلاب اسلامی به ایران آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را با بازگشایی حزب توده از سر گرفت. در سال 1362 بنا به تشخیص مصادر امور، فعالیت حزب توده مغایر مصالح جمهوری اسلامی شناخته و به اتفاق کادر رهبری حزب دستگیر و زندانی شد. وی در زندان به اشتباهات خود و حزب اعتراف کرد و کتاب کژراهه (خرداد 1366) را در این زمینه نوشت.
احسان طبری در روزهای پایانی عمر خود نیز مشغول به نگارش اثری موسوم به آورندگان اندیشه‌ی خطا بود که حاوی کنکاشی است در اندیشه‌های احمد کسروی، صادق هدایت و سید حسن تقی‌زاده اما این امر با بسته شدن کتاب عمر وی به سبب نارسایی کلیوی در سال 1368 به انجام نرسید و نیمه تمام ماند.
احسان طبری همچنین به داستان نویسی نیز می‌پرداخت. افسانه‌های تمثیلی وی با نثر شبه کلاسیک آن و با استفاده از اساطیر ایرانی و اروپایی در خدمت تبلیغ مرام سیاسی خاصی است. از جمله داستان‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شکنجه و امید (1326)؛ مجموعه‌ای از قطعات ادبی او و در دوزخ (1327)؛ خدایان از بند رسته (با امضای طباطبا که ظاهرا از اوست، 1331)؛ حماسه‌ی گئومات (چاپ شده در کشورهای اروپایی شرقی، نمایشنامه تاریخی منظوم)؛ فرهاد چهارم (داستان، استکهلم، 1977 1356)؛ خانواه برومند (داستان)؛ چشمان قهرمان باز است (مجموعه داستان)؛ پنجامه (مجموعه داستان)، چهره خانه (داستان)؛ دهه نخستین (داستان)؛ رانده ستم (داستان).
از احسان طبری سه مجموعه شعر به نام‌های از میان ریگ‌ها و الماس‌ها و دریچه پاییز و در سال 1360 مجموعه شعری به نام ترانه‌ی خوابگونه (مجموعه شعر نو) طبع و نشر کرد.
علاوه بر آثار فوق می‌توان به عنوان‌های دیگری نیز اشاره نمود: آنتی دورینگ (فردریک انگلس)؛ الفبای مبارزه (استکهلم، 1977 1356)؛ انسان و پراتیک اجتماعی و رفتار فردی وی (در زمینه اخلاق)؛ ایران در دو سده‌ی واپسین (مجموعه‌ای از دو کتاب بنیاد آموزش انقلابی و بررسی‌ها درباره برخی از...، 1360)؛ برخی بررسی‌ها درباره‌ی جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، 1970 1348)؛ برخی مسائل حاد انقلاب ایران؛ بررسی چند مسئله‌ی اجتماعی؛ بررسی‌های اجتماعی و تاریخی؛ بنیاد آموزش انقلابی (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، 1971 1350)؛ جامعه ایران در دوران رضاشاه (یک تحلیل عمومی، چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، 1977 1356)؛ جامعه و جامعه شناسی؛ چهره‌ی یک انسان انقلابی (برخی از مسائیل اخلاقی و انسان‌شناسی، 1360)؛ دانش و بینش (در زمینه عرصه

های نوین علمی)؛ درباره منطق عمل، دو مقاله درباره‌ی تبلیغات (1361)؛ دو هفته در اتحاد جماهر شوروی (با همکاری نورالدین کیانوری)؛ دوزخ شغالشاه رؤیای چینی (1327)؛ رد تئوری همگرایی (سیاسی)؛ زایش و تکامل تئوری انقلابی؛ فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه‌ی انقلاب مشروطیت (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، 1975 1354)؛ سفر جادو؛ سیمای یک انقلابی؛ شناخت و سنجش مارکسیسم (1368)؛ شمه‌ای درباره‌ی شناخت ایران و جهان؛ گفتگو با یک روشنفکر مأیوس (نمایشنامه)؛ نوشته‌های فلسفی و اجتماعی.
(1368 -1295 ق)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در ساری به دنیا آمد. قبل از هفت سالگی به یادیگری علوم دینی پرداخت. دوران دبستان را در ساری گذراند. بعد از تبعید پدرش به تهران، او نیز به تهران آمد و دوره دبیرستان را به انجام رسانید، آن‌گاه به دانشکده حقوق رفت و فارغ‌التحصیل شد. وی در همان وقت به فراگرفتن علوم ادبی و عربی پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد استادان فن کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی کامل یافت. در 1316 ش به همراه گروه پنجاه و سه نفر یاران دکتر تقی آرانی زندانی شد. بعد از آزادی به حزب توده پیوست و از برجسته‌ترین اعضای آن حزب شد. وی به علت تبلیغات کمونیستی از جانب رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد و ناگزیر به شوروی پناه برد و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن به برلین رفت و در آنجا موفق به کسب دکترای فلسفه شد و سالها در دانشگاههای آلمان به تدریس پرداخت. وی به زبانهای روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه و ترکی تسلط کافی داشت. بع داز انقلاب بهمن 1357 به ایران بازگشت. در 1362 دستگیر و زندانی شد. احسان طبری از بزرگترین نظریه‌پردازان مارکسیسم در ایران و جهان بود. از حافظه و استعداد شگرف برخوردار بود، و در زمینه‌ی شعر کلاسیک و نو و داستان و رمان و تحقیقات فلسفی و بررسیهای لغوی و فرهنگ عامیانه و مسایل سیاسی و اجتماعی اطلاعات عمیقی داشت. از آثار وی: «فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری »؛ «شناخت و سنجش مارکسیسم»؛ «خانواده برومند»؛ «روشنفکر مأیوس»؛«زایش و تکامل تئوری انقلابی»؛ «رانده‌ی ستم»؛ «دهه نخستین»؛ «کژراهه»؛ «حماسه گئومات»؛ «از میان ریگها و الماسها»، مجموعه‌ی شعر؛ «ترانه خوابگونه»، مجموعه‌ی شعر؛ «آنتی دورینگ»، ترجمه؛ «شکنجه و امید»؛ «در دوزخ»؛ «رویای چینی».[1]
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] سخنوران نامی معاصر (155 -148 / 1)، کیهان

فرهنگی (س 6، ش 2، ص 56)، مازندران، شرح حال رجال معاصر (148 -147 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (314 -313 / 1).

طبسی، معین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، عالم دینی و منطقی. وی از علمای قرن نهم هجری است که در 894 ق حاشیه‌ای بر حاشیه‌ی میر سید شیف جرجانی بر «شرح المطالع»، در منطق نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (78 -77 / 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 137 / 9)، گنجینه‌ی دانشمندان (30 / 6).

طوبی، ابراهیم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1174 ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بودکه در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (43)، الذریعه (651 / 9)، ریحانه (62 / 4).

طوسی بتارکانی، علاءالدین علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 877 ق)، حکیم، فقیه حنفی، اصولی و مدرس. در سمرقند به دنیا آمد. علوم عقلی و نقلی را در ایران تکمیل کرد و آن گاه به روم شرقی رفت و مدتی در قسطنطنیه ساکن شد و مورد تکریم سلطان عثمانی قرار گرفت. ابتدا از طرف سلطان مرادخان به تدریس در مدرسه بروسه منصوب و پس از آن از طرف سلطان محمد فاتح تدریس مدرسه زیرک بدو تفویض شد. مدتی بعد به تبریز و از آن جا به ماوراءالنهر رفت و از تمامی مشاغل دنیوی منصرف شد و در خدمت مشایخ صوفیه پا به دایره سیر و سلوک گذاشت. طوسی در سمرقند درگذشت. برخی از شرح‌حال نویسان گویند که وی در خراسان یا در تبریز درگذشت. در سال وفات او نیز از 860 ق تا 887 اختلاف نظر وجود دارد. از آثارش: «الذخیره»، در محاکمه بین دو کتاب « تهافت الفلاسفه» غزالی و «الحکماء» ابن‌رشد که به خواهش سلطان عثمانی نوشت؛ حاشیه بر «التلویح» تفتازانی، در اصول؛ حواشی بر «شرح المواقف»؛ حاشیه بر شر عضد بر «مختصر المنتهی»؛ حواشی بر «حاشیه الکشاف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (162 / 5)، تاریخ ادبیات در ایران (92 / 4)، ریحانه (160 -159 / 4)، کشف الظنون (1892، 1856، 1716، 1479، 1144، 825، 513، 497)، لغت‌نامه (ذیل/ علاءالدین)، معجم المؤلفین (185 / 7)، مؤلفین کتب چاپی (304 -303 / 4)، هدیه العارفین (737 / 1).

طوسی، محقق

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد معروف به خواجه نصیرالدین طوسی جهرودی‌الاصل، شیخ حر عاملی در کتاب امل‌الامل می‌نویسد: وی مردی فاضل و ماهر و عالم و متکلم محقق در عقلیات او را کتبی است که از جمله آنها کتب زیر است 1- کتاب «تجرید الاعتقاد» 2- تذکره «در هیئت» 3- تحریر کتاب اقلیدس 4- تحریر مجسطی 5- شرح اشارات 6- «فصول نصیریه» 7- «فرائض نصیریه» 8- «آداب المتعلمین» 9- رساله اسطرلاب 10- رساله جواهر 11- نقد المحصل 12- رساله معینیه در هیئت به فارسی 13- شرح آن به فارسی 14- رساله خلق اعمال 15- شرح ساله العلم میثم بحرانی 16- اخلاق ناصری 17- اوصاف الاشرف و غیر اینها، روایت می‌کند از او علامه حلی که در اجازه بنی‌زهره نوشته است این شیخ افضل اهل زمان خود در علوم عقلیه و نقلیه و از برای اوست مصنفات بسیاری در علوم حکمیه و احکام شرعیه بر مذهب امامیه وی بزرگترین کسی است که ما دیده‌ایم که نورانی کند خدا خوابگاه او را. من، الهیات شفای ابوعلی سینا و بعض کتاب تذکره را در هیئت که از تصانیف خود اوست نزد وی خواندم سپس درک نمود او را اجل محتوم قدس‌اللّه‌روحه.
نگارنده گوید: خواجه در حمله دوم مفعول موقعی که هلاکوخان نوه چنگیز بقعله «میمون دژ» مرکز و پناهگاه اسماعیلیان واقع در الموت قزوین لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرد از حبس آن فرقه ضاله آزاد و همراه هلاکو به بغداد آمد سپس هلاکو را بعد از قتل آخرین خلفاء بنی‌عباس و ابن‌حاجب از جنگ و تخریب بقیه بلاد اسلامی منصرف و به مراغه آذربایجان آورد و به عمران و آبادی و تشویق اهل فضل و احیای علوم عقلی تشویق نمود و خود با تأسیس رصدخانه بزرگ مراغه که آکادمی علوم عقلی و نقلی بود و با داشتن ریاست اوقاف و مقام علمی، جان مردم مسلمان خاصه علماء نامی ما را از خطر نابودی و انهدام حفظ کرد و از این راه بزرگترین خدمت را به دین اسلام و ملت ایران نمود- و حقاً خواجه یکی از بزرگترین دانشمندان جهان و نابغه عالیقدر شیعه و فیلسوف نامی اسلام است. ولادتش در طوس در ج 1 سال 597 ه.ق واقع و در روز عید غدیر سال 672 در بغداد از دنیا رفت و در قسمت بالا سر حضرت امام همام باب الحوائج موسی بن جعفر علیهماالسلام در مکانی که برای ناصر عباسی مهیا کرده بودند دفن شد در ماده تاریخ وفات او به فارسی گفته شده:

«نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل
یگانه‌ای که چه او مادر زمانه نزاد
بسال ششصد و هفتاد و دو بذی‌الحجه
بروز هیجدهمش درگذشت در بغداد

ابوجعفر نصیرالدین محمد بن حسن طوسی (و. 597- ف. 672 ه.ق) از علمای بزرگ ریاضی و نجوم و حکمت ایران در قرن هفتم و نیز از وزراء آن عصر است. مدتی در دستگاه اسماعیلیه بود و هنگام حمله‌ی هلاکوخان مغول به ایران برای نجات مسلمانان از خونریزیهای آن مرد سفاک به خدمت او درآمد و با تدابیر خاصی از خرابی شهرها و کشتار دسته‌جمعی مردم به دست هلاکو جلوگیری کرد. این دانشمند که در ضمن یکی از فقهای مذهب تشیع است هلاکوخان را به ایجاد رصدخانه در مراغه و ترتیب زیج جدیدی که بعداً به زیج ایلخانی مشهور گردید و خود تصدی این کار را برعهده گرفت تشویق کرد. گویند تمام اوقاف نیز در سراسر ممالک مفتوحه مغول در تحت نظر او بود. از خواجه تألیفات متعددی در رشته‌ی علوم ریاضی، نجوم، منطق، علوم طبیعی، حکمت الهی، و مجسطی باقی مانده است. او یکی از شارحان و مفسران کتاب «اشارات» ابوعلی سینا است. از مشهورترین تألیف‌های او در عربی شرح اشارات ابن‌سینا و در فارسی کتاب «اخلاق ناصری» است که در غایت نیکویی سخنان افلاطون و ارسطو را در حکمت عملی جمع کرده و آراء متقدمین را شرح و شبهات متأخرین را رد نموده است. دیگر کتاب «تجریدالکلام فی تحریر عقایدالاسلام» و این تجرید که در الهیات است طرف توجه عده‌ی کثیری از شراح و صاحبان رسائل کلامیه است و نیز «تذکره‌ی نصیریه» در هیئت و «اساس الاقتباس» در منطق و «اوصاف الاشراف» در عرفان و رسالات و کتبی به زبان عربی در منطق و هیئت و هندسه از او باقی است.

(672 -597 ق)، دانشمند، نویسنده، منجم، فیلسوف، ریاضیدان و شاعر. ملقب به استاد البشر و عقل حادی عشر. مشهور به خواجه نصیرالدین و خواجه نصیر طوسی. اصل وی از جهرود ساوه یا قم است. در طوس به دنیا آمد و به همین علت به طوسی مشهور شد. پئرش از فقها و علمای طوس بود. نصیرالدین علوم نقلی را نزد پدر و علوم عقلی را نزد دایی خود فراگرفت. در آغاز جوانی برای تکمیل معلومات به نیشابور رفت. در آنجا به محضر فریدالدین عطار نیشابوری رسید و گویند حکمت مشاء را نزد وی آموخت. ریاضیات را از کمال‌الدین محمد حاسب و فقه را نزد معین‌الدین سالم بن بدران مصری و کمال‌الدین میثم بحرانی فراگرفت و از محضر درس دانشمندانی چون کمال‌الدین بن یونس موصلی، ابوالسعادات اصفهانی، اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی و نجم‌الدین محقق حلی استفاده کرد. با صدرالدین قونیوی معاصر و معاشر بوده است. اعتمادالسلطنه در

«مطلع الشمس»، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن طاووس و قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و جمال‌الدین حسن بن یوسف، ملقب به علامه حلی، را از شاگردان وی می‌شمرد. او چند سال پس از واقعه‌ی حمله‌ی چنگیز، به قلاع اسماعیلیه پناه برد و به خدمت ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی‌منصور، محتشم قهستان رسید و به خواهش او کتاب «الطهارة» ابوعلی مسکویه را به فارسی ترجمه کرد که بعدها آن را اساس تألیف «اخلاق ناصری» قرار داد. سپس به دعوت علاءالدین محمد، فرمانروای اسماعیلیان، به قلعه‌ی میمون دژ رفت. وی پس از غلبه‌ی هلاکوخان به قلاع اسماعیلیه در 654 به خدمت او پیوست و همواره در ملازمت وی بود. در مورد تصمیم به ساختن رصدخانه، گویند منگوقاآن، که از پادشاهان مغول است، هنگام فرستادن هلاکو به ایران، دستور داد که خواجه نصیر را به دربار او روانه کند تا در مغولستان این رصدخانه تأسیس شود، اما هولاکو صلاح دید که این کار به امر او باشد و رصدخانه در ایران بنا شود. بعد از فتح بغداد، خواجه در 657 ق از جانب هلاکو مأموریت یافت تا رصدخانه‌ی مراغه را ترتیب دهد. او هم جماعتی از ریاضیدانان بزرگ مانند: مؤیدالدین عرضی، از دمشق، و فخرالدین مراغی، از موصل، و فخرالدین اخلاطی، از تفلیس، و نجم‌الدین دبیران قزوینی را گرد آورد و کار احداث رصدخانه‌ی مراغه را در همان سال آغاز کرد. خواجه با این کار عالمان بزرگ زمان را که پراکنده بودند، گرد آورد و همچنین کتابخانه‌ای عظیم در محل رصدخانه مراغه احداث کرد و کتابهایی را که از بغداد، شام و الجزیره و اطراف و اکناف ایران فراهم آمده بود و به تصریح الکتبی، بیش از چهارصد هزار مجلد می‌شد، در آنجا جمع کرد. عمر خواجه از این پس در خدمات علمی گذشت. خواجه وزارت هولاکو را نیز به عهده داشت و با تقرب خود در نزد هلاکو، از قتل گروهی از بزرگان عهد خویش پیشگیری کرد. نصیرالدین یکی از بزرگترین بنیان‌گذاران کلام شیعه و پیشاهنگ بزرگ فلسفه‌ی مشاء بود. در حکمت و فلسفه بزرگترین کار او تأیید و تسجیل حکمت ابوعلی سینا است و برای این کار به شرح مشکلات «اشارات» ابوعلی سینا و اثبات مباحث آن همت گماشت. خواجه اولین دانشمندی بود که حالات ششگانه را در مثلث کروی قائم‌الزاویه بیان کرد و آن را در کتاب خود به نام «الشکل القطاع» شرح داد. وی در شانزدهمین سال تأسیس رصدخانه وفات یافت و عمل رصد و زیج ناتمام ماند. اگر چه صدرالدین، پسر بزرگ او و بعد از وی، اصیل‌الدین عهده‌دار تکمیل آن شدند، اما به تدریج رصدخانه، متروک گشت تا این زمان که تنها نامی از آن باقی مانده است. نصیرالدین در بغداد درگذشت و جنازه وی را در کاظمین به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «تجرید الکلام» یا «تجرید العقائد» یا «تجرید الاعتقاد» یا «تحریر العقاید»، در اصول دین؛ «زیج ایلخانی»، به فارسی؛

«اوصاف الاشراف»، در اخلاق به فارسی؛ «اساس الاقتباس»، در منطق؛ «تحریر اصول اقلیدس»، در هندسه؛ «تحریر مجسطی»، در هیئت؛ «تذکره‌ی نصیریه»، در هیئت؛ شرح «اشارات» ابوعلی سینا؛ «سی فصل»، در نجوم؛ «رسالة فی اثبات الفرقة الناجیة»؛ «رسالة فی حصر الحق بمقالة الامامیة»، به فارسی؛ «الاثنی عشریة»؛ «تحریر اکرمانالاوس» یا «تحریر کتاب مانالاوس فی الاشکال الکرویة»؛ «تجرید المنطق»؛ «البارع فی التقویم و احکام النجوم»؛ «آداب المتعلمین»؛ «التجرید فی الهندسه»؛ «معیار الاشعار»، در عروض فارسی؛ «زبدة الادراک فی هیئت الافلاک»؛ «جامع الحساب فی التخت والتراب» یا «جوامع الحساب بالتخت والتراب»؛ «ظاهرات الفلک»؛ «بیست باب»، در معرفت اسطرلاب؛ «دیوان» شعر. به قول صاحب «زندگینامه‌ی ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی»، بروکلمان فهرست پنجاه و نه عنوان و سارتن فهرست شصت و چهار عنوان از آثار نصیرالدین را آورده و آنها را به چندین رشته‌ی مختلف تقسیم کرده‌اند.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (258 -257/ 7)، اعیان‌الشیعه (420 -414/ 9)، ایضاح‌المکنون (353 -352/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1205 -1198 271، -257 ،254 -252 ،231 -229/ 3)، تاریخ علوم عقلی (صفحات متعدد)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (441 -417)، تاریخ گزیده (706 -705)، تاریخ نجوم اسلامی (246 ،52 ،47 ،45)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (467 -465)، دائرةالمعارف بستانی (359/ 11)، دایرةالمعارف فارسی (3033/ 2)، الذریعه (265/ 13 ،1199 -1198 ،989 ،651 ،306/ 9 ،353 -352 8،/ 3 ،6 -5 / 2 ،26/ 1)، روضات‌الجنات (297 -278/ 6)، ریاض‌العارفین (235 -234)، ریاض‌العلما (164 -159/ 5)، ریحانه (182 -171/ 2)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (506 -486)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (357 -342)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 170 -168/ 7)، العبر (326/ 3)، فرهنگ ادبیات فارسی (509 -507)، فرهنگ سخنوران (937)، فلاسفه‌ی شیعه (523 -490)، فوات الوفیات (252 -246/ 3)، فواید الرضویه (612 -602)، کشف‌الظنون (1644 ،1436 ،969 ،950 ،391 ،357 ،352 -351 ،351 -346 ،142 ،139)، الکنی والالقاب (252 -250/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیرالدین طوسی)، مجالس المؤمنین (210 -201/ 2)، مجمع‌الفصحا (1407 -1406/ 3)، مطلع‌الشمس (231 -219/ 1)، معجم‌المؤلفین (208 -207/ 11)، مؤلفین کتب چاپی (744 -730/ 5)، نتایج‌الافکار (709 -708)، الوافی بالوفیات (183 -179/ 1)، هدیةالاحباب (196 -195)، هدیةالعارفین (131/ 2).

طیب نیا، محمدصالح

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صالح طیب نیا
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/6/8
زندگینامه علمی
در سال 1374 در رشته مهندسی آبیاری در دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شدم. از همان زمان علاقه زیادی به علوم اسلامی بویژه مباحث کلامی و اعتقادی داشتم. در دوران تحصیل کتب شهید مطهری و برخی از کتب فلسفی را مطالعه می کردم.
در همین ایام در محضر یکی از اساتید مبرز حوزه علمیه المنوق منظومه سبزواری و سپس نهایة الحکمه را گذراندم. در اواخر سال 1377 همزمان با تحصیل در دانشگاه دروس حوزوی را نیز شروع نمودم و تا سال 1379 نیز به تحصیل در دروس حوزوی ادامه دادم. (در سال 1378 از دانشگاه فارغ التحصیل گشتم.)
بخاطر علاقه ایجاد شده به فلسفه در سال 1381ذ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم پذیرفته شدم. علیرغم آنکه رشته کارشناسی بنده علوم انسانی نبود اما دانشجوی ممتاز و رتبه اول گروه بودم و در سال 1383 با معدل 98/18 فارغ التحصیل شدم. موضوع پایان نامه ؛ خدا در آینه خود آگاهی بود که در واقع تبیین فلسفی و دینی از روایت شریف (من عرف نفسه فقد عرف ربه) بحساب می آید.
بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی ، تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم و با اخذ مجوزهای لازم به تدریس در دانشگاه جامع علمی – کاربردی و سپس آزاد نجف آباد پرداختم و سرانجام در سال 1385 در دانشگاه صنعتی اصفهان به عنوان هیأت علمی گروه معارف مشغول شدم.
در سال 1383 به همت برخی از اساتید دانشگاه اصفهان و سایر دوستان ، مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه را راه اندازی نمودیم که تا پایان سال 1384 مدیریت مجموعه را بر عهده داشتم.

ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1026 ق)، عالم امامی، متکلم، حکیم متأله، ادیب و شاعر. پدرش میرزا قوام‌الدین حسین در عهد شاه طهماسب در همدان عهده‌دار منصب قضاوت و متصدی امور شرع بود، بدین جهت میرزا ابراهیم به قاضی‌زاده نیز مشهور است. وی به همراه پدرش مدتی در قزوین بود لذا توانست در محضر میر فخرالدین سماکی تلمذ کند و علوم عقلی را فراگیرد. چون به همراه پدر به اصفهان رفت، شاگرد میرزا مخدوم اصفهانی شد. وی تحصیلات را در فقه و ادب و حکمت و کلام و بلاغت ادامه داد تا سرآمد شد. مراتب علمی او با زهد و تقوی توأم بود. حدیث را از شیخ بهائی فراگرفت و از او اجازه‌ی روایت دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد بن نعمت‌الله عاملی ملاقات کرد و از او نیز اجازه‌ی روایت دریافت کرد. او بعد از وفات پدر قاضی همدان شد، لیکن اکثر اوقات خود را در درس و مطالعه و مباحثه می‌گذراند. شیخ بهایی او را بر میرداماد ترجیح می‌داد و مکاتباتی بین آن دو جریان داشت. ظهیر همدانی از دانشمندان بزرگ عصر خود بود و جمع کثیری از علمای زمان از محضر وی استفاده کردند. مجلسی اول، علامه ملا محمد تقی، از وی اجازه‌ی روایت گرفت. او تألیفات و تصنیفات بسیار دارد که از آن جمله است : رساله‌ی «اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ «انموذجه الابراهیمیه»، تلعیقات بر دو کتاب «شفا» و «نجاه» ابن‌سینا؛ حاشیه بر «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه بر «شرح جدید تجرید»؛ حاشیه بر «کشاف».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (29 / 1)، اعیان الشیعه (129 -128 / 2)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (213 -209 / 1)، تاریخ نظم و نثر (504)، الذریعه (113، 110، 11 / 6، 409 / 2)، روضات الجنات (43 -42 / 1)، ریاض العلماء (13 -9 / 1)، ریحانه (74 -73 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 14 -12 / 11)، فوائد الرضویه (5)، الکنی و الالقاب (51 -50 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابراهیم)، معجم المؤلفین (23 / 1)، هدیه العارفین (29 / 1).

عامری

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن محمد بن یوسف نیشابوری حکیم معروف ایرانی (ف. نیشابور 381 ه.ق./ 991 م.). وی شاگرد ابوزید احمد بن سهل بلخی و استاد ابوعلی احمد ابن محمد مسکویه و معاصر ابوحیان توحیدی است. عامری در خراسان حکمت آموخت و سپس به خدمت ابن العمید رسید و در صحبت او به سال 364 ه.ق. به بغداد رفت و پنج سال هم در ری اقامت گزید و در این مدت ابوعلی مسکویه در مجلس درس او حاضر میشد ولی به گفته ابوحیان توحیدی کلمه‌ای از او استفاده نکرده. وی شارح فلسفه ارسطوست و کتابهای الابصار و المبصر و النسک العقلی از اوست.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عامری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 381 ق)، فیلسوف، در نیشابور متولد شد و برای کسب دانش به اکثر بلاد اسلامی مسافرت کرد، و با دانشمندان بزرگی مانند ابن‌عمید، ابوالحسن عتبی، ابوسعید سیرافی، ابوسلیمان منطقی سجستانی، ابوحیان توحیدی و ابن‌مسکویه مصاحبت و مباحثه داشت و از هر خرمنی توشه‌یی اندوخت. استاد او در حکمت ابوزید بلخی بود. مدتی به صوفیه دل داد و با آنان محشور شد. وی معاصر ابوعلی سینا بود و با او مکاتباتی نیز داشت، چنانکه یکی از تصنیفات بوعلی جواب «اسئله عامری» است. آگاهی ما از زندگی خصوصی عامری بسیار اندک است و لیکن می‌توان گفت که چون مردی تندخو بود و در بیان عقاید فیلسوفان جسور و دلیر، عدّه‌ای قصد خون او کرده بودند، لذا، بر جان خود هراسان بود، و پیوسته سفر می‌کرد از تألیفات او: «الابصار والمبصر»، درباره‌ی دیدن و بینایی؛ «الاعلام بمناقب الاسلام» در 28 صفحه؛ «الأمد الی الأبد»، در تاریخ فلسفه؛ «انقاذ البشر من الجبر والقدر»؛ «التقریر لأوجه التقدیر»؛ «فرخ‌نامه‌ی یونان دستور»، شامل اندرزهای یونان دستور است به کسری انوشیروان ساسانی؛ «السعادة والاسعاد»، که مهمترین و شاید بزرگ‌ترین اثر عامر است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (22/8)، الامتاع والمؤانسه (84/2)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (142 -131)، دایرةالمعارف فارسی (24/1)، کشف الظنون (168)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالحسن عامری)، معجم المؤلفین (127 /12).

عبادی، جلیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلیل عبادی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1357 وارد حوزه علمیه تبریز شدم پس از تحصیل مقدمات مشغول تحصیل در شرح لمعه شدم در عین تحصیل از تدریس مقدمات شروع کرده و به تدریج به تدریس‌های خود اضافه نمودم بعد از چهار سال به مدرسه باهنر در تهران رفتم در آن مدرسه ضمن تحصیل مشغول تدریس صرف و نحو بودم بعد از یک سال و اندی جهت ادامه تحصیل وارد قم شدم در قم بعد از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و در ضمن تحصیل سطوح، کتاب اصول فقه، شرح لمعه و صرف میر و صمدیه و کتابهای دیگر ادبیات را تدریس نموده و هم اکنون تدریس در فقه و اصول و ادبیات ادامه دارد. پس از شروع جنگ توفیق حضور در جبهات جنگ نصیب ما شد و در اثر اصابت ترکش حدود یک سال و نیم در خانه و بیمارستان بستری بودم. بعد از بهبودی نسبی و خاتمه جنگ تحمیلی از نهادهای مختلف جهت همکاری و کارهای اجرائی و تبلیغی دعوت شدم ولکن اینجانب تحقیق و تدریس در حوزه را به همه مناصب وکارهای دیگر ترجیح دادم و مشغول تحصیل و تدریس و تالیف شدم و حاصل کوشش‌های فراوان در طی این مدت تدریس در مقاطع مختلف و همچنین تالیف بعضی از کتابها می‌باشد. از جمله: شرح اسقحاب رسائل شیخ انصاری که تقریباً کامل شده است، شرح تعادل و تراجیع کتاب جرائد الاصول شیخ الانصاری و شرح مباحث الفاظ کتاب کفایة الاصول می‌باشد با اینکه اینجانب سعی داشتم که محور فعالیت حوزه باشد ولکن در سالهای اخیر با بعضی از مراکز دانشگاهها نیز همکاری می‌کنم و وقتی وارد محیط دانشگاه شدم احساس نمودم به کتابهای درسی عقاید نیاز دارند و کتابهای حاضر جوابگوی نیاز آنها نمی‌باشد به این جهت تصمیم گرفتم کتابهای درسی برای دانشگاهها تالیف نمایم و بحمدالله این کتابها در دست تالیف است ولکن هنوز مقداری از مباحث آنها ناقص است. از جمله این کتابها می‌توان

اندیشه اسلامی جلد یک و اندیشه اسلامی جلد دو نام برد و هم‌اکنون تدریس در حوزه و دانشگاه برقرار است و امیدوارم خداوند خودش ما را در جهت خدمت به فرهنگ اسلامی یاری کند و آخرین کلام حمد خداوند می‌باشد.

عباسی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی عباسی
محل تولد : سربند اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی عباسی در سال 1361 پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شدم . مدت یک سال در اراک تحصیل نمودم و در سال 1362 وارد حوزه علمیه قم شدم . دوره سطح را در سال 1370 به پایان رساندم . از سال 1370 تا 1381 به مدت 11 سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات وحید خراسانی , تبریزی , فاضل لنکرانی و هاشمی شاهرودی شرکت نمودم . در سال 1367 همزمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه تهران پرداختم و در سال 1371 مدرک کارشناسی فیزیک با گرایش اتمی دریافت نمودم . از سال 1374 تا 1377 نیز دوره کارشناسی ارشد فیزیک را در رشته فیزیک ذرات بنیادی در دانشگاه تربیت معلم تهران گذراندم . از سال 1375 تا 1383 دوره دکترای فلسفه تطبیقی را در واحد تربیت مدرس دانشگاه قم طی نمودم و در حال حاضر رساله دکترای خود را تحت عنوان ماده در فلسفه و فیزیک زیر نظر آقایان دکتر اعوانی و دکتر گلشنی , آماده دفاع کردم . در سالیان آغازین طلبگی به تدریس ادبیات و منطق و فقه و اصول اشتغال داشتم . اکنون عمده فعالیت علمی من , تدریس مباحث فلسفی و کلامی در مراکز و مدارس حوزه است . تدریس فلسفه اسلامی , فلسفه غرب , تاریخ فلسفه غرب , کلام اسلامی , کلام جدید , انسان شناسی , معرفت شناسی , شبهات کلامی در مرکز جهانی علوم اسلامی , موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) , مرکز تخصصی تبلیغ و برخی مراکز دیگر از این جمله است . از سال 1374 تا 1380 به پژوهش در مباحث حدیثی در مؤسسه دارالحدیث اشتغال داشتم . حاصل این دوره , جمع آوری و تدوین و بیان نگاری بیش از 50 کلاسور است که در مباحث مختلف به ویژه مباحث کلامی در دارالحدیث آماده نشر است . گمان می کنم مجموعه " العمل فی الکتاب و السنه" به تنهایی بیش از 5 مجلد خواهد شد . از سال

1379 تا 1382 نیز همکاری پژوهشی نیمه وقتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه داشتم . در سالهای اخیر راهنمایی و مشاوره و داوری پایان نامه های متعددی را در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و مؤسسه امام خمینی (ره) و دانشگاه مفید بر عهده داشته ام که تعداد آنها متجاوز از 40 مورد است. از سال 1381 در مرکز جهانی علوم اسلامی معاونت پژوهشی این مرکز و مدیریت گروه فلسفه و کلام را نیز بر عهده دارم . یکی از محصولات معاونت پژوهش نشریه اطلاع رسانی پژوهه است که اینجانب به عنوان مدیر مسئول و عضو شورای علمی آن فعالیت دارم .مسئولیت گروه حکمت فاطمی دانشنامه حضرت زهرا (س) که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در حال تدوین آن است نیز برعهده اینجانب است .

عبدالله آبادی، سلیمان

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سلیمان عبدالله آبادی
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1352 وارد حوزه علمیه قزوین شدم و نزدیک به دو سال که در آن حوزه بودم علم صرف و نحو را آموختم و در سال 1354 به حوزه علمیه قم آمدم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون استاد باکویی استاد لمعه و مرحوم عرفانیان (اصول فقه) و اعتمادی (رسائل) و مرحوم ستوده (مکاسب و کفایه) و ممدوحی (بدایه الحکمه) و انصاری شیرازی (شرح منظومه) فرا گرفتم و در حدود سال 63 وارد درس خارج فقه و اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی شدم و در حدود 15 سال به درس خارج ایشان رفتم و در کنار درس خارج کتاب اسفار و بعد از آن کتاب تمهید القواعد و مصباح الانس را نزد استاد انصاری شیرازی فرا گرفتم. در سال 1376 رسما وارد حوزه تحقیقات شدم که تحقیقات انجام شده را در بخش وضعیت آثار پژوهشی توضیح خواهم داد. لازم به تذکر است که در کنار خواندن دروس تدریس هم داشتم، کتاب هایی که تدریس کردم عبارتند از صرف ساده (دو دوره) خلاصه المنطق (دو دوره) منطق مظفر (یک دوره) بدایه الحکمه (پنج دوره) اصول استنباط (یک دوره) روش تحقیق (یک دوره) و همچنین در ایام تبلیغ به مناطق مختلف کشور برای تبلیغ می رفتم و هم اکنون 10 سال است که پشت سر هم از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها در ایام تبلیغ به دانشگاه می روم.

عبداللهی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی عبداللهی
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1359/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1346 در نیشابور به دنیا آمدم در سال 1359 وارد حوزه علمیه نیشابور شدم و در سال 1361 به حوزه علمیه مشهد رفتم پس از فراگیری ادبیات عرب ، معانی و بیان، منطق و مقداری اصول و فقه در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم شدم در سال 1367 پس از اتمام سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و به مدت 8 سال پیوسته از درس اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله جواد تبریزی استفاده کردم . همزمان با تحصیل فقه و اصول در مقطع سطح به تحصیل فلسفه اسلامی پرداختم، کتابهای بدایه، نهایه و منظومه را درس گرفتم و جلد اول اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم. در سال 1371 از طریق آزمون سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته فلسفه غرب به تحصیل پرداختم در سال 1377 کارشناسی ارشد فلسفه غرب را از دانشگاه تهران اخذ کردم و بلافاصله وارد دوره دکتری شدم و اکنون در رشته فلسفه غرب در دانشگاه تهران مشغول نوشتن پایان نامه دکتری هستم

عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 743 ق)، متکلم، حکیم، فقیه و قاضی شافعی. در تبریز به دنیا آمد. وی قاضی تبریز بود. چند بار به بغداد سفر کرد و در همان شهر نیز درگذشت. از آثارش شرح اکثر آثار و مصنفات بیضاوی از جمله: «المنهاج الوصول الی علم الاصول» و «الغایه القصوی فی درایه الفتوی» و «المصباح الارواح» و «طوالع الانوار» است. از دیگر آثار وی: «الایضاح»، در کلام؛ «معتمد الخلائق فی علم الوثائق»؛ «شرح «المصباح» مطرزی، در نحو.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (271 / 4)، ایضاح المکنون (508 / 2)، کشف الظنون (1879، 1732، 1709، 1704، 1192، 1116، 213)، معجم المؤلفین (136 / 6).

عبودیت، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول عبودیت
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
عبدالرسول عبودیت در سال 1333 در شهر اصفهان به دنیا آمد،او پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه در اصفهان سال 1352 در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد،در سال1358 فارغ التحصیل گردید،آنگاه سالهای 58 و 59 را در اصفهان به خواندن ادبیات و فقه و اصول گذراند درسال 1359 وارد حوزه علمیه قم شد و به ادامه تحصیل در فقه و اصول مشغول شد،در کنار دروس فقه واصول به یاد گیری فلسفه در موسسه در راه حق همت گماشت و پس از چند سال شرکت در دروس خارج آیات عظام بهجت ، تبریزی ، منتظری و مدت کمی آقای وحید و آقای فاضل لنکرانی به طور تخصصی به فلسفه مشغول گردید

عسگری

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عسگری مشهور به (آقابزرگ حکیم) فرزند میرزا ذبیح‌اللَّه بن میرزا مهدی شهید از حکماء و متالهین عصر حاضر و از رجال پاکدامن و وارسته خراسان و از کسانی بود که در وارستگی و جلالت کمتر عالمی به پایه او می‌رسد.
آقای مروج در سوانح گوید. وی در مشهد از محضر شیخ موسی منطقی و حاج میرزا شفتی و میرزا محمد خادم‌باشی و در تهران از حکیم شهیر میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا ابراهیم گیلانی و در نجف سالیانی از محضر اخوند خراسانی بهره‌مند شده پس از آن به مشهد مقدس بازگشته و متجاوز از 23 سال به تدریس خارج شرح لمعه و شرح قوشچی و اشارات و شوارق و شرح منظومه و اسفار و امثال اینها می‌پرداخته.
و هم اکنون عده از شاگردان دانشمند او در قید حیوه و نمونه‌های بارز اویند معظم‌له در شب 29 جمادی‌الثانیه سال 1355 وفات یافته و حسب‌الوصیه در دامنه شرقی کوه سنگی که هم‌اکنون مزار اهل صفا هست مدفون شده است.
فرزند ارجمندش آقا میرزا مهدی از کبار افاضل عصر بوده و محافل علمی به وجود این نوباوه بوستان آل عصمت مزین و مفتخر بودند ولی صد حیف که دیر نپائید و زود محافل علمی را داغدار کرد هنوز هم افاضل خراسان از رحلت وی متاثراند.
وی یک سال پیش از وفات پدرش در 13 رجب سال 1354 درگذشت و قلب پدر پیرش را به رحلت خود داغدار ساخت.
فروع و اصول و در خراسان مرجعیت و ریاست تامه داشته و دارای کرامات باهرات بوده و از آن جمله معروفست که چون در شبها و صحرها به زیارت آستان قدس رضوی علیه‌الصلوه والسلام مشرف می‌شدند درب روضه مطهره از برای او مفتوح می‌گردید.
و نیز می‌گویند که در نیمه شب خود به نفسه برای ارامل و ایتام حمل مایحتاج از نان و غیره می‌نمود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عشاقی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین عشاقی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/5/8 زندگینامه علمی
از حدود سال 1347 همراه با گذراندن دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و در آنجا حدود سه سال به ادبیات و سپس تا پیروزی انقلاب به سطوح پایه در منطق، فقه، اصول و کلام و بعد از آن تا سال 64 به سطوح عالی اصول فلسفه و فقه مشغول بوده ام درسال 64 برای تکمیل تحصیلات مخصوصا فراگیری عرفان به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و در نزد اساتیدی همچون آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی، وحید خراسانی، تبریزی، و شاه آبادی ادامه تحصیل داده و حدود 9 سال در درس خارج فقه وا صول آن بزرگان شرکت نمودم.علاوه بر تحص
یلات بخش عمده وقتم به تدریس سطوح مختلف مخصوصا علوم عقلی صرف شده است و کتب رایج حوزه را همچون نهایه الحکمه ، شرح منظومه ، شرح اشارات، شوارق الالهام را به طور مکرر و غیر مکرر تدریس نمود ه ام و اینک چند سالی است به تدریس در سطوح عالیه فلسفه و عرفان مشغولم.در مراکز تحقیقاتی نیز همکاری علمی داشته ام مثل استخراج محتوای متون فلسفی جهت کامپیوتری کردن آنها ، و اصطلاح یابی و مقاله نویسی جهت دائرة المعارف علوم عقلی و غیره

عصار لواسانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1356 / 1355 -1264 ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخلص به عصار. در ابتدا آشفته تخلص می‌کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او نظام بود. اصل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه، در تهران، در 1289 ق، به عراق رفت و از آن جا سفری به مکه نمود و در بازگشت،در 1296 ق، به سامراء مهاجرت کرد و تا 1301 ق در آن جا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در 1340 ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او با کهولت سن و از دست دادن یک چشم و کمی دید چشم دیگر، غالبا به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایوان صحن رضوی دفن شد. از آثار وی: «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه‌ی «القواعد الکلیه الاصولیه و الفرعیه»، شهید اول؛ حاشیه‌ی «کشف الریبه فی احکام الغیبه» شهید ثانی؛ «فقاهه الرضویه»، فقه استدلالی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف الفوائذ» علامه حلی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التفاسیر»، در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قمستی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح بادکوبه‌ای است؛ «رساله‌ی رجالیه»؛ «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛ «الحجج الرضویه فی تأیید الهدایه المهدویه و الرد علی البابیه»، به فارسی؛ «المواهب الرضویه فی رفیع الشبهات المقوله و المنویه»، در نبوت خصاه و در جواب تشکیکات مسیحیان، بابیان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب السلوک للرعیه و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «التحفه المدنیه»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در 1290 ق در مدینه تألیف کرد؛ «بیان الغیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان» خواجه حافظ»؛ «لسان الغیب»؛ «نیاح الغیب»؛ «دیوان عصار»؛ «منظومه‌ی خیر الرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (312 / 7)، اعیان الشیعه (55 / 10)، الذریعه (5 / 186، 9 / 724، 1000، 13 / 270، 18 / 309، 23 / 115، 239، 24 / 173، 6 / 485، 4 / 468، 302، 183 / 3 ،377 -376، 20 / 1)، ریحانه

(140 / 4)، فرهنگ سخنوران (637)، معجم المؤلفين (318 / 11)، مكارم الآثار (1766 -1765 / 5)، مؤلفين كتب چاپی (598 -596 / 5).

علوی سبزواری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1353 / 1352 -1268 ق)، فقیه، محدث، حکیم، متکلم و شاعر. در هفده سالگی با اجازه حاج ملا هادی سبزواری در مجلس درس آن حکیم حاضر شد و کتاب «اسفار» را نزد آن استاد تحصیل نمود. آن‌گاه به عراق رفت و در محضر درس فاضل اردکانی و میرزای شیرازی حضور یافت. بعد از وفات جلوه چند ماهی در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس ریاضی و حکمت پرداخت. پس از آن به سبزوار بازگشت و در آن شهر مرجعیت و ریاستی تمام یافت. به او در قبال حاج میرزاحسین سبزواری، میرزا حسین کبیر لقب دادند. آیت‌الله نجفی مرعشی از وی دارای اجازه بود. سید عبدالله برهان المحققین سبزواری و حاج میرزا علی‌اکبر نوقانی از شاگردان وی بودند. در سبزوار درگذشت و در مقبره‌ی استادش دفن شد. از آثار وی:«الارجوزه فی الفلسفه العالیه»؛ حاشیه بر «فرائد» شیخ انصاری؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب النذر»؛ «مشکاه الضیاء»، در بداء؛ تفسیر «آیه الخلافه»: (انی جاعل فی لارض خلیفه...).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (156 / 6 ،491 / 1)، ریحانه (191 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 570 -569 / 14)، المآثر و الآثار (172)، مکارم الآثار (1897 -1896 / 6).

علوی گنابادی، سلمان

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید سلمان علوی گنابادی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1358/10/1

زندگینامه علمی
متولد 1358
ورود به حوزه علمیّه 1373
پس از آشنایی با انجمن شعر و قصّه قم مطالعات ادبی من جلوه جدی تری به خود گرفت. و از آن پس در محافل ادبی سراسر کشور و سمینارها و همایش های شعر دعوت شدم و در کنار استاد بزرگ خودم جناب زکریا اخلاقی به عنوان شاعران حوزوی سعی بر این داشتیم که رسالت حوزوی خویش را از رهگذر شعر و ادبیات در محافل جوان انجام دهیم.
در سال 84-85 خدمت مقام معظم رهبری شرفیاب شدم و به فضل الهی اثری که نزد ایشان ارائه شد مورد تحسین و تأیید معظم له قرار گرفت.
گرچه تا کنون کتاب مستقلی از بنده به چاپ نرسیده لکن در نشریات، و کتاب هایی که گردآوری شده آثار شاعران است، اشعار و مقالات زیادی تا کنون از بنده به چاپ رسیده است.
پس از ورود بنده به مؤسسه امام خمینی (ره) مطالعات من شکل دیگری به خود گرفت و بیشتر در حوزه فلسفه و کلام متمرکز شدم. بالطبع فعّالیّت های ادبی نیز کژدار و مریض ادامه دارد لکن از سال 81 (ورود به مؤسسه) تحقیقاتم را در زمینه فلسفه و کلام جدی تر پی گیری کردم لکن این فعالیت ها و تحقیقات بیشتر جنبه های شخصی داشته که تا کنون در صدد انتشار آنها نبوده ام.
گاهی نیز تحقیقاتی – نه در این دو حوزه – داشته ام که آن نیز جنبه شخصی دارد و در صدد چاپ و انتشارش نبوده ام مثل جایگاه شرکت QI در جوامع بین المللی.

علوی نیا، سهراب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سهراب علوی نیا در سال 1322 در کاشان به دنیا آمد. وی ابتدا تحصیلات عالی خود را در رشته فنی دنبال کرد ولی دکترای خود را در رشته فلسفه تحلیلی با دریافت بورس از وزارت علوم از دانشگاه ویلز در بریتانیا اخذ کرد. دکتر علوی نیا تز دکترای خود را درباره پایگاه معرفت شناختی قضایای ریاضی تدوین کرد. مطالعات ایشان بطور تخصصی آراء و نظریه‌های ویتگنشتاین را در بر می گیرد. وی به مطالعه روی نظریه مجموعه ها و طبیعت شناسی نظریه ای مجموعه ای علاقه مند است و به کار کردن در فلسفه ریاضی و فیزیک تمایل دارد. وی در مرداد ماه سال 1387 بدرود حیات گفت.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
گرایش : فلسفه تحلیلی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سهراب علوی نیا در کاشان و در رشته ریاضی دیپلم گرفت و بعد به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه یافت و در سال 1346 با درجه فوق لیسانس در رشته مهندسی شیمی فارغ التحصیل شد. پس از آن که به عضویت هیات علی دانشگاه تبریز در آمد با بورس وزارت علوم در 1349 به دانشگاه کارل پراگ رفت. اقامت وی در آنجا طولی نکشید و به علت گرفتاریهای شخصی به ایران بازگشت. علوی نیا در سال 1353 برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن رفت و در بدفور کالج آن دانشگاه امتحانات ورودی دوره تحصیلات تکمیلی (qualifying Course) را با موفقیت گذراند. علوی نیا دکترای فلسفه تحلیلی خود را با بورس وزارت علوم از دانشگاه ویلز در بریتانیا گرفت.
خاطرات و وقایع تحصیل : سهراب علوی نیا در مدتی که برای ادامه تحصیلات در لندن اقامت داشت ، به رشته شیمی و شغل مهندسی تمایلی نداشت . تا این که با آشنایی با عرفای اسلام، به گمشده خود رسید. شغل مورد علاقه اش معلمی و رشته مورد نظرش را فلسفه یافت.
استادان و مربیان : سهراب علوی نیا در لندن دانشجو و شاگرد هاورد ماونس بود که خود شاگرد رش ریس (Rush Rhess) دوست و شاگرد وینگشناین بوده است.
زمان و علت فوت : حضور دکتر علوی‌نیا در انجمن حکمت و فلسفه و

گروه فلسفه شهید بهشتی به عنوان استادی فاضل و خوش برخورد و با اخلاق، حضوری فراموش نشدنی است. وی در مردادماه سال 1387 بدرود حیات گفت روحش شاد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سهراب علوی نیا در سال 1346 پس از کسب مرتبه کارشناسی ارشد در رشته مهندس شیمی به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز پذیرفته شد. در اسل 1349 با بورس وزارت علوم به دانشگاه کارل پراگ راه یافت اما به علت گرفتاری های شخصی به ایران بازگشت و در کنسرسیوم سابق نفت و سپس پتروشیمی ایران-ژاپن تا سال 1353 که برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن رفت، مشغول به کار شد.
فعالیتهای آموزشی : وی دکترای فلسفه ریاضی خود را از دانشگاه ویلز انگلستان اخذ کرده بود. مین امر باعث شده بود مرحوم علوی‌نیا به خوبی در حوزه فلسفه علم و فلسفه تحلیلی نسبت‌های خاصی برقرار کند و این در نحوه تدریس و نگاه ایشان به فلسفه تحلیلی قابل مشاهده است. او همچنین به همین خاطر در دانشگاه‌های شریف و امیرکبیر مدتی به تدریس فلسفه علم اشتغال داشت. دکتر علوی نیا از سال 1364 در دانشگاه شهید بهشتی مشغول به تدریس شد و در دانشگاه های تهران، شریف، امیر کبیر و آزاد به عنوان استاد مدعو تدریس کرده است.
آرا و گرایشهای خاص : سهراب علوی نیا به این گفته راس اعتقاد دارد که «فقط کسی می تواند مسائل فلسفی را را درک کند که پایه محکمی در ریاضیات و فیزیک نظری داشته باشد.» دکتر علوی نیا تز دکترای خود را درباره پایگاه معرفت شناختی قضایای ریاضی تدوین کرد. عنوان این رساله «راسل، ویتگنشتاین وکواین در جستجوی حقیقت Russell, Quine and Wittgenstein in Pursuit of Truth» است که به زبان فارسی ترجمه نشده است. دکتر علوی نیا از دو جهت به آرا و نظریه های ویتگنشتاین را پرداخته است. اول به سبب شخصیت مذهبی ویتگنشتاین است و دوم دو وجهی بودن فلسفه ویتگنشتاین است که یک وجه آن متاثر از فرگه وراسل است و وجه دیگر آن نقش شوپنهاور بر فرهنگ و اندیشه اوست. جاذبه دیگر ویتگنشتاین را تعارض فکری این فیلسوف اروپایی با مردان اندیشه دوران حاضر می داند. دکتر علوی نیا فلسفه مذهب و فلسفه اخلاق ویتگنشتاین را نزدیک به کانت می داند. و تمایل اخلاقی وی به کانت و مشابهت هایی که در این میان با کنایات عرفای اسلام می دید، از جذابیت های ویتگنشتاین می داند. دکتر علوی نیا به مطالعه روی نظریه مجموعه ها و طبیعت شناسی نظریه ای مجموعه ای علاقه مند است. و به کار کردن در فلسفه ریاضی و فیزیک تمایل دارد. مرحوم علوی‌نیا اعتقاد داشت تنها صورت مجاز فلسفه، فلسفه تحلیلی است و وقتی فلاسفه از مباحثی

همچون وجود و عقول عشره و اتحاد عاقل و معقول و نظایر آن بحث می‌کنند، یا در مقام شهود و تحققند یا نه! اگر در مقام شهودند، عارف محسوب می‌شوند و اگر نیستند پس سخن گفتن در این مقام نارواست. این فکر البته مقدمه‌اش به آرای راسل برگشت دارد؛ فیلسوفی که در نظر دکتر علوی‌نیا بسیار معتبر بود. اما وجه ممیزه دیگر این استاد فقید فلسفه، روحیه عرفانی وی به‌شمار می‌رفت. او در زندگی شخصی خود سرشار از ذوق و وجد می‌نمود و در گرایش‌های عرفانی خود نیز بسیار به اهل جذبه و اصحاب سکر گرایش داشت و باز از آن میان شیخ فخرالدین عراقی عارف و شاعر قرن هفتم را می‌ستود و دوست داشت، به طوری که در کلاس‌های خصوصی‌شان بارها لمعات عراقی را تدریس کرده بود و مقالاتی نیز درباره عراقی نوشته بود که در مجله عرفان ایران چاپ شده است. برخورد وی با عرفان، عملی و شهودی بود، از سر تصنع نبود و درحقیقت به عرفان عملی عشقی سترگ می‌ورزید.
چگونگی عرضه آثار : دکتر علوی نیا جدای از این تالیفات در حوزه فلسفه تحلیلی که تخصص‌اش بوده است اثر سترگی چون «درآمدی بر فلسفه تحلیلی» اثر جان هاسپرس را نیز ترجمه و تقدیم علاقه‌مندان این حوزه در ایران کرده بود. کتاب‌هایی مثل «معرفت شناسی ریاضی» و ترجمه کتاب« فلسفه اخلاق» نوشته اتکینسون از دیگر آثار این استاد مرحوم است. ------
---
آثار :
1 تالیف کتاب ماهیت بشر از دیدگاه ویتگنشتاین
2 تالیف معرفت شناسی ریاضی
3 ترجمه بخش های فلسفه زبان و معرفت شناسی کتاب تحلیل فلسفی جان هاسپرس
ویژگی اثر : این کتاب در سال 1370 ترجمه گردید.
4 ترجمه درآمدی بر رساله ویتگنشتاین اثر هاوارد ماوس
ویژگی اثر : دکتر علوی تبار هاورد راعالمی توانا در بیان مطالب دشوار می داند. دکتر علوی تبار هاورد را معلمی توانا در بیان مطالب دشوار می داند. و شرح ماونس را ساده ترین شرحی می داند که به رساله منطقی-فلسفی ویتگنشتیان نوشته شده استو آن را برای دانشجویان شیوا و گویا می داند.
5 ترجمه فلسفه اخلاق پرفسور اتکیشون
6 ترجمه کتاب درآمدی به رساله ویتگنشتاین
7 ترجمه کتاب روش های منطق کواین
8 مقاله در شعر عرفانی فارسی تا قرن نهم
ویژگی اثر : این مقاله در مجموعه تحقیقات اسلامی در سال 1366 (با

مقدار زیادی غلط چاپی) بچاپ رسید. منابع زندگینامه :
1بانک رسانه ها ، روزنامه همشهری ، 6-5-1387، "عمری سرشار از ذوق و جذبه"ا

علی پور، مسیح

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسیح علی پور
محل تولد : کهگیلویه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1348 در روستایی از توابع استان کهکیلویه و بویراحمد به نام کفش کنان و در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در سال های قبل و بعد از انقلاب تحصیلات خویش را در مقاطع ابتدایی راهنمایی و تا سال دوم دبیرستان در همین روستا و روستاهای اطراف سپری نمودم . در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شده و همزمان علاوه بر حضور در جبهه های جنگ تحصیلات حوزوی و رسمی را نیز دنبال نمودم . در سال 1369 وارد دانشگاه شهید بهشتی تهران شده و تا سال 1373 در رشته فلسفه غرب تحصیل نمودم در سال 1376 نیز در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم . در ایام تحصیل در دانشگاه دروس حوزه را نیز مطالعه و مباحثه می کردم حدود 3 سال در دروس خارج آیات عظام ، مکارم شیرازی ، صانعی ، سبحانی و گرامی شرکت می نمودم . در این اثنا مدتی نیز دروس دانشگاهی را در دانشگاه های پیام نور و علامه تدریس کرده و به کارهای پژوهشی اشتغال داشتم . از سال 1378 مسئول واحد پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای پژوهشی بودم . در این سال ها راهنمایی و نظارت بر ده ها پروژه علمی اجتماعی و فرهنگی را به عهده داشته و خود نیز مجری پروژههای میدانی فرهنگی و اجتماعی بودم . در سال های اخیر سردبیر نشریه فرهنگی- پژوهشی نامه قم بودم که تا کنون 29 شماره از آن منتشر شده است . همین طور در سال های گذشته سه سال به عنوان پژوهشگر برتر و نمونه استانی معرفی شدم و یک بار نیزبه عنوان کارشناس نمونه استانی.

علیاری تبریزی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1327 -1236 ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردرودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در 1333 ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌ی المقال» و «منتهی الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛
شرح «دعای سمات»؛ «نهج الاعلان فیما یثبت به دخول رمضان»؛ «الوافیه»، در شرح «لغز الکافیه» شیخ بهایی؛ «هدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (282 / 8)، الذریعه (17 / 25، 410 / 24، 64 / 21، 250 / 13، 760 / 9، 160 -159 / 3، 496 / 2)، ریحانه (193 -192 / 4)، سخنوران آذربایجان (122 -120)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1479 -1476 / 14)، علماء معاصرین (97 -96)، لغت‌نامه (ذیل/ علی علیاری)، معجم المؤلفین (140 / 7).

علیزاده، اکبراسد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر اسد علیزاده
محل تولد : مشکین شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب پس از اتمام دوره راهنمایی در سال 1361 به حوزه علمیه شهرستان اردبیل وارد شدم. پس از دو سال و نیم تحصیل به جهت موفقیت بیشتر در تحصیل و استفاده از محضر اساتید مجرب در سال 1364 وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطوح را از محضر اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر، اعتمادی، تبریزی، پایانی و صالحی افغانی بهره بردم.
پس از اتمام دوره سطوح در سال 1372در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی شرکت کردم و همزمان از درس کلام و فلسفه استاد علامه جعفر سبحانی و مصباح یزدی نیز استفاده می کردم. و در سال 1374 رشته تخصصی کلام اسلامی را شروع و در سال 1378 فارغ التحصیل گردیدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه دکترای کلام اسلامی می باشم.
به جهت علاقه فراوان به تألیف و تحقیق، کار تحقیقی خود را از سال 1371 شروع و در حال حاضر بیش از 60 اثر تألیفی و تحقیقی اعم از کتاب و مقاله از ما به چاپ رسیده است. این فعالیت سبب شد در سال 1382 به عنوان پژوهشگر نمونه کشور انتخاب شوم و یکی از کتابهایم (سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین علیهم السلام) در اولین جشنواره فرهنگی صدا و سیما در سال 1382 به عنوان پژوهش برتر شناخته شود.

علیزاده، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر علیزاده
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/10/1

زندگینامه علمی
در سال 1361 با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیّه قم شدم دروس مقدّمات تا لمعتین را در مدارس علمیّه امام صادق و امام باقر گذراندم دروس سطح را در محضر اساتید محتدم اعتمادی و مهری و ... آموختم و کفایتین را نیز از دروس استاد اعتمادی و گنجی بهره بردم . از سال 1372 با شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگواری چون مکارم شیرازی و وحید خراسانی به مدّت هشت سال از محضر آنان سود جستم.
دروس دانشگاهی را از سال 1370در رشته فلسفه غرب در گروه فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از فارغ التحصیل شدن در سال 1374 در همان رشته در دانشگاه اصفهان پذیرفته شدم و در سال 1378آن دوره را نیز به پایان رساندم. از سال 1374با دفتر تبلیغات اسلامی شروع به همکاری کردم . ابتدا با ویرایش کتب فلسفی کلامی و در سالهای اخیر با تحقیق و پژوهش در سائل و موضوعات فلسفی با این دفتر همکاری دارم

عین القضاه همدانی، ابوالمعالی، ابوالفضائل عبدالله

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(525 -492 ق)، فقیه، حکیم و عارف. مکنی به ابوالفضائل. معروف به قاضی همدانی. در همدان به دنیا آمد، ولی چون پدر و جدش از میانه بودند به میانجی نیز معروف شده است. قاضی در جوانی در زادگاه خویش به کسب علوم متداول پرداخت و به سرعت در ادب و حکمت و کلام مایه‌ور شد و به سبب مهارتی که در فقه پیدا کرد، به عنوان قاضی و مدرس منصوب گردید و با وجود جوانی شهرت و نفوذ فراوان پیدا کرد و همین امر باعث برانگیخته شدن حسد و رشک فقها و متکلمان شد. فلسفه و کلام، طبع حقیقت‌جوی وی را قانع نساخت و گرفتار بحرانهای روحی شد و همین امر او را دچار شک و شبهه کرد. پس از آشنایی با آثار امام محمد غزالی تا حدی خاطرش آرام گرفت و چندی بعد با احمد غزالی آشنا شد و به او دست ارادت داد و همانند احمد غزالی در بیان عقاید خود بی‌پروا بود. همین صراحت در گفتار باعث بدگمانی متشرعه شد. ابوالقاسم درگزینی که خود اندکی بعد به جرم مذهب اسماعیلی کشته شد، او را دستگیر و روانه بغداد نمود. قاضی مدتی در بغداد زندانی بود و در همین زندان رساله‌ی معروف «شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان» را به زبان عربی، خطاب به علمای عصر نوشت و در آن، که مشحون از نکات عرفانی و فلسفی است، اتهاماتی را که به وی نسبت داده بودند رد کرد و به برخی شبهات نیز پاسخ گفت. اما چندی بعد او را به همدان برگرداندند و بر در مدرسه‌ای که ظاهراً محل تدریس او بود بر دار کردند و سپس جسدش را با نفت و بوریا آتش زدند. از دیگر آثار وی: «تمهیدات»؛ «زبده الحقایق»؛ «نزهه العشاق و نهز المشتاق»؛ «نامه‌های عین القضات همدانی»؛ «رساله‌ی اجمالی».[1]
(ع. چشم داوران) همدانی، ابوالمعالی عبداللَّه بن محمد بن علی میانجی همدانی، از بزرگان مشایخ صوفیه و دانشمندان ربع اول قر. 6 ه. (و. همدان 492 ه.ق/ 1098 م.- مقت. همدان 525 ه.ق.). وی شافعی مذهب و در طریقت شاگرد احمد غزالی بود و همچنین از محضر عین‌القضاة- از صحبت باباطاهر- که بعضی نوشته‌اند- درست نیست، زیرا بابا تا زمان او زنده نبود. وی به تحصیل حکمت و عرفان و کلام و ادب عربی پرداخت و نظر به مطالعه بسیار در آثار امام محمد غزالی مع‌الواسطه شاگرد او نیز محسوب می‌شد. احمد غزالی با آن همه عظمت مقام در مکتوبهای خود

بدو، او را قرة العین خطاب میکرد. وی بیشتر اطلاعات خود را از راه تحقیق و تتبع شخصی فراهم آورد. افکار و عقاید او در عمر کوتاهش مبین کمال نبوغ اوست. از آثار اوست: یزدان شناخت در مسایل حکمت الهی و علوم طبیعی که در سه باب به نام عزیزالدین مستوفی نوشته شده، رساله جمالی در بیان مذهب سلف خود که به نام جمال‌الدین شرف‌الدوله از شاهزادگان معاصر خویش تألیف کرده، تمهیدات در تمهید ده اصل تصوف که دارای انشایی است مقرون به غلبه شوق و عشق و بسیار گیراست، زبدةالحقائق، رساله‌ای مختصر راجع به علم ذات و صفات خداوندی و ایمان به نبوت و قیامت، لوایح، رساله‌ای مشتمل بر 201 فصل در حقایق عشق و احوال و اعراض آن، شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان به زبان عربی (عین القضاة آن را به هنگام حبس خود از بغداد به علمای همدان نوشته) در شکایت مؤلف از محنتهایی که برای او پیش آمده و به اتهام بی‌دینی از همدان دور شده و در بغداد به زندان افتاده. مکاتیب که شامل نامه‌های اوست (نسخه‌های کتابخانه مرادملا (ترکیه) و کتابخانه ملی تهران). وی رباعیاتی عرفانی هم به زبان فارسی سروده. عزیزالدین از مستوفیان سلاجقه با عین القضاة دوستی کامل داشت از سوی دیگر عزیزالدین به دشمنی با ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان محمود ابن محمود و سلطان سنجر برخاست.
وزیر اخیر که بسیاری از رجال و بزرگان علم را به حیله و تزویر نابود کرده و خود نیز در پایان به پاداش اعمال زشت خویش به دار کشیده شد، نقشه قتل عین‌القضاة را طرح کرد و با دسته‌ای از عوام‌الناس- که حسودان و بدخواهان عین‌القضاة بودند- توطئه چید و محضری ترتیب داد وی را به کفر و دعوی الوهیت متهم کرد و فقها نیز به قتل این جوان دانشمند فتوی دادند. پس وی را مقید به بغداد فرستادند و از آنجا مجددا به همدان بازگردانیدند و در شب 7 جمادی‌الاخری 525 ه.ق. بر دار کشیدند. نوشته‌های فارسی وی مشحون از تعبیرات نغز صوفیانه است. کلام او پرسوز و گداز است. تصنع و تکلف در آثار او دیده نمی‌شود و در تبیین مسایل عرفانی به تمثیل می‌پردازد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احوال و آثار عین القضاه، ایضاح المکنون (453 / 2)، تاریخ ادبیات ایران، براون (282 / 2)، تاریخ ادبیات در ایران (944 -936 / 2)، تاریخ برگزیدگان (581)، تاریخ عرفان و عارفانی ایرانی (426 -425، 424)، تاریخ نظم و نثر (111)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (201 -192، 190، 189، 184، 176)، تمهیدات (مقدمه/ 107 -1)، جستجو در تصوف (صفحات متعدد)، دانشمندان آذربایجان (285 -283)، دایره‌المعارف فارسی (1795 -1794 / 2)، دره الاخبار (74 -73)، دستور

الوزراء (205)، الذریعه (27 / 24، 167 / 15، 24 / 12، 781 / 9، 282 / 8)، ریاض العارفین (108 -107)، ریحانه (226 -224 / 4)، سلطان العشاق (صفحات متعدد)، شذرات الذهب (75 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 166 / 6)، طرائق الحقائق (572 -568 / 2)، العبر (426 / 2)، عین القضاه و استادان او، فرهنگ سخنوران (662)، کارنامه‌ی بزرگان (177 -175)، کشف الظنون (951)، گنج و گنجیه (153 -148)، لسان المیزان (399 -398 / 5)، لغت‌نامه (ذیل/ عین القضاه)، مبانی عرفانی و احوال عارفان (425 -419)، مجمع الفصحا (869 / 2)، معجم المؤلفین (132 / 6)، مؤلفین کتب چاپی (1012 -1011 / 3)، نتایج الافکار (452)، نسائم الاسحار (76)، نفحات الانس (419 -418)، هدیه العارفین (455 / 1)، هفت اقلیم (534 -532 / 2).

غروی اصفهانی، محمد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1296 ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقار در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نحف اشرف درگذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقلید و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی،بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل‌بیت (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره القبور (287 -286)، الذریعه (400 / 24، 1083 - 1081، 247 / 9، 187، 148 / 6، 483، 271 / 1)، ریحانه (93 -90 / 5)، سخنوران نامی معاصر ایران (2977 -2972 / 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 562 -560 / 14)، علماء معاصرین (191 -190)، فرهنگ سخنوران (865)، گنجینه‌ی دانشمندان (267 / 7)، مؤلفین کتب چاپی (727-726 / 2).

غروی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد غروی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1329/1/1
زندگینامه علمی
سید محمد غروی در سال 1329 در تهران در خانواده‌ای از سلسلة جلیله سادات و اهل علم به دنیا آمد، اجداد او همه از اهل علم و فضل بوده‌اند، و پدر او آیت الله سید محمد رضا غروی از علمای تهران و وکیل مورد اعتماد حضرت امام(ره) و دیگر مراجع بزرگ تقلید بود و هم اکنون در تهران امام جماعت می‌باشد و به تدریس و رتق و فتق امور مردم می‌پردازند. غروی تحصیلات حوزوی خود را در تهران در مدرسة حاج ملا محمد جعفر که به مدرسة آقای مجتهدی معروف است در سال 1341 آغاز کرد او پس از طی دروس مقدمات، دروس سطح را آغاز کرد و تا اواخر رسائل و مکاسب را در تهران خواند و سپس در سال 1348 به قم عزیمت نمود در قم نیز دروس سطح عالی را پشت سر گذاشت، و به درس خارج استادان برجستة حوزة علمیه قم راه یافت، او سالها در درس خارج استادان بزرگ بطور فعّال شرکت می‌جست و هم اکنون خود از اساتید و محققان برجستة حوزه بشمار می‌رود. غروی در دوران تحصیل خود به محضر عالمان و فرهیختگان بسیاری راه یافت، او در تهران دروس مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق و معانی بیان و بدیع را از اساتیدی چون حضرات حجج اسلام و المسلمین و آیات: حاج شیخ محمدرضا ناصری (امام جمعه فعلی شهرکرد)، حاج شیخ محسن حبیبی، و حاج آقا موسوی تهرانی و حاج آقای طبرستانی، و اخوان حاج سید حسن مصطفوی وحاج سید حسین مصطفوی آموخت، و معالم و شرح لمعه را خدمت حضرات آیات: حاج میرزا علی سعیدیان و حاج شیخ ابوالقاسم تنکابنی و حاج سید هاشم حسینی تهرانی، و دروس رسائل و مکاسب را عمدتا خدمت حضرات آیات: حاج شیخ حسین کنی و حاج آقا مرتضی تهرانی، و حاج آقا تقی قمی، فرا گرفت، با ورود به حوزة علمیه قم در سال 48 باقیمانده رسائل را نزد مرحوم آیت الله حرم پناهی(ره)، و خیارات مکاسب را نزد آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

آموخت، و پس از آن در درس کفایه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله سلطانی و آیت الله سبحانی شرکت کرد.
با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی(ره)، حاج شیخ مرتضی تهرانی، حاج شیخ کاظم تبریزی، حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج سید محمد روحانی، و حاج شیخ حسین وحید خراسانی، و حاج شیخ جواد تبریزی رفت و سالها (حدود سی سال) از محضر آنان بهره‌مند گردید.او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه را نزد حضرات آیات: انصاری شیرازی و محمدی گیلانی، شرح اشارات را نزد آیت الله حسن زاده آملی و نهایة الحکمه و فلسفتنا و نقد فلسفة غرب را نزد آیت الله مصباح و شرح تجرید را نزد آیت‌الله حاج سید حسین قاضی طباطبایی و اسفار را نزد حـضرات آیات: جوادی آملی و شاه آبادی آموخت. ضمناً دو دوره عرفان (تمهید و شرح الفصوص) و تفسیر را از آیت الله جوادی آملی آموخت،و چند سالی نیز از تفسیر موضوعی و درس اخلاق آیت الله مصباح استفاده نمود. ایشان در خلال چند سالی که در تهران بود (1348 ـ 1341) ضمن استفاده از اساتید مختلف مقدمات و سطوح، به تدریس صرف و نحو و منطق در سطوح مختلف مشغول بود و پس از هجرت به قم در کنار استفاده از دروس اساتید برجسته همواره به تدریس سطح و سطح عالی اصول ، فقه، فلسفه و تفسیر اشتغال داشته است و هم اکنون نیز دارای تدریس خارج فقه می‌باشد، ضمن آنکه چندین سال در مؤسسه امام خمینی(ره) و مرکز تخصصی کلام و تفسیر تدریس می‌نمود، و هم اکنون در مؤسسه امام خمینی(ره) دارای تدریس است.
ایشان در سال 54 ضمن ادامه درس و تدریس در حوزه در اوّلین دوره آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت جست و برخی از دروس تفسیر و فلسفة و دیگر دروسی که در حوزه ارائه نمی‌شد، در آنجا گذراند، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در سالهای 58 و 59 و 60 مدتهای زیادی را در شمال و خرمشهر و آبادان و بوشهر به تبلیغ و تدریس معارف در مراکز علمی و نظامی سپری کرد و در خرمشهر و آبادان و بوشهر به عنوان نمایندگی ولی فقیه فعالیّت می‌نمود و پس از آن نیز دو بار دیگر به مناطق جنگی غرب کشور و جنوب کشور برای تبلیغ عزیمت نمود و از آن زمان تا کنون در قم بطور متمرکز مشغول تحقیق و تدریس می‌باشد. در سال 1361 که به امر حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر لزوم بازنگری در علوم انسانی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد (که امروزه با ارتقائی که یافته تبدیل به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گردیده است) و در کنار همه کارهای علمی حوزوی با گروه روانشناسی آن مرکز همکاری داشته و دارد که حاصل آن جزواتی است که در آن زمینه تهیه شده و همچنین تدوین دو جلد کتاب مکتبهای روانشناسی و نقد آن که تمامی

نقدهای آن که بیشترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد از ایشان است و ارائه مشاوره و نظارت جدی علمی بر حدود ده (10) اثر ارزشمند در زمینهٔ روانشناسی، جامعه‌شناسی، تفسیر و... از قبیل دو جلد روانشناسی سلامت انسان از دیدگاه اسلام، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد (دو جلد) مکاتب تفسیری و کتاب نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، روانشناسی تبلیغ تبلیغ، روانشناسی باورهای دینی، خانواده از دیدگاه اسلام با رویکردی روانشناختی و... همچنین نامبرده در مجموعه محققان مؤسسه اسراء در گروه تفسیر جایگاه خاصی دارد و عضو عالی آن مجموعه تلقی می‌شود و تا کنون بازنگری محتوایی حدود بیست (20) جلد اثر تفسیری حضرت آیت الله جوادی (اعم از تفسیر تربیتی تسنیم و دو جلد توحید در قرآن و یک جلد وحی و نبوت و یک جلد تفسیر انسان به انسان) را عهده دار بوده است و نظرات ایشان مورد توجه حضرات استاد قرار گرفته و هم اکنون نیز ادامه دارد. لازم به ذکر است ایشان پس از بازگشایی دانشگاهها از سال 60 تا 79 یک روز در هفته وقت خود را به تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و... اختصاص داد و در آن مراکز علمی دروس تخصصی اسلامی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، کلام و دیگر معارف اسلامی و انسانی را ارائه می‌نمود. در خلال سالهای اخیر اضافه به تدریس و تحقیق و تألیف و نظارت و مشاوره دادن به کارهای علمی، استاد راهنما یا مشاور و یا داور دهها رساله کارشناسی ارشد و سطح 3 و 4 بود، ضمن آنکه مقالاتی در مجله نور علم، حوزه و دانشگاه و معرفت و یا مصاحبه‌های علمی در مجلات حوزوی ارائه نموده است، و اکنون نیز در خلال کارهای علمی و تدریس مدیریت گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی(ره) را بعهده دارد. از مسؤولیتهای ایشان عضویت در دو دوره شورای عالی سیاستگزاری حوزه علمیه و عضویت در جامعه مدرسین، عضویت در شورای مدارک علمی حوزه علمیه، و عضو هیأت علمی در گروه تفسیر پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ می‌باشد.

غرویان، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن غرویان
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
محسن غرویان در سال 1338 در نیشابور بدنیا آمد و پس از اخذ مدرک دیپلم فنی راه و ساختمان در سال 1357 راهی حوزه علمیه قم شد و در سال 1358 رسما شروع به تحصیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقدمات و سطح را به پایان رسانید و در دروس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی- فاضل لنکرانی – شیخ جواد تبریزی – مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تا اینکه برای کاندیداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شرکت نموده و آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم اینک عضویت در شورای سردبیری مجله علمی – تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.
محسن غرویان عضو هیئت علمی و استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از 40 اثر علمی به صورت کتاب بچاپ رسیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسیده بالغ بر 500 مقاله است . موسسه فرهنگی – انتشاراتی «یمین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب 20 عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غرویان با دو زبان انگلیسی و عربی آشناست و تاکنون در همایشها و کنگره های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشان هم اکنون به تدریس خارج اصول و اسفار ملا صدرا اشتغال دارد و در کناراشتغالاتش در حوزه ، در مجامع مختلف علمی – سیاسی با ارائه کنفرانس و سخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری(دام عزه) به عنوان مبلغ زباندان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غرویان

نویسنده ای است که مستمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است: در سال 1361 برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین- مالزی و هند سفر کرده است .
در سال 1369 برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زباندان و عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری به حج اعزام شده است. علاوه بر این با سفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره های علمی و فرهنگی نشستها و گفتگوهای علمی در باب ادیان و ملل و نحل داشته است.
محسن غرویان یکی از داوران و صاحبنظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسفه است و بعنوان عضو شورای بررسی کتاب استان قم نیز بر روند چاپ و نشر کتب نظارت داشته است. وی هم اکنون عمدتا به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غرویان بخشی از وقت روزانه خود را صرف پاسخگویی به سوالات و شبهات علمی – اعتقادی می کند و با شماره تلفن 2936054 به پرسشهای علاقمندان بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید .

غزالی طوسی، حجه‌الاسلام، زین‌الدین، ابوحامد محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(505 -450 ق)، فیلسوف، حکیم، عارف و فقیه شافعی. معروف به امام غزالی. در طابران طوس به دنیا آمد و در طوس، جرجان و نیشابور تحصیل کرد. محضر امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فقیه و متکلم بزرگ شافعی را دریافت و در بیست و هشت سالگی در بیشتر علوم زمان خود استاد مسلم بود. پس از درگذشت ابوالمعالی به خدمت خواجه نظام‌الملک طوسی رسید و بسیار مورد احترام قرار گرفت. از 484 ق در نظامیه‌ی بغداد به تدریس پرداخت و به وعظ و تصنیف نیز اشتغال داشت. وی در سی و نه سالگی دچار تحول روحی شده از دنیا و مقامات دنیوی برید و برادرش را به جانشینی خود برگزید و به قصد سیر و سلوک و ریاضت به سفر رفت و ده سال در شهرهای شام و حجاز و جزیره به سر برد و در 498 ق به طوس بازگشت. در 499 ق به درخواست سلطان سنجر به نیشابور به جهت تدریس در مدرسه‌ی نظامیه رفت. در 500 ق به طوس و خانقاه خود بازگشت و به ارشاد و تعلیم پرداخت و دیگر دعوت سلاطین و رجال را نپذیرفت و ر زهد و قناعت عمر را به پایان رسانید. غزالی در طوس درگذشت و در همان جا دفن شد. شمار آثار وی بسیار است. اما مشهورترین آثار او عبارتند از: «نصیحه الملوک»؛ «فضاء الانام من رسائل حجه‌الاسلام»؛ «احیاء علوم‌الدین» یا «احیاءالعلوم»؛ «کیمیای سعادت»، که خلاصه و ترجمه‌ای فارسی از کتاب «احیاءالعلوم» است؛ «تهافت الفلاسفه»؛ «المنقد من الضلال».[1]
(ع.) (حجةالاسلام) محمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی مکنی به ابوحامد و ملقب به حجةالاسلام، دانشمند معروف دوره‌ی سلجوقی (و. طابران طوس 450 ه.ق/ 1058 م- ف. طابران طوس 505 ه.ق/ 1111 م.). وی در فقه و حکمت و کلام سرآمد عصر بود. پدرش مردی متعبد بود و بافندگی پیشه داشت و لقب «غزالی» به مناسبت پیشه‌ی اوست. هنگامی که محمد و برادرش احمد کودک بودند پدرشان درگذشت و آن دو در کنف حمایت ابوحامد احمد بن محمد رادکانی قرار گرفتند و مقدمات علوم دینی را نزد وی آموختند. غزالی پس از مدتی تحصیل در طوس و گرگان به نیشابور رفت و در خدمت امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی (امام‌الحرمین) فقیه به تحصیل فقه و کلام پرداخت، و در همه‌ی علوم دینی عصر خود استاد مسلم گردید و با این حال تا سال فوت امام‌الحرمین

همچنان در خدمت وی باقی ماند. سپس در نیشابور به خدمت خواجه نظام‌الملک وزیر رفت و در نتیجه‌ی مناظره‌ای که در مجلس این وزیر ترتیب داده شده بود فضیلت و مقام وی بر خواجه معلوم گردید. پس از 8 سال- یعنی در سال 484 ه.ق/ 1091 م.- نظام‌الملک منصب تدریس مدرسه‌ی نظامیه را به غزالی- که در آن هنگام 35 ساله بود- تفویض کرد. وی 4 سال (یعنی تا سال 488 ه.ق/ 1095 م.) بدین شغل اشتغال داشت که تحولی در روح وی پدید آمد و منصب مدرسی را به برادرش احمد واگذار کرد و در بلاد شام و حجاز به سیر و سلوک پرداخت. پس از 10 سال، به سال 498 ه.ق به طوس بازگشت و سال بعد (499) بنا به درخواست سلطان سنجر و وزیرش- که فرزند نظام‌الملک بود- در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. در سال 500 ه.ق به طوس بازگشت و خانقاهی ترتیب داد و به ارشاد خلق مشغول گردید و دیگر مسند تدریس را قبول نکرد و از کسی نیز مالی نپذیرفت و از آن پس در انزوا بسر می‌برد. غزالی با آنکه از مخالفان فلسفه بود، در نتیجه‌ی سفرها و سیر و سلوک مقالات و گفتارش چاشنی عرفان پیدا کرده مورد تکفیر فقیهان قرار گرفت و خلقی به آزارش همت گماشتند. وی در طابران (طوس) درگذشت و همانجا مدفون شد. از او آثار متعددی باقی مانده که مهمترین آنها از این قرار است: کیمیای سعادت (فارسی)، نصیحة‌الملوک (فارسی)، احیاء علوم‌الدین (عربی)، تهافت‌الفلاسفه (در رد بر فیلسوفان، عربی)، مکاتیب، المنقذ من الضلال، جواهرالقرآن، شفاءالعلیل، منهاج‌العابدین، الجام العوام عن علم الکلام، المستصفی من علم الاصول، عقیدة اهل السنة. ضح.- 1- غزالی: ضح.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (248 -247 / 7)، ایضاح المکنون (11 / 2)، تاریخ ادبیات در ایران (926 -920، 277، 269 -268 / 2)، تاریخ عرفانی و عارفان ایرانی (422 -407)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (302 -275)، جستجو در تصوف (110 -85)، دایره‌المعارف فارسی (1806 -1805 / 2)، ریاض العارفین (132 -131)، ریحانه (243 -237 / 4)، سیر النبلاء (346 -322 / 19)، شخصیت‌های نامی (358 -357)، شذرات الذهب (13 -10 / 4)، العبر (387 / 2)، فرار از مدرسه، فرهنگ سخنوران (668)، الکامل (264 / 8)، کشف الظنون (1869، 1534 -1533، 513 -509)، الکنی و الالقاب (495 -492 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحامد غزالی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (414 -404)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 505)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (38 -37 / 19)، معجم المؤلفین (269 -266 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (729 -724 / 5)، النجوم الزاهره (200 -199 / 5)، نفحات

الانس (379 -376)، الوافى بالوفيات (277 -274 / 1)، وفيات الاعيان (219 -216 / 4)، هديه العارفين (81 -79 / 2)، هفت اقليم (194 / 2).

غفاری، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن غفاری
محل تولد : کندوان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب ابوالحسن غفاری درسال1364شمسی در شهرستان سراب موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی شدم وپس ازآن در حوزه علمیه حاج صفرعلی تبریز مشغول تحصیل شده وهمزمان باآن به تحصیل رشته های دانشگاهی پرداخته ومدرک فوق دینی وعربی را اخذکردم دوسال بعد به حوزه علمیه المهدی سراب رفته وبه ادامه تحصیل پرداخته ودرس فقه را نزدمرحوم حاج آقا رسولی وحاج آقا کمالی امام جمعه محترم سراب خوانده وهمچنین بخشی از فلسفه وشرح منظومه رانزدآقا کمالی خواندم درحین تحصیل دروس ادبیات ومنطق را تدریس نمودم درسال71و72به قم مهاجرت و در درس رسائل آیت اله محمد کوه کمره ای ومکاسب مرحوم آیت اله پایانی شرکت کردم، پس از مکاسب کفایه رادرنزد مرحوم پایانی خوانده وهمزمان باآن دردرس تفسیر حضرت آیت اله جوادی املی ودروس فلسفه دکتر بهشتی وعرفان آقای نکونام شرکت نمودم پس از پایان سطح به درس خارج فقه حضرت آیت اله جوادی املی واصول آیت اله ملکوتی حاضرشده وهم اینک نیز در محضر آنان ودرس فلسفه حضرت آیت اله انصاری شیرازی شرکت دارم از سال 1372وهمزمان باتحصیلات حوزه درکنکورشرکت کرده ودر رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم درسال 1376موفق به اخذ مدرک لیسانس شده ودرسال1377پس از موفقیت در امتحان ورودی دررشته فلسفه همان دانشگاه در دوره کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شده ودرسال1380موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران شدم ، درسال1384دررشته فلسفه دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کرده ودردوره دکتری پذیرفته شدم وهم اینک مشغول تحصیل در دوره دکتری درآن دانشگاه هستم.

ازسال1377دردانشگاه آزاداسلامی مشغول تدریس دروس فقه، فلسفه، ومعارف شدم واز سال1382درمرکز جهانی علوم اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دروس فلسفه وکلام ومتون مثل نهایه الحکمه وشرح تجرید وفلسفه غرب را تدریس می نمایم .

غیلان

قرن:1
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن‌سلمه‌ی ثقفی، حکیم و شاعر دوره‌ی جاهلیت عرب و اوایل اسلام (ف. 23 ه.ق) وی از بزرگان ثقیف بود و در روز طایف مسلمان شد.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فارابی، ابونصر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(339 / 338 -260 / 259 ق)، ریاضیدان، عارف، فیلسوف، دانشمند، حکیم و موسیقیدان. ملقب به معلم ثانی. در فاراب ماوراءالنهر به دنیا آمد. بیشتر عمر خود را در بغداد گذرانید و اکثر کتابهای خود را در آنجا نوشت. فارابی همچنین سفرهایی به شام، مصر، حران و مرو داشت و در آنجا به تعلیم و تألیف مشغول بود. او نزد استادانی چون متی بن یونس و یوحنا بن حیلان فلسفه آموخت. از شاگردان فارابی، یحیی بن عدی می‌باشد. فارابی مانند صوفیان زندگی می‌کرد و از موسیقی علمی نظری اطلاعات زیادی داشت، وی کتابی هم در این فن نوشته است. بیشترین اهمیت او در شرح آثار ارسطو است و به همین سبب او را معلم ثانی نامیده‌اند. وی در دمشق درگذشت. از آثار او: «احصاء العلوم»؛ « آراء اهل المدینه الفاضله»؛ «عیون المسائل»، در منطق؛ «الجمع بین رأیی الحکیمین» افلاطون و ارسطو، در حدوث عالم؛ «اغراض ما بعدالطبیعه»؛ «تحصیل السعاده»؛ «رساله فی (ماهیه) العقل»؛ «السیاسه المدنیه»؛ «رساله فی اثبات المفارقات»؛ «المدخل الی (صناعه) الموسیقی»، که قفطی در «اخبار العلماء» و صفدی در «الوافی بالوفیات» آن را «کتاب الموسیقی» ذکر کرده‌اند و گفته شده که وی این کتاب را به درخواست وزیر ابوجعفر محمد کرخی نگاشته است.[1]
ابونصر محمد بن محمد، فیلسوف بزرگ اسلام در نیمه‌ی دوم قر. 3 و نیمه‌ی اول قر. 4 ه. (و. فاراب 260 ه.ق/ 874 م.- ف. دمشق 339 ه.ق/ 950 م.) فارابی از ماوراءالنهر برای تحصیل علوم به بغداد رفت و بعد از آموختن عربی در حلقه‌ی درس ابوبشر متی بن یونس حضور یافت و چندی بعد به حران رفت و از یوحنا بن حیلان بخشی از منطق را فراگرفت و به بغداد بازگشت و به تکمیل فلسفه مشغول شد. فارابی همه‌ی کتب ارسطو را به دقت مورد مطالعه و تحقیق قرارداد و به معانی آنها وقوف تام و در شرح و تفسیر آثار ارسطو مهارتی خاص یافت و بدین جهت او را «ارسطوی ثانی» یا «معلم ثانی» نامیدند. فارابی از بغداد به مصر رفت و از آنجا به خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی بن عبداللّه بن حمدان تغلبی پادشاه حلب و دمشق و شام درآمد و در کنف حمایت وی به تعلیم و تألیف مشغول گردید تا در سن 80 سالگی درگذشت. فارابی به ثروت و زینت دنیوی بی‌میل بود و به امر مسکن و پیشه توجهی نداشت و غالب اوقات

خویش را در تنهایی بسر می‌برد. اهمیت فارابی بیشتر در شرحهای اوست بر آثار ارسطو و به سبب همین شروح هم او را «معلم ثانی» خوانده و در مقام بعد از ارسطو، قرار داده‌اند. فارابی مانند بسیاری از فلاسفه‌ی اسکندریه و خاور نزدیک که می‌کوشیدند بین عقاید افلاطون و ارسطو را التیام دهند، در کتبی که به بحث در اتفاق آراء افلاطون و ارسطو اختصاص داده سعی بلیغ در این راه به کار برده است و کتاب «الجمع بین رأیی الحکیمین: افلاطون الالهی بین رأیی الحکیمین: افلاطون الالهی و ارسطو طالیس» را در این باب تألیف کرده. فارابی در رساله‌ی فصوص‌الحکم برای اثبات توحید بیشتر به اصول و عقاید نو افلاطونیان و عرفا نزدیک شده و در رساله‌ی آراء اهل المدینة الفاضلة تحت تأثیر افلاطون قرار گرفته و سعادت بشر را در ایجاد اجتماع کاملی دانسته است که همانند اجتماع روحانی باشد. فارابی مانند همه‌ی دانشمندانی که در تمدن اسلامی عنوان فیلسوف داشته‌اند از همه‌ی علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیفی بوده است. اطلاعات وی در ریاضیات خوب ولی در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است. روش فلسفی او را باید فی‌الحقیقه یک روش نو افلاطونی اسلامی نامید و این همان روشی است که پیش از فارابی به وسیله‌ی کندی شروع شد و بعد از او از طرفی در آثار اخوان‌الصفاء و از طرفی دیگر در کتب ابوعلی سینا به مرحله‌ی کمال رسید. مع‌ذلک فارابی در بعض موارد با کندی و ابوعلی سینا اختلاف دارد و همچنین چون آثار او تحت تأثیر سه روش عمده‌ی افلاطون و ارسطو و فلوطینس واقع است گاه موارد اختلافی در آنها مشاهده می‌شود و وجه اشتراک همه‌ی این آثار با یکدیگر عبارتست از ترکیب عقاید مذکور با اصول دینی اسلامی. به نظر فارابی بی‌سعادت و عظمت مقام فیلسوف در ترک علایق و تجرد و گوشه‌گیری است. حاصل علم و مقدمه‌ی سعادت اخلاق است و عالمی که از مبانی اخلاقی پیروی نکند از سعادت کمال برخوردار نیست. اثر فارابی در فلاسفه‌ی بعد از خود بسیار بوده است و با این حال از انتقادات برخی مانند ابن رشد آسوده نمانده است. ابن‌رشد در چند مورد از کتاب تهافت التهافت بر فارابی تاخته و او را در شمار متکلمان قرار داده است نه در زمره‌ی فیلسوفان. فارابی را در حدود صد تألیف است و مهمترین آنها عبارتند از: رسالة فی مبادی آراء اهل المدینة الفاضلة، مقالة فی معانی العقل، عیون‌المسائل، فصوص‌الحکم، رسالة فی السیاسة، المسائل الفلسفیة، احصاءالعلوم، اغراض ارسطو طالیس فی کتاب ما بعد الطبیعة، رسالة فی اثبات المفارقات.

ابونصر محمد بن طرخان بن اوزلع و یا محمد بن محمد بن محمد بن طرخان حکیم و فیلسوف ترک معروف به (معلم ثانی).

تولد این دانشمند بزرگ در (فاراب) و شهرتش نیز فارابی از اکابر فلاسفه

نامی و حکماء اسلامی قرن چهارم زمان آل‌بویه می‌باشد و چون ارسطوی حکیم مشهور به معلم اول است وی را معلم ثانی گویند.
در میان حکماء کسی به پایه وی نرسیده و در قوه مدرکه دارای اولین درجه بوده و ابن‌سینا با آن همه جلالت و نبوغ علمی که داشته از کتابهای او استفاده شایانی نموده و در مصنفات خود از انوار علمیه‌اش اقتباس می‌کرده است.
از همین جهات است که در کلمات اکابر و بزرگان به استاد الفلاسفه و ملک‌الحکما توصیف شده است و او اولین حکیم و فیلوسفی است که در دوره اسلام ظهور کرده و نام فاراب را به تمام جهان رسانیده.
اجمالا فارابی در زادگاه خود شهر فاراب علوم اولیه را فراگرفته و مسافرت به بلاد ایران نموده و به زبان فارسی و السنه دیگر آشنا شده و مسافرت به بغداد نموده و زبان عربی را هم در آنجا آموخته و با صاحب بن عباد و شیعیان آنجا مصاحبت داشته و پس از تکمیل حکمت و فلسفه در حران و غیره در بغداد به تحصیل ریاضیات و فنون حکمت اشتغال و تمام کتب ارسطو را تتبع و ممارست نموده و گویند وقتی از او پرسیدند تو داناتری یا ارسطو در پاسخ گفت اگر من زمان ارسطو را درک می‌کردم هر آینه بزرگترین شاگردان او می‌شدم.
قاضی نورالله شهید شوشتری در مجالس المؤمنین خود او را بسیار ستوده و گوید: وی معلم مقالات اهل یونان و متمم کمالات نوع انسان بوده است.
از آثار فارابی است 1- آراء اهل المدینة الفاضله والمدینة الجاهله والمدینة الفاسقه والمدینة المبدلة والمدینة الضاله که در مصر و لیدن چاپ شده و مرحوم علامه تهرانی در الذریعه خود در چندین مورد استظهار کرده که فارابی شیعه مذهب و به عصمت ائمه طاهرین علیهم‌السلام معتقد بوده است.
2- الابانه 3- ابطال احکام النجوم 4- احصاء العلوم و چهل کتاب دیگر که جمعاً 44 تألیف می‌شود وفات این نابغه اسلامی در سال 337 یا 39 یا 40 و یا 344 واقع شده و سیف‌الدوله حکمران شام با جمعی بر وی نماز خوانده است از اشعار فارسی که به او نسبت می‌دهند این رباعی است.
اسرار وجود خام و ناپخته بماند
وان گوهر بس شریف ناسفته بماند
هرکس بدلیل عقل چیزی گفته
آن نکته که اصل بود ناگفته بماند
(خلاصه‌ای از ریحانةالادب و غیره)
ابونصر فارابی محمد بن محمد، از همه‌ی علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیفی بوده است. اطلاعات وی در ریاضیات خوب ولی در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (243 -242 / 7) تاریخ ادبیات در ایران (299 -293 / 1)، تاریخ الحکماء قفطی (383 -379)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (511 -506)، تاریخ فلاسفه ایرانی (130 -98)، تاریخ فلسفه در اسلام (182 -165 / 2)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی (448 -395)، دایره‌المعارف فارسی (1821 -1820 / 2)، الذریعه (260/ 23 ،291 247، / 20 ،42 ،41 / 19 ،235 / 16 ،383 / 15 ،273 / 12 ،10 / 11 250، / 10 ،183 / 7 ،397 ،395 / 6 ،288 ،252 ،135 ،103 ،16 / 5 500، -499 ،437 ،227 ،224 / 4 ،397 ،91 / 3 ،251 ،12 -11 / 2 386، ،376 ،289 ،269 ،100 ،66 ،56 ،34 -33 / 1)، روضات الجنات (312 -305 / 7)، ریحانه (266 -261 / 4)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (341 -340)، سیر النبلاء (418 -416 / 15)، شخصیت‌های نامی (360 -359)، شذرات الذهب (354 -350 / 2)، الفهرست لابن الندیم (368)، کارنامه‌ی بزرگان (62 -61)، الکامل (337 / 6)، کشف الظنون (1265 ،1011 52،)، الکنی و الالقاب (5 -4 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابونصر)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 339)، معجم البلدان (255 / 4)، معجم المؤلفین (196 -194 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (296 -291 / 5)، النجوم الزاهره (348 -347 / 3)، الوافی بالوفیات (113 -106 / 1)، وفیات الاعیان (157 -153 / 5)، هدیه العارفین (40 ،39 / 2).

فاضل بخشایش، جواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد فاضل بخشایش
محل تولد : بستان آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب جواد فاضل بخشایش در سال 1345 در شهر بخشایش از توابع شهرستان بستان آباد واقع در آذربایجان شرقی در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم تا مقطع سیکل در زادگاه خودم تحصیل کردم پس از اتمام سیکل در سال 1363 وارد حوزه علمیه مدرسه طالبیه تبریز شدم و مقدمات ادبیات عرب و مقداری از فقه و اصول را در آن جا فراگرفتم. سپس در سال 1367 وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل فقه و اصول و فراگیری کلام و فلسفه و عرفان از اساتید بزرگواری همچون مرحوم آیة الله پایانی قدس سره، حاج آقا اعتمادی، حاج آقا موسوی تهرانی و استاد اسحاق نیا حفظهم الله تعالی مشغول بوده و هستم.
الان بیشتر فعالیتم آموختن فلسفه و عرفان و تحقیق در نهج البلاغه و تفسیر می باشد. در هر هفته یک روز مدت 8 سال است که مشغول تدریس تفسیر قرآن برای جوانان هستم. در طول این مدت با دفتر تبلیغات و موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث در تحقیق موضوعات و آثار مختلف اسلامی همکاری داشته و دارم.

فاضلی، قادر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قادر فاضلی
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب قادر فاضلی در سال 1360 دیپلم در رشته الکترونیک را گرفته سپس وارد حوزه علمیه شدم دروس حوزوی را تا درس خارج ادامه داده و به تحقیق و تدریس پرداخته ام . در کنار دروس فقه و اصول به فلسفه و عرفان پرداخته و نزد استادانی چون علامه حسن زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی تلمذ کرده ام . وقتی از قم به تهران مراجعه کردم به محضر علامه محمد تقی جعفری شرفیاب شده و مدت قریب 10 سال در موضوعات فقه و دین شناسی از خدمت ایشان استفاده نمودم. از سال 1367 به تدریس در دانشگاهها مشغول شده و هم اکنون نیز ادامه دارد . قریب به 10 سال است که در شبکه های مختلف تلویزیونی برنامه های مختلف داشته و در راستای مسائل دینی و اجتماعی بیش از 100 برنامه از اینجانب پخش شده است. بیش از 30 مقاله علمی در مجله های داخل و خارج کشور چاپ و منتشر شده است. تا کنون قریب به 50 جلد کتاب در موضوعات مختلف نوشته ام که تعداد 24 عنوان از آنها به چاپ رسیده است.

فتحی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی فتحی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/12/2
زندگینامه علمی
سال (1365-1359) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب‌خانه رفتم و در مدت 2 یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبیه الغافلین» رفتم بعد استاد گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.
سال (68-1365) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با 4 نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود 20 کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهارنفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم.
با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجة الاسلام عبدالله بهرامی علیرغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را که با شرایط خاصی، گزینش می‌کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را درمدرسه شهیدن(ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.
همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین(ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می‌شد و در محضر استاد ارائه می‌گردید؛ اصول: استاد

ارجمند حاج آقای علی عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیةالله شبیری زنجانی نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می‌کنم.
کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایة و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعةالزهرا و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعةالزهرا و دانشکده علوم قرآنی و...
کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل 86/18، موضوع پایان‌نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن درموسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیة الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...
(ج) دکتری 87 – 86: همزمان با نگارش پایان نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و جاج آقای مهدوی‌راد، استفاده می‌کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فخر داعی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(سید) محمدتقی گیلانی ملقب به فخرالمحققین و داعی‌الاسلام نویسنده و محقق ایرانی (ف. تهران آذرماه 1343 ه.ش/ شعبان 1384 ه.ق). وی پس از تحصیل نزد شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمنانی، فاضل تفرشی عازم عراق عرب شد و از محضر آخوند ملاکاظم خراسانی و شیخ عبداللّه مازندرانی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در اوایل نهضت مشروطه با آزادی‌خواهان عراق همکاری کرد. سپس از طرف آخوند ملا کاظم مأمور اداره‌ی انجمن دعوةالاسلام بمبئی گردید. وی علاوه بر وظایف دینی که به عهده داشت به تحقیق و تتبع مشغول بود و زبانهای انگلیسی و اردو را تحصیل کرد و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. وی پس مراجعت به ایران در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد و کتب ذیل را ترجمه و منتشر کرد: تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاولوبون، تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس (دو جلد)، تاریخ عرب و اسلام تألیف امیرعلی، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران تألیف شبلی نعمانی (پنج جلد)، تفسیر قرآن تألیف سید احمدخان (که سه جلد آن منتشر شده)، تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، مجموعه‌ی مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند تألیف امیرعلی. وی در هشتاد و پنج سالگی درگذشت.
(وف 1343 ش)، عالم و مترجم. ملقب به فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام. وی از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی است که به مقام اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آزادیخواهان ایران مقیم عراق پیوست. وی به دستور آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به بمبئی رفت و اداره‌ی امور انجمن دعوه الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انلگیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندور به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزایوسف مستوفی و مقابل صحن طلا دفن شد. از آثار وی: «تمدن اسلام وعرب» گوستاولوبون، ترجمه؛ «تاریخ عرب و اسلام» امیرعلی، ترجمه؛ «تاریخ هندوستان»، ترجمه؛ «تاریخ علم کلام» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن سید

احمدخان»، ترجمه؛ «سوانح مولوی» شبلی نعمان، ترجمه؛ «شعر العجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس، ترجمه.[1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (2608، 2032 / 2 933، -932، 768، 727- 726، 724، 673 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (233 -231 / 2)، نامها و نامدارهای گیلان (371).

فخر رازی، فخرالدین ابوعبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 606 -544 ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ‌الاسلام و ابن‌خطیب و ابن‌خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را،از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرند در مدرسه‌ای که قاضی مرند، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف‌بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن‌حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد،پس به ماورالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ‌الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛«تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لوامع البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن‌سینا، در طب؛ شرح «نهج‌البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در 574 ق به نام علاءالدین تکش‌خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی،

در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی.[1]

رازی، ابوعبداللَّه محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری 543 یا 544- ف. هرات 606 ه.ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایةالعقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیة، محصل افکارالمتقدمین والمتأخرین (ه.م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزیغ والطغیان، المباحث العمادیة فی المطالب المعادیة، تهذیب الدلائل و عیون‌المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبدة، المعالم، مفاتیح الغیب (ه.م)، نهایةالاعجاز (ه.م)، المسائل الخمسون (ه.م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه.م)، الملخص (ه.م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن‌سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمة، مباحث المشرقیه (ه.م).

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (203 / 7)، تاریخ ادبیات در ایران (1017 -1016 / 2)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (413 -382)، دایره‌المعارف فارسی (1848 -1847 / 2)، روضات الجنات (44 -36 / 8)، ریحانه (301 -297 / 4)، ری باستان (377 -374 / 2)، سیر النبلاء (501 -500 / 21)، شخصیت‌های نامی (364 -363)، شذرات الذهب (22 -21 / 5)، فرهنگ ادبیات فارسی (368 -367)، الکامل (302 / 9)، کشف الظنون (2002 1756، 1774، 1819، 1840، 1864، 1905، 1973، 1986، ،1988 1577- 1578، 1614، 1615، 1616، 1697، 1714، 1726، ،1727 989، 993، 1035، 1113، 1141، 1186، 1312، 1445، 1467، ،1561

359، 449، 454، 515، 565، 605، 633، 725، 730، 739، 760، ،954
354، 333، 262، 224، 204، 120، 94، 83، 67، 61)، الکنی و الالقاب (16 -13 / 3)، لسان المیزان (435 -430 / 5)، لغت‌نامه (ذیل/ فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 606)، معجم المؤلفین (80 -79 / 11)، منتخب التواریخ (409)، مؤلفین کتب چاپی (644 -642 / 5)، النجوم الزاهره (176 -175 / 6)، الوافی بالوفیات (252 -248/ 4)، وفیات الاعیان (252 -248 / 4)، وقایع السنین و الاعوام (335)، یادداشتهای قزوینی (95 / 6).

فخر فارسی، فخرالدین ابوعبدالله محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 622 -528 ق)، محدث، زاهد، صفوی و متفلسف شافعی. اصلش شیرازی و ساکن مصر بود. احادیث بسیاری از سلفی شنید و آنها را به رشته تحریر درآورد و در دمشق نیز ابن‌عساکر حدیث شنید. برزالی و منذری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.ذهبی نیز از طریق ابوالمعالی ابرقوهی و ابوالحسن ابن قیم نیز از وی حدیث روایت کرده است. در خانقاه ذوالنون مصری زوایه داشت و پس از مرگ در همان جان دفن شد. او در نظم و نثر توانا بود و صاحب تصنیفاتی در زمینه‌ی تصوف و کلام است، که برخی از آنها به سبک فلاسفه صوفیه است. از آثار وی: کتاب «مطیه النقل و عطیه العقل»، در اصول و کلام؛ «الاسرار و سر الاذکار/ الاسکار»، که در آن بین حقیقت و شریعت جمع کرده است؛ « برق النقا و شمس اللقا»؛ «جمحه النهی عن لمحه المها»؛ «الفرق بین الصوفی و الفقیر»؛ «تذکره مناهج السالکین»؛ «بلغه الفاصل و عروه الواصل».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (6 / 187)، ایضاح المکنون (502 -501 ،188 / 2 365، ،176 ،76 / 1)، سیر النبلاء (181 -179 / 22)، شذرات الذهب (101 / 5)، العبر (188 / 3)، لسان المیزان (631 -629 / 5)، معجم المؤلفین (192 -191 / 8)، النجوم الزاهره (234 / 6)، الوافی بالوفیات (9 / 2)، هدیه العارفین (112 -111 / 2).

فردید، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1291 ش)، استاد دانشگاه، فیلسوف. اصل وی از یزد بود. فردید از دانشگاه سوربن موفق به اخذ دکتری فلسفه شد و پس از بازنشستگی به مدت چند سال در انجمن حکمت و فلسفه به تدریس اصول و مبانی فلسفه پردات. دکتر فردید با زبانهای عربی، فرانسه و آلمانی آشنا بود و اصطلاح معروف غربزدگی که بسیار شایع شده است از اوست. از آثار وی: «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، به مشارکت عبدالحمید گلشن.[1]
استاد.
تولد: 1291، یزد.
درگذشت: 25 مرداد 1373.
دکتر سید احمد فردید دارای درجه‌ی دکتری از دانشگاه سربن در رشته‌ی فلسفه بود. استاد فلسفه و حکمت معنوی دانشگاه تهران بود و پس از بازنشستگی نیز چندین سال به آموزش و تدریس مبانی فلسفه در انجمن حکمت و فلسفه می‌پرداخت. وی بر واژه‌شناسی زبان‌های سانسکریت، لاتین، آلمانی، عبری، و عربی تسلط داشت و از برخی از زبان‌های دیگر نیز تا اندازه‌ای اطلاع داشت. وی از لحاظ فلسفی تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی مارتین هایدگر قرار داشت. نوارهای بخشی از کلاس‌های ایشان در بنیاد علامه‌ی طباطبایی موجود است. مقالاتی از وی در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسیده است.
از آثار وی است: روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان (هانری کربن، ترجمه با همکاری عبدالحمید گلشن، 1325).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] فهرست کتابهای چاپی فارسی (1752 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (432 -431 / 1)، نشر دانش (س 15، ش 1 و 2، ص 82).

فرشته، محمدتقی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ محمد تقی فرشته (متوفی سال 1186هـق) از اعلام فلاسفه و اعاظم علمای امامیه بود. وی پس از درک محضر علمای بزرگ زمان خود و رسیدن به درجه عالی علمی ، توانست کرسی تدریس فلسفه و فقه و اصول را در قزوین به خود اختصاص دهد. شیخ محمد تقی فرشته آثاری چند به طبع و تالیف رسانده است.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : شیخ محمدتقی فرشته فرزند شیخ محمدجعفر بن شیخ محمدکاظم طالقانی قزوینی رمضان ، از اعلام فلاسفه و اعاظم علمای امامیه بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ محمدتقی فرشته پس از فراگیری مقدمات ، حکمت و فلسفه را نزد علمای زمان خود آموخت و در ردیف عالمان زمان خود قرار گرفت.استادان و مربیان : شیخ محمدتقی فرشته حکمت و فلسفه را از حوزة درس پدرش شیخ محمدجعفر فرشته و میرزا حسن بن عبدالرزاق لاهیجی (متوفی سال 1121هـ.ق) اخذ کرد.همسر و فرزندان : شیخ محمدتقی فرشته پدر ملانعیما طالقانی صاحی کتاب اصل الاصول و ملامحمد ملائکه متوفی سال 1200هـ.ق می باشد.زمان و علت فوت : شیخ محمدتقی فرشته متوفی سال 1186هـق می باشد.فعالیتهای آموزشی : شیخ محمدتقی فرشته پس از درک محضر علمای بزرگ زمان خود و رسیدن به درجه عالی علمی ، توانست کرسی تدریس فلسفه و فقه و اصول را در قزوین به خود اختصاص دهد. او از ائمه فتوا و تقلید بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ محمد تقی فرشته علاوه بر فعالیت های آموزشی ، آثاری چند به طبع و تالیف رسانده است.آثار : حواشی بر اسفار ملاصدرای شیرازی ، حواشی بر شرح قوشجی
منابع زندگینامه :نسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان 1375 ، ص 170

فرهادیان، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا فرهادیان
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/6/1
زندگینامه علمی
به نقل از کتاب والدین مسئول و کتاب یار مهربان یادمان نخستین جشنواره انتخاب کتاب معلم: مولف در سال 1327 در جوار آرامگاه حکیم و فیلسوف بزرگ شرق شیخ الریئس ابو علی سینا و شاعر شوریده بابا طاهر در شهر همدان پا به عرصه هستی گذاشت. تحصیلات را در زادگاهش آغاز کرد و پس از اخذ مدرک دیپلم در دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی مکانیک و دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی تهران) در رشته مشاوره و راهنمائی تحصیلی (علمی) قبول گردید به دلیل علاقه مندی به تعلیم و تربیت و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت معلم را انتخاب نموده و با طی دوره دانشگاه زمینه برای ورود به آموزش و پرورش و درآمدن به کسوت شریف معلمی فراهم شد و در سال 1352 با استخدام در آموزش و پرورش سالهای پر شور و به یاد ماندنی تدریس و مشاوره تعلیم و تعلم در زندگی فرهنگی او آغاز شد. با ارتباطی که با مرحوم شهید دکتر بهشتی (ره) داشت جهت فعالیتهای فرهنگی قبل از انقلاب در سال 1353 به سمت مدیر عامل موسسه آیت فیلم انتخاب گردید. و در اسفند ماه سال 1357 با تایید و پیشنهاد شهید مرحوم آیت الله مدنی(ره) به سمت مدیر صدا و سیمای استان همدان منسوب گردید و در اسفند سال 1358 به سمت مدیر صدا و سیمای استان کردستان منسوب گردید و در سال 1360 به سبب احساس نیاز و علاقمندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شد و با علاقه فراوان به فراگیری دروس حوزه پرداخت. وی در طول سالهای خدمت در آموزش و پرورش به مطالعه، مشاوره و تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته و ساعاتی به عنوان مشاور و راهنمای دانش آموزان و اولیای آنها نقش موثری در پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت داشته و مسئولیت مرکز مشاوره خانواده در آموزش و پرورش استان قم از دیگر مسئولیتهای وی در آموزش و پرورش

بوده است در سال 1367 طی حکمی عضو ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید و در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت و پیش نویس طرح بنیادی تغییر نظام آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش مشارکت نمود. در طی این دوران همچنان به دروس حوزه اشتغال داشته و به فراگیری درس خارج از اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، فاضل لنکرانی (ره)، مکارم شیرازی، وحید خراسانی بهره برده است و دوره تخصصی فلسفه اسلامی از منطق منظومه تا فلسفه و عرفان اسلامی را گذرانده است. وی در طول دوره های تحصیل حوزه و خدمت در آموزش و پرورش در سال 1369 با تاسیس موسسه فرهنگی تربیتی توحید در جهت پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت اسلامی تلاش نموده و حاصل سالها فعالیت و مطالعه و تجربه مفید آموزشی و تربیتی، تالیف بیست جلد کتاب و مقالات مختلف در مجله پیوند و تربیت و سایر روزنامه ها و ویژه نامه های تربیتی وابسته به آموزش و پرورش اقدام نموده است که برخی از این کتابها بارها به چاپ رسیده است و تجدید چاپ مکرر گردیده است و در حال حاضر کماکان مدیر موسسه فرهنگی تربیتی و مجتمع آموزشی دخترانه و پسرانه توحید می باشند و با طرح ارزشیابی توصیفی، حرکتی نو در جامعه آموزشی ایران ایجاد نموده و اخیرا با وزارت آموزش و پرورش در جهت تالیف کتاب مهارتهای زندگی همکاری مستمر داشته اند. (مهر 1385)

فریدالدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عمر بن غیلان بلخی، معروف به فرید غیلانی، حکیم ایرانی در نیمه‌ی اول قر. 6 ه. وی در 523 ه.ق در نامیه‌ی مرو مشغول بوده و قسمتی از عمر خود را در سمرقند گذرانیده و فخرالدین رازی در 582 به خانه‌ی او رفته است فرید در فلسفه شاگرد ابوالعباس لوکری شاگرد بهمنیار شاگرد ابن‌سیناست آثار مهم او عبارتند از: «حدوث العالم»، «التنبیه علی تمویهات کتاب التنبیهات»، «التوطئة للتخطئة» در ذکر ایراداتی بر منطق ابن‌سیناست.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فریدنی، محمد صالح

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1328 -1240 ق)، حکیم، عارف و فقیه. در قریه‌ی چادگان فریدن اصفهان متولد شد. مقدمات علوم را در اصفهان آموخت. سپس به سبزوار رفت و از محضر حاجی ملاهادی حکیم سبزواری بهره جست و از شاگردان برجسته‌ی او گردید. چون به کمال رسید به اصفهان بازگشت. وی علاوه بر کمالات علمی در فضایل نفسانی نیز به مقامات والا رسید، و این راه را با کمک آقا محمد کاظم سعادت علیشاه اصفهانی پیمود، و با حاج ملا سلطان محمد گنابادی پیمان بست و سالها در موطن خویش منزوی و به عبادت و ریاضت مشغول بود. ملک‌المتکلمین اصفهانی، خطیب دوران مشروطه، از شاگردان او است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (384 -383).

فکور، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسین فکور
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین فکور در سال 1358 با شروع انقلاب اسلامی در ایران و علاقه به علوم حوزوی وارد حوزه علمیه شدم و به تحصیل پرداختم و مانند سایر محصلین و طلاب حوزه های علمیه به خواندن درسهای سطح پرداخته درا ین بین با شروع جنگ تحمیلی در سال 1361 به مدت یک سال تمام در جبهه ها حضور یافتم پس از آن مجددا به تحصیل ادامه دادم و از اساتیدی همانند آیات عظام سید محسن خرازی، ستوده، پایانی، موسوی تهرانی، اعتمادی و فیاضی در دروس سطح بهره بردم سپس به درس خارج پرداخته و از اساتیدی همانند آیت الله شیخ محمد علی اسماعیل پور شهرضایی، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی و آیت الله بهجت بهره بردم در این بین در لجنه تحقیقاتی کتاب وزین جامع احادیث الشیعه که به امر آیت الله بروجردی در حال تالیف بود و تا سالیان اخیر نیز ادامه داشت به مدت چند سال شرکت کرده و از این لجنه استفاده فراوانی بردم با توجه به علاقه ذاتی به ادبیات و نویسندگی به مطالعه آثار ادبی نویسندگان بزرگ ایران و جهان پرداخته که این امر در ارتقای مساله نویسندگی در این جانب نقشی اساسی داشت در سالهای بعد با دعوت سردبیر مجلات کودک و نوجوان، پوپک و سلام بچه ها در آنجا به فعالیت پرداختم که این مساله تا کنون ادامه دارد. همزمان به تحصیل دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه قم نیز پرداختم و در سال 1383 موفق به دفاع از پایان نامه خود با درجه عالی با عنوان خداشناسی در مکتب اهل بیت علیهم السلام شدم.

فلاح رزومی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی فلاح رزومی
محل تولد : ساری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
آقای علی فلاح رزومی در سال 1343 در خانواده‌ای دوستدار اهل بیت (ع) دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را در ساری گذرانده و در سن 20 سالگی برای تحصیل علوم دینی به مشهد مهاجرت کردند نامبرده در کنار دروس حوزوی به تحصیل دروس دانشگاهی نیز پرداخت و در سال 1378 در مقطع ارشد رشته فلسفه و کلام از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گشته و هم اکنون نیز در مقطع دکترا در حال تحصیل می‌باشند. ایشان همزمان با تحصیل، حوزه درسی را دایر کردند و به تربیت طلاب و دانشجویان پرداختند. ایشان ادبیات عرب را نزد حجت الاسلام و المسلمین رازینی و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی آموختند سپس مکاسب را نزد آیت الله واعظی و کفایه را نزد آیت الله رضازاده تلمذ کردند، پس از آن مدت مدیدی در درس خارج فقه و اصول آیت الله فلسفی شرکت کردند و نامبرده سفرهای متعدد تبلیغی نیز به خارج از کشور داشته‌اند که برخی از آنها را می توان چون عربستان و نامبیا نام برد.

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا فلاح شیروانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
حقیر دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونة دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان- تأسیس 1364) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال 68 در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضیعف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال 71 پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده 10 حوزه را گذراندم (سال 74 تخصصی های پایه ده و درسال 75 عمومیها را امتحان دادم. از سال 74 به درسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفة» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (72) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (72) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل

پیگیری نشد و در سال بعد نهایه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح 2 سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال 76 در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات(حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال 77 دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمة الاشراق و جلسات فلسفة بود. دروس فقه و اصول پس از پایة 10 با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظهم الله حجة الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجة الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال 82 که با پذیرفتن مسؤولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسؤولیت آن بخش در سال 84 دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی 86 ـ 87 معاونت پژوهشی مدرسهٔ معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (86) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکدهٔ علمی ـ کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغهٔ ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزهٔ اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاح نژاد، عبدالحمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحمید فلاح نژاد
محل تولد : خرم آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1357وارد حوزه علمیه کمالیه خرم آباد شدم و دروس مقدماتی را همراه با سال سوم راهنمائی شروع کردم درسال 58 به مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد عزیمت کردم. در سال 59 به حوزه علمیه مقدسه قم منتقل شدم ابتدا در مدرسه امام صادق (ع) و سپس در مدرسه حجتیه مستقر شدم در سال 60 وارد مدرسه آیت الله گلپایگانی شدم و تا لمعتین را در آن مدرسه بودم سپس وارد درسهای عمومی حوزه شده وتا سال 1368 دوره سطح عالی گذراندم. در سال 68 در درس اصول آیت الله فاضل لنکرانی شرکت کردم و ازسال 69 در درس فقه آیت الله تبریزی و به مدت 2سال در درس فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی و از سال 72 تاکنون دردرس خارج فقه واصول آیت الله وحید خراسانی حضور می یابم. جلد1اسفار اربعه ملاصدرا را از محضر آیت الله جوادی آملی و مجلات 2 تا 9 اسفار را از محضر آیت الله ممدوحی استفاده بردم. در سال 70 به صورت داوطلب آزاد دیپلم فرهنگ و ادب گرفتم در سال 76 در دوره تخصصی تبلیغ حوزه قم شرکت کرده ودر سال 80 این دوره را به پایان رساندم ودر حال حاضر مشغول تدوین پایان نامه سطح 4حوزه تحت عنوان شیوه جدال احسن در تبلیغ دین می باشم. در سال 80 در کنکور دانشگاه آزاد مقطع کارشناسی ارشد شرکت کردم و بارتبه دوم در رشته فلسفه و حکمت اسلامی پذیرفته شدم و در سال 1382 این مقطع را به پایان رساندم و پایان نامه ای تحت عنوان مبانی ولایت از دیدگاه امام خمینی (ره) به نگارش در آوردم . از سال دوم طلبگی تدریس دروس مقدماتی را آغاز کردم و در سال 74 در دانشگاه مشغول تدریس شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد در سال 75 در مدارس تحت پوشش حوزه علمیه قم تدریس ادبیات عرب شدم و سپس فقه و اصول را شروع کردم از سال 80 تاکنون نیز دروس سطح عالی حوزه را تدریس می کنم. چند مقاله در

موضوعات ارتداد ولایت فقیه امام خمینی و فلسفه تخطئه و تصویب در نظر مذاهب اسلامی به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها را در اختیار بعضی مجلات قرار داده ام هم اکنون در حال تدریس در حوزه و دانشگاه می باشم.

فلاطوری، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فیلسوف.
تولد: 1304 ق.، اصفهان.
درگذشت: 9 دی 1375.
عبدالجواد فلاطوری از نوادگان آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفه‌ی حاجی سبزواری، است. فلاطوری از ابتدای جوانی علاوه بر تحصیلات دبیرستانی به کسب معارف اسلامی همت گماشت و در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد در محضر استادانی نظیر محمدعلی شاه‌آبادی، مهدی آشتیانی، آیت‌الله محمدتقی آملی، آیت‌الله خوانساری، محمدرضا کلباسی و آیت‌الله هادی کدکنی نیشابوری به شاگردی پرداخت .
در سال‌های 1328 و 1329 کتاب جواهر را با آیت‌الله محمدرضا کلباسی مباحثه کرد و از محضر وی به اخذ روایت و گواهی درجه‌ی اجتهاد نایل آمد.
فلاطوری در سال 1333 برای تحصیل روانه آلمان شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت. وی در رشته‌ی «کانت‌شناسی» به درجه‌ی استادی رسید. همچنین در آلمان به تحصیل رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و تطبیق ادیان پرداخت. در همین ایام زبان‌های لاتین و یونانی را نیز فراگرفت و پس از نوشتن مقالات و رسایل کوچکتری به نوشتن رساله‌ی استادی خود پرداخت و آن را درباره‌ی «دگرگونی بنیادی فلسفه‌ی یونانی بر اثر طرز اندیشه اسلامی» نگاشت و به درجه‌ی استادی نایل آمد. دکتر فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان در رشته‌های فلسفه (به شیوه‌ی تطبیقی) و حقوق و کلام و علوم اسلامی و اسلام معاصر بود.
از جمله فعالیت‌های دکتر فلاطوری، تأسیس مرکز آکادمی کلن در سال 1356 بود که دست به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس آلمان زد، و نواقص و کاستی‌های کتاب‌های درسی را در زمینه‌های اسلام و تاریخ اسلام اصلاح کرد و در این ارتباط شش کتاب تألیف شد که به عنوان مرجعی برای نویسندگان کتاب‌های درسی آلمان و دیگر کشورهای اروپا از قبیل فنلاند، فرانسه، پرتغال و اسپانیا شد و خود اروپایی‌ها براساس اقدامات و تألیفات استاد فلاطوری، مطالب کتاب‌های درسی خود را اصلاح بازنویسی کردند.
دکتر فلاطوری برای این که مرکز آکادمی کلن به عنوان یک نهاد علمی جزء دانشگاه قرار بگیرد، آن را از شهر کلن به هامبورگ انتقال داد و از آن پس

جزیی از دانشگاه هامبورگ شد. قصد وی این بود که در این مرکز آکادمی، دانشجوی علوم اسلامی تربیت کند و مدرک معتبر نیز بدهد.
دکتر فلاطوری در آلمان به عنوان یک مرجع اسلامی و دانشمند فلسفه و علوم اسلامی مطرح بود. هر زمان که مجلس اروپا در تجزیه و تحلیل و بیان مسایل اسلامی و تفاهم و همفکری و گفت و گوی بین پیروان ادییان اسلام و مسیحیت و یهودیت دچار مشکل می‌شدند، به وی مراجعه می‌کردند و نظرخواهی و راهنمایی می‌خواستند. وی برای ایجاد مباحثه، تفاهم، همفکری، و همکاری بین پیروان ادیان مختلف تلاش می‌کرد. وی در برپایی اجلاسی که پیش از فوتش بین مفتکران و اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در یونان برگزار شد، مسئولیت داشت.
از آثار ترجمه‌ی اوست: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (تألیف برتولد اشپولر، تهران، 1349).
دکتر عبدالجواد فلاطوری روز یکشنبه نهم دی 1375 هنگام تدریس در کلاس درس بر اثر سکته‌ی قبلی درگذشت.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

فلسفی کازرونی، محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بن عبداللَّه بن محمد مظفرالدین حمیدالدین بن سعدالدین امامی فلسفی کازرونی از علماء امامی مذهب فلسفی مشرب و اطباء قرن نهم هجریست وی در 870 از دنیا رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فلکی شروانی، نجم‌الدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 587 / 577 / 540 ق)، حکیم، منجم و شاعر، متخلص به فلکی. در قصبه‌ی شماخی از نواحی شروان به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل نجوم پرداخت و به همین دلیل تخلص فلکی را انتخاب کرد. وی از مداحان شروانشاهان، و بویژه مداح منوچهر بن فریدون بود و گفته‌اند که توسط وی به ملک‌الشعرایی برگزیده شد. فلکی از معاصران خاقانی و نظامی بود. او شعر و ادب را نزد ابوالعلاء گنجوی فراگرفت. به گفته‌ی صاحب «آتشکده‌ی آذر» تخصص فلکی در قصیده‌سرایی بود و تحت تأثیر سبک خراسانی قرار داشت. او قصاید حبسیه‌ای نیز دارد که مربوط به زمانی است که به تهمت افشای اسرار به زندان شروانشاه افتاده بود. وی در شماخی درگذشت و در آن‌جا نیز مدفون شد. از آثارش «دیوان» شعر؛ «کتابی» در احکام نجوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (204 -198 / 1)، تاریخ ادبیات در ایران (776 -774 / 2)، تاریخ گزیده (743)، تاریخ نظم و نثر (106)، تذکره الشعراء (115)، حبسیه در ادب فارسی (269 -267)، دانشمندان آذربایجان (302 -301)، الذریعه (846 / 9)، ریحانه (353 -352 / 4)، سخن و سخنوران (611 -601)، شخصیت‌های نامی (381 -380)،صبح گلشن (320)، فرهنگ سخنوران (719)، گنج سخن (25 -20 / 2)، مجمع الفصحا (948 -946/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (667 -666 / 5).

فنایی اشکوری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فنایی اشکوری
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
محمد فنایی اشکوری در سال1340 در شهرستان رود سر به دنیا آمد، در سال 1355 هجری شمسی وارد حوزه علمیه قزوین شد و ادبیات، منطق و مقداری فقه و اصول را در آنجا در مدرسه صالحیه گذراند. در سال 1359 هجری شمسی به قم هجرت کرد و دروس سطح را طی سه سال به پایان رساند، خارج فقه و اصول را نزد آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی فرا گرفت و همزمان دروه چهار ساله مؤسسه در راه حق را به پایان رساند. درسهای فلسفه و عرفان را نزد حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و مصباح یزدی بهره برد و به مدت دو سال در گروه تخصصی فلسفه بنیاد باقرالعلوم علیه السلام مشغول بود و همزمان در درسهای فلسفه غرب در دانشگاه تهران نزد اساتید مختلف شرکت کرد. در سال 1371 هجری شمسی به کانادا اعزام شد، کارشناسی ارشد را طی دو سال از مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل در فلسفه و منطق تطبیقی گذراند سپس در رشته فلسفه غرب دوره دکتری را در دانشگاه مک گیل به پایان برد. طی ده سال اقامت در شمال امریکا در دانشگاههای مختلف آمریکا و کانادا سخنرانی داشت و در بسیاری از کنفرانسهای فلسفه و دین مقاله ارائه نمود. در سال 1380 هجری شمسی به ایران برگشت و در مؤسسه آموزشی و پزوهشی امام خمینی (ره) به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه سیاسی وعرفان پرداخت. تا کنون حدود ده پایان نامه تخصصی در رشته های فلسفه، دین شناسی و عرفان با راهنمائی ایشان به انجام رسیده است.

فولادوند، عزت الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عزت‌الله فولادوند در سال 1314 ش در شهرستان اصفهان به دنیا آمد.ایشان تحصیلات دانشگاهی خود را در آمریکا پی گرفت و موفق شد کارشناسی و کارشناسی ارشد فسفله را از دانشگاه کلمبیای نیویورک دریافت کند.ایشان در کنار فعالیت در شرکت ملی نفت ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی به فعالیت های فرهنگی نیز می پردازد.از ایشان چندین ترجمه به یادگار است. تترجمه کتابهای "فلسفه کانت" و "آگاهی و جامعه" عزت الله فولادوند ، به ترتیب در دوره هشتم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : عزت الله فولادوند بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی جهت ادامه تحصیل عازم کشور امریکا شد و از دانشگاه کلمبیای نیویورک در رشتهٔ فلسفه موفق به دریافت لیسانس و فوق لیسانس گردید.
استادان و مربیان : از اساتید برجسته عزت الله فولادوند می‌توان به «آرتور دانتو»، «رابرت کامینگ» و «سیدنی مورگن بسر» اشاره کرد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عزت الله فولادوند از سال 1343 تا 1359 در سمتهای مختلف در شرکت ملی نفت ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی مشغول به کار بوده است.
جوائز و نشانها : ترجمه کتابهای "فلسفه کانت" و "آگاهی و جامعه" عزت الله فولادوند ، به ترتیب در دوره هشتم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. ----------
آثار :
1 آگاهی و جامعه
ویژگی اثر : ترجمه، (هـ . استیوارت هیوز)،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: « آگاهی و جامعه»: موضوع

اصلی این کتاب جستجوی پاسخی برای این پرسش است که انسان چگونه به خود وحیات اجتماعی‌اش آگاهی می‌یابد و اصولاً علم انسان به خود و اجتماعش چگونه ممکن است. این مساله در این کتاب به صورت تاریخی بررسی شده است و قصد نویسنده روشن کردن این نکته بوده است که چگونه در میانه دهة آخر قرن نوزدهم و دهة سوم قرن بیستم میلادی از برخورد اندیشه‌ها و نگرشهای گوناگون تصور تازه از آگاهی بشری و نگرش جدیدی به اجتماع و حیات اجتماعی پدید آمد. کتاب آگاهی و جامعه از نمونه‌های خوب و موفق تاریخ فکری است و به همین دلیل هر چند بیش از یک ربع قرن از تألیف آن می‌گذرد هنوز هم خواندنی و آموزنده است. ترجمه این کتاب دقت و روشنی بیان را با هم در یکجا جمع کرده است و مترجم در انتقال مباحث گوناگون این کتاب به زبان فارسی کاملاً موفق بوده است

2 آلبر کامو

ویژگی اثر : ترجمه،(کانر کروز اوبراین)

3 آیا انسان پیروز خواهد شد؟

ویژگی اثر : ترجمه، (اریش فروم)

4 امریکایی آرام

ویژگی اثر : ترجمه،(گراهام گرین)

5 انقلاب

ویژگی اثر : ترجمه،(هانا آرنت)

6 جامعه باز و دشمنان آن

ویژگی اثر : ترجمه، 4 ج (کارل پوپر)

7 خشونت

ویژگی اثر : ترجمه،(هانا آرنت)

8 رشد سیاسی

ویژگی اثر : ترجمه، (سی. ایچ. داد)

9 فلاسفة بزرگ

ویژگی اثر : ترجمه، (براین مگی)

10 فلسفه کانت

ویژگی اثر : ترجمه، (اشتفان کورنر) ،این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«فلسفه کانت» : به گمان بسیاری از اهل نظر کانت بزرگترین فیلسوف اروپایی از زمان ارسطو و شاهکار او «نقد عقل محض»، مهمترین کتاب فلسفی پس از «مابعدالطبیعه» معلم اول بوده است. کتاب فلسفه کانت در واقع مدخلی بر فلسفه کانت به شمار می‌رود و از نظر نظم و دقت و ایجاز و وضوح عبارت و جامعیت

کم‌نظیر است. مؤلف توانسته است در کتابی هر چند مختصر، اندیشهٔ کانت را از نظرگاهی جامع و عام بررسی کند و با پاره‌ای از مسائل فلسفه معاصر پیوند دهند. مترجم نیز با سابقهٔ درخشانی که در ترجمهٔ آثار وزین و ارزشمند فلسفی دارند، به خوبی از عهدهٔ ترجمهٔ کتاب برآمده و با انتقال مضامین آن به زبان فلسفهٔ اسلامی، خدمت ارزنده‌ای به جامعهٔ علمی نموده‌اند و در پایان کتاب نیز واژه‌نامهٔ مفید و سودمندی به کتاب افزوده و فایدهٔ آن را فزونی بخشیده‌اند

11 فیلسوفان و مورّخان

ویژگی اثر : ترجمه، (ود مهتا)

12 کاتالونیا

ویژگی اثر : ترجمه،(جرج اروِل)

13 گریز از آزادی

ویژگی اثر : ترجمه،(اریش فروم) برندهٔ جایزه ترجمهٔ ممتاز در علوم اجتماعی پیشرفته از یونسکو (1348)

فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1072 ق)، عالم امامی، محقق، حکیم، منطقی، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر.اصل وی از لاهیجان است، اما چجون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزه‌ی علمیه آنجا تدریس می‌کرده به قمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدرالمتألهین ملا صدرا محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی است. تخلص یا لقب فیاض را استادش به او داده است، چنان که لقب فیض را به دیگر دامادش ملا محسن کاشانی. او از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه‌عباس ثانی (1087 -1052 ق) است. وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش فرزندش میرزا حسن لاهیجی صاحب «شمع الیقین» می‌باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد. گر چه در برخی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی در 1051 ق ذکر شده اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی‌تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی: «گوهر مراد»، در اصول عقاید، به فارسی، که برای شاه‌عباس ثانی (1078 -1052 ق)تألیف کرده است؛ «سرمایه‌ی ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق البرهان»، که تلخیص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الالهام»، در شرح «تجرید الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه»ای بر «حاشیه» شمس‌الدین محمد خفری بر «الهیات شرح تجرید»، که به درخواست شاگردانش ترتیب داد؛ «حاشیه»ای بر «حاشیه» ملا عبدالله یزدی بر «تهدیب المنطق» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الاشارات» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق»؛ رساله‌ی «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات الیبه»، در محاکمه‌ی میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدرا، که لاهیجی به نام شاه‌عباس ثانی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه‌ای از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند در منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بویژه امیرالمؤمنین (ع) و در مرثیه‌ی شهیدان کربلا (رض).[1]
(بخش 1) لاهیجی، عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (ف. 1052 ه.ق) وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام

دست داشت. از اوست: شوارق دو جلد در شرح تجریدالکلام، گوهر مراد در کلام، سرمایه‌ی ایمان در کلام، شرح فصوص‌الحکم در تصوف (عربی)، شرح فصوص‌الحکم (به فارسی)، دیوان شعر شامل 5000 بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (849 -846 / 2)، اعیان الشیعه (471 -470 / 7)، ایضاح المکنون (59 / 2)، تاریخ ادبیات ایران، براون (261 / 4)، تاریخ علم کلام (324 -322)، تذکره‌ی پیمانه (412 -397)، تذکره‌ی نصرآبادی (156)، دایره‌المعارف فارسی (1668 / 2)، دنباله جستجو درتصوف (254 -251)، الذریعه (238 / 14 ،161 / 13 ،853 -852 / 9 190، / 4)، روضات الجنات (194 -192 / 4)، ریاض العارفین (227)، ریحانه (363 -361 / 4)، سیر در شعر فارسی (384)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (406 -405)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 319 / 11)، فرهنگ ادبیات فارسی (430 -429)، فوائد الرضویه (229)، فلاسفه شیعه (377 -375)، الکنی و الالقاب (37 -36 / 3)،لغت‌نامه (ذیل/ عبدالرزاق)، معجم المؤلفین (218 / 5)، منتخب التواریخ (746)، مؤلفین کتب چاپی (842 -841 / 3)، هدیه الاحباب (214 -213).

فیض کاشانی، محسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1091 -1007 ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم‌الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا محمدهادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فلیسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمتألهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب ورزیدند و مدح و ذمش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن ! قد اتاک المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان درگذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است.
فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جمله: «الصافی»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در جمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشلکات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم الیقین فی اصول‌الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحق الیقین»؛ «خلاصه الاذکار»؛ «بشاره الشیعه»؛ «المحجه البیضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء العلوم» غزالی را مهذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تایید نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محجه» است؛ «نقد الاصول»؛ «نوادر الاخبار»؛ «سفینه النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه سجادیه»؛ «من لا یحضره التقویم»؛ «تشریح العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مراثی و قصائد و رباعیات و غزلیات.

[1]
(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهد شاه عباس دوم صفوی است که در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و استاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصیل به شیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد دریافته و با دختر ملاصدرا نیز ازدواج کرد. آثارش متجاوز از 120 می‌باشد و از میان آنها میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب‌الجنان، الاستقلالیه، اصول‌العقاید، اصول‌المعارف، الامالی، انوارالحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب طهور، من لا یحضره التقویم، الوافی، نقدالاصول الفقهیه، نوادرالاخبار، والصافی را نام برد. وفاتش در سال 1091 ه.ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] ایضاح المکنون (701 ،679 ،674 ،613 ،589 ،521 ،508 ،456 ،442 ،400 ،398 ،379 ،378 ،225،226 ،212 ،148 ،132 ،119 ،75 ،63 ،60 ،39 ،19 / 2 ،606 ،559 ،543 ،433 ،408،410 ،363 ،335 ،290 ،287 ،183 ،143 ،93 ،91 ،90 ،54 ،32 / 1)، بحارالانوار (124 / 107)، تاریخ ادبیات ایران، براون (260 / 4)، تاریخ ادبیات در ایران (336 -328 / 5)، تاریخ برگزیدگان(38 -37)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (201 -198)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (555 -551)، تاریخ کاشان (278 -277)، تذکره‌ی روز روشن (641)، تذکره‌ی نصرآبادی (155)، خاته مستدرک الوسایل (236 -235 / 2)، دایره‌المعارف فارسی (1971 / 2)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (258 -254)، دویست سخنور (313 -311)، الذریعه (205 ،99 -98 ،74 ،14 -13 / 25 ،348 ،344 ،406 ،418 ،431 ،23 / 316- 317 ،24 / 97- 98 ،103 ،273 ،376 ،322 ،231232 / 22 ،303 ،280- 279 ،210 ،187 / 130 ،68 ،282 ،286 ،19 / 143 ،210 ،20 / 145- 146 ،259- 260 ،21 / 67- 66 ،385 ،393 ،17 / 75 ،18 / 116 ،119 ،119- 120 ،218 ،257 ،281- 45 ،359 ،14 / 247 ،252 ،15 / 5 ،127 ،326 ،374 ،16 / 65- 44 ،853- 854 ،11 / 245 ،12 / 2- 3 ،124 ،202- 203 ،13 / 9- 10 ،699 ،172 ،193 ،6 / 90 ،146 ،7 / 28 ،38 ،211 ،8 / 282 ،9 / 234 ،400- 403 ،459 ،471 ،481 ،5 / 16- 17 ،82 ،85 ،126،125 ،201 ،188- 189 ،182 ،117 ،115 ،114 ،110- 109 ،106 ،96 / 4 ،116 ،261 ،293 ،312 ،349 ،398 ،403 ،425 ،484- 485 ،3 / 115- 244 ،406 ،424 ،2 / 33 ،124 ،178- 179 ،198 ،211- 212 ،223 ،

284، ،77 ،53 ،24 ،2 / 1)، روضات الجنات (97 -73 / 6)، ریاض العارفین (226 -225)، ریاض العلماء (182 -180 / 5)، ریحانه (379 -369 / 4)، شخصیت‌های نامی (383 -382)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (404 -400)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 492 -491 / 11)، فرهنگ ادبیات فارسی (386 -385)، فرهنگ سخنوران (724)، فلاسفه‌ی شیعه (560 -556)، فوائد الرضویه (642 -633)، الکنی و الالقاب (42 -39 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ فیض)، مجمع الفصحا (49 -48 / 4)، مراقد المعارف (405 -404 / 1)، مستدرک اعیان (309 -308 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (808 -799 / 5)، نتایج الافکار (541)، وقایع السنین و الاعوام (536 -535)، هدیه الاحباب (233).

قاآنی شیرازی، حبیب‌الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1272 / 1270 -1223 / 1222 ق)، حکیم و شاعر، متخلص به قاآنی. ملقب به حسان‌العجم و مجتهدالشعراء. اصلش از طایفه‌ی زنگنه کرمانشاه بود. در شیراز به دنیا آمد. ابتدا حبیب تخلص می‌کرد ولی بعدها حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه تخلص وی را به مناسبت آباقاآن میرزا، فرزند خود، قاآنی نهاد. در جوانی به خراسان سفر کرد و در مشهد مقدس به تحصیل علوم ادبی و عربی و حکمت الهی و هیأت و نجوم و زبان فرانسه پرداخت. سپس به تهران آمد و با آشکار شدن هنر وی در شاعری و سخنوری به دربار راه یافت و از سوی فتحعلی‌شاه مجتهدالشعراء و از سوی محمدشاه حسان العجم لقب گرفت. در قصیده و ترکیب‌بند مهارت داشت. وی با فروغی بسطامی معاصر بود. در تهران درگذشت و مجاور قبر ابوالفتوح رازی در آستانه‌ی حضرت شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر، حدود هفده هزار بیت، در مدح پیامبر (ص) ائمه و شاهان؛ مقدمه‌ای بر «دیوان فریدون میرزا قاجار»؛ «قصاید قاآنی»؛ «گلستان قاآنی»؛ «پریشان‌نامه»، در مقام معارضه با گلستان؛ رساله‌ای در «علم شانه‌بینی»؛ رساله‌ای در «هندسه‌ی جدید».[1]
(منسوب به قاآن) (میرزا) حبیب‌اللّٰه شیرازی متخلص به قاآنی بن (میرزا) محمدعلی گلشن، شاعر ایرانی قر. 13 ه. (و. شیراز حدود 1222 ه.ق/ 1807 م.- ف. 1270 ه.ق/ 1853 م.). اصل خاندان وی از ایل زنگنه بود که در عراق و فارس سکونت کردند. پدرش شاعر بود و گلشن تخلص داشت. وی در جوانی به تحصیل علوم ادبی در شیراز پرداخت و سفری به خراسان کرد، و در آن سامان نیز به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و شعر گفتن آغاز کرد و در آن زمان «حبیب» تخلص می‌نمود، و به تدریج شهرتی یافت و در نزد حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه حاکم آن خطه مقرب گردید و قصایدی در مدح او گفت و به دستور وی تخلص خود را به «قاآنی» مبدل کرد، زیرا اسم پسر شجاع‌السلطنه اگتقاآن بود. شاعر مدتی در خراسان و کرمان ملازم شجاع‌السلطنه بود و همین شاهزاده وی را فتحعلی شاه معرفی کرد. قاآنی به تهران منتقل شد و بر شهرت او افزود و در دربار محمدشاه و مخصوصاً در دربار ناصرالدین شاه تقرب بسیار یافت. وی به آموختن زبان فرانسوی آغاز کرد. هنر او در قصیده‌سرایی است. در غزل و مسمط و ترجیع بند نیز دست داشت. قاآنی در انتخاب کلمات خوشایند و

خوش‌آهنگ و استعمال آنها در جمله و نیکویی وصف و تتبع قدما کمتر نظیر دارد. به طور کلی در اشعار وی لفظ غالب بر معنی است و معانی اخلاقی و فلسفی در گفته‌های او کمتر دیده می‌شود. وی از شاعران خراسان پیروی کرده، مخصوصاً به منوچهری علاقه نشان داده است. قاآنی مداح شاهان (مخصوصاً ناصرالدین شاه) و شاهزادگان قاجاری و امرای دربار آنها بود. علاوه بر دیوان اشعار- که مکرر بطبع رسیده- کتابی به نثر به نام «پریشان» دارد که به اسلوب «گلستان» سعدی تألیف شده (1251 ه.ق). آرامگاه وی در حضرت عبدالعظیم در جوار قبر ابوالفتوح رازی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (433 -430)، از صبا تا نیما (109 -92 / 1)، اعیان الشیعه (561 / 4)، تاریخ ادبیات ایران، براون (216 -211 / 4)، حدیقه الشعراء (1411 -1401 / 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (181 -163 / 4)، الذریعه (221 / 18، 858 -857 / 9، 197 / 3)، ریحانه (390 -387 / 4)، سبک‌شناسی (333 / 3)، سخنوران نامی معاصر (2772 -2763/ 4)، سفینه المحمود (524 / 2)، شخصیت‌های نامی (385 -384)، شرح حال رجال (303 / 2، 310 -307 / 1)، طرائق الحقائق (334 / 3)، فارسنامه‌ی ناصری (1129 -1127 / 2)، فرهنگ سخنوران (728 -727)، الکنی و الالقاب (45 -44 / 3)، گنج سخن (205 -201 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قاآنی)، المآثر و الآثار (207 -206)، مجمع الفصحا (886 -844 / 5)، مرآت الفصاحه (491 -488)، مکارم الآثار (749-745 / 3)، مؤلفین کتب چاپی (492 -490 / 2)، یادگار (س 3، ش 3، ص 78 -74)، یغما (س 2، ص 437 -434).

قاضی سعید، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1103 -1049 ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی و ملا رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم درگذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صناعیه» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در 1099 ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماءالله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و...
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (344 / 9)، تاریخ ادبیات در ایران (340 / 5 -336)، الذریعه (132 / 18، 341 -340 / 16، 154 -153 / 13، 49 / 1 -417، 418 -436، 437 / 2، 51 / 4، 479 / 6، 12، 111، 391 / 7)، روضات الجنات (12 -10 / 4)، ریاض العلماء (285 -284 / 2)، ریحانه (413 -412 / 4، 59 / 2)، الکنی و الالقاب (52 / 3)، معجم المؤلفین (38 / 10).

قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(988 -918 ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی‌زاده و سعدی جلبی و ملازم ملا قادری بود.در 963 ق به قضاوت حلب، در 971 ق به قضاوت استانبول و در 974 ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در 983 ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در 985 ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان‌محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (721، 620 / 2)، روضات الجنات (378 -375 / 1)، ریحانه (409 -408 / 4)، شذرات الذهب (415 -414 / 8)، کشف الظنون (2034، 2030، 2022، 1766، 498، 348)، الکنی و الالقاب (49 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قاضی‌زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (171 / 2)، هدیه الاحباب (215).

قاینی اصفهانی، خلیل، محمد خلیل

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1136 ق)، فقیه، فیلسوف، مدرس، متکلم و حکیم. در اصفهان از حوزه‌ی درس آقا رضا خوانساری و برادرش، آقا جمال‌الدین خوانساری استفاده نمود. وی مدتی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان فلسفه، کلام، کتب ابن‌سینا و کتب خواجه نصیر را تدریس کرد. سید اسدالله بن علی رضا حسینی و سید نعمه‌الله جزائری و امیرمحمد صالح قزوینی از شاگردان وی بودند. پس از فتنه‌ی افغان در 1134 ق به قزوین مهاجرت کرد و در همان جا درگذشت و کلمه‌ی الظهر ماده تاریخ وفاتش می‌باشد. از آثار وی: «الآلهیه» یا «نور البصر بحل مسأله الجبر و القدر»، شرح رساله «نفی الجبر و التفویض و اثبات الامر بین الامرین» امام هادی (ع) مذکور در «تحف العقول»؛ «شرح حدیث عمران الصابی»؛ «الرد علی النصاری»؛ «البداء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (187 -180)، بهارستان آیتی (253 -252)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (199 / 2)، الذریعه (364 / 24، 204 -203 / 13، 232 / 10، 111 / 6، 55 -54 / 3، 285 -284 / 2)، ریحانه (428 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 244 -243 / 12)، فوائد الرضویه (174)، لغت‌نامه (ذیل/ قاینی).

قاینی، ابوشریف محمد

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1139 ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و خوشنویس.چون در مناظرات علمی کسی را یارای سخن گفتن با او نبود به سلطان‌العلماء مشهور شد. در چهارده سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالیه خود را در اصفهان به پایان رساند. در حوزه‌ی علمیه‌ی قاین، به تدریس فقه و فلسفه می‌پرداخت و گاه به نقاط دیگر جهت مباحثات علمی سفر می‌کرد، که سفر 1115 ق او به هرات و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام در ماه رمضان درگذشت و (بماه رمضان) ماده تاریخش گشت. سلطان محمد پدر قطب‌الدین قاینی عالم ریاضی است. از آثارش: «تهذیب الامه»، تفسیر مفصلی بر قرآن؛ «تطهیر الائمه (ع)»؛ «الامامه»؛ «رساله فی الوجود»، شامل مباحث و فوائد فلسفی درباره‌ی وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»، تفسیر سوره‌ی حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجرید»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث، به خط نستعلیق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزگان قائن (537 -531)، الذریعه (36 / 25 ،116 -115 / 6 ،327 -326 / 2)، ریحانه (60 -59 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 12 / 316- 317).

قاینی، سبحانعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1265 / 1260 ق)، فقیه، متکلم، فیلسوف، ریاضیدان، طبیب، محقق، نویسنده و شاعر. معروف به فاضل سبحانعلی‌خان. وی در شهر لکنهو ساکن و از امیران و مراجع علمی، سیاسی و اجتماعی این شهر بود. او علاوه بر امر تدریس به امور سیاسی نیز می‌پرداخت. مدتی وزیر و مشاور حیدر پادشاه بود و سایر حکام هند، همچون یمین‌الدوله سعادت علی‌خان به او ارادت می‌ورزیدند. میرزا محمدعلی کشمیری (م 1309 ق) وی را از شاگردان شریف‌العلماء محمد شریف ابن ملا حسنعلی مازندرانی (م 1246 ق) ذکر کرده است. وی در هند درگذشت و طبق وصیتش پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «شرح حدیث الاثره»؛ «شرح حدیث الثقلین»؛ «شرح حدیث الحوض»؛ «الوجیزه»، در علم کلام و اصول دین به فارسی؛ «لطافه المقال»، که در رد اعتراضات فاضل رشید نگاشت و فاضل رشید این کتاب را در تحت نام «ایضاح لطافه المقال» پاسخ گفت و فاضل سبحانعلی‌خان کتاب «فذلکه الکلام» را در جواب «ایضاح» نوشت. جواب رساله‌ی «مکاتیب» حیدرعلی فیض‌آبادی؛ «فیوضات سحبانی»؛ «فضائح البخاری فی صحیحه»، در مورد نویسنده و متن کتاب «صحیح» بخاری و روایات جعلی آن، که به فارسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (209 -207)، الذریعه (50 -49 / 25 ،323 / 18 ،249 ،130 / 16 ،198 ،195 ،187 -186 / 13 ،211 / 10)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 597 -596 / 13).

قاینی، محتشم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، دانشمند، فقیه و شاعر. از اکابر قاین و جد مقیم، فرزند میرزا هادی، بود. وی در شعر و لغز و معما مهارت داشت. از آثارش: «فصول الحق»، در فلسفه و حکمت، به فارسی؛ «هادی المسترشدین»، در حکمت عملی و دعا و عبادات؛ «معمیات» که مجموعه‌ای ریاضی ادبی است؛ «دیوان» شعر. از اوست:
از نظر چون شد رخ او ناپدید
قطره‌های اشک بر دامن چکید
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (366 -363)، تذکره‌ی نصرآبادی (527 -526)، الذریعه (971/ 9).

قاینی، میرک

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم، فیلسوف و خطاط. مدتی به تحصیل در حوزه‌ی علمیه اصفهان پرداخت، و از محضر آقا حسین خوانساری استفاده نمود. آثار باقیمانده از وی نمایانگر فضل و هنر اوست. از آثارش: کتابت «تهلیلیه» منسوب به جلال‌الدین دوانی با خط نستعلیق؛ کتابت «تلتحفه الرضویه» معزالدین محمد نقیب، در اصول فقه، برای امیر سید اسماعیل خاتون‌آبادی که حواشی و تعلیقاتی خود بر آن افزوده که نشان‌دهنده‌ی دانش قاینی در علوم عقلی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :بزرگان قائن (225)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران (379 / 1).

قائمی نیا، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا قائمی نیا
محل تولد : ارومیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علیرضا قائمی نیا در سال 1343 در شهرستان ارومیه به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در همانجا به پایان رساندم همزمان در کلاسهای قرآنی و هیئت های مذهبی شروع به فعالیت کردم و با شروع انقلاب اسلامی در سال 57 – 56 به فعالیتهای سیاسی روی آوردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر تحصیلات دولتی در دبیرستان به تحصیلات حوزوی پرداختم و در سال 61 – 60 برای ادامه تحصیلات حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و تا تحصیلات درس خارج پیش رفتم و در دروس خارج برخی از مراجع شرکت نمودم. همراه با تحصیل سطح، به صورت تخصصی در رشته فلسفه در موسسه امام خمینی (ره) شرکت کردم و در سال 79 موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته فلسفه شدم و پس از اندکی در رشته دکتری فلسفه در دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و اکنون به تدوین رساله دکترا اشتغال دارم. در تمام این سالها همراه با تحصیل، در مراکز مختلف حوزوی ودانشگاهی به تدریس اشتغال داشته ام و مقالات و کتابهای زیادی را تالیف نموده ام که برخی منتشر شده اند و برخی در دست انتشار می باشند. در ضمن ایشان در حال حاضر سر دبیری مجله ذهن را به عهده دارند.

قربان نیا، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر قربان نیا
محل تولد : رودسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
1. ورود به حوزه علمیه قم پس از اخذ دیپلم علوم تجربی در سال 62
2. تحصیل در رشته فلسفه دانشگاه تهران در سال 68
3. تحصیل در رشته حقوق دانشگاه مفید در سال 70
4. قبولی در کارشناس ارشد حقوق بین الملل با رتبه دوم کشوری
5. فارغ از تحصیل در سال 76 با دفاع از رساله کارشناسی ارشد با نمره 20
6. ورود به مقطع دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال 1380
7. دفاع از رساله دکتری در شهریور 85 با درجه عالی
8. کسب رتبه اول در پایه ششم حوزه علمیه قم با معدل عالی، رتبه دوم در پایه هفتم، رتبه اول در پایه هشتم و نهم در امتحان همزمان
9. انتخاب کتاب اخلاق و حقوق بین الملل به عنوان رتبه اول در جشنواره کتاب سال 79
10. تالیف بیش از پنجاه مقاله و چاپ آن در مجلات معتبر علمی به زبان های فارسی عربی و انگلیسی
11. کسب عنوان پژوهشگر برتر کشوری، استانی و دانشگاهی در سال های متوالی 81، 82 ، 83
12. تدریس در دانشگاه های قم و بعضا تهران
13. عضو هیئت علمی گروه حقوق و معاون پژوهشی دانشگاه
14. شرکت در بیش از صد رساله کارشناسی ارشد دانشگاه به عنوان استاد راهنما، مشاور و یا داور.
15. همکاری با مراکز علمی پژوهشی حوزوی و دانشگاهی
16. ارائه سخنرانی های علمی در همایش های مراکز دانشگاهی داخلی و

خارجی
17. انتخاب کتاب «عدالت حقوقی» به عنوان رتبه دوم در جشنواره کتاب سال 82

قزوینی یزدی، عبدالنبی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1125- ز 1197 ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی. اصل وی از قزوین و ساکن یزد بود. او عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م 1212 ق) است. در سفر حج در 1175 ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می‌کند و آن جناب نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می‌نماید. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجال به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده‌اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الآمل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در 1191 ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلیغی کرده است.قزوینی تقریظی بر «مشکاه الهدایه» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در 1197 ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر مشهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خوانساری و محقق سبزواری روایت کرده‌اند. قزونیی تعلیقاتی بر رساله‌ی «مطالب النفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد. او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خاتمه مستدرکات (106 -105 / 2)، الذریعه (64 / 21 ،263 -262 / 20 ،89 / 6 ،339 -337 / 3 ،207 / 1)، ریحانه (453 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 479 -476 / 12)، فوائد الرضویه (259)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (200 / 6)، هدیه الاحباب (171).

قزوینی، عارف

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کودکی و جوانی عارف در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری در قزوین متولد شد. پدرش "ملاهادی وکیل" بود. عارف صرف و نحو عربی و فارسی را در قزوین فرا گرفت. خط شکسته و نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت. موسیقی را نزد حاج صادق خرازی فرا گرفت. مدتی به اصرار پدر در پای منبر میرزا حسین واعظ، یکی از وعاظ قزوین، به نوحه خوانی پرداخت و عمامه می‌بست ولی پس از مرگ پدر عمامه را برداشت و ترک روضه خوانی کرد. ازدواج عارف در ۱۷ سالگی به دختری به نام "خانم بالا" عشق و علاقه پیدا کرد و
با او در پنهان ازدواج کرد. (تصنیف دیدم صنمی ... را در وصف ایشان سرود)
فشارهای خانواده دختر پس از اینکه مطلع گردیدند زیاد شد و عارف به ناچار
به رشت رفت و پس از بازگشت با وجود عشق بسیار آن دختر را طلاق داد و تا
آخر عمر ازدواج نکرد. میان سالی و مشروطه عارف در سال ۱۳۱۶ ه.ق به تهران آمد و چون صدای خوشی داشت با شاهزادگان قاجار آشنا شد و مظفرالدین شاه خواست او را در ردیف فراش خلوتها درآورد اما عارف به قزوین بازگشت.
در سال ۱۳۲۳ در زمان آغاز ۲۳ سالگی عارف زمزمه مشروطیت بلند گشته بود، عارف نیز با غزلهای خود به موفقیت مشروطیت کمک کرد. ایرج میرزا شاعر طنز سرای معروف، منظومه عارفنامه را در هجو وی سروده‌است.
در سال ۱۳۳۵ یکی از دوستان عارف به نام «عبدالرحیم خان» خودکشی کرد و عارف بر اثر این به جنون مبتلا شد و نظام السلطنه مافی او را برای مداوا به بغداد برد. پس از چندی با شروع جنگ جهانی اول همراه نظام السلطنه به استانبول رفت.
وی از این سفر پشیمان شد و در سال ۱۳۳۷ ه.ق به تهران بازگشت و کنسرت با شکوهی ترتیب داد.
در هنگام مرگ کلنل محمد تقی خان پسیان
در سال ۱۳۴۰ ه.ق در تشییع جنازهٔ او شرکت نمود و به مسببین این حادثه

ناسزا گفت . هنگامی که خواستند سر کلنل را روی توپ بگذارند، عارف فریاد بر
آورد:
این سر که نشان سر پرستی ستامروز رها ز قید هستی ست
با دیدهٔ عبرتش ببینیدکاین عاقبت وطن پرستی ست
کهن سالی و مرگ عارف در سال 1305 هـ.ش به دعوت دوستی به بروجرد رفت تا شرح احوال دورهٔ
آزادی خواهی را بنویسد. اما از بروجرد بر اثر حادثه‌ای نا خوشایند (مسموم کردن یکی از سگهای وی و شایعات کوته فکرانه علیه او) خارج شده و به اراک
پناه برد. در اراک هم او را راحت نگذاشتند. او خود می‌گوید:
"بعد می‌گویند این ننگ[مقصود خود عارف است] بسته نباید درخاک قبر بماند، ای داد، بی داد! حقیقتاً ای داد، بی داد؛ الان ده، پانـزده سال است شب و روز ورد زبان من این شده است که بگویم ای داد، بیداد."
سپس بیماریش شدت گرفت و حنجره اش گرفته، از خواندن بازماند و از معالجه ناتوان:
"آیا به که می‌شود گفت که سینهٔ من گرفت و من استطاعت معالجهٔ آن را نداشتم تا اینکه به کلی از بین رفت."[۳]
سرانجام عارف در سال 1307 جهت معالجه نزد دکتر بدیع به همدان رفت و
برای همیشه در آنجا ماند. عارف در همدان بیمار، رنج دیده و مایوس بود و از
همه جز اندک دوستانی یک دل و صمیمی کناره گرفت و انسان ها را شیطان و
دروغگو می نامید. او از دشمنی اهل روزگار چنین شِکوه می‌کند:
"آخر این چه بدبختی بود که دامن گیر من شده است. فرمان فرمان با من بد،
سلیمان میرزا بـد، قوام السلطنه بد، تقـی زاده هم بد، نصرت الدوله بد، ملک
الشعرا بد، مرتجع و آزادی خواه هر دو دشمن، من از هر طرف هدف تیر کینه
خواهی شده
عارف باقیماندهٔ عمر را در خانه‌ای اجاره‌ای در یک قلعهٔ کوچک در درهٔ
مراد بیک با یک کلفت به صورت تبعیدی و خود خواسته سکونت گزید؛ در حالی که
دارایی او سه سگ و دو دست لباس کهنه بود. او در سال های پایانی با فقر

دست
به گریبان بود و اگرچه دوستان دور و نزدیک به او کمک می‌کردند، این امر به
روح آزادهٔ شاعر لطمه می‌زد و او را شرمنده می ساخت. خود دربارهٔ روزهای
تنهایی می‌گوید:
"حالا که هنگام زوال آفتـاب عمـر است و پایان روزگـار به غفلـت
گـذراندهٔ زندگانی است. که تازه دانستـه ام تنها دوستان من این دوتا سگ
هستند که معنی وفا و محبت و دوستی را در آنها دریافته ام
در سال 1308 عارف سر مکاتبه با زرتشتیان هند را باز کردو برخی پژوهش
های خود را برای «سردین شاه پارسی» به هند فرستاد. زرتشتیان او را به هند
دعوت کردند، اما جواب رد داد و دیری نگذشت که از کردهٔ خود پشیمان شد.
مقبره عارف در میدان ابن سینا همدان
سر انجام در روز یک شنبه یکم بهمن ۱۳۱۲ خورشیدی در حالی که عارف 54 سال
داشت، مرگ زودرس به سراغش آمد. جیران، کلفتش که او را به عقد خویش در
آورده بود، حکایت کرده که عارف در آخرین دم از او خواست که وی را نزدیک
پنجره ببرد تا آفتاب و آسمان میهن را ببیند و او پس از دیدن آفتاب چنین
خواند: ستایش مر آن ایزد تابناککه پاک آمدم پاک رفتم به خاک
سپس به بستر بازگشت و لحظاتی بعد جان سپرد و در کنار آرامگاه بو علی سینا در همدان در خاک آرمید.
تصنیف‌ها 1.از خون جوانان وطن لاله دمیده
2.دیدم صنمی، سرو قدی، روی چو ماهی – آواز افشاری – ۱۲۶۵
3.ای امان از فراقت امان – دستگاه شور – ۱۲۷۵ (هم‌زمان با ورود مشروطه خواهان به تهران)
4.نمی دانم چه در پیمانه کردی – آواز افشاری
5.نکنم چاره اگر دل هر جایی را – آواز افشاری – ۱۲۷۶
6.افتخار همه آفاقی و منظور منی – دستگاه سه‌گاه - (برای افتخارالسلطنه - دختر ناصرالدین شاه)
7.توای تاج، تاج سر خسروانی – آواز افشاری – ۱۲۷۷ - (برای تاج السلطنه - دختر ناصرالدین شاه)

8.هنگام می‌فصل گل و گشت چمن شد – آواز دشتی - (به مناسبت افتتاح دورهٔ دوم مجلس‌شورای‌ملی‌ایران)
9.دل هوس سبزه و صحرا ندارد – آواز ابوعطا
10.نه قدرت که با وی نشینم، نا طاقت که جز وی ببینم – آواز افشاری
11.ننگ آن خانه که مهمان ز سر خوان برود – آواز دشتی – ۱۲۸۸ - (به مناسبت اخراج مورگان شوستر آمریکایی از ایران)
12.باد فرح بخش بهاری وزید – آواز بیات‌زند
13.بلبل شوریده فغان می‌کند – دستگاه ماهور – ۱۲۸۹
14.گریه را به مستی بهانه کردم – آواز دشتی – ۱۲۸۷
15.از کفم رها شد مهار دل –آواز افشاری – ۱۲۸۸
16.ترک چشمش ار فتنه کرد راست – ابوعطا(حجاز) – ۱۲۹۴
17.چه شورها که من به پا ز شاهناز می‌کنم – دستگاه شور – ۱۲۹۵
18.بماندیم ما، مستقل شد ارمنستان – دستگاه سه‌گاه –۱۲۹۷
19.جان برخی آذربایجان باد – آواز دشتی – ۱۲۹۷ (برای آذربایجان - در جواب تفرقه افکنان)
20.شانه بر زلف پریشان زده‌ای، به‌به و به – آواز دشتی –۱۲۹۷
21.رحم‌ای خدای دادگر کردی نکردی – آواز بیات‌زند – ۱۲۹۷
22.امروزای فرشتهٔ رحمت بلا شدی – آواز افشاری – ۱۲۹۹
23.گریه کن که گر سیل خون گری ثمر ندارد – آواز دشتی – ۱۳۰۰ (به مناسبت مرگ کلنل محمد تقی‌خان پسیان)
24.تا رخت مقید نقاب است – آواز بیات‌اصفهان – ۱ ۱۳۰
25.ای دست حق پشت و پناهت بازآ – دستگاه شور – ۱۳۰۰(برای سید ضیا)
26.گو به ساقی کز ایاغی ترکی و ماغی
27.باد صبا بر گل گذر کن – آواز شوشتری
28.چه آذرها به جان از عشق آذربایجان دارم – ۳ ۱۳۰ (به یاد ستارخان و باقر خان)
29.باد خزانی زد ناگهانی، کرد آنچه دانی – دستگاه شور - ۳ ۱۳۰ (برای آذربایجان)
خوانندگان تصنیف‌ها به دلیل سادگی و نداشتن اوج در تصنیف‌های عارف و اینکه غالب تصنیف‌ها
قابل اجرا روی یک یا دو گوشه‌است، تصنیف‌های عارف را به سادگی مردم می‌توانستند بخوانند، از زمان سروده شدن تصنیف‌ها تا به امروز به وسیله خوانندگان غیرحرفه‌ای و حرفه‌ای بارها این تصنیف‌ها خوانده شده، از جمله خوانندگان پرآوازه که برخی تصنیف‌های عارف را اجرا کرده‌اند:

قمرالملوک وزیری، عبدالله دوامی، الهه(تدوین از روح الله خالقی)،محمدرضا شجریان، صدیق تعریف، محسن کرامتی.

قزوینی، محمد معصوم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1099 / 1091 ق)، عالم امامی، حکیم، ریاضیدان، محدث و مصنف. او ریاضیات را در محضر ملا محمد باقر یزدی، صاحب «عیون الحساب»، تلمذ کرد. امیر محمد معصوم در فلسفه و کلام شاگرد میرزا رفیعا امیر رفیع‌الدین نایینی بود. «اصول کافی» را بر استادش قرائت کرد و از او به دریافت اجازه نایل آمد. وی همچنین حاشیه‌ی استادش بر «اصول کافی» را، در زمان حیات استاد، تدوین کرد. او معاصر آقا حسین خوانساری و ملا محسن فیض کاشی و ملا محمد تقی مجلسی بود. در حدیث، ریاضیات، حکمت و علوم عربی مهارت کامل داشت. از آثار وی: منتخب «الملل و النحل» شهرستانی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «الشفاء» ابن‌سینا؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی خفری بر شرح تجرید قوشچی»؛ حواشی بر «تعلیقات» میرزا رفیع نایینی؛ رساله‌ای در «ریاضیات».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (438 / 22، 184، 143، 112 / 6)، ریحانه (450 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 574 -573 / 11).

قشقاوی، هادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هادی قشقاوی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/10/1

زندگینامه علمی
در سال 1365 وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم در طی 5 سال دروس مقدمات و سطح را به پایان رساندم پس از آن به مدت 3 سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیة الله محمدی در همان مدرسه مبارکه و سپس در قم در دروس خارج حضرات آیات وحید خراسانی، شبیری زنجانی، هاشمی شاهرودی، صادق لاریجانی در مجموع بیش از 12 سال شرکت نمودم. دروس فلسفه را در قالب کتابهای آموزش فلسفه، بدایة الحکمة، نهایة الحکمة اشارات شواهد الربوبیة، برخی از قسمتهای اسفار از اساتید فوق حضرات آیة الله مصباح، حجة الاسلام میانجی، استاد حشمت پور و برخی از اساتید دیگر عمدتا به صورت غیر حضوری فرا گرفتم از سال 1368 تاکنون به تدریس دروس مقدمات و سطح از ادبیات و منطق، فقه و اصول کتابهای سیوطی، حاشیه ملا عبدالله، معالم الاصول،اصول فقه،شرح لعمه،مکاسب و رسائل و کفایه مشغول می‌باشم. با عضویت در گروه فقه دانشنامه امام خمینی (ره) از سال 1381 به تهیه و تنظیم و تالیف و بازنویسی مقالات فقهی در مورد امام می‌باشم، موضوعات فقهی چون اتلاف، اجهاض (سقط جنین)،استحاضه، تعزیه و برخی موضوعات دیگر در موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی تحقیق نموده‌ام.

قشقایی، جهانگیر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1328 -1243 ق)، فیلسوف، فقیه، عارف و شاعر. از تیره‌ی دره شوری ایل قشقایی بود. در چهل سالگی که برای تکمیل هنر به اصفهان آمد ناگهان شوق فراگیری دانش در او بیدار شد و از زندگی ایلی دست کشید و در مدرسه‌ی صدر اصفهان به فراگیری علوم دینی روی آورد. جهانگیرخان حکمت و فلسفه را نزد محمدرضا حکیم قمشه‌ای، متخلص به صهبا، و فقه را در خدمت ملا حسین علی تویسرکانی و شیخ محمدحسین نجفی آموخت و طب را نیز در محضر ملا عبدالجواد، پزشک معروف اصفهان، فراگرفت. او در فقه و اصول و ریاضیات و حکمت مهارت یافت و پس از آن در همان مدرسه‌ی صدر مدت چهل سال دروس فقه و اصول و ریاضیات و حکمت را تدریس و شاگردان بسیاری تربیت کرد. آیت‌اللّه سید حسین طباطبایی بروجردی، آقا ضیاءالدین عراقی و آقارحیم ارباب از شاگردان وی بودند. جهانگیرخان در اصفهان درگذشت و در تخت پولاد دفن شد. از او اشعار پراکنده‌ای نیز بر جای مانده است؛ از آثار وی شرحی بر «نهج‌البلاغه» است.[1]
(میرزا) جهانگیر (خان)؛ دانشمند ایرانی (ف. اصفهان. 1328 ه.ق) از خوانین قشقایی و از اهالی دره شولی یا کشکولی. وی ساکن دهاقان بختیاری و جامع معقول و منقول بود و بسیاری از بزرگان قرن اخیر از محضر او استفاده کرده‌اند. از شاگردان او آیت‌اللّه بروجردی، سید حسن مدرس، فاضل تونی، وحید دستگردی هستند. وی در مدرسه‌ی صدر اصفهان تدریس می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تذکرة القبور (246)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (162 -161 /12)، سرآمدان فرهنگ (266/1)، شرح حال رجال (284/1)، فارسنامه‌ی ناصری (1581/2)، فوائد الرضویه (88).

قشقائی، جهانگیر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند آقا محمّد خان درّه شوری. از اعاظم حکما و متألّهین، و اجلّه فلاسفه و مرتاضین بوده، در اوایل عمر اندکی تحصیل علوم نموده، به سنّ چهل سالگی به اصفهان آمده و شوق تحصیل علم در او ایجاد شده، به تحصیل معقول و منقول پرداخته، نزد آقا محمّد رضا حکیم قمیشه‌ای و میرزا محمّد حسن نجفی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و عدّه‌ای کثیر از علمای اصفهان افتخار شاگردی او را دارند، و آن حکیم دانشمند از جمیع جهات ممتاز بوده، در علم و اخلاق زکیّه بر عموم علما تفوّق داشته، و در مدرسه صدر ساکن بوده، و عمری را به تجرّد و قناعت گذرانیده، و تا آخر عمر، لباس ایلی خود را تغییر نداده، و به عبا و عمامه ملبّس نگردیده.
در 1223 متولّد، و در شب یکشنبه 13 رمضان المبارک سال 1328 در اصفهان وفات یافته، در تکیه آقا سید محمّد ترک، اوّل تخت فولاد مدفون گردید. وی مؤلّف شرحی است بر نهج البلاغه و اشعاری دارد.
مادّه تاریخ وفاتش را جابری چنین می‌گوید:
«جهانگیر نزد خدای جهان شد»
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(548 -465 ق)، حکیم، ریاضیدان و ادیب. اصل وی از بخارا بود. در مرو به دنیا آمد. در طب، ریاضیات، ادبیات و علوم دینی سرآمد ولی اشتغال وی بیشتر در علم طب بود. او از شاگردان ابوالعباس لوکری بود. وی در فتنه‌ی غزان کشته شد. قطان در عروض، انساب، طب، هیئت و ریاضی تألیفات متعدد دارد. مهمترین اثر ریاضی او کتاب «گیهان شناخت» یا «کیهان شناخت» و «اختر شناخت» است. از دیگر آثارش: «الدوحه»، در انساب؛ «رسائل»، در طب.[1]
مروزی، عین‌الزمان ابوعلی حسن بن علی؛ ریاضی‌دان و طبیب و فیلسوف قرنهای پنجم و ششم. اصل وی از بخارا بود و او خود به سال 465 در مرو ولادت یافت. تحصیلات علمی وی نزد لوکری (ه.م) صورت گرفت و او در مرو می‌زیست تا در 548 در فتنه‌ی غزان به دست آنان کشته شد. قطان در طب و علوم اوایل و ریاضیات و ادبیات و علوم دینی سرآمد زمان خود بود، ولی بیشتر به طب علاقه داشت و در مرو دکانی داشت که در آن به طبابت مشغول بود. مهمترین اثر ریاضی او «گیهان شناخت» (ه.م) است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (220 -219 / 2)، تاریخ ادبیات در ایران (967 -965، 313 -312، 294 / 2)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (587)، تاریخ نظم و نثر (127)، تتمه‌ی صوان الحکمه (91)، الذریعه (255 -254 / 18 272، -271 / 8)، کارنامه‌ی بزرگان (265)، معجم المؤلفین (260 / 3).

قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(776 / 766 -694 ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب «شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است او این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور و التصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قوعد الاحکام»علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی.[1]
رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. 776 ه.ق). وی از شاگردان مبرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال 713 ه.ق در قصبه‌ی

ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحرالاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریرالقواعد المنطقیة در شرح شمسیة، تحفةالاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحرالاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم‌العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح‌الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع‌الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (268 / 7)، اعیان الشیعه (413 / 9)، ایضاح المکنون (403، 56 / 2، 233 / 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1089، 256، 254، -253 246، -244 237، 147، 47 / 3)، تأسیس الشیعه (401-400)، حبیب السیر (221 / 3)، دایره‌المعارف فارسی (2059 / 2)، الذریعه (107 / 20، 359 / 18، 156 / 17، 69 / 14، 337 / 13، 199، 198- / 4، 388 / 3)، روضات ا لجنات (47 -37 / 6)، ریاض العلماء (172، 168- / 156، 5)، ریحانه (467 -465 / 4)، ری باستان (381 -380 / 2)، شذرات الذهب (207 / 6)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن 202 -200 / 8)، فرهنگ ادبیات فارسی (399 -398)، فوائد الرضویه (618 -616)، کارنامه بزرگان (245)، کشف الظنون (1716-1715، 886، 626، 95)، الکنی و الالقاب (71 -70 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (213 -12 / 2)، معجم المؤلفین (216 -215 / 11)، مؤلفین کتب چاپی (719 -716 / 5)، النجوم الزاهره (70 / 11)، هدیه الاحباب (218-217)، هدیه العارفین (163 / 2).

قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(710 -634 ق)، طبیب، ریاضیدان، منجم، فیزیک‌دان، فیلسوف، عالم اشعری شافعی و مفسر. معروف به قطب شیرازی و ملقب به علامه. در شیراز به دنیا آمد. پدرش ضیاءالدین مسعود پزشک و مدرس طب در بیمارستان مظفری شیراز و در همان حال از بزرگان فرقه سهروردیه بود. قطب‌الدین محمود علم طب را نزد پدر و عموی خود فراگرفت. خرقه‌ی تصوف را در ده سالگی از دست پدر خود پوشید و از نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی نیز خرقه گرفت. در چهارده سالگی پدرش فوت کرد و او به جای پدر به عنوان چشم‌پزشک در بیمارستان شروع به کار نمود. وی قرائت و شروح «قانون» را نزد استادان شیراز فراگرفت. چندی نیز شاگرد نجم‌الدین کاتبی قزوینی بود. سپس به مراغه رفت و در آنجا علم هئیت و «اشارات» ابن‌سینا را در خدمت خواجه نصیرالدین‌طوسی آموخت و نزد آن استاد و به یاری او به حل مشکلات «قانون» توفیق یافت. او همچنین سفرهایی به خراسان، عراق عجم، بغداد و روم داشت. در قونیه به خدمت صدرالدین قونیوی رسید و علم شریعت و طریقت را نزد او فراگرفت. قطب‌الدین شیرازی از دانشمندان جامع و بزرگ، و در معقول یگانه زمان خود بود. او در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و موسیقی دست داشت و در نظم و نثر پارسی و عربی دارای مهارت کامل بود. عده‌ای از رجال علم و دانش در محضر او شاگردی کرده‌اند. از جمله شاگردان وی: قطب‌الدین رازی، کمال‌الدین فارسی و نظام‌الدین اعرج بودند. قطب‌الدین در اواخر عمر در تبریز سکنی گزید و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ی چرنداب تبریز در کنار قاضی بیضاوی دفن شد. از آثارش: «دره التاج لغره الدیباج/ الدباج»، معروف به «انموذج العلوم»، به فارسی؛ که به خواهش امیر دباج، پادشاه اسحاق‌وند گیلان، تألیف کرد؛ «تحفه‌ی شاهی»، در علم هئیت، به فارسی؛ «نهایه الادراک فی درایه الافلاک»، در علم هئیت، به فارسی؛ «اختیارات مظفری»، در هیئت و نجوم؛ «شرح حکمه الاشراق»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی، قسمت سوم؛ شرح «مختصر الاصول» حاجبی؛ «فتح المنان فی تفسیر القرآن»، در حدود 40 مجلد؛ «مشکلات التفاسیر».[1]
شیرازی، محمود بن مسعود بن مصلح فارسی کازرونی اشعری شافعی مکنی به ابوالثناء، دانشمند معروف (ف. تبریز 710 یا 716 ه.ق). وی نزد

نصیرالدین طوسی علم آموخت و سپس به روم (آسیای صغیر) رفت و نزد صدرالدین قونوی تلمذ کرد و قاضی سیواس، ملطیه و زارالشام گردید و سپس در تبریز ساکن شد و در امر رصدخانه با خواجه نصیر همکاری داشت. وی در اغلب علوم عصر مانند طب و نجوم و حکمت و موسیقی تبحر و نیز ذوق ادبی و قریحه‌ی شعری داشت. او راست: شرح قانون ابن‌سینا، شرح حکمةالاشراق، درةالتاج شامل علوم حکمی به فارسی، التحفةالشاهیة، ترجمه‌ی تحریر اقلیدس، شرح مفتاح العلوم سکاکی، نهایةالادراک فی درایةالافلاک.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (328)، الاعلام (66 -65 / 8)، تاریخ ادبیات در ایران (1230 -1227 / 3)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (476 -460)، تاریخ گزیده (702 -701)، تاریخ نجوم اسلامی (53 -52)، تاریخ مغول (507 -506)، تاریخ نظم و نثر (148 -147)، تذکره‌ی روز روشن (662 -661)، حبیب السیر (117 -116 / 3)، دائره‌المعارف فارسی (2059 / 2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (214 -205 / 4)، الذریعه (884 / 9)، روضات الجنات (129 / 8)، ریحانه (472 -470 / 4)، زندگینامه‌ی ریاضی‌دانان (354 -351)، شخصیت‌های نامی (395 -394)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی (96 -94)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 214 -212 / 8)، العبر (25 / 4)، فرهنگ سخنوران (472)، کشف الظنون (1695،1985، 1235، 738، 367، 35)، الکنی و الالقاب (73 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قطب‌الدین شیرازی)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال 710)، مرآت الفصاحه (504 -501)، معجم المؤلفین (203 -202 / 12)، مؤلفین کتب چاپی (91 -89 / 6)، هدیه الاحباب (219)، هدیه العارفین (407 -406 / 2)، هفت اقلیم (209 -208 / 1).

قطب‌الزمان

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابن ابوطاهر طبسی مروزی، از حکیمان نیمه‌ی اول قرن ششم ه. پدر وی از حکام قرای مرو و مادرش خوارزمی بود و خود از شاگردان بنام لوکری (ه.ق) محسوب می‌شد. در آغاز مورد توجه نصیرالدین ابوالقاسم محمود بن ابی‌توبه‌ی وزیر بود، لیکن بعد مرحوم و محتاج ماند و در شوال 539 بسبب بیماری فالج در سرخس درگذشت و از شاگردان او ابوالفتح بن ابوسعید فندورجی است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

قمرزاده، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موسی قمرزاده
محل تولد : اهواز
شهرت : حاج قمر
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/2/14

زندگینامه علمی
بنده پس از پایان جنگ و دوران دفاع مقدس وارد حوزه علمیه شدم و ابتدا در شهرستان دزفول حوزه آیت الله قاضی و سپس در قم اشتغال به تحصیل پیدا کردم. گرچه از قبل به مطالعه علاقه وافری داشتم و از همان دوران نوجوانی و در جبهه و سپاه پیوسته برنامه مطالعاتی داشتم ولی با آمدن به حوزه به این علاقه افزوده شد. هنوز مشغول به تحصیل در دوره سطح 1 بودم که کار تدریس را نیز رسماً در مدارس شروع کردم و از همان سال تا کنون همه ساله درس یا دروسی را مشغول به تدریس بوده ام. علاقه ام بیشتر به مطالعه و تحقیق در حوزهٔ علوم عقلی و سپس نقلی بوده و در کنار آن به تحقیقات پیرامون تاریخ خصوصا تاریخ معاصر میپردازم. در زمینه موضوعاتی که تدریس کرده ام تحقیق و مطالعهٔ گسترده نیز انجام می دهم و در حال تهیهٔ مطالبی نیز هستم. در زمینه تاریخ معاصر نیز مجموعه ای در قالب کتاب در دست نوشتن دارم. همچنین جلد اول خاطرات دفاع مقدس با عنوان حدیث وصل و هجران را به چاپ رسانده ام که در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس بعنوان کتاب برگزیده انتخاب شد دفتر دوم کتاب خاطراتم نیز در حال آماده شدن برای چاپ است و در زمینه ادبیات نیز کتاب نجوا با شلمچه به چاپ رسید که چاپ دوم آن در حال حاضر منتشر شده است.

قمشه ای، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا قمشه‌ای (شهرضائی) از مشاهیر حکماء و افاضل مدرسین زمان خود بوده است.
وی قبل از 1300 ه از اصفهان به تهران عزیمت نموده و در مدرسه صدر (که در جلو خان مسجد شاه) است به تدریس فقه و اصول و فلسفه و غیره پرداخته و بالخصوص در علم فلسفه و عرفان ید طولا و استادی ماهر بود و جماعتی از بزرگان دانشمندان و حکماء و فلاسفه معروف از وی استفاده معقولی نموده که هر کدام پس از او فیلسوف بزرگ و حکیمی سترک بودند که از مشاهیر آنها نامبردگان زیراند.
1- آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالفضل کلانتر
2- علامه حکیم میرزا جهانگیر خان قشقائی
3- آیت‌اللّه حاج میرزا سید حسین قمی
4- علامه ملا حیدرخان نهاوندی
5- آیت‌اللّه حاج میرزا عبداللّه ریاضی رشتی
6- علامه شیخ علی نوری تهرانی
7- آیت‌اللّه میرزا علی‌اکبر یزدی مدرس قم
8- علامه شیخ محمود بروجردی
9- آیت‌اللّه حاج میرزا محمود قمی
10- علامه میرزا هاشم رشتی
علامه قمشه‌ای دانشمندی عمیق‌الفکر و دقیق‌النظر و کثیرالتفکر و خوش‌بیان و ادیبی فاضل و شاعری مبتکر و به صهبا تخلص داشت وفات او در سال 1306 ق روز وفات علامه بزرگوار و مجتهد عالیمقدار آیت‌اللّه العظمی حاج ملا علی کنی اتفاق افتاد فاضل مراغی او را در کتاب (المآثر والاثار) ص 164 ذکر کرده.
و درباره وی گفته که او مردی متواضع و خوش‌اخلاق و متقی و پرهیزکار بود و در موقع احتضار و مرگش به کسانی که اطرافش نشسته بودند توجه کرده و گفت آیا دیدید اسب سفیدی را که حضرت امام مهدی ولی عصر عجل‌اللّه‌فرجه برای سوار شدن من فرستاده‌اند.
آثاری از آنجناب بجا مانده که از آنست کتاب (الخلافة الکبری) که در سال 1315 در تهران بطبع رسیده به مباشرت شاگردش شیخ محمود بروجردی با کتاب (الجمع بین‌الرائیین) معلم دوم فارابی و دیگر حواشی او بر شرح

خصوص و رساله‌ای در فرق بین اسماء ذات و اسماء صفات و حدیث زندیق.
(بخش 1) قمشه‌ای، آقا محمدرضا دانشمند مدرس کتب عرفانی (ف. تهران 1306 ه.ق.) وی از قمشه اصفهان و مردی زیرک بود. حکمت و کلام را نزد حاجی محمد جعفر لاریجانی و میرزا حسن نوری فراگرفت و در عرفان شاگرد حاجی سید رضی بود و از شاگردانش صفای اصفهانی شاعر معروف است. از اوست: حواشی بر کتاب اسفار اربعه صدرالدین شیرازی، حواشی بر شرح فصوص‌الحکم قیصری، رساله در موضوع الخالفةالکبری، رساله در موضوع العلم (دو رساله اخیر در پایان رساله الجمع بین‌الرأیین فارابی در تهران به چاپ رسیده است.) وی مردی برسبیل تفنن اشعار عرفانی می سروده.
(وف 1306 ق)، شاعر. اهل قمشه اصفهان بود. چندین سال در آن دیار تدریس حکمت و عرفان نمود و در سال قحطی آنچه از زمین و مال داشت فروخت و صرف طلاب فقراء نمود و در اواخر به تهران آمد و در مدرسه میرزا شفیع صدر اعظم که در جلو خان مسجد شاه واقع است. به ارشاد می‌پرداخت. می‌گویند «فصوص الحکم» را بعد از صدر قونیوی کسی بهتر از وی مباحثه نکرده است. در تهران وفات یافت و در ابن‌بابویه نزدیک مزار حاج آخوند محلاتی دفن شد. از اوست:
ساغر ز خون ماست به اندازه نوش کن
این جام باده نیست که لبریز می‌کنی[1]
(1306 -1241 / 1234 ق)، عالم، فیلسوف، حکیم، عارف، مدرس و شاعر، متخلص به صهبا. اصل وی از قومشه‌ی اصفهان بود و مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت، سپس برای تکمیل معلومات به اصفهان رفت و در محضر حاج ملا محمد جعفر لاهیجی و میرزا حسن نوری و آقا سید رضی لاهیجی فلسفه و حکمت و عرفان را فراگرفت. در اصفهان به تدریس کتب عرفانی پرداخت، در اواخر عمر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و عرفان، بویژه کتب محیی‌الدین عربی و شروح آنها پرداخت. میرزا ابوالفضل کلانتری و میرزا جهانگیرخان قشقایی و میرزا سید حسین قمی و ملا حیدرخان نهاوندی و میرزا عبدالله ریاضی و میرزا هاشم اشکوری و میرزا علی محمد اصفهانی و حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی و صفای اصفهانی و حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی و میرزا علی اکبر یزدی مدرس و شیخ محمود بروجردی از شاگردان او بودند و همگی بر شاگردی وی افتخار می‌کردند. او با ملا هادی سبزواری معاصر بود. در تهران درگذشت و در کنار قبر حاج آخوند محلاتی در قبرستان ابن‌بابویه دفن شد. از آثارش وی: «الاسفار الاربعه و تحقیقها»؛ «حاشیه اسفار ملاصدرا»؛ حاشیه بر «شرح تمهید القواعد» صائن‌الدین ترکه؛ حاشیه بر

«شرح القیصری لفصوص الحکم»؛ «الخلافه الکبری»؛ «رساله فی موضوع العلم»؛ رساله‌ای در «فرق بین اسماء الذات و الصفات»؛ «دیوان» شعر.
[2]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طرائق الحقائق (508/ 3)، فرهنگ سخنوران (382).
[2] الاعلام (362 / 6)، اعیان الشیعه (333 / 9)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (827 -825)، الذریعه (269 / 23، 623 / 9، 238 / 7، 126، 49 / 6، 60 / 2)، ریحانه (497 -496 / 4)، شرح حال رجال (235 / 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 734 -732 / 14)، طرائق الحقائق (509 -508 / 3)، فرهنگ سخنوران (565)، لغت‌نامه (ذیل/ قومشه‌ای)،المآثر و الآثار (164)، مؤلفین کتب چاپی (191 -190 / 3)، یادگار (س 3، ش 1، ص 79 -75).

قمی، سعید

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه خونساری در باب سین ص 301 روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.
دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح‌القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمایر و مکاشفات بوده است.
در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می‌نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.
بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده‌اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.
تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می‌نمایم:
1- شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، 2- کتاب اربعینیات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می‌شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.
قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن قمی
محل تولد : مامازند ورامین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1339 هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. اورا که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در 7سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. درسال 1350 ودر سن 11 سالگی به قم رفت وبه تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او دردوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن 14 سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالیه تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجة الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق وتحصیل وتدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال 1360 در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده وبه مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس 5 نفر از خانواده حجة الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

قیوم زاده، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود قیوم زاده
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/6/15

زندگینامه علمی
در سال 1347 در حوالی شهرستان یزد روستای حزانق متولد شدم در دوران کودکی به یزد هجرت نمودیم. در سال 1357 در حالی که کلاس پنجم ابتدایی بودم با شکل گیری مبارزات انقلابی اسلامی مردم جذب آنها تدبیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله و در مدت کوتاهی قرآن را فرا گرفته و در حالی که 12 سال داشتم در یزد تدریس قرآن می کردم . در سال 1361 پس از گرفتن سیکل وارد حوزه یزد شدم همیشه در حوزه شاگرد ممتاز بودم و در کنار تحصیل تدریس داشتم. در حوزه علمیه یزد عمدتاً ادبیات و منطق و اصول مظفر تدریس می کردم در سال 1366 و امتحان اصول مظفر و لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. و بلافاصله شروع به تصحیل نموده و در سال 1368 به درس خارج آیةالله مکارم رفتم. در مدت 14 سال شرکت در درس خارج به تدریس در حوزه نیز مشغول بودم در سال 1371 در رشته تخصصی کلام حوزه وارد شدم و این دوره را با موفقیت طی کردم و با نوشتن پایان نامه در سال 1380 مدرک سطح چهار حوزه را اخذ کردم. در دوره آشنایی با فقه و کلام اهل سنت که نمایندگی رهبری در امور اهل سنت بلوچستان در سال 1369 تشکیل داده بود به مدت دو سال شرکت کردم در سال 1373 در دوره کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس شرکت کردم و در سال 1373 با موفقیت فارغ التحصیل شدم و الان هم در کنار تحصیل در دوره های درس خارج و فلسفه به تدریس در حوزه (لمعه، بدایة، اصول فقه و دانشگاه (معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، تعدی اسلامی، فلسفه اسلامی و کلام اسلامی) مشغول هستم. به لحاظ علاقه به مطالعات و تحقیقات فلسفی کتب منظومه (منطق و فلسفه) بدایة الحکمة، نهایةالحکمه، اشارات، شفاء، اسفار را

خوانده ام و هم اکنون هم در حال پویای اندیشه فلسفی و دین خود هستم.

قیومی، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر قیومی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/7/1

زندگینامه علمی
اینجانب دوره ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه بدر و اسلامی بابل گذراندم. دروه متوسطه در رشته تجربی تا دوم تجربی را در مدرسه آیت الله طالقانی گذراندم. سال 1362 وارد حوزه علمیه روح بابل شدم و کتب صرف و نحو (جامع المقدمات، سیوطی، ملا هادی، مبادی، مغنی و مختصر المعانی) را درس گرفتم. تقریبا چند ماه پس از ورود به تدریس مشغول شدم و تا کنون (تقریبا بدون وقفه) تدریس در زمینه های گوناگون اشتغال دارم. درسال 1365 به قم برای ادامه تحصیل در سطح بیع مکاسب مسافرت کردم. از سال 1367 به طور رسمی در درس خارج شرکت جستم. در سال 1370 به گروه کلام جدید در بنیاد فرهنگی باقر العلوم علیه السلام (بخش تخصصی موسسه در راه حق) وارد شدم و تا سال 1375 درسهای کارشناسی ارشد رشته دین شناسی موسسه امام خمینی (ره) را به اتمام رساندم. درسال 1372 وارد دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم شدم. در سال 1374 به تدریس در دانشگاه مشغول شدم. سال 1376 برای کمک در اداره حوزه شهرستان بابل رفتم و در آنجا مدیر مدرسه و مدرس آنجا گردیدم همچنین در دانشگاه و جامعه الزهرای بابل نیز درس می گفتم و بعضا کارهای اجتماعی و نیز امامت جماعت مسجدی در بابل را بعهده داشتم. از سال 1377 در دوره دکتری فلسفه تطبیقی تربیت مدرس قم پذیرفته شدم. در سال 1382 پس از اتمام دوره آموزشی امتحان جامع را داده و موضوع پایان نامه با اصالت فاعل شناسایی در هایدگر ملا صدرا را مشغول شدم. از سال 1381 هیات علمی تمام وقت مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و در گروه ادیان و مذاهب مدرسه عالی امام خمینی (ره) عهده دار تدریس و اداره گروه بودم. در این

دوره ها موضوعاتی چند در زمینه های کلام، فلسفه، (اسلام و غرب) معرفت شناسی، مباحث ادیان و مذاهب (بویژه ادیان ابراهیمی) ذهن مرا اشغال کرد. و بعضا صفحات زندگی را قلمی نمودم. مکتوب پایانی دوره کارشناسی ارشد درباره متکلمان قرن بیستم مسیحی بود. امروزه تا حدی آشنا با موضوعات ذیل می باشم: ادبیات عرب، فقه، اصول، ادیان ابراهیمی، مذاهب معتزله، اشاعره، ماتریدیه، تاریخ فقه، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی و تاریخ آن، تاریخ فلسفه غرب، معرفت شناسی، مباحث کلام تطبیقی بین الادیان و المذاهب البته در هیچ حوزه ای ادعای تخصص نمی توانم داشته باشم. عمده اساتید بنده در حوزه های علمیه سنتی، آیات محمدی بابلی، مرحوم حاج سید حسن محقق بهشتی، محمد فاضل، حاج سید محمود شاهرودی، مرحوم سید محمد روحانی، میرزا جواد تبریزی، حاج سید علی محقق و... بودند. شاهرودی در دوره دروس جدید، جناب آقای آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام فیاضی، جوادی آملی، شیخ صادق لاریجانی، شیخ علی عابدی، دکتر اخوان، دکتر پازوکی، دکتر احمدی، دکتر حداد عادل، حجت السلام توفیقی، مصطفی ملکیان، دکتر لگنهاوزن، دکتر مجتبایی، دکتر ضیاء موحدی، دکتر دینانی

کاتبی قزوینی، علی

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قزوینی، علی ابن عمر بن علی شافعی ملقب به نجم‌الدین و مکنی به ابوالحسن و ابوالمعالی و معروف به دبیران و کاتبی قزوینی، دانشمند و حکیم (ف. 675 ه.ق) وی در ریاضیات و هندسه و منطق و فنون حکمت تبحر داشت و در آلات رصدی ماهر بود و شاگرد نصیرالدین و استاد علامه‌ی حلی و قطب‌الدین محمود شیرازی بود و در قزوین تدریس می‌کرد و حوزه‌ی درس او مجمع افاضل بود. از آثار او است: عین‌القواعد در منطق و حکمت، بحرالفوائد فی شرح عین‌القواعد، که شرح مزجی کتاب عین‌القواعد (مذکور) است، جامع‌الدقائق فی کشف‌الحقائق در منطق، و آن کتابی است بزرگ و حاوی همه‌ی اصول و فروع علم منطق، حکمة‌العین حاوی مباحث الهیات و طبیعیات حکمت و بر آن چند شرح نوشته‌اند، الشمسیه در منطق که برای شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی تألیف کرده و چند شرح بر آن نوشته‌اند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کارکیا لاهیجی، حسام‌الدین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و شاعر. از آثارش: «التوضیحات»، در حکمت و عرفان، که در 1052 ق تألیف نموده و بعضی از اشعار خود را در آن ذکر کرده است؛ «المسالک»، در یک مقدمه، چهار مقاله و نه مسلک؛ شرح بعضی ابیات ناصر خسرو؛ رساله‌ی «نفس» و مراتب آن، سلوک در دوازده مرحله؛ شرح رساله «الشرقیة» سهروردی؛ شرح عبارتی از «تلویحات»، که در 1079 ق تألیف نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (242/ 26)، طبقات اعلام الشیعه (134/ 11)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (1384، 855/ 2)، نامها و نامدارهای گیلان (138).

کاشانی، ابوالحسن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 966 ق)، عالم دینی، فقیه و متکلم. پدرش ملا احمد، و به آورده‌ی «ریحانة الادب» ملا محمد، از علمای منطق بود که حواشی بر کتب منطق نگاشته است. اصل ملا ابوالحسن از ابیورد است. در کاشان سکنی گزید و به کاشانی منسوب شد. وی از علمای امامی عهد شاه طهماسب صفوی (984 -930 ق) می‌باشد که جامع علوم و حکمیات و فضائل و کمالات بود. ملا ابوالحسن از پدرش و از شیخ عبدالعالی بن محقق کرکی روایت کرده است. او از اساتید سید حسین بن سید حیدر مجتهد کرکی بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی از وی به عنوان قاینی، به جای کاشانی، نام برده است. از آثار وی: «اثبات الواجب و صفاته»، که در 963 ق از تألیف آن فراغت یافت؛ «ارکان الایمان»، در اصول دین و امامت؛ «روض الجنان» یا «روضة الجنان»، در کلام و حکمت؛ «الحسنی»، در حکمت طبیعی که مختصر «روض الجنان»، مذکور است؛ «التحریر»، شرح «رسالة الفرائض» خواجه نصیر طوسی، در میراث؛ «الشوارق»، در کلام؛ «مقدار الدیات و احکامها»؛ «المنطق».[1]
(منسوب به کاشان) ابوالحسن بن محمد ابیوردی‌الاصل کاشانی المسکن، از علمای امامیه‌ی قر. 10 ه. و معاصر شاه طهماسب صفوی (ف. 960 ه.ق). وی عالم و فقیه و متکلم و جامع معقول و منقول و استاد مجتهد کرکی سید حسین بن حیدر بود. او راست: اثبات الواجب و صفاته؛ ارکان الایمان در امامت؛ الحسنی در حکمت طبیعی؛ روض‌الجنان (یا روضة‌الجنان) در کلام و حکمت؛ شرح فرائض خواجه نصیر طوسی، الشوارق در کلام؛ مقدار الایات و احکامها؛ المنطق (ریحانة‌الادب، لغ.).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (322/ 2)، الذریعه (274/ 11 ،377 -376/ 3 ،526 -525/ 2 ،102/ 1)، ریاض العلماء (437 -435/ 5)، ریحانه (18 -17/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 56/ 10)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی).

کاشانی، فتح‌اللّٰه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 988 ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش 997 ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با 988 ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصة المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدة التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج‌البلاغه»، به نام «تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است.[1]
(ملا) فتح‌اللّٰه بن شکراللّٰه، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. 988 ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف‌الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرة‌العارفین (شرح فارسی نهج‌البلاغه)، خلاصة‌النهج (ملخص تفسیر منهج‌الصادقین مذکور در ذیل)، زبدة‌التفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف‌الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانة‌الادب، لغ.)
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (392/ 8)، ایضاح المکنون (592/ 2)، تاریخ کاشان (280 -279)، الذریعه (194 -193/ 23، 8 -7 / 18، 23/ 12، 234 -233/ 7، 447/ 4)، روضات الجنات (331 -330/ 5)، ریاض العلماء (319 -318/ 4)، ریحانه (20/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 178 -177/

10)، فوائد الرضویه (346 -345)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشانی)، معجم المؤلفین (51/ 8)، هدیة العارفین (815/ 1).

کاشی، کمال‌الدین، ابوالغنائم عبدالرزاق

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 735/ 730 ق)، حکیم، مفسر، عارف و صوفی. از مشاهیر عرفا و متصوفه علمای امامیه بود. وی معاصر با علامه حلی و شیخ علاءالدوله سمنانی می‌باشد. مابین وی و شیخ علاءالدوله سمنانی مباحثات و مکاتباتی برقرار بوده است. کاشانی در عرفان عملی و سلوک شاگرد نورالدین عبدالصمد نطنزی اصفهانی و خلیفه او در طریقه‌ی سهروردیه بد. در «ریحانة الادب» پدر صاحب عنوان، جمال‌الدین اسحاق کاشانی سمرقندی ذکر شده است. از آثارش: «اصطلاحات الصوفیة»؛ «تأویلات القرآن» یا «تأویل الآیات»؛ «تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان»، در آیین فتوت؛ شرح «فصوص الحکم» ابن عربی؛ «خلاصة التدبیر»؛ «رشح الزلال»، در شرح «الالفاظ المتداولة بین ارباب الاذواق و الاحوال»؛ «القضا و القدر»؛ «السراج الوهاج»، در تفسیر قرآن؛ شرح «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری هروی؛ «فتوت نامه»؛ «کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر»، در شرح «التائیة» ابن فارض، در تصوف؛ «لطائف الاعلام فی اشارات اهل الافهام»، در اصطلاحات صوفیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (573/ 1)، تاریخ ادبیات در ایران (1264 ،809 ،808 ،172 ،171/ 3)، تاریخ نظم و نثر (758)، الذریعه (174/ 20 /51، 19 ،313 ،67/ 18 ،148/ 17 ،320 ،115/ 16 ،88/ 14 ،382/ 13 ،234 -233/ 12 ،219 -218/ 7 ،330/ 4 ،416 -415 ،303/ 3 ،122/ 2)، ریحانه (34/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 113 -112/ 8)، کشف الظنون (1828 ،1552 ،1496 ،1263 ،985 -984 ،336 ،266 ،107)، لغت‌نامه (ذیل/ کاشی)، مجالس المؤمنین (70 -69/ 2)، معجم المؤلفین (215/ 5)، نفحات الانس (484 -483 ،482 -481)، هدیة العارفین (567/ 1).

کاشی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حکیم عارف بزرگوار، و فیلسوف علی‌الاطلاق، مرحوم آخوند ملا محمّد کاشی، از نوادر اعصار، و در علم و عمل و زهد و تقوی و تدریس حکمت علمی و عملی یگانه روزگار بوده، در کمتر زمانی از ازمنه برای او در بین علما و دانشمندان مثل و مانندی می‌توان یافت.
در اوایل در مدرسه جّده کوچک، و در اواخر در مدرسه صدر ساکن بوده؛ حالات غریبه، و حکایات عجیبه از او نقل شده و عموماً به حدّ تواتر رسیده.
مدت هشتاد و چهار سال تقریباً عمر نموده، و در این مدّت مجرّد زیسته، تا سرانجام در روز شنبه 20 شعبان المعظم سال 1333 وفات یافته، در تخت فولاد در جنب لسان الارض مدفون گردید.
و پس از آن مرحوم حاج محمّد ابراهیم ملک التجّار برای او تکیه‌ای احداث نمود و عدّه‌ای کثیر از فضلا و دانشمندان و حکما و شعرا و ارادتمندانش در آن حوالی مدفون شدند که بعد از این به نام عدّه‌ای از آنها اشاره خواهد شد.
مادّه تاریخ وفاتش را جابری انصاری گوید:
طایری سر برون نمود و بگفت
زد محمد علم بقصر بهشت
عبارت لوح قبر آن بزرگوار چنین است:
فقیرالحق اضعف خلق اللّه آخوند ملا محمّد کاشانی.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاظمی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد کاظمی
محل تولد : کرکوک
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
در شهر «کرکوک» واقع در شمال عراق و دقیقاً در منطقه «تسعین» متولد شدم و در همانجا دوره ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان را سپری کردم. بعد از آن در دانشکده به عنوان «کلیة التربیه» در رشته شیمی قبول شدم. در این دانشگاه، طلاب به عنوان معلم شیمی در دوره راهنمائی و دبیرستان فارغ التحصیل می شوند ولی در سال 1991م در اثر نافرجامی قیام مردم عراق که در آن شرکت کرده بودم؛ دانشکده را در آخرین ترم ترک کردم و به جمهوری اسلامی پناهنده شدم.
در ایران بعد از دو سال خدمت در لشگر «بدر» در سال 1972 وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه «شهید صدر» که زیر نظر: (آیت الله حائری) است مشغول تحصیل شدم و بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه به مدرسه «اهل البیت» که زیر نظر (شیخ شهید مهدی عطار) بود؛ منتقل شدم. در این مدرسه بقیه کتاب لمعه را تمام کردم و پیش از آن، مکاسب محرمه را با «قسم اول حلقه ثالثه شهید صدر» به اتمام رساندم.
در سال 1378 بعد از قبولی در امتحان ورودی، مشغول دوره فوق لیسانس در رشته: «فلسفه و کلام» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و در سال 1381 این دوره را به اتمام رساندم و پایان نامه که با عنوان: «الخلود فی الجهنم عند المفسرین و المتکلمین و الفلاسفه» نوشته بودم و نمره عالی 1/19 گرفتم که این پایان نامه مورد پسند مرکز جهانی علوم اسلامی واقع شد و آن را در سال 1983 به عنوان کتاب چاپ کرده است.
در سال 1384 بعد از قبولی در امتحان ورودی در دوره دکتری در رشته: «فلسفه اسلامی» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و تا الان مشغول درس در این دوره هستم. قبل از دوره دکتری مشغول یک بحث تحقیقی شدم با عنوان: «تفکر در کتاب و سنت و مقصود از تفکر

واژه تفکر نه روش تفکر» و این بحث بعد از فیش برداری فصل بندی شده است و قبل از شروع به نگارش دوره دکتری مطرح شد و مجبور شدم نگارش این بحث را به آینده موکول کنم.

کاوه نافچی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد کاوه نافچی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/9/2
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1362 دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم شروع کردم و از همان ابتدا در کنار دروس اصلی حوزه، نه تنها کتاب های متنوعی در همان موضوع را مطالعه می کردم بلکه به مطالعات غیر دروس حوزوی می پرداختم تا این که در سال 1369 موفق شدم دروس سطح حوزه را تمام بکنم. همزمان با شروع درس خارج در سال 69 در امتحان ورودی کنکور شرکت کردم و با آوردن رتبه 500 در رشته فلسفه، در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شدم.
در سال 74 در کنکور ارشد رشته «فلسفه غرب» شرکت کرده و رتبه 14 را کسب کردم و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی حوزه (کلام) پذیرفته شدم و در میان این دو، انتخاب رشته تخصصی «کلام» را ترجیح داده و در کنار شرکت در دروس خارج فقه: (آیت الله علوی گرگانی)، خارج اصول: (آیت الله مکارم)، به تحصیل در رشته کلام پرداختم در سال 78 توانستم دروس تخصصی را با موافقت و امتیازات عالی در هر ترم به پایان برسانم.
در سال 79، موضوع «معرفت دینی و معرفت علمی» را انتخاب و موضوع رساله دکتری کلام خود انتخاب کردم. بعد از دفاع از رساله خود در دانشگاه آزاد واحد جنوب تهران به عنوان: (عضو هیئت علمی) پذیرفته شدم و در گروه معارف اسلامی به ادامه تدریس دروس معارف اسلامی پرداختم.
لازم به ذکر است اینجانب از سال 1378 مشغول تدریس دانشگاههای: آزاد اراک، دولتی شاهرود، تربیت معلم تهران، شاهد و آزاد شاهرود شدم.
در سال 1383 مقاله ای به نام: «مقایسه معرفت دینی و علمی» نوشتم که در مجله رواق اندیشه صدا و سیما به چاپ رسید. در سال 1385 مقاله ای به نام: «جلوه های رفتاری پیامبر اعظم» نوشتم که در همایش دانشگاه

آزاد لاهیجان پذیرفته و در آنجا ارائه گردید.

کاویانی، منصوره

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
منصوره «شیوا» کاویانی ، نویسنده ، مترجم و شاعر ، در سال 1316 در بندر خرمشهر زاده شد. تحصیلاتش را در رشته ی کارشناسی تاریخ و کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس در آلمان به اخذ درجه دکترای فلسفه نایل آمد.او در زمینه فلسفه و ادیان غرب و شرق به ویژه ایران ، زیباشناسی ، موسیقی ، جامعه شناسی و ادبیات تطبیقی در ایران و در سطح جهان مطالعه، پژوهش می نمود و تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب ترجمه ، تحقیق و تالیف و سی و پنج مقاله به زبان فارسی و انگلیسی از روی به چاپ رسیده و یا آماده چاپ است. او از نوجوانی به سرودن شعر نیز علاقه نشان داده و در این زمینه هم به موفقیت هایی دست یافته است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : منصور کاویانی با تباری بوشهری در ندر خرمشهر زاده شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : منصوره کاویانی تحصیلاتش را در رشته ی کارشناسی تاریخ و کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان رفته و به اخذ درجه دکترای فلسفه نایل شد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از منصوره کاویانی تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب ترجمه ، تحقیق و تالیف و سی و پنج مقاله به زبان فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده و یا آماده چاپ است. او از نوجوانی به سرودن شعر نیز علاقه نشان داده و در این زمینه هم به موفقیت هایی دست یافته است.
آرا و گرایشهای خاص : منصوره کاویانی در زمینه فلسفه و ادیان غرب و شرق به ویژه ایران ، زیباشناسی ، موسیقی ، جامعه شناسی و ادبیات تطبیقی در ایران و در سطح جهان مطالعه نموده است. ----------
---
آثار :
1 آموزش و شناخت انتقادی
2 اوروگوئه

3 خرد زیبا
4 خلق مدام
5 دیدارها
6 دیدارها
7 رازوری در آیین زرتشت
8 سفر دیگرگون
9 شبکه اطلاعات علمی
10 شهر در گذر زمان
11 صوفیسم ابن عربی و آیین لائوتسه
12 عرفان و فلسفه ی یهود
13 فرزانگی در آیینه ی زمان
14 فرهنگی علوم اجتماعی
15 فلسفه ی انسانی موسیقی
16 فلسفه ی روشنگری
17 فهم موسیقی
18 کتاب در ایران: کتاب نامه و مقاله نامه
19 کتاب شناسی و طرح مطالعه ی امپریالیسم
20 کتاب نور و روشنایی
21 مجموعه ی داستان
22 نفس انسان و روان شناسی اسلامی

منابع زندگینامه :دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، به کوشش : پوران فرخزاد، ج 2 ، تهران: انتشارات زریاب ، چاپ اول 1378 ، ص 1382

کرامتی، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدتقی کرامتی
محل تولد : بابل
شهرت : کرامتی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1363 با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران به سرپرستی «آیة الله فاضل استر آبادی» شدم. پس از آن به حوزه علمیه امام صادق دماوند رفتم و تا سال 68 را در آن حوزه به تحصیل و تدریس دروس پایه های پایین تر اشتغال داشتم و تقریبا پس از اتمام لمعتین و اصولین به قم مهاجرت کرده و دروس رسائل، مکاسب و کفایه را نزد اساتید برجسته حوزه: حضرت آیت الله استادی، آیت الله مرحوم طاهر شمس، آیت الله طاهری خرم آبادی و استاد رحمانی گذراندم. کتاب های: (بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، اشارات، شواهد الربوبیه و حکمةالاشراق) را نزد اساتیدی همچون: فیاضی، نیکزاد، حشمت پور و دکتر بهشتی گذراندم.
پس از پایان دروس سطح، در دروس خارج فقه و اصول به مدت پنج، شش سال شرکت و نزد اساتیدی همچون: آیت الله فاضل لنکرانی، استاد شیخ جواد تبریزی، صادق لاریجانی و استاد شهیدی بهره جستم. همزمان با ادامه تحصیلات دانشگاهی به مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم وارد شدم و مقطع فوق لیسانس را در رشته «مدرسی الهیات و معارف اسلامی و گرایش فلسفه و کلام» گذراندم و با دفاع پایان نامه ام تحت عنوان «تاثیر مبانی فلسفی در تفسیر صدر المتالمین» با نمره 19 موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد گردیدم. در همان سال های پایانی، امتحان تدریس در دانشگاه توسط نهاد نمایندگی ولی فقیه را نیز با عنایت الهی پشت سر نهاده و موفق به اخذ مجوز تدریس در دانشگاهها شدم.
به دلیل حضور مستمر در جنگ و پس از آن در عرصه انقلاب و نیز علاقه به مقوله تالیف، وارد این حوزه ها نیز گردیدم. در مجموع، مدت 6 - 7 سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه شهرستان دماوند، مرکز جهانی علوم اسلامی قم، تدریسی آزاد و حوزه علمیه شهرستان فریدن را دارم. کتابها

ی مورد تدریس: دروس سطح اول حوزه، کلام اسلامی و فلسفه می باشد و اکنون نیز امام جمعه شهرستان فریدن اصفهان هستم.

کرمانشاهی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا حسن کرمانشاهی از افاضل حکماء و اکابر فلاسفه بوده و در سال 1336 وفات نموده
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1299 ق)، فقیه، اصولی و منطقی. از علمای فاضل دودمان وحید بهبهانی است. در نجف درگذشت و در یکی از حجرات صحن علوی دفن شد. از او آثاری در فقه و اصول و ادب باقی است. از آثارش: شرح «زبدة الاصول» شیخ بهائی؛ حاشیه بر حاشیه ملا عبداللّه یزدی بر «شرح التهذیب»، در منطق؛ تعلیقه بر «مبادی الاصول» علامه‌ی حلی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (197/ 9)، الذریعه (298/ 13)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 210/ 13)، معجم المؤلفین (135/ 9)، وحید بهبهانی (337).

کرمی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین کرمی اسفه
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/4/12
تصویر بزرگتر

زندگینامه علمی
مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان شهرضا گذراندم و سپس وارد شهرستان قم شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) پذیرش شدم (در سال 1365)، در سال 1385 در مؤسسه «در راه حق» یک دوره صد روزه درباره مباحث نقد و بررسی مارکسیسم را گذراندم. در همان سال و در آزمون ورودی مؤسسه در راه حق برای گذراندن یک دوره 6 ساله الهیات و معارف اسلامی پذیرش شدم، در این دوره دروس (فلسفه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه اخلاق، منطق شفا و اخلاق) را نزد استاد آیة الله مصباح و پاره ای دیگر از دروس را نزد اساتید دیگر فرا گرفتم.
پس از آن به دوره تخصصی اقتصاد در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) وارد شدم. در سال 1367 همزمان با دروس تخصصی اقتصاد برای انجام پژوهش اقتصاد اسلامی به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که اکنون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» نام گرفته است راه یافتم و تاکنون در آن پژوهشگاه به پژوهش اشتغال داشته ام. اکنون نیز در مقطع دکترا در رشته اقتصاد پژوهش مشغول به تحصیل هستم. همراه این تحصیلات و پژوهشها، دروس متداول حوزوی را ادامه دادم و پس از اتمام سطح از محضر اساتید بزرگی، خارج فقه و اصول را استفاده نموده ام. در ضمن تحصیل، اقدام به نوشتن رساله شش سال درس خارج نموده و در سال 1376 موفق به دریافت مدرک آن از حوزه علمیه قم شدم.

کریمیان میقلان، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی کریمیان میقلان
محل تولد : فومن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/7/1
زندگینامه علمی
آقای علی کریمیان در سال 1346 هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان «فومن» دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، وی را رهسپار قم و در سال 1367 وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود، ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع)، با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1376 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله جوادی آملی»، «استاد فیاضی»، «آیت الله مصباح»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «مبانی نظری» در مقطع دکترا در سال 1387 از موسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون در دانشگاه گیلان علاوه بر تدریس، «مسئول نهاد رهبری» در این دانشگاه نیز می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل: «اسوه حسنه» و «سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه» را به رشته تحریر در آورده است.

کمره‌ای، خلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1405 -1317 ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا محمد بیدهندی و سید علی اکبر بید هندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در 1337 ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌اللّه حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در 1340 ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌اللّه رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌اللّه سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌اللّه حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائلی، آیت‌اللّه طالقانی، آیت‌اللّه کاظم گلپایگانی، حجةالاسلام انصاری قمی و حجه‌الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در 1354 ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌اللّه کمره‌ای در 1371 ق، به همراه آیت‌اللّه سید محمود طالقانی و آیت‌اللّه سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در 1379 ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌اللّه بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در 1395 ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیکهای جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌اللّه کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج‌البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار

مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقة الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، وظائف زن در اسلام».[1]
حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.
در سال 1317 قمری برابر 1276 شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال 1337 قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بیدهندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال 1340 قمری از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسائل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.
در آن موقع استاد فسلفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و همدرس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فراگرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌اللّه حایری و اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌اللّه

میرزا سید علی یثربی کاشانی فراگرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.
متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.
در سال 1354 ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
در سال 1367 ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال 1371 ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.
نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگواریست که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:
1- کتاب افق وحی 2- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهماالسلام 3- علی و الزهراء- سرچمشه آب حیات 4- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیهاسلام 5- ترجمه قصیده النبی محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم 6- نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان 7- نهج‌البلاغه و جنگ 8- پیام میلاد امیرالمومنین علیه‌السلام بسلاطین اهل قبله 9- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه‌السلام 10- نامه کودک در مسجد 11- محنت اسلام 12- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول 13- جلد دوم عنصر شجاعت 14- جلد سوم عنصر شجاعت 15- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) 16- چند مرحله از زندگانی امام حسین 17- تاج مأمون‌الرشید 18- مجلس مباحثه امام رضا علیه‌السلام با عمران صابی 19- فلسفه غیبت امام زمان عجل اللّه فرجه 20- امامزاده عبداللّه علیه‌السلام در ری 21- شرح حال محمد بن ابی‌بکر 22- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر 23- امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری 24- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم‌السلام 25- قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام 26 - بیت المقدس و تحول قبله 27- آفاق کعبه 28- پنج رساله در حج و

قبله 29- نهیب پیغمبر صلی اللّه علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی 30- کلید امن جهان 31- کلید امن دنیا 32- رساله مناسک و مسائل حج و عمره 33- ندائی از سرزمین بیت المقدس 34- اجتماع پیرامون خانه تقدیس 35- اسرار حج 36- تفسیر سوره نور 37- ندای اذان و ثواب آن بفارسی 38- دروس متون احادیث 39- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث 40- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) 41- غروب آفتاب در اندلس 42- کتاب مادر 43- مقدمه مواقع النجوم 44- تحشیه رساله لقاء اللّه 45- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه 46- من روح الفرج بعد الشده (بعربی) 47- مقاله در سالنامه نور دانش سال 1326 تحت عنوان اسرار موت و حیات 48- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام 49- علی علیه السلام و آل‌محمد صلی اللّه علیه و آله 50- آل رسول‌اللّه 51- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان 52- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه‌السلام بزبان عربی 53- آراء ائمه الشعیه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

1- جلد پنجم عنصر شجاعت 2- جلد دوم قبله اسلام 3- جلد دوم افق اعلی 4- تفسیر تعدادی از سور قرآن 5- جلد دوم سرچشمه آب حیات 6- جلد دوم افق وحی 7- جلد دوم دروس متون احادیث 8- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم از با کعبه بسیاهان جهان 9- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می‌گیرد.

علم ربانی.

تولد: 1317(1276 ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: 19 مهر 1363، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال 1337 ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد

سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال 1340 ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.
در سال 1339 ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می نمود.
اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فسلفه پرداخت.
آیت‌الله کمره‌ای در سال 1341 ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال 1371 ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال 1379 ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رییس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تششیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال 1385 ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.
آیت‌الله کمره‌ای در سال 1349 در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.
آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهمپیمایی تاسوعای 1375 به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می بری؟»، در روزنامه‌ی، «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.
آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.
از آثار وی می توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج‌البلاغه؛ نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج‌البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب

در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهزاء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیدةالنبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمومنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون‌الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صابی؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناءالهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت‌المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت‌المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشدة (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول‌الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاة نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق‌الطرق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینه دانشوران (493 -491 ،188 -187)، الذریعه (219/ 22 ،44/ 17 ،352/ 15 ،126 -125/ 14)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 705 -704/ 13)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (582 -566)، گنجینه‌ی دانشمندان (43/ 5 ،540 -535/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (35 -32/ 3).

کوه کمره ای، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد کوه کمره ای
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1319/1/1
زندگینامه علمی
الحمدلله المفیض علی الاطلاق المتّجلی علی الانفس و الاخلاق، و الصلوة و السلام علی النّبی الاعظم و النور الاتم و الخلق الاول محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.
بر همه راهیان علم و ادب و فرهنگ و هنر و سالکان راه حق و حقیقت، پوشیده نیست که یکی از کارهای ارزشمند و مفید بر حال همۀ طبقات جوامع بشری احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم و ادب می باشد. مع الاسف این کمترین داخل در این مقوله نیست چون نه مشکلی را با بیان حل کرده و نه گره و عقدۀ علمی را با بنان، تا صاحب تصنیف و تألیفی باشم شایسته تحسین و سزاوار تبیین، نه به مقامی واصل و نه بهره و اثری از او حاصل، لیکن بنا به منطق شرع مبین که اجابت دعوت مؤمن مستحسن است و لازم، به دعوت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (شکر الله مساعیهم) لبیک گفته چند کلمه مختصر به عنوان بیوگرافی و شرح حال اجمالی نوشته و بازگویی می نمایم: اینجانب سید محمد کوه کمری فرزند مرحوم خلد آشیان حاج سید ابوالفضل کوه کمری (غفر الله و لنا)، به سال یک هزار سیصد و نوزده هجری شمسی و روز چهاردهم شعبان المعظم در شهرستان تبریز دیده به جهان گشوده و تحت مراقبت و کفالت پدر و مادر الهی تربیت یافته و از شیر مادری مؤمنه و عفیفه تغّذی نموده ام (سقاهما الله و جمیع المؤمنین و المؤمنات شرابا طهورا) و انتساب پر افتخار و سلسله سیادت اسره و خانواده اینجانب با 29 واسطه به چهارمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) می رسد و از سادات صحیح النسب کوه کمره که از توابع و نواحی شهرستان تبریز شمرده می شود؛ می باشد و در این رابطه مناسب و به جا می بینم که متذکر و متمثل به اشعار استاد شهریار رحمة الله علیه باشم

جز یک نسب که از تو به خود بسته چیستم من آنچنانکه آل علی هست، نیستم

امّا مرا هم ای علی از خود مران که من تا چشم داشتم به حسینت گریستم

پس از پایان تحصیلات ششم ابتدایی در شهرستان تبریز وارد مدارس علوم دینی شده و مشغول خواندن کتابهای ادبیات فارسی معمول و متعارف آن زمان مانند گلستان، نصاب، تاریخ معجم، کلیله و دمنه و کتابهای دیگر و بعد مشغول فرا گرفتن کتب ادبیات عربی متعارف حوزه های آن عصر از محضر اساتید بزرگوار و روحانیون عالی مقام گردیدم (غفر الله للماضین منهم و ادام الله افاضین الباقین و اداء حقوقهم) که به اسم مبارک بعضی از بزرگواران اشاره و یاد آوری می نمایم: مرحوم مغفور شیخ عبدالکریم دستجردی، آقای حاج شیخ موسی ناصحی، آقای میرزا رحیم قراملکی و آقای حاج شیخ جعفر اشراقی که هر سه بزرگوار در قید حیات می باشند (وفقهم الله لمرضاته) و در سال 1340 هجری شمسی پس از ارتحال مرحوم حضرت آیة الله العظمی بروجردی (رحمة الله علیه) به حوزه مقدسه علمیّه قم (صانها الله عن الحوادث و الفتن) مشّرف شدم. پس از زحمات فراوان در مدرسه مبارکه حجتیه (اعلی الله درجات مؤسسها و بانیها) حجره گرفته و تحصیل را ادامه دادم و باقیمانده لمعتین، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار و گرانقدری چون: جناب مستطاب «حاج میرزا جعفر سبحانی»، «حاج سید جواد خطیبی»، «آقای شیخ کریم مّلائی»، «آقای میرزا ابوالفضل علمائی» و «شیخ حسین ایوبی» استفاده کردم و جلدین کفایه را در محضر انور و پر فیض «مرحوم آیة الله سید محمد باقر طباطبائی بروجردی» معروف به (سلطانی) فرا گرفته و بهره جستم. (حشره الله مع اجداده الطاهرین و جزاه الله عن الاسلام خیرا).

از علوم عقلی کتاب شریف شرح تجرید را در خدمت مرحوم آقای «شیخ اسحاق آستارائی» و شرح منظومه را در خدمت مرحوم شهید بزرگوار «آیت الله دکتر محمد مفّتح» و مدت نه سال مشغول خواندن کتاب شریف اسفار مرحوم ملاصدرا در محضر نورانی و پر از معنویت و روحانی حکیم الهی «حضرت آیت الله جوادی آملی» (ادام الله ظله العالی) بوده و بهره کامل برده و مدت چهار سال از محضر اقدس و نورانی حکیم الهی و عارف ربانی «حضرت آیت الله حسن زاه آملی»، مقداری از هئیت قدیم و مقداری از مصباح الانس را تلّمذ نموده و استفاده کافی بردم و پیش از انقلاب مقدس اسلامی مرحوم شهید بزرگوار فیلسوف عالیقدر و اسلام شناس آن هم به معنی واقعی کلمه، «حضرت آیت الله مطّهری» (اعلی الله درجات العالیه و جعل ابخته مثواه) مدت کوتاهی در شب های پنجشنبه، خارج اسفار و روزها بحث شناخت، افاضهٔ فیض می فرمودند و اینجانب هم افتخار شرکت داشتم.

پس از اتمام دورۀ سطح در علوم عقلی و نقلی قسمت خارج فقه و اصول را شروع نمودم که نسبتاً زمان طولانی بود در محاضرات و دراسات آیات عظام و اسطوانه های فقه و فقاهت و مراجع گرانقدر آن زمان حضور مستّمر داشتم و اول کسی که در درس خارج او شرکت نمودم و از چهرۀ دل آرای او لذت می بردم؛ شخیصیت والا مقام و کم نظیر، عالم متضلع و فقیه مطلق و نائب بر حق حضرت حجة بن الحسن العسکری (علیه السلام) و بینان گذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت الله العظمی امام خمینی» بود (اعلی الله درجاته العالیه و جزاه الله عن الاسلام خیراً) و البته باید بگویم من در آن زمان هنوز سطح را تمام نکرده بودم ولیکن به جهت شدت محبت و اردات بیشائبهای که به ایشان داشتم؛ بعد ازظهرها در خارج اصول ایشان در مسجد اعظم قم افتخار محضرشان را داشتم و از جمله کسانی که از خرمن علمی آنها خوشه چینی نموده و استفاده کافی برده ام عبارتند از: «حضرت آیت الله شریعتمداری»، «حضرت آیت الله گلپایگانی»، «آیت الله علامه سید علی فانی» که مدت 12 سال در محضر پرفیضشان بهره مند شدم، «حضرت آیت الله داماد»، «حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی»، «حضرت آیت الله فیروز آبادی»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی» و سایر بزرگان علم (غفر الله الماضین منهم و اصال الله عمر الباقین).
(و اما خدمات اجتماعی): از 22 سالگی وظیفۀ سنگین امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفته و در مناطق و محلهای مختلف مانند: تهران، تبریز، خلخال، آمل، اطراف تبریز و جاهای دیگر منبر رفته و در اشتغال مقدس تبلیغات ایفاء وظیفه نموده ام و در کنار تبلیغات در اطراف تبریز و در تهران، حمام و لوله کشی محل و حسینیه و تعمیر مساجد بنیان نهاده ام.
و در خارج کشور در آذربایجان شوروی منبر رفته ام و خاطرات شیرین و بیاد ماندی دارم که به یکی از آنها اشاره می نمایم: در اولین شب ورودم که شب اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود در یک منزلی مجلس عزا و احسان منعقد شده بود. بنده هم به آنجا دعوت شدم و رفتم و پس از صرف شام، صاحب منزل آمد پیش من و گفت جناب آقا، بنده جهت این احسان مبلغ چهار هزار مانت (واحد پول آنجا) خرج و هزینه نموده ام. خمس مبارک این مبلغ چقدر می شود بفرمائید تا من پرداخت نمایم. برای بنده این منظره بسیار جالب بود که پس از گذشتن هفتاد و دو سال از حکومت کمونیستی و لامذهبی این چنین عقیده پاک خودش را حفظ نموده است که قدر آیه شریفه (یریدون لیطفئوا ...) تداعی می شد.
و باز در قسمت خدمات و کار اجتماعی باید بگویم از همان اوائل شروع به تحصیل، اشتغال مقدس تدریس و تعلیم و در کنارش تربیت را به عهده گرفته ام. یعنی از آن دوران که در تبریز بودم تا به امروز که سال 1387

هجری شمسی می باشد؛ اکثر متون و کتب درسی را در دوره های مکرر تدریس نموده ام و الان هم بحمدالله و المنه در حوزه علمیه مقدسه قم در محضر پر فیض حضرت فاطمه المعصومه (علیها سلام)، تدریس مکاسب و کفاتین ادامه دارد و از خداوند منّان توفیقات هر چه بیشتر برای سالکان راه حق و حقیقت و راهیان علم و عمل عموماً و برای این کمترین و خاک پای پویندگان راه سعادت خصوصاً مسئلت می نمایم و حسن عاقبت و رضای حضرت حق (جل و علی) برای عموم شیعیان امامت و ولایت خواهانم. (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین). ضمناً در کار تصحیح و تحقیق بعضی از کتابهای علمی مانند: کتاب «مهذب قاضی ابن براج» و سایر کتابها مشارکت داشتم. و ضمناً چندین سال است که امامت ظهرین و عشائین و تبلیغ و نشر احکام و تفسیر قرآن کریم در مسجد قائم واقع در بلوار شهید منتظری را تقبّل نموده و مشغول هستم.

کهنوجی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی کهنوجی
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
نامبرده تحصیلات حوزوی خود را از سال تحصیلی 1363 - 1364 در حوزه علمیه کرمان آغاز کرد. پس از گذراندن برخی از کتابهای مقدمات در سال 1365 به شهر مقدس قم هجرت نمود و در حوزه مقدس علمیه قم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شد. در همان سال وی به علت احساس نیاز، به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و در عملیات های کربلای 4 و 5 شرکت کرد و از ناحیه (شانه و فک) مجروح شد و بعد از پذیرش قطع‌نامه به تحصیلات خود ادامه داد. فراگیری دروس کلاسیک و آموزش عالی را بعد از موفقیت در امتحانهای کتبی حوزه از سال 1372 در رشته «فلسفه» آغاز کرد و به توفیق و عنایت خداوند متعال پیوسته در این رشته مشغول بوده است به ترتیب: «دانشگاه تهران»، «تربیت مدرس تهران» و «علوم و تحقیقات تهران» و هم اکنون در حال دفاع از رساله دکتری است.
ایشان در مدتی که مشغول به تحصیل بوده با «دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)» از سال 1378 همکاری پیوسته داشته است و در سه سال اخیر در گروه «تربیت محقق عرفان اسلامی» پذیرفته شده و پس از گذراندن بیش از 80 واحد عرفان نظری اسلامی، هم اکنون در حال نوشتن پایان‌نامه در این رشته می‌باشد.
وی تدریس خود را در مراکز علمی و دانشگاهی از سال 1382 شروع کرده و هم اکنون ادامه دارد. ایشان عضو «نخبگان حوزوی کرمان» و «جانبازان استان قم» می‌باشد.

کیاشمشکی، ابوالفضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل کیاشمشکی
محل تولد : شمیران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب ابوالفضل کیاشمشکی پس از گذراندن دوران تحصیلی رسمی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در رشته (ریاضی فیزیک)، به دلیل علاقه بسیار به معارف دینی وارد حوزه علمیه شدم. در سال 1363 ابتداء به حوزه علمیه «حضرت قائم (ع) چیذر» رفته و طی چهار سال دروس مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در سال 1367 وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از موفقیت در آزمون های سطح و تشکیل پرونده در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، موفق به شرکت در دروس خارج آیات عظام: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی»، «میرزا هاشم آملی» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شدم. در کنار دروس خارج فقه و اصول، توفیق حضور در دروس (فلسفه و عرفان) اساتید فن، حضرات آیات: «حسن زاده آملی» و «جوادی آملی» را یافتم و موفق به تحصیل کتب اساسی (فلسفه و عرفان): «اسفار اربعه»، «تمهید القواعد»، «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» شدم.
همزمان در سال 1372 در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت نموده و پس از قبولی در آزمون و گذراندن دوره، مدرک کارشناسی ارشد در رشته (الهیات و معارف اسلامی) را اخذ نمودم. سال 1374 پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، در آزمون دکتری دانشگاه تهران شرکت نموده و پذیرفته شدم و در سال 1379 موفق به پایان دوره دکتری و دفاع رساله خود با عنوان: «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» با درجه عالی شدم. در کنار تحصیل در دانشگاه، رساله سطح چهار حوزه (مدارج علمی) را با موضوع «تقلید میت» نوشته و مدرک سطح چهار حوزه را نیز دریافت کردم. همزمان با تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز اشتغال داشتم و علاوه بر دروس (فقه، اصول و سطوح)؛ فلسفه، عرفان و کلام را نیز

تدریس می نمودم. به قدر وسع فعالیت های پژوهشی نیز در قالب کتاب و مقاله داشته ام و در حال حاضر نیز تمام وقت من صرف تدریس و تحقیق در مباحث معارفی به ویژه فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر می شود.

گرجی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1300 ش)، فقیه اصولی، محقق، مدرس، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در ادبیات از محضر سید محمد قصیر و آقا شیخ محمد حسین بروجردی، در فلسفه از محضر آیت‌اللّه شاه آبادی و آیت‌اللّه آقا شیخ ابراهیم امامزاده زیدی و در فقه و اصول از محضر آیت‌اللّه آقا شیخ محمد رضا تنکابنی استفاده نمود. در 1322 ش برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت‌اللّه آقا شیخ محمد علی جمالی کاظمینی و آیت‌اللّه آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌اللّه خوئی بهره برد و از بعضی از آنان و از آیت‌اللّه آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی در نجف به موازات تحصیل به تدریس «رسایل»، «مکاسب» و «کفایه» نیز اشتغال داشت. در 1330 ش به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج ابوالفتح فیروزآبادی و مدرسه‌ی مروی به تدریس پرداخت. در 1332 ش وارد دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شد. در 1335 ش لیسانس منقول و در 1338 ش دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را به پایان رساند. وی تا 1347 ش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران به تدریس ادبیات عرب و از 1348 ش به بعد در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی تهران به تدریس حقوق اسلامی پرداخت. از آثارش: تجدید نظر و اضافات بر «تاریخ پیامبر اسلام (ص)» دکتر محمد ابراهیم آیتی؛ « مسائل حامة من مسائل الخلاف»؛ «نگاهی به تحول علم اصول»؛ تصحیح و تعلیق « الذریعه الی اصول الشریعه» سید مرتضی علم الهدی؛ تصحیح و تعلیق «تفسیر جوامع الجامع» امین‌الدین طبرسی؛ «تأثیر منطق در علم اصول»؛ «صرف و نحو»؛ مقالات حقوقی متعدد.[1]
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] کیهان فرهنگی (س 1، ش 12، ص 16 -5)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1108/ 3).

گرجیان عربی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی گرجیان عربی
محل تولد : عربخیل بابلسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/4/20
زندگینامه علمی
اینجانب در 20 تیرماه 1342 در محله عربخیل بابلسر در یک خانواده مذهبی متولد شدم و در سن شش سالگی به تحصیل در دبستان مسعود سعد وارد شدم و دوران راهنمایی ر ا نیز در همانجا گذراندم و دوران دبیرستان را در رشته علوم تجربی در سال 1360 به پایان رساندم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدم به تحصیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سطح را تقریبا در طی کمتر از چهار سال به پایان رساندم و در اواخر سال 1364 به قم مشرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال 1375 همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصیل دادم و در مجموعه آموزشی موسسه در راه حق که تحت اشراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به اتمام رساندم و دروس فلسفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمنا در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت 7 سال شرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تدریس دروس اشتغال داشتم (که می توان گفت بیش از 19 سال مشغول به تدریس دروس حوزوی و 17 سال به تدریس دروس دانشگاهی مشغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بارتدریس

نموده ام).

گرگانی، ابوالهیثم احمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم و پنجم ق)، شاعر و حکیم. وی شاعر اسماعیلی مذهب است و علاوه بر شاعری در حکمت نیز استادی یگانه بود و محمد بن سرخ از شاگردان وی بوده است. از اشعار ابوالهیثم، تنها قصیده‌ای به نام «چون و چرا» درهشتاد و هشت بیت باقی مانده است که مشتمل بر سئوالاتی است درباره‌ی بسیاری از مسایل، بی‌آنکه خود آنها را جواب گفته باشد. بعد از او دو تن آن را شرح کرده‌اند، یکی ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی شاعر و نویسنده‌ی مشهور اسماعیلی مذهب که به خواهش عین‌الدوله ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث، امیر بدخشان، کتاب «جامع الحکمتین» را در این باب نوشت و پیش از او محمد بن سرخ نیشابوری که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم قمری می‌زیست کتابی مفصّل در شرح هفتاد و شش بیت از این قصیده ترتیب داده است. مطلع این قصیده چنین است:
یکی است صورت هر نوع را نیست گذار
چرا که هیئت هر صورتی بود بسیار؟
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (531 -521 /1)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (197)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (78)، الذریعه (260 /9)، یادگار (س دوم، ش 8 ص 21 -9).

گرگانی، سیدشریف

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی بن محمد بن علی گرگانی حسینی مشهور به میر سید شریف گرگانی در سال 740 ه .ق متولد شد . کلیه آثاربزرگ و کوچک وی در منطق وکلام و ادب و حکمت معروف است . و ی برای تحصیلات ابتدایی خود در شهر گرگان زادگاهش شروع به فرا گیری علوم مختلفی نزد استادان معروف کر د . سید شریف درسال 780 درسن 40 سالگی به خدمت شاه شجاع رسید و و شروع به تدریس در مدرسه دار الشفا ء کرد . بعد از شاه شجاع پسرش امیر تیمور جانشین او شد . او همراه امیر تیمور و جمعی از اکابر به سمرقند رفت و در آنجا به تدریس علوم مختلفی پرداخت . سید شریف بعد از مرگ امیر تیمور به شیراز برگشت و در مدرسه دار الشفا شروع به تدریس کرد . او درسال 816 در شهر شیراز دار فانی را وداع گفت .
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : علی بن محمد بن علی گرگانی حسینی مشهور به میر سید شریف گرگانی در سال 740 ه .ق متولد شد .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی (میر سید) شریف گرگانی از همان کودکی به تحصیل علم اشتغال داشت و فنون و شروح علمی را نزد استادان عصر خواند تا در دانشهای مختلف ادبی استادی مسلم شد . مقدمات علوم را دردیار خود آموخت .او از گرگان به هرات سفر کرد و رساله شمسیه و شرح مطالع و دیگر کتب را نزد استاد انش آموخت . وی به توصیه استادش به مصر رفت و علم حدیث ونحو و صرف و معانی را آن جا آموزش دید و از آن جا به بلاد روم سفر کرد و درعلوم شرعیه و عقلیه و ادبیه و عربیه حاضر شد و سپس به ایران مراجعت کرد .
استادان و مربیان : از استادان علی (میر سید) شریف گرگانی می توان به استادنی چون طاووسی که مفتاح العلوم را به او آموخت نام برد . در حجر تربیت علامه قطب الدین رازی رساله شمسیه و شرح مطالع و دیگر کتب را آموزش دید . میرک بخاری و شمس الدین محمد بن مبارک شاه هروی علم منطق را یاد گرفت . در علم حدیث ، نحو ، لغت ، صرف ، معانی پیش استاد اکمل الدین محمد بن محمد بن محمود بابرقی و در کلاس شیخ جمال الدین محمد بن محمد بن امام فخر رازی معروف به آقسرایی در علوم شرعیه و عقلیه و عربیه و ادبیه حاضر شد .

همسر و فرزندان : از فرزندان علی (میر سید) شریف گرگانی می توان به ذکر چند تن اشاره کرد : - امیرسید شمس الدین محمد بن علی بن محمد حسینی جرجانی از علمای عصر خود بود که در چند فنون کتابهای مختلفی به زبانهای گوناگون نگاشته مثل دو رساله از پدرش که بنامهای کبری و صغری معروفند به زبان عربی ترجمه کرده است که درعلم منطق بودو به نامهای دره و غره نام گذاری شده است . - قاضی سید نور الدین سید شریف الدین بن جمال الدین بن نورالله شمس الدین محمد شاه حسینی مرعشی شوشتری نوه سید شریف از بزرگان علمای شیعه بود . - امیر سیر ابوالفتح محمد علی بن میر عبد الباقی بن میر شمس الدین محمد بن میر سید شریف از نوه های گرگانی که دردربار شاه طهماسب بود . از او دو پسر به نامهای امیر معین الدین و میرزا امیرمانده است . - میر مرتضی شریفی شیرا زی نبیره میر سید شریف بود که از دانشمندان عصر خود دررشته منطق و کلام و ریاضیات و اقسام حکمت دست داشت .
زمان و علت فوت : علی (میر سید) شریف گرگانی در سال 816 درروز چهارشنبه ، ششم ربیع الثانی درشیراز بدرود حیات گفته و آرامگاه وی در محله سردزک شیراز می باشد .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی (میر سید) شریف گرگانی در سن 40 سالگی به خدمت شاه شجاع درشیراز می رود و پس از مصاحبت با او در مدرسه دار الشفاء شروع به تدریس می کند . بعد از فوت شاه شجاع در سال 786 پسرش امیرتیمور جانشین او می شود ودرسال 790 امیر تیمور همراه شریف گرگانی و جمعی از اکابر شیراز به سمرقند می رود و در آنجا به تدریس می پردازد . میان شریف و تقتازانی مباحثات روی می دهد به طوری که شریف همیشه بر او غلبه می شود . پس از درگذشت امیر تیمدر در سال 897 سید شریف به شیراز برگشته و درآن جا به تدریس در مدرسه دار الشفا ء ادامه می دهد .
شاگردان : از شاگردان علی (میر سید) شریف گرگانی می توان به چند تن اشاره کرد : عفیف جرهی ـ علامه جلال الدین دوانی ـ اسعد بن محمد صدیقی کازرونی ـ شجاع شیرازی ـ ابن عربشاه ابوالعباس احمد بن محمد بن عبد الله بن عربشاه ـ ابوالفتح نور الدین احمد بن عبد الله طاوسی ابرقوهی ـ مولا خواجه علی سمرقندی ـ فتح الله شروانی ـ مظهر الدین محمد کازرونی ـ فخرالدین عجمی ـ شمس الدین محمد بن مرهم الدین شیرازی
آرا و گرایشهای خاص : بسیاری از مولفین اهل سنت، علی (میر سید) شریف گرگانی را سنی حنفی مذهب دانسته‌اند از جمله : لکنوی، شوکانی، سخاوی و دیگران و گروهی از مولفین شیعه وی را شیعه مذهب دانسته‌اند. چنانکه سید محسن امین در کتاب اعیان شیعه و شیخ آغا بزرگ

تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعه نام میر سید شریف را جزو اعلام شیعه یاد کرده‌اند و قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المومنین بر این تاکید دارد و دلایلی هم بر اثبات تشیع میرسید شریف آورده است از آن جمله به گواهی دو تن از شاگردان گرگانی به نام های سید محمد موسوی خراسانی معروف به نوربخش متوفی 869 هـ. ق و شیخ محمد ابن ابی جمهور احسائی متوفی پس از 901 هـ.ق که هر دو از اکابر علما و عرفای امامیه‌اند. ----------
---
آثار :
1 اسکندریه
ویژگی اثر : پاسخ سئوالات میرزا اسکندر بن میرزا عمر شیخ بن امیر تیمور گورکان درسال 815 در اصول دین می باشد .
2 اسلام و ایمان و اعتقاد و مذاهب
ویژگی اثر : رساله ای در بیان به زبان فارسی است که نسخه خطی آن در کتابخانه الهیات تهران در شماره 308 مو جود می باشد .
3 اصطلاحات الصوفیه الوارده فی الفتوحات المکیه
ویژگی اثر : نسخه خطی این رساله در دانشگاه کمبریج شماره 37 موجود است . ادوارد فند می گوید :میرسید شریف رساله ای در تعریفات دارد که حاوی اصطلاحاتی در علوم فقه و فرائض و حدیث و کلام و نحو و صرف و تفسیر است و ابن عربی می گوید : رساله ای در تعریفات دارد که مشتمل بر تفسیر اصطلاحات صوفیه است که درکتابخانه مکیه آمده است و این هر دو به کوشش فلوگل ، دانشمند آلمانی در لایبزیک در سال 1845 میلادی به چاپ رسیده است .
4 الاصول المنطقیه
ویژگی اثر : این رساله درسال 1328 ه .ق ضمن مجموعه ای در بولایق به چاپ رسیده است
5 التعریفات
ویژگی اثر : رساله ای است در اصطلاحات متداوله بین فقها و محدثین و متکلمین و نحاه و صرفیین و مفسرین به ترتیب حروف به چاپ رسیده است .
6 التوضیح شرح التنقیح
ویژگی اثر : یاد داشتهایی است بر اوائل کتاب تنقیح
7 الدیباج المذهب فی معرفه اصول الحدیث
ویژگی اثر : این رساله درعلم حدیث است که یک بار در دهلی به سال 1302 و بار دیگر درسال 1328 درمقدمه کتاب جامع ترمدی چاپ شده است

8 الرساله الحرفیه
ویژگی اثر : این رساله کوچکی است که در معنی حرف که نسخه های خطی متعددی درایران و عراق و قاهره و لینگراد و آمریکا موجود است
9 الرساله الشریفیه فی قواعد البحث
ویژگی اثر : این رساله درهند به سال1289 چاپ شده است ونسخه های خطی آن مکرر وجود دارد
10 الزاویه
ویژگی اثر : منسوب است به میرسید شریف درسه فصل - فی بیان ماقیل ....نسخه شماره 758/2 در الهیات تهران
11 الشافی فی الفقه
ویژگی اثر : نسخه خطی این کتاب به شماره 1/1200 در کتابخانه ایاصوفیه استانبول موجود است
12 الشریفیه
ویژگی اثر : رساله ای است در فرائض که درسال 1245 در کلکته و درسال 1326 با شرح عبد الحی در لنکو چاپ شده است و نسخه اصلی آن در کتابخانه آصفیه در حیدر آباد دکن است
13 العلم الالی اوالتبعی و الاستقلالی
ویژگی اثر : دو نسخه از این رساله در کتابخانه مرکز ی دانشگاه تهران موجود است
14 العلم بالوجه و العلم بالشی من ذلک الوجه
ویژگی اثر : یک نسخه از این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است
15 الفرق بین العلم بالشی و بوجهه
ویژگی اثر : رساله فلسفی است که به زبان عربی است سه نسخه ازآن در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره 880و 6543و 6869 موجود می باشد .
16 الفرق بین الغرض و الغایه و الفایده
ویژگی اثر : گفتاری کوتاه است که در یک صفحه که دو نسخه از آن در کتابخانه سپهسالار تهران و یک نسخه هم در کتابخانه مجلس در تهران است
17 الفیه
ویژگی اثر : این رساله که به فارسی در بیان معماو تصاریف و اعمال آ ن تالیف شده است که بالغ بر 15 هزار بیت می باشد .
18 المصباح فی شرح المفتاح
ویژگی اثر : گزارشی است از میرسید شریف بر قسم سوم مفتاح العلوم سکاکی که در سمرقند ساخته شده که نسخه های خری آن فراوان است .

19 امثله
ویژگی اثر : رساله مختصری است به فارسی در صرف که مکرر چاپ شده و منسوب به میر سید شریف است
20 ترجمان القرآن
ویژگی اثر : میر سید شریف در این رساله به شرح واژه های قرآن به فارسی ساده پرداخته و چون لغتی در سوره دیگر مکررشود آن را ذکر نکرده است بدین ترتیب که اول از سوره حمد شروع کرده و سپس از سوره ناس به ترتیب قهقهرا تا سوره بقره را آورده است . در اواخر سده نهم هجری ،عادل بن علی این فرهنگ نامه را به ترتیب حروف تهجی در آورده است و تحریر عادل مکرر چاپ شده است
21 تعلیقه بر تفسیر بیضاوی
22 تعلیقه بر عوارف المعارف سهروردی
23 تعلیقه برنصاب الصبیان فراهی
24 تفسیر زهراوین
ویژگی اثر : تفسیر سوره بقره و آل عمران
25 جامع التعلیل
ویژگی اثر : رساله ای است به عربی در صرف ونحو . نسخه شماره 490/213خانه دکتر قریشی احمدحسین قریشی قلعه داری نزدیک گجرات پاکستان .
26 حاشیه آداب البحث
ویژگی اثر : اصل آن از قاضی عضد الدین ایجی که در منطق در سال 1236 در قسطنطنیه چاپ شده و حاشیه از میر سید شریف.
27 حاشیه اشکال التاسیس(حسینی سمرقندی)
ویژگی اثر : کتاب اشکال التاسیس به توضیح پیرامون 35 شکل از کتابهای اصول اقلیدس صوری را توضیح داده است که میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است .
28 حاشیه التحفه الشاهیه
ویژگی اثر : این کتاب که درباره ستاره شناسی و در چهارباب که آن را به خاطر وزیر امیر شاه محمد بن صدر سعید تاج الدین معتز بن طاهرـتحفه شاهی ـ موسوم داشته است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است
29 حاشیه التلویح الی کشف حقایق التنقیح
ویژگی اثر : علامه صدر الشریعه ، عبید الله بخاری که در اصول فقه آنرا نگاشته است به نام تنقیح الاصول .که بعد ها تفتازانی آن را به نام التلویح دریکی از شهرهای ترکستان به چاپ رساند که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است و در کتابخانه رضوی نسخه ای از آن به شماره 2968 که منسوب به ملاعلی قوشچی است موجود می باشد .

30 حاشیه الخلاصه فی اصول الحدیث
ویژگی اثر : این کتاب در اصول الحدیث ، تالیف شرف الدین حسن بن محمد طبیبی می باشد در یک مقدمه و چهارباب و خاتمه . که میر سید شریف یادداشتهای بر آن نگاشته است .
31 حاشیه العباب فی شرح اللباب
ویژگی اثر : علامه تاج الدین محمد بن محمد بن احمد بن سیف در نحو نگاشته است به نام اللباب فی النحوکه شامل یک مقدمه و چهار قسم است . که این کتاب راجمال الدین حسینی نیشابوری به شرح نقره کار و العباب فی شرح اللباب است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است .
32 حاشیه العوامل الجرجانیه
ویژگی اثر : شیخ عبد القاهرین عبدالرحمان در نحو کتابی به نام العومل المائه نگاشته است که احتمالا نسخه ای به شماره 278 رضوی با خط نسخ که میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است .
33 حاشیه الموشح فی شرح الکافیه
ویژگی اثر : این کتاب از شمس الدین محمد بن ابی بکر در نحو تالیف شده که میرسید شریف در حاشیه آن نوشته است .
34 حاشیه الهدایه
ویژگی اثر : این کتاب در فقه از شیخ الاسلام برهان الدین علیبن ابی بکر مرغینانی می باشد و حاشیه از میر سید شریف گرگانی.
35 حاشیه الوافیه فی شرح الکافیه
ویژگی اثر : ابن حاجب نحوی ،عثمان بن عمرمالکی کتاب مختصری در نحو نوشته به نام الکافیه فی النحو که سید رکن الدین حسن بن محمد استر آبادی بر این کتاب سه شرح نوشته که شرح دوم شرح متوسط است که به نام وافیه نیز معروف است میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است.
36 حاشیه بر شرح قدیم تجرید
ویژگی اثر : کتاب تجرید از تالیفات خواجه نصیر الدین طوسی که شمس الدین محمود بن عبد الرحمان اصفهانی آن را شرح کرده و به نام شرح قدیم تجرید مشهور است که میر سید شریف بر حاشیه آن یادداشتهای عظیمی دارد . نسخه خطی این حاشیه در مشهد و قم و تهران موجود است که قدیمی ترین آنها به شماره /115 رضویاست با تحریر 829 ه.ق و نسخه شماره 93/13727 کتابخانه انکرلی بغداد هم که به نام حاشیه قوشچی معرف شده باید حاشیه میرسید شریف باشد.
37 حاشیه تحریر اقلیدس
ویژگی اثر : این کتاب مشتمل بر هندسه مسطحه و حساب و خواص اعداد و هندسه فضایی که صوری نجار آنرا در عصر خلفای عباسی نوشته است و

میرسید شریف بر حاشیه آن نوشته است
38 حاشیه تحریر القواعد المنطقیه فی شرح الشمسیه
ویژگی اثر : این کتاب را نجم الدین علی بن عمرو قزوینی نوشته و قطب الدین محمد بن محمد تحتانی آن را شرح داده است و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته و نسخه های خطی آن فراوان است .
39 حاشیه تفسیر کشاف
ویژگی اثر : این کتاب از جار الله محمو د بن عمر خوارزمی معتزلی حنفی که ضمن شرح نکات بلاغی و وجه اعجاز قرآن ، مباحث اعتقادی و کلامی را به شیوه معتزله بیان کرده است که میر سید شریف از آغاز تا آیه 26 سوره بقره درحاشیه آن نوشته است
40 حاشیه حکمه الاشراق
ویژگی اثر : حاشیه این کتاب از میر سید شریف است
41 حاشیه شرح تلخیص المفتاح
ویژگی اثر : این کتاب از تالیفات خطیب قزوینی بر شرح تفتازانی است که تلخیص المفتاح گزیده ای است بر مفتاح العلوم سکاکی و سراج الدین ابی یعقوب بن ابی بکر در معانی و بیان . میرسید شریف در حاشیه آن نوشته است .که این حاشیه درسالهای 1241و 1289و1310 در آستانه در 236 صفحه به چاپ رسیده است و نسخه های خطی فراوان دارد
42 حاشیه شرح حکمه العین
ویژگی اثر : این کتاب تالیفی از نجم الدین ابی الحسن علیبن محمد مشهور به دبیران کاتبی قزوینی شیعی از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است و نسخه خطی آن به شماره 6099 با تحریر سده 11 ه.ق درکتابخانه مرعشی در قم است .
43 حاشیه شرح کافیه
ویژگی اثر : این کتاب ازاین حاجب نحوی ، جمال الدین عثمان بن عمر که درنحو نگاشته است و رضی استر آبادی آن را به شرح در آورده است و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است .
44 حاشیه شرح مختصر الاصول
ویژگی اثر : این کتاب را ابن حاجب ،جمال الدین عثمان بن عمر مالکی در اصول فقه نگاشته است و عضد الدین ایجی به شرح در آورده است و میرسید شریف بر این شرح ،حواشی توضیحی و تحقیقی و مزجی بر حاشیه نوشته است .
45 حاشیه شرح هدیه الحکمه
ویژگی اثر : کتاب هدایه الحکمه تالیف شیخ اثیر الدین مفضل بن عمر ابهری است و به شرح میرحسین بن معین الدین میبدی حسینی و حاشیه از

میرسید شریف
46 حاشیه شرح وقایه الروایه فی مسائل الهدایه
ویژگی اثر : حاشیه و یادداشتهایی از میرسید شریف برشرح صدر الشریعه دوم عبیدالله بن مسعود محبوبی درفقه حنفی
47 حاشیه لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار
ویژگی اثر : حاشیه ای است بر گرگانی برشرح قطب الدین محمدبن محمد رازی تحتانی بر کتاب مطالع الانوار تالیف قاضی سراج الدین محمودبن ابی بکر ارموی درمنطق که نسخه های خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و دیگر کتابخانه ها است .
48 حاشیه مشکاه المصابیح
ویژگی اثر : فرا بغوی ،حسین بن مسعود شافعی این کتاب را نگاشته است و ابو عبد الله محمد بن عبد الله تبریزی این اثر را به زبان انگلیسی ترجمه ودر کلکته به طبع رسانده است .میر سید شریف بر حاشیه های این کتاب یادداشتهایی نوشته است و در کتابخانه جامعه ام القری در مکه مکرمه سه نسخه از این حاشیه به شماره های 1388و 1159و 1160 موجودمی باشد.
49 حاشیه مطالع الانظار فی شرح طوالع الانوار
ویژگی اثر : قاضی بیضاوی شیرازی ،عبد الله بن عمر کتاب جامع و کاملی در علم کلام به نام طوالع الانوار تالیف کرده است و شمس الدین محمودبن عبد الرحمان اصفهانی بر این کتاب شرح کامل و مفیدی به نام مطالع الانظار فی شرح طوالع الانوار نوشته و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است که در آستانه به سال 1305 در هامش به چاپ رسیده است .
50 رد شبهات معتزله
ویژگی اثر : میرسید شریف آن را به زبان فارسی جهت امیرزاده محمد حاکم شیراز نوشته است که نسخه خطی آن به شماره 308/ الهیات تهران به جامانده است
51 رساله التوحید
ویژگی اثر : نسخه خطی این کتاب به شماره 5:1821 در مکتبه دارالعلوم الاسلامیه در پیشاور است
52 رساله القدر
ویژگی اثر : گفتار کوتاهی است به عربی پیرامون افعال عباد با بیان آراء مختلفه در این باب و شواهدی از آیا ت قرآن کریم . نسخه های خطی این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه های دانشکده الهیات تهران و کتابخانه های آیه الله مرعشی در قم وجود دارد
53 رساله درالذیعه

ویژگی اثر : این اولین آفریده میرسید شریف است که در تهران در کتابخانه الهیات به شماره 159 موجود می باشد. و رساله مستقلی که گرگانی نیست .
54 رساله فی التردید الانفصالی
ویژگی اثر : این رساله منسوب به گرگانی است و تنها آقای دانش پژوه می گوید که این رساله از محمدبن علی گرگانی می باشد و چهار نسخه از آن را در کتابخانه دانشگاه پرینستون آمریکا نشان داده است
55 رساله فی الصرف
ویژگی اثر : کتاب معروفی است که به زبان فارسی می باشد و مکرر درایران و کلکته و لنکو چاپ شده است
56 رساله فی الصوت
ویژگی اثر : لنکوی و سخاوی این رساله را جزو آثار میرسید شریف دانسته و نسخه های خطی دردست نیست .
57 رساله فی الموجود و مراتبها
ویژگی اثر : میرسید شریف دراین رساله مراتب موجود را به حسب موجودیت به سه قسم تقسیم کرده است از اعلی تا ادنی . دو نسخه از این رساله به شماره های 1216و1319 در کتابخانه سپهسالار تهران و دو نسخه هم در شماره های 6543و6869 درکتابخانه های آیت الله مرعشی قم ویک نسخه هم به شماره 238 در کتابخانه پرینستون آمریکا موجود است.
58 رساله فی النحو
ویژگی اثر : این رساله به زبان پارسی در علم نحو و به جهت انتساب به مولف (میرسید شریف) به نحو میر معروف است .این رساله درسال 1843 میلادی در هندوستان به قطع وزیری چاپ شده است وسه نسخه از آن در کمبریج و بودلیان و بنگلادش موجود است .
59 رساله فی الوجود
ویژگی اثر : رساله کوتاهی است به زبان عربی در اثبات واجب الوجود و بیان معنی و مفهوم آن . نسخه خطی از آن به شماره 880/ درکتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجوداست .
60 رساله فی الوجود(الوجودیه)
61 رساله فی تحقیق الواقع
62 رساله فی تحقیق نفس الامر
ویژگی اثر : محمد تقی دانش پژوه نسخه خطی این اثر را از علی بن محمد گرگانی دانسته است
63 رساله فی تفسیر
64 رساله فی تقسیم العلوم

ویژگی اثر : میر سید شریف دراین رساله از چهار روشی که منطقین و فلاسفه در تقسیم علم به کار می برند بحث می کند .دو نسخه از این رساله به شماره 6869 م در کتابخانه مرعشی قم و یک نسخه هم به شماره 880 در کتابخانه مرکز دانشگاه تهران و یک نسخه هم به شماره /163 در کتابخانه دانشگاه تهران پرینستون آمریکا و یک نسخه هم به شماره /1:585 در کتابخانه اندیاافیس درلندن موجود است .

65 رساله فی عدم کون افعال الله معلله بالاغراض

ویژگی اثر : نسخه ای این رساله به شماره 9:86 در کتابخانه عمومی اسکندریه موجود است

66 رساله فی علم الادوار

ویژگی اثر : این رساله درعلم موسیقی است

67 رساله فی مناقب الخواجه بها ء الدین نقشبندی

68 رساله ولدیه

ویژگی اثر : هفت نسخه از این رساله باقی مانده است

69 رموز شرایع

ویژگی اثر : رساله ای است به فارسی که نسخه خطی آن ضمیمه شماره /15088 در کتابخانه رضوی است

70 روحیه

ویژگی اثر : رساله دیگری است به فارسی درحکمت

71 شرح التذکره النصریه

ویژگی اثر : کتاب التذکره النصیریه که نوشته خواجه نصیر الدین طوسی است و به شرح میرسید شریف که در شهر شیراز ساخته است . این کتاب قدیمی ترین نسخه خطی نسخه شماره 5567/ کتابخانه رضوی در مشهد به تحریر 825 ه.ق وجود دارد.

72 شرح امثله

ویژگی اثر : رساله مختصری است درصرف به فارس که مکرر به چاپ رسیده است

73 شرح ایساغوجی

ویژگی اثر : رساله کوتاهی است درمنطق که به سال 1321 ه .ق در مطبعه موید ئر قاهره در 37 صفحه چاپ شده است

74 شرح تصریف عزی

75 شرح خطبه البیان

ویژگی اثر : خطبه البیان منسوب به امیر المومنین است که کهن ترین نسخه ای که هم اکنون در دست است همان نسخه ضمیمه نهج البلاغه می باشدبه شماره/1860.دو نسخه خطی از این شرح درکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و یک نسخه هم در کتابخانه ملی ملک در تهران و دو نسخه

هم در نجف اشرف است که قدیمی ترین آنها نسخه شماره 1015/26 دانشگاه تهران است.
76 شرح عقاید عضدی
ویژگی اثر : کتاب عضدی تالیف عضد الدین عبد الرحمان است که شروح متعددی از آن نوشته اند از جمله میر سید گرگانی
77 شرح فرائض السجاوندی
ویژگی اثر : کتاب فرائض تالیف سراج الدین محمد بن محمود سجاوندی حنفی از دانایان سده هفتم هجری قمری می باشد دربیان آراء و مذاهب چهار گانه اهل سنت. میرسید شریف درسمر قند که درسال 804 آن را شرح داده است . کهن ترین نسخه خطی آن به شماره /4655و دو نسخه دیگر در کتابخانه رضوی درمشهد موجود است .
78 شرح فرائض نصریه
ویژگی اثر : رساله مختصریاست در اصول علم و فرائض برابر مذاهب اهل بیت (ع) ، که شش شرح و تعلیقه دارد که یکی از این شرحهای آن بنا به نقل جرجی زیدان در کتاب آداب اللغه از آن میرسید شریف است .
79 شرح قصیده بانب سعاد
ویژگی اثر : کعب بن زهیر ابی سلمی از شاعران عصر رسول خدا است قصیده لامیه ای در 57و یا 58 بیت در بحر بسیط سروده است که به زبانهای مختتلفی در کشورهای متعدد به چاپ رسیده است و میر سید شریف از جمله کسانی است که به شرح آن پرداخته است.
80 شرح کافیه
ویژگی اثر : اصل این کتاب از ابن حاجب نحوی و شرح میر سید شریف گرگانی است .
81 شرح کنز الدقایق
ویژگی اثر : ابو البرکات این کتاب را در فقه نگاشته است که میر سید شریف این کتاب را شرح کرده است
82 شرح ملخص چغمینی
ویژگی اثر : شرف الدین محمود بن محمد چغمینی خوارزمی این کتاب را در علم هیات نوشته است که میرسید شریف به شرح آن پرداخته است که نسخه های خطی آن در شهر مشهد در گوهر شاد به شماره /859 وجود دارد.
83 شرح مواقف
ویژگی اثر : کتاب مواقف السلطانیه از تالیفات قاضی عضد الدین ایجی و عبد الرحمان بن احمد فارسی شیرازی در علم کلام است که میر سید شریف آن را به شرح درآورده است نسخه شماره /1615در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است

84 صغری
ویژگی اثر : رساله مختصری است به فارسی در منطق
85 ظفر الامانی فی مختصر الجرجانی
ویژگی اثر : این رساله در مصطلح الحدیث است که درسال1304 ه.ق درهندبامقدمه ابن صلاح چاپ شده است
86 عشقیه
ویژگی اثر : رساله ای است در هفت فصل به فارسی که سه نسخه از آن در دارالکتب مصر و یک نسخه آن درکتابخانه سپهسالار و یکی دیگر هم در کتابخانه ملک تهران
87 فی تحقیق المباحث الموجودیه و المقاصد الاصولیه
88 قدم و حدوث قرآن
ویژگی اثر : این رساله ای است به زبان عربی درکلام .
89 قضا و قدر
ویژگی اثر : این رساله ،رساله کوتاهی است به فارسی که نسخه شماره 6594 مجلس شورای اسلامی
90 کبری
ویژگی اثر : رساله مشهور و معروفی است درمنطق به فارس که مکرر به چاپ رسیده است
91 کلیات فی ماهیات الاشیا ء
ویژگی اثر : فقط اسماعیل پاشا از آن یاد کرده است
92 مبدا و معاد
ویژگی اثر : رساله ای است به زبان فارسی که تنها 17 صفحه از آن نشان داده است که نسخه ای از آن به شماره /2381توسط احمد گلچین معرفی شده است .
93 مسائل علوم ثلاثه
ویژگی اثر : رساله ای است به فارسی شامل امهات مسائل علوم سه گانه یعنی علم کلام و اصول دین ،علم فقه و فروع دین و علم اصول فقه که میرسید شریف آن را به نام یکی از امراء زمانش نگاشته است درسه باب و هر باب مشتمل بر مسائل یکی از علوم سه گانه .
94 نسبه البصیره الی مدرکاتها
ویژگی اثر : رساله کوچکی است در کیفیت میان عقل و آنچه را که ادراک می کند .نسخه های خطی آن /6636کتابخانه آیت الله مرعشی قم با خط محمد بن علی جیلی دراستر آباد ونسخه شماره /104و 28:73 کتابخانه اوقاف موصل
95 نصیحت نامه
ویژگی اثر : رساله ای است به فارسی که درنه صفحه که آقای گلچین

معنی عافاع الله تعالی به نسخه آن در مجلس شورای اسلامی اشاره کرده است که ضمن مجموعه شماره /14/2386 می باشد.

گلپایگانی، حبیب‌الدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، حکیم و عارف. متولد در گوگد، از قریه‌های گلپایگان، که مولد اکثر علمای آن دیار است. ملا محمد به احتمالی شاگرد آخوند ملا علی نوری بوده است. آثار او عبارت‌اند از: «تکملة الصافی»؛ «تقریب المرام علی القسم الاول من تهذیب الکلام»؛ «کشکول» و «واردات غیبی»، در اخلاق که در 1321 ق به اهتمام شیخ حسینعلی تهرانی چاپ سنگی شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (9 /25)، گنجینه‌ی دانشمندان (510 /7).

گلپایگانی، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1298/ 1292 -1218 ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، طبیب، فیلسوف، مجتهد، عارف و زاهد. در 1258 ق به نجف رفت و در محضر شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ علی کاشف الغطاء و سید ابراهیم قزوینی و شیخ مرتضی انصاری و حجت‌الاسلام بروجردی تلمذ نمود. در زمان خودش، در نجف، کسی در حکمت و رشته‌های متنوع آن، برتر از او نبود. وی استاد صاحب «التکمله» در علم الهی است. در نجف درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. او کتاب‌های بسیاری در حکمت، طب و فقه تصنیف کرد. از آثارش: شرح «اصول الکافی»؛ شرح «الرسالة الذهبیة»؛ منتخب «احیاء العلوم»؛ منتخب «امل الآمل»؛ منتخب «جامع السعادات»؛ منتخب «شرح الهدایة»؛ منتخب کتاب «السماء و العالم»؛ منتخب «الکشکول»؛ منتخب «الملل و النحل»؛ مختصر «مسکن الشجون»؛ رساله‌ای در علم کلام؛ رساله در علم کیمیا؛ «حاشیه»، در طب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (193/ 9)، الذریعه (369/ 22 ،209 ،107 -106 ،96/ 20 ،271 -270/ 7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 205/ 13)، فوائد الرضویه (438 -437)، گنجینه‌ی دانشمندان (499/ 7)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1112/ 3)، معجم المؤلفین (133 -132/ 9).

گلپایگانی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در فوائدالرضویه است: عالم ربانی زاهد استاد صاحب التکمله فی العلم الهی قال سلمه‌اللّه لم یکن فی النجف الاشرف افضل منه فی الحکمه بجمیع اقسامها حتی علم الطب کان تارکا للدنیا ساکنا احد حجر الصحن الفوقانیة و لم یتزوج حتی توفی سنه 1292 و دفن بالنجف کان من تلامذه حجةالاسلام البروجردی صنف کتبا کثیره فی الحکمه و الطب و الفقه.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلستانی، هاشم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1315، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال 1338، دکترای فلسفه و حکمت اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال 1345.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
شرح و تفسیر و نقد متون فلسفی عربی به زبان فارسی، علوم تربیتی، علوم قضائی، استاد راهنمای 10 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 6
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
فلسفه، منطق، کلام، علم‌النفس، روانشناسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 12، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
فلسفه اسلامی، منطق، آرا، تربیتی فیلسوفان اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گندمی نصرآبادی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا گندمی نصرآبادی
محل تولد : کاشان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/10/10
زندگینامه علمی
تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) کاشان آغاز کردم (تیر ماه 1361) بعد راهی حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در مدرسه کرمانیها مشغول به تحصیل شدم و بعد زیر نظر شورای عالی حوزه دروس حوزوی را پی گرفتم. پس از اتمام دوره سطح به مدت شش سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و جعفر سبحانی شرکت کردم. از سال 1368 در کنار دروس حوزوی دروس جدید را ادامه دادم. پس از اخذ دیپلم در سال 1370 در کنکور سراسری با رتبه بالا در رشته مورد علاقه ام فلسفه غرب در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در سال 1374 در آزمون کارشناسی ارشد شرکت و رتبه نخست این آزمون را احراز کردم. با موافقت اساتید از نیم سال اول کار نوشتن پایان نامه را شروع و در پایان نیم سال سوم از آن دفاع کردم و هم زمان در آزمون اعزام به خارج قبول شدم و با تلاش بسیار موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه سوربون شدم که وزارت علوم به بهانه اتمام وقت قانونی با اعزام بنده موافقت نکرد تا این که در سال 1382 در آزمون دکتری فلسفه دانشگاه شرکت کردم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه می باشم. ضمنا از سال 1379 تا کنون با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در گروه ادیان ابراهیمی همکاری می کنم.

گیلانی اصفهانی، حمزه

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و فیلسوف. او شاگرد برجسته‌ی ملا محمد صادق اردستانی اصفهانی (م 1134 ق) بود. شیخ عبدالنبی قزوینی، در «تتمیم الامل»، از او تعبیر به فیلسوف اعظم و حکیم افخم می‌کند. از آثار وی: «رسالة فی التشکیک»؛ «رسالة فی الحکمة» معروف به «الحکمة الصادقیة» که تقریرات استادش، ملا محمد صادق، می‌باشد و لذا نام صادقیه گرفته و به «تقریرات» نیز مشهور شده است و معاصر و هم شاگردیش، ملا محمد صالح خلخالی، بر آن حاشیه نگاشته است؛ شرح قول خواجه نصیر طوسی: «الجوهریة و العرضیة من ثوانی المعقولات»؛ «قوی النفس»؛ «رسالة فی مطالب النفس و مسائلها»، که تقابل با کتاب ششم «طبیعیات الشفاء» دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (398، 141/ 21، 218/ 17، 24/ 14، 148/ 11، 58- 57/ 7، 81/ 6، 376/ 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 228/ 12).

گیلانی هندی، صدرالدین علی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و طبیب. اهل گیلان بود. نزد علمای ایران تلمذ کرد. سپس به هند سفر نمود و ساکن آنجا شد. میر ابوالقاسم فندرسکی که معاصر وی بود او را در هند، زمانی که مشغول تألیف شرح «قانون» ابن‌سینا بود، ملاقات کرد. مشهور است که گیلانی بر اندیشه‌ی میرفندرسکی تأثیرگذار بوده است. وی همان جا درگذشت. از آثارش: شرح «القاون» ابن‌سینا، که شرح جامع و بزرگی است؛ رساله‌ی «السؤال و الجواب»، در طب؛ «الشفاء العاجل»، که آن را در مقابل «برء الساعة» محمد بن زکریای رازی نگاشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (205/ 14، 389/ 13، 246/ 12)، ریاض العلماء (384/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 413/ 11).

گیلانی، محراب

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، عارف و حکیم. وی از مشاهیر حکما و عرفا و شاگرد آقا محمد بیدآبادی (م 1197 ق) و ملا اسماعیل خاجویی (م 1173 ق) بود. گویند که وی از محضر قطب‌الدین نیریزی نیز کسب معرفت کرده است. او شیخ و نماینده‌ی سید قطب‌الدین در اصفهان و عراق عجم بود. محراب به وحدت وجود اعتقاد داشت و مورد طعن عده‌ای از فضلا بود. از معاصرین او می‌توان علامه نراقی را نام برد. حاجی محمدجعفر معروف به مجذوب علیشاه از شاگردان ملا محراب بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (243، 241)، ذهبیه (325/ 1)، ریحانه (385/ 5، 301/ 1)، طرائق الحقائق (339، 258، 255، 217، 214/ 3)، مرآت الحق (68، 67)، نامها و نامدارهای گیلان (494).

گیلانی، نظر علی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دوازدهم ق)، حکیم. سال ولادت و وفات وی مضبوط نیست ولی می‌دانیم که در حوزه‌های اساتید اصفهان از جمله آقا محمد بیدآبادی تحصیل کرده و عمر خویش را در گیلان و اصفهان و آذربایجان گذرانده است. وی از نخستین طرفداران فلسفه‌ی ملاصدرا و مروجین حکمت متعالیه به شمار می‌رود. برخی از آثار او عبارت‌اند از: تلخیص و تنقیح «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ی تحفه»، در مباحث علم و برخی از مسائل وجود؛ «شرح ان اللّه خلق آدم علی صورته»؛ شرح «عوامل» ملا محسن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (13/ 372)، مؤلفین کتب چاپی (6/ 622)، نامها و نامدارهای گیلان (591).

لاری، مصلح‌الدین، محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 979 ق)، فقیه شافعی، منطقی و منجم. در لار فارس به دنیا آمد. ادبیات و علوم مقدماتی را در زادگاهش از شاگردان ملا جلال‌الدین دوانی فراگرفت. او همچنین از میر غیاث‌الدین دشتکی شیرازی بهره برد. در عهد همایون شاه (963 -937 ق) به هندوستان رفت. بعد از فوت وی در 964 ق به حلب و از آنجا به حج رفت و سپس به حلب بازگشت. پس از آن سفری به آمد کرد و در شهرهای آناطولی شرقی شهرت بسیار یافت. سرانجام در دیار بکر معلم اسکندر پاشا و فرزندان او گشت و در همان جا وفات یافت. در «شذرات الذهب» سال وفات وی حدود 967 ق ذکر شده است. از آثار وی: شرح «الشمائل» ترمذی؛ شرح «الاربعین النوویة»، در حدیث؛ شرح «الفرائض السراجیة» سجاوندی؛ شرح «الارشاد»، در فروع فقه شافعی؛ حاشیه بر قسمتهایی از «مطول»؛ «اثبات المعاد الجسمانی»؛ حاشیه بر شرح دوانی بر «تهذیب المنطق و الکلام» تفتازانی؛ حاشیه بر «شرح طوالع» اصفهانی؛ حاشیه بر «شرح الکافیة» جامی؛ تعلیقه بر شرح «المواقف» عضدی؛ حاشیه بر «شرح الهدایة» میبدی؛ شرح «هیئت فارسی» قوشچی؛ «مرآة الادوار و مرقاة الاخبار»، در تاریخ از اول تا 974 ق، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (39/ 7)، تاریخ ادبیات در ایران (1669 -1663/ 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (777 -775، 536/ 2)، تاریخ نظم و نثر (355)، الذریعه (100/ 1)، ریحانه (119 -118/ 5)، شذرات الذهب (350/ 8)، کشف الظنون (1893، 1646، 1372، 1247، 1116، 1060، 1039، 516، 475، 191، 69، 60)، معجم المؤلفین (293/ 12، 93/ 10)، هدیة العارفین (251/ 2).

لاریجانی، رضی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم حکیم و فیلسوف جلیل از اجله شاگردان آخوند ملا علی نوری در اصفهان بوده و در این شهر حکمت متعالیه تدریس میفرموده به تهران منتقل شده و میرزا محمد تنکابنی مولف قصص العلماء از شاگردان وی بوده و در آن شهر در سال 1267 یا 1270 وفات یافته و هم در آنجا مدفون گردیده است در اعیان الشیعه 64:31 به نام سید رضا مذکور است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاریجانی، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صادق لاریجانی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
بسم الله الرحمن الرحیم
اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال 1339 هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعاظم فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیّه مرحوم آیت الله العظمی حاج سیّد محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرّز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوا طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.
تحصیلات اولیه: از سال 1345 تا 1356 در مراحل دبستان و دبیرستان به دروس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیّت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبة اوّل را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اوّل دبیرستان مسیر تحقیقم از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدّد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: Precalculus نوشته Serge lang و دو مجلّد Calculus نوشته Tom . Apostol و Mathematical Analysis نوشته Rudin و Measure Theor نوشته Monro و همه اینها قبل از وارد شدن به سال چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر

تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این‌جا مجال بیان آن نیست.
تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی‌ام، از سال 56 وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آن‌ها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده برده‌ام. فلسفه اسلامی را نیز مدّتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال 1368، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدّتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جسته‌ام و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجاه همّ خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.
مدت‌هاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظله» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می‌کنم.
آثار قلمی این‌جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:
1. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از Contemporay moral philosophy که با تعلیقات مبسوط این‌جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، 1362.
2. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سیّد محمّد حسین طباطبایی، این

کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این‌جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، 1371.
3. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این‌جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم 1372.
4. معرفت دینی، نقد نظریّه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، 1370
5. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران 1372
6. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» 1374
7. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم،
کتابهای زیر در حال تدوینند:
1. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد
2. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد
3. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری
4. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری
5. زبان دین
6. براهین اثبات واجب، برهان وجودی
7. قلمرو دین
8. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی
9. فلسفه اخلاق
علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.
در فقه و اصول، تقریباً تمامی درسهایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلّد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوة مسافر» به شکل شرحی بر عروة الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال 1377به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتم، و در سال 1380 با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ...
ریاست قوه قضاییه:
آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

لاهیجانی، محمدجعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدجعفر بن ملا محمدصادق لاهیجانی از فلاسفه و حکماء عصر و مشاهیر مدرسین علوم عقلیه و دارای تالیفاتی از جمله حاشیه بر الهیات (شرح تجرید) و شرح (المشاعر) ملا صدرالدین شیرازی و غیره بوده و بعد از 1251 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند علی بن الحسین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق) مرحوم علامه ملا محسن فیض کاشانیست که هر دو شاگرد و داماد صدرالمتألهین شیرازی بودند و لقب فیض و فیاض را از او دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تألیفات ارزنده دارد که از آنهاست «کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگواری دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع الیقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.
(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. 1051 یا 1072 ه.) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: 1- «شوارق‌الالهام»، شرح بر «تجریدالکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. 2- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. 3- «حدوث‌العالم». 4- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. 5- «کلمات‌الطیبة» در اصالت ماهیت وجود.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

لاهیجی، حسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1121 -1045 ق)، عالم دینی، حکیم و صوفی. اصلش از گیلان بود. در قم به دنیا آمد. در فراگیری علوم دینی از محضر پدرش، ملا عبدالرزاق لاهیجی معروف به فیاض، استفاده نمود. در قم درگذشت و در سمت شرقی قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «آیینه‌ی حکمت»، در اصول دین، به فارسی؛ «اثبات الرجعة»؛ «اصول الدین»، در پنج فصل، به فارسی؛ «الفة الفرقة»، در کلام؛ «تألیف المحبة» یا «تزکیة الصحبة»، در ترجمه و تلخیص «کشف الریبة» شهید ثانی؛ حاشیه بر «الوافی» فیض کاشانی؛ «التقیة»؛ «شمع الیقین فی معرفة الحق و الیقین»، در اصول دین و به ویژه امامت؛ «مصباح الدرایة»، در حکمت؛ «مصابیح الهدی و مفاتیح المنی»، در حکمت؛ «روایع الکلم»، «بدایع الحکم»، «زواهر الحکم»، در حکمت؛ «جمال الصالحین فی اعمال السنة و الآداب المستحسنة»، به فارسی.[1]
حسن بن حکیم متأله بن ملا عبدالرزاق لاهیجی معروف (به فیاض) که قبرش در حاشیه خیابان ارم قم مقابل بازار شیخان واقع و سنگ بلندی بر آن نصب است.
وی فاضلی بوده صالح و در سال 1121 ق وفات نموده از تالیفات او کتب زیر است.
1- آئینه حکمت 2- اثبات رجعت 3- اصول دین 4- الفة الفرقه در کلام 5- بدایع الحکم 6- تالیف المحبه 7- التقیه 8- جمال الصالحین 9- امامت 10- روایع الکلم در حکمت 11- زواهر الحکم 12- شمع الیقین 13- مصباح الهدی و غیره.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (106، 94- 93/ 21، 233/ 14، 63- 62/ 12، 260- 259/ 11، 229/ 6، 130- 129/ 5، 404/ 4، 300/ 3، 187/ 2، 52/ 1)، ریاض العلماء (1/ 208- 207)، ریحانه (363/ 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 180 -177/ 12)، گنجینه‌ی دانشمندان (12/ 7).

لاهیجی، صفرعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، حکیم و فقیه. در لاهیجان متولد شد مدتی ساکن قزوین بود و علوم معقول را در حوزه‌ی آخوند ملا علی نوری و علوم منقول را در حوزه آقا سید محمد مجاهد آموخت و به دریافت اجازه از حجت‌الاسلام شفتی نائل شد. مدتی در اصفهان به تدریس متون فلسفی پرداخت. سپس مقیم قزوین شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت. یکی از شاگردان او میرزا محمد تنکابنی است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «شرح معالم»؛ «رساله در درایه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (14/ 71)، فوائد الرضویه (219)، قصص العلماء (93- 94)، مصفی المقال (204).

لاهیجی، محمد جعفر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1251 ق)، حکیم و مدرس. وی از فلاسفه‌ی عهد محمد شاه قاجار (1264 -1251 ق) و از مدرسان مشهور علوم عقلی بود. از آثارش: حاشیه بر «الهیات شرح التجرید» یا حاشیه بر «الحاشیة الخفریة»؛ شرح «المشاعر» ملاصدرا شیرازی که به خواهش حاج میرزا آقاسی وزیر تألیف نموده است؛ «مصباح الخزائن»، تفسیر عرفانی تأویلی. در «نامها و نامدارهای گیلان» صاحب عنوان با ملا محمد جعفر لنگرودی، شاگرد آخوند ملا علی نوری، یکی دانسته شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (106/ 21 ،65/ 14 ،65/ 6)، ریحانه (124/ 5)، طبقات اعلم الشیعه (قرن 257/ 13)، گنجینه‌ی دانشمندان (12/ 7)، معجم المؤلفین (155/ 9)، نامها و نامدارهای گیلان (509).

لوکری مروزی، ابوالعباس فضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم و ششم ق)، حکیم، فیلسوف ادیب و شاعر. اهل لوکر در کنار رود مرو بود. وی حکیمی کامل و در اجزاء علوم حکمت ماهر بود. لوکری شاگرد بهمنیار (م 458 ق)، شاگرد ابوعلی سینا، بود و به وسیله او علم حکمت در خراسان انتشار یافت. از اقران وی در میدان حکمت می‌توان به خیام، ابن‌کوشک و واسطی اشاره کرد. او با خیام (م 525 ق) و خازنی (م 525 ق) در «زیج ملکشاهی» همکاری داشته است. از شاگردان وی می‌توان قطب‌الزمان محمد بن ابوطاهر طبسی مروزی (م 539 ق)، مجد الافاضل قاضی عبدالرزاق ترکی، محمد بن یوسف الایلاقی (536 ق)، فریدالدین عمر بن غیلان بلخی، عین الزمان حسن قطان مروزی و ابوالفتح اسعد بن محمد بن ابونصر المیهنی (م بعد از 520 ق) را نام برد. لوکری در مرو درگذشت. از آثار وی: «بیان الحق بضمان الصدق»، که مهم‌ترین اثر وی است و از سخنان فارابی و ابوعلی سینا و حکیمان دیگر استفاده کرده است، شامل پنج بخش: 1- منطق 2- طبیعیات 3- الهیات 4- بخشی در ذکر مسائلی از علم ما بعد الطبیعه که در حکم اسرار است 5- فصول منتخب از «رسالة الاخلاق»، در پنج باب؛ قصیده‌ای، با شرح فارسی آن؛ «دیوان» شعر. صاحب «روضات الجنات» ضمن شرح حال بهمنیار، او را شاگرد لوکری می‌داند که به گفته‌ی «ریحانة الادب» باید فرد دیگری باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (294 -292/ 2)، تاریخ نظم و نثر (55 -54)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (81 -80)، الذریعه (949 -948/ 9)، روضات الجنات (155/ 2)، ریحانه (140 -139/ 5).

مازندرانی، محمد بن جهانبخش

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم فاضل محقق حکیم فیلسوف، از اجله‌ی علما و فقها بوده، و در 13 شعبان سال 1120 وفات یافته، در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.
وی ظاهرا سال‌ها در هندوستان ساکن بوده، و در سال 1080 در داجرم از قرای دکن کتاب «منهاج الصلاح» علامه‌ی حلی را استنساخ نموده، نسخه‌ی آن در کتابخانه‌ی مبارکه‌ی مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم موجود است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مبلغی، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید مبلغی
محل تولد : لرستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
در سال 61 پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از طی دوره مقدمات و سطح که نام برخی از اساتید آنرا در کادر وضعیت تحصیلات حوزوی آورده ام در سال 69 به درس خارج فقه واصول مشغول شدم. کتابهای مقدماتی را تدریس کرده ام. 4 سال در مجمع التقریب به تحقیق دیدگاههای اصولی و فقهی مشغول بوده ام. دوره تخصصی کلام اسلامی را گذرانده ام ولی پایان نامه آنرا تکیمل نکرده ام. بیش از ده سال در دانشگاهها به تدریس دروس اسلامی اشتغال داشته ام و اخیرا نیز در پژوهشگاه دفتر تبلیغات بنای همکاری دارم.

مبینی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی مبینی
محل تولد : میبد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/11/2
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1361 وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از گذراندن دوره مقدمات در سال 1369 وارد حوزه علمیه قم شدم. در قم در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پرداختم و مدارک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی را از آنجا اخذ کردم. سپس در دوره دکترای کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و اکنون در مرحله تدوین پایان نامه هستم. ضمنا عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشم.

متقی زاده، ایرج

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ایرج متقی زاده
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب از سال 1362 وار حوزه علمیه لنگرود شدم. پس از سه سال وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال 1369 در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم. همزمان به تحصیل و تحقیق نیز ادامه دادم، بطوری که حدود 2 سال در قسمت مخزن کتابهای مرجع آیت الله مرعشی نجفی (ره) مشغول تحقیق بودم. از سال 1368 همزمان با تحصیل با جناب آقای محمد دشتی مترجم نهج البلاغه آشنا شدم که این همکاری در موسسات تحقیقات امیرالمومنین (ع) به مدت 8 سال مستمر ادامه داشت که حاصل تلاش آن چاپ کتابهای زیادی ازجمله شعر و شاعری در نهج البلاغه در دو جلد فرهنگ لغات نهج البلاغه و ... فهرست موضوعی نهج البلاغه که اختصاصا مربوط به اینجانب می باشد. علاوه بر آن شرح و ترجمه کتاب از جرجی زیدان نیز در طول این سالها یکی از کارهای اینجانب بود.

مجتبوی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سیّدجلال الدّین مجتبوی در سال 1307 در تهران به دنیا آمد . پس از طی دورهٔ دبستان و دبیرستان، در رشتهٔ فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال 1346 دورهٔ دکترای این رشته را به پایان رسانید.از سال 1349 رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. اکنون نیز با رتبهٔ دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.قابل ذکر است ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه» ، جلد اول ، و "علم اخلاق اسلامی " سیّدجلال الدّین مجتبوی ،به ترتیب در دوره دوم و چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیّدجلال الدّین مجتبوی پس از طی دورهٔ دبستان و دبیرستان، در رشتهٔ فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال 1346 دورهٔ دکترای این رشته را به پایان رسانید.
استادان و مربیان : اساتید برجستهٔ ایشان در دوران تحصیل عبارتند از: مرحوم فاضل تونی، مرحوم سیدکاظم عصّار، مرحوم دکتر رضازادهٔ شفق.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیّدجلال الدّین مجتبوی از سال 1349 رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. پس از پیروزی انقلاب به مدت چهارسال سرپرست گروه فلسفه دانشگاه تهران گردید. و اکنون نیز با رتبهٔ دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.
جوائز و نشانها : ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه» ، جلد اول ، و "علم اخلاق اسلامی " سیّدجلال الدّین مجتبوی ،به ترتیب در دوره دوم و دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. ----------
---
آثار :
1 بنیاد حکمت سبزواری
ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی
2 تاریخ فلسفه

ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی (برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال) -آشنایی با کتاب: «تاریخ فلسفه» ، جلد اول این کتاب، که اثر مشهوری از فردریک کاپلستون است، به بررسی تاریخ فلسفه از آغاز تا زمان معاصر می پردازد. تفکر فلسفی قدمتی برابر با قدمت فرهنگ بشری دارد . در طول قرنها اندیشمندان گوناگون با کوشش بسیار به پی ریزی روشهای مختلف فلسفی پرداخته اند. در زمان حاضر آشنایی با تاریخ فلسفه برای آگاهی بر اندیشه های صحیح و پرهیز از انحرافات گذشتگان برای هر اندیشمندی و بویژه دانشجویان و پژوهندگان رشته فلسفه ضروری است. تاریخ فلسفه، گردآوری محض عقاید یا نقل و حکایت مطالب جدا و مجزای فکری که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند نیست، بلکه نمایش جستجوی حقیقت از سوی انسان از طریق استدلال و برهان است. کتاب حاضر یکی از مشهورترین کتابهای تاریخ فلسفه است که مؤلف آن را نه برای فضلا و متخصصان فن، بلکه برای دانشجویان این رشته نگاشته است. جلد اول ترجمه این کتاب شامل مباحث مربوط به فلسفه پیش از سقراط، دوره سقراطی، و افلاطون می باشد..

3 علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات مرحوم محقّق نراقی)

ویژگی اثر : ترجمه-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره چهارم کتاب سال-آشنایی با کتب علم اخلاق اسلامی: کتاب مشتمل بر دو جنبه علوم عقلی و نظری و – دینی و عملی با سبک و اسلوبی ویژه است مؤلّف محترم در آغاز درباره نفس انسان و قوا و غرایز او سخن می گوید و هر یک از فضایل اخلاقی را به یکی از قوای نفس اسناد داده و هر یک از رذایل اخلاقی را به غریزه ای متصل و مربوط می سازد و آنگاه به شناساندن یکایک آن قوا می پردازد. سپس مطالب خود را با آیات و روایات وارده و به طور کلی با تعالیم شروع مقدس اسلام مورد تقویت و تأیید قرار می دهد و در پایان راه معالجه و درمان هر رذیلتی را به شیوه ای حکیمانه بیان می کند. و علاوه بر اینها گه گاه به نصیحت و موعظه می پردازد و با کلامی مؤثّر خواننده را به تهذیب اخلاق و تصحیح رفتار و کردار خویش دعوت می کند. مترجم محترم در ترجم؟ این کتاب با تحمّل زحمات عدیده به اصل احادیث و روایات رجوع کرده و اغلاط فاحش در ضبط نسخه متن را برطرف ساخته و نسخه جامع و صحیح را به دست داده است. کتاب با قلمی شیوا و روان به فارسی برگردانده شده که در خور تقدیر و شایسته تحسین است.

4 فلسفه یا پژوهش حقیقت

ویژگی اثر : ترجمه از انگلیسی

5 کتاب درسی فلسفه و منطق دبیرستان

ویژگی اثر : سالهای 60 و 61
6 کلیّات فلسفه
ویژگی اثر : ترجمه و تألیف

مجتهد تبریزی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1340 ق)، عالم دینی، مجتهد، متکلم، حکیم، مدرس و شاعر. پس از فراگیری مقدمات از تبریز به نجف رفت و پس از استفاده از محضر اساتید و رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد و دریافت اجازه به تبریز بازگشت و مدتی در آنجا ساکن گردید. سپس به مشهد رفت و در آنجا به تدریس و انجام امور دینی مشغول گردید. وی در علم کلام و حکمت متبحر بود و در سرودن اشعار عربی و فارسی قریحه‌ی خوبی داشت. تخمیس‌هایی از او باقی است. وی در مشهد درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش «ذخیرة المحشر فی شرح الباب الحادی عشر»، در علم کلام و حکمت است که تبحر مؤلف را در این دو علم می‌رساند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (122/ 13 ،18/ 10 ،6/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1567 -1566/ 14)، علماء معاصرین (127 -126)، مستدرکات اعیان الشیعه (150/ 3).

مجتهدی، کریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم مجتهدی استاد گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است . وی آثار متعددی درزمینه فلسفه خلق کرده است که حائز اهمیت می باشند . او علاوه بر تدریس ، اقدام به تهیه یک مجله کاملا تخصصی درمورد فلسفه است که شش شماره از آن منتشر گردیده است .
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : حاجی میرزا جواد مجتهدی تبریزی که از علمای مشهور تبریز بود ، پدربزرگ کریم مجتهدی می باشند .
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کریم مجتهدی متولد شهر تبریز است لیکن دردوران کودکی خانوده اش به تهران نقل مکان نموده اند .
تحصیلات رسمی و حرفه ای : کریم مجتهدی تحصیلات خودرا درتهران دردبیرستان فیروز بهرام و کالج سابق البرز به پایان رسانید . او بعداز دوره متوسطه ، جهت ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و ابتدا مدرک لیسانس فلسفه و ادبیات را دریافت کرده و بعد ها نیزموفق به اخذ مدرک فوق لیسانس و دکترا گردید .
خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیلات دانشگاهی کریم مجتهدی در دانشگاه سوربن پاریس بود . درآن زمان و در اوایل دوران تحصیل ،معلوماتی زبانی او چندان خوب و روان نبود ودر فهم وشرح مفاهیم پیچیده فلسفی مشکلاتی رخ می داد و وی به لحاظ عدم هضم مفاهیم مشکل و ارتباز با محیط .درتنگنا بود .
استادان و مربیان : از مهمترین اساتید درددانشگاه سوربن پاریس می توان به گورویچ وژان وال اشاره کرد .
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کریم مجتهدی ازسال 1343-44 شمسی ،عنوان استاد دردانشگاه تهران مشغول به تدریس می باشد .
فعالیتهای آموزشی : علاوه برتدریس فلسفه یکی از فعالیتهای آموزشی دکتر مجتهدی اقدام به تهیه یک مجله کاملا تخصصی درمورد فلسفه است که شش شماره از آن منتشر گرد ید . این مجله به عنوان ضمیمه مجله دانشکده ادبیات به دست علاقمندان رسیده است .
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : برنامه روزمره کریم مجتهدی

درانطباق با برنامه تدریس وی است .او براین گمان است که بدین طریق می تواند در حیات و زندگی اجتماعی جامعه خود ،شریک و سهیم باشد .
همفکران فرد : یکی از همفکران کریم مجتهدی ، هانری کربن دانشمند فرانسوی بود که با معاشرت داشته است . دردانشگاه تهران نیز دکتر مهدوی ، دکتر خوانساری ، دکتر جلیلی از جمله همفکران وی بوده اند .
آرا و گرایشهای خاص : کریم مجتهدی معتقد است که راسیو نالیسم غربی (اصالت عقل) ریشه درسنت های فلسفه اسلامی دارد و چهره ای که از اواسط قرن سیزدهم میلادی به بعد درغرب ، نفوذ فوق العاده ای درمیان اروپاییان پیدا می کند، ابن رشد است که اغلب متفکران اروپایی ازافکار وی الهام گرفته اند . در این سنت ،عقل یک داده اولیه وابتدایی نیست بلکه خود عقل مراحل ارتقایی راطی کرده و پیشرفت می کند که بهترین نمونه ازاین طرز فکردر آثار دکارت و به نحو بارزتری در آثار اسپینوز را می توان یافت . ----------
آثار :
1 la chute dalamout
2 آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب
3 پدیدار شناسی روح بر حسب نظر هگل
ویژگی اثر : این کتاب جنبه تخصصی صرف داشته ومحتوای آن از آثار ژان هیپولیت (هگل شناس معروف فرانسوی) اقتباس شده است .
4 ترجمه مقدمه کربن بو المشاعر ملاصدرا
5 چند بحث کوتاه فلسفی
ویژگی اثر : در این کتاب را جع به مسائل فلسفی و آراد بزرگان این رشته و ارتباط روانشناسی با منطق صحبت شده است .
6 درباره هگل وفلسفه او
7 دونس اسکورتوس و کانت به روایت دیگر
8 سید جمال الدین اسد آبادی و تفکر جدید
ویژگی اثر : دراین کتاب نحوه آشنایی سید جمال الدین اسد آبادی با فرهنگ غربی شرح داده شده و موضوع سیاسی و اجتماعی وی تبیین گشته است .
9 فلسفه تاریخ
10 فلسفه در قرون وسطی
ویژگی اثر : در این اثر به آرای فلاسفه غرب پرداخته شده وافرادی همانند فارابی ، کندی ،ابن سینا و غزالی درغرب مطرح شده اند .
11 فلسفه غرب
ویژگی اثر : این کتاب مجموعه مقالات است

12 فلسفه نقادی کانت
ویژگی اثر : این اثر ،کتابی در سطح مقدماتی است و مقالات تخصصی نزدی درباره کانت را شامل گردد .
13 مدارس و دانشگاه های اسلامی و غرب درقرون وسطی
ویژگی اثر : این کتاب کارگروهی ازاساتید از جمله دکتر مجتهدی است .
14 منطق ازنظر گاه هگل
15 نگاهی به فلسفه های جدید ومعاصر درجهان غرب
ویژگی اثر : این کتاب مجموعه مقالاتی است که درباره دکارت .اسپینوزا و لایب نتیس که سرد کارتی معروف قرن هجدهم میلادی محسوب می گردند .
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)
منابع زندگینامه :
کریم مجتهدی ، تهران : نشر روزگار ، انتشارات جهان فرهنگ ، 1381، ص11

مجد الاشراف شیرازی، جلال‌الدین محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1331/ 1330 -1249/ 1243 ق)، عالم دینی، حکیم، عارف، خطاط و شاعر، متخلص به قدسی شیرازی. ملقب به مجدالاشراف و جلال‌الدین. نسبش به سید شریف جرجانی می‌رسد. وی سر سلسله‌ی ذهبیه و متولی امامزاده شاه‌چراغ بود. مقدمات ادبیات عرب، اصول و کلام، حدیث و تفسیر، حکمت و فلسفه و ریاضی را در خدمت پدرش، میرزا ابوالقاسم راز مشهور به میرزا بابا، و میرزا حسن حکیم‌باشی فسایی، صاحب «فارسنامه‌ی ناصری»، و دیگر اساتید فراگرفت. او در برخی از دروس با صاحب تذکره‌ی «مرآت الفصاحه» همشاگردی بود. مجدالاشراف سپس به خراسان رفت و دروس خارج را در مشهد فراگرفت و به تکمیل فلسفه و حکمت در یزد پرداخت. وی همزمان با تحصیل علوم به سیر و سلوک و ریاضات نیز می‌پرداخت. او از خوشنویسانی بود که خطوط سه‌گانه (نسخ، نستعلیق و شکسته) را نیکو می‌نوشت. در شیراز درگذشت و در ایوان شاه‌چراغ به خاک سپرده شد. مریدان وی در مدحش اشعاری سرودند که در «رساله‌ی جلالیه» جمع‌آوری شده است. از آثارش: «تحفه الوجود»، در حکمت و عرفان؛ «تام الحکمة» که دیباچه‌ی «قوائم الانوار و طوالع الاسرار» پدرش، میرزا ابوالقاسم راز شیرازی، می‌باشد؛ «خلاصة الذهب»، تعریف سلسله‌ی ذهبیه رضویه؛ «قنوتیه»، فارسی و عربی؛ «تاریخ حیات قطب‌الدین شیرازی»؛ «مجلل الانوار» یا «کشکول سلسلة الذهب»؛ «مرآت الکاملین»؛ «وصیت نامه»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (448)، اعیان الشیعه (202/ 4)، حدیقة الشعراء (652/ 1)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (320 -313/ 4)، الذریعه (107/ 25، 282، 20، 172، 173/ 17، 960، 346/ 9، 227/ 7، 480/ 3)، ذهبیه (402 -385)، ریحانه (185 -184/ 5)، شرح حال رجال (69 -68، 31 -30/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 69/ 13)، طرائق الحقائق (457 -456/ 3)، فارسنامه ناصری (948 -947/ 2)، مرآت الفصاحه (499 -497)، مؤلفین کتب چاپی (277 -275/ 5).

محقق سبزواری، محمدباقر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1090 -1017 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، مدرس و شاعر. معروف به صاحب «ذخیره». اصل وی از سبزوار بود. در اصفهان سکونت گزید و نزد علمای آن شهر تلمذ نمود. معقول را از میر فندرسکی و قاضی معز و منقول را از ملا حیدرعلی اصفهانی و ملا حسنعلی شوشتری فراگرفت. او از مجلسی اول و از نورالدین علی عاملی، برادر صاحب «مدارک»، و از شرف‌الدین علی شولستانی و از حسین مقری عاملی و حسین بن حیدر کرکی که از شاگردان شیخ بهائی بودند، روایت کرده است. در زمان شاه عباس ثانی امام جمعه و جماعت بود و منصب شیخ الاسلامی و تدریس در مدرسه ملا عبداللّه شوشتری به وی تفویض شد. وی همچنین در مدرسه‌ی سمیعیه که بعدها به مدرسه‌ی سبزواری مشهور شد تدریس می‌کرد. از شاگردان بنام او ملا محمد سراب تنکابنی و محمد شفیع بن فرج و عبداللّه اردبیلی می‌باشند. گفته‌اند که شوهر خواهرش، محقق خوانساری، نیز از جمله شاگردان اوست. بین او و فیض کاشانی دوستی و مودت و همفکری کامل برقرار بود. محقق طبع روانی داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. در اصفهان درگذشت، پیکرش به مشهد منتقل و در صحن رضوی، در مدرسه‌ی میرزا جعفر، دفن شد. از آثارش: «ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد»، در فقه شیعه؛ «کفایة الاحکام» یا «کفایة الفقه» یا «کفایة المعتقد» یا «کفایة المقتصد». این دو، کتابهای مبسوطی در فقه شیعه می‌باشند. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «سمت القبله»؛ شرح «زبدة الاصول» شیخ بهائی؛ «رسالة الخلافیة»، در عبادات؛ «روضة الانوار عباسی»، در معرفت خدا و مواعظ و آداب سلوک رعایا و ملوک و «مفاتیح النجاة»، در ادعیه و اعمال سال و «جامع الزیارات عباسی» که هر سه برای شاه عباس صفوی تألیف شده است؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «الهیات الشفاء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (272/ 6)، ایضاح المکنون (542/ 1)، الذریعه (256/ 22 /308، 21 ،21 ،99 ،96 ،88/ 18 ،290 -289/ 11 ،19/ 10 /239، 7 ،141 ،110/ 6 ،57/ 5)، روضات الجنات (76 -67/ 2)، ریحانه (242/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 72 -71/ 11)، فقهای نامدار شیعه (232 -230)، فوائد الرضویه (426 -425)، الکنی و الالقاب (161 -159/

3)، لغت نامه (ذیل/ سبزواری)، معجم المؤلفین (95/ 9)، مؤلفین کتب چاپی (69 -67/ 2)، هدیة العارفین (297/ 2).

محقق، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی محقق در سال 1308 شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی ، علوم حوزه ای را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال 1330 تا سال 1339 به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال 1337 دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانیدو درسال 1338 دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و درسال 1346 به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال 1348 تا 1357 مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال 1347 شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رییس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می باشد و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال 1361 از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است.ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن 85 در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.
گروه : علوم انسانی
رشته : زبان و ادبیات فارسی
والدین و انساب : مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد.
اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق ، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از

این واقعه چنین تعریف می کند: « هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: « گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود . » سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد وبیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال 1317 با آزادی پدر از زندان ، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توام گشت،ناچار پدر و دو برادربزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکترمحقق شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال 1321 وارد دبیرستان گردید ، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت 4 ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران ، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت ، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از « استادان فاضل و دانشمند » به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال 1327 در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد ؛ او در سال های 1327 و 1330 همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال 1330 برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترا هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال 1333 لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال 1334 با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول ، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال 1336 دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال 1337 دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال 1348 تا 1357 مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق ، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است . وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن ، سوریه ، هند و مجمع بین اللملی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین اللملی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.
فعالیتهای آموزشی : شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود ، استاد می گوید: « مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت « شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن » کلمه « بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم ازآن سال کار تدریس را شروع کردم . » پس از اخذ لیسانس از سال 1330 تا 1339 به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال 1339 به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، سپس به درجه ی استادی ارتقاء یافت. او در سال 1340 به مدت دوسال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال 1344 به مدت هشت سال به تناوب در مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی ، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت ، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس « روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی » بود. استاد محقق در سال 1361 از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه های مشهد ، امام صادق (ع) ، تربیت مدرس ، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مهدی محقق در سال 1347 شعبه ی مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان گذاری « دائره المعارف تشیع » و « دائره المعارف اسلامی » هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی « فکر شیعه » را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مهدی محقق در چندین کنگره بین اللملی و ملی شرکت نموده و در همه ی آنها خطابه ایراد کرده است ، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره - 1334) ، انجمن

شعر لندن (1340) ، سمینار مقایسه ی گرامر زبان های سامی (دانشگاه لندن - 1341) ، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران - 1343) ، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا - 1345 ، نیوهاون - 1346 و دانشگاه برکلی کالیفرنیا - 1347) ، کنگره بین المللی مستشرقین (میشیگان - 1346) و هفته ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک گیل مونترال - 1346). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب ، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان های فارسی ، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهایی همچون لبنان ، سوریه ، هند ، پاکستان ، به رشته ی تحریر درآورده است که از آن جمله ، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات ، یغما ، راهنمای کتاب ، فرهنگ ایران زمین ، آستان قدس رضوی ، وحید ، مهر ، الاخاء و نشریه ی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه می باشد.
آرا و گرایشهای خاص : مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می داند که هیچوقت دروازه های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه ازخاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است . بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی هاو دانش ها که مفید تشخیص داده شده بود ،از ملت های مختلف گرفته شده است ،این علوم و معارف را از یونانی ،سریانی ،سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را دراین دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند .
جوائز و نشانها : مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس درسال 85 در فرهنگسرای ابن سینا می باشند.
چگونگی عرضه آثار : مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود وجوه قرآن این چنین میگوید: \ اولین کتاب من «وجوه قرآن» ازحبیش بن ابراهیم تفلیسی، پزشک، لغت شناس و قرآن شناس درسال ???? منتشرشد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «وجوه قرآن» را توضیح دادم. دراین کتاب لغات قرآن یک به یک ذکرمی شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه اش هم ذکرمی شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می کنند و درزمینه تفسیر کارمی کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهدبود. «وجوه قرآن» از علومی است که همیشه موردتوجه مفسران و دانشمندان قرآن شناس بود. «وجوه قرآن» درقرن هفتم نوشته شده و از نسخه های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که رایزن فرهنگی ایران درترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزارکتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر درهمان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سورآبادی و وجوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیرقرآن دراشعار ِناصرخسرو» نیز از آثار وی

است که درباره این اثر این چنین میگوید: \تأثیرقرآن در آثار ناصرخسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصرخسرو و هم حافظ هردو قرآن را ازحفظ بودند. حافظ می سراید «قرآن زبربخوانم با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندرسینه داری» و... ازآن طرف هم ناصرخسرو می گوید «کتابت زبردارم اندرضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصرخسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفصی پانزده قصیده ناصرخسرو نیز میگوید: \ این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصرخسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهدعتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصرخسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود. ----------

آثار :

1 بستان الاطباء
2 بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی
3 تأثیرقرآن در اشعار ناصرخسرو
4 تحلیل اشعار ناصر خسرو
5 ترجمه ی شرح منظومه ی غررالفرائد سبزواری
ویژگی اثر : به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.
6 تصحیح کتاب « مفتاح الطب و منهاج الطلاب »
ویژگی اثر : با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)
7 تعلیقات ، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار
8 تعلیقات ، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفلیسی
9 شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی
10 شرح باب حادی عشر علامه حلی
11 شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصرخسرو
12 شیعه درحدیث دیگران
13 فیلسوف ری
14 فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی
15 مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی
16 مقدمه و فرهنگ لغات لسان التنزیل
17 وجوه قرآن
18 یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه : بانک رسانه ها- روزنامه ایران- 25-12-1381 "امروز با دکترمهدی محقق"2lبرگزیدگان علمی و فرهنگی کشور ، دفتر شورای جذب نخبگان ، 255 ـ3کیهان فرهنگی ،شماره 3 ، خرداد 13664مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، سال شانزدهم ، شماره ی 1و 2 ، آذر 13475میز گرد /فرهنگ و تمدن اسلامی ، نامه فرهنگ . سال سوم ، شماره چهارم . شماره مسلسل 12 ، زمستان 1372 ، ص13

محمدرضایی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد محمد رضایی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد محمد رضایی در اول فرودین 1339 در یک خانواده مذهبی در شهر مقدس قم به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در قم گذراندم. در سال 57- 1356 در رشته علوم تجربی از دبیرستان حکیم نظامی قم، دیپلم گرفتم. در دانشگاه، جهت ادامه تحصیل، رشته شیمی را انتخاب کردم. حدود 80 واحد درسی را در این رشته پاس نمودم. که به جهت علاقه و نیاز دانشگاهها به مسائل فکری و عقیدتی به رشته فلسفه غرب روی آورده و لیسانس و فوق لیسانس را در همین رشته در دانشگاه تهران به اتمام رساندم. بعد از اتمام فوق لیسانس، دکترای فلسفه و کلام را در سال 1378 از دانشگاه تربیت مدرس تهران اخذ نمودم. به جهت آشنایی با تفکر اسلامی از سال 1359 تا سال 1378 در حوزه علمیه قم به تحصیل در دوره سطح و خارج فقه و اصول و فلسفه اشتغال داشته ام

محمدی عراقی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن محمدی عراقی
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد

زندگینامه علمی
اینجانب محسن محمدی عراقی حدود سال 1348 تحصیلات حوزوی خود را در حوزه مقدسه نجف اشرف زیر نظر مرحوم آیت الله والد آغاز کردم . مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد مرحوم والد (مرحوم آیت الله العظمی میرزا حبیب الله اراکی) گذراندم . قسمتی دیگر از سطوح را نزد آیات : خاتم یزدی ، سید کاظم حائری ، سید محمود هاشمی شاهرودی ، مرتضوی ، روشنی ، رضوانی ، شیخ محمد تقی جواهری به پایان رساندم . در تفسیر از محضر آیات : سید محمد باقر حکیم ، محمد هادی معرفت و حاج آقا مصطفی خمینی استفاده بردم . در فلسفه و عرفان از محضر آیت عظمی مرحوم آقای شیخ عباس قوچانی استفاده کردم . پس از پایان دوره سطح در خارج فقه از مرحوم آیت الله العظمی خویی و نیز از خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر استفاده کردم .
در آغاز سال 1354 پس از تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی رژیم بعثی صدام به ایران آمدم و از همان آغاز در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی میرزا کاظم تبریزی شرکت کردم و حدود 4 سال از فقه ایشان بهره بردم (کتاب الطهاره) . قریب یک دوره خارج اصول از محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی استفاده کردم و قریب یک دوره خارج اصول نیز از محضر آیت الله حائری استفاده کردم . در خارج فقه نیز صلاه ، مکاسب محرمه ، احیاء میراث را از محضر آیت الله وحید خراسانی ، کتاب الاجاره ، کتاب الخمس ، فقه العقود ، کتاب القضاء ، اجتهاد و تقلید ، حکومت اسلامی ، را از محضر آیت الله سید کاظم حائری بهره بردم . در فلسفه بخشی از اسفار را از محضر آیت الله جوادی آملی و بخشی دیگر را از محضر آیت الله شهید مطهری بهره بردم . نهایه الحکمه را خدمت استاد

آیت الله مصباح یزدی گذراندم . و از محضر ایشان بهره های فراوان بردم . در فلسفه غرب از محضر آیت الله شهید بهشتی استفاده کردم . در مجموع از 1348 تا سال 1374 از محضر اساتید در فنون مختلف بهره بردم .
در تمام این مدت از آغاز آنچه می خواندم تدریس می کردم . از سال 1349 تدریس مقدمات را آغاز نمودم . از سال 1351 به تدریس لمعه و سپس رسائل و مکاسب و کفایه پرداختم و در کنار تدریس فقه و اصول سال ها به تدریس فلسفه و تفسیر نیز اشتغال داشتم . از ابتدای حضور در حوزه قم در مدارس : حقانی ، آیت الله گلپایگانی ، رضویه و سپس در مدارس شهیدین ، باقرالعلوم(ع) ، الهادی و غیر آنها تدریس کردم . سال 1358 حوزه علمیه ای در خرمشهر تاسیس کردم که با شروع جنگ متوقف شد . از سال 1360 در حوزه علمیه امام خمینی (ره) تدریس کردم . در سال 1365 که به دزفول رفتم در حوزه آنجا تدریس کردم و حوزه دزفول را راه اندازی نمودم .
در حوزه قم به طور آزاد موارد متعددی نظیر لمعه ، رسائل ، مکاسب ، کفایه ، اشارات شیخ ، شرح منظومه ، شرح تجرید ، خارج فقه و اصول ، تفسیر و حدیث تدریس کرده ام و هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و نیز تفسیر و حدیث اشتغال دارم . در سال 1366مجمع الفکر الاسلامی را تاسیس کردم و در سال 1373 کنگره شیخ انصاری را بر پا کردم و به عنوان دبیر کلی آن فعالیت می کردم، و از سال 1374 تا سال 1383 در لندن به سمت نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله) حضور داشتم که در آنجا موسسات زیادی تاسیس نمودم . از جمله : مرکز اسلامی انگلیس ، کالج اسلامی لندن ، اکسفورد و اکادمی که بعد به دانشگاه آزاد اسلامی واگذار شد و هم اکنون به عنوان Azad univercity فعالیت می کند ، موسسه بوک اکسترا و ... در سال 1376 دانشکده اصول دین دزفول را تاسیس کردم که هم اکنون مشغول فعالیت است .

محمدی عراقی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود محمدی عراقی
محل تولد : کنگاور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال 1331 در خانواده ای روحانی ، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیم پدر وی، حجت الاسلام والمسلمین بهاء الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال 1360 به شهادت رسید.محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش های قابل توجهی کرد.وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت الله دکتر بهشتی، شهید آیت الله قدوسی و جمعی دیگر از بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد.محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد.وی در شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است.محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام

معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی نجف آبادی، عبدالکریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالکریم محمدی نجف آبادی
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
متولد 1341 هستم. در شهر نجف آباد اصفهان متولد شدم در سال 1360 در آن شهر دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتم، پس از آن وارد حوزه ی علمیه شدم و مستقیما وارد قم شدم. سطوح را در مدرسه امام باقر علیه السلام گذراندم و از محضر استادانی مانند حضرات مهری، میری ، فتوحی ، سید احمد خاتمی، محمدی، بهره گرفتم و پس از آن فلسفه را شروع کردم و از محضر آقایان فیاضی (بدایة الحکمة) ، انصاری شیرازی (منظومه)، حسن زاده آملی و جوادی (اسفار و اشارات) خوشه چینی کردم.در این میان کفایتین را پیش آقای گنجی فرا گرفتم و خارج اصول و فقه را نزد استادان بنام حوزه فرا گرفتم ، سال 72 وارد دانشگاه شدم و تا مرحله کارشناسی ارشد در رشته فلسفه ادامه تحصیل دادم و بویژه از آقایان پازوکی ، عبدالکریم رشید یان ، دنیایی استفاده کردم. از آنجایی که علاقه اصلی ام پژوهش بوده است در این خصوص سعی وافر نمودم. شایان ذکر است هم اینک مشغول تحصیل در حوزه هستم و هفته ای یک روز به عنوان استاد معارف در دانشگاه آزاد اسلامی پرند تدریس می نمایم. گفتنی است به عنوان حق التدریس در این باره انجام وظیفه می نمایم.

محمدی، اردشیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اردشیر محمدی
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب اردشیر محمدی متولد 1351 در شهرستان دزفول به دنیا آمدم .دوران ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در اهواز سپری کردم و بعد از اتمام دبیرستان وارد حوزه علمیه مسجد سلیمان شده و بعد از اتمام مقدمات عازم قم شدم و هم اکنون 8 سال است مشغول به تحصیل در درس خارج می باشم .از سال 1378تا 1382 دوره تخصصی کلام اسلامی را گذراندم (سطح چهارم) و پایان نامه سطح چهار اینجانب با عنوان نقش دین در بهداشت روان از منظر قرآن می باشد .در ضمن حدود 5 سال است که در دانشگاههای مختلف مشغول تبلیغ وتدریس بوده ام و هم اکنون جزء هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان خوزستان می باشم و همچنین جزء هیئت منتخب گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور می باشم .

محمدی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین محمدی
محل تولد : گرگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/7/2
زندگینامه علمی
آقای حسین محمدی در سال 1343هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهر گرگان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1363 وارد حوزه علمیه شهرستان بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه گرگان به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید.
از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1369 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله استادی، آیت الله خاتمی ،استاد علی محمدی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی در سال 1376از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.
وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گرگان و حوزه علمیه گرگان به امر تدریس اشتغال دارد. وی درطول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل "بررسی نگرش دانشجویان نسبت به نماز" و "تجربه دینی و شهود عرفانی" را به رشته تحریر در آورده است.

محمدی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله محمدی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
وی در سال 1338 در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود . به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود . بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می آموخت . تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید . در سال 1369 بنا به تایید مراجع تقلید و اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد . ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤولیت های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است .
دکتر محمدی اصفهانی در سال 1375 موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت .عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است ، ختم ولایت می باشد .در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ الرئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است .ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه ، در دروس فلسفه و حکمت ، اخلاق ، تفسیر ، عرفان نظری و عملی ، هیئت و نجوم ، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت .

دکتر محمدی اصفهانی از سال 1350 تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی ، تحصیلی ، تدریسی ، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه ، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم ، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند .اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی 25 سال گذشته به این شرح است :ادبیات ، منطق ، اصول فقه ، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه) ، فلسفه (بدایه و نهایه علامه) ، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان ، احکام (نبراس ملا هادی سبزواری) ، بررسی ادیان (ادیان شناسی) ، تعلیم و تربیت ، مشاوره خانواده ، تفسیر ، روان شناسی ، علم النفس ، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی ، فلسفه اخلاق ، کلام تخصصی ، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و ... .دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است .ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند .

محمدیان، محمدتقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد تقی محمدیان
محل تولد : نورآباد لرستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب محمد تقی محمدیان در سال 1351 در یک خانواده مذهبی در شهرستان نورآباد لرستان متولد شدم. دوران ابتدایی را در سال 1362 تمام کردم. سال اول و دوم و سوم راهنمایی را در دوران جنگ سپری کردم. حال و هوای جبهه و شهادت برادر بزرگم بر روحیه من تأثیر عمیقی گذاشت و باعث شد که این حقیر ، سال سوم راهنمایی عازم جبهه شوم برای اولین بار. در پاییز 1366 به حوزه علمیه سید مرتضی علم الهدی نورآباد رفته و ثبت نام کردم. اما آن سال را نیز با رفتن به جبهه گذراندم و اصولا حال و هوای جبهه نمی گذاشت به درس فکر کنیم.
در طول سال 1366 فقط صرف میر را خواندیم . مجدداً در بهار سال 1367 به جبهه رفتیم که تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داشت. سال 67 و 68 را در نورآباد با موفقیت تمام درس خواندیم هدایه و صمدیه را پیش استاد بزرگوار آقای رضوانی (از طلاب مهاجر افغانی) که مدرس حوزه علمیه بودند با موفقیت تمام کردیم. سیوطی و باب رابع مغنی ، حاشیه ملاعبدالله در منطق و ... یادم هست که در اکثر امتحانات نمره خیلی خوبی می گرفتم. در امتحان باب رابع مغنی بیست گرفتم و همین باعث شد که یک تخته پتوی یک نفر به من جایزه دهند.
عطش زیادی به تحصیل در قم داشتم چندین بار اقدام می کردم اما میسر نمی شد. با دو نفر از دوستان همشهری تصمیم گرفتیم که به حوزه علمیه جعفریه پاکدشت (تهران) بریم. علت این تصمیم این بود که امام جمعه و مسئول حوزه این شهرستان حجة الاسلام و المسلمین کاظمی (آل کاظمی) از همشهریان ما بود. عالم فاضل و وارسته ای است. مخصوصا خلف مرحوم آیت الله شیخ فرج الله مومونده ی است که ایشان از شاگردان آیة الله نائینی و آیت الله اصفهانی قدس سره هم بوده اند و در منطقه

غرب دارای آوازه و نفوذ زیادی هستند و همین جاذبه معنوی آن مرحوم ما را به حوز ه علمیه فرزندانشان کشاند. یک سال در آنجا درس خواندم و البته ادبیات هم تدریس می کردم. ولی دوری راه و محیط این حوزه علمیه که محیط حوزه و ..... نمی توانست ذهن و جان مرا که نام قم در گوشه گوشه ی قلبم نوشته شده بود سیراب کند لذا بعد از یک سال به بروجرد برگشتم. ریاست حوزه با مرحوم حجة الاسلام و المسلمین نواب بود، که خود ایشان و مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حسین دوست هم استاد بودند و به این حقیر و به حجة الاسلام والمسمین حقیان که اکنون امام جمعه شهر کرج است عنایت بسیار داشتند . شرح لمعه و اصول مظفر را در نزد این دو بزرگوار خواندیم. در عین حال بنده در بروجرد تدریس هم می کردم . ادبیات ، جامع المقدمات، منطق و ... و حتی باعث تدریس حقوق می گرفتم. بعد از اتمام لمعتین و اصول به فکر آمدن به قم افتادم. ثبت نام کردم و به طور متفرقه در امتحانات قم شرکت می کردم تا اینکه در سال 1373 با نمرات عالی قبول شدم و وارد حوزه علمیه قم (المقدسه) شدم. دو سال در خوابگاه جعفریه پشت بیمارستان آیةالله گلپایگانی ساکن بودم.
و در سال 1374 ازدواج کردم اما باز آن سال در خوابگاه بودم. از سال 1375 خانواده را به قم منتقل کردم تا با دقت و حدت بیشتری به تحصیل بپردازم. دوران سختی را داشتیم با هفده هزار تومان شهریه که ده هزار تومان آن را به کرایه خانه می دادیم روزگار سپری می کردیم و البته فضل خدا همواره کمک و مدد بوده و هست.
به شدت به تحصیل مشغول بودم درسها را مباحثه می کردم می خواندم و می نوشتم گاهی مباحثه های ما ساعت 9 و 10 شب طول می کشید در این سالها تصمیم گرفتم که پرونده تحصیلات کلاسیک را از بروجرد (مدرسه ایثارگران) به مدرسه ایثارگران قم منتقل کنم.
و نم نمک دوره دبیرستان را هم می خواندم. در سال 1377 در آزمون ورودی دانشگاه مفید ثبت نام کردم و در رشته فلسفه قبول شدم . دانشگاه مفید در مقطع کارشناسی از نظر علمی ، دانشگاه خوب است و اساتید قوی را دعوت می کند.
دوره کارشناسی را با رتبه الف در سال 1380 (بهمن ماه) تمام کردم. و همان سال در امتحانات کارشناسی ارشد سراسری شرکت کردم و با رتبه دو رقمی 17 قبول شدم. رشته فلسفه را در دانشگاه علامه طباطبایی ادامه دادم.
در سال 1384 پایان نامه خود که در حوزه فلسفه دین (بررسی مسأله فناناپذیری روح) که چندین مقاله از فیلسوفان غربی در باره جاودانگی روح و حیات پس از مرگ بود ترجمه کردم و بر اساس مبانی اسلامی و فلسفه

صدرایی و .... مشایی نقد کردم. نمره پایان نامه من عالی شد. قصد داشتم همان سال دکترای فلسفه را هم ادامه دهم اما برخی مشکلات زندگی مانع شد. در همان سال آخر دانشگاه به عنوان محقق با موسسه پژوهشی – آموزشی امام خمینی (ره) در قم همکاری می کردم و در بخش دائرة المعارف علوم عقلی به عنوان محقق در اصطلاح یابی فلسفی مشغول بودم دو سالی در آنجا همراه با تحصیل در حوزه به حیات علمی خود ادامه می دادم.
در اول سال 1385 تحصیلی تقاضای سطح چهار نمودم بعد از بررسی پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آن را پذیرفته و اجازه دادند که به دنبال موضوع برای سطح چهار حوزه علمیه قم باشم.
موضوع را انتخاب کردم « تعامل فلسفه و تفسیر» و موضوع تصویب شد و طرح آن را هم نوشتم و طرح نیز پس از نقضی و ابرامی تایید شده بالاخره هم اکنون مشغول نوشتن رساله سطح 4 هستم و استاد راهنمای این طرح آقای دکتر محمد حسن زمانی است. و استاد مشاوره بنده هم دکتر احمد عابدی می باشد.
لازم به یادآوری است که مدت یک سال است که در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان هم به عنوان هیئت علمی دانشگاه مشغول به تدریس هستم و هم اکنون هفته ای سه روز برای تدریس به دانشگاه رفسنجان می روم.
و از تاریخ 15/10/1386 هم در واحد ترجمه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم مشغول به خدمت هستم.باشد تا خداوند سبحان عاقبت امر ما را ختم به خیر نماید. آمین. و صلی الله علی محمد و آل الطاهرین و الحمدلله رب العالمین.

مختاری غزنوی، سراج‌الدین، ابوعمر عثمان

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(549/ 544 -474/ 473 ق)، حکیم و شاعر، متخلص به مختاری. ملقب به ابوالمفاخر و ملک الکلام. وی ابتدا عثمان تخلص می‌کرد. او از شعرای دربار غزنویان و با ابراهیم بن مسعود غزنوی (492 -450 ق) و مسعود بن ابراهیم (508 -492 ق) و عضدالدوله شیرزاد بن مسعود بن ابراهیم و ابوالملوک ارسلان بن مسعود بن ابراهیم معاصر بود. علاوه بر غزنویان، او سلاجقه‌ی قاوردیان کرمان و سلاجقه‌ی عراق را نیز مدح کرده است. از شعرای معاصر مختاری می‌توان مسعود سعد سلمان، امیر معزی، سنایی غزنوی و ابوالفرج رونی را نام برد. او مسعود سعد را مدح گفته و سنایی وی را مدح کرده است. در تذکره‌ها برای وفات وی تاریخ‌های متفاوتی از 534 تا 555 ق ذکر شده است. همچنین بعضی از تذکره‌ها او را ممتاز غزنوی، استد سنایی غزنوی، می‌دانند که بعد از فوت سلطان ابراهیم بن مسعود به هندوستان رفته است. از آثارش: مثنوی «شهریارنامه»، در ذکر داستان شهریار پسر برزو، از نوادگان رستم زابلی، به درخواست سلطان مسعود بن ابراهیم که تقلیدی از «شاهنامه‌ی» فردوسی است؛ مثنوی «هنر نامه‌ی یمینی»، در پانصد بیت، در مدح یمین‌الدوله بهرامشاه؛ «دیوان» شعر، در حدود هشت هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (596 -580/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (507 -501/ 2)، تاریخ نظم و نثر (77)، حماسه‌سرایی در ایران (316 -311)، دایرةالمعارف فارسی (2707/ 2)، دیوان عثمان مختاری (مقدمه)، الذریعه (343، 229/ 19، 1103، 1018 -1017/ 9)، رباعی و رباعی‌سرایان (113)، ریحانه (5/ 6، 261/ 5)، صبح گلشن (452 -451 ،393)، فرهنگ ادبیات فارسی (456 -455)، فرهنگ سخنوران (825)، لغت نامه (ذیل/ مختاری غزنوی)، مجمع الفصحا (1358 -1343/ 3)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (473، 411، 360)، مؤلفین کتب چاپی (42 -41/ 1)، هفت اقلیم (331 -324/ 1).

مدرس خاتون‌آبادی، ابوالقاسم

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1203 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، فیلسوف و مدرس. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. او از مدرسین مشهور اصفهان و از خانواده‌ی میر محمدحسین خاتون‌آبادی، سبط مجلسی بود. فلسفه را از ملا اسماعیل خواجویی و شیخ آقا محمد بیدآبادی و فقه و اصول را از سید بحرالعلوم فراگرفت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در مدرسه‌ی شاه اصفهانی به تدریس حکمت نظری پرداخت. او تا پایان عمر در مدرسه‌ی چهار باغ مدرس معقول و منقول از فقه و اصول بود. سید ابوالقاسم جعفر بن حسین خوانساری، جد مؤلف «روضات الجنات»، و آقا میرعبدالباقی امام جمعه و آخوند ملا علی نوری از شاگردان او بودند. سید بحرالعلوم که خود از اساتید فقه و اصول او بود در حکمت و کلام از شاگردان وی به حساب می‌آید. در اصفهان درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و نزدیک قبر امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»، به فارسی؛ شرح «نهج‌البلاغة»؛ حاشیه بر «تفسیر کاشی»؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «من لا یحضر الفقیه»؛ حاشیه بر «التهذیب»؛ حاشیه بر «الاستبصار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (405/ 2)، تذکرة القبور (90)، ریحانه (267 -266/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 51 -50/ 13)، معجم المؤلفین (114/ 8)، مکارم الآثار (133 -129/ 1).

مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1274 ش)، محقق، دانشمند، مصحح و استاد دانشگاه. پدرش، میرزا محمدباقر، از علمای بزرگ خراسان و مدرس اول آستان قدس رضوی بود. در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید زادگاهش فراگرفت. سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. وی کتابهای «مغنی» و «مطول» تفتازانی و قسمتی از شرح «منظومه» حاج ملا هادی سبزواری را نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری آموخت. «تحریر اقلیدس» و «مجسطی» و کتب ریاضی قدیم و «شرح لمعه»، در فقه و «قوانین»، در اصول را نزد پدر خواند. سپس از محضر آقا بزرگ حکیم استفاده نمود و «شرح هدایة» و «شرح اشارات» را نزد او خواند. آنگاه مدتی از درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّٰه قمی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمد آقازاده استفاده کرد. در 1298 ش به تهران آمد و از محضر آقا سید محمد تنکابنی و آقا میرزا محمدطاهر تنکابنی بهره برد و به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید خود در مدارس سپهسالار و آلیانس پرداخت. او از 1310 ش به معلمی و ناظمی مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) و تدریس در مدارس دارالفنون، علمیه، معرفت و شرافت پرداخت و بعد از 1317 ش به معلمی و بعدها به سمت استادی دانشکده‌ی علوم معقول و منقول منسوب گردید. وی نزدیک دو سال همکار علامه‌ی دهخدا در تکمیل «لغت نامه» بود. از آثار وی: «احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «تاریخ رجال خراسان»؛ «تاریخ مشهد رضوی»؛ رساله‌ای در «علم عروض»؛ تعلیقات «حدیقة الحقیقة» سنایی؛ تصحیح «المعجم فی معاییر اشعار العجم»؛ تصحیح و اهتمام «اساس الاقتباس» خواجه نصیرالدین طوسی؛ تصحیح «تاریخ بخارا»؛ تصحیح «دیوان» سید حسن غزنوی؛ مقدمه و تعلیقات «ترجمه‌ی میزان الحکمة» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره الحکمة» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره‌ی طیبه»، در انساب سلسله‌ی سادات علویه رضویه، «دیوان» انوری و «دیوان» سنایی غزنوی.[1]
پژوهشگر.
تولد: 1274(1313 ق.)؛ مشهد.
درگذشت: 28 تیر 1365.
سید محمدتقی مدرس رضوی خراسانی تحصیلات ابتدایی را در مدارس

جدید مشهد فراگرفت و سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. در سال 1338 ق. به تهران آمد به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه آلیانس پرداخت. وی پس از مدتی از فوت پدرش که مدرس آستان قدس رضوی بود، به مدرسی نایل آمد و بعدها به عضویت معارف درآمده و در مدارس مشهد و از سال 1310 در مدارس تهران به تدریس اشتغال یافت. پس از تأسیس دانشگاه به استادی در دانشکده‌ی معقول و منقول و دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی انتخاب گردید.
از آثار اوست: تصحیح آثار علوی یا کائنات جو (ابوحاتم مظفر اسفزاری، 1319)؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی (1334)؛ احوال و آثار ملک‌الشعرای بهار (به اهتمام عبدالحمید عرفانی)؛ اساس الاقتباس (خواجه نصیر طوسی، 1326)؛ بیست باب در معرفت اسطرلاب (به اهتمام، 1335)؛ تاریخ بخارا (به اهتمام، 1317)؛ تعلیقات حدیقة الحقیقة (1344)؛ تنسوخ‌نامه‌ی ایلخانی (از خواجه نصیر طوسی، 1348)؛ حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة (حکیم سنایی، به اهتمام، دو جلد 1330)، تصحیح دیوان حکیم سنائی (1320)؛ تصحیح دیوان سید حسن غزنوی (1328)؛ تصحیح دیوان انوری ابیوردی (دو جلد، 1340 -1336)؛ شجره‌ی طیبه (تألیف محمدباقر رضوی، تکمله و تصحیح و تهیه‌ی مشجرات، 1348)؛ شرح مشکلات دیوان انوری (از ابوالحسن حسینی فراهانی، 1340)؛ مثنوی‌های حکیم سنایی (1348)؛ مجمل التواریخ (درباره‌ی تاریخ زندیه، از ابوالحسن گلستانه، 1319)؛ تصحیح مجموعه رسائل خواجه نصیر طوسی (شش رساله، 1335)؛ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم (اثر نظامی عروضی، از روی نسخه تصحیح محمد قزوینی، 1336)؛ ترجمه‌ی میزان الحکمه (اثر عبدالرحمن خازنی، متن قدیمی، 1346)؛ یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی (1335، با مقدمه‌ی موسی عمید). تاریخ شهر مشهد نام کتاب دیگری است که در سال 1313 به مناسبت ساختمان آرامگاه فردوسی تألیف شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 247/ 14)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3435، 3047/ 2، 913، 177، 125/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 8، ص 14 -3، س 3، ش 8، ص 40)، مؤلفین کتب چاپی (255 -254/ 2).

مدرس زاده، مجدالدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجدالدین مدرس زاده
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/2/1

زندگینامه علمی
اینجانب پس از دوران تحصیل مقطع متوسطه در سال 1360 وارد حوزة مبارکه علمیه قم شده و از بدو ورود با تحصیل و آموزش در مدرسه المهدی(عج) که تحت اشراف و هدایت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی اداره می شد مشغول به فراگیری علم و دانش ومعارف الهی و آموزه های اسلامی شده ام.
برای شروع و تحصیل فقه نیم استدلالی که در آن زمان کتاب های لمعه (2 و1) مرحوم شهید تلمذ می شد در دروس علمای نظیر آقایان وجدانی فخر-اشتهاردی و راستی و خسرو شاهی حاضر می شدم اصول فقه را خدمت استاد حسینی بوشهری فراگرفته و به همین ترتیب سطوح و مراتب علمی حوزوی را یکی پس از دیگری و با موفقیت در آزمون های کتبی و شفاهی موفق به گذراندن سطوح عالیه نزد آیات عظام صالحی مازندارانی، طاهری شمسی، محفوظی و هادوی تهرانی شدم در سال 1370 پا به عرصه درس خارج حضرت آیت الله مکارم شیرازی(فقه و اصول) و تا سال 1372 همچنان ادامه داشت در همین سال ها بود که همراه با فراگیری فقه و اصول، به دوره های ویژه باقر العلوم (ع)که بعدا دانشگاه باقر العلوم(ع) شد و زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی اداره می شد شدم بدایه و نهایه الحکمه و شرح تجرید و... را درباره فلسفه و کلام آنجا فرا گرفته و موفق به اخذ مدرک لیسانس شدم.
در سال 1370 وارد بنیاد فرهنگی باقر العلوم (ع) که بعداً تبدیل به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) شد و تحت اشراف و هدایت حضرت آیت الله مصباح یزدی (دامت برکاته) اداره می شود شده و ثمرة تحصیل در آن اخذ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، در سال 1377

شد و با دفاع از پایان نامه(که تحت عنوان بررسی سیره مدیریتی امام خمینی- شناسائی ملاک و معیارهای ایشان در تصمیم گیری) و کسب امتیاز عالی و نمره هجده موفق به اتمام آن دوره نیز شدم در این مدت قسمتی از وقت آموزشی صرف فراگیری و مباحثه درس خارج می شد که از سال 1372 در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و درس خارج فقه حضرت آیت الله تبریزی(ره) مشغول بودم. نا گفته نماند در طول همة این سالها، در کنار تحصیل، مباحثه، فعالیت تدریسی را همیشه مفتخر به انجامش بوده ام تدریس ادبیات (سیوطی جامع المقدمات و...) فقه و اصول و.. و از سال 1375 وارد دانشگاه شده و به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی (معارف 1و2- اخلاق اسلامی- تاریخ اسلام) که تاکنون نیز ادامه دارد مشغول می باشم

ناگفته نماند پس از فارغ التحصیلی در رشته مدیریت، زمینة تدریس در رشته مزبورنیز فراهم شد که بحمد اله تاکنون ادامه دارد و در مراکز دانشگاهی و آموزش عالی توفیق انتقال بخشی از آموخته ها و تجارب را به دیگران پیدا نموده ام.

آنچه که برای خود لطف بسیار حضرت حق می دانم تحصیل همزمان در فقه و اصول در حد دروس خارج و فراگیری و تدریس دروس مدیریت که از هم آمیختن این دو رشته تحصیلی و با رویکرد مدیریت اسلامی منشاء آثار و برکات برای حقیر را بیش از پیش فراهم نموده است.

و حاصل و برآیند آن را که در قالب جزوات و دسته نوشته ها و(بعضاً مقالات چاپ شده است) را امیدوارم هر چند زودتر در اختیار دیگران قرار گیرد.

مدرس زنوزی تهرانی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1307 -1234 ق)، فیلسوف، فقیه، عالم دینی و مدرس. معروف به آقا علی مدرس و آقا علی حکیم. در تهران به دنیا آمد. نزد پدرش که از حکمای عصر خود بود درس خواند. سپس به قصد ادامه تحصیل به عتبات رفت و پس از فراگیری کامل فقه و اصول به اصفهان مسافرت کرد و در محضر درس میرزا حسن نوری و ملا محمدجعفر لاهیجی حکمت و فلسفه خواند. آنگاه به قزوین رفت و نزد آخوند ملا آقای قزوینی علوم معقول را تکمیل کرد. سرانجام به تهران آمد و در مدرسه سپهسالار قدیم در محله عودلاجان مدرس فلسفه شد و سرآمد اقران گشت و شاگردان بسیار تربیت کرد. شیخ محمدباقر اصطهباناتی و میرزا طاهر تنکابنی و شیخ علی نوری و شوارق و شیخ عبدالنبی نوری و ملا محمد آملی و بسیاری دیگر از شاگردان او بودند. از آثارش: «بدایع الحکم»؛ «سبیل الرشاد» یا «الرسالة المعادیة»، در اثبات معاد جسمانی؛ «تعلیقات علی مباحث الأسفار الاربعة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 1474 -1473 /14)، طرائق الحقائق (507 -504 /3)، المآثر والآثار (157).

مدرس زنوزی، عبدالله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1257 ق)، عالم دینی، حکیم و عارف. در زنوز آذربایجان به دنیا آمد. وی پدر آقا علی زنوزی است. در جوانی به خوی رفت و ادبیات و علوم عربی را در آنجا تکمیل نمود. به طوری که به ملا عبداللّٰه نحوی شهرت یافت. آنگاه به عتبات رفت و در کربلا در محضر صاحب «ریاض» به تحصیل فقه و اصول مشغول گشت. به آورده‌ی «ریحانة الادب» در حوزه‌ی درس سید محمد مجاهد و حجةالاسلام شفتی فقه و اصول را تکمیل کرد. سپس به قم رفت و «قوانین» را نزد مؤلف این کتاب، میرزای قمی، خواند. پس از آن به اصفهان رفت و تحصیل حکمت نمود و از طرف استادش ملا علی نوری به مدرسی مدرسه مروی تعیین شد و مدت بیست سال به تدریس اشتغال داشت. او کتاب «الانوار الجلیة فی کشف اسرار الحقائق العلویة»، که شرح «حدیث کمیل» یا شرح «حدیث الحقیقة» است، را در 1247 ق، به فارسی، نگاشت. از دیگر آثار وی: «لمعات الهیة فی الحکمة الربوبیة»، در اثبات واجب الوجود و صفات او؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «رساله علیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان آذربایجان (11)، الذریعه (205 ،197/ 13 /20، 6)، ریحانه (391 -390/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 765/ 13)، طرائق الحقائق (506/ 3).

مدرس شیرازی، عبدالرحمان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1338 -1268/ 1266 ق)، عالم دینی، حکیم و مدرس. پدرش از علما و مدرسین آستانه‌ی قدس رضوی بود. عبدالرحمان در شیراز به دنیا آمد. در 1279 ق به همراه پدر به مشهد رفت. ادبیات را از محضر پدر و علوم دینی را از محضر ملا عبدالوهاب شیخ‌الاسلام و حکمت را از محضر میرزا محمد مدرس، از شاگردان حکیم سبزواری، فراگرفت. وی در فقه و اصول و معقول و منقول تبحر داشت. پس از درگذشت پدرش (م ح 1290 ق)، در سمت مدرس اول آستان قدس در مدرسه فاضلیه به تدریس مشغول گشت و شاگردان بسیاری که خود از برجستگان عالم علم بودند، از محضرش بهره بردند و تمام عمر او به تألیف و تدریس گذشت. از آثارش: «الرسالة القمریة»، در علم حروف؛ «تاریخ علماء خراسان»؛ رساله در «زکاة الفطر»؛ شرح رساله‌ی «العروض» پدرش؛ حاشیه بر «تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «شرح التذکرة النصیریة» خفری؛ حاشیه بر «شوارق الالهام» لاهیجی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حواشی و تعلیقات بر بسیاری از کتب «حکمت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (465 ،464/ 7)، الذریعه (42/ 12 ،208 144، ،34/ 6 ،267/ 3)، شرح حال رجال (139 -138/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1097/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (91/ 7)، المآثر و الآثار (162).

مدرس موسوی بهبهانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید علی موسوی بهبهانی در 1305 دربهبهان زاده شد و پس از گذراندن تحصیلات مکتب خانه ای به قم رفت (1325) و پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. و در 1328 فارغ التحصیل شد. وی در سال 1332 تحصیلات خود در حقوق را نیز در دانشگاه تهران به پایان رساند در سال 1337 نیز دکتری فلسفه خودرا از همان دانشگاه دریافت کرد وی علاوه بر همکاری با دکتر معین در لغت نامه دهخدا در دانشگاه تهران نیز تدریس می کرد. وی درسال 1350 به دانشگاه اوترخت هلند برای تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی رفت و پس از بازگشت تدریس را تا بازنشستگی در 1377 ادامه داد.گروه : علوم انسانیرشته : فلسفهگرایش : فلسفه اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر موسوی بهبهانی پس ازگذراندن تحصیلات مکتب خانه ای در زادگاه خود بهبهان به قم رفت و پس از اندکی تحصیلات حوزوی، وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. (1325ه.ش) پس از فارغ التحصیلی در 1328، به تحصیل حقوق در همان دانشگاه پرداخت و پس از فارغ التحصیلی در 1331، تحصیلات خود را در رشته فلسفه تا اخذ مدرک دکتری در سال 1337ادامه داد.خاطرات و وقایع تحصیل : سفرهای استاد دکتر موسوی بهبهانی به هلند (تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی) و فنلاند (تدریس سیر عقاید و آرا کلامی) از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده اند.فعالیتهای ضمن تحصیل : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در حین تحصیل به تدریس در دبیرستانها و نیز مطالعه آثار گذشتگان درزمینه فلسفه و کلام می پرداخت.استادان و مربیان : نخستین معلم استاد دکتر موسوی بهبهانی پدر بزرگوارشان بود که دروس صرف، نحو، ادبیات عرب و مقدمات را به وی آموخت. وی در دانشگاه تهران در دانشکده حقوق از دکتر عمید، شهابی و شایگان بهره ها برد و نیز دکتر غلامحسین صدیقی استاد راهنمای وی در پایان نامه دکتری بوده است.وقایع میانسالی : دکتر موسوی بهبهانی پس از اخذ مدرک دکتری مدتی به کار وکالت و تدریس در دبیرستانهای تهران و سپس دانشگاه تهران پرداخت و نیز به دکتر محمد معین در تدوین لغت نامه دهخدا یاری کرد. وی درسال 1347 با پروفسور ایزتسو آشنا شد و همکاریهای علمی با وی داشت وی در 1350 مدتی در هلند و درسال

1377 در دانشگاههای فنلاند به تدریس مشغول بود. و در سال 1379 بازنشسته شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل استاد دکتر موسوی بهبهانی عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تهران پژوهشگر در لغت نامه دهخدا مدرس زبان فارسی و اسلامی شناسی در دانشگاه اترخت هلند 1350 استاد دانشگاه تهران در سالهای 1353تا 1379 مدرس سیر عقاید و آرای کلامی در دانشگاههای فنلاند در سال 1377 فعالیتهای آموزشی : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی از جوانی به تدریس در دبیرستانهای تهران می پرداخت. وی درسال 1336عضو هئیت علمی دانشگاه تهرا گروه فلسفه شد و در سال 1379 بازنشسته گردید. وی در سال 1350در دانشگاه اوترخت هلند درسهای زبان فارسی و اسلامی شناسی و درسال 1377در دانشگاههای فنلاند درس سیر عقاید اسلامی را تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در کنار تدریس به تحقیق و شرح آثار کلامی و فلسفی گذشتگان از جمله میرداماد ، ابن هزم اندلس، صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی به شیوه دانشمندان تهران گذشته به شرح کتب فلسفی و کلامی اسلامی از قبیل آثار میرداماد، ابن جزم و صاین الدین علی ترکه اصفهانی مشغول بوده است.

آثار : 1 القبسات میرداماد 2 تصحیح صاین الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی 3 حکیم استر آبادی میرداماد 4 شرح الدره الفاخره 5 عیار دانش مشتمل بر الهیات و طبیعیات 6 عیون المسایل و سیر حکمت و عرفان اسلامی 7 کلیات معارف اسلامی 8 منطق ابن حزم 9 نگارش بخشی از لغت نامه دهخدا برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدرسی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران سید محمد رضا مدرسی
محل تولد : یزد
شهرت : مدرسی یزدی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
آیة الله سید محمدرضا مدرسی یزدی در سال 1334 هجری شمسی در یزد و در میان خانواده‌ای متدیّن و اهل علم و دوستدار خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) به دنیا آمد. پدرش آیة الله سید جواد مدرسی یزدی که هم اکنون نیز در قید حیات است، از علما و دانشمندان مشهور یزد به شمار می‌آید و سالهاست که به خدمت به جامعه اسلامی و مردمان نستوه و فداکار دیار خود می‌پردازد. آیة الله سید جواد مدرسی از استادان مشهور اخلاق است که سیرة علمی و عملی او سر مشق جامعه اسلامی و مردمان و دین باوران بوده است. پدر آقا سید جواد، آیة الله سید احمد مدرسی ـ نیز از استادان مبرز حوزة علمیه به شمار می‌آمده است. خاندان مادری آیة الله محمد رضا مدرسی یزدی نیز از خانواده‌ای متدین و روحانی به شمار می‌آیند. که اینها خود در شکل گیری شخصیت استاد مدرسی سهم بسزایی داشته است. آیة الله مدرسی یزدی در حدود 5 سالگی به مکتب رفت و تحصیلات خود را در همان جا آغاز کرد. پیش از 7 سالگی به دبستان رفت و پس از آن به دبیرستان راه یافت، به گونه‌ای که در کنار دروس دبیرستان، برخی از دروس مقدمات حوزه را نیز فرا گرفته بود. پس از آن با اشتیاق فراوان درس حوزه را در مدرسة معروف به مصلی آغاز کرد و در مدت کمی دروس دورة مقدمات را فرا گرفت. با اتمام دروس دورة مقدمات، دروس سطح را شروع کرد و پس از مدتی به قم عزیمت کرد. در قم نیز به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد و سالها از خرمن علم و عمل آنان خوشه چید. او در این سالها به تحصیل دروس مرسوم حوزه بسنده نکرد و در کنار آن به دروس نجوم، هیئت، فلسفه غرب و اقتصاد و نیز فراگیری زبانهای خارجی پرداخت و در رشته‌های فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث نیز کتب بسیاری را مطالعه کرد و در این دروس نیز شرکت می‌نمود. با پایان یافتن دروس دورة سطح، به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالهای متمادی در آن دروس شرکت

می‌جست. به همراه آن، در درسهای فلسفه و کلام نیز حضور جدی داشت و هیچ‌گاه مطالعه دروس جنبی و دروس دانشگاهی را رها نکرد. او در سالهای تحصیل خود از محضر اساتید اخلاق نیز استفاده می‌برد تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید. آیة الله مدرسی یزدی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که غالب دروس دورة مقدمات و بخشی از دروس سطح را در محضر پدر خود فرا گرفته بود. پس از سال 1351 که به قم آمد، مقداری از شرح لمعه را نزد آیة الله صلواتی و آیة الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی آموخت و قسمتی از رسائل را نزد آیة الله میرمحمدی و مکاسب را عمدتاً نزد آیة الله ستوده و بیشتر کفایه را نزد آیة الله سبحانی فرا گرفت. او از اساتید متعدد دیگری نیز در این مقطع بهره برد. وی دروس هیئت و عرفان را نزد آیة الله حسن زاده آملی آموخت و در دروس فلسفه آیة الله شهید مطهری و نیز آیةالله جوادی آملی شرکت جست، در این زمینه نیز از اساتید دیگری بهره گرفت. برای فراگیری دروس خارج فقه و اصول ابتدا مدتی در درس مرحوم آیت‌الله شیخ کاظم تبریزی حضور یافت و سالهای متمادی به دروس آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی رفت؛ به طوری که این دو عالم فرزانه را می‌توان استادان اساسی او دانست. البته او از اساتید دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حائری، مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت‌الله بهجت مدظله العالی از جنبه‌های گوناگون استفاده کرد. استاد مدرسی در سالیان عمر خود تا کنون فعالیتهای بسیاری را در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. از جمله آنها تألیف کتب و مقالات فراوان در عرصه‌های گوناگون علمی است. ویژگی این آثار، روز آمد بودن و ژرف نگری تحسین برانگیز است. آیة الله مدرسی از سالهای نخستین تحصیل، به امر تدریس نیز اهتمام ویژه‌ای داشته است، او که بارها دروس دورة مقدمات و سطح را تدریس کرده، در مؤسسه در راه حق به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه اخلاق و علم اقتصاد و نیز کتاب اقتصادنا (نوشته شهید صدر) اشتغال داشته است. در زمینه فلسفه نیز به تدریس کتاب‌های بدایة الحکمه و شرح منظومه و... پرداخته است. او مدتی نیز در دانشکده‌های مختلف تدریس کرده و روزگاری نیز به تدریس در مؤسسه باقر العلوم پرداخته است. وی از جمله همکاران و مؤلفین کتب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سالهای اولیه تأسیس بوده است. آیة الله مدرسی از سال 1372 ابتدا تدریس خارج اصول و چندی بعد خارج فقه را آغاز کرده که تا کنون یک دوره اصول به پایان رسیده و هم اکنون دورة دوم آن آغاز شده است؛ در بخش فقه نیز این تدریس ادامه داشته و از این رهگذر، طلاب و فضلای بسیاری تربیت شده‌اند. استاد مدرسی یزدی از روزگار جوانی برای فعالیتهای سیاسی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شده است.

او در خانواده‌ای رشد یافته که پدری مبارز در آن حضور داشته است؛ آیة الله سید جواد مدرسی که با امام خمینی(ره) از طریق مرحوم آیة الله سید عباس خاتم یزدی (ره) ارتباط داشت در طول دوران مبارزه، همواره یار امام بود. او وکیل امام در یزد بود و در کمک به مبارزان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کرد. فرزند این پدر نیز در راه مبارزه قدمهای استواری برداشت. از جمله اینکه در قم آیة الله العظمی گلپایگانی را از نقشه ساواک در سوء استفاده از مجلسی که برخی از علما و فضلا قرار بود در آن حضور یابند، آگاه ساخت. از فعالیتها سیاسی او پس از انقلاب می‌توان به عضویت در کمیته امام(ره) برای رتق و فتق امور استان لرستان و نیز نظارت بر انتخابات خبرگان در یزد اشاره کرد. آیة الله مدرسی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضوریافت. آیة الله مدرسی یزدی هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و همزمان از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است. همچنین وی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه است.

مرعشی خراسانی، ابوالفضل احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1235 ق)، عالم دینی، متکلم، مفسر، محدث و حکیم. وی از شاگردان وحید بهبهانی بود و از او و شیخ یوسف بحرانی، صاحب «الحدائق الناظرة»، روایت کرده است. او در سفر و حضر با فتحعلی‌شاه قاجار بود. گفته‌اند وی را با خوراندن سم شهید کردند. بر پاره‌ای از آثار وی اجازات و تقاریضی از استادان و علمای معاصرش وجود دارد. از آثارش: «اغاثة اللهفان من ورطات النیران»، در مواعظ؛ «التهذیب»، در اخلاق؛ شرح «الفوائد الجدیدة» بهبهانی؛ شرح «کفایه» سبزواری؛ «غنیة المصلی»، در تعقیبات؛ «منهج السداد»، در شرح «الارشاد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (220/ 3)، ریحانه (288/ 5)، معجم المؤلفین (136/ 2).

مسعودی، اصغر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اصغر مسعودی
محل تولد : نی ریز فارس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1362 بعد از اخذ دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه امام صادق (ع) به تصحیل پرداختم و در تابستان همان سال حاشیه و سیوطی را خواندم و از سال دوم در مدرسه امام صادق شروع به تدریس درسهایی که خوانده ام جامع المقدمات و صرف ساده نمودم و تا پایان سطح ، دروس را به صورت جهشی گذراندم.
متاسفانه مدتی از کار علمی صرف جدا به کار فرهنگی در معاونت سازمان تبلیغات اسلامی سنندج و مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی مریوان و مهاباد خدمت نمودم و در سال 72 مسئول نمونه استان کردستان برگزیده شدم. سه کتاب سیمای سنندج ، وضعیت فرهنگی اجتماعی مریوان، وضعیت فرهنگی اجتماعی مهاباد را نوشتم و سپس سیری در مهاباد و جمهوری 1946 را به رشته تحریر در آوردم.
مدتی در قم در ستاد منطقه 2 کشوری مسئول واحد آموزش و سر دبیر مجله پیک یاران بودم و کتاب پاسداری از حریم کتابت را نوشتم بیش از دو سال از محضر اساتید معظم خارج آیات عظام فاضل ره ، مکارم حفظه الله و سبحانی حفظه الله کسب فیض نمودم.در سال 1382 در دانشگاه باقرالعلوم ع در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد قبول و در سال 1384 از پایان نامه ام با موضوع سعادت از منظر فارابی و ابن سینا دفاع نمودم و در سال 1384 در جشنواره ممتازین بسیجی و شاهد کشور رتبه سوم کشوری را کسب نمودم.و اکنون با گروه فلسفه و کلام مدرسه حجتیه همکاری و درس فلسفه مقدماتی را تدریس می نمایم. مدتی نیز در دانشگاه پیام نور دروس معارف ، اخلاق کاربردی و کلیات فلسفه را

تدریس نمودم.

مسعودی، جهانگیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جهانگیر مسعودی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1

زندگینامه علمی
آقای جهانگیر مسعودی در سال 1344 در خانواده‌ای متدین در شهر مشهد به دنیا آمد، ایشان در سال 1360 به حوزه علمیه مشهد راه یافت، مقدمات و سطح را در هشت سال تمام و پس از آن به مرحله عالی راه یافت و در درس خارج آیات عظام، مرتضوی و زنجانی شرکت نمود. ایشان علاوه بر تحصیل علوم حوزوی از تحصیل دروس دانشگاهی غافل نماند و در سال 1382 در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع دکتر از دانشگاه تربیت مدرس تهران فارغ‌التحصیل شد، پس از به زادگاه خویش برگشت و بر کرسی تدریس در دانشگاهها نشست. در زمینه پژوهش نیز زحمات فراوانی را متحمل شده که به صورت مقاله و کتاب به جامعه اسلامی عرضه گشته‌اند.

مسیب نژاد، ابوالحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالحسن مسیب نژاد
محل تولد : لاهیجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب در سال 70-69 پس از اخذ دیپلم از شهرستان محل تولد خود لاهیجان برای شروع تحصیلات در علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدارس علمیه کرمانیها، حقانی، معصومیه ، مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس حوزوی را تحصیل نمودم.
در مدرسه آیت الله گلپایگانی در دروس محمد جواد فاضل و آقای فقیهی مقداری از کفایه و مکاسب را تحصیل نمودم و در سال 1380 وارد درس خارج اصول آقای صادق لاریجانی شدم و هم اکنون هم در درس خارج صلاة آقای سید محمد خاتمی مشغول به تحصیل هستم همزمان با تحصیلات در بنیاد نهج البلاغه چند سالی به کارهای تحقیقی اجرائی مشغول بودم و در کنار آن با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه در بخش تحقیقات مشغول به همکاری هستم مدتی هم با مرکز پژوهش های صدا و سیما در مجله ای در قسمت تحقیقات و نوشتن مقاله همکاری کردم. و در ضمن دروس حوزوی در سال 80 وارد رشته تحصیلی کارشناسی فلسفه در دانشگاه مفید شدم و در سال 84 دوره کارشناسی را به پایان رساندم . با دفتر تبلیغات حوزه نیز در بخش انتشارات چند سال است که در قسمت نمونه خوانی و تصحیح مشغول به همکاری هستم.

مسیح شرقیان، ابوالقاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم مسیح شرقیان
محل تولد : سادات شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1307/4/3

زندگینامه علمی
مادرم را در یک سالگی از دست دادم تا ده سالگی برایم به سختی گذشت در یازده سالگی قرآن آموختم و در دوازده سالگی به مدرسه جدید رفتم تا کلاس چهارم ابتدایی شاگرد ممتاز بودم ولی در سال پنجم پدرم مانع مدرسه رفتن من شد. هم کلاسی هایم به مدرسه می رفتند من شبی تا صبح به مدرسه می رفتم و به خانه برمی گشتم صبح دمید ماه رو به قبله بود من در وسط محل با خدا راز و نیاز کردم که توفیق تحصیل به من بدهد بعد به دینش خدمت کنم و ماه را شاهد گرفتم فردا پدرم ماجرا را به دوستش گفت او چند سال علوم دینی خوانده بود به من گفت من کتاب هایم را به تو می دهم تا پنج سال نیاز به خرید کتاب نداری . مرد نیکی بود تحصیلاتم را در علوم دینی نزد علمای محل شروع کردم تا سال بعد که سال 1324 شمسی بود پدرم مرا نزد جناب آیةالله حاج شیخ علی اکبر اللهیان قدس سره برد که در آن وقت در رامسر بود من و همدرسم مرحوم سید ابوالقاسم الهی نیا مقدمات علم نحو را شروع کردیم و بعدازظهرها هم درس اخلاق از کتاب معراج السعادة ملااحمدنراقی را در نزد جناب حاج شیخ اللهیان می خواندیم و با چند نفر دیگر بودیم. تابستانها جناب شیخ به ییلاق جواهر ده رامسر می رفت ما هم با او به ییلاق می رفتیم و تا سال 1328 هجری در رامسر و در شیخ زاهد محله چابکسر کتابهای مقدمات و سیوطی با حاشیه منطق و شرح تصریف و قدری مطوّل و قدری هم معالم را در علم اصول فقه خواندیم. در ماه رمضان هر سال که معمولاً آن وقتها تابستان بود در ییلاق روزها درس معمولی تعطیل بود ولی شبها علوم قرآن می خواندیم و روزها همان علوم را با جناب شیخ با قرآن تطبیق می دادیم و در طول چهار سال در اثنای دروس کرامات زیادی از جناب شیخ بروز کرد و بنده مخصوصاً در روبروی شیخ می نشستم تا

چیزی دریابم در تابستان 1328 به جای ییلاق جواهرده حاج شیخ به طالقان رفت و من نزد برادر بزرگش جناب آیة الله حاج شیخ محمد باقراللهیان درس خواندم و با مشورت او پاییز سال 1328 با دوست و هم مباحثه ام جناب سید محمد(آقانور) میرجعفری به قزوین رفتیم. فردای آن روز در اثر غربت و آینده نامعلوم در گوشه ای از مدرسه التفاتیه قزوین نشسته و فکر می کردم که ناگهان جناب حاج شیخ علی اکبر اللهیان وارد مدرسه شد و با دیدنش شاد شدم و به نزدش رفتم او اول ناراحت شد که چرا از رامسر به قزوین رفتم بعد گفت: خوب شد که به قزوین آمدی و به تهران نرفتی! سپس گفت: توسط دوستانم از متولی مدرسه برایت اجازه سکونت می گیرم که بی اجازه بیش از 3 روز در مدرسه وقفی سکونت جایز نیست و جناب شیخ همان روز اجازه سکونت را از متولی مدرسه مرحوم صدرالمعانی که مرد با شخصیتی بود گرفت و من از فردای آن روز درسهایم را به ترتیب نزد دانشمندان بزرگوار قزوین شروع کردم: 1- معانی و بیان را نزددانشمند مرحوم محمدحسین اویسی قزوینی 2- معالم را نزد زاهد بزرگوار آقاشیخ حسین قدسی 3- شرح لمعه جلد اول را نزد آقا شیخ محمود آقا شریعت مهدوی 4- جلد دوم را نزد آقا سید بزرگ علومی 5- قوانین جلد یک و جلد دو را نزد آیة الله آقا سید محمد تنکابنی 6- مکاسب شیخ اعظم را هم نزدآقا سیدمحمد تنکابنی خواندم که مرد بسیار شریف و بزرگواری بود 7- و رسائل شیخ را نزد آیة الله شیخ یحیی مفیدی خواندم 8- جلدین کفایة الاصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی را نزد علامه بزرگوار و فیلسوف نامدار آیة الله العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی اعلا الله مقامه الشریف خواندم. 9- درس دوره عالی و خارج فقه را نیز نزد علامه آیة الله العظمی رفیعی قزوینی خواندم و تا سال 1338 شمسی که مدت 10 سال گذشت (در این مدت در سال اول در شش ماه اول بسیار برایم سخت گذشت که در شبانه روز یک وعده غذا می خوردم و آن هم تمام شده بود و در شبی از شدت ضعف نماز خواندن بر من سخت شد از قضا شب نهم ربیع بود که عیدالزهرا معروف است و علامه قزوینی طبق معمول آن شب به طلبه های مدرسه چلوکباب می داد و از من هم دعوت شد ولی من با این که دو روز بود چیزی نخورده بودم دعوت را نپذیرفتم چون جناب استاد حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی به من سفارش کرده بود که هرگز غذای مفت نخورم زیرا علم نجیب است و با مفت خوری سازگاری ندارد!... در ضمن تحصیلات قدیم سال دوم ورودم به قزوین کلاس پنجم و ششم را یکدفعه تصدیق گرفتم و دوره تحصیلات متوسطه را نزد آقای احمد سرمدی که پیش من درس عربی می خواند گذراندم و من در نزد او زبان فرانسه و جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و هندسه فضائی و لگاریتم را آموختم سرانجام در سال 1338 با مشورت

علامه قزوینی که چندان راضی نبود که از قزوین بروم ولی با دست خط توصیه مرحوم شیخ علی اکبر اللهیان که از دوستان مرحوم آقای بروجردی بود برای حضرت آیة الله العظمی بروجردی قدس سره در نامه ای نوشت که این طلبه مستعد است!! و همین عبارت جناب شیخ باعث شد که 3 سال در قم جلو افتادم و بعد از چند ماه نزد آیة الله العظمی سلطانی طباطبایی بروجردی و آیة الله وحید گیلانی امتحان شفاهی از کتاب رسائل و مکاسب شیخ انصاری انجام شد و قبول شدم و امتحان کتبی من هم این بود که درس فقه خارج صلاة یک ماه اخیر آیةالله العظمی بروجردی را بنویسم آن هم با زبان عربی و لذا درس خارج فقه آقای بروجردی را به زبان عربی نوشتم و به نظر آقای بروجردی رسید و ایشان نوشتند: خوب است! و همین جمله باعث شد ماه اول بعد از امتحان برایم شهریه مبلغ یکصد و چهل تومان تعیین کردند و مبلغ یکصدو چهل تومان نیز تشویقی دادند. و سپس درسهایم را در قم ادامه دادم. فقه را در محضرت آیة الله العظمی بروجردی (ره) و اصول را نزد آیة الله العظمی امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی و فلسفه و حکمت را هم در مسجد سلماسی نزد علامه طباطبایی خواندم و پس از فوت آیة الله بروجردی فقه را نزد آیة الله العظمی گلپایگانی و آیة الله العظمی مرعشی نجفی و آیة الله العظمی اراکی ادامه دادم و پس از تبعید حضرت امام خمینی(ره) در درس اصول آیةالله العظمی میرزا هاشم آملی لاریجانی شرکت کردم و ضمناً در دروس آیةالله العظمی محقق داماد در درس خارج فقه نیز شرکت کردم. و مدتی نیز در درس آیةالله العظمی حاج شیخ مجتبی قزوینی که خواهرزاده استادم حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی بود و نیز در درس حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد شرکت کردم. و در سال 43 با استخاره در نزد علامه طباطبایی به دانشگاه تهران رفتم و در رشته فلسفه و حکمت اسلامی و وعظ و خطابه به همراه دوستانم آقایان 1-دکتر مصطفی محقق داماد 2- حجةالاسلام ناطق نوری 3- حجةالاسلام مهدی کروبی و جمعی دیگر موفق به کسب مدرک کارشناسی لیسانس معقول و منقول شدم که در سال 1348 فارغ تحصیل شدم و شاگرد ممتاز شدم و از 20 واحد دروس دانشگاهی نمره الف گرفتم و بعنوان تشویق بورس مصر را به من دادند ولی رابطه دولت ایران و مصر در آن زمان تیره شد و بنده نیز به دلیل مشکلات منصرف شدم. و بعد از آن مدت 30 سال و یک روز بعنوان دبیر دبیرستانهای رامسر در درسهای معارف اسلامی و فلسفه و منطق تدریس کردم و معلم نمونه شدم و 20 سال در ضمن استاد معارف اسلامی و اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی در دانشکده پرستاری بودم که ریشه های انقلاب اسلامی را نیز در ضمن تدریس بعنوان جزوه درسی تألیف کردم و مدت 8 سال نماینده مقام معظم رهبری در دانشکده

پرستاری بودم و در سال 1382 بازنشست شدم و همزمان 52 سال در مساجد رامسر و حومه به تبلیغ دین مشغول بودم و منبر رفتم و 45 سال امامت جماعت داشتم و 14 سال بعنوان امام جمعه موقت بودم و مدت 4 سال بعنوان استاد حوزه علمیه خواهران در شیرود تنکابن بودم و نیز 4 سال بعنوان رئیس شورای حل و اختلاف مستقر در دادگستری تنکابن بودم و 4 سال نیز است در دانشگاه پیام نور رامسر بودم و در دانشگاه شاهد رامسر تدریس کردم و این عهدی بود که در 63 سال قبل در دوران کودکی با خدای خود بسته بودم و ان شاءالله وفا کردم و خداوند قبول فرماید و توفیق بیشتر هم لطف بفرماید برای بعدها بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم – والسلام علیکم و رحمةالله.

مسیحی جرجانی، ابوسهل عیسی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 401 ق)، پزشک، فیلسوف و ریاضیدانان. در گرگان متولد شد و سالهای نخست زندگی خود را در بغداد گذراند، در همان جا به فراگیری دانشهای زمان خود پرداخت، سپس به گرگانج رفت و به دربار ابوعلی مأمون بن محمد خوارزمشاه راه یافت و به زودی به مقامی بلند رسید. برخی از تاریخ نگاران که پزشکانی به نام نیز بودند ابوسهل را استاد ابن‌سینا در پزشکی می‌دانند، اما ابن‌سینا درباره‌ی فراگیری پزشکی از کسی نام نبرده و گفته است چون این دانش چندان دشوار نیست، من در اندک مدتی بر همه‌ی آن آگاه شدم. ابوسهل در پزشکی از پیروان جالینوس بود، و در فلسفه نیز جایگاهی ویژه داشت. برخی آثار وی عبارت است از: «المائة فی الطب»؛ «کتاب فی العلم الطبیعی»؛ «طب کلی»؛ «مقاله فی الجدی یا آبله»؛ «اختصار کتاب المجسطی»؛ «کتاب فی الوباء»؛ «تعبیر الرویا»؛ «منافع الاعضاء»؛ «فی اظهار کلمة الله تعالی فی خلق الانسان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (298 -297 /5)، تاریخ ادبیات در ایران (346 /1)، تاریخ الحکماء قفطی (549)، تاریخ طب (676 /2)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (250 -249)، چهارمقاله (110)، دایرة المعارف فارسی (32/1)، ریحانه (148 /7)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوسهل)، کشف الظنون (1576، 1498، 416)، معجم المؤلفین (35 /8)، الملل و النحل (369)، نامه‌ی دانشوران (61 -57 /1)، هدیة العارفین (806 /1).

مسیحی، ابوالحسن سعید

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(495 -436 ق)، طبیب و حکیم. وی از اطبای بیمارستان عضدی و طبیب مخصوص رکن‌الدوله و معاصر المقتدی بامراللّه و پسرش، المستظهر بالله، از خلفای عباسی، و حکیم‌باشی آنان بود. او از شاگردان ابوالعلاء بن تلمیذ، ابوالفضل کتیفات و عبداللّه کاتب بود. در «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» از «الشامل فی الطب» ابوالخطاب نقل شده که علم طب در آن عصر به ابوالحسن سعید بن هبة اللّه منتهی می‌شده است. وی در بیمارستان عضدی مسئول مداوای بیماران و بویژه بیماران صفراوی بود. از آثارش: «المغنی فی الطب»، که برای المقتدی بامراللّه نگاشت؛ «مقاله‌ای در توصیف و کیفیت ترکیب داروها»؛ «کتاب خلق الانسان»؛ کتابی درباره‌ی «یرقان»؛ «مقاله‌ای در تحدید مبادی الفاظ در گفتارها و شماره‌ی آنها و جوابهایی که در مسائل طبی از او پرسیده‌اند»؛ «کتاب الاقناع»، در طب؛ «التلخیص النظامی»؛ «مقاله در بیان حدود و فروق»؛ «مقاله در ترکیب داروها».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ طب (702 -701/ 2)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (315 -314)، کشف الظنون (1750 -140).

مشائی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد رضا مشائی معروف به شهاب در سال 1310 درشهر یزد بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال 1345 است. وی در سال 1350 در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان مربی استخدام شد و پس از طی مراتب علمی به ترتیب استادیاری ،دانشیاری به درجه استادی این دانشکده نائل آمد.و در سال 1382 به درجه بازنشستگی نائل گشت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : منطق و کلاموالدین و انساب : پدر دکتر مشائی مرحوم آقا شیخ مرتضی مشائی از دودمان صحابی معروف ،حبیب بن مظاهر (رضی الله عنه) و از خاندان روحانی متوفی در سال 1321 در سن 40است. مادرش صبیه مرحوم آیه الله حاج میرزا و از طرف مادری از دودمان پیامبر گرامی اسلام(ص) می باشد.دایی دکتر مشائی مرحوم آیه الله پویا می باشد .او روحانی بزرگ و دارای تالیفات متعدد به زبان انگلیسی و غیره و ساکن هند و اخیرا در پاکستان بود.او صاحب روزنامه مسلم است.خاطرات کودکی : محمد رضا مشائی از کلاس پنجم و ششم ابتدایی ، داستانهای "موش و گربه عبید زاکانی" وداستان مربوط به"قاضی و مردی که دارای کیسه زر بود "را به یاد دارد او همچنین از بیمار شدن پدرش که پس از انتقال به اصفهان تحت معالجه قرار گرفت ولی معالجات کار ساز نبود و بالاخره در سن 40 سالگی فوت کرد خاطره تلخی بیاد دارد.دکتر مشائی از دیگر خاطرات خود چنین می گوید: "در حدود 11 سالگی در یک جوی آبی که حدود 25 متر عمق داشت سقوط کردم که پس از نجات و در جریان معالجه تا چند سال عوارض آن روی من باقی مانده بود."اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر محمد رضا مشائی روحانی بود و به تحصیل علوم دینی مشغول بود و ثروت زیادی هم را به ارث برده بود و از فروش آنها هزینه زندگی خود و خانواده و شش فرزند را تامین می کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات محمد رضا مشائی به قرار زیر است: - تحصیلات علوم دینی از سال 1324 : مقدمات (صرف ،نحو،منطق و معانی بیان)،معالم الاصول،نزد مدرسان خصوصی - تحصیلات کلاسیک متوسطه در سال 1329 بصورت متفرقه ،دیپلم پنجم علمی در سال 1331،ششم ادبی در اصفهان در سال 1332 - شرکت در کلاس درس ایه الله میلانی و اخذ

مدرک کارشناسی علوم معقول در سال 1339 - شرکت در دوره دکتری در سال 1342 و اخذ دکتری رشته الهیات در سال 1345 - کارشناسی ارشد رشته فلسفه در سال 1350خاطرات و وقایع تحصیل : محمد رضا مشائی بخاطر اینکه زبان انگلیسی را در کلاس شهید دکتر بهشتی گذرانده بود بیشتر اساتید در دوره های کارشناسی و دکتری با ایشان در مورد مطالب درسی (بیشتر کتب بزبان انگلیسی بود) مشورت می کردند. دکتر مشائی در دوره های کارشناسی و دکتری بعنوان شاگرد و دانشجو ممتاز معرفی شد ولی بعلت مسائل سیاسی از معرفی او امتناع کردند.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد رضا مشائی در کنار تحصیل به یادگیری زبان انگلیسی و آموزش ماشین نویسی می پرداخت که در این راستا 16 حرف را در یک دقیقه وارد می کرد و در نتیجه گواهی درجه یک را اخذ کرد.او همچنین به تدریس کتب دینی همچون صرف میر ،هدایه و سیوطی و غیره بصورت آزاد برای طلاب و تدریس خصوصی عربی برای داوطلبان کنکور و غیره می پرداخت.استادان و مربیان : از اساتید محمد رضا مشائی می توان از مرحوم آقای بروجریدی ،مرحوم حاج آقای مرتضی حایری،مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم حاج آقای یزدی (حوزوی) و مرحوم دکتر مجتهدزاده ،آقای واعظ زاده ،دکتر صدیقی و دکتر سکوت و غیره (اساتید دانشگاهی) نام برد.هم دوره ای ها و همکاران : مرحوم دکتر شفایی،آقای عطایی(کارشناسی) دکتر شیخ ،مرحوم دکتر باهر (دکتری) ، دکتر احمدی ، ضیاء شهابی(کارشناسی ارشد)از همدوره ایهای محمد رضا مشائی بوده اند.همسر و فرزندان : دکتر مشائی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرهنگ (دارای سیکل متوسطه و خانه دار) و سه فرزند دختر می باشد که به ترتیب دارای تحصیلات و سمتهای زیر می باشند: - عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد - جراح و پزشک متخصص زنان و ساکن کرمان - عضو هیئت علمی پژوهشی وزارت جهاد کشاورزیمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری محمد رضا مشائی به قرار زیر است: - مدیر گروه کلام و فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت 3 سال - معاون دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت یک سال - معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد بمدت 6 سال - سرپرستی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال - عضو هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال - عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد - منشی دفتر اسناد رسمی از سال 1323-1328 - دبیر و عضو کمیته منتخب الهیات - عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه بمدت 12 سال - سرپرستی حوزه علوم دینی یزد(با موافقت دانشگاه بصورت رفت و برگشت) - سرپرستی مدرسه علمیه آیه الله صدوقی در مشهد - عضو کمیته برنامه

ریزی دانشکده های الهیات کشور - عضو موسس دانشگاه علوم اسلامی رضوی - عضو هیئت امنای و نیز تدوین کننده برنامه ریزی درسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی - عضو شورای علمی امور فرهنگی آستان قدس رضوی (ع) - عضو هیئت تحریریه مجله مشکوه بمدت چندین سالفعالیتهای آموزشی : محمد رضا مشائی از اسفند 1344 تا مهر 1350 در محلات دبیر بودند او در سال 1350 با عنوان مربی در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد استخدام شد و پس از طی مراتب و مدارج علمی به ترتیب از استادیاری ،دانشیاری به درجه استادی نائل آمد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر مشائی آموزشگاه عالی خیام را در مشهد تاسیس کرده است.جوائز و نشانها : محمد رضا مشائی بخاطر شاگرد اولی در دوره کارشناسی مدال اول فرهنگ را دریافت کرده است.چگونگی عرضه آثار : محمد رضا مشائی دارای هفت مقاله چاپ شده و ده کتاب که یکی چاپ شده و یکی در شرف چاپ و بقیه نیمه تمام است.او استاد راهنمای بیش از 31 پایان نامه کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری می باشد.آثار : ترجمه کتاب کافیه این حاجب در دو جلد که یک جلد ان تمام شده است. تصحیح و تذییل و نشر نسخه منظومه اعرجی (در منطق) ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه هشت دانشگاه مک گیل کانادا-3 تصحیح و ترجمه تذلیل کتاب جوهر النضید در منطق ویژگی اثر : تالیف خواجه طوسی و علامه حلی- دارای دوجاد که جلد اول آن در شرف اتمام می باشد4 تصحیح و حواشی و ترجمه شرح باب حادی عشر ، جمع غلطهای مستعل در محاورات،نوشته ها و علوم انسانی ، حواشی بر منطق مظفر ، سرگذشت مذهب دری از قدیم تا کنون که قرار بود از طرف دانشکده الهیات بچاپ برسد ، شواهد النحوین ویژگی اثر : ترجمه و شرح کلیه مثالهای کتاب معروف به سیوطی9 فرهنگ و اصطلاحات و ضرب المثلهای یزد ویژگی اثر : این کتاب در ضمن حدود سی سال بتدریج ضبط شده و حدود دو جلد می باشد10 منطق به زبان عربی ویژگی اثر : برای دانشجویان دانشکده الهیات کشور و احتمال جوزه های علوم دینی که نیمی از آن تالیف شده است.

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر محمد رضا مشائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- زمستان 1386

مشرقی شیرازی، حسن

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1038 ق)، حکیم، عارف و شاعر. از شعرای عهد صفوی بود و در اشعارش مکرر شاه عباس اول (1038 -996 ق) و شاه صفی (1052 -1038 ق) و امراء و حکام آنان را مدح گفته است. وی با اینکه مردی عارف مشرب و وارسته بود ولی در اشعار او مضامین عارفانه بسیار کم دیده می‌شود. در اشعارش گاهی ابیات بسیار عالی، در ردیف اشعار استادان بزرگ، وجود دارد و گاهی اشعار مبتذل و بی‌معنی، به همین علت صاحب بعضی تذکره‌ها معتقدند که ممکن است وی اشعار شعرای پیش از خود، خصوصا اشعار شاعر معاصرش ملک مشرقی مشهدی (م 1050 ق)، را به نام خود آورده باشد. ظاهرا او در 1038 ق زنده بوده و در اواخر قرن یازدهم در شیراز وفات یافته است. مقبره‌اش در شیراز به تکیه مشرقین مشهور است. از آثارش: «کلیات» شامل: 1- مثنوی «شمس المشرقین»، در برابر «تحفة العراقین» خاقانی، سروده شده در 1010 ق، 2- مثنوی «شبستان انس»، در برابر «بوستان» سعدی، 3- قصاید، هفت هزار و پانصد و پنجاه بیت، 4- مراثی و ترجیعات و هفت بند، ششصد و پنجاه بیت، 5- مقطعات در تاریخ وفیات و فتوح شاه عباس، چهارصد و پنجاه بیت، 6- رباعیات، چهارصد بیت، 7- غزلیات، نه هزار و پانصد بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (439 -434/ 4)، الذریعه (226، 223 -222/ 19، 1049 -1048/ 9)، طرائق الحقائق (494/ 3)، منظومه‌های فارسی (537 -533).

مشکی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی مشکی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/7/1

زندگینامه علمی
در سال 1362 در رشته اقتصاد مدرک دیپلم گرفتم و در همان سال در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی رحمةالله علیه مشغول به تحصیل شدم و مقدمات حوزوی را تا سال 1368 در مدرسه ایشان به پایان رساندم و در سال 1368 به قم مشرف شدم و همزمان با دروس حوزه (رسائل و مکاسب) در مؤسسه در راه حق که در آن زمان بخش آموزش آن زیر نظر حضرت آیت الله مصباح یزدی حفظه الله اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم.
در سال 1373 پس از فراغت تحصیل در آنجا در رشته تخصصی فلسفه شرکت کردم و پس از قبولی در آن رشته و همزمان با تاسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ، رشته تخصصی فلسفه را در مؤسسه مذکور آغاز کردم و در سال 1378 با دفاع از پایان نامه خود که در شش ماه آن را نوشتم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم.
پس از آن در سال 1379 با بخش پژوهشی مؤسسه همکاری نمودم و پژوهشی را درباره «مدرنیته» با دو نفر دیگر از دوستان آغاز کردم که بخش اول آن به نام اسلام و اومانیسم حدوداً در سال 1382 آماده شد و به پژوهش مؤسسه تحویل دادیم و سپس بخش دوم که «سکولاریسم » بود را به صورت فردی ادامه دادم و پس از پایان یافتن این بخش در سال 1384 این بخش تیر تحویل پژوهش گردید. در سال 1382 همراه با تحقیقات پژوهشی به عضویت هیئت علمی و پژوهشی مؤسسه در آمدم و پس از دو سال عضو هیئت علمی آموزشی شدم و از سال 1382 تا کنون مشغول تدریس در مؤسسه می باشم و عمده فعالیتهای بنده در حوزه تدریس می باشد و در بخشی هم با واحد تربیت مربی اخلاق همکاری

دارم.

مصباح یزدی، محمد تقی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگینامه آیت الله محمد تقی مصباح یزدی
تولد و دوران کودکی
استاد، آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، یازدهمِ بهمن ماه هزار و سیصد و سیزده، برابر با بیست پنجم شوال هزار و سیصد و پنجاه و سه هجری قمری، در دامان پرمهر خانواده ای بسیار متدین و مذهبی در شهر یزد به دنیا آمد.
زندگی پدر و مادر استاد در منزل میراثیِ مادریشان با سختی بسیار می گذشت. مادر با کمک خاله ها، در خانه جوراب می بافت تا پدر برای گذران زندگی جوراب ها را در مغازه بفروشد. این شغل بسیار کم درآمدی بود; به طوری که پدر می بایست هر از چندی مبلغی قرض می کرد تا به کارش سامانِ دوباره دهد.
استاد درباره آن روزگار چنین می گوید:
یادم می آید بهترین غذایی که دوست داشتیم و هفته ای یک مرتبه می خوردیم این بود که با برادرم از مدرسه که می آمدیم، دو ریال و ده شاهی سرشیر می خریدیم، و مادر کمی آب قند درست می کرد و با این سرشیر قاطی می کرد، و این بهترین شام آخر هفته بود.
پیش از تولد محمدتقی، مادر خواب می بیند که «قرآن» به دنیا آورده است. با نگرانی خواب خود را نزد معبّری به نام سیدمحمدرضا امامیه، که از علمای یزد بود، بازمی گوید. سید در پاسخ می گوید: فرزندی که متولد می شود پسر است، و بشارت باد که او عالم و حامی قرآن خواهد بود.
این خواب، هرچند بعدها به فراموشی سپرده شد، ناخودآگاه موجب علاقه شدید والدین، و به خصوص مادر محمدتقی به وی و آینده اش گشت.
دوران مدرسه
روزگار کودکی محمدتقی در آغوش خانواده ای اینچنین پاکدل و باصفا، با اندوخته هایی ارزشمند از تربیت ناب دینی سپری شد، و او برای کسب دانش و معرفت بیشتر راهی دبستان گردید. محمد تقی چنان مشتاق دانستن بود که همه ساله در امتحانات پایانی، شاگرد ممتاز مدرسه شناخته می شد و همین امر موجب محبوبیت او نزد مدیر و معلمان مدرسه گشته بود، و آنان وی را تشویق می کردند که با ادامه این شیوه درس خواندن، از مخترعان و مکتشفان و دانشمندان برجسته میهن باشد. اما محمدتقی

آرزویی دیگر داشت. او تنها به تحصیل علوم دینی و کسب معارف الهی می اندیشید، و بر همین اساس بود که در انشای کلاس چهارم نوشت می خواهد به نجف برود و درس دینی بخواند. این انشا آموزگار و هم شاگردی های محمدتقی را شگفت زده کرد; چه هم کلاس ها که خود آرزو داشتند روزی خلبان، سرهنگ، وزیر، وکیل یا... شوند، می دیدند شاگرد ممتاز مدرسه عجب پیشه ای برای آینده اش در نظر گرفته است!

آغاز طلبگی

محمدتقیِ نوجوان در سال تحصیلی 26ـ1325 دوره ابتدایی را به پایان برد. انتظار به سر آمده بود و شیفتگی به فراگیری علوم دین موجب شد که او به جای گذراندن تعطیلات و تفریحات، از همان ابتدای تابستان وارد حوزه علمیه یزد شود. محمدتقی در یکی از حجره های مدرسه شفیعیه ـ واقع در میدان خان ـ ساکن شد و بی اعتنا به وضع نابسامان حوزه، و مخروبه بودن مدارس و حجره ها، و نیز فقدان استاد و برنامه درسی منظم، چنان به درس و بحث و مطالعه اهتمام ورزید که در مدت چهار سال، تمام مقدمات و سطوح متوسطه را تا رسایل و مکاسب، با تحقیق و جدیت فوق العاده ای به پایان برد; حال آنکه گذراندن این مدارج، به طور معمول حدود هشت سال زمان می طلبید.

محمدتقی، همچنین در کنار دروس رسمی حوزه، با انگیزه علم دوستی و حقیقت جویی، برخی علوم روز از قبیل فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و زبان فرانسه را نزد روحانی فرهیخته ای به نام «محقّقی رشتی» که بعدها از سوی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی به آلمان اعزام شد، می آموخت.

هجرت به نجف

طلبه جوان، با ذوق و شوق فراوان گرم تحصیل بود که بار دیگر شیخ احمد آخوندی که اول بار انفاس قدسی اش او را دلباخته معارف قرآن و عترت (علیهم السلام) ساخته بود، به میهمانی شان آمد. شیخ با مشاهده آن همه علاقه و پیشرفت، وی را تشویق کرد که برای ادامه و تکمیل تحصیلات به نجف اشرف هجرت کند و خانواده را نیز ترغیب نمود تا برای حمایت از او به نجف مهاجرت کنند و مقیم آن دیار شوند.

به این ترتیب پدر و مادر که دلبسته فرزند بودند، تصمیم گرفتند خانه و وسایل کارشان را بفروشند و به نجف هجرت کنند.

قرار بود طلبه جوان با خیال آسوده به درس و تحقیق بپردازد و پدر و مادر کار بافندگی خود را در آنجا از سر گیرند; اما پس از شش ماه که به زحمت در آنجا ماندند، وضع کاری خانواده رونقی نگرفت و تلاش های فراوانِ پدر برای کسب درآمد کارگر نیفتاد، و در نهایت مجبور شدند به ایران مراجعت کنند.

اقامت در نجف، هرچند کوتاه بود، خاطرات بسیاری به یادگار گذاشت.

گرمی بازار درس و بحث و حضور علمای بزرگی چون مرحوم حکیم، مرحوم شاهرودی، مرحوم سیدعبدالهادی شیرازی، مرحوم میرزا آقا استهباناتی که آن روزها از علمای تراز اول بودند و امثال مرحوم خویی که در رتبه بعد قرار داشتند، شکوه و جلال خاصی به حوزه نجف بخشیده بود.

هجرت به قم

خانواده از نجف بازگشتند و قرار شد برای مدتی در تهران بمانند. اما محمدتقی تصمیم داشت برای تحصیل به قم عزیمت کند.

مهدی، برادر کوچک تر محمدتقی بود، و در یک فروشگاه ظروف آلومینیوم شاگردی می کرد. او از پس انداز ناچیز خود در طول تابستان، یک چراغ فتیله ای، یک بشقاب، یک قابلمه، یک قاشق و یک قوری فلزی برای برادر خرید تا با خاطری آسوده تر در قم زندگی کند و درس بخواند.

البته محمدتقی نیز در تابستان بی کار نبود و با تدریس در کلاس های تابستانی توانست شصت تومان به دست آورد. با چهل تومانِ آن یک پتو خرید و بیست تومان باقی مانده را خرج راه ساخت. او حدود بیست روز مانده به آغاز درس ها راهی قم شد تا بلکه بتواند حجره ای بگیرد و سامانی بیابد.

یافتن حجره کار آسانی نبود. آن روزها دو ـ سه مدرسه کوچک در گوشه و کنار قم، و دو مدرسه بزرگ در نزدیکی حرم مطهر وجود داشت: یکی مدرسه فیضیه و دیگری مدرسه حجتیه. احتمال اینکه در این دو مدرسه به کسی حجره بدهند، بیشتر بود; اما با وجود این، شرط ورود به مدرسه تازه ساز حجتیه آن بود که طلبه می بایست بیست سال تمام داشته باشد، و محمدتقی هنوز 19 ساله بود. به این ترتیب تنها مدرسه فیضیه باقی می ماند. پیدا کردن متولی مدرسه بسیار مشکل بود. «می بایست هر روز ساعت ها کنار حسینیه ای که نزدیک منزلش بود می نشستی که اگر یک وقت از منزلش خارج شد، پیدایش کنی و دست به دامنش شوی و از او حجره بخواهی! او هم اگر سرِحال بود و حوصله داشت، برخورد خوبش این بود که "حالا شما چند روز صبر کنید، شاید حجره خالی پیدا شود!" و از این جور جواب های سربالا».

یکی دو ماه به همین صورت گذشت و او موفق نشد حجره ای پیدا کند. این گرفتاری ها عرصه را بر او تنگ کرده بود، تا اینکه سرانجام روزی متولی را در حیاط مدرسه دید و با ناراحتی به او گفت: «آقا! من دو ماه است اینجا سرگردانم و شما هم با اینکه حجره خالی دارید، مرتب وعده می دهید و عمل نمی کنید. شاهدش هم این است که شخصی که بعد از من آمده بود، به شما مراجعه کرد و به او حجره دادید، و با اینکه من قبل از او آمده بودم، به من حجره ندادید!..». متولی مدرسه نیز در پاسخ، جواب تندی داد و کاملا مأیوسش کرد. بر اثر ناامیدی و احساس غربت،

بغضش ترکید و با گریه زمزمه کرد: «اگر به من حجره ندهید، از شما به حضرت معصومه(علیها السلام) شکایت می کنم!» اما متولی مدرسه هیچ متأثر نشد.
طلبه جوان با حالت گریان از او دور می شد که مشهدی ماشاءاللّه، خادم مدرسه فیضیه، صدایش کرد و گفت: «آقای یزدی! چرا گریه می کنی؟! و بعد آهسته گفت: ناراحت نباش، من به شما حجره می دهم!»
مشهدی این را گفت و از او دور شد. مدتی گذشت و او همچنان در انتظار آمدن مشهدی ماشاءاللّه بود. بالاخره خادم مدرسه با طلبه دیگری به نام سیدعلی محمد پیدا شد. او نیز جوانی یزدی بود و دنبال حجره می گشت، و به این ترتیب با هم به حجره مورد نظر رفتند. «حجره که چه عرض شود، یک فضای باریکه ای بود که در واقع انباری زیر پله های واقع در زاویه مدرسه به شمار می رفت و اسباب آبپاشی و جارو و از این قبیل را آنجا نگهداری می کردند. تخت شکسته ای هم در یک گوشه آن افتاده بود. دیوارها تا سقف نم داشت و ابداً آفتاب به آنجا نمی تابید، و درِ آن هم شیشه نداشت!»
با وجود آنکه روزها بیشتر بیرون حجره به سر می بردند و شب ها نیز فقط برای چند ساعت استراحت به آنجا می آمدند، بعد از ده ـ دوازده روز هر دو، بر اثر رطوبت، دچار پادرد و کمردردی شدید شدند. مدتی با همین وضع گذشت تا اینکه روزی یکی از طلبه های یزدی نزد آنان آمد و گفت که رفیق هم حجره اش ازدواج کرده به منزل منتقل شده است، و وسایل حجره آنان را به حجره خودش برد، و به این ترتیب از آن به بعد ایشان حجره دار شدند; حجره ای که به اصطلاح آبرومند بود و می شد در آن زندگی کرد.
سال اول به این منوال در مدرسه فیضیه گذشت. محمدتقی روزانه در چهار درس شرکت می کرد: درس خیارات مکاسب مرحوم آقامرتضی حائری، که صبح ها در منزل ایشان برقرار می شد; جلد اول کفایه مرحوم آقاشیخ عبدالجواد جبل عاملی که اول طلوع آفتاب در مسجد عشقعلی برگزار می شد، و او با یکی از دوستانش پیش از طلوع آفتاب این درس را مباحثه می کردند; جلد دوم کفایه نزد مرحوم آقامرتضی حائری که عصرها در منزل ایشان برگزار می شد; و دیگری درس منظومه بود. آموختن و مطالعه و مباحثه این دروس، تمام وقت او را پر می کرد، و در شبانه روز پنج تا شش ساعت برای استراحت و دیگر امور باقی می ماند. اما وی با علاقه و شوقی وصف ناپذیر مشکلات و کاستی ها را به جان می خرید و دل مشغولی عمده اش پرداختن به درس و بحث بود.
او مشکلات خود را در آن دوران این گونه توصیف می کند:
...نهایت کمکی که خانواده ام می توانستند به من بکنند ماهیانه حدود

بیست تومان بود، که آن هم مرتب نمی رسید، و گاه می شد که حتی یک لقمه نان برای شب نداشتیم. طوری برنامه ریزی کرده بودیم که روزی 6 تا 7 قران بیشتر خرجمان نشود، و این، تنها پولِ یک نان سنگک و یک سیر پنیر می شد. بعضی وقت ها هم نصف نان سنگک می خریدیم و برای شب هم بعد از نماز سی شاهی می دادیم و از خشکه پزی کنار درب فیضیه یک نان کسمه کوچک می گرفتیم و این شام ما بود... . یک روز پولمان کاملا تمام شده بود و من تصمیم گرفتم پولی قرض کنم. در خلوت با خدا نجوا کردم که «خدایا می خواهم برای رضای تو و برای اعتلای دین تو درس بخوانم! خودت می دانی که توقع زیادی هم ندارم! هرگونه که خودت صلاح می دانی وسیله ای فراهم کن که من مقداری پول از کسی قرض کنم یا بگیرم! می دانی که من آدمی نیستم که بتوانم پیش کسی بروم و تقاضای حاجت کنم. خودت برسان! اگر هم صلاح نمی دانی، توفیق بده تا بتوانم صبر کنم».
[گذشت] تا اینکه عصر یک روز، که ظهرش ناهار حسابی نخورده بودم، داشتم در حیاط مدرسه فیضیه قدم می زدم که شنیدم پستچی از طلبه ها سراغ محمدتقی یزدی را می گیرد. جلو رفتم و با ناباوری از اینکه کسی برایم نامه بفرستد، نامه را گرفتم. از یکی از علمای یزد بود که آن وقت ها ارتباطی با ایشان نداشتم. ایشان یک حواله بیست تومانی برای من فرستاده بودند، که بعد از چند ماه سفره مان رونق گرفت... .
آن زمان مرحوم آقای حجت به طلبه ها مُهر نان می داد. من هم به فکر افتادم از ایشان تقاضای مُهر نان کنم; اما نمی خواستم به دستگاه ایشان مراجعه کنم. بنابر این نامه ای به این مضمون نوشتم:
حضرت آیت الله حجت، من شخصی به این نام هستم و در قم درس می خوانم و در درس آقای حائری شرکت می کنم. شنیده ام که مُهر نانی به طلبه ها می دهید. اگر شامل من هم می شود، من هم طلبه هستم.
صبح که می خواستم نامه را ببرم فکر کردم نکند این کار، خلاف قاعده و برنامه حوزه باشد، و این نان به کس دیگری تعلق داشته باشد و به ملاحظه شاگردی آقای حائری بخواهند به من بدهند! این بود که نامه را پاره کردم... .
با وجود همه این دشواری ها شیخ محمدتقی در مدت یک سال، باقی مانده دروس سطح را به اتمام رساند، و از سال بعد در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی(رحمه الله) حضور یافت. از سوی دیگر، بیست سالش تمام شده بود و با احراز شرایط اقامت در مدرسه حجتیه، در آنجا حجره گرفت. توفیق آشنایی با بزرگان و علمای وارسته ای همچون امام خمینی(رحمه الله)، علامه طباطبایی(رحمه الله) و آیت الله بهجت چنان لذت بخش بود که تازه می فهمید هجرت از نجف به

قم از تقدیرات بسیار نیکوی خداوند در حق او بوده است.
آشنایی با امام خمینی (رحمه الله)
شیخ محمدتقی از همان سال اول ورود به قم، با امام خمینی(رحمه الله)، که از سال ها پیش استاد برجسته حوزه بود، آشنا شد و خدمت ایشان ارادت یافت. با اینکه هنوز کفایه و مکاسب می خواند، گاهگاهی برای کسب آمادگی در درس خارج ایشان شرکت می جست و از سال دوم به بعد به طور مرتب در آن درس حاضر می شد.
از جمله خصوصیات بارز امام(رحمه الله)، دقت نظر، نقادی آزادانه و آزادی اندیشه بود که در درس های دیگر اساتید کمتر دیده می شد. این ویژگی ها برای ذهن پویای طلبه ای چون او بسیار جذاب بود.
آشنایی با علامه طباطبایی (رحمه الله)
آن روزها که تازه به قم آمده بود، در مدرسه حجتیه، کنار ساعت آفتابیِ پهلوی حوض، سیدی نورانی توجه او را به خود جلب کرد. او مردی بسیار نحیف بود که عمامه ای کوچک بر سر داشت، و لباس های بی پیرایه اش از ساده زیستی او حکایت می کرد. محمدتقی درباره او از دوستانش پرسید. گفتند: او قاضی کوچک است، و این ساعت آفتابی را نیز خودش ساخته و اینک برای تشخیص ساعت آمده است. تازه تنها این نیست. آشنایی با هیئت و ریاضیات نیز یکی از خصوصیات ایشان است. او امتیازات دیگری هم دارند: درس تفسیر می گویند، استاد فلسفه هستند، و... .
مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه یکی از دوستان به او پیشنهاد کرد در درس تفسیر استاد که روزهای پنجشنبه در مسجد سلماسی تشکیل می شد شرکت کند. او نیز پذیرفت، و پس از مشاهده حالات معنوی و روحانی علامه، و نیز روش تدریس بسیار عالی شان مجذوب و شیفته ایشان شد و آرزو کرد همواره در خدمت و مصاحبت ایشان باشد.
محمدتقی پس از آن در پی موقعیتی بود تا با علامه ارتباط بیشتری برقرار کند; ولی روحیه اش چنان بود که نمی توانست خود را نزد استاد مطرح سازد. از طرفی برخورد علامه نیز به گونه ای بود که به صورت افراد نگاه نمی کردند. به هرحال در درس ایشان شرکت می جست و گاه نکته هایی که به نظرش مبهم می رسید، پس از درس می پرسید و گاهی هم که سؤال کنندگان زیاد بودند دنبال ایشان به راه می افتاد و اگر فرصتی دست می داد سؤالش را مطرح می کرد.
سرانجام سؤال های هوشمندانه محمدتقی توجه علامه را جلب کرد و موجب عنایت خاص ایشان به وی گردید، و این زمینه ای شد که او به تدریج بتواند درخواست های دیگری مطرح سازد، و از ایشان بخواهد که در زمینه مسائل اخلاقی و معنوی او را راهنمایی کنند.
رابطه محمدتقی با علامه چنان قوت گرفت که گاه به طور خصوصی از

ارشادات اخلاقی آن بزرگوار بهره مند می شد، و علامه نیز نسخه های دست نویس تفسیر خود را پیش از چاپ به وی می داد تا مرور کند و اگر نکته ای برای اصلاح به نظرش می رسد، تذکر دهد.
آشنایی با آیت الله بهجت (رحمه الله)
از جمله دیگر بزرگانی که محمدتقی در همان سال های اول با ایشان آشنا شد، حضرت آیت الله بهجت (رحمه الله) بود. منزل آیت الله کنار مدرسه حجتیه قرار داشت و معمولاً در رفت وآمدها، و به خصوص صبح ها که ایشان از حرم بازمی گشتند، در کوچه با ایشان برخورد می کرد. مدتی گذشت و از دوستان شنید که آیت الله بهجت از نظر علمی بسیار برجسته اند و سال های قبل، از شاگردان ممتاز آقای بروجردی بوده اند، همچنین از نظر اخلاقی و معنوی برگزیده و اهل مقامات اند، و در نجف از شاگردان عارف کامل، مرحوم سیدعلی آقای قاضی بوده اند، که دیگر شاگردان آن مرحوم، از مقامات عالی معنوی او خبر می داده اند.
این اوصاف، محمد تقی را که همیشه تشنه فضیلت و معنویت بود، ترغیب می کرد که از چنین شخصیتی بهره برد; ولی از آنجا که آیت الله بهجت به آسانی کسی را نمی پذیرفت، با عده ای از دوستان تصمیم گرفتند برای تقویت بنیه فقهی شان از ایشان بخواهند به طور خصوصی برای آنان فقه بگوید و به این طریق بتوانند از خصوصیات اخلاقی ایشان نیز بهره گیرند. آیت الله بهجت پذیرفتند و درس فقه پرباری همراه با دقت نظرهای کم نظیر و استقلال رأیِ تحسین برانگیز، ارائه فرمودند. شیخ محمدتقی که مدت پانزده سال در آن درس شرکت نمود، محضر درسی آن آیت حق را این گونه توصیف می کند:
درسی بسیار پرمحتوا، دقیق و خوب بود، و آنچه بر خوبی آن می افزود این بود که ایشان غالباً پیش از درس تشریف می آوردند و به مناسبتی ـ که گاهی در آن زمان آن مناسبت را درک نمی کردیم ـ حدیثی می خواندند، یا داستانی نقل می کردند، و ضمن آن، مطالب اخلاقی و دینی ای را که مورد نظرشان بود می فهماندند، و عجیب این بود که هم من و هم دوستان دیگر، تجربه کرده بودیم مطالبی که آنجا گفته می شد و ظاهراً بدون مناسبت به نظر می رسید، در واقع نکته هایی بود که برای افراد سازندگی داشت، و اشاره به مسایلی بود که به بعضی از افراد حاضر در جلسه مربوط می شد و خود آنها درک می کردند، و گاهی هم با خیره شدن در چشم شخص، گویا به او می فهماندند که «دارم به تو می گویم !...» و همین طور گاهی درباره یک مسئله سیاسی، جریانی را قبل از وقوع آن پیش بینی می کردند. مخصوصاً آن زمان ها در کوران انقلاب و حملاتی که دژخیمان شاه به فیضیه می کردند، ایشان اصرار داشتند که باید این وقایع را نوشت و منتشر کرد. طرح این مسائل از طرف ایشان انگیزه ای شد که ما نیز

بیشتر در فعالیت ها و مبارزات، مشارکت داشته باشیم.
این آشنایی پانزده ساله، زمینه ارتباط و علاقه هر چه بیشتر استاد و شاگرد را فراهم ساخت، و رفته رفته استاد نیز به استعداد و نبوغ علمی و اخلاقی شاگرد خود پی برد، و این امر سبب شد که آیت الله بهجت، او را در مقام مدرس اخلاق به مردم معرفی کند. حجة الاسلام والمسلمین، دکتر مرتضی آقاتهرانی در این باره می گوید:
قبل از پیروزی انقلاب، عده ای از بازاریان قم خدمت آیت الله بهجت آمده و از ایشان درخواست کرده بودند که خودشان یا یک نفر از روحانیون مورد تأییدشان یک درس اخلاق برگزار نمایند. آیت الله بهجت فرموده بودند که جناب آقای مصباح یزدی در این زمینه مورد تأیید من است. بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می خواهم که درس اخلاق را بیان کنند. این درس اخلاق تا مدت ها در منزل مرحوم اسلامی در قم که بعداً به حسینیه یا مسجد تبدیل شد، ادامه داشت.
ابعاد علمی
شخصیت استاد مصباح به لحاظ علمی ابعاد گوناگونی دارد. در این مقام به این ابعاد می پردازیم:
تحصیلات، مطالعات و تحقیقات
استاد در زمینه های مختلف علوم اسلامی از قبیل فقه و اصول، تفسیر و فلسفه، و نیز رشته های دانشگاهیِ علوم انسانی و زبان خارجی (انگلیسی و فرانسه)، تحصیل، مطالعه و تحقیقات جامعی داشته اند. اینک هریک از این زمینه ها را برمی رسیم.
فقه و اصول
آیت الله مصباح در رشته فقه، از محضر اساتید بزرگی چون آیات عظام بروجردی (رحمه الله)، اراکی (رحمه الله)، امام خمینی (رحمه الله) و بهجت (رحمه الله) بهره برده اند; به گونه ای که موفق به اخذ جایزه از سوی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی شدند، و در نهایت به درجه اجتهاد نایل آمدند. بر این اساس، ایشان طبعاً در رشته های مرتبط با فقاهت، مانند اصول فقه، رجال و درایه نیز به قدر کافی مطالعه و پژوهش داشته اند.
به گفته حجة الاسلام محمود رجبی استاد تفسیر حوزه علمیه قم جناب استاد مصباح حدود هشت سال به طور فعال در درس فقه مرحوم آیت الله بروجردی شرکت کردند، و در اولین امتحان درس خارج که در زمان مرحوم آیت الله بروجردی برگزار شد و ممتحنان آن مرحوم آیت الله سلطانی و مرحوم حاج مقدس اصفهانی بودند، دانش پژوه ممتاز معرفی گردیدند; به طوری که برخی اساتید پیش بینی کردند اگر چهار سال دیگر، همین گونه به تحصیل ادامه دهد، مسلماً به مرتبه اجتهاد خواهد رسید.

چیزی نگذشت که این پیش بینی تحقق یافت و ایشان در سن 27 سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد; اما با این حال تا 8 سال در دروس فقه و اصول حضرت امام خمینی(رحمه الله) و تا 15 سال در درس فقه آیت الله بهجت (دام ظله العالی) و تا 2 سال در درس آیت الله اراکی شرکت می کردند.
حجة الاسلام دکتر علی مصباح ، فرزند استاد، یکی دیگر از فعالیت های ایشان را در زمینه فقه چنین توصیف می کند:
بعد از تبعید امام خمینی(رحمه الله) و تعطیلی درس آن بزرگوار، چون به شاگردانشان توصیه فرموده بودند که درس را به صورت مباحثه های مشترک (کمپانی) ادامه دهند، استاد مصباح و چند نفر دیگر از افاضل، که عبارت بودند از: حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، حضرت آیت الله محمد یزدی، حضرت آیت الله حسین مظاهری و حضرت آیت الله سیدعلی اکبر موسوی یزدیدر عمل به توصیه حضرت امام مباحثه مشترکی آغاز نمودند که این مباحثه تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. موضوعات مورد بحث در این جلسات مهم و پربار، عمدتاً مباحث اجتماعی اسلام، مانند بحث امر به معروف و نهی از منکر و بحث تقیه و امثال آن بود.
آیت الله بهجتی، امام جمعه محترم اردکان، درباره مباحثه مزبور می گوید:
این جلسات، مباحثاتی جدی بود برای اثبات وجوب مبارزه در شرایط آن زمان. می خواستند از نظر فقهی ثابت کنند مبارزه ای که امام خمینی(رحمه الله) پرچم آن را برافراشته، چون اساس اسلام در خطر قرار گرفته، مبارزه ای است که از نظر شرعی واجب است. بنده نیز گاهی به ندرت در آن جلسات شرکت می کردم; ولی جناب آقای مصباح بسیار پی گیر بودند که این مباحثه ادامه داشته باشد و ادامه هم داشت، و در آن روزگار آثار بسیار مطلوبی نیز بر طبقه تحصیل کرده حوزه داشت.
تفسیر
آشنایی با مرحوم علامه طباطبایی، و درک مقامات و کمالات روحانی و عرفانی آن اعجوبه علم و فضیلت و تقوا، سبب شد که استاد بیشتر اهتمام و مساعی خویش را صرف تعلیم علوم قرآن و تفسیر نماید. ابتدا با شرکت در جلسات درس تفسیر علامه، و سپس با استفاده از ارشادات و تعلیمات خصوصی ایشان توانست تعمق و تفکر در قرآن کریم و نکته سنجی های زیبا در آیات نورانی آن را بیاموزد، و خود در این باب صاحب نظر شود او به قدری در این وادی پیش رفت که علامه(رحمه الله) برای استفاده از نکته ها و دقت نظرهایش، کار بازخوانی تفسیر المیزان را، قبل از چاپ و نشر، به او سپرد.
البته استاد مصباح این عنایت علامه را حمل بر لطف و شاگردنوازی ایشان کرده، می گوید:

ایشان لطف می کردند، قبل از اینکه تفسیرشان را به چاپخانه بسپارند، به من می دادند و می گفتند: «تو هم نگاهی بکن» و من چون شائق فراگیری تفسیر ایشان بودم، این جزوات را می گرفتم و مرور می کردم و اگر چیزی به نظرم می رسید خدمت ایشان عرض می کردم. گاهی می فرمودند درست است، و گاه نیز اشتباه مرا رفع می کردند. از کمال لطفشان، یک بار پیشنهاد کرده بودم و ایشان جایی را تغییر داده، کموزیاد کرده بودند و بعد برای اینکه از من در جمع دوستان تفقدی کرده باشند، گفتند: «فلانی هم در تفسیر ما شریک شده است...».
استاد مطالعات تفسیری بسیار وسیعی در کتب مختلف تفسیریاعم از تفاسیر علمای شیعه و اهل سنتداشته است. نتایج این مطالعات، در سلسله دروس تفسیر موضوعی قرآن کریم نمایان گشته است، که اولین درس تفسیر موضوعی قرآن کریم در حوزه علمیه قم به شمار می آید. محتوای عالی این دروس نشان از ژرفکاوی و مطالعه فوق العاده ایشان در زمینه آیات نورانی قرآن دارد; تا جایی که برخی از شاگردان محقق و اندیشمندِ استاد، ایشان را یکی از والاترین مفسران قرآن کریم، معرفی می کنند.
حجة الاسلام والمسلمین، استاد فیاضی، با سابقه سال ها مطالعه و تحقیق در آثار مفسران قرآن، چنین می گوید:
بنده هم اکنون نیز معتقدم ایشان در میان افرادی که من می شناسم، یکی از والاترین مفسران قرآن است; یعنی کمتر کسی را در این زمینه می شناسم که مانند ایشان تفسیر را بر اساس اصول اجتهادی و مبانی صحیح استنباط بیان کند.
فلسفه
استاد مصباح بیشترین وقت و سرمایه علمی خویش را صرف این رشته کرده است. دلیل گرایش به فلسفه نیز شیفتگی و علاقه شدید به علامه طباطبایی(رحمه الله) بوده است. استاد مصباح اسفار و شفا را نزد حضرت علامه فرا گرفت، و با به کارگیری شیوه فلسفی آن بزرگوار، خود به برخی نوآوری ها و ابتکارات در این زمینه پرداخت و به مرتبه ای رسید که امروز یکی از برجسته ترین اساتید فلسفه اسلامی در حوزه علمیه قم به شمار می رود.
او همچون استادش معتقد است برای شناخت هرچه بهتر اسلام و معارف اسلامی و نیز کسب توانایی در پاسخگویی به شبهات و هجمه ها به معتقدات دینی، مطالعه و تحقیق فلسفی می باید در رأس مطالعات حوزوی قرار گیرد، تا طلاب، ضمن آشنایی با متون اسلامی و فقهی، شیوه دفاع از عقاید دینی را نیز فرا گیرند.
زمینه های مطالعات فلسفی استاد بسیار جامع و فراگیر است. ایشان کتب

فلسفی ابن سینا، بهمنیار، شیخ اشراق، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوالبرکات بغدادی، میرداماد، صدرالمتألهین شیرازی و حاج ملاهادی سبزواری و حواشی و شرح های این کتاب ها را مطالعه و بررسی کرده اند، و پس از تحقیقات فراوان کتاب ارزشمند حاشیه بر نهایة الحکمه را (به زبان عربی) به رشته تحریر درآورده اند، و حاصل نظریات ایشان نیز در کتاب پر ارج آموزش فلسفه، به زبان فارسی، گرد آمده است.
استاد علاوه بر تبحر در فلسفه اسلامی، از فلسفه غرب نیز اطلاع کافی دارند. اشاره ها و تطبیق های فراوان ایشان در زمینه مکاتب مختلف فلسفه غرب، گواه صدق این مدعاست.
حجة الاسلام والمسلمین فیاضی، که اکنون از صاحب نظران بنام فلسفه اسلامی به شمار می آید، می گوید:
آنچه برای ما بسیار آموزنده و سازنده بود، برخورد محققانه حضرت استاد با مسائل فلسفی بود. در مسائل فلسفی، روح نقد و ارزیابی و آزاداندیشیِ کاملی بر ایشان حاکم بود; به طوری که پس از تبیینِ کاملِ هر مسئله ای، آن را به دقت مورد ارزیابی قرار می دادند; یعنی در صدد نقد آرای فلاسفه برمی آمدند، و ما می دیدیم آن روحیه اجتهادی که در حوزه بر فقه و اصول حاکم است در شیوه فلسفیِ جناب استاد مصباح به صورت بسیار قوی مشهود است; به این معنا که یک فقیه صرفاً به تقریر نظر صاحب جواهر یا شیخ انصاری و دیگر فقهای عظام اکتفا نمی کند; بلکه بعد از تقریر در صدد نقد و ایراد برمی آید.
به یاد می آورم در زمان حیات حضرت علامه طباطبایی(رحمه الله)، یک وقت ایشان می فرمودند اگر مردم علامه طباطبایی و آقای بهجت را می شناختند، خاک کفش ایشان را سرمه چشم خود می کردند; اما با وجود چنین اعتقادی درباره شخصیتِ علامه طباطبایی، در مطالب علمی، بسیار محققانه و با تفکر آزاد با مسائل برخورد می کردند، و از برکات انفاس ایشان و از برکات شاگردی در محضر ایشان، این روحیه در ما نیز پیدا شد که با مسائل فلسفی نیز مانند مسائل فقهی و اصولی، با اجتهاد برخورد کنیم. البته این اجتهاد در هر بابی به تناسب خود صورت می گیرد; در فقه، از طریق کتاب و سنت و استفاده از دلایل لفظی، و در فلسفه، با استفاده از عقل. به هر حال باید محققانه برخورد کرد. شیوه تدریس استاد سبب شد تا روحیه تعبد در برابر نظریات مختلف به طور کلی در ما از بین برود، و ما امروز احساس می کنیم که حالت تعبد در مقابل افکار ابن سینا، ملاصدرا و دیگران، هرگز در ما نیست، و این از برکات درس های محققانه استاد مصباح است که ایشان در این سال ها از آن روحیه نقد و تحلیل و تحقیقِ عالی شان در ما نیز دمیدند. چنین روحیه ای، در سطحی که ایشان دارند، منحصر به فرد است و منحصر در خود ایشان است.

استاد فیاضی همچنین در بیان ابتکارات و نوآوری های فلسفی استاد، می گویند:
ایشان در فلسفه، افکار بسیار بلندی دارند که با افکار حوزه فلسفی موجود، هم تراز نیست. حوزه فلسفیِ امروز مثلاً مسئله وجود هیولا را هنوز هم امری صحیح و درست ارزیابی می کند، در حالی که ایشان این مسئله را با ایرادها و اشکالات محققانه ای مردود شمردند و کنار گذاشتند، و کنار گذاشتن این مسئله، به معنای کنار نهادن تفکر و اندیشه هیولا از فلسفه است. البته بوده اند کسانی مثل شهید مطهری و مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی که با این مسئله برخورد کرده اند و آنان نیز فرموده اند مسئله هیولا درست نیست و بی دلیل است، یا حتی دلیلِ برخلاف آن وجود دارد.
زمانی نیز من خودم در محضر استاد جوادی آملی(دام عزّه) ضمن بیان اشکالاتی که بر مسئله وارد است، صحبت هایی می کردم و ایشان لبخندی زدند و فرمودند: «استاد ما، مرحوم الهی قمشه ای نیز به هیولا قایل نبودند».
یکی دیگر از ابتکارات استاد در فلسفه برخورد ایشان با این نظرِ ملاصدراست که می گوید: «اِنَّ النَّفْسَ جِسمانیّةُ الحُدوثِ و رُوحانیةُ البقاءِ». با اینکه این مطلب، ایده ای نو در فلسفه اسلامی به شمار می رود و امروزه حوزه های فلسفی، با تعظیم و تجلیل بسیار از آن یاد می کنند، استاد مصباح اشکالات متعددی از این نظریه برآورده اند، و آن را کنار گذاشته اند. این ابتکار منحصر به ایشان است و من سراغ ندارم قبل از استاد کسی در این مسئله مناقشه و اشکال کرده باشد.
اخلاق و عرفان
استاد مصباح یزدی از اساتیدی همچون علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله انصاری همدانی (رحمه الله) و آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله) در مقام اساتید اخلاق و عرفان خود نام می برد. آیت الله بهجتی در زمینه استفاده ایشان از درس های اخلاقی و عرفانی علامه طباطبایی (رحمه الله) می گوید:
به گمان من، آیت الله مصباح بهره های معرفتی بسیار زیادی از علامه طباطبایی (رحمه الله) بردند; زیرا ایشان با اشارات مرحوم علامه به سیر و سلوک و ریاضت های شرعی مشغول بودند; به علاوه اینکه از نظر علمی هم کتاب های بزرگ اخلاقی و عرفانی را چه در زمینه عرفان نظری و چه در زمینه عرفان عملی، خدمت علامه طباطبایی (رحمه الله) آموختند.
حجة الاسلام والمسلمین دکتر علی مصباح، با تذکر این نکته که استاد همیشه از اینکه درباره فعالیت ها و مطالعات اخلاقی و عرفانی خود سخن بگویند اعراض دارند، این چند کلمه را از زبان ایشان نقل می کند:
در موضوع اخلاق، حدود سال های 32 و 33 بحثی هفتگی در خدمت مرحوم

علامه طباطبایی داشتیم. ابتدا محور بحث ایشان، رساله منسوب به علامه بحرالعلوم بود و بعد از اتمام آن رساله، حضرت علامه (رحمه الله) مجموعه ای از روایات اخلاقی و عرفانی را انتخاب می کردند و درباره آنها بحث می فرمودند. حدیث معراج از جمله آن روایات بود.
استاد، سفارشات عمومی مرحوم علامه طباطبایی را در سلسله دروس اخلاقی شان این گونه یادآور می شوند:
مجموعه ای از سفارشات عمومی بود که دیگران نیز دارند; یعنی همان ترک محرمات و انجام واجبات، و قدم اول هم همین هاست، و از سفارشات خاصی که می توانم بگویم مورد تأکید ایشان بود و برای هرکسی که توجه پیدا کند مفید است، یکی توسل به سیدالشهدا(علیه السلام) بود، یکی قرائت قرآن و یکی هم نماز اول وقت. یادم هست که از قول استادشان می فرمودند که من هرچه دارم از قرائت قرآن و توسل به سیدالشهدا(علیه السلام) است. درباره نماز اول وقت هم از مرحوم آقای قاضی نقل می کردند (این را من از اساتید دیگر نیز شنیده ام) که ایشان فرموده اند اگر کسی به نماز اول وقت ملتزم شود و به مدارج عالی نرسدیک تعبیر این است که به من لعنت کند ، تعبیر دیگر این بوده است که من حاضرم اهانت او را بپذیرم و او آب دهان به صورت من بیندازد...، که بعضی ها از ایشان سؤال کرده بودند آیا نماز اول وقت به همراه نوافل را می فرمایید؟ ایشان در جواب فرموده بودند: نه، فقط خودِ نماز واجب.
از سفارشات دیگر علامه که از استادشان نقل می فرمودند، اهتمام به زیارت عاشورا، مخصوصاً از روز عاشوار تا روز اربعین بود، و دیگر قرائت قرآن با وضو و رو به قبله و با توجه; مخصوصاً شب، قبل از خواب.
علوم جدید
استاد مصباح از همان سال ورود به حوزه علمیه یزد، به مطالعه و تحصیل دروس حوزوی اکتفا نکردند و از روی علم دوستی و حقیقت جویی، در کلاس های فیزیک، شیمی و... و نیز زبان های خارجی فرانسوی و انگلیسی، که به همت روحانی دانشمندی به نام «محقّقی رشتی» تشکیل شده بود، شرکت جستند و با این دروس آشنا شدند.
پس از ورود به حوزه علمیه قم، رواج افکار و تبلیغات مارکسیستی سبب شد تا استاد به منظور پاسخگویی به شبهات و دفاع از حریم اندیشه دینی، آشنایی با فلسفه های غربی را در دستور کار خود قرار دهند. به این ترتیب ایشان باید برای یافتن زبانی مشترک در بحث و مناظره با تحصیل کردگان دانشگاهی، تئوری ها و اصطلاحات خاصِ علومِ انسانیِ دانشگاهی را فرا می گرفتند. به این منظور با مشورت و همت آیت الله شهید دکتر بهشتی که در آن زمان مدیر دبیرستان دین و دانش قم بودقرار شد کلاسی در دبیرستان تشکیل شود تا عده ای از فضلا و طلاب حوزه در آن شرکت کنند.

در کلاس ها زبان خارجی و نیز معلومات دبیرستانی و دانشگاهی در رشته های فیزیک، شیمی، فلسفه علم، متدولوژی، ریاضیات و جامعه شناسی تدریس می شد. شرکت کنندگان این کلاس ها نیز آقای مصباح، شهید دکتر مفتح، آقای ناصر مکارم شیرازی، آقای شیخ جعفر سبحانی، آقای یزدی، آقای دکتر احمدی و مرحوم حیدری نهاوندی بودند. شهید بهشتی مسئولیت برنامه ریزی و برگزاری کلاس ها و دعوت از اساتید را به عهده داشتند.
استاد از ثمرات ارزشمند آن کلاس ها، این گونه یاد می کند:
شرکت در آن کلاس باعث شد که با اصطلاحات روز بیشتر آشنا شویم و بیشتر بتوانیم با قشر دانشگاهی تفاهم داشته باشیم; و طبعاً چون پاسخ هایی که ما در مباحثات و گفتوگوها می دادیم با اصطلاحات خودشان آمیخته بود، برایشان بیشتر قابل درک بود، و همین سرمایه ای شد که ما در دوره های بعد تا حدودی بتوانیم نقش وساطت میان حوزه و دانشگاه را ایفا کنیم و بعدها دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را تشکیل دهیم.

زبان خارجی

استاد با شرکت در کلاس های مرحوم محقّقی رشتی در یزد، تا حدودی با زبان فرانسه و انگلیسی آشنا شد. بعدها نیز در هر فرصت مناسبی به فراگیری زبان انگلیسی ادامه می داد، و بر این اساس در کلاس های دبیرستان دین و دانش در حد مطلوبی با زبان انگلیسی آشنا شد. از آن پس نیز هر جا استاد لایقی می یافت به تکمیل آنچه آموخته بود می پرداخت. آیت الله مسعودی خمینی خاطره انگلیسی خواندن استاد را این گونه بیان می کند:
ظاهراً سال های 46ـ47 بود که به امر مبارک حضرت امام(رحمه الله) برای تبلیغ به سیرجان اعزام شدم. در خلال دوران مأموریتم دو مرتبه آقای مصباح را برای سخنرانی دعوت کردیم و ایشان دوسه دهه در آنجا سخنرانی می کرد و همان جا نزد استادی به نام آقای «رئیسی» انگلیسی هم می خواند... .
ممارست و تلاش خستگی ناپذیر استاد، به انضمام هوش و استعداد سرشارشان ایشان را در مطالعه و درک متون انگلیسی و فرانسوی توانا ساخته است. آثار گران سنگ ایشان در زمینه فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، فلسفه علم، فلسفه تاریخ، معرفت شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی، فلسفه غرب و... نشان دهنده عمق و گستره دانش ایشان است.

ابتکارات علمی

استاد مصباح در رشته های مختلف علوم انسانی، صاحب اندیشه ای مستقل و نوآوری ها و ابتکاراتی جالب است. در این مقام تنها به نقل برخی اظهارات در این زمینه می پردازیم.

پیش تر مطالبی از جناب استاد فیاضی درباره برخی ابتکارات فلسفی استاد مصباح نقل کردیم که در واقع اشاره ای بود به وسعت نظر استاد در این زمینه.
حجة اسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی از جمله شاگردان استاد است که دکترای خود را در رشته روان شناسی و علوم تربیتی، با امتیاز عالی، از دانشگاه مک گیل کانادا اخذ کرده است. ایشان درباره ابتکارات علمی استاد در رشته روان شناسی می گوید:
ابتکارات و نوآوری های استاد مصباح، به خصوص در حوزه روان شناسی و علوم تربیتی، در کتاب ها و جزواتی که دفتر همکاری حوزه و دانشگاه گردآورده، ثبت شده است. به نظر من ایشان هنوز حرف های تازه فراوانی در زمینه روان شناسی و علوم تربیتی دارند که مجال طرح آنها را پیدا نکرده اند. ایشان به مناسبت های مختلف، در مواقعی که دغدغه های خود را در باب اسلامی کردن علوم انسانی و اجتماعی ابراز می داشتند، کدهایی ارائه می کردند که برای پژوهش های حوزه روان شناسی و علوم تربیتی جهت دهنده اند; برای نمونه در تبیین سازمان روانی انسان، ایشان مدل هرمیِ خاصی مطرح می کنند که من تاکنون چنین مدلی را در نوشته دیگری ندیده ام.
همچنین در بحثی که به مناسبت یکی از دهه های محرم در تبیین قیام حضرت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) داشتند، پیش درآمد بحثشان، موضوع غم و شادی در فرهنگ و ادبیات اسلامی بود. در آنجا استاد درباره عوامل و موانع غم و شادی توضیحاتی دادند که می تواند زمینه تلاش های جدیدی در روان شناسی باشد.
رمضان همین امسال نیز در تبیین سیره تربیتی اهل بیت(علیهم السلام)، پیش درآمدی بر فرایند الگوگیری و مدل برداری از سیره معصومان(علیهم السلام) در حوزه تربیت فرزند ارائه کردند و در آن، ساحت های مختلف الگوپذیری و مدل برداری را مطرح ساختند. به اعتقاد ایشان چهار حوزه و چهار ساحت در فرایند الگوپذیری و مدل برداری از سیره معصومان(علیهم السلام) مطرح است که این ساحت ها باید بازشناسی و پردازش شود: حوزه باورها و اعتقادات، حوزه ارزش ها و باید و نبایدهای ارزشی، حوزه روش های رفتاری و حوزه ابزارهای ارتباط مربی با مُتربِّی. سه عرصه باورها، ارزش ها و روش های رفتاری نمی تواند از محدوده های احکام دینی خارج و دچار روزمرگی شود و با رویکردهای تساهلی و تسامحی ارزیابی گردد; اما در عرصه چهارم، لازم نیست ابزارهای ارتباط مربی با مُتربِّی دقیقاً با معیارهای درون دینی ارزیابی شوند و در محدوده احکام دینی پیش بروند. این عقیده نیز از نظریات ابتکاری استاد است.
بنده در گروه علوم تربیتی پیشنهاد کرده ام که برای پی گیری اندیشه های

نوین استاد در عرصه روان شناسی و علوم تربیتی، یک سلسله نشست های کارشناسانه برگزار شود و با طرح سؤالات و چالش های جدید در این حوزه از استاد مصباح درخواست داوری کنند. یکی از بهترین راه هایی که می تواند اندیشه های استاد را برجسته سازد راه اندازی نشست های کارشناسی است; چون معلوم است وقتی استاد در مجامع عمومی و با مخاطبان عمومی سخن می گویند نمی توانند همه آن داشته های فکری شان را عرضه کنند و از این رو بسیاری از زوایای اندیشه ایشان در روان شناسی و علوم تربیتی هنوز مکتوم مانده است.
حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی شمالی با اشاره به اندیشه های ابتکاری استاد در باب فلسفه اخلاق می گوید:
بنده در واقع به پیشنهاد جناب استاد مصباح، رشته فلسفه اخلاق را انتخاب کردم و وقتی می خواستم موضوع پایان نامه دکتری ام را در دانشگاه منچستر انتخاب کنم، به نظرم رسید یکی از موضوعات بسیار مهم، بحث نسبیت گرایی اخلاقی است; چون اگر ثبات و جهانی و جاودانی بودن ارزش های اخلاقی مورد خدشه قرار گیرد، دیگر چیزی از ارزش های اخلاقی، بهویژه ارزش های دینی، باقی نمی ماند. این بود که این موضوع را انتخاب کردم و در پایان، یک فصل را به بحث مبانی اخلاق اختصاص دادم; چون اگر بتوانیم مبانی اخلاق را مشخص کنیم و نشان دهیم که این مبانی عینی هستند، اشکال به طور ریشه ای حل می شود. در این قسمت، بنده از فلسفه اسلامی و مخصوصاً از نظرات آیت الله مصباح بسیار استفاده کردم. چرا که در زمینه فلسفه اخلاق، هرچند بحث های پراکنده بسیاری در کتاب های علما و فلاسفه اسلامی داریم، ولی کسانی که به طور خاص و با توجه به مسائل روز به فلسفه اخلاق پرداخته باشند کم اند، و آیت الله مصباح از معدود کسانی هستند که بحث ویژه و مستقلی را به فلسفه اخلاق اختصاص داده اند، که بعضی از آثارشان در این زمینه منتشر شده و بعضی دیگر نیز امیدواریم انشاءالله آماده و منتشر شود. به هر حال من از مباحث ایشان بسیار بهره بردم و بعد چون می خواستم هیچ اشکالی در پایان نامه ام باقی نماند، آن را به بعضی از متفکران دادم تا بخوانند و نظرشان را بگویند. یکی از این متفکران پروفسور آرینگتون، رئیس دپارتمان فلسفه در دانشگاه جورجیای امریکا بود که از فلاسفه مطرح و از جمله کسانی است که خود در بحث نسبیت گرایی چندین کتاب دارد. من از ایشان خواهش کردم که پایان نامه مرا قبل از دفاع ببیند; ایشان نیز پذیرفت و بعداً برای من ایمیل فرستاد و گفت: «جالب ترین قسمت پایان نامه همین فصل آخر بود که خیلی برایم جالب بود و تازگی داشت و نظریه جدید و مهمی بود»; یعنی همین مباحثی که ما بر اساس نظرات استاد مصباح مطرح کرده بودیم، بسیار مورد استقبال ایشان قرار گرفت و گفتند

بسیار خوب است که شما این بحث را تکمیل کنید و بسط دهید.
تدریس
استاد مصباح، تدریس به صورت منظم را از مدرسه حقانی (منتظریه) آغاز کرد. این کار با هدف تربیت نیروهای فکری و عقیدتی، و پرورش افراد متعهد و کارآمد برای تشکیل کادر آینده نظام و حکومت اسلامی شروع شد. ایشان ابتدا مباحث قرآنی و تفسیر و مباحث فلسفی را در آن مدرسه تدریس کرد: درس تفسیر در سه سطح، و هم زمان با آن، مباحث اخلاقی و تربیتی تحت عنوان «خودشناسی برای خودسازی».
استاد مصباح، در باب فلسفه نیز کتاب فلسفتنا، تألیف شهید صدر، و کتاب بدایة الحکمه، اثر علامه طباطبایی(رحمه الله) را به مدت ده سال در آن مدرسه آموزش داد.
ایشان بعد از مدتی به پیشنهاد آیت الله سیدمحسن خرازی، همکاری با مؤسسه در راه حق را پذیرفت و با تأسیس بخش آموزش در آن مؤسسه، به تدریس کتاب های فلسفتنا، اقتصادنا و نهایة الحکمه، و نیز تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخت.
استاد مصباح در واقع اولین استادی بود که کتاب های مزبور را به منزله متن درسی در حوزه مطرح و تدریس کرد. پیش از این، متن درسی منسجمی که ناظر به افکار و مکاتب فلسفی جدید باشد در حوزه علمیه به چشم نمی خورد. البته کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مرحوم علامه در دسترس بود; اما به دلیل فارسی بودن متن آن متأسفانه در حوزه به منزله کتاب درسی، مقبول نیفتاد.
خارج از برنامه های درسی منظم مدرسه حقانی و مؤسسه در راه حق، استاد کتاب های مفصل فلسفی مانند اسفار اربعه و شفا را برای علاقه مندان تدریس می کرد. این کلاس ها در واقع، سطح تخصصی فلسفه به شمار می رفت.
«هدف اسلام و ارتباط انقلاب اسلامی با آن» بحث دیگری بود که استاد به دعوت رسمی دانشگاه نیویورک، در امریکا القا کرد.
شاگردان برجسته
ثمره تعلیم و تدریس های دلسوزانه و پی گیر استاد، پرورش شاگردان ممتاز و طلاب نمونه ای است که امیدهای آینده اسلام و نظام اسلامی به شمار می روند. انسجام فکری، قوت بیان و استدلال، و آزادی رأی، به همراه تخلّق به اخلاق و آداب نیکوی اسلامی، و حسن سلیقه و تدبیر، از مایه های ارزشمندی است که درس استاد برای زندگی حال و آینده این شاگردان به ارمغان آورده است و جملگیِ آنان سرمایه و بضاعت علمیاخلاقی خویش را مرهون زحمات و تلاش های مشفقانه وی می دانند.
در این مقام، تنها به معرفی و ذکر نام شمار معدودی از تربیت یافتگان این

استاد گران مایه، که هرکدام استادی سرآمد و متفکری صاحب نظَر در علوم اسلامی به شمار می روند، می پردازیم:
حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی، از اساتید ممتاز حوزه علمیه قم، حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی، معاون پژوهشی و مدیر گروه علوم قرآنی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(رحمه الله)، حجة الاسلام والمسلمین اکبر میرسپاه، استاد موفق و ممتاز دروس معارف قرآن و اخلاق اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین سید محمد غروی، مدیر گروه روان شناسی مؤسسه امام خمینی(رحمه الله)، حجة الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقاتهرانی، استاد اخلاق حوزه علمیه، حجة الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین محسن غرویان، حجة الاسلام والمسلمین حسین ایرانی، حجة الاسلام والمسلمین حیدرعلی ایوبی، فاضل ارجمند جناب آقای عبدالرسول عبودیت، حجة الاسلام والمسلمین سید محمدرضا طباطبایی، مدیر جامعة الزهراء(علیها السلام)، حجة الاسلام والمسلمین نیّری، حجة الاسلام والمسلمین صدیقی، حجة الاسلام والمسلمین مبشری، حجة الاسلام والمسلمین مؤیدی، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شاهرودی، نماینده دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، حجة الاسلاموالمسلمین داراب کلایی، حجة الاسلام والمسلمین ابراهیمی دامغانی، حجة الاسلام والمسلمین سیدابوالحسن نواب، حجة الاسلام والمسلمین دکتر زارعان، حجة الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد رهنمایی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد فنایی، حجة الاسلام والمسلمین نمازی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر شمالی و بسیاری دیگر از حجج اسلام و مروجان قرآن، که جملگی، حیات علمی و فرهنگی خود را مرهون درس های پربار و ثمربخش استاد می دانند.
حجة الاسلام والمسلمین فیاضی می گوید:
درس های استاد، به خصوص دروس معارف و درس «خودشناسی برای خودسازی» به گونه ای بود که ما احساس می کردیم این مطالب را هیچ جای دیگر حوزه نمی شود پیدا کرد، والحمدللّه آن درس ها برای ما بسیار سرنوشت ساز بود. معارف قرآنآن طوری که خود استاد درس می گفتند و از ایمان سرشار و اعتقادشان به معارف دینی و به حضرت ولی عصر(علیه السلام) سرچشمه می گرفتاثر خاصی داشت، و لازم بود چنین درس هایی در کل حوزه باشد تا طلبه ها دچار بعضی لغزش ها و تمایل به چپ و راست نشوند و در طریق مستقیم دین و اهل بیت(علیهم السلام) حرکت کنند.
حجة الاسلام والمسلمین، سیدمحمد غروی می گوید:
بحث های اخلاقی و قرآنی استاد و اساساً شخصیت فردی ایشانبدون

کوچک ترین تعارف و مبالغه ایبه شدت تأثیرگذار بود; یعنی ایشان ساختار فکری و شخصیتی دوستان را به گونه ای ساخت که همه دوستان ما، اکنون هر کدام در هر جا که هستند، در واقع با همان مایه هایی که آن زمان از درس های استاد به دست آورده اند، زندگی می کنند... . یادم نمی رود بعضی از دوستان آن قدر شیفته درس اخلاق ایشان شده بودند که تمام هفته به امید آن بودند که پنج شنبه فرا برسد و درس اخلاق استاد را دریابند; بعضی ها در کلاس حالت معنوی خاصی داشتند. خود استاد نیز طبعاً درس هایی می گفتند که بسیار تأثیرگذار بود.
حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی نیز چنین تعریف می کند:
بعد از تأسیس دوره آموزشی مؤسسه در راه حق، مرحله جدیدی از آشنایی بنده با حضرت استاد شروع شد، و در امتحان ورودی آنجا شرکت کردم و پذیرفته شدم. در آن دوره بیش از همه اساتید و بیش از همه بحث هایی که مطرح می شد، از مباحث ایشان فایده بردم، و اگر یک جنبه مثبتی در بنده باشد می توانم بگویم مرهون آن مباحثی است که حضرت استاد در آنجا به ما آموزش می دادند، و این چیزی است که مورد اتفاق نظر همه برادرانی است که در آن دوره شرکت می کردند و همه معترف هستند که آن بحث های معارف قرآن و بحث خودشناسی و بحث های فلسفی ایشان، در واقع به مسیر زندگی و شخصیتشان شکل داده و برای آنان سرنوشت ساز بوده است. به تعبیر بعضی از دوستان، حضرت استاد مصباح حق حیات بر گردن ما دارند، و ما حیات معنوی و فکری و روحیمان را مرهون اندیشه های ناب اسلامی و متقن ایشان هستیم.
استاد رجبی در ادامه، مطالب مبسوطی در زمینه ابعاد علمی شخصیت استاد مصباح بیان می کنند که گزیده ای از بیانات ایشان را می آوریم:
درباره ابعاد علمی شخصیت جناب استاد، می توان در سه محور سخن گفت:
محور اول درباره ابتکاراتی است که ایشان در آموزش و پرورش نیروها داشتند;
محور دوم درباره فعالیت های تحقیقی خودشان است;
محور سوم در زمینه اندیشه ها و نظریات جدید ایشان است.
محور سوم را به کتاب های فلسفی و کلامی و تفسیری ایشان وامی گذارم که هر کس به آنها مراجعه کند، نوآوری های استاد را خواهد دید. در محور آموزش و پرورش نیروها، نکته بسیار مهم آن است که چه برنامه ریزی آموزشی و چه برنامه ریزی پژوهشی باید اولا بر اساس شناسایی نیروها و استعدادها باشد; ثانیاً در این امر باید نیازسنجی صورت گیرد. این دو امر، نکته هایی بسیار اساسی در برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی هستند. اگر ما نیروهایی که می خواهیم به کار بگیریم، و نیز استعدادها و

توانایی های آنان را نشناسیم برنامه ریزی ما دقیق و متناسب با مخاطبانمان نخواهد بود، و طبعاً موفقیت آمیز هم نیست. همین طور اگر نیازهای جامعه را در نظر نگیریم و در بُعد اندیشه های دینی و نیز در بُعد معضلات فکری، سیاسی و اجتماعی اطلاعی از کاستی ها نداشته باشیم و بدون توجه به آنها نیروهایی را تربیت کنیم یا موضوعات تحقیقی را تصویب و اجرا نماییم، محصول کار ما محصول بی فایده ای خواهد بود و نیروی پرورش یافته به درد نیازهای جامعه نمی خورد... . به نظر من حضرت استاد در برنامه ریزی های آموزشی و پژوهشی، این دو نکته اساسی را دقیقاً در نظر گرفته بودند و با توجه به آنها و نیز تمهیداتی که برای نیل به این اهداف اندیشیده بودند، دوره های آموزشی و پژوهشی را برگزار می کردند. به همین دلیل نیز به نظر می رسد اگر نگوییم موفق ترین، دست کم یکی از موفق ترین نهادهایی که توانسته است در راستای نیاز جامعه اسلامی به تبیین معارف الهی، نیروهایی تربیت کند، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(رحمه الله) است.
اولین دوره آموزش مؤسسه را که خود بنده در آن حضور داشتم، مثال می زنم. در آن مقطع که ایشان می خواستند اولین گروه آموزشی را با آن اهدافی که در نظر داشتند تشکیل دهند، شناسایی نیروها از طریق افرادی صورت گرفت که خود از مدرسان حوزه بودند، و به آنان گفته شده بود هر کسی را به عنوان طلبه ای فاضل می شناسید معرفی کنید. افرادی مثل جناب آقای دکتر احمدی و آیت الله خرازی و دیگران، افرادی را که می شناختند معرفی کردند. افراد معرفی شده کسانی بودند مانند آقای محمدی عراقی، آقای فیاضی، آقای غروی، آقای میرسپاه، آقای شب زنده دار، و آقای مؤمن. اینها کسانی بودند که چند سال درس خارج فقه و اصول شرکت کرده بودند و مورد تأیید افراد صاحب نظر بودند; در عین حال از این افراد امتحان کتبی گرفته شد، و به این امتحان کتبی نیز اکتفا نشد. با پذیرفته شدگانِ در امتحان کتبی، مصاحبه حضوری صورت گرفت; آن هم مصاحبه ای بسیار جدی که خود جناب استاد مصباح نیز از مصاحبه کننده ها بودند. آن وقت از این نیروهایی که با این کیفیت شناسایی شدند، خواسته شد که تقریرات درس خارج را نیز ارائه کنند. به این ترتیب نیرو را کاملا از هر جنبه شناسایی کردند و همه استعدادها و توانمندی ها و سوابق کاری اش را شناختند و بعد او را پذیرفتند، و دوره آموزشی آغاز شد.
در زمینه نیازسنجی نیز با آن که خود استاد اطلاعات وسیعی داشتند، از طریق ارتباطاتی که با مرحوم شهید بهشتی و مرحوم شهید قدوسی و دیگران داشتند و همچنین از طریق ارتباطی که با امثال آقای دکتر احمدیبه لحاظ این که در دانشگاه حضور داشتبرقرار می کردند و احیاناً به سبب مسافرت هایی که مسئولان آن دوره به کشورهای مختلف داشتند، نیاز

ضروری را تشخیص می دادند و ما را توجیه می کردند که مثلاً الان فراگیری زبان انگلیسی یا زبان عربیِ اصیل ضرورت دارد، یا امروز فلان مباحث ضروری است، و جالب آنکه بعدها از افراد آموزش دیده بارها می شنیدیم که می گفتند زمانی که ما آن درس ها را می خواندیم فکر نمی کردیم این قدر این دوره و این اطلاعات به دردمان بخورد; ولی امروز درمی یابیم تنها چیزی که از درس های دوران طلبگی مان به درد ما می خورد و در تأمین نیازِ فکری جامعه مؤثر است، همین درس های مؤسسه بوده است. این دلیل آن است که حضرت استاد نیاز جامعه را تشخیص داده بود، و به خوبی سنجیده بود که جامعه در آینده به چه چیزی نیاز دارد و متناسب با آن، دوره آموزشی را برنامه ریزی کرده بود.
نکته دیگر اینکه کار برنامه ریزی استاد بسیار روشمند و حساب شده بود. یعنی مانند برخی برنامه های آزمایشی نبود; بلکه ایشان بسیار حساب شده پیش بینی و طراحی کرده بودند و به اجرا در می آوردند. در دوره ما حجم فراوانی از مباحث را بحث های فلسفی، به خصوص فلسفه تطبیقی که ناظر به مسائل و دیدگاه های جدید روز بود، تشکیل می داد; مثلاً کتاب فلسفتنا را متن درسی ما تعیین کرده بودند، و همین طور اقتصادنا را، به این دلیل که به مکاتب فلسفی روز یا مسائل سرمایه داری و نظام مارکسیستی نگاهی تطبیقی داشتند برگزیده بودند، و این بحث ها به لحاظ عقلی مبنای کار محسوب می شدند. از یک سو بحث های معارف قرآن در برنامه گنجانده شده بود تا به لحاظ قرآنی، بنیان های فکری دانش پژوهان را شکل بدهد، و از سوی دیگر در کنار این برنامه آموزشی، روش ها نیز مطرح می شد، و به ما می آموختند که روش برخورد با مباحث عقلی یا روش برخورد با مباحث نقلی چگونه است. جایگاه عقل و نقل کجاست، و در ضمن این آموزش ها، استاد ما را به تحقیق می گماشتند.
در تدریس استاد ویژگی های ظریفی وجود داشت; مثلاً خود استاد هر جلسه دو یا سه نفر را به قید قرعه تعیین می کردند که برای جلسه آینده چکیده درس را بگویند، و مشخص نبود که قرعه به نام چه کسی خواهد افتاد. این کار، بسیار مؤثر بود و موجب می شد افراد درس را جدی بگیرند و نیز مطالب را به دقت مطالعه کنند. استاد نیز بسیار جدی برخورد می کردند... . همچنین به گونه های متنوعی از ما تحقیق می خواستند. گاهی ضمن درس، ما را موظف می کردند که تحقیق انجام دهیم و بعد نیز خودشان با دقت این تحقیق ها را ملاحظه می کردند و تذکرات لازم را در حاشیه آنها می نوشتند. برخورد تشویق آمیز هم داشتند، و سالی یک بار از همه، مقاله تحقیقی می خواستند و به بهترین مقاله جایزه می دادند. همچنین شیوه تحقیقیِ بسیار ثمربخش تری داشتند، و آن نوعی کارورزی تحقیق بود. این کار نسبتاً درازمدت بود و به صورت مرحله به مرحله، در

بحث های فلسفی به یک شکل، و در بحث های معارف قرآن به شکلی دیگر انجام می شد. در بحث های فلسفی، و به خصوص مباحث فلسفی روز، استاد منابع متعددی معرفی می کردند و با محور قرار دادن روش رئالیسم، پس از بحث و مذاکره در جلسات، می فرمودند با توجه به منابع معرفی شده، تحقیق کنید و یک مقاله بنویسید. در بحث های معارف قرآن نیز استاد در مرحله اول، یک تفسیر موضوعی را در زمینه بحث هایی مثل خداشناسی، قرآن شناسی و انسان شناسی، برای ما می گفتند، و در مرحله بعد، آیاتی را درباره یک موضوع خاص معرفی می کردند و می فرمودند بروید آیات را مطالعه و دسته بندی کنید، و آن گاه از آنها نتیجه گیری نمایید. پس از انجام کار، استاد حاصل تحقیق را می دیدند و نکات مورد نظرشان را تذکر می دادند. مرحله سوم این بود که به ما موضوعی می دادند و می گفتند خودتان آیات ناظر به این موضوع را استخراج کنید و این موضوع را از آنها نتیجه بگیرید، و بعد که حاصل کار را خدمت ایشان ارائه می کردیم، تذکرات بسیار جالبی می دادند. برای نمونه می فرمودند این آیه به این دلیل چندان ربطی ندارد و آن آیه چندان ضرورت ندارد، یا فلان آیه صراحت بیشتری در مطلب دارد و... . خلاصه ما را با چگونگی بررسی و فهم آیات کاملا آشنا می کردند.
نکته دیگر، تأکید ایشان بر کارهای جمعی بود. استاد مکرر می فرمود که کار فردی در حوزه، بسیار است; ما می خواهیم افراد روحیه کار گروهی پیدا کنند. به همین دلیل به شکل های متنوعی جلسات گروهی ترتیب می دادند. برای مثال وقتی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد، با تدبیر استاد، گروه های مختلف تشکیل شد و هر چند نفری با هم در یک گروه قرار گرفتند، که خود بنده با جناب حاج آقای عراقی و حاج آقای میرسپاه، بر اثر همین تأکید استاد، یک گروه شده بودیم و با هم کار می کردیم.
ساختارمند کردن و نظم منطقی دادن به ذهن و فکر دانش پژوهان، یکی دیگر از ویژگی هایی بود که در دوره های درسی استاد صورت می گرفت. ذهن دانش پژوهان ساختاری منطقی می یافت و آنان از پراکنده گویی و بی نظمی در سخن، نجات می یافتند. این بدان سبب بود که اندیشه های خودِ استاد بسیار ساختارمند و دارای نظم منطقی بود، و مبانی و فروعات افکار ایشان و نیز ارتباط اندیشه هایشان با هم، کاملا مشخص بود و این خصوصیت به ما نیز منتقل می شد.
شیوه بیان بسیار زیبا نیز از دیگر ویژگی های تدریس استاد بود که جدای از غنای محتوای دروس، موجب می شد که ما شیفته درس های ایشان بشویم. استاد هر درسی را متناسب با خودش بیان می کردند، مثلاً در درس «خودشناسی برای خودسازی» در عین اینکه بحث، صبغه ای علمی داشت، به تناسب اینکه یک درس اخلاقی محسوب می شد، اقتضا می کرد که در

ما یک حالت معنوی و اثر روحانی ایجاد شود. از این رو استاد به شیوه ای این درس را بیان می فرمودند که این حالت به ما منتقل شود. همین طور درس های فلسفی اقتضا می کرد که دقت و موشکافی در ما به وجود آید، و استاد نیز به نحوی بیان می کردند که دقت ها و توجه ها را برانگیزد، و این نشان قدرت بیان فوق العاده، توان علمی بالا و تشخیص خوب ایشان در چگونگی مطرح کردن مباحث است.
یکی دیگر از ویژگی های تدریس استادکه البته در سخنرانی هایشان نیز وجود داردااین است که مطالب را به گونه ای مطرح می کنند که با پاسخگویی به شبهات، ابهام جدیدی در ذهن مخاطب صورت نمی بندد. بسیاری افراد وقتی شبهه ای را پاسخ می دهند، چند شبهه دیگر در ذهن شنونده ایجاد می کنند; ولی خداوند به حضرت استاد لطف کرده است که مطالب را به گونه ای بیان می کنند که مسئله به گونه ای بسیار شفاف و متقن و دل نشین حل می شود و در عین حال شبهات جدیدی ایجاد نمی کند.
اما محور دومی که ناظر به ابعاد علمی شخصیت استاد است، به ویژگی های تحقیقی خود ایشان بازمی گردد. استاد مصباح در این محور نیز ویژگی های سودمندی دارند که از آن جمله دقت و وسواس علمی و حوصله و شکیبایی در تحقیق است. به هیچوجه بی حوصلگی و شتاب زدگی در کارهای تحقیقاتی ایشان وجود ندارد. گاهی که ما می خواستیم در زمینه موضوعات قرآنی تحقیق کنیم، ایشان می فرمودند برای هر موضوع ریزی باید یک دور قرآن به طور کامل دیده شود; مگر اینکه دو موضوعی باشند که بسیار به هم نزدیک بوده، تفاوت بسیار جزئی ای داشته باشند. به همین دلیل در آن دوره ای که برادران بزرگوار گروه تفسیر، درباره معجم کار می کردند شاید نزدیک به پنجاهشصت بار و بلکه بیشتر، قرآن شریف را به طور کامل دوره کردند. با وجود این جناب استاد به این میزان هم اکتفا نمی کردند و می فرمودند هر بخشی که مطالب ریزش تهیه شد، با نگاهی کلی به مجموعه بحث باید قرآن را یک دور دیگر نیز ملاحظه کرد، و اینکه یک نفر به تنهایی مرور کند و نظر بدهد کافی نیست; بلکه باید سه یا پنج نفر با هم تمام مطلب را ببینند و بعد با هم بحث کنند و محصول بحثشان را ارائه نمایند، و البته ثمره چنین دقت ها و وسواس های در علم، آن اندیشه های متقن استاد خواهد بود.
نکته دیگر در این باره، استواری اندیشه های استاد است. ایشان می فرمودند ما باید از مسائل یقینی شروع کنیم و پیش برویم و هر مسأله دیگری را بر مبنای یقینیات و مسلمات حل کنیم. چنین رویّه ای سبب می شود مثلاً در بحث های قرآنی، متشابهاتی که در آنها احتمالات متعدد وجود دارد، بر مبنای یقینیات، رفته رفته تشابهشان برطرف شود و مفاد واقعی

شان روشن گردد. این رویّه در تمام اندیشه های استاد به چشم می آید. برای نمونه ایشان در معارف قرآن هر مطلبی را ابتدا از بحث مبنایی شروع می کنند و پس از آن به مسائل می پردازند. این رویّه کاملا صحیحی است که موجب استواری فکر می شود.
ویژگی دیگر استاد، رعایت مرز دانش ها و روش هاست. ایشان در بحث های تفسیری می فرمودند اینکه قرآن مجید در آیه هفتم سوره آل عمران می فرماید: وَالرَّسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا، مراد از راسخون در علم کسانی هستند که مرز هر دانشی را می شناسند; می فهمند مرز ابزارهای معرفت انسانی تا کجاست و می فهمند بسیاری از مسایلی که خداوند در قرآن بیان می کند، فوق توان ابزارهای شناخت آنهاست، و در نتیجه می دانند که حق است، و اینکه ابزار شناخت آنها به درک این مطلب نرسیده است، دلیل آن نیست که نادرست باشد. مقتضای رسوخ در علم این است که من مرز دانشم را بشناسم. از این رو استاد می فرمودند ما باید روش خودمان را در فهم سخن به کار ببریم; اگر با این روش، نتیجه به دست آمد، که مطلوب حاصل شده است; اما اگر چنین نشد، نمی توان گفت چون این مطلب در فلسفه، مسلّم است آیه نیز حتماً باید چنین بگوید. مطلب مسلّم فلسفی در جای خود صحیح است اما شاید آیه شریفه در مقام تبیین مطلب دیگری باشد. بسیاری از مفسران معلومات تخصصی شان در یک رشته خاص، به تفسیرشان رنگ داده و آن را تحت تأثیر گرفته است; مثلاً اگر مفسری ادیب بوده، بیشتر بحث ادبی کرده و بیشترِ برداشت هایش ادبی است، و اگر مفسرْ مثل ملاصدرا، فیلسوف بوده، بیشترْ آیات را فلسفی تفسیر کرده و گاه از مراد واقعی آیه دور شده است. اما شیوه استاد مصباح این گونه نیست و با آنکه ایشان در بحث های فلسفی کاملا مسلط و آگاه اند، در مقام تفسیر، تنها روش تفسیری را با دقت و موشکافی تمام به کار می گیرند و تفسیر را با همان روش فهم متن به پیش می برند.
ویژگی دیگری که در بحث های تحقیقی استاد وجود دارد، بی طرفی علمی، در عین اعتقاد به رشته ها و علوم دیگر است. ایشان در مقام تحقیق، آنچه مقتضای تحقیق است مطرح می کنند و علایقشان در کارهای تحقیقی شان نقشی ندارد. بسیار روشن است که ایشان فیلسوف اند و به طور طبیعی به این رشته علاقه و دلبستگی دارند; ولی این علاقه را به هیچوجه در بحث های تفسیری دخالت نمی دهند. همچنین اگر ایشان دیدگاهی را نمی پذیرند یا مورد نقد قرار می دهند، این رد یا نقدشان با کمال بی طرفی علمی است و چنین است که می گویند این اندیشه درست هست یا درست نیست; حال گوینده و نویسنده هر کسی می خواهد باشد; به گونه ای که بنده خود شاهد بوده ام که ایشان حاضر نیستند کمالات سرسخت ترین

دشمنانشان را انکار کنند.
جرئت و جسارت علمی، در عین رعایت احترام و ادب، از دیگر ویژگی های استاد گران قدر است. ایشان به دلیل همین جرئت علمی، نوآوری های فکری فراوانی دارند. چه بسا نظریه هایی که سالیان درازی از سوی دیگران پذیرفته شده است، و استاد به نادرستی شان پی می برند، و آنها را رد می کنند و در عوض، رأی صحیح و جدیدی ارائه می دهند و از آن دفاع می کنند.
نکته دیگر در روش تحقیقاتی استاد، نظام منطقی داشتن و ساختارگرایی در اندیشه هاشان است. مجموعه مباحثی که ایشان ارائه می دهند، همواره در چارچوبه منطقی خاصی قرار می گیرد. در بحث های معارف قرآن، در آغاز بحث خداشناسی به صراحت فرموده اند که آنچه ما نیاز داریم این است که مجموعه معارف قرآن را به صورت نظام مند، ارائه کنیم. در بحث های فلسفی نیز همین طور. ایشان نظام فکریفلسفی خاصی دارند که بر مبنای آن به ارائه دیدگاه خود و نقد دیدگاه دیگران می پردازند. این چنین ساختارمندی ای را بنده در میان اندیشمندان دیگر، کمتر مشاهده کرده ام.
در محور سوم که ناظر به نوآوری ها و ابتکارات علمی استاد است به نظر بنده ایشان در سه زمینه نوآوری دارند:
نخست، کشف و ارائه دیدگاه های جدید: استاد مصباح هم در فلسفه، هم در معارف و هم در مباحث سیاسی اجتماعی دیدگاه هایی دارند که تاکنون مطرح نبوده، یا به این شفافیت و ظرافت و دقت ارائه نشده است. در بحث های قرآنی، مثلاً در بحث «سیر آیات تحدی» که بسیاری از اندیشمندان به آن پرداخته اند، نظریه استادکه در کتاب قرآن شناسی نیز طرح و بررسی شده استهم با آیات قرآن سازگاری بیشتری دارد و هم دیدگاهی نوین به شمار می رود و در مقایسه با دیدگاه های دیگر، خالی از اشکال است.
دوم، نوآوری ها در زمینه سازمان دهی و تئوری پردازی و مدل سازی: پیوند بسیاری از ایده های اسلامی با یکدیگر روشن نیست. استاد این ایده ها را به یک مدل ویژه تبدیل کرده است و آنها را در یک چارچوب و نظریه کلان قرار داده و سازمان دهی نوینی ارائه کرده است.
سوم، نوآوری در باب نگارش: استاد مصباح در بخش نگارش نیز اهل ابتکارند. آن زمانی که بحث متن درسی، و ویژگی های آن در حوزه مطرح نبوده است، ایشان کتاب های آموزش عقاید و آموزش فلسفه را در قالب یک متن درسی تدوین می کنند. در این کتاب ها به لحاظ نگارشی، نوآوری صورت گرفته است. نوشته های استاد در عین حال، ویژگی متانت و دقت در تعبیر در عین خوش بیانی و رسایی را نیز در خود جمع کرده است. من

خود در جلسه ای شاهد بودم از یکی از کسانی که رابطه خوبی هم با حضرت استاد ندارد و مخالف اندیشه های ایشان است، سؤال شد که به نظر شما به لحاظ نگارش و شیوه بیان، چگونه مطالب را ارائه نماییم؟ او بلافاصله گفت: «همان گونه که حاج آقای مصباح مطالب را بیان می کند. سبک بیان و نگارش ایشان بهترین سبک است».

استاد به تمام معنا

حجة الاسلام والمسلمین میرسپاه، به جنبه های دیگری از ویژگی های تدریس و شاگردپروری استاد مصباح اشاره کرده اند. در این مقام خلاصه ای از مشروح مصاحبه ایشان ارائه می شود:

آیت الله مصباح، به معنای واقعی و کاملِ کلمه، استاد بودند. این مبالغه نیست. اگر موارد بسیار زیادی رکه نمی توانم به همه آنها اشاره کنمورد توجه قرار بدهیم، ثابت می شود که مبالغه نمی کنم. اما برای نمونه چند شاهد می آورم.

یادم هست یک بار اشکالی مطرح کردم، و استاد جواب دادند; ولی من قانع نشدم. پس از پایان درس دوباره خدمت ایشان رفتم و در اتاقی که برای استراحت و صرف چای می نشستند، اشکالم را مطرح کردم. ایشان دوباره جواب دادند; ولی من باز هم قانع نشدم. مکثی کردم و عرض کردم: استاد! چرا جواب شما برای من قانع کننده نیست؟!

این سؤال می تواند بعضی از اساتید را ناراحت کند و موجب ملالت آنان شود. اما جناب استاد تأملی کردند و فرمودند: می دانید چرا جواب من برای شما قانع کننده نیست؟ علتْ آن است که من از این واژه ای که به کار می برم یک معنا اراده می کنم و شما از آن معنای دیگری می فهمید. از این رو جواب من دقیقاً به اشکال و به پرسش شما نمی خورد. برای حل این مشکل بیایید تصورمان را در باره این واژه با هم هماهنگ کنیم.

مقداری فکر کردم، و دریافتم که ایشان درست می فرمایند و مشکل در واقع بر سر معنای آن واژه است.

باز یادم می آید که گاهی بعضی اشکالات و سؤال ها برایم پیش می آمد و با استاد مطرح می کردم، و ایشان با سعه صدر مخصوصی پاسخ می دادند. درست برخلاف آنچه بعضی مغرضان شایع می کنند که ایشان آدم بی تحملی است و در قبال دیگران سعه صدر ندارد. ایشان نه تنها با حوصله و سعه صدر کامل به اشکالات ما پاسخ می گفتند، بلکه دقت ما را نیز بیدار می کردند، و این حاکی از همان مطلبی است که عرض کردم; یعنی ایشان به معنای واقعی و کامل کلمه استاد هستند; مثلاً چندین بار پیش آمد که به من فرمودند: «به قید سخن توجه کن» و وقتی ما به قیود سخن توجه می کردیم متوجه می شدیم که دیگر سؤالی نداریم و مسئله حل می شد.

همچنین به یاد دارم در مجلسی که تقریباً همه شرکت کنندگان آن از شاگردان استاد بودند، به مناسبت یک بحث اجتماعی، درباره فردی خاص مطالبی عنوان شد و هر کسی نقدی و سخنی داشت. همه صحبت ها تمام شد; اما استاد مصباح ساکت بودند. در انتهای جلسه به استاد گفتند که نظر شما در این باره چیست؟ ایشان یک تذکر متدیک و روشی دادند که برای همه ما بسیار آموزنده بود. استاد به جای اینکه در آن زمینه خاص نظر بدهند، نقصی که در جلسه احساس کرده بودند، به صورتی ظریف تذکر دادند. ایشان فرمودند: «هر وقت می خواهید درباره کسی قضاوت کنید، اول خودتان را جای او بگذارید و در نظر بگیرید اگر خودتان جای او بودید چه می کردید و چه می توانستید بکنید، سپس انتقاد کنید».
تذکر استاد برای اینکه در همه حاضران در جلسه دقت نظری پدید آورد، بسیار مؤثر بود.
دیگر از نکاتی که به عنوان یکی از ابعاد کمالِ استادیِ ایشان باید عرض کنم، شرکت کردن منظم در کلاس ها بود. ایشان همیشه سر وقت در کلاس حاضر می شدند و از زمان کلاس، به طور کامل استفاده می کردند; یعنی نه از زمان شروع کلاس کم می کردند، نه از قسمت پایان آن. همین طور در تصحیح اوراق امتحانی و دیدن تحقیق ها بسیار منظم بودند. آن زمانی که ما در گروه ارشد مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودیم، تعدادمان تقریباً به بیست نفر می رسید که به طور هم زمان تحقیق هایمان را تحویل استاد می دادیم. حال در نظر بگیرید اگر هر کسی پنجاه صفحه هم نوشته باشد، دیدن این حجم کار، چه فرصت و حوصله ای می طلبد. عجیب بود که ایشان به موقع جواب می دادند و می فرمودند تحقیقات شما را دیدم، و هم نمره تتبع داده بودند و هم نمره تحقیق، و عجیب تر این بود که برای تک تک تحقیقات، تذکرات لازم را نوشته بودند.
ویژگی دیگری که از یک استاد کامل توقع می رود، و ما آن را در ایشان آشکارا می دیدیم، این بود که استاد در راهنمایی و تذکر اشتباهات، اخلاص عجیبی داشتند. یعنی هرگز دیده نشد که بخواهند با کسی تسویه حساب کنند یا اینکه فرد را کوچک و خرد سازند، یا مسائل و رذایل اخلاقیِ از این قبیل در وجودشان باشد. ما هرگز این را در جناب استاد ندیده ایم.
مطلب دیگری که شاید شنیدنش برای کسانی که خودشان می خواهند تدریس کنند مفید باشد، این است که استاد شاگردانش را درک می کرد. درک شاگرد، نکته ای است که بنده بسیار از ایشان دیده ام. زمانی گمان می کردم شاید چون من زیاد در کلاس سؤال می پرسم و اشکال می گیرم و با استاد ارتباط برقرار می کنم، ایشان فقط مرا درک می کند; ولی بعد دریافتم که این طور نیست; بلکه استاد همه شاگردان را در نظر دارند و به تناسب روحیاتشان با آنان ارتباط برقرار می سازند. حالا نکته ای را که در

مورد خودم اتفاق افتاد به عنوان خاطره عرض می کنم: یادم هست آن زمانی که ایشان امتحان می گرفتند، در پایان ترم دو یا سه سؤال مطرح می کردند. در یکی از این امتحان ها ایشان دو سؤال داده بودند. همه شاگردان می خواستند طوری امتحان بدهند که هم خودشان را بیازمایند و هم استاد را دلگرم کرده باشند، و استاد احساس کند که زحماتش به هدر نرفته است و ما واقعاً مطلب را دریافته ایم.
من سؤال اول را هم درست فهمیده بودم و هم درست جواب دادم; اما سؤال دوم را درست نخواندم و آن را خوب نفهمیدم. ایشان سؤال ساده ای داده بودند ولی من بر اساس پیش داوری خود، خیال کردم که علی القاعده منظور استاد نمی تواند چنین مطلب ساده ای باشد و ایشان می خواهد آن سؤال مشکل را بپرسد. از این رو بسیار زحمت کشیدم و آن سؤال مشکل را در حدود دو صفحه به طور کامل پاسخ دادم. وقتی از جلسه بیرون آمدم دیدم رفقا حرف های دیگری می زنند، و متوجه شدم که در پاسخ دادن به سؤال دوم اشتباه کرده ام. مثل این بود که آب سردی روی من ریخته باشند. خیلی جا خوردم و ناراحت شدم. آخر مشکل من چند تا بود: اول اینکه فکر کردم استاد با دیدن این جواب نامناسب با خود خواهد گفت ما این قدر زحمت می کشیم و اینها چگونه درس می خوانند، و دیگر اینکه اگر بخواهم ماجرا را به استاد بگویم حتماً گمان می کند که من از ایشان نمره می خواهم... . سرانجام به خودم فشار آوردم و گفتم هر چه می خواهد بشود; دیگر گذشته است. اما وقتی خواستم در حجره استراحت کنم، دیدم آن قدر ناراحتم که نزدیک است دِق کنم. بلند شدم و به منزل استاد رفتم. در زدم، و ایشان تشریف آوردند. گفتم: من با شما کاری دارم. ایشان هم با کمال خوشرویی مرا به درون منزل دعوت کردند و نشستیم. با ناراحتیِ بسیار گفتم: از همین اول به شما توضیح بدهم که آقا، من نیامده ام از شما نمره بگیرم.
فرمودند: حالا بفرمایید که قضیه چیست؟!
قضیه را برایشان گفتم، و ایشان با لبخندی شیرین تا آخر حرف مرا گوش کردند. بعد شروع کردند به سخن گفتن. ابتدا فرمودند: من حالا از شما یک گله دارم!
گفتم: بفرمایید.
فرمودند: چرا شما باید فکر کنید که من تصور می کنم شما برای نمره گرفتن آمده اید؟! یعنی واقعاً شما فکر می کنید من این قدر آدم پرتی هستم که نسبت به افرادی که با آنان کار می کنم هیچ شناختی ندارم؟! اصلا احتیاجی نبود این را توضیح بدهید. من یقین دارم و می دانم که شما برای نمره نیامده اید... .
خلاصه ایشان به گونه ای صحبت کردند که آرامش عجیبی مرا فراگرفت و

وقتی از منزلشان بیرون می آمدم، کاملا سبک شده بودم.
بعدها با خود فکر می کردم که ایشان عجب انسانی است، چه خوب آدم را درک می کند! ایشان فهمیده بود که من قدری حساسم و راه درستِ برخورد را نیز همین دیده بود که از طریق گله وارد شود; یعنی طلبکارانه با من برخورد کند; همان طور که من طلبکارانه برخورد کرده بودم! این گونه وارد شد تا واقعاً مطلب را از ته دلِ من بیرون بکشد و من اصلا ناراحت نباشم. رفتار ایشان با دیگر دوستان نیز مبتنی بر چنین درک عمیقی بود.
یکی دیگر از کارهای جالب استادکه بعداً در آموزش فلسفه انعکاس یافت این بود که ایشان ما را به وجود اصطلاحات مختلف، توجه می دادند. ایشان می فرمودند عدم توجه به گوناگونی معناییِ یک اصطلاح، می تواند مایه خلط بحث های فراوانی بشود. خوب به یاد دارم که مثلاً ایشان درباره کلمه «جبر» چه زیبا تذکر می دادند. استاد می فرمود که یک جبری می گوییم و یک جبری می شنویم! جبر روان شناختی، جبر کلامی، جبری که صرفاً به معنای ضرورت است (جبر علّی)... کدام جبر را منظور داریم؟ یا مثلاً در زمینه کلمه «عقل» ایشان می فرمودند وقتی عقل در آیات و روایات یا در کلمات علمای اهل سیر و سلوک و اخلاق به کار می رود، از آن یک چیز اراده می شود، و وقتی در منطق یا فلسفه به کار می رود، مقصود چیز دیگری است. عقل در فلسفه چندین اصطلاح دارد... . البته اخیراً با رعایت یک سلسله متدهای تحقیقی، توجه به این مطلب، قدری رواج پیدا کرده است; ولی آن موقع با آن غربتی که طلاب درس می خواندند و با آن استضعافی که ما در تحصیل داشتیم، این تذکرات بسیار مهم و قابل توجه بود.
برگرفته از کتاب :پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی

مصباح، مجتبی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجتبی مصباح
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/12/25

زندگینامه علمی
اینجانب پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمائی در دبیرستان امام صادق(ع) قم مشغول تحصیل شدم در سال 1364 دیپلم خود را در رشته ریاضی فیزیک اخذ نمودم و از همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم. دو سال در مدرسه منتظریه و دو سال درمدرسه رضویه به تحصیل علوم دینی پرداختم و از آن پس همزمان با دروس آزاد حوزوی در برنامه درسی موسسه در راه حق شرکت کردم و پس از گذراندن دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی از سال 1373 به تحصیل در رشته فلسفه پرداختم و در سال 1379 موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد فلسفه از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گردیدم .
از سوی دیگر با اتمام دوره سطح حوزه در دروس خارج شرکت کردم در سال 1381 در دوره دکترای فلسفه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و با اتمام دروس دوره به تدوین رساله دکتری با عنوان احتمال معرفت شناختی پرداختم. از سال 1376 به تدریس دروس فلسفه اسلامی،معرفت شناسی و فلسفه اخلاق اشتغال داشته ام و عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هستم .

مصباحی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله مصباحی
محل تولد : سلماس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
در سال تحصیلی 1357-1356عازم حوزه علمیه قم ومشغول به تحصیل شدم پس از اتمام دوره مقدماتی به دوره متوسط وارد شدم و در این دوره کتاب لمعه در فقه را با آقایان حسینی بیگدلی مدرس افغانی و برخی از اساتید دیگر خواندم کتاب معالم قوانین و اصول فقه مظفر در اصول فقه را پیش آقایان مدرس افغانی فیض و برخی از اساتید دیگر که اسم شان را به خاطر نمی آورم تلمذنمودم کتاب حاشیه ملا عبدالله جوهر النضید ومنطق منظومه در منطق را به ترتیب در خدمت آقایان مدرس افغانی و مؤمنی اعرافی و انصاری شیرازی تلمذ کردم کتاب مکاسب شیخ انصاری را با آقایان پایانی ستوده و مجد 1365/7تا68/10رسائل شیخ انصاری را با آقای اعتمادی و کفایت الاصول آخوند خراسانی را با آقایان اعتمادی وفاضل لنکرانی خواندم

مصطفی پور، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا مصطفی پور
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا مصطفی‌پور فرزند ولی الله در سال 1330 در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال 1343 به پایان رساندم و در آبان ماه سال 1383 به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال 1347 به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.
در سال 1347 به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزیی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده بردم و کفایة الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم.ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.
منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و

المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تملذ کردم.اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم.عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تملذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم.از سال 1362 با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب درآمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال 69 از آن دفاع کردم.در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مطهری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی.
تولد: 1317، ساوه.
درگذشت: 1369.
حجت‌الاسلام احمد مطهری پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی دروس حوزه در ساوه، روانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و دوره‌ی سطح را در آنجا به پایان رسانید. سپس در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، خویی و شاهرودی در قم و نجف اشرف حضور به هم رسانید. ایشان سالها با مؤسسه راه حق در قم همکاری می‌کرد و در ساوه اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی ولی‌عصر و کتابخانه و دیگر مؤسسات عام‌المنفعه نمود.
از آثار اوست: آداب همزیستی و معاشرت (قم، 1369)؛ احکام قضائی: مستندات ابواب قضا، قصاص، حدود و دیات تحریر الوسیله امام خمینی (ترجمه هاشم نوری؛ با مقدمه ناصر میبدی، چهار جلد)؛ ترجمه فارسی مستند التحریر الوسیله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظلله العالی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران (ترجمه هاشم نوری)؛ جهاد در راه خداوند و ابعاد گوناگون آن (قم، 1364)؛ رابطه دوستی و محبت (قم، 1367)؛ زمامداری امام مجتبی علیه‌السلام. (قم، 1363).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (277 / 24 ،112 / 21 ،293 / 15 ،197 / 2)، گنجینه‌ی دانشمندان (31 / 6 ،196- 193 / 2).

مطهری، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم دینی، محقق، استاد.
تولد: 1299، قریه فریمان (مشهد).
شهادت: 12 اردیبهشت 1358، تهران.
آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های 1322 و 1323 به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازه سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کافیه مشغول بود.
در پانزده خرداد 1342 آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.
پس از اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال 1357 برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از

پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلای اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.
از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج‌البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهاد جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملا هادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (1)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.
آیت‌الله مطهری در تاریخ 12 اردیبهشت 1358 در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.
1- حجةالاسلام و استاد عالیمقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.
وی در حدود 1338 قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فراگرفته و در سال 1356 ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمي موسوی و دیگران

آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی موسوی و مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌اللَّه العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقای آمیرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌اللَّه خونساری و آیت‌اللَّه صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالیه علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌اللَّه بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

1- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)
2- انسان و سرنوشت 3- خدمات متقابل اسلام و ایران 4- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.
5- داستان راستان 6- عدل الهی 7- علل گرایش به مادی‌گری 8- مسئله حجاب 9- نظام حقوق زن در اسلام 10- سیری در نهج‌البلاغه
و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح 1298- شهادت 1358 ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در 1316 ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌اللَّه محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را زا محضر آیت‌اللَّه بروجردی و آیت‌اللَّه یثربی کاشانی و آیت‌اللَّه حجت و آیت‌اللَّه خوانساری و آیت‌اللَّه صدر فراگرفت. در 1320 ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج‌البلاغه آشنا شد. از 1325 ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در 1329 ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از 1331 ش به موازات تدریس و

تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در 1334 ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن‌سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیة» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد 1342 ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»؛ «آشنایی با قرآن»؛ «اسلام و مقتضیات زمان»؛ شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «امدادهای غیبی در زندگی بشر»؛ «انسان و سرنوشت»؛ «جاذبه و دافعه علی (ع)»؛ «حماسه‌ی حسینی»؛ «خدمات متقابل اسلام و ایران»؛ «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»؛ «داستان راستان»؛ «درسهای اسفار»؛ «ربا، بانک، بیمه»؛ «سیری در سیره نبوی (ص)»؛ «سیره ائمه اطهار (ع)»؛ «سیری در امیرالمؤمنین»؛ شرح مبسوط «منظومه‌ی» سبزواری؛ «عدل الهی»؛ «علل گرایش به مادیگری»؛ «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»؛ «نظام حقوق زن در اسلام».[1]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجةالاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌اللّه العظمی امام خمینی و آیت‌اللّه استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی 1338 ق برابر با 1299 هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال 1356 هجری قمری برابر با 1316 ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌اللّه بروجردی و آیت‌اللّه حجت و آیت‌اللّه داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال 1371 برابر با 1331 شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دلباختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشگان

را اداره می‌کرد.
موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.
مرحوم حجةالاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت‌اللّه حجت و دیگر آیات چون نایب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی با معظم‌له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می‌شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده‌ای مبارز و گوینده‌ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه‌اش یاد نمودم.
حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی‌الثانی 99 چنان موجی در سراسر ایران بی‌نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشسته و صدها هزار نفر د رتشیع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.
مرحوم مطهری شهید رئیس شوراء انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.
مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه‌ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.
آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق درحوزه‌های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرجع عالیقدر و قائد عظیم‌الشأن آیت‌اللّه العظمی نایب‌الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه‌های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه‌ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.
در میان آن اعلامیه و بیانیه‌ها از همه جالب‌تر و عمیق‌تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب‌الامام است که دارای ویژگی‌های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به

وسیله فرستنده‌های روز شنیده‌اند اما چون شنیده‌ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشنگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.
متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.
بسم اللّه الرحمن الرحیم.
انا لله و انا الیه راجعون.
این جانب به اسلام و اولیاء عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصا ملت مبارز ایران ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس‌سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.
تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.
تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.
من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیتهائی بود که حاصل عمرم محسوب می‌شد.
در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه‌ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.
و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.
من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد.
مطهری که د رطهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.
اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توام با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.
(و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین من الرجال و النساء و

الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.
شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.
ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.
اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت 58 را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوک می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.
سلام بر شهدای راه حق و آزادی.
روح‌اللّٰه الموسوی الخمینی.
شهادت مطهری.
این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب 60 سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (58) برابر پنجم جمادی الثانی 1399 غروب کرد اتفاقا در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبست.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] پاره‌ای از خورشید (43 -17)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (24 -19)، سرگذشتهای ویژه از زندگی استاد مطهری (51 -11)، گنجینه‌ی دانشمندان (118/ 6)، مصلح بیدار (42 -23)، یادنامه (26 -9).

مظاهری، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از این عالمان بزرگ و سالکان مسلک دوست، معلم اخلاق و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری مد ظله العالی است که از محضر عالمانی بزرگوار بهره برده و از نفس گرم پیران طریقت، گرمای حیات‌بخش معنوی گرفته‌اند.
تولد جسمانی و روحانی:
آیة الله مظاهری در سال 1312 هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی، وارسته و مذهبی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند. معظم له پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی در سال 1326 شمسی بمنظور تحصیل علوم دینی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شده و پس از اتمام دروس مقدمات، مقداری از دروس سطح حوزوی در بخشهای فقه، اصول و فلسفه را در محضر حضرات آیات خادمی، فیاض، طیب، ادیب و مفید «رحمة الله علیهم» تلمذ می‌نمایند.
ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، محضر استادان علم و عمل:
در سال 1331 شمسی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان را به قصد حوزه‌ی علمیه‌ی قم ترک گفته و در جوار مرقد کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیها» رحل اقامت می‌افکنند و باقیمانده‌ی دروس سطح را از محضر حضرت آیات مرعشی نجفی، حاج شیخ مرتضی حائری، و حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی «رحمة الله علیهم» استفاده کرده و سپس در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: امام خمینی، بروجردی و محقق داماد «قدس سرهم» حاضر می‌شوند. استفاده‌ی بیش از هشت سال از محضر علمی و معنوی آیت الله العظمی بروجردی، مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر و نیز بهره‌برداری از محفل دانش و تقوای حضرت امام خمینی در طول نزدیک به ده سال و همچنین خوشه‌چینی از خرمن علم و عمل مرحوم آیة الله العظمی سید محمد محقق داماد و نیز استفاده‌ی سالیان متمادی از دروس فلسفه و عرفان حجة الحق، حضرت استاد علامه‌ی طباطبایی «قدس سرهم»، همه و همه موجب استحکام و اتقان پایه‌های علمی و توان عملی و اخلاقی آیة الله العظمی مظاهری شده است. ثمرات این استفاده‌های ارجمند، صدها صفحه تقریرات فقهی و اصولی دروس و افادات و افاضات این اساتید عالی مقام است که در 15 عنوان گرد آوری شده است.

ثمره‌ی دانش اندوزی، آثار و تألیفات:
افزون بر اینها، تألیفات معظم له می‌باشد که بویژه در زمینه‌های اخلاقی مورد استقبال گسترده علاقمندان به علم اخلاق و خصوصا نسل جوان واقع شده است.
فهرست کلی تألیفات منتشر شده‌ی ایشان عبارت است از:
3 جلد در زمینه‌ی علم فقه، 25 جلد در زمینه‌ی علم اخلاق، 5 جلد در زمینه‌ی علم اقتصاد، 3 جلد در زمینه‌ی اعتقادات، 2 جلد در زمینه‌ی تاریخ و حدیث.
همچنین فهرست کلی آثار غیرمطبوع ایشان بدین شرح است:
17 عنوان در زمینه‌ی فقه، 3 عنوان در زمینه‌ی علم اصول، 24 عنوان در زمینه‌ی علم اخلاق و عرفان، 8 عنوان در زمینه‌ی علم کلام و اعتقادات، 5 عنوان در زمینه‌ی تفسیر قرآن شریف، 4 عنوان در زمینه‌ی علم اقتصاد، 7 عنوان در زمینه‌ی تاریخ و متفرقات.
استاد در کرسی تدریس:
آیة الله العظمی مظاهری یکی از اساتید با سابقه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشند که از سال 1356 شمسی حوزه‌ی درس خارج فقه و اصول داشته و دهها تن از شاگردان و تلامیذ ایشان اینک در مناصب مختلف حوزوی، دانشگاهی،فرهنگی، قضایی و سیاسی در خدمت نظام مقدس اسلامی قرار دارند.
هم اکنون نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، دروس خارج فقه و اصول ایشان، بزرگترین حوزه‌ی درسی خارج و محفل تعلیم افاضل و روحانیون محترم است و به تعبیر مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین «از لحاظ شکوه و عظمت خود درس و اجتماع طلاب، در اصفهان سابقه ندارد».
افزون بر اینها، معظم له یکی از معلمان بزرگ اخلاق در عصر حاضر بوده و اینک متجاوز از سی سال است که بر بلندای منبر اخلاق، سالکان مسلک سلوک را با دروس شیوا و دلنشین اخلاقی خود، رهنمون می‌شوند. دروس اخلاق ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یکی از دروس باعظمت و شکوهمندی بود که در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» مورد توجه و تقدیر ایشان واقع گردید و اینک نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، مشتاقان معارف اخلاقی اسلام از دروس معظم له بهره‌ی معنوی و اخلاقی می‌گیرند.
پیش از پیروزی انقلاب، دو جبهه فرهنگی و سیاسی:
همچنین معظم له به همراهی حضرات آیت مصباح یزدی و سید محسن خرازی و حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دام عزهم، پیش از پیروی انقلاب اسلامی با تأسیس «مؤسسه‌ی در راه حق» گام نوینی را در ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی بین حوزه و دانشگاه برداشته و صدها تن از

مشتاقان معارف اسلامی در حوزه‌های علمیه را با یک سلسله از علوم جدید و معارف مورد نیاز جامعه اسلامی آشنا کرده که ثمرات بسیار عظیم آن نهاد علمی و دینی و کارنامه‌ی درخشان آن بر آگاهان پوشیده نیست.
آیة الله العظمی مظاهری یکی از اعضاء باسابقه و عالیرتبه‌ی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و در زمان نهضت اسلامی و دوران مبارزات ملت عظیم‌الشأن ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، بسیاری از اعلامیه‌های مهم اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امضاء ایشان نیز رسیده است.
پس از پیروزی انقلاب، استمرار تلاش در هر دو جبهه:
پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، معظم له با استمرار مشاغل و فعالیت‌های علمی و حوزوی، در راستای تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگی و فرهنگ دینی جامعه اسلامی، با ارائه‌ی سلسله دروس اخلاق برای نسل جوان و بویژه بسیجیان و رزم‌آوران هشت سال دفاع مقدس، به اداء مسئولیت سنگین حوزوی و دینی پرداخته و همیشه در صف مقدم یاران و پیروان قائد راحل عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی «سلام الله علیه» بوده‌اند.
در سال‌های اول انقلاب، معظم له به همراه استاد اندیشمند و فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی«دام ظله» براساس تفکرات نوینی که برای ساماندهی وضعیت تشکیلاتی حوزه‌های علمیه داشتند، پیگیری‌هایی را در این خصوص از محضر امام خمینی «قدس سره الشریف» و مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی «رضوان الله علیه» انجام دادند که نتیجه‌ی آن پیگیری‌ها، تشکیل شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم و ایجاد یک ساختار جدید تشکیلاتی برای این حوزه‌ی مقدسه بود.
هجرت، آغاز مرحله‌ای نوین و تحولی مبارک:
یکی از نقاط عطف تاریخ زندگی پربرکت آیة الله العظمی مظاهری، هجرت تاریخی و شکوهمند ایشان از حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم به حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود که در اوایل زمستان سال 1374 شمسی مطابق با شعبان 1416 قمری واقع شد.
این هجرت مبارک علاوه بر آن که در نوع خود در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ایران بی‌نظیر بود، همچنین سرآغاز تحولی خجسته و مبارک در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و نمونه‌ای بارز از این فرمایش بلند حضرت امام خمینی «اعلی الله کلمته» در «منشور روحانیت» شد که فرمودند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدت علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذاریم، آنان در هر عصری از

اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند».
باری حوزه‌ی شکوهمند اصفهان با سابقه‌ای دیرینه و برابر با چندین قرن، همواره پشتوانه‌ای عظیم برای فقه و فقاهت و حراست از کیان معرفت دینی و معارف اسلامی بشمار می‌رفته است. عالمان بزرگ، فقیهان سترگ و فیلسوفان بلندپایه و عارفان روشن ضمیری که نامشان قرین اصفهان و تاریخ باعظمت این سامان است، خبر از این واقعیت بلند می‌دهند که حوزه‌ی این دیار در زمانی نه چندان دور، جایگاه رفیع علم و دانش و معرفت دین را در قبضه‌ی اختیار و اقتدار خود داشته و وجود فرزانگانی چون شیخ بهایی، علامه‌ی مجلسی، میرداماد، سید شفتی، جهانگیرخان قشقایی و دهها و صدها تن دیگر از نام‌آوران تاریخ اسلامی ایران، در این حوزه‌ی باعظمت که آراء علمی و مقامات برجسته‌ی معنوی و فرهنگی و سیاسی‌اشان، آنان را شهره‌ی آفاق ساخته است، همه و همه نشان از شکوه دیرین این نهاد بلند مرتبه‌ی دینی و فرهنگی تشیع دارد و به تعبیر زبیای ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» این حوزه‌ی کهن و ریشه‌دار، سلف حوزه‌ی عظیم‌الشأن قم محسوب می‌گردد.
اما این حوزه‌ی باسابقه در دهه‌های اخیر به دلیل افول ستارگان درخشان آسمان علم و به دلایل متعدد دیگری که مجال بسط آن در این فرصت کوتاه نیست به تدریج دچار رکود گردیده بود. بر این اساس مدتها بود که علماء بزرگ و فضلاء و طلاب عزیز حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به دنبال راهکاری برای جبران و اصلاح نظام تشکیلاتی و علمی این حوزه‌ی مقدسه بودند، اما این حرکت به یک «محوریت کارآمد» و یک «مرکزیت استوار» نیازمند بود تا این که با افزایش این احساس نیاز، از بین شخصیتهای برجسته و مردان الهی، نظرها به سوی فقیهی وارسته و مجاهدی تلاشگر و معلمی بزرگ معطوف شد. این شخصیت کسی نبود جز آیة الله العظمی مظاهری.
علماء بزرگ و فضلاء ارجمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پیش از آن تاریخ، بارها از محضر آیة الله العظمی مظاهری خواسته بودند که ایشان از قم هجرت کرده و در اصفهان رحل اقامت افکند اما آن بزرگوار به دلایل مختلف از پذیرش این درخواست امتناع می‌کردند تا آن که پس از رحلت مرحوم حضرت آیة الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی «قدس سره»، اساطین و علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، در آبان ماه سال 1374، طی نامه‌ی بسیار مهمی که یکی از اسناد افتخار تاریخ شکوهمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان است، به حضور ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی»، با اشاره به مشکلات روزافزون این حوزه‌ی مقدسه، چنین مرقوم داشتند: «... با توجه به استنباط از فحاوی

کلام حضرتعالی نسبت به فاضل معاصر، معلم اخلاق، فقیه متبحر و اصولی کارآمد، مجتهد عالم به زمان و مکان حضرت آیة الله مظاهری دامت برکاته که یکی از برجستگان درس مرحوم امام خمینی «رحمة الله علیه» بوده‌اند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان آمادگی خود را جهت استقبال شایان از ایشان اعلام می‌نماید...».
در فاصله‌ای که نامه‌ی اساتید و علماء حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به محضر مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تقدیم شد و پاسخ معظم له، تلاشهای گسترده‌ای برای جلب رضایت آیة الله العظمی مظاهری در جهت اجابت این درخواست از سوی حوزویان و دیگر اقشار مختلف صورت پذیرفت.
بالاخره، آیة الله العظمی مظاهری با توجه به اهمیت شایان عنایت درخواست علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و نیز استقبال و علاقمندی‌بسیار زیاد همراه با تواضع و صفای باطن مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در این زمینه، متقاعد شده و با نشان دادن مراتب تبعیت عملی خود از ولایت فقیه، و آماده شدن برای هجرت به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پس از متجاوز از چهل سال تحقیق و تتبع و دانش‌اندوزی و تدریس، یکی از زیباترین صحنه‌های تاریخی التزام عالمان دین به اعتقادات علمی خود را به منصه‌ی ظهور وبروز درآورند.
پس از آن رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ 9 آذر 1374 طی پیام بسیار مهمی خطاب به آیة الله العظمی مظاهری، با یادآوری سابقه‌ی باعظمت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان نقش علماء اعلام آن در انقلاب اسلامی که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم‌الشأن بوده است، چنین فرمودند: «بحمدالله و المنة خود آن جناب نیز از حسنات اصفهان و هدیه‌ای ارزشمند از آن شهر فضیلت پرور به حوزه‌ی والامقام قم و به طلاب و جویندگان علم و معرفت و اخلاق می‌باشید، و سال‌های متمادی پس از آنکه حظ عظیمی از آن سرچشمه‌ی جوشان فقه و علم و معرفت به دست آورده‌اید، خود در مسند استادی فقه و اخلاق، جمع کثیری از فضلاء و مستعدان را از فیوضات بهره‌مند ساخته‌اید. اینک اصفهان، حوزه‌ی علمیه و مردم آن، جنابعالی را به اصفهان فرامی‌خوانند، قاطبه‌ی علمای محترم و عزیز اصفهان که در میان آنان شخصیتهای برجسته‌ی علمی و دینی نیز حضور دارند و همواره مایه‌ی اعتلای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بوده‌اند، در نامه‌ای این را از اینجانب درخواست کرده و شوق خود و مردم را منعکس ساخته‌اند. لذا اینجانب مقتضی می‌دانم که جنابعالی به اصفهان نقل مکان فرموده و پایگاه رفیعی از درس و تعلیم و تحقیق بنا نهید و تربیت طلاب و فضلاء و ارشاد و هدایت عموم مردم و پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و شرعی آنان را وجهه‌ی همت سازید. بی‌شک مردم مؤمن و فرهنگ دوست

و هوشمند استان و شهر اصفهان که به روحانیت معظم عشق می‌ورزند، مقدم جنابعالی را گرامی می‌دارند، و با قدردانی از برکات وجود شریف بهره‌ای وافر از حضور علمی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی آن جناب خواهند برد. ان شاء الله».
پیام عدیم النظیر ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» و تجلیل معظم له از مرتبت بلند مردم مجاهد و غیور و مؤمن اصفهان و نیز تمجید از مقام شامخ آیة الله العظمی مظاهری با آن عبارات زیبا و دلنشین، همگان را به تحسین و شگفتی واداشت.
دو روز پس از صدور این پیام مهم، آیة الله العظمی مظاهری در روز یکشنبه 74/9/12 مصادف با 10 رجب 1416 میلاد پربرکت حضرت جوادالائمه علیه السلام در میان استقبال عظیم علماء، طلاب و اقشار مختلف مردم بزرگوار اصفهان وارد این شهر شده و در این سامان رحل اقامت افکندند.
تبیین حوادث مبارک و باشکوهی که پس از ورود معظم له به اصفهان رخ داد مجالی واسع می‌طلبد. آنچه شایان گفتن است آن است که امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از آن هجرت مبارک، آرزوی بلند علماء و اساطین حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان در شکوفایی و بالندگی دوباره‌ی این حوزه‌ی مقدسه و همچنین آرمان ارجمند رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین «مد ظله العالی» به مرحله‌ی بروز و ظهور رسیده است و امید است با استمرار برکات این هجرت شکوهمند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، سابقه‌ی عظیم‌الشأن تاریخی خود را به دست آورد.
حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، برکات نعمت حضور:
حرکت عظیمی که با این هجرت تحت حمایتهای مقام معظم رهبری آغاز شد، در ذات و ماهیت خود یک حرکت به تمام معنی فرهنگی بود گر چه برکات دیگری نیز از زوایای مختلف آن جاری شده است.
این حرکت شکوهمند از ابتدای آغاز در دو بعد مهم «حوزوی» و «فراحوزوی» جریان یافته و با عنایات الهی همچنان ادامه دارد:
در «بعد حوزوی» سه محور اساسی «ایجاد نظم و تشکیلات منجسم مدیریتی»؛ «تقویت بنیه‌ی علمی و ارتقاء سطح آموزشی» و «ایجاد خدمات و تسهیلات رفاهی»، مورد توجه و امعان نظر ویژه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان قرار گرفته است.
در این راستا به فهرستواره‌ای از برخی از اقدامات انجام شده اشاره می‌شود:
1- تشکیل شورای طرح و برنامه حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور سیاستگذاری برنامه‌های کلان.
2- تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور ایجاد نظام

تشکیلاتی این حوزه.
3- تأسیس مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان که دارای واحدهای بیمه درمانی طلاب، صندوق قرض الحسنه طلاب، دفتر پشتیبانی و رفاه مسکن طلاب، دفتر فنی و عمرانی می‌باشد.
4- تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات رایانه‌ای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.
5- تصویب و ثبت رسمی اساسنامه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.
6- تأسیس مرکز آموزشهای تخصصی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و ایجاد سه رشته‌ی تخصصی در گرایش‌های فقه و اصول، تفسیر، تبلیغ.
7- پذیرش نزدیک به یک هزار نفر طلاب جدید الورود در سال‌های تحصیلی 76-77 و 77-78.
8- استقلال امور مشمولیت طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان براساس اخذ فرمان فرماندهی معظم کل قوا.
9- بناء درسی منظم و محققانه در بخش خارج فقه و اصول توسط شخص آیة الله العظمی مظاهری.
10- برگزاری دروس جنبی حوزوی در زمینه‌های رجال، تفسیر، اعتقادات، فلسفه و...
11- آغاز طرح بزرگ انبوه‌سازی مسکن سازمانی طلاب به استعداد نزدیک به 400 واحد مسکونی.
هجرت در بعد فراحوزوی:
در «بعد فراحوزوی» نیز در سه محور «رسیدگی به امور مساجد»؛ «توجه به مراکز فرهنگی، اجتماعی، نظامی» و «ارتباط نزدیک با توده‌ی مردم و اقشار مؤمنین» فعالیتهای مهمی صورت گرفته که گوشه‌هایی از آن بدین شرح است:
1- تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان اصفهان و تنظیم اساسنامه و ثبت رسمی این مرکز.
2- ارتباط مستمر و برگزاری سلسله دروس اخلاقی توسط ریاست معظم حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان برای دانشگاهیان، قضات عالیرتبه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و زنان و بانوان.
3- برگزاری جلسات دروس اخلاق برای اقشار مؤمنین در مسجد حکیم اصفهان که پس از حضور آیة الله العظمی مظاهری در اصفهان، اینک به یک پایگاه رفیع برای اعتلاء معارف اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شده است.
این همه از دولت لطف خداست:
بدون تردید وجود این همه برکات که بر این هجرت تاریخی مترتب شده است اثر عنایات لایزال الهی و الطاف حضرت ولی الله الاعظم «ارواحنا و

ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» و توجهات ویژه‌ی ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی» و همچنین مجاهدت و تلاش پیگیر زعیم عالقدر حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان «دامت برکاته» است و اگر نبود آن عنایات و الطاف و توجهات و این مجاهدتها، بدون تردید نیل به مقاصد عالیه‌ای که گوشه‌هایی از آن بصورت فهرست گونه بیان شد، به هیچ روی ممکن نبود.
از خداوند منان و رحمان استمرار و استدامه‌ی این برکات را در سایه‌ی نظام بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی طلب می‌کنیم.
انه ولی النعم و التوفیق.
آذر ماه 1377
شعبان المعظم 1419
بسم الله الرحمن الرحیم
مصاحبه‌ی مجله‌ی حوزه با
مرجع عالیقدر
حضرت آیة الله العظمی مظاهری
«مد ظله العالی»
منتشر شده در:
مجله‌ی حوزه (ویژه‌ی حوزه‌های علوم دینی).
شماره‌ی 68-69 (خرداد، تیر، مرداد و شهریور 74)
ما، مسافریم و روزهای عمر، به منزله‌ی منزلهای سفر.
در این منزلها، برای عاقبت‌اندیشان، بهره‌هاست. بهره برای فردا. فردایی که آنچه کشته شده باشد، درویده خواهد شد.
حال، برای فردا، چه کشت شود، تا به کار آید و خریدار داشته باشد، چگونه از آفات دورشان داشت، تا بمانند برای روز درو، مسأله‌ای است مهم که باید از راهیان راه معرفت و سالکان مسلک سعادت، جویا شد.
به فرمان آنان، گردن نهاد و دوره سخت اصلاح نفس و پیرایش و پرورش باطن خویش را آغاز کرد، تا به مرحله‌ای رسید که بتوان از منزلها بهره برد و آن بذر که افشانده می‌شود حاصلی نیکو دهد و در روز واپسین، درخور عرضه به پیشگاه حق باشد. برای این مهم، به محضر معلم اخلاق، فقیه بزرگوار، حضرت آیة الله حاج شیخ حسین مظاهری، که از محضر معلمان بزرگ اخلاق بهره برده و الگوهای نیک در این سیر روحانی داشته و خود در این راه ریاضتها کشیده، شرفیاب شدیم، تا برای گذر از این راه پرخطر راهنمایی بخواهیم و از نفس گرمش، گرما بگیریم.
امید آن که آنچه از این مجلس روحانی برگرفته‌ایم و اینک تقدیم می‌داریم، همگان، بویژه علاقه‌مندان به سیر سلوک را مفید افتد.
حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه‌ی با مجله‌ی حوزه را پذیرفتید،

لطفا، در ابتدا، شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان بفرمایید.
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم
رب اشرح لی صدری و یسرلی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی.
خدا را شکر می‌کنم که توانستم خدمت شما عزیزان باشم. امیدوارم که آنچه می‌گویم، برای خود و شما و خوانندگان، مفید باشد.
البته، تمایل قلبی من این است که در این مصاحبه، از مطالب کلی صحبت کنم؛ اما از باب «فاما بنعمة ربک فحدث» و به لحاظ انتقال تجربیات دیرینه به نسل حاضر و طلاب جوان و از باب این که یادی و ذکری از اساتید و بزرگان و حقداران خود کرده باشم و نیز در جهت اجابت درخواست مجله‌ی وزین حوزه، عرض می‌کنم:
در سال 1312 شمسی در خانواده‌ای وارسته و مذهبی متولد شده‌ام. پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی، در سال 1326 شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شدم.
حوزه‌ی اصفهان، چنان که می‌دانید، سابقه‌ی کهن و درخشانی دارد و حیف که آن سابقه‌ی ارجمند با این لاحقه فعلی، هماهنگ نیست. در سال 1326، وضع حوزه‌ی علمیه اصفهان، گر چه همانند صد سال پیش نبود، ولی با وضع فعلی هم، تفاوت جدی داشت.
تقریبا، از لحاظ درس و بحث، حوزه‌ی گرمی بود.
من، در مدرسه مسجد سید اصفهان، که مقبره مرحوم حجة الاسلام علی الاطلاق، یعنی سید شفتی هم در آن جاست و مسجد، منتسب به ایشان است، حجره گرفتم و مشغول تحصیل شدم.
ادبیات را خدمت دو ادیب بزرگوار، مرحوم حاج آقا جمال خوانساری و حاج آقا احمد مقدس، فراگرفتم.
سطح را خدمت حضرات آیات: خادمی، فیاض، و طیب و ادیب خواندم.
منظومه‌ی حاجی سبزواری را در محضر مرحوم آیت الله مفید، خواندم.
این اساتید، مردان بزرگی بودند و حق بسیاری هم بر ذمه من دارند. خداوند، همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.
در سال 1331 شمسی به قم آمدم. مقداری از کتاب شریف مکاسب و کتاب ارزشمند کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری تدرس کردم و بعد، بیش از هشت سال در خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و بیش از ده سال، در خدمت حضرت امام و بیش از دوازده سال در خدمت آیت الله العظمی مرحوم داماد، خارج فقه و اصول را استفاده بردم.

اسفار ملاصدرا و شفای بوعلی را هم از محضر استاد بزرگوار، علامه طباطبایی فراگرفتم.
از آغاز تحصیل، مقید بودم، تدریس هم داشته باشم. به یاد دارم که سیوطی می‌خواندم، صمدیه را تدریس می‌کردم از این روی، در اصفهان که بودم، ادبیات تدریس می‌کردم. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم که وارد شدم، تدریس سطح را شروع کردم اکنون هم، قریب به بیست سال است که به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول هستم.
منظومه، نهایه و قسمتهایی از اسفار را نیز، چندین مرتبه تدریس کرده‌ام.
و توصیه‌ام هم به طلاب این است که تا می‌توانند تدریس را فراموش نکنند. تدریس، افزون بر این که ادای زکات علم است، باعث تقویت پایه‌های علمی نیز هست.
حوزه: اگر خاطره‌ای از اساتید خود دارید، بفرمایید، بویژه از مرحوم آیة الله مفید که قدری ناشناخته‌اند.
-: دوران تحصیل، آن هم در محضر این بزرگان، همه‌اش خاطره است. ولی گفتید از مرحوم آیة الله مفید بگویم، چند جمله‌ای راجع به ایشان، عرض می‌کنم:
مرحوم آیت الله مفید، از فقها و فلاسفه‌ی اصفهان بود. انسان فوق‌العاده وارسته‌ای بود، شاگرد دوست و شاگرد پرور بود. افزون بر فلسفه، خارج فقه و اصول نیز، تدریس می‌کرد.
ایشان، در بیدآباد اصفهان منزل داشتند، ما نیز همسایه‌ی ایشان بودیم. از آن جا، تا مدرسه‌ی صدر اصفهان، مسافت زیادی، راه بود، هر روز در خدمت ایشان، پیاده می‌آمدیم تا مدرسه، این، توفیقی بود برای من که بیشتر از محضر آن بزرگوار، بهره ببرم.
بارها از بی‌اعتباری دنیا برایم سخن می‌گفت. نسبت به اهتمام به درس، بسیار سفارش می‌فرمود.
می‌فرمود:
«طلبه، اگر نامش در دفتر امام زمان، ثبت شود، هم دنیا دارد و هم آخرت.
طلبه، نباید از مشکلات هراسی به دل راه بدهد. با مشکلات باید دست و پنجه نرم کند، تا به جایی برسد».
گاه، این روایت مشهور را برایم می‌خواند:
أوحی الله تعالی الی داود (ع) یا داود انی وضعت خمسة فی خمسة، و الناس یطلبونها فی خمسة غیرها فلا یجدونها: وضعت العلم فی الجوع و الجهد و هم یطلبونه فی الشبع و الراحة فلا یجدونه،...
بحار، ج 453/78
خداوند به داوود (ع) وحی کرد ای داوود من پنج چیز را در پنج چیز نهادم مردم آن را در غیر آن پنج چیز می‌جویند و نخواهند یافت: علم را در

گرسنگی و تلاش نهادم آنان آن را در سیری و راحتی می‌جویند نخواهند یافت...
می‌فرمود:
«من، در ایام تحصیل، مشکلات فراوان دیده‌ام. بسیاری از اوقات، لباس، به قدر نیاز نداشتم. بارها، با دست خالی به منزل رفته‌ام، ولی به لطف الهی همه را پشت سر گذاشتم و همسرم، با فداکاری این وضعیت را تحمل می‌کرد و مرا نگران نمی‌ساخت».
ایشان، مقید بود، از سهم مبارک امام، استفاده نبرد، از این روی، به همان اندازه‌ای که خویشان و بستگان وی، به ایشان هدیه می‌کردند اکتفا می‌کرد. دنیای ایشان، ختم به خیر شد و آخرت ایشان هم معلوم است. آن بزرگوار، در سال 1382 ه.ق رحلت کرد و در قبرستان شریف تخت فولاد اصفهان، در بقعه‌ی مرحوم آقا محمد بیدآبادی «قده» دفن شد.
چنین انسانهایی بیقین، مصداق این آیه شریفه‌اند:
«یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی».
ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد و در زمره‌ی بندگان من داخل شو. و به بهشت من درآی.
حوزه: هر یک از اساتید، شیوه‌ای خاص در تدریس دارند، لطفا بفرمایید اساتید شما چه شیوه‌هایی داشتند و مزایای هر کدام، در چه بود.
عرض کردم از جمله اساتید ما، حضرت آیت الله العظمی بروجردی بود. شیوه‌ی ایشان، شیوه‌ی مجتهد پرور بود. ایشان در تدریس فقه، به چند نکته اهمیت می‌دادند:
1. بیان تاریخ تشریعی یک مسأله و ذکر اجمالی تطورات آن، از آغاز، تا پایان، در ادوار فقه شیعی و سنی.
این مطلب، نگاه فقیه را به مسأله، باز می کند و می‌تواند تغییرات صورت گرفته در یک مسأله و علل آن را بفهمد.
2. اهمیت به اقوال قدماء. ایشان، معتقد بودند که فقه ما، مسائل متفرقه‌ای دارد که فقها، به متون فقه، افزوده‌اند و مسائلی هم دارد که از معصومین اخذ شده و تعبیر خودشان: «اصول متلقاة» است. ایشان این دو دسته را در بحثها از هم، جدا می‌کرد و برای متون قدماء به لحاظ نزدیکی به زمان معصومین (که ویژگی مهمی بود)، اصالت خاصی قائل می‌شد خصوصا به اقوال مرحوم شیخ الطائفه، اهمیت زیادی می‌داد و از آن فقیه بزرگوار، با احترام خاصی یاد می‌فرمود.
3. در جمع بین روایات، بسیار محققانه عمل می‌کرد و بحق، فقیه ممتاز، زبردست و عالی قدری بود.
4. اگر چه، همیشه در درس می‌فرمود: «احتیاط، در ترک احتیاط است»،

اما در مقام فتوا، جرأت بی‌جهت و بی‌دلیل نداشت و به لحاظ مقام عملی و تقدس خاصی که داشت جانب احتیاط را از دست نمی‌داد.
اما شیوه‌ی درس امام خمینی: امتیاز درسی ایشان در چند چیز بود که به عرض می‌رسانم:
1. فهم عرفی. این امتیاز را از استاد بزرگوارش، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری گرفته بود. اهمیت این امتیاز در استنباط و اجتهاد برای اهل فن روشن است، مخصوصا در مورد کسی مثل حضرت امام که یک فیلسوف و حکیم متأله بودند.
2. بیان شیوا و سلیس، روان و گویا، که در میان همه‌ی مدرسین آن زمان، بی‌نظیر و ممتاز بود.
3. شاگرد پروری: آن بزرگوار، به شاگرد، میدان بحث و ارائه‌ی نظر می‌داد. شاگرد را تشویق می‌کرد.
این خصوصیت، خصوصیت کوچکی نیست. بزرگان ما، اگر در درسهایشان میدانی برای ارائه نظرات خود نمی‌داشتند، چگونه رشد می‌کردند؟
4. ایشان، از سر تحقیق، تابع دلیل بود. از این روی، از بیان قولی که احتمالا خلاف مشهور باشد، در صورتی که مستندش به نظر ایشان قوی باشد، باکی نداشت.
5. به اقوال شیخ انصاری اهمیت بسیار می‌داد و برای نظرات آن فقیه عالی مقام، احترام خاصی قائل می‌شد.
خلاصه، چه درس فقه ایشان و چه درس اصول ایشان، درس ارزشمند و ممتعی بود. خداوند، درجات این مرد عالی مقدار را متعالی کند.
اما شیوه درس آیة الله العظمی داماد:
1. مرحوم آقای داماد، حقیقتا، محقق بود و برای تدریس، زحمت بسیاری می‌کشید، مکرر از ایشان شنیدم که فرمود: «من، دیشب برای این بحث، هفت ساعت، هشت ساعت، زحمت کشیدم».
2. موشکافیهای عالمانه‌ای در بحث‌های ایشان وجود داشت. نظریات خود را با دقتهای ظریفی از روایات، استخراج می‌کرد.
اگر چه درس ایشان، به شلوغی برخی از درسهای دیگر نبود، ولی حقا درس ارزشمند و قابل استفاده‌ای بود.
حق ایشان بر گردن من و حق دیگر اساتید، جز با لطف خداوند، ادا نمی‌شود.
حوزه: از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود بفرمایید.
-: از الطاف الهی نسبت به بنده این بود که از همان آغاز ورود به قم، در محضر حضرت امام بودم. ایشان، ما را به شاگردی پذیرفتند. بودن ما در خدمت حضرت امام، خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت سیاسی-انقلابی امام قرار می‌داد.

بنده و جمعی از دوستان، از همان سال 41 ،40 در خدمت این انقلاب بوده‌ایم و تاکنون هم، به لطف الهی توانسته‌ایم به اندازه وضع خود، از این انقلاب و نظام حمایت کنیم.
این را از امام عزیزمان آموخته‌ایم: «خدمت به این نظام، واجب عینی است.»
تذکر این نکته را لازم می‌دانم: همان طوری که امام بزرگوار، فرمودند: حفظ این نعمت و امانت الهی از اصل به دست آوردن آن، بسیار مشکل‌تر است. از این روی، باید با نهایت دقت، و احتیاط، از این نظام ارزشمند حفاظت کرد هر کسی به اندازه‌ی وظیفه خود و به اندازه‌ی وسع خود، باید در خدمت انقلاب و آرمانهای اسلامی آن قرار گیرد و سپاسگزار و قدردان این نعمت بزرگ باشد.
حوزه: شکر خدا حضرت عالی در کسب دانش دین موفق بوده‌اید، لطفا عوامل موفقیت خود را بیان کنید.
-: اگر لطف خداوند متعال و توجهات صاحب حوزه‌ی علمیه نبود، هیچ کس توفیقی نمی‌داشت. اگر ما هم توفیقی کسب کرده‌ایم، به لطف خدا بوده است.
در عین حال، من سعی کرده‌ام که اموری را در درس و تحصیل رعایت کنم که آن هم اگر انجام پذیرفته، به لطف خداوند متعال و عنایت اهل بیت، علیهم‌السلام، بوده است. از جمله آن امور:
1. انتخاب اساتید خوب که نام آن بزرگان را بردم. استاد، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، مرحوم علامه طباطبایی، از استادشان مرحوم حضرت آقای قاضی، نقل می‌فرمودند که: «اگر نصف عمر در طلب استاد بگذرد جا دارد».
2. انتخاب هم مباحثه‌ی خوب.
3. سعی کرده‌ام که امور دنیوی، مانع تحصیل نشود. از این روی، به لطف خدا و اعتقادی که به این راه داشته‌ام، روزانه، بیش از ده دوازده ساعت، مشغول تحصیل بوده‌ام.
4. نظم.
استاد بزرگوار ما، حضرت امام، افزون بر این که خود منظم بود، از این که شاگردی بی‌نظم به درس حاضر می‌شد، به شدت ناراحت می‌گردید و می‌فرمود:
«من نمی‌گویم به درس من بیایید، ولی اگر می‌خواهید بیایید، منظم بیایید.»
نظم، بسیار خوب است، به عمر انسان، برکت می‌دهد. یک طلبه بانظم، بازدهی‌اش، چند برابر طلبه بی‌نظم است.
5. خوب خواندن. این که بعضی از طلبه‌ها ده سال، بیست سال درس خارج می‌روند، ولی به جایی نمی‌رسند، به خاطر این است که دروس پایه را

خوب و دقیق، نخوانده‌اند، بویژه ادبیات. طلبه، باید ادیب باشد. به این معنی که وقتی عبارت عربی را می بیند، ناخودآگاه، آن را صحیح بخواند. همچنین سطح را باید خوب بخواند.
حوزه: آیا در مسائل اخلاقی، استاد خاصی داشته‌اید.
-: استاد خاص به معنای مصطلح، خیر موافق آن هم نیستم. زیرا،
اولا، استاد خصوصی، خیلی کم است، مخصوصا در حوزه‌ی فعلی ما، که حدود سی هزار طلبه دارد، اگر بخواهیم به نسبت این تعداد، استاد خصوصی اخلاق داشته باشیم، باید تعداد زیادی استاد اخلاق داشته باشیم که چنین چیزی در حوزه‌ی فعلی ما، ممکن نیست.
این که حضرت امام، بارها نسبت به مرحوم شاه‌آبادی، اظهار ارادت می‌کرد و از ایشان، باعظمت یاد می‌کرد، بدین خاطر بود که امام، پس از تلاشهای بسیار، موفق شده بود، استادی در اخلاق، آن گونه که می‌خواهد، بیابد.
ثانیا، استاد خصوصی به این معنی که انسان خود را در اختیار او بگذارد و فقه و اصول ودیگر مباحث را در حاشیه‌ی کار قرار دهد، این نیز، افراط است و نادرست. به عقیده‌ی من، نه تنها سودی نخواهد داشت، که ممکن است ضرر نیز داشته باشد. علم و تزکیه باید همراه هم باشند.
افرادی را سراغ دارم که با ولع بسیار مسائل اخلاقی را این گونه دنبال می‌کردند، استاد خصوصی داشتند و... ولی در نهایت، راه به جایی نبردند و منحرف شدند و با حوزه‌ی علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی به معارضه برخاستند.
بنابراین، با این گونه استاد خصوصی داشتن در اخلاق، موافق نیستم و خود نیز، استاد خصوصی نداشته‌ام.
البته، از محضر حضرت امام و علامه طباطبایی، استفاده‌های اخلاقی و معنوی فراوان برده‌ام و خدا را همواره، بر این جهت شاکرم که در زمانی وارد حوزه‌ی قم شدم که دو استاد برجسته مانند امام و علامه، در آن، حضور داشتند و من توانستم در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از خدمت آن دو بزرگوار، بهره ببرم.
حوزه: لطفا شمه‌ای از ویژگیهای اخلاقی امام خمینی را بیان فرمایید:
- حضرت امام مجسمه‌ی اخلاق اسلامی بود و حقیقتا باید گفت که جنبه‌ی سیاسی ایشان بعد از نهضت، جنبه‌های دیگر آن مرد بزرگ، بویژه جنبه‌ی علمی و جنبه‌ی اخلاقی ایشان را تا قدری تحت‌الشعاع قرار داد.
1. از امتیازهای بارز ایشان، احتراز از محرمات بود. سالهای متمادی که در خدمت ایشان بودم، یک عمل مکروه از آن مرد ملاحظه نشد، حتی اگر شبهه‌ی گناه پیش می‌آمد، حالت نگرانی از ایشان نمایان می‌شد و لذا در مقابل انجام محرمات مخصوصا از قشر طلبه عکس‌العمل شدید نشان

می‌داد.
2. ویژگی اخلاقی دیگر امام، احترام ایشان به علماء اسلام بود.
از وحید بهبهانی، آن محقق جلیل، نقل شده است:
«اگر به جایی رسیده‌ام مرهون احترامی است که برای فقهاء و علمای اسلام قائل شده‌ام».
و این خصلت در امام، همیشه جلوه‌گر بود، نه تنها به مثل شیخ طوسی و صاحب جواهر و شیخ انصاری احترام ویژه می‌نهاد و با تجلیل از آن یاد می‌کردند، بلکه درباره‌ی امثال آیة الله مؤسس یا آیة الله بروجردی نیز، بارها می‌فرمود: «در سر حد کرامت است که یک پیرمرد، به این خوبی حوزه علمیه و بلکه عالم تشیع را اداره می‌کند.»
3. از دیگر خصائص اخلاقی ایشان، تواضع بود و همان طور که مقام و ریاست در شخصیت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم‌السلام، نتوانست اثری بگذارد، در مورد این فرزند عالی مقدار آنان هم این گونه بود. همان تواضعی که در دوران پیش از مرجعیت داشتند، تا آخر عمر پربرکت خود حفظ فرمودند و ما می‌دیدیم که ایشان چگونه در مقابل مردم و یا جوانان بسیجی و یا خانواده‌ی معظم شهدا و فرزندان آنان و یا جانبازان، کوچکی و تواضع و خفض جناح می‌فرمودند.
4. امتیاز اخلاقی دیگر امام، زهد آن مرد بزرگ بود. زهد، یعنی دل نبستن به دنیا و همدل نشدن با مادیات. ساده زیستی امام همیشه زبانزد بود. از تشریفات و تجملات، حقیقات رنج می‌برد و همیشه دیگران و بالاخص طلاب را به زهد و ساده زیستی و حفظ زی طلبگی نصیحت و توصیه می‌فرمود و شما دیدید که در همان دورانی که در رأس قدرت بودند، همان زندگی بی‌آلایش روحانی را حفظ فرمودند و اجازه ذره‌ای تجاوز از آن را به اطرافیان ندادند.
5.خصیصه‌ی مهم دیگر شخصیت دادن به افراد بود. چنان که از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است ایشان چنان با اصحاب خود رفتار می‌کردند که هر فردی گمان می‌کرد که اعز افراد نزد پیامبر اکرم (ص) است استاد بزرگوار ما در برخورد با شاگردان و بویژه در درسهای حوزوی خود، این گونه عمل می‌کردند و با این حرکت خود، استعداد شاگردان را شکوفا می‌کردند.
6. ویژگی دیگر ایشان که برای خود من اعجاب‌انگیز و پند بزرگی بود، این مسأله است که در مجالس غیردرسی، وقتی فرعی از فروع علمی مطرح می‌شد و هر کس به فراخور خود مطلبی را ارائه می‌کرد، تنها اگر از ایشان اظهارنظری می‌خواستند، صحبت می‌فرمود، آن هم در حد اختصار. این روش از نظر اهل علم، جدا فضیلت بزرگی به شمار می‌آید. هنیئا لارباب النعیم نعیمهم.

7. از ویژگیهای دیگر ایشان که به نظر من تناسب تام با خصائص اخلاقی ایشان دارد، درک ایشان از مقام امامت و ولایت بود؛ چرا که چنان درکی را جز به متخلقان اخلاق الهی نمی‌دهند. شما اگر به کتب عرفانی امام و شروحی که بر ادعیه و روایات مرقوم فرموده‌اند، مراجعه کنید، به خوبی درمی‌یابید که ایشان مقام امامت و ولایت کبری را یافته است، نظیر آدم تشنه‌ای که تشنگی را با سراسر وجود خود دریافته. هنیئا له و رزقنا الله و ایاکم. و متأسفانه حق این کتاب‌های ارزشمند و دیگر کتب ایشان در حوزه رعایت نشده است، این کتابها مورد تدریس و تدرس و مراجعه‌ی اهل تحقیق باشد.
به هر صورت مجموعه‌ی این خصائل و صفات بارز دیگر موجب شد که آن بزرگوار حاکمیت بر قلوب پیدا کند. این مطلب در قرآن شریف و روایات معصصومین (ع) به صراحت وجود دارد که محبت افراد متقی در قلوب ریخته می‌شود و ابهت آنان نیز در دلها رسوخ می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:
«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».
مریم، 96
و امام حسن (ع) نیز در توصیه‌های پایان عمر شریف خود، به جنادة بن ابی امیه می‌فرماید:
«و اذا اردت عزا بلا عشیرة و هیبة بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیة الله الی عز طاعة الله عزوجل».
بحارالانوار، ج 139/44
امام حقا مصداق این آیه و روایت بود.
حوزه: حضرت عالی از اساتید درس اخلاق در حوزه‌ی عملیه قم هستید، لطفا بفرمایید که چه عاملی سبب شد که به تدریس اخلاق بپردازید.
- مسأله تهذیب نفس، موضوع مهمی است. قرآن شریف، به این مسأله، بسیار اهمیت داده است. تا آن جا که بعثت همه‌ی انبیاء و رسول گرامی اسلام و نزول قرآن را برای تحقق همین مهم می‌داند.
«هو الذی بعث فی الامیین رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.»
جمعه؛ 2
اوست خدایی که به میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت، تا آیاتش بر آنان بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.
تهذیب نفس برای طلبه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلبه، همان وقتی که می‌گوید:
«بدان ایدک الله تعالی فی الدارین»، باید بگوید:«هو الذی بعث فی الامیین

رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم...» دو بال علم و تهذیب، باید با هم باشند. اگر بال علم باشد، بدون تهذیب، افزون بر این که علم، برای شخص، حجاب اکبر می‌شود، وزر وبالش نیز، دامنگیر افراد جامعه می‌شود. امام خمینی، رضوان الله علیه، به مسأله تهذیب نفس، بسیار اهمیت می‌داد. هم خود مرد عمل بود و هم دیگران را، بویژه طلاب علوم دینی را هشدار می‌داد. حتی در آخرین سخن به جای مانده از ایشان؛ یعنی در وصیت نامه سیاسی-الهی مرقوم فرموده است:
«از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد. علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می‌باشد.»
امام، در عین این که به فراگیری فقه جواهری و تمسک به روش سنتی تاکید می‌ورزید، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را هم سفارش می‌فرمود.
بنده، پیش از آن که به حوزه بیایم، به مسائل اخلاقی و مجالس موعظه، علاقه‌مند بودم. یادم هست بچه بودم در ایام محرم، در مجالس روضه می‌نشستم و از منبرهای اخلاقی و مفید، بهره می‌بردم.
پس از طلبگی، این ذوق نسبت به مسائل اخلاقی،در من تشدید شد.
حضرت امام، روزهای شروع درس و پایان درس، مطالب اخلاقی می‌فرمود. این روزها، برای من، شادی‌آفرین بود. خیلی به وجد می‌آمدم.
اما این که چه شد درس اخلاق شروع کردم؟ پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، گروهی از آقایان طلاب، به بنده اصرار کردند که درس اخلاق شروع کنم. من نپذیرفتم، زیرا خود را شایسته آن نمی‌دانستم.
تا این که یک روز، برای خواندن نماز ظهر به مدرسه فیضیه رفته بودم، آقایی آمد استخاره‌ای خواست. استخاره گرفتم، خیلی خوب آمد. فردای آن روز، که روز پنج شنبه بود، تعدادی از طلاب آمدند که اعلامیه‌ای پخش شده که شما شب جمعه، درس اخلاق می‌گویید! معلوم شد، آن استخاره روز گذشته، برای همین بوده است. گفتند: ما هر چه اصرار کردیم، شما نپذیرفتید، استخاره کردیم، خوب آمد، اعلامیه را پخش کردیم.
دیدم، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌ام. ناچار شب آمدم فیضیه، در مدرس زیر کتابخانه، که محل درس اعلام کرده بودند، درس اخلاق را شروع کردم. مدتی درس ادامه یافت. جمعیت زیادی شرکت می‌کردند و استقبال، خیلی خوب بود. تا این که ساواک، ما را از مدرسه‌ی فیضیه بیرون کرد. به مدرسه‌ی حجتیه رفتیم، از آن جا هم ما را بیرون کردند. حسینیه اراک رفتیم. چون افراد شرکت کننده زیاد بودند، بسیاری از افراد، بیرون حسینیه، در کوچه می‌ایستادند و راه مردم مسدود می‌شد، تصمیم گرفتیم به جای وسیع‌تری درس را انتقال دهیم. تا این که پس از تلاش بسیار برخی از طلاب، توانستیم به مسجد اعظم برویم.

پس از انقلاب هم، این درس ادامه یافت و بحمد الله جمعیت خوبی شرکت می‌کرد.
یک وقتی، یکی از علمای بزرگ می‌فرماید:
«به امام عرض کردم، فلانی درس اخلاق می‌گوید. جمعیت زیادی شرکت می‌کند.
امام، آن قدر خوشحال شد که سه مرتبه فرمود: الحمد لله رب العالمین».
این، نشاندهنده‌ی اهتمام ایشان، به علم اخلاق است و لزوم برگزاری جلسات درس اخلاق.
بنابراین، درس اخلاق من، خود به خود پیش آمد و تمایل ذاتی و ذوق اخلاقی من هم، کمک کار شد، که بتوانم آن را ادامه دهم.
به لطف الهی، تلاش فراوان کرده‌ام که این درسها برای خود و شنوندگان، مفید باشد. البته درس اخلاق، درس انسان‌سازی است و کاری بسیار مشکل. به تعبیر حضرت امام که می‌فرمود:
«می‌گویند: ملا شدن چه آسان، آدم شدن، چه مشکل، اما شیخ ما می‌فرمود: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن، محال است».
واقعیت هم، همین است. کار بسیار طاقت‌فرسایی است.
حوزه: حضرت عالی وضع کنونی اخلاق و دیگر علوم را در حوزه‌ها، چگونه می‌بینید.
- در حال حاضر، حوزه را، نه تنها از نظر اخلاق، که از نظر توجه به فقه و اصول نیز آن چنان که شایسته است، در مخاطره می‌بینم. گر چه می‌دانم، با لطف خداوند و تلاش مدرسان و طلاب، آسیبی به آن نخواهد رسید.
فراموش نمی‌کنم راجع به تشکیل شورای مدیریت، با چند نفر از بزرگان، رفته بودیم خدمت حضرت امام.
بنده به ایشان عرض کردم: آقا! حوزه را از نظر علمی در مخاطره می‌بینیم.
ایشان، با خونسردی فرمود:
«غم این که حوزه در مخاطره است، نخورید. در زمان رضا شاه، وضع به قدری بد بود که طلبه‌ها، روزها می‌رفتند بیرون از حوزه و به باغهای اطراف شهر پناه می‌بردند و شب به حوزه برمی‌گشتند. در عین حال، حوزه حفظ شد و از خطر، نجات یافت». بعد راجع به تشکیلات مدیریت فرمود:
«فکر کنید که چه باید کرد. اگر چیزی به من مربوط شد، اقدام می‌کنم.»
به بنده فرمود:
«برو خدمت آقای گلپاییگانی، از ایشان نظرخواهی بکن.»
شب، با آیة الله مصباح یزدی، خدمت آیة الله العظمی گلپایگانی رفتیم. در محضر ایشان هم، من از وضعیت علمی حوزه، اظهار نگرانی کردم. از قضا، ایشان هم فرمود:

«نگران نباشید، حوزه صاحب دارد.»
ایشان هم مانند امام، به سختی‌ها و رنج‌های دوران رضا شاه اشاره کرد.
این که بنده عرض می‌کنم، حوزه در مخاطره است، نه این که آسیب‌پذیر باشد. بنده، با توجه به انتظارات فراوانی که امروز هست، عرض می‌کنم: توجه به اخلاق و فقه و اصول، کم رنگ شده است و گرنه کارهای جنبی که اکنون در حوزه برای حفظ نظام و عالم تشیع می‌شود، بسیار است. امروز، در حوزه‌های علمیه، کارهای مفید فراوانی انجام می‌شود که جای تشکر آن باقی است. ولی توصیه حضرت امام، به تهذیب و اخلاق و تأکید ایشان بر فقه و اصول را نبایداز یاد ببریم لذا توصیه می‌کنم به طلاب عزیز که به اخلاق، اهمیت بدهند. فقه و اصول را جدی بگیرند. فقه، فقه جواهری و اصول هم، اصول سنتی. مقصودم از اصول سنتی، اصول، به روش بزرگان و اساتید گذشته است، نه فرو رفتن در مسائل اصول و مطرح کردن نظریه‌ای و اقوال گوناگون را درباره‌ی آن نقل کردن و به نقد و بررسی گذاردن و آن گاه، نظریه‌ای را پذیرفتن و چندین روز برای آن استدلال آوردن و...
مقصودم از اهمیت دادن به اصول، این نیست، هر چند، کار علمی است. ولی بزرگان ما، مرحوم حضرات آیات: حکیم، بروجردی، حائری، داماد، امام و... یک دوره اصول را پنج - شش سال به پایان می‌رساندند، بدون این که مطلبی را کم بگذارند و به مباحث لازم و ضروری توجه کنند.
امام بزرگوار، از این جهت بسیار خوب عمل می‌کردند. بعضی از این مباحث، نظیر بحث طلب و اراده، بحث‌های مهم و ارزشمندی هستند، اما در جای خود. اینها به علم اصول ربطی ندارند.
به قول مرحوم آیة الله العظمی بروجردی:
«اصول ما، به واسطه‌ی همین زوائد، آماس شد و باید برای زوائد آن، فکر اساسی بشود.»
امام، در بحث خارج اصول خود، وقتی به بحث انسداد رسیدند، فرمودند:
«ما چون حجیت خبر واحد را اثبات کردیم، احتیاجی به این بحث نداریم.»
در تقریراتی که از اصول ایشان نوشته‌ام، در جمادی الاولی 1374، این مطلب را این گونه تقریر کرده‌ام:
«هذا، تمام الکلام فی حجیة الخبر الواحد و حیث اثبتناه فدلیل الانسداد باطل بداهة اذ فی مقدماته عدم الدلیل، و الخبر الواحد، دلیل واف بمعظم الفقه، بل بتمامه مع ضم الاجماعات و المشهورات و حیث ان العمر قصیر و لکل شی آفات و البحث عن دلیل الانسداد تطویل بلا طائل، بل یمکن ان یقال، ان بحثه لا یخلو عن الاشکال، فالاعرض عنه أحسن، بل واجب.»
نظر همین مطلب را در حواشی بر کفایه، که اخیرا از ایشان منتشر شده، آورده‌اند.

(انوار الهدایة، ج 317/1).
بنابراین، به جای چندین سال معطل ماندن در اصول و طرح مباحث صرفا علمی، به قرآن و دیگر معارف اسلامی بالاخص علم اخلاق بپردازیم. امروز، نیاز فراوان به این گونه بحثهاست. حوزه، چشم و چراغ تشیع و جهان اسلام است.
من دو سال پیش، در جواب درخواستی از مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چهل و پنج موضوع لازم به بحث را معرفی کردم و گفتم روی این موضوعات، که بعضی فقهی و بعضی اصولی و بعضی اقتصادی بود، کار تفصیلی که نیاز امروز مردم و حکومت اسلامی را برآورده کند، نشده و این، وظیفه‌ی حوزه‌هاست که به این امور لازم بپردازند.
حوزه: اگر ممکن است، فهرست آن موضوعات را برای استفاده خوانندگان مجله بفرمایید.
- موضوعات، چنانکه گفتم، در سه بخش: فقهی، اصولی و اقتصادی بود، بدین شرح:
فقهی:
1. بررسی تحلیلی «تغریرات» و اختیارات دولت اسلامی در این رابطه.
2. نگرش فقهی به مسأله «حفظ و سلامت محیط زیست».
3. بررسی فقهی مسأله «کنترل جمعیت و موالید» و حدود و اختیارات دولت اسلامی.
4. حدود اختیارات ولی فقیه.
5. برسی تحلیلی«قوانین مدنی» - عام و خاص - در فقه اسلامی.
6. بررسی مسائل مستحدثه حج.
7. بررسی مسائل مستحدثه‌ی قضا.
8. بررسی تحلیلی آراء و انظار امام خمینی و سیر تحولات این دیدگاهها. (به عنوان اولین ولی فقیه که موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند».
9. هنرهای تجسمی: مجسمه‌سازی، معماری و...
10. هنرهای تصویری: فیلم، عکس و...
11. بررسی فقهی مسأله «حجاب». (با عنایت به ضرورت احیای چادر که از ارزشهای اسلامی و ملی در کشور ماست).
12. بررسی فقهی معضلات و تنگناهای پزشکی: پیوند اعضاء خرید و فروش اعضاء و خون، تلقیح مصنوعی، جلوگیری از بارداری و...
13. فقه سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی.
14. فقه دفاع و امور نظامی.
15. بررسی تحلیلی «موسیقی و غنا». (با عنایت به آراء سهل‌انگارانه‌ایکه بعضا در این باب ارائه می‌شود).
موضوعات اقتصادی:

1. بررسی معاملات ارزی.
2. بررسی و تحلیل بورس اوراق بهادار.
3. کنترل و نظارت بر قیمتها و حدود اختیارات نظام اسلامی.
4. بررسی مالیات و خودیاری‌ها و اختیارات نظام اسلامی.
5. تحلیل محدوده‌ی نظام مالکیت فردی و حل تعارضات آن با مالکیت دولت.
6. بررسی معضلات و اشکالات وارده بر بانکداری اسلامی.
7. نگرش فقهی به مسأله زمین.
8. تجارت خارجی و جایگاه آن در فقه اسلامی.
9. بررسی انفال و ثروت‌های عمومی ملی و شؤون و اختیارات دولت اسلامی در رابطه با آن.
10. بازنگری فقهی باب مزارعه.
11. بازنگری فقهی باب مضاربه.
12. بازنگری فقهی باب اجاره.
13. بازنگری فقهی باب رهن.
14. قواعد اصولی و کلی در باب معاملات.
15. بررسی روابط کارگر و کارفرما.

موضوعات اصولی:

1. تکلیف مدرکات حقیقی و اعتباری «حقایق و اعتباریات» در علم اصول و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه استنباط فقهی.
2.جایگاه «عرف» در علم اصول و ارزش آن در دستیابی به قوانین فقهی.
3. تنقیح مناط و محدوده‌ی ارزشی آن در فقه.
4. بررسی تحلیلی عناصر مکان و زمان در اجتهاد.
5. کاربرد و تأثیرات فلسفه در علم اصول.
6. کاربرد و تأثیرات منطق در علم اصول.
7. کاربرد و تأثیرات نحو در علم اصول.
8. بررسی تحلیلی سیره‌ی مسلمانان و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی.
9. تفکیک اوامر ولایی و تبلیغی معصومین و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه‌ی استنباط فقهی.
10. نگرش روش شناسانه «حجیت ظهور» و بررسی شیوه‌های استظهار و ارزش این شیوه‌ها در استنباط.
11. سیر تاریخی علم اصول و بررسی بالندگی و رکود آن در بستر تاریخ.
12. بررسی و شناخت مذاق شریعت و روح فقه و محدوده‌ی ارزشی آن در استنباط فقهی. (روح فقه، عبارت است از نظریه‌های عملی و اصولی که ساختار زیربنایی قوانین فقهی را شکل می‌دهد و به تعبیر دیگر

زیربناهای فقهی، که منشاء احکام فقهی می‌شود و فقیه در موارد سکوت ادله، یا تناقض و یا ابهام و تنافی آن، به آنها استناد می‌کند.)
13. جایگاه بنای عقلاء و ارزش آن، در دستیابی به قوانین فقهی.
14. میزان کاربرد عملی علم اصول در فقه (این که در کتابهای فقهی، حقیقتا، به چه میزان از علم اصول بهره‌برداری می‌شود.)
15. تفکیک و تعیین مباحث کم فایده و بی‌ثمر در علم اصول.
حوزه: در جهت اصلاح وضعیت اخلاقی حوزه، چه پیشنهادی دارید.
- پیشنهادی به مدرسان و گردانندگان حوزه دارم و توصیه‌ای به طلاب عزیز.
پیشنهادم این است که درس اخلاق را در حوزه زیاد کنند. یکی از بزرگان می‌گفت:
«در زمان مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی در حوزه‌ی نجف، سی درس اخلاق بود.» در حوزه ما، حداقل، اکنون باید سی درس اخلاق باشد. البته کسانی که می‌خواهند درس اخلاق بگویند، باید افراد مهذبی باشند که بحمدالله چنین افرادی هستند در حوزه.
مدرسانی که درس فقه و اصول و ادبیات می‌گویند، می‌توانند در ضمن بحث‌ها، نکات اخلاقی را یادآور شوند و حداقل، یک روز در هفته را به تذکرات اخلاقی اختصاص بدهند، چنانکه روش برخی از بزرگان ما بوده است.
سفارشی هم به طلبه‌ها دارم. از اینان می‌خواهم که به اخلاق و تهذیب نفس، اهمیت بدهند. کتابهای اخلاقی را زیاد بخوانند. قرآن را، با این نگاه، زیاد بخوانند. اصول کافی، بخصوص جلد دوم آن، روایات مفیدی را مرحوم کلینی دسته‌بندی کرده است.
این را بدانید که علم بدون تهذیب نفس، ضررش، بیش از نفعش است. حجابی می‌شود که خدای نکرده، انسان را به انحراف می‌کشاند.
حوزه: از حضرت عالی، اخیرا اثری منتشر شده به نام «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمة العملیة» لطفا بفرمایید به چه انگیزه‌ای دست به نگارش آن زدید و چه خلأی احساس می‌کردید.
- برخی از مباحث اخلاقی که پس از انقلاب اسلامی، در نهادها و ارگانها داشته‌ام، به صورت موضوعی و مجموعه‌ای چاپ شده است که به بیش از بیست جلد می‌رسد. با اینکه گفتار بوده و تبدیل گفتار به نوشتار، نواقصی را، خواه ناخواه، در پی دارد، ولی مورد استقبال واقع شده، به گونه‌ای که برخی از آنها، تیراژ بسیار بالایی دارد. از این روی احساس کردم، جامعه به این گونه آثار نیاز دارد. از سویی، آثار مکتوب در اخلاق، کم داریم و آنها هم، کمبودهایی دارند. مثلا، «احیاءالعلوم» نوشته غزالی، ام‌الکتب در اخلاق است. این اثر، با اینکه اثری است ارزشمند، ولی نواقصی دارد، هم در

محتوا و هم در روش.
مرحوم فیض، زحمت کشید و این کتاب را خلاصه کرد و روایات اهل بیت را بدان افزود، با این حال «محجة البیضاء» نیز، خالی از اشکال نیست. زیرا هر چه باشد، تهذیب و تصحیح همان «احیاءالعلوم» است.
من، تعجب می‌کنم که چرا مرحوم فیض، با آن همه توانایی علمی، اثری مستقل در اخلاق، ننگاشت.
بعدها مرحوم نراقی، جامع السعادات را نگاشت. این اثر هم، متأثر از احیاءالعلوم غزالی است. از این روی، وقتی به بحثهای سنگین و ظریف اخلاقی می‌رسد، از آنچه در «احیاءالعلوم» تجاوز نمی‌کند. و ضمنا متأثر از اخلاق ارسطویی و یونانی هم هست.
معراج السعادة هم، تلخیص و ترجمه جامع السعادات است به اضافه‌ی برخی از اشعار فارسی.
دیدم کتاب اخلاقی متکی بر ثقلین (کتاب و عترت) که از متن دین استخراج شده باشد، کم است. به این نکته توجه اساسی کرده‌ام که علم اخلاق باید دلربا و دل‌انگیز باشد و اگر قرار شد علم اخلاق را با مصطلحات و انقسامات فلسفی مخطوط کنیم و همان شیوه‌ی یونانی و ارسطویی را در این علم دنبال کنیم، همان طوری که ابن‌مسکویه در «طهارة الاعراق» و خواجه نصیر در بعض کتابهایش و نراقی در «جامع السعادات» و دیگران کرده‌اند، کام هیچ خواننده‌ای شیرین نخواهد شد و اثر لازم را در دل سالکان نخواهد گذارد و به عکس اگر اخلاق از متن دین، یعنی از دل کتاب و سنت که سرشار از معارف عمیق اخلاقی هستند، استخراج شود، بی‌هیچ تردید آن طراوت و حلاوت لازم را پیدا خواهد کرد و عقیم نخواهد ماند. از خداوند متعال، خواستم توفیق دهد، تا بتوانم، اثری در اخلاق، با تکیه بر قرآن و عترت، بنویسم.
ابتدا تصمیم داشتم، گروهی تشکیل بدهم و چندین جلد اخلاق به زبان فارسی، با استفاده از دیگر علوم وابسته، بنویسم، ولی مقدر نشد. از این روی تصمیم گرفتم، به زبان عربی بنویسم، اگر مورد قبول افتاد، دیگران آن را ترجمه کنند، تعلیقه بزنند و اشکالاتش را برطرف سازند.
تاکنون، یک جلد آن چاپ شده، مجلدات دیگر نیز، در دست اقدام است. به نظر خودم، آن چه می‌خواستم، موفق شده‌ام، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.
حوزه: حضرت عالی تألیفات دیگری هم دارید، درباره‌ی آنها توضیح بفرمایید.
- در فقه و اصول، هم تألیف دارم و هم تقریر. از حضرت امام، آیة الله العظمی بروجردی و آیة الله العظمی داماد تقریرات بسیاری در فقه و اصول نوشته‌ام.-

حوزه: در پایان، تقاضا داریم، توصیه‌ای برای ما و خوانندگان مجله بفرمایید.
- به جای این که خود توصیه کنم، در توصیه، از دو استاد بزرگوار خود، حضرت امام و علامه طباطبایی، برای شما نقل می‌کنم:
اوایل پیروزی انقلاب، روزی خدمت امام بودیم. گروهی از شرکت نفت، برای ملاقات و بیعت با رهبری، خدمت امام آمده بودند. سخنگوی آنان، خیلی خوب، صحبت کرد. از جمله گفت:
«آقا! نیامده‌ایم بگوییم از انقلاب، چه می‌خواهیم آمده‌ایم بگوییم انقلاب، از ما چه می‌خواهد».
امام، از این سخن، بسیار خوشش آمد و برافروخته شد. آن گاه در پاسخ این عزیزان فرمود:
«انقلاب، از شما، دو چیز می‌خواهد:
یکی تهذیب نفس. چون اگر انسان، مهذب نباشد، نمی‌تواند برای انسانیت و جامعه‌اش، مفید باشد. خودگرا و خودمحور می‌شود آن گاه، هم خود بیچاره می‌شود و هم دیگران را بیچاره می‌کند. هر چه پست و مقام، بالاتر باشد، ضررش بیشتر خواهد شد. دومین چیزی که انقلاب از شما می‌خواهد، عمل به وظیفه است. هر کس، هر جا که هست آن چه را که وظیفه‌ی اوست، خوب انجام دهد.»
راستی اگر، همه‌ی ما، این دو توصیه حضرت امام را عمل می‌کردیم، خیلی پیشرفت ما بیشتر بود.
متأسفانه، این چند ساله، هر ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا به خاطر این بوده است که خودساخته نبوده‌ایم، یا این که در عمل به وظیفه، کوتاهی کرده‌ایم.
من، این توصیه امام را تکرار می‌کنم که ما در این نظام مقدس و این نعمت بزرگ الهی، دو وظیفه داریم:
1. تهذیب نفس.
2. عمل به وظیفه.
اما توصیه‌ای از مرحوم علامه طباطبائی: آخرین جلسه‌ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت ایشان رفتیم. حال ایشان، خوب نبود. به احترام جمع، نشست، ولی حرف نمی‌زد. جلسه، طول کشید. بنده به ایشان عرض کردم، توصیه‌ای بفرمایید، تا مرخص شویم. ایشان فرمود: «چیزی یادم نیست» بعد، بلافاصله فرمود:
«این آیه، یادم آمد: اذکرونی، اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون».
بعد از آن جلسه، حال ایشان بد می‌شود و ایشان را به بیمارستان می‌برند. لحظات آخر عمر شریف بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما که از اتاق آمدیم بیرون، از قول خانم ایشان نقل کردند:
«لحظه‌ی مرگ، ایشان چشمها را باز کردند و به گوشه‌ای خیر شدند. آن

گاه، سه مرتبه فرمودند: توجه ! توجه ! توجه و از دنیا رفتند.»
این آخرین جمله ایشان، با آن آخرین، توصیه‌ی ایشان، هر دو، برای ما، یک پیام دارد که به یاد خدا باشید، همه ما، در محضر خداییم. توجه به نعمتهای خدا، توجه به این که ما در این دنیا، باید به کمال برسیم. توجه به این که قبری هست، برزخی هست، معادی هست.
مرحوم شهید، در دستورالعمل اخلاقی خود، توصیه می‌فرماید:
«انسان، در هر روز، حداقل، باید دو مرتبه به یاد مرگ باشد.»
توجه به این که ما ساخته شده‌ایم که در رفاه مطلق و لذت مطلق باشیم.
هر کسی به اندازه‌ی سعه وجودی خود.
یکی لذت مطلقش، در «جنات تجری من تحت الانهار» است.
و یکی در صحبت کردن خدا با او «سلام قولا من رب رحیم». مباد که این لذتها را از یاد ببریم و فرو رویم در لذت‌های زودگذر دنیا اگر لذت باشند و بشود اسم لذت روی آنها گذارد.
این جمله علامه، خیلی مهم است: توجه.
از خداوند می‌خواهم، این حال توجه را به همه‌ی ما عطا کند.
حوزه: از این که مزاحم وقت شریف حضرت عالی شدیم، پوزش می‌طلبیم و از حضرت عالی، به خاطر این لطف، سپاسگزاریم.
- من هم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم آنچه گفتم، مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) و مورد توجه شما واقع شود و اگر وقت شما را گرفتم، گفته‌هایم مفید باشند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

مظاهری، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر مظاهری
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1323/7/1
زندگینامه علمی
پس از تلمذ جامع المقدمات نزد عمویم با تشویق ایشان و رضایت پدرم در اطاق پسر عمویم واقع در مدرسه نواب مشهد مقدس ساکن شدم و از 1335 تا 1363 تحصیلات و فعالیت علمی اینجانب به شرح زیر است :
1. از 1335 تا 1338 تمام کتاب سیوطی و مطول و باب اول و چهارم کتاب مغنی و حاشیه ملا عبد الله را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نمودم و در ایام تعطیلات حوزه شرح قطر را نزد یکی از فضلا تلمذ نمودم .
2. از 1338 تا 1340 لمعتین را نزد مرحوم میرزا احمد حسینی ، مدرس رسمی حوزه و معالم الاصول و بحث الفاظ قوانین میرزای قمی را نزد مرحوم میرزا محمد اشکذری ، مدرس مدرسه نواب تلمذ نمودم .
3. از 1340 تا 1345 مکاسب و رسائل شیخ انصاری (ره) و کفایتین مرحوم آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی ،در مشهد مقدس تلمذ نمودم .
4. از 1345 تا 1353 خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی شامل کتاب زکات و خمس و بیع و خیارات و مکاسب محرمه کتاب مکاسب و شامل جلد دوم کفایه را تلمذ نمودم . به دستور معظم له از شاگردان جزوه درسی سالانه دریافت و نمره داده می شد .
5. از 1345 تا 1355 تفسیر قرآن کریم و درس معارف آن را نزد مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) و شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری همراه با بیان معارف مکتب تفکیک را نزد مرحوم حاج شیخ عبد النبی کجوری (ره) تلمذ نمودم .
6. از 1347 تا 1351 جلد اول اسفار اربعه و جلد اول و سوم شرح اشارات شیخ الرئیس را نزد شیخ علی تهرانی (که متاسفانه بعد از انقلاب به منافقین پیوست) تلمذ کرده ام .
7. از 1350 تا 1356 خارج فقه (کتاب طهارت و صلوه و حج) و خارج

اصول (جلد اول کفایه الاصول) نزد آیت الله حاج میرزا علی فلسفی ، نزیل مشهد مقدس تلمذ نمودم.
8. از 1356 تا 1363 به حوزه علمیه قم انتقال یافتم و مقیم قم شدم و خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله حاج رجبعلی وحید خراسانی تلمذ نمودم هر چند در این دوران مشابه سایر طلاب و اقشار مختلف در تظاهرات و تبلیغ مسائل مربوط به انقلاب به شهرها اعزام می شدم .
9. از 1358 تا 1363 کتاب نفس و قسمتی از الهیات شفا را نزد آیت الله حسن زاده و جلد ششم و هشتم اسفار اربعه را نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ نمودم .
10. از 1362 پس از بازگشایی دانشگاهها با اصرار حجة الاسلام لاری ، دکتر احمد احمدی نماینده امام راحل و عضو شورای انقلاب فرهنگی در آن زمان و با هدف تدریس معارف اسلامی به دانشگاه کشیده شدم و از این تاریخ تا 1378 به ترتیب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علوم اراک و دانشگاه علوم پزشکی این شهر و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس معارف برای دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشته و دارم .
11. در اوقات حضور در اراک با سپاه و با کارکنان استانداری و مرکز ماشین سازی اراک همکاری تدریسی و تبلیغی مستمر داشته ام .
12. از 1378 پس از موفقیت در امتحانات کتبی و شفاهی خبرگان بی مدرک و دفاع از رساله دکتری تحت عنوان «حدوث و قدم جهان در آثار میرداماد» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم استخدام شدم و اکنون در این واحد دانشگاهی استاد یار و عضو هیئت علمی تمام وقت می باشم . در خاتمه لازم به ذکر است که همکاری تدریس اینجانب با این واحد دانشگاهی از 1371 شروع و تا کنون ادامه دارد .

مظفر، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1215 ق)، حکیم، طبیب، صوفی و شاعر، متخلص به مظفر. ملقب به مظفر علیشاه. برخی از تذکره‌ها تخلص وی را طریقتی ذکر کرده‌اند. در کرمان به دنیا آمد. در ابتدای جوانی تحصیل علوم عقلی و نقلی کرد. در کربلا نزد شریف العلماء فقه و اصول خواند. در حکمت الهی و طبیعی و علوم ادبی و عربی مرتبه‌ای عالی یافت. در نظم و نثر تحقیقات جامعی کرد. وی از مریدان و شیفتگان مشتاق علیشاه بود که پس از کشته شدن مراد، «دیوان» شعری به نام وی سرود، به همین دلیل مظفرعلیشاه را مولوی ثانی یا مولوی کرمانی خوانده‌اند، چرا که همچون ملای رومی در فراق مراد خود دیوانی سروده است. به قول صاحب «عرفای کرمان» وی پس از مشتاق علیشاه به خدمت نورعلیشاه و رونق علیشاه رسید و به دستور نور علیشاه از رونق علیشاه ارشاد و تلقین گرفت تا اجازه‌ی ارشاد یافت و از خلفای او شد. وی سرانجام در کرمانشاه درگذشت. در چگونگی مرگ او نیز اقوال متفاوتی وجود دارد. از آثار وی: «بحر الاسرار»، شعر؛ « مجمع البحار» یا «جامع البحار»، تفسیر «سوره‌ی فاتحه»، در شرح «بحر الاسرار»؛ «دیوان مشتاقیه»، شعر؛ «کبریت احمر»؛ «خلاصة العلوم».[1]
محمدتقی بن محمدکاظم از عارفان بنام سلسله نعمةاللهیه (ف. کرمانشاه 1315 ه.ق). وی در علوم طبیعی، ریاضی و علوم نقلی از اصول و فروع بهره کافی داشت و گروهی از محضر درس او استفاده می‌کردند. در آغاز مجذوب مشتاق علیشاه کرمانی شد و به خدمت نور علیشاه رسید و از نور علیشاه تلقین ذکر یافت. پس از قتل مشتاق‌علی شاه، مظفرعلی به انشاء غزلیات و قصاید و قطعات و ترجیعات و رباعیات دیوان مشتاقیه پرداخت. فتحعلی‌شاه به اصرار آقا محمدعلی کرمانشاهی او را به تهران احضار کرد و به صوابدید حاجی ابراهیم‌خان او را به کرمانشاه فرستاد و در همان شهر درگذشت. از اوست تفسیر منظوم به نام بحرالاسرار، تفسیر منثور بنام مجمع‌البحار، رساله کبریت احمر (مشتمل بر اوراد و اذکار طریقت نعمت‌اللهیه)، دیوان مشتاقیه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (233)، تذکره‌ی مشاعران کرمان (477 -471)، حدیقة الشعراء (1681 -1671/ 3)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (322)، الذریعه (21/ 20، 260/ 17، 1061/ 9

230،/ 7 ،29/ 3)، ریاض العارفین (302 -281)، ستارگان کرمان (361 -353)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13/ 225)، طرائق الحقائق (208 -207/ 3)، عرفای کرمان (108 -107)، فرهنگ سخنوران (854)، لغت نامه (ذیل/ مظفر کرمانی)، مجمع الفصحا (943 -934/ 5)، معجم المؤلفین (81/ 12)، مکارم الآثار (560 -556/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (239 -238/ 2)، یادگار (س 3، ش 4، ص 54).

مظفری قزوینی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مظفری قزوینی در سال 1304 در شهر قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. آیت الله مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : محمد مظفری قزوینی فرزند ملا ابراهیم آقا بابایی ، در سال 1304 دیده به جهان گشود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد مظفری قزوینی پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه ی علمیه قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمیه این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود.خاطرات و وقایع تحصیل : محمد مظفری قزوینی هنگام تحصیل در نجف اشرف به سبب بروز برخی مشکلات، مجبور به بازگشت به ایران گردید.استادان و مربیان : محمد مظفری قزوینی مقدمات را نزد آخوند ملا علی مطهری ، متوسطه را نزد شیخ مهدی قاضی و آنگاه سطوح عالیه را نزد آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت. استادان وی در حوزه علمیه ی قم آیت الله حاج سید حسین بروجردی و آیت الله سیدشهاب الدین الحسینی مرعشی بود. مظفری همچنین در حوزه علمیه ی نجف نزد اساتیدی چون: آیت الله حاج سید محسن حکیم ، آیت الله حاج سیدمحمود شاهرودی ، امام خمینی (ره) ، آیت الله حاج سید ابوالقاسم خویی تلمذ نمود.فعالیتهای آموزشی : محمد مظفری قزوینی پس از آنکه مقام علمی خود را به مرتبه ای رساند که توانست ، دانش خود را به دیگران منتقل نماید ، در حوزه علمیه قم به تدریس پرداخت. او سپس به نجف رفته و علاوه بر تحصیل به تدریس نیز پرداخت ، سپس به زادگاه خود قزوین بازگشت و فعالیت های آموزشی خود را در این شهر دنبال نمود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد مظفری قزوینی پس از

آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت.آثار : اسلام و فلسفه احکام ویژگی اثر : دردو جلد2 اسلام و قانون بردگی ، اصطلاحات منطقی ، البلغه فی بلوغ المراه ، الشیعه و السنه ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد6 الفوائد الرجالیه ، القطره فی فضائل علی علیه السلام ، ایضاح الحجه فی شرح العروه ویژگی اثر : در 8 جلد9 پرسش ها و پاسخ ها ویژگی اثر : دردو جلد10 حرمت بازی شطرنج ، خاتمیت آخرین پیامبر ، خلاصه البیان فی احوال شاه زمان ، دانستنیهایی از قرآن ویژگی اثر : این کتاب به زبان عربی می باشد14 رساله در اثبات صانع تعالی ، رساله در خلقت بهشت و جهنم ، شهادت ثالثه در اذان و اقامه ، طیبات ، قربانی در منی

منابع زندگینامه :فرزانگان علم و سخن قزوین ، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها ، قزوین: بحر العلوم

معصومی اصفهانی، ابوعبداللّٰه محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 450 ق)، فقیه، طبیب، فیلسوف و حکیم. وی در اصفهان به دنیا آمد. از شاگردان برجسته‌ی ابن‌سینا و در حکمت و فلسفه مشهور بود. ابن‌سینا وی را به تمامی شاگردانش ترجیح می‌داد و درباره‌ی او می‌گفت: نسبت معصومی به من به منزله‌ی نسبت ارسطو است به افلاطون، و رساله‌ی «العشق» خود را به نام معصومی و به خواهش او تألیف کرد و در آغاز کتاب او را ابوعبداللّٰه الفقیه معصومی نامید. وی پس از درگذشت ابن‌سینا سالها به تدریس پرداخت. سال وفات وی را در حدود 460 ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: کتاب «المفارقات و اعداد العقول و الافلاک و ترتیب المبدعات» یا «رسالة فی اثبات المفارقات» که گفته‌اند این کتاب معشوق حکما بوده است؛ «حفظ الصحة»، در طب؛ شرح «کلمات متقدمین».[1]
ابوعبداللّٰه محمد بن احمد المعصومی یکی از شاگردان ابن‌سینا است. ابوعلی سینا رسالةالعشق خود را به اسم این شاگرد و به خواهش او نوشت. وفات او را بعضی در ری دانسته‌اند و گفته‌اند به حکم محمود کشته شد. از تألیفات مهم او یکی «کتاب المفارقات و اعداد العقول والافلاک و ترتیب المبدعات» یا رساله‌ی «فی اثبات المفارقات» که در قرون پنجم و ششم هجری شهرت بسیار داشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (103/ 7)، تاریخ ادبیات در ایران (319/ 1)، تاریخ طب (692 -691/ 2)، ریحانه (345 -344/ 5)، لغت نامه (ذیل/ ابوعبداللّٰه)، نامه‌ی دانشوران (226 -165/ 6).

معصومی لاری، محمدمسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمد مسعود معصومی لاری
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
بنده اگرچه در شناسنامه به خاطر مدرسه سال 1338 نوشته اند ولی سال 1339 در کرمانشاه و در یک خانواده ای که سابقا در سلسله جلیله روحانیت بوده اند به دنیا آمده ام جد ما مرحوم آقای سید حسین معصومی لاری در همان منطقه کنگاور و کرمانشاه بوده اند البته از آن جهت به ما لاری میگویند که بخشی از خاندان ما در لار و گراش هستند ما از نوادگان مرحوم سید عباس معصومی لاری هستیم سلسله ما عموما سلسله ای بوده اند که همه روحانی بوده اند عموهای بنده مرحوم حاج آقا حسن و حاج آقا جعفر معصومی لاری روحانی بوده اند ابوی بنده سید محمد صادق معصومی لاری در کرمانشاه از معتمدین و مسئول بازرگانی است و فعالیت های اجتماعی زیادی دارند در هر صورت در یک خانواده کاملا مذهبی بزرگ شدیم و تا دیپلم خودمان را در کرمانشاه گذراندیم
دیپلم من مصادف شد با انقلاب اسلامی و از آن به بعد به مطالعات دروس حوزوی پرداختم اوایل انقلاب مدتی در مدرسه عالی شهید مطهری تحصیل کردم آن زمان آقای امامی کاشانی برنامه را در دست گرفته بودند اول کار بود در سال 1358 به هر حال تصمیم گرفتم برای تحصیل بروم خارج از کشور لذا ویزای تحصیل گرفتم و رفتم فرانسه مدت شش ماه آنجا زبان خواندم و زبان را خیلی سریع یاد گرفتم آنجا از جهت فراگیری زبان محیط خیلی خوبی بود ، فارسی زبان کم بود در کاستل نوداقی (جنوب فرانسه) یکی از آن کاخهایی که در زمان انقلاب فرانسه مصادره شده بود تبدیلش کرده بودند به یک مرکز یا پانسیونی برای خارجیها که هم زبان یاد بگیرند و هم آماده باشند برای ورود به دانشگاهها به همین جهت من زبان را در آنجا خیلی سریع یاد گرفتم خوب بعد از آن آمدم پاریس دانشگاه سوربن در رشته ادیان شناسی مشغول به تحصیل شدم و تا حدود دو سال آنجا درس خواندم در این میان به ایران هم سفر میکردم بورسیه نبودم و

پدرم از ایران پول میفرستاد خوب پس از یک سال و اندی به ایران بازگشتم در جهاد سازندگی مرکز و بلافاصله بعد از آن در وزارت امور خارجه مشغول به کار شدم
اواخر سال 1362 وارد حوزه علمیه قم شدم البته در فرانسه هم منطق ، تفسیر ، قرآن ، فلسفه و روش رئالیسم میگفتم به درسهای علوم دینی زیاد علاقه داشتم و مطالعه میکردم بخصوص کتابهای مرحوم مطهری و علامه طباطبایی زیاد میخواندم
قبل از رفتن به فرانسه (اصول فلسفه و روش رئالیسم) را از آقای امجد درس گرفتم . آقای امجد ، حاج آقا ممدوحی و حاج آقا نجومی اینها همه شاگردان مرحوم حاج آقا حسین لاری یعنی جد ما هستند اینها همه بخشی از اساتید من در مدرسه شهید مطهری بودند . آقای امامی کاشانی تفسیر میفرمودند خدا رحمت کند مرحوم علامه محمد تقی جعفری را ، شرح تفسیر نهج البلاغه را اول آنجا ارائه میکردند و قبل از آنکه بنویسند می آمدند آنجا میگفتند و بحث و گفتگو میکردند بزرگوار دیگری بود که اسمشان را فراموش کردم ایشان به ما منطق میگفتند وقتی به قم آمدم در مدرسه علمیه کرمانیها مشغول شدم خدمت آقای موحدی تبریزی ادبیات (جامع المقدمات) را شروع کردیم (مغنی) را خدمت آقای آدینه وند بودیم و یک کمی هم از آقای مدرس افغانی استفاده کردیم در مدرسه کرمانیها منطق را آقای پرنده غیبی و احکام را آقای شیخ محمد سروش درس میدادند (اصول الفقه) را از آقای میرباقری و یکی دیگر از آقایان که اسمش را یادم نیست درس گرفتیم آقای هادوی یک درس منطق (نمیگویم خارج منطق ولی چیزی شبیه آن) میگفتند لذا ما یک کار خیلی جدی را با همراهی ایشان روی منطق انجام دادیم فلسفه را از محضر استاد فیاضی استفاده کردیم به اضافه این که قبلا هم از آقای امجد درس گرفته بودم ، رسائل را ابتدا از خدمت آقای راستی کاشانی استفاده کردیم ولی متاسفانه تا مقداری که جلو رفتیم ایشان بیماری پیدا کردند و نتوانستند بیایند دنبال آن از آقای موسوی تهرانی که بسیار بسیار در رسائل قوی هستند استفاده کردم مکاسب را خدمت آقای پایانی و لمعه را ادر محضر آقای اشتهاردی خواندم . آقای اعتمادی خیلی قوی بود ولی آقای قدیری واقعا ملاپرور بود مثل درس آقای راستی ایشان هم درسش همه پسند نبود سخت میگرفت و از طلبه کار میکشید
درس خارج را با آقای شیخ جواد تبریزی شروع کردم و در بخشی از خارج فقه آقای وحید شرکت داشته ام تفسیر را از محضر آقای جوادی استفاده کرده ام.

معصومی همدانی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین معصومی همدانی (1327ـ همدان) دارای مدرک دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم ،از دانشگاه پاریس -7 فرانسه در سال 1384می باشد.نامبرده عضو هیئت علمی دانشکده دانشگاه صنعتی شریف است. وی همچنین عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : تاریخ و فلسفهتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر حسین معصومی همدانی به قرار زیر است: کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف کارشناسی ارشد رشته فلسفه و تاریخ علم از دانشگاه پاریس -7 فرانسه دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم ،پاریس -7 فرانسه در سال 1384مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هیئتعلمی دانشگاه صنعتی شریف و مدرّس تاریخ و فلسفۀ علم، مشاور عالی مرکز نشر دانشگاهی، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیما و عضو مرکز تحقیق در تاریخ و فلسفۀ عربی ـ اسلامی قرون وسطا.عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو کمیسیون تخصصی استخدام و ... فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی،مدیرگروه زبان و رایانه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی،عضو شورای واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی ،عضو گروه دانشنامه ادب فارسی ،ویراستار و سردبیر مجله دانشجو فعالیتهای آموزشی : دکتر معصومی همدانی در انشگاههای تهران،شیراز و تربیت مدرس در مقاطع کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری به امر تدریس می پردازد.جوائز و نشانها : دکتر حسین معصومی همدانی برنده کتاب سال جمهوری اسلامی برای ترجمه کتاب جزء و کل می باشد.چگونگی عرضه آثار : - تالیف و ترجمه 5 عنوان کتاب - تالیف و ترجمه بیش از 100 عنوان مقاله - شرکت در سمینار های متعدد در داخل و خارج از کشور

_____

آثار : ایرانیها چه رویایی در سر دارند؟ (تهران: 1357) ویژگی اثر : دیدآورنده: میشل فوکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: هرمس - 03 مرداد، 1386 2 ترمودینامیک تعادل، ادکینز ویژگی اثر : (ترجمه)، 13753 جزء و کل، ورنر هایزنبرگ ویژگی اثر : (ترجمه)، 1368.پدیدآورنده: ورنر هایزنبرگ، حسین معصومی همدانی (مترجم)

ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - 29 اردیبهشت، 13864 زندگی‌نام؟ علمی دانشمندان اسلامی ویژگی اثر : ترجمه-13635 سرگذشت فیزیک نوین ویژگی اثر : پدیدآورنده: میشل بیزونسکی، لطیف کاشیگر (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - 23 دی، 1385 6 فلسف؟ علوم طبیعی، کارل همپل، ویژگی اثر : (ترجمه)، 13697 فیزیک : اندیشه ها و یافته ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: ویلیام لارنس براگ، محمدرضا خواجه پور (مترجم)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - 23 دی، 13858 مردم‌شناسی و هنر، لوی استروس ویژگی اثر : (ترجمه)، 13739 نرم و نازک: ماده نرم، پژوهش، آموزش ویژگی اثر : پدیدآورنده: پی یرژیل دو دوژن، ماندانا فرهادیان (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - 03 بهمن، 138510 نسبیت خاص و عام و کیهان‌شناختی، ولفگانگ ریندلر ویژگی اثر : (ترجمه)، 1375.پدیدآورنده: ولفگانگ ریندلر، رضا منصوری (مترجم)، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - 19 اردیبهشت، 138511 نووه چنتو (تک گویی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: الساندرو باریکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: نیلوفر - 13 اسفند، 1385 منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com/

معلمی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن معلمی
محل تولد : فریدن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسن معلمی در سال 1338 در روستای دامنه از توابع فریدن اصفهان متولد شدم دوره دبستان را در همان روستا و دوره راهنمایی را در داران و سه سال هنرستان) رشته برق (را در تهران سپری کردم، در سال سوم هنرستان به دلیل مسافرتی که به قم داشتم به حوزه علمیه و طلبگی علاقه مند شدم و تابستان همان سال (1356) وارد قم شدم و تحصیل رسمی طلبگی را از مهرماه سال 1356 در مدرسه رضویه شروع کردم

مفتح، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام و زبده الفضلاء الاعلام آقای حاج شیخ محمد مفتح همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان و اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است در تهران.
وی در همدان متولد شده و پس از دوران تحصیل جدید و خواندن مقدمات و ادبیات در همدان به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندین سال از محضر و دراسات فقه و اصول مرحوم آیت‌الله العظمی حجت کوهکمری و آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تقریرات آنان را به رشته تحریر درآورده و معقول و تفسیر را هم از علامه شهیر استاد طباطبائی آموخته و ضمنا به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشته و در ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر به تهران و مناطق دیگر برای تبلیغ طبق دعوت قبلی مسافرت و از راه منبر و سخنرانی خدمات شایانی نموده است.
و اکنون در تهران به تدریس در دانشگاه و تبلیغ و تالیف کتب مفیده و اقامه جماعت اشتغال و آثار مطبوعی دارند که مورد استفاده فضلاء و محصلین می‌باشد.
استاد، محقق، فیلسوف، فقیه.
تولد: 1307، همدان.
درگذشت: 27 آذر 1358، تهران.
آیت‌الله دکتر محمد مفتح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان، پس از آن که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال 1322 به قم مهاجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های 1342 -1322 نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فراگرفت، عرفان و دروس خارج فقه و اصول را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که در سطوح عالیه‌ی فقه و اصول را می گذراند موفق شد در رشته‌ی فسلفه‌ی به اخذ

درجه دکتری نایل آید. پایان نامه‌ی وی در مقطع دکتری تحقیقی درباره‌ی نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملا هادی سبزواری پرداخت.
آیت‌الله محمد مفتح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اولین مجمتع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و اداره‌ی حوزه‌ی عملیه بنیان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم را نهاد. دکتر مفتح هنگامی که امام خمینی در عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتح در آن فعالیت داشت حسینیه‌ی ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیه‌ی ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.
ورود آیت‌الله مفتح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم فکرانش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال 1354 دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال 1354 وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغار کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان برد.
در سال 1349 ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت.
تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلام‌شناسی با مقدمه‌ی دکتر مفتح به چاپ رسانید. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.
وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفدهم شهریور 1357 دستگیر و زندانی شد، وی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید در نماز عید فطر سال 1357 سخنرانی پر شوری نمود و بعد از آن مجددا دستگیر و روانه زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن 1357 بود.
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمده فعالیت آیت‌الله مفتح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود:

ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعه روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزای نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران.
از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود.
ترجمه بعضی از مجلدات مجمع البیان. (جلد اول و دوم به قلم آیت‌الله مفتح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمه خود وی به فارسی برگردانده شده است)؛ حاشیه بر اسفار ملا صدرا (چاپ نشده است)؛ روش اندیشه؛ شرح منظومه منطق و رساله تاریخ منطق (1336، جلد اول. جلد دوم در فلسفه الهی تدوین نشد)؛ حکمت الهی و نهج‌البلاغه (پایان نامه تحصیلی دوره دکترای آیت‌الله مفتح)؛ آیات اصول اعتقادی قرآن؛ نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم (1361)؛ ویژگی‌های زعامت و رهبری؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجله «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»)؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر مصاحبه‌ای درباره خرافه و نیرنگ؛ تألیف سید کاظم ارفع؛ زیارت خرافه است یا حقیقت؛ نوشته غلامحسین رحیمی؛ جهان بینی و جهان داری علی (ع)، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ به سوی اسلام یا آئین کلیسا؛ نوشته حجت‌الاسلام مصطفی زمانی؛ ره‌آوردهای استعمار؛ مهدی طارمی؛ اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ نوشته محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ دعا عامل پیشرفت یا رکود؟؛ نوشته محمد مصطفی کرمانی؛ اسلام و حقوق کارگردان بردگان استعمار؛ ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ الاسلام)؛ مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع).
آیت‌الله مفتح صبح روز بیست و هفتم آذر 1358 توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکده‌ی الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. پیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجره 23 صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مفید، محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند شیخ مفید، از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد.
عالم فاضل فقیه زاهد حکیم فیلسوف ادیب.
از شاگردان: آخوند کاشی، و جهانگیرخان قشقائی، و آقا ضیاءالدین دری، و حاج ملا جواد آدینه‌ای، و سید حسن مشکان طبسی، و میرزا سید محمد حکیم باشی، و آخوند ملا حسین فشارکی، و حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی، و آقا میر محمد تقی مدرس، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای.
و در طهران مدتی به درس حاج شیخ فضل‌الله مجتهد نوری شهید، و میرزا حسن حکیم کرمانشاهی؛ و در مشهد به درس حاج آقا بزرگ حکیم حاضر شده، و پس از آن که در کلیه‌ی فنون از طب و ریاضی و فقه و اصول و بالاخص حکمت به مقام عالی رسید.
در اصفهان ساکن، و حدود مدت چهل سال در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و فقه و اصول پرداخت، و جمعی کثیر از افاضل طلاب به درس او حاضر شده، مستفیض می‌شدند؛ و در این اواخر تدریس حکمت در اصفهان بلکه ایران به ایشان منحصر بود.
مرحوم حاج شیخ محمود مفید بر عموم حکما از لحاظ فقاهت مقدم بود، یعنی حکیم و فقیه، و از مدرسین حکمت و فقه به شمار می‌رفت.
کتب ریاضی قدیم از خلاصة الحساب و تشریح الافلاک و شرح هندسه‌ی اقلیدس و چغمینی و دیگر کتب را به خوبی تدریس می‌نمود، و از لحاظ فضایل اخلاقی و زهد و قناعت و اعراض از مردم و عدم توجه به اغنیا بی‌نظیر بود.
در حدود سال 1297 متولد، و در بعد از ظهر جمعه 11 شوال سال 1382 وفات یافته، جنازه روز شنبه با تجلیلات و تشییع عظیم به تخت فولاد منتقل گردید، در بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون گردید.
ماده تاریخ وفاتش را ادیب فرزانه آقای برنا گوید:
برنا پی رحلتش به شمسی گفتا
لقمان زمان و عهد خود بود مفید
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ملاصدرای شیرازی، صدرالدین محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1050 -979 ق)، فیلسوف، حکیم، مفسر و مدرس. ملقب به صدرالدین و مشهور به صدرالمتالهین و ملا صدرا. در شیراز به دنیا آمد و پس از درگذشت پدرش برای تحصیل به اصفهان رفت. استاد او در علوم نقلی شیخ بهائی است. همچنین او در معقول نزد میرداماد از اکابر فیلسوفان و عرفای عصر صفوی تحصیل حکمت و معرفت نمود. وی حکمت الهی را وارد مرحله جدیدی کرد. استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» آورده است که فلسفه ملا صدرا از یک نظر به منزله‌ی چهار راهی است که در آن چهار جریان یعنی حکمت مشایی ارسطویی و سینایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محیی‌الدینی، و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم برآورده، رودخانه‌ای خروشان به وجود آورده‌اند. از نظر دیگر به منزله‌ی صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها اضافه شود و به آنها ماهیت و واقعیت نوین بخشد، که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه خاص ملا صدرا را اصطلاحا حکمت متعالیه می‌گویند. حکمت متعالیه نوعی جهش است که پس از یک سلسله حرکتهای مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است. وی در برهه‌ای از سالهای زندگانی خویش در روستای کهک قم در حالت انزوا زیست و در این دوره به تصوف و عرفان اسلامی گرایش یافت. خود او در این زمینه می‌نویسد که نفس خویش را با طول مجاهده مشغول کردم و دل من با کثرت ریاضتهای سخت افروخته گشت، تا انوار ملکوت بر آن سرازیر شد... بلکه آنچه پیش از این به برهان فراگرفته بودم با فزونی‌های بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم. وی در اواخر عمر به خواهش اللّه وردی خان حاکم فارس به شیراز رفت و در مدرسه‌ی خان به تدریس پرداخت. ملا صدرا در راه هفتمین سفر حج خویش در بصره درگذشت و همان جا دفن گردید. از شاگردان معروف او، دو دامادش، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ عبد الرزاق فیاض لاهیجی می‌باشند که از جانب استاد ملقب به فیض و فیاض گردیدند. از دیگر شاگردان او شیخ حسین تنکابنی، ملا محمد ایروانی، ابوالولی شیرازی و قوام‌الدین احمد پسر صدرا می‌باشند. از آثارش: «الحکمة المتعالیة» یا «الاسفار الاربعة»، که معروف به «اسفار» است؛ «الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة»؛ «الحکمة

العرشیة»؛ «المشاعر»؛ «المبدأ و المعاد»، شرح «الهدایة الاثیریة»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ شرح «اصول کافی»؛ «مفاتیح الغیب»؛ تفسیر «آیت‌الکرسی»؛ تفسیر «آیه‌ی نور»؛ تفسیر سوره‌های: «اعلی»، «حدید»، «جمعه»، «فاتحه»، «طلاق»، «ضحی»، «زلزال»، «واقعه»، «یس»، «طارق» و قسمتی از سوره‌ی «بقره»؛ «الواردات القلبیة»؛ «القواعد الملکوتیه»؛ «کسر اصنام الجاهلیة»؛ «جوابات المسائل العویصة»، در حکمت.[1]
شیرازی محمد بن ابراهیم معروف به «ملاصدرا» و «صدرالمتألهین» فیلسوف بزرگ ایرانی (و. شیراز اواخر قر. 10 ه.- ف. بصره 1050 ه.ق.) وی در جوانی به اصفهان رفت و نزد میرمحمد باقر مشهور به میرداماد حکمت آموخت و علوم شرعی را نزد شیخ بهاءالدین عاملی فراگرفت و در ریاضی نیز مهارت یافت. مدتی در قم به افاضه مشغول گردید و سپس به امر شاه عباس دوم به شیراز بازگشت و در موطن خود به تدریس و افاده مشغول شد. او هفت سفر به حج رفت و در آخرین سفر در بصره درگذشت و همانجا مدفون شد. او شاگردان بسیار داشت که از آن جمله باید ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی را که به دامادی او مفتخر گشتند- نام برد. از آثار اوست در فلسفه: «اسفار اربعه» (اسفار)، شواهد الربوبیة، مبدأ و معاد، مشاعر، عرشیه، شرح «هدایة اثیریه» حاشیه بر «الهیات شفا»، تعلیقه بر «حکمة الاشراق »، شرح «کافی». صدرالدین حکمت اشراق و حکمت مشاء و فسلفه عرفانی محیی‌الدین بن عربی را درهم آمیخته و حقایق ذوقی را با براهین فلسفی مزج کرده است. خود گوید: «نحن قد جعلنا مکاشفاتهم الذوقیة مطابقة للقوانین البرهاینة» (اسفارج 3). صدرالدین بر «حمکة الاشراق» سهروردی تعلیقه‌ای سودمند نوشته که در حاشیه شرح حکمة الاشراق قطب‌الدین شیرازی چاپ شده (حکمت اشراق و فرهنگ ایران م. معین 48) ملاصدرا با اینکه حکیم اشراقی است، طریقه مشائین را نیز می‌پسندد و ضمن بیان آراء حکمای سلف، هر جا که نظر انتقادی دارد به توضیح آن می‌پردازد، چنانکه برخلاف نظر مشائین که موجودات را حقایق متباین می پندارند، او وجود را که اصل و حقیقت هر چیز است هیئت واحد می‌داند و برای آن مراتب متعددی که از حیث ضعف و شدت و نقص و کمال با هم فرق دارند. قایل است. این نظر ملاصدرا با نظر شیخ اشراق هم متفاوت است، چه سهروردی، شدت و ضعف و نقص و کمال را در ماهیت قایل است نه در وجود. موضوع دیگری که ملاصدرا در آن ابتکار نشان داده است، فرضیه مشهور به «حرکت جوهری» است. پیش از او اکثریت حکما از آن جمله ابن سینا حرکت را در اعراض جسم طبیعی میدانسته. ملاصدرا جوهر را نیز متحرک اعلام کرد، ولی تصریح نمود که تغییری که بر اثر این حرکت در جوهر پدید

می‌آید، تغییریست اشتدادی و استکمالی، و به حقیقت جوهر جسم خدشه وارد نمی‌سازد، و آن را دگرگون نمی‌کند. چنانکه تغییراتی که انسان را در ادوار مختلف زندگی عارض می‌گردد از حیث شدت و ضعف انسانیت است نه از حیث حقیقت انسان، یعنی جوهر جسم و هسته اصلی وجود او. ملاصدرا از فرضیه حرکت جوهری نتایجی چند میگیرد از آن جمله اثبات معاد جسمانی است. قبل از او حکما درباره بقای نفس و معاد روحانی به تفصیل بحث کرده و دلایلی آورده بودند، لیکن درباره معاد جسمانی معمولا به سکوت برگزار می‌کردند یا منکر آن می‌شدند. بیان ملاصدرا در اثبات معاد جسمانی مفصل است و حاصل کلام او این است که در روز رستاخیز روح انسان به همان هسته اصلی و جوهر ثابت که ماده جسم است (نه به صورت جسم که محسوس است و در مدت جیات دستخوش تغییرات و تحولات) می‌پیوندد و آدمی به این کیفیت برای پس دادن حساب دوباره زنده می‌شود. صدرالدین برای اینکه از سب و شتم و تکفیر مصون ماند می کوشید تا مطالب فلسفی را با احادیث و اخبار وفق دهد و مدلل دارد که شرع و حکمت معارض یکدیگر نیستند و تألیف شرح کافی روی همین نظر بوده است (دکتر سیاسی. مبانی فلسفه. 1342 ص 561 -559)

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (194 -193/ 6)، اعیان الشیعه (330 -321/ 9)، ایضاح المکنون (699 ،353 ،332 ،59/ 2 ،558 ،414 ،302 ،115 ،79 ،74 ،14/ 1)، بزرگان فلسفه (385 -383)، تاریخ ادبیات در ایران (325 -319/ 5)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (547 -524)، تذکرة العلماء (206 -205)، الذریعه (10/ 25 ،30538 -37/ 21 ،52/ 19 ،294 -293 ،191/ 17 ،244/ 15 ،243 ،175/ 14 ،100 -99/ 13 ،59 -58/ 7 ،143 ،43/ 6 ،228/ 5 ،344 ،343 ،340 ،338 ،337 ،336 ،334 ،331/ 4 ،60/ 2)، ریحانه (420 -417/ 3)، سیر فلسفه در ایران (108 -107)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (386 -373)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 11/ 292 -291)، فوائد الرضویه (381 -378)، قصص العلماء (333 -329)، کارنامه‌ی بزرگان (304)، الکنی و الالقاب (411 -410/ 2)، لغت نامه (ذیل/ ملا صدرا)، لوامع العارفین فی احوال صدر المتالهین (30 -15)، معجم المؤلفین (204 -203/ 8)، منتخبی از تاریخ فلاسفه جهان اسلام (216 -203)، هدیة الاحباب (186 -185)، هدیة العارفین (279/ 2).

ملک‌الاطباء شیرازی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1290 ق)، دانشمند، پزشک، حکیم و ریاضیدان. ملقب به ملک‌الاطباء شیرازی. اصلاً شیرازی و در تهران سکونت داشت. از طبیبان دوره‌ی فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه بود. در طبابت زبردست و با بکارگیری داروها و روشهای درمان فرنگی مخالف بود. مهارت او در تشخیص امراض را به بقراط تشبیه می‌کردند. وی از علوم دیگر بهره‌ور از حکمت و ریاضی باخبر بود. میرزامحمود، فرزند جالینوس الزمان، معروف به میرزاجان، شاگرد او است. در اواخر عمر به قصد مجاورت به عتبات رفت و در کربلا درگذشت. از آثار وی: «البحرانیه»، مباحث بحران امراض، شامل معارضات بین او و میرزا محمد طبیب تنکابنی؛ «تسهیل العلاج»؛ «الجوهریة»؛ در منع استفاده از داروها و روشهای درمان فرنگی؛ «حافظ الصحة» و «حفظ الصحة»؛ «مسکن الفؤاد»، فارسی، در علاج طاعون؛ «الرسالة الوبائیة» صغیر و کبیر؛ «شرح لغزالقانون» که آن را به درخواست شاگردش نوشته؛ «کلیات طب»، منظومه‌ی فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (9/ 191)، الذریعه (20/ 21، 46/ 14، 229/ 11، 26/ 7، 233/ 6، 294/ 5، 182/ 4، 50- 49/ 3)، ریحانه (5/ 390)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 13/ 204)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 223)، معجم المؤلفین (9/ 130).

ملکوتی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی ملکوتی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1327 هشتم مرداد در قم به دنیا آمدم که (سال اول) ابتدائی را در قم و بقیه دوره دبستان و تا کلاس 9 را در نجف اشرف خواندم. سال 43 وارد حوزه علمیه نجف شدم (در جامعة الزالجف) دروس سطح را از ابتدا تا تقریبا آخر خواندم. سال 49 ،50 به قم در خدمت والد منتقل شدم. درس خارج اصول فقه، فقه، فلسفه و عرفان را در محضر اساتید تحصیل کردم. طبق معمول حوزه های علمیه در کنار تحصیل، مشغول تدریس ادبیات، منطق، شرح لمعه، مختصر، معانی بیان و غیره در مدرسه فیضیه، حجتیه و مقابر صحن بودم.
از حوالی سال 56 همراه با هرج و مرج مردم و انقلاب به رهبری حضرت امام (ره) در کنار مردم مشغول مسائل انقلاب شدم. مسئولیت کمیته شهرستان سراب برای مدتی بعد از انقلاب به عهده این جانب بود و در دوره اول و دوم به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی مشغول خدمت بوده (عضو بانیان کمیسیون ارشاد بودم). بعد از دو دوره باز به قم برگشتم. مشغول تدریس و تحصیل شدم.
ضرورت اقتضاء کرد تا برای مدتی در تبریز در خدمت حضرت والد باشم. در آنجا مشغول تدریس رسائل، مکاسب و درس دیگر شدم. در ضمن مسئولیت احداث دوره دانشگاه در واحد سراب را هم به عهده داشتم. حدود 12، 13 سال مشغول آن واحد (البته به صورت کنترل از راه دور) به عهده داشتم. سال 73 باز همراه والد به قم مراجعه و در قم مشغول به تدریس: فلسفه، فقه و اصول و در واحد قم هم به عنوان عضو هیئت علمی تدریس می کنم.

ملکی اصل، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی ملکی اصل
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب پس از تحصیلات دوم متوسطه وارد حوزه علمیه شدم و شروع به تحصیلات همزمان با پیروزی انقلاب بود و پس از تحصیلات مقدماتی، حدود دو سال نیز در حوزه‌های تهران ادامه تحصیل دادم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم. در ضمن ایام تحصیلی، توفیق شرکت در جبهه‌های جنگ تحمیلی داشتم و جنگ با تمامی نیکی‌هایش، سبب رکود و تعطیلات درسی و آموزشی در کشور می‌شد. و از مدتی که در قم هستم در دروس عمومی حوزه (فقه و اصول) و تخصصی کلام و تحقیقات علمی در مراکز مختلف علمی و فرهنگی مشغول بودم و در ضمن شرکت در دروس حوزه، تدریس در دانشگاه‌های کشور را امری لازم می‌دانستم و می‌دانم و اخیراً چند سالی است که درگیر پایان‌نامه سطح چهار حوزه هستم و بحمدالله به مرحله نهایی آن رسیده‌ام و انشاءالله از آن ینز فارغ می‌شوم.
لکن مطلبی که باید مورد توجه دست‌اندرکاران حوزه و دلسوزان به کشور و نظام قرار گیرد، و متأسفانه اهتمام لازم بدان نیست، مسأله مهم فارغ التحصیلی حوزویان و شیوه‌های خارجی طلاب محترم و اخذ مدرک و اشتغال در مراکز لازم فرهنگی کشور می‌باشد و این امر به استعانت از نیروهای فکری حوزوی و دانشگاهی و مراکز فرهنگی کشور نیاز دارد که هنوز استارت آن جدی نیست و اهمال کاری‌ها زیاد است و این امر موجب بدبینی تعداد کثیری از افراد پاک و مستعد حوزوی‌ها می‌شود ولی باید به حوزه و ساماندهی آن کمال اهتمام داشته شود چرا که پشتوانه نظام مقدس اسلامی در گروه پرورش نیروهای مستعد فکری و علمی می‌باشد که علاوه از بُعد علمی، باید دارای تهذیب نفس و تعهد قلبی نسبت به اسلام داشته باشد، و این امر فعلاً عمدتا از نیروهای حوزوی بر می‌آید و

البته تعدادی از افراد دانشگاهی نیز تعهد لازم را دارند.

ملکیان، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر ملکیان
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/9/24

زندگینامه علمی
اینجانب محمد باقر ملکیان متولد 1342 در شش سالگی 1348 وارد دبستان شده و پنج سال ابتدایی را در مدرسه ملی شهرمان با رتبه اول به اتمام رساندم. سه سال راهنمایی را هم در شهر محل تولد با رتبه اول تمام کردم. تابستان 1356 به قم آمده و در مدرسه حقانی سابق که زیر نظر «آیت الله شهید قدوسی» و «شهید بهشتی» اداره می شد؛ ثبت نام کردم. در امتحان ورودی ام که از متقاضیان گرفته شد؛ رتبه اول شدم و سال اول طلبگی را در آن مدرسه بودم.
از سال بعد از مدرسه خارج شدم و زیر نظر اخوی خویش که از طلاب فاضل شهر رضایی است به تحصیل ادامه دادم. ادبیات عرب را به صورت آزاد در نزد اخوی آقای طالقانی و بعضی دیگر خواندم. معالم الاصول را نزد اخوی خوانده و المنطق مرحوم مظفر را پیش استاد نجفی از فضلای طلاب شهر رضایی که دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی هم شدند به اتمام رساندم . لمعه را نزد مدرسین مختلف از جمله: «آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی»، «آقای بادکوبه ای» و «حجةالاسلام فیاضی» و نیز بعضی کتابها را نزد اخوی ام خواندم. رسائل را به طور کامل در نزد حجةالاسلام فیاضی خواندم. حلقات شهید صدر را نزد اخوی (حلقه اولی و ثانیه) و نزد حجةالاسلام اعرافی که امروز رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی می باشد (حلقه ثالثه) را خواندم.
همزمان با خواندن دروس حوزوی در اواخر سال تحصیلی 59 - 1358 برنامه ای فشرده در موسسه در راه حق زیر نظر استاد مصباح یزدی در مورد بررسی و نقد مارکسیسم را گذراندم. با توجه به شرایط زمانی آن سالها این درسها بسیار با اهمیت بود. بعداً امتحان گرفته شد و قبول شده

های در آن امتحان در موسسه در راه حق گروه آموزشی جدیدی را تشکیل دادند.
از مهر 1359 به مدت پنج، شش سال دروس زیادی در برنامه موسسه در راه حق در کنار فقه و اصول حوزه می خواندیم از جمله: «اقتصادنا و فلسفتنا شهید صدر، چند واحد علوم سیاسی، چند واحد جامعه شناسی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، انگلیسی (به مقدار بسیار زیاد)، فلسفه مرسوم از جمله بدایةالحکمه، نهایةالحکمه، سلسله مباحث فلسفه شبیه درس خارج فلسفه (استاد مصباح)، دو واحد حقوق، چند واحد معرفت شناسی و ... . این درسها تا چند سال در موسسه در راه حق و بعداً در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) زیر نظر استاد مصباح ادامه یافت.
بعدها با ارائه واحدهای درسی و در سال حدود 1368 به بعد تدریس دروس مختلف را شروع کردم: ادبیات عرب، اصول الفقه، فقه، منطق، فلسفه، کلام، منطق، زبان انگلیسی و ... درس می دادم.
در سال 1379 در دوره دکتری تربیت مدرس شرکت کردم و در کنکور آن رتبه اول شدم. حالا هم پایان نامه را نوشته ام و پیش دفاع هم کرده ام و به زودی باید دفاع کنم. از سال 1377 هم عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بوده ام و در این موسسه درس اشارات، نهایةالحکمه و انگلیسی تخصصی و بعضی کتابهای دیگر را تدریس داشته ام.
بعضی از رساله های طلاب را مشاوره و یا داوری کرده ام. در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هم بعضی رساله ها را مشاوره و یا داوری کرده ام. تابستانها حدود 8 سال برای دانشجویان برنامه ای با نام «طرح ولایت» اجرا می شد که من در آن برنامه درسهای: معرفت شناسی، فلسفه اخلاق، منطق و خداشناسی فلسفی را مکرراً تدریس کرده ام. در مدارس طلبگی هم گاهی این مواد را تدریس می کنم.

ملکیان، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی ملکیان در سال 1335 شمسی در شهرضای اصفهان متولد شد.وی به علت علاقه ای که به مباحث عقلی و فلسفی داشت تحصیلات خود را در رشته مهندسی رها کرد و تامقطع کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد . در تعلیم مباحث فلسفی وی در کنار تحصیلات دانشگاهی تلاش مستمری در مطالعه و تحقیق در شاخه های مختلف علوم عقلی داشت . استاد ملکیان تالیفات و ترجمه هایی در زمینه فلسفه و تاریخ فلسفه عرضه داشته است .
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
والدین و انساب : مصطفی ملکیان در سال 1335 شمسی در شهرضای اصفهان متولد شد.
تحصیلات رسمی و حرفه ای : مصطفی ملکیان پس از گذراندن تحصیلات مقدمایت و متوسطه در شهرضا به ادامه تحصیل در رشته مهندسی پرداخت. وی به دلیل علاقه به مباحث عقلی و فلسفی آن رشته را رها کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا مقطع کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه داد. ملکیان به تحصیلات رسمی و دانشگاهی قانع نشد و خود با تلاش پیوسته و خستگی ناپذیر به مطالعه و تحقیق در شاخه ها و شعب مختلف علوم به ویژه علوم عقلی پرداخته است.
استادان و مربیان : مصطفی ملکیان خود را پیرو سنت استادی- شاگردی نمی داند. و این مساله را ناشی از وسواسی می داند که در امور علمی و فکری در اعتماد نسبت به افراد داشته است. این تفکر باعث شده است که در حوزه و دانشگاه از استادان، مخصوصا به صورت حضوری خیلی کم استفاده کند و در دانشگاه و اغلب در کلاس درس اکثر استادان حاضر نشود. و بالعکس هر گاه استادی را در حوزه مورد علاقه اش یعنی فلسفه، عرفان و ادبیات قوی و مسلط می یافت با شور و شوق بصورت مستمع آزاد در کلاس درس حاضر می شد. به این ترتیب وی از محضر درس استادانی چون مرتضی مطهری، مرحوم دکتر امیر حسین یزگردی، مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب، مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی، مرحوم دکتر مهرداد بهار (که او را از شریف ترین انسانهایی می داند که چشم روزگار به خود دیده است) بهره برده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مصطفی ملکیان در دانشکده الهایت دانشگاه تهران تدریس می کند.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی ملکیان از آنجا که فکرش خاص در انتخاب استاد داشته است که خود از آن «مشکل پسندی و دیر پسندی» نام می برد. بیشتر به مطالعه متون مکتوب روی می اورد. البته در این مورد نیز در اختنخاب نویسندگان، مترجمان کتابها، رسائل و مقالات هم حساسیتهای خاص در دنبال می می کند. استاد ملکیان خود حصال این وضع و حال را نوعی آموختگی ذکر می کند و محاسن و معایب آن را یاد می آورد.
آرا و گرایشهای خاص : - تاثیر شناخت تاریخ فلسله در شناخت خود فلسفه مصطفی ملکیان معتقد است که بر تاثیر اطلاع بر تاریخ فلسفه در فهم فلسفه باید بصورت مضاعف تاکید نمود علت این تاکرد را از آن جهت مهم می داند که موضوعات مورد بحث فلسسفه امور محسوس نبوده بلکه امور انتزاعی را شامل می شود و این امور انتزاعی چیستی شان وابسته به مقوصد کسی است که درباره آن سخن می گوید. مصطفی ملکیان این اهمیت را چنین تشریح می کند که اگر لفظ دال ابیک امور انتزاعی در طول تاریخ وحدت داشته باشد و هیچونه تغییری نکند، ولی مولفه های مفهومی آن امر آهسته آهسته در ذهن متفکران عوض بشود، در این صورت با هویتهای مختلفی سرو کار خواهیم داشت. لذا این مساله مهم است که اطلاع کسب شود که یک مفهوم اذهان متفکرانی که با لفظ متناظر آن مفهوم سرو کار داشته اند، چه تطوری پیدا کرده است. - ارائه تقسیم بندی کلی در تاریخ نگاری های فلسفه مصطفی ملکیان تاریخ نگاری های فلسفه را به چهار قسم تقسیم می کند: 1- تاریخ نگاری فیلسوفان یا به تعبیری تاریخ نگاری فلسفه از حیث شخصیتهای فلسفی (با رعایت تقدم و تاخر تاریخی) 2- تاریخ نگاری فلسفه بر حسب مکاتب فلسفی، که به دو صورت با لحاظ تقدم و تاخر زمان پیدایش مکاتب، دوم تاریخ نگاری مکاتب از حیث نظم و ترتیب منطقی بین مکاتب. 3- تاریخ نگاری بر حسب سنتهای فلسفی(سنت در اینجا به معنای همه کسانی است که سلسله النسب فکریشان به شخص واحدی م یرسد)، این نوع تاریخ نگاری کمتر متعارف است. 4- تاریخ نگاری موضوعی- مساله ای فلسفی است (لفظ موضوعات به لحاظ تصورات فلسفی و لفظ «مسائل»را به لحاظ تصدیقات فلسفی بکار رفته است). در این شیوه که برخی دایره المعارفهای فلسفی نیز به این شیوه مدخل یابی کرده اند اگر آرا و نظریه های فیلسوفان زیر هر موضوع یا مساله با تتیب تاریخی ذکر شود خود نوعی تاریخنگاری است. که هر چهار شیوه محاسن و معایب اص خود را دارند و مابقه المجع هم نیستند. توصیه ملکیان در مطالعه تاریخ فلسفه از آن جهت که فهم فلسفی

توقف گریز ناپذیری به اطلاع از تاریخ آن دارد، قسم چهارم تاریخ نگاری را به این منظور سودمند می داند. - معنای فلسفه اسلامی مصطفی ملکیان در خصوص فلسفه دینی معتقد است واقعا نمی توان مفاهیمی چون «فلسفه» را با مضاف الیه «مسیحیت» یا «اسلام» یا ... صفت «مسیحی» یا «اسلامی»یا ... ترکیب کرد. به دلیل این که در فلسفه هیچ نفی و اثباتی و رد و قبول و نقض و ارابی صورت نمی گیرد مگر به مقتضای برهان و دلیل عقلی. همچنین وی معتقد است در صورتی که فلسفه اسلامی را به این معنا که این فلسفه بیشتر موضوع و مسائل خود را از اسلام می گیرد تقلی می شود.، با این فرض نیز دیده می شود که موضوعات و مسائل فلسفه به اصطلاح اسلامی چندان تابع میزان تاکید و اهمیتی که متون مقدس دینی برای موضوعات و مسائل قائلند نیست. در تقلی سومی که از فلسفه اسلامی به این معنا که فلسفه اسلامی، فلسفه ای است که مشتغلان و نویسندگان آن مسلان بوده اند بر این عقیده است که در تاریخ فرهنگ اسلامی، صاحب تئولوژی و الهیات اسلامی هستیم و کسانی که به فیلسوف و در این عرصه محمد بن زکریای رازی یگانه فیلسوف (کسی که سیر فکری و عقلانی اش واقعا سیری آزاد باشد) بزرگ جهان اسلام است.

آثار :

1 تاریخ فلسفه غرب

ویژگی اثر : این کتاب با نام مصطفی ملکیان به چاپ رسیده است و مجموعه دروس ایشان در خصوص فلسفه غرب از ابتدا تا دوره معاصر در قم است. منابع زندگینامه :

1رویکردهای متفاوت در تاریخ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره 52 و53، بهمن و اسفند 1380، فلسفه نگاری

منتظر قائم، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی منتظر قائم
محل تولد : فردوس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1

زندگینامه علمی
الف) دورس حوزوی
تابستان 1351 برای یادگیری عربی به سبک حوزوی وارد مدرسه مصلی (حوزه علمیه یزد) شدم و آبان همان سال به قم آمدم. در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) به تحصیل مشغول شدم. تحصیل را تا پایان سال تحصیلی 57 ـ 56 ادامه دادم و اوایل سال تحصیلی 58 ـ 57 با تعطیلی مدرسه حقانی به امور دیگر پرداختم. آبان سال 1361 به حوزه علمیه قم برگشتم و به تحصیل دروس سطح پرداختم.
از سال تحصیلی 62 ـ 1361 تا پایان سال تحصیلی 66 ـ 1365 به تحصیل شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه پرداختم. از سال تحصیلی 66 ـ 1365 درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و تا سال 74 ـ 1373 ادامه دادم. از سال 71 ـ 1370 تدریس در دانشگاه را شروع کردم و تاکنون ادامه دارد. چند سال نیز در «جامعة الزهراء» و «دانشکده هدی» تدریس کردم.
ب) دروس کلاسیک
دوره شش ساله دبستان (نظام قدیم) را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی رمضانی (از سال تحصیلی 44 ـ 1343 تا آخر سال تحصیلی 49 ـ 1348) گذراندم. دو سال اول دبیرستان را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی «مروج» از سال تحصیلی 50 ـ 1349 تا آخر سال تحصیلی 51 ـ 1350 بودم. سال سوم تا ششم دبیرستان (نظام قدیم) 53 ـ 1352 تا آخر سال تحصیلی 57 ـ 1356 در قم به صورت متفرقه در رشته ادبی خواندم.
در سال 58 ـ 1357 در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته «فلسفه غرب» قبول شدم و بهمن 1364 با معدل 3/18 فارغ التحصیل شدم. در سال 68 ـ 1367 در رشته «الهیات و معارف اسلامی»

در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در شهریور 1371 با معدل 65/17 مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه قم گرفتم. پایان‌نامه‌ام ترجمه بخشی از کتاب J.L.mak با عنوان: «The miracle of theilm» بود که با نمره 19 پذیرفته شد. زمستان سال 1384 در امتحان زبان عمومی و اردیبهشت سال بعد در بقیه امتحان‌های رشته «فقه و مبانی حقوق» دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع دکتری شرکت کردم و قبول شدم و از سال 85 تاکنون به تحصیل مشغولم.

ج) تدریس

تدریس در دانشگاه را از سال تحصیلی 71 ـ 1370 در دانشگاه علامه شروع کردم. سال بعد در دانشگاه تربیت معلم درس گرفتم. از سال 73 ـ 1372 تدریس در دانشکده «علوم قضایی و خدمات اداری» را شروع کردم. سال 1374 عضوت هیأت علمی این دانشکده شدم و با رتبه مربی تاکنون مشغول تدریسم. در طول این مدت، چندین سال در جامعة الزهراء و دانشکده هدی دانشگاه قم نیز تدریس داشته‌ام.

منتظری مقدم، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود منتظری مقدم
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1
زندگینامه علمی
آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین 1345 از پدری فاضل و دانشمند حجةالاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجانی (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجةالاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.
در سال تحصیلی 61 – 62 وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریبا 7 سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجةالاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجانی مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی مدظله» استفاده نمود.
در سال 69 با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به

شمار می آید و ایشان در سال 75 به عنوان استاد نمونه تدریس منطق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر نظراستاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت 5 سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت 2 سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت 5 سال پرداخت.
لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجةالاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت 4 سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.
پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریبا 14 سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.
لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

منطقی یزدی، کمال‌الدین حسین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 911/ 910/ 904 ق)، عالم، صوفی، نحوی، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به منطقی. ملقب به کمال‌الدین. در شهر میبد، از توابع یزد، به دنیا آمد. در شیراز نزد علامه جلال‌الدین دوانی به کسب علم پرداخت. در هر یک از رشته‌های منطق، حکمت، ریاضی، کلام، تصوف و احکام اسلامی تحقیقات بسیار نمود و در آن مراتب صاحب نظر گردید. او علاوه بر آنکه در نثر قدرت داشت و عربی و فارسی را خوب می‌نوشت به فارسی هم نیکو شعر می‌گفت و در معما و لغز دست داشت. علامه دوانی با قاضی میرحسین، شاگرد دانشمند خویش، به تبریز مسافرت کردند و در آنجا با شیخ ابواسحاق تبریزی مباحثه‌ای داشتند که در این مباحثه قاضی میرحسین بر ابواسحاق تبریزی پیروز شد. به درخواست علامه دوانی از سلطان یعقوب آق قویونلو، حاکم آذربایجان، میرحسین به سمت قضاوت به یزد می‌رود، اما همواره، در مقام استعفا از شغل قضاوت و کار اوقاف یزد بوده است. حمام قاضی در یزد از بناهای قاضی کمال‌الدین بوده که اکنون از بین رفته است. بعضی از کتابها، وی را از اهل تسنن خوانده‌اند اما برخی نوشته‌اند که او بر اثر اختلاف عقیده‌ی مذهبی به دست شاه اسماعیل دوم صفوی (که به اهل تسنن گرایش پیدا کرده بود) کشته شده است، لذا می‌توان او را شیعه دانست و با توجه به آثارش شیعه بودنش محرز می‌شود. از تألیفات وی: شرح «الهدایة الاثیریه»؛ شرح «دیوان» امیرالمؤمنین (ع) که در 890 ق پایان یافته؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب؛ حاشیه بر «طوالع»، در کلام؛ شرح بر «شمسیه»، در منطق؛ شرح بر «آداب بحث» شمس‌الدین محمد سمرقندی، به عربی؛ شرح «کلمة العین»؛ شرح «گلشن راز»؛ «جام گیتی نما»، در حکمت به فارسی، که در 897 ق از تألیف آن فراغت یافت؛ حاشیه بر «تحریر اقلیدس»؛ «رساله»، در فن معما؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (187 ،174/ 6)، تاریخ ادبیات در ایران (115 ،101 -100 ،99/ 4)، تاریخ نظم و نثر (779 ،367)، تحفه سامی (76)، تذکره‌ی سخنوران یزد (288 -287)، تذکره‌ی نصرآبادی (513 -512)، جامع مفیدی (355 -353/ 3)، حبیب السیر (607/ 4)، الذریعه (40 -39/ 23 ،29/ 14 ،337 ،269/ 13 ،872 ،254/ 9 ،136/ 6 ،25/

5)، روضات الجنات (235 -224/ 3)، ریاض العارفین (185)، ریحانه (5 -48/ 6)، سبک شناسی (225/ 3)، طرائق الحقائق (125 -124/ 3)، فرهنگ سخنوران (882)، الکنی و الالقاب (216 -215/ 3)، لغت نامه (ذیل/ حسین میبدی)، معجم المؤلفین (63/ 4)، یغما (س 1، ش 5، ص 222 -221).

منطقی، ابوسلیمان محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام بجستانی از فلاسفه‌ی بزرگ قرن چهارم هجری است. وی معاصر عضدالدوله‌ی دیلمی بود و این پادشاه توجه زیادی به وی داشت. منطقی رساله‌هائی بنام عضدالدوله در فنون حکمت و شرح کتب ارسطو تألیف کرد. اشعاری نیز به عربی دارد. از جمله‌ی آثار او است: رساله فی المحرک‌الاول، مقاله‌ی طبیعت اجرام علوی، مقاله فی الکمال الخاص بنوع الانسان. وفات وی بعد از سال 391 ه.ق واقع شده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

موحد، ضیاء

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ضیاء موحد در سال 1321 ش در شهرستان اصفهان به دنیا آمد؛ و بعد از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در رشتهٔ فیزیک به اخذ درجه فوق لیسانس موفق گردید؛ و از آن پس جهت ادامهٔ تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و در رشتهٔ منطق و فلسفه به دریافت درجهٔ دکترا نایل آمد. وی عضویت هیات علمی وزارت علوم می باشد.ایشان در حین انجام وظایف محوله، به تالیف و مطالعه می پرداخت که حاصل آن چندین مقاله و کتاب به زبان فارسی و انگلیسی است که مشهورترین آنها کتاب « درآمدی به منطق جدید» است که در سال 1369 (دوره هشتم) جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
گرایش : منطق جدید
تحصیلات رسمی و حرفه ای : ضیا موحد پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته ریاضی در زادگاه خود اصفهان، در سال 1339 وارد دانشگاه تهران شد و دوران لیسانس و فوق لیسانس را به تحصیل در رشته فیزیگ گذراند. و از آن پس (1348) جهت ادامه تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و در رشته منطق و فلسفه به تحصیل مشغول شد. وی دکترای خود را در سال 1361 لز دانشگاه لندن دریافت نمود. شایان ذکر است که دکتر موحد جهت تحصیل در رشته کتابداری به انگلستان سفر نموده بعد اما به دلیل عدم علاقه ، تغییر رشته داده و به فلسفه روی آورده بود.
فعالیتهای ضمن تحصیل : ضیاء موحد در هنگام تحصیل در اصفهان سپردون شو کهنه و نو نیز مشغول بعد و گاهی عجیب به تخلص می نمود. وی در جلسات شعر انجمنی کمال در اصفهان که به ریاست جلال الدین همایی تشکیل می شد نیز حضور یافت.
استادان و مربیان : ضیا موحد از محضر استادانی چون دکتر کمال جناب، دکتر محمود حسابی و دکتر روحانی نژاد در دانشگاه تهران و نیز هانس کمپ و یل هارت در انگلستان بهره برد.
وقایع میانسالی : ضیاء موحد پس از اخذ مدرک فوق لیسانس فیزیک از

دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. اما در آنجا بدلیل علاقه به فلسفه تغییر رشته داد و دکترای منطق و فلسفه خود را دریافت نمود. و پس از بازگشت به ایان به عضویت در هیات علمی وزارت علوم در آمد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سردبیری چکیده نامه مرکز اسناد و مدارک علمی، عضویت در هیات علمی وزارت علوم. عضویت در کمیته کنگره منطق، عضویت در کمیته علمی دوره بین المللی تابستانی منطق و نیز عضویت در انجمن حکمت و فلسفه ایران از مناسبی است که دکتر موحد در کارنامه خود دارد.
فعالیتهای آموزشی : ضیاء موحد پس از اخذ مدرک دکترای منطق و فلسفه از انگلستان و بازگشت به ایران به عضویت در هیات علمی وزارت علوم در آمد.
مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ضیاء موحد در هنگام تحصیل در اصفهان از موسسین جنگ اصفهان که انجمنی شو سنتی بود، به شمار رفت.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ضیاء موحد در کنار فعالیت علمی در هیئت علمی وزارت علوم و نیز اجرای نقش در مراکز علمی- تحقیقاتی دیگر، به مطالعه و تالیف در زمینه فلسفه و منطق (بویژه منطق جدید) می پردازد. از این گذشته مطالعات ادبی و سرودن شو و نگاشتن مقالات ادبی و نقد ادبی از مشغولیت های همیشگی استاد می باشد.
آرا و گرایشهای خاص : ضیاء موحد بدلیل علاقه بسیار به منطق جدید، به زبان و وجه منطقی و فلسفی آن توجه خاصی دارد. و می کوشد تا بوسیله فنون منطق به معنا شناسی زبان بپردازد. وی اعتقاد دارد که یک سوی زبان، خود زبان است و سمت دیگر آن، جهان قرار دارد. از این گذشته خود در ادبیات و نقد ادبی به فعالیت هنری و علمی می پردازد. و بدلیل دیدگاه فلسفی خود اعتقاد دارد که برای اعتلای نقد ادبی باید تفکر فلسفی را جدی تر گرفت. .
جوائز و نشانها : دکتر ضیاء موحد دارای تالیفات و ترجمه های در زمینه رشته تخصصی خود می باشد. از آن جمله تعدادی در دوره های مختلف انتخاب کتاب سال به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند. کتاب "درآمدری به منطق جدید" ضیاء موحد(در سال 1369) ، در دوره هشتم ،کتاب"نظریهٔ ادبیات" ترجمه ایشان در دوره سیزدهم و کتاب"منطق موجّهات" تالیف ضیاءموحد، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتابهای سال برگزیده شدند.
چگونگی عرضه آثار : رمز کتابهای ادبی دکتر موحد از جمله کتاب «مشتی

نور سرد» در انتشارات اکنون به چاپ رسیده است ----------

آثار :
1 برآبهای مرده مروارید
ویژگی اثر : 1354
2 جادوی شو گذشتگان
3 در آمدی به منطق جدید
ویژگی اثر : کتابی درسی است در روشن نمودن مبانی منطق جدید که به زبانی ساده مطالب دقیق را در اختیار خواننده قرار می دهد. تلاشی مولف از جهت اینکه مسائل کتاب را با مثالهایی برگرفته از فرهنگ ایرانی و مانوس برای خواننده فارسی زبان، ستودنی است.این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «درآمدی به منطق جدید» : منطق جدید که از مبانی ریاضیات جدید و فلسفه تحلیلی است، سالهاست که در برنامه درسی بیشتر دانشکده‌ها بویژه دانشکده‌های ریاضی و فلسفه و زبانشناسی کشورها گنجانیده شده است. ولی در ایران که خود میراثی غنی در منطق سنتی دارد، هنوز کتابی درسی که مبانی این علم را بدقت، اما ساده و روشن بیان کند، نوشته نشده است. کتاب درآمدی به منطق جدید از این جهت خلاء مهمی را پُر می‌کند و کتابی دقیق و در عین حال آسان‌یاب را در اختیار خواننده علاقه‌مند قرار می‌دهد. علاوه بر آن تلاش مؤلف در جهت تطبیق مسائل کتاب با مثالهایی که برگرفته از فرهنگ ایرانی و برای خواننده مأنوس است؛ بر ارزش کتاب می‌افزاید
4 روشنفکران و نقش آنان در جامعه
5 سعدی
ویژگی اثر : تالیف
6 سهم فلسفه معاصر در نقد ادبی
7 شعر و شناخت و سعدی تالیفاتی فلسفی
8 غراب دی سفید
9 فلسفه منطق فرگه (1361)
ویژگی اثر : درباره نظریات فلسفی فرگه، بنیانگذاری منطق جدید می باشد که دکتر موحد آنرا به زبان انگلیسی در سال 1361 نگاشته است.
10 مشتی نو در سرو
ویژگی اثر : آثار ادبی دکتر موحد نیز سراسر نوآوری است چنانکه در اشعار کتاب مشتی نور سرد، واژه سازی و ابداعاتی در زبان را به نام خود ثبت نموده است.
11 مقالات متعدد فلسفی و منطقی

12 منطق موجّهات
ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:منطق موجّهات ضیاء موحّد.ـ تهران: انتشارات هرمس، 1381. این اثر نخستین کتاب در منطق موجّهات جدید به زبان فارسی است و هدف از آن آموزش گام به گام و روشمند این منطق است. منطق موجّهات با افزودن مفهوم‌ها و اصل‌ها و قاعده‌هایی به مبانی منطق جمله‌ها و محمول‌ها پایه‌گذاری می‌شود. از این رو، مؤلف در این کتاب به این مبانی هم در حد نیاز پرداخته است. در نوشتن کتاب تلاش بر این بوده است که خوانندهٔ علاقه‌مند بتواند مطالب آن را خودآموزی کند. لذا در بیان مطالب توان خوانندهٔ ناآشنا با موضوع در نظر گرفته شده و حلّ همهٔ تمرین‌ها نیز در پایان کتاب آورده شده است. همچنین با طرح بحث‌های فلسفی و دلالت شناختی گوناگون کوشش شده است تا موضوع ملموس‌تر شود. میراث آثار منطق‌دانان ما، به ویژه ابن سینا، از راه ترجمهٔ لاتینی به قرون وسطای اروپا رسید و نوآوری‌های ابن سینا در منطق موجّهات توجه منطق‌دانان آن دوره را به خود جلب کرد. با پایان گرفتن قرون وسطی (قرن پانزدهم میلادی)، در غرب نیز منطق موجّهات سرنوشتی بهتر از سرنوشت آن در دنیای اسلام نداشته است. توجّه جدّی به این منطق از اواسط قرن بیستم آغاز شد و با شتابی روزافزون رشد و گسترش یافت. آگاهی از منطق موجّهات جدید، گذشته از ارزش منطقی و فلسفی آن، ابزاری در اختیار ما می‌گذارد که بتوانیم با آن میراث دانشمندان خود را درک و ارزیابی کنیم.
13 نظری؟ ادبیات
ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «نظری؟ ادبیات»: نظری؟ ادبیات؛ رنه ولک، آوستن وارن؛ ترجم؟ ضیاء موحد، پرویز مهاجر؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1373. نظری؟ ادبیات کتابی است کلاسیک در نقد ادبی. این کتاب تاکنون به بیش از 18 زبان ترجمه شده و بنا به گزارشهای موجود در بسیاری از حوزه های فرهنگی در نظریه و روش شناسی پژوهشهای ادبی دگرگونیها و تجدید نظرهای گسترده ای پدید آورده است. این کتاب در هر موضوع عرص؟ نقل و نقد عقیده ها و نظریه های اندیشمندان از یونان قدیم تا اوایل ده؟ دوم قرن بیستم اروپا و آمریکاست. از این رو هیچ منتقد ادبی از آن بی نیاز نیست. کتاب حاضر چکید؟ قرنها تفکر و سنت ادبی است که با همکاری دو تن از محققان برجست؟ معاصر – رنه ولک و آوستن وارن – تدوین شده است و با آنکه

نزدیک به سی سال از تألیف آن می گذرد، از هر لحاظ تازگی و اصالت دارد. نثر ترجمه از هر حیث شیوا و مفهوم است و دلیل آن تسلط مترجمان بر دو زبان مبدأ و مقصد و آشنایی با موضوع کتاب بوده و همین سبب شده است که ابهامی در آن نباشد و از ترجمه لفظ به لفظ دور بماند. این کتاب، کتابی پایه و مرجع محسوب می شود و به دلیل اهمیت، ترجم؟ آن از سالها پیش مورد انتظار بود منابع زندگینامه :
1www.ketabesal.ir2تهرانی زاده، برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور، صص 3-2423حمید رضا ابک، روایت فیلسوف از شاعر هستند، همشهری، ص 164رضا انزابی نژاد، یکسینه سخن گرم، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال جهارم، شماره نهم، تیر ماه 1380، ص 235ضیا موحد، سهم فلسفه معاصر در نقد ادبی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آذر و دی 1380، صص 27-206علی اصغر محمد خانی، گفتگو با دکتر ضیاء موحد به مناسبت انتشار کتاب شعر و شناخت، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آذر 1377، ص 227محمد خانی، فیلسوفانی مدیون بصیرت های شاعرانه هستند، در کتاب ماه ادبیات و فلسفه ، ص 6

موحدطاهر، محمدباقر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد باقر موحد طاهر
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1354 بعد از گذراندن کلاس 4 متوسطه آن زمان به خاطر عدم پذیرش عضویت حزب رستاخیز وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال اول ادبیات عرب را در مدرسه رضویه که می شود گفت از لحاظ برنامه درسی شعبه ای از مدرسه حقانی محسوب می شد؛ گذراندم و سال بعد یعنی سال 1355 وارد مدرسه حقانی که توسط مرحوم شهید قدوسی اداره می شد، شدم و با شروع نهضت فراگیر انقلاب اسلامی ضمن همراهی و شرکت در تظاهرات و سایر برنامه ها به عنوان یکی از طلاب جوان اداء دین نموده و در ضمن، دروس حوزه را به صورت خصوصی در زمانی که حوزه تعطیل بود خواندم.
با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) دروس مکاسب و کفایه را در سال 1358 خواندم و سال بعد در درس خارج آیات عظام: وحید خراسانی (مکاسب محرمه) و نوری همدانی (اقتصاد اسلامی) و منتظری (حدود) را خواندم و در سال 1360 در برنامه یکساله ای که در موسسه در راه حق تحت عنوان «گروه دال» به منظور آموزش اساتید معارف اسلامی دانشگاه در آن موسسه برگزار می شد؛ شرکت نمودم لکن بعد از پایان این دوره چون برنامه های آموزشی در حال ارائه موسسه در راه حق توسط استاد مصباح برایم جذاب بود، شرکت در آن برنامه ها را قطع نکردم و تا سال 1364 این کار ادامه پیدا کرد.
در کنار این برنامه ها دورس حوزه را با شرکت در درس خارج «آیت الله وحید» که شامل دو درس اصلی حوزه یعنی اصول و فقه می شد؛ برنامه ها را ادامه دادم و شرکت در درس خارج سایر آقایان که در یک مقطع یک ساله دیگر از «آیت الله مظاهری» و «آیت الله تبریزی» هم استفاده

نمودم که بیش از یک سال طول نکشید ولی شرکت در درس فقه و اصول آیت الله وحید به مدت 14 سال ادامه پیدا کرد. ضمن اینکه در این مدت، برنامه های دیگر حوزه مانند شرکت در دروس تفسیر و فلسفه «آیت الله جوادی» و «آیت الله مصباح» را تعقیب می نمودم. علاوه بر برنامه های حوزوی، تدریس معارف اسلامی دانشگاه را هم داشتم و همین طور به مدت یک سال برنامه تدریسی مبانی اعتقادی اسلام را برای برادران سپاه در شمال کشور را هم به عهده داشتم.
در سال 1364 که برنامه تحقیقاتی موسسه باقرالعلوم (ع) توسط «آیت الله مصباح یزدی» شکل گرفت؛ در گروه فلسفه شرکت نمودم که تا سال 1372 این کار ادامه داشت. در سال 1373 به مدت دو سال و اندی برای اداره رایزنی فرهنگی به پاکستان اعزام شدم و بعد از اتمام این دوره به قم بازگشتم. در خلال این مدت تا حال ضمن تدریس دروس اصلی حوزه فقه و اصول و فلسفه در سطح عالی و همینطور ارائه مقالات در زمینه های تاریخی، فقهی و فلسفی انجام وظیفه نمودم و در سال 1380 با ارائه پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه با موضوع: «اصالت وجود» از موسسه امام خمینی (ره) مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم.

موحدیان عطار، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی موحدیان عطار
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را تماماً در شهر اصفهان انجام دادم و از دبیرستان «هراتی» در سال 1359 دیپلم علوم تجربی اخذ کردم. این زمان مصادف شد با انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاه ها و جنگ تحمیلی. بنابراین به خدمت سربازی رفتم اما هم در دوره دبیرستان و هم در طول خدمت سربازی با موضوع معارف اسلامی و مباحث کلامی و فلسفی مانوس بودم.
پس از پایان خدمت به قصد مطالعه در میراث معنوی و علمی اسلام و تشیع و به ویژه معارف امامان شیعه (علیهم السلام) به حوزه علمیه اصفهان و در سال 1362 به حوزه قم مهاجرت کرده و در مدرسه علمیه حقانی، که سپس با نام شهیدین ادامه کار داد، به تحصیل مشغول شدم. تحصیلات متعارف حوزوی را تا مرحله خارج فقه ادامه داده و چند سالی در دروس خارج آیات عظام، از جمله: «حضرت آیت الله العظمی بهجت (دام ظله)» شرکت کردم. در این بین به مطالعات فلسفی، عرفانی و کلامی نیز می پرداختم و چند سالی را با گروه فلسفه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در تدوین معجم موضوعی کتب فلسفی همکاری کردم.
در کنار تحصیلات حوزوی در سال های 1367 تا 1373 در دانشگاه قم مرکز تربیت مدرس در مقطع کارشناسی ارشد رشته «الهیات» تحصیل کردم و پایان نامه خود را در موضوع: «آسیب شناسی ایمان دینی: (ثبات در اعتقادات)» تحت نظر حضرت آیت الله معرفت دفاع کردم. بعد از آن چند سالی در دانشگاه های مختلف، از جمله دانشگاه رازی کرمانشاه و علامه طباطبایی تهران به تدریس دروس معارف پرداختم.
در سال 1375 به مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب پیوستم و مطالعات خود را در این زمینه و به طور خاص درباره ادیان هند آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد و ره آورد آن یک کتاب، چندین مقاله و تدریس

موضوعات مربوطه بوده است. علاوه بر این چند سالی است که مطالعات و پژوهش هایی را در زمینه «موعود باوری: در ادیان ترتیب داده و به طور فردی و گروهی مقالاتی را فراهم آورده ام و حاصل آن را در برنامه های تلویزیونی و رادیویی متعددی ارائه کرده ام.
در همین سال ها در مقطع دکتری در رشته «کلام با گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی» در دانشگاه قم (مرکز تربیت مدرس) تحصیل کرده و پایان نامه خود را در موضوع: «ایضاح مفهومی عرفان و ویژگی های جوهری آن» تحت نظر و راهنمایی جناب آقای دکتر قاسم کاکائی، دکتر شهرام پازوکی و آیت الله علی عابدی شاهرودی دفاع کردم. این موضوع را از آن رو برگزیدم تا سنگ بنایی باشد برای پژوهش هایی در زمینه عرفان ادیان و به ویژه عرفان امامان شیعه (علیهم السلام)، از این رهگذر نیز مقالاتی فراهم آمده است که برخی از آنها را در مجلات علمی پژوهشی کشوربه چاپ رسانده ام.

موسوی بالیگی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد موسوی بالیگی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/7/1

زندگینامه علمی
آقای سید محمد موسوی بالیگی در سال 1348 هجری شمسی در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1365 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون: «آیت الله آشتیانی»، «آیت الله علم الهدی» و «مرحوم آیت الله فلسفی» تلمذ کرد.
ایشان ضمن پرداختن به وظیفه مهم دینی خویش: «تبلیغ»، به تدریس فلسفه و عرفان در دانشگاه های رضوی مشهد و دانشگاه تهران مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های «آیین و اندیشه» و تصحیح «اسرار الآیات» و ... از جمله آثار ایشان است.

موسوی بجنوردی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله دکترسید محمد موسوی بجنوردی در سال 1322 در نجف اشرف متولد شد ولی در شناسنامه وی 1324 به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت 30 سال در محضر استادان درجه اول فقه واصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی(س), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ـ صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت ـ آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهْ نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزوی را با هم می‌خواند در 18 سالگی کفایتین (سطح 3) را به پایان رساند. همزمان با حضور در درس خارج امام, موسوی بجنوردی به مدت 12 سال در کلاسهای آیت الله العظمی خویی نیز حاضر می‌شدند.موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال 1359 به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال 1360 به مدت دو دوره تا سال 1368 به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت.همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدة الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال 1368 به رتبة دانشیاری و در فروردین سال 1382 به رتبه استادی رسیدند .دکتر سید محمد موسوی بجنوردی از سال 1371 عضو هیأت علمی و ریاست گروه الهیات دانشگاه تربیت معلم(خوارزمی) بودند و درحال حاضر رئیس گروه الهیات و رشتة حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه می باشند.
گروه : علوم انسانی
رشته : حقوق
گرایش : فقه و اصول
والدین و انساب : پدر معظم سید محمد موسوی بجنوردی مرحوم آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ، صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت بود

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید محمد موسوی بجنوردی دارای اجتهاد در رشته فقه و اصول از نجف اشرف از سال 1332 تا 1357 است.
فعالیتهای ضمن تحصیل : سید محمد موسوی بجنوردی در حین شاگردی در کلاس درس امام و آیت الله العظمی خویی در مسجد جامع نجف اشرف (هندی) رسائل, مکاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب زبان همچون عراق, لبنان, سوریه و مصر تدریس می‌کردند.
استادان و مربیان : از استادانسید محمد موسوی بجنوردی می توان به امام خمینی(ره), پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی ،آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزهٔ نجف اشرف اشاره کرد.
وقایع میانسالی : سید محمد موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال 1359 به دستور امام راحل, دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال 1360 به مدت دو دوره تا سال 1368 به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. در این شورا بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه های مربوط به قانون مدنی, آیین دادرسی کیفری, قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم براحکام همة دادگاهها بر عهدة ایشان بود. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده های حقوق دانشگاه های شهید بهشتی, تربیت مدرس و نیز دانشکدة الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال 1368 به رتبة دانشیاری و در فروردین سال 1382 به رتبه استادی رسیدند
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی (آموزشی ـ اجرایی) سید محمد موسوی بجنوردی به شرح زیر است: اجرایی : - عضویت در شورای عالی قضایی (دو دوره بمدت ده سال) - رئیس دادگاه عالی انقلاب اسلامی - رئیس شعبه دیوان عالی کشور - عضو هیات عفو حضرت امام خمینی (ره) - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضوهیئت علمی موسسه عالی بانکداری - ریاست کمیسیون حقوق بشر اسلامی - عضویت در شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی - عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی تربیت معلم - رئیس گروه دین و فلسفه - مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی - عضو هیات امنای مرکز بین الملل گفتگوی فرهنگها و تمدنها - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضو کمیته علمی شورای پول و اعتبار - عضو هیئت امنای مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها -

عضو کمیتة کشوری اخلاق پزشکی - عضو شورای دانشگاه تربیت معلم - عضو هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم - مدیر گروههای حقوق و علوم سیاسی و فلسفه و دین وفقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی(ره) - مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی (تربیت معلم) - عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم - عضو هیئت تحریریه متین پژوهشکده امام خمینی (ره) - عضو هیئت تحریریه مجله نامه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی - عضو هیئت تحریریه مجله حقوق و علوم سیاسی آموزشی ـ آموزش از سال 60 تا کنون: - دانشگاه شهید بهشتی - دانشگاه تربیت مدرس - دانشگاه تهران - دانشگاه آزاد اسلامی - مدرسه عالی شهید مطهری - موسسه عالی بانکداری ایران - دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - دانشگاه قم
فعالیتهای آموزشی : سید محمد موسوی بجنوردی تدریس در دانشگاههای خارج از کشور را از سال ???? با تدریس در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا آغاز کردند. ایشان در آن سال به دعوت دانشکده حقوق آن دانشگاه بمدت یک ترم حقوق اسلامی تدریس کردند و در پایان نیز یک رساله دکترا در موضوع «حقوق کودک در اسلام» را راهنمایی کرد. ایشان در همان سال از کانادا به آمریکا رفته در دانشگاه کالیفرنیا جلساتی را بمدت دو ماه برگزار کردکه مقارنه بین حقوق اسلام و حقوق غرب بود. این جلسات نهایتاً ترجمه و در آن دانشگاه به چاپ رسید. به دنبال همین جلسه مسؤولان دانشگاه از ایشان خواستند که بمدت چهار سال استادی آن دانشگاه را عهده دار شود که وی به علت ارجحیت دادن حضور در ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. یکسال بعد مسؤولان دانشگاه جرج تاون واشنگتن دی سی به واسطه دکتر سید حسین نصر پیشنهاد تصدی گری مسؤولیت بخش علوم اسلامی آن دانشگاه را به ایشان دادند ولی موسوی بجنوردی این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در سال ???? نیز آیت الله موسوی بجنوردی بمدت یک ترم در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد تدریس داشتند که در انتها راهنمایی رساله دو دانشجو در موضوعات «سیستم حکومت در اسلام» و «بررسی حقوق خصوصی در بعد مسائل مالکیت خصوصی» را عهده دار شد. آیت الله موسوی بجنوردی از اواسط دهه هفتاد ارتباطات علمی مستمری با دانشکده حقوق دانشگاه محمد الخامس مراکش داشته است. ایشان رفت وآمد و تدریس در مراکش را بسیار مفید دانسته و از این بابت بسیار اظهار خرسندی داشته اند. سال گذشته آیت الله موسوی بجنوردی به دانشگاه سن ژوزف (القدیس یوسف) لبنان دعوت شدند و جلسات علمی را در آن دانشگاه که شاخه ای از دانشگاه سوربن می باشد برگزار کردند. به دنبال آن جلسات دعوتنامه ای از دانشگاه سوربن برای تدریس در ترم پاییز به ایشان ارسال شد. در اردیبهشت ???? آیت الله

موسوی بجنوردی به دعوت طنطاوی شیخ الازهر به مصر رفت و ضمن ارائه جلساتی درخصوص «نقش عقل در شریعت» ارتباطات علمی را با دانشگاه الازهر و عین الشمس برقرار کردند. یکی از جلسات جالب علمی آیت الله موسوی بجنوردی در دانشگاه بریتیش کلمبیا تدریس خصوصی به موریس کاپیتورن کمیسر عالی حقوق بشر می باشد. پروفسور کاپیتورن که استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا است در آن سال که هنوز نماینده سازمان حقوق بشر در ایران نبوده است جلساتی درباره «حقوق جزا در اسلام» را به صورت خصوصی نزد آیت الله موسوی بجنوردی گذراند.
موسوی بجنوردی درحال حاضر اشتیاق چندانی برای تدریس در دانشگاههای خارج از کشور ندارد. چراکه به اعتقاد او داخل کشور بیشتر از خارج نیازمند اسلام راستین است. ایشان هم اکنون در داخل کشور در دانشگاههای : تهران ،تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم (خوارزمی)، دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات، الهیات قلهک)، موسسه عالی بانکداری و پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس میکنند.
شاگردان : سیدعباس موسوی و شیخ راغب حرب از شهدای برجسته حزب الله لبنان از شاگردانسید محمد موسوی بجنوردی در آن دوران از تحصیل وی در نجف اشرف بودند.
آرا و گرایشهای خاص : زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه سید محمد موسوی بجنوردی به قرار زیر است: فقه - حقوق - اصول - فلسفه - عرفان - کلام
چگونگی عرضه آثار : از سید محمد موسوی بجنوردی در داخل کشور بیش از 50 مقاله درمجلات علمی و 15جلد کتاب با عناوین زیر منتشر شده است که بعضاً عنوان کتب درسی رشتة حقوق در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفته است. - عقد ضمان - علم اصول - فقه تطبیقی - فقه تطبیقی, بخش جزایی(جلد دوم) - قواعد فقهیه جلد 1, 2 - مجموعه مقالات فقهی, حقوقی, فلسفی و اجتماعی1،2،3،4،5،6 - مصادر التشریع عندالامامیة و السنة (به زبان عربی)؛ - مقالات اصولی. تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی وپژوهشی = 48 مقاله تعداد مقاله‌های ارائه شده در نشست‌های علمی = 23 مقاله تعداد پایان نامه‌های تحت راهنمایی دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود 220 پایان نامه کارشناسی ارشد ب) دکتری: در حدود 60 پایان نامه دکتری پایان نامه‌های تحت مشاوره دکتر موسوی بجنوردی : الف) کارشناسی ارشد: در حدود 220 پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ب) دکتری: در حدود 60 پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ----------
---

آثار :
1 اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده
ویژگی اثر : انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد و در سال 1386 به چاپ رسیده است و در زمینه فقه، حقوق می باشد.
2 عقد ضمان
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال 1380 به چاپ رسیده است. این کتاب در زمینه حقوق است.
3 علم اصول
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سال 1380چاپ شده است.این کتاب در زمینه اصول فقه می باشد.
4 فقه تطبیقی
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال 1382 به چاپ رسیده است و در زمینه حقوق می باشد
5 قواعد فقهیه (در دو جلد)
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سالهای 1379 و 1383 چاپ شده است.این کتاب در زمینه فقه و حقوق است.
6 مجموعه مقالات فقهی ، حقوقی ، اجتماعی فلسفی در 6 جلد
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سالهای 1380-1381-1382-1383-1384-1385 منتشر شده است. این کتاب در زمینه فقه حقوق فلسفه بحث می کند.
7 مصادر التشریع عند الامامیه و السنه (ج1)
ویژگی اثر : انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال 1382 به چاپ رسید.این کتاب در زمینه مدخل در علم فقه و اصول نگاشته شده است
8 مقالات اصولی
ویژگی اثر : انتشارات امیر کبیر و در سال 1376 به چاپ رسیده است.و در زمینه اصول است.

موسوی پور، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسین موسوی پور
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/3/2

زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سیّد حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال 1344 در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال 50 - 49 که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.
دروس ابتدائی، راهنمائی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال 1363 به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیة الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیة الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیة الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیة الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.
در سال 1372 به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوۀ الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیة الله پایانی (رحمة الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال 75 - 74 در درس

«حضرت آیة الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال 78 در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (85) مشغول استفاده هستم.
به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال 72 آغاز شده بود، در سال 76 به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال 79 آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال 79 دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.
به لحاض فعالیت ها: جدای از فعالیت های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال 76 در «دائرة المعارف علوم عقلی مؤسسه آیة الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده های علوم عقلی اسلامی شدم.
همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال 1381 با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرة المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پشنهاد مدیریت دائرة المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال 83 مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال 84 مدیریت کتابخانه های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی پور، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسین موسوی پور
محل تولد : بهشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/3/2

زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سیّد حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال 1344 در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال 50 - 49 که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.
دروس ابتدائی، راهنمائی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال 1363 به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیة الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیة الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیة الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیة الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.
در سال 1372 به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوۀ الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیة الله پایانی (رحمة الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال 75 - 74 در درس

«حضرت آیة الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال 78 در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (85) مشغول استفاده هستم.
به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال 72 آغاز شده بود، در سال 76 به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال 79 آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال 79 دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.
به لحاض فعالیت ها: جدای از فعالیت های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال 76 در «دائرة المعارف علوم عقلی مؤسسه آیة الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده های علوم عقلی اسلامی شدم.
همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال 1381 با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرة المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پشنهاد مدیریت دائرة المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال 83 مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال 84 مدیریت کتابخانه های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی راد، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین موسوی راد
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/7/1

زندگینامه علمی
آقای سید حسین موسوی راد در سال 1342 هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گردید تا از خرمن پر بار حوزه های علمیه خوشه چینی نماید.
پس از ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگانی همچون: «مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله صالحی مازندرانی»، «آیت الله اعتمادی»، «آیت الله وحید» و ... کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته (فلسفه اسلامی) در مقطع کارشناسی در سال 1377 از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات «شیوها ی مدیریتی حضرت علی (علیه السلام)» و «جنبش نرم افزاری» از جمله آثار ایشان است.

موسوی زنجانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1355 -1284 ق)، عالم دینی، فقیه و حکیم. در زنجان به دنیا آمد و در خانواده‌ی علم و دانش و سیادت پرورش یافت. پس از فراگیری ادبیات و قسمتی از سطوح به تهران آمد و در فلسفه و معقول از محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و علامه آقا علی حکیم نوری استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در محضر علامه آخوند خراسانی و دیگر علما تلمذ نمود و پس از رسیدن به مقام اجتهاد به زنجان بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور دینی مردم و تدریس گردید و شاگردان از اطراف به گردش جمع شدند و او در آنجا تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. در زنجان درگذشت. پیکرش به کربلا منتقل و در رواق حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثارش کتابی در «فقه» می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :گنجینه‌ی دانشمندان (250/ 5)، معجم المؤلفین (175/ 11).

موسوی گرگانی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن موسوی گرگانی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1346 وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده بردم به ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده های فراوانی بردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه را تحصیل کردم و کلاس 6 دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال 1351 وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده های فراوانی بردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم.
سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده ها بردم به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن‌سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت 10 سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی، ابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید ابراهیم موسوی
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1

زندگینامه علمی
از سال 1345 تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال 1357 دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروههای مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می انجامید.
از سال 1358 تا سال 1360 به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیک رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل: «بررسی تفاسیر قرآن»، «تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف» و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدیم. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به تبع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند.
در سال 1361 به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی (موسسه امام ره) شرکت کردم.

موسوی، جاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جاسم موسوی
محل تولد : میسان
شهرت
تابعیت : عراق
تاریخ تولد : 1350/1/1

زندگینامه علمی
ولدت و ترعرعت فی احد قری الجنوب التابعة لمحافظة میسان الواقعة فی جنوب العراق و التی تقع علی مسافة قریبة من قضاء الحویزه الایرانی و هناک اکملت الدراسة الابتدائیة و بعد اشتداد المعارک فی الحرب الظالمة المفروضة علی الجمهوریة الاسلامیة نزحت مع عائلتی الی مرکز المحافظة «العمارة» و ذلک بسبب وصول الجیش الاسلامی الایرانی الی بعض مناطق الجنوب فی العام 1982 م. و قد کانت هذه السنة من اصعب المراحل التی مررت بها اذ اعتقل والدی من قبل الا من البعثی بتهمة التجسس لصالح الجمهوریة الاسلامیة لیلتحق بجبهات الحق.
و بعد انتقالنا الی مرکز المحافظة اکملت هناک دراستی حیث حصلت علی شهادة الاعدادیة و ذلک فی العام 1990 - 1989 و فی نفس هذا العام انتفض شیعة العراق فی الانتفاضة الشیعة المعروفة و التی کادت ان تقضی انذاک علی ازمرة البعثیة ، و التی انتهت بفاجعة الیسمة حیث استشهد عشراة الالاف و هاجرت الالاف من الشیعة الی الجمهوریة الاسلامیة و قد کنت من الذین منٌ الله تعالی علیهم بالهجرة الی ارض الاسلام مع والدی حیث التحق بمجرد وصولی الی ایران بمدرسة الامام الخمینی (رض) التی یشرف علیها سماحة ولی الفقیه فی خوزستان آیت الله السید الجزائری، و ذلک فی العام 1370.
و هناک اکملت المقدمات و السطح الاولی و الثانی من السطوح الحوزویة حیث تتلمذت علی خیرة الاساتذة هناک کسماحة الشیخ ماجد الکاظمی و السید محسن الشفیعی و آخرون. و فی سنة 1374 قبلت فی المرکز العالمی للعلوم الاسلامیة، حیث اکملت السطح الاولی و الثانی و الثالث و ذلک فی العام 1377. و فی السنة 1377 قبلت فی مدرسة الامام الخمینی للدراسات العلیا فی قسم الفلسفة و الکلام، و هناک تتلمذت علی ید تلة

كبيرة من خيرة الاساتذة فى قم المقدسة كالدكتور احمد البهشتى و الدكتور محمد مهدى گرجيان و الشيخ حسن معلمى و الدكتور على الشيروانى و آخرون. و فى العام 1381 اكملت الدراستى التخصصية حيث دافعت عن رسالتى التى كانت تحت عنوان بحث تطبيقى للجبر و الاختيار، و قد كان الاستاذ المرفا الدكتور گرجيان و الاستاذ المعاون الشيخ حسن المعلمى، و كان الحكم فى جلسة الدفاع الشيخ كياشمشكى و قد حصلت على درجة 19 فى جلسة الدفاع.
و فى سنة 1382 ابتدات دراسة البحث الخارج على يد اصحاب السماحات من علماء الحوزة العلمية كالشيخ الهرندى و الشيخ محمد باقر الايروانى و غيرهم. و قد احنغلت اثناء ذلک فى عدة من المراكز العلمية كمؤسسة الكوثر للمعارف الاسلامية و التى كان لها الفضل فى نشر الكثير من المقالات التى كلفتنا بكتابتها و الى جانب التحصيل الدراسى مارستا مهمة التدريس فكان لنا الشرف فى تدريس جامع المقدمات و معالم الدين و بعض كتب شرح اللمعة و الحلقة الاولى و الثانية. و الحمدلله رب العالمين.

موسوی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود موسوی
محل تولد : میبد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد

زندگینامه علمی
در سال 56 ـ 55 تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه میبد آغاز کردم و بخشی از مقدمات (ادبیات عرب) را نزد اساتیدی همچون حجج الاسلام شیخ حسن هدایی، سید اسد الله امامی و مرحوم شیخ کمال فقیهی فرا گرفتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قم آمدم. ابتدا در مدرسه رضویه و سپس در مدرسه فیضیه دروس حوزوی خود را پی گرفتم. دروس سطح را نزد اساتید برجسته ای نظیر آیت الله اشتهاردی، آیت الله سید علی محقق داماد، مرحوم آیت الله موسوی تهرانی، مرحوم آیت الله پایانی و تنی چند از دیگر اساتید فرا گرفتم. پس از اتمام سطح در حوزه درس آیت الله وحید خراسانی حضور یافته و تقریبا یک دوره اصول را از محضر ایشان تلمذ کردم چند سال نیز از دروس خارج فقه و اصول آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی نیز بهره مند بودم در کنار دروس فقه و اصول بحمد الله از مباحث فلسفی و تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده و فراوان بهره بردم. آشنایی اندک این بنده با علم هیئت نیز مرهون حضور در درس آیت الله حسن زاده آملی است. بحمد الله سرچشمه های علم و معرفت و معنویت در حوزه فراوان بوده و هست که نمونه هایی چند از آن اشاره شد گرچه این بنده اذعان می کند که توفیق کامل در استفاده از این سرچشمه ها نداشته و صرفا جرعه هایی از آن نوشیده است.
در کنار دروس رسمی و غیر رسمی حوزوی بنا به ضرورت هایی که همه می دانیم درسال 69 در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس (دار الشفاء) شرکت جسته و قبول شدم و در سال 72 از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. رساله ارشد را بنابر توصیه جناب آقای دکتر احمدی برای آشنایی هر چه بیشتر با زبان علمی روز دنیا ترجمه متن فلسفی کتاب ایتن

ژیلسون را انتخاب کردم که بعدها آن را تکمیل و منتشر ساختم.
دوره عمومی و تخصصی زبان انگلیسی را نیز در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم گذراندم و بعدها از طریق تدریس در مراکز مختلف از جمله مرکز تربیت مدرس، مرکز زبان دفتر، موسسه امام خمینی و دیگر مراکز حوزوی مهارتهای زبانی خود را در بعد ترجمه، مکالمه بهبود بخشیدم. سفرهای علمی تبلیغی به خارج از کشور داشته ام که مهم ترین آن سفر به انگلستان جهت تبلیغ و اندونزی جهت تدریس هر کدام به مدت 45 روز بوده است.
درسال 77 در آزمون دکتری کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و رساله خود را به بررسی تطبیقی دیدگاه های مرحوم شهید مطهری و جی ال مکی در باب شرور اختصاص دادم و به اتمام رساندم از سال 1378 تا کنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام موسسه آموزش عالی باقر العلوم بوده و همچنان هستم طی سال های اخیر به ترجمه، تصحیح و مقابله متون انگلیسی اشتغال داشته ام چند سالی نیز وقت زیادی صرف کار گروهی تدوین فرهنگ های اصطلاحات علوم اسلامی نمودم که حاصل آن انتشار فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی انگلیسی ـ فارسی ؛ فارسی ـ انگلیسی و نیز فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی (زیر چاپ) است.

موفق، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا موفق
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/4/12
زندگینامه علمی
1. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی 2. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس 3. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشته « فلسفه و کلام اسلامی» و « فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی 4. فراگیری زبان انگلیسی (مکالمه و متن) 5. فراگیری زبان عربی و متون جدید (مکالمه و متن) 6. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشی در زمینه « آزادی و دین » و انتشار آن در مجله ی پژوهشگاه 7. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید حجت الاسلام صادق لاریجانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام دکتر عابدی به مدت پنج سال 8. پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته « فلسفه و کلام اسلامی » از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان « بررسی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری » با کمک استاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه ی عالی 9. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال 78 و انجام فعالیت های ذیل : ü تحقیق و تنظیم کتاب « نسبت دین و دنیا (نقد نظریه سکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی ü مسؤولیت پروژه کتاب «مهر استاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) ü تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن ، فلسفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) ü تنظیم بخشی از کتاب « شرح شواهد الربوبیه » از سری درسهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) ü دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به

حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. 10. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه (بداية الحكمة) 11. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم 12. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی 13. مسؤولیت بخش معاونت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال 14. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل 15. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مولانا تبریزی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1294 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. معروف به مولانا. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در همان جا فراگرفت. در 1312 ق به همراه پدرش برای ادامه تحصیلات علوم اسلامی به نجف مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی فاضل شرابیانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و شیخ هادی تهرانی و شیخ آقا رضا تبریزی حاضر گردید. او همچنین در محضر شیخ آقا شیرازی معقول را فراگرفت و پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت در 1321 ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و «ارشاد الانام»، در نبوت؛ «براهین الحق» یا «براهین الفقه»، در مسائل فقهی؛ حاشیه بر «الفصول»؛ «طریق الهدایه فی علم الدرایة»؛ «مصباح السالکین و زاد المسافرین»؛ «مصباح الوسائل»، در شرح «الرسائل»؛ «مفتاح المطالب»، در شرح «المکاسب»؛ «مصباح الاعلام فی مدارک الاحکام»؛ رساله‌ی «الاجتهاد و التقلید»؛ رساله‌ی «فرق بین حق و حکم»؛ تفسیری کوتاه و مختصر از قرآن.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (349 ،122 ،109 ،102/ 21 ،171 -170/ 15 ،83/ 3)، ریحانه (28/ 6)، علماء معاصرین (193 -191)، مستدرکات اعیان الشیعه (233/ 3)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1251 -1250/ 3)، معجم المؤلفین (191/ 10).

مولوی شیرازی، علی‌اکبر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1307 ق)، فقیه، عالم دینی، قاری، زاهد و شاعر، متخلص به مولوی. در علم تجوید و قرائت قرآن مجید متبحر بود. او در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آثار عجم (439)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (563/ 5)، الذریعه (1124/ 9)، ریحانه (29/ 6).

مولوی، جلال‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(672 -604 ق)، عارف، حکیم و شاعر. معروف به مولوی، مولوی معنوی، ملای رومی، مولای روم و مولانای رومی. ملقب به خداوندگار و جلال‌الدین. وی گاهی خاموش تخلص می‌کرد. او دارای مذهب اهل سنت و حنفی بود. در بلخ به دنیا آمد. از جانب پدر به ابوبکر، خلیفه اول، می‌رسد و به همین جهت به خاندانش بکری می‌گفتند. مادر پدرش دخترزاده‌ی سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بود و پدرش به بهاء ولد معروف. بهاء ولد از تربیت یافتگان نجم‌الدین کبری و از علماء و خطبای بزرگ و متنفذ و از بزرگان مشایخ صوفیه بود. او به دلیل رنجشی که از محمد خوارزمشاه یافت همراه فرزندش، جلال‌الدین، که کودکی پنج یا شش ساله بود، از بلخ خارج شد و از مشرق ایران به مغرب مهاجرت کرد و از راه نیشابور و بغداد و مکه به شام و از آنجا به ارزنجان رفت. گفته‌اند که پدر و پسر هنگام عبور از نیشابور به صحبت عطار رسیدند و عطار کتاب «اسرارنامه» را به ایشان داد و مولوی پیوسته آن را نزد خود داشت. مولوی به همراه پدر مدتی در شهرهای آسیای صغیر به سر برد و در شهر لارنده با گوهر خاتون، دختر شرف‌الدین لالا، ازدواج نمود. بعد از چهار سال با پدر و فرزندش، سلطان ولد، به درخواست سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی، به قونیه رفت و در آنجا سکونت گزید و به علت این اقامت طولانی در قونیه وی به رومی مشهور شد. سلطان العلماء، در 628 ق، در همان دیار از دنیا رفت و مولوی بر مسند وعظ پدر نشست. یک سال بعد برهان‌الدین محقق ترمذی، شاگرد بهاءالدین ولد، به قونیه آمد و جلال‌الدین را تحت تربیت و ارشاد خود گرفت. سپس برای اینکه در علوم شرعی و ادبی کامل شود او را برای تحصیل به دمشق و حلب فرستاد. در حلب وی در خدمت کمال‌الدین ابن‌عدیم، فقیه بزرگ حنفی، به سر برد و سپس در دمشق تحصیل در فقه حنفی را با «هدایه» مرغینانی ادامه داد و گویا در همین شهر به فیض صحبت محیی‌الدین ابن‌عربی نائل گشت. بعد از اتمام این سفر، که از 630 ق تا 637 ق طول کشید، به قونیه بازگشت و به ریاضت ادامه داد تا اینکه از محقق ترمذی دستور تعلیم و ارشاد گرفت و چون استادش در 638 ق درگذشت مولوی به جای وی به تدریس پرداخت. وی مدت پنج سال بر این مسند بود تا به ملاقات صوفی وارسته، شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی، که ضمن سفرهای متعددش به قونیه

رسیده بود، نایل شد. از این ملاقات و مصاحبت انقلابی روحانی در وجود مولانا پدید آمد که از اثر آن پشت پا به مقامات دنیوی زد، تا جایی که مریدانش او را سرزنش کردند و به سبب همین سرزنشها شمس تبریزی به دمشق رفت. پس از مدتی به خواهش مولانا بازگشت ولی این بار نیز با جهل و تعصب عوام روبرو گردید و چندی بعد به ناگاه از قونیه ناپدید گردید. گفته‌اند که شمس به دست گروهی از شاگردان متعصب مولوی، در 645 ق، کشته شده است. پس از این مولوی زندگانی علمی گذشته را رها نمود و تا پایان عمر با عشقی خاص به تربیت و ارشاد سالکان و بیان حقایق عرفانی در قالب مثنوی و سرودن اشعار شورانگیز پرداخت. در این دوره شیخ صلاح‌الدین زرکوب و سپس حسام‌الدین چلبی مورد توجه مولانا قرار گرفتند و ارتباط و اتصال با ایشان مدتی او را مشغول داشت. او تعدادی از غزلیات «دیوان شمس» را به نام صلاح‌الدین زرکوب سرود و کتاب «مثنوی» را نیز با خواهش حسام‌الدین چلبی به وجود آورد. از عارفان و شاعران معاصر وی می‌توان صدرالدین قونوی و عراقی و نجم‌الدین دایه و قانعی طوسی و علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و قاضی سراج‌الدین ارموی را نام برد. از دیگر مریدان او معین‌الدین پروانه، حکمران کل بلاد روم از جانب مغولان، بود. وی غالبا برای استماع مجالس مولانا می‌رفته و به همین سبب قسمتی از «فیه ما فیه» که خلاصه‌ی مجالس مولوی است خطاب به او می‌باشد. عده‌ای از سالکانی که مولوی، بعد از تحول روحی خود و ناپدید شدن شمس، در خانقاه یا مدرسه‌ی خویش تربیت و ارشاد کرد به مولویه مشهور شدند. این سلسله بعد از او در آسیای صغیر و ایران و ممالک دیگر پراکنده گشتند. مولوی سرانجام در قونیه، بر اثر بیماری، درگذشت و صدرالدین قونوی بر وی نماز خواند. پیکر او در باغ سلطان یا ارم باغچه، مقبره‌ی خانوادگیشان، در کنار پدرش، به خاک سپرده شد و بعدها بنایی به نام قبة الخضراء، به نفقه‌ی بزرگان عصر و مریدان، بر تربت او ساخته شد که مدفن خانوادگی احفاد آنها گردید. از آثار منظوم وی: «مثنوی»، مشهور به «مثنوی مولوی» و «مثنوی معنوی»، در شش دفتر، در بیست و شش هزار بیت؛ «کلیات شمس» یا «شمس الحقایق»، معروف به «دیوان کبیر» که « دیوان» غزلیات اوست، حدودا مشتمل بر سی و شش هزار بیت؛ «رباعیات»، شامل 1659 رباعی. از آثار منثور او: «مکاتیب»، مکتوبات او به معاصرینش؛ «فیه ما فیه»؛ «مجالس السبعه».[1]

شهرت جلال‌الدین محمد فرزند سلطان‌العلماء محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین (و. بلخ ششم ربیع‌الاول 604 ه.ق- ف. قونیه یکشنبه 5 جمادی‌الاخر 672 ه.ق) پدر وی از علماء و صوفیان بزرگ زمان خود بود. بهاءالدین به سبب رنجش خاطر سلطان محمد خوارزمشاه در هنگامی که

جلال‌الدین کودک بود، از بلخ بیرون آمد و پس از مدتی سیر و سیاحت سرانجام رخت به قونیه کشید. جلال‌الدین تحقیقات مقدماتی را نزد پدر به پایان رسانید و پس از فوت او تحت ارشاد برهان‌الدین محقق مولانا را مدتی برای تکمیل علوم و معلومات در حلب و دمشق که از بزرگترین مراکز علمی و ادبی آن زمان بود فرستاد. و مولانا پس از پایان کار به قونیه بازگشت و به تدریس و تعلیم و وعظ و تذکیر مشغول گشت. تا اینکه در سال 642 با شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک‌داد معروف به شمس تبریزی ملاقات کرد. این ملاقات انقلابی روحانی در مولانا پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوی گشت و این امر سبب نارضایی مردم قونیه و اعتراض مریدان گشت. شمس تبریزی تحت فشار مریدان مولانا به دمشق رفت. هجران وی مولانا را مضطرب و مشوش کرد و بالاخره پسر خود سلطان ولد را همراه گروهی در طلب شمس به دمشق فرستاد؛ شمس باز آمد و با مولانا بود تا در سال 645 به ناگاه ناپدید گردید. اینکه گفته‌اند وی را جماعتی از مردم قونیه کشته‌اند، نباید پایه و اساسی داشته باشد. پس از فقدان شمس مولانا مسند تدریس و فتوی را ترک گفت و به مراقبت باطن و تهذیب نفس پرداخت. ارتباط او با صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی در این دوره از عمر یک چند او را مشغول داشت و به تشویق همین حسام‌الدین چلبی مولانا به سرودن مثنوی پرداخت. آثار مولانا از نظم و نثر عبارتند از: 1- مثنوی: در 6 جلد و شامل 26 هزار بیت که در بحر رمل سروده شده است. محتویات مثنوی حکایات مسلسل منظومی است که از آنها نتایج دینی و عرفانی گرفته شده و حقایق معنوی به زبان ساده بیان گشته است. 2- دیوان غزلیات معروف به دیوان کبیر یا کلیات شمس مشتمل بر 50000 بیت. 3- رباعیات. 4- مکتوبات مولانا. 5- فیه ما فیه. 6- مجالس سبعه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آشنایی با مولوی، از سنایی تا سعدی (209 -200/ 2)، الاعلام (259 -258/ 7)، با کاروان حله (242 -225)، به دنبال آفتاب از قونیه تا دمشق، پله پله تا ملاقات خدا، تاریخ ادبیات در ایران (1207 -1205، 486 -448/ 3)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (522 -501)، تاریخ گزیده (672)، تاریخ مغول (536 -534)، تاریخ نظم و نثر (160 -158)، تذکرة الشعراء (222 -213)، التصفیه فی احوال المتصوفه (صفحات متعدد)، تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا (120 -107)، جستجو در تصوف (307 -273)، حبیب السیر (116 -115/ 3)، خدمات متقابل اسلام و ایران (659 -658، 655)، دایرةالمعارف فارسی (744 -743/ 1)، در قلمرو وجدان (343 -340)، الذریعه (360 ،303/ 19 ،411/ 16 ،221/ 14 ،1123 -1122 ،539 ،285/ 9 ،191/ 6)، روضات

الجنات فی اوصاف مدینة هرات (197)، ریاض العارفین (65 -57)، ریحانه (33 -29/ 6)، زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، زندگینامه‌ی مولانا جلال‌الدین مولوی، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (280 -266)، صبح گلشن (105 -102)، طرائق الحقائق (337 -336، 314 -313/ 2)، غزلیات شمس تبریزی (مقدمه/ 99 -5)، فرهنگ ادبیات فارسی (492 -491)، فرهنگ سخنوران (215 -213)، گنج سخن (169 -147/ 2)، گنج و گنجینه (345 -341)، لغت نامه (ذیل/ مولانای روم، مولانای رومی، مولوی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (604 -573)، مجالس العشاق (168 -165)، مجالس المؤمنین (115 -109/ 2)، مجالس النفائس (321)، مجمع الفصحا (780 -779، 771/ 2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای 672، 604)، مرآة الخیال (43 -42)، مناقب العارفین (صفحات متعدد)، مؤلفین کتب چاپی (753 -745/ 5)، مولوی نامه، مولویه بعد از مولانا (صفحات متعدد)، نفحات الانس (469 -461)، هدیة الاحباب (250 -249)، هدیة العارفین (130/ 2)، هفت اقلیم (54 -45/ 2)، یادداشتهای قزوینی (164 -163/ 7).

مولوی، عباس

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شکوفایی 1101 -1084 ق)، عالم دینی، حکیم و فیلسوف. در فلسفه شاگرد رجبعلی تبریزی و همدرس قاضی سعید قمی بود. این دو با استادشان در اشتراک لفظی وجود همعقیده بودند اما مولوی در انکار وجود ذهنی مخالف نظریه استاد بود. از آثارش: «انوار سلیمانی» یا «الانوار السلیمانیة»، که در 1101 ق به نام شاه سلیمان صفوی تألیف نموده است؛ نگارش اولیه «الانوار»، تحت نام «المناظرات»؛ «الفوائد الاصولیة السلیمانیة»، که در اثبات حقانیت فرهق اثنی‌عشری و فرقه‌ی ناجیه بودن شیعه‌ی امامیه، به نام پادشاه مذکور در 1084 ق تألیف کرده است؛ رساله «اصول الفوائد»، در اصول مسائل حکیمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (432/ 7)، الذریعه (280/ 22 ،325/ 16 ،90/ 11 ،429/ 2)، ریحانه (29/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 412 -411/ 12).

مهدوی قمشه‌ای، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمدرضا مهدوی فرزند مرحوم آیت‌اللَّه میرزا محمدمهدی که از فقهاء و حکماء نامدار بوده و در سال 1320 قمری در شهرضا (قمشه سابق) متولد و تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و فلسفه را در آغاز نزد پدر خود فراگرفته و پس از آن به اصفهان مسافرت نموده برای ادامه و تکمیل معلومات در مدرسه صدر اصفهان از محضر مرحوم آخوند ملا محمد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقائی که هر دو از فحول علماء و مدرسین نامدار حوزه علمیه اصفهان بوده‌اند استفاده نموده و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی و آقا سید حسین بادکوبه‌ای و حاج میرزا محمدصادق مدرس و آقا سید ابوالقاسم دهکردی بهره‌مند شده و به قصد دیدار والدین خود به شهرضا برگشته سپس مراجعت به نجف اشرف نموده فقه و اصول را نزد مرحوم آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللَّه آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین غروی (معروف به کمپانی) به کمال رسانیده و در فقه و اصول و فلسفه و حکمت تبحر کامل یافته و برای خدمات دینی و روحی به زادگاه خود (قمشه) مراجعت و به راهنمائی و ارشاد و امامت و درس و بحث پرداخته و با آیات عظام بروجردی و شاهرودی و میلانی ارتباط و روابط نزدیک داشته است.
دارای اجازات جامعی از مراجع بزرگ معاصر خود چون مرحوم آیت‌اللَّه اصفهانی و آیت‌اللَّه حاج شیخ محمدحسین فشارکی و غیره بوده و برای مردم شهرضا و حومه آن مخصوص طلاب علوم دینیه ملجاء و پناهگاهی بوده تا در تیرماه 1347 شمسی به رحمت ایزدی پیوسته و در رواق آستانه شاهرضا به خاک رفته است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مهدوی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر یحیی مهدوی فرزند امین‌الضرب و متولد 1288 ش است. تحصیلات خود را در اروپا در رشته فلسفه پایان برد و درجه دکترا گرفت و بعد از مراجعت به ایران وارد دانشگاه شد و به استادی دانشکده ادبیات برگزیده گردید. قریب چهل سال کار او تدریس بود و به مشاغل اجرائی رغبتی نشان نمی‌داد و حقوق خود را هم صرف خیرات و مبرات می‌کرد. از پدرش امین‌الضرب ثروت زیادی به او رسید و او زیادتر کرد ولی به مردم کمک می‌نمود و به اصطلاح ناخن خشک نبود. تألیفاتی در رشته تخصصی خود دارد که بیشتر ترجمه است. از کارهای خوب او حفظ اشیاء و آثار و نوشتجات سید جمال‌الدین اسدآبادی است که سالها در حفظ و حراست آن کوشید و آن را در اختیار دانش پژوهان قرار داد.
(1379 -1287 ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در خانه گذراند. پس از مدتی به دارالفنون رفت و از محضر استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، میراز عبدالعظیم خان قریب و گل گلاب بهره‌مند شد. وی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات و فلسفه در دارالمعلمین عالی ادامه داد و پس از اخذ لیسانس، در 1310 ش، برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد. او با تلاش و کوشش فراوان موفق به دریافت گواهینامه‌های متعددی از مراجع علمی آنجا گردید. مهدوی رساله‌ی اصلی دکترای خود را با عنوان «شناسایی در نزد فلاسفه‌ی نخستین اسلام» و رساله‌ی دوم خود را با عنوان «فهرست مصنفات ابن‌سینا» نوشت. وی رسما از 1320 تا 1352 ش که بازنشسته شد، در دانشگاه تهران تدریس نمود. از خدمات او تأسیس دوره‌ی دکترای فلسفه در دانشگاه تهران می‌باشد. از شاگردان او در این دوره: دکتر احمد احمدی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جلال‌الدین مجتبوی، دکتر فاطمه مظاهر تهرانی و دکتر مهتاب مستعان را می‌توان نام برد. از دیگر آثارش: «جامعه شناسی یا علم الاجتماع»؛ «شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی»، ترجمه؛ «فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا»؛ «قصص قرآن مجید»، برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی؛ «فلسفه‌ی عمومی یا ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «بحث در ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه‌های هست بودن»؛ «منادولوژی» لایب نیتس، ترجمه؛ «شکاکان یونان»؛ «تاریخ فلسفه‌ی قرون

وسطی و دوره‌ی تجدد»، ترجمه و تلخیص؛ «هستی شناسی» پل فولکیه، ترجمه؛ تصحیح و اهتمام در چاپ «مصنفات» افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، به مشارکت مجتبی مینوی.[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی میراث (س 3، ش 9، ص 83 -82)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3029، 2969، 2967، 2677 -2676، 2490، 2455، 2294، 2171، 1898، 1797، 1696/ 2، 1442، 1008، 1003، 922، 884، 875/ 1)، کیان (س 10، ش 53، ص 79)، مؤلفین کتب چاپی (858 -856/ 6)، مهدوی نامه (10 -3).

مهندسی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی مهندسی
محل تولد : آباده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
در زمستان سال 1354 رسما وارد حوزه علمیّه قم در مدرسه حقانی شده، درسهای از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که دروس حوزه تطعیل شد تا نیمههایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال 1358، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمه را خدمت «آیت الله اشتهاردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایةالحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایة الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.
در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی میشد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدّماتی و سطح عالی تا انتهای کفایةالاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشتهام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایةالحکمه را چندین دوره و نیز نهایةالحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح

اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علّامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوّم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثهای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفتهای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه 48 سوره بقره) دارم.
فعلا در رشته تخصصی کلام حوزه علمیّه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفتهای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرةالمعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان میباشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدّمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایة الحدیث اشتغال دارم.
در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود 100 ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون 400 (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در 143 برنامه، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون 150 بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبتهای مختلف، مباحثی که عمدتا اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

میبدی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیرحسین قاضی میر بن معین‌الدین حسینی میبدی ادیب و ریاضی‌دان و حکیم قرن دهم هجری (ف. 904 یا 909 یا 911 ه.ق) در شیراز از جلال‌الدین دوانی و دیگر استادان زمان، علم و ادب و حکمت و تصوف آموخت، و بخصوص در هیئت و منطق و فلسفه شهرت یافت. در شعر نیز مهارتی داشت و منطقی تخلص می‌کرد. از آثار اوست: 1- جام گیتی نما به فارسی در حکمت قدیم. 2- شرح دیوان منسوب به حضرت امیرالمؤمنین (ع). 3- شرح الهدایة الاثیریه. 4- شرح کافیه‌ی ابن‌حاجب در نحو. 5- شرح شمسیه در منطق. 6- شرح طوالع. 7- حاشیه‌ی تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین طوسی. 8- دیوان معمیات و غیره.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

میبدی، رشیدالدین ابوالفضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 530 ق)، عالم، صوفی و مفسر. او یکی از صوفیان بنام قرن ششم قمری است. از آثار وی «کشف الاسرار و عده الابرار»، تفسیر عرفانی قرآن به فارسی است که در 520 ق تألیف نموده است. وی در تألیف این تفسیر به «تفسیر» خواجه عبداللّه انصاری نظر داشته و در واقع تفسیر خواجه را شرح و بسط نموده و از کلمات خواجه استشهاد نموده است، لذا «کشف الاسرار» به «تفسیر خواجه عبداللّه انصاری» نیز معروف گردیده است. میبدی در تفسیر خود به دو موضوع نظر داشته: نخست بیان همه‌ی اقوال مفسران عامه در وجوه قرآآت و تفسیر آیات و احکام، و دوم تفسیر آیات بنابر نظر عرفا و تأویلات غریب. مؤلف «کشف الظنون» به اشتباه این تفسیر را به سعدالدین تفتازانی نسبت داده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (475)، تاریخ ادبیات در ایران (932-930، 257/ 2)، تاریخ نظم و نثر (729 -728)، دایرةالمعارف فارسی (2944، 2224/ 2)، الذریعه (19/ 18)، فرهنگ ادبیات فارسی (410-409)، کشف الاسرار و عدة الابرار (1/ مقدمه)، کشف الظنون (1487)، لغت نامه (ذیل/ میبدی)، مؤلفین کتب چاپی (217 -216/ 1).

میرداماد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر محمدباقر بن محمد استرآبادی مشهور به «میرداماد» (ف. 1040 یا 1041 ه.ق) از فلاسفه و دانشمندان معروف عصر صفویه که مورد توجه مخصوص شاه عباس بوده است. منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد بود و بیشتر عمر خود را در اصفهان بسر برد. وی از تلامذه‌ی شیخ حسین عاملی و شیخ عبدالعالی و بعضی از اکابر دیگر بود. ملاصدرای شیرازی از شاگردان وی بود. میرداماد در فقه و حکمت تألیفات متعدد دارد. و از آن جمله است: «الصراط المستقیم»، «قبسات»، «انموذج العلوم»، «التقدیسات» و غیره. میرداماد شاعر نیز بوده و در شعر «اشراق» تخلص می‌کرده است. یک مثنوی به نام «مشرق‌الانوار» سروده است.
(وف 1041 ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، عارف، ریاضیدان و شاعر، متخلص به اشراق. اصلش از استرآباد و ساکن اصفهان بود. پدرش داماد شیخ علی محقق ثانی است. میرداماد از دوستان بسیار نزدیک شیخ‌بهائی و از علما و فلاسفه بزرگ عصر صفوی و از مقربان درگاه شاه عباس اول و شاه صفی محسوب می‌شد. وی در علوم نقلی از شاگردان سید نورالدین علی بن ابی الحسن الموسوی و شیخ حسین عاملی، پدر شیخ‌بهائی، و دایی خود، شیخ عبدالعالی بن محقق ثانی، بود و از دایی خود به دریافت اجازه نایل آمد. او همچنین در علوم عقلی، مدتی در محضر امیر فخرالدین سماکی، شاگرد امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی، به مباحثات فلسفی اشتغال ورزید. وی در جمیع علوم غریبه نیز دست داشت. از شاگردان مشهورش می‌توان به قطب‌الدین اشکوری عارف، صدرالدین شیرازی معروف به ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی اشاره نمود. میر داماد حکیمی اشراقی است وی را نمودار کامل از یک فیلسوف شیعی دانسته‌اند علو مرتبه او در حکمت از لقب معلم ثالث که به او داده‌اند پیداست. وی فلسفه مشاء و آثار ابن‌سینا را به طور کامل مطالعه کرده و تعالیم اشراقی سهروردی و معارف صوفیه را نیز درک نموده و بر روی هم تأثیرات اشراقی و عرفانی در افکار فلسفی وی مجالی وسیع یافته است. میرداماد در سفری، به همراه شاه صفی، به عتبات عالیات، در بین راه کربلا و نجف، درگذشت. از آثارش: «قبسات حق القین فی حدوث العالم»، که به اختصار به «القبسات» معروف است؛ «حدوث العالم ذاتا و قدمه زمانا» یا «الجمع و التوفیق بین رأیی الحکیمین

فی حدوث العالم»؛ «الافق المبین»، در حکمت الهی؛ «تأویل المقطعات»، در اوایل سوره‌های قرآن؛ تفسیر «سوره‌ی اخلاص»؛ «تقویم الایمان» و مقدمه آن و شرح مقدمه؛ «الایقاضات»، در خلق اعمال و افعال بندگان؛ «التقدسیات»، در حکمت الهی و رد شبهه‌ی ابن‌کمونه؛ «الرواشح السماویه فی شرح احادیث الامامیه»؛ «شارع النجاة»، رساله فتوائیه‌ی فارسی، در اصول و فروع دین؛ «نبراس الضیاء فی معنی البداء»؛ «انموذج العلوم»، حل بیست اشکال ریاضی و کلام و فقه؛ «السبع الشداد»؛ «الصراط المستقیم»، در حکمت؛ «نفی الجبر و التفویض»؛ حاشیه «شرح مختصر عضدی»؛ حاشیه «مختلف» علامه حلی؛ حاشیه «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه «استبصار»؛ حاشیه «رجال» کشی؛ «مرآة الزمان»؛ «حبل المتین»، در حکمت؛ «دیوان» شعر.[1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] الاعلام (272/ 6)، اعیان الشیعه (189/ 9)، بزرگان فلسفه (401 -400)، صبح گلشن (306/ 5)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی (467 -461)، تذکرة العلماء (179 -177)، الذریعه (38/ 24 ،32/ 17 ،35/ 15 ،4/ 13 ،257/ 11 ،294 ،239 ،223 ،194 ،145 ،142 ،129 ،88/ ،87 /18 -17/ 6 ،134/ 5 ،396 ،364 ،335/ 4 ،307/ 3 ،507 ،405 ،404 -261/ 2)، ریحانه (62 -56/ 6)، سفینة البحار (462/ 1)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (368 -365)، طبقات اعلام الشیعه (70 -67/ 11)، فرهنگ سخنوران (64)، فوائد الرضویه (425 -418)، القبسات (مقدمه)، عالم آرای عباسی (147 -146/ 1)، کارنامه‌ی بزرگان (297 -296)، لغت نامه (ذیل/ داماد)، معجم المؤلفین (93/ 9).

میرفندرسکی، ابوالقاسم

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم فندرسکی، معروف به میرفندرسکی (ح 970 – 1050 ق/ 1563 – 1640م)، حکیم و دانشمند دوره صفوی و از استادان بنام مکتب اصفهان. پدران او از بزرگان سادات استراباد بودند و جدش میرصدرالدین در ناحیه فندرسک از قرای استراباد صاحب املاکی بود و بعد از جلوس شاه عباس اول (966 ق) به دربار او پیوست. پدرش میرزا بیک نیز در دستگاه شاه عباس خدمت می کرد و مورد تکریم بود (افندی، 5/500، قمی، 3/35 – 36).
ابوالقاسم در قصبه فندرسک زاده شد (نک: ارحدی، 151، افندی، 5/501 - 502) و ظاهراً مقدمات علوم را در همان نواحی فراگرفت، ولی بعداً برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و نزد علامه چلبی بیک تبریزی (د 1041) که خود از شاگردان افضل الدین محمد ترکه اصفهانی بود، به تحصیل حکمت و علوم پرداخت (نک: اوحدی، 151، 168، 282). وی سپس در همانجا به تدریس مشغول شد، ولی ظاهراً محیط فکری و علمی آن روزگار با روحیه آزادی طلب و تقید ناپذیر او سازگار نبود و او نیز چون استادش چلبی بیک تبریزی و بسیاری دیگر از اهل علم و ادب و عرفان و هنر عازم هندوستان شد (نک: حمر، 151، نصرآبادی، 153). هندوستان در آن دوران به سبب روش و منش خاص اکبرشاه و سیاست « صلح کل» او، هم از لحاظ رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی مردمان نقاط دیگر را به سوی خود می کشید و هم از لحاظ تنوع ادیان و آیینها و دوری از تعصبات مذهبی و فرقه ای برای مردمان آزاد اندیش جایگاهی امن و دلخواه بود.
ظاهراً سفر اول میر به هند در 1015 ق و به همراهی اوحدی بلیانی (مولف تذکره عرفات العاشقین) بوده است (اوحدی، 12، 151)، به گفته اوحدی هنگامی که میر به هند رسید، به دستگاه میرزا جعفر آصف خان (ه م) که خود از شاعران و ادیبان ایرانی بود و به هند مهاجرت کرده و در آنجا به صدارت و وزارت رسیده بود، نزدیک شد. آصف خان با رعایت احوال او، وسایل بازگشت او را به ایران فراهم نمود، ولی دیری نگذشت که میر دوباره عازم سفر هند شد، نخست به گجرات و از آنجا به دکن رفت. اوحدی در هنگامی که مشغول نوشتن عرفات العاشقین بوده – یعنی در فاصله سالهای 1021 تا 1024 ق – می نویسد که میر مکرر به جانب هند سفر کرده و در این ازمنه نیز به هند آمده، باز به عراق مراجعت نموده

و باز در هند است (ص 150). میرفندرسکی بعد از این تاریخ نیز تا اواخر عمر همواره به هند سفر می کرده و ظاهراً یک بار در 1037 ق و بار دیگر در 1046 ق به معرفی ابوالحسن اصفهانی، وزیر شاه جهان ملاقات کرده است (ریو، II/815). میرفندرسکی در دربار ایران نیز مورد تکریم بود و به گفته نصرآبادی هنگامی که از هند به اصفهان بازگشت، شاه صفی به دیدنش رفت (همانجا). وفات او در 1050 ق در اصفهان روی داد (خاتون آبادی، 514) و در همانجا در مقبره بابا رکن الدین، در محلی که امروز به تخت فولاد و تکیه میر معروف است، به خاک سپرده شد. مزار او در فضای باز قرار دارد و بر روی خاک او سنگ یکپارچه بزرگی نهاده اند که بر جانب غربی آن کتیبه ای به خط ثلث برجسته مورخ به سال 1050 ق نوشته شده است، ولی در پایان نسخه رساله صناعیه (شم 887) موجود در کتابخانه آستان قدس، تاریخ وفات میر 1049 قید شده و در مصراع آخر یک رباعی به صورت ماده تاریخ آمده است (نک: گلچین معانی، 35، حاشیه). مقبره میر همیشه در اصفهان حرمت خاص داشته و زیارتگاه مردم بوده است. گفته اند که پس از مرگ وی طبق وصیتش کتابهای او به کتابخانه سلطنتی شاه صفی منتقل شد (قمی، 3/35، مدرس، 4/359).

تکیه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان

از زندگانی شخصی او چیزی نمی دانیم و معلوم نیست که اعقاب او چه کسانی بوده اند. از نوادگان او تنها میرابوطالب بن میرزا بیک معروف است که از شاگردان علامه مجلسی، و مردی فاضل و شاعر بوده است و آثار فراوان دارد (نک: افندی، 5/500 – 501، قمی، 3/36، مدرس، 4/360) و بازماندگان این خاندان، تا همین اواخر از سادات محترم منطقه استراباد بوده اند (نک: هدایت، روضه، 9/112، 489). میرفندرسکی از معاصران میرداماد و شیخ بهایی بوده و چندین تن از مدرسان علوم و حکمای معروف آن عصر، چون ملا صادق اردستانی، محمدباقر سبزواری، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعای نائینی و شیخ رجبعلی تبریزی از شاگردان او بوده اند (نک: خوانساری، 2/354، خاتون آبادی، همانجا، هدایت، همان، 8/586، آشتیانی، 85). بعضی از مولفان صدرالدین شیرازی، حکیم بزرگ عصر صفوی را نیز در شمار شاگردان او آورده اند (مدرس، 3/418، براون، IV/435)، ولی صدرالدین در هیچ یک از آثار خود از او نامی نمی برد، درصورتی که در مقدمه شرح بر اصول کافی از دو استاد دیگر خود، میرداماد و شیخ بهایی با تجلیل و تکریم فراوان یاد می کند (نک: آشتیانی، 83 – 84، 87 – 88). با این همه، به هیچ روی دور از احتمال نیست که افکار میر و تاثیراتی که وی از محیط فکری و فرهنگی هند پذیرفته و دریافت هایی که از تامل در مسائل فلسفی هندی حاصل

کرده بود، به نوعی از طریق مباحثات و مذاکرات علمی به مجامع فرهنگی ایران راه یافته و انگیزه برخی تاملات و تفکرات شده باشد. به گفته نویسنده کتاب دبستان مذاهب، میر با شاگردان آذرکیوان (ه م) مصاحبت داشت و ترک آزار جاندار از صحبت شاگردان کیوان پیش گرفته بود و چون از او پرسیدند که « با استطاعت چرا به حج نمی روی؟ جواب داد: برای آن نمی روم که آنجا گوسپندی به دست خود باید کشت » (1/47).در این کتاب چند تن از آذر کیوانیان نیز از دوستان و نزدیکان میرفندرسکی شمرده شده اند (1/337 – 338). ارتباط میرفندرسکی با شاگردان آذر کیوان در هند دور از احتمال نیست،ولی این که وی از افکار و آرای آذر کیوانی تاثیر پذیرفته باشد درست به نظر نمی رسد، زیرا اولاً در آثاری که از وی در دست است، هیچ گونه تاثیری از افکار آذر کیوانی و از اصطلاحات و واژگان خاص آن گروه دیده نمی شود، ثانیاً در هیچ یک از آثار و تالیفات دیگر این گروه اشاره ای به نام میرفندرسکی نیامده است. هرچند که از میر آثار فراوانی در دست نیست، لیکن عبارات و القابی که بر کتیبه سنگ مزار او دیده می شود، حکایت از آن دارد که وی در دوران حیات در نظر خواص و عوام حرمت و عزت خاص داشته است و نه تنها در حکمت و علوم رسمی بلکه در معارف الهی و سیر و سلوک عرفانی نیز او را دارای مقامی بس بلند می دانسته اند. دلیل دیگر بر شهرت و منزلت او نزد مردم آن روزگار داستانهای غریب و کرامتهای گوناگونی است که به او نسبت داده اند (نک: زنوزی، 4(1)521، نراقی، 195 – 202، تنکابنی، 236 – 237، معصوم علیشاه، 3/158، صبا، 25) و این شهرت تا آنجا بوده است که داستان آمدن شیر به مجلس او و شیخ بهایی را نقاشان بر پرده و بر قلمدانها نقش می کرده اند (تنکابنی، همانجا، نفیسی، 62 – 66) و داستان رفتن او به معبد کفار موضوع منظومه ای دلکش در طاقدیس ملا احمد نراقی شده است (همانجا). حکایاتی که درباره تیزهوشی، عزت نفس، حاضر جوابی و بی پروایی او در پاسخ گفتن به خرده گیریهای امیران و شاهان نقل کرده اند، نیز حاکی از دقت نظر، قوت ذهن، شجاعت اخلاقی، وارستگی و آزادمنشی اوست (نک: افندی، 5/499، 501، واله، گ 35 ب، زنوزی، 4(1)/520 - 521، دبستان مذاهب، 1/47، خوانساری، 1/246، تنکابنی، همانجا، هدایت، ریاض، 267 – 268، قمی، 3/35، مدرس، 4/357 – 358). گفته اند که روزی در مجلس او مساله ای از علم هندسه بنابر نظر خواجه نصیرالدین طوسی مطرح شد. میر برهانی در باب آن آورد و پرسید که آیا خواجه این برهان را ذکر کرده است؟ گفتند: نه. سپس چندین برهان دیگر در همان باب اقامه و در پی هر برهانی همان پرسش را تکرار کرد و جواب همان بود که اول بار شنیده بود (نک: افندی، 5/501، قمی، مدرس، همان جاها). از اشارات کوتاهی که در تذکره ها و

کتب رجال به احوال او شده است، معلوم می شود که وی در عین آنکه از لحاظ کمالات علمی و عرفانی مورد تکریم بوده، در زندگانی شخصی بسیار ساده و بی تکلف می زیسته، از شهرت و مقامات صوری گریزان بوده، به ظواهر امور اعتنایی نداشته و از آمیزش با مردم کوچه و بازار، حتی اجامر و اوباش، پرهیز نمی کرده است (همان جاها). واله در بیان احوال او می گوید که وی « اکثر لباس نمد می پوشید و با اوباش و اجامره صحبت می داشت، در حلقه معرکه خروس بازان حاضر شده، خروسی در زیر بغل خود می گرفت » (همان جا). واله در پی این سخن، داستان معروف گفت و گوی میر با شاه عباس و جواب بی باکانه و صریح او را به اعتراض پوشیده و مودبانه شاه – که در کتابهای دیگر نیز آمده است – نقل می کند (همانجا، نک: هدایت، مدرس، همانجاها). میر در علوم زمان خود خصوصاً در هندسه و ریاضیات و کیمیا صاحب نظر بوده و در پاره ای از این موضوعات آثاری به او منسوب است. از آثاری که از او در دست است و نیز از روش و دیدگاههای فکری و فلسفی شاگردان او و تالیف آنان معلوم می شود که میر در کار تعلیم از استادان حکمت مشاء بوده و کتب ابن سینا را تدریس می کرده است (نک: آشتیانی،86 – 88)، ولی ظاهراً گه گاه از اشارات طعن آمیز و تعریضات تلخ درباره ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی – که هر دو از بزرگان این مکتب بوده اند – خودداری نمی کرده است (نک: افندی، همانجا، خوانساری، 3/185). او در بیتی از قصیده معروف خود فارابی و ابن سینا را به « فهم ظاهری » منسوب می کند (نک: مدرس، 4/359) و با آنکه در برخی از آثار فلسفی خود به شیوه مشائیان قول به مثل افلاطونی را باطل می داند (نک: « منتخباتی از رساله حرکت »، 81، 86 - 87)، اما قصیده معروف خود را با تصورات مربوط به مثل افلاطونی و صعود به برزخ مثالی آغاز می کند:

چرخ با این اختران خوب و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی صورت زیرین اگر با نردبان معرفت بر رود بالا همان با اصل خود همتاستی

آثار: از میرفندرسکی چند رساله مختصر در موضوعات علمی و فلسفی، مقداری حواشی و توضیحات بر ترجمه جوگ بسشت هندویی و بعضی اشعار و قطعه های منظوم بر جای مانده است: 1. مهم ترین اثر میر رساله فارسی معروف به صناعیه است که به عنوان حقایق الصنایع نیز شهرت دارد. وی در این رساله صناعت را به مفهومی بسیار گسترده و به معنی هر چیز که از قوای عاقله و عامله آدمی به ظهور و حصول پیوندد، گرفته و در 24 باب و یک خاتمه به بیان حد صناعت، انواع آن، ارتباط صناعات مختلف با هم، فایده و غایت هریک، درجات سودمندی و شرف و خست آنها و سهم و محل هریک از اهل حرف و صنایع در جامعه پرداخته و

ترتیب و ترتب صنایع را بر حسب شرف و غایت تا صناعتی که خود غایت غائی است و برای آن غایتی نیست، تعیین نموده است. در این رساله قوای نفسانی و اندامهای پیکر انسانی (عالم صغیر) و وظیفه و عمل هریک از آنها از یک سو با اجزاء و عناصر عالم هستی و عوالم عقول و نفوس (انسان کبیر) برابر و موازی قرار داده شده، و از سوی دیگربا طبقات مختلف جامعه و افراد و اعضای آن و سهم و وظیفه هریک از آنها در هیات اجتماع همانند و همسان گرفته شده است. میر در این رساله مطالب علمی و فلسفی دقیق را با زبانی روشن و فصیح آمیخته با آیات و احادیث و اقوال بزرگان و حکما بیان داشته است (برای بحث و تحلیلی درباره این رساله، نک: کربن، 44 – 32، نیز نک: نصر، 459 – 460). رساله صناعیه یک بار در هند (1267) با اخلاق ناصری در یک مجلد به چاپ سنگی طبع و نشر شد و بار دوم به کوشش علی اکبر شهابی در تهران (1317 ش) به طبع رسیده است. جلال الدین آشتیانی نیز گزیده هایی از آن را با حواشی سودمند در مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (63 – 81) درج کرده است. محمدتقی نصیری طوسی ترجمه عربی رساله صناعیه را جزء کتاب ناموس اصغر قرار داده است (نک: حقوق، 437). 2. رساله فی الحرکه، نوشته مختصری است به زبان عربی در 5 فصل در تعریف حرکت و اقسام آن و بیان آنکه هر حرکتی محتاج محرکی است و حرکات کلاً باید محرکی واحد آغاز شوند که محرک اول است و خود محرکی ندارد. میر این رساله را از دیدگاه طریقه مشاء نوشته و در آن به رد و انکار نظریه مثل افلاطونی پرداخته است. منتخباتی از این رساله با حواشی مفید به کوشش جلال الدین آشتیانی در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (81 – 90) طبع و نشر شده است. 3. رساله در تشکیک، نامه ای است رساله مانند که میر در پاسخ به سئوالی اقا مظفر کاشانی درباره مساله تشکیک در ذاتیات از او کرده بود، نوشته است. میر در این نامه به شیوه مشائیان سخن می گوید و برخلاف اشراقیان که به تشکیک در ذاتیات قائلند، وی ذاتیات را مقول به تشکیک نمی داند. این نامه نیز با تعلیقات جلال الدین آشتیانی در همان منتخبات (90 – 97) انتشار یافته است. 4. رساله در کیمیا، به فارسی. ظاهراً رساله هایی که به نامهای ارکان اربعه، رساله در زیبق و کبریت و باب الاصغر در کتابخانه ها موجود است باید نسخه ها یا تحریرهایی از همین رساله باشد. منظومه ای به زبان عربی نیز در کیمیا به او نسبت داده شده است (مرکزی، 2/96). 5. حواشی بر جوگ بشست. متنی که میر بر آن حاشیه نوشته، کتابی است در عرفان و حکمت هندی که در زمان اکبرشاه به فارسی ترجمه شد. اصل کتاب به نام لگهویوگه واسیشتهه1، خلاصه ای است از منظومه بزرگتری و واسیشتهه راماینه2 نیز معروف است. این منظومه طولانی، در حقیقت گفت و گویی است

میان واسیشتهه، حکیم باستانی و افسانه ای هند با شاهزاده معروف « راما » یا « راماچندره » - که حماسه دینی بزرگ هند، رامایه، شرح کارها و جنگهای اوست – و در سراسر آن، استادحکیم در ضمن بیان داستانهایی پندآمیز تعلیمات اخلاقی و فلسفی خود را برای شاگرد خویش بیان می کند. فلسفه ای که در این کتاب مطرح است کلاً همان تفکر توحید وجودی مطلق3 است که از مکاتب مهم فلسفی و عرفانی هند به شمار می رود و نماینده برجسته آن شنکره4 است. ولی افکار و آراء پیچیده و دشوار این مکتب در این منظومه به صورتی ساده تر و روشن تر بیان شده و با استفاده از افسانه ها و تمثیلات شیرین و دل انگیز، به فهم و درک کسانی که اهل تخصص نیستند، نزدیک گردیده است. کتاب اصلی به فارسی ترجمه نشده است، اما خلاصه آن که در سده 9 به زبان سنسکریت تدوین شده بود، چنانکه گفتیم، در دوران سلطنت اکبرشاه به قلم نظام الدین پانی پتی ترجمه شد و در دوره های بعد نیز ترجمه ها و تلخیصهای دیگری از آن به فارسی نگارش یافت (نک: مجتبائی، « روابط فرهنگی 1» ، 81 - 84). هنگامی که میرفندرسکی به هند رسید، با این کتاب آشنا شد و سخت مجذوب آن گردید. میر هنگام مطالعه این کتاب، نکات و توضیحات سودمندی در حاشیه آن نوشت که هنوز در برخی از نسخه های این کتاب دیده می شود (همو، « میرفندرسکی در هند »، 65). ترجمه فارسی نظام الدین پانی پتی در 1360 ش به کوشش محمدرضا جلالی نائینی در تهران به طبع رسید، ولی این چاپ حواشی میرفندرسکی را ندارد. از حواشی میرفندرسکی بر این کتاب چنین برمی آید که وی به شناخت معارف هندویی اشتیاق وافر داشته و در این راه کوشش بسیار کرده است. وی با مقدمات زبان سنسکریت آشنایی یافته و از اشاراتی که به چگونگی این زبان و الفاظ و اصطلاحات آن می کند (نک: همو، 283 – 284، « میرفندرسکی در هند »، 62 – 63)، چنین برمی آید که به لزوم قرائت اینگونه کتابها به زبان اصلی پی برده بوده است. در این حواشی غالباً اشارات و ملاحظات تطبیقی و مقایسه با موضوعات فلسفی یونانی و عقاید اسلامی دیده می شود و از اشاراتی که به کتاب پاتنجل بیرونی در این حواشی می کند، معلوم می شود که با نوشته های ابوریحان درباره هند نیزآشنا بوده است(همانجا). میرفندرسکی برای کتاب جوگ بسشت فرهنگ نامه ای نیز به نام کشف اللغات جوگ ترتیب داده بود که نسخه هایی از آن، هم به ضمیمه آن کتاب و هم به طور جداگانه موجود است (نک: منزوی، خطی، 3/2015). الفاظ و اصطلاحات هندی در این فرهنگ نامه به ترتیب حروف تهجی تنظیم شده و تعریفات آنها غالباً از متن کتاب گرفته شده و در مواردی توضیح گونه ای از میرفندرسکی نیز بر آنها افزوده گردیده است. علاوه بر این فرهنگ نامه، امروز نسخه هایی از کتابی به نام

منتخب جوگ بشست در کتابخانه ها هست، از جمله نسخه کتابخانه مجلس شورا (شم 640) مورخ 1262 و نسخه متعلق به احمد افشار شیرازی، مورخ 1231 ق – که به کتابخانه دانشگاه شیراز منتقل شده است – که از آثار میرفندرسکی دانسته شده و در هر دو نسخه نام ابوالقاسم میرفندرسکی به عنوان مصنف آمده است (نک: مجتبائی، همان، 6 8). در این کتاب قطعه هایی کوتاه با مضامین عرفانی از کتاب جوگ بسشت ترجمه پانی پتی عیناً نقل شده و در پی هر قطعه یک بیت شعر فارسی با همان مفاد و مضمون از شاعرانی چون عطار، مولوی، شبستری، سیدحسینی، مغربی، حافظ و شاعران دیگر آمده است. روشن است که مقصود گردآورنده این گزیده ها ارائه یکسانی و یگانگی عوالم فکری عرفانی هندویی و اسلامی بوده است. نکته ای که درباره این منتخب قابل ذکر است، وجود ابیات فراوان از فانی اصفهانی، شاعر سده 13 ق، در آن است. در نظر اول وجود ابیاتی از شاعری متاخر در این کتاب طبعاً انتساب آن را به میرفندرسکی ابطال می کند، ولی از سوی دیگر فراوانی این ابیات در سرتاسر کتاب و شمار بسیار بالای آنها نسبت به ابیاتی که از شاعران دیگر نقل شده است (بیش از نیمی از کل اشعار نقل شده در این کتاب از فانی است)، خود دلیل بر الحاقی بودن و افزوده شدن آنها به گزیده های اصلی در زمانهای بعد تواند بود (نک: همان، 67 - 68). این کتاب در 1348 ش به کوشش جلالی نائینی و تاراچند با عنوان ساختگی آداب طریقت و خدایابی و بدون نام مولف یا گردآورنده، از روی نسخه هایی که از آن در هند به دست آورده بودند، در تهران طبع و نشر شده است. 6. اشعار. در اغلب تذکره ها اشعاری از میرفندرسکی نقل کرده اند. آنچه از او برجای مانده، دو قصیده است و چند رباعی و چند قطعه. یکی از قصاید شکوائیه ای است از روزگار نامساعد و قدرناشناسی ایام و دیگری منظومه ای است در فلسفه و حکمت الهی که پیش از این بدان اشاره شد. این قصیده معروف را چند تن شرح کرده اند (نک: منزوی، خطی مشترک، 9/2211 – 2212). شرح محمد صالح خلخالی، از دانشمندان سده 12 ق، در 1312 ق، همراه با شرح دعای حضرت امیر (ع) و لوایح جامی در تهران به چاپ سنگی رسیده و شرح حکیم عباس شریف دارابی شیرازی به کوشش فضل الله لایق در تهران (1337 ق) طبع و نشر شده است. در بعضی از تذکره ها و کتب تراجم تالیفات دیگری چون تاریخ صفویه، تحقیق المزله و برخی رسالات و نوشته های دیگر (نک: مدرس، 4/358، امین، 2/403) به نام میر ذکر کرده اند که تاکنون اثری از آنها به دست نیامده است.

میرک بخاری، شمس‌الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 740 ق)، حکیم، فیلسوف و منجم. از مردم بخارا یا هرات بود. از آثارش: شرح «حکمة العین» نجم‌الدین دبیران، در الهیات و طبیعیات؛ شرح «تبصرة فی الهیئة» محمد خرقی؛ شرح «هدایة الحکمة» اثیرالدین ابهری. او احتمالا شرحی نیز بر کتاب «الادوار فی حل الاوتار» صفی‌الدین ارموی نوشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (255/ 3)، تاریخ نجوم اسلامی (46)، دایرةالمعارف فارسی (2955، 1494/ 2)، الذریعه (175/ 14 213،/ 13)، کشف الظنون (2029، 685).

میرموسوی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین میر موسوی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/7/1

زندگینامه علمی
آقای سید حسین میر موسوی در سال 1343هجری شمسی در خانواده ای متدین وکاملا آگاه به مسائل مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1362 وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. ازنخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون: «استاد آشتیانی»، «سید حسن مصطفوی» و «عابدی» بهره ها برد.
استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در سال 1375 در مقطع دکترای فلسفه از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید و از رساله دکترای خویش با عنوان: «تصحیح رساله شرح تلویحات ابن کمغولی» دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ، سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول است.
نامبرده در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های «درآمدی بر عرفان عملی اسلام» و «ترجمه مقدمه شرح قیصری بر فصوص» و ... از جمله آثار ایشان است.

میری آشتیانی، جلال الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدجلال الدین میری آشتیانی ، در سال 1304 شمسی در قصبه ی آشتیان - از مضافات سلطان آباد عراق (اراک) - دیده به جهان گشود. دوره ی ابتدایی را در دبستان خاقانی آشتیان به پایان رساند و در مکتبخانه ی قدیم ، گلستان سعدی ، نصاب الصبیان ، تاریخ معجم ، ریاضیات ، جامع المقدمات در صرف و نحو و قسمتی از دره نادری و نیز قسمتی از کتاب شرح سیوطی را قرائت نمود. وی در سال 1323 به تشویق و راهنمایی و مساعدت یکی از علمای آشتیان ، آیت الله آقامیرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی به دارالعلم قم مسافرت کرد و تحصیلات خود را در این شهر پی گرفت آنگاه به تهران عزیمت نمود. پس از آن به قزوین رفت و نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی ، سفر نفس اسفار خواند. استاد آشتیانی ، در مهر سال 1338 تدریس خود را در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد و مؤسسه ی وعظ و تبلیغ آغاز نمود. پس از آن ، در بهمن سال 1338 با تألیف و عرضه ی « رساله ای در مبحث وجود » به استخدام دانشگاه مشهد درآمد. وی در خرداد سال 1340 به احراز رتبه ی دانشیاری و در آذر سال 1345 به احراز رتبه ی استادی نائل آمد. استاد در مهر سال 1346 طی مأموریت یک ساله ، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتقل شد. وی در آبان سال 1375 از خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد بازنشسته شد و در شهریور سال 1377 به پیشنهاد دانشگاه مشهد و به استناد مجوز کمیسیون امور اجتماعی هیئت دولت ، مجدداً به اشتغال مجدد در دانشکده الهیات مبادرت نمود.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیدجلال الدین آشتیانی ، دوره ی ابتدایی را در دبستان خاقانی آشتیان به پایان رساند و در مکتبخانه ی قدیم ، گلستان سعدی ، نصاب الصبیان ، تاریخ معجم ، ریاضیات ، جامع المقدمات در صرف و نحو و قسمتی از دره نادری و نیز قسمتی از کتاب شرح سیوطی را قرائت نمود. وی در سال 1323 به تشویق و راهنمایی و مساعدت یکی از علمای آشتیان ، آیت الله آقامیرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی به دارالعلم قم مسافرت کرد و آنجا کتاب مغنی و مطول و قسمت زیادی از شرح لمعه را نزد آیت الله صدوقی یزدی و چندنفر دیگر خواند. سپس جلد اول

کفایه و چندسال قبل از آن ، شرح شمسیه را نزد آیت الله حاج میرز ا عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی قرائت کرد. آنگاه به معرفی آقامیرزا مهدی آشتیانی ، نزد حاج شیخ مهدی مازندرانی امیرکلاهی شروع به قرائت شرح منظومه ی حکیم سبزواری و مکاسب شیخ اعظم انصاری نمود و تا اواخر الهیات منظومه و قسمت زیادی از شوارق و بعد قسمتی از امور عامه ی اسفار را نزد آن استاد فراگرفت. پس از آن ، مدت هشت سال در درس فقه و اصول آیت الله بروجردی ومدت یک سال در درس آقاسیدمحمدتقی خوانساری حاضر شد. آنگاه در مدت دو سال اقامت در نجف ، از دروس آقای حکیم و آقاسیدعبدالهادی شیرازی استفاده کرده و مرتب و بدون وقفه در درس آقامیرزا حسن بجنوردی خراسانی حاضر گردید. در حکمت و فلسفه ، حدود پنج سال در درس حاج میرزا محمدحسین طباطبایی تبریزی حاضر شد و از درس تفسیر و اصول فقه آن استاد بهره گرفت. وی حدود یک سال در درس اسفار آقامیرزا احمد آشتیانی حاضر شد و آنگاه بعد از قرائت الهیات و امور عامه ی اسفار و الهیات شفا ، به تهران عزیمت نمود. پس از آن به قزوین رفت و نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی ، سفر نفس اسفار خواند.. استاد در تهران نیز مدتی در حوزۀ درس مرحوم میرزا احمد آشتیانی و مدتی هم به طور متفرقه در محضر مرحوم آقامیرزا مهدی آشتیانی حضور یافت. همچنین در قم از محضر درسی آقایان سیدمحمدتقی خوانساری و سیدمحمد حجت کوه کمره¬ای و میرزا رضی تبریزی استفاده کرد. ایشان شرح منظومه حکمت و قسمتی از مکاسب و شوراق الالهام را خدمت مرحوم حاج شیخ مهدی امیرکلاهی خوانده است.
خاطرات و وقایع تحصیل : سیدجلال الدین آشتیانی با ذکر خاطراتی از استاد آقامیرزامهدی آشتیانی ، می گوید : « در اوایل طلبگی ، روزی خدمت مرحوم میرزا مهدی آشتیانی شرفیاب شدم. فرمودند ، به بازدید دوستی عزیز که زمانی به درس من حاضر می شد ، می روم. عرض کردم ، اگر مانعی نباشد ، بنده هم در خدمت شما باشم. فرمودند ، مانعی نیست. در آن زمان روی خوش به عرفانیات نشان داده نمی شد و تبلیغات ناجوانمردانه ی برخی علیه فلسفه و عرفان بسیار اغواکننده بود. به هرحال بنده در خدمت مرحوم آقامیرزا مهدی ، رفتیم به منزلی که در حیاط منزل جمعی نشسته بودند و مرحوم سیدجلال دوری ، مثنوی درس می داد. او به ملاحظه ی احترام ، از مرحوم میرزا رشته ی سخن را قطع کرد و از میرزا تقاضا کرد که موضوع سخن ما این شعر مثنوی است : پـــر و بـــال مـــا کمند عشق اوست موکشانش می کشد تا کوی دوست و از میرزا تمنا نمود که بیت مذکور را تعبیر نماید. مرحوم آقامیرزا مهدی با شور و حال خاص در معنای این بیت ، حدود یک ساعت و نیم صحبت کرد و جهت

ارتباط بین این بیت و ابیات قبل از این بیت را چنان عالی تقریر کرد که نفس ها در سینه حبس شد و حقیر برای اولین بار از عارف محقق و استاد مسلم کتاب « شرح فصوص » و « مصباح الانس » معنای بیتی از ابیات « مثنوی » را شنید و فهمید که منکران عرفان ، کنه مطالب را درنمی یابند و مشکل کار آنها تعصب خام است ».
استادان و مربیان : از استادان و مربیان سیدجلال الدین آشتیانی می توان به این شخصیت ها اشاره نمود: آیت الله صدوقی یزدی ، آیت الله حاج میرزا عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی ، حاج شیخ مهدی مازندرانی امیرکلاهی ، آیت الله بروجردی ، آقاسیدمحمدتقی خوانساری ، آقای حکیم ، آقاسیدعبدالهادی شیرازی ، آقا میرزاحسن بجنوردی خراسانی ، حاج میرزا محمدحسین طباطبایی تبریزی ، آقامیرزا مهدی آشتیانی ، آقا میرزا احمد آشتیانی ، حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیدجلال الدین آشتیانی ، در مهر سال 1349 ، آذر سال 1352 ، خرداد سال 1370 و خرداد سال 1375 به مدیریت گروه فلسفه و حکمت اسلامی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی منصوب شد.
فعالیتهای آموزشی : سیدجلال الدین آشتیانی ، در مهر سال 1338 تدریس خود را در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد و مؤسسه ی وعظ و تبلیغ آغاز نمود. پس از آن ، در بهمن سال 1338 با تألیف و عرضه ی « رساله ای در مبحث وجود » به استخدام دانشگاه مشهد درآمد. وی در خرداد سال 1340 به احراز رتبه ی دانشیاری و در آذر سال 1345 به احراز رتبه ی استادی نائل آمد. استاد در مهر سال 1346 طی مأموریتی یک ساله ، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتقل شد. در آبان سال 1375 از خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد بازنشسته شد و در شهریور سال 1377 به پیشنهاد دانشگاه مشهد و به استناد مجوز کمیسیون امور اجتماعی هیئت دولت ، مجدداً به اشتغال مجدد در دانشکده الهیات مبادرت نمود.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیدجلال الدین آشتیانی ، علاوه بر تألیف دهها مقاله و کتاب ، سخنرانی های مختلفی نیز در محافل علمی و دانشگاهی ایراد نمودند که از جمله می توان به سخنرانی در آیین بزرگداشت حاج ملاهادی سبزواری در دانشگاه تهران و به دعوت مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا (شعبه تهران) با عنوان « سبزواری کیست ؟ » در بهمن سال 1348 و شرکت در نخستین کنگره ی ملی ایران شناسی در دانشگاه تهران در شهریور سال 1349 اشاره کرد . وی در بهمن سال 1339 به عضویت در انجمن تألیف و ترجمه ی دانشگاه مشهد به نمایندگی از دانشکده علوم معقول و منقول ، در دی سال 1352

به عضویت در کمیته ی تألیف و ترجمه ی دانشکده الهیات و معارف اسلامی ، در آبان سال 1355 به عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی برای مدت دو سال ، در آبان سال 1355 به عضویت در کمیته ی انتصابات و ترفیعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی و در اسفند سال 1374 به عضویت در هیئت تحریریه ی نشریه ی علمی - پژوهشی دانشکده الیهات نائل آمد.
شاگردان : از آغاز تدریس سید جلال آشتیانی درمشهد رابطه ای محکم بین او و شاگردانش ایجاد شده است و بسیاری از طالبان دانش از محضر ایشان استفاده کرده و برخی خود درزمره دانشمندان و فلاسفه درآمده اند ، این حلقه ها نه فقط دردانشگاه بلکه درخانة ایشان نیز تشکیل می شد . آشتیانی رابطه ای انسانی و پدرانه باشاگردان خود .
همفکران فرد : یکی از همفکران سید جلال آشتیانی دکتر سید حسین نصر است که آن دودرباره مسائل فلسفی به بحث و بررسی و پژوهش فلسفی می پرداختند. یکی دیگراز همفکران آشتیانی ،هانری کربن بود که به اتفاق هم طرح چند جلد «منتخباتی ازآثار حکمای الهی ایران » را به نام رساندند . کربن به آشتیانی لقب «ملاصداری دوباره زنده شده »داده بود .
جوائز و نشانها : سیدجلال الدین آشتیانی ، در سال 1355 به دریافت جایزه ی بنیاد فرهنگی البرز به خاطر آثار علمی و پژوهشی نائل آمد. وی در اسفند سال 1376 توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به عنوان « دانشمند برجسته » انتخاب گردید. استاد در بهمن سال 1377 به مناسبت انتشار کتاب « شرح قیصری بر فصوص الحکم » به دریافت جایزه ی شانزدهمین دوره ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نائل آمد. --------
---

آثار :
1 تصحیح اثولوجیا
ویژگی اثر : با تعلیقات قاضی سیدقمی.
2 تصحیح المسائل القدسیه
ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.
3 تصحیح تحفه المراد (شرح قصیده ی میرفندرسکی)
ویژگی اثر : تألیف : عباس شریف دارابی ، با شرح خلخالی و گیلانی.
4 تصحیح تحفه در مباحث علم
ویژگی اثر : تألیف : ملانظرعلی گیلانی.
5 تصحیح رسائل فلسفی
ویژگی اثر : این کتاب شامل : رساله ی تحفه (ملانظرعلی گیلانی) ، رساله ی وحدت وجود (ملاعلی نوری) و رساله ی بسیط الحقیقه کل الاشیاء (ملاعلی نوری) می باشد.

6 تصحیح رسائل فلسفی (متشابهات قرآن ، المسائل القدسیه ، اجوبه المسائل)
ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.
7 تصحیح رساله النصوص
ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین قونوی ، با تعلیقات میرزاهاشم اشکوری.
8 تصحیح شرح دعای المعرفه
ویژگی اثر : تألیف : ملامحمدعلی فاضل خراسانی.
9 تصحیح شرح فصوص الحکم
ویژگی اثر : تألیف : مؤیدالدین جندی. (با همکاری دکتر ابراهیمی دینانی)
10 تصحیح قره العیون
ویژگی اثر : تألیف : ملامهدی نراقی.
11 تصحیح مشارق الدراری
ویژگی اثر : تألیف : سعیدالدین سعید فرغانی.
12 تصحیح مکاتبات عرفانی
ویژگی اثر : تألیف : سیداحمد حائری و شیخ محمدحسین غروی.
13 تصحیح هدایه الطالبین
ویژگی اثر : تألیف : حکیم سبزواری.
14 تصحیح و گردآوری منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران
ویژگی اثر : این کتاب چهارجلدی ، با همکاری فیلسوف فرانسوی هانری کربن در طی نزدیک به ده سال شگل گرفت و دربردارنده ی منتخبی از آثار و تألیفات حکمای چهار قرن گذشته است. مطابق نوشته ی استاد آشتیانی ، قرار بود که این منتخبات در هفت جلد به پایان برسد و حکمت الهی در ایران را تا دوران معاصر معرفی کند که با مرگ نا به هنگام هانری کربن و دست تنهایی استاد ، این امر مهم تاکنون به تأخیر افتاده است.
15 تفسیر سور؟ توحید
ویژگی اثر : دانشگاه فردوسی مشهد، 1366 قمری.
16 شرح بر زادالمسافر
ویژگی اثر : تألیف : ملاصدرا.انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، 1369 قمری
17 شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا
ویژگی اثر : انتشارات زوار، مشهد، 1340 شمسی.
18 شرح فصوص الحکم
ویژگی اثر : تألیف : فارابی.این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شرح فصوص الحکم»: شرح فصوص الحکم/ محمد داود قیصری رومی؛ تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی

– تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1376. یکی از مهمترین آثار شیخ اکبر محیی الدین بن عربی، فصوص الحکم است و معروفترین شرح آن، شرحی است که محمد داودبن محمود قیصری بر آن نگاشته است و به دلیل اهمیت متن و شرح و تسلط قیصری در توضیح و تفسیر مرادات محیی الدین در متن فصول، این کتاب به صورت یکی از رایجترین کتب درسی در علوم عرفان و تصوف در حوزه های علمیه در آمده است. استاد آشتیانی که خود سالهای متمادی از محضر حکیمان و عارفان بزرگ و بنام بهره برده، سالهاست که خود نیز به تدریس و تحشیه و تعلیق آثار مهم عرفانی و فلسفی اشتغال دارد. استاد، شرح فصول الحکم را پس از مقابله با 2 نسخ؟ خطی و یک نسخ؟ چاپ سنگی به صورتی محققانه تصحیح کرده، حواشی عارف متأله آقا محمدرضا قمشه¬ای و حضرت امام خمینی (ره) را نیز بر آن افزوده است، و خود هم جای جای بر کتاب، حواشی روشنگر و مفیدی نگاشته است

19 شرح مقدمه ی قیصری بر فصوص الحکم

ویژگی اثر : 1343 شمسی.

20 مقدمه ، تعلیقات و تصحیح المبداء و المعاد

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.

21 مقدمه ، تعلیقات و تصحیح مجموعه ی رسائل سبزواری

22 مقدمه شکوه شمس (سیری در آثار و افکار مولانا)

ویژگی اثر : تألیف : آن ماری شیمل ، ترجمه ی حسن لاهوتی.

23 مقدمه نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص

ویژگی اثر : تألیف : عبدالرحمن بن احمد جامی ، تصحیح ویلیام چیتیک.

24 مقدمه و تصحیح اصول المعارف

ویژگی اثر : تألیف : فیض کاشانی.

25 مقدمه و تصحیح الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین محمدابراهیم شیرازی.

26 مقدمه و تصحیح اللمعات الالهیه والکلمات الوجیزه

ویژگی اثر : تألیف : ملااحمد نراقی.

27 مقدمه و تصحیح المشاعر

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی ، با مقدمه های انگلیسی دکتر نصر ، فرانسوی هانری کربن و فارسی استاد همایی.

28 مقدمه و تصحیح المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه

ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.

29 مقدمه و تصحیح انوار جلیه

ویژگی اثر : تألیف : ملاعبدالله زنوزی.

30 مقدمه و تصحیح تفسیر فاتحه الکتاب

31 مقدمه و تصحیح تمهیدالقواعد
ویژگی اثر : تألیف : صائن الدین علی بن محمدالترکه.
32 مقدمه و تصحیح رسائل قیصری
ویژگی اثر : تألیف : داوودبن محمود قیصری ، با تعلیقات حکیم محمدرضا قمشه ای.
33 مقدمه و تصحیح رسائل وحدت وجود و بداء
ویژگی اثر : تألیف : سیدمحمدکاظم عصار.
34 مقدمه و تصحیح رساله النصوص
ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین قونوی.
35 مقدمه و تصحیح رساله ی نوریه در عالم مثال
ویژگی اثر : تألیف : حکیم بهایی لاهیجی.
36 مقدمه و تصحیح لمعات الهیه
ویژگی اثر : تألیف : ملاعبدالله زنوزی.
37 مقدمه و تصحیح مصباح الهدایه
ویژگی اثر : تألیف : امام خمینی (ره).
38 هستی از نظر فلسفه و عرفان
ویژگی اثر : این کتاب ، اولین اثر استاد آشتیانی است که در سال 1338 و در مدت بیست روز به رشته ی تحریر درآمده است.
منابع زندگینامه :
1www.ketabesal.irخاطراتی از فیلسوف شرق ، روزنامه اطلاعات ، 25 مهر 13793نشریه ی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد (ویژه نامه ی نکوداشت استاد سیدجلال الدین آشتیانی) ، شماره ی 41 و 42 ، پاییز و زمستان 1377 ، صص 19 - 264نصیر سید حسین ، مدخلی برنکو داشت مقام علمی و فرهنگی استاد سید جلال آشتیانی و استاد محمد حسن لطفی ، کتاب ماه و ادبیات ،سال اول ،شماره ششم و هفتم ، 30 اردیبهشت 1377، ص4

میری آشتیانی، جمال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم عقلیه، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میناگر، غلامرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا میناگر
محل تولد : بروجرد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
غلامرضا میناگر در سال 1340 هجری شمسی در شهرستان بروجرد در میان خانواده ای مذهبی، فرهنگی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه گویای شهرستان دورود با مدیریت پدر خود به اتمام رساند. سپس دوره متوسطه را با بازگشت خانواده اش به بروجرد ادامه داد. و در این میان علاقه مفرط به علوم دینی و الهی پیدا نموده بود به طوری که قصد داست تا قبل از انقلاب که دوران نوجوانی وی بود؛ به حوزه ی علمیه قم مقدسه هجرت کند اما مواجه با ممانعتهایی می شد.
پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در اولین بهار تحصیلی به این درمان جامعه عمل پوشاند (سال ...) در مدرسه علمیه ولیعصر همان شهر به تحصیل دروس مقدماتی پرداخت که در سال بعد به قم به منظور درک بیشتر و بهتر اساتید مهاجرت نمود. او پس از اتمام مقدمات خود در مدرسه امام صادق (ع) سطح را از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم از قبیل حضرات آیات: «وجدانی فخر (ره)»، «اعتمادی»، «پایانی (ره)» و... فرا گرفت و پس از آن بیش از ده سال از خارج فقه و اصول آیات عظام: «مکارم شیرازی» و اساتیدی چون «هادوی تهرانی» و ... بهره گرفت.
از سال 72 تا 76 جزء اولین دانشجویانی بود که در رشته فلسفه دانشگاه مفید وارد و مشغول به تحصیل شد. در سال 82 به دفاع از پایان نامه سطح سه فلسفی خود تحت عنوان: «وحدت و کثرت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب» پرداخت و پس از آن سه سال به فراگیری دروس تخصصی سطح سه در موسسه ی آموزشی و پژوهشی «فرق و مذاهب» همت گماشت و اکنون مشغول گذراندن رساله ی سطح چهار در حوزه علمیه قم می باشد.

ایشان از سال 79 تا به کنون (86)، ضممن تقبل مسئولیت دبیری گروه های فلسفه و کلام پژوهشگاه ونیز جلسات پاسخ به شبهات و ... از این فرصت استفاده نموده و مبادرت به نوشتن مقالات و کتاب هایی به منظور ارتقاء فکر فرهنگی، اعتقادی جامعه نموده است که برخی ازآنها به زودی در آن موسسه به چاپ خواهد رسید. همچنین وی در خلال تحصیلات حوزه ای خود از توفیق تدریس دروس مقدمات و نیز فقه واصول، منطق و فسلفه بی نصیب نبوده است.

مئنای پارسی

قرن:0
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س پنجم م)، فیلسوف، نویسنده و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه رها در شمال غربی الجزیره به تحصیل پرداخت، که این مدرسه به علت اینکه بیشتر ایرانیان و به ویژه نسطوریان در آن تحصیل می‌کردند به دبستان ایرانیان شهرت یافته بود. در اواخر قرن پنجم میلادی که این مدرسه بسته شد شاگردان ایرانی آن، از جمله مئنای پارسی، به ایران بازگشتند. آنان پس از بازگشت به میهن چندین مدرسه تأسیس نمودند و در این مدارس همان روش دبستان ایرانیان (که به آثار ارسطو اهمیت بسیار می‌داد)، را دنبال می‌کردند. به همین علت کتاب‌های زیادی به سریانی تألیف شد و عده‌ای از کتب فلسفی و منطقی را هم به پهلوی ترجمه نمودند. مدرسه ریواردشیر یا بیت اردشیر در ناحیه‌ی ارجان یکی از این مدارس بود که مئنا ریاست آن را بر عهده داشت. مئنای پارسی، طبق همان روش، ترجمه‌هایی از سریانی به پهلوی داشته و اشعاری نیز برای اجرای مراسم دینی سروده است. تألیفات او در کشورهای دور دست، حتی هندوستان رواج داشت. به دلیل توجه صاحب عنوان به فلسفه ارسطو، همچون دیگر نسطوریان، و تعلیم علوم یونانی در حوزه‌ی دینی ریواردشیر این مکان دارای اهمیتی خاص شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (21 -20 ،19)، تمدن ساسانی (108/ 1).

ناتلی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شهرت ابوعبداللَّه ابراهیم بن حسین الناتلی، از مشاهیر رجال قرن چهارم هجری قمری. وی شاگرد ابوالفرج بن الطیب و استاد ابوعلی سینا بود و در منطق و ادبیات دست داشت.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نادم، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن نادم
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و 2 سال از مقطع راهنمائی، در سال 1356 در سن 14 سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیة الله گلپایگانی (ره)»، در سال 1359 در درسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایة، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیة الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.
در سال 1365 موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت 7 سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیة الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال 1372 وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.
بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسؤلیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و ...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم.

پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.
با گذشت این دورانها در سال 1376 تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال 1381 به عضویت هیات علمی مرکز ادیان در آمدم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

ناصر خسرو

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(485/ 481 -394 ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجت. از آن رو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت‌آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر یا سیدالحکماء گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه‌ی» خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده‌ی دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت مجعولی است که برای او نوشته‌اند و به او نسبت داده‌اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد، و یا شاید به سبب علاقه‌ی شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یک نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاک زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و به ویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می‌دانست. او در ادیان مختلف تتبع می‌کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضلای یهود و نصاری تفهیم می‌نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه‌ی دبیری رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرد. به آورده‌ی «ریحانةالادب» و «تذکرةالشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (من 425 ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوک پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در 432 ق به مرو که تحت حکومت ابوسلیمان جغری بیگ داوود بود، رفت. وی پس از طی مقامات، در اندیشه‌ی یافتن حقیقت و پس از خوابی که در 437 ق دیده بود، به سفر پرداخت. در همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هندی خود روانه حجاز شد. این مسافرت هفت سال طول کشید. در این سفر چهار

بار حج کرد و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیرةالعرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر به سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان بخصوص المؤید داعی الدعاة شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به خدمت مستنصر باللّه ابوتمیم معد بن علی (487 -427 ق) رسید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه‌ی حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجت جزیره‌ی خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه‌ی آن سامان گردید. در شرح حال ناصر خسرو، در کتاب «شرح سی قصیده» که به اهتمام دکتر مهدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشعار ناصر خسرو» آمده است: در معرةالنعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سمنان در محضر درس علی نسائی حاضر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضی بودن، مجبور به ترک وطن شد. بعد از سالها سرگردانی در مازندران و نیشابور و بلخ عاقبت در حدود شصت یا شصت و سه سالگی، بین 453 تا 456 ق و به گفته‌ی بعضی در 461 ق به یمگان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. او سرانجام در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد. در مورد سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. به آورده‌ی صاحب «سخن و سخنوران»، مؤلف کتاب «بیان الادیان»، ناصر خسرو را معاصر خود می‌داند که قبل از تألیف آن کتاب (485 ق) وفات یافته است. ناصر خسرو از قصیده‌سرایان درجه اول زبان فارسی ایران بود و به زبان عربی نیز شعر می‌سرود.از خصوصیات برجسته‌ی شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. آثار منسوب به وی: «سر اسرار»، در تسخیر کواکب؛ « اکسیر اعظم»، در منطق؛ «قانون اعظم»، در علوم غریبه؛ «سعادت‌نامه»، سیصد بیت، در پند و حکمت؛ «روشنایی‌نامه»، در وعظ و پند و حکمت؛ «کنزالحقایق»؛ «تفسیر قرآن»؛ «دستور اعظم». از آثار وی: «زادالمسافرین» یا «زادالمسافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع‌الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و رهایش»؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان‌العالم»؛ «دیوان» شعر.[1]
حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (394 ه.ق- 481 ه.ق) ملقب

به «حجت» از حکما و متکلمین اسلام. در قبادیان از حوالی بلخ تولد یافت. از اوان جوانی به تحصیل علوم و فضائل و تحقیق ادیان و عقاید و مطالعه‌ی اشعار شعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره‌ی جوانی به دربار محمود و مسعود غزنوی راه یافت. بعد از غلبه‌ی سلاجقه بر بلخ به مرو به دربار چغری‌بیگ رفت و تقرب یافت و به خدمت دیوانی گماشته شد. در سال 437 ه. خوابی دید و به قول خود ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرده و به جهانگردی و سیر آفاق و انفس پرداخت و در سفر هفت ساله‌ی خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا مذهب حنفی داشت؛ در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان گردید و از دعاة سرسخت اسماعیلیه شد و «حجت» زمین خراسان گردید. ناصرخسرو در مراجعت از این سفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ عقاید اسماعیلی کرد لیکن با مخالفت فقهای متعصب سنی مواجه گردید و امرای سلجوقی درصدد کشتن او برآمدند. وی بالاخره به یمکان بدخشان گریخت و در آنجا عزلت جست و پس از عمری طولانی و آوارگی و آزار و رنجی که در آخر عمر از متعصبین و سایر مردم روزگار خود دید در یمکان وفات یافت. از آثار وی یکی «سفرنامه» اوست که بعد از مراجعت از سفر هفت ساله‌ی خود در 444 ه.ق تألیف کرد، و دیگر زادالمسافرین که یادگار دوره‌ی آوارگی او بعد از مراجعت از سفر در خراسان و مازندران و طبرستان است، آثار مهم دیگر او عبارتند از «وجه دین»، «خوان اخوان»، «دلیل‌المتحیرین»، «روشنائی‌نامه»، «دیوان اشعار». مقدار ابیات دیوان او را تا سی‌هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه اکنون در دست است حدود یازده هزار بیت است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1032 -1009/ 3)، اعیان‌الشیعه (204 -202/ 10)، با کاروان حله (101 -85)، بهشت سخن (223 -193)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ صفحات متعدد، 898 -893، 469 -443/ 2)، تاریخ ادبی ایران (581 -580، 578، 441، 406، 133/ 1)، تاریخ گزیده (753)، تاریخ نظم و نثر (60 -58)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (251 -248 169،)، تحلیل اشعار ناصر خسرو (پیشگفتار) تذکرةالشعراء (73 -69)، تقویم‌التواریخ (93)، چشمه‌ی روشن (90 -76)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (1054 -1048)، حبسیه در ادب فارسی (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (457 -456/ 2)، دایرةالمعارف فارسی (2993 -2992/ 2)، دویست سخنور (420 -417) الذریعه (108/ 18، 191 -190، 181، 11 -10 / 12، 272/ 11، 1154/ 9، 361 -360)، (151/ 8، 274/ 7)، روضات الجنات (150 -149/ 8)، ریاض‌العارفین (234 -232)، ریحانه (103 -100/ 6)، سبک‌شناسی (158 -155، 153 -151، 52/ 2، 424، 401/ 1)،

سخن و سخنوران (198 -154)، شرح سی قصیده (17 -8)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (87 -83)، صبح گلشن (119 -118)، طرائق‌الحقائق (557 -556/ 2)، فرهنگ ادبیات فارسی (499 -497)، فرهنگ سخنوران (912 -911)، کارنامه‌ی بزرگان (128 -127)، کتابشناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف‌الظنون (991 ،990 ،143)، گنج و گنجینه (575 -567)، لغت‌نامه (ذیل/ ناصر خسرو)، مجالس‌النفائس (349 -348)، مجمع‌الفصحا (1405 -1359/ 3)، مرآة‌الخیال (28 -27)، مؤلفین کتب چاپی (508 -503/ 6)، هدیة‌العارفین (487/ 1)، هزار سال شعر فارسی (70 -64)، هفت اقلیم (358 -348/ 2)، هفت گنج کومش (133 -130)، یغما (س 11، ش 1، ص 23 ،19).

نایب‌الصداره

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یا نایب‌الصدر، آقا ابراهیم (ف. 1148 ه.ق)، از مشاهیر علمای مشهد مقدس در اواسط قرن دوازدهم هجری است. وی دارای مقام شیخ‌الاسلامی، و در فقه و کلام و حکمت استاد بود. از تألیفات اوست: 1- تحریم صلوة الجمعه فی زمان‌الغیبه. 2- الفواید الکلامیه.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نراقی، مهدی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1209 -1128 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و ریاضیدان. موصوف به خاتم المجتهدین. جامع علوم معقول و منقول و در حساب، هندسه، ریاضی، هیئت و علوم ادبی متبحر بود. در نراق کاشان به دنیا آمد. سپس برای تحصیل به اصفهان رفت و از محضر ملا اسماعیل خواجویی و ملا محمدمهدی هرندی و شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر استفاده نمود و آنگاه برای ادامه تحصیل رهسپار عتبات گشت و در کربلا و نجف نزد بزرگان فقه و اصول و علوم نقلی از قبیل: وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و شیخ مهدی فتونی عاملی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و سید مهدی بحرالعلوم و سید محمدمهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و ملا محمد اسماعیل مازندرانی روایت نمود. پس از فراغت از تحصیل به ایران مراجعت کرد و در کاشان سکنی گزید. با حضور او در کاشان علم و دانش در این شهر رونقی تازه پیدا کرد. فرزندش، ملا احمد نراقی، و حاج محمد ابراهیم کرباسی و محمد طاهرآبادی و سید محمدباقر حجت‌الاسلام شفتی اصفهانی و مجذوب علیشاه و میرزا بابا حبیب‌اللّه حسینی نطنزی از شاگردان او بودند. در اواخر عمر به نجف رفت و در آنجا به تدریس و بحث و تألیف مشغول شد و در همان جا درگذشت و در حرم مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنزالرموز»، «انیس الموحدین»؛ «انیس المجتهدین»؛ «توضیح الاشکال»، در شرح «تحریر اقلیدس»؛ «معتمد الشیعة فی احکام الشریعة»؛ «لوامع الاحکام فی فقه شریعة الاسلام»؛ «التحفة الرضویة فی المسائل الدینیة»؛ «التجرید» یا «تجرید الاصول»، در اصول فقه؛ «انیس التجار» یا «انیس التاجرین»، در مسائل تجارت؛ «نخبة البیان»، در استعاره و تشبیه؛ «مشکلات العلوم» یا «تفصیل المشکلات من العلوم» به سبک «کشکول»؛ «جامع السعادات فی موجبات النجاة»، در اخلاق؛ رساله‌ای در «عبادات»؛ «مناسک الحج»؛ «کتاب الحساب»؛ «جامع الافکار و ناقد الانظار»، در اثبات واجب‌الوجود و صفات سلبیه و ثبوتیه؛ «محرق القلوب»، در مصائب اهل‌بیت (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (257/ 8)، اعیان‌الشیعه (167، 143/ 10)، ایضاح المکنون (508، 443، 413/ 2، 353، 311، 249، 227، 148/ 1)،

خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (106/ 2)، الذریعه (94 -93/ 24 ،274/ 22 ،213، 67- 66/ 21 ،149/ 20 ،359- 358 ،349 ،345 ،157 ،121/ 18 ،75 -74/ 17 ،302/ 15 ،335/ 13 ،103 ،32/ 11 ،7/ 7 ،436 ،351 ،350/ 3 ،59- 58 ،42- 41/ 5 ،467- 466 ،465- 464 ،453/ 2)، روضات‌الجنات (192 -189/ 7)، ریحانه (165 -164/ 6)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (413 -409)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 116/ 13)، طرائق‌الحقائق (258 ،254/ 3)، قصص العلماء (133/ 132)، المآثر والآثار (166)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1287 -1286/ 3)، معجم‌المؤلفین (57/ 12)، مکارم‌الآثار (364 -360/ 2)، مؤلفین کتاب چاپی (363 -360/ 6)، هدیة‌الاحباب (181 -180)، هدیة‌العارفین (352/ 2).

نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 600- وف 688 -684/ 679 ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیة» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف‌الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائدالنسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمة فی علم الخلاف» یا «المقدمة البرهانیة» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمة فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»، در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات والتنبیهات» ابن‌سینا؛ شرح «الرسالة القدسیة» غزالی؛ «مطلع السعادة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :ایضاح المکنون (194/ 2)، ریحانه (174 -173/ 6)، شذرات الذهب (385/ 5)، کشف‌الظنون (1861، 1803، 1799 -1798، 1756، 1720، 1296، 1272، 1032، 882، 865، 95)، معجم‌المؤلفین (297/ 11)، هدیةالعارفین (136 -135/ 2).

نظامی گنجوی، جمال‌الدین، ابومحمد الیاس

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(614/ 604/ 602 -535/ 530/ 520 ق)، حکیم و شاعر، متخلص به نظامی. وی از مادری کرد نژاد در گنجه به دنیا آمد. بعضی از مؤلفین تذکره‌ها او را از قهستان یا فراهان یا تفرش و قم دانسته‌اند. در زمینه‌ی اسم، لقب کنیه و نسبش نیز در بین تذکره‌ها اختلاف است. نظامی همه‌ی عمر را در گنجه بوده مگر سفر کوتاهی که به دعوت اتابک قزل ارسلان به یکی از شهرهای نزدیک گنجه داشته است. نظامی با خاقانی و عوفی معاصر بود و گویند در مرگ خاقانی نیز مرثیه‌ای سروده است. بنابر بعضی از اقوال در طریقت و سیر و سلوک از مریدان اخی فرج زنجانی شمرده می‌شد. سلاطین معاصر وی همان کسانی هستند که نظامی آثار خود را به نام آنها کرده و یا در مثنویاتش آنها را ستوده است. گویند جامع علوم عقلی و نقلی بود. داستانسرایی در زبان فارسی با نظامی شروع نشد، لیکن نظامی توانست منظومه‌های تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند. از جمله شاعرانی که از آثار نظامی تقلید کردند عبارتند از: امیر خسرو دهلوی، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عرفی، مکتبی، فیضی فیاضی، اشرف مراغی و آذر بیگدلی، ولی هیچ کدام نتوانستند خود را به پای او برسانند. در زمینه‌ی تاریخ ولادت و مرگ وی نیز اختلاف وجود دارد، ولی برخی تذکره‌نویسان با اشاراتی که در ابیات مثنوی‌های نظامی بوده، تا حدودی توانسته‌اند به آن سالها پی ببرند. نظامی در گنجه درگذشت و مدفن وی تا اواسط عهد قاجاری باقی بود، بعد از آن رو به ویرانی نهاد تا باز به وسیله‌ی دولت محلی آذربایجان شوروی مرمت شد. از آثار وی: پنج مثنوی مشهور به «پنج گنج» یا «خمسه» شامل: مثنوی «مخزن‌الاسرار»، مشتمل بر حدود دو هزار و دویست و شصت بیت، به نام فخرالدین بهرامشاه بن داوود در 570 ق، مثنوی «خسرو و شیرین»، در شش هزار و پانصد بیت، به نام شمس‌الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز در 576 ق، مثنوی «لیلی و مجنون»، در چهار هزار و هفتصد بیت، به نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر در 588 ق؛ مثنوی «بهرامنامه» یا «هفت پیکر» یا «هفت گنبد»، در پنج هزار و صد و سی و شش بیت، به نام علاءالدین کرپ ارسلان در 593 ق؛ مثنوی «اسکندرنامه»، در ده هزار و پانصد بیت مشتمل بر دو قسمت «شرفنامه»، به نام نصرةالدین ابوبکر بن محمد جهان پهلوان و «اقبالنامه»، به نام دو سه تن از امرا. بنا به گفته‌ی

«تاریخ نظم و نثر»، «شرفنامه» یا «مقبل‌نامه» در هندوستان به نام «اسکندرنامه‌ی بری» معروف شده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، شامل قصاید و غزلیات. بعضی از تذکره‌ها مثنویی به نام «ویسه و رامین» را با احتمالی به وی نسبت داده و گفته‌اند که در جوانی آن را به نام سلطان محمود بن ملکشاه به نظم درآورده است.[1]
نظامی گنجه‌ئی: گنجه‌ای. حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی ابن مؤید نظامی (و. 614 -530 ه.ق) شاعر معروف ایرانی در قرن ششم ه.ق؛ متولد گنجه. از زندگی او به طور مشروح چیزی دانسته نیست. ظاهراً هنوز چندان از سنش نگذشته بود که پدر و مادرش را از دست داد. نظامی چنانکه از اشعارش برمی‌آید، در آغاز جوانی به تحصیل ادب و تاریخ و قصص همت گماشت و بیشتر عمر خود را در گنجه گذرانید؛ و کمتر از موطن مألوف خویش دوری گزید. وی با اصول عرفان آگاه بود و عملاً نیز طریق زهد و تصوف می‌سپرد و پادشاهان رعایت مقام او می‌نمودند، و در حضور وی از می و مطرب پرهیز می‌کردند. مهمترین اثر نظامی پنج گنج یا خمسه‌ی نظامی (ه.م) است، و دیگر دیوان اوست شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات که بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آتشکده‌ی آذر (1343 -1327/ 3)، احوال و آثار و شرح مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی (مقدمه/ 153 -1)، ارمغان (س 5، ش 2، ص 273، 262، 177 -155، 77 -67)، از سعدی تا جامی (785 -780)، از سنایی تا سعدی (102 -91/ 2)، با کاروان حله (203 -195)، پیر گنجه در جستجوی، ناکجاآباد، تاریخ ادبیات ایران، براون (153/ 4)، تاریخ ادبیات در ایران (824 -798/ 2)، تاریخ گزیده (753 -752)، تاریخ نظم و نثر (106 -104)، تذکرةالشعراء (146 -142)، تذکره‌ی میخانه (26 -11)، حماسه‌سرایی در ایران (351 -341)، دانشمندان آذربایجان (385 -381)، دایرةالمعارف فارسی (3037 -3036/ 2)، الذریعه (233 -232/ 25 ،398/ 18 ،1208 -1207/ 9)، ریاض‌العارفین (154 -149)، ریحانه (215 -211/ 6)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (302 -294)، طرائق‌الحقائق (625 -624/ 2)، فرهنگ ادبیات فارسی (513 -512)، فرهنگ سخنوران (944 -943)، کتابشناسی نظامی گنجوی، گنج سخن (19 -1 / 2)، لباب الالباب (397 -396/ 2)، لغت‌نامه (ذیل/ نظامی گنجوی)، مجمع‌الفصحا (1447 -1412/ 3)، مؤلفین کتب چاپی (706 -699/ 6)، نتایج‌الافکار (705 -704)، نفحات‌الانس (607 -606)، هفت اقلیم (501 -493/ 2)، یادگار (س 4، ش 9 و 10، ص 93 -92)، یغما (س 7، ش 10، ص 476 -474).

نعمت پور، ناصر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر نعمت پور
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/10/1

زندگینامه علمی
حقیر خود را لایق نوشتن یک زندگی نامه علمی نمی‌دانم زیرا که به فرموده آن استاد عزیز که درباره خودشان فرموده‌اند: «این کمترین درباره خود چه بنگارد که نه تألیفی شایان تعریف دارد و نه تضمینی سزاوار تعیین، نه عقده‌ای را به بنان خود گشوده است، نه مشکلی را به بیان خود حل کرده است. نه اهل حل و عقد است و نه مرد رتق و فتق، نه به مقامی واصل شده است و نه بهره‌ای از او حاصل ـ گویی درباره وی گفته‌اند: «نه شکوفه و نه برگی، نه ثمر، نه سایه دارم همه حیرتم که دهقان، به چه کاری کشت ما را»
البته صدور این سخنان از آن عزیز، نشان دهنده معرفت و تواضع ایشان است. ولی اینجانب خود را به حقیقت فقیر می‌دانم ولی از آنجایی که جواب تحیت لازم و نوع ادب است؛ چند جمله‌ای در این موضوع می‌نگارم:
در حدود سال 1353 ه . ش بود که به طور دسته جمعی از منطقه «هشترود» از توابع آذربایجان شرقی به شهر مقدس قم هجرت کردیم و در اولین سال ورود به این شهر مقدس، تا سال 1359 شمسی مشغول گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه بودیم و در سال 1360 ه . ش با توفیق ربانی و با مشورت با یکی از دوستان شهیدم، به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شدم، البته لازم به ذکر است که همه تحصیلات حوزوی حقیر، در شهر مقدس قم و در حوزه علمیه قم بوده است.
دروس ابتدایی حوزوی را در مدرسه علمیه «ابوالصدق» قم گذراندیم و در دروس مقدماتی از محضر اساتید گرانقدری همانند: (مرحوم حجةالاسلام دکتر ضیائی، حجةالاسلام نظری، مهدی‌زاده و دیگران) بهره بردیم. و

دروس سطح مقدماتی از قبیل: لمعه، معالم، صرف، نحو، معانی بیان را در محضر اساتید بزرگوار از قبیل: استاد «آیت الله رضا استادی»، «سید احمد خاتمی»، «مرحوم حجةالاسلام وجدانی فخر»، «حجةالاسلام مدرس افغانی» و «استاد محمدی» بهره‌مند شدیم. تا آنجایی که یادم هست، کتاب ارث و بعضی کتب دیگر لمعه را پیش مرحوم «حجة الاسلام وجدانی فخر» تلمذ کردیم؛ در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و کتاب حج را پیش استاد محترم «آیت الله رضا استادی» در مسجد امام رضا (ع) تلمذ نمودیم. و کتاب نکاح را پیش استاد «حجةالاسلام سید احمد خاتمی» و معالم الاصول را پیش استاد محترم «حجةالاسلام علی محمدی» بهره‌مند شدیم.
دروس سطح عالی حوزه را عمدتاً از محضر اساتید گرانقدرم حضرات آیات: «محفوظی»، «محقق داماد»، «محسن دوزدوزانی»، «صلواتی»، «سید محمد حجت» و ... تلمذ نمودیم. و درس تفسیر قرآن را از محضر اساتید گرانقدر: مرحوم «طاهر شمس»، «مرحوم آیت الله معرفت» و «آیت الله شب زنده‌دار» فراگرفتیم. و درس اخلاق نظری را از محضر اساتید گرانقدر: «آیت الله مظاهری»، «آیت الله شب زنده‌دار» و «حجةالاسلام کربلائی» و درس اخلاق عملی را از محضر مقدس «آیت الله العظمی بهجت» بهره‌مند شدیم.
به هر حال در سال 1370 ه . ش دروس سطح حوزه را تمام کردیم و بعد وارد دروس خارج فقه و اصول که در آن زمان متداول بود؛ شدیم و از آن زمان تاکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول بزرگان شرکت می‌کنیم و بهره ما از این خرمن با برکت چیده‌ایم. نزدیک چهارده سال است که در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت می‌کنیم. به عنوان مثال: سه سال درس خارج فقه «آیت الله العظمی مکارم شیرازی» کتاب حدود و تعزیرات شرکت کردیم. و از سال 1375 الی سال 1385 ه . ش در درس خارج فقه مرحوم مغفور «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» شرکت نمودیم، از کتاب تیمم تا کتاب الصلاة احکام الظل الواقع فی الصلات و نزدیک یک دوره هم درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» و بیش از 5 سال است که در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» شرکت می‌کنیم.
در طول این مدت، نزدیک دو سال، (تاریخ اسلام) را از محضر استاد «رسول جعفریان» و (آشنایی با کلام یهود، نصاری و ادیان زنده جهان) را نزد استاد «حسین توفیقی» و درس (اسفار) را نزد «استاد دکتر بهشتی، آیت الله سبحانی، آیت الله گرامی» و (کلام جدید) را از محضر استاد «دکتر مصطفی ملکیان» و (کلام قدیم) را از محضر «استاد سبحانی» و (منطق و برخی از معارف دینی) را از محضر «استاد ربانی» و (بدایه و

نهایه) را از محضر «استاد ممدوحی» و «رحمانی سبزواری» و (جغرافیای سیاسی) را از محضر «استاد کریم‌پور» بهره‌مند شدیم.
در این مدت با موفقیت، دوره تخصصی کلام را در موسسه امام صادق (ع) با معدل 17 پایان بردیم و در تاریخ 20/4/1383 ه . ش از پایان‌نامه دکترای کلام خود دفاع کردیم و در بین سالهای 1378 الی 1380 در حدود چهار سال، معارف دینی و تاریخ اسلام را در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تبریز تدریس کردیم و بیش از 7 سال در برنامه طرح تابستانی دفتر تبلیغات شرکت کردیم و بیش از 15 سال است که سابقه تبلیغ در شهرهای مختلف داریم. و فعلاً در حوزه مشغول تحصیل هستم و به طور آزاد، برخی از کتب کلامی را تدریس می‌کنم و روحانی عمره هستم و توفیق خدمتگزاری در یکی از مساجد قم را نیز داریم. در این مدت، نوشته‌هایی را هم داریم از جمله:
1. تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی.
2. تقریرات دروس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی.
3. برهان نظم.
4. توحید در عبادت از دیدگاه قرآن.
5. پایان نامه سطح چهار حوزه ـ نقد و بررسی منابع اجتهاد اهل سنت و...

نقدعلی فروشانی، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا نقدعلی فروشانی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
بنده در سال 1349 در «خمینی شهر» اصفهان متولد شدم. و دوران ابتدایی و راهنمایی را در این شهر سپری کردم. به علت علاقه ای که مادرم به علوم دینی داشت؛ همزمان با آغاز دوران دبیرستان مرا نزد مرحوم «آیت الله امامی» که از اساتید برجسته بود؛ بردند و با ایشان علوم حوزوی را آغاز کردم. پس از اینکه در کنکور رشته ریاضی امتیاز عالی (رتبه زیر 100) آوردم؛ برادر بزرگترم اصرار داشت که در رشته «مهندسی برق» در دانشگاه، ادامه تحصیل دهم و مادرم اصرار داشت که بنده یک مجتهد و عالم دینی شوم. با مشاوره ای که با مرحوم «امامی» انجام شد، بنا شد با پایان دوره لیسانس «مهندسی برق در دانشگاه صنعتی اصفهان»، دروس سطح حوزه نیز به اتمام برسد. و بنده به علت علاقه ای که به علوم دینی پیدا کردم؛ دروس فنی را در مقطع فوق لیسانس ادامه ندادم و به قم آمدم.
از سال 71 تا 76 در دروس خارج فقه مرحوم «حضرت آیت الله جواد تبریزی»، و اصول «حضرت آیت الله وحید» شرکت کردم. همزمان به علت علاقه ای که به فلسفه داشتم؛ به درس اسفار و نیز واحدالربوبیه (استادحشمت پور) می رفتم. همچنین در سال 75 به علت علاقه ای که در مطالعات ادیان داشتم و قبلا از طریق دکتر «محمود بینا» در دانشگاه صنعتی با ادیان هند و مسیحیت آشنائی پیدا کرده بودم؛ جذب مرکز ادیان و مذاهب شدم و فعلا به عنوان مدرس و عضو هیئت علمی این مرکز مشغولم. هم اکنون تدریس فلسفه برای دانشجویان مقطع فوق لیسانس رشته «دین پژوهی» را مشغولم. در ضمن، کتاب: «فلسفه یهودی در قرون وسطی» توسط بنده ترجمه شده و نیز کتاب: «گرایشهای اصلی عرفان یهود» نیز آماده چاپ است. تعدادی مقالات در زمینه (عرفان اسلامی)،

(فلسفه اسلامی)، (عرفان یهودی) و (ادیان ابراهیم و هند) نوشته ام.

نقیب‌زاده، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای فلسفه از دانشگاه تربیت معلم تهران.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
آموزش فلسفه، فلسفه تربیتی افلاطون، روسو ودیوئی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 5
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
فلسفه و آموزش و پرورش.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 2، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
فلسفه.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نگارش، حمید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حمید نگارش
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

زندگینامه علمی
حجة الاسلام و المسلمین دکتر حمید نگارش عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی با رتبه استاد یاری و استاد دانشگاه صنعتی شریف می باشند. فعالیت های نامبرده اجمالاً به شرح ذیل می باشد: فعالیت های آموزشی: مدت 22 سال تدریس دورس؛ «معارف اسلامی»، «اخلاق اسلامی»، «انقلاب اسلامی و ریشه ها»، «تاریخ اسلام»، «کلام اسلامی»، «انسان شناسی»، «متون اسلامی» و ... را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه ها و مراکز آموزشی همچون: «دانشگاه شهید بهشتی»، «دانشگاه هوایی»، «دانشگاه امام حسین علیه السلام»، «دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن»، «مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (طرح هجرت)»، «دانشگاه پیام نور»، «مرکز عالی رسته ای نیروی هوایی ارتش»، «دانشگاه صنعتی شریف» و ... داشته اند (از سال 62 تا به حال). همچنین نامبرده دروس حوزوی سطح یک، دو و سه را در مدارس علمیه تهران و قم تدریس داشته اند.

نمازی اصفهانی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود نمازی اصفهانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب محمود نمازی اصفهانی فروردین ماه سال 1341 شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر اصفهان متولد و دوره ابتدائی، متوسطه و دبیرستان را در همان شهر گذراندم. شهریورماه 1356 با معرفی حضرت «آیة الله فاضل اصفهانی»؛ استاد حوزه علمیه اصفهان و امام جماعت مسجد محله تلواژ گان اصفهان، به مرحوم «آیة الله قدوسی» (رحمهما الله)، وارد حوزه علمیه قم شده، مقدمات و سطح را تا سال 1364 نزد اساتید بزرگ و حضرات حجج اسلام: «مدرس افغانی»، «مسعودی»، «اعتمادی»، «پایانی»، «ستوده»، «شب زنده دار»، «فیاضی» و آیات عظام: «خرازی»، «اشتهاردی» و «فاضل لنکرانی» به پایان بردم.
دروس سطح عالی حوزه، خارج فقه و اصول را نیز به مدت 7 سال تا سال 1371 از محضر اساتید و آیات عظام: «بهجت»، «مکارم شیرازی»، «سید محمود هاشمی شاهرودی»، «سید کاظم حائری»، «میرزا جواد تبریزی» و «استادی» بهره بردم. در طول تمام این سالها و سالهای بعد، این افتخار را داشتم که پیوسته از محضر پر برکت دروس اخلاق «حضرت آیة الله مصباح»، «آیة الله بهجت» و «آیة الله مظاهری اصفهانی» کسب فیض کنم.
همزمان با دروس حوزه از سال 1358 در برنامه ی آموزشی موسسه در راه حق که با نظارت اساتید و حضرات آیات عظام: «مصباح یزدی، خرازی و مظاهری» اداره می شد؛ دروس مطالعات موضوعی قرآن کریم، فلسفه: (بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، شفا و دروس فلسفه) را نزد «آیة الله مصباح» و دروس عمومی: (جامعه شناسی، روانشناسی، حقوق، علوم تربیتی و اقتصاد اسلامی) را نزد اساتید آن دوره تلمذ نمودم. در این دوره

موفق به اخذ دو معادل لیسانس از موسسه در راه حق در زمینه «مطالعات اسلامی» و در سالهای بعد معادل لیسانس «فقه و حقوق اسلامی» از مرکز مدیریت حوزه شدم.
از سال 1362 تا سال 1368 دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد را در بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) با موفقیت به پایان بردم و مدرک معادل فوق لیسانس پیوسته رشته اقتصاد را (که معادل 146 واحد درسی دانشگاهی بود) از این موسسه دریافت کردم. سالهای 1368 تا 1371 را به پژوهش در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشغول بودم که حاصل این دوره؛ کتاب چاپ نشده: «پول و بانک در اقتصاد اسلامی» و مقاله: «سیاستهای باز سازی در کلام امام» است که موفق به دریافت جایزه وزیر علوم و فن آوری وقت: آقای معین شد که با همکاری همکاران بود. مقاله در همان زمان در مجموعه مقالات سمینار باز سازی اقتصاد اسلامی به چاپ رسید. بخشهایی از کتاب نیز در سالهای بعد به چاپ رسید.
سال 1371 همراه با تعدادی از دوستان با نظارت استاد بزرگوار «حضرت آیة الله مصباح یزدی» تحت اشراف بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) که در سال 1375 به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر یافت؛ موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه «مک گیل شهر مونترال» در کشور کانادا شدم، دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته «فلسفه و فلسفه عرفان» در این دانشگاه تا سال 1379 با نمره ممتاز به پایان بردم.
سالهای 73 تا 78 هر سال در کنفراس های سالانه فلسفه شهر «بینگهمتن آمریکا» شرکت فعال همراه با ارائه مقاله داشته ام، در این کنفرانس ها، ضمن آشنایی با اساتید و پروفسورهای فلسفه، عرفان، دین شناسی و کلام اروپا و آمریکا، بحثهای علمی تطبیقی فلسفه و کلام اسلامی طرح و پی گیری می شد که ضمن استقبال آنها موجب نشر تفکر فلسفی کلامی شیعه نیز می شد.
سالهای اقامت در کشور کانادا به فعالیتهای مذهبی هم به جد اشتغال داشته و سخنرانی های متعددی را در ابعاد مختلف معارف اسلامی برای عموم مردم و دانشجویان دانشگاه های مهم شهرهای: «کبک (دانشگاه لاوال)، اتاوا (دانشگاه اتاوا)، تورنتو (دانشگاه تورنتو)، کانادا» و شهرهای: «واشنگتن، نیویورک و یوستن (تکزاز) آمریکا» داشته ام. در این راستا پیوسته مشمول عنایات مولی و سرور کائنات امام مهدی علیه السلام بوده و از توجهات آن عزیز گمگشته خوشه ها چیده ام.
در دوران تحصیل در کانادا «کارشناسی ارشد و دکتری»، موفق به نوشتن بیش از بیست مقاله درسی و کنفراسی انگلیسی به غیر از رساله کارشناسی ارشد و رساله دکتری (که به اختصار مطالب آنها را به فارسی و انگلیسی و فرانسه در ضمیمه خواهم آورد) شده ام و از زمان برگشت

به ایران در سال 1379 تا سال 1386 مدت 7 سال به عنوان عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مشغول تدریس و تحقیق می باشم. کتاب «مدخلی بر فلسفه عرفان: علیت و وحدت وجود از دیدگاه ملا صدرا» و مقاله «مفهوم و خاستگاه تجربه دینی و ویژگیهای تجربه دینی» و مقاله انگلیسی «رابطه عقل و وحی از دیدگاه سید حیدر آملی» حاصل تحقیقات این دوره و تدریس تاریخ فلسفه معاصر، کلام جدید و مبانی نظری علم اخلاق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی و دکتری و استاد راهنما، مشاور و یا داور رساله های کارشناسی ارشد رشته های «دین شناسی، کلام، فلسفه» و راهنمائی و نظارت بر ده ها رساله کوچک و بزرگ کلاس های ارشد و کارشناسی و نیز نظارت بر تهیه و ارائه ده ها گزارش فنی از کتب رشته های یاد شده؛ بخشی از کارهایم در بخش آموزش بوده است. در پنج سال اخیر، طرحهای متعددی را نیز نظارت، راهنمائی و اجرا کرده ام که و طرح (شیما) شناخت و معرفی اسلام، یکی از آنها است که در حال اجرا است. در زمینه آشنائی با زبانهای رایج با زبان عربی و انگلیسی آشنائی کامل و با زبان فرانسه در حد ترجمه متون فلسفی آشنا هستم.

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملافتح الله اصفهانی
در زمستان سال 1228 ش . (12 ربیع الاول 1266 ق)(1427)باز شدن غنچه ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی ، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.
فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ گاه او را بدون وضو شیر نمی داد و پدری دلسوز که لحظه ای از تربیت فرزندش غافل نمی شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد.
در حوزه های نور
او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت ، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته ، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد.
در آن شهر از محضر اساتید برجسته ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس ، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت .(1428)
او در سال 1295 ق . راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.
شیخ الشریعه در سال 1313 ق . به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند.(1429)
پس از بازگشت از حج پروانه های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم ترین درسهای نجف به شمار می رفت

که صدها نفر در آن شرکت می کردند. این درسها عبارت بودند از:
1. دروس عالی فقه و اصول
2. رجال و درآیه
3. تفسیر و علوم قرآن
4. فلسفه و کلام
5. درس خلافیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتواهای فقیه بررسی می شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه ها منبر می رفت و به موعظه پرداخت . از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.
گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت . پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.
اساتید
شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:
1. ملا حیدر علی اصفهانی
2. آیه الله نصر الله مدرس
3. شیخ محمد صادق تنکابنی
4. ملا احمد سبزواری
5. شیخ عبدالجواد خراسانی
6. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی
7. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری
8. آیه الله شیخ محمد تقی هروی
9. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی
10. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی
11. آیه الله میرزا حبیب الله رشتی
شاگردان
صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:
آیات عظام : 1. شیخ عبدالکریم حائری
2. سید محمد حسین بروجردی
3. سید ضیاء الدین عراقی

4. سید ضیاء الدین عراقی
5. سید شهاب الدین مرعشی نجفی
6. سید عبدالهادی حسینی شیرازی
7. سید محسن طباطبایی حکیم
8. سید محمد کوه کمره ای (حجت)
9. سید محمد تقی خوانساری
10. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست . از آن همه ، پاره ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است . در علم تفسیر، فلسفه ، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست .

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی ، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می کرد:

((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم ! بار الها، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم ... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شبیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه های فراوان بود که پرده از چره استعمار می زدود در قسمتهائی از یکی از این اعلامیه ها آمده است .

((خدمت علمای بزرگ ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان ...

بر آقایان و هوشیاران ... پوشیده نیست که بیگانگان از سده های پیشین و مدتها قبل کوشیده اند دارایی مسلمانان را برزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه هایی ترتیب داده اند، آنگاه آیه الله شریعت

چندین نمونه از نقشه ها و هدفهای دشمن را در 10 مورد بازگو کرده ، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند.(1430)

دزدان فرهنگ

در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده ، به کتابخانه لندن بفرستند!

در این میان روحانیون آگاهی که نمی خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده ، آنها را از بند نجات می داد. برای نمونه می توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

تقسیم ایران

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال 1907 م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به 3 منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت ، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می خوانیم :

((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیه خصوصا به اشتهار معاهده میشومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام ... (شده است .) قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))

ایران در آتش

در سال 1330 ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان ، رشت ، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراشیبی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.

در یازدهم محرم 1330 هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دویست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده ، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند.

از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.
و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگهای زرین چنین می خوانیم :
به عموم حجج اسلام ، سرداران عظام و روسای عشایر.... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت ... در ممالک اسلامیه . مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده .. یاللمسلمین یک مشهد مقدس ... در مملکت شماست ، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند !...))(1431)
وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند وثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت با نیرنگ اولا از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاسیتهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.
عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات وثوق الدوله کارگر افتاد و تندری که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.
نبرد اقتصادی
شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.
1 - تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی
2. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .
البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتواهای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.
مجتهد مجاهد
عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده

گرفت .
یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.
نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند.(1432)
در بستر انقلاب
نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملتهاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری رفراندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.
در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.
در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای درگذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.
در همین ایام ویلسون ، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریبد اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت .(1433)
متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به

طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان ، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی ، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغیر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.
پس از اشغال نجف 17 تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.
خاندان
آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج 3 فرزند پسر بود:
1. شیخ حسن : وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت .
2. شیخ مهدی ، او تقریرات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست .
3. شیخ محمد شریعت (1283 - 1357 ق .): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت . در سال 1331 ش . آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند.(1434)
صبح تیره
سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال 1339 ق . قفس تن را درید و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیرمؤ منان علیه السلام به خاک سپرده شد.
در سال 1366 ق . که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه

فرزانه هنوز کاملا تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است .

نواب اصفهانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1240 ق)، عالم دینی، مفسر، حکیم و منجم. مشهور به نواب و میرزا باقر نواب. اصلش از لاهیجان و ساکن اصفهان بود. وی از حکما و علمای عهد فتحعلی شاه قاجار است. در حکمت، فلسفه، منطق و نجوم متبحر و چندی نیز عهده‌دار سمت وزارت جعفرخان زند بود. با مرگ جعفر خان، میرزا باقر به کار تألیف و تدریس در اصفهان مشغول شد و از عالم سیاست کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و در شهر ری به خاک سپرده شد. از آثارش «تحفة الخاقان»، در تفسیر قرآن به اسلوبی جدید، در چهار مجلد: اولی در «قصص»، دومی در «ذکری»، سومی در «احکام» و چهارمی در «وقایع یوم‌القیام». در «الذریعة» و «طبقات اعلام‌الشیعة» این کتاب در پنج بخش شامل: «آیات القصص»، «آیات الاحکام»، «آیات المعارف»، «آیات المواعظ» و «آیات الوعید» معرفی شده که آن را به خواهش فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (407/ 9)، تذکرةالقبور (189 -188)، الذریعه (145 -144/ 4 ،432 -431/ 3)، روضات‌الجنات (147 -146/ 7)، ریحانه (123/ 5)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 189 -188/ 13)، فوائد الرضویه (621)، کتاب گیلان (676 -675/ 2)، مکارم‌الآثار (1234 -1229/ 4)، نامها و نامدارهای گیلان (508).

نواب، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میرزا محمّد باقر بن محمد بن محمّد باقر نوّاب. عالم فاضل، امام جماعت مسجد ذوالفقار، از شاگردان آقا میرزا احمد مدّرس، و آخوند گزی، و آقا سید محمّد باقر درچه‌ای، و آقا شیخ محمّد رضا نجفی و جمعی دیگر بوده، در اوّل صفر 1366 وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوایی جغتایی، نظام‌الدین امیر

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(906 -844/ 841 ق)، حکیم، نویسنده و شاعر. معروف به امیرکبیر. او به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و به ذواللسانین مشهور بود. در شعر ترکی، نوایی و در شعر فارسی، فنایی یا فانی تخلص می‌نمود. اصل او از ترکان جغتایی بود و در هرات به دنیا آمد. پدرش از امرا و رجال عهد تیموریان است که در خدمت بعضی از سلاطین آن سلسله مانند میرزا ابوالقاسم بابر، فرزند بایسنقر میرزا، و سلطان ابوسعید میرزا به سر بدر. نوایی نیز همراه پدر مدتی ملازم با برگورکانی در مشهد بود. از کودکی با سلطان حسین بایقرا در مکتب مصاحب و همدرس بود. پس از مرگ بابر، همراه سلطان حسین میرزا به مرو رفت و چندی در هرات در ملازمت سلطان ابوسعید به سر برد و سپس به ماوراءالنهر رفت و به تکمیل دانش پرداخت. پس از مدتی به خراسان سفر نمود و در اوایل قدرت سلطان حسین، به خدمت او درآمد و همراه سلطان به سمرقند و سپس به هرات رفت. او از امرای معروف عهد سلطان حسین و ندیم و مقرب خاص وی بود که از مشوقین بزرگ ادیبان و شاعران به حساب می‌آمد. نوایی از معاصران عبدالرحمان جامی است که به او ارادتی خاص داشت. در 862 ق منصب امارت دیوان اعلی به او تفویض گشت. امیر علیشیر یک سال نیز حاکم مازندران بود و در استرآباد به سر می‌برد. پس از آن به هرات بازگشت و در خدمت سلطان زیست. وی در شکوفایی و رونق ادب و هنر در دوران سلطان حسین بایقرا تأثیر فراوان داشت و هرات در این عصر یکی از بزرگترین مراکز ادب و هنر به شمار می‌آمد. وی در هرات درگذشت و در محله‌ی عیدگاه این شهر، زیر گنبدی در شمال مسجد جامع دفن گردید. لازم به ذکر است که صاحب «مجمع‌الفصحا» تاریخ فوت وی را 907 ق ذکر کرده است. از آثار خیر او: ایوان جنوبی صحن عتیق آستان رضوی، نهر آب بالا خیابان، در مشهد؛ رباط سنگ بست؛ رباط دیزآباد؛ بند آجری قریه‌ی تروق در نزدیکی طوس؛ مقبره‌ی قاسم انوار، در قریه‌ی لنگر نزدیک تربت جام؛ تعمیر قسمتی از مزار عطار نیشابوری. از تألیفات او: «تذکره‌ی مجالس النفائس»، در شرح حال شاعران عهد خود، به ترکی جغتایی؛ «لسان‌الطیر»، به تقلید از «منطق‌الطیر» عطار؛ «قصه‌ی شیخ صنعان»؛ «خمسة المتحیرین»، رساله‌ای در شرح حال جامی، در یک مقدمه و یک خاتمه و سه مقاله، به ترکی؛ «منشآت ترکی»؛ «منشآت فارسی»؛

خمسه‌ای به تقلید از «پنج گنج» نظامی، به ترکی شامل: «فرهاد و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «سد سکندری» و «حیرت الابرار» یا «حیات الابرار»، در برابر «مخزن‌الاسرار» و «سبعه‌ی سیاره»، در برابر «هفت گنبد»؛ «محاکمة اللغتین»؛ چهار «دیوان»، به ترکی شامل: «غرایب الصغر»، «نوادر الشباب»، «بدایع الوسط» و «فواید الکبر»؛ «دیوان» شعر، به فارسی، در حدود پنج هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آتشکده‌ی آذر (82 -80/ 1)، از سعدی تا جامی (744 -738، 637 -634، 546، 529)، تاریخ ادبیات در ایران (386 -382/ 4)، تاریخ برگزیدگان (172)، تاریخ نظم و نثر (291 -289)، تحفه سامی (338 -334)، تذکره‌ی روز روشن (851 -850)، تذکرةالشعراء (574 -559)، تذکره‌ی نصرآبادی (500)، حبیب‌السیر (257 ،184 -183 ،179 ،170 ،159 ،145 ،137 ،71/ 4)، دایرةالمعارف فارسی (1765/ 2)، الذریعه (347/ 24 ،364/ 21 ،137/ 20 ،372 ،285 -284 ،258 ،203 ،202 ،163/، 19 ،306/ 18 ،95/ 17 ،356 ،189 ،31 -30/ 16 ،142 -141/ 7 /125 ،264 -265 ،9 /804 ،848 ،849 ،1226 ،12 /131 ،153 ،14 /132، 4 ،236 ،66/ 3 ،62 -61/ 2)، روضةالصفاء (7/ صفحات متعدد)، ریحانه (242 -238/ 6)، سرآمدان فرهنگ (200 -198/ 1)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 155 -154/ 10)، طرائق‌الحقائق (110 -109/ 3)، فرهنگ ادبیات فارسی (350 -349)، فرهنگ سخنوران (953 -952)، کارنامه‌ی بزرگان (328 -327)، کتابشناسی نظامی گنجوی (424 -423)، کشف‌الظنون (1979 ،1611 ،1591 ،1572 ،1301 ،1258 ،1195 ،977 ،982 ،645 ،230)، لغت‌نامه (ذیل/ علیشیر نوایی و نظام‌الدین)، مجالس العشاق (338 -335)، مجالس‌النفائس (مقدمه/ د- لو، 358 -357 ،136 -133)، مجمع‌الفصحا (84 -82/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (678 -677/ 1)، هدیةالعارفین (740 -739/ 1).

نوبختی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، عالم دینی، حکیم و متکلم امامی. از جمله آثارش کتاب «الیاقوت» یا «فص الیاقوت» است که از قدیم‌ترین کتابهای کلامیه‌ی شیعه می‌باشد و بسیاری از علما به آن توجه داشته‌اند و علامه حلی «انوار الملکوت» خود را در شرح بر این کتاب نگاشته است و از مؤلف آن، ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت، تعبیر به شیخ اقدم و امام اعظم شیعه می‌کند. به تبع علامه حلی، محدث قمی و سید محسن امین و دیگران این کتاب را به ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نسبت داده‌اند. اما در «ریاض‌العلماء» و «الشیعة و فنون الاسلام» و «الذریعة»، ابن نوبخت اطلاق بر برادر ابراهیم، شیخ اسماعیل بن اسحاق بن ابی‌سهل بن نوبخت شده و کتاب «الیاقوت» به وی منتسب شده است. از دیگر آثار وی: «الابتهاج فی اثبات اللذة العقلیة للّه تعالی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (111 -110/ 2)، بحارالانوار (17/ 1)، خاندان نوبختی (180 -166)، الذریعه (272 -271/ 25 ،62/ 1)، ریحانه (247 -246/ 6)، الکنی والالقاب (94/ 1).

نوبختی، ابوالعباس فضل

قرن:2
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 185 ق)، حکیم، فیلسوف، متکلم، منجم و مترجم. گروهی او را به جدش منسوب کرده و فضل بن نوبخت خوانده‌اند. وی از مشاهیر و پیشوایان متکلمان امامیه به شمار می‌آید. ابونواس از شاعران معاصر او بود که در مدح خاندان نوبختی شعر می‌سرود. فضل از منجمان و فیلسوفان عهد هارون‌الرشید و خزانه‌دار کتابهای حکمی به حساب می‌آمد که بسیاری از کتب حکمت اشراقی قبل از اسلام را، از زبان پهلوی به عربی، ترجمه نمود. همچنین در حکمت کتابهایی تألیف کرد و در نجوم نیز آثاری دارد. سید جمال‌الدین ابن‌طاووس، در کتاب خود «فرج المهموم» آورده که تصانیف نجومی او را دیده و تبحر او را در این فن تصدیق می‌نماید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (412 -410/ 8)، خاندان نوبختی (20، 14، 3)، دایرةالمعارف فارسی (3060/ 2)، ریحانه (250/ 6)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (277، 236، 200، 14)، لغت‌نامه (ذیل/ نوبختی).

نورائی، عبداللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1308، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نورزی، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن نوروزی
محل تولد : قم
شهرت : نوروزی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1357/6/30
زندگینامه علمی
اینجانب حسن نوروزی در سال 1357 در شهر مقدس قم متولد شدم. مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در قم گذراندم و به جهت علاقه فراوان به فراگیری علوم اسلامی تحصیلات دبیرستان را نیمهتمام گذاشته و در سال 1374به حوزه مقدسه قم وارد شدم. شش سال نخست حوزه را در مدرسه علمیه شهیدین و حقانی طی کردم و همزمان با اتمام دوره سطح در مدرسه فیضیه و مدرسه گلپایگانی، پا به درس خارج گذاشتم. بخشی از اساتیدی که از محضر آنها بهرههای فراوان بردهام عبارتند از: حجتالاسلام والمسلمین عالی (ادبیات)، حجت الاسلام والمسلمین صفایی بوشهری (فقه)، حجتالاسلام والمسلمین صادقی(فقه)، حجتالاسلام والمسلمین ربانی (کلام)، حجتالاسلام والمسلمین حیدری (اصول)، حجتالاسلام والمسلمین مختاری (اصول)، حجتالاسلام والمسلمین عباسی (فلسفه)، حجتالاسلام والمسلمین علمالهدی (اصول)، حجتالاسلام والمسلمین میرباقری (کلام) و ... . اکنون در کنار تحصیلات حوزوی به پژوهش زیربنایی و روبنایی در خصوص مبانی فلسفی و تئوریک تمدن نوین اسلامی، مهندسی فرهنگی کشور، مدیریت تحول در حوزههای علمیه، و روش تحقیق مشغولیت دارم

نوروزی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا نوروزی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب پس از گذراندن مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان (رشته علوم تجربی)، در سال 1374 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تا سال 1377 در این حوزه به تحصیل پرداختم. در سه سال حضور در حوزه اصفهان، 6 پایه اول دروس حوزوی را پشت سر گذاشتم. در کنار آن به تحصیل دروس دیگری مثل «فلسفه غرب» و «فلسفه اسلامی» (تاریخ فلسفه غرب کاپلستونو بدایةالحکمه) نزد اساتید خصوصی پرداختم. در سال 1377 وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال 1380 پایه های دیگر را پشت سر گذاشته و سطح را تمام کردم. همچنین در دانشگاه تربیت مدرس قم «مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم» در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام، کارشناسی ارشد خود را دریافت نمودم. از سال 1380 به دروس خارج فقه و اصول مشغول شدم که همچنان نیز مشغول می باشم.
از سال 1383 دوره سه ساله تربیت محقق عرفان اسلامی در مؤسسه امام خمینی (ره) را شروع کردم که هم اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم و محقق دائرةالمعارف علوم عقلی در مؤسسه امام خمینی (ره) می باشم. در سال 1385 در آزمون دکترای رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق در دانشگاه تهران پذیرفته شدم که اکنون پس از گذراندن دوره آموزشی مشغول به پایان نامه می باشم. در کنار تحصیل، به عنوان مبلغ از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه به دانشگاههای مختلف اعزام شده ام. همچنین در «دانشگاه تهران» و «دانشگاه تربیت معلم تهران» مشغول به تدریس دروس معارف می باشم.

نوری طبرسی، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1321 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، مدرس و زاهد. از علمای مقیم نجف بود. در محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزا حبیب‌اللّه رشتی و میرزای شیرازی تلمذ نمود. پس از رسیدن به مقامات علمی به بحث و تدریس فقه و اصول پرداخت. او در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثار او: «کفایة الموحدین»، در سه مجلد به فارسی که یک مجلد آن تحت نام «عصمة الولایة»، در مبحث امامت است، «وسیلة المعاد فی شرح نجاة العباد»؛ کتاب «اصول الفقه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (312/ 3)، الذریعه (84/ 25، 100/ 18، 275/ 15، 203/ 2)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 151/ 14)، فوائد الرضویه (44)، المآثر والآثار (158)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1307/ 3)، معجم‌المؤلفین (260/ 2)، میرزای شیرازی (114).

نوری طبرسی، محمدتقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1263 -1201 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و شاعر. وی پدر میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» است. در نور مازندران به دنیا آمد و برخلاف پدرش که شغل دیوانی داشت، به تحصیل علم روی آورد و به اصفهان مهاجرت نمود. پس از فراگیری مقدمات علوم، در محضر عده‌ای از علما از جمله حکیم ملا علی نوری تلمذ نمود. سپس به عراق رفت و در محضر سید محمد مجاهد و دیگران به تکمیل معلومات خویش پرداخت. آنگاه به ایران بازگشت و به تحقیق و انجام امور دینی مبادرت نمود. او در سعادت‌آباد، از قرای نور درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثارش: «دلائل‌العباد»، در شرح «الارشاد»؛ «المدارج»، در اصول فقه، در دو مجلد؛ «کشف‌الحقائق»؛ «هدایة الانام»، در دو مجلد؛ «مخزن الصلاة»؛ «النارجیلة»؛ «کشف الاوهام»؛ رساله‌ای در «اشتقاق»، به فارسی؛ رساله‌ای در «امامت»؛ رساله‌ی «الصومیة»؛ رساله‌ی «الرضاعیة»؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق»؛ «ماتمکده»، در مقتل، به فارسی، منظوم و منثور؛ «تشویق العارفین»، در مواعظ، منظوم به فارسی؛ مجموعه‌ی قصائد در مدح ائمه (ع)؛ مجموعه‌ی قصائد در مراثی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (198/ 9)، الذریعه (174/ 25 ،236 ،226/ 20 ،16/ 19 ،29 ،22/ 18 ،205 ،190/ 11 ،251/ 8 ،192/ 2)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 224 -222/ 13)، فوائد الرضویه (436 -435)، معجم‌المؤلفین (132/ 9).

نوری، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1246 ق)، حکیم و از اعاظم فلاسفه‌ی پیرو مکتب ملاصدرا. پس از تحصیلات مقدماتی در مازندران و قزوین، در فقه و اصول، به اصفهان رفت و در محضر استادانی چون محمد بیدآبادی و میرزا ابوالقاسم مدرس به تکمیل تحصیل پرداخت. آنگاه به تدریس معقول آغاز و حوزه‌ی فلسفی عظیمی تأسیس کرد. وی تدریس 400 نفر از دو هزار شاغل به تحصیل معقول را شخصاً عهده‌دار بود. برخی از شاگردان او عبارت‌اند از: میرزا ابوالقاسم راز شیرازی، میرزا حسن نوری (فرزندش)، آخوند ملا آقا حکمی قزوینی، آخوند ملا عبداللّه زنوزی، آقا سید رضی لاریجانی و حاجی ملاهادی سبزواری. اکثر قریب به اتفاق استادان متأخر از آخوند نوری مع الواسطه شاگردان وی بوده‌اند، چه سلسله‌ی اساتید آنان به حاجی سبزواری، آقا محمدرضا قمشه‌ای، آقا علی مدرس و میرزای جلوه که به حکمای اربعه مشهوراند منتهی می‌شود. آخوند نوری تمام عمر را به تدریس فلسفه‌ی ملاصدرا مشغول بود. او دارای طبع شعر و غزلسرا و رباعی‌گوی بود و در اشعار خویش نوری تخلص می‌کرد. آخوند ملا علی نوری در خط شکسته سرآمد زمان خویش بود. پس از مرگ، پیکرش را به نجف بردند و براساس وصیتنامه‌اش در کفش‌کن روضه‌ی امیرالمومنین (ع) مدفون ساختند. برخی از آثار آخوند نوری عبارت‌اند از: «حجت‌الاسلام»، در رد پادری (کشیش مسیحی) که مطالب نادرستی درباره‌ی اسلام نوشته بود؛ «حواشی اسفار»؛ «حواشی مشاعر»؛ «حواشی شوارق»؛ «حواشی اسرار الآیات»؛ «حواشی شرح اصول کافی»؛ «حواشی تفسیر کبیر»؛ «تفسیر سوره‌ی توحید»، متجاوز ازسه هزار سطر؛ «رساله در وحدت وجود»؛ «مجموعه‌ی سوال و جواب»، به فارسی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خدمات متقابل اسلام و ایران (597 -596)، الذریعه (335 /4)، روضات الجنات (393 -391 /4)، ریاض العارفین (239 -328)، ریحانه (262 -261 /6)، سفینة المحمود (633 -632 /2)، شرح حال رجال (155 -154 /6)، فرهنگ سخنوران (958)، فوائد الرضویه (340 -339)، قصص العلماء (153 -150، 134، 66)، مستدرکات اعیان (118 /1)، مصطبه‌ی خراب (200 -199).

نوظهور، یوسف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر یوسف نوظهور در سال 1345 در شهرستان مراغه بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای فلسفه از دانشگاه تهران (در سال1374) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز است.
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
تحصیلات رسمی و حرفه ای : یوسف نوظهور ،تحصیلات ابتدایی را دردبستان عدل به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1363 از دبیرستان امام خمینی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته فلسفه را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد فلسفه را در سال 1369 از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال 1374 مدرک دکتری در رشته فلسفه را از دانشگاه تهران با موفقیت اخذ کرده اند . عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد : تقسیم بندی قضایا در فلسفه کانت و اهمیت آن در فلسفه غرب ب- دکتری: عقل و وحی و دین و دولت در فلسفه اسپینوزا
وقایع میانسالی : یوسف نوظهور در سال 1374 مدرک دکتری در رشته فلسفه را از دانشگاه تهران با موفقیت اخذ کرده اند و از سال 1375 بعنوان عضو هیات علمی در گروه فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده اند.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی یوسف نوظهور به قرار زیر است: قبلی: معاون دانشکده ادبیات - مدیر امور فرهنگی دانشگاه - ریاست دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - دبیرکمیته فلسفه سازمان سمت -معاون دانشجوئی و فرهنگی دانشگاه فعلی : عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز
فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی یوسف نوظهور : تدریس : 1- دوره کارشناسی : تاریخ فلسفه از بیکن تاهیوم - تاریخ فلسفه از کانت تا نیمه دوم قرن 19 - فلسفه معاصر- متون فلسفی به زبان خارجی ، زبان خارجی تخصصی 2- تحصیلات تکمیلی: متون فلسفی به زبان خارجی - فلسفه معاصر - فلسفه کانت
چگونگی عرضه آثار : فعالیتهای پژوهشی: تعداد مقاله های منتشر شده : 4

مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: 8 مورد تعداد کتابهای تالیف شده : 1 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: 1 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: 3 مورد

واحد تبریزی، رجبعلی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1080 ق)، حکیم، عارف و شاعر، متخلص به واحد. اهل تبریز بود. تمام مدت عمر، دست از مطالعه برنداشت تا در حکمت، منطق، طبیعیات و الهیات مهارت یافت. وی مدتی در مدرسه‌ی شیخ لطف‌اللّٰه تدریس می‌کرد. صاحب «ریاض‌العلماء»، محمد تنکابنی (م 1124 ق) و حکیم محمد سعید، معروف به حکیم کوچک و ملا عباس مولوی، صاحب «اصول‌الفوائد» و محمد شفیع اصفهانی را از شاگردان او می‌داند. واحد به عباس‌آباد اصفهان رفت و ساکن شد. شاه عباس دوم (1077 -1052 ق) بنا به ارادتی که به وی داشت خانه‌ای در شمس‌آباد، خارج از اصفهان، برایش خریداری کرد. گویند واحد در اواخر عمر به دلیل ضعف و پیری، درس و بحث را کنار گذاشت. او در اصفهان درگذشت. بعضی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی را 1008 و بعضی 1065 ق نوشته‌اند. اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است. از آثارش: «وجودیة» یا «اثبات واجب»، به فارسی. عده‌ای از مؤلفان کتاب «کلید بهشت» را نیز از او می‌دانند.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (342 -340/ 5)، تذکره‌ی روز روشن (863 -862)، تذکره‌ی نصرآبادی (154)، دانشمندان آذربایجان (390)، الذریعه (1247/ 9 ،105 -104/ 1)، ریاض‌العارفین (237)، ریاض‌العلماء (284 -283/ 2)، ریحانه (285/ 6)، طرائق‌الحقائق (162/ 3)، فرهنگ سخنوران (966)، لغت‌نامه (ذیل/ واحد تبریزی).

واحدالعین، اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1277 -1271 ق)، عالم و فیلسوف. معروف به واحدالعین. از شاگردان آخوند ملا علی نوری بود و در زمان حیات او، تدریس حکمت و فلسفه در اصفهان به او اختصاص داشت. آثار وی: حاشیه‌ی «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه‌ی «شوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ حاشیه‌ی «مشاعر» ملاصدرا؛ شرح «عرشیه‌ی» ملاصدرا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرةالقبور (138)، الذریعه (20/6)، ریحانه (285/6)، مکارم الآثار (2153 -2152 /6).

واعظ جوادی آملی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و معارف اسلامی، دانشکده:-، دانشگاه: آزاد اسلامی بابل
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دارای تحصیلات عالی فلسفه نزد حکیم آیت‌اللَّه مطهری و دکترای فلسفه (معقول) از دانشگاه تهران در سال 1343 و فوق دکترای فلسفه.
مرتبه علمی:
پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی بابل.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
فلسفی، تربیتی اسلامی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 3 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 34
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
زمینه علمی تألیفات:
فلسفه، روانشناسی تربیتی اسلامی، جغرافیای تاریخی، تاریخ عرفا، کتاب‌شناسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 20، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
فلسفه، عرفان، روانشناسی، تاریخ فلسفه، کتاب‌شناسی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

واعظی، احمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد واعظی
محل تولد : شهر ری
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
دیپلم ریاضی را در سال 1359 اخذ کردم، شروع تحصیلات حوزویم تابستان سال 1359 بود. البته از دو سال قبل در تابستانها نزد یکی از طلابی که دانشجوی رشته فیزیک بود؛ ادبیات عرب می خواندم. سال ورود به حوزه علمیه قم 1361 و اتمام سطح در سال 1365 می باشد. درس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام: وحید خراسانی (69 - 65)، شیخ جواد تبریزی (72 - 65)، سید کاظم حائری به مدت 6 سال استفاده کردم. به مدت 6 سال بحث اصول فقه را در خدمت جناب حجة الاسلام و المسلمین «صادق لاریجانی» بودم که محفلی خصوصی بود و تقریر مباحث شهید سید محمد باقر صدر (بحوث فی علم الاصول) محور بررسی بود.
فلسفه (بدایه و نهایة الحکمه) را از محضر «حجت الاسلام و المسلمین فیاضی» و «حضرت آیت الله مصباح یزدی» بهره بردم (هر دو به صورت نوار) و یکسال در محضر «حسن زاده آملی» بخش هایی از اشارات بوعلی و جلد 1 اسفار را استفاده کردم. عمده تحصیل فلسفه ام در محضر «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) بود که به مدت قریب هفت سال چند مجلد از اسفار (1 و 2 و 9) را آموختم که عمده مباحث در محفل خصوصی با حضور چند تن از فضلاء حوزه بود. از سال 1367 به طور جدی مباحث کلام جدید و فلسفه غرب و زبان تخصصی را آغاز کردم.
از سال 1366 تدریس در دانشگاه را شروع کردم که عمده آن تدریس دروس تخصصی نظیر کلام، فلسفه، فقه، فلسفه اخلاق و کلام جدید بود. تدریس در حوزه را از سالهای اول تحصیل داشته ام. از سال 1380 که جهت تدریس به مدت 3 سال به انگلیس دعوت شدم؛ دو سال در دانشگاه «کمبریج دپارتمان شرق شناسی» به تدریس اشتغال داشتم. در ضمن آن

در «کالج اسلامی لندن» در مقطع فوق لیسانس و نیز در حوزه علمیه لندن به تدریس اشتغال داشتم. تمام این تدریس ها به زبان انگلیسی القاء می شد. علاقه پژوهشی من ابتدا معطوف به «فلسفه عمومی غرب و مباحث کلام جدید» بود. از سال 1375 به طور همزمان در دو محور (هرمنوتیک و اندیشه سیاسی) به پژوهش پرداختم. ثمره این تحقیقات تألیفاتی در هر دو حوزه است. و هم اکنون نیز پژوهش جانبی من در کنار تدریس و تحقیق معمول حوزوی معطوف به هر دو حوزه است.

وحید دستگردی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1321 -1258 ش)، ادیب، مصحح، نویسنده و شاعر، متخلص به وحید. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه میرزا حسن علوم ادبی را نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، معروف به کاشی پز، و علوم دینی را نزد عبدالکریم گزی و سید محمدباقر درچه‌ای آموخت و از محضر جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی استفاده نمود. وی از طرفداران مشروطیت بود و اشعار و مقالاتی در این زمینه در روزنامه‌های اصفهان منتشر می‌کرد. دستگردی در آغاز جنگ بین‌الملل اول، روزنامه‌ی «درفش کاویان» را در اصفهان منتشر نمود. او همچنین با روزنامه‌های «پروانه»، «زاینده رود» و «مفتش ایران» نیز همکاری می‌کرد. وی در 1338 ق به تهران آمد و انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در 1338 ق مجله‌ی ادبی «ارمغان» را طی دوره‌ای بیست و دو ساله در تهران تأسیس و منتشر نمود. وحید در اوایل ورود خود به تهران در حلقه‌ی مریدان صفی علیشاه درآمد. وی مدتی در اداره‌ی انطباعات وزارت معارف مشغول کار گشت. او در شعر ابتدا لمعه تخلص می‌کرد، ولی بعدها به دستور میرزا یحیی بیدآبادی تغییر تخلص داد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از دیگر آثارش: «انقلاب ادبی»؛ «ره‌آورد وحید»، سفرنامه چهار محال و تاریخچه‌ی وقایع اصفهان و جنوب ایران؛ «سرگذشت اردشیر»، به شعر؛ تصحیح و تحشیه‌ی «سبعه» حکیم نظامی گنجوی شامل: 1- «مخزن‌الاسرار» 2- «خسرو و شیرین» 3- «لیلی و مجنون» 4- «هفت پیکر» 5- و 6- «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه» که این دو همان «اسکندرنامه» است 7- «گنجینه‌ی گنجوی» یا «دیوان» شعر نظامی؛ تصحیح کتابهای: «تذکره‌ی نصرآبادی» میرزا محمد طاهر نصرآبادی و «جلایرنامه» قائم‌مقام فراهانی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «تحفه‌ی سامی» سام میرزای صفوی، «جام جم» یا «جام جهان‌نما» اوحدی مراغی، «دیوان» امیر فراهانی و «دیوان» بابا طاهر عریان.[1]
حسن فرزند محمدقاسم متخلص به وحید و مشهور به وحید دستگردی از مردم اصفهان (و- 1298 ه.ق- ف. دی‌ماه 1321). وی تا سال 1312 ه.ق در دستگرد و سپس در شهر اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی، عربی،

حکمت، فقه و اصول پرداخت. ادبیات را از میرزا یحیی مدرس و فلسفه را از جهانگیرخان حکیم قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت. در آغاز مشروطه و انقلابات اصفهان به خاک بختیاری مهاجرت کرد و در این شهر مجله‌ی ارمغان را منتشر کرد. دو کتاب منظوم هم دارد یکی بنام «سرگذشت اردشیر» و دیگر «ره‌آورد وحید» که بطبع رسیده است. وحید در انواع شعر صاحب قدرت بود و به نظامی گنجوی علاقه‌ی مخصوصی داشت و بیشتر سبک نظامی را پیروی می‌کرد. بر اثر این علاقه انجمن ادبی را که خود تأسیس کرده بود «انجمن حکیم نظامی» نام داد و به تصحیح و مقابله‌ی خمسه‌ی نظامی پرداخت و پس از قریب پانزده سال تحقیق و مطالعه آن را با اصلاحات و تعلیقات مفید به چاپ رساند. دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیوان ادیب‌الممالک فراهانی را نیز تصحیح کرده است.

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه :[1] ادبیات نوین (347 ،340 ،76 ،51 ،45 ،43)، از صبا تا نیما (325 -322/ 2)، تاریخ جراید (284 ،52 ،51/ 2 ،136 -121/ 1)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (529 -526)، تذکرةالقبور (273)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (1143)، دایرةالمعارف فارسی (3149/ 2)، الذریعه (309/ 11 ،1266 -1265/ 9)، سخنوران نامی (514 -498/ 2)، سخنوران نامی معاصر (3847 -3842/ 6)، شخصیت‌های نامی (506)، شرح حال رجال (66/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3405 ،3396 ،3170 ،2961 ،2833 ،2781 ،2668 ،2143 ،1965 ،1796 ،1669 ،1668 ،1667/ 2 ،1595 ،1589 ،1565 ،1562 ،1512 ،1505 ،1504 ،1289 -1288 ،1266 ،1046 ،986 ،838 ،801 ،377 ،303 ،213/ 1)، گلزار معانی (737 -729)، مؤلفین کتب چاپی (624 -623/ 2).

هادوی تهرانی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی هادوی تهرانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
استاد مهدی هادوی در سال 1340 در تهران زاده شد. وی پس از طیّ دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال 1359 در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش‌وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جوادی آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاءالدینی، مراوده و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال 1369 به تدریس خارج فقه و اصول)عالیترین دوره آموزشی حوزه علمیه(اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با

حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلّط کامل دارد و تا حدّ زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری)اینترنت(باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت‌علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هادوی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن هادوی
محل تولد : کاشمر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب محمّد حسن هادوی در سال 1339 هجری شمسی در شهر «کاشمر» از توابع استان خراسان در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم. پدرم کشاورز و مادرم معلّم قرآن بود. تحصیلات ابتدائی را در کاشمر گذرانده و در بهار سال 1353 وارد حوزه علمیّه شدم. دروس مقدماتی حوزه مانند: «نصاب الصبیان گلستان سعدی»، «جامع المقدمات»، «شمسیه»، «سیوطی» و «مغنی» را در مدرسه حاج سلطان کاشمر نزد اساتیدی مانند: (حجج اسلام برهانی، فرقانی، و پیش نمازی) با مدیریت آیة الله سعیدی گذراندم. سپس در تابستان 1355 به شهر یزد رفته و ادامه دروس حوزوی را به مدّت دو سال، در مدرسه خان با مدیریّت «آیة الله علومی» گذراندم. در حوزه علمیه یزد، (حاشیه، معالم و مختصر) را نزد اساتیدی مانند: (حجج اسلام علومی، مظفری، انوری، براتی، عجمین، و میرزایی) خواندم.
در تابستان 1357 وارد حوزه علمیّه قم شدم. ابتدا در منزلی که «آیة الله مشکینی» در کوچه آبشار نزدیک حرم مطهر اجاره نموده بودند، ساکن شده و پس از مدتی به مدرسه مؤمنیّه و سپس به مدرسه خان و نهایتاً به مدرسه ولی عصر (عج) رفتم. در حوزه علمیه قم، کتبی مانند: (شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد اساتیدی مانند آیات عظام: (اعتمادی، ستوده، پایانی و محقق) در طول حدود 6 سال گذراندم.
سپس دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام حوزه: «فاضل لنکرانی»، «هاشمی شاهرودی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «شیخ جواد تبریزی»، «بهجت» و «مددی» گذراندم. همزمان با تحصیل علوم حوزوی در قم، در سال 1362 جهت تحصیل علوم جنبی حوزه، به مؤسسه در راه حق با مدیریت استاد مصباح یزدی وارد شده و مدت 6

سال به تحصیل علوم انسانی طبق برنامه های رسمی آن پرداختم. برخی از اساتید دوره عبارت بودند از: (مصباح، مظاهری، مصباحی، برهان، میر سپاه، دکتر محمدی، دکتر ماهر، دکتر صدیقی و دکتر قدیری).
در سال 1368 پس از فارغ التحصیلی از موسسه در راه حق، جهت گذراندن دوره تحصیلات تخصصی در رشته فلسفه، وارد بنیاد باقرالعلوم، با مدیریت استاد مصباح شده و دروس تخصصی این دوره را به مدت 7 سا ل گذراندم. در این دوره از اساتیدی مانند استاد: (مصباح، جوادی، فیاضی، دکتر حداد عادل، دکتر نادری، دکتر سجادی، دکتر سمیعی و دکتر لگنهاوزن) استفاده نمودم. پس از اتمام دروس تخصصی بنیاد باقرالعلوم، برنامه چکیده نویسی و نمایه نویسی مجموعه آثار صدر المتألهین را که استاد مصباح به توصیه مقام معظم رهبری در نظر گرفته بودند؛ همراه با سایر اعضاء گروه فلسفه 1 و 2 بنیاد باقرالعلوم انجام داده و سپس به نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «معرفت شناسی نفس از دیدگاه حکمت متعالیه» پرداختم. استاد راهنمای این پایان نامه: دکتر احمدی و استاد مشاور استاد فیاضی بودند. نمره این رساله 19 است.
از ابتدای سال 1377 به عنوان عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تحقیق در مرکز پژوهشی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی و همزمان تدریس در دوره های طرح ولایت و دوره های خود مؤسسه، مشغول شدم و اینک بخشی از وقت خود را به تدریس آموزش فلسفه و بخشی دیگر را به تحقیقات کتاب شناسی، مقاله نویسی، برنامه ریزی علمی و سایر فعّالیّت های سیاسی و فعّالیّت های این مرکز اختصاص داده ام. نسبت به فعّالیّت های سیاسی و اجتماعی در دوران انقلاب در تظاهرات و برخی فعّالیّت های فرهنگی و انقلابی شرکت داشتم.
در دوران دفاع مقدّس نیز پس از چند دوره آموزش نظامی چند مأموریت از طرف دفتر تبلیغات و بسیج به جبهه داشته و مدّتی در جمع رزمندگان اسلام گذراندم. از جهت تبلیغی نیز بیش از 1000 منبر در شهرهای مختلف ایران داشته ام. دو سفر تبلیغی نیز از طرف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به هندوستان داشتم. اکنون نیز جزء روحانیون سازمان حج و زیارت بوده و چند سفر حج و عمره در خدمت زائران بیت الله الحرام بوده ام. و الله هو الموفق و المعین.

هاشمی، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسین هاشمی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب محمد حسین هاشمی سال 1349 طلبه شدم و با مدرک شش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صانعی» و کفایه جلد اول را خدمت «آیت الله صلواتی» و جلد دوم را در محضر درس «آیت الله فاضل لنکرانی» تلمذ کردم.
سپس وارد درس خارج شده و یک سال فقه و اصول در محضر درس «آیت الله وحید خراسانی» ـ شش ماه درس اصول «آیت الله مؤمن» ـ حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می‌کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی ـ زنجانی شرکت در درس خارج دارم).
همزمان با این دروس در سال 59 وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می‌شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نهایه الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد 9، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می‌کردیم.
تدریس در دانشگاه را از سال 61 شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس

معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می‌شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ را تا ناین هاندرد) طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم 70% درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در دانشگاه تدریس دارم.
در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغیر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجبی همکاری می‌کردم و نیز چند صباحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الان در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.
ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هجری تفرشی، محمدصادق

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1180 ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به هجری. وی تحصیلات مقدماتی را نزد دایی خود، اقا محمد مؤمنای داعی گذراند و پس از آن برای تکمیل تحصیلات به قم و اصفهان سفر کرد. او در اصفهان به فراگیری معقول و منقول، ادب، عرفان و اخلاق نزد بزرگان علم و دانش از جمله مولانا محمد صادق اردستانی مشغول شد و به مدارج بالایی رسید. هجری چندی نیز به تعلیم و تربیت رضاقلی میرزا، فرزند نادرشاه پرداخت که به دلایلی از دربار به خراسان رفت و پس از مدتی بازگشت و تا پایان عمر در حوالی تفرش عزلت گزید. مؤلف «نگارستان دارا» آورده که وی در مشهد درگذشت. هجری در سرودن ماده تاریخ، غزل، رباعی و بخصوص مثنوی مهارت داشت. از آثارش می‌توان به دو مثنوی اشاره کرد که در اولی تعبیراتی از اکثر علوم همچنین: صرف، نحو، منطق و تصوف به کار برده شده است و مثنوی دیگر او مشتمل بر صد و نود و یک بیت، در ذکر داستان شکار مأمون و امام جواد (ع) و غیره است.[1]
میرزا ابوالقاسم پسر میرزا صادق تفرشی (ف. 1180 ه.ق) از رجال ادب است و اشعاری نیکو سروده است. آنچه مسلم است او در اواخر دولت صفوی تا زمان کریم‌خان زند می‌زیست. در علوم معقول و منقول و عرفان به مدارج عالی رسید و چند سالی در قم و اصفهان بسر برد و مدتی معلم رضاقلی میرزا فرزند نادر بود.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] سفینةالمحمود (443 -441/ 2)، فرهنگ سخنوران (997)، لغت‌نامه (ذیل/ صادق)، نگارستان دارا (220 -219)، یادگار (س 5، ش 6 و 7، ص 100 -92).

هرندی، ابو تراب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از سلسله نحوی‌های هرند، ساکن اصفهان است که عموماً به فضل و دانش مشهورند. در شعبان سال 1321 وفات یافته، در صحن سرقبر آقا (مقبره امام جمعه) مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی، رکن‌الدین مسعود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(مقتول 671 ق)، حکیم و شاعر. از بزرگان فضل و حکمت در عصر خود و از مشاهیر علما ماوراءالنهر بود. چنان چه در تعلیقات «لباب الالباب» آمده، عوفی در « جوامع الحکایات» او را از مشایخ خود شمرده است. سرانجام در واقعه‌ی حمله‌ی مغول به خراسان و ماوراءالنهر، وی با دیدن مظالم و مفاسد آنان، همراه با پسرش به جنگ با مغولان می‌پردازد و در نهایت هر دو به شهادت می‌رسند. ظاهرا او داستان حضرت یوسف را می‌نوشته ولی فرصت نکرده است که آن را به پایان برساند. رکن‌الدین شعر نیز می‌سروده و اشعاری از وی نقل شده است که بیشتر رباعی می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ مغول (29)، تذکره‌ی روز روشن (311)، صبح گلشن (406)، فرهنگ سخنوران (840)، لباب الالباب (339 ،182 -181/ 1).

همایی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، شاعر.
تولد: 13 دی 1278(1 رمضان 1317 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 28 تیر 1359، تهران.
جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.
سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.
وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال 1302 به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال 1345 بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره

به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.
استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (1313)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر 1325)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت 1333)؛ سفر به بیروت (1334)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (12 آبان 1334)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان 1336)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن 1338)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (29 اردیبهشت 1349)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (13 تیر 1350)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (1352).
استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.
علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، 1346)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، 1309 -1308، در سال 1308، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، 1317)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، 1357)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (1354)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضة الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول 1354، جلد دوم 1355)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (1342)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه 1 الی صفحه 90)؛

صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، 1329 -1328)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، 1348)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، 1362)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد 1364). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (1. دیوان غبار. 2. غزلیات سنا، 3. دیوان زرگر اصفهانی، 4. غزلیات دیوانه‌ی قمثه، 5. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، 1342، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، 1316)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، 1316)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، 1325)؛ دیوان طرب (1342)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، 1361)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، 1316)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، 1320)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (1335)؛ نصیحةالملوک (امام محمد غرالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (1331)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (1343)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (1373).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان 1400، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر 1359 درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح 1358 -1278 ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید

و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود 1300 ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود 1307 ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایة» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 7 و 8، ص 624 -616)، از نیما تا روزگار ما (166 -160)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (250 -247)، چهره‌های آشنا (667 -665)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (208 -195/ 3)، الذریعه (51/ 16 ،472/ 9 ،230/ 3)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (1812 -1807/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3375، 3280، 3250، 3139، 3093، 3084، 3059، 3027، 2691، 2385- 2384، 2369، 2368، 2367، 2366، 2256/ 2، 1593، 1555، 1553، 1549، 1496، 1423، 1422، 1350،

936، ،662 ،489 ،240 ،140/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 4، ص 39 -38)، مؤلفین کتب چاپی (372 -370/ 2)، همایی‌نامه.

همتی، همایون

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
همایون همتی یکی از فرهیختگان و دانشمندان معاصرایران است . او استاد دردانشگاه می باشد . ازوی آثار متعددی به چاپ رسیده است که هر کدام به نوبه خود ارزش گران سنگی دارد . همتی درمورد مسائلی همچون دین و آزادی صاحب نظر می باشد .
گروه : علوم انسانی
رشته : فلسفه
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : همایون همتی استاد دانشگاه است .
فعالیتهای آموزشی : دین پژوهی مهمترین فعالیت همایون همتی است . او این امر را دررا بطه با انسان پی می گیرد . وی بر این نظر است که مساله انسان به این شکلی که الان درروزگار ما مطرح است هم جنبه انتولوژیک یا هستی شناسی دارد و هم جنبه اپیستولوژیک یا معرفت شناسی ، از طرف دیگر نیز به لحاظی از نظر دین شناسی و جامعه شناسی و روان شناسی مورد بحث است که خود انسان اساسا موجودی است دارای ساحت های مختلف ویک موجود تک بعدی نیست .
آرا و گرایشهای خاص : همایون همتی در مورد دین معتقد است که دین منادی و موید آزادی است . زیرا ادیان فرهنگی برای رشد و تعالی بشر آمده اند و تعالی و کمال بشر جز با آزادی میسر نیست و بین این دو نه تنها تضاد و تعارضی نیست بلکه هم پیوندی و تلازم وجود دارد ،منتها باید تلقی روشنی از دین و مقوله آزادی داشته باشیم و با تصوری واضح ازاین مفاهیم به بحث بپردازیم . منابع زندگینامه :
1دین و آزادی /گفت و گو با دکتر همایون همتی ،کیهان فرهنگی ،سال هیجدهم ،شهریور ماه 1380 ، پیاپی 179 ،ص4

همدانی، حسینقلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1311 -1239 ق)، عارف، حکیم و فقیه. ملا حسینقلی در شوند درگزین از روستاهای همدان متولد شد. کودکی را به شبانی گذاراند، و سپس در تهران در حوزه شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) در رشته معقول درس خواند. چندی بعد عازم سبزوار شد و نزد حاج ملا هادی سبزواری حکمت و فلسفه خواند. پس از مدتی در محضر درس شیخ مرتضی انصاری در نجف حاضر گشت و بسیاری از تقریرات او را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. اخلاق و عرفان را از محضر آقا سید علی شوشتری فراگرفت. از جمله شاگردان و اصحاب وی: شیخ محمد بهاری، سید احمد تهرانی، میرزا جواد ملکی تبریزی، سید حسن صدر و سید جمال‌الدین اسدآبادی است. وی در کربلا مدفون است. آثار او عبارت‌اند از: «نامه‌ها و منشآت»، در آداب سلوک که پاره‌ای از نامه‌های او در مجموعه «تذکرة المتقین» در 1329 ق به چاپ رسیده؛ «مناجاتها»؛ «تقریرات در اخلاق»؛ «کتاب الرهن»؛ «تقریرات شیخ انصاری»، در فقه و اصول.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (4/ 46)، ریحانه (6/ 376)، فوائد الرضویه (148)، گنجینه‌ی دانشمندان (7/ 372).

هومن، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس.
تولد: 1287، تهران.
درگذشت: مهر 1359.
محمود هومن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تهران انجام داد. تحصیلات عالیه و مهندسی را نیز در دانشکده‌ی صنعتی ایران و آلمان به پایان رسانید. در سال 1312 تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه‌ی مهندسی شیمی دانشکده‌ی صنعتی دانشگاه تهران را عهده‌دار گردید. از سال 1315 تا 1322 مدیریت شعبه‌ی مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی معدنی به عهده وی واگذار شد. در سال 1327 برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه اسلامی به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز انتقال یافت. بعدها در دانشگاه تربیت مدرس نیز به تدریس فلسفه پرداخت.
از آثار اوست: از زندگانی چه می‌دانیم؛ تاریخ فلسفه (1337)؛ حافظ چه می‌گوید (1317)؛ زیست یا زندگی (درباره فلسفه، 1324).
(1359 -1287 ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، تحصیلات عالیه خود را در دانشکده‌ی صنعتی ایران و آلمان ادامه داد. در 1312 ش به تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه‌ی مهندسی شیمی دانشکده‌ی صنعتی تهران پرداخت. او همچنین مدتی مدیریت شعبه‌ی مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی عدنی را به عهده داشت. در 1327 ش برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه‌ی اسلامی به دانشکده‌ی ادبیات تبریز رفت و مدتی نیز در دانشگاه تربیت معلم به تدریس فلسفه پرداخت. از آثار وی: «از زندگانی چه می‌دانیم»؛ «تاریخ فلسفه»؛ «حافظ چه می‌گوید»؛ «زیست یا زندگی».[1]
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 12 -9، ص 933)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1879/ 2 ،1145/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (110 -109/ 6).

یارشاطر، احسان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احسان یارشاطر در فروردین ماه 1299 خورشیدی در همدان متولد شد. پدرش هاشم یارشاطر نیز اهل علم و دانش بود. زبان عربی و اسپرانتو را فرا گرفت و به تدریس آن پرداخت. احسان یارشاطر تحصیلات ابتدائی را در دبستان های همدان و کرمانشاه و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان های شرف و تربیت و دانشسرای مقدماتی به پایان رسانید، و به تحصیل در دانشکده ادبیات در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخت و پس از دریافت لیسانس به شغل دبیری اشتغال ورزید و به تحصیل در رشته دکترای ادبیات ادامه داد و رساله دکترای خود را با عنوان (شعر فارسی در نیمه قرن نهم) تهیه کرد. با دریافت بورس تحصیلی به انگلستان رفت و درجه دکترا نیز از دانشگاه های انگلستان دریافت داشت. دکتر احسان یارشاطر پس از مراجعت به ایران به تدریس در دانشگاه پرداخت، با مجله سخن همکاری کرد، به کارهای تحقیقی و فرهنگی بیشماری پرداخت که از جمله (دانشنامه ایران و اسلام) بود. با تأسیس (انجمن کتاب) به دبیری انجمن فلسفه و علوم انسانی وابسته به یونسکو برگزیده شد. از سال 1337 برای تدریس در دانشگاه کلمبیا دعوت شد و در آنجا به تأسیس کرسی مستقل ایران شناسی پرداخت. کار بسیار مهم دکتر احسان یارشاطر تهیه و تنظیم (ایرانیکا) در خارج از کشور می باشد که با همکاری دانشگاه کلمبیا و کمک ایرانیان تا کنون چند جلد کتاب آن منتشر شده است. دکتر یارشاطر در سال 1340 با لطیفه الویه ازدواج کرد که صاحب فرزندی نیست ولی آنقدر کتاب و مجله و نشریه و مقاله تهیه و تنظیم کرده که همه اینها فرزندان او هستند. اکنون در آمریکا اقامت دارد و برای جلب کمک ایرانیان به نشریه (ایرانیکا) به نقاط مختلف دنیا سفر می کند. مجله گردون می نویسد : سرانجام همت انسانی فرهنگدوست از نقطه ای که در ذهنش پدید آمده بود به مثابه هسته ای در دل خاک، درختی تناور و پربرگ، بال گسترد و دانشنامه ایران شکل گرفت تا فرهنگ ما را برای جهانیان تعریف کند.

یثربی، یحیی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای سید یحیی یثربی در سال 1321 در روستای «چراغ تپه سفلی» از توابع شهرستان تکاب دیده به جهان گشود. در سال 1326 وارد مکتب خانه روستا گردید و با آموختن قرآن و سپس خواندن و نوشتن ادبیات فارسی آشنا گردید. سال 1335 وارد حوزه علمیه زنجان گردید و علوم مقدماتی را در آنجا فرا گرفت. در سال 1337 جهت ادامه تحصیل در علوم حوزوی، وارد حوزه علمیه قم و حریم عش آل محمد گردید. اساتید ایشان در شهر مقدس قم بزرگانی چون: «آیت الله مرحوم ستوده»، «دوزدوزانی»، «علامه طباطبائی»، «مفتح سلطانی»، «منتظری»، «مکارم» و .... بودند. در کنار دروس حوزوی در مقطع دکترا در رشته (فلسفه و حکمت اسلامی) از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.
تحصیلات:
ابتدایی: در مکتب خانه روستای (چراغ تپه)، در شمال «تکاب آذربایجان غربی» ابتدا قرآن آموخته، سپس با خواندن و نوشتن و ادبیات زبان فارسی آشنا شدم. از سال 1326 شمسی تا 1334.
حوزه ای: از سال 1335 در حوزه علمیه زنجان به تحصیل علوم مقدماتی (صرف، نحو و منطق) پرداخته، سپس در سال 1337 وارد حوزه علمیه قم شدم.
از آن تاریخ تا سال 1344 در دو زمینه به تحصیل مشغول شدم:
* در اصول فقه و فقه که سطح را تمام کرده، و مدتی هم (اگر چه در مقیاس حوزه بسیار کم) از درس خارج مراجع تقلید بهره بردم.
* در علوم عقلی، که شرح منظومه ، شرح اشارات و قسمتی از اسفار اربعه را خواندم.
دانشگاهی: دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، از سال 1346 تا 1358 با امتیاز گذراندم.
استادان:
حوزه: حضرات آیات : دوزدوزانی، ستوده، سبحانی، مکارم، مفتح، منتظری، سلطانی و در اواخر مرحوم علامه طباطبایی.
دانشگاه: استادان بزرگوار: شهابی، زرین کوب، ملک شاهی، مطهری،

جلیلی، صاحب الزمانی، آریان پور، یزدگردی، فلاطوری، حائری، تفضلی، الهی قمشه ای و ...

یزدی مطلق، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1312، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
تحصیلات قدیمه مانند: صرف و نحو، معانی و بیان و بدیع، منطق، فسفه، فقه و اصول فقه تا سطح خارج، کارشناسی فلسفه از دانشگاه مشهد، دکترای فلسفه از دانشگاه تهران.
مرتبه علمی:
مربی آموزشی دانشکده الهیات مشهد، استادیار دانشگاه مشهد، دانشیار و استاد دانشکده الهیات دانشگاه مشهد.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
بررسی و مطالعه وقفنامه‌های موجود در اداره اوقاف خراسان، بررسی نقش وقف در آموزش و پرورش، تحقیق در پژوهش در خصوص علم کلام بویژه اشاعره و معتزله به مدت 30 سال، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 4 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 14
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
علم کلام، فلسفه، معرفی نسخه‌های خطی، عرفان، روش تحقیق نسخه‌های خطی، زندگانی معصومین (ع)، علوم قرآنی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 72، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
کلام، تفسیر، شرح حال معصومین (ع)، بررسی نسخه‌های خطی موجود در ایران، پاکستان و ترکمنستان.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یزدی، عبداللَّه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملا عبداللَّه یزدی از بزرگان و مشاهیر علماست و (استاد شیخ بهائی) صاحب تألیفاتی از جمله حاشیه ملا عبداللَّه در منطق است که نسخه‌ای از آن به خط خودش مورخ 962 به شماره 662 در کتابخانه ملک موجود است.
ملاعبداللَّه بر حسب نوشته منتظم ناصری سال 988 وفات نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، نجم‌الدین عبداللّه

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 981 ق)، عالم دینی، فقیه و منطقی. جامع معقول و منقول بود. وی همدرس ملا احمد مقدس اردبیلی و ملا میرزا جان باغنوی شیرازی بود و در فراگیری علوم عقلی نزد ملا جمال‌الدین محمود، شاگرد علامه دوانی، تلمذ نمود. شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن ابوالحسن عاملی، صاحب «مدارک»، بر او قرائت کرده‌اند. او نیز به نوبه‌ی خود نزد ایشان علوم شرعیه را فراگرفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است اگر برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی بیاورم علم فقه را چنان مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند. وی صاحب حاشیه‌ی معروف بر «تهذیب المنطق» تفتازانی مشهور به «حاشیه ملا عبداللّه» و از اساتید شیخ‌بهائی می‌باشد. اصحاب تراجم مراتب علم، تقوی، زهد و ورع او را ستوده‌اند. در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی در عراق عرب درگذشت. در «الاعلام» و «معجم‌المؤلفین» وفات وی 1015 ق در اصفهان ذکر شده است. از دیگر آثار او: «التجارة الرابحة فی تفسیر السورة والفاتحة»؛ «الدرة السنیة فی شرح الرسالة الالفیة» که شرح «الفیه» شهید اول است؛ حاشیه بر «حاشیه خطائی»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه» قطبی؛ حاشیه بر «استبصار»؛ شرح «القواعد» در فقه؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «العجالة» محقق دوانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (209/ 4)، الذریعه (368 -367/ 13 ،203 ،73 -72 ،71 ،60/ 6 ،348/ 3)، روضات‌الجنات (224 -222/ 4)، ریحانه (391 -390/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 135/ 10)، فوائد الرضویه (249)، کشف‌الظنون (476)، معجم‌المؤلفین (49/ 6)، هدیةالعارفین (474 -473/ 1)، هفت اقلیم (155/ 1).

یوسف زاده، حسینعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسینعلی یوسف زاده
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/5/8
زندگینامه علمی
بنده در یک خانواده متوسط روستائی در 8/5/1349 چشم به جهان گشودم. تا یازده سالگی در کنار خانواده و تا کلاس چهارم ابتدائی را گذراندم. پس از آن و بعد از اتمام پایه چهارم به خواسته پدرم و تمایل خودم برای ادامه تحصیل در حوزه علمیه «تربت حیدریه» وارد شدم. در سال 1362 در همان ابتداء به این نتیجه رسیدم که گذراندن دروس جدید و خواندن آن همراه با دروس حوزوی خالی از فایده نیست لذا علی رغم ممانعت ریاست محترم وقت حوزه به صورت متفرقه سعی کردم به آن نیز بپردازم.
ذکر این خاطره همیشه برایم شیرین بوده است که «ما دو نفر بودیم و امتحان کلاس پنجم که باید به صورت متفرقه امتحان می دادیم در ماه رمضان بود و یک دوره کتاب پنجم بیش نداشتیم. با دوستم قرار گذاشتیم کتابی که باید فردای آن روز امتحان می دادیم روز تا شب در دست ایشان باشد و مطالعه کند و شب تا سحر من آن را مطالعه می کردم در حالی که برای مطالعه هر یک از کتاب ها چند ساعتی بیش وقت نداشتم. به حول و قوه الهی بدون هیچ مشکلی نمره خوبی را گرفتم».
در همان ابتداء سئوالاتی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود از جمله اینکه: (شنیده بودم کسی وارد حوزه می شود درس او پایانی ندارد و یا لااقل 30 سال باید بخواند. با خودم می گفتم من سی سال درس بخوانم که تنها قادر باشم بروم روی منبر و یک منبر و یک روضه برای مردم بخوانم و تمام؟).
لذا دلسرد شده بودم تا اینکه یک روز در حال رفتن به مسجد برای نماز، این نکته به ذهنم رسید که امام خمینی نیز از همین رشته رفته اند جلو و درس حوزوی ایشان را قادر ساخته تا بتوانند ایران و به تبع آن جهان را متحول سازند. این نکته نقطه امیدی شد برای دلگرمی بیشتر، به همین جهت سعی کردم این افکار را دور ریخته و مشغول تحصیل جدی شدم. در

این بین گرچه وسوسه های برخی از دوستان و اظهار دلسردی آنان زیاد بود اما بنده تسلیم نشدم و سعی کردم به کار خودم ادامه دهم به همین جهت در سن 14 سالگی به تنهائی به مشهد مقدس سفر کردم و به دنبال پذیرش به یکی از مدارس علمیه مشهد وارد شدم اما توفیقی حاصل نشد. از طرفی حوزه «تربت» برای مدتی با مشکلاتی مواجه بود که برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدم.
در یکی از سفرهای سیاحتی و زیارتی به همراه دوستان به کاشمر رفتم و به مدرسهٔ علمیه، سری زدیم. از حوزه آنجا خوشم آمد. در همان سفر درخواست پذیرش به مدیر مدرسه دادیم و پذیرفته شدیم. به همراه عده ای از دوستان رفتیم و به عنوان طلبه حوزه علمیه کاشمر در مدرسه «دانش» مستقر شدیم. پس از یکسال و اندی با توجه به اینکه دروس آنجا کافی نبود و هر چه درخواست می کردیم لااقل دو یا سه درس برای ما در روز گذاشته شود مسئول مدرسه که وقت نداشت موافقت نمی فرمود؛ تصمیم به هجرت گرفتیم. با مشورت یکی از دوستان مقصد را «قم» انتخاب کردیم. در سال 1365 به قم جهت تشکیل پرونده رفتیم و در آنجا با مشکلات عدیده مواجه شدیم. خدمت حضرت آیة الله فاضل لنکرانی (دام عزه) رفتیم و ایشان با درخواست از یکی از آقایان، به صورت موقت در خوابگاهی در آذر مستقر شدیم. پس از یک سال به دلیل نداشتن پرونده (لمعه امتحان باید می دادیم) عذر ما را خواستند و به مشهد رفتیم. در سال 1366 در حوزه مشهد پذیرفته شدیم در آنجا ضمن خواندن درس های معمولی حوزه، سعی کردیم از محضر استاد «حجت هاشمی» استفاده بیشتر ببریم و لذا (ادبیات) را بعضاً تکرار و (مطول) را نیز خواندم.
درسال 1372 وارد دانشگاه رضوی و سال 1377 فارق التحصیل در دوره کارشناسی و در همان سال، همزمان برای کارشناسی ارشد (فلسفه و کلام) در دانشگاه رضوی و دانشگاه قم پذیرفته شدم که قم را اختیار نمودم. در سال 1380 از پایان نامه ام دفاع کردم. همزمان دروس حوزه را ادامه دادم. از سال 1376 تا کنون در دروس اساتید بزرگوار (فقه و اصول) شرکت می کنیم. از اساتیدی چون: آیة الله «رضازاده»، «فلسفی»، «مرتضوی در مشهد»، «وحید» و «فاضل لنکرانی» در قم بهره برده ام.

یوسفی راد، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی یوسفی راد
محل تولد : ورامین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 63 - 64 به حوزه علمیه قم آمده و دروس حوزوی را از ابتدای مقدمات شروع نموده و تا کنون، سطوح مختلف آن را طی کرده و اکنون 8 سال است که درس خارج را از اساتیدی همچون: «آیت الله وحید خراسانی»، «حاج شیخ جواد تبریزی» و «آیت الله بهجت» فرا گرفته ام.
در کنار دروس حوزوی به جهت ضرورت فراگیری دروس دانشگاهی و ارتباط با دانشگاه و اساتید آن، از سال 67 - 68 به تحصیل دروس علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم در مقطع کارشناسی بر آمدم و در سال 1373 فارغ التحصیل شدم و در ادامه در همان موسسه در مقطع کارشناسی ارشد وارد شدم و در سال 1379 فارغ التحصیل این رشته در این مقطع شدم.
در طی دوران آموزش و تحصیل خود، از سال 1374 وارد حوزه تحقیقات در علوم اسلامی در زمینه بررسی نظریات، آراء و اندیشه های سیاسی فیلسوفان مسلمان و موضوعات سیاسی شدم. در کنار تحصیل علوم حوزوی، دانشگاهی و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی، حدود پنج سال نیز در فاصله سالهای 77 تا 81 به تدریس در دانشگاههای «آزاد اسلامی اراک»، «شهید چمران اهواز» و «علوم پزشکی اهواز» در درس (ریشه های انقلاب اسلامی) مشغول بودم.
در حال حاضر در زمینه تحقیق و پژوهش در پژوهشکده (علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و زیر نظر آموزش عالی متمرکز هستم و مدت سه سال است که مدیر گروه فلسفه سیاسی و هیئت علمی این پژوهشگاه می باشم.

یوسفی، سجاد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سجاد یوسفی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
در سال 1376 وارد حوزه علمیه شدم. در سال 1381 سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شبیری» و «سبحانی» استفاده نموده ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته ام قلم فرسایی کنم و در سنگر های مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح 3 حوزه می باشم.

یوسفیان، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن یوسفیان
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسن یوسفیان در سال 1361 شمسی در مهدی شهر (سمنان) تحصیل علوم دینی را آغاز کردم و پس از دو سال به قم آمدم. در دوران جنگ تحمیلی، چند سالی تقریبا ترک تحصیل کرده بودم، امّا پس از پایان یافتن جنگ، پیشرفت تحصیلی رضایت بخشی داشتم و در امتحانات سراسری حوزه در سال 1375 شمسی در «پایه دهم» نفر اول شدم.
در سال 1373 شمسی در «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» پذیرفته شدم و دوره کارشناسی را در سال 1376 و دوره کارشناسی ارشد دین شناسی (کلام) را در سال 1381 به پایان رساندم.
کار تألیف و پژوهش را در سال 1375 با نگارش کتاب «پژوهشی در عصمت معصومان» آغاز کردم. و این اثر اول، پس از چاپ در سال 1378 به عنوان کتاب سال حوزه و نیز کتاب سال دانشجویی کشور برگزیده شد.
تألیفات دیگر حقیر نیز به لطف خداوند با توفیقاتی همراه بوده؛ چنان که کتاب «عقل و وحی» به عنوان پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان کشور در سال 81 و نیز کتاب سال حوزه در سال 84 انتخاب شده است. پژوهش «باورهای دینی و چالش‌های نو» نیز در سال 83، اثر برگزیدهٔ کنگرهٔ دین پژوهان شده است.
هم اکنون این جانب علاوه بر تحصیل در مقطع دکتری در رشته کلام (دانشکده تربیت مدرس دانشگاه قم)، به کار تألیف و تدریس در مؤسسه امام خمینی اشتغال دارم.

یوسفیان، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی یوسفیان
محل تولد : ----
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد

زندگینامه علمی
این حقیر در سال 1363 وارد حوزه علمیّه قم شدم و دوران تحصیلی ادبیّات عرب را که سه سال به طول انجامید؛ در مدرسه علمیّه «ابوالصدق» و سپس «رضویه» گذراندم. از اساتید قابل ذکر در این دوره می توانم به استاد مرحوم «مهدی زاده»، استاد «طالقانی» و «عرفان» اشاره کنم. سپس برای ادامه تحصیل که به دوره سطح معروف است از محیط مدرسه خارج شدم. این دوره که از (شرح لمعه و اصول فقه) شروع می شود و پس از «رسائل و مکاسب» به «کفایه» تمام می شود از اساتیدی که می توان نام برد: آیت الله (استادی، عراقچی، پایانی) و حجج اسلام (سعیدی، محمودی و بیگدلی) بودند. در همین اوان مشغول به تحصیل در دوره سطح، تبلیغ و تبیین معارف را شروع کردم. محدوده تبلیغ گسترده بود یعنی هم در روستا، هم در شهر، هم در محیط های علمی و هم نظامی، فعالیت تبلیغی را ادامه می دادم.
تقریبا سال 1370 بود که وارد مؤسسه (در راه حق) شدم و در کنار درس فقه و اصول، تحصیل در فلسفه و معارف قرآن را شروع کردم. این دوره حدودا پنج سال به طول انجامید و موفّق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پایان نامه ای که نوشتم در رابطه با (مناظرات کلامی انبیای اولوالعزم در قرآن) بود که در نوع خود بحث تازه ای بود و در رابطه با آن، کار خاصی صورت نگرفته بود. البته در کنار تحصیل و تحقیق در این مؤسسه، که به (مرکز آموزشی پژوهشی امام خمینی) تحت سرپرستی استاد بزرگوار آیت الله (مصباح) تغییر نام داد، بحث فقه و اصول را نیز ادامه می دادم و در دروس آیات عظام: (وحید خراسانی، تبریزی، زنجانی و محقق) شرکت می کردم که تا کنون ادامه دارد.
در کنار تحصیل به تدریس پرداختم. یک ترم در دانشگاه آزاد به تدریس

«اخلاق» اقدام کردم ولی به علّت مشکلاتی آن را رها کردم و به همان یک ترم بسنده نمودم. نزدیک 9 سال است که در (مرکز جهانی علوم اسلامی) که مربوط به طلاب و دانش پژوهان خارجی است؛ مشغول تدریس (فقه، عقاید و فلسفه) هستم و سه سال به عنوان استاد نمونه برگزیده شدم. نزدیک سه سال در مدرسه علمیّه (امام جواد علیه السلام) که مخصوص حافظین قرآن است به تدریس (عقاید و منطق) پرداختم. نزدیک دو سال است که در «مرکز مهدویت قم و اصفهان» به تدریس مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اشتغال دارم. البته این غیر از تدریس های متفرقه است که در طول این سال ها داشته و دارم. مثل: تدریس (ادبیات و اخلاق) در حوزه علمیّه خواهران یا تدریس (عقاید در جهاد قم و...).

در کنار تحصیل و تدریس به تحقیق و تالیف نیز روی آوردم و اوّلین اثر مکتوب و قابل عرضه را در مرکز جهانی علوم اسلامی نوشتم. علت تالیف آن نیز نیازی بود که طلاب تازه وارد به مرکز نسبت به کلیاتی از عقاید داشتند. این اثر که الهام گرفته از عقاید آیت الله مکارم بود در میان طلبه ها مورد استقبال واقع شد و تعداد زیادی از آنان درخواست اجازه ترجمه آن را به زبان خود خواستند. در ادامه این اثر، پنج جزوه دیگر نوشتم در رابطه با (خدا شناسی، اندیشه اسلامی)، (نبوت 2)، (امامت 3)، (معاد 4) و (فلسفه مقدّماتی یا آشنایی با فلسفه).

از سال 1380 نیز وارد مرکز تخصصی (مهدویت) شدم و پس از طی مراحل تحصیلی و آشنایی با مباحث مربوط به امام زمان علیه السلام و تحقیق در این زمینه، چند مقاله نوشتم که در مرکز اصفهان، ارتش و قم مورد استفاده قرار می گیرد. جزوهایی که عرضه کردم از این قرارند: «امام مهدی علیه السلام در قرآن»، «طلوع خورشید»: (دوران کودکی حضرت)، «فواید امام غایب»، «امکان دیدار حضرت در زمان غیبت»، «شرایط و علایم ظهور»، «مسیر حرکت و قیام حضرت». اکنون نیز در این مرکز در قسمت (پرسش و پاسخ) مشغول هستم.

در کنار این جزوات، که به صورت فردی نگاشته شده است، کتابی پیرامون حضرت به همراه برادران بزرگوار حجت الاسلام (مهدی حامدی پور و محمد امین بالادستیان) عرضه کردیم به نام «نگین آفرینش» که کلیاتی از زندگی حضرت را از ولادت تا رحلت در بر می گیرد و در نوع خود، دارای مطالب جدیدی می باشد. همراه با این فعّالیّتها، در صدا و سیمای مراکز مختلف مانند: (آبادان، اراک، قم و جام جم) مباحثی پیرامون حضرت عرضه کرده ام. حدود دو سالی نیز به فراگیری زبان خارجی «انگلیسی» پرداختم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹